ریاست جمهوری
سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
مرکز آمار ایران

سیستم حساب های ملی

۲۰۰۸

European Commission

International Monetary Fund

Organisation for Economic Co-operation and Development

United Nations

World Bank

ریاست جمهوری
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
مرکز آمار ایران

سیستم حساب‌های ملی

۲۰۰۸

عنوان و نام پدیدآور : سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸/[ترجمه] مرکز آمار ایران.
مشخصات نشر : تهران: مرکز آمار ایران، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۲ جلد.: جدول؛ ۲۲×۲۹ س‌م.
فروست : نشریات مرکز آمار ایران؛ ۴۷۷۴.
شابک : ۴۰۰۰۰۰ ریال: 978-600-409-037-7 : دوره؛ 978-600-409-038-4 : ج ۱؛
978-600-409-039-1 : ج ۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.
یادداشت : عنوان اصلی:System of national accounts 2008
یادداشت : واژه‌نامه
موضوع : درامد ملی ـ ـ حسابداری
شناسه افزوده : مرکز آمار ایران. دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل
رده‌بندی کنگره : HC ۷۹/د۲س۹ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیویی : ۳۳۹/۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۷۳۴۵۸

❑ ***مرکز آمار ایران***
❑ سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸ (دو جلدی)
❑ تاریخ انتشار: چاپ اول، آذر ۱۳۹۴
❑ شمار: ۲۰۰ نسخه
❑ شماره مسلسل نشریات مرکز آمار ایران: ۴۷۷۴
❑ ناشر: دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل
❑ قیمت دوره: ۴۰۰۰۰۰ ریال
❑ چاپ در چاپخانه مرکز آمار ایران

❑ نقل قول از مطالب این کتاب با ذکر منبع بلامانع است.

❑ تهران،کدپستی ۱۴۱۴۶۶۳۱۱۱، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی‌معیری، تلفن ۸۸۹۶۴۴۷۲
❑ دورنگار: ۸۸۹۶۴۴۷۲

❑ URL: http://www.amar.org.ir
❑ E-mail: sci@sci.org.ir

شابک دوره شابک ۷- ۰۳۷- ۴۰۹- ۶۰۰- ۹۷۸
ISBN 978-600-409-037-7
شابک جلد اول شابک ۴- ۰۳۸- ۴۰۹- ۶۰۰- ۹۷۸
ISBN 978-600-409-038-4

عنوان و نام پدیدآور : سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸/[ترجمه] مرکز آمار ایران.
مشخصات نشر : تهران: مرکز آمار ایران، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۲ جلد.: جدول؛ ۲۲×۲۹ س‌م.
فروست : نشریات مرکز آمار ایران؛ ۴۷۷۴.
شابک : ۴۰۰۰۰۰ ریال: 978-600-409-037-7 : دوره؛ 978-600-409-038-4 : ج ۱؛
978-600-409-039-1 : ج ۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.
یادداشت : عنوان اصلی:System of national accounts 2008
یادداشت : واژه‌نامه
موضوع : درامد ملی ـ ـ حسابداری
شناسه افزوده : مرکز آمار ایران. دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۹س۲د/HC ۷۹
رده‌بندی دیویی : ۳۳۹/۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۷۳۴۵۸

مرکز آمار ایران

- سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸ (دو جلدی)
- تاریخ انتشار: چاپ اول، آذر ۱۳۹۴
- شمار: ۲۰۰ نسخه
- شماره مسلسل نشریات مرکز آمار ایران: ۴۷۷۵
- ناشر: دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل
- قیمت دوره: ۴۰۰۰۰۰ ریال
- چاپ در چاپخانه مرکز آمار ایران

- نقل قول از مطالب این کتاب با ذکر منبع بلامانع است.

- تهران،کدپستی ۱۴۱۴۶۶۳۱۱۱، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی‌معیری، تلفن ۸۸۹۶۴۴۷۲
- دورنگار: ۸۸۹۶۴۴۷۲

- URL: http://www.amar.org.ir
- E-mail: sci@sci.org.ir

شابک دوره شابک ۷- ۰۳۷- ۴۰۹- ۶۰۰- ۹۷۸
ISBN 978-600-409-037-7
شابک جلد دوم شابک ۱- ۰۳۹- ۴۰۹- ۶۰۰- ۹۷۸
ISBN 978-600-409-039-1

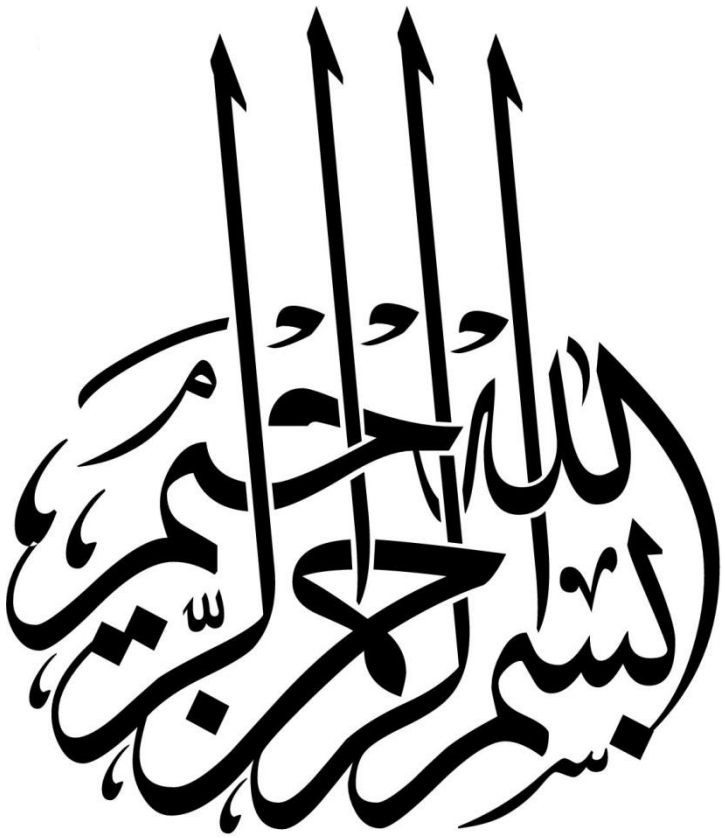
بسم الله الرحمن الرحيم

سرآغاز

سیستم حساب‌های ملی سال ۲۰۰۸ (SNA ۲۰۰۸)، یک چارچوب آماری است که مجموعه‌ی جامع، سازگار و انعطاف‌پذیرِ حساب‌های اقتصاد کلان را برای سیاست‌گذاری‌ها، تحلیل‌ها و مقاصد پژوهشی فراهم می‌کند. این سیستم تحت حمایت سازمان ملل، کمیسیون اروپا، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، صندوق بین‌المللی پول و گروه بانک جهانی تهیه شده است. این سیستم در پی مأموریت محول شده توسط کمیسیون آمار سازمان ملل در سال ۲۰۰۳، نسخه‌ی بهنگام شده‌ی *سیستم حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳* را که تحت مسؤلیت مشترک همان پنج سازمان تهیه شده بود ارائه می‌کند. SNA ۲۰۰۸ همانند ویرایش‌های پیشین، نیازهای تحول یافته‌ی کاربران، تحولات جدید در محیط اقتصادی و پیشرفت‌های ایجاد شده در روش‌های تحقیق را منعکس می‌سازد.

کارگروهی متشکل از نمایندگان هریک از سازمان‌های فوق مدیریت و هماهنگی این کار را به عهده داشتند. ادارات ملی آمار و بانک‌های مرکزی کشورها در سراسر جهان نیز به‌طور ارزشمندی در این کار مشارکت کردند. تحقیق و پژوهش درباره‌ی موضوعاتی که قرار بود بازنگری شوند به عهده‌ی گروه‌های کارشناسی گذاشته شد. و یک گروهِ کارشناسان مشاور تشکیل شد تا نظرات کارشناسی را از طیف گسترده‌ای از کشورها فراهم کند. در طول دوره‌ی کارِ بهنگام سازی، توصیه‌ها و متون تهیه شده برای اظهار نظرهای جهانی در وب سایت بخش آمار سازمان ملل قرار داده شد تا به این وسیله در فرآیندِ انجام کار شفاف سازی کامل صورت گیرد.

SNA ۲۰۰۸ برای استفاده‌ی همه‌ی کشورها در نظر گرفته شده است زیرا طوری طراحی شده است که با نیازهای کشورهای مختلف در هر مرحله از توسعه‌ی اقتصادی سازگاری دارد. این سیستم همچنین چارچوب جامعی را برای استانداردهای سایر حوزه‌های آمارهای اقتصادی فراهم می‌کند که یکپارچه سازی این سیستم‌های آماری را برای ایجاد سازگاری با حساب‌های ملی آسان می‌سازد.

کمیسون آمار در چهلمین نشست خود به اتفاق آرا SNA ۲۰۰۸ را به عنوان استاندارد بین‌المللی آمار برای حساب‌های ملی تصویب کرد. ما تمامی کشورها را تشویق می‌کنیم تا هرچه زودتر حساب‌های ملی خود را بر اساس SNA ۲۰۰۸ تهیه کنند و گزارش‌های خود را بر این اساس ارائه دهند.



BAN Ki-moon
دبیرکل سازمان ملل متحد



José Manuel Barroso
رئیس کمیسیون اروپا



Angel Gurria
دبیرکل سازمان همکاری اقتصادی و توسعه



Dominique Strauss-Kahn
رئیس صندوق بین‌المللی پول



Robert B. Zoellick
رئیس گرو ه بانک جهانی

پیشگفتار نسخه‌ی فارسی

مرکز آمار ایران خشنود است که نسخه‌ی فارسی سیستم حساب‌های ملی سال ۲۰۰۸ (SNA۲۰۰۸)، آخرین نسخه‌ی بهنگام شده‌ی SNA، را ارائه می‌دهد. این سیستم در چهلمین نشست کمیسیون آمار سازمان ملل متحد در فوریه‌ی سال ۲۰۰۹ با حضور رؤسای سازمان‌های آماری یا نمایندگان آن‌ها از صد و ده کشور عضو به تصویب نهائی رسید و به عنوان استاندارد جدید بین‌المللی برای تهیه‌ی آمارهای حساب‌های ملی پذیرفته شد.

SNA متشکل از استانداردهای توافق شده در سطح بین‌المللی است که به صورت مجموعه‌ای از تعاریف، مفاهیم، طبقه‌بندی‌ها و قواعد حسابداری، چارچوب آماری قوی و یکپارچه ای را برای تهیه‌ی مجموعه‌ی متوالی و بهم پیوسته‌ی حساب‌ها فراهم می‌کند. از تهیه‌ی این حساب‌ها، آمارهای اقتصادیِ استوار، هم سو با تحولات جهانی اقتصاد با مقایسه‌پذیری در سطح بین‌المللی حاصل می‌شود . آمارها و نماگرهای اقتصاد کلان که از اجرای سیستم حساب‌های ملی بدست می‌آید نظیر محصول ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، محصول ناخالص داخلی سرانه، درآمد ملی، درآمد ملی واقعی، درآمد قابل تصرف، مخارج مصرف نهائی دولت و خانوار، سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، واردات و صادرات کالاها و خدمات، مالیات‌ها، دارائی‌های مالی و بدهی‌ها، موجودی سرمایه، خالص وام‌دهی و وام‌گیری و گستره‌ی وسیعی از دیگر آمارهای اقتصادی در سطح کل اقتصاد یا در سطح بخش‌ها، می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تحلیل‌های اقتصادی باشد.

در گزارش ارائه شده توسط کمیسیون آمار سازمان ملل متحد در چهل و دومین اجلاس این کمیسیون در سال ۲۰۱۱، توصیه شد که برنامه‌ی مراحل پیاده سازی ۲۰۰۸ SNA توسط خودِ کشورها تنظیم شود اما، این انتظار وجود دارد که از سال ۲۰۱۴ به بعد، مبنای آمارهای حساب‌های ملی در اکثر کشورهای عضو به ۲۰۰۸ SNA تغییر یابد.

یکی از نخستین گام‌ها دراستراتژی پیاده سازی ۲۰۰۸ SNA در هر کشور، برگردان نسخه‌ی انگلیسی این سیستم به زبان رسمی آن کشور است. بخش آمار سازمان ملل متحد ترتیباتی اتخاذ کرده است تا با مشارکت سازمان‌های بین‌المللی و ملیِ کشورها، متن انگلیسی ۲۰۰۸ SNA به پنج زبان رسمی سازمان ملل شامل زبان‌های اسپانیائی، چینی، روسی، عربی و فرانسه ترجمه شود و توصیه شده است که کشورهای دیگر نیز آن را به زبان رسمی خود ترجمه کنند. در حال حاضر ترجمه این نشریه به زبان های فوق به پایان رسیده است و به صورت الکترونیکی در وبگاه بخش آمار سازمان ملل در دسترس کاربران قرار دارد. ۲۰۰۸ SNA به زبان‌های مقدونی و اندونزیائی نیز برگردانده شده است که نسخه الکترونیکی آن‌ها نیز در وبگاه مذکور در دسترس است.

مرکز آمار ایران آمار حساب‌های ملی شامل محصول ناخالص داخلی (GDP)، رشد اقتصادی سالانه و فصلی، ارزش‌افزوده‌ی صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)، مخارج مصرف نهائی دولت، خانوارها و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوارها برحسب طبقه‌بندی‌های کارکردی، سرمایه‌گذاری، واردات و صادرات را بر اساس ۱۹۹۳ SNA و نیز آمار حساب‌های منطقه‌ای را در سطح استان‌های کشور به طور مرتب محاسبه و منتشر می‌کند. این مرکز در صدد است ۲۰۰۸ SNA را نیز بتدریج اجرا نماید و برای این منظور و همسو با برنامه‌های ظرفیت سازی نیروی انسانی، اقداماتی نظیر برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه ۲۰۰۸ SNA با بهره‌گیری از اساتید و متخصصان سازمان‌های بین‌المللی و معرفی کارشناسان حساب‌های ملی برای شرکت در کارگاه‌های آموزشی ۲۰۰۸ SNA در سطح بین‌المللی را انجام داده است. در این راستا، مرکز آمار ایران ترجمه‌ی ۲۰۰۸ SNA به زبان فارسی را نیز در دستور کار خود قرار داد تا زیربنای استراتژی پیاده-سازی سیستم جدید را فراهم سازد. در ضمن براساس درخواست بخش آمار سازمان ملل متحد (UNSD) مقرر شده است که این ترجمه برای استفاده‌ی کشورهای فارسی زبان (ایران، افغانستان و تاجیکستان) بر روی وبگاه بخش آمار سازمان ملل نیز در دسترس کاربران قرار داده شود.

در فرآیند ترجمه‌ی حاضر، به دلیل پیچیدگی مفاهیم موجود در نشریه و به منظورارتقای کیفیت آن، مطالعات گسترده‌ای با بهره‌گیری از دستنامه‌ها، گزارش‌ها و مقالات علمی و تخصصی بین‌المللی در زمینه‌های مرتبط، صورت گرفته است. بیان این نکته نیز ضروری است که در ترجمه‌ی پیش رو علاوه بر واژه‌نامه‌ی

متن اصلی که به زبان فارسی برگردانده شده است، برای آگاهی کاربران از واژه‌های استفاده شده در متن فارسی، معادل فارسی واژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی بکار رفته در SNA ۲۰۰۸ نیز در انتهای نشریه آورده شده است. انتظار می‌رود این ترجمه در اشاعه دانش حساب‌های ملی بویژه برای نهادهای تهیه کننده‌ی آمار حساب‌های ملی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی، مؤسسات تحقیقات اقتصادی و سازمان‌های ذیربط و همچنین برای فراهم کنندگان داده‌های مورد نیازِ تهیه‌ی حساب‌های ملی و کاربران آمارهای اقتصاد کلان مفید واقع شود.

این ترجمه توسط سرکار خانم فریده دیبائی با سی سال تجربه در زمینه‌ی حساب‌های ملی و تهیه جداول داده – ستانده اقتصاد ایران در رده‌های مختلف کارشناسی، مدیریت و مشاور رئیس مرکز انجام شده است. ویرایش فنی متن فارسی را آقای دکتر فرشاد گلستان جوزانی برعهده داشته‌اند. مرکز آمار ایران بر خود واجب می‌داند که از تلاش‌های دو ساله‌ی سرکار خانم دیبائی که حساسیت ویژه‌ای را در گزینش معادل‌های فارسی و برگردان متن مبذول داشته‌اند، تقدیر و تشکر کند. مشورت‌های تخصصی و کنکاش فنی ایشان در ترجمه و دقت نظر آقای دکتر گلستان جوزانی در ویرایش متن قابل تحسین است. بدون تردید خلق چنین اثر ارزنده‌ای جز با لطف حق و همکاری این افراد امکان‌پذیر نبوده است. ضمناً صفحه آرائی و تنظیم نشریه نیز توسط آقای رضا ایل گشکی انجام شده است که از ایشان نیز سپاسگزاری می‌شود.

مرکز آمار ایران از دریافت نظرات اندیشمندان، اساتید، پژوهشگران، و تهیه کنندگان و کاربران آمارهای حساب‌های ملی برای بهبود کیفیت کارهای آینده استقبال می‌کند.

دکتر عادل آذر

رئیس مرکز آمار ایران

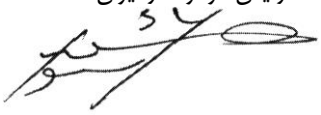

Preface to Persian version

Statistical Center of Iran (SCI) is pleased to release the Persian version of *the 2008 System of National Accounts* (SNA 2008) known as the last updated version of SNA. This system was approved and adopted as a new international standard for compiling national accounts in the 40th Session of the United Nations Statistical Commision, attended by 110 heads of national statistical offices of the UN member states.

SNA comprises internationally agreed standards including definitions, concepts, classifications and accounting rules that establishes an integrated and strong statistical frame for providing articulated series of accounts. Compilation of theses accounts will lead to production of reliable economic statistics which are in line with global changes in the economy with international comparability. Statistics and macro economic indicators, such as gross domestic product (GDP), economic growth, GDP per capita, national income, real national income, etc. which were derived from the implementation of system of national accounts, can pave the way for policy and decision makings, planning and economic analysis.

In the report published by the United Nations Statistical Commission in its 42nd Session, it was recommended that the program on the steps for the implementing 2008 SNA should be developed by the member states themselves, however, it is expected that the system of national sccounts in majority of the UN member sates be turned into the 2008 SNA.

Translating English version of 2008 SNA into official languages of UN member states is considered as one of the first steps in strategies for implementing the 2008 SNA in these countries. United Nations Statistics Division (UNSD) has made arrangenents in collaboration with the international and national organizations of the member states on translation of English version of the 2008 SNA into five official languages of the United Nations, i.e. Spanish, Cinese, Russian, Arabic and French. It is also recommended that other member states translate it into their own official languages.

The SCI requlary publishes the national accounts statistics, including: gross domestic product (GDP), annual and quarterly economic growth, value added of industries, final consumption expendirute of government, households and non-profit institutions serving households base on the functional classifications, capital formation, exports and imports based on the 1993 SNA and regional accounts statistics at provincial level. The SCI also intends to implement the 2008 SNA gradually. For this purpose and in line with the capacity building programs of its manpower, the SCI continuously has taken measures like holding training workshops on the 2008 SNA in collaboration with the experts and resource persons of the international and regional organizations. These measures aim at providing the experts of national accounts of the SCI with an opportunity of attending international 2008 SNA workshops. In this connection, the SCI has put the translation of the 2008 SNA into Persian in its work programe to build an infrastructure for the implementing of the new system. Upon the request of the united nation statistical division (UNSD), it was supposed that the Persian translation of the 2008 SNA be uploaded to its web site to be used by users in the Persian-speaking countries' (Islamic Republic of Iran, Afghanistan and Tajikestan).

Due to the complex concepts in this publication and in order to improve the qulity of translation, extensive studies have been conducted in different handbooks, reports, international scientific and professional papers published in the related fields. It is noteworthy that in doing this job, in addition to the translation of original glossary of the publication into Persian, the Persian equivalents of the English terms used in the 2008 SNA have been added to the publication as an appendix. It is expected that the translation could prove useful in promotion of national accounts knowledge, and especially for the institutions that are producing national accounts statistics, the universities, scientific and economic research centres, the respective organizations as well as the providers of the data needed for production of national accounts and the macro economic statistics users.

The translation of the 2008 SNA has been accomplished by Ms. Farideh Dibaei. She enjoys thirty years' experience in national accounts and input-output tables in different positions ranging from expert, managers to advisor to the Head of the SCI. the technical edition of the text has been fulfilled by Dr. Farshd Golestan Jozani. The Statistical Center of Iran avails itself of this opportunity to gratefully acknowledge Ms. Dibaei for her two-year endeavors and meticulous Persian equivalent selections in translation this text. Her professional advice and technical search in translation and the editing of the translation by Dr. Golestan are admiable. Undoubtedly, the creation of such an invaluable works could not be possible without the blessing of God Almighty and sincere collaboration of our mentioned colleagues. The page layout design was done by Mr. Reza Ilgashki that he would also be appreciated.

In order to improve the quality of future works in this field, the SCI welcomes all views and comments of scholars, professors and researchers as well as the producers and users of the national account statistics.

Dr. Adel Azar
Head, Statistical Centre of Iran

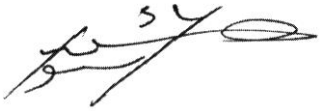

خلاصه فهرست مطالب

سرآغاز V

پیشگفتار نسخه فارسی VII

فهرست مطالب XIII

فهرست جدول‌ها LXV

فهرست شکل‌ها LXIX

پیشگفتار LXXI

حروف اختصاری LXXXIII

فصل ۱: مقدمه ۱

فصل ۲ : نگاه اجمالی ۲۱

فصل ۳ : موجودی‌ها، جریان‌ها و قواعد حسابداری ۵۷

فصل ۴ : واحدها و بخش‌های نهادی ۹۱

فصل ۵ : بنگاه‌ها، کارگاه ها وصنعت ها (رشته فعالیت ها) ۱۳۱

فصل ۶ : حساب تولید ۱۴۳

پیوست فصل ۶ : جدا سازی ستانده مربوط به انبارداری از منفعت و زیان ناشی از نگه داشتن ۱۹۵

فصل ۷ : حساب‌های توزیع درآمد ۲۰۱

فصل ۸ : حساب‌های بازتوزیع درآمد ۲۴۵

فصل ۹ : حساب های مصرف درآمد ۲۸۱

فصل ۱۰: حساب سرمایه ۳۰۵

فصل ۱۱: حساب مالی ۳۴۵

فصل ۱۲: حساب های سایر تغییرات در دارائی ها ۳۷۳

فصل ۱۳: ترازنامه ها ۴۰۵

فصل ۱۴: جدول‌های عرضه و مصرف و حساب کالاها و خدمات ۴۲۵

فصل ۱۵: سنجه های قیمت و حجم ۴۶۷

فصل ۱۶: خلاصه سازی و یکپارچه سازی حساب ها ۵۱۵

فصل ۱۷: موضوعات چند وجهی و خاص ۵۳۵

فصل ۱۸: تنظیم و ارائه حساب ها ۶۲۱

فصل ۱۹: جمعیت و نهاده های نیروی کار ۶۳۵

فصل ۲۰: خدمات سرمایه و حساب های ملی ۶۵۱

فصل ۲۱: اندازه گیری فعالیت شرکت‌ها ۶۶۹
فصل ۲۲: بخش دولت و بخش عمومی ۶۸۱
فصل ۲۳: نهادهای غیر انتفاعی ۷۱۳
فصل ۲۴: بخش خانوار ۷۲۳
فصل ۲۵: جنبه های غیررسمی اقتصاد ۷۳۷
فصل ۲۶: حساب های دنیای خارج و پیوند آن ها با تراز پرداخت ها ۷۵۷
فصل ۲۷: پیوند به آمارهای پولی و جریان وجوه ۷۸۳
فصل ۲۸: تحلیل‌های داده – ستانده و دیگر تحلیل‌های ماتریس مبنا ۷۹۳
فصل ۲۹: حساب های اقماری و دیگر حساب های گسترش یافته ۸۱۷
پیوست ۱: سلسله مراتب طبقه بندی SNA و کدهای مرتبط با آن..... ۸۴۹
پیوست ۲: توالی حساب ها ۸۷۳
پیوست ۳: تغییرات سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸ نسبت به سال ۱۹۹۳ ..... ۹۰۷
پیوست ۴: دستور کار پژوهش ۹۳۹
فهرست منابع ۹۵۱
واژه نامه ۹۵۷
نمایه ۹۸۳
واژه های انگلیسی به فارسی ۱۰۲۹

فهرست مطالب

فصل ۱: مقدمه ۱

الف. سیستم حساب‌های ملی چیست؟ ۱

ب. عناصر مفهومی SNA ۲

۱. فعالیت‌ها و تراکنش‌ها ۲

۲. بخش‌های نهادی اقتصاد ۳

۳. حساب‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مربوط به آن‌ها ۴

حساب کالاها و خدمات ۴

توالی حساب‌ها ۴

حساب‌های جاری ۴

حساب‌های انباشت ۵

ترازنامه‌ها ۶

سایر حساب‌های SNA ۶

جدول‌های عرضه و مصرف ۶

حساب‌ها برحسب حجم ۶

پ کاربردهای SNA ۷

۱. پایش رفتار اقتصاد ۷

۲. تحلیل اقتصاد کلان ۷

۳. مقایسه‌های بین‌المللی ۸

ت. محدوده‌های SNA ۹

۱. تراکنش‌های غیرپولی ۹

۲. محدوده‌ی تولید ۹

تولید خانوار ۱۰

مسائل دیگرِ محدوده‌ی تولید ۱۰

۳. محدوده‌ی مصرف ۱۱

۴. محدوده‌ی دارائی ۱۱

۵. محدوده‌های ملی ۱۲

۶. مصرف نهائی، مصرف واسطه و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۱۲

سرمایه انسانی ۱۳

تعمیر، نگه‌داری و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۱۳

ث. SNA چارچوبی برای هماهنگی آمارها ۱۴

۱. هماهنگ سازی بین سیستم‌های مختلف آماری ۱۴

۲. استفاده از داده‌های خرد برای حسابداری اقتصاد کلان ۱۴

ج. پیوند با حسابداری کسب و کار (تجاری) ۱۶

۱. استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۱۷

چ. گسترش دامنه‌ی SNA ۱۸

ح. SNA و سنجه‌های رفاه ۱۸

۱. صلاحیت مخارج به عنوان سنجه‌ای برای رفاه ۱۹
۲. خدماتِ بدون دستمزد و رفاه ۱۹
۳. تأثیر رویدادهای خارجی بر رفاه ۱۹
۴. پیامدهای آثار برون‌ریز بر رفاه ۲۰
۵. اثرات غیر اقتصادی بر رفاه ۲۰
۶. نماگرهای رفاه و هم‌افزوده‌های اقتصاد کلان ۲۰

فصل ۲: نگاه اجمالی ۲۱

الف. مقدمه ۲۱
۱. تحلیل جریان‌ها و موجودی‌ها ۲۱
۲. ثبت جریان‌ها و موجودی‌ها ۲۲
ب. عناصر مفهومی SNA ۲۴
۱. واحدها و بخش‌های نهادی ۲۴
بخش‌های نهادی ۲۴
تعیین حدودکل اقتصاد و دنیای خارج ۲۵
۲. تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها ۲۵
انواع اصلی تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها ۲۷
ویژگی‌های تراکنش‌ها در SNA ۲۷
۳. دارائی‌ها و بدهی‌ها ۲۸
۴. محصولات و واحدهای تولیدی ۲۸
محصولات ۲۸
واحدهای تولیدی ۲۸
۵. هدف‌ها ۲۹
پ. قواعد حسابداری ۳۰
۱. مقدمه ۳۰
اصطلاحات فنی برای دو سمت حساب‌ها ۳۰
تغییر مالکیت و ثبت تراکنش‌های کالاها و خدمات ۳۰
حساب‌های ثبت دو طرفه یا ثبت چهار طرفه ۳۱
۲. زمان ثبت ۳۲
۳. ارزش گذاری ۳۲
اصول کلی ۳۲
روش‌های ارزش گذاری ۳۳
سنجه‌های حجمی و سنجه‌ها به ارزش واقعی ۳۳
۴. تلفیق و خالص‌سازی ۳۴
تلفیق ۳۴

خالص سازی ۳۴
استفاده از «خالص» ۳۴
ت. حساب‌ها ۳۵
۱. مقدمه ۳۵
۲. توالی کامل حساب‌ها ۳۵
سه قسمت توالی حساب‌ها ۳۶
حساب تولید ۳۷
حساب‌های توزیع درآمد ۳۷
حساب توزیع اولیه‌ی درآمد ۳۸
حساب توزیع ثانوی درآمد ۳۸
حساب بازتوزیع درآمد غیر نقدی ۳۹
حساب‌های مصرف درآمد ۴۰
حساب‌های انباشت ۴۱
حساب سرمایه ۴۲
حساب مالی ۴۳
حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ۴۳
حساب بازارزش‌گذاری ۴۳
ترازنامه‌ها ۴۴
۳. نمایش یکپارچه‌ی حساب‌ها ۴۴
حساب‌های دنیای خارج ۴۹
حساب کالاها و خدمات ۴۹
هم‌افزوده‌ها ۴۹
محصول ناخالص داخلی (GDP) ۵۰
سنجه‌های خالص و ناخالص ۵۰
درآمد ناخالص ملی (GNI) ۵۱
درآمد قابل تصرف ملی ۵۱
حساب‌ها برحسب حجم ۵۱
۴. قسمت‌های دیگر ساختار حسابداری ۵۱
جدول عرضه و مصرف محوری و سایر جدول‌های داده- ستانده ۵۱
جدول‌های تراکنش‌های مالی و دارائی‌ها و بدهی‌های مالی ۵۲
حساب‌های دارائی‌ها و بدهی‌های مالی و ترازنامه های کامل ۵۴
تحلیل‌های کارکردی ۵۴
جدول‌های جمعیت و نهاده‌های نیروی کار ۵۴
ث. چارچوب محوری یکپارچه و انعطاف‌پذیری ۵۵
۱. استفاده از چارچوب محوری به شیوه‌ای انعطاف‌پذیر ۵۵

۲. معرفی ماتریس حسابداری اجتماعی ۵۵
۳. معرفی حساب‌های اقماری ۵۶

فصل ۳: موجودی‌ها، جریان‌ها و قواعد حسابداری ۵۷

الف. مقدمه ۵۷
۱. موجودی‌ها و جریان‌ها ۵۷
۲. اقلام تراز کننده ۵۸
۳. گروه‌بندی موجودی‌ها و جریان‌ها در حساب‌ها ۵۸
۴. قواعد حسابداری ۵۹

ب. موجودی‌ها ۶۰
۱. منافع ۶۰
۲. مالکیت ۶۰
۳. تعریف دارائی ۶۱
۴. دارائی‌ها و بدهی‌های مالی ۶۲
۵. محدوده دارائی‌ها و نخستین سطح طبقه‌بندی آن‌ها ۶۲
بدهی‌های احتمالی و دخائر احتیاطی ۶۳
۶. ورود دارائی‌ها به ترازنامه و خروج از آن ۶۳
۷. موارد خارج از شمول محدوده دارائی ۶۴

پ. جریان‌ها ۶۴
۱. تراکنش‌ها ۶۴
تراکنش‌های پولی ۶۵
تراکنش‌های با عوض و بلاعوض ۶۵
بازآرائی تراکنش‌ها ۶۶
تغییر مسیر تراکنش‌ها ۶۶
افرازبندی تراکنش‌ها ۶۷
واحدهای تسهیل کننده‌ی تراکنش از طرف دیگران ۶۸
تراکنش‌های غیر پولی ۶۹
تراکنش‌های پایاپای ۶۹
اجرت غیرنقدی ۶۹
پرداخت غیرنقدی غیر از اجرت غیرنقدی ۷۰
انتقالات غیرنقدی ۷۰
تراکنش‌های داخلی ۷۰
آثار برون‌ریز و اقدامات غیر قانونی ۷۱
آثار برون‌ریز ۷۱

اقدامات غیرقانونی ۷۲
۲. سایر جریان‌ها ۷۳
سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ۷۳
منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۷۴
ت. اقلام تراز کننده ۷۴
اقلام تراز کننده در حساب‌های جریانی ۷۴
اقلام تراز کننده در ترازنامه‌ها ۷۴
ث. قواعد حسابداری ۷۵
۱. حسابداری ثبت چهار طرفه ۷۵
۲. ارزش‌گذاری ۷۶
قواعد کلی ۷۶
ارزش‌گذاری تراکنش‌ها ۷۶
محصولات کشاورزی فروخته شده در مزرعه ۷۷
مبادلات پایاپای ۷۷
قیمت‌های اعلان شده ۷۸
ارزش‌گذاری انتقالات غیرنقدی ۷۸
قیمت‌گذاری انتقالی ۷۸
قیمت‌های ارفاقی ۷۹
ارزش‌گذاری به قیمت تمام شده ۷۹
ارزش‌گذاری دارائی‌ها ۸۰
ارزش‌گذاریِ حسابداری کسب و کار (تجاری) ۸۰
ارزش‌گذاری جریان‌های افراز شده ۸۰
ارزش‌گذاری خاص مربوط به محصولات ۸۱
ارزش‌گذاری سایر جریان‌ها ۸۲
سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ۸۲
منفعت و زیان ناشی از نگه داشتن ۸۲
ارزش‌گذاری موجودی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۸۳
۳. زمان ثبت ۸۴
انتخاب زمان ثبت ۸۴
گزینه ثبت بر پایه تعهدی ۸۵
زمان ثبت تحصیل کالاها و خدمات ۸۶
زمان ثبت تراکنش‌های بازتوزیعی ۸۶
زمان ثبت تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۸۶
زمان ثبت ستانده و مصرف واسطه ۸۷
زمان ثبت تغییرات موجودی انبار و مصرف سرمایه ثابت ۸۷
زمان ثبت تراکنش‌های مرکب و اقلام تراز کننده ۸۷

زمان ثبت سایر جریان‌ها ۸۸
زمان ثبت منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۸۸
تعدیلات زمان ثبت برای تراکنش‌های بین‌المللی ۸۹
اقلام ترازنامه ۸۹
۴. هم‌افزودن، خالص سازی، تلفیق ۸۹
هم‌افزودن (تجمیع) ۸۹
خالص سازی ۸۹
تلفیق ۹۰

فصل ۴: واحدها و بخش‌های نهادی ۹۱

الف. مقدمه ۹۱
۱. واحدهای نهادی ۹۱
۲. اقامت ۹۲
۳. رده بندی بخشی و رفتار اقتصادی ۹۴
۴. کل اقتصاد ۹۵
۵. مروری بر بخش‌های نهادی ۹۵
۶. زیر بخش‌ها ۹۸
کنترل دولتی و خارجی ۹۸
نهادهای غیر انتفاعی ۹۸
شیوه‌های دیگرِ رده بندی زیر بخش‌ها ۹۸
۷. دنیای خارج ۹۸
ب. شرکت‌ها در SNA ۹۹
۱. انواع شرکت‌ها ۹۹
شرکت‌های تأسیس شده براساس قانون ۹۹
تعاونی‌ها، شراکت‌های با مسئولیت محدود، و نظائر آن ۱۰۰
شبه شرکت‌ها ۱۰۰
شعبه‌ها ۱۰۱
واحدهای مقیم فرضی ۱۰۲
۲. موارد ویژه ۱۰۲
گروه شرکت‌ها ۱۰۲
ادارات مرکزی و شرکت‌های هلدینگ ۱۰۳
هستارهای دارای هدف ویژه ۱۰۳
نهادهای مالی داخلی ۱۰۴
واحدهای تابعه‌ی ساختگی شرکت‌ها ۱۰۴

واحدهای دارای هدف ویژه‌ی دولت ۱۰۵
۳. مالکیت و کنترل شرکت‌ها ۱۰۵
شرکت‌های تابعه و وابسته ۱۰۶
شرکت‌های تابعه ۱۰۶
شرکت های وابسته ۱۰۶
شرکت‌های تحت کنترل دولت ۱۰۶
کنترل توسط یک واحد غیرمقیم ۱۰۹
پ. نهادهای غیرانتفاعی ۱۰۹
۱. ویژگی‌های NPIها ۱۱۰
۲. NPIهائی که به تولید بازاری اشتغال دارند ۱۱۰
NPIهای بازاری درخدمت بنگاه‌ها ۱۱۱
۳. NPIهائی که به تولید غیربازاری اشتغال دارند ۱۱۱
نهادهای غیرانتفاعی تحت کنترل دولت ۱۱۱
نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH) ۱۱۲
ت. بخش شرکت‌های غیرمالی و زیر بخش‌های آن ۱۱۲
ث. بخش شرکت‌های مالی و زیر بخش‌های آن ۱۱۴
۱. بانک مرکزی ۱۱۵
۲. شرکت‌های سپرده پذیر غیر از بانک مرکزی ۱۱۵
۳. صندوق‌های بازار پول (MMF) ۱۱۶
۴. صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پولی (Non-MMF) ۱۱۶
۵. سایر واسطه‌گری‌های مالی، بجز شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی (ICPFs) ۱۱۶
۶. فعالیت‌های مالی جنبی ۱۱۷
۷. نهادهای مالی داخلی و قرض دهندگان پول ۱۱۷
۸. شرکت‌های بیمه (IC) ۱۱۸
۹. صندوق‌های بازنشستگی (PFs) ۱۱۸
ج. بخش دولت و زیر بخش‌های آن ۱۱۹
۱. واحدهای دولتی به عنوان واحدهای نهادی ۱۱۹
واحدهای دولتی به عنوان تولیدکننده ۱۱۹
طرح‌های تأمین اجتماعی و صندوق‌های تأمین اجتماعی ۱۲۰
۲. بخش دولت ۱۲۱
۳. زیر بخش‌های بخش دولت ۱۲۱
دولت مرکزی ۱۲۲
دولت ایالتی ۱۲۳
دولت محلی ۱۲۴
صندوق های تأمین اجتماعی ۱۲۴

۴. روش دیگر برای رده بندی زیر بخشی ۱۲۴
چ. بخش خانوار و زیر بخش‌های آن ۱۲۵
۱. خانوارها به عنوان واحدهای نهادی ۱۲۵
۲. بنگاه‌های غیر شرکتی در خانوار ۱۲۶
۳. بخش خانوار و زیربخش‌های آن ۱۲۶
رده بندی زیربخشی برحسب درآمد ۱۲۷
رده بندی زیربخشی برحسب ویژگی‌های شخص مرجع ۱۲۷
رده بندی زیربخشی برحسب مکان و اندازه خانوار ۱۲۸
ح. بخش نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها ۱۲۸
خ. دنیای خارج ۱۲۹
۱. سازمان‌های بین‌المللی ۱۲۹
۲. بانک‌های مرکزی اتحادیه‌های پولی ۱۳۰

فصل ۵: بنگاه‌ها، کارگاه‌ها و صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) ۱۳۱
الف. مقدمه ۱۳۱
ب. فعالیت‌های تولیدی ۱۳۲
۱. طبقه بندی فعالیت‌ها در SNA ۱۳۲
۲. فعالیت‌های اصلی و ثانوی ۱۳۲
فعالیت‌های اصلی ۱۳۲
فعالیت‌های ثانوی ۱۳۳
۳. فعالیت‌های فرعی ۱۳۳
پ. افراز بنگاه‌ها به واحدهای همگن‌تر ۱۳۳
۱. انواع واحدهای تولیدی ۱۳۳
واحدهای مبتنی بر نوع فعالیت ۱۳۳
واحدهای مبتنی بر مکان ۱۳۳
کارگاه‌ها ۱۳۴
۲. داده‌ها و حساب‌های کارگاه‌ها ۱۳۴
۳. استفاده از اصول در شرایط ویژه ۱۳۴
کارگاه‌های درون بنگاه‌های یکپارچه ۱۳۴
کارگاه‌های تحت مالکیت دولت ۱۳۶
ت. فعالیت‌های فرعی ۱۳۷
ثبت کردن(یا نکردن) ستانده فعالیت‌های فرعی ۱۳۸
نقش فعالیت‌های فرعی در SNA ۱۳۹
ث. صنعت‌ها(رشته‌فعالیت‌ها) ۱۳۹

۱. تولید کنندگان بازاری، به حساب خود و غیربازاری ۱۳۹
۲. صنعت‌ها (رشته‌فعالیت) و محصولات ۱۳۹
ج. واحدهای تولید همگن ۱۴۰

فصل ۶: حساب تولید ۱۴۳
الف. مقدمه ۱۴۳
ب. مفهوم تولید ۱۴۴
۱. تولید به عنوان یک فعالیت اقتصادی ۱۴۴
کالاها ۱۴۵
خدمات ۱۴۵
محصولات حاصل از تسخیر دانش ۱۴۶
۲. محدوده تولید ۱۴۷
محدوده کلی تولید ۱۴۷
محدوده تولید در SNA ۱۴۸
محدوده‌ی تولید در درون خانوارها ۱۴۸
استثناء ساختن بسیاری از خدمات تولید شده توسط خانوارها برای خود مصرفی ۱۴۸
تولید به حساب خود کالاها ۱۴۹
خدمات واحدهای مسکونی مالک ساکن ۱۵۰
تولید خدمات شخصی و خانگی با استخدام کارکنان خانگی مزدبگیر ۱۵۰
دکوراسیون، نگهداری و تعمیرات جزئی "خود انجام" ۱۵۱
استفاده از کالاهای مصرفی ۱۵۱
اقتصاد "نامشهود" ۱۵۱
پ. قیمت‌های پایه، تولیدکننده و خریدار ۱۵۳
۱. قیمت‌های پایه و تولیدکننده ۱۵۳
مالیات ارزش‌افزوده(VAT) و مالیات‌های کسرشدنی مشابه ۱۵۴
ثبت ناخالص و خالص VAT ۱۵۵
۲. قیمت‌های خریدار ۱۵۶
۳. قیمت‌های پایه، تولیدکنندگان و خریداران- خلاصه ۱۵۶
ت. ارزش‌افزوده و GDP ۱۵۷
۱. ارزش افزوده‌ی خالص و ناخالص ۱۵۷
۲. سنجه‌های دگرسان ارزش‌افزوده ۱۵۷
ارزش‌افزوده ناخالص به قیمت‌های پایه ۱۵۸
ارزش‌افزوده ناخالص به قیمت‌های تولیدکننده ۱۵۸
ارزش‌افزوده ناخالص به قیمت عوامل ۱۵۸

۳. محصول ناخالص داخلی (GDP) ۱۵۹
۴. تولید داخلی ۱۵۹
ث. اندازه‌گیری ستانده ۱۶۰
۱. تولید در مقابل ستانده ۱۶۰
۲. زمان ثبت ۱۶۱
۳. ارزش‌گذاری ستانده ۱۶۱
۴. ستانده‌ی بازاری، ستانده برای استفاده نهائی خود و ستانده‌ی غیربازاری ۱۶۲
ستانده بازاری ۱۶۳
ثبت فروش‌ها ۱۶۳
ثبت معاملات پایاپای ۱۶۴
ثبت جبران خدمات غیرنقدی یا سایر پرداخت‌های غیرنقدی ۱۶۴
ثبت تحویل‌های درون بنگاهی ۱۶۴
تغییرات موجودی کالاهای تکمیل شده ۱۶۴
تغییرات موجودی انبار کالای در جریان ساخت ۱۶۵
ستانده برای استفاده نهائی خود ۱۶۶
کالاهای تولید شده توسط خانوارها ۱۶۶
خدمات کارکنان خانگی ۱۶۷
خدمات واحدهای مسکونی مالک ساکن ۱۶۷
تشکیل سرمایه ثابت خالص به حساب خود ۱۶۷
تغییرات موجودی انبار ۱۶۷
خود مصرفی واسطه‌ای ۱۶۷
ارزش‌گذاری ستانده برای استفاده نهائی خود ۱۶۸
ستانده غیربازاری ۱۶۹
تولیدکنندگان بازاری و غیربازاری ۱۷۰
ج. ستانده‌ی صنعت‌های (رشته فعالیت‌های) خاص ۱۷۱
۱. مقدمه ۱۷۱
۲. کشاورزی، جنگلداری و شیلات ۱۷۱
۳. ماشین‌آلات، تجهیزات و ساختمان ۱۷۱
۴. حمل و نقل و انبارداری ۱۷۲
حمل و نقل ۱۷۲
انبارداری ۱۷۲
۵. توزیع عمده فروشی و خرده فروشی ۱۷۳
۶. ستانده‌ی بانک مرکزی ۱۷۵
موارد خاص نظیر خدمات نظارتی ۱۷۵
ارائه‌ی ستانده غیربازاری ۱۷۶
ارائه ستانده بازاری ۱۷۶

۷. خدمات مالی غیر از بیمه و صندوق بازنشستگی ۱۷۶
خدمات مالیِ ارائه شده به ازای پرداخت مشخص ۱۷۷
خدمات مالی ارائه شده در رابطه با بهره‌ی تعلق گرفته به وام‌ها و سپرده‌ها ۱۷۷
خدمات مالی مربوط به تحصیل و واگذاری دارائی‌ها و بدهی‌های مالی در بازارهای مالی ۱۷۹
۸. خدمات مالی مربوط به بیمه و طرح‌های بازنشستگی..... ۱۸۰
بیمه‌ی غیرزندگی ۱۸۱
بیمه زندگی ۱۸۲
بیمه‌ی اتکائی ۱۸۳
طرح‌های بیمه اجتماعی ۱۸۳
طرح‌های ضمانت استاندارد ۱۸۴
۹. تحقیق و توسعه ۱۸۴
۱۰. تولید نسخه‌های اصلی و کپی ۱۸۴
چ. مصرف واسطه ۱۸۵
۱. پوشش مصرف واسطه ۱۸۵
۲. زمان ثبت و ارزش‌گذاری مصرف واسطه ۱۸۶
۳. حد و مرز بین مصرف واسطه و جبران خدمات کارکنان ۱۸۷
۴. حد و مرز بین مصرف واسطه و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۱۸۸
ابزار کوچک ۱۸۸
تعمیر و نگه‌داری ۱۸۸
تحقیق و توسعه ۱۸۹
اکتشاف و ارزیابی معدن ۱۸۹
تجهیزات نظامی ۱۸۹
۵. خدمات ارائه شده به تولیدکنندگان توسط دولت ۱۸۹
۶. انتقالات اجتماعی غیرنقدی ۱۸۹
۷. خدمات انجمن‌های کسب و کار ۱۸۹
۸. برون سپاری ۱۹۰
۹. اجاره‌ی دارائی‌های ثابت ۱۹۰
ح. مصرف سرمایه ثابت ۱۹۰
۱. پوشش مصرف سرمایه ثابت ۱۹۰
۲. مصرف سرمایه ثابت و اجاره بهای دارائی‌های ثابت ۱۹۱
۳. محاسبه‌ی مصرف سرمایه‌ی ثابت ۱۹۲
۴. روش موجودی‌گیری مستمر ۱۹۳
محاسبه موجودی سرمایه ناخالص ۱۹۳
کارائی نسبی ۱۹۳
نرخ‌های مصرف سرمایه ثابت ۱۹۴

ارزش مصرف سرمایه‌ی ثابت ۱۹۴

پیوست فصل ۶: جداسازی ستانده‌ی مربوط به انبارداری از منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۱۹۵

الف. مقدمه ۱۹۵

۱. هزینه‌های انبارداری و منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۱۹۵

ب. کالاهائی که ارزش واقعی آن‌ها در طول زمان تغییر می‌یابد ۱۹۶

۱. کالاهای دارای دوره‌ی تولید طولانی ۱۹۶

۲. کالاهائی که ویژگی‌های فیزیکی آن‌ها تغییر می‌کند ۱۹۶

۳. کالاهای دارای الگوی فصلی عرضه و تقاضا ۱۹۸

۴. چه کسانی از افزایش ارزش کالاها در انبار نفع می‌برند؟ ۱۹۹

۵. ستانده مربوط به انبارداری چه موقع ثبت می‌شود؟ ۱۹۹

۶. چند مثال ۱۹۹

مثال ۱ ..... ۱۹۹

مثال ۲ ..... ۱۹۹

مثال ۳..... ۲۰۰

فصل ۷: حساب‌های توزیع درآمد ۲۰۱

الف. مقدمه ۲۰۱

۱. حساب ایجاد درآمد ۲۰۱

مازاد عملیاتی و درآمد مختلط ۲۰۳

۲. حساب تخصیص درآمد اولیه ۲۰۵

اقلام ترازکننده و درآمد ملی ۲۰۵

درآمد خالص ملی و درآمد ناخالص ملی ۲۰۶

۳. حساب درآمد کارآفرینی ۲۰۷

۴. حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه ۲۱۰

ب. جبران خدمات کارکنان ۲۱۰

۱. تشخیص کارکنان مزد بگیر ۲۱۰

رابطه اشتغال ۲۱۱

کارفرمایان و کارکنان به حساب خود ۲۱۲

کارکنان دورکار ۲۱۲

۱. اجزای جبران خدمات کارکنان ۲۱۳

مزد و حقوق ۲۱۵

مزد و حقوق نقدی ۲۱۵

مزد و حقوق غیر نقدی ۲۱۶
اختیار معامله سهام ۲۱۷
حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان ۲۱۸
حق بیمه‌های واقعی کارفرمایان به طرح‌های بیمه اجتماعی ۲۱۹
حق بیمه‌های احتسابی کارفرمایان به طرح‌های بیمه اجتماعی ۲۱۹
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان ۲۱۹
حق بیمه‌های غیر بازنشستگی احتسابی کارفرمایان ۲۱۹
پ. مالیات بر تولید و واردات ۲۲۰
۱. ثبت مالیات بر تولید و واردات ۲۲۰
ثبت مالیات بر تولید و واردات در حساب‌ها ۲۲۱
مالیات‌ها در برابر حق‌الزحمه‌ها ۲۲۱
ارتباط با طبقه‌بندی مالیاتی IMF و OECD ۲۲۳
ثبت پایه تعهدی ۲۲۳
بهره، جریمه یا سایرمجازات‌ها ۲۲۴
مالیات‌ها و یارانه‌ها در حساب‌های توزیع اولیه درآمد ۲۲۵
۲. مالیات بر محصول ۲۲۵
مالیات‌های نوع ارزش افزوده ۲۲۵
مالیات و عوارض گمرکی بر واردات، بجز VAT ۲۲۵
عوارض واردات ۲۲۶
مالیات بر واردات بجز VAT و عوارض گمرکی ۲۲۶
مالیات بر صادرات ۲۲۶
مالیات بر محصول، بجز VAT، مالیات بر واردات و مالیات بر صادرات ۲۲۷
۳. سایر مالیات بر تولید ۲۲۸
ت. یارانه‌ها ۲۲۹
۱. یارانه بر محصول ۲۳۰
یارانه‌های واردات ۲۳۰
یارانه‌های صادرات ۲۳۰
موارد خارج از شمول یارانه‌های صادرات ۲۳۰
سایر یارانه‌های محصول ۲۳۰
۲. سایر یارانه‌های تولید ۲۳۱
ث. درآمد دارائی ۲۳۲
۱. تعریف درآمد دارائی ۲۳۲
۲. بهره ۲۳۴
ثبت بر پایه تعهدی ۲۳۵
بهره‌ی پرداختنی و دریافتنی وام‌ها و سپرده‌ها ۲۳۵
بهره‌ی پرداختنیِ اوراق بدهی ۲۳۵

توضیحات بیشتر ۲۳۶
بهره‌ی اسمی و واقعی ۲۳۶
مورد خاص نرخ‌های بهره‌ی تعیین شده توسط بانک مرکزی ۲۳۶
نرخ‌های پایین‌تر از نرخ بازار برای سپرده‌های ذخیره ۲۳۶
نرخ‌های بالاتر از نرخ بازار برای حمایت از پول رایج ۲۳۷
نرخ‌های پایین‌تر از نرخ بازار برای صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) دارای اولویت ۲۳۷
۳. درآمد توزیع شده‌ی شرکت‌ها ۲۳۷
سود تقسیم شده ۲۳۷
زمان ثبت ۲۳۸
سود تقسیم شده فوق‌العاده ۲۳۸
برداشت درآمد از شبه شرکت‌ها ۲۳۹
سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۲۳۹
سود تقسیم نشده بنگاه‌های داخلی ۲۴۰
۴. پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری ۲۴۰
درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان بیمه‌نامه ۲۴۰
درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی به حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ۲۴۱
درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به سهامداران صندوق سرمایه‌گذاری ۲۴۲
۵. بهره مالکانه ۲۴۲
تفاوت بین بهره مالکانه و اجاره بها ۲۴۲
اجاره منابع طبیعی ۲۴۲
بهره مالکانه‌ی زمین ۲۴۲
بهره مالکانه‌ی دارائی‌های زیرِزمینی ۲۴۳

فصل ۸: حساب‌های بازتوزیع درآمد ۲۴۵

الف. مقدمه ۲۴۵
۱. حساب توزیع ثانوی درآمد ۲۴۶
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره ۲۴۷
حق بیمه‌ها و مزایای اجتماعی ۲۴۸
سایر انتقالات جاری ۲۴۹
۲. درآمد قابل تصرف ۲۴۹
ارتباط با مفاهیم اقتصادی درآمد از نظر تئوری ۲۵۰
درآمد قابل تصرف ملی ۲۵۰
۳. حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی ۲۵۱
۴. درآمد قابل تصرف تعدیل شده ۲۵۱

ب. انتقالات جاری ۲۵۲
۱. تفاوت بین انتقالات جاری و سرمایه‌ای ۲۵۳
۲. ثبت انتقالات ۲۵۳
انتقالات نقدی ۲۵۴
تأمین کالاها و خدمات توسط بنگاه‌ها ۲۵۴
انتقالات اجتماعی غیرنقدی ۲۵۵
پ. مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت، غیره ۲۵۶
۱. مالیات‌ها به طور کلی ۲۵۶
مالیات‌ها در برابر حق‌الزحمه‌ها ۲۵۷
ارتباط با طبقه‌بندی مالیاتی IMF و OECD ۲۵۷
ثبت پایه تعهدی ۲۵۸
بهره، جریمه یا سایرمجازات‌ها ۲۵۸
۲. مالیات بر درآمد ۲۵۸
۳. سایر مالیات‌های جاری ۲۵۹
مالیات‌های جاری بر سرمایه ۲۵۹
مالیات‌های جاری متفرقه ۲۶۰
ت. طرح بیمه‌های اجتماعی ۲۶۱
۱. گستره مزایای اجتماعی ۲۶۱
۲. سازماندهی طرح‌های بیمه اجتماعی ۲۶۲
طرح‌های تأمین اجتماعی ۲۶۵
سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور ۲۶۶
ث. خالص حق بیمه‌های اجتماعی ۲۶۷
۱. اجزای حق بیمه‌های اجتماعی ۲۶۸
۲. حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان ۲۶۸
۳. حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان ۲۶۸
۴. حق بیمه‌های اجتماعی واقعی خانوارها ۲۶۸
۵. حق بیمه‌ی اجتماعی مکمل خانوارها ۲۶۸
ج. مزایای اجتماعی غیراز انتقالات اجتماعی غیرنقدی ۲۶۸
۱. ترتیبات نهادی ۲۶۹
طرح‌های بیمه‌های اجتماعی یا مساعدت اجتماعی ۲۶۹
تأمین اجتماعی و مساعدت اجتماعی ۲۶۹
۲. انواع مزایای اجتماعی ۲۶۹
مستمری‌های بازنشستگی ۲۷۰
مزایای نقدی غیربازنشستگی پرداختنی ۲۷۰
دریافتنی‌های خانوار که مزایای اجتماعی نیستند ۲۷۰

مزایای غیربازنشستگی پرداختنی غیرنقدی ۲۷۱
مزایای غیرنقدی تأمین شده توسط دولت ۲۷۱
۳. مزایای اجتماعی ثبت شده درحساب توزیع ثانوی درآمد ۲۷۲
چ. سایر انتقالات جاری ۲۷۲
۱. تراکنش‌های مرتبط با بیمه ۲۷۳
خالص حق بیمه‌های غیرزندگی ۲۷۳
ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی ۲۷۳
خالص حق بیمه‌ها و خسارت‌های اتکائی ۲۷۵
حق‌الزحمه و مطالبات در ضمانت‌های استاندارد ۲۷۶
۲. انتقالات جاری درونی دولت ۲۷۶
۳. همکاری‌های جاری بین‌المللی ۲۷۶
۴. انتقالات جاری متفرقه ۲۷۶
انتقالات جاری بین بانک مرکزی و دولت ۲۷۷
انتقالات جاری به NPISHها ۲۷۷
انتقالات جاری بین خانوارها ۲۷۷
جریمه‌ها و مجازات‌ها ۲۷۸
بخت آزمائی و قماربازی ۲۷۸
پرداخت‌های جبرانی ۲۷۸
ح. انتقالات اجتماعی غیرنقدی ۲۷۹
۱. حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی ۲۷۹
۲. انتقالات اجتماعی غیرنقدی پرداخت شده به غیرمقیم‌ها ۲۷۹

فصل ۹: حساب‌های مصرف درآمد ۲۸۱

الف. مقدمه ۲۸۱
۱. حساب مصرف درآمد قابل تصرف ۲۸۴
۲. حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده ۲۸۴
۳. رابطه بین دو نوع حساب مصرف درآمد ۲۸۵
۴. تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ۲۸۵
۵. پس‌انداز ۲۸۷
۶. محاسبه نسبت پس‌انداز ۲۸۸
ب. مخارج، تحصیل و مصرف کالاها و خدمات ۲۸۸
۱. مخارج ۲۸۸
زمان ثبت مخارج کالاها و خدمات ۲۸۸
۲. تحصیل ۲۸۹

۳. مصرف کالاها و خدمات ۲۸۹
کالاهای بادوام در مقابل کالاهای بی دوام ۲۸۹
مصرف به صورت استفاده کامل کالا و خدمات ۲۹۰
پ. اندازه‌گیری غیرمستقیم ارزش تراکنش‌های غیر پولی ۲۹۰
۱. تراکنش‌های پایاپای ۲۹۱
۲. مخارج کالاها و خدمات دریافت شده به عنوان درآمد غیرنقدی ۲۹۱
۳. مخارج کالاها و خدمات تولید شده به‌حساب خود ۲۹۱
ت. مخارج مصرف نهائی خانوار ۲۹۲
۱. مقدمه ۲۹۲
۲. مخارج خانوارهای مالک بنگاه‌های غیرشرکتی ۲۹۳
۳. مخارج انواع خاصی از کالاها و خدمات ۲۹۳
مخارج خدمات مالی ۲۹۳
خدمات مالی، غیر از خدمات بیمه و صندوق بازنشستگی ۲۹۴
خدمات بیمه و صندوق بازنشستگی ۲۹۴
خدمات واحدهای مسکونی، تعمیرات و بهسازی‌ها ۲۹۴
خدمات واحدهای مسکونی مالکین ساکن ۲۹۴
دکوراسیون، تعمیرات جزئی و نگهداری ۲۹۴
بهسازهای عمده ۲۹۵
تعمیر و نگهداری کالاهای بادوام ۲۹۵
پروانه‌ها و حق‌الزحمه‌ها ۲۹۵
۴. طبقه بندی مخارج مصرف نهائی خانوار ۲۹۵
۵. زمان ثبت و ارزش‌گذاری مخارج مصرف نهائی خانوار ۲۹۵
زمان ثبت ۲۹۵
ارزش‌گذاری ۲۹۶
ارزش‌گذاری خریدهای نسیه (اعتباری) ۲۹۶
۶. مخارج خانوارهای مقیم و غیرمقیم ۲۹۷
ث. مصرف نهائی واقعی خانوار ۲۹۷
ج. مخارج مصرفی متحمل شده توسط دولت ۲۹۸
۱. مخارج مربوط به ستانده‌ی تولیدکنندگان بازاری و غیربازاری ۲۹۸
مخارج مربوط به ستانده‌ی تولید کنندگان غیربازاری ۲۹۸
مخارج مربوطه به مصرف کالاها و خدمات تولید شده توسط تولیدکنندگان بازاری ۲۹۸
ستانده و مخارج مصرف نهائی دولت ۲۹۸
۲. مخارج کالاها و خدمات جمعی و فردی ۲۹۹
کالاها و خدمات فردی ۲۹۹
مصرف فردی برحسب نوع تولیدکننده ۲۹۹

خدمات جمعی ۲۹۹
مرز بین خدمات فردی و جمعی ۳۰۰
طبقه بندی مخارج فردی و جمعی دولت ۳۰۰
خدمات غیربازاری به بنگاه‌ها ۳۰۱
چ. مصرف نهائی واقعی دولت ۳۰۱
ح. مخارج مصرفی متحمل شده توسط NPISHها ۳۰۲
مصرف فردی برحسب نوع تولیدکننده ۳۰۲
خ. مصرف نهائی واقعی NPISHها ۳۰۳
د. مخارج مصرف نهائی و مصرف نهائی واقعی: خلاصه ۳۰۳
۱. مخارج مصرف نهائی ۳۰۳
۲. مصرف نهائی واقعی ۳۰۳
۳. مصرف نهائی کل در اقتصاد ۳۰۴

فصل ۱۰: حساب سرمایه ۳۰۵

الف. مقدمه ۳۰۵
۱. تعریف مالکیت و دارائی‌ها ۳۰۵
۲. دارائی‌های غیرمالی ۳۰۶
دارائی‌های تولید شده ۳۰۶
دارائی‌های تولید نشده ۳۰۸
۳. ساختار حساب سرمایه ۳۰۸
پس‌انداز ۳۰۸
انتقالات سرمایه‌ای ۳۰۸
تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای ۳۰۹
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی ۳۰۹
خالص وام‌دهی ۳۱۰
ب. تشکیل سرمایه ناخالص ۳۱۰
۱. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۳۱۰
حد و مرز دارائی ۳۱۱
دارائی‌های ثابت موجود ۳۱۱
بهسازی دارائی‌های موجود ۳۱۲
هزینه‌های متقبل شده برای تحصیل و واگذاری دارائی‌ها ۳۱۴
زمان ثبت ۳۱۵
مالکیت دارائی‌ها ۳۱۵

ارزش‌گذاری ۳۱۶
تراکنش‌های دارائی‌های ثابت ۳۱۷
واحدهای مسکونی ۳۱۸
سایر بناها و سازه‌ها ۳۱۸
بناهای غیرمسکونی ۳۱۸
سایر سازه‌ها ۳۱۸
بهسازی زمین ۳۲۰
ماشین‌آلات و تجهیزات ۳۲۰
تجهیزات حمل و نقل ۳۲۱
تجهیزات ICT ۳۲۱
سایر ماشین‌آلات و تجهیزات ۳۲۱
سیستم‌های تسلیحاتی ۳۲۱
منابع زیستی پرورشی ۳۲۱
منابع حیوانی با ثمردهی مکرر ۳۲۲
درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی مکرر ۳۲۲
هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده ۳۲۳
محصولات مالکیت فکری ۳۲۳
تحقیق و توسعه ۳۲۴
اکتشاف و ارزیابی معادن ۳۲۵
نرم‌افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها ۳۲۶
نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۳۲۶
پایگاه داده‌ها ۳۲۶
نسخه اصلی کارهای سرگرمی، ادبی و هنری ۳۲۶
سایر محصولات مالکیت فکری ۳۲۷
۲. تغییرات موجودی انبار ۳۲۷
ذخیره سازی (انبارداری) و موجودی انبار ۳۲۸
ارزش گذاری ۳۲۸
ارزش گذاری کار در جریان ساخت ۳۲۹
تراکنش‌های موجودی انبار ۳۲۹
مواد و ملزومات ۳۲۹
کار در جریان ساخت ۳۳۰
کار در جریان ساخت منابع زیستی پرورشی ۳۳۱
سایر کارهای در جریان ساخت ۳۳۱
کالاهای تکمیل شده ۳۳۱
موجودی انبار نظامی ۳۳۱
کالاهای بازفروشی ۳۳۲

۳. تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها ۳۳۲
محدوده دارائی ۳۳۲
ارزش‌گذاری ۳۳۲
تراکنش‌های اشیاء گرانبها ۳۳۲
فلزات و سنگ‌های قیمتی ۳۳۳
عتیقه‌جات و دیگر اشیاء هنری ۳۳۳
سایر اشیاء گرانبها ۳۳۳

پ. مصرف سرمایه ثابت ۳۳۳

۱. هزینه‌های انتقال مالکیت ۳۳۴
۲. هزینه‌های پایانی ۳۳۴

ت. تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی تولید نشده ۳۳۵

۱. منابع طبیعی ۳۳۵
محدوده دارائی ۳۳۵
مالکیت ۳۳۶
ارزش‌گذاری ۳۳۶
تراکنش‌های منابع طبیعی ۳۳۶
زمین ۳۳۶
منابع معدنی و انرژی ۳۳۸
منابع زیستی غیرپرورشی ۳۳۸
منابع آبی ۳۳۸
سایر منابع طبیعی ۳۳۹
۲. قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها ۳۳۹
حد و مرز دارائی ۳۳۹
انواع دارائی‌های موجود در قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها ۳۳۹
اجاره‌نامه عملیاتی قابل فروش ۳۳۹
مجوز استفاده از منابع طبیعی ۳۳۹
مجوز انجام فعالیت‌های خاص ۳۳۹
حق انحصاری نسبت به کالاها و خدمات آینده ۳۴۰
۳. سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی ۳۴۰

ث. انتقالات سرمایه‌ای ۳۴۱

۱. انتقالات سرمایه‌ای درمقابل انتقالات جاری ۳۴۱
۲. انتقالات نقدی و غیرنقدی ۳۴۲
ارزش‌گذاری ۳۴۳
۳. مالیات‌های سرمایه ۳۴۳
۴. کمک‌های سرمایه‌گذاری ۳۴۳

۵. سایر انتقالات سرمایه‌ای ۳۴۴

فصل ۱۱: حساب مالی..... ۳۴۵

الف. مقدمه ۳۴۵

۱. دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۳۴۵

۲. حسابداری ثبت چهار طرفه ۳۴۶

۳. طرف‌های مقابل تراکنش‌های غیرمالی ۳۴۶

۴. مبادلات دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۳۴۶

۵. خالص وام دهی ۳۴۷

۶. رخدادهای احتمالی ۳۴۹

ب. تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۳۵۱

۱. طبقه‌بندی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۳۵۱

۲. مذاکره‌پذیری ۳۵۲

۳. ارزش‌گذاری تراکنش‌ها ۳۵۲

۴. زمان ثبت ۳۵۲

۵. خالص سازی و تلفیق ۳۵۳

خالص سازی ۳۵۳

تلفیق ۳۵۴

پ. ثبت هریک از ابزارهای مالی..... ۳۵۴

۱. طلای پولی و SDRها ۳۵۴

طلای پولی ۳۵۴

SDR ها ۳۵۵

۲. پول و سپرده ۳۵۵

پول ۳۵۸

سپرده‌های انتقال پذیر ۳۵۸

موجودی بین بانک‌ها ۳۵۸

سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر ۳۵۹

سایر سپرده‌ها ۳۵۹

۳. اوراق بدهی ۳۶۰

طبقه‌بندی مکمل اوراق بدهی ۳۶۱

۴. وام‌ها ۳۶۲

طبقه‌بندی مکمل برای وام‌ها ۳۶۳

۵. حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری ۳۶۳

حقوق سهامداران ۳۶۳
سهام یا یونیت‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری ۳۶۵
سهام یا یونیت‌های صندوق بازار پول ۳۶۶
سایر سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه گذاری ۳۶۶
طبقه‌بندی مکمل سهام صندوق سرمایه‌گذاری ۳۶۶
۶. طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد ۳۶۶
ذخائر فنی بیمه‌های غیرزندگی ۳۶۷
حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه ۳۶۷
حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ۳۶۷
ادعای صندوق‌های بازنشستگی بر مدیر طرح بازنشستگی ۳۶۷
ذخائر مطالباتِ تحت ضمانت‌های استاندارد ۳۶۸
۷. مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان ۳۶۸
مشتقات مالی (ابزارهای مالی ثانوی) ۳۶۸
اختیار معامله ۳۶۹
پیمان آتی (قراردادهای سلف) ۳۷۰
مشتقات اعتباری ۳۷۱
حاشیه‌های سود ۳۷۱
اختیار معامله سهام برای کارکنان (ESO) ۳۷۲
۸. سایر حساب‌های پرداختنی یا دریافتنی ۳۷۲
اعتبار تجاری و پیش‌پرداخت‌ها ۳۷۲
سایر ۳۷۲
۹. اقلام یادداشتی ۳۷۲
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۳۷۲
وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول) ۳۷۲

فصل ۱۲: حساب‌های سایر تغییرات در دارائی‌ها ۳۷۳

الف. مقدمه ۳۷۳
ب. حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ۳۷۳
۱. کارکردهای حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ۳۷۴
۲. پیدایش و نابودی دارائی‌ها به شیوه‌ای غیر از تراکنش‌ها ۳۷۵
شناسائی اقتصادی دارائی‌های تولید شده ۳۷۶
آثار تاریخی ۳۷۶
اشیاء گرانبها ۳۷۶
ورود منابع طبیعی به محدوده دارائی ۳۷۶

اکتشافات و بازارزیابی افزایشی منابع زیر زمینی ۳۷۶
رشد طبیعی منابع زیستی غیر پرورشی ۳۷۷
تغییر شکل سایر منابع طبیعی به فعالیت اقتصادی ۳۷۷
تغییر کیفیت منابع طبیعی در اثر تغییر کاربری اقتصادی ۳۷۷
خروج منابع طبیعی از محدوده دارائی ۳۷۸
استخراج و بازاریابی کاهشی منابع زیرزمینی ۳۷۹
برداشت از منابع زیستی غیر پرورشی ۳۷۹
تغییر شکل سایر منابع طبیعی به خارج از فعالیت اقتصادی ۳۸۰
تغییرات کیفی در منابع طبیعی به سبب تغییرات کاربری اقتصادی ۳۸۰
انعقاد و فسخ قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها ۳۸۱
تغییرات در ارزشِ سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی ۳۸۲
پیدایش و نابودی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۳۸۲
عملیات دِین ۳۸۳
ایجاد و انقضای مشتقات مالی (ابزارهای مالی ثانویه) ۳۸۳
۳. اثر رویدادهای خارجی بر ارزش دارائی‌ها ۳۸۴
خسارت‌های ناشی از بلایا ۳۸۵
مصادره‌های بلاعوض ۳۸۶
سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر ۳۸۶
دارائی‌های ثابت ۳۸۶
زیان‌های استثنائیِ موجودی انبار ۳۸۷
حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه ۳۸۷
حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ۳۸۷
ذخائر مطالبات در طرح‌های ضمانت استاندارد ۳۸۷
۴. تغییرات در طبقه‌بندی‌ها ۳۸۸
تغییرات در ساختار و طبقه بندی بخشی ۳۸۸
تغییرات در طبقه بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها ۳۹۰
فروش و بازطبقه‌بندی زمین و بناها ۳۹۰
تغییرات طبقه‌بندی مربوطه به موجودی‌های انبار ۳۹۰
۵. خلاصه‌ی سایر تغییرات در حجم ۳۹۰
پ. حساب بازارزش‌گذاری ۳۹۱
۱. مفاهیم مختلف منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۳۹۱
منفعت اسمی ناشی از نگه داشتن ۳۹۳
منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن ۳۹۴
منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن..... ۳۹۵
۲. منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن دارائی‌های خاص ۳۹۶
دارائی‌های ثابت ۳۹۶

موجودی انبار ۳۹۶
اشیاء گرانبها ۳۹۷
دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۳۹۷
طلای پولی و SDRها ۳۹۸
پول ۳۹۸
سپرده‌ها و وام‌ها ۳۹۸
اوراق بدهی ۳۹۸
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری ۳۹۹
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد ۴۰۰
مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان ۴۰۰
سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی ۴۰۰
دارائی‌های بیان شده به ارز خارجی ۴۰۰

فصل ۱۳: ترازنامه‌ها ۴۰۵

الف. مقدمه ۴۰۵
۱. ترازنامه‌ها ۴۰۵
۲. حساب‌های دارائی ۴۰۶
۳. ساختار ترازنامه ۴۰۷
۴. ساختار حساب‌های دارائی ۴۰۷
ب. اصول کلی ارزش‌گذاری ۴۱۱
۱. ارزش مشاهده شده در بازارها ۴۱۱
۲. ارزش بدست آمده از طریق تراکنش‌های انباشت و بازارزش‌گذاری ۴۱۲
۳. ارزش حال بازده آتی ۴۱۲
۴. دارائی‌های بیان شده به ارز خارجی ۴۱۲
پ. اقلام ورودی در ترازنامه ۴۱۲
۱. دارائی‌های تولید شده ۴۱۳
دارائی‌های ثابت..... ۴۱۳
موجودی انبار ۴۱۴
اشیاء گرانبها ۴۱۵
۲. دارائی‌های تولید نشده ۴۱۵
منابع طبیعی ۴۱۵
زمین ۴۱۵
منابع معدنی و انرژی ۴۱۶

منابع زیستی غیرپرورشی، منابع آب و سایر منابع طبیعی ۴۱۶
قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها ۴۱۶
سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی ۴۱۷
۳. دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۴۱۷
طلای پولی و SDRها ۴۱۷
پول و سپرده‌ها ۴۱۷
اوراق بدهی ۴۱۷
وام‌ها ۴۱۸
وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول) ۴۱۸
حقوق سهامداران و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ۴۱۹
حقوق سهامداران ۴۱۹
یونیت‌ها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری ۴۲۱
طرح‌های بیمه، مستمری سالانه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد ۴۲۱
ذخائر فنی بیمه غیرزندگی ۴۲۱
حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه ۴۲۱
حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ۴۲۱
ذخائر مطالبات در ضمانت استاندارد ۴۲۱
مشتقات مالی ۴۲۲
اختیار معامله ۴۲۲
پیمان‌های آتی ۴۲۲
اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان ۴۲۲
سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی ۴۲۲
۴. ارزش ویژه ۴۲۳
۵. اقلام یادداشتی ۴۲۴
کالاهای مصرفی بادوام ۴۲۴
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۴۲۴

فصل ۱۴: جدول‌های عرضه و مصرف و حساب کالاها و خدمات ۴۲۵

الف. مقدمه ۴۲۵
۱. تراز محصول ۴۲۵
۲. حساب کالاها و خدمات ۴۲۶
۳. جدول‌های عرضه و مصرف ۴۲۷
۴. بُعد صنعت (رشته فعالیت) ۴۲۷

۵. یک مثال عددی ۴۲۸

ب. جدول عرضه ۴۲۸

۱. محصولات و واحدهای تولید کننده ۴۲۸

۲. قواعد حسابداری ۴۲۹

۳. تولید ۴۲۹

۴. واردات ۴۳۰

طبقه بندی ۴۳۰

کالاها برای فرآوری ۴۳۰

۵. ارزش‌گذاری ۴۳۲

حاشیه‌های بازرگانی ۴۳۳

حاشیه‌های حمل و نقل ۴۳۴

هزینه‌های حمل و نقل داخلی ۴۳۴

هزینه‌های حمل و نقل بین‌المللی ۴۳۵

محصولات منظور نشده در مدارک گمرک‌ها ۴۳۶

محصولات پوشش داده شده در مدارک گمرک‌ها ۴۳۷

حمل و نقل کالاهای تجارت بین‌المللی ۴۳۷

حمل و نقل کالاهای ارسال شده به خارج برای فرآوری ۴۳۸

ثبت حاشیه‌های حمل و نقل در جدول‌های عرضه و مصرف ۴۳۸

مالیات و یارانه بر محصول ۴۳۹

پ. جدول مصرف ۴۴۱

۱. مصرف محصولات توسط واحدهای تولیدکننده ۴۴۱

۲. استفاده از محصولات برای مصرف نهائی ۴۴۲

۳. استفاده از محصولات برای تشکیل سرمایه ۴۴۴

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۴۴۴

بازفروشیِ کالاهای موجود ۴۴۴

تغییرات موجودی انبار ۴۴۵

اشیاء گرانبها ۴۴۵

۴. صادرات ۴۴۶

۵. معرفی ارزش افزوده ۴۴۶

۶. گسترش ارزش افزوده ۴۴۷

۷. افزودن سایر متغیرها ۴۴۷

ت. توضیحات بیشتر در باره جدول مصرف ۴۴۸

۱. طبقه بندی متقاطع برحسب صنعت (رشته فعالیت) و بخش‌های نهادی ۴۴۸

۲. جدول عرضه به قیمت‌های پایه ۴۴۸

حاشیه‌های بازرگانی ۴۴۸

حاشیه‌های حمل و نقل ۴۴۹
مالیات بر محصول ۴۴۹
یارانه بر محصول ۴۵۰
جدا سازی واردات از تولید داخلی ۴۵۰
۳. جدول مصرف برحسب حجم ۴۵۱
تعدیل قیمت کدام جدول؟ ۴۵۱
همگنی ۴۵۲
قابلیت استفاده CPIها ۴۵۲
واردات و صادرات ۴۵۲
حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل ۴۵۳
مالیات منهای یارانه بر محصول ۴۵۳
ارزش افزوده ۴۵۳
ث. مثال عددی ۴۵۴
۱. جدول کامل عرضه و مصرف ۴۵۴
۲. حاشیه‌ها و مالیات‌ها ۴۵۵
۳. جدول مصرف به قیمت‌های پایه ۴۵۶
۴. ماتریس واردات ۴۵۶

فصل ۱۵: سنجه‌های قیمت و حجم ۴۶۷

الف. مقدمه ۴۶۷
۱. تئوری عدد شاخص ۴۶۷
۲. سری‌های بین زمانی قیمت و حجم ۴۶۸
۳. مقایسه بین‌المللی قیمت‌ها ۴۶۸
۴. اطلاعات بیشتر ۴۶۸
ب. مروری بر تئوری عدد شاخص ۴۶۸
۱. مقدار، قیمت و ارزش ۴۶۸
جمع پذیری مقدارها، قیمت‌ها و ارزش‌ها ۴۶۹
شاخص‌های حجم، مقدار، قیمت و ارزش واحد ۴۶۹
۲. اعداد شاخص بین زمانی قیمت‌ها و حجم‌ها ۴۷۰
شاخص‌های لاسپیرز و پاشه ۴۷۰
تعدیل قیمت و سری‌های حجمی با استفاده از فرمول‌های لاسپیرز و پاشه ۴۷۰
رابطه بین شاخص‌های لاسپیرز و پاشه ۴۷۱
فرمول‌های دیگر اعداد شاخص ۴۷۲

ویژگی‌های مطلوب عدد شاخص ۴۷۳
اعداد شاخص در عمل ۴۷۳
۳. شاخص‌های زنجیره‌ای ۴۷۴
تغییر سال پایه و برقراری پیوند بین شاخص‌ها ۴۷۴
زنجیره‌ای کردن هر دوره ۴۷۴
شاخص‌های زنجیره‌ای لاسپیرز و پاشه ۴۷۴
شاخص‌های فصلی نوع لاسپیرز زنجیره‌ای شده به طور سالانه ۴۷۵
شاخص‌های زنجیره‌ای لاسپیرز یا زنجیره‌ای برترین ۴۷۶
شاخص‌های فصلی از نوع فیشر زنجیره‌ای شده به طور سالانه ۴۷۷
زنجیره‌ای کردن و پوشش داده‌ها ۴۷۷
جمع پذیری و زنجیره‌ای کردن ۴۷۸
متغیرهائی که تغییر علامت می‌دهند ۴۷۸
سهم در رشد ۴۷۹
۴. علل تنوع قیمت‌ها ۴۷۹
تنوع قیمت به سبب تفاوت کیفیت ۴۷۹
تنوع قیمت بدون تفاوت درکیفیت ۴۸۰
تبعیض قیمت‌ها ۴۸۰
وجود بازارهای موازی ۴۸۱
۵. اندازه‌گیری تغییرات کیفیت در طول زمان ۴۸۲
روش‌های مستقیم ۴۸۲
هدونیک ۴۸۳
روش‌های غیر مستقیم ۴۸۳
بازارهای به سرعت در حال تغییر محصولات متمایز ۴۸۴
توضیحات بیشتر ۴۸۵
۶. مزایای عملی تهیه شاخص‌های زنجیره‌ای ۴۸۵
پ. محاسبه سنجه‌های حجمی در حساب‌های ملی ۴۸۶
۱. مقدمه ۴۸۶
واژه شناسی برای برآوردهای حجمی ۴۸۷
۲. تعدیل قیمت در مقابل بازارزش‌گذاری مقدار ۴۸۷
۳. شاخص‌های موجود قیمت ۴۸۸
۴. جدول‌های عرضه و مصرف به عنوان پایه‌ای برای سنجه‌های حجمی GDP ۴۸۸
۵. سنجه‌های حجمی برآورد ستانده GDP ۴۸۹
ستانده بازاری ۴۸۹
ستانده غیربازاری دولت و NPISHها ۴۸۹
ستانده برای استفاده نهائی خود ۴۹۱
مصرف واسطه ۴۹۲

محصول ناخالص داخلی و ارزش افزوده‌ی ناخالص ۴۹۲
۶. سنجه‌های حجمی برآورد مخارج GDP ۴۹۴
مخارج مصرف نهائی خانوار ۴۹۴
مخارج مصرف نهائیِ دولت و NPISHها ۴۹۴
تشکیل سرمایه ثابت ۴۹۴
تغییرات موجودی انبار ۴۹۶
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها ۴۹۶
واردات و صادرات ۴۹۶
۷. حجم و قیمت موجودی دارائی‌ها و مصرف سرمایه ثابت ۴۹۸
۸. اجزای ارزش افزوده ۴۹۹
جبران خدمات کارکنان ۴۹۹
مالیات و یارانه بر محصول ۴۹۹
مازاد عملیاتی خالص و درآمد مختلط خالص ۴۹۹
۹. برآوردهای فصلی و سالانه ۵۰۰
۱۰. خلاصه توصیه‌ها ۵۰۰
ت. سنجه‌های درآمد واقعی برای کل اقتصاد ۵۰۱
۱. مفهوم درآمد واقعی ۵۰۱
۲. منفعت و زیان مبادله‌ی بازرگانی ناشی از رابطه مبادله بارزگانی ۵۰۲
۳. روابط متقابل بین سنجه‌های حجمی GDP و هم‌افزوده‌های درآمد واقعی ۵۰۴
ث. مقایسه بین‌المللی قیمت و حجم ۵۰۵
۱. مقدمه ۵۰۵
۲. مسائل عدد شاخص ۵۰۶
نماینده بودن در مقابل مقایسه پذیری ۵۰۶
تجمیع ۵۰۷
مقایسه‌های دوتائی ۵۰۷
مقایسه‌های چندتائی ۵۰۸
ترایائی (انتقال‌پذیری) ۵۰۸
رهیافت بلوکی ۵۰۸
رهیافت دوتائی ۵۰۹
مقایسه‌های حلقه‌ای ۵۱۰
۳. ملاحظات عملی برای حساب‌های ملی ۵۱۰
PPPها و حساب‌های ملی ۵۱۰
چرا نرخ رشد ICP با نرخ رشد ملی تفاوت دارد؟ ۵۱۱
خدمات غیربازاری ۵۱۳
نتیجه‌گیری ۵۱۳

فصل ۱۶: خلاصه سازی و یکپارچه سازی حساب‌ها ۵۱۵

الف. مقدمه ۵۱۵

ب. یکپارچه سازی حساب‌ها ۵۱۵

۱. خلاصه‌ی حساب‌های جاری ۵۱۵

حساب تولید ۵۱۵

حساب ایجاد درآمد ۵۱۶

حساب تخصیص درآمد اولیه ۵۱۶

حساب توزیع ثانوی درآمد ۵۱۶

حساب‌های مصرف درآمد ۵۱۷

۲. خلاصه‌ی حساب‌های انباشت ۵۱۷

حساب سرمایه ۵۱۷

حساب مالی ۵۲۰

۳. حساب کالاها و خدمات ۵۲۰

۴. حساب‌های دنیای خارج ۵۲۱

۵. یکپارچه سازی داده‌های موجودی و جریانی ۵۲۱

پیوند ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره ۵۲۱

ارزش ویژه ۵۲۳

حساب‌های دارائی ۵۲۳

۶. تلفیق حساب‌ها ۵۲۳

تلفیق حساب‌های جاری ۵۲۳

تلفیق حساب‌های انباشت ۵۲۴

تلفیق حساب دنیای خارج ۵۲۴

پ. هم‌افزوده‌های اقتصاد کلان در SNA ۵۲۵

۱. اتحادهای GDP ۵۲۵

۲. یادداشتی بر ارزش‌گذاری ستانده ۵۲۵

۳. محصول ناخالص و خالص داخلی ۵۲۶

۴. درآمد ناخالص و خالص ملی ۵۲۶

۵. درآمد قابل تصرف ملی ۵۲۷

ت. مجموعه مثال‌هائی درباره‌ی حساب‌های اقتصادی یکپارچه ۵۲۷

۱. حساب‌های بخش‌های نهادی ۵۲۸

حساب‌های جاری ۵۲۸

حساب مصرف درآمد ۵۲۸

حساب‌های انباشت ۵۲۸

ترازنامه‌ها ۵۲۹

۲. حساب دنیای خارج ۵۲۹
۳. حساب کالاها و خدمات ۵۳۴
۴. ستون کل اقتصاد ۵۳۴

فصل۱۷: موضوعات چند وجهی و خاص ۵۳۵

قسمت ۱: نحوه برخورد با بیمه ۵۳۵

الف. مقدمه ۵۳۵
۱. بیمه مستقیم ۵۳۶
۲. بیمه اتکائی ۵۳۷
۳. واحدهای درگیر در فعالیت بیمه ۵۳۷
ب. ستانده بیمه مستقیم ۵۳۸
۱. حق بیمه‌های عاید شده ۵۳۸
۲. مکمل‌های حق بیمه ۵۳۸
۳. خسارت‌ها و مزایا ۵۳۹
ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی ۵۳۹
مزایای بیمه‌ی زندگی ۵۴۰
۴. ذخائر ۵۴۰
۵. تعریف ستانده بیمه ۵۴۰
بیمه غیرزندگی ۵۴۰
بیمه‌ی زندگی ۵۴۱
بیمه اتکائی ۵۴۱
پ. تمامی تراکنش‌های مربوط به بیمه‌ی غیرزندگی ۵۴۱
۱. خالص حق بیمه‌ها و مصرف خدمات بیمه ۵۴۲
۲. ثبت ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی ۵۴۲
۳. خدمات بیمه‌ی ارائه شده به دنیای خارج و دریافت شده از آن ۵۴۳
۴. اقلام ورودی حسابداری ۵۴۳
ت. تمامی تراکنش‌های مربوط به بیمه زندگی ۵۴۶
۱. مستمری‌ها ۵۴۷
ث. تمامی تراکنش‌های مربوط به بیمه‌ی اتکائی ۵۴۸
ج. مستمری‌های سالانه ۵۴۹
۱. مستمری چگونه عمل می‌کند ۵۵۰
۲. ستانده مربوط به مستمری ۵۵۰

۳. تراکنش‌های مربوط به مستمری‌های سالانه ۵۵۱

قسمت ۲: طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی ۵۵۳

چ. مقدمه ۵۵۳

ح. تعاریف پایه ۵۵۳

۱. مزایای اجتماعی ۵۵۳

۲. تأمین مزایای اجتماعی توسط دولت ۵۵۴

۳. تأمین مزایای اجتماعی توسط سایر واحدهای نهادی ۵۵۴

۴. طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی ۵۵۴

طرح‌های چند کارفرمائی ۵۵۵

۵. قراردادهای بیمه‌ی فردی با ویژگی‌های بیمه‌ی اجتماعی ۵۵۶

۶. مزایای پرداختنی در طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی ۵۵۶

خ. حسابداری حق بیمه‌ها و مزایای غیربازنشستگی ۵۵۷

۱. مزایای غیربازنشستگی پرداختنی در تأمین اجتماعی ۵۵۷

۲. مزایای غیربازنشستگی بدون پشتوانه مالی غیر از مزایای تأمین اجتماعی ۵۵۷

۳. بیمه‌های اجتماعی با پشتوانه مالی غیراز بازنشستگی ۵۵۸

د. حسابداری حق بیمه‌ها و مستمری‌های بازنشستگی ۵۶۰

۱. بازنشستگی‌های تأمین اجتماعی ۵۶۱

۲. طرح‌های بازنشستگی اشتغال محور غیراز تأمین اجتماعی ۵۶۴

طرح‌های بازنشستگیِ حق بیمه تعیین شده (DC) ۵۶۵

ثبت تراکنش‌های مربوط به طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعیین شده ۵۶۵

طرح‌های بازنشستگیِ مزایای تعیین شده (DB) ۵۶۸

تفاوت‌های بین طرح‌های بازنشستگیِ مزایای تعیین شده و حق بیمه‌ی تعیین شده ۵۶۸

تراکنش‌های ثبت شده برای طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده ۵۷۱

طرح‌های بازنشستگی مزایایِ تعیین شده اجرا شده توسط واحدهائی غیر از کارفرمایان ۵۷۳

رابطه بین کارفرما و صندوق بازنشستگی ۵۷۳

مثال عددی ۵۷۴

تراکنش‌های طرح‌های مزایایِ تعیین شده ۵۷۴

طرح‌های بازنشستگی حق بیمه‌ی تعیین شده ۵۷۵

سایر جریان‌های طرحِ بازنشستگی مزایای تعیین شده ۵۷۵

موضوع ترفیع‌ها ۵۷۶

۳. انتقال حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ۵۷۷

۴. یادداشتی بر جدول‌ها ۵۷۸

ذ. مورد خاصِ تأمین مستمری بازنشستگی توسط دولت از طریق تأمین اجتماعی ۵۷۸

قسمت ۳: نحوه برخورد با ضمانت‌های استاندارد در SNA ۵۸۳

ر. انواع ضمانت‌ها ۵۸۳

۱. طرح‌های ضمانت استاندارد ۵۸۴

۲. ضمانت‌های فراهم شده توسط دولت ۵۸۵

۳. پیامدهای ترازنامه ۵۸۶

قسمت ۴: ثبت جریان‌های مربوط به دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۵۸۷

ز. مقدمه ۵۸۷

۱. ویژگی‌های نهادهای مالی ۵۸۷

۲. بهای خدمات مالی ۵۸۹

۳. درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به ابزارهای مالی ۵۹۰

۴. منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ابزارهای مالی ۵۹۰

ژ. ثبت جریان‌ها در ابزارهای مالی ۵۹۰

۱. طلای پولی ۵۹۰

۲. SDRها ۵۹۱

۳. پول ۵۹۲

۴. سپرده‌ها و وام‌ها ۵۹۲

۵. اوراق بدهی ۵۹۳

کارمزد خدمات مربوط به اوراق بهادار ۵۹۴

بهره روی اوراق بهادار تنزیل شده ۵۹۴

تعیین جریان‌های بهره در اسناد خزانه و اوراق قرضه ۵۹۵

بهره‌ی اسناد خزانه و ابزارهای مشابه ۵۹۵

بهره اوراق قرضه و قرضه‌های بدون پشتوانه ۵۹۵

اوراق قرضه با کوپن صفر ۵۹۵

سایر اوراق قرضه، شامل اوراق قرضه‌ی نقد شده با نرخ تنزیل بالا ۵۹۶

اوراق بهادار مرتبط با شاخص ۵۹۶

۶. حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری ۵۹۸

۷. مشتقات مالی ۵۹۹

۸. اختیار معامله سهام برای کارکنان ۵۹۹

۹. سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی ۶۰۰

قسمت ۵: قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها ۶۰۱

س. مقدمه ۶۰۱

ش. اجاره نامه‌ها (قراردادهای اجاره) ۶۰۲

۱. اجاره‌ی عملیاتی ۶۰۲
۲. اجاره‌ی مالی (اعتباری) ۶۰۳
۳. اجاره‌ی منابع طبیعی ۶۰۴
ص. پروانه‌ها و مجوزهای استفاده از منابع طبیعی ۶۰۴
۱. نحوه برخورد با پروانه‌ها یا مجوزهای تلفن همراه برای استفاده از منابع طبیعی ۶۰۵
۲. طیف رادیوئی ۶۰۷
۳. زمین ۶۰۸
۴. الوار ۶۰۸
۵. ماهی ۶۰۹
۶. آب ۶۰۹
۷. منابع معدنی ۶۰۹
ض. به اشتراک گذاری دارائی‌ها ۶۱۰
ط. مجوز برای انجام فعالیت خاص ۶۱۱
۱. مجوزهای صادر شده توسط دولت ۶۱۱
یک مثال ۶۱۲
حالت ۱: دولت استرداد مبلغی را پیشنهاد نمی‌کند و الف مجوز را برای ۳ سال نگه می‌دارد. ۶۱۲
حالت ۲: دولت استرداد مبلغی را پیشنهاد نمی‌کند و الف مجوز را بعد از یک سال به ب می‌فروشد. ۶۱۲
حالت ۳: دولت استرداد مبلغی را پیشنهاد می‌کند و الف مجوز را برای ۳ سال نگه می‌دارد. ۶۱۲
حالت ۴: دولت استرداد مبلغی را پیشنهاد می‌کند و الف مجوز را بعد از یک سال به ب می‌فروشد. ۶۱۳
مجوزهای دولتی به عنوان دارائی ۶۱۳
۲. مجوزهای صادر شده توسط واحدهای دیگر ۶۱۳
مجوزهای غیر دولتی به عنوان دارائی ۶۱۴
۳. مجوز برای استفاده از منابع طبیعی برای محل دفن زباله‌ها ۶۱۴
ظ. قرارداد برای تولید آینده ۶۱۵
ع. اجاره نامه‌ها به عنوان دارائی ۶۱۵
اجاره‌نامه‌های عملیاتی قابل فروش به عنوان دارائی ۶۱۶
غ. سایر ملاحظات ۶۱۷
۱. ترتیبات مالکیت زمانی ۶۱۷
۲. سپرده‌های از دست رفته ۶۱۷

قسمت ۶: اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان ۶۱۸

ف. مقدمه ۶۱۸
۱. اصطلاحات ۶۱۸
۲. ارزش‌گذاری ۶۱۸
۳. ESOها به عنوان یک دارائی مالی ۶۱۸

۴. ثبت ESOها در حساب SNA ۶۱۹
۵. نمونه‌هائی از استفاده ESO ۶۱۹

فصل ۱۸: تنظیم و ارائه‌ی حساب‌ها ۶۲۱

الف. مقدمه ۶۲۱
ب. سری‌های زمانی، بازنگری‌ها و ناهمخوانی‌ها ۶۲۲
۱. سری‌های زمانی ۶۲۲
۲. بازنگری‌ها ۶۲۲
۳. ناهمخوانی‌ها ۶۲۳
ناهمخوانی در خالص وام دهی یا خالص وام‌گیری ۶۲۴
پ. حساب‌ها برحسب حجم ۶۲۴
۱. اجزای مخارج GDP ۶۲۵
۲. اجزای تولید GDP ۶۲۵
۳. جدول‌های عرضه و مصرف برحسب حجم ۶۲۶
۴. موجودی سرمایه ۶۲۶
ت. حساب‌های فصلی و حساب‌های دیگر با بسامد (تناوب) بالا ۶۲۶
۱. مسائل مفهومی ۶۲۷
زمان ثبت ۶۲۷
تعاریف مربوط به یک سال یا بیشتر ۶۲۷
فصلی بودن ۶۲۷
۲. کیفیت داده‌ها ۶۲۷
موجودی انبار ۶۲۸
۳. حساب‌های فصلی برحسب حجم ۶۲۸
۴. پوشش حساب‌های فصلی ۶۲۸
ث. حساب‌های منطقه‌ای ۶۲۸
ج. نحوه‌ی ارائه داده‌ها ۶۳۲
۱. سنجه‌های تولید GDP ۶۳۲
صنعت‌های (رشته فعالیت‌های) کلیدی ۶۳۳
۲. سنجه‌های مخارج GDP ۶۳۳
۳. هم‌افزوده‌های درآمد ۶۳۳
۴. حساب‌ها برحسب حجم ۶۳۳
۵. حساب‌های فصلی ۶۳۴
۶. حساب‌های بخشی ۶۳۴

۷. حساب‌های یکپارچه‌ی انباشت ۶۳۴

فصل ۱۹: جمعیت و نهاده‌های نیروی کار ۶۳۵

الف. مقدمه ۶۳۵

۱. استانداردهای بین‌المللی برای آمارهای نیروی کار ۶۳۵

۲. ساختار فصل ۶۳۶

ب. جمعیت ۶۳۶

۱. برآوردهای سرانه از رشد حجم ۶۳۷

۲. میزان مطلق GDP سرانه ۶۳۷

پ. اندازه‌گیری نیروی کار ۶۳۷

۱. کارکنان مزد بگیر ۶۳۸

۲. اشخاص خود اشتغال ۶۳۹

۳. بیکاری ۶۴۰

۴. مسائل ویژه ۶۴۰

شغل و کارکنان ۶۴۰

اقامت ۶۴۰

۵. اقتصاد نامشهود ۶۴۱

۶. کار در NPISHها ۶۴۲

۷. نیروی کار داوطلب ۶۴۲

ت. سنجه‌های استاندارد نهاده‌های نیروی کار ۶۴۳

۱. اندازه‌گیری اشتغال براساس معادل تمام وقت ۶۴۳

۲. ساعات کار انجام شده ۶۴۳

تعریف ساعات کار واقعاً انجام شده ۶۴۴

۳. تعدیل کیفی نهاده‌ی کار ۶۴۵

۴. نهاده‌ی نیروی کارِ کارکن به جبران خدمات ثابت (دوره پایه) ۶۴۵

ث. برآورد بهره‌وری نیروی کار ۶۴۶

۱. بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری چند عاملی ۶۴۶

۲. برآوردهای اشتغال برای برآورد بهره‌وری ۶۴۷

۳. سازگاری داده‌ها ۶۴۷

۴. مقایسه‌های بین‌المللی ۶۴۸

ج. یادداشتی بر داده‌های مبداء ۶۴۹

فصل ۲۰: خدمات سرمایه و حساب‌های ملی..... ۶۵۱

الف. مقدمه ۶۵۱
۱. ایده‌ی اصلی خدمات سرمایه ۶۵۱
ب. ارزش‌گذاری موجودی سرمایه ۶۵۳
۱. اطلاع از سهم در تولید ۶۵۳
۲. اطلاع از ارزش در هر زمان ۶۵۴
۳. نمودار سن- کارائی و نمودار سن- قیمت ۶۵۵
۴. حالت ویژه‌ی نمودارهای کاهشی هندسی ۶۵۶
۵. ملاحظات عملی ۶۵۶
پ. تفسیر جریان‌ها ۶۵۷
۱. خدمات سرمایه و مازاد عملیاتی ناخالص ۶۵۷
۲. قیمت و حجم ۶۵۸
ت. استفاده از مدل خدمات سرمایه ۶۵۹
۱. زمین ۶۶۰
۲. ارزش‌گذاری منابع طبیعی ۶۶۱
۳. درآمد مختلط ۶۶۲
۴. دارائی‌ها با ارزش مانده ۶۶۲
۵. هزینه‌های انتقال مالکیت در تحصیل دارائی ۶۶۳
۶. هزینه‌های پایانی ۶۶۴
۷. تعمیرات اساسی و بازسازی‌ها ۶۶۵
۸. کار در جریان ساخت برای پروژه‌های بلند مدت ۶۶۵
۹. واحدهای مسکونی مالک ساکن ۶۶۵
۱۰. اجاره‌ی مالی (اعتباری) ۶۶۶
ث. جدول مکمل درباره خدمات سرمایه ۶۶۷

فصل ۲۱: اندازه‌گیری فعالیت شرکت‌ها ۶۶۹

الف. مقدمه ۶۶۹
۱. یادداشتی بر واژه‌ها ۶۶۹
ب. آمار نگاری شرکت‌ها ۶۶۹
۱. ایجاد شرکت‌ها ۶۷۰
۲. برچیده شدن شرکت‌ها ۶۷۰
۳. ملی سازی و خصوصی سازی ۶۷۱

۴. ادغام و تحصیل (اکتساب) ۶۷۲
پ. زیربخش‌ها ۶۷۳
ت. روابط بین شرکت‌ها در اقتصادهای متفاوت ۶۷۴
۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۶۷۴
۲. FDI و جهانی شدن ۶۷۵
۳. نقش "وجوه عبوری" ۶۷۶
۴. کشور نهائی سرمایه‌گذاری ۶۷۶
۵. بنگاه‌های چند ملیتی ۶۷۷
۶. برون سپاری ۶۷۷
ث. مشارکت دارائی‌ها در تولید ۶۷۸
ج. پیامدهای بحران مالی ۶۷۸
۱. دیون بد ۶۷۹
۲. وام‌دهی ارفاقی و تمدید مهلت بازپرداخت دیون ۶۷۹
چ. ارتباط با حسابداری بازرگانی ۶۷۹

فصل ۲۲: بخش دولت و بخش عمومی ۶۸۱

الف. مقدمه ۶۸۱
۱. منبع داده‌ها ۶۸۲
۲. تلفیق ۶۸۲
ب. تعریف بخش دولت و بخش عمومی ۶۸۳
۱. واحدهای دولتی ۶۸۳
۲. NPIهای تحت کنترل دولت ۶۸۵
۳. شرکت‌های تحت کنترل دولت ۶۸۵
۴. قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی ۶۸۵
عرضه کنندگان کالاها و خدمات به دولت ۶۸۶
تعریف فروش‌ها و هزینه‌ها ۶۸۶
۵. درختِ تصمیم‌گیری برای واحدهای عمومی ۶۸۷
۶. زیربخش‌های دولت ۶۸۷
۷. زیربخش‌های بخش عمومی ۶۸۸
۸. موارد ویژه ۶۸۸
شبه شرکت‌ها ۶۸۸
کارگزارانِ تجدید ساختار(نوسازی) ۶۸۹
هستارهای دارای هدف ویژه ۶۹۰

واحدهای سرمایه‌گذاری مشترک ۶۹۰
تشکل‌های سیاسی اقتصادی فراملی (اتحادیه اروپا) ۶۹۱
پ. ارائه آمارهای مالیه دولت ۶۹۱
۱. مقدمه ۶۹۱
۲. درآمد عملیاتی ۶۹۲
۳. هزینه عملیاتی ۶۹۳
۴. خرج‌ها ۶۹۳
۵. خالص تراز عملیاتی ۶۹۴
۶. خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری ۶۹۴
۷. تلفیق ۶۹۴
۸. طبقه بندی کارکردهای دولت ۶۹۶
ت. مسائل خاص حسابداری بخش دولت و بخش عمومی ۶۹۶
۱. جزئیات ثبت مالیات‌ها ۶۹۶
مجوزهای صادر شده دولتی ۶۹۶
ثبت مالیات‌ها برپایه تعهدی ۶۹۷
اعتبار مالیاتی ۶۹۸
۲. تراکنش با دیگر سازمان‌های ملی، بین‌المللی و فراملی ۶۹۸
حق عضویت‌های بین‌المللی ۶۹۹
کمک‌های بین‌المللی ۶۹۹
۳. دیون و عملیات مربوطه ۷۰۰
دیون ۷۰۰
بازتنظیم دیون ۷۰۰
بخشش دیون (یا فسخ دِین) ۷۰۰
زمان‌بندی و تأمین مالیِ مجدد دیون ۷۰۱
تبدیل دیون ۷۰۱
به‌عهده گرفتن مسئولیت دِین ۷۰۲
سایر موارد مربوط به بازتنظیم دِین ۷۰۲
ضمانت‌های دولت ۷۰۳
تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار ۷۰۴
به عهده گرفتن مسئولیت بدهی‌های بازنشستگی توسط دولت ۷۰۴
۴. روابط دولت با شرکت‌ها ۷۰۴
عایدات ناشی از سرمایه‌گذاری سهام ۷۰۴
سود تقسیم شده در برابر برداشت حقوق سهامداران ۷۰۵
واگذاری دارائی‌ها ۷۰۵
اکتساب (تحصیل) حقوق سهامداران، انتقالات سرمایه‌ای و یارانه‌ها ۷۰۵
خصوصی سازی ۷۰۵

ملی سازی ۷۰۶
نجات مالی ۷۰۶
تجدید ساختار، ادغام و بازطبقه بندی ۷۰۷
تراکنش با بانک مرکزی ۷۰۸
مشارکت عمومی خصوصی **(PPP)** ۷۰۹
ث. ارائه آمارهای بخش عمومی ۷۱۱

فصل ۲۳: نهادهای غیرانتفاعی ۷۱۳

الف. مقدمه ۷۱۳
۱. نهادهای غیرانتفاعی در SNA ۷۱۳
۲. قواعد حسابداری برای NPIها در SNA ۷۱۴
۳. حساب اقماری برای NPIها ۷۱۵
ب. واحدهای موجود در حساب اقماری NPI ۷۱۵
۱. تعیین ویژگی‌های واحدهای حساب اقماری ۷۱۵
۲. مثال‌هائی از واحدهای مشمول ۷۱۶
۳. موارد ویژه ۷۱۷
۴. طبقه بندی NPIها ۷۱۹
پ. حساب‌های نهادهای غیرانتفاعی در حساب اقماری ۷۱۹
ت. سایر ملاحظات SNA درباره NPIها ۷۲۰
۱. NPISHها و دولت ۷۲۰
۲. NPISHهای غیررسمی و موقتی ۷۲۱
۳. ستانده NPISHها ۷۲۲

فصل ۲۴: بخش خانوار ۷۲۳

الف. مقدمه ۷۲۳
۱. بنگاه‌های غیر شرکتی ۷۲۳
۲. مسائل مربوط به گروه بندی زیربخشی خانوارها ۷۲۴
۳. ساختار فصل ۷۲۴
ب. ترکیب و بخش بندی خانوار ۷۲۵
۱. تعریف خانوار ۷۲۵
۲. اقامت ۷۲۵

۳. تعیین زیربخش‌ها ۷۲۶
۴. آمارگیری‌های خانوار ۷۲۶
پ. گروه بندی زیربخشی خانوارها ۷۲۷
۱. رهیافت تولید ۷۲۷
۲. رهیافت مصرف ۷۲۸
۳. رهیافت درآمد ۷۲۹
۴. استفاده از یک شخص مرجع ۷۲۹
۵. پیامدهای تغییرات جمعیتی ۷۳۰
۶. ملاحظات دیگر ۷۳۰
ت. خانوار به عنوان تولیدکننده ۷۳۰
۱. خانوارها و بخش غیررسمی ۷۳۰
۲. کشاورزی ۷۳۰
۳. مسکن ۷۳۱
۴. کارکنان خانگی ۷۳۲
ث. خانوار به عنوان مصرف‌کننده ۷۳۳
۱. کالاها و خدمات مصرفی غیرنقدی ۷۳۳
۲. مخارج گردشگران ۷۳۳
۳. مخارج مصرفی برحسب نوع محصول ۷۳۴
ج. درآمد خانوار ۷۳۴
چ. ثروت خانوار و جریان‌های درآمدی مربوط به آن ۷۳۵
۱. ترازنامه‌های خانوار ۷۳۵
۲. تراست‌های خانوادگی (مدیریت امانیِ دارائی‌های خانوادگی) ۷۳۵
۳. توزیع ثروت ۷۳۶
۴. ملاحظات بازنشستگی ۷۳۶
۵. کالاهای بادوام مصرفی ۷۳۶

فصل ۲۵: جنبه‌های غیررسمی اقتصاد ۷۳۷

الف. مقدمه ۷۳۷
۱. اهمیت سیاستی در اندازه‌گیری فعالیت‌های بنگاه‌های غیررسمی ۷۳۸
۲. ساختار فصل ۷۳۹
ب. ویژگی‌های واحدهائی که به طور غیررسمی فعالیت می‌کنند ۷۳۹
پ. اقتصاد نامشهود ۷۴۲
ت. بخش غیررسمی تعریف شده توسط ILO ۷۴۳

۱. مفهوم بخش غیررسمی ILO ۷۴۳
۲. تعریف بخش ۷۴۳
کنار گذاشتن واحدهائی که صرفا برای استفاده خود تولید می‌کنند ۷۴۴
کنار گذاشتن واحدهائی که خصوصیات رسمی دارند ۷۴۵
دو دسته شرکت غیر رسمی ۷۴۵
استثناها در زمینه‌ی فعالیت ۷۴۵
۳. شفاف‌سازی اصطلاحات معمول ۷۴۶
بخش ۷۴۶
بنگاه ۷۴۶
زیربخشی کردن تولید ۷۴۶
بخش رسمی، بخش غیررسمی و خانوارها ۷۴۶
ث. اشتغال غیررسمی ۷۴۷
۱. اشتغال غیررسمی ۷۴۷
۲. اشتغال در بخش غیررسمی ۷۴۸
ج. کار گروه دهلی ۷۴۸
چ. استخراج داده‌های مربوط به فعالیت‌های بنگاه‌های غیررسمی از حساب‌های SNA ۷۴۹
۱. خانوارهای واجد شرایط ۷۴۹
۲. تعدیلات مربوط به شیوه‌های ملی ۷۵۰
۳. تفکیک برحسب نوع فعالیت ۷۵۱
۴. ارائه داده‌های مربوط به بخش غیررسمی و اشتغال غیررسمی ۷۵۱
تولید ۷۵۲
اشتغال ۷۵۲
ح. رهیافت‌های اندازه‌گیری فعالیت‌های انجام شده در اقتصاد غیررسمی ۷۵۲
۱. آمارگیری‌های خانواری ۷۵۳
۲. آمارگیری‌های کارگاهی ۷۵۳
۳. آمارگیری‌های مختلط خانوار و بنگاه ۷۵۳
خ. راهنماها، مطالعات و دستنامه‌های مربوط به اقتصاد غیررسمی ۷۵۴

فصل ۲۶: حساب‌های دنیای خارج و پیوند آن‌ها با ترازپرداخت‌ها ۷۵۷

الف. مقدمه ۷۵۷
۱. حساب دنیای خارج در SNA ۷۵۷
حساب‌های جاری ۷۵۷

حساب‌های انباشت ۷۵۷
۲. حساب‌های بین‌المللی در *BMP6* ۷۵۸
۳. ساختار فصل ۷۵۸
ب. اصول حسابداری ۷۵۹
۱. مقایسه با اصول حسابداری SNA ۷۵۹
ارزش‌گذاری ۷۵۹
زمان ثبت و تغییر مالکیت ۷۶۰
خالص سازی ۷۶۰
۲. واحدها ۷۶۰
سرزمین اقتصادی ۷۶۰
واحدهای نهادی ۷۶۱
شعبه‌ها ۷۶۱
واحدهای مقیم فرضی ۷۶۲
بنگاه‌های چند سرزمینی ۷۶۳
۳. اقامت ۷۶۳
اقامت خانوارها ۷۶۴
اقامت بنگاه‌ها ۷۶۵
اقامت هستارهای دیگر ۷۶۵
پ. مقایسه‌ی بین حساب‌های بین‌المللی و حساب‌های دنیای خارج SNA ۷۶۶
۱. حساب کالاها و خدمات ۷۶۷
۲. حساب درآمد اولیه ۷۶۹
درآمد بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم ۷۷۰
۳. حساب درآمد ثانوی ۷۷۰
۴. اقلام ترازکننده در حساب‌های جاریِ حساب‌های بین‌المللی ۷۷۱
۵. حساب سرمایه ۷۷۲
۶. حساب مالی و وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری بین‌المللی (IIP) ۷۷۲
۷. حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها ۷۷۳
ت. رده‌های کارکردی حساب‌های بین‌المللی ۷۷۳
۱. سرمایه‌گذاری مستقیم ۷۷۴
۲. سرمایه‌گذاری بدره ۷۷۶
۳. مشتقات مالی (غیراز ذخائر) و اختیار معامله سهام برای کارکنان ۷۷۷
۴. سایر سرمایه‌گذاری‌ها ۷۷۷
۵. دارائی‌های ذخیره ۷۷۷
ث. ملاحظات ویژه‌ی حساب‌های بین‌المللی ۷۷۸
۱. عدم تراز جهانی ۷۷۸

۲. تأمین مالی استثنائی ۷۷۸
۳. ابزارهای بدهی ۷۷۸
۴. سازماندهی مجدد بدهی ۷۷۹
۵. ترتیبات منطقه‌ای از جمله اتحادیه‌های پولی ۷۷۹
۶. تبدیل پول ملی به ارز، نرخ‌های چندگانه‌ی ارز ۷۸۰

فصل ۲۷: پیوند به آمارهای پولی و جریان وجوه ۷۸۳

الف. مقدمه ۷۸۳
۱. آمارهای پولی ۷۸۳
۲. آمارهای مالی ۷۸۳
۳. جریان وجوه ۷۸۴
ب. آمارهای پولی ۷۸۴
۱. تعریف شرکت‌های سپرده گذاری ۷۸۴
۲. ارائه آمارهای پولی ۷۸۶
پ. آمارهای مالی ۷۸۶
ت. جریان وجوه ۷۸۷
۱. حساب‌های جریانی ۷۸۷
چارچوب حساب ۷۸۹
استفاده‌های تحلیلی ۷۹۰
۲. حساب‌های موجودی ۷۹۱

فصل ۲۸: تحلیل‌های داده – ستانده و دیگر تحلیل‌های ماتریس مبنا ۷۹۳

الف. مقدمه ۷۹۳
۱. جدول‌های داده – ستانده ۷۹۳
۲. ماتریس حسابداری اجتماعی ۷۹۳
۳. ساختار فصل ۷۹۳
ب. انعطاف پذیری در جدول‌های عرضه و مصرف ۷۹۴
۱. نحوه برخورد با حاشیه‌های (مارژهای) مربوط به واردات ۷۹۴
۲. کالاهای فرآوری شده توسط واحدهائی که مالک اقتصادی آن نیستند ۷۹۵
۳. جدول‌های عرضه و مصرف و حساب‌های بخشی ۷۹۷
پ. استخراج جدول داده– ستانده ۸۰۰

۱. جدول داده– ستانده چیست؟ ۸۰۰
۲. امکانات تحلیلی ماتریس داده – ستانده ۸۰۲
۳. محصولات ثانوی ۸۰۳
۴. باز تخصیص محصولات ثانوی ۸۰۴
جدول‌های محصول در محصول ۸۰۵
فرض تکنولوژی صنعت (رشته‌فعالیت) ۸۰۵
فرض‌های تکنولوژی محصول ۸۰۸
جدول‌های صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت) ۸۰۸
ساختار ثابت فروش‌های محصول ۸۰۸
ساختار ثابت فروش‌های صنعت (رشته فعالیت) ۸۰۸
انتخاب رهیافت مورد استفاده ۸۰۸
رهیافت‌های ترکیبی ۸۰۹
داده‌های اولیه مورد نیاز برای تبدیل ۸۱۰
ت. ماتریس حسابداری اجتماعی ۸۱۰
۱. ارائه توالی حساب‌ها به شکل ماتریس ۸۱۰
۲. گسترش ماتریس ۸۱۲
۳. تفکیک خانوارها ۸۱۲
۴. ماتریس حسابداری اجتماعی برای حساب‌های نیروی کار ۸۱۲

فصل ۲۹: حساب‌های اقماری و دیگر حساب‌های گسترش یافته ۸۱۷

الف. مقدمه ۸۱۷
۱. طبقه بندی‌های کارکردی ۸۱۷
۲. حساب‌های بخش کلیدی ۸۱۷
۳. حساب‌های اقماری ۸۱۷
ب. طبقه‌بندی‌های کارکردی ۸۱۸
۱. COICOP ۸۱۹
۲. COFOG ۸۲۰
۳. COPNI ۸۲۰
۴. COPP ۸۲۰
پ. حساب‌های اقماری برای بخش کلیدی و دیگر حساب‌های بخش‌های ویژه ۸۲۱
ت. حساب‌های اقماری: گزینه‌هائی برای تغییر مفاهیم ۸۲۲
۱. تولید و محصولات ۸۲۲
۲. درآمد ۸۲۳

درآمدهای اولیه ۸۲۳
انتقالات و درآمد قابل تصرف ۸۲۳
۳. مصارف کالاها و خدمات ۸۲۴
۴. دارائی‌ها و بدهی‌ها ۸۲۴
۵. کارکردها ۸۲۵
۶. هم‌افزوده‌ها ۸۲۵
ث. جدول‌های مناسب برای یک حساب اقماری ۸۲۵
۱. دامنه‌ی یک حساب کارکرد محور ۸۲۵
۲. تعیین محصولات مورد نظر ۸۲۶
۳. اندازه‌گیری تولید ۸۲۶
۴. اجزای مصارف/ مخارج ملی ۸۲۷
مصرف ۸۲۷
تشکیل سرمایه ۸۲۷
انتقالات ۸۲۸
مصارف کل و مخارج ملی ۸۲۸
۵. استفاده کنندگان یا ذینفعان ۸۲۸
۶. تأمین مالی ۸۲۹
۷. تولید و محصولات ۸۳۰
۸. داده‌های فیزیکی ۸۳۰
ج. مثال‌هائی از حساب‌های اقماری ۸۳۰
۱. حساب‌های اقماری گردشگری ۸۳۱
تعریف بازدیدکنندگان و گردشگران ۸۳۱
تعریف و دامنه‌ی مخارج گردشگری ۸۳۲
تعریف و دامنه‌ی مصرف گردشگری ۸۳۲
محصولات مشخصه ۸۳۲
صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) گردشگری ۸۳۳
هم‌افزوده‌های اصلی ۸۳۵
۲. حسابداری محیط زیست ۸۳۵
قسمت‌های مختلف *SEEA* ۸۳۵
جدول‌های عرضه و مصرف فیزیکی و ترکیبی ۸۳۶
تشخیص جنبه‌های محیط زیستی چارچوب محوری ۸۳۶
مالیات‌های محیط زیست، درآمد دارائی و حقوق مالکیت ۸۳۶
مجموعه‌ای از حساب‌های مخارج حفاظتِ محیط زیست ۸۳۷
حساب‌های دارائی ۸۳۷
یکپارچه سازی تعدیلات محیط زیستی در حساب‌های جریانی ۸۳۷

کاهش منابع ۸۴۰
مخارج حفاظتی ۸۴۰
حسابداری برای تخریب محیط زیست ۸۴۰
۳. حساب‌های اقماری سلامت ۸۴۱
طبقه بندی کارکردی مراقبت‌های سلامت ۸۴۱
واحدهای ارائه دهنده مراقبت‌های سلامت ۸۴۲
مخارج مراقبت‌های سلامت ۸۴۲
تأمین مالی مراقبت‌های سلامت ۸۴۲
تبدیل SHA به حساب‌های اقماری سلامت ۸۴۲
۴. فعالیت بدون مزدِ خانوار ۸۴۳
خدمات بدون مزد خانوار ۸۴۳
کالاهای بادوام مصرفی ۸۴۷
نیروی کار داوطلب ۸۴۷

پیوست ۱: سلسله مراتب طبقه بندی SNA و کدهای مرتبط با آن ۸۴۹

الف. مقدمه ۸۴۹
ب. طبقه بندی سلسله مراتبی SNA ۸۵۰
۱. بخش‌ها (کدهای S) ۸۵۰
۲. طبقه‌بندی‌های تراکنش‌ها ۸۵۵
تراکنش‌های محصولات (کدهای P) ۸۵۵
تراکنش‌های دارائی‌های تولید نشده (کدهای NP) ۸۵۷
تراکنش‌های توزیعی (کدهایD) ۸۵۷
تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها (کدهای F) ۸۶۰
۳. سایر جریان‌ها ۸۶۱
اقلام ورودی در حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها (کدهای k) ۸۶۲
اقلام تراز کننده و ارزش ویژه (کدهایB) ۸۶۲
۴. اقلام ورودی مربوط به موجودی دارائی‌ها و بدهی‌ها ۸۶۳
اقلام ورودی ترازنامه (کدهای L) ۸۶۳
دارائی‌های غیرمالی (کدهای AN) ۸۶۴
دارائی‌های مالی (کدهای AF) ۸۶۵
پ. اقلام تکمیلی ۸۶۶
۱. وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول) ۸۶۶
۲. خدمات سرمایه ۸۶۶

۳. جدول مستمری‌های بازنشستگی‌ها ۸۶۷
ستون‌ها ۸۶۷
سطرها ۸۶۷
۴. کالاهای بادوام مصرفی ۸۶۸
۵. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۸۶۹
۶. موجودی‌های احتمالی ۸۶۹
۷. پول و سپرده‌ها ۸۶۹
۸. طبقه‌بندی اوراق بدهی با توجه به سررسید تسویه نشده‌ی آن‌ها ۸۷۰
۹. اوراق بدهی ثبت شده و ثبت نشده در بورس ۸۷۰
۱۰. وام‌های بلندمدت با سررسید تسویه نشده‌ی کمتر از یک سال و وام‌های بلند مدت دارای ضمانت رهنی ۸۷۰
۱۱. سهام سرمایه‌گذاری ثبت شده و ثبت نشده در بورس ۸۷۱
۱۲. تعویق در بهره و بازپرداخت ۸۷۱
۱۳. مبالغ حواله شده شخصی و کل حواله‌ها ۸۷۱

پیوست ۲: توالی حساب‌ها ۸۷۳

پیوست ۳: تغییرات سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸ نسبت به ۱۹۹۳..... ۹۰۷

الف. مقدمه ۹۰۷
ب. ویژگی‌های بیشترِ واحدهای آماری و بازنگری در گروه بندی بخشی ۹۰۷
۱. واحد تولیدکننده‌ی عهده‌دار فعالیت‌های فرعی در برخی موارد به عنوان کارگاه جدا شناخته شده است ۹۰۷
۲. تابعه‌های ساختگی به عنوان واحد نهادی در نظر گرفته نشده‌اند مگر در اقتصادی متفاوت از اقتصاد شرکت‌های مادر، مقیم باشند ۹۰۸
۳. شعبه‌ی واحد غیرمقیم به عنوان واحد نهادی شناخته شده است ۹۰۸
۴. اقامت بنگاه‌های چند سرزمینی شفاف سازی شده است ۹۰۸
۵. هستارهای دارای هدف ویژه شناخته شده است ۹۰۸
۶. هلدینگ‌ها به بخش شرکت‌های مالی منتسب شدند ۹۰۹
۷. توصیه شده است که اداره‌ی مرکزی به بخش نهادیِ اکثریت تابعه‌های آن منتسب شود ۹۰۹
۸. برای نهادهای غیرانتفاعی زیربخش معرفی شده است ۹۰۹
۹. تعریف خدمات مالی گسترش داده شده است ۹۰۹
۱۰. زیر بخشی کردن بخش شرکت‌های مالی بازنگری شده است تا گسترش‌های جدید خدمات، بازارها و ابزارهای مالی را نشان دهد ۹۱۰
پ. ویژگی‌های بیشترِ دامنه‌ی تراکنش‌های قرار گرفته در محدوده‌ی تولید ۹۱۰
۱. تحقیق و توسعه یک فعالیت فرعی نیست ۹۱۰

۲. روش محاسبه‌ی خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به‌طور غیرمستقیم (FISIM) اصلاح شده است ۹۱۱
۳. ستانده بانک مرکزی مشخص شده است ۹۱۱
۴. نحوه‌ی ثبت ستانده‌ی خدمات بیمه‌ی غیرزندگی اصلاح شده است ۹۱۲
۵. بیمه‌ی اتکائی مشابه بیمه مستقیم تلقی شده است ۹۱۳
۶. ارزش‌گذاری ستانده برای استفاده نهائی خود توسط خانوارها و شرکت‌ها برای منظور کردن برگشت سرمایه ۹۱۳
ت. گسترش و ویژگی‌های بیشترِ مفاهیم دارائی‌ها، تشکیل سرمایه و مصرف سرمایه‌ی ثابت ۹۱۴
۱. تغییر مالکیت اقتصادی معرفی شده است ۹۱۴
۲. محدوده‌ی دارائی گسترش داده شده است تا تحقیق و توسعه را در بر گیرد ۹۱۴
۳. طبقه‌بندی بازنگری شده برای دارائی‌ها معرفی شده است ۹۱۴
۴. گسترش محدوده‌ی دارائی‌ها و تشکیل سرمایه‌ی ناخالص دولت برای وارد کردن مخارج مربوط به سیستم‌های تسلیحاتی ۹۱۶
۵. رده‌ی "نرم‌افزارهای رایانه‌ای" در دارائی‌ها برای وارد کردن پایگاه داده‌ها اصلاح شده است ۹۱۷
۶. نسخه‌های اصلی و کپی‌های آن، محصولات متمایز از یکدیگر شناخته شده‌اند ۹۱۷
۷. مفهوم خدمات سرمایه معرفی شده است ۹۱۸
۸. نحوه برخورد با هزینه‌های انتقال مالکیت شفاف شده است ۹۱۸
۹. اکتشاف و ارزیابی معادن ۹۱۹
۱۰. بهسازی‌های زمین ۹۱۹
۱۱. سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی ۹۱۹
۱۲. منابع آبی در برخی موارد به عنوان دارائی تلقی شده است ۹۲۰
۱۳. مصرف سرمایه ثابت باید به قیمت متوسط دوره در رابطه با یک شاخص قیمت با کیفیت ثابتِ دارائی مورد نظر اندازه‌گیری شود ۹۲۰
۱۴. منابع زیستی پرورشی متقارن با منابع غیرپرورشی معرفی شده است ۹۲۱
۱۵. محصولات مالکیت فکری معرفی شده است..... ۹۲۱
۱۶. مفهوم اجاره‌ی منابع برای منابع طبیعی معرفی شده است ۹۲۱
۱۷. تغییراتِ اقلام نشان داده شده در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها معرفی شده است ۹۲۱
ث. اصلاحات بیشتر درباره‌ی نحوه‌ی برخورد و تعریف ابزارها و دارائی‌های مالی ۹۲۲
۱. نحوه‌ی برخورد با قراردادِ بازخریدِ اوراق بهادار روشن شده است ۹۲۲
۲. نحوه‌ی برخورد با اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان توضیح داده شده است ۹۲۲
۳. نحوه‌ی برخورد با وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول) تشریح شده است ۹۲۲
۴. نحوه‌ی برخورد با ضمانت‌ها توضیح داده شده است ۹۲۳
۵. نحوه‌ی برخورد با اوراق بدهیِ مرتبط با شاخص شفاف شده است ۹۲۳
۶. نحوه‌ی برخورد با ابزارهای بدهی پیوند شده با ارز خارجی بازنگری شده است ۹۲۴
۷. انعطاف‌پذیری در ارزش‌گذاری سهام ثبت نشده در بورس ۹۲۴
۸. حساب‌های طلای تخصیص نیافته به عنوان دارائی‌های مالی و بدهی‌ها تلقی شده است ۹۲۵
۹. تعریف طلای پولی و شمش طلا بازنگری شده است ۹۲۵
۱۰. بدهیِ حق برداشت ویژه به رسمیت شناخته شده است ۹۲۵
۱۱. سپرده‌ها و وام‌ها از یکدیگر جدا شده‌اند ۹۲۵

۱۲. حق‌الزحمه‌ی پرداختنی برای وام دهی اوراق بهادار و وام‌های طلا ۹۲۵
۱۳. طبقه‌بندی دارائی‌های مالی ۹۲۶
۱۴. تمایز بین اجاره‌داری مالی (اعتباری) و اجاره‌داری عملیاتی بر مبنای مالکیت اقتصادی ۹۲۶
۱۵. تغییر توصیه‌ها برای ثبت حق برخورداری از بازنشستگی ۹۲۷

ج. ویژگی‌های بیشتر درباره‌ی دامنه‌ی تراکنش‌های مربوط به بخش عمومی و دولت ۹۲۸

۱. حد و مرز بین بخش‌های خصوصی/ عمومی/ دولتی روشن‌تر شده است ۹۲۸
۲. نحوه‌ی برخورد با کارگزاران تجدید ساختار شفاف شده است ۹۲۸
۳. نحوه‌ی برخورد با مجوزهای صادر شده توسط دولت روشن شده است ۹۲۸
۴. پرداخت‌های استثنائی از شرکت‌های دولتی باید به عنوان برداشت از حقوق سهامداران ثبت شود ۹۲۹
۵. پرداخت‌های استثنائی از دولت به شبه‌شرکت‌های دولتی باید به عنوان انتقالات سرمایه‌ای تلقی شود ۹۲۹
۶. ثبت تعهدی مالیات‌ها ۹۲۹
۷. اعتبار مالیاتی ۹۲۹
۸. نحوه‌ی برخورد با مالکیت دارائی‌های ایجاد شده از طریق مشارکت عمومی و خصوصی روشن شده است ۹۳۰
۹. مالیات بر منفعت ناشی از نگه‌داشتن همچنان به عنوان مالیات‌های جاری بر درآمد و ثروت نشان داده می‌شود ۹۳۰

چ. هماهنگی بین مفاهیم و طبقه‌بندی‌های SNA و *BPM6* ۹۳۰

۱. مرکز عمده‌ی منافع اقتصادی به عنوان معیار اصلی برای تعیین اقامت واحدها ۹۳۰
۲. افرادی که اقامت خود را تغییر می‌دهند ۹۳۰
۳. کالای ارسال شده به خارج برای فرآوری بر اساس تغییرمالکیت ثبت می‌شوند ۹۳۱
۴. تجارت بین‌المللی ۹۳۱

ح. فهرست کنترل (چک لیست) تغییرات هر فصل ۹۳۲

۱. مقدمه ۹۳۲
فصل ۳: موجودی‌ها، جریان‌ها و قواعد حسابداری ۹۳۲
فصل ۴: واحدها و بخش‌های نهادی ۹۳۲
فصل ۵: بنگاه‌ها، کارگاه‌ها و صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) ۹۳۳
فصل ۶: حساب تولید ۹۳۳
فصل ۷: حساب‌های توزیع درآمد ۹۳۴
فصل ۸: حساب‌های بازتوزیع درآمد ۹۳۴
فصل ۹: حساب‌های مصرف درآمد ۹۳۴
فصل ۱۰: حساب سرمایه ۹۳۵
فصل ۱۱: حساب مالی ۹۳۵
فصل ۱۲: حساب‌های سایر تغییرات در دارائی‌ها ۹۳۵
فصل ۱۳: ترازنامه‌ها ۹۳۶
فصل ۱۴: جدول‌های عرضه و مصرف و حساب کالاها و خدمات ۹۳۶
فصل ۱۵: سنجه‌های قیمت و حجم ۹۳۶
فصل ۱۶: خلاصه سازی و یکپارچه سازی حساب‌ها ۹۳۶

فصل ۱۷: موضوعات چندوجهی و خاص ۹۳۶
فصل ۱۸: تنظیم و ارائه‌ی حساب‌ها ۹۳۷
فصل ۱۹: جمعیت و نهاده‌های نیروی کار ۹۳۷
فصل ۲۰: خدمات سرمایه و حساب‌های ملی ۹۳۷
فصل ۲۱: اندازه‌گیری فعالیت شرکت‌ها ۹۳۷
فصل ۲۲: بخش دولت و بخش عمومی ۹۳۷
فصل ۲۳: نهادهای غیرانتفاعی ۹۳۷
فصل ۲۴: بخش خانوار ۹۳۷
فصل ۲۵: جنبه‌های غیررسمی اقتصاد ۹۳۸
فصل ۲۶: حساب‌های دنیای خارج و پیوند آن با تراز پرداخت‌ها ۹۳۸
فصل ۲۷: پیوند به آمارهای پولی و جریان وجوه ۹۳۸
فصل ۲۸: تحلیل‌های داده- ستانده و دیگر تحلیل‌های ماتریس مبنا ۹۳۸
فصل ۲۹: حساب‌های اقماری و دیگر حساب‌های گسترش یافته ۹۳۸
۲. پیوست‌ها و دیگر اقلام ۹۳۸

پیوست ۴: دستور کار پژوهش ۹۳۹

الف. مقدمه ۹۳۹
ب. قواعد اصلی حسابداری ۹۴۰
۱. ارتباط SNA و IASB ۹۴۰
۲. تلفیق گروه‌های بنگاهی ۹۴۱
۳. تراست‌ها ۹۴۱
۴. مصرف نهائی شرکت‌ها ۹۴۱
۵. اندازه‌گیری ستانده‌ی خدمات دولت ۹۴۲
۶. نحوه‌ی برخورد با انتقالات اجتماعی غیرنقدی به دنیای خارج ۹۴۲
۷. ستانده‌ی بانک‌های مرکزی: مالیات‌ها و یارانه‌ها بر نرخ بهره‌ی اجرا شده توسط بانک‌های مرکزی ۹۴۲
۸. نحوه‌ی برخورد با کارگاه‌ها در SNA ۹۴۲
۹. گنجاندن سازمان‌های بین‌المللی در SNA ۹۴۲
پ. مفهوم درآمد ۹۴۳
۱. شفاف سازی مفهوم درآمد در SNA ۹۴۳
۲. GDP به قیمت‌های پایه ۹۴۳
۳. نقش مالیات‌ها در SNA ۹۴۳
۴. بیمه‌ی زندگی ۹۴۴
۵. سود بازسرمایه‌گذاری شده ۹۴۴

۶. تعلق بهره در SNA ۹۴۴
۷. محاسبه‌ی FISIM ۹۴۵
۸. تورم شدید ۹۴۵
۹. اندازه‌گیری منفعت و زیان بی‌اثر و واقعی ناشی از نگه‌داشتن ۹۴۵
۱۰. درآمد بدست آمده از دارائی‌ها ۹۴۵
۱۱. درآمد بدست آمده از فعالیت‌هائی که بر مبنای غیررسمی انجام می‌شوند ۹۴۵
ت. مسائل مربوط به ابزارهای مالی ۹۴۶
۱. مسائل ناشی از بحران مالی ۹۴۶
۲. به رسمیت شناختن حق برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی به عنوان بدهی ۹۴۶
۳. استفاده‌ی گسترده‌تر از ارزش عادلانه برای وام‌ها ۹۴۶
۴. ذخائر ۹۴۶
۵. ارفاق دیون ۹۴۷
۶. ارزش‌گذاری حقوق سهامداران و پیامدهای آن ۹۴۷
۷. تراکنش‌های وارونه ۹۴۷
ث. مسائل مربوط به دارائی‌های غیرمالی ۹۴۷
۱. مجوزهای قابل معامله‌ی آلاینده‌ها..... ۹۴۷
۲. اجاره‌نامه‌های استفاده از منابع طبیعی یا استخراج آن‌ها ۹۴۷
۳. گسترش محدوده‌ی دارائی ثابت برای منظور کردن سایر دارائی‌های مالکیت فکری ۹۴۸
نوآوری ۹۴۸
دارائی‌های بازاریابی ۹۴۸
سرمایه‌ی انسانی ۹۴۹
۴. هزینه‌های انتقال مالکیتِ اشیاء گرانبها و دارائی‌های تولید نشده ۹۴۹
۵. تفاوت بین تعمیرات جاری و سرمایه‌ای ۹۴۹
۶. برخورد با مشارکت عمومی خصوصی ۹۵۰
۷. برخورد با مالکیت یک دارائی در طول عمر آن ۹۵۰

فهرست منابع ۹۵۱

واژه نامه ۹۵۷

نمایه ۹۸۳

واژه‌های انگلیسی به فارسی ۱۰۲۹

فهرست جدول‌ها

جدول ۲–۱: حساب تولید ۳۵
جدول ۲–۲: حساب ایجاد درآمد ۳۶
جدول ۲–۳: حساب تخصیص درآمد اولیه ۳۶
جدول ۲–۴: حساب توزیع ثانوی درآمد ۳۷
جدول ۲–۵: حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی ۳۹
جدول ۲–۶: حساب مصرف درآمد قابل تصرف ۳۹
جدول ۲–۷: حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده ۳۹
جدول ۲–۸: حساب سرمایه ۴۱
جدول ۲–۹: حساب مالی ۴۱
جدول ۲–۱۰: حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ۴۲
جدول ۲–۱۱: حساب باز ارزش‌گذاری ۴۲
جدول ۲–۱۲: ترازنامه‌ی ابتدای دوره، تغییرات دارائی‌ها و بدهی‌ها و ترازنامه انتهای دوره ۴۵
جدول ۲–۱۳: ارائه یکپارچه‌ی توالی کامل حساب‌های جاری ۴۶
جدول ۲–۱۴: ارائه یکپارچه‌ی توالی کامل حساب‌های انباشت و تراز نامه‌ها ۴۷
جدول ۲–۱۵: حساب کالاها و خدمات ۵۰

جدول ۴–۱: زیربخش‌های بخش شرکت‌های غیرمالی ۱۱۳
جدول ۴–۲: زیربخش‌های بخش شرکت‌های مالی ۱۱۵

جدول ۶–۱: حساب تولید– مصارف ۱۴۶
جدول ۶–۱ (ادامه): حساب تولید– منابع ۱۴۷

جدول ۷–۱: حساب ایجاد درآمد – خلاصه شده – مصارف ۲۰۲
جدول ۷–۱ (ادامه): حساب ایجاد درآمد – خلاصه شده – منابع ۲۰۳
جدول ۷–۲: حساب تخصیص درآمد اولیه – خلاصه شده – مصارف ۲۰۶
جدول ۷–۲ (ادامه): حساب تخصیص درآمد اولیه – خلاصه شده – منابع ۲۰۷
جدول ۷–۳: حساب‌های درآمد کارآفرینی و تخصیص سایر درآمدهای اولیه – مصارف ۲۰۸
جدول ۷–۳ (ادامه): حساب‌های درآمد کارآفرینی و تخصیص سایر درآمدهای اولیه – منابع ۲۰۹
جدول ۷–۴: حساب ایجاد درآمد – جبران خدمات کارکنان – مصارف ۲۱۳
جدول ۷–۵: حساب تخصیص درآمد اولیه – جبران خدمات کارکنان – منابع ۲۱۴
جدول ۷–۶: حساب ایجاد درآمد – مالیات و یارانه بر تولید – مصارف ۲۲۲
جدول ۷–۷: حساب تخصیص درآمد اولیه – مالیات و یارانه بر تولید – منابع ۲۲۴
جدول ۷–۸: حساب تخصیص درآمد اولیه– درآمد دارائی – مصارف ۲۳۲
جدول ۷–۸ (ادامه): حساب تخصیص درآمد اولیه– درآمد دارائی – منابع ۲۳۳

جدول ۸–۱: حساب توزیع ثانوی درآمد – خلاصه شده – مصارف ۲۴۶
جدول ۸–۱ (ادامه): حساب توزیع ثانوی درآمد – خلاصه شده – منابع ۲۴۷
جدول ۸–۲: حساب بازتوزیع درآمد – مصارف ۲۴۸
جدول۸–۲ (ادامه): حساب بازتوزیع درآمد – منابع ۲۴۹
جدول ۸–۳: حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات مالیات‌ها و حق بیمه‌های اجتماعی – مصارف ۲۶۴
جدول ۸–۳ (ادامه): حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات مالیات‌ها و حق بیمه‌های اجتماعی – منابع ۲۶۵
جدول ۸–۴: حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات مزایای اجتماعی – مصارف ۲۶۶

جدول ۸–۴ (ادامه): حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات مزایای اجتماعی – منابع ۲۶۷
جدول ۸–۵: حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات انتقالات جاری – مصارف ۲۷۴
جدول ۸–۵ (ادامه): حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات انتقالات جاری – منابع ۲۷۵

جدول ۹–۱: حساب مصرف درآمد قابل تصرف – مصارف ۲۸۲
جدول ۹–۱ (ادامه): حساب مصرف درآمد قابل تصرف – منابع ۲۸۳
جدول ۹–۲: حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده – مصارف ۲۸۶
جدول ۹–۲ (ادامه): حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده – منابع ۲۸۷

جدول ۱۰–۱: حساب سرمایه – شکل خلاصه شده – تغییرات در دارائی‌ها ۳۰۶
جدول ۱۰–۱ (ادامه): حساب سرمایه – شکل خلاصه شده – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه ۳۰۷
جدول ۱۰–۲: حساب سرمایه – طبقه بندی دارائی‌های ثابت ۳۱۹
جدول ۱۰–۳: حساب سرمایه – تغییرات موجودی انبار و اشیاء گرانبها ۳۲۷
جدول ۱۰–۴: حساب سرمایه – دارائی‌های غیرمالی تولید نشده ۳۳۷
جدول ۱۰–۵: حساب سرمایه – انتقالات سرمایه‌ای – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه ۳۴۲

جدول ۱۱–۱: حساب مالی – شکل خلاصه شده – تغییرات در دارائی‌ها ۳۴۸
جدول ۱۱–۱ (ادامه): حساب مالی – شکل خلاصه شده – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه ۳۴۹
جدول ۱۱–۲: حساب مالی – جزئیات کامل – تغییرات در دارائی‌ها ۳۵۶
جدول ۱۱–۲ (ادامه): حساب مالی – جزئیات کامل – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه ۳۵۷

جدول ۱۲–۱: حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – شکل خلاصه شده – تراکنش در دارائی‌ها ۳۷۴
جدول ۱۲–۱ (ادامه): حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – شکل خلاصه شده – تراکنش در بدهی‌ها و ارزش ویژه ۳۷۵
جدول ۱۲–۲: حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در دارائی‌ها به سبب پیدایش و نابودی اقتصادی ۳۷۸
جدول۱۲–۲ (ادامه): حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه به سبب پیدایش و نابودی اقتصادی ۳۷۹
جدول ۱۲–۳: حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در دارائی‌ها به سبب رویدادهای خارجی ۳۸۰
جدول ۱۲–۳ (ادامه): حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در بدهی‌ها به سبب رویدادهای خارجی ۳۸۱
جدول ۱۲–۴: حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در دارائی‌ها به سبب تغییرات در طبقه‌بندی ۳۸۴
جدول ۱۲–۴ (ادامه): حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه به سبب تغییرات در طبقه‌بندی ۳۸۵
جدول ۱۲–۵: حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در دارائی‌ها برحسب نوع دارائی ۳۸۸
جدول ۱۲–۵ (ادامه): حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه برحسب نوع بدهی ۳۸۹
جدول ۱۲–۶: حساب بازارزش‌گذاری – تغییرات در دارائی‌ها ۴۰۲
جدول ۱۲–۶ (ادامه): حساب بازارزش‌گذاری – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه ۴۰۳

جدول ۱۳–۱: ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره با تغییرات در دارائی‌ها ۴۰۸
جدول ۱۳–۱(ادامه): ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره با تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه ۴۰۹
جدول ۱۳–۲: حساب‌های دارائی برای کل اقتصاد ۴۱۰

جدول ۱۴–۱: نسخه خلاصه شده قسمت تولید در جدول عرضه ۴۳۰
جدول ۱۴–۲: مثالی از اقلام ورودی برای تعدیل عرضه برای وارد کردن حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل ۴۳۴
جدول ۱۴–۳: مثالی از تأثیر هزینه‌های حمل و نقل بر قیمت‌ها ۴۳۵
جدول ۱۴–۴: مثالی از اقلام ورودی واردات در جدول عرضه با تعدیل کلی سیف به فوب ۴۳۸
جدول ۱۴–۵: مثالی از اقلام ورودی برای تعدیل عرضه به منظور پوشش دادن مالیات منهای یارانه بر محصول ۴۴۰
جدول ۱۴–۶: نسخه خلاصه شده قسمت مصرف واسطه جدول مصرف ۴۴۲
جدول ۱۴–۷: قسمت مصرف نهائی در جدول مصرف ۴۴۳

جدول ۱۴–۸: قسمت تشکیل سرمایه جدول مصرف ۴۴۶
جدول ۱۴–۹: قسمت ارزش‌افزوده جدول مصرف ۴۴۷
جدول ۱۴–۱۰: محتوای واردات جدول مصرف ۴۵۱
جدول ۱۴–۱۱: تفکیک مصرف واحدهای تولید کننده به پنج عنصر تشکیل دهنده‌ی ارزش‌گذاری قیمت خریدار ۴۵۵
جدول ۱۴–۱۲: جدول‌های عرضه و مصرف به قیمت خریدار ۴۵۸
جدول ۱۴–۱۳: جدول عرضه و مصرف: حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل، مالیات و یارانه بر محصولات مصارف واسطه و نهائی ۴۶۲
جدول ۱۴–۱۴: جدول عرضه و مصرف: مصارف نهائی و واسطه به قیمت پایه، به تفکیک ISIC ۴۶۴
جدول ۱۴–۱۵: واردات استفاده شده برای مصرف واسطه و تقاضای نهائی ۴۶۶

جدول ۱۶–۱: خلاصه حساب‌های جاری در توالی حساب‌ها ۵۱۸
جدول ۱۶–۲: خلاصه حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها ۵۱۹
جدول ۱۶–۳: اقلام ورودی حساب دنیای خارج با استفاده از ساختار حساب‌های BPM6 ۵۲۲
جدول ۱۶–۴: خلاصه‌ی حساب جاری با جزئیات بخش‌ها– مصارف ۵۳۰
جدول ۱۶–۴ (ادامه): خلاصه‌ی حساب جاری با جزئیات بخش‌ها– منابع ۵۳۱
جدول ۱۶–۵: خلاصه‌ی حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها با جزئیات بخش‌ها: دارائی‌ها و تغییرات دارائی ۵۳۲
جدول ۱۶–۵ (ادامه): خلاصه‌ی حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها با جزئیات بخش‌ها: بدهی‌ها، ارزش ویژه و تغییرات آن‌ها ۵۳۳

جدول ۱۷–۱: حساب‌های بیمه غیرزندگی– مصارف ۵۴۴
جدول ۱۷–۱ (ادامه): حساب‌های بیمه‌ی غیرزندگی– منابع ۵۴۵
جدول ۱۷–۲: حساب‌های بیمه‌ی زندگی– مصارف ۵۴۶
جدول ۱۷–۲ (ادامه): حساب‌های بیمه‌ی زندگی– منابع ۵۴۷
جدول ۱۷–۳: حساب‌های مزایای غیربازنشستگی پرداخت شده از طریق تأمین اجتماعی – مصارف ۵۶۲
جدول ۱۷–۴: حساب‌های مزایای بیمه‌ی اجتماعی غیربازنشستگی از سایر طرح‌های بدون پشتوانه‌ی مالی اشتغال محور – مصارف ۵۶۲
جدول ۱۷–۵: حساب‌های مزایای بیمه‌ی اجتماعی غیربازنشستگی از سایر طرح‌های دارای با پشتوانه مالی اشتغال محور – مصارف ۵۶۲
جدول ۱۷–۳ (ادامه): حساب‌های مزایای غیربازنشستگی پرداخت شده از طریق تأمین اجتماعی – منابع ۵۶۳
جدول ۱۷–۴ (ادامه): حساب‌های مزایای بیمه‌ی اجتماعی غیربازنشستگی از سایر طرح‌های بدون پشتوانه مالی اشتغال محور– منابع ۵۶۳
جدول ۱۷–۵ (ادامه): حساب‌های مزایای بیمه‌ی اجتماعی غیربازنشستگی از سایر طرح‌های دارای پشتوانه مالی اشتغال محور – منابع ۵۶۳
جدول ۱۷–۶: حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداخت شده از طریق تأمین اجتماعی – مصارف ۵۶۶
جدول ۱۷–۶ (ادامه): حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداخت شده از طریق تأمین اجتماعی – منابع ۵۶۷
جدول ۱۷–۷: حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداختنی در طرح حق بیمه‌ی تعیین شده – مصارف ۵۶۸
جدول ۱۷–۷ (ادامه): حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداختنی در طرح حق بیمه‌ی تعیین شده – منابع ۵۶۹
جدول ۱۷– ۸: حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداختنی در طرح مزایای تعیین شده – مصارف ۵۷۰
جدول ۱۷– ۸ (ادامه): حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداختنی در طرح مزایای تعیین شده – منابع ۵۷۱
جدول ۱۷– ۹: جزئیات تراکنش‌های مربوط به بیمه‌ی اجتماعی ۵۷۹
جدول ۱۷– ۱۰: جدول تکمیلی نشان دهنده‌ی حدود طرح‌های بازنشستگی گنجانیده شده و حذف شده از توالی حساب‌های SNA ۵۸۱

جدول ۱۸–۱: بالاترین سطح تجمیع SNA/ISIC (الف*۱۰) ۶۲۹
جدول ۱۸–۲: سرفصل‌های سطح صنعتی (رشته‌فعالیتی) برای کشوری با اقتصاد بزرگ معیشتی ۶۳۱
جدول ۱۸–۳: GDP برحسب مخارج ۶۳۲

جدول ۲۰–۱: مثالی برای بدست آوردن ارزش موجودی سرمایه بامشخص بودن سهم آن در تولید ۶۵۴
جدول ۲۰–۲: مثالی برای بدست آوردن ارزش موجودی سرمایه با اطلاع از کاهش قیمت ۶۵۵
جدول ۲۰–۳: جدول ۲۰– ۲ با الگوی متفاوت کاهش قیمت ۶۵۵
جدول ۲۰–۴: خدمات سرمایه و اصطلاحات SNA ۶۵۸

جدول ۲۰–۵: مورد زمین ۶۶۰
جدول ۲۰–۶: دارائی با ارزش باقیمانده ۶۶۳
جدول ۲۰–۷: مثال هزینه های انتقال مالکیت در تحصیل دارائی جدول ۲۰ – ۶ ..... ۶۶۳
جدول ۲۰–۸: دارائی با هزینه‌های پایانی ۶۶۴
جدول ۲۰–۹: ارزش گذاری کار در جریان ساخت توزیع شده در چند سال ۶۶۵
جدول ۲۰–۱۰: مورد وام مالی ۶۶۶
جدول ۲۰–۱۱: طرح کلی یک جدول تکمیلی ۶۶۸

جدول ۲۳–۱: گروه‌های ICNPO ۷۱۸

جدول ۲۵–۴: شناسائی واحدهای بخش غیر رسمی ILO از درون بخش‌های نهادی SNA ۷۵۰

جدول ۲۶–۱: نمونه‌هائی از تاثیر وضعیت اقامت یک خانوار در آمارهای اقتصاد میزبان ۷۶۲
جدول ۲۶–۲: نمونه‌هائی از تاثیر وضعیت اقامت یک بنگاه در آمارهای اقتصاد میزبان ۷۶۳
جدول ۲۶–۳: نگاهی اجمالی بر تراز پرداخت‌ها ۷۶۷
جدول ۲۶–۴: اقلام ترازکننده در حساب‌های بین‌المللی در رابطه با توالی حساب‌های SNA ۷۷۱
جدول ۲۶–۵: مروری بر صورت وضعیت یکپارچه‌ی موجودی سرمایه بین‌المللی ۷۷۳
جدول ۲۶–۶: ارتباط بین طبقه‌بندی دارائی‌های مالی و رده‌های کارکردی ۷۷۵

جدول ۲۷–۱: زیربخش‌های بخش شرکت‌های مالی ۷۸۴
جدول ۲۷–۲: طبقه‌بندی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۷۸۵
جدول ۲۷–۳: حساب مالی – شکل خلاصه شده – تغییرات در دارائی‌ها ۷۸۸
جدول ۲۷–۳ (ادامه): حساب مالی – شکل خلاصه شده – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه ۷۸۹
جدول ۲۷–۴: چارچوب جدول تفصیلی جریان وجوه یا موجودی دارائی‌های مالی به تفکیک بدهکار و بستانکار ۷۹۲

جدول ۲۸–۱: مثالی از اقلام ورودی واردات در جدول عرضه با تعدیل کلی سیف به فوب ۷۹۵
جدول ۲۸-۲: گزینه‌های ثبت کالاهای بدون تغییر مالکیت اقتصادی ۷۹۶
جدول ۲۸–۳: جدول مصرف از جدول ۱۴-۱۲ ..... ۷۹۸
جدول ۲۸-۳ (ادامه): جدول مصرف از جدول ۱۴–۱۲ ..... ۷۹۹
جدول ۲۸–۴: طبقه‌بندیِ متقاطعِ مصرف واسطه و ارزش افزوده برحسب صنعت (رشته فعالیت) و بخش نهادی ۸۰۰
جدول ۲۸–۴ (ادامه): طبقه‌بندیِ متقاطعِ مصرف واسطه و ارزش افزوده برحسب صنعت (رشته فعالیت) و بخش نهادی ۸۰۱
جدول ۲۸–۵: مثال عددی از بازتخصیص محصولات از ساخت و ساز (ساختمان) به صنعتِ ساخت ۸۰۴
جدول ۲۸–۶: مثال ماتریس داده – ستانده محصول در محصول ۸۰۶
جدول ۲۸–۷: مثال ماتریس داده – ستانده صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت) ۸۰۷
جدول ۲۸–۸: حساب کالاها و خدمات به شکل ماتریس ۸۰۹
جدول ۲۸–۹: جدول عرضه و مصرف به شکل ماتریس ۸۱۱
جدول ۲۸– ۱۰: حساب‌های جریانی در توالی حساب‌ها به شکل ماتریس ۸۱۴
جدول ۲۸– ۱۱: توالی حساب‌ها شامل ترازنامه‌ها به شکل ماتریس ۸۱۵

جدول ۲۹–۱: جدول ۶ از حساب‌های اقماری گردشگری ۸۳۴
جدول ۲۹–۲: نمونه جدول ترکیبی عرضه و مصرف از *SEEA* ۸۳۸
جدول ۲۹–۳: نمونه جدول ترکیبی عرضه و مصرف کالاها و خدمات حفاظت محیط زیست ۸۳۹
جدول ۲۹–۴: نمونه‌ی جدول عرضه و مصرف از سیستم حساب‌های سلامت ۸۴۴
جدول ۲۹–۴ (ادامه): نمونه جدول عرضه و مصرف از سیستم حساب‌های سلامت ۸۴۵

فهرست شکل‌ها

شکل ۲ – ۱: نمودار حساب‌های یکپارچه برای کل اقتصاد ۴۸

شکل ۲ – ۲ : خلاصه حساب‌های اصلی، اقلام تراز کننده و هم افزوده‌های اصلی ۵۳

شکل ۴– ۱: نمودار راهنما برای تخصیص واحدها به بخش‌های نهادی ۹۶

شکل ۶ – ۱: قیمت‌های پایه، تولید کننده و خریدار ۱۵۶

شکل ۱۷ – ۱: مثال برای مستمری ۵۵۲

شکل ۱۷ – ۲: نشانه‌های جریان‌های مربوط به ابزارهای مالی مختلف ۵۸۸

شکل ۲۲ – ۱: بخش عمومی و ارتباط آن با بخش‌های نهادی ۶۸۸

شکل ۲۵ – ۱: اقتصاد نامشهود و بخش غیر رسمی ۷۳۸

شکل ۲۵ – ۲: تعیین واحدهای غیر رسمی بخش ILO ۷۴۴

شکل ۲۵– ۳: اشتغال غیر رسمی و اشتغال در بخش غیر رسمی ۷۴۷

شکل ۲۵– ۴: شناسائی واحدهای بخش غیر رسمی ILO از درون بخش‌های نهادی SNA ۷۵۰

پیشگفتار

الف. مقدمه

سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸ (SNA ۲۰۰۸) نسخه‌ی بهنگام شده‌ی *سیستم حساب‌های ملی ۱۹۹۳ (SNA ۱۹۹۳)* است. سیستم سال ۲۰۰۸ پنجمین نسخه از SNA است که نخستین نسخه‌ی آن در پنجاه سال پیش منتشر شده است. کمیسیون آمار سازمان ملل متحد در سی و سومین اجلاس خود در سال ۲۰۰۳، درخواست کرد که SNA ۱۹۹۳ بهنگام سازی شود تا چارچوب حسابداری ملی با نیازهای داده‌ای کاربران همسو گردد. پیش زمینه‌ی بهنگام سازی سیستم ۱۹۹۳ به این پدیده برمی‌گردد که محیط اقتصادی در بسیاری از کشورها از اوایل سال ۱۹۹۰ دچار تحول قابل ملاحظه‌ای شده بود و، علاوه بر این، تحقیقات روش شناختی در دهه‌ی گذشته یا پیش از آن نیز منجر به بهبود روش‌های اندازه‌گیری برخی از اجزای پیچیده‌ی حساب‌های ملی شده بود. طبق فرمان کمیسیون آمار، تغییرات اساسی و جامعی در SNA ۲۰۰۸ صورت نگرفته است تا مانعی برای انتقالِ هموار از چارچوب حسابداری پیشین و حتی SNA سال ۱۹۶۸ که چارچوب آن هنوز هم در تعدادی از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد وجود نداشته باشد. در فرآیند بهنگام سازی، سازگاری با دستنامه‌های مرتبط، نظیر دستنامه‌های مربوط به تراز پرداخت‌ها، آمارهای مالی دولت و آمارهای پولی و مالی نیز به‌طور قابل ملاحظه‌ای مد نظر بوده است.

SNA ۲۰۰۸ تحت حمایت گروه کاری بین دبیرخانه‌ایِ حساب‌های ملی (ISWGNA)، متشکل از نمایندگان پنج سازمان تهیه شده است، این پنج سازمان عبارتند از: اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا (Eurostat)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، بخش آمار سازمان ملل متحد (UNSD) و دبیرخانه کمیسیون‌های منطقه‌ای سازمان ملل متحد و بانک جهانی. SNA ۲۰۰۸ توسط پنج سازمان فوق به‌طور مشترک منتشر شده است.

برای مقاصد عملی، SNA ۲۰۰۸ ابتدا در دو جلد جدا از یکدیگر که جلد اول آن از ۱۷ فصل و جلد دوم آن از ۱۲ فصلِ دیگر و چهار پیوست تشکیل شده بود به کمیسیون آمار سازمان ملل متحد ارائه شد. جلد ۱ در سی و نهمین جلسه‌ی کمیسیون آمار سازمان ملل که از تاریخ ۲۶ الی ۲۹ فوریه‌ی سال ۲۰۰۸ در نیویورک برگزار شد، به تصویب رسید (یاداشت ۱ و ۲ را ببینید). این جلد در طی مدت تهیه‌ی آن به‌طور گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته بود و پس از یک دوره‌ی اضافی برای مرور کلی که به ۳۰ آوریل ۲۰۰۸ منتهی می‌شد، کمیسیون آمار سازمان ملل متحد به شورای اقتصادی و اجتماعی توصیه کرد که SNA ۲۰۰۸ به عنوان استاندارد جدید بین‌المللی برای تهیه‌ی آمارهای حساب‌های ملی پذیرفته شود. جلد ۲ در چهلمین جلسه‌ی کمیسیون آمار سازمان ملل که از تاریخ ۲۴ الی ۲۷ فوریه‌ی ۲۰۰۹ در نیویورک برگزار شد به تصویب رسید ولی توصیه شد که واژه‌های "جلد ۱" و "جلد ۲" کنار گذاشته شود و کل SNA سال ۲۰۰۸ در یک جلد منتشر شود (یادداشت ۳ را ببینید).

SNA ۲۰۰۸ با یک مقدمه و نگاه اجمالی آغاز می‌شود و سپس قواعد حسابداری، حساب‌ها و جدول‌ها، و یکپارچگی آن‌ها ارائه می‌شود. این مطالب، موضوعات فصل‌های ۱ الی ۱۷ را تشکیل می‌دهد که قبلاً به عنوان جلد ۱ شناخته شده بود. فصل‌های ۱۸ الی ۲۹ جنبه‌های مختلف حساب‌ها را روشن می‌سازد، جزئیاتی را درباره‌ی ارائه‌ی آن‌ها فراهم می‌کند و برخی گسترش‌های ممکن را برای افزایش سودمندی حساب‌ها برای طیف گسترده‌ای از اهداف شرح می‌دهد.

نشریه‌ی کامل SNA ۲۰۰۸ در فرمت الکترونیکی در وب سایت بخش آمار سازمان ملل همراه با پیوند برقرار شده از وب سایت‌های دیگر سازمان‌های بین‌المللیِ عضو ISWGNA در دسترس قرار دارد. ضمناً، نشریه‌ی کامل آن در نسخه‌ی چاپی سنتی نیز منتشر خواهد شد.

در این نشریه سعی شده است تا قابلیت خواندن متن نشریه بهبود داده شود و یک مثال عددی ارائه شود که در سرتاسر متن نشریه بکار گرفته شود تا پیگیری آن آسان‌تر باشد. نسخه‌ی الکترونیکی حاوی هایپرلینک‌هائی به سایر زمینه‌های نشریه و لینک‌های خارجی خواهد بود. با گذشت زمان، لینک‌های زنده به مدارک مربوطه، مثال‌های عددی و بهنگام سازی مربوط به پژوهش‌های در حال انجام درباره‌ی موضوعات کلیدی نیز اضافه خواهد شد.

ب. ویژگی‌های جدید سیستم حساب‌های ملی

در پاسخ به راهنمائی کمیسیون، ویژگی‌های جدید ۲۰۰۸ SNA نحوه برخورد با جنبه‌هائی از اقتصاد را که در سال‌های اخیر برجسته‌تر شده‌اند معرفی می‌کند، نکاتی را که محور توجهات تحلیلی قرار گرفته‌اند تشریح می‌کند و نحوه‌ی برخورد حسابداری ملی را برای طیف گسترده‌ای از موضوعات شفاف سازی می‌کند. ویژگی‌های جدید به پژوهش، تجربه‌ی عملی و، در جائی که مورد داشته باشد، به استانداردهای بین‌المللیِ حسابداری کسب و کار و حسابداری بخش عمومی متکی است. تغییرات بین *SNA ۱۹۹۳* و ۲۰۰۸ SNA دارای گستره‌ی کمتری از تغییراتی است که در ۱۹۹۳ نسبت به نسخه‌ی پیشین آن معرفی شده بود.

ویژگی‌های جدید در پنج گروه عمده طبقه‌بندی می‌شوند: دارائی‌ها؛ بخش مالی؛ جهانی شدن و موضوعات مربوط به آن؛ بخش دولت و بخش عمومی؛ و بخش غیر رسمی. تغییرات کلیدی در درون هریک از گروه‌ها در سطرهای زیرین نشان داده شده است.

دارائی‌ها

نحوه‌ی برخورد حسابداری با دارائی‌هائی که پیش از این "دارائی‌های ملموس تولید شده" نامیده می‌شدند و اکنون به طور توصیفی‌تر "محصولات مالکیت فکری" نامیده می‌شوند شفاف سازی شده و گسترش یافته است. بسیاری از این دارائی‌ها که اغلب به عنوان نشانه‌ای از "اقتصاد جدید" تلقی می‌شود، با ایجاد حقوق مالکیت بر یک شکل یا شکل دیگری از دانش همراه است.

نحوه‌ی برخورد با پایگاه‌های داده و نسخه‌های اصلی و کپی‌های آن اصلاح شده است و اصل برخورد با مخارج تحقیق و توسعه به عنوان تشکیل سرمایه معرفی شده است.

تعریف دارائی‌ها به‌طور کلی مورد بررسی قرارگرفت تا چارچوبی برای بحث‌های مربوط به این نوع دارائی‌ها تنظیم شود. مرور بر دارائی‌ها به اصلاحات متعددی در نحوه‌ی برخورد با دارائی‌های غیرمالی تولید نشده منجر شد که هردو نوع دارائی‌های ملموس (مانند منابع طبیعی) و دارائی‌های ناملموس (اکنون به عنوان قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها نامیده می‌شوند، که می‌توان آن‌ها را در شرایط مشخصی به عنوان دارائی تلقی کرد) را در بر می‌گیرد.

مفهوم تحلیلی خدمات سرمایه معرفی شد. می‌توان برای تولید کنندگان بازاری اطلاعات تفصیلی را در جدول تکمیلی نشان داد تا پیشرفت‌های پژوهشی در دهه‌ی اخیر در زمینه رشد و بهره‌وری در SNA به حساب آورده شود و به برآوردن نیازهای تحلیلی بسیاری از کاربران کمک کند.

بخش مالی

توصیه‌های مربوط به بخش مالی بهنگام سازی شده است تا پیشرفت‌های ایجاد شده را در بخشی از اقتصاد که در بسیاری از کشورها تابع تغییرات سریع بوده است پوشش دهد. ۲۰۰۸ SNAبررسی اجمالی جامع‌تری از خدمات مالی ارائه کرده است.

۱۹۹۳ SNA سال‌ها پیش اصلاح شده بود تا برخی از پیشرفت‌هائی را که طی سال‌های ۱۹۹۰ در مشتقات مالی حاصل شده بود پوشش دهد. کمسیون آمار سازمان ملل در

جلسه خود در مارس ۱۹۹۹ نیز تغییراتی را در نحوه‌ی برخورد با ابزارهای مالی تصویب کرد. یکی از مهم‌ترین تغییرات این بود که محدوده‌ی دارائی‌های مالی گسترش داده شد تا قراردادهای مشتقات مالی را صرف نظر از این که "معامله" در بورس یا خارج از آن رخ دهد در بر گیرد، و تغییر دیگر این بود که جریان‌های مربوط به سوآپ‌های نرخ بهره و قراردادهای نرخ پیمان آتی بجای جریان‌های بهره به عنوان تراکنش‌های مالی ثبت شوند. علاوه بر این‌ها، برخی طبقه‌بندی‌های جدید کارکردی نیز معرفی شدند.

اندازه‌گیری خدمات بیمه‌ی غیرزندگی به منظور فراهم کردن برآوردهای معقول‌تر در رابطه با رخدادهای شدید (نظیر زمین‌لرزه‌ها) که منجر به پرداخت‌های کلان بیمه می‌شوند اصلاح شد.

راهنمای نحوه‌ی برخورد با وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول) شفاف سازی شد.

روش محاسبه‌ی اندازه‌گیری غیرمستقیم خدمات واسطه‌گری مالی که با علامت اختصاری FISIM شناخته شده است، در پی تجربیاتی که از اجرای توصیه‌های *SNA ۱۹۹۳* بدست آمده بود اصلاح شد.

بیشترین گستره‌ی تغییرات در زمینه‌ی مالی به راهنمای ثبت حق برخورداری از بازنشستگی مربوط می‌شود. اکنون SNA بدهی‌های طرح‌های بازنشستگیِ کارفرمایان را صرف نظر از این که منابع مالی برای تأمین آن‌ها وجود داشته باشد یا خیر، به رسمیت می‌شناسد. برای بازنشستگی‌هائی که دولت فراهم می‌کند، کشورها انعطاف‌پذیری‌هائی برای عدول از این قاعده‌ی مجموعه جدول‌های محوری دارند. اما، گستره‌ی کامل اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل فراگیرِ بازنشستگی در یک جدول استاندارد جدید ارائه شده است که بدهی‌ها و جریان‌های مربوط به همه‌ی طرح‌های بازنشستگی خصوصی و عمومی، اعم از تأمین مالی شده یا تأمین مالی نشده و از جمله تأمین اجتماعی را نشان می‌دهد.

جهانی شدن و مسائل مربوطه

نحوه‌ی برخورد با موجودی‌ها و جریان‌های مشخصه‌ی جهانی شدن اقتصادی روشن و شفاف سازی شده است.

نحوه‌ی برخورد با وجوه ارسالی در اثر منتقل شدن اشخاص به خارج، با پوشش دادن جریان‌هائی که به واقعیت اقتصادی نزدیک‌تر هستند، گسترش یافته است.

اعمال اصل تغییر مالکیت کالاها پیامدهای فراگیر در تغییر نحوه‌ی ثبت تجارت بین‌المللی کالاهائی که برای فرآوری به خارج ارسال می‌شوند و نیز به طور مشابه کالاهائی که برای فرآوری به بنگاه‌های دیگری در داخل ارسال می‌شوند و پس از فرآوری به صاحب آن برگردانده می‌شوند ایجاد کرده است. این تغییرات موجب شده است که کانون توجهات از انتقال فیزیکی کالاها به سمت تأثیر در اقتصادِ مالک محصولات و اقتصادِ فرآوری کننده تغییر جهت دهد. پیامدِ این نوع برخورد این است که با تراکنش‌های مالی بین‌المللی که اهمیت آن‌ها به طور روزافزونی در اقتصاد جهانی شده افزایش می‌یابد سازگار است.

با شناخت تغییرات ساختاری تولید و تأمین مالی در بسیاری از اقتصادها، اکنون درباره‌ی چگونگی طبقه‌بندی و برخورد با عملیات "هستارهای دارای هدف ویژه" که گاهی اوقات شرکت‌های سایه یا شرکت‌هائی که فقط دارای تابلویِ سردر هستند نیز نامیده می‌شوند و بوسیله‌ی دولت یا شرکت‌ها ایجاد می‌شوند، در صورتی که به عنوان واحد نهادی شناخته شوند، راهنمائی‌هائی ارائه شده است.

بخش‌دولت و بخش عمومی

اصول متعددی در پاسخ به پیشرفت‌های استانداردهای حسابداری برای دولت، اصلاح و شفاف سازی شده است.

تشخیص بخش دولت و بخش عمومی از دیگر بخش‌های اقتصاد شفاف سازی شده است.

نحوه‌ی برخورد با سود تقسیم شده‌ی فوق‌العاده‌ای که توسط شرکت‌های دولتی پرداخت می‌شوند و تزریق سرمایه در

بنگاه‌های دولتی شفاف سازی شده است.

اصول نحوه‌ی برخورد با مشارکت عمومی خصوصی مشخص شده است و نحوه‌ی برخورد با کارگزاران تجدید ساختار شفاف سازی شده است.

بررسیِ تراکنش‌های بین دولت و شرکت‌های دولتی مربوطه و همچنین حامل‌های تبدیل دیگر دارائی‌های مالی به اوراق بهادار شفاف سازی شده است تا ثبت اقلامی را که می‌تواند دیون دولت را به‌طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر قرار دهد بهبود بخشد.

نحوه‌ی برخورد با طبقات مختلف ضمانت‌های وام شفاف سازی شده است، و شیوه برخورد جدیدی برای ضمانت‌های استاندارد، نظیر ضمانت‌های اعتبار صادرات و ضمانت‌های وام دانشجوئی معرفی شده است.

برخی ویژگی‌های جدید دیگر را که از اهمیت کمتری هم برخوردار نیستند نمی‌توان به آسانی گروه‌بندی کرد. مهم‌ترین آن‌ها شفاف سازی واحدهای فرعی و شرکت‌های هلدینگ و تعیین حسابداری مربوط به اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان است، که از دهه‌ی ۱۹۹۰ در میان کشورها کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده است.

این ویژگی‌های جدید کمک می‌کنند تا اهمیت SNA که مبتنی بر چارچوب استوار آن است در این عصرِ تغییرات سریع اقتصادی و نهادی حفظ شود. بنابراین، تهیه‌ی راهنمای مربوط به قواعد حسابداری، حساب‌ها و جدول‌ها، و یکپارچگی آن‌ها در SNA ۲۰۰۸ را می‌توان با تلاش‌های مستمر برای پیاده-سازی *SNA* ۱۹۹۳ در همه‌ی کشورها سازگار دانست. در این رابطه، چهار نکته‌ی منظور شده در پیشگفتار *SNA* ۱۹۹۳ در رابطه با جامع بودن SNA و وسعت قابلیت اجرای آن نه تنها هنوز حفظ شده است بلکه در SNA ۲۰۰۸ تقویت نیز شده است.

بخش‌غیررسمی

در SNA ۲۰۰۸ یک فصل اختصاصی برای مبحثِ اندازه‌گیری فعالیت‌های انجام شده به صورت غیررسمی در درون خانوار (که بخش غیررسمی نامیده می‌شوند) و فعالیت‌هائی که از اندازه‌گیری آمارهای رسمی گریز دارند (که اقتصاد نامشهود نامیده می‌شوند) وجود دارد.

پ. SNA در چارچوب نظام‌های آماری دیگر

SNA برای حساب‌های ملیِ تقریبا تمام دنیا راهنما ارائه داده است

مرحله‌ی نهائیِ بهنگام سازی *SNA* ۱۹۹۳ زمانی انجام شد که اقتصادهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز پیشین در اواسط سال ۱۹۹۰در حال گذر به اقتصاد بازار بودند. از آن زمان به بعد قابلیت اجرا و استواری SNA در آن اقتصادها نیز ثابت شده است. در *سیستم حساب‌های ملی اروپائی، ۱۹۹۵*، سازگاری‌های لازم به طور گسترده‌ای در رابطه با تعاریف، قواعد حسابداری و طبقه‌بندی‌ها با *SNA* ۱۹۹۳ انجام شده بود. بهنگام سازی فعلی آن نیز که در حال حاضر در دست انجام است، توصیه‌ها و شفاف سازی‌های توافق شده در سطح بین‌المللی برای SNA ۲۰۰۸ را پوشش خواهد داد. نحوه‌ی برخورد جدید با کالاهائی که برای فرآوری ارسال می‌شوند و وجوه ارسالی توسط اشخاصی که در خارج کار می‌کنند به‌طور خاصی به اقتصادهای در حال توسعه مربوط می‌شود که در حال ورود به اقتصاد جهانی هستند. علاوه بر این، احتمال می‌رود دستورالعمل‌های جدید برای در نظر گرفتن موضوعات مشارکت‌های عمومی خصوصی و استفاده از منابع طبیعی توسط غیرمقیم‌ها اهمیت ویژه‌ای برای بسیاری از کشورها داشته باشد.

SNA نیاز به انعطاف‌پذیری را تشخیص داده است

SNA ۱۹۹۳ مفهوم حساب‌های اقماری را وارد کرده است که گامی مهم در جهت انعطاف‌پذیری است. انتظار می‌رود تهیه‌ی حساب‌های اقماری در آینده نیز ادامه یابد تا روش مفیدی برای کار در جهت دستیابی به راه حل‌هائی با سطح اعتماد مناسب از سنجه‌های چالش برانگیز، نظیر سنجه‌های مربوط به مسائل حسابداری محیط زیست ارائه دهد. حساب‌های اقماری به عنوان ابزاری برای گسترش اهمیت حساب‌های ملی بدون تأثیرگذاری بر مقایسه‌پذیریِ چارچوب مرکزیِ مورد استفاده در سیاستگذاری‌ها، وسیله‌ای قابل قبول برای توسعه و آزمون منابع جدید داده‌ها و روش‌های نوین شده است. بعلاوه، SNA ۲۰۰۸ اقلام و جدول‌های "تکمیلی" را نیز معرفی کرده است. واژه‌ی تکمیلی به این دلیل بکار می‌رود که SNA تشخیص می‌دهد آن اقلام ممکن است در برخی از کشورها اهمیت کمی داشته باشند یا اگر نیاز تحلیلی به برخی از جدول‌ها وجود دارد، نمی‌توان آن‌ها را با همان دقت استاندارد به عنوان مجموعه‌ی حساب‌های اصلی تهیه کرد.

SNA نقش محوری حساب‌های ملی را در آمارها تقویت می‌کند

مفاهیم و طبقه‌بندی‌های SNA ۲۰۰۸ با دیگر دستنامه‌ها و استانداردهای بین‌المللی آمار، حتی بیشتر از *SNA* ۱۹۹۳، هماهنگ سازی شده است. یکی از نکات قابل توجه، هماهنگ سازی بسیار نزدیک فرآیندها در طول بهنگام سازی SNA با بازنگری هم‌زمانِ *دستنامه‌ی تراز پرداخت‌ها* است. در فصل مربوط به سنجه‌های قیمت و حجم از کارهای انجام شده از زمان انتشار *SNA* ۱۹۹۳ به بعد در رابطه با برنامه‌ی مقایسه‌ی بین‌المللی و دستنامه‌های بین‌المللی برای شاخص‌های قیمت مصرف کننده و تولید کننده، استفاده شده است. سازگاری نزدیک‌تر با توصیه‌های ارائه شده در قطعنامه‌های گردهمائی بین‌المللی آمارشناسان نیروی کار وجود دارد. فصلی وجود دارد که به بررسی نقش نهادهای غیرانتفاعی در اقتصاد اختصاص داده شده است که از کار انجام شده در این زمینه از زمان انتشار *SNA* ۱۹۹۳ برگرفته شده است. برای حساب‌های محیط زیست، زمینه برای سازگاری با *دستنامه حسابداری ملی: حسابداری یکپارچه‌ی اقتصادی محیط زیست* که انتظار می‌رود به عنوان یک استاندارد بین‌المللی پذیرفته شود، فراهم شده است. به طور مشابه، SNA ۲۰۰۸ با سیستم‌های مهم طبقه‌بندی‌ها، بویژه *طبقه بندی استاندارد بین‌المللی صنعتیِ (رشته‌فعالیتی) تمامی فعالیت‌های اقتصادی*، ویرایش ۴ و طبقه‌بندی محوری محصولات، نسخه‌ی ۲ سازگاری دارد.

پیشرفت‌های بیشتر: دستور کار پژوهش

نخستین مجموعه استانداردهای حسابداری ملی در سال ۱۹۵۳ منتشر شد، و بهنگام سازی‌های عمده‌ی آن در سال‌های ۱۹۶۸، ۱۹۹۳، و اکنون ۲۰۰۸ صورت گرفته است. روشن است که توسعه‌ی حسابداری ملی به صورت مرحله به مرحله و هر ۱۵ تا ۲۰ سال یکبار رخ نمی‌دهد، بنابراین تشخیص بهنگام سازی‌های لازم در SNA فرآیند مستمری است، حتی اگر بازنویسی در مقیاس وسیع فرآیند مستمری نباشد. توسعه SNA بستگی به ترکیبی از تحولات فرآیندهای اقتصادی (نظیر ابزارهای مالی جدید)، پیشرفت در برآوردهای آماری و روش‌های اندازه‌گیری، و بهبود در گردآوری داده‌ها دارد.

برخی از مسائل چالش برانگیز در طول بهنگام سازی فرآیندهای SNA در نظر گرفته شده بود. تصمیمات اتخاذ شده مبتنی بر بهترین اطلاعات و روش‌های موجود در آن زمان بود. هرچند در برخی موارد، هنگامی که SNA بهنگام سازی می‌شد هنوز تحقیقات ادامه داشت و ممکن است نتایج پژوهش‌های در حال انجام نشان دهد که برخی از تصمیمات اتخاذ شده پیش از بهنگام سازی بعدی SNA نیاز به بازنگری دارد.

گروه کاریِ بین دبیرخانه‌ایِ حساب‌های ملی (ISWGNA) تعدادی از زمینه‌های در حال انجام را تعیین کرده است. ISWGNA توصیه کرده است که این موضوعات باید در دستورکار پژوهش حساب‌های ملی در نظر گرفته شود. فهرست اقلامی که نیاز به بررسی دارند، همان‌گونه که در

نتایج فرآیند بهنگام سازی تعیین شده است، در پیوست ۴ ارائه شده است.

ISWGNA مسئولیت پیشبرد کار پژوهش درباره‌ی این موضوعات (و هر موضوع دیگری که پدید آید) را خواهد داشت، ولی متکی به کمک نهادهای مسؤل حساب‌های ملی در سراسر جهان خواهد بود. بسته به نتایج بدست آمده، ممکن است ثابت شود که گنجاندن نتایج حاصل از این پژوهش‌ها در SNA ۲۰۰۸ پیش از بهنگام سازی عمده‌ی آن مفید است.

ت. قدردانی‌ها

SNA ۲۰۰۸ حاصل فرآیندی است که از نظر شفافیت و نیز مشارکت گسترده‌ی جامعه‌ی آماری بین‌المللی قابل توجه بود، که هردوی آن‌ها با استفاده‌ی نوآورانه از وب سایت پروژه به عنوان وسیله‌ی ارتباطی فراهم شد. فرآیند بهنگام سازی از شش مرحله تشکیل شده بود.

در نخستین مرحله از فرآیند، تشخیص و توافق در موضوعاتی که می‌بایست طی دوره‌ی بهنگام سازی (۲۰۰۴-۲۰۰۲) مورد بررسی قرار گیرد؛

انجام تحقیقات درباره‌ی این موضوعات و ارائه‌ی پیشنهادهای طرح تغییر *SNA* ۱۹۹۳؛

بررسی موضوعات و توافق بر توصیه‌های مقدماتی (۲۰۰۴-۲۰۰۲)؛

مشاوره با کشورها درباره‌ی توصیه‌ها (۲۰۰۶)؛

ارائه‌ی یک مجموعه از توصیه‌ها به کمیسیون آمار در سال ۲۰۰۷؛ و

گنجاندن توصیه‌های توافق شده در متن SNA ۲۰۰۸ برای تصویب توسط کمیسیون آمار در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ (۹-۲۰۰۷).

ISWGNA و کارکنان طرح

در فرآیند بهنگام سازی، پنج سازمان بین‌المللی که ISWGNA را تشکیل می‌دهند؛ دیگر سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و غیردولتی، کارکنان طرح، نهادهای مسئول در تهیه آمارهای رسمی در بسیاری از کشورها؛ کارگروه‌ها؛ دیگر گروه‌های کارشناسی و گروه‌های گفتگوی الکترونیکی؛ و متخصصین انفرادی در حساب‌های ملی و زمینه‌های مرتبط از سراسر مناطق دنیا درگیر بودند. همان‌گونه که از محصولی چنین پیچیده با فرآیند پایدار می‌توان انتظار داشت، ۲۰۰۸ SNA نشان دهنده‌ی مشارکت‌های بسیار متنوعی است.

ISWGNA طبق درخواست کمیسیون آمار، مدیریت و هماهنگی فرآیند را به عهده داشت، همان‌گونه که در *SNA* ۱۹۹۳ نیز چنین بود. کمک‌های سازمان‌های عضو ISWGNA به صورت نقدی یا غیرنقدی بود. در رده‌ی بالا نمایندگان عبارت بودند از: (برای اجتناب از تلفظ اشتباه، اسامی افراد به لاتین درج شده است، مترجم)

Pieter Everaers و Laurs Norlund (اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا: Eurostat)

Carol S. Carson و Robert Edwards (صندوق بین‌المللی پول: IMF)

Enrico Giovannini (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه: OECD)

Willem de Vries و Paul Cheung (بخش آمار سازمان ملل متحد)

شیدا بدیعی (بانک جهانی)

حسابداران ملی و دیگر متخصصان سازمان‌های ISWGNA که به طور مرتب در وظایف هماهنگی و رهبری پایدار مشارکت داشتند عبارتند از:

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا: Gallo Gueye، Christian Ravets، Dieter Glatzel و Brian Newson

صندوق بین‌المللی پول: Adriaan Bloem و Kim Zieschang

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه: François Lequiller و Charles Aspden

بخش آمار سازمان ملل متحد: Ivo Havinga، Viet Vu، Magdolna Csizmadia، Gulab Singh، Herman Smith و Annette Becker

کمیسیون سازمان ملل برای اروپا: Bratanova Lidia و Tihomira Dimova

بانک جهانی: Barbro Hexeberg

دیگر کارکنان سازمان‌های عضو ISWGNA که مشارکت پایدار داشتند عبارت بودند از:

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا: Paolo Passerini، Francis Malherbe،Ligia Frankford و John Verrinder

صندوق بین‌المللی پول: Edgar Ayales، Sagé de Clerck، Robert Dippelsman، Dublin Keith، René Fiévet، Cornelis Gorter، Lucie John Joisce، Robert Heath، Ralph Kozlow، Alfredo Leone، Laliberté Jaroslav، Russell Krueger Kucera، Jose-Carlos Moreno، Randall Merris Armida، Lisbeth Rivas، Neil Patterson San Jose، Manik Shrestha و Mick Silver

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه: Nadim Ahmad، William Cave، Jean-Pierre Dupuis، Anders Nordin، و Paul Schreyer

بخش آمار سازمان ملل متحد: Alessandra Alfieri، Antonova Youlia، Ralf Becker و Vetle Hvidsten

کارکنان شاخه‌ی آمارهای اقتصادی بخش آمار سازمان ملل متحد، تحت ریاست Ivo Havinga، به عنوان دبیرخانه ISWGNA تعیین شدند. بخش آمار سازمان ملل متحد وب سایتی برای پروژه ایجاد کرد که هم اکنون نیز آن را حفظ کرده است، اطلاعات بیشتر درباره‌ی مشارکت‌هائی که خلاصه‌ی آن در این پیشگفتار شرح داده می‌شود، در این وب سایت وجود دارد. (آدرس http://unstats.un.org/unsd/nationalaccount/snarev1.asp/ را ببینید). تیمی از گروه توسعه‌ی داده‌ها از بانک جهانی زیر نظر Misha Belkindas پشتیبانی‌های اداری را فراهم کرده بود از جمله این که برای طرح بهنگام سازی SNA، صندوق تراست کمک‌های چند جانبه ایجاد کرده بود.

کارکنان طرح عبارت بودند از: Carol S. Carson، مدیر پروژه از سال ۲۰۰۴ الی فوریه سال ۲۰۰۸، Paul McCarthy، مدیر پروژه از فوریه ۲۰۰۸ و Anne Harrison، ویراستار. Anne در همه‌ی مراحل طرح، آوا شناس (رشته‌ای در زبان شناسی، مترجم) بود و وظایف متعددی را در ویرایش متن ۲۰۰۸ SNA به عهده داشت.

گروه کارشناسان مشاور

گروه کارشناسان مشاور (AEG) در حساب‌های ملی در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد. قرار بر این شد که این گروه با بررسی پیشنهادهای تغییر SNA و ارائه نظرات خود، در فرآیند بهنگام سازی نقش کلیدی داشته باشد. افراد زیر به عنوان اعضای AEG انجام وظیفه کردند: Heidi Arboleda از فیلیپین؛ Ole Berner از دانمارک؛ Mariam Cover Jimenez از کاستاریکا؛ Meshesha Getahun از اتیوپی؛ Omar Mohammad Ali Hakouz از اردن؛ Peter Harper از استرالیا؛ Jan Heller از جمهوری چک؛ Andrey Kosarev از فدرال روسیه؛ Akhilesh C. Kulshreshtha از هندوستان؛ Robin Lynch از بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی؛ Jacques Magniez از فرانسه؛ Reimund Mink از بانک مرکزی اروپا؛ Brent R. Moulton از ایالات متحده آمریکا؛ Chellam

Palanyandy از مـالزی؛ Peter Pariag از ترینیـداد و توبـاگو؛ Johan Prinsloo Johan Prinsloo؛ آفریقـای جنـوبی؛ Roberto Luís Olinto Ramos از برزیـل؛ Irena Tvarijonaviciute، از لیتوانی؛ Peter van de Ven از هلند؛ Karen Wilson از کانادا.

AEG شش بار تشکیل جلسه داد: در فوریه ۲۰۰۴ در واشنگتن به میزبـانی صـندوق بـین‌المللـی پـول؛ در دسـامبر ۲۰۰۴ در نیویورک سیتی به میزبانی بخش آمار سازمان ملل متحـد؛ در جولای ۲۰۰۵ در بانکوک به میزبـانی کمیسـیون اقتصـادی و اجتماعی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسـیه؛ در ژانویـه الـی فوریه ۲۰۰۶ در فرانکفورت به میزبانی بانک مرکزی اروپـا؛ در مارس ۲۰۰۷ در نیویورک سیتی به میزبانی بخش آمار سازمان ملل، و در نوامبر ۲۰۰۸ در واشنگتن به میزبانی بانک جهانی.

مقالات تهیه شده برای بررسی AEG بدنه‌ی اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهد. آن‌ها در وب سایت طرح که در بالا اشاره شد در دسترس قرار خواهد گرفت. نویسندگان مقالات شامل افراد زیـــر بودنـــد: Alessandra ،Nadim Ahmad ،Alfieri ،Adriaan Bloem ،Charles Aspden ،William Cave ،Carol S. Carson ،Stuart Brown Brian ،Robert Dippelsman ،W. Erwin Diewert ،Russel Freeman ،René Fiévet ،Donaghue Jeff ،Antonio Galicia Escotto, ،Jean Galand ،Anne Harrison ،Cornelis Gorter ،Golland ،John Joisce ،Tony Johnson ،Ivo Havinga ،Ralph Kozlow ،Andrew Kitili ،Brett Kaufmann Maier, ،Robin Lynch ،François Lequiller ،Brent R. Moulton ،Reimund Mink ،Christoph Neil ،Patrick O'Hagan ،Anders Nordin Lisbeth ،Jens Reinke ، John Pitzer ،Patterson ،John Ruser ،Philippe de Rougemont ،Rivas ،Paul Schreyer ،Carlos Sánchez Muñoz Gulab ،Manik Shrestha ،Richard Shepherd Philippe ،Pierre Sola ،Herman Smith ،Singh John ،Viet Vu ،Hidetoshi Takeda ،Stauffer Walton و Chris Wright.

دیگر گروه‌های کارشناسی

گروه‌های کارشناس موضوعی که برخی از آن‌هـا گـروه‌هـای دائمی بودند و برخی دیگر گـروه‌هـائی بودنـد کـه مخصـوصِ پیشبرد کارِ بهنگام سازی ایجاد شـده بودنـد، اکثـر تحقیقـات مربوط به موضوعات را انجـام دادنـد و پیشـنهادهای تغییـر را تهیه و نظرات خود را بـه AEG ارائـه کردنـد. ایـن گـروه‌هـا عبارتند از: گروه کانبرا II برای اندازه‌گیری دارائی‌های غیرمالی (Peter Harper، رئیس و Charles Aspden، دبیر)، کـار گروه ویژه IMF-BEA برای طرح‌های بازنشستگی کارفرمایان (Adriaan Bloem و John Ruser، رؤسـای مشـترک، و Brian Donaghue، دبیر)، کارگروه ویـژه‌ی IMF-OECD برای هماهنگ سازی حساب‌های بخش عمومی (Laliberté Lucie، رئیس، و Jean-Pierre Dupuis، دبیر)، کـارگروه ویژه‌ی OECD برای خـدمات مـالی (Ruth Meier، رئـیس و Philippe Stauffer و Anders Nordin، دبیـــر)، کارگروه ویـژه OECD بـرای انـدازه‌گیـری بیمـه غیرزنـدگی (Fenella Maitland-Smith و ســپس François Lequiller، هماهنگ کننده) و کارگروه ویـژه OECD بـرای ارزش‌گـذاری و انـدازه‌گیـری حقـوق سـهامداران (Patrick O'Hagan، هماهنگ کننده). پیوست این پیشگفتار فهرست نویسندگان مقالاتی را که برای موضوعات مورد نظـر تهیـه و برای بررسی توسط اکثر این گروه‌هـا ارائـه شـده بـود، نشـان می‌دهد. کمیته‌ی IMF دربـاره‌ی آمارهـای تـراز پرداخـت‌هـا (Robert Edwards، رئـیس و John Joisce، Manik Shrestha وKitili Andrew ، دبیـر) و زیرگـروه‌هـای آن تعدادی از موضوعات را مورد بررسی قرار دادند که موضـوعات مشترک تهیه‌کنندگان حساب‌های ملی و تراز پرداخت‌هـا بـود. نویسندگان مقالاتِ موضوعاتی که بیشترین ارتباط را با SNA دارند نیز در پیوست پیشگفتار فهرست شده‌اند.

تعدادی از گروه‌های دیگر نیز موضوعات مربوط به SNA را به عنوان بخشی از دستور کار بزرگ خود مورد بررسی قرار دادند. این گروه‌ها عبارتند از: بانک مرکزی اروپـا/ کـارگروه ویـژه‌ی اداره‌ی آمـار اتحادیـه‌ی اروپـا دربـاره‌ی انـدازه‌گیـری آمـاری دارائـی‌هـا و بـدهی‌هـای طـرح‌هـای بازنشسـتگی در دولـت (Eduardo Barredo و Reimund Mink، رئـــیس مشـــترک و John Verrinder، دبیـــر)، گـــروه OECD

کارشناسان ملی درباره‌ی علم و فناوری (Fred Gault، رئیس و Alessandra Colecchia، دبیر)، گروه پاریس درباره‌ی نیروی کار و جبران خدمات (Denis ward، هماهنگ کننده)، گروه دهلی درباره‌ی آمارهای بخش غیررسمی (Pronab Sen، رئیس)، گروه کارشناسی آمارهای صنعتی (رشته فعالیتی) (Ivo Havinga، رئیس و viet vu و Gulab Singh، دبیر)، گروه کارشناسی طبقه‌بندی‌ها (Ivo Havinga، رئیس و Ralf Becker، دبیر). و زیرگروه فنی سازمان ملل برای تغییر محل افراد– سبک ۴ (Ivo Havinga، رئیس و Alessandra Alfieri، دبیر).

مشاوره‌های دیگری نیز این فرآیند را بهره‌مند می‌ساخت. این‌ها عبارت بودند از: جلسات گروه‌های کاری سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و اداره‌ی آمار اتحادیه اروپا، جلسات و کارگاه‌های آموزشی حساب‌های ملی توسط کمیسیون‌های منطقه‌ای سازمان ملل، و انجمن بین‌المللی برای پژوهش در درآمد و ثروت.

مشارکت کشورها

نهادهای مسئولِ تهیه‌ی آمارهای رسمی به شیوه‌های مختلف مشارکت داشتند. در نخستین مشارکت، رؤسای ادارات آمار از طریق شرکت در کمیسیون آمار برای توافق با مدیریت فرآیند بهنگام سازی و سپس شکل دهی فهرست موضوعاتی که باید در بهنگام سازی مد نظر قرار گیرد، مشارکت کردند.

دوم، کشورها به حد بی‌سابقه‌ای درباره‌ی توصیه‌های مقدماتی برای تغییرِ SNA نظراتی را ارائه دادند. پس از هر جلسه، توصیه‌های AEG به ادارات ملی آمار و بانک‌های مرکزی مرتبط همراه با دعوت‌نامه برای اظهار نظر ارسال می‌شد. بعد از هر دور ارسالِ توصیه‌ها، تعداد ۴۰ الی ۶۰ کشور نظرات خود را اعلام می‌کردند. همه‌ی این اظهار نظرها، که در وب سایتِ طرحِ بهنگام سازی قرار داده شده‌اند، درباره دلایل حمایت یا مخالفت کشورها از توصیه‌هائی که برای اظهار نظر ارسال شده بودند؛ و نیز نظرات آن‌ها درباره‌ی اجرای توصیه‌ها، و ایده‌های مربوط به نوع راهنماهائی که در بهنگام سازی SNA انتظار دارند به آن‌ها دست یابند، منبع اطلاعاتی غنی فراهم ساخته است.

سوم، کشورها اظهار نظرهائی را درباره پیش نویس فصل‌های مختلف ارائه دادند. در حدود ۷۰ کشور درباره‌ی پیش نویس نهائی جلد ۱ طی آوریل و مه ۲۰۰۸ و درباره‌ی جلد ۲ در ژانویه و فوریه ۲۰۰۹ اظهار نظرهائی را ارائه دادند. چهارم، تعدادی از ادارات آمار کمک‌های غیرنقدی، نظیر صرف زمان برای برگزاری جلسات با اعضای AEG (و همچنین هزینه سفر برای اعضای کشورهای درحال توسعه در AEG) فراهم کردند.

سرانجام، گروهی از ادارات ملی آمار و بانک‌های مرکزی طرح بهنگام سازی را با کمک‌های مالی حمایت کردند. این کمک‌ها از طرف اداره‌ی آمار سوئد، اداره‌ی آمار استرالیا، اداره‌ی آمار کانادا، بانک مرکزی قبرس، بانک مرکزی قزاقستان، اداره‌ی آمار هلند، اداره‌ی ملی آمار انگلستان، اداره‌ی تحلیل‌های اقتصادی ایالات متحده‌ی آمریکا انجام شد.

یادداشت‌ها

۱. گزارش اجلاس سی و نهم کمیسیون آمار (سند E/2008/24 و E/CN.3/2008/34) را در آدرس زیر ببینید:
http://unstats.un.org/unsd/statcom/doc08/Report-English.pdf

۲. اشاره به عنوان *SNA ۱۹۹۳ Rev. 1* در زمان اجلاس کمیسیون آمار سازمان ملل متحد

۳. گزارش اجلاس چهلم کمیسیون آمار (سند E/2009/24 و E/CN.3/2009/29) را در آدرس زیر ببینید:
http://unstats.un.org/unsd/statcom/doc09/Report-English.pdf

منابع

کمیسیون اتحادیه‌ی اروپا، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، سازمان ملل متحد و بانک جهانی، *سیستم حساب‌های ملی ۱۹۹۳*. بروکسل/ لوگزامبورگ، واشنگتن دی. سی.، پاریس، نیویورک، ۱۹۹۳. انتشارات سازمان ملل متحد، شماره فروش E.94.XVII.4.

کمیسیون کمیته‌های اروپا، سیستم حساب‌های ملی اروپا ۱۹۹۵، لوگزامبورگ، ۱۹۹۹.

صندوق بین‌المللی پول، *تراز پرداخت‌ها و دستنامه وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری بین‌المللی*، چاپ ششم. واشنگتن دی. سی.، ۲۰۰۹

کمیسیون کمیته‌های اروپا، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، سازمان ملل متحد و بانک جهانی. *دستنامه‌ی حسابداری ملی: حسابداری یکپارچه‌ی اقتصادی و محیط زیستی ۲۰۰۳*. لوگزامبورگ، واشنگتن دی. سی.، پاریس، نیویورک، ۲۰۰۳.

سازمان ملل متحد، طبقه بندی استاندارد بین‌المللی صنعتی (رشته‌فعالیتی) تمامی فعالیت‌های اقتصادی ویرایش ۴. نیویورک، ۲۰۰۸. انتشارات سازمان ملل متحد، شماره فروش E.08.XVII.25،

سازمان ملل متحد، طبقه‌بندی محوری محصولات، نسخه‌ی ۲. نیویورک، ۲۰۰۸. انتشارات سازمان ملل متحد، شماره‌ی فروش E.08.XVII.7.

پیوست: نویسندگان مقالات موضوعی تهیه شده برای کارگروه ویژه، گروه‌ها و کمیته‌های بررسی کننده‌ی موضوعات بهنگام سازی SNA

گروه کانبرا II برای اندازه‌گیری دارائی‌های غیرمالی

Ariel Coremberg، Lauren Binns، Dirk van den Bergen، Desmond Beckstead، John R. Baldwin، Charles Aspden، Nadim Ahmad، Guy Gellatly، Barbara Fraumeni، Emma Edworthy، W. Erwin Diewert، Martin Daniels، Mariam Cover Jimenez، Carol Corrado، Peter Hill، Richard Hemming، Ivo Havinga، Anne Harrison، Peter Harper، Michael Harper، Mark de Haan، Dominique Guellec Christophe ،Robin Lynch، François Lequiller، Andreas Kuipers، Tony Johnson، Vetle Hvidsten، Ning Huang، Charles Hulten، Dean Parham، Sumiye Okubo، Carl Obst، Carol Moylan، Brent Moulton، Franciso Moris، Ian McPhee، Pablo Mandler، Maier Paul ،Oda Schmalwasser، Salem، Paul Romanis، Antoine Rose، Carol Robbins، Marshall Reinsdorf، John Pitzer ،Soli Peleg van de Ven، André Vanoli، Jeff Tyndall، Luke Thompson، Leo Sveikauskas، Zuzana Stara، Yusuf Siddiqi، Daniel Sichel، Schreyer Peter، John Verrinder و Viet Vu.

کمیته‌ی صندوق بین‌المللی پول برای آمارهای تراز پرداخت‌ها

John ،Robert Heath، Jean Galand، René Fiévet، Antonio Galicia-Escotto، Robert Edwards، Robert Dippelsman، Stuart Brown، Pierre Sola، Manik Shrestha، Richard Shepherd، Neil Patterson, Jens Reinke، Carlos Sanchez Munoz، Andrew Kitili، Joisce Hidetoshi Takeda و Chris Wright.

کارگروه ویژه‌ی صندوق بین‌المللی پول- اداره‌ی تحلیل‌های اقتصادی ایالات متحده‌ی آمریکا برای طرح‌های بازنشستگی کارفرمایان

Jacques ،François Lequiller، Ramesh Kolli، Tony Johnson، Anne Harrison، Peter Harper، Dieter Glatzel، Ole Berner، Bo Bergman، Magniez ،Tonya Manning، Reimund Mink، Tulsi Ram، Marshall Reinsdorf، Ingber Roymans، Peter Van de Ven و J. S. Venkateswarlu.

کارگروه ویژه‌ی صندوق بین‌المللی پول- سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای هماهنگ سازی حساب‌های بخش عمومی

Tim Dobbs، Sagé De Clerck، Giseal Csonka، Ian Carruthers، Paula Burges، Søren Brodersen، Matthew Bohun، Bruce Baker، Graham ،Richard Hemming، Christopher Heady، Ivo Havinga، Betty Gruber، Jeff Golland، Keith Dublin، Jean-Pierre Dupuis Lucie ،Robert Kilpatrick، Reimund Mink، Jacques Magniez، François Lequiller، Robert Keys، Brett Kaufmann، Jenkinson Philippe de Rougemont، Brooks Robinson، Tulsi Ram، John Pitzer، Iana Paviola، Ian Mackintosh، François Lequiller، Laliberté Veronique Row، André Schwaller، Richard Shepherd و Paul Sutcliffe، Ken Warren، Kurt Wass، و Graham Watkins.

کارگروه ویژه‌ی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای خدمات مالی

Dennis Fixler، Anne Harrison، Anders Nordin، Paul Schreyer، Philippe Stauffer، John Turnbull و John Walton.

کارگروه ویژه‌ی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای اندازه‌گیری بیمه‌ی غیرزندگی

Robert Dippelsman، Fenella Maitland-Smith، François Lequiller، Anne Harrison، Ingber Roymans، Gabe H. de Vries و John Walton.

حروف اختصاری

ABO	Accrued benefit obligation	تعهد مزایای انباشته شده (تعلق گرفته)
ADB	Asian Development Bank	بانک توسعه‌ی آسیائی
AEG	Advisory Expert Group on National Accounts	گروه مشاوره‌ی کارشناسی حساب‌های ملی
AMNE	Activities of Multinational Enterprises	فعالیت‌های بنگاه‌های چند ملیتی
BD	OECD Benchmark Definition on Foreign Direct Investment	تعریف مرجع از سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
BIS	Bank for International Settlements	بانک تسویه‌ی حساب‌های بین‌المللی
BOOT	Build, own, operate, transfer	طرح احداث، تملک، بهره برداری، انتقال مالکیت
BOP	Balance of payments	تراز پرداخت‌ها
BPM	Balance of Payments and International Investment Position Manual	دستنامه‌ی تراز پرداخت‌ها و وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری بین‌المللی
CIF	Cost, insurance and freight	بهای کالا، بیمه و هزینه‌ی حمل و نقل
CISSTAT	Interstate Statistical Committee of the Commonwealth of Independent States	کمیته‌ی آماری بین دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع
COFOG	Classification of the Functions of Government	طبقه بندی کارکردهای دولت
COICOP	Classification of Individual Consumption by Purpose	طبقه بندی مصرف فردی بر اساس هدف
COLI	Cost of living index	شاخص هزینه‌ی زندگی
COPNI	Classification of the Purposes of Non-profit Institutions Serving Households	طبقه بندی هدف‌های نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها
COPP	Classification of Outlays of Producers by Purpose	طبقه بندی خرج‌های تولیدکنندگان براساس هدف
CPC	Central Product Classification	طبقه‌بندی محوری محصولات

CPD	Country-product-dummy (method)	روش محصول ساختگی (مجازی) کشوری
CPI	Consumer price index	شاخص قیمت مصرف کننده
PLI	Comparative price level indices	شاخص‌های مقایسه‌ای سطح قیمت
DBMS	Database management system	سیستم مدیریت پایگاه داده‌ها
ED	Exposure draft	پیش نویسِ اعلام عمومی
EDG	Electronic Discussion Group	گروه گفتگوی الکترونیکی
EEZ	Exclusive economic zone	منطقه‌ی اقتصادی انحصاری
EKS	Eltetö-Köves-Szulc (method)	روش التیتو–کووِز– زولک
Eurostat	Statistical Office of the European Communities	اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا
ESO	Employee stock option	اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان
FATS	Foreign AffiliaTe Statistics	آمارهای تابعه‌های خارجی
FDI	Foreign direct investment	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
FDIR	Framework for Direct Investment Relationships	چارچوبی برای روابط سرمایه‌گذاری مستقیم
FISIM	Financial intermediation services indirectly measured	خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به‌طور غیرمستقیم
FOB	Free on board	تحویل روی عرشه‌ی کشتی (فوب)
FP	Fisher price index	شاخص قیمت فیشر
FPI	For-profit institution	نهادهای انتفاعی
FQ	Fisher volume index	شاخص حجم فیشر
FRA	Forward rate agreement	قرارداد نرخ پیمان آتی
GDI	Gross domestic income	درآمد ناخالص داخلی
GDP	Gross domestic product	محصول ناخالص داخلی
GFS	Government finance statistics	آمارهای مالی دولت
GFSM	Government Finance Statistics Manual	دستنامه آمارهای مالی دولت
GK	Geary Khamis (method)	روش گی‌یری خامیس

GNI	Gross national income	درآمد ناخالص ملی
GVATI	Gross value added of the tourism industry	ارزش‌افزوده‌ی صنعت (رشته‌فعالیت) گردشگری
HS	Harmonized commodity description and coding System	سیستم هماهنگ توصیف و کدگذاری کالا
IASB	International accounting standards board	هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری
IC	Insurance corporation	شرکت بیمه
ICLS	International Conference of Labour Statisticians	گردهمائی بین‌المللی آمارشناسان نیروی کار
ICNPO	International Classification of Non-Profit Organizations	طبقه‌بندی بین‌المللی سازمان‌های غیرانتفاعی
ICP	International Comparison Program	برنامه مقایسه‌ی بین‌المللی
ICPF	Insurance corporations and pension funds	شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی
ICSE	Resolution concerning the International classification of Status in Employment	قطعنامه مربوط به طبقه بندی بین المللی وضعیت اشتغال
ICT	Information, communication and telecommunications	اطلاعات، ارتباطات و مخابرات
IFRS	International Financial Reporting Standards	استانداردهای بین‌المللی گزارش‌دهیِ مالی
IIP	International investment position	وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری بین‌المللی
ILO	International Labour Organization	سازمان بین‌المللی کار
IMF	International Monetary Fund	صندوق بین‌الملل پول
IMTS	International Merchandise Trade Statistics: Concepts and Definitions	آمارهای معاملات بازرگانی بین‌المللی:تعاریف و مفاهیم
IPSASB	International Public Sector Accounting Standards Board	هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی
ISIC	International Standard Industrial Classification of All Economic Activities	طبقه بندی استاندارد بین‌المللی صنعتی (رشته‌فعالیتی) تمامی فعالیت‌های اقتصادی
ISWGNA	Inter-Secretariat Working Group on National Accounts	گروه کاریِ بین دبیرخانه‌ایِ حساب‌های ملی
ITC	Invitation to comment	دعوت به اظهار نظر
KAU	Kind-of-activity unit	واحد مبتنی بر نوع فعالیت

KLEMS	Capital-labour-energy-materials-service inputs	نهاده‌های سرمایه– کار– انرژی– مواد– خدمت
LP	Laspeyres price index	شاخص قیمت لاسپیرز
LQ	Laspeyres volume index	شاخص حجم لاسپیرز
MFP	Multifactor productivity	بهره‌وری چندعاملی
MFSM	Monetary and Financial Statistics Manual	دستنامه‌ی آمارهای پولی و مالی
MMF	Money market fund	صندوق بازار پولی
MNE	Multinational enterprise	بنگاه‌های چند ملیتی
MPI	Import price index	شاخص قیمت واردات
MSITS	Manual on Statistics of International Trade in Services	دستنامه‌ی آمارهای تجارت بین‌المللی در خدمات
n.e.c.	Not elsewhere classified	طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
NDP	Net domestic product	محصول خالص داخلی
n.i.e.	not included elsewhere	درج نشده در جای دیگر
NIF	Note issuance facility	تسهیلات انتشار اوراق
NNDI	Net national disposable income	درآمد خالص قابل تصرف ملی
NNI	Net national income	درآمد خالص ملی
NOE	Non-Observed Economy	اقتصاد نامشهود
NPI	Non-profit institution	نهاد غیرانتفاعی
NPISH	Non-profit institution serving households	نهاد غیرانتفاعی در خدمت خانوارها
NPV	Net present value	ارزش حال خالص
OECD	Organisation for Economic Cooperation and Development	سازمان همکاری اقتصادی و توسعه
OEEC	Organisation for European Economic Cooperation	سازمان اقتصادی اروپا
PAYE	Pay-as-you-earn	پرداخت به محض دریافت درآمد
PBO	Projected benefit obligation	تعهد مزایای پیش‌بینی شده

PF	Pension fund	صندوق بازنشستگی
PFI	Private finance initiative	طرح تأمین مالی خصوصی
PIM	Perpetual inventory method	روش موجودی‌گیری دائمی
PP	Paasche price index	شاخص قیمت پاشه
PPI	Producer price index	شاخص قیمت تولید کننده
PPP	Public/private partnership	مشارکت عمومی و خصوصی
PPP	Purchasing power parity	برابری قدرت خرید
PQ	Paasche volume index	شاخص حجم پاشه
R&D	Research and development	تحقیق و توسعه
SAM	Social accounting matrix	ماتریس حسابداری اجتماعی
SDR	Special drawing right	حق برداشت ویژه
SEEA	System of Environmental and Economic Accounts	سیستم حساب‌های اقماری محیط زیستی و اقتصادی
SHA	System of Health Accounts	سیستم حساب‌های سلامت
SITC	Standard Industrial Trade Classification	طبقه‌بندی استاندارد (صنعتی) رشته‌فعالیتی تجارت
SNA	System of National Accounts	سیستم حساب‌های ملی
SPD	Structured product description	شرح محصول ساخت‌مند
SPE	Special purpose entity	هستارهای دارای هدف ویژه
TDGDP	Tourism direct gross domestic product	محصول ناخالص داخلی مستقیم گردشگری
TDGVA	Tourism direct gross value added	ارزش‌افزوده‌ی ناخالص مستقیم گردشگری
TFP	Total factor productivity	بهره‌وری چند عاملی
TP	Törnqvist price index	شاخص قیمت تورن‌کویست
TQ	Törnqvist volume index	شاخص حجم تورن‌کویست
TSA	Tourism satellite account	حساب اقماری گردشگری
UJV	Unincorporated joint venture	سرمایه‌گذاری مشترک غیرشرکتی

UNECE	United Nations Economic Commission for Europe	کمسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا
UNESCAP	United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific	کمیسیون اقتصادی و اجتماعی برای آسیا و اقیانوسیه
UNSD	United Nations Statistics Division	بخش آمار سازمان ملل متحد
WHO	World Health Organization	سازمان بهداشت جهانی
XMPI	Export and import price indices	شاخص قیمت صادرات و واردات
XPI	Export price index	شاخص قیمت صادرات

فصل ۱: مقدمه

الف. سیستم حساب‌های ملی چیست؟

۱-۱ سیستم حساب‌های ملی (SNA) مجموعه‌ای استاندارد از توصیه‌های توافق شده در سطح بین‌المللی است که چگونگی اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی طبق پیمان‌های دقیق حسابداری بر اساس اصول اقتصادی را بیان می‌کند. این توصیه‌ها به صورت مجموعه‌ای از تعاریف، مفاهیم، طبقه‌بندی‌ها و قواعد حسابداری بیان شده‌اند که از استانداردهای توافق شده‌ی بین‌المللی برای سنجش اقلامی نظیر محصول ناخالص داخلی (GDP)، به عنوان رایج‌ترین شاخص کارکرد اقتصاد، تشکیل یافته‌اند. چارچوب حسابداری SNA این امکان را فراهم می‌کند که داده‌های اقتصادی را گردآوری و هم‌افزود (تجمیع) کرده و در چارچوبی که به منظور تحلیل، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اقتصادی طراحی شده است، ارائه داد. حساب‌ها به تنهائی گستره‌ای از اطلاعات تفصیلی سازمان یافته‌ای را که مبتنی بر اصول و دیدگاه‌های اقتصادی هستند به صورت فشرده درباره کارکرد یک اقتصاد ارائه می‌دهند. این حساب‌ها اطلاعات ثبت شده‌ی فراگیر و مفصلی از فعالیت‌های پیچیده‌ی اقتصادی را که در درون یک اقتصاد انجام می‌گیرند، و همچنین روابط متقابل بین کارگزاران یا گروهی از کارگزاران اقتصادی را که در بازار یا محل دیگری بوجود می‌آیند، فراهم می‌کنند. چارچوب SNA حساب‌هائی را ارائه می‌دهد که:

الف. فراگیر هستند، به این معنی که در آن تمامی فعالیت‌های تعیین شده و پیامدهای ناشی از آن‌ها برای همه‌ی کارگزاران یک اقتصاد پوشش داده می‌شوند.

ب. سازگار هستند، زیرا برای تعیین تمامی پیامدهای یک عمل واحد در تمامی طرف‌های مربوطه، از ارزش‌های مساوی با قواعد حسابداری یکسانی استفاده می‌شود.

پ. یکپارچه هستند، به این معنی که در آن‌ها تمامی پیامدهای یک اقدام واحد توسط یک کارگزار اقتصادی، الزاماً در حساب‌های حاصل منعکس می‌شوند، که شامل پیامدهای آن در سنجش ثروت موجود در ترازنامه‌ها نیز می‌شود.

۱-۲ حساب‌های SNA فراتر از تصویر لحظه‌ای از اقتصاد در یک نقطه از زمان را ارائه می‌دهند، زیرا در عمل این حساب‌ها برای یک سری از دوره‌های زمانی تهیه می‌شوند، از این رو، جریان مداومی از اطلاعاتی را فراهم می‌کنند که برای پایش، تحلیل و ارزیابی عملکرد یک اقتصاد در طول زمان ضروری و اجتناب ناپذیر است. SNA نه تنها اطلاعاتی درباره‌ی فعالیت‌های اقتصادی انجام شده در یک دوره از زمان را ارائه می‌دهد بلکه اطلاعاتی را نیز درباره سطح دارائی‌ها و بدهی‌های یک اقتصاد و به تبع آن، ثروت ساکنان آن اقتصاد در یک لحظه خاص از زمان فراهم می‌کند. علاوه بر این SNA دارای یک حساب خارجی است که ارتباط بین یک اقتصاد و دنیای خارج رانشان می‌دهد

۱-۳ در SNA برخی از آمارهای هم‌افزوده‌های کلیدی، نظیر GDP که به‌طور گسترده‌ای به عنوان نماگرهای فعالیت‌های اقتصادی در سطح کل اقتصاد به کار می‌روند، تعریف شده‌اند ولی مدت زمان طولانی است که دیگر هدف اصلی سیستم از تهیه حساب‌ها محاسبه این هم‌افزوده‌ها نیست. برای درک چگونگی کارکرد اقتصاد، توانائی در مشاهده و تحلیل روابط متقابل ایجاد شده بین بخش‌های مختلف اقتصاد، امری ضروری است. SNA به‌گونه‌ای طراحی شده است که در سطح‌های مختلف هم‌افزود (تجمیع): در سطح کارگزاران اقتصادی منفرد، یا واحدهای نهادی به‌گونه‌ای که در SNA نامیده شده‌اند؛ برای گروه‌هائی از این واحدها، یا بخش‌های نهادی؛ یا در سطح کل اقتصاد قابل اجرا باشد.

۱-۴ SNA برای تحلیل‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی با هر نوع ساختار صنعتی (رشته‌فعالیتی) یا هر مرحله از توسعه اقتصادی یک کشور، طراحی شده است. تعاریف و مفاهیم پایه‌ای SNA متکی بر اصول و منطق اقتصادی هستند که لازم است از نظر جهانی معتبر بوده و نسبت به شرایط خاص اقتصادی که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرند، متغیر نباشند. همچنین طبقه‌بندی‌ها و قواعد حسابداری توصیه شده در آن نیز باید در سطح جهانی قابل اعمال باشند. هیچ توجیهی وجود ندارد که مثلاً قسمت‌هائی از SNA در اقتصادهای کمتر توسعه یافته نسبت به اقتصادهای توسعه یافته‌تر، یا در اقتصادهای بزرگ نسبتاً بسته نسبت به اقتصادهای کوچک باز، یا اقتصادهای با تورم بالا نسبت به اقتصادهای با تورم پائین، به‌گونه‌ی متفاوتی تعریف شوند. برخی از تعاریف، یا قواعد حسابداری که در SNA مشخص شده‌اند ممکن است در بعضی شرایط (مثلاً در شرایطی که تورم وجود ندارد) غیرضروری بنظر برسند، ولی برای یک سیستم عمومی ضروری است که تعاریف، مفاهیم و قواعدی را در برداشته باشد که طیف گسترده‌ای از وضعیت‌ها را در حد امکان پوشش دهد.

۱-۵ برخی از کشورها در ابتدا ممکن است قادر باشند فقط تعداد کمی از حساب‌ها و جدول‌ها را بدون تفصیل یا با تفصیل کمتری در سطح بخش‌ها برای کل اقتصاد محاسبه کنند، ولی مجموعه کوچکی از حساب‌ها و جدول‌ها نمی‌تواند یک سیستم جانشین به حساب آید. هنگامی‌که شرایط اقتصادی از کشوری به کشور دیگری به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌کند، درست نیست که برای گردآوری داده‌ها اولویت‌های عمومی تعیین شود. در عمل، در هر کشوری اولویت‌ها را فقط سیاست گذاران یا تحلیل‌گران اقتصادی آشنا با وضعیت خاص اقتصادی، نیازها و مسائل آن کشور می‌توانند تعیین کنند. تلاش برای تعیین اولویت‌های عمومی، مثلاً برای کشورهای در حال توسعه با توجه به اینکه گروه بسیار ناهمگونی را در سطح جهانی تشکیل می‌دهند، مفید نخواهد بود. اولویت داده‌ها بین دو کشور در حال توسعه همان قدر ممکن است متفاوت باشد که بین یک کشور در حال توسعه و یک کشور توسعه یافته یا بین دو کشور توسعه یافته متفاوت است.

ب. عناصر مفهومی SNA

۱-۶ SNA اندازه‌گیری می‌کند که چه چیزی بین کدام کارگزاران اقتصادی و برای چه منظوری در اقتصاد رخ می‌دهد. در قلب SNA تولید کالاها و خدمات قرار دارد. کالاها و خدمات می‌توانند برای مصرف در دوره‌ای که حساب‌ها به آن مربوط هستند، استفاده شوند یا برای استفاده در دوره‌های بعدی انباشته شوند. به زبان ساده، میزان ارزش افزوده ایجاد شده از طریق تولید، GDP را نشان می‌دهد. درآمد حاصل از GDP بین کارگزاران یا گروه‌هائی از کارگزاران اقتصادی، به عنوان درآمد توزیع می‌شود و این فرآیند توزیع و باز توزیع درآمد است که اجازه می‌دهد یک کارگزار اقتصادی کالاها و خدمات تولید شده توسط دیگر کارگزار اقتصادی را مصرف کند یا آن‌ها را برای مصرف بعدی ذخیره کند. روشی که در آن SNA این الگوی جریان‌های اقتصادی را نشان می‌دهد، تشخیص فعالیت‌های مربوط از طریق شناسائی واحدهای نهادی در اقتصاد و همچنین از طریق تعیین ساختار حساب‌های در برگیرنده تراکنش‌های مرتبط با یک یا چند مرحله از فرآیندی است که کالاها و خدمات از طریق آن‌ها تولید و در نهایت مصرف می‌شوند. این مفاهیم در زیر شرح داده شده است و در فصل ۲ و فصل‌های بعدی نیز با تفصیل بیشتری توضیح داده خواهد شد.

۱. فعالیت‌ها و تراکنش‌ها

۱-۷ SNA برای این طراحی شده است تا اطلاعاتی را درباره رفتار واحدهای نهادی و فعالیت‌هائی که به آن اشتغال دارند، یعنی تولید، مصرف و انباشت دارائی، به صورتی که از نظر تحلیلی

مفید است، فراهم کند. این امر از طریق ثبت مبادله کالاها، خدمات و دارائی‌ها بین واحدهای نهادی به شکل تراکنش میسر می‌شود. هم زمان با آن، تراکنش‌های دیگری نیز ثبت می شوند که نحوه پرداخت برای مبادله انجام شده را نشان می‌دهند که ممکن است کالا، خدمت یا یک دارائی هم ارزش با آن‌ها باشد، ولی اغلب به شکل یک نوع از تعهد مالی مثل اسکناس و سکه است.

۸-۱ داده‌های مربوط به تراکنش‌ها، منابع اولیه‌ای را فراهم می‌کنند که از آن‌ها ارزش عناصر مختلف حساب‌ها ساخته یا استخراج می‌شوند. استفاده از داده‌های مربوط به تراکنش‌ها مزیت‌های مهمی را در بر دارد. مزیت اول این است که قیمت‌هائی که براساس آن‌ها کالاها و خدمات در تراکنش‌های بین خریداران و فروشندگان در بازار مبادله می‌شوند، اطلاعاتی را ارائه می‌دهند که مستقیماً یا به طور غیر مستقیم برای ارزش گذاری تمامی اقلام موجود در حساب‌ها مورد نیاز است. دوم این که تراکنشی که بین دو واحد نهادی مختلف رخ می‌دهد، باید برای دو طرف تراکنش ثبت شود و بنابراین در یک سیستم حساب‌های کلان هر قلم معمولاً دوبار ظاهر می‌شود. این امر باعث می‌شود که ارتباطات مهمی در SNA برقرار شود. برای مثال، ستانده از طریق جمع کردن مقدار فروخته شده، معامله پایاپای یا انتقالات به واحدهای نهادی دیگر بعلاوه مقدار وارد شده به انبار، منهای خارج شده از انبار، بدست می‌آید. در واقع، ارزش ستانده از طریق ثبت مصارف گوناگون آن ستانده با استفاده از داده‌های تراکنش‌ها بدست می‌آید. در این روش، جریان کالاها و خدمات را می‌توان در سرتاسر سیستم اقتصادی از تولید کنندگان تا مصرف کنندگان نهائی آن‌ها، ردیابی کرد. برخی از تراکنش‌ها فقط تراکنش‌های حسابداری داخلی هستند و هنگامی لازم می‌شوند که واحدی به دو نوع فعالیت، نظیر تولید و مصرف همان کالا یا خدمت اشتغال داشته باشد، ولی در عمل، حجم بزرگی از تراکنش‌ها بین واحدهای گوناگون در بازارها رخ می‌دهند.

۲. بخش‌های نهادی اقتصاد

۹-۱ در SNA دو نوع واحد نهادی، یا تراکنش‌گر اصلی از یکدیگر متمایز شده است: خانوارها و هستارهای حقوقی. هستارهای حقوقی، هستارهائی هستند که یا به قصد تولید ایجاد می‌شوند که عمدتاً شرکت‌ها و نهادهای غیر انتفاعی (NPI) را تشکیل می‌دهند یا هستارهائی که از طریق فرآیندهای سیاسی ایجاد می‌شوند که عمدتاً واحدهای دولتی هستند. ویژگی تعیین کننده یک واحد نهادی این است که مستقلاً قادر به تملک کالاها و دارائی‌ها، تعهد بدهی‌ها و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی و تراکنش با واحدهای دیگر باشد.

۱۰-۱ برای مقاصد SNA، واحدهای نهادی مقیم در یک اقتصاد در پنج بخش متقابلاً ناسازگار متشکل از انواع واحدهای زیر گروه بندی شده‌اند:

الف. شرکت‌های غیرمالی،

ب. شرکت‌های مالی،

پ. واحدهای دولتی که صندوق‌های تأمین اجتماعی را نیز دربر می‌گیرند،

ت. نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISHs)

ث. خانوارها

پنج بخش فوق با هم کل اقتصاد را تشکیل می‌دهند. هر بخش را می‌توان به زیر بخش‌هائی تقسیم کرد، به عنوان مثال، بخش‌های شرکت‌های مالی و غیرمالی را می‌توان برحسب کنترل دولت یا برحسب خارجی یا داخلی بودن آن‌ها به زیر بخش‌هائی تقسیم کرد. SNA امکان تهیه‌ی مجموعه‌ی کاملی از حساب‌های جریانی و ترازنامه‌ها را برای هر یک از بخش‌ها و در صورت نیاز برای زیر بخش‌های اقتصاد، و نیز برای کل اقتصاد فراهم می‌کند. بنابراین تعداد کل حساب‌هائی که می‌توان تهیه کرد، بسته به سطح تفصیلی مورد نیاز و امکان پذیر بودن آن‌ها، بالقوه بسیار زیاد است. تنها با تفکیک کردن بخش‌ها و زیر بخش‌ها می‌توان روابط متقابل بین قسمت‌های مختلف اقتصاد را که برای مقاصد سیاستگذاری نیاز به اندازه‌گیری و تحلیل دارند، مشاهده کرد.

۱-۱۱ واحدهای نهادی که مقیم خارج هستند دنیای خارج را تشکیل می‌دهند. SNA تهیه‌ی حساب‌های مربوط به فعالیت‌های اقتصادی انجام شده در دنیای خارج را ضروری نمی‌داند، ولی برای این که حسابداری کاملی برای رفتار اقتصادی واحدهای مقیم بدست آید، لازم است تمامی تراکنش‌های بین واحدهای مقیم و غیرمقیم ثبت شوند. تراکنش‌های بین مقیم‌ها و غیر مقیم‌ها همگی در یک حساب واحد بنام حساب دنیای خارج گرد هم آورده شده‌اند.

۳. حساب‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مربوط به آن‌ها

۱-۱۲ در این بخش خلاصه‌ی بسیار کوتاهی از حساب‌های SNA ارائه می‌شود. قضاوت در باره غنای ارزش اطلاعات موجود در SNA در چنین فرصت کوتاهی غیر ممکن است و برای نگاهی فراگیر به این موضوع، به فصل ۲ ارجاع داده می‌شود.

حساب کالاها و خدمات

۱-۱۳ اساس SNA بر این اتحاد استوار است که کالاها و خدماتی که در اقتصاد تولید می‌شوند یا باید مصرف شوند، یا برای تشکیل سرمایه استفاده شوند و یا صادر شوند در حالی که تمامی کالاها و خدماتی که در داخل اقتصاد استفاده می‌شوند یا باید در اقتصاد داخلی تولید شده باشند یا از خارج وارد شده باشند. در این تساوی، وقتی در مورد قیمت‌ها تعدیل مناسبی برای اثر مالیات و یارانه بر محصول صورت گیرد، حساب کالاها و خدمات و پس از آن GDP بدست می‌آید.

توالی حساب‌ها

۱-۱۴ این اتحاد پایه، در درون SNA در یک زنجیره‌ی بهم پیوسته (مرتبط به هم) از حساب‌های جریانیِ مرتبط با انواع مختلف فعالیت‌های اقتصادی که در یک دوره‌ی معین از زمان رخ داده‌اند، همراه با ترازنامه‌ها که ارزش موجودی دارائی‌ها و بدهی‌های یک واحد یا یک بخش نهادی را در ابتدا و انتهای دوره ثبت می‌کنند، با مهارت طراحی شده است. هر یک از جریان‌ها به یک نوع فعالیت خاص نظیر تولید، یا ایجاد، توزیع، باز توزیع یا مصرف درآمد مربوط است. هر یک از حساب‌ها، منابعِ در اختیار واحدهای نهادی و مصارفِ ایجاد شده از این منابع را نشان می‌دهند. هر حساب با یک قلم تراز کننده تراز می‌شود که از مابه‌التفاوت کل منابع ثبت شده در یک سمت حساب و کل مصارف ثبت شده در سمت دیگر آن بدست می‌آید. قلم تراز کننده‌ی (مانده‌ی) یک حساب به عنوان اولین قلم حساب بعدی به سمت مقابل آن منتقل می‌شود و به این ترتیب مجموعه‌ی حساب‌ها به شکل یک مجموعه‌ی کل بهم پیوسته ساخته می‌شود. اقلام تراز کننده به‌طور معمول نتیجه‌ی خالص فعالیت‌های اقتصادی پوشش داده شده توسط حساب مورد نظر را ارائه می‌دهند و بنابراین دارای اهمیت اقتصادی و تحلیلی قابل ملاحظه‌ای هستند. مثال‌هائی از اقلام تراز کننده شامل ارزش افزوده، درآمد قابل تصرف و پس انداز هستند. بین حساب‌های جریانی و ترازنامه‌ها پیوندی قوی وجود دارد زیرا تمامی تغییراتی که در طول زمان رخ می‌دهند و در دارائی‌ها و بدهی‌های واحدها یا بخش‌های نهادی اثر می‌گذارند، به‌گونه‌ای نظام‌مند در یک یا چند حساب جریانی ثبت می‌شوند.

۱-۱۵ مجموعه حساب‌هائی که در بالا توضیح داده شد، " توالی حساب‌ها" نامیده می‌شوند ولی باید توجه داشت که هرچند لازم است حساب‌ها با ترتیب خاصی نمایش داده شوند، نباید این تصور پیش آید که فعالیت‌هائی که توسط این حساب‌ها شرح داده می‌شوند، باید به ترتیب زمانی انجام شوند. به عنوان مثال، درآمدها به طور پیوسته در فرآیندهای تولید ایجاد می‌شوند، در حالی که ستانده‌ی تولید شده می‌تواند با همزمانی کمتر یا بیشتری مصرف شود. هر اقتصادی، یک سیستم تعادل عمومی است که در آن فعالیت‌های اقتصادیِ وابسته به هم در ارتباط با تراکنش‌های بی‌شمار بین واحدهای نهادی مختلف، به طور هم‌زمان اجرا می‌شوند و بازخوردهائی به‌طور مستمر از یک نوع فعالیت اقتصادی به نوع دیگر ایجاد می‌شوند.

حساب‌های جاری

۱-۱۶ حساب‌های جاری، تولید کالاها و خدمات، ایجاد درآمد از طریق تولید، توزیع و باز توزیع بعدی درآمدها بین واحدهای نهادی، و مصرف درآمدها به قصد مصرف یا پس‌انداز را ثبت می‌کنند.

۱–۱۷ حساب تولید، فعالیت تولید کالاها و خدمات را آن‌گونه که در SNA تعریف شده است، ثبت می‌کند. قلم تراز کننده‌ی آن، ارزش افزوده به صورت ستانده منهای مصرف واسطه تعریف می‌شود و سنجه‌ای از سهم یک تولیدکننده، یک صنعت (رشته فعالیت) یا یک بخش در ایجاد GDP است. ارزش افزوده‌ی ناخالص منبعی است که درآمدهای اولیه SNA از آن ایجاد می‌شود و بنابراین به حساب توزیع اولیه درآمد منتقل می‌شود. ارزش افزوده و GDP را می‌توان به صورت خالص نیز اندازه‌گیری کرد که در این صورت باید مصرف سرمایه ثابت یعنی رقمی که کاهش ارزش تشکیل سرمایه‌ی ثابتِ استفاده شده در فرآیند تولید را طی زمان نشان می‌دهد، از آن‌ها کسر شود.

۱–۱۸ مجموعه‌ی بهم پیوسته‌ی حساب‌ها نشان می‌دهند که درآمدها چگونه:

الف. بوسیله تولید ایجاد شده‌اند.

ب. بین واحدهای نهادیِ دارای ادعا بر ارزش افزوده‌ی ایجاد شده از طریق تولید، توزیع شده‌اند.

پ. بین واحدهای نهادی، عمدتاً توسط واحدهای دولتی از طریق مزایا و حق بیمه‌های طرح‌های اجتماعی و مالیات‌ها، باز توزیع شده‌اند.

ت. توسط خانوارها، واحدهای دولتی یا نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH)ها به قصد مصرف نهائی یا پس‌انداز استفاده شده‌اند.

ث. به عنوان پس‌انداز برای انباشت ثروت در دسترس قرار گرفته‌اند.

حساب‌های درآمد ذاتاً دارای سودمندی اقتصادی قابل ملاحظه‌ای هستند. به ویژه این که این حساب‌ها برای توضیحِ رفتار واحدهای نهادی به عنوان مصرف کنندگان نهائی، یعنی استفاده کنندگان از کالاها و خدمات برای ارضای نیازها و خواسته‌های فردی و جمعی خانوارها و جامعه، مورد نیاز هستند. قلم تراز کننده‌ی حاصل از مجموعه‌ی کامل حساب‌های درآمد پس‌انداز است.

۱–۱۹ پس انداز به عنوان قلم تراز کننده به حساب سرمایه، اولین حساب از توالی حساب‌های انباشت، منتقل می‌شود.

حساب‌های انباشت

۱–۲۰ حساب‌های انباشت حساب‌هائی هستند که جریان‌هائی را که اقلام ورودی ترازنامه‌ها را در شروع و پایان دوره حسابداری تغییر می‌دهند ثبت می‌کنند. چهار نوع حساب انباشت وجود دارد: حساب سرمایه، حساب مالی، حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و حساب بازارزش‌گذاری.

الف. حساب سرمایه، تحصیل و واگذاریِ دارائی‌های غیرمالی را که در نتیجه‌ی تراکنش با واحدهای دیگر، حسابداری داخلی مربوط به تولید (نظیر تغییرات موجودی انبار و مصرف سرمایه ثابت) و باز توزیع ثروت در اثرِ انتقالات سرمایه‌ای حاصل می‌شود، ثبت می‌کند.

ب. حساب مالی، تحصیل و واگذاری دارائی‌ها و بدهی‌های مالی را از طریق مبادلات ثبت می‌کند.

پ. حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها، تغییرات میزان دارائی‌ها و بدهی‌های واحد نهادی در نتیجه‌ی عواملی غیر از تراکنش، مانند تخریب دارائی‌های ثابت در اثر بلایای طبیعی، را ثبت می‌کند.

ت. حساب باز ارزش گذاری، تغییرات ارزش دارائی‌ها را در نتیجه‌ی تغییر قیمت آن‌ها ثبت می‌کند.

۱–۲۱ پیوند بین حساب‌های انباشت و حساب‌های جاری از این واقعیت نشأت می‌گیرد که پس انداز باید برای تحصیل یک یا چند نوع دارائی مالی و غیر مالی شامل پول نقد استفاده شود. وقتی پس‌انداز منفی است، اضافه مصرف نسبت به درآمد قابل تصرف باید از طریق فروش دارائی‌ها یا وام‌گیری تأمین مالی شود. حساب مالی مسیری را نشان می‌دهد که در آن وجوه مالی از یک گروه از واحدها به گروه دیگر بخصوص از

مجرای واسطه‌گری‌های مالی منتقل می‌شوند. دسترسی به منابع مالی پیش نیاز اشتغال به بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی است.

ترازنامه‌ها

۱-۲۲ ترازنامه‌ها ارزش موجودی دارائی‌ها و بدهی‌های واحدها یا بخش‌های نهادی را در ابتدا و انتهای دوره حسابداری نشان می‌دهند. همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، ارزش دارائی‌ها و بدهی‌هائی که در یک لحظه از زمان متعلق به یک واحد نهادی هستند، وقتی تراکنشی انجام می‌شود، تغییر قیمت یا تغییر اثرگذار دیگری بر حجم دارائی‌ها و بدهی‌ها رخ می‌دهد، تغییر پیدا می‌یابد. همه‌ی این‌ها در یک یا چند حساب انباشت ثبت می‌شوند به‌گونه‌ای که تفاوت بین ارزش‌های ثبت شده در ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره کاملاً در درونِ SNA (در حساب‌های دیگر، *مترجم*) توضیح داده می‌شوند، به شرطی که دارائی‌ها و بدهی‌های ثبت شده در ترازنامه‌ها به گونه‌ای سازگار با تراکنش‌ها و یا تغییرات دیگر، ارزش‌گذاری شده باشند.

سایر حساب‌های SNA

۱-۲۳ SNA یک سیستم حسابداری اقتصادی غنی و تفصیلی است که به نحو مناسبی فراتر از توالی حساب‌ها گسترش می‌یابد تا حساب‌ها یا جدول‌های دیگری را در برگیرد که حاوی اطلاعاتی باشند که نمی‌توان آن‌ها را در حساب‌های اصلی وارد کرد و همچنین اطلاعات را به شیوه‌های جانشین نظیر ماتریس نمایش دهد که برای انواع خاصی از تحلیل‌ها مناسب‌تر باشد. نباید انتظار داشت که تمامی این نوع حساب‌های گوناگون در اینجا بیان شود، زیرا این‌ها در فصل ۲ توضیح داده می‌شوند، ولی بی‌فایده نیست که در این بخش به دو حساب ویژه‌ای که نقش مهمی را در SNA بازی می‌کنند، اشاره شود.

جدول‌های عرضه و مصرف

۱-۲۴ علاوه بر حساب‌های جریانی و ترازنامه‌ها که پیش از این شرح داده شد، چارچوب محوری SNA جدول‌های عرضه و مصرف را هم در شکل ماتریسی در بر می‌گیرد، این جدول‌ها نشان می‌دهند که انواع مختلف کالاها و خدماتی که عرضه می‌شوند، چگونه از صنعت‌های (رشته فعالیت‌های) داخلی بوجود می‌آیند یا از خارج وارد می‌شوند و عرضه‌ی کالاها و خدمات چگونه بین مصارف گوناگونِ واسطه و نهائی از جمله صادرات، تخصیص می‌یابد. این جدول‌ها تهیه مجموعه‌ای یکپارچه از حساب‌های تولید و ایجاد درآمد برای صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) را در بر می‌گیرند که از طریق استخراج داده‌های تفصیلی از سرشماری‌ها و آمارگیری‌های نمونه‌ای صنعتی (رشته‌فعالیتی) ساخته می‌شوند. جدول‌های عرضه و مصرف، چارچوب حسابداری را فراهم می‌کنند که در آن روش جریان محصول برای تهیه حساب‌های ملی به صورت نظام‌مند بکار می‌رود و بوسیله‌ی آن باید عرضه و مصرف کلِ هر نوع کالا و خدمت با یکدیگر تراز شوند. جدول‌های عرضه و مصرف همچنین اطلاعات اولیه‌ی مورد نیاز برای تهیه‌ی جدول‌های تفصیلی داده- ستانده را فراهم می‌کنند که می‌توان از آن‌ها برای مقاصد پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌های اقتصادی استفاده کرد.

حساب‌ها برحسب حجم

۱-۲۵ SNA راهنمای ویژه‌ای نیز درباره روش‌های تهیه‌ی مجموعه‌ای یکپارچه از شاخص‌های قیمت و حجم را برای جریان کالاها و خدمات، ارزش‌افزوده‌ی خالص و ناخالص و GDP ارائه می‌هد که با مفاهیم و اصول حسابداری SNA سازگار هستند. در این راهنما توصیه می‌شود که در صورت امکان از شاخص‌های زنجیره ای سالانه استفاده شود.

۱-۲۶ نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی که به نحو مناسبی از طریق شاخص‌های قیمت و حجم برای هم‌افزوده‌های اصلی در SNA اندازه گیری می‌شوند، متغیرهای کلیدی هستند که هم برای ارزیابی عملکرد اقتصادی گذشته و هم برای فرمول‌بندی سیاست‌گذاری اقتصادی به عنوان اهداف آینده به کار می‌روند. وقتی تورم به هر میزانی پدید می‌آید این نرخ‌ها قسمت اساسی SNA را تشکیل می‌دهند و وقتی تورم افزایش می‌یابد اهمیت‌شان چندین برابر می‌شود. SNA همچنین روشن می‌سازد که رشد حجم GDP و رشد درآمد واقعی یک اقتصاد به علت وجود منفعت یا زیان تجاری ناشی از تغییرات رابطه مبادله بازرگانی بین‌المللی، یکسان نیستند.

پ کاربردهای SNA

۱–۲۷ هدف اصلی SNA ارائه‌ی یک چارچوب مفهومی و حسابداری فراگیر است که بتوان آن را برای ایجاد پایگاه داده‌های کلان اقتصادیِ مناسب برای تحلیل و ارزیابی عملکرد اقتصاد بکار برد. وجود یک چنین پایگاه داده‌ای پیش‌نیاز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری آگاهانه و عقلائی است. برخی از کاربردهای خاص‌تر SNA در بخش‌های زیرین شرح داده می‌شود:

۱. پایش رفتار اقتصاد

۱–۲۸ برخی از هم‌افزوده‌های کلیدی در SNA نظیر GDP و GDP سرانه‌ی جمعیت، هویت خاص خود را بدست آورده‌اند و به‌طور گسترده‌ای توسط تحلیل‌گران، سیاستمداران، رسانه‌ها، جامعه‌ی کسب و کار و عموم مردم به عنوان شاخص‌های خلاصه شده‌ی جهانی برای فعالیت‌های اقتصادی و رفاه مورد استفاده قرار می‌گیرند. تغییرات این نوع هم‌افزوده‌ها و سنجه‌های قیمتی و حجمی مربوط به آن‌ها برای ارزیابی کل عملکرد اقتصاد و در نتیجه داوری در مورد موفقیت یا شکست نسبی سیاست‌های اقتصادی اعمال شده توسط دولت، بکار می‌روند.

۱–۲۹ داده‌های حساب‌های ملی اطلاعاتی را فراهم می‌کنند که هم انواع مختلف فعالیت‌های اقتصادی و هم بخش‌های مختلف اقتصادی را پوشش می‌دهند. از طریق این داده‌ها پایشِ تغییرات جریان‌های مهم اقتصادی نظیر تولید، مصرف خانوار، مصرف دولت، تشکیل سرمایه، صادرات، واردات و غیره هم برحسب ارزش و هم برحسب حجم، امکان پذیر می‌شود. علاوه بر این، درباره‌ی برخی اقلام و نسبت‌های تراز کننده نیز اطلاعاتی ارائه می‌شود که فقط در یک چارچوب حسابداری می‌توان آن‌ها را تعیین و اندازه‌گیری کرد، مانند کسری یا مازاد بودجه، سهمی از درآمد که توسط هریک از بخش‌های اقتصادی یا در کل اقتصاد پس انداز یا سرمایه‌گذاری می‌شود، تراز تجاری و غیره. SNA همچنین زمینه‌ای را فراهم می‌کند که در آن، تغییرات شاخص‌های کوتاه مدت، نظیر شاخص ماهانه‌ی تولید صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)، شاخص قیمت مصرف کننده یا شاخص قیمت تولید کننده را می‌توان ارزیابی یا تفسیر کرد. اگر بتوان دستکم بعضی از هم‌افزوده‌های SNA را همانند سالانه به‌صورت فصلی نیز محاسبه کرد، پایش رفتار اقتصاد را می‌توان به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود داد، هرچند که بسیاری از حساب‌ها، جدول‌ها یا ترازنامه‌های SNA معمولاً بیشتر از سالی یک بار تهیه نمی‌شوند.

۲. تحلیل اقتصاد کلان

۱–۳۰ حساب‌های ملی برای تحقیق درباره علت و معلول ساز وکارهای اقتصاد نیز به‌کار می‌رود. این تحلیل‌ها معمولاً از طریق برآورد پارامترهای روابط تابعی بین متغیرهای مختلف اقتصادی، با اعمال روش‌های اقتصاد سنجی به سری‌های زمانی داده‌های حاصل از چارچوب حساب‌های ملی، هم برحسب ارزش و هم برحسب حجم، انجام می‌شود. نوع مدل‌های اقتصاد کلان که برای این پژوهش‌ها استفاده می‌شوند، برحسب مکتب فکری اقتصادی پژوهش‌گر و نیز هدف تحلیل، متفاوت است، ولی SNA به اندازه کافی دارای انعطاف است که نیازهای نظریه‌ها و مدل‌های گوناگون اقتصادی را تأمین کند تنها به‌شرطی که آن‌ها مفاهیم اولیه‌ی تولید، مصرف، درآمد، و غیره را که SNA بر پایه آن‌ها استوار است، پذیرفته باشند.

۱–۳۱ سیاست اقتصادی در کوتاه مدت بر اساس ارزیابی رفتار کنونی و وضعیت فعلی اقتصاد و نگاهی به پیشرفت‌های احتمالی آینده، یا پیش بینی دقیقی از آن‌ها، فرمول بندی می‌شود. پیش بینی‌های کوتاه مدت به طور معمول با استفاده از مدل‌های اقتصاد سنجی از نوعی که بیان شد، انجام می‌شود. در میان مدت یا کوتاه مدت، سیاست اقتصادی باید در رابطه با یک راهبرد وسیع اقتصادی فرمول بندی شود.

۱–۳۲ سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری اقتصادی در تمامی سطوح دولت و همچنین در شرکت‌های خصوصی و عمومی انجام می‌شود. شرکت‌های بزرگ نظیر شرکت‌های چند ملیتی قادر هستند مدل‌های اقتصاد کلان خود را متناسب با

نیازمندی‌هایشان بسازند که در این صورت به داده‌های حساب‌های ملی نیاز دارند. برنامه‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ باید براساس انتظارات بلند مدت درباره پیشرفت‌های اقتصادی آینده باشد که نیازمند داده‌های حساب‌های ملی است. همچنین مؤسسات تخصصی وجود دارند که در مقابل دریافت حق‌الزحمه برای متقاضیان پیش بینی انجام می‌دهند. این مؤسسات به طور معمول به داده‌های بسیار تفصیلی حساب‌های ملی نیاز دارند.

۳. مقایسه‌های بین‌المللی

۱-۳۳ SNA برای تهیه گزارش‌های بین‌المللیِ داده‌های حساب‌های ملی که مطابق با تعاریف، مفاهیم و طبقه‌بندی‌های استاندارد پذیرفته شده بین‌المللی است، استفاده می‌شود. داده‌های بدست آمده به طور گسترده‌ای برای مقایسه بین‌المللی حجم هم‌افزوده‌های عمده نظیر GDP یا GDP سرانه و همچنین برای مقایسه آمارهای ساختاری نظیر نسبت سرمایه‌گذاری، مالیات‌ها یا مخارج دولت به GDP استفاده می‌شود. این مقایسه‌ها توسط اقتصاددانان، روزنامه نگاران، یا تحلیل‌گران برای ارزیابی کارکرد یک اقتصاد با کارکرد اقتصادهای مشابه دیگر استفاده می‌شود. آن‌ها می‌توانند قضاوت‌های عمومی و سیاسی درباره موفقیت نسبی برنامه‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند، به همان روشی که در مورد پیشرفت‌های یک اقتصاد در طی زمان انجام می‌دهند. پایگاه‌های داده‌ای متشکل از مجموعه‌ای از آمار حساب‌های ملی گروه‌هائی از کشورها را می‌توان برای تحلیل‌های اقتصاد سنجی نیز به کاربرد که در آن سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی ترکیب می‌شوند تا طیف وسیع‌تری از مشاهدات را برای برآورد روابط تابعی فراهم کنند.

۱-۳۴ میزان GDP یا، بجای آن، درآمد ناخالص ملی (GNI) سرانه‌ی کشورهای مختلف نیز توسط سازمان‌های بین‌المللی برای تعیین واجد شرایط بودن کشورها برای دریافت وام، کمک یا سایر منابع مالی یا تعیین مدت یا شرایط اعطای آن وام‌ها، کمک‌ها یا منابع مالی به کشورها استفاده می‌شود. وقتی هدف، مقایسه‌ی حجم کالاها و خدمات تولید شده یا مصرف شده به ازای هر نفر است، باید داده‌های آن‌ها به ارزش پول ملی با استفاده از برابریِ قدرت خرید به یک پول مشترک و نه نرخ ارز تبدیل شود. کاملاً مشخص شده است که به‌طور کلی هیچکدام از نرخ‌های ارز بازار و نرخ‌های ثابت ارز قدرت خرید نسبی داخلی پول‌های مختلف را منعکس نمی‌کنند. وقتی از نرخ‌های ارز برای تبدیل GDP یا سایر آمارها به پول مشترک استفاده می‌شود، قیمت‌هائی که کالاها و خدمات در کشورهای با درآمد بالا با آن ارزش گذاری می‌شوند گرایش به این دارند که بالاتر از قیمت‌های کشورهای با درآمد پائین باشند، از این‌رو تفاوت درآمد واقعی بین این کشورها بزرگ‌نمائی می‌شود. بنابراین، داده‌هائی که با نرخ ارز تبدیل می‌شوند، نباید به عنوان سنجه حجم کالاها و خدمات مربوطه تعبیر شوند. میزان GDP، یا GDP سرانه‌ی کشورهای مختلف برای تعیین قسمتی یا تمام سهم کشورهای عضو یک سازمان بین‌المللی در تأمین مالی عملیات آن نیز به‌کار می‌روند.

۱-۳۵ هرچند سازمان‌های بین‌المللی از SNA استفاده می‌کنند تا بتوانند داده‌های حساب‌های ملی با مقایسه‌پذیریِ بین‌المللی را گردآوری کنند، ولی SNA صرفاً برای این منظور بوجود نیامده است. SNA به یک سیستم استاندارد، یا جهانی، تبدیل شده است که اکثر کشورهای جهان آن‌را با مختصر تعدیل یا بدون تعدیل برای اهداف ملی خودشان استفاده می‌کنند. ادارات ملی آمار و سازمان‌های دولتی علاقه خاصی دارند که اطمینان حاصل کنند SNA نیازهای تحلیلی و سیاسی آن‌ها را تأمین می‌کند و به این دلیل مشارکت فعالانه در توسعه SNA داشته‌اند.

ت. محدوده‌های SNA

۱. تراکنش‌های غیرپولی

۱–۳۶ وقتی کالاها و خدمات تولید شده در درون اقتصاد در تراکنش‌های پولی فروخته می‌شوند، ارزش آن‌ها به طور خودکار در حساب‌های SNA وارد می‌شود. بسیاری از کالاها و خدمات عملاً فروخته نمی‌شوند ولی به واحدهای دیگر عرضه می‌شوند، مثلاً ممکن است به‌صورت پایاپای با کالاها و خدمات دیگر مبادله شوند یا به‌صورت مجانی به‌عنوان انتقالات غیرنقدی عرضه شوند. این نوع کالاها و خدمات باید در حساب‌ها وارد شوند حتی اگر لازم باشد ارزش آن‌ها برآورد شود. کالاها یا خدمات مورد بحث، از طریق فعالیت‌هائی تولید می‌شوند که با فعالیت‌هائی که کالاها و خدمات را برای فروش تولید می‌کنند، فرقی ندارند. علاوه براین، تراکنش‌هائی که کالاها و خدمات به واحدهای دیگر عرضه می‌شوند، تراکنش‌های واقعی هستند حتی اگر در مبادله‌ی آن‌ها تولیدکنندگان پولی دریافت نکنند. اگر این نوع ستانده به عنوان "احتسابی" توصیف شود، گمراه کننده خواهد بود. به‌عنوان مثال، خدمات واسطه‌گری‌های مالی که در SNA به‌طور غیر مستقیم اندازه‌گیری می‌شوند، واقعاً اتفاق می‌افتند ولی لازم است ارزش آن‌ها به‌طور غیر مستقیم اندازه‌گیری شود. در این جا ارزش است که "احتساب" می‌شود و نه تراکنش.

۱–۳۷ وقتی کالاها یا خدمات برای استفاده‌ی خود نگه‌داشته می‌شوند، تراکنشی با واحدهای دیگر انجام نمی‌گیرد. در این حالت، برای اینکه بتوان کالاها یا خدمات را در حساب‌ها ثبت کرد، باید تراکنش‌های داخلی ثبت شوند که به موجب آن‌ها تولیدکنندگان، کالاها یا خدمات را برای مصرف یا تشکیل سرمایه خود تخصیص می‌دهند و برای آن‌ها ارزش هم برآورد شود.

۱–۳۸ از اینرو، برآوردها و احتساب‌ها برای این لازم است که بتوان فعالیت‌های تولیدی را که ستانده‌های آن‌ها از طریق تراکنش‌های پولی به واحدهای دیگر واگذار نمی‌شوند، در حساب‌ها ثبت کرد. این برآوردها و احتساب‌ها را در SNA نباید به عنوان فعالیت‌ها یا جریان کالاها و خدمات فرضی تعبیر کرد. برعکس هدف از آن‌ها از دست ندادن جریان کالاها و خدماتی است که واقعاً در اقتصاد رخ می‌دهند و اگر غیر از این عمل شود، حذف خواهند شد. به منظور دستیابی به سنجه‌های فراگیر، لازم است برای تمامی ستانده‌های کالاها و خدماتی که فروخته نمی‌شوند ولی از راه‌های دیگری واگذار می‌شوند نیز ارزش‌هائی برآورد شود.

۱–۳۹ ولی در عمل، SNA تمام ستانده‌ها را ثبت نمی‌کند زیرا خدمات خانگی و شخصی که توسط اعضای یک خانوار تولید شده و توسط همان خانوار نیز مصرف می‌شوند، حذف می‌گردند. غیر از این استثنای اصلی، انتظار می‌رود GDP سنجه فراگیری از کل ارزش افزوده‌ی تولید شده توسط تمام واحدهای نهادی مقیم را ارائه دهد. GDP محدود به ستانده‌هائی است که از طریق فعالیت‌های اقتصادی تولید می‌شوند و قابلیت عرضه توسط یک واحد به واحد دیگر را دارند. همه‌ی فعالیت‌هائی که به صرف زمان و تلاش توسط افراد نیاز دارند به مفهوم اقتصادی تولیدی نیستند، مثلاً فعالیت‌هائی نظیر خوردن، آشامیدن یا خوابیدن نمی‌توانند توسط یک فرد از طرف فرد دیگر انجام شوند.

۲. محدوده‌ی تولید

۱–۴۰ فعالیت تولید، فعالیت بنیادی است. از SNA این‌گونه فهمیده می‌شود که تولید یک فرآیند فیزیکی است که تحت مسئولیت، کنترل و مدیریت یک واحد نهادی انجام می‌شود و در آن کار و دارائی‌ها بکار گرفته می‌شوند تا نهاده‌های کالاها و خدمات را به ستانده‌های کالاها و خدماتِ دیگر تبدیل کنند. تمامی کالاها و خدماتی که به‌عنوان ستانده تولید می‌شوند باید به‌گونه‌ای باشند که بتوانند در بازارها فروخته شوند یا دستکم قابلیت عرضه توسط یک واحد به واحد دیگر در مقابل پرداخت بهای آن یا بدون پرداخت بهای آن را داشته باشند. در SNA همه‌ی تولیدهائی که عملاً به قصد بازار انجام می‌شوند چه برای فروش چه برای معامله‌ی پایاپای، در محدوده تولید قرار می‌گیرند. محدوده‌ی تولید SNA همچنین

شامل تمام کالاها یا خدماتی است که توسط واحدهای دولتی یا NPISHها به‌صورت مجانی به خانوارهای فردی یا به جامعه به‌طور جمعی، عرضه می‌شوند.

تولید خانوار

۱-۴۱ مسأله اصلی برای مشخص کردن حدود فعالیت‌های ثبت شده در حساب‌های تولید SNA تعیین نحوه برخورد با فعالیت‌هائی است که کالاها یا خدماتی را تولید می‌کنند که می‌توان آن‌ها را در بازار عرضه کرد ولی در عمل، تولید کنندگان آن‌ها را برای مصرف خود نگه‌میدارند. این‌ها گستره وسیعی از فعالیت‌های تولیدی را پوشش می‌دهند، به ویژه:

الف. تولید کالاهای کشاورزی توسط بنگاه‌های خانوار برای خود مصرفی نهائی؛

ب. تولید سایر کالاها برای استفاده‌ی نهائی توسط خانوار: ساخت واحدهای مسکونی، تولید مواد خوراکی و پوشاک، غیره؛

پ. تولید خدمات مسکن برای خود مصرفی نهائی ساکنین مالک؛

ت. تولید خدمات خانگی و شخصی برای مصرف در همان خانوار: تهیه‌ی خوراک، نگهداری و تربیت کودکان، نظافت، تعمیرات و غیره.

تمامی این فعالیت‌ها به مفهوم اقتصادی، تولیدی هستند. ولی وارد کردن آن‌ها در SNA فقط یک موضوعِ ساده‌ی برآورد ارزش پولی برای ستانده‌ی آن‌ها نیست. اگر ارزشی برای ستانده این نوع کالاها و خدمات برآورد می‌شود، باید برای درآمدهای ایجاد شده از طریق تولید آن‌ها و مصرف آن ستانده‌ها نیز ارزشی برآورد شود. روشن است که اهمیت اقتصادی این جریان‌ها بسیار متفاوت از جریان‌های پولی است. به طور مثال، درآمدهای ایجاد شده، خود به خود به مصرف کالاها و خدمات تولید شده گره می‌خورد؛ جریان‌های فوق اهمیت کمی در تحلیل تورم یا کاهش سطح عمومی قیمت‌ها یا دیگر عدم تعادل‌های درون اقتصاد دارند. وارد کردن این نوع جریان‌های غیرپولی بزرگ در حساب‌ها در کنار جریان‌های پولی می‌تواند آنچه را که در بازارها رخ می‌دهد پنهان کرده و قابلیت استفاده تحلیلی داده‌ها را کاهش دهد.

۱-۴۲ SNA به‌گونه‌ای طراحی شده است تا گستره‌ای از نیازهای سیاست‌گذاری و تحلیلی را برآورده سازد. لازم است بین نیاز به فراگیر بودنِ هرچه بیشترِ حساب‌ها و لزوم اجتناب از اختلالات ناشی از ارزش‌های غیرپولی در جریان‌های مورد استفاده برای تحلیل رفتار بازار، توازن برقرار شود. بنابراین در SNA، تولیدِ تمامی کالاها برای خود مصرفی در محدوده‌ی تولید وارد می‌شوند، زیرا کالاها بعد از تولید تصمیم گرفته می‌شوند که در بازار فروخته شوند یا برای خود مصرفی نگه‌داشته شوند، ولی تولید تمامی خدمات در خانوارها برای مصرف نهائی خود (غیر از خدمات تولید شده توسط کارکنان خانگی مزد بگیر و تولید به حساب خودِ خدمات مسکن توسط ساکنین مالک) از محدوده‌ی تولید خارج هستند. به این دلیل این خدمات از محدوده‌ی تولید خارج هستند که تصمیم برای مصرف آن‌ها در خانوار حتی قبل از ارائه‌ی خدمات گرفته می‌شود. مرزهای محدوده‌ی تولید در SNA توافقی ولی سنجیده است زیرا نیازهای بسیاری از کاربران در آن به حساب آورده شده است. در این زمینه لازم به ذکر است که در آمارهای نیروی کار، افراد فعال از نظر اقتصادی افرادی تعریف می‌شوند که به فعالیت‌های تولیدیِ تعریف شده در SNA اشتغال داشته باشند. اگر محدوده‌ی تولید گسترش داده شود تا تولیدِ خدمات خانگی و شخصی توسط اعضای خانوار برای مصرف نهائی خود را نیز در برگیرد، همه‌ی افرادی که به چنین فعالیت‌هائی اشتغال دارند، خود اشتغال خواهند بود و در این صورت، بیکاری طبق تعریف تقریباً وجود نخواهد داشت. این موضوع نیاز به محدود کردنِ محدوده‌ی تولید در SNA و دیگر نظام‌های آماری مرتبط با فعالیت‌های بازاری یا جایگزین نسبتاً نزدیکی برای فعالیت‌های بازاری را مشخص می‌سازد.

مسائل دیگرِ محدوده‌ی تولید

۱-۴۳ برخی فرآیندهای طبیعی بسته به این که در چه شرایطی اتفاق افتاده باشند، می‌توانند تولید محسوب شوند یا از محدوده‌ی تولید خارج شوند. شرط ضروری برای این که

فعالیتی، تولید به‌حساب آید این است که باید تحت کنترل، تشویق و مسئولیت برخی واحدهای نهادی انجام شود که بر آنچه که تولید می‌کنند حق مالکیت داشته باشند. برای مثال، رشد طبیعی ذخائر ماهی در دریاهای آزاد که طبق سهمیه‌بندی بین‌المللی نباشد، تولید به‌حساب نمی‌آید زیرا فرآیند تولید توسط هیچ واحد نهادی مدیریت نمی‌شود و ماهی به هیچ واحد نهادی تعلق ندارد. از طرف دیگر، رشد ماهی در مزارع پرورش ماهی به عنوان فرآیند تولید تلقی می‌شود همان‌گونه که پرورش دام یک فرآیند تولید است. به‌طور مشابه، رشد طبیعیِ جنگل‌های وحشی، کاشته نشده یا میوه‌ها و انواع توت‌های وحشی تولید به‌حساب نمی‌آیند، در حالی که کاشت درختان ثمرده یا درختانی که برای چوب یا مصارف دیگر رشد می‌کنند، مشابهِ رشد محصولات سالانه محسوب می‌شوند. قطع عمدی درختان در جنگل‌های وحشی، و جمع-آوری میوه‌ها یا انواع توت‌های وحشی، و همچنین هیزم، به‌عنوان تولید به‌حساب آورده می‌شود. به همین ترتیب، بارش باران و جریان آب در نهرهای طبیعی فرآیندِ تولید نیستند، در حالی که ذخیره‌ی آب در مخازن یا سدها و لوله‌کشی، یا حمل آب از یک نقطه به نقطه‌ی دیگر، همه تولید به حساب می‌آیند.

۱-۴۴ این مثال‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از فعالیت‌ها یا فرآیندهائی که واحدهای نهادی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، چه به‌عنوان تولید کننده و چه به‌عنوان مصرف‌کننده، به‌مفهوم اقتصادی فرآیند تولید نیستند. بارش باران ممکن است برای تولید کشاورزیِ یک کشور حیاتی باشد ولی فرآیند تولید نیست که بتوان ستانده‌ی آن را در GDP منظور کرد.

۳. محدوده‌ی مصرف

۱-۴۵ پوشش تولید در SNA پیامدهائی دارد که به‌طور قابل ملاحظه‌ای تا ماورای خودِ حساب تولید گسترده می‌شود. محدوده‌ی تولید میزان ارزش افزوده‌ی ثبت شده و بنابراین کل میزان درآمد ایجاد شده از طریق تولید را تعیین می‌کند. طیف وسیعی از کالاها و خدماتی که در مخارج مصرف نهائی خانوار و مصرف واقعی منظور می‌شوند، تابع مقررات محدوده‌ی تولید هستند. برای مثال، این مخارج ارزش برآورد شده‌ی محصولات کشاورزی مصرف شده توسط خانوار را که خودشان تولید کرده‌اند و همچنین ارزش خدمات مسکن مصرف شده توسط ساکنینِ مالک را در بر می‌گیرند، ولی ارزش تعمیرات و نگهداری "تعمیرکار خود بودن" وسایل نقلیه یا کالاهای بادوام خانوار، نظافت منزل، مراقبت و تربیت کودکان، یا خدمات شخصی و خانگیِ مشابهِ تولید شده برای خود مصرفی نهائی را در بر نمی‌گیرند. فقط مخارج مواد استفاده شده برای این مقاصد، نظیر مواد شوینده، در مخارج مصرف نهائی خانوار منظور می‌شود.

۴. محدوده‌ی دارائی

۱-۴۶ ترازنامه‌ها برای واحدهای نهادی یا بخش‌های نهادی تهیه می‌شوند، و ارزش دارائی‌های متعلق به آن‌ها و تعهد بدهی‌های آن‌ها را ثبت می‌کنند. دارائی‌ها طبق تعریف SNA، هستارهائی هستند که باید به واحد یا واحدهائی تعلق داشته باشند، و مالک یا مالکین آن‌ها بتوانند با نگه‌داشتن یا بکار انداختن آن‌ها درطول دوره‌ای از زمان، منافع اقتصادی کسب کنند. دارائی‌های مالی و دارائی‌های ثابت، نظیر ماشین‌آلات، تجهیزات و ساختمان که خود در گذشته به عنوان ستانده تولید شده‌اند، طبق این تعریف به‌طور واضح پوشش داده می‌شوند. ولی منابع طبیعی نظیر زمین، ذخائر معدنی، ذخائر سوخت، جنگل‌های کاشته نشده یا سایر زیست‌های گیاهی و حیوانات وحشی به‌شرطی در ترازنامه‌ها آورده می‌شوند که واحدهای نهادی حق مالکیت مؤثری بر آن‌ها اعمال کنند، یعنی عملاً در وضعیتی باشند که بتوان از آن‌ها منفعت کسب کرد. دارائی‌ها لزومی ندارد حتماً تحت مالکیت خصوصی باشند، واحدهای دولتی نیز می‌توانند از طرف کل جامعه حق مالکیت بر آن‌ها داشته باشند. از اینرو، در SNA بسیاری از دارائی‌های زیست محیطی منظور می‌شوند. منابعی از قبیل جَو زمین یا دریاهای آزاد، که حق مالکیتی بر آن‌ها اعمال نمی‌شود یا ذخائر سوختی یا معدنی که هنوز کشف نشده‌اند یا غیرقابل استفاده هستند در SNA وارد نمی‌شوند زیرا با توجه به فناوری و قیمت‌های نسبی در آن زمان، هیچ‌گونه منفعتی برای مالکین خود ببار نمی‌آورند.

۱-۴۷ تغییرات ارزش منابع طبیعیِ متعلق به واحدهای نهادی بین یک ترازنامه و ترازنامه‌ی بعدی، در حساب‌های انباشت SNA ثبت می‌شوند. برای مثال، تقلیل منابع طبیعی به دلیل استفاده از آن در تولید در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها همراه با خسارت دارائی‌های ثابت به دلیل تخریب در اثر بلایای طبیعی (سیل، زلزله، غیره) ثبت می‌شوند. متقابلاً، وقتی ذخائر معدنی یا ذخائر سوختی کشف می‌شوند، یا ذخائری که غیرقابل استفاده بودند به‌کار می‌افتند، پیدایش آن‌ها در این حساب ثبت می‌شوند و با همین روش در ترازنامه‌ها وارد می‌شوند.

۵. محدوده‌های ملی

۱-۴۸ حساب‌های SNA برای آن دسته از واحدهای نهادی تهیه می‌شوند که در بخش‌ها و زیر بخش‌های نهادیِ مقیم گروه‌بندی شده‌اند. مفهوم مقیم همان مفهومی است که در *تراز پرداخت‌ها و دستنامه‌ی وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری بین‌المللی، ویرایش ششم* (صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۰۸)[1]، یا به اختصار BMP6، استفاده شده است. یک واحد نهادی وقتی در داخل سرزمین اقتصادی یک کشور مقیم گفته می‌شود که دارای یک مرکز منافع عمده‌ی اقتصادی در آن سرزمین باشد، یعنی، وقتی که آن واحد به فعالیت‌ها یا تراکنش‌های اقتصادی در مقیاس قابل ملاحظه‌ای در زمانی نامحدود یا به مدت طولانی که معمولاً یک سال است، اشتغال داشته یا در نظر دارد که اشتغال داشته باشد.

۱-۴۹ GDP یک کشور، که به‌عنوان سنجه‌ی هم‌افزوده‌ی تولید کشور به آن نگاه می‌شود، برابر است با حاصل جمع ارزش افزوده ناخالص همه‌ی واحدهای نهادی مقیمی که به تولید اشتغال دارند (بعلاوه هر نوع مالیات، منهای هر نوع یارانه بر محصول که در ارزش ستانده‌ی آن‌ها وجود ندارد). این قلم با جمع ارزش افزوده‌ی ناخالص تمامی فعالیت‌های تولیدی که دردرون محدوده‌ی جغرافیائی اقتصاد ملی انجام می‌شوند، کاملاً یکسان نیست. برخی از تولیدهای یک واحد نهادی مقیم ممکن است در خارج انجام شود مانند، نصب بعضی از ماشین‌آلات یا تجهیزات صادر شده یا پروژه‌ی مشاوره‌ای توسط یک تیم مشاوران متخصص که به‌طور موقت درخارج کارمی‌کنند. در مقابل، بعضی از تولیدهائی که در داخل کشور انجام می‌شود قابل انتساب به واحدهای نهادی غیر مقیم هستند.

۱-۵۰ وقتی GDP از طرف مخارج بدست می‌آید، لازم است برای کالاها و خدماتی که توسط غیر مقیم‌ها تولید می‌شوند ولی آن‌ها را مقیم‌ها مصرف می‌کنند، و نیز برای کالاها و خدماتی که توسط مقیم‌ها تولید ولی در خارج مصرف می‌شوند تعدیلاتی انجام شود. برای این که SNA از نظر پوشش فراگیر باشد، تمامی تراکنش‌ها با دنیای خارج باید شناسائی شوند به این ترتیب تأثیر آن‌ها بر سنجه‌های مربوط به اقتصاد مقیم به‌خوبی مشخص می‌شود. کل مجموعه‌ی تراکنش‌ها با دنیای خارج در SNA با مجموعه‌ی تراکنش‌هائی که در ترازپرداخت‌ها آورده شده است، کاملاً مطابقت دارند.

۶. مصرف نهائی، مصرف واسطه و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

۱-۵۱ محتوای حساب‌ها نه تنها به‌وسیله چارچوب مفهومی، تعاریف و طبقه‌بندی‌های SNA، بلکه به وسیله روش‌هائی که تفسیر و در عمل اجرا می‌شوند نیز مشخص می‌گردند. مهم نیست که مفاهیم و طبقه‌بندی‌ها در اصل چقدر ساده و دقیق هستند، ولی به ناچار در موارد ویژه مشکلاتی وجود دارند که به‌راحتی نمی‌توان آن‌ها را به مقوله‌هائی که از قبل تعیین شده‌اند، منتسب کرد. این نکات را می‌توان با توجه به یک فرق اساسی در اقتصاد و SNA، یعنی فرق بین مصرف و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (که اغلب در متون دیگر سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص گفته می‌شود) نشان داد.

۱-۵۲ قبل از بررسیِ تفاوت بین مصرف و سرمایه‌گذاری، نگاه دقیق‌تری به ماهیت مصرف، ضروری بنظر می‌رسد. مصرف فعالیتی است که در آن واحدهای نهادی کالاها و خدمات را استفاده می‌کنند، ولی دو نوع مصرف کاملاً متفاوت با یکدیگر وجود دارد. مصرف واسطه، از کالاها و خدماتی تشکیل شده

[1] *Balance of Payments and International Investment Position Manual, Sixth Edition* (International Monetary Fund (IMF), 2008), known as *BPM6*

است که طی دوره حسابداری در جریان تولید مصرف می‌شوند. مصرف نهائی، از کالاها و خدماتی تشکیل شده است که توسط خانوارهای فردی یا کل جامعه برای ارضای نیازها یا خواسته‌های فردی یا جمعی آن‌ها استفاده می‌شوند. فعالیتِ تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص، مانند مصرف واسطه محدود به واحدهای نهادی به دلیل توانائی آن‌ها به‌عنوان تولید کننده است که به صورت ارزش تحصیل منهای ارزش واگذاری دارائی‌های ثابت تعریف می‌شود. دارائی‌های ثابت، دارائی‌های تولید شده (نظیر ماشین‌آلات، تجهیزات، ساختمان‌ها یا سایر بناها) هستند که در دوره‌های حسابداری متعددی (بیش از یک سال) به طور مکرر یا مستمر در تولید استفاده می‌شوند. فرق بین مصرف واسطه و تشکیل سرمایه ناخالص بستگی به این دارد که کالاها و خدمات استفاده شده، در دوره‌ی حسابداری به‌طور کامل مصرف می‌شوند یا خیر. اگر مصرف می‌شوند، مصرف آن‌ها تراکنش جاری بوده و به‌عنوان مصرف واسطه ثبت می‌شود؛ در غیر این‌صورت، تراکنش آن‌ها انباشت است و در حساب سرمایه ثبت می‌شود.

۱-۵۳ ماهیت و هدف کلی از تشخیصِ تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص و مصرف، اعم از واسطه یا نهائی، روشن است. این تشخیص برای تحلیل و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی موضوع مهمی است. با این حال، تعیین مرز بین مصرف و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در عمل همیشه آسان نیست. برخی فعالیت‌ها دارای عناصری هستند که بنظر می‌آید مصرف باشند و در عین حال دارای عناصر دیگری هستند که آن‌ها را تشکیل سرمایه جلوه می‌دهد. برای اطمینان از این که SNA با روش یکسانی اجرا می‌شود، باید درباره روش‌هائی تصمیم‌گیری شود که براساس آن‌ها برخی اقلامِ مشکل، حتی بحث برانگیز را بتوان طبقه بندی کرد. دو مثال در زیر آورده شده است.

سر مایه انسانی

۱-۵۴ اغلب مطرح می‌شود که مخارج آموزش و تحصیل کارکنان باید به‌عنوان نوعی سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، در تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص طبقه‌بندی شوند. کسب دانش، مهارت‌ها و توانائی‌ها پتانسیل بهره‌وری افراد مورد نظر را افزایش می‌دهند و سرچشمه‌ی منافع اقتصادی آتی برای آن‌ها هستند. ولی با وجود این که دانش، مهارت‌ها و توانائی‌ها به طور مشخص در مفهوم وسیع آن دارائی هستند، نمی‌توانند با دارائی‌های ثابتی که از SNA درک می‌شود، یکسان باشند. این‌ها از طریق یاد گرفتن، مطالعه و تمرین بدست می‌آیند، یعنی فعالیت‌هائی که فرد دیگری از طرف دانشجو نمی‌تواند آن‌ها را انجام دهد و از اینرو کسب دانش یک فرآیند تولید نیست حتی اگر از طریق خدمات آموزشی منتقل شود. به این دلیل، خدمات آموزشی تولید شده از طریق مدارس، کالج‌ها، دانشگاه‌ها، غیره به صورت مصرف آن‌ها توسط دانشجویان در فرآیند تحصیل دانش و مهارت عمل می‌شوند. با این نوع آموزش به‌عنوان مصرف نهائی برخورد می‌شود. در حالی که هزینه‌های آموزش که کارفرما برای افزایش کارائی کارکنان خود فراهم می‌کند، مصرف واسطه تلقی می‌شوند.

۱-۵۵ این نحوه‌ی برخورد با هزینه‌های آموزش، با محدوده‌های تولید و دارائی در SNA سازگاری دارد ولی همه‌ی کاربران SNA در تمامی موارد آن را رضایت بخش نمی‌دانند. بهرحال، همان‌گونه که در سطرهای زیرین توضیح داده می‌شود، SNA کاربران را به استفاده از پیمان‌های دگرسانی (جایگزینی) در شکل حساب‌های اقماری که در فصل ۲۹ شرح داده شده است، تشویق می‌کند. نحوه‌ی برخورد دگرسان برای ثبت سرمایه انسانی یکی از این کاربردهاست.

تعمیر، نگه‌داری و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

۱-۵۶ مثال دیگری که کمتر شناخته شده است، مشکل ذاتیِ تشخیصِ بین مصرف و تشکیل سرمایه‌ی ثابت برای تعمیرات و نگه‌داری است. تعمیرات و نگه‌داریِ عادی که توسط بنگاه‌ها انجام می‌شوند تا دارائی‌های ثابت در وضعیت کاری مطلوبی نگه‌داشته شوند، مصرف واسطه تلقی می‌شوند. ولی بهسازی اساسی، اضافات به دارائی‌های ثابت، اعم از ماشین‌آلات و ساختمان‌ها که کارکرد آن‌ها را بهبود می‌بخشند، ظرفیت آن‌ها را افزایش می‌دهند یا عمر کاری مورد انتظار آن‌ها را طولانی می‌کنند تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص به‌حساب می‌آیند. در عمل، ترسیم خط مشخصی بین تعمیرات عادی و بهسازی اساسیِ دارائی‌های ثابت آسان

نیست، هرچندکه SNA توصیه‌هائی را هم برای این منظور ارائه داده است. برخی تحلیل‌گران مطرح می‌کنند که تمایز بین تعمیرات و نگه‌داریِ عادی و تعمیرات و بهسازی اساسی و اضافات نه قابل اجرا و نه قابل دفاع است و موافق یک روش ثبت «ناخالص‌تر» هستند که در آن همه‌ی این فعالیت‌ها به‌عنوان تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص درنظر گرفته شوند.

ث. SNA چارچوبی برای هماهنگی آمارها

۱. هماهنگ سازی بین سیستم‌های مختلف آماری

۱-۵۷ SNA به‌عنوان یک چارچوب هماهنگ کننده‌ی آمارهای اقتصادی در دو جهت مختلف، کارکرد آماریِ بسیار مهمی دارد. در درجه‌ی اول SNA به‌عنوان یک چارچوب مفهومی برای اطمینان از سازگاریِ تعاریف و طبقه‌بندی‌های به‌کار رفته در زمینه‌های مختلف ولی مرتبطِ آمارها، در نظر گرفته می‌شود. در درجه دوم، SNA به عنوان یک چارچوب حسابداری برای اطمینان از سازگاری داده‌های برداشت شده از منابع مختلف نظیر آمارهای دریافت شده از صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها)، آمارگیری‌های نمونه‌ای خانوار، آمارهای تجارت بین‌المللی، آمارهای مالیاتِ ارزش افزوده (VAT) و سایر منابع اداری، عمل می‌کند.

۱-۵۸ سازگاری بین نظام‌های آماری مختلف، سودمندی تحلیلی آمارهای مورد نظر را افزایش می‌دهد. SNA همواره یک موقعیت محوری در آمارهای اقتصادی داشته است، زیرا به‌طور معمول داده‌های مبتنی بر سیستم‌های تخصصی‌تر، نظیر تراز پرداخت‌ها یا آمارهای نیروی کار باید در رابطه با داده‌های حساب‌های ملی مورد استفاده قرار گیرند. لزوم هماهنگ‌سازی SNA و سیستم‌های مرتبط، نظیر آمارهای مالی یا آمارهای تراز پرداخت‌ها، منجر به این شده است که در سیستم‌های آماری دیگر نیز به‌طور موازی و با هماهنگی نزدیک با تجدید نظر SNA، بازنگری صورت گیرد. این هماهنگی‌ها تفاوت‌های مفهومی بین آن‌ها را از بین برده است غیر از تعدادی موارد استثنائی که می‌توان با توجه به ویژگی‌های خاصِ انواع مختلف داده‌ها، یا خواسته‌های ویژه‌ی انواع مختلف کاربران، آن‌ها را به‌طور خاص تعدیل کرد. تجربه نشان داده است که هماهنگ سازی بین SNA و دیگر سیستم‌های اصلی، که با تغییراتی در SNA و نیز سیستم‌های دیگر داده شده است، بسیار موفقیت‌آمیز بوده است.

۲. استفاده از داده‌های خرد برای حسابداری اقتصاد کلان

۱-۵۹ توالی حساب‌ها و ترازنامه‌های SNA را در اصل می‌توان در هر سطح از هم‌افزود (تجمیع)، حتی در سطح یک واحد نهادی منفرد، تهیه کرد. بنابراین به‌نظر می‌رسد وضعیت مطلوب این است که حساب‌های اقتصاد کلان را برای بخش‌ها یا کل اقتصاد مستقیماً از طریق تهیه داده‌های مربوط به تک تک واحدهای نهادی بدست آورد. در اختیار داشتن پایگاه داده‌های خُرد که کاملاً با حساب‌های متناظر اقتصاد کلان برای بخش‌ها یا کل اقتصاد سازگار باشد، مزیت‌های تحلیلی قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت. داده‌هائی که به شکل هم‌افزوده، یا داده‌هائی که در سطح متوسط هستند، اغلب مقدار زیادی از اطلاعات مفید را درباره تغییرات رخداده در جامعه‌ای که به آن تعلق دارند، پنهان می‌کنند. برای مثال، نظریه‌های اقتصادی نشان می‌دهند که می‌توان انتظار داشت تغییرات الگوی توزیع درآمد بیشتر از تغییرات کل درآمد بر مصرف کل تأثیر داشته باشند. اطلاعات مربوط به تک به تک واحدها نه تنها برای دستیابی به شناخت بهتر از کارکرد اقتصاد مورد نیاز است، بلکه برای پایش تأثیر سیاست‌های دولت یا رخدادهای دیگر، بر انواع منتخب از واحدهائی که مورد توجه خاص هستند، نظیر خانوارهای کم درآمد، نیز ضروری است. مجموعه داده‌های خرد همچنین این امکان را فراهم می‌سازند که رفتار تک به تک واحدها در طول زمان پیگیری شود. با توجه به

ادامه‌ی پیشرفت‌های رایانه‌ای و ارتباطات، مدیریت یک پایگاه داده‌ای بزرگ و تحلیل آن به‌طور فزاینده‌ای آسان‌تر می‌شود. داده‌ها را می‌توان از انواع مختلف منابع، نظیر ثبت‌های اداری و کسب و کار، و نیز سرشماری‌ها و آمارگیری‌های نمونه‌ای ویژه‌ای که اجرا می‌شوند، بدست آورد.

۱-۶۰ ولی در عمل، حساب‌های اقتصاد کلان به ندرت فقط با تجمیع داده‌های خُردِ مربوطه، ساخته می‌شوند. حتی هنگامی که یکایک واحدهای نهادی حساب‌ها یا ارقام خود را نگه‌می‌دارند، مفاهیمی که در سطوح خرد لازم یا مناسب هستند، ممکن است در سطح کلان مناسب نباشند. تک تک واحدها ممکن است ملزم به استفاده از مفاهیمی باشند که برای مقاصد دیگری نظیر وضع مالیات، طراحی شده‌اند. پیمان‌های حسابداری و روش‌های ارزش‌گذاری که در سطح خرد به‌کار می‌روند به‌طور معمول از آنچه که در SNA مطرح شده است، متفاوت هستند. برای مثال، استفاده‌ی گسترده از حسابداری بهای تمام شده‌ی تاریخی به‌این معنی است که حساب‌های هریک از بنگاه‌ها می‌توانند به‌طور قابل توجهی از آنچه که SNA به کار می‌برد متفاوت باشند. استهلاکی که برای مقاصد مالیاتی محاسبه می‌شود، ممکن است کاملاً اختیاری بوده و به عنوان سنجه‌ی مصرف سرمایه‌ی ثابت از دیدگاه اقتصادی پذیرفتنی نباشد. در چنین موقعیتی، تعدیل یکایک حساب‌های هزاران بنگاه پیش از هم‌افزود آن‌ها، غیر عملی است. بجای آن، داده‌ها بعد از این که تا حدودی تجمیع شدند، تعدیل می‌شوند. البته اجباری نیست که داده‌ها قبل از تعدیل شدن تا سطح کل اقتصاد یا حتی تمام بخش‌ها یا صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) تجمیع شوند، احتمالاً اِعمال تعدیل‌ها برای گروه‌های کوچک‌تر و همگن‌تر از واحدها، کارائی بیشتری خواهد داشت. این شیوه‌ی عمل ممکن است منجر به تهیه‌ی حساب‌هائی شود که سیستم حساب‌های واسطه نامیده می‌شود. تعدیلات در هر سطح از تجمیع که اِعمال شود، به ناچار داده‌های کلانِ بدست آمده با داده‌های حاصل از تجمیع ساده‌ی داده‌های خرد برابر نخواهد بود. وقتی داده‌های خرد از حساب‌های کسب و کار یا ثبت‌های اداری گرفته نمی‌شوند ولی از سرشماری‌ها یا آمارگیری‌های نمونه‌ایِ طراحی شده برای مقاصد آماری بدست می‌آیند، مفاهیم مورد استفاده باید به چیزی که مورد نیاز است نزدیک‌تر باشند ولی نتایج آن‌ها ممکن است به‌دلیل پوشش ناکافی (مثلاً وقتی که آمارگیری‌ها محدود به بنگاه‌های بزرگ‌تر از یک اندازه معین هستند) و سمت‌گیریِ (اریبی) خطاهای پاسخگوئی، هنوز به اعمال تعدیلاتی در سطح کلان نیاز داشته باشند.

۱-۶۱ بیشترِ خانوارها به احتمال زیاد حساب‌هائی را که مورد نیاز SNA است نگه‌داری نمی‌کنند. داده‌های خُرد برای خانوارها به‌طور معمول از آمارگیری‌های نمونه‌ای بدست می‌آیند که ممکن است دارای خطاهای مهم پاسخگوئی و گزارش دهی باشند. به‌ویژه ممکن است بدست آوردن داده‌های قابل اعتماد و معنی‌دار در زمینه‌ی فعالیت‌های بنگاه‌های کوچک غیرشرکتی (بنگاه‌های فاقد شخصیت حقوقی) متعلق به خانوار، مشکل باشد. هم‌افزوده‌هائی که براساس آمارگیری‌های خانوار بدست می‌آیند به دلیل سمت‌گیری‌های شناخته شده نظیر کم‌گوئی در مورد بعضی از انواع مخارج (دخانیات، نوشابه‌های الکلی، قمار، غیره). و همچنین برای سازگار کردن آن‌ها با داده‌های کلانِ دریافت شده از منابع دیگر مثل واردات، لازم است تعدیل شوند. بهره‌برداری سامان‌مند از داده‌های خرد نیز ممکن است به علت اهمیت روز افزون محرمانگیِ داده‌ها و احتمال استفاده‌ی نامناسب از چنین پایگاه‌های داده‌ای محدود شوند.

۱-۶۲ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به‌دلایل متعدد، در عمل دست یافتن به پایگاه‌های داده‌ای خُرد و حساب‌های اقتصاد کلانِ کاملاً همساز با یکدیگر، اگر غیر ممکن نباشد، مشکل خواهد بود. با این حال، به عنوان یک هدف کلی، باید مفاهیم، تعاریف و طبقه‌بندی‌های به کار رفته در حسابداری اقتصادی تا آن‌جا که ممکن است برای تسهیل در ارتباط بین دو نوع داده، در هردو سطح خرد و کلان هردو، یکسان باشند.

ج. پیوند با حسابداری کسب و کار (تجاری)

۱-۶۳ پایه و اساس قواعد حسابداری و شیوه‌هائی که در SNA بکار برده شده است همان قواعد و شیوه‌هائی است که از گذشته‌ها در حسابداری کسب و کار (تجاری) استفاده می‌شد. اصول حسابداری سنتیِ ثبت دو طرفه که در آن هر تراکنشی در حساب‌های هریک از دو طرفِ تراکنش به یک جفت قلم ورودیِ متناظرِ بدهکار و بستانکار افزایش می‌یابد، اصل اساسیِ حسابداری ملی یا اقتصادی را تشکیل می‌دهد. برای مثال، ثبتِ فروش ستانده نه تنها به ثبت یک قلم ورودی در حساب تولیدِ فروشنده نیاز دارد، بلکه به ثبت یک قلم ورودی در حساب مالیِ او با ارزش برابر به صورت ثبت نقدی، یا اعتبارِ مالی کوتاه مدت، که در مبادله‌ی ستانده دریافت کرده است نیز نیاز دارد که به آن "طرف مقابل" گفته می‌شود. از آنجا که برای خریدار نیز دو قلم ورودیِ متناظر لازم است، در سیستم حساب‌های اقتصاد کلان که هم فروشنده و هم خریدار را در بر می‌گیرد، این تراکنش باید به چهار قلم ورودیِ هم‌زمان با ارزش یکسان منجر شود. به‌طور کلی، هر تراکنشی بین دو واحد نهادی مختلف همیشه در حساب‌های SNA به چهار قلم ورودی برابر و هم‌زمان (یعنی حسابداری ثبت چهار طرفه) نیاز دارد حتی اگر تراکنشِ مورد نظر یک انتقال باشد و مبادله‌ای صورت نگیرد و حتی اگر هیچ پولی دست به دست نگردد. این قلم‌های ورودیِ چندگانه امکان ثبت و تحلیل روابط متقابل بین واحدها و بخش‌های نهادی را فراهم می‌سازد. ولی تراکنش‌های داخلیِ یک واحد (نظیر مصرف ستانده توسط همان واحدی که آن را تولید می‌کند) فقط نیاز به دو قلم ورودی دارد که لازم است ارزش آن‌ها برآورد شود.

۱-۶۴ طراحی و ساختار SNA بسیار نزدیک به اصول و نظریه‌های اقتصادی و نیز اصول حسابداری کسب و کار (تجاری) است. مفاهیم پایه نظیر تولید، مصرف و تشکیل سرمایه به این معناست که ریشه در نظریه‌های اقتصادی دارد. وقتی روش‌های حسابداری کسب و کار (تجاری) با اصول اقتصادی تضاد داشته باشند، اولویت به اصول اقتصادی داده می‌شود زیرا SNA در درجه اول با قصد تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی طراحی شده است. فرق بین حسابداری کسب و کار (تجاری) و نظریه‌ی اقتصادی را می‌توان با مفهوم هزینه‌ی تولید که در SNA استفاده شده است روشن ساخت.

۱-۶۵ حسابداری کسب و کار به طور معمول (ولی نه همیشه) هزینه‌ها را بر مبنای تاریخی ثبت می‌کند که تا حدودی به این دلیل است که از قابل مشاهده بودن آن‌ها اطمینان حاصل شود. در حسابداریِ بهای تمام شده‌ی تاریخی، لازم است کالاها و دارائی‌هائی که در تولید به کار می‌روند از طریق مخارجی که برای بدست آوردن آن‌ها در گذشته و واقعاً رخ داده است، ارزش گذاری شوند. ولی در SNA از مفهوم هزینه فرصتی که در اقتصاد تعریف شده است، استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، هزینه‌ی استفاده‌ی دارائی یا مصرف کالای موجود در یک فرآیند تولیدِ خاص از طریق میزان منافعی که می‌توانست با استفاده‌ی دارائی یا کالا در روش‌های دگرسان (جایگزین) بدست آید، اندازه‌گیری می‌شود. هزینه فرصت با استناد به فرصت‌های از دست رفته در زمانی که دارائی یا منابع بکار می‌روند، محاسبه می‌شود که این با هزینه‌هائی که برای تحصیل دارائی در زمانی در گذشته انجام شده است متفاوت است. بهترین تقریب عملی برای حسابداری هزینه فرصت، حسابداری هزینه جاری است، که به‌موجب آن دارائی‌ها و کالاهای استفاده شده در تولید به قیمت‌های جاری برآوردی یا واقعی آن‌ها در بازار در زمانی که تولید اتفاق می‌افتد، ارزش گذاری می‌شوند. حسابداری هزینه جاری گاهی اوقات به‌صورت حسابداری هزینه جایگزینی بیان می‌شود، هرچند که ممکن است واقعاً قصدی برای جایگزین کردن دارائی بعد از استفاده‌ی آن، وجود نداشته باشد.

۱-۶۶ وقتی تورمِ مستمر حتی به میزان معتدلی وجود داشته باشد، استفاده از بهای تمام شده‌ی تاریخی، گرایش به کم برآوردی هزینه‌های فرصت تولید به مفهوم اقتصادی دارد، به طوری که منفعت بهای تمام شده‌ی تاریخی ممکن است بسیار بزرگ‌تر از مازاد عملیاتی تعریف شده در SNA، باشد. منافع در بهای تمام شده‌ی تاریخی به‌دلیل سودآوری فرآیندهای تولیدِ مرتبط با آن‌ها علامت‌های بسیار گمراه کننده‌ای

می‌دهند زیرا در این روش نهاده‌ها در مقایسه با ستانده‌ها به گونه‌ای سامان‌مند کم ارزش‌گذاری می‌شوند. این علامت‌ها می‌توانند منجر به تصمیم‌گیری‌های اشتباه در سطح اقتصاد خرد و اقتصاد کلان هردو شوند.

۱–۶۷ حسابداری هزینه جاری پیامدهائی دارد که در سرتاسر SNA تأثیر می‌گذارد. این نوع حسابداری، همه‌ی حساب‌ها و ترازنامه‌ها و اقلام ترازکننده‌ی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یک اصل اساسی که در اندازه‌گیری ارزش‌افزوده‌ی ناخالص و از اینرو در محصول ناخالص داخلی نهفته است، این است که ستانده و مصرف واسطه باید به قیمت‌های جاریِ زمانی که تولید رخ می‌دهد، ارزش‌گذاری شوند. این به بدین معنی است که کالاهائی که از موجودی انبار خارج می‌شوند باید با قیمت‌های حاکم در زمانی که از انبار خارج می‌شوند ارزش‌گذاری شوند و نه زمانی که به انبار وارد می‌شوند. این شیوه‌ی ثبتِ تغییرات موجودی انبار عموماً در حسابداری کسب و کار (تجاری) مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و گاهی اوقات ممکن است نتایج بسیار متفاوتی به دست آید، مخصوصاً وقتی که میزان موجودی‌ها به دلیل افزایش قیمت‌ها، نوسان داشته باشند. به‌طور مشابه، مصرف سرمایه ثابت در SNA براساس برآورد هزینه‌های فرصت استفاده از دارائی‌ها در زمانی که به‌کار برده می‌شوند، محاسبه می‌شود و این متمایز از قیمتی است که دارائی‌ها براساس آن تحصیل می‌شوند. میزان مصرف سرمایه ثابت که به عنوان هزینه‌ی تولید منظور شده است باید به حدی کافی باشد که در صورت دلخواه امکان جایگزین کردن دارائی‌ها فراهم شود حتی اگر دارائی‌های ثابتی که مصرف می‌شوند واقعاً جایگزین نشوند. وقتی تورم مستمر وجود دارد، حتی اگر در SNA و حساب‌های کسب و کار (تجاری) فرض‌های یکسانی در مورد عمر خدمت دارائی‌ها و نرخ‌های سائیدگی و فرسودگی آن‌ها در نظرگرفته شود، ارزش مصرف سرمایه ثابت گرایش به این دارد که بسیار بیشتر از استهلاک در بهای تمام شده‌ی تاریخی باشد. در SNA برای اجتناب از سردرگمی، اصطلاح "مصرف سرمایه ثابت" به کار برده شده است تا از "استهلاک" که به طور معمول در حساب‌های کسب وکار اندازه‌گیری می‌شود، متمایز شود.

۱–۶۸ یکی از تفاوت‌های بین SNA و حسابداری کسب و کار این است که در SNA برای بیان هیچ قلمِ ترازکننده‌ای از اصطلاح "سود" استفاده نمی‌شود. قلمِ درآمد کارآفرینی تقریب نزدیکی برای سودِ قبل از مالیات، و درآمد قابل تصرف تقریب نزدیکی برای سود بعد از مالیات است. استفاده از اصطلاح درآمد قابل تصرف از این واقعیت نشأت می‌گیرد که قلم مورد نظر در بخش خانوار، حداکثرِ مبلغِ در دسترسِ خانوار را برای مصرف نشان می‌دهد پس از این که ارزش ویژه یعنی ارزش جاریِ دارائی‌ها منهای بدهی‌های خود را دست نخورده حفظ کند. برای شرکت‌ها، چون مصرف نهائی ندارند، این مبلغی است که برای سرمایه‌گذاری موجود است.

۱–۶۹ برخلافِ حسابداری کسب و کار، SNA دارائی‌های دریافت شده یا واگذار شده در نتیجه‌ی انتقالات سرمایه‌ای را که صرفاً نوعی بازتوزیعِ ثروت بین واحدهای مختلف است، و همچنین دارائی‌های دریافت شده یا از دست رفته در اثر رویدادهائی که به تولید مربوط نیستند، نظیر زمین‌لرزه‌ها یا دیگر فجایع طبیعی یا اقدامات جنگی را در محاسبه‌ی درآمد منظور نمی‌کند. منفعت یا زیان واقعی ناشی از نگه داشتن دارائی‌ها یا بدهی‌ها در اثرِ تغییرات قیمت‌های نسبی آن‌ها نیز در درآمد ایجاد شده از طریق تولید منظور نمی‌شود.

۱. استانداردهای بین‌المللی حسابداری

۱–۷۰ یکی از ویژگی‌های SNA بهنگام شده‌ی سال ۲۰۰۸، به رسمیت شناختن استفاده‌ی روزافزون از استانداردهای بین‌المللی حسابداری توسط شرکت‌ها و در بخش عمومی است. در فصل‌های بعدی به قواعد هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) و هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی (IPSASB) اشاره خواهد شد. در موارد متعدد، به ویژه در بدهی‌ها و دارائی‌های ناملموسِ طرح بازنشستگی، امکان وارد کردن بعضی اقلام در SNA بستگی به اعمالِ استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارد.

چ. گسترش دامنه‌ی SNA

۱–۷۱ SNA به‌گونه‌ای طراحی شده است که به اندازه‌ی کافی فراگیر باشد تا هریک از کشورها با هر نوع ساختار اقتصادی، هرنوع ترتیبات نهادی یا در هر سطح از توسعه بتوانند قسمت‌هائی از SNA را که با توجه به نیازها و قابلیت‌هایشان، برای اجرا مفیدتر و مرتبط‌تر هستند، از درون آن انتخاب کنند. SNA با این هدف طراحی شده است که به شیوه‌ای انعطاف پذیر اجرا شود و حساب‌ها و جدول‌ها، طبقه‌بندی‌ها و بخش‌بندی‌هائی که در این جلد ارائه شده است نباید ثابت تلقی شوند. برای مثال، طبقه‌بندی‌های واحدهای نهادی، تراکنش‌ها و دارائی‌ها را می‌توان به‌صورت انعطاف پذیر با توجه به داده‌های موجود و موقعیت کشورهای مختلف از طریق تجمیع یا تفکیکِ بیشتر معرفی کرد. انعطاف پذیریِ استفاده از طبقه بندی‌ها، مفاهیم و تعاریف اساسی، SNA را تغییر نمی‌دهد.

۱–۷۲ در برخی موارد، SNA به روشنی در انعطاف پذیری اصرار دارد. برای مثال در فصل ۴، دو روش دگرسان (جایگزین) برای رده‌بندیِ زیر بخش‌های بخش دولت پیشنهاد شده است بدون این که برای هیچیک اولویتی قائل شود. به‌طور مشابه، هرچند SNA طبقه‌بندی زیر بخشیِ بخش خانوارها را براساس منبع اصلیِ درآمد خانوار پیشنهاد می‌کند، اما تأکید دارد که این فقط یکی از معیارهای ممکن برای رده بندی زیر بخش‌ها است. در برخی موارد ممکن است رده بندی زیر بخش‌ها براساس معیارهای اجتماعی– اقتصادی یا نوع منطقه‌ی جغرافیائیِ محل سکونت خانوار، مناسب‌تر باشد یا، در واقع تجزیه‌ی بیشترِ بخش خانوارها با استفاده از دو یا چند معیارِ توأم با یکدیگر به شیوه‌ی سلسله مراتبی مفیدتر باشد.

۱–۷۳ روش‌هائی را که SNA می‌تواند بکار بگیرد تا نیازها و شرایط متفاوتی را برآورده سازد، در فصل‌های ۱۸ الی ۲۹ ارائه شده است. فصل ۲۹ نشان می‌دهد که با ساختن حساب‌های اقماری چگونه ممکن است انعطاف پذیری یک مرحله بیشتر اعمال شود، حساب‌های اقماری در ارتباط نزدیک با حساب‌های اصلی SNA هستند ولی محدود به این نیستند که دقیقاً همان مفاهیم را بکار ببرند یا از داده‌های بیان شده برحسب پول استفاده کنند. حساب‌های اقماری برای مقاصد خاصی نظیر نظارت بر سلامت جامعه یا وضعیت محیط زیست در نظر گرفته شده‌اند. این حساب‌ها همچنین ممکن است برای کشف روش‌های جدید و اعمال روش‌های حسابداری جدید، استفاده شوند و وقتی به‌طور کامل توسعه پیدا کرده و مورد قبول واقع شدند، می‌توانند با گذشت زمان در SNA اصلی جذب شوند، همان‌گونه که تحلیل‌های داده– ستانده با SNA آمیخته شده‌اند.

۱–۷۴ روش دیگری که SNA می‌تواند به‌گونه‌ای انعطاف‌پذیر اجرا شود، از طریق بازآرائی داده‌های حساب‌ها در شکل ماتریس حسابداری اجتماعی است که به این منظور ساخته می‌شوند که نیازهای خاص سیاست‌گذاری و تحلیلی را به نحو بهتری برآورده سازند. این نوع ماتریس‌ها نباید به عنوان تشکیل سیستم‌های متفاوتی تعبیر شوند بلکه باید به عنوان روش‌های جایگزین برای نمایشِ انبوه اطلاعات موجود در SNA ساخته شوند زیرا برخی از کاربران و تحلیل‌گران آن‌ها را حاوی اطلاعات مفیدتر و قوی‌تری برای پایش و نیز برای مدل سازی توسعه اقتصادی و اجتماعی یافته‌اند.

ح. SNA و سنجه‌های رفاه

۱–۷۵ GDP اغلب به عنوان سنجه‌ای از رفاه در نظر گرفته می‌شود، ولی SNA چنین ادعائی ندارد و در حقیقت در SNA قواعد متعددی وجود دارد که برخلاف تعبیر رفاه از حساب‌ها بحث می‌کند. مفاهیم برخی از این قواعد به طور خلاصه در این

بخش مطرح شده است.

۱. صلاحیت مخارج به عنوان سنجه‌ای برای رفاه

۱–۷۶ در اقتصادِ بازار، قیمت‌هائی که برای تعیین ارزش کالاها و خدمات مختلف به کار می‌روند نه تنها باید هزینه‌های نسبی تولید بلکه منافع یا مطلوبیت نسبی حاصل از استفاده‌ی آن‌ها برای تولید یا مصرف را نیز منعکس سازند. این امر بین تغییرات هم‌افزوده‌های تولید و مصرف و تغییرات رفاه، ارتباط برقرار می‌کند. ولی تغییرات در حجم مصرف، برای مثال، با تغییرات در رفاه یکسان نیست. به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده است که با فرض ثابت بودن موارد دیگر، افزایش مخارج کالاها و خدمات به افزایش رفاه منجر می‌شود. ولی افزایشِ رفاه ممکن است متناسب با افزایشِ مخارج نباشد. علاوه براین واحدی که مخارج را متحمل می‌شود لزوماً همان واحدی نیست که از افزایش رفاه منتفع می‌شود. SNA بین مصرف واقعی یعنی میزان کالاها و خدماتی که واقعاً مصرف می‌شوند و مخارج مصرفی تفاوت قائل می‌شود. مصرف واقعی خانوار از مخارج مصرفی بیشتر است زیرا مصرف واقعی، مخارج متحمل شده توسط دولت و NPISHها از طرف خانوارهای فردی را هم در برمی‌گیرد.

۱–۷۷ افزایشِ مصرف خوراکیِ شخصی که در فقر مطلق به سر می‌برد منجر به افزایشِ رفاه او می‌شود که احتمالاً بیشتر از افزایش رفاهی است که در اثر همان مقدار افزایشِ مصرفِ مواد خوراکی برای شخصی ایجاد می‌شود که قبلاً خوب تغذیه شده است. ولی SNA نمی‌تواند این را متمایز کند زیرا هرچند قواعد موجود درآن مشخص می‌سازد که کدام واحد مخارج را متحمل می‌شود و کدام واحد خوراک را مصرف می‌کند، ولی اساس ارزش‌گذاری در SNA قیمتی است که برای خوراک پرداخت می‌شود بدون این که هیچ‌گونه تعدیلی برای مزیت‌های کیفی حاصل از مصرفِ آن صورت گیرد. نهایتِ ادعائی که مخارج را می‌توان به عنوان سنجه‌ی رفاه پذیرفت، این است که حد پائین قابل قبولی در سطح رفاهِ ایجاد شده را می‌توان از طریق مخارج دانست.

۲. خدماتِ بدون دستمزد و رفاه

۱–۷۸ محدوده‌ی تولید SNA به‌گونه‌ای تعیین شده است که خدمات تولید شده توسط خانوار و مصرف شده توسط همان خانوار را در بر نمی‌گیرد به استثنای اجاره بهای احتسابی واحدهای مسکونی مالکِ ساکن و پرداخت‌هائی که به کارکنان خانگی انجام می‌شود. به طور مشابه، در SNA برای خدمات داوطلبانه‌ی کاری که افراد برای مؤسسات غیرانتفاعی، بدون دریافت دستمزد، ارائه می‌دهند نیز هیچ‌گونه برآوردی انجام نمی‌شود. در هردوی این موارد صرف زمان، رفاه سایر افراد جامعه را افزایش می‌دهد. خارج کردن این خدمات از محدوده تولید دلیل بر انکار خاصیت رفاه آن‌ها نیست ولی منظور کردن آن‌ها، بیش از این که سودمندی SNA را برای اهداف اصلی آن یعنی استفاده در تحلیل‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی افزایش دهد، از آن خواهد کاست.

۳. تأثیر رویدادهای خارجی بر رفاه

۱–۷۹ سطح رفاهِ یک فرد و یک ملت می‌تواند تحت تأثیر گستره‌ای از عواملی که در اصل اقتصادی نیستند، قرار گیرد. اثرات یک زمستان سخت استثنائی همراه با شیوع آنفلوانزا را در نظر بگیرید. با فرض ثابت بودن عوامل دیگر، می‌توان انتظار داشت تولید و مصرفِ تعدادی از کالاها و خدمات برای پاسخگوئی به تقاضای اضافی ایجاد شده از طریق سرما و بیماریِ همه‌گیر، افزایش پیدا کند؛ تولید و مصرف سوخت‌ها؛ پوشاک و خدمات پزشکی گرایش به افزایش خواهند داشت. در مقایسه با سال قبل، به دلیل آب و هوای بدِ استثنائی و بیماری همه‌گیر با وجود این که تولید و مصرف در پاسخگوئی به تقاضای اضافی برای گرما و خدماتِ سلامت افزایش می‌یابد، ممکن است مردم احساس کنند وضعیتشان به‌طور کلی بدتر شده است. در چنین وضعیتی کل رفاه می‌تواند کاهش داشته باشد، حتی اگرچه GDP برحسب حجم افزایش یابد.

۱–۸۰ این وضعیت به این معنی نیست که نمی‌توان انتظار داشت وقتی GDP افزایش می‌یابد، رفاه نتواند در صورت ثابت بودنِ

عوامل دیگر افزایش یابد. در صورت وقوع سرما و بیماریِ همه‌گیر، جامعه با تولید و مصرف اضافی گرما و خدمات سلامت، نسبت به زمانی که این‌ها وجود نداشته باشند، احتمالاً احساس بهتری خواهد داشت. حتی ممکن است برای مقابله با اثرات زیان‌آور رخدادهائی که رفاه مردم را در یک مفهوم گسترده کاهش داده است، عموم مردم تمایل به افزایش تولید داشته باشند. برای مثال، ممکن است به منظور تعمیر خسارت‌های ناشی از فجایع طبیعی نظیر زمین‌لرزه، گردباد و سیل، انتظار بر این باشد که تولید افزایش یابد. به این ترتیب در صورت وقوع فاجعه، احتمالاً تولید اضافی منجر به افزایش رفاه می‌شود. ولی این سئوال باقی می‌ماند که تغییرات رفاه در طی زمان چگونه باید اندازه‌گیری شود؛ جامعه‌ای که دچار بلایای طبیعی شده است، در صورت تعمیر خسارت‌ها، سطح رفاه بالاتری نسبت به زمانی که این پیشامد رخ نداده است خواهد داشت ولی چگونه این سطح جدید رفاه با وضعیت عدم وقوع فاجعه مقایسه می‌شود؟

۴. پیامدهای آثار برون‌ریز بر رفاه

۸۱-۱ بعضی فعالیت‌های تولید موجب کاهش رفاه می‌شوند که در SNA به آن‌ها پرداخته نشده است. برای مثال، ممکن است کارخانه‌ای وجود داشته باشد که صدا ایجاد می‌کند و یا آلاینده‌هائی را در هوا یا سیستم آب‌های نزدیک کارخانه انتشار می‌دهد تا حدی که باعث کاهش مطبوعیت و از اینرو کاهش رفاه افرادی می‌شود که در اطراف آن زندگی می‌کنند. مادامی‌که جریمه‌ی مالی برای این کارخانه وجود ندارد، نتایج آن در SNA قابل اندازه‌گیری نیست. ولی اگر در اجرای قوانین دولت یا در صورت نبود قانون، کارخانه مخارجی را تقبل کند که صدا یا مقدار آلاینده‌های خارج شده را کاهش دهد، در این صورت هزینه‌ها و همچنین رفاه افزایش خواهند یافت ولی در اینجا هم لزوماً تناظر یک به یک وجود ندارد و سطح رفاه با وجود بهبود آن ممکن است هنوز پائین‌تر از زمانی باشد که کارخانه تعطیل می‌شود.

۸۲-۱ آثار برون‌ریزِ محیط زیست علت عمده‌ی نگرانی‌هاست که هم در اندازه‌گیری رفاه و هم در رشد اقتصادی به خودی خود، مورد توجه هستند. در پاسخ به این نگرانی‌ها، یک حساب اقماری در SNA ایجاد شده و در حال اصلاح است تا پاسخگوی چنین مسائلی باشد.

۵. اثرات غیر اقتصادی بر رفاه

۸۳-۱ وضعیت نیک بود (well-being)، یا رفاه، افراد فقط توسط عوامل اقتصادی تعیین نمی‌شود. موقعیت شخصی و خانوادگی، کیفیت سلامت، رضایتی که از اشتغال حاصل می‌شود برخی از عوامل دیگری هستند که رفاه را تحت تأثیر قرار می‌دهند درک یک روش عینی که بوسیله آن بتوان عواملی نظیر این‌ها را به صورت کمی درآورد، مشکل است و مشکل‌تر از آن درک سودمندیِ وارد کردن آن‌ها در سیستمی است که در درجه اول برای کمک به تحلیل‌های اقتصادی طراحی شده است.

۶. نماگرهای رفاه و هم‌افزوده‌های اقتصاد کلان

۸۴-۱ رفاه یک مفهوم گسترده با جنبه‌های بسیار گوناگون است. بعضی از آن‌ها را می‌توان به خوبی از طریق یک یا چند هم‌افزوده‌ی کلیدی در SNA بدست آورد. بعضی دیگر را از طریق استفاده از ساختار اساسی SNA و گسترش آن از بعضی جهات مثلاً، با وارد کردن خدمات بدون دستمزد و یا اثرات خسارت‌های محیط زیستی، بدست آورد. با وجود این جنبه‌های دیگری هنوز خارج از دسترس سیستمی که هدف اصلی آن اندازه‌گیری رفاه نیست باقی می‌ماند. انکار کردن این موضوع ساده انگاری است، به دلیل این که انتظار از یک سیستم حساب‌های اقتصادی که ضرورتاً و به طور خودکار سنجه‌ی کاملاً رضایت‌بخشی از رفاه ارائه دهد، غیرواقعی است.

فصل ۲: نگاه اجمالی

الف. مقدمه

۲-۱ این فصل نگاهی به چارچوب حسابداری SNA دارد و ضمن این کار، مروری بر بیشترِ فصل‌هائی که در پی می‌آیند، خواهد داشت.

الف. در این فصل، عناصرِ مفهومی که اجزای سیستم حسابداری را تشکیل می‌دهند و قواعد حسابداری که پیروی از آن‌ها ضروری است، معرفی می‌شوند. این‌ها در بخش‌های ب و پ با توضیحِ بیشتر و در فصل‌های ۳، ۴ و ۵ با جزئیات کامل شرح داده شده‌اند.

ب. در این فصل، نگاه استانداردی که چارچوب محوری به ساختار اصلیِ حسابداری دارد توضیح داده می‌شود. هر حساب با شرح ماهیت آن و ارائه‌ی درک عمیقی از نوع تحلیلی که می‌تواند ارائه دهد، معرفی می‌شود. حساب‌ها در بخش ت و سپس در فصل‌های ۶ الی ۱۷ تشریح خواهند شد.

پ. سپس، این فصل برخی روش‌هائی را نشان می‌دهد که چارچوب محوری سیستم برحسب نیازهای خاص کشورها، به طور انعطاف پذیری به کار می‌برد. به‌خصوص در این فصل حساب‌های اقماری نیز معرفی می‌شوند. این گسترش‌ها و کاربردهای SNA به طور خلاصه در بخش ث و در فصل‌های ۱۸ الی ۲۹ شرح داده شده‌اند.

۲-۲ همان‌طور که در فصل ۱ گفته شد، چارچوب محوری سیستم پدیده‌های اساسی تشکیل دهنده‌ی رفتارهای اقتصادی یعنی، تولید، مصرف، انباشتِ سرمایه و مفاهیم درآمد و ثروت مرتبط با آن‌ها را بیان می‌کند. هدف SNA این است که از این مجموعه پدیده‌ها و روابط متقابل آن‌ها بازنمودی فراهم کند که در عین حال که همه‌ی ملاحظات مهم را پوشش می‌دهد، برای کمک به درک مطلب، ساده هم باشد. برای نیل به این هدف، چارچوب محوری باید دو شرط یکپارچه بودن و سازگار بودن را داشته باشد.

۲-۳ برای یکپارچه بودن، لازم است در تمامی حساب‌ها و زیر حساب‌ها از مفاهیم، تعاریف و طبقه‌بندی‌های یکسان استفاده شود. برای مثال، وقتی تصمیم گرفته می‌شود با واحدهای مسکونی به عنوان دارائی برخورد شود، تمامی واحدهای مسکونی، صرف نظر از این که ساکنین آن‌ها مالک واحد مسکونی باشند یا آن را در بازار اجاره کرده باشند، منجر به تولید خدمات مسکن می‌شوند و باید در محدوده تولید قرار گیرند. به طور مشابه، همه‌ی این‌ها منجر به ایجاد درآمد می‌شوند که صرف نظر از رابطه بین مالک و ساکنِ واحد مسکونی باید در SNA روش یکسانی برای آن‌ها بکار برده شود.

۲-۴ برای سازگار بودن، هر جریان اقتصادی یا هر میزان موجودی که طبق SNA به وجود می‌آید باید برای طرف‌های درگیر به طور یکسان اندازه‌گیری شود. این سازگاری از طریق استفاده از مفاهیم و تعاریف یکسان در سراسر SNA و همچنین مجموعه واحدی از قواعد حسابداری برای تمامی اقلام SNA حاصل می‌شود. در عمل، داده‌های واقعی که از حساب‌ها یا آمارهای تهیه شده توسط واحدهای اصلی بدست می‌آیند به دلایل متعددی به طور کامل سازگار نیستند و بنابراین لازم است کار اضافی بسیار زیادی انجام شود تا سازگاری مورد نیاز SNA حاصل شود.

۱. تحلیل جریان‌ها و موجودی‌ها

۲-۵ در واقع، هدف سیستم حساب‌های ملی ثبتِ موجودی‌ها و جریان‌های اقتصادی است. جریان‌های اقتصادی را می‌توان به شیوه‌های مختلف تصورکرد. این پرسش را در نظر بگیرید که

«چه کسی چه‌کاری می‌کند؟» «چه کسی» به کارگزار اقتصادی که به انجام کاری اشتغال دارد یعنی گرداننده برمی‌گردد. «چه‌کار» به نوع عملی که این کارگزار اقتصادی به عهده دارد، مربوط است. در مواردی، پاسخ به این پرسشِ ساده، خصوصیات مقدماتی خوبی از یک جریان اقتصادی را ارائه می‌دهد. ولی، به‌طور کلی این پرسش حتی برای ارائه یک شرح خام اقتصادی از یک جریان خاص، بسیار ساده است. مثالی را در نظر بگیرید که شخصی یک قرص نان خریده است. برای بیان خصوصیات این جریان، لازم است بررسی شود این قرص نان از چه کسی (یک نانوائی یا یک سوپرمارکت) خریداری شده است و در قبال آن، چه چیزی (سکه یا اسکناس) داده شده است. بنابراین پرسشی که در ابتدا مطرح شد، به صورت «چه کسی چه کار می‌کند *با* چه *کسی در مبادله با* چه *چیزی؟*» تغییر می‌یابد. این جریانِ نسبتاً ساده دو گرداننده (خریدار، فروشنده) را در بر می‌گیرد ، دو عمل اصلی (خرید، فروش)، دو عمل ثانوی (پرداخت، دریافت) و دو شیء (نان، سکه یا اسکناس) را در بر می‌گیرد. برای شرح کامل جریان، باز هم به اطلاعات بیشتری، حداقل وزن، نوع و قیمت نان نیاز است.

۲-۶ در دنیای واقعی تصویر از این هم پیچیده‌تر است. قبل از این که این جریان رخ دهد، فروشنده مقدار معینی نان در مغازه‌ی خود داشت؛ بعد از آن نانِ کمتر ولی پولِ بیشتری دارد. خریدار مقدار مشخصی پول داشت، اکنون او پولِ کمتر ولی نانِ بیشتری (قبل از خوردن آن) دارد. بنابراین جریان بین آن‌ها شرایط اولیه‌ی آن‌ها را تغییر داده است. این به معنای این است که به جریان‌ها نمی‌توان به تنهائی نگاه کرد؛ لازم است شرایط قبل و بعد از رخ دادن یک جریان نیز مد نظر قرار گیرد. در آن دو نقطه از زمان، باید این پرسش مطرح شود که «چه کسی چه چیزی دارد؟». نانوا نه تنها نان و پول دارد بلکه یک خانه با مغازه، تجهیزاتِ پخت نان، مقداری آرد، سپرده‌ای در بانک، یک خودرو و چیزهای دیگر هم دارد. به عبارت دیگر، او دارای (مالک) موجودی مشخصی از اشیاء است. این در مورد خریدار نیز واقعیت دارد. جریان‌ها موجودی‌ها را نسبت به آن چیزی که هستند تغییر می‌دهند. پرسش قبلی دوباره به «چه کسی چه کار می‌کند با چه کسی در مقابل مبادله با چه چیزی *با چه تغییراتی در موجودی‌ها*؟» تبدیل می‌شود.

۲-۷ با این حال، راه‌های مختلفِ نگاه کردن به این مثال هنوز تمام نشده است. قبل از این که نانوا بتواند نان را بفروشد، باید آن را بپزد. او از آرد، آب، برق، تجهیزات و غیره استفاده می‌کند. بنابراین پرسشِ دیگری اضافه می‌شود «*چه کسی چه کاری را با چه ابزاری انجام می‌دهد*؟» چیزی را که او انجام می‌دهد نیز به دو روش می‌تواند مشخص شود: فعالیت او (پخت نان) و نتیجه‌ی آن (یک محصول: نان). از نظر خریدار، این پرسش پیش می‌آید که «*او نان را چرا می‌خرد*؟» قصد مشخص او از خریدنِ نان، خوردن آن به عنوان خوراک است، ولی می‌تواند آنرا به عنوان صدقه به فقیر بدهد. در این صورت، این پرسش مطرح می‌شود که «چه کسی چه کاری را *برای چه منظوری انجام* می‌دهد؟»

۲-۸ وقتی همه‌ی این پرسش‌ها گرد هم آورده می‌شوند، حاصل آن ترکیب نسبتاً پیچیده‌ی پیوندهای ساده است: «چه کسی چه کار می‌کند، با چه کسی، در مبادله با چه چیزی، با چه ابزاری، به چه قصدی، با چه تغییراتی در موجودی؟» پاسخ به این پرسش‌ها برای تمامی موجودی‌ها و جریان‌های اقتصادی و گردانندگان یک اقتصادِ معین، حجم زیادی از اطلاعات مربوط به شبکه‌ی کامل روابط متقابل اقتصادی را فراهم می‌کند. ولی این کار نیازمند حجم وسیعی از اطلاعات پایه است که نه همیشه و نه به طورکامل در دسترس قرار نمی‌گیرند، به گونه‌ای که ممکن است فقط جنبه‌های معینی از زنجیره‌ی پیچیده‌ی پرسش‌ها پوشش داده شوند. علاوه براین، لازم است ثبت موجودی‌ها و جریان‌های اقتصادی به شیوه‌ای قابل درک سازمان‌دهی شوند، این موضوع در بخش بعد مورد بحث قرار گرفته است.

۲. ثبت جریان‌ها و موجودی‌ها

۲-۹ نیازهای کاربران ضرورت‌هائی را برای چارچوب حسابداری تعیین می‌کنند. نخستین درخواست این است که باید تصویری از اقتصاد فراهم کند، ولی این تصویر برای این که هم قابل درک و هم کنترل شدنی باشد، باید ساده باشد. دومین

ضرورت این است که صادقانه رفتار اقتصادی را با پوشش دادن تمام جنبه‌های مهم به شیوه‌ای متوازن نشان دهد، بدون این که از برخی جنبه‌ها غفلت کند یا تأکید بسیار کمی بر آن‌ها داشته باشد یا جنبه‌های دیگر را بسیار برجسته کند. در نهایت، باید همه‌ی روابط متقابل مهم اقتصادی و پیامدهای فعالیت‌های اقتصادی را به تصویر بکشد. هرچند که برآورده کردن این نیازها ضروری است، ولی قدری با یکدیگر متناقض هستند. دستیابی به توازن کامل بین آن‌ها آسان نیست. ساده سازی بیش از حد می‌تواند منجر به از دست دادن دیدگاه نسبت به جنبه‌های مهم رفتار اقتصادی یا غلفت از آن شود؛ تفصیلی کردن بیش از حدِ تصویر واقعی می‌تواند موجب بار زیاد آن و کاهش بینش شود؛ فلسفه بافیِ بیش از حد می‌تواند موجب کاهش درک و گمراه شدن برخی کاربران شود؛ و امثال این‌ها.

۲–۱۰ برای برآورده ساختن این ضرورت‌ها، SNA تعداد محدودی از مقوله‌های اساسی را برای تحلیل و هم‌افزودِ (تجمیع) برخی جنبه‌های (چه کسی؟ چه چیزی؟ با چه قصدی؟ با چه موجودی؟) تعداد زیادی از جریان‌های اصلی به کار می‌برد. با این حال، SNA تصویری را که از روابط متقابل اقتصادی ارائه می‌دهد، با ثبت نکردن کاملاً نظام‌مند پرسش «از– چه کسی – به –چه کسی»، ساده می‌سازد؛ یعنی شبکه‌ی جریان‌های بین انواع مختلف گردانندگان را همیشه ترسیم نمی‌کند. سه واحد الف، ب و پ را در نظر بگیرید که هریک از آن‌ها پرداخت‌هائی از یک نوع به دو واحد دیگر دارند؛ مثلاً ممکن است سه مغازه دار باشند که انواع مختلف کالاها را می‌فروشند. فرض کنید الف از ب ۲ واحد و از پ ۳ واحد میخرد؛ ب از الف ۶ واحد و از پ ۱ واحد می‌خرد؛ پ از هریک از الف و ب ۴ واحد می‌خرد. بهم پیوستگی (ارتباط) کامل جریان‌ها را می‌توان از جدول سه در سه زیر استنباط کرد:

	الف	ب	پ	جمع خریدها
الف		۲	۳	۵
ب	۶		۱	۷
پ	۴	۴		۸
جمع فروش‌ها	۱۰	۶	۴	۲۰

۲–۱۱ اگر چه تنها خریدها مشخص شده‌اند، دریافت‌های هر واحد نیز در این جدول در دسترس قرار می‌گیرند. جمع‌های آخرین ستون سمت چپ (جدول‌ها در برگردان فارسی راست چین شده‌اند، مترجم) کل خریدهای هریک از سه واحد را نشان می‌دهد و جمع‌های آخرین ردیف زیرین، کل دریافت‌های هریک از سه واحد را نشان می‌دهد. جمع‌های این سطر و ستون مسلماً باید برابر باشند، زیرا هریک از آن‌ها جمع همه‌ی ارقام ثبت شده در جدول است. در درون چارچوب محوری معمولاً جزئیات کامل جریان‌ها از هریک از واحدهای الف، ب و پ به هریک از واحدهای دیگر نشان داده نمی‌شود؛ فقط نشان دادن جمع‌ها در آخرین ستون سمت چپ و آخرین سطر زیرین جدول و آگاهی از این که جمع این دو باید تراز شوند، کافی است.

۲–۱۲ در برخی از شیوه‌های نمایش به ویژه شیوه‌هائی که از چارچوب ماتریسی استفاده می‌شود، برخی از این جزئیات اضافی را می‌توان نشان داد. درباره این موضوع در فصل‌های ۱۴، ۲۸ و ۲۹ بحث شده است. حتی در چارچوب محوری هم جزئیات کامل می‌تواند در دسترس باشد. برای مثال اگر در برخی موارد، الف، ب و پ با یکدیگر روابط متقابلی نداشته باشند ولی فقط با واحد دیگری به نام ج ارتباط داشته باشند، مثل حالت پرداخت مالیات، در این صورت، فقط ۴ رقم برای نشان دادن وجود دارد و آن پرداخت‌ها توسط الف، ب و پ و دریافت‌ها توسط ج است.

۲–۱۳ مورد دیگری که SNA ساده سازی را نشان می‌دهد از نظر پرسش (چه چیزی برای مبادله با چه چیزی) است؛ یعنی به عنوان مثال، ماهیت خاص طرف مالیِ مقابل (پول یا سپرده یا وام کوتاه مدت، و غیره) را برای خریدهای کالا یا خدمت یا پرداخت مالیات‌ها، نشان نمی‌دهد.

۲–۱۴ این واقعیت که SNA یکپارچه است، اگرچه بهم پیوستگی (ارتباط) آن فقط در دو بعد و نه سه بعد است، ضرورتِ سازگار بودن آن را کاهش نمی‌دهد. در واقع، هدف SNA به دست آوردن حساب‌های ملی است که به اندازه‌ای سازگار باشد که در صورت بهم پیوستگی (ارتباط) کامل جریان‌ها حاصل می‌شد؛ هر جریان اقتصادی یا هرموجودی باید برای

طرف‌های درگیر به طور یکسان اندازه‌گیری شود. در SNA، سازگار بودن وقتی حاصل می‌شود که مفاهیم و تعاریفِ یکسانی در سراسر آن به کار برده شود و همچنین از یک مجموعه قواعدِ دقیق حسابداریِ واحد استفاده شود.

ب عناصر مفهومی SNA

۲-۱۵ SNA شامل تعدادی عناصر مفهومی است که چارچوب حسابداری SNA را تعیین می‌کنند و اجازه می‌دهند جنبه‌های مختلف پرسش‌های مطرح شده در بالا پاسخ داده شود این مفاهیم عبارتند از:

الف. واحدها و بخش‌های نهادی (*چه کسی؟*)

ب. تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها (*چه چیزی؟*)

پ. دارائی‌ها و بدهی‌ها (*کدام موجودی؟*)

ت. محصولات و واحدهای تولیدی (*جنبه‌های دیگر چه کسی و چه چیزی؟*)

ث. مقاصد (*چرا؟*)

هرکدام از این موارد در ادامه‌ی مطلب به ترتیب نشان داده خواهد شد.

۱. واحدها و بخش‌های نهادی

۲-۱۶ واحدهای اصلی که در SNA شناسائی شده‌اند واحدهای اقتصادی هستند که توانائی شرکت در گستره‌ای از تراکنش‌ها و توانائی داشتن مالکیت دارائی‌ها و تعهد بدهی‌ها از طرف خود را دارند. این واحدها را واحدهای نهادی می‌نامند. علاوه براین، چون واحدهای نهادی مسئولیت حقوقی برای عملیات خود دارند، مرکز تصمیم‌گیری برای تمام جنبه‌های رفتار اقتصادی هستند. در عمل، بعضی واحدهای نهادی توسط دیگران کنترل می‌شوند و از این‌رو، در چنین مواردی استقلال در تصمیم‌گیری کامل نیست و ممکن است در طول زمان تغییر پیدا کند. استقلالِ قانونی، نگه‌داشتن دارائی‌ها و بدهی‌ها، و استقلالِ رفتار اقتصادی همیشه با یکدیگر منطبق نیستند. در SNA معمولاً ترجیح به جنبه‌ی نخست داده شده است زیرا روش بهتری را برای سازمان‌دهی گردآوری و ارائه آمارها فراهم می‌کند حتی اگر سودمندی آن در مواردی محدود شود.

بخش‌های نهادی

۲-۱۷ واحدهای نهادی بر اساس کارکرد اصلی، رفتار و اهدافشان در یک گروه طبقه‌بندی می‌شوند تا بخش‌های نهادی را به شرح زیر بسازند:

الف. *شرکت‌های غیر مالی* واحدهای نهادی هستند که عمدتاً به تولید کالاها و خدماتِ غیر مالیِ بازاری اشتغال دارند.

ب. *شرکت‌های مالی* واحدهای نهادی هستند که عمدتاً به خدمات مالی شامل واسطه‌گری‌های مالی اشتغال دارند

پ. *دولت* از واحدهای نهادی تشکیل شده است که علاوه بر انجام مسئولیت‌های سیاسی خود و نقشی که در تنظیم مقررات اقتصادی دارند، خدمات (و احتمالاً کالاها) را عمدتاً بر مبنای غیر بازاری برای مصرف فردی یا جمعی تولید می‌کنند و درآمد و ثروت را باز توزیع می‌کنند.

ت. *خانوارها* واحدهای نهادی هستند که از یک فرد یا گروهی از افراد تشکیل یافته‌اند. تمام افراد در اقتصاد باید به یک و فقط یک خانوار تعلق داشته باشد. کارکرد اصلی خانوارها عرضه‌ی نیروی کار،

انجام مصرف نهائی و، به عنوان یک بنگـاه، تولیـد کالاهای بازاری وخدمات غیرمالی (و شـاید مـالی) اسـت. فعالیـت‌هـای کـارآفرینی یـک خـانوار از بنگاه‌های غیر شـرکتی تشـکیل شـده‌انـد کـه بـه استثنای مواردی در شرایط ویـژه، در درون خـانوار باقی می‌مانند.

ث. *نهادهای غیر انتقاعی در خدمت خانوارها (NPISHs)* هستارهای حقـوقی هسـتند کـه در اصـل بـه تولیـد خدمات غیربازاری برای خانوارها یا کل جامعه اشتغال دارند و منابع اصلی آن‌ها کمک‌های داوطلبانه است.

۲-۱۸ هر بخش شامل تعدادی زیر بخـش‌هـای متمـایز از یکـدیگر است که به صورت سلسله مراتبی (شرح داده شـده در فصـل ۴) طبقه‌بندی می‌شوند. هر زیر بخش همه‌ی واحدهای نهادی را در بر می‌گیرد، و هر واحد نهادی فقط به یـک زیـر بخـش تعلق دارد هرچند که گروه‌بندی‌های دگرسان (جـایگزین) نیـز امکان پذیر است. در SNA تمایز بین شرکت‌هـای عمـومی، خصوصیِ ملی و خصوصیِ تحت کنترل خارجی و تمـایز بـین گروه‌های اقتصادی- اجتماعی خـانوار بـرای پاسـخ‌گـوئی بـه نیازهای سیاستی، در نظر گرفته شده است.

تعیین حدود کل اقتصاد و دنیای خارج

۲-۱۹ کل اقتصاد برحسب واحدهای نهادی تعریـف مـی‌شـود. کـل اقتصاد از همه‌ی واحدهای نهادی کـه در سـرزمین اقتصـادی یک کشور مقیم هستند تشکیل شده اسـت. هرچنـد سـرزمین اقتصادی یک کشور در اصل از سـرزمین جغرافیـائی تشـکیل شده است، ولی دقیقاً با آن مطابقت نـدارد؛ بعضـی اضـافات و کسری‌ها به آن اعمال می‌شـود (بـه فصـل ۲۶ نگـاه کنیـد). مفهوم اقامت در SNA مبتنی بر ملیت یـا معیارهـای حقـوقی نیست. یک واحد نهـادی هنگـامی واحـد مقـیم یـک کشـور شناخته می‌شود که دارای یک مرکز منافع عمـده‌ی اقتصـادی در سرزمین اقتصادی آن کشور باشد؛ یعنی وقتـی بـرای یـک دوره‌ی طولانی (به عنوان راهنمای عملی، معمولاً یـک سـال یا بیشتر در نظر گرفته می‌شود) به فعالیـت‌هـای اقتصـادی در این سرزمین اشتغال داشته باشد. بخش‌های نهادی که در بالا اشاره شد، فقط شامل واحدهای مقیم هستند.

۲-۲۰ واحدهای مقیم در تراکنش بـا واحـدهای غیـر مقـیم (یعنـی، واحدهائی که مقیم اقتصادهای دیگر هستند) شرکت می‌کنند. این تراکنش‌ها، تـراکنش‌هـای خـارجی اقتصـاد هسـتند و در حساب دنیای خارج طبقه‌بندی می‌شوند. به بیان دقیق، حساب دنیای خارج حساب تراکنش‌هائی است که بین واحدهای مقیم و غیر مقیم رخ می‌دهند، ولی ممکـن اسـت ایـن حسـاب بـه صورت کل گروه واحدهای غیر مقیم کـه درگیـر تـراکنش بـا واحدهای مقیم می‌شوند نیز دیده شود. در سـاختار حسـابداری SNA، دنیای خارج نقشی مشابه نقش یـک بخـش نهـادی را بازی می‌کند، هرچند که واحدهای غیـر مقـیم تـا حـدی وارد می‌شوند که در تراکنش بـا واحـدهای نهـادی مقـیم، درگیـر باشند.

۲. تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها

۲-۲۱ واحدهای نهادی کارکردهای مختلف اقتصـادی یعنـی، تولیـد، مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، و غیره دارند. این‌هـا ممکـن است در نقش کارآفرینان، ارائه دهندگان نیروی کار یا عرضـه کنندگانِ سرمایه به انواع مختلف تولیـد (کشـاورزی، صـنعت، غیره) اشتغال داشته باشند. این واحدها در همـه‌ی جنبـه‌هـای کارکردها و فعالیت‌های اقتصـادیِ خـود تعـداد بسـیار زیـادی اقدامات اولیه اقتصـادی انجـام مـی‌دهنـد. ایـن اقـدامات بـه جریان‌های اقتصادی با هر نوع ویژگـی (حقـوق و دسـتمزدها، مالیات‌ها، تشکیل سرمایه ثابـت، و غیـره) منجـر مـی‌شـوند و شامل ساخت، تغییر شکل، مبادله، انتقال یا از بین رفتن ارزش اقتصادی هستند؛ همچنین تغییرات در حجم، ترکیب یـا ارزش دارائی‌ها یا بدهی‌های یک واحد نهادی را نیز در برمـی‌گیرنـد. ارزش اقتصادی ممکن است به صورت حق مالکیت بـر اشـیاء فیزیکی (یک قرص نان، یک واحد مسکونی) یـا دارائـی‌هـای ناملموس (نسخه اصلی یک فیلم) یا تعهدات مالی (بـدهی‌هـا که به عنوان ارزش اقتصادی منفی شناخته می‌شوند) باشد. در همه‌ی موارد، ارزش اقتصادی به طـور بـالقوه بـرای تحصـیل کالاها و خدمات، پرداخت دستمزدها یا مالیات‌ها، و غیره قابل استفاده هستند.

۲-۲۲ بسیاری از اقدامات اقتصادی از طریق توافق دو جانبه بین واحدهای نهادی انجام می‌شوند. آن‌ها یا مبادله ارزش اقتصادی هستند یا انتقال داوطلبانه میزان معینی ارزش اقتصادی توسط واحدی به واحد دیگر بدون این که جبرانی داشته باشد. این اقدامات انجام شده از طریق توافق دو جانبه، در SNA تراکنش نامیده می‌شوند. SNA همچنین بعضی اقدامات اقتصادی را که فقط شامل یک واحد نهادی منفرد است تراکنش تلقی می‌کند. این‌ها تراکنش‌های داخلی یا درون واحدی نامیده می‌شوند. برای مثال، تشکیل سرمایه به حساب خود یک تراکنش تلقی می‌شود که بین یک واحد در نقش تولید کننده، با خودش در نقش تحصیل کننده‌ی دارائی صورت می‌گیرد. این گونه تراکنش‌ها از نظر ماهیت با اقدامات انجام شده از طریق توافق دو جانبه بین دو واحد نهادیِ مختلف مشابه هستند.

۲-۲۳ با این حال، همه‌ی جریان‌های اقتصادی تراکنش نیستند. برای مثال، بعضی اقداماتی که توسط یک واحد نهادی به طور یک جانبه انجام می‌شود، پیامدهائی برای واحدهای نهادی دیگر بدون رضایت آن‌ها به وجود می‌آورند. SNA این گونه اقدامات را فقط در حد محدود ثبت می‌کند، مخصوصاً وقتی دولت یا واحدهای نهادی دیگر دارائی‌های سایر واحدهای نهادی از جمله واحدهای غیر مقیم را بدون این که بهای آن را به طور کامل جبران کنند، به مالکیت خود در می‌آورند. در حقیقت، اقدامات اقتصادی یک جانبه پیامدهائی، چه مثبت و چه منفی، (آثار برون‌ریز) بر سایر واحدهای اقتصادی ببار می‌آورند که بسیار گسترده هستند ولی این گونه آثارِ برون‌ریز در SNA ثبت نمی‌شوند. اقدام بشری ممکن است به انتقال دارائی‌های طبیعی به فعالیت‌های اقتصادی و تغییر شکل بعدی این دارائی‌ها منجر شود. این پدیده‌ها در SNA به عنوان جریان‌های اقتصادی ثبت و در ارزش اقتصادی آورده می‌شوند. پدیده‌های غیر اقتصادی نظیر جنگ و بلایای طبیعی، ممکن است دارائی‌های اقتصادی را تخریب کنند، این انهدام ارزش اقتصادی باید به حساب آورده شود. ارزش اقتصادی دارائی‌ها و بدهی‌ها ممکن است در مدت زمانی که به عنوان موجودی نگه‌داری می‌شوند، در اثر تغییر قیمت‌ها، تغییر کند. این‌ها و جریان‌های مشابه که تراکنش نیستند و در SNA سایر جریان‌های اقتصادی نامیده می‌شوند، در فصل ۱۲ شرح داده شده است.

۲-۲۴ جریان‌های اقتصادی می‌توانند جریان‌های واقعی و قابل مشاهده باشند یا برای مقاصد تحلیلی برآورد یا ساخته شوند. بعضی جریان‌ها مستقیماً برحسب ارزش قابل مشاهده هستند. این حالت، در تراکنش‌های پولی بین دو واحد نهادی نظیر خرید یا فروش کالاها یا پرداخت مالیات‌ها وجود دارد. جریان‌های دو واحدی دیگری وجود دارد که قابل مشاهده هستند ولی نمی‌توان آن‌ها را به فوریت ارزش‌گذاری کرد. معامله پایاپای کالاها و خدمات یا خدمات آموزشی مصرف شده توسط دانشجویان که توسط دولت به طور مجانی تأمین می‌شود، از این نوع هستند؛ در این حالت لازم است ارزشی برحسب پول به آن‌ها منتسب شود. معامله پایاپای مثالی از یک جریان دو واحدی است که دارای ویژگی به اصطلاح، «چیزی در مقابل چیزی» است یعنی، جریانی در یک جهت به جریان طرف مقابل در جهت مخالف، مرتبط است؛ مزایای نقدی در طرح مساعدت اجتماعی یک جریان دو واحدی است که دارای ویژگی «چیزی در مقابل چیزی» نیست. نوع دیگر جریان‌ها، جریانی‌هائی هستند که در آن‌ها فقط یک واحد نهادی درگیر است. چنین جریانی ممکن است به طور فیزیکی قابل مشاهده باشد، نظیر ستانده برای مصرف به حساب خود یا تشکیل سرمایه به حساب خود، یا تخریب در اثر بلایای طبیعی. برای این موارد نیز باید یک ارزش پولی منتسب شود (در بعضی موارد ممکن است این امر بسیار ساده باشد مثلاً هنگامی که قسمت عمده‌ی ستانده فروخته می‌شود). جریان‌های درون واحدی یا داخلی وجود دارد که ممکن است قابل مشاهده نباشند مانند آن دسته از اقلام ثبت شده‌ی حسابداری که بعداً ساخته می‌شوند تا کارکرد اقتصادی به طور صحیحی اندازه‌گیری شود. این وضعیت در مصرف سرمایه ثابت یا بازارزش‌گذاری دارائی‌ها و بدهی‌ها وجود دارد. بعضی جریان‌های درون واحدی، نظیر سود بازسرمایه‌گذاری شده برآمده از سرمایه‌گذاریِ مستقیمِ خارجی نیز اقلام ثبت شده‌ی حسابداری برای مقاصد تحلیلی هستند. در پایان، برخی تراکنش‌های پولی نیز وجود دارند که قابل مشاهده بوده ولی ثبت نمی‌شوند زیرا در عمل این تراکنش‌ها مشاهده می‌شوند

ولی از یک ماهیت ترکیبی برخوردار هستند (بهره‌ی اسمی، کل حق بیمه‌ها) یا این که ماهیت قانونی آن‌ها با ماهیت اقتصادی‌شان مطابقت ندارد (اجاره داری مالی یا لیزینگ). در نتیجه، در SNA، این جریان‌ها به اجزای مختلف تقسیم می‌شوند و طبقه‌بندی و مسیرگزینی آن‌ها تعدیل می‌شود.

۲–۲۵ هرچند در SNA تراکنش‌های پولی نقش اساسی در ارزش‌گذاری جریان‌ها دارند، تراکنش‌های غیر پولی هم دارای اهمیت هستند. تراکنش‌های غیر پولی جریان کالاها و خدماتی که بین واحدهای نهادی رخ می‌دهند و لازم است برای آن‌ها ارزش پولی برآورد شود و همچنین برخی جریان‌هائی که فرض می‌شود در درون واحدها رخ داده‌اند را در بر می‌گیرند. اهمیت نسبی تراکنش‌های غیر پولی برحسب نوع اقتصاد و اهدافی که سیستم حسابداری دنبال می‌کند متفاوت است. با وجود این که حجم تراکنش‌های غیرپولی معمولاً برای اقتصادهای کمتر توسعه یافته بیشتر از اقتصادهای توسعه یافته است، حتی برای اقتصادهای توسعه یافته نیز قابل اغماض نیستند.

انواع اصلی تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها

۲–۲۶ تعداد تراکنش‌های اصلی و سایر جریان‌ها بسیار زیاد است. این‌ها برحسب ماهیتشان به تعداد نسبتاً کمی از گروه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. طبقه‌بندی اصلی تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها در SNA شامل چهار طبقه‌ی سطح اول است که هرکدام براساس طبقه‌بندی سلسله مراتبی به انواع ریزتر تقسیم می‌شوند. این طبقه‌بندی برای استفاده نظام‌مند در حساب‌ها و جدول‌های چارچوب محوری و طبقه‌بندی متقاطع با بخش‌های نهادی، صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) و محصولات، و طبقه‌بندی‌ها براساس هدف طراحی شده است. مجموعه کامل تراکنش‌ها و کدهای آن‌ها در پیوست شماره ۱ نشان داده شده است.

۲–۲۷ *تراکنش‌های کالاها و خدمات (محصولات)* مبداء (ستانده داخلی یا واردات) و مصرف (مصرف واسطه، مصرف نهائی، تشکیل سرمایه یا واردات) کالاها و خدمات را بیان می‌کند. طبق تعریف، کالاها و خدمات در SNA همیشه حاصلِ تولید، اعم از داخلی یا واردات، دوره جاری یا دوره‌های قبل، هستند. بنابراین واژه‌ی محصولات کلمه‌ی مترادف برای کالاها و خدمات است.

۲–۲۸ *تراکنش‌های توزیعی* متشکل از تراکنش‌هائی هستند که بوسیله آن‌ها ارزش افزوده‌ی ایجاد شده از طریق تولید به نیروی کار، سرمایه، و دولت توزیع می‌شود و تراکنش‌هائی که به بازتوزیع درآمد و ثروت (مالیات بردرآمد و ثروت و انتقالات دیگر) مربوط هستند. SNA بین انتقالات جاری و سرمایه‌ای تمایز قائل است، با این نگاه که دومی پس‌انداز یا ثروت را به جای درآمد بازتوزیع می‌کند. (این تفاوت به تفصیل در فصل ۸ بحث شده است).

۲–۲۹ *تراکنش‌های ابزارهای مالی* (یا تراکنش‌های مالی) به خالص تحصیل دارائی‌های مالی یا خالص تعهد بدهی‌ها برای هر نوع ابزار مالی مربوط می‌شود. این‌گونه تغییرات بیشتر به صورت طرف‌های مقابل تراکنش‌های غیرمالی رخ می‌دهند. این تراکنش‌ها همچنین فقط به صورت تراکنش‌های مرتبط با ابزارهای مالی رخ می‌دهند. تراکنش‌های مربوط به دارائی‌ها و بدهی‌های احتمالی در SNA به عنوان تراکنش منظور نمی‌شوند (به فصل ۱۱ مراجعه کنید).

۲–۳۰ *سایر اقلام ثبت شده‌ی انباشت*، تراکنش‌ها و جریان‌های دیگری را که قبلاً به حساب آورده نشده‌اند و در تغییرِ مقدار یا ارزش دارائی‌ها و بدهی‌ها اثر گذار هستند پوشش می‌دهند. این‌ها شامل تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالیِ تولید نشده، سایر جریان‌های اقتصادیِ دارائی‌های تولید نشده نظیر کشف یا کاهش منابع زیر زمینی یا تغییرشکلِ دیگر منابع طبیعی به فعالیت‌های اقتصادی، اثرات پدیده‌های غیر اقتصادی نظیر بلایای طبیعی و وقایع سیاسی (مانند جنگ‌ها) و سرانجام شامل منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن به سبب تغییرات قیمت، و بعضی اقلام جزئی (به فصل ۱۲ مراجعه کنید) هستند.

ویژگی‌های تراکنش‌ها در SNA

۲–۳۱ برای ارائه پاسخ‌های مفیدتر به پرسش‌های مطرح شده در

تحلیل جریان‌ها، در SNA برخی تراکنش‌هائی که ممکن است مستقیماً هم مشاهده شده باشند ثبت نمی‌شوند. SNA اغلب مقوله‌هائی را به کار می‌برد که با یک مفهوم اقتصادی بسیار نزدیک باشند. برای مثال، تشکیل سرمایه ثابت که یک زیر رده از تراکنش‌های کالاها و خدمات است، گسترده‌تر از پوشش محدودی است که به عنوان «خرید دارائی‌ها» تصور می‌شود. برای این که به یک مفهوم اقتصادی نزدیک‌تر شود، تحصیل دارائی‌های ثابت جدید و موجود از طریق خرید، معامله پایاپای یا تشکیل سرمایه به حساب خود، منهای واگذاری دارائی‌های موجود از طریق فروش یا معامله پایاپای را پوشش می‌دهد.

۲-۳۲ همان‌گونه که مثال قبلی نشان می‌دهد، SNA همچنین معمولاً از مقوله‌هائی استفاده می‌کند که خلاصه شده‌اند، یعنی، حاصل ترکیب تعدادی تراکنش‌های اولیه هستند. برای مثال، اصطلاح تغییرات موجودی انبار به مابه‌التفاوت بین ورودی به انبار و خروجی از انبار و زیان‌های مکرر مربوط می‌شود. همین خالص‌سازی در باره ابزارهای مالی نیز انجام می‌شود. تمام تراکنش‌های مربوط به ابزارهائی که به عنوان دارائی (یا بدهی) در اختیار واحدها هستند در سرفصل مربوط به این ابزارها طبقه بندی می‌شوند. برای مثال، قلم «وام‌ها»، صدور وام‌های جدید، تبدیل، و بازخرید یا فسخ وام‌های موجود را پوشش می‌دهد. سرانجام، برخی رده‌های تراکنش‌ها در SNA، نظیر تراکنش‌های توزیعیِ مربوط به بهره و خالص حق بیمه‌های غیر زندگی، نیاز به یک تراکنش واقعی دارد که به قسمت‌هائی تفکیک شده باشد.

۳. دارائی‌ها و بدهی‌ها

۲-۳۳ دارائی‌ها و بدهی‌ها اجزای ترازنامه‌های کل اقتصاد و بخش‌های نهادی هستند. برخلافِ حساب‌ها که جریان‌های اقتصادی را نشان می‌دهند، یک ترازنامه موجودی‌های دارائی‌ها و بدهی‌هائی را نشان می‌دهد که یک واحد یا یک بخش یا کل اقتصاد در یک لحظه از زمان در اختیار دارند. ترازنامه به طور عادی در ابتدا و انتهای یک دوره حسابداری تهیه می‌شود ولی در اصل می‌توان آن را در هر لحظه از زمان تنظیم کرد. بهرحال، موجودی‌ها از انباشتِ تراکنش‌ها و سایر جریان‌های قبل حاصل می‌شوند، و بوسیله‌ی تراکنش‌ها و سایر جریان‌های آینده تعدیل می‌شوند. از این‌رو، موجودی‌ها و جریان‌ها در ارتباط نزدیک با یکدیگر هستند.

۲-۳۴ پوشش دارائی‌ها طبق تعریف SNA، محدود به دارائی‌هائی است که مشمولِ حق مالکیت می‌شوند و ممکن است از طریق نگه‌داشتن یا به کار انداختن آن‌ها در یک فعالیت اقتصادی توسط مالکین، منافع اقتصادی بدست آید. کالاهای با دوام مصرفی، سرمایه انسانی و منابع طبیعی که قابلیت کسب منافع اقتصادی برای مالکین‌شان را ندارند، در SNA خارج از دامنه‌ی دارائی‌ها قرار می‌گیرند.

۲-۳۵ طبقه‌بندی دارائی‌ها در نخستین سطح، دارائی‌های مالی و غیرمالی (تولید شده و تولید نشده) را از یکدیگر متمایز می‌کند (فصل ۱۰ را ببینید). بیشترِ دارائی‌های غیرمالی به طور کلی به دو منظور به کار می‌روند. آن‌ها در درجه نخست اشیائی قابل استفاده در فعالیت‌های اقتصادی هستند و هم زمان، به عنوان ذخیره ارزش نیز به کار می‌روند. دارائی‌های مالی ضرورتاً و عمدتاً ذخیره‌ی ارزش می‌کنند، هرچند که ممکن است کارکردهای دیگری هم داشته باشند.

۴. محصولات و واحدهای تولیدی

محصولات

۲-۳۶ کالاها و خدمات که محصولات هم نامیده می‌شوند، حاصل تولید هستند. آن‌ها برای مقاصد گوناگونی مبادله و استفاده می‌شوند؛ به عنوان نهاده در تولیدِ کالاها و خدمات دیگر، به عنوان مصرف نهائی یا برای سرمایه‌گذاری بکار می‌روند. SNA از نظر مفهومی بین کالاها و خدمات بازاری، کالاهاو خدمات برای استفاده نهائی خود و کالاها و خدمات غیر بازاری تمایز قائل می‌شود، با این امکان که در اصل هرنوع کالا یا خدمتی می‌تواند هریک از این سه نوع باشد.

واحدهای تولیدی

۲-۳۷ واحدهای نهادی نظیر شرکت‌ها ممکن است انواع متعدد کالاها و خدمات را تولید کنند. این کالاها و خدمات حاصل

فرآیندهای تولید هستند که با توجه به مواد و ملزومات مصرف شده، نوع تجهیزات و نیروی کاری به کار گرفته شده و فنون به کار برده شده، می‌توانند با یکدیگر متفاوت باشند. به عبارت دیگر، این‌ها ممکن است از فعالیت‌های تولیدی متفاوتی به دست آمده باشند. برای مطالعه تفصیلی تراکنش‌های کالاها و خدمات، SNA از *طبقه‌بندی محوری محصول نسخه ۲ (CPC2) (سازمان ملل ۲۰۰۸b)* استفاده می‌کند.

۲–۳۸ برای مطالعات تفصیلیِ تولید و توابع تولید، لازم است به واحدهای همگن‌تر مراجعه شود. راه حل آرمانی این است که بتوان واحدهائی را شناسائی و مشاهده کرد که فقط به یک فعالیت تولید اشتغال داشته باشند. از آنجا که لازم است از توزیعِ تولید در مکان هم تصویری ارائه شود، این واحد نیز باید در یک مکان با واحدِ تولید یا نزدیک به آن مستقر باشد. در عمل درون واحدهای چند فعالیتی، تشخیص واحدهای تولیدی که به یک فعالیت اشتغال دارند، و برای آن‌ها داده‌های مورد نیاز در دسترس است، همیشه امکان پذیر نیست. بنابراین بناچار، بعضی فعالیت‌های ثانوی که نمی‌توان آن‌ها را جدا کرد نیز پوشش داده می‌شوند. به همین دلیل، برای مطالعات تفصیلیِ تولید، SNA از واحدی استفاده می‌کند که علاوه بر فعالیت اصلی خود، ممکن است فعالیت‌های ثانوی را نیز پوشش دهد. این واحد کارگاه است.

۲–۳۹ کارگاه‌هائی که دارای فعالیت اصلی یکسان هستند طبق *طبقه بندی استاندارد بین‌المللی صنعتی (رشته فعالیتی) تمامی فعالیت‌های اقتصادی ویرایش ۴، (ISIC, Rev. ۴)* (سازمان ملل، ۲۰۰۸a) در صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) طبقه بندی می‌شوند.

۲–۴۰ با فرض اینکه در اقتصادهای نوین نقش اساسی را بازار ایفاء می‌کند، یکی از ویژگی‌های اساسی ساختار SNA این است که بین کارگاه‌هائی که تولیدکنندگان بازاری هستند، تولیدکنندگان کالاهاو خدمات برای استفاده نهائی خود و تولیدکنندگان غیربازاری، تفاوت قائل است. کارگاه‌های بازاری کالاها و خدماتی را که عمدتاً برای فروش به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل توجه هستند، تولیدمی‌کنند. تولید کنندگان برای خود مصرفیِ نهائی عمدتاً کالاها و خدمات را برای مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه ثابت مالکینِ بنگاه‌هائی که تولید در آن‌ها صورت می‌گیرد تولید می‌کنند. کارگاه‌های غیر بازاری بیشتر کالاها و خدماتی را تولید می‌کنند که به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند، عرضه می‌شوند.

۲–۴۱ رابطه‌ی سلسله مراتبی بین واحدهای نهادی و کارگاه‌ها وجود دارد. یک واحد نهادی یک یا چند کارگاهِ کامل را دربر می‌گیرد؛ یک کارگاه فقط و فقط متعلق به یک واحد نهادی است.

۵. هدف‌ها

۲–۴۲ مفهوم هدف، یا کارکرد به نوع نیازی که یک تراکنش یا گروهی از تراکنش‌ها قصد ارضای آن را دارند یا نوع هدفی که دنبال می‌کنند، مربوط است. تراکنش‌ها در SNA در درجه‌ی اول برحسب ماهیتشان تحلیل می‌شوند. سپس، برای برخی بخش‌ها یا برخی از انواع تراکنش‌ها، برای پاسخ به پرسش قبلی «با چه هدفی؟»، از سمت مخارج برحسب هدف تحلیل می‌شوند. طبقه بندی براساس هدف در فصل ۱۴ در چارچوب جدول‌های عرضه و مصرف، شرح داده شده است.

پ قواعد حسابداری

۱. مقدمه

اصطلاحات فنی برای دو سمت حساب‌ها

۲-۴۳ SNA برای تراکنش‌هائی که به ارزش اقتصادی یک واحد یا یک بخش اضافه می‌کند از اصطلاح *منابع* استفاده می‌کند. برای مثال، حقوق و دستمزد برای واحد یا بخش دریافت کننده‌ی آن، یک منبع است. بطور قراردادی، منابع در سمت چپ حساب‌های جاری (در برگردان فارسی جدول‌ها راست‌چین شده‌اند، مترجم) نشان داده می‌شوند. سمت راست حساب‌ها که مصارف نامیده می‌شوند، تراکنش‌هائی را در برمی‌گیرند که میزان ارزش اقتصادی یک واحد یا بخش را کاهش می‌دهند. در ادامه‌ی مثال بالا، حقوق و دستمزد برای واحد یا بخشی که باید آن‌ها را پرداخت کند یک مصرف است.

۲-۴۴ ترازنامه‌ها با *بدهی‌ها و ارزش ویژه* (تفاوت بین دارائی‌ها و بدهی‌ها) در سمت چپ و *دارائی‌ها* درسمت راست نشان داده می‌شوند. مقایسه دو ترازنامه‌ی پی در پی تغییرات بدهی‌ها و ارزش ویژه و تغییرات دارائی‌ها را نشان می‌دهد.

۲-۴۵ در حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها در حالی که این حساب‌ها کاملاً یکپارچه هستند، سمت چپِ حساب‌های انباشت *تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه* و سمت راستِ آن‌ها *تغییرات در دارائی‌ها* نامیده می‌شوند. در مورد تراکنش‌های ابزارهای مالی، تغییرات در بدهی‌ها بیشتر به (خالص) تعهد بدهی‌ها و تغییرات در دارائی‌ها به (خالص) تحصیل دارائی‌های مالی اشاره می‌کند.

تغییر مالکیت و ثبت تراکنش‌های کالاها و خدمات

۲-۴۶ ممکن است کالائی توسط واحدی که مالکیت آن را ندارد، دریافت و پردازش شود. مثال در این مورد کالائی است که برای تعمیر به یک واحد داده می‌شود. فعالیت تعمیرکننده فقط هزینه‌ای است که متقبل می‌شود تا تعمیر صورت گیرد و هزینه‌ی کالای تعمیر شده در حساب‌های تعمیر کننده نشان داده نمی‌شود. این امر برای تعمیرات از نوع روزانه نظیر تعمیر کفش یا اتومبیل مسلم و غیرقابل بحث است. ولی همین اصل برای واحدی که کالاهائی را از طرف واحد دیگر پردازش می‌کند، نیز اعمال می‌شود. برای مثال ممکن است واحدی مجموعه قطعاتی از واحد دیگر دریافت کرده محصول هم‌بندی شده را برگرداند.

۲-۴۷ در SNA، بین مالکیتِ قانونی و مالکیتِ اقتصادی فرق گذاشته شده است. معیار ثبت انتقال محصولات از واحدی به واحد دیگر در SNA تغییر مالکیت اقتصادی محصول از واحدِ نخست به واحدِ دوم است. مالک قانونی، واحدی است که طبق قانون در منافع موجود در ارزش محصول دارای حق باشد. اگرچه، مالک قانونی می‌تواند با واحد دیگری قرارداد ببندد تا واحد دوم ریسک‌ها و پاداش‌های ناشی از بکارگیریِ محصول را در تولید در مقابل مبلغ توافق شده‌ای که دارای عنصر کمتری از ریسک است بپذیرد. مثال در این مورد بانکی است که مالک قانونیِ یک هواپیماست ولی به یک خط هوائی اجازه می‌دهد تا در مقابلِ پرداخت مبلغ توافق شده‌ای آن را بکار بگیرد. این خط هوائی است که بعداً باید همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها را انجام دهد که هواپیما چند وقت یک بار، به کجا و با دریافت چقدر هزینه از مسافران، پرواز کند. در این صورت خط هوائی مالک اقتصادی هواپیما شناخته می‌شود، هرچند که مالک قانونی آن بانک است. در حساب‌ها، خط هوائی و نه بانک به عنوان خریدار هواپیما نشان داده می‌شود. در عین حال، وامی به ارزش برابر با پرداخت‌های بدهیِ خط هوائی به بانک برای مدت زمان توافق شده بین آن‌ها احتساب می‌شود طوری که گوئی توسط بانک وامی به خط هوائی اعطاء شده است.

۲-۴۸ همین اصل برای کالاهائی که برای پردازش به خارج ارسال می‌شود نیز به کار می‌رود. اگر به پردازش کننده ربطی نداشته نباشد که کالائی که او هم‌بندی می‌کند چگونه و کجا و به چه مبلغی فروخته می‌شود، مالک اقتصادی همان مالک قانونی باقی می‌ماند. این کالاها حتی اگر به طور فیزیکی از یک کشور به کشور دیگری منتقل شده باشند، واردات و

صادرات تلقی نمی‌شوند زیرا مالکیت اقتصادی آن‌ها تغییر نیافته است.

۲-۴۹ در درونِ یک بنگاه بزرگ با کارگاه‌های تخصصیِ متعدد، این موضوع، که آیا تحویل کالاها از یک کارگاه به کارگاه دیگر باید ثبت شود یا خیر، فوراً آشکار نمی‌شود. از آنجا که همه‌ی این کارگاه‌ها مالکیت یکسانی دارند، لازم است تفاوت بین مالکِ قانونی و مالکِ اقتصادی شفاف شود. معیاری که برای این منظور استفاده می‌شود این است که تحویل کالاها باید هنگامی ثبت شود که واحد دریافت کننده، مسئولیتِ ریسک‌ها و منافعِ اقلام واگذار شده را بپذیرد. اگر واحد دریافت کننده این مسئولیت را نپذیرد، مثلاً، اقلام را پس از پردازش به واحد اصلی برگرداند، در این صورت، روی آن‌ها فقط یک خدمت انجام شده است و این‌ها به عنوان اقلام تحویل داده شده توسط واحد نخست به واحد دوم ثبت نمی‌شوند.

حساب‌های ثبت دو طرفه یا ثبت چهار طرفه

۲-۵۰ برای یک واحد یا یک بخش، حسابداری ملی هم مانند حسابداری کسب و کار (تجاری) بر مبنای اصول ثبت دوطرفه است. هر تراکنشی باید دو بار ثبت شود، یک بار به عنوان منبع (یا تغییر در بدهی‌ها) و یک بار به عنوان مصرف (یا تغییر در دارائی‌ها). کل تراکنش‌های ثبت شده به عنوان منابع یا تغییرات در بدهی‌ها باید با کل تراکنش‌های ثبت شده به عنوان مصارف یا تغییرات در دارائی‌ها برابر باشند، به این ترتیب، امکان کنترل سازگاریِ حساب‌ها فراهم می‌شود. جریان‌های اقتصادی که تراکنش نیستند، طرف مقابل خود را مستقیماً به عنوان تغییراتِ در ارزش ویژه دارند. این موضوع در بخش (ت) این فصل (و همچنین در فصل ۱۲، که حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و حساب باز ارزش‌گذاری را شرح می‌دهد) نشان داده شده است.

۲-۵۱ مفاهیم حسابداریِ ثبت دو طرفه در تعدادی از موارد به آسانی قابل درک است. خرید نسیه کالای مصرفی توسط خانوار، به عنوان مصرف در زیر مخارج مصرف نهائی و به عنوان تعهد بدهی در زیر وام‌ها نشان داده می‌شود. ولی اگر برای این کالا به‌صورت نقدی پرداخت شده باشد، تصویر آن به این سادگی نیست. طرف مقابلِ مصرف در زیر عنوان مخارج مصرف نهائی اکنون تحصیل منفی دارائی‌ها، در زیر عنوان پول و سپرده‌هاست. تراکنش‌های دیگر پیچیده‌تر از این هستند. ستانده‌ی کالاها به عنوان منابع در حساب تولیدکننده و طرف مقابلِ آن به صورت مصارف به عنوان تغییر مثبت در موجودی انبار ثبت می‌شود. وقتی ستانده فروخته می‌شود، تغییر منفی در موجودی انبار به وجود می‌آید یعنی تحصیلِ منفی دارائی‌های غیرمالی، با تحصیل مثبت دارائی‌های مالی، زیر عنوان سپرده‌ها و پول، به طور نمونه، تراز می‌شود. همان طور که قبلاً نیز شرح داده شد، علت مشکل بودن فهم چگونگی اعمال اصل ثبت دو طرفه در بسیاری از موارد، فشرده بودن رده‌های تراکنش‌ها در SNA است.

۲-۵۲ در اصل، ثبتِ پیامدهای یک اقدام به دلیل این که در همه‌ی واحدها و بخش‌ها تأثیر می‌گذارد مبتنی بر حسابداری ثبت چهار طرفه است، زیرا در بسیاری از تراکنش‌ها دو واحد نهادی درگیر هستند. هریک از این نوع تراکنش‌ها باید توسط هرکدام از تراکنش‌گرانِ درگیر دوبار ثبت شود. برای مثال، مزایای اجتماعی نقدی که توسط یک واحد دولتی به یک خانوار پرداخت می‌شود یک بار در حساب‌های دولت به عنوان مصرف زیر سرفصلِ انتقالات مربوطه و به عنوان تحصیل منفی دارائی زیر سرفصلِ پول و سپرده‌ها و یک بار در حساب‌های خانوار به عنوان منبع زیر سرفصل انتقالات و به عنوان تحصیل دارائی زیر سرفصل پول و سپرده‌ها ثبت می‌شود. اصل حسابداری ثبت چهارطرفه حتی هنگامی که روابط تفصیلی «از چه کسی به چه کسی» بین بخش‌ها در حساب‌ها نشان داده نمی‌شود، نیز اعمال می‌گردد. ثبت صحیح چهار تراکنش مورد نظر سازگاری کامل را در حساب‌ها تضمین می‌کند.

۲-۵۳ همان طور که در مقدمه بیان شد، ممکن است در عمل داده‌هائی که تهیه کنندگانِ حساب‌های ملی به آن‌ها دسترسی دارند در ابتدا سازگاری مورد نیاز SNA را تأمین نکنند. حساب‌های ملت به همان روشی که واحدهای کسب و کار یا دولت حساب‌های خود را نگه می‌دارند یعنی از طریق ثبت واقعیِ جریان‌هائی که در یک دوره معین رخ می‌دهند،

نگه‌داری نمی‌شوند. این داده‌ها متکی به حساب‌های واحدهای متعددی هستند که همیشه سازگار، کامل یا حتی موجود نیستند. بویژه، برای حساب‌های خانوار باید آمارهای دیگری نظیر آمارهای برآمده از آمارگیری‌های خانوار استفاده شود. تلفیق منابع پراکنده‌ی داده‌ها در چارچوب محدودیتِ سازگاریِ تحمیل شده توسط اصل حسابداری ثبت چهار طرفه برای تهیه‌ی مجموعه‌ی کامل حساب‌ها، امری اساسی است.

۲. زمان ثبت

۲-۵۴ یکی از اصول پیشنهادی حسابداری ثبت چهار طرفه این است که تراکنش‌ها یا سایر جریان‌ها باید در حساب‌های مختلفِ مورد نظر در یک لحظه از زمان برای واحدهای درگیر ثبت شوند. این اصل برای موجودی‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها نیز باید اعمال شود.

۲-۵۵ اصل کلی در حسابداری ملی این است که تراکنش‌های بین واحدهای نهادی باید زمانی ثبت شوند که ادعاها و تعهدات بوجود می‌آیند، تغییر شکل می‌دهند یا از بین می‌روند. این زمان، ثبتِ پایه تعهدی نامیده می‌شود. تراکنش‌هائی که برای یک واحد نهادی داخلی به‌شمار می‌آیند نیز به‌گونه‌ای یکسان در زمانی ثبت می‌شوند که ارزش اقتصادی ایجاد می‌شود، تغییر شکل می‌دهد یا از بین می‌رود. به بیانِ کلی، همه‌ی تراکنش‌ها، صرف نظر از شرح آن‌ها، را می‌توان این‌گونه پنداشت که به ارزش اقتصادی مربوط هستند.

۲-۵۶ از اینرو، شخص باید بین نقطه زمانیِ انجام یک تراکنش و نقطه زمانیِ جابجائی پول نقدِ مربوط به آن را به دقت تشخیص دهد. حتی وقتی یک تراکنش (مثلاً خرید یا فروش یک کالا) و پرداخت یا دریافت آن هم زمان انجام شود، دو جنبه وجود دارد. خریدار متقبل یک بدهی می‌شود، فروشنده به عنوان طرف مقابلِ تحویل کالا صاحبِ یک ادعا می‌شود. سپس بدهی و ادعا با پرداخت حذف می‌شوند. در بسیاری از موارد، بین تراکنش واقعی و پرداخت یا دریافتِ مربوط به آن وقفه زمانی به وجود می‌آید. در اصل حساب‌های ملی تراکنش‌های واقعی را بر پایه تعهدی ثبت می‌کند، نه پایه نقدی. از نظر مفهومی حساب‌های ملی از همان اصل حسابداری کسب و کار (تجاری) پیروی می‌کند.

۲-۵۷ اگرچه این یک اصل آشکاری است، ولی اجرای آن ساده نیست. واحدهای نهادی همیشه قواعد یکسانی را به کار نمی‌برند. حتی اگر یکسان هم عمل کنند، ممکن است به دلایل عملی نظیر تأخیر در برقراری ارتباط، اختلاف‌هائی در ثبت واقعی به وجود آید. در نتیجه، ممکن است تراکنش‌ها در زمان‌های متفاوت حتی گاهی در دوره‌های حسابداری متفاوتی توسط تراکنش‌گران ثبت شوند. در این صورت، ناهمخوانی‌هائی که به وجود می‌آیند پس از تهیه‌ی حساب‌های ملی باید با انجام تعدیلات لازم حذف شوند. علاوه بر این، چون زمانی که در آن ادعا یا بدهی ایجاد می‌شود همیشه خالی از ابهام نیست، مسائل اجرائی بیشتری به وجود می‌آیند. قواعد و پیمان‌های اتخاذ شده در SNA برای تراکنش‌های خاص در فصل‌های بعدی به‌ویژه در فصل ۳ مشخص شده‌اند.

۳. ارزش گذاری

اصول کلی

۲-۵۸ در ارزش‌گذاری نیز از اصل حسابداری ثبت چهار طرفه پیروی می‌شود که در آن هر تراکنشی باید با ارزش یکسان در همه‌ی حساب‌های دو بخشِ درگیر ثبت شود. همین اصل در دارائی‌ها و بدهی‌ها هم اعمال می‌شود. این بدان معنی است که هر دارائی مالی و بدهیِ طرف مقابل آن باید با مبلغ برابر در بستانکار و بدهکار حساب‌ها ثبت شوند.

۲-۵۹ تراکنش‌ها به قیمت واقعیِ توافق شده بوسیله‌ی تراکنش‌گران ارزش‌گذاری می‌شوند. از اینرو، در SNA مرجع اصلی برای ارزش‌گذاری، قیمت‌های بازار است. در نبود تراکنش‌های بازار، ارزش‌گذاری براساس هزینه‌های متقبل شده (مانند خدمات غیربازاری تولید شده توسط دولت) یا با استناد به قیمت‌های بازار برای کالاها و خدمات مشابه (مانند خدمات واحدهای مسکونی ساکنینِ مالک) انجام می‌شود.

۲-۶۰ دارائی‌ها و بدهی‌ها بـه ارزش‌هـای جـاریِ زمـانِ مربـوط بـه ترازنامه ثبت می‌شوند نه ارزش اصلی آن‌هـا. از نظـر تئـوری، حساب‌های ملی بر این فرض استوار است که ارزش دارائی‌هـا و بدهی‌ها به طور مستمر به ارزش جاری بهنگـام مـی‌شـوند، حتی اگر بهنگام سازی فقط در فواصل زمـانیِ معینـی انجـام شود. مبنای مناسب برای ارزش‌گذاریِ دارائی‌هـا و بـدهی‌هـا، ارزشی است که می‌توان آن‌ها را در زمان ارزش‌گـذاری بـا آن ارزش در بـازار خریـداری کـرد. در حالـت ایـده‌آل، بایـد از ارزش‌های مشاهده شده در بازارها یا برآورد شده از ارزش‌های مشاهده شده در بازار استفاده شود. هنگـامی کـه ایـن امکـان وجود ندارد، ارزش‌های جـاری بـرای ارزش گـذاریِ ترازنامـه ممکن است به دو روش دیگر تقریب زده شود، یکی از طریق انباشت و باز ارزش گذاری تراکنش‌ها در طول زمان و دیگری از طریق برآورد ارزش حال تنزیـل شـده‌ی برگشـتِ آینـده‌ی مورد انتظار از یک دارائی معین (فصل ۱۳ را نیز ببینید).

۲-۶۱ تراکنش‌های داخلی، به ارزش جاریِ زمانی که این تراکنش‌ها رخ می‌دهند ارزش گذاری می‌شوند، نه به ارزش اصلی آن‌هـا. این نوع تراکنش‌های داخلی شامل ورودی به موجـودی انبـار، برداشت از موجودی انبار، مصرف واسـطه و مصـرف سـرمایه ثابت است.

روش‌های ارزش گذاری

۲-۶۲ روش‌های مختلفـی از نحـوه‌ی برخـورد بـا تـأثیر مالیـات بـر محصول، یارانه و حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل بر ارزش گذاریِ تراکنش‌های محصـولات (کالاهـا و خـدمات)، وجـود دارد.

۲-۶۳ روش ارزش گذاری ستانده ترجیحاً قیمت‌های پایـه اسـت، بـا وجود این هنگامی که ارزش گذاری به قیمت‌های پایه امکـان پذیر نیست می‌توان از قیمت‌های تولید کننـده اسـتفاده کـرد. تفاوت آن‌ها مربوط به نحـوه برخـورد بـا مالیـات و یارانـه بـر محصول است. قیمت‌های پایـه قیمـت‌هـای پـیش از اضـافه کردن مالیات بر محصول و کسر یارانه بـر محصـول هسـتند. قیمت‌های تولید کننده عـلاوه بـر قیمـت‌هـای پایـه، مالیـات منهای یارانه بر محصول غیر از مالیات از نـوع مالیـاتِ ارزش افزوده را نیز در بر دارند. از اینرو، سه نوع ارزش گذاریِ ستانده می‌تواند وجود داشته باشد؛ ارزش گذاری به قیمت‌هـای پایـه، ارزش‌گذاری به قیمت‌های تولید کننده با نبودن مالیات از نوع مالیاتِ ارزش افزوده و ارزش‌گذاری به قیمت‌های تولید کننـده با وجود مالیات از نوع مالیاتِ ارزش افزوده.

۲-۶۴ در یک مجموعه‌ی یکسان از حساب‌هـا و جـدول‌هـا، همـه‌ی تراکنش‌های مربوط به مصارف کالاها و خدمات (نظیر مصرف نهائی، مصرف واسطه، تشکیل سرمایه) به قیمت‌های خریـدار ارزش گذاری می‌شوند. قیمت‌های خریدار مبالغ پرداخت شـده توسط خریداران است با کنـار گذاشـتنِ قسـمت کسـر شـدنیِ مالیـات از نـوع مالیـاتِ ارزش افـزوده. قیمـت‌هـای خریـدار هزینه‌های واقعی برای مصرف کنندگان هستند.

۲-۶۵ روش‌های مختلف ارزش‌گذاریِ ستانده، با مصـرف واسـطه‌ای که همیشه به قیمت خریـدار اسـت، پیامـدهائی بـر محتـوا و مصارفِ ارزش‌افزوده (تفاوت بین سـتانده و مصـرف واسـطه) توسط یک تولید کننده، یک بخش یـا یـک صـنعت (رشـته-فعالیت) دارد. وقتی ستانده به قیمت‌هـای پایـه ارزش گـذاری می‌شود، ارزش افزوده گذشته از درآمدهای اولیـه‌ی برآمـده از نیروی کار و سرمایه، شامل تنها مالیات منهای یارانه بر تولیـد غیر از مالیات، منهای یارانه، بر محصول است؛ وقتی ستانده به قیمت تولید کننده ارزش گذاری می‌شود، ارزش افزوده شـامل مالیات، منهای یارانه، بر محصول غیر از مالیات از نـوع ارزش افزوده است (که به معنی همه‌ی مالیـات‌هـا، منهـای همـه‌ی یارانه‌ها، بر محصول است در صورتی که مالیات از نوع مالیات ارزش افزوده وجود نداشته باشد). یک تعریف تکمیلی از ارزش افزوده، ارزش افزوده به قیمت عوامـل اسـت کـه هـیچ‌گونـه مالیات بر تولید را در بر نمی‌گیرد، هرچند کـه ایـن مفهـوم در SNA به طور آشکار استفاده نمی‌شود.

سنجه‌های حجمی و سنجه‌ها به ارزش واقعی

۲-۶۶ تا اینجا فقط ارزش‌های جاری شرح داده شـده‌انـد. عـلاوه بـر این، SNA محاسبه‌ی برخی تراکنش‌ها برحسب حجـم را نیـز در بر می‌گیرد، که این به معنی استفاده از سیستم قیمت‌هـای حاکم در یک دوره از زمانِ گذشته اسـت. تغییراتـی را کـه در طول زمان در ارزش جاریِ جریـان‌هـای کالاهـا و خـدمات و

انواع بسیاری از دارائی‌ها به وجود می‌آید، می‌توان به تغییرات در قیمت این کالاها و خدمات یا دارائی‌ها و تغییرات در حجم آن‌ها تجزیه کرد. جریان‌ها یا موجودی‌ها برحسب حجم، تغییرات قیمت هریک از اقلام پوشش داده شده را به حساب می‌آورند. ولی، بسیاری از جریان‌ها یا موجودی‌ها ابعاد قیمت و مقدار متعلق به خود را ندارند. ارزش جاری این‌ها را می‌توان از طریق به حساب آوردن تغییرات قیمت سبد مناسب کالاها و خدمات یا دارائی‌ها، یا از طریق تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها تعدیل کرد. در حالت دوم، گفته می‌شود که جریان‌ها یا موجودی‌ها به ارزش واقعی هستند (یعنی، آن‌ها ارزش را به قدرت خرید ثابت نشان می‌دهند). برای نمونه، SNA محاسبه درآمد به ارزش واقعی را میسر می‌سازد. مقایسه‌های بین مکانی مشکلات مشابهی با مقایسه‌های بین زمانی حتی پیچیده‌تر از آن را بوجود می‌آورند زیرا در مقایسه‌های بین مکانی، کشورهائی مورد مقایسه قرار می‌گیرند که در سطوح متفاوت توسعه هستند.

۶۷-۲ سنجه‌های بین مکانی و بین زمانی هردو در فصل ۱۵ مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۴. تلفیق و خالص‌سازی

تلفیق

۶۸-۲ تلفیق ممکن است شیوه‌های مختلف حسابداری را پوشش دهد. به طور کلی، تلفیق به حذفِ منابع و مصارفِ تراکنشهای بین واحدهائی که باهم در یک گروه قرار گرفته‌اند، و حذف دارائی‌ها و بدهی‌های طرف مقابل آن‌ها برمی‌گردد.

۶۹-۲ به عنوان یک اصل، جریان‌های بین واحدهای تشکیل دهنده‌ی داخل بخش‌ها و زیر بخش‌ها تلفیق نمی‌شوند. ولی ممکن است حساب‌های تلفیقی برای ارائه و تحلیل‌های تکمیلی تهیه شوند. حتی غیر از آن، تراکنش‌هائی که در حساب‌های مختلف نشان داده می‌شوند هیچگاه طوری تلفیق نمی‌شوند که اقلام تراز کننده تحت تأثیر قرار گیرند. ممکن است تلفیق مثلاً برای کل بخش دولت مفید باشد تا روابط خالص بین دولت و بقیه‌ی اقتصاد را نشان دهد. این امکان در فصل ۲۲ توضیح داده شده است.

۷۰-۲ حساب‌های کل اقتصاد وقتی به طور کامل تلفیق شوند، وارد حساب‌های دنیای خارج (حساب‌های تراکنش‌های خارجی) می‌شوند.

خالص سازی

۷۱-۲ بین تلفیق و خالص سازی باید تفاوت قائل شد. برای تراکنش‌های جاری، منظور از خالص سازی، بی‌اثر کردنِ مصارف در مقابل منابع است. SNA این کار را فقط در تعدادی از موارد خاص انجام می‌دهد؛ برای مثال مالیات بر محصول می‌تواند خالص از یارانه بر محصول نشان داده شود. برای تغییرات دارائی‌ها یا تغییرات بدهی‌ها، خالص سازی ممکن است به دو حالت در نظر گرفته شود. حالت نخست هنگامی است که انواع گوناگون تغییرات دارائی‌ها (مانند ورودی‌ها و خروجی‌های موجودی انبار) یا انواع گوناگون بدهی‌ها (مانند تعهد دِین جدید و بازپرداخت دِین موجود) خالص سازی می‌شوند. حالت دوم هنگامی است که تغییرات دارائی‌های مالی و تغییرات بدهی‌های مالیِ (یا در ترازنامه، خودِ دارائی‌ها و بدهی‌های مالی) مربوط به یک ابزار مالی معین خالص سازی می‌شود. به عنوان یک اصل، فراتر از مواردی که در SNA نشان داده شده است، خالص‌سازی مجاز نیست. به ویژه باید از خالص سازیِ دارائی‌ها (تغییرات در دارائی‌های مالی) از بدهی‌ها (تغییرات در بدهی‌های مالی) اجتناب شود. خالص سازی در فصل‌های ۳ و ۱۱ مورد بحث قرار می‌گیرد.

استفاده از «خالص»

۷۲-۲ در SNA بجز تعداد محدودی استثناء، از اصطلاح «خالص» فقط در ارتباط با اقلام تراز کننده حساب‌ها در کنار اصطلاح «ناخالص» استفاده می‌شود. موارد استثنا در استفاده از عبارات ارزش ویژه (خالص دارائی‌ها)، خالص وام‌گیری، و خالص وام‌دهی در رابطه با حساب‌های انباشت و خالص حق بیمه‌ها در زمینه بیمه هستند.

ت. حساب‌ها

۱. مقدمه

۲-۷۳ با ابزارهائی که در بخش‌های ب و پ در بالا معرفی شدند، همه‌ی جریان‌ها و موجودی‌ها را می‌توان ثبت کرد. این عمل در حساب‌های SNA انجام می‌شود. هریک از حساب‌ها به جنبه خاصی از رفتار اقتصادی مربوط است. هر حساب شامل جریان‌ها یا موجودی‌هاست و اقلام ثبت شده را برای هر واحد نهادی، یک گروه از واحدها نظیر بخش‌های نهادی یا دنیای خارج نشان می‌دهد. به طور معمول، اقلام ثبت شده در هر حساب از نظر مفهومی تراز نیستند بنابراین یک قلم تراز کننده باید تعیین شود. اقلام تراز کننده به خودی خود سنجه‌های معنی‌داری از عملکرد اقتصادی را نشان می‌دهند. این اقلام هنگامی که برای کل اقتصاد محاسبه شوند هم‌افزوده‌های مهمی را به وجود می‌آورند.

۲-۷۴ حساب‌ها می‌توانند به دو طبقه اصلی تقسیم شوند:

الف. حساب‌های اقتصادی یکپارچه؛ و

ب. سایر قسمت‌های ساختار حسابداری

۲-۷۵ حساب‌های اقتصادی یکپارچه سه عنصرِ نخست از عناصر مفهومیِ SNA که در بخش ب بیان شد (واحدها و بخش‌های نهادی، تراکنش‌ها و دارائی‌ها و بدهی‌ها)، همراه با مفهوم دنیای خارج را برای تشکیل گستره‌ای از حساب‌ها به کار می‌گیرد. این‌ها شامل توالی کامل حساب‌ها برای بخش‌های نهادی به‌طور جداگانه یا به‌طور جمعی، دنیای خارج و کل اقتصاد هستند. توالی کامل حساب‌ها به طور خلاصه در زیر شرح داده می‌شود. شرح کامل هریک از حساب‌های مربوطه، موضوع فصل‌های ۶ الی ۱۳ است.

۲-۷۶ قسمت‌های دیگر سیستم حسابداری سه عنصرِ مفهومیِ دیگر از بخش ب، یعنی، کارگاه‌ها، محصولات و مقاصد و نیز جمعیت و اشتغال را به کار می‌گیرد. حساب‌هائی که در اینجا پوشش داده می‌شوند شامل این موارد هستند، چارچوب عرضه و مصرف که موضوع بحث فصل ۱۴ است، جدول‌های جمعیت و اشتغال که در فصل ۱۹ شرح داده شده است، سه بُعد تحلیلیِ تراکنش‌های مالی و موجودی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها که روابط بین بخش‌ها (از چه کسی به چه کسی) را نشان می‌دهند و در فصل ۲۷ شرح داده شده‌اند و تحلیل‌های کارکردی که به موجب آن تراکنش‌های معینِ بخش‌های نهادی برحسب هدفی که دارند ارائه می‌شوند. این موضوعات در تعدادی از فصل‌ها از جمله فصل ۱۴ شرح داده شده است.

۲-۷۷ بخش‌هائی که در پی می‌آیند، به موارد زیر اختصاص داده شده است:

الف. توالی کامل حساب‌ها

ب. ارائه یکپارچه حساب‌ها که حساب کالاها و خدمات و حساب دنیای خارج را نیز در بر می‌گیرد و نیز بررسی هم‌افزوده‌های SNA ؛ و

پ. سایر قسمت‌های ساختار حسابداری

۲. توالی کامل حساب‌ها

۲-۷۸ قبل از ارائه‌ی توالی کامل حساب‌ها برای واحدها و بخش‌های نهادی، بیان برخی نکات مقدماتی مفید است. هدفِ این زیر بخش شرح ساختارِ کلیِ حسابداری SNA، و نه شرح دقیق حساب‌ها برای هر واحد یا بخش خاص، است. ساختار حسابداری در سرتاسر SNA یکسان است. این ساختار در تمام واحدها، زیر بخش‌ها، بخش‌ها و کل اقتصاد به کار می‌رود. با این حال، ممکن است برخی حساب‌ها برای بخش‌های خاصی مورد نداشته باشد. همین‌طور، همه‌ی تراکنش‌ها نیز برای همه‌ی بخش‌ها مورد ندارند و وقتی مورد داشته باشند می‌توانند برای برخی بخش‌ها منابع و برای بخش‌های دیگر مصارف ایجاد کنند.

جدول ۲-۱: حساب تولید

مصارف	منابع
	ستانده
مصرف واسطه	
ارزش افزوده	

۷۹-۲ نکته‌ی دیگر مربوط به روشی است که برای طبقه‌بندی تراکنش‌ها در ارائه‌ی ساختارِ کلی حساب‌ها به کار می‌رود. بخش ب در بالا فقط رده‌های اصلی تراکنش‌ها را نشان می‌دهد و رده‌های تفصیلی آن در فصل‌های مربوطه نشان داده شده‌اند. با این حال، برای روشن ساختن حساب‌ها، لازم بود تعدادی از تراکنش‌های خاص نیز آورده شود. این‌ها با استفاده از طبقه‌بندی واقعی تراکنش‌ها در SNA در آن سطح از تفصیل که برای درک بهتر حساب‌ها کافی است، آورده شده است. در این مرحله تعریف تراکنش‌ها جز در مواردی که کاملاً لازم است، ارائه نمی‌شوند ولی در فصل‌های بعدی این تعریف‌ها نشان داده خواهند شد.

۸۰-۲ همچنین بیان این نکته نیز لازم است که اقلام تراز کننده می‌توانند به صورت خالص یا ناخالص نشان داده شوند و تفاوت این‌ها در مصرف سرمایه ثابت است. از نظر مفهومی، قلم تراز کننده‌ی خالص بسیار معنی‌دارتر است. ولی، مفاهیم ناخالص، به ویژه هم‌افزوده‌های ناخالص، به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند و حساب‌های ناخالص معمولاً بسیار آسان‌تر، درست‌تر و سریع‌تر از حساب‌های خالص برآورد می‌شوند. برای وفق دادن هر دوراه حل خالص و ناخالص و تسهیل در ارائه یکپارچه حساب‌ها و هم‌افزوده‌ها، ارائه‌ی دوگانه‌ی اقلام ترازکننده پذیرفتنی است.

۸۱-۲ در پایان، لازم است گفته شود که توالی حساب‌ها ساختار حسابداری SNA را نشان می‌دهد؛ این ساختار لزوماً چارچوبی نیست که نتایج براساسِ آن منتشر شود.

سه قسمت توالی حساب‌ها

۸۲-۲ حساب‌ها در سه رده گروه‌بندی می‌شوند : حساب‌های جاری، حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها.

۸۳-۲ حساب‌های جاری با تولید، ایجاد درآمد، توزیع و مصرف درآمد در ارتباط است. هر حساب ابتدا با قلم تراز کننده‌ی حساب قبلی شروع می‌شود که به عنوان منابع ثبت می‌شود. آخرین قلم تراز کننده پس‌انداز است که از نظر SNA، آن قسمت از درآمد ایجاد شده در تولید، درداخل یا ازخارج است که برای مصرف نهائی استفاده نمی‌شود.

۸۴-۲ حساب‌های انباشت تغییرات در دارائی‌ها و بدهی‌ها و تغییرات در ارزش ویژه (تفاوت بین دارائی‌ها و بدهی‌های هر واحد یا گروهی از واحدها) را پوشش می‌دهد. حساب‌های مربوط به این گروه، حساب سرمایه و حساب مالی، حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و حساب بازارزش‌گذاری است. حساب‌های انباشت همه‌ی تغییرات ایجاد شده بین دو ترازنامه را نشان می‌دهد.

جدول ۲-۲: حساب ایجاد درآمد

مصارف	منابع
	ارزش افزوده
جبران خدمات کارکنان مالیات بر تولید و واردات یارانه‌ها (-)	
مازاد عملیاتی	
درآمد مختلط، خالص	

جدول ۲-۳: حساب تخصیص درآمد اولیه

مصارف	منابع
	مازاد عملیاتی، خالص
	درآمد مختلط، خالص
	جبران خدمات کارکنان مالیات بر تولید و واردات یارانه‌ها (-)
درآمد دارائی	درآمد دارائی
تراز درآمدهای اولیه	

۲-۸۵ ترازنامه‌ها، دارائی‌ها و بدهی‌ها و ارزش ویژه را نشان می‌دهند. ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره، در توالی کامل حساب‌ها گنجانیده شده‌اند. حتی هنگامی که ترازنامه‌ها تهیه نمی‌شوند، اگر قرار باشد حساب‌های انباشت با جزئیات کاملی تهیه شوند، درک روشنی از ارتباط مفهومی بین حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها لازم است.

حساب تولید

۲-۸۶ حساب تولید (ارائه شده در جدول ۲-۱) برای نشان دادن ارزش افزوده به عنوان یکی از اقلام تراز کننده‌ی اصلی در SNA طراحی شده است. در نتیجه همه‌ی تراکنش‌های مرتبط با فرآیند تولید را پوشش نمی‌دهد، بلکه فقط حاصل تولید (ستانده) و مصرف کالاها و خدمات برای تولید این ستانده (مصرف واسطه) را پوشش می‌دهد. مصرف واسطه سائیدگی و فرسودگیِ پیشرونده سرمایه ثابت را پوشش نمی‌دهد. این قلم به عنوان تراکنش جداگانه‌ای (مصرف سرمایه ثابت) که تفاوت بین اقلام تراز کننده‌ی خالص و ناخالص است، ثبت می‌شود.

۲-۸۷ همان‌گونه که پیش از این در بخش پ توضیح داده شد، انواع مختلف ارزش‌گذاریِ ستانده مطابقِ قیمت‌های پایه و قیمت‌های تولید کننده و در مورد قیمت‌های تولیدکننده، برحسب وجود یا عدم وجود مالیات از نوع ارزش افزوده می‌تواند انتخاب شود. در نتیجه، حدودی که مالیات (منهای یارانه) بر محصول در ارزش افزوده وارد می‌شود، متفاوت است.

۲-۸۸ همه‌ی بخش‌های نهادی حساب تولید دارند. ولی، در حساب تولیدِ بخش‌های نهادی، ستانده و مصرف واسطه تنها به صورت جمع، و نه تفصیلی برحسب محصولات، نشان داده می‌شوند.

۲-۸۹ قلم تراز کننده حساب تولید ارزش افزوده است. مانند همه اقلام تراز کننده در حساب‌های جاری، ارزش افزوده ممکن است به صورت خالص یا ناخالص اندازه‌گیری شود.

حساب‌های توزیع درآمد

۲-۹۰ فرآیند توزیع و بازتوزیع درآمد به اندازه‌ای مهم است که ارزش دارد مراحل مختلف آن‌ها تفکیک شده و در حساب‌های جداگانه‌ای نشان داده شوند. توزیع درآمد به سه مرحله‌ی اصلی توزیع اولیه، توزیع ثانوی و بازتوزیع غیرنقدی تفکیک می‌شود. چون همه‌ی انواع تراکنش‌هایِ توزیعیِ جاری که در SNA منظور شده‌اند به طور واقعی اندازه گیری می‌شوند، افزایش تعداد حساب‌ها تا حد بسیار کمی به کاری که قبلاً انجام می‌شد اضافه می‌کند، در عوض، این حساب‌ها اقلام تراز کننده‌ای را ارائه می‌دهند که مفاهیم معنی داری از درآمد هستند.

جدول ۲-۴: حساب توزیع ثانوی درآمد

مصارف	منابع
	تراز درآمدهای اولیه
انتقالات جاری	انتقالات جاری
مالیات جاری بر درآمد، ثروت، غیره	مالیات جاری بر درآمد، ثروت، غیره
خالص حق بیمه‌های اجتماعی	خالص حق بیمه‌های اجتماعی
مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیرنقدی	مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیرنقدی
سایر انتقالات جاری	سایر انتقالات جاری
درآمد قابل تصرف	

حساب توزیع اولیه‌ی درآمد

۹۱-۲ حساب توزیع اولیه‌ی درآمد نشان می‌دهد که ارزش افـزوده‌ی ناخالص چگونه بین کار، سـرمایه، دولـت و در صـورت لـزوم جریان به دنیای خارج و بالعکس توزیع مـی‌شـود. در حقیقـت حساب توزیع اولیه‌ی درآمد هیچگاه به صـورت یـک حسـاب تنها نشان داده نمی‌شود بلکه همیشه به صورت دو زیر حساب ارائه می‌شود. نخستین حساب، حساب ایجاد درآمد (نشان داده شده در جدول ۲-۲) است که در آن ارزش افـزوده بـینِ کـار (جبران خدمات کارکنـان)، سـرمایه و دولـت (مالیـات منهـای یارانه بر تولید و واردات تا جائی که در ارزش گـذاری سـتانده منظور شده باشد) توزیع می‌شود. آن قسـمت از ارزش افـزوده که به سرمایه مربوط است در قلم تراز کننده‌ی ایـن حسـاب، یعنی، مازاد عملیاتی یا درآمد مختلط نشان داده می‌شود.

۹۲-۲ حساب تخصیصِ درآمد اولیه (جدول ۲-۳) قسمت‌هـای بـاقی مانده‌ی توزیع درآمد را نشان می‌دهد. این حساب شامل مـازاد عملیاتی یا درآمد مختلط به عنوان منـابع اسـت. ایـن حسـاب برای هر بخش، درآمد دارائـی دریـافتنی و پرداختنـی، جبـران خدمات کارکنان و مالیـات منهـای یارانـه بـر تولیـد و واردات دریافتنی توسط خانوارها و دولت را به ترتیب در بر می‌گیرد. از آنجا که از این نوع تراکنش‌ها ممکن است در حسـاب دنیـای خارج نیز رخ دهد، حساب تخصیص درآمد اولیه بایـد آن‌هـا را هم در بر داشته باشد.

۹۳-۲ قلم تراز کننده‌ی حساب تخصیص درآمد اولیه (و حساب کامل توزیع اولیه درآمد) تراز درآمد اولیه است.

۹۴-۲ برای شرکت‌های غیرمالی و مـالی، حسـاب تخصـیص درآمـد اولیه به دو حساب دیگر تقسیم می‌شود تا قلـم تـراز کننـده‌ی اضافیِ دیگری یعنی درآمد کارآفرینی را نشـان دهـد کـه بـه مفهوم شناخته شده‌ی سود جاری قبل از مالیات در حسابداری کسب و کار (تجاری)، نزدیک‌تر است. این قلـمِ تـراز کننـده و حساب‌های زیرمجموعه‌ی مربوطه در فصل ۷ نشان داده شده است.

حساب توزیع ثانوی درآمد

۹۵-۲ حساب توزیع ثانوی درآمد (جـدول ۲-۴) بـاز توزیـعِ درآمـد از طریق انتقالات جاری بجز انتقالات اجتماعی غیر نقدی دولت و NPISHهـا بـه خانوارهـا را پوشـش مـی‌دهـد. انتقـالات اجتماعی غیر نقدی در حساب باز توزیع درآمد غیر نقدی ثبـت می‌شوند. حساب توزیع ثانوی درآمد در سمت منابع، علاوه بـر تراز درآمدهای اولیه، مالیات جاری بر درآمـد، ثـروت، غیـره و سایر انتقالات جاری غیر از انتقالات جاری غیر نقدی را ثبـت می‌کند. در سـمت مصـارف هـم همـان نـوع انتقـالات ثبـت می‌شوند. از آنجا که این انتقالات برای برخی بخش‌ها منابع و برای بخش‌های دیگر مصارف هستند، محتوای دقیق آن‌ها از یک بخش به بخش دیگر متفاوت است.

۹۶-۲ موضوعِ نحوه‌ی ثبت حق بیمه‌های اجتمـاعی در SNA ارزش این را دارد که در اینجا قدری مفصل‌تر درباره‌ی آن شرح داده شود. با این که به طور معمـول حـق بیمـه‌هـای اجتمـاعی را کارفرمایـان از طـرف کارکنانشـان مسـتقیماً بـه طـرح بیمـه اجتماعی پرداخت می‌کنند، در SNA این پرداخـت‌هـا طـوری عمل می‌شوند که گوئی ابتـدا بـه کارکنـان پرداخـت شـده و سپس کارکنـان آن‌هـا را بـه طـرح بیمـه اجتمـاعی پرداخـت کرده‌اند. از لحاظ حساب‌ها، این نحوه‌ی برخورد به این معنـی است که این پرداخت‌هـا ابتـدا بـه عنـوان بخشـی از جبـران خـدمات کارکنـان در سـمت مصـارف حسـاب ایجـاد درآمـدِ کارفرمایان و سمت منـابع حسـاب تخصـیص درآمـد اولیـه‌ی خانوارها (پس از تعدیل برای جریان‌هـای خـارجی موجـود در جبران خدمات کارکنان) ثبت می‌شود. سپس این‌ها به عنـوان مصارف در حساب توزیع ثانوی درآمد خانوارهـا (و احتمـالاً در حساب دنیای خارج) و به عنوان منابع بخش‌هـائی کـه طـرح بیمه اجتماعی را مدیریت می‌کنند، ثبت می‌شوند. همه‌ی حـق بیمه‌های اجتماعیِ کارفرمایان این مسیر را طی می‌کنند. ایـن نحوه‌ی ثبتِ تراکنش‌ها که در آن طوری عمل مـی‌شـود کـه گوئی مسیر دیگری را طی کـرده‌انـد، اغلـب «تغییـر مسـیر» نامیده می‌شود.

۹۷-۲ قلم تراز کننده حساب توزیع ثانوی درآمد، درآمد قابل تصـرف است. برای خانوارها، درآمد قابل تصـرف درآمـدی اسـت کـه

می‌توان آن را برای مخارج مصرف نهائی و پس‌انداز استفاده کرد. برای شرکت‌های غیرمالی و مالی، درآمد قابل تصرف درآمدی است که بین صاحبان سهام توزیع نشده و پس از پرداخت مالیات بر درآمد در شرکت می‌ماند.

حساب بازتوزیع درآمد غیر نقدی

۹۸-۲ به دلیل ماهیتِ تراکنش‌های مربوطه، این حساب فقط برای دولت، خانوارها و NPISHها مهم است. انتقالات اجتماعی غیر نقدی دو عنصر دیگر را نیز در ارائه‌ی فرآیند بازتوزیع پوشش می‌دهد. نخستین عنصر، تولید غیربازاریِ خدمات فردی توسط دولت و NPISHهاست و دومین عنصر، خرید کالاها و خدمات توسط دولت و NPISHها برای انتقال به خانوارها است که به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شوند. حساب بازتوزیع درآمد غیر نقدی (جدول ۲-۵) انتقالات اجتماعی غیر نقدی را به عنوان منابع برای خانوارها و مصارف برای دولت و NPISHها ثبت می‌کند.

جدول ۲-۵: حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی

مصارف	منابع
	درآمد قابل تصرف
انتقالات اجتماعی غیرنقدی	انتقالات اجتماعی غیر نقدی
درآمد قابل تصرف تعدیل شده	

جدول ۲-۶: حساب مصرف درآمد قابل تصرف

مصارف	منابع
	درآمد قابل تصرف
مخارج مصرف نهائی	
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی
پس‌انداز	

جدول ۲-۷: حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده

مصارف	منابع
	درآمد قابل تصرف تعدیل شده
مصرف نهائی واقعی	
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی
پس انداز	

۲-۹۹ هدف این حساب چهار سویه است. در درجه نخست، هدف آن ارائه‌ی تصویر روشن‌تری از نقش دولت به عنوان تأمین کننده‌ی کالاها و خدمات برای خانوارهای فردی است. دوم این که سنجه‌ی کاملی از درآمد خانوار را ارائه می‌دهد. سوم، مقایسه‌های بین‌المللی و مقایسه در طول زمان را که عناصر اقتصادی و اجتماعی متفاوت هستند یا تغییر می‌کنند، آسان می‌سازد. چهارم، دیدِ کامل‌تری از فرآیند بازتوزیع بین زیر بخش‌ها یا گروه‌بندی‌های دیگر خانوارها ارائه می‌دهد. بازتوزیع درآمد غیرنقدی توزیع دور سوم درآمد است.

۲-۱۰۰ قلم تراز کننده‌ی حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی، درآمد قابل تصرف تعدیل شده است.

حساب‌های مصرف درآمد

۲-۱۰۱ حساب مصرف درآمد به دو گونه وجود دارد، حساب مصرف درآمد قابل تصرف (جدول ۲-۶) و حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده (جدول ۲-۷). در سمت منابعِ حساب مصرف درآمد قابل تصرف، قلم تراز کننده‌ی درآمد قابل تصرف وجود دارد که از حساب توزیع ثانوی درآمد منتقل می‌شود. در سمت منابع حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده، قلم تراز کننده‌ی درآمد قابل تصرف تعدیل شده وجود دارد که از حساب بازتوزیع درآمد غیر نقدی منتقل می‌شود. هردوی حساب‌ها نشان می‌دهند که برای بخش‌هائی که مصرف نهائی دارند (یعنی دولت، NPISHها و خانوارها)، درآمد قابل تصرف یا درآمد قابل تصرف تعدیل شده چگونه به مصرف و پس‌انداز تخصیص داده می‌شوند. بعلاوه، هر دو نوع حساب مصرف درآمد، هم برای خانوارها و هم برای صندوق‌های بازنشستگی، یک قلم تعدیلی برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی (همه‌ی مزایای بازنشستگی که هنوز پرداختنی نشده‌اند، *مترجم*) در بر دارند که مربوط به نحوه‌ی ثبت تراکنش‌های بین خانوارها و صندوق‌های بازنشستگی در SNA است. این قلم تعدیلی، که در فصل ۹ توضیح داده شده است، در اینجا مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

۲-۱۰۲ تفاوت بین منابع دو نوع حساب مصرف درآمد مربوط به قلم تراز کننده‌ای است که از حساب قبلی وارد می‌شود. از لحاظ مصارف، تفاوت دو حساب در این است که مخارج مصرف نهائی یا مصرف نهائی واقعی ثبت می‌شود. اولی در حساب مصرف درآمد قابل تصرف؛ دومی در حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده ثبت می‌شوند.

۲-۱۰۳ مخارج مصرف نهائی، تراکنش‌های مربوط به مصرف نهائی کالاها و خدماتی را که یک بخش تقبل کننده‌ی نهائی هزینه عملیاتی آن‌هاست، پوشش می‌دهد دولت و NPISHها در حساب تولیدشان کالاها و خدمات غیربازاری را تولید می‌کنند که مصرف واسطه و جبران خدمات کارکنان به عنوان مصارف آن‌ها ثبت می‌شوند. مخارج مصرف نهائی این تولید کنندگان عبارت است از ارزش ستانده غیربازاری کالاها و خدمات آن‌ها منهای دریافت‌هایشان بابت فروش کالاها و خدمات غیربازاری به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند. ولی، مخارج مصرف نهائی همچنین شامل کالاها و خدماتی است که توسط دولت یا NPISHها برای انتقالات نهائی به خانوارها، بدون این که تغییر شکلی در آن‌ها ایجاد کنند، خریداری می‌شوند.

۲-۱۰۴ مصرف نهائی واقعی خانوارها، کالاها و خدماتی را پوشش می‌دهند که در واقع برای مصرف فردی توسط خانوارها در دسترس است، صرف نظر از این که تقبل کننده‌ی نهائی هزینه عملیاتی، دولت، NPISHها یا خود خانوارها باشند. مصرف نهائی واقعی، یا به عبارت دیگر، مصرف جمعی دولت و NPISHها برابر است با مخارج مصرف نهائی منهای انتقالات اجتماعی غیرنقدی آن‌ها.

۲-۱۰۵ در سطح کل اقتصاد، درآمد قابل تصرف و درآمد قابل تصرف تعدیل شده باهم برابر هستند، همان‌طور که مخارج مصرف نهائی و مصرف نهائی واقعی برابر هستند. این‌ها فقط هنگامی که در بخش‌های مربوطه بررسی می‌شوند، تفاوت دارند. برای هر بخش، تفاوت بین مخارج مصرف نهائی و مصرف نهائی واقعی برابر است با انتقالات اجتماعی غیر نقدی ارائه شده یا دریافت شده. این قلم با تفاوت درآمد قابل تصرف و درآمد قابل تصرف تعدیل شده هم برابر است. از اینرو، ارقام پس‌انداز در هر دو نوع حساب مصرف درآمد برابر هستند زیرا درآمد در سمت منابع و مصرف در سمت مصارف به یک میزان اختلاف دارند.

۲-۱۰۶ قلم تراز کننده‌ی هر دو نوع حساب مصرف درآمد، پس‌انداز است. پس‌انداز توالی حساب‌های جاری را به پایان می‌رساند.

حساب‌های انباشت

۲-۱۰۷ پس‌انداز که قلم ترازکننده‌ی آخرین حساب جاری است، عنصر آغاز حساب‌های انباشت است.

۲-۱۰۸ نخستین گروهِ حساب‌های انباشت، تراکنش‌هائی را پوشش می‌دهند که با همه‌ی تغییرات در دارائی‌ها یا بدهی‌ها و ارزش ویژه در صورتی که پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای تنها منبع تغییرات در ارزش ویژه باشند، مرتبط هستند. حساب‌های انباشت از دو حساب سرمایه و حساب مالی تشکیل شده‌اند. این دو حساب طراحی شده‌اند تا یک قلم تراز کننده، یعنی، خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری را که برای تحلیل‌های اقتصادی مفید است، نشان دهند.

۲-۱۰۹ دومین گروهِ حساب‌های انباشت به تغییرات در دارائی‌ها، بدهی‌ها و ارزش ویژه در اثر عوامل دیگر، مربوط است. مثال‌هائی برای این عوامل عبارتند از اکتشاف یا کاهش منابع زیر زمینی، تخریب از طریق وقایع سیاسی، نظیر جنگ، یا از طریق حوادث طبیعی، نظیر زلزله. این عوامل واقعاً حجم دارائی‌ها را چه از نظر فیزیکی و چه از نظر مقداری تغییر می‌دهند. سایر تغییرات در دارائی‌ها همچنین ممکن است به تغییرات در سطح و ساختار قیمت‌ها نیز مربوط باشند. در حالت دوم، فقط ارزش دارائی‌ها و بدهی‌ها و نه حجم آن‌ها تغییر داده می‌شود. از اینرو، گروه دومِ حساب‌های انباشت به دو حساب برای سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و حساب برای بازارزش‌گذاری تقسیم می‌شوند.

جدول ۲-۸: حساب سرمایه

تغییرات در دارائی‌ها	تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه
	پس‌انداز
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	
مصرف سرمایه ثابت (-)	
تغییرات موجودی انبار	
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده	
	انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی (+)
	انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی (-)
	تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای
خالص وام‌دهی (+)/ خالص وام‌گیری (-)	

جدول ۲-۹: حساب مالی

تغییرات در دارائی‌ها	تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه
	خالص وام‌دهی (+)/ خالص وام‌گیری (-)
خالص تحصیل دارائی‌های مالی	خالص تحصیل بدهی‌های مالی
طلای پولی و SDRها	طلای پولی و SDRها
پول و سپرده	پول و سپرده
اوراق بدهی	اوراق بدهی
وام‌ها	وام‌ها
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت‌های استاندارد	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت‌های استاندارد
مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	*مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان*
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی

حساب سرمایه

۲-۱۱۰ حساب سرمایه (جدول ۲-۸) تراکنش‌های مرتبط با تحصیل دارائی‌های غیرمالی و انتقالات سرمایه‌ای مربوط به بازتوزیع ثروت را ثبت می‌کند. سمت چپ این حساب شامل پس‌انداز خالص، انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی و انتقالات سرمایه‌ای پرداختنی (با علامت منفی) برای به دست آوردن آن قسمت از تغییرات ارزش ویژه است که در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای ایجاد می‌شوند. حساب سرمایه در سمت مصارف شامل انواع مختلف سرمایه‌گذاری در دارائی‌های غیرمالی است. چون مصرف سرمایه ثابت تغییرات منفی در دارائی‌های ثابت است، با علامت منفی در سمت راست حساب ثبت می‌شود. ثبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منهای مصرف سرمایه ثابت در همان سمت با ثبت تشکیل سرمایه ثابت خالص یکسان است.

جدول ۲-۱۰: حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها

تغییرات در دارائی‌ها	تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه
پیدایش اقتصادی دارائی‌ها	پیدایش اقتصادی دارائی‌ها
نابودی اقتصادی دارائی‌های تولید نشده	نابودی اقتصادی دارائی‌های تولید نشده
زیان‌های ناشی از بلایا	زیان‌های ناشی از بلایا
مصادره‌های بلاعوض	مصادره‌های بلاعوض
سایر تغییرات دارائی طبقه نشده درجای دیگر	سایر تغییرات دارائی طبقه نشده درجای دیگر
تغییرات طبقه‌بندی‌ها	تغییرات طبقه‌بندی‌ها
کل سایر تغییرات در حجم	کل سایر تغییرات در حجم
دارائی‌های تولید شده	دارائی‌های تولید شده
دارائی‌های تولید نشده	دارائی‌های تولید نشده
دارائی‌های مالی	دارائی‌های مالی
	تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها

جدول ۲-۱۱: حساب باز ارزش‌گذاری

تغییرات در دارائی‌ها	تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه
منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه داشتن	***منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه داشتن***
دارائی‌های غیرمالی	دارائی‌های غیرمالی
دارائی‌های تولید شده	دارائی‌های تولید شده
دارائی‌های تولید نشده	دارائی‌های تولید نشده
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها
	تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن
منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه داشتن	***منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه داشتن***
دارائی‌های غیرمالی	دارائی‌های غیرمالی
دارائی‌های تولید شده	دارائی‌های تولید شده
دارائی‌های تولید نشده	دارائی‌های تولید نشده
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها
	تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه داشتن
منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه داشتن	***منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه داشتن***
دارائی‌های غیرمالی	دارائی‌های غیرمالی
دارائی‌های تولید شده	دارائی‌های تولید شده
دارائی‌های تولید نشده	دارائی‌های تولید نشده
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها
	تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن

۲-۱۱۱ قلم تراز کننده‌ی حساب سرمایه وقتی مثبت است خالص وام‌دهی نامیده می‌شود و خالص مبلغی را که واحد یا بخشی در نهایت برای تأمین مالی واحدها یا بخش‌های دیگر، به طور مستقیم یا غیر مستقیم موجود دارد اندازه‌گیری می‌کند و هنگامی که منفی است خالص وام‌گیری نامیده می‌شود و معادل مبلغی است که واحد یا بخشی مجبور به وام‌گیری از دیگران است.

حساب مالی

۲-۱۱۲ حساب مالی (جدول ۲-۹) تراکنش‌های ابزارهای مالی را برای هر یک از آن‌ها ثبت می‌کند. این تراکنش‌ها در SNA خالص تحصیل دارائی‌های مالی را در سمت راست یا خالص تقبل بدهی‌ها را در سمت چپ نشان می‌دهد.

۲-۱۱۳ قلم تراز کننده‌ی حساب مالی، دوباره خالص وام‌گیری یا خالص وام‌دهی است که این بار در سمت چپ حساب نشان داده می‌شود. در اصل، خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری در هردو حساب سرمایه و حساب مالی به طور مساوی اندازه‌گیری می‌شوند. در عمل رسیدن به این اتحاد یکی از مشکل‌ترین کارها در تهیه حساب‌های ملی است.

حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها

۲-۱۱۴ حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها (جدول ۲-۱۰) اثر رویدادهای غیر منتظره‌ای را ثبت می‌کند که نه تنها در ارزش دارائی‌ها و بدهی‌ها بلکه در حجم آن‌ها نیز تغییر ایجاد می‌کنند. این حساب علاوه بر رخدادهائی که در بالا اشاره شد نظیر پیامدهای جنگ یا زلزله، برخی عناصر تعدیلی نظیر تغییرات در طبقه‌بندی و ساختار را نیز که می‌توانند در ارزش ویژه اثری داشته باشند یا نداشته باشند (فصل ۱۲)، در بر می‌گیرد. قلم تراز کننده، تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها، در سمت چپ حساب ثبت می‌شود.

حساب بازارزش‌گذاری

۲-۱۱۵ حساب بازارزش‌گذاری (جدول ۲-۱۱) منفعت یا زیان ناشی از نگه داشتن را ثبت می‌کند. این حساب با منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه داشتن شروع می‌شود. این قلم تغییرات کامل ارزش انواع مختلف دارائی‌ها یا بدهی‌ها در اثر تغییرات قیمت آن دارائی‌ها و بدهی‌ها از ابتدا تا انتهای دوره حسابداری یا از ورود به انبار تا خروج از آن ثبت را می‌کند.

۲-۱۱۶ از آنجا که تراکنش‌ها و سایر جریان‌های دارائی‌ها در سمت راست و تراکنش‌های بدهی‌ها در سمت چپ حساب نشان داده می‌شود، منفعت یا زیان اسمی مربوط به دارائی‌ها در سمت راست حساب بازارزش‌گذاری نشان داده می‌شود، در حالی که منفعت و زیان اسمی مربوط به بدهی‌های مالی در سمت چپ ثبت می‌شود. بازارزش‌گذاری مثبت بدهی‌های مالی با زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن برابر است؛ باز ارزش‌گذاری منفی بدهی‌ها با زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن برابر است.

۲-۱۱۷ قلم تراز کننده حساب بازارزش‌گذاری، تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن است.

۲-۱۱۸ منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن به دو جزء تقسیم می‌شود. جزء نخست بازارزش‌گذاری به نسبت سطح عمومی قیمت‌ها را نشان می‌دهد که با اعمال شاخص تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها در طی دوره‌های زمانی یکسان به ارزش اولیه همه‌ی دارائی‌ها یا بدهی‌ها، حتی آن‌هائی که برحسب پول ثابت هستند، بدست می‌آید. پیامدهای این عملیات منفعت و زیان بی اثر ناشی از نگه‌داشتن نامیده می‌شود زیرا همه‌ی دارائی‌ها و بدهی‌ها طوری بازارزش‌گذاری می‌شوند که دقیقاً قدرت خرید آن‌ها حفظ شود.

۲-۱۱۹ جزء دوم منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن، تفاوت بین منفعت و زیان اسمی و بی‌اثر ناشی از نگه داشتن را نشان می‌دهد. این تفاوت منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن نامیده می‌شود. اگر منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن بیشتر از منفعت و زیان بی اثر ناشی از نگه داشتن باشد، منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن وجود دارد، به این دلیل که متوسط قیمت‌های واقعی دارائی‌های مورد بحث از سطح عمومی قیمت‌ها بیشتر افزایش (یا کمتر کاهش) پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر، قیمت‌های نسبی دارائی‌های آن افزایش یافته

است. به طور مشابه، کاهش در قیمت‌های نسبی دارائی‌ها به زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن منجر می‌شود.

۲-۱۲۰ هریک از سه نوع منفعت یا زیان ناشی از نگه داشتن، برحسب گروه‌های اصلی دارائی‌ها و بدهی‌ها تقسیم می‌شوند، تفکیکی که حتی در ارائه ساده حسابداری نیز لازم است. تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن را می‌توان به تغییرات در اثر منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن و تغییرات در اثر منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن تفکیک کرد.

ترازنامه‌ها

۲-۱۲۱ ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره (جدول ۲-۱۲)، در سمت راست، دارائی‌ها و در سمت چپ، بدهی‌ها و ارزش ویژه را نشان می‌دهند. دارائی‌ها و بدهی‌ها، همان‌گونه که پیش از این نیز شرح داده شد، به قیمت‌های زمانی که ترازنامه برای آن تنظیم می‌شود ارزش‌گذاری می‌شوند.

۲-۱۲۲ قلم تراز کننده‌ی ترازنامه ارزش ویژه یعنی تفاوت بین دارائی‌ها و بدهی‌هاست. ارزش ویژه با ارزش حال موجودی ارزش اقتصادی یک واحد یا بخش، برابر است.

۲-۱۲۳ تغییرات ترازنامه سرفصل‌های محتوای حساب‌های انباشت را تکرار می‌کند یعنی قلم ثبت شده برای هر دارائی یا بدهی حاصل جمع اقلام ثبت شده مربوط به آن دارائی یا بدهی در چهار حساب انباشت است. تغییرات ارزش ویژه را می‌توان از این اقلام ثبت شده محاسبه کرد ولی طبق تعریف، باید با تغییرات ارزش ویژه در اثر انتقالات سرمایه‌ای و پس‌انداز از حساب سرمایه بعلاوه تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها از حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها بعلاوه منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه داشتن از حساب بازارزش‌گذاری برابر باشد.

۲-۱۲۴ از نظر مفهومی، اقلام ثبت شده در ترازنامه انتهای دوره برای یکایک دارائی‌ها و یکایک بدهی‌ها با اقلام ثبت شده در ترازنامه ابتدای دوره بعلاوه تغییرات ثبت شده در چهار حساب انباشت برابر است.

۰۳ نمایش یکپارچه‌ی حساب‌ها

۲-۱۲۵ اکنون می‌توان عناصر گوناگونی را که در زیر بخش‌های پیشین معرفی شدند گرد هم آورده حساب‌های اقتصادی یکپارچه را به تفصیل نشان داد. جدول ۲-۱۳ شکل ساده شده‌ای از حساب‌های جاری یکپارچه را نشان می‌دهد. این جدول با استفاده از هریک از جدول‌های ۲-۱، ۲-۲، ۲-۳، ۲-۴ و ۲-۶ و زیر هم قرار دادن متوالی آن‌ها شکل می‌گیرد. در این شکل تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها در وسط جدول با ستون‌هائی در سمت راست برای مصارف و ستون‌هائی در سمت چپ برای منابع نشان داده می‌شوند. در ارائه کامل از این نوع، برای هر بخش یا زیر بخش مورد نظر یک ستون وجود دارد. برای شناساندن جدول با یک روش ساده، فقط چهار ستون در جدول ۲-۱۳ نشان داده می‌شود. نخستین ستون، جمع همه‌ی پنج بخشِ (شرکت‌های غیرمالی، شرکت-های مالی، دولت، NPISHها و خانوارها) کل اقتصاد را نشان می‌دهد. بعد از آن، ستونی برای دنیای خارج، سپس ستونی با عنوان کالاها و خدمات و در آخر ستونی که نشان دهنده جمع سه ستون قبلی است، قرار دارند. این ستون مفهوم اقتصادی کمی دارد ولی یک راه حل اساسی برای اطمینان از کامل بودن و سازگار بودن جدول است زیرا باید جمع‌های سمت راست و سمت چپ حساب‌ها، سطر به سطر برابر باشند. (هنگامی که اقلام تراز کننده به عنوان آخرین قلم در یک حساب و اولین قلم در حساب بعدی نشان داده می‌شود، این تساوی مختل می‌شود ولی در هر حال قطعی است).

۲-۱۲۶ جدول ۲-۱۴ ادامه‌ی حساب‌های یکپارچه را نشان می‌دهد که شامل حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها است که پیش از این در جدول‌های ۲-۸، ۲-۹، ۲-۱۰، ۲-۱۱ و ۲-۱۲ ارائه شد. در اینجا ستون‌های سمت راست نشان دهنده‌ی دارائی‌ها یا تغییرات دارائی‌ها و ستون‌های سمت چپ نشان دهنده‌ی بدهی‌ها یا تغییرات بدهی‌ها و ارزش ویژه هستند. جدول‌های ۲-۱۳ و ۲-۱۴ باهم حساب‌های اقتصادی یکپارچه را می‌سازند. داده‌های این دو جدول از مثال عددی سرتاسر نشریه برداشته شده است. جدول‌های هر یک ازحساب‌ها که در هریک از فصل‌های ۶ الی ۱۳ آمده است نسخه گسترش یافته جدول‌های نشان داده شده در اینجاست که ستون‌های همه‌ی بخش‌های نهادی و مجموعه‌ی کامل تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها را برای هریک از این حساب‌ها در برمی‌گیرد.

نسخه‌ی ترکیب شده‌ی جدول‌ها با همه‌ی جزئیاتی که اشاره شد، در پیوست ۲ نشان داده شده است.

۲-۱۲۷ حساب‌های اقتصادی یکپارچه تصویر کاملی از حساب‌های کل اقتصاد از جمله ترازنامه‌ها را به نحوی ارائه می‌دهد که بتوان روابط اساسی اقتصادی و هم‌افزوده‌های اصلی را نشان داد. این جدول در عین حال ساختار کلی حسابداری SNA را نشان می‌دهد و مجموعه‌ای از داده‌ها را برای بخش‌های نهادی، کل اقتصاد و دنیای خارج ارائه می‌دهد.

۲-۱۲۸ ارائه حساب‌های یکپارچه به این شکل یکی از شیوه‌های متعددی است که در آن می‌توان نگاهی از بالا به حساب‌ها داشت. شیوه دیگر از طریق ابزار نموداری نظیر شکل ۲-۱ است که همان اطلاعات را در شکل نموداری ارائه می‌دهد.

۲-۱۲۹ حساب‌های اقتصادی یکپارچه، چشم‌اندازی از کل اقتصاد ارائه می‌دهد. همان طور که پیش از این اشاره شد، نحوه‌ی ارائه‌ی یکپارچه، جزئیات بیشتری را نسبت به آنچه که عملاً در جدول‌ها نمایش داده می‌شود، در بر دارد و در صورت نیاز می‌توان از آن برای ارائه‌ی چشم‌انداز تفصیلی‌تر استفاده کرد.

می‌توان ستون‌ها را برای زیربخش‌ها هم تعریف کرد. ستون دنیای خارج را می‌توان برحسب مناطق مختلف تقسیم کرد. ستون کالاها و خدمات را می‌توان در دو ستون کالاها و ستون خدمات به طور جداگانه نشان داد. طبقه‌بندی تراکنش‌ها در سطرها را می‌توان در سطوح بسیار تفصیلی‌تر به کار برد، و جزئیاتی از این قبیل را وارد کرد. ولی، وارد کردن مستقیم جزئیات بیشتر در این شیوه‌ی ارائه به طور هم زمان ممکن است موجب شود جدولِ بسیار پیچیده و غیر قابل کنترلی به وجود آید. به این دلیل، تحلیل‌های مفصل‌ترِ تولید و تراکنش‌های کالاها و خدمات، تراکنش‌های ابزارهای مالی، ترازنامه‌های تفصیلی، و نیز تحلیل‌های کارکردی، در قالب‌های دیگری انجام می شود. این موارد در بخش بعد ارائه شده است که ارتباط آن‌ها با حساب‌های اقتصادی یکپارچه نیز شرح داده شده است.

جدول ۲-۱۲: ترازنامه‌ی ابتدای دوره، تغییرات دارائی‌ها و بدهی‌ها و ترازنامه انتهای دوره

موجودی‌ها و تغییرات در دارائی‌ها	موجودی‌ها و تغییرات در بدهی‌ها
ترازنامه ابتدای دوره	***ترازنامه ابتدای دوره***
دارائی‌های غیرمالی	دارائی‌های غیرمالی
دارائی‌های تولید شده	دارائی‌های تولید شده
دارائی‌های تولید نشده	دارائی‌های تولید نشده
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها
	ارزش ویژه
جمع تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها	***جمع تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها***
دارائی‌های غیرمالی	دارائی‌های غیرمالی
دارائی‌های تولید شده	دارائی‌های تولید شده
دارائی‌های تولید نشده	دارائی‌های تولید نشده
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها
	تغییرات در ارزش ویژه، جمع
	پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای
	سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها
	منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه داشتن
ترازنامه انتهای دوره	***ترازنامه انتهای دوره***
دارائی‌های غیرمالی	دارائی‌های غیرمالی
دارائی‌های تولید شده	دارائی‌های تولید شده
دارائی‌های تولید نشده	دارائی‌های تولید نشده
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها
	ارزش ویژه

جدول ۲-۱۳: ارائه‌ی یکپارچه‌ی توالی کامل حساب‌های جاری

مصارف					منابع			
کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	جمع	تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	جمع
		۴۹۹	۴۹۹	واردات کالاها و خدمات		۴۹۹		۴۹۹
		۳۹۲	۳۹۲	واردات کالاها		۳۹۲		۳۹۲
		۱۰۷	۱۰۷	واردات خدمات		۱۰۷		۱۰۷
	۵۴۰		۵۴۰	صادرات کالاها و خدمات			۵۴۰	۵۴۰
	۴۶۲		۴۶۲	صادرات کالاها			۴۶۲	۴۶۲
	۷۸		۷۸	صادرات خدمات			۷۸	۷۸
				حساب تولید				
		۳ ۶۰۴	۳ ۶۰۴	ستانده	۳ ۶۰۴			۳ ۶۰۴
		۳ ۰۷۷	۳ ۰۷۷	ستانده بازاری	۳ ۰۷۷			۳ ۰۷۷
		۱۴۷	۱۴۷	ستانده برای استفاده نهائی خود	۱۴۷			۱۴۷
		۳۸۰	۳۸۰	ستانده غیر بازاری	۳۸۰			۳۸۰
۱ ۸۸۳			۱ ۸۸۳	مصرف واسطه			۱ ۸۸۳	۱ ۸۸۳
		۱۴۱	۱۴۱	مالیات بر محصول	۱۴۱			۱۴۱
		−۸	−۸	یارانه بر محصول (−)	−۸			−۸
۱ ۸۵۴			۱ ۸۵۴	ارزش افزوده ناخالص/ محصول ناخالص داخلی				
۲۲۲			۲۲۲	مصرف سرمایه ثابت				
۱ ۶۳۲			۱ ۶۳۲	*ارزش افزوده، خالص/ محصول خالص داخلی*				
	−۴۱		−۴۱	*تراز خارجی کالاها و خدمات*				
				حساب ایجاد درآمد				
				ارزش افزوده، ناخالص/ محصول ناخالص داخلی	۱ ۸۵۴			۱ ۸۵۴
				ارزش افزوده، خالص/ محصول خالص داخلی	۱ ۶۳۲			۱ ۶۳۲
۱ ۱۵۰			۱ ۱۵۰	جبران خدمات کارکنان				
۲۳۵			۲۳۵	مالیات بر تولید و واردات				
۱۴۱			۱۴۱	مالیات بر محصول				
۹۴			۹۴	سایر مالیات بر تولید				
−۴۴			−۴۴	یارانه‌ها				
−۸			−۸	یارانه بر محصول				
−۳۶			−۳۶	سایر یارانه بر محصول				
۴۵۲			۴۵۲	مازاد عملیاتی، ناخالص				
۶۱			۶۱	درآمد مختلط، ناخالص				
۲۱۴				مصرف سرمایه ثابت مربوط به مازاد عملیاتی ناخالص				
۸				مصرف سرمایه ثابت مربوط به درآمد مختلط ناخالص				
۲۳۸			۲۳۸	*مازاد عملیاتی، خالص*				
۵۳			۵۳	*درآمد مختلط، خالص*				
				حساب تخصیص درآمدهای اولیه				
				مازاد عملیاتی، ناخالص	۴۵۲			۴۵۲
				درآمد مختلط، ناخالص	۶۱			۶۱
				مازاد عملیاتی، خالص	۲۳۸			۲۳۸
				درآمد مختلط، خالص	۵۳			۵۳
۱ ۱۵۶	۶		۶	جبران خدمات کارکنان	۱ ۱۵۴	۲		۱ ۱۵۶
۲۳۵			۰	مالیات بر تولید و واردات	۲۳۵			۲۳۵
−۴۴			۰	یارانه‌ها	−۴۴			−۴۴
۳۹۱	۴۴		۴۳۵	درآمد دارائی	۳۹۷	۳۸		۴۳۵
۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴	تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص				
۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲	تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص				
				حساب توزیع ثانوی درآمد				
				تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
				تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲
۱ ۲۱۲	۱۷		۱۲۲۹	انتقالات جاری	۱ ۱۷۴	۵۵		۱ ۲۲۹
۲۱۲	۱		۲۱۳	مالیات جاری بر درآمد، ثروت، و غیره	۲۱۳	۰		۲۱۳
۳۳۳	۰		۳۳۳	خالص حق بیمه‌های اجتماعی	۳۳۳	۰		۳۳۳
۳۸۴	۰		۳۸۴	مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیر نقدی	۳۸۴	۰		۳۸۴
۲۸۳	۱۶		۲۹۹	سایر انتقالات اجتماعی	۲۴۴	۵۵		۲۹۹
۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶	درآمد قابل تصرف، ناخالص				
۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴	*درآمد قابل تصرف، خالص*				
				حساب مصرف درآمد قابل تصرف				
				درآمد قابل تصرف، ناخالص	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
				درآمد قابل تصرف، خالص	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴
۱ ۳۹۹		۱ ۳۹۹	۱ ۳۹۹	مخارج مصرف نهائی				۱ ۳۹۹
۱۱	۰		۱۱	تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	۱۱	۰		۱۱
۴۲۷			۴۲۷	پس‌انداز، ناخالص				
۲۰۵			۲۰۵	*پس انداز، خالص*				
	−۱۳		−۱۳	*تراز خارجی جاری*				

جدول ۲-۱۴: ارائه‌ی یکپارچه توالی کامل حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها

تغییرات در دارائی‌ها			تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه		
کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات		کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات
			حساب سرمایه			
			پس‌انداز، خالص	۲۰۵		۲۰۵
			تراز جاری خارجی		−۱۳	−۱۳
۴۱۴		۴۱۴	تشکیل سرمایه ناخالص			۴۱۴
۱۹۲		۱۹۲	تشکیل سرمایه خالص			۱۹۲
۳۷۶		۳۷۶	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص			۳۷۶
−۲۲۲		−۲۲۲	مصرف سرمایه ثابت			−۲۲۲
			تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بر حسب نوع دارائی			
۲۸		۲۸	تغییرات موجودی انبار			۲۸
۱۰		۱۰	تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها			۱۰
۰		۰	تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده			۰
			انتقالات سرمایه، دریافتنی	۶۲	۴	۶۶
			انتقالات سرمایه، پرداختنی	−۶۵	−۱	−۶۶
			تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای	۲۰۲	−۱۰	۱۹۲
۱۰	−۱۰	۰	خالص وام‌دهی (+)/ خالص وام‌گیری (−)			
			حساب مالی			
			خالص وام دهی (+)/ خالص وام‌گیری (−)	۱۰	−۱۰	۰
۴۳۶	۴۷	۴۸۳	خالص تحصیل بدهی‌ها	۴۲۶	۵۷	۴۸۳
−۱	۱	۰	طلای پولی و SDR			
۸۹	۱۱	۱۰۰	پول و سپرده	۱۰۲	−۲	۱۰۰
۸۶	۹	۹۵	اوراق بدهی	۷۴	۲۱	۹۵
۷۸	۴	۸۲	وام‌ها	۴۷	۳۵	۸۲
۱۰۷	۱۲	۱۱۹	حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۱۰۵	۱۴	۱۱۹
۴۸	۰	۴۸	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت‌های استاندارد	۴۸	۰	۴۸
۱۴	۰	۱۴	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۱۱	۳	۱۴
۱۵	۱۰	۲۵	سایر حساب‌ها دریافتنی/ پرداختنی	۳۹	−۱۴	۲۵
			حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها			
۱۳		۱۳	جمع سایر تغییرات در حجم	۳		۳
−۷		−۷	دارائی‌های غیرمالی تولید شده			
۱۷		۱۷	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده			
۳		۳	دارائی‌های مالی	۳		۳
			تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۰		۱۰
			حساب بازارزش‌گذاری			
			منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه داشتن			
۲۸۰		۲۸۰	دارائی‌های غیرمالی			
۸۴	۷	۹۱	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۷۶	۱۵	۹۱
			تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان اسمی ناشی از نگه داشتن	۲۸۸	−۸	۲۸۰
			منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه داشتن			
۱۹۸		۱۹۸	دارائی‌های غیرمالی			
۱۳۶	۱۲	۱۴۸	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۱۲۶	۲۲	۱۴۸
			تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان بی‌اثر ناشی از نگه داشتن	۲۰۸	−۱۰	۱۹۸
			منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه داشتن			
۸۲		۸۲	دارائی‌های غیرمالی			
−۵۲	−۵	−۵۷	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	−۵۰	−۷	−۵۷
			تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان واقعی ناشی از نگه داشتن	۸۰	۲	۸۲
			موجودی‌ها و تغییرات در دارائی‌ها			
			ترازنامه ابتدای دوره			
۴ ۶۲۱		۴ ۶۲۱	دارائی‌های غیرمالی			
۸ ۲۳۱	۸۰۵	۹ ۰۳۶	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۷ ۷۶۲	۱ ۲۷۴	۹ ۰۳۶
			ارزش ویژه	۵ ۰۹۰	−۴۶۹	۴ ۶۲۱
			کل تغییرات در دارائی‌ها و بدهی‌ها			
۴۸۲		۴۸۲	دارائی‌های غیرمالی			
۵۲۳	۵۴	۵۷۷	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۵۰۵	۷۲	۵۷۷
			تغییرات ارزش ویژه، کل	۵۰۰	−۱۸	۴۸۲
			پس‌انداز و انتقالات سرمایه	۲۰۲	−۱۰	۱۹۲
			سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۰		۱۰
			منفعت/ زیان اسمی ناشی از نگه داشتن	۲۸۸	−۸	۲۸۰
			منفعت/ زیان بی‌اثر ناشی از نگه داشتن	۲۰۸	−۱۰	۱۹۸
			منفعت/ زیان واقعی ناشی از نگه داشتن	۸۰	۲	۸۲
			ترازنامه انتهای دوره			
۵ ۱۰۳		۵ ۱۰۳	دارائی‌های غیرمالی			
۸ ۷۵۴	۸۵۹	۹ ۶۱۳	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۸ ۲۶۷	۱ ۳۴۶	۹ ۶۱۳
			ارزش ویژه	۵ ۵۹۰	−۴۸۷	۵ ۱۰۳

شکل ۲- ۱: نمودار حساب های یکپارچه برای کل اقتصاد

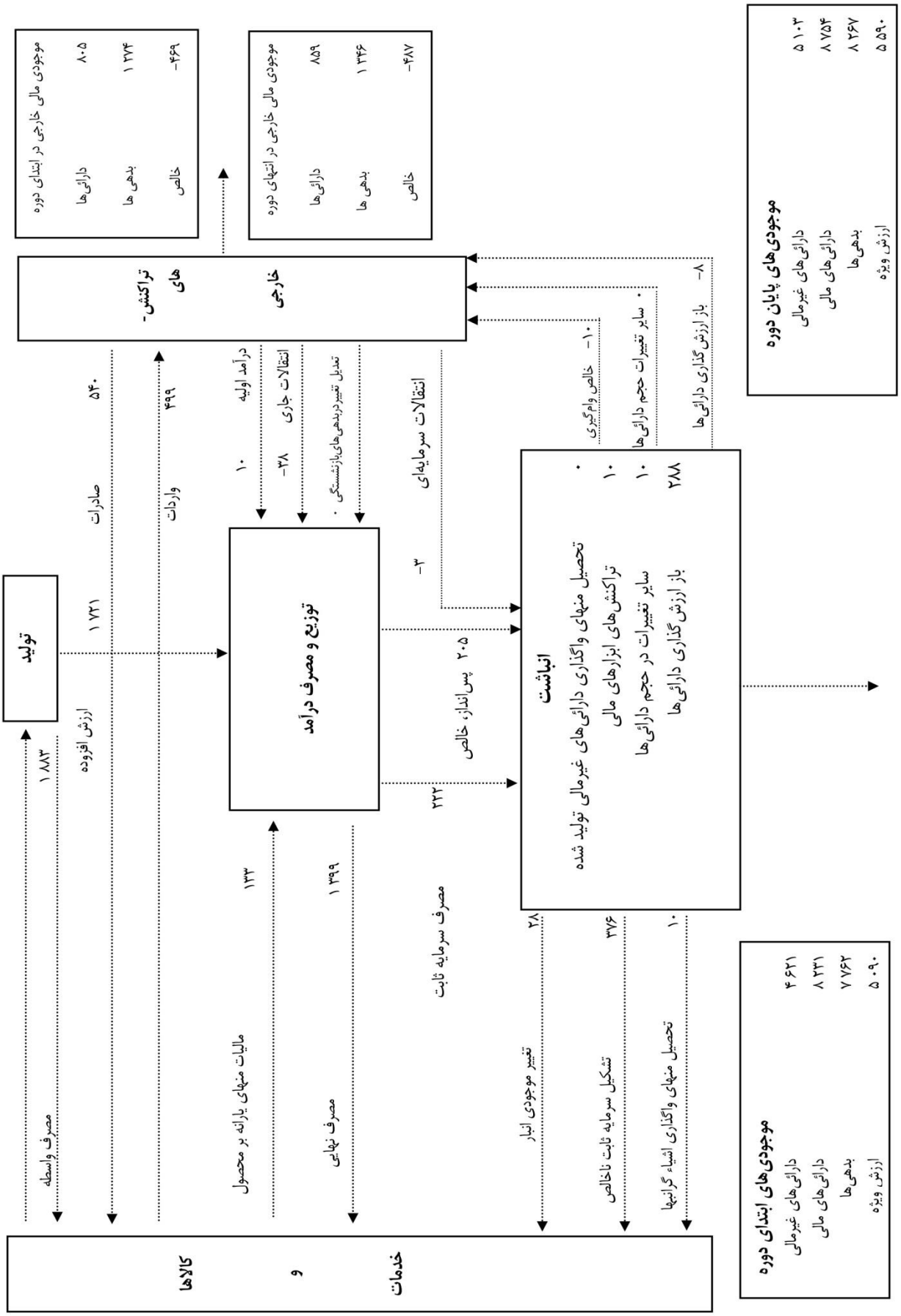

حساب‌های دنیای خارج

۲-۱۳۰ حساب دنیای خارج تراکنش‌های بین واحدهای نهادی مقیم و غیر مقیم و موجودی دارائی‌ها و بدهی‌های مربوطه را پوشش می‌دهد.

۲-۱۳۱ از آنجا که دنیای خارج نقشی مشابه با یک بخش نهادی درساختار اقتصادی بازی می‌کند، حساب دنیای خارج از زاویه‌ی دید دنیای خارج فراهم می‌شود. منابع برای دنیای خارج، مصارف برای کل اقتصاد است و برعکس. اگر قلم تراز کننده مثبت باشد، به مفهوم مازاد برای دنیای خارج و کسری برای کل اقتصاد است، و هنگامی که قلم تراز کننده منفی است، عکس آن رخ می‌دهد.

۲-۱۳۲ حساب خارجی کالاها و خدمات در همان سطحِ حساب تولید برای بخش‌های نهادی نشان داده می‌شود. واردات کالاها و خدمات (۴۹۹) برای دنیای خارج منابع و صادرات کالاها و خدمات (۵۴۰) مصارف هستند. تراز خارجی کالاها و خدمات (۴۱-) است. این رقم با علامت مثبت برای دنیای خارج مازاد (برای اقتصاد ملی کسری) است و برعکس. به این قلم انواع مختلف مالیات‌ها، جبران خدمات کارکنان و سایر انتقالات پرداختنی به خارج یا دریافتنی از خارج اضافه یا کسر می‌شود. تراز جاری خارجی (۱۳-) است که برای دنیای خارج کسری ولی برای کل اقتصاد مازاد نشان می‌دهد. اگر این قلم علامت مثبت داشت، مازاد دنیای خارج (کسری کل اقتصاد) می‌شد.

حساب کالاها و خدمات

۲-۱۳۳ همان‌گونه که در بالا بیان شد، در ارائه‌ی حساب‌ها در هر طرف ستونی به نام کالاها و خدمات وجود دارد. اقلام ثبت شده در این ستون‌ها تراکنش‌های گوناگونِ کالاها و خدمات را که در حساب‌های بخش‌های نهادی ثبت می‌شوند منعکس می‌کند. مصارف کالاها و خدمات در حساب‌های بخش‌های نهادی در ستون کالاها و خدمات سمت راست نشان داده می‌شود؛ منابع کالاها و خدمات در حساب‌های بخش‌های نهادی در ستون کالاها و خدمات در سمت چپ منعکس می‌شود. در سمت منابع جدول، ارقام ثبت شده در ستون کالاها و خدمات، طرف مقابل مصارف انجام شده توسط بخش‌های مختلف و دنیای خارج هستند: صادرات (۵۴۰)، مصرف واسطه (۱۸۸۳)، مصرف نهائی (۱۳۹۹)، تشکیل سرمایه ثابت (۳۷۶)، تغییر در موجودی انبار (۲۸) و تحصیل منهای واگذاری اشیای گرانبها(۱۰). در سمت مصارف جدول، ارقام ستون کالاها و خدمات، طرف مقابل منابع بخش‌های مختلف و دنیای خارج هستند: پوشش این قلم برحسب شیوه‌ی ارزش‌گذاری ستانده تغییر می‌کند (نگاه کنید به بحث ارزش‌گذاری در بخش پ). آن قسمت از مالیات بر محصول (شاید کل آن) (منهای یارانه بر محصول) که در ارزش ستانده وارد نمی‌شود در هیچ بخش یا صنعت (رشته فعالیت) خاصی به وجود نمی‌آید؛ این قلم برای کل اقتصاد منابع است. در مثال عددی مالیات، منهای یارانه، بر محصول (۱۳۳) مستقیماً در ستون کالاها و خدمات نشان داده می‌شوند. این‌ها جزئی از ارزش عرضه کالاها و خدمات هستند که در ارزش ستانده‌ی هیچ یک از بخش‌ها طرف مقابلی ندارند.

۲-۱۳۴ حساب کالاها و خدمات به طور خاص حساب مهمی است زیرا بنیانِ مهم‌ترین مفهوم شناخته شده یعنی GDP را تشکیل می‌دهد. جدول ۲-۱۵ حساب‌ها را در همان قالب جدول‌های قبلی این فصل (ولی با وارد کردن ارزش‌های عددی) نشان می‌دهد.

هم‌افزوده‌ها

۲-۱۳۵ هم‌افزوده‌ها در SNA، نظیر ارزش افزوده، درآمد، مصرف و پس‌انداز ارزش‌های ترکیبی هستند که یک جنبه از فعالیت کل اقتصاد را اندازه‌گیری می‌کنند. این‌ها نماگرهای خلاصه و کلیدی مهمی برای مقاصد تحلیلی و مقایسه‌های زمانی و مکانی اقتصاد کلان هستند. SNA کمک می‌کند تا تصویر ساده ولی کامل و مفصلی از اقتصادهای پیچیده ارائه شود، بنابراین محاسبه‌ی هم‌افزوده‌ها تنها هدف حسابداری ملی نبوده و هدف اصلی آن هم نیست: با این وجود ارقام خلاصه بسیار مهم هستند.

۲-۱۳۶ برخی هم‌افزوده‌ها مانند مصرف نهائی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و حق بیمه‌های اجتماعی ممکن است مستقیماً از

جمع تراکنش‌های خاص در SNA بدست آیند. هم‌افزوده‌های دیگر ممکن است از تجمیع اقلام تراز کننده برای بخش‌های نهادی حاصل شوند؛ مانند ارزش‌افزوده، تراز درآمدهای اولیه، درآمد قابل تصرف و پس‌انداز. این‌ها ممکن است به توضیحات بیشتری نیاز داشته باشند. ولی، استفاده از برخی از آن‌ها به قدری رایج است که ارزش دارد در این مرحله‌ی مقدماتی نیز درباره‌ی آن‌ها توضیحاتی ارائه شود.

۲-۱۳۷ مروری بر هم‌افزوده‌های SNA و حساب‌هائی که این هم‌افزوده‌ها در آن‌ها نشان داده می‌شوند، در شکل ۲-۲ ارائه شده است.

محصول ناخالص داخلی (GDP)

۲-۱۳۸ اساساً، GDP از مفهوم ارزش‌افزوده گرفته می‌شود. ارزش افزوده‌ی ناخالص، تفاوت بین ستانده و مصرف واسطه است. GDP حاصل جمع ارزش افزوده‌ی ناخالص تمام واحدهای تولیدکننده‌ی مقیم است بعلاوه آن قسمت (شاید کل) مالیات بر محصول، منهای یارانه بر محصول که در ارزش گذاری ستانده وارد نشده است.

۲-۱۳۹ سپس، GDP همچنین برابر است با حاصل جمع مصارف نهائیِ کالاها و خدمات (تمام مصارف غیر از مصرف واسطه) ارزش‌گذاری شده به قیمت‌های خریدار، منهای ارزش واردات کالاها و خدمات.

۲-۱۴۰ سرانجام، GDP همچنین برابر است با حاصل جمع درآمدهای اولیه‌ی توزیع شده توسط تولیدکنندگان مقیم.

سنجه‌های خالص و ناخالص

۲-۱۴۱ در اصل، مفهوم ارزش افزوده باید بدون مصرف سرمایه ثابت باشد. در واقع، این قلم چیزی نیست که تازه به وجود آمده باشد، بلکه کاهش ارزش دارائی‌های ثابت قبلی است که در فرآیند تولید مصرف می‌شوند. از اینرو، از نظر تئوری ارزش افزوده یک مفهوم خالص است. این نتیجه‌گیری در مورد محصول داخلی نیز اعمال می‌شود؛ از نظر تئوری، محصول داخلی باید یک مفهوم خالص باشد. محصول خالص داخلی (NDP) پس از کسر مصرف سرمایه ثابت از GDP بدست می‌آید.

۲-۱۴۲ با این حال، سنجه‌های ناخالص محصول و درآمد به دلایل متعدد مورد استفاده قرار می‌گیرد. استهلاک دارائی‌های ثابت معمولاً آن‌گونه که در حسابداری کسب و کار (تجاری) محاسبه می‌شود، نیازهای SNA را برآورده نمی‌سازد. محاسبه مصرف سرمایه ثابت مستلزم این است که آمارشناسان ارزش حال موجودی دارائی‌های ثابت، عمر مفید انواع مختلف دارائی‌ها، الگوی استهلاک و غیره را برآورد کنند. همه کشورها چنین محاسباتی را انجام نمی‌دهند، و هنگامی که انجام می‌دهند ممکن است روش‌های مختلفی را (برخی با استفاده از داده‌های کسب و کار، حتی اگرچه کافی نباشد) به کار ببرند. در نتیجه، ارقام ناخالص در بیشترِ موارد دردسترس است یا زودتر در دسترس قرار می‌گیرد، و عموماً دارای مقایسه‌پذیری بیشتری بین کشورها هستند. بنابراین GDP به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد حتی اگر از نظر مفهومی دارای اهمیت اقتصادی کمتری نسبت به NDP باشد. به هر حال، NDP هم باید با برآوردهای بهبود یافته از مصرف سرمایه ثابت محاسبه شود تا ابزار مهمی برای انواع مختلف تحلیل‌ها فراهم شود.

جدول ۲-۱۵: حساب کالاها و خدمات

مصارف		منابع	
مصرف واسطه	۱ ۸۸۳	ستانده	۳ ۶۰۴
مخارج مصرف نهائی	۱ ۳۹۹	واردات کالاها و خدمات	۴۹۹
تشکیل سرمایه ناخالص	۴۱۴	مالیات بر محصول	۱۴۱
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۳۷۶	یارانه بر محصول (-)	-۸
تغییرات موجودی انبار	۲۸		
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	۱۰		
صادرات کالاها و خدمات	۵۴۰		
کل مصارف	۴ ۲۳۶	*کل منابع*	۴ ۲۳۶

درآمد ناخالص ملی (GNI)

۲-۱۴۳ درآمدهای اولیه‌ی ایجاد شده در فعالیت تولید واحدهای تولیدکننده‌ی مقیم بیشترِ وقت‌ها بین واحدهای مقیم دیگر توزیع می‌شوند؛ ولی قسمتی از آن ممکن است به واحدهای غیرمقیم برود. متقابلاً، برخی درآمدهای اولیه‌ی ایجاد شده در دنیای خارج ممکن به واحدهای مقیم تعلق گیرد. این به تعریف و اندازه‌گیری درآمد ناخالص ملی (GNI) منجر می‌شود. GNI برابر است با GDP منهای درآمدهای اولیه‌ی پرداختنی به واحدهای غیر مقیم به اضافه درآمدهای اولیه‌ی دریافتنی از واحدهای غیر مقیم. به عبارت دیگر، GNI برابر با GDP منهای مالیات (منهای یارانه) بر تولید و واردات، جبران خدمات کارکنان و درآمد دارائی پرداختنی به دنیای خارج به اضافه اقلام مربوطه دریافتنی از دنیای خارج است. از اینرو، GNI حاصل جمع درآمدهای ناخالص اولیه دریافتنی توسط واحدها یا بخش‌های نهادی مقیم است. برخلاف GDP، GNI مفهومی از ارزش افزوده نیست، بلکه مفهومی از درآمد است.

۲-۱۴۴ پس از کسر مصرف سرمایه ثابت از GNI، درآمد خالص ملی (NNI) بدست می‌آید. مطالبی که در بالا راجع به اهمیت مفهومی خالص در مورد محصول بیان شد، حتی قوی‌تر از آن در مورد درآمد ملی نیز بکار می‌رود.

درآمد قابل تصرف ملی

۲-۱۴۵ ممکن است قسمتی از درآمدهای اولیه دریافتنی توسط واحدهای نهادی مقیم به عنوان انتقالات به واحدهای غیرمقیم پرداخت شوند و واحدهای مقیم نیز ممکن است انتقالاتی را دریافت کنند که غیر از درآمدهای اولیه در دنیای خارج ایجاد شده‌اند. درآمد قابل تصرف ملی برابر است با GNI منهای انتقالات جاری (غیر از مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات) پرداختنی به واحدهای غیرمقیم، به اضافه انتقالات مربوطه دریافتنی توسط واحدهای مقیم از دنیای خارج. درآمد ناخالص قابل تصرف ملی درآمد موجود در کل اقتصاد برای مصرف نهائی و پس‌انداز ناخالص را اندازه‌گیری می‌کند. پس از کسر مصرف سرمایه ثابت از درآمد ناخالص قابل تصرف ملی، درآمد خالص قابل تصرف ملی بدست می‌آید. درآمد قابل تصرف ملی حاصل جمع درآمد قابل تصرف همه‌ی واحدها یا بخش‌های نهادی مقیم است.

حساب‌ها برحسب حجم

۲-۱۴۶ تمام هم‌افزوده‌هائی که در بالا اشاره شد، به قیمت‌های جاری محاسبه می‌شوند. اثرات تغییر قیمت‌ها را نیز می‌توان حذف کرد. محصول داخلی برحسب حجم برای این منظور محاسبه می‌شود که تغییرات واقعی از یک دوره به دوره دیگر را بتوان اندازه گیری کرد. این امر امکان پذیر است زیرا ستانده، مصرف واسطه و مالیات بر محصول، منهای یارانه بر محصول همه را می‌توان برحسب حجم محاسبه کرد. از سوی دیگر، هم‌افزوده‌های درآمد ممکن است برحسب حجم قابل بیان نباشد زیرا به بیان دقیق‌تر، جریان‌های درآمد را نمی‌توان به اجزای مقدار و قیمت تجزیه کرد. اما، ممکن است بتوان آن‌ها را به قدرت خرید ثابت که "به ارزش واقعی" گفته می‌شود محاسبه کرد. هنگام تغییر از محصول داخلی برحسب حجم به درآمد ملی به ارزش واقعی، باید اثر تغییرات رابطه مبادله بازرگانی بین کل اقتصاد و دنیای خارج بحساب آورده شود. تعدیلات لازم در فصل ۱۵ توضیح داده شده است.

۴. قسمت‌های دیگر ساختار حسابداری

جدول عرضه و مصرف محوری و سایر جدول‌های داده-ستانده

۲-۱۴۷ تحلیل‌های تفصیلی تولید برحسب صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) و جریان‌های کالاها و خدمات برحسب محصولات جزء جدائی ناپذیر چارچوب محوری یکپارچه هستند. تفصیلی‌تر کردن جدول‌های حساب‌های اقتصادی یکپارچه امکان‌پذیر است؛ برای نمونه، می‌توان سطرها را برای ستانده، مصرف واسطه و ارزش افزوده برحسب نوع فعالیت اقتصادی تقسیم‌بندی کرد؛ ستون‌ها را برای کالاها و خدمات برحسب نوع محصولات تقسیم بندی کرد. ولی SNA این رویه را اتخاذ نمی‌کند، زیرا در این صورت بار جدول سنگین می‌شود. به جای آن، جدول‌هائی را با یک طبقه‌بندی متقاطع متقارن برحسب بخش‌های نهادی و صنعت‌ها(رشته‌فعالیت‌ها) برای ستانده،

مصرف واسطه و ارزش افزوده و اجزای آن پیشنهاد می‌کند. این موارد به تفصیل در فصل‌های ۱۴ الی ۲۸ توضیح داده شده است ولی ویژگی‌های اصلی آن در اینجا بیان می‌شود.

۲-۱۴۸ حساب‌های تولید و درآمد در حساب‌های اقتصادی یکپارچه فقط برحسب بخش‌های نهادی با یک تراز سراسری در تراکنش‌های کالاها و خدمات ارائه می‌شوند. تحلیل تفصیلی فعالیت‌های تولید و تراز محصولات در جدول‌های عرضه و مصرف انجام می‌شود که شامل موارد است:

الف. منابع و مصارف کالاها و خدمات برای هر نوع محصول؛

ب. حساب‌های تولید و ایجاد درآمد برای هر صنعت (رشته‌فعالیت) برحسب نوع فعالیت اقتصادی؛

پ. داده‌های عوامل تولید (کار و تشکیل سرمایه) استفاده شده توسط صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها).

جدول‌های تراکنش‌های مالی و دارائی‌ها و بدهی‌های مالی

۲-۱۴۹ حساب‌های اقتصادی یکپارچه نشان می‌دهند که کدام بخش‌ها کدام دارائی‌های مالی را تحصیل می‌کنند و کدام بدهی‌ها را متقبل می‌شوند. برای بررسی طرز کار بخش مالی، نخستین گستره‌ی حساب مالی، تفکیک ۹ زیربخش در داخل شرکت‌های مالی و ۸ رده دارائی‌ها و بدهی‌های مالی است. زیر بخش‌های نهادهای مالی در فصل ۴ و جزئیات ابزارهای مالی در فصل ۱۱ تشریح می‌شوند.

۲-۱۵۰ با این حال، همان‌گونه که در مقدمه این فصل بیان شد، ارائه‌ی حساب مالی که در این فصل شرح داده شده است حتی با شفاف سازی زیربخش‌ها و ابزارهای مالی توضیح داده شده در فصل‌های ۴ و ۱۱ نیز هنوز به طور کامل بهم پیوسته (مرتبط به هم) نیستند. حساب مالی نشان می‌دهد کدام بخش‌ها و زیربخش‌ها وام می‌دهند و کدام سپرده می‌پذیرند ولی امکان بررسی عمیقِ فرآیند واسطه‌گری را که طی آن نهادهای مالی منابع مالی را جذب می‌کنند، بسته بندی مجدد می‌کنند و به‌صورت ابزارهای دیگری بین واحدهای دیگر توزیع می‌کنند، ارائه نمی‌دهند. برای کشف این فرآیند، سبکِ ارائه سه بعدی «از- چه کسی- به- چه کسی» لازم است. گاهی اوقات از آن به عنوان ماتریس جریان وجوه یاد می‌شود. این جدولِ سه بعدیِ تراکنش‌های مالی معمولاً به صورت یک مجموعه ماتریس یعنی برای هریک از انواع ابزارهای مالی یک ماتریس ارائه می‌شود که جریان‌ها را از بخشی به بخش دیگر نشان می‌دهند.

۲-۱۵۱ از آنجا که برای ارائه‌ی عملی داده‌ها لزوماً این نوع شیوه ارائه مفید نیست، در عمل ممکن است شیوه‌های دیگری برای انتشار ترجیح داده شوند. برای مثال، ممکن است جدولی در نظر گرفته شود که در آن هریک از انواع دارائی‌های مالی برحسب بخشی که بدهکار است به صورت متقاطع طبقه‌بندی شده و هریک از انواع بدهی‌ها برحسب بخشی که بستانکار است به صورت متقاطع طبقه بندی می‌شوند. در مقایسه با ارائه حساب‌های مالی در حساب‌های اقتصادی یکپارچه، به طور خلاصه منظور این است که یک تفکیک بخشی در زیر سرفصل ابزارهای مالی، در صورت مناسب بودن، معرفی شود. (برای توضیح کامل فصل ۲۷ را ببینید).

شکل ۲- ۲: خلاصه حساب‌های اصلی، اقلام تراز کننده و هم‌افزوده‌های اصلی

حساب	قلم تراز کننده	هم‌افزوده‌های اصلی
حساب‌های جاری		
حساب تولید		
حساب تولید	ارزش افزوده	محصول داخلی
حساب‌های توزیع و مصرف درآمد		
حساب‌های توزیع اولیه درآمد		
حساب ایجاد درآمد	مازاد عملیاتی/ درآمد مختلط	
حساب تخصیص درآمد اولیه	تراز درآمد اولیه	درآمد ملی (GNI، NNI)
حساب درآمد کارآفرینی	درآمد کارآفرینی	
حساب تخصیص سایر درآمد اولیه	تراز درآمد اولیه	
حساب توزیع ثانوی درآمد	درآمد قابل تصرف	درآمد قابل تصرف ملی
حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی	درآمد قابل تصرف تعدیل شده	
حساب‌های مصرف		
حساب مصرف درآمد قابل تصرف	پس‌انداز	
حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده	پس‌انداز	پس‌انداز ملی
حساب‌های انباشت		
حساب سرمایه	خالص وام‌گیری(+)/ خالص وام‌دهی(−)	
حساب مالی	خالص وام‌گیری(+)/ خالص وام‌دهی(−)	
حساب‌های سایر تغییرات در دارائی‌ها		
حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها		
حساب بازارزش‌گذاری		
ترازنامه‌ها		
ترازنامه ابتدای دوره	ارزش ویژه	ثروت ملی
تغییرات در دارائی‌ها و بدهی‌ها	تغییرات ارزش ویژه	
ترازنامه انتهای دوره	ارزش ویژه	ثروت ملی
سهم در تغییر ارزش ویژه		
حساب سرمایه	تغییر ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقال سرمایه	
حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	تغییر ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	
حساب بازارزش‌گذاری	تغییر ارزش ویژه در اثر منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه داشتن	

حساب های دارائی‌ها و بدهی های مالی وترازنامه‌های کامل

۲-۱۵۲ در حساب‌های اقتصادی یکپارچه، ترازنامه‌ها به صورت بسیار فشرده نشان داده می‌شوند. برای هر بخش یا زیر بخشی می‌توان ترازنامه‌های کامل‌تری با استفاده از طبقه بندی تفصیلی دارائی‌ها و بدهی‌ها در صورتی که مناسب باشد، تنظیم کرد. همچنین این امکان وجود دارد که در هر بخش تغییر دارائی‌ها و بدهی‌ها برای هر نوع دارائی و بدهی و هر منبعِ تغییر، تحلیل شود.

۲-۱۵۳ علاوه بر این، جدول‌های سه بعدی می‌توانند با شفافیت بیشتری ارتباط «از- چه کسی- به- چه کسی» را برای هر یک از انواع ابزارهای مالی نشان دهند تا امکان تحلیل‌های بهتری را فراهم سازند. ارائه‌ی این نوع جدول‌ها دقیقاً مشابه ارائه‌ی جدول‌های تراکنش‌های مالی است بجز این که به جای تغییرات در دارائی‌ها و بدهی‌ها، خالص موجودی دارائی‌ها یا بدهی‌ها نشان داده می‌شود و به جای خالص وام‌گیری یا خالص وام‌دهی، خالص میزان موجودی مالی (دارائی‌های مالی منهای بدهی‌ها) در هر بخش نشان داده می‌شود. این جدول‌ها از اصولی بسیار نزدیک به اصول جدول‌های جریانیِ مشابه پیروی می‌کنند و در فصل ۲۷ نیز درباره آن‌ها توضیح داده شده است.

تحلیل‌های کارکردی

۲-۱۵۴ همان‌گونه که در بخش ب بیان شد، شرح یک تراکنش توضیح می‌دهد که چه نوع جریانی ثبت می‌شود ولی این که تراکنش برای چه انجام می‌شود را نمی‌دهد. برای تحلیل قصد از تراکنش‌ها، لازم است یک طبقه‌بندی کارکردی به تراکنش اولیه اعمال شود. برای مثال، بجای تجزیه مصرف خانوار بر حسب نوع محصول، ممکن است تجزیه به صورتی باشد که نشان دهد چقدر برای غذا، مسکن، بهداشت، تفریح و غیره خرج می‌شود. برای مصرف دولت نیز ممکن است برای نمونه، بین مصرف مربوط به قانون و مقررات، دفاع، بهداشت یا آموزش تمایز قائل شد. از آن جا که مطابق با بخش مورد نظر از طبقه‌بندی‌های همساز ولی متفاوت استفاده می‌شود، این نوع تحلیل‌های بخشی برحسب هدف را نمی‌توان در یک جدول واحد ادغام کرد و، در بسیاری از موارد، نمی‌توان هیچ جمع کل منحصر به فردی را برای کل اقتصاد در چارچوب محوری محاسبه کرد.

۲-۱۵۵ نگاهی به کارکرد از زاویه‌ی دیگر می‌تواند شناسائی تمام مخارج مربوط به یک فعالیت کارکردی خاص، نظیر حفاظت محیط زیست باشد. این زمینه هنوز زمینه‌ای نیست که تمام مخارج مربوطه به آسانی شناسائی شود و بنابراین ممکن است بهتر باشد که در خارج از چارچوب مرکزی و در یک حساب آقماری گسترش داده شود.

جدول‌های جمعیت و نهاده‌های نیروی کار

۲-۱۵۶ با محاسبه سرانه‌ی تعدادی از هم‌افزوده‌های حساب‌های ملی، بعد دیگری به سودمندی آن‌ها اضافه می‌شود. برای هم‌افزوده‌های مهم نظیر GDP، GNI یا مصرف نهائی خانوار، مخرج کسری که معمولاً استفاده می‌شود کل جمعیت (مقیم) است. هنگامی که حساب‌های بخش خانوار یا قسمتی از آن به زیر بخش‌هائی تقسیم می‌شوند، داده‌های تعداد خانوار و تعداد افراد در هر زیر بخش نیز مورد نیاز است.

۲-۱۵۷ در مطالعات بهره‌وری، داده‌های مربوط به نهاده‌ی نیروی کاری که توسط هر صنعت(رشته فعالیت) در فرآیند تولید استفاده می‌شود ضروری است. در SNA، کل ساعات کار انجام شده سنجه‌ی ترجیح داده شده برای نهاده‌های نیروی کار است. جایگزین‌های بعدی شغل‌های مشابه تمام وقت، تعداد شغل‌ها یا تعداد افراد شاغل است.

۲-۱۵۸ داده‌های جمعیت و نهاده‌های نیروی کار باید به طورکلی تعدیل شوند تا با مفاهیم، تعاریف و طبقه‌بندی‌های SNA سازگار شوند. جدول‌های بدست آمده بخش جدائی ناپذیری از SNA است و در فصل ۱۹ توضیح داده شده است.

ث. چارچوب محوری یکپارچه و انعطاف‌پذیری

۱. استفاده از چارچوب محوری به شیوه‌ای انعطاف‌پذیر

۲-۱۵۹ چارچوب محوری SNA از نظر مفاهیم و ساختار اقتصادی‌اش سازگار است. پیوند بین عناصر گوناگونِ SNA یکپارچه، نشان داده شده است تا ساختار آن به طریقی ساده ولی کامل ترسیم شود. این ارائه دلالت بر هیچ گونه ترتیب اولویتی یا تناوب زمانی (فصلی، سالانه، غیره) برای پیاده سازی حساب‌های ملی ندارد. در تهیه حساب‌های ملی، اولویت‌ها یک موضوع سیاست‌گذاری آماری است؛ و هیچ‌گونه توصیه‌ی جهانی نمی‌تواند برای آن ارائه شود. (برخی نشانه‌های مربوط به موقعیت‌های خاص در دستنامه‌های مربوطه ارائه شده است). همچنین، ساختار اقتصادی دلالت بر این ندارد که همیشه نتایج باید دقیقاً همان گونه که در این فصل نشان داده شده است یا در فصل‌های دیگر مطرح خواهد شد، ارائه شود. هر کشوری می‌تواند انتخاب کند که عمدتاً سری زمانی منتشر کند، فقط برخی حساب‌ها یا هم‌افزوده‌ها را فراهم کند، و غیره.

۲-۱۶۰ به طور کلی، لازم است به SNA به طریقی سازگار ولی انعطاف‌پذیر نگاه کرد. تمرکز بر جنبه‌های مختلف چارچوب محوری می‌تواند برحسب نیازهای تحلیلی و دسترسی به داده‌ها، تغییر کند. به طور کلی، ممکن است با انتخاب سطح تفکیک برای طبقه‌بندی بخش‌های نهادی، صنعت‌ها (رشته-فعالیت‌ها)، محصولات، تراکنش‌ها، توالی حساب‌ها و غیره؛ با استفاده از روش‌های مختلف ارزش‌گذاری؛ با استفاده از اولویت‌های مختلف برای قسمت‌های مختلف حساب‌ها و تناوب زمانی مختلف؛ با بازآرائی نتایج؛ با معرفی برخی عناصر اضافی و غیره، یک قسمت نسبت به قسمت دیگر مورد تأکید بیشتری قرار گیرد.

۲-۱۶۱ بخش خانوار تصویر خوبی از آنچه که می‌توان برای فراهم کردن تحلیلی عمیق از شرایط خانوار و کارکرد کل اقتصاد انجام داد، ارائه می‌دهد. یک رهیافت تفصیلی برای بخش خانوار ممکن است به اشکال مختلف اتخاذ شود؛ نخست، تجزیه‌ی بخش خانوار غیر از زیر بخش‌هائی که در طبقه‌بندی اصلی SNA مشخص شده است، مثل نوع فعالیت اقتصادی (رسمی یا غیررسمی) که خانوار انجام می‌دهد. دوم، این امکان وجود دارد که رویه‌ای اتخاذ شود تا فعالیت‌های خانوار در توالی حساب‌ها نشان داده شوند. برای نمونه، می‌توان از مفهوم درآمدهای اختیاری استفاده کرد به این ترتیب که عناصری که به صورت غیرنقدی فراهم می‌شوند و خانوار برای نحوه‌ی خرج این قسمت از درآمد هیچ انتخابی ندارد کنار گذاشته شوند، یا می‌توان طبقه‌بندی تراکنش‌های خانوار را تکمیل کرد تا صنعتی(رشته‌فعالیتی) را که انواع مختلف درآمد از آن ایجاد می‌شود نشان دهد، و غیره.

۲-۱۶۲ انعطاف پذیری SNA با بخش عمومی بیشتر مشخص می‌شود زیرا اجزای آن به طور نظام‌مند در سطوح مختلف تفصیل در طبقه‌بندی بخش‌های نهادی نشان داده می‌شوند. برای گروه بندی حساب‌های بخش عمومی می‌توان اجزای این بخش را دوباره چینش کرد. این حساب‌ها را می‌توان برای ارائه‌ی روابط بین بخش عمومی و بخش خصوصی و بین بخش عمومی و دنیای خارج قبل از تلفیق و بعد از تلفیق (از طریق خارج کردن تراکنش‌های خارجی بخش عمومی)، نشان داد.

۲-۱۶۳ فصل‌های ۲۱ الی ۲۹ تحلیل‌های بیشتری از مثال‌های بالا را ارائه می‌دهند. این فصل‌ها همچنین توضیحاتی از کاربردهای انعطاف پذیر چارچوب محوری را در زمینه بخش‌های کلیدی حسابداری، مسائل حساب‌های خارجی و اقتصاد غیر رسمی ارائه می‌دهند.

۲. معرفی ماتریس حسابداری اجتماعی

۲-۱۶۴ ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM)، ارائه‌ی SNA به صورت روابط ماتریسی است به طوری که وارد کردن جزئیات اضافی در زمینه‌های خاصِ مورد نظر را امکان پذیر می‌سازد. تا به امروز، تهیه‌کنندگان SAM از انعطاف پذیری SNA برای برجسته کردن زمینه‌های خاص و مهم، نظیر تجزیه‌ی بخش خانوار برای نشان دادن ارتباط بین ایجاد درآمد و مصرف،

استفاده کرده‌اند. قدرت SAM، و نیز SNA، در انتخابِ شیوه‌ی مناسبِ تفکیک برای مطالعه‌ی موضوعات مورد نظر است. علاوه بر کاربرد انعطاف پذیر، SAM ممکن است برای ارضای مقاصد ویژه تحلیلی، تعدیل‌های گسترده‌ای را که دارای ماهیت حساب‌های اقماری هستند، وارد کند. برای توضیح بیشترِ ارائه ماتریسی و SAM فصل‌های ۲۸ و ۲۹ را ببینید.

۳. معرفی حساب‌های اقماری

۲-۱۶۵ در برخی موارد، کار کردن با چارچوب محوری، حتی با یک روش انعطاف پذیر، کافی نیست. حتی اگر از نظر مفهومی سازگاری وجود داشته باشد، ممکن است با اضافه کردن جزئیاتی در چارچوب محوری، بار سنگینی به آن تحمیل شود. علاوه بر این، برخی نیازمندی‌ها ممکن است با مفاهیم و معماری چارچوب محوری تضاد داشته باشند.

۲-۱۶۶ در برخی از انواع تحلیل‌ها، منظور اصلی این نیست که از مفاهیم اقتصادی جانشین استفاده شود، بلکه فقط این است که بر زمینه یا جنبه خاصی از رفتار اقتصادی یا اجتماعی در بستر حساب‌های ملی متمرکز شود. منظور این است که جنبه‌هائی که در حساب‌های محوری پنهان هستند یا تنها در حد محدودی در معرض دید قرار دارند، آشکار شده و به طور عمیقی توصیف شوند. گردشگری مثال خوبی است. جنبه‌های مختلف فعالیت‌های تولیدی و مصرفیِ مرتبط با گردشگری می‌تواند در طبقه‌بندی‌های تفصیلی فعالیت‌ها، محصولات و مقاصد نشان داده شود. ولی، تراکنش‌ها و مقاصد خاصِ گردشگری فقط در تعدادی از موارد به طور جداگانه نشان داده می‌شود. برای تشریح و اندازه‌گیری گردشگری در چارچوب حساب‌های ملی، لازم است بین دو رهیافت یکی انتخاب شود: یا در حساب‌های چارچوب محوری، عناصر زیادی را برای بدست آوردن ارقام مورد نیاز گردشگری تجزیه کرد و بهای بار سنگین و عدم تراز اجزای مختلف حساب‌ها را پرداخت یا چارچوب خاصی را برای گردشگری طراحی کرد. رهیافت دوم امکان طبقه‌بندی‌ها و اندازه‌گیری‌های گوناگونی از هم‌افزوده‌های اضافی را هم فراهم می‌کند، نظیر مخارج ملی در گردشگری، که می‌تواند مصرف واسطه و نیز مصرف نهائی را پوشش دهد.

۲-۱۶۷ در گونه‌های دیگرِ تحلیل‌ها، بیشتر بر مفاهیمِ جایگزین تأکید شده است. برای نمونه، ممکن است محدوده تولید عموماً از طریق گسترش آن تغییر پیدا کند، برای مثال، می‌توان تولید خدمات خانگی توسط اعضای خانوار برای خود مصرفی نهائی را در محدوده تولید وارد کرد. ممکن است مفهوم دارائی‌های ثابت و تشکیل سرمایه ثابت مربوطه با پوشش دادن کالاهای بادوام مصرفی یا سرمایه انسانی گسترش داده شود. همچنین این امکان وجود دارد که در حسابداری محیط زیست روابط بین منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی با ثبت کاهش و تخریب منابع زیر زمینی و دیگر منابع طبیعی به طور متفاوت ثبت شوند. در این رهیافت‌ها، خودِ فرآیند اقتصادی به طور متفاوت و تکمیلی به تصویر کشیده می‌شود و هم‌افزوده‌های دگرسانی (جایگزینی) نیز محاسبه می‌شوند. تحلیل تعدادی از زمینه‌های مهم نظیر حمایت اجتماعی، سلامت یا محیط زیست ممکن است از ساختن چارچوبی برای جا دادن عناصری که در چارچوب محوری حساب‌ها، به صراحت یا به طور ضمنی، گنجانیده شده‌اند، بعلاوه عناصر تکمیلی (پولی یا مقادیر فیزیکی) و نیز احتمالاً مفاهیم و ارائه‌ی دگرسان بهره‌مند شوند. اما، در همه‌ی موارد پیوند با چارچوب محوری روشن می‌شود؛ تعدادی عناصر مشترک وجود دارد و هر نوع ویژگی متضاد نه به طور شانسی، بلکه بعد از این که راه‌های مختلف نگاه به واقعیت به طور صریح رسیدگی شد، معرفی می‌شوند.

۲-۱۶۸ این ساخت‌های ویژه که با چارچوب محوری سازگار هستند ولی کاملاً یکپارچه نیستند، حساب‌های اقماری نامیده می‌شوند و در فصل ۲۹ با جزئیات بیشتری شرح داده شده‌اند.

فصل ۳: موجودی‌ها، جریان‌ها و قواعد حسابداری

الف. مقدمه

۳-۱ SNA سیستمی از حساب‌هاست که برای اندازه‌گیری موجودی‌ها و تغییرات ارزش اقتصادی و برای شناسائی شخص، گروهی از اشخاص، هستارهای قانونی یا اجتماعی که ادعائی بر ارزش اقتصادی دارند، طراحی شده است. در این فصل، مفهوم موجودی‌های ارزش اقتصادی، جریان‌هائی که تغییرات ارزش اقتصادی را منعکس می‌کنند و قواعد حسابداری که در ثبت موجودی‌ها و جریان‌ها اعمال می‌شوند، مورد بحث قرار می‌گیرند. برای به تصویر کشیدن موجودی‌ها و جریان‌ها در یک سیستم حسابداری، لازم است طرف‌هائی که بر ارزش اقتصادی اندازه‌گیری شده در موجودی‌ها یا تغییر یافته توسط جریان‌ها ادعائی دارند، شناسائی شوند. این طرف‌ها اشخاص، گروهی از اشخاص، هستارهای حقوقی و اجتماعی هستند که قبلاً به آن‌ها اشاره شد. این‌ها در SNA تحت عنوان واحدهای نهادی نامیده می‌شوند و برحسب اهداف، کارکردها و رفتارهای اقتصادی‌شان در بخش‌های نهادی گروه‌بندی می‌شوند. واحدها و بخش‌های نهادی موضوع فصل ۴ است.

۳-۲ موجودی‌ها ارزش‌های اقتصادی را در لحظه‌ای از زمان اندازه‌گیری می‌کنند. جریان‌ها تغییرات ارزش اقتصادی را در طول دوره‌ای از زمان اندازه‌گیری می‌کنند. موجودی‌ها در ترازنامه‌ها و جدول‌های مربوطه (و بعضی موجودی‌ها در جدول مصرف با مفهوم داده- ستانده) نشان داده می‌شوند. جریان‌ها در تمام حساب‌ها و جدول‌های دیگرِ SNA نشان داده می‌شوند. حساب‌های جریانی در توالی کامل حساب‌ها برای بخش‌های نهادی، از حساب‌های جاری که با تولید، درآمد و مصرف درآمد مرتبط هستند و حساب‌های انباشت که تمام تغییرات بین دو ترازنامه را نشان می‌دهند، تشکیل یافته‌اند.

۳-۳ برای دستیابی به یک سیستم کامل و سازگار، باید تمامی تغییراتی که در ارزش اقتصادیِ میزان موجودی بین دو نقطه از زمان رخ می‌دهند، در جریان‌ها منعکس شوند. از اینرو، برای تعیین پیمان‌های حسابداری، اولین نیاز این است که دقیقاً مشخص شود منظور از جریان‌ها و موجودی‌ها چیست. سپس، باید قواعدی که برای تعیین تغییرات ارزش اقتصادی در یک سیستم حسابداری لازم است، مشخص شود. این قواعد طوری تعیین می‌شوندکه از سازگاری SNA از نظر ارزش، زمان ثبت و طبقه‌بندی‌ها اطمینان حاصل شود.

۱. موجودی‌ها و جریان‌ها

۳-۴ ***موجودی‌ها، وضعیت موجودی دارائی‌ها و بدهی‌ها یا در اختیار داشتن آن‌ها در لحظه‌ای از زمان هستند.*** SNA موجودی‌ها را در حساب‌هائی ثبت می‌کند که معمولاً ترازنامه نامیده می‌شوند و در رابطه با ابتدا و انتهای دوره حسابداری تهیه می‌شوند. اما، موجودی‌ها با جریان‌ها ارتباط دارند: آن‌ها از انباشت تراکنش‌ها و سایر جریان‌های قبلی حاصل می‌شوند، و از طریق تراکنش‌ها و سایر جریان‌های دوره مورد نظر، تغییر پیدا می‌کنند. این تغییرات در واقع از یک سری ورودی‌ها و خروجی‌ها، با تغییراتی در حجم یا ارزش یک دارائی یا بدهی در مدت زمانی که در دست واحد نهادی است، حاصل می‌شوند.

۳-۵ ***دارائی ذخیره‌ای از ارزش است که منفعت یا زنجیره‌ای از منافع تعلق گرفته به مالک اقتصادی در اثرِ نگه‌داشتن هستار مورد نظر یا استفاده از آن در طول یک دوره از زمان را نشان می‌دهد. دارائی وسیله‌ای برای انتقال ارزش از یک دوره به دوره‌ی دیگرِ حسابداری است.*** دارائی‌ها ممکن است بسته به ماهیتشان مالی یا غیرمالی باشند. تقریباً برای تمام دارائی‌های مالی، یک بدهی (مالی) متناظر با آن وجود دارد. ***بدهی هنگامی به وجود می‌آید که واحدی (بدهکار) ملزم می‌شود، تحت شرایط خاصی، پرداخت یا زنجیره‌ای از پرداخت‌هائی را***

به واحدی دیگر (طلبکار یا بستانکار) انجام دهد. روشن ساختن تعاریف و مفاهیم لحاظ شده در آن‌ها و نیز یک گونه‌شناسی از دارائی‌ها و بدهی‌های مختلف در SNA در بخش ب این فصل ارائه شده است.

۳-۶ ***جریان‌های اقتصادی ایجاد، تغییر شکل، مبادله، انتقال یا نابودی ارزش اقتصادی را منعکس می‌کنند؛ این موارد شامل تغییرات در حجم، ترکیب، یا ارزش دارائی‌ها و بدهی‌های یک واحد نهادی هستند.*** جریان‌های اقتصادی در حالی که تنوع اقتصاد را منعکس می‌کنند، دارای ماهیت‌های خاصی نظیر دستمزدها، مالیات‌ها، جریان‌های سرمایه و غیره هستند که نحوه‌ی تغییر دارائی‌ها و بدهی‌های هر واحدی را ثبت می‌کنند.

۳-۷ جریان‌های اقتصادی از تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها تشکیل یافته‌اند. ***تراکنش، یک جریان اقتصادی است که عبارت از اقدام متقابل بین واحدهای نهادی از طریق توافق دو جانبه است یا اقدامی در درون یک واحد نهادی است که معمولاً به دلیل این که واحد مورد نظر در دو نقش متفاوت عمل می‌کند از نظر تحلیلی مفید است که مانند یک تراکنش با آن برخورد شود.*** ارزش یک دارائی یا یک بدهی ممکن است تحت تأثیر جریان‌های اقتصادی که دارای خصوصیات تراکنش نیستند، قرار گیرد. این نوع جریان‌ها به عنوان "سایر جریان‌ها " نامیده می‌شوند. ***سایر جریان‌ها عبارت از تغییر ارزش دارائی-ها و بدهی‌ها است که در نتیجه‌ی تراکنش ایجاد نشده باشد.*** مثال در این مورد زیان‌های ناشی از بلایای طبیعی و اثرات تغییر قیمت‌ها در ارزش دارائی‌ها و بدهی‌هاست.

۳-۸ در باره انواع مختلف جریان‌های اقتصادی در بخش پ این فصل بحث شده است.

۲. اقلام تراز کننده

۳-۹ جریان‌های اقتصادی در حساب‌ها با جریان‌های خروجی (که ممکن است اقلام ثبت شده‌ی بدهکار، مصارف یا تغییرات در دارائی‌ها نامیده شوند) در سمت راست (در متن اصلی سمت چپ است و در برگردان فارسی به دلیل راست چین شدن جدول‌ها؛ به سمت راست تبدیل شده است، مترجم) و جریان‌های ورودی (اقلام ثبت شده‌ی بستانکار، منابع، یا تغییرات در بدهی‌ها یا ارزش ویژه) در سمت چپ (در متن اصلی سمت راست است، مترجم)، گروه بندی می‌شوند. ***قلم تراز کننده، یک ایده‌ی حسابداری است که با کسر ارزش کل اقلام ثبت شده در یک سمت حساب (منابع یا تغییرات در بدهی‌ها) از ارزش کل اقلام ثبت شده در سمت دیگرِ آن (مصارف یا تغییرات در دارائی‌ها) بدست می‌آید. این قلم را نمی‌توان مستقل از اقلام ثبت شده در حساب‌ها اندازه‌گیری کرد؛ این قلم به عنوان یک قلم استخراج شده، اِعمال قواعد کلی حسابداری به اقلام ثبت شده‌ی خاص در دو سمت حساب را منعکس می‌کند.*** برای ترازنامه نیز یک قلم تراز کننده وجود دارد که عبارت از تفاوت بین دارائی‌ها و بدهی‌ها است و تحت عنوان ارزش ویژه شناخته می‌شود.

۳-۱۰ اقلام تراز کننده به این دلیل که اطلاعات اقتصادی جالبی را بیان می‌کنند، ساخته می‌شوند. بسیاری از هم‌افزوده‌های کلیدی از جمله GDP عملاً به عنوان اقلام تراز کننده نشان داده می‌شوند. اقلام تراز کننده در بخش ت مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۳. گروه‌بندی موجودی‌ها و جریان‌ها در حساب‌ها

۳-۱۱ حساب‌ها و جدول‌های SNA حاوی اطلاعات مربوط به اقدامات یا رخ دادهای اقتصادی طی یک دوره معین از زمان و تأثیر این رخدادها در موجودی دارائی‌ها و بدهی‌ها در ابتدا و انتهای آن دوره هستند.

۳-۱۲ جریان‌ها و موجودی‌ها براساس طبقه‌بندی سلسله مراتبی SNA که در پیوست ۱ نشان داده شده است، گروه بندی می‌شوند. طبقه بندی تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها در بالاترین سطح، دارای پنج سرفصل است که به تراکنش محصولات، تراکنش‌هائی که چگونگی توزیع و بازتوزیع درآمد را در SNA نشان می‌دهند، تراکنش دارائی‌های تولید نشده، دارائی‌ها و بدهی‌های مالی، و سایر اقلام ثبت شده‌ی انباشت می‌پردازد. در حساب‌های انباشت، این سلسله مراتب ممکن است تراکنش و نوع دارائی‌های مورد تراکنش، هردو را نشان دهد.

۳-۱۳ جریان‌ها و موجودی‌ها در حساب‌های واحدهای نهادیِ درگیر

و به تبع آن در حساب‌های بخش‌هائی که واحدهای نهادی در آن گروه‌بندی شده‌اند، وارد می‌شوند. واحدها و بخش‌های نهادی موضوع فصل ۴ هستند. به‌طور کلی، جریان‌ها و موجودی‌ها در حساب‌های واحدهای نهادی که مالکیت کالاها و دارائی‌های مورد نظر را دارند یا داشته‌اند، در حساب‌های واحدهائی که خدمات ارائه می‌دهند یا دریافت می‌کنند، یا در حساب‌های واحدهائی که کار و سرمایه تأمین می‌کنند یا آن‌ها را در تولید به کار می‌برند، وارد می‌شوند. برای برخی مقاصد، واحد نهادی که به تولید اشتغال دارد، به عنوان یک یا چند کارگاه در نظر گرفته می‌شود و کارگاه‌ها را می‌توان در صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها، مترجم) گروه بندی کرد. کارگاه‌ها و صنعت‌ها در فصل ۵ تعریف شده و مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۴. قواعد حسابداری

۱۴-۳ تمامی اقلام ثبت شده در حساب‌ها باید برحسب پول اندازه‌گیری شوند، و بنابراین عناصری که این اقلام ثبت شده از آن‌ها ساخته می‌شوند نیز باید برحسب پول اندازه‌گیری شوند. در برخی موارد، مبالغ ثبت شده پرداخت‌های واقعی هستند و آن قسمت از جریان‌ها را تشکیل میدهند که پول در آن‌ها وارد می‌شود، در سایر موارد مبالغ ثبت شده با استناد به ارزش واقعی پولی برآورد می‌شوند. بنابراین پول واحد حسابداری است که تمام موجودی‌ها و جریان‌ها بر حسب آن ثبت می‌شوند.

۱۵-۳ در اصل، هر گذشت زمان را می‌توان به عنوان دوره حسابداری انتخاب کرد. دوره‌های بسیار کوتاه مدت این عیب را دارند که طی آن‌ها داده‌های آماری تحت تأثیر عوامل اتفاقی قرار می‌گیرند در حالی که دوره‌های بلند مدت هم تغییراتی را که در اقتصاد به وجود می‌آیند، به اندازه کافی به تصویر نمی‌کشند. فقط با در نظر گرفتن یک دوره حسابداری که یک چرخه کامل از پدیده‌های اقتصادی منظم مکرر را پوشش دهد، می توان از تأثیرات فصلی اجتناب کرد. اکثراً حسابداری کسب و کار و دولت به سال کامل ارجاع می‌شود. به طور کلی، برای تهیه مجموعه کامل حساب‌های ملی، سال مالی یا تقویمی یا فصل مناسب‌ترین دوره‌ی زمانی است.

۱۶-۳ SNA تمام فعالیت‌های اقتصادی را به نحوی پوشش می‌دهد که امکان استخراج حساب‌ها برای هر گروه از واحدها یا برای تمام واحدهای یک اقتصاد امکان پذیر است. برای این منظور، سازگاری ارزش‌گذاری، زمان ثبت، طبقه بندی و گروه‌بندی جریان‌ها و موجودی‌ها به‌وسیله‌ی قواعد حسابداری تضمین می‌شود. این قواعد در سطرهای زیرین خلاصه شده است تا زمینه برای بحث در باره ماهیت موجودی‌ها، جریان‌ها و اقلام تراز کننده در بخش‌های ب، پ و ت فراهم شود.

الف. جریان‌ها و موجودی‌ها باید از نظر ارزش‌گذاری‌شان به طور سازگار ثبت شوند. این اقلام به قیمت‌های جاری بازار (یعنی، مبلغی که دو طرف بر آن توافق می‌کنند) یا به نزدیک‌ترین قیمت به آن ثبت می‌شوند. ارزش بازار ممکن است نیاز به تعدیل داشته باشد تا جریان یا موجودیِ تعریف شده در SNA را پوشش دهد و بسته به ماهیت جریان یا موجودی، به‌طور صحیحی از نظر مالیات‌ها و یارانه‌های محصول، هزینه‌های حمل و نقل و حاشیه‌های بازرگانی بیان شود.

ب. جریان‌ها و موجودی‌ها باید از نظر زمان ثبت‌شان دارای سازگاری باشند. جریان‌ها در لحظه‌ی تعلق در دوره حسابداری (یعنی، لحظه‌ای که ارزش اقتصادی ایجاد می‌شود، تغییر شکل می‌دهد، مبادله می‌شود، منتقل می‌شود، یا نابود می‌شود)، ثبت می‌گردند. موجودی‌ها در لحظه‌ای که حساب‌ها مربوط به آن هستند، به طور معمول در ابتدا و انتهای دوره حسابداری، ثبت می‌شوند.

پ. اقلام ثبت شده‌ی هر جریان و موجودی باید از نظر طبقه‌بندی آن‌ها، از هردو نظر، هم از نظر رده‌های طبقه بندی تراکنش‌ها، سایر جریان‌ها و دارائی‌ها و هم از نظر رده‌های طبقه‌بندی تراکنش‌گران به صورت بخش‌ها (زیر بخش‌ها) یا صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها، مترجم) به طور سازگار ثبت شوند.

ت. بسته به ویژگیِ قلم ثبت شده، باید بین منابع و مصارف یا بین دارائی‌ها و بدهی‌ها، تفاوت قائل شد.

در فرآیند گروه بندی، خالص سازی برای بسیاری از اقلام به طور ضمنی وجود دارد، ولی تلفیق توصیه نمی‌شود.

۳-۱۷ چارچوب اساسی حسابداری SNA یک حسابداری چهار طرفه است. این بدین معنی است که یک تراکنش به دو قلم ثبت شده برای هر طرف تراکنش افزایش می‌یابد. برای هر نوع قلم ثبت شده، در درون هریک از واحدها سازگاری عمودی و بین دو واحد سازگاری افقی وجود دارد. اصول حسابداری چهار طرفه در بخش ث این فصل مفصل‌تر توضیح داده می‌شود.

ب. موجودی‌ها

۳-۱۸ موجودی‌ها به میزان کل دارائی‌ها یا بدهی‌های یک اقتصاد در لحظه‌ای از زمان مربوط می‌شود. (در روش‌شناسی تراز پرداخت‌ها، میزان موجودی‌ها "positions" نامیده می‌شود، در برگردان فارسی عمدتاً از همان واژه‌ی میزان موجودی و در برخی موارد از وضعیت موجودی استفاده شده است، مترجم) برای بحث درباره موجودی‌ها، لازم است دارائی و بدهی تعریف شوند و تعریف آن‌ها اساساً به مفاهیم منافع و مالکیت بستگی دارد. هنگامی که این تعاریف روشن شدند، نحوه طبقه‌بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها در یک ترازنامه، همانند شیوه‌ای خواهد بود که اقلام ورودی وارد ترازنامه می‌شوند یا از آن خارج می‌شوند.

۱. منافع

۳-۱۹ در قلب SNA شرح داده می‌شود که چگونه کار، سرمایه و منابع طبیعی از جمله زمین به کار گرفته می‌شوند تا کالاها و خدمات را تولید کنند. این کالاها و خدمات برای سه فعالیت اقتصادی شناخته شده در SNA یعنی تولید، مصرف و انباشت به کار می‌روند. منفعت اقتصادی دلالت بر منفعت یا مطلوبیت مثبت ناشی از یک عمل دارد. این به معنی مقایسه بین دو حالت است. این امر را SNA به این صورت روشن می‌سازد که منافع به صورت پاداش‌هائی برای ارائه خدمات، نظیر خدمات کار و سرمایه برای تولید و همچنین ابزاری برای تحصیل کالاها و خدمات برای تولید، مصرف یا انباشت در دوره جاری یا دوره‌های آتی، دیده می‌شوند.

۳-۲۰ گاهی اوقات منفعت آنی به طور مستقیم از کالاها و خدمات حاصل می‌شود، مانند تولید به حساب خود یا حقوق و دستمزد غیر نقدی. در اغلب موارد، منفعت به شکل یک وسیله مبادله (پول) مثلاً به صورت حقوق و دستمزد است. مصرف فعالیتی است که فقط در دوره جاری رخ می‌دهد ولی ممکن است از منافع گذشته تأمین مالی شده باشد. تولید و انباشت نیز منافع به تعویق افتاده برای دوره‌های آتی دارند. از اینرو، باید ابزارهائی شناسائی شوند که امکان انتقال منافع از یک دوره حسابداری به دوره دیگر را فراهم کنند. این ابزارها شکلی از دارائی‌ها و بدهی‌هائی هستند که منفعتی را از یک دوره به منفعتی در دوره یا دوره‌های آتی تبدیل می‌کنند. به‌همین ترتیب، کالاها و خدمات، یا منافع جاری را می‌توان از طریق تعهد منافع آینده در شکل بدهی‌های مالی، به دست آورد.

۲. مالکیت

۳-۲۱ دو نوع مالکیت را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد، مالکیت قانونی و مالکیت اقتصادی. ***مالک قانونی هستارهائی نظیر کالاها و خدمات، منابع طبیعی، دارائی‌های مالی و بدهی‌ها، واحد نهادی است که طبق قانون و تحت حمایت قانون حق ادعا بر منافع مربوط به این هستارها را دارد.***

۳-۲۲ گاهی اوقات دولت ممکن است از طرف کل جامعه ادعای مالکیت قانونی بر یک هستار را داشته باشد. هیچ هستاری در SNA شناخته نشده است که یک مالک قانونی، فردی یا جمعی، نداشته باشد.

۳-۲۳ عملیات تولید، مصرف و انباشت درجات مختلفی از ریسک را در بر دارند. دو نوع عمده‌ی ریسک را می‌توان شناسائی کرد. نوع اول مربوط به تولید است. این ریسک‌ها به‌خاطر نا اطمینانی‌هائی نظیر تقاضا برای کالاها و خدماتی که تولید می‌شوند، توسعه در اقتصاد به طور کلی و نوآوری‌های فنیِ اثرگذار بر منافعی که قرار است از سرمایه و نیروی کار عاید شود، به وجود می‌آیند. پیامد آن این است که منافع حاصل از سرمایه، منابع طبیعی و نیروی کار به شکل مازاد عملیاتی و درآمد حاصل از اشتغال از قبل به طور کامل قابل پیش‌بینی نیستند، ولی درجه‌ای از ریسک را در بر دارند.

۳-۲۴ نوع دوم ریسک، به فرآیند انتقال منافع بین دوره‌های زمانی ارتباط دارد. این نوع ریسک به‌خاطر نا اطمینانی نسبت به نرخ‌های بهره در دوره‌های آینده که به نوبه‌ی خود بر عملکرد مقایسه‌ای انواع مختلف منافع تأثیر گذار است، به وجود می‌آید.

۳-۲۵ هنگامی که کارگزاران اقتصادی درباره مصرف یا انباشت تصمیم می‌گیرند، مجبورند قضاوتی درباره مزیت‌های نسبی بین منافعی که در دوره جاری و منافعی که در دوره های بعد به کالاها و خدمات تبدیل می‌شوند داشته باشند. از این رو، تمامی فعالیت‌های اقتصادی، هردوی منافع و ریسک‌ها را در بر دارند. انتقال منافع بین دوره‌های زمانی به ناچار انتقال ریسک‌ها را هم در بر دارد. یک کارگزار اقتصادی می‌تواند منفعت کمتر ولی با قطعیت بیشتر در آینده را به جای منفعت بالاتر ولی قطعیت کمتر ترجیح دهد. موردی که به آن توجه خاص معطوف می‌شود هنگامی است که یک کارگزار اقتصادی منافع و ریسک‌های مرتبط با تولید را با منافع و ریسک‌های مرتبط با دارائی‌ها و بدهی‌های مالی معاوضه می‌کند.

۳-۲۶ ***مالک اقتصادیِ هستارهائی نظیر کالاها و خدمات، منابع طبیعی، دارائی‌های مالی و بدهی‌ها واحد نهادی است که حق ادعا بر منافع مربوط به استفاده از هستار مورد بحث را به دلیل پذیرفتن ریسک‌های مربوطه در دوره‌ای از یک فعالیت اقتصادی دارد.***

۳-۲۷ هر هستاری دارای یک مالک قانونی و یک مالک اقتصادی است، اگر چه در بسیاری از موارد مالک اقتصادی و قانونی یکی هستند. جائی که این دو یکی نیستند، مالک قانونی مسئولیت ریسک‌های موجود در استفاده از هستار مورد نظر در یک فعالیت اقتصادی را همراه با منافع آن به مالک اقتصادی واگذار می‌کند. در مقابل، مالک قانونی بسته دیگری از ریسک‌ها و منافع را از مالک اقتصادی می‌پذیرد. باید به این نکته توجه داشت که به طور کلی، در SNA، وقتی از عبارت "مالکیت" یا "مالک" استفاده می‌شود و مالک اقتصادی و قانونی باهم متفاوت هستند، منظور مالک اقتصادی است. قسمت ۵ فصل ۱۷، مبحث قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها، تعدادی از مواردی را که مالکیت قانونی و اقتصادی آن‌ها باهم متفاوت هستند، مورد بحث قرار می‌دهد.

۳-۲۸ وقتی دولت از طرف کل جامعه ادعای مالکیت بر هستاری را دارد، منافع آن هم از طرف کل جامعه به دولت تعلق می‌گیرد. از این رو، دولت هم مالک قانونی و هم مالک اقتصادی این هستارهاست.

۳-۲۹ منافع ذاتی موجود در دارائی‌ها و بدهی‌های مالی به ندرت به همان حالتی که هستند از مالک قانونی به مالک اقتصادی منتقل می‌شوند. این منافع معمولاً با واسطه‌گری یک نهاد مالی که بخشی از ریسک‌ها و منافع را به عهده گرفته و به واحدهای دیگر منتقل می‌کند، به شکل جدیدی از دارائی‌ها و بدهی‌ها تبدیل می‌شوند.

۳. تعریف دارائی

۳-۳۰ با استفاده از مطالب بالا تعریف دارائی به شرح زیر امکان پذیر است. ***دارائی ذخیره‌ای از ارزش است که منفعت یا زنجیره‌ای از منافع تعلق گرفته به مالک اقتصادی در اثرِ نگه‌داشتن هستار مورد نظر یا استفاده از آن در طول یک دوره از زمان را نشان می‌دهد. دارائی وسیله‌ای برای انتقال ارزش از یک دوره به دوره‌ی دیگر حسابداری است.***

۳-۳۱ همه دارائی‌ها در SNA دارائی‌های اقتصادی هستند. ویژگی‌هائی نظیر شهرت یا مهارت، که گاهی در گفتگوهای

رایج به عنوان دارائی از آن‌ها یاد می‌شود، در SNA دارائی شناخته نمی‌شوند زیرا از نظر ماهیت به مفهومی که در مالکیت بیان شد، اقتصادی نیستند.

۴. دارائی‌ها و بدهی‌های مالی

۳-۳۲ ساز و کاری که در اقتصاد اهمیت ویژه‌ای دارد ابزاری است که از طریق آن یک واحد اقتصادی مجموعه خاصی از منافع را با واحد اقتصادی دیگر مبادله می‌کند. منافع به وسیله ابزار پرداخت‌ها مبادله می‌شوند. از این ابزار، یک ادعای مالی، و بنابراین، یک بدهی، را می‌توان تعریف کرد. هیچ نوع بدهی غیرمالی در SNA وجود ندارد، بنابراین اصطلاح بدهی به بدهی اطلاق می‌شود که دارای ماهیت مالی است.

۳-۳۳ ***بدهی هنگامی به وجود می‌آید که واحدی (بدهکار) ملزم می‌شود، تحت شرایط خاصی، پرداخت یا زنجیره‌ای از پرداخت‌هائی را به واحدی دیگر (طلبکار یا بستانکار) انجام دهد.*** متداول‌ترین شرایطی که در آن بدهی به وجود می‌آید یک قرارداد قانونی الزام آور است که شرایط و زمان پرداخت(ها) را که باید انجام شود تعیین می‌کند و پرداخت مربوط به قرارداد غیر شرطی است.

۳-۳۴ علاوه بر این، بدهی ممکن است نه از طریق قرارداد بلکه از طریق سنتی که دارای پیشینه طولانی بوده و به خوبی شناخته شده است و به آسانی قابل انکار نیست، به وجود آید. در این گونه موارد، بستانکار علیرغم فقدان یک قرارداد الزام آور قانونی، انتظار معتبری از پرداخت دارد. چنین بدهی‌هائی، بدهی‌های عرفی نامیده می‌شوند.

۳-۳۵ هروقت یکی از این نوع بدهی‌ها وجود داشته باشد، یک ادعای مالی متناظر با آن نیز توسط بستانکار در مقابل بدهکار وجود دارد. ***ادعای مالی، پرداخت یا زنجیره‌ای از پرداخت‌های بدهی مربوط به بستانکار توسط بدهکار تحت شرایط یک بدهی است.*** طلب‌ها هم مانند بدهی‌ها غیر شرطی هستند. علاوه براین، ممکن است یک ادعای مالی وجود داشته باشد که برای بستانکار حق مطالبه پرداخت از بدهکار را ایجاد کند ولی برخلاف این که پرداخت توسط بدهکار در صورت تقاضا، غیرشرطی است، خودِ تقاضا از طرف بستانکار، اختیاری است.

۳-۳۶ ***دارائی‌های مالی از تمامی ادعاهای مالی، سهم‌الشرکه‌ها یا دیگر حقوق سهامداران در شرکت‌ها بعلاوه شمش طلای در اختیار مقامات پولی به‌صورت ذخیره‌ی دارائی تشکیل شده است.*** شمش طلای در اختیار مقامات پولی به‌صورت ذخیره‌ی دارائی به عنوان دارائی مالی تلقی می‌شود حتی اگر دارندگان آن ادعائی بر سایر واحدهای منتسب شده نداشته باشند. سهام به عنوان دارائی‌های مالی تلقی می‌شوند حتی اگر ادعاهای مالی آن‌ها نسبت به شرکت، مبلغ پولی ثابت و از پیش تعیین شده‌ای نباشند.

۵. محدوده دارائی‌ها و نخستین سطح طبقه‌بندی آن‌ها

۳-۳۷ تمام هستارهائی که با تعریف دارائی ارائه شده در بالا، مطابقت داشته باشند در محدوده دارائی SNA قرار می‌گیرند. دارائی‌هائی که دارائی مالی نیستند، دارائی‌های غیر مالی را تشکیل می‌دهند. دارائی‌های غیرمالی خود به دو دسته دارائی‌هائی که تولید شده‌اند و دارائی‌هائی که تولید نشده‌اند، تقسیم می‌شوند.

۳-۳۸ از آنجا که دارائی‌ها ذخیره‌ای از منافع آینده را نشان می‌دهند، تمام دارائی‌ها را می‌توان با یک ارزش پولی نشان داد. این ارزش نشان دهنده نظر بازار از کل منافع ملحوظ در دارائی است. جائی که نظر مستقیم بازار از این ارزش در دسترس نیست، باید با ابزارهای دیگری تقریب زده شود. درباره این موضوع بحثی در فصل ۱۱ ارائه شده است.

۳-۳۹ تنها دارائی‌های غیرمالی که در محدوده دارائی‌های یک اقتصاد قرار می‌گیرند، دارائی‌هائی هستند که مالکین اقتصادی آن‌ها در اقتصاد مقیم هستند. با این حال، در مورد بسیاری از منابع طبیعی و سرمایه ثابت غیر متحرک، که نمی‌توان آن‌ها را به طور فیزیکی از اقتصاد خارج کرد، اگر مالک اقتصادی آن‌ها از نظر فنی واحد غیرمقیم باشد، یک واحد ملی مقیم فرضی ایجاد می‌شود. از این طریق دارائی‌های مورد بحث دارای مالک اقتصادی شده در محدوده دارائی قرار می‌گیرند و در ترازنامه وارد می‌شوند. دارائی‌های غیر مالی که به طور فیزیکی در داخل یک اقتصاد قرار گرفته‌اند ولی تحت مالکیت

غیر مقیم‌ها هستند، از ترازنامه کنار گذاشته می‌شوند؛ دارائی‌هائی که به طور فیزیکی در دنیای خارج مستقر هستند ولی تحت مالکیت مقیم‌ها هستند در محدوده دارائی قرار می‌گیرند. برای مثال، هواپیماهای متعلق به یک خط هوائی داخلی همیشه دارائی اقتصاد داخلی هستند صرفنظر از اینکه در هرجای دنیا قرار گرفته باشند.

بدهی‌های احتمالی و ذخائر احتیاطی

۳-۴۰ بدهی که در پاراگراف ۳-۳۳ بالا تعریف شد، هنگامی غیرشرطی است که قراردادی که بدهی را به وجود آورده است مورد توافق دو طرف باشد. اگر بدهی نه از طریق یک قرارداد قانونی بلکه از طریق یک سنت جا افتاده و دارای پیشینه طولانی ایجاد شده باشد بدهی عرفی نامیده می‌شود. برخی بدهی‌ها ممکن است یک قرارداد قانونی داشته باشند ولی در قرارداد قید شده باشد که یکی از طرف‌ها فقط هنگامی مجبور است به واحد دیگر پرداخت یا زنجیره‌ای از پرداخت‌ها را انجام دهد که شرایط خاصی حاکم باشد. این نوع بدهی‌ها را بدهی‌های احتمالی می‌نامند. به طور کلی، SNA بدهی‌های قانونی و عرفی را در بر می‌گیرد ولی بدهی‌های احتمالی را پوشش نمی‌دهد. برای طرح‌های ضمانت‌های استاندارد یک استثناء وجود دارد و آن این است که هرچند هریک از تنظیمات حاوی یک بدهی احتمالی هستند، تعدادی از ضمانت‌های مشابه به گونه‌ای هستند که برای بخشی از ضمانت‌ها که احتمال باز خرید آن‌ها وجود دارد، یک بدهی واقعی ساخته می‌شود.

۳-۴۱ ممکن است شرکتی برای جبران رویدادهای غیر منتظره یا جبران بدهی‌های پرداخت نشده توسط مشتریانش، وجوهی را کنار بگذارد. این وجوه را می‌توان ذخائر نامید. در SNA این‌ها به عنوان بدهی در نظر گرفته نمی‌شوند زیرا آن‌ها تابع هیچ نوع قرارداد قانونی یا عرفی در ارتباط با بدهی نیستند. هرچند که برای نمونه نهادهای مالی ممکن است دیون بد (بازپرداخت نشده، مترجم) را به‌طور منظم حذف کنند، در نظر گرفتن ذخائر کنار گذاشته شده برای این منظور به عنوان دارائیِ وام گیرندگان، صحیح نخواهد بود. حتی اگر این‌ها برای مقاصد خاصی تخصیص یافته باشند، مبالغ تعیین شده به عنوان ذخیره به صورت قسمتی از ارزش ویژه شرکت باقی می‌ماند. بنابراین ذخائر بجای اینکه خودشان یک رده از دارائی‌ها و بدهی‌های مالی را تشکیل دهند، نشانه‌ای هستند برای منظوری که این وجوه ممکن است برای آن استفاده شوند.

۶. ورود دارائی‌ها به ترازنامه و خروج از آن

۳-۴۲ تمام دارائی‌های یک اقتصاد در ترازنامه‌ی آن نشان داده می‌شوند. نخستین سطح طبقه‌بندیِ دارائی‌ها مهم است زیرا فرآیند وارد شدنِ دارائی‌ها در ترازنامه و خارج شدن از آن برای سه نوع دارائی متفاوت است.

۳-۴۳ دارائی‌های غیرمالی تولید شده که از طریق فرآیند تولید یا به‌صورت واردات بوجود می‌آیند در ترازنامه وارد می‌شوند. دو استثناء در این مورد وجود دارد. آثار باستانی تحت عنوان دارائی‌های تولید شده در ترازنامه وارد می‌شوند حتی با اینکه خیلی قبل از حساب‌های ملی ساخته شده باشند. گه‌گاهی ممکن است یک اثر تاریخی بتازگی به عنوان آثار با ارزش شناخته شده باشد، از این رو در محدوده دارائی و تحت عنوان دارائی‌های تولید شده بجز فرآیند جاری تولید، وارد می‌شود. استدلال مشابهی در مورد آثار هنری ساخته شده‌ای که به عنوان اشیاء گرانبها تلقی می‌شوند، وجود دارد. دارائی‌های غیر مالی تولید شده‌ای که فرسوده شده یا به واحدهای دیگری فروخته می‌شوند به‌طوری که دیگر به عنوان منبعی برای منافع آینده، در فرآیند تولید بکار نمی‌روند یا اینکه به واحدهای غیر مقیم فروخته می‌شوند، از محدوده دارائی خارج می‌شوند.

۳-۴۴ دارائی‌های غیرمالی تولید نشده سه نوع هستند؛ منابع طبیعی؛ قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها؛ و سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی خریداری شده. حد و مرزی که مشخص می‌سازد کدامیک از منابع طبیعی دارائی محسوب می‌شوند و کدامیک از محدوده دارائی خارج هستند، بستگی به تعدادی عوامل دارد که در فصل ۱۰ توضیح داده شده است. قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها وقتی نشان دهنده یک دارائی برای دارندگان آن‌ها هستند که توافق نامه‌ی مربوطه، استفاده یا

عرضه عمومی محصولات پوشش داده شده در توافق‌نامه را محدود کند و از این رو منافع تعلق گرفته به طرف توافق نامه را بیشتر از آنچه که در صورت نامحدود بودن عرضه به او تعلق می‌گرفت، افزایش‌دهد. وقتی توافق صورت می‌گیرد، این دارائی‌ها به وجود می‌آیند و افزایش منافع ایجاد می‌شود. وقتی شرایط محدودیت دسترسی برداشته می‌شود یا هنگامی که دیگر منافعی از دسترسی محدود به دارائی عاید نمی‌شود، این دارائی‌ها از ترازنامه خارج می‌شوند. سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی در SNA فقط هنگامی دارائی شناخته می‌شوند که وجود آن‌ها از طریق فروش به اثبات برسد.

۳-۴۵ دارائی‌ها و بدهی‌های مالی هنگامی به وجود می‌آیند که توسط یک واحد تعهدی برای پرداخت به واحد دیگر ایجاد شود. وقتی از بین می‌روند که دیگر تعهد پرداختی برای یک واحد به واحد دیگر وجود نداشته باشد. این ممکن است به دلیل منقضی شدن زمان مشخص شده برای تعهد در توافق‌نامه یا به دلایل دیگری باشد.

۷. موارد خارج از شمول محدوده دارائی

۳-۴۶ پوشش دارائی‌ها به دارائی‌هائی که در فعالیت اقتصادی به کار می‌روند و مشمول حق مالکیت هستند، محدود می‌شود؛ از این رو برای مثال، کالاهای بادوام مصرفی و سرمایه انسانی، و نیز منابع طبیعی که قابل تملک نیستند، خارج از محدوده دارائی قرار می‌گیرند.

۳-۴۷ کالاهای بادوام مصرفی در SNA به عنوان دارائی در نظر گرفته نمی‌شوند زیرا خدماتی که آن‌ها فراهم می‌کنند در محدوده تولید قرار نمی‌گیرند. به دلیل آن که اطلاعات مربوط به موجودی این نوع کالاهای بادوام دارای کاربرد تحلیلی است، توصیه می‌شود که این اطلاعات به عنوان یک قلم یادداشتی (یادداشت توضیحی) در ترازنامه نشان داده شود ولی با ارقام کل جدول جمع زده نشود.

۳-۴۸ سرمایه انسانی در SNA به عنوان دارائی تلقی نمی‌شود. تجسم "حق مالکیت" بر افراد مشکل است، و حتی اگر این هم نادیده گرفته شود، مسأله ارزش گذاری آن قابل گذشت نیست.

۳-۴۹ بعضی منابع محیط زیستی وجود دارند که از محدوده SNA خارج هستند. این منابع معمولاً با آن‌هائی که درمحدوده دارائی قرار می‌گیرند از یک نوع هستند ولی دارای ارزش اقتصادی نیستند.

پ. جریان‌ها

۳-۵۰ جریان‌های اقتصادی دو نوع هستند. بسیاری از جریان‌ها تراکنش هستند. جریان‌های موجود در SNA که با ویژگی‌های شرح داده شده در زیر مطابقت نداشته باشند "سایر جریان‌ها" نامیده می‌شوند. تراکنش‌ها در تمام حساب‌ها و جدول‌هائی که جریان‌ها را نشان می‌دهند بجز حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و حساب باز ارزش‌گذاری، نمایان می‌شوند. سایر جریان‌ها فقط در این دو حساب نشان داده می‌شوند. با تشریح این دو نوع جریان می‌توان به تعریف آن‌ها معنی بیشتری داد.

۱. تراکنش‌ها

۳-۵۱ ***تراکنش، یک جریان اقتصادی است که عبارت از اقدام متقابل بین واحدهای نهادی از طریق توافق دو جانبه است یا اقدامی در درون یک واحد نهادی که معمولاً به دلیل این که واحد مورد نظر در دو نقش متفاوت عمل می‌کند از نظر تحلیلی مفید است که مانند یک تراکنش با آن برخورد شود.***

۳-۵۲ واحدهای نهادی که در تعریف فوق به آن اشاره شد، واحدهای اقتصادی بنیادی SNA هستند. این واحدها در فصل ۴ تعریف

و شرح داده می‌شوند. در سطرهای زیرین ویژگی‌های اصلی واحدهای نهادی که با در گیر شدن آن‌ها در تراکنش‌ها ارتباط دارد، بیان شده است:

الف. آن‌ها مستقلاً حق مالکیت کالاها و دارائی‌ها را دارند و بنابراین قادر به مبادله آن‌ها هستند؛

ب. آن‌ها قادر به تصمیم گیری اقتصادی و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی هستند که طبق قانون ملزم می‌شوند مستقیماً در قبال آن‌ها مسئول و پاسخگو باشند.

پ. آن‌ها قادر هستند از طرف خوشان متحمل بدهی شوند، دیگر الزامات یا تعهدات آینده را بپذیرند و در قراردادها وارد شوند.

۳-۵۳ در تعریف تراکنش تصریح شده است که اقدام متقابل بین واحدهای نهادی باید از طریق توافق دو جانبه باشد. وقتی تراکنشی از طریق توافق دو جانبه انجام می‌شود، اطلاعات قبلی و رضایت واحدهای نهادی در آن ملحوظ است. این بدین معنی نیست که هردو واحد لزوماً به طور داوطلبانه در تراکنش وارد می‌شوند، زیرا برخی از تراکنش‌ها ، نظیر پرداخت مالیات‌ها یا سایر انتقالات اجباری، به زور قانون تحمیل می‌شوند. با وجود این که یکایک واحدهای نهادی آزاد نیستند که میزان مالیات‌هائی را که پرداخت می‌کنند تعیین کنند، با این حال، شناخت و پذیرش جمعی جامعه برای اجبار در پرداخت مالیات‌ها وجود دارد. از این رو، پرداخت مالیات‌ها علیرغم اجباری بودن آن به عنوان تراکنش در نظر گرفته می‌شود.

۳-۵۴ تراکنش‌ها با شکل‌های بسیار متفاوتی انجام می‌شوند، که حتی با این توضیحات، هر تعریف کلی که ارائه شود بناچار نسبتاً نادقیق خواهد بود. برای دقت بیشتر، باید انواع مختلف تراکنش‌ها به طور نظام‌مند تشریح و طبقه بندی شوند. نخستین سطح طبقه‌بندی، تفکیک تراکنش‌های پولی از تراکنش‌های غیر پولی است. در داخل هریک از این دو نوع تراکنش، تفکیک دیگری نظیر تراکنش‌های با و بدون "چیزی در مقابل آن" نیز می‌توان ایجاد کرد. اغلب هریک از تراکنش‌های قابل شناسائی در زندگی اقتصادی روزانه فقط در حساب‌ها با یکدیگر گروه بندی می‌شوند؛ گاهی آن‌ها تفکیک شده و بازآرائی می‌شوند تا رده‌های تراکنش را در SNA پدید آورند.

تراکنش‌های پولی

۳-۵۵ ***تراکنش پولی تراکنشی است که در آن یک واحد نهادی پرداختی انجام می‌دهد (یا دریافت می‌کند) یا بدهی متحمل می‌شود (دارائی دریافت می‌کند) که با واحدهای پولی بیان شده باشد.*** در SNA، تمام جریان‌ها برحسب پول ثبت می‌شوند، ولی ویژگی مشخص کننده یک تراکنش پولی این است که طرفینِ تراکنش توافق خود را برحسب پول بیان می‌کنند. برای مثال، یک کالا با تعداد معینی از واحدهای پولی برای هر واحد کالا خریداری یا فروخته می‌شود، یا نیروی کار با تعداد معینی از واحدهای پولی برای یک ساعت یا یک روز کار، استخدام یا ارائه می‌شود.

۳-۵۶ تمامی تراکنش‌های پولی عمل متقابل بین واحدهای نهادی هستند؛ یعنی، تمامی تراکنش‌های پولی تراکنش‌های دو طرفه هستند. فهرستی از تراکنش‌های پولی رایج به شرح زیر است:

الف. مخارج مصرف کالاها و خدمات،

ب. تحصیل اوراق بهادار،

پ. حقوق و دستمزد،

ت. بهره، سود تقسیم شده و اجاره،

ث. مالیات‌ها،

ج. مزایای نقدی در طرح‌های مساعدت اجتماعی.

تراکنش‌های با عوض و بلاعوض

۳-۵۷ مخارج کالاها و خدمات مصرفی، تحصیل اوراق بهادار، حقوق و دستمزد، و بهره، سود تقسیم شده و اجاره تراکنش‌های دو

جانبه هستند که در آن‌ها یکی از دو طرف، کالا، خدمات، نیروی کار یا دارائی برای طرف دیگر فراهم می‌کند و در مقابل آن ارزشی متناسب با عوضِ آن دریافت می‌کند. این نوع تراکنش گاهی اوقات تراکنش "چیزی در مقابل آن" نامیده می‌شود. تراکنش‌هائی از این نوع گاهی اوقات مبادله نامیده می‌شوند.

۳-۵۸ مالیات و مزایای طرح مساعدت اجتماعی مثال‌هائی از تراکنش دو جانبه هستند که در آن یک طرفِ تراکنش، کالا، خدمت یا دارائی برای طرف دیگر فراهم می‌کند ولی در مقابل آن چیزی دریافت نمی‌کند. این نوع تراکنش، که گاهی یک تراکنش "هیچ چیز در مقابل آن "، یا یک تراکنش غیر "چیزی در مقابل آن" گفته می‌شود، در SNA انتقالات نامیده می‌شود.

۳-۵۹ دامنه جبران‌هائی که در شرح مبادلات و انتقالات بیان شد، برخورداری از مزایای احتمالی یا خدمات جمعی را پوشش نمی‌دهد. چنین مزایائی به طور کلی نامطمئن یا سنجش‌ناپذیر و یا هردوی آن‌ها هستند. علاوه براین، میزان مزایائی که سرانجام یک واحد منفرد دریافت می‌کند، ممکن است با مبلغ پرداخت شده‌ی قبلی او متناسب نباشد و بسیار بیشتر یا کمتر از آن باشد. بنابراین، پرداخت‌هائی نظیر حق بیمه‌ی طرح‌های اجتماعی یا حق بیمه غیر زندگی ممکن است حق برخورداری از مزایای شرطی آینده برای واحد پرداخت کننده بوجود آورد و خانواری با پرداخت مالیات ممکن است قادر به مصرف بعضی خدمات جمعی ارائه شده توسط واحدهای دولتی شود، ولی این پرداخت‌ها بجای مبادلات به عنوان انتقالات در نظر گرفته می‌شوند.

۳-۶۰ انتقالات جاری و انتقالات سرمایه‌ای از یکدیگر متمایز هستند. انتقالات سرمایه‌ای انتقالاتی است که در آن مالکیت یک دارائی (غیر از پول نقد یا موجودی‌های انبار) انتقال داده می‌شود یا انتقالاتی است که یک طرف یا هر دو طرف را متعهد به تحصیلِ، یا واگذاریِ، یک دارائی (غیر از پول نقد یا موجودی انبار) می‌سازد. انتقالات سرمایه‌ای منجر به بازتوزیع ثروت می‌شوند ولی پس‌انداز را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند. برای مثال، مالیات بر سرمایه و کمک‌های سرمایه‌گذاری از این نوع هستند. سایر انتقالات تحت عنوان انتقالات جاری نامیده می‌شوند. انتقالات جاری منجر به باز توزیع درآمد می‌شوند. برای مثال، مالیات بر درآمد و مزایای طرح‌های اجتماعی از این نوع انتقالات هستند. شرح کامل انتقالات در فصل ۸ آمده است.

بازآرائی تراکنش‌ها

۳-۶۱ تراکنش‌های پولی ممکن است همیشه به همان نحوی که بین واحدهای نهادی درگیر رخ می‌دهند، در حساب‌ها ثبت نشوند. ارزش این تراکنش‌های واقعی، یا مشاهده شده، از قبل در حساب‌های واحدهای نهادی مربوطه موجود است، ولی SNA بعضی از تراکنش‌ها را بازآرائی می‌کند تا روابط اساسی اقتصادی را به صورت روشن‌تری به دست آورد. سه نوع بازآرائی در سه جهت اثر گذار هستند یعنی بر کانال‌هائی که از طریق آن‌ها تراکنش‌ها طوری در نظر گرفته می‌شوند که گوئی انجام شده‌اند، تعداد تراکنش‌هائی که این گونه عمل می‌شوند، یا واحدهائی که تصور می‌شود در تراکنش‌ها درگیر هستند، تأثیر می‌گذارند. سه بخش زیر ویژگی‌های اصلی این بازآرائی‌ها و نوع مقاصد تحلیلی که برای آن‌ها به کار می‌روند را توضیح می‌دهد.

تغییر مسیر تراکنش‌ها

۳-۶۲ تغییر مسیر، تراکنش را طوری ثبت می‌کند که گوئی از مجرائی متفاوت از مجرای واقعی انجام شده است یا طوری که به مفهوم اقتصادی انجام شده است ولی در واقع انجام نشده است. در تغییر مسیر نوع اول، تراکنشِ مستقیمِ بین واحد الف و واحد پ طوری ثبت می‌شود که گوئی از طریق واحد سوم ب، ولی معمولاً با تغییراتی در رده‌ی تراکنش به‌طور غیرمستقیم انجام شده است. در تغییر مسیر نوع دوم، یک نوع تراکنش از واحد الف به واحد ب با تراکنشی جور شده از نوع متفاوت از واحد ب به واحد الف ثبت می‌شود.

۳-۶۳ ثبت پرداخت حق بیمه‌های طرح تأمین اجتماعی مثالی برای تغییر مسیر نوع اول است. در عمل، کارفرمایان به طور معمول حق بیمه‌هائی را که کارکنان تعهد پرداخت به صندوق طرح

تأمین اجتماعی را دارند از حقوق و دستمزد آنان کسر می‌کنند. علاوه براین، کارفرمایان از منابع خود نیز حق بیمه‌هائی را از طرف کارکنان به صندوق طرح تأمین اجتماعی پرداخت می‌کنند. هردوی این حق بیمه‌ها مستقیماً از سمت کارفرما به صندوق تأمین اجتماعی می‌رود. ولی، در SNA، حق بیمه‌های کارفرمایان به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان تلقی می‌شود و طوری ثبت می‌شود که گوئی به کارکنان پرداخت شده است. سپس برای کارکنان طوری ثبت می‌شود که یک پرداختی متشکل از هر دوی حق بیمه کارفرما و حق بیمه کارکن به صندوق تأمین اجتماعی انجام شده است. از این رو، حق بیمه‌های طرح‌های تأمین اجتماعی دقیقاً طبق اصول کلی حاکم بر ثبت تراکنش‌ها در SNA ثبت می‌شود تا ذات اقتصادی ترتیباتی را که برای سهولت اجرا اتخاذ شده است تأمین کند. در نتیجه‌ی تغییر مسیر، حق بیمه‌های طرح تأمین اجتماعی کارفرمایان به عنوان قسمتی از هزینه نیروی کار منظور می‌شود.

۳-۶۴ مثالی از نوع دوم تغییر مسیر، نحوه عمل سود تقسیم نشده‌ی بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. نگهداری تمام یا بخشی از عایدات یک بنگاه سرمایه‌گذار مستقیم خارجی در داخل بنگاه می تواند به عنوان یک تصمیم عمدی سرمایه‌گذاری توسط مالکین خارجی تلقی شود. بر این اساس درSNA، سود تقسیم نشده تغییر مسیر داده می‌شود به این ترتیب که ابتدا به صورت پرداختی به عنوان درآمد دارائی به مالکین خارجی و پس از آن به عنوان بازسرمایه‌گذاری در حقوق سهامدارانِ بنگاه سرمایه‌گذاریِ مستقیم نشان داده می‌شود.

۳-۶۵ به طور مشابه، درآمد دارائی دریافت شده از ذخائر بعضی از شرکت‌های بیمه زندگی چنین فرض می‌شود که به دارندگان بیمه‌نامه پرداخت شده و سپس مجدداً به عنوان حق بیمه‌های مکمل برگشت داده شده است حتی اگر در واقعیت امر درآمد دارائی توسط بنگاه‌های بیمه در بنگاه نگه داشته شود. در نتیجه، پس انداز اشخاص یا خانوارها مبلغ تغییر مسیر داده شده درآمد دارائی را در بر می‌گیرد درحالی که پس انداز بنگاه‌های بیمه شامل این قلم نیست. این تصویر جایگزین از پس‌انداز که واقعیت اقتصادی را بهتر منعکس می‌کند، هدف تغییر مسیر است.

افرازبندی تراکنش‌ها

۳-۶۶ در افرازبندی، تراکنشی که از نظر طرف‌های درگیر یک تراکنشِ واحد است به صورت دو یا چند تراکنش که به طور متفاوتی طبقه‌بندی شده‌اند، ثبت می‌شود. برای مثال، مبلغ اجاره‌ای که در یک اجاره‌ی مالی (یا اعتباری) واقعاً توسط اجاره کننده پرداخت می‌شود به عنوان پرداختی در مقابل ارائه‌ی خدمت ثبت نمی‌شود؛ در عوض، این اجاره به دو تراکنش، بازپرداخت اصل و پرداخت بهره‌ی آن، تقسیم می‌شود. این افرازبندی مبلغ اجاره بهای پرداختی، قسمتی از شیوه عملی است که یک دیدگاه اقتصادی از اجاره‌داری مالی (لیزینگ) را در SNA پیاده می‌کند. اجاره‌ی مالی (اعتباری) به عنوان روشی برای تأمین مالی خرید یک دارائی ثابت در نظر گرفته می‌شود و اجاره‌نامه مالی در SNA به عنوان اعطای یک وام از سوی اجاره دهنده به اجاره کننده نشان داده می‌شود.

۳-۶۷ مثال دیگر درباره نحوه برخورد با بعضی از خدمات مالی است. برای مثال، SNA افرازبندی بهره پرداختنی توسط واسطه‌گری‌های مالی به سپرده‌ها و بهره پرداختنی وام‌ها به واسطه‌گری‌های مالی به دو جزء را توصیه می‌کند. یکی از اجزاء نشان دهنده بهره‌ای است که در SNA تعریف شده است در حالی که جزء باقی مانده نشان‌دهنده خرید خدمات واسطه‌گری مالی است که برای آن واسطه‌گری‌های مالی حق‌الزحمه‌ای را به صراحت درخواست نمی‌کنند. هدف از افرازبندیِ اجزاء، آشکار ساختن قلم خدمت واسطه‌گری مالی است. در نتیجه، مصرف واسطه و مصرف نهائی صنعت‌های (رشته فعالیت‌های، مترجم) خاص و بخش‌های نهادی و نیز محصول ناخالص داخلی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. ولی، پس‌اندازِ هیچ یک از واحدهای مربوطه از جمله خودِ واسطه‌گری‌های مالی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند.

۳-۶۸ نحوه ثبت تراکنش‌های عمده فروشان و خرده فروشان در SNA طوری است که آن‌ها روشی را که درگیر آن بوده‌اند

مشاهده نمی‌کنند. خرید کالاهای بازفروشی توسط عمده فروشان و خرده فروشان به صراحت توسط این واحدها ثبت نمی‌شود، و آن‌ها نه به عنوان فروش کالاها بلکه به عنوان فروش خدمات انبار کردن و در معرضِ نمایش قرار دادن منتخبی از کالاها در محل‌های مناسب و آسان ساختن دسترسی مشتریان به آن‌ها در نظر گرفته می‌شوند. این افرازبندی، ستانده را برای معامله‌گران از طریق ارزش مارژهای (حاشیه‌های، مترجم) تحقق یافته بر کالاهائی که برای باز فروشی خریداری شده‌اند، اندازه‌گیری می‌کند.

واحدهای تسهیل کننده‌ی تراکنش از طرف دیگران

۳-۶۹ بسیاری از فعالیت‌های خدمات از واحدی تشکیل شده است که ترتیب انجام تراکنشی را بین دو واحد دیگر در مقابل دریافت اجرت از یک طرف یا از هردو طرفِ تراکنش، فراهم می‌کند. در چنین مواردی، تراکنش منحصراً در حساب‌های دو طرف دست اندر کار تراکنش ثبت می‌شود و در حساب‌های طرف سوم تسهیل کننده‌ی تراکنش وارد نمی‌شود. برای تسهیل کننده‌ی تراکنش ممکن است ستانده‌ای بابت ارائه خدمات منظور شود. برای مثال، خریدهائی که یک کارگزار تجاری به سفارش و تقبل هزینه طرف دیگری انجام می‌دهد، مستقیماً به سفارش دهنده منتسب می‌شود. در حساب‌های کارگزار مذکور فقط اجرت دریافت شده از واحد اصلی بابت ارائه خدمات تسهیل کننده نشان داده می‌شود.

۳-۷۰ مثال دوم مالیات ستانی توسط یک واحد دولتی از طرف واحد دولتی دیگر است. SNA از توصیه‌های *دستنامه‌ی آمارهای مالی دولت* (صندوق بین‌المللی پول(IMF) ، ۲۰۰۱)، تحت عنوان *GFSM2001* به شرح زیر استفاده کرده است. به‌طور کلی، مالیات به واحد دولتی منتسب می‌شود که:

الف. برای وضع مالیات اعمال قدرت می‌کند (یا به عنوان مقام اصلی یا از طریق تفویض قدرت از طرف مقام اصلی)، و

ب. رأی نهائی را برای تعیین نرخ مالیات و تغییر آن دارد.

۳-۷۱ وقتی مبلغی توسط یک واحد دولتی برای واحد دولتی دیگر و از طرف آن وصول می‌شود، و واحد دولتی دوم قدرت وضع مالیات، تعین نرخ مالیات و تغییر آن را دارد، در این صورت واحد اول به عنوان کارگزار واحد دوم عمل می‌کند و مالیات وصول شده به واحد دوم منتقل می‌شود. هر مبلغی که توسط واحد دولتی وصول کننده نگه‌داشته شود باید تحت عنوان حق‌الزحمه‌ی وصول به عنوان پرداختی بابت خدمات ارائه شده، تلقی شود. هر مبلغ دیگری که توسط واحد دولتی وصول کننده نظیر مبالغی که در قالب به اشتراک گذاری مالیات، نگه داشته شود باید به عنوان کمک جاری تلقی شود. اگر برای تعیین و تغییر نرخ مالیات به واحد دولتی وصول کننده تفویض اختیار شده باشد، در این صورت مبلغ وصول شده باید به عنوان درآمد مالیاتی این واحد دولتی تلقی شود.

۳-۷۲ جائی که واحدهای دولتی به طور مشترک و برابر باهم نرخ مالیات را تعیین می‌کنند و به طور مشترک و برابر با هم نسبت به توزیع وصولی‌ها تصمیم می‌گیرند، بدون اینکه هیچ واحد دولتی به طور منفرد قدرت نهائی برتر را داشته باشد، در این صورت درآمدهای مالیاتی براساس سهم هریک از واحدهای دولتی از وصولی‌ها به آن‌ها تخصیص می‌یابد. اگر ترتیبی وجود داشته باشد که به یک واحد دولتی اجازه دهد تا قدرت نهائی برتر را داشته باشد، در این صورت تمامی درآمد مالیاتی به آن واحد اختصاص پیدا می‌کند.

۳-۷۳ همچنین ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که مالیاتی تحت اختیارات برگرفته از قانون یا دیگر اختیارات یک واحد دولتی وضع شود، ولی واحدهای دولتی دیگر به طور انفرادی بنا به اختیار قانونی خود نرخ مالیات را تعیین کنند. وصولی‌های مالیاتی به دست آمده براساس اختیار قانونی هریک از واحدهای دولتی به عنوان درآمد مالیاتی آن واحد دولتی تلقی می‌شود.

۳-۷۴ اصول مشابهی برای پرداخت یارانه‌ها یا مزایای طرح تأمین اجتماعی نیز بکار می‌رود.

تراکنش‌های غیر پولی

۳-۷۵ ***تراکنش‌های غیر پولی تراکنش‌هائی هستند که در اصل با واحدهای پولی بیان نمی‌شوند.*** لذا این نوع اقلام ثبت شده در SNA ارزش‌هائی را که نشان می‌دهند به طور غیرمستقیم اندازه‌گیری یا برآورد شده‌اند. در بعضی موارد، تراکنش ممکن است یک تراکنش واقعی باشد و برای ثبت در حساب‌ها لازم باشد برای آن ارزشی برآورد شود. معامله پایاپای مثال روشنی در این مورد است. در موارد دیگر، لازم است به طور کامل یک تراکنش ساخته شود و سپس ارزشی برای آن برآورد شود. مثال این مورد مصرف سرمایه ثابت است. (در گذشته، برآورد ارزش گاهی اوقات احتساب نامیده می‌شد، ولی بهتر است این اصطلاح برای وضعیتی بکار رود که نه تنها برای آن ارزشی برآورد می‌شود بلکه تراکنشی هم ساخته می‌شود).

۳-۷۶ مبالغ پولی مربوط به تراکنش‌های غیر پولی اقلامی هستند که اهمیت اقتصادی آن‌ها با پرداخت‌های نقدی متفاوت است زیرا آن‌ها مجموع پولی را که می‌توان آزادانه خرج کرد نشان نمی‌دهند. روش‌های گوناگون ارزش‌گذاری که می‌توان برای تراکنش‌های غیرپولی به کار برد، در بخش ث در بحث مربوط به ارزش‌گذاری به آن‌ها پرداخته شده است.

۳-۷۷ تراکنش‌های غیرپولی می‌توانند تراکنش‌های دو طرفه یا اقدامی درون یک واحد نهادی باشند. تراکنش‌های دوطرفه عبارتند از معامله پایاپای، اجرت غیر نقدی، پرداخت‌های غیر نقدی غیر از جبران خدمات غیر نقدی و انتقالات غیرنقدی. ابتدا تراکنش‌های دو طرفه مورد بحث قرار می‌گیرند سپس بحثی از تراکنش‌های داخلی پی گرفته می‌شود.

۳-۷۸ هرچند تراکنش‌های غیر نقدیِ دو طرفه در عمل وجود دارند، در SNA آن‌ها غالباً به همان روش تراکنش‌های پولی با مخارجی متناظر با اقلام غیرنقدی فراهم شده ثبت می‌شوند. از این طریق اطمینان حاصل می‌شود که در ثروت اعطاء کننده تغییری رخ داده است بدون اینکه محصول منتقل شده را تحصیل کند در حالی که دریافت کننده، محصول را دریافت می‌کند بدون اینکه در ثروت او تغییری رخ دهد. بحث بیشتری در باره انتقالات جاری در فصل ۸ و انتقالات سرمایه‌ای در فصل ۱۰ صورت گرفته است.

تراکنش‌های پایاپای

۳-۷۹ تراکنش‌های پایاپای دارای دو طرف هستند که در آن یکی از طرف‌های تراکنش، کالا، خدمت یا دارائی غیر از پول نقد را در عوضِ کالا، خدمت یا دارائی غیر از پول نقد برای دیگری فراهم می‌کند. همان‌طور که در بالا گفته شد، پایاپای مثالی از یک تراکنش واقعی است که باید برای آن ارزشی برآورد شود. تراکنش‌های پایاپای که در آن کالاها به ازای کالاها معاوضه می‌شوند همیشه مهم بوده‌اند. تراکنش‌های پایاپای کالاها ممکن است به طور نظام‌مند در بازارهای مناسبی سازمان دهی شوند یا، در برخی کشورها ممکن است فقط به صورت پراکنده در مقیاس کوچک وجود داشته باشند. تراکنش‌های پایاپای بین ملت‌ها نیز انجام می‌شود که شامل واردات و صادرات است.

اجرت غیرنقدی

۳-۸۰ اجرت غیرنقدی هنگامی رخ می‌دهد که کارکنی پرداختی به شکل کالاها و خدمات را به جای پول می‌پذیرد. این عمل در بسیاری از اقتصادها به دلایلی که از تمایل کارفرمایان برای پیدا کردن بازار تحت نفوذ برای قسمتی از ستانده خود تا اجتناب از پرداخت مالیات یا گریز مالیاتی را در بر می‌گیرد، بسیار گسترده است. اجرت غیرنقدی شکل‌های گوناگونی دارد و فهرست زیرین شامل برخی از رایج‌ترین نوع کالاها و خدماتی است که کارفرمایان به رایگان یا به قیمت‌های پائین برای کارکنان خود فراهم می‌کنند.

الف. وعده‌های غذائی و آشامیدنی‌ها،

ب. خدمات مسکن یا اقامت از نوعی که برای تمام اعضای خانواری که کارکن به آن تعلق دارد، قابل استفاده باشد،

پ. خدمات وسایل نقلیه فراهم شده برای استفاده شخصی کارکنان،

ت. کالاها و خدمات تولید شده به صورت ستانده حاصل از فرآیند تولید تحت مالکیت کارفرما، نظیر ذغال مجانی برای معدن‌چیان.

علاوه بر این، برخی از کارکنان ممکن است تمایل داشته باشند یا مجبور باشند، قسمتی از جبران خدمات خود را علاوه بر کالاها و خدمات، به شکل دارائی‌های مالی یا سایر دارائی‌ها دریافت کنند.

پرداخت‌های غیرنقدی غیر از اجرت غیرنقدی

۳-۸۱ پرداخت‌های غیرنقدی غیر از اجرت غیرنقدی هنگامی رخ می‌دهد که هریک از طیف گسترده‌ی پرداخت‌ها بجای پول به‌صورت کالاها و خدمات انجام شود. برای مثال، ممکن است پزشکی در مقابل خدماتی که ارائه می‌دهد بجای پرداخت پولی نوشیدنی بپذیرد. یا، ممکن است استفاده کننده از زمین یا سرمایه‌ی ثابت به جای این که بهره مالکانه یا مبلغ اجاره‌بها را به صورت پول پرداخت کند، کالاها و خدماتی را برای صاحبان آن‌ها فراهم کند. برای مثال، در کشاورزی ممکن است پرداخت "بهره مالکانه" به‌صورت تسلیم قسمتی از محصولات زراعی تولید شده به مالک انجام شود. (این به عنوان شراکت در محصول شناخته می‌شود). پرداخت مالیات‌ها نیز ممکن است به صورت غیرنقدی انجام شود؛ به عنوان مثال، ممکن است مالیات بر ارث با اعطای نقاشی یا سایر اشیاء گرانبها پرداخت شود.

انتقالات غیرنقدی

۳-۸۲ همان‌طور که در بالا اشاره شد، تراکنش‌های غیر نقدی به طور عادی در حساب‌ها طوری ثبت می‌شوند که گوئی انتقالات پولی انجام شده است، که در پی آن مخارج محصولاتِ مربوطه نیز توسط دریافت کننده ثبت می‌شود. این نحوه‌ی برخورد درباره همکاری‌های بین‌المللی دولت، هدایا و کمک‌های نیکوکاری به کار می‌رود. همکاری‌های بین‌المللی دولت، هدایا، و کمک‌های نیکوکاری اغلب به دلیل راحتی عمل، کارائی آن، یا مقاصد مالیاتی به صورت غیر نقدی انجام می‌شوند. برای مثال، کمک‌های بین‌المللی بعد از یک فاجعه طبیعی اگر به‌جای پول به‌طور مستقیم به صورت دارو، غذا، و سرپناه انجام شود، می‌تواند عملی‌تر بوده و سریع‌تر تحویل داده شود. کمک‌های نیکوکاری غیر نقدی گاهی اوقات موجب می‌شود از پرداخت مالیاتی که در صورت فروش قلم مورد بحث و پرداخت پول آن به خیریه حاصل می‌شد، اجتناب شود.

۳-۸۳ مورد خاصی از انتقالات غیرنقدی انتقالات غیرنقدی اجتماعی است. این‌ها کالاها و خدمات تهیه شده توسط دولت و نهادهای غیر انتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH)ها هستند که به خانوارهای فردی انتقال داده می‌شوند. مهم‌ترین مثال دراین مورد خدمات سلامت و آموزش هستند. به جای فراهم کردن مبلغ معینی پول برای خرید خدمات درمانی و آموزشی، اغلب این نوع خدمات به این منظورتأمین می‌شود که اطمینان حاصل شود نیاز به این خدمات رفع شده است. (گاهی اوقات دریافت کننده، ابتدا خدمات را خریداری می‌کند و سپس توسط بیمه یا طرح مساعدت اجتماعی هزینه‌ی پرداخت شده جبران می‌شود. با این وجود چنین تراکنشی هم غیرنقدی تلقی می‌شود زیرا دریافت کننده صرفاً به عنوان کارگزار طرح بیمه عمل می‌کند).

۳-۸۴ انتقالات غیر نقدی اجتماعی به عنوان انتقال ضمنی درآمد از دولت و NPISHها به خانوارها و انتقال کالاها و خدمات مصرفی ثبت می‌شوند. سنجه‌ی درآمد بعد از انتقال درآمد، درآمد قابل تصرف تعدیل شده (به جای درآمد قابل تصرف) نامیده می‌شود و سنجه‌ی مصرف، مصرف نهائی واقعی (به جای مخارج مصرف نهائی) نامیده می‌شود.

تراکنش‌های داخلی

۳-۸۵ SNA بعضی از انواع عملیاتی را که در درون واحد انجام می‌شود، تراکنش تلقی می‌کند تا تصویر تحلیلی مفیدتری از مصارف نهائی ستانده و تولید را ارائه دهد. این تراکنش‌ها که تنها یک واحد در آن درگیر می‌شود تراکنش‌های داخلی یا درون واحدی نامیده می‌شوند.

۳-۸۶ بعضی از خانوارها، تمام NPISHها و واحدهای دولتی، هم به

عنوان تولید کننده و هم به عنوان مصرف کننده نهائی عمل می‌کنند. وقتی یک واحد نهادی در این دو فعالیت درگیر است، می‌تواند انتخاب کند که بخشی از ستانده یا تمام آن را بعد از اتمام تولید مصرف کند. در چنین موردی، هیچ تراکنشی بین واحدهای نهادی انجام نمی‌شود، ولی اگر تراکنشی ساخته شود و ارزش آن برآورد شود تا ستانده و مصرف هردو در حساب‌ها ثبت شوند، قابل استفاده خواهد بود.

۳–۸۷ برای خانوارها، در SNA اصل بر این است که تمامی کالاهای تولید شده توسط افراد خانوار که بعداً توسط همان افراد یا اعضای همان خانوار برای مقاصد مصرف نهائی، استفاده می‌شوند باید با رویه‌ای مشابه با رویه کالاهای فروخته شده در بازار در ستانده وارد شوند. این به این معنی است که تراکنش‌هائی فرض می‌شود که در آن افراد مسئولِ تولید کالاها این طور پنداشته می‌شوند که کالاها را به خودشان یا اعضای خانوار خودشان به عنوان مصرف کننده تحویل داده‌اند، و در این‌صورت برای وارد کردن آن‌ها در حساب‌ها لازم است ارزشی به آن‌ها منتسب شود.

۳–۸۸ کارگاه‌های متعلق به دولت‌ها یا NPISHها عموماً خدمات آموزش، سلامت و انواع دیگر خدمات را بدون دریافت بهای آن‌ها یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند، برای خانوارهای فردی فراهم می‌کنند. هزینه فراهم کردن این خدمات را دولت یا NPISHها متقبل می‌شوند و ارزش آن‌ها به عنوان تراکنش‌های داخلی ثبت می‌شود: یعنی، به عنوان مخارج نهائی توسط دولت یا NPISHها بر ستانده‌های تولید شده توسط کارگاه‌های متعلق به خودشان. (همان‌طور که قبلاً نیز توضیح داده شد، تحصیل این خدمات توسط خانوارها به طور جداگانه زیر عنوان انتقالات اجتماعی غیر نقدی، نوع دیگری از تراکنش‌های غیرپولی که بین واحدهای دولتی یا NPISHها و خانوارهای مورد بحث رخ می‌دهد، ثبت می‌شوند).

۳–۸۹ SNA تراکنش‌های درون بنگاهی متعدد دیگری را نیز شناسائی می‌کند تا نمای کامل‌تری از تولید ارائه دهد. برای مثال، وقتی بنگاه‌ها دارائی‌های ثابتی را برای استفاده خود تولید می‌کنند، SNA تحویل دارائی‌ها توسط بنگاه‌ها به خودشان به عنوان استفاده کننده بعدی را ثبت می‌کند. همچنین، وقتی بنگاه‌ها دارائی‌های ثابت (اعم از به حساب خود یا خریداری شده) را در طول تولید استفاده می‌کنند، SNA کاهش ارزش دارائی طی دوره تولید را به عنوان هزینه در نظر می‌گیرد.

۳–۹۰ نحوه‌ی ثبت تحویل از یک کارگاه به کارگاه دیگر متعلق به همان بنگاه در پاراگراف ۱۰۴ فصل۶ مورد بحث قرار گرفته است.

آثار برون‌ریز و اقدامات غیر قانونی

۳–۹۱ در بخش بالا انواع اقداماتی که در SNA به عنوان تراکنش در نظر گرفته می‌شوند بیان شد. این بخش به آثار برون‌ریز و اقدامات غیرقانونی می‌پردازد و در آن توضیح داده می‌شود که چرا آثار برون‌ریز به عنوان تراکنش در نظر گرفته نمی‌شوند و چگونه انواع اقدامات غیرقانونی که تراکنش محسوب می‌شوند و آن‌هائی که تراکنش تلقی نمی‌شوند از یکدیگر تشخیص داده می‌شوند.

آثار برون‌ریز

۳–۹۲ بعضی اقدامات اقتصادی که توسط واحدهای نهادی انجام می‌شود به تغییراتی در شرایط یا موقعیت واحدهای دیگر بدون رضایت آن‌ها منجر می‌شود. این‌ها آثار برون‌ریز هستند؛ آن‌ها را می‌توان به عنوان خدمات ناخواسته یا خدمات بد ارائه شده بدون توافق واحدهائی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، در نظر گرفت. این یک عمل غیرهمکارانه، معمولاً با پی‌آمدهای ناخوشایند است که با تراکنش‌های بازار در تضاد است.

۳–۹۳ با این حال، باید به این امر توجه داشت که لازم است به آثار برون‌ریز ارزش‌هائی منتسب شود. حساب‌های اقتصادی باید کارکردهای اقتصادی نظیر تولید یا مصرف را در چارچوب نظام اقتصادی اجتماعی و قانونی خاص که در آن قیمت‌ها و هزینه‌های نسبی مشخص هستند، اندازه‌گیری کند. علاوه براین، در منتسب کردن ارزش‌های معنی‌دار اقتصادی به آثار برون‌ریز در صورتی که این‌ها ذاتاً پدیده‌های غیر بازاری هستند، مشکلات فنی قابل ملاحظه‌ای به وجود خواهد آمد. از

آنجا که آثار برون‌ریز تراکنش‌های بازاری نیستند که در آن‌ها واحدهای نهادی با توافق خود درگیر شده باشند، سازوکاری وجود ندارد که تضمین کند ارزش‌های آثار خارجی منتسب شده به طرف‌های مربوطه به صورت دو جانبه سازگار هستند. علاوه بر این، نمی‌توان حساب‌هائی را که ارزش‌های مربوط به آثار برون‌ریز را دربر دارند، به عنوان نشان دهنده‌ی تعادل یا پایداری اقتصادی تفسیر کرد. اگر این ارزش‌ها با پرداخت‌های واقعی جایگزین شوند رفتار اقتصادی واحدهای درگیر، حتی به طور قابل ملاحظه‌ای، تغییر خواهد کرد.

۳-۹۴ مثال رایج در این مورد، ایجاد آلودگی توسط یک تولیدکننده در هوا یا آب مورد استفاده‌ی واحدهای دیگر برای مقاصد تولید یا مصرف است. اگر یک تولید کننده مجاز باشد بدون پرداخت هزینه یا خطر جریمه شدن آلودگی ایجاد کند، هزینه‌های تولید خصوصی آلوده کننده کمتر از هزینه‌های اجتماعی جامعه خواهد بود. بعضی کشورها، حداقل در بعضی از مقاطع تاریخ خود، ممکن است تصمیم بگیرند قوانین خود را طوری تنظیم کنند که برخی از تولید کنندگان مجاز باشند هزینه‌های خصوصی خود را از طریق معافیت از مجازات آلوده ساختن کاهش دهند. این کار ممکن است به طور عمد مثلاً برای ترویج سریع صنعتی شدن انجام شود. قابلیت چنین سیاستی ممکن است به‌ویژه در بلند مدت به شدت زیر سؤال برود، ولی این دلیل بر این نیست که برای حساب‌های اقتصادی مناسب یا از نظر تحلیلی مفید باشد که سعی شود تا ضعف‌های نهادی از پیش فرض شده از این نوع با انتساب هزینه‌هائی که جامعه هنوز قبول نکرده است به تولید کنندگان، اصلاح شود. برای مثال، تمامی تلاش‌ها برای درونی کردن برخی آثار برون‌ریز از طریق وضع مالیات یا عوارض دیگر بر صدور آلاینده‌ها، مسلماً منجر به تغییری در روش‌های تولید خواهد شد که از طریق آن آلودگی‌ها کاسته شوند. حسابداری کامل برای آثار برون‌ریز به شدت پیچیده خواهد بود زیرا نشان دادن هزینه‌ها در حساب‌های تولید کنندگان به تنهائی کافی نیست بلکه برای تراز شدن حساب‌ها تعدیلات متنوع دیگری که از نظر اهمیت اقتصادی سئوال برانگیز هستند، ضرورت پیدا خواهد کرد.

۳-۹۵ این مثال روشن می‌سازد که چرا برخی تحلیل‌ها در چارچوب یک حساب اقماری که در آن بعضی از محدودیت‌ها و پیمان‌های SNA نادیده گرفته می‌شوند، بهتر انجام می‌گیرد. درمورد آلودگی، SEEA 2003 به طور دقیقی گسترش یافته است تا این موضوع را در میان سایر موضوعات محیط زیستی کاوش کند.

اقدامات غیرقانونی

۳-۹۶ اقدامات غیرقانونی که ویژگی‌های تراکنش‌ها را داشته باشند (به خصوص بین طرف‌ها توافق دو جانبه وجود داشته باشد) با همان شیوه اقدامات قانونی با آن‌ها برخورد می‌شود. تولید یا مصرف بعضی کالاها یا خدمات، نظیر مواد مخدر، ممکن است غیرقانونی باشد ولی تراکنش‌های بازارِ این نوع کالاها و خدمات باید در حساب‌ها ثبت شوند. اگر قرار باشد مخارج خانوار برای کالاها یا خدمات غیرقانونی از نظر اصولی نادیده گرفته شود، پس‌انداز خانوار دارای بیش برآوردی خواهد بود و چنین فرض شده است که خانوارها دارائی‌هائی را بدست آورده‌اند که در واقع آن‌ها را تحصیل نکرده‌اند. به بیان روشن‌تر، اگر تراکنش‌های پولی که در حقیقت به وقوع می‌پیوندد مستثنی شوند، حساب‌ها در کل متمایل به اعوجاج جدی خواهند بود. ممکن است به دست آوردن داده‌های مربوط به تراکنش‌های غیرقانونی مشکل یا حتی غیر ممکن باشد، با این حال، اگر فقط برای کاهش خطا در سایر اقلام از جمله اقلام تراز کننده هم که باشد، در اصل باید آن‌ها در حساب‌ها منظور شوند.

۳-۹۷ با این حال، بسیاری از عملیات غیرقانونی جرم علیه اشخاص یا اموال محسوب می‌شوند که با هیچ مفهومی نمی‌توانند به صورت تراکنش به وجود آمده باشند. برای مثال، سرقت را به ندرت می‌توان به عنوان عملی توصیف کرد که در آن دو واحد با توافق دو جانبه درگیر شده باشند. در نتیجه، سرقت یا خشونت یک شکل افراطی از آثار برون‌ریز است که در آن خسارت عمداً و نه صرفاً تصادفی یا اتفاقی بر واحد نهادی دیگر تحمیل می‌شود. از این رو، برای مثال، سرقت کالاها از خانوارها، به عنوان تراکنش تلقی نمی‌شوند و زیر عنوان مخارج خانوار برای آن‌ها ارزش برآوردی ثبت نمی‌شود.

۳-۹۸ اگر سرقت یا اعمال خشونت آمیز (از جمله جنگ)، باز توزیع یا تخریب قابل توجه دارائی را در بر داشته باشد، لازم است به حساب آورده شوند. همان طور که در سطرهای زیرین توضیح داده شده است، با آن‌ها به عنوان سایر جریان‌ها نه تراکنش برخورد می‌شود.

۲. سایر جریان‌ها

۳-۹۹ ***سایر جریان‌ها عبارت از تغییر ارزش دارائی‌ها و بدهی‌ها است که در نتیجه‌ی تراکنش ایجاد نشده باشد.*** دلیل اینکه این نوع جریان‌ها تراکنش نیستند مربوط به ناسازگاری آن‌ها با یک یا چند ویژگی تراکنش است. برای مثال، واحدهای نهادی درگیر ممکن است طبق توافق دو جانبه عمل نکنند، نظیر مصادره بلاعوض دارائی‌ها. یا تغییر درحجم دارائی‌ها ممکن است به جای یک پدیده محض اقتصادی به سبب وقایع طبیعی نظیر زلزله ایجاد شده باشد. مثال دیگر، تغییر ارزش یک دارائی که به ارز خارجی بیان شده است ممکن است در اثر تغییری در نرخ ارز باشد.

۳-۱۰۰ اقلام ثبت شده برای سایر جریان‌ها در یکی از دو حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها نشان داده می‌شود. حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها تغییراتی را در بر می‌گیرد که به تغییر ارزش یک دارائی به علت تغییر در مقدار یا ویژگی‌های دارائی مورد بحث منجر شود. حساب بازارزش‌گذاری، تغییرات در ارزش دارائی‌ها، بدهی‌ها و ارزش ویژه تنها در اثر تغییرات در سطح و ساختار قیمت‌ها را در بر می‌گیرد که در منفعت و زیان ناشی از نگه داشتن منعکس می‌شود.

سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها

۳-۱۰۱ سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها در سه مقوله اصلی جای می‌گیرند.

۳-۱۰۲ نخستین مقوله، مربوط به پیدایش و ناپدیدی دارائی‌ها و بدهی‌ها در اثر رویدادهائی غیراز تراکنش‌ها است. برخی از این‌ها نظیر منابع زیر زمینی به دارائی‌هائی مربوط می‌شوند که به طور طبیعی به وجود می‌آیند، به طوری که ورود و خروج آن‌ها در حساب‌ها به صورت اثرات متقابل بین واحدهای نهادی و طبیعت رخ می‌دهد. بقیه، نظیر اشیاء گرانبها، مربوط به دارائی‌هائی می‌شوند که در اثر فعالیت بشری ایجاد می‌شوند. در مورد اشیاء گرانبها به عنوان مثال، حساب سرمایه تحصیل آن‌ها را به عنوان کالاهای تازه تولید شده یا واردات در تراکنش‌ها ثبت می‌کند، و تراکنش‌های کالاهای موجود را نیز که قبلاً به عنوان اشیاء گرانبها طبقه‌بندی شده‌اند ثبت می‌کند. این تأئیدی بر ارزش خاص و مهم کالاهائی است که قبلاً در ترازنامه‌ها ثبت نشده‌اند و این طور در نظر گرفته شده است که به عنوان پیدایش اقتصادی دارائی‌ها به صورت سایر جریان‌ها ثبت شوند. این اشیاء گرانبها به دلایل متعددی می‌تواند در ترازنامه‌ها وارد نشود. به عنوان مثال، ممکن است این‌ها پیش از حساب‌ها به وجود آمده باشند یا در ابتدا به عنوان کالاهای مصرفی ثبت شده باشند.

۳-۱۰۳ مقوله دوم، مربوط به تأثیر آثار برون‌ریز و بلایای طبیعی است. یک چنین اتفاقی حذف قطعی یک دارائی از مالکیت یک واحد نهادی بدون توافق مالک است، عملی که به عنوان تراکنش در نظر گرفته نمی‌شود زیرا عنصر توافق دوجانبه وجود ندارد. این وقایع همچنین رخدادهائی را نیز که دارائی‌ها را تخریب می‌کنند، نظیر بلایای طبیعی یا جنگ، در بر می‌گیرند. در مقایسه با آن‌ها، تراکنش‌هائی نظیر مصرف سرمایه ثابت یا تغییر موجودی انبار، نشان دهنده نرخ طبیعی زیان یا خسارت است.

۳-۱۰۴ مقوله سوم، مربوط به تغییراتی در دارائی‌ها و بدهی‌هاست که تغییرات در طبقه‌بندی واحدهای نهادی بین بخش‌های نهادی و تغییرات در ساختار واحدهای نهادی، یا تغییرات در طبقه‌بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها را منعکس می‌کند. برای مثال، اگر یک بنگاه غیر شرکتی از نظرمالی از مالک آن تفکیک شود و ویژگی‌های یک شبه شرکت را پیدا کند، این بنگاه و دارائی‌ها و بدهی‌هائی که در اختیار دارد از بخش خانوار به بخش شرکت‌های غیرمالی منتقل می‌شود و تغییرات در تخصیص بخشی دارائی‌ها و بدهی‌های تحت مالکیت شبه شرکت در زیر این سرفصل ثبت می‌شوند.

منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن

۳-۱۰۵ منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن مثبت یا منفی در دوره حسابداری برای مالکین دارائی‌ها و بدهی‌ها در اثر تغییر قیمت آن‌ها روی می‌دهد. منفعت ناشی از نگه‌داشتن گاهی به عنوان " منفعت سرمایه" گفته می‌شود، ولی در اینجا اصطلاح "منفعت ناشی از نگه‌داشتن" ترجیح داده شده است زیرا این اصطلاح بر منفعت ناشی از نگه داشتن به طور خالص که در اثر نگه‌داشتن دارائی‌ها یا بدهی‌ها در طول زمان بدون هرگونه انتقال آن‌ها تعلق می‌گیرد تأکید دارد. منفعت ناشی از نگه‌داشتن نه تنها از "سرمایه" نظیر دارائی‌های ثابت، زمین و دارائی‌های مالی، بلکه از موجوی انبار تمامی انواع کالاهائی که تولیدکنندگان نگه‌می‌دارند از جمله کالای در جریان ساخت نیز بدست می‌آید که این اغلب به عنوان "بهای فزونی موجودی" نامیده می‌شود. منفعت ناشی از نگه‌داشتن می‌تواند به دارائی‌هائی که برای هر مدت از زمان نگه‌داشته شده‌اند در دوره‌ی حسابداری تعلق گیرد نه فقط دارائی‌هائی که در طول دوره حسابداری نگه‌داشته شده‌اند و از اینرو ممکن است برای دارائی‌هائی ایجاد شود که نه در ترازنامه ابتدای دوره و نه در ترازنامه انتهای دوره وجود دارد.

۳-۱۰۶ منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن بستگی به تغییرات قیمت دارائی‌ها و بدهی‌ها در طول زمان دارد. قیمت‌های مورد بحث قیمت‌هائی هستند که می‌توان دارائی‌ها را به آن قیمت‌ها در بازار فروخت. منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن را می‌توان به منفعت بی اثرِ ناشی از نگه‌داشتن، که منعکس کننده تغییرات سطح عمومی قیمت‌هاست، و منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن که منعکس کننده تغییرات در قیمت‌های نسبی دارائی‌هاست، تجزیه کرد.

ت. اقلام تراز کننده

۳-۱۰۷ ***قلم تراز کننده، یک ایده‌ی حسابداری است که با کسر ارزش کل اقلام ثبت شده در یک سمت حساب از ارزش کل اقلام ثبت شده در سمت دیگر آن بدست می‌آید.*** این قلم را نمی‌توان مستقل از سایر اقلام ثبت شده اندازه‌گیری کرد؛ این قلم به عنوان یک قلم استخراج شده، اعمال قواعد کلی حسابداری به اقلام ثبت شده‌ی مشخص در دو طرف حساب را منعکس می‌کند. این قلم به هیچ مجموعه خاصی از تراکنش‌ها، یا هیچ مجموعه‌ای از دارائی‌ها مربوط نیست، و بنابراین نمی‌تواند برحسب واحدهای قیمت یا مقدار خاص خود بیان شود.

اقلام تراز کننده در حساب‌های جریانی

۳-۱۰۸ اقلام تراز کننده فقط ابزار تعیین شده برای تضمین تراز بودن حساب‌ها نیستند. آن‌ها اغلب به عنوان نماگرهای کلیدی اقتصاد کلان برای ارزیابی عملکرد اقتصادی به‌کار می‌روند. این اقلام میزان زیادی از اطلاعات را به صورت فشرده در می‌آورند و همان‌طور که در مثال‌های اقلام تراز کننده برای حساب‌های جریان‌ها در زیر می‌توان مشاهده کرد، حاوی برخی از مهم‌ترین اقلام ثبت شده در حساب‌ها هستند:

الف. ارزش افزوده یا محصول داخلی،

ب. مازاد عملیاتی،

پ. درآمد قابل تصرف،

ت. پس‌انداز،

ث. خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری،

ج. تراز جاری خارجی.

اقلام تراز کننده در ترازنامه‌ها

۳-۱۰۹ ارزش ویژه، که به عنوان ارزش تمام دارائی‌های مالی و غیرمالی متعلق به یک واحد یا بخش نهادی منهای ارزش تمام بدهی‌های تسویه نشده آن تعریف می‌شود، قلم تراز

کننده ترازنامه‌هاست. مانند تمام اقلام تراز کننده در SNA، ارزش ویژه نیز نمی‌تواند مستقل از سایر اقلام ثبت شده اندازه‌گیری شود، و با هیچ مجموعه خاصی از تراکنش‌ها نیز ارتباط ندارد.

۳-۱۱۰ همانند ارزش ویژه که به صورت میزان موجودی نشان داده می‌شود، تغییرات ارزش ویژه در اثر انواع مختلف تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها را نیز می‌توان بدست آورد. درست مانند تغییرات میزان هریک از دارائی‌ها که می‌توان آن‌ها را از طریق تغییرات تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها در طول دوره ردیابی کرد، تغییرات در کل ارزش ویژه را نیز می‌توان منحصراً با توجه به تراکنش‌ها و سایر جریان‌هائی که منجر به تغییرات در سطح کل دارائی‌ها و بدهی‌ها می‌شوند، بیان کرد.

ث. قواعد حسابداری

۳-۱۱۱ همان‌طور که درمقدمه بیان شد، این بخش اصول حسابداری ثبت چهار طرفه، ارزش‌گذاری، زمان ثبت، طبقه بندی اقلام ثبت شده و گروه‌بندی تراکنش‌ها را پوشش می‌دهد. اعمال هریک از این‌ها به یکایک جریان‌ها و موجودی‌ها به تفصیل در فصل‌هائی که اقلام ثبت شده در جدول‌های گوناگون و حساب‌های چارچوب محوری مورد بحث قرار می‌گیرند، برای یکایک حساب‌ها، در فصل‌های ۶ الی ۱۳ شرح داده شده است.

۱. حسابداری ثبت چهار طرفه

۳-۱۱۲ سیستم حسابداری زیرساخت SNA از اصول گسترده‌ی حسابداری بر گرفته شده است. برای درک سیستم حسابداری SNA، سه اصل حسابداری را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد:

۱. حسابداری ثبت دو طرفه عمودی، که تحت عنوان حسابداری ثبت دوطرفه درحسابداری کسب و کار (تجاری) نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد،

۲. حسابداری ثبت دو طرفه افقی، و

۳. حسابداری ثبت چهار طرفه.

۳-۱۱۳ ویژگی اصلی حسابداری ثبت دو طرفه عمودی این است که هر تراکنشی به حداقل دو قلم ورودی که به طور سنتی اقلام بستانکار و بدهکار گفته می‌شود، در دفترهای تراکنش‌گر منجر می‌شود. این اصل تضمین می‌کند که جمع تمامی اقلام بستانکار و جمع اقلام بدهکار برای تمامی تراکنش‌ها مساوی هستند، از این رو، کنترل سازگاری حساب‌ها برای یک واحد منفرد امکان پذیر می‌شود. هر تراکنش مستلزم دو قلم ثبت است.

۳-۱۱۴ سایر جریان‌ها اقلام ورودی طرف مقابل خود را مستقیماً در تغییرات ارزش ویژه دارند. در نتیجه، دفترداری ثبت دو طرفه عمودی معادله بنیادی ترازنامه هر واحد، یعنی جمع ارزش دارائی‌ها مساوی جمع ارزش بدهی‌ها به اضافه ارزش ویژه، را تضمین می‌کند. جمع ارزش دارائی‌های متعلق به یک هستار منهای جمع ارزش بدهی‌های آن ارزش ویژه را بدست می‌دهد.

۳-۱۱۵ مفهوم حسابداری ثبت دو طرفه افقی برای تهیه حساب‌هائی که روابط دو جانبه اقتصادی بین واحدهای نهادی مختلف را به روشی سازگار منعکس می‌کنند، مفید است. این نوع حسابداری نشان می‌دهد که اگر واحد الف چیزی برای واحد ب فراهم کند، حساب‌های الف و ب، هردو، تراکنش‌ها را با مبلغ یکسان، در حساب الف به عنوان پرداخت و در حساب ب به عنوان دریافت، نشان می‌دهند. حسابداری دو طرفه افقی سازگاری ثبت اقلام را برای هر رده تراکنش به وسیله طرف مقابل آن تضمین می‌کند. برای مثال، هنگامی که تراکنش‌ها با دنیای خارج به حساب آورده می‌شوند، سود تقسیم شده

پرداختنی در کل اقتصاد باید با سود تقسیم شده دریافتنی در کل اقتصاد، برابر باشند.

۳-۱۱۶ حاصل به‌کارگیری هم زمان هردو روش حسابداری ثبت دو طرفه افقی و عمودی یک حسابداری ثبت چهار طرفه است که زیربنای سیستم حسابداری ثبت اقلام در SNA را تشکیل می‌دهد. این رویه به طریقی منسجم با تراکنش‌گران چندگانه یا گروه‌های تراکنش‌گران که هریک از آن‌ها نیازهای حسابداری ثبت دو طرفه عمودی را تأمین می‌کنند، سر و کار دارد. ازاین رو، یک تراکنش منفرد بین دو طرف مقابل به چهار قلم ثبت افزایش می‌یابد. برخلاف حسابداری کسب و کار، حساب‌های ملی با روابط متقابل میان بسیاری از واحدها به طور موازی سروکار دارد، و از این رو مستلزم توجه ویژه برای حفظ سازگاری است. برای نمونه، از آنجا که هر بدهی متعلق به یک واحد در یک دارائی مالی متعلق به واحد دیگر منعکس می‌شود، باید ارزش‌گذاری، تخصیص به زمان و طبقه‌بندی آن‌ها به طور یکسان انجام شود تا از ناسازگاری در تجمیع ترازنامه‌های واحدها برحسب بخش‌ها یا برای کل اقتصاد، اجتناب شود. همین موضوع برای تمام تراکنش‌ها و سایر جریان‌هائی که ترازنامه‌های دو طرف مقابل را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نیز درست است.

۳-۱۱۷ SNA پیمان‌ها و اصطلاحات زیر را برای ثبت جریان‌ها با دنیای خارج به کار می‌برد. برای نمونه، واردات منبعی از دنیای خارج است که دراقتصاد داخلی استفاده می‌شود و پرداخت برای واردات کاهشی در ثروت اقتصاد داخلی ولی یک منبع مالی برای دنیای خارج را نشان می‌دهد. وقتی با دنیای خارج به عنوان یک شبه بخش برخورد شود، اصل حسابداری ثبت چهار طرفه می‌تواند اعمال شود و تمام موجودی‌ها و جریان‌ها در داخل اقتصاد و با دنیای خارج کاملاً تراز شوند. حساب‌های تراز پرداخت‌ها میزان موجودی تلفیق شده‌ی تمام بخش‌های داخلی در رابطه با دنیای خارج را نشان می‌دهند. از این رو، یک آئینه دقیق از حساب‌ها برای دنیای خارج در SNA است. با این حال، علیرغم برعکس بودن سمت راست و چپ حساب‌هائی که در آن‌ها اقلام نشان داده می‌شوند، بین دو سیستم از نظر پوشش، اندازه‌گیری و طبقه‌بندی برابری وجود دارد. در فصل۲۴ در این باره بیشتر بحث خواهد شد.

۲. ارزش‌گذاری

قواعد کلی

۳-۱۱۸ توانائی SNA به عنوان یک ابزار تحلیلی تا حد بسیار زیادی از قابلیت آن در پیوند دادن پدیده‌های بسیار متعدد و متنوع اقتصادی از طریق بیان آن‌ها در یک واحد حسابداری منفرد، ناشی می‌شود. سعی SNA بر این نیست که مطلوبیت جریان‌ها و موجودی‌هائی را که در حوزه آن قرار می‌گیرند، تعیین کند. بجای آن، ارزش فعلی مبادله اقلام ورودی در حساب‌ها را به پول یعنی ارزش‌هائی که کالاها، خدمات، کار یا دارائی‌ها در واقع به ازای پول نقد (به پول جاری یا سپرده انتقال‌پذیر) مبادله می‌شوند یا می‌توانند مبادله شوند، اندازه گیری می‌کند.

ارزش‌گذاری تراکنش‌ها

۳-۱۱۹ قیمت‌های بازار برای تراکنش‌ها، میزان پولی است که خریدارانِ خواهانِ خرید، پرداخت می‌کنند تا چیزی را از فروشندگانِ خواهانِ فروش تحصیل کنند؛ مبادلات بین طرف‌های مستقل و فقط بر پایه ملاحظات تجاری که گاهی اوقات "مبادله در شرایط متعارف" نامیده می‌شود، انجام می‌گیرد. طبق این تعریف صریح، قیمت بازار فقط اشاره به یک قیمت برای یک مبادله خاص تحت شرایط اظهار شده دارد. مبادله دوم برای همان واحد حتی در شرایطی که تقریباً به طور کامل یکسان است، ممکن است با قیمت بازار دیگری انجام شود. قیمت بازار که به این نحو تعریف می‌شود به روشنی متمایز است از قیمت اعلام شده در بازار، قیمت بازار جهانی، قیمت جاری و رایج بازار، قیمت عادلانه بازار یا هر قیمتی که گرایش به این دارد که عمومی بودن قیمت‌ها را برای طبقه‌ای از مبادلات ظاهراً یکسان بیان‌کند به جای قیمتی که به طور واقعی در یک مبادله خاص به کار می‌رود. علاوه براین، هر قیمت بازار لزوماً نباید قیمت آزاد بازار تعبیر شود؛ یعنی، نباید این گونه تعبیر شود که تراکنش‌های بازار لزوماً در شرایط بازار رقابتی محض رخ می‌دهند. در حقیقت، تراکنش‌های بازار ممکن است در ساختار بازار انحصار فروش،

انحصار خرید، یا هر نوع ساختار دیگری از بازار انجام شوند. در حقیقت، بازار ممکن است به قدری محدود باشد که فقط از یک نوع تراکنش منحصر به فردی که بین طرف‌های مستقل انجام می‌شود، تشکیل شده باشد.

۳-۱۲۰ وقتی قیمتی قبل از رویدادِ یک تراکنش مورد توافق دو طرف قرار می‌گیرد، این قیمتِ توافقی یا قراردادی، برای آن تراکنش قیمت بازار محسوب می‌شود که جدا از قیمت‌های غالب در زمان انجام تراکنش است.

۳-۱۲۱ ارزش واقعی مبادلات، همان طور که در پاراگراف پیش بیان شد، در بسیاری از موارد قیمت‌های بازار را نشان می‌دهد. در پاراگراف‌های ۳-۱۳۱ الی ۳-۱۱۴ مواردی را که ارزش‌های واقعی مبادله قیمت‌های بازار را نشان نمی‌دهند بیان خواهد شد. تراکنش‌هائی که بازار شکنی (دمپینگ) و تخفیف را در بر دارند، قیمت‌های بازار را نشان می‌دهند. قیمت‌های تراکنش‌ها برای کالاها و خدمات مالیات‌ها و یارانه‌های متناسب با آن‌ها را در بر می‌گیرند. قیمت بازار، قیمت پرداختنی توسط خریدار، پس از به حساب آوردن هر نوع تخفیف، استرداد پول، تعدیل و غیره‌ی فروشنده است.

۳-۱۲۲ تراکنش‌های دارائی‌ها و بدهی‌های مالی به قیمت‌هائی که تحصیل یا واگذار می‌شوند، ثبت می‌گردند. تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها باید بدون هر گونه حق کمیسیون، حق‌الزحمه و مالیات ثبت شوند، اعم از اینکه به طور مشخص هزینه شده باشند، در قیمت خریدارن مستتر باشند، یا از دریافتی فروشنده کسر شوند. به این دلیل که بدهکاران و بستانکاران باید مبلغ یکسانی را برای ابزارهای مالی یکسان ثبت کنند. کمیسیون‌ها، حق‌الزحمه‌ها و مالیات‌ها باید جدا از تراکنش دارائی‌ها و بدهی‌های مالی در رده مناسبی ثبت شوند. ارزش‌گذاری ابزارهای مالی، که هزینه‌های کمیسیون را در بر نمی‌گیرد، از ارزش‌گذاری دارائی‌های غیرمالی، که هزینه‌های انتقال مالکیت را در بر می‌گیرد، متفاوت است.

۳-۱۲۳ هنگامی که قیمت‌های بازار برای تراکنش‌ها قابل مشاهده نباشند، ارزش‌گذاری طبق "قیمت- معادل - بازار"، تقریبی از قیمت‌های بازار را ارائه می‌دهد. در چنین مواردی، قیمت‌های بازارِ مربوط به همان اقلام یا اقلام مشابه در صورتی که وجود داشته باشند پایه خوبی را برای به کارگیری اصول قیمت‌های بازار فراهم می‌کنند. به طور کلی، قیمت‌های بازار باید جائی استفاده شوند که همان اقلام یا اقلام مشابهی در حال حاضر به تعداد کافی و در شرایط مشابهی خرید و فروش می‌شوند. اگر بازار مناسبی وجود نداشته باشد که در آن کالا یا خدمت خاصی در حال حاضر خرید و فروش شود، ارزش‌گذاری تراکنش آن کالا یا خدمت را می‌توان از قیمت‌های کالاها و خدمات مشابه با انجام تعدیلاتی برای کیفیت و سایر تفاوت‌های آن، بدست آورد.

محصولات کشاورزی فروخته شده در مزرعه

۳-۱۲۴ در مورد مطالبی که پیش از این گفته شد لازم است به یک نکته مهم اشاره شود و آن در مورد محصولات کشاورزی است که مستقیما در مزرعه فروخته می‌شوند. آنچه که قیمت سر مزرعه نامیده می‌شود ممکن است به طور قابل توجهی پائین‌تر از قیمت نزدیک‌ترین بازاری باشد که قیمت‌ها در آن قابل مشاهده هستند. زیرا قیمت‌های بازار هزینه‌های حمل کالاها به بازار را نیز در بر می‌گیرند. علاوه بر این، اگر قسمت کوچکی از محصول به بازار برده شود، ممکن است قیمت بالاتری برای آن پیشنهاد شود نسبت به هنگامی که تمامی محصول یکجا داد و ستد می‌شود. از این ملاحظات باید چنین استنباط کرد که قیمت‌های مشاهده شده‌ی بازار تنها هنگامی مناسب هستند که محصولات مشابهی به تعداد کافی و در شرایط مشابه مورد داد و ستد قرار می‌گیرند. وقتی این شرایط وجود نداشته باشد، باید تعدیلاتی در قیمت‌های مشاهده شده صورت گیرد.

مبادلات پایاپای

۳-۱۲۵ مبادله پایاپای نیازمند ملاحظات خاصی است. محصولاتی که به‌صورت پایاپای مبادله می‌شوند باید هنگامی که تولید می‌شوند و نیز هنگامی که برای مصرف یا برای تشکیل سرمایه تحصیل می‌شوند، ارزش‌گذاری شوند. در حالی که در اغلب مواردی که مبادله پایاپای در مقیاس کوچکی توسط تولید کننده صورت می‌گیرد، ممکن است مالیات بر محصول

پرداختنی وجود نداشته باشد (یا اگر به طور اسمی وجود دارد ولی شرایط پایاپای طوری است که از آن اجتناب شده و پرداخت نمی‌شود)؛ مبادلات پایاپای به خودی خود از بدهی مالیات بر محصول مستثنی نیستند. یارانه بر محصول از نظر مفهومی در مبادله پایاپای امکان پذیر است ولی احتمالاً قابل توجه نیست. طبق ماهیت محصولات پایاپای، حاشیه عمده فروشی یا خرده فروشی که بتوان به محصولات پایاپای اعمال کرد وجود ندارد. کالاهای مبادله شده به‌صورت پایاپای ممکن است در هر حال، هزینه‌های حمل و نقل مربوط به خود را داشته باشند. اگر واحد ارائه کننده کالاها برای مبادله پایاپای خدمات حمل و نقل نیز فراهم کند، کلاً، به این معنی است که "بسته" مبادله پایاپای خدمات حمل و نقل را در بر دارد و ارزش تراکنش این کالا برای دریافت کننده آن قیمت خریداری خواهد بود که هزینه حمل و نقل را هم در بر دارد. اگر واحد دریافت کننده کالاها باید خدمات حمل و نقل را فراهم کند، این امر می‌تواند ارزش گذاری کالاها را برای دریافت کننده کاهش دهد.

۱۲۶-۳ تراکنش‌های پایاپای ممکن است مربوط به کالاهای جدید یا کالاهای موجود باشند که توسط یک طرف تراکنش تحصیل شود، در این حالت ارزش تراکنش برای آن طرف، هزینه تحصیل کالا (در مورد کالاهای جدید) یا ارزش قابل شناسائی در مورد کالاهای موجود خواهد بود.

۱۲۷-۳ تراکنش‌های پایاپای ضرورتاً شامل دو واحد و (حداقل) دو محصول است. هر واحدی ممکن است ارزش متفاوتی را روی هر یک از اقلام مورد مبادله‌ی پایاپای قرار دهد. در چنین حالتی از آن جا که در SNA قواعد حسابداری ایجاب می‌کند که ارزش واحدی برای هردو طرف مبادله ثبت شود، در عمل، می‌توان متوسط ساده‌ای از ارزش‌گذاری‌های متفاوت (پس از کسر هر نوع مالیات و هزینه‌های حمل و نقل) را به عنوان ارزش تراکنش در نظر گرفت.

۱۲۸-۳ تراکنش‌های پایاپای همیشه به طورهم زمان انجام نمی‌شوند. در این صورت، یک حساب دریافتنی/پرداختنی باید ثبت شود حتی اگر هیچ قسمتی از تراکنش پایاپای برحسب پول انجام نشده باشد.

قیمت‌های اعلان شده

۱۲۹-۳ ارزش‌گذاری بازار همچنین برای تراکنش کالاهائی که در قرارداد آن‌ها یک دوره اعلام قیمت گذاشته می‌شود که اغلب چند ماه بعد از دست به دست شدن کالاهاست، مسائلی را در بر دارد. در چنین مواردی، ارزش بازار باید در زمان تغییر مالکیت برآورد شود. هنگامی که قیمت واقعی بازارمشخص شد، قیمت برآورد شده باید براساس آن بازنگری شود. ارزش بازار را قیمت قرارداد مشخص می‌کند حتی اگر این قیمت در زمان تغییر مالکیت نامعلوم باشد.

ارزش‌گذاری انتقالات غیرنقدی

۱۳۰-۳ وقتی منابع غیرمالی به‌صورت بدون "چیزی در مقابل آن" فراهم می‌شود، این منابع باید به قیمت‌های بازاری که در صورت فروش آن‌ها در بازار دریافت می‌شد، ارزش‌گذاری شوند. در فقدان قیمت بازار، نظر اعطاء کننده نسبت به ارزش احتسابی تراکنش کاملاً از نظر دریافت کننده متفاوت است. یک قاعده سرانگشتی که پیشنهاد شده است، استفاده از ارزش منتسب شده توسط اعطاء کننده است که به عنوان مبنائی برای ثبت در نظر گرفته می‌شود.

قیمت‌گذاری انتقالی

۱۳۱-۳ در برخی موارد ممکن است ارزش واقعیِ مبادله قیمت‌های بازار را نشان ندهد. مثال‌هائی در این باره عبارتند از قیمت‌های انتقالی در تراکنش‌هائی که بین بنگاه‌های تحت پوشش انجام می‌شود، توافق‌های دخالتی با طرف سوم و بعضی تراکنش‌های غیرتجاری، از جمله بهره ارفاقی (یعنی، بهره پرداختنی با نرخ پائین با هدف سیاست‌گذاری). این قیمت‌ها ممکن است پائین تر یا بالاتر از صورت حساب باشند، که در این حالت لازم است برآوردی از قیمت معادل بازار ساخته شود. اگرچه وقتی ارزش مبادلات واقعی نشان دهنده‌ی قیمت‌های بازار نیستند لازم است تعدیل شوند، ولی ممکن است این کار در بسیاری از موارد عملی نباشد. تعدیل ارزش واقعی مبادله برای انعکاس قیمت‌های بازار پی‌آمدهائی در سایر حساب‌ها خواهد داشت. بنابراین، وقتی چنین تعدیلاتی

انجام می‌شود، باید در سایر حساب‌ها نیز تعدیلات متناظر با آن انجام شود. برای مثال، اگر قیمت کالاها تعدیل شود، تراکنش‌های مرتبط با آن در حساب درآمد یا حساب مالی یا هردوی آن‌ها نیز باید تعدیل شوند.

۳-۱۳۲ ارزش‌هائی که در یک صورت‌حساب درج می‌شوند ممکن است به طور نظام مند یا به میزان زیادی از قیمت‌های پرداخت شده در بازار برای اقلام مشابه متفاوت باشند، بنابراین باید فرض شود که مبالغ پرداخت شده بیش از تراکنش‌های مشخص شده پوشش داده شده است. مثال در این مورد چیزی است که به اصطلاح قیمت‌گذاری انتقالی نامیده می‌شود: بنگاه‌های وابسته به هم ممکن است قیمت‌های تراکنش‌های بین خودشان را به طور ساختگی بالا یا پائین تعیین کنند تا یک درآمد نامشخص یا انتقالات سرمایه‌ای را بوجود آورند. اگر ارزش این تراکنش‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای مانع از تفسیر صحیح حساب‌ها شوند این تراکنش‌ها باید مشخص شوند. در بعضی موارد، قیمت‌گذاری انتقالی ممکن است با انگیزه توزیع درآمد یا افزایش حقوق سهامداران یا برداشت از آن انجام شود. جایگزین کردن ارزش‌های دفتری (قیمت‌های انتقالی) با قیمت‌های- معادل- بازار در اصل، هنگامی که اعوجاج‌ها زیاد است و هنگامی که دسترسی به داده‌ها (نظیر تعدیلات توسط گمرک یا مقامات مالیاتی یا اقتصادهای طرف مقابل) چنین عملی را امکان پذیر می‌سازد، مطلوب خواهد بود. انتخاب بهترین قیمت- معادل- بازار برای جایگزین کردن ارزش‌های دفتری عملی است که یک تصمیم‌گیری آگاهانه و محتاطانه را می‌طلبد.

۳-۱۳۳ مبادله کالا بین بنگاه‌های وابسته به هم معمولاً از نوع مبادله‌ای نیست که بین طرف‌های مستقل رخ داده باشد (مثل، مبادله قطعات تشکیل دهنده‌ی محصولی که فقط وقتی قابل استفاده است که در محصول نهائی به هم وصل شوند). به طور مشابه، مبادله خدماتی نظیر خدمات مدیریت و دانش فنی، ممکن است خدمات مشابهی در میان انواع مختلف تراکنش‌های خدماتی که بین طرف‌های مستقل رخ می‌دهند، نداشته باشد. از این رو، ممکن است تعیین ارزش قابل مقایسه با ارزش‌های بازار برای تراکنش‌های بین طرف‌های وابسته مشکل باشد، و تهیه کنندگان حساب‌های ملی گزینه‌ای بجز پذیرفتن ارزش‌گذاری مبتنی بر هزینه‌های صریح تولید یا هر نوع ارزش‌های دیگری که توسط بنگاه تعیین شده باشد، نداشته باشند.

قیمت‌های ارفاقی

۳-۱۳۴ ضمن این که برخی از تراکنش‌های غیر تجاری، نظیر کمک‌های غیر نقدی، قیمت بازار ندارند، تراکنش‌های غیرتجاری دیگری هم ممکن است وجود داشته باشند که به قیمت‌های ضمنی که شامل عنصری از کمک یا امتیاز بوده و قیمت بازار نیستند رخ دهند. مثال‌های این قبیل تراکنش‌ها، عبارتند از مبادلات مذاکره شده‌ی کالاها بین دولت‌ها و نیز آن دسته از وام‌های دولتی که دارای نرخ بهره پائین‌تری نسبت به وام‌های مشابه با دوره بازپرداخت و مهلت شروع بازپرداخت یا سایر شرایط مشابه برای وام‌های کاملاً تجاری هستند. وام‌دهی ارفاقی در فصل ۲۱ توضیح داده شده است. تراکنش با بدنه دولت و هستارهای غیرانتفاعی خصوصی که به فعالیت‌های صرفاً تجاری اشتغال ندارند اغلب تابع ملاحظات غیرتجاری است. اما، انتقالات مربوط به تهیه کالاها و خدمات ممکن است توسط سایر بخش‌های اقتصاد نیز ارائه یا دریافت شود.

ارزش‌گذاری به قیمت تمام شده

۳-۱۳۵ اگر بازار مناسبی وجود نداشته باشد که بتوان ارزش یک قلم موجودی یا یک جریان غیرپولی خاص را در مقایسه با آن بدست آورد، ارزش‌گذاری آن را می‌توان از قیمت‌های بازارهائی که تشابه کمتری دارند، بدست آورد. در نهایت، بعضی کالاها و خدمات را فقط می‌توان از طریق مبلغی که در حال حاضر برای تولید آن‌ها خرج می‌شود، ارزش‌گذاری کرد. کالاها و خدمات بازاری و کالاها و خدمات به حساب خود که به این طریق ارزش‌گذاری می‌شوند باید یک قیمت افزائی (مارک آپ) داشته باشند که مازاد عملیاتی یا درآمد مختلط خالص مربوط به تولید کننده را منعکس کنند. ولی برای کالاها و خدمات غیربازاری تولید شده توسط واحدهای دولتی

یا NPISHها، نباید هیچ مبلغی برای مازاد عملیاتی خالص منظور شود.

ارزش‌گذاری دارائی‌ها

۳-۱۳۶ گاهی اوقات لازم است موجودی‌ها به ارزش جاری برآورد شده‌ی تحصیل یا هزینه‌های تولید آن‌ها، ارزش‌گذاری شود. در این صورت، ارزش محاسبه شده باید تمام تغییراتی را که از زمان خرید یا تولید برای قلم مورد نظر رخ داده است (نظیر مصرف سرمایه ثابت، تقلیل جزئی، فرسودگی، تخریب، از مد افتادگی پیش‌بینی نشده، زیان‌های استثنائی و سایر رویدادهای غیر منتظره) در بر داشته باشد. همین روش را می‌توان برای جریان‌های غیرپولی دارائی‌های موجود نیز اعمال کرد.

۳-۱۳۷ اگر هیچیک از روش‌هائی را که در بالا بیان شد نتوان به کار برد، موجودی‌ها، یا جریان‌هائی که در اثر استفاده از دارائی‌ها حاصل می‌شوند، را می‌توان به صورت ارزش حال تنزیل شده بازده آینده ثبت کرد. برای بعضی دارائی‌های مالی، به ویژه دارائی‌های مالی با ارزش رسمی قابل استفاده در زمانی در آینده، ارزش حال بازار از طریق ارزش رسمی تنزیل شده به حال با استفاده از نرخ بهره بازار به دست می‌آید. بنابراین، اگر بتوان در اصل، یک برآورد استوار منطقی از جریان منافع آینده دارائی را به دست آورد، همراه با یک نرخ تنزیل مناسب، امکان به دست آوردن برآوردی از ارزش حال فراهم می‌شود. ولی، چون ممکن است تعیین منافع آینده با درجه اطمینان مناسبی مشکل باشد، و با توجه به این که لازم است فرض‌هائی هم درباره طول عمر دارائی‌ها و عامل تنزیل به کار گرفته شود، قبل از متوسل شدن به این روش، باید سایر منابع ارزش‌گذاری را که در پاراگراف‌های قبل توضیح داده شد امتحان کرد. علاوه بر این، اگر از این روش استفاده شود، بعضی آزمون‌های حساسیت فرض‌های ساخته شده می‌تواند مناسب باشد. در حقیقت، متداول‌ترین روش مورد استفاده برای بدست آوردن برآوردهائی از مصرف سرمایه ثابت و موجودی سرمایه دارائی‌های ثابت، یک جریان منافع آینده با کاهش ارزش یک دارائی ثابتِ در حال استفاده در تولید را همراه دارد. (این روش که روش موجودی گیری مستمر است در فصل‌های ۱۳ و ۲۰ بیشتر شرح داده شده است).

۳-۱۳۸ هرچند روش ارزش حال خالص بستگی به پیش‌بینی منافع آینده و نرخ‌های تنزیل دارد، از نظر تئوری این روش برای تعدادی از دارائی‌های مالی مورد تأئید است. اگر از این روش برای دارائی‌های غیرمالی استفاده شود، بعضی آزمون‌های حساسیت فرض‌های در نظر گرفته شده می‌تواند مفید باشد.

۳-۱۳۹ طبق قاعده کلی، فراهم کردن دارائی‌ها، خدمات، نیروی کار یا سرمایه در مبادله با ارز خارجی، به ارزش واقعی مبادله که دو طرف تراکنش بر آن توافق کرده‌اند، ثبت می‌شود. جریان‌ها و موجودی‌ها به ارز خارجی با نرخ غالب در لحظه ثبت آن‌ها در حساب‌ها، یعنی، لحظه‌ای که تراکنش‌ها یا سایر جریان‌ها رخ می‌دهند یا لحظه‌ای که ترازنامه برای آن تهیه می‌شود، به ارزش آن‌ها به پول ملی تبدیل می‌شوند. حد وسط بین نرخ‌های خرید و فروش ارز در حالی که هر نوع کارمزدی از آن خارج شده باشد باید مورد استفاده قرار گیرد.

ارزش‌گذاریِ حسابداری کسب و کار (تجاری)

۳-۱۴۰ حساب‌های کسب و کار (تجاری)، اظهارنامه‌های مالیاتی، و سایر ثبت‌های اداری، منابع اصلی داده‌های مورد نیاز تهیه حساب‌های ملی هستند. با این حال، تهیه کننده حساب‌های ملی باید آگاه باشد که هیچ یک از این‌ها لزوماً نیازهای ارزش‌گذاری در SNA را رفع نمی‌کنند و بنابراین ممکن است لازم باشد تعدیلاتی در هریک از منابع داده انجام شود. بخصوص حسابداری کسب و کار (تجاری) از نظر عرف اغلب نوع ارزش‌گذاری را که انتخاب می‌کند برای حساب‌های ملی مناسب نیست. به‌همین ترتیب، ارزش‌گذاری برای مقاصد مالیاتی اغلب اهدافی را دنبال می‌کند که با اهداف تحلیل‌های اقتصاد کلان متفاوت است. برای مثال، روش استهلاک مورد نظر حسابداری کسب و کار (تجاری) و روش استهلاکی که توسط مقامات مالیاتی تجویز می‌شود تقریباً همواره با مفهوم مصرف سرمایه ثابت ناخالص به کارگرفته شده در SNA متفاوت است.

ارزش‌گذاری جریان‌های افراز شده

۳-۱۴۱ در مواردی که یک پرداخت واحد به بیش از یک رده‌ی

تراکنش (مشخص شده در SNA) مربوط می‌شود، لازم است هریک از جریان‌ها به طور جداگانه ثبت شوند. در این گونه موارد، ارزش کل هریک از تراکنش‌ها باید بعد از افرازبندی با ارزش بازار مبادله‌ای که واقعاً رخ داده است، برابر باشد. برای مثال، ارزش واقعی مبادله‌ای که با ارز خارجی انجام شده است، کارمزد تبدیل پول را در بر دارد. قسمت مربوط به تبدیل پول باید جداگانه به عنوان تراکنش خدمات ثبت شود. مثال دیگر، SNA پیشنهاد می‌کند بهره تراکنش‌ها با شرکت‌های مالی بین دو رده تراکنش، یکی نشان دهنده بهره، آن‌طور که از SNA استنباط می‌شود، و بقیه نشان دهنده پرداخت ضمنی برای خدمات واسطه‌گری مالی، تقسیم شود.

۳–۱۴۲ افرازبندی به تراکنش‌ها محدود نمی‌شود؛ برای مثال، منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن به دلایل تحلیلی از منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن که فقط متناسب با تغییرات سطح عمومی قیمت‌هاست، تفکیک می‌شود.

۳–۱۴۳ در بعضی موارد افرازبندی به رفتار گمراه کننده مربوط است. مثالی در این مورد نوع قیمت‌گذاری انتقالی است که در پاراگراف ۳–۱۳۲ بحث شد.

۳–۱۴۴ نوعی سردرگمی در تراکنش‌ها که کمتر آشکار است هنگامی رخ می‌دهد که تهیه یک دارائی و پرداخت یا پرداخت‌های پولی مربوط به آن به طور هم زمان انجام نمی‌شود. هنگامی که شکاف زمانی به طور غیرمعمول طولانی و مبلغ اعتبار تجاری بسیار بزرگ است، نتیجه این خواهد شد که ممکن است مبلغی به عنوان بهره ضمنی دریافت شود. در چنین موارد شدیدی، برای رسیدن به ارزش صحیح دارائی منتقل شده، باید پرداخت یا پرداخت‌های واقعی به وسیله بهره تعلق گرفته تعدیل شود. این تعدیلات برای اعتبار تجاری عادی توصیه نمی‌شود.

ارزش‌گذاری‌های خاص مربوط به محصولات

۳–۱۴۵ معمولاً، تولید کننده و مصرف کننده‌ی یک محصول مشخص به علت وجود مالیات و یارانه بر محصول، هزینه‌های حمل و نقلی که لازم است پرداخت شود و وجود حاشیه‌های بازرگانی، هرکدام درک متفاوتی از ارزش آن دارند. برای این که این ارزش تا جائی که ممکن است به دیدگاه خودِ تراکنش‌های اقتصادی نزدیک باشد، SNA تمام مصارف را به قیمت‌های خریدار که عناصر فوق را نیز در بر دارد ثبت می‌کند، ولی این عناصر را از ارزش ستانده‌ی محصول کنار می‌گذارد.

۳–۱۴۶ ستانده محصولات به قیمت‌های پایه ثبت می‌شوند. قیمت پایه به صورت مبلغ دریافتنی توسط تولید کننده از خریدار برای یک واحد کالا یا خدمت تولید شده به عنوان ستانده، منهای هر نوع مالیات پرداختنی بر محصول، و بعلاوه هر نوع یارانه دریافتنی بر محصول به عنوان حاصل تولید یا فروش، تعریف می‌شود. این قیمت هر نوع هزینه حمل و نقلی را که به طور جداگانه توسط تولید کننده برای آن صورت‌حساب داده شده باشد، در بر نمی‌گیرد. اگر ثابت شود بدست آوردن اطلاعات مورد نیاز به قیمت‌های پایه غیر ممکن است، ستانده ممکن است به قیمت‌های تولید کننده ارزش‌گذاری شود. قیمت تولید کننده به‌صورت مبلغ دریافتنی توسط تولیدکننده از خریدار برای یک واحد کالا یا خدمت تولید شده به عنوان ستانده، منهای هر نوع مالیات ارزش افزوده (VAT)، یا مالیات کسر شدنی مشابه که در صورت‌حساب خریدار درج شده باشد، تعریف می‌شود. این قیمت نیز هر نوع هزینه حمل و نقلی را که توسط تولید کننده به طور جداگانه برای آن صورت‌حساب ارائه شود، در بر نمی‌گیرد.

۳–۱۴۷ مصرف محصولات به قیمت‌های خریدار ثبت می‌شود. قیمت خریدار به‌صورت مبلغ پرداختنی توسط خریدار، بجز هر نوع مالیات بر ارزش افزوده کسر شدنی یا مالیات کسر شدنی مشابه، به منظور تحویل یک واحد کالا یا خدمت در زمان و مکان خواسته شده توسط خریدار، تعریف می‌شود. قیمت خریدار یک کالا هر نوع هزینه پرداختی توسط خریدار به طور جداگانه برای تحویل کالا در زمان و مکان خواسته شده را در بر می‌گیرد.

۳–۱۴۸ تفاوت ارزش ثبت شده برای یک محصول بین زمانی که تولید می‌شود و لحظه‌ای که مصرف می‌شود، یعنی، مخارج مصرف نهائی می‌تواند قابل ملاحظه باشد. اجزای این تفاوت ممکن است از موارد زیر تشکیل شده باشد:

الف. مالیات منهای یارانه بر محصول پرداختنی توسط تولید کننده؛

ب. حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل، شامل مالیات منهای یارانه بر محصول پرداختنی توسط عمده فروشان و خرده فروشان؛

پ. حمل و نقل، شامل مالیات منهای یارانه بر محصول، پرداخت شده به طور جداگانه توسط مصرف کننده؛

ت. بهبود قابل پیش بینی کیفیت که منجر به تولید حجم اضافی ستانده شده باشد منهای زیان‌های جاری در طول مدت انبارداری؛

ث. منفعت ناشی از نگه‌داشتن مادامی‌که محصول نزد تولید کننده و نزد عمده فروش و خرده فروش است.

همان‌طور که از موارد فوق می‌توان مشاهده کرد، تفاوت بین قیمت پایه اولیه و قیمت‌های خریدار نهائی یک کالای خاص هردو عنصر قیمت محض و حجم را در بر دارد. البته در عمل، برآوردها مسیر یکایک محصولات را دنبال نمی‌کنند بلکه در یک سطح کلی‌تر برای گروه محصولات ساخته می‌شوند.

۳-۱۴۹ واردات و صادرات کالاها در SNA با ارزش‌های مرزی ثبت می‌شوند. جمع کل واردات کالاها و جمع کل صادرات کالاها به قیمت تحویل- در- کشتی (فوب (FOB)، یعنی، در مرزهای گمرک صادر کننده) ارزش‌گذاری می‌شوند. از آنجا که ممکن است بدست آوردن ارزش‌های فوب به تفکیک محصول به طور تفصیلی امکان پذیر نباشد، جدول‌های تفصیلی بازرگانی خارجی واردات کالاها و خدمات را به ارزش‌های مرز گمرک وارد کننده (سیف (CIF)، یعنی، قیمت، بیمه و هزینه حمل) نشان می‌دهند و برای تبدیل آن به ارزش‌های فوب، تعدیلات تکمیلی برای کل آن انجام می‌شود. ارزش‌های سیف هزینه‌های بیمه و حمل و نقلی را که بین مرز صادر کننده و مرز وارد کننده رخ می‌دهد در بر می‌گیرد. البته ارزش درج شده در صورت‌حساب بازرگانی ممکن است از هردوی این‌ها متفاوت باشد.

۳-۱۵۰ از آنجا که تراز کلی واردات و صادرات باید با شرایط واقعی مطابقت داشته باشد، ارزش‌گذاری مرزی کالاها پیامدهائی را برای ثبت حمل و نقل و بیمه در SNA دارد. معمولاً، ارزش هردوی واردات و صادرات برای این نوع اقلام خدماتی باید سازگار شوند تا پیمان‌های ویژه درمورد کالاهای معامله شده با دنیای خارج رعایت شوند. جزئیات بیشتر درباره این شیوه برخورد درفصل‌های ۱۴ و ۲۶ توضیح داده شده است.

ارزش‌گذاری سایر جریان‌ها

سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها

۳-۱۵۱ برای تعیین ارزش‌گذاری سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها، معمولاً لازم است ارزش دارائی قبل و بعد از تغییر حجم آن تعیین و تفاوت آن گرفته شود که این به وسیله هیچ تراکنشی به عنوان ارزش سایر تغییرات توضیح داده نمی‌شود.

۳-۱۵۲ سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و بدهی‌های مالی به قیمت‌های معادل بازارِ ابزارهای مالی مشابه، ثبت می‌شوند. برای مستهلک کردن ارزش ابزارهای مالی که به ارزش‌های اسمی ارزش‌گذاری شده‌اند، ارزش ثبت شده در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها باید با ارزش اسمی آن‌ها قبل از اینکه مستهلک شوند، مطابقت داشته باشد. برای تمام بازطبقه‌بندی‌های دارائی‌ها و بدهی‌ها، ارزش هردوی ابزارهای جدید و قدیم باید یکسان باشد.

منفعت و زیان ناشی از نگه داشتن

۳-۱۵۳ منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن به طور مستمر به هردوی دارائی‌های مالی و غیرمالی و بدهی‌ها تعلق می‌گیرد و به آن‌ها اعمال می‌شود. به طور کلی، می‌توان آن را با کسر تغییراتی که به تراکنش‌ها و سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها منتسب می‌شود از کل تغییراتِ ارزش دارائی‌ها، برآورد کرد.

۳-۱۵۴ از آنجا که بیشتر دارائی‌های مالی با بدهی‌ها، چه در اقتصاد داخلی و چه در دنیای خارج منطبق هستند، این موضوع مهم است که منفعت ناشی از نگه‌داشتن یکی با زیان ناشی از نگه‌داشتن دیگری و برعکس، منطبق هستند. منفعت ناشی از نگه داشتن هنگامی بوجود می‌آید که ارزش دارائی افزایش یا

ارزش بدهی کاهش می‌یابد؛ زیان ناشی از نگه‌داشتن هنگامی رخ می‌دهد که ارزش دارائی کاهش یا ارزش بدهی افزایش می‌یابد. ارزش منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن در طول یک دوره حسابداری، خالص تغییرات در منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن را برای دارائی و بدهی به‌طور جداگانه نشان می‌دهد. در عمل، ارزش منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن برای هر دارائی و بدهی بین دو نقطه از زمان محاسبه می‌شود، یعنی بین ابتدای دوره یا هنگامی که دارائی تحصیل یا بدهی تقبل می‌شود و انتهای دوره یا هنگامی که دارائی فروخته یا بدهی تسویه می‌شود.

ارزش‌گذاری موجودی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

۳-۱۵۵ موجودی دارائی‌ها و بدهی‌های مالی باید طوری ارزش‌گذاری شوند که گوئی آن‌ها را از طریق تراکنش‌های بازار در تاریخ گزارش دهی ترازنامه تحصیل کرده‌اند. بسیاری از دارائی‌های مالی در بازارها به صورت منظم معامله می‌شوند و بنابراین می‌توان آن‌ها را مستقیماً با استفاده از مظنه قیمت‌ها از این بازارها ارزش‌گذاری کرد. اگر بازارهای مالی در تاریخ مربوط به ترازنامه بسته باشند، قیمت‌های بازاری که باید در ارزش‌گذاری مورد استفاده قرار گیرند قیمت‌هائی هستند که در نزدیک‌ترین تاریخ پیشین در زمان باز بودن بازار غالب بوده‌اند. اوراق بدهی یک ارزش جاری بازار و نیز یک ارزش اسمی دارند، و ممکن است برای بعضی مقاصد، داده‌های تکمیلی درباره ارزش‌های اسمی میزان موجودی اوراق بدهی مفید باشند.

۳-۱۵۶ ارزش‌گذاری دارائی‌ها و بدهی‌های مالی که در بازارهای مالی معامله نمی‌شوند یا به ندرت معامله می‌شوند، باید براساس ارزش معادل بازار انجام شود. برای این دارائی‌ها و بدهی‌ها، برآورد ارزش‌های عادلانه‌ای که در واقع، قیمت‌های بازار را تقریب بزند ضروری خواهد بود. ارزش حال جریان نقدی آینده هم می‌تواند به عنوان تقریبی از قیمت‌های بازار مورد استفاده قرار گیرد، به شرطی که از یک نرخ تنزیل مناسب استفاده شود.

۳-۱۵۷ ارزش‌های بازار، ارزش‌های عادلانه، و ارزش‌های اسمی باید از مفاهیمی نظیر ارزش‌های مستهلک شده، ارزش‌های ظاهری، ارزش‌های دفتری، و بهای تمام شده تاریخی متمایز شوند.

الف. ارزش عادلانه، ارزش معادل بازار است. ارزش عادلانه مبلغی است که با آن یک دارائی می‌تواند بین طرف‌های مایل به مبادله و آگاه در تراکنشی در شرایط متعارف، مبادله شود یا یک بدهی تسویه شود. از این رو، این ارزش نشان دهنده برآوردی از مبلغی است که اگر بستانکار ادعای مالی را فروخته بود می‌توانست بدست آورد.

ب. ارزش اسمی به مبلغی گفته می‌شود که بدهکار به بستانکار مدیون است، که از مبلغ اصل تسویه نشده شامل هر نوع بهره‌ی تعلق گرفته تشکیل شده است.

پ. ارزش مستهلک شده مبلغی را نشان می‌دهد که در آن دارائی مالی یا بدهی به ارزش زمان ثبت اولیه، منهای باز پرداخت‌های اصل آن اندازه‌گیری می‌شود. پرداخت‌های اضافی نسبت به بازپرداخت‌های زمان‌بندی شده‌ی اصل، ارزش مستهلک شده را کاهش می‌دهند برعکس پرداخت‌هائی که کمتر از بازپرداخت‌های زمان‌بندی شده‌ی اصل یا بهره‌ی زمان‌بندی شده باشد ارزش مستهلک شده را افزایش می‌دهند. در هر تاریخ جدول، ارزش مستهلک شده با ارزش اسمی برابر است، ولی ممکن است با ارزش اسمی در تاریخ‌های دیگر به دلیل اینکه بهره تعلق گرفته در ارزش اسمی وجود دارد، متفاوت باشد.

ت. ارزش ظاهری مبلغ تنزیل نیافته اصل است که باید بازپرداخت شود.

ث. ارزش دفتری در حسابداری کسب و کار معمولاً به ارزش ثبت شده در دفاتر بنگاه گفته می‌شود. ارزش‌های دفتری ممکن است معانی متفاوتی داشته باشند زیرا ارزش‌های آن‌ها تحت تأثیر زمان تحصیل، تصرف بنگاه، تناوب بازارزش‌گذاری و، قوانین مالیاتی و سایر قوانین قرار می‌گیرند.

ج. بهای تمام شده‌ی تاریخی، در مفهوم دقیق آن، به بهای تمام شده در زمان تحصیل اشاره دارد ولی گاهی اوقات ممکن است بازارزش‌گذاری‌ها را نیز منعکس کند.

۳-۱۵۸ ارزش‌گذاری دارائی‌ها و بدهی‌های مالی در داده‌های گزارش شده توسط بنگاه‌ها یا دیگر پاسخگویان ممکن است بر مبنای تجارت، نظارت، مالیات، یا سایر استانداردهای حسابداری باشد که به طور کامل قیمت‌های بازار را برای دارائی‌ها و بدهی‌ها نشان ندهد. در چنین مواردی داده‌ها باید تا آنجا که ممکن است تعدیل شوند تا ارزش بازار برای دارائی‌ها و بدهی‌های مالی را منعکس کنند. (اطلاعات بیشتر در زمینه قواعد ارزش‌گذاری را می‌توان در منبع زیر یافت: *راهنمای تهیه کنندگان و کاربران آمارهای بدهی خارجی (External Debt Statistics; Guide for Compilers and users)* (بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، دبیرخانه کشورهای مشترک‌المنافع، اداره آمار اتحادیه اروپا (یوروستات)، صندوق بین‌المللی پول، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، دبیرخانه باشگاه پاریس، گرد همائی توسعه و تجارت سازمان ملل و بانک جهانی (۲۰۰۳)، که تحت عنوان دستورالعمل بدهی خارجی شناخته شده است).

۳. زمان ثبت

انتخاب زمان ثبت

۳-۱۵۹ در SNA وقتی از زمان ثبت بحث می‌شود، باید بین داده‌های موجودی که در ترازنامه‌ها ثبت می‌شوند از یک سو، و داده‌های جریان که در حساب‌ها ثبت می‌شود از سوی دیگر، تفاوت اساسی قائل شد. ترازنامه‌ها، طبق تعریف، به یک نقطه خاص از زمان اشاره دارد. در مقابل، جریان‌ها هم‌افزود یکایک تراکنش‌ها یا سایر جریان‌ها در طول یک دوره حسابداری انتخاب شده هستند که خود در طول دوره حسابداری پراکنده هستند.

۳-۱۶۰ از این رو، SNA یکایک تراکنش‌ها یا سایر جریان‌ها را نشان نمی‌دهد، ولی دو دلیل وجود دارد که چرا باید برای تعیین زمان ثبتِ هریک از آن‌ها قواعد دقیق ارائه شود. نخست این که، قواعد باید فرموله شوند تا روشن سازند که جریان‌های گسسته در کدام دوره‌ی حسابداری باید ثبت شوند. دوم این که، تعیین زمان دقیق یکایک جریان‌ها برای متمایز کردن تغییر ارزش ویژه در اثر تراکنش‌ها از تغییر آن در اثر منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن در طول دوره‌ی حسابداری امری اساسی است. این تمایز به ویژه در وضعیت تورم بالا مهم است.

۳-۱۶۱ یکی از مسائلی که در تعیین زمان تراکنش‌ها وجود دارد این است که فعالیت‌های واحدهای نهادی اغلب در طول دوره‌هائی گسترده هستند که در آن لحظات مهم متعددی را می‌توان مشخص کرد. برای نمونه، بسیاری از فروش‌های تجاری با امضای قراردادی بین فروشنده و خریدار شروع می‌شود که دارای تاریخ تحویل و تاریخ یا تاریخ‌هائی است که در آن پرداخت‌ها به صورت دیون در می‌آیند و فقط در تاریخی که آخرین پرداخت توسط فروشنده دریافت می‌شود، کامل می‌گردند. هریک از این لحظه‌های مجزا از زمان تا حدودی از نظر اقتصادی مرتبط هستند.

۳-۱۶۲ به طور مشابه، در تحلیل مخارج دولت می‌توان برخی روزها را مشخص کرد، روزی که بودجه در مجلس قانون‌گذاری رأی می‌آورد، روزی را که وزارت دارائی مجوز پرداخت بودجه‌ی تعیین شده را به ادارات می‌دهد، روزی را که تعهد ویژه‌ای توسط ادارات ایجاد می‌شود، روزی را که تحویل‌ها انجام می‌شود، و در نهایت روزی را که دستور پرداخت‌ها صادر می‌شود و چک‌ها پرداخت می‌شوند. برای نمونه، در مورد مالیات‌ها، لحظه‌های مهم عبارتند از: روز یا دوره‌ای که بدهی ایجاد می‌شود، لحظه‌ای که بدهی مالیاتی به طور قطعی ارزیابی می‌شود، روزی که پرداخت بدون جریمه جزو دیون در می‌آید و روزی که مالیات واقعاً پرداخت می‌شود یا بازپرداخت‌ها انجام می‌شوند.

۳-۱۶۳ واضح است که، ساختن اقلام ورودی برای تمامی مراحل پی در پیِ قابل تشخیص در داخل فعالیت‌های واحدهای نهادی، هرچند به طور نظری امکان پذیر است، ولی به شدت موجب سنگینی بار SNA می‌شود. باید بین گزینه‌های مختلف، (الف) توجه به نیازهای تحلیلی اقتصاد کلان، (ب) توجه به

دیدگاه‌های اقتصاد خرد، و (پ) توجه به دسترسی عموم به منابع، انتخاب شود. در این رابطه اغلب بین ثبت جریان‌ها بر پایه نقدی، بر پایه پرداخت در سررسید، بر پایه تعهد پرداخت و بر پایه تعهدی تفاوت قائل می‌شوند. ممکن است معیارهای دیگری هم نظیر انتقال فیزیکی یا فرآیندهای اداری در تعیین زمان ثبت در بعضی منابع داده بکار رفته باشد. SNA ثبتِ سراسری پایه تعهدی را توصیه می‌کند.

گزینه ثبت بر پایه تعهدی

۳-۱۶۴ حسابداری نقدی تنها پرداخت‌های نقدی را و در زمانی که پرداخت رخ می‌دهد، ثبت می‌کند. این روش به طور گسترده‌ای برای بعضی مقاصد کسب و کار استفاده می‌شود. مزیت عملی آن اجتناب از مسائل مربوط به ارزش‌گذاری جریان‌های غیر پولی است. ولی، حسابداری نقدی نمی تواند عموماً برای حسابداری ملی و اقتصادی استفاده شود زیرا زمان‌هائی که پرداخت‌ها انجام می‌شوند ممکن است از فعالیت‌ها و تراکنش‌هائی که پرداخت‌ها به آن‌ها مربوط هستند فاصله زمانی قابل توجهی داشته باشند و آنچه که SNA در پی به تصویر کشیدن آن است فعالیت‌ها و تراکنش‌های اساسی است. علاوه بر این، ثبت نقدی نمی‌تواند برای بسیاری از جریان‌های غیرپولی موجود در SNA مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۱۶۵ ثبتِ پرداخت در سررسید جریان‌هائی را نشان می‌دهد که در آخرین زمانی که می‌توان آن را بدون متحمل شدن جریمه یا هزینه‌های اضافی پرداخت کرد منجر به پرداخت‌های نقدی می‌شوند، و بعلاوه پرداخت‌های نقدی واقعی در لحظه‌ای که رخ می‌دهند. فاصله زمانی (در صورت وجود) بین لحظه‌ای که پرداختنی می‌شود و لحظه‌ای که واقعاً پرداخت می‌شود با ثبت یک دریافتنی یا یک پرداختنی در حساب‌های مالی متصل می‌شود. ثبت پرداخت در سررسید نسبت به حسابداری نقدی توصیف جامع‌تری از جریان پولی را فراهم می‌کند. البته عیب این رویه این است که همچنان ثبت محدود به جریان‌های پولی است.

۳-۱۶۶ حسابداری تعهدی جریان‌ها را در زمانی که ایجاد می‌شوند، تغییر شکل می‌دهند، معامله می‌شوند، انتقال می‌یابند یا حذف می‌شوند، ثبت می‌کند. به این معنی است که جریان‌هائی که دلالت بر تغییر مالکیت دارند در زمانی که تغییر رخ می‌دهد، وارد می‌شوند، خدمات زمانی که ارائه می‌شوند، ستانده زمانی که محصولات ساخته می‌شوند و مصرف واسطه زمانی که مواد و ملزومات مصرف می‌شوند، ثبت می‌گردند. SNA حسابداری پایه‌ی تعهدی را توصیه می‌کند زیرا:

الف. زمان ثبت حسابداری تعهدی با روشی که فعالیت‌های اقتصادی و سایر جریان‌ها در SNA تعریف می‌شوند کاملاً سازگار است. این سازگاری امکان می‌دهد سودآوری فعالیت‌های تولیدی به طور صحیحی مورد ارزیابی قرار گیرد (یعنی، بدون تأثیر نگران کننده تعجیل‌ها و تأخیرهای جریان‌های پولی) و ارزش ویژه یک بخش نهادی به طور صحیحی در هر نقطه از زمان محاسبه شود؛

ب. حسابداری تعهدی می‌تواند بر جریان‌های غیرپولی اعمال شود.

۳-۱۶۷ بسیاری از تراکنش‌ها، نظیر خریدهای روزانه‌ی خانوارها از مغازه‌ها، تراکنش‌های پولی هستند که در آن‌ها بعضی دارائی‌ها در مقابل پرداخت نقدی فوری یا تقریباً فوری، تحویل داده می‌شوند. در چنین مواردی، بین سه نوع روشی که در اینجا مورد بحث قرار گرفت، تفاوتی وجود ندارد. حسابداری تعهدی به ویژه به زمان ثبت تراکنش‌های گوناگون داخلی (نظیر ستانده‌ای که به موجودی انبار تولید کننده اضافه می‌شود)، مبادلاتی که در آن‌ها طرف‌های مبادله در زمان‌های متفاوتی تحویل را انجام میدهند (نظیر فروش با تأخیر در پرداخت‌ها) و انتقالات اجباری (مالیات‌ها و جریان‌های مرتبط با تأمین اجتماعی) مربوط می‌شود.

۳-۱۶۸ معمولاً، حسابداری تعهدی روش متداولی برای واحدهای نهادی درگیر است. تراکنش‌های بسیاری از مبادله‌ی بین دو بنگاه، مثل مبادله‌ی کالاها بازای دارائی‌های مالی، تشکیل شده‌اند. در چنین مبادله‌ای اقلام حسابداری برای ثبت در دفاترِ هریک از بنگاه‌ها طوری ساخته می‌شود که تاریخ

یکسانی برای تحصیل کالاها و تسلیم دارائی‌های مالی، از یک سو، و برای تحصیل دارائی‌های مالی و تسلیم کالاها، از سوی دیگر، نشان دهد. با این حال، گاهی اوقات، دو طرف درگیر در تراکنش رخداد آن را در یک لحظه از زمان مشاهده نمی‌کنند. علاوه براین، بعضی از تراکنش‌گران، به ویژه، واحدهای دولتی، ارقام مربوط به خریدها را بر پایه تعهدی نگه نمی‌دارند. در این موارد، قواعد مربوط به سازگاری در SNA ایجاب می‌کند که تلاش شود تا آمارهای پایه برای رفع انحراف‌ها و عیب‌های عمده تصحیح شوند. به کارگیری قواعد کلی برای ثبت اقلام بر پایه تعهدی در رایج‌ترین زمینه‌ها در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

زمان ثبت تحصیل کالاها و خدمات

۳-۱۶۹ زمان ثبت تحصیل کالاها لحظه‌ای است که مالکیت اقتصادی آن از یکی به دیگری منتقل شود. وقتی تغییر مالکیت قطعی وجود ندارد، لحظه ثبت تراکنش در دفترهای طرف‌های تراکنش می‌تواند معیار خوبی باشد و، در صورت فقدان آن، لحظه‌ای که مالکیت فیزیکی و کنترل آن تحصیل می‌شود معیار مناسبی است. این قواعد فرعی به ویژه در تراکنش‌های داخلی یا هنگامی که تغییر مالکیت در یک اجاره‌ی مالی یا خریدهای قسطی انجام خواهد شد، به کار گرفته می‌شود. واردات و صادرات کالاها هنگامی که تغییر مالکیت رخ می‌دهد ثبت می‌شوند. در فقدان منابعی که تاریخ انتقال مالکیت را مشخص می‌کنند، یک پیش فرض قوی وجود دارد که انتقال مالکیت کالاها در مدت کوتاهی قبل یا بلافاصله بعد از عبور آن‌ها از مرز کشورهای مربوطه صورت می‌گیرد. بنابراین، اغلب می‌توان از آمارهای بازرگانی طبق مدارک گمرک که انتقال فیزیکی کالاها را از مرزهای ملی یا گمرکی منعکس می‌کنند، به عنوان یک تقریب استفاده کرد.

۳-۱۷۰ خدمات در SNA زمانی که ارائه می‌شوند، ثبت می‌گردند. بعضی خدمات، خاص هستند به این مفهوم که دارای خصوصیتی هستند که به طور مستمر عرضه می‌شوند. مثال‌هائی در این مورد، اجاره‌داری عملیاتی، بیمه و خدمات مسکن (شامل خدمات واحدهای مسکونی ساکنین مالک) را می‌توان نام برد. این خدمات طوری ثبت می‌شوندکه به طور مستمر در کل دوره‌ای که قرارداد طول می‌کشد یا واحد مسکونی در دسترس است، ارائه می‌شوند.

زمان ثبت تراکنش‌های بازتوزیعی

۳-۱۷۱ در پیروی از قواعد کلی، تراکنش‌های توزیعی در لحظه‌ای ثبت می‌شوند که ادعای مربوطه به وجود می‌آید. درنتیجه، برای مثال، جبران خدمات کارکنان، بهره، بهره‌ی مالکانه زمین، حق بیمه‌ها و مزایای تأمین اجتماعی همه در دوره‌ای ثبت می‌شوند که طی آن مبالغ پرداختنی به وجود می‌آیند. به همین ترتیب، ثبت اقلام مالیات‌ها در لحظه‌ای صورت می‌گیرد که تراکنش‌ها یا سایر جریان‌های بوجود آورنده آن‌ها رخ می‌دهند و منجر به بدهی برای پرداخت می‌گردند. این بدان معنی است که مالیات بر تولید و واردات، بسته به مبنای مالیات، در زمانی که محصولات مورد بحث تولید می‌شوند، وارد می‌شوند یا فروخته می‌شوند، ثبت می‌گردند. مالیات‌های جاری بر درآمد در زمانی ثبت می‌شوند که درآمدی که مشمول مالیات است بدست آید هرچند که ممکن است لازم باشد مالیاتی که در مبداء کسر شده است در زمان کسر آن ثبت شود. در رابطه با برخی تراکنش‌های توزیعی، زمان تعهدی به تصمیم واحد مورد نظر از این که چه موقع درآمد توزیع شود یا انتقالات صورت گیرد بستگی دارد. میزان سود تقسیم شده بطور مشخص به یک دوره خاص عایدی قابل انتساب نیست، و سود تقسیم شده در لحظه‌ای ثبت می‌شود که سهام مربوطه " فاقد سود سهام" اعلام می‌شود. مثال‌های دیگر، برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها و انتقالاتِ داوطلبانه است که هنگامی ثبت می‌شوند که به اجرا در بیایند.

زمان ثبت تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

۳-۱۷۲ تراکنش دارائی‌های مالی (از جمله پرداخت‌های نقدی) در SNA بر پایه تغییر مالکیت ثبت می‌شوند. بعضی ادعاها یا بدهی‌های مالی تعریف شده در SNA، به ویژه اعتبارات تجاری و پیش پرداخت‌ها، نتیجه ضمنی تراکنش‌های غیرمالی هستند و به شکل دیگری قابل مشاهده نیستند. در این حالت‌ها به نظر می‌رسد ادعای مالی زمانی به وجود می‌آید که طرف مقابل غیرمالی آن رخ دهد. همین اصل برای تراکنش‌های مالی که طبق SNA بین یک شبه شرکت و مالک آن ثبت می‌شود، نیز بکار می‌رود.

۳-۱۷۳ دو طرف درگیر در تراکنش‌های مالی ممکن است به دلیل این که مدارک نشان دهنده‌ی تراکنش‌ها را در زمان‌های مختلفی بدست می‌آورند، آن‌ها را در تاریخ‌های متفاوتی در دفترهای خود ثبت کنند. این اختلاف از طریق فرآیند پایاپای بانکی، زمانی که چک‌ها در پست هستند و غیره به وجود می‌آید. مبالغ درگیر در این "تنخواه گردان‌ها" به طور کلی در مورد سپرده‌های انتقال‌پذیر و سایر حساب‌های دریافتنی و پرداختنی قابل توجه هستند. باز هم، دلایل سازگاری ایجاب می‌کند که تراکنش‌ها برای هردو طرف تراکنش در یک تاریخ وارد شوند. اگر تاریخ دقیقی که تغییر مالکیت رخ می‌دهد را نمی‌توان تعیین کرد، تاریخی که درآن تراکنش کاملاً به اتمام رسیده باشد (از این رو تاریخی که در آن اعتبار دهنده پرداخت خود را دریافت کند) تعیین کننده است.

۳-۱۷۴ برای اوراق بهادار، تاریخ تراکنش (یعنی، زمان تغییر مالکیت اوراق بهادار) ممکن است قبل از تاریخ تسویه (یعنی، زمان تحویل اوراق بهادار) باشد. هردو طرف باید تراکنش‌ها را در زمانی که مالکیت تغییر می‌کند ثبت کنند نه هنگامی که دارائی مالی مشخص شده تحویل داده می‌شود. هر تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین تاریخ‌های تراکنش و تسویه، منجر به ثبت حساب‌های پرداختنی و دریافتنی می‌شود.

۳-۱۷۵ در پایه تعهدی، بازپرداخت دیون هنگامی که حذف می‌شوند (مثلاً هنگامی که پرداخت می‌شوند، یا دوباره زمان‌بندی می‌شوند، یا توسط بستانکار بخشیده می‌شوند)، ثبت می‌گردند. وقتی دیرکرد رخ می‌دهد، هیچ تراکنشی نباید احتساب شود، ولی نمایش معوقه‌ها باید در همان ابزار مالی ادامه پیدا کند تا بدهی از بین برود. اگر قراردادی برای تغییر در ویژگی‌های یک ابزار مالی منعقد شده باشد وقتی به تعویق می‌افتد، این تغییرات باید به عنوان بازطبقه‌بندی در حساب سایر تغییرات در دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ثبت شود. بازطبقه بندی در شرایطی بکار می‌رود که اصل قرارداد باقی می‌ماند ولی شرایط داخل قرارداد (مثلاً، نرخ بهره‌ها یا دوره‌های پرداخت) تغییر می‌کند. اگر قرارداد مجدداً مورد مذاکره قرار گیرد یا ماهیت ابزار از یک رده‌ی ابزار مالی به رده دیگر آن تغییر کند (برای مثال، از اوراق قرضه به سهام)، پیامدهای آن به عنوان تراکنش‌های جدید ثبت می‌شوند.

زمان ثبت ستانده و مصرف واسطه

۳-۱۷۶ اصل ثبت بر پایه تعهدی حاکی از آن است که ستانده در طول دوره‌ای که در آن فرآیند تولید صورت می‌گیرد، ثبت می‌شود. بنابراین افزوده بر کالای در جریان ساخت به طور مستمر تا زمانی که کار ادامه دارد، ثبت می‌شود. وقتی فرآیند تولید به اتمام رسید، تمام کار در حال پیشرفتِ انباشت شده تا آن لحظه عمدتاً به موجودی محصول تکمیل شده برای تحویل یا فروش تبدیل می‌شود.

۳-۱۷۷ به طور مشابه، مصرف واسطه‌ی کالاها و خدمات در زمانی که کالا یا خدمت وارد فرآیند تولید می‌شود، ثبت می‌گردد، که این متفاوت از زمانی است که توسط تولید کننده تحصیل می‌شود.

زمان ثبت تغییرات موجودی انبار و مصرف سرمایه ثابت

۳-۱۷۸ موجودی انبار می‌تواند از مواد اولیه و ملزومات نگه‌داشته شده توسط تولید کنندگان به عنوان نهاده، ستانده‌ای که هنوز به فروش نرفته، یا محصولات نگه‌داشته شده توسط عمده فروش و خرده فروش تشکیل شده باشد. در همه‌ی موارد، افزوده به موجودی انبار زمانی ثبت می‌شود که محصولات خریداری می‌شوند، تولید می‌شوند یا به نحو دیگری تحصیل می‌شوند. برداشت از موجودی انبار زمانی ثبت می‌شود که محصولات فروخته می‌شوند، به عنوان مصرف واسطه مصرف می‌شوند یا یا به نحو دیگری واگذار می‌شوند.

۳-۱۷۹ تعیین زمان ثبت مصرف سرمایه ثابت به طور ناگسستنی با نحوه‌ی ارزش‌گذاری آن مرتبط است. مصرف سرمایه ثابت رده‌ای از هزینه است که در طول تمام دوره‌ای که دارائی ثابت برای فرآیند تولید در دسترس است، تعلق می‌گیرد. تسهیم دقیق آن به دوره‌های حسابداری بستگی به نرخ استهلاک دارد.

زمان ثبت تراکنش‌های مرکب و اقلام تراز کننده

۳-۱۸۰ تراکنش‌هائی که به صورت تراز دو یا چند تراکنش دیگر اندازه‌گیری می‌شوند از زمان ثبت اجزای تشکیل دهنده‌ی

آن‌ها پیروی می‌کنند. برای مثال، خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به طور غیرمستقیم (FISIM) هنگامی ثبت می‌شودکه بهره به وام‌ها و سپرده‌ها تعلق می‌گیرد

۳-۱۸۱ همان قاعده برای زمان ثبت اقلام ترازکننده اعمال می‌شود. ولی به علت تنوع تراکنش‌ها و سایر جریان‌های پوشش داده شده، هرکدام با ویژگی‌های خاص خود ثبت می‌شوند، در تعبیر اقلام تراز کننده قدری تأمل لازم است. برای نمونه، در تحلیل قلم تراز کننده "پس‌انداز" شرکت‌های غیرمالی، شخص باید آگاه باشد که زمانی که مازاد عملیاتی ایجاد می‌شود لزوماً با زمان سایر عوامل، نظیر زمانی که سود تقسیم شده پرداختنی می‌شود، مطابقت ندارد.

زمان ثبت سایر جریان‌ها

۳-۱۸۲ سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها معمولاً وقایع گسسته از هم هستند که درلحظه دقیق یا طی یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه تعلق می‌گیرند.

زمان ثبت منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن

۳-۱۸۳ تغییر قیمت‌ها، به ویژه در رابطه با دارائی‌هائی که برای آن‌ها بازارهای فعال وجود دارد، اغلب دارای یک ویژگی مستمرتر است. منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن در عمل بین دو نقطه از زمان محاسبه می‌شود:

الف. لحظه‌ای که در آن:

. دوره حسابداری شروع می‌شود؛ یا

. مالکیت از واحدهای دیگر تحصیل می‌شود (از طریق خرید یا انتقال نقدی)؛ یا

. دارائی تولید می‌شود؛ و

ب. لحظه‌ای که در آن:

. دوره حسابداری به پایان می‌رسد؛ یا

. مالکیت دارائی واگذار می‌شود (از طریق فروش یا یک تراکنش غیر نقدی)؛ یا

. دارائی در فرآیند تولید مصرف می‌شود.

۳-۱۸۴ این امر ممکن است تعجب‌آور باشد که منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن چرا بجای دوره‌ای که شروع آن لحظه تحصیل دارائی‌هاست، در طول دوره‌ای که شروع آن لحظه توافق برای مبادله‌ی دو جانبه‌ی دارائی‌هاست محاسبه نمی‌شوند. گذشته از این‌ها، آیا امضای قرارداد با قیمت‌های معین، دلالت بر این ندارد که ریسک هر گونه تغییر بعدی در قیمت منتقل –می‌شود؟ ولی SNA تعهدات حاصل از یک قرارداد را تا وقتی که یکی از طرف‌ها به تعهد خود عمل کند (از طریق انتقال مالکیت بعضی دارائی‌ها به طرف دیگر، فراهم کردن خدمات یا نیروی کار یا سرمایه) به صورت احتمالی در نظر می‌گیرد. علاوه بر این، هر واحدی منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن را فقط بر دارائی‌ها یا بدهی‌هائی که بر آن‌ها مالکیت اقتصادی دارد می‌تواند متقب شود. ترکیب این دو قاعده حاکی از آن است که در طولِ دوره‌ی بین امضای قرارداد و تاریخی که طرف اول عملِ تحویل را انجام دهد، طرف دوم نمی‌تواند هیچ نوع ریسک مربوط به قیمت را در این قرارداد بپذیرد: طرف دوم نه مالک دارائی‌هائی است که قرار است تحویل داده شوند و نه ادعائی نسبت به طرف اول دارد که بتواند آن‌ها را در حساب‌های مالی ثبت کند.

۳-۱۸۵ تغییرات در ساختار و طبقه‌بندی باید در لحظه‌ای منظور شوند که طبق قواعد اتخاذ شده در SNA، واحد یا دارائی به رده‌ای متفاوت از رده‌ای که قبلاً طبقه‌بندی شده بود، منتقل می‌شود. یک سیستم یکپارچه‌ی جریان– موجودی نظیر SNA مستلزم این است که تمامی بازطبقه‌بندی‌ها ثبت شوند و تمامی اقلام برای بازطبقه‌بندی‌ها در یک زمان ثبت شوند.

۳-۱۸۶ برای بدست آوردن سری‌های آماری که در طول زمان مقایسه‌پذیر باشند، ممکن است تهیه کننده‌ی حساب‌های ملی تصمیم بگیرد بازطبقه‌بندی‌ها را برای تعدادی از سال‌ها جمع کرده و در انتهای دوره به صورت یک تجدید نظر عمده‌ی یک کاسه در طبقه‌بندی انجام دهد. ولی این رویه، با توصیه‌های SNA که به برآورد صحیح در سطوح جزئی‌تر کمک می‌کند، مطابقت نخواهد داشت. در اصل، ثبت مستمر ارقام برای بازطبقه‌بندی این امکان را فراهم می‌کند که سری زمانی بر اساس وضعیت هر دوره حسابداری بازسازی شود.

تعدیلات زمان ثبت برای تراکنش های بین‌المللی

۳-۱۸۷ ممکن است در اثرِ عوامل مختلفی در زمانِ ثبت اقلام توسط طرف‌های اقتصادی تفاوت‌هائی وجود داشته باشد. یکی از مسائل ذاتی در رابطه با ثبت تراکنش‌های بین‌المللی تفاوتِ ساعت‌های منطقه‌ای است. تفاوت زمان ثبت همچنین ممکن است در اثر تأخیر در تحویل یا فرآیندهای تسویه‌ی پایاپای باشد. در بسیاری از موارد، در تهیه حساب‌های بین‌المللی به جای یکایک اقلام ثبتی، داده‌ها در سطوح قدری هم‌افزود شده بکار می‌رود. منابع متعدد داده‌ها ممکن است اغلب فقط داده‌های پایه‌ای مورد نیاز را تقریب بزنند. در جائی که انحرافات عمده‌ای از داده‌های پایه‌ای مورد نیاز وجود دارد، انجام تعدیلات زمانی مهم است.

۳-۱۸۸ در انتخاب بین منابع آماری موجود، ممکن است تهیه کنندگان تمایل داشته باشند مزیت استفاده از داده‌هائی را که قبلاً با زمان صحیحی ثبت شده‌اند ملاحظه کنند. برای مثال، ارقام برداشت‌های واقعی مربوط به وام‌ها، به منابعی که به تاریخ مجوز یا تاریخ‌برنامه استناد می‌شود و در واقع ممکن است تحقق نیابد، ترجیح داده می‌شود. بعضی منابع انتخاب شده توسط تهیه کننده که درکل مناسب‌ترین هستند، ممکن است به نحو خاصی که اطلاعات مورد نیاز تراز پرداخت‌ها را حاصل کند، طراحی نشده باشند.

اقلام ترازنامه

۳-۱۸۹ ترازنامه می‌تواند برای هر لحظه از زمان تنظیم شود. SNA ترازنامه‌ی تمامی بخش‌ها را در لحظه‌ای از زمان که یک دوره‌ی حسابداری به پایان رسیده و دوره جدیدی شروع شده است تعریف می‌کند. ترازنامه انتهای یک دوره با ترازنامه ابتدای دوره دیگر برابر است. بنابراین بدون تغییر قیمت‌ها، بازطبقه‌بندی یا سایر جریان‌های اقتصادی که به قدر لازم توسط SNA شناخته نشده‌اند، باقی می‌ماند.

۴. هم‌افزودن، خالص سازی، تلفیق

هم‌افزودن (تجمیع)

۳-۱۹۰ تعداد بی‌شماری از تراکنش‌ها، سایر جریان‌ها ودارائی‌های منفرد در محدوده‌ی SNA لازم است در تعدادی گروه‌های تحلیلی قابل کنترلی که مفید هستند تنظیم شوند، چنین گروه‌هائی با متقاطع ساختن دو یا چند طبقه‌بندی ایجاد می‌شوند. دستکم، یک طبقه‌بندی از بخش‌های نهادی یا صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) با یک طبقه‌بندی از تراکنش‌ها، اقلام انباشته یا دارائی‌ها به صورت متقاطع تنظیم می‌شود. علاوه براین، باید منابع از مصارف و دارائی‌ها از بدهی‌ها متمایز شوند. برای انجام تحلیل‌های تفصیلی‌تر، می‌توان طبقاتی را که به این ترتیب ایجاد شده‌اند به اجزای بیشتری مثلاً برحسب خصوصیاتی نظیر نوع محصول یا دارائی، نوع کارکرد و نوع طرف‌های تراکنش تقسیم کرد.

۳-۱۹۱ از آنجا که طبقه‌بندی‌های اتخاذ شده در SNA شامل تعدادی سطوح هستند که به‌صورت کدها نشان داده شده‌اند، سطح‌های هم‌افزوده‌ی متناظر با آن‌ها را می‌توان متمایز کرد.

۳-۱۹۲ هرچند از نظر مفهومی ارزش هر هم‌افزوده‌ای حاصل جمع ارزش‌های تمامی اقلام اولیه در رده مربوطه است، ولی در عمل اغلب از روش‌های برآورد دیگری نیز استفاده می‌شود. اولاً، اطلاعات اولیه‌ی مربوط به تراکنش‌ها، سایر جریان‌ها و دارائی‌ها ممکن است کامل نباشند یا حتی وجود نداشته باشند. ثانیاً، داده‌های به دست آمده از منابع اولیه مختلف معمولاً به علت تنوع در تعاریف و پوشش، دارای سازگاری کامل نیستند، بنابراین لازم است در سطح هم‌افزوده‌ها برای وفق دادن آن‌ها تعدیلاتی صورت گیرد.

خالص سازی

۳-۱۹۳ هریک از واحدها یا بخش‌ها ممکن است تراکنشی هم به عنوان منابع و هم به عنوان مصارف داشته باشند (مثلاً هم بهره دریافت کنند و هم بهره پرداخت کنند)، و یک نوع ابزار مالی هم به عنوان دارائی و هم به عنوان بدهی داشته باشند. ترکیب‌هائی که در آن‌ها تمام اقلام اولیه برای ارزش‌های کامل آن‌ها نشان داده می‌شوند، ثبت‌های ناخالص نامیده می‌شوند. ترکیب‌هائی که از طریق آن‌ها ارزش بعضی اقلام اولیه در مقابل اقلام طرف دیگر حساب خنثی می‌شوند یا آن‌هائی که دارای علامت مخالف هستند ثبت‌های خالص نامیده می‌شوند.

۳-۱۹۴ SNA ثبت ناخالص را صرف نظر از درجه‌ای از خالص‌سازی که در ذات خود طبقه‌بندی‌هاست، توصیه می‌کند. در حقیقت، خالص سازی در حال حاضر یکی از ویژگی‌های بسیاری از توصیه‌های SNA است. خالص سازی عمدتاً برای این انجام می‌شود که یک ویژگی مهم از نظر اقتصادی راکه در داده‌های ناخالص آشکار نیست، برجسته کند.

۳-۱۹۵ خالص سازی در رده‌های مختلف تراکنش مستتر است، بارزترین مثال آن "تغییرات موجودی انبار" است، که جنبه‌های تحلیلی قابل توجهی از کل تشکیل سرمایه را برجسته می‌کند، به جای اینکه اضافات و برداشت‌های روزانه از موجودی انبار را ردیابی کند. به طور مشابه، حساب مالی و حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها با تعداد محدودی استثناء، افزایش دارائی‌ها و بدهی‌ها را به طور خالص ثبت می‌کند در حالی که نتایج نهائی این نوع جریان‌ها را در انتهای دوره حسابداری می‌آورد. تمام اقلام تراز کننده نیز خالص سازی را در بر دارند. برای اجتناب از سردرگمی، SNA کلمات "ناخالص" و "خالص" را در یک مفهوم بسیار محدود به کار می‌برد. صرف نظر از تعدادی سرفصل‌های محدود ("خالص حق بیمه‌ها"، "خالص دارائی (ارزش ویژه)"، "خالص وام‌دهی و خالص وام‌گیری")، طبقه‌بندی‌های SNA کلمه "خالص" را منحصراً برای نشان دادن ارزش متغیرها بعد از کسر مصرف سرمایه ثابت به کار می‌برند.

۳-۱۹۶ در مورد جریان‌های دارائی‌ها و بدهی‌های مالی، اصطلاحات "خالص تغییرات در دارائی‌ها" و "خالص تغییرات در بدهی‌ها" برای این به کار برده می‌شوند که ماهیت جریان‌های مالی را منعکس کنند. جریان‌های مالی تغییرات مربوط به تمام اقلامی ثبت شده در بدهکار و بستانکار را درطول دوره حسابداری منعکس می‌کنند. یعنی، جریان‌های مالی برای هر دارائی و بدهی مالی به‌طور جداگانه به‌صورت خالص ثبت می‌شوند. استفاده از اصطلاحات "خالص تغییرات در دارائی‌ها" و "خالص تغییرات در بدهی‌ها" ناشی از پیروی حساب‌های مالی از پیمان‌های بکار رفته درحساب‌های انباشت است. این‌ها اصطلاحات کلی هستند که در هردوی حساب مالی و حساب سایر تغییرات در دارائی‌های مالی و بدهی‌ها به کار می‌روند. استفاده از این اصطلاحات تفسیر داده‌ها را نیز آسان می‌سازد. برای هردوی دارائی‌ها و بدهی‌ها، تغییر مثبت نشان دهنده افزایش در موجودی‌ها و تغییر منفی نشان دهنده کاهش در آن‌هاست. ولی تعبیر افزایش یا کاهش برای مفهوم اقلام ستون بدهکار یا بستانکار بستگی به این دارد که افزایش یا کاهش به دارائی‌ها اشاره دارد یا به بدهی‌ها (قلم ستون بدهکار برای یک دارائی افزایش است در حالی که یک قلم ستون بستانکار برای یک بدهی کاهش است). با وجود این که برای نشان دادن ستون بدهکار و بستانکار برای تراکنش‌های حساب مالی تأکید نشده است، درک و حفظ تساوی‌های حسابداری مهم است؛ برای مثال، یک قلم ستون بستانکار از نظر مفهومی همیشه با یک قلم ستون بدهکار که به افزایش یک دارائی، یا کاهش یک بدهی مربوط می‌شود، جور خواهد بود.

تلفیق

۳-۱۹۷ تلفیق عبارت از نوع خاصی از حذفِ جریان‌ها و موجودی‌هاست که باید با دیگر انواع خالص سازی فرق گذاشته شود. تلفیق، حذف آن دسته از تراکنش‌ها یا روابط بدهکار یا بستانکار است که بین دو تراکنش‌گر متعلق به یک بخش یا زیر بخش نهادی رخ می‌دهد. تلفیق نباید به عنوان از دست دادنِ محض اطلاعات دیده شود؛ تلفیق مشخصه‌های اولیه‌ی طرف تراکنش را در بر دارد. تلفیق ممکن است برای نهادهای مالی و دولت مصداق بیشتری داشته باشد. جزئیات بیشتری در باره این موضوع در فصل‌های ۲۲ و۲۷ ارائه شده است. برای برخی انواع تحلیل‌ها، اطلاعات مربوط به تراکنش‌های این بخش‌ها (زیربخش‌ها) با بخش‌های دیگر و میزان موجودی مالی "خارجی" متناظر دارای اهمیت بیشتری نسبت به تمامی ارقام ناخالص است. در هر حال، به عنوان یک قاعده‌ی کلی، اقلام ثبت شده در SNA تلفیق شده نیستند.

۳-۱۹۸ قاعده عدم تلفیق با در نظر گرفتن تراکنش‌های مربوطه به مقوله‌های "ستانده" و "مصرف واسطه" شکل خاصی پیدا می‌کند. این تراکنش‌ها باید تماماً در سطح کارگاه‌ها ثبت‌شوند. این امر بویژه دلالت بر این دارد که حساب‌های بخش‌های نهادی و حساب‌های صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) نباید از نظر ستانده‌ی رد و بدل شده بین کارگاه‌های متعلق به یک واحد نهادی تلفیق شوند.

فصل ۴: واحدها و بخش‌های نهادی

الف. مقدمه

۴-۱ این فصل به تعریف و شرح واحدهای نهادی و روش گروه‌بندی آن‌ها برای تشکیل بخش‌ها و زیر بخش‌های SNA می‌پردازد. مفهوم کلیدی دیگری که در این فصل مورد بحث قرار می‌گیرد، مفهوم اقامت است زیرا کل اقتصاد از کل مجموعه‌ی واحدهای نهادی مقیم تشکیل شده است.

۱. واحدهای نهادی

۴-۲ ***واحد نهادی هستار اقتصادی است که مستقلاً قادر به تملک دارائی‌ها، تقبل بدهی‌ها و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی و تراکنش با هستارهای دیگر است.*** ویژگی‌های اصلی واحدهای نهادی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

الف. یک واحد نهادی مستقلاً حق مالکیت کالاها یا دارائی‌ها را دارد؛ بنابراین قادر به مبادله‌ی مالکیت کالاها یا دارائی‌ها در تراکنش با دیگر واحدهای نهادی است؛

ب. او قادر به تصمیم گیری اقتصادی و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی است و نسبت به آن مستقیماً مسئول بوده و در برابر قانون پاسخگو است؛

پ. او قادر است از طرف خود متقبل بدهی شود، الزامات یا تعهدات آینده را بپذیرد و در قراردادها وارد شود؛

ت. برای واحد نهادی مجموعه‌ی کامل حساب‌ها، از جمله ترازنامه‌ی دارائی‌ها و بدهی‌ها، وجود دارد یا در صورت نیاز از نظر اقتصادی تهیه‌ی آن‌ها ممکن و معنی دار است.

۴-۳ در دنیای واقعی، دو نوعِ عمده از واحدهائی که مشخصات واحدهای نهادی را داشته باشند وجود دارد، یک نوع از این واحدها افراد و گروهی از افراد به شکل خانوارها، و نوع دیگرِ آن هستارهای قانونی یا اجتماعی هستند.

۴-۴ برای مقاصد SNA، ***خانوار از گروهی از اشخاص تشکیل شده است که محل زندگی مشترک دارند، بخشی از درآمدشان یا همه‌ی آن را به اشتراک می‌گذارند و بعضی از کالاها و خدمات را که عمدتاً مسکن و غذا هستند به طور جمعی مصرف می‌کنند.*** همانند خانوارهای فردی، واحدهائی تحت عنوان خانوارهای مؤسسه‌ای نیز وجود دارند که متشکل از گروه‌هائی از اشخاص هستند که برای مدت طولانی در بیمارستان‌ها، خانه‌های سالمندان، صومعه‌ها، زندان‌ها، و غیره اقامت دارند.

۴-۵ هیچ یک از افراد عضو خانوارهای چند نفره واحد نهادی مجزا تلقی نمی‌شوند. بسیاری از دارائی‌ها به طور مشترک متعلق به دو یا چند عضو از یک خانوار هستند، یا بسیاری از بدهی‌ها را دو یا چند عضو از یک خانوار به طور مشترک متقبل می‌شوند در صورتی که بخشی از درآمد دریافت شده توسط یک عضو از خانوار یا کل آن می‌تواند برای بهره‌مندیِ همه‌ی اعضای خانوار به اشتراک گذاشته شود. علاوه بر این، ممکن است بسیاری از تصمیم‌های مربوط به مخارج خانوار، به خصوص مصرفِ خوراک یا مسکن، به طور جمعی برای کل خانوار اتخاذ شوند. بنابراین، تنظیم ترازنامه‌ها یا دیگر حساب‌های معنی دار برای یک عضو از خانوار غیرممکن است. این دلایل موجب شده است که به‌جای یک عضو خانوار، کل خانوار به عنوان واحد نهادی تلقی شود.

۴-۶ نوع دومِ واحد نهادی هستار قانونی یا اجتماعی است که مستقلاً، به تراکنش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی اشتغال دارد، مانند یک شرکت، یک نهاد غیرانتفاعی (NPI) یا یک واحد دولتی. ***هستار قانونی یا اجتماعی هستاری است که هستی آن بوسیله قانون یا جامعه، مستقل از اشخاص یا هستارهای دیگری که ممکن است مالکیت یا کنترل آن را داشته باشند، به رسمیت شناخته شده باشد.*** این نوع واحدها در برابرِ

تصمیم گیری‌های اقتصادی یا عملیاتی خود مسئول و پاسخگو هستند، اگرچه خودگردانی آن‌ها تا حدودی توسط واحدهای دیگر محدود شده باشد، مانند شرکت‌ها که در نهایت توسط سهامداران آن‌ها کنترل می‌شوند. برخی از بنگاه‌های غیر شرکتیِ متعلق به خانوارها یا واحدهای دولتی ممکن است به شیوه‌ی شرکت‌ها رفتار کنند، این بنگاه‌ها در صورتی‌که مجموعه‌ی کامل حساب‌ها را داشته باشند به عنوان شبه شرکت تلقی می‌شوند.

۴-۷ از نظر قانون، شرکت‌ها ممکن است با اسامی مختلف از قبیلِ شرکت‌ها، بنگاه‌های شرکتی، شرکت‌های مختلط سهامی و مسئولیت محدود، شرکت‌های دولتی، شرکت‌های خصوصی، شرکت‌های تضامنی، شرکت‌های با مسئولیت محدود، شراکت‌های مختلط غیر سهامی، و امثال آن نامیده شوند. برعکس، بعضی هستارهای قانونی که نهادهای غیرانتفاعی هستند نیز ممکن است گاهی "شرکت" نامیده شوند. وضعیت یک واحد نهادی همیشه از نام آن استنباط نمی‌شود، و لازم است اهداف و کارکردهای آن بررسی شود. ***در SNA اصطلاح شرکت، شرکت‌هائی را که به طور قانونی تشکیل شده‌اند و نیز شرکت‌های تعاونی، شراکت‌های با مسئولیت محدود، واحدهای مقیم فرضی و شبه شرکت‌ها را پوشش می‌دهد.*** شرح انواع متعدد واحدهای نهادی در بخش ب ارائه شده است.

۴-۸ ***نهادهای غیرانتفاعی (NPI)ها هستارهای قانونی و اجتماعی ایجاد شده به منظور تولیدِ کالاها و خدمات هستند که وضعیت آن‌ها اجازه نمی‌دهد منبع درآمد، منفعت یا عایدی مالی برای واحدهائی باشند که آن را ایجاد، کنترل یا تأمین مالی می‌کنند.*** در عمل، فعالیت‌های تولیدی آن‌ها محدود به ایجاد مازاد یا کسری است ولی هیچ مازاد ایجاد شده را نمی‌توانند به واحدهای نهادی دیگری اختصاص دهند. اساسنامه تأسیس آن‌ها طوری تنظیم می‌شود که واحدهای نهادی که آن‌ها را کنترل و مدیریت می‌کنند حق سهیم شدن در هیچ منفعت یا درآمد ایجاد شده را ندارند. به این دلیل، آن‌ها اغلب از پرداخت انواع مختلف مالیات معاف هستند. توضیح در باره نحوه‌ی برخورد با NPIها درSNA در بخش پ ارائه شده است.

۴-۹ ***واحدهای دولتی نوع منحصر به فردِ هستارهای قانونی هستند که از طریق فرآیندهای سیاسی ایجاد می‌شوند و اختیار قانون‌گذاری، قضائی و اجرائی بر دیگر واحدهای نهادی در یک دوره معین را دارند.*** وظیفه‌ی اصلی دولت به عنوان واحد نهادی، مسئولیت تهیه‌ی کالاها و خدمات برای جامعه یا برای خانوارهای فردی و تأمین مالی تهیه‌ی آن‌ها از طریق دریافت مالیات یا سایر درآمدها؛ مسئولیت بازتوزیع درآمد و ثروت با استفاده از انتقالات؛ و اشتغال به تولید غیربازاری است.

۲. اقامت

۴-۱۰ ***اقامت هر واحد نهادی، سرزمین اقتصادی است که با آن قوی‌ترین ارتباط را دارد یا به بیان دیگر، مرکز منافع عمده‌ی اقتصادی آن است.*** مفهوم سرزمین اقتصادی در SNA با مفهوم آن در دستنامه‌ی تراز پرداخت‌های ویرایش ۶ *(BPM6)* سازگار است. برخی از ویژگی‌های اساسی سرزمین اقتصادی به این شرح است. سرزمین اقتصادی در گسترده‌ترین مفهوم آن می‌تواند هر منطقه‌ی جغرافیائی یا سرزمین حاکمیتی باشد که آمار برای آن مورد نیاز است. پیوند هستارها به یک سرزمینِ اقتصادیِ خاص با جنبه‌هائی نظیر حضور فیزیکی و وابستگی به حوزه‌ی قدرت دولت آن سرزمین تعیین می‌شود. رایج‌ترین مفهومی که برای سرزمین اقتصادی استفاده شده است، منطقه تحت کنترل اقتصادی عمده‌ی یک دولتِ واحد است. ولی سرزمین اقتصادی ممکن است بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از آن باشد، مانند سرزمین اقتصادیِ یک اتحادیه پولی یا اقتصادی یا قسمتی از یک کشور یا قسمتی از جهان.

۴-۱۱ سرزمین اقتصادی شامل سطح خشکی، حریم هوائی، آب‌های سرزمینی از جمله حوزه‌ی قانونیِ حق ماهیگیری و حق منابع سوختی یا معدنی است. جزایر واقع در دریا نیز که متعلق به یک سرزمین هستند جزء سرزمین اقتصادی منظور می‌شوند. سرزمین اقتصادی همچنین برون خاک‌های (نواحی محاط در سرزمین‌های بیگانه) واقع در دنیای خارج را نیز شامل می‌شود. این‌ها محدوده‌هائی هستند که به روشنی مرزبندی شده‌اند (نظیر سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها، پایگاه‌های نظامی، ایستگاه‌های علمی، ادارات اطلاعات یا مهاجرت، نهادهای

کمک رسانی، دفاتر نمایندگی بانک‌های مرکزی با مصونیت سیاسی، و غیره) که در سرزمین‌های دیگر مستقر بوده و توسط دولت‌هائی که آن‌ها را برای اهداف سیاسی، نظامی، علمی، یا اهداف دیگری با موافقت رسمی دولتِ سرزمین محل استقرار آن‌ها، اجاره کرده یا به مالکیت خود درآورده‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱۲-۴ سرزمین اقتصادی دارای ابعادِ مکانِ فیزیکی و نیز قلمروِ قدرت است. مفاهیم سرزمین اقتصادی و اقامت برای اطمینان از این که هر واحد نهادی در یک سرزمین اقتصادی منفرد مقیم است، طراحی شده‌اند. استفاده از یک سرزمین اقتصادی به عنوان حوزه آمارهای اقتصادی به این معنی است که هر یک از اعضای یک گروه از بنگاه‌های وابسته بجای اقتصاد محل استقرارِ اداره‌ی مرکزی، در اقتصاد محل استقرارشان مقیم به‌حساب می‌آیند.

۱۳-۴ به طور کلی، هر واحد نهادی در یک سرزمین اقتصادی و فقط یک سرزمین اقتصادی مقیم است که آن هم از طریق مرکز منافع عمده‌ی اقتصادی آن واحد تعیین می‌شود. برای بنگاه‌های چند سرزمینی که به صورت یکپارچه در بیش از یک سرزمین اقتصادی اداره می‌شوند، می‌توان استثناهائی قائل شد. این نوع بنگاه‌ها هرچند ممکن است در چندین سرزمین اقتصادی فعالیت قابل ملاحظه‌ای داشته باشند، ولی نمی‌توان آن‌ها را به شعبه‌های مجزا یا یک بنگاه مادر و چندین شعبه تقسیم کرد زیرا آن‌ها از طریق عملیات غیرقابل تفکیک و بدون حساب‌ها یا تصمیم‌گیری‌های جداگانه اداره می‌شوند. این بنگاه‌ها در فعالیت‌های فرا مرزی از جمله خطوط کشتیرانی، خطوط هوائی، طرح‌های برق آبی در رودخانه‌های مرزی، خطوط لوله، پل‌ها، تونل‌ها و کابل‌های زیر دریائی اشتغال دارند. اگر امکان تشخیص یک بنگاه مادر و شعبه‌های مجزا از یکدیگر وجود نداشته باشد، لازم است کل عملیات بنگاه به هر یک از سرزمین‌های اقتصادی سرشکن شود. برای اطلاعات بیشتر در باره این‌گونه مواردخاص، به *BPM6* مراجعه شود.

۱۴-۴ یک واحد نهادی هنگامی دارای یک مرکز منافع عمده‌ی اقتصادی در یک سرزمین اقتصادی است که در داخل آن سرزمین اقتصادی بعضی مکان‌ها، واحدهای مسکونی، محل تولید، یا دیگر محل‌های کسب و کار داشته باشد که در آن یا از آن طی مدت زمان نامحدود یا محدود اما طولانی در مقیاس قابل ملاحظه‌ای به فعالیت‌های اقتصادی و تراکنش‌ها اشتغال داشته یا قصد ادامه‌ی آن را داشته باشد. تا زمانی که مکان در داخل سرزمین اقتصادی می‌ماند، لازم نیست ثابت باشد. معیارِ مکان واقعی یا در نظر گرفته شده برای یک سال یا بیشتر برای ارائه‌ی یک تعریف عملیاتی به کار می‌رود؛ گزینه یک سال به عنوان یک دوره‌ی خاص نیز تا حدودی اختیاری بوده و برای اجتناب از بلاتکلیفی و تسهیل در سازگاری بین‌المللی اتخاذ شده است.

۱۵-۴ مفهوم اقامت در SNA دقیقاً همان مفهومی است که در *BPM6* استفاده شده است. برخی از نکات کلیدی آن به شرح زیر است:

الف. اقامتِ هر شخص به وسیله‌ی خانواری که آن شخص جزئی از آن است، و نه محل کارش، مشخص می‌شود. همه‌ی اعضای یک خانوار دارای اقامت یکسان با خانوار هستند، حتی اگر برای کار از مرز عبور کرده یا دوره‌هائی از زمان را در خارج از کشور به سر ببرند. اگر آن‌ها به قدری طولانی مدت در خارج از کشور کار کنند و اقامت داشته باشند که یک مرکز منافع اقتصادی در آنجا بدست آورند، دیگر عضو آن خانوارِ اصلی نخواهند بود؛

ب. بنگاه‌های غیر شرکتی که شبه شرکت نباشند، واحدهای نهادی جدا از مالکانشان نیستند و بنابراین اقامت یکسانی با مالکان خود دارند؛

پ. معمولاً انتظار می‌رود شرکت‌ها و NPIها در کشوری که به طور قانونی تأسیس و به ثبت رسیده‌اند یک مرکز منافع اقتصادی داشته باشند. شرکت‌ها می‌توانند در کشوری متفاوت از سهامدارانشان مقیم باشند و شرکت‌های تابعه می‌توانند در کشوری متفاوت از شرکت مادر مقیم باشند. وقتی یک شرکت، یا بنگاه غیرشرکتی برای اشتغال به تولید

طی یک دوره زمانی طولانی (معمولاً یک سال یا بیشتر) در کشور دیگری شعبه، دفتر یا سایت تولید ایجاد می‌کند بدون این که یک شرکت تابعه برای این منظور ایجاد کند، این شعبه، دفتر یا سایت به عنوان یک شبه شرکتِ (یعنی یک واحد نهادی جدا) مقیم در کشوری که در آن قرار دارد، در نظر گرفته می‌شود؛

ت. مالکین زمین، ساختمان‌ها و بناهای غیرمتحرک واقع در سرزمین اقتصادیِ یک کشور یا واحدهائی که هریک از این‌ها را برای مدت زمان طولانی اجاره کرده‌اند، طوری عمل می‌شوند که همیشه یک مرکز منافع اقتصادی در آن کشور دارند، حتی اگر در آن کشور به فعالیت‌های اقتصادی دیگر یا تراکنش‌هائی اشتغال نداشته باشند. بنابراین، همه‌ی زمین‌ها و بناها تحت مالکیت مقیم‌ها محسوب می‌شوند؛

ث. استخراج منابع زیرزمینی فقط می‌تواند توسط مقیم‌ها انجام شود. بنگاهی که استخراج منابع طبیعی را به عهده می‌گیرد، هنگامی که پروانه‌ها یا اجاره‌نامه‌های لازم صادر می‌شود، و نه قبل از آن، مقیم تلقی می‌شود؛

ج. برای هستارهائی که ویژگی‌های محل استقرار را ندارند یا اگر داشته باشند کافی نیست نظیر بسیاری از هستارهای دارای هدف ویژه، محل استقرارشان از طریق محل به ثبت رسیدن آن‌ها مشخص می‌شود.

توضیحات بیشتر درباره حد و مرزها در فصل ۲۶ و در *BPM6* ارائه شده است.

۳. رده بندی بخشی و رفتار اقتصادی

۴-۱۶ بخش‌های نهادی SNA انواع مشابه واحدهای نهادی را گروه بندی می‌کند. شرکت‌ها، NPIها، واحدهای دولتی و خانوارها از نظر اهداف، کارکردها، و رفتارهای اقتصادیشان ذاتاً با یکدیگر متفاوت هستند.

۴-۱۷ واحدهای نهادی برحسب ماهیت فعالیت اقتصادی که انجام می‌دهند به بخش‌ها منتسب می‌شوند. سه فعالیت اساسی اقتصادی که در SNA ثبت می‌شوند عبارت از تولید کالاها و خدمات، مصرف برای ارضای خواسته‌ها یا نیازهای بشری و انباشت انواع مختلف سرمایه هستند. شرکت‌ها تولید یا انباشت (یا هردو) را انجام می‌دهند ولی مصرف (نهائی) ندارند. دولت تولید (ولی بسیار متفاوت با تولید شرکت‌ها)، انباشت و مصرف نهائی از جانب مردم انجام می‌دهد. همه‌ی خانوارها از طرف خود مصرف می‌کنند و ممکن است به تولید و انباشت هم اشتغال داشته باشند. NPIها دارای ماهیت‌های متنوعی هستند. برخی مانند شرکت‌ها رفتار می‌کنند، برخی عمدتاً جزئی از دولت هستند و بعضی فعالیت‌های مشابه با فعالیت‌های دولت ولی مستقل از آن انجام می‌دهند.

۴-۱۸ ملاک اساسی برای تمایز بین شرکت‌ها و دولت مبنای تولید آن‌هاست. شرکت‌ها برای بازار تولید می‌کنند و هدفشان فروش محصولات در بازار به قیمت‌هائی است که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه هستند. وقتی گفته می‌شود قیمت‌ها از نظر اقتصادی قابل ملاحظه هستند که تأثیر قابل ملاحظه‌ای برمقداری که تولید کنندگان مایل به عرضه و مقداری که خریداران مایل به خرید هستند، داشته باشند. هنگامی که تولید کننده انگیزه‌ی این را دارد که عرضه را با هدف بدست آوردن سود در بلند مدت (یا حداقل، پوشش دادن سرمایه و هزینه‌های دیگر) وفق دهد و مصرف کنندگان براساس قیمت‌های مطالبه شده برای خریدن یا نخریدن آزاد بوده و حق انتخاب دارند، این قیمت‌ها به طور عادی حاصل می‌شوند. بحث گسترده‌تری از تعریف قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی و مفهوم تولید بازاری و غیربازاری در فصل‌های ۶ و ۲۲ ارائه شده است.

۴-۱۹ شرکت‌ها به دو گروه، شرکت‌هائی که خدمات مالی ارائه می‌کنند و شرکت‌هائی که عمدتاً کالاها و خدمات دیگر فراهم می‌کنند، تقسیم می‌شوند. این دو گروه به ترتیب تحت عنوان شرکت‌های مالی و شرکت‌های غیرمالی شناخته می‌شوند. این‌ها به دلیل نقش ویژه‌ای که شرکت‌های مالی در اقتصاد بازی می‌کنند، از یکدیگر متمایز شده‌اند.

۴-۲۰ اهداف اقتصادی، کارکردها و رفتار واحدهای دولتی کاملاً متفاوت است. آن‌ها تهیه‌ی کالاها و خدمات را برای خانوارهای فردی و کل جامعه سازمان‌دهی و تأمین مالی می‌کنند و از اینرو مخارج مصرف نهائی را متقبل می‌شوند. آن‌ها ممکن است بسیاری از این کالاها و خدمات را خودشان تولید کنند ولی محصولات خود را معمولاً به طور رایگان یا به قیمت‌هائی که با ملاحظاتی غیر از نیروهای خالص بازار تعیین می‌شوند، ارائه می‌کنند. واحدهای دولتی همچنین به توزیع و بازتوزیع درآمد و ثروت از طریق وضع مالیات و انتقالات دیگر نیز علاقمند هستند. واحدهای دولتی صندوق‌های تأمین اجتماعی را نیز در بر می‌گیرند.

۴-۲۱ اهداف، کارکردها، و رفتار خانوارها نیز متفاوت است. خانوارها هرچند عمدتاً واحدهای مصرف کننده هستند، ولی می‌توانند به تولید نیز اشتغال داشته باشند. این فعالیت تولیدی اغلب در مقیاس نسبتاً کوچک و شامل فعالیت‌های غیررسمی و امرار معاش است. وقتی واحدهای تولیدی خانوارها به ثبت نرسیده باشند (و نتوان آن‌ها را هستار قانونی تلقی کرد) به عنوان بنگاه‌های غیر شرکتی شناخته می‌شوند. بنگاه‌های غیر شرکتی جزئی از واحد نهادی خانواری هستند که به آن تعلق دارند.

۴-۲۲ NPIها واحدهای نهادی هستند که به منظور تولید یا توزیع کالاها یا خدمات ایجاد می‌شوند ولی نه به منظور ایجاد هر نوع درآمد یا منفعتی برای واحدهائی که آن‌ها را کنترل یا تأمین مالی می‌کنند. با این حال، برخی از NPIها کالاها و خدماتی را به قیمت‌های قابل ملاحظه‌ی اقتصادی برای مشتریان فراهم می‌کنند، با این NPIها به همان شیوه شرکت‌ها در SNA برخورد می‌شود. NPIهای دیگر که توسط دولت کنترل می‌شوند به عنوان واحدهای دولتی تلقی می‌شوند. بقیه NPIها، که کالاها و خدمات تولید می‌کنند ولی آن‌ها را به قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی نمی‌فروشند و توسط دولت هم کنترل نمی‌شوند، به عنوان گروه خاصی از واحدها تلقی می‌شوند که نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH)ها نامیده می‌شوند. آن‌ها در واقع نهادهای اجتماعی غیردولتی هستند.

۴. کل اقتصاد

۴-۲۳ ***کل اقتصاد به عنوان تمامی مجموعه واحدهای نهادی مقیم تعریف می‌شود.*** واحدهای نهادی مقیم که کل اقتصاد را تشکیل می‌دهند، در پنج بخش نهادیِ متقابلاً ناسازگار گروه بندی می‌شوند. بخش‌ها گروه‌هائی از واحدهای نهادی هستند و هریک از واحدهای نهادی باید در یکی از بخش‌های تعریف شده در SNA طبقه بندی شوند. توالی کامل حساب‌های SNA می‌تواند برای یک واحد نهادی یا گروهی از واحدهای نهادی ساخته شود. ویژگی‌های شرح داده شده در پاراگراف ۴-۲ برای یک واحد نهادی، توضیح می‌دهد که چرا تهیه‌ی مجموعه‌ی کامل حساب‌ها برای قسمتی از یک واحد نهادی امکان‌پذیر نیست. با این حال، تهیه برخی از حساب‌ها برای زیر بخش‌هائی از شرکت‌ها که بر حسب نوع تولیدشان تفکیک شده باشند، امکان پذیر، مفید و رایج است. این موضوع در فصل ۵ مورد بحث قرار گرفته است. فصل حاضر بر انتساب واحدهای کامل به یک بخش یا بخش دیگر متمرکز است.

۵. مروری بر بخش‌های نهادی

۴-۲۴ تمامی واحدهای نهادی مقیم به یک و فقط یک بخش از ۵ بخش نهادی زیر منتسب می‌شوند.

بخش شرکت‌های غیرمالی؛

بخش شرکت‌های مالی؛

بخش دولت؛

بخش نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها؛

بخش خانوارها.

شکل ۴-۱: نمودار راهنما برای تخصیص واحدها به بخش‌های نهادی

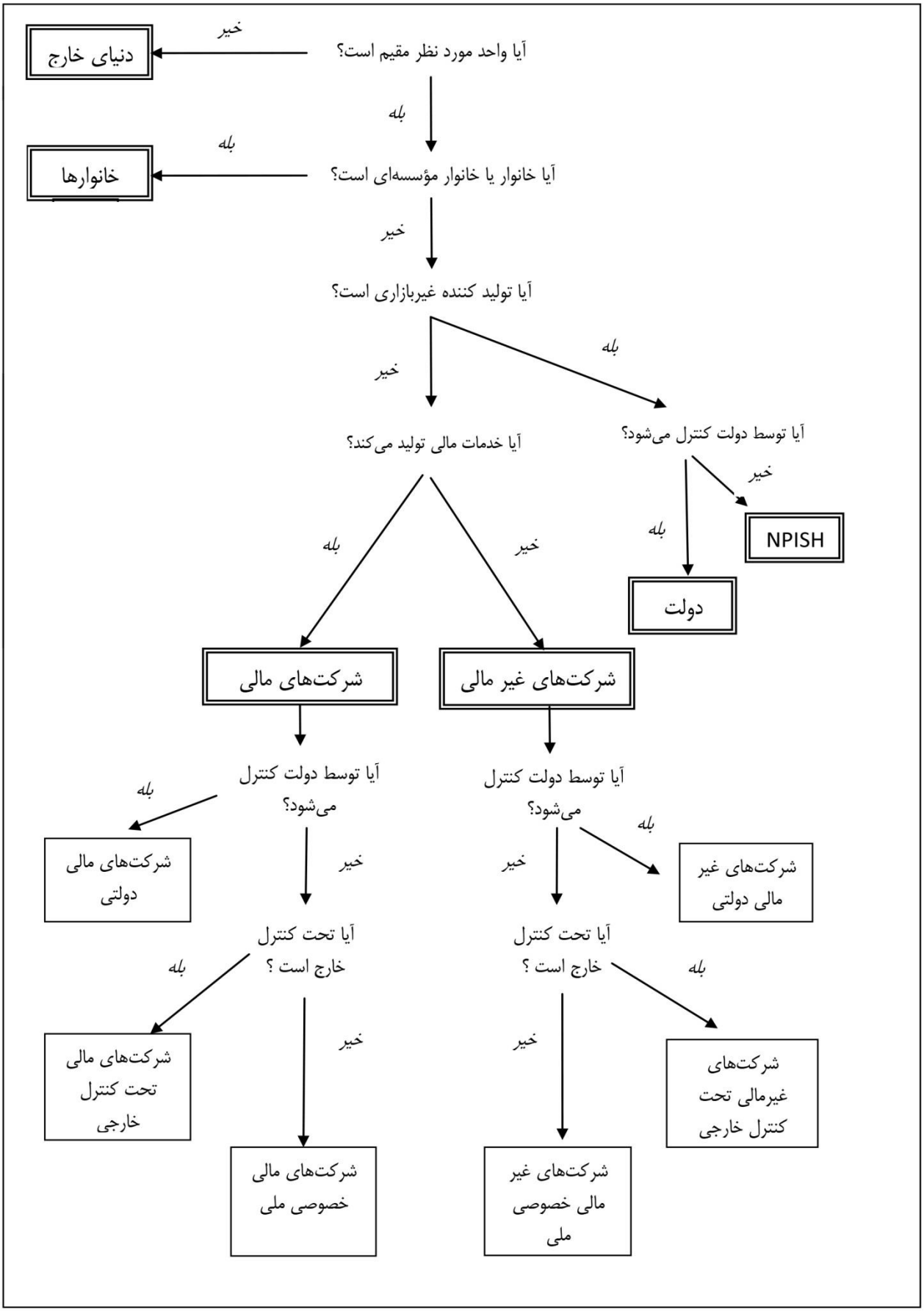

۴-۲۵ پایه‌ی مفهومی برای انتساب یک واحد به بخش مناسب را می‌توان در شکل ۴-۱ مشاهده کرد. مستطیل‌های مربوط به بخش‌های کل اقتصاد، بعلاوه مستطیل مربوط به دنیای خارج، به صورت دو خطی نشان شده است. اگر واحدهای غیرمقیم و خانوارها کنار گذاشته شوند، فقط هستارهای قانونی و اجتماعی مقیم باقی می‌مانند. انتساب این واحدها را به بخش‌ها می‌توان با سه پرسش مشخص کرد. نخستین پرسش این است که واحدِ مورد نظر یک تولید کننده‌ی بازاری است یا غیربازاری. پاسخ آن بستگی به این دارد که بخش عمده‌ی تولید آن واحد به قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی ارائه می‌شود یا خیر.

۴-۲۶ پرسش دوم برای انتسابِ یک واحد به یک بخش، در مورد واحدهای غیربازاری مطرح می‌شود که همه‌ی آن‌ها از جمله NPIهای غیربازاری به یکی از دو بخشِ دولت و NPISHها منتسب می‌شوند. در اینجا عامل تعیین کننده این است که واحد مورد نظر قسمتی از دولت، یا تحت کنترل دولت باشد. معیار کنترل در سطرهای زیرین در بخش پ مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۴-۲۷ پرسش سوم برای انتساب بخشی، در مورد واحدهای بازاری مطرح می‌شود که همه‌ی آن‌ها، از جمله NPIهای بازاری، به یکی از دو بخش شرکت‌های غیرمالی و شرکت‌های مالی منتسب می‌شوند. در زمینه‌ی بخش‌ها همانند زمینه‌های دیگر SNA، اصطلاح "شرکت" تعاونی‌ها، شراکت‌های با مسئولیت محدود، واحدهای مقیم فرضی و شبه شرکت‌ها و نیز شرکت‌هائی که به طور قانونی تأسیس می‌شوند را در برمی‌گیرد.

۴-۲۸ همه‌ی شرکت‌های غیرمالیِ مقیم، در بخش شرکت‌های غیرمالی قرار می‌گیرند و در عمل قسمت عمده‌ی این بخش را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، نهادهای غیر انتفاعی (NPIها) که به تولید بازاریِ کالاها و خدماتِ غیرمالی اشتغال دارند نیز در این بخش قرار می‌گیرند: برای مثال، بیمارستان‌ها، مدارس، یا کالج‌هائی که بهای خدماتشان را دریافت می‌کنند تا قادر به تأمین هزینه‌های جاری تولیدشان باشند، یا اتحادیه‌های صنفی که از طریق حق عضویت‌های دریافتی از اعضاء تأمین مالی می‌شوند، اعضاء این اتحادیه‌ها از شرکت‌های غیرمالی یا بنگاه‌های غیرشرکتی تشکیل می‌شوند که ارتقاء و حفظ منافع آن‌ها به‌عهده‌ی این اتحادیه‌ها است. بخش شرکت‌های غیرمالی در بخش ت با جزئیات بیشتری مورد بحث قرار گرفته است.

۴-۲۹ بخش شرکت‌های مالی شامل همه‌ی شرکت‌های مقیمی است که فعالیت اصلی آن‌ها ارائه خدمات مالی است شاملِ واسطه‌گری‌های مالی، خدمات بیمه و صندوق‌های بازنشستگی، و واحدهائی که فعالیت‌های آسان سازی واسطه‌گری مالی انجام می‌دهند. این بخش همچنین شامل NPIهائی است که به تولید بازاری با ماهیت مالی اشتغال دارند، نظیر NPIهائی که از طریق حق عضویت‌های دریافتی از بنگاه‌های مالی که ارتقاء و حفظ منافع آن‌ها را به‌عهده دارند، تأمین مالی می‌شوند. درباره بخش شرکت‌های مالی، در بخش ث فراتر از این شرح داده شده است.

۴-۳۰ بخش دولت عمدتاً از واحدهای مرکزی، ایالتی و محلی دولت همراه با صندوق‌های تأمین اجتماعی که توسط آن واحدها ایجاد یا کنترل می‌شوند، تشکیل شده است. این بخش همچنین NPIهائی را نیز که به تولید غیربازاری اشتغال دارند و توسط واحدهای دولتی یا صندوق‌های تأمین اجتماعی کنترل می‌شوند، در بر می‌گیرد.

۴-۳۱ بخش نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها همه‌ی NPIهای مقیم را که کالاها و خدمات غیربازاری برای خانوارها یا کل جامعه فراهم می‌کنند غیر از آن‌هائی که توسط دولت کنترل می‌شوند، در بر می‌گیرد.

۴-۳۲ بخش خانوارها شامل همه‌ی خانوارهای مقیم است. این بخش خانوارهای مؤسسه‌ای را که از اشخاصی تشکیل می‌شوند که در بیمارستان‌ها، خانه‌های سالمندان، صومعه‌ها، زندان‌ها و غیره برای مدت طولانی اقامت دارند نیز در برمی‌گیرد. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، یک بنگاه غیرشرکتیِ تحت مالکیت یک خانوار، بخش جدائی ناپذیر خانوار تلقی می‌شود و یک واحد نهادی جدا به حساب نمی‌آید مگر این‌که حساب‌های آن به اندازه‌ی کافی تفصیلی باشد که بتوان این فعالیت را به عنوان فعالیت یک شبه شرکت تلقی کرد.

۶. زیر بخش‌ها

۴-۳۳ هریک از بخش‌های نهادی فهرست شده در بالا را می‌توان به زیربخش‌هائی تقسیم کرد. در رده بندی زیر بخشی ممکن است یک روش واحد برای همه‌ی مقاصد یا همه‌ی کشورها بهینه نباشد، از اینرو در بعضی بخش‌ها شیوه‌های رده بندی جایگزین پیشنهاد می‌شود. تقسیم کل اقتصاد به بخش‌ها با گردآوری واحدهای نهادی با اهداف و نوع رفتارهای مشترک در یک گروه، سودمندی حساب‌ها را برای تحلیل‌های اقتصادی افزایش می‌دهد. بخش‌ها و زیربخش‌ها همچنین برای هدف‌گذاری و پایش گروه‌های خاصی از واحدهای نهادی در راستای سیاست‌گذاری‌ها نیز مورد نیاز است. به عنوان مثال، بخش خانوار باید به زیر بخش‌ها تقسیم شود تا بتوان مشاهده کرد که بخش‌های مختلف جامعه چگونه تحت تأثیر روند توسعه اقتصادی یا سنجه‌های سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت قرار می‌گیرند یا از آن‌ها منتفع می‌شوند. به همین ترتیب، جدا کردن شرکت‌های تحت کنترل غیرمقیم‌ها به‌صورت یک زیر بخش از بخش شرکت‌های غیرمالی و مالی ممکن است مفید باشد، نه تنها به دلیل این‌که متفاوت از شرکت‌های تحت کنترل داخلی عمل می‌کنند بلکه به این دلیل که سیاست‌گذاران ممکن است بخواهند قسمت‌هائی از اقتصاد را که تحت نفوذ خارج هستند شناسائی و مشاهده کنند. تقسیم بخش‌ها به زیر بخش‌ها به نوع تحلیلی که قرار است انجام شود، نیازهای سیاست‌گذاران، دسترسی به داده‌ها و شرایط اقتصادی و ترتیبات نهادی یک کشور بستگی دارد.

کنترل دولتی و خارجی

۴-۳۴ یک رویه‌ی رایجِ رده‌بندیِ زیر بخشی این است که شرکت‌های غیر مالی و مالی که توسط دولت کنترل می‌شوند و شرکت‌های عمومی نامیده می‌شوند (این شرکت‌ها در ایران شرکت‌های دولتی گفته می‌شوند و در این نشریه برای قابل درک بودن مطالب بجای عمومی از دولتی استفاده شده است، مترجم) و شرکت‌هائی که از خارج کنترل می‌شوند، مشخص گردند. شرکت‌هائی که باقی می‌مانند شرکت‌های خصوصی ملی اقتصاد را تشکیل می‌دهند. معیار تشخیص کنترل توسط دولت و کنترل از خارج در بخش ب مورد بحث قرار گرفته است. در شکل شماره ۴-۱ این نوع رده بندی زیر بخش‌ها برای هر دو گروه شرکت‌ها نشان داده شده است.

نهادهای غیر انتفاعی

۴-۳۵ همان‌گونه که در بالا شرح داده شد، SNA نهادهای غیرانتفاعی را برحسب این که برای بازار تولید می‌کنند یا غیربازاری هستند، صرف نظر از انگیزه، وضعیت کارکنان یا فعالیتی که به آن اشتغال دارند، به بخش‌های مختلف منتسب می‌کند. با این حال، علاقه‌ی روزافزونی برای ملاحظه‌ی مجموعه‌ی کامل NPIها به عنوان نشانه‌ای از "جامعه مدنی" به وجود آمده است، از اینرو توصیه می‌شود NPIهای قرار گرفته در بخش شرکت‌ها و - NPIهای قرار گرفته در بخش دولت در زیر بخش‌های جداگانه‌ای نشان داده شوند به‌گونه‌ای که در صورت نیاز، بتوان جدول‌های تکمیلی را که تمام فعالیت‌های NPIها در آن‌ها خلاصه می‌شود، به آسانی بدست آورد.

شیوه‌های دیگرِ رده بندی زیر بخش‌ها

۴-۳۶ موضوع رده‌بندی زیربخش‌ها با نگاه وسیع‌تر به هریک از بخش‌های نهادی در بخش‌های زیرین آورده شده است. زیر بخش‌های ویژه‌ای برای بخش‌های دولت، شرکت‌های مالی و خانوارها پیشنهاد شده است.

۷. دنیای خارج

۴-۳۷ گاهی مناسب است خانوارها یا شرکت‌های غیرمقیم را واحدهائی که در دنیای خارج مقیم هستند، نامید. هنگامی که حساب‌ها برای بخش‌های نهادی، و نیز حسابی برای کل اقتصاد تهیه می‌شود، یک حساب اضافه برای نشان دادن رابطه با دنیای خارج ارائه می‌شود. بنابراین در واقع، تراکنش‌ها با دنیای خارج طوری ثبت می‌شوند که گوئی دنیای خارج یک بخش مجازی ششم است.

ب. شرکت‌ها در SNA

۱. انواع شرکت‌ها

۴-۳۸ در SNA، از اصطلاح شرکت به گونه‌ای گسترده‌تر از مفهومِ قانونی آن استفاده شده است. بطور کلی، تمام هستارهائی که:

الف. قابلیت ایجاد منفعت یا عایدی مالی دیگری برای صاحبانشان دارند،

ب. در قانون به عنوان هستار قانونی جدا از صاحبان آن‌ها که مسئولیت محدودی دارند، شناخته شده‌اند،

پ. به منظور اشتغال به تولید بازاری ایجاد شده‌اند،

به هر صورتی که خودشان را توصیف کنند یا هرچه که نامیده شوند، در SNA شرکت تلقی می‌شوند. اصطلاح شرکت همان‌گونه که به شرکت‌های تأسیس شده براساس قانون اطلاق می‌شود، تعاونی‌ها، شراکت‌های با مسئولیت محدود، واحدهای مقیم فرضی و شبه شرکت‌ها را نیز در بر می‌گیرد. هر وقت که از اصطلاح شرکت استفاده می‌شود، منظور از آن پوشش وسیع‌تری از تعریفِ محدودِ قانونی آن است مگر این که به صراحت گفته شود. هریک از اجزای اصلیِ پوشش گسترده‌ی شرکت‌ها به نوبه خود در سطرهای زیرین مورد بحث قرار خواهد گرفت.

شرکت‌های تأسیس شده براساس قانون

۴-۳۹ شرکت‌هائی که به طور قانونی تأسیس می‌شوند ممکن است با اسامی متفاوتی نامیده شوند: شرکت‌ها، بنگاه‌های شرکتی، شرکت‌های مختلط سهامی و مسئولیت محدود، شرکت‌های دولتی، شرکت‌های خصوصی، شرکت‌های تضامنی، شرکت‌های با مسئولیت محدود، شراکت‌های با مسئولیت محدود و غیره. ***شرکتی که براساس قانون تأسیس می‌شود هستار قانونی است که به منظور تولید کالاها و خدمات برای بازار ایجاد می‌شود و می‌تواند منبع سود یا دیگر عایدی مالی برای صاحب (صاحبان) آن باشد؛ مالکیت آن به طور جمعی به سهامدارانی تعلق دارد که اختیار انتصاب مدیرانِ پاسخگو برای مدیریت کلی خود دارند.***

۴-۴۰ قوانین حاکم بر ایجاد، مدیریت و عملیات شرکت‌هائی که قانوناً تأسیس می‌شوند می‌تواند از کشوری به کشور دیگر تغییر کند به طوری که امکان ارائه‌ی یک تعریف دقیقِ قانونی برای شرکت که از نظر بین‌المللی معتبر باشد، وجود ندارد. ولی، ارائه‌ی ویژگی‌های معمول شرکت‌ها با جزئیات بیشتری که به دیدگاه SNA مرتبط‌تر هستند، امکان پذیر است. این ویژگی‌ها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف. شرکت یک هستار ایجاد شده از طریق فرآیند قانونی است که وجود آن مستقل از واحدهای نهادی دیگری که ممکن است در حقوق سهامداران آن شریک باشند، به رسمیت شناخته می‌شود. وجود شرکت و نام و نشانی آن معمولاً در فهرست خاصی که برای این منظور نگه‌داری شده است، ثبت می‌شود. به طور معمول انتظار می‌رود شرکت یک مرکز منافع عمده‌ی اقتصادی در کشوری که ایجاد و ثبت شده است داشته باشد (یعنی مقیم باشد).

ب. شرکتی که به منظور تولید کالاها یا خدمات برای فروش در بازار ایجاد شده است، محصولات خود را به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه هستند می‌فروشد. این بدین معنی است که یک تولیدکننده‌ی بازاری است. (توضیح درباره‌ی قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی و تفاوت بین تولید بازاری و غیربازاری در فصل‌های ۶ و ۲۲ ارائه خواهد شد).

پ. شرکت برای عملیات، تعهدات و قراردادهای خود کاملاً در مقابل قانون مسئول و پاسخگو است و این صفت اصلی یک واحد نهادی در SNA است. درآمد یا دارائی یک شرکت صرف نظر از فعالیت‌های تولیدی آن تابع نظام مالیاتی کشوری است که در آن مقیم است.

ت. مالکیت یک شرکت به طور جمعی به سهامداران

واگذار می‌شود. میزان درآمدی که در هر دوره از حسابداری به عنوان سود تقسیم شده عملاً بین سهامداران توزیع می‌شود، توسط هیئت مدیره‌ی شرکت تصمیم گیری می‌شود. درآمد معمولاً به نسبت ارزش یا میزان سهام یا دیگر سهم‌های سرمایه، بین آن‌ها توزیع می‌شود. در یک شرکت ممکن است انواع مختلف سهام با حقوق و امتیازهای متفاوتی وجود داشته باشد.

ث. هنگامی که کارِ یک شرکت به پایان می‌رسد، یا منحل می‌شود، سهامداران همچنان حق سهیم شدن در ارزش ویژه‌ی باقی‌مانده‌ی شرکت پس از فروش همه‌ی دارائی‌ها و پرداخت همه‌ی بدهی‌ها را دارند. اگر شرکتی به دلیل مازاد بدهی‌ها نسبت به دارائی‌هایش اعلام ورشکستگی کند، سهامداران آن مسئول بازپرداخت بدهی‌های مازاد آن شرکت نیستند.

ج. کنترل بر یک شرکت در نهایت توسط سهامداران آن به طور جمعی اعمال می‌شود. شرکت دارای یک هیئت مدیره است که مسئول سیاست‌های شرکت و انتصاب مدیریت ارشد آن است. هیئت مدیره معمولاً از طریق رأی دسته جمعی سهامداران منصوب می‌شود.

چ. ولی در عمل ممکن است بعضی سهامداران نفوذ یا کنترل بیشتری بر سیاست‌ها و عملیات یک شرکت نسبت به سایرین اعمال کنند.

ح. حق رأی سهامداران ممکن است برابر نباشد. بعضی از انواع سهم‌ها ممکن است حق رأیی نداشته باشند، در حالی‌که سهم‌های دیگر ممکن است دارای حقوق استثنائی باشند، نظیر حق انجام انتصاب‌های ویژه در هیئت مدیره یا حق وتوی سایر انتصاب‌هائی که با اکثریت آرا صورت گرفته است. این حقوق استثنائی را ممکن است دولت وقتی سهامدار یک شرکت است در اختیار داشته باشد.

خ. بسیاری از سهامدارانی که دارای حق رأی هستند از حقوق خود استفاده نمی‌کنند، به طوری که ممکن است یک اقلیت کوچک سازمان یافته از سهامداران در مؤقعیتی باشند که کنترل سیاست و عملیات شرکت را در دست داشته باشند.

تعاونی‌ها، شراکت‌های با مسئولیت محدود، و نظائر آن

۴-۴۱ تعاونی‌ها، توسط تولیدکنندگان به منظور خرید و فروش ستانده‌ی جمعی آن‌ها تأسیس می‌شوند. سود این تعاونی‌ها براساس قواعد توافق شده توزیع می‌شود و نه لزوماً به نسبت سهام، لیکن این‌ها کاملاً مانند شرکت‌ها عمل می‌کنند. به طور مشابه، شراکت‌هائی که اعضای آن‌ها دارای مسئولیت محدود هستند (شرکت‌های مختلط غیرسهامی) هستارهای جداگانه قانونی هستند که شبیه تعاونی‌ها عمل می‌کنند. در واقع شرکا به‌طور هم‌زمان، هم سهامداران شرکت و هم مدیران آن هستند.

شبه شرکت‌ها

۴-۴۲ کارکرد برخی از بنگاه‌های غیرشرکتی از همه‌ی (یا تقریباً همه‌ی) جهات به‌گونه‌ای است که گوئی شرکت هستند. این‌ها در SNA اصطلاحاً شبه شرکت گفته می‌شوند و همراه با شرکت‌ها در بخش‌های شرکت‌های غیرمالی و شرکت‌های مالی قرار می‌گیرند. یک شبه شرکت می‌تواند به یکی از اشکال زیر وجود داشته باشد:

الف. ***یک بنگاه غیرشرکتیِ متعلق به یک واحد نهادی مقیم که اطلاعات کافی برای تهیه‌ی مجموعه‌ی کامل حساب‌ها را در اختیار دارد و به‌گونه‌ای گردانده می‌شود که گوئی یک شرکت جدا است و رابطه‌ی مجازی آن با مالکش مشابه رابطه یک شرکت با سهامدارانش است، یا***

ب. ***یک بنگاه غیرشرکتی که مالک آن یک واحد نهادی غیرمقیم بوده و به دلیل این که طی مدت زمان طولانی یا نامحدود در سرزمین اقتصادی به میزان قابل ملاحظه‌ای تولید اشتغال داشته است، این گونه پنداشته می‌شود که یک واحد نهادی مقیم است.***

۴-۴۳ سه نوعِ عمده‌ی شبه شرکت در SNA به رسمیت شناخته شده است:

الف. بنگاه‌های غیر شرکتیِ تحت مالکیت واحدهای دولتی که به تولید بازاری اشتغال دارند و به شیوه‌ای مشابه با شرکت‌های تحت مالکیت دولتی گردانده می‌شوند؛

ب. بنگاه‌های غیرشرکتی، از جمله مشارکت‌های غیرشرکتی یا تراست‌ها که مالکیت آن‌ها با خانوارها بوده و به شیوه‌ای مشابه با شرکت‌های تحت مالکیت خصوصی گردانده می‌شوند؛

پ. بنگاه‌های غیرشرکتی که متعلق به واحدهای نهادی مقیم خارج هستند و به عنوان "شعبه" شناخته می‌شوند.

۴-۴۴ قصد از ارائه‌ی مفهوم شبه شرکت، روشن است و آن عبارت از این است که بنگاه‌های غیر شرکتی که به اندازه‌ای خودگردان و مستقل هستند که به شیوه‌ی شرکت‌ها رفتار می‌کنند، از مالکین آن‌ها جدا شوند. وقتی با این شبه شرکت‌ها همانند شرکت‌ها برخورد می‌شود، باید مجموعه کامل حساب‌های خود را داشته باشند. در حقیقت، برای این که یک بنگاه شبه شرکت تلقی شود، وجود مجموعه‌ی کامل حساب‌ها، از جمله ترازنامه‌ها، شرط لازم است. در غیر این صورت، از نظر حسابداری امکان متمایز کردن شبه شرکت از مالک آن وجود ندارد.

۴-۴۵ از آنجا که یک شبه شرکت به صورت یک واحد نهادی جدا از مالک آن در نظر گرفته می‌شود، باید برای خود دارای ارزش افزوده، پس‌انداز، دارائی، بدهی و غیره باشد. تشخیص و ثبت هر نوع جریان درآمد و سرمایه که گوئی بین شبه شرکت و مالک آن رخ داده است، باید امکان پذیر باشد. میزان درآمدی که طی یک دوره‌ی حسابداری از یک شبه شرکت برداشت می‌شود، طبق تصمیم مالک آن صورت می‌گیرد، چنین برداشتی با سود تقسیم شده‌ی پرداخت شده توسط یک شرکت به سهامدار یا سهامدارانش معادل است. با مشخص شدن میزان درآمد برداشت شده، پس‌انداز شبه شرکت (یعنی، میزان عایدی‌های باقی مانده در شبه شرکت) تعیین می‌شود. برای شبه شرکت، ترازنامه‌ای هم لازم است که ارزش دارائی‌های غیر مالی بکار برده شده در تولید و همچنین دارائی‌های مالی متعلق به شبه شرکت و بدهی‌های خود یا بدهی‌های متقبل شده به اسم بنگاه را نشان دهد.

۴-۴۶ تجربه نشان داده است که کشورها در به حساب آوردن بنگاه‌های غیر شرکتی تحت مالکیت خانوارها به عنوان شبه شرکت، مشکل دارند. با این حال، برای تعیین شبه شرکت‌های تحت مالکیت خانوارها معرفی معیارهای اضافی نظیر اندازه‌ی آن مفید نخواهد بود. در حقیقت وقتی یک بنگاه مانند یک شرکت گردانده نمی‌شود و مجموعه کامل حساب‌های خود را ندارد، هر اندازه هم که بزرگ باشد، نمی‌توان و نباید با آن به عنوان یک شبه شرکت برخورد کرد.

شعبه‌ها

۴-۴۷ وقتی یک واحد غیرمقیم طی دوره‌ی قابل ملاحظه‌ای عملیات چشم‌گیری را در یک سرزمین اقتصادی انجام می‌دهد، ولی دارای هیچ هستار قانونی در آن نیست، ممکن است یک شعبه به عنوان واحد نهادی شناخته شود. این واحد برای مقاصد آماری تعیین می‌شود زیرا عملیات آن از تمام جهات غیر از عملیات تأسیس و ثبت، ارتباط مستحکمی با محل عملیات دارد. یک بنگاه غیرشرکتی در خارج در صورتی شبه شرکت تلقی می‌شود که بتوان در آن نشانه‌هائی از یک عملیات اساسی جدا از بقیه هستار شناسائی کرد. همانند شبه شرکت‌های دیگر، مجموعه کامل حساب‌ها برای آن واحد وجود دارد یا از نظر اقتصادی تهیه‌ی آن‌ها معنی دار است. دسترسی به حساب‌های جداگانه نشانه‌ی این است که یک واحدِ واقعی وجود دارد و تهیه‌ی آمارهای مورد نیاز را عملی می‌سازد. علاوه بر این برای تشخیص یک شعبه، وجود همه‌ی عوامل زیر یا بسیاری از آن‌ها نیز لازم است:

الف. تولیدِ ایجاد شده در سرزمین که برای مدت یک سال یا بیشتر در سرزمینی غیراز سرزمینِ اداره‌ی مرکزی آن انجام شود یا قصد انجام آن وجود داشته باشد؛

- اگر فرایند تولید مستلزم حضور فیزیکی است در این صورت عملیات باید به طور فیزیکی در آن سرزمین مستقر باشد. بعضی از نشانه‌های قصد استقرار در سرزمین عبارت از خرید یا اجاره‌ی محل کسب و کار، تحصیل تجهیزات سرمایه‌ای، و استخدام کارکنان محلی است.

- اگر تولید مستلزم حضور فیزیکی نیست نظیر بعضی موارد بانکداری، بیمه، یا سایر خدمات مالی، وجود عملیات در آن سرزمین باید بوسیله‌ی ثبت یا مقر قانونی آن عملیات در آن سرزمین شناخته شود.

ب. عملیات مورد نظر تابع نظام مالیات بر درآمد (در صورت وجود) اقتصادی باشد که در آن قرار گرفته است حتی اگر از معافیت مالیاتی برخوردار باشد.

۴-۴۸ بعضی پروژه‌های ساخت و ساز که توسط یک پیمانکار غیرمقیم انجام می‌شود ممکن است منجر به یک شعبه شود. ساخت و ساز توسط بنگاه‌های غیرمقیم ممکن است بدون ایجاد یک هستار قانونی محلی انجام یا مدیریت شود، مانند پروژه‌های عظیم (نظیر پل‌ها، سدها، نیروگاه‌ها) که تکمیل آن‌ها یک سال یا بیشتر طول می‌کشد و از طریق یک دفتر سایت محلی مدیریت می‌شوند.

واحدهای مقیم فرضی

۴-۴۹ دارائی‌های غیرمنقول نظیر زمین و دیگر منابع طبیعی، و بناها و سازه‌ها، بجز یک مورد خاص، طوری عمل می‌شوند که واحدهای مقیم مالک آن‌ها هستند. اگر مالک قانونی آن‌ها واقعاً غیر مقیم باشد، در SNA یک واحد ساختگی بنام واحد مقیم فرضی، ایجاد می‌شود. واحد مقیم فرضی طوری ثبت می‌شود که گوئی مالک دارائی بوده و بهره‌ی مالکانه یا اجاره بهای تعلق گرفته به دارائی را دریافت می‌کند. مالک قانونی صاحب سهام واحد مقیم فرضی است و بنابراین از این واحد درآمدی به شکل درآمد دارائی پرداختی به خارج دریافت می‌کند. تنها یک استثناء وجود دارد و آن برای زمین و بناهای واقع در برون خاک‌های برون مرزی دولت‌های خارجی (نظیر سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و پایگاه‌های نظامی) است که تابع قوانین سرزمین موطن خود هستند نه سرزمین جائی که در آن واقع شده‌اند.

۴-۵۰ اجاره‌ی بلند مدت برای استفاده از دارائی‌های غیرمنقول نظیر زمین و دیگر منابع طبیعی نیز باید توسط واحدهای مقیم انجام شود. در صورت لزوم، در این مورد نیز باید یک واحد مقیم فرضی تعیین شود.

۲. موارد ویژه

گروه شرکت‌ها

۴-۵۱ ممکن است گروه‌های بزرگی از شرکت‌ها یا مجتمع‌های تولیدی ایجاد شوند که ازطریق آن‌ها یک شرکت مادر شرکت‌های تابعه‌ی متعدد خود را کنترل کند، که برخی از آن‌ها نیز شرکت‌های تابعه‌ی متعلق به خود را کنترل کنند، و به همین ترتیب تا آخر. برای مقاصد خاص، در اختیار داشتن اطلاعات مربوط به کل یک گروه شرکت می‌تواند مطلوب باشد. ولی، هریک از شرکت‌های منفرد، اعم از این که قسمتی از گروه را تشکیل داده باشند یا خیر، باید به عنوان یک واحد نهادی جدا در نظر گرفته شوند. حتی تابعه‌هائی که کل آن‌ها متعلق به شرکت‌های دیگر است هستارهای قانونی جدائی هستند که توسط قانون و مقامات مالیاتی ملزم به تولید مجموعه‌ی کامل حساب‌ها از جمله ترازنامه‌ها می‌باشند. هرچند مدیریت یک شرکت تابعه می‌تواند تحت کنترل شرکت دیگری باشد، این شرکت همچنان برای انجام فعالیت‌های تولید خود مسئول و پاسخگو است.

۴-۵۲ دلیل دیگر برای این که گروه‌های بزرگ شرکت‌ها به عنوان واحد نهادی منفرد در نظر گرفته نمی‌شوند این است که در عمل، این گروه‌ها همیشه به خوبی تعریف نمی‌شوند، پایدار نیستند و به آسانی قابل شناسائی نیستند. بدست آوردن داده‌ها از این گروه‌ها که دارای فعالیت‌های کاملاً یکپارچه‌ای نیستند ممکن است مشکل باشد. علاوه براین، بسیاری از مجتمع‌های تولیدی برای این که به عنوان یک واحد منفرد تلقی شوند بسیار بزرگ و ناهمگون هستند، و اندازه و ترکیب آن‌ها هم

می‌تواند به دلیل ادغام‌ها و قبضه مالکیت، پیوسته در طول زمان در حال تغییر باشد.

ادارات مرکزی و شرکت‌های هلدینگ

۴-۵۳ دو نوع واحدهای کاملاً متفاوتی وجود دارند که غالباً به هردوی آن‌ها شرکت‌های هلدینگ گفته می‌شود. نوع اول ادارات مرکزی هستند که برخی جنبه‌های کنترل مدیریتی را بر شرکت‌های تابعه خود اعمال می‌کنند. این‌ها ممکن است گاهی اوقات به طور محسوسی کارکنان کمتری در سطوح پائین و کارکنان بیشتری در سطح ارشد داشته باشند ولی فعالانه به تولید اشتغال دارند. این نوع فعالیت‌ها در *ISIC Rev. 4* در بخش *M* طبقه ۷۰۱۰ به صورت زیر شرح داده شده است.

این طبقه نظارت و مدیریت بر دیگر واحدهای شرکت یا بنگاه؛ به‌عهده گرفتن نقش برنامه‌ریزی استراتژیک یا سازمانی و تصمیم‌گیری شرکت یا بنگاه، اعمال کنترل عملیاتی و مدیریتِ عملیات روزانه‌ی واحدهای مربوطه را در برمی‌گیرد.

این واحدها به بخش شرکت‌های غیرمالی منتسب می‌شوند مگر این که شرکت‌های تابعه آن‌ها شرکت‌های مالی باشند، که در این حالت طبق قرارداد به عنوان فعالیت‌های جنبی مالی در بخش شرکت‌های مالی در نظر گرفته می‌شوند.

۴-۵۴ نوعی از واحدها که به درستی شرکت هلدینگ نامیده شده‌اند واحدهائی هستند که دارائی‌های شرکت‌های تابعه را در اختیار دارند ولی هیچ گونه فعالیت‌های مدیریتی انجام نمی‌دهد. در *ISIC Rev. 4* بخش K طبقه ۶۴۲۰ این واحدها به شرح زیر بیان شده اند:

این طبقه مشتمل است بر فعالیت‌های شرکت‌های هلدینگ یعنی واحدهائی که دارائی‌های گروه شرکت‌های تابعه را (با دارا بودن سهام آن در سطح کنترل کردن) در اختیار دارند و فعالیت اصلی آن‌ها مالکیت گروه است. شرکت‌های هلدینگ در این طبقه هیچ گونه خدمت دیگری برای بنگاه‌هائی که سهام آن‌ها را در اختیار دارند، ارائه نمی‌دهند، یعنی، آن‌ها واحدهای دیگر را اداره یا مدیریت نمی‌کنند.

این نوع واحدها همیشه به بخش شرکت‌های مالی اختصاص داده می‌شوند و به عنوان نهادهای مالی داخلی تلقی می‌شوند حتی اگر تمام شرکت‌های تابعه‌ی آن‌ها شرکت‌های غیرمالی باشند.

هستارهای دارای هدف ویژه

۴-۵۵ تعدادی از واحدهای نهادی را می‌توان به عنوان هستارهای دارای هدف ویژه (SPE) یا رسانگرهای دارای هدف ویژه نامید. تعریف رایجی از یک SPE وجود ندارد ولی از برخی از ویژگی‌های زیر می‌توان استفاده کرد.

۴-۵۶ این واحدها اغلب نه کارکن دارند و نه دارائی غیرمالی. ممکن است حضور فیزیکی مختصری فقط در حد "تابلوی سر در" داشته باشند که مکان آن‌ها را برای به ثبت رساندنشان تأئید کند. این واحدها همیشه به شرکت دیگری، اغلب به صورت یک تابعه، وابسته هستند، و بویژه SPEها بیشتر در سرزمینی غیر از سرزمین اقامتِ شرکتی که به آن وابسته‌اند، مقیم هستند. در صورت عدم حضورِ هر نوع بُعد فیزیکی برای یک بنگاه، اقامت آن بر حسب سرزمین اقتصادیی که بنگاه تحت قوانین آن به ثبت رسیده است یا شخصیت حقوقی پیدا کرده است، تعیین می‌شود. برای جزئیات بیشتر در موارد مسأله برانگیز به *BPM6* مراجعه شود.

۴-۵۷ هستارهائی از این نوع عموماً توسط کارکنان شرکت دیگری که ممکن است وابسته باشد یا نباشد، مدیریت می‌شوند. این واحد برای خدماتِ ارائه شده به آن حق‌الزحمه پرداخت می‌کند و به نوبه‌ی خود برای جبران این هزینه‌ها از شرکت مادر یا شرکت وابسته‌ی دیگری حق‌الزحمه دریافت می‌کند. این تنها تولیدی است که این واحد در آن درگیر است هرچند که اغلب از طرف مالک خود متقبل بدهی می‌شود و معمولاً برای دارائی‌هائی که در اختیار دارد درآمد سرمایه‌گذاری و عایدی ناشی از نگه‌داشتن دریافت می‌کند.

۴-۵۸ اعم از این که واحدی دارای همه‌ی این ویژگی‌ها باشد یا هیچ کدام از آن‌ها را نداشته باشد، و اعم از اینکه به عنوان یک SPE یا نامی شبیه آن نامیده شود یا خیر، در SNA همانند هر نوع واحد نهادی دیگر بر حسب فعالیت اصلی آن به یک

بخش یا صنعت (رشته‌فعالیت) منتسب می‌شود مگر این که در یکی از مقوله‌های زیر قرار گیرد:

الف. نهادهای مالی داخلی

ب. توابع ساختگی شرکت‌ها

پ. واحدهای دارای هدف ویژه‌ی دولت

هریک از این موارد در زیر توضیح داده می‌شود:

نهادهای مالی داخلی

۴-۵۹ یک شرکت هلدینگ که فقط مالک دارائی‌های شرکت‌های تابعه‌ی آن است مثالی از یک نهاد مالی داخلی است. واحدهای دیگری هم که به عنوان نهادهای مالی داخلی تلقی می‌شوند واحدهائی با ویژگی‌های SPEهائی هستند که در بالا توضیح داده شد و شامل صندوق‌های بازنشستگی و سرمایه‌گذاری و واحدهائی هستند که برای نگه‌داشتن و مدیریت ثروت برای افراد یا خانواده‌ها، نگه‌داشتن دارائی‌ها برای تبدیل به اوراق بهادار، انتشار اوراق بدهی از طرف شرکت‌های وابسته (چنین شرکتی می‌تواند مجرا (واسط) نامیده شود)، رسانگرهای تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار و انجام سایر کارکردهای مالی در نظر گرفته می‌شوند.

۴-۶۰ درجه‌ی استقلال از شرکتِ مادر می‌تواند با اعمال کنترل واقعی بر دارائی‌ها و بدهی‌های آن تا حد پذیرش ریسک و برداشت درآمدِ مربوط به دارائی‌ها و بدهی‌ها، نشان داده شود. چنین واحدهائی در بخش شرکت‌های مالی طبقه بندی می‌شوند.

۴-۶۱ هستاری از این نوع که نمی‌تواند مستقل از شرکت مادر عمل کند و فقط یک نگهدارنده منفعل دارائی‌ها و بدهی‌ها است (گاهی اوقات بدون اختیار نامیده می‌شود)، نمی‌تواند به عنوان یک واحد نهادی جدا تلقی شود مگر این که واحد مورد نظر در اقتصادی مقیم باشد که با اقتصاد شرکت مادر متفاوت است. اگر این واحد در همان اقتصاد شرکت مادر مقیم باشد، به عنوان یک "واحد تابعه‌ی ساختگی" تلقی می‌شود که در پاراگراف بعدی توضیح داده شده است.

واحدهای تابعه‌ی ساختگی شرکت‌ها

۴-۶۲ در SNA، اصطلاح شرکت هم برای نهادهائی که قانوناً شرکت شناخته می‌شوند بکار می‌رود و هم برای واحدهای دیگری که مطابق SNA، شرکت تلقی می‌شوند، به ویژه شبه شرکت‌ها، شعبه‌ها، و واحدهای فرضی. ولی در شش پاراگراف زیر اصطلاح شرکت برای شرکتی که به صورت هستار قانونی است، استفاده خواهد شد.

۴-۶۳ ممکن است شرکت تابعه‌ای که تماماً در تملک یک شرکت مادر است، برای مقاصدی از جمله ارائه‌ی خدماتی به شرکت مادر یا شرکت‌های دیگر از همان گروه، اجتناب از پرداخت مالیات، به حداقل رساندن بدهی‌ها هنگام ورشکستگی، یا کسب سایر مزیت‌های فنی تحت لوای قانون جاریِ شرکت‌ها یا قوانینِ مالیاتی کشور خاصی، ایجاد شده باشد. برای مثال، شرکت مادر ممکن است شرکت تابعه‌ای ایجاد کند که مالکیت زمین، ساختمان یا تجهیزات خود را به این شرکت منتقل کند و تنها کارکرد آن اجاره‌ی دوباره‌ی آن‌ها به شرکت مادر باشد؛ شرکت تابعه ممکن است کارفرمای فرضی تمام کارکنانی باشد که با سایر شرکت‌های گروه قرارداد بسته‌اند، شرکت تابعه ممکن است حساب‌ها و ارقام ثبت شده‌ی شرکت مادر را در رایانه‌ی جداگانه‌ای نگه دارد؛ نقش شرکت تابعه ممکن است این باشد که برای بهره‌مند شدن از منابع مالی یا رفتارهای نظارتی مطلوب و امثال این‌ها ایجاد شده باشد. در برخی موارد، شرکت‌ها ممکن است شرکت‌های تابعه "خفته" ایجاد کنند که در واقع به هیچ تولیدی اشتغال ندارند ولی می‌توانند هر موقع که برای شرکت مناسب است، فعال شوند.

۴-۶۴ به طور کلی، این نوع شرکت‌ها تعریف واحد نهادیِ SNA را پوشش نمی‌دهند زیرا آن‌ها قادر نیستند مستقل از شرکت مادر عمل کنند و ممکن است برای نگه‌داشتن یا تراکنش دارائی‌های نگه‌داشته شده در ترازنامه‌ی خود قدرت محدودی داشته باشند. میزان ستانده آن‌ها و قیمتی که برای آن دریافت می‌کنند توسط شرکت مادر که تنها مشتری آن‌ها است (احتمالاً با سایر شرکت‌های همان گروه)، تعیین می‌شود.

بنابراین آن‌ها در SNA به عنوان واحدهای نهادی جدا تلقی نمی‌شوند ولی به عنوان بخش جدائی ناپذیر شرکت مادر تلقی می‌شوند و حساب‌های آن‌ها با حساب‌های شرکت مادر تلفیق می‌شود. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، حساب‌های SPEهای غیر فعال (آن‌هائی که بدون اختیار هستند) نیز با شرکت مادر تلفیق می‌شود مگر این که در اقتصادی مقیم باشند که متفاوت از اقتصاد شرکت مادر است.

۴-۶۵ همچنین ممکن است یک شرکت مادر شبه شرکت‌هائی نیز نظیر یک شرکت غیرسهامی یا تراست به دلایل مشابهی که برای شرکت‌های تابعه شرح داده شد، ایجاد کند. در SNA، این‌ها هم به عنوان بخش جدائی ناپذیر شرکت مادر تلقی می‌شوند و حساب‌های آن‌ها با حساب‌های شرکت مادر تلفیق می‌شود.

۴-۶۶ لازم است بین واحدهای تابعه‌ی ساختگی که در بالا شرح داده شد و واحدی که فقط فعالیت‌های فرعی را انجام می‌دهد، تفاوت قائل شد. همان‌گونه که در بخش ت فصل ۵ به تفصیل شرح داده خواهد شد، دامنه‌ی فعالیت‌های فرعی محدود به نوعی کارکردهای خدمات است که تقریباً همه‌ی بنگاه‌ها کم و بیش به آن‌ها نیاز دارند نظیر نظافت محل کار، اداره کردن حقوق و دستمزد کارکنان یا فراهم کردن زیربنای تکنولوژی اطلاعات برای بنگاه. واحدهائی که فقط فعالیت‌های فرعی انجام می‌دهند عموماً شرایط لازم را برای این که یک واحد نهادی باشند (به دلایلی مشابه با واحدهای تابعه‌ی ساختگی)، ندارند ولی گاهی اوقات در صورت مفید بودن از نظر تحلیلی می‌توان آن‌ها را به عنوان یک کارگاه مجزای بنگاه تلقی کرد.

واحدهای دارای هدف ویژه‌ی دولت

۴-۶۷ دولت هم ممکن است واحدهای ویژه‌ای با ویژگی‌ها و کارکردهای مشابه با نهادهای مالی داخلی و واحدهای تابعه‌ی ساختگی شرکت‌ها که در بالا شرح داده شد، راه اندازی کند. چنین واحدهائی قدرت این را ندارند که به طور مستقل عمل کنند و گستره‌ی تراکنش‌هائی که می‌توانند درگیر شوند، محدود است. آن‌ها ریسک‌ها و پاداش‌های مربوط به بدهی‌ها و دارائی‌های در اختیارشان را نمی‌پذیرند. این واحدها، اگر مقیم باشند، جزء جدائی ناپذیر دولت تلقی می‌شوند و به صورت واحد مجزا در نظر گرفته نمی‌شوند. این‌ها اگر غیرمقیم باشند واحدهای مجزا تلقی می‌شوند. هر تراکنشی که توسط آن‌ها در خارج انجام شود در تراکنش‌های متناظر با دولت منعکس می‌شود. از این رو واحدی که در خارج وام می‌گیرد به‌گونه‌ای در نظر گرفته می‌شود که بعداً همان مبلغ را با همان مدت زمان وام‌گیری اولیه به دولت وام داده است.

۳. مالکیت و کنترل شرکت‌ها

۴-۶۸ مالکیت یک مجموعه شرکت ثبت شده به نسبت سهم هریک از واحدهای نهادی بین مالکین آن توزیع می‌شود. این امکان وجود دارد که یک واحد نهادی منفرد، اعم از یک شرکت دیگر، یا یک خانوار یا یک واحد دولتی مالکیت همه‌ی سهام یا سهم‌الشرکه‌ی شرکت را داشته باشد ولی عموماً، مالکیت یک شرکت پذیرفته شده در بورس بین واحدهای نهادی متعدد، احتمالاً بسیار زیاد، توزیع می‌شود.

۴-۶۹ یک واحد نهادی به تنهائی با در اختیار داشتن بیش از نیمی از سهم‌الشرکه یا سهام یک شرکت در صورت نیاز قادر است با وتو کردن آرای تمام سهامداران دیگر سیاست و عملیات شرکت را کنترل کند. همین‌طور، یک گروه کوچک سازمان یافته از سهامداران که مجموع مالکیت سهام آن‌ها بیش از ۵۰ درصد کل سهام است با اقدام هماهنگ خود قادر به کنترل شرکت هستند. ممکن است موارد استثنائی نیز وجود داشته باشد که بعضی سهامداران از حق رأی خاصی نظیر "سهم ممتاز" که به دارنده‌ی آن حق وتو می‌دهد، برخوردار باشند ولی به طور کلی یک واحد نهادی یا گروهی از واحدهای نهادی که بیش از نصف سهام دارای رأی یک شرکت را در اختیار دارند با انتصاب مدیران منتخب خود می‌توانند کنترل کامل بر شرکت اعمال کنند. بنابراین، درجه‌ی خودگردانی مدیران و مدیران اجرائی یک شرکت به طور قابل ملاحظه‌ای متغیر است و بستگی به این دارد که مالکیت سهام آن تا چه حد در دست تعداد کمی از واحدهای نهادی دیگر اعم از شرکت‌های دیگر، خانوارها یا واحدهای دولتی، متمرکز باشد. به طور کلی، واحدهای نهادی ملزم به خودگردانی نیستند ولی

مجبور هستند برای تصمیم‌گیری‌ها و عملیات خود مسئول و پاسخگو باشند.

۴-۷۰ از آنجا که بسیاری از سهامداران از حق وتوی خود استفاده نمی‌کنند، ممکن است کنترل شرکت را یک سهامدار، یا تعداد کمی از سهامدارانی که باهم اقدام می‌کنند، بدست بگیرند، حتی اگر سهام آن‌ها بسیار کمتر از نصف کل سهام شرکت باشد. وقتی مالکیت سهام به طور گسترده‌ای بین تعداد بسیار زیادی از سهامداران پراکنده می‌شود، ممکن است کنترل شرکت را دارندگان تعداد بسیار کمتری از نصف کل سهام به دست آورند.

۴-۷۱ اما برای تعداد کمتر از ۵۰ درصد سهام، گذاشتن شرط حداقل تعداد سهام برای کنترل شرکت در همه‌ی موارد امکان پذیر نیست. حداقلِ مورد نظر بسته به تعداد کل سهامداران، توزیع سهام بین آن‌ها، و میزان مشارکت فعال سهامداران کوچک، وغیره، متغیر است.

شرکت‌های تابعه و وابسته

۴-۷۲ برای شرکت‌ها داشتن سهام سایر شرکت‌ها امر رایجی است، و لازم است برای مقاصد SNA بعضی روابط متقابل بین آن‌ها مشخص شود.

شرکت‌های تابعه

۴-۷۳ شرکت الف هنگامی تابعه شرکت ب گفته می‌شود که:

الف. شرکت الف بیش از نصف قدرت رأی دهی سهامداران شرکت ب را کنترل کند؛ یا

ب. شرکت الف در شرکت ب سهامداری باشد که حق انتصاب یا عزل اکثریت مدیران شرکت ب را داشته باشد.

۴-۷۴ در چنین شرایطی شرکت الف می‌تواند به عنوان شرکت مادر نامیده شود. از آنجا که رابطه‌ی شرکت مادر با یک تابعه بجای مالکیت با توجه به کنترل تعیین می‌شود، رابطه آن‌ها یک رابطه انتقالی است: یعنی، اگر پ واحد تابعه‌ی ب و ب نیز واحد تابعه‌ی الف باشد، در این صورت پ باید واحد تابعه‌ی الف هم باشد. اگر الف یک سهامدار دارای اکثریت سهام در ب است در حالی که ب یک سهامدار دارای اکثریت سهام در پ است، الف نمی‌تواند دارای اکثریت سهام در پ هم باشد. با این حال، اگر الف ب را کنترل می‌کند باید قادر باشد پ را نیز کنترل کند. در مقایسه با خانواده‌ی اشخاص، شرکت ب را می توان واحد تابعه‌ی نسل اولِ شرکت الف، و شرکت پ را واحد تابعه‌ی نسلِ دوم شرکت الف نامید. آشکار است که خانواده-های بزرگ شرکت‌ها با هر تعداد واحد تابعه در هر سطح یا هر نسل و همچنین هر تعداد از نسل‌ها می‌توانند ایجاد شوند. در بعضی از کشورها خانواده‌های خیلی بزرگ شرکت‌ها تحت عنوان مجتمع‌های تولیدی مشاهده می‌شوند. مجتمع‌های تولیدی که از شرکت‌های مقیم در کشورهای مختلف تشکیل شده باشند، معمولاً شرکت‌های چند ملیتی نامیده می‌شوند.

شرکت های وابسته

۴-۷۵ شرکت ب وقتی وابسته‌ی شرکت الف گفته می‌شود که شرکت الف و واحدهای تابعه‌ی آن بین ۱۰ تا ۵۰ درصد قدرت رأی دهی سهامداران را در ب تحت کنترل داشته باشند به طوری که الف تا حدودی بر سیاست و مدیریت ب اعمال نفوذ کند.

۴-۷۶ طبق تعریف، یک شرکت قدرت اعمال نفوذ کمتری در شرکت وابسته دارد تا یک واحد تابعه. هرچند بعضی شرکت‌ها ممکن است قادر به اعمال نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر وابسته‌های خود باشند، ولی این نمی‌تواند تضمین شده باشد. ارتباط بین وابسته‌ها ضعیف‌تر از ارتباط بین شرکت‌های مادر و شرکت‌های تابعه است، و گروه شرکت‌های وابسته ممکن است به خوبی تعیین نشده باشد.

شرکت‌های تحت کنترل دولت

۴-۷۷ یک شرکت در صورتی شرکت دولتی است که یک واحد دولتی، شرکت دولتی دیگر، یا ترکیبی از واحدهای دولتی و شرکت‌های دولتی آن را کنترل کنند، و کنترل به معنی قدرت تعیین خط مشیِ کلی شرکتیِ آن شرکت تعریف می‌شود.

تعیین خط مشیِ کلی شرکتیِ آن شرکت تعریف می‌شود. عبارت "خط مشی کلی شرکتی" که در اینجا استفاده شده است، در یک مفهوم گسترده به معنای سیاست‌های کلیدی مالی و اجرائی مربوط به هدف‌های راهبردی یک شرکت تولیدکننده‌ی بازاری است.

۴–۷۸ از آنجا که دولت‌ها از طریق قوانین، مقررات، احکام و نظائر آن‌ها قدرت حاکمیتی خود را اعمال می‌کنند، در تشخیص این که آیا اعمال چنین قدرتی به تعیین خط مشی کلی شرکتیِ یک شرکت خاص و بنابراین کنترل آن شرکت منجر می‌شود، لازم است مراقبت به عمل آید. قوانین و مقرراتی که در همه‌ی واحدهای تشکیل دهنده‌ی یک طبقه یا یک صنعت (رشته‌فعالیت) خاص قابل اجرا است، نباید به عنوان اعمال کنترل دولت بر این واحدها تلقی شود.

۴–۷۹ قدرت تعیین خط مشیِ کلی شرکتیِ یک شرکت خاص لزوماً کنترل مستقیم فعالیت‌ها یا عملیات روزمره آن شرکت را در بر نمی‌گیرد. به طور عادی انتظار می‌رود این موارد را هیأت رئیسه‌ی چنین شرکتی به شیوه‌ای سازگار با اهداف کلی آن شرکت خاص و در جهت حمایت از آن اهداف، اداره کند. قدرت تعیین خط مشی کلی یک شرکت خاص، کنترل مستقیم بر توصیه‌های حرفه‌ای، فنی یا علمی را نیز در بر نمی‌گیرد، زیرا این‌ها به طور عادی قسمتی از صلاحیت اصلی خودِ شرکت به شمار می‌رود. برای مثال، توصیه‌های حرفه‌ای یا فنی اعمال شده توسط یک شرکت که برای تأئید صلاحیت پرواز هواپیما تعیین می‌شود به عنوان کنترل تأئیدها یا عدم تأئیدهای آن شرکت به تنهائی در نظر گرفته نمی‌شود، هرچند که ممکن است سیاست‌های وسیع‌تر مالی و عملیاتی شرکت که شامل معیارهای مناسب بودن هواپیما برای پرواز نیز می‌شود، توسط یک واحد دولتی به عنوان قسمتی از خط مشی شرکتی آن شرکت، به خوبی تعیین شود.

۴–۸۰ از آنجا که تمهیدات گوناگونی برای کنترل شرکت‌ها به کار می‌رود، تجویز یک فهرست قطعی از عواملی که باید در نظر گرفته شوند، نه مطلوب و نه امکان پذیر است. با این حال، هشت مشخصه زیر به طور عادی مهمترین و محتمل‌ترین عواملی هستند که باید درنظر گرفته شوند:

الف. *دارا بودن اکثریت قدرت رأی دهی.* وقتی تصمیم‌ها بر اساس هر سهم یک رأی اتخاذ می‌شوند، دارا بودن اکثریت سهام به طور عادی منجر به کنترل می‌شود. سهیم بودن ممکن است به طور مستقیم یا غیر مستقیم باشد، و سهام متعلق به همه‌ی هستارهای عمومی دیگر باید تجمیع شوند. وقتی تصمیم‌ها براساس هر سهم یک رأی اتخاذ نمی‌شود، طبقه بندی باید بر این اساس باشد که آیا سهام متعلق به دیگر هستارهای عمومی صدای اکثریت است.

ب. *کنترل هیئت مدیره یا هیئت اداره کننده‌ی دیگر.* قدرت نصب و عزل اکثریت هیئت مدیره یا هیئت اداره کننده‌ی دیگر طبق قانون، مقررات، قرارداد، یا سایر ترتیبات موجود، احتمالاً منجر به ایجاد کنترل می‌شود. حتی می‌توان حق وتوی انتصاب‌های پیشنهادی را اگر بر گزینه‌هائی که می‌توانند انتخاب شوند تأثیر داشته باشد، به عنوان کنترل در نظر گرفت. اگر هیئت دیگری مسئول انتصاب مدیران باشد، باید ترکیب آن از نظر تأثیرگذاری دولت بررسی شود. اگر دولت اولین گروه مدیران را منصوب کند ولی کنترلی بر انتصاب مدیران جایگزین نداشته باشد، نهاد مورد نظر جزئی از بخش عمومی خواهد بود تا دوره مدیران منصوب شده‌ی اولیه به پایان برسد.

پ. *کنترل عزل و نصب کارکنان کلیدی.* اگر کنترل هیئت مدیره یا هیئت اداره کننده‌ی دیگر ضعیف باشد، انتصاب مدیران اجرائی کلیدی، نظیر رئیس اجرائی، دبیر و مدیر مالی، می‌تواند تعیین کننده باشد. انتصاب مدیران غیراجرائی هم در صورتی که در کمیته‌های کلیدی نظیر کمیته‌ی تعیین پاداش‌های پرداختی به کارکنان ارشد حضور داشته باشند، می‌تواند مناسب باشد.

ت. *کنترل کمیته‌های کلیدی هستار.* زیر کمیته‌های هیئت مدیره یا هیئت اداره کننده‌ی دیگر می‌توانند

سیاست‌های کلیدی مالی و عملیاتی هستار را تعیین کنند. عضویت اکثریت بخش عمومی در این زیر کمیته‌ها می‌تواند کنترل ایجاد کند. چنین عضویتی ممکن است طبق اساسنامه‌ی شرکت یا دیگر سندِ (ابزارِ) اختیار دهنده ایجاد شده باشد.

ث. *اختیار معامله و سهم ممتاز.* دولت ممکن است صاحب یک "سهم ممتاز" به خصوص در شرکت‌هائی که به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، باشد. در برخی موارد، با این سهم دولت از حقوق باقی مانده‌ای برخوردار می‌شود تا از منافع عموم حمایت کند مثلاً از طریق جلوگیری از فروش بعضی از انواع دارائی‌ها توسط شرکت واگذار شده یا از طریق انتصاب مدیران خاصی که دارای قدرت زیادی در بعضی شرایط هستند. سهم ممتاز به خودی خود نشان دهنده کنترل نیست. اما، اگر قدرت به دست آمده از سهم ممتاز این توانائی را به دولت اعطا کند که خط مشی شرکتیِ هستار را در شرایط خاص و شرایط حاضر تعیین کند، در این صورت آن هستار باید از تاریخ مورد بحث جزو بخش عمومی منظور شود. اختیار خرید سهام برای یک واحد دولتی یا شرکت دولتی در بعضی شرایط نیز همانند سهم ممتاز گفته شده در بالا عمل می‌کند. در این حالت باید این موارد بررسی شود که آیا شرایط لازم برای اعمال اختیار معامله‌ی سهام وجود دارد، حجم سهامی که تحت این اختیار خرید می‌تواند خریداری شود چه میزان است و آیا در اثر این عمل دولت "قدرت تعیین خط مشی کلی شرکتیِ هستار" را با اعمال اختیار معامله سهام خواهد داشت. به طور کلی وضعیت یک هستار باید براساس قدرت موجود در دولت که برای "تعیین خط مشی شرکتی" تحت شرایط عادی و نه شرایط استثنائی اقتصادی یا شرایط دیگر نظیر جنگ، ناآرامی‌های مدنی یا بلایای طبیعی اعمال می‌شود، تعیین گردد.

ج. *نظارت و کنترل.* ممکن است قضاوت در مورد حد و مرز بین نظارت که به همه‌ی هستارهای یک طبقه یا یک گروه صنعت (رشته‌فعالیت) اعمال می‌شود و کنترل یک شرکت مشخص مشکل باشد. مثال‌های بسیاری از درگیرشدن دولت در نظارت، به ویژه در زمینه‌هائی نظیر انحصارات و تأسیسات آب و برق واگذار شده به بخش خصوصی وجود دارد. برای درگیر شدن دولت در نظارت، حضور دولت در امور مهم نظیر تعیین قیمت‌ها، بدون واگذار کردن خط مشی شرکتی توسط هستار مورد نظر، امکان‌پذیر است. وقتی دولت تصمیم می‌گیرد که در یک محیط نظارتی شدید وارد عمل شود یا به عمل خود ادامه دهد نشان می‌دهد که آن هستار تحت کنترل دولت نیست. هنگامی که نظارت به قدری شدید است که دولت به طور مؤثری دیکته می‌کند که هستار چگونه در کسب و کار خود عمل کند، این امر می‌تواند شکلی از کنترل باشد. اگر هستاری در ارتباط با دولت نظر یک جانبه‌ی خود را اعمال کند مبنی بر این که از یک هستار بخش عمومی منابع مالی دریافت کند، با آن ارتباط تجاری داشته باشد، یا به نوع دیگری برخورد کند، این هستار سرانجام توانائی تعیین خط مشی شرکتی خود را دارد و تحت کنترل هستار بخش عمومی نیست.

چ. *کنترل توسط یک مشتری غالب.* اگر همه‌ی فروش‌های یک شرکت به یک مشتری واحد از بخش عمومی یا گروهی از مشتریان این بخش صورت می‌گیرد، دامنه‌ی نفوذ مشخصی برای مشتری غالب وجود دارد. حضور یک اقلیت مشتری بخش خصوصی معمولاً نشانه‌ای از وجود عنصر تصمیم گیری مستقل توسط شرکت است بنابراین آن هستار تحت کنترل محسوب نمی‌شود. به طور کلی، اگر مدرک روشنی وجود داشته باشد که به دلیل نفوذ دولت، شرکت نمی‌تواند انتخاب کند که با مشتریان بخش غیرعمومی معامله داشته باشد، در این صورت کنترل دولت وجود دارد.

ح. *کنترل ناشی از وام‌گیری از دولت.* وام دهندگان اغلب کنترل‌هائی را به عنوان شرایط اعطای وام تحمیل

می‌کنند. اگر دولت از طریق وام‌دهی یا انتشار ضمانت‌نامه‌ها کنترل‌هائی بیش از کنترل‌های وام‌دهی به یک هستار سالم بخش خصوصی تحمیل کند، ممکن است نشانه‌ای از کنترل باشد. به همین ترتیب، ممکن است کنترل تنها وقتی اعمال شود که دولت وام اعطاء کند.

هرچند در برخی موارد یک نشانه می‌تواند برای برقراری کنترل کافی باشد، ولی در موارد دیگر، ممکن است تعدادی از نشانه‌های جدا از هم به طورجمعی نشان دهنده‌ی کنترل باشند. تصمیم مبتنی بر همه‌ی نشانه‌ها باید با قضاوت در ماهیت آن اتخاذ شود ولی در موارد مشابه باید قضاوتِ کاملاً مشابهی صورت گیرد.

کنترل توسط یک واحد غیرمقیم

۸۱-۴ به طور کلی، یک واحد غیرمقیم در صورتی یک شرکت مقیم را کنترل می‌کند که مالکِ بیش از ۵۰ درصدِ سهام آن شرکت باشد. شعبه‌های یک شرکت غیرمقیم بنا بر ماهیتشان همیشه تحت کنترل خارجی هستند. ولی، با در اختیار داشتن کمتر از نصف سهام یک شرکت نیز امکان کنترل آن وجود دارد و آن در صورتی است که واحد غیرمقیم برخی از اختیاراتی که در بالا به عنوان نشانه‌های امکان کنترل دولت شرح داده شد، مانند کنترل هیئت مدیره یا گروه اداره کننده‌ی دیگر، کنترل عزل و نصب کارکنان کلیدی، کنترل کمیته‌های کلیدی شرکت و امثال این‌ها را بتواند اعمال کند.

۸۲-۴ در تراز پرداخت‌ها، بین شرکت‌هائی که بیش از ۵۰ درصدِ سهام آن‌ها متعلق به غیرمقیم‌ها است و شرکت‌هائی که بین ۱۰ تا ۵۰ درصد حقوق سهامداران آن‌ها متعلق به خارج است، تفاوت وجود دارد. تمامی شرکت‌ها با ۱۰ درصد و بیشتر به عنوان بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تعریف می‌شوند و باید با عواید آن‌ها برخورد ویژه‌ای صورت گیرد. جزئیات بیشتر در این مورد در فصل‌های ۷ و ۲۶ ارائه شده است. بیان این نکته ضروری است که با وجود این که همه‌ی شرکت‌های تحت کنترل خارجی، بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند ولی عکس آن صحیح نیست، برای مثال، حتی یک شرکت تحت کنترل دولت هم می‌تواند یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد اگر علاوه بر کنترل بیش از نصف سهام توسط دولت، ۱۰ درصد هم متعلق به یک غیرمقیم باشد.

پ. نهادهای غیرانتفاعی

۸۳-۴ ***نهادهای غیرانتفاعی هستارهای قانونی و اجتماعی ایجاد شده به منظور تولیدِ کالاها و خدمات هستند که وضعیت آن‌ها اجازه نمی‌دهد منبع درآمد، منفعت یا عایدی مالی برای واحدهائی باشند که آن را ایجاد، کنترل یا تأمین مالی می‌کنند.*** در عمل، فعالیت‌های تولیدی آن‌ها محدود به این است که یا مازاد یا کسری ایجاد کنند ولی نمی‌توانند هر مازادی را که ایجاد می‌شود به واحدهای نهادی دیگر اختصاص دهند. اساسنامه‌ی تأسیس آن‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شده است که واحدهای نهادیِ کنترل کننده یا مدیریت کننده‌ی آن‌ها حق سهیم شدن در هیچ منفعت یا دیگر درآمدهای آن‌ها را ندارند. به این دلیل، غالباً از پرداخت انواع مختلف مالیات‌ها معاف هستند.

۸۴-۴ NPIها ممکن است توسط خانوارها، شرکت‌ها یا دولت ایجاد شوند ولی انگیزه‌ی تأسیس آن‌ها متفاوت است. برای مثال NPIها ممکن است به منظور ارائه‌ی خدماتی برای بهره‌مندی خانوارها یا شرکت‌هائی که آن‌ها را کنترل یا تأمین مالی می‌کنند، ایجاد شوند؛ یا ممکن است به دلایل نیکوکاری، بشردوستانه یا رفاه به منظور فراهم کردن کالاها و خدمات برای افرادِ نیازمند ایجاد شوند؛ یا ممکن است برای ارائه خدمات سلامت و آموزش در مقابل دریافت حق‌الزحمه ولی نه برای سود در نظر گرفته شوند؛ یا ممکن است برای ارتقاء

منافع گروه‌هائی که درکسب و کار یا سیاست و غیره تحت فشار هستند در نظر گرفته شوند.

۱. ویژگی‌های NPIها

۸۵-۴ ویژگی‌های اصلی NPIها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف. بیشترِ NPIها هستارهای قانونی هستند که طی فرایند قانونی ایجاد می‌شوند و هستی آن‌ها مستقل از اشخاص، شرکت‌ها یا واحدهای دولتی که آن‌ها را ایجاد، تأمین مالی یا مدیریت می‌کنند، شناخته می‌شود. هدف از ایجاد NPI معمولاً در اساسنامه یا مدرک مشابه تنظیم شده در زمان تأسیس آن اظهار می‌شود. در برخی از کشورها، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه، یک NPI ممکن است یک هستار غیررسمی باشد که وجود آن توسط جامعه به رسمیت شناخته شده است ولی هیچ وضعیت قانونی رسمی ندارد؛ این نوع NPIها ممکن است به منظور تولید کالاها و خدمات غیربازاری برای بهره‌مند شدن خانوارهای فردی یا گروهی از خانوارها ایجاد شوند.

ب. بسیاری از NPIها توسط انجمن‌هائی کنترل می‌شوند که اعضای آن‌ها دارای حقوق مساوی از جمله رأی مساوی در همه‌ی تصمیم‌های عمده‌ی تأثیرگذار بر کارهای NPIها هستند. اعضا در رابطه با عملیات NPIها از مسئولیت محدودی برخوردار هستند.

پ. سهامدارانی وجود ندارند که بر سود یا حقوق سهامداران NPI ادعائی داشته باشند. اعضاء حقی بر سهیم شدن در هیچ سود یا مازادی که از طریق فعالیت‌های تولیدی NPI ایجاد می‌شود، ندارند. این سودها باید در NPI نگه داشته شوند.

ت. اداره یک NPI معمولاً به یک هیأت رئیسه، کمیته اجرائی یا گروه مشابهی که از طریق رأی ساده اکثریتِ تمام اعضاء انتخاب می‌شوند، واگذار می‌شود. این هیأت رئیسه با هیأت مدیره یک شرکت هم‌تراز است و مسئولیت انتصاب مدیران حقوق بگیر با آن‌هاست.

ث. اصطلاح "نهاد غیرانتفاعی" از این واقعیت نشأت می‌گیرد که اعضای جامعه‌ی کنترل کننده‌ی NPI مجاز نیستند عایدی مالی از عملیات آن داشته باشند و نمی‌توانند هیچ مازادی را که ممکن است به وجود آید برای خود بردارند. این به آن معنی نیست که یک NPI نمی‌تواند در تولید خود مازاد عملیاتی ایجاد کند.

۸۶-۴ در برخی از کشورها NPIها مشمول مالیات ترجیحی، احتمالاً معاف از مالیات بر درآمد، هستند ولی این در تشخیص یک NPI لزوماً عامل تعیین کننده نیست.

۸۷-۴ همانند واحدهای تولید کننده‌ی متعلق به واحدهای دولتی، تشخیص NPIهائی که به تولید بازاری اشتغال دارند از آن‌هائی که به تولید غیربازاری اشتغال دارند مهم است، زیرا این موضوع در تعیین بخش اقتصادی که NPI به آن منتسب می‌شود، تأثیر دارد. NPIها لزوماً به تولید غیربازاری اشتغال ندارند.

۲. NPIهائی که به تولید بازاری اشتغال دارند

۸۸-۴ تولیدکنندگان بازاری تولیدکنندگانی هستند که قسمت بیشترِ ستانده‌ی خود را به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه هستند می‌فروشند، یعنی به قیمت‌هائی که بر مقداری که تولید کنندگان مایل به عرضه و مقداری که خریداران خواستار خرید آن هستند، تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارند. مدارس، کالج‌ها، دانشگاه‌ها، کلینیک‌ها، بیمارستان‌ها و غیره که به عنوان NPIها تأسیس شده‌اند هنگامی تولید کننده‌ی بازاری به حساب می‌آیند که حق‌الزحمه‌ای دریافت کنند که مبتنی بر هزینه‌های تولیدشان بوده و به اندازه کافی بالا باشد که تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تقاضا برای خدماتشان داشته باشد. فعالیت تولیدی آن‌ها باید مازاد یا زیان عملیاتی ایجاد کند. هر مازادی که ایجاد می‌کنند باید در این نهادها بماند زیرا وضعیت آن‌ها مانع از توزیع آن بین دیگران است. از سوی دیگر، به دلیل وضعیتشان به عنوان "نهاد غیرانتفاعی"

می‌توانند از طریق جذب کمک‌های مالی از اشخاص، شرکت‌ها یا دولت منابع مالی اضافی به دست آورند. به این ترتیب، آن‌ها علاوه بر درآمد عملیاتی حاصل از خدماتشان، ممکن است قادر به تحصیل دارائی‌هائی باشند که درآمد دارائی قابل ملاحظه‌ای ایجاد می‌کنند و این امکان را به آن‌ها می‌دهند که حق‌الزحمه‌ای پائین‌تر از متوسط هزینه‌هایشان دریافت کنند. با این حال، تا وقتی که حق‌الزحمه‌ی آن‌ها عمدتاً براساس هزینه‌های تولیدشان و به اندازه کافی بالا تعیین می‌شود که تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تقاضا داشته باشد، باید به عنوان تولیدکننده‌ی بازاری تلقی شوند. چنین NPIهائی مؤسسات خیریه نیستند، هدف واقعی آن‌ها اغلب ارائه‌ی خدمات آموزشی، سلامت یا دیگر خدمات با کیفیت بسیار بالائی است که از درآمد ناشی از بخشش‌ها صرفاً برای قدری پائین نگه‌داشتنِ حق‌الزحمه‌ی بالائی که مجبورند دریافت کنند استفاده می‌کنند.

NPIهای بازاری درخدمت بنگاه‌ها

۸۹-۴ برخی از NPIهای بازاری فعالیتشان را به خدمت به زیر مجموعه‌ی خاصی از سایر تولیدکنندگان بازاری محدود می‌کنند. بسیاری از NPIهای بازاری در خدمت بنگاه‌ها از طریق انجمن‌هائی ایجاد می‌شوند که برای ارتقاء منافع آن بنگاه‌ها طراحی شده‌اند. این نهادها عبارتند از اتاق‌های بازرگانی، کشاورزی، صنعتی یا انجمن‌های تجاری، سازمان‌های کارفرمائی، آزمایشگاه‌های تحقیقاتی یا سازمان‌ها یا نهادهای دیگری که به فعالیت‌هائی در جهت تأمین منافع مشترک گروهی از بنگاه‌هائی که آن‌ها را کنترل یا تأمین مالی می‌کنند، اشتغال دارند. NPIها بیشتر به تبلیغات از طرف گروه، لابی با سیاست‌مداران یا ارائه‌ی مشاوره یا کمک به اعضائی که به دلایلی دچار مشکل شده‌اند، اشتغال دارند. NPIها معمولاً از طریق کمک‌ها یا حق اشتراک‌های دریافتی از گروه بنگاه‌های ذینفع تأمین مالی می‌شوند. حق اشتراک‌ها به عنوان پرداختی بابت خدمات ارائه شده، و نه انتقالات، تلقی می‌شوند و از اینرو این نوع NPIها به عنوان تولیدکنندگان بازاری طبقه بندی می‌شوند. ولی، همان‌گونه که در سطرهای زیرین شرح داده خواهد شد، هنگامی که اتاق‌های بازرگانی یا سازمان‌های مشابهی که برای ارتقاء منافع بنگاه‌ها در نظر گرفته شده‌اند تحت کنترل واحدهای دولتی باشند، به عنوان NPIها طبقه‌بندی شده و به بخش دولت منتسب می‌شوند.

۳. NPIهائی که به تولید غیربازاری اشتغال دارند

۹۰-۴ بیشترِ NPIها در بسیاری از کشورها تولیدکنندگان بازاری هستند تا تولیدکنندگان غیربازاری. تولیدکنندگان غیربازاری تولیدکنندگانی هستند که قسمت عمده‌ی ستانده‌ی خود را به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند، به دیگران ارائه می‌دهند. از این‌رو، NPIهائی که عمدتاً به تولید غیربازاری اشتغال دارند نه تنها با این واقعیت که در ایجاد عایدی مالی برای واحدهائی که آن‌ها را کنترل یا مدیریت می‌کنند ناتوان هستند، بلکه با این واقعیت که برای پوشش هزینه‌های تولید یا فعالیت‌های دیگرِ خود باید عمدتاً متکی به منابع مالی غیر از دریافت‌هایشان از فروش باشند نیز تشخیص داده می‌شوند. منبع اصلی تأمین مالی آن‌ها می‌تواند حق اشتراک‌های منظم پرداخت شده توسط اعضای انجمن کنترل کننده‌ی آن‌ها، یا انتقالات یا کمک‌های مالی از جانب طرف‌های سوم از جمله دولت یا از درآمد دارائی باشد.

۹۱-۴ NPIهائی که عمدتاً به تولید غیربازاری اشتغال دارند به دو گروه تقسیم می‌شوند: آن‌هائی که توسط دولت کنترل می‌شوند و آن‌هائی که توسط دولت کنترل نمی‌شوند. گروه اول در بخش دولت قرار می‌گیرند. گروه دوم تحت عنوان نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH)ها نامیده می‌شوند و در SNA، بخش جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهند.

نهادهای غیرانتفاعی تحت کنترل دولت

۹۲-۴ کنترل یک NPI با قدرت تعیین برنامه‌ها یا سیاست‌های کلی NPI تعریف می‌شود. تمام NPIهائی که به بخش دولت منتسب می‌شوند، باید هویتشان در مدارک آماری به عنوان NPI حفظ شود تا تحلیل مجموعه‌ی کامل NPIها آسان شود. برای تشخیص NPIهائی که توسط دولت کنترل می‌شوند، پنج نشانه‌ی کنترل به شرح زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

الف. *انتصاب اعضای هیئت رئیسه*. دولت ممکن است حق انتصاب اعضای هیئت رئیسه‌ی اداره کننده‌ی NPI را

طبق نظامنامه، اساسنامه یا دیگر اسناد (ابزارهای) اختیار دهنده‌ی آن، داشته باشد.

ب. *سایر تمهیدات سندِ (ابزار) اختیار دهنده.* سندِ (ابزار) اختیار دهنده ممکن است شامل تمهیداتی غیر از انتصاب هیئت رئیسه باشد و به‌طور مؤثری به دولت اختیار دهد تا جنبه‌های مهم سیاست کلی یا برنامه‌ی NPI را تعیین کند. برای مثال، سند (ابزار) اختیار دهنده ممکن است کارکردها، اهداف و دیگر جنبه‌های عملیاتی NPI را تعیین یا محدود کند، از این رو، موضوع انتصاب‌های مدیریتی را کم اهمیت‌تر یا حتی نامربوط سازد. سند (ابزار) اختیار دهنده همچنین ممکن است به دولت حق عزل کارکنان کلیدی یا وتوی انتصاب‌های پیشنهادی را بدهد، بودجه یا ترتیبات مالی آن مستلزم تصویب اولیه‌ی دولت باشد، یا NPI را از تغییر نظامنامه‌اش یا از انحلال خود باز دارد، همچنین مانع شود که به روابطش با دولت بدون تصویب او پایان دهد.

پ. *موافقتنامه‌های قراردادی.* وجود یک موافقتنامه‌ی قراردادی بین دولت و یک NPI ممکن است به دولت این اجازه را بدهد که جنبه‌های کلیدی سیاست کلی یا برنامه NPI را تعیین کند. تا وقتی که NPI نهایتاً تا حد زیادی قادر به تعیین سیاست یا برنامه خود باشد، مثلاً قادر باشد موافقتنامه را نادیده بگیرد و مسئولیت عواقب آن را بپذیرد، قادر باشد بدون نیاز به تصویب دولت نظامنامه‌ی خود را تغییر دهد یا انحلال خود را اعلام کند، در این صورت نمی‌تواند تحت کنترل دولت در نظر گرفته شود.

ت. *درجه‌ی تأمین مالی.* NPIهائی که عمدتاً توسط دولت تأمین مالی می‌شوند می‌توانند توسط او هم کنترل شوند. به طور کلی، اگر یک NPI برای تعیین سیاست یا برنامه‌ی خود تا حد زیادی در راستای خطوطی که در بند قبل (پ) بیان شد قدرت خود را حفظ کند، در این صورت نباید تحت کنترل دولت در نظر گرفته شود.

ث. *در معرض ریسک قرار گرفتن.* اگر دولت به صراحت به خود اجازه دهد که تمام یا سهم بزرگی از ریسک‌های مالی مربوط به فعالیت‌های NPI را بپذیرد، این امر منجر به کنترل می‌شود. معیار تشخیص همانند نشانه‌های بیان شده در دو بند قبل است.

در برخی موارد برای اعمال کنترل، یک نشانه می‌تواند کافی باشد ولی در دیگر موارد، ممکن است تعدادی از نشانه‌های جدا از هم به‌طور جمعی نشان دهنده‌ی کنترل باشند. تصمیمی که مبتنی بر همه‌ی نشانه‌ها باشد ضرورتاً باید به صورت قضاوت در مورد ماهیت آن نهاد انجام شود.

نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH)

۴-۹۳ ***نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH) متشکل از NPIهای غیربازاری هستند که توسط دولت کنترل نمی‌شوند.*** آن‌ها برای خانوارها کالاها و خدمات را به‌رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند فراهم می‌کنند. بسیاری از این کالاها و خدمات، مصرف فردی را نشان می‌دهند ولی برای NPISHها ارائه خدمات جمعی نیز امکان پذیراست.

ت. بخش شرکت‌های غیرمالی و زیر بخش‌های آن

۴-۹۴ ***شرکت‌های غیرمالی شرکت‌هائی هستند که فعالیت اصلی آن‌ها تولید کالاها یا خدمات غیرمالی بازاری است.*** بخش شرکت‌های غیرمالی از مجموعه واحدهای نهادی مقیم زیر تشکیل شده است:

الف. همه‌ی شرکت‌های غیرمالی (که در SNA مطرح شده است و نه فقط محدود به شرکت‌هائی که به طور قانونی تأسیس می‌شوند)، صرف نظر از سرزمین اقامت سهامداران آن‌ها؛

ب. شعبه‌های بنگاه‌های غیرمقیم که به تولیدات غیرمالی در سرزمین اقتصادی در بلند مدت اشتغال دارند؛

پ. تمام NPIهای مقیم که تولیدکنندگان بازاری کالاها یا خدمات غیر مالی هستند.

۴-۹۵ بعضی از شرکت‌ها یا شبه شرکت‌های غیرمالی ممکن است فعالیت‌های مالی ثانوی داشته باشند. برای مثال، تولید کنندگان یا خرده فروشان کالاها ممکن است مستقیماً به مشتریان خود اعتبار مصرف بدهند. همان‌گونه که در سطرهای زیرین به‌طور کامل‌تر شرح داده خواهد شد، این نوع شرکت‌ها یا شبه شرکت‌ها به شرطی که فعالیت اصلی آن‌ها غیرمالی باشد، به طور کامل در بخش شرکت‌های غیرمالی طبقه بندی می‌شوند. بخش‌ها گروه‌هائی از واحدهای نهادی هستند، و هر واحد نهادی باید به طور کامل در یک بخش SNA طبقه بندی شود حتی اگر آن واحد به بیش از یک نوع فعالیت اقتصادی اشتغال داشته باشد.

۴-۹۶ دو معیار طبقه‌بندی برای زیر بخشی کردنِ بخش شرکت‌های غیرمالی استفاده می‌شود. معیار نخست برای جدا نشان دادن NPIها از دیگر واحدهای بخش است. واحدهای غیر از NPIها را می‌توان نهادهای انتفاعی (FPI)ها نامید. معیار دوم، معیار کنترل برای نشان دادن زیربخش‌های زیر است:

الف. شرکت‌های غیرمالی دولتی(عمومی)؛

ب. شرکت‌های غیرمالی خصوصی ملی، و

پ. شرکت‌های غیرمالی تحت کنترل خارجی.

معیار کنترل شرکت‌ها و NPIها توسط دولت و واحدهای غیرمقیم به تفصیل در بخش ب توضیح داده شد. شرکت‌هائی که توسط واحدهای غیرمقیم کنترل می‌شوند شرکت‌های تحت کنترل خارجی نامیده می‌شوند.

۴-۹۷ رده بندی کامل بخش شرکت‌های غیرمالی در زیر بخش‌ها را می‌توان در یک جدول دو طرفه مانند جدول ۴-۱ مشاهده کرد. شکل دقیق ارائه‌ی زیر بخش‌ها، هم به ملاحظات تحلیلی و هم به ملاحظات آماری بستگی دارد. ممکن است تعدادی از NPIهائی که تحت کنترل دولت یا خارجی هستند وجود نداشته باشند یا تعداد آن‌ها به اندازه‌ای پراکنده باشد که به دلایل محرمانگی نتوان آن‌ها را به تفصیل نشان داد. با این وجود، دستکم تفکیک هستارهای نخستین ستون سمت راست و سطر زیرین جدول ۴-۱ مفید بوده و امکان پذیر هم هست.

جدول ۴-۱: زیربخش‌های بخش شرکت‌های غیرمالی

شرکت‌های غیرمالی	نهادهای غیرانتفاعی(NPI)ها	نهادهای انتفاعی(FPI)ها
شرکت‌های غیرمالی دولتی	NPIهای غیرمالی دولتی	FPIهای غیرمالی دولتی
شرکت‌های غیرمالی خصوصی ملی	NPIهای غیرمالی خصوصی ملی	FPIهای غیرمالی خصوصی ملی
شرکت‌های غیرمالی تحت کنترل خارجی	NPIهای غیرمالی تحت کنترل خارجی	FPIهای غیرمالی تحت کنترل خارجی
کل شرکت‌های غیرمالی	کل NPIهای غیرمالی	کل FPIهای غیرمالی

ث. بخش شرکت‌های مالی و زیر بخش‌های آن

۴-۹۸ ***شرکت‌های مالی از همه‌ی شرکت‌های مقیمی که عمدتاً به ارائه‌ی خدمات مالی از جمله خدمات بیمه و صندوق‌های بازنشستگی اشتغال دارند، تشکیل می‌شود.*** بخش شرکت‌های مالی از مجموعه‌ی واحدهای نهادی مقیم زیر تشکیل شده است:

الف. تمام شرکت‌های مالی مقیم (که در SNA مطرح شده است و نه محدود به شرکت‌هائی که طبق قانون تأسیس می‌شوند)؛ صرف نظر از اقامت سهامداران آن‌ها؛

ب. شعبه‌های بنگاه‌های غیرمقیمی که برای مدت طولانی در سرزمین اقتصادی به فعالیت مالی اشتغال دارند؛

پ. همه‌ی NPIهائی که تولیدکنندگان بازاری خدمات مالی هستند.

تولید خدمات مالی حاصلِ واسطه‌گری مالی، مدیریت ریسک مالی، تبدیل نقدینگی یا فعالیت‌های جنبی مالی است. از آنجا که ارائه‌ی خدمات مالی به طور معمول تابع مقررات شدید است، معمولاً واحدهای ارائه دهنده‌ی خدمات مالی کالاها و خدمات دیگری تولید نمی‌کنند و به صورت تولید ثانوی واحدهای دیگر نیز ارائه نمی‌شوند.

۴-۹۹ شکلی از نوآوری مالیِ مشاهده شده، رشد قابل ملاحظه‌ی نوعی از فعالیت‌هائی است که به طور سنتی توسط شرکت‌های مالی یا از طریق آن‌ها انجام می‌شوند ولی ممکن است مستقیماً توسط خودِ بنگاه‌های غیرمالی هم انجام شوند. برای مثال، در برخی از کشورها تولیدکنندگان یا خرده فروشان گرایش به این دارند که برای مشتریان خود اعتبار مصرف کننده فراهم کنند. مثال دیگر این است که در برخی کشورها بنگاه‌های غیرمالی گرایش به این دارند که خودشان با فروش اوراق بدهیِ خود در بازارهای پولی یا سرمایه‌ای، منابع مالی خود را افزایش دهند. با این وجود، کل بنگاه باید همچنان به عنوان بنگاه غیرمالی در نظر گرفته شود به شرط این که:

الف. این بنگاه غیرمالی واحد نهادی جدیدی نظیر شرکت تابعه برای انجام فعالیت مالی ایجاد نکرده باشد؛ و

ب. فعالیت مالی به صورت فعالیت ثانوی برای فعالیت اصلی بنگاه باشد.

۴-۱۰۰ این اصل برای رده بندی زیر بخشیِ شرکت‌های مالی نیز به کار می‌رود. برای مثال، بسیاری از بانک‌های مرکزی به بعضی از فعالیت‌های بانکداری تجاری نیز اشتغال دارند. با این حال، کل بانک مرکزی به صورت یک واحد نهادی که فعالیت‌های بانکداری تجاری آن را نیز در برمی‌گیرد، در زیربخش "بانک مرکزی" طبقه بندی می‌شود. به دلیل مشابه، کارکردهای بانک مرکزی یا کارکردهائی از نوع کارکردهای مقامات پولی که در درون دولت مرکزی توسط کارگزارانی به صورت واحدهای نهادی جدائی ناپذیر از دولت انجام می‌شوند، به زیربخش بانک مرکزی منتسب نمی‌شوند. (این موضوع در بخش زیر و نیز در فصل ۲۲ با جزئیات بیشتری مورد بحث قرار گرفته است).

۴-۱۰۱ شرکت‌های مالی را می‌توان به سه طبقه‌ی عمده یعنی، واسطه‌گری‌های مالی، فعالیت‌های جنبی مالی و سایر شرکت‌های مالی تقسیم کرد. ***واسطه‌گری‌های مالی، واحدهای نهادی هستند که به منظور تحصیلِ دارائی‌های مالی با اشتغال به تواکنش‌های مالی در بازار، متقبل بدهی به حساب خود می‌شوند.*** واسطه‌گری‌های مالی شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی را هم در بر می‌گیرند. ***فعالیت‌های مالی جنبی، واحدهای نهادی هستند که عمدتاً به ارائه‌ی خدمت به بازارهای مالی اشتغال دارند، ولی مالکیت دارائی‌های مالی و بدهی‌هائی را که اداره می‌کنند، ندارند. سایر شرکت‌های مالی واحدهای نهادی هستند که آن دسته از خدمات مالی را ارائه می‌دهند، که بیشترِ دارائی‌ها یا بدهی‌های آن‌ها در بازارهای مالی آزاد در دسترس نیست.***

۴-۱۰۲ بخش شرکت‌های مالی را می‌توان برحسب فعالیت آن در بازار و قابلیت نقد شدن بدهی‌های آن به ۹ زیربخش تقسیم کرد. این نُه زیر بخش در جدول ۴-۲ نشان داده شده است و هریک بعداً در این بخش شرح داده خواهد شد. زیر بخش ۶ مربوط به فعالیت‌های مالی جنبی است؛ زیر بخش ۷ مربوط به سایر شرکت‌های مالی است. همه‌ی زیربخش‌های دیگر به یکی از انواع واسطه‌گری‌های مالی مربوط است.

۴-۱۰۳ در عین حال که شرکت‌های مالی برحسب ماهیت فعالیت مالی خود در زیربخش‌ها طبقه بندی می‌شوند، می‌توان آن‌ها را به همان شیوه‌ی بخش شرکت‌های غیرمالی نیز برای نشان دادن تفاوت بین NPIها و FPIها و این که کدام واحد تحت کنترل دولت، کدام شرکت‌های ملی خصوصی و کدام تحت کنترل خارجی هستند، به این زیربخش‌ها تقسیم کرد. از این رو در اصل هریک از ردیف‌های جدول ۴-۲ را می‌توان با همان شیوه جدول ۴-۱ تجزیه کرد، هرچند احتمال نمی‌رود که همه‌ی اجزای طبقه بندی‌های متقاطع وجود داشته باشند و یک رده بندی زیربخشی فشرده براساس شرایط محلی و استفاده‌ی تحلیلی خاص می‌تواند کافی باشد.

۱. بانک مرکزی

۴-۱۰۴ ***بانک مرکزی نهاد مالی ملی است که بر جنبه‌های کلیدی نظام مالی کنترل اعمال می‌کند.*** به طورکلی، واسطه‌گری‌های مالی زیر در این زیر بخش طبقه‌بندی می‌شوند:

الف. بانک مرکزی ملی، شامل هرآنچه که جزئی از نظام بانک‌های مرکزی است.

ب. شورای عالی پول یا مقامات پولی مستقل که اقدام به انتشار پول ملی با پشتوانه ذخائر ارز خارجی می‌کند.

پ. کارگزاران مرکزی پول که اساساً منشاء دولتی دارند (نظیر کارگزارانی که ارزهای خارجی را مدیریت می‌کنند یا اقدام به انتشار اسکناس یا ضرب سکه‌ی بانکی می‌کنند) و مجموعه‌ی کامل حساب‌ها را نگه می‌دارند ولی به عنوان جزئی از دولت طبقه بندی نمی‌شوند. مقامات سرپرستی که واحدهای نهادی مجزا هستند در بانک مرکزی منظور نمی‌شوند بلکه در فعالیت‌های جنبی مالی گنجانده می‌شوند.

مادامی‌که بانک مرکزی یک واحد نهادی مجزا است، همیشه به بخش شرکت‌های مالی تخصیص داده می‌شود، حتی اگر عمدتاً یک تولید کننده غیربازاری باشد.

۲. شرکت‌های سپرده پذیر غیر از بانک مرکزی

۴-۱۰۵ ***شرکت‌های سپرده پذیر غیر از بانک مرکزی دارای فعالیت واسطه‌گری مالی به عنوان فعالیت اصلی خود هستند. برای این منظور، آن‌ها بدهی‌هائی به شکل سپرده یا ابزارهای مالی (نظیر گواهی سپرده کوتاه مدت) دارند که جانشین نزدیکی برای سپرده‌ها هستند.*** بدهی‌های شرکت‌های سپرده پذیر به طور معمول در سنجه‌های پول گسترده منظور می‌شوند.

جدول ۴-۲: زیربخش‌های بخش شرکت‌های مالی

۱. بانک مرکزی
۲. شرکت‌های سپرده پذیر غیر از بانک مرکزی
۳. صندوق‌های بازار پول (MMF)
۴. صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (Non-MMF)
۵. سایر واسطه‌گری‌های مالی به جز شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی(ICPE)
۶. فعالیت‌های جنبی مالی
۷. نهادهای مالی داخلی و قرض دهندگان پول
۸. شرکت‌های بیمه (IC)
۹. صندوق‌های بازنشستگی (PF)

۴-۱۰۶ به طور کلی، واسطه‌گری‌های مالیِ زیر در این زیربخش طبقه بندی می‌شوند:

الف. بانک‌های تجاری، بانک‌های "همه کاره"، بانک‌های "چند منظوره"؛

ب. بانک‌های پس‌انداز (از جمله بانک‌های امانی پس‌انداز و مؤسسات پس‌انداز و وام)؛

پ. مؤسسات نقل و انتقال وجه از طریق پست، پست بانک‌ها، بانک‌های جیرو؛

ت. بانک‌های اعتباری روستائی، بانک‌های اعتباری کشاورزی؛

ث. بانک‌های اعتباری تعاون، بانک‌های اعتباری، اتحادیه‌های اعتباری؛ و

ج. بانک‌های تخصصی یا سایر شرکت‌های مالی که سپرده می‌پذیرند یا جانشین نزدیکی برای سپرده‌ها منتشر می‌کنند.

۳. صندوق‌های بازار پول (MMF)

۴-۱۰۷ ***صندوق‌های بازار پول (MMF) طرح‌های سرمایه‌گذاری جمعی هستند که با انتشار سهام یا یونیت‌ها برای عموم، منابع مالی را افزایش می‌دهند. عایدات آن‌های عمدتاً در ابزارهای بازار پول، یا سهام یا یونیت‌های MMF، ابزارهای دیون انتقال‌پذیر با سررسید باقی مانده‌ی کمتر از یک سال، سپرده‌های بانکی و ابزارهایی که به دنبال نرخ برگشتی هستند که به نرخ‌های بهره‌ی ابزارهای بازار پول برسد، سرمایه‌گذاری می‌شود. سهام یا یونیت‌های MMF با ابزارهائی نظیر چک یا دیگر ابزارهای پرداخت مستقیم شخص ثالث می‌توانند انتقال یابند.*** به دلیل ماهیت ابزارهائی که این طرح‌ها در آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند، سهام یا یونیت‌های آن‌ها می‌توانند به عنوان جانشین نزدیکی برای سپرده‌ها در نظر گرفته شوند.

۴. صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پولی (Non-MMF)

۴-۱۰۸ ***صندوق‌های سرمایه‌گذاری Non-MMF طرح‌های جمعی هستند که با انتشار سهام یا یونیت‌ها برای عموم منابع مالی را افزایش می‌دهند. عایدات آن‌ها عمدتاً در دارائی‌های مالی، غیراز دارائی‌های کوتاه مدت، و در دارائی‌های غیرمالی (معمولاً مستغلات) سرمایه‌گذاری می‌شود.*** سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری عموماً جانشین نزدیکی برای سپرده نیستند. آن‌ها به وسیله چک یا ابزارهای پرداخت‌های مستقیم شخص ثالث انتقال‌پذیر نیستند.

۵. سایر واسطه‌گری‌های مالی، بجز شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی (ICPFs)

۴-۱۰۹ ***سایر واسطه‌گری‌های مالی بجز شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی عبارت از شرکت‌های مالی هستند که به ارائه‌ی خدمات مالی با تقبلِ بدهی به حساب خود، به شکل‌هائی غیر از پول و سپرده یا جانشین نزدیک به سپرده، به منظور تحصیل دارائی‌های مالی از طریق اشتغال به تراکنش‌های مالی در بازار می‌پردازند.*** این ویژگی واسطه‌گری مالی است که تراکنش‌های هر دو طرفِ ترازنامه در بازار آزاد انجام می‌شوند.

۴-۱۱۰ به طور کلی، واسطه‌گری‌های مالیِ زیر در این زیربخش طبقه‌بندی می‌شوند:

الف. شرکت‌های مالی که به تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار اشتغال دارند؛

ب. معامله‌گران اوراق بهادار و مشتقات مالی (که به حساب خود عمل می‌کنند)؛

پ. شرکت‌های مالی که به وام دهی اشتغال دارند از جمله انجمن‌های مالی خرده فروشان که ممکن است مسئول اجاره‌داری مالی (اعتباری) و تأمین مالی شخصی یا تجاری هردو باشند؛

ت. اتاق‌های پایاپای مرکزی. این سازمان‌ها تراکنش‌های تهاتری و تسویه‌ی حساب اوراق بهادار

و مشتقات مالی را فراهم می‌کنند. تهاتر به شناسائی تعهدات هردو طرف تراکنش مربوط است، در حالی که تسویه حساب شامل مبادله‌ی اوراق بهادار یا مشتقات مالی و پرداخت‌های مربوطه است. اتاق‌های پایاپای مرکزی خودشان در تراکنش‌ها درگیر می‌شوند و ریسک طرف‌های مقابل را کاهش می‌دهند؛

ث. شرکت‌های مالی تخصصی که خدمات زیر را ارائه می‌دهند:

- تأمین مالی کوتاه مدت برای ادغام و قبضه‌ی مالکیت شرکت‌ها؛
- تأمین مالی واردات/ صادرات؛
- خدمات کارگزاری عاملیت
- مؤسسات توسعه سرمایه و سرمایه‌گذاری ریسک پذیر

۶. فعالیت‌های مالی جنبی

۴-۱۱۱ ***فعالیت‌های مالی جنبی از شرکت‌های مالی تشکیل شده‌اند که عمدتاً به فعالیت‌های مرتبط با تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها یا به فراهم کردن زمینه‌های نظارتی برای این تراکنش‌ها اشتغال دارند ولی در شرایطی که خودشان درگیرِ پذیرفتن مالکیت دارائی‌های مالی و بدهی‌های تراکنش شده نمی‌شوند.***

۴-۱۱۲ به طور کلی، فعالیت‌های جنبی زیر در این زیربخش طبقه‌بندی می‌شوند:

الف. دلالان بیمه، کارشناسان ارزیاب خسارت و نجات دارائی‌هائی که به شدت خسارت دیده‌اند (اعم از این که در استخدام شرکت بیمه باشد، ارزیاب مستقل باشد یا یک کارشناس عمومی در استخدام دارنده‌ی بیمه‌نامه باشد) و مشاوران بیمه و بازنشستگی؛

ب. دلالان وام، دلالان اوراق بهادار، مشاوران سرمایه‌گذاری، و غیره ؛

پ. شرکت‌های شناور که انتشار اوراق بهادار را مدیریت می‌کنند؛

ت. شرکت‌هائی که کارکرد اصلی آن‌ها ضمانت از طریق پشت نویسی، اسناد خزانه و ابزارهای مشابه است؛

ث. شرکت‌هائی که اقدام به تنظیم مشتقات مالی و ابزارهای ریسک زدائی (بدون انتشار آن‌ها)، نظیر سواپ‌ها (معاملات تعویضی)، اختیار معامله و پیمان آتی می‌کنند؛

ج. شرکت‌هائی که زیرساخت‌های بازارهای مالی را فراهم می‌کنند؛

چ. مدیران صندوق‌های بازنشستگی، و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و غیره (ولی نه وجوهی که مدیریت می‌کنند)؛

ح. شرکت‌هائی که به انجام مبادلات سهام و مبادلات بیمه می‌پردازند؛

خ. دفاتر معاملات ارز؛

د. نهادهای غیرانتفاعی در خدمت شرکت‌های مالی که به عنوان هستارهای قانونی مستقل شناخته می‌شوند؛

ذ. ادارات مرکزی شرکت‌های مالی که عمدتاً به کنترل شرکت‌های مالی یا گروهی از شرکت‌های مالی اشتغال دارند ولی خودشان حرفه‌ی شرکت‌های مالی را انجام نمی‌دهد؛

ر. مقامات محوری نظارت بر واسطه‌گری‌ها و بازارهای مالی در صورتی که واحدهای نهادهای جدا باشند.

۷. نهادهای مالی داخلی و قرض دهندگان پول

۴-۱۱۳ ***نهادهای مالی داخلی و قرض دهندگان پول از واحدهای نهادی تشکیل یافته‌اند که خدمات مالی ارائه می‌دهند در حالی که بیشترِ دارائی‌ها و بدهی‌های آن‌ها در بازارهای آزاد***

مالی مورد تراکنش قرار نمی‌گیرند. این‌ها هستارهائی هستند که فقط در درون گروه محدودی از واحدها (نظیر واحدهای تابعه) به تراکنش می‌پردازند، یا از واحدهای تابعه‌ی یک شرکت هلدینگ هستند، یا هستارهائی هستند که ازمنابع مالی خود که تنها توسط یک حامی (اسپانسر) تأمین شده است وام می‌دهند.

۴-۱۱۴ به طور کلی، شرکتهای مالی زیر در این زیر بخش طبقه بندی می‌شوند:

الف. واحدهائی که هستارهای قانونی هستند نظیر تراست‌ها، اداره‌ی اموال، حساب‌های عاملیت (کارگزاری) و شرکت‌هائی که فقط تابلوی سر در دارند؛

ب. شرکت‌های هلدینگ که فقط دارائی‌های یک گروه از شرکت‌های تابعه را در اختیار دارند (دارا بودن سهام شرکت‌ها در سطح کنترل کردن آن) و فعالیت اصلی آن‌ها تملک گروه است بدون ارائه‌ی هیچ‌گونه خدمت دیگری به بنگاه‌هائی که سهام آن‌ها را در اختیار دارند، به‌عبارت دیگر آن‌ها واحدهای دیگر را اداره یا مدیریت نمی‌کنند.

پ. هستارهای مقاصد خاص یا شرکت‌های "واسط" که واجد شرایط یک واحد نهادی هستند و منابع مالی مورد استفاده‌ی شرکت مادر را در بازارهای آزاد افزایش می‌دهند.

ت. واحدهائی که منحصراً با وجوه خود، یا وجوهی که به وسیله‌ی یک حامی برای طیف گسترده‌ای از مشتریان فراهم می‌شود خدمات مالی ارائه می‌دهند و ریسک مالی بدهکار متخلف را می‌پذیرند. این‌ها موارد زیر را در برمی‌گیرند:

- قرض دهندگان پول
- شرکت‌هائی که به وام‌دهی با وجوه دریافتی از یک حامی نظیر یک واحد دولتی یا نهاد غیرانتفاعی اشتغال دارند (مانند اعطای وام‌های دانشجوئی، وام-های واردات یا صادرات).
- مؤسسات رهنی که عمدتاً به وام‌دهی اشتغال دارند.

۸. شرکت‌های بیمه (IC)

۴-۱۱۵ ***شرکت‌های بیمه متشکل از هستارهای ثبت شده، سرمایه-گذاری مشترک و سایر هستارهائی هستند که کارکرد اصلی آنها فراهم کردن بیمه‌های زندگی، حوادث، بیماری، آتش سوزی یا سایر شکل‌های بیمه برای واحدهای نهادی فردی یا گروهی از واحدهای نهادی مقیم یا ارائه‌ی خدمات بیمه اتکائی به دیگر شرکت‌های بیمه است.*** بیمه داخلی نیز یعنی شرکت بیمه‌ای که فقط در خدمت مالکان خود است در این بخش منظور می‌شود. بیمه گذاران سپرده، واحدهائی که به صدور ضمانت‌های سپرده و صدور دیگر ضمانت‌های استاندارد اشتغال دارند و هستارهای جدا هستند و با دریافت حق بیمه و داشتن ذخیره مانند بیمه‌گران عمل می‌کنند، به عنوان شرکت‌های بیمه طبقه‌بندی می‌شوند.

۹. صندوق‌های بازنشستگی (PFs)

۴-۱۱۶ بدهی‌های بازنشستگی وقتی به وجود می‌آیند که یک کارفرما یا دولت اعضای خانوارها را وادار یا تشویق کند تا در یک طرح بیمه اجتماعی که در زمان بازنشستگی برای آن‌ها درآمدی فراهم می‌کند، شرکت کنند. طرح‌های بیمه اجتماعی ممکن است توسط کارفرمایان یا توسط دولت سازمان‌دهی شوند، ممکن است توسط شرکت‌های بیمه از طرف کارکنان سازمان‌دهی شوند یا ممکن است به صورت واحد نهادی جدا باشند که برای نگهداری و مدیریت دارائی‌ها برای تأمین و توزیع مستمری‌های بازنشستگی ایجاد می‌شوند. ***زیربخش صندوق بازنشستگی فقط از آن دسته از صندوق‌های بازنشستگی بیمه اجتماعی تشکیل شده است که واحد نهادی جدا از واحدهای ایجاد کننده‌ی آن‌ها باشند.***

ج. بخش دولت و زیر بخش‌های آن

۱. واحدهای دولتی به عنوان واحدهای نهادی

۴-۱۱۷ واحدهای دولتی انواع منحصر به فرد هستارهائی هستند که از طریق فرآیند سیاسی ایجاد می‌شوند و دارای اختیار قانون-گذاری، قضائی و اجرائی بر واحدهای نهادی دیگر در یک منطقه مشخص هستند. کارکرد اصلی دولت به عنوان واحد نهادی، به عهده داشتن مسئولیت فراهم کردن کالاها و خدمات برای جامعه یا خانوارهای فردی و تأمین مالی تهیه آن‌ها از طریق اخذ مالیات یا سایر درآمدها، بازتوزیع درآمد و ثروت از طریق انتقالات، و اشتغال به تولید غیربازاری است. به عبارت کلی:

الف. یک واحد دولتی معمولاً قدرت افزایش منابع مالی از طریق جمع‌آوری مالیات‌ها یا انتقالات اجباری از سایر واحدهای نهادی را دارد. یک واحد دولتی برای این که بتواند نیازهای اولیه‌ی یک واحد نهادی تعریف شده در SNA را چه در سطح کل اقتصاد و چه در سطح یک منطقه یا یک محل رفع کند، باید با دریافت مالیات از واحدهای دیگر یا دریافت انتقالات از واحدهای دولتی دیگر برای خود منابع مالی داشته باشد و اختیارِ توزیع قسمتی از آن یا همه‌ی آن را در پی اهداف سیاستی خود داشته باشد. همچنین باید قادر باشد وجوهی را به حساب خود قرض کند.

ب. واحدهای دولتی به طور معمول سه نوع خرج‌های نهائی متفاوت دارند:

- گروه اول عبارت از مخارج واقعی یا احتسابیِ ارائه‌ی رایگان خدمات جمعی نظیر اداره امور عمومی، دفاع، اجرای قانون، سلامت عمومی، و غیره به جامعه است که به طور جمعی توسط دولت سازمان‌دهی شده و از طریق دریافت مالیات یا سایر درآمدها تأمین مالی می‌شود.

- گروه دوم عبارت است از مخارج تأمین کالاها یا خدمات برای خانوارهای فردی به طور رایگان یا به قیمتی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیست. دولت این مخارج را به طور سنجیده در جهت پیگیری اهداف سیاسی یا اجتماعی خود متحمل می‌شود و از طریق اخذ مالیات یا درآمدهای دیگر، آن را تأمین مالی می‌کند حتی اگر بهای آن‌ها را مطابق با استفاده‌ی افراد مطالبه کند؛

- گروه سوم متشکل از انتقالات پرداخت شده به واحدهای نهادی دیگر است که عمدتاً از خانوارها تشکیل یافته‌اند، این انتقالات به منظور بازتوزیع درآمد یا ثروت است.

۴-۱۱۸ در یک سرزمین واحد وقتی سطوح مختلف دولت به ویژه دولت مرکزی، ایالتی یا محلی وجود دارد، ممکن است واحدهای نهادی جداگانه‌ی بسیاری وجود داشته باشند. علاوه بر این، صندوق‌های تأمین اجتماعی هم جزئی از واحدهای دولتی هستند. انواع مختلف واحدهای دولتی در سطرهای بعدی در رده بندی زیر بخشی دولت شرح داده خواهد شد.

واحدهای دولتی به عنوان تولیدکننده

۴-۱۱۹ وقتی دولت‌ها تصمیم می‌گیرند که علاوه بر خدمات جمعی بسیاری از کالاها و خدمات فردی را نیز به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به خانوارها یا واحدهای دیگر عرضه کنند، لازم نیست خودشان آن‌ها را تولید کنند. حتی در مورد بسیاری از خدمات جمعی، یا به اصطلاح "کالاهای عمومی" نیز دولت‌ها فقط ملزم به این هستند که مسئولیت سازمان‌دهی و تأمین مالی تولیدات خود را به عهده بگیرند. آن‌ها مجبور نیستند خودشان تولید کنند. با این حال در عمل، معمولاً واحدهای دولتی در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های تولیدی درگیر می‌شوند که نه تنها خدمات جمعی را پوشش می‌دهد بلکه بسیاری از کالاها و خدمات فردی را نیز در بر می‌گیرد. از آنجا که این موضوع تا حد زیادی یک انتخاب سیاسی است، گستره‌ی کالاها و خدمات تولید شده توسط واحدهای دولتی به میزان زیادی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. بنابراین، غیر از برخی خدمات جمعی نظیر اداره امور عمومی و دفاع، گروه‌بندی

برخی انواع تولیدات نظیر تولید خدمات آموزش یا بهداشت در گروه خدماتی که ذاتاً دولتی هستند دشوار است، اگرچه این خدمات اغلب توسط واحدهای دولتی تولید می‌شوند.

۴-۱۲۰ هنگامی که یک واحد دولتی قصد داشته باشد در حوزه‌ی تولید وارد شود سه گزینه دارد:

الف. ممکن یک شرکت دولتی ایجاد کند که قادر باشد خط مشی شرکتی آن، از جمله تعیین قیمت و سرمایه‌گذاری، را کنترل کند؛

ب. ممکن است یک NPI ایجاد کند و آن را کنترل کند.

پ. ممکن است کالاها و خدماتی را خودش در کارگاهی که متعلق به او است ولی وجود آن به صورت یک هستار قانونی جدا از واحد دولتی نیست، تولید کند.

۴-۱۲۱ با این حال، یک کارگاه دولتی یا گروهی از کارگاه‌هائی که به یک نوع تولید تحت مدیریت مشترک اشتغال دارند، در صورتی باید به عنوان یک شبه شرکت تلقی شوند که سه ضابطه‌ی زیر را داشته باشند:

الف. این واحد بهای ستانده‌های خود را به قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی مطالبه کند؛

ب. این واحد به شیوه‌ای مشابه با شرکت، گردانده و مدیریت شود؛ و

پ. این واحد مجموعه‌ی کاملی از حساب‌هائی را که قادر می‌سازد مازاد عملیاتی، پس‌انداز، دارائی‌ها و بدهی‌های آن واحد جداگانه مشخص و اندازه‌گیری شوند، در اختیار داشته باشد.

این نوع شبه شرکت‌ها تولید کنندگان بازاری هستند که به صورت واحدهای نهادی جدا از واحدهای دولتیِ مالک آن‌ها تلقی می‌شوند. آن‌ها به شیوه‌ای مشابه با شرکت‌های عمومی (دولتی) طبقه‌بندی، رده بندی بخشی و رده بندی زیر بخشی می‌شوند.

۴-۱۲۲ برای این‌که یک بنگاه شبه شرکت تلقی شود، دولت باید تا حد قابل ملاحظه‌ای اجازه اعمال نظر نه تنها در رابطه با مدیریت فرآیند تولید بلکه در به کارگیری منابع مالی را به مدیریت بنگاه بدهد. شبه شرکت‌های دولت باید قادر باشند تراز کاری و اعتبار کسب و کار خود را حفظ کنند و قادر باشند بخشی از منابع مالی تشکیل سرمایه‌ی خود یا تمام آن را از طریق پس‌انداز، ذخائر استهلاک یا وام‌گیری خود تأمین کنند. امکان مشخص کردن جریان‌های درآمد و سرمایه بین شبه شرکت‌ها و دولت نشان دهنده این است که علیرغم این که آن‌ها هستارهای قانونی جدائی نیستند، در عمل فعالیت‌های عملیاتی و مالی آن‌ها کاملاً با آمارهای درآمد عملیاتی یا مالی دولت آمیخته نیست.

۴-۱۲۳ واحدهای تولیدکننده‌ی دولت که نتوان آن‌ها را شبه شرکت تلقی کرد، همانند همه‌ی بنگاه‌های غیرشرکتی که نمی‌توانند از مالکین خود جدا باشند، در همان واحد نهادیِ مالک خود که در این حالت بخش دولت است، باقی می‌مانند. آن‌ها به احتمال زیاد عمدتاً یا کلاً از تولیدکنندگان غیربازاری تشکیل شده‌اند یعنی تولیدکنندگانی که تمام یا بیشتر ستانده‌ی خود را به طور رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به واحدهای دیگر عرضه می‌کنند. این واحدها علاوه بر ارائه‌ی کالاها و خدمات برای عموم، ممکن است شامل تولیدکنندگان دولتی هم باشند که کالاها یا خدمات غیربازاری برای سایر واحدهای دولتی برای استفاده در مصرف واسطه یا تشکیل سرمایه‌ی ثابت عرضه کنند، کارخانه مهمات سازی، چاپخانه‌ی دولت، کارگزار حمل و نقل، دفاتر کامپیوتری یا ارتباطات از این قبیل هستند. ولی، این امکان هم وجود دارد که یک بنگاه غیرشرکتی در درون دولت یک تولید کننده‌ی بازاری باشد. مثالی که اغلب گفته می‌شود مثالِ یک کتاب فروشی در داخل یک موزه است.

طرح‌های تأمین اجتماعی و صندوق‌های تأمین اجتماعی

۴-۱۲۴ طرح‌های تأمین اجتماعی طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی هستند که کل جامعه یا بخش بزرگی از جامعه را پوشش می‌دهند و توسط دولت اجباری شده و کنترل می‌شوند. این طرح‌ها طیف گسترده‌ای از برنامه‌ها را با تأمین مزایای نقدی یا غیرنقدی

برای سنین پیری، از کار افتادگی یا مرگ، بیماری و زایمان، آسیب دیدگی حین کار، بیکاری، کمک هزینه‌ی خانوار، مراقبت‌های بهداشتی و غیره پوشش می‌دهند. بین میزان حق بیمه‌ای که یک فرد پرداخت می‌کند و مزایائی که دریافت می‌کند، لزوماً ارتباط مستقیمی وجود ندارد.

۴-۱۲۵ وقتی طرح‌های تأمین اجتماعی جدا از سایر فعالیت‌های واحدهای دولتی سازماندهی می‌شوند و دارائی‌ها و بدهی‌هائی جدا از واحدهای دولتی دارند و به تراکنش‌های مالی به حساب خود اشتغال دارند، حائز شرایط واحدهای نهادی بوده و به عنوان صندوق‌های تأمین اجتماعی شناخته می‌شوند. با این حال، ترتیبات سازمانیِ طرح‌های تأمین اجتماعی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و در برخی از کشورها این طرح‌ها ممکن است به قدری با دیگر امور مالی دولت آمیخته باشند که در مورد این که یک واحد نهادی جدا تلقی شوند تردید وجود داشته باشد.

۴-۱۲۶ مبلغ حق‌بیمه‌های دریافت شده و مزایای پرداخت شده در طرح‌های تأمین اجتماعی می‌تواند برای نیل به اهداف سیاستی دولت به طور عمدی متفاوت تعیین شده باشد، هرچند که این اهداف ارتباط مستقیمی با مفهوم تأمین اجتماعی به عنوان طرحی برای تأمین مزایا برای اعضای جامعه ندارند. برای مثال، این مبالغ می‌تواند به منظور تأثیر گذاری بر سطح تقاضای کل اقتصاد افزایش یا کاهش داده شود. با این وجود، تا زمانی که این طرح‌ها به صورت صندوق‌های جداگانه‌ای باقی بمانند، باید براساسِ SNA به عنوان واحدهای نهادی جدا عمل شوند.

۲. بخش دولت

۴-۱۲۷ بخش دولت از دو گروه واحدهای نهادی مقیم زیر تشکیل شده است:

الف. همه‌ی واحدهای دولت مرکزی، ایالتی یا محلی (آن‌گونه که در زیر توضیح داده خواهد شد)؛

ب. همه‌ی NPIهای غیربازاری که توسط واحدهای دولتی کنترل می‌شوند.

این بخش صندوق‌های تأمین اجتماعی را هم در بر می‌گیرد، اعم از این‌که به صورت واحدهای نهادی جدا باشند یا قسمتی از هریک از دولت‌های مرکزی، ایالتی یا محلی یا همه‌ی آن‌ها را تشکیل داده باشند. این بخش شرکت‌های دولتی را در بر نمی‌گیرد، حتی وقتی همه‌ی سهام این شرکت‌ها متعلق به واحدهای دولتی باشد. ولی، بنگاه‌های غیرشرکتی متعلق به واحدهای دولتی که شبه شرکت نیستند به صورت جزء جدائی ناپذیر آن واحدها باقی می‌مانند و، باید در بخش دولت منظور شوند.

۳. زیر بخش‌های بخش دولت

۴-۱۲۸ رده بندی کاملی از زیر بخش‌های دولت این امکان را می‌دهد که هردوی NPIها و صندوق‌های بازنشستگی در هریک از سطوح دولت مرکزی، ایالتی و محلی متمایز شوند. هرچند در عمل، آنچه که رایج است این است که همه‌ی صندوق‌های تأمین اجتماعی باهم به عنوان یک زیر بخش جدا نشان داده شوند یا همه آن‌ها در سطح مناسبی از دولت ادغام شود ولی نشان دادن صندوق‌های بازنشستگی برحسب سطوح مختلف دولت به طور مجزا رایج نیست. NPIها نیز ممکن است به عنوان قلم "جزئی از آن" به صورت جدا از کل دولت یا از هریک از سطوح دولت مرکزی، ایالتی و محلی نشان داده شوند.

۴-۱۲۹ اولین روش رده بندی زیربخشی دولت به صورت زیر است:

الف. دولت مرکزی؛

ب. دولت ایالتی؛

پ. دولت محلی؛

ت. صندوق‌های بازنشستگی؛

که در این‌جا هریک از زیر بخش‌های الف، ب و پ NPIها را هم در بر می‌گیرند ولی صندوق‌های بازنشستگی را در بر نمی‌گیرند.

۴-۱۳۰ روش دوم رده بندی زیر بخش‌های دولت به صورت زیر است:

الف. دولت مرکزی؛

ب. دولت ایالتی؛

پ. دولت محلی؛

که در اینجا هریک از زیربخش‌های الف، ب و پ هردوی NPIها و صندوق‌های تأمین اجتماعی در هر سطح از دولت را در بر می‌گیرند.

۴-۱۳۱ در هریک از روش‌های رده بندی زیربخشی، NPIها باید در سطح مناسب دولت به عنوان قلم "جزئی از آن" سرفصل نشان داده شوند.

۴-۱۳۲ انتخاب بین دو روش رده بندی زیربخشی عمدتاً بستگی به اندازه، یا اهمیت صندوق‌های تأمین اجتماعی و روشی که مدیریت می‌شوند، دارد.

۴-۱۳۳ در برخی از کشورها ممکن است سطح میانی مناسبی بین سطوح دولت مرکزی و دولت محلی وجود نداشته باشد، در این حالت زیر بخش "دولت ایالتی" نشان داده نمی‌شود. در کشورهای دیگری ممکن است بیش از دو سطح در زیر دولت مرکزی وجود داشته باشد. در این حالت، سطوح پائین تر باید با دولت ایالتی یا محلی، هرکدام که مناسب باشد، ادغام شود.

دولت مرکزی

۴-۱۳۴ زیر بخش دولت مرکزی از واحدهای نهادی یا واحدهای تشکیل دهنده‌ی دولت مرکزی به اضافه‌ی NPIهای غیربازاری که توسط دولت مرکزی کنترل می‌شوند، تشکیل یافته است.

۴-۱۳۵ اقتدار سیاسی دولت مرکزی در کل سرزمین یک کشور گسترده است. بنابراین دولت مرکزی این قدرت را دارد که بر همه‌ی واحدهای مقیم و غیرمقیم که در درون کشور به فعالیت‌های اقتصادی اشتغال دارند، مالیات وضع کند. مسئولیت سیاسی او شامل دفاع ملی، محافظت از قانون و حفظ نظم و رابطه با دولت‌های خارجی است. دولت مرکزی همچنین در پیِ اطمینان از کارا بودن نظام اقتصادی و اجتماعی از طریق قانون‌گذاری و تنظیم مقررات مناسب است. او مسئولیت فراهم کردن خدمات جمعی برای بهره‌مند شدن کل جامعه را دارد و برای این منظور مخارجی را در دفاع و اداره امور عمومی متحمل می‌شود. بعلاوه او ممکن است مخارجی را برای فراهم کردن خدماتی نظیر آموزش یا سلامت که عمدتاً برای بهره‌مند شدن خانوارهای فردی است، متحمل شود. در نهایت، او ممکن است انتقالاتی را برای واحدهای نهادی دیگر، یعنی به خانوارها، NPIها، شرکت‌ها و سایر سطوح دولت فراهم کند.

۴-۱۳۶ دولت مرکزی در بسیاری از کشورها زیربخش بزرگ و پیچیده‌ای است. معمولاً متشکل از یک گروه ادارات مرکزی و وزارتخانه‌هاست که از یک واحد نهادی منفرد به علاوه (در بیشترکشورها) سایر واحدهای نهادی تشکیل شده است. ادارات می‌توانند درمقابل مبالغ قابل ملاحظه‌ای مخارج در چارچوب بودجه سراسری دولت مسئول باشند، ولی آن‌ها اغلب واحدهای نهادی جداگانه‌ای نیستند که قابلیت تصرف دارائی‌ها، تقبل بدهی‌ها، اشتغال در تراکنش‌ها و غیره را مستقل از کل دولت مرکزی داشته باشند.

۴-۱۳۷ ادارات دولت مرکزی اغلب به‌طور عمدی از لحاظ جغرافیائی پراکنده بوده و در نقاط مختلف کشور مستقر هستند، ولی جزئی از یک واحد نهادی منفرد به حساب می‌آیند. به همین ترتیب، دولت مرکزی اگر در نقاط مختلف کشور شعبات اداری یا کارگزارانی را برای رفع نیازهای محلی داشته باشد از جمله پایگاه‌ها یا تأسیسات نظامی که به منظور خدمت برای دفاع ملی ایجاد شده‌اند، این‌ها هم باید به عنوان جزئی از یک واحد نهادی برای دولت مرکزی در نظر گرفته شوند.

۴-۱۳۸ علاوه بر ادارات دولتی و وزارتخانه‌ها، ممکن است کارگزارانی از دولت مرکزی با هویت قانونی جدا و خودگردانی قابل ملاحظه‌ای نیز وجود داشته باشند؛ این کارگزاران ممکن است اختیار میزان مخارج خود و ترکیب آن را داشته باشند و ممکن است منبع مستقیم درآمد عملیاتی نظیر مالیات‌های تخصیص یافته‌ی (گروئی) داشته باشند. این نوع کارگزاران بیشتر با این هدف ایجاد می‌شوند که کارکردهای ویژه‌ای را نظیر ساخت جاده یا تولید غیربازاری خدمات آموزش و سلامت انجام دهند.

این‌ها اگر مجموعه‌ی کامل حساب‌ها را نگه دارند باید به عنوان واحدهای نهادی جداگانه تلقی شوند ولی اگر خدماتی را که تولید می‌کنند غیربازاری بوده و نیز توسط دولت کنترل می‌شوند، جزئی از زیربخش دولت مرکزی به حساب می‌آیند.

۴-۱۳۹ در بعضی کشورها، دولت مرکزی ممکن است واحدهائی را داشته باشد که به تراکنش‌هائی بپردازند که در کشورهای دیگر توسط بانک‌های مرکزی انجام می‌شود. واحدهای دولت مرکزی ممکن است به ویژه مسئولیت انتشار پول، حفظ دخائر بین‌المللی و اداره کردنِ صندوق‌های تثبیت ارز، و همچنین انجام تراکنش با صندوق بین‌المللی پول (IMF) را به عهده داشته باشند. این واحدها وقتی از نظر مالی با دولت مرکزی یکپارچه بوده و تحت کنترل و نظارت آن هستند، نمی‌توانند به عنوان واحدهای نهادی جداگانه تلقی شوند. علاوه براین، از وظایف بالاترین مقام پولی هر آنچه توسط دولت مرکزی انجام شود، در بخش دولت و نه بخش شرکت‌های مالی ثبت می‌شود. با این حال، به دلیل اهمیت تحلیلی که در گروِ دستیابی به حساب‌های کل مقام‌های مسئول پولی است، و به منظور برقراری ارتباط با سایر نظام‌های آماری، نظیر *BPM6*، *GFSM2001* و دستنامه آمارهای مالی و پولی (صندوق بین‌المللی پول ۲۰۰۲، با نام *MSFM*)، توصیه می‌شود تراکنش‌های کارگزارانی از دولت مرکزی که وظیفه مقام پولی و سپرده پذیری را به عهده دارند متمایز شوند، به طوری که بتوان در صورت نیاز آن‌ها را با بانک مرکزی و سایر شرکت‌های سپرده پذیر ترکیب کرده در جدول‌های خاصی نشان داد.

دولت ایالتی

۴-۱۴۰ زیربخش دولت ایالتی از دولت‌های ایالتی که واحدهای نهادی جداگانه‌ای هستند به علاوه NPIهای غیربازاری که توسط دولت ایالتی کنترل می‌شوند تشکیل یافته‌اند.

۴-۱۴۱ دولت‌های ایالتی واحدهای نهادی هستند که برخی از وظایف دولت را در سطحی پائین‌تر از دولت مرکزی و بالاتر از واحدهای نهادی دولتی موجود در سطح محلی، انجام می‌دهند. آن‌ها واحدهای نهادی هستند که اقتدار مالی، قانوگذاری و اجرائی آن‌ها فقط در "ایالت‌ها"ی تقسیمات کشوری گسترده است. در برخی از کشورها، به ویژه کشورهای کوچک، ممکن است ایالت و دولت ایالتی وجود نداشته باشد. ولی در کشورهای بزرگ، به ویژه کشورهائی که تشکیلات فدرال دارند، ممکن است قدرت و مسئولیت قابل ملاحظه‌ای به دولت‌های ایالتی سپرده شده باشد.

۴-۱۴۲ دولت ایالتی معمولاً برای وضع مالیات بر واحدهای نهادی که در منطقه‌ی قدرت او (ولی نه مناطق دیگر) مقیم هستند، یا به فعالیت‌ها یا تراکنش‌های اقتصادی اشتغال دارند دارای اقتدار مالی هستند. دولت محلی برای این که به عنوان یک واحد نهادی شناخته شود باید قادر به تصرف دارائی، افزایش منابع مالی و تقبل بدهی به حساب خود باشد. او همچنین باید حق خرج کردن یا تخصیص دادن بعضی، یا در صورت امکان تمام، مالیات‌ها یا درآمدهای دیگری که بر طبق سیاست‌های خود، در چارچوب قوانین کشور دریافت می‌کند را داشته باشد، هرچند که ممکن است بعضی از انتقالاتی را که از دولت مرکزی دریافت می‌کند ملزم باشد برای برخی مقاصد خاص خرج کند. او همچنین باید قادر باشد مدیران ارشد خود را مستقل از کنترل اداری بیرونی، خودش تعیین کند. از طرف دیگر، اگر یک واحد منطقه‌ای کاملاً به منابع مالی از دولت مرکزی وابسته باشد، و دولت مرکزی هم شیوه‌های خرج کردن آن منابع مالی را در منطقه دیکته کند، آن واحد بجای این که یک واحد نهادی جداگانه تلقی شود، باید به عنوان کارگزار دولت مرکزی به حساب آورده شود.

۴-۱۴۳ دولت‌های ایالتی، در صورت وجود، به این وسیله تشخیص داده می‌شوند که اقتدار مالی آن‌ها بر وسیع‌ترین منطقه‌ی جغرافیائی در تقسیمات کشوری که برای مقاصد سیاسی یا اداری تقسیم شده است، گسترده باشد. در تعدادی از کشورها بین دولت مرکزی و کوچکترین واحدهای نهادی دولتی در سطح محلی بیش از یک سطح دولت وجود دارد؛ در چنین حالتی، به منظور رده بندی بخش‌ها در SNA، این سطوح میانی دولت در سطح ایالتی یا محلی بسته به این که با کدام یک تناسب بیشتری داشته باشند، گروه بندی می‌شوند.

۴-۱۴۴ دولت‌های ایالتی ممکن است به همان شیوه‌ی دولت‌های مرکزی شرکت‌هائی را تحت مالکیت یا کنترل خود داشته باشند. همین طور، ممکن است واحدهائی را داشته باشند که به تولیدات بازاری اشتغال دارند، که در این حالت واحد تولید کننده‌ی مربوطه باید یک شبه شرکت تلقی شود به شرطی که عملیات و حسابداری آن‌ها این موضوع را تأئید کنند.

دولت محلی

۴-۱۴۵ زیر بخش دولت محلی متشکل از دولت محلی است که واحدهای نهادی جداگانه‌ای هستند به‌علاوه آن دسته از NPIهائی که توسط دولت محلی کنترل می‌شوند. در عمل، واحدهای دولت محلی واحدهای نهادی هستند که اقتدار مالی، قانونگذاری و اجرائی آن‌ها در کوچک‌ترین سطح مناطق جغرافیائی که برای مقاصد اداری و سیاسی تفکیک شده‌اند گسترده است. دامنه‌ی اقتدار آن‌ها معمولاً بسیار کمتر از دامنه‌ی اقتدار دولت مرکزی یا دولت ایالتی است، و می‌توانند حق وضع مالیات بر واحدهای نهادی مقیم در منطقه‌ی خود را داشته باشند یا ممکن است این حق را نداشته باشند. آن‌ها اغلب وابستگی شدیدی به کمک‌ها و انتقالات اعطا شده از طرف سطوح بالاتر دولت دارند، و همچنین ممکن است تا حدودی به عنوان کارگزار دولت مرکزی یا منطقه‌ای عمل کنند. با این حال، برای این که واحد نهادی تلقی شوند، باید حق مالکیت دارائی‌ها، افزایش منابع مالی و قبول بدهی‌ها از طریق وام‌گیری به حساب خود را داشته باشند؛ به همین ترتیب، باید اختیاراتی در زمینه‌ی چگونگی خرج کردن این منابع مالی داشته باشند. آن‌ها همچنین باید بتوانند مستقل از کنترل اداری بیرونی هیأت رئیسه‌ی خود را تعیین کنند. این واقعیت که واحدهای دولت محلی ممکن است تا حدی به عنوان کارگزار دولت مرکزی یا منطقه‌ای عمل کنند مانع از این نیست که به عنوان واحدهای نهادی جدا تلقی نشوند به شرطی که قادر باشند بعضی منابع مالی خود را با ابتکار و مسئولیت خود افزایش دهند و خرج کنند.

۴-۱۴۶ از آنجا که واحدهای دولتی محلی واحدهائی هستند که با واحدهای نهادی مقیم در محل آن‌ها در تماس نزدیک هستند، به طور معمول گستره‌ی وسیعی از خدمات را به ساکنین محلی ارائه می‌دهند که برخی از آن‌ها ممکن است با انتقالات از سطوح بالاتر دولت تأمین مالی شوند. قواعد حاکم بر نحوه‌ی برخورد با تولید کالاها و خدمات توسط واحدهای دولتی محلی همان قواعدی است که برای واحدهای دولتی مرکزی و ایالتی به کار برده می‌شوند. واحدهائی نظیر تئاترهای شهرداری، موزه‌ها، استخرهای شنا و غیره که کالاها یا خدمات را بر مبنای بازار عرضه می‌کنند هرگاه اطلاعات حسابداری مناسبی داشته باشند، باید به عنوان شبه شرکت تلقی شده و در بخش شرکت‌های غیرمالی طبقه بندی شوند. سایر واحدهائی که کالاها و خدماتی را بر مبنای بازار عرضه می‌کنند، به عنوان بنگاه‌های شبه شرکتی در داخل دولت محلی عمل می‌شوند. واحدهائی که خدماتی نظیر آموزش یا سلامت را به صورت غیربازاری عرضه می‌کنند به عنوان جزء جدائی ناپذیر واحد دولت محلی که به آن تعلق دارند، باقی می‌مانند.

صندوق های تأمین اجتماعی

۴-۱۴۷ زیر بخش صندوق‌های تأمین اجتماعی از صندوق‌های تأمین اجتماعی که در تمام سطوح دولت عمل می‌کنند، تشکیل می‌شود.

۴. روش دیگر برای رده بندی زیر بخشی

۴-۱۴۸ یک روش جایگزین برای رده بندی بخش دولت در زیر بخش‌ها این است که صندوق‌های تأمین اجتماعی که در هریک از سطوح دولت فعالیت می‌کنند با واحدهای دولتی و NPIهای تحت کنترل و تأمین مالی دولت در آن سطح از دولت در یک گروه قرار گیرند. این دو روش جایگزین برای رده بندی زیربخشی هماهنگ با نیازهای مختلف تحلیلی طراحی شده است. در تصمیم گیری برای این که در یک کشور معین کدام یک از روش‌های فوق مناسب‌تر است، نمی‌توان یکی را بر دیگری ترجیح داد. این بستگی به این دارد که صندوق‌های تأمین اجتماعی تا چه حد اهمیت دارند و تا چه حد مستقل از واحدهای دولتی مربوط به آن‌ها مدیریت می‌شوند. اگر مدیریت صندوق‌های تأمین اجتماعی به قدری با نیازهای کوتاه مدت یا میان مدت سیاست‌های اقتصادی دولت

یکپارچه است که حق بیمه‌ها و مزایای تأمین اجتماعی به طور سنجیده در جهت منافع کلی سیاست‌های اقتصادی تعدیل می‌شوند، در این صورت از نظر مفهومی مشکل خواهد بود که بین مدیریت تأمین اجتماعی و دیگر کارکردهای دولت خط مشخصی ترسیم کرد. مورد دیگر، در برخی از کشورها ممکن است صندوق‌های تأمین اجتماعی فقط در سطح بسیار ابتدائی وجود داشته باشند. در هرکدام از این حالت‌ها به سختی می‌توان توجیه کرد که صندوق‌های تأمین اجتماعی به عنوان یک زیربخش جدا و همتراز با دولت مرکزی، ایالتی و محلی در نظر گرفته شوند و مناسب این است که برای رده بندی زیربخشی، روشی انتخاب شود که در آن در هر سطح از دولت صندوق‌های تأمین اجتماعی با واحدهای دولتی مربوطه در یک گروه قرار گیرند. این رهیافتی است که به طور کلی در *GFSM2001* به عنوان رهیافت مطلوب معرفی شده است.

.

چ. بخش خانوار و زیر بخش‌های آن

۱. خانوارها به عنوان واحدهای نهادی

۴-۱۴۹ برای اهداف SNA، خانوار به عنوان گروهی از اشخاص تعریف می‌شود که محل اقامت زندگی خود را به اشتراک می‌گذارند، در قسمتی از درآمد و ثروتشان یا تمام آن شریک هستند، و انواع مشخصی از کالاها و خدمات را که عمدتاً خوراک و مسکن هستند به طور جمعی مصرف می‌کنند. به طور کلی، هریک از اعضای خانوار باید ادعائی بر منابع جمعی خانوار داشته باشند. حداقل بعضی از تصمیم‌هائی که بر مصرف یا سایر فعالیت‌های اقتصادی خانوار تأثیر می‌گذارند باید برای کل خانوار اتخاذ شوند.

۴-۱۵۰ در بیشتر موارد خانوار بر خانواده منطبق است، ولی وقتی اعضای خانوار برخی منابع و مصرف را به اشتراک می‌گذارند، لزومی ندارد حتماً متعلق به یک خانواده باشند. خانوارها ممکن است به هر اندازه و شکلی بسته به سنت، مذهب، آموزش، آب و هوا، جغرافیا، تاریخ و سایر عوامل اقتصادی- اجتماعی، در جوامع یا فرهنگ‌های مختلف وجود داشته باشند. تعریف یک خانوار که توسط آمارشناسان آشنا با شرایط اقتصادی- اجتماعی در یک کشور معین اتخاذ شده است، به احتمال زیاد به مفهوم خانوار تعریف شده در SNA بسیار نزدیک است، هرچند که ممکن است در یک کشور خاص آمارشناسان ضابطه‌ای دقیق‌تر، یا عملیاتی‌تری را اضافه کنند.

۴-۱۵۱ کارکنان خانگی که در همان محل کارفرمای خود زندگی می‌کنند جزئی از خانوار او نیستند، حتی اگر برای آن‌ها محل اقامت و خوراک به عنوان جبران خدمات غیرنقدی فراهم شود. کارکنان خانگی مزدبگیرِ خانوار ادعائی بر منابع جمعی خانوار کارفرمایشان ندارند و محل اقامت و خوراکی که مصرف می‌کنند در مصرف کارفرمایشان گنجانیده نمی‌شوند. بنابراین باید با آن‌ها چنان برخورد شود که به خانواری جدا از خانوار کارفرمایشان تعلق دارند.

۴-۱۵۲ اشخاصی که به طور دائمی در یک مؤسسه (نهاد) زندگی می‌کنند، یا انتظار می‌رود که برای مدت طولانی یا مدت زمانی نامحدود در یک مؤسسه اقامت داشته باشند، وقتی استقلال عمل یا استقلال تصمیم‌گیری در امور اقتصادی را نداشته باشند یا استقلال محدودی داشته باشند، با آن‌ها چنان برخورد می‌شود که به یک خانوار مؤسسه‌ای (نهادی) تعلق دارند. مثال‌هائی از اشخاصی که متعلق به خانوارهای نهادی هستند به شرح زیر است:

الف. اعضای فرقه‌های مذهبی که در صومعه‌ها، دیرها یا نهادهای مشابه زندگی می‌کنند؛

ب. بیمارانی که برای مدت طولانی در بیمارستان بستری هستند از جمله بیماران روانی؛

پ. زندانیان با محکومیت‌های طولانی؛

ت. اشخاصی که به طور دائم در خانه‌ی سالمندان زندگی می‌کنند.

۴-۱۵۳ از سوی دیگر، اشخاصی که برای دوره کوتاهی در بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها، نقاهتگاه‌ها، عزلت‌گاه‌های مذهبی یا نهادهای مشابه به سر می‌برند، کسانی که در مدارس شبانه‌روزی، کالج‌ها یا دانشگاه‌ها شرکت می‌کنند، یا زندانیانی که دارای محکومیت کوتاه مدت هستند باید به عنوان اعضای خانواری که به طور عادی به آن تعلق دارند، در نظر گرفته شوند.

۴-۱۵۴ اقامت هر شخص از طریق خانواری که این شخص جزئی از آن است و نه محل کار او، تعیین می‌شود. تمامی اعضای یک خانوار اقامت یکسانی با خانوار خود دارند، حتی اگر برای کار کردن از مرزها عبور کنند یا مدت زمانی را خارج از مرزها به سر برند. اگر آن‌ها مدت زمانی را که در خارج کار می‌کنند یا اقامت دارند به قدری طولانی باشد که مرکز منافع اقتصادی در خارج کسب کنند، دیگر عضو خانوار اصلی خود نخواهند بود.

۲. بنگاه‌های غیر شرکتی در خانوار

۴-۱۵۵ همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، خانوارها برخلاف شرکت‌ها دارای مصرف نهائی هستند. ولی ممکن است مانند شرکت‌ها به تولید نیز اشتغال داشته باشند. بنگاه‌های غیرشرکتیِ بازاری خانوار با هدف تولید کالاها و خدمات برای فروش یا معامله‌ی پایاپای در بازار تشکیل می‌شوند. آن‌ها در واقع می‌توانند به هرنوع فعالیتی اعم از کشاورزی، معدن‌کاوی، صنعت ساخت، ساخت و ساز، توزیع خرده فروشی یا تولید انواع دیگر کالاها و خدمات اشتغال داشته باشند. گستره‌ی آن‌ها می‌تواند از یک شخص دست فروش یا واکسیِ کنار خیابان که در واقع هیچ سرمایه یا محل کسب و کاری برای خود ندارد تا بنگاه‌های صنعتی، ساختمانی یا خدماتی بزرگ با کارکنان زیاد، گسترده باشد.

۴-۱۵۶ بنگاه‌های غیرشرکتی بازاری، شراکت‌های غیرشرکتی که به تولید کالاها وخدمات برای فروش یا معامله در بازار اشتغال دارند را نیز در بر می‌گیرند. شرکا می‌توانند به خانوارهای متفاوت تعلق داشته باشند. هنگامی که تعهد شرکا برای دیون بنگاه نامحدود است، شراکت باید به عنوان بنگاه‌های غیرشرکتی تلقی شود و در درون بخش خانوار باقی بماند زیرا اگر بنگاه ورشکست شود تمام دارائی‌های خانوار، از جمله خود محل مسکونی، در معرض خطر قرار می‌گیرد. با این حال، شراکت‌های غیرشرکتی با شریک‌های زیاد، نظیر بعضی شراکت‌های قانونی بزرگ ساختمانی یا حسابداری، احتمال دارد مانند شرکت‌ها عمل کنند که در این صورت فرض بر این است مجموعه‌ی کامل حساب‌های خود را برای شرکا در دسترس دارند و باید به عنوان شبه شرکت تلقی شوند. شراکت‌هائی که شرکای آن‌ها از تعهدات محدودی برخوردار هستند عمدتاً هستارهای قانونی مجزائی هستند و، همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، به عنوان شرکت تلقی می‌شوند.

۴-۱۵۷ بنگاه غیرشرکتی خانوار فقط در صورتی می‌تواند به عنوان یک شرکت تلقی شود که امکان جدا سازی همه‌ی دارائی‌های خانوار، از جمله دارائی‌های مالی تا سطح پول نقد، که به دلیل مصرف کننده بودن خانوار به او تعلق دارند از دارائی‌هائی که به دلیل تولید کننده بودن به او تعلق دارند، وجود داشته باشد.

۳. بخش خانوار و زیربخش‌های آن

۴-۱۵۸ بخش خانوار از تمامی خانوارهای مقیم تشکیل یافته است. شیوه‌های مفید بسیاری وجود دارد که می‌توان بخش خانوار را به زیر بخش‌های مختلف تقسیم کرد و به سازمان‌های آماری توصیه می‌شود که امکانات گوناگون را با ملاحظه‌ی اثرات آن مد نظر قرار دهند. اگر تقاضا برای رده بندی‌های مختلف بخش خانوار از طرف کاربران، تحلیل‌گران یا سیاست‌گذاران وجود داشته باشد، می‌توان بیش از یک شیوه رده بندی را اتخاذ کرد.

۴-۱۵۹ در بکارگیری SNA باید انعطاف وجود داشته باشد. در پیاده سازی هریک از شیوه‌های ممکن برای رده بندی زیربخشی خانوار که در زیر پیشنهاد شده است، لازم است هر یک از کشورها خودشان تصمیم بگیرند که مناسب‌ترین طبقه‌بندی از

نظر آن‌ها کدام است. از این رو، نباید این طور تفسیر شود که طبقه‌بندی‌هایِ تفصیلی خاص طبق معیارهائی که در این‌جا پیشنهاد شده است لزوماً یا همیشه برای تحلیل‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری‌ها مهم‌ترین هستند.

رده بندی زیربخشی برحسب درآمد

۴-۱۶۰ خانوارها ممکن است برحسب ماهیتِ بیشترین منبع درآمدشان در زیربخش‌ها گروه بندی شوند. برای این منظور، لازم است انواع درآمدهای خانوار به شرح زیر متمایز شوند:

الف. درآمد متعلق به صاحبان بنگاه‌های غیرشرکتی خانوار با کارکنان دستمزد بگیر (درآمد مختلط کارفرمایان)؛

ب. درآمد متعلق به صاحبان بنگاه‌های غیرشرکتی خانوار بدون کارکنان دستمزد بگیر (درآمد مختلط کارکنان به حساب خود)؛

پ. جبران خدمات کارکنان؛

ت. درآمدهای دارائی و انتقالات.

۴-۱۶۱ خانوارها برحسب این که کدام یک از چهار رده از درآمدهای فهرست شده در بالا دارای بیشترین سهم برای کل خانوار باشد به زیر بخش‌ها منتسب می‌شوند، حتی اگر سهم آن همیشه بیش از نصف کل درآمد خانوار نباشد. هنگامی که یک خانوار از یک رده‌ی معین بیش از یک درآمد داشته باشد، به دلیل این که مثلاً بیش از یک عضو خانوار مزد و حقوق بگیر هستند، یا به دلیل این که بیش از یک عضو خانوار درآمد دارائی یا انتقالات دریافت می‌کنند، طبقه بندی باید براساس کل درآمد خانوار در هر رده انجام شود. این چهار زیربخش به شرح زیر هستند:

الف. کارفرمایان؛

ب. خویش فرمایان؛

پ. مزد و حقوق بگیران؛

ت. دریافت کنندگان درآمدهای دارائی و انتقالات.

۴-۱۶۲ زیربخش چهارم، خانوارهائی که بیشترین منبع درآمدشان، درآمد دارائی و انتقالات است، گروه ناهمگونی را به وجود می‌آورند و توصیه می‌شود که در صورت امکان این رده به سه زیر بخش دیگر تقسیم شود. این زیربخش‌ها به شرح زیر تعریف می‌شوند:

- دریافت کنندگان درآمد دارائی؛
- دریافت کنندگان مستمری‌های بازنشستگی؛
- دریافت کنندگان دیگر درآمدهای انتقالات.

رده بندی زیربخشی برحسب ویژگی‌های شخص مرجع

۴-۱۶۳ در روش‌های دیگرِ رده بندیِ زیربخشی معمولاً لازم است برای هر خانوار یک شخص مرجع شناسائی شود. شخص مرجع لزوماً شخصی نیست که اعضای دیگر خانوار او را به عنوان "رئیس خانوار" می‌شناسند، زیرا برای تعیین شخص مرجع باید به جای سن و ارشد بودن، ملاک اهمیت اقتصادی مد نظر قرار گیرد. به طور عادی شخص مرجع باید شخصی باشد که دارای بیشترین درآمد است گرچه ممکن است شخصی هم باشدکه تصمیم‌های عمده با توجه به مصرف خانوار را اتخاذ می‌کند.

۴-۱۶۴ هنگامی که شخص مرجع تعیین شد، گروه بندی خانوارها در زیربخش‌ها را می‌توان براساس ویژگی‌های شخص مرجع انجام داد. برای مثال، زیربخش‌ها را می‌توان برحسب موارد زیر تعیین کرد:

الف. شغل شخص مرجع؛

ب. صنعتی (رشته‌فعالیتی) (اگر وجود داشته باشد) که شخص مرجع در آن کار می‌کند؛

پ. بالاترین مدرک تحصیلی شخص مرجع؛

ت. شایستگی‌ها یا مهارت‌های فنی شخص مرجع.

هریک از معیارهای بیان شده در بالا الگوی خاص خود را برای رده بندی زیربخشی ارائه می‌دهد. همچنین اگر به

دلایلی رده بندی زیربخش‌های خانوار براساس بیشترین درآمد دریافتی خانوار امکان پذیر نباشد، می‌توان خانوارها را برحسب درآمد عمده‌ی شخص مرجع به زیر بخش‌ها تقسیم کرد. برای این منظور، همان رده‌های درآمدی که برای بیشترین درآمد خانوار پیشنهاد شده است می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

رده بندی زیربخشی برحسب مکان و اندازه خانوار

۴-۱۶۵ سر انجام، لازم به ذکر است که خانوارها را می‌توان با استفاده از ملاک‌هائی که به کل خانوار اعمال می‌شود به رده‌های زیربخشی تقسیم کرد. برای مثال، زیربخش‌ها ممکن است برحسب موارد زیر تعیین شوند:

الف. میزان درآمد کل خانوار؛

ب. بعد خانوار به عنوان تعداد اعضای خانوار؛

پ. نوع منطقه‌ای که خانوار در آن مسقر است؛

ملاک آخر این امکان را می‌دهد که خانوارهائی که در مناطق کشاورزی، شهری یا کلان شهرها زندگی می‌کنند از یکدیگر یا از خانوارهائی که در مناطق مختلف جغرافیائی زندگی می‌کنند، متمایز شوند.

ح. بخش نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها

۴-۱۶۶ در بخش‌های پیشین شرح داده شد که NPIها وقتی به تولید بازاری اشتغال دارند به بخش شرکت‌ها منتسب می‌شوند و وقتی به تولید غیربازاری اشتغال دارند ولی تابع دولت هستند به بخش دولت منتسب می‌شوند. بقیه‌ی NPIها نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISHs) نامیده می‌شوند. همه این نهادها کالاها و خدمات را به طور رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند، ارائه می‌دهند.

۴-۱۶۷ نوعی از NPISHها، آن‌هائی هستند که با همکاری اشخاص ایجاد می‌شوند تا کالاها یا، در بیشترِ موارد، خدماتی را که عمدتاً برای بهره‌مندی اعضای خودِ خانوار است فراهم کنند. این خدمات که با حق اشتراک‌های عضویت یا حق عضویت‌ها تأمین مالی می‌شوند معمولاً رایگان ارائه می‌شوند. این‌ها NPISHهائی نظیر انجمن‌های حرفه‌ای یا علمی، احزاب سیاسی، اتحادیه‌های صنفی، انجمن‌های حمایت از مصرف کنندگان، کلیساها یا جماعات مذهبی و باشگاه‌های فرهنگی، تفریحی یا ورزشی را پوشش می‌دهند. آن‌ها سازمان‌های دارای کارکردهای مشابه با سازمان‌های تحت کنترل واحدهای دولتی را در بر نمی‌گیرند. نهادهای مذهبی به عنوان NPISHها تلقی می‌شوند حتی وقتی که عمدتاً توسط واحدهای دولتی تأمین مالی شوند به شرطی که تأمین مالیِ عمده‌ی دولت به عنوان تقویتِ کنترل دولت در نظر گرفته نشود. احزاب سیاسی در کشورهائی که دارای نظام سیاسی تک حزبی بوده و توسط واحدهای دولتی از طریق تأمین منابع مالی مورد نیاز کنترل می‌شوند، در بخش دولت منظور می‌گردند.

۴-۱۶۸ در برخی از جوامع، ممکن است NPISHهائی یافت شوند که وضعیت قانونی یا اساسنامه‌ی رسمی ندارند. آن‌ها وقتی کارکردهای یکسانی با انجمن‌ها، احزاب سیاسی، اتحادیه‌های بازرگانی و غیره بیان شده در بالا داشته باشند باید به عنوان NPISHها تلقی شوند. ولی هنگامی که گروهی از خانوارها در پروژه‌های ساختمانی اجتماعی (اشتراکی) (نظیر ساخت بناها، جاده‌ها، پل‌ها، نهرها، سدها و غیره) با هم کار می‌کنند، بجای اینکه NPISH تلقی شوند، باید به عنوان شراکت‌های غیررسمی که به ساخت و ساز به حساب خود اشتغال دارند، در نظر گرفته شوند. NPISHها به طور عادی باید دارای نقش

پیوسته‌ای باشند و نه این که برای یک پروژه واحد با مدت زمان محدودی ایجاد شده باشد.

۴-۱۶۹ نوع دوم NPISHها متشکل از نهادهای نیکوکاری، کمک رسانی یا مددکاری هستند که برای مقاصد انسان‌دوستانه و نه برای خدمت به نفع اعضای انجمن کنترل کننده‌ی NPISHها ایجاد می‌شوند. این NPISHها کالاها و خدمات غیربازاری برای خانوارهای نیازمند، از جمله خانوارهای متأثر از بلایای طبیعی یا جنگ فراهم می‌کنند. منابع این NPISHها عمدتاً از طریق کمک‌های بلاعوض نقدی یا غیرنقدی عموم مردم، شرکت‌ها یا دولت تأمین می‌شوند. این منابع همچنین به وسیله انتقالات از سوی غیرمقیم‌ها، از جمله نوع مشابه NPISHهای مقیم در کشورهای دیگر، نیز فراهم می‌شوند.

۴-۱۷۰ نوع سوم NPISHها متشکل از آن‌هائی هستند که خدمات جمعی ارائه می‌دهند، نظیر نهادهای پژوهشی که نتایج پژوهش خود را به رایگان در دسترسی عموم قرار می‌دهند، نظیر گروه‌های محیط زیست و غیره. این‌ها کمتر از دو نوع دیگر NPISHها رایج هستند و ممکن است همیشه حضور قابل ملاحظه‌ای در یک کشور نداشته باشند.

۴-۱۷۱ اگر تعداد یا اندازه NPISHهائی که از خارج تأمین مالی می‌شوند قابل توجه باشد، شاید تفکیک NPISHها به دو گروه، آن‌هائی که عمدتاً از داخل تأمین مالی می‌شوند و آن‌هائی که عمدتاً از خارج تأمین مالی می‌شوند، مفید باشد.

خ. دنیای خارج

۴-۱۷۲ برای مقاصد SNA، ***دنیای خارج از همه‌ی نهادهای غیرمقیمی که در تراکنش با واحدهای مقیم درگیر هستند، یا ارتباط‌های اقتصادی دیگری با آن‌ها دارند، تشکیل شده است.*** دنیای خارج یک بخش نیست که لازم باشد مجموعه‌ی کامل حساب‌ها برای آن تهیه شود، اگرچه بیشتر برای سهولت، به‌گونه‌ای از آن یاد می‌شود که گوئی یک بخش است. حساب‌ها یا جدول‌ها برای دنیای خارج محدود به حساب‌ها و جدول‌هائی است که تراکنش‌های بین مقیم‌ها و غیرمقیم‌ها یا ارتباط‌های اقتصادی دیگر، نظیر ادعاهای مقیم‌ها بر غیرمقیم‌ها یا برعکس را ثبت می‌کنند. دنیای خارج شامل برخی واحدهای نهادی است که ممکن است به صورت فیزیکی درداخل مرزهای جغرافیائی یک کشور واقع شده باشند؛ مانند، برون خاک‌های خارجی نظیر سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها یا پایگاه‌های نظامی، و همچنین سازمان‌های بین‌المللی.

۱. سازمان‌های بین‌المللی

۴-۱۷۳ برخی سازمان‌های بین‌المللی دارای همه‌ی ویژگی‌های اساسی یک واحد نهادی هستند. ویژگی‌های خاصِ یک "سازمان بین‌المللی" را آن‌گونه که در SNA از این اصطلاح استفاده شده است، می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف. اعضای یک سازمان بین‌المللی را یا دولت‌های ملی تشکیل می‌دهند یا دیگر سازمان‌های بین‌المللی که اعضای آن‌ها از دولت‌های ملی تشکیل یافته‌اند؛ از این رو، این سازمان‌ها اقتدار خود را چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم از طریق سایر سازمان‌های بین‌المللی از دولت‌های عضو خود می‌گیرند؛

ب. آن‌ها هستارهای قانونی هستند که از طریق موافقتنامه‌های بین‌المللیِ رسمی بین اعضائی که حائز شرایط معاهدات بین‌المللی هستند، ایجاد می‌شوند؛ هستی آن‌ها به وسیله قانون کشورهای عضو به رسمیت شناخته شده است؛

پ. نظر به این که این سازمان‌ها از طریق موافقتنامه‌ی

بین‌المللی ایجاد می‌شوند، جایگاه حاکمیت مستقلی به آن‌ها اعطا می‌شود؛ به این معنی که سازمان‌های بین‌المللی تابع قوانین یا مقررات کشور یا کشورهای محل استقرار خود نیستند؛ آن‌ها واحدهای نهادی مقیم کشورهائی که در آن واقع شده‌اند، نیستند؛

ت. سازمان‌های بین‌المللی برای مقاصد متعددی ایجاد می‌شوند، در میان همه‌ی آن‌ها می‌توان به انواع فعالیتهای زیر اشاره کرد:

ث. ارائه‌ی خدمات غیربازاری با ماهیت خدمات جمعی برای بهره‌مندی اعضای آن‌ها؛

ج. واسطه‌گری مالی در سطح بین‌المللی، یعنی هدایت منابع مالی بین وام دهندگان و وام گیرندگان در کشورهای مختلف.

۴-۱۷۴ موافقتنامه‌های رسمی امضاء شده توسط همه‌ی کشورهای عضوِ یک سازمان بین‌المللی گاهی ممکن است منجر به اعمال قانون در داخل این کشورها باشند.

۴-۱۷۵ بیشترِ سازمان‌های بین‌المللی به طور کامل یا تا حدودی از طریق کمک (انتقالات) کشورهای عضو تأمین مالی می‌شوند، ولی برخی از سازمان‌ها منابع مالی خود را از راه‌های دیگری نظیر وام‌گیری در بازارهای مالی یا پذیره نویسی سهام سرمایه‌ی سازمان‌های بین‌المللی و وام‌دهی توسط کشورهای عضو به دست می‌آورند. برای اهداف SNA، سازمان‌های بین‌المللی به عنوان واحدهائی تلقی می‌شوند که در دنیای خارج مقیم هستند.

۲. بانک‌های مرکزی اتحادیه‌های پولی

۴-۱۷۶ بانک مرکزی اتحادیه‌ی پولی، نوع خاصی از سازمان‌های بین‌المللی تلقی می‌شود. اعضای این سازمان بین‌المللی را که بانک مرکزی قسمتی از آن است، دولت‌ها یا بانک‌های مرکزی ملی کشورهای اتحادیه پولی تشکیل می‌دهند. بانک مرکزیِ اتحادیه پولی در هریک از کشورهای عضو اتحادیه پولی، غیرمقیم ولی در کل منطقه پولی مقیم به حساب می‌آید. نحوه برخورد با اتحادیه‌های پولی و اقتصادی را می‌توان در *BPM6*، پیوست شماره ۳ ملاحظه کرد.

فصل ۵: بنگاه‌ها، کارگاه‌ها و صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)

الف. مقدمه

۵-۱ تعریف واحدهای نهادی در فصل ۴ ارائه شد. فصل حاضر به فعالیت‌های تولید و واحدهائی که این فعالیت‌ها را انجام می‌دهند اختصاص دارد و با واحدهای نهادی شروع می‌کند و سپس به بررسی اجزای آن می‌پردازد. ***بنگاه، واحد نهادی است که کالاها و خدمات تولید می‌کند.*** واژه‌ی بنگاه ممکن است به یک شرکت، شبه شرکت، NPI یا یک بنگاه غیرشرکتی اطلاق شود. از آنجا که شرکت‌ها و NPIها بجز NPISHها عمدتاً برای اشتغال به تولید ایجاد می‌شوند، همه‌ی اطلاعات حسابداری آن‌ها در رابطه با فعالیت‌های تولید و انباشت مربوط به آن است. دولت، خانوارها و NPISHها ناگزیر به مصرف اشتغال دارند ولی ممکن است به تولید هم اشتغال داشته باشند؛ در حقیقت دولت و NPISHها همیشه به تولید هم اشتغال دارند ولی خانوارها اکثراً ولی نه همه‌ی آن‌ها احتمال دارد به تولید هم اشتغال داشته باشند. همان‌گونه که در فصل ۴ شرح داده شد، هرگاه اطلاعات ضروری حسابداری وجود داشته باشد، فعالیت تولید این واحدها از دیگر فعالیت‌های آن‌ها در قالب یک شبه شرکت جدا می‌شود. هنگامی که این جدا سازی امکان‌پذیر نباشد یک بنگاه غیرشرکتی در درون واحد دولتی، خانوار یا NPISH وجود دارد. از این رو تعریف یک بنگاه غیرشرکتی میسر می‌شود. ***بنگاه غیرشرکتی فعالیت تولیدیِ یک واحد دولتی، یک خانوار یا یک NPISH را که نمی‌توان آن را به عنوان یک شبه شرکت تلقی کرد نشان می‌دهد.***

۵-۲ اکثر بنگاه‌ها، فقط به یک نوع تولید اشتغال دارند. هرچند، بخش عمده‌ی تولید توسط تعداد نسبتاً کمی از بنگاه‌های بزرگی که انواع مختلفی از تولیدات را به عهده دارند صورت می‌گیرد، ولی در واقع هیچ حد نهایتی برای گستره‌ی تنوع تولیدات در یک بنگاه بزرگ وجود ندارد. اگر بنگاه‌ها براساس فعالیت اصلی گروه بندی شوند، احتمال دارد حداقل برخی از گروه‌های حاصل، از نظر نوع فرآیند تولید و نیز کالاها و خدمات تولید شده بسیار ناهمگون باشند. از این رو، برای آن دسته از تحلیل‌های تولید که فناوری تولید در آن‌ها نقش مهمی را ایفاء می‌کند، لازم است با گروه‌هائی از تولیدکنندگان کار شود که اساساً به یک نوع تولید اشتغال دارند. این بدین معناست که برخی از واحدهای نهادی باید به واحدهای کوچکتر و همگن‌تری تقسیم شوند، این واحدها در SNA کارگاه نامیده شده‌اند. ***کارگاه یک بنگاه، یا قسمتی از یک بنگاه، است که در یک مکانِ واحد مستقر شده و در آن فقط یک فعالیت تولیدیِ واحد انجام می‌شود یا فعالیت تولیدی اصلی آن بیشترین ارزش افزوده را ایجاد می‌کند.*** علاوه بر این، SNA صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) را از منظرکارگاه تعریف می‌کند. ***هر صنعت (رشته‌فعالیت) از یک گروه کارگاه تشکیل شده است که به یک نوع فعالیت یا انواع مشابه فعالیت‌ها اشتغال دارند.*** در SNA، حساب تولید و حساب ایجاد درآمد برای صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) و نیز برای بخش‌ها تهیه می‌شوند.

۵-۳ این فصل ابتدا فعالیت تولیدی و طبقه بندی آن را مورد بحث قرار می‌دهد تا زمینه را برای تعریف کارگاه‌ها و پس از آن صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) فراهم کند. همه‌ی بنگاه‌ها به برخی از خدمات اولیه و روزمره نیاز دارند تا فعالیت‌های تولیدشان را پشتیبانی کنند. هرگاه این خدمات در درون بنگاه تهیه شوند فعالیت‌های فرعی نامیده می‌شوند. ثبت فعالیت‌های فرعی از تعدادی قواعد پیروی می‌کند که کاملاً بستگی به چگونگی فراهم کردن آن‌ها دارد. فعالیت‌های فرعی در بخش ت شرح داده شده است.

۵-۴ تعاریفی که پدید می‌آید، و همچنین تعاریف اولیه‌ی نوع فعالیت و واحدهای آماری غیر از کارگاه‌ها، با تعاریف *ISIC,Rev.4* سازگار هستند. هر تفاوت جزئی که در عبارت‌های این فصل با "مقدمه" ISIC وجود داشته باشد در

جای مناسب خود در سطرهای زیرین اشاره و شرح داده خواهد شد. همچنین در اینجا و فصل‌های دیگر به *CPC2* نیز که طبقه بندی محصولات مورد استفاده در SNA است، ارجاع داده شده است.

ب. فعالیت‌های تولیدی

۵-۵ فعالیت‌های تولیدی در SNA، همان‌گونه که به تفصیل در فصل ۶ بحث خواهد شد، متشکل از فرآیندها یا فعالیت‌های انجام شده تحت کنترل و مسئولیت واحدهای نهادی است که نهاده‌های کار، سرمایه، کالاها و خدمات را به کار می‌برند تا ستانده‌های کالاها و خدمات را تولید کنند. هر یک از این نوع فعالیت‌ها را می‌توان با توجه به ویژگی‌های مختلف آن‌ها نظیر آنچه که در زیر آمده است، طبقه‌بندی کرد:

الف. نوع کالاها و خدمات تولید شده به عنوان ستانده،

ب. نوع نهاده‌های استفاده شده یا مصرف شده،

پ. فنآوری تولید،

ت. نوع استفاده‌ی ستانده.

انواع یکسان از کالاها و خدمات ممکن است به روش‌های متفاوتی تولید شوند. برخی از انواع کالاها و خدمات ممکن است با استفاده از نهاده‌های کاملاً متفاوت تولید شوند، برای مثال، قند ممکن است از نیشکر یا چغندر قند تولید شود، یا برق از ذغال سنگ، نفت، نیروگاه هسته‌ای یا از نیروگاه برق آبی تولید شود. بسیاری از فرآیندهای تولید همچنین محصولات مشترک نیز تولید می‌کنند، نظیر گوشت و پوست که دارای کاربردهای کاملاً متفاوتی هستند.

۱. طبقه بندی فعالیت‌ها در SNA

۶-۵ طبقه بندی فعالیت‌های تولیدی که در SNA مورد استفاده قرار گرفته است، *ISIC (Rev.4)* است. معیارهای به کار رفته در *ISIC* برای مشخص کردن هریک از چهار سطح آن پیچیده هستند. ساختار این طبقه‌بندی متشکل از ۲۱ بخش، ۸۸ قسمت، ۲۳۸ گروه و ۴۱۹ طبقه است. در سطوح قسمت و گروه، وزن اصلی به ماهیت کالا یا خدمتی که به عنوان محصول اصلی فعالیت مورد نظر تولید می‌شود از نظر ترکیب فیزیکی و مرحله ساخت محصول و نیازهائی که توسط آن محصول رفع می‌شوند، داده شده است. این معیار، اساس گروه بندی واحدهای تولید کننده را با توجه به شباهت‌ها و پیوندهای بین، مواد خام مصرف شده و منابع تقاضا برای آن محصول فراهم می‌کند. همچنین دو معیار عمده‌ی دیگر در این دو سطح مد نظر قرار گرفته‌اند که عبارت از مصارفی که کالاها و خدمات به آن‌ها اختصاص داده می‌شوند، و نهاده‌ها، فرآیند تولید و فناوری تولید هستند.

۷-۵ با وجود این که برای اهداف این فصل بیان مفهوم فعالیت با هیچ تفصیلی لازم نیست، تشریح تفاوت اساسی بین فعالیت‌های اصلی و ثانوی از یک سو و فعالیت‌های فرعی از سوی دیگر ضروری است.

۲. فعالیت‌های اصلی و ثانوی

فعالیت‌های اصلی

۸-۵ ***فعالیت اصلیِ یک واحد تولید کننده فعالیتی است که ارزش افزوده‌ی آن بیش از هر فعالیت دیگری است که در همان واحد انجام می‌شود.*** (واحد تولیدکننده ممکن است یک بنگاه یا یک کارگاه باشد که در زیر تعریف شده است). طبقه‌بندی فعالیت اصلی با استناد به *ISIC*، ابتدا در بالاترین سطح طبقه بندی و سپس در سطوح جزئی‌تر، تعیین می‌شود. فعالیت اصلی یک بنگاه متشکل از محصول اصلی و هر نوع محصول جنبی است که ناگزیر همراه با محصول اصلی تولید می‌شود. ستانده‌ی فعالیت اصلی باید متشکل از کالاها و خدماتی باشد که قابلیت ارائه به واحدهای نهادی دیگر را داشته باشد حتی

اگر برای خود مصرفی یا تشکیل سرمایه به حساب خود به کار رود.

فعالیت‌های ثانوی

۵-۹ ***فعالیت ثانوی فعالیتی است که علاوه بر فعالیت اصلی در درون یک واحد تولید کننده انجام می‌شود و ستانده‌ی آن مانند ستانده‌ی فعالیت اصلی باید برای ارائه به خارج از واحد تولیدی مناسب باشد.*** طبق تعریفِ فعالیت اصلی، ارزش افزوده‌ی فعالیت ثانوی باید کمتر از ارزش افزوده‌ی فعالیت اصلی باشد. بیشترِ واحدهای تولید کننده حداقل تعدادی محصول ثانوی تولید می‌کنند.

۳. فعالیت‌های فرعی

۵-۱۰ فعالیت فرعی همان طور که از نام آن برمی‌آید، یک فعالیت ضمنی برای فعالیت اصلی بنگاه محسوب می‌شود. این فعالیت اداره کردن کارآمد کارگاه را آسان می‌سازد ولی به طورعادی کالاها و خدماتی را برای ارائه به بازار تولید نمی‌کند. برای بنگاه‌هائی که نسبتاً کوچک هستند و فقط یک مکان دارند، فعالیت‌های فرعی جداگانه تشخیص داده نمی‌شوند. برای بنگاه‌های بزرگ‌تر با چندین مکان، شاید بهتر باشد فعالیت‌های فرعی را به شیوه‌ای یکسان با محصول ثانوی یا حتی محصول اصلی عمل کرد. بحث مفصل درباره ثبت فعالیت‌های فرعی در بخش ت بعد از بحثِ ثبت تولید اصلی و ثانوی، ارائه شده است.

پ. افراز بنگاه‌ها به واحدهای همگن‌تر

۵-۱۱ اگرچه این امکان وجود دارد که با استفاده از *ISIC*، بنگاه‌ها را برحسب فعالیت اصلی آن‌ها در "صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)" طبقه بندی کرد، احتمال دارد بعضی از "صنعت‌های (رشته-فعالیت‌های)" به دست آمده بسیار ناهمگون باشند زیرا برخی از بنگاه‌ها ممکن است فعالیت‌های ثانوی متعددی داشته باشند که کاملاً با فعالیت اصلی آن‌ها متفاوت باشند. برای به دست آوردن گروه‌های تولیدکننده‌ای که دارای فعالیت‌های همگن‌تر هستند، لازم است بنگاه‌ها به واحدهای کوچک‌تر و همگن‌تر تقسیم شوند.

۱. انواع واحدهای تولیدی

واحدهای مبتنی بر نوع فعالیت

۵-۱۲ یکی از روش‌های افراز بنگاه به واحدهای کوچک‌تر با استناد به فعالیت‌ها انجام می‌شود. واحدی که از این نوع افراز به دست می‌آید واحد مبتنی بر نوع فعالیت (KAU) نامیده می‌شود. ***واحد مبتنی بر نوع فعالیت، یک بنگاه، یا قسمتی از یک بنگاه، است که فقط به یک نوع فعالیت تولیدی اشتغال دارد یا فعالیت تولیدی اصلی آن بیشترین ارزش افزوده را ایجاد می‌کند.*** هر بنگاهی، طبق تعریف، متشکل از یک یا چند واحد مبتنی بر نوع فعالیت است. هنگامی که یک بنگاه به دو یا چند واحد مبتنی بر نوع فعالیت افراز می‌شود، واحدهای به دست آمده باید با توجه به ستانده، ساختار هزینه و فنآوری تولید همگن‌تر از کل بنگاه باشند.

واحدهای مبتنی بر مکان

۵-۱۳ بنگاه‌ها اغلب در بیش از یک مکان به فعالیت‌های تولیدی اشتغال دارند، و در نتیجه برای بعضی مقاصد شاید بهتر باشد به واحدهای کوچک‌تر تقسیم شوند. از این رو، ***واحد مبتنی بر مکان یک بنگاه، یا بخشی از یک بنگاه، است که به فعالیت تولیدی در یک مکان یا از یک مکان اشتغال دارد.*** این تعریف فقط یک بعد دارد که در آن به نوع فعالیت بنگاه استناد

نمی‌شود. مکان ممکن است بسته به هدف آن به صورت جزئی‌تر، نظیر یک آدرس خاص، یا وسیع‌تر، نظیر استان، ایالت وغیره، تفسیر شود.

کارگاه‌ها

۵-۱۴ درکارگاه دو بُعدِ نوع فعالیت و مکان باهم ترکیب می‌شوند. ***کارگاه یک بنگاه، یا قسمتی از یک بنگاه، است که در یک مکان واحد مستقر شده و در آن فقط یک فعالیت تولیدی واحد انجام می‌شود یا فعالیت تولیدی اصلی آن بیشترین ارزش افزوده را ایجاد می‌کند.*** گاهی اوقات به کارگاه‌ها عنوان واحدهای مبتنی بر نوع فعالیت و مکان (KAU مبتنی بر مکان) اطلاق می‌شود.

۵-۱۵ هرچند که کارگاه طبق تعریف می‌تواند یک یا چند فعالیت ثانوی داشته باشد، ولی این فعالیت‌ها باید در مقایسه با فعالیت اصلی در مقیاس کوچک‌تری انجام شوند. اگر یک فعالیت ثانوی در یک بنگاه به اندازه‌ی فعالیت اصلی مهم، یا تقریباً مهم، باشد، در این صورت آن فعالیت باید طوری عمل شود که در کارگاهی جدا از کارگاه فعالیت اصلی انجام می‌شود.

۵-۱۶ بنابراین، کارگاه‌ها برای این منظور طراحی شده‌اند تا واحدهائی را تشکیل دهند که داده‌های مناسبی را برای تحلیل‌های تولید که در آن فنآوری تولید نقش مهمی ایفا می‌کند، فراهم کنند. با این حال، ممکن است لازم باشد داده‌هائی که به دست می‌آیند بعداً برای استفاده در تحلیل‌های داده- ستانده تغییر شکل داده شوند، همان‌گونه که در سطرهای زیرین هنگام توضیح واحد همگن تولید، به طور خلاصه و در فصل ۲۸ به تفصیل شرح داده خواهد شد.

۵-۱۷ در عمل، یک کارگاه ممکن است معمولاً با یک محل کار منفرد که در آن یک نوع فعالیت تولیدی خاص انجام می‌گیرد، مشخص شود، نظیر مزرعه، معدن، معدن سنگ، کارخانه، تأسیسات صنعتی، مغازه، فروشگاه، سایت ساخت و ساز، آمادگاه حمل و نقل، فرودگاه، گاراژ، بانک، اداره، کلینیک و غیره.

۲. داده‌ها و حساب‌های کارگاه‌ها

۵-۱۸ تنها داده‌هائی که به طور معنی‌داری می‌توان برای کارگاه‌ها تهیه کرد به فعالیت‌های تولیدی آن مربوط می‌شوند. این‌ها شامل موارد زیر هستند:

الف. اقلامی که حساب تولید و حساب ایجاد درآمد را در بر می‌گیرند؛

ب. آمار تعداد کارکنان، انواع کارکنان و ساعات کار انجام شده؛

پ. برآورد موجودی سرمایه‌ی غیرمالی و منابع طبیعی به کار گرفته شده؛

ت. برآورد تغییرات موجودی انبار و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص.

۵-۱۹ تهیه‌ی حساب تولید و حساب ایجاد درآمد مستلزم این است که محاسبه‌ی ستانده و مصرف واسطه و در نتیجه ارزش افزوده و همچنین جبران خدمات کارکنان، مالیات بر تولید و واردات، یارانه‌ها و مازاد عملیاتی یا درآمد مختلط باید امکان‌پذیر باشد. در عمل، دستکم گردآوری انواع آمارهای فوق باید برای یک کارگاه امکان‌پذیر باشد، حتی اگر این آمارها در عمل همیشه در دسترس نباشند، یا مورد نیاز نباشند.

۳. استفاده از اصول در شرایط ویژه

۵-۲۰ استفاده از اصولی که برای افراز یک بنگاه به کارگاه‌ها در بالا ارائه شد، همیشه سرراست نیست. این بخش شرایط متعددی را مورد بحث قرار می‌دهد که سازمان‌دهی تولید طوری است که اعمال این اصول در موارد خاصی با مشکل مواجه می‌شود.

کارگاه‌های درون بنگاه‌های یکپارچه

۵-۲۱ ***بنگاهی که دارای یکپارچگیِ افقی است بنگاهی است که در آن انواع متعدد فعالیت‌های مختلفی که انواع گوناگون کالاها و خدمات را برای فروش در بازار تولید می‌کنند به طور هم‌زمان***

با استفاده از عوامل تولیدِ یکسان انجام می‌شوند. این تعریف با *ISIC Rev.4* که در زیر آمده است، سازگار است:

یکپارچگی افقی وقتی رخ می‌دهد که یک فعالیت، محصولات نهائی با ویژگی‌های مختلفی را تولید می‌کند. از نظر تئوری این می‌تواند به عنوان فعالیت‌هائی تعبیر شود که به طور هم‌زمان با استفاده از عوامل تولید یکسان انجام می‌شوند. از نظر آماری، در این حالت جدا سازی این فعالیت‌ها به فرآیندهای مختلف، انتساب آن‌ها به واحدهای مختلف یا کلاً فراهم کردن داده‌های مجزا برای آن‌ها امکان پذیر نیست. مثال دیگر می‌تواند تولید برق از طریق فرآیند سوزاندن زباله باشد. در این حالت، فعالیت دفع زباله و تولید برق را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد.

۵-۲۲ در SNA، باید برای هریک از انواع مختلف فعالیت‌ها یک کارگاه مجزا شناسائی شود.

۵-۲۳ ***بنگاهی که دارای یکپارچگیِ عمودی است بنگاهی است که در آن مراحل مختلف تولید که معمولاً توسط بنگاه‌های مختلف انجام می‌گیرند، به صورت پی در پی توسط قسمت‌های مختلف آن بنگاه انجام شوند***. ستانده‌ی یک مرحله، نهاده‌ی مرحله بعدی است، فقط ستانده‌ی مرحله نهائی در بازار فروخته می‌شود. *ISIC* بنگاه‌هائی را که به طور عمودی یکپارچه هستند به صورت زیر شرح می‌دهد:

یکپارچگی عمودی فعالیت‌ها جائی رخ می‌دهد که مراحل مختلف تولید به طور پی در پی توسط یک واحد انجام می‌شود و جائی که ستانده‌ی یک فرایند به عنوان نهاده فرآیند بعدی به کار می‌رود. مثال‌هائی از یکپارچگی عمودی عبارتند از: قطع درختان و نجاریِ پس از آن در سایت، استخراج خاک رس همراه با کارخانه آجرسازی، یا تولید الیاف مصنوعی در یک کارخانه نساجی.

۵-۲۴ براساس *ISIC Rev.4*، یکپارچگی عمودی باید مانند هر شکل دیگری از فعالیت‌های چندگانه عمل شود. واحدی با زنجیره‌ی یکپارچه عمودیِ فعالیت‌ها باید در طبقه مربوط به فعالیت اصلیِ درون این زنجیره یعنی فعالیتی که بیشترین سهم ارزش افزوده را دارد و با روش بالا به پائین تعیین می‌شود، طبقه بندی گردد. این روش از نسخه‌ی قبلی *ISIC* تغییر پیدا کرده است. لازم به ذکر است که اصطلاح "فعالیت" در این حالت برای هر مرحله از فرآیند تولید که در یک طبقه مجزای *ISIC* تعریف شده است به کار می‌رود، حتی اگر ستانده‌ی هر مرحله به قصد فروش در بازار نباشد.

۵-۲۵ در یکپارچگی عمودی اگر نتوان برای یک مرحله‌ی منفرد، ارزش افزوده یا جایگزین آن را مستقیماً از حساب‌های نگه‌داری شده توسط خودِ آن واحد تعیین کرد، می‌توان از مقایسه‌هائی که با واحدهای دیگر صورت می‌گیرد (مثلاً قیمت‌های بازار برای محصولات واسطه و نهائی) استفاده کرد. همان اقدامات احتیاطی برای استفاده از جایگزین‌ها که در بالا بیان شد اینجا هم اعمال می‌شود. اگر هنوز هم تعیین سهم ارزش افزوده برای مراحل مختلف در زنجیره‌ی فعالیت‌های تولید امکان پذیر نباشد، می‌توان سهمیه‌های پیش فرض برای انواع معمول یکپارچگی عمودی را به کار برد. *کتاب راهنمای همراه ISIC و CPC* (سازمان ملل (آماده‌ی انتشار)) مجموعه‌ای از مثال‌هائی را برای چنین حالت‌هائی ارائه می‌دهد.

۵-۲۶ مادامی که نحوه‌ی عمل فعالیت‌های یکپارچه عمودی را بتوان به هر واحدی اعمال کرد، باید توجه داشت که SNA توصیه می‌کند هرگاه یک بنگاه یکپارچه‌ی عمودی در دو یا چند بخش *ISIC* قرار گرفته باشد، دستکم باید در داخل هر بخش یک کارگاه تشخیص داده شود. با این نوع طرز عمل، فعالیت‌های واحدهای درگیر در فعالیت‌های یکپارچه‌ی عمودی از مرزهای بخش *ISIC* عبور نخواهند کرد.

۵-۲۷ از نظر حسابداری، اِفرازِ یک بنگاهِ یکپارچه‌ی عمودی به چند کارگاه مشکل خواهد بود زیرا لازم است ارزش ستانده‌هائی که از نخستین مرحله‌ی تولید در بازار فروخته نمی‌شوند و نهاده‌های واسطه‌ای برای مراحل بعدی می‌شوند، احتساب شود. برخی از این بنگاه‌ها ممکن است نقل و انتقال درونی بنگاه را به قیمت‌هایی که ارزش بازار را منعکس می‌کنند، ثبت کنند ولی بنگاه‌های دیگر ممکن است این طور عمل نکنند. حتی اگر داده‌های کافی در باره‌ی هزینه‌های متحمل شده در هر مرحله در دسترس باشد، ممکن است تصمیم‌گیری درباره

انتخاب روشِ مناسب برای تخصیصِ مازاد عملیاتیِ بنگاه به مراحل مختلف، مشکل باشد. یکی از روش‌های ممکن اعمال نرخ یکنواخت مازاد عملیاتی به هزینه‌های متحمل شده در هر مرحله است.

۲۸-۵ علیرغم مشکلات عملی موجود در افراز بنگاه‌های یکپارچه عمودی به کارگاه‌ها، همان‌گونه که در بالا از *ISIC* نقل قول شد، در SNA توصیه می‌شود وقتی یک بنگاه یکپارچه عمودی در دو یا چند بخش *ISIC* توزیع می‌شود، حداقل باید یک کارگاه در داخل هر بخش مشخص شود. بخش‌های *ISIC* با گروه‌های گسترده‌ای از صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) نظیر کشاورزی، ماهیگیری، معدن‌کاوی و استخراج معادن، ساخت و غیره مطابق است.

کارگاه‌های تحت مالکیت دولت

۲۹-۵ واحدهای دولتی، به ویژه دولت مرکزی، ممکن است در رابطه با انواع فعالیت‌هائی که به آن اشتغال دارند به طور ویژه‌ای بزرگ و پیچیده باشند. اصولی که در بالا معرفی شد باید به طور سازگار و نظام‌مند به واحدهای دولتی اعمال شوند. خلاصه‌ی روش‌هائی که لازم است برای برخورد با انواع اصلیِ واحدهای متعلق به دولت پیروی شوند، در پی خواهد آمد.

۳۰-۵ اگر یک بنگاه غیرشرکتی متعلق به دولت یک تولید کننده بازاری باشد و به اندازه کافی اطلاعات داشته باشد که بتوان آن را یک شبه شرکت تلقی کرد، باید به عنوان واحد تحت کنترل دولت در بخش شرکت‌های غیرمالی یا شرکت‌های مالی، هرکدام که مناسب باشد، منظور شود. قواعد معمول درباره‌ی تشخیص کارگاه‌های مختلفِ یک شبه شرکت در اینجا نیز اعمال می‌شود.

۳۱-۵ مثالی از یک بنگاه غیرشرکتی بازاری که می‌توان آن را به عنوان شبه شرکت تلقی کرد استخر شنای شهرداری است که به طور مستقل مدیریت شود و حساب‌های آن به‌گونه‌ای باشد که اندازه‌گیری درآمد، پس‌انداز و سرمایه جدا از حساب‌های دولت امکان‌پذیر باشد به طوری که بتوان جریان درآمدها یا سرمایه‌ی بین این واحد و دولت را مشخص کرد.

۳۲-۵ اگر یک بنگاه غیرشرکتیِ دولت یک تولیدکننده بازاری باشد و اطلاعات آن به اندازه کافی نباشد که بتوان آن را به عنوان یک شبه شرکت تلقی کرد، یا این بنگاه غیرشرکتی یک تولیدکننده‌ی غیربازاری باشد، در این صورت در بخش دولت باقی می‌ماند ولی باید به عنوان یک کارگاه مستقل عمل شود و به یک صنعت (رشته‌فعالیت) مناسب منتسب شود.

۳۳-۵ تولید کنندگان غیربازاری نظیر اداره امور عمومی دفاع، بهداشت و آموزش که کالاها و خدمات نهائی ارائه می‌دهند، باید با استفاده از طبقه بندی فعالیت‌هائی که در بخش‌های O، P و Q از *ISIC Rev.4* ارائه شده است به کارگاه‌ها افراز شوند. کارگزاران دولت مرکزی ممکن است در سراسر کشور پراکنده باشند که در این صورت لازم است برای فعالیت‌هائی که در محل‌های مختلف انجام می‌شوند، کارگاه‌های مختلف مشخص شوند.

۳۴-۵ هنگامی که یک کارگزار دولتی کالاهائی را به کارگزاران دولتی دیگر عرضه می‌کند، این کارگزار باید به عنوان یک کارگاه مجزا تلقی شود و زیر مناسب‌ترین عنوان *ISIC* طبقه بندی شود. این اصل برای تولید مهمات یا سلاح، اسناد چاپ شده یا لوازم التحریر، جاده ها و یا سایر سازه ها، و غیره بکار می‌رود. دولتی که سلاح خود را برای عرضه به نیروهای مسلح خود تولید می‌کند، در واقع، یک بنگاه یکپارچه عمودی است که به دو یا چند بخش از *ISIC* منتسب می‌شود. بنابراین، در هر بخش باید دستکم یک کارگاه جدا مشخص شود. همین بحث در مورد چاپخانه و سایر تولید کنندگان کالا که تحت مالکیت دولت هستند نیز مصداق دارد.

ت. فعالیت‌های فرعی

۵-۳۵ همان‌گونه که در بخش ب بیان شد، فعالیت‌های فرعی به دلیل روش‌های مختلفِ ثبت آن‌هاکه با توجه به شرایط مختلف توصیه شده است، نیاز به توجه ویژه دارد. هرچند، بهتر است به عنوان گام نخست مشخص شود که دقیقاً منظور از یک فعالیت فرعی چیست. فعالیت‌های فرعی، خدمات اولیه هستند که هر بنگاهی برای این که بتواند به طور کارآمد عمل کند، به آن‌ها نیاز دارد. انواع خدماتی که می‌توان اشاره کرد عبارتند از: بایگانی پرونده‌ها یا نگه‌داری حساب‌ها به صورت نوشتاری یا رایانه‌ای؛ فراهم کردن تسهیلات ارتباطی نوشتاری و الکترونیکی؛ خرید مواد اولیه و تجهیزات؛ استخدام، آموزش، مدیریت و پرداخت‌های کارکنان؛ انبار کردن مواد اولیه یا تجهیزات؛ انبارداری؛ حمل و نقل کالاها یا اشخاص در داخل و خارجِ واحد تولید کننده؛ تبلیغات فروش؛ نظافت و نگهداری ساختمان‌ها و سایر سازه‌ها؛ تعمیر و نگهداری ماشین‌الات و تجهیزات؛ و پاسداری و تأمین امنیت.

۵-۳۶ این نوع خدمات می‌توانند در داخل بنگاه تولید شوند یا در بازار از تولیدکنندگان حرفه‌ای آن‌ها خریداری شوند اگرچه در عمل، خدمات مورد نیاز ممکن است در مقادیری که لازم است در بازارهای محلی به آسانی در دسترس نباشند. وقتی این خدمات در داخل بنگاه تولید می‌شوند، به آن‌ها خدمات فرعی گفته می‌شود. ***فعالیت فرعی یک فعالیت پشتیبانی کننده است که در درون یک بنگاه انجام می‌شود تا شرایطی را به وجود آورد که در آن بتوان فعالیت‌های اصلی یا ثانوی را انجام داد.*** علاوه براین، فعالیت‌های فرعی دارای برخی ویژگی‌های مشترک مربوط به ستانده آن‌ها هستند. این ویژگی‌ها شامل موارد زیر است:

الف. ستانده‌ی یک فعالیت فرعی برای فروش در خارج از بنگاه نیست.

ب. فعالیت‌های فرعی به طور معمول ستانده‌هائی را تولید می‌کنند که معمولاً به عنوان نهاده‌ی تقریباً همه‌ی انواع فعالیت‌های تولیدی هستند؛

پ. فعالیت‌های فرعی به عنوان ستانده‌ی خود، خدمات (و استثنائاً، کالاهائی که جزء فیزیکی ستانده‌ی فعالیت اصلی یا ثانوی نمی‌شوند) تولید می‌کنند؛

ت. ارزش ستانده‌ی فعالیت‌های فرعی در مقایسه با ستانده‌ی فعالیت‌های اصلیِ یک بنگاه کمتر است.

۵-۳۷ این ویژگی که فعالیت‌های فرعی فعالیت‌های اصلی و ثانوی یک بنگاه را پشتیبانی می‌کند و در درون بنگاه مصرف می‌شود، به هیچ وجه برای شناسائی یک فعالیت فرعی کافی نیست. انواع زیادی از فعالیت‌ها وجود دارند که ستانده آن‌ها به طور کامل در همان بنگاه مصرف می‌شوند ولی به احتمال زیاد نمی‌توان آن‌ها را به عنوان فعالیت فرعی در نظر گرفت. کالاها معمولاً به همان شیوه‌ی خدمات مثل حسابداری، حمل و نقل یا نظافت به عنوان نهاده استفاده نمی‌شوند. برای مثال، یک بنگاه ممکن است شیر تولید کند که تمامی آن در همان بنگاه فرآوری شده و به کره یا پنیر تبدیل شود. ولی تولید شیر را نمی‌توان به عنوان فعالیت فرعی در نظر گرفت، زیرا شیر نوع خاصی از نهاده است که فقط در نوع خاصی از فعالیت تولیدی یافت می‌شود. به طور کلی، کالاهائی که جزء فیزیکی ستانده‌ی فعالیت‌های اصلی یا ثانوی می‌شوند، ستانده‌ی فعالیت‌های فرعی نیستند.

۵-۳۸ برخی از فعالیت‌ها، هرچند معمول هستند ولی آن قدر هم رایج نیستند که به عنوان فعالیت فرعی در نظر گرفته شوند. بسیاری از بنگاه‌ها ماشین‌الات و تجهیزات خود را خودشان تولید می‌کنند، ساختمان‌های خود را خودشان می‌سازند و تحقیق و توسعه آن‌ها توسط خودشان انجام می‌شود. این‌ها فعالیت‌هائی نیستند که به عنوان فعالیت فرعی تلقی شوند، اعم از این که به صورت متمرکز انجام شوند یا خیر، زیرا به طور مکرر و به صورت گسترده در تمامی انواع بنگاه‌ها چه کوچک و چه بزرگ یافت نمی‌شوند.

ثبت کردن (یا نکردن) ستانده فعالیت‌های فرعی

۳۹-۵ یک فعالیت فرعی برای خودش انجام نمی‌شود ولی به منظور فراهم کردن خدمات پشتیبانی برای فعالیت‌های اصلی یا ثانوی مرتبط با آن انجام می‌شود. اگر کل فعالیت فرعی در کارگاهی که از ستانده‌ی آن استفاده می‌شود انجام گیرد، این فعالیت فرعی به عنوان جزء جدائی‌ناپذیرِ فعالیت‌های اصلی یا ثانوی مرتبط به آن در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه:

الف. براساس SNA، ستانده‌ی یک فعالیت فرعی به روشنی شناخته و به صورت جدا ثبت نمی‌شود، در نتیجه مصرف این ستانده نیز ثبت نمی‌شود؛

ب. همه نهاده‌های مصرف شده توسط یک فعالیت فرعی، مواد اولیه، نیروی کار، مصرف سرمایه ثابت، و غیره به عنوان نهاده‌های فعالیت اصلی یا ثانوی که این فعالیت فرعی آن‌ها را پشتیبانی می‌کند، تلقی می‌شوند.

در این حالت، تعیین ارزش افزوده‌ی یک فعالیت فرعی امکان‌پذیر نیست زیرا ارزش افزوده‌ی آن با ارزش افزوده‌ی فعالیت اصلی و ثانوی ترکیب شده است.

۴۰-۵ هنگامی که تولید یک بنگاه در دو یا چند کارگاه صورت می‌گیرد، ممکن است بعضی فعالیت‌های فرعی به طور متمرکز برای بهره برداری همه‌ی کارگاه‌ها به طور جمعی انجام شود. برای مثال، ممکن است خریدها، فروش‌ها، حساب‌ها، محاسبات، تعمیر و نگهداری یا قسمت‌های دیگر یک بنگاه تماماً در مسئولیت اداره مرکزی باشد که در مکانی جدا از کارگاه‌هائی که فعالیت‌های اصلی یا ثانوی بنگاه را انجام می‌دهند، قرار گرفته است.

۴۱-۵ اگر کارگاهی که صرفاً فعالیت‌های فرعی انجام می‌دهد از نظر آماری قابل مشاهده باشد، حساب‌های جداگانه برای تولید آن به آسانی قابل دسترسی خواهد بود، یا اگر محل استقرار آن از نظر جغرافیائی با کارگاه‌هائی که در خدمت آن‌ها است متفاوت باشد، شاید مطلوب و مفید باشد به عنوان یک واحد جدا در نظر گرفته و با توجه به فعالیت اصلی آن به طبقه بندی صنعتی (رشته‌فعالیتی) منتسب شود. با این حال، در صورت عدم دسترسی به داده‌های اولیه‌ی مناسب، توصیه می‌شود آمارشناسان سعی نکنند کارگاه‌های جداگانه‌ای را به صورت ساختگی برای این فعالیت‌ها ایجاد کنند.

۴۲-۵ وقتی چنین واحدی تشخیص داده شود، فعالیت فرعی به عنوان ستانده‌ی اصلی آن واحد شناخته می‌شود. در این صورت، ارزش ستانده‌ی آن باید بر اساس جمع هزینه‌ها، از جمله هزینه‌ی سرمایه‌ی به کار گرفته شده در آن واحد، محاسبه شود. وقتی بنگاه مادر یک بنگاه غیر بازاری است، ستانده واحد مورد نظر ستانده غیربازاری تلقی خواهد شد و در غیر این صورت ستانده‌ی بازاری است. اگر ستانده به عنوان ستانده غیربازاری در نظر گرفته شود، باید هنگام محاسبه‌ی جمع هزینه‌ها برای تعیین ارزش ستانده، هزینه‌ی سرمایه جایگزین مصرف سرمایه ثابت شود. ستانده‌ی واحد فرعی به عنوان مصرف واسطه‌ی کارگاه‌هائی که به آن‌ها خدمت رسانی می‌کند در نظر گرفته می‌شود و باید با استفاده از یک نماگر مناسب نظیر ستانده، ارزش افزوده یا نماگرهای مربوط به اشتغال این کارگاه‌ها، بین آن‌ها توزیع شود.

۴۳-۵ بهتر است کارگزاران متخصصی که به کل دولت مرکزی خدمت رسانی می‌کنند، مانند کارگزاران ارتباطات و کامپیوتر که معمولاً دارای اندازه‌ی بزرگی هستند، به عنوان کارگاه‌های جدا در نظر گرفته شوند.

۴۴-۵ حتی هنگامی که یک فعالیت فرعی در همان کارگاهی که مورد استفاده قرار می‌گیرد انجام شود، می‌تواند به حدی رشد کند که خدماتش قابل ارائه به خارج از بنگاه باشد. برای مثال، یک واحد پردازش کامپیوتر که برای آن در خارج از بنگاه تقاضا وجود دارد، ممکن است ظرفیت‌های داخلی خود را توسعه دهد. وقتی فعالیتی سهمی از خدمات خود را به متقاضیان خارج از بنگاه ارائه می‌دهد، آن قسمت از ستانده که فروخته می‌شود باید به جای ستانده‌ی فعالیت فرعی، به عنوان ستانده‌ی ثانوی عمل شود.

نقش فعالیت‌های فرعی در SNA

۵-۴۵ حساب‌های تولید در SNA درباره‌ی تولیدِ خدماتی که در برخی موارد خدمات فرعی تلقی می‌شوند، اطلاعات جامعی ارائه نمی‌دهند. به این ترتیب، به دست آوردن اطلاعاتی که نقش فعالیت‌های فرعی را در اقتصاد نشان دهد با مشکل مواجه می‌شود. برای مثال، آگاهی از این که فعالیت‌های فرعی چه میزان ستانده تولید می‌کنند، چند نفر در این نوع فعالیت‌ها مشغول هستند، چه میزان منابع مصرف می‌کنند و غیره می‌تواند مشکل باشد. این یک عیب جدی برای برخی مقاصد تحلیلی به شمار می‌آید، تحلیلِ اثرات "فناوری اطلاعات" بر بهره وری وقتی ارتباطات و اطلاعات به طور معمول فعالیت فرعی تلقی می‌شوند یا بررسی نقش حمل و نقل بار، مواردی از این قبیل هستند. ممکن است برای برخی اهداف، یک حساب اقماری تهیه شود که در آن در برخی انواع فعالیت‌ها برآوردهائی برای همه‌ی فعالیت‌ها اعم از این که فعالیت فرعی باشند یا خیر انجام شود. در این صورت اندازه‌ی کل ارزش افزوده تغییر نخواهد کرد زیرا هم ستانده و هم مصرف واسطه به یک میزان افزایش می‌یابند ولی تصویر فراگیرتری از نقش فعالیت‌ها به دست خواهد آمد. در باره نقش حساب‌های اقماری مبحثی در فصل ۲۹ ارائه شده است.

ث. صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)

۵-۴۶ صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) در SNA به همان شیوه‌ی *ISIC* تعریف می‌شوند: ***هر صنعت (رشته‌فعالیت) از یک گروه کارگاه تشکیل شده است که به یک نوع فعالیت یا انواع مشابه فعالیت‌ها اشتغال دارند.*** در جزئی‌ترین سطح طبقه‌بندی، یک صنعت (رشته‌فعالیت) از همه‌ی کارگاه‌هائی تشکیل شده است که در یک طبقه‌ی واحد از *ISIC* قرار می‌گیرند. در سطوح بالاتر تجمیع که معادل گروه‌ها، قسمت‌ها و سرانجام، بخش‌های *ISIC* است، صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) از تعدادی کارگاه که به انواع مشابهی از فعالیت‌ها اشتغال دارند تشکیل یافته‌اند.

۱. تولید کنندگان بازاری، به حساب خود و غیربازاری

۵-۴۷ اصطلاح "صنعت (رشته‌فعالیت)" فقط برای تولیدکنندگان بازاری به کار نمی‌رود. یک صنعت (رشته‌فعالیت) همان طور که در *ISIC* و SNA تعریف شده است، متشکل از تعدادی کارگاه است که به یک نوع تولید اشتغال دارند، اعم از اینکه واحدهای نهادی که این صنعت (رشته‌فعالیت) متعلق به آن‌ها است تولید کنندگان بازاری باشند یا خیر. تمایز بین تولید بازاری و تولیدات دیگر بُعد متفاوتِ تولید و فعالیت اقتصادی است. برای مثال، صنعت (رشته‌فعالیت) سلامت در کشور خاصی ممکن است از تعدادی کارگاه تشکیل شده باشد که برخی از آن‌ها بازاری و برخی دیگر غیر بازاری هستند. از آنجا که تمایز بین تولید بازاری و انواع دیگر تولیدات بر معیاری متفاوت از ماهیت فعالیت مبتنی است، طبقه بندی متقاطع کارگاه‌ها برحسب نوع فعالیت و برحسب اینکه تولید کنندگان بازاری، غیربازاری یا تولید کنندگان برای استفاده نهائی خود باشند، امکان پذیر خواهد بود.

۲. صنعت‌ها (رشته‌فعالیت) و محصولات

۵-۴۸ همان گونه که قبلاً اشاره شد، تناظر یک به یک بین فعالیت‌ها و محصولات و از این رو بین صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) و محصولات وجود ندارد. بعضی فعالیت‌ها بیش از یک محصول به طور همزمان تولید می‌کنند، در حالی که یک محصول ممکن است گاهی با استفاده از فناوری‌های مختلفی تولید شوند.

۵-۴۹ وقتی دو یا چند محصول توسط یک فعالیت تولیدی منفرد به طور همزمان تولید می‌شوند، این‌ها "محصولات مشترک"

هستند. نمونه‌هائی از محصولات مشترک، گوشت و پوست تولید شده در کشتار حیوانات یا شکر و ملاس تولید شده در تصفیه نیشکر هستند. ممکن است محصول جنبیِ حاصل از یک فعالیت توسط فعالیت‌های دیگر نیز تولید شود، ولی مثال‌هائی از محصولات جنبی وجود دارند مانند ملاس که منحصراً به عنوان محصولات جنبی یک فعالیت خاص تولید می‌شوند.

۵۰-۵ رابطه‌ی بین طبقه بندی یک فعالیت و یک محصول از طریق رابطه بین *ISIC* و *CPC* مشخص می‌شود. *CPC* طبقه بندی است که بر ویژگی‌های فیزیکی کالاها یا ماهیت خدمات ارائه شده مبتنی است، در حالی که *ISIC* نهاده‌های فرآیند تولید و فناوری به کار رفته در فرآیند تولید را نیز به حساب می‌آورد. در ایجاد *CPC*، قصد بر این بوده است که هر کالا یا خدمت مشخص در *CPC* طوری تعریف شود که گوئی به طورعادی فقط توسط یک فعالیتِ تعریف شده در *ISIC* تولید می‌شود. ولی با توجه به انواع مختلف معیارهای به کار رفته، این همیشه امکان پذیر نیست. مثال در این مورد محصول قارچ است که می‌تواند از طریق پرورشِ تحتِ کنترل تولید شود، یعنی، فعالیتی که در *ISIC* در کشاورزی طبقه بندی می‌شود، یا فقط از طریق جمع‌آوری قارچ وحشی به صورت رشد طبیعی آن به دست آید، یعنی، فعالیتی که در جنگلداری طبقه بندی می‌شود. همچنین ممکن است طبقه بندی‌های تفصیلی‌ترِ ملی بین شکل‌های مختلف تولید انرژی در *ISIC*، برحسب فناوری‌هائی که برای تولید آن به کار می‌روند تفاوت قائل شوند که حاصل آن فعالیت‌های جدا برای نیروگاه‌های برق آبی و نیروگاه‌های هسته‌ای و غیره است. ولی ستانده‌ی همه‌ی این فعالیت‌ها از یک محصول یعنی برق تشکیل یافته است.

۵۱-۵ برعکس، در هر فعالیت *ISIC*، صرف نظر از این که چقدر موشکافانه تعریف شده باشد، قصد بر این است که تعدادی از محصولات تعریف شده در *CPC* تولید شود هرچند که این محصولات اغلب در ساختار *CPC* دسته بندی شده‌اند و می‌توان آن‌ها را به عنوان یک "نوع" محصول تصور کرد. تا جائی که از نظر عملی امکان پذیر باشد، سعی می‌شود بین دو طبقه بندی تناظر ایجاد شود از این طریق که در هر رده از *CPC* به طبقه‌ای از *ISIC* که کالا یا خدمت عمدتاً درآن تولید می‌شود، اشاره شود. ولی به دلایلی که در بالا مطرح شد، این کار به طور معمول منجر به تناظر یک به یک نخواهد شد. اکثر پیوندهای بین *ISIC* و *CPC* گرایش به یک رابطه یک به چند دارند. ولی امکان برقراریِ اجباریِ این تناظر با یک رابطه دقیق‌تر وجود دارد و آن از طریق انتخاب یک رابطه‌ی تناظر چند- به - یک است. این انتخاب ممکن است تبدیل داده‌ها را آسان سازد، ولی توصیف واقعی از رابطه بین دو طبقه بندی نیست

ج. واحدهای تولید همگن

۵۲-۵ در بسیاری از زمینه‌های آماری انتخاب واحد آماری و روش مورد استفاده به شدت تحت تأثیر مقاصدی است که آمارهای به دست آمده برای آن‌ها استفاده خواهد شد. برای مقاصد تحلیل‌های داده - ستانده، وضعیت بهینه وضعیتی است که در آن هر واحد تولیدکننده فقط به یک فعالیت تولیدی منفرد اشتغال داشته باشد به طوری که یک صنعت (رشته‌فعالیت) بتواند با گروه بندی همه‌ی واحدهای درگیر در نوع خاصی از تولید بدون وارد کردن هر نوع فعالیت ثانوی شکل گیرد. چنین واحدی یک "واحد تولید همگن" نامیده می‌شود.

۵۳-۵ هرچند واحد های تولید همگن ممکن است برای انواع خاصی از تحلیل‌ها، به ویژه تحلیل‌های داده - ستانده، بهینه باشد، ولی ممکن است گردآوری داده‌های حسابداری مربوط به واحدهای تولید همگن مستقیماً از بنگاه یا کارگاه امکان پذیر نباشد. چنین داده‌هائی ممکن است لازم باشد بعداً، با تغییر

شکل داده‌های عرضه شده توسط بنگاه، براساس پیش فرض‌ها یا فرضیه‌های مختلفی برآورد شود. واحدهائی که با دست کاری آماریِ داده‌های گردآوری شده ساخته می‌شوند، واحدهای تحلیلی نامیده می‌شوند.

۵-۵۴ اگر واحد تولیدکننده‌ای یک فعالیت اصلی و نیز یک یا چند فعالیت ثانوی انجام دهد، به تعداد آن‌ها به واحدهای تولیدی همگن افراز می‌شود. اگر تهیه‌ی حساب‌های تولید و جدول‌های داده - ستانده برحسب منطقه مورد نظر باشد، لازم است واحدهای همگن تولید که در مناطق متفاوت مستقر هستند به صورت واحدهای جدا در نظر گرفته شوند، حتی اگر تنها به یک فعالیت اشتغال داشته باشند و به یک واحد نهادی تعلق داشته باشند.

۵-۵۵ فصل ۲۸ نحوه برآورد واحدهای تحلیلی را برای استفاده در داده - ستانده مورد بحث قرار می‌دهد.

فصل ۶: حساب تولید

الف. مقدمه

۶-۱ حساب تولید نقطه‌ی شروع توالی حساب‌های واحدها و بخش‌های نهادی است که نشان می‌دهد در سراسر اقتصاد درآمد چگونه ایجاد، توزیع و مصرف می‌شود. فعالیت‌هائی که به عنوان تولید تعریف می‌شوند گستره‌ی GDP و سطح درآمد اقتصاد را تعیین می‌کنند. از نظر مفهومی، حساب تولید برای کل اقتصاد حاصل هم‌افزود (تجمیع) حساب تولیدِ هریک از واحدهای تولیدی است. نکته مهم این است که ضمن این که حساب‌های تولید را می‌توان برای هر یک از واحدهای نهادی و نیز بخش‌های نهادی تهیه کرد، می‌توان آن‌ها را برای کارگاه‌ها و از این رو برای صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) نیز تهیه کرد. این ویژگیِ حساب تولید امکان مطالعه صنعتی (رشته فعالیتی) را در اقتصاد می‌دهد و نیز تهیه جدول‌های عرضه و مصرف و جدول‌های داده – ستانده را میسر می‌سازد.

۶-۲ حساب تولید با تعریف تولید ارتباط دارد. ***تولید فعالیتی است تحت مسئولیت، کنترل و مدیریت یک واحد نهادی که نهادهای نیروی کار، سرمایه، و کالاها و خدمات را به کار می‌گیرد تا ستانده‌ی کالاها و خدمات را تولید کند.*** در حساب تولید ستانده‌ی برآمده از تولید و نهاده‌های مختلف به کار رفته در آن نشان داده می‌شوند. برای تهیه حساب تولید لازم است سه مفهوم زیر روشن شود.

۶-۳ نخستین مفهومی که باید مشخص شود این است که تولید در SNA از چه چیزی تشکیل شده است. تشریح این موضوع تحت عنوان حد و مرز تولید در SNA نامیده می‌شود. پس از آن لازم است انواع کلیدی تولید شناسائی شوند به این ترتیب که آیا تولید برای فروش است، برای خود مصرفی است یا با حق‌الزحمه‌ی کم یا بدون حق‌الزحمه در دسترس دیگران قرار می‌گیرد.

۶-۴ مفهوم بعدی که باید مورد توجه قرار گیرد چگونگی ارزش‌گذاری ستانده است. در این پرسش انواع مختلف مالیات‌های اخذ شده (یارانه‌های پرداخت شده) بر محصول یا بر فعالیت تولید توسط دولت نقش کلیدی بازی می‌کنند.

۶-۵ سومین مفهوم مهمی که باید در نظر داشت این است که فرآیند تولید چگونه به ارزش کالاها و خدمات می‌افزاید و منجر به ایجاد درآمد می‌شود. آیا مشارکت کل نیروی کار و سرمایه است که به ارزش این کالاها و خدمات اضافه می‌کند یا این واقعیت که ارزش بسیاری از سرمایه‌ها در اثر استفاده کاهش پیدا می‌کند هم باید به حساب آورده شود؟

۶-۶ در توالی حساب‌ها، چارچوب کلی هر حساب نشان می‌دهد که منابع چگونه دریافت می‌شوند و پس از کسر مصارف قلم ترازکننده باقی می‌ماند. از آنجا که حساب تولید اولین حساب از توالی حساب‌ها است، مفهوم قلم ترازکننده هم برای نخستین بار در این حساب پدید می‌آید. اهمیت اقلام تراز کننده به طور کلی و اهمیت قلم تراز کننده‌ی این حساب به خصوص، قبل از بررسی هریک از اقلام ثبتی حساب تولید در جای خود مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۶-۷ حساب تولید برای واحدها و بخش‌های نهادی در جدول ۶-۱ نشان داده شده است. این جدول بجز قلم ترازکننده فقط دارای سه قلم است. ستانده برآمده از تولید، ذیل منابع در سمت چپ حساب ثبت می‌شود(در برگردان فارسی جدول‌ها راست چین شده‌اند، مترجم). این قلم، برای مشخص کردن انواع مختلف ستانده، می‌تواند به اجزای آن تفکیک شود. برای مثال، در حساب‌های بخش‌های نهادی در صورت امکان، باید ستانده غیربازاری از ستانده بازاری و ستانده برای استفاده نهائی خود جدا نشان داده شود. مصارف که در سمت راست حساب ثبت می‌شوند (در برگردان فارسی جدول‌ها راست چین شده‌اند، مترجم) از مصرف واسطه و مصرف سرمایه ثابت

تشکیل شده‌اند. هردوی این‌ها هم می‌توانند به اجزای آن‌ها تفکیک شوند.

۶-۸ قلم ترازکننده در حساب تولید ارزش افزوده است. ارزش افزوده را می‌توان به هردو صورت ناخالص و خالص، یعنی قبل از کسر مصرف سرمایه ثابت یا بعد از کسر آن محاسبه کرد:

الف. ارزش افزوده‌ی ناخالص ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه است؛

ب. ارزش افزوده‌ی خالص ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه و ارزش مصرف سرمایه ثابت هردو است.

۶-۹ از آنجا که منظور از ارزش افزوده محاسبه ارزشِ ایجاد شده توسط یک فرآیند تولید است، باید به صورت خالص محاسبه شود، زیرا مصرف سرمایه ثابت یک نوع هزینه‌ی تولید است. ولی، همان‌گونه که بعداً شرح داده خواهد شد، محاسبه‌ی مصرف سرمایه ثابت در عمل مشکل است و ممکن است همیشه برآورد رضایت بخشی از ارزش آن و در نتیجه از ارزش افزوده‌ی خالص حاصل نشود. بنابراین باید تدارک لازم برای محاسبه‌ی ارزش افزوده به هردو صورت ناخالص و خالص مهیا شود. به همین ترتیب برای محاسبه‌ی اقلام تراز کننده‌ی حساب‌های بعدیِ SNA نیز به هردو صورت خالص و ناخالص از مصرف سرمایه ثابت باید تدارک لازم فراهم شود.

ب. مفهوم تولید

۱. تولید به عنوان یک فعالیت اقتصادی

۶-۱۰ تولید در حالت کلی به‌صورت فعالیتی تعریف می‌شود که طی آن یک بنگاه نهاده‌هائی را به کار می‌برد تا ستانده‌هائی را تولید کند. تحلیل اقتصادیِ تولید عمدتاً به فعالیت‌هائی مربوط می‌شود که ستانده‌هائی را تولید کنند که بتوان آن‌ها را به واحدهای نهادی دیگر تحویل داد یا ارائه کرد. غیر از مواردی که ستانده‌هائی تولید می‌شوند که بتوان خواه به صورت فردی خواه به صورت جمعی به واحدهای دیگر عرضه کرد، هیچ موردی یافت نمی‌شود که در آن تقسیم کار صورت گیرد، تولید تخصصی شود و منافعی از معامله عاید شود. دو نوع ستانده‌ی عمده یعنی کالاها و خدمات وجود دارد، و لازم است ویژگی‌های آن‌ها بررسی شود تا بتوان فعالیت‌هائی را که به مفهوم اقتصادی تولیدی هستند از دیگر فعالیت‌ها تشخیص داد. کالاها و خدمات در مجموع محصولات گفته می‌شوند.

۶-۱۱ در SNA، به ندرت مگر در مواردی که ضرورت داشته باشد بین کالاها و خدمات حد و مرز روشنی ترسیم می‌شود ولی برای ایجاد ارتباط با سایر مجموعه داده‌ها غالباً درک این موضوع ضروری است که کدام یک از محصولات به عنوان کالا و کدام یک به عنوان خدمت در نظر گرفته می‌شوند.

۶-۱۲ طبقه بندی‌های صنعتی (رشته‌فعالیتی) نظیر ISIC، گروهی از صنایعِ ساخت را شناسائی می‌کنند. ولی بسیاری از این صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) خدماتی را هم تولید می‌کنند. برای مثال، سازندگان موتور هواپیما ممکن است در عین حال که موتور هواپیما تولید می‌کنند، تعمیر و سرویس موتورهای موجود را هم انجام دهند. اگر کالاهائی که برای فرآوری به واحد دیگری ارسال می‌شوند مالکیتشان تغییر نکند، کاری که روی آن‌ها انجام می‌شود ارائه یک خدمت است حتی اگر توسط یک صنعتِ ساخت انجام شده باشد. این که پردازش به عنوان خدمت طبقه‌بندی می‌شود مانع از این نیست که پردازش کننده در صنعتِ ساخت طبقه بندی نشود.

۶-۱۳ به طور مشابه، بعضی از صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) تولیدِ خدمات ممکن است محصولاتی را تولید کنند که بسیاری از ویژگی‌های کالاها را در بر داشته باشند. در SNA برای سهولت کار، محصولات این صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) به

عنوان محصولات تسخیر دانش نامیده شده‌اند.

۶-۱۴ ***محصولات، کالاها و خدماتی (از جمله محصولات تسخیر دانش) هستند که از یک فرایند تولید حاصل می‌شوند.***

کالاها

۶-۱۵ ***کالاها اشیاء فیزیکی تولید شده هستند که برای آن‌ها تقاضا وجود دارد، بر آن‌ها حق مالکیت می‌تواند ایجاد شود و مالکیت آن‌ها می‌تواند با درگیر شدن در تراکنش‌های بازار از یک واحد نهادی به واحد نهادی دیگر تغییر یابد.*** کالا به این منظور مورد تقاضا قرار می‌گیرد که ممکن است برای ارضای نیازها یا خواسته‌های خانوارها یا جامعه یا برای تولید دیگر کالاها و خدمات بکار رود. تولید و مبادله‌ی کالاها فعالیت‌های کاملاً متمایزی هستند. بعضی از کالاها ممکن است هیچ وقت مبادله نشوند در حالی که بعضی دیگر ممکن است به دفعاتِ زیادی خرید و فروش شوند. تولید یک کالا همیشه می‌تواند از فروش یا بازفروشی بعدی آن جدا باشد.

خدمات

۶-۱۶ تولید خدمات باید محدود به فعالیت‌هائی باشد که قابلیت انجام آن توسط واحدی به نفع واحد دیگر وجود داشته باشد. در غیر این صورت، صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) خدمات نمی‌توانند ایجاد شوند و برای خدمات نمی‌تواند بازاری وجود داشته باشد. برای هر واحدی این امکان هم وجود دارد که خدمتی را برای خود مصرفی تولید کند به شرطی که نوع فعالیت به‌گونه‌ای باشد که بتواند توسط واحد دیگری انجام شود.

۶-۱۷ ***خدمات، حاصلِ یک فعالیت تولیدی هستند که شرایط واحدهای مصرفی را تغییر می‌دهند یا مبادله‌ی محصولات یا دارائی‌های مالی را آسان می‌سازند.*** این نوع خدمات را می‌توان به ترتیب به عنوان خدمات ایجاد تغییر مؤثر و خدمات حاشیه‌ای (مارژ) نام برد. خدمات ایجاد تغییر مؤثر، ستانده‌هائی هستند که بر اساس سفارش تولید می‌شوند و به طور معمول تغییرات مؤثری هستند که توسط فعالیت‌های تولیدکنندگان بنا به تقاضای مصرف کنندگان در شرایط واحدهای مصرف شونده ایجاد می‌شوند. خدمات ایجاد تغییر مؤثر هستارهای مجزائی که بتوان بر آن‌ها حق مالکیت ایجاد کرد، نیستند. آن‌ها جدا از تولیدشان نمی‌توانند داد و ستد شوند. زمانی که تولیدشان کامل می‌شود باید به مصرف کنندگان ارائه شوند.

۶-۱۸ تغییراتی را که مصرف کنندگان خدمات از تولید کنندگان آن درخواست می‌کنند، ممکن است به شکل‌های مختلف زیر باشند:

الف. تغییر در شرایط کالاهای مصرف کننده: تولیدکننده مستقیماً بر روی کالاهای متعلق به مصرف کننده از طریق حمل و نقل، نظافت، تعمیر یا تغییرات مشابه دیگر کار می‌کند؛

ب. تغییر در شرایط فیزیکی اشخاص: تولید کننده اشخاص را جابجا می‌کند، محل اقامت برای آن‌ها فراهم می‌کند؛ آن‌ها را درمان داروئی یا جراحی می‌کند، ظاهر آن‌ها را بهبود می‌بخشد، و امثال این‌ها؛

پ. تغییر در شرایط ذهنی اشخاص: تولیدکننده خدمات آموزشی، اطلاعات، مشاوره، سرگرمی یا خدمات مشابه به صورت رو در رو ارائه می‌دهد.

۶-۱۹ این تغییرات ممکن است موقتی یا دائمی باشند. برای مثال، خدمات درمانی و آموزشی ممکن است منجر به تغییرات دائمی در شرایط مصرف کنندگان شوند که آن‌ها بتوانند سالیان متمادی از آن بهره‌مند شوند. ولی، حضور در یک مسابقه فوتبال یک عمل کوتاه مدت است. به طور کلی، می‌توان فرض کرد که تغییرات موجب بهبود می‌شوند، زیرا خدمات بنا به تقاضای مصرف کنندگان تولید می‌شوند. بهبود معمولاً جزئی از وجود مصرف کنندگان یا کالاهای متعلق به آن‌ها می‌شود و هستارِ مجزائی نیست که متعلق به تولید کننده باشد. چنین بهبودهائی نمی‌توانند توسط تولید کننده در انبارها نگه داری شوند یا جدا از تولیدکنندگانشان داد و ستد شوند.

۶-۲۰ یک فرآیند تولید ممکن است خدماتی را به طور همزمان به گروهی از اشخاص، یا گروهی از واحدها ارائه دهد. برای مثال، ممکن است گروهی از اشخاص یا گروهی از کالاهای

متعلق به واحدهای نهادی مختلف با هم در یک هواپیما، کشتی، قطار، یا وسایل نقلیه‌ی دیگر جابجا شوند. اشخاص ممکن است به‌صورت گروهی با حضور در یک کلاس، سخنرانی یا نمایش به آموزش یا تفریح بپردازند. بعضی از خدمات نظیر حفظ نظم و قانون، و نیز دفاع به طور جمعی به کل جامعه یا بخش بزرگی از جامعه ارائه می‌شوند.

۶-۲۱ خدمات حاشیه‌ای وقتی حاصل می‌شود که یک واحد نهادی تغییر مالکیتِ کالاها، محصولات تسخیر دانش، برخی از خدمات یا دارائی‌های مالی را بین دو واحد نهادی دیگر آسان می‌سازند. خدمات حاشیه‌ای مانند خدمات ایجاد تغییرِ وضعیت هستارهای مجزائی نیستند که بتوان حق مالکیت بر آن‌ها اعمال کرد. این خدمات را نمی‌توان جدا از تولیدشان تلقی کرد. زمانی که تولید آن‌ها کامل می‌شود باید به مشتری ارائه شوند.

محصولات حاصل از تسخیر دانش

۶-۲۲ محصولات حاصل از تسخیر دانش به تهیه، ذخیره سازی، ارتباطات و انتشار اطلاعات، مشاوره و سرگرمی مربوط می‌شوند، به نحوی که واحد مصرف کننده بتواند به طور مستمر به دانش دسترسی داشته باشد. صنعت‌هائی (رشته-فعالیت‌هائی) که این نوع محصولات را تولید می‌کنند صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) مرتبط با تهیه، ذخیره، ارتباطات و انتشار اطلاعات، مشاوره و سرگرمی در وسیع‌ترین مفهوم آن از جمله تولید اطلاعات عمومی یا تخصصی، اخبار، گزارش‌های مشاوره‌ای، برنامه‌های کامپیوتری، فیلم، موسیقی و غیره هستند. ستانده‌ی این صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) که بتوان حق مالکیت بر آن‌ها ایجاد کرد معمولاً به صورت اشیاء فیزیکی (اعم از کاغذی یا رسانه الکترونیکی) ذخیره می‌شوند که می‌توانند مانند کالاهای عادی داد و ستد شوند. این‌ها دارای بسیاری از ویژگی‌های کالا هستند که می‌توان بر آن‌ها حقوق مالکیت ایجاد کرد و آن‌ها می‌توانند به طور مستمر مورد استفاده قرار گیرند. این محصولات اعم از این که به عنوان کالا شناخته شوند یا خدمت، دارای این ویژگی اساسی مشترک هستند که می‌توانند توسط واحدی تولید شده و به واحد دیگری عرضه شوند، از این رو امکان تقسیم کار و پدید آمدن بازارها را فراهم می‌سازند.

جدول ۶-۱: حساب تولید- مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
ستانده								۳۶۰۴	۳۶۰۴
ستانده بازاری								۳۰۷۷	۳۰۷۷
ستانده برای استفاده نهائی خود								۱۴۷	۱۴۷
ستانده غیربازاری								۳۸۰	۳۸۰
مصرف واسطه	۱۴۷۷	۵۲	۲۲۲	۱۱۵	۱۷	۱۸۸۳			۱۸۸۳
مالیات بر محصول								۱۴۱	۱۴۱
یارانه بر محصول (-)								-۸	-۸
ارزش افزوده، ناخالص/محصول ناخالص داخلی	۱۳۳۱	۹۴	۱۲۶	۱۵۵	۱۵	۱۸۵۴			۱۸۵۴
مصرف سرمایه ثابت	۱۵۷	۱۲	۲۷	۲۳	۳	۲۲۲			۲۲۲
ارزش افزوده، خالص/ محصول خالص داخلی	۱۱۷۴	۸۲	۹۹	۱۳۲	۱۲	۱۶۳۲			۱۶۳۲

۲. محدوده تولید

۶-۲۳ با ارائه ویژگی‌های کالاها و خدمات تولید شده به عنوان ستانده، تعریف تولید امکان پذیر می‌شود. ابتدا تعریف کلیِ تولید و در پی آن تعریف نسبتاً محدودتری که در SNA به کار برده شده است ارائه می‌شود. بعد از آن بحثی درباره حد و مرز تولید به این دلیل که بر فعالیت‌های خانوار و فعالیت‌های نامشهود تأثیر می‌گذارد، ارائه خواهد شد.

محدوده کلی تولید

۶-۲۴ تولید اقتصادی فعالیت انجام شده‌ی تحت کنترل و مسئولیت یک واحد نهادی است که نهاده‌های کار، سرمایه، و کالاها و خدمات را به منظور تولید ستانده‌های کالاها و خدمات به کار می‌برد. لازم است یک واحد نهادی وجود داشته باشد تا مسئولیت فرآیند تولید را به عهده بگیرد و مالکیت هر یک از کالاها و محصولات تسخیر دانشِ برآمده از فرآیند تولید را داشته باشد یا مستحقِ جبران خدمات تغییردهنده‌ی موثر یا خدمات حاشیه‌ایِ (مارژ) او به صورت پرداخت یا به نحو دیگری باشد. یک فرآیند کاملاً طبیعی، بدون هیچگونه هدایت یا درگیر شدنِ انسان، تولید به مفهوم اقتصادی نیست. برای مثال، رشد ذخائر ماهی در آب‌های بین‌المللی که مدیریت نشده باشد تولید نیست، ولی برعکس فعالیت پرورش ماهی تولید است.

۶-۲۵ در عین حال که فرآیندهای تولیدِ کالا بدون مشکل قابل شناسائی هستند، تشخیص تولیدِ خدمات از فعالیت‌های دیگری که ممکن است هم مهم باشند و هم سودمند، همیشه آسان نیست. فعالیت‌هائی که به مفهوم اقتصادی تولیدی نیستند فعالیت‌های اولیه‌ی بشر نظیر خوردن، آشامیدن، خوابیدن، ورزش کردن است که امکان ندارد کسی برای این که این فعالیت‌ها را بجای او انجام دهد، شخص دیگری را استخدام کند. به عنوان مثال، پرداخت به شخص دیگر برای انجام ورزش بجای او راه درستی برای داشتن تناسب اندام نیست. از سوی دیگر، فعالیت‌هائی نظیر شستشو، تهیه‌ی غذا، مراقبت از کودکان، بیماران یا سالمندان همه فعالیت‌هائی هستند که امکان انجامِ آن‌ها توسط واحدهای دیگر وجود دارد و، بنابراین، این‌ها در محدوده‌ی کلی تولید قرار می‌گیرند. بسیاری از خانوارها کارکنان خانگیِ مزدبگیر استخدام می‌کنند تا این فعالیت‌ها را برای آن‌ها انجام دهند.

جدول ۶-۱ (ادامه): حساب تولید- منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
ستانده	۲ ۸۰۸	۱۴۶	۳۴۸	۲۷۰	۳۲	۳ ۶۰۴			۳ ۶۰۴
ستانده بازاری	۲ ۸۰۸	۱۴۶	۰	۱۲۳	۰	۳ ۰۷۷			۳ ۰۷۷
ستانده برای استفاده نهائی خود	۰	.	۰	۱۴۷	۰	۱۴۷			۱۴۷
ستانده غیربازاری			۳۴۸		۳۲	۳۸۰			۳۸۰
مصرف واسطه								۱ ۸۸۳	۱ ۸۸۳
مالیات بر محصول						۱۴۱			۱۴۱
یارانه بر محصول (-)						-۸			-۸

محدوده تولید در SNA

۶-۲۶ محدوده‌ی تولید در SNA محدودتر از تولیدِ کلی است. به دلایلی که در زیر شرح داده خواهد شد، فعالیت‌های انجام شده توسط خانوارها که خدماتی را برای استفاده‌ی خود تولید می‌کنند، بجز خدمات مربوط به مالکینِ ساکن در واحد مسکونی و خدمات تولید شده توسط کارکنان مزد بگیرِ خانگیِ خانوارها، از مفهوم تولید در SNA کنار گذاشته می‌شوند. در موارد دیگر محدوده‌ی تولید در SNA همان محدوده‌ی کلی است که در پاراگراف‌های پیشین شرح داده شد.

۶-۲۷ ***محدوده‌ی تولید در SNA فعالیت‌های زیر را در بر می‌گیرد:***

الف. تولیدِ همه‌ی کالاها یا خدماتی که به واحدهائی بجز تولیدکنندگان آن‌ها عرضه می‌شوند، یا در نظر است که عرضه شوند، که شامل تولید کالاها یا خدماتی که در فرآیند تولید این نوع کالاها و خدمات به کار می‌روند نیز می‌شود؛

ب. تولید همه‌ی کالاها و خدمات به حساب خود که توسط تولید کنندگانشان برای مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه‌ی ناخالص برای خود نگه داشته می‌شوند؛

پ. تولید به حساب خودِ محصولات تسخیر دانش که توسط تولید کنندگانشان برای مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه‌ی خود نگه داشته می‌شوند به استثنای (طبق قرارداد) محصولاتی از این نوع که خانوارها برای خود مصرفی تولید می‌کنند؛

ت. تولید خدمات واحدهای مسکونی توسط مالکین ساکن؛ و

ث. تولید خدمات شخصی خانگی توسط کارکنان خانگی مزدبگیر.

محدوده‌ی تولید در درون خانوارها

استثناء ساختن بسیاری از خدمات تولید شده توسط خانوارها برای خود مصرفی

۶-۲۸ تولید خدمات توسط اعضای خانوار برای خود مصرفی نهائی به طور سنتی از محدوده‌ی اندازه‌گیری تولید در حساب‌های ملی خارج است ولی ارزش این را دارد که درباره‌ی دلیل چنین برخوردی توضیح مختصری داده شود. بهتر است ابتدا با فهرست کردن خدماتی که توسط اعضای خانوار تولید شده و در درون همان خانوار مصرف می‌شوند و در حساب‌های ملی برای آن‌ها هیچ‌گونه رقمی ثبت نمی‌شود، آغاز کرد:

الف. نظافت، تزئین و نگه‌داری واحدهای مسکونی محلِ سکونت خانوار، از جمله تعمیرات کوچک از نوعی که معمولاً مستأجرین مانند مالکین انجام می‌دهند؛

ب. نظافت، تعمیر و سرویس وسایل بادوام یا دیگر کالاهای خانوار از جمله وسایل نقلیه به منظور استفاده‌ی خانوار؛

پ. تهیه‌ی غذا و سِرو (پذیرائی) آن؛

ت. مراقبت، تعلیم و تربیت کودکان؛

ث. مراقبت از اشخاص بیمار، ناتوان یا سالخورده؛

ج. حمل و نقل اعضای خانوار یا کالاهای آن‌ها.

۶-۲۹ در بسیاری از کشورها میزان قابل ملاحظه‌ای از نیروی کار به تولید این خدمات اختصاص داده می‌شود، و مصرف آن‌ها سهم قابل ملاحظه‌ای در رفاه اقتصادی دارد. ولی، حساب‌های ملی گستره‌ی گوناگونی از مقاصد تحلیلی و سیاست‌گذاری را برآورده می‌کند و این حساب‌ها تنها، یا حتی عمدتاً، برای تولید نماگرهای رفاه تهیه نمی‌شوند. دلایل عدم احتساب ارزش خدمات خانگی یا شخصیِ بدون مزد که در درون خانوارها تولید و مصرف می‌شوند، به طور خلاصه به شرح زیر است:

الف. تولید به حساب خود خدمات درون خانوارها یک فعالیت خودگردان است که اثرات محدودی در بقیه اقتصاد دارد. تصمیم برای تولید یک خدمت خانگی، تصمیمِ هم‌زمان برای مصرف آن خدمت را در پی دارد. برای کالاها این امر مصداق ندارد. برای مثال، اگر خانواری به تولید کالاهای کشاورزی اشتغال داشته باشد، به این معنی نیست که همه‌ی آن‌ها را بخواهد مصرف کند. وقتی محصول زراعی برداشت می‌شود، تولیدکننده می‌تواند انتخاب کند که چه میزان از آن را مصرف کند، چه میزان برای مصرف یا تولید در آینده ذخیره کند و چه میزان برای فروش یا معامله‌ی پایاپای در بازار ارائه دهد. در حقیقت، هرچند استفاده از اصطلاح تولید به حساب خود برای کالاها مرسوم است، ولی امکان ندارد در زمانی که تولید رخ می‌دهد بتوان تعیین کرد که کالای تولید شده سرانجام چقدر توسط تولیدکننده مصرف خواهد شد. مثلاً، اگر یک محصول کشاورزی بهتر از آن چیزی باشد که انتظار می‌رفت، خانوار ممکن است بخواهد قسمتی از آن را در بازار بفروشد حتی اگرچه در ابتدا تصور کند که همه‌ی آن را مصرف خواهد کرد. این امر برای خدمات ممکن نیست؛ امکان ندارد که خدمتی تولید شود و بعد تصمیم گرفته شود که در بازار ارائه شود یا خیر.

ب. از آن جا که اکثریت قریب به اتفاق خدمات خانوارها برای بازار تولید نمی‌شوند، به طور معمول قیمت بازار مناسبی که بتوان برای ارزش‌گذاری چنین خدماتی استفاده کرد وجود ندارد. بنابراین، برآورد ارزشی که بتوان به طور معنی داری به ارزش تراکنش‌های پولی که بیشتر ارقام حسابداری مبتنی بر آن هستند اضافه کرد، نه تنها برای ستانده خدمات بلکه برای درآمدها و هزینه‌های مربوط به آن‌ها هم بینهایت مشکل است.

پ. بجز اجاره بهای احتسابی واحدهای مسکونی مالک ساکن، تصمیم برای تولید خدمات جهت خود مصرفی نه تحت تأثیر سیاست اقتصادی قرار می‌گیرد و نه بر آن تأثیر می‌گذارد زیرا ارزش‌های احتساب شده معادلِ جریان‌های پولی نیستند. تغییر میزان خدمات تولید شده توسط خانوارها بر بازده مالیاتی اقتصاد یا بر میزان نرخ ارز، تأثیر نمی‌گذارد، این‌ها دو نمونه از موارد مختلف هستند.

۶-۳۰ از این رو، عدم احتساب ارزش برای ستانده‌ها، درآمدها و مخارج مربوط به تولید و مصرف خدماتِ درون خانوار در حساب‌های ملی با ترکیبی از عوامل مختلف، یعنی عدم وابستگی و جدا بودن این فعالیت‌ها از بازار، دشواریِ بینهایت زیاد به دست آوردن برآوردهای معنی‌دار اقتصادی از ارزش آن‌ها، و اثرات مضری که بر سودمندی حساب‌ها برای مقاصد سیاست‌گذاری و تحلیل بازارها و عدم تعادل‌های بازار خواهند داشت، توجیه می‌شود.

۶-۳۱ استثناء ساختن خدمات خانوار از محدوده‌ی تولید دارای پیامدهائی برای آمارهای نیروی کار و اشتغال است. طبق راهنمای سازمان بین‌المللی کار (ILO)، اشخاص فعال از نظر اقتصادی اشخاصی هستند که به تولیدی که در محدوده تولید SNA قرار گرفته است، اشتغال دارند. اگر این محدوده گسترش یابد به‌گونه‌ای که تولید خدمات به حساب خودِ خانوار را نیز در برگیرد، تقریباً همه‌ی جمعیت بالغ از نظر اقتصادی فعال خواهند بود و بیکاری از بین خواهد رفت. در عمل، حتی اگر فقط به دست آوردن آمارهای معنی‌دار اشتغال هم که باشد، لازم است به محدوده‌ی فعلی تولید در SNA رجوع شود.

تولید به حساب خود کالاها

۶-۳۲ هرچند خدمات تولید شده برای خود مصرفی در درون خانوار در خارج از محدوده‌ی تولید بکار رفته در SNA قرار می‌گیرند، ولی ارائه‌ی راهنمائی‌های بیشتری در باره نحوه‌ی برخورد با برخی از انواع فعالیت‌های خانوار که ممکن است در برخی از کشورهای در حال توسعه اهمیت خاصی داشته باشند، مفید است. در SNA تولید همه کالاها در محدوده‌ی تولید قرار می‌گیرند. انواع تولیدات زیر توسط خانوارها اعم از این که به منظور خود مصرفی نهائی باشند یا خیر در محدوده‌ی تولید

قرار می‌گیرند:

الف. تولید و ذخیره سازی محصولات کشاورزی؛ جمع‌آوری توت یا سایر محصولات کشت نشده؛ جنگلداری، قطع درختان و جمع‌آوری هیزم؛ شکار و ماهیگیری؛

ب. تولید سایر محصولات خام نظیر استخراج نمک از معدن، برش ذغال سنگ نارس، و غیره؛

پ. فرآوری محصولات کشاورزی؛ تولید گندم از طریق خرمن کوبی؛ تولید آرد از طریق آسیاب کردن، عمل آوری پوست و تولید چرم؛ تولید و حفاظت محصولات گوشتی و ماهی؛ نگهداری میوه‌ها به وسیله خشک کردن، داخل بطری کردن، و غیره؛ تولید فرآورده‌های لبنی مانند کره یا پنیر؛ تولید نوشیدنی‌ها؛ تولید سبد یا حصیر؛ و غیره؛

ت. انواع دیگر فرآوری‌ها نظیر پارچه بافی؛ دوخت لباس و خیاطی؛ تولید کفش؛ تولید سفال، اثاثه یا اشیاء با دوام؛ ساخت وسایل یا مبلمان؛ و غیره؛

ث. تأمین آب هم یک فعالیت تولید کالا در این زمینه در نظر گرفته می‌شود. در اصل، تأمین آب یک نوع فعالیت مشابه با استخراج و لوله کشی نفت خام است.

۶-۳۳ تنظیم یک فهرست کامل و فراگیر از همه‌ی فعالیت‌های تولیدیِ ممکن، عملی نیست ولی فهرست بالا رایج‌ترین نوع از این گونه فعالیت‌ها را پوشش می‌دهد. به طور کلی، هنگامی که این باور وجود دارد که میزان یک کالای تولید شده در درون خانوارها از نظر مقداری در رابطه با عرضه‌ی کل آن کالا در یک کشور قابل ملاحظه است، تولید آن باید ثبت شود. در غیر این صورت، ارزش این را ندارد که در عمل برای برآورد آن تلاش شود.

خدمات واحدهای مسکونی مالک ساکن

۶-۳۴ تولید خدمات مسکن توسط مالکین ساکن برای خود مصرفی نهائی همواره در محدوده‌ی تولید حساب‌های ملی قرار داشته است، هرچند در میان تولید خدمات به حساب خود یک استثناء محسوب می‌شود. نسبت واحدهای مالک ساکن به واحدهای مسکونی استیجاری می‌تواند در بین کشورهای مختلف، بین مناطق مختلف یک کشور و حتی در دوره‌های زمانی مختلف در یک کشور یا یک منطقه به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت باشد به طوری که اگر برای ارزش خدمات مسکن به حساب خود برآوردی صورت نگیرد، مقایسه‌های بین‌المللی و بین زمانیِ تولید و مصرف خدمات مسکن می‌تواند مخدوش شود. در برخی از کشورها ارزش احتسابیِ درآمد ایجاد شده از طریق این نوع تولید مشمول مالیات می‌شود.

تولید خدمات شخصی و خانگی با استخدام کارکنان خانگی مزدبگیر

۶-۳۵ هرچند کارکنان خانگیِ مزدبگیر خدمات بسیاری را تولید می‌کنند که وقتی این خدمات توسط اعضای خانوار تولید شوند از محدوده‌ی تولید SNA کنار گذاشته می‌شوند، پرداخت به شخصی که مثلاً برای شستشو، آشپزی یا مراقبت از کودکان وارد خانوار می‌شود، همانند لباس دادن به لباسشوئی، غذا خوردن در رستوران یا پرداخت به مهد کودک برای مراقبت از کودکان، فعالیت‌های بازاری محسوب می‌شود. ولی طبق قرارداد، فقط مزدی که به کارکنان خانگی پرداخت می‌شود به عنوان ارزش ستانده به حساب میآید. موادی که در کار آن‌ها مصرف می‌شود به عنوان مخارج مصرف خانوار به حساب می‌آید زیرا متمایز کردن اقلامی که توسط کارکنان مصرف می‌شود از آنچه که توسط خانوار مصرف می‌شود مشکل است. هرگونه پرداخت به سایر اعضای خانوار نیز حتی اگر ظاهراً برای انجام کارهای روزمره باشد، از قبیل پرداخت پول توجیبی به کودکان، پرداختی بابت ارائه‌ی خدمات به حساب نمی‌آید.

دکوراسیون، نگهداری و تعمیرات جزئی "خود انجام"

۶-۳۶ تعمیر و نگهداری "خود انجام" کالاهای بادوام مصرفی و واحدهای مسکونی که توسط اعضای خانوار انجام می‌شود تولید خدمات به حساب خود محسوب می‌شود و از محدوده‌ی تولید SNA خارج است. مصالح خریداری شده به عنوان مخارج مصرف نهائی تلقی می‌شوند.

۶-۳۷ در مورد واحدهای مسکونی، فعالیت‌های "خود انجام" فعالیت‌هائی نظیر دکوراسیون، نگهداری و تعمیرات جزئی از نوعی که معمولاً توسط مستأجرین و نیز مالکین انجام می‌شوند، از جمله تعمیرات لوازم و اتصالات، را پوشش می‌دهند. از طرف دیگر، اکثر تعمیرات اساسی، نظیر گچ کاریِ دیوار برای بار دوم، تعمیر پشت بام که توسط مالکین انجام می‌شود اساساً نهاده‌های واسطه برای تولید خدمات خانگی هستند. اما، تولید چنین تعمیراتی توسط یک مالک ساکن فقط فعالیت ثانویِ مالک به عنوان تولید کننده‌ی خدمات مسکن به حساب می‌آید. حساب تولید برای دو فعالیت (تولید و مصرف تعمیرات، مترجم) می‌تواند تلفیق شود به طوری که، در عمل، خرید مصالح برای تعمیرات به عنوان مخارج واسطه متقبل شده در تولید خدمات مسکن (بجای تولید خدمات تعمیرات، مترجم) در نظر گرفته شود. بازسازی عمده‌ی واحدهای مسکونی یا گسترش آن‌ها تشکیل سرمایه‌ی ثابت بوده و به صورت جداگانه ثبت می‌شوند.

استفاده از کالاهای مصرفی

۶-۳۸ استفاده از کالاهای مصرفی در درون خانوار برای ارضای مستقیم نیازها یا خواسته‌های بشری به عنوان تولید تلقی نمی‌شود. این اصل نه فقط در مورد مصالح و تجهیزات خریداری شده برای استفاده در فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی به کار می‌رود بلکه در مورد مواد خوراکی خریداری شده‌ی برای تهیه غذا نیز به کار می‌رود. تهیه‌ی غذا یک فعالیت خدماتی است و نحوه‌ی برخورد با آن مطابق با SNA و *ISIC Rev.4* است. بنابراین وقتی تهیه‌ی غذا در خانوار برای خود مصرفی انجام می‌شود خارج از محدوده‌ی تولید قرار می‌گیرد. استفاده از کالاهای بادوام نظیر وسایل نقلیه توسط اشخاص یا خانوارها برای ارضا یا بهره‌مندی شخصی ذاتاً یک فعالیت مصرفی است و نباید این‌گونه برخورد شود که به‌طور مستمر در تولید یا برای گسترش آن به کار می‌رود.

اقتصاد "نامشهود"

۶-۳۹ علاقه‌ی قابل ملاحظه‌ای نسبت به پدیده‌ی اقتصاد نامشهود وجود دارد. این اصطلاح برای توصیف فعالیت‌هائی به کار می‌رود که به دلایلی در آمارگیری‌های عادی اخذ نمی‌شوند. دلیل آن می‌تواند این باشد که این فعالیت غیررسمی بوده و از این رو از نظر آمارگیری‌هائی که برای فعالیت‌های رسمی تنظیم شده‌اند دور می‌ماند، یا ممکن است تولیدکننده به دلیل نگرانی‌هائی که دارد اقدام به پنهان کردن یک فعالیت قانونی کرده باشد، یا ممکن است این یک فعالیتِ غیرقانونی باشد. فصل ۲۵، درباره‌ی اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی در درون خانوار بحث می‌کند.

۶-۴۰ برخی فعالیت‌ها ممکن است به روشنی در محدوده تولید SNA قرار گیرند و نیز کاملاً قانونی باشند (مطابق با برخی استانداردها یا مقررات انجام شوند) ولی به دلایل زیر از مقامات دولتی عمداً پنهان نگه‌داشته شده باشند:

الف. برای اجتناب از پرداخت مالیات بر درآمد، مالیات ارزش افزوده یا سایر مالیات‌ها؛

ب. برای اجتناب از پرداخت حق بیمه‌های تأمین اجتماعی؛

پ. برای اجتناب از رعایت بعضی استانداردهای قانونی نظیر حداقل دستمزدها، حداکثر ساعات کار یا استانداردهای ایمنی یا سلامت، و غیره؛

ت. برای اجتناب از پیروی از برخی رویکردهای اداری نظیر تکمیل پرسشنامه‌های آماری یا سایر فرم‌های اداری.

۶-۴۱ این موضوع که بعضی از انواع تولیدکنندگان سعی می‌کنند فعالیت‌های خود را از مقامات دولتی پنهان کنند، دلیل بر این

نیست که در عمل این فعالیت‌ها در حساب‌های ملی منظور نشوند. بسیاری از کشورها موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای در انجام برآوردهائی از تولید که اقتصاد نامشهود را نیز همانند اقتصاد عادی پوشش می‌دهد، به دست آورده‌اند. در برخی از صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)، نظیر کشاورزی یا ساخت و ساز، امکان این وجود دارد که با استفاده از انواع متعدد آمارگیری‌ها و روش جریان کالا، برآوردهای رضایت‌بخشی از کل ستانده‌ی آن صنعت (رشته‌فعالیت) بدون امکان شناسائی یا اندازه‌گیری جزء مشهود آن، بدست آورد. از آنجا که در بعضی کشورها اقتصاد نامشهود ممکن است سهم قابل توجهی از کل اقتصاد را تشکیل دهد، برآورد کل تولید که بخش نامشهود را نیز پوشش دهد دارای اهمیت ویژه‌ای است حتی اگر همیشه نتوان آن را به طور جداگانه شناسائی کرد.

۶-۴۲ ممکن است حد و مرز مشخصی بین اقتصاد نامشهود و تولید غیرقانونی وجود نداشته باشد. به عنوان مثال، تولیدی را که از بعضی استانداردهای ایمنی، سلامت یا سایر استانداردها پیروی نمی‌کند می‌توان به عنوان تولید غیرقانونی شناخت. به طور مشابه، گریز مالیاتی به خودی خود معمولاً جرم شناخته می‌شود. ولی برای مقاصد SNA لازم نیست سعی شود بین تولید نامشهود و غیرقانونی حد و مرز مشخصی رسم شود زیرا هردوی این‌ها در هر حالت در محدوده‌ی تولید قرار می‌گیرند. پیرو این امر تراکنش‌های بازارهای غیررسمی هم که به طور موازی با بازارهای رسمی وجود دارند (مثلاً برای ارز خارجی یا کالاهائی که تابع کنترل قیمت رسمی هستند) باید در حساب‌ها وارد شوند، اعم از این که چنین بازارهائی عملاً قانونی یا غیرقانونی باشند.

۶-۴۳ دو نوع تولید غیرقانونی وجود دارد:

الف. تولید کالاها یا خدماتی که فروش، توزیع یا مالکیت آن‌ها طبق قانون ممنوع است؛

ب. فعالیت‌های تولیدی که معمولاً قانونی هستند ولی توسط تولیدکنندگان غیرمجاز انجام می‌شوند، برای مثال، پزشکانِ بدون مجوز پزشکی؛

۶-۴۴ مثال‌هائی از فعالیت‌هائی که ممکن است غیرقانونی باشند ولی به مفهوم اقتصادی تولیدی هستند عبارتند از تولید و توزیع مواد مخدر، حمل و نقل غیرقانونی کالاها و مردم، و خدماتی نظیر فعالیت‌های خلاف اخلاق.

۶-۴۵ هردو نوع تولیدِ غیرقانونی به شرطی که از فرآیندهای تولید واقعی تشکیل شده باشند و ستانده‌ی آن‌ها کالاها و خدماتی باشد که برای آن تقاضای مؤثر بازار وجود دارد، در محدوده‌ی تولید SNA قرار می‌گیرند. واحدهائی که برای مثال کالاهای قاچاق را خریداری می‌کنند ممکن است در هیچ نوع فعالیت‌های غیرقانونی درگیر نباشند و حتی ممکن است آگاهی از این هم نداشته باشند که طرف دیگر تراکنش غیرقانونی عمل می‌کند. لازم است تراکنش‌های مربوط به خرید و فروش کالاها یا خدماتِ غیرقانونی ثبت شوند نه تنها به این دلیل که سنجه‌های جامعی از تولید و مصرف به دست آید بلکه به دلیل این که از خطاهائی که در جای دیگر در حساب‌ها پدید می‌آید جلوگیری شود. درآمدهای ایجاد شده از طریق تولید غیرقانونی ممکن است به طور کاملاً قانونی خرج شوند، در حالی که برعکس، مخارج متقبل شده برای کالاها و خدمات غیرقانونی ممکن است از وجوه کاملاً قانونی به دست آمده باشند. غفلت در ثبتِ تراکنش‌های غیرقانونی، مثلاً نتایج فعالیت‌ها که در حساب مالی و حساب‌های خارجی ثبت شده‌اند اگر در حساب‌های تولید و درآمد ثبت نشوند، ممکن است منجر به خطاهای قابل ملاحظه‌ای در درون حساب‌ها شوند.

۶-۴۶ دزدی‌های معمولیِ محصولات از موجودی‌های انبار در ارزش ستانده منظور نمی‌شود. فروشگاهی را در نظر بگیرید که سرقت منظم از موجودی انبار را تحمل می‌کند. در محاسبه ارزش ستانده فروشگاه، بخشی از حاشیه‌ی کالاهای فروخته شده باید هزینه کالاهای به سرقت رفته را پوشش دهد. به این ترتیب، حاشیه‌ی بازرگانی به صورت ارزش دریافت شده برای کالاهای فروخته شده منهای هزینه‌ی کالاهای فروخته شده و کالاهای به سرقت رفته، هردو محاسبه می‌شود. اگر کالاهای به سرقت رفته در جای دیگری مثلاً دکه‌ی خیابانی فروخته شود، ارزش ستانده معامله‌گر خیابانی هم از

مابه‌التفاوت بین ارزش دریافت شده برای کالاها و ارزش پرداخت شده برای آن‌ها محاسبه می‌شود. اگر در این حالت برای کالاها چیزی پرداخت نشده باشد، کل ارزش فروش به عنوان حاشیه‌ی بازرگانی نشان داده می‌شود.

۴۷-۶ تولید غیرقانونی به ایجاد آثار برون‌ریزِ محیط زیست نظیر تخلیه آلاینده‌ها اطلاق نمی‌شود. آثار برون‌ریز ممکن است از فرآیندهای تولیدهائی حاصل شود که خودشان کاملاً قانونی هستند. آثار برون‌ریز بدون موافقت واحدی که تحت تأثیر قرار گرفته است، ایجاد می‌شوند و در SNA برای آن‌ها ارزشی برآورد نمی‌شود (تراکنش زمانی رخ می‌دهد که هر دو طرف تراکنش توافق کنند، مترجم).

۴۸-۶ هرچند فعالیت‌های نامشهود و غیرقانونی ملاحظات خاصی را می‌طلبد، این لزوماً به این معنی نیست که آن‌ها از فرآیندهای عادیِ گردآوری داده‌ها کنار گذاشته شوند.

پ. قیمت‌های پایه، تولیدکننده و خریدار

۴۹-۶ برای ارزش‌گذاری ستانده بسته به نحوه‌ی ثبتِ مالیات و یارانه بر محصول، و همچنین هزینه‌های حمل و نقل، ممکن است بیش از یک مجموعه از قیمت‌ها به کار برده شود. علاوه براین، مالیات ارزش افزوده (VAT)، و مالیات‌های کسر شدنیِ مشابه نیز ممکن است با بیش از یک روش ثبت شوند. روش‌های ارزش‌گذاری که در SNA به کار می‌رود در این بخش شرح داده می‌شوند.

۵۰-۶ در باره مالیات‌های مربوط به تولید بحث مفصلی در بخش پ فصل ۷ ارائه شده است ولی وقتی در زمینه‌ی سنجه‌های مختلف قیمت بحث می‌شود، تمایز بین مالیات (یارانه) بر محصول و سایر مالیات‌های (یارانه‌های) بر تولید مهم است. مالیات بر محصول همان‌گونه که از نام آن پیداست، پرداختنی به ازای هر واحدِ محصول است. این مالیات ممکن است مبلغ مشخصی باشد که به مقدار فیزیکی محصول یا در صدی از ارزش فروش محصول بستگی داشته باشد. سایر مالیات‌ها بر تولید، مالیات‌های وضع شده برای تولیدکننده است که نه به محصول و نه به سود تولید کننده تعلق می‌گیرد. نمونه‌هائی از این نوع مالیات‌ها، مالیات بر زمین یا محل کسب و کار استفاده شده برای تولید یا مالیات بر نیروی کار شاغل هستند. تفاوت بین یارانه بر محصول و سایر یارانه‌ها بر تولید نیز مشابه تفاوت بین این نوع مالیات‌هاست.

۱. قیمت‌های پایه و تولیدکننده

۵۱-۶ در SNA برای اندازه‌گیری ستانده از دو نوع قیمت، یعنی، قیمت‌های پایه و قیمت‌های تولید کننده استفاده شده است:

الف. قیمت پایه مبلغ دریافتنی توسط تولید کننده از خریدار برای یک واحد کالا یا خدمت تولید شده به عنوان ستانده منهای هرگونه مالیات پرداختنی، و بعلاوه هرگونه یارانه دریافتنی توسط تولیدکننده در نتیجه‌ی تولید یا فروش آن است؛ قیمت پایه هر هزینه‌ی حمل و نقلی را که توسط تولیدکننده به طور جداگانه صورت حساب شده باشد در بر نمی‌گیرد.

ب. قیمت تولیدکننده مبلغ دریافتنی توسط تولیدکننده از خریدار برای یک واحد کالا یا خدمت تولید شده به عنوان ستانده منهای هرگونه مالیاتِ ارزش افزوده (VAT)، یا مالیات کسرشدنیِ مشابهِ صورت حساب شده برای خریدار است. قیمت تولید کننده هر گونه هزینه حمل و نقلی را که توسط تولید کننده به طور جداگانه صورت‌حساب شده باشد در بر نمی‌گیرد.

نه قیمت تولیدکننده و نه قیمت پایه هیچکدام مبلغ دریافتنی در رابطه با (VAT)، یا مالیات کسرشدنی مشابه، درج شده درصورت حساب ستانده‌ی فروخته شده را در بر نمی‌گیرد.

۶-۵۲ برخلاف قیمت پایه، قیمت تولید کننده مالیات بر محصول (مالیات پرداختنی به ازای هر واحد ستانده) را در بر می‌گیرد و یارانه بر محصول (یارانه دریافتنی به ازای هر واحد ستانده) از آن خارج می‌شود. قیمت تولید کننده قیمتی است که مالیات ارزش افزوده (VAT) که تولید کننده برای خریدار صورت حساب می‌کند را در بر نمی‌گیرد. قیمت پایه مبلغی را که برای تولیدکننده می‌ماند اندازه‌گیری می‌کند و بنابراین قیمتی است که ارتباط بیشتری با تصمیم‌گیری‌های تولیدکننده دارد. در بسیاری از کشورها جدا کردن اقلام مالیات در صورت حساب‌های خود به طور روزافزونی رایج شده است تا خریداران بدانند که چه میزان به تولید کننده و چه میزان به‌صورت مالیات به دولت پرداخت کرده‌اند.

۶-۵۳ قیمت‌های پایه مالیات بر محصولی که تولیدکننده از خریدار دریافت کرده و به دولت منتقل می‌کند را در بر نمی‌گیرد ولی هرگونه یارانه‌ای که تولیدکننده از دولت دریافت کرده و برای کاهش قیمت دریافتی از خریدار استفاده می‌کند را در برمی‌گیرد.

۶-۵۴ قیمت تولید کننده و قیمت پایه هردو قیمت‌های تراکنش‌های واقعی هستند که می‌توان آن‌ها را مشاهده و ثبت کرد. قیمت‌های پایه اغلب در پرسش‌های آماری گزارش می‌شوند و برخی شاخص‌های رسمی"قیمت‌های تولیدکننده" بیشتر به قیمت‌های پایه برمی‌گردد تا به قیمت‌های تولید کننده که در اینجا تعریف شد.

مالیات ارزش‌افزوده (VAT) و مالیات‌های کسرشدنی مشابه

۶-۵۵ بسیاری از کشورها شکلی از VAT را اجرا می‌کنند. VAT طیف گسترده‌ای از مالیات‌ها هستند که معمولاً طوری طراحی می‌شوند که بیشترِ کالاها و خدمات یا همه‌ی آن‌ها را پوشش دهند. در برخی از کشورها، VAT ممکن است جایگزینِ بسیاری از شکل‌های مالیات بر محصول شده باشد، ولی VAT می‌تواند اضافه بر برخی دیگر از انواع مالیات بر محصول، نظیر عوارض داخلی توتون، نوشیدنی‌های الکلی یا روغن‌های سوختی وضع شده باشد.

۶-۵۶ VAT نوعی مالیات بر محصول است که در چندین مرحله توسط بنگاه‌ها گردآوری می‌شود. تولیدکنندگان ملزم هستند درصد معینی از VAT را برای کالاها و خدماتی که می‌فروشند از خریداران دریافت کنند. VAT در صورت حساب فروشندگان به صورت جدا نشان داده می‌شود تا خریداران بدانند که چقدر پرداخت کرده‌اند. اما، تولیدکنندگان ملزم نیستند که همه‌ی مبلغ VAT را که برای مشتریان خود صورت حساب کرده‌اند به دولت بپردازند زیرا آن‌ها معمولاً مجاز هستند آن قسمت از VAT را که خودشان برای کالاها و خدمات خریداری شده برای مصرف واسطه، بازفروشی یا تشکیل سرمایه‌ی ثابت پرداخت کرده‌اند،کسر کنند. تولیدکنندگان فقط ملزم به پرداخت مابه‌التفاوت بین VAT مربوط به فروش‌های خود و VAT مربوط به خریدهای خود برای مصرف واسطه یا تشکیل سرمایه هستند، از این رو، به آن مالیاتِ ارزش افزوده گفته می‌شود. نرخ درصد VAT در رده‌های مختلف کالاها و خدمات و نیز برحسب نوع خریدار متفاوت است. برای مثال، گاهی اوقات ممکن است کالاهای خریداری شده توسط گردشگران غیرمقیم، که صادرات به حساب می‌آیند، از VAT معاف باشند.

۶-۵۷ نظام‌های مالیاتی دیگری وجود دارند که VAT نامیده نمی‌شوند ولی مشابه VAT عمل می‌کنند. در SNA، اصطلاح VAT برای هرگونه طرح مالیاتی کسرشدنیِ مشابه به کار می‌رود حتی اگر دامنه آن محدودتر از یک نظام کامل VAT باشد.

۶-۵۸ واژگان زیر نیاز به تعریف دارند:

الف. VAT درج شده در صورت حساب، VAT پرداختنی برای فروش‌های یک تولیدکننده است؛ و در صورت حسابی که تولیدکننده به خریدار ارائه می‌دهد جداگانه نشان داده می‌شود.

ب. VAT کسرشدنی، VAT پرداختنی بر خریدهای کالاها یا خدماتی است که به منظور مصرف واسطه، تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص یا بازفروشی خریداری شده‌اند و تولیدکننده مجاز به کسر آن از بدهیِ VAT

خود به دولت در رابطه با VAT صورت حساب شده برای مشتریانش است.

پ. VAT کسرنشدنی، VAT پرداختنی توسط یک خریدار است که از بدهی VAT خود، اگر وجود داشته باشد، کسر شدنی نیست.

از این رو، یک تولید کننده‌ی بازاری قادر است هرگونه هزینه‌های VAT پرداختنی بر خریدهای خودش را از طریق کسر مبلغ بدهی VAT خود از VAT صورت حساب شده برای مشتریانش جبران کند. از طرف دیگر، VAT پرداختی توسط خانوارها برای مقاصد مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در واحدهای مسکونی کسرشدنی نیستند. VAT پرداختنی توسط تولیدکنندگان غیربازاریِ متعلق به واحدهای دولتی یا NPISHها هم ممکن است کسرشدنی نباشد.

ثبت ناخالص و خالص VAT

۶-۵۹ دو نوع سیستم برای ثبت VAT وجود دارد که سیستم‌های ناخالص و خالص هستند. در سیستم ناخالص، همه‌ی تراکنش‌ها با در برداشتن هرگونه VAT درج شده در صورت حساب ثبت می‌شوند. از این رو، خریدار و فروشنده قیمت یکسانی را ثبت می‌کنند، فارغ از این که خریدار بعداً قادر به کسر VAT باشد یا خیر.

۶-۶۰ با وجود این که بنظر می‌رسد سیستم ثبت ناخالص با مفهوم سنتیِ ثبت به قیمت‌های "بازار" هماهنگی دارد، این سیستم مشکلاتی را نیز به همراه دارد. تجربه عملی کارکردِ VAT طی سالیان متوالی در تعدادی از کشورها نشان داده است که استفاده از سیستم ناخالص به دلیل روشی که حساب‌های کسب و کار محاسبه و ارقام در آن نگهداری می‌شوند اگر غیرممکن نباشد، می‌تواند مشکل باشد. به طور عادی، در بیشتر پرسشنامه‌های صنعتی (رشته‌فعالیتی) و آمارگیری‌های کسب و کار، فروش‌ها بجز VAT درج شده در صورت حساب گزارش می‌شوند. برعکس، خرید کالاها و خدمات توسط تولیدکنندگان معمولاً بدون بحساب آوردن VAT کسرشدنی ثبت می‌شوند. با وجود این که سیستم ناخالص در برخی از کشورها آزمایش شده است، به دلایل فوق این سیستم ناگزیر کنار گذاشته شده است. علاوه بر این، بحث‌های زیادی صورت گرفته است که سیستم ناخالص واقعیت اقتصادی را به حدی مخدوش می‌کند که میزان واقعی VAT پرداخت شده توسط کسب وکارها نشان داده نمی‌شود. مقادیر زیادی از VAT درج شده در صورت حساب کسرشدنی هستند و از این رو فقط بدهی‌های مالیاتی ساختگی یا فرضی را نشان می‌دهند.

۶-۶۱ بنابراین SNA توصیه می‌کند که از سیستم خالص ثبت VAT پیروی شود. در سیستم خالص:

الف. ستانده‌ی کالاها و خدمات با کنار گذاشتن VAT درج شده در صورت حساب ارزش‌گذاری می‌شوند؛ واردات نیز به طور مشابه بدون VAT درج شده در صورت حساب ارزش‌گذاری می‌شود؛

ب. خرید کالاها و خدمات با منظور کردن VAT کسر نشدنی ثبت می‌شوند.

در سیستم خالص، VAT طوری ثبت می‌شود که توسط خریدار، نه فروشنده، و سپس فقط توسط خریدارانی که قادر به کسر آن نیستند، پرداختنی است. بنابراین در SNA، تقریباً همه‌ی VATها طوری ثبت می‌شوند که بر مصارف نهائی، عمدتاً بر مصرف خانوار پرداخت شده است.

۶-۶۲ عیب سیستم خالص این است که هنگامی که VAT کسر نشدنی است، باید برای دو طرفِ یک تراکنش قیمت‌های متفاوتی ثبت شوند. قیمت ثبت شده برای تولیدکننده VAT درج شده در صورت حساب را در بر ندارد برعکس قیمت ثبت شده برای خریدار VAT درج شده در صورت حساب را به اندازه‌ای که کسرشدنی نیست، در بر دارد. از این رو، در سطح جمع کل، ارزش کل مخارج ثبت شده برای خریداران باید از ارزش کل فروش‌های دریافت شده‌ی متناظری که برای تولیدکنندگان ثبت می‌شود به اندازه‌ی کل مبلغ اضافه شده به عنوان VAT کسر نشدنی بیشتر باشد.

۶-۶۳ از این رو، قیمت تولیدکننده که تعریف شد ماهیت ترکیبی دارد که بعضی از مالیات‌های بر محصول ولی نه همه آن‌ها را

در بر نمی‌گیرد. قیمت پایه، که هیچ نوع مالیات بر محصول را در بر نمی‌گیرد (ولی یارانه بر محصول را در بر دارد) مفهوم روشن‌تری در این شرایط است و روشی است که برای ارزش‌گذاری ستانده‌ی تولیدکنندگان ترجیح داده می‌شود.

۲. قیمت‌های خریدار

۶۴-۶ ***قیمت خریدار مبلغ پرداخت شده توسط خریدار، بدون هیچ‌گونه VAT یا مالیات کسرشدنی مشابه توسط خریدار، برای تحویل یک واحد کالا یا خدمت در زمان و محل مورد درخواست خریدار است. قیمت خریدارِ یک کالا هرگونه هزینه حمل و نقلی را که توسط خریدار به طور جداگانه پرداخت می‌شود تا کالا یا خدمت خریداری شده در زمان و محل مورد درخواست او تحویل داده شود در بر می‌گیرد.***

۶۵-۶ هنگامی که خریدار مستقیماً از تولیدکننده خرید می‌کند قیمت خریدار می‌تواند بوسیله‌ی موارد زیر از قیمت تولیدکننده بیشتر باشد:

الف. ارزش هرگونه VAT کسرنشدنی پرداختنی توسط خریدار؛ و

ب. ارزش هرگونه هزینه حمل و نقلی که به‌طور جداگانه توسط خریدار برای یک کالا پرداخت می‌شود و در قیمت تولید کننده وارد نشده است.

به همین ترتیب قیمت خریدار می‌تواند از قیمت پایه به وسیله مبلغ دو قلم فوق بعلاوه ارزش هرگونه مالیات منهای یارانه بر محصول (غیر از VAT) بیشتر باشد.

۶۶-۶ اگر خریداران ستانده را مستقیماً از تولیدکننده نخرند ولی از عمده فروش یا خرده فروش خریداری کنند، لازم است حاشیه‌های (مارژهای) آن‌ها را هم در تفاوت بین قیمت‌های پایه و خریدار لحاظ کنند.

۶۷-۶ برای مقاصد خاصی، از جمله تحلیل‌های داده – ستانده، ممکن است برای راحتی کار این طور در نظر گرفته شود که خرید یک محصول از دو تراکنش مجزا تشکیل یافته است. اولین تراکنش خرید محصول از تولید کننده و دومی حاشیه‌ی پرداختی به عمده فروش یا خرده فروش محصول است. این حاشیه تفاوت بین قیمت پرداخت شده توسط خریدار نهائی یک محصول پس از عبور از زنجیره توزیع عمده فروشی و خرده فروشی و قیمت تولیدکننده دریافت شده توسط تولیدکننده‌ی اولیه‌ی را نشان می‌دهد.

۶۸-۶ مفهوم سنتی "قیمت بازار" در سیستم VAT یا مالیات‌های کسرشدنی مشابه، قدری کمرنگ شده است زیرا ممکن است بسته به این که مالیات کسرشدنی باشد یا نه دو قیمت متفاوت برای یک تراکنش، یکی از نظر فروشنده و دیگری از نظر خریدار، وجود داشته باشد. در SNA توصیه می‌شود هنگامی که به ارزش افزوده اشاره می‌شود باید از اصطلاح قیمت "بازار" اجتناب شود و برای جلوگیری از ابهام مبنای قیمت استفاده شده (یعنی پایه، تولیدکننده یا خریدار) مشخص شود.

۳. قیمت‌های پایه، تولیدکنندگان و خریداران- خلاصه

۶۹-۶ شکل شماره ۱ نگاهی اجمالی به تفاوت‌های اساسی بین قیمت‌های پایه، تولیدکننده و خریدار دارد.

شکل ۶-۱: قیمت‌های پایه، تولیدکننده و خریدار

قیمت پایه
+
مالیات بر محصول بجز VAT درج شده در صورت حساب
−
یارانه بر محصول
=
قیمت تولیدکننده
+
VAT کسرنشدنی توسط خریدار
+
هزینه‌های حمل و نقل صورت‌حساب شده به‌طور جداگانه
+
حاشیه‌های عمده فروشی و خرده فروشی
=
قیمت خریدار

ت. ارزش‌افزوده و GDP

۱. ارزش افزوده‌ی خالص و ناخالص

۶-۷۰ قلم ترازکننده‌ی حساب جاری، مازاد منابع نسبت به مصارف است. منطق توزیع تراکنش‌ها در مجموعه‌ی حساب‌ها این است که قلم ترازکننده‌ی هر حساب دارای اهمیت اقتصادی است. قلم ترازکننده‌ی حساب تولید ارزش افزوده است، به این دلیل ارزش‌افزوده نامیده می‌شود که ارزش ایجاد شده از طریق تولید را اندازه‌گیری می‌کند. از آن جا که حساب تولید را می‌توان برای یک واحد نهادی یا یک بخش نهادی، یا یک کارگاه یا یک صنعت (رشته‌فعالیت) تهیه کرد، بنابراین ارزش افزوده را می‌توان برای هریک از این‌ها بدست آورد. ارزش-افزوده دارای اهمیت تحلیلی است زیرا هنگامی‌که ارزش مالیات بر محصول (منهای یارانه بر محصول) به حاصل جمع ارزش‌افزوده‌ی همه‌ی واحدهای مقیم اضافه می‌شود، ارزش محصول ناخالص داخلی (GDP) بدست می‌آید.

۶-۷۱ ارزش‌افزوده، سهم نیروی کار و سرمایه را در فرآیند تولید نشان می‌دهد. وقتی میزان ارزش‌افزوده‌ی تخصیص داده شده به دولت به صورت سایر مالیات‌ها بر محصول از ارزش افزوده کسر و ارزش یارانه به آن اضافه می‌شود، جبران خدمات نیروی کار و سرمایه بدست می‌آید. ولی، سرمایه به صورت سرمایه ثابت دارای عمر محدودی است. بنابراین بخشی از ارزش افزوده باید به عنوان کاهش ارزش سرمایه‌ی ثابت به علت استفاده‌ی آن در تولید، در نظر گرفته شود. این کاهش ارزش سرمایه‌ی ثابت، مصرف سرمایه‌ی ثابت نامیده می‌شود.

۶-۷۲ مصرف سرمایه ثابت یکی از مهمترین عناصر در SNA است. در بیشتر موارد، وقتی ارقام ثبت شده‌ی "ناخالص" و "خالص" از یکدیگر متمایز می‌شوند، ارقام "ناخالص" پیش از کسر مصرف سرمایه ثابت و ارقام "خالص" پس از کسر مصرف سرمایه‌ی ثابت است. به طور خاص همه‌ی اقلام تراز کننده‌ی مهم در حساب‌ها از ارزش‌افزوده تا پس‌انداز می‌توانند ناخالص یا خالص یعنی پیش یا پس از کسر مصرف سرمایه‌ی ثابت ثبت شوند. همچنین باید توجه داشت که مصرف سرمایه‌ی ثابت به طور معمول در مقایسه با بیشترِ اقلام ترازکننده‌ی خالص بسیار بزرگ است. سهم مصرف سرمایه ثابت در GDP می‌تواند ۱۰ درصد یا بیشتر باشد.

۶-۷۳ یکی از مشکل‌ترین اقلام در حساب‌ها برای این که بتوان از نظر مفهومی برای آن تعریفی ارائه داد و در عمل آن را برآورد کرد مصرف سرمایه‌ی ثابت است. بعلاوه، مصرف سرمایه ثابت جمع کل ارزش مجموعه‌ای از تراکنش‌ها را نشان نمی‌دهد. این قلم یک ارزش احتساب شده است که اهمیت اقتصادی آن متفاوت از سایر اقلام ورودی حساب‌ها است که مبتنی بر تراکنش‌های بازار هستند. به این دلایل، همیشه تمایل بر این است که اقلام ترازکننده‌ی عمده در حساب‌ها به هردو صورت ناخالص و خالص نسبت به مصرف سرمایه ثابت ثبت شوند. این سنت در SNA ادامه پیدا کرده است و اقلام ترازکننده از ارزش‌افزوده تا پس‌انداز به هردو صورت ثبت می‌شوند. به طور کلی، رقم ناخالص برای محاسبه آسان‌تر است و بنابراین می‌تواند قابل اعتمادتر باشد، ولی رقم خالص معمولاً از نظر مفهومی برای مقاصد تحلیلی مناسب‌تر و مرتبط‌تر است.

۶-۷۴ همان طور که در بالا بیان شد:

الف. ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به صورت ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه تعریف می‌شود؛

ب. ارزش‌افزوده خالص به صورت ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه و مصرف سرمایه‌ی ثابت تعریف می‌شود.

در بخش‌های زیرین هنگامی که نتیجه‌گیری برای ارزش‌افزوده‌ی خالصِ متناظر با ارزش‌افزوده ناخالص آشکار است، برای اجتناب از تکرار، فقط به ارزش‌افزوده‌ی ناخالص اشاره خواهد شد.

۲. سنجه‌های‌دگرسان ارزش‌افزوده

۶-۷۵ براساس SNA، نهاده‌های واسطه در زمان ورود به فرآیند

تولید ارزش‌گذاری و ثبت می‌شوند، در صورتی که ستانده‌ها به محض خروج از فرآیند تولید ارزش‌گذاری و ثبت می‌شوند. نهاده‌های واسطه به طور عادی به قیمت‌های خریدار ارزش‌گذاری می‌شوند و ستانده‌ها به قیمت‌های پایه یا در صورت عدم وجود قیمت‌های پایه، به قیمت‌های تولیدکننده ارزش‌گذاری می‌شوند. تفاوت بین ارزش نهاده‌های واسطه و ارزش ستانده‌ها ارزش‌افزوده‌ی ناخالص است که در مقابلِ آن باید برای مصرف سرمایه‌ی ثابت، مالیات (منهای یارانه) بر تولید و جبران خدمات کارکنان هزینه شود. قلم تراز کننده‌ی مثبت یا منفی، مازاد عملیاتی خالص یا درآمد مختلط خواهد بود.

۶-۷۶ همان‌گونه که در بالا نشان داده شد، می‌توان با مرتبط کردن مجموعه‌ای از قیمت‌های مختلف با مجموعه‌ای از مقادیر نهاده‌ها و ستانده‌ها سنجه‌های مختلفی برای ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به دست آورد. سنجه‌های مختلفی که ممکن است با استفاده از مجموعه‌ی قیمت‌های مختلف معرفی شده در SNA به دست آورد، در زیر مورد بحث قرار گرفته است.

ارزش‌افزوده ناخالص به قیمت‌های پایه

۶-۷۷ ***ارزش‌افزوده ناخالص به قیمت‌های پایه به صورت ستانده به قیمت‌های پایه منهای مصارف واسطه به قیمت‌های خریدار تعریف می‌شود.*** با وجود این که ستانده‌ها و نهاده‌ها با استفاده از مجموعه قیمت‌های متفاوت ارزش‌گذاری می‌شوند، به طور خلاصه ارزش‌افزوده به قیمت‌هائی بیان می‌شود که برای ارزش‌گذاری ستانده استفاده شده‌اند. از دیدگاه تولیدکننده، قیمت‌های خریدار برای نهاده‌ها و قیمت‌های پایه برای ستانده‌ها قیمت‌هائی را که عملاً پرداخت و دریافت می‌شود نشان می‌دهند. استفاده از آن‌ها منجر به سنجه‌ای از ارزش‌افزوده‌ی ناخالص می‌شود که بویژه به تولید کننده مربوط است.

ارزش‌افزوده ناخالص به قیمت‌های تولیدکننده

۶-۷۸ ***ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به قیمت‌های تولیدکننده به صورت ستانده‌ی ارزش‌گذاری شده به قیمت‌های تولیدکننده منهای مصرف واسطه‌ی ارزش‌گذاری شده به قیمت‌های خریدار تعریف می‌شود.*** همان طور که قبلاً شرح داده شد، در نبود VAT، ارزش کل نهاده‌های واسطه‌ی مصرف شده اعم از این که به قیمت‌های تولیدکننده ارزش‌گذاری شده باشند یا به قیمت‌های خریدار یکسان خواهند بود، که در این صورت این سنجه‌ی ارزش‌افزوده‌ی ناخالص با سنجه‌ی ارزش‌افزوده‌ای که از قیمت‌های تولیدکننده برای ارزش‌گذاری نهاده‌ها و ستانده‌ها هردو استفاده شده باشد یکسان است. این سنجه‌ی ارزش‌افزوده از نظر اقتصادی معنی‌دار بوده و معادل سنجه سنتی ارزش‌افزوده ناخالص به قیمت‌های بازار است. ولی وقتی VAT وجود داشته باشد، قیمت تولیدکننده VAT درج شده در صورت حساب را در بر نمی‌گیرد، و صحیح نیست که این سنجه ارزش‌افزوده به عنوان ارزش‌افزوده به قیمت بازار بیان شود.

۶-۷۹ در این سنجه‌ی ارزش‌افزوده‌ی ناخالص و در سنجه‌ای که در بخش قبل شرح داده شد برای ارزش‌گذاری نهاده‌های واسطه از قیمت‌های خریدار استفاده می‌شود. تفاوت بین این دو سنجه دقیقاً به تفاوت در نحوه برخورد با مالیات یا یارانه بر محصول پرداختنی بر ستانده (غیر از VAT درج شده در صورت حساب) برمی‌گردد. طبق تعریف، ارزش ستانده به قیمت‌های تولیدکننده از ارزش ستانده به قیمت‌های پایه به اندازه‌ی میزان مالیات بر محصول، منهای یارانه بر محصول، اگر وجود داشته باشد، بیشتر است به طوری که دو سنجه‌ی ارزش‌افزوده‌ی مربوط به آن‌ها (ارزش‌افزوده به قیمت‌های تولیدکننده و ارزش‌افزوده به قیمت‌های پایه، مترجم) نیز باید به همان میزان با یکدیگر اختلاف داشته باشند.

ارزش‌افزوده ناخالص به قیمت عوامل

۶-۸۰ ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به قیمت عوامل مفهومی است که در SNA به صراحت به کار برده نشده است. با این وجود، به آسانی با کسر ارزش مالیات بر تولید، منهای یارانه بر تولید، پرداختنی از هریک از سنجه‌های ارزش‌افزوده‌ی ناخالص که در بالا شرح داده شد بدست می‌آید. برای مثال، تنها مالیات بر تولیدی که برای پرداخت از ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به قیمت پایه می‌ماند، "سایر مالیات‌ها بر تولید" است. این مالیات‌ها عمدتاً از مالیات‌های (یارانه‌های) جاری بر نیروی کار شاغل

یا سرمایه به کار رفته در بنگاه، نظیر مالیات بر حقوق یا مالیات‌های جاری بر وسیله نقلیه یا ساختمان تشکیل شده‌اند. از این رو، ارزش‌افزوده به قیمت عوامل را می‌توان از طریق کسر سایر مالیات‌ها بر تولید، منهای یارانه بر تولید از ارزش-افزوده به قیمت پایه به دست آورد.

۶-۸۱ مشکل مفهومی با ارزش‌افزوده به قیمت عوامل این است که مجموعه‌ی قیمت‌های قابل مشاهده‌ای که بتوان ارزش‌افزوده ناخالص به قیمت عوامل را مستقیماً از حاصل ضرب این مجموعه قیمت‌ها در مجموعه مقادیر ستانده‌ها به دست آورد، وجود ندارد. طبق تعریف، سایر مالیات‌ها یا یارانه‌ها بر تولید مالیات یا یارانه بر محصول نیستند که بتوان آن‌ها را از قیمت‌های نهاده و ستانده حذف کرد. از این رو، ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به قیمت عوامل، علیرغم نام سنتی آن، دقیقاً یک سنجه‌ی ارزش‌افزوده نیست؛ بلکه اساساً سنجه‌ای از درآمد است و نه ستانده. ارزش افزوده به قیمت عوامل مبلغ باقی مانده از ارزش‌افزوده‌ی ناخالص را، به هر شکلی که تعریف شده باشد، پس از پرداخت همه‌ی مالیاتهای بر تولید و دریافت همه‌ی یارانه‌های بر تولید برای توزیع نشان می‌دهد. فرقی نمی‌کند که از کدام یک از سنجه‌های ارزش‌افزوده‌ی ناخالص برای به دست آوردن این سنجه‌ی درآمد استفاده شده باشد زیرا سنجه‌های جایگزین ارزش‌افزوده که در بالا مورد بررسی قرار گرفت فقط از نظر میزان مالیات‌ها یا یارانه‌های بر تولید که از ارزش‌افزوده‌ی ناخالص برای پرداخت باقی می‌مانند، تفاوت دارند.

۳. محصول ناخالص داخلی (GDP)

۶-۸۲ منطق اساسی در مفهوم محصول ناخالص داخلی (GDP) برای کل اقتصاد این است که GDP باید کل ارزش‌افزوده‌ی ناخالص همه‌ی واحدهای نهادی مقیم در اقتصاد را اندازه-گیری کند. ولی، وقتی مفهوم GDP بر این اصل استوار است، طبق تعریف SNA، بین سنجه‌ی مبتنی بر ارزش‌افزوده، سنجه‌ی مبتنی بر درآمد و سنجه‌ی مبتنی بر مخارج نهائی، یک اتحاد وجود دارد. برای رسیدن به این اتحاد، این موضوع مهم است که سهم مالیات بر تولید نسبت به GDP در هر سه سنجه‌ی آن یکسان باشد. سنجه‌ی GDP براساس مخارج همه‌ی مالیات‌های بر تولید و واردات را در بر دارد زیرا این‌ها سرانجام در قیمت‌های خریدار مصرف کنندگان نهائی وجود دارند.

۶-۸۳ با ارائه‌ی این تعریف از GDP، وقتی حاصل جمع همه‌ی تولیدکنندگان مقیم بدست می‌آید، اتحادهای زیر برقرار می‌شود:

الف. GDP = حاصل جمع ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به قیمت‌های تولیدکننده،

بعلاوه مالیات بر واردات،

منهای یارانه بر واردات،

بعلاوه VAT کسرنشدنی.

ب. GDP = حاصل جمع ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به قیمت‌های پایه،

بعلاوه همه‌ی مالیات‌ها بر محصول،

منهای همه‌ی یارانه‌ها بر محصول.

پ. GDP = حاصل جمع ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به قیمت عوامل،

بعلاوه همه‌ی مالیات‌ها بر محصول،

منهای همه‌ی یارانه‌ها بر محصول،

بعلاوه همه‌ی سایر مالیات‌ها بر تولید،

منهای همه‌ی سایر یارانه‌ها بر تولید.

اقلام مالیات بر محصول و یارانه بر محصول در حالت‌های ب و پ مالیات‌ها و یارانه‌ها بر واردات و نیز مالیات و یارانه بر ستانده‌ها را در بر دارد.

۴. تولید داخلی

۶-۸۴ GDP تولید همه‌ی تولیدکنندگان داخلی را اندازه‌گیری

می‌کند. لزوماً این با همه‌ی تولید رخ داده در درون مرزهای جغرافیائی یک سرزمین اقتصادی منطبق نیست. برخی از تولیدات یک تولیدکننده‌ی مقیم می‌تواند در خارج انجام شود، در حالی که برخی از تولیدات رخ داده در درون مرزهای جغرافیائی اقتصاد نیز می‌تواند توسط واحدهای تولیدکننده‌ی غیرمقیم صورت گرفته باشد. برای مثال، یک تولیدکننده‌ی مقیم ممکن است تیم‌هائی از کارکنان داشته باشد که به طور موقت در خارج در زمینه نصب، تعمیر یا سرویس تجهیزات کار می‌کنند. این ستانده، صادرات یک تولیدکننده‌ی مقیم است و فعالیت تولیدی در GDP کشوری که در آن انجام می‌شود سهمی ندارد. از این رو، تشخیص‌بین واحدهای نهادی مقیم و غیرمقیم برای تعریف و پوشش GDP بسیار مهم است. در عمل بخش عمده‌ی فعالیت تولیدی تولیدکنندگان مقیم در درون کشوری که در آن مقیم هستند رخ می‌دهد. با این حال تولیدکنندگان در صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) خدمات که به طور معمول مجبورند ستانده‌ی خود را مستقیماً به مشتریانشان در هر کجا که مستقر هستند ارائه دهند به طور روزافزونی گرایش به این پیدا کرده‌اند که آن‌ها را در بیش از یک کشور تولید کنند، تجربه‌ای که امکانات حمل و نقل سریع و ارتباطات فوری مشوق آن بوده است. مرزهای جغرافیائی بین کشورهای همجوار برای تولیدکنندگان خدمات سیار، به ویژه در کشورهای کوچکی که با کشورهای متعدد دیگر دارای مرزهای مشترک هستند، اهمیت خود را از دست داده است.

ث. اندازه‌گیری ستانده

۱. تولید در مقابل ستانده

۶-۸۵ تولید فعالیتی است که توسط یک کارگاه انجام می‌شود. این که یک کارگاه کالا تولید می‌کند یا خدمت ارائه می‌دهد همیشه شفاف نیست. برای مثال، یک پالایشگاه نفت که نفت خام خود را فرآوری می‌کند کالا (نفت تصفیه شده) تولید می‌کند؛ اگر همان پالایشگاه نفت خام متعلق به یک واحد دیگر را فرآوری کند، در این صورت این پالایشگاه برای آن واحد خدمتِ پالایش ارائه کرده است. این عدم شفافیت اغلب می‌تواند برای کالاهائی که بین کارگاه‌های یک بنگاه رد و بدل می‌شوند پدید آید و دانستن این که چه موقع ستانده آن‌ها به عنوان ستانده یک کالا و چه موقع به عنوان ستانده یک خدمت تغییر دهنده باید ثبت شود، مهم است. هنگامی که کارگاه‌ها به بنگاه‌های متفاوت (یعنی واحدهای نهادی متفاوت) تعلق دارند، اصل تعیین کننده مالکیت اقتصادی است. اگر کارگاهی درباره سطح تولید، قیمتی که با آن بهای کالا را مطالبه می‌کند یا مقصد کالا اختیار نداشته باشد، نشانه‌ی این است که کارگاه مالکیت اقتصادی کالاهای فرآوری شده را ندارد و ارزش ستانده باید فقط به عنوان عنصر فرآوری منظور شود. این حالت برای خدمات پالایشگاه که در بالا بیان شد وجود دارد.

۶-۸۶ هنگامی که کارگاه‌های درگیرِ تولید متعلق به یک بنگاه هستند، تغییر در مالکیت رخ نمی‌دهد زیرا هردو کارگاه یک مالک دارند. ولی، اصلِ انتقال ریسک، که همراه با تغییر مالکیت انجام می‌شود، باز هم می‌تواند اعمال شود. برای مثال، فرض کنید که کارگاهی از کارگاه دیگر ذغال دریافت می‌کند، آن را برای تولید برق به کار می‌برد و سپس برق را در بازار آزاد می‌فروشد. تولید کننده برق درباره میزان تقاضای ذغال، میزان برقی که قرار است تولید شود و قیمت‌هائی که قرار است دریافت شود دارای اختیار است. در چنین حالتی، ارزش برق تولید شده باید با منظور کردن هزینه ذغال مصرف شده در فرآیند تولید اندازه‌گیری شود حتی اگر با این فرض که هردو کارگاه متعلق به یک بنگاه هستند، تغییر قانونی در مالکیت صورت نگرفته باشد.

۶-۸۷ در کل، همه‌ی کالاها و خدماتی که توسط یک کارگاه تولید و توسط همان کارگاه مصرف می‌شوند از اندازه‌گیری ستانده کنار گذاشته می‌شود. ولی، اینجا هم استثناءهائی وجود دارد.

برای مثال، اگر کالاها و خدماتی که تولید شده‌اند برای تشکیل سرمایه‌ی کارگاه به کار روند ستانده آن‌ها ثبت می‌شود. به همین ترتیب، برای محصولاتی که برای استفاده به عنوان مصرف واسطه در دوره‌ی بعدی در همان کارگاه وارد موجودی انبار می‌شوند، ستانده ثبت می‌شود. اگر کارگاه یک بنگاه غیرشرکتیِ (بنگاه فاقد شخصیت حقوقی، مترجم) خانوار پرورش دهنده‌ی ذرت باشد، ارزش ذرت تولید شده شامل ذرت نگه‌داشته شده برای مصرف خانوار نیز می‌شود.

۶-۸۸ یک کارگاه ممکن است کالاها و خدماتی را تولید کند که به عنوان مصرف واسطه‌ی خودش استفاده شود، نمونه‌ای در این مورد چینی لعاب داده نشده است که فقط بعد از لعاب دادن به واحد دیگر تحویل داده می‌شود. در کل، چینی لعاب داده نشده به عنوان ستانده ثبت نمی‌شود ولی اگر در انتهای دوره مقداری چینی لعاب داده نشده مانده باشد، باید به صورت چینیِ تولید شده و وارد شده به انبار ثبت شود. در دوره بعدی، چینی لعاب داده نشده از موجودی انبار خارج می‌شود و عمل لعاب دادن، ستانده‌ی دوره دوم را می‌سازد.

۶-۸۹ هرچند تولید به فعالیت‌ها مربوط می‌شود و از این رو ستانده‌ی برآمده از یک فرآیند تولید مجموعه‌ای از محصولات است، ستانده برای کارگاه اندازه‌گیری می‌شود و ممکن است چندین فرآیند تولید را در بر داشته باشد. از اینرو، ***ستانده به صورت کالاها و خدمات تولید شده توسط کارگاه تعریف می‌شود،***

الف. به استثنای ارزش هرگونه کالاها و خدمات استفاده شده در فعالیتی که کارگاه برای آن ریسک استفاده از محصولات در تولید را نمی‌پذیرد، و

ب. به استثنای ارزش کالاها و خدمات مصرف شده توسط همان کارگاه بجز کالاها و خدماتی که برای تشکیل سرمایه (ثابت یا تغییرات موجودی انبار) یا خود مصرفی نهائی استفاده می‌شوند.

۲. زمان ثبت

۶-۹۰ ستانده‌ی بیشتر کالاها یا خدمات معمولاً زمانی ثبت می‌شود که تولید آن‌ها کامل شده باشد. ولی هنگامی که زمان تولید یک واحد ستانده طولانی باشد، لازم است آن را به عنوان ستانده‌ای که تولید آن ادامه دارد شناخت و آن را به عنوان "کالای در جریان ساخت" ثبت کرد. برای مثال، تولید برخی از کالاهای کشاورزی یا کالاهای بزرگ بادوام نظیر کشتی یا ساختمان ممکن است ماه‌ها یا سال‌ها طول بکشد تا کامل شود. در چنین مواردی، اگر طوری عمل شود که گوئی تمامی ستانده در لحظه‌ای که فرآیند تولید به پایان می‌رسد تولید شده است، واقعیت اقتصادی مخدوش خواهد شد. هرگاه یک فرآیند تولید در طول دو یا چند دوره‌ی حسابداری گسترده شده باشد، لازم است در هریک از دوره‌ها، کالای در جریان ساخت محاسبه شود تا بتوان میزان ستانده‌ی تولید شده در هر دوره را اندازه‌گیری کرد.

۶-۹۱ از سوی دیگر، ممکن است کالاها و خدمات در یک دوره حسابداری تکمیل شوند ولی در همان دوره به استفاده کننده ارائه (فروخته) نشوند. ستانده زمانی ثبت می‌شود که کار تکمیل شده باشد نه زمانی که فروخته شود. بنابراین در یک دوره بین ارزش ستانده و ارزش فروش‌ها تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد، این تفاوت از طریق تغییرات در موجودی انبارکالاهای تکمیل شده و کالای در جریان ساخت به حساب می‌آید.

۳. ارزش‌گذاری ستانده

۶-۹۲ کالاها و خدمات تولید شده به منظور فروش در بازار به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه هستند می‌تواند به قیمت‌های پایه یا به قیمت‌های تولیدکننده ارزش‌گذاری شوند. شیوه ارزش‌گذاری ترجیح داده شده، ارزش‌گذاری به قیمت‌های پایه است به ویژه هنگامی که نظام مالیات ارزش-افزوده یا مالیات کسرشدنی مشابه وجود داشته باشد. قیمت‌های تولیدکننده فقط باید هنگامی استفاده شود که ارزش‌گذاری به قیمت‌های پایه امکان‌پذیر نباشد.

۶-۹۳ ستانده‌ی تولید شده توسط تولیدکنندگان بازاری برای استفاده نهائی خود باید به متوسط قیمت پایه‌ی همان نوع کالاها و خدمات در بازار ارزش‌گذاری شود، به شرطی که به مقادیر کافی از آن‌ها فروخته شده باشند تا بتوان برآوردهای قابل

اعتمادی از این قیمت‌های متوسط به دست آورد. در غیر این صورت، ستانده باید از طریق کل هزینه‌های تولید متقبل شده از جمله مصرف سرمایه ثابت، بعلاوه هرگونه مالیات (منهای یارانه) بر تولید غیر از مالیات یا یارانه بر محصول، بعلاوه خالص بازگشت سرمایه ثابت و منابع طبیعی استفاده شده در تولید، ارزش‌گذاری شود. مفهوم خالص بازگشت سرمایه در بخش ح معرفی و در فصل ۲۰ به تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۹۴-۶ ستانده غیربازاری تولید شده توسط واحدهای دولتی و NPISHها که به رایگان، یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به واحدهای نهادی دیگر یا به کل جامعه عرضه می‌شوند، از طریق کل هزینه‌های تولید از جمله مصرف سرمایه ثابت، بعلاوه مالیات (منهای یارانه) بر تولید بجز مالیات یا یارانه بر محصول، ارزش‌گذاری می‌شوند. طبق قرارداد، برگشت خالص سرمایه برای تولید غیربازاری منظور نمی‌شود. همچنین، برای برآورد تولید برای استفاده نهائی خود توسط تولیدکنندگان غیربازاری نیز هنگامی که از جمع کل هزینه استفاده می‌شود هیچ گونه برگشت سرمایه منظور نمی‌شود.

۴. ستانده‌ی بازاری، ستانده برای استفاده نهائی خود و ستانده‌ی غیربازاری

۹۵-۶ در SNA یک تفاوت بنیادی بین ستانده‌ی بازاری و ستانده‌ی غیربازاری به دلیل نحوه‌ی ارزش‌گذاری ستانده‌ی هریک از آن‌ها ایجاد شده است. ستانده بازاری وضعیت عادی در اقتصاد بازار است که در آن تولیدکنندگان تصمیم می‌گیرند برای پاسخگوئی به میزان تقاضای مورد انتظار و هزینه‌های عرضه‌ی مورد انتظار، چه چیزی را و به چه میزان تولید کنند. عامل تعیین کننده در تصمیم‌های تولید، قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی غالب در بازار است. ***قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی قیمت‌هائی هستند که بر مقداری که تولیدکنندگان حاضر به عرضه هستند و بر مقداری که خریداران مایل به خرید هستند اثر قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. این قیمت‌ها به طور عادی هنگامی حاصل می‌شود که:***

الف. تولیدکننده با هدف کسب سود در بلند مدت، یا دستکم، پوشش هزینه‌های سرمایه و دیگر هزینه‌ها انگیزه‌ی تنظیم عرضه را دارد؛ و

ب. مصرف کننده آزاد است که بخرد یا نخرد و انتخاب خود را براساس قیمت‌های مطالبه شده انجام می‌دهد.

۹۶-۶ بحث بیشتری درمورد قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی در فصل ۲۲ وجود دارد.

۹۷-۶ ستانده‌ی غیربازاری ستانده‌ای است که توسط دولت و NPISHها در نبودِ قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی، فراهم می‌شود. وقتی گفته می‌شود که قیمتی از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیست که بر مقداری که تولیدکننده برای عرضه فراهم می‌کند تأثیر اندکی دارد یا هیچ تأثیری ندارد و انتظار می‌رود تنها یک تأثیر حاشیه‌ای بر مقادیر تقاضا داشته باشد. این قیمتی است که چه از نظر عرضه و چه از نظر تقاضا میزان آن قابل ملاحظه نیست. چنین قیمت‌هائی احتمالاً به منظور افزایش درآمد عملیاتی یا کاهش مازاد تقاضائی که در صورت ارائه رایگان این خدمات به وجود می‌آید، گذاشته می‌شود. وقتی در زمینه‌های اداری، اجتماعی یا سیاسی در باره کل میزان عرضه یک کالا یا خدمت خاصی تصمیمی گرفته می‌شود، قیمت آن عمداً زیر قیمت تعادلی که ممکن است تعادل بازار را به دنبال داشته باشد، تعیین می‌شود. بنابراین، تفاوت بین قیمتی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیست با قیمت صفر، فقط مربوط به اندازه‌ی آن است (نه ویژگیِ آن، مترجم). این قیمت، صرفاً واحدهائی را که دارای تقاضاهای حداقلی هستند از تقاضای خود باز می‌دارد بدون این که کاهش عمده‌ای در میزان کل تقاضا به وجود آید.

۹۸-۶ ستانده غیربازاری ممکن است به دو دلیل تولید شود:

الف. وادار کردن افراد به پرداخت برای دریافت خدمات جمعی می‌تواند از نظر فنی غیرممکن باشد زیرا مصرف آن‌ها را نمی‌توان کنترل یا پایش کرد. هنگامی که هزینه‌ی تراکنش‌ها بسیار زیاد است و شکست بازار وجود دارد، مکانیسم قیمت‌گذاری

نمی‌تواند به کار برده شود. تولید چنین خدماتی باید به صورت جمعی توسط واحدهای دولتی سازماندهی شود و از وجوهی غیر از دریافتی از فروش، یعنی مالیات یا سایر درآمدهای دولت تأمین مالی شود،

ب. واحدهای دولتی و NPISHها ممکن است کالاها و خدماتی را برای خانوارهای فردی تولید و عرضه کنند که می‌توانند حق‌الزحمه آن‌ها را دریافت کنند ولی به دلیل اعمال سیاست‌های اقتصادی یا اجتماعی تصمیم می‌گیرند حق‌الزحمه‌ی بابت ارائه‌ی خدمات دریافت نکنند. به عنوان رایج‌ترین مثال می‌توان، ارائه‌ی خدمات آموزش و سلامت به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند، را نام برد هرچند که ممکن است انواع دیگر کالاها و خدمات نیز عرضه شوند.

ستانده بازاری

۶-۹۹ ***ستانده‌ی بازاری ستانده‌ی است که برای فروش در بازار به قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی در نظر گرفته شده است.*** ارزش ستانده بازاری از حاصل جمع اقلام زیر تعیین می‌شود:

الف. ارزش کالاها و خدمات فروخته شده به قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی؛

ب. ارزش کالاها یا خدماتی که به صورت پایاپای با سایر کالاها، خدمات یا دارائی‌ها مبادله شده‌اند؛

پ. ارزش کالاها یا خدمات استفاده شده برای پرداخت‌های غیرنقدی از جمله جبران غیرنقدی خدمات کارکنان؛

ت. ارزش کالاها یا خدمات عرضه شده توسط یک کارگاه به گارگاه دیگرِ متعلق به همان کارگاه بازاری برای استفاده به عنوان نهاده‌های واسطه در صورتی که ریسک مربوط به ادامه فرآیند تولید همراه با آن کالاها منتقل شود.

ث. ارزش تغییرات موجودی انبار کالاهای تکمیل شده و کالای در جریان ساخت به قصد استفاده برای یک یا چند مورد از موارد فوق؛

ج. حاشیه‌های (مارژهای) تعلق گرفته بر عرضه کالاها و خدمات، حاشیه‌های حمل و نقل، حاشیه‌های تحصیل و واگذاری دارائی‌های مالی، و غیره.

ثبت فروش‌ها

۶-۱۰۰ زمانی که فروش‌ها باید ثبت شوند هنگامی است که دریافتنی‌ها و پرداختنی‌ها ایجاد می‌شوند: یعنی، زمانی که مالکیت کالاها از تولیدکننده به خریدار منتقل می‌شود یا زمانی که خدمات به خریدار ارائه می‌شوند. کالاها یا خدمات به قیمت پایه‌ای که فروخته شده‌اند ارزش‌گذاری می‌شوند. اگر ارزش‌گذاری به قیمت‌های پایه امکان پذیر نباشد، می‌توان بجای آن از قیمت‌های تولیدکننده استفاده کرد. اگر لازم باشد فروش کالاها بجای قیمت‌های پایه به قیمت‌های تولیدکننده ارزش‌گذاری شود، در این صورت ارزش ضمنیِ خدمات حاشیه نیز باید هرگونه مالیات بر محصول اعمال شدنی را در بر داشته باشد. برای بعضی از خدمات حاشیه، به ویژه آن‌هائی که به دارائی‌های مالی مربوط هستند، ارزش خدمات ارائه شده ممکن است ضمنی باشد.

۶-۱۰۱ ارزش فروش‌ها به وسیله مبالغ دریافتنی توسط تولیدکنندگان و پرداختنی توسط خریداران که به نحو مناسبی از نظر حاشیه‌های حمل و نقل و بازرگانی تعدیل شده باشند، تعیین می‌شوند. مبالغ دریافتنی و پرداختنی همیشه با مبالغی که واقعاً دریافت و پرداخت شده‌اند، همزمان نیستند. مبلغ پرداختنی باید در حساب تولید نشان داده شود و تفاوت بین مبالغ پرداختنی و پرداختی باید به عنوان حساب‌های پرداختنی و یا دریافتنی در حساب مالی نشان داده شود. پرداخت‌های بعدی این مبالغِ تسویه نشده به عنوان تراکنش‌های مالی و نه جزئی از حساب تولید ثبت می‌شوند. اگر پیش‌پرداخت‌ها یا پرداخت‌های معوقه بهره داشته باشند، این‌ها باید به عنوان تراکنش‌های مجزا ثبت شوند و نباید در ارزش فروش‌ها منظور شوند.

ثبت معاملات پایاپای

۶-۱۰۲ معامله پایاپای هنگامی رخ می‌دهد که کالاها و خدمات در مقابل کالاها، خدمات یا دارائی‌ها مبادله می‌شوند. ارزش کالاها یا خدماتی که به صورت پایاپای معامله می‌شوند باید هنگامی که مالکیت کالاها انتقال می‌یابد یا خدمت ارائه می‌شود، ثبت شوند. ستانده‌ی کالاهای معامله شده به صورت پایاپای به قیمت‌های پایه‌ای که در صورت فروش دریافت می‌شد، ارزش‌گذاری می‌شوند.

ثبت جبران خدمات غیرنقدی یا سایر پرداخت‌های غیرنقدی

۶-۱۰۳ کالاها و خدمات ارائه شده برای کارکنان به عنوان جبران خدمات غیرنقدی، یا استفاده شده برای سایر پرداخت‌های غیرنقدی، باید هنگامی که مالکیت قانونی کالاها منتقل می‌شوند یا خدمات ارائه می‌شوند، ثبت شوند. این‌ها باید به قیمت‌های پایه‌ای که در صورت فروش دریافت می‌شد، ارزش‌گذاری شوند.

ثبت تحویل‌های درون بنگاهی

۶-۱۰۴ تحویل‌های درون بنگاهی فقط هنگامی ثبت می‌شوند که کارگاهِ دریافت کننده‌ی کالاها مسؤلیت تصمیم‌گیری درباره میزان عرضه و قیمتی که در آن ستانده به بازار ارائه می‌شود را به عهده داشته باشد. هنگامی‌که تحویل این کالاها و خدمات ثبت می‌شوند، باید به قیمت‌های پایه‌ای که در صورت فروش دریافت می‌شد، ثبت شوند.

تغییرات موجودی کالاهای تکمیل شده

۶-۱۰۵ اصل اساسی در اندازه‌گیری تغییرات موجودی انبار کالاهای تکمیل شده این است که ستانده باید در زمانی ثبت شود که تولید می‌شود و به قیمتی ارزش‌گذاری شود که در صورت فروش، یا استفاده‌ای دیگر یا ورود به موجودی انبار برای فروش یا استفاده دیگر ارزش‌گذاری می‌شود. در واقع، کالاها فقط هنگامی وارد موجودی انبار می‌شوند که بلافاصله در دوره‌ای که تولید می‌شوند برای فروش یا مصارف دیگر استفاده نشوند. به طور مشابه، کالاها هنگامی از موجودی انبار خارج می‌شوند که تقاضا برای آن‌ها بیش از مقدار تولید شده در یک دوره باشد. وقتی کالاهای تولید شده‌ی قبلی از موجودی انبار خارج شده و فروخته می‌شوند یا به مصرف دیگری می‌رسند، ستانده‌ای برای آن‌ها ثبت نمی‌شود مگر این که یک فعالیت انبارداری به‌گونه‌ای که در بخش ج بیان خواهد شد، انجام شود.

۶-۱۰۶ بنابراین موجودی انبار کالاهای تکمیل شده تفاوت بین تولید و فروش‌ها (یا سایر مصارف) را در یک دوره نشان می‌دهد. در نتیجه اقلام ورودی به موجودی انبار باید به قیمت‌های پایه‌ی غالب در زمان ورود به انبار ارزش‌گذاری شوند، در حالی که برداشت از موجودی انبار باید به قیمت‌هائی که بعداً فروخته می‌شوند، ارزش‌گذاری شوند. این روش ارزش‌گذاری تغییرات موجودی انبار، که می‌توان آن را روش موجودی‌گیری مستمر (PIM) نامید، در عمل، همیشه برای پیاده‌سازی آسان نیست و گاهی اوقات ممکن است منجر به نتایجی شود که عقلائی نباشد.

۶-۱۰۷ وقتی قیمت‌ها ثابت هستند، اندازه‌گیری تغییرات موجودی انبار نسبتاً ساده است. اما وقتی تورم (یا کاهش قیمت‌ها) وجود دارد، ممکن است مادامی‌که کالاها در انبار نگه‌داری می‌شوند، افزایش (کاهش) قابل ملاحظه‌ای در قیمت رخ دهد. منفعت (زیان) ناشی از نگه‌داشتن تعلق گرفته به کالاهائی که بعد از تولید در انبار نگه‌داری می‌شوند نباید در ارزش ستانده وارد شود. پیامد روش بکار رفته برای ارزش‌گذاری این است که، وقتی قیمت‌ها در حال تغییر است، کالاهای وارد شده به موجودی انبار و خارج شده از موجودی انبار در زمان‌های مختلف، حتی طی یک دوره حسابداری (که مانند کالاهای فروخته شده در زمان‌های مختلف است) به قیمت‌های متفاوتی ارزش‌گذاری می‌شوند. در اصل، این مستلزم آن است که همه‌ی وارد شده‌ها به انبار و برداشت‌ها از آن، به محض این که رخ می‌دهد به طور مستمر ثبت شوند، و این پیچیدگی روش موجودی‌گیری مستمر را توجیه می‌کند. اگر در روش موجودی‌گیری مستمر ارزش‌گذاری کالاهای برداشت شده از

موجودی انبار به قیمت‌های غالب زمان برداشت و نه زمان ورود به انبار، یا "بهای تمام شده تاریخی" آن‌ها انجام شود، پیچیدگی‌های این روش از بین خواهد رفت. این روش ارزش-گذاری می‌تواند منجر به ارقامی شود که هم برای ستانده و هم برای منافع در زمان تورم بسیار کمتر از ارقامی است که از طریق روش‌های حسابداری کسب و کار (تجاری) مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی به دست می‌آید. بحث بیشتری در باره ارزش‌گذاری موجودی انبار در فصل ۱۰ ارائه شده است.

۶-۱۰۸ از اصول کلی مطرح شده در بخش قبل نتایج زیر حاصل می‌شود:

الف. کالاهای وارد شده به موجودی انبار به قیمت‌های پایه‌ی غالب در همان زمان ارزش‌گذاری می‌شوند: یعنی، به قیمت‌هائی که وقتی تولید شد، می‌توانست فروخته شود؛

ب. کالاهای برداشت شده از موجودی انبار به قیمت‌های پایه‌ی غالب در همان زمان ارزش‌گذاری می‌شوند: یعنی، به قیمت‌هائی که ممکن است فروخته شوند.

۶-۱۰۹ کالاهای نگه‌داشته شده در موجودی انبار در اثر گذشت زمان در معرض نابودی و در معرض خطر سرقت یا خسارت اتفاقی هستند. زیان‌های مکرر ناشی از نرخ اسمی ضایعات، سرقت و خسارت اتفاقی به همان شیوه‌ی برداشت از موجودی انبار عمل می‌شوند و از اینرو ارزش ستانده را کاهش می‌دهند. حتی اگر زیان‌ها نسبت به ستانده بالا باشند، تا زمانی که به طور مکرر رخ می‌دهد این گونه عمل می‌شوند. به این ترتیب ارزش کل تغییرات موجودی انبار کالاهای تکمیل شده ثبت شده در دوره‌ی حسابداری معین به صورت زیر به دست می‌آید:

حاصل جمع ارزش همه‌ی کالاهای وارد شده به موجودی انبار

منهای حاصل جمع ارزش همه‌ی کالاهای برداشت شده از موجودی انبار

منهای ارزش هرگونه زیان‌های مکرر کالاهای نگه‌داشته شده در انبار.

تغییرات موجودی انبار کالای در جریان ساخت

۶-۱۱۰ هنگامی که فرآیند تولید زمان زیادی طول می‌کشد تا تکمیل شود، ستانده باید به صورت تولیدی که ادامه دارد به عنوان کالای در جریان ساخت شناخته شود. چون تولید ادامه دارد نهاده‌های واسطه به طور مستمر مصرف می‌شوند بنابراین لازم است ستانده‌ی متناظر با آن هم ثبت شود. در غیر این صورت، ثبت نهاده‌ها و ستانده‌هائی که در زمان‌های متفاوت، یا حتی دردوره‌های متفاوت رخ می‌دهد موجب می‌شود ارقام بی معنی برای ارزش‌افزوده به دست آید. کالای در جریان ساخت اساساً ستانده‌ی تکمیل نشده‌ای است که هنوز قابل فروش نیست: یعنی ستانده‌ای که به اندازه کافی پردازش نشده است تا در وضعیتی قرار گیرد که بتوان آن را به آسانی به واحدهای نهادی دیگر فروخت یا عرضه کرد. ضروری است که چنین ستانده‌ای که فرآیند تولید آن در یک دوره حسابداری تکمیل نشده است طوری ثبت شود که کالای در جریان ساخت از یک دوره به دوره بعدی منتقل شود. در این حالت، ارزش جاری کالای در جریان ساخت که در پایان یک دوره تکمیل می‌شود در ترازنامه‌ی انتهای دوره ثبت می‌شود، و در ترازنامه‌ی ابتدای دوره‌ی بعد هم وارد می‌شود.

۶-۱۱۱ در هر صنعت (رشته فعالیت) بسته به مدت زمانی که طول می‌کشد تا یک واحد ستانده تولید شود از جمله صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) خدمات نظیر تولید فیلم، ممکن است لازم باشد کالای در جریان ساخت ثبت شود. این موضوع به ویژه در صنعت‌هائی (رشته‌فعالیت‌هائی) با دوره‌های طولانیِ رشد محصولات آن‌ها، نظیر برخی انواع تولیدات کشاورزی یا تولید کالاهای تولیدی بادوام، که دوره‌ی تولید آن‌ها می‌تواند چندین سال طول بکشد، دارای اهمیت است.

۶-۱۱۲ در SNA، کالای در جریان ساخت یکی از اجزایِ موجودی انبار ستانده‌های نگه‌داشته شده توسط تولیدکنندگان است. ولی، همیشه ممکن است مرز بین موجودی‌های انبار ساختمان‌ها و سازه‌های نیمه ساخته و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص روشن نباشد. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص توسط

استفاده کنندگانِ دارائی‌های ثابت رخ می‌دهد بنابراین تا مالکیت قانونی دارائی‌ها از تولید کنندگان به استفاده کنندگان آن‌ها منتقل نشده باشد، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نمی‌تواند ثبت شود. این انتقال معمولاً رخ نمی‌دهد تا فرآیند تولید تکمیل شود. اما وقتی یک قرارداد پیش فروش منعقد می‌شود، می‌توان این طور فرض کرد که انتقال مالکیت قانونی در مراحلی که ارزش کار جای‌گذاری می‌شود، رخ می‌دهد. در چنین مواردی اغلب می‌توان پرداخت‌های مرحله‌ای توسط خریداران را برای تقریب ارزش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به کار برد هرچند که گاهی اوقات پرداخت‌های مرحله‌ای ممکن است پیش از تکمیل مرحله یا پس از آن با تأخیر انجام شود، که در این صورت اعتبارات کوتاه مدت از خریدار به تولیدکننده، یا برعکس هم تمدید می‌شود. در نبود قرارداد فروش، ستانده‌ی تولید شده باید به صورت اضافه شده به موجودی انبار تولیدکننده، یعنی، به عنوان کالای در جریان ساخت عمل شود، هر قدر هم که سازه‌ی نیمه ساخته بزرگ باشد. هنگامی که فرآیند تولید به پایان می‌رسد، کل کالای در جریان ساخت که تا آن لحظه انباشته شده است، به طور کامل به موجودی انبار محصول تکمیل شده‌ی آماده برای تحویل یا فروش منتقل می‌شود. هنگامی که فروش رخ می‌دهد، ارزش فروش باید با یک برداشت دارای ارزش مساوی از موجودی انبار حذف شود، به طوری که فقط ارزش اضافه شده به کار در حال پیشرفت که در زمان انجام تولید در دوره‌ی مورد نظر ثبت شده است به عنوان سنجه‌ی ستانده باقی می‌ماند. در این شیوه، ستانده در طول کل دوره‌ی تولید توزیع می‌شود.

۶-۱۱۳ در حساب‌ها ارزش اضافه شده به کالای در جریان ساخت و برداشت از آن با شیوه‌ای یکسان با ورودی به موجودی انبار کالاهای تکمیل شده و برداشت از آن عمل می‌شود. این‌ها باید در زمان‌هائی که رخ می‌دهند و به قیمت‌های پایه‌ی غالب در همان زمان‌ها ثبت شوند. با این حال، با توجه به ویژگی‌های خاص کالای در جریان ساخت، ارزش‌گذاری آن نیاز به توضیحات بیشتری دارد. این توضیحات در فصل ۲۰ ارائه شده است.

ستانده برای استفاده نهائی خود

۶-۱۱۴ ***ستانده برای استفاده نهائی خود از محصولاتی تشکیل شده است که توسط تولیدکننده برای استفاده‌ی خود به عنوان مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه ثابت نگه‌داشته می‌شود.*** ارزش ستانده برای استفاده نهائی خود به صورت حاصل جمع اقلام زیر تعیین می‌شود:

الف. ارزش کالاهای تولید شده توسط یک بنگاه غیرشرکتی خانوار و مصرف شده توسط همان خانوار؛

ب. ارزش خدمات ارائه شده به خانوارها توسط کارکنان خانگی مزدبگیر؛

پ. ارزش احتسابی خدمات واحدهای مسکونی مالک ساکن؛

ت. ارزش دارائی‌های ثابت تولید شده توسط یک کارگاه که برای مصرف در تولید آینده (تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به حساب خود) در همان بنگاهی که کارگاه به آن تعلق دارد، باقی می‌ماند؛

ث. ارزش تغییرات موجودی انبار کالاهای تکمیل شده و کالای در جریان ساخت در نظر گرفته شده برای یک یا چند مصرف از مصارف بالا؛

ج. در حالت استثنائی، که بعداً در این بخش شرح داده خواهد شد، ممکن است ستانده‌ای وجود داشته باشد که برای مصرف واسطه‌ی خود استفاده شود.

کالاهای تولید شده توسط خانوارها

۶-۱۱۵ همه‌ی کالاهای تولید شده توسط خانوارها در محدوده تولید قرار می‌گیرند و آن‌هائی که به واحدهای دیگر تحویل داده نمی‌شوند یا باید به عنوان کالاهائی که فوراً مصرف می‌شوند عمل شوند یا به عنوان کالاهائی که برای مصرف بعدی در موجودی انبار ذخیره می‌شوند منظور گردند.

خدمات کارکنان خانگی

۶–۱۱۶ کارکنان خانگی مزدبگیر (پرستار کودک، آشپز، باغبان، راننده و غیره) رسماً به عنوان کارکنان یک بنگاه غیرشرکتی متعلق به خانوار عمل می‌شوند. خدمات تولید شده توسط همان واحدی که آن‌ها را تولید کرده است مصرف می‌شوند و آن‌ها نوعی از تولید به حساب خود تلقی می‌شوند. طبق قرارداد، هرگونه هزینه‌های واسطه‌ای در تولید خدمات خانگی به عنوان مصرف واسطه‌ی ستانده خدمات خانگی تلقی نمی‌شود بلکه به عنوان مخارج مصرف نهائی خانوار منظور می‌گردد. از این رو، ارزش ستانده تولید شده برابر با جبران خدمات پرداخت شده به کارکنان از جمله جبران خدمات غیر نقدی نظیر تأمین غذا یا محل اقامت خواهد بود.

خدمات واحدهای مسکونی مالک ساکن

۶–۱۱۷ خانوارهائی که مالک واحدهای مسکونی محل سکونتشان هستند، رسماً به عنوان مالکین بنگاه‌های غیرشرکتی تلقی می‌شوند که خدمات مسکن تولید می‌کنند که توسط همان خانوارها مصرف می‌شوند. هنگامی که بازارهای سازمان یافته‌ی مناسبی برای مسکن اجاره‌ای وجود داشته باشد، ستانده خدمات مسکن به حساب خود را می‌توان با استفاده از قیمت‌های انواع مشابه خدمات فروخته شده در بازار ارزش‌گذاری کرد همانند قواعد کلی ارزش‌گذاری که برای کالاها یا خدمات تولید شده برای خودمصرفی به کار می‌روند. به بیان دیگر، ستانده‌ی خدمات مسکن تولید شده توسط مالکین ساکن از طریق برآورد مبلغ اجاره بهائی که یک مستأجر برای محل اقامت مشابه پرداخت می‌کند، با در نظر گرفتن عواملی نظیر محل آن، امکانات رفاهی محله، و غیره و نیز اندازه و کیفیت خود واحد مسکونی ارزش‌گذاری می‌شود. همین رقم جزء مخارج مصرف نهائی خانوار هم ثبت می‌شود. در بسیاری از موارد، بازار سازمان یافته مناسبی وجود ندارد و باید از ابزارهای دیگری برای برآورد خدمات مسکن استفاده شود.

تشکیل سرمایه ثابت خالص به حساب خود

۶–۱۱۸ کالاها یا خدمات استفاده شده برای تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص برای خود ممکن است توسط هر نوع بنگاهی، چه شرکت و چه غیرشرکت، تولید شود. به عنوان نمونه، ماشین ابزارهای خاص تولید شده توسط بنگاه‌های مهندسی برای استفاده خود، یا واحدهای مسکونی، یا توسعه واحدهای مسکونی، تولید شده توسط خانوارها از این نوع هستند. در بعضی از کشورها در مناطق روستائی ممکن است طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های ساخت و ساز به منظور تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برای خود انجام شود، از جمله فعالیت‌های ساخت و ساز اجتماعی (اشتراکی) انجام شده توسط گروه‌های خانوارها. علاوه بر این‌ها، ممکن است محصولات مالکیت فکری نظیر R&D و محصولات نرم‌افزار هم به حساب خود تولید شوند.

تغییرات موجودی انبار

۶–۱۱۹ ارزش اضافه شده به کالای در جریان ساخت سازه‌ها برای استفاده‌ی خود به عنوان تحصیل دارائی‌های ثابت توسط تولیدکنندگان آن‌ها تلقی می‌شوند. کالاها یا خدمات تولید شده برای خود مصرفی نهائی ممکن است برای استفاده‌ی بعدی در موجودی انبار محصولات تکمیل شده گذاشته شود. این‌ها به قیمت‌های پایه‌ی محصولات مشابه فروخته شده در بازار در زمانی که وارد موجودی انبار می‌شوند یا اگر قیمت پایه‌ی مناسبی در دسترس نباشد با هزینه تولید آن‌ها ارزش‌گذاری می‌شوند.

خود مصرفی واسطه‌ای

۶–۱۲۰ کالاها و خدمات استفاده شده به عنوان مصرف واسطه درهمان کارگاه معمولاً ثبت نمی‌شوند. ولی مواردی وجود دارد که ممکن است این کار مطلوب باشد. اگر چنین ثبتی انجام شود، کالاها و خدمات مورد بحث هم به مصرف واسطه و هم و به ستانده اضافه می‌شوند بنابراین تأثیری در ارزش افزوده نخواهد داشت.

۶-۱۲۱ اگر فعالیتی نظیر خدمات حمل کالا مورد توجه خاص باشد و در باره این که به عنوان ستانده ثانوی تلقی شود (وقتی بهای آن دریافت می‌شود) یا به عنوان خود مصرفی (وقتی بهای آن دریافت نمی‌شود) تنوع عمل وجود داشته باشد، در این صورت حالت مطلوب آن است که در صورتی که مناسب باشد، همه‌ی خدمات حمل کالا به عنوان محصولات ثانوی تلقی شود با ستانده‌ای که به عنوان خود مصرفی واسطه‌ای نشان داده می‌شود.

۶-۱۲۲ همان‌گونه که در پاراگراف ۶-۱۰۴ توضیح داده شد، اگر محصولی توسط یک کارگاه به کارگاه دیگری در داخل همان بنگاه تحویل داده شود، فقط هنگامی‌که کارگاه دوم مسئولیت تصمیم‌گیری درباره‌ی میزان عرضه و قیمتی که در آن ستانده به بازار تحویل داده می‌شود را به عهده داشته باشد، محصول تحویل داده شده به عنوان ستانده‌ی کارگاه اول و مصرف واسطه کارگاه دوم ثبت می‌شود. اگر این حالت وجود نداشته باشد، ستانده‌ی کارگاه اول به عنوان ورودی به موجودی انبار در نظر گرفته می‌شود و کارگاه دوم یک فرآیند خدمت انجام می‌دهد که بهای آن را نیز دریافت می‌کند. اگر قرار است برای بنگاه یک حساب تولید تهیه شود، در حالت اول ترجیح بر این است که این محصول هم به عنوان ستانده و هم به عنوان مصرف واسطه‌ی بنگاه نشان داده شود به جای این که این‌ها با هم تلفیق شوند. در حالت دوم، ستانده‌ی بنگاه از ارزش محصول تولید شده توسط کارگاه اول بعلاوه حق‌الزحمه‌ی پردازش محصول توسط کارگاه دوم تشکیل شده است.

۶-۱۲۳ در بعضی موارد، قسمتی از ستانده‌ی فعلی ممکن است برای استفاده به صورت مصرف واسطه در آینده در موجودی انبار گذاشته شود. مثال در این مورد محصولات کشاورزی است که ممکن است برخی از محصولات فعلی آن برای مصرف دانه در آینده بکار برده شود.

ارزش‌گذاری ستانده برای استفاده نهائی خود

۶-۱۲۴ ستانده برای استفاده نهائی خود باید به قیمت‌های پایه‌ای که کالاها و خدمات در صورت ارائه به بازار برای فروش، به آن قیمت‌ها می‌توانستند فروخته شوند، ارزش‌گذاری شود. برای این که بتوان به این شیوه ارزش‌گذاری کرد، باید از همان نوع کالاها یا خدمات به میزان کافی عملاً در بازار خرید و فروش شوند تا امکان محاسبه قیمت‌های قابل اعتماد بازار برای مقاصد ارزش‌گذاری بوجود آید. عبارت "در بازار" به معنی قیمت بین خریدار مایل به خرید و فروشنده‌ی مایل به فروش است که در زمان و محلی که کالاها یا خدمات تولید می‌شوند قیمت غالب باشد. برای نمونه، در مورد تولیدات کشاورزی این قیمت لزوماً نمی‌تواند قیمت در محل بازار باشد که هزینه‌های حمل و نقل و گاهی حاشیه‌های عمده فروشی را نیز در بردارد. بلکه نزدیک‌ترین قیمت معادل برای ارزش‌گذاری به احتمال زیاد قیمتی است که قیمت "در مزرعه" نامیده می‌شود؛ یعنی قیمتی که پرورش دهنده می‌تواند با فروش محصول به خریداری که برای جمع آوری محصول به مزرعه می‌آید دریافت کند.

۶-۱۲۵ هنگامی که قیمت بازار قابل اعتمادی نمی‌توان به دست آورد، باید از شیوه‌ای که بهترینِ دوم است استفاده شود که در آن ارزش ستانده‌ی کالاها یا خدمات تولید شده برای استفاده نهائی خود برابر با جمع هزینه‌های تولیدشان یعنی حاصل جمع اقلام زیر در نظر گرفته می‌شود:

الف. مصرف واسطه؛

ب. جبران خدمات خانوار؛

پ. مصرف سرمایه ثابت؛

ت. خالص برگشت سرمایه؛

ث. سایر مالیات‌ها (منهای یارانه‌ها) بر تولید؛

طبق قرارداد، برای تولید به حساب خود که توسط تولیدکنندگان غیربازاری انجام می‌شود، خالص بازگشت سرمایه در نظر گرفته نمی‌شود.

۶-۱۲۶ برای بنگاه‌های غیرشرکتی، ممکن است برآورد جبران خدمات کارکنان، مصرف سرمایه‌ی ثابت و بازگشت سرمایه به طور

مجزا امکان پذیر نباشد در این حالت باید برآوردی از درآمد مختلط که تمام این اقلام را پوشش می‌دهد، ساخته شود.

۶-۱۲۷ معمولاً لازم است ستانده‌ی ساختمان به حساب خود بر اساس هزینه‌های آن ارزش‌گذاری شود زیرا احتمالاً برآورد ارزش مستقیم پروژه‌های ساختمانی خاصی که در بازار ارائه نمی‌شوند با مشکل مواجه می‌شود. هنگامی‌که بنگاهی برای خودش ساختمان می‌سازد، ممکن است اطلاعات لازم در مورد هزینه‌ها به آسانی مشخص شود، ولی در حالت ساخت واحدهای مسکونی برای خانوارها یا ساخت ساختمان‌های اجتماعی توسط انجمن‌ها یا گروه‌های غیررسمی برای بهره‌مندی دسته جمعی، چنین نیست. بیشترِ نهاده‌های پروژه‌های ساختمانی اجتماعی (اشتراکی)، از جمله نهاده‌های نیروی کار، به احتمال زیاد به طور رایگان فراهم می‌شود به گونه‌ای که حتی ارزش‌گذاری نهاده‌ها را می‌تواند با مشکل مواجه سازد. از آنجا که نیروی کار این پروژه‌ها که به آن‌ها پرداختی هم صورت نمی‌گیرد، قسمت بزرگی از نهاده‌ها را تشکیل می‌دهد، برآورد ارزش آن‌ها با استفاده از نرخ دستمزد انواع کارهای مشابه در بازارهای محلی دارای اهمیت است. هرچند ممکن است پیدا کردن یک نرخ مناسب مشکل باشد، ولی این شیوه دارای مشکلات کمتری است تا این که سعی شود برای یک پروژه خاصِ ساختمانی ارزش‌گذاری مستقیم انجام شود. برآوردی که برای ارزش نهاده‌های نیروی کار ساخته می‌شود، ابزاری برای تقریب قیمت بازار ساختمان است. این حاکی از این نیست که هزینه‌های نیروی کار باید به عنوان جبران خدمات کارکنان نیز منظور شود. همان طور که در فصل ۷ توضیح داده خواهد شد، هنگامی که کار به طور اختیاری به واحد تولیدکننده‌ای غیر از خانوارِ خودِ کارکن ارائه می‌شود، هیچ احتسابی برای جبران خدمات کارکنان انجام نمی‌شود. اگر کار به ازای پرداخت اسمی ارائه شود، فقط پرداخت اسمی در جبران خدمات کارکنان ثبت می‌شود. سایر هزینه‌های نیروی کار به عنوان درآمد مختلط در نظر گرفته می‌شود.

ستانده غیربازاری

۶-۱۲۸ ***ستانده غیربازاری متشکل از کالاها و خدمات فردی یا جمعی تولید شده توسط نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH) یا دولت است که به رایگان، یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند، به واحدهای نهادی دیگر یا به کل جامعه عرضه می‌شوند.*** هرچند این ستانده در حساب مصرف درآمد به صورتی نشان داده می‌شود که توسط دولت و NPISHها به دست آمده است، نباید با تولید برای خودمصرفی اشتباه شود. مخارج توسط دولت و توسط NPISHها ایجاد می‌شود ولی مصرف کالاها و خدمات فردی توسط خانوارها انجام می‌شود. از این رو، ستانده‌ی غیربازاری نباید هرگز با ستانده برای خودمصرفی که واحد تولیدکننده نه تنها مخارج احتسابی مربوط به ستانده دارد بلکه ستانده را واقعاً مصرف می‌کند، اشتباه شود. در فصل ۹ تفاوت بین مخارج و مصرف به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

۶-۱۲۹ همان‌گونه که در بالا توضیح داده شد، واحدهای دولتی یا NPISHها می‌توانند به دلیل شکست بازار یا برای اجرای موضوع سیاست اقتصادی یا اجتماعی، به تولید غیربازاری اشتغال داشته باشند. چنین ستانده‌ای در زمانی که تولید می‌شود، که زمان ارائه خدمات غیربازاری نیز هست، ثبت می‌شود. ولی به طور کلی، نمی‌توان آن را با همان شیوه‌ی کالاها یا خدمات تولید شده برای خودمصرفی نهائی یا تشکیل سرمایه به حساب خود که در مقیاس بزرگ برای فروش در بازار نیز تولید می‌شود، ارزش‌گذاری کرد. برای خدمات جمعی نظیر اداره امور عمومی و دفاع بازارهائی وجود ندارد، حتی در مواردی که آموزش، سلامت یا سایر خدمات غیربازاری به خانوارهای فردی ارائه می‌شود، نمی‌تواند قیمت‌های مناسبی در دسترس باشد. این امر که انواع مشابهی از این خدمات بر اساس بازار تولید شوند و در کنار خدمات غیربازاری فروخته شوند غیر معمول نیست ولی تفاوت‌های رایج مهمی بین انواع خدمات ارائه شده و کیفیت آن‌ها وجود دارد. در بسیاری از موارد، پیدا کردن خدمات بازاری که به اندازه کافی با خدمات غیربازاریِ متناظر با آن‌ها مشابه باشند به‌گونه‌ای که قیمت آن‌ها برای استفاده در ارزش‌گذاری خدمات غیربازاری مناسب باشد، امکان پذیر نیست، به ویژه هنگامی که خدمات غیربازاری در مقیاس بسیار وسیعی تولید می‌شوند.

۶-۱۳۰ ارزش ستانده غیربازاری ارائه شده به خانوارها بدون دریافت

حق‌الزحمه به صورت حاصل جمع هزینه‌های تولید به شرح زیر برآورد می‌شود:

الف. مصرف واسطه؛

ب. جبران خدمات کارکنان؛

پ. مصرف سرمایه ثابت؛

ت. سایر مالیات‌ها (منهای یارانه‌ها) بر تولید.

۶-۱۳۱ اگر ستانده براساس هزینه‌های اسمی در دسترس قرار گیرد، قیمت‌ها، قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی نیستند و نه هزینه‌های نسبیِ تولید و نه ترجیحات نسبیِ مصرف کننده را منعکس نمی‌کنند. بنابراین مبنای مناسبی برای ارزش‌گذاری ستانده‌ی کالاها و خدمات مورد نظر نیستند. ستانده‌ی کالاها یا خدمات فروخته شده با این قیمت‌ها به همان شیوه‌ی کالاها و خدماتی که به رایگان ارائه می‌شوند، یعنی، هزینه‌های تولید ارزش‌گذاری می‌شوند. قسمتی از این ستانده توسط خانوارها خریداری می‌شود، باقی‌مانده‌ی آن مخارج مصرف نهائی توسط واحدهای دولتی یا NPISHها را تشکیل می‌دهد.

۶-۱۳۲ واحدهای دولتی و NPISHها ممکن است هم به تولید بازاری و هم به تولید غیربازاری اشتغال داشته باشند. در صورت امکان، باید برای این دو نوع فعالیت کارگاه‌های مجزائی تشخیص داده شود، ولی ممکن است این کار همیشه امکان پذیر نباشد. از این رو، یک کارگاه غیربازاری می‌تواند از فروش ستانده‌ی بازاری که از طریق یک فعالیت ثانوی تولید می‌کند، دریافتی‌هائی داشته باشد مانند فروش آثار تکثیر شده توسط یک موزه غیربازاری. با این حال، حتی اگر یک کارگاه غیربازاری دریافت‌هائی از فروش‌های خود داشته باشد باز هم کل ستانده‌ی آن که هردوی ستانده‌های بازاری و غیربازاری آن را پوشش می‌دهد از طریق هزینه‌های تولید ارزش‌گذاری می‌شود. ارزش ستانده‌ی بازاری آن به وسیله دریافتی‌هایش از فروش محصولات بازاری و ارزش ستانده‌ی غیربازاری آن از طریق باقی‌مانده‌ی تفاوت بین ارزش کل ستانده و ستانده‌ی بازاری آن به دست می‌آید. ارزش دریافتی‌ها از فروش کالاها یا خدمات غیربازاری به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به عنوان قسمتی از ارزش ستانده‌ی غیربازاری آن باقی می‌ماند.

تولیدکنندگان بازاری و غیربازاری

۶-۱۳۳ ***تولیدکنندگان بازاری کارگاه‌هائی هستند که تمام یا بخشی از ستانده‌ی آن‌ها از تولید بازاری تشکیل شده است. تولیدکنندگان غیربازاری متشکل از کارگاه‌های متعلق به واحدهای دولتی یا NPISHها هستند که کالاها یا خدماتی را به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به خانوارها یا کل جامعه عرضه می‌کنند.*** این تولیدکنندگان ممکن است همچنین فروش‌هائی از ستانده‌ی بازاری ثانوی داشته باشند که قیمت آن‌ها هزینه‌های تولیدشان را پوشش می‌دهد یا مازادی برای آن‌ها به وجود می‌آورد: مانند فروش آثار هنری تکثیر شده توسط موزه‌های غیربازاری. هرچند دولت و NPISHها ممکن است کارگاه‌هائی داشته باشند که عهده‌دار تولید بازاری از جمله ساخت سرمایه به حساب خود باشند، اکثر فعالیت آن‌ها بر مبنای غیربازاری انجام می‌شود.

۶-۱۳۴ هنگامی که تولید برای استفاده نهائی خود توسط واحدی در بخش دولت یا NPISHها انجام می‌شود به صورت تولیدی که توسط تولیدکننده غیربازاری انجام شده است عمل می‌شود. این تولید همچنین ممکن است توسط تولیدکنندگان بازاری یا توسط واحدهای خارج از دولت و NPISHها که فقط برای استفاده نهائی خود تولید می‌کنند، انجام شود.

ج. ستانده‌ی صنعت‌های (رشته فعالیت‌های) خاص

۱. مقدمه

۶-۱۳۵ قواعد حاکم بر ثبت و ارزش‌گذاری ستانده برای تعیین روش اندازه‌گیری ستانده‌ی برخی از انواع صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)، که عمدتاً صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) خدمات را تشکیل می‌دهند، نظیر بازرگانی عمده فروشی و خرده فروشی و نهادهای مالی کافی نیستند. بخش زیر اطلاعات بیشتری را درباره اندازه‌گیری ستانده‌ی تعدادی از صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) خاص ارائه می‌دهد. برای راحتی کار، صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) مورد نظر به ترتیبی که در *ISIC* آمده است توضیح داده می‌شود.

۲. کشاورزی، جنگلداری و شیلات

۶-۱۳۶ رشد و بازآوری محصولات زراعی، درختان، چهارپایان یا ماهی‌ها که توسط واحدهای نهادی کنترل و مدیریت شده و تحت مسئولیت آن‌ها قرار دارند، فرآیند تولید به مفهوم اقتصادی ایجاد می‌کند. نباید این نوع رشد به عنوان یک فرآیند کاملاً طبیعی تفسیر شود که خارج از محدوده‌ی تولید قرار می‌گیرد. بسیاری از فرآیندهای تولید از نیروی طبیعی برای مقاصد اقتصادی بهره‌برداری می‌کنند، به عنوان مثال، در نیروگاه‌های برق آبی از رودخانه‌ها و جاذبه‌ی زمین برای تولید برق بهره‌برداری می‌شود.

۶-۱۳۷ اندازه‌گیری ستانده‌ی کشاورزی، جنگلداری، و شیلات به این دلیل که فرآیند تولید آن‌ها می‌تواند طی ماه‌ها، یا حتی سال‌ها به طول انجامد، پیچیده است. بسیاری از محصولات زراعیِ سالانه وجود دارند که بخش عمده‌ی هزینه‌ی آن‌ها در ابتدای فصل هنگام کاشت محصول و همچنین در انتها هنگام برداشت محصول رخ می‌دهد. با وجود این، محصولات نارس دارای ارزشی هستند که میزان آن بستگی به نزدیک بودن محصولات به زمان حاصل دهی دارد. ارزش محصولاتِ زراعی باید در طول سال توزیع شود و به عنوان کالای در جریان ساخت تلقی شود. اغلب ارزش نهائی محصول از برآوردی که صورت می‌گیرد و به محصولِ در حال رشد پیش از برداشت آن منتسب می‌شود متفاوت خواهد بود. در چنین مواردی باید در برآوردهای زود هنگام تجدید نظر صورت گیرد تا نتایج واقعی نشان داده شوند. هنگامی که محصول زراعی برداشت می‌شود، ارزش کالای در جریان ساخت به موجودی انبار کالاهای تکمیل شده تبدیل می‌شود که بعداً در ادامه‌ی کار، یا مورد استفاده‌ی تولیدکننده قرار می‌گیرد، یا فروخته می‌شود یا با آفت از بین می‌رود.

۶-۱۳۸ بعضی از گیاهان و بسیاری از حیوانات چندین سال طول می‌کشد تا رشد کنند، در این حالت، افزایش ارزش آن‌ها به عنوان ستانده نشان داده می‌شود و بسته به این که این گیاه یا حیوان به مرحله تولید مثل رسیده باشد یا نه به صورت افزایش سرمایه ثابت یا موجودی انبار عمل می‌شود. (بحث بیشتر درباره تشخیص این دو در فصل ۱۰ وجود دارد). ارزش رشد گیاهان یا حیوانات قبل از رسیدن به مرحله بازدهی باید به حساب آورده شود، همان طور که در فصل ۲۰ توضیح داده خواهد شد. وقتی گیاه یا حیوان به باروری رسید، ارزش آن رو به نابودی می‌رود و این کاهش باید به عنوان مصرف سرمایه ثابت ثبت شود.

۳. ماشین‌آلات، تجهیزات و ساختمان

۶-۱۳۹ تولید کالاهای سرمایه‌ای با ارزش بالا نظیر کشتی، ماشین‌آلات سنگین، ساختمان و سایر سازه‌ها ممکن است ماه‌ها یا سال‌ها طول بکشد تا کامل شود. ستانده‌ی چنین تولیدی باید معمولاً از طریق کالای در جریان ساخت اندازه‌گیری شود و نمی‌تواند فقط در لحظه‌ای که فرآیند تولید تکمیل شد، ثبت شود. شیوه‌ی ثبت و ارزش‌گذاری کالای در جریان ساخت در فصل ۲۰ شرح داده خواهد شد.

۶-۱۴۰ هنگامی که برای ساخت بناها و سازه‌ها ولی نه برای سایر تولیدات توزیع شده در چند دوره قرارداد پیش فروش بسته می‌شود، ستانده‌ی تولید شده در هر دوره به صورت ستانده فروخته شده به خریدار در انتهای هر دوره عمل می‌شود، یعنی بجای کالای در جریان ساخت به عنوان فروش تلقی می‌شود.

در واقع، ستانده‌ی تولید شده توسط پیمانکار ساختمان طوری عمل می‌شود که گوئی در مراحل مختلف به خریدار فروخته شده است زیرا خریدار در هر مرحله مالکیت قانونی آن را به دست می‌آورد. این ستانده به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص توسط خریدار و نه به عنوان کالای در جریان ساخت توسط تولید کننده ثبت می‌شود. وقتی در قرارداد مورد نظر پرداخت‌های مرحله‌ای پیش‌بینی شده باشد، اغلب ارزش ستانده را می‌توان از طریق ارزش پرداخت‌های مرحله‌ای که در هر دوره صورت می‌گیرد، تقریب زد. ولی، در نبود یک قرارداد پیش فروش، باید ستانده‌ی کامل نشده که در هر دوره تولید می‌شود به عنوان کالای در جریان ساخت تولیدکننده ثبت شود. بناهای مسکونی ساخته شده بدون قرارداد قبلی فروش در موجودی انبار شرکت ساختمانی باقی می‌ماند تا فروخته شود اگر بعد از تکمیل فروخته نشود، وضعیت آن در موجودی انبار از کالای در جریان ساخت به محصولات تکمیل شده تغییر پیدا می‌کند.

۴. حمل و نقل و انبارداری

حمل و نقل

۶-۱۴۱ ستانده‌ی حمل و نقل از طریق ارزش مبالغ دریافتنی برای حمل و نقل کالاها یا اشخاص اندازه‌گیری می‌شود. از نظر اقتصادی تشخیص داده شده است که هر کالا در یک محل دارای کیفتی متفاوت با همان کالا در محل دیگری است، بنابراین حمل و نقل از محلی به محل دیگر فرآیند تولیدی است که در آن تغییر قابل ملاحظه‌ای از نظر اقتصادی رخ می‌دهد حتی اگر کالا بدون تغییر بماند. حجم خدمات حمل و نقل می‌تواند به وسیله نماگرهائی نظیر تن-کیلومتر یا مسافر-کیلومتر که ترکیبی است از مقدار کالاها، یا تعداد اشخاص، و مسافتی که طی آن کالاها یا اشخاص جابجا می‌شوند، اندازه‌گیری شود. عواملی نظیر سرعت، تکرار یا راحتی نیز بر کیفیت خدمات حمل و نقل ارائه شده تأثیرگذار است.

انبارداری

۶-۱۴۲ هرچند ممکن است ارائه خدمات انبارداری برای بازار بسیار گسترده نباشد، ولی فعالیت انبارداری در کل اقتصاد مهم است زیرا در بسیاری از بنگاه‌ها ذخیره سازی انجام می‌شود. در مدت زمان انبارداری، موجودی کالاها باید از نظر فیزیکی در جائی نگه‌داشته شوند. بسیاری از کالاها باید در محیط کنترل شده‌ی مناسبی ذخیره سازی شوند و فعالیت انبارداری به خودی خود می‌تواند یک فرآیند تولید مهم باشد که به موجب آن کالاها از یک نقطه از زمان به نقطه دیگر "حمل" می‌شوند. در اقتصاد، به طور کلی تشخیص داده شده است که کالاهای یکسان در زمان‌ها یا مکان‌های متفاوت ممکن است از نظر کیفیت با یکدیگر متفاوت باشند و به این دلیل قیمت‌های متفاوتی را ایجاب کنند. افزایش قیمت یک محصول به این دلیل که در انبار بوده است و هزینه‌های انبارداری برای آن تحمیل شده است یک فرآیند تولید است. ولی، مهم این است که افزایش قیمت به دلیل انبارداری به روشنی از منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن، که مانند فعالیت‌های دیگر باید از ارزش تولید انبارداری کنار گذاشته شود، متمایز شود.

۶-۱۴۳ کالاها وقتی در ابتدا تولید می‌شوند، ممکن است برای مدتی در انبار در انتظار نگه‌داشته شوند تا به فروش برسند، یا مبادله شوند یا در آینده با سودمندی بیشتری مورد استفاده قرار گیرند. اگر افزایش ارزش فقط افزایش قیمت ناشی از نگه‌داشتن در انبار باشد بدون این که تغییر کیفیت را منعکس کند، در این صورت علاوه بر هزینه‌های انبارداری که بیان شد تولید بیشتری در طی دوره‌ی مورد نظر انجام نشده است. ولی سه دلیل وجود دارد که افزایش ارزش می‌تواند به عنوان تولید بیشتر تعبیر شود. نخستین دلیل این است که فرآیند تولید به اندازه‌ای طولانی باشد که عوامل تنزیل باید مدت زمان زیادی قبل از تحویل به کار انجام شده اعمال شود. دلیل دوم این است که ممکن است کیفیت کالا در اثر گذشت زمان بهبود پیدا کند (مانند برخی نوشیدنی‌ها). دلیل سوم این است که ممکن است عوامل فصلی تأثیر گذاری در عرضه یا تقاضای کالا وجود داشته باشد که منجر به تغییرات منظم قابل پیش‌بینی در طی سال شود، حتی اگر تغییر دیگری در کیفیت فیزیکی آن‌ها به وجود نیاید. در تمام این شرایط، ذخیره سازی را می‌توان به عنوان گسترش فرآیند تولید در طی زمان در

نظر گرفت. خدمات ذخیره سازی در کالاهائی منظور می‌شود، که به این وسیله تا زمانی که کالاها در انبار نگه‌داشته شوند موجب افزایش ارزش کالاها می‌شوند. از این رو، در اصل، ارزش اضافه شده به موجودی انبار نه تنها باید ارزش کالاها را در زمانی که ذخیره می‌شوند در بر داشته باشد بلکه باید ارزش ستانده‌ی اضافی تولید شده در طی مدت زمانی که در انبار نگه‌داشته شده‌اند را نیز در بر گیرد.

۶-۱۴۴ با این حال، بسیاری از کالاهای ساخته شده به طور مستمر در طول سال تولید و فروخته می‌شوند و تابع تغییرات عادی شرایط عرضه و تقاضا نیستند. همچنین مادامی‌که در انبار هستند "تکمیل" نمی‌شوند. تغییراتِ قیمتِ این نوع کالاها را در زمانی که در موجودی انبار هستند نمی‌توان به عنوان ارزش اضافه شده به کالای در جریان ساخت تلقی کرد. برای برآورد افزایش ارزش کالاهای ذخیره شده به اندازه هزینه‌های انبارداری و بالاتر از آن، ممکن است از افزایش مورد انتظار ارزش به اندازه نرخ عمومی تورم یا بالاتر از آن در یک دوره از پیش تعیین شده استفاده شود. هرگونه منفعتی که خارج از دوره مورد نظر رخ دهد، به عنوان منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن ثبت می شود. توضیحات بیشتری درباره محاسبه‌ی ارزش انبارداری و جداسازی آن از منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن در پیوست این فصل آورده شده است.

۶-۱۴۵ منظور کردن این نوع ستانده ناشی از ذخیره سازی فقط به کالاهائی اعمال می‌شود که تکمیل آن‌ها مدت زمان طولانی لازم دارد، یعنی آن‌هائی که یک الگوی برقرار شده‌ی سالانه‌ی فصلی دارند یا آن‌هائی که رشدشان قسمتی از فرآیند تولید عادی را تشکیل می‌دهد. این ستانده به نگه‌داشتن دارائی‌های مالی، اشیاء گرانبها یا سایر دارائی‌های غیرمالی از جمله زمین یا بناها اعمال نمی‌شود. حتی اگر افزایش ارزش پیش‌بینی شده در این گونه موارد حاصل شود، انگیزه برای نگه‌داشتن این اقلام احتکار بوده است. افزایش ارزش این‌ها به عنوان منفعت ناشی از نگه‌داشتن منظور می‌شود و نمی‌تواند قسمتی از فرآیند تولید باشد.

۵. توزیع عمده فروشی و خرده فروشی

۶-۱۴۶ هرچند عمده فروشان و خرده فروشان کالاها را واقعاً می‌خرند و می‌فروشند، کالاهای خریداری شده به عنوان قسمتی از مصرف واسطه‌ی آن‌ها منظور نمی‌شوند زیرا کالاهای خریداری شده را آن‌ها فقط با حداقلِ پردازش نظیر درجه بندی، تمیز کردن، بسته‌بندی و غیره مجدداً می‌فروشند. عمده فروشان و خرده فروشان با ذخیره سازی و ارائه مجموعه‌ای از کالاها در مکان‌های مناسب و آسان سازیِ دسترسیِ مشتریان برای خرید، عرضه کنندگان خدمات به مشتریان تلقی می‌شوند. ستانده‌ی آن‌ها از طریق ارزش کل حاشیه‌های بازرگانی تحقق یافته‌ی مربوط به کالاهائی که برای بازفروشی خریداری شده‌اند اندازه‌گیری می‌شود. ***حاشیه‌ی بازرگانی عبارت است از تفاوت بین قیمت واقعی یا احتسابی فروخته شده‌ی کالای خریداری شده برای بازفروشی و قیمتی که باید توسط توزیع کننده برای جایگزین کردن کالا در زمان فروش یا مصرف دیگر پرداخت شود.*** ممکن است حاشیه‌های تحقق یافته‌ی مربوط به برخی کالاها اگر قیمت آن‌ها کاهش یافته باشد منفی شوند. همچنین حاشیه‌ی کالاهائی که به دلیل سرقت یا از بین رفتن آن‌ها هیچگاه فروخته نمی‌شوند نیز منفی می‌شود.

۶-۱۴۷ فرمول استاندارد برای اندازه‌گیری ستانده برای عمده فروشان و خرده فروشان باید به این ترتیب اصلاح شود که از ارزش کالاهای فروخته شده یا به مصارف دیگری رسیده، ارزش کالاهائی که لازم است برای جایگزین کردن آن‌ها خریداری شود کسر گردد. مورد دوم (مصارف دیگر، مترجم) کالاهای اضافی مورد نیاز برای جبران زیان‌های مکرر کالا به سبب ضایعات عادی، سرقت یا خسارت اتفاقی را هم در بر می‌گیرد. در عمل ستانده‌ی عمده فروشی یا خرده فروشی از طریق اتحاد زیر بدست می‌آید:

ارزش ستانده = ارزش فروش‌ها،

بعلاوه ارزش کالاهای خریداری شده برای بازفروشی که برای مصرف واسطه، جبران خدمات کارکنان و غیره استفاده شده باشد،

منهای ارزش کالاهای خریداری شده برای بازفروشی،

بعلاوه ارزش کالاهای اضافه شده به موجودی انبار کالاها برای بازفروشی،

منهای ارزش کالاهای برداشت شده از موجودی انبار برای بازفروشی،

منهای ارزش زیان‌های مکرر در اثرِ نرخ عادی ضایعات، سرقت یا خسارت‌های اتفاقی.

۶-۱۴۸ نکات زیر باید در نظر گرفته شود.

الف. کالاهای فروخته شده به قیمت‌های پایه‌ای که واقعاً فروخته شده‌اند ارزش‌گذاری می‌شوند، حتی اگر بازرگان مجبور باشد برای خلاص شدن از کالاهای اضافی یا اجتناب از خراب شدن کالاها قیمت‌ها را پائین بیاورد. علاوه بر این، برای اثرات پائین آوردن قیمت در رابطه با برنامه‌های مربوط به نام تجاری یا طرح‌های دیگری که در آن‌ها برای برخی مشتریان ویژه در شرایط خاصی قیمت فروشِ پائین ارائه می‌شود، تعدیلاتی هم باید صورت گیرد.

ب. کالاهائی که به عنوان جبران خدمات غیرنقدی برای کارکنان فراهم می‌شود باید به قیمت‌های خریدار پرداختنی جاری توسط بازرگان برای جایگزین کردن آن‌ها ارزش‌گذاری شود؛ به این معنی که حاشیه‌ی تحقق یافته در این حالت صفر خواهد بود. به همین ترتیب، کالاهائی که مالکین بنگاه‌های غیرشرکتی خانوار برای خود مصرفی نهائی برداشت می‌کنند نیز باید به قیمت‌های جاری پرداختنی توسط بازرگان برای جایگزین کردن آن‌ها ارزش‌گذاری شود.

پ. کالاهای خریداری شده برای بازفروشی باید با کنار گذاشتن هرگونه هزینه حمل و نقلی که توسط عرضه کننده به طور مجزا صورت حساب شده باشد یا توسط عمده فروشان یا خرده فروشان به شخص ثالث پرداخت شده باشد ارزش‌گذاری شود: این خدمات حمل و نقل قسمتی از مصرف واسطه‌ی عمده فروشان و خرده فروشان را تشکیل می‌دهند.

ت. ارزش اضافه شده به موجودی انبار کالاها برای بازفروشی باید به قیمت‌های غالب در زمان ورود به انبار ارزش‌گذاری شوند.

ث. ارزش کالاهای برداشت شده از موجودی انبارِ کالاهای بازفروشی بستگی به این دارد که این کالاها به منظور ایجاد منفعت واقعی نگه‌داشتن در طول دوره‌ی مشخصی که در انبار نگه‌داشته می‌شوند تحصیل شده باشند. در حالت کلی، وقتی انتظار تحقق منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن برای کالاهای بازفروشی در مدت زمان ذخیره آن‌ها وجود ندارد، ارزش آن‌ها در زمان برداشت از موجودی انبار باید هزینه‌ی عمده فروشان و یا خرده فروشان برای تحصیل کالاهای جایگزین کاملاً مشابه برای فروش بعد در زمان برداشت باشد. این ارزش‌گذاری برای حذف منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن از اندازه-گیری ستانده لازم است، همان‌گونه که قاعده کلی SNA است. ولی هنگامی که کالاها به دلایل نوسانات فصلی قیمت یا به عنوان بخشی از فرآیندِ رشد ذخیره می‌شوند، باید منفعت واقعی مورد انتظارِ ناشی از نگه‌داشتن طی دوره‌ی پیش‌بینی شده از ارزش جایگزینی کالاهای برداشت شده از موجودی انبار کسر شود. رقم حاصل که پس از کسر بدست می‌آید از نظر ارزش نسبت به زمانی که کالاها وارد انبار می‌شوند و در اثر منفعت واقعی یا اسمی ناشی از نگه‌داشتن، تغییر نمی‌کنند، ثابت است.

ج. در زیان‌های مکرر در اثر ضایعات، سرقت، یا خسارت اتفاقی؛ ارزش کالاهای از بین رفته به شیوه‌ای یکسان با کالاهای برداشت شده از موجودی انبار ارزش‌گذاری می‌شوند. به همین دلیل، دو اصطلاح اغلب ترکیب می‌شوند.

۶-۱۴۹ هزینه‌های انبارداری متقبل شده توسط عمده فروشان و خرده

فروشان به ارزش کالاها هنگام برداشت اضافه نمی‌شوند بلکه قسمتی از مصرف واسطه تلقی می‌شوند.

۶-۱۵۰ از اینرو، حاشیه‌های تحقق یافته‌ی مربوط به کالاهای خریداری شده برای بازفروشی برحسب مصرف احتمالی آن‌ها متفاوت هستند. حاشیه‌های تحقق یافته‌ی مربوط به کالاهای فروخته شده به قیمت‌های کاملی که توسط بازرگانان در نظر گرفته شده‌اند را می‌توان حاشیه‌های عادی نامید. در تعیین این حاشیه‌ها، بازرگانان نه تنها هزینه‌های عادی نظیر مصرف واسطه و جبران خدمات کارکنان را به حساب می‌آورند بلکه هزینه‌های کالاهائی را که باید سرانجام به قیمت‌های پائین فروخته شوند و همچنین هزینه‌ی کالاهائی را که خراب می‌شوند یا به سرقت می‌روند را نیز به حساب می‌آورند. حاشیه‌های تحقق یافته‌ی مربوطه به کالاهائی که باید به قیمت‌های پائین فروخته شوند قطعاً کمتر از حاشیه‌های عادی بوده و ممکن است منفی باشند. حاشیه‌های کالاهائی که برای پرداخت به کارکنان به عنوان جبران خدمات غیرنقدی به کار می‌روند یا برای مصرف نهائی توسط مالکین برداشت می‌شوند، منفی هستند که این به دلیل شیوه‌ی ارزش‌گذاری این کالاها است. سرانجام، حاشیه‌ی مربوط به کالاهای خراب شده یا به سرقت رفته منفی و برابر قیمت‌های خریدارِ جاریِ جایگزین‌های آن‌ها هستند. می‌توان انتظار داشت که متوسط حاشیه‌ی تحقق یافته مربوط به کالاهای خریداری شده برای بازفروشی کمتر از حاشیه‌ی عادی باشد، احتمالاً برای بعضی از انواع کالاها نظیر کالاهائی که از نظر مُد دارای اهمیت هستند (مانند لباس، کیف، کفش، جواهرات، مترجم) یا کالاهای فاسد شدنی حاشیه‌های تحقق یافته به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر خواهد بود.

۶. ستانده‌ی بانک مرکزی

۶-۱۵۱ قبل از بحث در باره خدمات مالی به طور کلی، بحث درباره ستانده‌ی بانک مرکزی مفید خواهد بود. سه گروه کلی برای خدمات بانک مرکزی وجود دارد. این‌ها خدمات سیاست‌گذاری پولی، واسطه‌گری مالی و موارد خاص هستند. خدمات سیاست‌گذاری پولی ماهیتاً خدمات جمعی هستند که به کل جامعه ارائه می‌شوند، و از اینرو ستانده‌ی غیربازاری تولید می‌کنند. خدمات واسطه‌گری مالی ماهیتاً خدمات فردی هستند و در صورت عدم وجود سیاست مداخله جویانه بانک‌های مرکزی در نرخ‌های بهره، به عنوان تولید بازاری تلقی می‌شوند. موارد خاص، نظیر خدمات نظارتی بسته به این که کارمزد صریحی را که دریافت می‌کنند برای پوشش دادن هزینه‌های ارائه خدماتشان کافی باشد، می‌توانند به عنوان خدمات بازاری یا غیربازاری طبقه‌بندی شوند.

۶-۱۵۲ در اصل، باید بین ستانده‌ی بازاری و غیربازاری بانک مرکزی فرق قائل شد ولی در عمل لازم است پیش از اعمال توصیه‌های مفهومی، بین نیاز شدید به منابع برای جداسازی آن‌ها و اهمیت نسبی این جداسازی مقایسه به عمل آورد. در مواردی که ستانده‌ی بازاری از ستانده‌ی غیربازاری جدا نشده است، باید کل ستانده‌ی بانک مرکزی به صورت ستانده‌ی غیربازاری عمل شود و با حاصل جمع هزینه‌ها ارزش‌گذاری گردد.

موارد خاص نظیر خدمات نظارتی

۶-۱۵۳ بانک‌های مرکزی غالباً با اعمال نظارت بر شرکت‌های مالی، خدمات نظارتی ارائه می‌دهند. این بحث ممکن است پیش آید که ارائه خدمات نظارتی در کل به نفع جامعه است و حساب‌های ملی باید آن‌ها را به عنوان مصرف نهائی دولت ثبت کند. در پشتیبانی از این نظر، می‌توان آن را با اجرای سیاست‌های تنظیم بازار دولت هم سنگ دانست، این وظیفه ممکن است به یک کارگزار متخصص سپرده شود یا به دولت که جاده‌ها، سدها و پل‌ها را نیز فراهم می‌کند. از این دیدگاه، خدمات نظارتی خدمات جمعی هستند و باید آن‌ها را به عنوان مخارج مصرفی دولت ثبت کرد.

۶-۱۵۴ ولی، این بحث نیز پیش می‌آید که ارائه خدمات نظارتی دولت به نفع واسطه‌گری‌های مالی است، زیرا این خدمات به عملکرد مالی و کارکردی این نهادها کمک می‌کند. از این دیدگاه، این‌ها با خدمات نظارتی دولت نظیر کنترل کیفیت غذائی یا داروئی که حساب‌های ملی آن‌ها را به عنوان مصرف واسطه تولیدکنندگان ثبت می‌کند، قابل مقایسه هستند. این که در برخی کشورها (مانند تعدادی از کشورهای آمریکای

لاتین) واسطه‌گری‌های مالی برای این خدمات حق‌الزحمه پرداخت می‌کنند این دیدگاه را حمایت می‌کند. در پی این دلایل، خدمات نظارتی خدمات جمعی نیستند و باید به عنوان مصرف واسطه برای واسطه‌گری‌های مالی ثبت شوند. ولی، حتی اگر این دیدگاه پذیرفته شود که خدمات نظارتی به دلیل دریافت حق‌الزحمه دارای ستانده بازاری هستند، اگر حق‌الزحمه دریافتی به اندازه‌ای نباشد که هزینه‌های نظارتی متقبل شده توسط بانک مرکزی را پوشش دهد، در این صورت این خدمات باید به عنوان ستانده غیربازاری و قسمتی از مخارج مصرف نهائی دولت عمل شود.

ارائه‌ی ستانده غیربازاری

۶-۱۵۵ تا زمانی که بانک مرکزی را می‌توان به عنوان یک واحد نهادی مجزا شناخت، همیشه در بخش نهادهای مالی منظور می‌شود و هیچگاه در بخش دولت قرار نمی‌گیرد. مصرف جمعی که توسط خدمات سیاست پولی نشان داده می‌شود به عنوان مخارج دولت ثبت می‌شود ولی دولت هزینه‌های متقبل شده توسط بانک مرکزی را متحمل نمی‌شود. بنابراین ارزش ستانده غیربازاری باید به صورت انتقال جاری پرداختنی توسط بانک مرکزی و دریافتنی توسط دولت ثبت شود تا خرید ستانده‌ی غیربازاری بانک مرکزی توسط دولت را پوشش دهد. این موضوع در پاراگراف ۸-۱۳۰ تشریح شده است.

ارائه ستانده بازاری

۶-۱۵۶ اگر خدمات واسطه‌گری مالی ارائه شده توسط بانک مرکزی قابل ملاحظه باشد، و اگر تهیه داده‌ها برای کارگاه مجزائی که این خدمات را ارائه می‌دهد امکان‌پذیر باشد و ارزش‌مند هم باشد، این خدمات باید به عنوان پرداختنی توسط واحدهائی که این خدمات به آن‌ها ارائه می‌شوند نشان داده شود. خدمات نظارتی که به عنوان ستانده‌ی بازاری تلقی می‌شوند هم به این ترتیب ثبت می‌شوند.

۷. خدمات مالی غیر از بیمه و صندوق بازنشستگی

۶-۱۵۷ بحث فراگیری از سهم دارائی‌ها و بدهی‌های مالی در ایجاد و توزیع درآمد و تغییراتِ ثروت در یک دوره حسابداری در قسمت ۴ فصل ۱۷ ارائه شده است. آنچه که در اینجا می‌آید خلاصه‌ای از جنبه‌های اصلی تأثیرگذار در اندازه‌گیری ستانده‌ی خدمات مالی است. سه نوع خدمات مالی شامل واسطه‌گری‌های مالی، خدمات مالی جنبی و سایر خدمات مالی وجود دارد. خدمات مالی شامل خدمات پایش، خدمات تسهیل کننده، تأمین نقدینگی، به‌عهده گرفتن ریسک، خدمات پذیره نویسی و خرید و فروش اوراق بهادار است.

۶-۱۵۸ واسطه‌گری مالی مدیریتِ ریسک مالی و تبدیل نقدینگی را در بر می‌گیرد، فعالیت‌هائی که در آن یک واحد نهادی به منظور تحصیل دارائی‌هائی که عمدتاً مالی هستند، بدهی‌های مالی متقبل می‌شود. شرکت‌هائی که به این فعالیت‌ها اشتغال دارند نه تنها از طریق پذیرش سپرده بلکه از طریق انتشار اسناد خزانه، انتشار اوراق قرضه و اوراق بهادار دیگر نیز منابع مالی کسب می‌کنند. آن‌ها این منابع و نیز منابع متعلق به خود را نه تنها از طریق اعطای کمک یا اعطای وام به واحدهای نهادی دیگر بلکه از طریق خرید اسناد خزانه، اوراق قرضه یا اوراق بهادار دیگر برای تحصیل دارائی‌هائی که عمدتاً مالی هستند به کار می‌برند. فعالیت‌های مالی جنبی فعالیت‌های مدیریت ریسک و تبدیل نقدینگی را تسهیل می‌بخشند. فعالیت‌های مالی جنبی، که واحدهائی هستند که عمدتاً به فعالیت‌های مالی جنبی اشتغال دارند، به طور معمول از طرف واحدهای دیگر عمل می‌کنند و با تقبل بدهی‌های مالی یا تحصیل دارائی‌های مالی به عنوان قسمتی از خدمات واسطه‌گری، خود را در معرض ریسک قرار نمی‌دهند.

۶-۱۵۹ خدمات مالی به دلیل نظارت دقیق بر ارائه‌ی آن‌ها تقریباً به طور انحصاری توسط نهادهای مالی تولید می‌شوند. به طور مشابه، نهادهای مالی هم به ندرت خدمات دیگری را تولید می‌کنند. به عنوان مثال، اگر یک خرده فروشی بخواهد برای مشتریانش امکانات اعتباری فراهم کند، معمولاً تسهیلات اعتباری توسط یک واحد تابعه‌ی خرده فروشی فراهم می‌شود، واحد تابعه به خودی خود صرف نظر از طبقه بندی واحد مادر، به عنوان یک نهاد مالی تلقی می‌شود. نهادهای مالی هم ممکن است واحدهای تابعه‌ای تشکیل دهند که تنها با شکل خاصی از خدمات مالی سر و کار داشته باشند. برای مثال،

عملیات کارت اعتباری ممکن است مربوط به یک بانک مشخصی بوده ولی از نظر نهادی جدا باشد.

۶-۱۶۰ پرداختی بابت ارائه خدمات مالی ممکن است به طور صریح یا به طور ضمنی انجام شود. برخی از تراکنش‌های مربوط به دارائی‌های مالی می‌تواند هم پرداختی صریح و هم پرداختی ضمنی داشته باشد. چهار شیوه‌ی ارائه و پرداخت برای خدمات مالی می‌توان در نظر گرفت:

الف. خدمات مالی ارائه شده در ازای پرداخت صریح؛

ب. خدمات مالی ارائه شده‌ی مربوط به پرداخت بهره‌ی وام و سپرده؛

پ. خدمات مالی مربوط به تحصیل و واگذاری دارائی‌های مالی و بدهی‌ها؛

ت. خدمات مالی مربوط به طرح‌های بیمه و بازنشستگی.

بخش زیرین نگاهی به هریک از شیوه‌های بالا دارد. در فصل ۱۷مروری بر تراکنش‌ها و سایر جریان‌های مربوط به هریک از انواع ابزارهای مالی انجام خواهد شد. شیوه‌ی ثبت درآمد سرمایه‌گذاری در فصل ۷ و تحصیل و واگذاری دارائی‌های مالی درفصل۱۱ بیان می‌شود. تغییرات در ارزش دارائی‌ها و بدهی‌های مالی که از تراکنش‌های مالی به وجود نمی‌آیند در فصل ۱۲ بیان خواهد شد.

خدمات مالیِ ارائه شده به ازای پرداخت مشخص

۶-۱۶۱ خدمات زیادی در زیر این عنوان قرار می‌گیرند و این خدمات می‌توانند توسط رده‌های مختلف نهادهای مالی ارائه شوند. نهادهای سپرده‌پذیر، نظیر بانک‌ها، ممکن است در ازای تدارک وام مسکن، مدیریت یک بدره‌ی سرمایه‌گذاری، ارائه‌ی مشاوره مالیاتی، اداره املاک و مستغلات، و نظائر آن‌ها برای خانوارها کارمزد دریافت کنند. نهادهای تخصصی مالی ممکن است در ازای تدارک شناورسازی سهامِ یک شرکت یا تجدید ساختار گروهی از شرکت‌ها کارمزد دریافت کند. ولی، فراگیرترین و احتمالاً بیشترین حق‌الزحمه‌ی مستقیم کارمزدی است که توسط صادرکنندگانِ کارت اعتباری برای واحدهائی که کارت اعتباری را به عنوان وسیله پرداخت برای کالاها و خدمات ارائه شده پذیرفته‌اند، پرداخت می‌شود. این کارمزد معمولاً به عنوان درصدی از فروش محاسبه می‌شود؛ در مورد خرده فروشان ارزش فروش مربوط به گردش مالی است و نه ستانده. هرچند که معمولاً این درصد از نظر قدرمطلق در صد کمی، شاید یک یا دو درصد، است ولی وقتی به جمع کل‌های بزرگی اعمال می‌شود ارزش کل کارمزد رقم بسیار بزرگی خواهد بود. این کارمزد به عنوان ستانده‌ی شرکت‌های کارت اعتباری و مصرف واسطه‌ی شرکت‌هائی که کارت اعتباری را به عنوان یک وسیله‌ی پرداخت پذیرفته‌اند، تلقی می‌شود. نادیده گرفتن نقش شرکت کارت اعتباری در اندازه‌گیری مخارج (معمولاً مصرف نهائی یا صادرات) متقبل شده‌ی کالاها و خدمات مربوطه تأثیری ندارد ولی موجب کم برآوردی هزینه‌های ارائه دهنده‌ی کالاها و خدمات و ستانده‌ی شرکت کارت اعتباری می‌شود. این به نوبه‌ی خود منجر به تخصیص نامناسب ارزش افزوده از شرکت کارت اعتباری به ارائه کننده‌ی کالاها و خدماتی که پرداختی آن‌ها به وسیله کارت اعتباری صورت گرفته است، می‌شود.

۶-۱۶۲ مثال شرکت کارت اعتباری مثالی است که به روشنی نشان می‌دهد یک شرکت مالی ممکن است خدماتی را ارائه دهد که جبران آن‌ها با ابزارهای مختلفی توسط مشتریان مختلف یا در شرایط مختلف پرداخت شود. کارمزد پرداختی به شرکت‌هائی که کارت اعتباری را به عنوان وسیله‌ی پرداخت می‌پذیرند در بالا مورد بحث قرار گرفت. دارنده‌ی کارت نیز ممکن است برای در اختیار داشتنِ کارت حق‌الزحمه‌ی صریحی، معمولاً سالانه، پرداخت کند. اگر دارنده‌ی کارت از تسهیلات اعتباری پیش‌بینی شده در کارت استفاده کند، کارمزد غیرمستقیمی که به بهره پرداختنی بر اعتبار معوقه مربوط است، پرداخت خواهد کرد (که در SNA به عنوان وام تلقی می‌شود).

خدمات مالی ارائه شده در رابطه با بهره‌ی تعلق گرفته به وام‌ها و سپرده‌ها

۶-۱۶۳ نوعی از شیوه سنتیِ ارائه‌ی خدمات مالی شیوه‌ای است که در آن خدمات مالی از طریق ابزارهای واسطه‌گری مالی فراهم می‌شود. این شیوه حاکی از فرآیندی است که به موجب آن

یک نهاد مالی نظیر بانک از واحدهائی سپرده می‌پذیرد که مایل به دریافت بهره از وجوهی هستند که استفاده‌ی فوری ندارد و آن‌ها را به واحدهای دیگری که وجوه آن‌ها برای رفع نیازهایشان ناکافی است وام می‌دهند. از اینرو، بانک ساز و کاری را ارائه می‌دهد که طی آن این امکان فراهم می‌شود که واحد نخست به واحد دوم وام دهد. هریک از دو طرف بابت خدمات ارائه شده حق‌الزحمه‌ای به بانک پرداخت می‌کنند، واحد وام دهنده حق‌الزحمه را با پذیرفتن نرخ بهره‌ی پائین تر از نرخ بهره‌ی وام‌گیرنده پرداخت می‌کند، تفاوت بین دو نرخ بهره ترکیب حق‌الزحمه ضمنی دریافت شده توسط بانک از سپرده‌گذار و از وام گیرنده است. از این ایده‌ی اولیه‌ی مفهوم نرخ بهره‌ی "مرجع" آشکار می‌شود. تفاوت بین نرخ پرداخت شده به بانک‌ها توسط وام گیرندگان و نرخ مرجع بعلاوه تفاوت بین نرخ مرجع و نرخی که واقعاً به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود، کارمزد خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به‌طور غیرمستقیم (FISIM) را نشان می‌دهد.

۶-۱۶۴ با این حال، به ندرت اتفاق می‌افتد که میزان وجوه وام داده شده توسط یک نهاد مالی دقیقاً با مبلغ سپرده‌ی پذیرفته شده یکسان شود. ممکن است پولی به سپرده گذاشته شده باشد ولی هنوز وام داده نشده باشد: بعضی از وام‌ها ممکن است از طریق وجوه متعلق به خودِ بانک و نه از وجوه وام گرفته شده تأمین مالی شوند. ولی سپرده‌گذار اعم از این که وجوه او بعداً توسط بانک به مشتری دیگری وام داده شود یا خیر، میزان بهره یکسانی را دریافت می‌کند، و وام دهنده چه وجوه او از طریق وجوه واسطه‌گری چه از وجوه خودِ بانک تأمین شده باشد نرخ بهره یکسانی را پرداخت و خدمت یکسانی را دریافت می‌کند. به این دلیل در رابطه با همه‌ی سپرده‌ها و وام‌های ارائه شده توسط یک نهاد مالی صرف نظر از منبع تأمین مالی آن‌ها باید کارمزدی غیرمستقیم برای خدمت ارائه شده احتساب شود. نرخ مرجع به بهره‌ی پرداختی به وام‌ها و بهره‌ی پرداختی به سپرده‌ها هردو، اعمال می‌شود به طوری که میزان بهره‌ی ثبت شده مطابق SNA به صورت نرخ مرجع ضربدر میزان وام یا سپرده‌ی مورد بحث محاسبه می‌شود. تفاوت بین این مبالغ و مبالغی که واقعاً به نهاد مالی پرداخت شده است به عنوان کارمزد پرداختی توسط وام گیرنده یا سپرده‌گذار به نهاد مالی ثبت می‌شود. برای شفافیت مبالغ مبتنی بر نرخ مرجع ثبت شده در SNA به عنوان بهره، تحت عنوان "بهره‌ی SNA" نامیده می‌شود و کل مبالغی که واقعاً به نهاد مالی یا توسط نهاد مالی پرداخت می‌شود تحت عنوان "بهره‌ی بانک" نامیده می‌شود. از این رو، کارمزد ضمنیِ ارائه‌ی خدمات عبارت از حاصل جمع بهره‌ی بانک در رابطه با وام‌ها منهای بهره‌ی SNA مربوط به همان وام‌ها بعلاوه بهره‌ی SNA در رابطه با سپرده‌ها منهای بهره‌ی بانک در رابطه با همان سپرده‌ها است. این کارمزد توسط واحدی که وام دریافت می‌کند پرداختنی است و توسط واحدی که سپرده‌گذار است دریافتنی است.

۶-۱۶۵ در SNA طبق قرارداد، این کارمزدهای غیرمستقیم در مورد بهره فقط به وام‌ها و سپرده‌ها و تنها هنگامی‌که آن وام‌ها و سپرده‌ها توسط نهادهای مالی فراهم می‌شوند اعمال می‌شود. نهادهای مالی مورد بحث لزومی ندارد مقیم باشند؛ همچنین مشتریان نهاد مالی هم لزومی ندارد مقیم باشند. به این ترتیب امکانِ واردات و صادرات این نوع خدمت مالی وجود دارد. علاوه بر این لزومی ندارد که یک واحد مالی امکانات سپرده‌پذیری را همراه با امکانات وام دهی ارائه دهد. واحدهای مالیِ تابعه‌ی خرده فروشان مثال‌هائی از نهادهای مالی هستند که بدون این که سپرده بپذیرند وام اعطاء می‌کنند. یک قرض دهنده‌ی پول که به اندازه‌ی کافی حساب‌های تفصیلی داشته باشد که بتوان آن را به عنوان یک شرکت یا شبه شرکت تلقی کرد، ممکن است از این نوع کارمزدها دریافت کند؛ در حقیقت از آنجا که معمولاً نرخ‌های بهره‌ی قرض دهندگان پول به طور خاصی بالاست، کارمزد آن‌ها ممکن است به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر از پرداخت‌های بهره‌ی SNA باشد.

۶-۱۶۶ نرخ مرجعی که در محاسبه‌ی بهره‌ی SNA به کار می‌رود نرخی بین نرخ‌های بهره‌ی بانک برای سپرده‌ها و برای وام‌هاست. ولی، به دلیل این که برابری لازم بین میزان وام‌ها و سپرده‌ها وجود ندارد، نمی‌توان آن را به صورت متوسط ساده‌ای از نرخ‌های وام‌ها و نرخ‌های سپرده‌ها محاسبه کرد. نرخ مرجع نباید دارای عنصر خدمت باشد و ریسک و ساختار

سررسید سپرده‌ها و وام‌ها را منعکس سازد. نرخ‌های غالب بین بانک‌ها برای وام‌گیری و وام دهی می‌تواند گزینه‌ی مناسبی برای نرخ مرجع باشد. با این حال، ممکن است نرخ‌های مرجع متفاوتی برای هر یک از پول‌های رایجی که وام‌ها و سپرده‌ها به آن تخصیص داده می‌شوند لازم باشد، به ویژه هنگامی که یک نهاد مالی غیرمقیم در گیر است. برای بانک‌های درون اقتصاد، اغلب خدمات کوچکی، در صورت وجود، در رابطه با بانک‌هائی که به بانک‌های دیگر وام اعطا می‌کنند یا از سایر بانک‌ها وام می‌گیرند، ارائه می‌شود.

۶-۱۶۷ بانک‌ها ممکن است وام‌هائی اعطا کنند که به آن‌ها وام‌های دارای بهره‌ی ثابت اطلاق می‌شود. این وضعیتی است که در آن میزان بهره‌ی بانک ثابت ولی نرخ مرجع متغیر است، در این صورت میزان بهره‌ی SNA و کارمزد متغیر خواهد بود.

۶-۱۶۸ وقتی بنگاهی دارائی ثابتی را تحت شرایط اجاره‌ی مالی (اعتباری) تحصیل می‌کند، بین اجاره کننده و اجاره دهنده یک وام احتساب می‌شود. پرداخت‌های منظم در این اجاره‌ی مالی به عنوان پرداخت‌های بهره و بازپرداخت سرمایه تلقی می‌شود. هنگامی که اجاره کننده یک نهاد مالی باشد، بهره‌ی پرداختنی تحت شرایط اجاره‌ی مالی با بهره‌ی بانک متناظر است و باید مانند هر وام دیگری به بهره‌ی SNA و کارمزد مالی تفکیک شود.

۶-۱۶۹ حتی هنگامی که وامی به عنوان وام ناکارآمد (مشکوک-الوصول) نامیده می‌شود، مطابق SNA بهره و کارمزد مربوط به آن باید ثبت شود. بحثی در باره نحوه‌ی برخورد با وام‌های غیرقابل بازگشت در فصل ۱۳ وجود دارد.

خدمات مالی مربوط به تحصیل و واگذاری دارائی‌ها و بدهی‌های مالی در بازارهای مالی

۶-۱۷۰ اوراق بدهی نظیر برات‌ها و اوراق قرضه اشکال دیگری از دارائی‌های مالی هستند که منجر به پرداخت بهره می‌شوند، بهره‌ای که توسط منتشر کننده‌ی این اوراق به دارنده‌ی آن‌ها پرداختنی است. همان‌گونه که در فصل ۱۷ شرح داده خواهد شد، بعضی از این هزینه‌های بهره ممکن است از تغییر ارزش خودِ اوراق بهادار هنگام رسیدن به سررسید آن‌ها احتساب شوند. هنگامی که یک نهاد مالی اوراق بهاداری را برای فروش عرضه می‌کند، کارمزد خدمات برای آن تعیین می‌شود، قیمت خرید (یا قیمت پیشنهادی فروش) نشان دهنده‌ی ارزش بازارِ برآورد شده‌ی اوراق بهادار بعلاوه یک حاشیه است. هنگامی که فروخته می‌شود کارمزد دیگری برای آن تعیین می‌شود، قیمت پیشنهاد شده به فروشنده (قیمت پیشنهادی خرید) ارزش بازار منهای حاشیه را نشان می‌دهد.

۶-۱۷۱ قیمت اوراق بهادار ممکن است به سرعت تغییر کند و برای اجتناب از وارد شدن منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن در محاسبه حاشیه‌های خدمت، مهم است که حاشیه‌های فروش‌ها و خریدها برحسب قیمت‌های میانی محاسبه شود. قیمت میانی اوراق بهادار متوسط قیمت بین قیمت پیشنهادی برای خرید و قیمت پیشنهادیِ فروش در لحظه‌ی مشخصی از زمان است. از این رو حاشیه‌ی خرید اوراق بهادار مابه‌التفاوت بین قیمت پیشنهادی فروش و قیمت میانی در زمان خرید است و حاشیه‌ی فروش مابه‌التفاوت بین قیمت میانی و قیمت پیشنهادی خرید در زمان فروش است.

۶-۱۷۲ هنگام اندازه‌گیری بهره از طریق افزایش ارزش اوراق بهادار بین تاریخی که خریداری می‌شود و تاریخی که سررسید آن فرا می‌رسد (یا بعد از آن فروخته می‌شود) این مهم است که از یک ارزش نقطه میانی به ارزش نقطه میانی دیگر اندازه‌گیری شود و تفاوت‌های بین قیمت نقطه میانی با قیمت پیشنهاد خرید یا قیمت پیشنهاد فروش در زمان خرید، یا فروش یا بازپرداخت را به عنوان حاشیه‌ی خدمت تلقی کرد. نادیده گرفتن حاشیه‌ها منجر به کم‌گوئی ارزش ستانده‌ی نهادهای مالی می‌شود و ممکن است موجب کم‌گوئی پرداخت‌های بهره هم بشود.

۶-۱۷۳ حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری منجر به درآمد دارائی به غیر از بهره می‌شوند ولی این‌ها هم مانند اوراق بدهی به قیمت‌های متفاوتی برای فروش یا خرید عرضه می‌شوند. مانند مورد اوراق بهادار، باید تفاوت بین قیمت خرید و قیمت میانی و قیمت میانی و قیمت فروش به عنوان ارائه‌ی خدمات مالی تلقی شود. همان اصولی که در

مورد اوراق بهادار وجود دارد با همان دلیل در اینجا هم اعمال می‌شود.

۶-۱۷۴ حاشیه‌های بین قیمت‌های خرید و فروش همچنین به خرید ارزهای خارجی (از جمله تراکنش‌های مختص ارزهای خارجی نظیر پرداخت‌های واردات و صادرات و نیز تحصیل اسکناس‌ها و سکه‌های پول خارجی) نیز اعمال می‌شود، هرچند که در اینجا هیچ‌گونه جریان درآمد دارائی درگیر نیست. در اینجا هم این حاشیه‌ها باید به عنوان ارائه‌ی خدمات مالی به روشی مشابه با آنچه که برای اوراق بهادار شرح داده شد برخورد شود.

۸. خدمات مالی مربوط به بیمه و طرح‌های بازنشستگی

۶-۱۷۵ تحت این عنوان پنج نوع فعالیت قرار می‌گیرد:

بیمه غیرزندگی؛

بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه؛

بیمه اتکائی؛

طرح‌های بیمه اجتماعی؛

طرح‌های ضمانت استاندارد.

۶-۱۷۶ همه‌ی این طرح‌ها منجر به بازتوزیع وجوه می‌شوند، که هم در حساب توزیع ثانوی درآمد و هم در حساب مالی ثبت می‌شوند. برای بیمه غیرزندگی و طرح‌های ضمانت استاندارد، بخش عمده‌ی بازتوزیع بین واحدهای مختلف در یک دوره رخ می‌دهد. بسیاری از مشتریان حق‌بیمه یا حق‌الزحمه‌های نسبتاً کمی پرداخت می‌کنند و تعداد کمی از آن‌ها خسارت یا پرداخت‌های نسبتاً زیادی دریافت می‌کند. برای بیمه زندگی، طرح‌های مستمری سالانه و بازنشستگی، بازتوزیع در درجه نخست، ولی نه به طور کامل، بین دوره‌های مختلف برای یک مشتری منفرد انجام می‌شود. شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی در انجام مسئولیت‌های خود به عنوان مدیران این صندوق‌ها (وجوه)، هم در مدیریت ریسک و هم در تبدیل نقدینگی که کارکرد اصلی نهادهای مالی است، درگیر هستند.

۶-۱۷۷ بیمه غیرزندگی خسارت دارنده‌ی بیمه‌نامه را در مقابل آسیب یا زیان ناشی از یک حادثه تأمین می‌کند. حق بیمه‌ای به شرکت بیمه پرداخت می‌شود و تنها در صورت رخداد موضوع بیمه خسارتی به دارنده‌ی بیمه‌نامه پرداخت می‌شود. اگر رویداد مورد نظر رخ دهد، حداکثرِ مبلغی که باید پرداخت شود در بیمه‌نامه مشخص شده است، بنابراین عدم اطمینانی که وجود دارد مربوط به انجام پرداخت است و این تردید به مبلغ آن مربوط نیست.

۶-۱۷۸ در بیمه نامه‌ی زندگی، پرداخت‌های کوچکِ بسیاری در طی یک دوره از زمان انجام می‌شود و پرداختِ یکجا یا جریان پرداخت‌هائی در زمان‌های از پیش توافق شده در آینده انجام می‌شود. درگیری مشروط کمی در بیمه‌ی زندگی وجود دارد، و آن این واقعیت است که معمولاً انجام پرداخت قطعی است ولی مبلغ آن نامطمئن است.

۶-۱۷۹ مستمری‌های سالانه توسط شرکت‌های بیمه ارائه می‌شوند و ابزاری برای یک شخص هستند تا پرداخت یکجا را به جریانی از پرداخت‌ها در آینده تبدیل کنند.

۶-۱۸۰ درست مانند فردی که می‌تواند با خرید بیمه‌نامه در معرضِ خطر قرار گرفتن را محدود کند، شرکت‌های بیمه نیز خود می‌توانند همین‌گونه عمل کنند. بیمه‌ی بین یک شرکت بیمه و شرکت بیمه‌ی دیگر بیمه‌ی اتکائی نامیده می‌شود. (بیمه‌ی غیر از بیمه‌های اتکائی، بیمه‌ی مستقیم نامیده می‌شود). بسیاری از تراکنش‌های بیمه‌ی اتکائی بوسیله‌ی نهادهای تخصصی در تعدادی از مراکز مالی بین‌المللی صورت می‌گیرد. بیمه‌گران اتکائی نیز ممکن است خود را در یک بیمه‌ی اتکائی آینده بیمه کنند. این عمل به عنوان "بیمه اتکائی مجدد" شناخته شده است.

۶-۱۸۱ طرح بیمه اجتماعی طرحی است که در آن یک شخص ثالث، معمولاً یک کارفرما یا دولت، افراد را تشویق یا مجبور می‌کند در طرحی مشارکت داشته باشند تا از تعدادی مؤقعیت‌های معین از جمله مستمری دوران بازنشستگی بهره مند شوند.

طرح‌های تأمین اجتماعی وجه اشتراک زیادی با بیمه مستقیم دارند و ممکن است توسط شرکت‌های بیمه اجرا شوند. ولی لزوماً چنین نیست، و در مورد چگونگی ثبت پرداخت حق بیمه‌های اجتماعی (متناظر با حق بیمه در مورد بیمه مستقیم) و مزایای اجتماعی تفاوت‌های خاصی وجود دارد.

۶-۱۸۲ در برخی شرایط یک واحد، احتمالاً ولی نه لزوماً در درون دولت، ممکن است ضمانت‌های بسیاری را با ماهیت بسیار مشابهی پیشنهاد کند. مثال‌هائی در این مورد ضمانت‌های صادرات و همچنین وام‌های دانشجوئی هستند. از آنجا که ضمانت‌ها بسیار مشابه یکدیگرند و تعداد آن‌ها زیاد است، این امکان وجود دارد که برآوردهای آماری استوار از تعداد عدم پرداخت بدهی اصل و فرع وام که ضمانت کننده‌ها مجبور خواهند بود آن‌ها را پوشش دهند، ساخته شود و این‌ها نیز به روشی مشابه با بیمه غیرزندگی مستقیم عمل می‌شوند.

۶-۱۸۳ ثبت تفصیلی برای هریک از این فعالیت‌ها از جمله اندازه‌گیری ستانده، ثبت جریان‌های بین شرکت‌های بیمه یا صندوق‌های بازنشستگی از یک سو و دارندگان بیمه‌نامه یا ذینفعان از سوی دیگر، و ثبت تغییرات در ترازنامه‌های هردو مجموعه‌ی نهادها در قسمت ۳ فصل ۱۷ شرح داده می‌شود. آنچه که در پی می‌آید خلاصه‌ای از ویژگی‌های کلیدی اندازه‌گیری ستانده برای فعالیت‌های گوناگون فهرست شده در بالا است.

بیمه‌ی غیرزندگی

۶-۱۸۴ براساس یک بیمه‌نامه‌ی غیرزندگی، شرکت بیمه حق بیمه‌ای از یک مشتری می‌پذیرد و آن را نگه‌می‌دارد تا خسارتی بوجود آید یا دوره‌ی بیمه منقضی شود. در این ضمن، شرکت بیمه حق بیمه را سرمایه‌گذاری می‌کند و درآمد دارائی آن یک منبع مالی اضافی برای رویاروئی با هر گونه ادعای خسارت است. این درآمدِ دارائی درآمد از دست رفته‌ی مشتری است بنابراین به عنوان یک مکمل ضمنی برای حق بیمه‌ی واقعی به شمار می‌رود. شرکت بیمه میزان حق بیمه‌های واقعی را به اندازه‌ای تعیین می‌کند که حاصل جمع حق بیمه‌های واقعی بعلاوه درآمد دارائی عاید شده از سرمایه‌گذاری این حق بیمه‌ها منهای خسارت مورد انتظار، حاشیه‌ای را عاید کند که شرکت بیمه بتواند خود را حفظ کند؛ این حاشیه ستانده‌ی شرکت بیمه را نشان می‌دهد. در SNA، ستانده‌ی صنعت بیمه به روشی مشابه با سیاست‌های تنظیم حق بیمه شرکت‌های بیمه تعیین می‌شود.

۶-۱۸۵ روش اساسی برای اندازه‌گیری ستانده‌ی بیمه غیرزندگی به شرح زیر است:

کل حق بیمه‌های عاید شده،

بعلاوه مکمل‌های حق بیمه،

منهای خسارت‌های متحمل شده‌ی تعدیل شده.

۶-۱۸۶ ***حق بیمه‌ی واقعی مبلغ پرداختنی به بیمه‌گر مستقیم یا اتکائی برای تأمین پوشش بیمه‌ای یک رویداد خاص طی دوره‌ی زمانی اظهار شده است.*** پوشش بیمه‌ای غالباً از زمان پرداخت حق بیمه در آغاز برای یک سال ارائه می‌شود، هرچند که ممکن است پوشش بیمه برای دوره کوتاه‌تر (یا بلندتر) نیز تدارک دیده شود و حق بیمه به طور قسطی، مثلاً ماهانه پرداختنی باشد.

۶-۱۸۷ ***حق بیمه عاید شده، آن قسمت از حق بیمه‌ی واقعی است که به پوشش بیمه‌ای ارائه شده در دوره‌ی حسابداری مربوط می‌شود.*** برای مثال، اگر بیمه نامه سالانه‌ای با حق بیمه‌ای برابر با ۱۲۰ واحد در اول آوریل به اجرا درآید و حساب‌ها برای یک سال تقویمی تهیه شوند، حق بیمه عاید شده برای سال تقویمی مورد نظر، ۹۰ است. ***حق بیمه عاید نشده آن میزان از حق بیمه واقعی است که به بعد از انتهای دوره حسابداری مربوط می‌شود.*** در مثال ارائه شده، در انتهای دوره‌ی حسابداری حق بیمه عاید نشده‌ای برابر با ۳۰ وجود خواهد داشت که برای پوشش بیمه سه ماهه اول سال بعد در نظر گرفته شده است. ***خسارت (مزایا) مبلغ پرداختنی به دارنده‌ی بیمه‌نامه توسط بیمه‌گر مستقیم یا اتکائی در رابطه با رخداد پوشش داده شده بوسیله‌ی بیمه‌نامه است که در دوره‌ای که بیمه نامه برای آن اعتبار دارد رخ داده باشد.*** خسارت‌ها عموماً هنگامی پرداختنی می‌شوند که واقعه‌ی مورد نظر رخ داده باشد، هرچند که پرداخت خسارت با تأخیر انجام می‌شود. (استثناء برای قاعده کلی در بخش پ شرح داده شده است). در برخی موارد اعتراض آمیز، تأخیر بین رخداد واقعه‌ای

که منجر به خسارت شده و تسویه‌ی خسارت ممکن است سال‌ها بطول انجامد. ***خسارت معوقه، خسارت‌هائی را پوشش می‌دهد که هنوز گزارش نشده‌اند، یا گزارش شده ولی هنوز تسویه نشده‌اند یا هم گزارش شده و هم تسویه شده‌اند ولی هنوز پرداخت نشده‌اند.***

۶-۱۸۸ شرکت‌های بیمه در ذخائر موجود خود ترکیبی از حق بیمه‌های عاید نشده و خسارت‌های معوقه دارند. این ذخائر، ذخائر فنی نامیده می‌شوند و توسط شرکت بیمه برای ایجاد درآمد سرمایه‌گذاری استفاده می‌شوند. از آن جا که ذخائر فنی بدهیِ شرکت بیمه است، درآمد سرمایه‌گذاری بدهیِ شرکت بیمه به دارنده‌ی بیمه‌نامه است، درآمد سرمایه‌گذاری که شرکت‌های بیمه بوجود می‌آورند به‌گونه‌ای تلقی می‌شود که به دارندگان بیمه‌نامه تخصیص داده می‌شود. ولی، این مبالغ نزد شرکت بیمه باقی می‌ماند و در واقع یک مکمل پنهانی برای حق بیمه‌ی آشکار هستند. بنابراین این درآمد به عنوان حق بیمه‌ی مکمل پرداختی توسط دارنده بیمه‌نامه به شرکت بیمه است.

۶-۱۸۹ در تعیین میزان حق بیمه‌ها، که مسلماً شرکت بیمه باید ناظر به آینده عمل کند، شرکت بیمه از میزان ادعاهای خسارتی که شرکت بیمه انتظار رویاروئی با آن‌ها را دارد برآوردی انجام می‌دهد. در SNA دو راه وجود دارد که میزان مناسب ادعای خسارت (که خسارت‌های تعدیل شده نامیده می‌شود) را می‌توان تعیین کرد. یکی از روش‌ها ناظر به آینده است که تحت عنوان روش مورد انتظار نامیده می‌شود، و میزان خسارت‌های تعدیل شده را از یک مدل مبتنی بر الگوی گذشته‌ی خسارت‌های پرداختنی شرکت برآورد می‌کند. روش دیگرِ تعیین خسارت تعدیل شده با استفاده از اطلاعات حسابداری است. در حساب‌های شرکت‌های بیمه قلمی با نام "ذخائر تعادلی" وجود دارد که وجوهی را نشان می‌دهد که شرکت بیمه برای مواجه شدن با خسارت‌های بزرگ کنار می‌گذارد. خسارت‌های تعدیل شده با نگاه به گذشته به صورت خسارت‌های واقع شده بعلاوه تغییر در ذخائر تعادلی بدست می‌آید. در شرایطی که ذخائر تعادلی برای برگرداندن خسارت-های تعدیل شده به میزان عادی ناکافی باشد، باید سهمی از وجوه مربوط به خود شرکت نیز اضافه شود.

۶-۱۹۰ در برخی موارد میزان ذخائر فنی و ذخائر تعادلی ممکن است در پاسخ به مقررات مالی و نه به دلیل تغییر در الگوهای مورد انتظار حق‌بیمه‌ها یا خسارت‌ها تغییر داده شود. چنین تغییراتی باید در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت شود و از فرمول تعیین ستانده کنار گذاشته شود.

۶-۱۹۱ در شرایطی که برای هیچ یک از رهیافت‌های بدست آوردن خسارت‌های تعدیل شده اطلاعاتی در دسترس نیست، ممکن است لازم باشد ستانده را از طریق جمع هزینه‌ها شامل تعدیل سودهای عادی برآورد کرد.

بیمه زندگی

۶-۱۹۲ بیمه زندگی نوعی طرح پس‌انداز است. برای چند سال، دارنده‌ی بیمه‌نامه حق بیمه‌هائی را در مقابل وعده منافعی در تاریخی در آینده به شرکت بیمه پرداخت می‌کند. منافع ممکن است برحسب فرمولی برای حق بیمه‌های پرداخت شده بیان شود یا ممکن است بستگی به میزان مؤفقیت شرکت بیمه در سرمایه‌گذاری وجوه داشته باشد.

۶-۱۹۳ شرکت بیمه حق بیمه‌های پرداخت شده را تا تاریخ موعود که مزایا پرداختنی می‌شود انباشته می‌کند و در این مدت ذخائر را برای ایجاد درآمد سرمایه‌گذاری به کار می‌برد. برخی از درآمدهای سرمایه‌گذاری برای رویاروئی با پرداخت مزایای آینده به ذخائر بیمه‌ی زندگی متعلق به دارندگان بیمه‌نامه اضافه می‌شود. این اقدام تخصیص یک دارائی به دارندگان بیمه‌نامه است ولی توسط شرکت بیمه برای سرمایه‌گذاری نگه‌داری می‌شود تا مزایا پرداختنی شود. مابقی درآمد سرمایه‌گذاری که به دارندگان بیمه‌نامه تخصیص داده نمی‌شود توسط شرکت بیمه به عنوان حق‌الزحمه‌ی او به ازای خدماتی که ارائه کرده است می‌ماند.

۶-۱۹۴ روش محاسبه‌ی ستانده برای بیمه‌ی زندگی از همان اصول کلی مربوط به بیمه‌ی غیرزندگی پیروی می‌کند ولی به دلیل وجود فاصله زمانی بین زمان دریافت حق بیمه‌ها و زمان پرداخت مزایا، باید تعدیلات ویژه‌ای برای تغییرات ذخائر فنی انجام شود.

۶-۱۹۵ ستانده بیمه‌ی زندگی به صورت زیر بدست می‌آید:

حق بیمه‌های عاید شده،

بعلاوه مکمل‌های حق بیمه،

منهای مزایای تعلق گرفته،

منهای افزایش (بعلاوه کاهش) ذخائر فنی بیمه‌ی زندگی.

۶-۱۹۶ حق بیمه برای بیمه‌ی زندگی دقیقاً با حق بیمه برای بیمه‌ی غیرزندگی یکسان تعریف می‌شود.

۶-۱۹۷ مکمل‌های حق بیمه برای بیمه‌ی زندگی مهم‌تر از مکمل‌های حق بیمه برای بیمه‌ی غیرزندگی است. این‌ها از همه‌ی درآمد عاید شده از سرمایه‌گذاری ذخائر فنیِ دارندگان بیمه‌نامه تشکیل شده‌اند. مبالغ مورد نظر به دلیل این که در تصرف شرکت بیمه است عایدات از دست رفته‌ی دارندگان بیمه‌نامه به شمار می‌رود و از این رو به عنوان درآمد دارائی در حساب توزیع اولیه درآمد ثبت می‌شود.

۶-۱۹۸ مزایا به محض این که تعلق می‌گیرند یا پرداخت می‌شوند، ثبت می‌گردند. در بیمه‌ی زندگی نیازی نیست که یک رقم تعدیل شده محاسبه شود زیرا نوسان غیرمنتظره‌ی مشابهی در پرداخت ادعای خسارت بیمه‌ی زندگی وجود ندارد. برای شرکت بیمه این امکان وجود دارد که برآورد استواری از مزایای تعلق گرفته‌ای که باید پرداخت شود حتی از چند سال پیش انجام دهد.

۶-۱۹۹ ذخائر بیمه‌ی زندگی هر سال به سبب حق بیمه‌های پرداختی، درآمد سرمایه‌گذاری جدید تخصیص داده شده به دارندگان بیمه‌نامه (اما نه برداشت شده توسط آن‌ها) افزایش می‌یابد و به سبب مزایای پرداخت شده کاهش می‌یابد. بنابراین این امکان وجود دارد که میزان ستانده‌ی بیمه‌ی زندگی به این صورت بیان شود که عبارت است از: تفاوت بین کل درآمد سرمایه‌گذاری عاید شده از ذخائر فنی بیمه‌ی زندگی منهای قسمتی از این درآمد سرمایه‌گذاری که واقعاً به دارندگان بیمه‌نامه تخصیص داده می‌شود و به ذخائر فنی بیمه افزوده می‌شود.

بیمه‌ی اتکائی

۶-۲۰۰ روش محاسبه‌ی ستانده‌ی بیمه‌ی اتکائی، اعم از این که بیمه‌ی زندگی بیمه‌ی اتکائی شده باشد یا بیمه‌ی غیرزندگی، دقیقاً با ستانده‌ی بیمه غیرزندگی یکسان است.

طرح‌های بیمه اجتماعی

۶-۲۰۱ برای بیمه‌های اجتماعی چهار شیوه‌ی مختلف می‌تواند سازماندهی شود.

الف. برخی از بیمه‌های اجتماعی در یک طرح تأمین اجتماعی توسط دولت تأمین می‌شوند؛

ب. ممکن است یک کارفرما شرکت بیمه‌ای را تشکیل دهد که به ازای دریافت حق‌الزحمه، طرح بیمه اجتماعی برای کارکنان اجرا کند؛

پ. یک کارکن هم ممکن است شرکت بیمه‌ای داشته باشد که به ازای دریافت حق‌الزحمه، برای کارفرما طرح بیمه اجتماعی اجرا کند؛

ت. ممکن است یک شرکت بیمه پیشنهاد اجرای طرحی را برای چندین کارفرما در مقابل هرگونه درآمد دارائی یا منفعت ناشی از نگه‌داشتن ایجاد شده از مازاد بدهی به مشارکت کنندگانِ در طرح ارائه دهد. حاصل این ترتیبات طرح چندکارفرمائی نامیده می‌شود.

ستانده‌ی هریک از حالت‌های اجرای یک طرح بیمه اجتماعی به‌شرح بالا، به شیوه‌های مختلف محاسبه می‌شود.

۶-۲۰۲ طرح‌های تأمین اجتماعی، اگر واحدهای مجزائی تشخیص داده شوند، قسمتی از عملکرد دولت هستند. ستانده‌ی آن‌ها به همان شیوه‌ی همه ستانده‌های غیربازاری یعنی جمع هزینه‌ها، تعیین می‌شود. اگر واحدهای مجزائی تشخیص داده نشوند،

ستانده‌ی تأمین اجتماعی در ستانده‌ی آن سطح از دولت که این طرح درآن عمل می‌شود منظور می‌گردد.

۶-۲۰۳ وقتی یک کارفرما طرح بیمه‌ی اجتماعی متعلق به خودش را اجرا می‌کند نیز ارزش ستانده‌ی آن به صورت جمع هزینه‌ها از جمله برآورد بازگشت سرمایه بکار رفته در عملیات طرح تعیین می‌شود. حتی اگر این کارفرما صندوق بازنشستگی مجزائی را برای مدیریت کردنِ طرح تأسیس کند، باز هم ارزش ستانده به همان شیوه اندازه‌گیری می‌شود.

۶-۲۰۴ هنگامی که کارفرما برای مدیریت کردنِ طرح از طرف او از یک شرکت بیمه استفاده می‌کند، ارزش ستانده‌ی آن میزان حق‌الزحمه‌ای است که توسط شرکت بیمه دریافت می‌شود.

۶-۲۰۵ برای یک طرح چند کارفرمائی، ارزش ستانده مانند بیمه‌ی زندگی اندازه‌گیری می‌شود؛ این ستانده از مازاد درآمد سرمایه‌ی دریافتنی توسط طرح‌ها منهای مبلغی که برای تأمین حق برخورداری از مزایای بازنشستگی‌های حال و آینده به ذخائر اضافه می‌شود تشکیل یافته است.

طرح‌های ضمانت استاندارد

۶-۲۰۶ اگر یک طرح ضمانت استاندارد به‌صورت تولیدکننده‌ی بازاری عمل کند، ارزش ستانده‌ی آن به همان شیوه بیمه‌ی غیرزندگی محاسبه می‌شود. اگر طرح به صورت تولیدکننده‌ی غیربازاری عمل کند، ارزش ستانده‌ی آن به صورت حاصل جمع هزینه‌ها محاسبه می‌شود.

۹. تحقیق و توسعه

۶-۲۰۷ تحقیق و توسعه کاری خلاق است که بر پایه‌ای نظام‌مند انجام می‌شود تا موجودی دانش افزایش یابد، و این موجودی دانش برای کشف یا خلق محصولات جدید، از جمله انواع بهبود یافته‌ی محصولاتِ موجود یا بهبود کیفیت آن‌ها، یا کشف فرآیندهای جدید یا کاراترِ تولید یا توسعه‌ی آن‌ها به کار برده شود. تحقیق و توسعه یک فعالیت فرعی نیست، و در صورت امکان باید کارگاه مجزائی برای آن مشخص شود. تحقیق و توسعه‌ای که توسط تولیدکنندگان بازاری از طرف خودشان انجام می‌شود اصولاً باید براساس قیمت پایه برآورد شده براساس تحقیق و توسعه‌ای که در صورت انجام آن از طریق قرارداد بازاری باید پرداخت می‌شد ارزش‌گذاری شود، ولی در عمل، به احتمال زیاد باید براساس کل هزینه‌ی تولید از جمله هزینه‌ی دارائی‌های ثابت به کار برده شده در تولید ارزش‌گذاری شود. تحقیق و توسعه‌ی انجام شده توسط آزمایشگاه‌ها یا مؤسسات پژوهشی بازاری با دریافتی از فروش‌ها، قراردادها، کمیسیون‌ها، حق‌الزحمه‌ها و غیره به شیوه معمول ارزش‌گذاری می‌شود. تحقیق و توسعه‌ی انجام شده توسط واحدهای دولتی، دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی غیرانتفاعی، و غیره تولید غیربازاری بوده و براساس کل هزینه‌های رخداده ارزش‌گذاری می‌شود. فعالیت تحقیق و توسعه از آموزش متفاوت است و باید در *ISIC* به طور جداگانه طبقه‌بندی شود. در اصل، هنگامی که این دو فعالیت در داخل یک دانشگاه یا دیگر مؤسسه‌ی آموزش عالی توأم انجام می‌شوند باید از یکدیگر جدا شوند، هرچند که وقتی کارکنان وقت خود را بین دو فعالیت تقسیم می‌کنند ممکن است مشکلات عملی قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد. علاوه بر این تأثیرات متقابلی هم بین آموزش و پژوهش می‌تواند وجود داشته باشد که حتی از نظر مفهومی جدا سازی آن‌ها را در برخی موارد با مشکل مواجه سازد. برخورد با R&D به عنوان تشکیل سرمایه ثابت در فصل ۱۰ مورد بحث قرار گرفته است.

۱۰. تولید نسخه‌های اصلی و کپی‌ها

۶-۲۰۸ تولید کتاب، صفحه گرامافون، فیلم، نرم‌افزار، نوار، لوح فشرده، و غیره یک فرآیند دو مرحله‌ای است که مرحله‌ی اولِ آن تولید نسخه‌ی اصلی و مرحله دوم تولید کپی از نسخه‌ی اصلی و استفاده از آن است. ستانده‌ی مرحله نخست، خودِ نسخه اصلی است که می‌توان بر آن مالکیت قانونی یا مجازی از طریق حق انحصاری انتشار، حق اختراع یا محرمانه بودن، ایجاد کرد. ارزش نسخه‌ی اصلی بستگی به دریافتی واقعی یا مورد انتظار از فروش یا استفاده از کپی‌ها در مرحله دوم دارد، که باید هزینه‌های نسخه‌ی اصلی و نیز هزینه‌های رخداده در مرحله دوم را پوشش دهد.

۶-۲۰۹ ستانده‌ی مرحله نخست یک دارائی ثابت است که به تولیدکننده‌ی نسخه اصلی (مؤلف، شرکت فیلم، برنامه نویس، و غیره) تعلق دارد. ممکن است این دارائی برای فروش تولید شده باشد، یا برای تشکیل سرمایه به حساب خودِ تولیدکننده‌ی نسخه‌ی اصلی تولید شده باشد. از آن جا که این دارائی ممکن است به واحد نهادی دیگری فروخته شود لازم نیست مالک دارائی در هر زمان تولیدکننده‌ی نسخه اصلی باشد، هرچند که غالباً آن‌ها یکی بوده و واحد یکسانی هستند. اگر نسخه‌ی اصلی هنگامی که تولید می‌شود به فروش برسد، ارزش ستانده‌ی تولیدکننده‌ی نسخه اصلی به وسیله قیمت پرداخت شده مشخص می‌شود. اگر فروخته نشود، ارزش آن می‌تواند براساس هزینه‌های تولید آن با یک قیمت افزائی (مارک آپ) برآورد شود. ولی، اندازه‌ی قیمت افزائی باید بستگی به ارزش تنزیل شده‌ی دریافتی‌های مورد انتظارِ آینده از استفاده‌ی آن در تولید داشته باشد به طوری که این ارزش تنزیل شده عمدتاً (هرچند نامطمئن) ارزش آن را تعیین کند.

۶-۲۱۰ مالکِ این دارائی ممکن است آن را در دوره‌های بعدی مستقیماً برای تولید کپی به کار ببرد. ارزش کپی‌های ساخته شده نیز جدا از تولید مربوط به ساخت نسخه‌ی اصلی، به‌طور جداگانه به عنوان تولید ثبت می‌شود. مصرف سرمایه ثابت مرتبط با استفاده از دارائی در ساخت کپی‌ها به شیوه‌ای یکسان با مصرف سرمایه‌ی ثابت هر دارائی ثابت دیگری که برای تولید استفاده می‌شود، ثبت می‌گردد.

۶-۲۱۱ این مالک همچنین ممکن است پروانه‌ی استفاده از نسخه‌ی اصلی در تولید را به تولیدکنندگان دیگر بدهد. تولید کنندگان دوم ممکن است کپی‌هائی را تولید کرده و آن‌ها را بفروشند، یا آن‌ها را به شیوه‌ی دیگری مثلاً فیلم یا اجرای موسیقی به کار ببرند. کپی کننده با تهیه‌ی کپی تولید انجام می‌دهد. قسمتی از هزینه‌ی تهیه‌ی کپی حق‌الزحمه‌ی پرداختی توسط دارنده‌ی پروانه به مالک یا پروانه دهنده است. این حق‌الزحمه هم مصرف واسطه‌ی دارنده‌ی پروانه و هم ستانده‌ی مالک را نشان می‌دهد که به عنوان خدمات فروخته شده به دارنده‌ی پروانه ثبت می‌شود. پرداخت‌هائی که برای پروانه‌ها انجام می‌شود ممکن است به شیوه‌های گوناگون نظیر حق‌الزحمه، حق‌العمل، یا حق امتیاز نامیده شوند، ولی بهر حال این‌ها به عنوان پرداخت بازای خدمات ارائه شده توسط مالک تلقی می‌شوند.

۶-۲۱۲ در برخی شرایط پروانه‌ی تهیه کپی هم ممکن است به عنوان یک دارائی، جدا از نسخه‌ی اصلی عمل شود. شرایطی که تحت آن چنین عمل می‌شود و پیامدهای آن با جزئیات بیشتر در فصل ۱۷ مورد بحث قرار گرفته است.

چ. مصرف واسطه

۱. پوشش مصرف واسطه

۶-۲۱۳ ***مصرف واسطه متشکل از ارزش کالاها و خدماتی است که به عنوان نهاده از طریق فرآیند تولید مصرف می‌شود، بجز مصرف دارائی‌های ثابت که مصرف آن‌ها به عنوان مصرف سرمایه ثابت ثبت می‌شود.*** کالاها یا خدمات ممکن است در فرآیند تولید تغییر شکل دهند یا مصرف شوند. برخی نهاده‌ها بعد از این که تغییر شکل داده و در ستانده وارد شدند دو مرتبه ظاهر می‌شوند، برای مثال، دانه می‌تواند به آرد تبدیل شود که به نوبه خود به نان تغییر شکل دهد. دیگر نهاده‌ها مانند برق و بیشترِ خدمات کاملاً مصرف می‌شوند.

۶-۲۱۴ مصرف واسطه، مخارج بنگاه‌ها برای اشیاء گرانبها از جمله کارهای هنری، فلزات و سنگ‌های قیمتی و جواهرات ساخته شده از آن‌ها را در بر نمی‌گیرد. اشیاء گرانبها دارائی‌هائی هستند که به عنوان ذخیره‌ی ارزش تحصیل می‌شوند: این‌ها در تولید مصرف نمی‌شوند و با گذشت زمان از نظر فیزیکی رو به زوال نمی‌روند. مخارجِ اشیای گرانبها در حساب سرمایه

ثبت می‌شود. مصرف واسطه، هزینه‌های رخداده در اثر مصرف تدریجی دارائی‌های ثابت متعلق به بنگاه را نیز در بر نمی‌گیرد: کاهش ارزش آن‌ها طی دوره حسابداری به عنوان مصرف سرمایه ثابت ثبت می‌شود. اما مصرف واسطه اجاره بهای پرداختی بابت استفاده از دارائی‌های ثابت، اعم از تجهیزات و بناها، که از واحدهای نهادی دیگر تحت شرایط اجاره‌ی عملیاتی اجاره می‌شوند را در بر می‌گیرد، و همچنین حق‌الزحمه‌ها، حق‌العمل‌ها، حق امتیازها و غیره، پرداختنی به عنوان تدارک صدور پروانه را همان‌گونه که در بالا شرح داده شد در بر می‌گیرد.

۶-۲۱۵ جائی که خدمات فرعی به عنوان ستانده‌ی کارگاه جدا نشان داده نمی‌شوند، مصرف واسطه ارزش تمامی کالاها و خدمات استفاده شده در فعالیت‌های فرعی به عنوان نهاده نظیر خریدها، فروش‌ها، بازاریابی، حسابداری، پردازش داده‌ها، حمل و نقل، انبارداری، نگه‌داری، امنیت، غیره را در بر می‌گیرد. در این حالت، کالاها و خدمات مصرف شده توسط این فعالیت‌های فرعی از کالاها و خدماتی که توسط فعالیت‌های اصلی (یا ثانوی) یک کارگاه تولید کننده مصرف می‌شوند جدا نمی‌شوند. وقتی واحدی تنها خدمات فرعی ارائه می‌دهد، در صورتی که اطلاعات لازم در دسترس باشد، به عنوان یک واحد جدا نشان داده می‌شود. بحث بیشتری درباره نحوه عمل فعالیت‌های فرعی در فصل ۵ وجود دارد.

۲. زمان ثبت و ارزش‌گذاری مصرف واسطه

۶-۲۱۶ مصرف واسطه‌ی یک کالا یا خدمت زمانی که کالا یا خدمت وارد فرآیند تولید می‌شود، ثبت می‌گردد که این از زمانی است که توسط تولیدکننده تحصیل شده است متفاوت است. در عمل، کارگاه‌ها معمولاً مصرف واقعی کالاها در تولید را مستقیماً ثبت نمی‌کنند. به جای آن، حساب خرید مواد و ملزومات را که به قصد استفاده به عنوان نهاده خریداری شده‌اند و نیز تغییرات در میزان چنین کالاهای نگه‌داشته شده در موجودی انبار را نگه‌می‌دارند. در این صورت، برآورد مصرف واسطه طی یک دوره حسابداری معین را می‌توان با تفریق ارزش تغییرات موجودی انبار مواد و ملزومات از ارزش خریدهای انجام شده به دست آورد. تغییرات موجودی انبارِ مواد و ملزومات برابر با وارد شده‌ها به انبار منهای برداشت‌ها از انبار و زیان‌های مکرر کالاهای نگه‌داشته شده در موجودی انبار است. از این رو، با کاهش ارزش تغییرات موجودی انبار، زیان‌های مکرر مصرف واسطه را افزایش می‌دهند. حتی اگر این‌ها به طور مستمر بزرگ باشند، تا زمانی که به طور مرتب رخ می‌دهند زیان‌ها به عنوان افزایش دهنده‌ی مصرف واسطه عمل می‌کنند. کالاهائی که به موجودی انبار اضافه می‌شوند و انبار را ترک می‌کنند به قیمت‌های خریدار غالب در زمانی که ورود، برداشت یا زیان‌های مکرر رخ می‌دهد ثبت می‌شوند. این دقیقاً همان روشی است که برای ارزش تغییرات موجودی انبار کالاهای تولید شده به عنوان ستانده از فرآیند تولید به کار می‌رود. بنابراین بحث پیشین دارائی‌ها و رفتار PIM در موجودی انبار نهاده‌ها نیز به کار می‌رود.

۶-۲۱۷ یک کالا یا خدمت مصرف شده به عنوان نهاده واسطه به طور عادی به قیمت خریدار غالب در زمانی که وارد فرآیند تولید می‌شود ارزش‌گذاری می‌گردد؛ یعنی به قیمت‌هائی که تولیدکننده باید برای جایگزین کردن آن در زمان مصرف بپردازد. همان طور که در بخش پ با جزئیات بیشتری شرح داده شد، قیمت خریدار می‌تواند به صورت ترکیب سه عامل در نظر گرفته شود:

الف. قیمت پایه‌ی دریافت شده توسط تولیدکننده‌ی کالا یا خدمت؛

ب. هرگونه هزینه حمل و نقلی که به طور جداگانه توسط خریدار برای تحویل یک کالا در زمان و مکان خواسته شده پرداخت می‌شود بعلاوه حاشیه‌ی بازرگانی انباشت شده‌ی مربوط به یک کالا که از میان زنجیره عمده‌فروشی یا توزیع خرده عبور می‌کند؛

پ. هرگونه مالیات کسرنشدنی بر محصول پرداختنی مربوط به کالا یا خدمت هنگامی که تولید می‌شود یا زمانی‌که در انتقال به خریدار است منهای هرگونه یارانه بر محصول.

برای مقاصد جداول داده- ستانده، ممکن است لازم باشد همه

این سه عنصر مشخص شود ولی در حساب‌های بخش‌های نهادی یا جدول‌های عرضه و مصرف پیش‌بینی شده در چارچوب محوری سیستم نیازی به این کار نیست.

۶-۲۱۸ نهاده‌های واسطه‌ای که به عنوان نهاده‌های تحصیل شده از کارگاه‌های دیگرِ متعلق به یک بنگاه تلقی می‌شوند باید به همان قیمت‌هائی که برای ارزش‌گذاری آن‌ها به عنوان ستانده‌ی آن کارگاه‌ها استفاده شده‌اند بعلاوه هرگونه هزینه حمل و نقلی که در ارزش ستانده وجود ندارد ارزش‌گذاری شوند.

۶-۲۱۹ هنگامی که کالاها یا خدمات تولید شده در یک کارگاه دو مرتبه به عنوان نهاده‌های تولید در داخل همان کارگاه مورد استفاده قرار می‌گیرند، تنها وقتی به عنوان قسمتی از مصرف واسطه ثبت می‌شوند که به عنوان قسمتی از ستانده آن کارگاه ثبت شده باشند. در باره این که در چه شرایطی این کار ممکن است مناسب باشد بحثی در بخش ث وجود دارد. تحویل کالاها و خدمات بین کارگاه‌های متعلق به یک بنگاه فقط هنگامی به عنوان ستانده توسط کارگاه‌های تولید کننده و به عنوان نهاده‌های واسطه توسط کارگاه‌های دریافت کننده ثبت می‌شوند که کارگاه دریافت کننده به طور عمده همه‌ی ریسک کامل کردن فرآیند تولید را به عهده بگیرد.

۳. حد و مرز بین مصرف واسطه و جبران خدمات کارکنان

۶-۲۲۰ برخی از کالاها و خدمات استفاده شده توسط بنگاه‌ها مستقیماً وارد فرآیند تولید نمی‌شوند بلکه توسط کارکنانی که در آن فرآیند مشغول کار هستند، مصرف می‌شوند. در چنین مواردی لازم است در مورد این که آیا این کالاها و خدمات مصرف واسطه هستند یا جبران خدمات غیرنقدی کارکنان، تصمیم‌گیری شود. به طور کلی، هنگامی که کارکنان کالاها یا خدمات را در زمان متعلق به خود و با صلاحدید خود برای ارضای نیازها و خواسته‌های خود مصرف می‌کنند، این‌ها جبران خدمات غیرنقدی کارکنان را تشکیل می‌دهند. ولی هنگامی که کارکنان مجبور به استفاده از کالاها یا خدمات هستند تا قادر به انجام کارشان باشند، این‌ها مصرف واسطه را تشکیل می‌دهند.

۶-۲۲۱ این که کالاها و خدمات به عنوان مصرف واسطه عمل می‌شوند یا به عنوان جبران خدمات، برای کارفرما بی اهمیت است زیرا هردوی آن‌ها از نظر کارفرما هزینه هستند و مازاد عملیاتی در هردو حالت یکسان است. ولی، تغییر طبقه‌بندی چنین کالاها و خدماتی از جبران خدمات غیرنقدی کارکنان به مصرف واسطه، یا برعکس، ارزش افزوده و تراز درآمدهای اولیه، و از این رو کل GDP را تغییر می‌دهد.

۶-۲۲۲ انواع کالاها و خدمات زیر که برای کارکنان تهیه می‌شوند باید به عنوان قسمتی از مصرف واسطه منظور شوند:

الف. ابزار و تجهیزاتی که منحصراً، یا عمدتاً در کار استفاده می‌شوند؛

ب. لباس و کفش از نوعی که مصرف کننده‌ی عادی آن را برای خریدن یا پوشیدن انتخاب نمی‌کند و منحصراً، یا عمدتاً در سرِ کار استفاده می‌شود؛ برای مثال، لباس محافظ، لباس کار یا اونیفورم؛

پ. خدمات اقامتی در محل کار از نوعی که توسط خانواری که کارکن متعلق به آن است نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد: سربازخانه، کابین (کلبه کوچک یا اتاق کوچک در هواپیما یا کشتی و غیره، مترجم)، خوابگاه، کلبه و غیره؛

ت. خوراکی‌ها یا نوشیدنی‌های خاصی که شرایط کاری استثنائی ایجاب می‌کند، یا خوراکی‌ها یا نوشیدنی‌هائی که برای خدمت‌گزاران یا سایرین در صورت انجام وظیفه فعالانه فراهم می‌شود؛

ث. خدمات حمل و نقل و هتل شامل کمک هزینه برای تأمین خوراک که هنگام سفر کاری برای کارکنان فراهم می‌شود؛

ج. تسهیلات تعویض لباس، دستشوئی، دوش، حمام، غیره که طبیعت کار ایجاب می‌کند؛

چ. تسهیلات کمک‌های اولیه، آزمایشات پزشکی، یا سایر کنترل‌های سلامت که به دلیل ماهیت کار مورد نیاز است.

کارکنان ممکن است گاهی خودشان مسئولیت خرید انواع کالاها یا خدمات فهرست شده در بالا را داشته باشند و بعداً هزینه‌ی آن‌ها به صورت نقدی توسط کارفرما بازپرداخت شود. این بازپرداخت نقدی باید توسط کارفرما به عنوان مصرف واسطه عمل شود و به عنوان قسمتی از حقوق و دستمزد کارکنان تلقی نشود.

۶-۲۲۳ فراهم کردن انواع دیگر کالاها و خدمات، نظیر خدمات عادی مسکن، خدمات وسایل نقلیه یا دیگر کالاهای مصرفی بادوام که منحصراً خارج از کار استفاده می‌شود، حمل و نقل به محل کار و برعکس و غیره باید به عنوان پرداخت غیرنقدی عمل شود، همان طور که در فصل ۷ به طور کامل‌تر تشریح خواهد شد.

۴. حد و مرز بین مصرف واسطه و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

۶-۲۲۴ مصرف واسطه، ارزش کالاها و خدماتی را که طی دوره حسابداری در زمان تولید تغییر شکل می‌دهند یا کاملاً مصرف می‌شوند اندازه‌گیری می‌کند. مصرف واسطه نه هزینه‌های استفاده از دارائی‌های ثابت متعلق به بنگاه و نه مخارج تحصیل دارائی‌های ثابت را پوشش نمی‌دهد. مرز بین این نوع مخارج با مصرف واسطه به تفصیل در زیر شرح داده شده است:

ابزار کوچک

۶-۲۲۵ مخارج ابزارهای تولیدی بادوامی که کوچک و ارزان بوده و عملیات نسبتاً ساده‌ای را انجام می‌دهند، وقتی به طور مرتب تکرار شوند و در مقایسه با مخارج ماشین‌آلات و تجهیزات ناچیز باشند، به عنوان مصرف واسطه در نظر گرفته می‌شوند. مثال‌هائی از این قبیل کالاها ابزارهای دستی مانند اره، بیل، چاقو، تبر، چکش، پیچ گوشتی، و غیره هستند. ولی، در کشورهائی که این نوع ابزارها قسمت مهمی از موجودی کالاهای بادوام تولیدکنندگان به‌حساب می‌آیند می‌توان آن‌ها را دارائی‌های ثابت تلقی کرد.

تعمیر و نگه‌داری

۶-۲۲۶ فرق بین نگه‌داری و تعمیر و تشکیل سرمایه ثابت روشن نیست. تعمیر و نگه‌داری عادی و منظم دارائی ثابت بکار رفته در تولید مصرف واسطه تلقی می‌شود. تعمیر و نگه‌داری عادی، از جمله جایگزینی قسمت‌های معیوب، به طور معمول فعالیت‌های فرعی هستند ولی چنین فعالیت‌هائی ممکن است توسط یک کارگاه مجزا در درون همان بنگاه انجام شود یا از بنگاه‌های دیگر خریداری شود.

۶-۲۲۷ مشکل در عمل، تشخیص تعمیر و نگه‌داری عادی از نوسازی، بازسازی یا توسعه است که به طور قابل ملاحظه‌ای فراتر از چیزی است که برای نگه‌داری دارائی ثابت در شرایط کاریِ مناسب مورد نیاز است. نوسازی، بازسازی، یا توسعه‌ی عمده‌ی دارائی‌های ثابتِ موجود می‌تواند کارائی یا ظرفیت آن‌ها را بالا ببرد یا موجب طولانی‌تر شدن عمر کاری مورد انتظار آن‌ها شود. این‌ها باید به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص عمل شوند زیرا این‌ها به موجودی دارائی‌های ثابت موجود اضافه می‌کنند.

۶-۲۲۸ تعمیر و نگه‌داری عادی با دو ویژگی زیر مشخص می‌شود:

الف. این‌ها فعالیت‌هائی هستند که مالکین ثابت یا استفاده‌کنندگان آن‌ها برای این که بتوانند از این دارائی‌ها در طول عمر مورد انتظار خدمت آن‌ها استفاده کنند در فواصل معین مجبور به انجام آن هستند. هزینه‌ی آن‌ها هزینه‌های جاری است که اگر استفاده از دارائی‌ها ادامه پیدا کند نمی‌توان از آن اجتناب کرد. مالک یا استفاده‌کننده‌ی دارائی‌ها نمی‌تواند از تعمیر و نگه‌داری اجتناب کند زیرا در غیر این صورت عمر مورد انتظار خدمت آن‌ها به شدت کوتاه خواهد شد؛

ب. تعمیر و نگه‌داری، دارائی ثابت یا کارائی آن را تغییر نمی‌دهد، ولی فقط آن را در شرایط کاریِ خوب نگه

می‌دارد یا در صورت شکسته شدن آن را به شرایط قبلی خود باز می‌گرداند. قطعات صدمه دیده با قطعات نو از همان نوع جایگزین می‌شوند بدون این که تغییری در ماهیت اولیه دارائی ثابت ایجاد شود.

۶-۲۲۹ از سوی دیگر، نوسازی عمده یا توسعه‌ی دارائی‌های ثابت با ویژگی‌های زیر تشخیص داده می‌شوند:

الف. تصمیم برای نوسازی، بازسازی یا توسعه یک دارائی ثابت یک تصمیم عمدیِ سرمایه‌گذاری است که ممکن است در هر زمانی اتخاذ شود و شرایط فیزیکی دارائی آن را دیکته نمی‌کند؛ نوسازی عمده‌ی کشتی‌ها، بناها یا سازه‌های دیگر غالباً پیش از پایان عمر طبیعی خدمت آن‌ها انجام می‌شود.

ب. نوسازی‌های عمده یا توسعه، کارائی یا ظرفیت دارائی‌های ثابت موجود را افزایش می‌دهد یا عمر خدمت مورد انتظار پیشین آن‌ها را به طور قابل ملاحظه‌ای طولانی می‌سازد. گسترش دادن یا توسعه‌ی بناها یا سازه‌های موجود مسلماً به معنای یک تغییر عمده است، ولی تعمیر کامل یا بازسازی داخل یک ساختمان، یا کشتی هم کیفیت آن‌ها را افزایش می‌دهد.

تحقیق و توسعه

۶-۲۳۰ تحقیق و توسعه تشکیل سرمایه ثابت تلقی می‌شود بجز مواردی که این فعالیت متضمن هیچ‌گونه منفعت اقتصادی برای مالک آن نباشد که در این صورت مصرف واسطه محسوب می‌شود.

اکتشاف و ارزیابی معدن

۶-۲۳۱ مخارج اکتشاف و ارزیابی معدن مصرف واسطه محسوب نمی‌شود. این‌ها اعم از این که مؤفقیت آمیز باشند یا خیر، در پی بدست آوردن ذخائر جدید هستند بنابراین همه‌ی این فعالیت‌ها به عنوان تشکیل سرمایه ثابت طبقه‌بندی می‌شوند.

تجهیزات نظامی

۶-۲۳۲ مخارج تجهیزات نظامی، از جمله سیستم‌های بزرگ تسلیحات نظامی، به عنوان تشکیل سرمایه‌ی ثابت عمل می‌شوند. مخارج کالاهای بادوام نظامی مانند بمب، اژدر و قطعات یدکی به عنوان موجودی انبار ثبت می‌شوند تا وقتی که به عنوان مصرف واسطه و برداشت از موجودی انبار ثبت شوند.

۵. خدمات ارائه شده به تولیدکنندگان توسط دولت

۶-۲۳۳ دولت می‌تواند خدماتی را برای تولیدکنندگان فراهم کند. تا وقتی برای این خدمات حق‌الزحمه دریافت می‌شود، این حق‌الزحمه قسمتی از مصرف واسطه تولیدکننده را تشکیل می‌دهد. ولی وقتی حق‌الزحمه دریافتی از نظر اقتصادی قیمت قابل ملاحظه‌ای را نشان نمی‌دهد، ارزش خدمت ارائه شده به تولیدکننده بیشتر از هزینه آن خواهد بود. ولی، برای این بهره‌مندی از خدمات برآوردی ساخته نمی‌شود و هزینه‌های خدماتی که با دریافت حق‌الزحمه پوشش داده نمی‌شوند در مصرف جمعی دولت در نظر گرفته می‌شوند.

۶. انتقالات اجتماعی غیرنقدی

۶-۲۳۴ مخارج دولت یا NPISHها برای کالاها یا خدمات تولید شده توسط تولیدکنندگان بازاری که مستقیماً بدون پردازشِ بیشتر، به طور فردی یا جمعی، به خانوارها ارائه می‌شوند، مخارج مصرف نهائی توسط دولت یا NPISHها را تشکیل می‌دهند و مصرف واسطه محسوب نمی‌شوند. کالاها و خدمات مورد بحث به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی تلقی می‌شوند و در مصرف واقعی خانوارها قرار می‌گیرند.

۶-۲۳۵ طبق قرارداد، شرکت‌های غیرمالی و مالی انتقالات اجتماعی غیرنقدی ندارند، و در مصرف نهائی درگیر نمی‌شوند.

۷. خدمات انجمن‌های کسب و کار

۶-۲۳۶ نهادهای غیرانتفاعی در شکل انجمن‌های کسب و کار که برای این به‌وجود آمده‌اند که منافع اعضای خود را حفظ کنند و توسط آن‌ها تأمین مالی می‌شوند، تولیدکنندگان بازاری

هستند. حق عضویت پرداخت شده توسط صاحبان کسب و کار، پرداختی بابت ارائه خدمات را تشکیل می‌دهند. این خدمات به عنوان نهاده‌های واسطه توسط اعضای انجمن مصرف می‌شوند و از طریق مبالغ پرداخت شده به صورت حق اشتراک، سهم یا حق عضویت ارزش‌گذاری می‌شوند.

۸. برون سپاری

۶-۲۳۷ این امر به طور روزافزونی رایج شده است که تولیدکنندگان رویه‌ی تکمیل فعالیت‌های تولید خود را تغییر می‌دهند. تولیدکنندگان ممکن است برای انجام مراحلی از فرآیند تولید یا انجام فعالیت‌های پشتیبانی مختلفی مانند نظافت محل کار یا هم‌بندی (مونتاژ) کردن قطعات الکترونیکی با تولیدکننده‌ی دیگری خارج از بنگاه در همان کشور یا خارج از کشور قرارداد ببندند. این کار نهاده‌های واسطه را تغییر می‌دهد، حتی اگر فناوری بدون تغییر بماند. اثر این عمل بر جدول‌های داده – ستانده در فصل ۱۴ و ۲۸ مورد بحث قرار می‌گیرد.

۹. اجاره‌ی دارائی‌های ثابت

۶-۲۳۸ تصمیم تولیدکننده برای اجاره کردنِ ساختمان‌ها، ماشین‌آلات یا تجهیزات تحت شرایط اجاره‌ی عملیاتی، بجای خرید آن‌ها، می‌تواند بر نسبت مصرف واسطه به ارزش‌افزوده و توزیع ارزش‌افزوده بین تولیدکنندگان تأثیر عمده‌ای داشته باشد. اجاره بهای پرداختی برای ساختمان‌ها یا ماشین‌آلات و تجهیزات اجاره‌ی عملیاتی، خرید خدمات را تشکیل می‌دهد که به عنوان مصرف واسطه ثبت می‌شود. ولی، اگر ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات متعلق به بنگاه باشد، بیشتر هزینه‌های مربوط به استفاده‌ی آن‌ها در مصرف واسطه ثبت نمی‌شوند. مصرف سرمایه‌ی ثابت دارائی‌ها قسمتی از ارزش‌افزده را تشکیل می‌دهد در حالی که هزینه‌های بهره چه واقعی و چه ضمنی، به ناچار در مازاد عملیاتی خالص ملحوظ است. فقط مواد مورد نیاز برای تعمیر و نگه‌داری در مصرف واسطه منظور می‌شود. تصمیم برای اجاره کردن بجای خرید می‌تواند تحت تأثیر عواملی کاملاً نامربوط به فناوری تولید مانند مالیات، دسترسی به منابع مالی، یا پیامدهای آن‌ها برای ترازنامه‌ها قرار گیرد.

۶-۲۳۹ تفاوت مهمی بین اجاره بهای دارائی‌های ثابت تحت اجاره‌ی عملیاتی و تحصیل یک دارائی تحت اجاره‌ی مالی (اعتباری) وجود دارد. در اجاره‌ی عملیاتی، اجاره دهنده دارای یک فعالیت تولیدی است که تجهیزات مورد نظر را درگیر می‌کند و در قبال ریسک‌های تولید مربوط به وضعیت عملیاتی آن دارائی مسئول است. پرداخت‌های اجاره کننده به عنوان پراختی بابت خدمات تلقی می‌شود. در اجاره‌ی مالی، اجاره کننده همه‌ی ریسک‌ها و پاداش‌های مربوط به استفاده از دارائی در تولید را می‌پذیرد. از این رو، اجاره‌ی مالی به عنوان اعطای یک وام توسط اجاره دهنده به اجاره کننده و خرید تجهیزات توسط اجاره‌کننده تلقی می‌شود. پرداخت‌های بعدی آن به عنوان پرداخت‌های بهره و بازپرداخت‌های اصل وام توسط اجاره کننده به اجاره دهنده تلقی می‌شود. جزئیات بیشتر درباره نحوه‌ی برخورد با اجاره‌ی عملیاتی و اجاره‌ی مالی (اعتباری) در فصل ۱۷ ارائه شده است.

ح. مصرف سرمایه ثابت

۱. پوشش مصرف سرمایه ثابت

۶-۲۴۰ ***مصرف سرمایه‌ی ثابت عبارت است از کاهش ارزش جاری موجودی سرمایه ثابت متعلق به یک تولید کننده و استفاده شده توسط او در اثر زوال فیزیکی، از مد افتادگی عادی و یا خسارت عادی اتفاقی در طول دوره حسابداری است.*** اغلب واژه‌ی استهلاک به جای مصرف سرمایه ثابت به کار می‌رود ولی در SNA از آن اجتناب شده است زیرا در حسابداری تجاری واژه‌ی استهلاک اغلب در رابطه با مستهلک کردن بهای تمام شده‌ی تاریخی به کار می‌رود در حالی که در SNA

مصرف سرمایه ثابت به ارزش جاری دارائی بستگی دارد.

۶-۲۴۱ مصرف سرمایه ثابت برای همه‌ی دارائی‌های ثابت متعلق به تولیدکنندگان محاسبه می‌شود، ولی برای اشیاء گرانبها (فلزات قیمتی، سنگ‌های قیمتی و غیره). که دقیقاً به دلیل قیمتی بودن آن‌ها، به ارزش واقعی، انتظار نمی‌رود ارزش آن طی زمان کاهش یابد، محاسبه نمی‌شود. طبق تعریف SNA دارائی‌های ثابت باید به عنوان ستانده‌های حاصل از فرآیندهای تولید، تولید شده باشند. بنابراین، مصرف سرمایه ثابت تقلیل یا تخریب دارائی‌های طبیعی نظیر زمین، ذخائر معدنی و سایر ذخائر، ذغال سنگ، نفت، یا گاز طبیعی، یا قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها را پوشش نمی‌دهد.

۶-۲۴۲ ارزش دارائی‌ها ممکن است نه فقط به دلیل زوال فیزیکی بلکه به دلیل کاهش تقاضا برای خدمات آن‌ها در اثر پیشرفت فناوری و پدید آمدن جایگزین‌های جدید برای آن‌ها کاهش یابد. در عمل، بسیاری از سازه‌ها، از جمله جاده‌ها و خطوط راه آهن به علت کهنه شدن، قراضه یا خراب می‌شوند. حتی اگرچه عمر خدمت برآورد شده ممکن است برای بعضی از سازه‌ها، مانند جاده‌ها، پل‌ها، سدها، و غیره بسیار طولانی باشد، نمی‌توان آن را بی‌پایان فرض کرد. از این رو، لازم است برای تمامی انواع سازه‌ها، از جمله سازه‌هائی که متعلق به واحدهای دولتی بوده و توسط آن‌ها نگه‌داری می‌شوند و نیز همه‌ی ماشین‌آلات و تجهیزات، مصرف سرمایه محاسبه شود.

۶-۲۴۳ از دست دادن دارائی‌های ثابت به دلیل میزان عادی خسارت‌های اتفاقی یا میزان مورد انتظار از آن‌ها نیز در مصرف سرمایه ثابت منظور می‌شود؛ یعنی آسیب وارد شده به دارائی مورد استفاده در تولید در اثر آتش سوزی‌ها، طوفان‌ها، حوادث ناشی از اشتباه بشری و نظائر آن در مصرف سرمایه ثابت منظور می‌شود. هنگامی که این گونه حوادث با نظم قابل پیش بینی رخ می‌دهد، این‌ها در محاسبه‌ی عمر متوسط خدمت کالاهای مورد بحث به حساب آورده می‌شوند. برای یک واحد منفرد، یا گروهی از واحدها، هرگونه تفاوت بین خسارت اتفاقیِ عادیِ واقعی و متوسط در طی یک دوره‌ی حسابداری معین در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شود. با این حال، در سطح کل اقتصاد، ممکن است خسارت اتفاقیِ عادی واقعی تصادفی در طی یک دوره حسابداری معین برابر یا بسیار نزدیک به متوسط باشد.

۶-۲۴۴ از سوی دیگر، از دست دادن دارائی‌ها در اثر جنگ یا فجایع طبیعی بزرگ که به ندرت رخ می‌دهد، نظیر زمین لرزه‌های بزرگ، فوران‌های آتشفشانی، امواج جذر و مدی یا گردبادهای استثنائی شدید، در مصرف سرمایه‌ی ثابت منظور نمی‌شود. دلیلی وجود ندارد که این‌گونه زیان‌ها در حساب تولید به عنوان هزینه‌های تولید آورده شوند. ارزش دارائی‌هائی که به این طریق از دست می‌روند در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شود. به طور مشابه، با وجود این که مصرف سرمایه‌ی ثابت کاهش ارزش دارائی‌های ثابت ناشی از نرخ مورد انتظار کهنگی عادی را در بر می‌گیرد، نباید از دست دادن دارائی‌ها به دلیل توسعه‌ی غیرمنتظره فناوری را که ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای عمر خدمت گروهی از دارائی‌های ثابت موجود را کوتاه سازد، در بر داشته باشد. چنین زیان‌هائی به همان شیوه زیان‌های ناشی از نرخ متوسط خسارت عادی اتفاقی که در بالا اشاره شد، عمل می‌شوند.

۲. مصرف سرمایه ثابت و اجاره بهای دارائی‌های ثابت

۶-۲۴۵ مقایسه‌ی بین مصرف سرمایه ثابت و اجاره بهای دارائی‌ها در اجاره‌ی عملیاتی امکان پذیر است. ***اجاره بها مبلغ پرداختنی توسط استفاده کننده‌ی دارائی ثابت به مالک آن، در یک اجاره‌ی عملیاتی یا قرارداد مشابه، برای حق استفاده از آن دارائی در تولید برای دوره‌ی مشخصی از زمان است.*** لازم است اجاره بها به اندازه‌ی کافی زیاد باشد تا مواردی را که در پی می‌آید پوشش دهد (۱) هرگونه هزینه‌های مستقیم متقبل شده توسط مالک از جمله نگه‌داری دارائی، (۲) کاهش ارزش دارائی در طول آن دوره (مصرف سرمایه ثابت)، (۳) هزینه‌های بهره‌ی ارزش دارائی در شروع دوره. هزینه‌های بهره ممکن است از بهره پرداختی واقعی به وجوه وام گرفته شده تشکیل شده باشد یا از زیان بهره‌ای که با سرمایه‌گذاری وجوه خود در خرید دارائی ثابت به جای دارائی مالی ناشی شده باشد. هزینه‌ی کامل استفاده از دارائی ثابت در تولید، چه متعلق به بنگاه باشد و چه اجاره شده باشد، به وسیله اجاره بهای واقعی

یا احتسابی دارائی اندازه‌گیری می‌شود و نه به وسیله مصرف سرمایه ثابت. هنگامی که یک دارائی تحت اجاره‌ی عملیاتی یا قرارداد مشابهی واقعاً اجاره می‌شود، اجاره بها جزئی از مصرف واسطه به عنوان خرید خدمات تولید شده توسط اجاره دهنده ثبت می‌شود. هنگامی که استفاده کننده و مالک یکی است، هزینه‌های مستقیم به عنوان مصرف واسطه ثبت می‌شوند. مصرف سرمایه‌ی ثابت عنصر دوم هزینه استفاده از دارائی را نشان می‌دهد. قسمت سوم هزینه‌ها که در بالا به عنوان هزینه‌ی بهره اشاره شد نیز به عنوان بازگشت سرمایه‌ی ثابت شناخته شده است. همانند مصرف سرمایه ثابت، بازگشت سرمایه قسمتی از ارزش‌افزوده است. مجموع مصرف سرمایه ثابت و ارزش بازگشت سرمایه به عنوان خدمات سرمایه ارائه شده به وسیله دارائی شناخته شده است. خدمات سرمایه با جزئیات بیشتر در فصل ۲۰ مورد بحث قرار گرفته است.

۶-۲۴۶ ارزش دارائی ثابت برای مالک آن در هر لحظه از زمان به وسیله‌ی ارزش حال خدمات آینده‌ی سرمایه که در طول عمر خدمت باقی‌مانده آن می‌توان انتظار داشت، تعیین می‌شود (منظور از ارزش حال خدمات آینده‌ی سرمایه عبارت از حاصل جمع ارزش جریان مبلغ اجاره‌های آینده منهای هزینه‌های عملیاتی است که به دوره جاری تنزیل شده باشد). مصرف سرمایه‌ی ثابت به وسیله کاهش ارزش حال سری منافع باقی مانده‌ی مورد انتظار آینده بین ابتدا و انتهای دوره حسابداری جاری اندازه‌گیری می‌شود. میزان کاهش نه تنها تحت تأثیر میزان کاهش کارائی آن دارائی طی دوره جاری بلکه تحت تأثیر کوتاه شدن عمر خدمت آن و نرخ کاهش کارائی اقتصادی آن در طول عمر خدمت باقی‌مانده است. این کاهش با متوسط قیمت‌های دوره جاریِ یک دارائیِ کاملاً یکسان از نظر کیفیت بیان می‌شود و نباید منفعت و زیان ناشی از نگه-داشتن را در بر داشته باشد. وقتی جریان منافع آینده که ارزش‌های حال استفاده شده برای به دست آوردن مصرف سرمایه ثابت را تعیین می‌کند بر حسب جریان‌هائی بیان می‌شود که عنصر تورم را در بر دارد، در این صورت عامل تنزیل باید اسمی باشد. وقتی جریان‌ها برحسب قیمت‌های دوره جاری بیان می‌شوند، در این صورت باید از یک نرخ تنزیل واقعی استفاده شود. هر دو روش به یک ارزش جاری بیان شده به قیمت‌های دوره جاری می‌رسد.

۶-۲۴۷ مصرف سرمایه‌ی ثابت یک سنجه‌ی آینده‌نگر است که از طریق رخدادهای آینده، و نه گذشته، یعنی، منافعی که واحدهای نهادی انتظار دارند تا در آینده از بکار بردنِ دارائی در تولید در طی دوره باقیمانده‌ی خدمت آن به دست آورند، تعیین می‌شود. برخلاف استهلاکی که در حساب‌های کسب و کار محاسبه می‌شود، مصرف سرمایه ثابت، دستکم در اصل، یک روش تخصیص هزینه‌ها به مخارج گذشته دارائی‌های ثابت در طول دوره‌های حسابداری بعدی نیست. ارزش یک دارائی ثابت در لحظه مشخصی از زمان فقط بستگی به منافع باقی‌مانده‌ای دارد که قرار است از استفاده آن به دست آید و مصرف سرمایه ثابت باید مبتنی بر ارزش‌های محاسبه به این شیوه باشد.

۳. محاسبه‌ی مصرف سرمایه‌ی ثابت

۶-۲۴۸ دارائی‌های ثابت ممکن است در زمانی در گذشته که هم قیمت‌های نسبی و هم سطح عمومی قیمت‌ها از قیمت‌های دوره جاری بسیار متفاوت هستند، خریداری شده باشند. برای سازگاری با اقلام دیگر ثبت شده در حساب تولید، مصرف سرمایه ثابت باید با مراجعه به همان مجموعه‌ی سرتاسری قیمت‌های جاری استفاده شده برای ارزش‌گذاری ستانده و مصرف واسطه، ارزش‌گذاری شود. مصرف سرمایه ثابت باید هزینه‌های عمده‌ی منابع و تقاضاهای نسبی را در زمانی که تولید انجام می‌شود منعکس کند. بنابراین باید با استفاده از قیمت‌های واقعی یا برآورد شده و اجاره بهای دارائی‌های ثابت غالب در آن زمان و نه زمانی که کالاها در ابتدا تحصیل شده‌اند محاسبه شود. "بهای تمام شده تاریخی" دارائی‌های ثابت، یعنی قیمت‌هائی که در ابتدا برای آن‌ها پرداخت می‌شوند، برای محاسبه مصرف سرمایه ثابت کاملاً نامربوط است زیرا قیمت‌ها در طول زمان تغییر می‌یابند.

۶-۲۴۹ به این دلایل، استهلاک ثبت شده در حساب‌های کسب و کار ممکن است اطلاعات صحیحی برای محاسبه‌ی مصرف سرمایه‌ی ثابت فراهم نکند. اگر از داده‌های مربوط به استهلاک استفاده شود، حداقل کاری که می‌توان کرد این است که این اطلاعات از بهای تمام شده‌ی تاریخی به

قیمت‌های جاری تعدیل شود. ولی، کسر استهلاک برای مقاصد مالیاتی اغلب به شدت به شیوه‌ای کاملاً اختیاری دست‌کاری می‌شود و سعی می‌شود تا نرخ سرمایه‌گذاری تحت تأثیر قرار داده شود و در مجموع در بسیاری از موارد نادیده گرفته شود. توصیه می‌شود که برآوردهای مستقلی از مصرف سرمایه ثابت در ارتباط با برآوردهای موجودی سرمایه تهیه شود. این برآوردها می‌توانند از داده‌های تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در گذشته با ترکیب برآوردهای نرخ‌هائی که در آن‌ها کارائی دارائی ثابت در طول عمر خدمتشان کاهش می‌یابد، ساخته شوند.

۶-۲۵۰ در صورت امکان، ارزش اولیه‌ی یک دارائیِ ثابت جدید باید قیمت غالب آن در بازار در زمان تحصیل دارائی باشد. اگر دارائی‌هائی با هر تعداد سال‌های کارکرد و هرنوع ویژگی به طور مرتب دربازارها معامله می‌شد، می‌بایست از این قیمت‌ها برای ارزش‌گذاری هر دارائی در هر سال که به سال‌های کارکرد آن اضافه می‌شود استفاده کرد. ولی اطلاعات اندکی از قیمت دارائی‌های دست دوم وجود دارد و برای مقابله با این کمبود، باید رهیافتی که دارای مبنای نظری قوی‌تری است اتخاذ شود.

۶-۲۵۱ از نظر مفهومی، نیروهای بازار باید تضمین کنند که قیمت خریدار یک دارائیِ ثابتِ جدید با ارزش حال منافع آینده‌ای که می‌توان از آن دارائی به دست آورد، برابر است. بنابراین، با توجه به قیمت اولیه‌ی بازار، و آگاهی از ویژگی‌های دارائی مورد نظر، طرح‌ریزی جریان منافع آینده و بهنگام سازی مستمر ارزش حال باقی‌مانده‌ی این‌ها امکان پذیر است. این روش برآورد موجودی سرمایه و تغییرات در موجودی سرمایه در طول زمان به عنوان روش موجودی‌گیری مستمر، یا PIM شناخته شده است. برآوردهای مصرف سرمایه ثابت به عنوان محصول جنبی PIM به دست می‌آید.

۴. روش موجودی‌گیری مستمر

۶-۲۵۲ توضیح مختصری از اینکه چگونه مصرف سرمایه ثابت می‌تواند به عنوان محصول جنبی روش موجودی‌گیری مستمر برای محاسبه موجودی سرمایه حاصل شود، در این بخش ارائه می‌شود. نگاهی اجمالی از ارتباط بین محاسبه مصرف سرمایه ثابت، بازگشت سرمایه و موجودی دارائی‌ها در فصل ۲۰ ارائه خواهد شد. راهنمائی بیشتر درباره روش محاسبه برآوردهای موجودی سرمایه در دستنامه *اندازه‌گیری سرمایه* (OECD,2009) موجود است.

محاسبه موجودی سرمایه ناخالص

۶-۲۵۳ روش موجودی‌گیری مستمر مستلزم برآوردی از موجودی دارائی‌های ثابت موجود و در دست تولیدکنندگان است. نخستین مرحله‌ی برآورد این است که چقدر از دارائی‌های ثابتی که در اثر تشکیل سرمایه‌ی ثابت در سال‌های قبل نصب شده‌اند در دوره‌ی جاری باقی مانده‌اند. ممکن است برای این منظور متوسط عمر خدمت، یا توابع بقا که مبتنی بر مشاهدات یا مطالعات فنی باشد به سرمایه‌گذاری‌های گذشته اعمال شود. دارائی‌های ثابت خریداری شده به قیمت‌های متفاوت در گذشته بعداً باید با استفاده از شاخص قیمت‌های مناسب برای دارائی‌های ثابت به قیمت‌های جاری بازارزش-گذاری شوند. ساخت شاخص قیمت‌های مناسب که دوره‌های طولانی از زمان را پوشش دهد مسائل مفهومی و عملی مشکلی را در پی دارد، اما این مشکلات فنیِ اندازه‌گیری قیمت در هر صورت در تنظیم ترازنامه، برای ارزش‌های ترازنامه‌ای دارائی‌ها نیز وجود دارد. موجودی دارائی‌های ثابت باقی مانده از سرمایه‌گذاری گذشته و بازارزش‌گذاری شده به قیمت‌های خریدار دوره جاری به عنوان موجودی سرمایه ناخالص نامیده می‌شود. اگر سری زمانی سالانه برای موجودی سرمایه‌ی ناخالص برحسب حجم مورد نیاز باشد می‌توان موجودی سرمایه‌ی ناخالص را به قیمت‌های سال پایه‌ی مشخص اندازه‌گیری کرد.

کارائی نسبی

۶-۲۵۴ نهاده‌های تولید که از استفاده‌ی یک دارائی ثابت معین در طول زمان بدست می‌آید گرایش به کاهش دارد. نرخ کاهش کارائی ممکن است از یک نوع دارائی به نوع دیگر آن متفاوت باشد. ساده‌ترین حالتی که می‌توان تصور کرد حالتی است که در آن کارائیِ دارائی ثابت می‌ماند تا از بین برود، مانند یک لامپ چراغ. حالت‌های ساده دیگر حالت‌هائی هستند که کارائی به طور خطی یا نمائی در طول عمر دارائی کاهش

می‌یابد. روش‌های دیگر، استفاده از یک نرخ کاهش هذلولی کارائی با کاهش نسبتاً کم در سال‌های نخست و کاهش شدید فزاینده در اثر گذشت زمان است. ولی، در عمل محاسبات برای یکایک دارائی‌ها انجام نمی‌شود بلکه برای گروه‌هائی از دارائی‌ها با عمر و ویژگی‌های مشابه محاسبه می‌شود. یکایک دارائی‌های گروه، در لحظه‌های متفاوتی از فرآیند تولید خارج خواهند شد ولی نمودار کاهش کارائی برای کل گروه به‌طور معمول نسبت به مبداء محدب است.

۶-۲۵۵ نمودار کارائی دارائی‌های ثابت نمودار منافعی را که در طول عمر خدمتشان ببار می‌آورند تعیین می‌کنند. هروقت نمودار منافع طول دوره عمر خدمت دارائی‌های ثابت تعیین شد، محاسبه مصرف سرمایه ثابت، دوره به دوره، امکان پذیر می‌شود.

نرخ‌های مصرف سرمایه ثابت

۶-۲۵۶ همان‌گونه که قبلاً نیز شرح داده شد، مصرف سرمایه ثابت به صورت کاهش ارزش حال منافع باقی مانده محاسبه می‌شود. این کاهش، و نرخی که در آن در طول زمان کاهش رخ می‌دهد، باید به روشنی از خود کارائی دارائی‌های سرمایه تشخیص داده شود. هرچند که کارائی و منافع یک دارائی با ویژگی‌های کارائی یک لامپ چراغ از یک دوره به دوره دیگر ثابت می‌ماند تا از بین برود، ارزش دارائی در طول دوره کاهش می‌یابد. چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مصرف سرمایه ثابت، ثابت نیست. در این حالت به آسانی می‌توان نشان داد که کاهش ارزش حال منافع باقی مانده از یک دوره به دوره دیگر در دوره‌های نخست عمر دارائی به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از هنگامی است که دارائی به انتهای عمر خود می‌رسد. مصرف سرمایه ثابت هرچه دارائی کهنه‌تر می‌شود، گرایش به افزایش دارد حتی اگر کارائی و منافع باقی مانده تا آخر ثابت باقی بماند.

ارزش مصرف سرمایه‌ی ثابت

۶-۲۵۷ مصرف سرمایه ثابت نباید به دور از استخراج مجموعه‌ای از داده‌های موجودی سرمایه برآورد شود. این داده‌ها برای ترازنامه لازم است و، همان‌گونه که در فصل ۲۰ نشان داده خواهد شد، سعی برای تعیین مصرف سرمایه‌ی ثابت جدا از میزان موجودی دارائی و الگوهای قیمت آن و کاهش کارائی، به احتمال زیاد دچار خطا خواهد شد.

پیوست فصل ۶: جداسازی ستانده‌ی مربوط به انبارداری از منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن

الف. مقدمه

پ۶-۱ در پاراگراف‌های ۶-۱۴۲ الی ۶-۱۴۵ این موضوع مطرح شد که در برخی حالت‌ها، افزایش ارزش کالاهای نگه‌داری شده در موجودی انبار ممکن است بجای عایدی ناشی از نگه‌داشتن دارائی، به عنوان ستانده‌ی مربوط به انبارداری در نظر گرفته شود. پیوست حاضر این موضوع را بیشتر باز می‌کند و مثال‌هائی را ارائه می‌دهد که در آن‌ها نشان داده می‌شود که افزایش ارزش محصول چه موقع باید برآمده از تولید تلقی شود و چگونه می‌توان این را از منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن جدا ساخت.

۱. هزینه‌های انبارداری و منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن

پ۶-۲ نگه‌داشتن محصولات در انبار اعم از این که توسط تولیدکننده‌ی اصلی صورت گیرد یا توسط عمده فروش یا خرده فروشِ بعدی همیشه هزینه‌هائی را در بر دارد. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های مربوط به فراهم کردن ظرفیت فیزیکی انبارداری، نگه‌داری اطلاعات مربوط به میزان موجودی‌ها و انواع آن‌ها، هزینه‌های عرضه کالاهای برداشت شده به مشتریان و هزینه‌های مربوط به تجدید موجودی‌های انبار از طریق تحصیل کالاهای جایگزین (به غیراز هزینه‌ی خودِ کالا) هستند. این هزینه‌ها قسمتی از قیمت‌های پایه‌ی دریافت شده توسط تولیدکننده را تشکیل می‌دهند یا در حاشیه‌های دریافتی توسط عمده فروشان و خرده فروشان متجلی می‌شوند. این گونه هزینه‌ها در مصرف واسطه، جبران خدمات کارکنان و هزینه سرمایه منظور می‌شوند. ممکن است حالتی وجود داشته باشد که تولیدکنندگان حرفه‌ایِ خدمات انبارداری خدمتی را به تولیدکنندگان دیگر ارائه دهند که در این صورت نیز هزینه‌های آن‌ها (دریافت کنندگان این خدمات، مترجم) در مصرف واسطه منظور می‌شوند.

پ۶-۳ برای بسیاری از محصولات که محصولات "نوع ۱" نامیده می‌شوند، این تنها جنبه‌ی مرتبط با انبارداری است. همه‌ی هزینه‌های مربوط به انبارداری در هزینه‌های تولید ملحوظ می‌شوند. ارزش کالاها هنگامی که از موجودی انبار برداشت می‌شوند براساس هزینه‌های تولید یا تحصیل اقلام جایگزین در آن زمان ارزش‌گذاری می‌شوند. در نتیجه، ستانده بدون هرگونه تغییر ارزش محصولات نگه‌داشته شده در انبار اندازه‌گیری می‌شود؛ این تغییر ارزش به عنوان منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن تلقی می‌شود که در مثال زیر شرح داده شده است.

پ۶-۴ فرض کنید یک عمده فروش در هر دوره ۱۰۰ بسته پودر ماشین لباسشوئی خرید و فروش می‌کند و با در نظر گرفتن تغییراتی که ممکن است در تقاضا به وجود آید۱۰ بسته از آن‌ها را در موجودی انبار نگه‌می‌دارد. در ابتدای دوره، قیمت پرداخت شده برای هر بسته ۲ واحد است و بنابراین ارزش موجودی انبار او ۲۰ است. در طول دوره‌ی مورد نظر هزینه‌ی تحصیل کالاهای جایگزین برای هر بسته به ۲/۱ واحد افزایش می‌یابد. ارزش ۱۰ بسته در موجودی انبار به ۲۱ می‌رسد ولی افزایش ۱ واحد این واقعیت را نشان می‌دهد که اگر فقط ۱۰ بسته از موجودی انبار برای فروش برداشت شود و با محصولات برابر با آن‌ها جایگزین شود، هزینه‌ی تحصیل محصولات جدید ۲۱ خواهد بود. ولی چون ستانده با در نظر گرفتن همه‌ی بسته‌ها، چه تولیدات جدید و چه برداشت از موجودی انبار و با ارزش جدید ۲/۱، اندازه‌گیری می‌شود، افزایش ۱ واحد ارزش موجودی انبار در اندازه‌گیری تولید وارد نمی‌شود بلکه فقط در حساب

بازارزش‌گذاری نشان داده می‌شود و به این وسیله این موضوع روشن می‌شود که چگونه ارزش موجودی ۱۰ بسته در ابتدای دوره، با ارزش ۲۰، با موجودی مشابه آن ۱۰ بسته در انتهای دوره که اکنون ارزش آن ۲۱ است، جایگزین می‌شود.

ب. کالاهائی که ارزش واقعی آن‌ها در طول زمان تغییر می‌یابد

پ۶-۵ سه مورد خاص وجود دارد که نحوه‌ی برخوردی که در بالا شرح داده شد برای آن‌ها مناسب نیست زیرا در زمانی که کالاها در انبار نگه‌داشته می‌شوند، عوامل دیگری دخالت دارند. کالاهائی که این وضعیت را دارند محصولات "نوع ۲" نامیده می‌شوند. سه موردِ خاص به شرح زیر است:

الف. کالاهائی که دارای یک فرآیند تولید طولانی مدت هستند؛

ب. کالاهائی که در طی مدتی که در موجودی انبار هستند ویژگی‌های فیزیکی آن‌ها تغییر می‌کند؛

پ. کالاهائی که دارای الگوی فصلی برای عرضه یا الگوی فصلی برای تقاضا، ولی نه برای هردو، هستند.

هریک از این حالت‌ها به نوبه‌ی خود در زیر مورد بحث قرار گرفته است.

۱. کالاهای دارای دوره‌ی تولید طولانی

پ۶-۶ وقتی محصولی به دلیل طولانی بودنِ دوره‌ی تولید برای چند دوره در موجودی انبار نگه‌داشته می‌شود، در اصل، هنگام محاسبه‌ی ارزش کار انجام شده در هر دوره تا قبل از تاریخ تحویل باید از عوامل تنزیل استفاده شود. برای مثال، اگر یک پروژه ساختمانی که در نهایت ۲۰۰ می‌ارزد به طور پیوسته در طول چهار سال انجام شود، این که به عنوان سهم تولید سال اول ۵۰ به حساب آورده شود یک امر غیر واقعی است. هر خریداری این موضوع را در نظر خواهد داشت که قادر نخواهد بود ارزش این تولید را برای سه سال دیگر تشخیص دهد و بر اساس آن ارزش مورد نظر را تنزیل کند. با گذشت زمان برای واحدی که محصولات را نگه‌داشته است به دلیل بسط دادن (باز کردن) عامل تنزیل، افزایش درآمد به وجود می‌آید. این مورد در فصل ۲۰ با جزئیات کاملِ این مثال عددی شرح داده خواهد شد.

پ۶-۷ پیشنهاد می‌شود در عمل تعدیلی برای عامل تنزیل فقط برای کالاهائی که دارای ارزش بالای قابل ملاحظه و دوره‌ی تولید طولانی قابل ملاحظه هستند که قبل از تکمیل به عنوان کار در جریان ساخت یا تشکیل سرمایه به حساب خود ثبت می‌شوند، انجام شود.

۲. کالاهائی‌که ویژگی‌های فیزیکی‌آن‌ها تغییر می‌کند

پ۶-۸ مجموعه‌ی دوم مربوط به کالاهائی است که ویژگی‌های فیزیکی آن‌ها در طول دوره‌ی انبارداری تغییر می‌کند زیرا مرحله تکامل آن‌ها قسمتی از فرآیند تولید است. این‌ها آن دسته از کالاهائی هستند که با وجود عدم تغییر قیمت‌های عمومی یا نسبی، ارزش آن‌ها افزایش می‌یابد زیرا کیفیت آن‌ها در طول مدتی که در انبار نگه داشته می‌شوند بهبود پیدا می‌کند. مثال‌هائی در این مورد، محصولات خوراکی قابل تخمیر و کهنه شدن نوشیدنی‌های الکلی هستند. وقتی محصول از موجودی انبار برداشت می‌شود، از نظر فیزیکی با قلمی که تازه وارد مرحله تکامل می‌شود متفاوت است و بنابراین صحیح نیست که هزینه‌ی تحصیل ورودی جدید به موجودی انبار به عنوان ارزش محصول برداشت شده استفاده شود. سؤال این است که چگونه افزایش ارزش به علت مرحله‌ی تکامل از افزایش کلی قیمت‌های کالاهای مربوطه جدا شود.

پ۶-۹ فرض کنید محصولی سه سال طول می‌کشد تا به گونه‌ای کامل شود که بتوان آن را فروخت و تا وقتی محصول به این وضعیت برسد تقاضای نهائی برای آن وجود دارد. اگر کالا حتی در وضعیت کامل نشده مورد معامله قرار گیرد، در این صورت قیمت برای محصول تکمیل نشده، تازه تولید شده، برای محصول یک ساله، محصول دو ساله و محصول کامل شده وجود خواهد داشت. با فرض این که محصول به خوبی برنامه‌ریزی شده باشد، در هر لحظه از زمان ترکیبی از اقلام تازه تولید شده و آن‌هائی که در مرحله تکامل یک ساله، دو ساله و سه ساله هستند، وجود دارد. اگر قیمت برای هریک از مراحل مختلفِ تکامل وجود داشته باشد، جداسازی ارزش انبارداری مشکل نیست. در اولین سال، محصول جدید به محصولی با تکامل یک ساله تبدیل می‌شود. اگر قیمت محصول تازه تولید شده P_0 باشد و وقتی یک ساله شد قیمت آن P_1، و سال اول t و سال دوم $t+1$ باشد، تغییر ارزش Q واحد از این محصول عبارت از $Q(P_{1,\,t+1} - P_{0,t})$ خواهد بود. افزایش ارزش در اثر دو عامل صورت می‌گیرد، افزایش قیمت محصول تازه ساخته شده در سال گذشته نسبت به قیمت محصول مشابهِ تازه ساخته شده در این سال، یعنی ($Q(P_{0,\,t+1} - P_{0,t})$) و تفاوت بین قیمت محصول مشابهِ تازه ساخته شده در این سال و قیمت محصول با مرحله‌ی تکامل یک ساله یعنی ($Q(P_{1,\,t+1} - P_{0,t+1})$). با اعمال تفاوت‌های قیمت به حجم‌های مورد نظر، تفاوت نخست به منفعت ناشی از نگه داشتن منجر می‌شود؛ تفاوت دوم به افزایش ارزش ستانده‌ی مربوط به انبارداری منجر می‌شود.

پ۶-۱۰ اتحاد ریاضی زیر برای هر دو دوره‌ی متوالی صحیح است:

افزایش ارزش از دوره‌ی t به دوره $t+1$،

برابر است با تغییر ارزش بین محصولات با یک میزان تکامل (زمان محصول چینی) از دوره‌ی t به دوره‌ی $t+1$ (که به عنوان منفعت ناشی از نگه‌داشتن تلقی می‌شود)، *بعلاوه* تغییر ارزش بین محصولات با یک میزان تکامل (زمان محصول چینی) بعدی در دوره $t+1$ که به عنوان ستانده‌ی مربوط به انبارداری تلقی می‌شود، از این رو، در سال دوم افزایش قیمت بین محصول با یک سال تکامل در ابتدای سال و قیمت یک محصول با تکامل یک ساله در انتهای سال منجر به منفعت ناشی از نگه‌داشتن می‌شود و تفاوت بین محصولی با تکامل یک ساله در انتهای سال و محصولی با تکامل دوساله در همان زمان ستانده‌ی انبارداری را تشکیل می‌دهد، و به همین ترتیب تا آخر.

پ۶-۱۱ در پاراگراف پ ۶-۱۰، وقتی هر جمله‌ی اتحاد، منفعت (یا زیان) اسمی ناشی از نگه‌داشتن را در بر دارد (یا از آن تشکیل شده است) اتحاد دارای ارزش‌های جاری است یا وقتی که هر جمله با سطح عمومی تورم تعدیل قیمت می‌شود در این صورت هر جمله‌ی اتحاد، منفعت (یا زیان) واقعی ناشی از نگه‌داشتن را در بر دارد یا از آن تشکیل شده است. مانند هنگامی که افزایش قیمت وجود ندارد، افزایش ارزش موجودی برحسب حجم به ستانده‌ی انبارداری مربوط می‌شود.

پ۶-۱۲ در عمل احتمال زیادی وجود دارد که سری زمانی استواری از قیمت‌ها در مقاطع مختلف فرآیند تکامل وجود نداشته باشد. در دسترس بودن قیمت‌های نزدیک امکان‌پذیر است ولی احتمالِ این هم حتی زیاد نیست. در نبود این قیمت‌ها چگونه انبارداری را می‌توان از عایدی ناشی از نگه‌داشتن دارائی جدا کرد؟

پ۶-۱۳ تولید کننده ممکن است با تجربه‌ی طولانی بتواند یک پیش‌بینی منطقی از افزایش ارزشِ ناشی از انبارداری داشته باشد. فرض کنید در حالت خاصی او انتظار دارد که ارزش محصول برحسب حجم بعد از سه سال به دو و نیم برابر هزینه‌ی تولید محصول جدید برسد. اگر محصول جدید ۱۰۰ بیارزد، محصول سه ساله ۲۵۰ می‌ارزد. این اشاره به این دارد که حجم ستانده‌ی مربوط به انبارداری در هر یک از سه سال بعدی ۵۰ است. (مانند محصول ساختمانی که در بالا اشاره شد، در اصل، باید به ۱۰۰ تای اولیه و قسمت اول از دو قسمت ۵۰ تائی یک عامل تنزیل اعمال شود زیرا محصول تا انتهای سال سوم آماده فروش نخواهد بود). در صورت عدم وجود اطلاعات مربوط به افزایش قیمت محصول نسبت به افزایش کلی قیمت‌ها، ممکن است لازم

باشد این گونه فرض شود که منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن در محصول وجود ندارد و افزایش واقعیِ ارزش باید به عنوان ارزش ستانده‌ی مربوط به انبارداری به ارزش‌های جاری در نظر گرفته شود. وقتی قیمت محصولِ تکامل یافته مشخص شد، می‌توان تعدیل انجام داد یا، به طور عملی، تفاوت بین پیش‌بینی اولیه و حاصل تولید، تعدیل شده با سطح عمومی تورم، به عنوان منفعت یا زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن در نظر گرفته شود.

پ۶-۱۴ این ایده‌آل نیست که فرض شود ستانده‌ی مربوط به انبارداری نسبت به نوسانات قیمت‌های نسبی بدون تغییر باقی می‌ماند. ولی در شرایطی که بخش عمده‌ی افزایش قیمت مربوط به انبارداری خواهد بود و داده‌های اولیه‌ی بهتری در دسترس نیست، این رهیافت یک برآورد عملی از ستانده‌ی مربوط به انبارداری ارائه می‌دهد که بهتر از این است که فرض شود همه‌ی افزایش ارزش فقط ناشی از منفعت ناشی از نگه‌داشتن است.

۳. کالاهای دارای الگوی فصلی عرضه و تقاضا

پ۶-۱۵ حالت سوم که تغییر ارزش تنها به منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن قابل انتساب نیست، هنگامی است که کالاها برای این در انبار گذاشته می‌شوند که از مزایای تغییرات الگوی عرضه و تقاضای آن در طول سال استفاده شود. رایج‌ترین حالت، ذخیره‌ی محصولات اولیه زراعی نظیر ذرت است که دارای یک دوره کوتاهِ برداشت است ولی در طول سال تقاضای نسبتاً ثابتی برای آن وجود دارد. در نتیجه وقتی موجودی این محصول کاهش می‌یابد قیمت آن افزایش پیدا می‌کند تا برداشت بعدی هنگامی که افزایش عرضه موجب می‌شود قیمت آن دومرتبه کاهش پیدا کند. همین طور می‌توان خلاف آن را تصور کرد که تقاضا فصلی است ولی برای تولید کننده مقرون به صرفه است که کالا در تمام طول سال یا بیشترین مدت از سال تولید شود، اگر چه بیشتر اوقات، تولید مستقیماً به موجودی انبار می‌رود و در آن‌جا می‌ماند تا تقاضا به اوج خود برسد.

پ۶-۱۶ دلیل تفاوت این نوع محصول از محصول نوع ۱ این است که، همانند کالاهائی که ویژگی‌های آن‌ها در اثر تکامل تغییر پیدا می‌کنند، قیمت این نوع محصولات نیز نسبت به سطح عمومی تورم به شیوه‌ای کم و بیش قابل پیش‌بینی به دلیل انتقال کالاها در طول زمان، از یک دوره‌ی فراوانی به یک دوره‌ی نسبتاً کمیابی، افزایش می‌یابد. این انگیزه کاملاً با نگه‌داشتن اقلام در انبار تنها به دلیل احتکار که هیچ الگوئی برای افزایش احتمالی قیمت‌ها وجود ندارد و هیچ زمانِ از پیش تعیین شده‌ای هم برای نگه‌داشتن کالاها در انبار وجود ندارد، متفاوت است.

پ۶-۱۷ حالت ایده‌ال وضعیتی است که یک الگوی فصلی تثبیت شده و استواری برای افزایش مورد انتظار قیمت در محصول زراعی وجود داشته باشد. در چنین حالتی، الگوی فصلیِ قیمت‌ها را می‌توان برای ایجادِ ستانده‌ی مربوط به انبارداری به کار برد، در این صورت باقی‌مانده‌ی افزایشِ ارزش، منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن را نشان می‌دهد که به طور عادی می‌تواند به عناصر واقعی و بی‌اثر تفکیک شود.

پ۶-۱۸ ولی، با فرض این که میزان برداشت محصول می‌تواند از سالی به سال دیگر کاملاً تغییر کند و زمان واقعی برداشت بسته به شرایط آب و هوا از سالی به سال دیگر تغییر جزئی داشته باشد، ممکن است تعیین یک الگوی فصلیِ استوار از قیمت‌ها آسان نباشد. در چنین حالتی وقتی اطلاعات ناقصی وجود دارد، پیشنهاد عملی این است که نحوه‌ی عمل، مشابه با نحوه‌ی عمل کالاهای در حال تکامل باشد که در صورت وجود اطلاعات ناقص بکار برده می‌شود. فرض این است که افزایش قیمت را می‌توان به دو عامل منتسب کرد؛ عامل نخست افزایشی که با افزایش عمومی قیمت‌ها مطابق است. افزایش ارزش موجودی‌های انبارِ مربوط به این عامل باید به عنوان منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن تلقی شود. عامل دوم که منجر به افزایش قیمت می‌شود کمبود فصلی است و این عنصر باید به عنوان عنصری که منجر به ستانده‌ی مربوط به انبارداری می‌شود تلقی شود. این فرض که همه‌ی افزایش‌های دیگر غیر از آنچه که با افزایش متوسط قیمت مطابق است به انبارداری مربوط

می‌شود، حاکی از این است که منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن وجود ندارد.

۴. چه کسانی از افزایش ارزش کالاها در انبار نفع می‌برند؟

پ۶-۱۹ این واقعیت که محصولات نوع ۲ منجر به تولید انبارداری می‌شود فقط بستگی به نوع محصول دارد و به تولیدکننده مربوط نمی‌شود. اگر یک کشاورز محصول فصلی تولید کند و بخش عمده‌ی آن را در انبار نگه‌دارد تا در طول سال قطعه قطعه بفروشد، او منافع افزایش ارزش مربوط به انبارداری را در ستانده خود ثبت می‌کند. ولی، اگر همه‌ی محصول خود را در زمان برداشت به واحد دیگری (مثلاً یک عمده فروش) بفروشد و آن واحد، محصول را در موجودی انبار بگذارد و در طول سال به طور پیوسته بفروشد، در این صورت این واحد منافعی از ذخیره سازی محصول در انبار به دست می‌آورد و این منافع را در ستانده‌ی خود ثبت می‌کند که در غیر این صورت آن را کشاورز به عنوان ستانده‌ی خود ثبت می‌کرد. ولی کالای نوع ۲ هر چند بار که بین تولید و فروش دست به دست بگردد، ارزش ستانده‌ی مربوط به انبارداری یکسان خواهد بود. این محصول هر بار که دست به دست می‌گردد، مصرف واسطه مربوط به آن افزایش می‌یابد به طوری که ارزش افزوده کاهش پیدا می‌کند ولی میزان ستانده تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. از این رو هرگونه افزایش ارزش به واحدی تعلق می‌گیرد که کالا را نگه‌داشته است، اگر آن‌ها از کالاهای نوع ۲ باشند و نگه دارنده یک عمده فروش یا خرده فروش باشد، او ممکن است ستانده‌ای داشته باشد که تولید کننده‌ی اولیه ممکن بود داشته باشد.

۵. ستانده مربوط به انبارداری چه موقع ثبت می‌شود؟

پ۶-۲۰ ستانده‌ی حاصل از انبارداری به‌طور مستمر تولید می‌شود. برای دستیابی به مجموعه‌ای از اطلاعات بهم پیوسته (مرتبط به هم) درباره‌ی تولید و موجودی‌ها، ستانده‌ی برآمده از انبارداری باید دوره به دوره محاسبه شود. اگر کالاهائی که ارزش آن‌ها در حال تغییر است، در موجودی انبار باقی بمانند، مالک کالاها ستانده‌ای خواهد داشت که به عنوان اضافه شده به موجودی انبار تلقی می‌شود. حتی اگر مقدار موجودی انبار تغییر نکند، سنجه‌های تعدیل کیفیتی تغییر می‌یابد تا افزایشِ قیمتی را که به عنوان تغییر کیفیت تلقی می‌شود و نه منفعت ناشی از نگه‌داشتن منعکس کند.

۶. چند مثال

پ۶-۲۱ این مثال‌های ساده نشان می‌دهند که چگونه یک رهیافت تقریبی برای محاسبه‌ی انبارداری با فرض‌های مختلف کار می‌کند.

مثال ۱

پ۶-۲۲ واحد الف کالاهائی را با ارزش ۱۰۰ می‌خرد و ارزش آن‌ها تا اواسط سال ۲ که آن‌ها را به فروش می‌رساند، به ۱۱۰ می‌رسد. در انتهای سال ارزش کالاها ۱۰۸ است. هیچ تورم عمومی هم در این دوره وجود ندارد.

پ۶-۲۳ در سال ۱، واحد الف ستانده‌ای برابر با ۸ و اضافه شده به موجودی کل برابر با ۱۰۸ ثبت می‌کند. در سال ۲، واحد الف ستانده‌ای برابر با ۲، اضافه شده به موجودی انبار برابر ۲ و فروشِ برداشت‌های موجودی انبار برابر ۱۱۰ ثبت می‌کند.

مثال ۲

پ۶-۲۴ کالاهای خریداری شده در مثال ۱ در رابطه با تورم نیز افزایش ارزش پیدا می‌کند به طوری که تا انتهای سال ۱ ارزش آن‌ها به ۱۱۵ و هنگام فروش به ۱۲۰ می‌رسد.

پ۶-۲۵ ثبتِ سال ۱ با منفعت ناشی از نگه‌داشتن برابر با ۷ (۱۰۸-۱۱۵، مترجم) برای سال ۱ تکمیل می‌شود. در انتهای سال ۱، لازم است میزان قیمت فروش مورد انتظار مجدداً برآورد شود. اگر برآورد این قیمت ۱۱۷ باشد، که همان افزایش مطلق مورد انتظار قبلی را نشان می‌دهد، در این صورت یک منفعت ناشی از نگه‌داشتن معادل ۳ (۱۱۷-۱۲۰، مترجم) در سال ۲ ثبت خواهد شد.

مثال ۳

پ۶-۲۶ کالاهای مثال ۱ در زمانی از سال برابر ۱۰۵ به واحد ب فروخته می‌شود. سپس ب کالاها را نگه‌می‌دارد و آن‌ها را در همان زمان در سال ۲ به ۱۱۰ می‌فروشد.

پ۶-۲۷ در سال ۱، واحد الف ستانده‌ای برابر ۵ و تحصیل موجودی انبار برابر ۱۰۵ دارد. برداشتی از موجودی انبار معادل ۱۰۵ انجام می‌دهد و آن‌ها را به واحد ب می‌فروشد. واحد ب در سال ۱ ستانده‌ای معادل ۳ (۱۰۵-۱۰۸، مترجم) دارد، که به عنوان اضافه شده به موجودی انبار در سال ۱ ثبت می‌شود. بنابراین ارزش کل اضافه شده‌ی واحد ب به موجودی انبار در سال ۱ برابر با ۱۰۸ خواهد شد. در سال ۲ واحد ب ستانده‌ای برابر ۲ (۱۰۸-۱۱۰، مترجم)، اضافه شده به موجودی انباری برابر ۲ و فروشی که برداشت از موجودی انبار را نشان می‌دهد برابر ۱۱۰ خواهد داشت.

فصل ۷: حساب‌های توزیع درآمد

الف. مقدمه

۷–۱ دو حساب وجود دارد که نشان می‌دهند درآمد ناشی از درگیر شدن در فرآیندهای تولید یا درآمد ناشی از مالکیت دارائی‌های مورد نیاز برای تولید چگونه بین واحدهای نهادی توزیع می‌شوند، حساب دوم به دو حساب دیگر تقسیم می‌شود:

الف. حساب ایجاد درآمد؛

ب. حساب تخصیص درآمد اولیه؛

. حساب درآمد کارآفرینی؛ و

. حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه.

۷–۲ مبنای همه‌ی این حساب‌ها مفهوم درآمد اولیه است. ***درآمدهای اولیه درآمدهائی هستند که وقتی واحدهای نهادی در فرآیند تولید وارد می‌شوند یا وقتی مالک دارائی‌های مورد نیاز برای تولید هستند به آن‌ها تعلق می‌گیرند.*** قلم عمده‌ی درآمد اولیه، جبران خدمات کارکنان است که درآمد تعلق گرفته به افراد در ازای نهاده‌ی نیروی کار آن‌ها در فرآیند تولید را نشان می‌دهد. درآمد دارائی آن قسمت از درآمدهای اولیه است که در اثر وام‌دهی یا اجاره‌دهیِ منابع مالی یا طبیعی از جمله زمین به واحدهای دیگر برای استفاده در تولید، حاصل می‌شود. دریافتی‌های مالیات بر تولید و واردات (منهای یارانه بر تولید و واردات) درآمدهای اولیه دولت‌ها تلقی می‌شوند حتی اگرچه ممکن است همه‌ی آن‌ها به عنوان پرداختنی از ارزش افزوده‌ی بنگاه‌ها ثبت نشوند. حق بیمه‌های اجتماعی طرح‌های بیمه اجتماعی و مزایای حاصل از آن‌ها، مالیات جاری بر درآمد، ثروت و غیره، و سایر انتقالات جاری درآمد دارائی محسوب نمی‌شوند، این نوع انتقالات در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شوند.

۱. حساب ایجاد درآمد

۷–۳ حساب ایجاد درآمد (جدول ۷–۱) گسترش یا جزئیاتِ بیشترِ حساب تولید را نشان می‌دهد که در آن درآمدهای اولیه‌ی تعلق گرفته به واحدهای دولتی و واحدهائی که مستقیماً در تولید مشارکت دارند ثبت می‌شوند. همانند حساب تولید، این حساب نیز می‌تواند برای کارگاه‌ها و صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) و نیز برای واحدها و بخش‌های نهادی تهیه شود. حساب ایجاد درآمد بخش‌ها، زیربخش‌ها یا صنعت‌هائی را که درآمدهای اولیه از آن‌ها سرچشمه می‌گیرند نشان می‌دهد، که این‌ها از بخش‌ها یا زیربخش‌های مقصد دریافت کننده‌ی این درآمدها متفاوت هستند. برای مثال، تنها جبران خدماتی که در حساب ایجاد درآمد برای بخش خانوار ثبت می‌شود، جبران خدمات کارکنان پرداختنی توسط بنگاه‌های غیرشرکتی متعلق به خانوارها است. این قلم با جبران خدمات دریافتنی کارکنان توسط بخش خانوار، که در حساب بعدی یعنی حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شود بسیار متفاوت است.

۷–۴ اقلام منابع، که در سمت چپ حساب ایجاد درآمد درج می‌شوند (در برگردان فارسی جدول‌ها راست‌چین شده‌اند، مترجم) ، تنها از قلم ارزش‌افزوده تشکیل شده است که قلم ترازکننده‌ی حساب تولید است و به حساب بعدی منتقل می‌شود. همان طور که در فصل ۶ بیان شد، ارزش‌افزوده را می‌توان قبل از کسر مصرف سرمایه ثابت (ناخالص) یا بعد از کسر آن (خالص) اندازه‌گیری کرد. برای حساب‌های دیگر SNA نیز باید تمهیدات لازم فراهم شود تا بتوان اقلام ترازکننده‌ی مربوطه را به صورت ناخالص یا خالص از مصرف سرمایه ثابت اندازه‌گیری کرد. مفهوم و نحوه اندازه‌گیری مصرف سرمایه ثابت پیش از این در فصل ۶ به تفصیل توضیح داده شده است. برای سادگی امر، فرض خواهد شد که ارزش‌افزوده به صورت خالص اندازه‌گیری می‌شود، مگر

هنگامی که مفهوم جمله ایجاب کند که در این صورت ارزش افزوده‌ی ناخالص به صراحت بیان خواهد شد.

۵-۷ در سمت راست حساب ایجاد درآمد، مصارفِ ارزش افزوده ثبت می‌شوند. تنها دو نوع هزینه‌ی اصلی وجود دارد که تولیدکنندگان باید از ارزش‌افزوده پرداخت کنند: یکی جبران خدمات پرداختنی به کارکنان بکار گرفته شده در فرآیند تولید است و دیگری مالیات بر تولید پرداختنی، منهای یارانه بر تولید دریافتنی، در اثر اشتغال به تولید است. ***جبران خدمات کارکنان به صورت کل اجرت نقدی یا غیرنقدی پرداختنی توسط یک بنگاه به یک کارکن به ازای کاری که در طول دوره‌ی حسابداری انجام داده است، تعریف می‌شود. مالیات منهای یارانه بر تولید متشکل از مالیات پرداختنی یا یارانه‌ی دریافتنی بر کالاها یا خدمات تولید شده به عنوان ستانده و سایر مالیات‌ها منهای یارانه‌ها بر تولید، نظیر مالیات منهای یارانه پرداختنی بر نیروی کار، ماشین‌آلات، بناها یا سایر دارائی‌های به کار برده شده در تولید است.*** مالیات بر تولید هیچ گونه مالیات بر درآمد پرداختنی توسط دریافت کنندگان درآمدهای تعلق گرفته در نتیجه‌ی تولید، اعم از کارفرمایان یا کارکنان، را در بر نمی‌گیرد.

۶-۷ محتوای قلم مالیات منهای یارانه بر تولید پرداختنی از محلِ ارزش‌افزوده با توجه به شیوه ارزش‌گذاری ستانده متغیر است.

مالیاتِ ارزش‌افزوده (VAT)، یا سایر مالیات‌های کسرشدنیِ مشابه، که روی ستانده در صورت حساب درج شده باشد، هیچگاه به عنوان جزئی از قیمت دریافتنی توسط تولیدکننده از خریدار تلقی نمی‌شوند. VAT درج شده در صورت حساب همیشه از ارزش ستانده حذف می‌شود، اعم از این که ستانده به قیمت تولیدکننده یا به قیمت پایه ارزش‌گذاری شده باشد. از این رو VAT درج شده در صورت حساب هزینه‌ای در برابر ارزش‌افزوده به‌حساب نمی‌آید و در حساب ایجاد درآمدِ تولیدکننده به عنوان یک پرداختنی ثبت نمی‌شود. اما، وقتی ستانده به قیمت تولیدکننده ارزش‌گذاری می‌شود، هر گونه مالیات بر محصول پرداختنی بر ستانده جزء جدائی ناپذیر قیمت دریافتنی توسط تولیدکننده از خریدار تلقی می‌شود. این مالیات در حساب ایجاد درآمد به صورت پرداختنی توسط تولیدکننده از محل ارزش‌افزوده به قیمت تولیدکننده، یعنی جزئی از قلم "مالیات منهای یارانه بر تولید"، ثبت می‌شود. به‌طور مشابه، هر گونه یارانه بر محصول دریافتنی بر ستانده در حساب ایجاد درآمد به صورت دریافتنی توسط تولیدکننده از دولت به عنوان مکمل ارزش‌افزوده به قیمت خریدار ثبت می‌شود. طبق قرارداد، یارانه بر تولید در سمت منابع ثبت نمی‌شود ولی به عنوان جزئی از "مالیات منهای یارانه بر تولید" همانند یک مالیات منفی بر ستانده ثبت می‌شود.

جدول ۷-۱: حساب ایجاد درآمد – خلاصه شده – مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
جبران خدمات کارکنان	۹۸۶	۴۴	۹۸	۱۱	۱۱	۱ ۱۵۰			۱ ۱۵۰
مالیات بر تولید و واردات						۲۳۵			۲۳۵
یارانه‌ها						-۴۴			-۴۴
مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
مصرف سرمایه ثابت مربوط به مازاد عملیاتی ناخالص	۱۵۷	۱۲	۲۷	۱۵	۳	۲۱۴			
مصرف سرمایه ثابت مربوط به درآمد مختلط				۸		۸			
مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
درآمد مختلط، خالص				۵۳		۵۳			۵۳

۷-۷ همان طور که در فصل ۶ توضیح داده شد، قیمت پایه پس از کسر هر نوع مالیات بر محصول پرداختنی روی یک واحد ستانده (غیر از VAT درج شده در صورت حساب که قبلاً از قیمت تولیدکننده حذف شده است) از قیمت تولید کننده و اضافه کردن هرنوع یارانه بر محصول دریافتنی روی یک واحد ستانده به قیمت فوق بدست می‌آید. در نتیجه، در حساب ایجاد درآمدِ تولیدکننده وقتی ارزش‌افزوده به قیمت پایه که ارزش‌گذاری ترجیح داده شده در SNA است اندازه‌گیری می‌شود، هیچ مالیات بر محصولی به عنوان پرداختنی یا هیچ یارانه بر محصولی به عنوان دریافتنی ثبت نمی‌شود. هنگامی که قیمت‌های پایه برای ارزش‌گذاری ستانده به کار می‌رود، قلم "مالیات منهای یارانه بر تولید" فقط به سایر مالیات‌ها یا یارانه‌های تولید بر می‌گردد.

۸-۷ پس از کسر جبران خدمات کارکنان و مالیات منهای یارانه بر تولید از ارزش‌افزوده، قلم ترازکننده‌ی حساب ایجاد درآمد به‌دست می‌آید. قلم ترازکننده در سمت راست زیر مصارف این حساب نشان داده می‌شود. این قلم، مازاد یا کسری حاصل از تولید را قبل از به‌حساب آوردن هرگونه بهره، بهره‌ی مالکانه یا هزینه‌های مشابه پرداختنیِ مربوط به دارائی‌های مالی وام گرفته شده یا منابع طبیعی اجاره شده توسط بنگاه، یا هر گونه بهره، بهره مالکانه یا دریافت‌های مشابه دریافتنیِ مربوط به دارائی‌های مالی یا منابع طبیعی متعلق به بنگاه اندازه-گیری می‌کند.

مازاد عملیاتی و درآمد مختلط

۹-۷ این قلمِ ترازکننده، غیر از مورد بنگاه‌های غیرشرکتی متعلق به خانوارها که در آن مالک (یا مالکین) یا اعضای یک خانوار نهاده‌های نیروی کار بدون مزدِ مشابه با کار کارکنان با مزد ارائه می‌دهند، مازاد عملیاتی نامیده می‌شود. در حالت دوم، قلم ترازکننده درآمد مختلط نامیده می‌شود زیرا این قلم به طور ضمنی عنصر اجرتِ کار انجام شده توسط مالک، یا سایر اعضای خانوار را در بر دارد که نمی‌توان آن را از بازده مالک به عنوان کارآفرین، جدا کرد. هرچند که در بسیاری از موارد، عنصر اجرت در ارزش درآمد مختلط سهم غالب دارد. در عمل، این طور پنداشته می‌شود که همه‌ی بنگاه‌های متعلق به خانوارها که شبه شرکت نیستند دارای درآمد مختلط به عنوان قلم ترازکننده هستند، غیر از مالکین ساکن در نقش تولیدکننده‌ی خدمات مسکن برای خود مصرفی نهائی، خانوارهای اجاره دهنده‌ی واحدهای مسکونی اجاری و خانوارهائی که دارای کارکنان خانگی مزدبگیر هستند. برای مالکین ساکن و خانوارهای اجاره دهنده‌ی واحدهای مسکونی، همه‌ی ارزش افزوده از مازاد عملیاتی تشکیل شده است. برای کارکنان خانگی، همه‌ی ارزش‌افزوده جبران خدمات کارکنان است (غیراز هرگونه مالیات بر تولید پرداختنی یا یارانه بر تولید دریافتنی مربوط به ستانده).

جدول ۷-۱ (ادامه): حساب ایجاد درآمد – خلاصه شده - منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
ارزش‌افزوده، ناخالص/ محصول ناخالص داخلی	۱ ۳۳۱	۹۴	۱۲۶	۱۵۵	۱۵	۱ ۸۵۴			۱ ۸۵۴
ارزش‌افزوده، خالص/ محصول خالص داخلی	۱ ۱۷۴	۸۲	۹۹	۱۳۲	۱۲	۱ ۶۳۲			۱ ۶۳۲
جبران خدمات کارکنان									
مالیات بر تولید و واردات									
یارانه‌ها									

۷–۱۰ همان طور که در فصل ۶ گفته شد، محصول ناخالص داخلی (GDP) به قیمت بازار برابر است با حاصل جمع ارزش‌افزوده‌ی ناخالص همه‌ی بنگاه‌های مقیم بعلاوه آن دسته از مالیات‌ها، منهای یارانه‌ها، بر محصول که بر ارزش ستانده‌ی بنگاه‌ها پرداختنی نیستند، یعنی مالیات‌ها یا یارانه‌های بر واردات بعلاوه VAT کسر نشدنی هنگامی که ستانده به قیمت‌های تولیدکننده ارزش‌گذاری شده باشد، و تمامی مالیات‌ها یا یارانه‌های بر محصول هنگامی که ستانده به قیمت پایه ارزش‌گذاری شده باشد. به این دلیل، مالیات منهای یارانه بر واردات و VAT باید زیر مصارف GDP در حساب ایجاد درآمد برای کل اقتصاد نیز ثبت شود، هرچند که در حساب ایجاد درآمد برای واحدها یا بخش‌های نهادی منفرد نشان داده نمی‌شوند.

۷–۱۱ همان طور که بیان شد، سنجه‌ی ترجیح داده شده برای ارزش‌افزوده سنجه‌ای است که پس از کسر مصرف سرمایه ثابت به‌دست می‌آید، که همان ارزش‌افزوده خالص است. ولی در حساب‌های SNA، برای ارزش‌افزوده و تمامی اقلام ترازکننده بعدی که وابسته به ارزش‌افزوده هستند تمهیدات لازم برای اندازه‌گیری ناخالص یا خالص از مصرف سرمایه ثابت دیده شده است. بنابراین مازاد عملیاتی و درآمد مختلط می‌توانند به‌صورت ناخالص یا خالص ارائه شوند.

۷–۱۲ مازاد عملیاتی یا درآمد مختلط سنجه‌ی مازاد حاصل از فرآیندهای تولید قبل از کسر هرنوع هزینه‌های ضمنی یا صریح بهره، بهره مالکانه، یا سایر درآمدهای دارائی پرداختنی مربوط به دارائی‌های مالی، زمین یا سایر منابع طبیعی مورد نیاز برای انجام تولید است. بنابراین مازاد عملیاتی در موارد زیر تغییر نمی‌کند:

الف. زمین یا سایر منابع طبیعی به‌کار رفته در تولید، متعلق به بنگاه باشد یا توسط او اجاره شده باشد؛ و

ب. تأمین مالیِ موجودی انبار، دارائی‌های ثابت، زمین یا سایر منابع طبیعی به‌کار رفته در تولید که متعلق به بنگاه است از محل وجوه خودِ بنگاه (سرمایه‌ی سهام) یا از محل وجوه قرض شده (سرمایه وام گرفته شده) انجام شده باشد.

۷–۱۳ هرچند مازاد عملیاتی یا درآمد مختلط وقتی زمین متعلق به بنگاه باشد یا دارائی‌ها به‌طور کلی تأمین مالی شده باشند تغییر نمی‌کند، ولی لازم است به اندازه‌ی کافی باشد که هردوی بهره صریح و ضمنی، بهره مالکانه زمین و هزینه بهره صریح یا ضمنی مربوط به ارزش تمامی دارائی‌های متعلق به بنگاه برای تضمین استفاده مستمر از آن‌ها در تولید را پوشش دهد. هزینه‌های بهره ضمنی استفاده از منابع مالی متعلق به بنگاه برای خرید موجودی انبار، دارائی‌های ثابت یا سایر دارائی‌ها، عبارت است از هزینه فرصت به کار گرفتن منابع مالی در این راه به جای تحصیل دارائی‌های مالی که می‌تواند عایدی بهره داشته باشد. این هزینه‌ها در برآوردهای خدمات سرمایه بدست می‌آید. مبلغ بهره مالکانه پرداختنی برای زمین‌های اجاره شده و بهره واقعی پرداختنی برای وجوه وام گرفته شده در حساب تخصیص درآمد اولیه و حساب درآمد کارآفرینی ثبت می‌شوند.

۷–۱۴ اما، مازاد عملیاتی یا درآمد مختلط یک تولیدکننده‌ی واحد بر حسب این که دارائی‌های ثابت به‌کار رفته در تولید متعلق به بنگاه باشد یا اجاره شده باشد متفاوت است. وقتی بنگاهی بناها، سایر سازه‌ها، ماشین‌آلات یا تجهیزات را اجاره می‌کند، اجاره بهای پرداختی تحت اجاره‌ی عملیاتی به عنوان خرید خدمات ثبت می‌شود. این خدمات قسمتی از مصرف واسطه را تشکیل می‌دهند. از این رو، همان طور که در فصل ۱۷ توضیح داده شده است، پرداخت اجاره بها برای دارائی ثابت موجب می‌شود ارزش‌افزوده‌ی ناخالص کمتر از وقتی باشد که تولید کننده مالک دارائی است. تأثیر اجاره‌ای بودن دارائی ثابت بر ارزش‌افزوده‌ی خالص با این واقعیت که مستأجر یا اجاره کننده متحمل هزینه‌ی مصرف سرمایه ثابت نمی‌شود، قدری سبک‌تر خواهد شد. ولی حتی ارزش افزوده‌ی خالص هنگامی که دارائی ثابت اجاره می‌شود نیز گرایش به کاهش خواهد داشت زیرا اجاره بها باید هزینه‌های عملیاتی و بهره‌ی اجاره دهنده را پوشش دهد. در سطح کل اقتصاد، مازاد عملیاتی کمتری که به مستأجرین یا اجاره کنندگان تعلق

می‌گیرد با مازاد عملیاتی که عاید اجاره دهندگان می‌شود خنثی خواهد شد.

۲. حساب تخصیص درآمد اولیه

۷–۱۵ برخلاف حساب ایجاد درآمد که بر واحدها یا بخش‌های نهادی مقیم به عنوان تولیدکنندگانی که فعالیت آن‌ها درآمدهای اولیه را بوجود می‌آورند متمرکز است، حساب تخصیص درآمد اولیه (نشان داده شده در جدول ۷–۲) بر واحدها یا بخش‌های نهادی به عنوان دریافت کنندگان درآمدهای اولیه تمرکز دارد. حساب تخصیص درآمد اولیه جائی را که اقلام پرداختنی در حساب ایجاد درآمد، دریافتنی هستند نشان می‌دهد و همچنین این حساب مبالغ درآمدهای دارائی دریافتنی و پرداختنی توسط واحدها یا بخش‌های نهادی را نیز در بر می‌گیرد. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، حساب ایجاد درآمد با فعالیت‌های تولید مرتبط است و می‌تواند برای کارگاه‌ها و صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) و نیز برای واحدها و بخش‌های نهادی تهیه شود. ولی، حساب تخصیص درآمد اولیه چنین ارتباط مستقیمی با تولید ندارد و فقط می‌تواند برای واحدها و بخش‌های نهادی تهیه شود.

۷–۱۶ بنگاه‌ها ممکن است وجوه مازاد عملیاتی خود را، به‌ویژه در شرایط نامطمئن و نرخ بهره‌ی بالا، در دارائی‌های مالی یا حتی زمین سرمایه‌گذاری کنند. از این سرمایه‌گذاری ممکن است درآمد دارائی قابل ملاحظه‌ای دریافت شود. درآمد دارائی پرداخت شده توسط یک شرکت، تحت تأثیر میزان درآمد دارائی دریافت شده و نیز مازاد عملیاتی آن خواهد بود. از این رو، درست نیست که تمامی درآمد دارائی پرداخت شده توسط یک بنگاه به‌عنوان هزینه شده از مازاد عملیاتی ثبت شود. بعضی از هزینه‌های بهره، به ویژه هزینه‌های ضمنی ممکن است به دارائی‌هائی غیر از دارائی‌هائی که در تولید استفاده می‌شوند مربوط باشند. به این دلیل، هزینه‌های صریح و ضمنی پرداختنی بهره توسط یک بنگاه نباید در حساب ایجاد درآمد که منابع آن فقط متشکل از ارزش افزوده حاصل از تولید است، ثبت شوند. این هزینه‌ها در حساب تخصیص درآمد اولیه همراه با هر گونه درآمد دارائی دریافتنی و نیز مازاد عملیاتی ثبت می‌شوند.

۷–۱۷ دو نوع درآمد وجود دارد که در سمت چپ حساب تخصیص درآمد اولیه زیر منابع ثبت می‌شوند. اولی جائی را که درآمدهای اولیه‌ی ثبت شده در حساب ایجاد درآمد دریافتنی هستند نشان می‌دهد و به شرح زیر است:

الف. جبران خدمات کارکنان دریافتنی توسط خانوارها یا خانوارهای غیرمقیم؛

ب. مالیات (منهای یارانه) بر تولید یا واردات دریافتنی (یا پرداختنی) توسط واحدهای دولتی یا یک دولت خارجی؛

پ. مازاد عملیاتی یا درآمد مختلط بنگاه‌ها که از حساب ایجاد درآمد منتقل شده است.

نوع دومِ درآمدها، درآمد دارائی دریافتنی از مالکیت دارائی‌های مالی یا منابع طبیعی به شرح زیر هستند:

ت. درآمد سرمایه‌گذاری دریافتنی توسط صاحبان دارائی‌های مالی از واحدهای مقیم یا واحدهای غیرمقیم؛

ث. بهره‌ی مالکانه دریافتنی توسط صاحبان منابع طبیعی اجاره داده شده به واحدهای دیگر.

اقلام ترازکننده و درآمد ملی

۷–۱۸ اقلام مصارف که در سمت راست حساب تخصیص درآمد اولیه فهرست شده‌اند، فقط از درآمدهای دارائی پرداختنی توسط واحدها یا بخش‌های نهادی به بستانکاران، سهامداران، مالکین زمین و غیره تشکیل شده‌اند. غیر از بهره‌ی مالکانه منابع طبیعی، این‌درآمدها می‌توانند به غیرمقیم‌ها و نیز مقیم‌ها پرداختنی باشند. قلمی که باقی می‌ماند و زیر مصارف ثبت می‌شود، قلم ترازکننده است. ***تراز درآمدهای اولیه به صورت ارزش کل درآمدهای اولیه دریافتنی توسط یک واحد یا بخش نهادی منهای ارزش کل درآمدهای اولیه پرداختنی تعریف می‌شود.*** در سطح کل اقتصاد، تراز درآمدهای اولیه درآمد ملی گفته می‌شود.

۷-۱۹ ترکیب تراز درآمدهای اولیه به طور قابل ملاحظه‌ای از یک بخش به بخش دیگر تغییر می‌کند زیرا بعضی از انواع درآمدهای اولیه فقط توسط برخی بخش‌های معین یا توسط غیرمقیم‌ها دریافتنی هستند. به ویژه، مالیات‌ها فقط توسط بخش دولت و غیرمقیم‌ها دریافت می‌شوند در حالی که جبران خدمات کارکنان فقط توسط بخش خانوار و غیرمقیم‌ها دریافت می‌شود. این ترازها در زیر توضیح داده می‌شوند.

الف. تراز درآمدهای اولیه‌ی بخش شرکت‌های غیرمالی و مالی، فقط از مازاد عملیاتی بعلاوه درآمد دارائی دریافتنی منهای درآمد دارائی پرداختنی تشکیل شده است.

ب. تراز درآمدهای اولیه‌ی بخش دولت، از مالیات بر تولید و واردات دریافتنی منهای یارانه بر تولید پرداختنی، بعلاوه درآمد دارائی دریافتنی منهای درآمد دارائی پرداختنی تشکیل یافته است. این قلم ممکن است میزان کمی هم مازاد عملیاتی از واحدهای درون دولت که تولید بازاری انجام می‌دهند در بر داشته باشد.

پ. تراز درآمدهای اولیه‌ی بخش خانوار، از جبران خدمات کارکنان و درآمد مختلط تعلق گرفته به خانوار، بعلاوه درآمد دارائی دریافتنی منهای درآمد دارائی پرداختنی تشکیل شده است. این قلم همچنین مازاد عملیاتی حاصل از خدمات مسکن خانوار تولید شده برای خود مصرفی توسط مالکین ساکن را نیز در بر می‌گیرد.

ت. تراز درآمدهای اولیه‌ی بخش نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH)ها، تقریباً به طور کامل از درآمد دارائی دریافتنی منهای درآمد دارائی پرداختنی تشکیل شده است.

درآمد خالص ملی و درآمد ناخالص ملی

۷-۲۰ ***درآمد خالص ملی (NNI) ارزش هم‌افزوده‌ی ترازهای خالص درآمدهای اولیه‌ی مجموع همه‌ی بخش‌ها است.*** به طور مشابه، ***درآمد ناخالص ملی (GNI) ارزش هم‌افزوده‌ی ترازهای ناخالص درآمدهای اولیه‌ی همه بخش‌ها است.***

جدول ۷-۲: حساب تخصیص درآمد اولیه – خلاصه شده – مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
جبران خدمات کارکنان							۶		۶
مالیات بر تولید و واردات									۰
یارانه‌ها									۰
درآمد دارائی	۱۳۴	۱۶۸	۴۲	۴۱	۶	۳۹۱	۴۴		۴۳۵
تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲

۷-۲۱ ارزش‌افزوده ناخالص دقیقاً یک سنجه‌ی تولید است که فقط برحسب ستانده و مصرف واسطه تعریف می‌شود. در نتیجه، GDP نیز یک سنجه‌ی تولید است زیرا از حاصل جمع ارزش‌افزوده‌ی ناخالص تمامی واحدهای نهادی مقیم به عنوان تولیدکننده و اضافه کردن ارزش هرگونه مالیات، منهای یارانه، بر تولید یا واردات که قبلاً در ارزش ستانده‌های تولیدکنندگان مقیم و در نتیجه ارزش‌افزوده‌ی آن‌ها وارد نشده باشند به‌دست می‌آید. در پی این تعریف، تفاوت بین ارزش عددی GNI و GDP با تفاوت بین کل درآمدهای اولیه دریافتنی توسط مقیم‌ها از غیرمقیم‌ها و کل درآمدهای اولیه پرداختنی توسط مقیم‌ها به غیرمقیم‌ها (یعنی، خالص درآمد از خارج) برابر است. ولی، از آنجا که هردوی GDP و GNI از طریق حاصل جمع مجموعه یکسان از واحدهای نهادی مقیم به دست می‌آیند، هیچ توجیهی برای این که یکی "داخلی" و دیگری "ملی" نامیده شود وجود ندارد. هردوی هم‌افزوده‌ها، به کل اقتصاد برمی‌گردد که به صورت مجموعه کامل واحدها و بخش‌های نهادی مقیم تعریف می‌شود. تفاوت بین این دو در پوشش آن‌ها نیست بلکه در این است که یکی تولید و دیگری درآمد را اندازه‌گیری می‌کند. هردو ادعای یکسان دارند برای این که داخلی یا ملی نامیده شوند. اما، از آنجا که اصطلاحات "محصول ناخالص *داخلی*" و "درآمد ناخالص *ملی*" در کاربردهای اقتصادی به شدت جا افتاده‌اند، پیشنهاد نمی‌شود که این واژگان تغییر داده شوند. ولی، در حروف اختصاری باید بجای حرف دوم (N و D) بر حرف سوم (P و I) تأکید شود و این واقعیت مورد توجه قرار گیرد که GDP به تولید (ستانده) و GNI به درآمد برمی‌گردد.

۳. حساب درآمد کارآفرینی

۷-۲۲ حساب تخصیص درآمد اولیه ممکن است به دو حساب دیگر، حساب درآمد کارآفرینی و حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه، تفکیک شود. هدف، تعیین قلم ترازکننده‌ی دیگری، یعنی درآمد کارآفرینی، است که می‌تواند برای تولیدکنندگان بازاری مفید باشد. همانند مازاد عملیاتی و درآمد مختلط، این نیز قلم ترازکننده‌ای است که فقط به تولیدکننده مربوط است، ولی قلم ترازکننده‌ای است که فقط می‌توان آن را برای واحدها و بخش‌های نهادی و نه برای کارگاه‌ها و صنعت‌ها محاسبه کرد.

جدول ۷-۲ (ادامه): حساب تخصیص درآمد اولیه – خلاصه شده – منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
درآمد مختلط، خالص				۵۳		۵۳			۵۳
جبران خدمات کارکنان				۱ ۱۵۴		۱ ۱۵۴	۲		۱ ۱۵۶
مالیات بر تولید و واردات			۲۳۵			۲۳۵			۲۳۵
یارانه‌ها			-۴۴			-۴۴			-۴۴
درآمد دارائی	۹۶	۱۴۹	۲۲	۱۲۳	۷	۳۹۷	۳۸		۴۳۵

جدول ۷-۳: حساب‌های درآمد کارآفرینی و تخصیص سایر درآمدهای اولیه - مصارف

حساب کارآفرینی

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
درآمد دارائی	۸۷	۱۵۳				۲۴۰			۲۴۰
بهره	۵۶	۱۰۶				۱۶۲			۱۶۲
درآمد توزیع شده شرکت‌ها									
سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی									
پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری		۴۷				۴۷			۴۷
بهره مالکانه	۳۱	۰				۳۱			۳۱
درآمد کارآفرینی، ناخالص	۳۰۱	۴۲				۳۴۳			۳۴۳
درآمد کارآفرینی، خالص	۱۴۴	۳۰				۱۷۴			۱۷۴

حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
جبران خدمات کارکنان							۶		۶
مالیات بر تولید و واردات									
یارانه‌ها									
درآمد دارائی	۴۷	۱۵	۴۲	۴۱	۶	۱۵۱	۶۳		۲۱۴
بهره			۳۵	۱۴	۶	۵۵	۱۳		۶۸
سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی						۰	۱۴		۱۴
بهره مالکانه			۷	۲۷	۰	۳۴			۳۴
تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲

جدول ۷-۳ (ادامه): حساب‌های درآمد کارآفرینی و تخصیص سایر درآمدهای اولیه - منابع

حساب کارآفرینی

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
درآمد مختلط، خالص					۵۳	۵۳			۵۳
درآمد دارائی	۹۶	۱۴۹				۲۴۵			۲۴۵
بهره	۳۳	۱۰۶				۱۳۹			۱۳۹
درآمد توزیع شده شرکت‌ها	۱۰	۲۵				۳۵			۳۵
سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۴	۷				۱۱			۱۱
پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری	۸	۸				۱۶			۱۶
بهره مالکانه	۴۱	۳				۴۴			۴۴

حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
درآمد کارآفرینی، ناخالص	۳۰۱	۴۲				۳۴۳			۳۴۳
درآمد کارآفرینی، خالص	۱۴۴	۳۰				۱۷۴			۱۷۴
جبران خدمات کارکنان				۱ ۱۵۴		۱ ۱۵۴	۲		۱ ۱۵۶
مالیات بر تولید و واردات			۲۳۵			۲۳۵			۲۳۵
یارانه‌ها			-۴۴			-۴۴			-۴۴
درآمد دارائی			۲۲	۱۲۳	۷	۱۵۲	۳۸		۱۹۰
بهره			۱۴	۴۹	۷	۷۰	۲۱		۹۱
سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی			۰	۳	.	۳	۰		۳
بهره مالکانه			۰	۲۱	۰	۲۱			۲۱

۷-۲۳ درآمد کارآفرینی پس از کسر بهره، پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری و بهره‌ی مالکانه پرداختنی از مازاد عملیاتی و اضافه کردن درآمدهای دارائی دریافتنی، محاسبه می‌شود. برای بخش شرکت‌های غیرمالی و مالی، تنها تفاوت بین درآمد کارآفرینی و تراز درآمدهای اولیه این است که درآمد کارآفرینی قبل از پرداخت سود تقسیم شده، برداشت درآمد از شبه شرکت‌ها و سود بازسرمایه‌گذاری شده اندازه‌گیری می‌شود. درآمد کارآفرینی برای بخش‌های دیگر محاسبه نمی‌شود. هرچند دولت و خانوارها نیز ممکن است بنگاه‌های غیرشرکتی داشته باشند که به تولیدات بازاری اشتغال دارند، اما این واقعیت که دارائی‌های اختصاص داده شده به این فعالیت‌ها را نمی‌توان از کل دارائی‌های واحد جدا ساخت به این معنی است که مشخص کردن درآمد دارائی مربوط به این فعالیت‌ها نیز مشکل است. (اگر این دارائی‌ها و درآمدهای دارائی‌ها را بتوان مشخص کرد، احتمالاً می‌توان این نوع بنگاه‌های غیرشرکتی را به عنوان یک شبه شرکت تلقی کرده و در یکی از بخش‌های شرکت‌ها منظور کرد).

۷-۲۴ درآمد کارآفرینی مفهومی از درآمد است که به مفهوم سود یا زیانی که در حسابداری کسب و کار (تجاری) وجود دارد بسیار نزدیک است (دستکم هنگامی که تورم وجود نداشته باشد). از سوی دیگر، باید یادآوری کرد که هنگامی که در حساب‌های کسب و کار سود به بهای تمام شده‌ی تاریخی محاسبه می‌شود، منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن مربوط به موجودی انبار و سایر دارائی‌های متعلق به بنگاه را هم در بر دارد؛ این منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن در شرایط تورمی بسیار قابل توجه است.

۴. حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه

۷-۲۵ وقتی حساب درآمد کارآفرینی برای یک واحد یا بخش نهادی تهیه می‌شود، در پی آن برای رسیدن به تراز درآمدهای اولیه، حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه نیز تهیه می‌شود. در حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه اولین قلم زیر منابع این حساب، بجای مازاد عملیاتی یا درآمد مختلط که قلم ترازکننده‌ی منتقل شده از حساب ایجاد درآمد است، درآمد کارآفرینی یعنی قلم ترازکننده‌ی منتقل شده از حساب درآمد کارآفرینی یا درآمد مختلط است. در این حساب تنها قلمی که برای شرکت‌های غیرمالی و مالی، غیر از اقلام ترازکننده، ثبت می‌شود قلم ورودیِ درآمد توزیع شده‌ی شرکت‌ها است

ب. جبران خدمات کارکنان

۱. تشخیص کارکنان مزد بگیر

۷-۲۶ برای دولت، خانوارها و NPISHها، حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه با حساب تخصیص درآمد اولیه یکسان است.

۷-۲۷ حساب درآمد کارآفرینی و حساب سایر درآمدهای اولیه در جدول ۷-۳ نشان داده شده است.

۷-۲۸ این که یک شخص، کارکن مزدبگیر است یا خود اشتغال، همیشه به‌خودی خود آشکار نیست، برای مثال، برخی از کارکنانی که پرداختی آن‌ها براساس نتیجه‌ی کار است، ممکن است کارکن مزدبگیر و برخی دیگر خود اشتغال باشند. حد و مرز این‌ها بر تقسیم‌بندی زیربخشی بخش خانوار نیز تأثیرگذار است. تعریف SNA در رابطه با تعریف جمعیت فعال از نظر اقتصادی با راه حل‌های گردهمائی بین‌المللی آمارشناسان نیروی کار (ICLS) سازگاری دارد. هرچند هدف اصلی SNAروشن ساختن ماهیت روابط اشتغال به‌منظور مشخص کردن حد و مرز بین جبران خدمات کارکنان و سایر انواع دریافتی‌ها است. بعضی اشخاص، به ویژه برخی مالکین شبه شرکت‌ها و مدیران مالک شرکت‌ها که در آمارهای نیروی کار ممکن است خود اشتغال محسوب شوند، در SNA به عنوان کارکن مزدبگیر تلقی. تعاریف بیشتر درباره اندازه‌گیری نیروی

کار و تعاریف اصطلاحات مرتبط در فصل ۱۹ توضیح داده شده است.

رابطه اشتغال

۲۹-۷ برای این که شخصی به عنوان شاغل، چه کارکن مزدبگیر چه خود اشتغال طبقه‌بندی شود، باید به فعالیتی که در محدوده‌ی تولید SNA قرار می‌گیرد اشتغال داشته باشد. رابطه‌ی کارفرما به کارکنِ مزدبگیر هنگامی وجود دارد که توافقنامه‌ای کتبی یا شفاهی، که ممکن است رسمی یا غیررسمی باشد، بین یک بنگاه و یک شخص، معمولاً به‌طور داوطلبانه توسط دو طرف تنظیم شده باشد که به‌موجب آن شخص به ازای دریافت اجرت نقدی یا غیرنقدی برای بنگاه کار کند. اجرت مورد توافق به طور عادی بر اساس مدت زمان صرف شده در کار یا براساس نماگرهای عینی میزان کار انجام شده خواهد بود.

۳۰-۷ اشخاص خود اشتغال کسانی هستند که برای خودشان کار می‌کنند، وقتی که بنگاه‌های متعلق به آن‌ها در SNA نه به عنوان هستارهای قانونی مجزا نه به عنوان واحدهای نهادی مجزا شناخته شده باشند. این اشخاص ممکن است تنها مالک یا مالکین مشترک بنگاه باشند، ممکن است کارکنان بنگاه‌های غیرشرکتی باشند؛ یا اعضای یک شرکت تعاونی و یا کارکنانِ کمکِ خانواده (یعنی، اعضای خانواده‌ای که در یک بنگاه‌غیرشرکتی بدون مزد کار می‌کنند) باشند:

الف. کارکنان شرکت کننده در تولیدی که به طور کامل برای خود مصرفی نهائی یا تشکیل سرمایه به حساب خود چه به طور فردی و چه به طور جمعی انجام می‌شود، کارکنان خود اشتغال هستند. باوجود اینکه برای ستانده‌ی تولید به حساب خود باید ارزشی براساس هزینه تمام شده که هزینه نیروی کار را هم در برمی‌گیرد برآورد شود، هیچ برآوردی نباید برای دستمزد کارکنان درگیر در چنین تولیدی حتی پروژه‌های جمعی یا اجتماعی اجرا شده توسط گروه‌های دسته‌جمعی، ساخته شود. مازاد ارزش برآورد شده‌ی ستانده نسبت به هر نوع هزینه‌های پولی یا مالیات بر تولیدی که به طور روشن رخ داده است، به عنوان درآمد مختلط تلقی می‌شود.

ب. کارکنانِ کمکِ خانواده از جمله کارکنان بدون مزد در بنگاه‌های غیرشرکتی که تماما یا قسمتی از آن به تولید بازاری اشتغال دارند، کارکنان خود اشتغال تلقی می‌شوند.

پ. کل سهام یک شرکت ممکن است به یک سهامدار واحد یا به گروه کوچکی از سهامداران تعلق داشته باشد. هنگامی که آن سهامداران برای شرکت نیز کارکنند و غیراز سود تقسیم شده اجرت دریافت کنند، سهامداران به عنوان کارکنان با مزد تلقی می‌شوند. مالکین شبه شرکت‌ها که در آن شبه شرکت‌ها کارکنند و اجرتی غیر از برداشت عایدات از شرکت دریافت کنند، نیز به عنوان کارکنان با مزد تلقی می‌شوند.

ت. کارکنان دورکار با توجه به وضعیت و شرایط دقیق آن‌ها می‌توانند کارکنان با مزد یا کارکن خود اشتغال تلقی شوند. نحوه برخورد با کارکنان دورکار با جزئیات بیشتر در سطرهای زیرین شرح داده شده است.

۳۱-۷ اجرت کارکنان خود اشتغال به عنوان درآمد مختلط تلقی می‌شود.

۳۲-۷ دانشجویان در نقش مصرف کنندگان خدمات آموزشی یا کارآموزی، کارکنان با مزد تلقی نمی‌شوند. اما، اگر دانشجویان تعهد رسمی داشته باشند که به‌موجب آن قسمتی از نیروی کار خود را به عنوان نهاده در فرآیند تولید یک بنگاه کمک کنند، اعم از این که علاوه بر پرداختی غیرنقدی در ازای دریافت خدمات کارآموزی اجرت نقدی نیز دریافت کنند یا خیر، کارکن با مزد تلقی می‌شوند، برای مثال، این‌ها شامل کارآموزان یا انواع مشابه کارکنان کارآموز، کارآموزانِ وکالت، دانشجویانِ پرستاری، دستیارانِ تحقیق و تدریس، انترن‌های بیمارستان و غیره هستند.

کارفرمایان و کارکنان به حساب خود

۳۳-۷ اشخاص خود اشتغال را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: کسانی که کارکنان با مزد به‌صورت مستمر استخدام می‌کنند و کسانی که کارکن با مزد ندارند. کسانی که کارکنان با مزد به‌طور مستمر استخدام می‌کنند کارفرما گفته می‌شوند و کسانی که بدون کارکنان با مزد هستند کارکنان به حساب خود گفته می‌شوند. این مرزبندی برای استفاده در تقسیم بندی زیربخشی بخش خانوار به‌کار می‌رود. کارکنان به حساب خود را می‌توان به دو گروه دیگر تقسیم کرد: کارکنان دورکار که تحت نوعی قرارداد رسمی یا غیررسمی به عرضه کالاها و خدمات می‌پردازند و کارکنان به حساب خودِ عادی که ممکن است به تولید بازاری یا تولید برای خود مصرفی نهائی یا تشکیل سرمایه به حساب خود بپردازند.

کارکنان دورکار

۳۴-۷ کارکن دورکار شخصی است که توافق می‌کند برای بنگاه خاصی کار کند یا توافق می‌کند مقدار معینی کالا یا خدمتی را به بنگاه خاصی عرضه کند، که با ترتیباتی یا طی قراردادی با آن بنگاه صورت می‌گیرد، ولی محل کار او در داخل هیچیک از کارگاه‌های آن بنگاه قرار ندارد. بنگاه، بر زمانی که یک دورکار برای کار صرف می‌کند کنترل ندارد و برای شرایطی که کار انجام می‌شود مسئولیتی به عهده نمی‌گیرد، هرچند که ممکن است بر کیفیت کار کنترل داشته باشد. بسیاری از دورکاران در منزل کار می‌کنند ولی ممکن است از محل کار دیگری به انتخاب خودشان استفاده کنند. برای برخی دورکاران برای کاری که انجام می‌دهند، توسط بنگاه تجهیزات یا مواد، یا هردوی آن‌ها، تدارک دیده می‌شود ولی دورکاران دیگر ممکن است تجهیزات یا مواد، یا هردوی آن‌ها، را خود خریداری کنند. در هر صورت، دورکاران باید بعضی از هزینه‌های تولید را خودشان متقبل شوند: برای مثال، اجاره بهای واقعی یا احتسابی محلی که در آن کار می‌کنند؛ هزینه گرمایش؛ هزینه برق و نیرو؛ هزینه انبارداری و حمل و نقل و غیره از این نوع هزینه‌ها هستند.

۳۵-۷ دورکاران دارای برخی از ویژگی‌های کارکنان مزد بگیر و برخی از ویژگی‌های کارکنان خود اشتغال هستند. شیوه طبقه‌بندی آن‌ها باید در درجه نخست براساس نحوه‌ی پرداخت اجرتشان تعیین شود. می‌توان بین دو شیوه پرداخت تمایز قائل شد که، در اصل، کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند:

الف. اجرت شخص مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم براساس میزان کاری که انجام می‌دهد یعنی با میزان کاری که به عنوان نهاده در یک فرآیند تولید مشارکت می‌کند، صرف نظر از ارزش ستانده‌ی تولید شده یا سودآوری فرآیند تولید، پرداخت می‌شود. این نوع جبران خدمت حاکی از آن است که کارکن یک کارکن مزدبگیر است.

ب. درآمد دریافتی توسط شخص تابعی از ارزش ستانده حاصل از فرآیند تولیدی است که شخص مسئولیت آن را دارد، صرف نظر از این که کار کم یا کار زیادی انجام داده باشد. این نوع جبران خدمت حاکی از آن است که کارکن یک خود اشتغال است.

۳۶-۷ در عمل، ممکن است همیشه تشخیص بین کارکنان مزدبگیر و کارکنان خود اشتغال براساس این معیارها آسان نباشد. دورکارانی که کارکنانی را استخدام می‌کنند و به دیگران پرداخت می‌کنند تا برای آن‌ها کارکنند باید به عنوان مالکین خود اشتغال بنگاه‌های غیرشرکتی، یعنی به عنوان کارفرما تلقی شوند. بنابراین، مسأله این است که کارکنان به حساب خود از کارفرمایان متمایز شوند.

۳۷-۷ وقتی بین بنگاه و کارکن دورکار رابطه اشتغال وجود داشته باشد، این کارکن به عنوان کارکن با مزد در نظر گرفته می‌شود. این وضعیت نشان دهنده‌ی وجود یک قرارداد یا موافقت‌نامه‌ی ضمنی یا صریح کاری است که طی آن توافق می‌شود اجرت کارکن دورکار براساس کار انجام شده پرداخت شود. برعکس، وقتی چنین قرارداد یا موافقت نامه‌ی ضمنی یا صریح کاری وجود نداشته باشد، کارکن دورکار به عنوان کارکن به‌حساب خود در نظر گرفته می‌شود و درآمد به‌دست آمده توسط کارکنِ دورکار بستگی به ارزش کالاها یا خدمات عرضه شده به بنگاه دارد. این وضعیت حاکی از این است که

تصمیم‌گیری در مورد بازار، مقیاس عملیات و تـأمین مـالی در دست دورکاران خود اشتغال است که باید صاحب ماشین‌آلات یا تجهیزات مورد نیاز کار خود هم باشـند یـا بتواننـد آن‌هـا را کرایه کنند.

۳۸-۷ وضعیت یک کارکن دورکار، برای حسـاب‌هـا مفهـوم مهمـی دارد. هنگامی که کارکنِ دورکار، کارکن به حساب خود اسـت، پرداختیِ بنگاه به دورکار، خریـد کالاهـا و خـدمات محسـوب می‌شود. برای کارکن دورکار، پرداختی بنگـاه ارزش سـتانده را نشان می‌دهد و مازاد آن نسبت به هزینه‌های مستقیم او (کـه به عنوان مصرف واسطه تلقی می‌شود)، درآمد مختلط ناخالص است. هنگامی که دورکار یک کارکن مزدبگیر است، پرداختی به او جبران خدمات کارکنان است و بنـابراین از ارزش‌افـزوده پرداخت می‌شود. از این رو، وضعیت کارکنان دورکار بر توزیـع ارزش‌افزوده بین بنگاه‌ها و نیز توزیع درآمد بین جبران خدمات کارکنان بنگاه استخدام کننده و درآمد مختلط خـانوارِ دورکـار تأثیر می‌گذارد.

۲. اجزای جبران خدمات کارکنان

۳۹-۷ جبران خدمات کارکنان در حساب ایجاد درآمد زیر مصـارف و در حساب تخصیص درآمد اولیه زیر منابع ثبت می‌شود. سمت مصارف حساب ایجاد درآمد که اقلام تفصـیلی بـرای جبـران خدمات کارکنان را نشان می‌دهد در جـدول ۷-۴ ارائـه شـده است و قسمت منابع متناظر با آن در حساب تخصیص درآمـد اولیه در جدول ۷-۵ نشان داده شده است. تنها قلم مربوط بـه این حساب‌ها غیر از اقلام ترازکننده که نشان داده نشده است، رقم جبران خدمات کارکنان پرداختنی از خـارج اسـت، کـه در قسمت مصـارف حسـاب تخصـیص درآمـد اولیـه نشـان داده می‌شود.

جدول ۷-۴: حساب ایجاد درآمد – جبران خدمات کارکنان – مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
جبران خدمات کارکنان	۹۸۶	۴۴	۹۸	۱۱	۱۱	۱ ۱۵۰			۱ ۱۵۰
مزد و حقوق	۸۴۱	۲۹	۶۳	۱۱	۶	۹۵۰			۹۵۰
حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان	۱۴۵	۱۵	۳۵	۰	۵	۲۰۰			۲۰۰
حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان	۱۳۲	۱۴	۳۱	۰	۴	۱۸۱			۱۸۱
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان	۱۲۲	۱۴	۲۸	۰	۴	۱۶۸			۱۶۸
حق بیمه‌های غیر بازنشستگی واقعی کارفرمایان	۱۰	۰	۳	۰	۰	۱۳			۱۳
حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان	۱۳	۱	۴	۰	۱	۱۹			۱۹
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان	۱۲	۱	۴	۰	۱	۱۸			۱۸
حق بیمه‌های غیر بازنشستگی احتسابی کارفرمایان	۱	۰	۰	۰	۰	۱			۱
مالیات بر تولید و واردات						۲۳۵			۲۳۵
یارانه‌ها						-۴۴			-۴۴
مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
مصرف سرمایه ثابت مربوط به مازاد عملیاتی ناخالص	۱۵۷	۱۲	۲۷	۱۵	۳	۲۱۴			
مصرف سرمایه ثابت مربوطه به درآمد مختلط ناخالص				۸		۸			
مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
درآمد مختلط، خالص				۵۳		۵۳			۵۳

۴۰-۷ همان گونه که در بالا اشاره شد، جبران خدمات کارکنان به عنوان کل اجرت، نقدی یا غیرنقدی، پرداختنی به وسیله یک بنگاه به یک کارکن در ازای کاری است که او در طی دوره حسابداری انجام می‌دهد.

۴۱-۷ جبران خدمات کارکنان بر پایه تعهدی ثبت می‌شود: یعنی، بوسیله ارزش اجرت نقدی یا غیرنقدی که یک کارکن استحقاق دریافت آن را از کارفرما در رابطه با کار انجام شده در دوره مربوطه بدست می‌آورد، اندازه‌گیری می‌شود. چه از پیش پرداخت شده باشد، چه به طور همزمان با کار، یا با تأخیر پرداخت شود. در رابطه با کار بدون مزد که به طور داوطلبانه انجام می‌شود، از جمله کار انجام شده توسط اعضای خانوار در قالب یک بنگاه غیرشرکتی متعلق به همان خانوار، جبران خدمات کارکن پرداختنی وجود ندارد. جبران خدمات کارکنان هیچ گونه مالیات پرداختنی توسط کارفرما بر مزد و حقوق، نظیر مالیات بر سیاهه‌ی حقوق را در بر نمی‌گیرد؛ این مالیات‌ها به عنوان مالیات بر تولید به همان ترتیب مالیات بر بناها، زمین یا سایر دارائی‌های استفاده شده در تولید، عمل می‌شوند.

۴۲-۷ جبران خدمات کارکنان دو جزء اصلی دارد:

الف. مزد و حقوق نقدی یا غیرنقدی پرداختنی؛

ب. حق بیمه‌های اجتماعی پرداختنی توسط کارفرمایان، که شامل حق بیمه به طرح‌های تأمین اجتماعی؛ حق بیمه‌های اجتماعی واقعی به سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعیِ اشتغال محور و حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی به سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور است.

طرح‌های بیمه اجتماعی و ماهیت مزایائی که فراهم می‌کنند در بخش ت فصل ۸ مورد بحث قرار گرفته است.

جدول ۷-۵: حساب تخصیص درآمد اولیه – جبران خدمات کارکنان – منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
درآمد مختلط، خالص				۵۳		۵۳			۵۳
جبران خدمات کارکنان				۱ ۱۵۴		۱ ۱۵۴	۲		۱ ۱۵۶
مزد و حقوق				۹۵۴		۹۵۴	۲		۹۵۶
حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان				۲۰۰		۲۰۰	۰		۲۰۰
حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان				۱۸۱		۱۸۱	۰		۱۸۱
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان				۱۶۸		۱۶۸	۰		۱۶۸
حق بیمه‌های غیر بازنشستگی واقعی کارفرمایان				۱۳		۱۳	۰		۱۳
حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان				۱۹		۱۹	۰		۱۹
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان				۱۸		۱۸	۰		۱۸
حق بیمه‌های غیر بازنشستگی احتسابی کارفرمایان				۱		۱	۰		۱
مالیات بر تولید و واردات			۲۳۵			۲۳۵			۲۳۵
یارانه‌ها			-۴۴			-۴۴			-۴۴
درآمد دارائی	۹۶	۱۴۹	۲۲	۱۲۳	۷	۳۹۷	۳۸		۴۳۵

مزد و حقوق

۴۳-۷ مزد و حقوق ارزش هرگونه حق بیمه‌های اجتماعی، مالیات بر درآمد و غیره، پرداختنی توسط کارکن را در بر می‌گیرد حتی اگر این اقلام برای سهولت کار اداری یا دلایل دیگری عملاً توسط کارفرما نگه داشته و مستقیماً از طرفِ کارکن به طرح‌های تأمین اجتماعی، ادارات مالیاتی و غیره پرداخت شده باشند. مزد و حقوق ممکن است به شیوه‌های مختلف، از جمله کالاها یا خدمات فراهم شده برای کارکنان به عنوان اجرت غیرنقدی، بجای اجرت نقدی یا علاوه بر آن، پرداخت شود.

مزد و حقوق نقدی

۴۴-۷ مزد و حقوق نقدی از انواع اجرت‌های زیر تشکیل شده است:

الف. حقوق یا دستمزدی که در فاصله‌های زمانی منظم هفتگی، ماهانه، یا سایر فاصله‌های زمانی پرداختنی است، شامل پرداخت برای تکه‌کاری و پرداخت بر مبنای نتیجه کار، پرداخت‌های اضافه حقوق یا فوق‌العاده پرداخت برای اضافه کار در شب، آخر هفته یا سایر ساعات غیرکاری؛ فوق‌العاده پرداخت برای کار خارج از محل کار در منزل یا در شرایط ناخوشایند یا پرخطر؛ فوق‌العاده پرداخت برای کار در خارج از کشور؛

ب. فوق‌العاده پرداختنی‌های منظم تکمیلی، نظیر فوق‌العاده مسکن یا فوق‌العاده‌هائی که برای پوشش هزینه‌های رفت و آمد از محل کار به منزل و برعکس، ولی به‌استثنای مزایای اجتماعی (مطالب زیرا را ملاحظه کنید)

پ. مزد و حقوق پرداختنی به کارکنانی که برای دوره کوتاهی سر کار نیستند، مثلاً در تعطیلات هستند یا در اثر توقف موقتی تولید سرِ کار نیستند، غیر از طول مدت غیبت به علت بیماری، جراحت و امثال آن (مطالب زیر را ملاحظه کنید)؛

ت. پاداش‌های موردی یا پرداخت‌های استثنائی مربوط به کل عملکرد بنگاه که تحت طرح‌های تشویقی صورت می‌گیرد؛

ث. حق کمیسیون‌ها، حق سرویس‌ها و انعام‌های دریافتی توسط کارکنان: این مبالغ وقتی مستقیماً توسط شخص ثالث به کارکن پرداخت می‌شود باید به عنوان پرداخت بنگاه استخدام کننده‌ی کارکن برای خدمات ارائه شده او عمل شود، و در این صورت باید جزء ستانده و ارزش‌افزوده‌ی ناخالص بنگاه استخدام کننده‌ی کارکن نیز منظور شود.

۴۵-۷ پرداخت‌های انجام شده توسط کارفرمایان برای جبران مخارجی که کارکنان برای ارتقای شغل خود یا انجام کار خود متحمل شده‌اند، مزد و حقوق نقدی محسوب نمی‌شوند. مانند:

الف. جبران هزینه‌های سفر، اسباب کشی یا هزینه‌های عملیاتی مربوطه انجام شده توسط کارکنان هنگام احراز شغل جدید یا هنگام تغییر محل کار به قسمت‌های مختلف یا به کشورهای دیگر که طبق خواسته‌ی کارفرمایانشان صورت گرفته است؛

ب. جبران مخارج متحمل شده توسط کارکنان برای ابزارآلات، تجهیزات، لباس مخصوص یا سایر اقلامی که منحصراً، یا عمدتاً مورد نیاز است تا آن‌ها را قادر به انجام کار خود کند.

مبالغ جبران شده توسط کارفرمایان، مصرف واسطه تلقی می‌شوند. هزینه‌های کارکنانی که طبق قرارداد استخدامی ملزم به خرید ابزارآلات، تجهیزات، لباس‌های مخصوص کار و غیره هستند وقتی به طور کامل جبران نمی‌شوند، هزینه‌های باقی مانده‌ای که متحمل شده‌اند باید از مبالغی که در قالب مزد و حقوق دریافت کرده‌اند کسر و به همان میزان به مصرف واسطه‌ی کارفرمایان اضافه شود. مخارج اقلامی که منحصراً، یا عمدتاً، مورد نیاز کارِ کارکن است، اعم از این که جبران شوند یا خیر، جزء مخارج مصرف نهائی خانوار محسوب نمی‌شوند (مصرف واسطه‌ی کارفرما به حساب می‌آیند، *مترجم*).

۴۶-۷ مزد و حقوق نقدی همچنین مزایای بیمه‌های اجتماعی پرداخت شده توسط کارفرمایان به اشکال زیر را نیز در بر نمی‌گیرد:

الف. فوق‌العاده کمک آموزشی کودکان، همسر، خانواده یا سایر کمک هزینه‌های بستگان؛

ب. پرداخت مزد و حقوق کامل یا بخشی از آن به کارکنانی که به دلیل بیماری، تصادفات، مرخصی زایمان و غیره از کار غیبت دارند؛

پ. پرداخت پاداش پایان خدمت به کارکنانی که به دلیل برکناری از کار یا ناتوانی، کار خود را از دست می‌دهند و پرداخت به بستگان کارکنانی که دچار مرگ ناشی از تصادف می‌شوند؛

در عمل، ممکن است جدا کردن پرداخت‌های مزد یا حقوق در دوره‌ی کوتاه مدت غیبت کارکن به دلیل بیماری، تصادفات، و غیره از سایر پرداختی‌های مزد و حقوق مشکل باشد که در آن حالت بالاجبار در مزد و حقوق منظور می‌شوند.

۴۷-۷ در بعضی موارد ممکن است مزایائی نظیر خودرو یا فوق‌العاده بیمه‌ی بازنشستگی به‌رایگان برای کارکن فراهم نشود ولی با اضافه کردن مبلغی به حقوق او، کارکن آن را از کارفرما خریداری کند. جاذبه این طرح در مزایای مالیاتی است که به‌همراه دارد. مالیات خودروئی که توسط یک کارفرما خریداری شده و به کارکن فروخته می‌شود ممکن است دارای نرخ پائین‌تری نسبت مالیات خودروی خریداری شده توسط خودِ فرد باشد؛ حق بیمه‌ی بازنشستگی اگر در منشاء کسر شود ممکن است مالیاتی متفاوت از درآمدهای دیگر داشته باشد. در این گونه موارد، باید حقوق کامل به عنوان پرداخت نقدی ثبت شود و هزینه‌ای نیز برای کارکن به عنوان مخارج مصرفی یا حق بیمه بازنشستگی یا غیره، بسته به مورد، نشان داده شود.

مزد و حقوق غیر نقدی

۴۸-۷ کارفرمایان ممکن است جبران خدمات کارکنان خود را به دلایل متعددی به صورت غیرنقدی پرداخت کنند. برای مثال:

الف. ممکن است اجتناب از پرداخت نقدی برای کارفرمایان، یا کارکنان یا، هردو، مزیت‌های مالیاتی داشته باشد؛

ب. کارفرما ممکن است بخواهد ستانده‌ای را که در برخی دوره‌ها مازاد بر عرضه است خرج کند.

۴۹-۷ درآمد غیرنقدی ممکن است رضایت‌مندی کمتری نسبت به درآمد نقدی حاصل کند زیرا کارکنان درباره‌ی نحوه‌ی خرج کردن آن آزادی انتخاب ندارند. بعضی از کالاها یا خدمات تدارک دیده شده برای کارکنان ممکن است از نوع یا کیفیتی باشند که کارکنان به طور معمول آن را خریداری نمی‌کنند. با این حال، آن‌ها باید به طور سازگار با سایر کالاها و خدمات ارزش‌گذاری شوند. هنگامی که این کالاها یا خدمات توسط کارفرما خریداری می‌شوند، باید به قیمت‌های خریدار ارزش‌گذاری شوند. هنگامی که توسط کارفرما تولید می‌شوند، باید به قیمت‌های تولیدکننده ارزش‌گذاری شوند. هنگامی که به طور رایگان فراهم می‌شوند، ارزش حقوق و دستمزد غیرنقدی با ارزش کامل کالاها و خدمات فراهم شده برای کارکنان نشان داده می‌شود. هنگامی که با قیمت‌های تخفیف داده شده فراهم می‌شوند، ارزش مزد و حقوق غیرنقدی به وسیله تفاوت بین ارزش کامل کالاها و خدمات و مبلغ پرداخت شده توسط کارکنان ارائه می‌شود.

۵۰-۷ کالاها یا خدماتی را که کارفرمایان ملزم به فراهم کردن آن‌ها برای کارکنانشان هستند تا آن‌ها قادر به انجام کار برای کارفرمایان باشند، از سوی کارفرما به عنوان مصرف واسطه تلقی می‌شوند: برای نمونه، لباس‌های مخصوص محافظت کننده، از جمله‌ی این نوع کالاها و خدمات هستند. فهرستی از این اقلام در پاراگراف ۶-۲۲۲ ارائه شده است. از سوی دیگر، اجرت غیرنقدی از کالاها و خدماتی تشکیل شده است که برای انجام کار ضروری نیست و کارکنان می‌توانند آن‌ها را به دلخواه خود در اوقات متعلق به خود برای ارضای نیازها یا خواسته‌های خود یا اعضای خانوارشان استفاده کنند.

۷-۵۱ اجرت غیرنقدی می‌تواند تقریباً از همه‌ی انواع کالاهای مصرفی یا خدمات ارائه شود. برخی از رایج‌ترین انواع کالاها و خدماتی که بدون دریافت بهای آن، یا با دریافت قیمت‌های پائین، توسط کارفرمایان برای کارکنانشان فراهم می‌شوند در زیر آورده شده است:

الف. خوراکی‌ها و آشامیدنی‌هائی که به‌طور منظم در غذا خوریِ محل کار ارائه می‌شوند شامل هرگونه یارانه‌ای که در این مورد پرداخت می‌شود (به دلایل عملی، لازم نیست برای خوراکی‌ها و آشامیدنی‌هائی که به‌صورت قسمتی از پذیرائی‌های اداری یا در طول سفرهای شغلی مصرف می‌شوند برآوردهائی صورت گیرد)؛

ب. خدمات مسکن یا اقامتگاه از نوعی که تمامی اعضای خانواری که کارکن متعلق به آن است می‌توانند استفاده کنند؛

پ. تعمیر وسایل نقلیه موتوری یا سایر کالاهای بادوامی که برای استفاده شخصی کارکن فراهم شده است؛

ت. کالاها و خدمات تولید شده به عنوان ستانده از فرآیند تولید متعلق به کارفرما، نظیر سفر رایگان برای کارکنان راه آهن یا خطوط هوائی، یا ذغال برای معدن‌چیان؛

ث. حمل و نقل به محل کار و برعکس، تأمین پارکینک مجانی خودرو یا با یارانه، که در غیر این صورت کارکن می‌بایست برای آن پرداخت کند؛

ج. مراقبت از کودکان کارکنان

۷-۵۲ برخی از خدماتی که توسط کارفرمایان فراهم می‌شوند، نظیر حمل و نقل به محل کار و برعکس، پارکینگ خودرو و مراقبت از کودکان دارای ویژگی‌هائی از مصرف واسطه هستند. ولی کارفرمایان مجبور هستند برای جذب و نگهداری نیروی انسانی، و نه به دلیل ماهیت فرآیند تولید یا شرایط فیزیکی که تحت آن کارکنان مجبور به کار هستند، آن‌ها را فراهم کنند. با در نظر گرفتن همه جوانب، آن‌ها شباهت بیشتری به سایر اشکال جبران خدمات کارکنان دارند تا مصرف واسطه. بسیاری از کارکنان مجبور هستند برای حمل و نقل به محل کار یا برعکس، پارکینگ خودرو و مراقبت از کودکان از محل درآمدهای خود پرداخت کنند، مخارج مربوطه به عنوان مخارج مصرف نهائی ثبت می‌شوند.

۷-۵۳ نوعی درآمد غیرنقدیِ رایج که برای کارکنان فراهم می‌شود خورو است. خودرو ممکن است به طور رایگان برای کارکن فراهم شود ولی برای مقاصد مالیاتی یک مبلغ نقدی احتسابی نیز به مزایا اضافه شود. در کشوری که خودروهای بسیاری به عنوان مزایای مکمل حقوق برای کارکنان فراهم می‌شود، قدرت خرید کارفرما ممکن است طوری باشد که تخفیف قابل ملاحظه‌ای را روی قیمت خرید اتومبیل بگیرد. از این رو کارکن خوروئی دریافت می‌کند که دارای کیفیت بالاتری نسبت به خودروئی است که خودش شخصاً می‌توانست با پول معادل آن خریداری کند. ارزش اتومبیل برای کارکن باید با هزینه واقعی تمام شده برای کارفرما برآورد شود.

۷-۵۴ اجرت غیرنقدی همچنین می‌تواند ارزش بهره‌ی پرداخت شده توسط کارفرمایان هنگامی که برای کارکنان خود وامی با نرخ بهره پائین یا حتی صفر برای خرید خانه، اثاثیه یا کالاها یا خدمات دیگر فراهم می‌کنند را نیز در بر گیرد. ارزش آن می‌تواند به‌صورت مابه‌التفاوت مبلغی که کارکن، اگر قرار بود برای وام با نرخ بهره متوسط رهنی یا وام مصرف کننده هزینه کند، می‌بایست پرداخت می‌کرد منهای مبلغ بهره‌ای که واقعاً پرداخت کرده است برآورد شود. وقتی نرخ بهره اسمی به دلیل تورم بسیار بالا باشد مبالغ مربوطه می‌تواند بزرگ باشد ولی در غیراین صورت ممکن است به قدری کوچک و به حدی نامشخص باشد که ارزش برآورد کردن نداشته باشد.

اختیار معامله سهام

۷-۵۵ شکل دیگری از درآمد غیرنقدی، از اقدام یک کارفرما در اعطای اختیار برای خرید سهام (سهم الشرکه) به کارکنان در تاریخی در آینده حاصل می‌شود. جزئیات ارزش‌گذاری و ثبت

اختیار معامله سهام در قسمت ۶ فصل ۱۷ توضیح داده شده است.

حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان

۵۶-۷ ***حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان، حق بیمه‌های اجتماعی پرداختنی توسط کارفرمایان به صندوق‌های تأمین اجتماعی یا سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور به منظور تأمین مزایای اجتماعی برای کارکنانشان است.*** طرح‌های تأمین اجتماعی توسط دولت اداره می‌شوند؛ سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور ممکن است توسط خودِ کارفرمایان، یا توسط یک شرکت بیمه اداره شوند یا ممکن است یک طرح بازنشستگی خودگردان باشد.

۵۷-۷ از آنجا که حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان به نفع کارکنانشان پرداخت می‌شوند، ارزش آن‌ها به عنوان یکی از اجزای جبران خدمات کارکنان همراه با مزد وحقوق نقدی و غیرنقدی ثبت می‌شود. حق بیمه‌های اجتماعی سپس به عنوان انتقالات جاری پرداخت شده توسط کارکنان به طرح‌های تأمین اجتماعی یا سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور ثبت می‌شود. هرچند از نظر اجرائی برای کارفرمایان پرداخت حق بیمه‌ها از طرف کارکنان کارآمدتر است، ولی نباید این موجب شود که واقعیت اصول اقتصادی آن پنهان شود. پرداختی که توسط کارفرما به طرح تأمین اجتماعی یا سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور انجام می‌شود، در حقیقت، انتقال جاری توسط کارفرما به صندوق نیست. انتقال، بین کارکن و طرح تأمین اجتماعی یا سایر طرح‌های بیمه اجتماعی اشتغال محور از محل اجرت فراهم شده توسط کارفرما انجام می‌شود. این وضعیت معادل وضعیتی است که در آن مالیات بر درآمد پرداختنی توسط کارکنان، توسط کارفرمایان از مزد و حقوق کسر شده و به طور مستقیم به مقامات مالیاتی پرداخت می‌شود. در این حالت، آشکار است که مالیات‌ها انتقالات جاری پرداختنی توسط کارفرمایان نیستند. به‌طور مرسوم چنین گفته می‌شود که حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان در حساب‌ها از طریق حساب‌های توزیع درآمد اولیه و ثانوی درآمد تغییر مسیر یافته‌اند. ولی، حساب‌ها این پرداختنی‌ها و دریافتنی‌های گوناگون را به درستی ترسیم می‌کنند. پرداخت مستقیم حق بیمه‌ها، یا مالیات‌های بر درآمد توسط کارفرمایان به طرح‌های تأمین اجتماعی، سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور یا مقامات مالیاتی صرفاً یک راه میان‌بر است که برای سهولت و کارآمدی روش اجرائی آن اتخاذ می‌شود.

۵۸-۷ مبلغی با ارزش برابر با حق بیمه اجتماعی کارفرمایان ابتدا در حساب ایجاد درآمد به عنوان یکی از اجزای جبران خدمات کارکنان ثبت می‌شود و سپس هم در حساب توزیع ثانوی درآمد به عنوان انتقالات خانوار به صندوق تأمین اجتماعی یا سایر طرح‌های بیمه اجتماعی مربوط به اشتغال بسته به مورد ثبت می‌شود و هم در حساب مصرف درآمد به عنوان پرداختی توسط خانوار برای خدمات مالیِ مربوط به اجرای طرح‌ها ثبت می‌شود. تراکنش‌ها به‌طور هم‌زمان در هر سه حساب و در زمانی ثبت می‌شوند که کاری که منجر به نیاز به پرداخت حق بیمه است انجام شود. حق بیمه‌های پرداخت شده به طرح‌های تأمین اجتماعی ممکن است به ازای هر شاغل مبلغ ثابتی باشد یا با میزان مزد و حقوق‌های پرداخت شده تغییر کند. مبالغ پرداخت شده در سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور بستگی به تنظیمات توافق شده بین کارفرمایان و کارکنان دارد.

۵۹-۷ طرح‌های بیمه‌های اجتماعی از نظر مزایای بازنشستگی دو نوع هستند، که تحت عنوان طرح‌های حق بیمه تعیین شده (قطعی) یا طرح‌های مزایای تعیین شده گفته می‌شوند. طرح حق بیمه تعیین شده طرحی است که در آن مزایا بر حسب حق بیمه‌های واقعی تعیین می‌شوند. در طرح مزایای تعیین شده، مزایای نهائی به وسیله فرمول گنجانیده شده در شرایط طرح بیمه اجتماعی محاسبه می‌شود. به طور مشابه، افزایش حق برخورداری کارکن از مزایای مربوط به دوره‌ی اشتغال در دوره‌ی حسابداری جاری را نیز می‌توان از طریق فرمول تعیین کرد.

۶۰-۷ حق بیمه‌های پرداخت شده توسط کارفرمایان به طرح‌های بیمه اجتماعی به دو دسته حق بیمه‌های واقعی و حق بیمه‌های احتسابی تقسیم می‌شوند.

۷-۶۱ برای هردوی حق بیمه‌های واقعی و احتسابی، اجزای مربوط به مزایای بازنشستگی و سایر مزایا به طور جداگانه نشان داده می‌شوند.

حق بیمه‌های واقعی کارفرمایان به طرح‌های بیمه اجتماعی

۷-۶۲ حق بیمه‌های واقعی کارفرمایان به طرح‌های بیمه اجتماعی متشکل از حق بیمه‌های واقعی به طرح‌های تأمین اجتماعی و سایر طرح‌های اشتغال محور هردو است. حق بیمه‌های مربوط به مزایای بازنشستگی و سایر مزایا به طور جداگانه نشان داده می‌شوند.

حق بیمه‌های احتسابی کارفرمایان به طرح‌های بیمه اجتماعی

حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان

۷-۶۳ حق‌بیمه‌های احتسابی در این مورد وجود ندارد.

۷-۶۴ برای یک طرح بازنشستگی با حق بیمه تعیین شده، حق بیمه‌های احتسابی وجود ندارد مگر این که کارفرما خودش طرحی را اجرا کند. در آن حالت، ارزش هزینه‌های اداره کردن طرح به عنوان حق بیمه‌های احتسابی پرداختنی به کارکن به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان تلقی می‌شود. این مبلغ همچنین به عنوان مخارج مصرف نهائی خانوار برای خدمات مالی نیز ثبت می‌شود.

۷-۶۵ برای طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده، حق بیمه احتسابی وجود دارد که توسط کارفرما به صورت باقی مانده محاسبه می‌شود. این مبلغ باید طوری باشد که حاصل جمع حق بیمه واقعی کارفرما بعلاوه حاصل جمع هر نوع حق بیمه توسط کارکن بعلاوه حق بیمه احتسابی توسط کارفرما با افزایش مزایای دوره جاری اشتغال بعلاوه هزینه‌های اجرای طرح برابر باشد.

۷-۶۶ برخی طرح‌های بازنشستگیِ مزایای تعیین شده ممکن است به قدری خوب اجرا شوند که وجوه موجودِ طرح بیشتر از بدهی‌های آن به کارکنان حال و گذشته باشد. در این حالت این امکان وجود دارد که کارفرما "توقف حق بیمه (عدم پرداخت حق بیمه توسط کارفرما به صندوق بازنشستگی از طرف کارکنان)" را اتخاذ کند و حق بیمه واقعی برای یک یا چند دوره پرداخت نکند. با این حال، باید حق بیمه احتسابی برای کارفرما محاسبه و آن طور که در اینجا شرح داده شد ثبت شود.

۷-۶۷ برخی طرح‌ها ممکن است بیمه‌های اجتماعی غیر مشارکتی نامیده شوند زیرا هیچ حق بیمه واقعی توسط کارفرما پرداخت نمی‌شود. با این حال، حق بیمه احتسابی برای کارفرما آن طور که شرح داده شد محاسبه و منظور می‌شود.

حق بیمه‌های غیر بازنشستگی احتسابی کارفرمایان

۷-۶۸ بعضی از کارفرمایان خودشان مستقیماً مزایای غیر بازنشستگی برای کارکنانشان، کارکنان قبلی یا وابستگان آن‌ها فراهم می‌کنند، بدون این که یک بنگاه بیمه یا صندوق بازنشستگی مستقلی مداخله کند، و بدون اینکه صندوق ویژه یا ذخائر جداگانه‌ای برای این منظور ایجاد کنند. در این حالت، ممکن است کارکنان فعلی مد نظر قرار گیرند که در مقابل نیازها یا شرایط ویژه متنوعی حمایت شوند، حتی اگر ذخائری برای تأمین مزایای آینده ایجاد نشده باشد. بنابراین باید برای این نوع کارکنان جبران خدماتی احتساب شود که از نظر ارزش برابر باشد با مبلغ حق بیمه‌های اجتماعی مورد نیاز برای تأمین حق مجازی نسبت به مزایای اجتماعی که انباشت می‌کنند. در این مبالغ هرگونه حق بیمه‌ی واقعی که توسط کارفرما یا کارکن ایجاد می‌شود به حساب آورده می‌شود و نه تنها به میزان مزایای جاری پرداختنی بلکه به شیوه‌هائی نیز بستگی دارد که در آن بدهی‌های کارفرمایان در آن طرح‌ها می‌توانند در آینده در اثر عواملی نظیر تغییرات مورد انتظار در تعداد، توزیع سنی و امید به زندگی کارکنان فعلی و کارکنان گذشته آن‌ها تغییر کنند. از این رو، مبالغی که باید برای حق بیمه‌ها احتساب شود در اصل باید بر اساس همان بررسی‌های بیمه سنجی (اکچوئری) که میزان حق بیمه‌های دریافتی بنگاه‌های بیمه را تعیین می‌کنند احتساب شود.

۶۹-۷ ولی در عمل، ممکن است تصمیم‌گیری در باره میزان حق بیمه‌های احتسابی مشکل باشد. بنگاه ممکن است برای محاسبه بدهی‌های احتمالی آینده خود برآوردهائی، احتمالاً بر اساس حق بیمه‌های پرداخت شده در طرح‌های مشابه دارای پشتوانه مالی، انجام داده باشد، و این برآوردها در صورت وجود مورد استفاده قرار گیرد. در غیر این صورت، تنها راه عملی، استفاده از مزایای غیربازنشستگی بدون پشتوانه مالی پرداختنی توسط بنگاه در طول همان دوره حسابداری خواهد بود که می‌تواند به عنوان برآوردی از دستمزد احتسابی برای پوشش حق بیمه‌های احتسابی استفاده شود. در عین حال که مسلماً دلایل بسیاری، نظیر ساختار سنی در حال تغییر و ترکیب نیروی کار بنگاه، وجود دارد که ارزش حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی می‌تواند از مزایای غیربازنشستگی بدون پشتوانه مالی واقعاً پرداخت شده در همان دوره اختلاف داشته باشد، با این حال، مزایائی که در دوره جاری واقعاً پرداخت می‌شود می‌تواند بهترین برآوردهای موجود از حق بیمه‌های اجتماعی و اجرت احتسابی مربوط به آن را فراهم کند.

۷۰-۷ این واقعیت که در طرح‌های غیرمشارکتی ارزش حق بیمه‌ها ممکن است در نبودِ سایر اطلاعات با ارزش مزایا برابر گرفته شوند، به این معنی نیست که خودِ مزایا به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان تلقی می‌شوند.

پ. مالیات بر تولید و واردات

۱. ثبت مالیات بر تولید و واردات

۷۱-۷ ***مالیات‌ها، پرداخت‌های اجباری و بلاعوض نقدی یا غیر نقدی توسط واحدهای نهادی به واحدهای دولتی هستند.*** مالیات‌ها، بلاعوض گفته می‌شوند زیرا دولت در ازای پرداخت آن‌ها توسط یک واحد چیزی برای او فراهم نمی‌کند، هرچند که دولت‌ها ممکن است منابع مالی به‌دست آمده از مالیات‌ها را برای فراهم کردن کالاها یا خدماتی برای واحدهای دیگر به صورت فردی یا جمعی، یا برای کل جامعه استفاده کنند.

۷۲-۷ طبقه‌بندی کامل مالیات بر تولید و واردات به صورت زیر است:

مالیات بر محصول،
مالیات از نوع مالیاتِ ارزش افزوده (VAT)،
مالیات و حقوق گمرکی بر واردات غیر از VAT،
حقوق گمرکی،
مالیات بر واردات غیر از VAT و حقوق گمرکی،
مالیات بر صادرات،
مالیات بر محصول، غیر از VAT، مالیات بر واردات و مالیات بر صادرات
سایر مالیات بر تولید

۷۳-۷ در بالاترین سطح طبقه‌بندی، مالیات بر تولید و واردات متشکل از مالیات بر محصول و سایر مالیات بر تولید است. مالیات بر محصول از مالیات بر کالاها و خدماتی تشکیل یافته است که در نتیجه‌ی تولید، فروش، انتقالات، اجاره دادن یا حمل آن کالاها یا خدمات یا در نتیجه‌ی استفاده برای خود مصرفی یا تشکیل سرمایه به حساب خود پرداختنی می‌شود. در SNA روشی که مالیات بر محصول ثبت می‌شود، بستگی به ارزش‌گذاری به‌کار رفته برای ثبت ستانده دارد که در سطرهای زیرین شرح داده شده است. سایر مالیات بر تولید عمدتاً از مالیات بر مالکیت یا استفاده از زمین، بنا یا دیگر دارائی‌های بکار رفته در تولید یا نیروی کار شاغل، یا جبران خدمات کارکنان پرداخت شده تشکیل یافته است. هر گونه ارزش‌گذاری که برای ستانده بکار رفته باشد، سایر مالیات بر تولید همیشه به عنوان یک هزینه از اجزای ارزش‌افزوده در حساب ایجاد درآمد ثبت می‌شود.

۷-۷۴ توضیحات کامل درباره محتوای هریک از رده‌های مالیات بر تولید و واردات در سطرهای زیرین بعد از قواعد ثبت مالیات‌ها ارائه شده است. این توضیحات ارتباط با نشریات اصلیِ داده‌های مربوط به عملکرد مالیاتی، *GFSM2001* و *آمارهای درآمد عملیاتی* (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، نشریه سالانه)، را فراهم می‌کند.

۷-۷۵ در حسابداری کسب و کار (تجاری)، مالیات بر تولید، غیراز مالیاتِ ارزش افزوده (VAT) درج شده در صورت‌حساب، معمولاً در محاسبه‌ی سود برای مالیات یا مقاصد دیگر، به عنوان هزینه‌های تولید در برابر فروش یا سایر دریافتی‌ها در نظر گرفته می‌شود. این گونه مالیات‌ها با مفهوم سنتی "مالیات‌های غیرمستقیم" مطابقت دارد، مالیات‌های غیرمستقیم مالیات‌هائی هستند که ظاهراً قسمتی از آن‌ها یا تمامی آن‌ها ممکن است با بالا بردن قیمت کالاها یا خدمات فروخته شده به واحدهای نهادی دیگر منتقل شود. اما، تعیین میزان واقعی انواع مختلف مالیات‌ها، اگر غیرممکن نباشد، بی‌نهایت مشکل است و استفاده از واژه‌های مالیات‌های "مستقیم" و "غیر مستقیم" در اقتصاد منسوخ شده و در SNA از آن‌ها استفاده نمی‌شود.

ثبت مالیات بر تولید و واردات در حساب‌ها

۷-۷۶ مالیات بر تولید و واردات در سمت مصارفِ حساب ایجاد درآمد و سمت منابعِ حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شود.

۷-۷۷ در حساب ایجاد درآمد، مالیات بر واردات فقط در سطح کل اقتصاد ثبت می‌شود زیرا این مالیات‌ها از محل ارزش افزوده‌ی تولیدکنندگان داخلی پرداختنی نیستند. علاوه بر این، در سطح یک واحد نهادی، لازم است تنها آن دسته از مالیات بر محصول‌هائی که از ارزش ستانده‌ی آن واحد یا بخش کسر نشده‌اند در سمت مصارف حساب ایجاد درآمدِ آن واحد ثبت - شوند. این مالیات‌ها بسته به روش ارزش‌گذاریِ ستانده متفاوت هستند. هنگامی که ستانده به قیمت‌های پایه ثبت می‌شود، همه‌ی مالیات (یارانه‌ها) بر محصول‌های پرداختنی (دریافتنی) بر کالاها یا خدمات تولید شده به عنوان ستانده از ارزش آن ستانده به قیمت‌های تولید کننده کسر (اضافه) می‌شوند. بنابراین لازم نیست در سمت مصارف حساب ایجاد درآمدِ واحد یا بخش مورد نظر ثبت شوند، فقط باید در سطح کل اقتصاد به همان شیوه‌ی مالیات بر واردات ثبت شوند. هنگامی که ستانده به قیمت‌های تولیدکننده ثبت می‌شوند، تمامی مالیات بر محصول پرداختنی یا یارانه بر محصول دریافتنی روی ستانده باید در سمت مصارفِ حساب ایجاد درآمدِ واحد یا بخش مربوط ثبت شوند، به استثنای VAT درج شده در صورت حساب یا مالیات‌های مشابه کسر شدنی زیرا VAT درج شده در صورت‌حساب هرگز در ارزش ستانده وارد نمی‌شود. VAT و مالیات‌های کسر نشدنی و مالیات‌های مشابه، مانند مالیات بر واردات فقط در سمت مصارف در سطح کل اقتصاد ثبت می‌شوند.

۷-۷۸ سایر مالیات‌ها یا یارانه‌ها بر تولید، یعنی مالیات‌های پرداختنی بر زمین، دارائی، نیروی کار و غیره که در تولید بکار می‌روند مالیات پرداختنی به یک واحد از ستانده نیستند و نمی‌توانند از قیمت تولید کننده کسر شوند. این‌ها به عنوان پرداختنی از محل ارزش‌افزوده‌ی همه‌ی تولیدکنندگان یا بخش‌های مربوط ثبت می‌شوند.

۷-۷۹ در حساب تخصیص درآمد اولیه، مالیات بر تولید و واردات، غیر از آن‌هائی که به دولت‌های خارجی پرداختنی هستند، فقط برای بخش دولت و کل اقتصاد در سمت منابع نشان داده می‌شود.

مالیات‌ها در برابر حق‌الزحمه‌ها

۷-۸۰ یکی از کارکردهای نظارتی دولت منع مالکیت یا مصرف بعضی کالاها یا پیگرد بعضی فعالیت‌ها است، مگر از طریق صدور پروانه یا گواهی دیگری که مجوز خاصی اعطا شده و برای آن حق‌الزحمه‌ای درخواست شده باشد. اگر صدور چنین پروانه‌ای نیاز به انجام کار جزئی توسط دولت باشد یا اصلاً نیاز به انجام کاری نباشد، پروانه به طور خودکار بعد از پرداخت مبلغ تعلق گرفته اعطا شود، این مبالغ به احتمال زیاد فقط وسیله‌ای برای افزایش درآمد عملیاتی است، هرچند که دولت نوعی گواهی‌نامه، یا اجازه کتبی در مقابل دریافت مبلغ آن صادر می‌کند. اما، اگر دولت از پروانه برای انجام برخی

کارکردهای نظارتی نظیرکنترل صلاحیت، یا قابلیت شخص مورد نظر، بازرسی کارکرد سالم و کارای تجهیزات مورد بحث، یا انجام برخی کنترل‌های دیگری که در غیر این صورت مجبور به انجام آن نبود استفاده کند، پرداخت‌هائی که انجام شده است باید بجای پرداخت مالیات به عنوان خرید خدمات از دولت تلقی شود، مگر این که پرداخت‌ها به روشنی هیچ گونه تناسبی با هزینه‌های ارائه خدمات نداشته باشد. در عمل، حد و مرز بین مالیات‌ها و پرداخت حق‌الزحمه برای خدمات ارائه شده همیشه مشخص نیست (برای توضیحات بیشتر درباره‌ی این موضوع در مورد خانوارها به پاراگراف ۸-۶۴ (پ) مراجعه کنید). موارد کلی مجوزهای صادر شده‌ی دولت در قسمت ۵ فصل ۱۷ مورد بحث قرار گرفته است.

جدول ۷-۶: حساب ایجاد درآمد – مالیات و یارانه بر تولید – مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
جبران خدمات کارکنان	۹۸۶	۴۴	۹۸	۱۱	۱۱	۱ ۱۵۰			۱ ۱۵۰
مالیات بر تولید و واردات						۲۳۵			۲۳۵
مالیات بر محصول						۱۴۱			۱۴۱
مالیات از نوع مالیات ارزش افزوده (VAT)						۱۲۱			۱۲۱
مالیات و حقوق گمرکی بر واردات غیر از VAT						۱۷			۱۷
حقوق گمرکی						۱۷			۱۷
مالیات بر واردات غیر از VAT و حقوق گمرکی						۰			۰
مالیات بر صادرات						۱			۱
مالیات بر محصول غیر از VAT، مالیات بر واردات و صادرات						۲			۲
سایر مالیات بر تولید	۸۸	۴	۱	۰	۱	۹۴			۹۴
یارانه‌ها						-۴۴			-۴۴
یارانه‌های محصول						-۸			-۸
یارانه‌های واردات						۰			۰
یارانه‌های صادرات						۰			۰
سایر یارانه‌های محصول						-۸			-۸
سایر یارانه‌های تولید	-۳۵	۰	۰	-۱	۰	-۳۶			-۳۶
مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
مصرف سرمایه ثابت مربوط به مازاد عملیاتی ناخالص	۱۵۷	۱۲	۲۷	۱۵	۳	۲۱۴			
مصرف سرمایه ثابت مربوط به درآمد مختلط ناخالص				۸		۸			
مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
درآمد مختلط، خالص				۵۳		۵۳			۵۳

ارتباط با طبقه‌بندی مالیاتی IMF و OECD

۷-۸۱ پوشش مالیات‌ها در SNA، غیر از مالیات‌های ضمنی که در اثر اعمال نرخ بهره بالاتر از نرخ بهره‌ی بازار توسط بانک مرکزی حاصل می‌شود، با "درآمد مالیاتی" تعریف شده در *GFSM2001* سازگار است. برخلاف مالیات‌های تعریف شده در *آمارهای درآمد عملیاتی*، SNA مالیات‌ها یا یارانه‌های احتسابی حاصل از عملکرد نرخ‌های رسمی چندگانه ارز، مالیات‌ها و یارانه‌های احتسابی ناشی از اعمال نرخ‌های بهره بالاتر یا پائین‌تر از نرخ بازار توسط بانک مرکزی را در بر می‌گیرد ولی حق بیمه‌های تأمین اجتماعی را زیر عنوان مالیات‌ها طبقه‌بندی نمی‌کند. فصل ۵ در *GFMS2001* حاوی فهرست و طبقه‌بندی تفصیلی مالیات‌ها برحسب ماهیت آن‌ها است. پیوست الف در *آمارهای درآمد عملیاتی* یک طبقه‌بندی کاملاً مرتبط را در بر می‌گیرد.

۷-۸۲ رده بندی مالیات‌ها در SNA بستگی به اثر متقابل سه عامل زیر دارد که ماهیت مالیات فقط یکی از آن عوامل است:

الف. ماهیت مالیات، آن طور که در طبقه‌بندی GFSM2001/OECD مشخص شده است؛

ب. نوع واحد نهادی پرداخت کننده‌ی مالیات؛

پ. شرایطی که مالیات در آن پرداختنی است.

۷-۸۳ از اینرو، پرداخت‌های مالیاتی که دقیقاً یکسان هستند، ممکن است در SNA زیر دو عنوان متفاوت ثبت شوند. برای مثال، پرداخت عوارض کالاها بسته به این که برای کالاهای وارد شده پرداخت شود یا برای کالاهای تولید شده در داخل، ممکن است تحت عنوان "مالیات بر واردات، غیر از مالیاتِ ارزش افزوده (VAT) و عوارض گمرکی" یا تحت عنوان "مالیات بر محصول، غیر از VAT، مالیات بر واردات و صادرات" قرار گیرد. به طور مشابه، پرداخت مالیات سالانه‌ی خودرو بسته به این که توسط بنگاه انجام شود یا توسط خانوار، ممکن است تحت عنوان "سایر مالیات‌ها بر تولید" یا تحت عنوان "مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره" ثبت شود. به این دلیل، فقط با گروبندی مجدد طبقه بندی OECD/*GFSM2001* رسیدن به رده‌های مالیات در SNA امکان پذیر نیست. با اینحال، برای بهره‌مند شدن از مزایای وجود این طبقه‌بندی‌های تفصیلی، هر رده‌ی مالیات فهرست شده در زیر به طبقه‌بندی‌های متناظر *GFSM2001* و OECD مراجعه متقابل شده است. باید متذکر شد که هرچند که رده‌های SNA رده‌های *GFSM2001* و OECD را در بر می‌گیرد ولی ممکن است با آن‌ها یکسان نباشد.

ثبت پایه تعهدی

۷-۸۴ تمامی مالیات‌ها در SNA باید بر پایه تعهدی ثبت شوند، یعنی زمانی که فعالیت‌ها، تراکنش‌ها یا دیگر رویدادهائی که بدهی‌هائی برای پرداخت مالیات ایجاد می‌کنند، رخ دهند. اما برخی از فعالیت‌های اقتصادی، تراکنش‌ها یا رویدادها، که طبق قوانین مالیاتی واحدهای مربوط به آن‌ها ملزم به پرداخت مالیات هستند، به طور دائم از دیدِ مقامات مالیاتی دور می‌مانند. فرض این که این فعالیت‌ها، تراکنش‌ها یا رویدادها منجر به دارائی‌های مالی یا بدهی‌هائی به صورت پرداختنی و دریافتنی می‌شوند، غیر واقعی خواهد بود. به همین دلیل در SNA میزان مالیات‌هائی که باید ثبت شوند از طریق مبالغی تعیین می‌شود که فقط هنگامی مدیون به پرداخت می‌شوند که از طریق تشخیص مالیاتی، اظهارنامه‌ها یا سایر ابزارهائی نظیر صورت حساب‌های فروش یا اظهارنامه‌های گمرکی ثابت شوند، که در این صورت بدهی‌هائی را به شکل تعهدات مشخصی برای پرداخت از طرف پرداخت کنندگان مالیات ایجاد می‌کنند. (در تعیین میزان مالیات تعلق گرفته، باید احتیاط به عمل آید که مالیاتی که هرگز احتمال وصول آن نمی‌رود منظور نشود). با این وجود، با توجه به اصل تعهدی، زمانی که مالیات‌ها باید ثبت شوند زمانی است که بدهی‌های مالیاتی ایجاد می‌شوند. برای مثال، مالیات بر فروش، انتقالات یا مصرف ستانده باید زمانی ثبت شوند که فروش، انتقالات یا مصرف ستانده انجام می‌شود، که لزوماً با هنگامی که مقامات مالیاتی مطلع می‌شوند، هنگامی که یک تقاضای مالیاتی صادر می‌شود، هنگامی که مالیات مدیون به پرداخت می‌شود یا هنگامی که پرداخت واقعاً صورت می‌گیرد هم‌زمان نیست. اما، در مورد زمان ثبت مالیات بر درآمدی که در منشاء کسر

می‌شود قدری انعطاف پذیری مجاز است.

۷-۸۵ در بعضی کشورها، و برای برخی مالیات‌ها، ممکن است میزان مالیات‌هائی که سرانجام پرداخت می‌شوند به طور اساسی و نظام‌مند از میزان مالیات‌هائی که مدیون به پرداخت می‌شوند به حدی تفاوت داشته باشد که نتوان همه‌ی مالیات‌هائی را که باید پرداخت شوند عمدتاً به عنوان ایجاد بدهی‌های مالی که از SNA استنباط می‌شود، تفسیر کرد. در این گونه موارد، از نظر تحلیلی و برای مقاصد سیاست‌گذاری ترجیح این است که از بدهی‌های مالیاتی پرداخت نشده چشم پوشی کرده اندازه‌گیری مالیات‌ها در SNA را به مالیات‌هائی که واقعاً پرداخت شده‌اند محدود کرد. با این وجود، مالیات‌هائی که واقعاً پرداخت می‌شوند نیز باید بر پایه تعهدی در زمانی ثبت شوند که رویدادهائی رخ می‌دهند که منجر به بدهی می‌شوند.

بهره، جریمه یا سایرمجازات‌ها

۷-۸۶ در اصل، بهره‌ی تعلق گرفته به مالیات‌های عقب افتاده یا جریمه‌ها یا مجازات‌هائی که برای گریز مالیاتی وضع می‌شوند، باید جداگانه ثبت شوند و نباید به عنوان مالیات منظور شوند. ولی ممکن است امکان جدا کردن پرداخت‌های بهره، جریمه و سایر مجازات‌ها از مالیات‌هائی که مشمول این موارد شده‌اند ممکن نباشد، بنابراین در عمل این نوع پرداخت‌ها معمولاً با مالیات‌ها در یک گروه قرار می‌گیرند.

جدول ۷-۷: حساب تخصیص درآمد اولیه – مالیات و یارانه بر تولید – منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
درآمد مختلط، خالص				۵۳		۵۳			۵۳
جبران خدمات کارکنان				۱ ۱۵۴		۱ ۱۵۴	۲		۱ ۱۵۶
مالیات بر تولید و واردات			۲۳۵			۲۳۵			۲۳۵
مالیات بر محصول			۱۴۱			۱۴۱			۱۴۱
مالیات از نوع مالیات ارزش افزوده (VAT)			۱۲۱			۱۲۱			۱۲۱
مالیات و حقوق گمرکی بر واردات غیر از VAT			۱۷			۱۷			۱۷
حقوق گمرکی			۱۷			۱۷			۱۷
مالیات بر واردات غیر از VAT و حقوق گمرکی			۰			۰			۰
مالیات بر صادرات			۱			۱			۱
مالیات بر محصول غیر از VAT، مالیات بر واردات و صادرات			۲			۲			۲
سایر مالیات بر تولید			۹۴			۹۴			۹۴
یارانه‌ها			-۴۴			-۴۴			-۴۴
یارانه‌های محصول			-۸			-۸			-۸
یارانه‌های واردات			۰			۰			۰
یارانه‌های صادرات			۰			۰			۰
سایر یارانه‌های محصول			-۸			-۸			-۸
سایر یارانه‌های تولید			-۳۶			-۳۶			-۳۶
درآمد دارائی	۹۶	۱۴۹	۲۲	۱۲۳	۷	۳۹۷	۳۸		۴۳۵

مالیات‌ها و یارانه‌ها در حساب‌های توزیع اولیه درآمد

۷-۸۷ جدول ۷-۶ جزئیات مالیات‌ها و یارانه‌ها را به عنوان مصارف در حساب ایجاد درآمد نشان می‌دهد؛ جدول ۷-۷ آن‌ها را به عنوان منابع در حساب تخصیص درآمد اولیه نشان می‌دهد. براساس شیوه‌ای که مالیات بر محصول و یارانه بر محصول در SNA ثبت می‌شود، جزئیات مالیات‌های پرداختنی برحسب بخش‌های نهادی در جدول ۷-۶ نشان داده نمی‌شوند بلکه جمع آن‌ها ثبت می‌شود. این شیوه‌ی ثبت با نحوه‌ی نشان دادن آن‌ها در جدول ۶-۱ سازگار است. مالیات و یارانه بر محصول پرداختنی توسط دنیای خارج که در قسمت منابع حساب تخصیص درآمد اولیه نشان داده می‌شوند، در اینجا نشان داده نمی‌شود.

۲. مالیات بر محصول

۷-۸۸ ***مالیات بر محصول مالیاتی است که بر یک واحد از برخی کالاها یا خدمات پرداختنی است.*** این مالیات ممکن است مبلغ مشخصی پول بازای یک واحد کالا یا خدمت باشد (که واحدهای مقدار چه به صورت واحدهای ناپیوسته و چه به صورت متغیرهای فیزیکی پیوسته نظیر حجم، وزن، استحکام، فاصله، زمان و غیره اندازه‌گیری می‌شوند)، یا ممکن است بر اساس ارزش به صورت درصد مشخصی از قیمت یک واحد یا ارزش کالاها و خدمات تراکنش شده محاسبه شود. مالیات بر محصول معمولاً هنگامی پرداختنی می‌شود که محصول تولید شود، فروخته شود یا از خارج وارد شود، اما همچنین ممکن است در شرایط دیگری نیز پرداختنی شود نظیر هنگامی که کالا صادر می‌شود، اجاره داده می‌شود، به صورت انتقالات ارائه می‌شود، حمل می‌شود، یا برای خود مصرفی یا تشکیل سرمایه به حساب خود به‌کار می‌رود. بنگاه ممکن است میزان مالیات بر محصول را در صورت‌حسابی که برای مشتری ارائه می‌دهد به‌صورت جدا مشخص کند یا ممکن است مشخص نکند.

مالیات‌های نوع ارزش افزوده

۷-۸۹ ***مالیاتِ نوع ارزش افزوده (VAT) مالیات بر کالاها یا خدمات است که توسط بنگاه‌ها در مراحل مختلف جمع‌آوری می‌شود اما در نهایت به طور کامل از خریدار نهائی دریافت می‌شود.*** این مالیات‌ها پیش از این در پاراگراف‌های ۶-۵۵ تا ۶-۶۲ شرح داده شده است. این مالیات‌ها به عنوان مالیات‌های "کسر شدنی" شناخته شده‌اند زیرا معمولاً نیازی نیست که تولیدکنندگان مبلغ کامل مالیاتی را که برای مشتریان خود صورتحساب کرده‌اند به دولت پرداخت کنند، آن‌ها مجاز هستند مبلغ مالیات مشخص شده در صورت حساب خود برای خرید کالاها یا خدماتی که به عنوان مصرف واسطه یا تشکیل سرمایه ثابت خریداری کرده‌اند را کسر کنند. VAT معمولاً بر روی قیمت کالا یا خدمت، که هر گونه مالیات بر محصول دیگری را در بر دارد، محاسبه می‌شود. VAT همچنین بر واردات کالاها یا خدمات علاوه بر هر گونه عوارض گمرکی یا سایر مالیات‌های بر واردات نیز وضع می‌شود (*GFSM2001 11411; OECD, 5111*).

مالیات و عوارض گمرکی بر واردات، بجز VAT

۷-۹۰ ***مالیات و عوارض گمرکی بر واردات از مالیات بر کالاها و خدمات تشکیل شده است که در لحظه‌ای پرداختنی می‌شود که آن کالاها از مرزهای ملی یا گمرکی سرزمین اقتصادی عبور کنند یا هنگامی که آن خدمات توسط تولیدکنندگان غیرمقیم به واحدهای نهادی مقیم ارائه شوند.***

۷-۹۱ کالاهای وارد شده از خارج که هنگام ورود به سرزمین اقتصادی همه‌ی مالیات‌های بر وارداتِ مورد نیاز برای آن‌ها پرداخت شده است، ممکن است پس از آن هنگامی که در داخل اقتصاد به چرخش در می‌آیند مشمول مالیات، یا مالیات‌های، دیگری شوند. به عنوان مثال، عوارض کالاهای داخلی یا مالیات‌های فروش می‌تواند بر کالاهائی که از زنجیره‌ی توزیع عمده فروشی یا خرده فروشی رد می‌شوند تعلق بگیرد، این مالیات‌ها بر همه‌ی کالاها، اعم از این که در داخل توسط بنگاه‌های مقیم تولید شده باشند یا از خارج وارد شده باشند، به‌طور یکسان وضع می‌شوند. مالیات‌هائی که متعاقباً بر کالاهائی که قبلاً وارد شده‌اند پرداختنی می‌شوند به عنوان مالیات بر واردات ثبت نمی‌شوند بلکه به عنوان مالیات بر محصول، بجز VAT و مالیات بر واردات و صادرات، ثبت می‌شوند.

۹۲-۷ به طور استثناء، برخی از مالیات‌ها و عوارض واردات ممکن است بر کالاهائی پرداختنی شوند که به طور فیزیکی وارد کشور می‌شوند ولی از آنجا که تغییر مالکیتی رخ نمی‌دهد، به عنوان واردات تلقی نمی‌شوند. با این وجود هرگونه مالیات و عوارضی از این نوع بازهم زیر سرفصل مالیات و عوارض بر واردات منظور می‌شود.

عوارض واردات

۹۳-۷ ***عوارض واردات عبارت از عوارض گمرکی، یا سایر هزینه‌های وضع شده بر واردات است که بر نوع خاصی از کالاها هنگام وارد شدن به سرزمین اقتصادی پرداختنی می‌شوند.*** عوارض واردات بر اساس جدول تعرفه گمرکی تعیین می‌شوند. هدف از این عوارض می‌تواند ابزاری برای افزایش درآمد عملیاتی یا جلوگیری از واردات کالاها به منظور حمایت از تولیدکنندگان آمقیم آن کالاها باشد. *(GFSM 2001, 1151; OECD, 5123).*

مالیات بر واردات بجز VAT و عوارض گمرکی

۹۴-۷ ***مالیات بر واردات، بجز، VAT و عوارض گمرکی متشکل از همه‌ی مالیات‌های (بجز VAT و عوارض واردات) تعیین شده در طبقه‌بندی GFSM/OESD هستند که هنگام ورود کالاها به سرزمین اقتصادی یا ارائه خدمات توسط غیرمقیم‌ها به مقیم‌ها، پرداختنی می‌شوند.*** این مالیات‌ها به شرح زیر هستند:

الف. *مالیات بر فروش‌های کلی (عمومی):* این مالیات‌ها عبارت از مالیات بر فروش‌های کلی (بجز VAT) هستند که بر واردات کالاها و خدمات هنگامی که کالاها به سرزمین اقتصادی وارد می‌شوند یا خدمات به غیرمقیم‌ها ارائه می‌شوند، تعلق می‌گیرند *(GFSM2001, 11412; OECD, 5110-5113)*

ب. *عوارض کالاهای داخلی:* عوارض کالاهای داخلی مالیات‌هائی هستند که بر انواع خاصی از کالاها، به طور معمول نوشیدنی‌های الکلی، توتون و سوخت‌ها وضع می‌شوند. این مالیات‌ها ممکن است افزون بر عوارض گمرکی باشند که هنگام ورود کالاها به سرزمین اقتصادی به آن‌ها تعلق می‌گیرند *(GFSM2001, 1142; OECD, 5121)*؛

پ. *مالیات بر خدمات ویژه:* این‌ها ممکن است هنگامی که بنگاه‌های غیرمقیم خدماتی را به واحدهای مقیم در داخل سرزمین اقتصادی ارائه می‌دهند پرداختنی شوند *(GFSM2001, 1156 ; OECD, 5126)*.

ت. *سود انحصار واردات:* این‌ها سود هیأت‌های بازاریابی واردات، یا سایر بنگاه‌های دولتی دارای انحصار واردات برخی از کالاها یا خدمات است که به دولت منتقل می‌شود. توجیه این که چرا با این سودها به عنوان مالیات ضمنی بر محصول برخورد می‌شود همان توضیحی است که در پاراگراف‌های (ث) ۷-۹۶ برای انحصارات مالی نشان داده شده است *(GFSM2001, 1153 ; OECD, 5127)*.

ث. *مالیات حاصل از نرخ‌های چندگانه‌ی ارز:* این‌ها از مالیات‌های ضمنی حاصل از عملیات نرخ‌های چندگانه ارز توسط بانک مرکزی یا نهادهای رسمی دیگر تشکیل شده‌اند. *(GFSM2001, 1154)*.

مالیات بر صادرات

۹۵-۷ ***مالیات بر صادرات از مالیات بر کالاها یا خدماتی تشکیل شده است که هنگامی که کالاها سرزمین اقتصادی را ترک می‌کنند یا هنگامی که خدمات به غیرمقیم‌ها ارائه می‌شوند توسط دولت پرداختنی می‌شود.*** آن‌ها عبارتند از:

الف. *عوارض صادرات:* مالیات‌های کلی یا ویژه یا عوارض بر واردات *(GFSM2001, 1152 ; OECD, 5124)*

ب. *سود انحصار صادرات:* این‌ها سود هیأت‌های بازاریابی صادرات، یا سایر بنگاه‌های دولتی دارای انحصار صادرات برخی از کالاها یا خدمات است که به دولت منتقل می‌شود. توجیه این که چرا با این سودها به عنوان مالیات ضمنی بر محصول برخورد می‌شود

همان چیزی است که در پاراگراف‌های (ث) ۷-۹۶ برای انحصارات مالی نشان داده شده است *(GFSM2001, 1153 ; OECD, 5124)*.

پ. *مالیات ناشی از نرخ‌های چندگانه ارز:* این‌ها از مالیات‌های ضمنی حاصل از عملیات نظام رسمی نرخ‌های چندگانه ارز تشکیل شده‌اند. *(GFSM2001, 1154)*.

مالیات بر محصول، بجز VAT، مالیات بر واردات و مالیات بر صادرات

۷-۹۶ ***مالیات بر محصول، بجز VAT، مالیات بر واردات و صادرات، متشکل از مالیات بر کالاها و خدماتی است که به عنوان نتیجه‌ی تولید، فروش، انتقال، اجاره دادن یا حمل و تحویل آن کالاها یا خدمات یا در نتیجه‌ی استفاده از آن‌ها برای خود مصرفی نهائی یا تشکیل سرمایه به حساب خود پرداختنی می‌شود.*** مالیات‌هائی از این نوع که به‌طور عادی رخ می‌دهند به شرح زیر هستند:

الف. *مالیات بر فروش یا گردش مالی کلی (عمومی) :* این مالیات‌ها شامل مالیات‌های تولیدکنندگان، مالیات‌های فروش عمده فروشان و خرده فروشان، مالیات‌های خرید، مالیات‌های گردش مالی و غیره هستند ولی VAT و سایر نظام‌های مالیات‌های کسر شدنی را در بر نمی‌گیرند *(GFSM2001, 11412 -11413 ; OECD, 5110-5113)*.

ب. *عوارض کالاهای داخلی:* این‌ها از مالیات‌هائی تشکیل شده‌اند که بر نوع خاصی از کالاها، به طور معمول نوشیدنی‌های الکلی، توتون و سوخت‌ها وضع می‌شوند *(GFSM2001, 1142 ; OECD, 5121)*.

پ. *مالیات بر خدمات ویژه:* این‌ها شامل مالیات بر حمل و نقل، ارتباطات، بیمه، تبلیغات، هتل‌ها یا محل اقامت، رستوران‌ها، سرگرمی‌ها، قمار و لاتاری‌ها، رویدادهای ورزشی و غیره هستند *(GFSM2001, 1144; OECD, 5126)*.

ت. *مالیات بر تراکنش‌های مالی و سرمایه‌ای:* شامل مالیات‌های پرداختنی بر خرید یا فروش دارائی‌های غیرمالی و مالی از جمله ارز خارجی هستند. آن‌ها هنگامی پرداختنی می‌شوند که مالکیت زمین یا سایر دارائی‌ها، غیر از مورد انتقالات سرمایه‌ای (عمدتاً ارثیه و هدیه)، تغییر یابد *(GFSM2001, 1134; OECD, 4400)*. آن‌ها به عنوان مالیات بر خدمات واحد فروشنده دارائی تلقی می‌شود.

ث. *سود انحصارات مالی*: این‌ها سود حاصل از انحصارات مالی هستند که به دولت انتقال داده می‌شود. دارندگان انحصار مالی، شرکت‌های دولتی، شبه شرکت‌های دولتی، یا بنگاه‌های غیرشرکتی تحت مالکیت دولت هستند که برای تولید یا توزیع نوع خاصی از کالاها یا خدمات به منظور افزایش درآمد عملیاتی و نه به منظور پیشبرد منافع سیاست اقتصادی یا اجتماعی دولت به آن‌ها انحصار مالی اعطا شده است. دارندگان این انحصارات به طور معمول به تولید کالاها یا خدماتی که ممکن است در کشورهای دیگر مالیات‌های سنگینی بر آن‌ها وضع شده باشد اشتغال دارند، به عنوان مثال، نوشیدنی‌های الکلی، توتون، کبریت، فرآورده‌های نفتی، نمک، کارت‌های بازی، و غیره از این نوع کالاها و خدمات هستند. اعمال قدرت انحصاری برای دولت فقط یک شیوه جایگزین برای افزایش درآمد عملیاتی، بجای رویه آشکار اخذ مالیات از تولید خصوصی این محصولات است. در این گونه موارد چنین پنداشته می‌شود که قیمت‌های فروش انحصاری، مالیات‌های ضمنی بر محصولات فروخته شده را نیز در بر دارد. در حالی که اصولاً فقط مازاد سود انحصاری نسبت به سود "متعارف" فرضی باید به عنوان مالیات در نظر گرفته شود، برآورد کردن این مبلغ مشکل است و، در عمل، ارزش مالیات‌ها با مبلغ سودهائی که واقعاً از انحصار مالی به دولت منتقل می‌شوند برابر در نظر گرفته می‌شوند، *(GFSM2001, 1143; OECD 5122)*. هنگامی

که قدرت انحصاری به‌علت ماهیت خاص یک کالا یا خدمت یا تکنولوژی تولید به صورت یک امر تعمدی سیاست اقتصادی یا اجتماعی به یک بنگاه دولتی اعطا می‌شود (مثل تأسیسات عمومی، ادارات پست و مخابرات، راه آهن و غیره)، نباید انحصار مالی تلقی شود. به عنوان یک قاعده کلی، انحصار مالی گرایش به این دارد که به تولید کالاهای مصرفی یا سوخت‌ها محدود شود. از آنجا که سود یک انحصار مالی برای کل بنگاه حساب می‌شود، وقتی بنگاه دارای بیش از یک کالا یا خدمت به عنوان ستانده است، برآورد مبلغ متوسط مالیات برای هر واحد کالا یا خدمت فروخته شده بدون ارائه‌ی یک فرض درباره نرخ‌های مالیات بر محصولات مختلف امکان‌پذیر نیست. غیر از مواردی که دلیل محکمی وجود دارد، در دیگر موارد باید فرض شود که به همه‌ی محصولات نرخ مالیاتی یکسانی نسبت به ارزش اعمال می‌شود، این نرخ از نسبت ارزش کل مالیات ضمنی به ارزش کل فروش منهای ارزش کل مالیات ضمنی بدست می‌آید. لازم است این نرخ ساخته شود تا بتوان قیمت‌های پایه‌ی محصولات مربوطه را حساب کرد.

ج. *مالیات حاصل از تحمیل نرخ بهره بالاتر نسبت به نرخ بازار توسط بانک مرکزی*: این مالیات‌ها در پاراگراف‌های ۷-۱۲۲ الی ۷-۱۲۶ شرح داده شده است. (این مالیات‌ها در *GFSM2001* مطرح نشده‌اند).

۳. سایر مالیات بر تولید

۷-۹۷ ***سایر مالیات بر تولید عبارت از همه‌ی مالیات‌ها بجز مالیات بر محصول است که بنگاه در اثر اشتغال به تولید متحمل می‌شود.*** این مالیات‌ها هیچ‌گونه مالیات بر سود یا سایر درآمدهای دریافتی توسط بنگاه را در بر نمی‌گیرد و صرف نظر از این که تولید سودآور باشد یا خیر، پرداختنی است. این مالیات‌ها ممکن است بر زمین، دارائی‌های ثابت یا نیروی کارِ بکار گرفته شده در فرآیند تولید یا بر برخی از فعالیت‌ها یا تراکنش‌ها تعلق گیرد. سایر مالیات‌های بر تولید به شرح زیر است:

الف. *مالیات بر سیاهه حقوق و دستمزد یا نیروی کار:* این مالیات‌ها شامل مالیات‌های پرداختنی توسط بنگاه‌ها است که یا به صورت نسبتی از حقوق و دستمزد پرداختی یا به صورت مبلغ ثابتی برای هر فرد شاغل ارزیابی می‌شود. این مالیات‌ها حق بیمه‌های تأمین اجتماعی اجباری پرداخت شده توسط کارفرما یا هر مالیات پرداخت شده توسط خودِ شاغلین از حقوق و دستمزدشان را در بر نمی‌گیرند *(GFSM2001, 7-112 ; OECD, 3000).*

ب. *مالیات‌های مکرر بر زمین، بناها و سایر سازه‌ها:* این مالیات‌ها عبارتند از مالیات‌های پرداختنی منظم، که معمولاً سالانه است، در رابطه با استفاده یا مالکیت زمین، بناها، یا سایر سازه‌ها که توسط بنگاه‌ها در تولید استفاده می‌شوند، اعم از این که بنگاه‌ها مالک این دارائی‌ها باشند یا آن‌ها را اجاره کرده باشند، *(GFSM2001, 7-1142 ; OECD, 5121)*

پ. *پروانه کسب و کار و حرفه:* این‌ها مالیات‌های پرداخت شده توسط بنگاه‌ها به منظور اخذ پروانه برای راه‌اندازی نوع خاصی از کسب و کار یا حرفه هستند. پروانه‌هائی نظیر پروانه تاکسی و کازینو نیز در اینجا منظور می‌شوند. اما، در بعضی شرایط، پروانه‌ی استفاده از منابع طبیعی مالیات محسوب نمی‌شود بلکه فروش یک دارائی تلقی می‌شود. این شرایط در قسمت ۵ فصل ۱۷ شرح داده شده است. اگر دولت اعمال کنترل بر مناسب بودن یا ایمنی محل کسب و کار، قابل اعتماد بودن یا ایمنی تجهیزات بکار گرفته شده، شایستگی حرفه‌ای کارکنان شاغل، یا کیفیت و استاندارد کالاها یا خدمات تولید شده را شرطِ اعطای این پروانه‌ها قرار دهد، این پرداخت‌ها بلاعوض نیستند و باید به عنوان پرداخت برای ارائه خدمات تلقی شوند، مگر این که

میزان حق‌الزحمه درخواست شده برای پروانه‌ها متناسب با هزینه‌های کنترل‌های اعمال شده توسط دولت نباشد *(GFSM2001, 11452; OECD, 5210)*. (برای نحوه برخورد با پروانه‌های اخذ شده توسط خانوار برای استفاده شخصی به پاراگراف ۸-۶۴ (پ) مراجعه کنید).

ت. *مالیات بر استفاده از دارائی‌های ثابت یا فعالیت‌های دیگر:* این‌ها مالیات‌های دوره‌ای هستند که بر استفاده از خودروها، کشتی‌ها، هواپیما یا سایر ماشین‌آلات و تجهیزاتی وضع می‌شوند که توسط بنگاه‌ها برای مقاصد تولید استفاده می‌شوند، اعم از این که مالکیت آن‌ها را داشته باشند یا آن‌ها را اجاره کرده باشند. این مالیات‌ها اغلب به عنوان پروانه قلمداد می‌شوند، و معمولاً دارای مبلغ ثابتی هستند که بستگی به نرخ واقعی استفاده از آن‌ها ندارند. *(GFSM2001, 11451-11452 , 5.5.3 ; OECD, 5200)*

ث. *مالیات حق تمبر:* عبارت از مالیات‌هائی هستند که در طبقه خاصی از تراکنش‌هائی که پیش از این بحث شد قرار نمی‌گیرند، به عنوان مثال، مالیات تمبر مدارک قانونی یا چک مالیات حق تمبر هستند. مالیات حق تمبر مالیات بر تولید خدمات کسب و کار یا خدمات مالی تلقی می‌شوند. اما، مالیات حق تمبر بر فروشِ محصولات خاص، نظیر نوشیدنی‌های الکلی یا توتون، مالیات بر محصول تلقی می‌شوند. *(GFSM2001, 1161; OECD, 6200)*.

ج. *مالیات بر آلودگی:* این مالیات‌ها عبارت از مالیات‌هائی هستند که بر نشر یا تخلیه گازها، مایعات یا سایر مواد زیان بار در محیط زیست وضع می‌شوند. مبالغی را که بنگاه‌ها برای جمع‌آوری و منهدم ساختن ضایعات یا مواد زیان بار توسط مقامات دولتی پرداخت می‌کنند، که مصرف واسطه‌ی آن‌ها را تشکیل می‌دهند، در این مالیات‌ها منظور نمی‌شوند *(GFSM2001, 11452; OECD, 5200)*.

چ. *مالیات بر تراکنش‌های بین‌المللی:* این مالیات‌ها عبارتند از مالیات بر سفرهای خارجی، وجوه ارسالی به خارج و تراکنش‌های مشابه با غیرمقیم‌ها *(GFSM2001, 1156 ; 5127)*.

ت. یارانه‌ها

۷-۹۸ ***یارانه‌ها پرداخت‌های جاری بلاعوضی هستند که واحدهای دولتی، از جمله واحدهای دولتی غیرمقیم، بر اساس سطح فعالیت‌های تولید بنگاه‌ها یا مقدار یا ارزش کالاها و خدماتی که تولید می‌کنند، می‌فروشند یا از خارج وارد می‌کنند، به آن‌ها پرداخت می‌کنند.*** یارانه‌ها توسط تولیدکنندگان یا واردکنندگان مقیم دریافتنی هستند. در مورد تولیدکنندگان مقیم یارانه‌ها ممکن است برای تأثیرگذاری در سطح تولید آن‌ها، قیمتی که ستانده خود را می‌فروشند یا حق‌الزحمه‌ی واحدهای نهادی در گیر در تولید طراحی شده باشند. یارانه‌ها اثر مالیاتِ منفی بر تولید دارند به‌گونه‌ای که تأثیر آن‌ها بر مازاد عملیاتی در جهت مخالف تأثیر مالیات بر تولید است.

۷-۹۹ یارانه‌ها به مصرف کنندگان نهائی پرداخت نمی‌شوند، انتقالات جاری که دولت مستقیماً به خانوارها به عنوان مصرف کننده پرداخت می‌کنند مزایای اجتماعی تلقی می‌شوند. یارانه‌ها همچنین کمک‌های مالی دولت به بنگاه‌ها برای تأمین مالی تشکیل سرمایه آن‌ها، یا برای جبران خسارات وارد شده به دارائی‌های سرمایه‌ای آن‌ها را شامل نمی‌شود، این نوع کمک‌های مالی به عنوان انتقالات سرمایه تلقی می‌شوند.

۱. یارانه بر محصول

۷-۱۰۰ ***یارانه بر محصول یارانه‌ای است که بر هر واحد از یک کالا یا خدمت پرداختنی است.*** یارانه می‌تواند مبلغ مشخصی پول برای هر واحدِ مقدار از یک کالا یا خدمت باشد، یا می‌تواند بر اساس ارزش به صورت درصد مشخصی از قیمت یک واحد باشد. یارانه همچنین می‌تواند به صورت تفاوت بین قیمت هدف تعیین شده و قیمت بازارِ واقعاً پرداخت شده توسط یک خریدار باشد. یارانه‌ی محصول معمولاً هنگامی پرداختنی می‌شود که کالا یا خدمتی تولید، فروخته یا وارد شده باشد، ولی در شرایط دیگری نیز می‌تواند قابل پرداخت باشد، نظیر هنگامی که کالا به عنوان انتقالات ارائه می‌شود، اجاره داده می‌شود، تحویل داده می‌شود یا برای خود مصرفی یا تشکیل سرمایه برای خود بکار می‌رود.

یارانه‌های واردات

۷-۱۰۱ ***یارانه‌های واردات عبارتند از یارانه‌ی کالاها و خدمات هنگامی که کالاها از مرز سرزمین اقتصادی عبور کنند یا هنگامی که خدمات به واحدهای نهادی مقیم ارائه شوند، پرداختنی می‌شوند.*** این‌ها یارانه‌های ضمنی حاصل از عملیات یک نظام چند نرخی رسمی ارز را نیز در بر می‌گیرند. این یارانه‌ها همچنین زیان‌هائی را نیز که دولت به عنوان سیاست تعمدی توسط سازمان‌های بازرگانی خود متقبل می‌شود در بر می‌گیرند، کارکرد این سازمان‌ها خرید محصولات از غیرمقیم-ها و سپس فروش آن‌ها به قیمت‌های پائین‌تر به مقیم‌ها است (یارانه صادرات را نیز در پاراگراف ۷-۱۰۳ ملاحظه کنید).

۷-۱۰۲ همانند مالیات بر محصول، یارانه‌ی کالاهای وارد شده نیز هرگونه یارانه‌ای را که پس از عبور کالا از مرز و ورود به گردش آزاد (free circulation) در داخل سرزمین اقتصادی کشور برآن‌ها تعلق می‌گیرد را شامل نمی‌شود.

یارانه‌های صادرات

۷-۱۰۳ ***یارانه‌های صادرات عبارتند از یارانه‌های مربوط به کالاها و خدمات که هنگامی که کالاها سرزمین اقتصادی را ترک کنند یا هنگامی که خدمات به واحدهای غیرمقیم ارائه شوند توسط دولت پرداختنی می‌شوند.*** یارانه‌های صادرات شامل موارد زیر هستند:

الف. *یارانه‌های مستقیم* صادرات هنگامی که کالاها سرزمین اقتصادی را ترک می‌کنند یا خدمات به غیرمقیم‌ها ارائه می‌شوند مستقیماً به تولیدکنندگان پرداختنی می‌شوند؛

ب. *زیان‌های سازمان‌های بازرگانی دولت:* این‌ها متشکل از زیان‌هائی هستند که سازمان‌های بازرگانی دولت که کارکرد آن‌ها خرید محصولات بنگاه‌های مقیم و فروش آن‌ها به قیمت‌های پائین‌تر به غیرمقیم‌هاست، به عنوان موضوع یک سیاست تعمدی دولت متقبل می‌شوند. تفاوت بین قیمت‌های خرید و فروش، یارانه‌ی صادرات است (پاراگراف ۷-۱۰۵ (ب))؛

پ. *یارانه‌های حاصل از نرخ‌های چندگانه ارز:* این‌ها یارانه‌های ضمنی حاصل از عملیات یک نظام رسمی چند نرخی ارز هستند.

موارد خارج از شمول یارانه‌های صادرات

۷-۱۰۴ یارانه‌های صادرات استرداد مالیات بر محصولی که قبلاً در داخل سرزمین اقتصادی بر کالاها و خدمات پرداخت شده است را دربر نمی‌گیرند. همچنین چشم‌پوشی از مالیات بر کالاها که در صورت فروش یا استفاده آن‌ها در داخل سرزمین اقتصادی بجای صادر کردن آن‌ها تعلق می‌گیرد را شامل نمی‌شود. مالیات‌های کلی بر محصولات نظیر مالیات‌های فروش یا خرید، VAT، عوارض کالاهای داخلی یا سایر مالیات بر محصول معمولاً بر صادرات پرداختنی نیستند.

سایر یارانه‌های محصول

۷-۱۰۵ ***سایر یارانه‌های محصول شامل یارانه بر کالاها یا خدمات تولید شده به عنوان ستانده‌ی بنگاه‌های مقیم، یا بر واردات هستند که در نتیجه‌ی تولید، فروش، انتقال، اجاره دادن یا تحویل آن کالاها یا خدمات، یا در نتیجه‌ی استفاده از آن‌ها برای خود مصرفی یا تشکیل سرمایه به حساب خود پرداختنی می‌شوند.*** رایج‌ترین نوع آن‌ها به شرح زیر است:

الف. *یارانه بر محصولات مصرف شده در داخل:* این‌ها عبارتند از یارانه‌های پرداختنی بر بنگاه‌های مقیم در رابطه با ستانده آن‌ها که در داخل سرزمین اقتصادی استفاده یا مصرف می‌شوند؛

ب. *زیان‌های سازمان‌های بازرگانی دولت:* این‌ها متشکل از زیان‌های متقبل شده توسط سازمان‌های بازرگانی دولت هستند که کارکرد آن‌ها خرید و فروش محصولات بنگاه‌های مقیم است. هنگامی که این سازمان‌ها زیان‌هائی را به عنوان یک موضوع تعمدی سیاست اقتصادی یا اجتماعی با فروش به قیمت‌های پائین‌تر از خرید کالاها متقبل می‌شوند، تفاوت بین قیمت‌های خرید و قیمت‌های فروش باید به عنوان یارانه منظور شود. اقلام ورودی به موجودی انبار کالاهای نگه داشته شده توسط این سازمان‌ها به قیمت‌های خریدار پرداخت شده توسط سازمان‌های بازرگانی ارزش‌گذاری می‌شوند و یارانه‌ها در زمانی که کالاها فروخته می‌شوند ثبت می‌گردند؛

پ. *یارانه‌های شرکت‌ها و شبه شرکت‌های دولتی:* این‌ها شامل انتقالات منظم پرداخت شده به شرکت‌ها و شبه شرکت‌های دولتی برای جبران زیان‌های مستمر (یعنی مازاد عملیاتی منفی) در فعالیت‌های تولیدی آن‌ها هستند که در نتیجه‌ی قیمت‌های پائین‌تر از متوسط هزینه‌های تولید به طور تعمدی به منظور اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت متقبل می‌شوند. برای محاسبه‌ی قیمت پایه‌ی ستانده‌ی این بنگاه‌ها، معمولاً لازم خواهد شد که یک نرخ یکنواختِ ضمنی یارانه بر اساس ارزش بر این ستانده‌ها فرض شود، این نرخ بوسیله‌ی اندازه‌ی یارانه به صورت درصدی از ارزش فروش‌ها بعلاوه انتقالات پرداخت شده تعیین می‌شود.

ت. *یارانه‌های حاصل از تعیین نرخ بهره پائین‌تر از نرخ بازار توسط بانک مرکزی:* این یارانه‌ها در پاراگراف‌های ۷–۱۲۲ الی ۷–۱۲۶ توضیح داده شده است. (این یارانه‌ها در *GFSM2001* مطرح نشده است).

۲. سایر یارانه‌های تولید

۷–۱۰۶ ***سایر یارانه‌های تولید شامل یارانه‌هائی غیر از یارانه‌ها بر محصول است که بنگاه‌های مقیم در نتیجه‌ی اشتغال به تولید ممکن است دریافت کنند.*** مثال‌هائی از این یارانه‌ها به شرح زیر است:

الف. *یارانه‌های سیاهه حقوق یا نیروی کار:* این‌ها عبارتند از یارانه‌های پرداختنی بر کل دستمزد یا سیاهه‌ی حقوق، یا کل نیروی انسانی، یا بر اشتغالِ نوع خاصی از افراد نظیر اشخاص معلول از نظر فیزیکی یا اشخاصی که برای یک دوره طولانی بیکار جویای کار بوده‌اند. یارانه‌هائی نیز ممکن است برای پوشش برخی یا تمامی هزینه‌های طرح‌های آموزش حین کار سازمان یافته یا تأمین مالی شده توسط بنگاه در نظر گرفته شوند؛

ب. *یارانه‌های کاهش آلودگی:* این‌ها متشکل از یارانه‌هائی هستند که برای پوشش برخی یا تمام هزینه‌های فرآیندهای اضافی اجرا شده برای کاهش یا حذف تخلیه آلاینده‌ها در محیط زیست در نظر گرفته می‌شوند.

ث. درآمد دارائی

۱. تعریف درآمد دارائی

۷-۱۰۷ درآمد دارائی هنگامی تعلق می‌گیرد که مالکین دارائی‌های مالی و منابع طبیعی آن‌ها را در اختیار واحدهای دیگر قرار می‌دهند. درآمد پرداختنی برای استفاده از دارائی‌های مالی درآمد سرمایه‌گذاری نامیده می‌شود در حالی که درآمد پرداختنی برای استفاده از منابع طبیعی بهره مالکانه نامیده می‌شود. ***درآمد دارائی حاصل جمع درآمد سرمایه‌گذاری و بهره‌ی مالکانه است.***

جدول ۷-۸: حساب تخصیص درآمد اولیه- درآمد دارائی - مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
جبران خدمات کارکنان							۶		۶
مالیات بر تولید و واردات									۰
یارانه‌ها									۰
درآمد دارائی	۱۳۴	۱۶۸	۴۲	۴۱	۶	۳۹۱	۴۴		۴۳۵
بهره	۵۶	۱۰۶	۳۵	۱۴	۶	۲۱۷	۱۳		۲۳۰
درآمد توزیع شده شرکت‌ها	۴۷	۱۵				۶۲	۱۷		۷۹
سود تقسیم شده	۳۹	۱۵				۵۴	۱۳		۶۷
برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها	۸	۰				۸	۴		۱۲
سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۰	۰				۰	۱۴		۱۴
پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری		۴۷				۴۷	۰		۴۷
درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به بیمه‌گذاران		۲۵				۲۵	۰		۲۵
درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی روی حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		۸				۸	۰		۸
درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به صندوق سرمایه‌گذاری جمعی سهامداران		۱۴				۱۴	۰		۱۴
بهره مالکانه	۳۱	۰	۷	۲۷	۰	۶۵			۶۵
تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲

۷–۱۰۸ ***درآمد سرمایه‌گذاری درآمد دریافتنی توسط صاحب دارائی مالی در ازای تأمین منابع مالی برای واحد نهادی دیگر است.*** شرایط حاکم بر پرداخت درآمد سرمایه‌گذاری معمولاً در ابزار مالی ایجاد شده هنگام انتقال وجوه از بستانکار به بدهکار مشخص می‌شود. این ترتیبات به طور معمول فقط برای دوره‌ی محدودی از زمان ایجاد می‌شوند، پس از آن وجوه باید بازگردانده شوند. این دوره از زمان ممکن است ماه‌ها یا سال‌ها به‌طول انجامد، هرچند که ممکن است ترتیبات مربوطه بازنگری شوند.

جدول ۷–۸ (ادامه): حساب تخصیص درآمد اولیه– درآمد دارائی – منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
درآمد مختلط، خالص				۵۳		۵۳			۵۳
جبران خدمات کارکنان				۱ ۱۵۴		۱ ۱۵۴	۲		۱ ۱۵۶
مالیات بر تولید و واردات			۲۳۵			۲۳۵			۲۳۵
یارانه‌ها			-۴۴			-۴۴			-۴۴
درآمد دارائی	۹۶	۱۴۹	۲۲	۱۲۳	۷	۳۹۷	۳۸		۴۳۵
بهره	۳۳	۱۰۶	۱۴	۴۹	۷	۲۰۹	۲۱		۲۳۰
درآمد توزیع شده شرکت‌ها	۱۰	۲۵	۷	۲۰	۰	۶۲	۱۷		۷۹
سود تقسیم شده	۱۰	۲۵	۵	۱۳	۰	۵۳	۱۴		۶۷
برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها			۲	۷		۹	۳		۱۲
سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۴	۷	۰	۳	۰	۱۴	۰		۱۴
پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری	۸	۸	۱	۳۰	۰	۴۷	۰		۴۷
درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به بیمه‌گذاران	۵	۰	۰	۲۰	۰	۲۵	۰		۲۵
درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی روی حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				۸		۸	۰		۸
درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به صندوق سرمایه‌گذاری جمعی سهامداران	۳	۸	۱	۲	۰	۱۴	۰		۱۴
بهره مالکانه	۴۱	۳	۰	۲۱	۰	۶۵			۶۵

۷-۱۰۹ ***بهره‌ی مالکانه درآمد دریافتنی توسط صاحب منابع طبیعی (اجاره دهنده یا مالک) برای قرار دادنِ منبع طبیعی در اختیار واحد نهادی دیگر (اجاره کننده یا مستأجر) به‌منظور استفاده از آن منبع در تولید است.*** شرایطی که تحت آن بهره‌ی مالکانه برای یک منبع طبیعی پرداختنی است در اجاره‌نامه‌ی منابع طبیعی اظهار می‌شود. ***اجاره‌ی منابع طبیعی توافقی است که به موجب آن مالک قانونی یک منبع طبیعی، آن را که از نظر SNA دارای طول عمر بی‌پایان است در مقابل پرداخت‌های منظمی که زیر عنوان درآمد دارائی ثبت می‌شوند و به عنوان بهره‌ی مالکانه نامیده می‌شوند در دسترس یک اجاره کننده قرار می‌دهد.*** اجاره‌نامه‌ی منابع طبیعی می‌تواند برای هر منبع طبیعی مانند زمین که در SNA به عنوان دارائی شناخته شده است بکار برده شود. برای منابعی مانند زمین، فرض می‌شود که در پایان قرارداد اجاره‌ی منابع طبیعی، زمین با همان وضعیت ابتدای دوره‌ی اجاره به مالک قانونی آن برگردانده می‌شود. برای منابعی مانند دارائی‌های زیرزمینی، هرچند این منابع به طور بالقوه دارای عمر بی‌پایان هستند، در پایان دوره‌ی اجاره، تمامی آن به طور کامل به مالک قانونی برگردانده نمی‌شود زیرا اجاره‌نامه برای این منظور تنظیم می‌شود که اجاره کننده اجازه‌ی استخراج و مصرف آن را داشته باشد. هرچند منبع مورد نظر ممکن است کاهشی بیش از همه‌ی اکتشاف‌ها یا بازارزیابی‌ها (یا جایگزین شدن طبیعی منابع تجدید پذیر) داشته باشد، این واقعیت که بهره‌ی مالکانه بدون کسر مبلغی برای مصرف منابع طبیعی نشان داده می‌شود به این معنی است که در SNA منبع مورد نظر تا زمانی که منشاء درآمد است دارای عمر بی‌پایان در نظر گرفته می‌شود.

۷-۱۱۰ پرداخت‌های منظمی که توسط اجاره کنندگان منابع طبیعی مانند دارائی‌های زیر زمینی انجام می‌شوند اغلب حق امتیاز گفته می‌شود، اما در SNA تحت عنوان بهره‌ی مالکانه آورده شده است. واژه "rent" در SNA برای پرداخت‌های "بهره مالکانه‌ی" مربوط به اجاره منابع طبیعی استفاده شده است، پرداخت‌های مربوط به اجاره عملیاتی، "اجاره بها" "rental" گفته شده است.

۷-۱۱۱ درآمد دارائی‌ها در SNA به‌صورت زیر طبقه بندی می‌شوند:

درآمد سرمایه‌گذاری
  بهره
  درآمد توزیع شده شرکت‌ها
    سود تقسیم شده
    برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها
  سود باز سرمایه‌گذاری شده در سرمایه-گذاری مستقیم خارجی
  سایر درآمدهای سرمایه‌گذاری
درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه
درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی به حق برخورداری از مزایای بازنشستگی
درامد سرمایه‌گذاری مربوط به صندوق سرمایه‌گذاری جمعی سهامداران
بهره مالکانه

هریک از این اقلام با تفصیل بیشتر در زیر شرح داده شده است.

۷-۱۱۲ جدول ۷-۸ گسترش جدول ۷-۲ را برای وارد کردن جزئیات درآمد دارائی پرداختنی و دریافتنی نشان می‌دهد.

۲. بهره

۷-۱۱۳ ***بهره نوعی درآمد است که توسط صاحبان برخی از انواع دارائی‌های مالی، یعنی: سپرده‌ها، اوراق بدهی، وام‌ها و (شاید) سایر حساب‌های دریافتنی برای قرار دادن دارائی‌های مالی در اختیار واحد نهادی دیگری دریافتنی می-شود.*** درآمد حاصل از نگهداری و تخصیص SDR نیز بهره محسوب می‌شود. دارائی‌های مالی که منجر به بهره می‌شوند ادعای (طلب‌های) بستانکاران (طلبکاران) نسبت به بدهکاران هستند. بستانکاران وجوهی را به بدهکاران قرض می‌دهند که منجر به ایجاد یکی از ابزارهای مالی فهرست شده در بالا می‌شود. مبلغی که بدهکار به بستانکار مدیون است تحت عنوان اصل بدهی شناخته می‌شود. با گذشت زمان، مبلغ بدهی به بستانکار به دلیل بازپرداخت دیون کاهش می‌یابد و

به دلیل تعلق بهره افزایش می‌یابد. این تراز در هر زمان به عنوان مبلغ اصل تسویه نشده نامیده می‌شوند.

۷–۱۱۴ بهره ممکن است مبلغ از پیش تعیین شده‌ی پول یا درصد ثابت یا متغیری از مبلغ اصل تسویه نشده باشد. اگر قسمتی از بهره‌ای که به بستانکار تعلق می‌گیرد یا همه‌ی آن در طول دوره مورد نظر پرداخت نشده باشد، می‌تواند به مبلغ اصل تسویه نشده اضافه شود یا تشکیل یک بدهی اضافیِ جداگانه‌ای را بدهد که توسط بدهکار تقبل شده است. اما، بهره لزوماً تا تاریخ دیگری و گاهی اوقات تا سررسید وام یا دیگر ابزارهای مالی قابل پرداخت نمی‌شود.

ثبت بر پایه تعهدی

۷–۱۱۵ بهره بر پایه تعهدی ثبت می‌شود، به این معنی که بهره طوری ثبت می‌شود که بطور مستمر در طول زمان روی مبلغ اصل تسویه نشده به بستانکار تعلق می‌گیرد. بهره تعلق گرفته مبلغ دریافتنی توسط بستانکار و پرداختنی توسط بدهکار است. این مبلغ ممکن است نه تنها با مبلغ بهره‌ای که طی یک دوره مشخص واقعاً پرداخت شده تفاوت داشته باشد بلکه می‌تواند با مبلغ دِینی که باید در دوره مورد نظر پرداخت شود نیز تفاوت داشته باشد. برخی از ابزارهای مالی به شیوه‌ای تنظیم می‌شوند که بدهکار ملزم به پرداخت منظم دوره به دوره‌ی بهره به محض تعلق گرفتن آن باشد، ولی در موارد دیگر ممکن است چنین الزامی وجود نداشته باشد. همان‌طور که در قسمت ۴ فصل ۱۷ توضیح داده شده است، انواع مختلفی از ابزارهای مالی وجود دارد و ابزارهای جدید نیز به طور مستمر درحال گسترش هستند. بنابراین، بهره می‌تواند به شیوه‌های مختلف پرداخت شود، و همیشه به طور صریح بهره نامیده نمی‌شود. اما، جریان خالص پرداخت‌ها برای تسویه سوآپ یا توافق نرخ پیمان آتی (که احتمالاً در قرارداد به عنوان "بهره" بیان می‌شود) به عنوان درآمد دارائی در نظر گرفته نمی‌شود ولی باید به عنوان تراکنش مشتقات مالی در حساب مالی ثبت شود (پاراگراف‌های ۱۱–۱۱۱ الی ۱۱–۱۱۵ را ملاحظه فرمائید).

بهره‌ی پرداختنی و دریافتنی وام‌ها و سپرده‌ها

۷–۱۱۶ همان‌گونه که در فصل ۶ توضیح داده شد، مبلغ بهره‌ی پرداختنی وام‌ها به شرکت‌های مالی و بهره‌ی دریافتنی سپرده‌ها از شرکت‌های مالی یک حاشیه ضمنی را در بر دارد که نشان دهنده پرداخت ضمنی برای خدمات ارائه شده توسط شرکت‌های مالی در تأمین وام‌ها و پذیرش سپرده‌ها است. لازم است پرداخت‌های واقعی به شرکت‌های مالی یا دریافت‌های واقعی از آن‌ها که بهره بانک گفته می‌شود طوری تفکیک شود که بتوان بهره SNA و کارمزد خدمات را جداگانه ثبت کرد. مبالغ بهره SNA که توسط وام‌گیرندگان به شرکت‌های مالی پرداخت می‌شوند به اندازه ارزش برآورد شده کارمزد خدمات پرداختنی کمتر از بهره بانک است، در حالی که مبالغ بهره SNA که توسط سپرده‌گذاران دریافتنی است به اندازه مبلغ کارمزد خدمات پرداختنی بیشتر از بهره بانک است. ارزش کارمزد خدمات به عنوان فروش خدمات در حساب‌های تولیدِ شرکت‌های مالی و به عنوان مصارف در حساب‌های مشتریان آن‌ها ثبت می‌شود.

۷–۱۱۷ اگر بهره‌ی بانک پرداخت نشده باشد، مطمئناً بهره SNA و کارمزد خدمات هیچکدام پرداخت نشده‌اند. به عبارت دیگر، مبلغ اصل تسویه نشده به اندازه میزان بهره‌ی SNA پرداخت نشده بعلاوه کارمزد خدمات پرداخت نشده افزایش می‌یابد.

بهره‌ی پرداختنیِ اوراق بدهی

۷–۱۱۸ برخی از ابزارهای مالی، مانند برات‌ها و اوراق قرضه بدون بهره، به صورتی هستند که بدهکار تا موعد سررسید دارائی ملزم به هیچگونه پرداختی نیست. در حقیقت، تا انتهای عمر دارائی هیچ بهره‌ای پرداختنی نمی‌شود و در آن زمان بدهی بدهکار با یک مبلغ پرداخت یکجا که هردوی مبلغ وجوه اولیه تأمین شده توسط بستانکار و بهره انباشته شده در طول عمر دارائی را پوشش می‌دهد، تسویه می‌شود. در چنین مواردی مبلغ بهره پرداختنی در طول عمر اوراق بهادار به صورت تفاوت بین ارزش تحصیل ابزار مالی و ارزش آن هنگام سررسید به‌دست می‌آید.

توضیحات بیشتر

۷-۱۱۹ در فصل ۱۷ در قسمت ۴، بخشی وجود دارد که در آن جزئیاتی راجع به چگونگی ثبت تمامی تراکنش‌ها و سایر جریان‌های مربوط به ابزارهای مالی در حساب‌ها توضیح داده شده است. در این بخش، بویژه توصیه‌های خاصی در مورد چگونگی محاسبه‌ی بهره‌ی هریک از ابزارهای مالی مربوطه نیز ارائه شده است.

بهره‌ی اسمی و واقعی

۷-۱۲۰ هنگامی که بدهکار با پرداخت‌هائی با ارزش پولی برابر برای وجوه وام گرفته شده بعلاوه بهره‌ی تعلق گرفته با نرخ توافق شده، اصل بدهی را در طی مدتی که دین برقرار است تسویه می‌کند، پرداخت‌های بهره‌ی مربوط به آن بهره "اسمی" گفته می‌شود. وقتی در اثر تورم قدرت خرید وجوه باز پرداخت شده کمتر از وجوه وام گرفته شده است این نوع پرداخت‌های بهره بازگشت "واقعی" به بستانکار را نشان نمی‌دهد. در شرایط تورمی مزمن، پرداخت‌های بهره اسمی که توسط بستانکار درخواست می‌شود به طور معمول افزایش می‌یابد تا زیان قدرت خرید وجوهی که در انتها بازپرداخت خواهد شد جبران شود.

۷-۱۲۱ در عمل، بهره‌ی ثبت شده در حساب تخصیص درآمد اولیه به این صورت تفکیک نمی‌شود. بهره‌ی ثبت شده همیشه مبلغ بهره اسمی دریافتنی یا پرداختنی است (بعلاوه یا منهای کارمزد خدمات واسطه‌گری‌های مالی که برای آن‌ها کارمزد صریحی دریافت نمی‌شود، اگر مورد داشته باشد). اما، اطلاعاتی که برای محاسبه‌ی بهره واقعی لازم است در SNA در کل ارائه می‌شود زیرا زیان ناشی از نگهداشتن که بستانکار متحمل می‌شود در حساب بازارزش‌گذاری ثبت می‌شود.

مورد خاص نرخ‌های بهره‌ی تعیین شده توسط بانک مرکزی

۷-۱۲۲ مسئولیت اصلی بانک مرکزی فرموله کردن و اجرای قسمتی از سیاست‌های اقتصادی است. بنابراین، این بانک اغلب از شرکت‌های مالی دیگر متفاوت عمل می‌کند و به‌طور کلی برای پیش بردن نظرات خود، از دولت اختیار کسب می‌کند. در مواردی که بانک مرکزی از قدرت ویژه‌ی خود برای مجبور کردن شرکت‌کنندگان بازار برای پرداخت انتقالاتی بدون این که مستقیماً *"چیزی در مقابل چیزی" (qid pro quo)* دریافت کنند، مناسب است که وصولی‌ها به عنوان مالیات ضمنی ثبت شوند. برعکس در مواردی که بانک مرکزی پرداخت‌هائی را انجام می‌دهد که به طور شفاف برای مقاصد سیاستی است نه مقاصد بازرگانی، می‌توان استدلال کرد که یارانه ضمنی پرداخت شده است. سه حالت زیر در نظر گرفته می‌شود:

الف. بانک مرکزی اختیار این را دارد که نرخ سپرده‌های ذخیره را کمتر از نرخ بازار تعیین کند؛

ب. بانک مرکزی در شرایطی که ارزش خارجی پول جاری تحت فشار است، بالاتر از نرخ بازار پرداخت می‌کند؛

پ. بانک مرکزی با پیشنهاد وام‌هائی با نرخ بهره‌ی کمتر از نرخ بازار به صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) دارای اولویت، به عنوان یک بانک توسعه عمل می‌کند.

۷-۱۲۳ اگر نرخ‌های بهره بانک مرکزی در راستای نرخ‌های بهره بانک‌های تجاری نباشد، در این صورت تفاوت بین جریان‌های محاسبه شده با استفاده از نرخ مرجع و نرخ واقعی تعیین شده توسط بانک مرکزی نباید به عنوان ستانده‌ی بازاری، به طور مشخص FISIM، ثبت شوند بلکه باید به عنوان مالیات‌ها و یارانه‌های ضمنی ثبت شوند که در سطرهای زیرین شرح داده خواهد شد. این رهیافت مشابه و سازگار با نحوه‌ی عملی است که در آن تفاوت نرخ ارز بازار و نرخ ارز دیگری که توسط بانک مرکزی اعمال می‌شود به عنوان مالیات یا یارانه ضمنی در نظر گرفته می‌شود.

نرخ‌های پایین تر از نرخ بازار برای سپرده‌های ذخیره

۷-۱۲۴ فرض کنید بانک مرکزی برای سپرده‌های ذخیره، به یک بانک تجاری فقط سه درصد پرداخت می‌کند در حالی که نرخ بازار پنج درصد است. موارد زیر باید در SNA ثبت شوند:

الف. هرچند که بانک تجاری در عمل فقط سه درصد به عنوان "بهره" دریافت می‌کند، طوری ثبت می‌شود که پنج درصد به عنوان بهره دریافت کرده و دو درصد به عنوان مالیات بر تولید به دولت پرداخت کرده است؛

ب. برای دولت طوری ثبت می‌شود که دو درصد از بانک تجاری به عنوان مالیات بر تولید دریافت کرده و دو درصد به بانک مرکزی به عنوان انتقالات جاری پرداخت کرده است (هردوی این جریان‌ها فرضی هستند)؛ و

پ. بانک مرکزی در واقع سه درصد به بانک تجاری پرداخت می‌کند ولی طوری ثبت می‌شود که پنج درصد به بانک تجاری پرداخت کرده و دو درصد از دولت انتقالات جاری دریافت کرده است.

در این تغییر مسیر تراکنش‌های حساب مالی وارد نمی‌شوند.

نرخ های بالاتر از نرخ بازار برای حمایت از پول رایج

۷–۱۲۵ فرض کنید بانک مرکزی برای مدت زمان محدودی که پول رایج تحت فشار است هفت درصد به یک بانک تجاری پرداخت کند در حالی که نرخ بازار پنج درصد باشد. موارد زیر در SNA ثبت می‌شوند:

الف. هرچند که بانک تجاری در عمل هفت درصد به عنوان "بهره" دریافت می‌کند، ولی به نحوی ثبت می‌شود که پنج درصد بهره دریافت کرده و دو درصد دیگر به عنوان یارانه‌ی تولید از دولت دریافت کرده است؛

ب. برای دولت طوری ثبت می‌شود که دو درصد به بانک تجاری به عنوان یارانه‌ی تولید پرداخت کرده و دو درصد انتقالات جاری از بانک مرکزی دریافت کرده است (هردوی این جریان‌ها فرضی هستند)؛ و

پ. بانک مرکزی هفت درصد واقعاً به بانک تجاری پرداخت می‌کند ولی طوری ثبت می‌شود که پنج درصد به بانک تجاری و دو درصد به عنوان انتقالات جاری به دولت پرداخت کرده است.

در این تغییر مسیر تراکنش‌های حساب مالی وارد نمی‌شوند.

نرخ های پایین تر از نرخ بازار برای صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) دارای اولویت

۷–۱۲۶ فرض کنید در حالی که نرخ بازار پنج درصد است، بانک مرکزی بهره‌ای با نرخ فقط سه درصد از یک صنعتِ (رشته-فعالیت) در اولویت دریافت می‌کند. موارد زیر در SNA ثبت می‌شوند:

الف. هرچند که صنعتِ (رشته‌فعالیت) در اولویت فقط سه درصد به عنوان بهره پرداخت می‌کند، طوری ثبت می‌شود که پنج درصد به عنوان بهره پرداخت شده ولی دو درصد به عنوان یارانه از دولت دریافت شده است؛

ب. برای دولت طوری ثبت می‌شود که دو درصد به صنعت (رشته‌فعالیت) دارای الویت به عنوان یارانه‌ی تولید پرداخت کرده و دو درصد به عنوان انتقالات جاری از بانک مرکزی دریافت کرده است. (هردوی این جریان‌ها فرضی هستند)؛ و

پ. بانک مرکزی سه درصد واقعاً از صنعتِ (رشته‌فعالیت) در اولویت دریافت می‌کند ولی طوری ثبت می‌شود که پنج درصد از صنعت (رشته‌فعالیت) دارای اولویت دریافت کرده و دو درصد به عنوان انتقالات جاری به دولت پرداخت کرده است.

۳. درآمد توزیع شده‌ی شرکت‌ها

سود تقسیم شده

۷–۱۲۷ شرکت‌ها با انتشار سهامی که به دارندگان آن حق برخورداری از نسبتی از هردوی سود توزیع شده و ارزش باقی مانده‌ی دارائی‌های شرکت در صورت انحلال را می‌دهند وجوهی را کسب می‌کنند. سهامداران مالکین جمعی شرکت هستند.

۷-۱۲۸ ***سود تقسیم شده نوعی درآمد سرمایه‌گذاری است که سهامداران در اثر قرار دادن وجوهی در اختیار شرکت‌ها از حق دریافت آن برخوردار می‌شوند.*** افزایش سرمایه‌ی سهام از طریق انتشار سهام، شیوه‌ای جایگزین برای وام‌گیری به منظور افزایش منابع مالی است. با این حال، برخلاف سرمایه‌ی وام گرفته شده، سرمایه‌ی سهام منجر به یک بدهی ثابت پولی نمی‌شود و به دارندگان سهامِ یک شرکت حق دریافت درآمد ثابت و از پیش تعیین شده‌ای را نمی‌دهد.

۷-۱۲۹ همان‌طور که در SNA از شرکت‌ها چنین استنباط می‌شود که مجموعه‌ای از واحدهای نهادی درگیر در تولید را پوشش می‌دهند که ممکن است با اسامی مختلفی نظیر شرکت‌های خصوصی یا دولتی، تعاونی‌ها و شراکت‌های سهامی با مسئولیت محدود نامیده شوند، بنابراین از سود تقسیم شده نیز باید چنین استنباط شود که توزیع سود همه‌ی شرکت‌ها با هر اسمی که دارند به سهامداران یا صاحبان آن‌ها را پوشش می‌دهد. سود تقسیم شده گاهی ممکن است به شکل انتشار سهام باشد، ولی انتشار سهام جایزه را که فقط بازطبقه بندی بین منابع مالی خود، ذخائر و سود توزیع نشده را نشان می‌دهد، شامل نمی‌شود.

زمان ثبت

۷-۱۳۰ با وجود این که سود تقسیم شده قسمتی از درآمدی را نشان می‌دهد که در طی یک دوره‌ی طولانی که اغلب شش یا دوازده ماهه است، ایجاد می‌شود، ولی در SNA بر پایه تعهدی دقیقی ثبت نمی‌شود. برای دوره‌ی کوتاهی بعد از اعلام سود تقسیم شده ولی قبل از این که عملاً پرداختنی شود، سهام ممکن است به صورت "بدون سود تقسیم شده" فروخته شود به این معنی که سود تقسیم شده هنوز به صاحب آن در تاریخ اعلام سودِ تقسیم شده پرداختنی است و نه به صاحب آن در تاریخی که سود تقسیم شده پرداختنی شده است. بنابراین سهامی که به صورت "بدون سود تقسیم شده " فروخته می‌شوند نسبت به سهامی که بدون این محدودیت فروخته می‌شوند دارای ارزش کمتری هستند. زمان ثبت سود تقسیم شده در SNA لحظه‌ای است که در آن قیمت سهم بدون سود تقسیم شده اعلام می‌شود بجای قیمتی که سود تقسیم شده را در بر دارد.

سود تقسیم شده فوق‌العاده

۷-۱۳۱ هرچند به‌طور نظری سود تقسیم شده از مازاد عملیاتی دوره‌ی جاری پرداخت می‌شود، ولی شرکت‌ها اغلب پرداخت‌های سود تقسیم شده را هموار می‌کنند و اغلب نسبتاً کمتر از مازاد عملیاتی و گاهی هم کمی بیشتر از آن به‌ویژه هنگامی که خودِ مازاد عملیاتی بسیار پائین است انجام می‌دهند. به دلایل عملی، در SNA بجز در یک مورد، تلاشی برای هم‌تراز کردن پرداخت‌های سود تقسیم شده با عایدات صورت نمی‌گیرد. مورد استثناء هنگامی است که سود تقسیم شده نسبت به میزان سود تقسیم شده‌ی سال‌های اخیر و نسبت به میزان عایدات به طور نامناسبی زیاد باشد. برای تشخیص نامناسب بودن بزرگی سود تقسیم شده، معرفی مفهوم درآمد قابل توزیع مفید خواهد بود. ***درآمد قابل توزیع یک شرکت برابر است با درآمد کارآفرینی بعلاوه تمامی انتقالات جاری دریافتنی منهای انتقالات جاری پرداختنی و منهای تعدیلاتی که برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی مربوط به طرح بازنشستگی آن شرکت صورت می‌گیرد.*** به این ترتیب این امر امکان پذیر است که نسبت سود تقسیم شده به درآمد قابل توزیع طی سال‌های اخیر بررسی شود و معقول بودن هم‌ترازی میزان فعلی سود تقسیم شده‌ی اعلام شده با توجه به تجربه‌ی گذشته، با پذیرفتن قدری هموار کردن از سالی به سال دیگر، ارزیابی شود. اگر میزان سود تقسیم شده‌ی اعلام شده به میزان زیادی بیشتر از این باشد، مازاد آن باید به عنوان تراکنش مالی، بویژه برداشت حقوق مالی صاحبان سهام از شرکت تلقی شود.

۷-۱۳۲ این نوع نحوه برخورد برای تمامی شرکت‌ها، اعم از شرکت رسمی یا شبه شرکت و اعم از تحت کنترل دولت، تحت کنترل خارجی یا تحت کنترل خصوصی داخلی، اعمال می‌شود. بحث بیشتری در مورد شرکت‌های تحت کنترل دولت در فصل ۲۲ وجود دارد.

برداشت درآمد از شبه شرکت‌ها

۷-۱۳۳ ***برداشت درآمد از یک شبه شرکت عبارت از آن قسمت از درآمد قابل توزیع است که صاحب شبه شرکت از آن برداشت می‌کند.*** درآمدی که صاحبان شبه شرکت از آن برداشت می‌کنند مشابه با درآمد برداشت شده از شرکت‌ها از طریق پرداخت سود تقسیم شده به سهامدارانشان است. بنابراین برداشت درآمد از شبه شرکت‌ها به عنوان درآمد دارائی تعلق گرفته به صاحبان شبه شرکت‌ها تلقی می‌شود. برداشت درآمد توسط صاحبان شبه شرکت‌ها به این دلیل لازم است مشخص شود که بتوان مجموعه کاملی از حساب‌ها را برای این هستار تنظیم کرد و با آن به عنوان یک واحد نهادی جدا از صاحب آن برخورد کرد.

۷-۱۳۴ برداشت درآمد از شبه شرکت، برداشت از منابع مالی تحقق یافته از طریق فروش یا واگذاری دارائی‌های شبه شرکت‌ها نظیر فروش موجودی انبار، دارائی‌های ثابت، زمین یا سایر دارائی‌های تولید نشده را در بر نمی‌گیرد. این فروش‌ها باید به عنوان واگذاری‌ها در حساب سرمایه‌ی شبه شرکت ثبت شوند و انتقال وجوه حاصل باید به عنوان برداشت از حقوق سهامداران شبه شرکت‌ها و به صورت یک دریافتنی توسط صاحب (صاحبان) شبه شرکت‌ها در حساب مالی آن‌ها ثبت شوند. به طور مشابه، وجوه برداشت شده از طریق نقد کردن مبلغ قابل ملاحظه‌ی پس‌انداز تقسیم نشده یا سایر ذخائر انباشته شده‌ی شبه شرکت، از جمله آن‌هائی که از محل ذخائر مصرف سرمایه‌ی ثابت برداشت می‌شوند، به عنوان برداشت از حقوق سهامداران تلقی می‌شوند. این وضعیت با نحوه‌ی برخورد سود تقسیم شده پرداختنی فوق‌العاده توسط بنگاه‌ها که در بالا شرح داده شد یکسان است.

۷-۱۳۵ متقابلاً، منابع مالی تأمین شده توسط صاحب (صاحبان) یک شبه شرکت به منظور تحصیل دارائی‌ها یا کاهش بدهی‌های آن باید به عنوان افزوده به حقوق سهامداران تلقی شود. از آنجا که توزیع منفی درآمد قابل توزیع شرکت‌ها به شکل سود تقسیم شده‌ی منفی نمی‌تواند وجود داشته باشد، توزیع درآمد قابل توزیع شبه شرکت‌ها به شکل برداشت‌های منفی نیز امکان پذیر نیست. اما، اگر شبه شرکتی متعلق به دولت باشد، و به طور مستمر دارای کسری عملیاتی تعمدی به دلیل اجرای سیاست اقتصادی و اجتماعی دولت باشد، هر نوع انتقالات منظمی که توسط دولت برای پوشش زیان این بنگاه انجام می‌شود باید به عنوان یارانه تلقی شود، همان‌طور که در پاراگراف ۷-۱۰۵ (پ) بالا توضیح داده شد.

سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

۷-۱۳۶ همان‌گونه که در فصل ۲۶ توضیح داده شده است، بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شرکت یا شبه شرکتی است که یک سرمایه‌گذار خارجی در آن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام داده است. بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به صورت هریک از موارد زیر باشد:

الف. شعبه‌ی (غیرشرکتی) یک شرکت یا بنگاه غیرشرکتی غیرمقیم: این شعبه به عنوان شبه شرکت تلقی می‌شود؛ یا

ب. شرکتی که در آن حداقل یک سرمایه‌گذار خارجی (که ممکن است شرکت دیگری باشد یا نباشد) به اندازه‌ای دارای سهام کافی باشد که رأی مؤثری در مدیریت داشته باشد.

۷-۱۳۷ توزیع واقعی ممکن است از محل درآمد قابل توزیع بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شکل سود تقسیم شده یا برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها انجام شود. پرداخت‌هائی که به این صورت به سرمایه‌گذاران خارجی انجام می‌شود در حساب‌های SNA و تراز پرداخت‌ها به عنوان جریان‌های بین‌المللی درآمد سرمایه‌گذاری ثبت می‌شوند. ولی، در هردو سیستم لازم است سود تقسیم نشده‌ی بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حساب مالی طوری ثبت شود که به سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی به نسبت مالکیت سهام آن‌ها از بنگاه توزیع و پرداخت شده و سپس توسط آن‌ها مجدداً از طریق افزوده به حقوق سهامداران بازسرمایه‌گذاری شده است. در SNA، این پرداخت احتسابی سود تقسیم نشده به عنوان شکلی از درآمد توزیع شده طبقه بندی می‌شود که از هرگونه

پرداخت‌های واقعی سود تقسیم شده یا برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها جدا بوده و افزون بر آن‌ها است.

۷-۱۳۸ منطق پشت این نحوه‌ی برخورد این است که از آنجا که یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طبق تعریف تحت کنترل یا تحت تأثیر یک سرمایه‌گذار یا سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی است، تصمیم برای تقسیم نشدن مقداری از سود در داخل بنگاه باید در حکم یک تصمیم سرمایه‌گذاری آگاهانه از طرف سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) مستقیم خارجی باشد. در عمل، اکثر بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی واحدهای تابعه‌ی شرکت‌های خارجی یا شعبه‌های غیرشرکتی بنگاه‌های خارجی هستند، که کاملاً توسط شرکت‌های مادر آن‌ها یا صاحبان آن‌ها کنترل می‌شوند.

۷-۱۳۹ ***سود تقسیم نشده‌ی یک شرکت یا شبه شرکت برابر است با درآمد قابل توزیع منهای سود تقسیم شده‌ی پرداختنی شرکت‌ها یا برداشت درآمد از شبه شرکت‌ها.*** اگر بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تماماً در مالکیت یک سرمایه‌گذار مستقیم خارجی (مثلاً، یک شعبه بنگاه خارجی) باشد، همه‌ی سود تقسیم نشده به آن سرمایه‌گذار پرداخت می‌شود و سپس توسط او مجدداً سرمایه‌گذاری می‌شود که در این صورت پس‌انداز بنگاه باید صفر شود. هنگامی که یک سرمایه‌گذار مستقیم خارجی فقط مالکیت قسمتی از سهام بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم را دارد، مبلغی که باید به سرمایه گذار خارجی پرداخت شود و مجدداً توسط او سرمایه‌گذاری شود به نسبت سهم او در مالکیت سهام خواهد بود.

سود تقسیم نشده بنگاه‌های داخلی

۷-۱۴۰ پیشنهاد شده است که نحوه برخورد با توزیع سود تقسیم نشده به صاحبان شرکت‌های دیگر بویژه شرکت‌های دولتی گسترش داده شود. بررسی این پیشنهاد قسمتی از موضوع درحال پژوهش است.

۴. پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری

درآمدسرمایه‌گذاری‌تخصیص‌یافته به‌دارندگان بیمه‌نامه

۷-۱۴۱ درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه (بیمه‌گذاران) باید به دارندگان بیمه نامه زندگی و دارندگان بیمه نامه غیرزندگی تقسیم شود.

۷-۱۴۲ برای بیمه‌های غیرزندگی، شرکت بیمه یک بدهی به دارندگان بیمه‌نامه مدیون است که میزان آن برابر است با حق بیمه‌های سپرده گذاشته شده نزد شرکت ولی هنوز دریافت نشده، ارزش خسارت‌هائی که پرداختنی شده ولی هنوز پرداخت نشده و ذخیره برای ادعاهائی که هنوز اعلام نشده یا اعلام شده ولی هنوز تسویه نشده است. در مقابل این بدهی، شرکت بیمه ذخائر فنی نگهداری می‌کند. درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به این ذخائر به عنوان درآمد مربوط به دارندگان بیمه‌نامه در حساب تخصیص درآمد اولیه و برگشت به شرکت بیمه به عنوان حق بیمه مکمل در حساب توزیع ثانوی درآمد عمل می‌شود. ذخائر مربوطه ذخائری هستند که شرکت بیمه بدهی متناظر با آن به دارندگان بیمه‌نامه را به رسمیت می‌شناسد.

۷-۱۴۳ واحدهای نهادی که یک طرح ضمانت استاندارد در ازای دریافت کارمزد اجرا می‌کنند نیز ممکن است درآمد سرمایه‌گذاری از ذخائر طرح کسب کنند که در این مورد نیز باید به عنوان درآمد سرمایه‌گذاری توزیع شده به واحدهای پرداخت کننده‌ی کارمزد (که می‌تواند همان واحدی نباشد که از ضمانت‌ها منتفع می‌شود) نشان داده شود و به عنوان کارمزدهای مکمل در حساب توزیع ثانوی درآمد عمل شود.

۷-۱۴۴ برای بیمه‌نامه‌های زندگی و مستمری‌های سالانه، شرکت‌های بیمه در برابر دارندگان بیمه‌نامه و مستمری بگیران بدهی‌هائی معادل ارزش حال خسارت‌های مورد انتظار دارند. در مقابل این بدهی‌ها، شرکت‌های بیمه وجوهی دارند که متعلق به دارندگان بیمه‌نامه است و متشکل از جوایز اعلام شده برای حق بیمه‌های با بهره و نیز ذخائری برای پرداخت جوایز و سایر ادعاهای آینده به هردوی دارندگان بیمه‌نامه و مستمری بگیران است. این وجوه در گستره‌ی وسیعی از دارائی‌های مالی و احتمالاً دارائی‌های غیرمالی نظیر مستغلات و زمین سرمایه‌گذاری می‌شوند. بنگاه‌های بیمه از دارائی‌های مالی و زمین درآمد سرمایه‌گذاری دریافت می‌کنند و از اجاره دادنِ بناهای مسکونی و سایر بناها مازاد عملیاتی خالص کسب

می‌کنند. علاوه براین، آن‌ها از نگهداشتن دارائی‌های مالی نیز منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن بدست می‌آورند. جوایز اعلام شده به دارندگان بیمه‌های زندگی باید به عنوان درآمد سرمایه‌گذاری دریافتنی توسط دارندگان بیمه‌نامه (خانوارهای مقیم و شاید غیرمقیم) ثبت شوند و به عنوان حق بیمه‌های مکمل پرداخت شده توسط دارندگان بیمه‌نامه به شرکت‌های بیمه تلقی شوند. ممکن است منبع درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی، مثل بهره و سود تقسیم شده، درآمد سرمایه‌گذاری نباشد ولی برای SNA، معیار تعیین کننده برای ثبت آن به عنوان درآمد سرمایه‌گذاری این است که دریافت کننده، این پرداخت‌ها را به عنوان جایزه‌ای برای قرار دادن دارائی‌های مالی خود در اختیار شرکت بیمه می‌پندارد.

۷–۱۴۵ درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه زندگی به عنوان پرداختنی توسط شرکت بیمه و دریافتنی توسط خانوار در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شود. این مبلغ خود به خود به پس‌انداز ختم می‌شود بدون این که نیاز به تعدیل قلمی، آن طور که برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی انجام می‌شود، وجود داشته باشد. این درآمد سرمایه‌گذاری به عنوان حق بیمه‌های مکمل تلقی می‌شود و بنابراین قسمتی از حق بیمه‌های خالص منهای خسارت‌ها را تشکیل می‌دهد که در حساب مالی به عنوان پرداختنی توسط خانوارها و دریافتنی توسط شرکت‌های بیمه به عنوان تغییرات در حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه ثبت می‌شود.

۷–۱۴۶ برخلاف مورد بیمه غیرزندگی یا بازنشستگی، مبلغی که به پس‌انداز ختم می‌شود و لذا به عنوان تراکنش مالی، به‌طور خاص افزایش بدهی‌های شرکت‌های بیمه‌ی زندگی، ثبت می‌شود علاوه بر حق بیمه‌های جدید منهای کارمزد با خسارت‌های پرداختنی جبران می‌شود.

درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی به حق برخورداری از مزایای بازنشستگی

۷–۱۴۷ همان‌طور که در قسمت ۲ فصل ۱۷ توضیح داده شده است، حق برخورداری از مزایای بازنشستگی از یکی از دو نوع طرح مختلف بازنشستگی ناشی می‌شود. یکی طرح‌های حق بیمه تعیین شده (گاهی اوقات به عنوان طرح‌های خرید پولی نیز نامیده می‌شوند) و دیگری طرح‌های مزایای تعیین شده است.

۷–۱۴۸ طرح حق بیمه‌ی تعیین شده طرحی است که حق بیمه‌های کارکنان و کارفرمایان هردو، از طرف کارکنان به عنوان بازنشستگان آینده سرمایه‌گذاری می‌شوند. منبع دیگری برای تأمین منابع مالی بازنشستگی در دسترس نیست و از وجوه آن استفاده دیگری به عمل نمی‌آید. درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی روی حق بیمه‌ی تعیین شده‌ی بازنشستگی برابر است با درآمد سرمایه‌گذاری روی وجوه بعلاوه هرگونه مازاد عملیاتی خالص عاید شده از طریق اجاره زمین یا بناهای متعلق به صندوق.

۷–۱۴۹ طرح مزایای تعیین شده طرحی است که در آن مزایای پرداختنی براساس یک فرمول تعیین می‌شود. این فرمول اغلب به نوعی به آخرین حقوق (از اینرو واژه جایگزین آن طرح‌های آخرین حقوق است) یا به متوسط حقوق در طول یک دوره معین پیوند داده می‌شود. این فرمول ممکن است به شیوه‌های بسیاری از جمله، مثلاً متغیری در طرح حق بیمه تعیین شده نظیر رشد عایدات وجوه یا یک رشد حداقل درصدی بیان شود.

۷–۱۵۰ از آنجا که مزایا براساس یک فرمول محاسبه می‌شود، در هر لحظه از زمان تعیین میزان برخورداری از حقوق بازنشستگی مورد نیاز برای برآورده ساختن تعهدات آینده امکان پذیر است. ارزش حق بازنشستگی، ارزش حال تمامی پرداخت‌های آینده است که با استفاده از فرض‌های بیمه سنجی (اکچوئری) درباره طول عمر و فرض‌های اقتصادی درباره نرخ بهره یا تنزیل محاسبه می‌شود. ارزش حال حق بازنشستگی موجود در ابتدای سال افزایش می‌یابد زیرا به تاریخی که پرداختنی خواهد شد یک سال نزدیک‌تر می‌شود. میزان افزایش از این امر که منابع مالی طرح بازنشستگی در عمل برای برآورده ساختن تمامی تعهدات کافی است تأثیر نمی‌پذیرد و همچنین تحت تأثیر نوع افزایش منابع مالی نیز قرار نمی‌گیرد، اعم از این که این منابع مالی درآمد سرمایه‌گذاری باشند یا مثلاً منفعت ناشی از نگه‌داشتن باشند.

درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به سهامداران صندوق سرمایه‌گذاری

۷-۱۵۱ درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان سهام یا یونیت‌ها (سهام صندوق سرمایه‌گذاری تحت شرایط تراست) در صندوق‌های سرمایه‌گذاری (از جمله صندوق سرمایه‌گذاری مشترک و صندوق‌های امانی) به صورت دو جزء متمایز نشان داده می‌شود. جزء نخست آن سود تقسیم شده بین سهامداران صندوق سرمایه‌گذاری است. جزء دوم سود تقسیم نشده‌ی مربوط به سهامداران صندوق سرمایه‌گذاری است.

۷-۱۵۲ جزء سود تقسیم شده دقیقاً به همان شیوه ثبت سود تقسیم شده برای شرکت‌های منفرد، همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، ثبت می‌شود. جزء سود تقسیم نشده با استفاده از همان اصولی که برای بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توضیح داده شد ثبت می‌شود ولی بدون منظور کردن هرگونه سود باز سرمایه‌گذاری شده که در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محاسبه می‌شود. به این معنی که باقی‌مانده سود تقسیم نشده به سهامداران توزیع می‌شود (صندوق‌های سرمایه‌گذاری بدون پس‌انداز می‌مانند) و مجدداً در تراکنشی که در حساب مالی ثبت می‌شود توسط سهامداران به صندوق تزریق می‌گردد.

۵. بهره مالکانه

تفاوت بین بهره مالکانه و اجاره بها

۷-۱۵۳ تفاوت بین بهره‌ی مالکانه‌ی دریافتنی یا پرداختنی و اجاره بهای دریافتنی یا پرداختنی در اجاره‌ی عملیاتی از نظر SNA مهم است زیرا بهره‌ی مالکانه یک نوع درآمد دارائی است و اجاره بها به عنوان فروش یا خرید خدمات محسوب می‌شود. اجاره بها، پرداخت‌هائی است که در اجاره‌ی عملیاتی برای استفاده از یک دارائی ثابت متعلق به واحد دیگری صورت می‌گیرد که در این صورت مالک دارای فعالیت تولیدی است که در آن دارائی‌های ثابت تعمیر می‌شوند، در صورت نیاز جایگزین می‌شوند و در معرض تقاضا برای اجاره قرار داده می‌شوند. بهره‌ی مالکانه پرداختی است که تحتِ قرارداد اجاره‌ی منابع طبیعی برای استفاده از یک منبع انجام می‌شود. تفاوت بین بهره مالکانه و اجاره بها فقط در نوع دارائی اجاره شده نیست، بلکه ماهیت اجاره نیز متفاوت است. تفاوت بین انواع اجاره‌ها در قسمت ۵ فصل ۱۷ توضیح داده شده است.

اجاره منابع طبیعی

۷-۱۵۴ ***بهره مالکانه درآمد دریافتنی توسط صاحب منابع طبیعی (اجاره دهنده یا مالک) برای قرار دادنِ منبع طبیعی در اختیار واحد نهادی دیگر (اجاره کننده یا مستأجر) به منظور استفاده از آن منبع طبیعی در تولید است.*** دو حالت خاص برای اجاره منابع طبیعی در نظر گرفته می‌شود، بهره‌ی مالکانه زمین و بهره‌ی مالکانه منابع زیرزمینی. اجاره سایر منابع طبیعی از الگوی این دو نمونه پیروی می‌کنند.

بهره مالکانه‌ی زمین

۷-۱۵۵ بهره مالکانه‌ی زمین به صورت تعلق مستمر آن به مالک زمین در طول دوره‌ی توافق شده در قراردادِ بین مالک زمین و مستأجر ثبت می‌شود. بهره مالکانه‌ی ثبت شده برای یک دوره‌ی خاص حسابداری برابر است با ارزش بهره‌ی مالکانه‌ی انباشته شده پرداختنی در طول آن دوره از زمان، جدا از میزان بهره‌ی مالکانه‌ای که در طول آن دوره قرار است پرداخت شود یا بهره‌ی مالکانه‌ای که واقعاً پرداخت شده است.

۷-۱۵۶ بهره‌ی مالکانه می‌تواند به صورت نقدی یا غیر نقدی پرداخت شود. در طرح‌های سهم بری (مزارعه) یا طرح‌های مشابه، ارزش پولی بهره‌ی مالکانه پرداختنی، از پیش ثابت نیست و از طریق ارزش قیمت پایه‌ی محصولات زراعی که مستأجر متعهد به فراهم کردن آن برای مالک زمین براساس قرارداد بین آن‌ها است اندازه‌گیری می‌شود. بهره‌ی مالکانه‌ی زمین همچنین بهره مالکانه‌ی پرداختنی به صاحبان آب‌ها و رودخانه‌های داخلی به ازای حق بهره برداری از این آب‌ها برای مقاصد تفریحی یا سایر مقاصد از جمله ماهیگیری را نیز در بر می‌گیرد.

۷-۱۵۷ مالک زمین ممکن است فقط به دلیل این که مالک زمین است مسئول پرداخت مالیات بر زمین باشد یا بعضی از

هزینه‌های عملیاتی نگه‌داری را متقبل شود. طبق قرارداد، این مالیات‌ها یا هزینه‌های عملیاتی به گونه‌ای تلقی می‌شوند که توسط مستأجر پرداختنی است و فرض می‌شود که از بهره‌ی مالکانه‌ای که در غیر این صورت ملزم به پرداخت آن به صاحب زمین بود کسر شود. بهره‌ی مالکانه‌ای که به این ترتیب مالیات‌ها یا دیگر هزینه‌های عملیاتی که مالک زمین مسئول پرداخت آن است از آن کسر می‌شود به عنوان "بهره مالکانه بعد از مالیات" نامیده می‌شود. با اتخاذ این قاعده که مستأجر فقط بهره‌ی مالکانه بعد از مالیات را پرداخت می‌کند مالیات‌ها یا هزینه‌های عملیاتی در حساب‌های تولید یا ایجاد درآمدِ مستأجر ثبت می‌شوند. این شیوه‌ی برخورد، درآمد مستأجر را تغییر نمی‌دهد. طبق این قاعده از ضرورت ایجاد یک بنگاه فرضی برای مالک زمین به عنوان اجاره دهنده اجتناب می‌شود.

۷-۱۵۸ اجاره بهای پرداختنی بابت بناها یا سایر سازه‌ها به عنوان خرید خدمات تلقی می‌شود. با این حال در عمل، یک پرداخت واحد ممکن است بهره مالکانه و اجاره بها هردو را پوشش دهد و آن هنگامی است که یک واحد نهادی زمینی را اجاره می‌کند که شامل بهسازی زمین و زمین در وضعیت طبیعی آن است و ممکن است بناهای واقع شده در آن نیز با یک قرارداد یا اجاره نامه‌ی واحد که فرقی بین دو نوع پرداخت قائل نشده است پوشش داده شود. برای مثال، یک کشاورز ممکن است خانه‌ای در مزرعه، بنای واقع درمزرعه، زمین زیر کشت و چراگاهی را با یک قرارداد اجاره کند که در آن فقط یک پرداخت واحد هر چهار مورد را پوشش دهد. در صورتی که یک مبنای عینی وجود نداشته باشد که بر مبنای آن پرداخت مورد نظر بین بهره‌ی مالکانه‌ی زمین و اجاره بهای بناها تقسیم شود، توصیه این است که اگر این باور وجود دارد که ارزش چراگاه بیشتر از ارزش بناها و زمین زیرکشت است، کلِ مبلغ به عنوان بهره مالکانه و در غیر این صورت به عنوان اجاره بها در نظر گرفته شود.

بهره مالکانه‌ی دارائی‌های زیرِزمینی

۷-۱۵۹ مالکیت دارائی‌های زیرزمینی به شکل ذخائر معدنی یا سوخت‌های فسیلی (ذغال، نفت یا گاز طبیعی) بستگی به روشی دارد که در آن حقوق مالکیت طبق قانون و همچنین طبق توافقنامه‌های بین‌المللی در مورد ذخائر زیرآب‌های بین‌المللی تعیین می‌شود. در برخی موارد این دارائی‌ها ممکن است به مالک زمینی که ذخائر زیر آن قرار گرفته‌اند تعلق داشته باشد ولی در موارد دیگر این دارائی‌ها به واحد دولت مرکزی یا محلی تعلق دارد.

۷-۱۶۰ مالکین دارائی‌ها، اعم از واحدهای دولتی یا خصوصی، ممکن است آن‌ها را به واحدهای نهادی دیگری اجاره دهند و اجازه استخراج ذخائر زیرزمینی را در طول دوره‌ی زمانی خاصی در ازای دریافت بهره‌ی مالکانه به اجاره کننده اعطا کنند. این پرداخت‌ها حق امتیاز نامیده می‌شوند ولی در اصل بهره‌ی مالکانه هستند که به مالکین دارائی‌ها در ازای قرار دادن آن‌ها در اختیار سایر واحدهای نهادی برای دوره‌های مشخصی از زمان تعلق می‌گیرند و در SNA نیز چنین عمل می‌شوند. این بهره‌ی مالکانه ممکن است به شکل مبالغ ثابتی، صرف نظر از نرخ استخراج، به صورت پرداخت‌های دوره‌ای یا معمولاً بیشتر به صورت تابعی از مقدار یا حجم دارائی استخراج شده تعیین شود. بنگاه‌هائی که به استخراج اشتغال دارند ممکن است در مقابل به‌دست آوردن حق حفاری آزمایشی یا به روش‌های دیگرجستجو ، برای آگاهی از وجود منابع زیرزمینی و محل آن‌ها، پرداخت‌هائی را به مالکین زمین‌های سطحی انجام دهند. این پرداخت‌ها نیز باید به عنوان بهره‌ی مالکانه تلقی شوند حتی اگر استخراجی صورت نگیرد.

فصل ۸: حساب‌های بازتوزیع درآمد

الف. مقدمه

۸–۱ این فصل به توضیح دو حساب دیگر می‌پردازد که نشان میدهند چگونه درآمد از طریق پرداخت‌ها و دریافت‌های انتقالات جاری بین واحدهای نهادی بازتوزیع می‌شود. این بازتوزیع، مرحله دوم از فرآیند توزیع درآمد را که در حساب‌های SNA شرح داده شده است نشان می‌دهد. این دو حساب، حساب توزیع ثانوی درآمد و حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی هستند.

۸–۲ حساب توزیع ثانوی درآمد نشان می‌دهد که چگونه تراز درآمدهای اولیه‌ی یک واحد یا بخش نهادی با دریافت و پرداخت انتقالات جاری به استثنای انتقالات اجتماعی غیرنقدی به درآمد قابل تصرف تبدیل می‌شود.

۸–۳ حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی، فرآیند بازتوزیع درآمد را یک مرحله فراتر می‌برد. این حساب نشان می‌دهد که چگونه درآمدهای قابل تصرف خانوارها، نهادهای غیرانتفاعی درخدمت خانوارها (NPISH)ها و واحدهای دولتی از طریق دریافت و پرداخت انتقالات اجتماعی غیرنقدی به درآمدهای قابل تصرف تعدیل شده‌ی آن‌ها تبدیل می‌شوند. شرکت‌های غیرمالی و مالی در این فرآیند درگیر نمی‌شوند.

۸–۴ بخش عمده‌ی این فصل به تعاریف تفصیلی، توضیح و طبقه‌بندی انواع متعدد انتقالات جاری ثبت شده درحساب‌های توزیع ثانوی و بازتوزیع درآمد غیرنقدی می‌پردازد. قسمتی از این توضیحات، به بحث درباره ترکیب طرح‌های بیمه‌های اجتماعی و نقش آن‌ها به عنوان دریافت کنندگان حق بیمه‌های اجتماعی و تأمین کنندگان مزایای اجتماعی اختصاص دارد.

۸–۵ درک تفاوت بین چهار مفهوم مختلف مرتبط به هم برای شناخت کامل دو حساب شرح داده شده در این بخش بسیار مهم است. این چهار اصطلاح بیمه اجتماعی، تأمین اجتماعی، مساعدت اجتماعی و انتقالات اجتماعی غیرنقدی هستند. این اصطلاحات به صورت بسیار خلاصه در زیر و به صورت تفصیلی‌تر در قسمت‌های بعدی این فصل توضیح داده خواهد شد.

۸–۶ طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی طرح‌هائی هستند که در آن حق بیمه‌های اجتماعی توسط کارکنان یا سایرین، یا توسط کارفرمایان از طرف کارکنان برای به‌دست آوردن حق برخورداری از مزایای بیمه‌ی اجتماعی، برای کارکنان یا سایر پرداخت کنندگان حق بیمه، بستگان آن‌ها یا بازماندگان آن‌ها در دوره جاری یا دوره‌های بعدی پرداخت می‌شود. مزایای اجتماعی پرداختنی از طریق طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی دو نوع هستند، مزایای بازنشستگی و سایر مزایا نظیر مزایای پزشکی، تحصیل، مسکن یا بیکاری. مزایای بازنشستگی همیشه نقدی پرداخت می‌شوند؛ ولی مزایای غیربازنشستگی ممکن است نقدی یا غیرنقدی پرداخت شوند.

۸–۷ دو نوع عمده‌ی طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد:

الف. نوع اول، طرح‌های تأمین اجتماعی هستند که کل جامعه، یا بخش بزرگی از جامعه را پوشش می‌دهند، و دولت آن‌ها را اجباری می‌کند و کنترل و تأمین مالی آن‌ها را نیز به عهده دارد. در این طرح‌ها مستمری بازنشستگیِ پرداختنی می‌تواند به سطح حقوق ذینفع یا سابقه‌ی استخدامی او مرتبط باشد یا ارتباطی با آن نداشته باشد. مزایای غیربازنشستگی در موارد نادر با سطح حقوق مرتبط هستند.

ب. نوع دوم، سایر طرح‌های اشتغال محور هستند. این طرح‌ها از یک رابطه کارکن و کارفرما در تأمین حق

برخورداری از مزایای بازنشستگی که قسمتی از شرایط استخدام است، و وقتی دولت مسئولیت تأمین مزایای تحت طرح‌های تأمین اجتماعی را به عهده ندارد، بدست می‌آید.

۸-۸ مزایای نقدیِ مساعدت اجتماعی، انتقالات جاری پرداختنی توسط واحدهای دولتی یا NPISHها به خانوارها برای ارضای همان نیازهای مزایای بیمه‌های اجتماعی هستند ولی تحت یک طرح بیمه‌ی اجتماعی که معمولاً نیازمند مشارکت از طریق پرداخت حق بیمه‌های اجتماعی است ایجاد نمی‌شوند.

۸-۹ انتقالات اجتماعی غیرنقدی از مزایای تأمین اجتماعی پرداختنی غیرنقدی و مزایای مساعدت اجتماعی پرداختنی غیر نقدی تشکیل شده است.

۱. حساب توزیع ثانوی درآمد

۸-۱۰ غیر از تراز درآمدهای اولیه که قلم تراز کننده‌ی منتقل شده از حساب‌های توزیع اولیه درآمد است، و درآمد قابل تصرف، که قلم ترازکننده در حساب توزیع ثانوی درآمد است، تمامی اقلام در حساب توزیع ثانوی درآمد از انتقالات جاری تشکیل شده‌اند. ***انتقالات تراکنش‌هایی هستند که در آن یک واحد نهادی برای واحد نهادی دیگری کالا، خدمت یا دارائی فراهم می‌کند بدون این که در مقابل از واحد دوم به عنوان مبادله*** ***مستقیم آن، کالا، خدمت یا دارائی دریافت کند.*** انتقالات، به انتقالات جاری و انتقالات سرمایه‌ای تقسیم می‌شوند. ***انتقالات سرمایه‌ای انتقالات بلاعوض هستند اعم از این که طرف انجام دهنده‌ی آن وجوه مربوط به انتقالات را با واگذاری یک دارائی (غیر از وجه نقد یا موجودی انبار) یا با چشم پوشی از یک ادعای مالی (غیر از حساب‌های دریافتنی) محقق سازد، یا طرف دریافت کننده‌ی انتقالات ملزم به تحصیل یک دارائی (غیر از پول نقد) باشد و یا هردوی این شرایط وجود داشته باشند.*** انتقالات سرمایه‌ای اغلب از نظر ارزش، قابل ملاحظه بوده و به صورت نامنظم پرداخت می‌شوند ولی هیچ‌یک از این‌ها شرط لازم برای تشخیص انتقالات سرمایه‌ای از انتقالات جاری نیست. ***سایر انتقالات به عنوان انتقالات جاری نامیده می‌شوند انتقالات جاری تراکنش‌هائی هستند که طی آن یک واحد نهادی کالا یا خدمتی را برای واحد نهادی دیگری تأمین می‌کند بدون این که در مقابل از واحد دوم کالا یا خدمتی را برای جبران آن مستقیماً دریافت کند و هیچیک از دو طرف موظف به تحصیل یا واگذاری دارائی نیستند.*** مفهوم انتقالات با جزئیات بیشتر در سطرهای زیرین در بخش ب توضیح داده شده است.

۸-۱۱ جدول ۸-۱ شکل خلاصه شده‌ی حساب توزیع ثانوی درآمد را با مشخص کردن انواع اصلی انتقالات نشان می‌دهد. انتقالات جاری ممکن است بین واحدهای مقیم و غیرمقیم و نیز بین واحدهای نهادی مقیم انجام شود.

جدول ۸-۱: حساب توزیع ثانوی درآمد – خلاصه شده – مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
انتقالات جاری	۹۸	۲۷۷	۲۴۸	۵۸۲	۷	۱ ۲۱۲	۱۷		۱ ۲۲۹
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره	۲۴	۱۰	۰	۱۷۸	۰	۲۱۲	۱		۲۱۳
حق بیمه‌های اجتماعی خالص				۳۳۳		۳۳۳	۰		۳۳۳
مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیرنقدی	۶۲	۲۰۵	۱۱۲	۰	۵	۳۸۴	۰		۳۸۴
سایر انتقالات جاری	۱۲	۶۲	۱۳۶	۷۱	۲	۲۸۳	۱۶		۲۹۹
درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
درآمد قابل تصرف، خالص	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴

۸-۱۲ انتقالات پرداختنی توسط یک واحد یا بخش نهادی در سمت راست حساب، زیر مصارف، ثبت می‌شوند. برای مثال، در جدول ۸-۱، مالیات بر درآمد، ثروت و غیره پرداختنی توسط بخش خانوار در تقاطع ردیف مربوط به این قلم و ستون مصارف مربوط به بخش خانوار ثبت می‌شود. انتقالات دریافتنی توسط یک واحد یا بخش نهادی در سمت چپ این حساب زیر منابع ثبت می‌شود. برای مثال، مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیر نقدی دریافتنی توسط بخش خانوار در تقاطع ردیف مربوط به این قلم و ستون منابع مربوط به بخش خانوار ثبت می‌شود.

۸-۱۳ طبق قواعد کلی حسابداریِ SNA، اقلام ثبت شده در حساب‌ها، غیر از اقلام ترازکننده، نشان دهنده‌ی مبالغ پرداختنی و دریافتنی هستند. آن‌ها ممکن است لزوماً با مبالغی که در همان دوره‌ی حسابداری واقعاً پرداخت یا دریافت شده‌اند هم زمان نباشند. هر مبلغ پرداختنی و نه پرداخت شده و دریافتنی و نه دریافت شده در حساب مالی زیر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی ثبت می‌شوند.

۸-۱۴ سه نوع اصلی انتقالات جاری در حساب توزیع ثانوی درآمد مشخص شده است:

الف. مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره؛

ب. حق بیمه‌ها و مزایای اجتماعی؛

پ. سایر انتقالات جاری.

ماهیت کلی آن‌ها و اهدافی که برآورده می‌سازند در پاراگراف‌های زیرین خلاصه شده است.

مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره

۸-۱۵ ***مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره عمدتاً عبارتند از مالیات بر درآمد خانوارها، یا سود شرکت‌ها و مالیات بر ثروت که به طور منظم در هر دوره‌ی مالیاتی پرداختنی هستند (متفاوت از مالیات‌های بر سرمایه که گاهی وضع می‌شوند).*** در جدول ۸-۱ مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره‌ی دریافتنی زیر منابع برای بخش دولت و احتمالاً دنیای خارج نشان داده می‌شود، در حالی که مالیات‌های پرداختنی زیر مصارف برای خانوار و شرکت‌های مالی و غیرمالی و احتمالاً نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH)ها نشان داده می‌شوند.

جدول ۸-۱ (ادامه): حساب توزیع ثانوی درآمد – خلاصه شده – منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲
انتقالات جاری	۷۲	۲۷۵	۳۶۷	۴۲۰	۴۰	۱ ۱۷۴	۵۵		۱ ۲۲۹
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره			۲۱۳			۲۱۳	۰		۲۱۳
خالص حق بیمه‌های اجتماعی	۶۶	۲۱۳	۵۰	۰	۴	۳۳۳	۰		۳۳۳
مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیرنقدی				۳۸۴		۳۸۴	۰		۳۸۴
سایر انتقالات جاری	۶	۶۲	۱۰۴	۳۶	۳۶	۲۴۴	۵۵		۲۹۹

حق بیمه‌ها و مزایای اجتماعی

۸-۱۶ ***حق بیمه‌های اجتماعی پرداخت‌های واقعی یا احتسابی به طرح‌های بیمه اجتماعی هستند تا ذخائری را برای پرداخت مزایای بیمه‌های اجتماعی تأمین کنند.*** حق بیمه‌های اجتماعی را ممکن است کارفرمایان از طرف کارکنانشان پرداخت کنند. در این صورت، این حق بیمه‌ها قسمتی از جبران خدمات کارکنان را تشکیل می‌دهند و در تراز درآمد اولیه‌ی خانوارها منظور می‌شوند. در حساب توزیع ثانوی درآمد، این حق بیمه‌ها همراه با پرداخت‌های خودِ خانوارها به عنوان کارکنان مزدبگیر، خود اشتغال یا بیکار، به صورت اقلام پرداختنی توسط خانوارها و دریافتنی توسط واحدهای مسئول طرح‌های بیمه‌های اجتماعی ثبت می‌شوند. حق بیمه‌های اجتماعی ممکن است توسط واحدی در یک بخش که با امکانات خود یک طرح بیمه اجتماعی را برای کارکنانش اجرا می‌کند (حتی توسط خانوارهای استثنائی با امکانات خود به عنوان بنگاه‌های غیر شرکتی یک طرح بیمه اجتماعی برای کارکنانشان اجرامی‌کنند) دریافتنی باشد یا می‌تواند توسط واحد طرف سومی که به عنوان نهاد مسئول اداره کننده طرح برگزیده شده است دریافتنی باشد.

۸-۱۷ ***مزایای اجتماعی انتقالات جاری هستند که توسط خانوارها برای تأمین نیازهای ناشی از رویدادها یا شرایط خاصی دریافت می‌شوند، این شرایط به عنوان مثال می‌تواند بیماری، بیکاری، بازنشستگی، مسکن، تحصیل یا وضعیت خانوادگی باشد.*** مزایای اجتماعی ممکن است تحت طرح‌های بیمه اجتماعی یا از طریق مساعدت اجتماعی فراهم شود.

۸-۱۸ مزایای بیمه‌های اجتماعی غیرنقدی که توسط کارفرمایان تأمین شده باشند طوری عمل می‌شوند که گوئی به طور نقدی پرداخت شده‌اند و در حساب توزیع ثانوی درآمد منظور می‌شوند. اگر چنین عمل نمی‌شد، هزینه‌ی خرید کالاها و خدمات مربوطه می‌بایست به عنوان هزینه‌ی متحمل شده توسط کارفرمایان نشان داده می‌شد ولی این محصولات مصرف واسطه نیستند و بنگاه نیز نمی‌تواند مصرف نهائی داشته باشد. ولی، مزایای بیمه‌های اجتماعی غیرنقدی تأمین شده تحت طرح‌های عمومی تأمین اجتماعی و تمامی مزایای مساعدت اجتماعی غیرنقدی، انتقالات اجتماعی غیرنقدی را تشکیل می‌دهند و بنابراین فقط در حساب بازتوزیع درآمد غیر نقدی منظور می‌شوند. در جدول ۸-۱ مزایای اجتماعی، به استثنای انتقالات اجتماعی غیرنقدی، برای بخش خانوار در زیر منابع ثبت می‌شوند و در اصل می‌تواند برای هر بخشی که با امکانات خود به عنوان کارفرما یک طرح بیمه اجتماعی اجرا کرده است در زیر مصارف ثبت شود.

جدول ۸-۲: حساب بازتوزیع درآمد - مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
انتقالات اجتماعی غیرنقدی			۱۸۴		۳۱	۲۱۵			۲۱۵
انتقالات اجتماعی غیرنقدی – تولید غیربازاری			۱۸۰		۳۱	۲۱۱			۲۱۱
انتقالات اجتماعی غیرنقدی- تولید بازاری خریداری شده			۴			۴			۴
درآمد قابل تصرف تعدیل شده، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۱۳۳	۱ ۴۳۴	۶	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
درآمد قابل تصرف تعدیل شده، خالص	۷۱	۱۳	۱۰۶	۱ ۴۱۱	۳	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴

سایر انتقالات جاری

۸-۱۹ ***سایر انتقالات جاری از تمامی انتقالات جاری بین واحدهای مقیم، یا بین واحدهای مقیم و غیرمقیم، تشکیل شده است غیر از مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره، مزایا و حق بیمه‌های اجتماعی و مزایای اجتماعی غیرنقدی.*** این گروه، خالص حق بیمه‌ها و خسارت‌های تحت بیمه‌نامه‌های غیرزندگی، انتقالات جاری بین واحدهای مختلف دولتی معمولاً در سطوح مختلف دولت، و همچنین بین دولت و دولت‌های خارجی، و نیز به عنوان انتقالات جاری به NPISHها و از آن‌ها بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم را در برمی‌گیرد.

۲. درآمد قابل تصرف

۸-۲۰ ***درآمد قابل تصرف قلم ترازکننده‌ی حساب توزیع ثانوی درآمد است. این قلم از تراز درآمدهای اولیه‌ی یک واحد یا بخش نهادی با انجام عملیات زیر به‌دست می‌آید با:***

الف. اضافه کردن همه‌ی انتقالات جاری دریافتنی توسط آن واحد یا بخش، بجز انتقالات اجتماعی غیرنقدی؛ و

ب. کسر کردن همه‌ی انتقالات جاری پرداختنی توسط آن واحد یا بخش، بجز انتقالات اجتماعی غیرنقدی.

۸-۲۱ درآمد قابل تصرف، مشابه تراز درآمدهای اولیه، ممکن است ناخالص یا خالص از مصرف سرمایه ثابت ثبت شود. همانند موارد دیگر، اندازه خالص از نظر مفهومی ترجیح داده می‌شود ولی ممکن است لازم باشد اقلام ترازکننده به دلیل مشکلات اندازه‌گیری مصرف سرمایه ثابت، به صورت ناخالص ثبت شوند اگرچه مصرف سرمایه ثابت یک هزینه تولید است و نه جزئی از درآمد. بحث زیر به مفهوم درآمد قابل تصرف خالص می‌پردازد.

۸-۲۲ همه‌ی درآمد قابل تصرف به صورت نقدی در دسترس نیست. وارد کردن تراکنش‌های غیرپولیِ مربوط به تولید برای خود مصرفی یا مبادله‌ی پایاپای، یا تراکنش‌های غیرپولی مربوط به پاداش‌های غیرنقدی در حساب‌ها، به این معنی است که خانوارها برای مصرف برخی از انواع کالاها و خدماتی که برای آن‌ها ارزش مخارج متناظر از محل درآمد قابل تصرف احتساب شده است قدرت انتخاب ندارند. با وجود این که انتقالات اجتماعی غیرنقدی از واحدهای دولتی یا NPISHها به خانوارها در حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی به‌طور جداگانه ثبت می‌شوند، ولی سایر انتقالات غیرنقدی در حساب توزیع ثانوی درآمد همراه با انتقالات نقدی ثبت می‌شوند. انتقالات اجتماعی غیرنقدی ممکن است انتقالات بین‌المللی خوراک، پوشاک، دارو و غیره برای کاهش اثرات قحطی یا سایر سختی‌های ناشی از بلایای طبیعی یا جنگ را نیز در برگیرد. طبق قرارداد، انتقالات غیرنقدی، غیر از انتقالات اجتماعی غیرنقدی، طوری ثبت می‌شوند که دریافت کنندگان آن‌ها مخارج احتسابی مصرف کالاها و خدمات مورد بحث را انجام داده‌اند به طوری که گوئی انتقالات به صورت نقدی دریافت شده است.

جدول۸-۲ (ادامه): حساب بازتوزیع درآمد - منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
درآمد قابل تصرف، خالص	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴
انتقالات اجتماعی غیرنقدی				۲۱۵		۲۱۵			۲۱۵
انتقالات اجتماعی غیرنقدی - تولید غیربازاری				۲۱۱		۲۱۱			۲۱۱
انتقالات اجتماعی غیرنقدی- تولید بازاری خریداری شده				۴		۴			۴

۸-۲۳ خانوارها همچنین انواع متعددی از جریان‌های احتسابی درآمد دارائی نیز دریافت می‌کنند که به شکلی در دسترس آن‌ها قرار نمی‌گیرند که بتوانند هر طور که می‌خواهند خرج کنند. این‌ها شامل درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به بیمه، حق برخورداری از مستمری سالانه و مزایای بازنشستگی و نیز درآمد حاصل از یونیت‌ها (سهام صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحت تراست) یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری هستند. جریان‌های درآمد مربوط به صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بیمه‌های زندگی و مستمری‌های سالانه که به عنوان بیمه اجتماعی تلقی نمی‌شوند به درآمد قابل تصرف منتقل می‌شوند هرچند که به طور خودکار باعث افزایش دارائی‌های در اختیار خانوارها در نهادهای مالی اداره کننده‌ی این صندوق‌ها و بیمه‌ها می‌شوند و لذا خانوار اختیاری در مورد خرج کردن این مبالغ ندارد. آن دسته از جریان‌های درآمد که به بیمه غیرزندگی و طرح بیمه‌های اجتماعی مربوط می‌شوند در حساب توزیع ثانوی درآمد طوری ثبت می‌شوند که گوئی به شرکت بیمه‌ی غیرزندگی یا طرح بیمه‌های اجتماعی بازپرداخت شده است و در درآمد قابل تصرف وارد نمی‌شوند بجز قسمتی که قبلاً برای تأمین کارمزد خدمات مربوط به بیمه یا طرح بیمه اجتماعی تخصیص داده شده است.

۸-۲۴ درآمد قابل تصرف برای خانوارها، مازاد بهره‌ی SNA نسبت به بهره‌ی بانکی سپرده‌های خانوارها و مازاد بهره‌ی بانکی نسبت به بهره‌ی وام‌های خانوارها را در بر می‌گیرد. این تفاوت‌ها نیز برای تأمین هزینه خدمات غیرمستقیم مطالبه شده توسط نهادهای مالی برای وام‌ها و سپرده‌ها (FISIM) از پیش تخصیص داده می‌شود. (برای سایر واحدهای نهادی بجز واسطه‌گری‌های مالی، FISIM به عنوان قسمتی از مصرف واسطه تلقی می‌شود بنابراین از سنجه‌های درآمد حذف می‌شود).

ارتباط با مفاهیم اقتصادی درآمد از نظر تئوری

۸-۲۵ درآمد قابل تصرف را آن‌طور که در SNA اندازه‌گیری می‌شود می‌توان با مفهومی از درآمد که در اقتصاد استنباط می‌شود مقایسه کرد. از دیدگاه نظری، درآمد اغلب این‌گونه تعریف می‌شود که حداکثر مبلغی است که خانوار، یا واحد دیگری، می‌تواند مصرف کند بدون این که ارزش ویژه (ثروت خالص) واقعی آن کاهش یابد. اما، ارزش ویژه‌ی واقعیِ یک واحد ممکن است در اثرِ دریافت یا پرداخت انتقالات سرمایه‌ای و در اثرِ منفعت یا زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن که به دارائی‌ها یا بدهی‌های آن تعلق می‌گیرد تغییر یابد. تغییر ارزش ویژه‌ی واقعی ممکن است ناشی از رویدادهائی نظیر بلایای طبیعی که حجم دارائی‌ها را تغییر می‌دهد نیز باشد. انتقالات سرمایه‌ای، منفعت یا زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن به سبب تأثیر رخدادهائی نظیر بلایای طبیعی به‌طور مشخص از اندازه‌گیری درآمد قابل تصرف کنار گذاشته می‌شود. (انتقالات سرمایه در حساب سرمایه‌ی SNA ثبت می‌شوند، در حالی که سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و منفعت یا زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن در حساب سایر تغییرات دارائی‌ها ثبت می‌شوند). به مفهوم دقیق‌تر، درآمد قابل تصرف را می‌توان چنین تعبیر کرد که حداکثر مبلغی است که خانوار یا واحد دیگری را برای خرج کردن در مصرف کالاها و خدمات طی دوره‌ی حسابداری قادر می‌سازد بدون این‌که مجبور به کاهش موجودی نقدی، واگذاری دارائی‌های مالی یا غیرمالی یا افزایش بدهی‌های خود باشد. این مفهوم فقط هنگامی با مفهوم اقتصادی درآمد از نظر تئوری هم‌تراز است که ارزش ویژه‌ی خانوار در آغاز دوره در اثر انتقالات سرمایه‌ای، سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها یا منفعت یا زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن ثبت شده در طی دوره تغییر نکند.

درآمد قابل تصرف ملی

۸-۲۶ بسیاری از انتقالات، اعم از نقدی یا غیرنقدی، ممکن است همانند انتقالات بین واحدهای نهادی مقیم، بین واحدهای نهادی مقیم و غیرمقیم نیز رخ دهند. ***درآمد قابل تصرف ناخالص یا خالص ملی را می‌توان از درآمد ناخالص یا خالص ملی از طریق زیر بدست آورد:***

الف. افزودن تمامی انتقالات جاری نقدی یا غیرنقدی دریافتنیِ واحدهای نهادی مقیم از واحدهای غیرمقیم؛ و

ب. کسر کردن تمامی انتقالات جاری نقدی یا غیرنقدی پرداختنیِ واحدهای نهادی مقیم به واحدهای غیرمقیم.

۸-۲۷ مهمترین انتقالات جاری که بین واحدهای مقیم و غیرمقیم رخ می‌دهد به شرح زیر هستند:

الف. حق بیمه‌ها یا مزایای اجتماعی؛

ب. مالیات‌های جاری بر درآمد یا ثروت؛

پ. حق بیمه‌ها و ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی؛

ت. همکاری‌های جاری بین‌المللی؛ یعنی، انتقالات جاری بین دولت‌های مختلف، نظیر انتقالات در برنامه‌های کمک که برای ثابت نگه‌داشتن سطح مصرف جمعیت آسیب دیده از جنگ یا بلایای طبیعی نظیر خشکسالی، جنگ یا زمین‌لرزه‌ها در نظر گرفته می‌شود؛

ث. ارسال وجه بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم.

۸-۲۸ درآمد قابل تصرف خالص یک کشور سنجه‌ی بهتری نسبت به درآمد خالص ملی (NNI) برای مقاصد تحلیلیِ امکانات مصرف آن کشور است.

۳. حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی

۸-۲۹ غیراز اقلام ترازکننده، درآمد قابل تصرف و درآمد قابل تصرف تعدیل شده، تمامی اقلام ورودی در حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی از انتقالات اجتماعی غیرنقدی تشکیل شده‌اند. انتقالات غیرنقدی فقط از مزایای اجتماعی غیرنقدی و انتقالات کالاها و خدمات غیربازاری فردی ارائه شده به خانوارهای مقیم توسط واحدهای دولتی، از جمله صندوق‌های تأمین اجتماعی و NPISHها تشکیل شده است.

۸-۳۰ از آنجا که انتقالات غیرنقدی فقط بین واحدهای دولتی، NPISHها، و خانوارها رخ می‌دهد، حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی برای بخش‌های شرکت‌های مالی و غیرمالی لازم نیست.

۸-۳۱ انتقالات اجتماعی غیرنقدی پرداختنی توسط واحدهای دولتی یا NPISHها در سمت راست حساب‌های بازتوزیع درآمد غیرنقدی زیرِ مصارف آن‌ها ثبت می‌شوند. برای مثال، در جدول ۸-۲، ارزش کالاها یا خدمات فردی غیربازاری که توسط واحدهای دولتی به صورت رایگان، یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند ارائه می‌شوند در تقاطع ردیف آن قلم و ستون مصارف بخش دولت ثبت می‌شوند. انتقالات اجتماعی دریافتنی توسط بخش خانوار در سمت چپ حساب آن‌ها زیر منابع ثبت می‌شوند. از آنجا که فقط بخش خانوار انتقالات اجتماعی غیرنقدی دریافت می‌کنند، ستون‌های منابع برای چهار بخش دیگر خالی است.

۴. درآمد قابل تصرف تعدیل شده

۸-۳۲ ***درآمد قابل تصرف تعدیل شده قلم ترازکننده‌ی حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی است. این قلم از درآمد قابل تصرف یک واحد یا بخش نهادی از طریق زیر بدست می‌آید:***

الف. اضافه کردنِ ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی دریافتنی توسط آن واحد یا بخش؛ و

ب. کسر کردن ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی پرداختنی توسط آن واحد یا بخش.

درآمد قابل تصرف تعدیل شده، همانند درآمد قابل تصرف می‌تواند به صورت ناخالص یا خالص از مصرف سرمایه ثابت ثبت شود. از آنجا که انتقالات غیرنقدی فقط توسط واحدهای دولتی و NPISHها پرداختنی و فقط توسط خانوارها دریافتنی هستند، در نتیجه درآمدهای قابل تصرف تعدیل شده بخش های دولت و NPISHها کمتر از درآمدهای قابل تصرف آن‌ها است، درحالی که درآمد قابل تصرف تعدیل شده بخش خانوار از درآمد قابل تصرف آن بیشتر است. در هردو حالت، ارزش این تفاوت با ارزش کل انتقالات اجتماعی غیرنقدی برابر است بنابراین درآمد قابل تصرف تعدیل شده برای کل اقتصاد با درآمد قابل تصرف آن یکسان است.

۸-۳۳ درآمد قابل تصرف تعدیل شده‌ی خانوار را می‌توان چنین تعبیر کرد که عبارت از اندازه‌گیری حداکثر ارزش مصرف نهائی کالاها یا خدماتی است که خانوار می‌تواند بدون این که مجبور به کاهش موجودی نقدی خود، واگذاری سایر دارائی‌ها

یا افزایش بدهی‌های خود برای این منظور باشد قادر به مصرف آن‌ها در دوره جاری است. امکانات مصرف خانوار نه تنها با ارزش حداکثر مبلغی که قادر به خرج کردن آن برای مصرف کالاها و خدمات (درآمد قابل تصرف آن) است تعیین می‌شود بلکه با ارزش کالاها و خدمات مصرفی دریافت شده از واحدهای دولتی یا NPISHها به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی نیز تعیین می‌شود. برعکس، درآمد قابل تصرف تعدیل شده‌ی دولت را می‌توان چنین تعبیر کرد که عبارت از اندازه‌گیری حداکثر ارزش خدمات جمعی است که دولت بدون این که مجبور به واگذاری دارائی‌ها یا افزایش بدهی‌های خود باشد قادر به ارائه آن به جامعه است.

ب. انتقالات جاری

۸-۳۴ همانگونه که در بالا تعریف شد، ***انتقالات تراکنش‌هایی است که در آن یک واحد*** نهادی ***برای واحد نهادی دیگری کالا، خدمت یا دارائی فراهم می‌کند بدون این که در عوض از واحد دوم به عنوان مابازاء مستقیم آن، کالا، خدمت یا دارائی دریافت کند.*** واحدی که انتقالات انجام می‌دهد منافع مشخص کمیت‌پذیری در مقابل آن دریافت نمی‌کند که بتوان به عنوان قسمتی از تراکنش معادل آن ثبت کرد. با این وجود، پرداخت حق بیمه اجتماعی یا حق بیمه غیرزندگی ممکن است به واحد پرداخت کننده حق استفاده از برخی مزایای احتمالی آینده را فراهم کند. برای مثال، ممکن است خانواری حق دریافت برخی مزایای اجتماعی را داشته باشد ولی باید رویدادهای مشخصی رخ دهد یا شرایط خاصی حاکم شود تا بتواند از آن بهره مند شود. بعلاوه، از خدمات ارائه شده توسط دولت تمامی واحدهای مقیم بهره‌مند می‌شوند. اما، این که انتقالات انجام شده است به خودی خود به این معنی نیست که واحد انجام دهنده آن منفعتی را دریافت خواهد کرد، اگر هم منفعتی دریافت کند، میزان آن متناسب با میزان انتقالات نخواهد بود. به این دلیل است که در SNA مابه‌ازای مستقیمی برای انتقالات وجود ندارد.

۸-۳۵ فرآیند وصول مالیات توسط دولت و استفاده از درآمدهای آن برای تأمین خدمات دولتی و فرآیندی که طی آن یک شرکت بیمه در یک سال حق بیمه‌هائی را برای بیمه غیرزندگی از دارندگان بیمه‌نامه می‌پذیرد و خسارت‌هائی به تعداد نسبتاً کمتری از آن‌ها پرداخت می‌کند، اساساً از نظر ماهیت توزیعی هستند. در طی یک دوره حسابداری، یک واحد نهادی (دولت یا شرکت بیمه) در رابطه با مجموعه‌ی مشخصی از رویکردها وجوهی را دریافت و توزیع می‌کند ولی رویدادهائی که منجر به پرداخت می‌شوند و پرداخت‌هائی که انجام می‌شوند مستقیماً بهم مربوط نیستند.

۸-۳۶ برعکس، پرداخت‌های حق بیمه‌های مربوط به بیمه‌نامه‌های فردی بیمه زندگی که توسط اعضای یک خانوار به ابتکار خودشان خارج از طرح‌های بیمه اجتماعی خریداری می‌شود و مزایای متناظر آن‌ها انتقالات نیستند. برای بیمه زندگی، شرکت بیمه وجوه را از طرف خانوار نامبرده مدیریت می‌کند. بازتوزیع نسبتاً کمی بین خانوارهای مختلف دارنده‌ی بیمه نامه‌های مشابه وجود دارد و هر خانواری قادر است با درجه‌ای منطقی از قطعیت آنچه که دریافت خواهد کرد و زمان دریافت آن را پیش بینی کند. از اینرو، این نوع بیمه نامه‌ها تحصیل و واگذاری دارائی‌های مالی را تشکیل می‌دهند و در حساب‌های مالی SNA این گونه ثبت می‌شوند و به عنوان اجزای تشکیل دهنده‌ی تغییر در حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه منظور می‌شوند.

۸-۳۷ می‌توان استدلال کرد که طرح‌های بازنشستگی با شیوه‌ای مشابه با طرح‌های بیمه زندگی عمل می‌کنند و باید به عنوان طرح‌های پس‌انداز خانوارهای فردی تلقی شوند. در SNA سه دلیل وجود دارد که برای پوشش دادن مزایای بازنشستگی اشتغال محور از طراحی طرح‌های بیمه اجتماعی استفاده می‌شود، طرحی که حق بیمه‌ها و مزایا در آن به عنوان انتقالات ثبت می‌شوند. نخستین دلیل این است که تأمین

اجتماعی اساساً یک فرآینـد بـازتوزیع بـین بخـش وسـیعی از جمعیت با افراد زیاد مشارکت کننده است به‌طوری که کسانی که نیاز داشته باشند می‌توانند بهره مند شوند. دومین دلیل این است که مزایای بازنشستگی منبع مالی منظم و ثابتی را بعد از بازنشستگی فراهم می‌کند. در کاربردهای اقتصادی دیگر نظیر آمارگیری‌های درآمـد و هزینـه، مسـتمری‌هـای بازنشسـتگی بجای عدم پس‌انداز به عنوان درآمد در نظر گرفتـه مـی‌شـود. سومین دلیل برای این که مستمری بازنشستگی‌ها بجای عدم پس‌انداز درآمد محسوب مـی‌شـود ایـن اسـت کـه مسـتمری بازنشستگی غالباً هنگـامی کـه فـردِ بازنشسـته (یـا بازمانـده) می‌میرد قطع می‌شود. در این زمینه، حق برخورداری از مزایای بازنشستگی از دارائی‌های مالی دیگر کـه تحـت تـأثیر مـرگ صاحب آن قرار نمی‌گیرند، متفاوت است.

۱. تفاوت بین انتقالات جاری و سرمایه‌ای

۸-۳۸ انتقالات می‌توانند جاری یا سرمایه‌ای باشند. بـرای تشـخیص انتقالات جاری از سرمایه‌ای، بهتر است ابتدا بـر ویژگـی‌هـای خاص انتقالات سرمایه‌ای تأکید شود. همان‌طـور کـه در بـالا اشاره شد، انتقالات سرمایه‌ای انتقالاتی هستند که به تحصیل یا واگذاری یک دارائی اعم از مالی یا غیرمـالی مـرتبط مـی-شوند. واحـدهای نهـادی بایـد قـادر بـه تشـخیص انتقـالات سرمایه‌ای از جاری باشند و باید فرض شود که سرمایه انتقـال یافته در طول دوره‌ی حسابداری همانند سرمایه‌ای که خـانوار در طول آن دوره در اختیار دارد عمل می‌شود. برای مثال، یک خانوار محتاط، تمامی انتقالات سرمایه‌ای را که ممکـن اسـت در طول یک دروه‌ی حسـابداری خـاص دریافـت کنـد بـرای مصرف نهائی در همان دوره‌ی حسابداری در نظر نمـی‌گیـرد. برعکس خـانواری کـه انتقـالات سـرمایه‌ای (مثـل، پرداخـت مالیات بر ارث) انجام می‌دهد قصد کاهش مصرف نهائی خـود به اندازه تمامی مبلغ انتقالات را نخواهد داشت. غیر از این که واحدهای نهادی قـادر بـه تشـخیص انتقـالات سـرمایه‌ای از جاری باشند و به آن‌ها واکـنش‌هـای متفـاوتی نشـان دهنـد، اندازه‌گیری درآمد چه از نظر تئوری و چه از نظر عملی امکـان پذیر نخواهد بود.

۸-۳۹ انتقالات جاری از تمامی انتقالاتی تشکیل یافته‌اند که انتقالات سرمایه‌ای نیستند. این انتقالات مسـتقیماً سـطح درآمـد قابـل تصرف را تحت تأثیر قرار می‌دهند و بایـد بـر سـطح مصـرف کالاهـا و خـدمات نیـز تـأثیر بگذارنـد. در عمـل، انتقـالات سرمایه‌ای اغلب بزرگ بوده و به ندرت و به طـور نـامنظم رخ می‌دهند، برعکس انتقالات جاری نسبتاً کوچک بوده و اغلـب به طور مکرر و منظم رخ می‌دهند. اما، در عین حال که اندازه، تکرار و نظم می‌تواند به تشخیص انتقالات جاری از سرمایه‌ای کمک کند این عوامل ملاک رضایت بخشی برای تعریف این دو نوع انتقالات نیستند. برای مثال، مزایای تأمین اجتماعی به صورت مزایای زایمان و فوت اساساً کمک‌های جاری هسـتند که برای پوشش دادن مخارج مصرفی اضافه شده در اثر تولـد یا مرگ طراحی شده‌اند، هرچند که این رویدادها خود نـامکرر هستند.

۸-۴۰ این امکان وجود دارد که برخـی انتقـالات نقـدی بـرای یـک طرف تراکنش انتقالات سـرمایه‌ای و بـرای طـرف دیگـر آن، انتقالات جاری در نظـر گرفتـه شـوند. بـرای مثـال، پرداخـت مالیات بر ارث ممکن است از نظر خانوار بـه‌عنـوان انتقـالات سرمایه‌ای ولی از نظر دولت به عنوان انتقـالات جـاری تلقـی شود. به طور مشابه، کشور بزرگی که به طور منظم به تعدادی از کشورهای کوچک کمک‌های سـرمایه‌ای اعطـاء مـی‌کنـد، ممکن است خرج‌های آن را به عنوان خرج‌های جـاری تلقـی کند، حتی اگر این کمک‌ها به طور خاص بـرای تـأمین مـالی تحصیل دارائـی‌هـا اعطـا شـده باشـد. امـا، در یـک سیسـتم یکپارچه‌ی حساب‌ها نظیر حساب‌های SNA، نمـی‌تـوان یـک نوع انتقال را از نظر دو طرف در دو طبقه متفاوت طبقه‌بنـدی کرد. بر این اساس، انتقالاتی که به طور مشخص بـرای یـک طرف، نوعی دارائی محسوب می‌شود باید برای هردو طرف به عنوان انتقالات سرمایه‌ای منظور گردد.

۲. ثبت انتقالات

۸-۴۱ هرچند که در مقابل انتقالات، هیچ کالا، خدمت یا دارائـی بـه عنوان مابه ازای مستقیم آن دریافت نمی‌شود، بـا ایـن وجـود، ثبت یک انتقال باید منجر به چهار قلـم ورودی در حسـاب‌هـا

شود. روشی که در آن انتقالات (اعم از نقدی یا غیرنقدی) و انتقالات اجتماعی غیرنقدی باید ثبت شوند در مثال‌های زیر نشان داده می‌شود.

انتقالات نقدی

۴۲-۸ نخستین مثال مربوط به انتقالات جاری نقدی، مانند مزایای تأمین اجتماعی نقدی، است. این مزایا به عنوان مزایای پرداختنی توسط صندوق تأمین اجتماعی و مزایای دریافتنی توسط خانوار در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شود. (اگر انتقالات سرمایه‌ای باشند، باید بجای حساب توزیع ثانوی درآمد در حساب سرمایه ثبت شوند). انتقالات، منجر به کاهش دارائی‌های مالیِ (یا افزایش بدهی‌هایِ) طرح تأمین اجتماعی و افزایش دارائی‌های مالیِ خانوار خواهد شد. اگر خانوار این وجه نقد را استفاده کند، در آن صورت به عنوان یک تراکنش جدا ثبت خواهد شد.

	خانوار		صندوق تأمین اجتماعی	
	مصارف/ تغییرات در دارائی‌ها	منابع/ تغییرات دربدهی‌ها و ارزش ویژه	مصارف/ تغییرات در دارائی‌ها	منابع/ تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه
حساب توزیع ثانوی درآمد		انتقالات دریافتنی افزایش در دارائی‌های مالی	انتقالات پرداختنی کاهش در دارائی‌های مالی	
حساب مالی				

تأمین کالاها و خدمات توسط بنگاه‌ها

۴۳-۸ مثال بعدی در مورد یک بنگاه تولید کننده‌ی دارو است که مقداری از ستانده خود را به رایگان به یک خیریه (NPISH) اعطاء می‌کند. همان طور که در بالا اشاره شد، باید دو تراکنش هر کدام با چهار قلم ورودی ثبت شوند. در این مثال، تراکنش نخست فراهم کردن انتقالات توسط بنگاه برای NPISH است، تراکنش دوم خرید دارو توسط NPISH است با استفاده از وجوهی که از طریق انتقالات در اختیار آن قرار گرفته است. هردو تراکنش دو قلم ورودی در حساب مالی نشان می‌دهند، و اگر هردو تراکنش در یک دوره حسابداری تکمیل شوند، این تغییرات دارائی‌های مالی برای هردوی واحدهای درگیر، یک دیگر را خنثی خواهند کرد و فقط چهار قلم ورودی در حساب‌ها نشان داده خواهد شد. اما، اگر بین زمانی که این انتقالات ثبت می‌شود و زمانی که دارو تحویل داده می‌شود فاصله وجود داشته باشد، لازم است اقلام ورودی در حساب‌های مالی بخصوص در زیر حساب‌های دریافتنی و پرداختنی وارد شوند.

	NPISH		بنگاه	
	مصارف/ تغییرات در دارائی‌ها	منابع/ تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه	مصارف/ تغییرات در دارائی‌ها	منابع/ تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه
حساب توزیع ثانوی درآمد		انتقالات دریافتنی افزایش در دارائی مالی	انتقالات پرداختنی کاهش در دارائی مالی	
حساب مالی				
حساب تولید				ستانده/ فروش دارو
حساب مصرف درآمد	مخارج دارو			
حساب مالی	کاهش در دارائی مالی			افزایش در دارائی مالی

۴۴-۸ حالت پیچیده‌تر در صورتی است که بنگاه الف از بنگاه ب دارو خریداری کرده و سپس آن را به یک NPISH اهدا کند. هرچند که الف واقعاً کالاها را از ب خریداری می‌کند، ولی این خریدها قسمتی از مصرف واسطه یا تشکیل سرمایه الف را تشکیل نمی‌دهند. از آنجا که الف یک بنگاه است، این‌ها به عنوان مصرف نهائی آن نیز ثبت نمی‌شوند. مانند قبل، یک انتقال نقدی از بنگاه الف به NPISH احتساب می‌شود و یک خرید احتسابی توسط NPISH در نظر گرفته می‌شود. اگر هردو تراکنش در یک دوره حسابداری رخ داده باشند، دو قلم ورودی حساب مالی برای NPISH حذف خواهند شد و فقط شش قلم ورودی از هشت تای آن‌ها در حساب‌ها نشان داده خواهد شد.

	NPISH		بنگاه الف		بنگاه ب	
	مصارف/ تغییرات دارائی‌ها	منابع/ تغییرات بدهی‌ها و ارزش ویژه	مصارف/ تغییرات دارائی‌ها	منابع/ تغییرات بدهی‌ها و ارزش ویژه	مصارف/ تغییرات دارائی‌ها	منابع/ تغییرات بدهی‌ها و ارزش ویژه
حساب توزیع ثانوی درآمد		انتقالات دریافتنی	انتقالات پرداختنی			
حساب مالی		افزایش در دارائی مالی	کاهش در دارائی مالی			
حساب تولید						ستانده/ فروش دارو
حساب مصرف درآمد	مخارج دارو					
حساب مالی	کاهش دارائی مالی					افزایش در دارائی مالی

انتقالات اجتماعی غیرنقدی

۸–۴۵ در SNA، فقط دولت، NPISHها و خانوارها متقبل مخارج مصرف نهائی می‌شوند. تمامی مخارج مصرف نهائی خانوارها از طرف خودشان تقبل می‌شود. از سوی دیگر، دولت خواه به نفع کل جامعه (مصرف جمعی) خواه به نفع خانوارهای فردی مخارج مصرفی متقبل می‌شود. تمایز بین مخارج مصرف جمعی و فردی در SNA دارای اهمیت قابل ملاحظه‌ای است و در فصل ۹ به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. مخارج مصرفی دولت و NPISHها که از طرف خانوارها (مخارج مصرف فردی آن‌ها) انجام می‌شود، به منظور ارائه‌ی انتقالات اجتماعی غیرنقدی است. این مخارج متشکل از ستانده غیربازاری دولت و NPISHها، هردو، است که به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به خانوارها ارائه می‌شوند، و نیز شامل کالاها و خدمات خریداری شده از تولید کنندگان بازاری است که به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به خانوارها ارائه می‌شوند.

	دولت	
	مصارف/ تغییرات در دارائی‌ها	منابع/ تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه
حساب تولید		ستانده خدمات آموزشی
حساب مصرف درآمد	مخارج مصرفی خدمات آموزشی	

۸–۴۶ مثال بعدی از خدمات آموزشی ارائه شده به یک خانوار توسط یک تولیدکننده غیربازاری متعلق به یک واحد دولتی است (مانند مدارس و دانشگاه‌های دولتی، مترجم). ارائه این خدمت عملاً دوبار در حساب‌های SNA ثبت می‌شود. ابتدا، به شیوه سنتی حسابداری ملی به عنوان ستانده دولت در حساب تولید و مخارج مصرف نهائی دولت در حساب مصرف درآمد ثبت می‌شود. از آنجا که این تراکنش به‌صورت تراکنش درونی دولت ثبت می‌شود، فقط منجر به دو قلم، و نه چهار قلم، ورودی در حساب‌ها می‌شودکه هردوی آن‌ها در دولت ثبت می‌شوند.

	خانوار		دولت	
	مصارف/ تغییرات در دارائی‌ها	منابع/ تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه	مصارف/ تغییرات در دارائی‌ها	منابع/ تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه
حساب تولید				ستانده خدمات آموزشی
حساب بازتوزیع در آمد غیرنقدی		انتقالات اجتماعی غیرنقدی دریافتنی	انتقالات اجتماعی غیرنقدی پرداختنی	
حساب مصرف درآمد قابل تصرف	مصرف واقعی خدمات آموزش			

۸–۴۷ این شیوه ثبت، این واقعیت را نشان نمی‌دهد که در عمل خدمت آموزشی به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی توسط دولت به یک خانوار ارائه شده است.

۸–۴۸ برای انتقالات اجتماعی غیرنقدی، مصرف خدمات آموزشی به عنوان مصرف واقعی توسط خانوارها در حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده ثبت می‌شود. منابع آن از طریق انتقالات غیرنقدی از دولت به خانوارها در حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی ثبت می‌شود. (تفاوت بین مصرف واقعی و مخارج مصرفی برای خانوارها، دولت و NPISHها در فصل ۹ توضیح داده شده است).

۴۹-۸ آخرین مثال، مورد پیچیده‌تری است که شامل دو تراکنش مرتبط به هم است که در آن یک واحد دولتی، یا یک NPISH، کالا یا خدمتی نظیر دارو را از تولیدکننده بازاری خریداری و سپس به رایگان در اختیار یک خانوار قرار می‌دهد.

۵۰-۸ برای ثبت عادی در SNA، چهار قلم ورودی لازم است تا فروش دارو توسط بنگاه و خرید آن به عنوان مخارج مصرف نهائی دولت با پیامدهای آن در حساب مالی را برای هردوی واحدها نشان دهد. وقتی ثبت انتقالات اجتماعی غیرنقدی به طور صریح انجام می‌شود، قلم ورودی برای مخارج مصرف نهائی توسط دولت با دو قلم ورودی برای انتقالات اجتماعی غیرنقدی و یک قلم ورودی برای مصرف واقعی توسط دولت جایگزین می‌شود. اقلام ورودی برای حساب مالی مشابه ثبت عادی خریدهای دولت خواهد بود.

۵۱-۸ این مثال همچنین حالتی را نیز در بر می‌گیرد که در آن خانوار دارو را مستقیماً از داروخانه خریداری می‌کند و سپس توسط صندوق تأمین اجتماعی یا واحد دولتی دیگری و یا NPISH که در انتها هزینه‌ها را متحمل می‌شوند جبران می‌شود. در این حالت، برای خانوار هیچ‌گونه مخارجی که در عمل متقبل شده باشد ثبت نمی‌شود، مخارج به صندوق تأمین اجتماعی یا سایر واحدهائی که در نهایت هزینه را متحمل می‌شوند منتسب می‌شود. فاصله بین زمانی که خانوار متحمل هزینه عملیاتی می‌شود و زمانی که هزینه بازپرداخت می‌شود به عنوان سایر حساب دریافتنی (توسط خانوارها) و پرداختنی (توسط واحدی که در انتها هزینه را متحمل شده است) نشان داده می‌شود.(شکل انتهای صفحه)

پ. مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت، غیره

۱. مالیات‌ها به طور کلی

۵۲-۸ ***مالیات‌ها پرداخت‌های اجباری، بلاعوض، نقدی یا غیرنقدی توسط واحدهای نهادی به واحدهای دولتی هستند.*** مالیات‌ها انتقالات محسوب می‌شوند زیرا دولت در مقابل پرداخت مالیات توسط یک واحد مستقیماً چیزی را ارائه نمی‌دهد، هرچند که دولت‌ها بسته به سیاست اقتصادی و اجتماعی خود کالاها و خدماتی را به کل جامعه یا به یک واحد یا گروهی از واحدها، ارائه می‌دهند. مالیات بر درآمد، ثروت و غیره عمدتاً از مالیات‌هائی که بر درآمد خانوارها و شرکت‌ها وضع می‌شوند، تشکیل شده‌اند. این نوع مالیات‌ها هزینه‌هائی در مقابل درآمد هستند که در زیر مصارف برای بخش‌های خانوار و شرکت‌ها در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شوند. مالیات‌ها ممکن است توسط غیرمقیم‌ها یا احتمالاً توسط واحدهای دولتی یا NPISHها نیز پرداختنی باشند. مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره درگذشته به عنوان "مالیات‌های مستقیم" نامیده می‌شدند، ولی واژه‌های "مستقیم" و "غیرمستقیم"، همان‌گونه که در فصل ۷ بیان شد، دیگر در SNA مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. این مالیات‌ها را نمی‌توان فقط به عنوان مالیات بر درآمد و ثروت نامید زیرا این‌ها بعضی مالیات‌های دوره‌ای خانوارها را که نه مالیات بر درآمد هستند و نه مالیات بر ثروت خانوار یا اعضای آن نیز در بر می‌گیرند، مالیات ثابت سرانه از این نوع مالیات‌ها هستند.

	خانوار		دولت		بنگاه	
	مصارف/ تغییرات در دارائی‌ها	منابع/ تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه	مصارف/ تغییرات در دارائی‌ها	منابع/ تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه	مصارف/ تغییرات در دارائی‌ها	منابع/ تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه
حساب تولید						ستانده/ فروش دارو
حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی		انتقالات اجتماعی غیرنقدی دریافتنی	انتقالات اجتماعی غیرنقدی پرداختنی			
حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده	مصرف واقعی دارو					
حساب مالی			کاهش در دارائی مالی			افزایش در دارائی مالی

۸-۵۳ ماهیت کلی مالیات‌ها و قواعد حسابداری حاکم بر ثبت آن‌ها در SNA، در پاراگراف‌های ۷-۸۰ الی ۷-۸۶ توضیح داده شد. برای سهولت کار، متن نوشته‌های این پاراگراف‌ها عیناً در زیر تکرار می‌شود.

مالیات‌ها در برابر حق‌الزحمه‌ها

۸-۵۴ یکی از کارکردهای نظارتی دولت منع مالکیت یا مصرف بعضی کالاها یا پیگرد بعضی فعالیت‌ها است، مگر از طریق صدور پروانه یا گواهی دیگری که مجوز خاصی اعطا شده و برای آن حق‌الزحمه‌ای درخواست شده باشد. اگر صدور چنین پروانه‌ای نیاز به انجام کار جزئی توسط دولت باشد یا اصلاً نیاز به انجام کاری نباشد، پروانه به طور خودکار بعد از پرداخت مبلغ تعلق گرفته اعطا شود، این مبالغ به احتمال زیاد فقط وسیله‌ای برای افزایش درآمد عملیاتی است، هرچند که دولت نوعی گواهی‌نامه، یا اجازه کتبی در مقابل دریافت مبلغ آن صادر می‌کند. اما، اگر دولت از پروانه برای انجام برخی کارکردهای نظارتی نظیرکنترل صلاحیت، یا قابلیت شخص مورد نظر، بازرسی کارکرد سالم و کارای تجهیزات مورد بحث، یا انجام برخی کنترل‌های دیگری که در غیر این صورت مجبور به انجام آن نبود استفاده کند، پرداخت‌هائی که انجام شده است باید بجای پرداخت مالیات به عنوان خرید خدمات از دولت تلقی شود، مگر این که پرداخت‌ها به روشنی هیچ گونه تناسبی با هزینه‌های ارائه خدمات نداشته باشد. در عمل، حد و مرز بین مالیات‌ها و پرداخت حق‌الزحمه برای خدمات ارائه شده همیشه مشخص نیست (برای توضیحات بیشتر درباره‌ی این موضوع در مورد خانوارها به پاراگراف ۸-۶۴ (پ) مراجعه کنید). موارد کلی مجوزهای صادر شده‌ی دولت در قسمت ۵ فصل ۱۷ مورد بحث قرار گرفته است.

ارتباط با طبقه‌بندی مالیاتی IMF و OECD

۸-۵۵ پوشش مالیات‌ها در SNA، غیر از مالیات‌های ضمنی که در اثر اعمال نرخ بهره بالاتر از نرخ بهره‌ی بازار توسط بانک مرکزی حاصل می‌شود، با "درآمد مالیاتی" تعریف شده در *GFSM2001* سازگار است. برخلاف مالیات‌های تعریف شده در *آمارهای درآمد عملیاتی*، SNA مالیات‌ها یا یارانه‌های احتسابی حاصل از عملکرد نرخ‌های رسمی چندگانه ارز، مالیات‌ها و یارانه‌های احتسابی ناشی از اعمال نرخ‌های بهره بالاتر یا پائین‌تر از نرخ بازار توسط بانک مرکزی را در بر می‌گیرد ولی حق بیمه‌های تأمین اجتماعی را زیر عنوان مالیات‌ها طبقه‌بندی نمی‌کند. فصل ۵ در *GFMS2001* حاوی فهرست و طبقه‌بندی تفصیلی مالیات‌ها برحسب ماهیت آن‌ها است. پیوست الف در *آمارهای درآمد عملیاتی* حاوی یک طبقه‌بندی کاملاً مرتبط است.

۸-۵۶ رده بندی مالیات‌ها در SNA بستگی به اثر متقابل سه عامل زیر دارد که ماهیت مالیات فقط یکی از آن عوامل است:

الف. ماهیت مالیات، آن طور که در طبقه‌بندی GFSM2001/OECD مشخص شده است؛

ب. نوع واحد نهادی پرداخت کننده‌ی مالیات؛

پ. شرایطی که مالیات در آن پرداختنی است.

۸-۵۷ از اینرو، پرداخت‌های مالیاتی که دقیقاً یکسان هستند، ممکن است در SNA زیر دو عنوان متفاوت ثبت شوند. برای مثال، پرداخت عوارض کالاها بسته به این که برای کالاهای وارد شده پرداخت شود یا برای کالاهای تولید شده در داخل، ممکن است تحت عنوان "مالیات بر واردات، غیر از مالیاتِ ارزش افزوده (VAT) و عوارض گمرکی" یا تحت عنوان "مالیات بر محصول، غیر از VAT، مالیات بر واردات و صادرات" قرار گیرد. به طور مشابه، پرداخت مالیات سالانه برای اتومبیل بسته به این که توسط بنگاه پرداخت شود یا توسط خانوار، ممکن است تحت عنوان "سایر مالیات‌ها بر تولید" یا تحت عنوان "مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره" ثبت شود. به این دلیل، فقط با گروبندی مجدد طبقه بندی *GFSM2001/*OECD رسیدن به رده‌های مالیات در SNA امکان پذیر نیست. با اینحال، برای بهره‌مند شدن از مزایای وجود این طبقه‌بندی‌های تفصیلی، هر رده‌ی مالیات فهرست شده در زیر به طبقه‌بندی‌های متناظر *GFSM2001* و OECD مراجعه متقابل شده است. باید متذکر شد که هرچند که رده‌های SNA رده‌های *GFSM2001* و OECD را در بر می‌گیرد ولی ممکن است با آن‌ها یکسان نباشد.

ثبت پایه تعهدی

۸–۵۸ تمامی مالیات‌ها در SNA باید بر پایه تعهدی ثبت شوند، یعنی زمانی که فعالیت‌ها، تراکنش‌ها یا دیگر رویدادهائی که بدهی‌هائی برای پرداخت مالیات ایجاد می‌کنند، رخ دهند. اما برخی از فعالیت‌های اقتصادی، تراکنش‌ها یا رویدادها، که طبق قوانین مالیاتی واحدهای مربوط به آن‌ها ملزم به پرداخت مالیات هستند، به طور دائم از دیدِ مقامات مالیاتی دور می‌مانند. فرض این که این فعالیت‌ها، تراکنش‌ها یا رویدادها منجر به دارائی‌های مالی یا بدهی‌هائی به صورت پرداختنی و دریافتنی می‌شوند، غیر واقعی خواهد بود. به همین دلیل در SNA میزان مالیات‌هائی که باید ثبت شوند از طریق مبالغی تعیین می‌شود که فقط هنگامی که از طریق تشخیص مالیاتی، اظهارنامه‌ها یا سایر ابزارهائی نظیر صورت حساب‌های فروش یا اظهارنامه‌های گمرکی ثابت شوند، مدیون به پرداخت می‌شوند که در این صورت بدهی‌هائی را به شکل تعهدات مشخصی برای پرداخت از طرف پرداخت کنندگان مالیات ایجاد می‌کنند. (در تعیین میزان مالیات تعلق گرفته، باید احتیاط به عمل آید که مالیاتی که هرگز احتمال وصول آن نمی‌رود منظور نشود). با این وجود، با توجه به اصل تعهدی، زمانی که مالیات‌ها باید ثبت شوند زمانی است که بدهی‌های مالیاتی ایجاد می‌شوند. برای مثال، مالیات بر فروش، انتقال یا مصرف ستانده باید زمانی ثبت شوند که فروش، انتقال یا مصرف ستانده انجام می‌شود، که لزوماً با هنگامی که مقامات مالیاتی مطلع می‌شوند، هنگامی که یک تقاضای مالیاتی صادر می‌شود، هنگامی که مالیات مدیون به پرداخت می‌شود یا هنگامی که پرداخت واقعاً صورت می‌گیرد هم‌زمان نیست. اما، در مورد زمان ثبت مالیات بر درآمدی که در منشاء کسر می‌شود قدری انعطاف پذیری مجاز است. (به پاراگراف ۸–۶۱ مراجعه کنید).

۸–۵۹ در بعضی کشورها، و برای برخی مالیات‌ها، ممکن است میزان مالیات‌هائی که سرانجام پرداخت می‌شوند به طور اساسی و نظام‌مند از میزان مالیات‌هائی که مدیون به پرداخت می‌شوند به حدی تفاوت داشته باشد که نتوان همه‌ی مالیات‌هائی را که باید پرداخت شوند عمدتاً به عنوان ایجاد بدهی‌های مالی که از SNA استنباط می‌شود، تفسیر کرد. در این گونه موارد، از نظر تحلیلی و برای مقاصد سیاست‌گذاری ترجیح این است که از بدهی‌های مالیاتی پرداخت نشده چشم پوشی کرده اندازه-گیری مالیات‌ها در SNA را به مالیات‌هائی که واقعاً پرداخت شده‌اند محدود کرد. با این وجود، مالیات‌هائی که واقعاً پرداخت می‌شوند بازهم باید بر پایه تعهدی در زمانی ثبت شوند که رویدادهائی رخ می‌دهند که منجر به بدهی می‌شوند.

بهره، جریمه یا سایرمجازات‌ها

۸–۶۰ در اصل، بهره‌ی تعلق گرفته به مالیات‌های عقب افتاده یا جریمه‌ها یا مجازات‌هائی که برای گریز مالیاتی وضع می‌شوند، باید جداگانه ثبت شوند و نباید به عنوان مالیات منظور شوند. ولی ممکن است امکان جدا کردن پرداخت‌های بهره، جریمه و سایر مجازات‌ها از مالیات‌هائی که مشمول این موارد شده‌اند ممکن نباشد، بنابراین در عمل این نوع پرداخت‌ها معمولاً با مالیات‌ها در یک گروه قرار می‌گیرند.

۲. مالیات بر درآمد

۸–۶۱ ***مالیات بر درآمد از مالیات بر درآمد، سود و منفعت سرمایه تشکیل شده است.*** مالیات‌ها بر مبنای درآمدهای واقعی یا حدسی افراد، خانوارها، NPISHها یا شرکت‌ها تشخیص مالیات داده می‌شوند. آن‌ها شامل مالیات‌های تشخیص داده شده بر مالکیت دارائی، زمین یا مستغلات هستند که این دارائی‌ها به عنوان مبنای برآورد درآمد صاحبان آن‌ها به‌کار می‌رود. در بعضی موارد بدهی پرداخت مالیات بر درآمد فقط در دوره حسابداری بعدی می‌تواند تعیین شود تا دوره‌ای که درآمد ایجاد شده است. بنابراین در مورد زمان ثبت این نوع مالیات‌ها لازم است قدری انعطاف نشان داده شود. مالیات بر درآمدهائی که در منشاء کسر می‌شوند، نظیر مالیات‌های کسر شده از هر درآمد و مالیات های منظم از پیش پرداخت شده بر درآمد، ممکن است در دوره‌هائی ثبت شوند که پرداخت می‌شوند و هر نوع بدهی نهائی مالیات بر درآمد می‌تواند در دوره‌ای که در آن بدهی مشخص می‌شود ثبت شود. مالیات بر درآمد شامل انواع مالیات بر درآمدهای زیر است:

الف. *مالیات بر درآمد افراد یا خانوارها:* این مالیات‌ها از مالیات بر درآمد شخصی، از جمله مالیات‌هائی که توسط کارفرمایان کسر می‌شود (مالیات‌های کسر شده هنگام پرداخت حقوق)، و مازاد مالیاتی(مالیات اضافی بر چیزی که قبلا مالیات گرفته شده است بویژه مالیات با نرخ بالا برای درآمدهای بالاتر از یک میزان مشخص، مترجم) تشکیل شده‌اند. این مالیات‌ها معمولاً بر کل درآمد اظهار شده یا حدس زده شده از تمامی منابع شخص مربوطه یعنی جبران خدمات کارکنان، درآمد دارائی، مستمری بازنشستگی و غیره پس از کسر بعضی تخفیف‌های توافق شده وضع می‌شود. مالیات بر درآمد صاحبان بنگاه‌های غیرشرکتی در اینجا منظور می‌شود *(OECD, 1110; GFSM2001, 1111)*؛

ب. *مالیات بر درآمد شرکت‌ها:* این مالیات‌ها شامل مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مالیات بر سود شرکت‌ها، مازاد مالیاتی شرکت‌ها و غیره است. این مالیات‌ها معمولاً بر مبنای کل درآمدهای شرکت از تمامی منابع و نه فقط سود ایجاد شده از طریق تولید اخذ می‌شوند. (GFSM2001, 1112; OECD, 1210)؛

پ. *مالیات بر منفعت سرمایه:* این مالیات‌ها شامل مالیات بر منفعت سرمایه (در SNA منفعت ناشی از نگه‌داشتن نامیده شده است) اشخاص یا شرکت‌ها که در طی دوره حسابداری جاری، صرف نظر از دوره-هائی که منفعت بوجود آمده است، پرداختنی می-شوند. این مالیات‌ها معمولاً بر منفعت اسمی سرمایه بجای منفعت واقعی آن و بر منفعت تحقق یافته بجای منفعت تحقق نیافته‌ی سرمایه پرداختنی هستند *(GFSM2001, 1111- 1113; OECD, 1120, 1220)*؛

ت. *مالیات بر بُرد بخت آزمائی یا قمار:* این‌ها مالیات‌های پرداختنی بر مبالغ دریافتی توسط برندگان بخت آزمائی یا قمار هستند که با مالیات بر گردش مالی تولیدکنندگانی که بخت آزمائی‌ها یا قمارها را سازماندهی می‌کنند، و به عنوان مالیات بر محصول تلقی می‌شوند، متفاوت هستند (GFSM2001, 1111-113; OECD, 1120).

۸-۶۲ در محاسبه مالیات‌های تعلق گرفته بر درآمد گاهی برخی قسمت‌های درآمد از مالیات معاف می‌شوند؛ این معافیت‌ها را تخفیف مالیاتی می‌گویند. یا دولت ممکن است به عنوان یک شیوه جایگزینِ تخفیف مالیاتی مبلغی را تعیین کند که گوئی مالیاتی است که قبلاً پرداخت شده است؛ این نوع مبالغ اعتبار مالیاتی نامیده می‌شود. در برخی موارد، اگر مالیات تعلق گرفته کمتر از اعتبار مالیاتی باشد، ممکن است تفاوت آن به ذینفع پرداختنی باشد. بحث بیشتری درباره اعتبار مالیاتی در فصل ۲۲ وجود دارد.

۳. سایر مالیات‌های جاری

مالیات‌های جاری بر سرمایه

۸-۶۳ ***مالیات‌های جاری بر سرمایه از مالیات‌هائی تشکیل شده‌اند که در فواصل معین که معمولاً سالانه است بر روی دارائی یا ارزش ویژه‌ی واحدهای نهادی پرداختنی هستند بجز مالیات بر زمین یا سایر دارائی‌های متعلق به بنگاه‌ها یا اجاره شده توسط آن‌ها که در تولید استفاده می‌شوند، چنین مالیات‌هائی به عنوان سایر مالیات بر تولید تلقی می‌شوند.*** مالیات‌های جاری بر سرمایه، مالیات بر دارائی یا مالیات بر ثروت را نیز که هرچند وقت یکبار و در فاصله‌های زمانی نامنظم، یا در شرایط استثنائی (مثل، مالیات بر ارث) وضع می‌شوند در بر نمی‌گیرد، این نوع مالیات‌ها به عنوان مالیات بر سرمایه تلقی می‌شوند. همچنین مالیات بر درآمدهائی که بر مبنای ارزش دارائی‌های متعلق به واحدهای نهادی وضع شده باشد هنگامی که درآمد آن‌ها را نتوان به طور رضایتبخشی برآورد کرد، از این مقوله خارج هستند، این مالیات‌ها در زیرِ سرفصل قبلی، مالیات بر درآمد ثبت می‌شوند. مالیات‌های جاری بر سرمایه شامل موارد زیر است:

الف. *مالیات‌های جاری بر زمین و بناها:* این‌ها مالیات‌های پرداختنی بر مالکیت زمین یا بناها در فواصل معین، اکثراً سالانه، هستند به استثنای مالیات بر زمین یا بناهای اجاره‌ای یا متعلق به بنگاه‌ها که توسط آن‌ها در تولید از جمله خدمات واحدهای مسکونی مالک ساکن استفاده می‌شوند (GFSM2001, ۴۱۰۰); 1131; OECD,

ب. *مالیات‌های جاری بر ثروت خالص:* این‌ها مالیات‌های پرداختنی در فواصل معین، اکثراً سالانه، بر ارزش زمین یا دارائی‌های ثابت منهای هرگونه دِین متقبل شده بر آن دارائی‌ها هستند، به استثنای مالیات بر دارائی‌های متعلق به بنگاه‌ها که توسط آن‌ها در تولید بکار گرفته می‌شوند (GFSM2001, 1132; OECD, 4200).

پ. *مالیات‌های جاری بر سایر دارائی‌ها: این‌ها شامل مالیات‌های پرداختنی در فواصل معین، اکثراً سالانه، بر دارائی‌هائی نظیر جواهرات یا سایر نشانه‌های بیرونی ثروت هستند* (GFSM2001, 1136; OECD, 4600).

مالیات‌های جاری متفرقه

۶۴-۸ مالیات‌های جاری متفرقه از انواع مختلف مالیات‌های پرداختنی در فواصل معین، معمولاً سالانه، تشکیل شده‌اند که متداول‌ترین آن‌ها به شرح زیر هستند:

الف. *مالیات‌های ثابت سرانه:* مالیات‌هائی هستند که به صورت مبلغ مشخصی پول به ازای هر شخص بزرگسال یا هر خانوار، مستقل از درآمد یا ثروت واقعی یا فرضی وضع می‌شوند. با این حال، مبالغ وضع شده ممکن است با توجه به شرایط شخص یا خانوار تغییر کند (GFSM2001, 1162; OECD, 6000).

ب. *مالیات بر مخارج:* این‌ها مالیات‌های پرداختنی بر کل مخارج اشخاص یا خانوارها بجای درآمدهای آن‌ها هستند. مالیات بر مخارج جایگزینی برای مالیات بر درآمد است و می‌تواند با نرخ تصاعدی بالائی بسته به سطح کل مخارج، به همان شیوه مالیات بر درآمد شخصی وضع شود. در عمل این مالیات‌ها متداول نیستند (GFSM2001, 6000; OECD, 1162).

پ. *پرداخت‌های خانوار برای اخذ برخی پروانه‌ها:* پرداختی اشخاص یا خانوارها برای پروانه‌ها برای مالکیت یا استفاده از وسایل نقلیه، قایق یا هواپیما، و برای پروانه‌های شکار، تیراندازی یا ماهیگیری تفریحی به عنوان مالیات جاری تلقی می‌شوند. پرداختی بابت سایر انواع پروانه‌ها (مانند، گواهینامه رانندگی یا خلبانی و غیره) یا حق‌الزحمه به دولت (مانند، پرداختی برای گذرنامه‌ها، حق فرودگاه، حق دادگاه و غیره) به عنوان خرید خدمات ارائه شده توسط دولت تلقی می‌شود. حد و مرز بین مالیات‌ها و خرید خدمات بر اساس شیوه‌هائی است که اکثر کشورها در حساب‌های خود از آن پیروی می‌کنند (*GFSM2001*, 11451, OECD, 5200; 11452).

ت. *مالیات بر تراکنش‌های بین‌المللی:* این مالیات‌ها از مالیات بر سفر به خارج، وجوه ارسالی به خارج، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و غیره تشکیل یافته‌اند، غیر از مالیات‌هائی که توسط تولیدکنندگان پرداختنی هستند. (GFSM2001, 1155, 1156; OECD, 5127).

ت. طرح بیمه‌های اجتماعی

۸-۶۵ ***طرح بیمه اجتماعی طرح بیمه‌ای است که دو شرط زیر را داشته باشد:***

الف. مزایای دریافتی مشروط به مشارکت در طرح باشد و مزایای اجتماعی به‌صورتی که این واژه در SNA بکار رفته است تشکیل دهد؛ و

ب. حداقل یکی از سه شرط زیر را داشته باشد:

- ***مشارکت در طرح چه از طریق قانون چه طبق شرایط و ضوابط استخدامی یک کارفرما، یا گروهی از کارفرمایان اجباری باشد؛***
- ***طرح متشکل از یک طرح جمعی به نفع گروهی تعیین شده از کارکنان، اعم از شاغل یا غیرشاغل باشد، ضمن این که مشارکت به اعضای آن گروه محدود شده باشد؛***
- ***کارفرما حق بیمه‌ای (واقعی یا احتسابی) را از طرف کارکن به طرح پرداخت کند، اعم از این که کارکن هم حق بیمه‌ای پرداخت کند یا خیر.***

طرح‌های بیمه اجتماعی ممکن است به‌صورت خصوصی یا توسط واحدهای دولتی سازماندهی شوند. مزایای بیمه اجتماعی ممکن است به صورت نقدی یا غیر نقدی تأمین شوند. مزایا هنگامی پرداختنی می‌شود که برخی رویدادها رخ دهند، یا شرایطی بوجود آید که رفاه خانوارهای مربوطه را با تحمیل تقاضای اضافی بر منابع آن‌ها یا با کاهش درآمدهایشان به‌طور نامطلوبی متأثر سازند. رویدادهای احتمالی که پوشش داده می‌شوند، از طرحی به طرح دیگر متفاوت هستند. با این حال، شناسائی برخی دریافتنی‌ها به عنوان مزایای بیمه اجتماعی نه تنها به رویدادهای احتمالی پوشش داده شده بلکه به شیوه‌ای که در آن پوشش بیمه تأمین می‌شود نیز بستگی دارد.

۱. گستره مزایای اجتماعی

۸-۶۶ مزایای اجتماعی می‌تواند از طریق طرح‌های بیمه اجتماعی یا طرح‌های مساعدت اجتماعی پرداختنی باشد ولی هردو ممکن است شرایط مشابهی را پوشش دهند.

۸-۶۷ مزایای اجتماعی را می‌توان به دو طبقه‌ی عمده تقسیم کرد؛ مستمری بازنشستگی و همه‌ی مزایای اجتماعی دیگری که در SNA مزایای غیربازنشستگی نامیده می‌شوند. مهم‌ترین نوع مستمری بازنشستگی نوعی است که وقتی اشتغال یک فرد متوقف می‌شود در دوران بازنشستگی به او پرداخت می‌گردد. مستمری بازنشستگی ممکن است به افراد دیگری نظیر یک همسر داغدیده یا کسی که به یک نوع ناتوانی دائمی مبتلا است نیز پرداختنی باشد. پرداخت‌های انجام شده به اشخاصی که به طور موقت بیکار هستند یا افرادی که از یک وضعیت پزشکی که آن‌ها را برای دوره‌ای از کار باز می‌دارد رنج می‌برند، مزایای غیربازنشستگی تلقی می‌شوند.

۸-۶۸ شش مورد زیر روشن می‌سازد که چه موقع مزایای غیربازنشستگی می‌تواند پرداختنی باشد:

الف. ذینفعان، یا وابستگان آن‌ها، نیازمندِ درمان پزشکی، دندان پزشکی و یا درمان‌های دیگر باشند، و یا نیازمند مراقبت‌های بیمارستانی، مراقبت‌های دوران نقاهت یا بلند مدت ناشی از بیماری و آسیب‌ها باشند، و نیز نیازهای زایمان، ناتوانی مزمن، سالخوردگی و غیره داشته باشند. مزایای بیمه اجتماعی معمولاً غیرنقدی و به شکل درمان یا مراقبت رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل توجه نیستند، یا با بازپرداخت هزینه‌های انجام شده توسط خانوار تأمین می‌شوند. مزایای بیمه اجتماعی نقدی ممکن است به ذینفعان نیازمند به مراقبت‌های سلامت نیز پرداختنی باشد؛

ب. ذینفعان باید سرپرستی انواع مختلف وابستگان خود، همسر، کودکان، بستگان سالخورده، معلولین و غیره را داشته باشند. مزایای بیمه اجتماعی بشکل کمک

هزینه منظم افراد وابسته یا خانواده، معمولاً به‌صورت نقدی پرداخت می‌شود؛

پ. ذینفعانی که در اثرعدم توانائی به کار تمام وقت از کاهش درآمد رنج می‌برند. مزایای بیمه اجتماعی معمولاً به طور منظم به صورت نقدی برای دوره‌ای که چنین شرایطی بوجود آمده است انجام می‌شوند. در برخی موارد یک پرداخت یکجا علاوه بر پرداخت‌های منظم و یا بجای آن پرداخت می‌شود. مردم ممکن است به دلایل متعددی از کار کردن باز بمانند، از جمله بیکاری ناخواسته، اخراج موقتی و کار کوتاه مدت، بیماری، آسیب ناشی از تصادف، تولد یک نوزاد و غیره که شخص را از کار کردن یا کار تمام وقت باز می‌دارد؛

ت. ذینفعان به دلیل مرگ نان آور اصلی، از کاهش درآمد رنج می‌ببرند. مزایای بیمه اجتماعی معمولاً به صورت نقدی بشکل کمک هزینه منظم یا، در برخی موارد، به صورت یک مبلغ یکجا پرداخت می‌شود؛

ث. برای ذینفعان مسکن فراهم می‌شود، چه به صورت رایگان چه به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند و چه با بازپرداخت مخارج انجام شده توسط خانوار؛

ج. به ذینفعان کمک هزینه پرداخت می‌شود تا هزینه‌های آموزشی را که از طرف خود یا وابستگانشان متحمل شده‌اند پوشش دهد؛ گاهی ممکن است خدمات آموزشی به صورت غیرنقدی تأمین شود.

۸-۶۹ موارد فوق شرایط رایجی هستند که در آن‌ها مزایای اجتماعی پرداختنی می‌شوند. اما، فهرست فوق یک فهرست جامع نیست بلکه فقط روشن کننده است. به عنوان مثال، امکان دارد در بعضی از طرح‌ها مزایای دیگری نیز پرداختنی باشد. برعکس، به هیچ وجه تمامی طرح‌ها مزایای همه شرایط فهرست شده در بالا را تأمین نمی‌کنند. در عمل، دامنه‌ی مزایای اجتماعی از کشوری به کشور دیگر یا از طرحی به طرح دیگر در یک کشور بسیار متفاوت است.

۸-۷۰ در مواردی که برای واجد شرایط شدنِ دریافت مزایا پرداختِ هیچ‌گونه حق بیمه‌ای لازم نیست، این‌ها به عنوان قسمتی از مساعدت اجتماعی تلقی می‌شوند. مساعدت اجتماعی به طور معمول توسط دولت برای تمامی اشخاصی که نیازمند هستند تأمین می‌شود بدون این که هیچ‌گونه الزام رسمی برای مدرکی که نشان‌دهنده مشارکت باشد مانند پرداخت حق بیمه وجود داشته باشد. گستره مساعدت اجتماعی به طور قابل ملاحظه‌ای از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در بسیاری از کشورها، مزایا فقط به مردمی با درآمدهای پائین پرداختنی هستند. در این مورد اغلب گفته می‌شود مزایا مبتنی بر "بضاعت آزمائی" هستند، که واژه "بضاعت" به مفهوم نشان دادن حداکثر میزان درآمد واجد شرایط بودن برای برخورداری از مزایا بکار می‌رود.

۲. سازماندهی طرح‌های بیمه اجتماعی

۸-۷۱ طرح‌های بیمه اجتماعی برای پوشش دادن ذینفعان اعم از کارفرما، کارکن، کارکن خود اشتغال یا اشخاصی که موقتاً بدون کار هستند و وابستگان آن‌ها در طول مدت زندگی کاری و نیز معمولاً در دوران بازنشستگی در نظر گرفته می‌شوند. واجد شرایط بودن برای دریافت مزایای بیمه اجتماعی مستلزم پرداخت حق بیمه‌های اجتماعی توسط ذینفعان یا وابستگان آن‌ها یا از طرف ذینفعان دردوره حسابداری جاری یا دوره‌های قبلی است. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، حق بیمه‌های اجتماعی ممکن است نه تنها توسط خودِ مشارکت کنندگان بلکه توسط کارفرمایان از طرفِ کارکنانشان نیز پرداختنی باشد.

۸-۷۲ طرح‌های بیمه‌های اجتماعی باید به طور جمعی برای گروه‌هائی از کارکنان سازماندهی شوند یا طبق قانون برای کل کارکنان یا رده‌های تعیین شده از کارکنان، ازجمله اشخاص غیرشاغل و نیز کارکنان با مزد در دسترس باشند. گستره این طرح‌ها می‌تواند از طرح‌های خصوصی ترتیب داده شده برای گروه‌های منتخبی از کارکنان استخدام شده توسط یک کارفرمای واحد تا طرح‌های تأمین اجتماعی با پوشش کل نیروی کار یک کشور باشد. مشارکت در این طرح‌ها ممکن

است برای کارکنان مربوطه اختیاری باشد، ولی حالت اجباری متداول‌تر است. برای مثال، مشارکت در طرح‌های سازمان یافته توسط کارفرمایان منفرد ممکن است مستلزم شرایط و ضوابط استخدام جمعی توافق شده بین کارفرمایان و کارکنان آن‌ها باشد. مشارکت در طرح‌های تأمین اجتماعی در سطح ملی که توسط واحدهای دولتی سازمان دهی می‌شوند می‌تواند طبق قانون برای کل نیروی کار اجباری باشد، احتمالاً به استثنای اشخاصی که قبلاً توسط یک طرح خصوصی پوشش داده شده‌اند.

۸-۷۳ بسیاری از طرح‌های بیمه اجتماعی به طور جمعی برای گروه‌هائی از کارکنان سازماندهی می‌شوند به‌گونه‌ای که این مشارکت کنندگان مجبور به خرید بیمه‌نامه‌های فردی به نام خود نیستند. در چنین مواردی، هیچ مشکلی برای تشخیص بیمه اجتماعی از بیمه‌نامه شخصی خریداری شده وجود ندارد. اما، برخی طرح‌های بیمه‌های اجتماعی ممکن است اجازه دهند، یا حتی درخواست کنند، که مشارکت‌کنندگان بیمه‌نامه‌هائی به نام خود خریداری کنند. برای این‌که یک بیمه‌نامه فردی به عنوان قسمتی از طرح بیمه اجتماعی تلقی شود، لازم است رویدادها یا شرایط احتمالی که شرکت-کنندگان در مقابل آن بیمه می‌شوند از نوعی باشند که در پاراگراف ۸-۶۵ نام برده شد، علاوه بر این یک یا چند شرط از شرایط زیر نیز برقرار باشد:

الف. شرکت در طرح چه از نظر قانون برای رده مشخصی از کارکنان اعم از شاغل یا غیرشاغل، و چه طبق شرایط و ضوابط استخدامی یک کارفرما، یا گروهی از کارفرمایان، اجباری باشد؛

ب. طرح مورد نظر یک طرح جمعی باشد که به نفع یک گروه تعیین شده از کارکنان، اعم از شاغلین یا غیرشاغلین اجرا شود، و مشارکت در طرح محدود به اعضای آن گروه باشد؛

پ. کارفرما از طرف کارکن حق بیمه اجتماعی (واقعی یا احتسابی) به طرح بپردازد، اعم از این که کارکن نیز حق بیمه‌ای پرداخت کند یا پرداخت نکند.

حق بیمه‌های پرداختنی، و خسارت‌های دریافتنی، در بیمه‌نامه‌های فردی خریداری شده تحت یک طرح بیمه اجتماعی به عنوان حق بیمه‌های اجتماعی و مزایای بیمه اجتماعی ثبت می‌شوند

۸-۷۴ طرح‌های بیمه اجتماعی اساساً طرح‌هائی هستند که در آن‌ها کارکنان توسط کارفرمایان یا توسط دولت مجبور یا تشویق می‌شوند تا در مقابل برخی رویدادهای احتمالی یا شرایطی که ممکن است به طور نامطلوبی رفاه آن‌ها یا وابستگان آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند بیمه شوند. هنگامی که افراد به نام خود، به ابتکار خود و مستقل از کارفرمایانشان یا دولت بیمه‌نامه‌هائی خریداری می‌کنند حق بیمه‌های پرداختنی و خسارت‌های دریافتنی به عنوان حق بیمه و مزایای بیمه‌های اجتماعی بشمار نمی‌آیند، حتی اگر پوشش بیمه‌ای از همان نوع رویدادهای احتمالی یا همان شرایط پوشش داده شده در طرح‌های بیمه اجتماعی نظیر تصادف، بیماری، بازنشستگی و غیره باشد. حق بیمه‌های پرداختنی و خسارت‌های دریافتنی تحت این بیمه‌های فردی تحت بیمه‌های غیرزندگی به عنوان انتقالات جاری در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شوند، در حالی که حق بیمه‌های پرداختنی و خسارت‌های دریافتنی تحت بیمه‌های فردیِ زندگی به عنوان تحصیل و واگذاری دارائی‌های مالی در حساب مالی ثبت می‌شوند.

۸-۷۵ همان‌گونه که از بررسی‌های بیمه‌نامه‌های فردی می‌توان مشاهده کرد، ماهیت مزایای این بیمه‌ها برای تشخیص ماهیت اجتماعی بودن تراکنش‌های مربوطه به هیچ وجه کافی نیست. برای مثال، دریافت خدمات پزشکی رایگان همیشه تشکیل مزایای اجتماعی نمی‌دهند. اگر خدمات پزشکی دریافت شده توسط یک خانوار را خانوار دیگری تأمین کرده باشد، مزایای اجتماعی بشمار نمی‌آیند بلکه انتقالاتی است که بین خانوارها رخ داده است. کمک‌های اولیه ارائه شده به کارکنان در محل کار مزایای اجتماعی محسوب نمی‌شوند، هزینه‌های آن‌ها به عنوان مصرف واسطه کارفرما ثبت می‌شوند. به طورکلی، مزایای اجتماعی نمی‌تواند توسط یک خانوار برای خانوار دیگری فراهم شود، بجز مورد نسبتاً نادری که در آن یک بنگاه غیرشرکتی متعلق به یک خانوار

یک طرح بیمه اجتماعی را به نفع کارکنانش اجرا کند.

۸-۷۶ تمامی طرح‌های بیمه‌های اجتماعی بر اساس یک رابطه استخدامی ایجاد می‌شوند حتی اگر مشارکت‌کنندگان خود اشتغال یا در حال حاضر بیکار باشند. دو نوع اصلی از طرح‌های بیمه اجتماعی قابل تشخیص است:

الف. نوع نخست، از طرح‌های تأمین اجتماعی تشکیل شده است که کل جامعه یا بخش عمده‌ای از جامعه را پوشش می‌دهند، و توسط واحدهای دولتی اجبار، کنترل و تأمین مالی می‌شوند. مستمری بازنشستگی پرداختنی در این طرح‌ها ممکن است به میزان حقوق ذینفعان یا سابقه کار آن‌ها مربوط باشد یا ممکن است ارتباطی به آن‌ها نداشته نباشد. مزایای غیربازنشستگی کمتر به میزان حقوق ارتباط دارد.

ب. نوع دوم، از سایر طرح‌های اشتغال محور تشکیل شده است. این طرح‌ها از یک رابطه کارکن کارفرما در تأمین مزایای بازنشستگی و احتمالاً سایر حقوقی که بخشی از شرایط استخدام است و جائی که مسئولیت تأمین مزایا تحت تدارکات تأمین اجتماعی به دولت محول نشده است حاصل می‌شود.

جدول ۸-۳: حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات مالیات‌ها و حق بیمه‌های اجتماعی - مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
انتقالات جاری	۹۸	۲۷۷	۲۴۸	۵۸۲	۷	۱ ۲۱۲	۱۷		۱ ۲۲۹
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره	۲۴	۱۰	۰	۱۷۸	۰	۲۱۲	۱		۲۱۳
مالیات بر درآمد	۲۰	۷	۰	۱۷۶	۰	۲۰۳	۱		۲۰۴
سایر مالیات‌های جاری	۴	۳	۰	۲	۰	۹			۹
حق بیمه‌های اجتماعی خالص				۳۳۳		۳۳۳	۰		۳۳۳
حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان				۱۸۱		۱۸۱	۰		۱۸۱
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان				۱۶۸		۱۶۸	۰		۱۶۸
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان				۱۳		۱۳	۰		۱۳
حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان				۱۹		۱۹	۰		۱۹
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان				۱۸		۱۸	۰		۱۸
حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان				۱		۱	۰		۱
حق بیمه‌های اجتماعی واقعی خانوارها				۱۲۹		۱۲۹	۰		۱۲۹
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی خانوارها				۱۱۵		۱۱۵	۰		۱۱۵
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی خانوارها				۱۴		۱۴	۰		۱۴
حق بیمه‌های اجتماعی مکمل خانوارها				۱۰		۱۰	۰		۱۰
حق بیمه‌های بازنشستگی مکمل خانوارها				۸		۸	۰		۸
حق بیمه‌های غیربازنشستگی مکمل خانوارها				۲		۲	۰		۲
کارمزد خدمات طرح بیمه‌های اجتماعی				۶		۶	۰		۶
مزایای اجتماعی غیراز انتقالات اجتماعی غیرنقدی	۶۲	۲۰۵	۱۱۲	۰	۵	۳۸۴	۰		۳۸۴
سایر انتقالات جاری	۱۲	۶۲	۱۳۶	۷۱	۲	۲۸۳	۱۶		۲۹۹
درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
درآمد قابل تصرف، خالص	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴

تشخیص تفاوت این دو در برخی کشورها که مسئولیت نهائی اداره کردن طرح و پرداخت مزایا توسط دولت از طرف کارفرمایان زیادی که برای واحدهای دولتی کار نمی‌کنند به عهده گرفته می‌شود، مشکل است. در کشورهائی که چنین ترتیباتی وجود ندارد، طرح‌های بیمه‌های اجتماعی سازمان یافته توسط واحدهای دولتی برای کارکنان خود، نه کل کارکنان، باید در صورت امکان، در گروه سایر طرح‌های اشتغال محور منظور شود و در چارچوب طرح‌های تأمین اجتماعی قرار نگیرد.

طرح‌های تأمین اجتماعی

۸-۷۷ در بسیاری از کشورها، مهمترین مقوله‌ی طرح‌های بیمه‌های اجتماعی تا کنون، طرح‌های تأمین اجتماعی بوده است لذا ارزش این را دارد که ویژگی‌های اصلی ان‌ها در اینجا به‌طور خلاصه شرح داده شود. طرح‌های تأمین اجتماعی طرح‌هائی هستند که توسط دولت به منظور تأمین مزایای اجتماعی برای اعضای کل جامعه یا بخش خاصی از جامعه اجبار، کنترل و

جدول ۸-۳ (ادامه): حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات مالیات‌ها و حق بیمه‌های اجتماعی - منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲
انتقالات جاری	۷۲	۲۷۵	۳۶۷	۴۲۰	۴۰	۱ ۱۷۴	۵۵		۱ ۲۲۹
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره			۲۱۳			۲۱۳	۰		۲۱۳
مالیات بر درآمد			۲۰۴			۲۰۴	۰		۲۰۴
سایر مالیات‌های جاری			۹			۹			۹
حق بیمه‌های اجتماعی خالص	۶۶	۲۱۳	۵۰	۰	۴	۳۳۳	۰		۳۳۳
حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان	۳۱	۱۱۰	۳۸	۰	۲	۱۸۱	۰		۱۸۱
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان	۲۷	۱۰۴	۳۵	۰	۲	۱۶۸	۰		۱۶۸
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان	۴	۶	۳	۰	۰	۱۳	۰		۱۳
حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان	۱۲	۲	۴	۰	۱	۱۹	۰		۱۹
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان	۱۲	۱	۴	۰	۱	۱۸	۰		۱۸
حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰		۱
حق بیمه بیمه‌های اجتماعی واقعی خانوارها	۲۵	۹۴	۹	۰	۱	۱۲۹	۰		۱۲۹
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی خانوارها	۱۹	۹۰	۶	۰	۰	۱۱۵	۰		۱۱۵
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی خانوارها	۶	۴	۳	۰	۱	۱۴	۰		۱۴
حق بیمه‌های اجتماعی مکمل خانوارها		۱۰				۱۰	۰		۱۰
حق بیمه‌های بازنشستگی مکمل خانوارها		۸				۸	۰		۸
حق بیمه‌های غیربازنشستگی مکمل خانوارها		۲				۲	۰		۲
کارمزد خدمات طرح بیمه‌های اجتماعی	۲	۳	۱			۶	۰		۶
مزایای اجتماعی غیراز انتقالات اجتماعی غیرنقدی				۳۸۴		۳۸۴	۰		۳۸۴
سایر انتقالات جاری	۶	۶۲	۱۰۴	۳۶	۳۶	۲۴۴	۵۵		۲۹۹

تأمین مالی می‌شوند. وقتی صندوق تأمین اجتماعی برای این منظور ایجاد می‌شود و جدا از سایر صندوق‌های دولت مدیریت می‌شود، به عنوان واحدهای نهادی جدا تلقی می‌شوند. دریافتی‌های آن‌ها عمدتاً از حق بیمه‌های پرداخت شده توسط افراد و توسط کارفرمایان از طرف کارکنان آن‌ها تشکیل شده است، ولی ممکن است انتقالاتی هم از سایر صندوق‌های دولت دریافت کنند. پرداخت حق بیمه‌ی تأمین اجتماعی توسط برخی از افراد تعیین شده، نظیر کارکنان، یا از طرف آن‌ها، معمولاً طبق قانون اجباری است، ولی برخی افراد دیگری نیز ممکن است به طور اختیاری به منظور حائز شرایط شدن برای دریافت مزایای تأمین اجتماعی حق بیمه‌های اجتماعی پرداخت کنند.

سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور

۸-۷۸ ضوابط طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور، توسط کارفرمایان احتمالاً در ارتباط با کارکنانشان تعیین می‌شود و ممکن است توسط خودِ کارفرمایان اداره شوند. هرچند که در اغلب موارد این صندوق‌ها ممکن است یک واحد نهادی جداگانه (یک صندوق بازنشستگی خودگردان) باشد یا ممکن است توسط یک شرکت بیمه از طرف کارفرما مدیریت شود.

۸-۷۹ تمامی طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور به اندازه کافی دارای پشتوانه مالی نیستند. در حساب توزیع ثانوی درآمد، تراکنش‌ها طوری ثبت می‌شوند که گوئی طرح‌ها به طور کافی دارای پشتوانه مالی هستند و ناهمخوانی‌ها در حساب مالی زیر سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی ثبت می‌شوند. مرور کاملی بر ثبت طرح‌های بازنشستگی در قسمت ۲ فصل ۱۷ ارائه شده است.

جدول ۸-۴: حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات مزایای اجتماعی - مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
انتقالات جاری	۹۸	۲۷۷	۲۴۸	۵۸۲	۷	۱ ۲۱۲	۱۷		۱ ۲۲۹
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره	۲۴	۱۰	۰	۱۷۸	۰	۲۱۲	۱		۲۱۳
خالص حق بیمه‌های اجتماعی				۳۳۳		۳۳۳	۰		۳۳۳
مزایای اجتماعی غیراز انتقالات اجتماعی غیرنقدی	۶۲	۲۰۵	۱۱۲	۰	۵	۳۸۴	۰		۳۸۴
مزایای نقدی تأمین اجتماعی			۵۳			۵۳	۰		۵۳
مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی			۴۵			۴۵	۰		۴۵
مزایای نقدی غیر بازنشستگی تأمین اجتماعی			۸			۸	۰		۸
سایر مزایای بیمه‌های اجتماعی	۶۲	۲۰۵	۷	۰	۵	۲۷۹	۰		۲۷۹
سایر مزایای بازنشستگی بیمه‌های اجتماعی	۴۹	۱۹۳	۵	۰	۳	۲۵۰	۰		۲۵۰
سایر مزایای غیربازنشستگی بیمه‌های اجتماعی	۱۳	۱۲	۲	۰	۲	۲۹	۰		۲۹
مزایای نقدی مساعدت اجتماعی			۵۲			۵۲			۵۲
سایر انتقالات جاری	۱۲	۶۲	۱۳۶	۷۱	۲	۲۸۳	۱۶		۲۹۹
درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
درآمد قابل تصرف، خالص	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴

ث. خالص حق بیمه‌های اجتماعی

۸-۸۰ در SNA، حق بیمه‌های اجتماعی طوری نشان داده می‌شوند که تماماً توسط خانوارها پرداخت شده‌اند. ولی عناصر متعددی در مبالغ پرداخت شده وجود دارد. اولین عنصر مبلغ حق بیمه‌های اجتماعی است که توسط کارفرما از طرف کارکن پرداخت می‌شود. این مبلغ قسمتی از جبران خدمات کارکنان است و توسط خانوارها در حساب ایجاد درآمد دریافت می‌شود و از اینرو قسمتی از تراز درآمد اولیه خانوارها را تشکیل می‌دهد. عنصر دوم پرداخت‌های واقعی انجام شده توسط خانوارها در دوره جاری برای پوشش سهم آن‌ها در ذخائر بازنشستگی و سایر ذخائر مربوط به دوره جاری است. این پرداخت‌ها ممکن است توسط کارکنان مزد بگیر، اشخاص خود اشتغال یا اشخاص غیرشاغل انجام شوند. سومین عنصر عبارت از حق بیمه‌های مکمل یا پرداخت‌های احتسابی توسط خانوارها است که برگشت به صندوق بازنشستگی از درآمد دارائی به‌دست آمده در آغاز سال حق برخورداری از مزایای بازنشستگی و درآمد دارائی به‌دست آمده از هرگونه ذخائر ایجاد شده برای مزایای غیربازنشستگی را نشان می‌دهد. این‌ها در حساب تخصیص درآمد اولیه به خانوارها منتسب می‌شوند، و مانند حق بیمه کارفرمایان در تراز درآمدهای اولیه برای خانوارها منظور می‌شوند. در مقابل این‌ها حق‌الزحمه خدمات مطالبه شده توسط واحد اداره کننده طرح بازنشستگی است. این قلم ممکن است یک کارمزد صریح و روشن مطالبه شده توسط یک واحد جدا از کارفرما باشد یا اگر واحد جدا وجود نداشته باشد ممکن است جمع هزینه‌های متحمل شده توسط کارفرما در اداره کردن طرح باشد. بسته به ماهیت طرح، چه حق بیمه پرداخت شده توسط کارفرما چه درآمد دارائی، ارزش کارمزد خدمات را در بر دارد.

جدول ۸-۴ (ادامه): حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات مزایای اجتماعی - منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲
انتقالات جاری	۷۲	۲۷۵	۳۶۷	۴۲۰	۴۰	۱ ۱۷۴	۵۵		۱ ۲۲۹
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره			۲۱۳			۲۱۳	۰		۲۱۳
خالص حق بیمه‌های اجتماعی	۶۶	۲۱۳	۵۰	۰	۴	۳۳۳	۰		۳۳۳
مزایای اجتماعی غیراز انتقالات اجتماعی غیرنقدی				۳۸۴		۳۸۴	۰		۳۸۴
مزایای نقدی تأمین اجتماعی				۵۳		۵۳	۰		۵۳
مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی				۴۵		۴۵	۰		۴۵
مزایای نقدی غیر بازنشستگی تأمین اجتماعی				۸		۸	۰		۸
سایر مزایای بیمه‌های اجتماعی				۲۷۹		۲۷۹	۰		۲۷۹
سایر مزایای بازنشستگی بیمه‌های اجتماعی				۲۵۰		۲۵۰	۰		۲۵۰
سایر مزایای غیربازنشستگی بیمه‌های اجتماعی				۲۹		۲۹	۰		۲۹
مزایای نقدی مساعدت اجتماعی				۵۲		۵۲			۵۲
سایر انتقالات جاری	۶	۶۲	۱۰۴	۳۶	۳۶	۲۴۴	۵۵		۲۹۹

۸-۸۱ جدول ۸-۳، جدول ۸-۱ را که در آن حق بیمه‌های اجتماعی با توجه به این معیارها تفکیک شده است نشان می‌دهد. به دلایل عملی، جدول‌ها حق بیمه کارفرمایان و درآمد دارائی را با همان ارزش ثبت شده در حساب توزیع درآمد اولیه همراه با کارمزد خدماتی که به طور جداگانه ثبت شده است نشان می‌دهند. اگرچه این کارمزد یک تراکنش توزیعی نیست بلکه قسمتی از ستانده و مخارج مصرفی است. این قلم در جدول گنجانده شده است تا نحوه تأمین مالی بیمه اجتماعی را روشن سازد. هریک از عنوان‌ها به طور خلاصه بترتیب در سطرهای زیرین مورد بحث قرار می‌گیرند. بحث گسترده‌تری از تراکنش‌هائی که باید برای طرح‌های بازنشستگی ثبت شوند در قسمت ۲ فصل ۱۷ ارائه شده است.

۱. اجزای حق بیمه‌های اجتماعی

۸-۸۲ ***خالص حق بیمه‌های اجتماعی، حق بیمه‌های واقعی یا احتسابی خانوارها در طرح‌های بیمه‌های اجتماعی برای تأمین مزایائی است که باید پرداخت شوند. کارمزد مطالبه شده توسط اداره کنندگان طرح‌ها، در حق بیمه‌های اجتماعیِ پرداختنی منظور نمی‌شود.*** این کارمزدها به عنوان مخارج مصرفی خانوارها تلقی می‌شوند که در حساب مصرف درآمد ثبت می‌گردند.

۲. حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان

۸-۸۳ این قلم دقیقاً همان قلمی است که در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شود و در پاراگراف ۷-۶۲ توضیح داده شده است.

۳. حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان

۸-۸۴ این قلم دقیقاً همان قلمی است که در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شود و در پاراگراف ۷-۶۳ الی ۷-۶۹ شرح داده شده است.

۴. حق بیمه‌های اجتماعی واقعی خانوارها

۸-۸۵ ***حق بیمه‌های اجتماعی واقعی خانوارها حق بیمه‌های اجتماعی پرداختنی توسط کارکنان مزدبگیر، اشخاص خود اشتغال یا اشخاص غیرشاغل از طرف خود به طرح‌های بیمه‌های اجتماعی هستند.*** این حق بیمه‌ها بر پایه تعهدی ثبت می‌شوند. برای کسانی که مشغول به کار هستند، زمان ثبت زمانی است که کاری که منجر به بدهی برای پرداخت حق بیمه می‌شود، انجام گیرد.

۵. حق بیمه‌ی اجتماعی مکمل خانوارها

۸-۸۶ ***حق بیمه‌های اجتماعیِ مکمل خانوارها متشکل از درآمد دارائی عاید شده از موجودی‌های حق برخورداری از مزایای بازنشستگی و غیربازنشستگی در طول دوره حسابداری است.*** این مبلغ در درآمد دارائی پرداختنی به خانوارها توسط اداره کنندگان صندوق بازنشستگی در حساب تخصیص درآمد اولیه منظور می‌شود.

ج. مزایای اجتماعی غیراز انتقالات اجتماعی غیرنقدی

۸-۸۷ مزایای اجتماعی، انتقالات جاری دریافت شده توسط خانوارها به منظور تأمین نیازهائی است که از برخی رویدادها یا برخی شرایط ناشی می‌شوند. مزایا به دو گروه تقسیم می‌شوند، گروه اول مستمری بازنشستگی و گروه دوم همه‌ی مزایای دیگر، تحت عنوان مزایای غیربازنشستگی را تشکیل می‌دهند. مزایای غیربازنشستگی برای مثال، پرداخت‌های مربوط به بیماری، بیکاری، مسکن، تحصیل یا شرایط خانوادگی را پوشش می‌دهند.

۸-۸۸ شیوه‌ای که در آن دریافت مزایای اجتماعی در حساب‌ها ثبت می‌شوند بستگی به تعدادی عوامل بین بخشی دارد. علاوه بر نوع مزایای اجتماعی، بازنشستگی یا غیربازنشستگی، لازم

است مشخص شود که آیا مزایا تحت یک طرح بیمه اجتماعی پرداختنی است یا خیر، آیا توسط دولت پرداخت می‌شوند یا خیر و آیا نقدی پرداخت می‌شوند یا خیر. بخش‌های زیرین ترتیبات نهادی مختلف برای پرداخت مزایا و سپس چگونگی نشان دادن انواع مختلف مزایا در حساب‌ها قبل از خلاصه کردن آن‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد.

۱. ترتیبات نهادی

طرح‌های بیمه‌های اجتماعی یا مساعدت اجتماعی

۸-۸۹ مزایای اجتماعی ممکن است به صورت قسمتی از یک طرح بیمه اجتماعی یا توسط دولت به عنوان مساعدت اجتماعی پرداختنی باشد. برخلاف مساعدت اجتماعی، تمامی طرح‌های بیمه‌های اجتماعی نیازمند مشارکت رسمی توسط ذینفعان است. این مشارکت با اشتغال ارتباط دارد و معمولاً با پرداخت حق بیمه‌های اجتماعی توسط شرکت کنندگان، یا کارفرمایان یا هردو، به طرح اثبات می‌شود. تأمین اجتماعی نوع مهمی از بیمه‌های اجتماعی است و مانند مساعدت اجتماعی توسط دولت تأمین می‌شود. بنابراین لازم است مشخص شود که مزایای اجتماعی ارائه شده توسط دولت چه موقع جزئی از تأمین اجتماعی و چه موقع جزئی از مساعدت اجتماعی است.

تأمین اجتماعی و مساعدت اجتماعی

۸-۹۰ بین مزایای طرح‌های تأمین اجتماعی و مزایای طرح‌های مساعدت اجتماعی ارائه شده توسط دولت تفاوت اساسی وجود دارد، هرچند که نسبت مزایای تخصیص یافته به هر یک از این طرح‌ها از کشوری به کشور دیگر با توجه به ترتیبات نهادی ملی به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است.

۸-۹۱ تأمین اجتماعی شکلی از طرحهای بیمه‌های اجتماعی است. در این طرح ذینفع معمولاً با پرداخت حق بیمه یا پرداخت کسی از طرف او به طرح در آن ثبت نام یا مشارکت می‌کند. پرداخت ممکن است توسط کارفرما یا عضوی از خانواده یا حتی در برخی موارد توسط خودِ دولت (شاید مثلاً برای طول مدت بیکاری) انجام شود. از آنجا که این طرح یک طرح مشارکتی است، نوعی قرارداد بین دولت و ذینفعان وجود دارد. در برخی کشورها این قرارداد دارای یک شکل کاملاً قانونی است و نمی‌تواند به صورت برگشت به عقب تغییر داده شود؛ در برخی کشورها قرارداد بسیار سست تر بوده و تعدیلات برگشت به عقب در آن‌ها امکان پذیر است. در تمامی طرح‌های تأمین اجتماعی، تفاوت بین حق بیمه‌های دریافتنی و مزایای پرداختنی در چارچوب بودجه دولت نظارت می‌شود زیرا کسریِ مداوم نمی‌تواند بدون مداخله برای افزایش حق بیمه‌ها، یا کاستن از مزایا یا هردو، برای همیشه ادامه پیدا کند.

۸-۹۲ مساعدت اجتماعی با این مشخصه از تأمین اجتماعی متمایز می‌شود که در آن واجد شرایط بودن برای دریافت مزایای مساعدت اجتماعی به انتخاب شخص برای شرکت در این طرح که نشانه آن پرداخت حق بیمه است بستگی ندارد. معمولاً همه اعضای خانوارهای مقیم حق درخواست مساعدت اجتماعی را دارند ولی شرایطی که در آن مزایا اعطا می‌شود اغلب محدود است. غالباً از درآمدِ در دسترس خانوارها در رابطه با نیازهای احساس شده‌ی آن‌ها ارزیابی انجام می‌شود و فقط خانوارهائی که زیر حد معینی از درآمد قرار می‌گیرند استحقاق برخورداری از این نوع مساعدت‌های اجتماعی را کسب می‌کنند. (این فرآیند اغلب به عنوان "بضاعت آزمائی" گفته می‌شود).

۸-۹۳ گستره‌ای که در آن مساعدت اجتماعی درآمدهائی را برای خانوارها تأمین می‌کنند به طور قابل ملاحظه‌ای از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در برخی از کشورها در واقع تأمین اجتماعی وجود ندارد و تمامی درآمد برای برآوردن نیازهای خانوارها، توسط دولت بدون حق بیمه تأمین می‌شود ولی این حالت عمومیت ندارد.

۲. انواع مزایای اجتماعی

۸-۹۴ مزایای اجتماعی ممکن است تحت سه نوع ترتیبات نهادی مختلف پرداخت شود. این مزایا ممکن است یا به‌عنوان مساعدت اجتماعی و یا به عنوان تأمین اجتماعی توسط دولت پرداخت شود و یا ممکن است از طریق سایر طرح‌های

بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور فراهم شود. بازنشستگی‌های مربوط به همه‌ی ترتیبات با یک شیوه مشابه ولی با در نظر گرفتن تمایز بین مزایای تحت مساعدت اجتماعی و مزایای تحت بیمه‌های اجتماعی ثبت می‌شوند. مزایای نقدی غیربازنشستگی پرداختنی نیز با یک شیوه مشابه ولی با در نظر گرفتن تمایز بین مزایای تحت مساعدت‌های اجتماعی و تحت بیمه‌های اجتماعی ثبت می‌شوند. مزایای غیربازنشستگی غیرنقدی پرداختنی برای آن‌هائی که چه به صورت مساعدت اجتماعی و چه به صورت تأمین اجتماعی توسط دولت پرداختنی هستند به طور متفاوت ثبت می‌شوند.

مستمری‌های بازنشستگی

۸–۹۵ عمده‌ترین مزایای اجتماعی نقدی پرداختی، تأمین مستمری بازنشستگی برای بازنشستگان است. اما، دیگران نیز ممکن است مستحق برخورداری از مستمری بازنشستگی باشند، زنان بیوه و معلولین دائمی از این نوع هستند. مستمری بازنشستگی تقریباً همیشه به صورت نقدی پرداخت می‌شود هرچند که ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که در آن مسکنِ رایگان یا با قیمت پائین برای برخی بازنشستگان فراهم شود که در این حالت ارزش مزایای مسکن به عنوان قسمتی از پرداخت نقدی تلقی می‌شود و با همان مبلغ به عنوان خرید خدمات مسکن از ارائه دهنده نشان داده می‌شود.

۸–۹۶ همان‌گونه که اشاره شد، مستمری بازنشستگی پرداختنی تحت بازنشستگی بیمه اجتماعی از مستمری بازنشستگی پرداختنی تحت مساعدت اجتماعی جدا شده است.

مزایای نقدی غیربازنشستگی پرداختنی

۸–۹۷ در عین حال که ماهیت پرداخت بازنشستگی به‌طورکلی بدون ابهام است، دیگر پرداخت‌های بیمه‌های اجتماعی باید به دقت از دیگر پرداخت‌های انجام شده به خانوار متمایز شوند. هنگامی که چنین پرداخت‌هائی کنار گذاشته شوند، مزایای نقدی غیر بازنشستگی در زیر عنوان مزایای نقدی غیربازنشستگی بیمه‌های اجتماعی و مزایای نقدی مساعدت اجتماعی ثبت می‌شوند.

دریافتنی‌های خانوار که مزایای اجتماعی نیستند

۸–۹۸ دولت می‌تواند پرداخت‌هائی در رابطه با فعالیت‌های تولیدی خانوار انجام دهد. مثالی که در این مورد می‌توان بیان کرد پرداخت‌هائی است که دولت برای تشویق تولید محصول زراعی خاصی انجام می‌دهد. این‌ها پرداخت یارانه به بنگاه خانوار بشمار می‌آیند. هرچند معمول نیست ولی از نظر مفهومی امکان پذیر است که دولت به خانوار پرداختی انجام دهد تا او بتواند امکان تحصیل یک دارائی ثابت برای استفاده در تولید را بدست آورد، این پرداخت باید به عنوان کمک‌های سرمایه‌گذاری (انتقالات سرمایه‌ای) ثبت شود.

۸–۹۹ کارفرما، اعم از دولت یا غیره، می‌تواند برای یک کارکن تجهیزاتی را که لازمه‌ی انجام خدمات نیروی کار او است فراهم کند. برای مثال می‌توان لباس کار یا ابزار کوچک، نظیر قیچی برای آرایشگر یا دوچرخه برای رساندن غذا را نام برد. این تجهیزات به عنوان مصرف واسطه بنگاهی که کارکن را به‌کار گرفته است ثبت می‌شوند و هرگز به عنوان تحصیل شده توسط خانواری که کارکن متعلق به آن است منظور نمی‌شوند. همین قاعده برای خدمات ارائه شده به کارکنانی که در حال انجام وظیفه هستند نیز اعمال می‌شود، برای مثال هزینه خوراک و هتل محل اقامت هنگام سفر برای کار به عنوان مصرف واسطه کارفرما تلقی می‌شود و مصرف نهائی کارکن محسوب نمی‌شود.

۸–۱۰۰ در صورتی که کارفرما کالا یا خدمتی را برای یک کارکن فراهم کند که در خارج از زمان کار استفاده می‌کند، این کالاها و خدمات به عنوان تأمین حقوق و دستمزد غیرنقدی تلقی می‌شوند و طوری ثبت می‌شوند که کارفرما به صورت نقدی پرداخت کرده است و کارکن مخارج متناظری را برای کالاها و خدمات انجام داده است. مثال در این مورد، تأمین مسکنِ رایگان یا در اختیار گذاشتن خودرو برای استفاده شخصی و انجام کار، است. به طور معمول ارزش این کالاها و خدمات برای مقاصد مالیاتی به عنوان قسمتی از درآمد کارکنان منظور می‌شود.

۸-۱۰۱ خانوارها ممکن است از خانوارهای مقیم دیگر در آن کشور یا مقیم در خارج از کشور هدایای قابل ملاحظه‌ای را دریافت کنند، یا ممکن است از واحد دیگری در رابطه با یک آسیب دائمی یا بازداشت غیرقانونی به‌عنوان مثال غرامت دریافت کنند. حتی اگر این پرداخت‌ها خانوارها را قادر سازند تا استانداردهای زندگی خود را ارتقا دهند (همچنانکه برنده شدن در بخت آزمائی نیز چنین عمل می‌کند)، در SNA این پرداخت‌ها مزایای اجتماعی تلقی نمی‌شوند. سایر انتقالات جاری، هردوی انتقالات پرداختنی و دریافتنی توسط خانوارها و همچنین بخش‌های دیگر اقتصاد، با جزئیات بیشتر در بخش چ مورد بحث قرار گرفته است.

مزایای غیربازنشستگی پرداختنی غیرنقدی

۸-۱۰۲ تمامی مزایای حاصل از طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور، غیر از تأمین اجتماعی، طوری ثبت می‌شوند که گوئی به صورت نقدی دریافت شده‌اند. به عنوان مثال، حتی اگر کارکن در ابتدا برای استفاده از خدمات درمانی هیچ پرداختی انجام نداده باشد ولی فقط صورت حساب را به طرح بیمه اجتماعی خود ارسال کند تا توسط آن‌ها پرداخت شود، مبلغ پرداخت شده توسط طرح بیمه اجتماعی طوری ثبت می‌شود که گوئی به کارکن پرداخت شده و سپس کارکن برای استفاده از خدمات سلامت مخارجی را متحمل شده است. منطقی که برای این نحوه عمل وجود دارد این است که یک طرح بیمه اجتماعی خصوصی فقط به عنوان شرکت مالی عمل می‌کند و نمی‌تواند مخارج مصرف نهائی داشته باشد. برخی خدمات ارائه شده توسط کارفرما، به‌عنوان قسمتی از مصرف واسطه آن کارفرما در نظر گرفته می‌شود، برای مثال، خدمت پزشکی ارائه شده در محل کار برای کمک به کسی که در محیط کار بیمار شده است یا آموزشی که باید به‌کارکن در جهت منافع کارفرما داده شود. اما، تأمین کلی خدمات آموزش و سلامت از طریق طرح بیمه اجتماعی قسمتی از بسته‌ی جبران خدمات کارکن است و مصرف واسطه کارفرما بشمار نمی‌آید.

مزایای غیرنقدی تأمین شده توسط دولت

۸-۱۰۳ مزایای اجتماعی نقدی پرداخت شده این امکان را به خانوارها می‌دهد که آن را به صورت جدا نشدنی از درآمد حاصل از منابع دیگر خرج کند. وقتی مزایای اجتماعی به صورت غیرنقدی پرداختنی هستند، خانوار در استفاده از این مزایا آزادی عمل ندارد؛ این مزایا فقط خانوارها را یاری می‌دهد که از تأمین این هزینه‌ها از محل درآمدهای کسب شده از منابع دیگر خلاص شوند. با این حال، دولت‌ها در سراسر جهان مسئولیت فراهم کردن خدماتی را برای خانوارها دارند که خانوارها بتوانند از آن استفاده کنند اما نه این که آن‌ها را با خدمات دیگر معامله یا با خانوارهای دیگر مبادله کنند. این‌ها خدمات فردی هستند که توسط دولت چه به رایگان و چه به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به خانوارها ارائه می‌شوند. این مزایا انتقالات اجتماعی غیرنقدی نامیده می‌شوند. این انتقالات نه تنها در حساب توزیع ثانوی درآمد بلکه در حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی نیز که در بخش ح توضیح داده خواهد شد، ثبت می‌شوند.

۸-۱۰۴ حالت خاصی از مزایای پرداختنی غیرنقدی، جبران خرج‌های نقدیِ انجام شده توسط خانوار است به‌این ترتیب که خانوار ابتدا خرج‌هائی را متحمل می‌شود و سپس دولت قسمتی یا تمامی آن‌ها را جبران می‌کند. برای مثال، هنگامی که یک کارکن یا عضو دیگری از یک خانوار مقیم برای استفاده از خدمات سلامت یا آموزش پرداخت می‌کند و این‌ها بعداً توسط دولت جبران می‌شوند، این‌ها به عنوان مزایای بیمه اجتماعی و پیرو آن به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان نشان داده نمی‌شوند ولی به عنوان قسمتی ازمخارج متحمل شده توسط دولت برای خدمات سلامت ارائه شده به اعضای خانوارهای فردی تلقی می‌شوند. مخارج انجام شده توسط دولت برای خدمات فردی، قسمتی از مخارج مصرف نهائی دولت را تشکیل می‌دهد و جزئی از مخارج مصرف نهائی خانوار و در نتیجه جزئی از جبران خدمات کارکنان به‌حساب نمی‌آید.

۸-۱۰۵ اگر دولت فقط قسمتی از خدمات سلامت (یا غیره) ارائه شده به خانوار را جبران کند، قسمتی که جبران شده به عنوان مخارج مصرف نهائی دولت و قسمتی که جبران نشده به عنوان مخارج مصرف نهائی خانوار تلقی می‌شوند. فقط در

صورتی که کارفرما بـه صـراحت توافـق کنـد کـه قسـمتی از مخارجی را که دولت جبران نکرده است جبران کند، ایـن بـه عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان منظور می‌شود.

۸-۱۰۶ همه‌ی مزایای اجتماعی غیرنقدی ارائه شده توسط دولـت بـه شیوه‌ای یکسان عمل می‌شوند بدون این که قصد بر تفکیـک این مزایا به تأمین اجتماعی و مساعدت اجتماعی باشد.

۳. مزایای اجتماعی ثبت شده درحساب توزیع ثـانوی درآمد

۸-۱۰۷ با در نظر گرفتن ملاحظات بالا، ساختار مزایای اجتماعی ثبت شده در حساب توزیع ثانوی درآمد به صورت زیر است:

مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیرنقدی
مزایای نقدی تأمین اجتماعی
مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی
مزایـای نقـدی غیربازنشسـتگی تـأمین اجتماعی
سایر مزایای بیمه‌های اجتماعی
سـایر مزایـای بازنشسـتگی بیمـه‌هـای اجتماعی
سایر مزایای غیربازنشستگی بیمـه‌هـای اجتماعی
مزایای نقدی مساعدت اجتماعی.

۸-۱۰۸ ***مزایای نقدی تأمین اجتماعی، مزایـای بیمـه‌هـای اجتمـاعی پرداختنیِ نقدی توسـط صـندوق‌هـای تـأمین اجتمـاعی بـه خانوارهـا اسـت.*** ایـن مزایـا بـه مزایـای بازنشسـتگی و غیربازنشستگی تقسیم می‌شوند.

۸-۱۰۹ ***سایر مزایای بیمـه‌هـای اجتمـاعی اشـتغال محـور، مزایـای اجتماعی پرداختنی توسط طرح‌های بیمه‌های اجتماعی غیر از تأمین اجتماعی به شرکت کنندگان در طرح، وابستگان آن‌هـا یا بازماندگان آن‌ها است.*** این مزایا به مزایـای بازنشسـتگی و سایر مزایا تقسیم می‌شوند.

۸-۱۱۰ ***مزایای نقدی مساعدت اجتماعی، انتقالات جـاری پرداختنـی توسط واحدهای دولتی یا NPISHها به خانوارها بـرای تـأمین همان نیازهای مزایای بیمه‌های اجتماعی است ولـی مزایـائی است که تحت یک طرح بیمه اجتماعی که نیاز به مشارکت از طریق پرداخت حق بیمه داشته باشـد، قـرار نـدارد.*** بنـابراین تمـامی مزایـای پرداخـت شـده توسـط صـندوق‌هـای تـأمین اجتماعی خارج از مزایای این گروه قرار می‌گیرند. این مزایا به مزایای بازنشستگی و سایر مزایا تقسیم می‌شوند.

۸-۱۱۱ مزایای مساعدت اجتماعی، انتقالات جـاری پرداخـت شـده در واکنش به رویدادها یا شـرایطی کـه بـه طـور عـادی بوسـیله طرح‌های بیمه‌های اجتماعی پوشش داده نمی‌شـوند را در بـر نمی‌گیرند. از اینرو، مزایای مساعدت اجتماعی انتقالات نقـدی یـا غیرنقـدی انجـام شـده در مقابـل بلایـای طبیعـی نظیـر خشکسالی، سیل یا زمین‌لـرزه‌هـا را پوشـش نمـی‌دهـد. ایـن انتقالات به طور جداگانه تحت عنوان سـایر انتقـالات جـاری ثبت می‌شوند.

۸-۱۱۲ جدول ۸-۴ جدول ۸-۱ را با جزئیات مزایای اجتمـاعی شـرح داده شده در اینجا نشان می‌دهد.

چ. سایر انتقالات جاری

۸-۱۱۳ سایر انتقالات جاری از تمامی انتقالات جاری بـین واحـدهای نهادی مقیم، یا بین واحدهای نهادی مقیم و غیرمقیم، غیـر از مالیات بر درآمد، ثـروت، و غیـره. و حـق بیمـه‌هـا و مزایـای اجتماعی تشکیل یافته‌اند. سـایر انتقـالات جـاری، تعـدادی از انواع مختلف انتقالاتی را که اهداف کاملاً متفـاوتی را تـأمین می‌کنند در بر می‌گیرنـد. چهـار مقولـه از ایـن نـوع انتقـالات

عبارتند از انتقالات مرتبط با بیمه، انتقالات درونی دولت، همکاری‌های جاری بین‌المللی و انتقالات جاری متفرقه. هریک از این‌ها به نوبه خود در سطرهای زیرین توضیح داده شده است.

۸-۱۱۴ جدول ۸-۵ جدول ۸-۱ را با جزئیات انتقالات جاری نشان می‌دهد.

۱. تراکنش‌های مرتبط با بیمه

۸-۱۱۵ سه نوع تراکنش زیرِ سرفصل بیمه وجود دارد. این‌ها عبارتند از خالص حق بیمه‌ها و خسارت‌های مربوط به بیمه‌ی مستقیم، خالص حق بیمه‌ها و خسارت‌های مربوط به بیمه‌ی اتکائی و پرداخت‌های مربوط به ضمانت‌های استاندارد. هریک از این‌ها در زیر توضیح داده می‌شوند. توضیح مفصل تر درباره‌ی تراکنش‌هائی که باید برای بیمه ثبت شوند در قسمت ۱ فصل ۱۷ و برای ضمانت‌های استاندارد در قسمت ۳ فصل ۱۷ ارائه شده است.

۸-۱۱۶ لازم به اشاره است که در این مبحث واژه "خالص" که برای حق بیمه بکار رفته است نشان دهنده‌ی این است که کارمزد ارائه خدمات بیمه از حق بیمه‌های واقعی پرداخت شده کسر شده و حق بیمه‌های مکمل به آن‌ها اضافه شده است. بین بیمه‌های مستقیم و بیمه‌های اتکائی خالص سازی انجام نمی‌شود؛ هریک به طور کامل و جدا از یکدیگر ثبت می‌شوند.

خالص حق بیمه‌های غیرزندگی

۸-۱۱۷ بیمه‌های غیرزندگی پوشش بیمه‌ای را در برابر رویدادهای مختلف یا تصادفاتی که منجر به آسیب رسانی به کالاها یا اموال یا صدمه به اشخاص در نتیجه‌ی حوادث طبیعی یا بشری می‌شوند (مثل آتش سوزی، سیل، تصادفات، ضربه، غرق شدن کشتی، سرقت، خشونت، تصادفات، بیماری و غیره) یا در برابر زیان‌های مالی حاصل از رویدادهائی نظیر بیماری، بیکاری، تصادفات و غیره تأمین می‌کنند. از این نوع قراردادهای بیمه‌ای بنگاه‌ها، واحدهای دولتی، NPISHها یا خانوارهای فردی استفاده می‌کنند. بیمه‌نامه‌هائی که توسط خانوارهای فردی خریداری می‌شوند بیمه‌نامه‌هائی هستند که به ابتکار و برای بهره‌مندی خودِ خانوار، مستقل از کارفرمایانشان یا دولت و خارج از هر طرح بیمه اجتماعی خریداری می‌شوند. ***خالص حق بیمه‌های غیرزندگی، هم حق بیمه‌های واقعی پرداختنی توسط دارندگان بیمه‌نامه برای دریافت پوشش بیمه‌ای طی یک دوره حسابداری (حق بیمه-های عاید شده) را شامل می‌شود، و هم حق بیمه‌های مکمل پرداختنی از محل درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه‌ها منهای کارمزد خدمات پرداختنی به شرکت‌های بیمه را شامل می‌شود.*** روشی که در آن کارمزد خدمات محاسبه می‌شود در پاراگراف‌های ۶-۱۴۸ الی ۶-۱۹۱ توضیح داده شده است. بعد از کسر کارمزد خدمات از حاصل جمع حق بیمه‌های غیرزندگی و بیمه‌های مکمل آن، آنچه که باقی می‌ماند خالص حق بیمه‌های غیرزندگی نامیده می‌شود. فقط خالص حق بیمه‌های غیرزندگی انتقالات جاری هستند و در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شوند. کارمزد خدمات، خرید خدمات توسط دارندگان بیمه‌نامه را تشکیل می‌دهد و به عنوان مصرف واسطه یا مصرف نهائی، بسته به مورد، ثبت می‌شود.

ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی

۸-۱۱۸ ***ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی مبالغ پرداختنی برای تسویه‌ی خسارت‌های ناشی از یک رویدادِ پوشش داده شده بوسیله یک بیمه نامه‌ی غیرزندگی طی یک دوره‌ی حسابداری است.*** ادعاهای خسارت‌ها به طور عادی در لحظه‌ای پرداختنی می‌شوند که رویداد احتمالی که منجر می‌شود به ادعای معتبر تحت شرایط بیمه نامه، رخ دهد. به استثنای مواردی که ایجاد ادعای خسارت مدت‌ها پس از رخ دادن رویداد تأئید می‌شود. برای مثال، وقتی این موضوع که پنبه‌ی نسوز عامل یک بیماری جدی است افشاء شد، یک سری ادعای خسارت‌های قابل توجهی پذیرفته شد. در این گونه موارد ادعای خسارت در زمانی ثبت می‌شود که شرکت بیمه بدهی را می‌پذیرد. این زمان ممکن است با زمانی که ادعای خسارت مورد توافق قرار گرفته است یا زمانی که ادعا پرداخت شده است یکسان نباشد.

۸-۱۱۹ تسویه ادعای خسارت بیمه به عنوان انتقالات به مدعی در

نظر گرفته می‌شود. مدعی معمولاً دارنده‌ی بیمه‌نامه است ولی همیشه چنین نیست. ادعاهای خسارت معمولاً به عنوان انتقالات جاری تلقی می‌شوند، حتی هنگامی که این مبالغ به دلیل خرابی یک دارائی ثابت در اثر تصادف یا آسیب جدی به یک فرد، از مبالغ هنگفتی تشکیل شده باشد. معمولاً برای مدعی تعهدی وجود نداردکه مبالغ دریافت شده را صرف مقاصد خاصی کند و همچنین نیازی به تعمیر یا جایگزین کردن کالاها یا دارائی‌های آسیب دیده یا از بین رفته وجود ندارد.

۸-۱۲۰ برخی از ادعای خسارت‌ها به این دلیل بوجود می‌آیند که دارنده بیمه‌نامه خسارات یا صدماتی را به یک دارائی یا شخص ثالثی وارد می‌کند، به عنوان مثال، خسارات یا صدماتی که رانندگان وسایل نقلیه بیمه شده ممکن است به وسایل نقلیه یا اشخاص دیگر وارد کنند. در این موارد، ادعای خسارت معتبر طوری ثبت می‌شود که مستقیماً توسط بنگاه بیمه و نه به طور غیرمستقیم از طریق دارنده بیمه‌نامه به طرف آسیب دیده پرداختنی است.

جدول ۸-۵: حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات انتقالات جاری - مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
انتقالات جاری	۹۸	۲۷۷	۲۴۸	۵۸۲	۷	۱ ۲۱۲	۱۷		۱ ۲۲۹
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره	۲۴	۱۰	۰	۱۷۸	۰	۲۱۲	۱		۲۱۳
خالص حق بیمه‌های اجتماعی				۳۳۳		۳۳۳	۰		۳۳۳
مزایای اجتماعی غیراز انتقالات اجتماعی غیرنقدی	۶۲	۲۰۵	۱۱۲	۰	۵	۳۸۴	۰		۳۸۴
سایر انتقالات جاری	۱۲	۶۲	۱۳۶	۷۱	۲	۲۸۳	۱۶		۲۹۹
خالص حق بیمه‌های غیرزندگی	۸	۱۳	۴	۳۱	۰	۵۶	۲		۵۸
خالص حق بیمه‌های مستقیم غیرزندگی	۸	۰	۴	۳۱	۰	۴۳	۱		۴۴
خالص حق بیمه‌های اتکائی غیرزندگی		۱۳				۱۳	۱		۱۴
ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی		۴۸				۴۸	۱۲		۶۰
ادعای خسارت‌های بیمه مستقیم غیرزندگی		۴۵				۴۵	۰		۴۵
ادعای خسارت‌های بیمه اتکائی غیرزندگی		۳				۳	۱۲		۱۵
انتقالات جاری درون دولت			۹۶			۹۶	۰		۹۶
همکاری‌های جاری بین‌المللی			۳۱			۳۱	۱		۳۲
انتقالات جاری متفرقه	۴	۱	۵	۴۰	۲	۵۲	۱		۵۳
انتقالات جاری به NPISHها	۱	۱	۵	۲۹	۰	۳۶	۰		۳۶
انتقالات جاری بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم				۷		۷	۱		۸
سایر انتقالات جاری متفرقه	۳	۰	۰	۴	۲	۹	۰		۹
درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
درآمد قابل تصرف، خالص	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴

۸-۱۲۱ در شرایط استثنائی، ممکن است سهمی از ادعای خسارت نه تنها به عنوان انتقالات جاری بلکه به عنوان انتقالات سرمایه‌ای نیز ثبت شوند. در قسمت ۱ فصل ۱۷ مواردی که این نوع شیوه‌ی عمل مناسب است در تشریح کارکرد فعالیت بیمه مورد بحث قرار گرفته است.

خالص حق بیمه‌ها و خسارت‌های اتکائی

۸-۱۲۲ بیمه‌گران مستقیم وسیله‌ی بازتوزیع بین دارندگان بیمه‌نامه‌ی عادی را فراهم می‌کنند. دارندگان بیمه‌نامه بجای مواجه شدن با یک زیان بزرگ غیرعادی، با هزینه‌های کوچک منظمی مواجه می‌شوند با آگاهی از این که اگر زیان بزرگی رخ دهد این زیان توسط شرکت بیمه تسویه خواهد شد و به این ترتیب دارندگان بیمه‌نامه از تحمل یک زیان بزرگ در آن سال مصون می‌مانند. بیمه‌های اتکائی نیز به همان شیوه عمل می‌شوند و این امکان را به بیمه‌گران مستقیم (و سایر بیمه‌گران) می‌دهند تا با بیمه کردن خود در نزدِ شرکت بیمه دیگری که دارای تخصص بیمه اتکائی در سطح جهانی است، خود را در برابر خسارت‌های سنگین خاصی محافظت کنند.

۸-۱۲۳ خالص حق بیمه‌ها و خسارت‌های اتکائی نیز دقیقاً به همان شیوه‌ی محاسبه حق بیمه‌ها و خسارت‌های بیمه غیرزندگی محاسبه می‌شود. اما، از آنجا که کسب و کار بیمه‌ی اتکائی در چند کشور متمرکز است، بیشتر قراردادهای بیمه اتکائی در سطح جهانی با واحدهای غیرمقیم انجام می‌شود.

جدول ۸-۵ (ادامه): حساب توزیع ثانوی درآمد – با جزئیات انتقالات جاری - منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲
انتقالات جاری	۷۲	۲۷۵	۳۶۷	۴۲۰	۴۰	۱ ۱۷۴	۵۵		۱ ۲۲۹
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره			۲۱۳			۲۱۳	۰		۲۱۳
خالص حق بیمه‌های اجتماعی	۶۶	۲۱۳	۵۰	۰	۴	۳۳۳	۰		۳۳۳
مزایای اجتماعی غیراز انتقالات اجتماعی غیرنقدی				۳۸۴		۳۸۴	۰		۳۸۴
سایر انتقالات جاری	۶	۶۲	۱۰۴	۳۶	۳۶	۲۴۴	۵۵		۲۹۹
خالص حق بیمه‌های غیرزندگی		۴۷				۴۷	۱۱		۵۸
خالص حق بیمه‌های مستقیم غیرزندگی		۴۴				۴۴			۴۴
خالص حق بیمه‌های اتکائی غیرزندگی		۳				۳	۱۱		۱۴
ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی	۶	۱۵	۱	۳۵	۰	۵۷	۳		۶۰
ادعای خسارت‌های بیمه مستقیم غیرزندگی	۶		۱	۳۵		۴۲	۳		۴۵
ادعای خسارت‌های بیمه اتکائی غیرزندگی		۱۵				۱۵	۰		۱۵
انتقالات جاری درون دولت			۹۶			۹۶	۰		۹۶
همکاری‌های جاری بین‌المللی			۱			۱	۳۱		۳۲
انتقالات جاری متفرقه	۰	۰	۶	۱	۳۶	۴۳	۱۰		۵۳
انتقالات جاری به NPISHها					۳۶	۳۶			۳۶
انتقالات جاری بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم				۱		۱	۷		۸
سایر انتقالات جاری متفرقه			۶			۶	۳		۹

حق‌الزحمه و مطالبات در ضمانت‌های استاندارد

۸-۱۲۴ برخی واحدها، بویژه واحدهای دولتی، ممکن است در برابر یک طلبکار برای عدم رعایت شرایط مورد نظر ضمانتی را فراهم کنند که دارای بسیاری از ویژگی‌های بیمه‌های غیرزندگی است. این وضعیت هنگامی پیش می‌آید که ضمانت‌های بسیاری از یک نوع صادر می‌شوند و امکان بدست آوردن یک برآورد واقعی از میزان احتمالی تخلف‌ها در کل وجود دارد. در این حالت، حق‌الزحمه‌های پرداختنی (و درآمد دارائی عاید شده از آن‌ها) به همان شیوه حق بیمه‌های غیرزندگی و مطالبات تحت ضمانت نامه‌ها به همان شیوه ادعای خسارت‌های بیمه‌ی غیرزندگی عمل می‌شوند. در قسمت ۳ فصل ۱۷ موضوع ضمانت‌های استاندارد به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

۸-۱۲۵ ضمانت‌های استاندارد فقط ابزارهای مالی را پوشش می‌دهند و به ضمانت تأمین خدمات پس از فروش محصول تعمیم داده نمی‌شوند.

۲. انتقالات جاری درونی دولت

۸-۱۲۶ ***انتقالات جاری درونی دولت از انتقالات جاری بین واحدهای مختلف دولتی تشکیل یافته است.*** این‌ها انتقالات بین سطوح مختلف دولت را در بر می‌گیرند، نظیر انتقالاتی که بطور مکرر بین واحدهای مرکزی و ایالتی یا محلی دولت، و بین دولت و صندوق‌های تأمین اجتماعی رخ می‌دهند. این انتقالات وجوهی را که برای تأمین مالی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تخصیص داده می‌شوند در بر نمی‌گیرند، این نوع انتقالات به عنوان انتقالات سرمایه‌ای عمل می‌شوند.

۸-۱۲۷ یک واحد دولتی ممکن است به عنوان یک کارگزار از طرف واحد دولتی دوم عمل کند، مانند یک واحد دولتی که هم‌زمان با وصول مالیات‌های خود مالیات‌های متعلق به واحد دوم را نیز وصول می‌کند. مالیات‌هائی که به این شیوه از طرف واحد دوم وصول می‌شوند، باید طوری ثبت شوند که گوئی مستقیماً به واحد دوم تعلق گرفته است و نباید به عنوان انتقالات جاری از واحد اول به واحد دوم عمل شوند. تأخیر در پرداخت مالیات‌ها از واحد دولتی اول به واحد دولتی دوم اقلام ورودی بوجود می‌آورند که زیر عنوان "سایرحساب‌های دریافتنی یا پرداختنی" در حساب مالی منظور می‌شوند.

۳. همکاری‌های جاری بین‌المللی

۸-۱۲۸ ***همکاری‌های جاری بین‌المللی از انتقالات جاری نقدی یا غیرنقدی بین دولت‌های کشورهای مختلف یا بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تشکیل یافته‌اند.*** این کمک‌ها شامل موارد زیر هستند:

الف. انتقالات بین دولت‌ها که توسط دریافت کنندگان برای تأمین مالی مخارج جاری، از جمله کمک‌های اضطراری بعد از بلایای طبیعی استفاده می‌شوند؛ این‌ها انتقالات غیرنقدی به صورت خوراک، پوشاک، پتو، دارو وغیره را شامل می‌شوند؛

ب. سهم کمک سالانه یا سهمی که در دیگر فواصل منظم زمانی توسط دولت‌های عضو به سازمان‌های بین‌المللی پرداخت می‌شود (غیر از مالیات‌های پرداختنی به سازمان‌های فرا ملی)؛

پ. پرداخت‌های دولت یا سازمان‌های بین‌المللی به دولت‌های دیگر برای پوشش دادن حقوق آن دسته از کارکنانی که کمک‌های فنی ارائه می‌دهند، و مقیم کشوری هستند که در آن کار می‌کنند و توسط دولت میزبان بکار گرفته شده‌اند.

همکاری‌های جاری بین‌المللی انتقالاتی را که برای مقاصد تشکیل سرمایه در نظر گرفته شده‌اند پوشش نمی‌دهند، این انتقالات به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ثبت می‌شوند.

۴. انتقالات جاری متفرقه

۸-۱۲۹ ***انتقالات جاری متفرقه از انتقالات جاری غیراز حق بیمه‌ها و خسارت‌های مرتبط با بیمه، انتقالات جاری درونی دولت و همکاری‌های جاری بین‌المللی تشکیل شده‌اند.*** تعدادی از مثال‌های مهم آن در زیر توضیح داده می‌شود.

انتقالات جاری بین بانک مرکزی و دولت

۸-۱۳۰ همان‌گونه که در پاراگراف ۶-۱۵۵ بیان شد، یک انتقال جاری که نشان‌دهنده ارزش ستانده غیربازاری بانک مرکزی است به عنوان پرداختنی توسط بانک مرکزی به دولت ثبت می‌شود. ستانده غیربازاری عبارت از خدمات سیاست‌گذاری پولی است که به عنوان مصرف جمعی در نظر گرفته می‌شود.

۸-۱۳۱ هنگامی که بانک مرکزی برای مقاصد سیاست‌گذاری، بهره‌ای با نرخ پائین‌تر از نرخ بهره بازار مطالبه می‌کند قلمی ثبت می‌شود که انتقالات جاری بین بانک مرکزی و دولت این قلم را نیز در بر می‌گیرد. نحوه ثبت این موارد در پاراگراف‌های ۷-۱۲۲ الی ۷-۱۲۶ توضیح داده شده است.

انتقالات جاری به NPISHها

۸-۱۳۲ ***انتقالات جاری به NPISHها از انتقالات دریافت شده توسط NPISHها از سایر واحدهای نهادی مقیم یا غیرمقیم در شکل حق عضویت‌ها، اشتراک‌ها، بخشش‌های داوطلبانه و غیره تشکیل یافته‌اند اعم از این که به صورت منظم یا گاه و بیگاه انجام شوند.*** انتقالات به NPISHها برای این منظور در نظر گرفته می‌شوند که تولید غیربازاری NPISHها را پوشش دهند یا وجوهی را که از محل آن‌ها انتقالات جاری برای خانوارهای مقیم و غیرمقیم در شکل مزایای اجتماعی انجام می‌شود تأمین کنند. انتقالاتی که به‌شکل هدایای خوراکی، پوشاک، پتو، دارو و غیره به مؤسسات نیکوکاری برای توزیع بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم انجام می‌شود هنگامی در این نوع انتقالات منظور می‌شوند که نو باشند و این‌ها به صورت انتقالات نقدی بکار برده شده برای خرید این کالاها عمل می‌شوند. هدایای ناخواسته یا اجناس مستعمل از طرف خانوارها به طور معمول ارزش بازاری ندارند و بنابراین در حساب‌ها به عنوان انتقالات نشان داده نمی‌شوند. هدایای اشیاء گرانبها به عنوان انتقالاتِ ارزش اشیاء گرانبها در ترازنامه منظور می‌شوند. پرداخت حق عضویت‌ها یا حق اشتراک‌ها به NPIهای بازاری در خدمت کسب و کار، نظیر اتاق‌های بازرگانی یا انجمن‌های صنفی به عنوان پرداخت برای خدمات ارائه شده، و نه انتقالات، تلقی می‌شوند (به پاراگراف ۴-۸۸ مراجعه کنید). این‌ها در حساب تولید به عنوان مصرف واسطه ثبت می‌شوند و در حساب توزیع ثانوی درآمد منظور نمی‌شوند.

انتقالات جاری بین خانوارها

۸-۱۳۳ ***انتقالات جاری بین خانوارها از همه‌ی انتقالات جاری انجام شده توسط خانوارهای مقیم به دیگر خانوارهای مقیم یا غیرمقیم یا از انتقالات جاری دریافت شده از دیگر خانوارهای مقیم یا غیرمقیم تشکیل شده است.*** این انتقالات شامل تمامی انتقالات نقدی و ارزش انتقالات غیرنقدی هستند. در رابطه با وجوه حواله شده، انتقالات جاری بین خانوارها اغلب انتقالات شخصی هستند. این انتقالات حواله‌های منظم وجوه بین اعضای متعلق به یک خانوار مقیم است که در نقاط مختلف یک کشور یا در کشورهای مختلف ساکن هستند که در حالت دوم معمولاً توسط یک عضو خانوار که در یک کشور خارجی برای دوره یک ساله و بیشتر مشغول به کار است، حواله می‌شود. عایدات حواله شده توسط کارکنان فصلی به خانواده آن‌ها انتقالات بین‌المللی نیستند زیرا این کارکنان هنگامی که برای دوره‌ای کمتر از یک سال در خارج کار می‌کنند کارکنان مقیم کشور اصلی خود محسوب می‌شوند (یعنی آن‌ها هنوز اعضای خانوار اصلی خودشان تلقی می‌شوند). اگر این افراد مادامی‌که در کشور غیرمقیم کار می‌کنند وضعیت یک کارکن را در آن کشور داشته باشند، عایدات آن‌ها به عنوان جبران خدمات کارکنان از خارج و در غیر این صورت به عنوان ارائه خدمات ثبت می‌شوند.

۸-۱۳۴ انتقالات از خانوارهای غیرمقیم به خانوارهای مقیم (و برعکس) قلمی است که به طور قابل ملاحظه‌ای دارای اهمیت سیاستی است. علاوه بر این، برای وجوه شخصی حواله شده و کل مبالغ حواله شده در تراز پرداخت‌ها، اقلام یادداشتی توصیه می‌شود. وجوه شخصی حواله شده از خارج کشور برابر است با انتقالات شخصی از خارج بعلاوه جبران خدمات کارکنان از خارج منهای مخارج انجام شده توسط کارکنان در خارج. بنابراین حواله‌های شخصی، کل جریان از خانوارهای خارج یا از عضوی از خانوار که برای قسمتی از سال در خارج کار می‌کند به خانوارهای مقیم را نشان می‌دهد.

کل حواله‌ها از خارج برابر است با حواله‌های شخصی بعلاوه مزایای اجتماعی (شامل بدهی حق بازنشستگی از خارج در رابطه با کار قبلی یک عضو خانواردر خارج). پرداخت‌ها به خارج نیز بهمین ترتیب تعریف می‌شوند. برای جزئیات بیشتر، باید به فصل ۲۶ و *BPM6* مراجعه شود.

جریمه‌ها و مجازات‌ها

۸–۱۳۵ ***جریمه‌ها و مجازات‌ها پرداخت‌های اجباری تحمیل شده بر یک واحد نهادی توسط دادگاه‌ها یا نهادهای شبه قضائی هستند.*** اما، جریمه‌ها و سایر مجازات‌های وضع شده توسط مقامات مالیاتی برای گریز مالیاتی یا تأخیر در پرداخت مالیات‌ها را معمولا نمی‌توان از خودِ مالیات‌ها جدا کرد و بنابراین، در عمل با مالیات‌ها یکجا در نظر گرفته می‌شوند و زیر عنوان جریمه‌ها و مجازات‌ها ثبت نمی‌شوند؛ حق‌الزحمه‌های پرداختی برای اخذ پروانه‌ها نیز در زیر این عنوان ثبت نمی‌شوند، این پرداخت‌ها یا مالیات هستند یا پرداخت برای خدمات ارائه شده توسط واحدهای دولتی (پاراگراف ۸–۵۴ را ملاحظه کنید).

بخت آزمائی و قماربازی

۸–۱۳۶ مبالغ پرداختی برای بلیطهای بخت آزمائی یا مبالغی که در شرط بندی‌ها گذاشته می‌شوند از دو عنصر تشکیل شده است: یکی پرداخت کارمزد خدمات به واحدی که بخت آزمائی یا قماربازی را سازماندهی کرده است و دیگری انتقالات جاری باقی مانده که به برندگان پرداخت می‌شود. عنصر کارمزد خدمات ممکن است مبالغ قابل توجهی باشد تا مالیات بر تولید خدمات قماربازی را پوشش دهد. عنصر انتقالات در SNA طوری در نظر گرفته می‌شود که گوئی مستقیماً بین شرکت کنندگان در بخت آزمائی یا قمار یعنی بین خانوارها صورت گرفته است.

۸–۱۳۷ برخی بخت آزمائی‌ها ممکن است از سه جزء تشکیل شده باشند، دو جزء آن در بالا بیان شد و عنصر سوم اهداء به مؤسسات نیکوکاری است. این عنصر به عنوان انتقالات به مؤسسه‌ی نیکوکاری که معمولاً یک NPISH است، بحساب می‌آید.

۸–۱۳۸ هنگامی که خانوارهای غیرمقیم در بخت آزمائی شرکت می‌کنند ممکن است انتقالات خالص قابل ملاحظه‌ای بین بخش خانوار و دنیای خارج وجود داشته باشد.

۸–۱۳۹ در برخی موارد یک برنده بخت آزمائی بلافاصله مبلغ هنگفتی را یکجا دریافت نمی‌کند بلکه یک جریان درآمدهائی را در طول دوره‌های آینده دریافت می‌کند. در SNA این رقم باید به صورت مبلغ دریافت شده یکجا و خرید بلافاصله یک مستمری سالانه ثبت شود. نحوه ثبت مستمری‌های سالانه در قسمت ۱ فصل ۱۷ توضیح داده شده است.

پرداخت‌های جبرانی

۸–۱۴۰ ***پرداخت‌های جبرانی عبارت است از انتقالات جاری پرداخت شده توسط واحدهای نهادی به واحدهای نهادی دیگر برای جبران صدمات وارد شده به اشخاص یا آسیب‌های وارد شده به دارائی‌ها توسط واحد نهادی اول که به‌صورت پرداخت‌های ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی تسویه نشده باشد.*** پرداخت‌های جبرانی ممکن است پرداخت‌های اجباری تعلق گرفته با رأی دادگاه یا پرداخت‌های داوطلبانه‌ی توافقی در خارج از دادگاه باشد. این سرفصل پرداخت برای جبران صدمات یا آسیب‌های وارد شده توسط سایر واحدهای نهادی و پرداخت‌های داوطلبانه انجام شده توسط واحدهای دولتی یا NPISHها برای جبران صدمات یا آسیب‌های وارد شده از بلایای طبیعی را در بر می‌گیرد.

ح. انتقالات اجتماعی غیرنقدی

۸-۱۴۱ همان‌گونه که در بخش چ توضیح داده شد، حساب توزیع ثانوی درآمد درباره این موضوع بحث می‌کند که چگونه درآمد بوسیله انتقالات نقدی یا انتقالاتی که نقدی در نظر گرفته می‌شوند بین بخش‌ها بازتوزیع می‌شود. با این حال، طبقه مهمی از انتقالات باقی می‌ماند که به عنوان انتقالات مخارج مصرفی که در اصل توسط دولت و NPISHها انجام می‌گیرد ثبت می‌شوند. این‌ها انتقالات اجتماعی غیر نقدی نامیده می‌شوند. ***انتقالات اجتماعی غیرنقدی از کالاها و خدماتی تشکیل شده‌اند که توسط دولت و NPISHها چه به طور رایگان و چه به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند برای خانوارها فراهم می‌شوند.*** این انتقالات به قدری از دیگر انتقالات متمایز هستند که دو حساب جدا برای ثبت آن‌ها اختصاص داده شده است.

۸-۱۴۲ انتقالات اجتماعی غیرنقدی عبارت از مخارج مصرف نهائی انجام شده توسط دولت و NPISHها از طرف خانوارها است. به این دلیل به آن‌ها کالاها و خدمات فردی گفته می‌شود. این از کالاهای عمومی که در SNA کالاها و خدمات جمعی گفته می‌شود، نظیر دفاع و روشنائی معابر، متمایز است. (بحث بیشتری درباره تفاوت بین مخارج فردی و جمعی دولت در فصل ۹ وجود دارد) دو دلیل عمده وجود دارد که دولت ممکن است بخواهد خدمات فردی برای خانوارها فراهم کند. یکی این است که با برآورده کردن نیازهای بخش بزرگی از جمعیت، یا حتی تمامی آن، به صورت متمرکز کارائی هزینه‌ی بیشتری تحقق می‌یابد. دیگری این است که دولت می‌تواند از این طریق اطمینان حاصل کند که این خدمات با هزینه‌ای منطقی برای خانوارها ارائه می‌شوند، اطمینان حاصل کند که استانداردهای خدمات رعایت شوند و خانوارها را وادار به استفاده از این خدمات کند، مثلاً کودکان را وادار به مدرسه رفتن کند.

۸-۱۴۳ برای بعضی مقاصد تحلیلی، بررسی سنجه‌ای از مصرف خانوار که شامل کالاها و خدمات تأمین شده به صورت انتقالات اجتماعی غیرنقدی است می‌تواند آگاهی دهنده باشد. هرچند که، این دیدگاه گسترش یافته نسبت به مصرف باید با یک دیدگاه گسترش یافته‌ی مشابه نسبت به درآمد مطابقت داشته باشد زیرا این چشم‌انداز متفاوت، پس‌اندازِ خانوار را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. به منظور جا انداختن این دیدگاهِ متفاوت از درآمد و مخارج خانوار، SNA دو حساب معرفی می‌کند، یکی از آن‌ها سنجه‌ی جایگزینی برای درآمد (حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی) بوجود می‌آورد که در زیر توضیح داده می‌شود. حساب دوم، سنجه‌ی جایگزینی برای مصرف را نشان می‌دهد (حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده) که در فصل ۹ توضیح داده می‌شود.

۱. حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی

۸-۱۴۴ حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی قلم ترازکننده حساب توزیع ثانوی درآمد یعنی درآمد قابل تصرف را از این حساب گرفته و آن را با ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی تعدیل می‌کند تا به یک قلم تراز کننده جدید که درآمد قابل تصرف تعدیل شده نامیده می‌شود برسد. برای خانوارها، درآمد قابل تصرف تعدیل شده بیشتر از درآمد قابل تصرف است؛ برای دولت و NPISHها این رقم کمتر است.

۲. انتقالات اجتماعی غیرنقدی پرداخت شده به غیرمقیم‌ها

۸-۱۴۵ در عمل، انتقالات اجتماعی غیرنقدی ممکن است به غیرمقیم‌ها نیز پرداخت شود. یک مثال ساده در این مورد مراقبت‌های اورژانسی پزشکی ارائه شده توسط یک بیمارستان دولتی به یک گردشگر خارجی است. اما، همان‌طور که خانوارهای غیرمقیم ممکن است از انتقالات اجتماعی غیرنقدی دولت ملی برخوردار شوند، خانوارهای مقیم نیز ممکن است از انتقالات غیرنقدی پرداخت شده توسط دولت اقتصادهای دیگر بهره‌مند شوند. به طور کلی، این نوع جریان

انتقالات به غیرمقیم‌ها نسبت به سطح کل انتقالات غیرنقدی کوچک خواهد بود و، غیر از در مواردی که شواهد قوی برای خلاف این امر وجود داشته باشد، طبق قرارداد می‌توان فرض کرد جریان انتقالات غیرنقدی به غیرمقیم‌ها با جریان انتقالات غیرنقدی از دولت‌های (و NPISHهای) دیگر اقتصادها تراز می‌شود. بنابراین با پیروی از این قرارداد، در این حالت کل درآمد قابل تصرف برای کل اقتصاد کاملاً با کل درآمد قابل تصرف تعدیل شده برابر است.

فصل ۹: حساب‌های مصرف درآمد

الف. مقدمه

۹–۱ هدف از حساب مصرف درآمد این است که نشان داده شود چگونه خانوارها، واحدهای دولتی و نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH)ها درآمد قابل تصرف خود را بین مصرف نهائی و پس‌انداز تقسیم می‌کنند. در سرتاسر این فصل، از واژه مصرف به معنای مصرف نهائی استفاده شده است، مگر در مواردی که به روشنی بیان شده باشد. دو حساب مصرف درآمد وجود دارد که با دو مفهوم درآمد قابل تصرف و مصرف مطابقت دارد. حساب نخست، حساب مصرف درآمد قابل تصرف، که در جدول ۹–۱ نشان داده شده است، بر درآمد قابل تصرف و مخارج کالاها و خدمات مصرفی که بوسیله این درآمد می‌توان فراهم کرد متمرکز است. حساب دوم، حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده، که در جدول ۹–۲ نشان داده شده است، بر کالاها و خدمات مصرفیِ تحصیل شده و استفاده شده توسط واحدهای نهادی، بویژه خانوارها، متمرکز است اعم از این که این کالاها و خدمات از طریق مخارج یا از طریق انتقالات اجتماعی غیرنقدی تأمین شده باشند. برای توضیح تفاوت بین دو حساب، لازم است برخی اصطلاحات کلیدی تعریف شود.

۹–۲ ***کالا یا خدمت مصرفی عبارت از کالا یا خدمتی است که توسط خانوارها، NPISHها یا واحدهای دولتی برای ارضای مستقیم نیازهای (خواسته‌های) فردی یا برای ارضای مستقیم نیازهای جمعیِ اعضای جامعه (بدون تغییر شکل بیشتر در فرآیند تولیدی که در SNA تعریف شده است) استفاده می‌شود.***

۹–۳ ***کالا یا خدمت مصرفی فردی، کالا یا خدمتی است که توسط یک خانوار تحصیل می‌شود و برای ارضای نیازها یا خواسته‌های اعضای آن خانوار استفاده می‌شود.*** کالاها و خدمات فردی همیشه می‌توانند در بازار خرید و فروش شوند، هرچند که ممکن است به طور رایگان، یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند نظیر انتقالات اجتماعی غیرنقدی نیز فراهم شوند. در عمل تمامی کالاها و بیشتر خدمات، فردی هستند.

۹–۴ ***خدمات مصرفی جمعی، خدماتی است که به طور هم‌زمان برای همه‌ی اعضای جامعه یا برای همه‌ی اعضای بخش خاصی از جامعه، نظیر همه‌ی خانوارهائی که در یک منطقه خاص زندگی می‌کنند، ارائه می‌شود.*** خدمات جمعی به طور خودکار بدست می‌آیند و توسط تمامی اعضای جامعه، یا بخشی از جامعه، بدون هیچ اقدامی از جانب آن‌ها، مصرف می‌شوند. نمونه‌ای از این خدمات، اداره امور عمومی و تأمین امنیت چه در سطح ملی و چه در سطح محلی است. خدمات جمعی بنا به ماهیتشان نمی‌توانند در بازار به افراد فروخته شوند، و توسط واحدهای دولتی از محل مالیات یا دیگر درآمدهای عملیاتی تأمین مالی می‌شوند. تفاوت بین کالاها یا خدمات مصرفی فردی و جمعی در پاراگراف‌های ۹–۹۱ الی ۹–۹۸ با جزئیات بیشتری شرح داده شده است.

۹–۵ برخی از خدماتی که توسط NPISHها به اعضای انجمن‌هائی که مالک آن‌ها هستند ارائه می‌شوند دارای برخی از ویژگی‌های خدمات جمعی هستند، برای مثال، ممکن است برخی از پژوهش‌های انجام شده توسط NPISHها تمامی اعضای جامعه را بهره‌مند سازد. ولی اکثر خدمات ارائه شده توسط NPISHها بنا به ماهیتشان فردی هستند و، اگر تشخیص ماهیت جمعی بودن ستانده NPISHها از نظر عملی امکان پذیر نباشد، می‌توان همه‌ی خدمات ارائه شده توسط NPISHها را به عنوان خدمات فردی تلقی کرد.

۹–۶ همان‌طور که در قسمت‌های بعدی این فصل توضیح داده شده است، مخارج مربوط به واحدهای نهادی می‌شود که هزینه‌ها را متحمل شده‌اند حتی اگر این واحدها، واحدهائی نباشند که کالاها یا خدمات به آن‌ها تحویل داده شده است. از اینرو، مخارج انجام شده توسط واحدهای دولتی یا NPISHها

برای کالاها و خدماتی که به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی برای خانوارها فراهم می‌شوند، به عنوان مخارج مصرف نهائیِ متحمل شده توسط دولت یا NPISHها ثبت می‌شوند. اگرچه دولت یا NPISHها کالاها و خدماتی را که به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی فراهم می‌کنند به طور فیزیکی مصرف نمی‌کنند، ولی این‌ها واحدهائی هستند که برای آن کالاها و خدمات پرداخت می‌کنند و درباره مقداری که باید فراهم کنند تصمیم می‌گیرند. بنابراین اطلاعات مربوط به مخارج این کالاها و خدمات باید در حساب‌های SNA در رابطه با درآمد قابل تصرف این واحدها ثبت شوند. اما، هنگامی که کالاها و خدمات توسط واحدهائی متفاوت از واحدهای کنترل کننده و تأمین مالی کننده‌ی مخارج مصرف می‌شوند، تنها ثبت این مخارج کافی نیست. برای شناسائی واحدهائی که از مصرف آن‌ها بهره‌مند می‌شوند، لازم است این امر پذیرفته شود که کالاها و خدمات در واقع انتقالات به خانوارها است و توسط آن‌ها مصرف میشود. از این امر تفاوت بین مخارج مصرف نهائی و مصرف نهائی واقعی سرچشمه می‌گیرد.

۹-۷ در حساب مصرف درآمد قابل تصرف، قلم اصلی منابع را درآمد قابل تصرف تشکیل می‌دهد که قلم ترازکننده منتقل شده از حساب توزیع ثانوی درآمد است. قلم اصلی مصارف در این حساب از مخارج مصرف نهائی تشکیل شده است. ***مخارج مصرف نهائی، مبلغ مخارجِ کالاها و خدمات مصرفی است.*** در حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده قلم اصلیِ منابع، درآمد قابل تصرف تعدیل شده است که قلم ترازکننده‌ی منتقل شده از حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی است. قلم اصلی مصارف در این حساب، مصرف نهائی واقعی است. ***مصرف نهائی واقعی میزان کالاها و خدمات مصرفیِ تحصیل شده را اندازه‌گیری می‌کند.***

۹-۸ در حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی، که در فصل ۸ شرح داده شد، درآمد قابل تصرف تعدیل شده خانوار با اضافه کردن ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی دریافتنی به درآمد قابل تصرف آن‌ها به‌دست می‌آید، در حالی که این قلم برای دولت و NPISHها با کسر کردن ارزش انتقالات اجتماعی غیر نقدی پرداختنی به‌دست می‌آید. متناظر حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی، حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده است که در آن مصرف نهائی واقعی خانوارها از مخارج مصرف نهائی آن‌ها با اضافه کردن ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی دریافتنی به‌دست می‌آید، در حالی که مصرف نهائی واقعی واحدهای دولتی و NPISHها با کسر کردن ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی پرداختنی بدست می‌آید. از اینرو، در SNA دو حساب وجود دارد که محاسبه درآمد قابل تصرف را نشان می‌دهد و دو حساب وجود دارد که مصرف درآمد را نشان می‌دهد.

جدول ۹-۱: حساب مصرف درآمد قابل تصرف – مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
مخارج مصرف نهائی			۳۵۲	۱ ۰۱۵	۳۲	۱ ۳۹۹			۱ ۳۹۹
مخارج مصرف فردی			۱۸۴	۱ ۰۱۵	۳۱	۱ ۲۳۰			۱ ۲۳۰
مخارج مصرف جمعی			۱۶۸		۱	۱۶۹			۱۶۹
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	۰	۱۱	۰		۰	۱۱	۰		۱۱
پس‌انداز، ناخالص	۲۲۸	۱۴	-۳۵	۲۱۵	۵	۴۲۷			۴۲۷
پس‌انداز، خالص	۷۱	۲	-۶۲	۱۹۲	۲	۲۰۵			۲۰۵
تراز خارجی جاری							-۱۳		-۱۳

۹–۹ در هردوی حساب های مصرف درآمد قابل تصرف و مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده، یک قلم تعدیل کننده برای نشان دادن تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ثبت شده در حساب مالی لازم است. قلم ترازکننده‌ی هردوی حساب‌های مصرف درآمد قابل تصرف و مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده، پس‌انداز است. این قلم به صورت درآمد قابل تصرف که با تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی تعدیل شده است منهای مخارج مصرف نهائی، یا به صورت درآمد قابل تصرف تعدیل شده که با تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی تعدیل شده است منهای مصرف نهائی واقعی محاسبه می‌شود. در نتیجه پس‌انداز چه از حساب مصرف درآمد قابل تصرف محاسبه شود و چه از حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده به‌دست آید، یکسان خواهد بود.

۱۰–۹ پس‌انداز، مانند درآمد قابل تصرف و درآمد قابل تصرف تعدیل شده می‌تواند به دلیل مشکلات اندازه‌گیری مصرف سرمایه ثابت، بناچار ناخالص ثبت شود. اما، همانند جاهای دیگر، ارقام خالص از نظر مفهومی ترجیح داده می‌شود.

۱۱–۹ شرکت‌ها مخارج مصرف نهائی ندارند. شرکت‌ها ممکن است از همان نوع کالاها یا خدماتی که خانوارها برای مصرف نهائی استفاده می‌کنند (مثل برق یا مواد غذائی) خریداری کنند ولی این کالاها یا خدمات برای مصرف واسطه یا برای کارکنان آن‌ها به عنوان پرداخت‌های غیرنقدی به‌کار می‌روند. در SNA فرض می‌شود که شرکت‌ها انتقالات کالاها یا خدمات مصرفی به خانوارها ندارند. از آنجا که شرکت‌ها انتقالات اجتماعی غیرنقدی نه دریافت می‌کنند و نه پرداخت می‌کنند، امکان ترسیم خط تمایز معنی داری بین درآمد قابل تصرف و درآمد قابل تصرف تعدیل شده‌ی آن‌ها نیز وجود ندارد. در نتیجه، هردوی حساب‌های مصرف درآمد قابل تصرف و مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده برای شرکت‌ها صرفاً حساب‌های ساختگی هستند که در آن‌ها برای مخارج مصرف نهائی یا مصرف نهائی واقعی اقلامی وجود ندارد. صرف نظر از قلم تعدیل برای حق برخورداری از مزایای بازنشستگی که در بالا اشاره شد، و در پاراگراف‌های ۹–۲۰ الی ۹–۲۵ به تفصیل شرح داده خواهد شد، پس‌انداز خالص یا ناخالص شرکت‌ها باید با درآمدهای قابل تصرف یا قابل تصرف تعدیل شده‌ی آن‌ها برابر باشند. به عبارت دیگر، پس‌انداز شرکت‌ها اغلب به عنوان سود "تقسیم نشده" یا "درآمدهای توزیع نشده" شرکت‌ها نامیده می‌شوند.

جدول ۹–۱ (ادامه): حساب مصرف درآمد قابل تصرف – منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
درآمد قابل تصرف، خالص	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴
مخارج مصرف نهائی								۱ ۳۹۹	۱ ۳۹۹
مخارج مصرف فردی								۱ ۲۳۰	۱ ۲۳۰
مخارج مصرف جمعی								۱۶۹	۱۶۹
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				۱۱		۱۱	۰		۱۱

۱. حساب مصرف درآمد قابل تصرف

۹-۱۲ همانطور که در جدول ۹-۱ نشان داده شده است، حساب مصرف درآمد قابل تصرف غیر از قلم ترازکننده یعنی پس‌انداز، از سه قلم ورودی اصلی تشکیل شده است. درآمد قابل تصرف یعنی قلم ترازکننده‌ی منتقل شده از حساب توزیع ثانوی درآمد در سمت چپِ حساب(در برگردان فارسی جداول راست چین شده است، مترجم) در زیر منابع ثبت می‌شود، در حالی که مخارج مصرف نهائی در سمت راست در زیرِ مصارف ثبت می‌شود. همان‌طور که در بالا اشاره شد، این حساب عمدتاً به سه بخشی که مخارج مصرف نهائی را متحمل می‌شوند مربوط است که این سه بخش از دولت، NPISHها و خانوارها تشکیل شده است.

۹-۱۳ قلم ترازکننده برای این حساب، پس‌انداز است. اما پیش از استخراج قلم تراز کننده، یک قلم تعدیل کننده که تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی را نشان می‌دهد به منظور تخصیص مجدد مبلغ معینی پس‌انداز بین بخش‌ها، وارد می‌شود. این قلم به دلیل روشی که حق بیمه و مزایای بازنشستگی در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شود لازم است. این تعدیل در سمت چپ زیر منابع برای خانوار و در سمت راست زیر مصارف برای شرکت‌های مالی یا سایر واحدهای مسئول برای بدهی‌های طرح بازنشستگی نشان داده می‌شود.

۹-۱۴ مخارج مصرف نهائی که به مخارج مصرف فردی و مخارج مصرف جمعی تفکیک شده است تا روابط متقابل حسابداری را که در زیر توضیح داده می‌شود مشخص کند، در جدول ۹-۱ نشان داده شده است. ولی معمولاً آن‌چه که مفید است این است که مخارج مصرف نهائی با استفاده از طبقه‌بندی مخارج بر اساس هدف یا برحسب نوع کالا یا خدمت تفکیک شود. بیشتر کاربران دستکم درجه‌ای از تفکیک مانند تفکیک بین مخارج کالاها یا خدمات یا بین مخارج کالاهای بادوام و بی‌دوام را انتظار دارند. تفکیک بر حسب نوع کالاها و خدمات، همان‌طور که در فصل ۱۴ شرح داده شده است، برای جدول‌های عرضه و مصرف لازم است.

۲. حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده

۹-۱۵ همان‌گونه که در جدول ۹-۲ نشان داده شده است، حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده نیز غیر از قلم ترازکننده‌ی پس‌انداز، دارای سه قلم ورودی اصلی است. درآمد قابل تصرف تعدیل شده که قلم ترازکننده منتقل شده از حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی است، در سمت چپ این حساب در زیر منابع ثبت می‌شود. در حالی که مصرف نهائی واقعی در سمت راست در زیر مصارف ثبت می‌شود. همانند حساب مصرف درآمد قابل تصرف، پیش از استخراج قلم ترازکننده‌ی پس‌انداز، تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی منظور می‌شود. این حساب عمدتاً به بخش‌های دولت، NPISHها و خانوار مربوط است.

۹-۱۶ مصرف نهائی واقعی خانوار با افزودن ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی دریافتنی به مخارج مصرف نهائی آن‌ها بدست می‌آید، در حالی که مصرف نهائی واقعی برای واحدهای دولتی و NPISHها با کسر کردن ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی پرداختنی از مخارج مصرف نهائی آن‌ها به‌دست می‌آید. برخی انتقالات اجتماعی غیرنقدی توسط غیرمقیم‌ها دریافتنی است مانند درمان پزشکی اورژانسی در یک بیمارستان دولتی برای یک گردشگر غیر مقیم، ولی ارقام آن در مقایسه با کل انتقالات اجتماعی غیرنقدی بسیارکوچک خواهد بود. بعلاوه، مقیم‌های خارج نیز ممکن است به‌همین ترتیب از انتقالات اجتماعی غیرنقدیِ یک دولت یا NPISH غیرمقیم بهره‌مند شوند. بنابراین، فرض می‌شود این دو رقم یکدیگر را خنثی می‌کنند به طوری که می‌توان تمامی انتقالات اجتماعی غیرنقدی را به عنوان پرداختنی به خانوارهای مقیم منظور کرد، مگر دلیل محکمی برخلاف این باور وجود داشته باشد. از اینرو، برای کل اقتصاد ارزش مصرف نهائی واقعی با ارزش کل مخارج مصرف نهائی برابر است.

۹-۱۷ مصرف نهائی واقعی خانوارها سنجه‌ای از ارزش کالاها و خدمات مصرفی تحصیل شده توسط خانوارها، خواه با خرید آن‌ها و خواه با انتقالات از واحدهای دولتی یا NPISHها، و استفاده شده توسط خانوارها برای ارضای نیازهای (یا خواسته‌های) آن‌ها است. بنابراین، برای استانداردهای زندگی

خانوارها، مصرف نهائی واقعی نماگر بهتری نسبت به مخارج مصرف خانوار است. در برخی از کشورها، ارزش کالاها و خدمات فردی غیربازاری ارائه شده به خانوارها به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی ممکن است بسته به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی اعمال شده توسط دولت بسیار بزرگ باشد، به طوری که مصرف نهائی واقعی خانوارها به‌طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به مخارج آن‌ها بیشتر باشد. به این دلایل، گاهی اوقات مصرف نهائی واقعی خانوارها مصرف "گسترش یافته" یا مصرف "کل" آن‌ها نامیده می‌شود، هرچندکه در SNA از این اصطلاحات استفاده نشده است. به همین ترتیب، مصرف نهائی واقعی بخش دولت کوچکتر از مخارج مصرف نهائی آن است.

۳. رابطه بین دو نوع حساب مصرف درآمد

۹–۱۸ دو حساب مصرف درآمد نه متوالی هستند و نه سلسله مراتبی. آن‌ها حساب‌های موازی هستند که در خدمت مقاصد سیاست‌گذاری یا تحلیلی متفاوتی هستند. یکی نشان دهنده این است که چه واحدهائی مخارج را متحمل می‌شوند؛ دیگری نشان می‌دهد که کدام واحدها از این مخارج بهره‌مند می‌شود و تا چه حد میزان مصرف خانوارها توسط خودشان تأمین می‌شود. ارزش کالاها و خدمات وارد شده در انتقالات اجتماعی غیرنقدی در SNA به دو طریق متفاوت ثبت می‌شوند، که هردوی آن‌ها مصرف منابع توسط واحدهای دولتی یا NPISHها را نشان می‌دهند:

الف. به عنوان مخارج مصرف نهائی، پرداختنی توسط واحدهای دولتی یا NPISHها؛ و

ب. به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی، پرداختنی توسط واحدهای دولتی یا NPISHها ولی دریافتنی توسط خانوارها که به عنوان قسمتی از مصرف نهائی واقعی آن‌ها ثبت می‌شود.

۹–۱۹ هرچند که تفاوت بین درآمد قابل تصرف و درآمد قابل تصرف تعدیل شده به انتقالات اجتماعی غیرنقدی مربوط است، حتی درآمد قابل تصرف نیز نباید به عنوان سنجه‌ای از درآمد نقدی در دسترس تعبیر شود. عناصر متعدد غیرنقدی آن، نظیر عناصری که مربوط به تولید برای خودمصرفی یا جبران خدمات غیرنقدی است، در پاراگراف‌های ۸–۲۲ و ۸–۲۳ بیان شده است.

۴. تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی

۹–۲۰ از آنجا که افراد در سرتاسر زندگی کاری خود در یک طرح بیمه اجتماعی حق برخورداری از مزایای بازنشستگی انباشته می‌کنند، حق برخورداری مربوط به آن دارائی افراد و بدهی واحدهائی است که در نهایت مسئول پرداخت مستمری بازنشستگی هستند. بازنشستگی‌های تحت مساعدت اجتماعی از این قاعده مستثنی هستند زیرا مبالغ افزوده شده لزوماً به یک سبک قابل پیش بینی در طول زمان یا برای دلایل قابل پیش بینی ذخیره نمی‌شوند. بحث مشابهی نیز در مورد مزایای تعلق گرفته در تأمین اجتماعی بکار می‌رود. در برخی کشورها، دولت مسئولیت پرداخت مستمری‌های بازنشستگی را حتی برای کارکنان غیردولتی می‌پذیرد و این مستمری‌های بازنشستگی از طریق صندوق‌های تأمین اجتماعی پرداخت می‌شوند. در قسمت ۲ از فصل ۱۷ بحث مفصلی وجود دارد مبنی بر این که چه موقع بدهی‌های این طرح‌ها می‌توانند در توالی حساب‌ها وارد شوند و چه موقع فقط در یک جدول تکمیلی وارد می‌شوند. در این فصل، عبارت "طرح بازنشستگی" برای پوشش آن قسمت از طرح‌های تأمین اجتماعی که بدهی‌های آن‌ها می‌توانند در توالی حساب‌ها از جمله حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها وارد شوند، بعلاوه تمامی طرح‌های دیگر اشتغال محور استفاده شده است.

۹–۲۱ طرح‌های بازنشستگی در SNA طوری در نظر گرفته می‌شوند که به خانوارهای دارای ادعا بر طرح‌ها بدهکار هستند. پرداخت حق بیمه‌های بازنشستگی به طرح‌ها و دریافت - مستمری‌های بازنشستگی توسط بازنشستگان، تحصیل و واگذاری دارائی‌های مالی را بوجود می‌آورند. اما، این امر ممکن است با درک خانوارهای مربوطه، بویژه خانوارهای بازنشسته که مستمری بازنشستگی دریافتی را به عنوان درآمد

به‌شکل انتقالات جاری می‌پندارند، سازگاری نداشته باشد. علاوه بر این، دستکم برخی از مستمری‌های بازنشستگی دریافتی در طرح‌های تأمین اجتماعی و مستمری‌های بازنشستگی که تحت عنوان مساعدت اجتماعی دریافت می‌شوند، در SNA در واقع به عنوان انتقالات جاری تلقی می‌شوند.

۹-۲۲ برای ارائه اطلاعاتی از درآمد که می‌تواند برای تحلیل رفتارهای خانوارهای مربوطه مفیدتر باشد، پرداخت حق بیمه‌های بازنشستگی به تمامی طرح‌های بازنشستگی و به تأمین اجتماعی و دریافت مستمری‌های بازنشستگی توسط خانوارهای بازنشسته در هردوی طرح‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی در حساب توزیع ثانوی درآمد بترتیب زیر عنوان‌های حق بیمه‌های اجتماعی و مزایای بیمه اجتماعی ثبت می‌شوند. بنابراین، این‌ها بر میزان درآمدهای قابل تصرف خانوارها تأثیر می‌گذارند.

۹-۲۳ دلیل منطقی برای این نوع برخورد با حق بیمه‌ها و مزایای بازنشستگی به عنوان انتقالات اجتماعی، این است که وقتی به کل اقتصاد نگاه می‌شود، تأمین بازنشستگی می‌تواند به عنوان یک فرآیند بازتوزیع بین خانوارها دیده شود. تا زمانی که حق‌بیمه‌ها و مزایای بازنشستگی کاملاً برابر نباشند، این امر بر پس‌انداز خانوارها تأثیر خواهد گذاشت. برای مثال، اگر حق‌بیمه‌های بازنشستگی که کل خانوارها پرداخت می‌کنند بیشتر از مزایائی باشد که دریافت می‌کنند، پس‌انداز آن‌ها تحت تأثیر این تفاوت کاهش می‌یابد. به طور مشابه، اگر مزایای خانوار بیشتر از حق بیمه بازنشستگی آن‌ها باشد، پس‌انداز این واقعیت را منعکس نمی‌کند که تغییر منفی در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی نشان دهنده کاهش در ارزش ویژه است. اما، همان‌طور که در حساب مالی مشخص است، تغییر در حق بازنشستگی قسمتی از ارزش ویژه خانوار است. بنابراین لازم است که پس‌انداز برای تفاوت بین حق بیمه بازنشستگی پرداختنی و مزایای دریافتنی نشان داده شده در حساب توزیع درآمد تعدیل شود.

۹-۲۴ بنابراین قلمی که تحت عنوان تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی نامیده شده است در هردو حساب مصرف درآمد قابل تصرف و حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده نشان داده می‌شود. این قلم برابر است با:

کل ارزش حق بیمه‌های اجتماعی واقعی و احتسابی پرداختنی به طرح‌های بازنشستگی،

بعلاوه کل ارزش حق بیمه‌های مکمل پرداختنی از محل درآمد دارائی مربوط به ذینفعان صندوق بازنشستگی،

منهای ارزش کارمزد خدمات مرتبط،

جدول ۹-۲: حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده - مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
مصرف نهائی واقعی			۱۶۸	۱ ۲۳۰	۱	۱ ۳۹۹			۱ ۳۹۹
مصرف فردی واقعی				۱ ۲۳۰		۱ ۲۳۰			۱ ۲۳۰
مصرف جمعی واقعی			۱۶۸		۱	۱۶۹			۱۶۹
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	۰	۱۱	۰		۰	۱۱	۰		۱۱
پس‌انداز، ناخالص	۲۲۸	۱۴	-۳۵	۲۱۵	۵	۴۲۷			۴۲۷
پس‌انداز، خالص	۷۱	۲	-۶۲	۱۹۲	۲	۲۰۵			۲۰۵
تراز خارجی جاری							-۱۳		-۱۳

منهای ارزش کل مستمری‌های بازنشستگی پرداخت شده به عنوان مزایای اجتماعی از طریق طرح‌های بازنشستگی.

۹–۲۵ تعدیلاتی در جهت مخالف در حساب‌های مصرف درآمد واحدهای مسئولِ پرداخت کننده‌ی مستمری‌های بازنشستگی لازم است. این تعدیلات می‌توانند واحدهای نهادی غیرمقیم، چه خانوارها و چه تأمین کنندگان مستمری بازنشستگی، را تحت تأثیر قرار دهند.

۵. پس‌انداز

۹–۲۶ پس‌انداز قلم ترازکننده در هردو حساب مصرف درآمد است. ارزش آن چه از طریق درآمد قابل تصرف منهای مخارج مصرف نهائی و چه از طریق درآمد قابل تصرف تعدیل شده منهای مصرف نهائی واقعی به‌دست آید، یکسان خواهد بود (در هردو حالت، باید محاسبات بعد از انجام تعدیلاتِ تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی که در بالا شرح داده شد، انجام شود).

۹–۲۷ همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، شرکت‌های غیرمالی و مالی مخارج مصرف نهائی یا مصرف نهائی واقعی ندارند. پس‌انداز خالص آن‌ها با درآمد قابل تصرف خالص، یا درآمد قابل تصرف تعدیل شده خالص برابر است (بجز قلم تعدیل کننده برای حق بازنشستگی).

۹–۲۸ ***پس‌انداز، آن قسمت از درآمد قابل تصرف (تعدیل شده با تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی) را نشان می‌دهد که برای مصرف نهائی کالاها و خدمات خرج نشده است.*** بسته به این که درآمد قابل تصرف بیشتر از مخارج مصرف نهائی باشد یا برعکس، پس‌انداز می‌تواند مثبت یا منفی باشد. با فرض این که پس‌انداز مثبت است (و در فقدان انتقالات سرمایه‌ای)، درآمد خرج نشده باید برای تحصیل دارائی (احتمالاً فقط افزایش وجه نقد) استفاده شود. اگر پس‌انداز منفی باشد، باید برخی از دارائی‌های مالی یا غیرمالی نقد شده باشند (از جمله به صفر رساندن وجه نقد)، یا برخی از بدهی‌ها افزایش یافته باشند. از اینرو، پس‌انداز بین حساب‌های جاری SNA و حساب‌های بعدی انباشت ارتباط برقرار می‌کند.

۹–۲۹ اگر پس‌انداز صفر باشد، مخارج مصرف نهائی با درآمد قابل تصرف بعلاوه تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی برابر است. در آن حالت، واحد نهادی مجبور به واگذاری هیچیک از دارائی‌ها یا افزایش هیچ یک از بدهی‌هایش

جدول ۹-۲ (ادامه): حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده - منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
درآمد قابل تصرف تعدیل شده، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۱۳۳	۱ ۴۳۴	۶	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
درآمد قابل تصرف تعدیل شده، خالص	۷۱	۱۳	۱۰۶	۱ ۴۱۱	۳	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴
مصرف نهائی واقعی								۱ ۳۹۹	۱ ۳۹۹
مصرف فردی واقعی								۱ ۲۳۰	۱ ۲۳۰
مصرف جمعی واقعی								۱۶۹	۱۶۹
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				۱۱		۱۱	۰		۱۱

نخواهد بود، مگر این که انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی یا پرداختنی داشته باشد. همان‌طور که پیش از این در فصل ۸اشاره شد، درآمد قابل تصرف را می‌توان به صورت حداکثر مبلغی تعبیر کرد که یک واحد نهادی قادر است آن را برای کالاها و خدمات مصرفی در دوره حسابداری خرج کند بدون این که مجبور به کاهش وجوه نقدی خود، نقد کردن سایر دارائی‌ها یا افزایش بدهی‌هایش باشد.

۶. محاسبه نسبت پس‌انداز

۹-۳۰ نسبت پس‌انداز، بویژه برای خانوارها، یک متغیر کلیدی اقتصادی است. این متغیر معمولاً با تقسیم پس‌انداز به درآمد قابل تصرف این بخش محاسبه می‌شود. اما، قلم ورودی تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی در هردو حساب مصرف درآمد قابل تصرف و حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده، این محاسبه را پیچیده‌تر می‌کند. در این محاسبه نباید از قلم ترازکننده از حساب توزیع ثانوی درآمد (درآمد قابل تصرف) یا از حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی (درآمد قابل تصرف تعدیل شده) استفاده شود بلکه باید به هریک از این ارقام رقم تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی اضافه شود تا رقمی برای کل درآمد قابل تصرف یا کل درآمد قابل تصرف تعدیل شده به‌دست آید. این رقم کل است که باید در محاسبه نسبت پس‌انداز در مخرج کسر قرار می‌گیرد.

ب. مخارج، تحصیل و مصرف کالاها و خدمات

۹-۳۱ تفاوت بین مخارج مصرف نهائی و مصرف نهائی واقعی، به تفاوت کلی بین مخارجِ کالاها و خدمات و تحصیل آن‌ها مربوط است. هدف از این بخش این است که نه تنها توضیح داده شود که چگونه مخارج با تحصیل متفاوت است بلکه توضیح داده شود که چگونه هردوی آن‌ها با استفاده‌ی واقعی یا فیزیکی کالاها و خدمات متفاوت هستند.

۱. مخارج

۹-۳۲ ***مخارج کالاها و خدمات عبارت از ارزش مبالغی است که خریداران در مبادله‌ی کالاها و خدماتی که فروشندگان برای آن‌ها یا دیگر واحدهای نهادیِ مشخص شده توسط خریداران فراهم می‌کنند به فروشندگان می‌پردازند، یا توافق می‌کنند که بپردازند.*** خریداری که برای پرداخت متقبل بدهی می‌شود لزومی ندارد که همان واحدی باشد که کالا یا خدمت را در اختیار می‌گیرد. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، پرداخت واحدهای دولتی یا NPISHها برای کالاها یا خدماتی که فروشندگان برای خانوارها تهیه می‌کنند امر متداولی است. علاوه براین، همان‌طور که در سطرهای زیرین توضیح داده خواهد شد، ضرورتی ندارد که بدهی متقبل شده توسط خریدار حتماً با پرداخت نقدی تسویه شود.

زمان ثبت مخارج کالاها و خدمات

۹-۳۳ مخارج کالاها و خدمات در زمانی رخ می‌دهد که خریداران متقبل بدهی به فروشندگان می‌شوند. معمولاً این زمانی است که:

الف. مالکیت کالا از فروشنده به مالک جدید منتقل شود؛ یا

ب. ارائه یک خدمات توسط تولید کننده برای تأمین رضایت مصرف کننده به پایان برسد.

۹-۳۴ زمانی که فروشندگان واقعاً برای کالاها یا خدمات تحویل داده شده پرداخت می‌کنند لزوماً زمانی نیست که مخارج رخ می‌دهد. همان‌طور که در فصل ۳ توضیح داده شد، ممکن است پرداخت‌ها قبل از تحویل واقعی کالاها و خدمات فروخته شده یا با تأخیر نسبت به آن انجام شود. به این دلیل، ارزش

مخارج با ارزش مبالغ دریافتنی و پرداختنی در زمانی که مخارج رخ می‌دهند اندازه‌گیری می‌شوند. هنگامی که پرداخت‌ها قبل یا بعد از رخ دادن مخارج انجام می‌شود، باید تغییرات مهمی در دارائی‌های مالی یا بدهی‌های (غیر از وجه نقد) دو واحد مربوطه در زمانی که تغییر مالکیت رخ می‌دهد یا خدمت ارائه می‌شود وجود داشته باشد.

۹–۳۵ تعیین لحظه دقیقی که در آن مالکیت یک کالا تغییر پیدا می‌کند، یا ارائه یک خدمت برای ارضای مصرف کننده به پایان می‌رسد، ممکن است در برخی موارد در عمل آسان نباشد. ممکن است دو طرف مربوطه درک متفاوتی از آن لحظه از زمان داشته باشند، یا حتی در باره آن به بحث و مشاجره بپردازند.

۲. تحصیل

۹–۳۶ ***تحصیل کالاها و خدمات توسط واحدهای نهادی هنگامی رخ می‌دهد که این واحدها مالک جدید کالاها شوند یا هنگامی که ارائه خدمات به آن‌ها تکمیل شود.*** تحصیل به قیمت‌های پرداخت شده در تراکنش توسط واحدهائی که مخارج را متقبل می‌شوند ارزش‌گذاری می‌شود. در بسیاری موارد، قیمت تراکنش، قیمت بازار است. ارزش کالاها یا خدمات تحصیل شده توسط یک واحد یا بخش نهادی عبارت از ارزش کالاها یا خدمات تحصیل شده ازطریق مخارجی که برای آن‌ها انجام می‌دهند بعلاوه ارزش کالاها یا خدمات دریافت شده از طریق انتقالات اجتماعی غیرنقدی منهای ارزش کالاها یا خدمات پرداخت شده به واحدهای دیگر به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی است.

۹–۳۷ تفاوت بین مخارج مصرف نهائی و مصرف نهائی واقعی دقیقاً تفاوت بین *مخارج* کالاها و خدمات مصرفی و *تحصیل* کالاها و خدمات مصرفی است. از آنجا که همه‌ی کالاها و خدمات مصرفی هم باید برای آن‌ها مخارج انجام شده باشد و هم باید تحصیل شده باشند، این تفاوت بین مخارج مصرف نهائی و مصرف نهائی واقعی در هر بخش، بازتوزیع کالاها و خدمات را بوسیله‌ی انتقالات اجتماعی غیرنقدی توجیه می‌کند.

۹–۳۸ تفاوت بین مخارج مصرفی و مصرف واقعی و از اینرو بین مخارج و تحصیل تنها در رابطه با مصرف نهائی ایجاد می‌شود. این تفاوت کاملاً انتقالات اجتماعی غیرنقدی را توجیه می‌کند.

۳. مصرف کالاها و خدمات

۹–۳۹ ***مصرف کالاها و خدمات عمل استفاده از کالا و خدمات به‌طور کامل در فرآیند تولید یا برای ارضای مستقیم نیازها یا خواسته‌های بشری است. فعالیت مصرف عبارت از استفاده‌ی کالاها و خدمات برای ارضای نیازها یا خواسته‌های فردی یا جمعی بشری است.*** ارضای نیازها یا خواسته‌ها در مورد مصرف نهائی به صورت فوری و مستقیم است؛ در مورد مصرف واسطه که طی آن کالاها و خدمات برای تولید کالاها و خدمات دیگری به‌کار می‌روند که در نهایت منجر به ارضای نیازها یا خواسته‌های بشری می‌شوند، غیرمستقیم و با تأخیر است.

۹–۴۰ در مورد کالاها، تفاوت بین تحصیل و مصرف روشن است. تولیدکنندگان کالاهائی را تحصیل می‌کنند که ممکن است قبل از این که به طور فیزیکی در فرآیند تولید استفاده کنند آن‌ها را برای دوره‌های مختلف نگه دارند. خانوارها ممکن است کالاهای مصرفی را قبل از استفاده برای ارضای نیازها یا خواسته‌هایشان نگه دارند. تعدادی از کالاها بقدری فاسد شدنی هستند که باید فوراً استفاده شوند. به عنوان مثال، بسیاری از مواد غذائی تا مدتی بعد از بدست آوردن آن‌ها باید خورده شوند.

۹–۴۱ ولی در مورد خدمات، تفاوت بین تحصیل و استفاده ممکن است از نظر عملی مصداق نداشته باشد. واحدهائی که خدمات به آن‌ها ارائه می‌شوند وضعیتشان به طور خودکار بوسیله‌ی آن خدمات تحت تأثیر قرار می‌گیرند و برای بهره‌مندی از آن ممکن است به اقدام بیشتری نیاز نباشد.

کالاهای بادوام در مقابل کالاهای بی دوام

۹–۴۲ در مورد کالاها، تفاوت بین تحصیل و مصرف از نظر تحلیلی مهم است. این تفاوت، تمایز بین کالاهای بادوام و بی‌دوام

مصرفی را که به‌طور گسترده‌ای در تحلیل‌های اقتصادی به‌کار می‌رود مشخص می‌سازد. در حقیقت، تفاوت بین کالاهای بادوام و بی‌دوام براساس معیاری مانند بادوام بودن فیزیکی آن‌ها نیست. بلکه تفاوت آن‌ها بر این اساس است که آیا کالای مورد نظر را می‌توان فقط یکبار برای تولید یا مصرف استفاده کرد یا می‌توان آن را به طور مکرر، یا مستمر بکار برد. برای مثال، ذغال یک کالای بسیار بادوام به مفهوم فیزیکی است، ولی فقط یکبار می‌تواند بسوزد. ***کالای بادوام کالائی است که می‌توان آن را به کرات یا به‌طور مستمر در طول دوره‌ای بیش از یکسال، که به عنوان نرخ عادی یا متوسط استفاده‌ی فیزیکی است، مورد استفاده قرار داد. کالای بادوام مصرفی کالائی است که می‌توان آن را به طور مکرر یا مستمر در طول یک دوره‌ی یک ساله یا بیشتر به منظور مصرف بکار برد.***

مصرف به صورت استفاده کامل کالاها و خدمات

۹-۴۳ تابع مصرف که مطلوبیت را به صورت تابعی از مقادیر کالاها و خدمات مصرف شده بیان می‌کند بجای مخارج یا تحصیل، استفاده‌ی کامل آن‌کالاها و خدمات را بیان می‌کند. برای اندازه‌گیری مصرف به عنوان یک فعالیت، لازم است رویه‌های حسابداری مشابهی با رویه‌هائی که در حساب تولید بکار می‌رود اتخاذ شود، این رویه‌ها بین خرید کالاها برای استفاده در تولید و استفاده بعدی آن‌ها به عنوان نهاده به‌روشنی تمایز قائل می‌شوند.

۹-۴۴ در عمل، SNA مصرف خانوار را فقط بوسیله مخارج و تحصیل اندازه‌گیری می‌کند. استفاده مکرر از کالاهای بادوام توسط خانوار فقط با گسترش حد و مرز تولید می‌تواند تعیین شود، با فرض این که کالاهای بادوام بتدریج در فرآیندهای تولیدِ فرضی که ستانده آن‌ها را خدمات تشکیل داده‌اند مصرف می‌شود. در این صورت خدمات را می‌توان طوری ثبت کرد که توسط خانوارها در طول دوره‌های زمانی بعد تحصیل می‌شوند. ولی، کالاهای بادوام در SNA به این شیوه عمل نمی‌شوند. می‌توان حد و مرز تولید را در یک حساب اقماری، که امکان آن نیز وجود دارد، به طور مفیدی به‌صورت تکمیلی گسترش داد.

پ. اندازه‌گیری غیر مستقیم ارزش تراکنش‌های غیرپولی

۹-۴۵ ممکن است با توافق دو جانبه بین خریدار و فروشنده، بدهی متقبل شده توسط خریدار با ارائه کالا، خدمت یا دارائی‌هائی غیر از وجه نقد در عوضِ آن بازپرداخت شود. برای مثال، در تراکنش‌های پایاپای ممکن است کالاها یا خدمات با یکدیگر مبادله شوند، یا کارکنان مزدبگیر ممکن است نیروی کار خود را در مقابل دریافت کالاها یا خدمات به عنوان جبران خدمات غیرنقدی ارائه دهند.

۹-۴۶ هنگامی که خریدار وجه نقد پرداخت نمی‌کند، یا انتظار نمی‌رود که نقداً پرداخت کند، باید با استفاده از قیمت‌های مناسب کالاها یا خدمات مشابه فروخته شده به ازای وجه نقد در بازار، برای مخارج ارزش احتسابی ساخته شود.

۹-۴۷ ارزش کالاهائی که در یک خانوار تولید و در همان خانوار مصرف می‌شوند و نیز ارزش خدمات خانوار که در داخل محدوده تولید قرار می‌گیرند باید به طور غیرمستقیم اندازه‌گیری شوند.

۹-۴۸ به منظور ساده سازی و اختصار، تراکنشی را که باید ارزشی برای آن احتساب شود می‌توان "مخارج احتسابی" نامید، در سطرهای زیرین از این اصطلاح استفاده شده است. اما به بیان دقیق‌تر، احتساب به ارزش کالاها و خدمات درگیر و نه خودِ مخارج برمی‌گردد. به عبارت دیگر این ارزش‌گذاری است که احتساب می‌شود، نه تراکنشی که واقعاً رخ داده است. بنابراین ترجیح داده می‌شود که بجای احتساب، اندازه‌گیری غیر مستقیم جریان‌ها گفته شود.

۱. تراکنش‌های پایاپای

۹-۴۹ ***تراکنش پایاپای، تراکنشی است که یک سبد از کالاها و خدمات با سبد دیگری از کالاها و خدماتِ متفاوت مبادله می‌شود، بدون این که با پرداخت پولی همراه باشد.*** ارزش کالاها و خدمات تحصیل شده در تراکنش‌های پایاپای مخارج احتسابی ایجاد می‌کنند. برای کالاها و خدمات مبادله شده در تراکنش‌های پایاپای باید به طور غیرمستقیم ارزشی برابر با ارزش بازار آن‌ها برآورد شوند. از اینرو، هنگامی که کالاها یا خدمات کسب شده از طریق پایاپای برای مصرف خانوار استفاده می‌شوند، ارزش برآورد شده آن‌ها باید به عنوان مخارج مصرف نهائی خانوار ثبت شوند. وقتی کالای ارائه شده برای معامله پایاپای از کالاهای موجود باشد و نه ستانده‌ای که تازه تولید شده است، باید برای واحد ارائه کننده کالا مخارج احتسابی منفی ثبت شوند، به همان شیوه‌ای که فروش کالاهای موجود به عنوان مخارج منفی ثبت می‌شوند.

۹-۵۰ در مبادله پایاپای، هردو طرف یک تراکنش باید به عنوان انجام دهنده مخارج ثبت شوند. ارزش این مخارج باید بر اساس قیمت‌های خریدار محصولات مبادله شده به صورت پایاپای تعیین شود. در عمل، نه مالیات بر محصول و نه هزینه‌های تراکنش اعمال می‌شوند، که در این صورت قیمت‌های خریدار با قیمت‌های پایه‌ی محصولات متفاوت نخواهد بود. از آنجا که ممکن است ارزش کالاها یا خدماتی که در مبادله پایاپای با یکدیگر معامله می‌شوند یکسان نباشند، ارزش‌های احتسابی برای تراکنش پایاپای را می‌توان در عمل به صورت میانگین ساده ارزش‌های برآورد شده‌ی کالاها یا خدمات مبادله شده در نظر گرفت، تا مخارج مساوی برای هردو طرف ثبت شوند. کالاهائی که مورد تراکنش پایاپای قرار می‌گیرند، ممکن است بعداً با طرف سومی به قیمت بالاتری، با حاشیه سودی برای واحدی که درگیر هردو تراکنش بوده است، پایاپای شود. اما، هر تراکنش پایاپای فقط دارای دو طرف است بدون حاشیه‌ی سود عمده فروشی یاخرده فروشی.

۲. مخارج کالاها و خدمات دریافت شده به عنوان درآمد غیرنقدی

۹-۵۱ ***درآمد غیرنقدی دریافت شده توسط کارکنان، بوسیله‌ی ارزش کالاها و خدمات فراهم شده توسط کارفرمایان برای کارکنانشان به عنوان اجرتِ کاری که انجام داده‌اند اندازه‌گیری می‌شود.*** این گونه در نظر گرفته می‌شود که کارکنانِ دریافت کننده‌ی اجرت غیرنقدی مخارجی را برابر با ارزش بازار کالاها یا خدمات دریافت شده (به قیمت تولیدکننده اگر توسط کارفرما تولید شده باشد یا به قیمت خریدار اگر توسط کارفرما خریداری شده باشد) انجام داده‌اند، و هزینه‌های مخارج از درآمدی که آن‌ها به عنوان اجرت غیرنقدی دریافت کرده‌اند تأمین شده است. از اینرو، ارزش این کالاها و خدمات باید به عنوان مخارج مصرف نهائی و نیز درآمد غیرنقدی ثبت شود.

۹-۵۲ لازم است بین کالاها یا خدماتی که به عنوان اجرت غیرنقدی به کارکنان ارائه می‌شود و کالاها یا خدماتی که به دلیل نیاز برای استفاده در محل کار برای آن‌ها فراهم می‌شود تفاوت قائل شد زیرا دومی مصرف واسطه بنگاه را تشکیل می‌دهد. در اصل، این اختلاف روشن است. کالاها یا خدماتی که کارفرمایان ملزم هستند برای کارکنان خود تأمین کنند تا قادر به انجام کار خود باشند، نظیر ابزارها، تجهیزات، لباس‌های خاص و غیره، مصرف واسطه را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، کالاها یا خدماتی که کارکنان می‌توانند آن‌ها را در زمان متعلق به خود برای ارضای مستقیم نیازها یا خواسته‌های خود یا اعضای خانواده خود استفاده کنند، اجرت غیرنقدی را تشکیل می‌دهند. در عمل، موارد مرزی اجتناب ناپذیری وجود دارد، نظیر یونیفورم‌هائی که باید در محل کار پوشیده شود ولی به‌طور فراوان توسط کارکنان درخارج از محل کار نیز استفاده می‌شود. فهرست مفصلی از انواع کالاها و خدماتی که در اجرت غیرنقدی وارد می‌شوند در بخش جبران خدمات کارکنان در فصل ۷ ارائه شده است.

۳. مخارج کالاها و خدمات تولید شده به‌حساب خود

۹-۵۳ هنگامی که واحدهای نهادی، کالاها یا خدمات تولید شده توسط خودشان را برای مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه خود

نگه می‌دارند، روشن است که هزینه‌هائی را خودشان متقبل شده‌اند. بنابراین، آن‌ها به عنوان واحدهای متحمل شونده مخارج ثبت می‌شوند و ارزش این مخارج باید با استفاده از قیمت‌های پایه کالاها یا خدمات مشابه فروخته شده در بازار یا در صورت عدم وجود قیمت پایه‌ی مناسب، براساس هزینه‌های تولید برآورد شود.

۹-۵۴ مخارج مصرف نهائی خانوار برآورد ارزش کالاها یا خدمات تولید شده به عنوان ستانده‌ی بنگاه‌های غیرشرکتی متعلق به خانوارها که برای مصرف اعضای خانوار خود نگه می‌دارند را در بر می‌گیرد. تولید خدمات برای خود مصرفی در درون همان خانوار ، غیر از خدمات مسکن تولید شده توسط مالکین ساکن در واحد مسکونی و خدمات تولید شده توسط کارکنان خانگی مزد بگیر از محدوده تولید SNA خارج است. از آنجا که هزینه‌های تولید کالاها یا خدمات برای خود مصرفی را خودِ خانوارها متحمل می‌شوند، روشن است که مخارج انجام شده برای آن‌ها نیز توسط خانواها تقبل می‌شود، حتی اگر ارزش آن‌ها باید به طور غیرمستقیم برآورد شود. انواع اصلی کالاها و خدمت تولید شده و مصرف شده در درون یک خانوار به شرح زیر است:

الف. مواد خوراکی یا دیگر کالاهای کشاورزی تولید شده برای خود مصرفی نهائی توسط کشاورزان، از جمله کشاورزانی که از این طریق امرار معاش می‌کنند یا دیگران که تولید کشاورزی فقط یک فعالیت ثانوی، یا حتی تفریحی آن‌ها است؛

ب. انواع دیگر کالاهای تولید شده توسط بنگاه‌های غیرشرکتی متعلق به خانوار که توسط اعضای همان خانوار مصرف می‌شوند؛

پ. خدمات مسکن تولید شده برای خود مصرفی نهائی توسط مالکین ساکن در واحد مسکونی (که در سطرهای زیرین بیشتر به آن پرداخته خواهد شد)؛ و

ت. خدمات خانگی یا دیگر خدمات تولید شده برای خود مصرفی نهائی توسط خانوارها که کارکنان مزدبگیر را برای این منظور به‌کار می‌گیرند (کارکنان خانگی، آشپز، باغبان، راننده و غیره).

۹-۵۵ ارزش این کالاها یا خدمات، غیر از خدمات کارکنان با مزد، بر اساس قیمت‌های پایه‌ی جاری کالاها یا خدمات مشابه فروخته شده در بازار، یا وقتی قیمت‌های مناسب در دسترس نباشد، براساس هزینه‌های تولید آن‌ها برآورد می‌شود، طبق قرارداد، خدمات کارکنان بامزد فقط به‌وسیله‌ی جبران خدمات نقدی و غیرنقدی پرداخت شده به این کارکنان ارزش‌گذاری می‌شود

ت. مخارج مصرف نهائی خانوار

۱. مقدمه

۹-۵۶ مخارج مصرف نهائی خانوار از مخارج متحمل شده توسط خانوارهای مقیم برای کالاها و خدمات مصرفی تشکیل شده است. مخارج مصرف نهائی، همچنان که خرید کالاها و خدمات مصرفی را در بر می‌گیرد، ارزش برآورد شده‌ی تراکنش‌های پایاپای، کالاها و خدمات غیرنقدی دریافت شده، و کالاها و خدمات تولید شده و مصرف شده توسط همان خانوار را نیز مطابق ارزش‌گذاری شرح داده شده در بخش پ، در بر می‌گیرد.

۹-۵۷ مخارج مصرف نهائی، مخارج دارائی‌های ثابت به شکل واحدهای مسکونی یا اشیاء گرانبها را در بر نمی‌گیرد. واحدهای مسکونی کالاهائی هستند که توسط مالکین آن‌ها برای تولید خدمات مسکن استفاده می‌شوند. بنابراین مخارج واحدهای مسکونی توسط خانوارها، تشکیل سرمایه ثابت

ناخالص به‌حساب می‌آید. هنگامی که واحدهای مسکونی توسط مالکین اجاره داده می‌شوند، مبلغ اجاره بها به عنوان ستانده خدمات مسکن توسط مالکین و مخارج مصرف نهائی توسط مستأجرین ثبت می‌شوند. هنگامی که واحدهای مسکونی توسط مالکین آن‌ها اشغال شده باشد، ارزش احتسابی خدمات مسکن در ستانده و همچنین در مخارج مصرف نهائی مالکین وارد می‌شود. اشیاء گرانبها کالاهای بادوام قیمتی هستند که در طول زمان از بین نمی‌روند، در تولید یا مصرف به طور کامل مصرف نمی‌شوند، و عمدتاً به عنوان ذخیره ارزش تحصیل می‌شوند. این‌ها عمدتاً از کارهای هنری، سنگ‌های قیمتی و فلزی و جواهرات ساخته شده از آن سنگ‌ها و فلزات که به‌عنوان مُد مورد استفاده قرار می‌گیرند، تشکیل شده‌اند. اشیاء گرانبها برای این منظور نگه‌داری می‌شوند که انتظار می‌رود قیمت آن‌ها در طول زمان، نسبت به قیمت کالاها و خدمات دیگر، روند افزایشی داشته باشد یا دستکم روند کاهشی نداشته باشد. هرچند مالکین اشیاء گرانبها ممکن است از داشتن آن‌ها رضایت‌مندی به‌دست آورند ولی در طول زمان به همان ترتیب کالاهای مصرفی، از جمله کالاهای مصرفی بادوام، به طور کامل مصرف نمی‌شوند.

۹-۵۸ نحوه برخورد با مخارج در برخی شرایط خاص یا در برخی انواع خاص ازکالاها و خدمات، دربخش بعد توضیح داده خواهد شد.

۲. مخارج خانوارهای مالک بنگاه‌های غیرشرکتی

۹-۵۹ هنگامی که خانواری از یک یا چند عضو که مالکیت یک بنگاه غیرشرکتی را دارند تشکیل شده باشد، تمامی مخارج متحمل شده برای مقاصد کسب و کار باید از مخارج مصرف آن خانوار خارج شود. لازم است اطمینان حاصل شود که فقط مخارجی که برای ارضای مستقیم نیازها و خواسته‌های بشری است در مخارج مصرف نهائی خانوار منظور شود. در عمل، هنگامی که کالا یا خدمتی (مانند، برق یا سوخت‌های دیگر) برای مقاصد کسب و کار و برای مصرف نهائی به‌طور کاملاً مساوی استفاده می‌شود، ممکن است این امر آسان نباشد. به‌این ترتیب مخارج کسب و کار را نمی‌توان فقط براساس نوع کالا یا خدمت خریداری شده تعیین کرد. در مورد مزارع، از جمله مزارعی که برای امرار معاش به‌کار برده می‌شوند، لازم است دقت کافی به‌عمل آید که کالاهائی که خریداری شده‌اند یا بحساب خود تولید شده‌اند، ممکن است هم برای مصرف نهائی خانوار و هم برای مصرف واسطه استفاده شوند؛ برای مثال، ذرت یا سیب زمینی توسط اعضای خانوار می‌تواند مصرف شود، برای تغذیه حیوانات استفاده شود یا به عنوان دانه برای محصولات زراعی آینده به‌کار برده شود.

۹-۶۰ همچنین در مورد خرید کالاهای بادوام مصرفی نظیر اتومبیل، اثاثیه، یا تجهیزات برقی نیز لازم است مراقبت بعمل آید که وقتی برای مقاصد کسب و کار خریداری شده‌اند به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص توسط بنگاه خانوار طبقه‌بندی شوند ولی وقتی برای استفاده شخصی اعضای خانوار خریداری شده‌اند به عنوان مخارج مصرف نهائی منظور شوند. در عین حال که ماهیت وجه تمایز ممکن است در اصل مشخص باشد، ولی اغلب در عمل، بویژه هنگامی که صاحب کسب و کار کالای بادوامی مانند وسیله نقلیه را برای هردو منظور کسب و کار و مقاصد شخصی استفاده می‌کند، ابهام وجود دارد. در چنین مواردی، مخارج خرید کالاهای بادوام باید بین تشکیل سرمایه ثابت ناخالص توسط بنگاه و مخارج مصرف نهائی خانوار به نسبت استفاده از آن برای مقاصد کسب و کار و مقاصد شخصی تفکیک شود. هنگامی که کالاهای بادوامی به طور کامل یا قسمتی برای مقاصد کسب و کار خریداری می‌شوند، کاهش ارزش ناشی از استفاده آن‌ها در کسب و کار باید به‌عنوان مصرف سرمایه ثابت بنگاه غیرشرکتی ثبت شود.

۳. مخارج انواع خاصی از کالاها و خدمات

مخارج خدمات مالی

۹-۶۱ در صورت نیاز، باید در مخارج متحمل شده توسط خانوارها برای خدمات ارائه شده توسط نهادهای مالی که حق‌الزحمه‌ی صریحی برای آن‌ها مطالبه نمی‌کنند، ارزشی برآورد شود. مخارج خدماتی که نهادهای مالی برای آن‌ها کارمزد صریحی دریافت می‌کنند به شیوه معمول ثبت می‌شوند.

خدمات مالی، غیر از خدمات بیمه و صندوق بازنشستگی

۹-۶۲ نهادهای مالی، غیر از شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی، و قرض دهندگان پول، کارمزدی بیش از نرخ بهره مرجع مطالبه می‌کنند و بهره‌ای با نرخ پائین‌تر از نرخ بهره مرجع پرداخت می‌کنند. همانطور که در فصل‌های ۶ و ۷ توضیح داده شد، بهره SNA در حساب تخصیص درآمد اولیه با نرخ مرجع ثبت می‌شود و تفاوت بین بهره SNA و بهره بانک به عنوان مخارج مصرف نهائی خانوارها ثبت می‌شود. (اگرتعیین پرداخت‌ها و دریافت‌های بهره‌ای که منحصراً به بنگاه‌های غیرشرکتی خانوار مربوط است امکان‌پذیر باشد، کارمزدها در مصرف واسطه آن بنگاه‌ها نشان داده می‌شود، ولی اغلب این امر امکان پذیر نیست).

۹-۶۳ هنگامی که خانوارها ارز خارجی یا دارائی‌های مالی دیگری تحصیل یا واگذار می‌کنند، معامله کننده دارائی مالی به طور معمول قیمت خرید و قیمت فروش برای آن دارائی اعلام می‌کند. تفاوت بین قیمتی که واقعاً دریافتنی یا پرداختنی است و متوسط قیمت خرید و فروش در زمان تراکنش به عنوان مخارج خانوار برای خدمات نهادهای مالی تلقی می‌شود.

خدمات بیمه و صندوق بازنشستگی

۹-۶۴ روشی که در SNA برای محاسبه ارزش خدمات تولید شده توسط بنگاه‌های بیمه و طرح‌های بازنشستگی به‌کار می‌رود، در فصل ۶ توضیح داده شده است. ارزش خدمات بیمه‌ای مصرف شده توسط بخش‌ها، زیربخش‌ها یا واحدهای نهادی مختلف از طریق تخصیص ارزش خدمات تولید شده توسط یک بنگاه بیمه به نسبت حق‌بیمه‌های واقعی برآورد می‌شود. وقتی ارزش ستانده از طریق رشته‌های بیمه برآورد می‌شود، که در صورت عملی بودن مطلوب است، کارمزد خدمات نیز باید بین حق بیمه‌ها از طریق رشته‌های بیمه تخصیص داده شود. مبالغ پرداخت شده توسط خانوارها به عنوان مخارج مصارف نهائی (غیراز خدمات بیمه خریداری شده توسط بنگاه‌های غیرشرکتی متعلق به خانوارها، که مصرف واسطه تلقی می‌شود) ثبت می‌شود. تمامی کارمزد خدماتِ طرح‌های بازنشستگی را خانوارها متحمل می‌شوند (که برخی از آن‌ها ممکن است غیرمقیم باشند).

خدمات واحدهای مسکونی، تعمیرات و بهسازی‌ها

خدمات واحدهای مسکونی مالکین ساکن

۹-۶۵ اشخاصی که مالک واحد مسکونی هستند که در آن زندگی می‌کنند، به عنوان مالک بنگاه‌های غیرشرکتی تلقی می‌شوند که خدمات مسکن تولید می‌کنند و این خدمات توسط خانواری که مالک متعلق به آن است مصرف می‌شوند. فرض می‌شود ارزش خدمات مسکن تولید شده با اجاره بهائی که می‌بایست در بازار برای واحد مسکونی مشابه با اندازه، کیفیت و نوع یکسان پرداخت می‌شد برابر است. لازم است در رابطه با هرگونه پرداخت مالیات در مسکن دقت به‌عمل آید. مالیات‌هائی نظیر مالیاتِ ارزش افزوده به ندرت برای خدمات مسکن پرداخت می‌شود، ولی اگر این مالیات‌ها پرداختنی باشند، در صورتی که مالک ساکن از پرداخت آن‌ها معاف باشد، این مالیات‌ها نباید در ارزش خدمات مسکن مالک ساکن منظور شود. ارزش احتسابی خدمات مسکن به عنوان مخارج مصرف نهائی مالکین ثبت می‌شوند.

دکوراسیون، تعمیرات جزئی و نگهداری

۹-۶۶ فعالیت‌های "خود انجام" دکوراسیون و تعمیرات جزئی اغلب با ماهیت معمولی، از نوعی که به طور معمول به عنوان مسئولیت مستأجر دیده می‌شود، در خارج از محدوده تولید قرار می‌گیرند. بنابراین خرید مواد استفاده شده برای این دکوراسیون یا تعمیرات، همین‌طور حق‌الزحمه و کارمزد خدمات پرداخت شده به سازندگان، نجاران، لوله‌کش‌ها و غیره باید به عنوان مخارج مصرف نهائی تلقی شوند. هزینه‌های نگه‌داری نیز که مسئولیت آن معمولا با مستأجرین است مخارج مصرف نهائی تلقی می‌شوند.

۹-۶۷ مخارجی که مالکین، از جمله مالکین ساکن، برای دکوراسیون، تعمیرات جزئی و نگهداری واحدهای مسکونی که به طور عادی در مسئولیت مالک است، متحمل می‌شوند نباید

به عنوان مخارج مصرف نهائی تلقی شود بلکه باید به عنوان مخارج واسطه انجام شده در تولید خدمات مسکن منظور شوند. این مخارج اعم از پرداخت برای خدمات ارائه شده توسط سازندگان یا دکوراتورهای حرفه‌ای یا پرداخت برای خرید مواد مورد نیاز برای تعمیرات و دکوراسیون خود انجام تشکیل شده است. در حالت دوم، هزینه‌ای بابت نیروی کار درگیر در فعالیت منظور نمی‌شود. تنها ارزش‌افزوده‌ی اجاره بهای احتسابی مسکن مالک ساکن، مازاد عملیاتی است.

بهسازی‌های عمده

۹-۶۸ مخارج انجام شده برای بهسازی‌های عمده (یعنی، بازسازی، نوآوری یا گسترش) در واحدهای مسکونی به همان شیوه دکوراسیون، تعمیرات جزئی و نگهداری طبقه بندی نمی‌شوند. این مخارج در مصرف نهائی خانوار منظور نمی‌شوند بلکه به‌عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالصِ طرف مالکین واحدهای مسکونی از جمله مالکین ساکن در واحد مسکونی منظور می‌شوند.

تعمیر و نگهداری کالاهای بادوام

۹-۶۹ مخارج تمامی تعمیر و نگهداری‌های کالاهای بادوام مصرفی، از جمله وسایل نقلیه، به همان روش تعمیرات جزئی واحدهای مسکونی از نوعی که توسط مستأجرین انجام می‌شود عمل می‌گردد. تعمیرات و نگهداری، مخارج مصرف نهائی هستند اعم از اینکه توسط تولیدکنندگان حرفه‌ای انجام شود یا توسط اعضای خانوار به عنوان فعالیت‌های "خود انجام" صورت گیرد. در حالت دوم، فقط باید ارزش مواد خریداری شده در مخارج مصرف خانوار منظور شود.

پروانه‌ها و حق‌الزحمه‌ها

۹-۷۰ خانوارها برای اخذ انواع مختلف پروانه‌ها، مجوزها، گواهی‌نامه‌ها، گذرنامه‌ها و غیره پرداخت‌هائی را به دولت انجام می‌دهند، و در بعضی موارد روشن نیست که آیا واحدهای دولتی در ازای آن‌ها واقعاً خدماتی نظیر، آزمایش یا بازدید، ارائه می‌دهند یا این پرداخت‌ها مالیات‌های مجازی هستند. همانطور که در پاراگراف ۸-۶۴ بند (پ) توضیح داده شد، نحوه برخورد با موارد بینابینی طبق پیمان‌های زیر، براساس تجربیاتی که اکثریت کشورها دنبال می‌کنند، تصمیم گرفته شده است: پرداخت خانوارها برای پروانه‌ی مالکیت وسایل نقلیه، قایق، هواپیما یا استفاده از آن‌ها و همچنین پروانه برای شکار، تیراندازی یا ماهیگیری تفریحی به عنوان مالیات درنظر گرفته می‌شوند. پرداخت برای اخذ پروانه برای انجام یک فعالیت خاص، مثلاً پروانه تاکسی، مالیات بر تولید تلقی می‌شود. پرداخت برای تمامی انواع دیگر پروانه‌ها، مجوزها، گواهینامه‌ها، گذرنامه‌ها و غیره به عنوان خریدهای خدمات تلقی می‌شوند و در مخارج مصرف نهائی خانوار منظور می‌گردند.

۴. طبقه‌بندی مخارج مصرف نهائی خانوار

۹-۷۱ مخارج مصرف نهائی خانوار به طور معمول هم‌افزوده‌ی بزرگی است که گستره وسیعی از کالاها و خدمات را پوشش می‌دهد. از اینرو معمولاً تجزیه این رقم مورد نیاز است. برای تجزیه این رقم می‌توان از *CPC* برحسب نوع کالاها و خدمات استفاده کرد. طبقه بندی مصرف فردی براساس هدف (COICOP) نیز می‌تواند برای تجزیه این قلم برحسب منظور یا کارکرد، نظیر خدمات تأمین خوراک، سلامت و آموزش مورد استفاده قرار گیرد.

۵. زمان ثبت و ارزش‌گذاری مخارج مصرف نهائی خانوار

زمان ثبت

۹-۷۲ طبق اصول کلی اتخاذ شده در SNA، مخارج باید هنگامی ثبت شوند که پرداختنی‌ها ایجاد می‌شوند یعنی هنگامی که خریدار یک بدهی در مقابل فروشنده متقبل می‌شود. این به معنی آن است که مخارج یک کالا باید در زمانی که مالکیت آن تغییر می‌کند ثبت شود در حالی‌که مخارج یک خدمت هنگامی ثبت می‌شود که ارائه خدمت به پایان برسد. تراکنش‌های غیرپولی هنگامی ثبت می‌شوند که کالاهای مورد نظر در دسترس خانوار قرار گیرند.

۹-۷۳ هنگامی که کالائی در یک توافق خرید قسطی، اجاره‌ی مالی

(اعتباری) یا روش‌های تأمین مالی مشابه تحصیل می‌شود، خریدار ریسک‌ها و پاداش‌های مالکیت کالا را از زمانی که کالا تحویل داده می‌شود، می‌پذیرد. بنابراین، تغییر مالکیت در زمان تحویل کالا احتساب می‌شود. حتی اگر در این لحظه تغییر مالکیت قانونی وجود نداشته باشد، فرض می‌شود تغییر مالکیت اقتصادی وجود دارد. خریدار نیز باید در حساب‌های مالی به عنوان متحمل شونده‌ی یک بدهی به شرکت خرید قسطی یا مالی نشان داده شود.

ارزش‌گذاری

۹–۷۴ مخارج خانوار، به قیمت‌های خریدار پرداخت شده توسط خانوار که مالیات بر محصولی که ممکن است درزمان خرید پرداختنی شده باشد را نیز در بر می‌گیرد، ثبت می‌شود. همانطور که در پارگراف‌های ۶–۶۴ الی ۶–۶۸ تعریف شد، قیمت خریدار یک کالا مبلغ پرداختنی است تا یک واحد کالا در زمان و محل مورد درخواست خریدار تحویل داده شود. این مبلغ هر گونه هزینه حمل و نقل متقبل شده توسط خریدار که قبلاً در قیمت صورت حساب شده‌ی فروشنده وارد نشده باشد را در بر می‌گیرد.

۹–۷۵ ارزش معامله پایاپای و کالاهای دریافت شده به عنوان درآمد غیرنقدی به قیمت‌های پرداخت شده توسط واحدهائی که در اصل مخارج را متحمل شده‌اند ثبت می‌شود. کالاهای تولید شده به حساب خود به قیمت‌های پایه‌ای که با ارزش‌گذاری آن‌ها به عنوان تولید سازگار است، ارزش گذاری می‌شوند.

۹–۷۶ خانوارهای مختلف ممکن است به دلیل نقص بازار قیمت‌های متفاوتی را برای محصولات یکسان پرداخت کنند. تفاوت قیمت‌ها ممکن است به دلیل عدم آگاهی خانوارها از قیمت‌ها باشد، یا ممکن است به دلیل بالا بودن هزینه جستجو برای دستیابی به بازار خرده‌فروشی با قیمت‌های پائین اطلاعات ناقصی داشته باشند. حتی هنگامی که خانوارها از تفاوت قیمت‌ها آگاه هستند، ممکن است مراجعه به بازار خرده فروشی با قیمت‌های پائین بسیار مشکل یا هزینه‌بر باشد. دلیل دیگری برای وجود تفاوت قیمت‌ها این است که بسیاری از تولید کنندگان خدمات با مطالبه قیمت‌های متفاوت از خانوارهای مختلف برای خدمات یکسان (برای مثال، با مطالبه قیمت‌ها یا حق‌الزحمه‌های پائین‌تر از بازنشستگان یا مردم دارای درآمدهای پائین)، عمداً تبعیض قیمت اعمال می‌کنند. از آنجا که خدمات را نمی‌توان دوباره معامله کرد، تبعیض قیمت در میان تولیدکنندگان خدمات، بسیار متداول، یا حتی شایع است. با این وجود، مخارج خانوار به قیمت‌هائی که واقعاً پرداخت شده است ثبت می‌شود زیرا این قیمت ارزش مناسب تراکنش است.

۹–۷۷ تفاوت‌های ظاهری بین قیمت کالاها یا خدمات یکسان اغلب تفاوت‌های واقعی ناشی از تفاوت کیفیت، از جمله تفاوت در شرایط یا ضوابط فروش نیستند. برای مثال، اغلب برای خریدهای عمده کالاها یا خریدهای خدمات در زمان‌های خارج از اوج دوره مصرف قیمت‌های پائین‌تری مطالبه می‌شود. این نوع مخارج به قیمت‌هائی که واقعاً پرداخت شده است، یعنی بعد از کسر هر نوع تخفیف برای خریدهای عمده یا خریدهای خارج از زمان اوج مصرف از قیمت‌های خرده‌فروشی پیشنهادی یا قیمت‌های استاندارد ثبت می‌شوند.

ارزش‌گذاری خریدهای نسیه (اعتباری)

۹–۷۸ وقتی فروشنده به خریدار نسیه می‌فروشد، بهره یا کارمزدی که در فروش نسیه به قیمت کالا اضافه می‌شود در قیمت خریدار منظور نمی‌گردد. به طور مشابه، قیمت خریدار، هزینه‌های اضافی ناشی از عدم موفقیت در پرداخت به‌موقع در دوره‌ای که در زمان انجام خریدها اظهار شده است را در بر نمی‌گیرد، این هزینه‌ها عمدتاً پرداخت‌های بهره به اعتبار تمدید شده توسط فروشنده است. اگر اعتبار مورد نظر توسط یک نهاد مالی ترتیب داده شده باشد، همان‌طور که در پاراگراف ۹–۶۲ توضیح داده شد، ممکن است لازم باشد کل هزینه‌ی مطالبه شده بین کارمزد خدمات و بهره تقسیم شود. اگر اعتبار توسط یک نهاد غیرمالی فراهم شده باشد، کارمزد خدمات مالی دریافت نمی‌شود. ولی، لازم به توجه است که بسیاری از خرده فروشان بزرگ واحدهای تابعه‌ای دارند که تسهیلات اعتباری را اداره می‌کنند، خودِ آن‌ها به عنوان نهادهای مالی طبقه‌بندی می‌شوند.

۶. مخارج خانوارهای مقیم و غیرمقیم

۹-۷۹ خانوارهای مقیم هنگام سفر به خارج مخارجی را انجام می‌دهند، خانوارهای غیرمقیم نیز ممکن است در داخل سرزمین اقتصادی یک کشور مخارجی را انجام دهند. طبق SNA، مخارج مصرف نهائی خانوار به مخارج متحمل شده توسط خانوارهای مقیم برمی‌گردد، چه مخارج در داخل سرزمین اقتصادی چه در خارج از آن انجام شده باشد.

۹-۸۰ به منظور محاسبه کل مخارج مصرف نهائی خانوار این شیوه می‌تواند مناسب باشد که کل مخارج انجام شده توسط تمامی خانوارها، اعم از مقیم یا غیرمقیم، در داخل سرزمین اقتصادی محاسبه شود و این رقم با اضافه کردن مخارج انجام شده در خارج توسط مقیم‌ها و کسر کردن مخارج انجام شده در داخل سرزمین اقتصادی توسط غیرمقیم‌ها تعدیل شود. مخارج انجام شده توسط مقیم‌ها در خارج تشکیل واردات را می‌دهند، در حالی که مخارج انجام شده در داخل توسط غیرمقیم‌ها صادرات محسوب می‌شوند. اما، با وجود این که کل مخارج انجام شده توسط تمامی خانوارها در داخل سرزمین اقتصادی می‌تواند برای محاسبه به این شیوه مورد استفاده قرار گیرد، این قلم در SNA به عنوان یک هم‌افزوده به تأئید نرسیده است.

ث. مصرف نهائی واقعی خانوار

۹-۸۱ ***مصرف نهائی واقعی خانوار عبارت از مصرف کالاها و خدمات تحصیل شده توسط خانوارهای فردی است.*** ارزش مصرف نهائی واقعی خانوارها با جمع سه جزء زیر بدست می‌آید:

الف. ارزش مخارج خانوارها برای کالاها و خدمات مصرفی از جمله مخارج کالاها یا خدمات غیربازاری فروخته شده به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند؛

ب. ارزش مخارج متحمل شده توسط واحدهای دولتی برای کالاها یا خدمات مصرفی فردی ارائه شده به خانوارها به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی؛ و

پ. ارزش مخارج متحمل شده توسط NPISHها برای کالاها یا خدمات مصرفی فردی ارائه شده به خانوارها به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی.

۹-۸۲ ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی ارائه شده توسط واحدهای دولتی یا NPISHها برابر است با ارزش کالاها یا خدمات عرضه شده به خانوارها منهای میزان مخارج متحمل شده توسط خانوارها هنگامی که قیمت‌های مطالبه شده از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند.

۹-۸۳ همان‌طور که در بخش‌های ج و ح شرح داده شد، مخارج مصرفی کالاها و خدمات فردی توسط دولت و NPISHها، به دو جزء تقسیم می‌شوند، یکی آن‌هائی که خودِ این واحدها به عنوان تولیدکنندگان غیربازاری تولید می‌کنند و دیگری آن‌هائی که از تولید کنندگان بازاری خریداری می‌کنند تا بعداً به طور رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به خانوارها انتقال دهند. این به معنی آن است که کل مصرف نهائی واقعی خانوارها نیز می‌تواند به این دو جزء تقسیم شود.

ج. مخارج مصرفی متحمل شده توسط دولت

۹-۸۴ دولت در گستره وسیعی از کالاها و خدمات مصرفی اعم از خدمات جمعی یا کالاها و خدمات فردی انتخاب شده مخارجی را متقبل می‌شود.

۹-۸۵ مخارج مصرف نهائی دولت می‌تواند به شیوه‌های مختلف طبقه بندی شود. بویژه، به شیوه‌های زیر طبقه بندی می‌شود:

الف. بر حسب این که کالاها یا خدمات توسط تولیدکنندگان بازاری یا تولید کنندگان غیربازاری تولید شده باشند؛

ب. برحسب اینکه مخارج برای خدمات جمعی یا کالاها و خدمات فردی انجام شده‌اند؛

پ. برحسب کارکرد یا هدف طبق طبقه بندی کارکردهای دولت (COFOG)؛ یا

ت. برحسب نوع کالا یا خدمت طبق طبقه‌بندی *CPC*.

۱. مخارج مربوط به ستانده‌ی تولیدکنندگان بازاری و غیربازاری

۹-۸۶ مخارج مربوط به ستانده‌های تولیدکنندگان غیربازاری که به خانوارهای فردی یا کل جامعه به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند، ارائه می‌شود، قسمت عمده مخارج مصرف نهائی دولت را تشکیل می‌دهد.

مخارج مربوط به ستانده‌ی تولید کنندگان غیربازاری

۹-۸۷ دولت ممکن است ستانده برای استفاده نهائی خود و قدری ستانده بازاری تولید کند ولی بیشترِ تولیدات واحدهای دولتی ماهیتاً غیربازاری هستند. همانطور که در فصل ۶ توضیح داده شد، ارزش ستانده غیربازاری از طریق جمع هزینه‌های مربوط به تولید برآورد می‌شود. با وجود این که دولت کالاها و خدماتی را به صورت فردی و جمعی به مردم ارائه می‌دهد، هزینه‌های این اقدام او به عنوان مصرف نهائی دولت نشان داده می‌شود.

۹-۸۸ ارزش مخارج دولت برای کالاها و خدمات غیربازاری دولت لزوماً با ارزش ستانده این کالاها و خدمات به‌طور کامل برابر نیست. ارزش این مخارج برابر است با ارزش برآورد شده‌ی تمامی انواع ستانده دولت منهای ارزش تولید برای تشکیل سرمایه به حساب خود و منهای ارزش همه دریافتی‌ها از فروش‌ها است. این دریافتی‌ها ممکن است از فروش مقداری کالاها و خدمات به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند یا از فروش مقداری کالاها یا خدمات به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه هستند (فروش ستانده ثانوی بازاری) بدست آید.

مخارج مربوط به مصرف کالاها و خدمات تولید شده توسط تولیدکنندگان بازاری

۹-۸۹ واحدهای دولتی همچنین کالاها و خدمات مصرفی تولید شده توسط تولیدکنندگان بازاری را نیز برای عرضه مستقیم آن‌ها به خانوارها خریداری می‌کنند. نقش واحد دولتی محدود به پرداخت برای کالاها یا خدمات و حصول اطمینان از توزیع آن‌ها به خانوارها به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی است. واحد دولتی در هیچگونه فرآیند بعدی این کالاها و خدمات درگیر نمی‌شود و مخارج آن به عنوان مخارج مصرف نهائی تلقی شده و مصرف واسطه واحد دولتی به حساب نمی‌آید. ارزش کالاها یا خدمات توزیع شده به این شیوه قسمتی از انتقالات اجتماعی غیرنقدی را تشکیل می‌دهد. در این روش، مخارجی که دولت از طرف خانوارها برای کالاها و خدمات مصرفی بازاری انجام می‌دهد، به عنوان مخارج مصرف نهائی دولت و مصرف نهائی واقعی خانوارها ثبت می‌شود.

ستانده و مخارج مصرف نهائی دولت

۹-۹۰ مخارج مصرف نهائی دولت می‌تواند به شرح زیر به‌دست آید:

ارزش تمامی انواع ستانده‌های دولت،

منهای ارزش ستانده تشکیل سرمایه به حساب خود،

منهای ارزش فروش کالاها و خدمات به هردو قیمت غیر قابل توجه از نظر اقتصادی و قابل توجه از نظر اقتصادی،

بعلاوه ارزش کالاها و خدمات خریداری شده از تولیدکنندگان بازاری برای ارائه به خانوارها به طور رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند.

۲. مخارج کالاها و خدمات جمعی و فردی

۹-۹۱ مخارج مصرفی متحمل شده توسط واحدهای دولتی به دو دسته، مخارجی که بنفع خانوارهای فردی است و مخارجی که به نفع کل جامعه، یا بخش بزرگی از جامعه است، تقسیم می‌شود.

کالاها و خدمات فردی

۹-۹۲ کالاها و خدمات فردی اساساً کالاهای "خصوصی" هستند که از کالاها و خدمات "عمومی" متفاوت هستند. کالاهای فردی دارای ویژگی‌های زیر هستند:

الف. مشاهده و ثبت تحصیل کالاها یا خدمات توسط یک خانوار فردی یا اعضای آن و نیز زمان رخ دادن تحصیل آن‌ها باید امکان پذیر باشد.

ب. خانوار باید با ارائه کالا یا خدمت موافقت کرده باشد و هر اقدامی که برای امکان پذیر شدن آن لازم باشد مانند حضور در مدرسه یا کلینیک انجام دهد؛ و

پ. کالا یا خدمت باید طوری باشد که تحصیل آن توسط یک خانوار یا یک شخص، یا احتمالاً توسط یک گروه محدود کوچکی از اشخاص، مانع از تحصیل آن توسط خانوارها یا اشخاص دیگر باشد.

۹-۹۳ اشاره به یک گروه محدود کوچک از اشخاص ضروری است زیرا بعضی خدمات به گروه‌های کوچک مردم به طور هم‌زمان ارائه می‌شود؛ برای مثال، اشخاص متعددی ممکن است در یک اتوبوس، قطار، کشتی یا هواپیما مسافرت کنند یا در یک کلاس درس، سخنرانی، کنسرت یا اجرای زنده تئاتر حضور یابند. ولی این خدمات وقتی محدودیتی در تعداد افرادی که می‌توانند آن‌ها را مصرف کنند وجود دارد، بازهم اساساً خدمات فردی هستند. اعضای دیگر جامعه از مصرف آن‌ها محروم شده‌اند و بهره‌ای از آن‌ها نمی‌برند.

۹-۹۴ از نظر رفاه، ویژگی مهم یک کالا یا خدمت فردی این است که تحصیل آن توسط یک خانوار، یک شخص یا گروهی از اشخاص مانع از بهره‌مندی بقیه‌ی جامعه می‌شود یا بهره بسیار کمی برای آن‌ها دارد. تأمین بعضی از خدمات فردی سلامت یا تحصیل (نظیر واکسناسیون یا ایمن سازی) هرچند می‌تواند برای بقیه‌ی جامعه نیز قدری منافع برون‌ریز داشته باشد، ولی بهره‌مندی عمده آن به‌طور کلی نصیب افراد مرتبط می‌شود. از اینرو، هنگامی که یک واحد دولتی متحمل مخارجی برای تأمین کالاها یا خدمات فردی می‌شود، نه تنها باید تصمیم بگیرد که در کل چقدر خرج کند بلکه همچنین باید تصمیم بگیرد که چگونه کالاها یا خدمات را به اعضای فردی تخصیص دهد یا بین آن‌ها توزیع کند. از نظر سیاست اقتصادی و اجتماعی، چگونگی توزیع کالاها و خدمات می‌تواند بهمان اندازه کل مبلغ خرج شده، مهم باشد.

مصرف فردی برحسب نوع تولیدکننده

۹-۹۵ تمامی مصارف فردی دولت در حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی و حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده به عنوان انتقالات اجتماعی عمل می‌شوند. از نظر تحلیلی بهتر است مصرف فردی به دو جزء تقسیم شود یکی مصرف کالاها و خدمت تولید شده توسط دولت به عنوان تولیدکننده غیربازاری و دیگری مصرف کالاها و خدمات خریداری شده از تولیدکنندگان بازاری توسط دولت برای انتقال بعدی به خانوارها چه به صورت رایگان و چه به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند.

خدمات جمعی

۹-۹۶ بیشتر کالاها را می‌توان به صورت خصوصی تصاحب کرد و به مفهومی که در اینجا بکار رفته است فردی هستند. از سوی دیگر، بعضی از انواع خدمات را می‌توان به صورت جمعی به کل جامعه ارائه داد. ویژگی‌های این خدمات جمعی را می‌توان

به صورت زیر خلاصه کرد:

الف. خدمات جمعی به طور هم‌زمان به هر عضو جامعه یا به بخش‌های خاصی از جامعه، نظیر افراد منطقه خاصی از یک محل، ارائه می‌شوند؛

ب. استفاده از این خدمات معمولاً به صورت غیر فعال است و نیاز به توافق صریح یا مشارکت فعال تمامی افراد مربوطه را ندارد؛ و

پ. تأمین خدمات جمعی به یک فرد از میزان دسترسی دیگران در همان جامعه یا آن بخش از جامعه نمی‌کاهد. رقابتی در تحصیل این خدمات وجود ندارد.

۹-۹۷ تأمین خدمات جمعی توسط دولت عمدتاً از تأمین امنیت و دفاع، پاسداری از نظم و قانون، وضع قوانین و مقررات، محافظت از سلامت عموم، حفاظت از محیط زیست و غیره تشکیل یافته است. تمامی اعضای جامعه می‌توانند از این خدمات بهره‌مند شوند. از آنجا که نمی‌توان استفاده فردی از خدمات جمعی را ثبت کرد، نمی‌توان مطابق با استفاده افراد هزینه‌ای از آن‌ها مطالبه کرد.

مرز بین خدمات فردی و جمعی

۹-۹۸ مخارج متحمل شده توسط دولت در رابطه با خدمات فردی نظیر سلامت و آموزش هنگامی که مربوط به فرموله کردن و اجرای سیاست دولت، تنظیم و اجرای استانداردهای عمومی، تنظیم قوانین و مقررات، نظارت، صدور پروانه یا نظارت بر تولیدکنندگان و غیره هستند، باید به عنوان خدمات جمعی تلقی شوند. برای مثال، مخارج متحمل شده توسط وزارتخانه‌های بهداشت یا آموزش در سطح ملی باید در مخارج مصرف جمعی منظور شوند زیرا به امور کلی سیاست، استانداردها و مقررات مربوط می‌شوند. از سوی دیگر، هر نوع هزینه‌های عملیاتی سربار مرتبط با مدیریت یا کارکرد یک گروه از بیمارستان‌ها، مدارس کالج‌ها یا نهادهای مشابه در مخارج فردی منظور می‌شود. برای مثال، اگر گروهی از بیمارستان‌های خصوصی دارای یک واحد مرکزی باشند که بعضی خدمات مشترکی نظیر خرید، آزمایشگاه، آمبولانس، یا سایر تسهیلات را فراهم می‌کنند، هزینه‌های این خدمات مشترک در قیمت‌های مطالبه شده از بیماران بحساب می‌آیند. از همین اصول باید هنگامی‌که بیمارستان‌ها تولیدکنندگان غیربازاری هستند پیروی شود: تمامی هزینه‌هائی که با ارائه خدمات به افراد خاصی همراه هستند، از جمله هزینه‌های هر واحد مرکزی ارائه دهنده‌ی خدمات مشترک، باید در ارزش مخارج خدمات فردی منظور شوند.

طبقه بندی مخارج فردی و جمعی دولت

۹-۹۹ طبقه بندی کارکردهای دولت (COFOG) طبقه بندی تراکنش‌ها است که برای استفاده در دولت و زیربخش‌های آن اختصاص داده شده است. در این طبقه بندی ده طبقه به شرح زیر وجود دارد:

۱. خدمات امور عمومی؛

۲. دفاع؛

۳. نظم و امنیت عمومی؛

۴. امور اقتصادی؛

۵. حفاظت از محیط زیست؛

۶. مسکن و امکانات رفاهی جامعه؛

۷. سلامت؛

۸. تفریح، فرهنگ و مذهب؛

۹. آموزش؛

۱۰. حمایت اجتماعی.

۹-۱۰۰ همه‌ی طبقات ۰۱ الی ۰۶ خدمات جمعی هستند، همین‌طور بخش ۰۷.۵ و ۰۷.۶ در سلامت، بخش‌های ۰۸.۳ الی ۰۸.۶ در تفریح، فرهنگ و مذهب، بخش‌های ۰۹.۷ و ۰۹.۸ در آموزش، و بخش‌های ۱۰.۸ و ۱۰.۹ در حمایت اجتماعی، خدمات

جمعی هستند. این بخش‌ها مخارج مدیریت عمومی، قانون‌گذاری، پژوهش‌ها که به عنوان تشکیل سرمایه ثبت نمی‌شود و امثال این‌ها را پوشش می‌دهند. بخش‌های باقیمانده‌ی سلامت، تفریح، فرهنگ و مذهب، آموزش و حمایت اجتماعی (که حالت غالب هریک از طبقات هستند) خدمات فردی را تشکیل می‌دهند.

خدمات غیربازاری به بنگاه‌ها

۹-۱۰۱ بسیاری از مخارج دولت، بنگاه‌ها را نیز به همان اندازه‌ی خانوارها بهره‌مند می‌سازد؛ مخارج شستشو، تعمیر و نگهداری جاده‌های عمومی، پل‌ها، تونل‌ها و غیره، از جمله تأمین برق خیابان‌ها، مثال‌هائی از این نوع هستند. این‌ها خدماتی هستند که مصرف آن‌ها را می‌توان کنترل کرد و به همین دلیل گاهی با دریافت عوارض، به صورت بازاری ارائه می‌شوند. ولی وقتی آن‌ها به رایگان ارائه می‌شوند، جداسازی خدمات ارائه شده به بنگاه‌ها از خدمات رایگان ارائه شده به خانوارها مشکل می‌شود، طبق قرارداد، تمامی این مخارج به عنوان مخارج نهائی جمعی تلقی می‌شوند.

۹-۱۰۲ خدمات جمعی، نظیر تأمین امنیت توسط پلیس، خدمات آتش نشانی، و غیره که به طور مجانی به کل جامعه ارائه می‌شوند نیز بنگاه‌های فردی و همچنین خانوارهای فردی را بهره‌مند می‌سازند.

چ. مصرف نهائی واقعی دولت

۹-۱۰۳ ارزش مصرف نهائی واقعی دولت برابر با ارزش کل مخارج مصرف نهائی منهای مخارج آن‌ها برای کالاها یا خدمات فردی ارائه شده به خانوارها به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی است. لذا ارزش مصرف نهائی واقعی واحدهای دولتی برابر است با ارزش مخارجی که برای خدمات جمعی متحمل می‌شوند. هرچند که خدمات جمعی کل جامعه یا بخش‌هائی از جامعه را منتفع می‌سازد تا دولت. مصرف واقعی این خدمات را نمی‌توان بین خانوارهای فردی یا حتی بین گروه‌هائی از خانوارها نظیر زیربخش‌های بخش خانوار، یا به بنگاه‌ها، همان‌طور که اشاره شد، توزیع کرد. بنابراین، خدمات جمعی به واحدهای دولتی که مخارج مربوطه را متحمل می‌شوند منتسب می‌شود.

۹-۱۰۴ شناسائی و اندازه‌گیری مصرف نهائی واقعی دو هدف عمده تحلیلی یا سیاستی را تأمین می‌کند:

الف. خدمات جمعی را می‌توان با "کالاهای عمومی"، آن‌طور که در تئوری مالی و اقتصادی تعریف شده است، تعیین کرد. با وجود این که از نظر تکنیکی مطالبه‌ی بهای بعضی خدمات جمعی از مصرف کنندگان فردی مطابق با استفاده‌ی آن‌ها امکان پذیر است، هزینه تراکنش‌های این عمل به‌طور بازدارنده‌ای بالا خواهد بود. این یک توجیه اقتصادی برای مشارکت دولت ارائه می‌دهد تا توجیه سیاسی؛

ب. خدمات جمعی ساز و کاری را برای بازتوزیع منابع میان خانوارهای فردی فراهم نمی‌کند. از آنجا که بازتوزیع می‌تواند یکی از اهداف اصلی سیاست اقتصادی دولت باشد، جداسازی خدمات جمعی که در پی این هدف نیست از کالاها و خدمات فردی که در نهایت به خانوارهای فردی انتقال می‌یابند می‌تواند مفید باشد، حتی اگر توسط دولت برای آن‌ها پرداخت شده باشد.

ح. مخارج مصرفی متحمل شده توسط NPISHها

۹–۱۰۵ نحوه برخورد با مخارج مصرفی متحمل شده توسط مؤسسات غیرانتفائی در خدمت خانوارها (NPISH)ها بسیار مشابه با مخارج مصرفی متحمل شده توسط دولت است. در این بخش فقط زمینه‌هائی که تفاوت وجود دارد قلم به قلم توضیح داده می‌شود. در حالی‌که مخارج دولت به مقیاس وسیعی از محل اخذ مالیات تأمین مالی می‌شود، مخارج NPISHها اصولاً از محل اشتراک‌ها، مشارکت‌ها یا کمک‌های مالی یا درآمد دارائی‌ها، تأمین مالی می‌شود.

۹–۱۰۶ خدمات ارائه شده توسط NPISHها اغلب محدود به اعضای انجمن‌هائی است که NPISHها متعلق به آن‌ها هستند، هرچند که ممکن است کالاها یا خدمات فردی را به اشخاص ثالثی نیز ارائه کنند. بسیاری از NPISHها فقط در ارتباط با حمایت از منافع یا رفاه اعضای خود یا در ارتباط با ارائه امکانات تفریحی، ورزشی یا فرهنگی به خانوارها یا اشخاص هستند که اگر خودشان بطور فردی اقدام می‌کردند نمی‌توانستند این امکانات را به آسانی به‌دست آورند. هرچند NPISHها ممکن است به اعضای خود به‌صورت گروهی خدمات ارائه دهند، ولی این خدمات اساساً فردی هستند نه جمعی. زیرا اشخاص دیگر غیر از اعضای آن‌ها به‌طور کلی از خدمات ارائه شده محروم هستند و بهره‌ای از آن نمی‌برند.

۹–۱۰۷ برای NPISHها این امکان وجود دارد که خدمات جمعی تولید کنند. به عنوان مثال، یک نهاد غیرانتفاعی که به طور خصوصی تأمین مالی می‌شود ممکن است پژوهش پزشکی انجام دهد و حاصل کار خود را به رایگان در دسترس قرار دهد. ولی، از آنجا که این فعالیت‌ها آشکار بوده و سنجش‌پذیر هستند، می‌توان فرض کرد که مخارج NPISHها فقط برای کالاها و خدمات فردی انجام می‌شود.

۹–۱۰۸ مخارج مصرفی NPISHها را می‌توان به شیوه‌های مختلفی طبقه بندی کرد. به ویژه، می‌توان آن‌ها را به شرح زیر طبقه‌بندی کرد.

الف. بر حسب این که کالاها یا خدمات توسط تولیدکنندگان بازاری یا غیربازاری تولید شده باشند؛

ب. برحسب اینکه مخارج برای خدمات جمعی یا کالاها یا خدمات فردی انجام شده باشد؛

پ. برحسب کارکرد یا هدف مطابق با طبقه بندی هدف‌های نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (COPNI)؛ و

ت. برحسب نوع کالا یا خدمت مطابق با طبقه‌بندی *CPC*.

۹–۱۰۹ همانند دولت، برای NPISHها نیز، این امکان وجود دارد که کالاهائی را از تولیدکنندگان بازاری برای توزیع به خانوارها خریداری کنند. همچنین این امکان نیز وجود دارد که آن‌ها از فروش‌هایشان چه فروش ستانده غیربازاری به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند و چه از فروش تولیدات ثانوی بازاری به قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی دریافت‌هائی داشته باشند. ولی ارزش مخارج مصرفی بسیاری از NPISHها، کاملاً با ارزش ستانده غیربازاری آن‌ها منطبق است.

مصرف فردی برحسب نوع تولیدکننده

۹–۱۱۰ تمامی مصارف فردی NPISHها به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی در حساب بازتوزیع درآمد غیر نقدی و حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده منظور می‌شوند. از نظر تحلیلی بهتر است مصرف فردی به دو دسته تقسیم شود، یکی کالاها و خدمات تولید شده توسط NPISHها به عنوان تولید کنندگان غیربازاری و دیگری، کالاها و خدماتی که توسط NPISHها از تولید کنندگان بازاری خریداری می‌شود تا بعداً خواه به رایگان و خواه به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به خانوارها انتقال داده شوند.

خ. مصرف نهائی واقعی NPISHها

۹–۱۱۱ ارزش مصرف نهائی واقعی NPISHها برابر است با ارزش کل مخارج مصرف نهائی منهای مخارج آن‌ها برای کالاها یا خدمات فردی ارائه شده به خانوارها به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی. ارزش مصرف نهائی واقعی NPISHها از اینرو برابر است با ارزش مخارجی که در خدمات جمعی متقبل می‌شوند. اگر شناسائی و اندازه‌گیری خدمات جمعی ارائه شده توسط NPISHها امکان پذیر نباشد، ممکن است مصرف نهائی واقعی NPISHها، در حساب‌ها نشان داده نشود.

د. مخارج مصرف نهائی و مصرف نهائی واقعی: خلاصه

۹–۱۱۲ منظور از این بخش خلاصه کردن روابط مفهومی متقابل بین هم‌افزوده‌های اصلی مصرف برای سه بخشی است که مصرف نهائی در آن‌ها رخ می‌دهد، یعنی بخش خانوار، بخش NPISH، و بخش دولت.

۱. مخارج مصرف نهائی

۹–۱۱۳ ***مخارج مصرف نهائی خانوارها عبارت از مخارجِ متحمل شده توسط خانوارهای مقیم برای کالاها و خدمات مصرفی فردی همچنین کالاها و خدمات فروخته شده به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند و نیز مصرف کالاها و خدمات تحصیل شده از خارج است، از جمله مخارجی که ارزش آن‌ها باید به‌طور غیرمستقیم برآورد شود.***

۹–۱۱۴ ***مخارج مصرف نهائی دولت عبارت از مخارجِ متحمل شده توسط دولت برای کالاها و خدمات مصرفی فردی و خدمات مصرفی جمعی است، از جمله مخارجی که ارزش آن‌ها باید بطور غیرمستقیم برآورد شود.***

۹–۱۱۵ ***مخارج مصرف نهائی NPISHها عبارت از مخارجِ متحمل شده توسط NPISHهای مقیم، برای کالاها و خدمات مصرفی فردی و احتمالاً خدمات مصرفی جمعی است، از جمله مخارجی که باید ارزش آن‌ها به‌طور غیرمستقیم برآورد شود.***

۲. مصرف نهائی واقعی

۹–۱۱۶ ***مصرف نهائی واقعی خانوارها با ارزش همه‌ی کالاها و خدمات مصرفی فردیِ تحصیل شده توسط خانوارهای مقیم اندازه-گیری می‌شود.*** سه دسته کالاها و خدمات وجود دارند که در مصرف نهائی خانوار وارد می‌شوند:

الف. کالاها و خدماتی که از طریق مخارج خودِ خانوارها تحصیل می‌شوند؛

ب. کالاها و خدماتی که به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی از دولت و NPISHها تحصیل می‌شوند که ستانده این نهادها به عنوان تولیدکنندگان غیربازاری هستند؛

پ. کالاها و خدماتی که به عنوان انتقالات غیرنقدی از دولت و NPISHها تحصیل می‌شوند که توسط این نهادها از تولیدکنندگان بازاری برای انتقال بعدی به خانوارها به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند خریداری می‌شوند.

۹–۱۱۷ ***مصرف نهائی واقعی دولت با ارزش خدمات مصرفیِ جمعیِ ارائه شده توسط دولت به جامعه، یا بخش بزرگی از جامعه، اندازه‌گیری می‌شود.***

۹–۱۱۸ ***مصرف نهائی واقعی NPISHها با ارزش خدمات مصرفیِ جمعیِ ارائه شده توسط NPISHها به جامعه، یا بخش بزرگی از جامعه، اندازه‌گیری می‌شود.***

۳. مصرف نهائی کل در اقتصاد

۹–۱۱۹ مصرف نهائی کل در اقتصاد را می‌توان از دو زاویه مشاهده کرد. از سمت مخارج، مصرف نهائی کل به صورت ارزش کل تمامی مخارج برای کالاها و خدمات مصرفی فردی و جمعی متحمل شده توسط خانوارهای مقیم، NPISHهای مقیم و واحدهای دولتی تعریف می‌شود. یا می‌توان آن را برحسب مصرف نهائی واقعی به صورت ارزش تمامی کالاها و خدمات فردی تحصیل شده توسط خانوارها بعلاوه ارزش خدمات جمعی ارائه شده توسط دولت و NPISHها به جامعه یا بخش بزرگی از جامعه تعریف کرد.

۹–۱۲۰ همانطور که در پاراگراف ۸–۱۴۵ اشاره شد، انتقالات اجتماعی غیرنقدی ممکن است به خانوارهای غیرمقیم نیز پرداخت شود. مثال در این مورد مراقبت‌های پزشکی اورژانسی به یک گردشگر خارجی توسط یک بیمارستان دولتی است. ولی همانطور که خانوارهای غیرمقیم ممکن است از انتقالات اجتماعی غیرنقدی از دولت ملی بهره‌مند شوند، به همین ترتیب، خانوارهای مقیم نیز ممکن است از انتقالات اجتماعی غیرنقدی پرداخت شده توسط دولت اقتصاد دیگری بهره‌مند شوند. بطور کلی این جریان‌ها به غیرمقیم‌ها در مقایسه با کل انتقالات اجتماعی غیرنقدی کوچک خواهد بود، مگر شواهد قوی برخلاف آن وجود داشته باشد، لذا طبق قرارداد، می‌توان فرض کرد که این جریان‌ها به غیرمقیم‌ها با جریان‌های مشابه از دولت‌ها و NPISHهای سایر اقتصادها تراز می‌شوند. بنابراین طبق این قرارداد، مخارج مصرفی برای کل اقتصاد کاملاً با کل مصرف واقعی برابر است.

۹–۱۲۱ برای این که اطمینان حاصل شود که ارزش دو هم‌افزوده یکسان است، کالاها و خدمات تحصیل شده توسط خانوارهای مقیم از طریق انتقالات اجتماعی غیرنقدی باید همیشه با همان قیمت‌هائی ارزش‌گذاری شود که هم‌افزوده‌های مخارج ارزش‌گذاری می‌شوند و زمان ثبت کالاها و خدمات تحصیل شده از طریق انتقالات اجتماعی غیرنقدی نیز باید همان زمان ثبت هم‌افزوده‌های مخارج باشد.

فصل ۱۰: حساب سرمایه

الف. مقدمه

۱۰-۱ حساب سرمایه اولین حساب از چهار حسابی است که با تغییرات ارزش دارائی‌های در اختیار واحدهای نهادی سروکار دارد. این حساب تراکنش‌های دارائی‌های غیرمالی را ثبت می‌کند. حساب مالی تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها را ثبت می‌کند. حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها تغییرات ناشی از تغییراتی را غیر از تراکنش‌ها و تغییرات قیمت ثبت می‌کند. اثرات تغییرات قیمت در حجم دارائی‌های غیرمالی و دارائی‌های مالی در حساب بازارزش‌گذاری ثبت می‌شوند. این چهار حساب با ثبت تمامی تغییرات قیمت و حجم دارائی‌ها، اعم از این‌که ناشی از تراکنش باشند یا خیر، این امکان را فراهم می‌سازد که تغییرات ارزش ویژه‌ی یک واحد یا بخش نهادی بین ابتدا و انتهای دوره حسابداری را بتوان به اجزای تشکیل دهنده آن تفکیک کرد. اثرات همه‌ی این چهار حساب در ترازنامه‌ها گرد هم آورده می‌شوند. در فصل‌های بعدی سایر حساب‌هائی که در بالا اشاره شد شرح داده می‌شوند.

۱۰-۲ هدف از حساب سرمایه که در جدول ۱۰-۱ نشان داده شده است، ثبت ارزش دارائی‌های غیرمالی است که واحدهای نهادی مقیم با اشتغال به تراکنش‌ها آن‌ها را تحصیل، یا واگذار کرده‌اند و نیز نشان دادن تغییری است که در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای در ارزش ویژه بوجود می‌آید. این تراکنش‌ها یا با سایر واحدهای نهادی مقیم و غیرمقیم، هردو، انجام می‌شوند یا تراکنش‌های داخلی هستند که طی آن واحدها محصولاتی را که تولید کرده‌اند به عنوان تشکیل سرمایه خود استفاده می‌کنند.

۱۰-۳ در تهیه ترازنامه‌ها، مرسوم است که دارائی‌ها در سمت راست و بدهی‌ها و ارزش ویژه در سمت چپ ثبت شوند. از همین قرارداد در حساب‌های انباشت نیز پیروی می‌شود که در آن‌ها تغییرات در دارائی‌ها در سمت راست و سایر اقلام در سمت چپ ثبت می‌شوند. همانند حساب‌های جاری، قلم ترازکننده‌ی حساب سرمایه یعنی خالص وام دهی یا خالص وام‌گیری، در سمت راست ثبت می‌شود. مصرف سرمایه ثابت نیز در سمت راست حساب سرمایه ثبت می‌شود.

۱۰-۴ سمت چپ حساب سرمایه منابع موجود برای انباشت دارائی‌ها را ثبت می‌کند. این منابع متشکل از پس‌انداز خالص یعنی قلم ترازکننده منتقل شده از حساب مصرف درآمد و انتقالات سرمایه‌ای تشکیل شده است. انتقالات سرمایه‌ای پرداختنی با علامت منفی ثبت می‌شوند.

۱. تعریف مالکیت و دارائی‌ها

۱۰-۵ مالکیت و دارائی‌ها در فصل ۳ تعریف شده است ولی در این‌جا یادآوری برخی ویژگی‌های کلیدیِ این تعاریف مفید است. متمایز کردن مالکیت قانونی از مالکیت اقتصادی مهم است. ***مالک قانونیِ هستارهائی نظیر کالاها و خدمات، منابع طبیعی، دارائی‌های مالی و بدهی‌ها، واحد نهادی است که طبق قانون و تحت حمایت قانون حق ادعا بر منافع مربوط به این هستارها را دارد.*** در مقابل، ***مالک اقتصادیِ هستارهائی نظیر کالاها و خدمات، منابع طبیعی، دارائی‌های مالی و بدهی‌ها واحد نهادی است که حق ادعا بر منافع مربوط به استفاده از هستار مورد بحث را به دلیل پذیرفتن ریسک‌های مربوطه در دوره‌ای از یک فعالیت اقتصادی دارد.***

۱۰-۶ همه‌ی هستارها دارای مالک قانونی و مالک اقتصادی،هردو هستند. هرچند که در بسیاری از موارد مالک اقتصادی و مالک قانونی، هردو، یکی است. مواردی که این دو یکسان نیستند، مالک قانونی مسئولیت ریسک مربوط به استفاده از هستار در یک فعالیت اقتصادی را همراه با منافع مربوط به آن به مالک اقتصادی واگذار کرده است. در ازای آن مالک قانونی بسته دیگری از ریسک‌ها و منافع را از مالک اقتصادی پذیرفته

است.

۷-۱۰ هنگامی که دولت از طرف کل جامعه ادعای مالکیت قانونی بر یک هستار دارد، منافع آن هم از طرف جامعه به دولت تعلق می‌گیرد. از اینرو دولت هم مالک قانونی و هم مالک اقتصادی این هستارها در نظر گرفته می‌شود.

۸-۱۰ ***دارائی، ذخیره‌ای از ارزش است که منفعت یا زنجیره‌ای از منافع تعلق گرفته به مالک اقتصادی در اثرِ نگه‌داشتن هستار مورد نظر یا استفاده از آن در طول یک دوره از زمان را نشان می‌دهد. دارائی وسیله‌ای برای انتقال ارزش از یک دوره به دوره‌ی دیگر حسابداری است.*** تمامی دارائی‌ها در SNA دارائی‌های اقتصادی هستند.

۲. دارائی‌های غیرمالی

۹-۱۰ دو مقوله مختلف از دارائی‌های غیرمالی از یکدیگر متمایز شده‌اند: دارائی‌های تولید شده و دارائی‌های تولید نشده.

الف. دارائی‌های تولید شده دارائی‌های غیرمالی هستند که به عنوان ستانده از فرآیند تولید واقع شده در محدوده تولید SNA بوجود آمده‌اند.

ب. دارائی‌های تولید نشده دارائی‌های غیرمالی هستند که به شیوه‌ای غیر از فرآیند تولید بوجود آمده‌اند.

دارائی‌های تولید شده

۱۰-۱۰ سه نوع دارائی تولید شده وجود دارد. دارائی‌های ثابت، موجودی انبار و اشیاء گرانبها. دارائی‌های ثابت و موجودی انبار، دارائی‌هائی هستند که توسط تولیدکنندگان فقط و به منظور تولید نگه‌داشته می‌شوند. اشیاء گرانبها ممکن است توسط هر واحد نهادی و عمدتاً به عنوان ذخیره ارزش نگه-داشته شوند.

جدول ۱۰-۱: حساب سرمایه – شکل خلاصه شده – تغییرات در دارائی‌ها

تغییرات در دارائی‌ها

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
تشکیل سرمایه ناخالص	۳۰۸	۸	۳۸	۵۵	۵	۴۱۴			۴۱۴
تشکیل سرمایه خالص	۱۵۱	-۴	۱۱	۳۲	۲	۱۹۲			۱۹۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۲۸۰	۸	۳۵	۴۸	۵	۳۷۶			۳۷۶
مصرف سرمایه ثابت	-۱۵۷	-۱۲	-۲۷	-۲۳	-۳	-۲۲۲			-۲۲۲
تشکیل سرمایه ثابت برحسب نوع دارائی									
تغییرات موجودی انبار	۲۶	۰	۰	۲	۰	۲۸			۲۸
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	۲	۰	۳	۵	۰	۱۰			۱۰
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده	-۷	۰	۲	۴	۱	۰			۰
انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی									
انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی									
خالص وام دهی (+)/ خالص وام‌گیری (-)	-۵۶	-۱	-۱۰۳	۱۷۴	-۴	۱۰	-۱۰		۰

۱۰-۱۱ ***دارائی‌های ثابت دارائی‌های تولید شده هستند که به‌طور مستمر یا به‌طور مداوم برای مدت زمانی بیش از یکسال در فرآیندهای تولید استفاده می‌شوند.*** ویژگی مشخص کننده‌ی یک دارائی ثابت این نیست که دارائی به مفهوم فیزیکی بادوام باشد، بلکه این است که بتواند به‌طور مکرر یا به‌طور مستمر برای یک دوره زمانی طولانی، که معمولاً بیش از یکسال در نظر گرفته می‌شود، در تولید به‌کار رود. برخی از کالاها، نظیر ذغال، ممکن است از نظر فیزیکی بسیار بادوام باشند ولی نمی‌توان آن‌ها را دارائی ثابت باشند تلقی کرد زیرا فقط برای یکبار مصرف می‌شوند. دارائی‌های ثابت نه تنها شامل سازه‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات هستند بلکه دارائی‌های پرورشی نظیر درختان یا حیواناتی را نیز در بر می‌گیرند که به‌طور مستمر یا مداوم برای تولید محصولات دیگری نظیر میوه یا فرآورده‌های لبنی به‌کار می‌روند. دارائی‌های ثابت، محصولات مالکیت فکری نظیر نرم‌افزار یا نسخه‌های اصلی استفاده شده در تولید را نیز در بر می‌گیرند.

۱۰-۱۲ ***موجودی‌های انبار، دارائی‌های تولید شده‌ای هستند که از کالاها و خدماتی که در دوره جاری یا دوره‌های قبل بوجود آمده‌اند تشکیل شده‌اند، و برای فروش، استفاده در تولید یا استفاده دیگری در زمانی دیگر نگه‌داشته شده‌اند.*** موجودی‌های انبار از موجودی ستانده‌هائی تشکیل یافته‌اند که قبل از این که فرآوری بیشتری روی آن‌ها انجام شود، یا فروخته شوند، یا به واحدهای دیگر تحویل داده شوند یا به روش‌های دیگری مورد استفاده قرار گیرند، هنوز در اختیار واحدهای تولیدکننده‌ی آن‌ها قرار دارند و نیز از موجودی محصولاتی تشکیل یافته‌اند که از واحدهای دیگر تحصیل شده‌اند تا برای مصرف واسطه یا برای بازفروشی بدون فرآوری بیشتر مصرف شوند. موجودی انبار خدمات از کار در جریان ساخت یا محصولات تکمیل شده تشکیل شده است، مانند نقشه‌های معماری، که در جریان تکمیل هستند یا تکمیل شده و در انتظار شروع بناهای مربوطه هستند. موجودی‌های انبار نگه‌داشته شده توسط دولت موجودی‌های مواد استراتژیک، و غلات و سایر کالاهائی را در بر می‌گیرند که دارای اهمیت ویژه‌ای برای ملت هستند اما موجودی های دولت فقط محدود به این موارد نیستند.

جدول ۱۰-۱ (ادامه): حساب سرمایه – شکل خلاصه شده – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
پس‌انداز، خالص	۷۱	۲	-۶۲	۱۹۲	۲	۲۰۵			۲۰۵
تراز جاری خارجی							-۱۳		-۱۳
تشکیل سرمایه ناخالص								۴۱۴	۴۱۴
تشکیل سرمایه خالص								۱۹۲	۱۹۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص								۳۷۶	۳۷۶
مصرف سرمایه ثابت								-۲۲۲	-۲۲۲
مصرف سرمایه ثابت برحسب نوع دارائی									
تغییرات موجودی انبار								۲۸	۲۸
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها								۱۰	۱۰
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده								۰	۰
انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی	۳۳	۰	۶	۲۳	۰	۶۲	۴		۶۶
انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی	-۱۶	-۷	-۳۴	-۵	-۳	-۶۵	-۱		-۶۶
تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای	۸۸	-۵	-۹۰	۲۱۰	-۱	۲۰۲	-۱۰		۱۹۲

۱۳-۱۰ ***اشیاء گرانبها کالاهای تولید شده با ارزش قابل ملاحظه‌ای هستند که عمدتاً به منظور تولید یا مصرف بکار نمی‌روند ولی به عنوان ذخیره ارزش در طول زمان نگه‌داشته می‌شوند.*** انتظار می‌رود ارزش اشیاء گرانبها در طول زمان افزایش یابد یا حداقل از ارزش واقعی آن کاسته نشود، و همچنین درشرایط عادی رو به زوال نرود. اشیاء گرانبها از سنگ‌ها و فلزات قیمتی، جواهرات، کارهای هنری، و غیره تشکیل یافته‌اند. اشیاء گرانبها ممکن است توسط تمامی بخش‌های اقتصادی نگه‌داشته شوند.

دارائی‌های تولید نشده

۱۴-۱۰ ***دارائی‌های تولید نشده از سه مقوله تشکیل شده‌اند: منابع طبیعی؛ قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها؛ و سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی خریداری شده.***

۱۵-۱۰ ***منابع طبیعی، از منابع ایجاد شده به‌طور طبیعی، نظیر زمین، منابع آبی، جنگل‌های کاشته نشده و ذخائر معدنی که دارای ارزش اقتصادی هستند تشکیل یافته‌اند.***

۱۶-۱۰ ***قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها تنها هنگامی دارائی تلقی می‌شوند که هردو شرط زیر را داشته باشند:***

الف. ***ضوابط قرارداد، اجاره‌نامه یا پروانه قیمتی را برای استفاده از یک دارائی یا ارائه‌ی یک خدمت مشخص کند که از قیمتی که در نبودِ قرارداد، اجاره‌نامه یا پروانه حاکم است، متفاوت باشد.***

ب. ***یک طرف قرارداد باید از نظر قانونی و عملی قادر باشد این تفاوت قیمت را تحقق بخشد.***

در شرط دوم از پیش فرض شده است که بازاری برای قرارداد وجود دارد. توصیه شده است که در عمل قراردادها، اجاره-نامه‌ها و پروانه‌ها فقط باید هنگامی در حساب‌ها ثبت شوند که دارنده آن عملاً از حق خود استفاده کند تا تفاوت قیمت محقق شود.

۱۷-۱۰ ***سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی خریداری شده تمام یا قسمتی از ارزش ویژه یک واحد نهادی را نشان می‌دهند.*** این‌ها تنها هنگامی ثبت می‌شوند که یک واحد به‌طور کامل خریداری شده باشد یا یک دارائی بازاریابی قابل تشخیص به واحد دیگری فروخته شده باشد.

۳. ساختار حساب سرمایه

پس‌انداز

۱۸-۱۰ سمت چپ حساب سرمایه تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه را نشان می‌دهد. اولین قلم ثبت شده در سمت چپ، قلم ترازکننده منتقل شده از حساب مصرف درآمد قابل تصرف، یعنی پس‌انداز است. هنگامی که این رقم مثبت است، پس‌انداز خالص نشان می‌دهد که آن قسمت از درآمد قابل تصرف که برای کالاها و خدمات مصرفی خرج نشده است باید برای تحصیل یک یا چند نوع دارائی‌های مالی و غیرمالی از جمله وجه نقد، یا باز پرداخت بدهی‌ها استفاده شود. هنگامی که این رقم منفی است، پس‌انداز خالص میزان اضافی مخارج مصرف نهائی نسبت به درآمد قابل تصرف را اندازه‌گیری می‌کند: این مازاد باید با واگذاری دارائی‌ها یا تقبل بدهی‌های جدید تأمین مالی شود.

انتقالات سرمایه‌ای

۱۹-۱۰ ***انتقالات سرمایه‌ای انتقالات بلاعوض هستند اعم از این که طرف انجام دهنده‌ی آن وجوه مربوط به انتقالات را با واگذاری یک دارائی (غیر از وجه نقد یا موجودی انبار) یا با چشم پوشی از یک ادعای مالی (غیر از حساب‌های دریافتنی) محقق سازد، یا طرف دریافت کننده‌ی انتقالات ملزم به تحصیل یک دارائی (غیر از پول نقد) باشد و یا هردوی این شرایط وجود داشته باشند.*** انتقالات سرمایه‌ای اغلب اقلام بزرگی هستند که به‌طور نامنظم صورت می‌گیرند ولی هیچ یک از این‌ها برای این که یک انتقال به عنوان انتقالات سرمایه‌ای در نظر گرفته شود و نه انتقالات جاری، شرطهای لازم نیستند. اگر شکی وجود داشته باشد که انتقالاتی جاری است یا سرمایه‌ای، باید به عنوان انتقالات جاری در نظر گرفته شود.

۲۰-۱۰ انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی، افزایشی را در ارزش ویژه نشان می‌دهد و بنابراین در سمت چپ حساب سرمایه‌ی دریافت کننده ثبت می‌شود. طبق قرارداد، مبلغ پرداختنی جور شده

(متناظر) با آن نیز در سمت چپ حساب پرداخت کننده ولی به‌صورت قلم ورودی منفی (به معنی کاهش ارزش ویژه) ثبت می‌شود.

تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای

۱۰-۲۱ جمع اقلام ورودی در سمت چپ حساب به روشنی تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای را نشان می‌دهد و با همین عنوان نامیده می‌شود. این رقم یک قلم ترازکننده نیست. ***تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای مبلغ مثبت یا منفیِ موجودِ واحد یا بخش نهادی برای تحصیل دارائی‌های مالی و غیرمالی را نشان می‌دهد.***

تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی

۱۰-۲۲ سمت راست حساب سرمایه نشان می‌دهد که چه میزان از تغییرات ارزش ویژه ناشی از پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای برای تحصیل دارائی‌های غیرمالی بکار می‌رود و چه میزان باقی می‌ماند که با تحصیل دارائی‌های مالی یا بدهی‌ها در حساب سرمایه توضیح داده شود. منابعی که از واگذاری دارائی‌های موجود بدست می‌آید نیز به صورت اقلام ورودی منفی در سمت راست حساب نشان داده می‌شوند. همانند خرید و فروش دارائی‌ها، دارائی‌های غیر مالی تحصیل شده (یا واگذار شده) از طریق معامله پایاپای یا از طریق تولید برای خود مصرفی نیز در اینجا منظور می‌شود.

۱۰-۲۳ در حساب سرمایه سه سرفصل برای تغییر خالص ارزش دارائی‌های غیرمالی نشان داده می‌شود:

الف. تشکیل سرمایه ناخالص؛

ب. مصرف سرمایه ثابت؛

پ. تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی.

نحوه برخورد پیشنهاد شده برای هریک از این سه مقوله‌ی تغییر در دارائی‌ها در بخش‌های بعدی این فصل توضیح داده شده است.

۱۰-۲۴ ***تشکیل سرمایه‌ی ناخالص، تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید شده برای مقاصد تشکیل سرمایه‌ی ثابت، موجودی انبار یا اشیاء گرانبها را نشان می‌دهد.*** این امکان وجود دارد (اگرچه معمول نیست) که تشکیل سرمایه ناخالص یک واحد یا بخش نهادی منفرد منفی شود و این در صورتی است که به اندازه کافی از دارائی‌های موجود خود به سایر واحدها یا بخش‌های نهادی بفروشد.

۱۰-۲۵ ***مصرف سرمایه ثابت عبارت است از کاهش ارزش جاری موجودی سرمایه‌ی ثابتِ متعلق به یک تولیدکننده و استفاده شده توسط او در اثر زوال فیزیکی، از مد افتادگی عادی و یا خسارت اتفاقی عادی در طول دوره حسابداری است.*** وقتی خالص پس‌انداز قلم ترازکننده‌ی منتقل شده از حساب مصرف درآمد است، حاکی از این واقعیت است که ارزش ویژه قبلاً به میزان مصرف سرمایه ثابت کاهش یافته است، و این مبلغی است که در دوره‌ی مورد نظر از دارائی‌های ثابت به اندازه آن کاسته شده است. از آنجا که حساب سرمایه برای این منظور طراحی شده است که نشان دهد چگونه ارزش ویژه از طریق تحصیل دارائی‌های غیرمالی اضافه شده است، لازم است این مبلغ از ارزش تحصیل جدید دارائی‌های ثابت کسر شود بنابراین افزوده به موجودی سرمایه دارائی‌های ثابت یک مبلغ خالص است. به این دلیل، مصرف سرمایه ثابت به صورت تغییر منفی در دارائی‌ها در سمت راست حساب سرمایه، ثبت می‌شود.

۱۰-۲۶ اگر اندازه‌گیری مصرف سرمایه ثابت به دلیل کمبود داده‌ها امکان پذیر نباشد، رقم پس‌انداز منتقل شده از حساب مصرف درآمد بالاجبار ناخالص خواهد بود. در این حالت، در حساب سرمایه قلمی برای مصرف سرمایه ثابت وجود نخواهد داشت. اگر بالاجبار مصرف سرمایه ثابت از هردو طرف حساب حذف شود، تأثیری در قلم ترازکننده‌ی این حساب نخواهد گذاشت؛ صرفنظر از این‌که بتوان مصرف سرمایه ثابت را برآورد کرد یا خیر، خالص وام‌دهی یا وام‌گیری را می‌توان به‌صورت باقیمانده

بدست آورد. اما، اگر مصرف سرمایه ثابت برآورد نشود، حساب‌های انباشت تمامی تغییرات بین دو ترازنامه متوالی را ثبت نمی‌کنند.

۱۰-۲۷ قلمی که در سمت راست حساب سرمایه باقی می‌ماند، دارائی‌های غیرمالی تولید نشده را نشان می‌دهد. ارزش کل تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی تولید نشده نیز ممکن است مثبت یا منفی باشد. از آنجا که منابع طبیعی به واحدهائی تعلق دارند که به‌طور واقعی یا به‌طور فرضی مقیم هستند، این قسمت برای کل اقتصاد به‌طور کلی صفر خواهد بود. (زمین خریداری شده توسط یک دولت خارجی برای سفارت یا پایگاه نظامی از این قاعده مستثنی است). اما، ممکن است در قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها یا دارائی‌های بازاریابی تراکنش‌هائی با واحدهای غیرمقیم وجود داشته باشد.

خالص وام‌دهی

۱۰-۲۸ قلم ترازکننده حساب سرمایه یعنی ***خالص وام‌دهی، به عنوان تفاوت بین تغییرات ارزش‌ویژه در اثرِ پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای و خالص تحصیل دارائی‌های غیرمالی (تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی، منهای مصرف سرمایه ثابت) تعریف می‌شود. اگر این مبلغ منفی باشد نشانگر خالص وام‌گیری است.*** این قلم میزان منابع باقیمانده برای مقاصد وام‌دهی یا منابعی که نیاز به وام‌گیری دارند را نشان می‌دهد. حتی اگر منابع مالی عملاً وام داده نشده باشند ولی به صورت نقد یا سپرده بانکی باقی مانده باشند، دارنده‌ی تعهدات طرف مقابل که بوسیله‌ی این دارائی‌های مالی نشان داده شده است عمدتاً از واحد دارنده وجه نقد یا سپرده بانکی وام گرفته است.

۱۰-۲۹ مساوی بودن اقلام ترازکننده حساب سرمایه و حساب مالی، ویژگی مهم این مجموعه حساب‌ها درکل است. آنچه که توسط واحدی وام گرفته می‌شود باید توسط واحد دیگری وام داده شده باشد و برعکس. برابر بودن اقلام ترازکننده از نظر مفهومی چک کنترلی بر سازگاری عددیِ کل این مجموعه حساب‌ها را فراهم می‌کند، هرچند که این دو قلم ترازکننده احتمالاً در عمل به دلیل اشتباهات اندازه‌گیری با یکدیگر اختلاف خواهند داشت.

۱۰-۳۰ به‌طور کلی در SNA، و بویژه در اقلام ترازکننده، پسوند خالص به معنی خارج ساختن مصرف سرمایه ثابت است. برای خالص وام‌دهی این امر صدق نمی‌کند؛ این اصطلاح نشان دهنده‌ی مابه‌التفاوت بین دارائی‌هائی که موجب می‌شوند منابع مالی در دسترس دیگر واحدها قرار گیرند و برداشت از منابع مالی واحدهای دیگر است.

ب. تشکیل سرمایه ناخالص

۱۰-۳۱ تشکیل سرمایه ناخالص از طریق جمع ارزش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، تغییرات موجودی انبار و تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها اندازه‌گیری می‌شود. قبل از بحث درباره جزئیات اقلام ورودی که باید زیر هریک از این عناوین ثبت شوند، لازم است پوشش اقلام و بکارگیری قواعد حسابداری نظیر ارزش‌گذاری، زمان ثبت و تشخیص مالکیت روشن شود.

۱. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

۱۰-۳۲ ***تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از طریق ارزش کل تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های ثابتِ یک تولیدکننده در دوره حسابداری بعلاوه بعضی مخارج مشخص شده در خدماتی که به ارزش دارائی‌های تولید نشده می‌افزاید اندازه‌گیری می‌شود.*** برای اطمینان از پوشش دقیق تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، لازم است ابتدا مشخص شود که چه چیزی تشکیل یک دارائی ثابت را می‌دهد و چه چیزی دارائی ثابت محسوب

نمی‌شود و چه فعالیت‌هائی به عنوان افزاینده‌ی ارزش دارائی‌های تولید نشده تلقی می‌شوند.

حد و مرز دارائی

۱۰-۳۳ تمامی کالاها و خدمات عرضه شده به اقتصاد از طریق تولید، واردات یا واگذاری دارائی‌های تولید شده باید برای صادرات، مصرف (واسطه یا نهائی) یا به عنوان قسمتی از تشکیل سرمایه استفاده شود. خط مرزی بین آن محصولاتی که در اقتصاد باقی می‌مانند و برای مصرف بکار می‌روند و آن محصولاتی که برای تشکیل سرمایه استفاده می‌شوند به عنوان حد و مرز دارائی شناخته می‌شود. ***حد و مرز دارائی برای دارائی‌های ثابت عبارت از کالاها و خدماتی است که برای مدت بیش از یک سال در تولید بکار می‌رود.***

۱۰-۳۴ در ابتدا باید به دو مورد استثناء که خارج از محدوده‌ی دارائی قرار می‌گیرند اشاره شود. اولین استثناء این است که کالاهای بادوام مصرفی دارائی ثابت تلقی نمی‌شوند. خدماتی که این کالاهای بادوام تولید می‌کنند خدمات خانوار هستند که خارج از محدوده تولید تعیین شده در SNA قرار می‌گیرند. برای مثال، اگر ماشین لباسشوئی قرار است به عنوان دارائی ثابت تلقی شود، محدوده تولید باید به حدی گسترش یابد که تمامی خدمات لباسشوئی را، اعم از این که با ماشین انجام شود یا با دست، در بر گیرد. طبق اصل موجود، حد و مرز تولیدِ خدمات شستشوی لباس به خدماتی محدود می‌شود که به واحدهای دیگر ارائه می‌شوند ولی خدماتی که به هردو صورت ماشین و دست، ارائه می‌شوند در بر می‌گیرد. اما واحدهای مسکونی مالک ساکن، کالاهای بادوام مصرفی نیستند ولی در محدوده دارائی منظور می‌شوند. مالکین ساکن در واحد مسکونی به عنوان مالکین بنگاه‌های غیرشرکتی تولیدکننده خدمات مسکن برای خود مصرفی تلقی می‌شوند.

۱۰-۳۵ استثنای دوم بیشتر به ملاحظات عملی مربوط است تا مفهومی و آن نحوه‌ی برخورد با ابزارهای کوچک است. برخی کالاها ممکن است به‌طور مکرر یا مستمر در طول سال‌های متمادی در تولید استفاده شوند ولی با این وجود کوچک و ارزان قیمت بوده و برای انجام کارهای نسبتاً ساده مورد استفاده قرار گیرند. ابزارهای دستی نظیر اره، بیلچه، چاقو، تبر، چکش، پیچ گوشتی،آچار و آچار فرانسه نمونه‌هائی از این قبیل هستند. اگر مخارج این ابزارها نرخ نسبتاً یکنواختی داشته باشد و اگر ارزش آن‌ها در مقایسه با مخارج ماشین‌آلات و تجهیزات پیچیده‌تر ناچیز باشد، این شیوه می‌تواند مناسب باشدکه این ابزارها به عنوان مواد و لوازم مورد استفاده برای مصرف واسطه تلقی شوند. با اینحال بسته به اهمیت نسبی این ابزارها، قدری انعطاف پذیری لازم است. در کشورهائی که این نوع ابزارها قسمت عمده‌ای از ارزش کل موجودی کالاهای بادوام تولیدکنندگان یک صنعت به‌حساب می‌آیند، می‌توان آن‌ها را به عنوان دارائی‌های ثابت در نظر گرفت و تحصیل و واگذاری آن‌ها توسط تولیدکنندگان را زیر سرفصل تشکیل سرمایه ثابت ثبت کرد.

۱۰-۳۶ تمامی کالاهائی که در محدوده دارائی قرار می‌گیرند لزوماً نباید بتازگی تولید شده باشند. از آنجا که دارائی‌ها دارای عمر طولانی هستند، می‌توانند دست بدست بگردند و کارکردشان را به عنوان دارائی‌های ثابت برای مالکین جدید ادامه بدهند. از اینرو، این امر مهم است که تعیین شود دارائی‌های ثابت موجود چه هستند و چگونه آن‌ها را می‌توان به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تلقی کرد.

۱۰-۳۷ همه‌ی خدماتی که در داخل محدوده دارائی‌ها قرار می‌گیرند بسرعت قابل شناسائی نیستند. طبقات مهمی از خدمات به دلیل تأثیری که در ارزش دارائی‌های جدید یا موجود دارند در محدوده دارائی‌ها قرار می‌گیرند. این خدمات، عبارت از بهسازی دارائی‌های موجود و هزینه انتقال مالکیت هستند. این خدمات در سطرهای زیرین بعد از تعریف دارائی‌های ثابت موجود شرح داده خواهد شد.

دارائی‌های ثابت موجود

۱۰-۳۸ از آنجا که دارائی‌ها دارای عمر خدمتی هستند که گستره آن می‌تواند برای واحدهای مسکونی یا سایر سازه‌ها تا ۵۰ سال یا بیشتر هم طول بکشد، ممکن است قبل از این که در نهایت اوراق یا تخریب شوند یا کنار گذاشته شوند، مالکیت آن‌ها به دفعات زیادی تغییر پیدا کند. ***دارائی ثابتِ موجود، دارائی است***

که ارزش آن قبلاً، چه در دوره جاری و چه در دوره‌های حسابداری قبل، در موجودی سرمایه ثابتِ دستکم یک واحد تولید کننده در اقتصاد داخلی منظور شده است. در بسیاری از کشورها، بازارهای سازمان یافته‌ای وجود دارند که خرید و فروش بسیاری از انواع دارائی‌های ثابت موجود بویژه خودروها، کشتی‌ها، هواپیماها، واحدهای مسکونی و سایر سازه‌ها را آسان می‌سازند. درحقیقت، تعداد واحدهای مسکونی خریده شده و فروخته شده در یک دوره زمانی مشخص ممکن است به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از تعداد واحدهای مسکونی جدید باشد. در عمل، بیشتر دارائی‌های ثابت موجود توسط مالکین فعلی خود در تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند، ولی ممکن است کالای سرمایه‌ای موجود قبل از اینکه عملاً مورد استفاده قرار گیرد توسط مالک آن فروخته شود.

۱۰-۳۹ به‌طور کلی، فروش‌ها یا انواع دیگر واگذاری کالاهای موجود، اعم از این که دارائی ثابت باشند یا خیر، به صورت مخارج منفی یا تحصیل منفی ثبت می‌شوند. از اینرو، هنگامی که مالکیت یک دارائی ثابت موجود از یک تولید کننده مقیم به تولید کننده مقیم دیگر انتقال داده می‌شود، ارزش دارائی فروخته شده، به صورت پایاپای معامله شده، یا به صورت انتقالات ارائه شده، به عنوان تشکیل سرمایه ثابت منفی تولید کننده اول و به عنوان تشکیل سرمایه ثابت مثبت توسط تولید کننده‌ی دوم ثبت می‌شود. ارزش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص مثبت که برای خریدار ثبت می‌شود به اندازه ارزش هزینه‌های انتقال مالکیت متحمل شده توسط خریدار از ارزش تشکیل سرمایه ثابت منفی برای فروشنده بیشتر است. نحوه برخورد با این هزینه‌ها با تفصیل بیشتر در بخش بعد توضیح داده شده است.

۱۰-۴۰ هنگامی که بین دو تولیدکننده‌ی مقیم معامله‌ی فروش انجام می‌گیرد، ارقام مثبت و منفی ثبت شده برای تشکیل سرمایه ثابت در کل اقتصاد بجز هزینه‌های انتقال مالکیت با یکدیگر حذف می‌شوند. اگر به‌طور مشابه یک دارائی ثابت غیرمتحرک موجود در اقتصاد، نظیر ساختمان، به یک واحد غیرمقیم فروخته شود، طبق قرارداد، این‌طور در نظر گرفته می‌شود که واحد دوم یک دارائی مالی یعنی سهام یک واحد فرضی مقیم را خریداری کرده است و فرض می‌شود که واحد مقیم فرضی این دارائی را خریداری کرده است، به‌طوری که خرید و فروش دارائی بین واحدهای مقیم صورت گرفته است. اما اگر یک دارائی ثابت متحرک نظیر یک کشتی یا هواپیما صادر شود، تشکیل سرمایه ثابت مثبتی در جای دیگرِ اقتصاد داخلی ثبت نمی‌شود تا تشکیل سرمایه ثابت منفی فروشنده را خنثی کند.

۱۰-۴۱ برخی از کالاهای بادوام، نظیر وسایل نقلیه، را می‌توان باتوجه به مالک آن و برحسب هدفی که این کالاها برای آن استفاده می‌شوند، به عنوان دارائی ثابت یا به عنوان کالای بادوام مصرفی طبقه بندی کرد. بنابراین، اگر مالکیت چنین کالائی از یک بنگاه به یک خانوار منتقل شود تا برای مصرف نهائی آن خانوار استفاده شود، برای بنگاه به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منفی و برای خانوار به عنوان مخارج مصرف نهائی مثبت ثبت می‌شود. اگر وسیله نقلیه‌ی متعلق به خانواری توسط یک بنگاه تحصیل شود، این وسیله‌ی نقلیه باید توسط بنگاه به عنوان تحصیل یک دارائی ثابت "جدید"، حتی اگر یک کالای موجود باشد، و برای خانوار به عنوان مخارج مصرفی منفی ثبت شود. در مورد واردات محصولات مستعملی که توسط تولیدکنندگان مقیم به عنوان دارائی تحصیل می‌شوند نیز به شیوه‌ای مشابه عمل می‌شود.

۱۰-۴۲ از اینرو، کاملاً امکان پذیر است که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در اثر فروش یا واگذاری دارائی‌های موجود منفی شود، گرچه منفی شدن هم‌افزوده‌ی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برای گروه‌های بزرگی از واحدها، نظیر زیربخش‌ها، بخش‌ها یا کل اقتصاد، بعید است.

بهسازی دارائی‌های موجود

۱۰-۴۳ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ممکن است به شکل بهسازی دارائی‌های موجود، نظیر بناها و نرم‌افزارهای کامپیوتری، صورت گیرد به‌طوری که ظرفیت تولیدی یا عمر خدمت آن‌ها را گسترش دهد، یا هردوی آن‌ها را محقق سازد. طبق تعریف، این تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منجر به ایجاد یک دارائی جدید نمی‌شود که بتوان آن را به‌طور جداگانه تعیین و ارزش‌گذاری کرد، ولی منجر به افزایش ارزش دارائی‌های

بهسازی شده می‌شود. بر این اساس، این دارائی بهسازی شده است که از این پس به SNA مربوط می‌شود و بعداً باید برای آن مصرف سرمایه ثابت محاسبه شود.

۱۰-۴۴ برای بهسازی زمینی که در وضعیت طبیعی قرار دارد شیوه متفاوتی بکار می‌رود. در این حالت، بهسازی به عنوان ایجاد یک دارائی ثابت جدید تلقی می‌شود و به این صورت در نظر گرفته نمی‌شود که منجر به افزایش ارزش منابع طبیعی شده است. اگر زمینی که یک بار بهسازی شده است بهسازی بیشتری روی آن انجام شود، در این صورت شیوه عادی بهسازی دارائی‌های موجود در مورد آن بکار می‌رود.

۱۰-۴۵ تفاوت بین تعمیر و نگه‌داری عادی که مصرف واسطه تلقی می‌شود و تعمیراتی که به عنوان تشکیل سرمایه در نظر گرفته می‌شوند به اندازه کافی روشن نیست. همان طور که در پاراگراف‌های ۶-۲۲۶ الی ۶-۲۲۹ توضیح داده شد، تعمیر و نگه‌داری عادی با دو ویژگی زیر مشخص می‌شود:

الف. تعمیر و نگه‌داری عادی شامل فعالیت‌هائی است که لازم است به‌طور منظم انجام گیرد تا یک دارائی ثابت در طول عمر خدمت مورد انتظار آن در شرایط مناسب کاری نگه‌داشته شود. اگر قرار باشد استفاده از آن دارائی در تولید ادامه یابد، مالک یا استفاده کننده آن چاره‌ای غیر از انجام دادن تعمیر و نگه‌داری عادی ندارد؛

ب. تعیمر و نگه‌داری عادی کارائی، ظرفیت تولیدی یا عمر خدمت مورد انتظار دارائی ثابت را تغییر نمی‌دهد. این فعالیت‌ها فقط دارائی را در شرایط خوبِ کاری نگه میدارند؛ در صورت لزوم، قطعات خراب شده با قطعات جدید از همان گونه جایگزین می‌شود.

۱۰-۴۶ از سوی دیگر، بهسازی دارائی‌های ثابت موجود که تشکیل سرمایه ثابت ایجاد می‌کنند باید فراتر از نیازهای تعمیر و نگه‌داری عادی باشند. این فعالیت‌ها باید منجر به تغییرات قابل ملاحظه‌ای در برخی از ویژگی‌های دارائی‌های موجود شوند. آن‌ها را می‌توان با خصوصیات زیر تشخیص داد:

الف. تصمیم برای نوسازی، بازسازی یا گسترش یک دارائی ثابت یک تصمیم سرمایه‌گذاری حساب شده است که ممکن است در هر زمانی اتخاذ شود، حتی هنگامی که کالای مورد بحث در شرایط خوب کاری قرار دارد و نیاز به تعمیر ندارد. نوسازی عمده‌ی کشتی‌ها، بناها یا سایر سازه‌ها هر چند وقت یکبار قبل از پایان عمر خدمت عادی آن‌ها انجام می‌شود؛

ب. نوسازی‌های عمده، بازسازی‌ها یا گسترش‌ها، کارائی یا ظرفیت تولیدیِ دارائی‌های موجود را افزایش می‌دهند یا به‌طور قابل ملاحظه‌ای به عمر خدمت مورد انتظار قبلی آن‌ها اضافه می‌کنند، یا هردو را تحقق می‌بخشند. گسترش یا اضافه کردن یک بنا یا سازه‌ی موجود یک تغییر عمده در این جهت ایجاد می‌کند، همان‌طور که دو باره آماده کار کردن یا تجدید ساختار داخلی بنا یا کشتی یا گسترش عمده یا اضافه کردن یک سیستم نرم افزاری موجود نیز یک تغییر عمده ایجاد می‌کند.

۱۰-۴۷ این امر که معیارهای عینی ساده‌ای برای تشخیص بهسازی‌ها از تعمیرات ارائه شود مشکل است زیرا هر تعمیری را می‌توان گفت که کارائی عملکرد دارائی تعمیر نشده را بهبود می‌بخشد یا عمر کاری آن را اضافه می‌کند. برای مثال، ممکن است ماشین‌الات به علت نقص یک قطعه‌ی کوچک بکلی از کار بیافتد. اما عوض کردن این قطعه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ایجاد نمی‌کند. از اینرو، بهسازی‌ها باید یا از طریق اندازه‌ی بزرگی تغییرات ایجاد شده در ویژگی‌های دارائی‌های ثابت نظیر اندازه، کارائی، ظرفیت، یا عمر خدمت مورد انتظار تشخیص داده شوند، یا از این طریق که بهسازی‌ها از نوع تغییراتی نیستند که به‌طور مرتب به عنوان قسمتی از برنامه‌های تعمیر و نگه‌داری عادی در سایر دارائی‌های ثابت از همان نوع مشاهده می‌شوند.

هزینه‌های متقبل شده برای تحصیل و واگذاری دارائی‌ها

۱۰-۴۸ خرید یک دارائی ثابت اغلب روند پیچیده‌ای دارد که در آن ممکن است برای تنظیم سند مالکیت قانونیِ دارائی از وکلا استفاده شود، برای تأئید این که دارائی در شرایط کاری رضایتبخشی است از مهندسین استفاده شود و امثال این‌ها. همچنین ممکن است مالیات‌هائی وجود داشته باشد که باید هنگام تغییر مالکیت آن دارائی پرداخت شود. علاوه براین، در مورد ماشین‌آلات بسیار پیچیده ممکن است هزینه‌های هنگفتی مربوط به حمل و نقل و نصب آن‌ها که در قیمت خرید منظور نشده است، وجود داشته باشد.

۱۰-۴۹ منافعی که قرار است با استفاده از دارائی در تولید بدست آید باید این هزینه‌ها و نیز قیمت اولیه دارائی را پوشش دهد. هزینه‌های متحمل شده برای تحصیل یک دارائی، به عنوان بخش جدائی ناپذیر ارزش تشکیل سرمایه آن واحد تلقی می‌شود. بنابراین ارزشی که با آن دارائی وارد ترازنامه مالک جدید می‌شود این هزینه‌ها را در بر دارد. این اصل برای هردوی دارائی‌های جدید و موجود به‌کار می‌رود.

۱۰-۵۰ همان‌طورکه برای تحصیل یک دارائی ممکن است هزینه‌های متحمل شده‌ای وجود داشته باشد، واگذاری یک دارائی نیز می‌تواند هزینه‌هائی را به‌همراه داشته باشد. برخی از این هزینه‌ها، نظیر حق‌الزحمه‌های حقوقی و هزینه‌های برچیدن ماشین‌آلات، می‌تواند با هزینه‌های متحمل شده برای تحصیل دارائی‌ها موازی باشد. اما، بعضی دارائی‌های بسیار بزرگ و مهم، نظیر چاه‌های نفت و نیروگاه‌های هسته‌ای، ممکن است هنگام انهدام دارائی در انتهای عمر مولد آن هزینه‌های عمده‌ای همراه داشته باشد. برای بعضی سایت‌های زمین نظیر زمین‌هائی که برای دفن زباله بکار می‌رود ممکن است هزینه‌های هنگفتی همراه با احیای زمین وجود داشته باشد. این هزینه‌ها به‌طور جمعی هزینه‌های پایانی (کنارگذاری) گفته می‌شوند.

۱۰-۵۱ تمامی هزینه‌های همراه با تحصیل و واگذاری دارائی‌ها را می‌توان به عنوان هزینه‌های انتقال مالکیت نامید. **هزینه‌های انتقال مالکیت از انواع اقلام زیر تشکیل یافته‌اند:**

الف. ***تمامی حق‌الزحمه‌ها یا کمیسیون‌های حرفه‌ای متحمل شده توسط هردوی واحدهای تحصیل کننده یا واگذار کننده دارائی، نظیر حق‌الزحمه‌ی پرداختی به وکلا، آرشیتکت‌ها، نقشه برداران، مهندسین و قیمت گذاران، و کمیسیون‌های پرداختی به کارگزاران معاملات ملکی و دلالان مزایده؛***

ب. ***همه‌ی هزینه‌های بازرگانی و حمل و نقلی که جداگانه برای خریدار صورت حساب شده باشد؛***

پ. ***همه‌ی مالیات‌های پرداختنی برای انتقال مالکیت دارائی توسط واحد تحصیل کننده دارائی؛***

ت. ***هرگونه مالیات پرداختنی برای واگذاری دارائی؛***

ث. ***هرگونه هزینه‌های تحویل و نصب یا برچیدن که در قیمت دارائی تحصیل شده یا واگذار شده منظور نشده باشد؛ و***

ج. ***هرگونه هزینه‌های پایانی در انتهای عمر دارائی، نظیر هزینه‌های مورد نیاز برای ایمن سازی سازه یا بازیابی محیط زیستی که در آن مستقر است.***

۱۰-۵۲ تمامی هزینه‌های انتقال مالکیت، از این نوع، تشکیل سرمایه ثابت محسوب می‌شوند. این هزینه‌ها به خریدار یا به فروشنده دارائی، برحسب اینکه کدام یک مسئولیت تقبل آن‌ها را داشته باشند، نسبت داده می‌شود. زمان ثبت این نوع هزینه‌ها در سطرهای زیرین مورد بحث قرار گرفته است. این هزینه‌ها در طول دوره‌ای که انتظار می‌رود دارائی در اختیار مالک جدید باشد از طریق مصرف سرمایه ثابت مستهلک می‌شود (از ارزش آن به اندازه مصرف سرمایه ثابت بتدیج کاسته می‌شود، مترجم)، بجز هزینه‌های پایانی که، همان‌طور که در بخش مربوط به مصرف سرمایه ثابت بحث شد، باید در طول تمام عمر دارائی مستهلک شود.

زمان ثبت

۱۰-۵۳ اصل کلی برای زمان ثبت تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های ثابت هنگامی است که مالکیت دارائی‌های ثابت به آن واحد نهادی که در نظر دارد آن را برای تولید استفاده کند منتقل شود. به استثنای دو مورد خاص، این زمان به‌طور کلی زمانی نیست که دارائی‌های ثابت تولید می‌شوند. همچنین لزوماً زمانی نیست که دارائی‌های ثابت برای استفاده در تولید کالاها و خدمات دیگر قرار داده می‌شوند.

۱۰-۵۴ دو مورد استثناء در این زمینه مربوط به دارائی‌هائی، نظیر پروژه‌های ساختمانی و برخی از منابع زیستی پرورشی است که تولید آن‌ها مدت زمانی طول می‌کشد. به‌طور کلی، پروژه‌های ساختمانی تکمیل نشده و جانوران نابالغ و کشت‌های نارس به عنوان کالای در جریان ساخت تلقی می‌شوند. این دارائی‌ها هنگامی که تکمیل می‌شوند و به واحدی که در نظر دارد از آن‌ها به عنوان دارائی‌های ثابت استفاده کند تحویل داده می‌شوند، از موجودی انبار به سرمایه ثابت بازطبقه بندی می‌شوند. اما، هنگامی که دارائی‌ها به حساب خود تولید می‌شوند، محصولات نیم ساخته با پیشرفت کار، به‌صورت کار انجام شده به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ثبت می‌شوند.

۱۰-۵۵ هنگامی که دارائی‌ها تحت یک قرارداد فروش ایجاد می‌شوند، تولیدکننده کار در جریان ساخت را به‌طور عادی ثبت می‌کند ولی هنگامی که پرداخت‌ها مرحله به مرحله انجام می‌شود، این پرداخت‌ها به عنوان خرید (قسمتی از) دارائی ثابت یا اگر ارزش پرداخت مرحله‌ای بیشتر از ارزش کار انجام شده باشد به عنوان پیش خرید معامله در نظر گرفته می‌شوند. در حالت دوم، با پیشرفت کار ارزش آن به عنوان سرمایه ثابت تحویل داده شده به مالک نهائی ثبت می‌شود تا هنگامی که اعتبار معامله کاملاً استفاده شود. اگر قرارداد از پیش توافق شده‌ی فروش وجود نداشته باشد، ستانده تولید شده توسط بنگاه باید به عنوان کار در جریان ساخت یا در صورت تکمیل محصول به عنوان افزوده بر موجودی انبار کالاهای تکمیل شده ثبت شود. به عنوان مثال، واحدهای مسکونی تکمیل شده که برای مقاصد سوداگرانه ساخته می‌شوند، به موجودی انبار کالاهای تکمیل شده‌ی تولیدکنندگان اضافه می‌شوند تا زمانی که فروخته شوند یا به شیوه دیگری توسط استفاده کنندگان تحصیل شوند.

مالکیت دارائی‌ها

۱۰-۵۶ در بیشتر موارد، مالکیت دارائی‌های ثابت سرراست است؛ مالک یک دارائی ثابت، واحدی است که آن را برای استفاده در تولید تحصیل می‌کند. ولی، سه استثناء در این مورد وجود دارد که لازم است به آن‌ها اشاره شود. یکی مربوط به دارائی‌هائی است که موضوع یک اجاره‌ی مالی (اعتباری) هستند؛ دومی مربوط به دارائی‌های تولید شده بوسیله‌ی کار اجتماعی (مشترک) است؛ سومی مربوط به دارائی‌های غیرمتحرک متعلق به غیرمقیم‌ها است.

۱۰-۵۷ اجاره‌ی مالی (اعتباری) قراردادی بین اجاره دهنده و اجاره کننده است که به‌موجب آن اجاره دهنده طبق قانون، مالک کالا است ولی شرایط اجاره داری به نحوی است که اجاره کننده هردوی ریسک‌ها و پاداش‌های استفاده از دارائی در تولید را می‌پذیرد. بنابراین، در حقیقت، اجاره کننده مالک اقتصادی دارائی بحساب می‌آید حتی اگر اجاره دهنده مالک قانونی آن باقی بماند. این دارائی طوری ثبت می‌شود که اجاره کننده آن را با وام دریافتی از اجاره دهنده تحصیل کرده است. در این صورت، دارائی مورد نظر در ترازنامه‌ی اجاره کننده و نه اجاره دهنده ثبت می‌شود. این‌طور برخورد می‌شود که پرداخت‌های مربوط به توافق اجاره‌ی مالی (اعتباری) از بازپرداخت اصل وام، بهره پرداختی و احتمالاً کارمزد خدمات آن تشکیل شده‌اند. جزئیات بیشتر این قراردادها در فصل ۱۷ ارائه شده است.

۱۰-۵۸ بعضی سازه‌ها ممکن است توسط گروه‌هائی از خانوارها برای استفاده مشترک آن‌ها تولید شوند: مانند بناها، جاده‌ها، پل‌ها و غیره. بعد از اتمام این سازه‌ها، ممکن است مالکیت آن‌ها به یک واحد دولتی که مسئولیت نگه‌داری آن را بپذیرد منتقل شود. وقتی این انتقال انجام شود، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بحساب خود که در ابتدا به گروه خانوارها منتسب

شده بود، با تشکیل سرمایه ثابت منفی آن‌ها که در اثر انتقالات سرمایه‌ای غیرنقدی پرداخت شده به واحد دولتی بوجود آمده است، حذف می‌شود. تشکیل سرمایه ثابت نهائی که باقی می‌ماند متعلق به واحد دولتی است که از تحصیل دارائی توسط واحد دولتی از طریق انتقالات سرمایه‌ای غیر نقدی حاصل شده است. اگر چنین انتقالی انجام نشود و این سازه به صورت دارائی مشترک گروه خانوارهای مسئول ساخت آن باقی بماند، باید یک NPISH که خدمات جمعی ارائه می‌دهد ایجاد شود.

۱۰-۵۹ در تعیین مالکیت مربوط به دارائی‌های ساخته شده براساس طرح تأمین مالی خصوصی (PFI) که گاهی اوقات مشارکت عمومی و خصوصی (PPP) نیز گفته می‌شود یا براساس طرح احداث، تملک، بهره‌برداری، انتقال مالکیت (BOOT) یا اصطلاحات اختصاری مشابه دیگر باید دقت بیشتری بعمل آید. این طرح‌ها در زمان نوشتن آن‌ها زیر بررسی موشکافانه حسابداری قرار می‌گیرند. دستورالعمل در باره این که براساس این طرح‌ها مالکیت چگونه منتسب شود، در فصل ۲۲ توضیح داده شده است.

۱۰-۶۰ طبق قرارداد، این‌طور فرض می‌شود که تمامی بناها و سازه‌های دیگر در داخل سرزمین اقتصادی به واحدهای مقیم تعلق دارند. اگر مالک اقتصادی آن (یا اجاره کننده در اجاره‌ی مالی) از این پس شرایط یک واحد مقیم را نداشته باشد، یک واحد مقیم فرضی برای این منظور ایجاد می‌شود. فرض می‌شود که این واحد مقیم فرضی آن بنا یا سازه را خریداری (یا اجاره) کرده است. همچنین فرض می‌شود که مالک قانونی (یا اجاره دهنده) معادل دارائی مورد نظر صاحب سهام واحد مقیم فرضی خواهد بود. اگر قسمتی از یک بنا یا سازه متعلق به یک واحد مقیم و قسمتی متعلق به یک یا چند واحد غیرمقیم باشد، یک واحد مقیم فرضی وجود خواهد داشت که هریک از مالکین به نسبت سهام خود در واحد مقیم فرضی شریک خواهند بود.

ارزش‌گذاری

۱۰-۶۱ اجزای مختلف تحصیل و واگذاری دارائی‌های ثابت به شرح زیر است:

الف. ارزش دارائی‌های ثابت خریداری شده؛

ب. ارزش دارائی‌های ثابت تحصیل شده از طریق معامله پایاپای؛

پ. ارزش دارائی‌های ثابت دریافت شده به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی؛

ت. ارزش دارائی‌های ثابتی که توسط تولید کننده برای مصرف خود نگه‌داشته می‌شوند، از جمله ارزش دارائی‌های ثابت تولید شده بحساب خود که هنوز تکمیل نشده یا به‌طور کامل رشد نیافته‌اند؛

منهای

ث. ارزش دارائی‌های موجود فروخته شد؛

ج. ارزش دارائی‌های ثابت موجود واگذار شده در معامله پایاپای،

چ. ارزش دارائی‌های ثابت واگذار شده به عنوان انتقالات سرمایه‌ای غیرنقدی.

اقلام (الف) تا (ت) دارائی‌های جدید، دارائی‌های موجود، ارزش بهسازی دارائی‌ها و هزینه انتقال مالکیت در رابطه با این دارائی‌ها را در بر می‌گیرد. اقلام (ث)، (ج) و (چ) واگذاری دارائی‌هائی را در بر می‌گیرند که حذف می‌شوند تا توسط مالکین جدیدشان به عنوان دارائی ثابت استفاده شوند: برای مثال، وسایل نقلیه فروخته شده توسط بنگاه‌ها به خانوارها برای استفاده شخصی آن‌ها، دارائی‌هائی که توسط مالکین جدید آن‌ها اوراق یا تخریب شده‌اند و دارائی‌هائی که به خارج صادر شده‌اند.

۱۰-۶۲ دارائی‌های ثابت تحصیل شده از طریق پایاپای به قیمت‌های خریدار برآورد شده بعلاوه تمام هزینه‌های انتقال مالکیت، ارزش‌گذاری می‌شوند. در عمل ممکن است مالیات بر محصول و هزینه‌های حمل و نقل، هیچکدام، به آن اعمال نشود، که در این صورت قیمت‌های خریدار با قیمت‌های پایه آن محصول فرقی نخواهد داشت. دارائی‌های ثابت تولید شده برای تشکیل سرمایه خود یا دارائی‌های واگذار شده به صورت انتقالات غیرنقدی به قیمت‌های پایه برآورد شده آن‌ها ارزش گذاری می‌شوند، اگر نتوان برآوردهای رضایت بخشی از قیمت‌های پایه بدست آورد از طریق هزینه‌های تولید آن‌ها ارزش گذاری می‌شوند.

۱۰-۶۳ در مورد دارائی‌های تولید شده از طریق ساخت و ساز اجتماعی توسط جامعه خانوارها، باید ملاحظات ویژه‌ای به‌کار رود. اگر قرار است ارزش دارائی بر اساس هزینه‌های تولید برآورد شود و اگر تعدادی از نیروی کار یا تمامی آن به‌طور رایگان ارائه می‌شود، که می‌تواند این‌گونه باشد، باید برآوردی از هزینه‌ی پرداخت نیروی کار در کل هزینه‌های تولید منظور شود که این هزینه باید با استفاده از نرخ دستمزدهای انواع مشابه نیروی کار در آن منطقه یا مجاور آن منطقه برآورد شود. در غیراین صورت، ارزش سازه‌ی تکمیل شده به‌طور جدی دارای کم برآوردی خواهد بود. ولی این برآورد به عنوان جبران خدمات کارکنان تلقی نمی‌شود بلکه به عنوان درآمد مختلط ناخالص در نظر گرفته می‌شود. این درآمد به خانوارهای مربوطه تعلق می‌گیرد، که فرض بر این است بعداً آن را برای "خرید" ساختمان نهائی بکار می‌برند. اگر این ساختمان سپس به دولت واگذار شود، توسط جامعه‌ی سازنده یک تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منفی ثبت خواهد شد که ثبت قبلی تحصیل دارائی آن‌ها را خنثی خواهد کرد و همچنین توسط دولت یک تشکیل سرمایه ثابت ناخالص مثبت، همراه با انتقالات سرمایه‌ای ارزش ساختمان از جامعه سازنده به دولت ثبت خواهد شد.

تراکنش‌های دارائی‌های ثابت

۱۰-۶۴ ***تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در رده‌ی خاصی از دارائی‌های ثابت عبارت از ارزش تحصیل محصولات جدید و موجود این نوع دارائی توسط تولیدکنندگان منهای ارزش واگذاری همان نوع دارائی توسط آن‌ها است.*** تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تا زمان انتقال مالکیت دارائی ثابت به واحدی که قصد استفاده از آن را در تولید دارد، ثبت نمی‌شود مگر این که دارائی براساس قرارداد از پیش توافق شده‌ای ساخته شود. از اینرو، دارائی‌های جدیدی که هنوز فروخته نشده‌اند قسمتی از افزوده شده‌ها به موجودی انبار کالاهای تکمیل شده توسط تولیدکننده‌ی دارائی را تشکیل می‌دهند. به‌طور مشابه، محصول وارد شده از خارج تا زمانی که توسط واحدی که قصد استفاده از آن را دارد تحصیل نشود، به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ثبت نمی‌شود.

۱۰-۶۵ جدول ۱۰-۲ که تغییرات طرف دارائی‌های جدول ۱۰-۱ را نشان می‌دهد گسترش یافته است تا اقلام ورودی برای تراکنش‌های دارائی‌های ثابت را نشان دهد. لازم است توجه شود که SNA توصیه می‌کند در مواقعی که جدا سازی داده‌ها تحلیل مفیدی را ارائه می‌دهد، تحصیل رده‌های خاصی از دارائی‌ها جدا از واگذاری آن‌ها نشان داده شود.

۱۰-۶۶ در ارائه حساب سرمایه، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص معمولاً برحسب نوع دارائی که اصول حسابداری پاراگراف آخر به نوبه خود برای هریک از رده‌های دارائی ثابت اعمال شده باشد، نشان داده می‌شود. جدول ۱۰-۲ همچنین شامل طبقه بندی به‌کار رفته در SNA برای دارائی‌های ثابت را نیز منظور می‌کند. هریک از رده‌های اصلی دارائی‌های ثابت به‌ترتیب در سطرهای زیرین تعریف و شرح داده شده است.

۱۰-۶۷ در SNA، به‌طور رسمی بین دارائی‌های ملموس و ناملموس تقسیم‌بندی وجود ندارد. ولی می‌توان رده‌های واحدهای مسکونی، سایر بناها و سازه‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات، سیستم‌های تسلیحاتی و منابع زیستی پرورشی را با دارائی‌های ملموس و سایر رده‌ها را با دارائی‌های ناملموس متناظر در نظر گرفت.

واحدهای مسکونی

۱۰-۶۸ ***واحد مسکونی، بنا یا قسمتی از بنا است که به‌طور کامل یا به‌طور عمده به عنوان محل سکونت استفاده می‌شود، سازه‌های مرتبط با آن، نظیر پارکینگ، و همه لوازم جانبی دائمی که نصب آن‌ها در محل سکونت مرسوم است نیز در این رده قرار می‌گیرند.*** خانه‌های قایقی، شناورهای (بارج‌های، مترجم) سکونتی، خانه‌های متحرک و کاراوان‌ها که عمدتاً به عنوان محل سکونت اصلی خانوارها استفاده می‌شوند نیز در این رده قرار می‌گیرند، همچنین بناهای یادبودی که عمدتاً به عنوان محل مسکونی تشخیص داده شده باشند نیز در اینجا منظور می‌شوند.

۱۰-۶۹ مثال‌هائی در این زمینه، محصولاتی هستند که در CPC 2 طبقه ۵۳۱۱، بناهای مسکونی و قسمتی از CPC 2، گروه ۳۸۷ قرار می‌گیرند. طبقه ۵۳۱۱ شامل بناهای مسکونیِ تک واحدی و چند واحدی و نیز بناهای مسکونی برای سکونت اجتماعات، خانه‌های سالمندان، خوابگاه‌ها، پرورشگاه‌ها و غیره است. گروه ۳۸۷ شامل بناهای پیش ساخته است، از جمله بناهائی که برای مسکن یا برای بناهای مرتبط با مسکن نظیر پارکینگ در نظر گرفته می‌شوند.

۱۰-۷۰ هزینه‌های تمیزکاری و آماده‌سازی سایت برای ساخت و ساز قسمتی از هزینه‌های واحدهای مسکونی (و سایر بناها و سازه‌های) جدید است و بنابراین در ارزش بناها منظور می‌شوند.

۱۰-۷۱ واحدهای مسکونی ناتمام تا حدی در این رده منظور می‌شوند که این‌طور فرض شود که استفاده کننده نهائی مالکیت آن را تحصیل خواهد کرد، خواه به این دلیل که ساخت و ساز به حساب خود انجام شده است و خواه از طریق وجود قرارداد فروش یا خرید به اثبات رسیده باشد.

۱۰-۷۲ واحدهای مسکونی تحصیل شده برای پرسنل نظامی در این رده منظور می‌شوند زیرا آن‌ها همانند واحدهای مسکونی تحصیل شده توسط واحدهای غیرنظامی، برای تولید خدمات مسکن بکار می‌روند.

سایر بناها و سازه‌ها

۱۰-۷۳ ***سایر بناها وسازه‌ها عبارت از بناهای غیرمسکونی، سایر سازه‌ها و بهسازی‌های زمین است.*** این موارد به‌ترتیب در سطرهای زیرین شرح داده شده است.

بناهای غیرمسکونی

۱۰-۷۴ ***بنای غیرمسکونی متشکل از کل بنا یا قسمتی از بنائی است که به واحد مسکونی اختصاص داده نشده است. لوازم جانبی، تسهیلات و تجهیزاتی که جزء جدائی ناپذیر سازه‌ها هستند نیز در این رده قرار می‌گیرند.*** برای بناهای جدید، هزینه‌های تمیزکاری و آماده سازی سایت نیز منظور می‌شود. بناهای یادبودی که عمدتاً به عنوان بناهای غیرمسکونی شناخته شده‌اند نیز در اینجا منظور می‌شوند.

۱۰-۷۵ مثال در این مورد، طبقه ۵۳۱۲، بناهای غیرمسکونی، در CPC 2/0 است، نظیر انبارها و بناهای صنعتی، بناهای بازرگانی، بناهائی که برای تفریح و سرگرمی عمومی در نظر گرفته شده‌اند، هتل‌ها، رستوران‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، زندان‌ها و غیره. زندان‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها علیرغم این که ممکن است سرپناه خانوارهای مؤسسه‌ای باشند، به عنوان بناهای غیرمسکونی در نظر گرفته می‌شوند.

سایر سازه‌ها

۱۰-۷۶ ***سایر سازه‌ها شامل سازه‌هائی غیر از بناها هستند، که هزینه‌های خیابان‌ها، فاضلاب و غیره را نیز در بر می‌گیرند.*** هزینه‌های پاکسازی و آماده‌سازی نیز در اینجا منظور می‌شوند. بناهای یادبود که امکان شناسائی آن‌ها به عنوان واحدهای مسکونی یا بناهای غیرمسکونی وجود ندارد در اینجا منظور می‌شوند، همچنین چاه‌ها، تونل‌ها و سایر سازه‌های همراه با معدن‌کاوی و انرژی نیز در این مقوله قرار می‌گیرند، و ساخت موج شکن‌ها، آب بندها، سیل بندها و غیره که برای بهبود کیفیت و کمیت زمین‌های مجاور آن‌ها صورت می‌گیرد نیز در اینجا وارد می‌شوند. این مقوله زیر ساخت لازم برای آبزی پروری نظیر مزارع ماهی و بسترهای نرم تنان صدف دار را نیز در بر می‌گیرند.

جدول ۱۰-۲: حساب سرمایه – طبقه بندی دارائی‌های ثابت

تغییرات در دارائی‌ها

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
تشکیل سرمایه ناخالص	۳۰۸	۸	۳۸	۵۵	۵	۴۱۴			۴۱۴
تشکیل سرمایه خالص	۱۵۱	-۴	۱۱	۳۲	۲	۱۹۲			۱۹۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۲۸۰	۸	۳۵	۴۸	۵	۳۷۶			۳۷۶
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های ثابت	۲۶۳	۸	۳۵	۴۸	۵	۳۵۹			۳۵۹
تحصیل دارائی‌های ثابت جدید	۲۶۲	۸	۳۸	۴۵	۵	۳۵۸			۳۵۸
تحصیل دارائی‌های ثابت موجود	۵	۰	۰	۳	۱	۹			۹
واگذاری دارائی‌های ثابت موجود	-۴		-۳	.	-۱	-۸			-۸
هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده	۱۷					۱۷			۱۷
مصرف سرمایه ثابت	-۱۵۷	-۱۲	-۲۷	-۲۳	-۳	-۲۲۲			-۲۲۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برحسب نوع دارائی									
واحدهای مسکونی									
سایر بناها وسازه‌ها									
بناها غیر از واحدهای مسکونی									
سایر سازه‌ها									
بهسازی‌های زمین									
ماشین‌آلات و تجهیزات									
تجهیزات حمل و نقل									
تجهیزات ICT									
سایر ماشین‌آلات و تجهیزات									
سیستم‌های تسلیحاتی									
منابع زیستی پرورشی									
منابع حیوانی با ثمر دهی مکرر									
درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با									
حاصل دهی مکرر									
هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده									
محصولات مالکیت فکری									
تحقیق و توسعه									
اکتشاف و ارزیابی معادن									
نرم افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها									
نرم افزارهای رایانه‌ای									
پایگاه داده‌ها									
نسخه‌های اصلی سرگرمی ادبی یا هنری									
سایر محصولات مالکیت فکری									
تغییرات موجودی انبار	۲۶	۰	۰	۲	۰	۲۸			۲۸
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	۲	۰	۳	۵	۰	۱۰			۱۰
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده	-۷	۰	۲	۴	۱	۰			۰
انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی									
انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی									
خالص وام دهی (+) / خالص وام‌گیری (-)	-۵۶	-۱	-۱۰۳	۱۷۴	-۴	۱۰	-۱۰		۰

۱۰-۷۷ مثال‌های این مورد محصولاتی هستند که در گروه ۵۳۲، کارهای مهندسی عمران، در CPC 2/0 قرار می‌گیرند، نظیر بزرگراه‌ها، خیابان‌ها، جاده‌ها، راه آهن، باند فرودگاه؛ پل‌ها، بزرگراه‌های مرتفع، تونل‌ها و زیرگذرها؛ آبراه‌ها، بنادر، سدها، و سایر کارهای آبی؛ خطوط لوله راه دور، ارتباطات و خطوط انتقال نیرو؛ خطوط لوله و کابل‌های محلی و کارهای فرعی آن‌ها؛ کارهای فرعی؛ ساخت و ساز برای معدن‌کاوی و صنعت ساخت؛ و ساخت و ساز برای اماکن ورزشی و تفریحی.

۱۰-۷۸ ساخت و ساز بناهای یادبود جدید تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بوجود می‌آورند و به‌طور مشابه، بهسازی‌های عمده‌ی بناهای یادبود نیز در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منظور می‌شوند. ***بناهای یادبود عمومی به دلیل اهمیت خاص تاریخی، ملی، منطقه‌ای، محلی، مذهبی یا نمادین آن‌ها قابل تشخیص هستند*** . بازدید از این بناها برای عموم آزاد است، و اغلب برای ورود به بنای یادبود یا فضای آن مبلغی از بازدیدکنندگان دریافت می‌شود. مالکیت آن‌ها می‌تواند متعلق به واحدهای دولتی، نهادهای غیرانتفاعی (NPI)ها، شرکت‌ها یا خانوارهائی باشد که به‌طور معمول آن‌ها را برای تولید خدماتی از نوع فرهنگی یا سرگرمی بکار می‌برند. در اصل، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بناهای یادبود باید در واحدهای مسکونی، بناهای غیرمسکونی و سایر سازه‌ها بسته به‌مورد منظور شوند؛ در عمل، طبقه‌بندی آن‌ها باسایر سازه‌ها مناسب تر است. مصرف سرمایه ثابت بناهای یادبود جدید، یا بهسازی عمده‌ی بناهای یادبود موجود، باید بر اساس فرض عمر خدمتی که به‌اندازه کافی طولانی باشد محاسبه شود.

بهسازی زمین

۱۰-۷۹ ***بهسازی زمین حاصل اقداماتی است که منجر به بهبود عمده در کمیت، کیفیت یا بازدهی زمین می‌شود یا از انهدام آن جلوگیری می‌کند.*** فعالیت‌هائی نظیر پاکسازی زمین، حصار کشی دور زمین، حفر چاه و حفره‌های آبیاری که جزئی از زمین مورد نظر هستند به عنوان نتایج حاصل از بهسازی زمین بشمار می‌آیند. فعالیت‌هائی نظیر ایجاد موج شکن‌ها، آب بندها، سدها و سیستم‌های آبیاری بزرگ که در نزدیکی زمین قرار دارند ولی جزئی از آن زمین نیستند و معمولاً زمین‌های متعلق به چندین مالک را تحت تأثیر قرار می‌دهند و اغلب توسط دولت اجرا می‌شوند، دارائی‌هائی را بوجود می‌آورند که به عنوان سازه طبقه‌بندی می‌شوند.

۱۰-۸۰ بهسازی‌های زمین رده‌ای از دارائی‌های ثابت را نشان می‌دهند که از دارائی تولید نشده زمین به صورتی که قبل از بهسازی وجود داشت متفاوت هستند. زمین پیش از اینکه بهسازی‌ها در آن اثر بگذارند دارائی تولید نشده است و به این ترتیب مشمول منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن است که از تغییرات قیمتی که تحت تأثیر بهسازی‌ها بوجود می‌آید متمایز است. در مواردی که جدا سازی ارزش زمین قبل از بهسازی‌ها و ارزش بهسازی‌هائی که باعث تغییر قیمت شده است امکان پذیر نباشد، این زمین باید به رده‌ای منتسب شود که نشان‌دهنده بیشترین سهم ارزش است.

۱۰-۸۱ هزینه‌های انتقال مالکیت کل زمین باید در بهسازی زمین منظور شوند.

ماشین‌آلات و تجهیزات

۱۰-۸۲ ***ماشین‌آلات و تجهیزات شامل تجهیزات حمل و نقل، ماشین‌آلات برای اطلاعات، تجهیزاتِ ارتباطات و مخابرات (ICT) و سایر ماشین‌آلات و تجهیزات است.*** همان‌طور که در بالا شرح داده شد، ماشین‌آلات و تجهیزات در اجاره‌ی مالی طوری عمل می‌شوند که توسط استفاده کننده (اجاره کننده) و نه اجاره دهنده تحصیل شده‌اند. ابزارهائی که نسبتاً ارزان هستند و با نرخ نسبتاً یکنواختی خریداری می‌شوند، نظیر ابزارهای دستی، از این مقوله کنار گذاشته می‌شوند. همچنین ماشین‌آلات و تجهیزات جدائی ناپذیرِ واحدهای مسکونی و بناهای غیرمسکونی نیز از این مقوله خارج هستند. ماشین‌آلات و تجهیزات بجز سیستم‌های تسلیحاتی تحصیل شده برای مقاصد نظامی، در اینجا منظور می‌شوند؛ سیستم‌های تسلیحاتی رده دیگری را تشکیل می‌دهند.

۱۰-۸۳ ماشین‌آلات و تجهیزاتی نظیر وسایل نقلیه موتوری، مبلمان، تجهیزات آشپزخانه، رایانه‌ها، تجهیزات ارتباطات، و غیره که

توسط خانوارها برای مقاصد مصرف نهائی تحصیل می‌شوند دارائی‌های ثابت نیستند و تحصیل آن‌ها به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تلقی نمی‌شود. اما، خانه‌های قایقی، شناورهای سکونتی، خانه‌های متحرک و کاراوان‌هائی که به عنوان محل سکونت اصلی خانوار استفاده می‌شوند به عنوان واحدهای مسکونی تلقی می‌شوند، به‌طوری که تحصیل آن‌ها توسط خانوارها در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منظور می‌شود.

تجهیزات حمل و نقل

۱۰-۸۴ ***تجهیزات حمل و نقل از تجهیزاتی تشکیل یافته‌اند که برای جابجا کردن مردم و اشیاء مورد استفاده قرار می‌گیرند.*** مثال‌های این مورد محصولات غیر از قطعات منظور شده در قسمت ۴۹، CPC 2/0، تجهیزات حمل و نقل، است، تجهیزاتی نظیر وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها؛ کشتی‌ها، راه آهن و لوکوموتیوهای تراموا و واگن‌های ریلی؛ هواپیما و فضاپیما؛ موتورسیکلت‌ها، دوچرخه‌ها، و غیره.

تجهیزات ICT

۱۰-۸۵ ***تجهیزات اطلاعاتی، رایانه‌ای و مخابراتی (ICT)، از دستگاه‌هائی که از کنترل‌های الکترونیکی استفاده می‌کنند و نیز اجزای الکترونیکی تشکیل دهنده‌ی این دستگاه‌ها تشکیل یافته‌اند.*** محصولات طبقه‌بندی شده در رده‌های ۴۵۲ و ۴۷۲، CPC2/0 مثال‌هائی از این نوع تجهیزات هستند. در عمل، پوشش ICT عمدتاً به سخت‌افزار رایانه‌ای و تجهیزات مخابراتی محدود می‌شود.

سایر ماشین‌آلات و تجهیزات

۱۰-۸۶ ***سایر ماشین‌آلات و تجهیزات از ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر تشکیل یافته‌اند.*** نمونه‌هائی از این رده متشکل از محصولات غیراز قطعات و اقلام مشخص شده در رده‌های دیگر تشکیل سرمایه ثابت طبقه بندی شده در CPC 2/0 در قسمت‌های زیر است، قسمت‌های ۴۳، ماشین‌آلات دارای کاربرد عام؛ ۴۴، ماشین‌آلات دارای کاربرد خاص؛ ۴۵، تجهیزات دفتری، حسابداری و محاسباتی؛ ۴۶، ماشین‌آلات و دستگاه‌های الکترونیکی؛ ۴۷، تجهیزات و دستگاه‌های رادیو، تلویزیون، و ارتباطات؛ و ۴۸، لوازم پزشکی، ابزارهای دقیق و اپتیکی، انواع ساعت. نمونه‌های دیگر در این رده عبارتند از محصولات غیر از قطعات طبقه بندی شده در CPC 2/0 گروه‌های ۳۳۷، عناصر سوخت (کاتریج‌ها) برای رآکتورهای هسته‌ای؛ ۳۸۱، مبلمان؛ ۳۸۳، آلات موسیقی؛ ۳۸۴، کالاهای ورزشی؛ و ۴۲۳، مولد بخار به استثنای دیگ‌های بخار حرارت مرکزی.

سیستم‌های تسلیحاتی

۱۰-۸۷ ***سیستم‌های تسلیحاتی شامل وسایل نقلیه و تجهیزات دیگر نظیر کشتی‌های جنگی، زیردریائی‌ها، هواپیماهای نظامی، تانک‌ها، حامل‌های موشک و پرتاب کننده‌ی آن‌ها و غیره هستند.*** بسیاری از سلاح‌های تک منظوره‌ای که آن‌ها حمل می‌کنند نظیر مهمات، موشک‌ها، راکت‌ها، بمب‌ها و غیره به عنوان موجودی انبارهای نظامی تلقی می‌شوند. ولی، تعدادی اقلام تک منظوره، نظیر برخی انواع موشک‌های بالستیک با قدرت تخریبی بسیار بالا خدمات در حال انجام دفاعی در برابر متجاوزین ارائه می‌دهند و بنابراین دارای ویژگی‌هائی هستند که با معیارهای کلی برای طبقه بندی به عنوان دارائی‌های ثابت همخوانی دارند.

منابع زیستی پرورشی

۱۰-۸۸ ***منابع زیستی پرورشی متشکل از منابع حیوانی دارای ثمردهی مکرر و درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی مکرر هستند که رشد طبیعی و بازآوری آن‌ها تحت کنترل مستقیم، مسئولیت و مدیریت واحدهای نهادی است.***

۱۰-۸۹ به‌طور کلی، هنگامی که تکمیل تولید دارائی‌های ثابت به مدت زمانی طولانی نیاز دارد، دارائی‌هائی که تولید آن‌ها در انتهای دوره حسابداری هنوز پایان نیافته است به عنوان کار در جریان ساخت ثبت می‌شوند. اما، هنگامی که این دارائی‌ها به حساب خود تولید می‌شوند چنین در نظر گرفته می‌شوند که در زمانی که تولید می‌شوند توسط استفاده کنندگان آن‌ها

تحصیل می‌شوند و بنابراین به عنوان کار درجریان ساخت تلقی نمی‌شوند. این اصول کلی به تولید دارائی‌های پرورشی نظیر حیوانات یا درختانی که ممکن است زمانی طول بکشد تا بالغ شوند نیز بکار می‌رود. در این مورد لازم است دو حالت از یکدیگر متمایز شوند: یکی تولید محصولات پرورشی توسط تولیدکنندگان حرفه‌ای، نظیر پرورش دهندگان گل و گیاه و حیوانات و درختکاران، و دیگری تولید به حساب خودِ دارائی‌های پرورش داده شده توسط استفاده کنندگان آن‌ها.

۱۰-۹۰ در حالت تولیدکنندگان حرفه‌ای، حیوانات یا درختانی که تولید آن‌ها هنوز تکمیل نشده و آماده فروش یا تحویل نیستند به عنوان کار در جریان ساخت ثبت می‌شوند. مثال‌های این مورد عبارتند از: اسب‌های مسابقه دو ساله که برای فروش پرورش داده می‌شوند در یک سالگی، یا درختان میوه‌ی جوان که قبل از این که قابل فروش شوند نیاز به رشد بیشتری دارند. این نوع کارهای در جریان ساخت کاملاً مشابه کار در جریان ساخت سایر انواع تولید ثبت و ارزش‌گذاری می‌شوند.

۱۰-۹۱ اما، هنگامی که حیوانات یا درختان قرار است به عنوان دارائی‌های ثابت به‌حساب خود توسط کشاورزان یا دیگران تولید شوند، دارائی‌های تکمیل نشده به شکل حیوانات نابالغ، درختان نارس و غیره که آماده استفاده در تولید نیستند، به عنوان کار درجریان ساخت در نظر گرفته نمی‌شوند بلکه تشکیل سرمایه ثابت به‌حساب خود توسط واحد تولید کننده به عنوان استفاده کننده احتمالی، تلقی می‌شوند.

منابع حیوانی با ثمردهی مکرر

۱۰-۹۲ ***منابع حیوانی با ثمردهی مکرر حیواناتی را پوشش می‌دهند که رشد طبیعی و بازآوری آن‌ها تحت کنترل مستقیم، مسئولیت و مدیریت واحدهای نهادی است.*** آن‌ها شامل حیوانات یا گیاهان برای تکثیر ، دام‌های شیرده، حیوانات بارکش، گوسفندان یا سایر حیوانات مورد استفاده برای پشم آن‌ها و حیوانات مورد استفاده برای حمل و نقل، مسابقه یا سرگرمی هستند. حیوانات پرورش داده شده برای کشتار، از جمله ماکیان، دارائی‌های ثابت نیستند بلکه موجودی انبار به حساب می‌آیند. دارائی‌های پرورشی بالغ نشده مستثنی هستند مگر برای خودمصرفی تولید شده باشند.

۱۰-۹۳ این سرفصل منابع آبزیان دارای ثمردهی مکرر شامل منابع آبزیان نگه‌داری شده برای باززائیِ کنترل شده را در بر می‌گیرد. در تمامی حالت‌ها غیر از موارد استثنائی، این‌ها بسیار ناچیز هستند و می‌توان از آن‌ها صرفنظر کرد مگر دارای اهمیت قابل ملاحظه‌ای باشند.

۱۰-۹۴ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برای چارپایانی که پرورش داده می‌شوند تا محصولاتی را برای چندین سال تولید کنند (دام‌های شیری، حیوانات باربر و غیره) از طریق ارزش تحصیل منهای واگذاری، با در نظر گرفتن نحوه برخورد با چارپایان پرورشی نابالغ که در بالا توضیح داده شد، اندازه‌گیری می‌شوند. بنابراین، تشکیل سرمایه در این رده برابر با کل ارزش تمامی حیوانات بالغ و حیوانات نابالغ تولید شده به‌حساب خود توسط استفاده کننده‌ی چارپایان منهای ارزش واگذاری آن‌ها است. واگذاری‌ها عبارت از حیوانات فروخته شده یا به‌نحو دیگری واگذار شده است، از جمله حیواناتی که برای کشتار فروخته می‌شوند، بعلاوه حیواناتی که توسط صاحبان آن‌ها کشتار می‌شوند. تلفات استثنائی حیوانات در اثر شیوع شدید بیماری، آلودگی، خشکسالی، قحطی، یا سایر بلایای طبیعی در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شوند و به عنوان واگذاری تلقی نمی‌شوند. تلفات اتفاقی حیوانات در اثر مرگ و میر ناشی از حوادث طبیعی، جزئی از مصرف سرمایه ثابت را تشکیل می‌دهند. مصرف سرمایه ثابت هریک از حیوانات از طریق کاهش ارزش آن‌ها در اثر افزایش سن اندازه‌گیری می‌شود.

درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی مکرر

۱۰-۹۵ ***درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی مکرر گیاهانی را پوشش می‌دهند که رشد طبیعی و بازآوری آن‌ها تحت کنترل مستقیم، مسئولیت و مدیریت واحدهای نهادی است.*** آن‌ها شامل درختان پرورشی (از جمله درخت مو و درختچه‌ها) برای میوه و میوه‌های آجیلی، برای شیره و رزین، برای محصولات برگ و پوست درختان است. درختان بالغ

برای چوب که فقط برای یک بار هنگامی که سرانجام قطع می‌شوند محصول تکمیل شده ببار می‌آورند دارائی‌های ثابت نیستند، همچنین غلات و سبزیجات که هنگامی که برداشت می‌شوند فقط یک محصول واحد تولید می‌کنند نمی‌توانند دارائی ثابت تلقی شوند.

۱۰-۹۶ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در مزارع، باغ‌ها و غیره، عبارت از ارزش تحصیل منهای واگذاری درختان بالغ، درختچه‌ها و غیره، از جمله تحصیل درختان بالغ، درختچه‌ها و غیره تولید شده به حساب خود است. همانگونه که در بالا توضیح داده شد، ارزش محصولات تولید شده به‌حساب خود می‌تواند در صورت نیاز با استفاده از ارزش هزینه‌های تولید آن‌ها در طول دوره، تقریب زده شود: به‌عنوان مثال، هزینه‌هائی مانند هزینه‌های آماده سازی زمین، کاشت، حصارکشی، محافظت در برابر آب و هوا یا بیماری، هرس، آموزش و غیره تا هنگامی که درختان به بلوغ برسند و شروع به حاصل دهی کنند. واگذاری‌ها عبارتند از واگذاری درخت‌ها، درختچه‌ها و غیره فروخته شده یا انتقال یافته به سایر واحدها به‌نحو دیگری بعلاوه آن‌هائی که قبل از پایان عمر خدمتشان قطع می‌شوند. همه‌ی ستانده‌ی کشاورزی به بخشندگی آب و هوا بستگی دارد. در ستانده مورد انتظار باید تغییرات عادی در شرایط اقلیمی به‌حساب آورده شود و زیان‌های اتفاقی باید به تجربه گذشته نزدیک محدود شود. واگذاری‌ها زیان‌های استثنائی درختان در اثر خشکسالی یا سایر بلایای طبیعی نظیر تندبادها یا گردبادها را در بر نمی‌گیرند، این‌ها در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شوند.

هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده

۱۰-۹۷ هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده به‌عنوان دارائی‌های تولید شده نشان داده می‌شوند ولی ارزش آن‌ها نمی‌تواند با ارزش دارائی تولید شده دیگری ادغام شود. بنابراین باید به صورت یک رده جداگانه تشکیل سرمایه ثابت نشان داده شود. استثنائی در مورد زمین وجود دارد که هزینه‌های انتقال مالکیت آن طبق قرارداد به عنوان بهسازی زمین تلقی می‌شوند. هزینه‌های انتقال مالکیت در پاراگراف‌های ۱۰-۴۸ الی ۱۰-۵۲ تعریف شده است.

محصولات مالکیت فکری

۱۰-۹۸ مثال‌های محصولات مالکیت فکری عبارت از نتایج تحقیق و توسعه، اکتشاف و ارزیابی معادن، نرم‌افزارهای رایانه‌ای و پایگاه‌های داده، سرگرمی‌ها و نسخه‌های اصلی کارهای ادبی یا هنری است. وجه مشخصه‌ی این محصولات این است که ارزش آن‌ها ناشی از تلاش فکری است. آن‌ها را به‌طور کلی می‌توان به شیوه‌ی زیر بیان کرد. ***محصولات مالکیت فکری، حاصل پژوهش، توسعه، تحقیق یا نوآوری هستند که منجر به دانشی می‌شوند که پژوهشگران می‌توانند آن را در بازار عرضه کنند یا به نفع خود در تولید استفاده کنند زیرا استفاده از این دانش بوسیله قانون یا هر نوع ابزار حمایتی دیگری محدود شده است.*** این دانش می‌تواند به‌صورت یک محصول مستقل ارائه شود یا می‌تواند با محصول دیگری ادغام شود. در حالت دوم محصولی که دانش مورد نظر در آن گنجانیده شده است افزایش قیمتی نسبت به محصول مشابه بدون این دانش خواهد داشت. دانش بدست آمده تا زمانی که استفاده از آن بتواند شکلی از منافع انحصاری را برای صاحب آن ایجاد کند به صورت دارائی باقی می‌ماند. هنگامی که دیگر مورد حمایت قرار نگیرد یا با پدید آمدن پژوهش دیگری تاریخ آن سپری شود، دارائی بودن آن متوقف می‌شود.

۱۰-۹۹ برخی محصولات مالکیت فکری فقط توسط واحدی که مسئولیت پژوهش آن را داشته است یا توسط واحد منفردی که این محصول به آن انتقال داده شده است مورد استفاده قرار می‌گیرد. اکتشاف معادن و ارزیابی آن‌ها مثالی در این مورد است. سایر محصولات، نظیر نرم‌افزارهای رایانه‌ای و نسخه‌های اصلی کارهای هنری، به دو شکل مورد استفاده قرار می‌گیرند. شکل اول نسخه‌های اصلی یا "مستر" است. این اغلب توسط یک واحد منفرد کنترل می‌شود ولی استثناهائی وجود دارد که در سطرهای زیرین توضیح داده شده است. نسخه اصلی برای تهیه‌ی کپی‌هائی از آن که به نوبه خود به واحدهای دیگری عرضه می‌شوند بکار می‌رود.

کپی‌ها ممکن است بدون محدودیت قانونی فروخته شوند یا براساس مجوزی در دسترس قرار داده شوند.

۱۰-۱۰۰ کپی‌هائی که بدون محدودیت قانونی فروخته می‌شوند در صورتی که شرایط لازم را داشته باشند، یعنی برای مدت بیش از یکسال در تولید استفاده شوند، می‌توانند به عنوان دارائی ثابت تلقی شوند. کپی‌هائی که با پروانه‌ی استفاده در دسترس قرار می‌گیرند نیز در صورتی که دارای شرایط لازم باشند، یعنی انتظار استفاده از آن‌ها در تولید برای بیش ازیکسال وجود داشته باشد و دارنده‌ی پروانه تمامی ریسک‌ها و پاداش‌های مالکیت را بپذیرد می‌توانند به عنوان دارائی ثابت تلقی شوند. یک نشانه‌ی خوب برای تشخیص دارائی بودن این کپی‌ها، این است که پروانه‌ی استفاده با پرداخت مبلغ یکجا برای استفاده در طول چندین دوره خریداری شده باشد ولی لزوماً این یک شرط لازم نیست. اگر تحصیل یک کپی با یک پروانه‌ی استفاده‌ای که با پرداخت‌های منظم طی یک قرارداد چند ساله خریداری شده باشد و این طور در نظر گرفته شود که دارنده‌ی پروانه حق مالکیت اقتصادی کپی را تحصیل کرده است، در این صورت باید به عنوان تحصیل یک دارائی در نظر گرفته شود. اگر برای پروانه‌ی استفاده پرداخت‌های منظم بدون قرارداد بلند مدت انجام شود، در این صورت این پرداخت‌ها به عنوان پرداخت برای ارائه یک خدمت تلقی می‌شوند. اگر یک پرداخت هنگفت اولیه با یک سری پرداخت‌های کوچکتر در سال‌های بعدی وجود داشته باشد، پرداخت اولیه به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و پرداخت‌های بعدی به عنوان پرداخت برای ارائه خدمات در نظر گرفته می‌شوند. اگر پروانه‌ی استفاده این اجازه را بدهد که دارنده‌ی پروانه نسخه اصلی را بازتولید کند و درپی آن مسئولیت توزیع، حمایت و نگه‌داری کپی‌ها را بپذیرد، در این صورت از یک پروانه‌ی بازتولید صحبت می‌شود و باید به عنوان فروش تمام یا قسمتی از نسخه‌ی اصلی به واحد دارنده‌ی پروانه‌ی بازتولید عمل شود.

۱۰-۱۰۱ هنگامی که کپی‌ها توسط صاحبانشان به رایگان توزیع می‌شوند، در این صورت در SNA هیچ گونه جریانی بین صاحب کپی و دریافت کننده آن ثبت نمی‌شود. اگر علیرغم این که کپی‌ها به رایگان در دسترس قرار می‌گیرند، صاحب آن‌ها هنوز انتظار کسب منافعی را داشته باشد، در این صورت ارزش حال آن منافع باید در ترازنامه او ثبت شود. این ممکن است موردی باشد که اطلاعاتی که به رایگان توزیع شده است کامل نبوده و صاحب آن قصد داشته باشدکه بعداً این اطلاعات را با جزئیات بیشتری با قیمتی در دسترس قراردهد. نمونه‌ای در این مورد نرم‌افزارهای توزیع شده به رایگان در مرحله آزمون بتا است. در نمونه دیگر، مالک همچنین ممکن است براساس منافعی که برای تولید خود حاصل می‌شود این هزینه‌ها را توجیه کند و ممکن است کپی‌هائی را به قصد بازاریابی، ایجاد سرقفلی یا در مواردی برای ملاحظه قابلیت آن در دسترس قرار دهد.

۱۰-۱۰۲ برای برخی محصولات مالکیت فکری اغلب مواردی پیش می‌آید که بخشی از منافع آن به واحدهائی غیر از مالک آن تعلق می‌گیرد تا حدی که تولید محصول مالکیت فکری دیگری را توسط آن واحدها بر می‌انگیزد. مثال‌هائی از این نوع منافع سرریز ناشی از کشف یک طبقه داروی جدید که منجر به کشف داروهای رقابتی از همان نوع توسط بنگاه‌های دیگر می‌شود، و موفقیت یا شکست اکتشاف معدنی در یک منطقه خاص سایر واحدهای دارای حق اکتشاف در منطقه مجاور را مطلع می‌سازد. این موارد به همان شیوه آثار برون‌ریز در SNA عمل می‌شوند. مگر در مواردی که اثر پولی سنجش‌پذیری برای یک طرف یا هردو طرف وجود داشته باشد، که در اینصورت در SNA چیزی ثبت نمی‌شود. *دستنامه محاسبه سنجه محصولات مالکیت فکری* (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) در حال آماده شدن است.

تحقیق و توسعه

۱۰-۱۰۳ محصولات مالکیت فکری نتایج تحقیق و توسعه (R&D) را در بر می‌گیرد. ***تحقیق و توسعه (تجربی) عبارت از ارزش مخارج کار خلاق انجام شده بر یک مبنای نظام مند است که به منظور افزایش ذخیره‌ی دانش، از جمله دانش انسان، فرهنگ و جامعه، و استفاده از این ذخیره‌ی دانش برای اختراع کاربردهای جدید به عهده گرفته می‌شود. در SNA تحقیق و توسعه تا حدی گسترش نیافته است که سرمایه***

انسانی را به عنوان دارائی در بر گیرد. ارزش تحقیق و توسعه (R&D) باید برحسب منافع اقتصادی که انتظار می‌رود در آینده فراهم کند تعیین شود. این اصل همچنین به ارائه خدمات عمومی در مورد R&D تحصیل شده توسط دولت نیز اعمال می‌شود. در اصل، R&D که برای صاحب آن منفعت اقتصادی ببار نیاورد دارائی ثابت نیست و باید به عنوان مصرف واسطه تلقی شود. غیر از مواردی که ارزش بازاری R&D مستقیماً مشاهده می‌شود، طبق قرارداد، ارزش آن را می‌توان از حاصل جمع هزینه‌های آن که هزینه R&D ناموفق را نیز در بر دارد، همان گونه که در فصل ۶ توضیح داده شد، بدست آورد.

۱۰-۱۰۴ R&D باید به عنوان قسمتی از تشکیل سرمایه شناخته شود. برای دستیابی به این امر، به چند موضوع باید پرداخته شود. این موضوع‌ها شامل محاسبه سنجه‌های تحقیق و توسعه، شاخص‌های قیمت و عمر خدمت آن است. راهنماهای ویژه، همراه با دستنامه‌هائی درباره روش و نحوه اجرا، راهکار مفیدی را فراهم خواهند کرد تا میزان مناسبی از اعتماد در سنجه‌های حاصل را ارائه دهند.

۱۰-۱۰۵ با در نظر گرفتن مخارج R&D به عنوان تشکیل سرمایه، دیگر در SNA حق اختراع به عنوان دارائی نشان داده نمی‌شوند. بجای آن باید توافق‌نامه حق اختراع به عنوان توافق‌نامه قانونی مربوط به شرایطی که دسترسی به R&D داده شده است دیده شود. توافق نامه حق اختراع شکلی از پروانه استفاده است که این‌طور در نظر گرفته می‌شود که این توافق‌نامه به پرداخت‌هائی برای ارائه خدمات یا به پرداخت‌هائی برای تحصیل یک دارائی می‌انجامد.

اکتشاف و ارزیابی معادن

۱۰-۱۰۶ ***اکتشاف و ارزیابی معادن عبارت از ارزش مخارج انجام شده برای اکتشاف نفت و گاز طبیعی و برای ذخائر غیرنفتی و ارزیابی بعدی معادن کشف شده است.*** این مخارج شامل هزینه‌های پیش از پروانه، هزینه‌های پروانه و تحصیل، هزینه‌های ارزیابی و هزینه‌های آزمایش واقعی حفاری و چاه زنی، و نیز هزینه‌های نقشه‌برداری‌های هوائی و سایر بررسی‌ها، هزینه‌های حمل و نقل، و غیره است که برای امکان‌پذیر ساختن اجرای آزمایش‌ها انجام می‌شود. پس از اکتشاف تجاری ذخائر ممکن است بازارزیابی انجام شود که هزینه‌های این بازارزیابی‌ها نیز باید در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منظور شود.

۱۰-۱۰۷ اکتشاف معادن به این منظور انجام می‌شود که ذخائر معدنی یا سوختی جدیدی برای بهره‌برداری تجاری کشف شوند. این اکتشاف‌ها ممکن است توسط بنگاه‌هائی که به معدن‌کاوی یا استخراج سوخت‌ها به حساب خود اشتغال دارند انجام شود. به شیوه‌ای دیگر ممکن است این اکتشاف‌ها توسط بنگاه‌های حرفه‌ای خواه برای مقاصد خود خواه در مقابل دریافت حق‌الزحمه انجام شود. اطلاعات اخذ شده از اکتشاف، فعالیت‌های تولیدی واحدهائی را که طی چند سال این اطلاعات را بدست آورده‌اند تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، مخارج اکتشاف انجام شده در یک دوره حسابداری معین، چه به‌حساب خود باشد و چه به‌حساب خود نباشد، به عنوان مخارج تحصیل یک محصول مالکیت فکری تلقی شده و در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بنگاه مورد نظر منظور می‌شود.

۱۰-۱۰۸ مخارج منظور شده در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نه تنها هزینه‌های حفاری و چاه زنی واقعی، بلکه هزینه‌های انجام شده برای امکان پذیر ساختن آزمایش‌ها را نیز در بر می‌گیرد، هزینه‌های تجسس‌های هوائی و دیگرتجسس‌ها، هزینه‌های حمل و نقل و غیره از این قبیل هستند. ارزش دارائی بدست آمده با ارزش ذخائر جدید کشف شده از طریق اکتشاف اندازه‌گیری نمی‌شود بلکه بوسیله‌ی ارزش منابع تخصیص یافته به اکتشاف در طول دوره حسابداری ارزش گذاری می‌شود. هنگامی که این فعالیت‌ها توسط پیمانکاران انجام می‌شود، مبالغ مطالبه شده از طرف این پیمانکاران، شامل مازاد عملیاتی آن‌ها، قسمتی از ارزش مخارج متقبل شده را تشکیل می‌دهد. مصرف سرمایه ثابت برای این دارائی‌ها می‌تواند با استفاده از متوسط عمر خدمت دارائی‌های ثابت مشابه استفاده شده توسط شرکت‌های معدن‌کاوی یا نفتی به‌حساب خود محاسبه شوند.

نرم‌افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها

۱۰-۱۰۹ نرم‌افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها در یک گروه قرار داده می‌شوند زیرا یک پایگاه داده رایانه‌ای نمی‌تواند مستقل از یک سیستم مدیریت پایگاه داده‌ها (DBMS)، که خود نرم‌افزار یارانه‌ای است ایجاد شود.

نرم‌افزارهای رایانه‌ای

۱۰-۱۱۰ ***نرم‌افزار رایانه‌ای از برنامه‌های رایانه‌ای، شرح برنامه‌ها و مواد پشتیبانی برای نرم‌افزارهای سیستمی و کاربردی هردو تشکیل شده است.*** تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در نرم‌افزار رایانه‌ای ایجاد اولیه و گسترش‌های بعدی نرم‌افزار، هردو، و نیز تحصیل کپی‌هائی که به عنوان دارائی طبقه بندی می‌شوند را در بر می‌گیرد.

۱۰-۱۱۱ گسترش نرم‌افزار رایانه‌ای گسترش یک محصول مالکیت فکری را نشان می‌دهد. این کار وقتی به عنوان یک دارائی تلقی می‌شود که صاحب آن در نظر داشته باشد آن را برای مدت بیش از یکسال در تولید استفاده کند. نرم‌افزار می‌تواند فقط برای استفاده خود یا برای فروش از طریق کپی آن در نظر گرفته شده باشد. اگر کپی‌های یک نرم‌افزار در بازار فروخته شوند، نحوه عمل با آن‌ها از اصول بیان شده در پاراگراف ۱۰-۱۰۰ پیروی می‌کند. نرم‌افزارهای خریداری شده در بازار به قیمت‌های خریدار ارزش‌گذاری می‌شوند، در حالی که نرم‌افزار تولید شده در درون واحد به قیمت پایه برآورد شده، یا در صورت امکان پذیر نبودن برآورد قیمت پایه با هزینه‌های تولید آن ارزش گذاری می‌شوند.

پایگاه داده‌ها

۱۰-۱۱۲ ***پایگاه داده‌ها از فایل‌های داده‌ای سازمان یافته به شیوه‌ای که اجازه دسترسی به داده‌ها و استفاده‌ی کارآمد از منابع را می‌دهد، تشکیل یافته است.*** پایگاه داده‌ها ممکن است منحصراً برای خود مصرفی یا برای فروش به عنوان یک هستار یا برای فروش از طریق پروانه دسترسی به محتوای اطلاعات آن ایجاد شوند. برای تشخیص این که چه موقع پایگاه داده برای خود مصرفی، پایگاه داده خریداری شده یا پروانه دستیابی به پایگاه داده تشکیل یک دارائی را می‌دهد، شرایط عادی اعمال می‌شود.

۱۰-۱۱۳ ایجاد یک پایگاه داده باید به‌طور کلی از طریق رهیافت جمع هزینه‌ها برآورد شود. هزینه‌های سیستم مدیریت پایگاه داده (DBMS) بکار برده شده نباید در این هزینه‌ها منظور شود بلکه باید به عنوان دارائی نرم‌افزار یارانه‌ای تلقی شود مگر این که تحت اجاره‌ی عملیاتی مورد استفاده قرار گیرد. هزینه آماده سازی داده‌ها در چارچوب مناسبی در هزینه پایگاه داده منظور می‌شود ولی هزینه‌های تحصیل یا تولید داده‌ها در اینجا منظور نمی‌شود. سایر هزینه‌ها عبارتند از وقت کارکنان برآورد شده بر اساس میزان زمان صرف شده در ایجاد پایگاه داده، برآوردی از خدمات سرمایه دارائی‌های استفاده شده در ایجاد پایگاه داده و هزینه‌های اقلام استفاده شده به عنوان مصرف واسطه.

۱۰-۱۱۴ پایگاه داده‌ها برای فروش باید به قیمت بازار آن‌ها که ارزش محتوای اطلاعات آن را در بر می‌گیرد، ارزش‌گذاری شود. اگر ارزش بخش نرم‌افزاری آن جداگانه در دسترس باشد، باید به عنوان فروش نرم‌افزار ثبت شود.

نسخه اصلی کارهای سرگرمی، ادبی و هنری

۱۰-۱۱۵ ***نسخه‌های اصلی کارهای سرگرمی، ادبی و هنری عبارتند از حلقه‌های فیلم، نوارهای ضبط صوت، نسخه‌های دستی، نوارها، مدل‌ها و غیره که روی آن‌ها اجرای نمایش تئاتر، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، اجراهای موسیقی، رویدادهای ورزشی، محصولات هنری و ادبی و غیره ضبط یا گنجانیده شده است.*** این نوع کارها غالباً به حساب خود ایجاد و گسترش داده می‌شوند. این کارها ممکن است بعداً بدون محدودیت قانونی یا از طریق پروانه‌ها فروخته شوند. برای تشخیص این که چه موقع نسخه‌های اصلی و کپی‌ها به عنوان دارائی‌های ثابت شناخته می‌شوند شرایط استاندارد اعمال می‌شود. اگر یک نسخه اصلی، به عنوان اشیاء گرانبها تحصیل شود، تولید آن به عنوان تولید به حساب خود بشمار

نمی‌آید بلکه می‌تواند به عنوان کار در جریان ساخت طبقه بندی شود.

۱۰-۱۱۶ نسخه اصلی خریداری شده در بازار به قیمت خریدار ارزش‌گذاری می‌شود. نسخه اصلی ایجاد شده در درون واحد به قیمت پایه برآورد شده یا در صورت امکان پذیر نبودن برآورد قیمت پایه با هزینه‌های تولید ارزش‌گذاری می‌شود.

سایر محصولات مالکیت فکری

۱۰-۱۱۷ ***سایر محصولات مالکیت فکری شامل هر محصولی است که تشکیل یک دارائی ثابت می‌دهد ولی در یکی از اقلام خاص بالا منظور نمی‌شود.***

۲. تغییرات موجودی انبار

۱۰-۱۱۸ ***تغییرات موجودی انبار از طریق ارزش اقلام وارد شده به انبار منهای ارزش اقلام برداشت شده از انبار و منهای ارزش زیان‌های مکرر کالاهای نگه‌داشته در انبار در دوره حسابداری اندازه‌گیری می‌شود.*** برخی از این تحصیل‌ها و واگذاری‌ها ناشی از خریدها و فروش‌های واقعی است ولی بقیه، تراکنش‌های داخلی بنگاه‌ها را منعکس می‌کنند.

جدول ۱۰-۳: حساب سرمایه – تغییرات موجودی انبار و اشیاء گرانبها

تغییرات در دارائی‌ها

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
تشکیل سرمایه ناخالص	۳۰۸	۸	۳۸	۵۵	۵	۴۱۴			۴۱۴
تشکیل سرمایه خالص	۱۵۱	-۴	۱۱	۳۲	۲	۱۹۲			۱۹۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۲۸۰	۸	۳۵	۴۸	۵	۳۷۶			۳۷۶
مصرف سرمایه ثابت	-۱۵۷	-۱۲	-۲۷	-۲۳	-۳	-۲۲۲			-۲۲۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برحسب نوع دارائی									
تغییرات موجودی انبار	۲۶	۰	۰	۲	۰	۲۸			۲۸
مواد و ملزمات									
کار در جریان ساخت									
کار در جریان ساخت دارائی‌های زیستی پرورشی									
سایر کار در جریان ساخت									
کالاهای تکمیل شده									
موجودی انبار نظامی									
کالاها برای بازفروشی									
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	۲	۰	۳	۵	۰	۱۰			۱۰
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده	-۷	۰	۲	۴	۱	۰			۰
انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی									
انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی									
خالص وام دهی (+) / خالص وام‌گیری (-)	-۵۶	-۱	-۱۰۳	۱۷۴	-۴	۱۰	-۱۰		۰

۱۱۹-۱۰ متمایز کردنِ دو کارکردِ یک بنگاه، کارکرد آن به عنوان تولیدکننده‌ی کالاها و خدمات و کارکرد آن به عنوان مالک دارائی‌ها، امر مفیدی است. هنگامی که کالائی وارد انبار می‌شود، یک دارائی توسط بنگاه به عنوان مالک تحصیل شده است خواه از طریق خرید (یا معامله پایاپای) آن و خواه از طریق یک تراکنش داخلی با خودش به عنوان تولید کننده صورت گرفته باشد. برعکس، کالائی که از انبار خارج می‌شود واگذاری یک دارائی توسط مالک را نشان می‌دهد خواه از طریق فروش یا استفاده دیگر باشد، خواه از طریق انتقال داخلی به تولید کننده یا احتمالاً در اثر زیان‌های مکرر (ضایعات مکرر، خسارت اتفاقی یا سرقت) باشد.

ذخیره سازی (انبارداری) و موجودی انبار

۱۲۰-۱۰ بیشترِ کالاهائی که به انبار می‌روند فقط در آنجا می‌مانند تا با همان وضعیت هنگام ورود به انبار، برداشت شوند. مادامی که کالاها در انبار هستند اغلب قیمت آن‌ها افزایش می‌یابد، ولی این افزایش قیمت ناشی از تولید نیست بلکه فقط منفعت ناشی از نگه‌داشتن است. کالاهائی وجود دارند که گذشت زمان ویژگی‌های آن‌ها را تغییر می‌دهد. در این گونه موارد، باید افزایش ارزش کالا در اثرِ ذخیره سازی به عنوان تولید و نه منفعت ناشی از نگه‌داشتن تلقی شود، هرچند که منفعت (یا زیان) ناشی از نگه‌داشتن نیز ممکن است رخ دهد.

۱۲۱-۱۰ نشانه‌ی این که ذخیره سازی (انبارداری) به عنوان یک فعالیت تولیدی صورت می‌گیرد این است که انتظار می‌رود در طول مدت زمان از پیش تعیین شده قیمت کالای ذخیره شده، نسبت به سطح عمومی قیمت‌ها، تا میزان معینی افزایش یابد. برای مثال، براساس تجربیات گذشته می‌توان انتظار داشت قیمت گندم در زمستان به چند برابر قیمت زمان برداشت آن برسد. به‌طور مشابه، با یک عامل قابل پیش‌بینی، نوشیدنیِ چند ساله دارای ارزش بیشتری نسبت به قیمت محصول سال جاری است.

۱۲۲-۱۰ فعالیت ذخیره سازی نه تنها توسط تولیدکننده‌ی اولیه آن محصول بلکه توسط هر واحد نهادی دیگری می‌تواند انجام شود، یا اگر مالکیت کالاها در طول انبارداری تغییر کند می‌تواند توسط واحدهای متعددی به صورت پی در پی انجام شود.

۱۲۳-۱۰ کالاهای ذخیره شده در کار در جریان ساخت، و نه کالاهای تکمیل شده، طبقه بندی می‌شوند. افزایش ارزش ذخیره شده در طول دوره حسابداری تا میزان مورد انتظار در آن زمان، به عنوان تولید انبارداری تلقی می‌شود؛ هر اختلافی با این میزان به عنوان منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن منظور می‌شود. روش ارزش‌گذاری انبارداری در پیوست فصل ۶ توضیح داده شده است. میزان مورد انتظار افزایش قیمت برای اقلام ذخیره شده برای بیش از یک سال باید مطابقِ اصول ارزش گذاری کالای درجریان ساخت که در زیر توضیح داده شده است محاسبه شود.

ارزش‌گذاری

۱۲۴-۱۰ بنگاه به عنوان یک تولیدکننده ممکن است کالاها یا خدماتی را برای مصرف واسطه تحصیل کند، اعم از این که آن‌ها را از بازار برای مصرف آنی خریداری کند یا از طریق انتقال داخلی از موجودی انبار برداشت کند. به منظور حصول اطمینان از این که تمامی کالاها و خدمات استفاده شده برای مصر ف واسطه به‌طور سازگار به قیمت‌های جاری ارزش گذاری می‌شوند، کالاهای انتقال یافته از موجودی انبار به قیمت‌های جاری خریدار در زمان برداشت از موجودی انبار ارزش گذاری می‌شوند.

۱۲۵-۱۰ به‌طور مشابه، ستانده‌ی تولید شده توسط تولیدکننده ممکن است فروخته یا به نوع دیگری واگذار شود یا به صورت محصولات تکمیل شده یا کار در جریان ساخت به انبار منتقل شود. برای اطمینان از این که ستانده به‌طور سازگار ارزش گذاری شود، کالاهای تکمیل شده انتقال یافته به انبار طوری ارزش گذاری می‌شوند که گوئی در آن زمان فروخته شده‌اند،

در حالی که وقتی به کار در جریان ساخت افزوده می‌شود ارزشِ زمانِ اضافه شدن به موجودی انبار به آن داده می‌شود.

ارزش گذاری کار در جریان ساخت

۱۰-۱۲۶ بیشتر کارهای در جریان ساخت کوتاه مدت هستند و فقط به این دلیل رخ می‌دهند که تولید آن‌ها یک فرآیند مستمر است و برخی کالاها در پایان یک دوره حسابداری تکمیل نمی‌شوند اما قبل از پایان دوره بعد تکمیل خواهند شد. برای ستانده‌هائی که دارای دوره‌ی تولید یک سال یا کمتر هستند، و با فرض این که قیمت‌ها و هزینه‌ها در طول دوره‌ی تولید ثابت می‌مانند، ارزش اضافه شده به کار در جریان ساخت برای محصولات غیرکشاورزی در طی یک دوره حسابداری را می‌توان با محاسبه سهم کل هزینه‌های تولید متقبل شده در آن دوره و اعمال این نسبت به قیمت پایه‌ی تحقق یافته از طریق محصولات تکمیل شده تقریب زد. از اینرو، ارزش ستانده محصول تکمیل شده، بین دوره‌های حسابداری که تولید صورت گرفته است به نسبت هزینه‌های ایجاد شده در هر دوره توزیع می‌شود. اگر سطح متوسط قیمت‌ها و هزینه‌ها از دوره‌ای به دوره دیگر تغییر یابد، ابتدا باید ستانده با استفاده از قیمت‌ها و هزینه‌های زمان اتمام تولید تخصیص داده شود، و سپس ارزش کار در جریان ساخت که بدین گونه برای دوره‌های قبل محاسبه شده است به نسبت تغییر میزان متوسط هزینه‌ها از دوره‌ای به دوره دیگر مجدداً محاسبه شود.

۱۰-۱۲۷ برای محصولات کشاورزی، روش تخصیص ستانده بین چند دوره نمی‌تواند رضایتبخش باشد. در کاشت محصولی که تا زمان برداشت آن هزینه‌ای رخ نمی‌دهد ممکن است سهم نامتناسبی از هزینه‌ها منظور شود. سرشکن کردن ستانده به رشد فیزیکی محصول زراعی می‌تواند به عنوان یک امکان مورد توجه قرار گیرد ولی در مواردی که درست پیش از برداشت محصول خطرات جدی مربوط به آسیب‌های اقلیمی وجود دارد، این شیوه ممکن است نشانه‌های خوش بینانه‌ای از ستانده احتمالی ارائه دهد. توزیع واقع بینانه بین فصل‌ها می‌تواند بر اساس تجربیات گذشته بکار برده شود، یا در جائی که کشت چند محصولی در یک منطقه متداول است، کل ستانده هر محصول زراعی در دوره‌ای که برداشت می‌شود، حساب شود.

۱۰-۱۲۸ فعالت‌های مهمی، نظیر ساخت و ساز بناها، سازه‌ها و ماشین‌آلات پیچیده، وجود دارند که فرآیند تولید آن‌ها می‌تواند چندین سال به‌طول انجامد. در این موارد، ارزش‌گذاری محصول نیم ساخته نیاز به بررسی‌های دقیق دارد زیرا این پروژه‌های بزرگ ماهیتاً بسیار هزینه بر هستند.

۱۰-۱۲۹ حتی اگر سالانه یک پنجم کاری که یک دوره پنج ساله طول می‌کشد انجام شود، اینطور نیست که باید هر سال یک پنجم ارزش آن (با فرض تورم صفر برای سادگی امر) ثبت شود. کاری که در سال اول انجام می‌شود نمی‌تواند برای چهار سال دیگر نیز استفاده شود و بنابراین ارزش آن باید تنزیل شود تا این وقفه را حساب کند. در سال دوم، ارزش کار انجام شده در سال اول با یک عامل تنزیل افزایش خواهد یافت و این باید به کار انجام شده در سال دوم اضافه شود و بهمین ترتیب تا آخر. این موضوع با جزئیات بیشتری در فصل ۲۰ مورد بحث قرار گرفته است.

تراکنش‌های موجودی انبار

۱۰-۱۳۰ تراکنش‌های مربوط به موجودی انبار در حساب سرمایه، تغییر در میزان هریک از انواع موجودی‌ها را نشان می‌دهد. این تغییرات شامل افزوده‌ها به موجودی انبار منهای برداشت‌ها و منهای خسارت‌های مکرر از موجودی انبار است. جدول ۱۰-۳ گسترش یافته جدول ۱۰-۱ است که تغییرات در موجودی‌های انبار در آن منظور شده است. هریک از رده‌ها در زیر تشریح و تعریف شده‌اند.

مواد و ملزومات

۱۰-۱۳۱ ***مواد و ملزومات از تمام محصولاتی تشکیل شده‌اند که هر بنگاه با این قصد آن‌ها را در انبار نگه‌داری می‌کند که از آن‌ها به عنوان نهاده‌های واسطه در تولید استفاده کند.*** اما، لزوماً همه آن‌ها به این نحو استفاده نمی‌شوند، زیرا برخی ممکن است در اثر اسیب‌های فیزیکی، یا خسارت‌های اتفاقی مکرر یا

در جریان سرقت از بین بروند. این خسارت‌های وارد شده به مواد و ملزومات به همان شیوه برداشت‌های واقعی مواد و ملزومات برای استفاده کامل در تولید، ثبت و ارزش‌گذاری می‌شوند.

۱۰-۱۳۲ بنگاه‌ها ممکن است انواع کاملاً متفاوتی از مواد و ملزومات را تحت این عنوان نگه‌داری کنند، از متداول‌ترین نوع آن‌ها می‌توان سوخت‌ها، مواد خام صنعتی، مواد کشاورزی، کالاهای نیمه ساخته، قطعات برای هم‌بندی کردن، مواد بسته‌بندی، مواد غذائی، ملزومات اداری و غیره را نام برد. هریک از بنگاه‌ها، از جمله تولید کنندگان غیربازاری متعلق به واحدهای دولتی انتظار می‌رود مقداری موجودی انبار از مواد و ملزومات را، حتی اگر فقط موجودی مواد و ملزومات اداری باشد، نگه‌داری کنند.

۱۰-۱۳۳ مواد و ملزومات، کارهای هنری یا موجودی فلزات یا سنگ‌های قیمتی تحصیل شده توسط بنگاه‌ها به عنوان اشیاء گرانبها توسط بنگاه‌ها را در بر نمی‌گیرند. اما، برخی از تولید کنندگان وجود دارند که طلا، الماس، و غیره را به عنوان نهاده‌های واسطه در تولید سایر کالاها یا خدمات بکار می‌برند، مانند تولید کنندگان جواهرات یا دندانپزشکان. موجودی‌های طلا، الماس و غیره که برای استفاده در تولید در نظر گرفته می‌شوند تحت عنوان مواد و ملزومات ثبت می‌شوند.

کار در جریان ساخت

۱۰-۱۳۴ ***کار در جریان ساخت متشکل از ستانده‌ی تولید شده توسط یک بنگاه است که هنوز به اندازه کافی پردازش نشده است تا در وضعیتی قرار گیرد که به‌طور عادی به واحدهای نهادی دیگر عرضه شود.*** کار در جریان ساخت در تمامی صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) می‌تواند وجود داشته باشد، ولی در فعالیت‌هائی که مدت زمانی لازم است تا یک واحد ستانده‌ی تکمیل شده تولید شود دارای اهمیت ویژه است، برای مثال، می‌توان فعالیت‌های کشاورزی، یا صنعت‌های تولید کننده‌ی دارائی‌های ثابت پیچیده نظیر کشتی، واحدهای مسکونی، نرم‌افزار یا فیلم را نام برد. بنابراین کار در جریان ساخت می‌تواند در گستره وسیعی از شکل‌های مختلف از تولیدات محصولات زراعی در حال رشد تا فیلم‌های نیمه ساخته یا برنامه‌های یارانه‌ای پدید آید. هرچند کار در جریان ساخت ستانده‌ای است که به وضعیتی نرسیده است که به‌طور عادی به دیگران عرضه شود، مالکیت آن در صورت نیاز انتقال‌پذیر است. برای مثال، کار در جریان ساخت تحت شرایط استثنائی نظیر ورشکستگی بنگاه ممکن است فروخته شود.

۱۰-۱۳۵ برای هر ستانده‌ای که در انتهای دوره حسابداری تکمیل نشده باشد باید کار در جریان ساخت ثبت شود. این برای ستانده‌ای مانند ساخت و ساز که مدت زمانی طول می‌کشد تا تکمیل شود یک مسأله‌ی خاص است. هرچه دوره حسابداری کوتاه‌تر باشد، کار در جریان ساخت نسبت به کار تکمیل شده اهمیت بیشتری خواهد داشت. بویژه، کار در جریان ساخت برای حساب‌های فصلی مهم تر از حساب‌های سالانه است، تنها به این دلیل که تولید بسیاری از محصولات کشاورزی در طول یک سال نه لزوماً درطول یک فصل تکمیل می‌شوند. تنها مورد استثناء که کار نیمه ساخته به عنوان کار در جریان ساخت، ثبت نمی‌شود در پروژه‌های نیمه‌ساخته‌ای است که تصور می‌شود استفاده کننده‌ی نهائی مالکیت آن را خواهد داشت، خواه به این دلیل که تولید برای خود مصرفی انجام شده باشد خواه به این دلیل که این موضوع بوسیله‌ی وجود قرارداد فروش یا خرید به اثبات رسیده باشد.

۱۰-۱۳۶ کاهش کار در جریان ساخت هنگامی رخ می‌دهد که فرآیند تولید تکمیل شود. در آن لحظه، تمامی کار در جریان ساخت به عنوان محصول تکمیل شده باز طبقه بندی می‌شود. این باز طبقه بندی در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها نشان داده می‌شود.

۱۰-۱۳۷ اگر قیمت‌ها و هزینه‌ها افزایش یافته باشند، کار در جریان ساخت منتقل شده از دوره‌های پیشین باید با استفاده از قیمت‌ها و هزینه‌های دوره‌ای که تولید در آن بپایان می‌رسد بازارزش‌گذاری شود.

۱۰-۱۳۸ خسارت‌های کار در جریان ساخت در اثر زوال فیزیکی یا خسارت‌های اتفاقی یا سرقت‌های مکرر باید از افزوده به کار

در جریان ساخت که در نتیجه تولید همان دوره حاصل شده است کسر شود.

۱۰-۱۳۹ کار در جریان ساخت به دو دسته تقسیم می‌شود کار در جریان ساخت برای دارائی‌های پرورشی و سایر کار درجریان ساخت که در سطرهای زیرین تعریف شده است.

کار در جریان ساخت منابع زیستی پرورشی

۱۰-۱۴۰ ***کار در جریان ساختِ منابع زیستیِ پرورشی عبارت از ستانده‌ای است که به اندازه کافی بالغ نشده است تا در وضعیتی قرار گیرد که به‌طور عادی به واحدهای نهادی دیگر عرضه شود.*** در این مورد لازم است گیاهان یکبار مصرف، درختان و چارپایانی که تنها یک بار ستانده تولید می‌کنند (گیاهان یا درختانی که قطع می‌شوند یا از ریشه کنده می‌شوند یا چارپایانی که کشتار می‌شوند) از درختان (از جمله مو و درختچه‌ها) و چارپایانی که به‌طور مکرر یا مستمر برای بیش از یک سال برای تولید ستانده‌هائی نظیر میوه، میوه‌های آجیلی، کائوچو، شیر، پشم، نیرو، حمل و نقل و سرگرمی استفاده می‌شوند متمایز شوند. کار در جریان ساخت باید برای منابع یکبار مصرف ثبت شود. برای منابع دارای حاصل دهی مکرر، که به حساب خود، یا براساس یک قرارداد توافق شده با واحد دیگر پرورش داده می‌شوند، رشد آن‌ها به عنوان تشکیل سرمایه ثابت تلقی می‌شود و بنابراین در موجودی انبار منظور نمی‌شوند. مابقی هرنوع پرورش منابع با حاصل دهی مکرر باید در کار در جریان ساخت منظور شوند. این مورد به عنوان مثال می‌تواند پرورش و نگه‌داری اسب‌های مسابقه یا حیوانات خاص باشد.

سایر کارهای در جریان ساخت

۱۰-۱۴۱ ***سایر کارهای در جریان ساخت عبارت از ستانده‌ای است (غیر از منابع زیستی پرورشی) که هنوز به اندازه کافی پردازش نشده است که در وضعیتی قرار گیرد که به‌طور عادی به واحدهای نهادی دیگر عرضه شود.***

کالاهای تکمیل شده

۱۰-۱۴۲ ***کالاهای تکمیل شده عبارت از کالاهای تولید شده به عنوان ستانده‌ای است که تولید کننده‌ی آن قصد ندارد قبل از عرضه کردن به سایر واحدهای نهادی، پردازش بیشتری روی آن‌ها انجام دهد.*** یک کالا وقتی تکمیل شده است که تولید کننده‌ی آن فرآیندی را که برای تولید آن در نظر گرفته است بپایان برساند، حتی اگر بعداً به عنوان نهاده‌ی واسطه در فرآیندهای دیگر تولید استفاده شود. از اینرو، موجودی انبار ذغال سنگ تولید شده توسط یک بنگاه معدن‌کاوی به عنوان محصول تکمیل شده طبقه‌بندی می‌شود، هرچند که موجودی انبار ذغال سنگ نگه‌داشته شده توسط یک نیروگاه در مواد و ملزومات طبقه بندی می‌شود. موجودی انبار باطری‌های تولید شده توسط تولید کننده‌ی باطری کالاهای تکمیل شده است، هرچند که همان باطری‌های نگه‌داشته شده توسط تولید کننده‌ی وسایل نقلیه و هواپیما در مواد و ملزومات طبقه بندی می‌شوند.

۱۰-۱۴۳ موجودی انبار کالاهای تکمیل شده ممکن است تنها توسط بنگاه‌هائی نگه‌داشته شوند که آن‌ها را تولید می‌کنند. کالاهای تکمیل شده وارد شده به انبار به قیمت‌های پایه آن کالاها در زمان ورود به انبار ارزش گذاری می‌شوند؛ کالاهای تکمیل شده برداشت شده از انبار به قیمت‌های پایه‌ی زمانی که برداشت صورت می‌گیرد ارزش گذاری می‌شوند. زیان‌های جاری کالاهائی که از زوال فیزیکی یا خسارت‌های اتفاقی مکرر یا سرقت ناشی می‌شوند باید به قیمت‌های زمانی که زیان‌ها رخ می‌دهند ارزش گذاری شوند.

موجودی انبار نظامی

۱۰-۱۴۴ ***موجودی انبار نظامی از اقلام یکبار مصرف نظیر مهمات، موشک‌ها، راکت‌ها و بمب‌ها و غیره تشکیل شده است که بوسیله سلاح‌ها یا سیستم‌های تسلیحاتی حمل می‌شوند.*** همان‌گونه که در بالا در بحث سیستم‌های تسلیحاتی به عنوان سرمایه ثابت اشاره شد، بیشترِ اقلام یکبار مصرف به عنوان موجودی انبار تلقی می‌شوند ولی برخی از انواع موشک‌ها با قابلیت تخریب بسیار بالا به دلیل قابلیت آن‌ها

برای فراهم کردن خدمات دفاعی در مقابل متجاوزین می‌توانند به عنوان سرمایه ثابت تلقی شوند.

کالاهای بازفروشی

۱۰-۱۴۵ ***کالاهای بازفروشی کالاهائی هستند که توسط بنگاه‌هائی نظیر عمده‌فروشان یا خرده‌فروشان به منظور فروش مجدد آن‌ها به مشتریان خود تحصیل می‌شوند.*** کالاهای بازفروشی توسط بنگاه‌هائی که آن‌ها را خریداری کرده‌اند بیش از آن پردازش نمی‌شوند، بجز ارائه آن‌ها به شیوه‌ای که برای مشتریانشان جذاب باشد. از اینرو، صاحبان کالاهائی که برای بازفروشی خریداری می‌شوند می‌توانند آن‌ها را حمل، ذخیره، درجه بندی، طبقه بندی، بسته بندی و غیره کنند ولی نمی‌توانند آن‌ها را به نحو دیگری تغییر شکل دهند.

۱۰-۱۴۶ کالاهائی که برای بازفروشی خریداری می‌شوند وقتی وارد موجودی انبار بنگاه‌ها می‌شوند به قیمت‌های خریدار واقعی یا برآورد شده‌ی آن‌ها ارزش‌گذاری می‌شوند. این قیمت‌ها هزینه‌های حمل و نقلی را که به بنگاه‌هائی غیر از عرضه کنندگان کالاها پرداخت می‌شوند در بر می‌گیرند، ولی هزینه‌های خدمات حمل و نقل تولید شده به حساب خود توسط بنگاه تحویل دهنده را در بر نمی‌گیرند. در اصل، کالاهای تحصیل شده از طریق معامله پایاپای به قیمت‌های خریدار برآورد شده آن‌ها در زمان تحصیل ارزش‌گذاری می‌شوند. اما، به دلیل این که در معاملات پایاپای مالیات یا حاشیه‌های بازرگانی و حمل ونقل وجود ندارد، قیمت خریدار با قیمت پایه برابر است.

۱۰-۱۴۷ کالاهائی که برای بازفروشی از موجودی انبار برداشت می‌شوند به قیمت‌های خریدار کالاهائی که در زمان برداشت می‌توانند جایگزین آن‌ها شوند، ارزش‌گذاری می‌شوند و این با قیمت‌های خریداری که در زمان تحصیل برای آن‌ها ممکن است پرداخت شده باشد متفاوت است. کاهش موجودی انبار خواه کالاهای برداشت شده با سود یا زیان فروخته شوند، خواه حتی در اثر زوال فیزیکی، خسارت‌های اتفاقی مکرر یا سرقت، اصلاً فروخته نشوند، به این شیوه ارزش‌گذاری می‌شوند.

۱۰-۱۴۸ طبق قرارداد، کالاهای تحصیل شده توسط دولت برای توزیع به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی که هنوز تحویل داده نشده‌اند نیز در کالاهای بازفروشی منظور می‌شوند.

۳. تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها

محدوده دارائی

۱۰-۱۴۹ اشیاء گرانبها شامل فلزات و سنگ‌های قیمتی، عتیقه‌جات و دیگر اشیاء هنری و دیگر اشیاء گرانبها هستند. اما، تمامی این اقلامی که می‌توانند به یکی از این عنوان‌ها نامیده شوند لزوماً نباید در ترازنامه صاحب آن به عنوان اشیاء گرانبها وارد شوند. هدف از این سرفصل، پوشش اقلامی است که اغلب به عنوان جایگزین برای سرمایه‌گذاری درنظر گرفته می‌شوند. در زمان‌های مختلف سرمایه‌گذاران بجای دارائی مالی خرید طلا را ترجیح می‌داده‌اند و صندوق‌های بازنشستگی در مواقعی که قیمت دارائی‌های مالی دچار نوسان زیاد می‌شد به خرید "کارهای هنری قدیمی" مشهور بوده‌اند. افراد (در اصطلاح SNA خانوارها) نیز ممکن است ترجیح دهند اقلامی را تحصیل کنند که می‌دانند در صورت نیاز به افزایش وجوه خود، می‌توانند آن‌ها را بفروشند.

ارزش‌گذاری

۱۰-۱۵۰ هزینه‌های انتقال مالکیت، نظیر حاشیه‌های دلالان اشیاء گرانبها و برگزار کنندگان حراجی‌ها اغلب هنگامی رخ می‌دهند که اشیاء گرانبها مبادله می‌شوند. همانند هزینه‌های انتقال مالکیت سایر دارائی‌های غیرمالی، هزینه‌های انتقال مالکیت مربوط به اشیاء گرانبها نیز به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تلقی می‌شوند و هنگام ثبت در ترازنامه در ارزش این اقلام منظور می‌شوند.

تراکنش‌های اشیاء گرانبها

۱۰-۱۵۱ یکی از شیوه‌های رده بندی اشیاء گرانبها عبارت است از: فلزات و سنگ‌های قیمتی؛ عتیقه‌جات و دیگر اشیاء هنری؛ و دیگر اشیاء گرانبها. این رده بندی باید به عنوان یک رده‌بندی پیشنهادی و مکمل و نه یک طبقه بندی استاندارد در نظر

گرفته شود. هریک از رده‌ها در زیر شرح داده شده است تا به شناسائی و ارزش‌گذاری اشیاء گرانبها کمک کند.

فلزات و سنگ‌های قیمتی

۱۰-۱۵۲ فلزات و سنگ‌های قیمتی هنگامی به عنوان اشیاء گرانبها تلقی می‌شوند که برای فروش یا استفاده به عنوان نهاده‌های فرآیندهای تولید توسط بنگاه‌ها نگه‌داری نشوند همچنین به عنوان طلای پولی نگهداری نشوند و به عنوان یک دارائی مالی در شکل حساب‌های فلزات تخصیص داده نشده نیز نگه‌داری نشوند.

عتیقه‌جات و دیگر اشیاء هنری

۱۰-۱۵۳ نقاشی‌ها و مجسمه‌ها و غیره که به عنوان کارهای هنری و عتیقه‌جات شناخته می‌شوند هنگامی به عنوان اشیاء گرانبها تلقی می‌شوند که توسط بنگاه‌ها برای فروش نگه‌داری نشوند. در اصل، اشیاء به نمایش گذاشته شده در نمایشگاه موزه‌ها جزء اشیاء گرانبها منظور می‌شوند.

سایر اشیاء گرانبها

۱۰-۱۵۴ سایر اشیاء گرانبهای طبقه بندی نشده در جای دیگر اقلامی نظیر کلکسیون تمبرها، سکه‌ها، ظروف چینی، کتاب‌ها و غیره که دارای ارزش بازاری شناخته شده‌ای هستند و جواهرات ذیقیمت، سنگ‌های قیمتی بدون قیمت برای استفاده به عنوان مد و فلزات دارای ارزش قابل ملاحظه و نقد شدنی را در بر می‌گیرد

پ. مصرف سرمایه ثابت

۱۰-۱۵۵ مفهوم مصرف سرمایه ثابت در فصل۶ ابتدا در رابطه با تفاوت بین ارزش افزوده ناخالص و خالص شرح داده شد و سپس در تمامی اقلام تراز کننده که ممکن است به صورت ناخالص یا خالص از مصرف سرمایه ثابت نشان داده شوند نیز مورد بحث قرار گرفت. سرمایه جائی است که قلم ورودی مقابل قلم ثبت شده در حساب تولید در آن نشان داده می‌شود هرچند که به‌طور غیرعادی بجای سمت مقابل حساب، در همان سمتی که در حساب تولید وارد شده است ولی با علامت منفی نشان داده می‌شود.

۱۰-۱۵۶ مصرف سرمایه ثابت تغییر منفی در ارزش دارائی‌های ثابت بکار رفته در تولید ایجاد می‌کند. مصرف سرمایه ثابت باید با مراجعه به مجموعه مشخصی از قیمت‌ها، که عبارت از قیمت‌های متوسط از نوع دارائی مورد نظر با کیفیت ثابت درطول دوره حسابداری است، اندازه‌گیری شود. در این صورت می‌توان این را به عنوان کاهش ارزش دارائی ثابت متعلق به یک بنگاه بین ابتدا و انتهای دوره حسابداری در اثر زوال فیزیکی آن‌ها و نرخ‌های عادی از مدافتادگی و خسارت‌های اتفاقی تعریف کرد. مصرف سرمایه ثابت می‌تواند از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کسر شود تا تشکیل سرمایه ثابت خالص برای جور شدن با قلم تراز کننده پس‌انداز خالص منتقل شده از حساب مصرف درآمد بدست آید.

۱۰-۱۵۷ مصرف سرمایه ثابت به تمامی دارائی‌های ثابت و برای هر سال استفاده از آن‌ها در تولید، اعمال می‌شود. به دلیل این که هزینه‌های انتقال مالکیت از جمله هزینه‌های پایانی به عنوان دارائی ثابت تلقی می‌شوند، این هزینه‌ها نیز مشمول مصرف سرمایه ثابت هستند. این‌طور در نظر گرفته می‌شود که تمامی بناها و دیگر سازه‌ها عمر خدمت محدودی دارند، حتی اگر به‌طور مناسبی نگه‌داری شوند، بنابراین برای تمامی این دارائی‌های ثابت از جمله راه آهن، جاده‌ها، پل‌ها، تونل‌ها، فرودگاه‌ها، بنادر، خطوط لوله، سدها، و غیره مصرف سرمایه

ثابت محاسبه می‌شود. عمر خدمت دارائی ثابت فقط با دوام فیزیکی آن تعیین نمی‌شود، و بسیاری از قطعات تجهیزات و نیز بناها و سازه‌ها سرانجام به علت کهنگی فرسوده می‌شوند. اما، عمر خدمت برخی از سازه‌ها نظیر بعضی جاده‌ها، پل‌ها، سدها و غیره می‌تواند به اندازه یک قرن یا بیشتر باشد.

۱. هزینه‌های انتقال مالکیت

۱۰–۱۵۸ هزینه‌های انتقال مالکیت در تحصیل و واگذاری یک دارائی ثابت به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تلقی می‌شود و در ارزش تحصیل و واگذاری دارائی ثبت شده در حساب سرمایه و در ارزش دارائی در ترازنامه منظور می‌شود. اما، هرچند مصرف سرمایه ثابت براساس ارزش دارائی بدون هزینه‌های انتقال مالکیت، برای تمام طول عمر آن محاسبه می‌شود، مصرف سرمایه ثابت در رابطه با هزینه‌های انتقال مالکیت فقط برای طول دوره‌ای که مالک انتظار دارد دارائی مورد نظر را در اختیار داشته باشد محاسبه می‌شود. با این شیوه هنگامی که دارائی به یک مالک جدید فروخته می‌شود هیچگونه هزینه انتقال مالکیتی در ارزش دارائی باقی نخواهد ماند، بنابراین بجز هزینه‌های انتقال مالکیت متقبل شده توسط مالک جدید، مبلغی که مالک قدیم دریافت می‌کند برابر با مبلغی خواهد بود که مالک جدید می‌پردازد.

۱۰–۱۵۹ در مورد منابع طبیعی غیر از زمین، هزینه‌های انتقال مالکیت در حساب سرمایه به عنوان تراکنش در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص جدا از تحصیل و واگذاری منابع طبیعی نشان داده می‌شود ولی در ترازنامه، ارزش منابع طبیعی ارزش هزینه‌های انتقال مالکیت را نیز در بر دارد. هزینه‌های انتقال مالکیت در اینجا هم با توجه به طول مدت زمانی که مالک انتظار دارد دارائی را نگه‌دارد مستهلک می‌شود و به عنوان مصرف سرمایه ثابت در حساب تولید مربوطه منظور می‌شود.

۱۰–۱۶۰ در مورد زمین، هزینه‌های انتقال مالکیت به عنوان قسمتی از بهسازی زمین در نظر گرفته می‌شود، و به نوبه خود دارائی تولید شده بحساب می‌آید. ارزش بهسازی زمین، غیر از هزینه‌های انتقال مالکیت، در طول دوره مناسب بلند مدتی مستهلک می‌شود ولی هزینه‌های انتقال مالکیت در طول دوره‌ای که مالک انتظار دارد دارائی را در اختیار داشته باشد مستهلک می‌شود.

۲. هزینه‌های پایانی

۱۰–۱۶۱ در اصل، ارزش مصرف سرمایه ثابت انباشته شده در طول عمر یک دارائی، هنگامی که تغییر قیمت‌ها به‌حساب آورده می‌شود، باید با تفاوت ارزش بین تحصیل و واگذاری آن برابر باشد. در مورد دارائی‌هائی با هزینه‌های واقعی در زمان واگذاری، این به معنی آن است که مصرف سرمایه ثابت باید هزینه‌های پایانی پیش‌بینی شده را پوشش دهد. بنابراین هزینه‌های پایانی، صرفنظر از تعداد مالکین در طول عمر دارائی، باید در تمام طول عمر دارائی مستهلک شود. دارائی بلافاصله قبل از واگذاری، دارای ارزش منفی خواهد بود که وقتی هزینه‌های پایانی متحمل شده تشکیل سرمایه ثابت تلقی شوند، این ارزش صفر خواهد شد. منحصر به فرد بودن ظاهری یک دارائی با ارزش منفی این واقعیت را نشان می‌دهد که مالک دارائی نه تنها نمی‌تواند آن را بفروشد بلکه مجبور خواهد بود به واحد دیگری پرداختی انجام دهد تا مسئولیت آن دارائی را بپذیرد.

۱۰–۱۶۲ در عمل، ممکن است پیش‌بینی دقیق هزینه‌های پایانی مشکل باشد. در آن حالت، مصرف سرمایه ثابت انباشته شده ممکن است تمامی هزینه‌های پایانی را پوشش ندهد. اما، باز هم هزینه‌های کامل آن همیشه به عنوان تشکیل سرمایه ثابت تلقی می‌شوند و هر مبلغی که قبلاً در طول عمر دارائی از طریق مصرف سرمایه ثابت پوشش داده نشده باشد در زمانی که این هزینه‌ها رخ می‌دهند به عنوان مصرف سرمایه ثابت مستهلک می‌گردد (از ارزش دارائی کسر می‌شود، مترجم). این یک توصیه عملی است و منجر به این خواهد شد که NDP در زمانی که دارائی در حال استفاده است بیش برآوردی و در سالی که هزینه‌های باقیمانده متقبل می‌شوند کم برآوردی وجود داشته باشد.

۱۰–۱۶۳ بحث بیشتری در باره نحوه تلقی هزینه‌های انتقال مالکیت و هزینه‌های پایانی در فصل ۲۰ آورده شده است.

ت. تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی تولید نشده

۱۰–۱۶۴ سه نوع دارائی غیرمالی تولید نشده متمایز از یکدیگر در SNA وجود دارد: منابع طبیعی، قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها، و سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی. این سه نوع دارائی، غیر از اینکه هر سه‌ی آن‌ها دارائی‌های غیرمالی تولید نشده هستند، وجه مشترک کمی با یکدیگر دارند. هریک از این سه نوع دارائی در بخش جداگانه‌ای مورد بحث قرار گرفته است.

۱۰–۱۶۵ جدول ۱۰–۴ گسترش یافته جدول ۱۰–۱ است تا جزئیات استاندارد دارائی‌های غیرمالی تولید نشده را نشان دهد. هریک از رده‌ها در بخش مناسبی مورد بحث قرار گرفته است.

۱. منابع طبیعی

محدوده دارائی

۱۰–۱۶۶ تمامی منابع طبیعی زیست محیطی نمی‌توانند واجد شرایط دارائی‌های اقتصادی باشند. بنابراین لازم است مشخص شود که کدامیک از منابعی که به‌طور طبیعی پدید آمده‌اند در محدوده دارائی‌های SNA قرار می‌گیرند و کدامیک در این محدوده قرار نمی‌گیرند.

۱۰–۱۶۷ در وهله اول، باید متذکر شد که حساب‌ها و ترازنامه‌های SNA برای واحدهای نهادی یا گروهی از واحدهای نهادی تهیه می‌شوند و فقط می‌توانند ارزش دارائی‌هائی را که به واحدهای مورد بحث تعلق دارند نشان دهند. بنابراین تنها آن دسته از منابع طبیعی که حقوق مالکیت بر آن‌ها ایجاد شده و به‌طور مؤثری مورد استفاده قرار می‌گیرند می‌توانند شرایط این را داشته باشند که به عنوان دارائی‌های اقتصادی در ترازنامه‌ها ثبت شوند. لازم نیست آن‌ها حتماً متعلق به واحدهای نهادی باشند و ممکن است به گروه‌هائی از واحدها به‌طور جمعی یا به دولت از طرف کل جامعه تعلق داشته باشند. با این حال، ممکن است ایجاد مالکیت بر برخی منابع پدید آمده به‌طور طبیعی مانند هوا، یا اقیانوس امکان‌پذیر نباشد. بعلاوه، ممکن است منابع طبیعی دیگری نیز وجود داشته باشند که بدلیل عدم تعلق آن‌ها به واحد خاصی نمی‌توان آن‌ها را به عنوان دارائی‌های اقتصادی تلقی کرد. این‌ها علاوه بر این که شامل منابعی هستند که وجود آن‌ها ناشناخته است بلکه منابعی را نیز در بر می‌گیرند که وجود آن‌ها ممکن است شناخته شده باشد، نظیر جنگل‌های کشت نشده، ولی بقدری دور از دسترس یا دست نیافتنی هستند که، در عمل، تحت کنترل مؤثر هیچ واحد نهادی قرار نمی‌گیرند.

۱۰–۱۶۸ در وهله دوم، برای این که دارائی‌های طبیعی با تعریف کلی دارائی اقتصادی همخوانی داشته باشند، نه تنها باید تحت مالکیت باشند بلکه باید با توجه به فناوری، دانش علمی، زیرساخت اقتصادی، منابع موجود و مجموعه قیمت‌های نسبی حاکم، قابلیت ایجاد منافع اقتصادی برای صاحبان آن‌ها را در تاریخ‌هائی که ترازنامه برای آن‌ها تهیه می‌شود داشته باشند یا انتظار می‌رود که در آینده نزدیک چنین باشند. از اینرو، ذخائر معدنی شناخته شده که در آینده نزدیک قابل پیش بینی دارای قابلیت بهره‌برداری تجاری نیستند، در ترازنامه‌های SNA وارد نمی‌شوند حتی اگر احتمال داشته باشد که در تاریخ‌های بعد در اثر پیشرفت‌های بزرگ و پیش بینی نشده در فناوری یا تغییرات عمده در قیمت‌های نسبی قابل بهره برداری تجاری شوند.

۱۰–۱۶۹ دارائی‌های پدید آمده به‌طور طبیعی در شکل موجودات زنده (درختان، گیاهان، جانوران، پرندگان، ماهی و غیره) تجدیدپذیر هستند. رشد و بازآوری درختان، محصولات زراعی یا سایر گیاهان یا پرورش حیوانات، پرندگان، ماهی و غیره ممکن است تحت کنترل مستقیم، مسئولیت و مدیریت واحدهای نهادی انجام شود. در این حالت، دارائی‌ها پرورش داده شده‌اند و این فعالیت در محدوده تولید SNA قرار می‌گیرد. رشد جانوران، پرندگان، ماهی و غیره که در طبیعت زندگی می‌کنند، یا رشد گیاهان پرورش داده نشده در جنگل‌ها فرآیند تولید اقتصادی نیست بنابراین دارائی‌های حاصل از آن نمی‌توانند به عنوان دارائی‌های تولید شده طبقه بندی شوند. با این وجود، هنگامی که جنگل‌ها یا جانوران، پرندگان، ماهی و غیره منشاء منافعی برای صاحبانشان هستند، تشکیل

دارائی‌های اقتصادی را می‌دهند. هنگامی که جانوران وحشی، پرندگان، ماهی و غیره در محل‌هائی زندگی می‌کنند که هیچ واحد نهادی قادر به اعمال حقوق مالکیت بر آن‌ها نیست خارج از محدوده دارائی قرار می‌گیرند. به‌طور مشابه، جنگل‌ها یا سایر گیاهانی که در چنین مناطقی رشد می‌کنند به عنوان دارائی‌های اقتصادی بشمار نمی‌آیند. از سوی دیگر، ذخائر ماهی، در آب‌های آزاد که تابع موافقتنامه‌های بین‌المللی درباره میزان صید ماهی توسط هریک از کشورها هستند می‌توانند در محدوده دارائی قرار گیرند.

مالکیت

۱۰-۱۷۰ تمامی مالکین و خریداران زمین و منابع طبیعیِ غیر متحرک در داخل سرزمین اقتصادی، چنین در نظر گرفته می‌شوند که در آن اقتصاد دارای یک مرکز منافع اقتصادی هستند. اگر مالک یا خریدار از این پس دیگر واجد شرایط یک واحد مقیم نباشد (یعنی غیرمقیم شود، مترجم)، یک واحد مقیم فرضی برای این منظور ایجاد می‌شود. این‌طور در نظر گرفته می‌شود که واحد مقیم فرضی زمین مورد نظر را خریده است ضمن این که واحد غیر مقیم سهام واحد فرضی را خریده است و بنابراین بجای دارائی غیرمالی یک دارائی مالی تحصیل کرده است. از اینرو، تمامی خریدها و فروش‌های زمین به‌طور عادی بین واحدهای مقیم صورت می‌گیرد. تنها مورد استثناء هنگامی است که خودِ محدوده مرزهای اقتصادی تغییر کند، مثلاً وقتی یک دولت خارجی یا یک سازمان بین‌المللی، زمینی را خریداری کند یا بفروشد که به برون خاکی که سفارت یا ادارات در آن واقع شده‌اند اضافه کند یا از آن کسر کند.

۱۰-۱۷۱ علاوه براین، از آنجا که خریدها و فروش‌های زمین و منابع طبیعی برای هر دوی خریداران و فروشندگان بدون هزینه‌های انتقال مالکیت ثبت می‌شوند، ارزش کل خریدها و فروش‌های زمین و منابع طبیعی باید در سطح کل اقتصاد با یکدیگر برابر باشند، هرچند که در سطح هریک از بخش‌ها و زیر بخش‌ها برابر نیستند.

۱۰-۱۷۲ به‌طور مشابه، فرض می‌شود که استخراج منابع زیرزمینی فقط توسط واحدهای مقیم می‌تواند انجام شود. به محض این که بنگاهی برای استخراج آماده‌شود، مثلاً پروانه‌های مورد نیاز را اخذ کند، فرض بر این است که در آن زمان مقیم شده است.

ارزش‌گذاری

۱۰-۱۷۳ از آنجا که منابع طبیعی تولید نشده‌اند، هزینه‌های انتقال مالکیت که جزئی از تشکیل سرمایه ثابت هستند، باید در حساب سرمایه به‌طور جداگانه و نه به عنوان قسمتی از ارزش تراکنش دارائی‌های تولید نشده نشان داده شوند. برای زمین، هزینه‌های انتقال مالکیت، طبق قرارداد، با بهسازی‌های زمین یکجا در نظر گرفته می‌شود.

تراکنش‌های منابع طبیعی

۱۰-۱۷۴ تراکنش‌های منابع طبیعی به صورت تحصیل منهای واگذاری دارائی مورد بحث، برحسب طبقه‌بندی ارائه شده در جدول ۱۰-۴، نشان داده می‌شوند.

زمین

۱۰-۱۷۵ ***زمین متشکل از سطح زمین، شامل پوشش خاک و آب‌های سطحی مربوط به آن است که حقوق مالکیت بر آن ایجاد می‌شود و با نگه‌داشتن یا استفاده از آن توسط مالکین می‌تواند منافع اقتصادی حاصل شود.*** ارزش زمین بناها یا سایر سازه‌های واقع در آن یا رد شده از میان آن؛ محصولات زراعی پرورشی؛ درختان و حیوانات؛ منابع معدنی و انرژی؛ منابع زیستی غیرپرورشی و منابع آبی زیر زمینی را در بر نمی‌گیرد. آب‌های سطحی مربوط به زمین، آب‌های داخلی (مخازن آب، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و غیره) را که می‌تواند حقوق مالکیت بر آن‌ها ایجاد شود و بنابراین، می‌تواند موضوع تراکنش بین واحدهای نهادی باشد را در بر می‌گیرد. اما، بسترهای آب که از آن‌ها در مقابل پرداختی به‌طور مرتب آب برای استفاده در تولید (از جمله آبیاری) برداشت می‌شود، در آب مربوط به زمین منظور نمی‌شود بلکه جزء منابع آبی به‌حساب می‌آید.

۱۰-۱۷۶ همانگونه که در بالا اشاره شد، بهسازی‌های زمین و هزینه‌های انتقال مالکیت زمین به عنوان دارائی‌های ثابت تلقی می‌شوند و به‌طور جداگانه نشان داده می‌شوند. در نتیجه،

تحصیل و واگذاری زمین طبیعی با برای هردوی خریدار و فروشنده با ارزش یکسان ثبت می‌شود. از آنجا که هردو طرف تراکنش باید مقیم باشند، در نتیجه برای کل اقتصاد، ارزش هم‌افزوده کل خریدهای زمین باید با ارزش هم‌افزوده کل فروش‌ها برابر باشند، هرچند که این امر به‌طور کلی در سطح‌های پائین‌تر هم‌افزود، نظیر بخش‌ها یا زیربخش‌ها مصداق ندارد. بنابراین، ارزش تحصیل منهای واگذاری زمین برای کل اقتصاد صفر است (بجز تراکنش‌هائی که خودِ محدوده سرزمین اقتصادی را تغییر می‌دهند، همان طور که در پاراگراف۱۰-۱۷۰ گفته شد).

جدول ۱۰-۴: حساب سرمایه – دارائی‌های غیرمالی تولید نشده

تغییرات در دارائی‌ها

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
تشکیل سرمایه ناخالص	۳۰۸	۸	۳۸	۵۵	۵	۴۱۴			۴۱۴
تشکیل سرمایه خالص	۱۵۱	-۴	۱۱	۳۲	۲	۱۹۲			۱۹۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۲۸۰	۸	۳۵	۴۸	۵	۳۷۶			۳۷۶
مصرف سرمایه ثابت	-۱۵۷	-۱۲	-۲۷	-۲۳	-۳	-۲۲۲			-۲۲۲
تشکیل *سرمایه ثابت ناخالص برحسب نوع دارائی*									
تغییرات موجودی انبار	۲۶	۰	۰	۲	۰	۲۸			۲۸
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	۲	۰	۳	۵	۰	۱۰			۱۰
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده	-۷	۰	۲	۴	۱	۰			۰
تحصیل منهای واگذاری منابع طبیعی	-۶	۰	۲	۳	۱	۰			۰
منابع طبیعی									
زمین									
ذخائر معدنی و انرژی									
منابع زیستی غیرپرورشی									
منابع آبی									
سایر منابع طبیعی									
طیف رادیوئی									
سایر									
تحصیل منهای واگذاری قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	-۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰		۰
قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
اجاره‌نامه‌های عملیاتی قابل قابل فروش									
مجوزهای استفاده از منابع طبیعی									
مجوزهای انجام فعالیت‌های خاص									
حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده									
خرید منهای فروش سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	۰	۰				۰	۰		۰
انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی									
انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی									
خالص وام دهی (+) / خالص وام‌گیری (-)	-۵۶	-۱	-۱۰۳	۱۷۴	-۴	۱۰	-۱۰		۰

۱۰-۱۷۷ بناها یا سایر سازه‌ها، و کشتزارها اغلب با زمینی که در آن واقع شده‌اند با هم خرید و فروش می‌شوند، بدون این که برای سازهها و زمین ارزش‌های جدا گذاشته شود. حتی اگر ارزش گذاری جداگانه امکان پذیر نباشد، که در مورد سازه‌های موجود می‌تواند چنین باشد، ممکن است این امکان وجود داشته باشد که بتوان تعیین کرد که ارزش کدام یک از دو موردِ زمین یا سازه بیشترین سهم را در ارزش ترکیبی آن‌ها دارد و تراکنش آن‌ها را به عنوان خرید زمین یا خرید سازه بسته به این که کدام ارزش بیشتری دارند طبقه بندی کرد. اگر این امکان وجود نداشته باشد که بتوان تعیین کرد کدامیک، زمین یا سازه، دارای ارزش بیشتری هستند، طبق قرارداد تراکنش آن‌ها باید به عنوان خرید یک سازه که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است طبقه بندی شود. برای کشتزارها نیز قرارداد مشابهی رعایت می‌شود.

۱۰-۱۷۸ SNA طبقه‌بندی انواع مختلف زمین‌ها را مشخص نمی‌کند ولی توصیه می‌شود اگر تفکیک آن‌ها موردنیاز باشد، باید برحسب آنچه که در SEEA بکار برده شده است صورت گیرد.

منابع معدنی و انرژی

۱۰-۱۷۹ ***منابع معدنی و انرژی از ذخائر معدنی و انرژی واقع در زیرِ زمین تشکیل یافته‌اند که با در نظر گرفتن فناوری و قیمت‌های نسبی جاری قابل بهره‌برداری اقتصادی هستند.*** حقوق مالکیت بر منابع معدنی و انرژی معمولاً از حقوق مالکیت خودِ زمین جدا شدنی است. منابع معدنی و انرژی متشکل از ذخائر شناخته شده‌ی ذغال، نفت، گاز یا سایر سوخت‌ها و سنگ‌های معدنی فلزی، و مواد معدنی غیرفلزی و غیره هستند که زیر زمین یا سطح زمین واقع شده‌اند، و ذخائر زیر دریا را نیز در بر می‌گیرند. تراکنش‌های ثبت شده در حساب سرمایه فقط آن دسته از منابع معدنی و انرژی را در بر می‌گیرد که بر آن‌ها حق مالکیت ایجاد شده باشد. در بیشتر موارد، مالکیت منابع معدنی و انرژی ممکن است از مالکیت زمینی که این ذخائر در زیر آن واقع شده‌اند جدا باشد، ولی در موارد دیگر ممکن است قانون تصریح کند که مالکیت منابع معدنی و انرژی به‌صورت جدائی ناپذیری با مالکیت زمین پیوند خورده است.

۱۰-۱۸۰ تراکنش‌های منابع معدنی و انرژی ثبت شده در حساب سرمایه اشاره به تحصیل یا واگذاری ذخائر منابع معدنی و انرژی دارد که در آن مالکیت این دارائی‌ها از یک واحد نهادی به واحد نهادی دیگر منتقل می‌شود. کاهش ارزش ذخائر منابع معدنی و انرژی شناخته شده که ناشی از تقلیل آن‌ها در نتیجه استخراج دارائی‌ها برای مقاصد تولید است، در حساب سرمایه ثبت نمی‌شود بلکه در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شود.

۱۰-۱۸۱ در اینجا نیز اگر تفکیک ذخائر معدنی و انرژی مورد نیاز باشد، توصیه می‌شود از طبقه‌بندی پیشنهادی در SEEA استفاده شود.

منابع زیستی غیرپرورشی

۱۰-۱۸۲ ***منابع زیستی غیرپرورشی عبارتند از جانوران، پرندگان، ماهی‌ها و گیاهانی که به هردو صورت، فقط یکبار یا بکرات، ثمر می‌دهند و بر آن‌ها حقوق مالکیت اعمال می‌شود ولی رشد و بازآوری آن‌ها تحت کنترل، مسئولیت و مدیریت مستقیم واحدهای نهادی نیست.*** مثال در این مورد جنگل‌های بکر و شیلات داخل سرزمین کشور هستند. فقط منابعی که در حال حاضر برای مقاصد اقتصادی قابل بهره‌برداری هستند یا احتمالاً بزودی خواهند بود، باید منظور شوند.

۱۰-۱۸۳ در SEEA، این رده به منابع جانوران یا گیاهان آبزی، منابع حیوانی غیر از منابع آبزیان، درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی تفکیک شده است. منابع آبزیان به منابع آبزیان در آب‌های ملی از جمله منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ) و منابع آبزیان در آب‌های آزاد تفکیک می‌شوند.

منابع آبی

۱۰-۱۸۴ ***منابع آبی از آب‌های سطحی و زیرزمینی استفاده شده برای استخراج تشکیل یافته‌اند به‌طوری که کمیابی آن‌ها منجر به اعمال حق مالکیت یا حق استفاده، ارزش بازار و سنجه‌ای برای کنترل اقتصادی می‌شود.*** اگر جدا کردن ارزش آب‌های

سطحی از زمین مربوط به آن امکان پذیر نباشد، باید کل آن به رده‌ای که سهم بیشتری از ارزش کل را دارد تخصیص داده شود.

سایر منابع طبیعی

۱۰-۱۸۵ رده سایر منابع طبیعی در حال حاضر طیف رادیوئی را در بر می‌گیرد. با توجه به پیشرفت روزافزون به سمت اجرای سیاست‌های زیست محیطی با ابزار بازار، ممکن است منابع طبیعی دیگری نیز به عنوان دارائی‌های اقتصادی شناسائی شوند. اگر چنین شود، آن دارائی‌ها نیز به این رده منتسب می‌شوند.

۲. قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها

حد و مرز دارائی

۱۰-۱۸۶ ***قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها تنها هنگامی دارائی تلقی می‌شوند که هردو شرط زیر را داشته باشند:***

الف. ***ضوابط قرارداد، اجاره‌نامه یا پروانه قیمتی را برای استفاده از یک دارائی یا ارائه‌ی یک خدمت مشخص کند که از قیمتی که در نبودِ قرارداد، اجاره‌نامه یا پروانه حاکم است، متفاوت باشد.***

ب. ***یک طرف قرارداد باید از نظر قانونی و عملی قادر باشد این تفاوت قیمت را تحقق بخشد.***

براساس شرط دوم، پیش فرض این است که بازاری برای قرارداد وجود دارد. توصیه می‌شود که در عمل قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها فقط وقتی در حساب‌ها ثبت شوند که دارنده آن‌ها واقعاً از حق خود برای تحقق بخشیدن به تفاوت قیمت‌ها استفاده کند.

۱۰-۱۸۷ قسمت ۵ در فصل ۱۷ به‌طور کلی درباره نحوه برخورد با اجاره‌نامه‌ها در SNA بحث می‌کند و در صورتیکه شکی در مورد این که آیا یک قرارداد، اجاره‌نامه یا پروانه باید دارائی تلقی شود یا خیر لازم است به آن مراجعه شود.

۱۰-۱۸۸ همانند منابع طبیعی، هزینه‌های انتقال مالکیت در تحصیل و واگذاری قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها باید به‌طور جداگانه به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نشان داده شود.

انواع دارائی‌های موجود در قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها

۱۰-۱۸۹ چهار نوع قرارداد، اجاره‌نامه و پروانه وجود دارد که در SNA به عنوان دارائی در نظر گرفته شده‌اند: اجاره‌نامه عملیاتی قابل فروش، مجوز استفاده از منابع طبیعی، مجوز انجام فعالیت‌های خاص و حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده.

اجاره‌نامه عملیاتی قابل فروش

۱۰-۱۹۰ ***اجاره‌نامه‌ی عملیاتی قابل فروش عبارت از حق مالکیت شخص ثالث در رابطه با دارائی‌های ثابت است.*** مثالی که می‌توان بیان کرد موردی است که مستأجرِ یک بنا اجاره بهای ثابتی را می‌پردازد ولی در شرایطی که اجاره‌نامه وجود نداشته باشد اجاره بهای بنا می‌تواند بالاتر از آن برود. در این شرایط اگر مستأجر هم از نظر قانونی و هم از نظر عملی قادر باشد بنا را به مستأجر دیگری اجاره فرعی دهد، در این صورت او یک دارائی از نوع اجاره‌نامه‌ی عملیاتی قابل فروش دارد.

مجوز استفاده از منابع طبیعی

۱۰-۱۹۱ ***مجوز استفاده از منابع طبیعی عبارت از حقق مالکیت شخص ثالث در رابطه با منابع طبیعی است.*** به عنوان مثال، شخصی دارای یک سهمیه ماهیگیری است که هم از نظر قانونی و هم از نظر عملی قادر است آن را به شخص دیگری بفروشد.

مجوز انجام فعالیت‌های خاص

۱۰-۱۹۲ ***مجوز انجام فعالیت‌های خاص مجوزی است که دارای شرایط زیر باشد:***

الف. ***مجوزها از نظر تعداد محدود باشند و بنابراین به دارنده آن اجازه دهند منافع انحصاری کسب کند،***

ب. ***منافع انحصاری در نتیجه‌ی استفاده از یک دارائی متعلق به صادر کننده‌ی مجوز بدست نیامده باشد،***

پ. ***دارنده مجوز هم از نظر قانونی و هم از نظر عملی قادر به فروش مجوز به شخص ثالث باشد.***

این مجوزها عمدتاً توسط دولت صادر می‌شوند ولی ممکن است توسط واحدهای دیگر نیز صادر شوند.

۱۰-۱۹۳ هنگامی که دولت‌ها تعداد اتومبیل‌هائی که حق کار کردن به عنوان تاکسی دارند را محدود می‌کنند یا تعداد کازینوها را با صدور پروانه محدود می‌کنند، در واقع برای گردانندگان تأئید شده‌ی آن‌ها سود انحصاری ایجاد می‌کنند و قسمتی از سود را به عنوان حق‌الزحمه دریافت می‌کنند. انگیزه‌ای که برای اخذ این نوع پروانه‌ها وجود دارد این است که دارنده‌ی پروانه اعتقاد دارد که بوسیله‌ی آن حقی برای او ایجاد می‌شود که از طریق آن سود انحصاری، به میزانی حداقل برابر با مبلغی که برای پروانه پرداخت کرده است، بدست می‌آورد. این جریان درآمد آینده در صورتی دارائی تلقی می‌شود که دارنده پروانه بتواند با فروش دارائی به دیگران، آن را تحقق بخشد. این نوع دارائی به عنوان مجوز انجام فعالیت خاص نامیده می‌شود. ارزش این دارائی با جریان منافع انحصاری آینده تعیین می‌شود.

۱۰-۱۹۴ برای واحدهائی غیر از دولت کمتر اتفاق می‌افتد که بتوانند اشتغال به فعالیت مشخصی را محدود کنند. نمونه‌ای که در این مورد می‌توان اشاره کرد این است که صاحبِ یک دارائی تعداد واحدهائی را که اجازه دارند در ارتباط با دارائی او کار کنند محدود کند، برای مثال صاحب یک هتل ممکن است سیاستی داشته باشد که به‌موجب آن فقط یک مؤسسه تاکسی مجاز به جا به جا کردن مهمانان هتل باشد. در این‌گونه موارد، این‌طور برخورد می‌شود که مجوزها موجب افزایش پرداختی بابت ارائه خدمات شده است. در اصل، دلیلی وجود ندارد که این نوع مجوزها درصورتی که قابل فروش باشند نتوانند به عنوان دارائی تلقی شوند هرچند که این حالت نمی‌تواند متداول باشد.

حق انحصاری نسبت به کالاها و خدمات آینده

۱۰-۱۹۵ ***حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده به موردی مربوط می‌شود که طرفی که قرارداد بسته است کالاها و خدمات را به قیمت ثابتی در زمانی در آینده خریداری کند قادر باشد تعهدات طرف دوم قرارداد را به شخص ثالثی منتقل کند.*** مثال‌های این مورد، قرارداد بازیکنان فوتبال، حق انحصاری ناشر برای انتشارکارهای جدید یک نویسنده مشهور یا برای انتشار آثار موسیقی دانان مشهور هستند.

۳. سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی

۱۰-۱۹۶ خریداران بالقوه یک بنگاه اغلب حاضر به پرداخت مبلغی بیشتر از ارزش خالص دارائی‌ها و بدهی‌های بنگاه هستند که به‌طور انفرادی شناسائی و ارزش‌گذاری شده‌اند. این ارزش اضافی "سرقفلی" نامیده می‌شود و ارزش ساختارهای شرکت و ارزش کارکردِ ترکیب نیروی انسانی و مدیریت، فرهنگ سازمانی، شبکه توزیعی و مشتریان دائمی شرکت را منعکس می‌کند. سرقفلی نمی‌تواند جدا از دارائی‌های دیگر دارای ارزش باشد، ولی ارزش دارائی‌های دیگر را افزایش می‌دهد. با نگاهی دیگر، سرقفلی اضافه بر ارزش یکایک دارائی‌هاست زیرا آن‌ها درترکیب با یگدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱۰-۱۹۷ سرقفلی نمی‌تواند به‌طور جداگانه تعیین و به طرف دیگری فروخته شود. ارزش آن باید با کسر کردن ارزش دارائی‌ها و بدهی‌های طبقه بندی شده در جای دیگر در چارچوب محدوده دارائی‌ها در SNA از ارزش فروش شرکت بدست آید. (در عمل، از آنجا که سرقفلی به صورت باقیمانده برآورد می‌شود، برآوردی از سرقفلی اشتباهات و از قلم افتادگی‌های محاسبه سایر دارائی‌ها و بدهی‌ها را نیز منعکس می‌کند).

۱۰-۱۹۸ ارزش سرقفلی ممکن است علاوه بر اشتباهات باقیمانده، ارزش اقلامی که به عنوان دارائی‌های بازاریابی شناخته شده است را نیز در بر داشته باشد. ***دارائی‌های بازاریابی عبارت از اقلامی نظیر نام‌های تجاری (نمانام‌ها)، حق تابلو، علائم تجاری، آرم‌ها و نام‌های دامنه هستند.*** نام تجاری (نمانام) می‌تواند مهمتر از نام شرکت یا آرم تجاری تعبیر شود. نام

تجاری کل احساسی است که یک مشتری یا مشتری بالقوه ازتجربه خود با شرکت و محصولات آن بدست می‌آورد. با این مفهوم وسیع‌تر، می‌توان برخی از ویژگی‌های سرقفلی نظیر وفاداری مشتری را در آن مشاهده کرد.

۱۰-۱۹۹ ***ارزش سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی به صورت تفاوت بین ارزش پرداخت شده برای یک بنگاه به‌عنوان بنگاه دایر با تمام منابع آن و جمع دارائی‌ها منهای جمع بدهی‌های آن، که هر یک از اقلام آن به‌طور جداگانه تعیین و ارزش‌گذاری شده باشند، تعریف می‌شود.*** اگرچه سرقفلی احتمالاً در بیشتر شرکت‌ها وجود دارد، ولی به دلیل مشکلات مربوط به قابلیت اعتماد اندازه‌گیری آن، در SNA فقط هنگامی ثبت می‌شود که ارزش آن با یک تراکنش بازاری، معمولاً با فروش کل شرکت، به اثبات برسد. در موارد استثنائی، دارائی‌های بازاریابی ممکن است به تنهائی و جدا از کل شرکت بفروش برسند که در آن حالت نیز فروش آن‌ها باید زیر این اقلام ثبت شوند.

ث. انتقالات سرمایه‌ای

۱. انتقالات سرمایه‌ای درمقابل انتقالات جاری

۱۰-۲۰۰ ***انتقالات سرمایه‌ای انتقالات بلاعوض هستند که خواه طرف فراهم کننده انتقالات منابع مالی آن را با واگذاری یک دارائی (غیر ازوجه نقد یا موجودی انبار)، یا با تسویه یک ادعای مالی (غیر از حساب‌های دریافتنی) تحقق ببخشد، خواه طرف دریافت کننده انتقالات مجبور به تحصیل یک دارائی (غیر از وجه نقد یا موجودی انبار) باشد یا هردو حالت وجود داشته باشد.*** انتقالات سرمایه‌ای اغلب بزرگ هستند و به‌طور نامنظم ارائه می‌شوند ولی هیچ یک از این‌ها لزوماً شرایطی نیستند که بتوان از طریق آن‌ها یک انتقال را بجای انتقالات جاری به عنوان انتقالات سرمایه‌ای در نظر گرفت.

۱۰-۲۰۱ انتقالات جاری امکانات درآمدی و مصرفی طرف اول را کاهش می‌دهد و امکانات درآمدی و مصرفی طرف دوم را افزایش می‌دهد. بنابراین، انتقالات جاری مشروط به تحصیل یا واگذاری دارائی‌ها توسط یک طرف یا هردو طرف تراکنش نیستند و به آن‌ها مرتبط هم نیستند.

۱۰-۲۰۲ برخی انتقالات نقدی می‌توانند توسط یک طرف به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ولی توسط طرف دیگر به عنوان انتقالات جاری در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال، مالیات بر ارث می‌تواند توسط پرداخت کننده‌ی مالیات به عنوان انتقالات سرمایه‌ای و توسط دولت به عنوان دریافت جاری در نظر گرفته شود، زیرا دولت بسیاری از این نوع انتقالات را دریافت می‌کند. به‌طور مشابه، کشور بزرگی که کمک‌های سرمایه‌ای به تعدادی از کشورهای کوچکتر اعطاء می‌کند می‌تواند کمک‌ها را به عنوان انتقالات جاری در نظر بگیرد حتی اگر به‌طور خاص برای تأمین مالی تحصیل دارائی‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته شده باشند. اما، در یک سیستم یکپارچه‌ی حساب‌ها مانند SNA، امکان پذیر نیست که یک تراکنشِ واحد در جاهای مختلف به‌طور متفاوتی طبقه بندی شود. بر این اساس، این انتقالات حتی اگر شامل تحصیل یا واگذاری یک دارائی، یا دارائی‌ها، توسط یکی از طرفین باشد باید برای هردو طرف به عنوان انتقالات سرمایه‌ای طبقه‌بندی شود. به‌طور قراردادی، انتقالات نقدی همیشه به عنوان انتقالات جاری تلقی می‌شوند.

۱۰-۲۰۳ ممکن است مواردی وجود داشته باشد که براساس مدارک موجود تصمیم گیری درباره‌ی این که یک انتقال نقدی باید به عنوان انتقالات جاری در نظر گرفته شود یا انتقالات سرمایه‌ای، مشکل باشد. وقتی شک جدی وجود دارد، انتقال مورد نظر باید به عنوان انتقالات جاری، و نه انتقالات سرمایه‌ای، در نظر گرفته شود. ولی باید توجه داشت که تصمیم این که یک انتقال در کجا طبقه بندی شود پیامدهای مهمی برای تخصیص پس‌انداز بین بخش‌ها و زیربخش‌ها، و احتمالاً بین کل اقتصاد و دنیای خارج خواهد داشت. بافرض

ثابت بودن موارد دیگر، انتقالات جاری پس‌انداز دریافت کننده را افزایش و پس‌انداز اهداء کننده را کاهش می‌دهد. بنابراین، اگر انتقالات نقدی به‌طور نادرستی بین انتقالات جاری و سرمایه‌ای طبقه‌بندی شوند، رفتار پس‌انداز ثبت شده برای واحدها یا زیربخش‌های درگیر می‌تواند برای مقاصد تحلیلی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی گمراه کننده باشد.

۲. انتقالات نقدی و غیرنقدی

۱۰-۲۰۴ همان طور که در فصل ۹ توضیح داده شد، انتقالات ممکن است به‌صورت نقدی یا غیر نقدی انجام شوند. انتقالات سرمایه‌ای غیرنقدی بالاجبار با تغییر مالکیت یک محصول که قبلاً به عنوان دارائی غیرمالی در حساب‌های اهداء کننده ثبت شده است مرتبط است. در این مورد، همه‌ی چهار قلم ورودی مرتبط با این تراکنش در حساب سرمایه ثبت می‌شوند. دو قلم ورودی به انتقال ثروت مربوط است که از طریق انتقالات سرمایه‌ای نشان داده می‌شود؛ دو قلم ورودی دیگر به عنوان واگذاری دارائی انتقال داده شده توسط اهداء کننده و تحصیل آن توسط دریافت کننده نشان داده می‌شود. نحوه برخورد با دارائی‌های ثابت تولید شده از طریق ساخت و ساز اجتماعی و انتقال بعدی آن به دولت برای نگه‌داری، در پاراگراف ۱۰-۵۸ مورد بحث قرار گرفته است.

۱۰-۲۰۵ همه‌ی انتقالات سرمایه‌ای دیگر دارای دو قلم ورودی در حساب سرمایه و دو قلم ورودی در حساب مالی هستند. در مورد بخشش بدهی، دو قلم ورودی در حساب مالی کاهش بدهی دریافت کننده انتقالات به اهداء کننده‌ی آن و ادعای اهداء کننده نسبت به دریافت کننده را نشان می‌دهد. سایر انتقالات سرمایه‌ای به عنوان انتقال نقدی ثبت می‌شوند و کاهشِ وجوه نقدی و سپرده‌های اهداء کننده و افزایشِ وجوه نقدی و سپرده‌های دریافت کننده را نشان می‌دهند.

جدول ۱۰-۵: حساب سرمایه- انتقالات سرمایه‌ای – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
پس‌انداز، خالص	۷۱	۲	-۶۲	۱۹۲	۲	۲۰۵			۲۰۵
تراز خارجی جاری							-۱۳		-۱۳
تشکیل سرمایه ناخالص							۴۱۴		۴۱۴
تشکیل سرمایه خالص							۱۹۲		۱۹۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص							۳۷۶		۳۷۶
مصرف سرمایه ثابت							-۲۲۲		-۲۲۲
تشکیل *سرمایه ثابت ناخالص برحسب نوع دارائی*									
تغییرات موجودی انبار							۲۸		۲۸
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها							۱۰		۱۰
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده							۰		۰
انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی	۳۳	۰	۶	۲۳	۰	۶۲	۴		۶۶
مالیات بر درآمد، دریافتنی			۲			۲			۲
کمک‌های سرمایه‌گذاری، دریافتنی	۲۳	۰	۰	۰	۰	۲۳	۴		۲۷
سایر انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی	۱۰	۰	۴	۲۳	۰	۳۷			۳۷
انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی	-۱۶	-۷	-۳۴	-۵	-۳	-۶۵	-۱		-۶۶
مالیات بر درآمد، پرداختنی	۰	۰	۰	-۲	۰	-۲	۰		-۲
کمک‌های سرمایه‌گذاری، پرداختنی			-۲۷			-۲۷			-۲۷
سایر انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی	-۱۶	-۷	-۷	-۳	-۳	-۳۶	-۱		-۳۷
تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه-	۸۸	-۵	-۹۰	۲۱۰	-۱	۲۰۲	-۱۰		۱۹۲

ارزش‌گذاری

۱۰–۲۰۶ ارزش یک دارائی غیرمالی انتقال داده شده، قیمت برآورد شده‌ای است که دارائی، چه جدید چه مستعمل، بتواند با آن قیمت در بازار فروخته شود بعلاوه هزینه‌های حمل و نقل، نصب یا سایر هزینه‌های انتقال مالکیت متقبل شده توسط اهداء کننده ولی بدون هزینه‌هائی از این نوع که دریافت کننده متقبل شده است. انتقالات دارائی‌های مالی، از جمله فسخ دیون، به همان شیوه سایر انواع تحصیل یا واگذاری دارائی‌های مالی یا بدهی‌ها عمل می‌شوند.

۳. مالیات‌های سرمایه

۱۰–۲۰۷ ***مالیات‌های سرمایه از مالیات‌هائی تشکیل شده‌اند که به‌طور نامرتب و در فاصله‌های زمانی نامنظم بر ارزش دارائی‌ها یا ارزش ویژه متعلق به واحدهای نهادی یا بر ارزش دارائی‌های منتقل شده بین واحدهای نهادی در نتیجه‌ی ارث، هبه یا سایر انتقالات وضع می‌شوند.*** این نوع مالیات‌ها شامل مالیات بر سرمایه و مالیات بر انتقالات سرمایه هستند:

الف. مالیات بر سرمایه متشکل از مالیات بر ارزش دارائی‌ها یا ارزش ویژه متعلق به واحدهای نهادی است که در فاصله‌های زمانی نامرتب، و بسیار نادر، اخذ می‌شوند. مالیات بر سرمایه هم برای واحدهای مربوطه و هم برای دولت استثنائی است. این مالیات‌ها ممکن است توسط خانوارها یا توسط بنگاه‌ها پرداختنی باشند. آن‌ها عبارتند از مالیات‌های بهبود: یعنی مالیات‌هائی که بر افزایش ارزش زمین‌های کشاورزی در اثر صدور مجوز برای توسعه زمین برای مقاصد تجاری یا سکونتی توسط واحدهای دولتی، اخذ می‌شوند (*GFSM2001* tax code 1133; OECD 4500)؛

ب. مالیات بر انتقالات سرمایه‌ای عبارت از مالیات بر ارزش دارائی‌های انتقال یافته بین واحدهای نهادی است. این مالیات‌ها عمدتاً از مالیات بر ارث، و مالیات بر هدایا، از جمله هبه بین اعضای یک خانواده که برای اجتناب از پرداخت مالیات بر ارث یا به حداقل رساندن آن تشکیل یافته‌اند. مالیات بر انتقالات سرمایه‌ای، مالیات بر فروش دارائی‌ها را شامل نمی‌شود زیرا فروش دارائی‌ها انتقالات محسوب نمی‌شود (*GFSM2001* tax code 1134; OECD 4300)

۴. کمک‌های سرمایه‌گذاری

۱۰–۲۰۸ ***کمک‌های سرمایه‌گذاری عبارت از انتقالات سرمایه‌ای ارائه شده توسط واحدهای دولتی به سایر واحدهای نهادی مقیم یا غیرمقیم برای تأمین مالی تمام یا قسمتی از هزینه‌های تحصیل دارائی‌های ثابت آن‌ها است.*** دریافت کنندگان کمک‌های سرمایه‌گذاری ملزم هستند آن‌ها را برای مقاصد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص استفاده کنند، و کمک‌های اعطاء شده اغلب به طرح‌های سرمایه‌گذاری خاص، نظیر پروژه‌های بزرگ ساخت و ساز مربوط هستند. است. اگر یک طرح سرمایه‌گذاری برای یک دوره طولانی مدت ادامه پیدا کند، کمکهای نقدی سرمایه‌گذاری می‌تواند به اقساط پرداخت شود. پرداخت‌های قسطی نیز همچنان به عنوان انتقالات سرمایه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند حتی اگر در دوره‌های مختلف بعدی ثبت شوند.

۱۰–۲۰۹ کمک‌های غیرنقدی سرمایه‌گذاری عبارت از انتقالات تجهیزات حمل و نقل، ماشین‌آلات و تجهیزات دیگر توسط دولت به دیگر واحدهای مقیم یا واحدهای غیرمقیم و همچنین تدارک مستقیم بناها یا سایر سازه‌ها برای واحدهای مقیم یا غیرمقیم هستند. این‌ها ممکن است توسط بنگاه‌های متعلق به دولت اعطاء کننده یا بنگاه‌های دیگری که مستقیماً توسط دولت اعطاء کننده به آن‌ها پرداخت می‌شود، ساخته شوند. در چنین مواردی، انتقالات سرمایه‌ای نقدی معمولاً پس از خرید اقلامی که واقعاً به‌صورت غیر نقدی انتقال داده شده‌اند ثبت می‌شود. به‌طور استثناء، اگر انتقال از دارائی موجود انجام شده باشد و دریافت کننده مقیم باشد، انتقال مالکیت دارائی ممکن است به‌صورت تشکیل سرمایه منفی توسط دولت و تشکیل سرمایه مثبت توسط دریافت کننده ثبت شود، ولی باز هم انتقالات سرمایه‌ای باید ثبت شود تا

ترازنامه، هردو طرف تغییرات رخ داده در ارزش ویژه را به‌طور صحیحی منعکس کند.

۵. سایر انتقالات سرمایه‌ای

۱۰-۲۱۰ ***سایر انتقالات سرمایه‌ای عبارت از تمامی انتقالات سرمایه‌ای بجز مالیات بر سرمایه و کمک‌های سرمایه‌گذاری است.*** مقوله قابل توجهی که در اینجا منظور می‌شود فسخ دِین با توافق دو جانبه بین بستانکار و بدهکار است. این نوع فسخ بدهی به عنوان انتقالات سرمایه‌ای از بستانکار به بدهکار تلقی می‌شود که برابر با ارزش دِین عقب افتاده در زمان فسخ آن است. این فسخ شامل فسخ دِین متعلق به غیرمقیم‌ها به مقیم‌ها و بالعکس است ولی محدود به آن نیست.

۱۰-۲۱۱ با این‌حال، مستهلک کردن یک جانبه‌ی دِیون، تراکنش بین واحدهای نهادی به‌حساب نمی‌آید و بنابراین در SNA نه در حساب سرمایه و نه در حساب مالی هیچ کدام نشان داده نمی‌شود. اگر بستانکار این لغو یا عدم پرداخت بدهی را بپذیرد، باید در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی بستانکار و بدهکار هردو ثبت شود. ذخائر دیون بد (مطالبات سوخت شده)، قلم ورودی دفترداری است که برای بنگاه در نظر گرفته می‌شود و در SNA نشان داده نمی‌شود مگر ذخائر مربوط به زیان‌های قابل پیش‌بینی برای وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)، که به عنوان اقلام یادداشتی در ترازنامه‌ها نشان داده می‌شود. انکار یک سویه‌ی دِین توسط بدهکار نیز تراکنش نیست و در SNA به رسمیت شناخته نشده است.

۱۰-۲۱۲ انتقالات سرمایه‌ای می‌تواند به شکل‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که در زیر به چند مثال از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. پرداخت‌های عمده برای جبران خسارت‌های بزرگ یا آسیب‌های جدی که از طریق قراردادهای بیمه پوشش داده نشده‌اند. این پرداخت‌ها ممکن است با رأی دادگاه یا با حل و فصل طرفین در خارج از دادگاه انجام شود. این پرداخت‌ها می‌تواند به واحدهای مقیم یا غیر مقیم انجام شود. این‌ها، پرداخت برای جبران خسارت‌های ناشی از انفجارهای بزرگ، نشت نفت و عوارض جانبی داروها را نیز در بر می‌گیرند؛

ب. تسویه‌ی خسارت‌های بزرگ بیمه در پی یک فاجعه استثنائی. برای جزئیات بیشتر درباره این‌که چه موقع ثبت این نوع اقلام مناسب است به فصل ۱۷ مراجعه شود؛

پ. انتقالات از طرف واحدهای دولتی به بنگاه‌های متعلق به دولت یا بنگاه‌های خصوصی برای پوشش کسری بزرگ در عملیات آن‌ها که در طول دو یا چند سال انباشته شده است؛

ت. انتقالات از دولت مرکزی به واحدهائی که در سطوح پائین‌تر دولت قرار دارند برای پوشش تشکیل سرمایه ثابت یا کسری مخارجی که در طول دو یا چند سال انباشته شده است؛

ث. ارثیه یا هبه‌ی کلان، از جمله بخشش ارثیه به NPIها؛

ج. کمک‌های بزرگ خانوارها یا بنگاه‌ها به NPIها برای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص: برای مثال، کمک‌های اهدائی به دانشگاه‌ها برای پوشش هزینه‌های ساخت بنای جدید کالج شبانه‌روزی، کتابخانه، آزمایشگاه و غیره؛

چ. انتقال مسئولیت برای حق برخورداری از مزایای بازنشستگی، برای مثال هنگامی که دولت مسئولیت تأمین بازنشستگی را از یک کارفرما می‌پذیرد؛

ح. دارائی‌های ساخته شده به‌طور اشتراکی که بعداً مسئولیت نگه‌داری آن توسط دولت یا یک NPISH پذیرفته می‌شود.

فصل ۱۱: حساب مالی

الف. مقدمه

۱۱-۱ حساب مالی آخرین حساب در توالی حساب‌ها است که تراکنش‌های بین واحدهای نهادی را ثبت می‌کند. پس‌انداز خالص قلم ترازکننده‌ی حساب‌های مصرف درآمد است، و پس‌انداز خالص به اضافه خالص انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی یا پرداختنی ممکن است برای انباشت دارائی‌های غیر مالی مورد استفاده قرار گیرد. اگر این اقلام در این راه صرف نشوند، مازادی که حاصل می‌شود خالص وام دهی نامیده می‌شود. از طرف دیگر، اگر پس‌انداز خالص و انتقالات سرمایه‌ای برای پوشش دادن انباشت دارائی‌های مالی کافی نباشد، کسریِ ایجاد شده خالص وام‌گیری نامیده می‌شود. این مازاد یا کسری، خالص وام دهی یا خالص وام‌گیری، قلم تراز کننده‌ای است که از حساب سرمایه به حساب مالی منتقل می‌شود. حساب مالی مانند حساب‌هائی که در فصل‌های پیشین مورد بحث قرار گرفت، قلم ترازکننده‌ای ندارد که به حساب بعدی منقل شود. این حساب فقط توضیح می‌دهد که خالص وام دهی یا خالص وام‌گیری چگونه بوسیله‌ی تغییر دارائی‌های مالی و بدهی‌های در اختیار تحت تأثیر قرار می‌گیرند. حاصل جمع این تغییرات از نظر اندازه، ولی در سمت مقابل حساب، به‌طور مفهومی با قلم تراز کننده‌ی حساب سرمایه برابر است.

۱۱-۲ حساب مالی تراکنش‌هائی را که به دارائی‌های مالی و بدهی‌ها مربوط می‌شوند و بین واحدهای نهادی مقیم یا واحدهای نهادی مقیم و دنیای خارج رخ می‌دهد ثبت می‌کند. در سمت راستِ حساب(در برگردان فارسی جدول‌ها راست چین شده‌اند، مترجم) (جدول ۱۱-۱) تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های مالی ثبت می‌شود، در حالی که در سمت چپ آن تقبل بدهی‌ها منهای بازپرداخت آن‌ها ثبت می‌شود.

۱. دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

۱۱-۳ همان‌گونه که در فصل ۳ شرح داده شد، دارائی به شرح زیر تعریف می‌شود. ***دارائی ذخیره‌ای از ارزش است که منفعت یا زنجیره‌ای از منافع تعلق گرفته به مالک اقتصادی در اثرِ نگه‌داشتن هستار مورد نظر یا استفاده از آن در طول یک دوره از زمان را نشان می‌دهد. دارائی وسیله‌ای برای انتقال ارزش از یک دوره به دوره‌ی دیگر حسابداری است.***

۱۱-۴ منافع بوسیله ابزارهای پرداخت مبادله می‌شوند. از این یک ادعای مالی، و لذا یک بدهی می‌توان تعریف کرد. در SNA بدهی‌های غیرمالی شناسائی شده وجود ندارد، از این رو اصطلاح بدهی بالاجبار به بدهی گفته می‌شودکه دارای ماهیت مالی است گفته می‌شود.

۱۱-۵ ***بدهی هنگامی به وجود می‌آید که واحدی (بدهکار) ملزم می‌شود، تحت شرایط خاصی، پرداخت یا زنجیره‌ای از پرداخت‌هائی را به واحدی دیگر (طلبکار یا بستانکار) انجام دهد.*** رایج‌ترین شرایطی که در آن بدهی ایجاد می‌شود یک قرارداد الزام آور قانونی است که در آن مدت و شرایط پرداخت(هائی) که باید انجام شوند مشخص شده است و پرداخت از نظر قرارداد غیرشرطی است.

۱۱-۶ علاوه براین، بدهی ممکن است نه تنها از طریق قرارداد بلکه از طریق یک سنت قدیمی که به رسمیت شناخته شده است و به آسانی نمی‌توان آن را انکار کرد ایجاد شود. بعضی پرداخت‌های دولت به افراد در این مقوله قرار می‌گیرند. در این موارد، علیرغم فقدان یک قرارداد الزام آور، بستانکار انتظار قابل قبولی از پرداخت دارد. این گونه بدهی‌ها، بدهی‌های عرفی نامیده می‌شوند.

۱۱-۷ هرگاه هرکدام از این نوع بدهی‌ها وجود داشته باشد، یک ادعای مالی متناظر با آن توسط بستانکار در مقابل بدهکار وجود دارد. ***ادعای مالی، پرداخت یا زنجیره‌ای از پرداخت‌های بدهی مربوط به بستانکار توسط بدهکار تحت شرایط یک***

بدهی است. ادعاها مانند بدهی‌ها غیرشرطی هستند. علاوه براین، ممکن است ادعاهای مالی وجود داشته باشند که به بستانکار حق مطالبه پرداخت از بدهکار را می‌دهد ولی برخلاف این که پرداخت توسط بدهکار در صورت تقاضا غیرشرطی است، خودِ تقاضا از طرف بستانکار، اختیاری است.

۱۱-۸ ***دارائی‌های مالی از تمامی ادعاهای مالی، سهام یا دیگر حقوق سهامداران در شرکت‌ها بعلاوه شمش طلای در اختیار مقامات پولی به‌صورت ذخیره‌ی دارائی تشکیل شده است.*** شمش طلای در اختیار مقامات پولی به‌صورت ذخیره‌ی دارائی به عنوان دارائی مالی تلقی می‌شود حتی اگر دارندگان آن ادعائی بر سایر واحدهای تخصیص یافته نداشته باشند. سهام به عنوان دارائی‌های مالی تلقی می‌شوند حتی اگر ادعاهای مالی دارندگان آن‌ها نسبت به شرکت، مبلغ پولی ثابت و از پیش تعیین شده‌ای نباشند.

۲. حسابداری ثبت چهار طرفه

۱۱-۹ قواعد حسابداری SNA که در فصل ۳ توضیح داده شد، چگونگی اجرای اصل ثبت چهار طرفه حسابداری را بیان می‌کند. هنگامی که یک کالا، خدمت، دارائی یا بدهی توسط یک واحد نهادی به واحد نهادی دیگر فروخته می‌شود، دو جفت اقلام ورودی ثبت می‌شوند. جفت اول عرضه قلم توسط یک واحد و تحصیل آن توسط دیگری را ثبت می‌کند. جفت دوم اقلام ورودی، عرضه وسیله پرداخت برای این قلم توسط طرف دوم، و دریافت آن توسط طرف اول را ثبت می‌کند. اقلام ورودی چهار طرفه‌یِ مشابهی در رابطه با تراکنش‌های درگیر در درآمد دارائی و انتقالات نیز مورد نیاز است. جفت دوم اقلام ورودی معمولا در حساب مالی نشان داده می‌شوند مگر در چند مورد انتقالات غیرنقدی که جفت دوم اقلام ورودی ممکن است به صورت مخارج مصرف نهائی یا واگذاری و تحصیل دارائی غیرمالی مثبت یا منفی نشان داده شود. در تمامی موارد غیراز تحصیل دارائی مالی یا تسویه یک بدهی، جفت اول اقلام ورودی دریک یا چند حساب از حساب‌های غیرمالی پدید می‌آیند. در مورد مبادله یک ابزار مالی، تمامی چهار قلم ورودی در حساب مالی نشان داده می‌شود.

۱۱-۱۰ بنابراین برای اقلام ورودی در حساب‌های مالی دو دلیل وجود دارد. دلیل اول به عنوان طرف مقابل اقلام ورودی در سایر حساب‌ها است؛ دلیل دوم ثبت تراکنش‌های درگیر در مبادله‌ی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها به تنهائی، بنابراین هم اقلام ورودی اصلی و هم اقلام ورودی طرف مقابل، هردو، در حساب مالی ثبت می‌شوند.

۳. طرف‌های مقابل تراکنش‌های غیرمالی

۱۱-۱۱ تراکنش‌های درگیر در انتقال مالکیت کالا یا دارائی غیرمالی، یا ارائه خدمت یا نیروی کار تقریباً همیشه منجر به یک قلم ورودیِ مقابل در حساب مالی برای وسیله پرداخت یا ادعای بر وسیله‌ی پرداخت آتی می‌شود. حتی تراکنش‌های غیرنقدی بسیاری، نظیر فروش‌های پایاپای و جبران خدمات غیرنقدی، از نظر مفهومی منجر به اقلام ورودی در حساب مالی می‌شوند. اگر واحد الف محصولی با ارزش X برای واحد ب فراهم کند در حالی که انتظار برگشت محصول دیگری با همان ارزش را داشته باشد، واحد الف یک ادعای مالی X از واحد ب دارد. هنگامی که واحد ب محصولی را که قول داده است تحویل می‌دهد، این ادعای مالی تسویه می‌شود و بنابراین دیگر نیاز به ثبت آن نیست. ثبت اقلام ورودی در حساب مالی هنگامی لازم است که تمامی عناصر تراکنش‌های غیرنقدی به طور هم زمان تکمیل نشوند.

۱۱-۱۲ فروش یک کالا، خدمت یا دارائی ممکن است به عنوان طرف مقابلش تغییر در پول جاری یا سپرده انتقال‌پذیر را داشته باشد. متناوباً، طرف مقابل ممکن است در حساب مالی در رده‌ی اعتبار تجاری یا رده دیگر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی منعکس شود.

۴. مبادلات دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

۱۱-۱۳ هرگاه یک دارائی مالی در مقابل دارائی مالی دیگری مبادله شود یا هرگاه یک بدهی با یک دارائی مالی بازپرداخت شود، تراکنش‌ها فقط در حساب مالی ثبت می‌شوند. این تراکنش‌ها توزیع بدره (سبد، مترجم) دارائی‌های مالی و بدهی را تغییر می‌دهند و ممکن است جمع‌های هردوی دارائی‌های مالی و

بدهی‌ها را تغییر دهند، ولی آن‌ها تفاوت بین کل دارائی‌ها و بدهی‌ها را تغییر نمی‌دهند. به عنوان مثال، اعتبارات تجاری از طریق پرداخت‌ها تسویه می‌شوند. ادعائی که بوسیله اعتبار تجاری نشان داده شده است هنگامی که بدهکار ابزار پرداخت را به بستانکار ارائه می‌دهد دیگر وجود ندارد. چهار قلم ورودی به وجود آمده در حساب مالی عبارتند از:

الف. اعتبار دهنده اعتبارات تجاری در اختیار را کاهش می‌دهد و ابزار پرداخت (پول یا سپرده انتقال‌پذیر) را افزایش می‌دهد؛ و

ب. بدهکار بدهی‌ها (در شکل اعتبارات تجاری) و دارائی‌های مالی‌اش (در شکل ابزار پرداخت) را کاهش می‌دهد.

۱۱-۱۴ هنگامی که دارائی‌های مالی موجود با دارائی‌های مالی دیگر مبادله می‌شوند، تمامی اقلام ورودی در حساب مالی رخ می‌دهد و فقط بر دارائی‌ها تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، اگر یک اوراق بدهی نظیر اوراق قرضه توسط یک واحد نهادی به واحد نهادی دیگر در بازار ثانوی فروخته شود، فروشنده دارائیِ اوراق قرضه خود را کاهش می‌دهد و دارائی ابزار پرداخت خود را به همان میزان افزایش می‌دهد. خریدار دارائیِ اوراق قرضه خود را افزایش می‌دهد و دارائیِ ابزار پرداخت خود را کاهش می‌دهد.

۱۱-۱۵ هنگامی که دارائی مالی جدیدی از طریق تقبل بدهی توسط یک واحد نهادی ایجاد می‌شود، همه‌ی اقلام ورودی مرتبط نیز در حساب مالی نشان داده می‌شوند. برای مثال، ممکن است شرکتی اوراق کوتاه مدتی برای مبادله با ابزار پرداخت منتشر کند. در حساب مالیِ بخش شرکت افزایش در بدهی‌ها به‌شکل اوراق بهادار و افزایش در دارائی‌های مالی به‌شکل ابزار پرداخت نشان داده می‌شود؛ در حساب مالیِ بخش خریدار کاهش در دارائی‌ها به‌شکل ابزار پرداخت و افزایش در دارائی‌ها به‌شکل اوراق نشان داده می‌شود.

۵. خالص وام دهی

۱۱-۱۶ برخی بخش‌ها یا زیربخش‌ها خالصِ وام دهنده هستند در حالی که بخش‌ها یا زیربخش‌های دیگر خالصِ وام‌گیرنده هستند. هنگامی که واحدهای نهادی با یکدیگر به تراکنش‌های مالی می‌پردازند، یک بخش می‌تواند منابع مازاد خود را برای استفاده‌ی بخش‌های دیگر در دسترس قرار دهد. حساب مالی نشان می‌دهد که چگونه بخش‌های دارای کسری، یا خالص وام‌گیرنده، منابع مالی مورد نیاز خود را از طریق تقبل بدهی‌ها یا کاهش دارائی‌ها بدست می‌آورند یا بخش‌های خالص وام دهنده مازاد خود را از طریق تحصیل دارائی‌های مالی یا کاهش بدهی‌ها تخصیص می‌دهند. حساب مالی همچنین سهم نسبی رده‌های مختلف دارائی‌های مالی را در این تراکنش‌ها نشان می‌دهد.

۱۱-۱۷ سیر شکل‌گیری خالص وام‌دهی را می‌توان به روشنی در جدول ۱۱-۱ مشاهده کرد. همان‌گونه که در این جدول نشان داده شده است، شرکت‌های غیرمالی نیاز به یک خالص وام‌گیری معادل ۵۶ دارند. این نیاز از طریق تقبل بدهی معادل ۱۳۹ و تحصیل دارائی‌های مالی معادل ۸۳ تأمین مالی می‌شود؛ تفاوت این دو با خالص وام‌گیری برابر است. به طور مشابه، بخش خانوار که دارای تراز وام دهی معادل ۱۷۴ است، با تحصیل دارائی مالی معادل ۱۸۹ و تقبل بدهی معادل ۱۵ به این نتیجه می‌رسد.

۱۱-۱۸ هرچند که اکثر وام‌گیری‌ها و وام دهی‌ها از مسیر واسطه‌گری‌های مالی انجام می‌شود، برخی وام‌گیرندگان می‌توانند مستقیماً با وام دهندگان غیرمالی تراکنش داشته باشند. برای مثال، دولت‌ها می‌توانند اوراق بهادار در بازار منتشر کنند؛ این اوراق بهادار را خانوارها، شرکت‌های غیرمالی و دنیای خارج و نیز مؤسسات مالی می‌توانند خریداری کنند. در موارد دیگر که بسیار زیاد است، واسطه‌گری‌های مالی کارکرد خاص خود را انجام می‌دهند و آن ایجاد یک بازار مالی است که وام دهندگان را به طور غیرمستقیم به وام‌گیرندگان ارتباط می‌دهد. نهادهای مالی بدهی‌هائی را در برابر خالص وام دهندگان از طریق پذیرش سپرده یا انتشار اوراق بهادار متقبل می‌شوند و منابع مالی را که به این ترتیب تجهیز شده

است به اشکال مختلف مانند وام، اوراق بدهی و اوراق سهام برای وام گیرندگان فراهم می‌کنند. از این رو، تراکنش‌های آن‌ها در دارائی‌های مالی و بدهی‌ها در مقایسه با سایر بخش‌ها و نسبت به میزان وام دهی یا وام‌گیری خودشان زیاد است. در جدول ۱۱-۱، بخش شرکت‌های مالی دارای خالص وام‌گیری معادل ۱ هستند که از طریق تقبل خالص بدهی معادل ۱۷۳ و تحصیل دارائی‌های مالی معادل ۱۷۲ تأمین مالی شده‌اند.

۱۹-۱۱ بررسی تراکنش‌های مالیِ زیربخش‌های شرکت‌های مالی علاوه بر تراکنش‌های بخش مالی تلفیق شده، اغلب مفید است.

۲۰-۱۱ اشاره به این موضوع مهم است که حساب مالی برای هر بخش نهادی، انواع ابزارهای مالی بکار برده شده توسط آن بخش برای تقبل بدهی‌ها و تحصیل دارائی‌ها را نشان می‌دهد. اما حساب مالی مشخص نمی‌کند که تقبل بدهی برای کدام بخش‌ها صورت گرفته است و دارائی‌ها ادعای مالی بر کدام بخش‌ها را نشان می‌دهند. تحلیل‌های مفصل‌تر و پیچیده‌تر درباره جریان‌های مالیِ بین بخش‌ها در فصل ۲۷ مورد بحث قرار گرفته است. تحلیل‌های فصل مذکور روابط بین بدهکار یا بستانکار را برحسب دارائی‌های مالی مشخص می‌سازد.

۲۱-۱۱ در یک اقتصاد بسته‌ی فرضی که در آن واحدهای مقیم تراکنشی با غیرمقیم‌ها ندارند، باید کل خالص وام دهی بخش‌ها و کل خالص وام‌گیری آن‌ها باهم برابر باشند زیرا نیازهای وام‌گیری بخش‌های دارای کسری از طریق وام دهی بخش‌های دارای مازاد برطرف خواهد شد. برای کل اقتصاد، خالص وام دهی یا خالص وام‌گیری لزوماً صفر خواهد بود. این برابری ماهیت متقارن دارائی‌های مالی و بدهی‌ها را منعکس می‌کند. هنگامی که مقیم‌ها در تراکنش با غیرمقیم‌ها مشارکت می‌کنند، حاصل جمع خالص وام دهی و حاصل جمع خالص وام‌گیری همه‌ی بخش‌های تشکیل دهنده‌ی کل اقتصاد باید با خالص وام‌دهی اقتصاد به دنیای خارج یا خالص وام‌گیری از دنیای خارج برابر باشد. در جدول ۱۱-۱، کل اقتصاد دارائی‌های مالی معادل ۴۳۶ تحصیل کرده و بدهی‌هائی معادل ۴۲۶ متقبل شده است. بنابراین، خالص وام‌دهی به دنیای خارج برای کل اقتصاد برابر ۱۰ است.

جدول ۱۱-۱: حساب مالی – شکل خلاصه شده – تغییرات در دارائی‌ها

تغییرات در دارائی‌ها

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHs	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
خالص تحصیل دارائی‌های مالی	۸۳	۱۷۲	-۱۰	۱۸۹	۲	۴۳۶	۴۷		۴۸۳
طلای پولی و SDRها		-۱				-۱	۱		۰
پول و سپرده‌ها	۳۹	۱۰	-۲۶	۶۴	۲	۸۹	۱۱		۱۰۰
اوراق بدهی	۷	۶۶	۴	۱۰	-۱	۸۶	۹		۹۵
وام‌ها	۱۹	۵۳	۳	۳	۰	۷۸	۴		۸۲
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۱۰	۲۸	۳	۶۶	۰	۱۰۷	۱۲		۱۱۹
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱	۷	۱	۳۹	۰	۴۸	۰		۴۸
مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۳	۰	۱۴	۰		۱۴
سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۴	۱	۵	۴	۱	۱۵	۱۰		۲۵

۶. رخدادهای احتمالی

۱۱-۲۲ انواع زیادی از ترتیبات مالیِ قراردادی بین واحدهای نهادی به نیازهای غیرشرطی چه برای انجام پرداخت‌ها و چه برای فراهم کردن اشیای با ارزش دیگر منجر نمی‌شوند؛ معمولا خودِ ترتیبات دارای ارزش اقتصادی انتقال‌پذیر نیستند. این ترتیبات، که اغلب تحت عنوان رخدادهای احتمالی از آن‌ها یاد می‌شود، دارائی‌های مالی جاری واقعی نیستند و در SNA ثبت نمی‌شوند. ویژگی اصلی رخدادهای احتمالی این است که پیش از این که یک تراکنش مالی انجام شود باید یک یا چند شرط برآورده شود. ضمانت‌های موردیِ پرداخت توسط شخص ثالث رخدادهای احتمالی هستند زیرا پرداخت تنها هنگامی ضرورت پیدا می‌کند که بدهکار اصلی کوتاهی کند. تا زمانی که کوتاهی در پرداخت مشهود است، ارزش ضمانت موردی باید به عنوان قلم یادداشتی نشان داده شود. تعهدات وام، ضمانتی را ارائه می‌دهد که وجوه در دسترس خواهد بود ولی دارائی مالی تا زمانی که این وجوه واقعاً پرداخت نشوند وجود نخواهد داشت. اعتبارات اسنادی وعده‌هائی برای پرداخت به شرط ارائه‌ی بعضی مدارک تعیین شده در قرارداد، ایجاد می‌کنند. پشت نویسی تسهیلات انتشار اوراق (NIF)ها ضمانتی را فراهم می‌کنند که یک بدهکار بالقوه قادر خواهد بود اوراق کوتاه مدتی را که منتشر کرده است بفروشد و بانک یا بانک‌هائی که این تسهیلات را فراهم کرده‌اند هر یک از اوراقی را که در بازار به فروش نرفته باشد بر می‌دارند یا معادل آن را پرداخت می‌کنند. خودِ این تسهیلات احتمالی هستند، و ارائه‌ی آن منجر به هیچ قلم ثبتی در حساب مالی نمی‌شود. فقط هنگامی که از نهاد پشت نویسی کننده خواسته شود تا وجوهی را در دسترس قرار دهد، تحصیل یک دارائی واقعی خواهد بود که در حساب مالی ثبت می‌شود.

جدول ۱۱-۱ (ادامه): حساب مالی – شکل خلاصه شده – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
خالص وام دهی (+)/ خالص وام‌گیری (−)	−۵۶	−۱	−۱۰۳	۱۷۴	−۴	۱۰	−۱۰		۰
خالص تحصیل بدهی‌ها	۱۳۹	۱۷۳	۹۳	۱۵	۶	۴۲۶	۵۷		۴۸۳
طلای پولی و SDRها									
پول و سپرده		۶۵	۳۷			۱۰۲	−۲		۱۰۰
اوراق بدهی	۶	۳۰	۳۸	۰	۰	۷۴	۲۱		۹۵
وام‌ها	۲۱	۰	۹	۱۱	۶	۴۷	۳۵		۸۲
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۸۳	۲۲				۱۰۵	۱۴		۱۱۹
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد		۴۸	۰			۴۸	۰		۴۸
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۰	۰	۱۱	۳		۱۴
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	۲۶	۰	۹	۴		۳۹	−۱۴		۲۵

۱۱-۲۳ بعضی مشتقات مالی به عنوان دارائی‌های مالی احتمالی در نظر گرفته نمی‌شوند بلکه به عنوان دارائی‌های واقعی تلقی می‌شوند. این‌ها بعداً در بخش پ شرح داده خواهد شد. ضمانت‌های استاندارد نیز طوری تلقی می‌شوند که منجر به بدهی‌های واقعی و نه احتمالی می‌شوند. ضمانت استاندارد به ضمانتی گفته می‌شود که ضمانت‌های بسیاری با ویژگی‌های مشابه منتشر می‌شوند. اگرچه احتمال فراخواندن هر یک از ضمانت‌ها برای پرداخت قطعی نیست، این واقعیت که ضمانت‌های مشابه بسیاری وجود دارد به این معنی است که می‌توان برآورد قابل اعتمادی از تعداد فراخوان‌های این نوع ضمانت‌ها بدست آورد. این نوع بدهی‌ها که اندازه بدهی را می‌توان از روی احتمالات تعیین کرد، اغلب به عنوان ذخائر نامیده می‌شوند. اصطلاح بدهی هنگامی بکار می‌رود که نیاز به پرداخت باشد و میزان پرداخت یا روشی که مبلغ آن محاسبه خواهد شد مورد توافق باشد. اصطلاح ذخائر هنگامی بکار می‌رود که نیاز به پرداخت قطعی تلقی می‌شود ولی توافقی بر چگونگی تعیین مبلغ پرداختنی وجود ندارد. بدهی احتمالی بدهی است که اندازه پرداختی می‌تواند با قطعیت مشخص شود یا مشخص نشود ولی درباره این که پرداختی ضرورت پیدا خواهد کرد یا خیر، عدم قطعیت وجود دارد.

۱۱-۲۴ برای مقاصد SNA، نحوه برخورد با رخدادهای احتمالی ساده است. پرداخت هر مبلغ حق‌الزحمه مربوط به ایجاد ترتیبات رخدادهای احتمالی، پرداخت برای خدمات تلقی می‌شود. تراکنش‌ها تنها هنگامی در حساب مالی ثبت می‌شوند که یک دارائی مالی واقعی بوجود آید یا تغییر مالکیتی صورت گیرد. ولی با اعطای بعضی حقوق یا الزاماتی که ممکن است تصمیمات آتی را تحت تأثیر قرار دهند، ترتیبات رخدادهای احتمالی مسلماً اثرات اقتصادی در طرف‌های درگیر بوجود خواهند آورد. به‌طور جمعی، این رخدادها می‌توانند برای برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تحلیل‌های مالی مهم باشند. بنابراین، هنگامی که وضعیت موجودی‌های احتمالی برای سیاست‌گذاری و تحلیل‌ها مهم هستند، توصیه می‌شود که اطلاعات آن‌ها گردآوری و به عنوان داده‌های تکمیلی ارائه شوند. حتی اگر سرانجام هیچگونه پرداختی به بدهی‌های احتمالی تعلق نگیرد، وجود میزان زیادی از آن‌ها ممکن است سطح نامطلوبی از ریسک را در بخشی از واحدهای ارائه دهنده‌ی آن‌ها نشان دهد. مثالی که در این مورد می‌توان ارائه داد، تسهیلات حواله‌ی بیش از اعتبار در یک حساب بانکی است که تا زمانی که پرداخت شود یک بدهی احتمالی بشمار می‌رود.

۱۱-۲۵ تجربه کشورها در تعیین این که کدام یک از ابزارها به عنوان رخداد احتمالی و کدام یک به عنوان دارائی واقعی برای ثبت در ترازنامه در نظر گرفته می‌شوند، متفاوت است. انعطاف پذیری در استفاده از این توصیه مستلزم در نظر گرفتن تجربه ملی و تنوع ماهیت این ابزارهاست. مثالی که از نظر کمیت در تأمین مالی تجاری مهم است، برات‌های تضمین شده بانکی است. برات تضمین شده بانکی پذیرش حواله‌ها یا برات‌ها و پیمان غیرشرطی توسط مؤسسات مالی برای پرداخت مبلغ معین در تاریخ معین را در بر می‌گیرد. برات تضمین شده بانکی یک ادعای غیرشرطی در طرف دارنده و یک بدهی غیرشرطی در طرف بانک پذیرنده را نشان می‌دهد؛ دارائی طرف مقابل بانک یک ادعا بر مشتری آن است. به این دلیل، در SNA، برات تضمین شده بانکی یک دارائی مالی واقعی تلقی می‌شود حتی اگر وجوهی مبادله نشود.

۱۱-۲۶ موارد دیگری وجود دارد که پرداخت‌های آتی دارائی تلقی نمی‌شوند اگرچه هم میزان پرداخت مشخص است و هم این که با اطمینان درجه بالائی معلوم است که پرداخت صورت خواهد گرفت. به عنوان مثال، با وجود این که وام بانکی اعطا شده به یک فرد با این وثیقه که این فرد شاغل دائمی با حقوق منظم است، وعده‌ی عایدات آتی به عنوان دارائی مالی تلقی نمی‌شود؛ همچنین دریافت‌های آتی از فروش‌ها برای یک بنگاه و جریان درآمدهای آتی مالیاتی برای دولت نیز دارائی مالی تلقی نمی‌شوند.

ب. تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

۱. طبقه‌بندی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

۱۱–۲۷ به دلیل متقارن بودن ادعاها و بدهی‌های مالی، می‌توان طبقه‌بندی یکسانی را هم برای دارائی‌ها و هم برای بدهی‌ها بکار برد. فراتر از این، همان طبقه‌بندی برای تراکنش‌های مالی در تمامی حساب‌های انباشت نیز بکار می‌رود. در SNA، اصطلاح "ابزار" می‌تواند در اشاره به جنبه دارائی یا بدهی یک قلم در ترازنامه مالی بکار برده شود. در آمارهای پولی، بعضی از اقلامِ خارج از ترازنامه نیز ممکن است به عنوان ابزار نامیده شوند. استفاده از این اصطلاح در SNA فقط برای راحتی کار است و نشان دهنده‌ی گسترشِ پوشش دارائی‌ها و بدهی‌ها برای در بر گرفتن اقلام خارج از ترازنامه نیست.

۱۱–۲۸ دو طبقه از دارائی‌های مالی که با ادعاهای شناسائی شده بر دیگر واحدهای نهادی تعیین شده بخوبی مطابقت ندارند، در طبقه‌بندی ابزارهای مالی منظور می‌شوند. اولی شمش طلای متعلق به مقامات پولی و سایر دارائی‌های تحت کنترل عمده-ی مقامات پولی است که به عنوان دارائی مالی و به صورت اجزای ذخائر خارجی نگه‌داری می‌شوند. برای شمش طلا بدهی جور شده با آن وجود ندارد. دومی شامل سهم‌الشرکه، سایر اوراق سهام شرکتی و مشارکت‌های مالی هستند. این‌ها دارای ارزش بازپرداخت نیستند، ولی ادعای دارندگان سهام بر ارزش ویژه شرکت را نشان می‌دهند.

۱۱–۲۹ جدول ۱۱–۲ با وارد کردن طبقه‌بندی ابزارهای مالی، جزئیات جدول ۱۱–۱ را نشان می‌دهد. پوشش دقیق و تعریف هریک از اقلام در بخش پ شرح داده شده است و همراه با آن شرحی از انواع تراکنش‌هائی که در حساب مالی نشان داده می‌شوند و برای هریک از ابزارهای مالی اعمال می‌شوند، ارائه شده است. باقی مانده این بخش به مطالب کلی طبقه‌بندی و بکارگیری قواعد حسابداری SNA در مورد تراکنش‌های مربوط به ابزارهای مالی می‌پردازد.

۱۱–۳۰ تفصیلی بودن طبقه‌بندی ابزارهای مالی به بخش نهادی که قرار است تحلیل شود بستگی دارد. تنوع دارائی‌های مالی مورد تراکنش خانوارها محدودتر از تنوع دارائی‌های مورد تراکنش بخش‌های دیگر است، و منابع اطلاعاتی آن‌ها نیز به طور کلی محدودتر از منابع اطلاعاتی بخش‌های دیگر است. از سوی دیگر، شرکت‌های مالی در طیف کاملی از ابزارهای مالی تراکنش انجام می‌دهند و اغلب نسبت به هر واحد نهادی دیگر دارای تفصیلی‌ترین و بهنگام‌ترین اطلاعات درباره‌ی عملیاتشان هستند. در نتیجه، می‌توان یک طبقه بندی تفصیلی برای شرکت‌های مالی گسترش داد. در جدول ۱۱–۲، سلول‌های خالی، نه صفر، نشان می‌دهند که از نظر مفهومی وجود اقلام ورودی امکان‌پذیر نیست؛ صفر نشان می‌دهد که اقلام ورودی امکان پذیر است ولی انتظار می‌رود ناچیز باشد.

۱۱–۳۱ اقلام استاندارد در طبقه‌بندی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها مبنای مفیدی را برای مقایسه بین‌المللی داده‌ها فراهم می‌کنند. اما نحوه‌ی ارائه داده‌ها برای هریک از کشورها، باید طوری طراحی شود که نیازهای تحلیلی آن‌ها را مرتفع و تجربیات ملی آن‌ها را منعکس سازد. از این رو، شکل ویژه انتخاب شده برای ارائه می‌تواند به گونه‌ای باشد که ترتیبات نهادی متفاوت، گستره و ماهیت بازارهای مالی ملی، پیچیدگی دارائی‌های مالی موجود، و درجه مقررات و دیگر کنترل‌های مالی اعمال شده را منعکس کند. به این دلیل، پیشنهاد می‌شود علاوه بر محتوای استاندارد SNA، تعدادی اقلام تکمیلی نیز برای استفاده کاربران تهیه شود. این‌ها همراه با اقلام استاندارد در بخش پ توضیح داده خواهد شد.

۱۱–۳۲ طبقه‌بندی تراکنش‌های مالی در دنیای کنونی مشکل‌تر شده است زیرا نوآوری‌های مالی منجر به توسعه و کاربرد روزافزون دارائی‌های مالی و دیگر ابزارهای نو و اغلب پیچیده‌ی مالی برای برآورده ساختن نیازهای سرمایه‌گذاران در رابطه با سررسید، بازده سرمایه، اجتناب از ریسک، و سایر عوامل شده است. مسأله تشخیص ابزارهای مالی، به دلیل تنوعِ ویژگی‌های آن‌ها در کشورهای مختلف و تنوعِ تجربیات ملی در حسابداری و طبقه‌بندی ابزارهای مالی، بسیار پیچیده‌تر شده است. این عوامل منجر به محدود ساختن دامنه توصیه‌های قطعی در رابطه با نحوه برخورد با بعضی از تراکنش‌ها در درون SNA شده است. از این رو، مقدار قابل ملاحظه‌ای انعطاف‌پذیری، بویژه از نظر تفکیک بیشتر، لازم

است تا الگوی طبقه‌بندی با قابلیت‌ها، منابع و نیازهای ملی جور شود. مخصوصاً، تفکیک بیشتر اقلام استاندارد برای جداسازی انواع مهمِ دارائی‌ها در درون رده‌ها (نظیر اوراق بهادار کوتاه مدت وارد شده در سنجه‌های پول) برای بسیاری از کشورها مطلوب است.

۲. مذاکره‌پذیری

۱۱-۳۳ ادعاهای مالی را می‌توان برحسب این که مذاکره‌پذیر (انتقال‌پذیر، معامله شدنی و چانه‌زدنی، مترجم) هستند یا خیر از یکدیگر متمایز کرد. ادعای مالی هنگامی مذاکره‌پذیر است که مالکیت قانونی آن قابلیت انتقال سریع از یک واحد به واحد دیگر را با تحویل یا پشت نویسی داشته باشد. در حالی که هریک از ابزارهای مالی می‌توانند بالقوه معامله شوند، ابزارهای مذاکره‌پذیر برای معامله در بازارهای سازمان یافته و بازارهای دیگر طراحی شده‌اند. مذاکره‌پذیری موضوع مربوط به شکل قانونی ابزار مالی است. به آن دسته از ادعاهای مالی که مذاکره‌پذیر هستند اوراق بهادار اطلاق می‌شود. برخی از اوراق بهادار ممکن است به طور قانونی مذاکره‌پذیر باشند ولی در حقیقت بازار سیالی که به آسانی بتوانند در آن خرید و فروش شوند وجود نداشته باشد. اوراق بهادار متشکل از اوراق سهام و اوراق بدهی است؛ مشتقات مالی پذیرفته شده در بورس، نظیر ضمانت‌ها گاهی اوقات به عنوان اوراق بهادار در نظر گرفته می‌شوند.

۳. ارزش‌گذاری تراکنش‌ها

۱۱-۳۴ پرداخت‌های الزامی در قرارداد مربوط به دارائی‌های مالی و بدهی‌ها تقریباً همیشه، بیش از یک تراکنش را به مفهومی که در SNA بکار رفته است نشان می‌دهند. پرداخت بهره برای وام‌ها و سپرده‌ها، که مؤسسات مالی میزان آن را تعیین می‌کنند، دارای دو جزء است یکی بهره‌ای که طبق توصیه SNA ثبت می‌شود و دیگری حق‌الزحمه‌ی خدمت که بابت در دسترس قرار دادن وام یا تضمین امنیت سپرده به مؤسسات مالی پرداخت می‌شود. معمولاً قیمت خرید ارزهای خارجی و سهام با قیمت فروش آن‌ها متفاوت هستند؛ تفاوت بین قیمت خرید و قیمت میانی، خدمت ارائه شده به خریدار و حق‌الزحمه آن را نشان می‌دهد و تفاوت بین قیمت میانی و قیمت فروش، خدمت ارائه شده به فروشنده و حق‌الزحمه آن را نشان می‌دهد. قیمت میانی نقطه میانی قیمت خرید و فروش در زمان انجام یک تراکنش است؛ اگر خرید یک سهم و فروش آن به طور همزمان انجام نشود، نقطه میانی برای قیمت فروش و خرید در زمان فروش و در زمان خرید لزوماً یکی نخواهد بود. برای برخی از ابزارهای مالی مانند اوراق قرضه، افزایش ارزش در طول زمان به عنوان بهره، نه فقط افزایش قیمت دارائی، در نظر گرفته می‌شود. در برخی موارد ممکن است لازم باشد بیش از یک تعدیل در ارزش ظاهری تراکنش برای تعیین و تغییر مسیرِ کارمزد خدمت و بهره‌ی مربوط به دارائی انجام شود.

۱۱-۳۵ ضروری است که از ارزش تراکنش‌های ابزارهای مالی ثبت شده در حساب مالی این کارمزدهای خدمت و پرداخت‌های بهره به‌دقت خارج شوند. در قسمت ۴ فصل ۱۷ تعدیلات لازم برای این نوع خارج سازی در هریک از ابزارهای مالی شرح داده شده است.

۱۱-۳۶ تراکنش‌های مالی در رابطه با خالص افزوده به انباشت حقوق سهامداران در شبه شرکت‌ها و تغییرات ادعاهای خانوارها بر شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی مسائل پیچیده‌ای در ارزش‌گذاری ببار می‌آورند که در اقلام مرتبط در طبقه‌بندی این مقوله‌ها در سطرهای زیرین به آن‌ها اشاره شده و در فصل ۱۷ منحصراً به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۴. زمان ثبت

۱۱-۳۷ در اصل، دو طرف یک تراکنش مالی باید آن را در یک لحظه از زمان ثبت کنند. وقتی طرف مقابلِ یک قلم ورودیِ حساب مالی در حساب دیگری است، زمان ثبت ادعاهای مالی باید با زمان ثبت در دیگر حساب‌های تراکنش‌هائی که منجر به ادعای مالی شده است هم تراز باشد. برای مثال، هنگامی که فروش کالاها و خدمات منجر به یک اعتبار تجاری می‌شود، اقلام مورد نظر باید هنگامی در حساب‌های مالی ثبت شوند که مالکیت کالاها انتقال می‌یابد یا ارائه خدمات به پایان می‌رسد. به طور مشابه، هنگامی که حساب‌های پرداختنی و دریافتنی در اثر تراکنش‌های مربوط به مالیات‌ها، جبران خدمات کارکنان و سایر تراکنش‌های توزیعی رخ می‌دهند،

ورود اقلام در حساب مالی باید هنگامی انجام شود که اقلام مربوطه به حساب غیرمالی وارد می‌شوند.

۱۱-۳۸ هنگامی که تمامی اقلام ورودی مربوط به یک تراکنش فقط به حساب مالی مربوط می‌شوند، باید زمانی ثبت شوند که مالکیت دارائی تغییر پیدا می‌کند. هنگامی که تراکنش شامل فروش دارائی‌های مالی موجود است، این نقطه از زمان معمولاً روشن است. هنگامی که تراکنشی تقبل بدهی یا تسویه‌ی آن را در بر دارد، هردو طرف باید تراکنش را هنگامی که تقبل بدهی یا تسویه‌ی آن رخ می‌دهد، ثبت کنند. در اکثر موارد، این زمانی است که پول نقد یا دیگر دارائی مالی توسط بستانکار به بدهکار پرداخت می‌شود یا توسط بدهکار به بستانکار بازپرداخت می‌شود.

۱۱-۳۹ در عمل، ممکن است دو طرف یک تراکنش این‌طور احساس کنند که تراکنش در زمان‌های مختلفی تکمیل شده است. این امر بویژه هنگامی محسوس است که اعتبارات تجاری یا سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی با پرداخت‌های نهائی تسویه می‌شوند و یک وقفه زمانی بین پرداخت‌ها و دریافت‌ها وجود دارد که زمانی را به صورت "شناور" بوجود می‌آورد. مراحل متعددی وجود دارد که بستانکاران و بدهکاران می‌توانند تراکنشی را ثبت کنند. بدهکار می‌تواند بدهی را هنگامی که چک یا وسیله‌ی پرداخت دیگری برای بستانکار صادر می‌شود، به عنوان بدهی تسویه شده ثبت کند. قبل از این که بستانکار وسیله پرداخت را دریافت کرده و پرداختی را در حساب‌های خود ثبت کند، ممکن است دوره زمانی قابل ملاحظه‌ای سپری شود. در این صورت، ممکن است وقفه زمانی بیشتری بین سپردن چک به یک بانک، وصول آن، و تسویه نهائی تراکنش وجود داشته باشد. بنابراین، احتمالاً عدم تقارن‌های در زمان ثبت این تراکنش پدید خواهد آمد مگر این که بدهکار تراکنش خود را بر مبنای "چک‌های وصول شده" که رویه نسبتاً غیرمعمولی در حسابداری است، ثبت کند. یک ادعای مالی تا زمانی که وصول شود و طلبکار کنترل منابع مالی را داشته باشد، وجود خواهد داشت؛ این زمان برای ثبت تراکنش، یک نقطه زمانی بهینه خواهد بود. زمان شناور در عمل، ممکن است بسیار طولانی باشد و بویژه سپرده‌های انتقال پذیر، اعتبارات تجاری، و سایر حساب‌های دریافتنی را تحت تأثیر قرار دهد. این تأثیر مخصوصاً در کشورهائی که دارای سیستم پستی بوده و رویه‌های وصول چک ضعیف است، بارزتر می‌شود. هنگامی که زمان شناور قابل ملاحظه است و متضمن ناهمخوانی‌های بزرگی در گزارش‌دهی است، لازم است برای انجام تعدیلات در حساب‌ها، برآوردهائی از اندازه زمان شناور صورت گیرد.

۵. خالص سازی و تلفیق

خالص سازی

۱۱-۴۰ همان‌گونه که در فصل ۳ بیان شد، خالص سازی فرآیندی است که به موجب آن اقلام ورودی در دو طرف حساب برای یک قلم تراکنش و یک واحد نهادی در مقابل یکدیگر خنثی می‌شوند. به طور کلی، ترجیح SNA این است که در حد امکان از خالص سازی اجتناب شود ولی این همیشه امکان پذیر نیست و برای برخی تحلیل‌های ویژه همیشه مطلوب نیست.

۱۱-۴۱ درجه خالص سازی که در آن باید تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ثبت شوند به میزان زیادی بستگی به تحلیل‌هائی دارد که داده‌ها برای آن‌ها استفاده خواهند شد. در عمل، درجه خالص سازی بستگی به این خواهد داشت که داده‌ها چگونه فراهم می‌شوند، که برای واحدهای نهادی مختلف به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. اگر اطلاعات مفصلی از تراکنش‌های مالی نگه‌داری و گزارش می‌شود، ارائه داده‌های ناخالص امکان پذیر است؛ اگر تراکنش‌ها باید از داده‌های ترازنامه‌ها استخراج شوند، بعضی از سطوح خالص سازی اجتناب ناپذیر خواهد بود. تعدادی از درجات خالص سازی را می‌توان به شرح زیر تعیین کرد:

الف. در جائی که خریدها و فروش‌های دارائی‌ها به طور جداگانه ثبت می‌شوند، خالص سازی انجام نمی‌شود و گزارش دهی کاملاً به صورت ناخالص است، در تقبل بدهی‌ها و بازپرداخت آن‌ها هم همین‌طور؛

ب. خالص سازی در درون یک دارائی خاص، نظیر کسر کردن فروش‌های اوراق قرضه از تحصیل آن‌ها و باز خرید اوراق قرضه از تقبل بدهی‌ها بشکل اوراق قرضه؛

پ. خالص سازی در درون یک رده خاص از دارائی‌ها، نظیر کسر کل واگذاری‌های اوراق بدهی از کل تحصیل این نوع دارائی‌ها؛

ت. خالص سازی تراکنش‌های بدهی‌ها در مقابل تراکنش‌های دارائی‌ها در همان رده از دارائی‌ها؛ و

ث. خالص سازی تراکنش‌ها در گروهی از رده‌های بدهی در مقابل تراکنش‌های دارائی‌های همان گروه.

۱۱-۴۲ تراکنش‌های ثبت شده در حساب مالی، خالص تحصیل دارائی‌ها و خالص تقبل بدهی‌ها را نشان می‌دهند. با این حال، بدیهی است که وقتی داده‌ها تا حد ممکن به صورت ناخالص گردآوری شوند، می‌توان خالص‌سازی را تا هر درجه‌ای که لازم باشد برای کاربردهای ویژه انجام داد، هنگامی که داده‌ها به صورت خالص گردآوری می‌شوند، نمی‌توان آن‌ها را ناخالص کرد. به طور کلی، خالص سازی بیش از میزان بیان شده در بند (پ) بالا توصیه نمی‌شود زیرا در این صورت، خالص سازی مانع از این خواهد شد که بتوان از طریق حساب‌های مالی ردیابی کرد که اقتصاد چگونه از طریق خالص وام‌دهی مثبت ازطرف واحدهای نهادی و انتقال آن به خالص وام‌گیرندگان، منابع را تجهیز می‌کنند. برای تحلیل های تفصیلیِ جریان وجوه، گزارش دهی ناخالص یا خالص درسطح (ب) بالا، بخصوص برای تحلیل‌های اوراق بهادار مطلوب است، ولی خالص سازی در سطح (پ) بالا همچنان اطلاعات مفیدی را درباره جریان‌های مالی ارائه می‌دهد.

تلفیق

۱۱-۴۳ تلفیق در حساب مالی به فرآیند خنثی کردن تراکنش‌های دارائی‌ها برای گروه معینی از واحدهای نهادی در مقابل تراکنش‌های بدهی‌های طرف مقابل آن برای همان گروه از واحدهای نهادی برمی‌گردد. تلفیق می‌تواند در سطح کل اقتصاد، بخش‌ها، و زیربخش‌های نهادی انجام شود. تلفیق در سطوح مختلف برای انواع تحلیل‌ها مناسب است. برای مثال تلفیق حساب‌های مالی برای کل اقتصاد، تأکید بر میزان موجودی مالی با دنیای خارج دارد زیرا تمامی میزان موجودی‌های مالی داخلی در تلفیق خالص شده هستند. تلفیق برای بخش‌ها امکان ردیابی جابجائی‌های مالی بین بخش‌های دارای خالص وام دهی مثبت با بخش‌های دارای خالص وام‌گیری مثبت و شناسائی واسطه‌گری مالی را می‌دهد. تلفیق در سطح زیربخش‌ها برای شرکت‌های مالی می‌تواند جزئیات بسیار بیشتری را درباره واسطه‌گری فراهم کند و مثلاً امکان تشخیص عملیات بانک مرکزی با سایر واسطه‌گری‌های مالی را بدهد. زمینه دیگری که تلفیق می‌تواند بسیار مفید باشد در درون بخش دولت است هنگامی که تراکنش‌های بین سطوح مختلف دولت تلفیق می‌شوند.

پ. ثبت هریک از ابزارهای مالی

۱. طلای پولی و SDRها

۱۱-۴۴ طلای پولی و حق برداشت‌های ویژه (SDR) منتشر شده توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) دارائی‌هائی هستند که به طور عادی فقط توسط مقامات پولی نگه‌داشته می‌شود.

طلای پولی

۱۱-۴۵ ***طلای پولی طلائی است که مقامات پولی (یا سایر مقاماتی که تحت کنترل عمده‌ی مقامات پولی هستند) بر آن حق مالکیت قانونی دارند و به عنوان ذخیره دارائی نگه‌داشته می‌شوند.*** طلای پولی از شمش طلا (شامل طلای نگه‌داشته شده در حساب‌های طلای تخصیص یافته) و حساب‌های طلای تخصیص نیافته نگه‌داشته شده توسط غیرمقیم‌هائی که حق ادعای بر تحویل طلا را دارند تشکیل یافته است. کل طلای پولی در ذخیره‌ی دارائی‌ها منظور می‌شود یا توسط سازمان‌های مالی بین‌المللی نگه‌داشته می‌شود. فقط طلائی که به عنوان دارائی مالی و به عنوان جزئی از ذخائر خارجی

نگه‌داری می‌شود به عنوان طلای پولی طبقه‌بندی می‌شود. بنابراین، غیر از شرایط محدود نهادی، شمش طلا فقط برای بانک مرکزی یا دولت مرکزی می‌تواند دارائی مالی باشد. تراکنش‌های طلای پولی از خرید و فروش‌های طلا بین مقامات پولی تشکیل شده است. خریدهای (فروش‌های) طلای پولی در حساب مالیِ مقام پولی داخلی به عنوان افزایش (کاهش) در دارائی‌ها ثبت می‌شوند، و طرف‌های مقابل آن را به عنوان کاهش (افزایش) در دارائی‌های دنیای خارج ثبت می‌کنند. تراکنش‌های طلای غیرپولی (از جمله ذخیره طلای نگه‌داشته شده توسط مقامات پولی و تمامی طلای نگه‌داشته شده توسط مؤسسات مالی غیر از مقامات پولی) به عنوان تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها (اگر منظور فقط فراهم کردن ذخیره‌ای از ثروت باشد) تلقی می‌شوند و در غیر این صورت به عنوان مصرف نهائی یا مصرف واسطه، تغییر در موجودی انبار، صادرات یا واردات تلقی می‌شوند. سپرده‌ها، وام‌ها، و اوراق بهادار بیان شده به طلا به عنوان دارائی‌های مالی (نه به عنوان طلا) تلقی می‌شوند و همراه با دارائی‌های مشابه بیان شده به ارز خارجی در رده مناسب طبقه‌بندی می‌شوند. در زیر عنوان پول و سپرده، بحثی در باره نحوه‌ی برخورد با حساب‌های طلای تخصیص یافته و تخصیص نیافته مطرح شده است.

۱۱–۴۶ شمش طلا به شکل‌های سکه، مکعب مستطیل، یا میله‌ای با درجه خلوص حداقل ۹۹۵ گرم طلا در هزار گرم وجود دارد؛ شمش طلا معمولاً در بازارهای سازمان یافته یا از طریق توافق‌های دو جانبه بین بانک‌های مرکزی معامله می‌شود. بنابراین در ارزش‌گذاری تراکنش‌ها مشکلی وجود ندارد. شمش طلای نگه‌داشته شده به عنوان ذخیره دارائی تنها دارائی مالی است که دارای بدهی متناظر نیست.

SDR ها

۱۱–۴۷ ***حق برداشت ویژه (SDR)، ذخیره‌ی دارائی‌های بین‌المللی است که توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) ایجاد می‌شود و برای تکمیل ذخیره‌ی دارائی‌های موجود اعضای صندوق به آن‌ها تخصیص داده می‌شود.*** دپارتمان حق برداشت ویژه IMF ذخائر دارائی را از طریق تخصیص SDRها بین کشورهای عضو IMF و بعضی مؤسسات بین‌المللی (که به طور جمعی شرکت کنندگان نامیده می‌شوند) مدیریت می‌کند.

۱۱–۴۸ ساز وکاری که SDRها از طریق آن ایجاد می‌شوند (تخصیص SDRها) و تسویه می‌شوند (لغو SDRها) تراکنش ایجاد می‌کنند. این تراکنش‌ها به صورت مبلغ ناخالص تخصیص ثبت می‌شوند و در حساب‌های مالیِ مقام پولیِ شرکت کننده‌ی منفرد از یک طرف و دنیای خارج که به طور جمعی نشان داده می‌شود از طرف دیگر ثبت می‌شوند.

۱۱–۴۹ SDRها منحصراً توسط دارندگان رسمی آن‌ها که بانک‌های مرکزی و بعضی مؤسسات بین‌المللی دیگر هستند نگه‌داشته می‌شوند، و بین شرکت کنندگان و سایر دارندگان رسمی انتقال‌پذیر هستند. در اختیار داشتن SDR حق مسلم و غیرشرطی هر یک از دارندگان را برای بدست آوردن دیگر ذخائر دارائی، بویژه ارز خارجی، از اعضای دیگر IMF نشان می‌دهد. SDRها دارائی‌هائی هستند که بدهی‌های متناظر دارند ولی دارائی‌ها ادعای شرکت‌کنندگان به طور جمعی و نه IMF را نشان می‌دهند. یک شرکت کننده ممکن است بخشی از SDR در اختیار خود یا تمامی آن را به دیگر شرکت کنندگان بفروشد و ذخائر دارائی دیگری، بویژه ارز خارجی درمقابل آن دریافت کند.

۲. پول و سپرده

۱۱–۵۰ تراکنش‌های مالیِ پول و سپرده عبارت از افزودنِ پول یا خرج کردنِ آن، ایجاد یا افزایش سپرده یا برداشت از آن است. افزایش ظاهری ارزش سپرده ممکن است به سبب پرداخت بهره به موجودی فعلی باشد. پرداخت‌های بهره بانکی همیشه به دو قسمت بهره SNA و کارمزد خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به طور غیرمستقیم (FISIM) تفکیک می‌شود. بهره SNA ابتدا در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شود و سپس در حساب مالی ممکن است به عنوان سپرده جدید ثبت شود. افزایش سپرده‌ها ممکن است مربوط به تضعیف پول باشد و برعکس (کاهش آن مربوط به تقویت پول باشد، مترجم) .

۱۱–۵۱ هم‌افزوده‌ی پول، سپرده‌ی انتقال‌پذیر (از جمله سپرده‌های بین بانک‌ها) و دیگر سپرده‌ها باید همیشه محاسبه شوند. لازم است همیشه بین پول و سپرده برحسب پول ملی و سپرده برحسب ارز خارجی تفکیک قائل شد. اگر دسترسی به داده‌ها برای یکایک ارزهای خارجی مفید تشخیص داده شود، باید پول و سپرده را برحسب هریک از ارزها تفکیک کرد.

جدول ۱۱-۲: حساب مالی – جزئیات کامل – تغییرات در دارائی‌ها

تغییرات در دارائی‌ها

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
خالص تحصیل دارائی‌های مالی	۸۳	۱۷۲	−۱۰	۱۸۹	۲	۴۳۶	۴۷		۴۸۳
طلای پولی و SDR		−۱				−۱	۱		۰
طلای پولی		۰				۰	۰		۰
SDRها		−۱				−۱	۱		۰
پول و سپرده‌ها	۳۹	۱۰	−۲۶	۶۴	۲	۸۹	۱۱		۱۰۰
پول	۵	۱۵	۲	۱۰	۱	۳۳	۳		۳۶
سپرده‌های انتقال‌پذیر	۳۰	−۵	−۲۷	۲۷	۱	۲۶	۲		۲۸
موجودی بین بانک‌ها		−۵					−۵		−۵
سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر	۳۰	۰	−۲۷	۲۷	۱	۳۱	۲		۳۳
سایر سپرده‌ها	۴	۰	−۱	۲۷	۰	۳۰	۶		۳۶
اوراق بدهی	۷	۶۶	۴	۱۰	−۱	۸۶	۹		۹۵
کوتاه مدت	۱۰	۱۳	۱	۳	۰	۲۷	۲		۲۹
بلند مدت	−۳	۵۳	۳	۷	−۱	۵۹	۷		۶۶
وام‌ها	۱۹	۵۳	۳	۳	۰	۷۸	۴		۸۲
کوتاه مدت	۱۴	۴	۱	۳	۰	۲۲	۳		۲۵
بلند مدت	۵	۴۹	۲	۰	۰	۵۶	۱		۵۷
سهام صندوق سرمایه‌گذاری و حقوق سهامداران	۱۰	۲۸	۳	۶۶	۰	۱۰۷	۱۲		۱۱۹
حقوق سهامداران	۱۰	۲۵	۳	۵۳	۰	۹۱	۱۲		۱۰۳
سهام ثبت شده در بورس	۵	۲۳	۱	۴۸	۰	۷۷	۱۰		۸۷
سهام ثبت نشده در بورس	۳	۱	۱	۲	۰	۷	۲		۹
سایر حقوق سهامداران	۲	۱	۱	۳	۰	۷	۰		۷
سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۰	۳	۰	۱۳	۰	۱۶	۰		۱۶
سهام یا یونیت‌های صندوق بازار پول	۰	۲	۰	۵	۰	۷	۰		۷
سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری غیر بازار پول	۰	۱	۰	۸	۰	۹	۰		۹
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱	۷	۱	۳۹	۰	۴۸	۰		۴۸
ذخائر فنی بیمه غیرزندگی	۱	۲	۰	۴	۰	۷	۰		۷
حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه	۰	۰	۰	۲۲	۰	۲۲	۰		۲۲
حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				۱۱		۱۱	۰		۱۱
ادعای صندوق بازنشستگی در برابر مدیران بازنشستگی		۳				۳	۰		۳
حق برخورداری از مزایای غیر بازنشستگی				۲		۲	۰		۲
ذخائر مطالبات تحت ضمانت‌های استاندارد	۰	۲	۱	۰	۰	۳	۰		۳
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۳	۰	۱۴	۰		۱۴
مشتقات مالی	۳	۸	۰	۱	۰	۱۲	۰		۱۲
اختیار معامله	۱	۳	۰	۱	۰	۵	۰		۵
پیمان آتی	۲	۵	۰	۰	۰	۷	۰		۷
اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۰			۲		۲			۲
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	۴	۱	۵	۴	۱	۱۵	۱۰		۲۵
اعتبارات تجاری و پیش پرداخت‌ها	۳		۱	۳		۷	۸		۱۵
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	۱	۱	۴	۱	۱	۸	۲		۱۰

جدول ۱۱-۲ (ادامه): حساب مالی – جزئیات کامل – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
خالص وام دهی (+)/ خالص وام‌گیری (-)	-۵۶	-۱	-۱۰۳	۱۷۴	-۴	۱۰	-۱۰		۰
خالص تحصیل بدهی‌ها	۱۳۹	۱۷۳	۹۳	۱۵	۶	۴۲۶	۵۷		۴۸۳
طلای پولی و SDR									
طلای پولی									
SDRها									
پول و سپرده‌ها		۶۵	۳۷			۱۰۲	-۲		۱۰۰
پول			۳۵			۳۵	۱		۳۶
سپرده‌های انتقال‌پذیر		۲۶	۲			۲۸	۰		۲۸
میزان موجودی‌های بین بانک‌ها		-۵				-۵			-۵
سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر		۳۱	۲			۳۳			۳۳
سایر سپرده‌ها		۳۹				۳۹	-۳		۳۶
اوراق بدهی	۶	۳۰	۳۸	۰	۰	۷۴	۲۱		۹۵
کوتاه مدت	۲	۱۸	۴	۰	۰	۲۴	۵		۲۹
بلند مدت	۴	۱۲	۳۴	۰	۰	۵۰	۱۶		۶۶
وام‌ها	۲۱	۰	۹	۱۱	۶	۴۷	۳۵		۸۲
کوتاه مدت	۴	۰	۳	۲	۲	۱۱	۱۴		۲۵
بلند مدت	۱۷	۰	۶	۹	۴	۳۶	۲۱		۵۷
سهام صندوق سرمایه‌گذاری و حقوق سهامداران	۸۳	۲۲				۱۰۵	۱۴		۱۱۹
حقوق سهامداران	۸۳	۱۱				۹۴	۹		۱۰۳
سهام ثبت شده در بورس	۷۷	۷				۸۴	۳		۸۷
سهام ثبت نشده در بورس	۳	۴				۷	۲		۹
سایر حقوق سهامداران	۳					۳	۴		۷
سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری		۱۱				۱۱	۵		۱۶
سهام یا یونیت‌های صندوق بازار پول		۵				۵	۲		۷
سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری غیر بازار پول		۶				۶	۳		۹
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد		۴۸	۰			۴۸	۰		۴۸
ذخائر فنی بیمه غیر زندگی		۷				۷	۰		۷
حقوق بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه		۲۲				۲۲	۰		۲۲
حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		۱۱				۱۱	۰		۱۱
ادعای صندوق بازنشستگی در برابر مدیران بازنشستگی		۳				۳	۰		۳
حق برخورداری از مزایای غیر بازنشستگی		۲				۲	۰		۲
ذخائر مطالبات تحت ضمانت‌های استاندارد		۳	۰			۳	۰		۳
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۰	۰	۱۱	۳		۱۴
مشتقات مالی	۲	۷	۰	۰	۰	۹	۳		۱۲
اختیار معامله	۲	۲	۰	۰	۰	۴	۱		۵
پیمان آتی	۰	۵	۰	۰	۰	۵	۲		۷
اختیار معامله سهام برای کارکنان	۱	۱				۲			۲
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	۲۶	۰	۹	۴		۳۹	-۱۴		۲۵
اعتبارات تجاری و پیش پرداخت‌ها	۶	۰	۶	۴	۰	۱۶	-۱		۱۵
سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۲۰	۰	۳	۰	۰	۲۳	-۱۳		۱۰

پول

۱۱-۵۲ ***پول از اسکناس و سکه که دارای ارزش اسمی ثابتی است و توسط بانک مرکزی یا دولت منتشر یا تصویب می‌شود، تشکیل شده است.*** (سکه‌های یادبود که عملاً در گردش نیستند نباید در اینجا منظور شوند و به عنوان پولِ منتشر نشده یا پول نامعتبر تلقی شوند). باید بین پول ملی (یعنی پولی که بدهی واحدهای مقیم، نظیر بانک مرکزی، سایر بانک‌ها و دولت است) و ارزهای خارجی که بدهی‌های واحدهای غیرمقیم (نظیر بانک‌های مرکزی خارجی، سایر بانک‌ها و دولت‌ها) هستند تفاوت قائل شد. تمامی واحدها ممکن است پول به عنوان دارائی در اختیار داشته باشند ولی به طور عادی فقط بانک‌های مرکزی و دولت ممکن است پول منتشر کنند. در برخی کشورها، بانک‌های تجاری با مجوز بانک مرکزی یا دولت قادر به انتشار پول هستند.

۱۱-۵۳ اسکناس و سکه با ارزش کاملِ اسمیِ آن‌ها بدهی تلقی می‌شوند. هزینه‌های تولید فیزیکی اسکناس‌ها و سکه‌ها به عنوان مخارج دولت ثبت می‌شوند و در برابر دریافتی‌های حاصل از انتشار پول خالص نمی‌شوند.

سپرده‌های انتقال پذیر

۱۱-۵۴ ***سپرده‌های انتقال‌پذیر از همه‌ی سپرده‌هائی تشکیل شده اند که:***

الف. ***در مقابل اسکناس‌ها و سکه‌های بانکیِ معادل آن‌ها بر حسب تقاضا و بدون جریمه یا محدودیتی مبادله شدنی هستند؛ و***

ب. ***مستقیماً بوسیله چک، حواله، جیرو، بدهکاری/ بستانکاری مستقیم، یا دیگر تسهیلات پرداخت مستقیم برای پرداخت‌ها قابل استفاده هستند.***

بعضی انواع حساب‌های سپرده فقط تعداد محدودی از ویژگی‌های انتقال‌پذیری را دارند؛ این‌ها خارج از رده سپرده‌های انتقال‌پذیر هستند و به عنوان سایر سپرده‌ها در نظر گرفته می‌شوند. برای مثال، برخی سپرده‌ها محدودیت‌هائی دارند، مانند محدودیت در تعداد پرداخت‌های شخص ثالثی که در هر دوره می‌توانند انجام دهند یا محدودیت در حداقل اندازه هریک از پرداخت‌های شخص ثالث. سپرده انتقال‌پذیر نمی‌تواند ارزش منفی داشته باشد. به عنوان مثال، حساب جاری یا چک بانک به طور عادی به عنوان سپرده انتقال‌پذیر تلقی می‌شود ولی اگر این حساب دارای اضافه برداشت باشد، برداشت وجه تا میزانی که حساب صفر شود به عنوان برداشت از سپرده تلقی می‌شود و مبلغ اضافه برداشت به عنوان اعطای وام محسوب می‌شود.

۱۱-۵۵ سپرده‌های انتقال‌پذیر باید برحسب موارد زیر به صورت متقاطع طبقه‌بندی شوند:

الف. برحسب این که به پول ملی تعیین شده باشند یا به پول‌های خارجی؛ و

ب. برحسب این که بدهی نهادهای مقیم باشند یا بدهی دنیای خارج.

موجودی بین بانک‌ها

۱۱-۵۶ اصطلاح بانک معمولاً با بانک مرکزی و سایر شرکت‌های سپرده‌پذیر مترادف است، هرچند که همیشه این‌طور نیست. بانک‌ها از همه‌ی بخش‌های دیگر سپرده می‌پذیرند و به آن‌ها وام می‌دهد. همچنین ممکن است در داخل زیربخش بانکداری وام‌گیری و وام‌دهی قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد، ولی اهمیت اقتصادی این از فعالیت‌های واسطه‌گری که بخش‌های دیگر درگیر آن هستند، متفاوت است. فصل ۲۷ نشان می‌دهد که چگونه می‌توان تحلیل کاملی از بخش‌های بدهکار و بستانکار برای هریک از ابزارهای مالی ارائه داد. تحلیل‌هائی از این نوع به عنوان جدول جریان وجوه تفصیلی شناخته شده است. ولی همه کشورها قادر به تهیه این جدول‌ها به صورت بهنگام نیستند. میزان موجودی بین بانک‌ها را معمولاً می‌توان مشخص کرده به صورت قابل استفاده به عنوان یک رده جداگانه ابزار مالی ثبت کرد. این یکی از دلایل جدا کردن وام‌ها و سپرده‌های بین بانکی از سایر وام‌ها و سپرده‌ها است. دلیل دوم مربوط به محاسبه کارمزد برای خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به‌طور

غیرمستقیم (FISIM) است. این محاسبه بستگی به اطلاع از میزان وام‌ها و سپرده‌های توزیع شده توسط بانک‌ها بین مشتریان غیربانک دارد و نیز نیاز به محاسبه‌ی تفاوت بین بهره دریافتی و پرداختی بانک‌ها و بهره‌ی حاصل از اعمال نرخ مرجع به همان میزان از وام‌ها و سپرده‌ها دارد. اما، به طور عادی FISIM پرداختنی ناچیزی ممکن است بین بانک‌ها وجود داشته باشد زیرا بانک‌ها معمولاً با نرخ بهره بدون ریسک از یکدیگر وام می‌گیرند یا به یکدیگر وام می‌دهند. به این دو دلیل، وام‌ها و سپرده‌های بین بانک‌ها باید از سایر وام‌ها و سپرده‌ها جدا شوند.

۵۷–۱۱ ممکن است مواردی وجود داشته باشد که طبقه‌بندیِ میزان موجودی بین بانک‌ها براساس طبقه‌بندی ابزارهای مالی روشن نباشد، مثلاً به دلیل این که طرف‌ها نامشخص هستند، یا یکی از طرف‌ها آن را به عنوان وام و طرف دیگر آن را به عنوان سپرده در نظر می‌گیرند. بنابراین طبق قرارداد، برای اطمینان از حفظ تقارن، میزان تمامی موجودی‌های بین بانک‌ها در سپرده‌ها طبقه‌بندی می‌شوند، البته غیر از اوراق بهادار و حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی، و تغییرات در میزان موجودی‌ها. فصل ۲۷ جدول جریان وجوه تفصیلی را توضیح می‌دهد که نیاز برای متمایز کردن سپرده‌های بین بانکی به عنوان یک رده جدا را حذف کرده است.

سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر

۵۸–۱۱ ***سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر سپرده‌هائی هستند که یک طرف یا هردو طرفِ تراکنش، چه بستانکار چه بدهکار، یا هردوی آن‌ها، بانک نیستند.***

سایر سپرده‌ها

۵۹–۱۱ ***سایر سپرده‌ها از تمامی ادعاهای مالی غیر از سپرده‌های انتقال‌پذیر تشکیل شده اند و با سند سپرده نشان داده می‌شوند.*** آن دسته از سپرده‌هائی که باید در این طبقه‌بندی قرار گیرند، به‌طور عادی سپرده‌های پس‌انداز (که معمولاً همیشه انتقال‌ناپذیر هستند)، سپرده‌های دارای مدت ثابت و گواهی سپرده‌ی مذاکره‌ناپذیر هستند. این رده همچنین سپرده سهام یا سند مشابه منتشر شده توسط انجمن‌های وام، جوامع ساخت و ساز، اتحادیه‌های اعتبار و امثال آن را در بر می‌گیرد. سپرده‌هائی که دارای انتقال‌پذیری محدودی هستند و از رده سپرده‌های انتقال‌پذیر خارج هستند، در این رده قرار می‌گیرند. ادعاهای مالی نسبت به صندوق بین‌المللی پول (IMF) که جزئی از ذخائر بین‌المللی هستند و نه به دلیل وام، باید در سایر سپرده‌ها ثبت شوند. (ادعاهای مالی نسبت به IMF که از طریق وام بوجود می‌آیند، باید در وام‌ها ثبت شوند). پرداخت‌های حاشیه‌ای (مارژ) بازپرداختنی نقدی مربوط به قراردادهای مشتقات مالی (شرح داده شده در زیر) در سایر سپرده‌ها قرار می‌گیرند، به همین ترتیب، قراردادهای باز خرید یک شبه و بسیار کوتاه مدت نیز اگر به عنوان قسمتی از تعریف ملی پول وسیع در نظر گرفته شده باشند، در سایر سپرده‌ها طبقه بندی می‌شوند. (پول وسیع به معنای وسیع آن نظیر اسکناس، سکه، سپرده و غیره است، مترجم). سایر قراردادهای بازخرید باید در وام‌ها طبقه‌بندی شوند.

۶۰–۱۱ نگه‌داری حساب‌ها برای "طلای تخصیص یافته" و "طلای تخصیص نیافته"، هردو، امکان پذیر است. این جداسازی هم دقیق و هم عملی است و در ترازنامه واحدهای نگه‌دارنده این حساب‌ها نیز به رسمیت شناخته شده است. حساب طلای تخصیص یافته، حق مالکیت کامل طلا را نشان می‌دهد و با محافظت از حق قانونی معادل است. حساب طلای تخصیص نیافته به دارنده‌ی آن حق قانونی بر فیزیک طلا را نمی‌دهد ولی در مقابل ارائه دهنده‌ی حساب، ادعائی بیان شده بر حسب طلا فراهم می‌کند. بنابراین در واقع، این سپرده‌ای است که برحسب طلا بیان شده است. از اینرو، این‌ها به عنوان سپرده‌های بیان شده برحسب ارز خارجی تلقی می‌شوند. از سوی دیگر، حساب‌هائی که برای طلای تخصیص یافته نگه‌داری می‌شوند به عنوان دارائی اشیاء گرانبها تلقی می‌شوند مگر این که توسط مقامات پولی یا سایر واحدهای دارای مجوز از مقامات پولی، به عنوان ذخائر نگه‌داری شوند.

۶۱–۱۱ نگه‌داری حساب‌های مشابهی برای متمایز کردن حساب‌های تخصیص یافته و تخصیص نیافته درباره فلزات قیمتی مختلف امکان پذیر است، و باید به شیوه‌ای مشابه عمل شود؛

حساب‌های فلزات تخصیص نیافته سپرده‌هائی به ارز خارجی هستند، حساب‌های فلزات تخصیص یافته نگه‌داری اشیاء گرانبها هستند. اگر تجربه استفاده از کالاها به این شیوه فراتر از فلزات گسترش پیدا کند، باید این موضوع مورد بررسی قرار گیرد که آیا لازم است با آن‌ها هم به همین ترتیب برخورد شود.

۱۱-۶۲ سپرده‌های انتقال‌پذیر و سایر سپرده‌ها ممکن است در همه‌ی بخش‌ها به عنوان دارائی نگه‌داشته شوند. سپرده‌ها اغلب اوقات توسط شرکت‌های مالی به عنوان بدهی پذیرفته می‌شوند ولی ترتیبات نهادی برخی کشورها اجازه می‌دهد تا شرکت‌های غیرمالی، دولت و خانوارها سپرده‌ها را به عنوان بدهی بپذیرند.

۱۱-۶۳ سایر سپرده‌ها باید بر حسب موارد زیر به صورت متقاطع طبقه‌بندی شوند:

الف. برحسب این که سپرده‌ها به پول داخلی یا به پول خارجی بیان شده باشند، و

ب. برحسب این که سپرده‌ها بدهی نهادهای مقیم هستند یا بدهی دنیای خارج.

۳. اوراق بدهی

۱۱-۶۴ ***اوراق بدهی ابزارهای مذاکره‌پذیر (انتقال‌پذیر، معامله شدنی و قابل چانه‌زنی، مترجم) هستند که به عنوان گواهی برای بدهی عمل می‌کنند.*** این‌ها عبارتند از اسناد خزانه، اوراق قرضه، گواهی سپرده‌ی مذاکره‌پذیر، اوراق تجاری، اوراق قرضه بدون پشتوانه، اوراق بهادار با پشتوانه دارائی و ابزارهای مشابه که به طور عادی در بازارهای مالی خرید و فروش می‌شوند. ***اسناد خزانه، اوراق بهاداری هستند که به دارندگان آن حق غیرشرطی می‌دهند تا مبالغ ثابت اعلام شده را در تاریخ معینی دریافت کنند.*** اسناد خزانه در یک بازار سازمان یافته صادر و به قیمت تنزیل شده ارزش اسمی که بستگی به نرخ بهره و زمان سررسید آن دارد، معامله می‌شوند. مثال‌هائی از اوراق بهادار کوتاه مدت عبارتند از، اسناد خزانه، گواهی سپرده‌ی مذاکره‌پذیر، برات‌های تضمین شده بانکی، و اوراق تجاری. ***اوراق قرضه و اوراق قرضه بدون وثیقه، اوراق بهاداری هستند که به دارندگان آن حق غیرشرطی برای پرداخت‌های ثابت یا پرداخت‌های متغیری که طبق قرارداد تعیین شده باشند یعنی عایدات بهره تابع عایدات بدهکار نباشد، اعطاء می‌کنند.*** اوراق قرضه و اوراق قرضه بدون پشتوانه همچنین حق پرداخت مبالغ ثابتی در تاریخ یا تاریخ-های معین را به بستانکار می‌دهد.

۱۱-۶۵ وام‌هائی که در بعضی شرایط، از یک دارنده به دارنده‌ی دیگر آن مذاکره‌پذیر (انتقال‌پذیر، معامله شدنی و قابل چانه‌زنی، مترجم) می‌شوند باید از رده وام‌ها خارج و در رده اوراق بدهی طبقه‌بندی شوند. این نوع باز طبقه‌بندی، به مدارکی مبنی بر وجود بازار معامله‌ی ثانوی از جمله وجود بازارساز، و اعلام مکرر قیمت ابزار مالی، نظیر پیشنهاد قیمت مناقصه‌ای نیاز دارد.

۱۱-۶۶ سهام ممتاز غیرمشارکتی اوراقی هستند که درآمد ثابتی را پرداخت می‌کنند ولی برای مشارکت در توزیعِ ارزش باقیمانده‌ی بنگاه شرکتی هنگام انحلال چیزی فراهم نمی‌کنند. این سهام به عنوان اوراق بدهی طبقه‌بندی می‌شوند. اوراق قرضه‌ای که قابل تبدیل به سهام باشند نیز باید قبل از زمان تبدیل در این رده طبقه‌بندی شوند.

۱۱-۶۷ ***اوراق بهادار با پشتوانه‌ی دارائی و تعهدات دین وثیقه‌ای، ترتیباتی هستند که در آن پرداخت بهره و اصل آن با پرداخت دارائی‌ها یا جریان درآمدهای خاصی پشتیبانی می‌شوند.*** تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار را نیز می‌توان به عنوان اصطلاحی برای شرح این فرآیند بکار برد. اوراق بهادار با پشتوانه دارائی ممکن است توسط رسانگر یا واحد هلدینگ ویژه‌ای منتشر شود که اوراق بهادار را منتشر کرده و می‌فروشد تا منابع مالی برای پرداخت به سرمایه‌گذار اولیه برای دارائی‌های پایه فراهم کند. اوراق بهادار با پشتوانه دارائی به عنوان اوراق بدهی طبقه‌بندی می‌شوند زیرا منتشر کننده‌های این اوراق بهادار بایستی پرداختی انجام دهند، در حالی که دارندگان آن ادعای باقی مانده‌ای بر دارائی‌های پایه ندارند، اگر ادعا داشتند، ابزار مالی مورد نظر باید در حقوق سهامداران یا سهام صندوق‌های سرمایه‌گذاری طبقه‌بندی

می‌شد. پشتوانه اوراق بهادارِ با پشتوانه دارائی می‌تواند انواع مختلف دارائی‌ها باشد، برای نمونه، رهن و وام‌های کارت اعتباری، دارائی‌های غیرمالی، یا جریان درآمد عملیاتی آینده (نظیر عایدات یک نوازنده یا درآمد آینده دولت) که خودِ آن‌ها در آمارهای اقتصاد کلان به عنوان یک دارائی اقتصادی شناخته نمی‌شوند.

۱۱-۶۸ ***برات‌های تضمین شده‌ی بانکی عبارت از پذیرش یک حواله یا برات توسط یک شرکت مالی در مقابل دریافت حق‌الزحمه و پیمان غیرشرطی برای پرداخت با مبلغی مشخص در تاریخی معین است.*** برعکس پذیرش‌های کلی‌تر، برات تضمین شده‌ی بانکی باید قابل خرید و فروش باشد. تجارت بین‌المللی اکثراً به این شیوه تأمین مالی می‌شود. برات تضمین شده‌ی بانکی در رده اوراق بدهی طبقه‌بندی می‌شود. برات تضمین شده‌ی بانکی یک ادعای غیرشرطی در طرف دارنده‌ی حواله یا برات و بدهی غیرشرطی در طرف شرکت مالی پذیرنده نشان می‌دهد؛ دارائی طرف مقابل دارائی شرکت مالی، ادعائی بر مشتری آن است. برات تضمین شده بانکی از زمان پذیرش به عنوان دارائی‌های مالی تلقی می‌شود، هرچند ممکن است وجوه تا مرحله بعدی مبادله نشوند.

۱۱-۶۹ ***اوراق بهادار با کوپن اصل و فرع تفکیک شده (اوراق بهادار استریپ شده، مترجم)، اوراق بهاداری هستند که از یک مبلغ اصل با پرداخت‌های کوپنی، به زنجیره‌ای از اوراق بدون بهره، با طیفی از سررسیدهای جور شده با تاریخ(های) پرداخت کوپنی و تاریخ بازپرداخت مبلغ (مبالغ) اصل، تغییر شکل یافته‌اند.*** کارکرد جدا سازی اصل و فرع این است که ممکن است ترجیحات سرمایه‌گذار برای دریافت جریان‌های نقدی خاص با روش‌های دیگری مطابقت داشته باشد که متفاوت از جریان‌های نقدی ترکیبی دریافت اصل و فرع اوراق بهادار اصلی است. منتشر کننده‌ی اوراق بهادار اصل و فرع تفکیک شده می‌تواند از منتشر کننده‌ی اصلی تفاوت داشته باشد؛ که در اینصورت، بدهی‌های جدیدی ایجاد می‌شود. دو مورد از اوراق بهادار اصل و فرع تفکیک شده وجود دارد:

الف. هنگامی که طرف سومی اوراق بهادار اصلی را تحصیل می‌کند و آن‌ها را برای پشتوانه انتشار اوراق بهادار اصل و فرع تفکیک شده بکار می‌برد. در اینصورت وجوه جدیدی ایجاد می‌شود و ابزار مالی جدیدی وجود خواهد داشت.

ب. هنگامی که وجوه جدیدی ایجاد نمی‌شود و پرداخت‌های مربوط به اوراق بهادار اولیه، توسط منتشر کننده یا از طریق کارگزاران دارای مجوز از منتشر کننده (نظیر دلالان استریپ) به اوراق بهادار با تفکیک اصل و فرع تبدیل شده و در بازار به طور جداگانه ارائه می‌شوند.

۱۱-۷۰ ***اوراق بهادار مرتبط با شاخص، ابزارهائی هستند که برای آن‌ها پرداخت کوپن‌ها (بهره) یا اصل آن و یا هردوی آن‌ها به شاخصی نظیر شاخص قیمت یا قیمت یک کالا مرتبط است.*** هدف این نوع اوراق بهادار، حفظ قدرت خرید یا ثروت در طول دوره‌ای است که میزان تورم بالاتر از درآمد بهره‌ی عاید شده است. وقتی پرداخت‌های کوپنی با شاخصی مرتبط هستند، این‌ها همانند تمامی نرخ‌های بهره متغیر دیگر دارائی‌های مالی، دقیقاً به عنوان بهره تلقی می‌شوند. وقتی ارزش اصل اوراق بهادار به سنجه‌ای مرتبط شود که هماهنگ با میزان تورم تغییر می‌کند، قیمت انتشار اوراق بهادار به عنوان اصل آن ثبت می‌شود و پرداختی مرتبط با شاخص که به صورت دوره‌ای و در سررسید آن پرداخت می‌شود به عنوان بهره تلقی می‌گردد. در حساب‌های مالی، باید پرداختی که به یک شاخص مرتبط شده است به عنوان بهره (درآمد دارائی) در طول عمر اوراق بهادار و طرف مقابل آن زیر عنوان اوراق بدهی ثبت شوند. هنگامی که اوراق بهادار به یک کالا به عنوان شاخص ارتباط داده می‌شود، و ممکن است تابع نوسانات زیاد قیمت باشد، رویکردهای متنوعی توصیه می‌شود. این رویکردها در قسمت ۴ فصل ۱۷ به تفصیل توضیح داده شده است.

طبقه‌بندی مکمل اوراق بدهی

۱۱-۷۱ طبقه‌بندی مکمل جزئی‌تر برای اوراق بدهی بر حسب سررسید به کوتاه مدت و بلند مدت باید مبتنی بر معیارهای زیر باشد.

الف. اوراق بدهی کوتاه مدت اوراقی هستند که دارای سررسید اولیه‌ی یک سال یا کمتر باشند. اوراق بهادار با سررسید یک سال یا کمتر باید به عنوان اوراق کوتاه مدت طبقه‌بندی شوند حتی اگر تحت عنوان تسهیلات بلند مدت، نظیر تسهیلات انتشار اسکناس، منتشر شوند.

ب. اوراق بدهی بلند مدت اوراقی هستند که دارای سررسید اولیه‌ی بیش از یک سال باشند. ادعاهای مالی با تاریخ سررسیدهای اختیاری که دیرترینِ آن‌ها حداقل بیش از یک سال است، و ادعاهای مالی با تاریخ سررسیدهای بی‌پایان باید به عنوان اوراق بلند مدت طبقه‌بندی شوند.

علاوه بر این، گاهی ممکن است مفید باشد اوراق ثبت شده در بورس از اوراق ثبت نشده در بورس تفکیک و برحسب کوتاه مدت یا بلند مدت بودنشان ثبت شوند.

۴. وام‌ها

۱۱-۷۲ ***وام‌ها دارائی‌های مالی هستند که:***

الف. ***هنگامی که بستانکار وجوهی را مستقیماً به بدهکار وام می‌دهد، بوجود می‌آیند و***

ب. ***بوسیله اسنادی که مذاکره‌پذیر (انتقال‌پذیر، معامله شدنی و قابل چانه‌زنی، مترجم) نیستند به اثبات می‌رسند.***

۱۱-۷۳ رده وام‌ها شامل حواله‌ی بیش از اعتبار در حساب بانکی، وام‌های اقساطی، اعتبار اجاره به شرط تملیک و وام برای تأمین مالی اعتبار تجاری هستند. ادعای مالی نسبت به صندوق بین‌المللی پول (IMF) یا بدهی به آن که به شکل وام هستند نیز در این رده قرار می‌گیرند. حواله‌ی بیش از اعتبار که از تسهیلات اضافه برداشت از حساب سپرده‌ی انتقال‌پذیر به وجود می‌آید به عنوان وام طبقه‌بندی می‌شود. اما، تسهیلات اعتباری استفاده نشده به عنوان بدهی شناخته نمی‌شوند زیرا آن‌ها بدهی‌های احتمالی هستند. اوراق بهادار، قرارداد بازخرید، معامله پایاپای طلا و تأمین مالی از طریق اجاره‌ی مالی (اعتباری) نیز می‌توانند به عنوان وام طبقه‌بندی شوند. اما، حساب‌های دریافتنی/پرداختنی، که به عنوان مقوله جداگانه‌ای در دارائی‌های مالی ثبت می‌شوند و وام‌هائی که اوراق بدهی شده‌اند، از رده وام‌ها خارج هستند.

۱۱-۷۴ ***قرارداد بازخرید اوراق بهادار، ترتیباتی است که عرضه‌ی اوراق بهادار برای مبادله با پول نقد با تعهد بازخرید همان اوراق یا اوراق مشابه به قیمتی ثابت را خواه در تاریخی مشخص در آینده (اغلب یک یا چند روز بعد، یا بیشتر) خواه با یک "سررسید باز" در بر می‌گیرد.*** وام‌دهی اوراق بهادار با وثیقه‌ی نقدی و پشتوانه‌ی فروش/خرید، از نظر اقتصادی با توافق بازخرید یکسان است؛ همه‌ی آن‌ها شامل عرضه‌ی اوراق بهادار به عنوان وثیقه برای وام یا سپرده هستند. ***Repo، قرارداد بازخرید اوراق بهادار است که در آن اوراق بهادار در مقابل پول نقد با تعهدی برای بازخرید همان اوراق یا اوراق مشابه در مقابل پول نقد به قیمتی ثابت در تاریخی مشخص در آینده عرضه می‌شوند.*** (این از دیدگاه عرضه کننده اوراق بهادار repo نامیده می‌شود و از دیدگاه دریافت کننده‌ی اوراق بهادار، repo معکوس نامیده می‌شود.

۱۱-۷۵ وجوهی که طبق قرارداد بازخرید اوراق بهادار عرضه یا دریافت می‌شوند ممکن است به عنوان وام یا سپرده تلقی شوند. آن‌ها به‌طور کلی وام هستند ولی اگر در بدهی‌های یک شرکت سپرده‌پذیر درگیر شوند و در سنجه‌های ملی پول وسیع وارد شوند، در سپرده‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. اگر قرارداد بازخرید اوراق بهاداری، در عرضه‌ی پول نقد درگیر نشود (یعنی، مبادله یک اوراق بهادار با اوراق بهادار دیگر یا یکی از طرف‌ها اوراق بهاداری را بدون وثیقه عرضه کند)، وام یا سپرده‌ای وجود ندارد. ولی بازخرید نقدی مارژ در repo، به عنوان وام طبقه‌بندی می‌شود.

۱۱-۷۶ اوراق بهاداری که در وام‌دهیِ اوراق بهادار، از جمله قرارداد بازخرید اوراق بهادار، به عنوان وثیقه ارائه می‌شوند، این‌طور در نظر گرفته می‌شود که مالکیت اقتصادی آن‌ها تغییر نمی‌کند. این نوع نحوه‌ی برخورد به این دلیل اتخاذ می‌شود که دریافت کننده‌ی پول نقد هنوز در معرض ریسک‌ها و منافع هر نوع تغییری در قیمت اوراق بهادار است.

۱۱-۷۷ معاوضه پایاپای طلا مبادله طلا در مقابل سپرده‌های ارز خارجی است با توافقی که تراکنش در تاریخ توافق شده‌ای با قیمت طلای توافق شده معکوس خواهد شد. دریافت کننده طلا (ارائه دهنده پول نقد) معمولاً طلا را در ترازنامه خود ثبت نخواهد کرد، در حالی که عرضه کننده طلا (دارنده پول نقد) معمولاً طلا را از ترازنامه خود حذف نخواهد کرد. به این ترتیب، این تراکنش با یک قرارداد بازخرید قابل مقایسه است و باید به عنوان وام یا سپرده‌ی دارای وثیقه ثبت شود. معامله پایاپای طلا مشابه قراردادهای بازخرید اوراق بهادار است بجز این که در اینجا وثیقه طلا است.

۱۱-۷۸ هنگامی که کالاها تحت یک اجاره‌ی مالی تحصیل می‌شوند، فرض می‌شود مالکیت اقتصادی کالا از اجاره دهنده به اجاره کننده منتقل شده است. تغییر مالکیت اقتصادی را می‌توان با این واقعیت تشخیص داد که تمامی ریسک‌ها و پاداش‌های مالکیت از مالک قانونی کالا یعنی اجاره دهنده به استفاده کننده‌ی کالا یعنی اجاره کننده منتقل می‌شود. اجاره کننده، قرارداد می‌بندد که پرداخت‌هائی را انجام دهد که اجاره دهنده را قادر سازد در طول مدت قرارداد، تمام یا تقریباً تمامی هزینه‌هایش از جمله بهره را جبران کند. این تغییر مجازی در مالکیت با این فرض که اجاره دهنده به اجاره کننده وامی اعطا کرده است و اجاره کننده این وام را برای تحصیل دارائی استفاده کرده است، ثبت می‌شود و پرداخت‌هائی که توسط اجاره کننده به اجاره دهنده انجام می‌شود اجاره بهای مربوط به دارائی را نشان نمی‌دهد بلکه پرداخت‌های بهره، احتمالاً یک کارمزد خدمات و پرداخت‌های مربوط به وام احتسابی در نظر گرفته می‌شود. بهره به عنوان درآمد دارائی پرداختنی و دریافتنی ثبت می‌شود و بازپرداخت دِین در حساب مالی به عنوان کاهش ارزش دارائی (وام) اجاره دهنده و بدهی اجاره کننده ثبت می‌شوند. در قسمت ۵ فصل ۱۷، بحث جامع‌تری درباره اجاره‌نامه (قرارداد اجاره) مالی وجود دارد.

طبقه‌بندی مکمل برای وام‌ها

۱۱-۷۹ وام‌ها را می‌توان به صورت طبقه‌بندی تکمیلی به وام‌های کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم کرد

الف. وام‌های کوتاه مدت از وام‌هائی تشکیل شده‌اند که دارای سررسید اولیه یک سال یا کمتر هستند. وام‌های بازپرداختنی به درخواست بستانکار باید به عنوان وام‌های کوتاه مدت طبقه بندی شوند حتی اگر انتظار این وجود داشته باشد که این وام‌ها برای بیش از یک سال تسویه نخواهند شد.

ب. وام‌های بلند مدت از وام‌هائی تشکیل شده‌اند که دارای سررسید بیش از یک سال هستند.

۱۱-۸۰ همچنین ممکن است جدا کردن وام‌هائی که علیرغم اعطای آن‌ها برای یک دوره طولانی‌تر از یک سال، سررسید آن در دوره حسابداری مورد نظر کمتر از یکسال است، و نیز وام‌هائی که با وثیقه‌هائی ضمانت شده‌اند نیز مفید باشد.

۵. حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری

۱۱-۸۱ حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری ویژگی‌های متمایزی دارند که دارندگان آن‌ها ادعای باقی‌مانده‌ای بر دارائی‌های واحد نهادی منتشر کننده‌ی این ابزار مالی دارند. حقوق سهامداران، وجوه مالکان را در واحد نهادی نشان می‌دهد. برخلافِ دِین، حقوق سهامداران معمولاً برای دارنده آن حقی برای مبلغی از پیش تعیین شده یا مبلغی معین مطابق با فرمول ثابتی ایجاد نمی‌کند.

۱۱-۸۲ سهام صندوق سرمایه‌گذاری نقشی تخصصی در واسطه‌گری مالی به‌صورت نوعی سرمایه جمعی در دارائی‌های دیگر دارد، بنابراین آن‌ها به‌صورت جدا مشخص می‌شوند.

حقوق سهامداران

۱۱-۸۳ ***حقوق سهامداران همه‌ی ابزارها را در بر می‌گیرد و ادعاهای تأئید شده بر ارزش باقی مانده‌ی یک شرکت یا شبه شرکت را پس از تأمین ادعاهای همه‌ی بستانکاران ثبت می‌کند.*** حقوق سهامداران به عنوان بدهی واحد نهادی منتشر کننده تلقی می‌شود.

۱۱-۸۴ مالکیت حقوق سهامداران در هستارهای قانونی معمولاً با سهم‌الشرکه، ورقه سهام، رسید سپرده‌گذاری، سهام مشارکتی، یا مدارک مشابه آن‌ها اثبات می‌شود. سهم‌الشرکه و سهام دارای یک معنی هستند در حالی که رسیدهای سپرده‌گذاری، اوراق بهاداری هستند که مالکیت اوراق بهادار ثبت شده در بورسِ اقتصادهای دیگر را تسهیل می‌بخشند؛ در سپرده‌گذاری، رسیدهای ثبت شده در یک بورس که نشان دهنده مالکیت اوراق بهادار ثبت شده در بورس دیگر است، صادر می‌شود. سهام ممتاز مشارکتی سهامی هستند که در انحلال شرکت مشارکت در ارزش باقی مانده را فراهم می‌کنند. این نوع سهام نیز اوراق سهام هستند خواه درآمد آن‌ها ثابت باشد خواه براساس فرمول مشخصی تعیین شده باشد. (سهام ممتاز غیرمشارکتی همان طور که در بالا توضیح داده شد، اوراق بدهی تلقی می‌شوند).

۱۱-۸۵ حقوق سهامداران به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. سهام ثبت شده در بورس

ب. سهام ثبت نشده در بورس

پ. سایر حقوق سهامداران

سهام ثبت شده در بورس و ثبت نشده در بورس، هردو مذاکره‌پذیر (انتقال‌پذیر، معامله شدنی و قابل چانه‌زنی، مترجم) هستند و بنابراین اوراق سهام محسوب می‌شوند.

۱۱-۸۶ ***سهام ثبت شده (پذیرفته شده) در بورس، اوراق سهامی هستند که در بورس وارد شده‌اند.*** آن‌ها سهام پذیرفته شده در بورس نیز نامیده می‌شوند. وجود قیمت اعلام شده برای سهام ثبت شده در بورس به این معنی است که معمولاً قیمت‌های بازار به آسانی در دسترس است.

۱۱-۸۷ ***سهام ثبت نشده در بورس، اوراق سهامی هستند که در بورس وارد نشده‌اند.*** سهام ثبت نشده در بورس را می‌توان سهام خصوصی نیز نامید؛ سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر معمولاً به این شکل است. سهام ثبت نشده در بورس معمولاً این‌طور در نظر گرفته شده‌اند که توسط واحدهای تابعه و بنگاه‌هائی با مقیاس کوچک منتشر شوند و به طور معمول، الزامات قانونی متفاوتی دارند ولی لزوماً هیچگونه قید و شرطی برای انتشار ندارند.

۱۱-۸۸ ***سایر حقوق سهامداران، حقوق سهامدارانی هستند که به شکل اوراق بهادار نیستند.*** این‌ها می‌توانند شامل حقوق سهامداران شبه شرکت‌ها (نظیر شعب، تراست‌ها، شرکت‌های با مسئولیت محدود و دیگر انواع شراکت‌ها)، صندوق‌های غیرشرکتی و واحدهای فرضی برای مالکیت املاک و مستغلات و سایر منابع طبیعی باشند. مالکیت برخی از سازمان‌های بین‌المللی به شکل حقوق سهامداران نیست بنابراین به عنوان سایر حقوق سهامداران طبقه بندی می‌شوند (هرچند که در بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی (BIS)، سهام به شکل سهام ثبت نشده در بورس در نظر گرفته می‌شود).

۱۱-۸۹ تراکنش‌های حقوق سهامداران درحساب مالی، سه نوع تراکنش مختلف را دربر می‌گیرد. نوع اول ثبت ارزش سهام خرید و فروش شده در بورس است. هرچند وقت یکبار شرکت‌ها سهام خود را بازسازی می‌کنند و ممکن است به سهامداران برای هریک از سهامی که قبلاً در اختیار داشتند تعداد جدیدی از سهام ارائه کنند. ولی این سهامِ جایزه به عنوان تراکنش تلقی نمی‌شوند بلکه شکلی از تغییر ارزش به‌حساب می‌آیند زیرا ارزشی که از حاصل ضرب تعداد جدید سهام در قیمت جدید حاصل می‌شود، همان نسبت از ارزش شرکت را نشان می‌دهد که تعداد قبلی سهام ضربدر قیمت قدیم نشان می‌داد.

۱۱-۹۰ نوع دوم تراکنش‌های مربوط به حقوق سهامداران، تزریق سرمایه توسط مالکین یا، در مواردی، برداشت حقوق سهامداران توسط مالکین است. سود تقسیم شده در حساب توزیع درآمد اولیه طوری ثبت می‌شود که گوئی همیشه از مازاد عملیاتی بدست آمده در دوره جاری پرداخت شده است. هرچند که یک بنگاه معمولاً هدفش این است که مسیر هموار برای ثبت پرداخت‌های سود تقسیم شده داشته باشد و بنابراین گاهی اوقات بیشتر از مازاد عملیاتی جاری و گاهی نیز کمتر از آن پرداخت می‌کند، در هر حال، تراز منتقل شده

به حساب‌های انباشت از طریق پس‌انداز (که ممکن است منفی شود) ایجاد می‌شود. ولی اگر سود تقسیم شده پرداخت شده به طور قابل ملاحظه‌ای از متوسط عواید اخیر بیشتر باشد، در این صورت مازاد آن دیگر نباید در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت شود بلکه باید به عنوان برداشت حقوق سهامداران توسط مالکین در نظر گرفته شود و زیر این قلم ثبت شود. این پرداخت‌ها گاهی اوقات به عنوان "سود تقسیم شده‌ی فوق‌العاده" نامیده می‌شوند. برداشت‌ها ممکن است به شکل عایدات از فروش دارائی‌های ثابت یا سایر دارائی‌ها، انتقالات دارائی‌های ثابت و سایر دارائی‌ها از شبه شرکت‌ها به مالکین و وجوه برداشته شده از انباشت سود تقسیم نشده و ذخائر مصرف سرمایه ثابت باشد. (مورد خاص پرداخت‌های بین دولت و بنگاه‌های دولتی در فصل ۲۲ مورد بحث قرار خواهد گرفت). به همین ترتیب، سود تقسیم شده‌ی مربوط به تسویه که هنگام ورشکستگیِ یک بنگاه به سهامداران آن پرداخت می‌شود باید به عنوان برداشت حقوق سهامداران تلقی شود.

۹۱-۱۱ برعکس، ممکن است مالکین منابعِ مالیِ اضافی به یک بنگاه تزریق کنند. اگر بنگاهی توسط دولت کنترل می‌شود و به دلیل سیاست اقتصادی یا اجتماعی دولت، هر ساله مرتباً دارای کسری منظمی است که بوسیله دریافتی‌های منظمی از دولت آن را پوشش می‌دهد، این پرداختی به عنوان یارانه در نظر گرفته می‌شود. اگر پرداختی دولت نامنظم باشد ولی برای این طراحی شده باشد که زیان‌های انباشته شده را پوشش دهد، به عنوان انتقالات سرمایه‌ای تلقی می‌شود. اگر دولت کمک سرمایه‌ای به یک شرکت دولتی اعطا کند این نیز به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ثبت می‌شود. ولی ممکن است مواردی وجود داشته باشد که مالکین (دولتی یا خصوصی) به توافق برسند که منابع مالی جدیدی را مثلاً برای توسعه بنگاه ایجاد کنند که نه تنها کاهش دِین بلکه افزایش مثبتی در وجوه خودِ بنگاه نشان دهد. تأمین مالی شامل وجوهی برای استفاده در خرید دارائی‌های ثابت، انباشت موجودی‌ها، تحصیل دارائی‌های مالی یا بازخرید بدهی‌ها، توسط بنگاه است. انتقال دارائی‌های ثابت یا دارائی‌های دیگر توسط مالکین به شبه شرکت‌ها نیز به عنوان افزوده به حقوق سهامداران در نظر گرفته می‌شوند. این نوع پرداخت‌ها باید در یک قلم به عنوان اکتساب (تحصیل) حقوق سهامداران وارد می‌شود، حتی اگر سهم جدیدی در برابرِ مشارکت مالی صادر نشده باشد.

۹۲-۱۱ نوع سومِ تراکنش‌های مربوط به حقوق سهامداران، حالت خاصی از افزوده به حقوق سهامداران و برداشت از آن است که در رابطه با بازسرمایه‌گذاری سودِ بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رخ می‌دهد. در حساب تخصیص درآمد اولیه، سهم مازاد عملیاتی متناسب با سهم سرمایه‌گذار مستقیم خارجی از حقوق سهامداران به عنوان برداشت او و توزیع به او به عنوان سود بازسرمایه‌گذاری شده نشان داده می‌شود. از آنجا که این قلم عملاً برداشت نمی‌شود، با ثبت قلمی به عنوان بازسرمایه‌گذاری عایدات در حساب مالی، به حقوق سهامداران بنگاه اضافه می‌کند.

۹۳-۱۱ واحدهای مقیم فرضی به همان شیوه‌ی شبه شرکت‌ها عمل می‌شوند. برای مثال، توسعه‌ی یک ویلای تعطیلاتِ غیرمقیم به عنوان افزایشِ ارزش دارائی متعلق به یک واحد فرضی مقیم ثبت می‌شود که با ثبت افزایش هماهنگ شده با آن در حقوق سهامداران یک مالک غیرمقیم همراه است. ولی، کل درآمد حاصل از ویلای تعطیلات به عنوان برداشت توسط مالک واحد مقیم فرضی تلقی می‌شود بنابراین هیچگونه عایدی برای بازسرمایه‌گذاری باقی نمی‌ماند. به این ترتیب اطمینان حاصل می‌شود که کل ارزش ویژه‌ی واحد مقیم فرضی را ارزش دارائی مورد بحث تشکیل می‌دهد.

سهام یا یونیت‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری

۹۴-۱۱ ***صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری‌های جمعی هستند که به‌موجب آن سرمایه‌گذاران وجوهی را برای سرمایه‌گذاری در دارائی‌های مالی یا غیرمالی روی هم می‌گذارند.*** این واحدها با تحصیل سهام در صندوق‌ها، ریسک خود را در میان تمامی ابزارهای موجود در صندوق پخش می‌کنند.

۹۵-۱۱ در جدول تفصیلی جریان وجوه، تحصیل ابزارها توسط صندوق‌های سرمایه‌گذاری جدا از تحصیل سهام در صندوق نشان داده می‌شود و تحلیل کاملی از تراکنش‌های از کی به

مشخص می‌سازد بدون این که نیاز به رده‌ی جداگانه‌ای وجود داشته باشد. ولی همان‌طور که در رابطه با رده میزان موجودی بین بانک‌ها نیز اشاره شد، جداول جریان وجوه بهنگام شده همیشه در دسترس نیست. بنابراین، برای تشخیص این که چه موقع واحدهای غیرمالی ابزارهائی نظیر اوراق بهادار و حقوق سهامداران را مستقیماً خریداری می‌کنند و چه موقع آن‌ها را از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحصیل می‌کنند، مورد دومی جداگانه نشان داده می‌شود.

۱۱-۹۶ صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شامل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و تراست‌های یونیت هستند. صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقتی از ساختار شرکت استفاده می‌شود، سهام منتشر می‌کنند و وقتی از ساختار تراست استفاده می‌شود یونیت منتشر می‌کنند. سهام صندوق سرمایه‌گذاری به سهام منتشر شده توسط صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک اطلاق می‌شود بجای سهامی که این صندوق‌ها ممکن است در اختیار داشته باشند.

۱۱-۹۷ صندوق‌های سرمایه‌گذاری به صندوق‌های بازار پولی (MMF) و صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پولی تقسیم می‌شوند. تفاوت اساسی بین آن‌ها این است که MMFها به طور معمول در ابزارهای بازار پولی با سررسید باقی مانده کمتر از یک سال که اعلب انتقال‌پذیر بوده و به عنوان جایگزین نزدیک برای سپرده‌ها بکار می‌روند، سرمایه‌گذاری می‌کنند. صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر MMF به طور معمول در دارائی‌های مالی بلند مدت تر و احتمالاً در مستغلات سرمایه‌گذاری می‌کنند. آن‌ها انتقال‌پذیر نیستند و به طور معمول به عنوان جایگزین سپرده‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند.

۱۱-۹۸ افزایش ارزش سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری غیر از منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن و بعد از کسر هرگونه سود بازسرمایه‌گذاری شده، در SNA در حساب مالی طوری نشان داده می‌شود که به دارندگان سهم یا یونیت توزیع و توسط آن‌ها بازسرمایه‌گذاری شده است.

سهام یا یونیت‌های صندوق بازار پول

۱۱-۹۹ ***صندوق‌های بازار پول صندوق‌های سرمایه‌گذاری هستند که فقط یا عمدتاً در اوراق بهادار کوتاه مدتِ بازار پول نظیر اسناد خزانه، گواهی سپرده و اوراق تجاری سرمایه‌گذاری می‌کنند.*** صندوق‌های بازار پول از نظر کارکرد گاهی اوقات به سپرده‌های انتقال‌پذیر نزدیک هستند، مانند حساب‌های دارای امتیاز چک نویسی نامحدود. اگر این سهامِ صندوق در اقتصاد مورد گزارش در پول وسیع منظور شود، باید به‌صورت یک قلم جدا ثبت شود تا با آمارهای پول همخوانی داشته باشد. ***سهام یا یونیت‌های صندوقِ بازار پول یک ادعا بر یک سهم از ارزش یک صندوق بازار پول ایجاد شده را نشان می‌دهند.***

سایر سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه گذاری

۱۱-۱۰۰ ***سایر سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری یک ادعا بر سهمی از ارزش یک صندوق سرمایه‌گذاری ایجاد شده غیر از صندوق بازار پول را نشان می‌دهد.***

طبقه‌بندی مکمل سهام صندوق سرمایه‌گذاری

۱۱-۱۰۱ تفکیک بین سهام ثبت شده و ثبت نشده‌ی صندوق سرمایه‌گذاری در بورس می‌تواند مفید باشد.

۱۱-۱۰۲ صندوق‌های سرمایه‌گذاری در طیف گسترده‌ای از دارائی‌ها از جمله اوراق بدهی، سهام، سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با کالا، مستغلات، سهامِ دیگر صندوق‌های سرمایه‌گذاری و دارائی‌های ساخت‌یافته (سرمایه‌گذاری از پیش بسته بندی شده مبتنی بر ابزارهای مالی نظیر یک نوع اوراق بهادار، سبدی از اوراق بهادار، اوراق بدهی، ارز خارجی و ... است که برای تأمین نیازهای خاصی که از طریق ابزارهای مالیِ استانداردِ موجود در بازار برآورده نمی‌شوند، ایجاد می‌شود، مترجم) سرمایه‌گذاری می‌کنند. در اقتصادهائی که صندوق‌های سرمایه‌گذاری دارای اهمیت هستند داده‌های مربوط به ترکیب دارائی‌های آن‌ها می‌تواند مفید باشد.

۶. طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد

۱۱-۱۰۳ طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد، همه به شکلی از بازتوزیع درآمد یا ثروت از طریق نهادهای مالی عمل

می‌کنند. این باز توزیع ممکن است بین واحدهای نهادی منفرد در یک دوره صورت گیرد یا برای یک واحد نهادی در دوره‌های مختلف یا ترکیبی از این دو باشد. واحدهای مشارکت کننده در طرح‌ها به آن‌ها حق بیمه پرداخت می‌کنند و ممکن است در همان دوره یا دوره‌های بعد مزایا دریافت کنند (یا خسارت به آن‌ها پرداخت شود). هنگامی که شرکت‌های بیمه وجوهی را دریافت می‌کنند، آن‌ها را از طرف پرداخت کنندگان حق بیمه سرمایه‌گذاری می‌کنند. آن قسمت از درآمد سرمایه‌گذاری که بین پرداخت کنندگان حق بیمه به عنوان درآمد دارائی توزیع می‌شود به عنوان حق بیمه‌های اضافی به آن‌ها برگردانده می‌شود. در تمامی موارد، خالص حق بیمه‌های اجتماعی یا حق بیمه‌ها به صورت حق بیمه‌های اجتماعی یا حق بیمه‌های واقعی بعلاوه درآمد دارائی توزیع شده منهای کارمزد نگهداشته شده توسط نهادهای مالی مربوطه تعریف می‌شود. بنابراین، اقلام وارد شده در حساب مالی تفاوت بین خالص حق بیمه‌های اجتماعی یا خالص حق بیمه‌های پرداخت شده به طرح‌ها منهای مزایا و خسارت‌های پرداخت شده را منعکس می‌کنند. دیگر افزوده‌های مهم به ذخائر طرح‌ها از طریق سایر تغییرات در دارائی‌ها و به ویژه منفعت ناشی از نگه‌داشتن بدست می‌آید. بحث گسترده‌تری درباره ثبت تمامی این طرح‌ها در قسمت‌های ۱، ۲ و ۳ فصل ۱۷ وجود دارد.

۱۱-۱۰۴ پنج نوع ذخائر قابل اجرا در طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد وجود دارد. این‌ها از ذخائر فنی بیمه غیرزندگی، حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه، حق برخورداری از مزایای بازنشستگی، ادعای خسارت صندوق‌های بازنشستگی بر مدیر بازنشستگی و ذخائر مطالبات تحت ضمانت‌های استاندارد تشکیل شده‌اند.

ذخائر فنی بیمه‌های غیرزندگی

۱۱-۱۰۵ ***ذخائر فنیِ بیمه‌ی غیرزندگی متشکل از پیش پرداخت‌های خالص حق‌بیمه‌های غیرزندگی و ذخائری برای مواجه شدن با ادعای خسارت‌های معوقه‌ی بیمه‌ی غیرزندگی هستند.*** آن‌ها عبارتند از حق بیمه‌های پرداختی که هنوز دریافت نشده‌اند (بنام حق بیمه‌های عاید نشده) و بدهی‌های خسارت‌هائی که هنوز تسویه نشده‌اند، از جمله مواردی که مبلغ آن مورد اختلاف است یا رویدادهای مشمول خسارت رخ داده ولی هنوز گزارش نشده است (بنام خسارت‌های معوقه). تنها تراکنشی که برای ذخائر فنی بیمه غیرزندگی در حساب مالی ثبت می‌شود، تعدیلات پایه‌ی تعهدی است.

حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه

۱۱-۱۰۶ ***حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه میزان ادعای مالی دارندگان بیمه‌نامه در برابر بنگاه ارائه دهنده‌ی بیمه‌ی زندگی یا تأمین کننده‌ی مستمری‌های سالانه را نشان می‌دهد.*** تنها تراکنشی که برای حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری سالانه در حساب مالی ثبت می‌شود اختلاف بین خالص حق بیمه دریافتنی و خسارت پرداختنی است.

حق برخورداری از مزایای بازنشستگی

۱۱-۱۰۷ ***حق برخورداری ازمزایای بازنشستگی میزان ادعای مالی بازنشستگان فعلی و آینده، هردو، را در برابر کارفرمایانِ آن‌ها یا صندوقی که توسط کارفرما تعیین شده است تا مستمری بازنشستگیِ عاید شده به عنوان قسمتی از توافق جبران خدمات بین کارکن و کارفرما را پرداخت کند، نشان می‌دهد.*** تنها تراکنشی که برای حق برخورداری از مزایای بازنشستگی در حساب مالی ثبت می‌شود اختلاف بین خالص حق بیمه‌های دریافتنی و مزایای پرداختنی است. افزایش حق برخورداری ازمزایای بازنشستگی که در حساب مالی نشان داده می‌شود برابر است با قلم ورودی در حساب‌های مصرف درآمد برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی بعلاوه هرگونه حق برخورداری از مزایای بازنشستگی که از مدیر بازنشستگی قبلی منتقل شده باشد.

ادعای صندوق‌های بازنشستگی بر مدیر طرح بازنشستگی

۱۱-۱۰۸ ممکن است کارفرمائی با طرف سومی قرارداد بسته باشد تا وجوه بازنشستگی را برای کارکنانش اداره کند. اگر کارفرما به تعیین شرایط طرح‌های بازنشستگی ادامه دهد و مسئولیت هر

تعیین شرایط طرح‌های بازنشستگی ادامه دهد و مسئولیت هر نوع کسری تأمین مالی و نیز حق نگه‌داشتن هر گونه مازاد وجوه را حفظ کند، کارفرما به عنوان مدیر طرح بازنشستگی و واحدی که تحت هدایت مدیر بازنشستگی کار می‌کند به عنوان مجری طرح بازنشستگی نامیده می‌شوند. اگر توافق بین کارفرما و طرف سوم طوری باشد که کارفرما ریسک و مسئولیت هرگونه کسری تأمین مالی را به ازای حق نگه‌داشتن مازاد وجوه به طرف سوم منتقل کند، طرف سوم هم مدیر و هم مجری طرح بازنشستگی خواهد بود.

۱۱-۱۰۹ هنگامی‌که مدیر طرح بازنشستگی واحدی متفاوت از مجری آن است، با پیامدهائی که مسئولیت هرگونه کسری یا ادعای هرگونه مازاد در دست مدیر طرح بازنشستگی باقی می‌ماند، ادعای صندوق بازنشستگی در برابر مدیر بازنشستگی تحت همین عنوان نشان داده می‌شود. (هنگامی که درآمد سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی از محل مستمری‌های بازنشستگی که دراختیار دارد بیشتر از حد لازم برای پوشش افزایش حق برخورداری از مزایای بازنشستگی است و تفاوت آن‌ها به مدیر طرح بازنشستگی پرداختنی است این قلم منفی خواهد بود).

ذخائر مطالباتِ تحت ضمانت‌های استاندارد

۱۱-۱۱۰ ***ذخائر مطالباتِ تحت ضمانت‌های استاندارد متشکل از پیش پرداخت حق‌الزحمه‌های خالص و ذخائری برای مواجه شدن با مطالبات معوقه تحت ضمانت‌های استاندارد است.*** تراکنش‌هائی که برای ذخائر مطالبات تحت طرح‌های ضمانت استاندارد در حساب مالی ثبت می‌شوند مشابه ذخائر بیمه غیرزندگی هستند، این‌ها حق‌الزحمه‌های عاید نشده و مطالباتی که هنوز تسویه نشده‌اند را دربر می‌گیرند.

۷. مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان

مشتقات مالی (ابزارهای مالی ثانوی)

۱۱-۱۱۱ ***مشتقات مالی ابزارهای مالی هستند که به ابزار مالی دیگر یا نماگر یا کالای خاصی که ریسک‌های ویژه‌ی مالی بتوانند از طریق آن‌ها در بازارهای مالی به خودی خود معامله شوند،*** ***مرتبط هستند.*** ارزش یک مشتق مالی از قیمت قلم پایه‌ی آن: قیمت مرجع، بدست می‌آید. قیمت مرجع ممکن است به یک کالا، یک دارائی مالی، یک نرخ بهره، یک نرخ ارز، یک مشتق دیگر یا تفاوت بین دو قیمت مرتبط شده باشد. قرارداد مشتق همچنین می‌تواند به یک شاخص یا یک سبد قیمت‌ها نیز مرتبط شود.

۱۱-۱۱۲ برای محاسبه ارزش هر مشتق مالی، قیمت بازار قابل مشاهده یا شاخصی برای قلم پایه ضروری است. اگر یک مشتق مالی به علت عدم دسترسی به قیمت بازار یا شاخص عمده‌ای برای قلم پایه نتواند ارزش گذاری شود، به عنوان دارائی مالی در نظر گرفته نمی‌شود. برخلافِ ابزارهای دِین، برای مشتق مالی نه مبلغ عمده‌ای پیش پرداخت می‌شود که باید بازپرداخت شود و نه درآمد سرمایه‌گذاری رخ می‌دهد. مشتقات مالی برای مقاصدی از جمله مدیریت ریسک، ریسک زدائی، آربیتراژ بین بازارها و بورس بازی مورد استفاده قرار می‌گیرند. مشتقات مالی طرف‌های درگیر را قادر می‌سازد تا ریسک‌های مالی خاصی (ریسک نرخ بهره، پول، سهام و ریسک قیمت کالا و ریسک اعتبار و غیره) را به هستارهای دیگری که تمایل بیشتری برای پذیرفتن مدیریت این ریسک‌ها دارند یا برای این منظور مناسب تر هستند، معمولاً، ولی نه همیشه، بدون دریافت کالا یا دارائیِ اولیه بفروشد. ریسک موجود در قراردادِ یک مشتق مالی می‌تواند چه بوسیله فروشِ خودِ قرارداد نظیر آنچه که در اختیارِ معامله امکان پذیر است و چه بوسیله ایجاد قرارداد جدیدی با منظور کردن ریسکی با ویژگی‌هائی که، به شیوه‌ای جبرانی، با ویژگی‌های مربوطه به قرارداد موجود منطبق باشد، معامله شود. قرارداد دوم جبران‌پذیری نامیده می‌شود و به‌ویژه در بازارهای پیمان آتی یا جائی که بورس رسمی وجود ندارد که مشتقات در آن معامله شوند، رایج است.

۱۱-۱۱۳ ابزارهای مشتقات مالی را که بتوان مستقل از قلم پایه‌ای که به آن مرتبط هستند ارزش گذاری کرد صرف نظر از این که معامله در بورس رخ دهد یا در خارج از آن، باید به عنوان دارائی‌های مالی منظور کرد. تراکنش‌های مشتقات مالی بجای این که جزء جدائی‌ناپذیرِ ارزش تراکنش‌های پایه‌ای که به آن مرتبط هستند تلقی شوند، باید به عنوان تراکنش مستقل در

دارای انگیزه‌های متفاوتی برای وارد شدن در تراکنش باشند. ممکن است یکی قصد ریسک‌زدائی داشته باشد در حالی که دیگری درگیر خرید و فروش ابزارهای مشتقات باشد یا آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری تحصیل کند. حتی اگر قصد هردو طرف ریسک‌زدائی باشد ممکن است تراکنش‌های ریسک‌زدائی یا ریسک‌هائی وجود داشته باشند که در دارائی‌های مالیِ متفاوت یا حتی در تراکنش‌هائی در حساب‌های متفاوت درگیر باشند. بنابراین، اگر تراکنش‌های مشتقات به عنوان جزء جدائی ناپذیر تراکنش‌های دیگر عمل شوند، این طرز عمل، به عدم تقارن‌های اندازه‌گیری در قسمت‌های مختلف حساب‌ها یا عدم تقارن‌های اندازه‌گیری بین بخش‌های نهادی منجر خواهد شد.

۱۱-۱۱۴ هرگونه کمیسیون پرداختی به دلالان یا سایر واسطه‌ها یا دریافتی از آن‌ها برای تنظیم اختیارات معامله، معاملات سلف، معاملات پایاپای ارز و سایر قراردادهای مشتقات، به عنوان پرداختی برای ارائه خدمات در حساب‌های مناسب منظور می‌شوند. تراکنش‌های مشتقات مالی بین دو طرف ممکن است به‌طور مستقیم یا از طریق یک واسطه‌گری مالی رخ دهد. در حالت اخیر، ممکن است کارمزد ضمنی یا کارمزد صریح خدمات مطرح شود. ولی، معمولاً جدا کردن عنصر کارمزد ضمنیِ خدمات امکان پذیر نیست. بنابراین پرداخت‌های خالص برای تسویه در قراردادهای مشتقات به عنوان تراکنش‌های مالی ثبت می‌شوند. ولی، جائی که امکان پذیر باشد باید جزء کارمزد خدمات جداگانه ثبت شود. قراردادهای مشتقات مالی معمولاً با پرداخت‌های خالص نقدی تسویه می‌شوند. این امر اغلب پیش از تاریخ سررسید برای قراردادهای قابل معامله در بورس نظیر معاملات آتی (سلف) کالائی رخ می‌دهد. تسویه نقدی نتیجه منطقیِ استفاده از مشتقات مالی برای معامله‌ی ریسکی است که مستقل از مالکیت یک قلم پایه انجام می‌شود. ولی برخی قراردادهای مشتقات مالی بویژه آن‌هائی که در ارز خارجی درگیر هستند، با تراکنش‌هائی در اقلام پایه همراه هستند. تراکنش یک دارائی که پایه‌ی یک قرارداد مشتق مالی است که در شرف تحویل است باید به قیمت غالبِ بازار برای دارائی ثبت شود در حالی که تفاوت بین قیمت غالب و قیمت واقعی پرداخت شده (ضربدر مقدار دارائی) به عنوان تراکنشی در مشتقات مالی ثبت شود.

۱۱-۱۱۵ دو طبقه کلی برای مشتقات مالی وجود دارد: قراردادهای اختیار معامله (اختیار معامله‌ها) و قراردادهای نوع آتی (پیمان آتی). در داخل هر طبقه نیز تفکیک‌های بیشتری را می‌توان برحسب رده‌های ریسک بازار؛ ارز خارجی، نرخ بهره‌ی پول واحد، سهام، کالای تجاری، اعتبار و غیره ایجاد کرد.

۱۱-۱۱۶ تفاوت عمده بین قراردادهای اختیار معامله‌ی سهام و پیمان آتی این است که برخلاف پیمان آتی که هردو طرف بدهکارِ بالقوه هستند، خریدار یک قرارداد اختیار معامله، یک دارائی تحصیل می‌کند و واگذار کننده آن متقبل یک بدهی می‌شود. اما، قراردادهای اختیار معامله اغلب بدون ارزش منقضی می‌شوند: اختیار معامله فقط هنگامی اجرا می‌شود که تسویه قرارداد برای دارنده آن سودمند باشد.

اختیار معامله

۱۱-۱۱۷ ***اختیار معامله قراردادی است که به خریدارِ آن اختیار، ولی نه الزام، خرید (اختیار "خرید") یا فروش (اختیار "فروش")، یک ابزار مالی خاص یا کالاهای تجاری خاصی را به قیمت از پیش تعیین شده (قیمت "مقرر") در یک محدوده‌ی زمانی معین (اختیار معامله نوع آمریکائی) یا در یک تاریخ معین (اختیار معامله نوع اروپائی) می‌دهد.*** بسیاری از قراردادهای اختیار معامله، اگر اجرا شوند، بجای انتقال دارائی‌ها یا کالاهای تجاری پایه که قرارداد به آن مرتبط است، با پرداخت نقدی تسویه می‌شوند. اختیار معامله بر پایه بسیاری از انواع دارائی‌ها یا کالاهای تجاری نظیر حقوق سهامداران، نرخ‌های بهره، ارزهای خارجی، کالاهای تجاری یا شاخص‌های مشخص فروخته یا "واگذار" می‌شوند. خریدار اختیار معامله حق‌العملی (قیمت اختیار معامله) را بابت تعهد فروشنده برای فروش یا خرید میزان مشخصی از ابزار یا کالاهای پایه بنا به تقاضای خریدار، به فروشنده پرداخت می‌کند. با وجود این که حق‌العمل پرداختی به فروشنده‌ی اختیار معامله می‌تواند از نظر مفهومی کارمزد خدمات را در بر داشته باشد، در عمل، معمولاً جدا کردن عنصر کارمزد خدمات امکان پذیر نیست. قیمت

جدا کردن عنصر کارمزد خدمات امکان پذیر نیست. قیمت کامل آن باید به عنوان تحصیل یک دارائی مالی توسط خریدار و به عنوان تقبل بدهی توسط فروشنده ثبت شود. ولی جائی که امکان پذیر باشد، باید کارمزد خدمات را به طور جداگانه ثبت کرد.

۱۱-۱۱۸ زمان ثبت پرداخت‌های حق‌العمل برای اختیار معامله متغیر است. حق‌العمل‌ها بسته به نوع قرارداد، هنگامی که قرارداد شروع می‌شود، هنگامی که قرارداد اختیار معامله اجرا می‌شود، یا هنگامی که اختیار معامله منقضی می‌شود، پرداخت می‌گردند. ارزش اختیار معامله در آغاز باید به قیمت کامل حق‌العمل ثبت شود. اگر حق‌العمل بعد از خرید یک اختیار معامله پرداخت شود، ارزش حق‌العمل پرداختنی، به عنوان یک دارائی در زمان خرید مشتق مالی ثبت می‌شود، که بوسیله یک حساب دریافتنی از واگذار کننده تأمین مالی شده است. خریدها و فروش‌های بعدی اختیار معامله نیز در حساب‌های مالی ثبت می‌شوند. اگر اختیار معامله‌ای که پایه‌ی آن یک دارائی مالی است اجرا شود یا اگر اختیار معامله‌ای با پایه یک کالا آماده تحویل باشد، تحصیل یا فروش دارائی پایه باید به قیمت غالب در بازار، در حساب‌های مناسبی همراه با تفاوت بین این مبلغ و مبلغ واقعی ثبت شده به عنوان تراکنش‌های مشتقات مالی ثبت شود.

۱۱-۱۱۹ تضمین‌ها شکلی از اختیار معامله هستند که در حساب مالی به همان شیوه‌ی انواع دیگر اختیار معامله عمل می‌شوند. ***تضمین‌ها ابزارهای قابل معامله‌ای هستند که به دارنده‌ی آن حق خرید تعداد معینی از سهام یا اوراق قرضه را تحت شرایط تعیین شده برای دوره‌ی زمانی تعیین شده، از صادر کننده‌ی تضمین (معمولاً یک شرکت) می‌دهند.*** همچنین تضمین‌های پولی وجود دارند که ارزش آن‌ها مبتنی بر مبلغ مورد نیاز از یک پول برای خرید پول دیگر و تضمین‌های دو پول متفاوت وابسته به پول سوم است. آن‌ها را می‌توان جدا از اوراق بهادار پایه که به آن‌ها مرتبط هستند معامله کرد و بنابراین دارای ارزش بازار هستند. صادر کننده تضمین متقبل یک بدهی می‌شود، که طرف مقابل دارائی در اختیار خریدار است.

پیمان آتی (قراردادهای سلف)

۱۱-۱۲۰ در پیمان آتی، دو طرف قرارداد توافق می‌کنند که مقدار مشخصی از یک قلمِ پایه (محصول یا دارائی مالی خاص) را به قیمت توافقیِ قرارداد (قیمت "مقرر") در تاریخ مشخصی مبادله کنند. پیمان‌های آتی، قراردادهای آینده‌ای هستند که در بورسِ سازمان یافته‌ای مبادله می‌شوند. ***پیمان آتی، قرارداد مالی غیرشرطی است که تعهدی را برای تسویه در تاریخ مشخصی نشان می‌دهد. پیمان‌های آتی و سایر قراردادهای آتی به طور معمول، ولی نه همیشه، از طریق پرداخت نقدی یا تهیه‌ی برخی ابزارهای مالی دیگر بجای تحویل واقعی قلم پایه، تسویه می‌شوند و بنابراین از طریق قلم پایه ارزش‌گذاری شده و جدا از آن معامله می‌شوند.*** در زمان شروع قرارداد، ریسک‌های برابر ارزش بازار مبادله می‌شوند و از اینرو قرارداد دارای ارزش صفر است. لازم است مدت زمانی سپری شود تا ارزش بازار ریسک هر یک از طرف‌ها متفاوت شود، به‌طوری که میزان موجودی دارائی (بستانکار) برای یک طرف و میزان موجودی بدهی (بدهکار) برای طرف دیگر ایجاد شود. رابطه‌ی بدهکار/بستانکار ممکن است در طول مدت پیمان آتی، هم از نظر مقدار و هم از نظرِ جهت، تغییر یابد.

۱۱-۱۲۱ قراردادهای معمول از نوع آتی شامل سوآپ نرخ بهره، قراردادهای نرخ بهره پیمان آتی، سوآپ ارزی (معاملات تعویضی ارز یا تاخت ارزی، مترجم)، پیمان‌های آتی ارز، سوآپ نرخ بهره دو پول متفاوت هستند.

الف. ***قرارداد سوآپ نرخ بهره، مبادله‌ی جریان‌های نقدی مربوط به پرداخت‌ها یا دریافت‌های بهره، روی یک مبلغ اصل فرضی، که هیچگاه مبادله نمی‌شود، با یک ارز خارجی در طول یک دوره است.*** تسویه‌ها اغلب از طریق پرداخت‌های خالص نقدی توسط یکی از طرف‌ها به طرف مقابل انجام می‌شود.

ب. ***قرارداد نرخ بهره‌ی پیمان آتی (FRA) توافقی است که در آن دو طرف، به منظور حمایت از یکدیگر در برابر تغییرات نرخ بهره، نسبت به پرداخت یک نرخ بهره روی مبلغ اصل فرضی که هیچگاه مبادله نمی‌شود در تاریخ تسویه‌ی مشخصی توافق می‌کنند.*** FRAها بوسیله پرداخت‌های خالص نقدی

تسویه می‌شوند. تنها پرداختی که انجام می‌شود تفاوت بین نرخ توافق شده در قرارداد نرخ بهره پیمان آتی و نرخ غالب بازار در زمان تسویه است. اگر نرخ غالب بازار بالاتر از نرخ توافق شده باشد خریدار قرارداد نرخ بهره پیمان آتی از فروشنده دریافتی خواهد داشت؛ اگر نرخ غالب بازار پائین تر از نرخ توافق شده باشد فروشنده دریافتی خواهد داشت.

پ. ***سوآپ ارزی، فروش/خرید نقطه‌ای (نقدی) ارزها و خرید/فروش آتی هم‌زمان همان ارزها است.***

ت. ***قرارداد پیمان آتی ارز دارای دو طرف است که توافق می‌کنند ارزهای خارجی را با نرخ ارز توافق شده‌ای به میزان مشخصی در یک زمان توافق شده در آینده مبادله کنند.***

ث. ***سوآپ نرخ بهره دو پول متفاوت که گاهی به عنوان سوآپ پولی شناخته می‌شود، مبادله‌ی جریان‌های نقدی مربوطه به پرداخت‌های بهره و مبادله‌ی مبلغ اصل پول با نرخ ارز توافق شده در انتهای قرارداد را در بر می‌گیرد.***

۱۲۲-۱۱ مبادله اصل پول در ابتدای قرارداد نیز ممکن است وجود داشته باشد و، در این حالت، ممکن است پرداخت‌های بعدی در طول زمان که شامل اصل و فرع هردو، هستند مطابق با قواعد از پیش تعیین شده‌ای وجود داشته باشد. جریان‌های خالص پرداخت‌های تسویه که از قراردادهای سوآپ حاصل می‌شود باید به عنوان تراکنشِ مشتقات مالی و باز پرداخت‌های اصل باید زیر قلم ابزارهای مربوطه در حساب مالی ثبت شوند.

مشتقات اعتباری

۱۲۳-۱۱ مشتقات مالی که در پاراگراف‌های پیشین شرح داده شد به ریسک بازار مربوط می‌شوند، که تابع تغییرات قیمت بازارِ اوراق بهادار، کالاها، نرخ‌های بهره و نرخ‌های ارز است. ***مشتقات اعتباری مشتقات مالی هستند که هدف اصلی آن‌ها تجارت ریسک اعتبار است.*** مشتقات اعتباری به هر دو شکل قراردادهای نوع پیمان آتی و قراردادهای نوع اختیار معامله وجود دارند و مانند سایر مشتقات مالی، غالباً براساس اصل (مستر) قراردادهای قانونی استاندارد اصلی تنظیم می‌شوند و شامل وثیقه و حاشیه سود هستند که وسیله‌ی ارزش‌گذاری بازار را فراهم می‌کنند.

حاشیه‌های سود

۱۲۴-۱۱ حاشیه‌های سود، پرداخت‌های نقدی یا وثیقه‌ای هستند که الزامات واقعی یا بالقوه‌ی مشتقات مالی بویژه معاملات سلف یا اختیار معامله قابل مبادله را پوشش می‌دهند. حاشیه‌های سود بازپرداختنی، از سپرده‌ها یا سایر وثیقه‌های سپرده‌گذاری شده تشکیل شده است که برای حمایت از طرف مقابل در برابر ریسکِ عدم پرداخت بدهی انجام می‌شود ولی این وثیقه‌ها در مالکیت واحدی که حاشیه سود را به وجود آورده است باقی می‌ماند. هرچند ممکن است استفاده از سپرده محدود باشد، اگرسپرده‌گذار ریسک‌ها و پاداش‌های مالکیت را حفظ کند، سپرده به عنوان بازپرداختنی طبقه بندی می‌شود. پرداخت‌های نقدی حاشیه سود بازپرداختنی تراکنش‌های سپرده‌ها هستند، نه تراکنش‌های مشتق مالی. سپرده گذار ادعائی در مقابل بورس یا دیگر نهاد دارنده‌ی سپرده دارد. برخی از تهیه کنندگان حساب‌های ملی ممکن است ترجیح دهند این حاشیه‌های سود را در سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی طبقه‌بندی کنند تا اصطلاح سپرده را برای هم‌افزوده‌های پولی نگه‌دارند. هنگامی که پرداخت‌های حاشیه‌های سود دریافتنی به صورت دارائی‌های غیرنقدی، نظیر اوراق بهادار ایجاد می‌شوند، هیچ نوع قلم ورودی لازم نیست ثبت شود زیرا هستاری که سپرده گذار در مقابل آن ادعا دارد (صادر کننده اوراق بهادار)، تغییر نمی کند. حاشیه‌های سود غیر بازپرداختنی بدهی مالی ایجاد شده در یک قرارداد مشتق مالی را کاهش می‌دهد. هستاری که حاشیه سود غیر پرداختنی پرداخت می‌کند دیگر مالکیت حاشیه سود را ندارد و بر ریسک‌ها و پاداش‌های مالکیت، نظیر دریافت درآمد یا منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن، نیز حقی ندارد. پرداخت حاشیه سود غیر بازپرداختنی به طور معمول به عنوان کاهش پول و سپرده‌ها با یک قلم ورودی طرف مقابل

دریافت حاشیه سود غیر بازپرداختنی به عنوان افزایش دارائی پول و سپرده‌ها با قلم ورودی طرف مقابل به عنوان کاهش دارائی‌های مشتق مالی ثبت می‌شود.

اختیار معامله سهام برای کارکنان (ESO)

۱۱-۱۲۵ ***اختیار معامله سهام برای کارکنان، توافقی است که برای تاریخ مشخصی (تاریخ "اعطا") انجام می‌شود که به‌موجب آن کارکنان می‌توانند تعداد مشخصی از سهام کارفرمایان را به قیمت اعلام شده (قیمت "مقرر") چه در زمان اعلام شده (تاریخ "واگذاری") و چه در طی دوره‌ای از زمان (دوره "اجرا") بلافاصله بعد از تاریخ واگذاری، خریداری کنند.*** تاریخ اجرا تاریخی است که در آن اختیار معامله اجرا می‌شود. این تاریخ نمی‌تواند زودتر از تاریخ واگذاری یا دیرتر از پایان دوره اجرا باشد. تراکنش‌های اختیار معامله سهام برای کارکنان در حساب‌های مالی به عنوان طرف مقابل عنصر جبران خدمات کارکنان که تحت عنوان ارزش اختیار معامله‌ی سهام نشان داده می‌شود، ثبت می‌گردند. ابزار ارزش گذاری و زمان ثبت ESOها در قسمت ۶ فصل ۱۷ مورد بحث قرار گرفته است.

۸. سایر حساب‌های پرداختنی یا دریافتنی

اعتبار تجاری و پیش‌پرداخت‌ها

۱۱-۱۲۶ این رده، اعتبار تجاری اعطاء شده برای کالاها و خدمات به شرکت‌ها، دولت، NPISHها، خانوارها و دنیای خارج، و پیش پرداخت برای کاری که در جریان ساخت است (اگر در موجودی انبار چنین طبقه بندی شود) یا قرار است انجام شود، را در بر می‌گیرد. اعتبارات بازرگانی و پیش‌پرداخت‌ها وام‌های تأمین مالی اعتبار تجاری که به عنوان وام طبقه بندی می‌شوند را در بر نمی‌گیرند. ممکن است ارزش این را داشته باشد که پیش‌پرداخت‌ها و اعتبارات تجاری کوتاه مدت از پیش پرداخت‌ها و اعتبارات تجاری بلند مدت با استفاده از همان معیار تفکیک دارائی‌های مالی کوتاه مدت و بلند مدت، جدا شوند.

سایر

۱۱-۱۲۷ این رده حساب‌های دریافتنی و پرداختنی، غیر از آن‌هائی که پیش از این شرح داده شد، یعنی مبالغی که به تدارک کالاها و خدمات مربوط نیستند را در بر می‌گیرند. این‌ها مبالغی که به مالیات‌ها، سود تقسیم شده، خرید و فروش اوراق بهادار، اجاره، مزد و حقوق، و حق بیمه‌های اجتماعی مربوط هستند را پوشش می‌دهند. بهره‌ای که تعلق گرفته ولی هنوز پرداخت نشده است فقط هنگامی در این قلم منظور می‌شود که بهره تعلق گرفته به ارزش دارائی که بهره روی آن پرداختنی است اضافه نشود (که معمولاً این گونه است).

۱۱-۱۲۸ این رده ناهمخوانی‌های آماری را در بر نمی‌گیرد.

۹. اقلام یادداشتی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

۱۱-۱۲۹ تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌های ناشی از ذخائر یا دریافت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رده‌های مربوطه یعنی اوراق بدهی، وام‌ها، سهام، اعتبار تجاری یا سایر ثبت می‌شوند. ولی مبالغ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منظور شده در هریک از این رده‌ها باید به صورت جداگانه نیز به عنوان اقلام یادداشتی ثبت شوند. بحث بیشتری درباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فصل ۱۷ و ۲۴ ارائه شده است.

وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)

۱۱-۱۳۰ شناسائی تراکنش‌های مربوط به وام‌های ناکارآمد به عنوان اقلام یادداشتی مفید است. بحث در باره تعریف و ثبت وام‌های ناکارآمد در فصل ۱۳ وجود دارد. بعلاوه، هنگامی که وام‌های ناکارآمد مهم باشند ممکن است مفید باشد تمامی بهره‌ها و بازپرداخت‌های عقب افتاده زیر یک قلم یادداشتی ثبت شوند.

فصل ۱۲: حساب‌های سایر تغییرات در دارائی‌ها

الف. مقدمه

۱-۱۲ این فصل درباره‌ی ثبت تغییراتِ ارزش دارائی‌ها و بدهی‌ها، و لذا تغییراتِ ارزش ویژه بین ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره، ناشی از جریان‌هائی که تراکنش نیستند و سایر جریان‌ها نامیده می‌شوند، بحث می‌کند. تراکنش‌های دارائی‌ها و بدهی‌ها و پیامدهای بلافاصله‌ی تراکنش‌های ارزش ویژه در حساب سرمایه و حساب مالی ثبت می‌شوند. تغییرِ ارزش دارائی‌های تولید شده ناشی از مصرف سرمایه ثابت و ناشی از زیان‌های مکرر در موجودی انبار تراکنش تلقی شده و در حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها نشان داده نمی‌شوند.

۲-۱۲ هرچند اقلام ورودی این حساب‌ها به جریان‌هائی غیر از تراکنش‌ها مربوط می‌شوند، ولی اقلام "مانده" نیستند. بلکه این اقلام تغییرات قابل ملاحظه‌ی ارزش و ترکیب اقلام بین ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره در اثر سایر رویدادها را نشان می‌دهند.

۳-۱۲ اقلام ورودیِ حساب‌های سایر تغییرات در دارائی‌ها بسیاری از انواع مختلف تغییرات دارائی‌ها، بدهی‌ها و ارزش ویژه را پوشش می‌دهند. برخی از این تغییرات، به بعضی از انواع دارائی‌ها و برخی دیگر به همه‌ی انواع دارائی‌ها اعمال می‌شوند. همه‌ی تغییرات مربوط به منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن در حساب بازارزش‌گذاری منظور می‌شوند. منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن، ناشی از تغییراتی در سطح و ساختار قیمت‌ها در طول زمان است. تمامی تغییرات دیگر در ارزشِ دارائی‌ها به عنوان تغییرات در حجم دارائی در اثر تغییر کیفیت تلقی می‌شوند تا تغییرات قیمت‌ها، و در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شوند. این مورد، آن دسته از تغییراتِ ارزش، مانند تغییرات حاصل از بازطبقه‌بندی دارائی یا تغییرات حاصل از رخدادهای موردی دیگر، را در بر می‌گیرد که بلافاصله حاصل شده باشند.

۴-۱۲ در این فصل دو حساب به ترتیب مورد بحث قرار می‌گیرد، مطالب با حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها شروع و با حساب بازارزش‌گذاری ادامه می‌یابد. زیر عنوان هر حساب، اقلام ورودی برای هر نوع دارائی به طور جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد.

ب. حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها

۵-۱۲ حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها تغییرات در دارائی‌ها، بدهی‌ها و ارزش ویژه بین ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره را ثبت می‌کند که نه به علت تراکنش‌های بین واحدهای نهادی است که در حساب‌های سرمایه و مالی ثبت می‌شوند و نه به علت منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن است که در حساب بازارزش‌گذاری ثبت می‌شوند. چارچوب حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها که در جدول ۱۲-۱ نشان داده شده است، مشابه چارچوب سایر حساب‌های انباشت است. اقلام ورودی برای تغییرات در دارائی‌ها در سمت راست (جدول‌ها در برگردان فارسی راست چین شده‌اند، مترجم) و اقلام ورودی برای تغییرات در بدهی‌ها در سمت چپ قرار می‌گیرند. دارائی‌های غیرمالی، هردوی دارائی‌های تولید شده و تولید نشده، و دارائی‌های مالی جدا از یکدیگر نشان داده می‌شوند. قلم ترازکننده‌ی این حساب، تغییر در ارزش ویژه به سبب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها است که عبارت از مابه‌التفاوت حاصل جمع تغییرات در دارائی‌ها و حاصل جمع تغییرات در

بدهی‌های ثبت شده در حساب است و در سمت چپ حساب نشان داده می‌شود.

۱. کارکردهای حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها

۶-۱۲ در حساب سرمایه، دارائی‌های تولید شده از طریق تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های ثابت، مصرف سرمایه ثابت و افزوده به موجودی انبار، برداشت از آن و زیان‌های مکرر، به سیستم حساب‌های ملی وارد و از آن خارج می‌شوند. در حساب مالی، بسیاری از دارائی‌های مالی هنگامی وارد SNA می‌شوند که بدهکار قلمی از ارزش را تحصیل کند و تعهداتی را برای پرداخت به بستانکار بپذیرد. هنگامی که بدهکار تعهدات مالی خود را طبق شرایط قرارداد انجام دهد، دارائی‌های مالی از بین می‌روند.

۷-۱۲ هردوی حساب‌های سرمایه و مالی تراکنش‌های دارائی‌های موجود بین بخش‌های نهادی را نیز ثبت می‌کنند. ولی، این تحصیل و واگذاری‌ها، غیر از تراکنش‌های بین مقیم‌ها و دنیای خارج، فقط مالکیت دارائی‌ها را تغییر می‌دهند بدون اینکه تغییری در کل ارزش ویژه برای کل اقتصاد حاصل شود.

۸-۱۲ یکی از کارکردهای مهم حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها این است که به بعضی از دارائی‌ها این امکان داده شده است که از طریقی غیر از تراکنش‌ها وارد SNA شده و از آن خارج شوند. عمل وارد شدن در ترازنامه و خارج شدن از آن به عنوان پیدایش و نابودی اقتصادی نامیده می‌شود. برخی ورودی‌ها و خروجی‌ها هنگامی رخ می‌دهند که دارائی‌هائی که به طور طبیعی ایجاد شده‌اند، نظیر دارائی‌های زیرزمینی، ارزش اقتصادی پیدا کنند یا ارزش اقتصادی خود را از دست بدهند. این ورودی‌ها و خروجی‌ها به صورت کنش‌های متقابل بین واحدهای نهادی و طبیعت انجام می‌شود، از این جهت، با ورودی‌ها و خروجی‌های حاصل از تراکنش‌هائی که به طور معمول با توافق دو جانبه بین واحدهای نهادی رخ می‌دهد، مغایر است. با اینحال، ممکن است ورودی‌ها و خروجی‌های دیگری نیز در رابطه با دارائی‌های ایجاد شده از طریق فعالیت انسانی، نظیر اشیاء گرانبها، سرقفلی یا طلای خریداری شده وجود داشته باشند.

جدول ۱۲-۱: حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – شکل خلاصه شده – تراکنش در دارائی‌ها

تغییرات در دارائی‌ها

سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
پیدایش اقتصادی دارائی‌ها	۲۶	۰	۷	۰	۰	۳۳			۳۳
نابودی اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	-۹	۰	-۲	۰	۰	-۱۱			-۱۱
زیان‌های ناشی از بلایا	-۵	۰	-۶	۰	۰	-۱۱			-۱۱
مصادره‌های بلاعوض	-۵	۰	۵	۰	۰	۰			۰
سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر	۱	۱	۰	۰	۰	۲			۲
تغییرات در طبقه بندی	۶	-۲	-۴	۰	۰	۰			۰
کل سایر تغییرات در حجم	۱۴	-۱	۰	۰	۰	۱۳			۱۳
دارائی‌های غیر مالی تولید شده	-۲	-۲	-۳	۰	۰	-۷			-۷
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۱۴	۰	۳	۰	۰	۱۷			۱۷
دارائی‌های مالی	۲	۱	۰	۰	۰	۳			۳

۹-۱۲ کارکرد دوم این حساب ثبت اثرات رخدادهای استثنائی و غیر منتظره‌ای است که منافع اقتصادی استخراج شدنی از دارائی‌ها (و بدهی‌های متناظر آن‌ها) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این رخدادها به عنوان آثار رویدادهای خارجی نامیده می‌شوند. این‌ها شامل حذف کامل یک دارائی از مالک آن توسط یک واحد نهادی بدون موافقت مالک است، عملی که تراکنش تلقی نمی‌شود زیرا عنصر توافق دو طرفه وجود ندارد. این‌ها همچنین رخدادهائی را که دارائی‌ها را تخریب می‌کنند، نظیر بلایای طبیعی یا جنگ را نیز در بر می‌گیرند.

۱۰-۱۲ کارکرد سوم این حساب ثبت تغییرات در طبقه‌بندی واحدهای نهادی و دارائی‌ها و تغییرات در ساختار واحدهای نهادی است.

۱۱-۱۲ در سه بخش زیر، این مبحث نخست با ثبت پیدایش و نابودی اقتصادی دارائی‌ها آغاز، و سپس با اثرات رویدادهای خارجی بر ارزش دارائی‌ها ادامه می‌یابد و سرانجام با تغییرات در طبقه‌بندی و ساختار دارائی‌ها به پایان می‌رسد.

۲. پیدایش و نابودی دارائی‌ها به شیوه‌ای غیر از تراکنش‌ها

۱۲-۱۲ اقلام ورودی مربوط به پیدایش و نابودی اقتصادی دارائی‌ها را می‌توان با توجه به نوع اصلی دارائی مورد نظر به شرح زیر گروه بندی کرد:

الف. اقلام ورودی در رابطه با به رسمیت شناختن دارائی‌های تولید شده؛

ب. اقلام ورودی در رابطه با ورود و خروج از محدوده منابع طبیعی؛

پ. اقلام مربوط به قراردادها، اجاره‌ها و پروانه‌ها؛

ت. تغییرات در دارائی‌های سرقفلی و بازاریابی؛ و

ث. اقلام ورودی مربوط به دارائی‌های مالی،

جدول ۱۲-۲ جزئیات جدول ۱۲-۱ شامل اقلام متنوع ورودی برای پیدایش اقتصادی و ناپدیدی دارائی‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲-۱ (ادامه): حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – شکل خلاصه شده – تراکنش در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
پیدایش اقتصادی دارائی‌ها									
ناپدیدی اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
زیان‌های ناشی از بلایا									
مصادره‌های بلاعوض									
سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰	۰	۰	۱	۰	۱			۱
تغییرات در طبقه بندی	۰	۰	۲	۰	۰	۲			۲
کل سایر تغییرات در حجم	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
دارائی‌های غیر مالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
دارائی‌های مالی	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۴	-۱	-۲	-۱	۰	۱۰			

شناسائی اقتصادی دارائی‌های تولید شده

۱۲-۱۳ زیر این عنوان، دو نوع دارائی متشکل از اشیاء گرانبها و آثار تاریخی را می‌توان نشان داد. همان‌طور که در فصل ۱۰ شرح داده شد، آثار تاریخی عبارت از اشیاء، سازه‌ها یا مکان‌های دارای ارزش قابل ملاحظه یا ویژه هستند. اشیاء گرانبها اقلامی هستند که به عنوان ذخیره‌ی ارزش، به این دلیل که انتظار می‌رود ارزش آن‌ها طی زمان افزایش یابد و یا حداقل کاهش نیابد، نگه‌داری می‌شوند. حساب سرمایه تحصیل اشیاء گرانبها و آثار تاریخی به صورت کالاهای تازه تولید شده یا تازه از خارج وارد شده هستند را ثبت می‌کند و همچنین تراکنش‌های کالاهای موجود که پیش از این به عنوان اشیاء گرانبها یا آثار تاریخی طبقه بندی شده‌اند را ثبت می‌کند.

۱۲-۱۴ با اینحال، کالاهای موجود، اشیاء گرانبها و آثار تاریخی ممکن است به دلایل مختلفی قبلاً در ترازنامه‌ها ثبت نشده باشند؛ تاریخ آن‌ها ممکن است به زمان پیش از دوره‌ی پوشش داده شده بوسیله‌ی حساب‌ها برگردد، پیش از این در ابتدا به عنوان کالاهای مصرفی ثبت شده باشند، یا اگر سازه هستند، قبلاً مستهلک شده باشند.

آثار تاریخی

۱۲-۱۵ آثار تاریخی در طبقه‌بندی دارائی‌های ثابت با واحدهای مسکونی و با سایر بناها و سازه‌ها طبقه بندی شده‌اند. هنگامی که اهمیت باستانشناسی، تاریخی یا فرهنگی یک سازه یا مکانی که قبلاً در ترازنامه ثبت نشده است برای اولین بار به رسمیت شناخته می‌شود، این سازه یا مکان به عنوان پیدایش اقتصادی طبقه‌بندی شده و در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می شود. برای مثال، این نوع شناسائی ممکن است برای یک سازه یا مکانی که به طور کامل مستهلک شده و از این رو دیگر در ترازنامه ثبت نمی‌شود پیش آید. همین‌طور ممکن است یک سازه یا مکانی که پیش از این در محدوده‌ی دارائی بوده ولی در حال حاضر قسمتی از آن یا تمامی آن مستهلک شده است، به عنوان آثار تاریخی ارزیابی شود. اگر آثار تاریخی قبلاً مستهلک شده است، در این‌صورت به رسمیت شناختن آن به عنوان آثار تاریخی به صورت پیدایش اقتصادی یک دارائی ثبت می شود. اگر قبلاً به عنوان نوع دیگرِ دارائی طبقه بندی شده باشد، به عنوان باز طبقه بندی دارائی (که در زیر بحث خواهد شد) ثبت می‌شود و اگر در همان زمان ارزش‌گذاری جدیدی به اثر تاریخی اعمال شود، این افزایشِ ارزش ذیلِ پیدایش اقتصادی ثبت می‌شود. اگر باز طبقه بندی در زمان فروش دارائی رخ دهد، مانند تحصیل یک دارائی توسط دولت، این تحصیل به‌طور عادی در حساب سرمایه ثبت می‌شود.

اشیاء گرانبها

۱۲-۱۶ اشیاء گرانبها، نظیر سنگ‌های قیمتی، عتیقه‌جات و سایر اشیاء هنری، که ارزش آن‌ها قبلاً در ترازنامه ثبت نشده است، هنگامی که ارزش قابل ملاحظه یا اهمیت هنری آن‌ها برای اولین بار به رسمیت شناخته می‌شود، به عنوان پیدایش اقتصادی طبقه‌بندی می‌شوند. این شیء ممکن است پیش از این ارزش کمی داشته و به عنوان دارائی در نظر گرفته نشده است. این قلم ممکن است مثلاً به عنوان یک کالای معمولی تلقی شده و خرید آن در مخارج مصرف نهائی خانوار یا به عنوان کالای بادوام مصرفی در نظر گرفته شده است. به رسمیت شناختن آن به عنوان ذخیره ارزش منجر به این می‌شود که به‌صورت اشیاء گرانبها وارد ترازنامه شود. تأئید ارزش قابل ملاحظه‌ی یک قلم که قبلاً بی‌ارزش بوده است، اغلب با فروش آن (مثلا، در مزایده) همراه است. فروش آن بعد از این که ابتدا در ترازنامه‌ی فروشنده وارد شد، به عنوان فروش و خرید اشیاء گرانبها در حساب سرمایه ثبت می‌شود.

ورود منابع طبیعی به محدوده دارائی

اکتشافات و بازارزیابی افزایشی منابع زیر زمینی

۱۲-۱۷ در SNA، دارائی‌های زیر زمینی به صورت منابع زیر زمینی به اثبات رسیده‌ی ذغال سنگ، نفت و گاز طبیعی، معادن فلزات یا معادن غیرفلزی قابل بهره برداری اقتصادی با فناوری مشخص فعلی و قیمت‌های نسبی، تعریف می‌شوند. حساب سرمایه تحصیل و واگذاری منابع موجود با شرایط فوق بین بخش‌ها را ثبت می‌کنند. در مقابل، در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها افزایش‌ها و کاهش‌هائی که موجب تغییر در حجم کل دارائی‌ها در کل اقتصاد شده است ثبت می‌شود.

۱۲–۱۸ یکی از روش‌هائی که منابع را افزایش می‌دهد کشف ذخائر جدید قابل بهره‌برداری است، اعم از این که از طریق اکتشاف یا تحقیقات علمی نظام مند حاصل شود یا به طور شانسی کشف شود. پیدایش اقتصادی همچنین می‌تواند به این دلیل رخ دهد که منابع با منظور کردن ذخائری که استخراج آن‌ها قبلاً غیراقتصادی بوده ولی در اثر پیشرفت فناوری یا تغییرات قیمت نسبی اقتصادی شده است، افزایش یابد.

رشد طبیعی منابع زیستی غیر پرورشی

۱۲–۱۹ رشد طبیعی منابع زیستی غیر پرورشی، نظیر جنگل‌های طبیعی و ذخائر ماهی، می‌تواند به شکل‌های مختلفی وجود داشته باشد: مثلاً ممکن است یک درخت الواری طبیعی بلندتر شود، یا ماهی در مصب رودخانه تکثیر شود. هرچند این منابع دارائی‌های اقتصادی هستند، این گونه رشدها تحت کنترل، مسئولیت و مدیریت یک واحد نهادی نبوده و لذا به عنوان تولید تلقی نمی‌شوند. در این صورت افزایش این دارائی‌ها باید به عنوان پیدایش اقتصادی در نظر گرفته شود، و در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت شود.

۱۲–۲۰ رشد طبیعی در اصل باید ناخالص ثبت شود، و تقلیل این منابع باید به عنوان نابودی اقتصادی به صورتی که در زیر توضیح داده شده است، ثبت شود. این نحوه‌ی ثبت با ثبت جداگانه تحصیل و واگذاری در حساب سرمایه سازگار خواهد بود. ولی درعمل، بسیاری از کشورها رشد طبیعی را خالص ثبت می‌کنند زیرا احتمالاً تنها مبنای موجود برای ثبت، سنجه‌های فیزیکی هستند که در واقع از سنجه‌های خالص تشکیل یافته‌اند. این سنجه‌ها را می‌توان همراه با قیمت بازارِ یک واحد دارائی برای برآورد ارزش تغییر حجم برای ثبت در حساب مربوطه به کار برد.

تغییر شکل سایر منابع طبیعی به فعالیت اقتصادی

۱۲–۲۱ تمامی زمین‌های واقع در سطح جغرافیائی یک کشور لزوماً در درون محدوده دارائی تعیین شده در SNA قرار نمی‌گیرند. زمین می‌تواند هنگامی که از وضعیت وحشی و بایر به زمینی تغییر شکل یابد که بتوان بر آن مالکیت اعمال کرده برای کاربری اقتصادی در نظر گرفت، پیدایش اقتصادی حاصل می‌شود. همچنین ممکن است زمینی به علت فعالیتی که در مجاورت آن انجام شده است ارزش پیدا کند، برای مثال، ممکن است زمینی به دلیل توسعه‌ای که در مجاورت آن رخ داده است یا به دلیل ایجاد یک راه دسترسی به جاده اصلی، مرغوب تر و از اینرو با ارزش تر شود. هزینه بهسازی زمین، که قطعه زمین مورد نظر را مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌دهد، به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تلقی شده به عنوان بهسازی زمین ثبت می‌شود و در پی آن مشمول مصرف سرمایه ثابت می‌گردد. هرگونه فزونی در افزایش ارزش زمین نسبت به ارزش بهسازی آن یا هر گونه افزایش به سبب فعالیت مجاور آن در پیدایش اقتصادی ثبت می‌شود.

۱۲–۲۲ برای سایر منابع طبیعی، پیدایش نخستین بازار قابل ملاحظه که معمولاً بهره‌برداری تجاری را در بر دارد، نقطه مرجعی برای ثبت در این حساب است. برای جنگل‌های بکر، جمع آوری هیزم بهره برداری تجاری نیست، ولی برداشت با مقیاس زیاد از یک جنگل بکر برای چوب، بهره برداری تجاری بوده و جنگل را در محدوده دارائی وارد می‌کند. به طور مشابه، برداشت آب از یک چشمه طبیعی یک سفره آب را در محدوده دارائی SNA وارد نمی‌کند، ولی انحراف آب‌های زیر زمینی آن را در محدوده دارائی وارد می‌کند. اقدامی در جهت دریافت هزینه استخراج منظم از بدنه آب‌های سطحی نیز ممکن است منابع آب را به ترازنامه بکشاند.

تغییر کیفیت منابع طبیعی در اثر تغییر کاربری اقتصادی

۱۲–۲۳ در کل، SNA تفاوت در کیفیت را به عنوان تفاوت در حجم تلقی می‌کند. همان‌طور که در رابطه با کالاها و خدمات در فصل ۱۵ شرح داده شده است، کیفیت‌های متفاوت، ارزش‌های متفاوت مصرف (و در مورد کالاها و خدمات، هزینه‌های متفاوت منابع) را نشان می‌دهند. بنابراین، کیفیت‌های متفاوت، از نظر اقتصادی با یکدیگر متفاوت هستند. این اصل در دارائی‌ها هم اعمال می‌شود. تغییرات کیفیت ثبت شده در اینجا، به عنوان طرف مقابل تغییر

همزمان در کاربری اقتصادی رخ می‌دهد که همان‌طور که در زیر شرح داده خواهد شد، به عنوان تغییرات در طبقه بندی نشان داده می‌شود. برای مثال، تغییر طبقه بندی زمین زراعی به زمین زیربنای ساختمان ممکن است تغییر در ارزش و نیز تغییر در طبقه بندی را در پی داشته باشد. در این حالت، دارائی قبلاً در محدوده دارائی قرار داشته است، و این تغییر در کیفیت دارائی در اثر تغییرِ کاربری اقتصادی آن است که به عنوان پیدایش میزان اضافی دارائی در نظر گرفته می‌شود. مثال دیگر، چهارپایانی که تشکیل سرمایه تلقی می‌شوند، به عنوان مثال دام‌های شیری، اگر زودتر از مورد انتظار برای کشتار فرستاده شوند.

خروج منابع طبیعی از محدوده دارائی

۱۲-۲۴ خروج منابع طبیعی از ترازنامه به صورت قلم منفی در سمت راست حساب نشان داده می‌شود. بسیاری از اقلام ورودی فقط جایگزین منفی برای اقلام مثبتی هستند که مورد بحث قرار گرفت.

جدول ۱۲-۲: حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در دارائی‌ها به سبب پیدایش و نابودی اقتصادی

تغییرات در دارائی‌ها

سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
پیدایش اقتصادی دارائی‌ها	۲۶	۰	۷	۰	۰	۳۳			۳۳
دارائی‌های غیرمالی تولید شده			۳			۳			۳
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۲۶	۰	۴	۰	۰	۳۰			۳۰
منابع طبیعی	۲۲		۴			۲۶			۲۶
قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۴					۴			۴
سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی						۰			۰
نابودی اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	-۹	۰	-۲	۰	۰	-۱۱			-۱۱
تقلیل منابع طبیعی	-۶	۰	-۲	۰	۰	-۸			-۸
منابع طبیعی	-۶		-۲			-۸			-۸
سایر نابودی‌های اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	-۳	۰	۰	۰	۰	-۳			-۳
منابع طبیعی						۰			۰
قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	-۱					-۱			-۱
سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	-۲					-۲			-۲
زیان‌های ناشی از بلایا	-۵	۰	-۶	۰	۰	-۱۱			-۱۱
مصادره‌های بلاعوض	-۵	۰	۵	۰	۰	۰			۰
سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر	۱	۱	۰	۰	۰	۲			۲
تغییرات در طبقه بندی	۶	-۲	-۴	۰	۰	۰			۰
کل سایر تغییرات در حجم	۱۴	-۱	۰	۰	۰	۱۳			۱۳
دارائی‌های غیر مالی تولید شده	-۲	-۲	-۳	۰	۰	-۷			-۷
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۱۴	۰	۳	۰	۰	۱۷			۱۷
دارائی‌های مالی	۲	۱	۰	۰	۰	۳			۳

استخراج و بازارزیابی کاهشی منابع زیرزمینی

۱۲–۲۵ تغییرات ثبت شده در اینجا اقلام منفی مشابه افزوده‌های ناخالص به سطح منابع زیر زمینی قابل بهره برداری است که از باز ارزیابی قابلیت بهره برداری به دلیل تغییر در فناوری یا قیمت‌های نسبی حاصل می‌شود. در عمل، ممکن است فقط افزوده‌های خالص در دسترس باشند، و باید در زیر عنوان اکتشافات و بازارزیابی افزایشی ثبت شوند.

۱۲–۲۶ تقلیل منابع طبیعی کاهش ارزش ذخائر دارائی‌های زیر زمینی را در اثر برداشت فیزیکی و مصرف دارائی‌ها پوشش می‌دهد.

برداشت از منابع زیستی غیر پرورشی

۱۲–۲۷ کاهش منابع طبیعی، ذخائر ماهی در دریاهای آزاد و سایر منابع زیستی غیرپرورشی قرار گرفته در محدوده‌ی دارائی‌ها در اثر برداشت، پاکسازی جنگل، یا استفاده‌های دیگر که فراتر از میزان استخراج همیشگی باشد باید در اینجا منظور شود.

جدول۱۲-۲ (ادامه): حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه به سبب پیدایش و نابودی اقتصادی

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
پیدایش اقتصادی دارائی‌ها									
دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
منابع طبیعی									
قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها									
سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
نابودی اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
کاهش منابع طبیعی									
منابع طبیعی									
سایر نابودی اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
منابع طبیعی									
قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
زیان‌های ناشی از بلایا									
مصادره‌های بلاعوض									
سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰	۰	۰	۱	۰	۱			۱
تغییرات در طبقه بندی	۰	۰	۲	۰	۰	۲			۲
کل سایر تغییرات در حجم	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
دارائی‌های غیر مالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
دارائی‌های مالی	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم	۱۴	۱-	۲-	۱-	۰	۱۰			

تغییر شکل سایر منابع طبیعی به خارج از فعالیت اقتصادی

۱۲-۲۸ این امکان وجود دارد که استفاده از برخی منابع طبیعی در فعالیت اقتصادی به دلیل تغییر تکنولوژی، یا کاهش تقاضا برای محصول حاصل از آن یا به دلایل قانونی، مانند متوقف کردن ماهیگیری برای حفظ بقای ذخائر ماهی متوقف شود.

تغییرات کیفی در منابع طبیعی به سبب تغییرات کاربری اقتصادی

۱۲-۲۹ تغییراتی که در اینجا ثبت می‌شوند معادل منفیِ تغییرات افزایشی حجم در رابطه با تغییر طبقه بندی است. برای مثال، اگر تغییر کاربری زمین منجر به بازطبقه بندی بخشی از زمین کشت به چراگاه اشتراکی شود، ممکن است در اثر آن تغییری در ارزش زمین بوجود آید.

۱۲-۳۰ همه‌ی تخریب‌های زمین، آب، و سایر دارائی‌های طبیعی در اثرِ فعالیت اقتصادی در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شود. تخریب ممکن است نتیجه‌ی قابل پیش بینیِ فعالیت مرتب اقتصادی باشد یا فرسایشِ کمتر پیش‌بینی شده و دیگر آسیب رسانی‌ها به زمین در نتیجه‌ی اقدامات جنگ‌زدائی یا کشاورزی بی‌رویه باشد.

جدول ۱۲-۳: حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در دارائی‌ها به سبب رویدادهای خارجی

تغییرات در دارائی‌ها

سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
پیدایش اقتصادی دارائی‌ها	۲۶	۰	۷	۰	۰	۳۳			۳۳
نابودی اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	-۹	۰	-۲	۰	۰	-۱۱			-۱۱
زیان‌های ناشی از بلایا	-۵	۰	-۶	۰	۰	-۱۱			-۱۱
دارائی‌های غیرمالی تولید شده	-۵		-۴			-۹			-۹
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده			-۲			-۲			-۲
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها						۰			۰
مصادره‌های بلاعوض	-۵	۰	۵	۰	۰	۰			۰
دارائی‌های غیرمالی تولید شده	-۱		۱			۰			۰
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	-۴		۴			۰			۰
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها						۰			۰
سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر	۱	۱	۰	۰	۰	۲			۲
دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۱					۱			۱
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده						۰			۰
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها		۱				۱			۱
تغییرات در طبقه بندی	۶	-۲	-۴	۰	۰	۰			۰
کل سایر تغییرات در حجم	۱۴	-۱	۰	۰	۰	۱۳			۱۳
دارائی‌های غیر مالی تولید شده	-۲	-۲	-۳	۰	۰	-۷			-۷
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۱۴	۰	۳	۰	۰	۱۷			۱۷
دارائی‌های مالی	۲	۱	۰	۰	۰	۳			۳

انعقاد و فسخ قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها

۱۲-۳۱ قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌هائی که بتوان آن‌ها را به طور مستقل دارائی محسوب کرد شکلی از اجاره نامه، قرارداد یا مجوز انتقال‌پذیر هستند. این‌ها ممکن است مربوط به استفاده از یک دارائی ثابت در اجاره‌ی عملیاتی باشد، یا استفاده از منابع طبیعی در اجاره‌ی منابع طبیعی، مجوز انجام بعضی فعالیت‌های اقتصادی خاص یا یک قرارداد خدمت مربوط به خدماتی که توسط فرد مشخصی قرار است در آینده ارائه شود. اجاره‌نامه‌ی عملیاتی، اجاره نامه‌ی منابع طبیعی، مجوز یا قرارداد خدمت، فقط هنگامی برای دارنده‌ی آن دارائی محسوب می‌شود که دارای دو شرط زیر باشد:

الف. قیمت جاری غالب برای استفاده از دارائی، مجوز یا ارائه خدمت از قیمت تعیین شده در قرارداد یا اجاره نامه یا پرداختی بابت مجوز متفاوت باشد، و

ب. دارنده اجاره نامه، قرارداد یا مجوز بتواند به طور قانونی و عملی این تفاوت را با انعقاد قرارداد دست دومِ اجاره یا قرارداد یا در فروش مجوز محقق سازد.

در عمل، توصیه می‌شود بهتر است این نوع دارائی‌ها فقط هنگامی که فروخته می‌شوند، ثبت شوند. در این حالت آن‌ها ابتدا در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شوند و پس از آن در حساب سرمایه مبنای یک تراکنش (یا زنجیره‌ی تراکنش‌ها) را تشکیل می‌دهند.

جدول ۱۲-۳ (ادامه): حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در بدهی‌ها به سبب رویدادهای خارجی

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
پیدایش اقتصادی دارائی‌ها									
نابودی اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
زیان‌های ناشی از بلایا									
دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها									
مصادره‌های بلاعوض									
دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها									
سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰	۰	۰	۱	۰	۱			۱
دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۰	۰	۰	۱	۰	۱			۱
تغییرات در طبقه بندی	۰	۰	۲	۰	۰	۲			۲
کل سایر تغییرات در حجم	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
دارائی‌های غیر مالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
دارائی‌های مالی	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۴	-۱	-۲	-۱	۰	۱۰			

۱۲-۳۲ ارزش قرارداد، اجاره نامه یا پروانه که به عنوان دارائی تلقی می‌شود برابر با خالص ارزش حال مازاد قیمت غالب نسبت به قیمت قرارداد است. این ارزش با کاهش دوره قرارداد و هنگامی که تفاوت قیمت دیگر مشهود نیست، کاهش می‌یابد. تغییرات ارزش قرارداد، اجاره‌نامه یا پروانه ناشی از تغییرات قیمت غالب به عنوان بازارزیابی ثبت می‌شوند؛ تغییرات به سبب از بین رفتن مزیت ایجاد شده از طریق دارائی در مدت زمان اعتبار آن، به عنوان سایر تغییرات در حجم ثبت می‌شوند. بحث فراگیرتری در باره نحوه‌ی برخورد با قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها در قسمت ۵ فصل ۱۷ وجود دارد.

تغییرات در ارزشِ سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی

۱۲-۳۳ هنگامی که یک بنگاه، چه شرکت، چه شبه شرکت و چه بنگاه غیرشرکتی، فروخته می‌شود، قیمت پرداختی ممکن است با حاصل جمع تمام دارائی‌ها منهای بدهی‌های بنگاه برابر نباشد. تفاوت بین قیمت پرداختی و حاصل جمع تمام دارائی‌ها منهای بدهی‌ها، دارائی‌های سرقفلی و بازاریابی خریداری شده بنگاه نامیده می‌شوند. این ارزش ممکن است مثبت یا منفی (یا صفر) باشد. با محاسبه و منظور کردن آن به عنوان دارائیِ بنگاه، ارزش ویژه‌ی بنگاه در لحظه‌ای که خریداری می‌شود با هر وضعیت قانونی که داشته باشد، دقیقاً برابر با صفر خواهد بود.

۱۲-۳۴ ارزش دارائی‌های سرقفلی و بازاریابی خریداری شده که در زمان فروش محاسبه می‌شود، در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها در دفاتر فروشنده وارد می‌شود و سپس به عنوان تراکنشی که با خریدار انجام شده است در حساب سرمایه مبادله می‌شود. از این پس ارزش سرقفلی و دارائی بازاریابی باید از طریق اقلام ورودی در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها در دفاتر خریدار مستهلک شود. نرخی که این ارقام مستهلک می‌شوند باید با استانداردهای حسابداری بازرگانی مطابقت داشته باشد. ارزش این دارائی‌ها از نظر این که به‌طور معمول می‌توانند در ترازنامه‌ی یک بنگاه نشان داده شوند باید محتاطانه عمل شود و لازم است "آزمون زیان‌دیدگی (impairment test)" بعمل آید تا حسابداران از طریق آن خود را متقاعد سازند که در صورت رخداد فروش بعدیِ بنگاه، ارزش باقی مانده (دارائی‌های سرقفلی و بازاریابی) احتمالاً تحقق پذیر باشد.

۱۲-۳۵ اگر سرقفلی از طریق فروش یا خرید به اثبات نرسیده باشد، در SNA به عنوان دارائی اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شود. استثناتاً، ممکن است یک دارائی بازاریابی به فروش برسد. در این صورت، باید برای خریدار و فروشنده اقلام ورودی ساخته شود مطابق با آنچه که هنگام فروش کل بنگاه برای دارائی‌های سرقفلی و بازاریابی ساخته می‌شود.

پیدایش و نابودی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

۱۲-۳۶ دارائی‌های مالی که ادعائی نسبت به دیگر واحدهای نهادی هستند هنگامی ایجاد می‌شوند که بدهکار تعهد پرداخت یا پرداخت‌هائی را در آینده به بستانکار بپذیرد، این‌ها زمانی تسویه می‌شوند که بدهکار تعهد خود را تحت شرایط توافق شده بجای آورد. طلای پولی بدست آمده به شکل شمش طلا نمی‌تواند به این طریق ایجاد و تسویه شود؛ از اینرو هنگامی که به صورت ذخیره دارائی در می‌آید، به عنوان بازطبقه بندی از اشیاء گرانبها به طلای پولی در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها در قسمت مالیِ ترازنامه وارد می‌شود. (در زمانی که توسط مقامات پولی تحصیل می‌شود ابتدا به عنوان اشیاء گرانبها طبقه بندی می‌شود). همین روشِ ثبت برای حساب‌های طلای تخصیص یافته که به عنوان جزئی از دارائی‌های ذخیره در می‌آیند بکار می‌رود. هنگامی که حساب‌های تخصیص یافته‌ی طلا به صورت دارائی‌های ذخیره می‌آیند، از پول و سپرده به طلای پولی بازطبقه بندی می‌شوند، در حساب‌های سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها نیز چنین عمل می‌شود. طلای پولی ممکن است به مقامات پولی دیگر فروخته شود ولی هرگونه کاهش دیگری در تملک آن مسیر مشابهی را در بازطبقه‌بندی طی می‌کند؛ طلای پولی هنگامی بازطبقه‌بندی می‌شود که یا اشیاء گرانبها محسوب شود (در حالت شمش طلا) یا سپرده و پول در نظر گرفته شود (در حالت حساب طلای تخصیص یافته). اگر تراکنش‌های بعدی رخ دهند، هنگام رخداد به عنوان اشیاء گرانبها یا پول و سپرده و نه به عنوان طلای پولی ثبت می‌شوند.

۱۲–۳۷ در اینجا اثرات رخدادهای پیش بینی نشده هنگام تعیین شرایط ادعاهای مالی نیز ثبت می‌شوند.

عملیات دِین

۱۲–۳۸ چندین حالت وجود دارد که ممکن است منجر به کاهش یا فسخ دِین به نحوی غیر از طریق بازپرداخت بدهی‌ها شوند. رایج ترین موارد در زیر شرح داده می‌شود.

۱۲–۳۹ بدهکار و بستانکاری ممکن است طرف‌های توافق دو جانبه‌ای باشند که دیگر ادعای مالی وجود نداشته باشد (اغلب "بخشش دِین" نامیده می‌شود). چنین توافقی در SNA منجر به ثبت انتقالات سرمایه‌ای پرداختنی یا دریافتنی (ثبت شده در حساب سرمایه در زمان رخداد بخشش دِین) می‌شود و هم زمان منجر به تسویه‌ی ادعا (ثبت شده در حساب مالی) می‌شود. بخشش دِین معمولاً به دیون دولت مربوط می‌شود. برخی از مالیات‌ها و حق بیمه‌های تأمین اجتماعی که دولت گردآوری آن‌ها را از ابتدا بعید می‌داند از دریافتنی‌های مالیاتی و حق بیمه‌های اجتماعی کنار گذاشته می‌شوند و بنابراین در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها نشان داده نمی‌شوند.

۱۲–۴۰ تغییرات در ادعاها در اثر به عهده گرفتن مسئولیت دِین توسط شخص ثالث یا زمان‌بندی مجدد باید هنگامی که شرایط قرارداد دِین (سررسید، نرخ بهره و غیره) تغییر می‌کند یا هنگامی که بخش نهادیِ بستانکار یا بدهکار تغییر می‌کند در حساب مالی نشان داده شود، زیرا این‌ها به عنوان توافق قرارداد جدید در نظر گرفته می‌شوند. ولی، تمام تغییرات دیگر در ادعاها که در اثر حذف‌ها یا کاستن‌ها رخ می‌دهد، در حساب مالی منظور نمی‌شوند زیرا توافق دو جانبه‌ای بین طرف‌ها صورت نمی‌گیرد. به ویژه بستانکار ممکن است بپذیرد که به دلیل ورشکستگی، انحلال یا سایر عوامل، دیگر نمی‌تواند ادعای مالی را وصول کند و آن را از ترازنامه خود حذف کند. این پذیرش (توسط بستانکار) باید در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها به حساب آورده شود. (برای حفظ تراز حساب‌های کل اقتصاد باید بدهی متناظر با آن نیز از ترازنامه‌ی بدهکار حذف شود).

۱۲–۴۱ بسیاری از شرایط تجاری که در آن‌ها عدم امکان وصول دِین تحقق می‌یابد به عنوان فسخ یک جانبه‌ی دِین تلقی می‌شوند. فسخ یک جانبه‌ی ادعای مالی توسط بدهکار (انکار دِین) در SNA پذیرفته نشده است. این کاستن‌ها که ارزش‌های واقعی بازار دارائی‌های مالی را منعکس می‌کنند باید در حساب باز ارزیابی منظور شوند. ولی، تغییرات در ارزش که فقط برای برآورده کردن الزامات قانونی، نظارتی یا نیازهای حسابداری اعمال می‌شوند ارزش‌های واقعی بازار آن دارائی‌های مالی را منعکس نمی‌کنند و نباید در SNA ثبت شوند.

۱۲–۴۲ یکی دیگر از عملیات مرتبط با دِین که سؤالاتی نظیر چگونگی ثبت آن در SNA را پیش می‌آورد، مربوط به ابطال دِین است. ابطال دین این امکان را به بدهکار (که دیون او به طورکلی به شکل اوراق بدهی و وام هستند) می‌دهد که بعضی از بدهی‌ها را با جفت کردن دارائی‌های فسخ نشدنی با آن بدهی از ترازنامه حذف کند. بعد از بدهی‌زدائی، نه دارائی‌ها و نه بدهی‌ها هیچکدام در ترازنامه‌ی بدهکار منظور نمی‌شوند و برای مقاصد آماری غالباً نیاز به گزارش ندارد. بدهی‌زدائی ممکن است با قرار دادن دارائی‌ها و بدهی‌های جفت شده در یک حساب امانی در داخل واحد نهادی مربوطه، یا با انتقال آن‌ها به واحد نهادی دیگر انجام شود. در حالت اول، هیچ قلم ورودی برای بدهی‌زدائی ثبت نمی‌شود و دارائی‌ها و بدهی‌ها از ترازنامه واحد نهادی خارج نمی‌شوند. در حالت دوم، تراکنش‌هائی که از طریق آن‌ها دارائی‌ها و بدهی‌ها به واحد نهادی دوم منتقل می‌شوند در حساب مالی واحد مربوطه ثبت می‌شوند و در ترازنامه واحدی که دارائی‌ها و بدهی‌ها را در اختیار دارد گزارش می‌شوند. بنابراین، این نوع بدهی‌زدائی هیچگاه در بدهی‌هائی که از SNA حذف می‌شوند پیش نمی‌آید، هرچند که گاهی منجر به تغییر در واحد نهادی گزارش دهنده آن بدهی‌ها می‌شود.

ایجاد و انقضای مشتقات مالی (ابزارهای مالی ثانویه)

۱۲–۴۳ به طور معمول، در حساب‌های سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها برای مشتقات مالی هیچگونه اقلام ورودی وجود ندارد. مشتقات مالی هنگامی که بین دو طرف مربوطه توافقی

صورت می‌گیرد در حساب مالی نشان داده می‌شوند. بـه طـور مشابه، اختیار معامله سهام برای کارکنان نیز در همان حسـاب در تاریخ اعطای آن ثبت می‌شـود. بعـداً آن‌هـا ممکـن اسـت موضوع تراکنش‌هائی درحساب مالی باشند. هنگامی که توافق بیان شده در مشتقات مالی فعال می‌شود، یا بـه دلیـل سـپری شدن دوره زمانی باطل می‌شود، ارزش مشتقات صفر می‌شـود و تغییـرات ارزش در حسـاب بـازارزش‌گـذاری، نشـان داده می‌شود.

۱۲-۴۴ اگر مبلغ پرداختنی تحت عنوان مشتق مالی بعد از فرارسـیدن سررسید آن به صورت دِین باقی بماند، مبلغ دِین دیگر مشتق مالی را نشان نمی‌دهد زیرا دیگر هیچگونه ریسک مربـوط بـه آن وجود ندارد. بنابراین این مشتق مالی به عنوان سایر حساب دریافتنی یا پرداختنی بازطبقه بندی می‌شود.

۳. اثر رویدادهای خارجی بر ارزش دارائی‌ها

۱۲-۴۵ سه علت اصلی برای کاهش ارزش یک دارائی، یا حتـی نـابود شدن کل آن، وجود دارد که نه متأثر از طبیعت دارائی بلکه به شرایط حاکم بر اقتصاد که ارزش یا مالکیـت دارائـی را تحـت تأثیر قرار می‌دهد مربوط است. این‌ها شامل زیان‌های ناشی از بلایـا، مصـادره‌هـای بلاعـوض، و سـایر تغییـرات در حجـم دارائی‌ها هستند. هرکـدام از آن‌هـا در زیـر مـورد بحـث قـرار می‌گیرند. جدول ۱۲-۳ کـه گسـترش یافتـه‌ی جـدول ۱۲-۱ است اقـلام ورودی بـرای ایـن رویـدادها را نشـان مـی‌دهـد.

جدول ۱۲-۴: حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در دارائی‌ها به سبب تغییرات در طبقه‌بندی

تغییرات در دارائی‌ها

سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
پیدایش اقتصادی دارائی‌ها	۲۶	۰	۷	۰	۰	۳۳			۳۳
نابودی اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	-۹	۰	-۲	۰	۰	-۱۱			-۱۱
زیان‌های ناشی از بلایا	-۵	۰	-۶	۰	۰	-۱۱			-۱۱
مصادره‌های بلاعوض	-۵	۰	۵	۰	۰	۰			۰
سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر	۱	۱	۰	۰	۰	۲			۲
تغییرات در طبقه بندی	۶	-۲	-۴	۰	۰	۰			۰
تغییر در طبقه بندی و ساختار بخش	۶	۰	-۴	۰	۰	۲			۲
دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۳		-۳			۰			۰
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۱		-۱			۰			۰
دارائی‌های مالی	۲					۲			۲
تغییرات در طبقه بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها	۰	-۲	۰	۰	۰	-۲			-۲
دارائی‌های غیرمالی تولید شده		-۲				-۲			-۲
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۰	۰	۰			۰			۰
دارائی‌های مالی	۰	۰	۰			۰			۰
کل سایر تغییرات در حجم	۱۴	-۱	۰	۰	۰	۱۳			۱۳
دارائی‌های غیر مالی تولید شده	-۲	-۲	-۳	۰	۰	-۷			-۷
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۱۴	۰	۳	۰	۰	۱۷			۱۷
دارائی‌های مالی	۲	۱	۰	۰	۰	۳			۳

خسارت‌های ناشی از بلایا

۱۲-۴۶ تغییرات حجم ثبت شده تحت عنوان خسارت‌های ناشی از بلایا در حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها حاصل رخدادهای گسسته و قابل تشخیص است که ممکن است تعداد قابل ملاحظه‌ای از دارائی‌های هر یک از رده‌های دارائی را با مقیاس بزرگی تخریب کند. این رخدادها عموماً به آسانی تشخیص دادنی هستند. آن‌ها عبارتند از: زمین‌لرزه‌های بزرگ، فوران‌های آتشفشانی، امواج جذر و مدی، طوفان‌های فوق‌العاده شدید، خشکسالی و سایر بلایای طبیعی، عملیات جنگی، شورش و سایر رویدادهای سیاسی، و حوادث تکنولوژیکی نظیر نشت سم به میزان زیاد و یا انتشار ذرات رادیو اکتیو در هوا. در اینجا خسارت‌های بزرگ نظیر از بین رفتن کیفیت زمین در اثر جاری شدن سیل شدید یا طوفان شدید، از بین رفتن دارائی‌های پرورشی در اثر خشکسالی یا شیوع بیماری، تخریب بناها، تجهیزات یا اشیاء گرانبها در اثر آتش سوزی جنگل‌ها یا زمین لرزه‌ها نیز منظور می‌شوند.

۱۲-۴۷ خسارت‌های ناشی از بلایا در رابطه با دارائی‌های مالی کمتر رایج است ولی در مواردی که اثبات مالکیت بستگی به اسناد مکتوب دارد و این اسناد از بین می‌روند، ممکن است ایجاد مالکیت مجدد امکان پذیر نباشد. از بین رفتن پول یا اوراق بهادار بدون نام ممکن است ناشی از بلایای طبیعی یا رویدادهای سیاسی باشد.

جدول ۱۲-۴ (ادامه): حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه به سبب تغییرات در طبقه‌بندی

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
پیدایش اقتصادی دارائی‌ها									
نابودی اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
زیان‌های ناشی از بلایا									
مصادره‌های بلاعوض									
سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر	۰	۰	۰	۱	۰	۱			۱
تغییرات در طبقه بندی	۰	۰	۲	۰	۰	۲			۲
تغییر در طبقه بندی و ساختار بخش	۰	۰	۲	۰	۰	۲			۲
دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
دارائی‌های مالی	۰	۰	۲	۰	۰	۲			۲
تغییرات در طبقه بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها	۰	۰	۰	۰	۰	۰			۰
دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
دارائی‌های مالی	۰	۰	۰	۰	۰	۰			۰
کل سایر تغییرات در حجم	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
دارائی‌های غیر مالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
دارائی‌های مالی	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۴	-۱	-۲	-۱	۰	۱۰			

مصادره‌های بلاعوض

۱۲–۴۸ دولت‌ها یا دیگر واحدهای نهادی ممکن است دارائی‌های واحدهای نهادی دیگر از جمله واحدهای غیرمقیم را بدون پرداخت کامل بهای آن به دلایلی غیر از پرداخت مالیات، جریمه، یا عوارض مشابه تصاحب کنند. اگر پرداخت بهای دارائی به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از ارزش دارائی‌هائی باشد که در ترازنامه نشان داده می‌شود، تفاوت ارزش باید به عنوان افزایش دارائی‌ها برای واحد نهادی مصادره کننده و کاهش دارائی‌ها برای واحد نهادی که دارائی را از دست داده است در زیر عنوان مصادره بلاعوض دارائی‌ها ثبت شود.

۱۲–۴۹ لازم به ذکر است که ضبط وثیقه و بازتملک کالاها توسط بستانکار به عنوان مصادره بلاعوض تلقی نمی‌شود. آن‌ها به عنوان یک تراکنش به صورت واگذاری توسط بدهکار و تحصیل توسط بستانکار در نظر گرفته می‌شوند، زیرا، به طور صریح یا با درک کلی، این مسیر را موافقت بین بدهکار و بستانکار فراهم می‌سازد.

سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر

۱۲–۵۰ ارزش یک دارائی ثابت به طور مستمر با مصرف سرمایه ثابت کاهش می‌یابد تا دارائی به‌طور کامل مصرف شود یا ارزش باقی مانده‌ای نداشته باشد. با وجود این ممکن است در فرض‌های اساسیِ محاسبه‌ی مصرف سرمایه ثابت اشتباه رخ داده باشد در این صورت، لازم است تصحیح اشتباه در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها انجام شود. به طور مشابه، اگر فرض نرخ کاهش حجم موجودی انبار اشتباه شده باشد، این نیز باید در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها اصلاح شود. دارائی‌های مالی و بدهی‌هائی که می‌توانند از تغییرات حجم متأثر شوند برخی از ذخائر طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد هستند. بحث بیشتری در این باره در قسمت‌های ۱، ۲ و ۳ در فصل ۱۷ ارائه شده است.

دارائی‌های ثابت

۱۲–۵۱ محاسبه مصرف سرمایه ثابت، فرضی را درباره نرخ عادی زوال فیزیکی، از مد افتادگی و خسارت اتفاقی منعکس می‌کند. اشتباه بودن هریک از این فرض‌ها ممکن است ثابت شود. در آن حالت، در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها باید تعدیلاتی انجام شود. در اصل، فرض‌های تجدید نظر شده در حالی که شرایط جدیدی را منعکس می‌سازند، بعداً باید برای محاسبه مصرف سرمایه ثابت برای عمر مفید باقی مانده دارائی مورد استفاده قرار گیرند. اگر این کار صورت نگیرد، تعدیل مستمر در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ضروری خواهد بود و در سال‌های بعد سنجه‌ی ارزش افزوده‌ی خالص بیش برآوردی خواهد داشت.

۱۲–۵۲ زوال فیزیکی می‌تواند در اثر تخریب پیش‌بینی نشده‌ی محیط زیست بر دارائی‌های ثابت باشد. بنابراین باید در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها برای کاهش ارزش دارائی‌ها، مثلاً کاهش ارزش ناشی از اثرات اسیدی شدن هوا و باران اسیدی در سطح بناها یا بدنه وسایل نقلیه، اقلام ورودی ساخته شود.

۱۲–۵۳ معرفی فناوری پیشرفته نظیر مدل‌های پیشرفته‌ی دارائی یا فرآیند جدید تولید که موجب شود دیگر نیاز به آن دارائی از بین برود می‌تواند منجر به ازمد افتادگی پیش‌بینی نشده شود. در نتیجه، ممکن است مبلغی که برای از مدافتادگی قابل انتظار قبلی آن‌ها در نظر گرفته شده بود کمتر از مبلغ از مدافتادگی واقعی باشد.

۱۲–۵۴ مبلغ در نظر گرفته شده برای خسارت عادی مورد انتظار ممکن است کمتر از میزان خسارت واقعی باشد. برای کل اقتصاد، معمولاً این تفاوت باید کوچک باشد؛ برای واحدهای منفرد این تفاوت می‌تواند قابل ملاحظه باشد و ممکن است از نظر علامت نیز نوسان داشته باشد. بنابراین باید در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌های ثابت برای کاهش ارزش دارائی‌های ثابت در اثر این رخدادها تعدیلاتی انجام شود. این زیان‌ها بزرگ‌تر از حد عادی هستند، ولی از نظر مقیاس به آن حد قابل ملاحظه نیستند که به عنوان بلایا در نظر گرفته شوند.

۱۲–۵۵ همان‌طور که در فصل ۱۰ توضیح داده شد، هزینه‌های انتقال مالکیت باید در طول زمانی که انتظار می‌رود دارائی در اختیار خریدار باشد، مستهلک شود. اگر این دارائی پیش از مستهلک شدن کامل هزینه‌های مالکیت واگذار شود، مابقی آن نیز باید

در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت شود.

۱۲-۵۶ این امکان وجود دارد که فرض‌های اولیه در هریک از این شرایط یا در تمام آن‌ها بیش از اندازه محتاطانه بوده باشد. اگر این امر ثابت شود، در این صورت باید بجای تجدید نظر کاهشی یک تجدید نظر افزایشی درارزش دارائی مورد نظر انجام شود.

۱۲-۵۷ امکانات تولید با دوره ساخت طولانی ممکن است تا ارائه‌ی یک منطق اقتصادی برای تکمیل یا بکار انداختن آن متوقف شود. به عنوان مثال، یک نیروگاه هسته‌ای یا یک سایت صنعتی ممکن است هرگز به کار نیافتد. هنگامی که برای کنار گذاشتن آن تصمیم گرفته می‌شود، ارزش دارائی ثابت (یا در برخی موارد، موجودی کالای در جریان ساخت، همان‌طور که در فصل ۱۰ تشریح شد) به همان ترتیب که در ترازنامه ثبت شده است باید در حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها حذف شود.

زیان‌های استثنائیِ موجودی انبار

۱۲-۵۸ زیان‌های استثنائی ناشی از سرقت، هجوم حشرات به انبارهای غلات، بیماری چارپایان به میزان غیرعادی، و غیره، باید در اینجا ثبت شود. در این رابطه، زیان‌های استثنائی نشان می‌دهند که زیان‌ها نه تنها از نظر ارزش قابل توجه هستند بلکه رخداد آن‌ها هم نامنظم است. زیان‌های بسیار بزرگ حتی اگر به طور منظم هم رخ دهند، باید هنگام محاسبه تغییرات موجودی انبار برای ثبت در حساب سرمایه، آن‌طور که در فصل ۱۰ توضیح داده شد، به حساب آورده شوند.

حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه

۱۲-۵۹ هنگامی که برای مستمری‌های سالانه قرارداد بسته می‌شود رابطه بین حق بیمه‌ها و مزایا با به‌حساب آوردن داده‌های موجود مرگ و میر در آن زمان تعیین می‌شود. هرگونه تغییرات بعدی، بدهی مستمری دهنده نسبت به مستمری بگیر را تحت تأثیر قرار خواهد داد که نتایج آن در اینجا ثبت می‌شود.

حق برخورداری از مزایای بازنشستگی

۱۲-۶۰ تغییرات حجم ذخائرِ حق برخورداری از مزایای بازنشستگی به طرح‌های مزایای تعیین شده اعمال می‌شود، یعنی طرح‌هائی که در آن تمام یا قسمتی از مستمری بازنشستگی که لازم است تأمین شود از طریق یک فرمول تعیین می‌شود. این نوع تعدیلات برای طرح‌های حق‌بیمه تعیین شده‌ی تأمین اجتماعی که در آن مزایا تنها برحسب عایدات سرمایه‌گذاری روی حق بیمه‌های اجتماعی تغذیه کننده‌ی طرح تعیین می‌شود، لازم نیست.

۱۲-۶۱ ترسیم دقیق مرز بین آن دسته از تغییراتِ حق برخورداری ازمزایای بازنشستگی که به عنوان تراکنش در نظر گرفته می‌شوند و آن تغییراتی که به عنوان سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها تلقی می‌شوند هنوز برای پژوهش باقی مانده است. در قسمت ۲ فصل ۱۷ شرایط کنونی توضیح داده شده است.

ذخائر مطالبات در طرح‌های ضمانت استاندارد

۱۲-۶۲ اگر ضمانت‌های استاندارد کاملاً بر مبنای تجاری ارائه شود، ذخائرِ مطالبات آن‌ها از طریق حق‌الزحمه‌های پرداختی و عایدات سرمایه‌گذاری روی آن‌ها و بازیابی احتمالی بدهی‌های پرداخت نشده توسط بدهکار تأمین می‌شود. ولی، اغلب دولت این طرح‌ها را پشت نویسی می‌کند. اگر چنین باشد، باید در حساب‌های دولت ذخیره‌ای برای مازاد قابل انتظار مطالبات این طرح نسبت به حق‌الزحمه‌های دریافتی، درآمد سرمایه‌گذاری یا بازیابی بدست آمده وارد شود. اگر ضمانت‌ها یک دوره طولانی را پوشش دهد و برای دولت ذخیره‌ای برای ادعای دارائی‌ها در مورد عدم پرداخت بدهی وجود داشته باشد، این مازاد قابل انتظار باید براساس ارزش حال خالص مطالباتی که در این طرح به وجود خواهد آمد محاسبه شود. هر موقع که طرح جدیدی معرفی شود یا تغییر عمده‌ای در میزان قابل انتظار مطالبات پذیرفته شود، یک قلم ورودی فراتر از آنچه که بوسیله حق‌الزحمه‌ها یا دیگر وسایل پوشش داده می‌شود،لازم خواهد بود.

۴. تغییرات در طبقه‌بندی‌ها

۱۲-۶۳ حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها تغییرات در دارائی‌ها و بدهی‌هائی را که چیزی بیشتر از تغییر در طبقه‌بندی واحدهای نهادی بین بخش‌ها، تغییرات در ساختار واحدهای نهادی و تغییرات در طبقه‌بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها را منعکس نمی‌کند، ثبت می‌کند. در جدول ۱۲-۴، اقلام جدول ۱۲-۱ گسترش داده شده است تا اقلام ورودی برای تغییرات در طبقه‌بندی را نشان دهد.

تغییرات در ساختار و طبقه بندی بخشی

۱۲-۶۴ بازطبقه‌بندی یک واحد نهادی از یک بخش به بخش دیگر کل ترازنامه‌ی آن را منتقل می‌کند. برای مثال، اگر یک بنگاه غیرشرکتی از لحاظ مالی از مالکش متمایزتر شود و ویژگی‌های یک شبه شرکت را به خود بگیرد، این بنگاه غیرشرکتی و ترازنامه آن از بخش خانوار به بخش شرکت‌های غیر مالی منتقل می‌شود؛ یا اگر یک شرکت مالی جدیداً مجوز گرفته باشد تا سپرده بپذیرد، می‌توان آن را از "سایر واسطه‌گری‌های مالی" به "شرکت‌های سپرده‌پذیر غیراز بانک مرکزی" بازطبقه بندی کرد.

جدول ۱۲-۵: حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در دارائی‌ها برحسب نوع دارائی

تغییرات در دارائی‌ها

سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
کل سایر تغییرات در حجم	۱۴	-۱	۰	۰	۰	۱۳			۱۳
دارائی‌های غیرمالی تولید شده	-۲	-۲	-۳	۰	۰	-۷			-۷
دارائی‌های ثابت	۱		-۳			-۲			-۲
موجودی‌های انبار	-۳					-۳			-۳
اشیاء گرانبها		-۲				-۲			-۲
دارائی‌غیرمالی تولید نشده	۱۴	۰	۳	۰	۰	۱۷			۱۷
منابع طبیعی	۱۰	۰	۱	۰	۰	۱۱			۱۱
قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۴		۲			۶			۶
سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	۰					۰			۰
دارائی‌های مالی	۲	۱	۰	۰	۰	۳			۳
طلای پولی و SDRها						۰			۰
پول و سپرده‌ها						۰			۰
اوراق بدهی						۰			۰
وام‌ها						۰			۰
حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۲					۲			۲
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد		۱				۱			۱
مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان						۰			۰
سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی						۰			۰

۱۲-۶۵ اگر خانواری با همه اموالش (از جمله دارائی‌های مالی) از یک اقتصاد به اقتصاد دیگر منتقل شود، آن‌ها هم زیر تغییرات طبقه بندی و ساختار ثبت می‌شوند. از آنجا که تغییری در مالکیت اموال رخ نمی‌دهد، می‌تواند تراکنشی در آن‌ها وجود نداشته باشد.

۱۲-۶۶ فصل ۲۱ جریان‌هائی را مورد بحث قرار می‌دهد که وقتی سازمان‌دهی مجدد شرکت رخ می‌دهد لازم است ثبت شوند، اعم از اینکه دو شرکت ادغام شوند، یکی توسط گروه دیگری خریداری شود یا هنگامی که یک شرکت به دو یا چند واحد تقسیم شود. اکثرِ پیامدهای مالی حاصل شده به عنوان تراکنش ثبت می‌شوند ولی بعضی از آن‌ها ممکن است به عنوان سایر تغییرات در حجم ثبت شوند. فصل ۲۱ مفاهیم ملی سازی و خصوصی سازی را نیز مورد بحث قرار می‌دهد، در حالی که توضیح می‌دهد نتایج حاصل چه موقع به عنوان تراکنش و چه موقع به عنوان سایر تغییرات در حجم از جمله بازطبقه‌بندی برحسب بخش در نظر گرفته می‌شوند.

۱۲-۶۷ بازطبقه‌بندی در نتیجه‌ی معامله اوراق بهادار ضروری است. هنگامی که واحد الف اوراق بهاداری را به واحد ب می‌فروشد، الف یک بدهی و ب یک دارائی دارد. اگر ب همان دارائی را به واحد پ بفروشد، تراکنش بین ب و پ در حساب مالی به عنوان فروش اوراق بهادار ثبت می‌شود. هرچند واحد الف در فروش و خرید اوراق بهادار بین ب و پ درگیر نیست، ترازنامه الف تحت تأثیر قرار می‌گیرد زیرا بدهی در ابتدا متعلق به ب بوده و حالا متعلق به پ است. این بازطبقه‌بندی در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها نشان داده می‌شود.

جدول ۱۲-۵ (ادامه): حساب سایر تغییرات درحجم دارائی‌ها – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه برحسب نوع بدهی

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
کل سایر تغییرات در حجم	۰	۰	۲	۱	۰	۳			
دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
دارائی‌های ثابت									
موجودی‌های انبار									
اشیاء گرانبها									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
منابع طبیعی									
قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
دارائی‌های مالی	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
طلای پولی و SDRها									
پول و سپرده‌ها									
اوراق بدهی									
وام‌ها						۰			۰
حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق			۲			۲			۲
سرمایه‌گذاری									
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد				۱		۱			۱
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان									
سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی									
تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۴	-۱	-۲	-۱	۰	۱۰			

تغییرات در طبقه بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها

۱۲–۶۸ یک دارائی ممکن است در ترازنامه‌ی ابتدای دوره زیر یک عنوان و در ترازنامه‌ی انتهای دوره زیر عنوان دیگر نشان داده شود. از آنجا که تراکنشِ دارائی‌ها باید به عنوان افزایش داشته‌های یک طرف و کاهش داشته‌های طرف دیگر از همان دارائی ثبت شود، فرآیند تغییرِ طبقه بندی باید در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت شود. دارائی مورد نظر ممکن است ابتدا به عنوان تراکنش زیر طبقه بندی اولیه و سپس به عنوان تغییر طبقه‌بندی آن در ترازنامه مالک جدید ثبت شود. به روش دیگر، ممکن است ابتدا به عنوان بازطبقه‌بندی توسط مالک اول نشان داده شود و سپس به عنوان تراکنش زیر طبقه‌بندی جدید آن ثبت شود. اگر تغییر در طبقه‌بندی منجر به تغییری در ارزش شود، این به عنوان تغییر کیفیت، و از اینرو تغییر در حجم تلقی می‌شود، همان‌طور که قبلاً در بحث پیدایش و نابودی اقتصادی توضیح داده شد. انتخاب بین این که آیا ابتدا بازطبقه‌بندی صورت گیرد و سپس تراکنش‌ها ثبت شوند یا برعکس، به ماهیت تراکنش‌ها و این سؤال بستگی دارد که آیا از این تغییرِ قیمت مالک اولیه بهره‌مند می‌شود یا مالک جدید. مثال‌هائی از بازطبقه بندی در زیر شرح داده شده است.

فروش و بازطبقه‌بندی زمین و بناها

۱۲–۶۹ واحد الف یک زمین مزروعی به واحد ب می‌فروشد، که واحد ب آن را برای ساخت خانه بکار ببرد. اگر الف مجوز طرح را قبل از فروش زمین اخذ کند این باید در حساب‌های الف به عنوان تغییر در طبقه بندی (با افزایش احتمالی در ارزش که باید به عنوان سایر تغییرات در حجم نیز در حساب‌های الف ثبت شود)، و سپس به عنوان فروش زمین بنا به واحد ب ثبت شود. اگر واحد ب بعداز این که فروش به طورکامل انجام شد مجوز طرح را اخذ کند، در این صورت آنچه که فروخته شده است زمین مزروعی است و ب تغییر در طبقه بندی (و احتمالاً سایر تغییرات در حجم) را در دفاتر خود ثبت می‌کند.

۱۲–۷۰ ملاحظات مشابهی درباره بناهائی که هنگام تعیین رسمی کاربری مجاز یک بنا از محل مسکونی به محل کار تجاری یا برعکس تبدیل می‌شوند، اعمال می‌گردند. تغییری که فقط از سرمایه‌گذاری جدید در محل قبلی بنا به وجود می‌آید، سایر تغییرات در حجم دارائی به‌حساب نمی‌آید بلکه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص محسوب می‌شود.

تغییرات طبقه‌بندی مربوطه به موجودی‌های انبار

۱۲–۷۱ در تمام نمونه‌ها، لازم است کالای در جریان ساخت پیش از این که فروخته شود به کالاهای تمام شده باز طبقه بندی شود. برخی از جانوران سرمایه ثابت تلقی می‌شوند زیرا برای شیردهی یا برای پشم یا کشتار در انتهای زندگی مولدشان نگهداری می‌شوند. در این حالت، هنگامی که حاصل دهیِ مکرر آن‌ها متوقف می‌شود، از سرمایه ثابت به موجودی انبار بازطبقه‌بندی می‌شوند. اگر این کار عملی نباشد، یا بسیار موشکافانه بنظر برسد، در این صورت باید بعضی از منابع تأمین گوشت بجای برداشت از موجودی انبار با کسر کردن از سرمایه ثابت به‌حساب آورده شود. در عمل، بازطبقه بندی از یک نوع موجودی انبار به نوع دیگر یا از سرمایه ثابت به موجودی انبار، نباید تغییرات ارزش را در بر گیرد. اگر در زمان تغییر طبقه‌بندی، ارزش قبلی با ارزش جدید متفاوت باشد، باید یک قلم ورودی در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها زیرِ پیدایش یا نابودی اقتصادی بسته به مورد ثبت شود. اگر مشاهده شود که این وضعیت به‌طور نظام‌مند رخ می‌دهد، باید روش‌های ارزش‌گذاری برای موجودی‌ها بازنگری شوند.

۵. خلاصه‌ی سایر تغییرات در حجم

۱۲–۷۲ جدول‌های ۱۲–۲ الی ۱۲–۴ جزئیات سایر تغییرات در حجم را برای هریک از انواع تغییرات با جزئیات هر یک از دارائی‌ها به صورت سطح دوم طبقه‌بندی نشان می‌دهند. اطلاعات را می‌توان برحسب نوع دارائی‌ها صرف نظر از علت تغییر حجم تجمیع کرد، همان‌طور که در جدول ۱۲–۵ نشان داده شده است. این شکلی از اطلاعات است که در آن اطلاعات از

حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها به تلفیق بین ترازنامه‌های بین ابتدا و انتهای دوره برده می‌شود.

پ. حساب بازارزش‌گذاری

۱. مفاهیم مختلف منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن

۱۲-۷۳ حساب بازارزش‌گذاری که در جدول ۱۲-۶ نشان داده شده است، منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن تعلق گرفته به صاحبان دارائی‌های مالی و غیرمالی و بدهی‌ها در دوره حسابداری را ثبت می‌کند. نخستین قلم ورودی به منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن مربوط است که بعد به دو قسمت منفعت بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن و منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن تفکیک می‌شوند. این منفعت یا زیان مربوط به دارائی‌ها در سمت راست (در برگردان فارسی جدول‌ها راست چین شده است، مترجم) و در رابطه با بدهی‌ها در سمت چپ حساب ثبت می‌شوند.

۱۲-۷۴ ***منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن یک دارائی غیرمالی، ارزش منفعت تعلق گرفته به مالک آن دارائی در اثر تغییرِ قیمت آن در طول یک دوره است. منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن یک دارائی مالی، افزایش ارزش آن دارائی، غیر از افزایش حاصل از تراکنش دارائی‌ها (از جمله تعلق بهره در طول یک دوره‌ی زمانی) و سایرتغییرات در حجم دارائی‌ها است. منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن بدهی، کاهش ارزش بدهی، غیر از طریق تراکنش یا سایر تغییرات در حجم است.*** اگر منفعت ناشی از نگه‌داشتن منفی باشد، به آن زیان ناشی از نگه‌داشتن اطلاق می‌شود. منفعت ناشی از نگه‌داشتن، اعم از این‌که در اثر افزایش ارزش یک دارائیِ مشخص باشد یا در اثر کاهش ارزش یک بدهیِ مشخص، ارزش ویژه‌ی واحد مورد نظر را افزایش می‌دهد. برعکس، زیان ناشی از نگه‌داشتن، ارزش ویژه واحد مورد نظر را کاهش می‌دهد اعم از این‌که در اثر کاهش ارزش یک دارائی مشخص یا افزایش ارزش یک بدهی مشخص باشد.

۱۲-۷۵ همانند تغییر مطلق ارزش یک دارائی، اگاهی از چگونگی مقایسه‌ی این تغییرِ ارزش با سنجه‌ی کلی تورم نیز جالب است. هنگامی که ارزش یک دارائی در طول یک دوره زمانیِ معین با افزایشی بیش از سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد، دارائی را در انتهای دوره می‌توان با حجم بیشتری از کالاها، خدمات و دارائی‌های پوشش داده شده توسط شاخص کلی قیمت‌ها نسبت به ابتدای دوره مبادله کرد. افزایشی که دقیقاً همان حجم کالاها و خدمات را حفظ می‌کند منفعت بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن نامیده می‌شود. ***منفعت (زیان) بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن در طول یک دوره عبارت از افزایشی (کاهشی) است که لازم است در ارزشِ یک دارائی بوجود آید تا بدون تراکنش‌ها و سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها منفعت حاصل از همان میزان کالاها و خدمات ابتدای دوره حفظ شود.***

۱۲-۷۶ تفاوت بین منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن و منفعت یا زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن مربوط به یک دارائی در طول یک دوره زمانی، منفعت یا زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن نامیده می‌شود. اگر ارزش دارائی با سرعتی بیشتر از منفعت بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن افزایش یابد، در این‌صورت منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن وجود خواهد داشت. اگر ارزش دارائی با همان سرعت افزایش کلی قیمت‌ها افزایش نیابد، یا اصلاً افزایش نیابد، مالک دارائی زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن ثبت خواهد کرد. ***منفعت (زیان) واقعی ناشی از نگه‌داشتن مبلغی است که به‌موجب آن ارزش یک دارائی در طول دوره نسبت به منفعت بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن، بدون وجود تراکنش و سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها، افزایش (کاهش) می‌یابد.*** منفعت اسمی، بی‌اثر و واقعی ناشی از

نگه‌داشتن و روابط متقابل آن‌ها به طور کامل‌تر در بخش‌های زیرین توضیح داده شده است.

۱۲–۷۷ قلم ترازکننده در حساب بازارزش‌گذاری به عنوان ***تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن نامیده شده است. این قلم به صورت جمع جبری ارقام مثبت و منفی منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن همه‌ی دارائی‌ها و بدهی‌های یک واحد نهادی تعیین می‌شود.*** همان‌طور که منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن به دو قسمت منفعت بی‌اثر و واقعی ناشی از نگه‌داشتن دارائی تفکیک می‌شود، تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن نیز می‌تواند به دو قسمت تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت (زیان) بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن و تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت (زیان) واقعی ناشی از نگه‌داشتن دارائی تفکیک شود. قلم دوم از نظر تحلیلی به‌طور قابل ملاحظه‌ای مفید است.

۱۲–۷۸ به منظور ساده سازیِ واژگان و شرح آن‌ها، معمولاً به زیان ناشی از نگه‌داشتن به‌طور صریح اشاره نمی‌شود مگر این که شرایط ایجاب کند که به صراحت از آن نام برده شود. اصطلاح "منفعت ناشی از نگه‌داشتن" برای پوشش هردوی منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن بکار می‌رود تا به روشنی مشخص شود که منفعت ناشی از نگه‌داشتن همان‌طور که مثبت است می‌تواند منفی نیز باشد. به‌طور مشابه، اصطلاح "دارائی‌ها" به طور جمعی هم برای دارائی‌ها و هم برای بدهی‌ها بکار می‌رود، مگر این که نیاز باشد به طور خاص به بدهی‌ها اشاره شود.

۱۲–۷۹ منفعت ناشی از نگه‌داشتن گاهی اوقات "منفعت سرمایه" نیز گفته می‌شود. واژه‌ی "منفعت ناشی از نگه‌داشتن دارائی" درحسابداری کسب وکار (تجاری) به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و اینجا ترجیح داده شده است از این واژه استفاده شود زیرا بر این واقعیت تأکید دارد که منفعت ناشی از نگه‌داشتن فقط در اثر نگه‌داشتن دارائی‌ها در طول زمان، بدون این که تغییر شکلی داده شوند، به آن‌ها تعلق می‌گیرد. منفعت ناشی از نگه‌داشتن نه تنها منفعت مربوط به"سرمایه" نظیر دارائی‌های ثابت، زمین و دارائی‌های مالی را در بر می‌گیرد بلکه منفعت مربوط به موجودی همه‌ی انواع کالاهائی را که توسط تولید کننده نگه‌داشته شده است، از جمله کالای در جریان ساخت، را نیز در بر می‌گیرد که گاهی "بهافزونی موجودی" نامیده می‌شود. برای بسیاری از دارائی‌های مالی، هر منفعت ناشی از نگه‌داشتن که توسط یک واحد نهادی بدست می‌آید، تمام یا قسمتی از آن، با یک زیان ناشی از نگه‌داشتن در واحدی که بدهی مقابل آن را در اختیار دارد منطبق می‌شود. برای دارائی‌های غیرمالی چنین نیست زیرا بدهی غیرمالی وجود ندارد.

۱۲–۸۰ هنگامی که یک دارائی که ارزش آن به علت منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن افزایش یافته است، فروخته یا به نحو دیگری واگذار شود، گفته می‌شود که منفعت ناشی از نگه‌داشتن تحقق یافته است. اگر دارائی در اختیار مالک فعلی باقی بماند منفعت ناشی از نگه‌داشتن تحقق نمی‌یابد. به طور عادی، منفعت تحقق یافته معمولاً منفعتی است که در تمام طول دوره‌ای که دارائی در تصرف مالک است یا بدهی هنوز تسویه نشده است تحقق می‌یابد چه این دوره با دوره‌ی حسابداری مطابق باشد چه با آن مطابقت نداشته باشد. با این‌حال در SNA، تمام منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن از شروع دوره حسابداری اندازه‌گیری می‌شود. ***منفعت (زیان) ناشی از نگه داشتن هنگامی تحقق می‌یابد که یک دارائی که ارزش آن به سبب منفعت (زیان) ناشی از نگه‌داشتن از ابتدای دوره حسابداری افزایش (کاهش) یافته است فروخته شود، فک رهن شود، استفاده شود یا به نوع دیگری مصرف شود، یا بدهی که با منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن همراه است بازپرداخت شود. منفعت تحقق نیافته ناشی از نگه‌داشتن منفعتی است که به یک دارائی که در انتهای دوره، هنوز تحت تصرف مالک آن است یا یک بدهی که در انتهای دوره هنوز تسویه نشده است، تعلق می‌گیرد.*** در نتیجه منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن مربوط به یک دارائی حاصل جمع منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن تحقق یافته یا تحقق نیافته برای دوره مورد بحث است.

منفعت اسمی ناشی از نگه داشتن

۱۲-۸۱ چهار حالت مختلف که منجر به منفعت ناشی از نگه داشتن دارائی می‌شود از یکدیگر متمایز می‌شود و برای هریک از آن‌ها روش‌های ارزیابی جداگانه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای شفافیت موضوع، فعلاً فرض می‌شود که در فاصله بین دو تاریخ یاد شده نه تراکنشی وجود دارد و نه سایر تغییراتی در حجم رخ می‌دهد.

الف. دارائی در سرتاسر دوره‌ی حسابداری نگه داشته شده است: منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن که طی دوره‌ی حسابداری تعلق می‌گیرد برابر است با ارزش ترازنامه‌ی انتهای دوره منهای ارزش ترازنامه‌ی ابتدای دوره. اگر دارائی‌ها در زمان تنظیم ترازنامه‌ها تحصیل شده باشند، این‌ها ارزش‌های برآورد شده‌ی دارائی‌ها هستند. در این حالت منفعت اسمی تحقق نیافته است.

ب. دارائی که در ابتدای دوره نگه داشته شده است در طی دوره فروخته می‌شود: منفعت اسمی تعلق گرفته ناشی از نگه‌داشتن برابر است با ارزش واقعی یا برآورد شده واگذاری منهای ارزش ترازنامه‌ی ابتدای دوره. در این حالت منفعت اسمی تحقق یافته است.

پ. دارائی در طی دوره تحصیل شده و در انتهای دوره هنوز در اختیار مالک است: منفعت اسمی تعلق گرفته به نگه‌داشتن برابر است با ارزش ترازنامه‌ی انتهای دوره منهای ارزش واقعی، یا برآورد شده‌ی، تحصیل دارائی. در این حالت منفعت اسمی تحقق نیافته است.

ت. دارائی در طی دوره حسابداری تحصیل و در همان دوره واگذار می‌شود: منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن برابر است با ارزش واقعی یا برآورد شده‌ی واگذاری منهای ارزش واقعی یا برآورد شده‌ی تحصیل. در این حالت منفعت اسمی تحقق یافته است.

۱۲-۸۲ اتحاد اصلی که در آن ترازنامه‌ها تراکنش‌ها، سایر تغییرات در حجم و منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن را بهم پیوند می‌زنند، به شرح زیر است:

ارزش موجودی دارائی در ترازنامه‌ی ابتدای دوره که در تاریخ تنظیم ترازنامه‌ی ابتدای دوره ارزش‌گذاری می‌شود،

بعلاوه ارزش دارائیِ تحصیل یا واگذار شده در تراکنش که در تاریخ‌هائی که تراکنش‌ها رخ می‌دهند ارزش‌گذاری می‌شوند،

بعلاوه ارزش سایر تغییرات در حجم دارائی که در تاریخ‌هائی که سایر تغییرات رخ داده در حجم دارائی ثبت شده‌اند، ارزش‌گذاری می‌شوند،

بعلاوه ارزش منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن،

برابر است با ارزش موجودی دارائی در ترازنامه‌ی انتهای دوره که در تاریخ ترازنامه‌ی انتهای دوره ارزش‌گذاری می‌شود.

ارزش دارائی‌ها و بدهی‌ها در ترازنامه‌ی انتهای دوره، منفعت یا زیان تحقق نیافته‌ی ناشی از نگه‌داشتن را در بر دارد. ارزش تراکنش‌ها منفعت یا زیان تحقق یافته‌ی ناشی از نگه‌داشتن را در بر می‌گیرد. بنابراین، میزان صحیح قلم بازارزش‌گذاری باید هردوی منفعت تحقق یافته و منفعت تحقق نیافته ناشی از نگه‌داشتن را پوشش دهد، به عبارت دیگر شامل ارزش کامل منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن باشد.

۱۲-۸۳ از آنجا که کل منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن که در طی دوره‌ی زمانی معین به رده خاصی از دارائی‌ها تعلق می‌گیرد منفعت تعلق گرفته به دارائی‌هائی که در طی دوره حسابداری تحصیل یا واگذار شده و نیز دارائی‌هائی که در ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره شکل می‌گیرد را نیز شامل می‌شود، امکان محاسبه کل منفعت ناشی از نگه‌داشتن با استفاده از

داده‌های ترازنامه امکان پذیر نیست. این را میتوان با یک مثال ساده نشان داد.

۱۲-۸۴ فرض کنید شرکتی در ابتدای دوره ۱۰۰ واحد موجودی (مثلاً، موجودی انبار یا سهام) دارد و این‌ها هریک ۲۰ و کل آن ۲۰۰۰ می‌ارزد. این شرکت در طول دوره، هنگامی که قیمت هر واحد به ۲۲ رسیده است، ۱۵ واحد دیگر به مبلغ ۳۳۰ خریداری می‌کند. در انتهای دوره، هنگامی که قیمت به ۲۵ رسیده است، ۱۵ واحد به ارزش ۳۷۵ می‌فروشد. ارزش موجودی در انتهای ترازنامه ۱۰۰ واحد هریک با ارزش ۲۵ یا ۲۵۰۰ است. افزایش ۵۰۰ واحد در ترازنامه منفعت تحقق نیافته ناشی از نگه‌داشتن بر ۱۰۰ واحد موجودی را نشان می‌دهد. ارزش تراکنش‌ها در ترازنامه کاهش نشان می‌دهد زیرا ارزش موجودی افزوده شده به ترازنامه (۳۳۰) کمتر از ارزش موجودی فروخته شده (۳۷۵) است. میزان تفاوت یعنی ۴۵- کاهشِ ارزش ویژه را نشان می‌دهد که با تحقق قدری منفعت ناشی از نگه‌داشتن حاصل شده است. از اینرو، کل منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن ۵۴۵ است که اتحاد را برقرار می‌کند یعنی موجودی ابتدای دوره (۲۰۰۰) بعلاوه تراکنش‌ها (۴۵-) بعلاوه منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن (۵۴۵) بعلاوه سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها (۰) برابر است با ارزش در ترازنامه انتهای دوره (۲۵۰۰).

۱۲-۸۵ بنابراین، به منظور محاسبه کل منفعت ناشی از نگه‌داشتن به طور مستقیم، لازم است ارقام مربوط به تمامی دارائی‌های تحصیل شده و دارائی‌های واگذار شده در طی دوره حسابداری و قیمت‌های آن‌ها، و نیز قیمت‌ها و مقادیر دارائی‌های نگه داشته شده در ابتدا و انتهای دوره ثبت شود. این نوع ثبت برای دارائی‌های مالی و بدهی‌ها رایج‌تر از دارائی‌های غیرمالی است.

۱۲-۸۶ هریک از پنج عنصر تشکیل دهنده‌ی اتحاد پاراگراف ۱۲-۸۲ که تغییرات در ترازنامه را توضیح می‌دهند، می‌توانند مستقیماً و به طور مستقل از چهار عنصر دیگر محاسبه شوند. از اینرو، هریک از این عناصر دارای وضعیت یکسانی هستند، هیچ‌یک از آن‌ها به صورت باقی مانده به عنوان قلم ترازکننده تعیین نمی‌شوند. با این حال، اگر هرکدام از چهار عنصر مستقیماً محاسبه شود، عنصر پنجم را می‌توان به صورت باقی مانده برآورد کرد. به این دلیل، اتحاد فوق را می‌توان برای برآورد منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن در صورت مشخص بودن چهار عنصر دیگر بکار برد، ولی نباید این‌طور استنباط شود که منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن یک قلم ترازکننده در SNA است.

منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن

۱۲-۸۷ برای محاسبه منفعت بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن یک دارائی، انتخاب یک شاخص قیمت فراگیر که تا حد ممکن گستره‌ی وسیعی از کالاها، خدمات و دارائی‌ها را پوشش داده باشد مورد نیاز است. در عمل، شاخص قیمت برای مخارج نهائی در اکثر کشورها یک گزینه‌ی پذیرفته شده است، هرچند که از شاخص‌های فراگیر دیگری نیز که داده‌های آن‌ها در دسترس باشند می‌توان استفاده کرد. با این حال، یک شاخص فراگیر از این نوع، ممکن است فقط سالی یکبار، یا در بهترین حالت به صورت فصلی، و پس از یک وقفه‌ی زمانی قابل ملاحظه در دسترس قرار گیرد. از آنجا که منفعت ناشی از نگه‌داشتن ممکن است به دارائی‌هائی تعلق گیرد که فقط دوره کوتاهی از زمان نگه‌داشته می‌شوند، بهتر است از شاخصی استفاده شود که تغییرات قیمت‌ها را به طور ماهانه اندازه‌گیری می‌کند و با وقفه‌ی زمانی کوتاهی در دسترس قرار می‌گیرد. شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) معمولاً این نیازها را برآورده می‌سازد و استفاده از CPI برای درون‌یابی و برون‌یابیِ تغییرات شاخصی با پایه گسترده‌تر روش پذیرفته شده‌ای برای محاسبه منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن خواهد بود.

۱۲-۸۸ منفعت بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن یک دارائی در طول یک دوره‌ی زمان برابر است با ارزش دارائی در ابتدای دوره ضربدر تغییرات متناسب یک شاخص فراگیر قیمت انتخاب شده برای اندازه‌گیری تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها. بنابراین، منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن می‌تواند برای دارائی‌های نگه‌داشته

شده در سرتاسر دوره حسابداری که در هردو ترازنامه‌ی ابتدا و انتهای دوره نشان داده می‌شوند به آسانی محاسبه شود. ولی، ردیابی منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن برای دارائی‌هائی که در طی دوره حسابداری تحصیل یا واگذار می‌شوند مشکل است مگر زمان‌هائی که تحصیل و واگذاری‌های متعددی که رخ می‌دهند مشخص باشد.

منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن

۸۹-۱۲ منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن یک دارائی، عبارت از تفاوت بین منفعت اسمی و منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن آن دارائی است. بنابراین، ارزش منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن دارائی‌ها بستگی به نوسانات قیمت آن‌ها در طی دوره مورد بحث، در مقایسه با تغییرات سایر قیمت‌ها، به طور متوسط، دارد که با شاخص کلی قیمت اندازه‌گیری می‌شود. هر افزایشی در قیمت نسبی یک دارائی منجر به منفعت واقعی مثبت و هر کاهشی در قیمت نسبی یک دارائی منجر به منفعت منفی ناشی از نگه‌داشتن می‌شود اعم از این‌که سطح عمومی قیمت‌ها افزایش یابد، کاهش یابد یا ثابت بماند.

۹۰-۱۲ منفعت اسمیِ ناشی از نگه‌داشتنِ پول داخلی، سپرده‌ها و وام‌ها برحسب واحد پول داخلی همیشه صفرهستند. در زمان تورم، منفعت بی‌اثر مربوط به این نوع دارائی‌ها و بدهی‌ها باید مثبت باشد و از اینرو منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن باید منفی و از نظر ارزش مطلق برابر با منفعت بی‌اثر باشد. به عبارت دیگر، ارزش واقعی این دارائی‌ها در اثر تورم هم برای بستانکار و هم برای بدهکار کاهش می‌یابد. از نظر بدهکار هر کاهشی در ارزش واقعی بدهی افزایشِ ارزش ویژه‌ی واقعی را نشان می‌دهد. در واقع، یک انتقال ضمنی قدرت خرید واقعی از بستانکار به بدهکار با ارزشی برابر با منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن دارائی یا بدهی به وجود می‌آید. هنگامی که بستانکار انتظار چنین انتقالاتی را دارد، ممکن است به‌همان نسبت، نرخ اسمی بالاتری برای بهره‌ی وام‌ها درخواست و برای سپرده‌ها پیشنهاد شود تا انتقالات مورد انتظار جبران شوند، یا ممکن است وام‌هائی که دارای ارزش پولی ثابت هستند با وام‌های مرتبط با شاخص قیمت مصرف کننده جایگزین شوند.

۹۱-۱۲ از آنجا که تغییرات قیمت‌های نسبی ممکن است مثبت یا منفی باشد، مالکین برخی از دارائی‌ها از منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن نفع می‌برند در حالی که مالکین سایر دارائی‌ها زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن را تجربه می‌کنند. منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن ممکن است منجر به بازتوزیع قابل ملاحظه‌ی ارزش ویژه بین واحدهای نهادی، بخش‌های نهادی و حتی کشورها شود که گستره آن بستگی به میزان اختلاف تغییراتی دارد که در قیمت‌های نسبی رخ می‌دهد. با وجود این که ممکن است این اختلاف‌ها حتی هنگامی که تورم کلی وجود ندارد نیز پیش آید، ولی هنگامی که سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد، اثرات نظام مندی همراه با نرخ کلی تورم در اثر کاهش ارزش واقعی دارائی‌های پولی و بدهی‌ها وجود خواهد داشت.

۹۲-۱۲ از آنجا که منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن قدرت خرید صاحبان دارائی‌ها را افزایش یا کاهش می‌دهد، بر رفتار اقتصادی آن‌ها نیز تأثیرمی‌گذارد. منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن به خودی خود یکی از متغیرهای مهم اقتصادی است همان‌طور که مصرف سرمایه ثابت یا تشکیل سرمایه ثابت نیز برای مقاصد تحلیلی مهم هستند. می‌توان استدلال کرد که اگر منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن که در SNA تعریف شده است با درآمد تلفیق شود، سنجه‌ی جامع‌تری از درآمد را بوجود آورد ولی در این مورد اتفاق نظر وجود ندارد. صرف نظر از مشکلات عملی برآورد منفعت و زیان واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن، این احتمال وجود دارد که تأثیر آن بر رفتار اقتصادی با تأثیر درآمد نقدی یا غیرنقدی دریافتی یکسان نباشد. اما، واضح است که باید اطلاعات مربوط به منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن در دسترس کاربران، تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران قرار داده شود.

۹۳-۱۲ از آنجا که منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن می‌تواند به صورت باقی‌مانده با کسر منفعت بی‌اثر از منفعت اسمیِ ناشی

از نگه‌داشتن بدست آید، امکان محاسبه منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن بستگی به امکان محاسبه منفعت اسمی و بی اثر ناشی از نگه‌داشتن دارد.

۲. منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن دارائی‌های خاص

دارائی‌های ثابت

۱۲-۹۴ منفعت اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن با توجه به دارائی‌ها یا بدهی‌هائی محاسبه می‌شوند که خودِ آن‌ها در طول دوره‌ای که منفعت ناشی از نگه‌داشتن برای آن اندازه‌گیری می‌شود، از نظر مقدار و کیفیت ثابت می‌مانند. تغییرات ارزش دارائی‌های فیزیکی نظیر سازه‌ها، تجهیزات یا موجودی انبار نگه داشته شده توسط تولید کننده که به برخی تغییر شکل‌های فیزیکی یا اقتصادی آن دارائی‌ها مربوط می‌شوند، اعم از بهسازی یا زوال، منفعت ناشی از نگه‌داشتن به حساب نمی‌آیند. بویژه، کاهش ارزش دارائی‌های ثابت متعلق به تولید کننده در اثر زوال فیزیکی یا نرخ عادی از مدافتادگی یا خسارت‌های اتفاقی نه به عنوان منفعت منفی ناشی از نگه‌داشتن بلکه به عنوان مصرف سرمایه ثابت ثبت می‌شوند.

۱۲-۹۵ مصرف سرمایه ثابت باید به طور دقیق با ارزش‌گذاری موجودی ابتدا و انتهای دوره به قیمت متوسط دوره محاسبه شود تا اطمینان حاصل شود که هر گونه منفعت ناشی از نگه‌داشتن از آن خارج شده است. اغلب قیمت وسط دوره به عنوان قیمت متوسط دوره گرفته می‌شود. تحت شرایط تورم با نرخ ملایم قیمت متوسط دوره می‌تواند یک تقریب قابل قبول باشد ولی هرچه نرخ تورم بالاتر باشد قابلیت اعتماد آن کمتر و در تورم جدی بسیار گمراه کننده خواهد بود.

۱۲-۹۶ منفعت اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن برای دارائی‌های ثابتِ موجود، ممکن است در اثرِ تورم کلی یا به دلیل تغییر قیمت خودِ دارائی در طول زمان، بوجود آید. وقتی از همین نوع دارائی‌ها هنوز تولید و در بازار فروخته می‌شوند، دارائی موجود در ترازنامه‌ی ابتدا یا انتهای دوره باید به قیمت خریدارِ جاریِ یک دارائیِ تازه تولید شده منهای مصرف سرمایه ثابت انباشت شده تا آن زمان و نیز محاسبه شده بر اساس قیمت‌های غالب در زمان تنظیم هریک از ترازنامه‌ها، ارزش گذاری شود. وقتی تولید آن نوع دارائی متوقف شده است، ارزش‌گذاری دارائی‌های موجود می‌تواند مشکلات عملی و مفهومی ببار آورد. اگر انواع گسترده‌ای از دارائی‌های مشابهِ آن نوع دارائی هنوز تولید می‌شوند، حتی اگر ویژگی‌های آن‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای از دارائی‌های موجود متفاوت باشند (مثل مدل‌های جدید وسایل نقلیه یا هواپیما)، منطقی است که فرض شود که اگر دارائی‌های موجود هنوز تولید می‌شد تغییرات قیمت آن‌ها مشابه دارائی‌های جدید می‌بود. اما، وقتی ویژگی‌های دارائی‌های جدید با پیشرفت فناوری به شدت بهبود یافته باشد این فرض سؤال برانگیز خواهد بود. بحث بیشتری در باره این موضوع در *اندازه‌گیری سرمایه* ارائه شده است.

موجودی انبار

۱۲-۹۷ برآورد منفعت اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن برای موجودی انبار ممکن است به علت کمبود داده‌ها در باره تراکنش‌ها یا تغییرات در حجم دارائی‌ها مشکل باشد. همان‌طور که در فصل ۶ توضیح داده شد، ممکن است تراکنش‌های موجودی انبارِ کالاهای در جریان ساخت و کالاهای تکمیل شده به اندازه کافی ثبت نشوند زیرا این‌ها تراکنش‌های داخلی هستند. می‌توان چنین تصور کرد که کالاهائی که وارد موجودی انبار می‌شوند مالکِ یک بنگاه از خودش به عنوان تولید کننده تحصیل کرده است، در حالی که کالاهائی که از موجودی انبار خارج می‌شوند مالک آن برای استفاده در تولید یا برای فروش به تولید کننده واگذار کرده است. این تراکنش‌های داخلی باید به قیمت‌های غالب در زمان‌هائی که رخ می‌دهند ارزش‌گذاری شوند. از اینرو، ارزش برداشت‌ها هرگونه منفعت ناشی از نگه‌داشتن مربوط به موجودی‌های انبار را هنگامی‌که ذخیره می‌شوند در بر دارد و این اطمینان می‌دهد که ارزش منفعت ناشی از نگه‌داشتن در ستانده وارد نشده است. ولی، همان‌طور که در پاراگراف‌های ۶-۱۴۲ الی ۶-۱۴۵ توضیح داده شد، وقتی ذخیره کردن کالاها اساساً ادامه‌ی فرآیند تولید است،

افزایش ارزش کالاها که در اثر این تولید رخ می‌دهد نباید به عنوان منفعت اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن به‌حساب آورده شود. در مورد کالاهائی که برای بازفروشی ذخیره می‌شوند، ارزش کالاها وقتی از موجودی انبار برداشت می‌شوند باید ارزش هرگونه منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن را که در طی زمان ذخیره شده در انبار رخ داده است در بر داشته باشد ولی ارزش هیچگونه حاشیه‌ای را که توسط عمده فروش یا خرده فروش تحقق یافته است در بر نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، کالاهای برداشت شده از موجودی انبار، به قیمت‌های غالب زمان برداشت برای کالاهائی که همان وضعیت هنگام ورود به انبار را دارند (کالاهائی که برای بازفروشی وارد انبار شده‌اند و بدون تغییر شکل از انبار برداشت می‌شوند، *مترجم*) ارزش‌گذاری می‌شوند (غیر از حالت ذخیره سازی).

۱۲–۹۸ سایر تغییرات در حجم به احتمال دارد شامل موجودی انبارِ کالاهای تخریب شده باشد که در اثر رویدادهای استثنائی نظیر فجایع طبیعی (سیل، زلزله و غیره) یا آتش سوزی‌های بزرگ پیش می‌آید. زیان‌های مکرر برای موجودی انبار، نظیر زیان‌های ناشی از ضایعات یا دزدی‌های منظم، مشابه برداشت‌های عمدی تلقی می‌شوند. از اینرو، منفعت اسمیِ ناشی از نگه داشتن دارائی در مورد موجودی انبار فقط به میزان موجودی پس از به‌حساب آوردن هردوی زیان‌های استثنائی و مکرر روی موجودی‌های انبار مربوط می‌شود.

۱۲–۹۹ غیر از ارقام ثبت شده‌ی مقادیر کالاهای وارد شده در موجودی انبار و خارج شده از آن و قیمت‌های آن‌ها در زمان ورود و خروج، امکان اندازه‌گیری مستقیم ارزش تغییرات موجودی انبار وجود ندارد. از آنجا که ممکن است این ارقام در دسترس نباشند، لازم است سعی شود محاسبه‌ی ارزش تغییرات موجودی انبار از طریق ارزش و مقادیر ابتدا و انتهای دوره با استفاده از روش‌هائی که تفاوت بین ارزش‌های ابتدا و انتهای دوره را به دو جزء، تراکنش‌ها و منفعت ناشی از نگه‌داشتن افراز می‌کند، انجام شود. این نوع روش‌ها فقط در حدی مناسب هستند که فرض‌های زیرساخت آن‌ها مناسب باشند. برآورد منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن که فقط مبتنی بر داده‌های آخر دوره است، بر دو فرض مسأله برانگیز استوار است. نخست این که قیمت‌ها در طول دوره به طور خطی افزایش می‌یابند؛ دوم این که تغییرات در حجم موجودی انبار بین ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره به طور خطی افزایش یا کاهش می‌یابند. هردوی این فرض‌ها، بویژه در مورد محصولات فصلی، دور از ذهن هستند. همچنین باید در نظر داشت که این تنها مسأله‌ی حساب‌های انباشت نیست زیرا ارزش تغییرات موجودی انبارِ نهاده‌ها و ستانده‌ها برای اندازه‌گیری مصرف واسطه، ستانده و ارزش افزوده و از اینرو تمامی اقلام ترازکننده‌ی SNA مورد نیاز است. به طور کلی، اگر برای بدست آوردن منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن چنین فرض‌هائی لازم است، باید برای دوره‌ای ساخته شوند که تا جائی که ممکن است کوتاه باشد. بویژه، هم‌افزود برآوردهای فصلی از این نوع به برآورد سالانه از همان نوع برتری دارد.

اشیاء گرانبها

۱۲–۱۰۰ ماهیت اشیاء گرانبها طوری است که با این انتظار که ارزش آن‌ها در طول زمان افزایش خواهد یافت به عنوان ذخیره‌ی ارزش نگه‌داری می‌شوند. هر افزایشی در ارزش یک شیء گرانبها به عنوان منفعت اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن تلقی می‌شود. این منفعت اسمی ممکن است به دو جزء منفعت واقعی و منفعت بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن به روشی استاندارد افراز شود.

دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

۱۲–۱۰۱ از آنجا که برای همه‌ی رده‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها مناسب نیست که به عنوان دارائی‌هائی که دارای قیمت هستند نامیده شوند، بنظر می‌رسد منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن برای رده‌های مختلف به‌طور متفاوتی عمل شوند هرچند که برای همه‌ی رده‌ها اصول اولیه‌ی یکسانی بکار برده می‌شود. همان‌طور که در بخش ب توضیح داده شد، سایر تغییرات در حجم برای دارائی‌های مالی و بدهی‌ها امکان

پذیر است، اما به طور کلی پیامدهای آن نادیده گرفته می‌شود.

۱۲–۱۰۲ به استثنای طلای پولی و SDRها، ابتدا لازم است دارائی‌های بیان شده به پول داخلی و سپس اثرات آن وقتی به ارز خارجی بیان می‌شوند، مورد بحث قرار گیرند.

طلای پولی و SDRها

۱۲–۱۰۳ از آنجا که قیمت طلا معمولاً به دلار بیان می‌شود، طلای پولی مشمول منفعت و زیان اسمی و واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن به علت تغییرات نرخ ارز و نیز قیمت خودِ طلا است.

۱۲–۱۰۴ از آنجا که ارزش SDR مبتنی بر یک سبد پولی متشکل از چهار ارز کلیدی است، ارزش SDRها همیشه مشمول منفعت و زیان اسمی و واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن می‌شوند. هر از گاهی، ممکن است تخصیص‌های جدیدی از SDRها انجام شود؛ وقتی این امر رخ می‌دهد این تخصیص‌ها به عنوان تراکنش ثبت می‌شوند.

پول

۱۲–۱۰۵ پول رایج داخلی مشمول هیچگونه منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن نمی‌شود. آن را می‌توان به عنوان "مقدار" ثابتی از واحد پول (مثلاً، یک دلار) با قیمتی که همیشه واحد است تصور کرد. با این حال، هرچند منفعت اسمیِ ناشی از نگه-داشتن صفر است، منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن صفر نیست. در وضعیت تورم، منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن مثبت است و بنابراین منفعت واقعیِ مربوط به آن منفی و از نظر اندازه با آن مساوی است.

سپرده‌ها و وام‌ها

۱۲–۱۰۶ سپرده‌ها و وام‌ها که به پول رایج داخلی بیان شده‌اند نیز با همان دلایل پول رایج، منفعت اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن ثبت نمی‌کنند. ممکن است در طول یک دوره حسابداری افزایشی در ارزش یک وام یا یک سپرده پیش آید ولی این باید به علت تراکنش‌هائی از جمله اضافه کردن بهره به سطح پیشین اصل وام باشد. همانند پول رایج، سپرده‌ها و وام‌های بیان شده به پول داخلی نیز زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن دارائی را به همان اندازه منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن آن‌ها ثبت می‌کنند.

اوراق بدهی

۱۲–۱۰۷ اوراق بدهی به طور عادی ازرش بازار دارند و این ارزش‌های بازار در طول زمان تغییر می‌کنند. اما، همه‌ی تغییرات ارزش به عنوان منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن تلقی نمی‌شوند.

۱۲–۱۰۸ اوراق قرضه اوراق بهاداری هستند که به دارنده‌ی آن حق غیر شرطی برای یک درآمد ثابت پولی یا یک درآمد متغیر تعیین شده در قرارداد در طول یک دوره معین از زمان (غیر از مورد اوراق قرضه دائمی یا بدون سررسید) و همچنین حق یک مبلغ ثابت به عنوان پرداخت اصل وام در تاریخ یا تاریخ‌های مشخص را می‌دهد. اوراق قرضه معمولاً در بازار معامله می‌شوند و دارنده یک اوراق قرضه ممکن است در طول عمر اوراق قرضه به دفعات عوض شود. منتشر کننده‌ی این اوراق قرضه گاهی ممکن است قادر باشد در هر زمان اصل مبلغ تسویه نشده‌ی اوراق را با خریدِ پیش از تاریخ سررسید آن بازپرداخت کند.

۱۲–۱۰۹ همان‌طور که در قسمت ۴ فصل ۱۷ توضیح داده شده است، هنگامی که اوراق قرضه‌ای با تخفیف منتشر می‌شود، از جمله اوراق قرضه‌ی با تخفیف عمده و اوراق قرضه با کوپن صفر (بدون بهره، مترجم)، تفاوت بین قیمت انتشار و ارزش رسمی یا ارزش بازپرداخت آن هنگام فرارسیدن سررسید، بهره‌ای را اندازه‌گیری می‌کند که منتشر کننده باید در طول عمر اوراق پرداخت کند. این بهره که به عنوان درآمد دارائی پرداختنی توسط منتشر کننده‌ی اوراق و دریافتنی توسط دارنده آن ثبت می‌شود، اضافه بر هرگونه بهره‌ی کوپنی است که عملاً توسط منتشر کننده در فاصله‌های زمانی مشخص در طول عمر اوراق قرضه پرداخت شده است. در اصل، بهره تعلق گرفته طوری در نظر گرفته می‌شود که به طور همزمان توسط

دارنده‌ی اوراق در اوراق قرضه باز سرمایه‌گذاری می‌شود. بنابراین، در حساب سرمایه به عنوان تحصیل ارزش اضافی دارائی موجود ثبت می‌شود. از اینرو افزایش تدریجی قیمت بازار اوراق قرضه که مربوط به انباشت بهره تعلق گرفته‌ی بازسرمایه‌گذاری شده است رشدی در مبلغ اصل تسویه نشده‌ی اوراق را منعکس می‌کند. این اساساً یک افزایش مقداری یا حجمی است و نه افزایش قیمت. این مبلغ هیچگونه منفعت ناشی از نگه‌داشتن برای دارنده اوراق یا زیان ناشی از نگه‌داشتن برای منتشر کننده اوراق ایجاد نمی‌کند. افزایش ارزش اوراق در اثر تعلق گرفتن بهره در حساب تخصیص درآمد اولیه و حساب مالی ثبت می‌شود و در حساب بازارزش‌گذاری (و حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها) ثبت نمی‌شود.

۱۲–۱۱۰ قیمت اوراق قرضه‌ی با نرخ ثابت که قابل فروش هستند نیز تغییر می‌کند، ولی، هنگامی که نرخ‌های بازار تغییر می‌کنند، تغییرات قیمت‌ها در جهت مخالف تغییرات نرخ‌های بهره صورت می‌گیرد. هرچه اوراق قرضه به تاریخ سررسید آن نزدیک‌تر باشد، اثر تغییر نرخ بهره تعیین شده بر قیمت یک اوراق قرضه واحد کمتر است. تغییر قیمت اوراق قرضه که قابل انتساب به تغییرات نرخ بهره‌ی بازار است تغییرات قیمتی را تشکیل می‌دهند و نه تغییرات مقداری. لذا این‌ها برای هردوی منتشر کننده و دارنده اوراق بهادار منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن بوجود می‌آورند. افزایش نرخ بهره، منفعت اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن برای منتشر کننده و زیان اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن معادل آن برای دارنده اوراق قرضه بوجود می‌آورد، و در حالت کاهش نرخ بهره عکس آن عمل می‌شود. هر زمان که نرخ بهره تغییر می‌کند، ارزش بازار اوراق بهادار تغییر پیدا می‌کند؛ این تغییر در ارزش به عنوان بازارزش‌گذاری ثبت می‌شود. در SNA، بهره‌ی ثبت شده به دلیل این واقعیت که تاریخ بازپرداخت نزدیک‌تر است، براساس نرخ بهره در تاریخ انتشار محاسبه می‌شود. بنابراین، در تمام طول مدت عمر اوراق قرضه، منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن همدیگر را خنثی می‌کنند و کل بهره ثبت شده مابه‌التفاوت بین قیمت انتشار و قیمت بازپرداخت است.

۱۲–۱۱۱ قیمت اوراق قرضه همچنین ممکن است در اثر تغییر (افزایش یا کاهش) توان اعتباری منتشر کننده (افزایش و یا کاهش) یا ضمانت کننده نیز تغییر کند. این تغییرات به همان نوع از اقلام ورودی در تغییرات نرخ بهره منجر می‌شود. دلیل آن این است که قیمت بازار اوراق قرضه تغییر می‌کند تا دیدگاه بازار را از توان اعتباری منتشر کننده منعکس کند. این بدان معنی نیست که زیان‌دیدگی‌های ناشی از وام‌ها و سپرده‌ها به عنوان بازارزش‌گذاری تلقی شوند. برخورد مناسب با وام‌های زیان‌دیده (ناکارآمد یا مشکوک‌الوصول، مترجم) در پاراگراف‌های ۱۳–۶۶ الی ۱۳–۶۸ مورد بحث قرار گرفته است.

۱۲–۱۱۲ منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن ممکن است برای اسناد خزانه هم به همان ترتیب اوراق قرضه بوجود آید. اما چون اسناد خزانه اوراق بهادار کوتاه مدت هستند که مدت زمان بسیار کوتاه‌تری تا سررسید دارند، منفعت ناشی از نگه‌داشتن ایجاد شده از طریق تغییرات نرخ بهره برای آن‌ها کلاً بسیار کوچک‌تر از مورد اوراق قرضه با ارزش اسمی یکسان است.

حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری

۱۲–۱۱۳ برای شرکت‌هائی که بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری هستند، هرگونه سود تقسیم نشده به عنوان سود باز سرمایه‌گذاری شده در حساب تخصیص درآمد اولیه و به عنوان بازسرمایه‌گذاری سود در حساب مالی نشان داده می‌شوند. بازسرمایه‌گذاری سود، ارزش حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. برای سهام ثبت شده در بورس و یونیت‌ها و سهام صندوق سرمایه‌گذاری، قیمت بازار وجود دارد و تغییرات در ارزش غیر از تغییرات ناشی از سود سرمایه‌گذاری شده، به عنوان منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن دارائی تلقی می‌شود دقیقاً همان‌طور که برای موجودی انبار بدون جزء انبارداری یا اشیای گرانبها برخورد می‌شود.

۱۲–۱۱۴ برای سایر اشکال حقوق سهامداران، منفعت ناشی از نگه‌داشتن به شیوه‌ای مشابه با روش محاسبه حقوق

سهامداران محاسبه می‌شود. به عنوان مثال، برای یک شبه شرکت که در آن ارزش سایر حقوق سهامداران به صورت تراز دارائی‌ها منهای بدهی‌ها بدست می‌آید، منفعت ناشی از نگه‌داشتن به صورت حاصل جمع منفعت ناشی از نگه‌داشتن دارائی‌ها منهای منفعت ناشی از نگه‌داشتن بدهی‌ها محاسبه می‌شوند.

طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد

۱۱۵-۱۲ هنگامی‌که ذخائر طرح‌های بیمه و ضمانت استاندارد به پول رایج داخلی بیان می‌شوند، به طور کلی منفعت و زیان اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن وجود ندارد دقیقاً همان‌طور که برای پول رایج یا سپرده‌ها و وام‌ها نیز چنین است. استثنائاً، اگر رقمی برای یک ادعای بازپرداخت نشده توافق شده باشد و این که پرداخت معوقه مرتبط به شاخص باشد، در این صورت ممکن است منفعت یا زیان اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن برای آن ثبت شود.

۱۱۶-۱۲ در صورتی که حق برخورداری از مزایای بازنشستگی وابسته به یک شاخص باشد، افزایش ارزش آن در اثر وابستگی به شاخص از طریق بازسرمایه‌گذاریِ درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی به ذینفع‌ها، و نه در حساب بازارزش‌گذاری، ثبت می‌شود.

۱۱۷-۱۲ دارائی‌هائی که نهادهای مالی از آن‌ها برای برآوردن تعهداتشان در این طرح‌ها استفاده می‌کنند در واقع از منفعت ناشی از نگه‌داشتن تأمین می‌شوند، برای مثال سرمایه‌گذاری در حقوق سهامداران و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، ولی بدهی‌های طرف دارندگان بیمه‌نامه و ذینفعان فقط در اثر تراکنش‌ها و سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها تغییر می‌کنند.

مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان

۱۱۸-۱۲ مشتقات مالی دارای قیمت‌های اعلان شده هستند و ازاین رو منفعت و زیان اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن ثبت می‌کنند همان‌گونه که برای سهام پذیرفته شده در بورس و سهام صندوق سرمایه‌گذاری و یونیت‌ها نیز چنین است. همان‌گونه که در قسمت ۶ فصل ۱۷ توضیح داده شده است، اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان نیز ممکن است منفعت و زیان اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن ثبت کنند.

سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی

۱۱۹-۱۲ سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی بیان شده به پول رایج داخلی منفعت یا زیان اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن ثبت نمی‌کنند. تمامی تغییرات در ارزش‌های بین شروع و پایان دوره حسابداری ناشی از تراکنش‌ها، احتمالاً شامل بهره تعلق گرفته، هستند. همانند موردی که برای پول رایج وجود دارد، ممکن است در شرایط تورمی منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن که از نظر اندازه با زیان واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن برابر است، وجود داشته باشد.

دارائی‌های بیان شده به ارز خارجی

۱۲۰-۱۲ ممکن است واحدهای مقیم دارائی‌هائی را در اختیار داشته باشند که به ارز خارجی بیان شده باشد همان‌طور که واحدهای غیرمقیم نیز ممکن است دارائی‌هائی در اختیار داشته باشند که به پول رایج داخلی بیان شده باشد. برای مقاصد ترازنامه، ارزش یک دارائی بیان شده به ارز خارجی از طریق ارزش جاری آن به پول رایج داخلی تبدیل شده به ارز کشوری که مالک دارائی در آن مقیم است با نرخ ارزی در نقطه وسط نرخ پیشنهادی خرید و نرخ پیشنهادی فروش در تاریخ ترازنامه، اندازه‌گیری می‌شود. بنابراین منفعت اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن نه تنها ممکن است به علت تغییرات قیمت دارائی به پول ملی پیش آید بلکه به علت تغییرات نرخ ارز نیز ممکن است ایجاد شود.

۱۲۱-۱۲ منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن برای هر نوع دارائی با روشی یکسان محاسبه می‌شود و آن به این ترتیب است که اگر قیمت دارائی‌ها به پول داخلی به همان ترتیب سطح عمومی قیمت‌های داخلی تغییر می‌کرد، منفعت ناشی از نگه‌داشتن چه میزان بود. در این صورت، منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن به پول رایج داخلی را

می‌توان به صورت باقی مانده با کسر منفعت بی‌اثر از منفعت اسمی بدست آورد. علاوه بر این، اگر دارائی به ارز خارجی بیان شده باشد، یعنی بستانکار یا بدهکار غیرمقیم باشد، هنگامی که نرخ کلی تورم در دو کشور متفاوت است لازم نیست منفعت (زیان) واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن بستانکار با زیان (منفعت) واقعی ناشی از نگه داشتن بدهکار برابر باشند.

جدول ۱۲-۶: حساب بازارزش‌گذاری – تغییرات در دارائی‌ها

تغییرات در دارائی‌ها

	سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه داشتن	دارائی‌های غیرمالی	۱۴۴	۴	۴۴	۸۰	۸	۲۸۰			۲۸۰
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۶۳	۲	۲۱	۳۵	۵	۱۲۶			۱۲۶
	دارائی‌های ثابت	۵۸	۲	۱۸	۲۸	۵	۱۱۱			۱۱۱
	موجودی‌های انبار	۴		۱	۲		۷			۷
	اشیاء گرانبها	۱		۲	۵		۸			۸
	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۸۱	۲	۲۳	۴۵	۳	۱۵۴			۱۵۴
	منابع طبیعی	۸۰	۱	۲۳	۴۵	۳	۱۵۲			۱۵۲
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۱	۱				۲			۲
	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۸	۵۷	۱	۱۶	۲	۸۴	۷		۹۱
	طلای پولی و SDRها		۱۱	۱			۱۲			۱۲
	پول و سپرده‌ها						۰			۰
	اوراق بدهی	۳	۳۰		۶	۱	۴۰	۴		۴۴
	وام‌ها						۰			۰
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۵	۱۶		۱۰	۱	۳۲	۳		۳۵
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد						۰			۰
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان						۰			۰
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی						۰			۰
منفعت و زیان بی اثر ناشی از نگه داشتن	دارائی‌های غیرمالی	۱۰۱	۳	۳۲	۵۶	۶	۱۹۸			۱۹۸
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۶۰	۲	۲۰	۳۴	۵	۱۲۱			۱۲۱
	دارائی‌های ثابت	۵۸	۲	۱۸	۲۸	۵	۱۱۱			۱۱۱
	موجودی‌های انبار	۱		۱	۲		۴			۴
	اشیاء گرانبها	۱		۱	۴		۶			۶
	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۴۱	۱	۱۲	۲۲	۱	۷۷			۷۷
	منابع طبیعی	۴۰	۱	۱۲	۲۲	۱	۷۶			۷۶
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۱					۱			۱
	سرقفلی و دارائی‌های بازارزیابی									
	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۱۸	۷۱	۸	۳۶	۳	۱۳۶	۱۲		۱۴۸
	طلای پولی و SDRها		۱۴	۲			۱۶			۱۶
	پول و سپرده‌ها	۸		۳	۱۷	۲	۳۰	۲		۳۲
	اوراق بدهی	۲	۱۸		۴	۱	۲۵	۳		۲۸
	وام‌ها	۱	۲۴	۳			۲۸	۱		۲۹
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۳	۱۴		۹		۲۶	۲		۲۸
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱	۱		۵		۷	۱		۸
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان						۰			۰
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۳			۱		۴	۳		۷
منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه داشتن	دارائی‌های غیرمالی	۴۳	۱	۱۲	۲۴	۲	۸۲			۸۲
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۳	۰	۱	۱	۰	۵			۵
	دارائی‌های ثابت	۰	۰	۰	۰	۰				
	موجودی‌های انبار	۳	۰	۰	۰	۰	۳			۳
	اشیاء گرانبها	۰	۰	۱	۱	۰	۲			۲
	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۴۰	۱	۱۱	۲۳	۲	۷۷			۷۷
	منابع طبیعی	۴۰	۰	۱۱	۲۳	۲	۷۶			۷۶
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۰	۱	۰	۰	۰	۱			۱
	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	−۱۰	−۱۴	−۷	−۲۰	−۱	−۵۲	−۵		−۵۷
	طلای پولی و SDRها	۰	−۳	−۱	۰	۰	−۴	۰		−۴
	پول و سپرده‌ها	−۸	۰	−۳	−۱۷	−۲	−۳۰	−۲		−۳۲
	اوراق بدهی	۱	۱۲	۰	۲	۰	۱۵	۱		۱۶
	وام‌ها	−۱	−۲۴	−۳	۰	۰	−۲۸	−۱		−۲۹
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۲	۲	۰	۱	۱	۶	۱		۷
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	−۱	−۱	۰	−۵	۰	−۷	−۱		−۸
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۰	۰	۰	۰	۰				
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	−۳	۰	۰	−۱	۰	−۴	−۳		−۷

جدول ۱۲-۶ (ادامه): حساب بازارزش‌گذاری – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

	سایر جریان‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن	دارائی‌های غیرمالی									
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	دارائی‌های ثابت									
	موجودی‌های انبار									
	اشیاء گرانبها									
	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
	منابع طبیعی									
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	سرقفلی و دارائی‌های بازارزیابی									
	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۱۸	۵۱	۷	۰	۰	۷۶	۱۵		۹۱
	طلای پولی و SDRها							۱۲		۱۲
	پول و سپرده‌ها									
	اوراق بدهی	۱	۳۴	۷			۴۲	۲		۴۴
	وام‌ها									
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۱۷	۱۷				۳۴	۱		۳۵
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد									
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان									
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی									
	تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/زیان اسمی ناشی از نگه داشتن دارائی	۱۳۴	۱۰	۳۸	۹۶	۱۰	۲۸۸	-۸		۲۸۰
منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن	دارائی‌های غیرمالی									
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	دارائی‌های ثابت									
	موجودی‌های انبار									
	اشیاء گرانبها									
	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
	منابع طبیعی									
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۳۷	۶۸	۱۳	۵	۳	۱۲۶	۲۲		۱۴۸
	طلای پولی و SDRها							۱۶		۱۶
	پول و سپرده‌ها	۱	۲۶	۲		۱	۳۰	۲		۳۲
	اوراق بدهی	۱	۲۱	۴			۲۶	۲		۲۸
	وام‌ها	۱۸		۷	۳	۱	۲۹			۲۹
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۱۴	۱۴				۲۸			۲۸
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد		۷				۷	۱		۸
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان									
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۳			۲	۱	۶	۱		۷
	تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن	۸۲	۶	۲۷	۸۷	۶	۲۰۸	-۱۰		۲۱۴
منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن	دارائی‌های عیرمالی									
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	دارائی‌های ثابت									
	موجودی‌های انبار									
	اشیاء گرانبها									
	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
	منابع طبیعی									
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	-۱۹	-۱۷	-۶	-۵	-۳	-۵۰	-۷		-۵۷
	طلای پولی و SDRها	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۴		-۴
	پول و سپرده‌ها	-۱	-۲۶	-۲	۰	-۱	-۳۰	-۲		-۳۲
	اوراق بدهی	۰	۱۳	۳	۰	۰	۱۶	۰		۱۶
	وام‌ها	-۱۸	۰	-۷	-۳	-۱	-۲۹	۰		-۲۹
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۳	۳	۰	۰	۰	۶	۱		۷
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۰	-۷	۰	۰	۰	-۷	-۱		-۸
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰		۰
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	-۳	۰	۰	-۲	-۱	-۶	-۱		-۷
	تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن	۵۲	۴	۱۱	۹	۴	۸۰	۲		۶۶

فصل ۱۳: ترازنامه‌ها

الف. مقدمه

۱–۱۳ مباحث این فصل مربوط به اندازه‌گیری موجودیِ دارائی‌های غیرمالی و مالی، هردو، و بدهی‌ها مربوط است. تمامی انواع دارائی‌ها و بدهی‌ها را می‌توان طوری تجمیع کرد که ارزش کل دارائی‌ها منهای بدهی‌ها، یا همان ارزش ویژه‌ی یک واحد نهادی را نشان دهد. متناوباً، می‌توان ارزش کل نوع معینی از یک دارائی را در تمامی واحدهای یک اقتصاد بدست آورد. جدول‌هائی که نوع اول را نشان می‌دهند ترازنامه نامیده می‌شوند؛ جدول‌هائی که نوع دوم را نشان می‌دهند حساب‌های دارائی نامیده می‌شوند. همچنین در هر دوی ترازنامه‌ها و حساب‌های دارائی، این نیز مهم است که نشان دهند چگونه تراکنش‌ها و سایر جریان‌های ثبت شده در طول یک دوره حسابداری تغییرات ارزش موجودی مورد بحث را بین نقطه شروع و پایان دوره توضیح می‌دهند. ارزش موجودی در آغاز دوره موجودی ابتدای دوره نامیده می‌شود و ارزش موجودی در پایان دوره، موجودی انتهای دوره نامیده می‌شود. گاهی اوقات میزان موجودی‌ها بویژه در تراز پرداخت‌ها "positions" نامیده می‌شود. (در برگردان فارسی عمدتاً از همان واژه‌ی "میزان موجودی" و در برخی موارد از "وضعیت موجودی" استفاده شده است، *مترجم*).

۱. ترازنامه‌ها

۲–۱۳ ***ترازنامه صورت‌حسابی است که در رابطه با ارزش دارائی‌های متعلق به یک واحد نهادی و بدهی‌های مدیون به یک واحد نهادی یا گروهی از واحدهای نهادی در لحظه‌ی خاصی از زمان تنظیم می‌شود.*** ترازنامه را می‌توان برای واحدهای نهادی، بخش‌های نهادی و کل اقتصاد تنظیم کرد. حساب مشابهی برای نشان دادن میزان موجودی دارائی‌ها و بدهی‌هائی که در کل اقتصاد ایجاد شده و در اختیار غیرمقیم‌ها قرار دارد و دارائی‌ها و بدهی‌های خارجیِ در اختیار مقیم‌ها تنظیم می‌شود. در *BPM6* این حساب، وضعیت موجودیِ سرمایه‌گذاری بین‌المللی (IIP) نامیده می‌شود ولی از دیدِ مقیم‌ها تنظیم می‌شود ولی در SNA برعکس، این حساب از دیدِ دنیای خارج تنظیم می‌شود و دنیای خارج مشابهِ بخش‌های داخلی تلقی می‌شود.

۳–۱۳ دارائی‌ها در ترازنامه‌ی واحدی نشان داده می‌شوند که مالک اقتصادی دارائی است. در بسیاری از موارد این واحد در عین حال مالک قانونی دارائی هم هست ولی در مورد اجاره‌ی مالی (اعتباری)، دارائی اجاره شده در ترازنامه اجاره‌ی کننده نشان داده می‌شود، در حالی که اجاره دهنده یک دارائی مالی با مبلغ مشابه و یک ادعای متناظر با آن در مقابل اجاره کننده دارد. از سوی دیگر، هنگامی که یکی از منابع طبیعی موضوع اجاره‌ی منابع طبیعی قرار می‌گیرد، این دارائی همچنان در ترازنامه‌ی اجاره دهنده نشان داده می‌شود حتی اگر اکثر ریسک‌ها و پاداش‌های اقتصادی استفاده از دارائی در تولید به عهده‌ی اجاره کننده باشد. بحث کامل‌تری از نحوه عمل اجاره داری در قسمت ۵ فصل ۱۷ و تمایز بین مالک اقتصادی و مالک قانونی در فصل ۳ ارائه شده است.

۴–۱۳ منابع مالی و غیرمالی در اختیار یک واحد یا بخش نهادی که در ترازنامه نشان داده می‌شود نماگری از وضعیت اقتصادی ارائه می‌دهد. این منابع درقلم ترازکننده یعنی، ارزش ویژه، خلاصه می‌شود. ***ارزش ویژه به صورت ارزش همه‌ی دارائی‌های متعلق به یک واحد یا بخش نهادی منهای ارزش همه‌ی بدهی‌های تسویه نشده‌ی او تعریف می‌شود.*** برای کل اقتصاد، ترازنامه حاصل جمع دارائی‌های غیرمالی و خالص ادعاها در مقابل دنیای خارج را نشان می‌دهد. این حاصل جمع اغلب ثروت ملی نامیده می‌شود.

۵–۱۳ ترازنامه با نشان دادن نتیجه‌ی نهائی اقلام ورودی در تولید، توزیع، و مصرف درآمد، و حساب‌های انباشت توالی حساب‌ها

را تکمیل می‌کند.

۶–۱۳ وجود مجموعه‌ای از ترازنامه‌های یکپارچه شده با حساب‌های جریانی، تحلیل‌گران را تشویق می‌کند تا هنگام پایش و ارزیابی شرایط و رفتار اقتصادی و مالی دید وسیع‌تری داشته باشند. ترازنامه‌ها اطلاعات لازم برای تحلیل تعدادی از موضوعات را فراهم می‌کنند. برای مثال، در مطالعه عوامل تعیین کننده‌ی رفتار خانوار، توابع مصرف و پس‌انداز اغلب دارای متغیرهای ثروت هستند تا اثرات عواملی نظیر نوسانات قیمت در سهام شرکت‌ها یا زوال و فرسودگی موجودی کالاهای مصرفی بادوام بر الگوهای خرید خانوارها را بدست آورند. علاوه براین، ترازنامه‌های مربوط به گروه‌های خانوار برای ارزیابی توزیع ثروت و نقدینگی، از ضروریات است.

۷–۱۳ ترازنامه‌ها امکان ارزیابی وضعیت مالی یک بخش را به اقتصاددانان می‌دهند و امکان تحلیل ریسک‌ها را مثلاً توسط بانک مرکزی فراهم می‌کنند. برای شرکت‌ها، ترازنامه‌ها این امکان را فراهم می‌کنند که نسبت‌هائی را که دارای کاربرد وسیع هستند و داده‌هائی را در سطح اقلام مختلف ترازنامه نیاز دارند محاسبه کنند. برای مثال، بانک‌ها و سایر نهادهای مالی ملزم هستند نسبت‌های ذخائر خاصی را حفظ کنند که از طریق یک ترازنامه می‌توان آن‌ها را پایش کرد. شرکت‌های غیرمالی برخی نسبت‌ها نظیر دارائی‌های جاری در رابطه با بدهی‌های جاری و ارزش بازار سهام شرکت در رابطه با ارزش دفتری تعدیل شده را کنترل می‌کنند. داده‌های موجودی دارائی‌های ثابت متعلق به شرکت‌ها، و نیز متعلق به سایر واحدهای نهادی، درمطالعات رفتار سرمایه‌گذاری و نیازهای تأمین مالی آن مفید هستند. اطلاعات ترازنامه در باره دارائی‌های مالیِ در اختیار غیرمقیم‌ها و دیون مربوط به بدهی‌های آن‌ها به عنوان نماگرهای منابع اقتصادی یک ملت و برای ارزیابیِ میزان موجودی خارجی بدهکار یا بستانکار یک کشور، سودمندی قابل ملاحظه‌ای دارد.

۲. حساب‌های دارائی

۸–۱۳ همانند تنظیم یک ترازنامه که ارزش تمامی دارائی‌های در اختیار یک واحد نهادی را نشان می‌دهد، امکان تنظیم حساب مشابهی برای ارزش یک نوع دارائیِ (یا بدهیِ) در اختیار تمامی واحدهای نهادی در اقتصاد وجود دارد. این حساب، حسابِ دارائی نامیده می‌شود. معادله‌ی حسابداری به شرح زیر ارزش یک دارائی را در ترازنامه ابتدای دوره و ترازنامه انتهای دوره پیوند می‌دهد:

ارزش موجودی نوع خاصی از دارائی در ترازنامه ابتدای دوره؛

بعلاوه ارزش کل دارائی تحصیل شده از همان نوع، منهای ارزش کل دارائی واگذار شده از همان نوع در تراکنش‌هائی که طی دوره حسابداری رخ می‌دهد: تراکنش‌های دارائی‌های غیرمالی (ازجمله مصرف سرمایه ثابت) در حساب سرمایه و تراکنش‌های دارائی‌های مالی در حساب مالی ثبت می‌شوند؛

بعلاوه ارزش سایر تغییرات مثبت یا منفی در حجم این دارائی‌ها، مثلاً، در اثر کشف یک دارائی زیرزمینی یا تخریب یک دارائی (در اثر جنگ یا بلایای طبیعی): این تغییرات درحساب سایرتغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شوند؛

بعلاوه ارزش مثبت یا منفی منفعت اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن در طول دوره که از تغییرات قیمت یک دارائی ناشی شده است: این تغییرات در حساب بازارزش‌گذاری نشان داده می‌شود؛

برابر است با ارزش موجودی دارائی در ترازنامه انتهای دوره

۹–۱۳ هرچند که برای کسانی که با حساب‌های بازرگانی سر و کار دارند ترازنامه‌ها شناخته شده‌تر هستند، ولی حساب‌های دارائی بخصوص برای برخی از انواع تحلیل‌ها مفید هستند. مثالی در این زمینه به حسابداری محیط زیست برمی‌گردد زیرا حساب دارائی می‌تواند در محیط زیست تصویر روشنی از این که یک دارائی به طور پایدار مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر ارائه دهد. مثال دیگر، در ارتباط با ایجاد سری زمانی موجودی سرمایه‌ی دارائی‌های ثابت است. بسیاری از آمارهای مالی سیر تحولات دارائی مالی مشخصی را توضیح می‌دهند، مثلاً چگونگی تغییرات سطح وام دهی را در طول دوره نشان می‌دهند.

۳. ساختار ترازنامه

۱۰–۱۳ در ترازنامه، دارائی‌ها در سمت راست (در برگردان فارسی جدول‌ها راست چین شده‌اند، مترجم) و بدهی‌ها و ارزش ویژه در سمت چپ ثبت می‌شوند، همان‌طور که در حساب‌های انباشت نیز تغییرات این اقلام اینگونه ثبت می‌شوند. در جدول ۱۳–۱، فقط تعداد محدودی از طبقات دارائی‌ها نشان داده شده است، در حالی که در اصل، این جدول می‌تواند تمامی دارائی‌های غیرمالی تفصیلی بیان شده و تعریف شده در فصل ۱۰ و مجموعه کامل دارائی‌های مالی و بدهی‌های بیان شده و تعریف شده در فصل ۱۱ را در بر داشته باشد. هر ترازنامه، به ارزش دارائی‌ها و بدهی‌ها در نقطه خاصی از زمان مربوط است. SNA این امکان را می‌دهد که ترازنامه در ابتدای دوره‌ی حسابداری (با همان ارزش‌های انتهای دوره قبل) و در انتهای آن تهیه شود. به این ترتیب، SNA امکان ثبت کامل تغییرات ارزش اقلام مختلف بین ابتدا و انتهای دوره حسابداری مربوط به دوره حساب‌های جریانی را فراهم می‌کند. از اینرو قلم ترازکننده در ترازنامه، ارزش ویژه است که همان‌طور که پیش از این گفته شد، به صورت ارزش تمامی دارائی‌های متعلق به یک واحد یا بخش نهادی منهای ارزش تمامی بدهی‌های تسویه نشده‌ی آن واحد یا بخش نهادی تعریف می‌شود. بنابراین تغییرات ارزش ویژه تنها با تغییرات تمامی اقلام دیگرِ تشکیل دهنده‌ی ترازنامه می‌تواند به‌طور کامل توضیح داده شود.

۱۱–۱۳ جدول ۱۳–۱ از سه قسمت تشکیل شده است. قسمت نخست، ترازنامه‌ی ابتدای دوره و ارزش ویژه را برای هر بخش نهادی و کل اقتصاد نشان می‌دهد. تنها اقلام مرتبط با دنیای خارج قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها، دارائی‌های مالی و بدهی‌ها، و ارزش ویژه هستند.

۱۲–۱۳ قسمت دومِ جدول ۱۳–۱، خلاصه‌ای از اقلام ورودی حساب‌های سرمایه، مالی، سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و بازارزش‌گذاری را که برحسب نوع دارائی گروه بندی شده‌اند در بر می‌گیرد. به عنوان مثال اقلام ورودی برای دارائی‌های ثابت، کل اقلام ورودیِ دارائی‌های ثابت را در هریک از حساب‌های سرمایه، سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و بازارزش‌گذاری نشان می‌دهد. در زیر این اقلام ورودی، تفکیکی وجود دارد که نشان می‌دهد چه میزان از تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای، سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و منفعت ناشی از نگه‌داشتن است. هیچ قلم ورودی وجود ندارد که از حساب مالی منتقل شده باشد زیرا تغییراتِ ارزش ویژه به سبب پس‌انداز و انتقالات سرمایه به طور کامل با تغییرات تراکنش‌های دارائی‌های مالی و غیرمالی حذف می‌شوند.

۱۳–۱۳ قسمت سومِ جدول ۱۳–۱، ترازنامه‌ی انتهای دوره را نشان می‌دهد که از نظر عددی، سلول به سلول با حاصل جمع سلول‌های متناظر در دو قسمت اول جدول برابر است. هرچند که در عمل این ارقام مستقلاً تعیین خواهند شد، و یک عمل تلفیق برای اطمینان از این تساویِ ذاتی جدول لازم است.

۴. ساختار حساب‌های دارائی

۱۴–۱۳ مثالی از یک مجموعه حساب‌های دارائی در جدول ۱۳–۲ نشان داده شده است. در این مجموعه، همان داده‌های میزان موجودی در ابتدا و انتهای ترازنامه برای همان گستره از دارائی‌ها ارائه شده است، ولی بجای این که ستون‌ها به تفکیک بخش‌ها نشان داده شوند، اقلام ورودی برای هریک از انواع دارائی‌ها که از حساب سرمایه، حساب مالی، حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و حساب بازارزش‌گذاری بدست آمده اند نشان داده می‌شوند.

۱۵–۱۳ برخلاف جدول ۱۳–۱، جدول ۱۳–۲ هیچ قلمی بابت دارائی‌های در اختیارِ دنیای خارج یا مدیون به آن را در بر نمی‌گیرد زیرا این جدول روی بدهی‌ها و دارائی‌های خاصی که در اختیار واحدهای مقیم هستند تمرکز دارد. اما، با مقایسه‌ی ارقام دارائی‌های مالی و بدهی‌های یک ابزار مالی، امکان محاسبه‌ی تراز با دنیای خارج وجود دارد. برای مثال، ارقام دارائی‌های مالی در ابتدای دوره برای پول و سپرده‌ها ۱۴۸۲ و برای بدهی‌ها ۱۴۷۱ را نشان می‌دهند. این حاکی از آن است که خالص بدهیِ دنیای خارج با اقتصاد ملی معادل ۱۱ است. جدول ۱۳–۱ نشان می‌دهد که میزان موجودی دارائی‌های دنیای خارج ۱۰۵ و میزان موجودی بدهی‌های آن ۱۱۶ هستند.

جدول ۱۳-۱: ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره با تغییرات در دارائی‌ها

	موجودی‌ها و تغییرات در دارائی‌ها	شرکتهای غیرمالی	شرکتهای مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
ترازنامه ابتدای دوره	دارائی‌های غیرمالی	۲ ۱۵۱	۹۳	۷۸۹	۱ ۴۲۹	۱۵۹	۴ ۶۲۱			۴ ۶۲۱
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۱ ۲۷۴	۶۷	۴۹۷	۸۵۶	۱۲۴	۲ ۸۱۸			۲ ۸۱۸
	دارائی‌های ثابت	۱ ۲۲۶	۵۲	۴۶۷	۷۱۳	۱۲۱	۲ ۵۷۹			۲ ۵۷۹
	موجودی‌های انبار	۴۳		۲۲	۴۸	۱	۱۱۴			۱۱۴
	اشیاء گرانبها	۵	۱۵	۸	۹۵	۲	۱۲۵			۱۲۵
	دارائی‌های‌غیرمالی تولید نشده	۸۷۷	۲۶	۲۹۲	۵۷۳	۳۵	۱ ۸۰۳			۱ ۸۰۳
	منابع طبیعی	۸۶۴	۲۳	۲۸۶	۵۷۳	۳۵	۱ ۷۸۱			۱ ۷۸۱
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۱۳	۳	۶			۲۲			۲۲
	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۹۸۲	۳ ۴۲۱	۳۹۶	۳ ۲۶۰	۱۷۲	۸ ۲۳۱	۸۰۵		۹ ۰۳۶
	طلای پولی و SDRها		۶۹۰	۸۰			۷۷۰			۷۷۰
	پول و سپرده‌ها	۳۸۲		۱۵۰	۸۴۰	۱۱۰	۱ ۴۸۲	۱۰۵		۱ ۵۸۷
	اوراق بدهی	۹۰	۹۵۰		۱۹۸	۲۵	۱ ۲۶۳	۱۲۵		۱ ۳۸۸
	وام‌ها	۵۰	۱ ۱۸۷	۱۱۵	۲۴	۸	۱ ۳۸۴	۷۰		۱ ۴۵۴
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۲۸۰	۵۵۱	۱۲	۱ ۷۴۹	۲۲	۲ ۶۱۴	۳۴۵		۲ ۹۵۹
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۲۵	۳۰	۲۰	۳۹۱	۴	۴۷۰	۲۶		۴۹۶
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۵	۱۳	۰	۳	۰	۲۱	۰		۲۱
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۱۵۰		۱۹	۵۵	۳	۲۲۷	۱۳۴		۳۶۱
کل تغییرات در دارائی‌ها	دارائی‌های غیرمالی	۳۰۰	-۲	۵۷	۱۱۶	۱۱	۴۸۲			۴۸۲
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۱۹۵	-۴	۲۹	۶۷	۷	۲۹۴			۲۹۴
	دارائی‌های ثابت	۱۶۵	-۲	۲۳	۵۳	۷	۲۴۶			۲۴۶
	موجودی‌های انبار	۲۷	۰	۱	۴	۰	۳۲			۳۲
	اشیاء گرانبها	۳	-۲	۵	۱۰	۰	۱۶			۱۶
	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۱۰۵	۲	۲۸	۴۹	۴	۱۸۸			۱۸۸
	منابع طبیعی	۱۰۱	۱	۲۶	۴۸	۴	۱۸۰			۱۸۰
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۴	۱	۲	۱	۰	۸			۸
	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	۰	۰	۰	۰	۰	۰			۰
	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۹۳	۲۳۰	-۹	۲۰۵	۴	۵۲۳	۵۴		۵۷۷
	طلای پولی و SDRها	۰	۱۰	۱	۰	۰	۱۱	۱		۱۲
	پول و سپرده‌ها	۳۹	۱۰	-۲۶	۶۴	۲	۸۹	۱۱		۱۰۰
	اوراق بدهی	۱۰	۹۶	۴	۱۶	۰	۱۲۶	۱۳		۱۳۹
	وام‌ها	۱۹	۵۳	۳	۳	۰	۷۸	۴		۸۲
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۱۷	۴۴	۳	۷۶	۱	۱۴۱	۱۵		۱۵۶
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱	۸	۱	۳۹	۰	۴۹	۰		۴۹
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۳	۰	۱۴	۰		۱۴
	سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	۴	۱	۵	۴	۱	۱۵	۱۰		۲۵
ترازنامه انتهای دوره	دارائی‌های غیرمالی	۲ ۴۵۱	۹۱	۸۴۶	۱ ۵۴۵	۱۷۰	۵ ۱۰۳			۵ ۱۰۳
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۱ ۴۶۹	۶۳	۵۲۶	۹۲۳	۱۳۱	۳ ۱۱۲			۳ ۱۱۲
	دارائی‌های ثابت	۱۳۹۱	۵۰	۴۹۰	۷۶۶	۱۲۸	۲ ۸۲۵			۲ ۸۲۵
	موجودی‌های انبار	۷۰	۰	۲۳	۵۲	۱	۱۴۶			۱۴۶
	اشیاء گرانبها	۸	۱۳	۱۳	۱۰۵	۲	۱۴۱			۱۴۱
	دارائی‌غیرمالی تولید نشده	۹۸۲	۲۸	۳۲۰	۶۲۲	۳۹	۱ ۹۹۱			۱ ۹۹۱
	منابع طبیعی	۹۶۵	۲۴	۳۱۲	۶۲۱	۳۹	۱ ۹۶۱			۱ ۹۶۱
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۱۷	۴	۸	۱	۰	۳۰			۳۰
	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	۰	۰	۰	۰	۰	۰			۰
	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۱ ۰۷۵	۳ ۶۵۱	۳۸۷	۳ ۴۶۵	۱۷۶	۸ ۷۵۴	۸۵۹		۹ ۶۱۳
	طلای پولی و SDRها	۰	۷۰۰	۸۱	۰	۰	۷۸۱	۱		۷۸۲
	پول و سپرده‌ها	۴۲۱	۱۰	۱۲۴	۹۰۴	۱۱۲	۱ ۵۷۱	۱۱۶		۱ ۶۸۷
	اوراق بدهی	۱۰۰	۱ ۰۴۶	۴	۲۱۴	۲۵	۱ ۳۸۹	۱۳۸		۱ ۵۲۷
	وام‌ها	۶۹	۱ ۲۴۰	۱۱۸	۲۷	۸	۱ ۴۶۲	۷۴		۱ ۵۳۶
	حقوق سهامدران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۲۹۷	۵۹۵	۱۵	۱ ۸۲۵	۲۳	۲ ۷۵۵	۳۶۰		۳ ۱۱۵
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۲۶	۳۸	۲۱	۴۳۰	۴	۵۱۹	۲۶		۵۴۵
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۸	۲۱	۰	۶	۰	۳۵	۰		۳۵
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۱۵۴	۱	۲۴	۵۹	۴	۲۴۲	۱۴۴		۳۸۶

جدول ۱۳-۱(ادامه): ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره با تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

	موجودی‌ها و تغییرات در بدهی‌ها	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHs	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
ترازنامه ابتدای دوره	دارائی‌های غیرمالی									
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	دارائی‌های ثابت									
	موجودی‌های انبار									
	اشیاء گرانبها									
	دارائی‌غیرمالی تولید نشده									
	منابع طبیعی									
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۳ ۲۲۱	۳ ۵۴۴	۶۸۷	۱۸۹	۱۲۱	۷ ۷۶۲	۱ ۲۷۴		۹ ۰۳۶
	طلای پولی و SDRها						۰	۷۷۰		۷۷۰
	پول و سپرده‌ها	۴۰	۱ ۲۸۱	۱۰۲	۱۰	۳۸	۱ ۴۷۱	۱۱۶		۱ ۵۸۷
	اوراق بدهی	۴۴	۱ ۰۵۳	۲۱۲	۲		۱ ۳۱۱	۷۷		۱ ۳۸۸
	وام‌ها	۸۹۷		۳۲۸	۱۶۹	۴۳	۱ ۴۳۷	۱۷		۱ ۴۵۴
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۱ ۹۸۷	۷۶۵	۴			۲ ۷۵۶	۲۰۳		۲ ۹۵۹
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱۲	۴۳۵	۱۹		۵	۴۷۱	۲۵		۴۹۶
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام کارکنان	۴	۱۰				۱۴	۷		۲۱
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۲۳۷		۲۲	۸	۳۵	۳۰۲	۵۹		۳۶۱
	ارزش ویژه	−۸۸	−۳۰	۴۹۸	۴ ۵۰۰	۲۱۰	۵ ۰۹۰	−۴۶۹		۴ ۶۲۱
کل تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه	دارائی‌های غیرمالی									
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	دارائی‌های ثابت									
	موجودی‌های انبار									
	اشیاء گرانبها									
	دارائی‌غیرمالی تولید نشده									
	منابع طبیعی									
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۱۵۷	۲۲۴	۱۰۲	۱۶	۶	۵۰۵	۷۲		۵۷۷
	طلای پولی و SDRها							۱۲		۱۲
	پول و سپرده‌ها	۰	۶۵	۳۷	۰	۰	۱۰۲	−۲		۱۰۰
	اوراق بدهی	۷	۶۴	۴۵	۰	۰	۱۱۶	۲۳		۱۳۹
	وام‌ها	۲۱	۰	۹	۱۱	۶	۴۷	۳۵		۸۲
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۱۰۰	۳۹	۲	۰	۰	۱۴۱	۱۵		۱۵۹
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۰	۴۸	۰	۱	۰	۴۹	۰		۴۹
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام کارکنان	۳	۸	۰	۰	۰	۱۱	۳		۱۴
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۲۶	۰	۹	۴	۰	۳۹	−۱۴		۲۵
	تغییرات در ارزش ویژه، کل	۲۳۶	۴	−۵۴	۳۰۵	۹	۵۰۰	−۱۸		۴۸۲
	پس‌انداز و انتقالات سرمایه	۸۸	−۵	−۹۰	۲۱۰	−۱	۲۰۲	−۱۰		۱۹۲
	سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۴	−۱	−۲	−۱	۰	۱۰			۱۰
	منفعت/ زیان اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن	۱۳۴	۱۰	۳۸	۹۶	۱۰	۲۸۸	−۸		۲۸۰
	منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن	۸۲	۶	۲۷	۸۷	۶	۲۰۸	−۱۰		۱۹۸
	منفعت واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن	۵۲	۴	۱۱	۹	۴	۸۰	۲		۸۲
ترازنامه انتهای دوره	دارائی‌های غیرمالی									
	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	دارائی‌های ثابت									
	موجودی‌های انبار									
	اشیاء گرانبها									
	دارائی‌غیرمالی تولید نشده									
	منابع طبیعی									
	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۳ ۳۷۸	۳ ۷۶۸	۷۸۹	۲۰۵	۱۲۷	۸ ۲۶۷	۱ ۳۴۶		۹ ۶۱۳
	طلای پولی و SDRها							۷۸۲		۷۸۲
	پول و سپرده‌ها	۴۰	۱ ۳۴۶	۱۳۹	۱۰	۳۸	۱ ۵۷۳	۱۱۴		۱ ۶۸۷
	اوراق بدهی	۵۱	۱ ۱۱۷	۲۵۷	۲	۰	۱ ۴۲۷	۱۰۰		۱ ۵۲۷
	وام‌ها	۹۱۸	۰	۳۳۷	۱۸۰	۴۹	۱ ۴۸۴	۵۲		۱ ۵۳۶
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۲ ۰۸۷	۸۰۴	۶	۰	۰	۲ ۸۹۷	۲۱۸		۳ ۱۱۵
	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱۲	۴۸۳	۱۹	۱	۵	۵۲۰	۲۵		۵۴۵
	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام کارکنان	۷	۱۸	۰	۰	۰	۲۵	۱۰		۳۵
	سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۲۶۳	۰	۳۱	۱۲	۳۵	۳۴۱	۴۵		۳۸۶
	ارزش ویژه	۱۴۸	−۲۶	۴۴۴	۴ ۸۰۵	۲۱۹	۵ ۵۹۰	−۴۸۷		۵ ۱۰۳

جدول ۱۳-۲: حساب‌های دارائی برای کل اقتصاد

موجودی‌ها و تغییرات در دارائی‌ها	ترازنامه ابتدای دوره	حساب سرمایه و مالی	حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	حساب بازارزش‌گذاری: منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن	حساب بازارزش‌گذاری: منفعت و زیان بی اثرِ ناشی از نگه‌داشتن	حساب بازارزش‌گذاری: منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن	ترازنامه انتهای دوره
دارائی‌های غیرمالی	۴ ۶۲۱	۱۹۲	۱۰	۲۸۰	۱۹۸	۸۲	۵ ۱۰۳
دارائی‌های تولید شده	۲ ۸۱۸	۱۷۵	-۷	۱۲۶	۱۲۱	۵	۳ ۱۱۲
دارائی‌های ثابت	۲ ۵۷۹	۱۳۷	-۲	۱۱۱	۱۱۱	۰	۲ ۸۲۵
واحدهای مسکونی							
سایر بناها و سازه‌ها							
ماشین آلات و تجهیزات							
سیستم‌های تسلیحاتی							
منابع زیستی پرورشی							
محصولات مالکیت فکری							
موجودی انبار	۱۱۴	۲۸	-۳	۷	۴	۳	۱۴۶
اشیاء گرانبها	۱۲۵	۱۰	-۲	۸	۶	۲	۱۴۱
دارائی‌های تولید نشده	۱ ۸۰۳	۱۷	۱۷	۱۵۴	۷۷	۷۷	۱ ۹۹۱
منابع طبیعی	۱ ۷۸۱	۱۷	۱۱	۱۵۲	۷۶	۷۶	۱ ۹۶۱
زمین							
منابع معدنی و انرژی							
منابع زیستی غیر پرورشی							
منابع آبی							
سایر منابع طبیعی							
قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۲۲	۰	۶	۲	۱	۱	۳۰
سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دارائی‌های مالی	۸ ۲۳۱	۴۳۶	۳	۸۴	۱۳۶	-۵۲	۸ ۷۵۴
طلای پولی و SDRها	۷۷۰	-۱	۰	۱۲	۱۶	-۴	۷۸۱
پول و سپرده‌ها	۱ ۴۸۲	۸۹	۰	۰	۳۰	-۳۰	۱ ۵۷۱
اوراق بدهی	۱ ۲۶۳	۸۶	۰	۴۰	۲۵	۱۵	۱ ۳۸۹
وام‌ها	۱ ۳۸۴	۷۸	۰	۰	۲۸	-۲۸	۱ ۴۶۲
حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه-	۲ ۶۱۴	۱۰۷	۲	۳۲	۲۶	۶	۲ ۷۵۵
بیمه، بازنشستگی و طرح‌های ضمانت استاندارد	۴۷۰	۴۸	۱	۰	۷	-۷	۵۱۹
مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۲۱	۱۴	۰	۰	۰	۰	۳۵
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	۲۲۷	۱۵	۰	۰	۴	-۴	۲۴۲
بدهی‌های مالی	۷ ۷۶۲	۴۲۶	۳	۷۶	۱۲۶	-۵۰	۸ ۲۶۷
طلای پولی و SDRها	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
پول و سپرده‌ها	۱ ۴۷۱	۱۰۲	۰	۰	۳۰	-۳۰	۱ ۵۷۳
اوراق بدهی	۱ ۳۱۱	۷۴	۰	۴۲	۲۶	۱۶	۱ ۴۲۷
وام‌ها	۱ ۴۳۷	۴۷	۰	۰	۲۹	-۲۹	۱ ۴۸۴
حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه-	۲ ۷۵۶	۱۰۵	۲	۳۴	۲۸	۶	۲ ۸۹۷
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۴۷۱	۴۸	۱	۰	۷	-۷	۵۲۰
مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۱۴	۱۱	۰	۰	۰	۰	۲۵
سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۳۰۲	۳۹	۰	۰	۶	-۶	۳۴۱
ارزش ویژه	۵ ۰۹۰	۲۰۲	۱۰	۲۸۸	۲۰۸	۸۰	۵ ۵۹۰

ب. اصول کلی ارزش‌گذاری

۱۳–۱۶ برای سازگاریِ ترازنامه با حساب‌های انباشتِ SNA، هر قلم ترازنامه باید طوری ارزش‌گذاری شود که گوئی در تاریخی که ترازنامه به آن مربوط است تحصیل شده است. این حاکی از زمانی است که آن‌ها در بازار مبادله می‌شوند، دارائی‌ها و بدهی‌ها باید با استفاده از مجموعه‌ای از قیمت‌های جاریِ دارائی‌های مشخص در تاریخی که ترازنامه به آن مربوط است ارزش‌گذاری شوند. در مورد دارائی‌های غیرمالی، غیراز زمین، ارزش دارائی همه هزینه‌های انتقال مالکیت را در بر می‌گیرد. ادعاهای مالی که در بازارهای مالی سازمان‌یافته معامله نمی‌شوند براساس مبلغی که باید بدهکار برای تسویه‌ی ادعا به بستانکار پرداخت کند، ارزش گذاری می‌شوند.

۱۳–۱۷ قیمت‌هائی که دارائی‌ها می‌توانند براساس آن‌ها در بازارها خرید و فروش شوند، مبنای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان، مصرف کنندگان و سایر کارگزاران اقتصادی است. برای مثال، سرمایه‌گذارانی که در دارائی‌های مالی (نظیر اوراق بهادار) و منابع طبیعی (نظیر زمین) سرمایه‌گذاری می‌کنند، برای تحصیل و واگذاری این دارائی‌ها، براساس اطلاعاتی که از ارزش آن‌ها در بازار دارند تصمیم گیری می‌کنند. تولیدکنندگان درباره این که چه میزان از یک کالای خاص تولید کنند و درباره این که ستانده خود را کجا بفروشند با مراجعه به قیمت‌های بازارها تصمیم می‌گیرند. برای یک دارائی معین، رابطه روشنی بین قیمت پرداخت شده توسط خریدار و قیمت دریافت شده توسط فروشنده وجود دارد. برای دارائی‌های غیرمالی غیر از زمین، قیمت پرداخت شده توسط خریدار به اندازه‌ی هزینه‌های انتقال مالکیت از قیمتی که فروشنده دریافت می‌کند بیشتر است. در مورد دارائی‌های مالی، ارزش معامله برای بدهکار و بستانکار یکسان است زیرا هزینه‌های انتقال دارائی‌های مالی و بدهی‌ها بجای انباشت سرمایه، مصرف تلقی می‌شوند.

۱۳–۱۸ در حالت ایده‌ال، برای ارزش تمامی دارائی‌ها و بدهی‌های ترازنامه باید قیمت‌های قابل مشاهده در بازار بکار برده شود. اگر بازار طوری است که اقلام مورد بحث به طور مرتب، فعالانه و آزادانه در آن معامله می‌شوند، در برآورد قیمت جاریِ بازار برای ارزش‌گذاری ترازنامه، می‌توان از قیمت متوسط تمامی تراکنش‌ها در بازار استفاده کرد. ولی اگر به دلیل این که اقلام مورد بحث اخیراً در بازار خرید و فروش نشده‌اند قیمت‌های قابل مشاهده وجود ندارد، باید ارزش دارائی‌ها را براساس قیمت‌هائی که اگر قرار بود دارائی‌ها در تاریخی که ترازنامه به آن مربوط است در بازار تحصیل شوند برآورد کرد.

۱۳–۱۹ علاوه بر ارزش‌های مشاهده شده یا برآورد شده از قیمت‌های مشاهده شده در بازار، برای ارزش‌گذاری ترازنامه ارزش‌ها را می‌توان از دو طریق دیگر تقریب زد. در برخی موارد، ارزش‌ها را می‌توان از طریق تجمیع و بازارزش‌گذاری تحصیل منهای واگذاری دارائی‌هائی از نوع دارائی مورد بحث در طول عمر آن و تعدیل نسبت به تغییراتی نظیر مصرف سرمایه ثابت تقریب زد؛ این روش به‌طور کلی عملی‌ترین راه و روش برتر برای دارائی‌های ثابت است ولی می‌توان آن را برای دارائی‌های دیگر نیز بکار برد. در موارد دیگر، ارزش‌ها را می‌توان از طریق ارزش حال یا تنزیل یافته‌ی منافع اقتصادیِ مورد انتظارِ آتی از یک دارائی معین تقریب زد. این روش برای تعدادی از دارائی‌های مالی، منابع طبیعی و حتی برای دارائی‌های ثابت بکار می‌رود. با اطلاعات خوب و بازارهای کارآمد، ارزش دارائی‌ها از طریق تجمیع و بازارزش‌گذاری تراکنش‌ها باید برابر با، یا حداقل نزدیک به، هردوی ارزش‌های حال یا تنزیل یافته‌ی منافع باقی ماندهِ آتی باشد که قرار است از آن‌ها و ارزش بازار آن‌ها اگر بازارهای دست دوم فعال وجود داشته باشد، بدست آید. این سه مبنای قیمت در مفهوم کلی در زیر مورد بحث قرار گرفته است.

۱. ارزش مشاهده شده در بازارها

۱۳–۲۰ منبع ایده‌آلِ مشاهده قیمت برای ارزش‌گذاری اقلام ترازنامه، بازاری نظیر بورس سهام است که دارای خصوصیاتی به این شرح است که در آن هر دارائیِ معامله شده کاملاً همگن است، اغلب با حجم قابل ملاحظه‌ای معامله می‌شود و دارای قیمت بازار اعلان شده در فواصل منظم است. این‌گونه بازارها داده‌هائی از قیمت‌ها را ارائه می‌دهند که می‌توان آن‌ها را در شاخص‌های مقدار ضرب کرده ارزش کل بازار را برای طبقات

مختلف دارائی‌های در اختیار بخش‌ها و طبقات مختلف بدهی‌های آن‌ها محاسبه کرد. این قیمت‌ها تقریباً برای تمامی ادعاهای مالی، تجهیزات حمل و نقل موجود، محصولات زراعی و چهارپایان و نیز برای دارائی‌های ثابت تازه تولید شده و موجودی انبار در دسترس هستند.

۱۳-۲۱ به عنوان مثال، برای اوراق بهادار ثبت شده در بورس سهام، گردآوری قیمت هر دارائی و گروه‌های وسیعی از دارائی‌ها و نیز، تعیین ارزش‌گذاری تمامی اوراق بهادار موجود از یک نوع معین امکان پذیر است. مثال دیگر از بازاری که در آن دارائی‌ها می‌توانند به تعداد کافی معامله شوند که اطلاعات قیمتی مفیدی را فراهم کنند، بازارِ واحدهای مسکونی موجود است.

۱۳-۲۲ علاوه بر فراهم کردن مشاهدات مستقیم قیمت‌های دارائی‌هائی که واقعاً در بازار معامله می‌شوند، اطلاعات حاصل از این‌گونه بازارها می‌تواند برای قیمت‌گذاری دارائی‌های مشابهی که معامله نمی‌شوند نیز استفاده شود. برای مثال، اطلاعات حاصل از بورس سهام را می‌توان برای قیمت گذاری سهام ثبت نشده در بورس نیز با مقایسه این سهام با سهام ثبت شده در بورس با قدری تخفیف برای پائین‌تر بودن قابلیت عرضه آن‌ها در بازار بکار برد. به طور مشابه، تعیین قیمت دارائی‌ها برای بیمه یا مقاصد دیگر عموماً بر قیمت‌های مشاهده شده برای اقلامی که جایگزین‌های نزدیک هستند مبتنی است هرچند که آن‌ها برابر نباشند و این رهیافت را می‌توان برای ارزش‌گذاری ترازنامه بکار برد. برای بحث درباره مسائل خاص ارزش‌گذاری مربوط به بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم، به فصل‌های ۲۱ و ۲۶ مراجعه شود.

۲. ارزش بدست آمده از طریق تراکنش‌های انباشت و بازارزش‌گذاری

۱۳-۲۳ ارزش اکثر دارائی‌های غیرمالی در اثر انعکاس تغییرات قیمت‌های بازار از سالی به سال دیگر تغییر می‌کند. در عین حال، هزینه‌های اولیه تحصیل دارائی در اثر مصرف سرمایه ثابت (در مورد دارائی‌های ثابت) یا اشکال دیگرِ استهلاک در طول عمر مورد انتظار دارائی کاهش می‌یابد. ارزش این گونه دارائی‌ها در یک نقطه معین از عمر آن از طریق قیمت جاری تحصیل یک دارائی جدیدِ معادلِ آن منهای استهلاک انباشته بدست می‌آید. این ارزش‌گذاری گاهی اوقات "هزینه جایگزینی خالص دفتری (هزینه جایگزینی پس از کسر استهلاک)" نامیده می‌شود. وقتی برای دارائی‌های بکار گرفته شده قیمت‌های قابل اعتمادی که مستقیماً مشاهده شود وجود نداشته باشد، این رویه تقریب منطقی از قیمت بازار برای دارائی در صورت عرضه برای فروش، ارائه می‌دهد.

۳. ارزش حال بازده آتی

۱۳-۲۴ در مورد دارائی‌هائی که برگشت آن‌ها با تأخیر صورت می‌گیرد (مانند جنگل‌ها) یا در طول یک دوره طولانی توزیع می‌شود (مانند دارائی‌های زیر زمینی)، هرچند که قیمت‌های بازار برای ارزش‌گذاری ستانده نهائی بکار می‌رود، علاوه بر این باید از یک نرخ تنزیل هم برای محاسبه ارزش حال بازده‌های آتی مورد انتظار استفاده شود.

۴. دارائی‌های بیان شده به ارز خارجی

۱۳-۲۵ دارائی‌ها و بدهی‌هائی که به پول خارجی بیان شده‌اند باید با نرخ ارزِ غالبِ بازار در تاریخی که ترازنامه به آن مربوط است به پول داخلی تبدیل شوند. این نرخ باید نقطه میانی بین نرخ‌های نقطه‌ای خرید و فروش برای تراکنش‌های ارزی باشد.

پ. اقلام ورودی در ترازنامه

۱۳-۲۶ تعریف دارائی‌های ترازنامه در تفصیلی‌ترین سطح طبقه‌بندی دارائی‌ها در فصل ۱۰ برای دارائی‌های غیرمالی و در فصل ۱۱

برای دارائی‌های مالی ارائه شده است. تعاریف ارائه شده در این بخش فقط در حدی تکرار شده است که اطلاعاتی را در باره ارزش‌گذاری خاص دارائی‌های ویژه و موضوعات تخصصی دیگر فراهم کند.

۱. دارائی‌های تولید شده

دارائی‌های ثابت

۱۳–۲۷ در اصل، دارائی‌های ثابت باید به قیمت‌های غالب در بازار برای دارائی‌هائی با شرایط یکسان با آن‌ها از نظر ویژگی‌های فنی و سن، ارزش گذاری شوند. در عمل، این نوع اطلاعات با جزئیات مورد نیاز در دسترس نیست و منبع مورد نظر باید با روش دیگری ارزش گذاری شود، رایج‌ترین آن‌ها شیوه‌ای است که عنصر بازارزش‌گذاری اعمال شده به دارائی در طی دوره پوشش داده شده (یا برای دارائی‌های تازه تحصیل شده از زمان تحصیل آن) توسط ترازنامه به ارزش ترازنامه‌ی ابتدای دوره اضافه شود و مصرف سرمایه ثابت برآورد شده برای این دوره و نیز هر نوع تغییرات حجم و ارزش واگذاری‌ها کسر شود. در محاسبه ارزش مصرف سرمایه ثابت، لازم است فرض‌هائی در باره کاهش قیمت دارائی در نظر گرفته شود و حتی اگر اطلاعات کامل بازار در دسترس نباشد، باید برای کنترل این که آیا فرض‌های در نظر گرفته شده با داده‌ها سازگار هستند از اطلاعات ناقص استفاده شود.

۱۳–۲۸ برآوردهای مصرف سرمایه ثابت باید کاهش ارزش هزینه‌های انتقال مالکیتِ خریداران در تحصیل و واگذاری مربوط به این دارائی‌ها را در بر داشته باشد. این‌ها باید در طول دوره‌ای که خریدار انتظار مالکیت دارائی را دارد مستهلک شود. در بسیاری از موارد، این دوره ممکن است با طول عمر مورد انتظار دارائی مطابق باشد ولی در برخی انواع دارائی‌ها، بویژه وسایل نقلیه، ممکن است خریدار قصد داشته باشد آن را بعد از یک دوره معین بفروشد تا، مثلا، مدل جدیدتری با ویژگی‌های سطح بالاتر و هزینه‌های نگه‌داری پائین‌تری تحصیل کند. هزینه‌های نصب هم باید به روشی مشابه عمل شود. در صورت امکان، برآورد مصرف سرمایه ثابت باید هزینه‌های پایانی نظیر تخریب یا نوسازی را نیز به‌حساب بیاورد. توضیح بیشتر درباره‌ی این تعدیلات را می‌توان در فصل‌های ۱۰ و ۱۹ جستجوکرد. توضیح مفصل‌تر درباره بکارگیری روش موجودی‌گیری مستمر (PIM) برای برآورد ارزش موجودی سرمایه دارائی‌های ثابت را می‌توان در *اندازه‌گیری سرمایه* ملاحظه کرد.

۱۳–۲۹ برای واحدهای مسکونی ممکن است اطلاعات کافی درباره‌ی فروش بناهای جدید و موجود هردو در دسترس باشد که به برآورد کل ارزش واحدهای مسکونی در ترازنامه کمک کند. اما قیمت خانه به میزان قابل ملاحظه‌ای به محل آن بستگی دارد و الگوی جغرافیائی فروش ممکن است نتواند تمام مناطق را به اندازه کافی پوشش دهد، که در این حالت تکنیکی نظیر PIM باید مورد استفاده قرار گیرد. این تکنیک احتمالاً به بسیاری از بناها و سازه‌های دیگری که ویژگی‌های آن‌ها اغلب خاص سازه‌ی مربوطه هستند نیز اعمال خواهد شد.

۱۳–۳۰ ارزش بهسازی زمین به صورت خالص ارزش اولیه دفتری بهسازی که به طور مناسبی بازارزش‌گذاری شده باشد نشان داده می‌شود. این رقم همیشه برابر خواهد بود با تفاوت بین ارزش زمین مورد نظر در وضعیت بهسازی نشده یا طبیعی و ارزش آن بعد از انجام بهسازی، هرچند که زمین و بهسازی زمین هردو مشمول تغییرات قیمت در طول زمان می‌شوند.

۱۳–۳۱ بازارهای اتومبیل، هواپیما، و سایر تجهیزات حمل و نقل موجود می‌توانند بقدر کافی نماینده باشند تا مشاهدات مفیدی از قیمت‌ها را برای ارزش‌گذاری این موجودی‌ها یا حداقل برای استفاده در ارتباط با مجموعه‌ای از فرض‌های PIM ارائه دهند. ولی در مورد کارخانجات صنعتی و تجهیزات موجود، قیمت‌های مشاهده شده در بازارها ممکن است به دلایل مختلفی برای تعیین ارزش این نوع دارائی‌ها برای استفاده در ترازنامه‌ها مناسب نباشند، زیرا بسیاری از تراکنش‌ها، دارائی‌هائی را بر می‌گیرند که به دلایلی نظیر دارا بودن ویژگی‌های اختصاصی، یا کهنه و فرسوده شدن یا به علت تحت فشار مالی بودن، دارائی‌های معمولی نیستند.

۱۳–۳۲ برای مقاصد ترازنامه، دامی که از سالی به سال دیگر به‌طور مستمر در تولید استفاده می‌شود باید بر اساس قیمت‌های جاری خریدار برای حیوانات هم سن آن‌ها ارزش‌گذاری شوند. این اطلاعات کمتر احتمال دارد که برای درختانِ (از جمله

درختچه‌های) پرورش داده شده برای محصولاتی که سال به سال حاصل می‌دهند موجود باشد؛ در این حالت آن‌ها باید به ارزش خالص دفتری تشکیل سرمایه انباشته ثبت شوند

۱۳-۳۳ مخارج تحقیق و توسعه‌ی اجرا شده براساس قرارداد به قیمت قرارداد ارزش گذاری می‌شوند. اگر به حساب خود اجرا شود، به صورت هزینه‌های انباشته ارزش گذاری می‌شوند. اگر توسط یک تولید کننده بازاری اجرا شود، این هزینه‌ها بازگشت سرمایه را نیز در برمی‌گیرند. هردوی ارزش‌گذاری‌ها لازم است با تغییرات قیمت افزایش یابند و در اثر مصرف سرمایه ثابت در طول عمر دارائی کاهش یابند.

۱۳-۳۴ هرچند که هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده (غیر از زمین) به طور جداگانه در حساب سرمایه نشان داده می‌شوند، و به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تلقی می‌شوند، ولی در ترازنامه این هزینه‌ها با ارزش دارائی مربوط به آن‌ها ترکیب می‌شوند هرچند که آن‌ها دارائی‌هایی هستند که تولید نشده اند. از اینرو در ترازنامه، هزینه‌های انتقال مالکیتی که به طور جداگانه نشان داده شده باشد وجود ندارد. هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های مالی هنگامی که دارائی‌ها توسط شرکت‌ها یا دولت تحصیل شوند، مصرف واسطه و هنگامی که توسط خانوارها تحصیل شوند مصرف نهائی و هنگامی که دارائی‌ها توسط غیرمقیم‌ها تحصیل شوند صادرات خدمات تلقی می‌شوند.

۱۳-۳۵ اکتشاف و ارزیابی معادن باید یا بر اساس مبلغ پرداخت شده براساس قراردادهای سپرده شده به دیگر واحدهای نهادی ارزش گذاری شود یا در اکتشاف انجام شده به حساب خود بر اساس هزینه‌های متقبل شده برای اکتشاف ارزش گذاری شوند. این هزینه‌ها باید برگشت سرمایه ثابت بکار گرفته شده در فعالیت اکتشاف را نیز در بر داشته باشد. آن قسمت از اکتشاف انجام شده در گذشته که هنوز به طور کامل مستهلک نشده است باید به قیمت‌ها و هزینه‌های دوره جاری بازارزش-گذاری شود.

۱۳-۳۶ نسخه‌های اصلی محصولات مالکیت فکری، نظیر نرم افزار و سرگرمی کامپیوتری، نسخه‌های اصلی ادبی یا هنری باید به ارزش خالص دفتری هزینه اولیه‌ی آن‌ها، بازارزش‌گذاری شده به قیمت‌های دوره جاری وارد شود. از آنجا که این محصولات اغلب به حساب خود تولید می‌شوند، هزینه اولیه ممکن است از حاصل جمع هزینه‌های متقبل شده از جمله بازگشت سرمایه دارائی‌های ثابت بکار برده شده در تولید برآورد شده باشد. اگر ارزش را نتوان از این طریق ایجاد کرد، برآورد ارزش حال برگشت آینده ناشی از استفاده نسخه اصلی در تولید می‌تواند مناسب باشد.

۱۳-۳۷ نسخه‌های رونوشت را هنگامی می‌توان به عنوان دارائی نشان داد که (i) اگر مالک اصلی برای وظایف بازتولید و ارائه خدمات پشتیبانی به استفاده کنندگان رونوشت‌ها قرارداد فرعی داشته باشد، یا (ii) اگر رونوشت به طور مؤثری تحت یک اجاره‌ی مالی (اعتباری) استفاده شود. در این موارد، باید برای ارزش‌گذاری قیمت‌های بازار در دسترس باشد.

موجودی انبار

۱۳-۳۸ موجودی انبار باید به قیمت‌های غالب در تاریخی که ترازنامه به آن مربوط است، ارزش‌گذاری شود، و نه به قیمت‌هائی که محصولات هنگام ورود به موجودی انبار ارزش‌گذاری شده‌اند. همان‌طور که در فصل ۶ بیان شد، ارقام موجودی‌های انبار در ترازنامه‌ها باید به طور مرتب از طریق تعدیل ارقام به ارزش خالص دفتری موجودی‌ها در حسابداری کسب و کار برآورد شود.

۱۳-۳۹ همانند موارد دیگر SNA، موجودی مواد و ملزومات به قیمت‌های خریدار، و موجودی کالاهای تمام شده و کالای در جریان ساخت به قیمت‌های پایه ارزش‌گذاری می‌شوند. موجودی کالاهائی که برای بازفروشی بدون فرآوری بیشتر توسط عمده فروشان و خرده فروشان خریداری می‌شوند به قیمت‌های پرداخت شده برای آن‌ها، بجز هزینه‌های حمل و نقلی که به طور جداگانه برای عمده فروشان و خرده فروشان صورت‌حساب شده و در مصرف واسطه آن‌ها منظور شده است، ارزش‌گذاری می‌شوند.

۱۳-۴۰ برای موجودی‌های کالای در جریان ساخت، ارزش ترازنامه انتهای دوره باید با ارزش ترازنامه ابتدای دوره، بعلاوه هر کار انجام شده در طول دوره جاری، منهای هر کار تکمیل شده و

بازطبقه‌بندی شده به عنوان کالاهای تمام شده سازگار باشد. بعلاوه، باید تعدیلی برای هرگونه بازارزش‌گذاری ضروری برای تغییرات قیمتِ طول دوره منظور شود. همان‌طور که در فصل‌های ۶ و ۹ توضیح داده شد، سری زمانی ارزش کالای در جریان ساخت در طول یک دوره از زمان باید افزایش ارزش کار انجام شده قبل از رسیدنِ تاریخ تحویل را منعکس کند.

۱۳-۴۱ محصولات زراعی ایستاده تک استفاده (از جمله درختان الواری) پرورش داده شده توسط فعالیت انسان و چهارپایان پرورش داده شده برای کشتار نیز به عنوان موجودی‌های کالای در جریان ساخت به‌حساب آورده می‌شوند. روش متعارف ارزش‌گذاری درخت الواری عبارت از تنزیل منفعت حاصل از فروش‌های آتی درخت به قیمت‌های جاری بعد از کسر هزینه‌های عملیاتی پرورش و قطع درخت و سایر هزینه‌هائی از این قبیل است. در بیشتر موارد، سایر محصولات زراعی و چهارپایان را می‌توان با استناد به قیمت‌های این نوع محصولات در بازارها ارزش‌گذاری کرد.

اشیاء گرانبها

۱۳-۴۲ با توجه به نقش اصلی اشیاء گرانبها به‌صورت ذخیره ارزش، ارزش‌گذاری کارهای هنری، عتیقه‌جات، جواهرات، سنگ‌ها و فلزات قیمتی به قیمت‌های جاری از اهمیت خاصی برخوردار است. تا وقتی که بازارهائی که بخوبی سازمان یافته‌اند برای این اقلام وجود داشته باشند، باید به قیمت‌های واقعی یا به قیمت‌های برآورد شده‌ای که اگر قرار بود در بازار فروخته شوند می‌بایست بابت آن‌ها به صاحبانشان پرداخت می‌شد ارزش‌گذاری شوند، بجز هر گونه حق‌الزحمه یا حق کمیسیون کارگزاری پرداختنی توسط فروشنده، در تاریخی که ترازنامه به آن مربوط است. در تحصیل اشیاء گرانبها، این‌ها به قیمت پرداختی توسط خریدار با منظور کردن هر گونه حق‌الزحمه یا کمیسیون کارگزاری ارزش‌گذاری می‌شوند.

۱۳-۴۳ در نبود بازارهای سازمان یافته، یکی از رهیافت‌ها این است که این اقلام با استفاده از داده‌های ارزش بیمه آن‌ها در مقابل آتش‌سوزی، سرقت و غیره در حدی که اطلاعات در دسترس باشند، ارزش‌گذاری شوند.

۲. دارائی‌های تولید نشده

منابع طبیعی

زمین

۱۳-۴۴ اصولاً، ارزش زمینی که باید در ترازنامه زیر عنوان منابع طبیعی نشان داده شود، ارزش زمین بدون ارزش بهسازی‌ها و بدون ارزش بنای روی آن است که ارزش هریک از آن‌ها به طور جداگانه در زیر دارائی‌های ثابت نشان داده می‌شود. زمین به قیمت جاری که مالک جدید آن پرداخت کرده است ارزش‌گذاری می‌شود بدون هزینه‌های انتقال مالکیت که طبق قرارداد، به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و قسمتی از بهسازی‌های زمین تلقی می‌شوند و مشمول مصرف سرمایه ثابت هستند.

۱۳-۴۵ از آنجا که ارزش جاری بازار برای زمین با توجه به محل و کاربری‌های مجاز یا ممنوع برای آن می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای متغیر باشد، ضروری است که برای قطعه خاصی از زمین ابتدا محل و کاربری آن زمین مشخص شود و سپس براساس آن قیمت‌گذاری صورت گیرد.

۱۳-۴۶ برای زمینِ زیرِ بنا، در برخی موارد داده‌های ارزش زمین مستقیماً از طریق بازار تأمین می‌شود. اما به طور معمول، این‌گونه داده‌ها در دسترس نیستند و رایج‌ترین روش محاسبه، استفاده از نسبت ارزش سایت به ارزش سازه که از ارزش‌گذاری‌ها بدست می‌آید، و کسر ارزش زمین از هزینه جایگزینی بناها یا از ارزش ترکیبِ زمین و بناها در بازار است. وقتی ارزش زمین را نمی‌توان از بنا، سازه یا زراعت، تاکستان و غیره جدا ساخت، دارائی ترکیبی باید در رده‌ای که نماینده بیشترین قسمت ارزش آن است طبقه‌بندی شود. به طور مشابه، اگر ارزش بهسازی زمین (که شامل پاکسازی سایت، آماده سازی احداث بناها یا کشت محصولات زراعی و هزینه‌های انتقال مالکیت است) را نتوان از ارزش زمین در وضعیت طبیعی آن جدا کرد، ارزش زمین را می‌توان به یک رده یا رده دیگری بسته به این که کدامیک نماینده بیشترین قسمت ارزش باشد، تخصیص داد.

۴۷-۱۳ معمولاً تفکیک بین زمین و بناها برای کل اقتصاد آسان‌تر از تفکیک آن‌ها برای یکایک بخش‌ها یا زیربخش‌ها است. ارقام جداگانه‌ای برای مطالعه ثروت ملی و موضوعات زیست محیطی لازم است. خوشبختانه، ارقام ترکیبی زمین و بناها اغلب برای تحلیل رفتار واحدها و بخش‌های نهادی مناسب هستند.

۴۸-۱۳ زمین در ترازنامه‌ی مالک قانونی نشان داده می‌شود بجز هنگامی که مربوط به اجاره‌ی مالی (اعتباری) باشد همان‌طور که اکثر اوقات در رابطه با اجاره‌ی مالیِ مربوط به یک بنای واقع در زمین یا مزرعه‌ی روی زمین رخ می‌دهد. طبق قرارداد، استثنائی گذاشته شده است برای مواردی است که مالک قانونی یک بنا مالک قانونی زمینی که بنا روی آن واقع شده نیست ولی قیمت خرید، پیش پرداخت اجاره‌ی زمین زیرین را نیز در بر می‌گیرد بدون هیچ‌گونه چشم اندازی از پرداخت‌هائی که قرار است در آینده انجام شود. در چنین مواردی، زمین در ترازنامه مالکِ بنای روی زمین ثبت می‌شود.

منابع معدنی و انرژی

۴۹-۱۳ ارزش منابع زیرزمینی و منابع انرژی معمولاً از طریق ارزش حال خالص برگشت مورد انتظار حاصل از اکتشاف تجاری آن منابع تعیین می‌شود، هرچند این ارزش‌گذاری نامطمئن بوده و نیاز به تجدید نظر دارد. از آنجا که مالکیت منابع معدنی و انرژی مرتباً در بازار تغییر نمی‌یابد، ممکن است بدست آوردن قیمت‌های مناسبی که بتوان برای مقاصد ارزش‌گذاری بکار برد، مشکل باشد. در عمل، ممکن است لازم باشد از ارزش‌گذاری‌هائی استفاده شود که مالکین دارائی‌ها در حساب‌های خودشان ثبت کرده‌اند.

۵۰-۱۳ گاهگاهی موردی پیش می‌آید که بنگاه استخراج کننده‌ی یک منبع زیرزمینی یا منبع انرژی از مالک آن متفاوت است. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورها، مالکیت منابع نفتی در اختیار دولت است. اما، این استخراج کننده است که تعیین می‌کند که این منبع با چه سرعتی تهی شود و از آنجا که این منبع در مدت زمان مقیاس انسانی تجدیدپذیر نیست، مثل این بنظر می‌رسد که تغییر مالکیت اقتصادی به استخراج کننده رخ داده است حتی اگر این یک وضعیت قانونی نباشد. ولی لزوماً این‌طور نیست که استخراج کننده حق استخراج منبع را تا زمانی که تهی شود داشته باشد. از آنجا که روش کاملاً رضایت بخشی وجود ندارد که از طریق آن ارزش دارائی بین مالک قانونی و استخراج کننده تقسیم شود، کل ارزش منبع مورد بحث در ترازنامه مالک قانونی ثبت می‌شود و پرداخت‌های استخراج کننده به مالک به عنوان رانت در نظر گرفته می‌شود. (لذا این یک مفهوم گسترش یافته از رانت یک منبع است که به یک دارائی زوال‌پذیر اعمال شده است).

منابع زیستی غیرپرورشی، منابع آب و سایر منابع طبیعی

۵۱-۱۳ منابع زیستی غیرپرورشی، منابع آب و سایر منابع طبیعی وقتی در ترازنامه وارد می‌شوند که به عنوان دارائی‌هائی که دارای ارزش اقتصادی جدا از ارزش زمین مربوط به آن‌ها هستند شناخته شوند. از آنجا که احتمال نمی‌رود قیمت‌های مشاهده شده در دسترس باشد، این منابع معمولاً از طریق ارزش حال برگشت مورد انتظار آینده از آن‌ها ارزش‌گذاری می‌شوند.

قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها

۵۲-۱۳ قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها می‌توانند اجاره‌نامه‌های عملیاتی قابل فروش، پروانه‌ی استفاده از منابع طبیعی، مجوز انجام فعالیت‌های ویژه و داشتن حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده باشند. همان‌طور که در قسمت ۵ فصل ۱۷ توضیح داده شده است، این نوع قراردادها تنها وقتی دارائی محسوب می‌شوند که وجود یک توافق‌نامه قانونی منافعی را مازاد بر قیمت پرداخت شده به اجاره دهنده، به مالک منابع طبیعی یا به صادر کننده‌ی مجوز، برای دارنده آن‌ها تأمین کند و دارنده بتواند این منافع را به صورت قانونی و عملی تحقق بخشد. توصیه می‌شود که این نوع دارائی‌ها تنها هنگامی ثبت شوند که ارزش دارائی قابل ملاحظه بوده و مشخص شود که قیمت بازار مناسبی وجود دارد. این دارائی خارج از طول مدت قراردادِ توافق نامه وجود نخواهد داشت و

ارزش آن باید مطابق با کوتاه‌تر شدن دوره‌ی باقی مانده‌ی قرارداد کاهش یابد.

سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی

۱۳–۵۳ قلم ورودی ترازنامه برای سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی، ارزش خالص دفتری قلم ورودی است که وقتی بنگاهی تحصیل می‌شود یا یک دارائی بازاریابی فروخته می‌شود در حساب مالی پدید می‌آید. این اقلام بازارزش‌گذاری نمی‌شوند.

۳. دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

۱۳–۵۴ در راستای اصول کلی ارزش‌گذاری که در بالا شرح داده شد، هرگاه دارائی‌های مالی و بدهی‌ها به طور منظم در بازارهای مالی سازمان یافته‌ای معامله شوند، باید به قیمت‌های جاری ارزش‌گذاری شوند. ادعاهای مالی که در بازارهای مالی سازمان یافته‌ای معامله نمی‌شوند باید از طریق مبلغی که بدهکار برای تسویه‌ی ادعا باید به بستانکار پرداخت کند ارزش‌گذاری شوند. ادعاهای مالی اعم از اینکه در ترازنامه به عنوان دارائی پدید آیند یا به عنوان بدهی باید ارزش یکسانی به آن‌ها تخصیص داده شود. قیمت‌ها نباید کارمزد خدمات، حق‌الزحمه، کمسیون و پرداخت‌های مشابهی را که برای ارائه خدمات در انجام تراکنش‌ها صورت می‌گیرد در بر داشته باشند. بحث مفصل‌تری از دارائی‌های مالی و ثبت آن‌ها در فصل ۱۱ و قسمت ۴ فصل ۱۷ وجود دارد.

طلای پولی و SDRها

۱۳–۵۵ طلای پولی باید به قیمت بوجود آمده در بازارهای سازمان یافته یا در توافق دو جانبه‌ی بین بانک‌های مرکزی ارزش‌گذاری شود.

۱۳–۵۶ ارزش SDRها توسط IMF به طور روزانه بر اساس سبدی متشکل از پول کشورها تعیین می‌شود. نرخ‌های ارز در برابر پول داخلی از قیمت‌های بازار ارزهای خارجی بدست می‌آید؛ هر چند وقت یکبار سبد و وزن‌ها هردو مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند.

پول و سپرده‌ها

۱۳–۵۷ ارزش‌گذاریِ پول، همان ارزش اسمی یا رسمی پول است. ارزش‌هائی که باید برای سپرده‌ها در ترازنامه‌های بدهکار و بستانکار هردو ثبت شوند، مبلغ اصل پولی است که طبق قرارداد بدهکار هنگام تسویه‌ی سپرده‌ها ملزم به بازپرداخت آن به بستانکار تحت شرایط سپرده‌ها است. مبلغ تسویه نشده‌ی اصل سپرده تمامی بهره و کارمزد خدماتی را که تعلق گرفته ولی هنوز پرداخت نشده را در بر می‌گیرد. پول و سپرده بیان شده به ارز خارجی در نقطه میانی نقاط فروش و خرید نرخ‌های ارز غالب در تاریخ ترازنامه به پول داخلی تبدیل می‌شوند. پرداخت‌های نقدی حاشیه‌ای بازپرداختنی مربوط به قراردادهای مشتقات مالی در سایر سپرده‌ها منظور می‌شوند.

اوراق بدهی

۱۳–۵۸ اوراق بهادارکوتاه مدت و بدهی‌های متناظر آن‌ها باید به قیمت جاریِ بازار ارزش‌گذاری شوند. این نوع ارزش‌گذاری در شرایط تورمی بالا یا نرخ‌های اسمی بالای بهره دارای اهمیت ویژه‌ای است.

۱۳–۵۹ اوراق بهادار بلند مدت همیشه باید به قیمت‌های جاری آن‌ها در بازار ارزش‌گذاری شوند، اعم از این که اوراق قرضه‌ای باشند با پرداخت‌های منظم بهره یا اوراق قرضه‌ای با تخفیف عمده یا اوراق قرضه‌ی بدون بهره که بهره کمی به آن‌ها پرداخت شود یا اصلاً بهره‌ای پرداخت نشود. این قیمت همیشه باید قیمتی باشد که بهره تعلق گرفته را نیز در بر داشته باشد (قیمت به اصطلاح "کثیف"). هرچند بدهی اسمی منتشر کننده‌ی اوراق بهادار بلند مدت ممکن است برحسب پول ثابت باشد، قیمت‌های بازاری که در آن‌ها اوراق بهادار با بهره ثابت مورد معامله قرار می‌گیرند ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای در واکنش به تغییرات نرخ‌های کلی بهره بازار، تغییر کنند. از آنجا که منتشر کننده‌ی اوراق بهادار بلند مدت معمولاً فرصت تأمین مالی دِین را با بازخرید اوراق بهادار در بازار دارد، به‌طور کلی ارزش‌گذاری به قیمت‌های بازار برای هردوی منتشر کنندگان و دارندگان اوراق بهادار بلند مدت

بـویژه تـراکنش‌گرهـای مـالی کـه فعالانـه دارائـی‌هـا و بدهی‌هایشان را مدیریت می‌کنند، مناسب است.

۱۳-۶۰ در ترازنامه اوراق بدهی مرتبط با شاخص، هر ماهیتی کـه آن شاخص داشته باشد، به قیمت‌هـای بـازار اوراق ارزش‌گـذاری می‌شوند.

۱۳-۶۱ اگر اصل و کوپن‌های یک ابزار بدهی هردو به یک ارز خارجی مرتبط شده باشند، اوراق بهادار باید طـوری عمـل شـوند کـه گوئی به ارز خارجی با تبدیل به پول داخلـی در نقطـه میـانی نرخ‌های غالب در تاریخ ترازنامه بیان شده است.

وام‌ها

۱۳-۶۲ ارزش وام‌هائی که باید در ترازنامه‌ی بستانکار و بدهکار هـردو ثبت شود، مبلغ اصل وام‌های تسویه نشـده اسـت. ایـن مبلـغ همه‌ی بهره‌هائی که عاید شده ولی هنوز پرداخت نشده‌انـد را در بر مـی‌گیـرد. ایـن مبلـغ همچنـین بایـد کـارمزد خـدمات اندازه‌گیری شده به طور غیرمستقیم (تفاوت بین بهره‌ی بانک و بهره‌ی SNA) تعلق گرفته به وام که هنوز پرداخت نشده‌انـد را در بر داشته باشد. در برخی موارد، بهره تعلق گرفته ممکـن است زیر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنـی نشـان داده شـود ولی در صورت امکان منظور کردن آن در وام‌هـا تـرجیح داده می‌شود.

۱۳-۶۳ ارزش یک وام حاصل پرداخت‌های بهره تعلـق گرفتـه بعـد از تاریخ ترازنامه را منعکس نمی‌کند، حتی اگر در توافق‌نامه اولیه مشخص شده باشد.

۱۳-۶۴ اگر شواهدی از بازار ثـانوی بـرای وام وجـود داشـته باشـد، و نرخ‌های فراوان بازار در دسترس باشـند، ایـن وام بـه عنـوان اوراق بهادار بازطبقه‌بندی می‌شود. وامی که فقط یکبار معامله شـده اسـت و بـرای آن شـواهد مسـتمر بـازار وجـود نـدارد بازطبقه‌بندی نمی‌شود و همچنان باید به عنوان وام تلقی شود. در این صورت، قواعد ارزش‌گذاری اوراق بدهی و وام‌ها اعمال می‌شود.

۱۳-۶۵ وام‌هائی که اصل آن به یک شاخص مرتبط است، یا هـردوی اصل و بهره آن به شاخص ارز خارجی مرتبط اسـت، بایـد بـه شیوه‌ای که در بالا برای اوراق بدهی با این ویژگی‌ها بیان شد عمل شود.

وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)

۱۳-۶۶ علیرغم این که وام‌ها در ترازنامه به ارزش‌هـای اسـمی ثبـت می‌شوند، برخی وام‌هـائی کـه بـرای مـدت زمـانی برگردانـده نشده‌اند باید مشخص شده و اقلام یادداشتی مربوط به آن‌هـا در ترازنامه‌ی بسـتانکار وارد شـود. ایـن‌هـا وام‌هـای ناکارآمـد (مشکوک‌الوصول) نامیده می‌شوند. تعریف رایجـی کـه بـرای این وام‌ها وجـود دارد بـه شـرح زیـر اسـت. ***وامـی ناکارآمـد (مشکوک‌الوصول) گفته می‌شود که پرداخت‌های بهره یا اصل وام به مدت ۹۰روز یا بیشـتر بـه تعویـق افتـاده باشـد، یـا پرداخت‌های بهره‌ای که ۹۰ روز یا بیشتر را پوشـش داده‌انـد تبدیل به سرمایه شده، بازتأمین مالی شده، یا بـا توافـق بـه تأخیر افتاده باشند یا پرداخت‌هائی که کمتر از ۹۰ روز عقـب افتاده‌اند، دلایل قابل قبولِ دیگری (نظیر اعلان ورشکسـتگی توسط بدهکار) وجود داشته باشد که نسبت به انجـام کامـل پرداخت‌ها شک ایجاد کند.*** این تعریف وام‌هـای ناکارآمـد، بـا توجه به قراردادهای ملی درباره‌ی ایـن کـه چـه موقـع وامـی ناکارآمد (مشکول‌الوصول) گفته می‌شود، تعبیر انعطاف پـذیری خواهد داشت. وقتی وامی به عنوان ناکارآمد(مشکوک‌الوصول) طبقه‌بندی می‌شود، این وام (یا هر وام جایگزین) باید تا زمانی که پرداخت‌ها دریافت شوند یا اصـل ایـن وام‌هـا یـا وام‌هـای جایگزین شده‌ی وام اولیه مستهلک شوند، در این طبقه بـاقی بماند.

۱۳-۶۷ دو قلم یادداشتی در رابطه با وام‌های ناکارآمد توصیه می‌شـود. اولی ارزش اسمی وام‌هائی است کـه ناکارآمـد تشـخیص داده شده‌اند، که شامل تمامی بهره‌ها و کارمزد خدمات تعلق گرفته نیز مـی‌شـود. دومـی ارزش معـادل بـازار ایـن وام‌هـا اسـت. نزدیک‌ترین تقریب به ارزش معادل بازار ارزش عادلانه اسـت "یعنی نزدیک‌ترین ارزش به ارزشی کـه از تـراکنش بـین دو طرف در بازار حاصل می‌شـود". ارزش عادلانـه مـی‌توانـد بـا استفاده از تراکنش‌های ابزارهای قابل مقایسه، یا با اسـتفاده از

تنزیل ارزش حال جریان نقدی ساخته شود، یا گاهی اوقات ممکن است در ترازنامه بستانکار در دسترس باشد. در نبود داده‌های ارزش عادلانه، بالاجبار باید برای قلم یادداشتی از یک رهیافت بهترین دوم استفاده شود و ارزش اسمی منهای زیان‌های مورد انتظار وام نشان داده شود.

۱۳-۶۸ این اقلام یادداشتی باید برای بخش دولت و بخش شرکت‌های مالی هردو، استاندارد باشد. اگر این‌ها برای بخش‌های دیگر، یا برای وام‌های دنیای خارج مهم باشند، باید به عنوان اقلام مکمل نشان داده شوند.

حقوق سهامداران و صندوق‌های سرمایه‌گذاری

حقوق سهامداران

۱۳-۶۹ *سهام ثبت شده در بورس* به طور مرتب در بورس سهام یا سایر بازارهای مالی سازمان یافته معامله می‌شوند. این‌ها باید در ترازنامه به قیمت‌های جاری‌آن‌ها ارزش‌گذاری شوند.

۱۳-۷۰ در رابطه با *سهام ثبت نشده در بورس*، برای وضعیت سهام ثبت نشده در بورس اوراق بهادار، ممکن است قیمت‌های قابل مشاهده در بازار وجود نداشته باشد. این وضعیت اغلب در بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم، سهام خصوصی، سهام شرکت‌های ثبت نشده و حذف شده در بورس، شرکت‌های ثبت شده در بورس ولی دارای دارائی‌هائی با نقد شوندگی کم، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و بنگاه‌های غیرشرکتی دیده می‌شود.

۱۳-۷۱ وقتی ارزش‌های واقعیِ بازار در دسترس نباشد، لازم است برآورد انجام شود. روش‌های جایگزین برای تقریب ارزش بازار حقوق سهامداران در یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم به شرح زیر است. این روش‌ها به ترتیب اولویت رتبه بندی نشده‌اند و لازم است هریک از آن‌ها با ارزیابی شرایط، و معقول بودن نتایج ارزیابی شوند.

الف. *قیمت تراکنش اخیر*. ابزارهای مالی ثبت نشده در بورس ممکن است هرچند وقت یکبار معامله شوند، در این صورت آخرین قیمت‌هائی که این ابزارها در سال گذشته با آن معامله شده‌اند می‌توانند مورد استفاده قرار گیرد. تا حدی که شرایط تغییر نیافته باشد، آخرین قیمت‌ها شاخص خوبی برای ارزش‌های جاری بازار هستند. این روش تا زمانی که هیچگونه تغییری از تاریخ تراکنش در وضعیت شرکت ایجاد نشده باشد می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. با گذشت زمان و تغییر شرایط، آخرین قیمت‌های تراکنش به طور فزاینده‌ای گمراه کننده می‌شوند.

ب. *ارزش خالص دارائی*. سنجش ارزش سهامی که در بازار معامله نمی‌شوند می‌تواند از طریق مدیریت یا هیأت مدیره هوشمند بنگاه، یا توسط حسابرسان مستقل انجام شود تا کل دارائی به ارزش جاری منهای کل بدهی (بجز حقوق سهامداران) به قیمت بازار بدست آید. ارزش‌گذاری‌ها باید اخیراً (در یک سال گذشته) صورت گرفته باشد.

پ. *نسبت‌های قیمت/ ارزش حال به عایدات*. ارزش حال سهام ثبت نشده در بورس را می‌توان با تنزیل منافع پیش‌بینی شده‌ی آینده برآورد کرد. در ساده‌ترین شکل آن، می‌توان با اعمالِ نسبت قیمت – به– عایدات بازار یا صنعت (رشته فعالیت) به آخرین عایدات (هموار شده) بنگاه ثبت نشده در بورس، به محاسبه یک قیمت دست یافت. این روش جائی که اطلاعات ترازنامه کم است ولی داده‌های عایدات با سرعت بیشتری در دسترس قرار می‌گیرد مناسب‌تر است.

ت. *ارزش‌های دفتری گزارش شده بوسیله بنگاه‌ها با اعمال تعدیلاتی در سطح کلان توسط تهیه کنندگان آمار*. برای سهام معامله نشده، می‌توان اطلاعات مربوط به "وجوه سرمایه‌ی صاحبان به ارزش دفتری" را از بنگاه‌ها گردآوری کرده و سپس با نسبت‌های مبتنی بر نماگرهای مناسب قیمت نظیر قیمت‌های سهام پذیرفته شده در بورس به ارزش دفتری در همان اقتصاد با کارکرد مشابه، تعدیل کرد. همین‌طور، دارائی‌هائی را که بنگاه‌ها به قیمت تمام

شده ثبت می‌کنند (نظیر زمین، کارخانه، تجهیزات، و موجودی انبار) می‌توان با استفاده از شاخص‌های قیمت مناسب دارائی به قیمت‌های دوره جاری بازارزش‌گذاری کرد.

ث. *وجوه سرمایه‌ی صاحبان به ارزش دفتری.* در این شیوه‌ی ارزش‌گذاری سهام از ارزش ثبت شده در دفاتر بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم استفاده می‌شود، به صورت حاصل جمع (i) سرمایه پرداخت شده (به‌جز سهام در حال انتشار که بنگاه خود نگه‌می‌دارد، شامل حساب‌های منفعت سهام)؛ (ii) تمامی انواع ذخائر تشخیص داده شده به عنوان حقوق سهامداران در ترازنامه‌ی بنگاه (شامل کمک‌های سرمایه‌گذاری در صورتی که دستورالعمل‌های حسابداری آن‌ها را به عنوان ذخائر شرکت تلقی کنند)، (iii) انباشت سود بازسرمایه‌گذاری شده؛ و (iv) منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن که در حساب‌ها در وجوه سرمایه‌ی صاحبان، چه به صورت بازارزش‌گذاری ذخائر و چه به صورت منفعت یا زیان، منظور شده است. هرچه بازارزش‌گذاری دارائی‌ها و بدهی‌ها با فواصل کمتری انجام شود، تقریب بدست آمده به ارزش‌های بازار نزدیک‌تر خواهد بود. داده‌هائی که برای سال‌های متمادی بازارزش‌گذاری نشده باشند ممکن است انعکاس ضعیفی از ارزش‌های بازار داشته باشند.

ج. *تخصیص ارزش جهانی.* ارزش جاری بازار برای یک گروه بنگاه چند ملیتی که پذیرفته شده در بورس است می‌تواند بر اساس قیمت بازار سهام آن در بورسی که معامله می‌شوند در نظر گرفته شود. در مواردی که می‌تواند نماگر مناسبی (مثل فروش، درآمد خالص، یا اشتغال) تعیین شود، ارزش جهانی را می‌توان براساس آن نماگر بین هریک از اقتصادهائی که در آن بنگاه سرمایه‌گذاری وجود دارد توزیع کرد، با فرض این که نسبت ارزش خالص بازار به فروش‌ها، درآمد خالص، دارائی‌ها، یا اشتغال در سرتاسر گروه بنگاه‌های چند ملیتی ثابت باشد. (هر نماگری می‌تواند نتایج بسیار متفاوتی از دیگر نماگرها ببار آورد).

۱۳-۷۲ در مواردی که امکان استفاده از هیچ‌یک از روش‌های فوق وجود ندارد، ممکن است از داده‌هائی که کمتر مناسب هستند استفاده شود. برای مثال، جریان‌های انباشته یا ترازنامه قبلی که با جریان‌های بعدی تعدیل شده باشد می‌تواند تنها منبع موجود باشد. از آنجا که این منابع از قیمت‌های دوره قبل استفاده می‌کنند، باید با استفاده از ابزارهائی نظیر قیمت کل سهام یا شاخص قیمت دارائی، و به‌حساب آوردن تغییرات نرخ ارز، بسته به مورد، تعدیل شوند. استفاده از جمع تعدیل نشده‌ی تراکنش‌های گذشته روش توصیه شده‌ای نیست. حقوق سهامداران منابع مالی مالکان را نشان می‌دهد. ابزاری که حقوق سهامداران می‌توانند از آن طریق بوجود آیند، به شکل‌های مختلف، نظیر انتشار سهام، تزریق حقوق سهامداران بدون این که با انتشار سهام تناسبی داشته باشد (که گاهی "مازاد کمک شده" یا "کمک‌های سرمایه‌ای") نامیده می‌شود، منفعت سهام، انباشت سود بازسرمایه‌گذاری شده یا بازارزش‌گذاری می‌تواند باشد. از آنجا که این‌ها هنگامی به‌حساب آورده می‌شوند که ضرورتِ استفاده از جریان‌های انباشته به عنوان نقطه‌ی شروعِ اندازه‌گیریِ ارزش حقوق سهامداران پیش می‌آید، همه‌ی آن‌ها اجزای حقوق سهامداران هستند و لزومی ندارد در موارد دیگر به‌طور جداگانه تعیین شوند.

۱۳-۷۳ اگر قیمت جاری بازار مستقیماً قابل مشاهده نباشد، در تصمیم‌گیری برای اتخاذ روش، باید دسترسی به اطلاعات و نیز قضاوت این که کدامیک از روش‌های موجود بهترین تقریب از ارزش بازار را ارائه می‌دهد، در نظر گرفته شود. ممکن است برای شرایط مختلف روش‌های متفاوتی مناسب باشد لذا طیف استانداردی برای ارزش‌گذاری ابزارهای مالی هنگامی که قیمت جاری بازار مستقیماً قابل مشاهده نیست پیشنهاد نمی‌شود. تهیه کنندگان حساب‌های ملی باید روش(روش‌های) بکار برده شده را به روشنی شرح دهند. روش‌های ارزش‌گذاری میزان موجودی سهام سرمایه‌گذاری مستقیم با جزئیات بیشتر در *تعریف مرجع OECD از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ویرایش چهارم* (سازمان

همکاری اقتصادی و توسعه) که *BD* گفته می‌شود مورد بحث قرار گرفته است.

۱۳-۷۴ *سایر حقوق سهامداران*، حقوق سهامدارانِ شرکت‌ها یا شبه شرکت‌هائی را که سهام منتشر نمی‌کنند پوشش می‌دهد. این شرکت‌ها از بنگاه‌های دولتی، بانک مرکزی، برخی واحدهای ویژه دولت، شرکت‌های با مسئولیت نامحدود، و شبه شرکت‌هائی که واحدهای نهادی بدون سهام هستند، تشکیل شده‌اند. سایر حقوق سهامداران باید برابر با ارزش دارائی‌های واحد منهای ارزش بدهی‌های آن ارزش گذاری شوند.

یونیت‌ها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری

۱۳-۷۵ سهام (یا یونیت‌ها) در صندوق‌های بازار پول یا سایر صندوق‌های سرمایه‌گذاری باید به شیوه‌ای مشابه با توصیه‌ائی که برای سهام ارائه شد، ارزش‌گذاری شوند. سهام ثبت شده در بورس باید با استفاده از قیمت سهام در بازار ارزش‌گذاری شوند. سهام پذیرفته نشده در بورس باید از طریق یکی از روش‌های شرح داده شده در بالا برای سهام ثبت نشده در بورس ارزش‌گذاری شوند.

طرح‌های بیمه، مستمری سالانه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد

ذخائر فنی بیمه غیرزندگی

۱۳-۷۶ مبلغ ذخائر بیمه غیرزندگی که باید در ترازنامه ثبت شود حق بیمه‌های پرداخت شده ولی عاید نشده در تاریخ تنظیم ترازنامه بعلاوه مبلغ کنار گذاشته شده برای رویاروئی با خسارت‌های تسویه نشده را در بر می‌گیرد. این مبلغ آخری ارزش حال مبالغ پیش بینی شده برای پرداخت‌ها هنگام تسویه‌ی خسارت‌ها، از جمله خسارت‌های مورد مناقشه، و نیز پرداختی کمکی برای خسارت‌های حوادثی که رخ داده ولی هنوز گزارش نشده‌اند را نشان می‌دهد.

حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه

۱۳-۷۷ مبلغی که باید زیر عنوان ارزش ذخائر حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه ثبت شوند مشابه مبلغی است که برای ذخائر فنی بیمه غیرزندگی که نشان دهنده‌ی ذخائر کافی برای رویاروئی با همه مطالبات آینده است ثبت می‌شود. اما در مورد بیمه زندگی، میزان ذخائر قابل ملاحظه بوده و ارزش حال همه ادعاهای مورد انتظار آینده را نشان می‌دهد. درحساب‌های بازرگانی شرکت‌های بیمه، برخی از این‌ها تحت عنوان ذخیره برای جوایز و تخفیف‌ها نامیده می‌شوند. این‌ها حاصل عملیات صنعت بیمه از هموار کردن منافع در طول زمان و احتمالاً حفظ منافعی تا زمان سررسید بیمه‌نامه است.

حق برخورداری از مزایای بازنشستگی

۱۳-۷۸ حق برخورداری در طرح‌های بازنشستگی از دو عنصر تشکیل شده است؛ یکی هنگامی که فرمول تعیین کننده‌ی مبلغ مستمری بازنشستگی از پیش مورد توافق قرار می‌گیرد (آن گونه که در طرح مزایای تعیین شده است) و دیگری وقتی که مبلغ مستمری بازنشستگی به عملکرد دارائی‌های مالی تحصیل شده با حق بیمه‌های بازنشستگان آینده بستگی دارد (طرح حق بیمه‌های اجتماعی تعیین شده). برای اولی، یک برآورد بیمه سنجی (اکچوئری) از بدهی‌های تأمین کننده‌ی بازنشستگی بکار می‌رود؛ ارزش در دومی ارزش بازار دارائی‌های مالی در اختیار صندوق بازنشستگی از طرف ذینفعان آینده است. مبنائی که حق برخورداری از مزایای بازنشستگی براساس آن محاسبه می‌شود و ابزارهای جایگزین نماینده‌ی آن‌ها در حساب‌های SNA در فصل ۱۷ به‌طور مفصل توضیح داده شده است.

ذخائر مطالبات در ضمانت استاندارد

۱۳-۷۹ ارزشی که باید در ترازنامه برای ذخائر مطالبات مربوط به ضمانت‌های استاندارد وارد شود، میزان مورد انتظار از ادعاهای تحت ضمانت‌های جاری منهای مبالغ بازیافتی است. به بیان دقیق، این مبالغ درجه‌ای از دوباره شماری در دارائی‌های واحد استفاده کننده از ضمانت‌ها را نشان خواهد داد. برای مثال، اگر نهادهای مالی ۱۰۰۰ وام هریک با مبلغ ۲۰ که با ضمانت پوشش داده شده باشند اعطا کنند و انتظار عدم پرداخت ۱۰ وام وجود داشته باشد، ارزش وام‌های اعطا شده هنوز ۲۰۰۰۰

را نشان می‌دهد و بعلاوه وام دهندگان یک دارائی معادل ۲۰۰ در رابطه با مطالبات مورد انتظار تحت ضمانت دارند. ولی، واحد ارائه کننده ضمانت یک بدهی معادل ۲۰۰ دارد که دارائی متناظر برای آن وجود ندارد بنابراین ارزش ویژه برای کل اقتصاد اضافه‌گوئی ندارد.

مشتقات مالی

۱۳–۸۰ نحوه عمل مشتقات مالی در فصل ۱۱ مورد بحث قرار گرفته است. مشتقات مالی باید در ترازنامه به ارزش بازار منظور شوند. اگر داده‌های ارزش بازار از دسترس خارج باشد، روش‌های دیگر ارزش عادلانه نظیر مدل‌های اختیار معامله سهام یا ارزش حال می‌تواند برای ارزش‌گذاری مشتقات مالی بکار برده شود.

اختیار معامله

۱۳–۸۱ اختیار معامله باید در ترازنامه یا به ارزش جاریِ اختیار معامله، اگر در دسترس باشد، یا به ارزش جایزه‌ی تشویقیِ پرداختنی ارزش‌گذاری شود. در بخش واگذار کننده‌ی اختیار معامله باید یک بدهی برای نشان دادن ارزش جاری خرید حقوق دارنده اختیار معامله یا تعهد منفعت ناشی از نگه‌داشتن وارد شود. بسته به این که سیستم‌های حاشیه‌ی سود چگونه عمل کنند، ممکن است برای ارزش یک اختیار معامله مناسب این باشد که رقم صفر وارد شود، زیرا منافع (زیان‌ها) به طور روزانه توسط دارنده دریافت (پرداخت) شده است. طرف مقابل این اقلام دارائی باید به عنوان بدهی وارد شود.

پیمان‌های آتی

۱۳–۸۲ پیمان آتی به ارزش بازار ثبت می‌شود. وقتی پرداخت‌ها انجام می‌شوند، ارزش دارائی و بدهی مربوط به آن مستهلک می‌شوند و متعاقباً در ارزش ترازنامه در تاریخ مناسب حسابداری منعکس می‌شوند. ارزش بازار پیمان آتی می‌تواند بین موجودی دارائی و موجودی بدهی بین تاریخ‌های حسابداری برحسب تغییرات قیمتِ قلم (اقلام) اساسی جابجا شوند. تمامی تغییرات قیمت، از جمله تغییراتی که در این جابجائی‌ها حاصل می‌شود به عنوان بازارزش‌گذاری قلمداد می‌شود.

اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان

۱۳–۸۳ اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان (ESO) باید با استناد به ارزش عادلانه‌ی ابزارهای سهام (سند نشان دهنده‌ی مالکیت سهام، مترجم) اعطا شده ارزش‌گذاری شوند. ارزش ابزارهای سهام باید در تاریخ اعطا با استفاده از ارزش بازار اختیارهای معامله شده‌ی معادل آن‌ها (در صورت وجود) یا استفاده از مدل قیمت‌گذاری اختیار معامله (دو جمله‌ای یا بلک- شولز (Black-scholes)) با تعدیل مناسب از نظر ویژگی‌های خاص اختیار معامله اندازه‌گیری شوند. هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی (IASB) توصیه‌های مفصلی درباره چگونگی ارزش‌گذاری ESOها ارائه می‌دهد و شرکت‌هائی که ESOها را به عنوان شکلی از جبران خدمات کارکنانشان مورد استفاده قرار می‌دهند احتمالاً از توصیه‌های آن‌ها پیروی می‌کنند. ارزش ESO بین تاریخ اعطا و تاریخ واگذاری و سپس بین تاریخ واگذاری و تاریخ اجرا تغییر می‌یابد اگر ارزش سهام پوشش داده شده تغییر کند. قسمت ۶ فصل ۱۷ ESOها را با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار می‌دهد.

سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی

۱۳–۸۴ اعتبار تجاری و قراردادهای سلف و دیگر اقلامی که مشمول پرداخت یا دریافت هستند (نظیر مالیات‌ها، سود تقسیم شده، اجاره، حقوق، دستمزد، و حق بیمه‌های اجتماعی) باید برای بستانکاران و بدهکاران هردو، به میزان اصل آن که بدهکار طبق قرارداد هنگام تسویه‌ی تعهدات خود ملزم به پرداخت آن به بستانکار است ارزش‌گذاری شود. بهره ناشی از سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی ممکن است در اینجا منظور شود ولی به طور کلی، بهره حاصل از اوراق بدهی به‌صورت افزایش ارزش دارائی مربوطه ثبت می‌شود. برای بهره‌ی تعلق گرفته به سپرده‌ها و وام‌ها ممکن است از شیوه‌های ملی پیروی شود و در صورتی که در اصل وام یا سپرده مربوطه ادغام نشده باشد در اینجا طبقه‌بندی شود.

۴. ارزش ویژه

۱۳–۸۵ ارزش ویژه تفاوت بین ارزش تمامی دارائی‌های مالی و غیرمالی و تمام بدهی‌ها در یک نقطه مشخص از زمان است. برای این محاسبه، هر یک از دارائی‌ها و هر یک از بدهی‌ها باید شناسائی شوند و به طور جداگانه ارزش‌گذاری شوند. همانند قلم ترازکننده، ارزش ویژه برای واحدها و بخش‌های نهادی و برای کل اقتصاد محاسبه می‌شود.

۱۳–۸۶ برای دولت، خانوار و NPISHها، ارزش ویژه به طور مشخص ارزش آن واحد برای مالکان آن است. در مورد شبه شرکت‌ها، ارزش ویژه صفر است، زیرا فرض بر این است که ارزش حقوق مالی صاحبان سهام برابر با دارائی‌ها منهای بدهی‌های آن‌ها است. برای سایر شرکت‌ها، وضعیت به این صراحت مشخص نیست.

۱۳–۸۷ در SNA، ارزش ویژه‌ی شرکت‌ها دقیقاً به همان روش سایر بخش‌ها، به صورت حاصل جمع تمامی دارائی‌ها منهای حاصل جمع تمامی بدهی‌ها محاسبه می‌شود. با انجام این کار ارزش سهام و دیگر حقوق سهامداران، که بدهی شرکت‌ها هستند، در ارزش بدهی‌ها منظور می‌شوند. بنابراین، حتی اگر یک شرکت تماماً به سهامداران آن به طور جمعی تعلق داشته باشد، این گونه استنباط می‌شود که علاوه بر ارزش حقوق صاحبان سهام، ارزش ویژه‌ای (که می‌تواند مثبت یا منفی باشد) نیز داشته باشد.

۱۳–۸۸ شیوه محاسبه‌ی جایگزین، مشابه نحوه‌ی عمل در شبه شرکت‌هاست. در این شیوه ارزش حقوق صاحبان سهام به شیوه‌ای محاسبه می‌شود که ارزش ویژه صفر است. این شیوه، محاسبه‌ی حقوق صاحبان سهام، وجوه سرمایه‌ی صاحبان نامیده می‌شود و به صورت حاصل جمع دارائی‌ها منهای حاصل جمع بدهی‌های آن غیر از سهام محاسبه می‌شود.

۱۳–۸۹ ارزش غیر صفرِ وجوه سرمایه‌ی صاحبان می‌تواند در اثر عوامل مختلفی پدید آمده باشد. یکی از دلایل، وجود "دارائی‌ها"ئی نظیر سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی است که در SNA دارائی تلقی نشده‌اند. دلیل دیگر، دیدگاه SNA است که ارزش برخی دارائی‌های مالی نظیر اوراق قرضه و وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)، ممکن است با رهیافت ارزش عادلانه سازگار نباشد. برخی یا تمامی این اقلام ممکن است در ترازنامه شرکت‌ها در دسترس باشد و می‌تواند برای مقایسه جمع این‌ها با مبلغ بدست آمده از تفاوت بین ارزش ویژه و ارزش حقوق مالی صاحب بنگاه مفید باشد. (برای سهام ثبت نشده در بورس، در حقیقت، این کار ممکن است روشی برای ارزش‌گذاری این سهام باشد). علاوه براین، ارزش بازار سهام، احساس بازار را در باره جریان درآمدهای آینده منعکس می‌کند که ممکن است با بی‌ثباتی بسیار بیشتری نسبت به ارزش اساسی شرکت نوسان داشته باشد.

۱۳–۹۰ وجوه سرمایه‌ی صاحبان در یک شرکت، شامل انباشت سود تقسیم شده و بازسرمایه‌گذاری شده در طول زمان است. وقتی انتقالات جاری دریافتنی به درآمد کارآفرینی اضافه شود و انتقالات جاری پرداختنی (و حق برخورداری از مزایای بازنشستگی تعدیل شده) از آن کسر شود، آنچه که باقی می‌ماند به شکل سود تقسیم شده برای توزیع موجود خواهد بود. سود تقسیم نشده میزان درآمد شرکت است که برای توزیع سود تقسیم شده در دسترس است و هنوز توزیع نشده است. این مبلغ ممکن است منفی باشد که نشان دهنده برداشت از وجوه صاحبان سرمایه است. در مورد بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم سهمی از سود تقسیم نشده به عنوان سود بازسرمایه‌گذاری تلقی می‌شود، این نسبت بستگی به میزان مالکیت سرمایه‌گذارِ مستقیمِ شرکت دارد. این عایدات در حساب مالی تحت عنوان عایدات بازسرمایه‌گذاری در شرکت ثبت می‌شوند و بخشی از وجوه سرمایه‌ی صاحبان شرکت را در آن زمان تشکیل می‌دهد.

۱۳–۹۱ هرچند وقت یک‌بار، ممکن است برخی از وجوه سرمایه‌ی صاحبان، به ذخائر عمومی یا به ذخائر ویژه تخصیص داده شود (یا از آن‌ها برداشت شود). این منابع ممکن است از طریق تزریق سرمایه توسط مالکان یا از طریق دریافت کمک‌های سرمایه‌گذاری افزایش یابد.

۵. اقلام یادداشتی

۹۲-۱۳ علاوه بر اقلام یادداشتی برای وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)، SNA دو قلم یاداشتی دیگر را نیز در ترازنامه می‌پذیرد تا اقلامی که در چارچوب محوری سیستم به طور جداگانه به عنوان دارائی شناسائی نمی‌شوند و دارای سودمندی تحلیلی تخصصی‌تری برای بخش‌های نهادی خاص هستند، نشان داده شوند. این دو قلم، کالاهای بادوام مصرفی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند.

کالاهای مصرفی بادوام

۹۳-۱۳ خانوارها کالاهای بادوام مصرفی نظیر اتومبیل و لوازم برقی تحصیل می‌کنند. اما، این‌ها طوری عمل نمی‌شوند که در یک فرآیند تولیدی استفاده شده‌اند که منجر به ارائه‌ی خدمات خانوار شده است. بنابراین تشکیل دارائی‌های ثابت نمی‌دهند و در ترازنامه با این عنوان نشان داده نمی‌شوند. با این وجود، دستیابی به داده‌های این کالاها مفید است و بنابراین کالاهای بادوام مصرفی در ترازنامه به عنوان قلم یادداشتی (یادداشت توضیحی) وارد می‌شوند. موجودی کالاهای بادوام مصرفیِ در اختیار خانوارها باید به قیمت‌های جاری، چه به صورت ناخالص و چه به صورت خالص از استهلاک انباشته‌ای برابر با مصرف سرمایه ثابت ارزش‌گذاری شوند. ارقام نشان داده شده به صورت اقلام یادداشتی در ترازنامه باید خالص از این هزینه‌های انباشته باشد.

۹۴-۱۳ کالاهای بادوامِ در اختیار مالکین بنگاه‌های غیرشرکتی ممکن است قسمتی توسط بنگاه برای تولید و قسمتی توسط اعضای خانوار برای مصرف نهائی مورد استفاده قرار گیرند. ارزش نشان داده شده در ترازنامه برای بنگاه باید سهمی از مصرفی را که قابل انتساب به بنگاه است منعکس کند، ولی این سهم ممکن است در عمل همیشه مشخص نباشد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

۹۵-۱۳ همان‌طور که جریان‌های سرمایه‌گذاریِ مستقیم خارجی در حساب مالی نشان داده می‌شوند، بنابراین جالب است که اقلام مشابهی در ترازنامه وجود داشته باشد که موجودی دارائی‌ها و بدهی‌های سرمایه‌گذاری شده در کشور توسط غیرمقیم‌ها و سرمایه‌گذاری شده در خارج توسط مقیم‌ها را نشان دهد. تمامی بخش‌ها ممکن است سرمایه‌گذاری در خارج داشته باشند؛ ولی تنها شرکت‌های غیرمالی و مالی (غیر از نهادهای غیرانتفاعی موجود در این بخش‌ها) ممکن است از خارج سرمایه‌گذاری دریافت کنند.

فصل ۱۴: جدول‌های عرضه و مصرف و حساب کالاها و خدمات

الف. مقدمه

۱-۱۴ توالی حساب‌ها که در فصل‌های ۶ الی ۱۳ شرح داده شد، کارکرد اقتصاد را به تصویر می‌کشد با تأکید خاص بر این که چگونه درآمد ایجاد می‌شود، توزیع می‌شود، بازتوزیع می‌شود و برای مصرف یا تحصیل دارائی‌ها بکار می‌رود و چه موقع دارائی‌ها واگذار می‌شوند، یا بدهی‌ها تقبل می‌شوند تا دارائی‌های دیگری تحصیل شوند یا مصرفی بیش از درآمد جاری انجام شود. دیدگاه دیگری از اقتصاد، کمتر بر درآمد و بیشتر بر فرآیند تولید و مصرف متمرکز است. محصولات از کجا می‌آیند و چگونه استفاده می‌شوند؟ فصل حاضر با این جنبه از حساب‌ها مرتبط است. این فصل حاوی تشریح تراز محصول و تعمیم آن به حساب کالاها و خدمات، و نیز مزایای مفهومی و عملی این حساب‌ها است. در این فصل همچنین نشان داده می‌شود که چگونه می‌توان جدول‌های عرضه و مصرف را برای کل اقتصاد تهیه کرده و با جدول‌های داده – ستانده که در فصل ۲۸ توضیح داده شده است مرتبط ساخت.

۲-۱۴ در این فصل و جاهای دیگرِ SNA، بجای عبارات "تراز کالائی" و "روش جریان کالا" عبارات روش‌های "تراز محصول" و "جریان تولید" بکار برده شده است تا استفاده‌ی بیشتر از کلمه‌ی محصول بجای کالا را در زمان‌های اخیر نشان دهد. اما تغییرِ واژگان، نشانه تغییرِ روش نیست.

۳-۱۴ جدول‌های عرضه و مصرف ابزار قوی برای مقایسه و مقابله‌ی داده‌های حاصل از منابع مختلف هستند که بهبود سیستم بهم پیوسته‌ی اطلاعات اقتصادی را فراهم می‌کنند. این جدول‌ها امکان تحلیل بازار و صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) را تأمین می‌کنند و امکان می‌دهند تا بهره‌وری در این سطح از تفصیل مطالعه شود. هنگامی که جدول‌های عرضه و مصرف از داده‌های کارگاهی ساخته می‌شوند، که معمولاً چنین است، با آمارهای اقتصادی تفصیلی خارج از دامنه‌ی SNA ارتباط برقرار می‌کنند.

۱. تراز محصول

۴-۱۴ مقدار محصول موجود برای استفاده در داخل اقتصاد بایستی یا از طریق تولید داخلی تأمین شده باشد یا از طریق واردات بدست آمده باشد. همان مقدار محصول که در یک دوره‌ی حسابداری وارد اقتصاد می‌شود باید برای مصرف واسطه، مصرف نهائی، تشکیل سرمایه (از جمله تغییرات موجودی انبار) یا صادرات استفاده شود. این دو گزاره را می‌توان برای ارائه گزاره‌ای برای تراز محصول ترکیب کرد:

ستانده + واردات = مصرف واسطه + مصرف نهائی + تشکیل سرمایه + صادرات

۵-۱۴ قواعد حسابداری از جمله زمان ثبت از فصل ۳ و قواعد ارزش‌گذاری از فصل ۶ و از جاهای دیگر به هریک از اقلام ورودی این اتحاد، اعمال می‌شود. از آنجا که مصارف محصولات معمولاً به قیمت‌های خریدار و تولید آن‌ها به قیمت‌های تولید کننده ارزش‌گذاری می‌شوند، لازم است حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل، و مالیات بر محصول منهای یارانه بر محصول به سمت راست (سمت عرضه) اتحاد اضافه شود به طوری که هردو طرف به قیمت‌های خریدار بیان شوند. از اینرو به بیان کامل‌تر، ***تراز محصول برای هر محصول عبارتست از حاصل جمع ستانده به قیمت پایه بعلاوه واردات بعلاوه حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل بعلاوه مالیات بر محصول منهای یارانه بر محصول، برابر است با حاصل جمع مصرف واسطه، مصرف نهائی و تشکیل سرمایه، همه به قیمت‌های خریدار، بعلاوه صادرات.*** نحوه برخورد با حاشیه‌ها و مالیات‌ها پیچیده است و به تفصیل در بخش ب بیان خواهد شد. ارزش‌گذاری واردات و صادرات ملاحظات خاصی را می‌طلبد و در بخش ب و پ زیر شرح داده شده است.

۶-۱۴ تراز محصول ابزار نیرومند خاصی برای تهیه کننده است، این ادعا با یک مثال بهتر نشان داده می‌شود. به طور نمونه تولید محصولات تنباکو، به‌خصوص سیگار، به خوبی اندازه‌گیری می‌شود ولی مصرف سیگار چنین نیست زیرا پاسخگو در آمارگیری بودجه خانوار تمایلی به گزارش صحیح میزان مبلغ خرج کرده برای سیگار را ندارد. با فرض این که ستانده، واردات و صادرات بخوبی اندازه‌گیری شده باشند، اتحاد تراز محصول می‌تواند برای تولید داده‌های مصرف به‌طور سازگار با دیگر اقلام اتحاد استفاده شود. پس از آن تهیه کننده می‌تواند در صورت لزوم برای رسیدن به تراز از طریق تعدیل اجزا از قضاوت استفاده کند.

۷-۱۴ همیشه این مصرف نهائی نیست که ضعیف‌ترین جزء اتحاد است. در برخی موارد، ممکن است داده‌های مصرف از داده‌های ستانده قابل اعتمادتر باشد. برای مثال، در مورد خدمات تاکسی که امکان عرضه آن از طریق فعالیت‌های نامنظم و اندازه‌گیری نشده بیشتر است، برآورد میزان خرج خانوارها برای تاکسی می‌تواند برای بهبود برآورد ستانده آن کمک کند تا این جنبه از اقتصاد نامشهود به‌حساب آورده شود.

۸-۱۴ تراز محصول حتی برای اقلامی که فعالیت غیررسمی ندارند می‌تواند مفید باشد. ساخت هواپیما یک فرآیند طولانی است. کار در جریان ساخت آن را می‌توان خواه از طریق مقداری که سازنده ادعا می‌کند تکمیل کرده است خواه با مبلغی که خریدار بالقوه در پرداخت‌های مرحله‌ای برای آن پرداخت کرده است اندازه‌گیری کرد. این دو منبع داده در صورت لزوم باید با تعدیلات انجام شده برای حساب‌های دریافتنی و پرداختنی در حساب‌های مالی وفق داده شوند.

۲. حساب کالاها و خدمات

۹-۱۴ اگر تراز محصول برای تمامی کالاها و خدمات در اقتصاد (چه به‌طور فردی چه درگروه‌های محصولات) تنظیم شود و این‌ها تجمیع شوند، حاصل جمع‌ها برای ستانده، واردات، مصرف واسطه، مصرف نهائی، تشکیل سرمایه و صادرات باید با اقلام متناظرِ شناخته شده در توالی حساب‌ها که در فصل‌های پیشین به دقت شرح داده شد برابر باشد. خدمات بازرگانی و حمل و نقل موجود در حاشیه‌ها محصولاتی را نشان می‌دهند که ممکن است در مصرف واسطه، مصرف نهائی، تشکیل سرمایه یا صادرات نیز بکار رفته باشند. این واقعیت که ارزش حاشیه‌ها ممکن است در ارزش کالاهائی که برای آن‌ها بکار می‌روند منظور شده باشند اتحاد را از اعتبار ساقط نمی‌کند. از اینرو هنگامی که تراز محصول برای تمامی کالاها و خدمات تجمیع شود، این حاشیه‌ها بالاجبار گنجانیده شده‌اند و نیازی نیست که اضافه بر آن مشخص شوند.

۱۰-۱۴ از انجا که ارقام ستانده و مصرف واسطه با اقلام ورودی برای ستانده و مصرف واسطه درحساب تولید، متناظر هستند، اتحاد حاصل جمع ترازهای تمامی محصولات می‌تواند بازآرائی شود تا ***حساب کالاها و خدمات را بوجود آورد، که عبارتست از:***

ستانده - مصرف واسطه + مالیات بر محصول - منهای یارانه بر محصول = مصرف نهائی + تشکیل سرمایه + صادرات - واردات

همان‌طور که در فصل ۶ توضیح داده شد، سمت راست این اتحاد معادلِ GDP به قیمت بازار است. بنابراین سمت چپ نیز با GDP به قیمت بازار برابر است و عبارت شناخته شده‌ای از GDP است که اغلب "رهیافت مخارج" نامیده می‌شود. در مقابل، تعریفی که از سمت راست اتحاد می‌آید به عنوان "رهیافت تولید" GDP شناخته شده است.

۱۱-۱۴ حساب کالاها و خدمات یکی از اساسی ترین اتحاد، اگر نه تنها اتحاد اساسی، در SNA است. حساب کالاها و خدمات از این ایده ناشی می‌شود که تمامی ستانده‌ی داخل محدوده‌ی تولید، بعلاوه واردات، باید در یکی از دو فعالیت اساسی دیگر در SNA، مصرف کالاها و خدمات یا انباشت کالاها و خدمات، بحساب آورده شود. بدون حساب کالاها وخدمات، جدول عرضه و مصرف نمی‌تواند به‌طور کامل بهم پیوسته باشد و همه‌ی محصولات موجود در داخل اقتصاد را منظور کند. تمامی توالی حساب‌ها را می‌توان طوری در نظر گرفت که در اطراف حساب کالاها و خدمات با افزودن تراکنش‌های مربوط به ایجاد، توزیع و بازتوزیع درآمد و پس‌انداز ساخته می‌شوند. هنگامی که این تراکنش‌ها در تمامی بخش‌ها و

دنیای خارج تجمیع شوند، کل منابع با کل مصارف برابر خواهد بود. اگر قرار بود تمامی توالی حساب‌ها "تلفیق" شوند، فقط حساب کالاها و خدمات باقی می‌ماند.

۱۲-۱۴ هر سطر جدول‌های عرضه و مصرف نشان دهنده اتحاد اولیه‌ی حساب کالاها و خدمات است.

۳. جدول‌های عرضه و مصرف

۱۳-۱۴ با مجموعه کاملی از تراز محصولات، جدول‌های عرضه و مصرف ساخته می‌شود. جدول‌های عرضه و مصرف به صورت جفت وجود دارند که دارای ارزش‌گذاری و سطح تفصیلی مشترک هستند که با توجه به محصولات شناسائی شده تعیین می‌شوند. رایج‌ترین چارچوب جدول‌های عرضه و مصرف به قیمت‌های خریدار است. ***جدول مصرف به قیمت خریدار از یک مجموعه ترازهای محصول تشکیل شده است که همه‌ی محصولات موجود در اقتصاد را در یک ماتریس مستطیلی شکل با محصولات ارزش‌گذاری شده به قیمت‌های خریدار که در سطرها نشان داده می‌شود و ستون‌هائی که ویژگی محصولات را برای انواع مختلف مصارف نشان می‌دهد. جدول عرضه به قیمت خریدار از یک ماتریس مستطیلی شکل با سطرهای متناظر با همان گروه از محصولاتِ جدولِ مصرفِ مطابق با آن تشکیل شده است که ستون‌های آن عبارتند از عرضه از تولیدات داخلیِ ارزش‌گذاری شده به قیمت‌های پایه، بعلاوه ستون‌های واردات و تعدیلاتِ ارزش‌گذاریِ مورد نیاز برای این که عرضه کلِ هر محصول (گروه محصولات) به قیمت‌های خریدار ارزش‌گذاری شود.***

۱۴-۱۴ بخش‌های ب و پ در زیر به ترتیب به تشریح جدول‌های عرضه و مصرف می‌پردازند.

۱۵-۱۴ جدول‌های عرضه و مصرف اولین قدم ضروری در تهیه جدول‌های داده- ستانده هستند که در فصل ۲۸ تشریح شده است، ولی خودِ این جدول‌ها نیز، چه از نظر تحلیلی و چه به عنوان ابزار کنترل کیفیت، دارای کاربردهای مهمی هستند. جدول‌های عرضه و مصرف بعید است که در ابتدای تهیه‌ی آن‌ها تراز باشند و تا زمانی که تراز شوند GDP اندازه‌گیری شده با رهیافت تولید با سنجه‌ی مخارج GDP متفاوت خواهد بود. فقط جدول‌های عرضه و مصرف هستند که چارچوبی دقیق برای حذف ناهمخوانی‌های موجود در جریان‌های اندازه‌گیری شده‌ی کالاها و خدماتِ سرتاسر اقتصاد فراهم می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که سنجه‌های مختلف GDP گرایش به ارزش یکسان دارند.

۱۶-۱۴ برخی از کشورهای دارای نظام‌های آماری کمتر توسعه یافته هنوز در بدست آوردن تفکیک مخارج مصرفی خانوار از منابع مستقیم بر یک مبنای منظم مشکل دارند. این تفکیک از مجموعه‌ی جدول‌های عرضه و مصرف در دسترس قرار می‌گیرند. یکی از مزایای آن این است که توزیع متناسب مخارج مربوط به گروه‌های مختلف محصول را می‌توان با وزن‌های استفاده شده در شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) مقایسه کرد که این ابزاری برای کنترل قابل قبول بودن و سازگاریِ هردوی وزن‌های CPI و جدول‌های عرضه و مصرف است.

۴. بُعد صنعت (رشته فعالیت)

۱۷-۱۴ از نظر مفهومی این امکان وجود دارد که مجموعه‌ای از جدول‌های عرضه و مصرف تهیه شود که در آن مصرف واسطه فقط به صورت یک قلم کل در نظر گرفته شود، با یک جدول مصرف که نشان دهد از هر محصول چقدر برای مصرف واسطه استفاده می‌شود بدون این که جزئیات بیشتری داشته باشد. این شکل از ارائه هم از نظر تهیه‌ی آن و هم از نظر تحلیلی دارای ارزش کمی است ولی از مراحل اولیه تهیه جدول‌های عرضه و مصرف و جدول‌های داده- ستانده، جزئیات بیشتری معرفی شد تا محصولات استفاده شده در اقتصاد را به واحدهای تولید کننده آن‌ها مرتبط کند. ساده‌ترین حالت و حالتی که اغلب در کتاب‌ها تشریح می‌شود این است که فرض می‌شود امکان برقراری مطابقت یک به یک بین محصولات و واحدهای تولیدکننده وجود دارد. این در حقیقت منجر می‌شود به تعریف کارگاه به عنوان واحد تولیدکننده‌ای که فقط یک نوع محصول تولید می‌کند. اما، لزوماً دلیلی برای تناظر یک به یک وجود ندارد و بسیاری از کشورها اکنون با ماتریس‌هائی کار می‌کنند که در آن‌ها گروه‌های محصولات بسیار بیشتری نسبت به گروه‌های واحدهای تولیدکننده تعیین

شده‌اند. مهمترین دلیل این است که اکثر واحدها محصولات بیشتری را تولید می‌کنند، برای مثال، یک تولیدکننده‌ی کفش می‌تواند کفش‌هائی نظیر صندل، کفش‌های ورزشی، چکمه‌های یونیفورم و کفش‌های مجلسی تولید کند، و تلاش برای ایجاد یک کارگاه برای هر نوع کفش، نه یک کار عملی و نه جالب خواهد بود.

۱۴–۱۸ وقتی مجموعه‌ای از واحدهای تولیدکننده تعیین می‌شوند، ماتریس عرضه گسترش داده می‌شود تا نشان دهد دقیقاً کدام محصولات را هریک از گروه‌های واحدهای تولیدکننده عرضه می‌کنند و ماتریس مصرف گسترش داده می‌شود تا تقاضای واسطه برای هریک از گروه‌های واحدهای تولید کننده را نشان دهد. علاوه بر این، اطلاعات اضافی مربوط به واحدهای تولیدکننده در زیرِ تقاضا برای مصرف واسطه افزوده می‌شود طوری که ستون‌های مربوط به واحدهای تولیدکننده، اجزای ارزش افزوده و نیز ستانده کل را در بر می‌گیرند. به عبارت دیگر، اتحاد زیر:

ستانده = مصرف واسطه + ارزش افزوده

برای هرگروه از واحدهای تولیدکننده (صنعت‌ها یا رشته فعالیت‌های) علاوه بر تساوی تجمیع شده مبتنی بر محصول اضافه می‌شود. علاوه بر این، ممکن است اطلاعات بیشتری مثلاً در رابطه با تشکیل سرمایه و تعداد کارکنان نیز اضافه شود. این گسترش‌ها در بخش ت مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۵. یک مثال عددی

۱۴–۱۹ جدول‌های نشان دهنده‌ی عرضه و مصرف با توضیحات آن در بخش ث مورد بحث قرار گرفته‌اند. این جدول‌ها از آنجا که برای روشنگری در نظر گرفته شده‌اند، تمامی ویژگی‌های شرح داده شده در این فصل را در سطح بالائی از تجمیع در بر می‌گیرند. علاوه بر این، خلاصه‌هائی از این جدول‌ها در متن گنجانیده شده است تا ویژگی‌های شرح داده شده را توضیح دهند.

ب. جدول عرضه

۱۴–۲۰ قسمت اصلی ماتریس عرضه، ماتریس محصولات (یا کالاها) برحسب صنعت (رشته فعالیت) است که نشان می‌دهد کدام صنعت (رشته فعالیت) کدام محصول را عرضه می‌کند یا "می‌سازد". به این دلیل، گاهی اوقات "ماتریس ساخت" نامیده می‌شود.

۱. محصولات و واحدهای تولید کننده

۱۴–۲۱ مادامی که تهیه جدول عرضه با استفاده از بنگاه‌ها به عنوان واحد اولیه امکان پذیر است، این امر رایج است و توصیه نیز می‌شود که با کارگاه‌ها کار شود. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، این ایده که کارگاه به عنوان واحدی که فقط یک نوع محصول تولید می‌کند از ایده‌ی جدول داده – ستانده نشأت گرفته است که در آن تناظر یک به یک بین گروه محصولات تعیین شده و گروه واحدهای تولیدکننده‌ی تعیین شده وجود دارد. تمامی قواعدی که در زمینه‌ی استفاده از داده‌های کارگاه برای ماتریس عرضه اعمال می‌شوند در فصل ۵ بیان شده است؛ در حقیقت هرچند که داده‌های سطح کارگاه می‌توانند در رابطه با شاخص‌های اقتصادی کوتاه مدت مورد استفاده قرار گیرند، در SNA این‌ها فقط در زمینه‌ی جدول‌های عرضه و مصرف بکار می‌روند.

۱۴–۲۲ رایج‌ترین مبنای گروه بندی محصولات، یک سطحِ هم‌افزوده از *CPC* است و گروه‌های حاصل اغلب تحت عنوان "کالاها" بیان می‌شوند هرچند که واژه جدیدی که مورد استفاده قرار می‌گیرد "محصولات" است. متداول‌ترین مبنای گروه بندی واحدهای تولیدکننده *ISIC* است و گروه‌های حاصل اغلب تحت عنوان "صنعت‌ها یا رشته فعالیت‌ها" نامیده می‌شوند.

۱۴–۲۳ در حالتی که تعداد گروه‌های واحدهای تولیدی به همان اندازه‌ی تعداد گروه‌های محصولات است، یک قلم ورودی بزرگ در یک سلول از ستون جدول وجود خواهد داشت که نماینده محصول اصلی آن گروه از واحدهای تولیدکننده است یعنی محصولی که منجر به بیشترین سهم ارزش افزوده می‌شود. اگر گروه واحدهای تولید کننده صرفاً کارگاه‌ها را در بر داشته باشند، اقلام ورودی دیگری در ستون وجود نخواهد داشت ولی غالباً بعضی تولیدات ثانوی که اقلام ورودی کوچکتری را نشان می‌دهند در سلول‌های دیگر ستون وجود خواهد داشت.

۱۴–۲۴ هنگامی که به همان تعداد از گروه‌های واحدهای تولیدکننده گروه‌های محصولات وجود دارند، سطرها و ستون‌ها طوری تنظیم می‌شوند که اقلام ورودی برای محصولات اصلی در قطر ماتریسِ حاصل قرار گیرد.

۱۴–۲۵ در عمل، این امر بسیار رایج است که محصولات بیشتری نسبت به انواع واحدهای تولید کننده وجود داشته باشد. برای مثال، متمایز کردن انواع مختلف محصولات کشاورزی جالب است ولی متمایز کردن مزارع تخصصی در هریک از انواع ممکن محصولات زراعی نه جالب است و نه عملی. به این دلیل، جدول عرضه (ماتریس ساخت) ممکن است مستطیلی شکل باشد و تعداد سطرهای بیشتری نسبت به ستون‌ها داشته باشد ولی طوری تنظیم شود که محصولات مشابه در سطرهای مجاور قرارگیرند به‌طوریکه با هم‌افزودن سطرهای دارای محصولات مشابه یک ماتریس مربع بوجود آید.

۱۴–۲۶ هرچه میزان تفصیل بکار برده شده برای محصول بیشتر باشد، پراکندگی اقلام ورودی در اطراف اقلام محصولات اصلی بیشتر خواهد بود، مثال برای این مورد، مزرعه‌ای است که بیش از یک محصول زراعی تولید می‌کند یا یک تولید کننده‌ی ماشین‌آلات است که انواع مختلف ماشین‌ها را تولید می‌کند. در یک سطح از تفصیل مثل "محصول کشاورزی" و "ماشین‌آلات" عناصر خارج از قطر با عنصر بزرگ قطر ادغام خواهند شد.

۱۴–۲۷ با اینحال، بسیاری از کارگاه‌ها گاهی اوقات همانند محصولات مشابه، مقداری نیز خدمات عمده فروشی و خرده فروشی، خدمات حمل و نقل و بنائی برای مصرف خود به عنوان تشکیل سرمایه تولید می‌کنند.

۲. قواعد حسابداری

۱۴–۲۸ تمامی قواعد مربوط به زمان ثبت، تغییر مسیر و افراز بندی تراکنش‌ها که در فصل ۳ بیان شد برای اقلام جدول‌های عرضه و مصرف نیز استفاده می‌شوند.

۱۴–۲۹ هرچند جدول‌های عرضه و مصرف جریان‌های درآمد دارائی را ثبت نمی‌کنند، خدمات مالی همراه با پرداخت بهره و همراه با تحصیل و واگذاری دارائی‌های مالی و بدهی‌ها در جدول‌های عرضه و مصرف ثبت می‌شوند. فصل ۱۷ به تفصیل توضیح می‌دهد که کدام نوع جریان‌های خدمات مالی با تراکنش‌های دارائی‌های مالی و جریان‌های درآمد دارائی همراه است.

۱۴–۳۰ تغییر مسیر جریان‌های مربوط به حاشیه‌های سود و حاشیه‌های بازرگانی در سطرهای زیرین در قسمت ارزش‌گذاری توضیح داده شده است.

۳. تولید

۱۴–۳۱ همان‌طور که در فصل ۶ توضیح داده شد، اصول ثبت ستانده در جدول‌های عرضه و مصرف دقیقاً همان اصولی است که برای ثبت ستانده در حساب تولید بکار می‌رود. لازم به تأکید است که تمامی مفاهیم و تعاریف SNA که در فصل‌های قبل هنگام تشریح توالی حساب‌ها به دقت شرح داده شد به‌طور دقیق و مساوی برای جدول‌های عرضه و مصرف و جدول‌های داده- ستانده بکار می‌رود. تفاوت فقط در رویه‌ی ارائه حساب‌هاست، نه در اصول اساسی SNA.

۱۴–۳۲ همان‌طور که در بخش مقدمه اشاره شد، واحدهای تولیدکننده‌ای که باید در جدول‌های عرضه و مصرف مشخص شوند با مراجعه به یک طبقه‌بندی صنعتی (رشته فعالیتی) نظیر *ISIC* تعیین می‌شوند. با اینحال، تفکیک واحدهای تولیدی بازاری و غیربازاری از یکدیگر می‌تواند مفید باشد. این تمایز ممکن است در کل اعمال شود یا فقط در گروه‌هائی

مانند خدمات آموزش یا خدمات سلامت که به‌طور قابل ملاحظه از هر دو نوع تولید را دارند. به همین ترتیب، تولید به حساب خود نیز می‌تواند در رده‌هائی از *ISIC*، مانند ساخت و ساز متمایز شود.

جدول ۱۴-۱: نسخه خلاصه شده قسمت تولید در جدول عرضه

	تولید بازاری	تولید برای استفاده نهائی خود	تولید غیر بازاری	جمع
محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۷۸	۹	۰	۸۷
سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۱۹۵	۰	۰	۱۹۵
محصولات صنعتی (۴-۲)	۱ ۷۰۷	۷	۰	۱ ۷۱۴
ساختمان (۵)	۲۱۳	۳۱	۰	۲۴۴
بازرگانی، اقامتگاه، خوراک و آشامیدنی؛ خدمات حمل و نقل (۶)	۲۳۳	۰	۰	۲۳۳
خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۱۴۶	۰	۰	۱۴۶
خدمات مستغلات، خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۱۰۰	۹۵	۰	۱۹۵
خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۲۵۶	۰	۰	۲۵۶
خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۶۳	۰	۲۱۲	۲۷۵
سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۸۶	۵	۰	۹۱
اداره امور عمومی (۹۱)		۰	۱۶۸	۱۶۸
کل	۳ ۰۷۷	۱۴۷	۳۸۰	۳ ۶۰۴

۱۴-۳۳ به طور کلی، در راستای راهنمای ارائه شده در فصل‌های ۴ و ۵ درباره نحوه‌ی برخورد با فعالیت‌های فرعی، این فعالیت‌ها طوری عمل نمی‌شوند که محصولات آن‌ها در حساب‌ها به عنوان ستانده ثبت شوند. اما موارد استثنائی وجود دارد که یکی از آن‌ها هنگامی است که بعضی محصولات هم برای مصرف خود به عنوان فعالیت فرعی و هم برای عرضه به واحدهای دیگر استفاده می‌شوند. استثنای دیگر این است که واحد تولیدکننده‌ی محصولات فرعی هنگامی که شرایط ایجاب می‌کند، برای مثال به دلیل محل جغرافیائی که ممکن است منبع استخدامی مهمی باشد، به عنوان کارگاه متمایز منظور شود.

۱۴-۳۴ با یادآوری بحث مربوط به واحدها، قسمت تولید در ماتریسِ عرضه ماتریسی با سطرهای متناظر با گروه‌های محصولات و ستون‌هائی متناظر با گروه‌های واحدهای تولیدکننده است. اقلام ورودی این ماتریس، ارزش ستانده‌ی هریک از انواع محصولات را توسط هریک از گروه‌های واحدهای تولیدکننده نشان می‌دهد. هدف از ایجاد کارگاه‌ها این است که بنگاه‌هائی که به طور افقی و عمودی ادغام شده‌اند طوری افراز بندی شوند که هر سطر و ستون ماتریس بوسیله یک قلم ورودی با تنها چند قلم ورودی غیرصفر در جای دیگر که به طور معمول نسبتاً کوچک هستند، اشغال شده باشد. بحث بیشتری درباره این نوع افراز بندی بنگاه‌ها در فصل ۵ وجود دارد.

۱۴-۳۵ جدول ۱۴-۱ ستون‌های ۱۶، ۲۰، ۲۳ و ۲۴ از ماتریس عرضه را در جدول ۱۴-۱۲ نشان می‌دهد. در نسخه‌ی کامل این جدول روشن است که بیشترِ اقلام ورودی در ماتریسِ فرعیِ تولید بازاری صفر است. حتی در جدول خلاصه شده، این موضوع در مورد اقلام ورودی تولید برای استفاده نهائی خود و برای تولید غیربازاری قطعی است.

۴. واردات

طبقه بندی

۱۴-۳۶ به منظور اضافه کردن *واردات* به تولید داخلی برای رسیدن به عرضه کل، واردات باید برحسب محصولات به نحو سازگاری با طبقه بندی بکار رفته برای تولید داخلی، طبقه بندی شوند. این کار همیشه آسان نیست زیرا واردات (و صادرات) مطابق با *CPC* طبقه بندی نمی‌شوند بلکه براساس HS یا SITC طبقه بندی می‌شوند. پیدا کردن سطحی از تجمیع داده‌های بازرگانی خارجی که به اندازه کافی تفصیلی بوده و در عین حال با تولید داخلی نیز سازگار باشد می‌تواند عاملی باشد برای تعیین سطح تفصیلی که باید در جدول‌های عرضه و مصرف اتخاذ شود.

کالاها برای فرآوری

۱۴-۳۷ دیدگاه سنتی یک جدول داده- ستانده یا یک جدول عرضه و مصرف این بود که این جدول‌ها فرآیند فیزیکی یا فنیِ تولید

را به تصویر می‌کشند. هدف این بود که نشان داده شود کدام محصولات، و با کدام نسبت، ترکیب می‌شوند تا محصولات دیگر را بسازند. یکی از پیامدهای این دیدگاه، همراه با ایده‌ی کارگاه‌ها، این بود که اگر یک کارگاه از یک بنگاه مسئولیت ساخت فولاد و کارگاه دیگر مسئولیت ساخت محصولات فولادی را داشته باشد، این‌طور نشان داده می‌شد که فولاد از کارگاه اول به کارگاه دوم تحویل داده شده (یا "فروخته" شده) است. این به معنای آن بود که مشتری نهائی برای محصولات فولاد به طور کامل آن‌ها را از کارگاه دوم خریداری کرده است و حساب تولید ارزش فولاد نهاده‌های واسطه و فولاد ستانده هردو را نشان می‌داد. رهیافت مشابهی برای کالاهائی که برای فرآوری به خارج فرستاده می‌شود ولی بعداً به اقتصاد اولیه بازگردانده می‌شود اتخاذ می‌شد.

۱۴–۳۸ از نظر SNA، این رهیافت هنگامی که کالاها از واحد اول به واحد دوم تحویل داده می‌شود به احتساب تغییر در مالکیت می‌رسد. برای واردات و صادرات، بخصوص در حالتی که کالاها برای فرآوری به خارج ارسال می‌شوند این رویه نامناسب است زیرا برای اطمینان از سازگاری در SNA، باید تراکنش‌های مالی که رخ نداده‌اند احتساب شوند تا با تغییر احتساب شده در مالکیت کالاها جور شوند. در واقعیت، با توجه به این که واحد فرآوری کننده کالاها هیچگونه ریسکی در رابطه با بازاریابی احتمالی محصولات را نمی‌پذیرد؛ این ریسک به عهده مالک قانونی باقی می‌ماند. این فرآوری کننده هیچ نوع ریسکِ تغییرات غیرمنتظره‌ی قیمت هریک از اجزا یا محصول نهائی را هم نمی‌پذیرد (و منافعی هم از آن دریافت نمی‌کند). تنها ریسکی که فرآوری کننده می‌پذیرد محدود به انجام تعهدات قرارداد با شیوه‌ای مقرون به صرفه است. ارزش ستانده‌ی فرآوری کننده، حق‌الزحمه‌ی توافق شده برای فرآوری است. هر تغییر دیگری در ارزش کالاها و خدمات فرآوری شده، مثلاً در اثرِ منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن یا در اثرِ تحقیق و توسعه یا منافع دارائی‌های بازاریابی، به مالک قانونی محصول تعلق می‌گیرد. هنگامی که فرآوری در خارج انجام می‌شود، صادرات از کشور فرآوری کننده فقط شامل حق‌الزحمه‌ی فرآوری است.

۱۴–۳۹ با اهمیت روزافزون برون سپاری در اثرِ جهانی شدن بازارها، نسبت به آگاهی از این که بازده نیروی کار در کجا بوجود می‌آید و مازاد عملیاتی تا چه حد به فرآوری کننده و تا چه حد به واحدی که قرارداد فرآوری را منعقد می‌کند تعلق می‌گیرد علاقه زیادی بوجود آمده است.

۱۴–۴۰ الگوی نهاده‌ها برای کارگاه فرآوری کننده‌ی کالاها از طرف واحد دیگر، کاملاً متفاوت است با الگوی نهاده‌ها هنگامی که کارگاهی کالاهای مشابه را به حساب خود تولید می‌کند. مثال ساده‌ای را می‌توان با اشاره به نفت خام ارائه داد. واحد پالایش کننده نفت به حساب خود، مصرف واسطه‌ی نفت خام و ستانده‌ی محصولات نفتی تصفیه شده دارد؛ واحد فرآوری کننده از طرف واحدی دیگر تمامی نهاده‌های مشابه دیگر را دارد و از همان نوع سرمایه ثابت نیز استفاده می‌کند ولی نه نفت خام را در حساب تولید خود نشان می‌دهد و نه محصولات تصفیه شده را. برای مقدار مشابه نفت خام فرآوری شده، ارزش افزوده و نهاده‌های دیگر قابل مقایسه خواهند بود و هنگامی که فرآوری برای غیرمقیم‌ها انجام می‌شود، نفت خام در واردات منظور نخواهد شد و صادرات نیز محصولات تصفیه شده را در بر نخواهد داشت ولی حق‌الزحمه فرآوری در صادرات منظور خواهد شد. در نتیجه با این نحوه‌ی برخورد، تراز خارجی جاری تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت. اما وقتی فقط حق‌الزحمه فرآوری بجای ارزش کامل کالاهای فرآوری شده ثبت می‌شود حاصل این نوع ثبت، نسبتهای واردات و صادرات به GDP را تحت تأثیر قرار خواهد داد و تصویر واقع بینانه‌تری از این موضوع ارائه می‌دهد که چه میزان منابع مالی داخلی برای تأمین مالی واردات مورد نیاز است یا چه میزان منابع مالی از صادرات تأمین می‌شود.

۱۴–۴۱ پیامدهای مشابهی برای فرآوری توسط تولیدکنندگان داخلی بدست می‌آید. درباره این که آیا باید تحویل کالاها از یک کارگاه به کارگاه دیگر در همان بنگاه ثبت شود یا خیر در فصل ۶ بحث شده است.

۱۴–۴۲ اندازه‌گیری کالاهای فرآوری از طریق حق‌الزحمه فرآوری بجای ارزش کامل کالاهای فرآوری شده ماهیت ضرائب

نهاده- ستانده را تغییر می‌دهد. این ضرائب دیگر ساختار فنی یک فرآیند صنعتی (رشته فعالیتی) را نشان نمی‌دهد بلکه فرآیند اقتصادی را نشان می‌دهد. تغییرات در ضرائب فنی ممکن است ناشی از تغییرات در فناوری نباشد بلکه ناشی از تغییر نسبت نفت (در این حالت) فرآوری شده به حساب خود و فرآوری شده از طرف واحد دیگر باشد. بحث وسیعتری در نحوه‌ی برخورد با کالاهای فرآوری (و حالت مشابه ولی متفاوتِ کالاهای تجارت بین‌المللی) در فصل ۲۶ ارائه شده است ولی پیامدهای آن برای جدول‌های داده – ستانده بی‌نهایت مهم هستند و بسیاری از برداشت‌های سنتی را درباره این که جدول‌های داده- ستانده چه اطلاعاتی را می‌رسانند تغییر می‌دهد.

۱۴-۴۳ تفسیر ضرائب داده – ستانده به عنوان نشان دهنده ساختار فنی یک صنعت (رشته فعالیت)، نقش سایر عوامل نظیر این که آیا سرمایه ثابت کرایه‌ای است یا متعلق به خود بنگاه، اهمیت فعالیت‌های فرعی یا پیامدهای تراز آماری جدول‌ها را نادیده می‌گیرد. این عوامل هنوز نقش مهمی را در تعیین ضرائب داده – ستانده بازی می‌کنند ولی جائی که فرآوری گسترده‌ی کالاها توسط طرف سوم انجام می‌شود، تنها عامل بزرگ مؤثر در تغییر این ضرائب می‌تواند این موضوع باشد.

۵. ارزش‌گذاری

۱۴-۴۴ همان‌طور که در مقدمه توضیح داده شد، برای این که عرضه‌ی کل و مصرف کل تراز شوند، هردوی آن‌ها باید به یک شیوه ارزش‌گذاری شده باشند. معمول‌ترین شیوه برای رسیدن به این، ارتقای کل عرضه به قیمت‌های خریدار است و این رهیافتی است که در اینجا شرح داده شده است. با اینحال، شیوه دیگر نیز تنزل دادن کل مصرف به قیمت‌های پایه است که در بخش ت در بحث مربوط به تعدیل قیمت جدول‌های عرضه و مصرف به قیمت‌های سالی دیگر، مد نظر قرار گرفته شده است.

۱۴-۴۵ شروع مطلب با شرح مجدد تفاوت بین قیمت خریدار، قیمت تولیدکننده و قیمت پایه آن‌طور که در فصل ۶ توضیح داده شد و، به علت پیچیدگی VAT و مالیات‌های کسرشدنی مشابه، تشریح جزء به جزء تفاوت بین سه شیوه ارزش‌گذاری که در آن‌ها VAT ثبت می‌شود، مفید خواهد بود.

الف. VAT صورتحساب شده VAT پرداختنی روی فروش‌های تولیدکننده است؛ این VAT به طور جداگانه در صورتحسابی که تولیدکننده به خریدار ارائه می‌کند نشان داده می‌شود؛

ب. VAT کسر شدنی VAT پرداختنی بر خریدهای کالاها و خدمات در نظر گرفته شده برای مصرف واسطه، تشکیل سرمایه ثابت یا برای بازفروشی است که تولیدکننده مجاز به کسر آن از بدهی VAT خود به دولت در رابطه با VAT صورتحساب شده برای مشتریانش است؛

پ. VAT کسر نشدنی VAT پرداختنی توسط خریدار است که از بدهی VAT خود، اگر وجود داشته باشد، کسر شدنی نیست.

۱۴-۴۶ با در نظر گرفتن سه شیوه‌ی ثبت VAT، پایه‌های قیمت در SNA به شرح زیر بیان می‌شوند:

الف. قیمت خریدار مبلغ پرداخت شده توسط خریدار به منظور تحویل یک واحد از کالا یا خدمت در زمان و مکان مورد درخواست خریدار، با کنار گذاشتن هرگونه VAT یا مالیات مشابه کسرشدنی است. قیمت خریدار یک کالا هرگونه هزینه حمل و نقل پرداخت شده توسط خریدار برای تحویل در زمان و مکان مورد درخواست او را در بر می‌گیرد؛

ب. قیمت تولیدکننده مبلغ دریافتنی توسط تولیدکننده از خریدار برای یک واحد کالا و خدمت تولید شده به عنوان ستانده منهای هرگونه VAT، یا مالیات کسرشدنی مشابه، صورت حساب شده برای خریدار است. این قیمت هزینه‌های حمل و نقلی که به طور جداگانه توسط تولیدکننده صورتحساب شده باشد را در بر نمی‌گیرد؛

پ. قیمت پایه مبلغ دریافتنی توسط تولیدکننده از خریدار برای یک واحد کالا یا خدمت تولید شده به عنوان

ستانده منهای هرنوع مالیات پرداختنی، و بعلاوه هر نوع یارانه دریافتنی، بر آن واحد کالا یا خدمت به عنوان حاصل تولید یا فروش او است. این قیمت هرگونه هزینه‌های حمل و نقل صورتحساب شده توسط تولیدکننده به طور جداگانه را در بر نمی‌گیرد.

۱۴–۴۷ هنگامی‌که یک قلم کالا مستقیماً توسط تولیدکننده فروخته نمی‌شود بلکه بین یک یا چند عمده فروش یا خرده فروش دست به دست می‌گردد، لازم است حاشیه‌های توزیعی این عمده فروشان و خرده فروشان به هزینه تولید اضافه شود. یکی از گزینه‌ها این است که حاشیه‌های توزیعی به عنوان یکی دیگر از عناصر افزایش دهنده‌ی ارزش قیمت خریدار نسبت به قیمت تولیدکننده تلقی شود. گزینه دیگر این است که چنین تلقی شود که خریدار دو تراکنش کاملاً متفاوت انجام می‌دهد؛ یکی خرید قلم مورد نظر مستقیماً از تولیدکننده، دومی خرید حاشیه‌های توزیعی که درگیر هستند. در جدول عرضه و مصرف به قیمت‌های خریدار اولی پذیرفته می‌شود؛ در جدول عرضه و مصرف به قیمت‌های تولیدکننده دومی پذیرفته می‌شود.

۱۴–۴۸ هرکدام از گزینه‌ها که برای برخورد با حاشیه‌های بازرگانی انتخاب شود سه ارزش‌گذاری قیمت به صورت زیر مقایسه می‌شوند:

قیمت‌های خریدار

منهای حاشیه‌های توزیعی عمده فروشی و خرده فروشی (حاشیه‌های بازرگانی)،

منهای هزینه‌های صورت حساب شده به طور جداگانه (حاشیه بازرگانی)،

منهای VAT کسر نشدنی،

برابر است با قیمت‌های تولید کننده؛

منهای مالیات بر محصول حاصل از تولید به استثنای VAT درج شده در صورت حساب،

بعلاوه یارانه بر محصول حاصل از تولید،

برابر است با قیمت‌های پایه.

۱۴–۴۹ از اینرو سه عاملی که در تبدیل ارزش ستانده و وارات به قیمت‌های خریدار لازم است مد نظر قرار گیرد عبارتند از:

الف. حاشیه‌های بازرگانی

ب. حاشیه‌های حمل و نقل

پ. مالیات منهای یارانه بر محصول.

هریک از این‌ها به نوبت در زیر مورد بحث قرار می‌گیرند. حاشیه‌های بازرگانی به طور معمول از نظر اندازه قابل ملاحظه‌تر ولی ازنظر مفهوم سرراست‌تر از حاشیه‌های حمل و نقل هستند. حاشیه‌های حمل و نقل به دلیل شیوه‌های متفاوت گردآوری هزینه‌های حمل و نقل پیچیده‌تر هستند.

حاشیه‌های بازرگانی

۱۴–۵۰ حاشیه‌های بازرگانی ممکن است قابل ملاحظه باشند و می‌توانند تقریباً به تمامی کالاها اعمال شوند. هنگامی که جدول عرضه و مصرف به قیمت‌های خریدار تهیه می‌شود، لازم است حاشیه‌های توزیعی برای هریک از گروه محصولات به سطرها اضافه شود.

۱۴–۵۱ برای به‌حساب آوردن مصرف حاشیه‌های عمده فروشی و خرده فروشی، یک ستون تعدیل به قسمت عرضه جدول‌های عرضه و مصرف اضافه می‌شود. این ستون، افزوده به ارزش هریک از گروه‌های کالاهائی که حاشیه‌ها به آن‌ها اعمال می‌شوند با یک قلم ورودی منفی جبران کننده برای سطرهای مربوط به حاشیه‌ها را نشان می‌دهد. به طور معمول حاشیه‌های حمل و نقل نیز به همان نحو عمل می‌شوند. جدول ۱۴–۲ ستون تعدیل کننده (۲) از جدول کامل عرضه ۱۴–۱۲ را نشان می‌دهد.

۱۴–۵۲ حاشیه‌های بازرگانی معمولاً در داخل اقتصاد تولید می‌شوند ولی به هردوی تولید داخلی و واردات اعمال می‌شوند. از سوی

دیگر حاشیه‌های حمل و نقل، ممکن است توسط مقیم‌ها و غیرمقیم‌ها هردو فراهم شوند و ممکن است به مقیم‌ها و غیرمقیم‌ها هردو ارائه شوند. این جنبه حمل و نقل در پاراگراف‌های زیرین بحث شده است.

جدول ۱۴-۲: مثالی از اقلام ورودی برای تعدیل عرضه برای وارد کردن حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل

	حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل
محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۲
سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۲
محصولات صنعتی (۴-۲)	۷۴
ساختمان (۵)	۰
بازرگانی، اقامتگاه، خوراک و آشامیدنی؛ خدمات حمل و نقل (۶)	-۷۸
خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۰
خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۰
خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۰
خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۰
سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۰
اداره امور عمومی (۹۱)	۰
کل	۰

حاشیه‌های حمل و نقل

۱۴-۵۳ بهتر است نخست مورد هزینه‌های حمل و نقل داخلی بررسی شود و چگونگی منظور کردن آن‌ها در جدول‌های عرضه و مصرف قبل از چرخش به حاشیه‌های حمل و نقل بر واردات دیده شود.

هزینه‌های حمل و نقل داخلی

۱۴-۵۴ همان طور که در پاراگراف‌های ۶-۶۵ الی ۶-۶۶ توضیح داده شد، اگر تولیدکننده موافق باشد که محصولی را بدون هزینه مشخص به خریدار تحویل دهد، هزینه تحویل در قیمت پایه منظور شده است. فقط در صورتی که خریدار به طور مشخص برای حمل و نقل صورت حساب دریافت کند، حاشیه حمل و نقل مشخصی وجود دارد که قسمتی از قیمت خریدار است.

۱۴-۵۵ وضعیتی را در نظر بگیرید که واحد الف، محصولی را به واحد ب می‌فروشد. برای سادگی مطلب، فرض شده است که هردوی آن‌ها تولیدکنندگانِ دارای کارخانه‌هائی هستند که قدری باهم فاصله دارند. اگر ب محصول را از الف بردارد، قیمت دریافت شده ۲۰۰ است. هزینه‌ی حمل و نقل از کارخانه الف تا کارخانه ب ۱۰ است. الف و ب هردو وسیله‌ی حمل و نقلی دارند که می‌تواند محصول را از الف به ب منتقل کند یا هریک می‌توانند از شخص ثالثِ پ برای نقل و انتقال استفاده کنند. ده درصد مالیات (نه VAT) بر هردوی هزینه‌ی تولید و هزینه‌های حمل و نقل پرداختنی است. با استفاده از شیوه‌های مختلفِ انتقال محصول از الف تا ب، ارزش‌های متفاوتی از سه قیمت می‌تواند حاصل شود که در جدول ۱۴-۳ نشان داده شده است.

۱۴-۵۶ اقلام ورودیِ ماتریس مصرف برای هریک از این شش حالت کاملاً متفاوت خواهد بود، حتی اگر کل هزینه‌ی انتقال به واحد ب کاملاً مشابه باشد. فقط هنگامی که ب محصول را خودش جمع‌آوری می‌کند قیمت خریدار برای محصول بعلاوه حمل آن کمتر از ۲۳۱ است. در این حالت باید فرض شود که هزینه‌های داخلی جمع‌آوری، مانند قبل ۱۰ است، بنابراین فقط مالیات پرداختنی بر این هزینه‌ها یعنی ۱، کاهشی در کل هزینه‌ی تحویل محصول الف محسوب می‌شود، حتی اگر قیمت خریدار ۲۲۰ در مقایسه با ۲۳۱ برای سایر حالت‌های تحویل محصول باشد (زیرا واحد ب برای حمل محصول الف هزینه‌هائی معادل ۱۰ برای فعالیت فرعی حمل و نقل متقبل شده است، مترجم)

۱۴-۵۷ هنگامی که الف یا ب حمل و نقل را به عنوان یک فعالیت فرعی انجام می‌دهد، هزینه بنزین و سایر مواد مصرفی در مصرف واسطه و مزد راننده در جبران خدمات کارکنان منظور خواهد شد و مصرف سرمایه ثابت ثبت شده‌ای در رابطه با وسایل نقلیه استفاده شده وجود خواهد داشت.

۱۴-۵۸ این اقلام ورودی برای الف هنگامی نشان داده می‌شود که او فعالیت ثانوی انجام می‌دهد ولی هزینه فعالیت ثانوی به عنوان مصرف واسطه فعالیت اصلی الف نشان داده می‌شود.

۱۴-۵۹ هنگامی که واحد پ به عنوان کارگزار برای الف عمل می‌کند، اعم از این که الف برای خدمات پ مستقیماً از ب هزینه دریافت کند یا خیر، هزینه خدمات پ قسمتی از مصرف واسطه الف را تشکیل می‌دهد. هنگامی که پ مستقیماً توسط ب بکار گرفته شده باشد، در این‌صورت هزینه این خدمت قسمتی از مصرف واسطه ب خواهد بود.

۱۴-۶۰ منطق پشت این ثبت‌های متفاوت این است که لحظه تغییر مالکیت در سناریوهای مختلف متفاوت است. اگر الف توافق کند یا مجبور باشد برای ب حمل و نقل انجام دهد، حتی اگر در مقابل دریافت هزینه، در این‌صورت تغییر مالکیت هنگامی رخ می‌دهد که محصول به کارخانه ب تحویل داده شود. اگر ب توافق کند یا مجبور باشد ترتیب تحویل را خودش بدهد، در این‌صورت تغییر مالکیت هنگامی رخ می‌دهد که محصول کارخانه الف را ترک می‌کند.

هزینه‌های حمل و نقل بین‌المللی

۱۴-۶۱ برای تخصیص هزینه‌های حمل و نقل داخلی، به طور عادی اطلاعات آمارگیری گردآوری شده از کارگاه‌های داخلی در دسترس حسابداران ملی قرار می‌گیرد. در مثال بالا، اطلاعات در اصل از الف، ب و پ، در دسترس قرار می‌گیرد. برای محصولات تحویل داده شده به کارگاه‌ها در خارج، این حالت وجود ندارد. یا الف یا ب غیرمقیم هستند و احتمالاً پ هم همین‌طور. رایج‌ترین وضعیت این است که از اطلاعات حاصل از ثبت‌های اداری که توسط مقامات گمرکی تهیه می‌شوند استفاده شود. ولی بعضی محصولات بدون نظارت مستقیم گمرک و ثبت آن به گردش در می‌آیند. این وضعیت در مورد خدمات وجود دارد ولی خدمات به ندرت، اگر نگوئیم هرگز، هزینه‌های حمل و نقل همراه با تحویل دارند.

جدول ۱۴-۳: مثالی از تأثیر هزینه‌های حمل و نقل بر قیمت‌ها

روش تحویل	قیمت پایه	مالیات	قیمت تولیدکننده	حاشیه حمل و نقل بعلاوه مالیات بر حمل و نقل	قیمت خریدار	توضیح
الف قیمت با همه چیز از ب مطالبه می‌کند و از ناوگان خود استفاده می‌کند	۲۱۰	۲۱	۲۳۱		۲۳۱	حمل و نقل فعالیت فرعی الف است
الف هزینه حمل را از ب مطالبه می‌کند ولی از ناوگان خود استفاده می‌کند	۲۰۰	۲۰	۲۲۰	۱۱	۲۳۱	حمل و نقل فعالیت ثانوی الف است
الف قیمت با همه چیز از ب مطالبه می‌کند ولی از پ برای حمل استفاده می‌کند	۲۱۰	۲۱	۲۳۱		۲۳۱	تولید پ مصرف واسطه الف است
الف هزینه حمل را از ب مطالبه می‌کند ولی از پ برای حمل استفاده می‌کند	۲۰۰	۲۰	۲۲۰	۱۱	۲۳۱	تولید پ مصرف واسطه الف است
ب محصول را با استفاده از ناوگان خود از الف جمع آوری می‌کند	۲۰۰	۲۰	۲۲۰		۲۲۰	حمل و نقل فعالیت فرعی ب است
ب برای جمع آوری محصول از الف و حمل به ب از پ استفاده می‌کند	۲۰۰	۲۰	۲۲۰		۲۲۰	ب دو محصول می‌خرد؛ یک از الف به ۲۲۰ و
	۱۰	۱	۱۱		۱۱	یکی از پ به ۱۱

۱۴-۶۲ موارد زیر مثال‌هائی از کالاهائی هستند که ممکن است در آمارهای گمرک پوشش داده نشده باشند:

الف. کالاهای به گردش درآمده در داخل یک منطقه گمرکیِ واحد که در محدوده چندین اقتصاد گسترده است؛

ب. کالاهای تحویل داده شده به کارگاه‌های فراساحلی نظیر سکوهای نفتی؛

پ. برخی از کالاها، نظیر الماس و سایر کالاهای گرانبها، با ارزش بالا ولی حجم کم، که می‌توانند توسط افراد حمل شود؛

ت. کشتی‌ها و هواپیماهائی که هرچند از نظر فیزیکی به سختی قابل پنهان کردن هستند، ممکن است تشخیص آن‌ها از وسایل نقلیه‌ی متعلق به اقتصادهای دیگر مشکل باشد و فقط از میان اقتصاد داخلی عبور می‌کند.

بنابراین بهتر است محصولات پوشش داده نشده در مدارک گمرکی جدا از سایر محصولات معامله شده‌ی بین‌المللی بررسی شوند. همچنین حمل و نقل مربوط به کالاهای تجارت بین‌المللی و کالاهای فرستاده شده به خارج برای فرآوری نیز باید مورد بررسی جداگانه قرار گیرند.

محصولات منظور نشده در مدارک گمرک‌ها

۱۴-۶۳ در صورت عدم وجود مدارک گمرکی، اطلاعات مورد نیاز باید از آمارگیری‌ها و منابع دیگر بدست آید و معمولاً به قیمت‌هائی که تراکنش‌ها در آن عملاً رخ می‌دهند، ثبت می‌گردند. تحلیل فوق برای کالاهائی که در محدوده اقتصاد داخلی حمل می‌شوند با احتمال زیاد به حمل و نقل بین‌المللی نیز اعمال می‌شود. هنگامی که عرضه کننده (صادرکننده) تعهد می‌کند کالاها را به وارد کننده تحویل دهد، ارزش این کالاها هزینه‌های حمل و نقل را در بر خواهد داشت. هنگامی که (وارد کننده) مسئولیت حمل و نقل را دارد، ارزش کالاها هزینه‌های حمل و نقل را در بر ندارد و این هزینه‌ها به عنوان خرید جدا مشخص می‌شوند. هرکدام از واحدها که مسئولیت حمل و نقل را داشته باشند، ارزش کالاها برای هردوی صادرکنندگان و وارد کنندگان برابر است. این یک وجه تمایز مهم با ارزش‌گذاری بکار برده شده برای آمارهای تجارت بین‌المللی گمرکات است که در بخش بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱۴-۶۴ با پی گرفتن مثال بخش قبل، اگر الف و ب در اقتصادهای متفاوت مقیم باشند، هرگاه الف مسئولیت تحویل به ب را بپذیرد، ارزش صادرات از الف (و ارزش منتاظر واردات به ب) عنصر حمل و نقل را در بر دارد. اگر ب مسئولیت حمل از الف را داشته باشد، در اینصورت ارزش صادرات از الف و ارزش واردات به ب هیچکدام ارزش حمل و نقل را در بر ندارند.

۱۴-۶۵ اگر برای انجام حمل و نقل از شخص ثالثِ پ استفاده شود، اقامت پ در تعیین ارزش کل واردات و صادرات مهم است. اگر پ با الف هم اقامت باشد و خدمات حمل و نقل را برای الف ارائه دهد، این حمل و نقل داخلی در داخل اقتصاد الف است. ولی، ارزش صادرات کالاها از الف این واقعیت را منعکس خواهد ساخت که باید هزینه خدمات خریداری شده از پ را پوشش دهد. اگر پ با الف هم اقامت باشد ولی برای حمل کالا از الف به ب خدمات را به ب ارائه دهد، در این‌صورت، پ همچنین برای ب صادارات فراهم می‌کند ولی این‌ها به عنوان صادرات خدمات حمل و نقل و نه صادرات کالاها نشان داده می‌شوند

۱۴-۶۶ اگر پ با ب هم اقامت باشد و برای حمل کالاها به ب با الف قرارداد بسته باشد، واردات خدمات حمل و نقل از اقتصاد ب به اقتصاد الف وجود دارد که سپس در ارزش صادرات از الف تا ب منظور می‌شود. اگر پ برای حمل کالاها با ب قرارداد بسته باشد، این یک تراکنش داخلی برای اقتصاد ب محسوب می‌شود حتی اگر پ در سرزمین اقتصاد خارجی برای جمع‌آوری و انتقال کالاها اقدام کند.

۱۴-۶۷ اگر پ در اقتصادی غیر از اقتصاد الف و ب مقیم باشد، در این‌صورت خدمات ارائه شده به الف، صادرات خدمات از اقتصاد پ به اقتصاد الف را تشکیل می‌دهد و ارزش کالاهای صادر شده از الف به ب به اندازه‌ای خواهد بود که این هزینه واردات حمل و نقل را پوشش دهد درست مانند حالت قبل که

هزینه تراکنش داخلی حمل و نقل را پوشش می‌داد. اگر پ با ب برای انتقال کالاها قرارداد بسته باشد، این هزینه به عنوان صادرات خدمات از اقتصاد پ به اقتصاد ب نشان داده می‌شود.

۱۴–۶۸ همانند حالت داخلی، پاسخ سؤال این که آیا ارزش کالاها هزینه حمل و نقل را پوشش می‌دهد یا خیر بستگی به این دارد که صادرکننده مسؤل حمل و نقل باشد یا واردکننده. در اینجا هم این معادل است با این که آیا تغییر مالکیت بعد از حمل و نقل از الف به ب انجام می‌شود یا قبل از آن.

محصولات پوشش داده شده در مدارک گمرک‌ها

۱۴–۶۹ در بیشتر کشورها، اکثر اطلاعات مربوط به واردات و صادرات از اظهارنامه‌های گمرکی بدست می‌آید. این اظهارنامه‌ها برای مقاصد اداری مانند وضع حقوق گمرکی واردات و صادرات تهیه می‌شوند، بنابراین لزوماً برای استفاده در حساب‌های ملی یا تراز پرداخت‌ها ایده‌آل نیستند ولی به دلیل دسترسی عمومی و ثبات ارزش‌گذاری آن‌ها در این زمینه استفاده می‌شوند.

۱۴–۷۰ در اظهارنامه‌های گمرکی، واردات معمولاً به سیف (یعنی، شامل قیمت کالا، بیمه و هزینه‌ی حمل) در نقطه ورودی به اقتصاد واردکننده ارزش‌گذاری می‌شوند. این ارزش‌گذاری صرف نظر از این که هریک از عناصر سیف توسط بنگاه‌های داخلی فراهم شود، استاندارد است زیرا حقوق گمرکی واردات به طور معمول روی ارزش‌گذاری سیف وضع می‌شود. این ارزش همچنین هزینه‌ی حمل و نقل از مرز اقتصاد وارد کننده به محل کسب و کار وارد کننده را در بر نمی‌گیرد. این حمل و نقل نیز ممکن است توسط یک شرکت حمل و نقل مقیم یا غیرمقیم فراهم شود. صادرات به فوب (تحویل روی کشتی) در نقطه خروج از اقتصاد صادرکننده ارزش‌گذاری می‌شود. این ارزش، هزینه‌ی حمل از محل کسب و کار صادر کننده به مرز اقتصاد صادرکننده را در بر می‌گیرد. اصول ارزش‌گذاری سیف/فوب ناشی از وضعیت رایجی است که کالاها بوسیله کشتی از یک کشور به کشور دیگر حمل می‌شوند و این که فرض شود حمل به (و از) کشتی توسط شرکت حمل و نقل مقیم در کشور مربوطه انجام می‌شود، فرض غیرمنطقی نیست. این فرض در اصل می‌تواند برای کالاهای حمل شده از طریق دریا و هوا در نظر گرفته شود. اما برای کالاهای حمل شده از طریق زمین که کالاها با یک وسیله نقلیه واحد از صادرکننده بدون توقف در مرزهای ملی به واردکننده حمل می‌شوند، رضایت‌بخشی بسیار کمتری دارد.

۱۴–۷۱ همان‌طور که قبلاً اشاره شد، اگر صادرکننده قرارداد حمل و نقل را بسته باشد (ملیت شرکت حمل و نقل هرچه که باشد)، صحیح این است که هزینه حمل و نقل در ارزش کالای وارد شده منظور شود، هرچند توصیف این به عنوان سیف در چارچوب SNA یاری دهنده نیست زیرا این جزء قانونی از هزینه کالای وارد شده را تشکیل می‌دهد و نباید به عنوان واردات جداگانه خدمات حمل و نقل دیده شود. پیمانکار حمل و نقل، این خدمات را به صادرکننده ارائه می‌دهد و اگر پیمانکار با صادر کننده هم اقامت نباشد این‌ها به عنوان واردات خدمات به اقتصاد صادر کننده دیده می‌شوند.

۱۴–۷۲ اگر قرارداد حمل و نقل را واردکننده منعقد کند و شرکت حمل و نقل با وارد کننده هم اقامت نباشد، واردات خدمات صورت می‌گیرد و، در حالت ایده‌آل، برای SNA لازم است ارزش سیف به دو جزء، ارزش کالا و ارزش خدمات حمل و نقل، تفکیک شود. اگر واردکننده، خدمات حمل کالا را خودش انجام دهد یا با یک واحد مقیم در همان اقتصاد قرارداد ببندد، در حقیقت واردات خدمات وجود نخواهد داشت حتی اگر این حالت وقتی که واردات کالاها به سیف ثبت می‌شوند، رخ دهد. برای خنثی کردن آن، باید یک صادرات ساختگی برای خدمات با همان مبلغ نشان داده شود تا تراز کالاها و خدمات جاری به درستی صورت گیرد.

حمل و نقل کالاهای تجارت بین‌المللی

۱۴–۷۳ تجارت بین‌المللی فرآیندی است که طی آن واحدی در اقتصاد X کالاهائی را از اقتصاد Y خریداری می‌کند تا آن‌ها را در اقتصاد Z بفروشد. مالکیت کالاها به طور قانونی عوض می‌شود ولی کالاها به طور فیزیکی وارد اقتصادی که مالک مقیم است نمی‌شوند. طبق قرارداد، تحصیل کالاها به قصد بازفروشی به صورت صادرات منفی نشان داده می‌شود. هنگامی که کالاها فروخته می‌شوند، به صورت صادرات

(مثبت) نشان داده می‌شوند. هنگامی که تحصیل و فروش در یک دوره صورت می‌گیرد، اختلاف آن‌ها به عنوان افزوده بر صادرات نشان داده می‌شود. اگر در یک دوره حسابداری فقط تحصیل صورت گیرد، صادرات منفی با افزایش در موجودی انبار برای بازفروشی جبران می‌شود، حتی اگر آن‌کالاها در خارج نگه داری شوند. در دوره‌ی بعدی هنگامی که کالاها فروخته می‌شوند، صادرات ثبت شده برای فروش آن‌ها با یک برداشت از موجودی انبار جبران می‌شوند. به‌طور عادی، برداشت‌ها براساس هزینه کالاها در تاریخ برداشت ارزش-گذاری می‌شوند، هرگونه تغییر در ارزش در اثرِ تغییرات در قیمت کالاها به عنوان منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن نشان داده می‌شود.

۱۴-۷۴ خدمات ارائه شده برای حمل کالاها از Y به Z می‌تواند با هریک از واحدهای پولی در X، Y و Z پرداخت شود و باید به طور سازگار با اصول مشخص شده در بالا ثبت شوند. (برای اطلاعات بیشتر در مورد تجارت بین‌المللی، به فصل ۲۶ مراجعه فرمائید).

جدول ۱۴-۴: مثالی از اقلام ورودی واردات در جدول عرضه با تعدیل کلی سیف به فوب

	تعدیل سیف به فوب	کالاها	خدمات
محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)		۳۷	
سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)		۶۱	
محصولات صنعتی (۴-۲)		۲۸۴	
ساختمان (۵)			
بازرگانی، اقامتگاه، خوراک و آشامیدنی؛ خدمات حمل و نقل (۶)	۶-		۶۲
خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۴-		۱۷
خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)			
خدمات کسب و کار و تولید (۸)			۵
خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)			
سایر خدمات (۹۹-۹۴)			
اداره امور عمومی (۹۱)			
تعدیل سیف به فوب	۱۰	۱۰-	
خریدهای مقیم‌ها از خارج		۲۰	۲۳
کل	۰	۳۹۲	۱۰۷

حمل و نقل کالاهای ارسال شده به خارج برای فرآوری

۱۴-۷۵ کالاهای ارسال شده از اقتصاد X به اقتصاد Y برای فرآوری بدون تغییر مالکیت آن‌ها که بعد از آن به اقتصاد X برگردانده می‌شوند، نه به عنوان صادرات کالاها از اقتصاد X به اقتصاد Y و نه در پیِ آن به عنوان صادرات کالاها از Y به X نشان داده می‌شوند. همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، فقط حق‌الزحمه فرآوری به عنوان صادرات خدمات از Y به X نشان داده می‌شود ولی، هزینه‌هائی برای حمل و نقل کالا در هردو سفر از X به Y و سپس سفر برگشت از Y به X وجود دارند. خودِ هزینه‌های این سفرها، به غیر از ارزش کالاها باید به عنوان خدمات حمل و نقل نشان داده شوند. اگر X چه در سفر به خارج و چه در سفر به داخل مسئول حمل و نقل است، این هزینه‌ها واردات به اقتصاد X است مگر این که توسط X یا واحدی که با X هم اقامت است انجام شده باشد. اگر Y مسئولیت حمل و نقل را داشته باشد، هزینه‌ی آن به عنوان واردات به Y است مگر این که توسط Y یا واحد دیگری که با Y هم اقامت است انجام شود. هنگامی که Y مسئول هزینه‌های حمل و نقل (در هریک از سفرها یا در هردو سفر) است، هزینه‌ها با حق‌الزحمه توافق شده فرآوری پوشش داده خواهند شد و از اینرو در ارزش صادرات خدمات از Y به X لحاظ خواهند شد.

ثبت حاشیه‌های حمل و نقل در جدول‌های عرضه و مصرف

۱۴-۷۶ در جدول‌های عرضه و مصرف، یا باید عرضه تعدیل شود تا به قیمت‌های خریدار تبدیل شود یا مصرف تعدیل شود تا به قیمت‌های پایه تبدیل شود زیرا هردو طرف تراز باید به قیمت‌های یکسان بیان شوند. رسم این است که جدول مصرف، حداقل در ابتدا، به قیمت‌های خریدار تهیه شود. همان‌طور که در جدول ۱۴-۳ نشان داده شد، به هر صورتی که کالا از فروشنده به خریدار حمل شده باشد این ارزش اغلب یکسان خواهد بود. تنها استثناء زمانی است که خریدار کالا را با استفاده از منابع خود حمل کرده باشد. روشی که خدمات حمل و نقل در جدول مصرف نشان داده می‌شوند، کاملاً بستگی به این دارد که این خدمات چگونه (با استفاده از

منابع خود یا یک پیمانکار ثالث) و به چه کسی (خریدار یا فروشنده) ارائه می‌شود. اشکال مختلف ثبت در شرایط متفاوت در جدول ۱۴–۳ نشان داده شده است.

۱۴–۷۷ واردات کالاها در جدول عرضه باید به قیمت‌های پایه با مالیات و حاشیه‌های افزوده شده بعد از آن ثبت شود. ارزش‌گذاری مناسب بین‌المللی برای واردات کالاها به قیمت‌های پایه وجود ندارد. لازم است به توصیه‌های زیر اشاره شود:

الف. اگر داده‌ها از منابعی غیر از مدارک گمرکی بدست آمده باشد، باید فرض شود که از قیمت‌های تراکنش واقعی استفاده شده است و لازم است مشخص شود که خدمات حمل و نقل به طور جداگانه صورت‌حساب شده است یا خیر. اگر این‌طور باشد، ارزش حمل و نقل در قیمت پایه لحاظ نمی‌شود؛ اگر چنین نباشد، قیمت پایه‌ی ارزش کالاها هزینه‌های حمل و نقل را در بر دارد. قیمت خریدار با قیمت پایه فقط به دلیل مالیات‌های پرداختنی توسط خریدار متفاوت خواهد بود.

ب. اگر داده‌ها از مدارک گمرک بدست آمده باشند و اگر صادرکننده‌ی کالاها مسئول تأمین هزینه‌های حمل و نقل باشد، ارزش کالاها به قیمت‌های پایه باید هزینه‌های حمل و نقل را در بر داشته باشد. در این حالت ارزش‌گذاری سیف، تقریبی برای قیمت پایه خواهد بود (مگر این که حمل کننده‌ی داخلی مسئولیت حمل از مرز کشور واردکننده را بعهده بگیرد). قیمت خریدار با قیمت پایه فقط به دلیل مالیات و یارانه پرداختنی توسط خریدار متفاوت خواهد بود.

پ. اگر داده‌ها از مدارک گمرک بدست آمده باشد و وارد کننده کالاها مسئولیت تأمین هزینه‌های حمل و نقل را داشته باشد، ارزش کالاها به قیمت‌های پایه نباید هزینه‌های حمل و نقل را در بر داشته باشد. در این حالت ارزش‌گذاری فوب قیمت پایه را تقریب خواهد زد (زیرا ارزش حمل و نقل از محل اولیه تا مرز کشور صادرکننده در ارزش‌گذاری فوب وجود دارد). قیمت خریدار با قیمت پایه فقط به دلیل هزینه‌های حمل و نقل متقبل شده بعلاوه مالیات‌ها و یارانه‌های پرداختنی توسط خریدار متفاوت خواهد بود.

ت. ممکن است از اظهارنامه‌های گمرک نتوان تعیین کرد که کدام یک از واحدها مسئولیت هزینه‌های حمل و نقل را به‌عهده دارند، حتی هنگامی که لازم است و از نظر مفهومی هم باید هزینه‌های حمل و نقل از ارزش خودِ کالاها جدا شود، ممکن است اطلاعات و منابعی وجود نداشته باشد که جدا سازی در عمل انجام پذیرد. در این حالت ممکن است ارزش سیف واردات تنها منبع اطلاعات تفکیک شده برحسب نوع کالا باشد. اگر ارقام تفکیک شده سیف برای واردات کالاها استفاده شود، آن قسمت از هزینه‌های حمل ونقل و بیمه‌ای که در واردات خدمات موجود است دوباره شماری خواهد شد. بنابراین برای اجتناب از این امر، درجدول عرضه یک ستون تعدیل قرار داده می‌شود. ستون تعدیل از کسر مبلغی از اقلام خدمات حمل و نقل و بیمه برابر با تعدیل سیف به فوب برای این اقلام با یک تعدیل کلی ساخته شده برای واردات کالاها تشکیل یافته است. جدول ۱۴–۴ مثالی از این تعدیل را نشان می‌دهد.

مالیات و یارانه بر محصول

۱۴–۷۸ مالیات و یارانه بر محصولی که به ارزش محصولات موجود در اقتصاد افزوده می‌شود دقیقاً همان است که در فصل ۷ تحت عنوان مالیات و یارانه بر محصول بیان شد. سایر مالیات‌ها بر تولید در اندازه ستانده به قیمت پایه ملحوظ است و سایر یارانه‌ها بر تولید در آن وجود ندارد بنابراین در تعدیل مربوط به مالیات‌هائی که بین ارزش‌هایِ قیمت‌های پایه و قیمت‌های خریدار دخالت دارند این‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند.

۱۴–۷۹ مالیات‌هایِ نوعِ ارزش‌افزوده در SNA، شامل VAT واقعی و مالیات‌هائی هستند که بتوان آن‌ها را به شیوه‌ای مشابه با VAT کسر کرد. SNA توصیه می‌کند که ستانده، حتی به قیمت‌های تولید کننده، بدون VAT درج شده در صورت

حساب توسط تولیدکننده ارزش‌گذاری شود؛ واردات نیز بدون VAT درج شده در صورت حساب ارزش‌گذاری می‌شود. برای مصارف واسطه و نهائی، خرید کالاها و خدمات تنها با در نظر گرفتن VAT کسر نشدنی ثبت می‌شوند.

۱۴–۸۰ موارد کلی که در آن‌ها VAT معمولاً کسر شدنی، کسر نشدنی، یا اصلاً اعمال شدنی نیست به شرح زیر هستند:

VAT کسر شدنی:

- اکثرِ مصارف واسطه
- اکثرِ تشکیل سرمایه ثابت
- قسمتی از تغییرات موجودی انبار.

VAT کسر نشدنی:

- اکثرِ مخارج مصرف نهائی
- قسمتی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
- قسمتی از تغییرات موجودی انبار
- قسمتی از مصارف واسطه.

VAT اعمال نشدنی:

- صادرات
- هر کالا و خدمتی که مشمول نرخ صفر VAT باشد صرف نظر از مصرف آن
- هر تولیدکننده‌ای که از ثبت VAT معاف باشد (کسب و کارهای کوچک یا مشابه آن‌ها).

۱۴–۸۱ هنگامی که ستانده به قیمت‌های پایه است، ستون مالیات‌ها حاوی کل VAT کسرنشدنی بر محصول، مالیات‌ها و حقوق گمرکی بر واردات بجز VAT، مالیات بر واردات و صادرات است. هنگامی که ستانده به قیمت‌های تولیدکننده است، ستون مالیات‌ها فقط شامل مالیات‌ها و حقوق گمرکی بر واردات (بجز VAT)، بعلاوه کل VAT کسر نشدنی بر آن محصولات است.

۱۴–۸۲ یارانه‌ها طوری ثبت می‌شوند که گوئی مالیات منفی بر محصول یا مالیات منفی بر تولید هستند. فقط یارانه بر محصول (اگر وجود داشته باشد) در ستون تعدیل مالیات برای ارزش‌گذاری عرضه وارد می‌شود؛ این‌ها با علامت منفی ثبت می‌شوند تا نشان دهند که ارزش قیمت خریدار را بجای افزایش، کاهش می‌دهند.

۱۴–۸۳ جدول ۱۴–۵ ستون‌های ۳ و ۴ از ماتریس کامل عرضه در جدول ۱۴–۱۲ را نشان می‌دهدکه مالیات‌ها و یارانه‌ها بر محصول در آن تعدیل شده‌اند.

جدول ۱۴–۵: مثالی از اقلام ورودی برای تعدیل عرضه به منظور پوشش دادن مالیات منهای یارانه بر محصول

	مالیات بر محصول	یارانه بر محصول
محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۵	-۳
سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۵	
محصولات صنعتی (۴–۲)	۹۴	-۵
ساختمان (۵)	۱۷	
بازرگانی، اقامتگاه، خوراک و آشامیدنی؛ خدمات حمل و نقل (۶)	۵	
خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳–۷۲)	۰	
خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳–۷۲)	۰	
خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۱۱	
خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳–۹۲)	۰	
سایر خدمات (۹۹–۹۴)	۴	
اداره امور عمومی (۹۱)	۰	
کل	۱۴۱	-۸

پ. جدول مصرف

۱۴–۸۴ جدول مصرف را می‌توان به صورت یک جدول مستطیلی شکل با چهار ربع مشاهده کرد که دو ربع آن در قسمت بالا و دو ربع دیگر در قسمت پائین است. ربع بالا سمت راست (در برگردان فارسی جدول‌ها راست چین شده‌اند، مترجم) از یک ماتریس فرعی تشکیل شده است که مصرف محصولات مختلف را توسط گروه‌های مختلف واحدهای تولیدکننده نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در این ربع، مصرف واسطه‌ی تفکیک شده برحسب محصول در سطرها و برحسب صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) در ستون‌ها نشان داده می‌شود. ربع سمت چپ از سه ماتریس فرعی تشکیل شده است که یک ماتریس فرعی مصرف محصولات مختلف را توسط مصرف کنندگان نهائی نشان می‌دهد، یک ماتریس فرعی برای صادرات و یک ماتریس فرعی نیز برای نشان دادن مصرف محصولات مختلف برای تشکیل سرمایه در نظر گرفته شده است. این سه ماتریس فرعی باهم تقاضای نهائی را نشان می‌دهند. ربع سمت راست پائین حاوی اطلاعاتی درباره ارزش افزوده‌ی تجزیه شده برای نشان دادن عناصر حساب ایجاد درآمد، یعنی جبران خدمات کارکنان، مازاد عملیاتی ناخالص یا درآمد مختلط و مالیات منهای یارانه بر محصول است. هریک از این پنج ماتریس فرعی در زیر توضیح داده شده است. ربع سمت چپ پائین خالی است.

۱۴–۸۵ قسمت بالای ماتریس مصرف (ربع مصرف واسطه و ربع تقاضای نهائی) می‌تواند به قیمت‌های خریدار یا به قیمت‌های پایه ارزش‌گذاری شود. در این بخش ماتریس‌های فرعی به قیمت‌های خریدار مورد بحث قرار می‌گیرند. ارزش‌گذاری جایگزین به قیمت‌های پایه در بخش ت همراه با ملاحظاتی درباره‌ی جدول مصرف برحسب حجم مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱۴–۸۶ ربع‌های سمت راست (ربع‌های مصرف واسطه و ارزش افزوده) را باهم می توان به صورت مجموعه‌ای از ستون‌ها مشاهده کرد که هر ستون به یک گروه از واحدهای تولیدی مربوط است، این ستون‌ها حاوی اطلاعات مربوط به حساب‌های تولید و ایجاد درآمد بعلاوه سایر اطلاعاتی هستند که می‌توان آن‌ها را به گروه‌های واحدهای تولیدکننده در سطحی جزئی‌تر از گروه‌های بنگاه‌ها منتسب کرد. سایر اطلاعات اغلب شامل تشکیل سرمایه و تعداد کارکنان برای هر گروه از واحدهای تولیدکننده است. این جنبه‌ها نیز در بخش ت مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱. مصرف محصولات توسط واحدهای تولیدکننده

۱۴–۸۷ ماتریس فرعی که مصرف محصولات مشخص توسط هریک از انواع واحدهای تولیدی را نشان می‌دهد (ربع سمت راستِ بالای جدول) مدت زمانی است که به عنوان یکی از جالب‌ترین جنبه‌های جدول‌های عرضه و مصرف و جدول‌های داده- ستانده مورد توجه قرار گرفته است. این ماتریس تصویری ارائه می‌دهد که در آن چگونگی تبدیل محصولات به محصولات پیچیده‌تر چه برای فرآوری بیشتر، چه برای فروش به مصرف کنندگان نهائی و چه به عنوان صادرات، نشان داده می‌شود. برخلافِ جدول عرضه یا ماتریس ساخت، که این نیز محصولات را برحسب واحدهای تولید کننده نشان می‌هد، ماتریس فرعیِ جدول مصرف (که گاهی اوقات ماتریس جذب خوانده می‌شود) بجای اقلام ورودی پراکنده دارای اقلام متراکم‌تری است. الگوهای نهاده‌های محصولات یکسان برای تولیدکنندگان بازاری، تولید کنندگان برای استفاده نهائی خود و تولید کنندگان غیربازاری به احتمال زیاد یک شباهت قوی به یکدیگر دارند ولی اختلاف‌ها این بینش را بوجود می‌آورند که چگونه ویژگی‌های سه نوع تولید متفاوت هستند.

۱۴–۸۸ تعریف مصرف واسطه و حد و مرزهای پرداخت‌ها برای استفاده از کار و سرمایه کاملاً همان است که در فصل ۶ توضیح داده شد.

۱۴–۸۹ تهیه ماتریس فرعی معمولاً از اطلاعات ارائه شده توسط کارگاه‌ها درباره مصرف واسطه آن‌ها شروع می‌شود. این اطلاعات می‌توانند بجای نوع کالا بر حسب هدفی که در خدمت آن هستند طبقه‌بندی شوند. طبقه‌بندی خرج‌های تولیدکنندگان براساس هدف (COPP) از شش عنوان تشکیل

شده است که به مصرف واسطه کارگاه‌ها اعمال می‌شود و تنها یکی از آن‌ها به تکنیک‌های تولید جاری مربوط است. پنج تای دیگر مقوله‌های کلی‌تر نظیر خرج‌های بازاریابی و توسعه منابع انسانی را که در اکثر کارگاه‌ها مشترک هستند پوشش می‌دهند. استفاده از این تفصیل به شکل حساب اقماری در فصل ۲۹ بحث شده است.

۹۰-۱۴ وقتی این‌ها تمام اطلاعاتی است که در دسترس تهیه کننده قرار دارد، او باید تصمیم بگیرد که در هر عنوان با پذیرفتن تنوع بین انواع مختلف واحدهای تولید کننده، چه نوع محصولاتی باید پوشش داده شود.

۹۱-۱۴ یادآوری تفسیر داده‌ها در این ماتریس فرعی مهم است. جمع کل هر یک از سطرها نشان می‌دهد که چقدر از یک محصول مشخص توسط تمامی واحدهای تولیدکننده به عنوان مصرف واسطه استفاده شده است. جمع یک ستون، کل تمامی انواع محصولات استفاده شده به عنوان نهاده‌های مصرف واسطه توسط یک نوع واحد تولید کننده را نشان می‌دهد. مطلقاً هیچ دلیلی وجود ندارد که اندازه نسبی این دو قلم ورودی به شیوه‌ای متقارن به هم مربوط باشند ولی اشتباه گرفتن یک مفهوم به‌جای دیگری خطای رایجی است که معمولاً استفاده کننده‌ای که با ماهیت یک جدول عرضه و مصرف آشنائی زیادی ندارد دچار آن می‌شود.

۹۲-۱۴ جدول ۱۴-۶ ستون‌های ۱۶، ۲۰، ۲۳ و ۲۴ از ماتریس مصرف را نشان می‌دهد که مصرف واسطه‌ی هریک از انواع تولید را در بر می‌گیرد. این جدول برعکسِ جدول ۱۴-۱ است که همان ستون‌ها را برای قسمت عرضه جدول ۱۴-۱۲ نشان می‌دهد. برخلافِ جدول ۱۴-۱ که نشان می‌دهد اکثرِ محصولات ساخته شده توسط تولیدکنندگان بازاری در صنعتِ ساخت تولید می‌شوند، جدول ۱۴-۶ نشان می‌دهد که هر سه نوع تولیدکننده از محصولات ساخته شده مصرف می‌کنند و این که تقریباً نصف محصولاتِ ساخته شده فقط در صنعتِ ساخت استفاده می‌شوند. با وجود این که نسبت بیان شده مربوط به این مثال است این پدیده اغلب به‌طور کلی مشاهده می‌شود.

جدول ۱۴-۶: نسخه خلاصه شده قسمت مصرف واسطه جدول مصرف

	تولید بازاری	تولید برای استفاده نهائی خود	تولید غیر بازاری	جمع
محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۸۲	۱	۵	۸۸
سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۲۰۸	۰	۹	۲۱۷
محصولات صنعتی (۴-۲)	۸۷۸	۳۲	۸۰	۹۹۰
ساختمان (۵)	۲۲	۰	۱۸	۴۰
بازرگانی، اقامتگاه، خوراک و آشامیدنی؛ خدمات حمل و نقل (۶)	۱۱۰	۰	۹	۱۱۹
خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۷۶	۵	۲۳	۱۰۴
خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۳۹	۰	۱۸	۵۷
خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۱۷۱	۱۲	۳۹	۲۲۲
خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۲	۰	۳۲	۳۴
سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۶	۰	۴	۱۰
اداره امور عمومی (۹۱)	۰	۰	۲	۲
کل	۱ ۵۹۴	۵۰	۲۳۹	۱ ۸۸۳

۲. استفاده از محصولات برای مصرف نهائی

۹۳-۱۴ همان‌طور که در فصل ۹ توضیح داده شد، سه نوع واحد نهادی وجود دارند که مصرف نهائی انجام می‌دهند؛ خانوارها، NPISHها و دولت. نحوه‌ی تهیه‌ی ماتریس فرعیِ جدول مصرف که استفاده از محصولات را برای مصرف نهائی نشان می‌دهد برای هریک از سه نوع مصرف کننده مشابه است ولی هریک از آن‌ها بر طبقه بندی‌های متفاوت بنا نهاده می‌شود.

۹۴-۱۴ اطلاعات مربوط به مصرفِ خانوارها معمولاً از آمارگیری‌های خانوار بدست می‌آید. در این آمارگیری‌ها مخارج خانوار طبق طبقه بندیِ مصرف فردی براساس هدف (COICOP) طبقه بندی می‌شوند. (COICOP) مخارج خانوار را در ده رده‌ی عمده، نظیر خوراک، پوشاک و مسکن طبقه بندی می‌کند. این

طبقه‌بندی برای تحلیل‌هائی نظیر این که چقدر از مصرف خانوار صرفِ مخارج اساسی می‌شود مهم است و برای ایجاد وزن‌ها برای شاخص مصرف کننده نیز اساسی است ولی این یک چارچوب مناسب برای درج در جدول مصرف مناسب باشد. برای این منظور یک جدول تبدیل لازم است که نشان دهد کدام محصول برای مصرف خوراک خریداری می‌شود، کدام محصول برای مصرف پوشاک و غیره خریداری می‌شوند. لازم به ذکر است که آمارگیری‌های خانوار به طور عادی مخارج خانوارها در خارج، مثلاً در تعطیلات، را در بر می‌گیرد که باید در جدول عرضه و مصرف از تقاضا در اقتصاد داخلی جدا شود.

۱۴–۹۵ رهیافت مشابهی برای مخارج مصرف NPISHها بکار می‌رود ولی طبقه‌بندی اولیه برای آن طبقه‌بندی هدف‌های نهادهای غیرانتفاعی درخدمت خانوارها (COPNI) است. (COPNI) انواع مختلف NPISHهائی را که وجود دارند برحسب اهدافشان، مانند این که آیا تحقیق و توسعه و خدمات علمی انجام می‌دهند، به خدمات آموزشی اشتغال دارند یا انجمن‌های مذهبی هستند، طبقه‌بندی می‌کند. با آگاهی از این اطلاعات، این امکان بوجود می‌آید که مثلاً تعیین شود که آیا یک NPISH نهادی است که هزینه‌های آن عمدتاً محدود به هزینه‌های مربوط به اداره کردن یک تشکیلات است یا نهادی که هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای در رابطه با تحصیل کالاها و خدمات برای ارائه به خانوارها دارد.

۱۴–۹۶ برای مخارج مصرف دولت طبقه‌بندی اولیه طبقه‌بندی کارکردی دولت (COFOG) است. این طبقه بندی با آنچه که در *GFSM2001* توصیه شده است سازگار است و تفکیک مخارج دولت را برحسب کارکردهای استاندارد مربوط به خدمات عمومی، دفاع، نظم و قانون و غیره نشان می‌دهد. همانند طبقه‌بندی NPISHها، اگاهی از نوع کارکرد، روشی را برای شروعِ تخصیص مخارج بین مصرف واسطه و سایر مخارج و تخصیص مصرف واسطه به انواع محصولات تعیین شده ارائه می‌دهد.

۱۴–۹۷ در صورت امکان، تقسیم ستون‌های دولت (و در صورت نیاز NPISHها) برای نشان دادن مخارج مصرف فردی و مخارج مصرف جمعی به طور جداگانه به‌منظور محاسبه‌ی مصرف واقعی بجای مخارج مصرف، که در فصل ۹ تشریح شد، می‌تواند مفید باشد.

۱۴–۹۸ هنگامی که اقلام ورودی به قیمت‌های خریدار تهیه می‌شوند، همان‌گونه که در این بخش فرض شده است، برای مصرف خدمات عمده فروشی و خرده فروشی اقلام ورودی وجود ندارد زیرا این‌ها در مخارج مربوط به محصولاتی که این خدمات به آن‌ها اعمال می‌شوند ملحوظ هستند. به همین ترتیب مالیات‌های پرداختنی بر محصول، در ارزش خریدار آن ملحوظ است و به طور جداگانه نشان داده نمی‌شود. (این اظهارات در مورد محصولات استفاده شده برای مصرف واسطه و تشکیل سرمایه به‌طور مساوی اهمیت دارد ولی در مورد مصرف نهائی بسیار مهم‌تر است).

جدول ۱۴–۷: قسمت مصرف نهائی در جدول مصرف

	خانوارها	NPISHها	دولت	جمع
محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۲۸	۰	۲	۳۰
سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۴۰	۰	۰	۴۰
محصولات صنعتی (۴–۲)	۵۷۰	۰	۳	۵۷۳
ساختمان (۵)	۲	۰	۰	۲
بازرگانی، اقامتگاه، خوراک و آشامیدنی؛ خدمات حمل و نقل (۶)	۴۲	۰	۰	۴۲
خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳–۷۲)	۵۳	۰	۰	۵۳
خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳–۷۲)	۱۱۵	۰	۰	۱۱۵
خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۴۰	۰	۰	۴۰
خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳–۹۲)	۲۱	۱۴	۲۰۴	۲۳۹
سایر خدمات (۹۹–۹۴)	۸۵	۰	۰	۸۵
اداره امور عمومی (۹۱)	۵	۲	۱۵۹	۱۶۶
خریدهای مقیم‌ها از خارج	۴۳	۰	۰	۴۳
خریدهای داخلی توسط غیرمقیم‌ها	–۲۹	۰	۰	–۲۹
کل	۱ ۰۱۵	۱۶	۳۶۸	۱ ۳۹۹

۱۴–۹۹ جدول ۱۴–۷ قسمت مصرف نهائی (ستون‌های ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۲ در جدول ۱۴–۱۲) از جدول مصرف را روشن می‌سازد. قلم ورودی تولید برای استفاده نهائی خود توسط خانوارها برآورد اجاره بهای واحدهای مسکونی مالک ساکن را در بر دارد. قلم مخارج خانوار در تولیدات غیربازاری پرداخت‌های جزئی خانوار برای اقلام عرضه شده به قیمت‌های اسمی توسط دولت و NPISHها را نشان می‌دهد

۳. استفاده از محصولات برای تشکیل سرمایه

۱۴–۱۰۰ سه نوع تشکیل سرمایه وجود دارد که باید بررسی شود، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، تغییرات موجودی انبار و تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها.

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

۱۴–۱۰۱ منتسب کردن تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به محصولات آسان‌ترین قسمت جدول مصرف است زیرا رده‌های تشکیل سرمایه به طور کاملاً طبیعی در گروه محصولات مربوطه قرار می‌گیرند. علاوه‌براین، آن‌ها اغلب از مالیات بر محصول معاف هستند و مشمول مارژهای بازرگانی نیستند. با اینحال، برخی از دارائی‌ها در تحصیل و واگذاری مشمول هزینه‌های انتقال مالکیت هستند و لازم است این هزینه‌ها به محصول مناسب تخصیص داده شوند. این محصول بسته به دارائی مورد نظر ممکن است به عنوان مثال بازرگانی یا حمل و نقل باشد و همچنین می‌تواند خدمات حقوقی یا خدمات املاک و مستغلات باشد.

۱۴–۱۰۲ باوجود این موضوعی که لازم به بیان است برخورد با کالاهای موجودی است که به واحدهای دیگر بازفروخته می‌شوند. (این موضوع در مخارج مصرفی هم وجود دارد ولی به این دلیل اینجا مطرح می‌شود که در مورد تشکیل سرمایه بسیار رایج است).

بازفروشیِ کالاهای موجود

۱۴–۱۰۳ به بیان دقیق، این گفته کاملاً صحیح نیست که تمامی کالاهای موجود برای خرید در بازار داخلی از تولید داخلی یا از واردات می‌آیند. برخی کالاها ممکن است قبلاً در اقتصاد وجود داشته باشند و تنها مالکین آن‌ها تغییر پیدا کنند. روشن‌ترین مثال در این زمینه، سرمایه ثابت مثل بناها و وسایل نقلیه است که قبل از پایان یافتن عمر مفیدشان به طور مکرر فروخته می‌شوند. در این حالت، عرضه کالاها به عنوان یک قلم ورودیِ مثبت در جدول عرضه ثبت نمی‌شوند بلکه به عنوان یک قلم ورودی منفی در جدول مصرف ثبت می‌شوند.

۱۴–۱۰۴ هنگامی‌که به عنوان مثال یک بنا فروخته می‌شود، فروشنده تشکیل سرمایه ثابت منفی و خریدار تشکیل سرمایه ثابت مثبت ثبت می‌کنند. این اقلام غالباً همدیگر را کاملاً خنثی نمی‌کنند زیرا ممکن است به همراه مبادله، هزینه‌های انتقال مالکیت وجود داشته باشد. همان‌طور که در فصل ۱۰ توضیح داده شد، هزینه‌های انتقال مالکیتِ متقبل شده توسط فروشنده باید در طول دوره‌ای که فروشنده مالکیت دارائی را دارد مستهلک شود، به طوری که تا زمانی که قلم مورد نظر فروخته می‌شود تمامی هزینه‌های انتقال مالکیت برای تحصیل دارائی باید مستهلک شده باشد. برای خریدار، هزینه‌های انتقال مالکیت برای تحصیل دارائی به عنوان قسمتی از تشکیل سرمایه ثابت ثبت می‌شود، و به نوبه خود، در طی دوره‌ای که خریدار انتظار دارد از دارائی استفاده کند مستهلک می‌شود. با این شیوه هزینه‌های انتقال مالکیتِ واگذاری و تحصیل هردو به عنوان تشکیل سرمایه ثابت جدید تلقی می‌شوند.

۱۴–۱۰۵ دارائی‌های ثابت ممکن است همیشه به دیگر تولیدکنندگان در همان اقتصاد فروخته نشوند. برای مثال، فروش هواپیما به خارج امر رایجی است. در این حالت نیز عرضه هواپیما به عنوان تشکیل سرمایه منفی ثبت می‌شود ولی مصرف آن به عنوان صادرات ثبت می‌شود.

۱۴–۱۰۶ حتی اگر یک دارائی بیش از این دیگر مقرون به صرفه نباشد، می‌تواند ارزش پسماندی مثلاً به عنوان قراضه داشته باشد. (هرچند باید توجه داشت که اغلب حاشیه‌های تجارت بین‌المللی قراضه‌ها در مقایسه با قیمت‌های پرداخت شده برای تحصیل آن‌ها بسیار بالاست). در آن حالت، عرضه به

صورت یک قلم تشکیل سرمایه منفی ثبت می‌شود و مصرف به صورت مصرف واسطه واحد تولید کننده‌ای که فرآوری کننده‌ی قراضه است، ثبت می‌شود. فصل ۱۰ توضیح می‌دهد که چرا کل تشکیل سرمایه ثابت در طول عمر دارائی لزوماً کل ارزش تحصیل دارائی نیست بلکه تفاوت بین تحصیل ارزش دارائی و ارزش واگذاری نهائی آن است که در این حالت ارزش قراضه است. در مواردی که ارزش قراضه با ارزش پسماند در ترازنامه یکسان نیست، لازم است تعدیلی در ارزش دارائی از طریق حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها انجام شود.

۱۴–۱۰۷ دارائی‌های دست دوم نیز ممکن است مخارج مصرفی خانوار شوند، مثلاً هنگامی که یک شرکت کرایه اتومبیل خودروی خود را برای مقاصد تفریحی به خانوارها می‌فروشد.

۱۴–۱۰۸ اگر دارائی‌هائی که یک واحد در یک دوره واگذار می‌کند بیشتر از دارائی‌هائی باشد که در همان دوره تحصیل می‌کند، تشکیل سرمایه آن واحد منفی خواهد بود. این امکان وجود دارد که گروهی از واحدهای تولیدکننده‌ای که این وضعیت را داشته باشند نیز دارای رقم منفی برای تشکیل سرمایه باشند، اما این خیلی رایج نیست.

۱۴–۱۰۹ همان‌طور که در فصل ۹ توضیح داده شد، فرض بر این است که خانوارها محصولات را در لحظه‌ای که تحصیل می‌کنند مصرف می‌کنند. در مورد کالاهای بادوام مصرفی وضعیت دقیقاً به این صورت نیست و کالاهای بادوام مصرفی ممکن است در زمان دیگری به واحدهای دیگر فروخته یا بخشیده شوند (مثلاً، برای پاسخگوئی به درخواست کمک برای یک فاجعه‌ی رخداده). در این حالت نیز، عرضه کالاهای مورد بحث به صورت مخارج منفی توسط مالک قبلی و مصرف مثبت توسط مالک جدید (شامل خانوارها در دنیای خارج) عمل می‌شوند. روشی که برای عنصر درآمد در اهدای محصول به واحدهای دیگر عمل می‌شود و در فصل ۸ شرح داده شد، از طریق انتقالات است ولی این موضوع به جدول عرضه و مصرف مربوط نمی‌شود زیرا در اینجا فقط واگذاری فیزیکی محصول است که ثبت می‌شود.

تغییرات موجودی انبار

۱۴–۱۱۰ در حالی‌که منتسب کردن تشکیل سرمایه ثابت به نوع محصول نسبتاً آسان است، منتسب کردن تغییرات موجودی انبار چالش برانگیز است. فصل ۱۰ توضیح می‌دهد که چگونه انواع موجودی‌های شناسائی شده در SNA به مواد اولیه و ملزومات، کالای در جریان ساخت، کالاهای تکمیل شده، و کالاهای بازفروشی تقسیم می‌شوند. کالاهای در جریان ساخت و کالاهای تکمیل شده برای منتسب کردن سرراست هستند زیرا محصولات مورد نظر باید محصولاتی باشند که واحد گزارش دهنده‌ی موجودی انبار تولید می‌کند. انتساب مواد اولیه و ملزومات به نوع محصولات پیچیده‌تر است. برخی از این‌ها برای واحد تولیدکننده‌ای که آن‌ها را گزارش می‌دهد خاص هستند ولی تقریباً تمامی واحدهای تولیدکننده مثلاً مقداری ملزومات و مواد پاک کننده در اختیار دارند هرچند که ممکن است میزان آن‌ها قابل توجه نباشد. اما، در مورد کالاهای بازفروشی، در عمل تمامی انواع کالاها می‌توانند درموجودی انبار وارد شوند. نه تنها گستره این کالاها وسیع است، بلکه الگوی کالاهای نگه داشته شده برای بازفروشی در طول زمان و حتی در طول یک دوره حسابداری نیز دارای تنوعی با درجه بالا است.

۱۴–۱۱۱ در تراز کردن جدول عرضه و مصرف، این نا اطمینانی نسبت به ترکیب موجودی انبار، همراه با این واقعیت که حتی ارزش‌گذاری تغییرات موجودی انبار می‌تواند استواری کمتری نسبت به دقت مورد انتظار داشته باشد، منجر به این می‌شود که موجودی انبار اغلب به طور غیرمستقیم و با توجه به نیازهای تراز جدول عرضه و مصرف به عنوان یکی از محدودیت‌های عملیاتی، برآورد می‌شود.

اشیاء گرانبها

۱۴–۱۱۲ گستره‌ی محصولات نگه‌داری شده به عنوان اشیاء گرانبها بسیار وسیع است و در این زمینه است که کالاهائی که موجود هستند می‌توانند معامله شوند. زیرا به‌عنوان مثال، عتیقه‌جات و کارهای هنری قدیمی بِنا به ماهیتشان ستانده دوره جاری نیستند. اهمیت ارزش تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها به عنوان یک قلم تشکیل سرمایه روشن است، هرچند که واگذاری این اقلام نظیر فروش آن‌ها به احتمال زیاد توسط

موزه‌ها انجام می‌شود.

۱۱۳-۱۴ جدول ۱۴-۸ قسمت تشکیل سرمایه جدول مصرف را روشن می‌سازد.

جدول ۱۴-۸: قسمت تشکیل سرمایه جدول مصرف

	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	تغییرات موجودی انبار	تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	جمع
محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۲	۱	۰	۳
سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۰	-۱	۰	-۱
محصولات صنعتی (۴-۲)	۱۶۱	۵	۱۰	۱۷۶
ساختمان (۵)	۱۹۰	۲۳	۰	۲۱۳
بازرگانی، اقامتگاه، خوراک و آشامیدنی؛ خدمات حمل و نقل (۶)	۰	۰	۰	۰
خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۰	۰	۰	۰
خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۲۲	۰	۰	۲۲
خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۱	۰	۰	۱
خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۰	۰	۰	۰
سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۰	۰	۰	۰
اداره امور عمومی (۹۱)	۰	۰	۰	۰
کل	۳۷۶	۲۸	۱۰	۴۱۴

۴. صادرات

۱۱۴-۱۴ تخصیص صادرات به نوع محصولات، با شیوه‌ی تبدیل کدهای SITC یا HS در واردات مشابه است. اما، ارزش‌گذاری صادرات نسبتاً آسان‌تر است زیرا در آمارهای بازرگانی، صادرات به طور یکنواخت به فوب ارزش‌گذاری می‌شوند. این ارزش‌گذاری ممکن است کاملاً مطابق با توصیه‌های ثبت اقلام در SNA نباشد زیرا نقطه ارزش‌گذاری در مرز است، نه لزوماً جائی که تغییر مالکیت رخ می‌دهد. همانند ارزش‌گذاری واردات، ایده‌آل آن است که صادرات هنگامی و جائی ارزش‌گذاری شود که مالکیت از واحد مقیم به واحد غیرمقیم تغییر می‌کند ولی، در اینجا هم مانند واردات، فرض می‌شود تغییر مالکیت در مرز ملی صورت می‌گیرد و این می‌تواند تنها فرض عملی با توجه به منابع موجود داده‌ها باشد.

۵. معرفی ارزش افزوده

۱۱۵-۱۴ جمع هر سطرِ جدول مصرف برای هرنوع محصول که شامل مصرف واسطه، مصرف نهائی، تشکیل سرمایه و صادرات برای آن محصول است باید با جمع هر سطر جدول عرضه (تولید داخلی بعلاوه واردات بعلاوه تعدیلات ارزش‌گذاری برای سازگار کردن ارزش‌گذاری جدول عرضه با ارزش‌گذاری جدول مصرف) برای همان نوع محصول برابر باشد. جمع زیرِ هر ستونِ جدول عرضه، ارزش ستانده‌ی هر نوع واحد تولیدکننده‌ی مربوطه را نشان می‌دهد. جمع زیرِ هر ستونِ جدول مصرف برای همان نوع واحد تولیدکننده، میزان مصرف واسطه آن نوع واحد تولیدکننده را نشان می‌دهد. بنابراین، اضافه کردن دو سطرِ اضافی به جدول مصرف برای هر نوع واحد تولیدکننده‌ی ستون مربوطه گسترش آشکار جدول را نشان می‌دهد. سطر دوم از این دو حاوی ارزش ستانده از جدول عرضه منتقل می‌شود، سطر اول تفاوت بین ارزش این ستانده و ارزش مصرف واسطه است که در سطرهای فوق توضیح داده شد و ارزش افزوده‌ی واحد تولیدکننده‌ی ستون مربوطه را نشان می‌دهد.

۱۱۶-۱۴ وارد کردن اقلام ارزش افزوده و ستانده یک امر کلیدی برای یکی از اهداف اصلی جدول‌های عرضه و مصرف یعنی استفاده از این ساختار برای اطمینان از سازگاری درونی حساب‌ها است. برگشت به بعضی مثال‌های بیان شده در بخش مقدمه این نکته را روشن می‌سازد.

۱۱۷-۱۴ فرض کنید داده‌های حاصل از آمارگیری خانوار برای مصرف سیگار صحیح باشد و برای سادگی مطلب فرض کنید صادرات سیگار وجود نداشته باشد. این رقم تقریباً مصرف کل محصولات توتون را تعیین می‌کند و با کسر کردن واردات سیگار رقمی برای ستانده‌ی کارخانجات داخلی سیگار بدست می‌آید. این رقم ممکن است بسیار کمتر از میزان گزارش شده توسط تولیدکنندگان سیگار باشد و تهیه کننده جداول ممکن است تصور کند که ستانده تولیدکننده‌ی سیگار دارای

بیش‌گوئی است. اما، نهاده‌ی واسطه‌ی اصلی برای تولید سیگار، توتون است و ارقام دیگری برای تولید یا واردات توتون وجود خواهد داشت. با فرض این که غیر از نهاده برای تولید محصولات توتون و صادرات آن مقدار کمی مصارف دیگر برای توتون وجود دارد، اگر تهیه کننده‌ی جدول عرضه و مصرف بخواهد به داده‌های آمارگیری هزینه خانوار وفادار باشد، با این امر مواجه خواهد شد که تصور کند یا خطای بیش‌گوئی برای تولید سیگار، تولید توتون یا واردات وجود دارد یا ارقام خانوار برای مصرف توتون دارای کم گوئی است.

۱۱۸–۱۴ مورد خدمات تاکسی را درکشوری که نوع اصلی حمل و نقل شخصی را تاکسی‌های عمومی تشکیل می‌دهند در نظر بگیرید. ممکن است علاوه بر ارزش خدمات تاکسی که توسط رانندگان تاکسی گزارش می‌شود، اطلاعاتی نیز درباره تعداد اتومبیل‌ها و میزان طلب‌های کسورات مالیاتی بنزین یا روغن موتور به علت استفاده از آن‌ها برای ارائه خدمات تاکسی وجود داشته باشد. این موضوع که آیا این نهاده‌ها با ارقام حاصل از آمارگیری مخارج خانوار سازگاری بیشتری دارند یا با ارقام ستانده‌ی گزارش شده، می‌تواند مورد قضاوت قرار گیرد.

۱۱۹–۱۴ باید توجه داشت که عموماً هنگامی که جدول‌های عرضه و مصرف تراز هستند، هر افزایشی در تقاضای نهائی برای یک کالای خاص باید با افزایش کل عرضه یا کاهش مصرف واسطه‌ی همان کالا جبران شود. اگر افزایش عرضه از تولید داخلی تأمین شده باشد، در این صورت ارزش افزوده همراه با افزایش تقاضای نهائی افزایش خواهد یافت؛ اگر افزایش عرضه از افزایش واردات جبران شده باشد، در این صورت ارزش افزوده و GDP هیچکدام تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند (یا فقط به صورت حاشیه تحت تأثیر قرار می‌گیرند در صورتی که مالیات بر واردات برای کالای مورد بحث وجود داشته باشد). به طور مشابه، هر افزایشی در مصرف واسطه بدون این که افزایشی در ستانده داخلی رخ دهد باید منجر به کاهش مصرف نهائی و نیز کاهش ارزش افزوده شود.

جدول ۱۴–۹: قسمت ارزش‌افزوده جدول مصرف

	تولید بازاری	تولید برای استفاده نهائی خود	تولید غیر بازاری	جمع
مصرف واسطه	۱ ۵۹۴	۵۰	۲۳۹	۱ ۸۸۳
کل ارزش‌افزوده ناخالص/GDP	۱ ۴۸۳	۹۷	۱۴۱	۱ ۷۲۱
جبران خدمات کارکنان	۱ ۰۴۱	۰	۱۰۹	۱ ۱۵۰
مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات	۵۶	۲	۰	۵۸
درآمد مختلط، ناخالص	۴۶	۱۵	۰	۶۱
مازاد عملیاتی، ناخالص	۳۴۰	۸۲	۳۰	۴۵۲
مصرف سرمایه– درآمد مختلط	۵	۳		۸
مصرف سرمایه‌ی ثابت– سایر	۱۶۸	۱۶	۳۰	۲۱۴
کل ستانده	۳ ۰۷۷	۱۴۷	۳۸۰	۳ ۶۰۴

۶. گسترش ارزش افزوده

۱۲۰–۱۴ همان‌طور که اضافه کردن ارزش افزوده به زیر جدول مصرف مفید است، تفکیک ارزش افزوده و نشان دادن تمامی اقلام موجود در حساب ایجاد درآمد (شرح داده شده در فصل ۷) نیز امکان پذیر و حتی مفید است. جدول ۱۴–۹ این اقلام را برحسب هریک از انواع تولید در سطرهای ۱۴ و ۱۷ الی ۲۵ در قسمت مصرف جدول ۱۴–۱۲ نشان می‌دهد.

۷. افزودن سایر متغیرها

۱۲۱–۱۴ همانند اقلام حساب ایجاد درآمد، این امکان وجود دارد که اقلام یادداشتی مربوط به سایر متغیرهای مفید برای مطالعه‌ی تولید در سطح کارگاه نیز به این جدول اضافه شود. این اقلام تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بر حسب کارگاه و تعداد کارکنان است. همان‌طور که در فصل ۱۹ بحث شده است، بهتر است تعداد کارکنان بر مبنای معادل تمام وقت، اگر وجود داشته باشد، نشان داده شود.

ت. توضیحات بیشتر در باره جدول مصرف

۱. طبقه بندی متقاطع برحسب صنعت (رشته فعالیت) و بخش‌های نهادی

۱۲۲-۱۴ این امکان وجود دارد که هر یک از ستون‌های جدول عرضه که به واحدهای تولیدکننده مربوط هستند با تمامی اقلام ورودی آن به یکی از بخش‌های نهادی اقتصاد تخصیص داده شود. ستون مربوط به طبقه K (فعالیت‌های مالی و بیمه) از *ISIC* به شرکت‌های مالی تخصیص داده می‌شود. ستون مربوط به ستانده غیربازاری یا به دولت یا به NPISHها تخصیص داده می‌شود. ستون‌های دیگر عمدتاً به شرکت‌های غیرمالی تخصیص داده می‌شوند به استثنای بنگاه‌های غیر شرکتی که به خانوارها تخصیص داده می‌شوند. چنین جدولی پیوند بین جدول‌های عرضه و مصرف و توالی حساب‌ها را برقرار می‌سازد زیرا جمع‌ها به تفکیک بخش نهادی با داده‌های حساب تولید و حساب ایجاد درآمد مطابقت دارد. بحث بیشتری درباره این نوع ارائه و مثال عددی آن در فصل ۲۸ وجود دارد.

۲. جدول عرضه به قیمت‌های پایه

۱۲۳-۱۴ تا کنون در این فصل، فرض بر این بوده است که جدول‌های عرضه و مصرف هردو به قیمت‌های خریدار بیان شده‌اند و این کار با اضافه کردن اجزای تفاوت مفاهیم ارزش‌گذاری بین قیمت‌های پایه و خریدار به ارقام عرضه، انجام شده است. این نیز امکان پذیر است که با کاهش قیمت‌های خریدارِ جدول مصرف به قیمت‌های پایه، دو جدول را بر مبنای ارزش‌گذاری مشترک بدست آورد که موضوع بحث این بخش است. یکی از دلایل این کار دشوار، آسان سازی تهیه جدول عرضه و مصرف برحسب حجم است که در زیر شرح داده خواهد شد.

۱۲۴-۱۴ با نگاهی به هریک از عناصرِ جدول مصرف به قیمت‌های خریدار، روشن است که این عناصر از شش جزء تشکیل شده‌اند:

الف. تولید داخلی به قیمت‌های پایه،

ب. واردات،

پ. حاشیه‌های بازرگانی،

ت. حاشیه‌های حمل و نقل،

ث. مالیات بر محصول،

ج. یارانه بر محصول.

۱۲۵-۱۴ به منظور کاهش جدول مصرف به قیمت‌های پایه، هر عنصر جدول باید به این شش جزء تفکیک شود. این را می‌توان به صورت تهیه‌ی شش جدول با اندازه‌ی یکسان تصور کرد که هریک از آن‌ها تمامی عناصر را برای یکی از اجزا در بر داشته باشد. این شیوه به منابع داده‌ای بیشتری نیاز دارد تا افزایش جدول عرضه به قیمت‌های خریدار که در آن فقط شش ستون، برای هریک از شش جزء یک ستون لازم است.

حاشیه‌های بازرگانی

۱۲۶-۱۴ خدمات حاشیه‌ای، یک نوع فعالیت مهم در SNA است. بسیاری از کالاها از طریق عمده فروش یا خرده فروش از تولید کننده به خریدار عرضه می‌شوند. در حقیقت، برخی از کالاها ممکن است برای رسیدن به خرده فروشان از دست عمده فروشان متعددی عبور کنند. از سوی دیگر، بسیاری از خدمات مستقیماً توسط تولید کننده به خریدار عرضه می‌شوند. اگر چه که این حالت به هیچ وجه عمومیت ندارد. دفاتر و آژانس‌های مسافرتی که برای رخدادهای ورزشی و تفریحی بلیط می‌فروشند، مثال‌هائی از یک نوع "خرده فروشی" خدمات هستند. علاوه براین، بسیاری از ابزارهای مالی با یک قیمت دامنه‌ی بین خرید و فروش برای فروش عرضه می‌شوند (و بازخریداری می‌شوند). بارزترین مثال شاید ارزهای خارجی باشد. ارزهای خارجی قیمت‌های دامنه‌ی خدمت حاشیه‌ای ارائه شده به مشتری را نیز در بر می‌گیرد. بهر حال، این حاشیه به عنوان یکی از محصولات صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) خدمات مربوطه تلقی می‌شود. در مورد

کالاها، فعالیت‌های جداگانه‌ی خدمات عمده فروشی یا خرده فروشی حاشیه‌های تعلق گرفته به تمامی کالاها را پوشش می‌دهد. بسیاری از این‌ها ستانده عمده فروشان و خرده فروشان هستند ولی برخی از آن‌ها به عنوان فعالیت ثانوی ارائه می‌شوند.

۱۲۷-۱۴ تا زمانی که جدول مصرف به قیمت‌های خریدار نشان داده می‌شود، مصرف جداگانه‌ای برای حاشیه‌ها توسط عمده فروشان و خرده فروشان ارائه نمی‌شود. جدول ۱۴-۴ نشان می‌دهد که افزوده‌ها به ارزش کالاهای مختلف کاملاً با اقلام ورودی منفی برای عرضه حاشیه‌های بازرگانی خنثی می‌شوند به طوری که عرضه باقیمانده‌ای وجود ندارد که در جدول مصرف نشان داده شود.

۱۲۸-۱۴ همان‌طور که در فصل ۳ و ۶ توضیح داده شد، فعالیت عمده فروشی و خرده فروشی فعالیتی است که SNA برای آن افراز بندی تراکنش‌ها را بکار می‌برد. با توجه به جدول‌های عرضه و مصرف مشخص می‌شود که چرا این شیوه مناسب است. فرض کنید تمامی کالاهای در دست عمده فروشان و خرده فروشان طوری نشان داده می‌شوند که به عمده فروشان و خرده فروشان تحویل داده می‌شوند تا سپس آن‌ها کالاها را به خریداران عرضه کنند. در این‌صورت، سطرهای مربوط به کالاها در جدول‌های عرضه و مصرف کمتر درگیر خواهند شد. در واقع تمامی کالاها توسط عمده فروشان و خرده فروشان استفاده خواهد شد و تقریباً چیزی به دیگر واحدهای تولید کننده، خانوارها یا دولت عرضه نخواهد شد. الگوی مصرف خانوار یک قلم بزرگ برای خرید از عمده فروشان و خرده فروشان را نشان خواهد داد و هیچ قلم خریدی از صنعت (رشته فعالیت) ساخت یا کشاورزی نشان داده نخواهد شد. حتی با متمایز کردن بقالی از فروشگاه مبل و اثاثه، دیگر امکان این وجود ندارد که دقیقاً مشاهده شود که چه نوع خوراکی خریداری شده است و یا مبلمان فروخته شده چوبی بوده است یا فلزی.

۱۲۹-۱۴ بنابراین، نحوه برخورد استاندارد در جدول عرضه و مصرف مبتنی بر قواعد افرازبندی تراکنش‌هاست که برای اندازه‌گیری ستانده فعالیت عمده فروشی و خرده فروشی اتخاد می‌شود.

تحصیل هرگونه محصول از عمده فروش یا خرده فروش به عنوان تحصیل دو محصول مجزا در نظر گرفته می‌شود. یکی کالای فیزیکی است که به قیمت تولید کننده ارزش‌گذاری شده است، دیگری حاشیه بازرگانی است. خرید کالا به عنوان مصرف آن کالا نشان داده می‌شود؛ حاشیه بازرگانی به عنوان مصرف خدمات ارائه شده توسط عمده فروشان و خرده فروشان نشان داده می‌شود. هرچند همان‌طور که اشاره شد، نشان دادن فعالیت عمده فروشان و خرده فروشان در جدول عرضه و مصرف به این شیوه نیازمند داده‌های فراوانی است زیرا در اغلب موارد حاشیه‌های بازرگانی با نسبت‌های متفاوتی از انواع مختلف خریداران مطالبه می‌شود، برای مثال خانوارها حاشیه‌های بالاتری نسبت به بنگاه‌ها پرداخت می‌کنند. در واقع، حتی بین خانوارها هم حاشیه‌های یک نوع کالا با هزینه‌های یکسان ممکن است متفاوت باشد به این ترتیب که مقادیر زیاد دارای نسبت حاشیه کوچکتری از مقادیر کوچک باشند. بنابراین تهیه کننده جدول‌ها باید به میزان قابل ملاحظه‌ای دانش تخصصی و قضاوت بکار ببرد تا این افرازبندی را انجام داده و آن را در سطح تفصیلی محصول بسازد.

حاشیه‌های حمل و نقل

۱۳۰-۱۴ همان‌طور که در مورد تفاوت بین قیمت‌های خریدار، تولیدکننده و پایه توضیح داده شد، حاشیه‌های حمل و نقل تنها هنگامی رخ می‌دهند که خدمات حمل و نقل به طور جداگانه صورت حساب شده باشد. اگر این خدمات به طور جداگانه صورت حساب شده باشند، در این صورت افرازبندی ضرورت ندارد زیرا خدمات حمل و نقل قبلاً به عنوان محصول جدا در نظرگرفته شده است. کار تهیه کننده‌ی جدول مشکل است زیرا برای مثال، گاهی عرضه کنندگان برای خریدهائی که ارزش آن‌ها از حد معینی بیشتر باشند حمل و نقل رایگان به خریداران پیشنهاد می‌کنند و برای خریدهای کوچکتر هزینه مطالبه می‌کنند.

مالیات بر محصول

۱۳۱-۱۴ این واقعیت که VAT تعلق گرفته بر محصولاتِ یکسان

می‌تواند برای برخی مصرف کنندگان (به طور معمول واحدهای تولید کننده) کسر شدنی و برای دیگران (خانوارها) کسر نشدنی باشد، دلیلی بر این ادعاست که تفسیر جدول عرضه و مصرف به قیمت‌های خریدار می‌تواند مشکل باشد. سهم ظاهری مصرف خانوارها در اثرِ عنصر مالیات کسر نشدنی در مقایسه با سهم مصرف واحدهای تولید کننده "متورم" خواهد بود. پس از خارج کردن حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل از برآوردهای قیمت خریدار، قدم بعدی خارج کردن VAT کسر نشدنی است. خارج کردن VAT کسر نشدنی به طور منطقی برای مصرف کنندگان نهائی سرراست است ولی برای مصرف واسطه که بیشتر VAT و نه همه‌ی آن می‌تواند کسر شدنی باشد، پیچیده‌تر است. هنگامی که VAT کسر نشدنی خارج شد، اقلام ورودی جدول مصرف به قیمت‌های تولیدکننده ارزش‌گذاری می‌شوند.

۱۳۲-۱۴ برای برخی کشورها ممکن است امکان پذیر نباشد ولی در صورت امکان خارج کردن سایر مالیات‌های بر محصول نیز مطلوب است، در این صورت اقلام جدول مصرف به قیمت‌های پایه خواهد بود. وقتی این کار انجام می‌شود، لازم است در جدول مصرف سطر جدیدی معرفی شود. این سطر مالیات بر محصول پرداختنی توسط واحد تولیدکننده‌ی مربوطه را نشان می‌دهد. این سطر قسمتی از هزینه مصرف واسطه به قیمت‌های خریدار است، همان‌طور که در مورد اقلام ورودی برای حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل نیز چنین است. این اقلام شامل برخی از مالیات‌های بر واردات خواهند بود که وقتی وارداتی که قسمتی از مصرف واسطه است هنگام ورود به اقتصاد مشمول مالیات شود. این سطرِ مالیات‌ها که در داخل قسمت مصرف واسطه‌ی جدول مصرف قرار می‌گیرد نباید با سطری که وقتی ستانده به قیمت‌های تولید کننده است در قسمت ارزش افزوده جدول مصرف نشان داده می‌شود، اشتباه شود. این سطری که در قسمت ارزش‌افزوده است میزان مالیات بر محصول پرداختنی بر محصولات عرضه شده توسط واحد تولید کننده را نشان می‌دهد، نه مالیات بر محصول پرداختنی بر محصولات مصرف شده توسط آن‌ها.

یارانه بر محصول

۱۳۳-۱۴ اگر خارج کردن مالیات بر محصول از اقلام ورودی در جدول مصرف امکان پذیر باشد، در این صورت باید یارانه بر محصول نیز اضافه شود. طرف مقابلی در بین یارانه‌ها برای VAT وجود ندارد بنابراین حذف یارانه‌ها با حذف مالیات بر محصول بجز VAT مطابقت دارد.

جدا سازی واردات از تولید داخلی

۱۳۴-۱۴ پالایش فراترِ جدول مصرف به قیمت‌های پایه جداسازی واردات از تولید داخلی است. در برخی موارد، اگر تنها منبع یک محصول واردات باشد، یا اگر هیچ محصولی از خارج وارد نشود، مشکلی برای جداسازی وجود ندارد. اگر محصولات از هردو منبع داخلی و خارجی در دسترس قرار گیرند، جداسازی مشکل خواهد بود. یک راه حل ممکن کارکردن درسطح تفکیک شده‌تر است به شرطی که این امر کمک کند تا محصولاتی که همیشه وارد می‌شوند یا هیچگاه وارد نمی‌شوند مشخص شوند، ولی به طور کلی جداسازی فرآیندی است که نیازمند دانش تخصصی قابل ملاحظه و قضاوت آگانه است.

۱۳۵-۱۴ جدول ۱۴-۱۵ محتوای واردات جدول ۱۴-۱۲ را نشان می‌دهد. جدول ۱۴-۱۰ ستون‌های ۲۴، ۲۹ و ۳۵ میزان وارداتی که به هریک از مصرف واسطه، مصرف نهائی و تشکیل سرمایه می‌رود را نشان می‌دهد.

جدول ۱۴-۱۰: محتوای واردات جدول مصرف

	مصرف واسطه	مصرف نهائی	تشکیل سرمایه	کل واردات
محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۲۷	۱۰	۰	۳۷
سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۶۱	۰	۰	۶۱
محصولات صنعتی (۴-۲)	۱۰۰	۱۰۰	۸۴	۲۸۴
ساختمان (۵)	۰	۰	۰	۰
خدمات حمل و نقل (۶)	۳۷	۲۵	۰	۶۲
خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۱۷	۰	۰	۱۷
خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۰	۰	۰	۰
خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۰	۵	۰	۵
خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۰	۰	۰	۰
سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۰	۰	۰	۰
اداره امور عمومی (۹۱)	۰	۰	۰	۰
تعدیل سیف به فوب	-۵	-۳	-۲	-۱۰
خریدهای مقیم‌ها از خارج		۴۳		۴۳
کل واردات	۲۳۷	۱۸۰	۸۲	۴۹۹

۳. جدول مصرف برحسب حجم

۱۳۶-۱۴ چارچوب عرضه و مصرف نه تنها تراز کامل برآوردهای ارزش جاری عرضه و مصرف را تحمیل می‌کند، بلکه روشی را ارائه می‌دهد که از طریق آن اطمینان حاصل شود که برآوردهای حجمی متناظر، بیان شده به قیمت‌های سالی دیگر، نیز تراز هستند و این که سری قیمت‌های حاصل از وجود جدولی به قیمت‌های جاری و جدولی برحسب حجم کاملاً با هم سازگارهستند. به طور کلی، بهترین راه برای اطمینان از سازگاری دوجانبه، تهیه‌ی جدول‌های عرضه و مصرف به قیمت‌های جاری و برحسب حجم به‌طور همزمان است.

۱۳۷-۱۴ در بسیاری از کشورها مجموعه‌ای از شاخص قیمت مصرف کننده، شاخص قیمت تولید کننده و شاخص قیمت واردات و صادرات وجود دارد. دستنامه بین‌المللی جداگانه‌ای درمورد متدولوژی و تهیه این شاخص‌ها وجود دارد. بحث مربوط به گسترش و استفاده از قیمت‌های مناسب برای تعدیل قیمت حساب‌های ملی، موضوع فصل ۱۵ است. بنابراین، آنچه که در پی می‌آید بحث کلی است ولی در اینجا به‌منظور تکمیل مبحث جدول‌های عرضه و مصرف ارائه شده است. این بخش به مشکلات موجود در ارائه جدول عرضه و مصرف برحسب حجم پرداخته است بجای اینکه توصیه‌های مفصلی را برای تهیه آن ارائه دهد. برای این منظور، باید به دستنامه‌های قیمت و مستنداتی که به تهیه جدول‌های عرضه و مصرف و جدول‌های نهاده – ستانده اختصاص دارد نظیر *دستنامه اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا درباره جدول‌های عرضه، مصرف و داده – ستانده* (اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۰۸) مراجعه شود.

تعدیل قیمت کدام جدول؟

۱۳۸-۱۴ اولین تصمیمی که باید در تهیه جدول‌های عرضه و مصرف برحسب حجم اتخاذ شود این است که با کدام جدول‌ها، به قیمت پایه یا به قیمت خریدار، باید کار شود. در مقابلِ هریک از گزینه‌ها بحث‌هائی وجود دارد.

۱۳۹-۱۴ هنگامی که با جدول به قیمت پایه کار می‌شود، تمامی عناصر مربوط به حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل و عناصر مربوط به مالیات منهای یارانه بر محصول از ارزش کالاها و خدمات به قیمت پایه جدا شده است. قیمت‌هائی که شاخص قیمت تولیدکننده (PPI) نامیده می‌شوند با مفهوم قیمت‌های تولید کننده در SNA مطابقت ندارد بلکه با مفهوم قیمت‌های پایه هماهنگی دارد که این می‌تواند گیج کننده باشد. آن‌ها هردوی حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل و اثر مالیات‌ها منهای یارانه‌ها بر محصول را خارج می‌کنند. بنابراین بنظر می‌رسد که PPIها برای تعدیل قیمت سطرهای یک جدول عرضه و مصرف به قیمت پایه مناسب است به این دلیل که اقلام ورودی در امتداد سطر جدول مصرف به قیمت پایه همگن‌تر از این اقلام در جدولِ به قیمت خریدار است. با این حال، این ادعا که اقلام ورودی حاصل به اندازه کافی همگن هستند تا استفاده از یک شاخص قیمت واحد برای هریک از آن‌ها را توجیه کنند باید دارای شرایط لازم باشد. بعلاوه، عناصر

مربوط به حاشیه‌ها و مالیات‌ها باید به طور جداگانه تعدیل قیمت شوند و این نیز منجر به مشکلات مفهومی و عملی می‌شود.

۱۴-۱۴۰ هنگامی که با قیمت‌های خریدار کار می‌شود، اکثراً از CPIها استفاده می‌شود و مشکلات کمتری در مورد حاشیه‌ها و مالیات‌ها بروز می‌کند. با این حال، هرچند CPIها به طور کلی بنظر می‌آید شاخص‌های استواری باشند، فرض‌های زیرساخت آن‌ها ممکن است همیشه به‌طور کامل با فرض‌های جدول‌های عرضه و مصرف سازگار نباشند.

۱۴-۱۴۱ اعم از این که جدولِ به قیمت خریدار تعدیل قیمت شود یا جدولِ به قیمت پایه، به احتمال زیاد در تعدیل قیمت‌های صادرات و واردات مشکلاتی وجود خواهد داشت.

همگنی

۱۴-۱۴۲ توجیه برای استفاده از PPIها برای تعدیل قیمت سطرهای جدول عرضه و مصرف این است که عناصر سطرها به اندازه کافی همگن هستند که قیمت واحدی در سرتاسر سطر استفاده شود. دو دلیل وجود دارد که ممکن است چنین نباشد.

۱۴-۱۴۳ عناصر سطرها به قیمت خریدار به طور یقین همگن نخواهند بود زیرا آن‌ها از یک سو حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل و از سوی دیگر مالیات‌ها منهای یارانه‌ها را در بر دارند. همانگونه که اشاره شد، این‌ها ممکن است برای مصرف کنندگان مختلفِ محصولات یکسان با یک نسبت اعمال نشده باشند. حذف این اقلام ورودی باید این عامل ناهمگنی را کاهش دهد ولی بناچار درجه‌ای از تقریب در این عمل وجود خواهد داشت، بنابراین قدری ناهمگنی باقیمانده از این عامل، ادامه خواهد داشت.

۱۴-۱۴۴ علت دیگر ناهمگنی ناشی از تجمیع است. حتی با تعداد بسیار زیاد محصولات تفکیک شده در جدول‌های عرضه و مصرف، باز هم میزان قابل ملاحظه‌ای تراکم محصول در هر سطر وجود خواهد داشت. حتی اگر به عنوان مثال، پیچ‌ها از محصولات فلزی دیگر جدا شده باشند، قیمت آن‌ها بر حسب طول، قطر، نوع سرپیچ و موادی که برای استفاده در آن در نظر گرفته می‌شوند متغیر است. مسلماً در نظر گرفتن درجه‌ی تفکیکی که هریک از این نوع پیچ‌ها را جدا سازد غیرعملی است و در حال حاضر حتی جدا کردن پیچ‌ها از میخ‌ها و سایر مواد ساختمانی فلزی نیز غیرممکن است. از اینرو، مسأله ناهمگنی اجتناب ناپذیر است ولی ممکن است هنگام تعیین نوع محصولات در جدول‌های عرضه و مصرف با رعایت سطح تفصیلی که در PPIها موجود است قدری از ناهمگنی آن کاسته شود.

قابلیت استفاده CPIها

۱۴-۱۴۵ شاخص‌های قیمت مصرف کننده (CPI)ها در سطح تفصیلی برای تعدیل قیمت مصرف خانوار به قیمت‌های خریدار قابل استفاده است. وزن‌های استفاده شده برای تهیه CPIها معمولاً با وزن‌های ضمنی در ستون مخارج مصرف خانوار به طور کامل سازگار نیستند. این به دلیل این است که این وزن‌ها ممکن است به سال دیگری مربوط بوده و برخی مقوله‌های هزینه در آن‌ها حذف شده باشند. احتمال دارد CPIها از آمارگیری نمونه‌ای خانوار بدست آمده باشند. در آمارگیری‌های نمونه‌ای خانوار اغلب ثروتمندترین و فقیرترین خانوارها از دامنه‌ی آمارگیری خارج می‌شوند، بنابراین پوشش آن‌ها جامعیت کمتری نسبت به ارقام مصرف خانوار در جدول‌های عرضه و مصرف دارد. همان‌طور که در بالا تشریح شد، عمل تراز کردن جدول ممکن است باعث شود برخی از عناصر حاصل از آمارگیری خانوار اصلاح شود. برای نمونه، در مورد مثالِ محصولات توتون باید تعدیلات مشابهی به وزن‌های CPI نیز اعمال شود ولی در برخی موارد دیگر ممکن است تعدیلاتی منطبق با وزن‌های CPI صورت نگیرد.

واردات و صادرات

۱۴-۱۴۶ شاخص‌های قیمت واردات می‌توانند مسأله‌ساز باشند. بسیاری از کشورها متکی به شاخص‌های ارزشِ واحد هستند که تغییرات کیفیت را به اندازه کافی بحساب نمی‌آورند. حتی هنگامی که شاخص‌های واقعی قیمت واردات در دسترس است، برای جورسازی میزان تفصیل شاخص‌های قیمت با میزان تفصیل محصولات در جدول‌های عرضه و مصرف

مشکلاتی وجود دارد. علاوه بر این، همانگونه که در بحث ارزش‌گذاری صحیح واردات اشاره شد، فرض‌هائی که در شاخص‌های قیمت واردات درباره چگونگی پرداخت برای حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل در نظر گرفته می‌شوند بناچار می‌توانند با آنچه که ممکن است در مورد خریداران فردی وجود داشته باشد متفاوت باشند. این حالت را می‌توان به روشنی در مورد قیمت‌های صادرات مشاهده کرد. تفاوت بین قیمت‌های صادرات و PPIها برای یک نوع محصول ناشی از این امر است که قیمت‌های صادرات در مرز اقتصاد ارزش‌گذاری می‌شوند و PPIها به محض خروج کالا از کارخانه ارزش‌گذاری می‌شوند.

حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل

۱۴-۱۴۷ حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل نیز لازم است برحسب حجم بیان شوند. اگر حاشیه مورد نظر در سال جاری به همان نسبت قیمت خریدار باشد که در سال پایه بوده است، در این صورت سنجه حجمی این حاشیه فقط همان نسبت حجم مخارج مورد نظر است؛ سنجه حجمی و قیمت هماهنگ با محصولی که حاشیه مورد نظر به آن اعمال می‌شود، تغییر پیدا می‌کنند. اغلب نرخ حاشیه‌ها بین سال پایه و دوره جاری چه به علت تفاوت نرخ‌های مطالبه شده برای حاشیه‌ها و چه به علت تغییرات ترکیب محصولاتِ گروه، تغییر پیدا می‌کند. بحث بیشتر درباره شیوه بدست آوردن برآوردهای حاشیه‌ها برحسب حجم را می‌توان در دستنامه‌های CPIها و PPIها یافت.

مالیات منهای یارانه بر محصول

۱۴-۱۴۸ بسته به شیوه‌های وضع مالیات، رهیافت‌های مختلفی برای بیان مالیات‌ها منهای یارانه‌ها برحسب حجم مورد نیاز است.

۱۴-۱۴۹ اگر مالیاتی به صورت درصدی از ارزش یک قلم (مالیات بر اساس ارزش) نظیر VAT محاسبه می‌شود، سنجه حجمی آن به همان رویه‌ای که برای حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل شرح داده شد، محاسبه خواهد شد.

۱۴-۱۵۰ برخی از مالیات‌ها بر حسب مقدار قلم خریداری شده وضع می‌شوند. این‌ها *مالیات‌های ویژه* نامیده می‌شوند و عوارض کالاهای داخلی به طور معمول به این نحو وضع می‌شوند. برای این مالیات‌ها، اثرات حجم صرفاً محدود به تغییرات مقدار قلم خریداری شده است؛ هر تغییری در نرخ مالیات ویژه منجر به افزایشِ قیمت می‌شود. افزایش قیمتِ یک مالیات ویژه ممکن است همراه با سطح کلی تورم باشد ولی اغلب با آهنگ کاملاً متفاوتی تغییر می‌یابد، به عنوان مثال در مواردی که دولت بخواهد جلوی خرج کردن برای قلم مورد نظر نظیر توتون یا الکل را بگیرد.

۱۴-۱۵۱ تغییر در نظام‌های مالیاتی به این معنی است که دامنه‌ی مالیات‌های وضع شده با از بین رفتن یکی و جایگزین شدن دیگری از سالی به سال دیگر تغییر می‌یابد. سری حجم‌ها نه تنها استفاده از قیمت‌های سال پایه بلکه استفاده از ساختار مالیات‌ها را نیز ایجاب می‌کند. از اینرو سری حجم‌های یک قلم ممکن است شامل عنصر مالیاتی باشد که در ارزش‌های جاری آن قلم وجود نداشته باشد و عنصر مالیات در ارزش جاری بر ارزش سری حجم‌ها اثر نگذارد. در چنین حالتی نیز شاخص قیمت خریدار معتبر است ولی مفهوم "شاخص قیمت مالیات" معنادار نیست.

۱۴-۱۵۲ یارانه بر محصول کمتر از مالیات رایج است ولی اگر وجود داشته باشد، سنجه حجمی آن باید با استفاده از همان اصول محاسبه شود.

ارزش افزوده

۱۴-۱۵۳ از نظر SNA، اقلام ترازکننده نظیر ارزش افزوده دارای ابعاد قیمت و حجم نیستند. با این حال، این امکان وجود دارد که با استفاده از رهیافت اقلام ترازکننده که از برآوردهای حجمی سایر اقلام در حساب‌ها استفاده می‌شود، آن‌ها را به "ارزش واقعی" بیان کرد.

۱۴-۱۵۴ با فرض وجود PPIها برای سطرهای جدول مصرف، می‌توان این‌ها را به سطرهای جدول عرضه نیز اعمال کرد که در این صورت حاصل جمع هر یک از ستون‌ها رقم ستانده مربوط به

آن واحد تولید کننده را برحسب حجم ارائه می‌دهد. با کسر ارقام مصرف واسطه برحسب حجم که از تعدیل قیمت سطرهای محصولات در جدول مصرف بدست می‌آید امکان محاسبه ارزش افزوده برای هریک از انواع واحدهای تولیدکننده به صورت باقیمانده فراهم می‌شود. همین باقیمانده است که ارزش افزوده "به ارزش واقعی" نامیده می‌شود. این امکان نیز وجود دارد که با تقسیم ارزش جاری به ارزش واقعی، یک تعدیل کننده ضمنی برای ارزش افزوده بدست آورد.

۱۴–۱۵۵ بسیاری از تحلیل گران علاقمند هستند که تعدیل قیمت ارزش افزوده را به صورت مستقیم انجام دهند. درصورتی که اطلاعات کافی در باره نرخ دستمزد و تعداد شاغلین بر حسب رده‌های کارکنان موجود باشد، محاسبه جبران خدمات کارکنان برحسب حجم امکان پذیر است. در این صورت، برای تغییرات جبران خدمات کارکنانِ بدون مزد و تغییرات بین کارکنان تمام وقت و پاره وقت باید تعدیلاتی صورت گیرد ولی مشکلات مفهومی کمی در تعدیل قیمت جبران خدمات کارکنان وجود دارد.

۱۴–۱۵۶ به منظور تعدیل قیمت مالیات‌ها منهای یارانه‌ها بر تولید، لازم است مبنائی که بر اساس آن مالیات وضع شده است در نظر گرفته شود. در بسیاری از موارد، مالیات بر تولید به تعداد برخی از کارکنان یا تمام آن‌ها یا به سرمایه بکار رفته در تولید مربوط می‌شود. همانند مالیات بر محصول، ممکن است عنصر قیمت و عنصر مقدار هردو در محاسبه تغییرات سنجه‌های حجمی دخالت داشته باشند.

۱۴–۱۵۷ استخراج ارقام مازاد عملیاتی و درآمد مختلط به ارزش واقعی با کسر جبران خدمات کارکنان و مالیات منهای یارانه بر تولید برحسب حجم از ارزش افزوده امکان پذیر است. اما، مدافعان رهیافت خدمات سرمایه برای اندازه‌گیری مازاد عملیاتی ابزارهای مستقیم‌تری را برای استخراج مازاد عملیاتی به ارزش واقعی پیشنهاد می‌کنند. این رهیافت جزء استاندارد SNA نیست ولی در فصل ۲۰ توضیح داده خواهد شد.

ث. مثال عددی

۱. جدول کامل عرضه و مصرف

۱۴–۱۵۸ جدول ۱۴–۱۲ یک جدول کامل عرضه و مصرف را نشان می‌دهد. قسمت بالای آن از جدول عرضه تشکیل شده است. اولین ستون آن جمع عرضه به قیمت‌های خریدار را نشان می‌دهد. در پی آن ابتدا اطلاعات حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل ، مشابه جدول ۱۴–۲ و سپس اطلاعات مالیات‌ها و یارانه‌ها بر محصول، مشابه جدول ۱۴–۵ نشان داده شده است. با کسر کردن عناصر تمامی این ستون‌ها از عناصر متناظر آن در ستون جمع عرضه به قیمت‌های خریدار، ستون بعدی که جمع عرضه به قیمت‌های پایه است بدست می‌آید. بعد از این بزرگترین قسمت جدول، عرضه محصولات توسط انواع واحدهای تولید کننده داخلی نشان داده می‌شود. این جدول شکل گسترش یافته جدول ۱۴–۱ است. در انتهای سمت چپ جدول عرضه اطلاعات مربوط به واردات، متناظر با جدول ۱۴–۴ قرار دارد.

۱۴–۱۵۹ قسمت وسط جدول ۱۴–۱۲ قسمت محصول جدول مصرف است. اولین ستون مربوط به جمع عرضه به قیمت‌های خریدار است و کاملاً با ستون بالا در جدول عرضه مطابقت دارد. سه ستون بعدی در جدول مصرف خالی است. سپس اطلاعات تفصیلی در باره مصرف محصولات توسط نوع واحد تولیدکننده نشان داده می‌شود. این جدول نسخه گسترش یافته جدول ۱۴–۶ است. ستون صادرات و ستون مصرف نهائی و ستون تشکیل سرمایه در پی آن‌ها قرار دارد. این ستون‌ها با جداول‌های ۱۴–۷ و ۱۴–۸ مطابقت دارند.

۱۴–۱۶۰ زیر قسمت محصولات در جدول مصرف، قسمت ارزش افزوده قرار دارد. در ستون‌های مربوط به مالیات‌ها و یارانه‌ها،

اطلاعات مالیات‌ها و یارانه‌ها بر تولید نشان داده می‌شود. جزئیات حساب ایجاد درآمد برای هریک از انواع واحدهای تولیدکننده در زیر مصرف محصولات برای مصرف واسطه نشان داده می‌شود. این اقلام با اطلاعات خلاصه شده در جدول ۱۴-۹ مطابقت دارد. اطلاعات مربوط به تشکیل سرمایه برحسب نوع واحد تولید کننده و اشتغال نیز نشان داده می‌شود. زیر ستون‌های صادرات، مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه رقمی وجود ندارد.

۲. حاشیه‌ها و مالیات‌ها

۱۴-۱۶۱ در درون جدول ۱۴-۱۲ ردیف ۳ ارزش محصولات ساخته شده به قیمت‌های پایه ۹۹۸ ۱ است. از این رقم، یارانه‌ها با رقم ۵ کسر می‌شود، مالیات‌ها با رقم ۹۴ و حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل با رقم ۷۴ به آن‌ها اضافه می‌شود تا ارزش‌ها به قیمت‌های خریدار با رقم ۱۶۱ ۲ بدست آید. در قسمت مصرف جدول ۱۴-۱۲ کل ارزش ۱۶۱ ۲ بحساب آورده شده است. این به آن معنی است که رقم ۷۴ حاشیه‌ها به این شیوه و نه مستقیماً به عنوان تقاضا برای بازرگانی و صنعت حمل و نقل به‌حساب آورده می‌شوند. بنابراین در سطر ۵ قسمت عرضه جدول، این حاشیه‌ها به صورتی نشان داده می‌شوند که عرضه خدمات بازرگانی و حمل و نقل (همراه با حاشیه‌های اعمال شده به هریک از محصولات کشاورزی و سنگ معدن و مواد معدنی به میزان ۲) را خنثی کنند بنابراین جمع حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل به قیمت‌های خریدار نشان داده شده در ستون ۱ کمتر از جمع آن به قیمت‌های پایه نشان داده شده در ستون ۵ است.

۱۴-۱۶۲ قسمت انتهائی سمت چپ جدولِ عرضه روش اعمال حاشیه‌ها را بر واردات نشان می‌دهد. فرض شده است که واردات کالاها فقط بر اساس سیف موجود است. اما، در داخل ارقام تراز پرداخت‌ها برای واردات خدمات، ارقام ۶ و ۴ در واردات خدمات این محصولات منظور خواهد شد. از اینرو، ستون ۲۶ تعدیلات ضروری را نشان می‌دهد. ارقام منفی ۶ و ۴ در داخل ستون با یک قلم تعدیلی ۱۰ در سطر مخصوص برای تعدیل سیف به فوب خنثی می‌شود. این نیز به نوبه خود با یک رقم منفی در همان سطر در ستون واردات کالا خنثی می‌شود (ستون ۲۷).

جدول ۱۴-۱۱: تفکیک مصرف واحدهای تولید کننده به پنج عنصر تشکیل دهنده‌ی ارزش‌گذاری قیمت خریدار

	تولید داخلی	واردات	حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل	یارانه بر محصول	مالیات بر محصول	کل
۱ محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۵۹	۲۷	۱	۰	۰	۸۷
۲ سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۱۴۸	۶۱	۲	۰	۴	۲۱۵
۳ محصولات صنعت ساخت (۴-۲)	۷۸۸	۱۰۰	۳۵	۰	۳۲	۹۵۵
۴ ساختمان (۵)	۴۰	۰	۰	۰	۰	۴۰
۵ خدمات بازرگانی، اقامتگاه، غذا و آشامیدنی؛ حمل و نقل (۶)	۱۱۷	۳۷	۰	۰	۳	۱۵۷
۶ خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۸۷	۱۷	۰	۰	۰	۱۰۴
۷ خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۵۷	۰	۰	۰	۰	۵۷
۸ خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۲۱۳	۰	۰	۰	۹	۲۲۲
۹ خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۳۴	۰	۰	۰	۰	۳۴
۱۰ سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۱۰	۰	۰	۰	۰	۱۰
۱۱ اداره امور عمومی (۹۱)	۲			۰		۲
کل	**۱ ۵۵۵**	**۲۴۲**	**۳۸**	**۰**	**۴۸**	**۱ ۸۸۳**

۱۴-۱۶۳ بجای این که حاشیه‌ها به این شیوه عمل شوند، این امکان وجود دارد که جدول عرضه و مصرف به قیمت‌های خریدار با حذف حاشیه‌ها و مالیات‌ها از برآوردهای قیمت خریدار تمامی عناصر، به قیمت‌های پایه کاهش پیدا کند. همان‌طور که در قسمت آخر بخش ت توضیح داده شد، این کار اغلب به عنوان پایه‌ای برای تعدیل جدول برای رسیدن به جدول برحسب حجم انجام می‌شود. جدول ۱۴-۱۳ عناصر حاشیه‌های بازگانی و حمل و نقل، مالیات بر محصول و یارانه بر محصول منظور شده در جدول ۱۴-۱۲ را نشان می‌دهد. این جدول همه ستون‌ها را برای هریک از انواع تولید مشخص نمی‌کند ولی برای سهولت ارجاع شماره‌های ستون در جدول ۱۴-۱۳ (و در حقیقت برای جدول‌های ۱۴-۱۴ و ۱۴-۱۵) کاملاً با شماره‌های بکار برده شده در جدول ۱۴-۱۲ مطابقت دارد.

۳. جدول مصرف به قیمت‌های پایه

۱۴-۱۶۴ جدول ۱۴-۱۴ جدول مصرف به قیمت‌های پایه را نشان می‌دهد. این جدول با کسر کردن تمامی عناصر مربوطه در جدول۱۴-۱۳ از عناصر متناظر جدول ۱۴ -۱۲ بدست آمده است. به دلیل فشردگی، جدول به صورت خلاصه ارائه شده است بدون این که تولید بازاری، تولید برای استفاده نهائی خود و تولید غیر بازاری تفکیک شوند ولی برای تسهیل در مراجعه، شماره گذاری ستون‌ها با نسخه کامل جدول مطابقت دارد.

۴. ماتریس واردات

۱۴-۱۶۵ همانند خارج ساختن عناصر حاشیه‌ها و مالیات‌ها از جدول ۱۴-۱۲، این امکان نیز وجود دارد که در هر عنصر آن قسمت که بجای تولید داخلی از طریق واردات تأمین شده است شناسائی و خارج شود. برای انجام این کار، باید ماتریسی مشابه با جدول‌های ۱۴-۱ و ۱۴-۱۴ تهیه شود که فقط شامل واردات باشد. جدول ۱۴-۱۵ چنین جدولی است. سپس می‌توان با کسر کردن عنصر به عنصر این جدول از جدول ۱۴-۱۴، ماتریسی بدست آورد که مصرف تولیدات داخلی به قیمت‌های پایه را نشان می‌دهد. (ماتریس واردات حاشیه‌ها و مالیات‌های اعمال شده به واردات را در بر نمی‌گیرد بنابراین باید از جدول قیمت پایه کسر شود و نه جدول قیمت خریدار).

۱۴-۱۶۶ هرچند جدول کاملی که تنها مصرف داخلی را نشان دهد ارائه نمی‌شود، جدول ۱۴-۱۱ به صورت خلاصه نشان می‌دهد که چگونه ارزش کل عرضه به قیمت خریدار از عرضه داخلی، واردات، حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل، یارانه بر محصول و مالیات بر محصول تشکیل شده است.

جدول ۱۴-۱۲: جدول‌های عرضه و مصرف به قیمت خریدار

	عرضه محصولات	جمع عرضه به قیمت خریدار	حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل	مالیات بر محصول	یارانه بر محصول (-)	جمع عرضه (قیمت پایه)	ستانده بر حسب صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) مطابق رده‌های ISIC: بازاری: کشاورزی، جنگلداری و شیلات	صنعت ساخت و سایر	ساخت و ساز	بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا	اطلاعات و ارتباطات	خدمات مالی و بیمه	فعالیت‌های مستغلات	خدمات کسب و کار	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	سایر خدمات	زیر جمع بازاری
		(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(A) (۶)	(B-E) (۷)	(F) (۸)	(G-I) (۹)	(J) (۱۰)	(K) (۱۱)	(L) (۱۲)	(M-N) (۱۳)	(P-Q) (۱۴)	R-T و U (۱۵)	(۱۶)
	محصولات (بر حسب بخش‌های CPC)																
۱	محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۱۲۸	۲	۵	-۳	۱۲۴	۷۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷۸
۲	سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۲۶۳	۲	۵	۰	۲۵۶	۰	۱۹۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۹۵
۳	محصولات صنعت ساخت (۴-۲)	۲ ۱۶۱	۷۴	۹۴	-۵	۱ ۹۹۸	۰	۱ ۶۵۰	۶	۲۴	۱۸	۰	۰	۹	۰	۰	۱ ۷۰۷
۴	ساختمان (۵)	۲۶۱	۰	۱۷	۰	۲۴۴	۰	۷	۲۰۱	۳	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲۱۳
۵	خدمات بازرگانی، اقامتگاه، غذا و آشامیدنی؛ حمل و نقل (۶)	۲۱۶	-۷۸	۵	۰	۲۸۹	۰	۶	۱	۲۲۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۳۳
۶	خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۱۵۹	۰	۰	۰	۱۵۹	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴۶	۰	۰	۰	۰	۱۴۶
۷	خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۱۹۵	۰	۰	۰	۱۹۵	۰	۲	۰	۴	۰	۰	۹۴	۰	۰	۰	۱۰۰
۸	خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۲۷۲	۰	۱۱	۰	۲۶۱	۰	۱	۰	۳	۸۰	۰	۰	۱۷۲	۰	۰	۲۵۶
۹	خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۲۷۵	۰	۰	۰	۲۷۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۳	۰	۶۳
۱۰	سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۹۵	۰	۴	۰	۹۱	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۲		۸۲	۸۶
۱۱	اداره امور عمومی (۹۱)	۹۱				۹۱											
۱۲	تعدیل سیف به فوبِ واردات	۰				۰											
۱۳	خریدهای مستقیمِ از خارج توسط مقیم‌ها	۴۳				۴۳											
۱۴	جمع	۴ ۱۵۹	۰	۱۴۱	-۸	۴ ۰۲۶	۷۸	۱ ۸۶۱	۲۰۸	۲۶۲	۱۰۰	۱۴۶	۹۴	۱۸۳	۶۳	۸۲	۳ ۰۷۷

جدول ۱۴-۱۲(ادامه): جدول‌های عرضه و مصرف به قیمت خریدار

	استفاده‌ی نهائی خود				غیربازاری					واردات	
	کشاورزی، جنگلداری و شیلات	ساخت و ساز	مستغلات و خدمات خصوصی خانوار	زیرجمع استفاده‌ی نهائی خود	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	اداره امور عمومی	زیرجمع غیربازاری	جمع صنعت (رشته فعالیت)	جمع کل اقتصاد	تعدیل سیف به فوب واردات	کالاها	خدمات
	(A)	(F)	(L+T)		(P-Q)	(O)						
	(۱۷)	(۱۸)	(۱۹)	(۲۰)	(۲۱)	(۲۲)	(۲۳)	(۲۴)	(۲۵)	(۲۶)	(۲۷)	(۲۸)
۱	۹	۰	۰	۹	۰	۰	۰	۸۷			۳۷	
۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۹۵			۶۱	
۳	۲	۵	۰	۷	۰	۰	۰	۱ ۷۱۴			۲۸۴	
۴	۰	۳۱	۰	۳۱	۰	۰	۰	۳۴۴				
۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۳۳		-۶		۶۲
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴۶		-۴		۱۷
۷	۰	۰	۹۵	۹۵	۰	۰	۰	۱۹۵				
۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۵۶				۵
۹	۰	۰	۰	۰	۲۱۲	۰	۲۱۲	۲۷۵				۰
۱۰	۰	۰	۵	۵	۰	۰	۰	۹۱				۰
۱۱						۱۶۸	۱۶۸	۱۶۸				
۱۲										۱۰	-۱۰	
۱۳											۲۰	۲۳
۱۴	۱۱	۳۶	۱۰۰	۱۴۷	۲۱۲	۱۶۸	۳۸۰	۳ ۶۰۴		۰	۳۹۲	۱۰۷

جدول ۱۴-۱۲ (ادامه): جدول‌های عرضه و مصرف به قیمت خریدار

	مصرف محصولات	عرضه				مصرف واسطه‌ی صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) برحسب رده‌های ISIC										
						بازاری										
		جمع عرضه به قیمت خریدار	مالیات بر محصول	یارانه بر محصول		کشاورزی، جنگلداری و شیلات	صنعت ساخت و سایر	ساخت و ساز	بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا	اطلاعات و ارتباطات	خدمات مالی و بیمه	فعالیت‌های مستغلات	خدمات کسب و کار	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	سایر خدمات R-T و U	زیر جمع بازاری
		(۱)	(۳)	(۴)	(۵)	(A) (۶)	(B-E) (۷)	(F) (۸)	(G-I) (۹)	(J) (۱۰)	(K) (۱۱)	(L) (۱۲)	(M-N) (۱۳)	(P-Q) (۱۴)	U (۱۵)	(۱۶)
	محصولات (بر حسب بخش‌های CPC)															
	جمع مصارف															
۱	محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۱۲۸				۲	۷۱	۰	۳	۱	۲	۱	۲	۰	۰	۸۲
۲	سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۲۶۳				۳	۱۹۰	۱	۶	۳	۲	۱	۲	۰	۰	۲۰۸
۳	محصولات صنعت ساخت (۴-۲)	۲ ۱۶۱				۲۷	۶۷۵	۶۳	۴۴	۱۶	۱۶	۹	۱۹	۴	۵	۸۷۸
۴	ساختمان (۵)	۲۶۱				۱	۹	۵	۳	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۲۲
۵	خدمات بازرگانی، اقامتگاه، غذا و آشامیدنی؛ حمل و نقل (۶)	۲۱۶				۳	۶۵	۳	۲۵	۴	۴	۲	۴	۰	۰	۱۱۰
۶	خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۱۵۹				۱	۳۶	۵	۱۸	۱	۳	۳	۷	۱	۱	۷۶
۷	خدمات مستغلات، و خدمات کرایه و اجاره (۷۳-۷۲)	۱۹۵				۱	۱۵	۱	۸	۲	۵	۲	۴	۰	۱	۳۹
۸	خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۲۷۲				۲	۷۰	۱۲	۱۵	۱۰	۱۸	۹	۱۹	۷	۹	۱۷۱
۹	خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۲۷۵				۰	۱	۰	۰	۰		۰	۱	۰	۰	۲
۱۰	سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۹۵				۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۶
۱۱	اداره امور عمومی (۹۱)	۱۶۸				۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۲	خریدهای مستقیم از خارج توسط مقیم‌ها	۴۳														۰
۱۳	خریدهای داخلی توسط غیرمقیم‌ها	۰														۰
۱۴	جمع	۴ ۲۳۶				۴۱	۱ ۱۳۳	۹۰	۱۲۳	۳۹	۵۲	۲۸	۶۰	۱۲	۱۶	۱ ۵۹۴
۱۵	جمع ارزش افزوده‌ی ناخالص/ GDP		۱۴۱	۸-		۳۷	۷۲۸	۱۱۸	۱۳۹	۶۱	۹۴	۶۶	۱۲۳	۵۱	۶۶	۱ ۴۸۳
۱۶	جبران خدمات کارکنان					۱۹	۵۴۷	۷۹	۱۰۲	۳۲	۴۴	۴۹	۷۹	۴۳	۴۷	۱ ۰۴۱
۱۷	مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات		۱۴۱	۸-		۲-	۴۳	۵	۵-	۱-	۴	۶	۴	۱	۱	۵۶
۱۸	درآمد مختلط، ناخالص					۴	۳۰	۳	۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۶
۱۹	مازاد عملیاتی، ناخالص					۱۶	۱۰۸	۳۱	۳۳	۳۰	۴۶	۱۱	۴۰	۷	۱۸	۳۴۰
۲۰	مصرف سرمایه ثابت- درآمد مختلط					۱	۳	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵
۲۱	مصرف سرمایه ثابت - سایر					۸	۸۰	۱۱	۳۰	۷	۱۲	۵	۱۲	۱	۲	۱۶۸
۲۲	کل ستانده					۷۸	۱ ۸۶۱	۲۰۸	۲۶۲	۱۰۰	۱۴۶	۹۴	۱۸۳	۶۳	۸۲	۳ ۰۷۷
۲۳	داده‌های نیروی کار (ساعات کار)					۱ ۸۴۰	۳۱ ۹۶۲	۴ ۲۴۴	۸ ۷۸۶	۱ ۳۳۲	۱ ۲۹۰	۹۲۰	۱ ۵۶۲	۴۹۴	۶۴۲	۵۳ ۰۷۲
۲۴	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص					۱۰	۱۲۲	۸	۴۹	۱۴	۷	۵	۷	۱	۲	۲۲۵
۲۵	موجودی انتهای دوره دارائی‌های ثابت					۱۴۲	۱ ۸۶۱	۱۴۳	۷۳۱	۲۰۸	۱۴۳	۱۰۲	۱۴۷	۲۲	۲۹	۳ ۵۲۸

جدول ۱۴-۱۲(ادامه): جدول‌های عرضه و مصرف به قیمت خریدار

	مصرف واسطه صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) برحسب رده‌های ISIC								صادرات		مخارج مصرف نهائی						تشکیل سرمایه ناخالص			
	استفاده‌ی نهائی خود				غیربازاری							دولت								
	کشاورزی، جنگلداری و شیلات	صنعت ساخت و ساز	مستغلات و خدمات خصوصی خانوار	زیرجمع استفاده‌ی نهائی خود	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	اداره امور عمومی	زیرجمع غیربازاری	جمع صنعت‌ها (رشته فعالیت)	کالاها	خدمات	زیر جمع مصارف نهائی	خانوارها	NPISHها	زیر جمع	جمعی	فردی	زیرجمع تشکیل سرمایه ناخالص	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	تغییر موجودی انبار	تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها
	(A)	(F)	(L+T)		(P-ق)	(O)														
	(۱۷)	(	(۱۹)	(۲۰)	(۲۱)	(۲۲)	(۲۳)	(۲۴)	(۲۷)	(۲۸)	(۲۹)	(۳۰)	(۳۱)	(۳۲)	(۳۳)	(۳۴)	(۳۵)	(۳۶)	(۳۷)	(۳۸)
۱	۱	۰	۰	۱	۳	۲	۵	۸۸	۷	۰	۳۰	۲۸	۰	۲	۰	۲	۳	۲	۱	
۲	۰	۰	۰	۰	۵	۴	۹	۲۱۷	۷	۰	۴۰	۴۰	۰	۰	۰	۰	−۱	۰	−۱	
۳	۵	۱۷	۱۰	۳۲	۴۲	۳۸	۸۰	۹۹۰	۴۲۲	۰	۵۷۳	۵۷۰	۰	۳	۰	۳	۱۷۶	۱۶۱	۵	۱۰
۴	۰	۰	۰	۰	۱۱	۷	۱۸	۴۰	۶	۰	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۲۱۳	۱۹۰	۲۳	
۵	۰	۰	۰	۰	۴	۵	۹	۱۱۹	۰	۵۵	۴۲	۴۲	۰	۰	۰	۰				
۶	۰	۲	۳	۵	۶	۱۷	۲۳	۱۰۴	۰	۲	۵۳	۵۳	۰	۰	۰	۰				
۷	۰	۰	۰	۰	۸	۱۰	۱۸	۵۷	۰	۱	۱۱۵	۱۱۵	۰	۰	۰	۰	۲۲	۲۲	۰	
۸	۰	۵	۷	۱۲	۱۵	۲۴	۳۹	۲۲۲	۰	۹	۴۰	۴۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	
۹	۰	۰	۰	۰	۲۴	۸	۳۲	۳۴	۰	۲	۲۳۹	۲۱	۱۴	۲۰۴	۰	۲۰۴				
۱۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۴	۱۰	۰	۰	۸۵	۸۵	۰	۰	۰	۰				
۱۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۲	۲		۰	۱۶۶	۵	۲	۱۵۹	۱۵۶	۳				
۱۲	۰										۴۳	۴۳								
۱۳	۰								۲۰	۹	−۲۹	−۲۹								
۱۴	۶	۲۴	۲۰	۵۰	۱۲۱	۱۱۸	۲۳۹	۱ ۸۸۳	۴۶۲	۷۸	۳۹۹	۰۱۵	۱۶	۳۶۸	۱۵۶	۲۱۲	۴۱۴	۳۷۶	۲۸	۱۰
۱۵	۵	۱۲	۸۰	۹۷	۹۱	۵۰	۱۴۱	۱ ۷۲۱												
۱۶	۰	۰	۰		۷۰	۳۹	۱۰۹	۱ ۱۵۰												
۱۷	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۲	۵۸												
۱۸	۳	۱۲	۰	۱۵				۶۱												
۱۹	۲	۰	۸۰	۸۲	۲۰	۱۰	۳۰	۴۵۲												
۲۰	۳	۰	۰	۳				۸												
۲۱	۱	۰	۱۵	۱۶	۲۰	۱۰	۳۰	۲۱۴												
۲۲	۱۱	۳۶	۱۰۰	۱۴۷	۲۱۲	۱۶۸	۳۸۰	۳ ۶۰۴												
۲۳	۲۱۸	۷۸	۰	۹۹۸	۲۹۹	۰۰۰	۱۵ ۲۹۹	۶۹ ۳۶۹												
۲۴	۱	۱	۱۲۴	۱۲۶	۱۳	۱۲	۲۵	۳۷۶												
۲۵	۱۷	۱۷	۱ ۸۵۱	۱ ۸۸۵	۲۰۱	۱۶۹	۳۷۰	۵ ۷۸۳												

جدول ۱۴–۱۳: جدول عرضه و مصرف: حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل، مالیات و یارانه بر محصولات مصارف واسطه و نهائی

محصول مصرف		مصرف واسطه صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) برحسب رده‌های ISIC														مصرف نهائی خود		غیربازاری		صادرات		مخارج مصرف نهائی		تشکیل سرمایه ناخالص	
		بازاری																				دولت			
		(۱)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)	(۱۱)	(۱۲)	(۱۳)	(۱۴)	(۱۵)	(۱۶)	(۱۷)	(۱۸)	(۱۹)	(۲۰)	(۲۱)	(۲۲)	(۲۳)	(۲۴)	(۲۵)	(۲۶)	(۲۷)	(۲۸)	(۲۹)	(۳۰)	(۳۱)	(۳۲)	(۳۳)	(۳۴)	(۳۵)	(۳۶)
		جمع مصارف	کشاورزی، جنگلداری و شیلات	صنعت ساخت و سایر	ساخت و ساز	بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا	اطلاعات و ارتباطات	خدمات مالی و بیمه	فعالیت‌های مستغلات	خدمات کسب و کار	اموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	سایر خدمات	زیر جمع بازاری	کشاورزی، جنگلداری و شیلات	ساخت و ساز	مستغلات و خدمات خصوصی خانوار	زیرجمع استفاده‌ی نهائی خود	اداره امور عمومی، تامین اجتماعی و سایر خدمات عمومی	زیرجمع غیربازاری	جمع صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)	کالاها	خدمات	زیر جمع	خانوارها	NPISHها	زیر جمع	خصوصی	غیرنظامی	زیر جمع	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	تغییر موجودی انبار	تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها
محصولات (بر حسب بخش‌های CPC)																																	
جمع مصارف		۲	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱ محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
حاشیه‌های حمل و نقل و بازرگانی		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مالیات بر محصول		۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
یارانه بر محصول		−۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	−۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲ سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)		۲	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
حاشیه‌های حمل و نقل و بازرگانی		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مالیات بر محصول		۵	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۴	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳ محصولات صنعت ساخت (۴–۲)																																	

| | | |

جدول ۱۴-۱۴: جدول عرضه و مصرف: مصارف نهائی و واسطه به قیمت پایه، به تفکیک ISIC

	مصرف محصولات	جمع مصارف به قیمت پایه	مالیات منهای یارانه بر محصول	مصرف واسطه‌ی صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) برحسب رده‌های ISIC															صادرات	مخارج مصرف نهائی									تشکیل سرمایه ناخالص		
				کشاورزی، جنگلداری و شیلات (A) (۱۷)+(۶)	صنعت ساخت و سایر (B-E) (۷)	ساخت و ساز (F) (۱۸)+(۸)	بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا (G-I) (۹)	اطلاعات و ارتباطات (J) (۱۰)	خدمات مالی و بیمه (K) (۱۱)	فعالیت‌های مستغلات (L) (۱۲)	خدمات کسب و کار (M-N) (۱۳)	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی (P-Q) (۲۱)+(۱۴)	سایر خدمات (R-T)+U (۱۵)	اداره امور عمومی (O) (۲۲)	جمع صنعت (رشته فعالیت) (۲۴)	جمع کل اقتصاد (۲۵)	کالاها (۲۷)	خدمات (۲۸)	زیر جمع مصرف نهائی (۲۹)	خانوارها (۳۰)	NPISHها (۳۱)	دولت: زیر جمع (۳۲)	دولت: جمعی (۳۳)	دولت: فردی (۳۴)	زیر جمع تشکیل سرمایه ناخالص (۳۵)	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (۳۶)	تغییر موجودی انبار (۳۷)	تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها (۳۸)
	محصولات (بر حسب بخش‌های CPC)																													
	جمع مصارف																													
۱	محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۱۲۴		۳	۷۰	۰	۳	۱	۲	۱	۲	۳	۰	۲	۸۷		۷	۰	۲۷	۲۵	۰	۲	۰	۲	۳	۲	۱		۱
۲	سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۲۵۸		۳	۱۸۴	۱	۶	۳	۲	۱	۲	۵	۰	۴	۲۱۱		۷	۰	۳۹	۳۹	۰	۰	۰	۰	-۱	۰	-۱		-۱
۳	محصولات صنعت ساخت (۴-۲)	۱ ۹۹۸		۳۰	۶۲۴	۷۳	۴۲	۱۶	۱۶	۱۹	۱۹	۴۶	۵	۳۳	۹۲۳		۳۹۶	۰	۵۱۰	۵۰۷	۰	۳	۰	۳	۱۶۹	۱۵۴	۵		۱۰
۴	ساختمان (۵)	۲۴۴		۱	۹	۵	۳	۱	۱	۱	۱	۱۱	۰	۷	۴۰		۶	۰	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۱۹۶	۱۷۳	۲۳		
۵	خدمات بازرگانی، اقامتگاه، غذا و آشامیدنی؛ حمل و نقل (۶)	۲۸۹		۴	۹۱	۶	۲۶	۴	۴	۲	۴	۴	۰	۹	۱۵۴		۱۶	۵۵	۶۱	۶۱	۰	۰	۰	۰	۳	۳	۰		
۶	خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۱۵۹		۱	۳۶	۷	۱۸	۱	۳	۶	۷	۷	۱	۱۷	۱۰۴		۰	۲	۵۳	۵۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰		
۷	خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۱۹۵		۱	۱۵	۱	۸	۲	۵	۲	۴	۸	۱	۱۰	۵۷		۰	۱	۱۱۵	۱۱۵	۰	۰	۰	۰	۲۲	۲۲	۰		
۸	خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۲۶۱		۲	۶۷	۱۶	۱۴	۱۰	۱۷	۱۵	۱۹	۲۱	۹	۲۳	۲۱۳		۰	۹	۳۸	۳۸	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰		
۹	خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۲۷۵		۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲۴	۰	۸	۳۴		۰	۲	۲۳۹	۲۱	۱۴	۲۰۴	۰	۲۰۴	۰	۰	۰		

۱۰	سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۹۱		۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۲	۰	۲	۱۰		۰	۰	۸۱	۸۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
۱۱	اداره امور عمومی (۹۱)	۱۶۸		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۲		۰	۰	۱۶۶	۵	۲	۱۵۹	۱۵۶	۳	۰	۰	۰	
۱۲	خریدهای داخلی توسط غیرمقیم‌ها	۰		۰		۰				۰		۰					۲۰	۹	-۲۹	-۲۹								
۱۳	خریدهای مستقیم از خارج توسط مقیم‌ها	۴۳		۰		۰				۰	۰	۰							۴۳	۴۳								
	جمع مصارف به قیمت پایه	۴۱۰۳		۴۶	۱۰۹۸	۱۰۹	۱۲۱	۳۹	۵۱	۴۷	۶۰	۱۳۲	۱۶	۱۱۶	۱۸۳۵		۴۵۲	۷۸	۱۳۴۵*	۹۶۱*	۱۶	۳۶۸	۱۵۶	۲۱۲	۳۹۳	۳۵۵	۲۸	۱۰
	مالیات منهای یارانه بر محصول	۱۳۳		۱	۳۵	۵	۲	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۲	۴۸		۱۰	۰	۵۴	۵۴	۰	۰	۰	۰	۲۱	۲۱	۰	
۱۴	جمع مصارف به قیمت خریدار	۴۲۳۶		۴۷	۱۱۳۳	۱۱۴	۱۲۳	۳۹	۵۲	۴۸	۶۰	۱۳۳	۱۶	۱۱۸	۱۸۸۳		۴۶۲	۷۸	۱۳۹۹*	۱۰۱۵*	۱۶	۳۶۸	۱۵۶	۲۱۲	۴۱۴	۳۷۶	۲۸	۱۰
۱۵	جمع ارزش افزوده‌ی ناخالص/ GDP		۱۳۳	۴۲	۷۲۸	۱۳۰	۱۳۹	۶۱	۹۴	۱۴۶	۱۲۳	۱۴۲	۶۶	۵۰	۱۷۲۱	۱۸۵۴												
۱۶	جبران خدمات کارکنان			۱۹	۵۴۷	۷۹	۱۰۲	۳۲	۴۴	۴۹	۷۹	۱۱۳	۴۷	۳۹	۱۱۵۰	۱۱۵۰												
۱۷	مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات		۱۳۳	-۲	۴۳	۵	-۵	-۱	۴	۶	۴	۲	۱	۱	۵۸	۱۹۱												
۱۸	درآمد مختلط، ناخالص			۷	۳۰	۱۵	۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۱	۶۱												
۱۹	مازاد عملیاتی، ناخالص			۱۸	۱۰۸	۳۱	۳۳	۳۰	۴۶	۹۱	۴۰	۲۷	۱۸	۱۰	۴۵۲	۴۵۲												
۲۰	مصرف سرمایه ثابت- درآمد مختلط			۴	۳	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸	۸												
۲۱	مصرف سرمایه ثابت - سایر			۹	۸۰	۲۶	۳۰	۷	۱۲	۵	۱۲	۲۱	۲	۱۰	۲۱۴	۲۱۴												
۲۲	کل ستانده			۸۹	۱۸۶۱	۲۴۴	۲۶۲	۱۰۰	۱۴۶	۱۹۴	۱۸۳	۲۷۵	۸۲	۱۶۸	۳۶۰۴													

* مغایرت ارقام با نسخه اصلی (انگلیسی) به دلیل اصلاح آن‌ها براساس نسخه فرانسوی SNA 2008 است.

جدول ۱۴-۱۵: واردات استفاده شده برای مصرف واسطه و تقاضای نهائی

	مصرف محصولات	مصرف واسطه												مخارج مصرف نهائی												واردات	
																	دولت						تشکیل سرمایه ناخالص					
		کشاورزی، جنگلداری و شیلات (A) (۱۷)+(۶)	صنعت ساخت و سایر (B-E) (۷)	ساخت و ساز (F) (۱۸)+(۸)	بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا (G-I) (۹)	اطلاعات و ارتباطات (J) (۱۰)	خدمات مالی و بیمه (K) (۱۱)	فعالیت‌های مستغلات (L) (۱۲)	خدمات کسب و کار (M-N) (۱۳)	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی (P-Q) (۲۱)+(۱۴)	سایر خدمات (R-T)+U (۱۵)	اداره امور عمومی، دفاع، تأمین اجتماعی، سایر خدمات عمومی (O) (۲۲)	جمع صنعت (رشته فعالیت) (۲۴)	زیر جمع (۲۹)	خانوارها (۳۰)	NPISHها (۳۱)	زیر جمع (۳۲)	جمعی (۳۳)	فردی (۳۴)	زیرجمع (۳۵)	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (۳۶)	تغییر موجودی انبار (۳۷)	تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها (۳۸)	کالاها (۲۷)	خدمات (۲۸)
	جمع مصارف																										
۱	محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۰	۲۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۷	۱۰	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۷	
۲	سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۰	۶۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰		۶۱	
۳	محصولات صنعت ساخت (۴-۲)	۰	۹۵	۰	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۸۴	۷۴	۰	۱۰	۲۸۴	
۴	ساختمان (۵)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۵	خدمات بازرگانی، اقامتگاه، غذا و آشامیدنی؛ حمل و نقل (۶)	۰	۲۵	۰	۱۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۳۷	۲۵	۲۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۲
۶	خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۰	۵	۰	۰	۰	۷	۰	۵	۰	۰	۰	۱۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۷
۷	خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۸	خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵
۹	خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۰	سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۱	اداره امور عمومی (۹۱)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۲	تعدیل سیف به فوب		-۵											-۳	-۳					-۲	-۲			-۱۰	
۱۳	خریدهای مستقیم از خارج توسط مقیم‌ها													۴۳	۴۳									۲۰	۲۳
۱۴	جمع واردات	۰	۲۰۸	۰	۱۶	۰	۷	۰	۶	۰	۰	۰	۲۳۷	۱۸۰	۱۸۰	۰	۰	۰	۰	۸۲	۷۲	۰	۱۰	۳۹۲	۱۰۷

فصل ۱۵: سنجه‌های قیمت و حجم

الف. مقدمه

۱-۱۵ در فصل ۱۴ شرح داده شد که حساب کالاها و خدمات چگونه در چارچوب جدول عرضه و مصرف تهیه و ارائه می‌شود. تغییرات ارزش جریان‌های کالاها و خدمات را مستقیماً می‌توان به دو عامل جدا تجزیه کرد که یکی منعکس کننده‌ی تغییر قیمت کالاها و خدمات مربوطه و دیگری منعکس کننده تغییر حجم آن‌ها است. مزیت عمده‌ی تهیه سنجه‌های قیمت و حجم در چارچوب حسابداری، نظیر آنچه که بوسیله‌ی جدول‌های عرضه و مصرف انجام می‌شود، این است که سازگاری عددی و قابلیت اعتماد مجموعه‌ی سنجه‌ها در کل کنترل می‌شود. این امر بویژه از این نظر مهم است که لازم است هریک از جریان‌های کالاها و خدمات اقتصاد پوشش داده شود، از جمله کالاها و خدمات غیربازاری که ارزش گذاری آن‌ها برحسب حجم حتی مشکل‌تر از ارزش‌گذاری به قیمت جاری است.

۲-۱۵ یکی دیگر از مزایای تهیه سنجه‌های قیمت و حجم در چارچوب حسابداری این است که می‌توان سنجه‌های قیمت ضمنی یا حجمی را برای بعضی اقلام تراز کننده‌ی مهم بدست آورد. بویژه، ارزش افزوده ناخالص را می‌توان با کسر کردن مصرف واسطه برحسب حجم و ستانده برحسب حجم به ارزش واقعی اندازه‌گیری کرد که این روش "تعدیل دو جانبه" نامیده می‌شود. روش تعدیل دو جانبه را می‌توان در سطح یک بنگاه منفرد، یک صنعت (رشته فعالیت) یا یک بخش بکار برد. اما، هدف اولیه SNA تنها فراهم کردن راهنما برای اندازه‌گیری تغییرات قیمت و حجم برای هم‌افزوده‌های اصلی SNA نیست بلکه هدف آن هم‌بندیِ مجموعه‌ای از سنجه‌های وابسته به هم است که انجام تحلیل‌های نظام‌مند و تفصیلیِ تورم و رشد اقتصادی را امکان پذیر سازد.

۱. تئوری عدد شاخص

۳-۱۵ بخش ب بحث مختصری را درباره تئوری اعداد شاخص، آن‌طور که در SNA استفاده شده است، ارائه می‌دهد. در دهه گذشته پیشرفت‌های مهمی در این زمینه رخ داده است. دستنامه‌های جدیدی در زمینه‌های تئوری و عملی شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) و شاخص قیمت تولید کننده (PPI) منتشر شده است. دستنامه *شاخص‌های قیمت مصرف کننده: تئوری و عمل*، (سازمان بین‌المللی کار، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل و بانک جهانی (۲۰۰۴)) و دستنامه *شاخص قیمت تولید کننده: تئوری و عمل*، (سازمان بین‌المللی کار، صندوق بین‌المللی پول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا، و بانک جهانی (۲۰۰۴)) موجود هستند. دستنامه دیگری نیز درباره شاخص‌های واردات و صادرات (XMPI) تهیه شده است به نام دستنامه شاخص قیمت صادرات و واردات: تئوری و عمل (سازمان بین‌المللی کار، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا، و بانک جهانی (۲۰۰۹)). این دستنامه‌ها با ساختار مشترکی تهیه شده‌اند تا خوانندگان را یاری دهند. بویژه در فصل ۱۴ دستنامه‌های CPI و PPI و فصل ۱۵ دستنامه‌ی XMPI مطالب کلی درباره این که چگونه این نوع شاخص‌ها در چارچوب SNA وارد می‌شوند مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۴-۱۵ نخستین موضوع در بخش ب، به انتخاب روش مناسب برای تهیه سنجه‌های قیمت و حجم بین زمانی برای جریان‌های کالاها و خدمات در حسابداری ملی مربوط است. بخش ب همچنین به پیامدهای اختلاف قیمت‌ها در اثرِ تبعیض قیمتی می‌پردازد؛ یعنی چگونگی برخورد با کالاها یا خدماتی که در یک بازار و در یک دوره زمانی به خریداران متفاوت به قیمت‌های مختلف فروخته می‌شوند. این تفاوت‌ها لازم است به روشنی از تفاوت‌های قیمت مربوط به تفاوت کیفیت‌ها متمایز شوند. این بخش همچنین درباره برخورد با تغییرات کیفیت در طول زمان، از جمله پیدایش محصولات جدید و نابودی محصولات قدیمی، بحث می‌کند.

۲. سری‌های بین زمانی قیمت و حجم

۵-۱۵ بخش پ نشان می‌دهد که ملاحظات بخش ب را چگونه می‌توان در SNA بکار برد و سری زمانی حجم‌ها و قیمت‌ها را بدست آورد. این بخش نه تنها درباره عناصر حساب کالاها و خدمات بحث می‌کند بلکه چگونگی تجزیه‌ی موجودی دارائی‌های غیرمالی به عناصر قیمت و حجم را نیز مورد بحث قرار می‌دهد. بعلاوه، این بخش به موضوع بیان هم‌افزوده‌های کلیدی به ارزش واقعی در SNA که خود دارای اجزای قیمت و حجم نیستند اشاره می‌کند، ضمن این که تحلیلی از تأثیر رابطه مبادله بازرگانی بر درآمد ملی را به عنوان نمونه ارائه می‌دهد.

۶-۱۵ هدف بخش پ نیز مانند بخش ب جامع بودن پوشش مطالب آن نیست بلکه هدف آن ترسیم دیگر دستنامه‌های توسعه یافته در طول دهه گذشته و ارجاع به آن‌ها است، بویژه *دستنامه سنجه‌های قیمت و حجم در حساب‌های ملی* (اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۰۱) و فصل IX از *دستنامه حساب‌های ملی فصلی: مفاهیم، منبع داده‌ها و تهیه حساب‌ها* (صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۰۱b).

۳. مقایسه بین‌المللی قیمت‌ها

۷-۱۵ هرچند بیشتر اعداد شاخص قیمت و حجم گسترش یافتند تا تغییرات قیمت و حجم را در طول زمان اندازه‌گیری کنند، می‌توان آن را برای مقایسه سطوح قیمت و حجم بین مناطق مختلف یا کشورهای مختلف در یک دوره از زمان نیز بکار برد. این نوع مقایسه‌ها برای امکان مقایسه استانداردهای زندگی، سطح توسعه اقتصادی یا بهره‌وری در کشورهای مختلف لازم است.

۸-۱۵ این موارد ابتدا از نظر تئوری و سپس از نظر کاربردهای آن برای حسابداران ملی در بخش ت مورد بحث قرار گرفته است. *برابری قدرت خرید جهانی و مخارج واقعی – ۲۰۰۵ دستنامه روش شناسی برنامه مقایسه بین‌المللی (بانک جهانی، ۲۰۰۸)* روش‌های اساسی دور ۲۰۰۵ برنامه مقایسه بین‌المللی (ICP) را شرح می‌دهد.

۴. اطلاعات بیشتر

۹-۱۵ هدف این فصل فراتر از مهمترین مفاهیم و ملاحظات مربوط به کاربرد تئوری عدد شاخص برای استخراج سری‌های حجمی در چارچوب SNA نیست. اطلاعات بیشتر را باید در دیگر دستنامه‌های گفته شده جستجو کرد.

ب. مروری بر تئوری عدد شاخص

۱. مقدار، قیمت و ارزش

۱۰-۱۵ برای هر نوع کالا و خدمتی، لازم است یک واحدِ مقدار مناسب مشخص شود که کالا و خدمت را بتوان با آن اندازه‌گیری کرد. کالاها یا خدمات می‌توانند یا با واحدهائی که متغیر گسسته هستند یا با واحدهائی که متغیر پیوسته هستند عرضه شوند. اتومبیل‌ها، هواپیماها، میکروراینانه‌ها، کوتاه کردن مو و عمل جراحی آپاندیسیت مثال‌هائی از کالاها یا خدمات ارائه شده با واحدهای گسسته یا ناپیوسته هستند. مقادیر این نوع کالاها و خدمات فقط با شمردن تعداد واحدها بدست می‌آیند. نفت، برق، شکر، و حمل و نقل مثال‌هائی از کالاها یا خدماتی هستندکه با واحدهائی که از نظر ویژگی‌هائی نظیر وزن، حجم، نیرو، دوام و مسافت به‌طور پیوسته تغییر پیدا می‌کنند ارائه می‌شوند. بنابراین انتخاب واحد فیزیکی، و قیمت آن در رابطه با واحد انتخاب شده موضوع آسانی است. برای مثال، قیمت اعلام شده برای هر تن هزار برابر بزرگتر از قیمت اعلام شده برای یک کیلو است. تا زمانی که قیمت به

نحوی سازگار با واحد حجم بیان شود، ارزش (v) در سطح یک کالا یا خدمت همگن برابر است با قیمت هر واحد از مقدار (p) ضربدر تعداد واحدهای مقدار (q)، یعنی: $v = p \times q$.

جمع پذیری مقدارها، قیمت‌ها و ارزش‌ها

۱۱-۱۵ بعضی ویژگی‌های جمع‌پذیری مقدارها، قیمت‌ها و ارزش‌ها را می‌توان به‌طور خلاصه به شرح زیر بیان کرد:

الف. مقدارها فقط برای یک محصول همگن جمع‌پذیر هستند. برای مثال، اضافه کردن ۱۰ تن ذغال به ۲۰ تن شکر از نظر اقتصادی معنی دار نیست. به‌طور مشابه ولی با قطعیت کمتر، اضافه کردن ۱۰ اتومبیل از یک نوع به ۲۰ اتومبیل از نوع دیگر، که دارای کیفیت‌های متفاوتی هستند، از نظر اقتصادی معنی دار نخواهد بود.

ب. *قیمت یک کالا یا خدمت به صورت ارزش یک واحد از آن کالا یا خدمت تعریف می‌شود.* این قیمت مستقیماً با اندازه‌ی واحد مقدار انتخاب شده تغییر می‌کند و در بسیاری از موارد ممکن است طوری عمل شود که به‌طور اختیاری با تغییر واحد مقدار، مثلاً با انتخاب تن بجای کیلوگرم، تغییر کند. قیمت‌ها، مانند مقدارها، برای کالاها یا خدمات مختلف جمع‌پذیر نیستند. متوسط قیمت کالاها یا خدمات مختلف از نظر اقتصادی معنی دار نیست و نمی‌توان از آن برای اندازه‌گیری تغییرات قیمت در طول زمان استفاده کرد.

پ. ارزش‌ها برحسب واحد مشترک پول بیان می‌شوند و برای محصولات مختلف جمع‌پذیر هستند. ارزش‌ها نسبت به انتخاب واحد مقدار نامتغیر هستند.

۱۲-۱۵ در نظام بازار، قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات مختلف باید هردوی هزینه‌های نسبی تولید و مطلوبیت نسبی را برای خریداران منعکس سازد، اعم از این که خریداران آن‌ها را به قصد استفاده در تولید یا برای مصرف خریداری کرده باشند. هزینه‌های نسبی و مطلوبیت نسبی بر نرخ‌هائی که فروشندگان و خریداران مایل به مبادله‌ی کالاها و خدمات در بازار هستند تأثیر می‌گذارند. تجمیع ارزش کالاها و خدمات مختلف الزاماً گزینه‌هائی را که در آن‌ها کالاها و خدمات به قیمت‌های جاری غالب، تولید و مصرف شده‌اند منعکس می‌کند.

شاخص‌های حجم، مقدار، قیمت و ارزش واحد

۱۳-۱۵ ***شاخص حجم میانگینِ تغییرات نسبی در مقدارِ مجموعه‌ی مشخصی از کالاها یا خدمات بین دو دوره از زمان است.*** مقدارهائی که در طول زمان مقایسه می‌شوند باید مقدارهای اقلامِ همگن باشند و تغییرات مقداری ایجاد شده برای کالاها و خدمات مختلف باید با توجه به اهمیت اقتصادی آن‌ها، که با ارزش‌های نسبی آن‌ها در یکی از دو دوره یا هردو دوره اندازه‌گیری می‌شوند، موزون شده باشند. به این دلیل واژه حجم به دلیل تأکید بر این که مقدارها باید تعدیل شوند تا تغییرات در کیفیت را منعکس سازند، واژه صحیح‌تر و مناسب‌تری از مقدار است.

۱۴-۱۵ متأسفانه گاهی اوقات، بویژه در زمینه آمارهای بازرگانی خارجی طبق مدارک گمرکی، پیش می‌آید که داده‌هائی که شاخص‌های قیمت و حجم از آن‌ها محاسبه می‌شوند به اندازه کافی برای این منظور تفصیلی یا حتی کافی نیستند. برای مثال، اطلاعات اولیه موجود ممکن است محدود به تعداد کل واحدها یا وزن کل گروهی از کالاهای وارد شده یا صادر شده باشد، به عنوان مثال، تعداد کل جفت کفش‌ها یا وزن کل نوع مشخصی از تجهیزات را می‌توان نام برد. شاخص‌های ساخته شده با اطلاعاتی از این نوع، اگر تعداد یا وزن اقلام مختلف فروخته شده به قیمت‌های متفاوت را پوشش دهند، شاخص‌های حجم نیستند. به این دلیل این شاخص‌ها گاهی اوقات به عنوان "شاخص‌های مقدار" نامیده می‌شوند. شاخص‌های "قیمت" مربوط به این نوع شاخص‌ها معمولاً به عنوان شاخص‌های متوسط یا شاخص‌های "ارزشِ واحد" نامیده می‌شوند. شاخص‌های ارزش واحد تغییرات در ارزش متوسط واحدهائی را اندازه‌گیری می‌کنند که لزوماً همگن نیستند و ممکن است تحت تأثیر تغییرات ترکیب اقلام و نیز تغییرات قیمت آن‌ها باشند. بنابراین از شاخص‌های ارزش

واحد نمی‌توان این انتظار را داشت که سنجه‌های مناسبی از تغییرات متوسط قیمت‌ها را در طول زمان برای گروهی از اقلام ناهمگن ارائه دهند.

۲. اعداد شاخص بین زمانی قیمت‌ها و حجم‌ها

۱۵-۱۵ اعداد شاخص‌های مورد نظرِ SNA طوری طراحی شده‌اند که تغییرات ارزش هم‌افزوده‌ها را به تغییرات کلی اجزای قیمت و حجم آن تجزیه کنند. شاخص قیمت را می‌توان به صورت میانگین موزون تغییرات نسبی قیمت‌های مجموعه مشخصی از کالاها و خدمات بین دو دوره از زمان، یعنی دوره مرجع صفر(۰) و دوره جاری t نوشت و محاسبه کرد. به‌طور مشابه، شاخص حجم را نیز می‌توان به صورت میانگین موزون تغییرات نسبی حجم‌های مجموعه خاصی از کالاها و خدمات بین دو دوره از زمان، یعنی دوره مرجع صفر(۰) و دوره جاری t نوشت و محاسبه کرد. تعداد زیادی فرمول اعداد شاخص وجود دارد که عمدتاً از نظر وزن‌هائی که به مقادیر یا قیمت‌های نسبی داده می‌شوند و شکل خاص میانگین استفاده شده، اعم از حسابی، هندسی، هارمونیک و غیره از یکدیگر متفاوت هستند. ویژگی‌ها و مزایای فرمول‌های مختلف، به تفصیل در دستنامه‌های CPI و PPI شرح داده شده است.

شاخص‌های لاسپیرز و پاشه

۱۶-۱۵ دو فرمول شاخصی که استفاده از آن‌ها رایج است، شاخص‌های لاسپیرز و پاشه هستند. شاخص قیمت لاسپیرز (L_p) به صورت میانگین حسابی موزون قیمت‌های نسبی با استفاده از سهم ارزش‌های دوره مرجع صفر (۰) به عنوان وزن‌ها تعریف می‌شود:

$$L_p = \sum_{i=1}^{n} \left(\frac{p_i^t}{p_i}\right) s_i = \frac{\sum_{i=1}^{n} \left(\frac{p_i^t}{p_i}\right) p_i q_i}{\sum_{i=1}^{n} p_i q_i} \equiv \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^t q_i}{\sum_{i=1}^{n} p_i q_i} \quad (۱)$$

که در آن p_i، q_i و $v_i = p_i \times q_i$ به ترتیب قیمت، مقدار و ارزش محصولات $i = 1, \dots, n$ است و نیز $s_i = v_i / \sum_{i=1}^{n} v_i$، سهم ارزش‌ها در دوره‌ی صفر (۰) هستند. عبارت مشابهی با توان t بجای توان صفر (۰) به دوره t ارجاع داده می‌شود.

۱۷-۱۵ با توجه به رابطه‌ی (۱)، شاخص قیمت لاسپیرز را می‌توان به صورت تغییرِ ارزشِ سبدی از محصولات تعریف کرد که ترکیب آن به همان نحوی که در دوره مرجعِ (۰) بوده است ثابت نگه‌داشته شود. شاخص حجم لاسپیرز (L_Q) را می‌توان به‌طور مشابه به صورت تغییر ارزش سبدی تعریف کرد که ترکیب آن در هر دوره بهنگام می‌شود ولی قیمت‌های دوره مرجع (۰) به مقادیرِ (یا حجم‌های) جدید اعمال می‌شود، یعنی:

$$L_Q = \sum_{i=1}^{n} \left(\frac{q_i^t}{q_i}\right) s_i \equiv \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i q_i^t}{\sum_{i=1}^{n} p_i q_i} \quad (۲)$$

۱۸-۱۵ شاخص‌های پاشه نیز به هردو شکل قیمت و حجم وجود دارند. شاخص پاشه از دو جهت با شاخص لاسپیرز فرق دارد. این شاخص به‌جای این که از میانگین حسابی استفاده کند از یک میانگین همساز (هارمونیک) استفاده می‌کند و حجم‌ها یا قیمت‌های ثابت دوره، حجم‌ها یا قیمت‌های دوره‌ی جاری t هستند. فرمول شاخص قیمت پاشه به صورت زیر است:

$$P_p = \left[\sum_{i=1}^{n} \left(\frac{p_i^t}{p_i}\right)^{-1} s_i^t\right]^{-1} \equiv \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^t q_i^t}{\sum_{i=1}^{n} p_i q_i^t} \quad (۳)$$

و شاخص حجم پاشه، با وزن‌ها یا قیمت‌های ثابت دوره جاری، به شرح زیر است:

$$P_Q = \left[\sum_{i=1}^{n} \left(\frac{q_i^t}{q_i}\right)^{-1} s_i^t\right]^{-1} \equiv \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^t q_i^t}{\sum_{i=1}^{n} p_i^t q_i} \quad (۴)$$

تعدیل قیمت و سری‌های حجمی با استفاده از فرمول‌های لاسپیرز و پاشه

۱۹-۱۵ شاخص تغییر ارزش پولی بین دو دوره، $I_v = \sum_{i=1}^{n} v_i^t / \sum_{i=1}^{n} v_i^{t-1}$، اثرات ترکیبی هردوی تغییرات قیمت و تغییرات مقدار را منعکس می‌کند. وقتی از شاخص‌های لاسپیرز و پاشه استفاده می‌شود، تغییر ارزش فقط هنگامی دقیقاً به یک شاخص قیمت ضربدر یک شاخص حجم تجزیه می‌شود که شاخص قیمت لاسپیرز با شاخص حجم پاشه جور شده باشد، یعنی: $L_P \times P_Q = I_v$ یا

شاخص حجم لاسپیرز با شاخص قیمت پاشه جور شده باشد، $L_Q \times P_P = I_v$. برای مثال، یک شاخص قیمت، ۱/۰۵که تغییر ۵ درصدی را نشان می‌دهد ضربدر یک شاخص حجم ۱/۰۸، با ۸ درصد تغییر، یک شاخص تغییر ارزش برابر با ۱/۱۳۴، با ۱۳/۴ درصد تغییر بوجود می‌آورد.

۲۰-۱۵ این رابطه وقتی کل ارزش جاری برای هردو دوره و نیز هرکدام از شاخص‌های قیمت یا حجم معلوم باشند، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. فرض کنید برای مثال تهیه‌کنندگان بخواهند شاخص حجم بدست آورند. شاخص‌های حجم لاسپیرز و پاشه با تقسیم (تعدیل قیمت) تغییر ارزش به شاخص‌های قیمت مناسب: به‌ترتیب $L_Q = I_V/P_P$ و $P_Q = I_V/L_P$ بدست می‌آید. قابل ذکر است که L_Q از طرف راست معادله ۲ یک سری زمانی شاخص‌های حجم لاسپیرز را برای دوره‌های $t = ۱, \dots, T$ به صورت زیر بوجود می‌آورد:

$$\frac{\sum_{i=۱}^{n} p_i q_i^۱}{\sum_{i=۱}^{n} p_i q_i} \cdot \frac{\sum_{i=۱}^{n} p_i q_i^۲}{\sum_{i=۱}^{n} p_i q_i} \dots\dots\dots, \frac{\sum_{i=۱}^{n} p_i q_i^T}{\sum_{i=۱}^{n} p_i q_i} \qquad (۵)$$

با ضرب کردن این سری در مخرج مشترک $\sum_{i=۱}^{n} p_i q_i$ سری‌های حجم زیر بدست می‌آید:

$$\sum_{i=۱}^{n} p_i q_i^۱ , \sum_{i=۱}^{n} p_i q_i^۲ , \dots\dots\dots, \sum_{i=۱}^{n} p_i q_i^T \quad (۶)$$

تغییرات نسبی از یک دوره به دوره دیگر برای این سری‌ها با تغییرات شاخص‌های حجم لاسپیرز مربوطه که در تساوی (۵) نشان داده شده برابر است، دو سری فقط با یک اسکالر (عدد) که ارزش دوره (۰) است با یکدیگر متفاوت هستند.

۲۱-۱۵ سری‌هائی که در سرتاسر آن‌ها از قیمت‌های سال پایه، آن طور که در رابطه (۶) توضیح داده شد، استفاده می‌شود درک آن‌ها آسان است، ولی اگر دوره زمانی T یک دوره طولانی باشد که تغییراتی در ساختار اقتصادی بوجود آمده باشد، در حساب‌های ملی بهترین اقدام به حساب نمی‌آید. برای مثال، اگر تغییرات حجم در طول یک دوره ۱۰ ساله، به فرض ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۵، به قیمت‌های ثابت سال ۱۹۹۵ اندازه‌گیری شود، در این صورت تغییرات حجم در سال‌های آخر مبتنی بر یک پیکره‌بندی قیمتی بوده است که احتمالاً تغییر یافته است. اقدام بهتر، تغییر وزن‌های تعدیل کننده پاشه در سال ۲۰۰۰ (تغییر سال پایه) و ارتباط دادن شاخص بدست آمده به وزن‌های سال ۱۹۹۹ است. سری‌های حجمی دوره ۱۰ ساله‌ی بدست آمده دیگر به قیمت‌های ثابت سال ۱۹۹۵ نخواهد بود، بلکه یک شاخص حجمی نماینده مناسب‌تری خواهد بود. حتی اقدام بهتر، در صورت دسترسی به منابع، تشکیل یک سری از پیوندهای دوسویه سالانه از مقایسه‌های قیمت ثابت است. بهتر است برای توصیف این نوع سری‌ها از اصطلاح سری-های حجمی استفاده شود تا "در قیمت ثابت" یا "به قیمت ثابت".

رابطه بین شاخص‌های لاسپیرز و پاشه

۲۲-۱۵ پیش از بررسی دیگر فرمول‌های ممکن، بهتر است رفتارهای شاخص‌های لاسپیرز و پاشه با یکدیگر مقایسه شوند. به‌طور کلی، شاخص لاسپیرز گرایش به این دارد که افزایش بیشتری را نسبت به سال پایه ثبت کند تا شاخص پاشه، یعنی به‌طور کلی:

$$L_P > P_P \text{ و } L_Q > P_Q \qquad (۷)$$

می‌توان نشان داد هنگامی که مقدار و قیمت‌های نسبی (موزون شده با ارزش) همبستگی منفی دارند، یعنی وقتی قیمت‌ها بالا می‌رود مقدارهای خریداری شده پائین می‌آید یا برعکس، رابطه (۷) برقرار است. این نوع همبستگی منفی برای قیمت‌پذیرها در بازار، شامل مصرف کنندگان و شرکت‌هائی که نهاده‌های واسطه خریداری می‌کنند، انتظار می‌رود، یعنی آن‌هائی که نسبت به تغییر قیمت‌های نسبی با جایگزین کردن کالاها و خدماتی که نسبتاً ارزان‌تر شده‌اند با کالاها و خدماتی که نسبتاً گران‌تر شده‌اند، عکس‌العمل نشان می‌دهند. همبستگی مثبت برای شرکت‌های تأثیرگذار در قیمت انتظار می‌رود، یعنی آن‌هائی که ستانده را به سمت کالاها و خدماتی که نسبتاً گرانتر شده‌اند سوق می‌دهند. در این شرایط، نابرابری‌های معادله (۷) برعکس خواهد شد.

۱۵-۲۳ فرض می‌شود که مصرف کنندگان بدنبال حداکثر کردن مطلوبیت هستند، که بنوبه خود به ترکیب کالاها و خدمات خریداری شده مربوط می‌شود. طبق تئوری شاخصِ هزینه‌های زندگی (COLIs) به صورت نسبت حداقل مخارج مورد نیاز برای این که مصرف کننده را برای رسیدن به یک سطح مطلوبیت ثابت تحت دو مجموعه از قیمت‌ها قادر سازد تعریف می‌شود. اگر نگه‌داشتن همان سطح مطلوبیت گرانترشده باشد، COLI افزایش می‌یابد. COLI لاسپیرز ترجیحات و مطلوبیت را در دوره مرجع ثابت می‌گیرد و COLI پاشه آن‌ها را در دوره جاری ثابت می‌گیرد.

۱۵-۲۴ شاخص قیمت لاسپیرز کرانه‌ی بالائی برای COLI نظری لاسپیرز ارائه می‌دهد. طبق COLI، مصرف کنندگان برای بدست آوردن همان سطح مطلوبیت، می‌توانند محصولاتی را که نسبتاً کمتر گران شده‌اند با محصولاتی که نسبتاً گران‌تر شده‌اند جایگزین کنند، در حالی که سبد ثابت شاخص لاسپیرز امکان چنین جایگزینی را نمی‌دهد. به‌طور مشابه، می‌توان نشان داد که شاخص پاشه کرانه‌ی پائین‌تری را نسبت به COLI نظری پاشه ارائه می‌دهد.

فرمول‌های دیگر اعداد شاخص

۱۵-۲۵ از آنجا که فرمول‌های متفاوت نتایج متفاوتی را ببار می‌آورند، لازم است رهیافت‌های مختلف برای انتخاب از میان آن‌ها بررسی شود و این به نوبه خود منجر به بررسی بیشترِ فرمول اعداد شاخص می‌شود.

۱۵-۲۶ از شاخص‌های قیمت لاسپیرز و پاشه در معادله‌های (۱) و (۳) آشکار است که هردو شاخص سبد مقدار را ثابت می‌گیرند. فرمول‌ها از این جهت تفاوت دارند که لاسپیرز سبد را در دوره مرجع و پاشه در دوره جاری ثابت می‌گیرد. اگر هدف فقط اندازه‌گیری تغییر قیمت بین دو دوره به‌طور جداگانه باشد، دلیلی وجود ندارد که سبد اولی به سبد دومی ترجیح داده شود، یا برعکس. هردوی سبدها از نظر مفهومی به‌طور یکسان توجیه پذیر هستند. از اینرو، هرچند نتایج متفاوتی را ببار می‌آورند، هیچیک از فرمول‌ها را نمی‌توان برتر از دیگری دانست.

۱۵-۲۷ راه حل مصالحه‌آمیز برای شاخص قیمت، بکارگیری فرمولی است که در آن از اطلاعات مربوط به مقادیر دوره پایه و دوره جاری به‌طور متقارن استفاده شود. می‌توان نشان داد که شاخص فیشر در این رابطه مناسب‌ترین شاخص است. (برای توضیح این که چرا چنین است، به فصل ۱۵ از دستنامه‌های CPI و PPI مراجعه شود). شاخص فیشر (F) به عنوان میانگین هندسی شاخص‌های لاسپیرز و پاشه تعریف می‌شود که بترتیب برای شاخص‌های قیمت و مقدار به شرح زیر است:

$$F_P = \{L_P.P_P\}^{1/2} \text{ و } F_Q = \{L_Q.P_Q\}^{1/2} \qquad (۸)$$

۱۵-۲۸ نظریه اقتصادی وجود منحنی‌های بی‌تفاوتی را که نشان می‌دهند چگونه مصرف کنندگان الگوی مخارج خود را در پاسخ به تغییرات قیمت تغییر می‌دهند ثابت می‌کند. بجز توابع مطلوبیتی که نشان می‌دهند منحنی‌های بی‌تفاوتی در دوره‌های (۰) و t مشابه هستند، شاخص‌های لاسپیرز و پاشه برای این دوره هر یک تابع مطلوبیتی را نشان خواهند داد که به نحو متفاوتی شکل گرفته‌اند. به‌طور کلی، شاخص لاسپیرز کرانه‌ی بالائی را برای تابع مطلوبیت خود ارائه می‌دهد در حالی که شاخص پاشه یک کرانه‌ی پائینی را برای تابع مطلوبیت خود نشان خواهد داد ولی دو تابع مطلوبیت متفاوت خواهند بود.

۱۵-۲۹ به منظور حل این مشکل پیچیده، یک سری شاخص بنام شاخص‌های برترین بدست آمده است که به توابع مطلوبیتی مربوط است که در طول زمان با تغییرات مقادیر ببار آمده در اثرِ تغییر قیمت‌ها انطباق داده شده است. شاخص فیشر مثالی از یک شاخص عالی است، شاخص تورن‌کویست مثال دیگری از این شاخص‌هاست. شاخص تورن‌کویست میانگین هندسی قیمت نسبی‌های موزن شده با سهم‌های متوسط مخارج در دو دوره است. از اینرو، شاخص‌های قیمت و حجم تورن‌کویست به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$T_P = \prod_{i=1}^{n} \left(\frac{p_i^t}{p_i}\right)^{(s_i+s_i^t)/2}$$

$$\text{و } T_Q = \prod_{i=1}^{n} \left(\frac{q_i^t}{q_i}\right)^{(s_i+s_i^t)/2} \qquad (۹)$$

هردوی شاخص‌های فیشر و تورن‌کویست برای مقاصد وزن دهی از اطلاعات سهم‌های ارزش در هردو دوره استفاده می‌کنند و اهمیت یکسانی به آن‌ها می‌دهند. به این دلیل ممکن است این انتظار وجود داشته باشد که آن‌طور که مطلوب است، بین کرانه‌های شاخص‌های لاسپیرز و پاشه قرار گیرد. تفاوت بین ارزش عددی شاخص‌های فیشر و شاخص‌های متقارن دیگر از این نوع احتمال دارد بسیار کوچک باشند. هیچ‌یک از شاخص‌های حجم فیشر یا تورن-کویست قیمت‌های یک دوره خاص را بکار نمی‌برند. اصطلاح "به قیمت‌های ثابت" اسم بی مسمائی برای این نوع سری‌ها است، اصطلاح صحیح آن سری‌های "برحسب حجم" است.

۱۵-۳۰ تحلیل فوق از منظر مصرف کننده یا خریدار بوده است. تئوری اقتصادی، کرانه‌های لاسپیرز و پاشه را از منظر تولید کننده نیز تعریف می‌کند. تولیدکنندگانی که در پی به حداکثر رساندن درآمد عملیاتی هستند انتظار می‌رود مقدارهای نسبی را که تولید می‌کنند در پاسخ به افزایش قیمت‌های نسبی افزایش دهند. کرانه‌های لاسپیرز و پاشه بدست آمده معکوس کرانه‌های شرح داده شده در بالا هستند، زیرا مقدارهای تولید شده به سمت جایگزینی با کالاهائی با قیمت‌های بالاتر از تغییرات متوسط قیمت سوق داده می‌شوند. ولی لزوم تعدیل برای حذف سمت‌گیریِ (اریبی) جایگزینی با استفاده از شاخص‌های تورن‌کویست و فیشر هنوز بجای خود باقی است.

ویژگی‌های مطلوب عدد شاخص

۱۵-۳۱ دو ویژگی وجود دارد که اغلب گفته می‌شود اعداد شاخص برای استفاده در تعدیل قیمتِ حساب‌های ملی به آن‌ها نیاز دارند. آن‌ها آزمون‌های " زمان برگشتی" و "عامل برگشتی" هستند. در آزمون زمان برگشتی لازم است که شاخص دوره t در مقایسه با دوره (۰) با شاخص دوره (۰) در مقایسه با دوره t معکوس یکدیگر باشد. در آزمون عامل برگشتی لازم است حاصل ضرب شاخص قیمت و شاخص حجم با تغییرات نسبی در ارزش جاری برابر باشند. از بحث بخش قبل چنین استنباط می‌شود که شاخص‌های لاسپیرز و پاشه بخودی خود در هیچ یک از این آزمون‌ها پذیرفته نمی‌شوند. اما، از تعاریف شاخص‌های فیشر در معادله‌ی (۸) این طور استنباط می‌شود که شاخص فیشر در این آزمون‌ها پذیرفته می‌شوند.

۱۵-۳۲ بنابراین شاخص فیشر مزایائی دارد که باعث شده است به‌طور گسترده‌ای در آمارهای کلی اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. در حقیقت، فیشر شاخص خود را به عنوان شاخص "ایده‌آل" توصیف کرده است. اما، شاخص فیشر نیازمند اطلاعات هر دو دوره مرجع و جاری برای وزن‌ها است، که ممکن است به-موقع بودن شاخص را تحت تأثیر قرار دهد، علاوه بر این درک آن به اندازه شاخص‌های لاسپیرز و پاشه آسان نیست.

۱۵-۳۳ دستنامه‌های CPI و PPI در فصل‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ توضیحات گسترده‌ای از رهیافت‌های مختلف برای انتخاب از میان اعداد شاخص را ارائه می‌دهد. در فصل ۱۶ نیز به‌طور تصادفی رهیافتی که به شاخص تورن‌کویسیت توجه دارد مطرح شده است. از کل نتیجه‌ی این کار مفصل چنین آشکار می‌شود که هر سه رهیافت به شاخص فیشر توجه دارند؛ شاخص‌های برترین نظیر شاخص‌های فیشر و تورن‌کویست نتایج بسیار مشابهی ببار می‌آورند و همه آن‌ها را می‌توان با رهیافت تئوری اقتصادی توجیه کرد و؛ تفاوت بین شاخص‌های برترین و شاخص‌های لاسپیرز و پاشه، یا گسترش آن‌ها، به سبب سمت‌گیریِ جانشینی است.

اعداد شاخص در عمل

۱۵-۳۴ شاخص قیمت لاسپیرز در معادله (۱) همان قیمت و وزن‌های دوره مرجع (۰) را دارد. در عمل، بویژه برای CPIها که بموقع بودن بسیار ضروری است، دوره مرجع (۰) برای قیمت متفاوت از دوره‌ی مرجع قبلی برای وزن‌دهی، فرضاً b، است زیرا آماده شدن نتایج طرح‌های آمارگیری‌های خانوار، کارگاهی و منابع دیگر برای ساخت وزن‌های مورد استفاده در شاخص‌ها زمان می‌برد. شاخص لاسپیرز ارائه شده با عبارت نخست در معادله (۱)، می‌تواند s_i^b را بجای s_i به عنوان وزن‌های خود داشته باشد. این شاخص، شاخص Young است و، مانند شاخص لاسپیرز، دارای ویژگی نامطلوب شکست در آزمون زمان برگشتی است.

۱۵-۳۵ سازمان‌های آماری اغلب سعی می‌کنند سهم‌های ارزشی بکار رفته به عنوان وزن‌ها را با تغییرات قیمت بین b و (۰) تعدیل کنند تا شاخص Lowe را به صورت زیر بسازند تا بر این مشکل غلبه کنند:

$$L_{owe} = \frac{\sum_{i=1}^{n}\left(\frac{p_i^t}{p_i}\right)\left(\frac{p_i}{p_i^b}\right)v_i^b}{\sum_{i=1}^{n} v_i^b\left(\frac{p_i}{p_i^b}\right)} \equiv \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^t q_i^b}{\sum_{i=1}^{n} p_i q_i^b} \qquad (۱۰)$$

۳. شاخص‌های زنجیره‌ای

تغییر سال پایه و برقراری پیوند بین شاخص‌ها

۱۵-۳۶ همان‌گونه که در بخش قبل اشاره شد، این گرایش در طول زمان وجود دارد که ارتباط الگوی قیمت‌های نسبی دوره‌ی پایه با اوضاع اقتصادی دوره‌های بعدی به‌طور فزاینده‌ای کم می‌شود تا حدی که ادامه آن‌ها از یک دوره به دوره‌ی بعد برای استفاده در اندازه‌گیری تغییرات حجمی پذیرفتنی نخواهد بود. در این صورت لازم است وزن‌ها بهنگام شوند. در سری‌های زمانی طولانی، استفاده از وزن‌های زمان بسیار نزدیک به زمان جاری برای تاریخی در گذشته‌ی دور به‌همان اندازه نامناسب خواهد بود که استفاده از وزن‌های زمان گذشته‌ی دور برای دوره‌ی جاری نامناسب است. بنابراین لازم است با ضرب کردن، پیوندی بین سری‌های قدیمی و سری‌هائی که مجدداً موزون شده‌اند برقرار شود. انجام این کار یک عملیات ساده‌ی عددی است که نیاز به برآوردهائی برای دوره‌ی همپوشانی شاخص یا سری‌های محاسبه شده با استفاده از هردوی وزن‌های قدیم و جدید دارد.

۱۵-۳۷ برقراری پیوند بین شاخص‌ها را می‌توان به شیوه‌های مختلف انجام داد. می‌توان شاخص جاری مربوط به وزن‌های جدید را در یک ضریب پیوند شاخص قدیم به جدید ضرب کرد تا شاخص جدید به دوره‌ی مرجعِ شاخص قدیم تبدیل شود. در روش دیگر، شاخص می‌تواند دوره مرجع خود را که در زمان معرفی وزن‌های جدید تغییر داده شده است داشته باشد و شاخص قدیم با تقسیم آن به ضریب پیوند بازنگری شود. فرآیند پیوند دادن سری قدیم به سری جدید از طریق یک پیوند در دوره همپوشانی، "زنجیره‌ای کردن" نامیده می‌شود.

۱۵-۳۸ اعم از این که زنجیره‌ای کردن طوری انجام شود که دوره مرجع قبلی در سری جدید حفظ شود یا دوره مرجع سری قدیم برای سری جدید تغییر داده شود، باید محاسبات در هر سطح از تجمیع انجام شود. به‌دلیل جمع ناپذیری، هریک از اجزا و نیز هر هم‌افزوده‌ای باید تک به تک پیوند داده شوند.

زنجیره‌ای کردن هر دوره

۱۵-۳۹ هرچه وزن‌ها با فاصله‌های زمانی کوتاه‌تری بهنگام شوند سری‌های زمانی قیمت و حجم نماینده بهتری خواهند بود. شاخص‌های زنجیره‌ای سالانه از تهیه شاخص‌های سالانه طی دو سال پیاپی که هریک دارای وزن‌های بهنگام شده هستند حاصل می‌شود. این "پیوندها" از طریق ضرب پی در پی ترکیب می‌شوند تا یک سری تشکیل دهند. به منظور درک کلی ویژگی‌ها و رفتارهای شاخص‌های زنجیره‌ای، لازم است ابتدا چگونگی رفتار شاخص‌های زنجیره‌ای لاسپیرز و پاشه در مقایسه با شاخص‌های پایه‌ی ثابت مورد بررسی قرار گیرد.

شاخص‌های زنجیره ای لاسپیرز و پاشه

۱۵-۴۰ شاخص زنجیره ای حجم لاسپیرز، L_Q، که دوره‌های (۰) و t را مرتبط می‌کند شاخصی به صورت زیر است:

$$L_Q = \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^{\cdot}\, q_i^{1}}{\sum_{i=1}^{n} p_i^{\cdot}\, q_i} \times \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^{1} q_i^{2}}{\sum_{i=1}^{n} p_i^{1} q_i^{1}} \times \ldots, \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^{t-1} q_i^{t}}{\sum_{i=1}^{n} p_i^{t-1} q_i^{t-1}} \quad (۱۱\text{الف})$$

شاخص زنجیره ای متناظر حجم پاشه به شکل زیر است:

$$P_Q = \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^{1} q_i^{1}}{\sum_{i=1}^{n} p_i^{1} q_i^{\cdot}} \times \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^{2} q_i^{2}}{\sum_{i=1}^{n} p_i^{2} q_i^{1}} \times \ldots, \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^{t} q_i^{t}}{\sum_{i=1}^{n} p_i^{t} q_i^{t-1}} \quad (۱۱\text{ب})$$

شاخص‌های قیمت لاسپیرز و پاشه با جابجا کردن p و q در عبارت شاخص‌های حجم بدست می‌آید.

۱۵-۴۱ به طور کلی، اگر شاخص‌های زنجیره‌ای جایگزینِ شاخص‌های دارای سال پایه ثابت شوند، پراکندگیِ بینِ عدد شاخص لاسپیرز و پاشه احتمالاً به مقدار زیادی کاهش خواهد یافت. از اینرو، شاخص‌های زنجیره‌ای نسبت به شاخص‌های

دارای سال پایه ثابت دارای مزیت هستند. رابطه بین شاخصِ پایه‌ی ثابت با شاخص زنجیره‌ای متناظر آن همیشه یکسان نیست زیرا بستگی به تغییرات قیمت‌ها و حجم‌های هر محصول در طول زمان دارد.

۱۵-۴۲ اگر قیمت‌ها و مقدارها در طول زمان گرایش به افزایش یا کاهش مستمر داشته باشند، می‌توان نشان داد که زنجیره‌ای کردن پراکندگیِ عدد شاخص را به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد، و احتمال دارد تقریباً آن را حذف کند. فصل‌های ۹ و ۱۹ بترتیب در دستنامه‌های CPI و PPI مثال‌های روشنگرانه‌ای را ارائه می‌دهند و فصل ۱۵ تئوری پیش زمینه‌ی این یافته‌ها را توضیح می‌دهد.

۱۵-۴۳ از سوی دیگر، اگر قیمت‌ها و مقدارهای هر محصول طوری نوسان داشته باشند که تغییرات ایجاد شده در مقدار و قیمت‌های نسبی دوره‌های قبلی در دوره‌های بعدی وارونه شوند، زنجیره‌ای کردن نتایج بدتری نسبت به شاخص‌های ساده ببار خواهد آورد.

۱۵-۴۴ با در نظر گرفتن تمامی عوامل، بنظر می‌رسد شرایط مطلوب برای استفاده از شاخص‌های زنجیره‌ای لاسپیرز و پاشه در طول زمان محتمل‌تر از شرایط نامطلوب است. نیروهای اقتصادی اساسی که عامل تغییرات طولانی مدتِ مشاهده شده در قیمت‌ها و مقدارهای نسبی هستند، نظیر پیشرفت‌های تکنولوژی و درآمدِ در حال افزایش، اغلب به عقب برنمی‌گردند. از اینرو، معمولاً توصیه می‌شود که شاخص‌های سالانه زنجیره‌ای شوند. اجزای قیمت و حجم داده‌های فصلی و ماهانه به سبب بی‌نظمی‌های کوتاه مدت، نسبت به اجزای سالانه آن‌ها معمولاً با تغییرات بسیار بزرگتری مواجه هستند. بنابراین، زنجیره‌ای کردن در چنین وضعیتی که تغییرات شدیدی وجود دارد دارای مزایای کمتری است و به طور قطع نباید برای داده‌های فصلی که نسبت به نوسانات فصلی تعدیل نشده باشند زنجیره‌ای کردن بکار برده شود.

شاخص‌های فصلی نوع لاسپیرز زنجیره‌ای شده به طور سالانه

۱۵-۴۵ شاخص‌های فصلی زنجیره‌ای می‌تواند با استفاده از وزن‌های سالانه بجای وزن‌های فصلی ساخته شود. یک شاخص فصلی حجم نوع لاسپیرز را در نظر بگیرید که تغییرات حجم را از متوسط سال $y-1$ تا فصل c در سال y اندازه‌گیری می‌کند.

$$L_Q^{\overline{(y-1)}\to(c,y)} = \frac{\sum_i P_i^{y-1} q_i^{c,y}}{\sum_i P_i^{y-1} Q_i^{y-1}} = \sum_i \frac{q_i^{c,y}}{Q_i^{y-1}} s_i^{y-1} \qquad (۱۲\text{الف})$$

حروف بزرگ P و Q متوسط ارزش‌های فصلی در طول یک سال را نشان می‌دهند. توان‌ها نشان دهنده‌ی سال (y) و فصل (c) هستند. P_i^{y-1} متوسط قیمت قلم i در سال $y-1$ و $P_i^{c,y-1}$ قیمت قلم i در فصل c از سال $y-1$ را نشان می‌دهد و s_i^{y-1} سهم ارزش دوره پایه را نشان می‌دهد که سهم قلم i در کل ارزش سال $y-1$ است.

از اینرو:

$$P_i^{y-1} = \frac{\sum_c P_i^{c,y-1} q_i^{c,y-1}}{\sum_c q_i^{c,y-1}}; \quad Q_i^{y-1} = \frac{\sum_c q_i^{c,y-1}}{۴}; \text{ و}$$

$$s_i^{y-1} = \frac{P_i^{y-1} Q_i^{y-1}}{\sum_i P_i^{y-1} Q_i^{y-1}} = \frac{\sum_c P_i^{c,y-1} q_i^{c,y-1}}{\sum_i \sum_c P_i^{c,y-1} q_i^{c,y-1}} \qquad (۱۲\text{ب})$$

۱۵-۴۶ سپس شاخص‌های فصلی حجم نوع لاسپیرز را می‌توان با پیوندهای سالانه زنجیره‌ای کرد. معمولاً یکی از دو روش جایگزین، همپوشانی‌های سالانه و همپوشانی‌های تک فصلی، برای زنجیره‌ای کردنِ سالانه‌ی داده‌های فصلی بکار می‌رود. علاوه بر این این دو روش متعارف زنجیره‌ای کردن، گاهی اوقات روش سومی نیز بکار می‌رود که مبتنی برتغییرات از سال قبل در همان دوره است (روش " طول سال"). با وجود این که هر سه روش در بسیاری از موارد نتایج مشابهی را ببار می‌آورد، ولی در شرایطی که تغییرات شدیدِ مقدارهای نسبی و قیمت‌های نسبی وجود دارد، روش طول سال می‌تواند الگوی فصلی مخدوشی را در سری‌های زنجیره‌ای ببار آورد. در حالی که تهیه استاندارد آمارهای قیمت منحصراً روش همپوشانی‌های یک فصلی را بکار می‌برد، روش همپوشانی‌های سالانه می‌تواند برای سنجه‌های حجمی نوع لاسپیرز در حساب‌های ملی عملی‌تر باشد زیرا این روش

داده‌هائی را ارائه می‌دهد که کاملاً با شاخص سالانه مستقیم متناظر تجمیع می‌شوند. برعکس روش‌های همپوشانی‌های یک فصلی و طول سال داده‌هائی را حاصل نمی‌کنند که کاملاً با شاخص سالانه مستقیم متناظر تجمیع شوند. همپوشانی‌های یک فصلی هموارترین انتقال بین هر پیوند را ارائه می‌دهد برخلاف روش همپوشانی‌های سالانه، که اغلب بین هر پیوند یعنی بین چهارمین فصل از یک سال و اولین فصل از سال بعد مرحله‌ای را معرفی می‌کند.

۱۵-۴۷ تکنیک استفاده از همپوشانی‌های سالانه، انجام برآوردهائی از میانگین موزون سالانه‌ی قیمت‌های سال قبل برای هر فصل را در بر می‌گیرد که بعداً با استفاده از داده‌های متناظر سالانه پیوند داده می‌شود تا عوامل پیوند برای سنجش سیر صعودی یا نزولی داده‌های فصلی بدست آید. تکنیک همپوشانی‌های تک فصلی، مستلزم برآوردهائی از میانگین موزون سالانه‌ی قیمت‌های سال جاری برای فصلِ همپوشانی بعلاوه برآوردهائی از متوسط قیمت‌های سال قبل است. نسبت بین برآوردهای مربوط به فصل پیوند دهنده درباره متوسط قیمت‌های سال جاری و متوسط قیمت‌های سال قبل عامل پیوند را برای سنجش بالا رفتن یا پائین آمدن داده‌های فصلی ارائه می‌دهد. تکنیک طول سال مستلزم برآوردهائی از قیمت‌های میانگین موزون سالانه‌ی قیمت‌های سال جاری برای هر فصل بعلاوه برآوردهائی از متوسط قیمت‌های سال قبل است. تغییرات سال به سال در این سری‌های حجمی برای برون‌یابی سری‌های حجمی فصلیِ دوره‌ی مرجعِ انتخاب شده بکار می‌رود.

۱۵-۴۸ ناهمخوانی‌های بین سری‌های حجمی زنجیره‌ای سالانه و جمع چهار فصلِ سری‌های حجمی فصلی زنجیره‌ای شده به طورسالانه که با استفاده از تکنیک همپوشانی تک فصلی بدست می‌آید می‌تواند در طول زمان انباشته شود. از اینرو، سری‌های حجمی زنجیره‌ای فصلی بدست آمده از این روش معمولاً با سری‌های زنجیره‌ای حجمی سالانه‌ی متناظر آن محک زده می‌شود و برای این منظور از روشی که اختلافات با سری‌های حجمی فصلی را به حداقل برساند در حالی که به سازگاری با سری‌های زنجیره‌ای حجمی سالانه نیز برسد، استفاده می‌شود. بحثی درباره این موضوع در فصل VI حساب‌های ملی فصلی وجود دارد.

۱۵-۴۹ اگر سری‌های حجمی سالانه، همان طورکه در بخش پ توصیه شده است، از داده‌های تراز شده جدول عرضه و مصرف بیان شده به قیمت‌های سال قبل بدست آمده باشد در این صورت این محک زدن داده‌های فصلی با برآوردهای سالانه تراز شده یک عمل استاندارد است. این عمل باعث می‌شود همه‌ی ناهمخوانی‌های بین سری‌های زنجیره‌ای حجمی فصلی و سالانه، از جمله اختلافات ناشی از بکارگیری تکنیک همپوشانی تک فصلی، حذف شوند.

۱۵-۵۰ در نتیجه، زنجیره‌ای کردن با استفاده از تکنیک همپوشانی تک فصلی همراه با محک زدن برای از بین بردن هرگونه ناهمخوانی‌های بوجود آمده بین داده‌های فصلی و سالانه بهترین نتیجه را ارائه می‌دهد. اما، در بسیاری از شرایط تکنیک همپوشانی سالانه نیز می‌تواند نتایج مشابهی را ببار آورد. ولی از تکنیک "طول سال" باید اجتناب شود.

شاخص‌های زنجیره‌ای لاسپیرز یا زنجیره‌ای برترین

۱۵-۵۱ همانگونه که پیش از این توضیح داده شد، پراکندگی عدد شاخص بین شاخص‌های لاسپیرز و پاشه هنگامی که قیمت‌ها و مقادیر در طول زمان به‌صورتی هموار تغییر می‌یابند می‌تواند به مقدار زیادی با زنجیره‌ای کردن کاسته شود. در چنین شرایطی انتخاب فرمول عدد شاخص دارای اهمیت کمتری است زیرا تمامی اعداد شاخص مربوطه در داخل کرانه‌های بالائی و پائینی شاخص‌های لاسپیرز و پاشه قرار می‌گیرند. با این وجود، ممکن است با انتخاب شاخصی نظیر شاخص فیشر یا شاخص تورن‌کویست برای زنجیره‌ای کردن مزایای بیشتری حاصل شود زیرا موجب می‌شوند دو دوره به-طور متقارن مقایسه شوند.

۱۵-۵۲ این نوع شاخص‌ها احتمالاً شاخص‌های تئوریکی مبتنی بر توابع اساسی مطلوبیت و تولید را بسیار نزدیک تقریب می‌زنند حتی اگر زنجیره‌ای کردن از گستره‌ی مزایای آن‌ها نسبت به همتای لاسپیرز و پاشه آن‌ها در این رابطه بکاهد. یک شاخص زنجیره‌ای متقارن، نظیر فیشر یا تورن‌کویست، نیز

احتمال دارد هنگامی که نوساناتی در قیمت‌ها و مقادیر وجود دارد بهتر عمل کند. اما، شاخص‌های زنجیره‌ای لاسپیرز داده‌های دوره جاری را برای وزن‌ها لازم ندارند و از اینرو ممکن است به برآوردهای سریع‌تری منجر شوند. مطالعات گذشته درباره تفاوت برآوردهای حساب‌های ملی با استفاده از شاخص‌های زنجیره‌ای لاسپیرز در برابر شاخص‌های زنجیره‌ای فیشر یا تورن‌کویست می‌تواند در تشخیص مزیت‌های استفاده از فرمول دوم کمک کند.

شاخص‌های فصلی از نوع فیشر زنجیره‌ای شده به طور سالانه

۱۵-۵۳ همان طور که امکان تهیه شاخص‌های فصلی از نوع لاسپیرز که به طور سالانه زنجیره‌ای شده باشد وجود دارد، تهیه شاخص‌های فصلی از نوع فیشر که به طور سالانه زنجیری شده باشد نیز وجود دارد. برای هر جفت سال پیاپی شاخص‌های فصلی از نوع لاسپیرز و فیشر برای دو فصل آخر سال اول، سال $y-1$ و دو فصلِ اول سال دوم، y، ساخته می‌شوند. شاخص‌های فصلی نوع پاشه به صورت شاخص‌های فصلی پس نگرِ نوع لاسپیرز ساخته می‌شود و سپس معکوس می‌شود. به این دلیل چنین عمل می‌شود که اطمینان حاصل شود شاخص‌های فصلی نوع فیشر به طور متقارن بدست آمده است. در شاخص‌های پیش نگر نوع لاسپیرز سهم ارزش سالانه به اولین سال از دو سال مربوط می‌شود، در حالی که در شاخص‌های پس نگر لاسپیرز سهم ارزش سالانه به دومین سال از دو سال مربوط می‌شود.

$$L_Q^{\overline{(y-1)}\to c}=\frac{\sum_i P_i^{y-1}q_i^c}{\sum_i P_i^{y-1}Q_i^{y-1}}=\sum_i \frac{q_i^c}{Q_i^{y-1}}s_i^{y-1} \qquad (۱۳)$$

$$P_Q^{\overline{y}\to c}=\left[L_Q^{\overline{y}\to c}\right]^{-1} \qquad (۱۴الف)$$

$$L_Q^{\overline{y}\to c}=\frac{\sum_i P_i^{y}q_i^c}{\sum_i P_i^{y}Q_i^{y}}=\sum_i \frac{q_i^c}{Q_i^{y}}s_i^{y} \qquad (۱۴ب)$$

و q_i^c مقدار قلم i در فصل c در دو فصل دوم سال $y-1$ یا دو فصل اول سال y است.

۱۵-۵۴ برای هریک از چهار فصل، شاخص نوع فیشر به صورت میانگین هندسی شاخص‌های متناظر نوع لاسپیرز و نوع پاشه محاسبه می‌شود. در این صورت فاصله‌های پیاپی چهار فصل را می‌توان با استفاده از تکنیک همپوشانی تک فصلی پیوند داد. شاخص‌های زنجیره‌ای فصلی از نوع فیشر زنجیره‌ای شده به طور سالانه که بدست می‌آید نیاز به محک زدن با شاخص‌های زنجیره‌ای سالانه فیشر دارد تا با برآوردهای سالانه به سازگاری برسد.

۱۵-۵۵ در انتهای سری‌ها مشکل پیش خواهد آمد زیرا تهیه شاخص‌های فصلی پاشه برای سال جاری با استفاده از وزن‌های سالانه، حداقل با استفاده از داده‌های مشاهده شده، امکان پذیر نیست. یک راه حل این است که شاخص‌های فصلی زنجیره‌ای "واقعی" فیشر برای آخرین سال یا دو سال گذشته تهیه شود و از آن‌ها برای برون یابی شاخص‌های فیشر زنجیره‌ای شده به طور سالانه استفاده شود. ولی این عمل باید فقط با استفاده از داده‌های تعدیل شده به طور فصلی انجام شود. تا زمانی که اختلاف‌های نامنظم در قیمت و حجم‌های نسبی فصلی بسیار بزرگ نیستند، می‌توان انتظار داشت شاخص‌های زنجیره‌ای فصلی فیشر از داده‌های تعدیل شده به طور فصلی در بعضی از شرایط نتایج رضایت بخشی را بوجود می‌آورند.

زنجیره‌ای کردن و پوشش داده‌ها

۱۵-۵۶ مشکل عمده در ساختن اعداد شاخص این واقعیت است که محصولات به طور مداوم در اثر پیشرفت تکنولوژی، اکتشافات جدید، تغییر سلیقه و مُد و انواع مختلف حوادث از بازار حذف شده و با محصولات جدید جایگزین می‌شوند. شاخص‌های قیمت و حجم با مقایسه قیمت‌ها یا مقادیرکالاها با ویژگی‌ها یا کیفیت یکسان (یعنی کالاهای همگن) در طول زمان، تهیه می‌شوند. این مقایسه در زمینه محصولاتی نظیر رایانه‌های شخصی که کیفیت آن‌ها به سرعت تغییر پیدا می‌کند آسان نیست.

۱۵-۵۷ زنجیره‌ای کردن کمک می‌کند تا مسائل این نوع مقایسه‌های کیفیتِ ثابت بهبود یابد زیرا احتمال بزرگ شدن همپوشانی

یک محصول در دو دوره‌ی متوالی قیمت تقریباً محدود می‌شود و شاخص‌های زنجیره‌ای می‌توانند وزن‌ها را طوری تغییر دهند که با هردو محصول جدید و محصول از بین رفته همراه باشد.

جمع پذیری و زنجیره‌ای کردن

۱۵-۵۸ هر هم‌افزوده‌ای به صورت حاصل جمع اجزای آن تعریف می‌شود. جمع پذیری در زمینه‌ی حساب‌های ملی مستلزم این است که این ماهیت در سری‌های حجمی نیز حفظ شود. هرچند جمع پذیری از نظر حسابداری مطلوب است، ولی واقعاً ویژگی بسیار محدود کننده‌ای است. شاخص‌های حجم لاسپیرز تنها فرمول عدد شاخص بررسی شده در اینجا است که جمع پذیر است.

۱۵-۵۹ در یک شاخص زنجیره‌ای تنها یک پیوند کافی است جمع پذیری را مخدوش سازد حتی هنگامی که شاخص‌های جمع پذیر، نظیر شاخص‌های حجم لاسپیرز، با یکدیگر پیوند داشته باشند. در نتیجه، اگر شاخص‌های زنجیره‌ای حجم با استفاده از شاخص‌های مورد نظر برای برون‌یابی ارزش دوره‌ی پایه به سری‌های زمانی ارزش تبدیل شوند، ممکن است نتوان اجزا را به هم‌افزوده‌های دوره‌های بعد اضافه کرد. شکلی از جمع ناپذیری گمراه کننده ممکن است هنگامی رخ دهد که شاخص زنجیره‌ای برای یک هم‌افزوده خارج از طیف اندازه‌گیری شده توسط شاخص‌های زنجیره‌ای برای اجزای آن قرار گیرد، نتیجه‌ای که می‌تواند از نظر کاربران به صورت ذاتی غیر قابل قبول تلقی شود. اعم از این که این‌ها برحسب ارزش پولی یا به صورت شاخص منتشر شوند، توصیه می‌شود که کاربران از طریق یک زیرنویس یا دیگر فراداده‌ها اطلاع رسانی شوند که سری‌های زنجیره‌ای حجمی جمع پذیر نیستند.

۱۵-۶۰ این گرایش کلی وجود دارد که هرچه دوره‌ای از سال مرجع دور می‌شود ناهمخوانی‌های ناشی از زنجیره‌ای کردن هم بیشتر خواهد شد. اگر سال مرجع نزدیک به انتهای سری‌ها انتخاب شود در این صورت ناهمخوانی‌ها برای فصل‌های آخر نسبتاً کوچک خواهد بود. در حقیقت، اگر از فرمول زنجیره‌ای لاسپیرز استفاده شود و اگر سال مرجعی انتخاب شود که با آخرین سال پایه همزمان باشد در این صورت فصل‌های بعد از سال مرجع جمع پذیر خواهند بود. مزیت دیگر انتخاب سالِ مرجعِ نزدیک به انتهای سری‌های زنجیره‌ای حجم این است که هنگامی که این سری‌ها به ارزش پولی بیان می‌شوند اگر تغییر قیمت‌ها با نرخ نسبتاً کمی رخ دهد، بزرگی آن‌ها فرق زیادی با ارزش‌های جاری برای آخرین دوره نخواهد داشت. برای حفظ این وضعیت لازم است هرسالی که پیوند جدیدی به زنجیر اضافه می‌شود سال مرجعِ سری‌ها تغییر یابد و این مستلزم بازنگریِ سری‌های زنجیره‌ای حجم در کل دوره‌ی آن‌ها است. باید توجه داشت که تغییر سال مرجع باید بازنگری سطوح را در بر داشته باشد و نه نرخ‌های رشد.

۱۵-۶۱ هرچند ممکن است جمع‌پذیری با هرگز تغییر ندادن وزن‌ها حفظ شود ولی این مزیت به طور قابل ملاحظه‌ای تحت‌الشعاع معایب افزایش نامربوطیِ وزن‌های مورد استفاده قرار می‌گیرد. نرخ‌های تغییر برای زیردوره‌های یک سری را که شامل نرخ‌های سالانه نیز می‌شود، می‌توان به عنوان مشارکت در تغییر بیان کرد که این مطلب در زیر توضیح داده شده است.

متغیرهائی که تغییر علامت می‌دهند

۱۵-۶۲ فرمول عدد شاخص به طور کلی به سری‌های زمانی که ارزش‌های مثبت، منفی و صفر بتوانند بگیرند قابل اعمال نیست. با این وجود، راه‌هائی در این گونه موارد وجود دارد که از طریق آن‌ها می‌توان سری‌های شبه زنجیره‌ای حجم را که به ارزش‌های پولی بیان شده باشد بدست آورد. رایج‌ترین رهیافتی که استفاده می‌شود، تعیین دو سری زمانی مرتبط است که فقط ارزش‌های مثبت می‌گیرند و طوری هستند که وقتی از یکدیگر کسر می‌شوند سری هدف را می‌سازند. مثال در این مورد، میزان موجودی‌های انبار در شروع و انتهای دوره است هنگامی که تغییرات آن‌ها در طول دوره در جهت مخالف باشند. سری‌های زنجیره‌ای حجم جمع پذیر نیستند و بنابراین آشکار است که این روش یک روش ناقص است زیرا با ساختن یک رابطه جمع پذیر تولید می‌شوند. در نتیجه، سری‌هائی که قرار است از یکدیگر کسر شوند باید تا جائی که ممکن است از نظر ترکیب قیمت و حجم با سری‌های هدف

هماهنگ باشند. از اینرو، سری زنجیره‌ای حجمِ تغییرات موجودی انبار به صورت سری زنجیره‌ای حجم موجودی انبار انتهای دوره منهای سری زنجیره‌ای حجم موجودی انبار ابتدای دوره بدست می‌آید. گاهی اوقات تشکیل سرمایه ثابت ناخالص دولت می‌تواند در اثرِ فروش دارائی‌ها به بخش خصوصی ارزش منفی داشته باشد که در این حالت سری زنجیره‌ای حجم تحصیل و فروش دارائی‌ها از یکدیگر کسر می‌شوند.

سهم در رشد

۱۵-۶۳ هنگامی که از فرمول لاسپیرز استفاده می‌شود و سال پایه و سال مرجع برهم منطبق هستند، حجم‌های بدست آمده در دوره‌های بعدی جمع‌پذیر هستند و سهم یک جزء I_{i} در رشدِ یک هم‌افزوده نظیر GDP، بین دو دوره $(t-n)$ و t می‌تواند به آسانی به شرح زیر محاسبه شود:

$$\%\Delta^{(t-n)\to t}=\frac{۱۰۰\left(I_i^t-I_i^{t-n}\right)}{\sum_i I_i^{t-n}} \qquad (۱۵)$$

هنگامی که سری‌های زنجیره‌ای حجم چه با استفاده از فرمول لاسپیرز برای شاخص‌های سالانه چه با زنجیره‌ای کردن سالانه شاخص‌های فصلی از نوع لاسپیرز محاسبه می‌شوند، در این صورت، سهم در رشد را به صورت سال به سال یا فصل به فصل می‌توان به آسانی با استفاده از داده‌های ارائه شده به قیمت‌های سال قبل از زنجیره‌ای کردن بدست آورد. این نوع داده‌ها جمع پذیر هستند و بنابراین می‌توان از معادله (۱۵) با $n-۱$ استفاده کرد. اگر سهم در رشد توسط اداره آمار منتشر نمی‌شود کاربر می‌تواند آن‌ها را برآورد کند. با فرض این که از روش همپوشانی‌های تک فصلی استفاده شده باشد، فرمول محاسبه سهم در درصد تغییر از دوره $t-۱$ تا دوره t عبارت است از:

$$\%\Delta^{(t-۱)\to t}=\frac{۱۰۰\left(I_i^t-I_i^{t-۱}\right)s_i^{t-۱}}{\sum_i I_i^{t-۱}s_i^{t-۱}} \qquad (۱۶)$$

که s سهم‌های اقلام در کل است، مانند معادله (۱۲).

۴. علل تنوع قیمت‌ها

تنوع قیمت به سبب تفاوت کیفیت

۱۵-۶۴ به طور کلی، بسیاری از انواع کالاها یا خدمات، اعم از محصولات ساده خوراکی نظیر سیب زمینی یا محصولات فن‌آوری نظیر رایانه، با کیفیت‌های بسیار متفاوتی که ویژگی‌های فیزیکی آن‌ها با یکدیگر فرق دارند در بازار یافت می‌شوند. برای مثال، سیب زمینی ممکن است کهنه یا تازه، قرمز یا سفید، شسته شده یا شسته نشده، باز یا بسته بندی شده باشد. برای بعضی کالاها و خدمات، نظیر یارانه‌های شخصی و خدمات مخابرات، گردش مالی سریعی با ارقام بسیار متفاوت وجود دارد و این، همان طور که در زیر ملاحظه می‌شود، مسائل جدی برای اندازه‌گیری تغییرات قیمت ایجاد خواهد کرد.

۱۵-۶۵ واژه کلی یکسانی، نظیر سیب زمینی، رایانه یا حمل و نقل برای توصیف کالاها و خدماتی که از نظر ویژگی‌های تعیین کننده‌ی قیمت آن‌ها با یکدیگر متفاوت هستند بکار می‌رود. قیمت یا مقدار یک کالا یا خدمت از یک کیفیت را نمی‌توان مستقیماً با کالا یا خدمت دیگری با کیفیتی متفاوت مقایسه کرد. لازم است کیفیت‌های متفاوت به همان نحوِ انواع متفاوت کالاها و خدمات عمل شوند.

۱۵-۶۶ تفاوت در کیفیت ممکن است ناشی از تفاوت در ویژگی‌های فیزیکی کالاها و خدمات مربوطه باشد و به آسانی تشخیص داده شود، ولی همه‌ی تفاوت‌های کیفیت از این نوع نیستند. کالاها یا خدمات ارائه شده در مکان‌های مختلف یا در زمان‌های مختلف، نظیر میوه‌ها و سبزیجات فصلی، باید به مثابه کالاها یا خدماتی که دارای کیفیت متفاوت هستند عمل شوند حتی اگر از نظر فیزیکی یکی باشند. شرایط فروش، یا شرایط یا محیطی که کالاها یا خدمات در آن عرضه می‌شوند یا تحویل داده می‌شوند می‌توانند نقش مهمی در تفاوت کیفیت‌ها داشته باشند. به عنوان مثال، یک کالای با دوام فروخته شده که دارای ضمانت یا خدمات رایگان بعد از فروش است دارای کیفیت بسیار بالاتری نسبت به همان کالای فروخته شده بدون ضمانت یا خدمات بعد از فروش است. کالاها و خدمات یکسان که توسط انواع مختلف خرده فروشان، نظیر مغازه‌های محلی، مغازه‌های تخصصی،

فروشگاه‌های بزرگ یا سوپرمارکت‌ها فروخته می‌شوند باید به مثابه کالاها و خدماتِ دارای کیفیت متفاوت عمل شوند.

۱۵–۶۷ به طور کلی در تحلیل‌های اقتصادی فرض می‌شود که وقتی بین دو کالا و خدمت که بنظر می‌رسد از نظر فیزیکی یکسان هستند تفاوت قیمت پیدا می‌شود بایستی عوامل دیگری، نظیر مکان، زمان یا شرایط فروش، وجود داشته باشند که معرف تفاوتِ در کیفیت باشند. وگرنه، می‌توان استدلال کرد که تفاوت نمی‌تواند ادامه داشته باشد، زیرا خریداران منطقی همیشه اقلامی را که دارای قیمت کمتری هستند خریداری می‌کنند و در قیمت‌های بالاتر هیچ فروشی انجام نمی‌شود.

۱۵–۶۸ وقتی برای کالا یا خدمتی که دارای کیفیت یکسانی است تنوع قیمت وجود دارد، قیمت‌های نسبی استفاده شده برای محاسبه عدد شاخص باید به صورت نسبت میانگین موزون قیمت آن کالا یا خدمت در دو دوره، در حالی که وزن‌ها از مقدارهای نسبی فروخته شده به هریک از قیمت‌ها تشکیل شده‌اند تعریف شود. مثلاً فرض کنید که مقدار مشخصی از یک کالا یا خدمتِ خاص به قیمت پائین‌تر به رده‌های خاصی از خریداران فروخته شود بدون این که در ماهیت کالا یا خدمت ارائه شده، مکان، زمان یا شرایط فروش، یا دیگر عوامل تفاوتی وجود داشته باشد. کاهش بعدی در نسبت فروش با قیمت پائین‌تر، منجر به افزایشی در قیمت متوسط پرداخت شده توسط خریداران برای مقادیر کالا یا خدمتی می‌شود که کیفیت آن همان است و بنا به فرض بدون تغییر باقی مانده است. این متوسط قیمت دریافت شده توسط فروشنده را نیز بدون هیچگونه تغییری در کیفیت بالا می‌برد. این افزایش باید به عنوان افزایش قیمت و نه حجم ثبت شود.

تنوع قمیت بدون تفاوت در کیفیت

۱۵–۶۹ با این وجود، این پرسش پیش می‌آید که آیا وجود تفاوت‌های مشاهده شده در قیمت‌ها همیشه به دلیل تفاوت در کیفیت-های مربوطه است. بحث‌های استاندارد مبتنی بر فرض‌های قوی هستند که بندرت توضیح داده می‌شوند و اغلب در عمل ارضا کننده نیستند: برای مثال، این که خریداران کاملاً آگاه هستند و این که آن‌ها در انتخاب بین کالاها و خدمات ارائه شده به قیمت‌های متفاوت آزاد هستند.

۱۵–۷۰ در وهله‌ی نخست، خریداران ممکن است به طور صحیحی از تفاوت قیمت‌ها آگاه نباشند و بنابراین ناخواسته کالاها و خدمات را به قیمت‌های بالاتری خریداری کنند. به‌طور طبیعی انتظار می‌رود خریداران در پی قیمت‌های پائین‌تری باشند، ولی جستجو برای قیمت‌های پائین‌تر ممکن است هزینه‌هائی را در بر داشته باشد. به دلیل نااطمینانی و نبود اطلاعات، هزینه‌های بالقوه‌ای که در جستجو برای بازاری که فقط احتمال این وجود دارد که از همان کالاها و خدمات به قیمت‌های پائین‌تری فروخته شوند، ممکن است بیشتر از پس انداز بالقوه‌ای باشد که در اثر خرید به قیمت‌های پائین‌تر حاصل می‌شود به‌طوری که یک خریدار منطقی ممکن است ریسکِ نخریدن به قیمت پائین‌تر را بپذیرد. شرایطی که خریداران و فروشندگان منفرد مذاکره می‌کنند یا برای قیمت‌ها چانه زنی می‌کنند، نیز مثال‌هائی است که در آن‌ها خریداران سهواً ممکن است به قیمت‌های بالاتر از قیمتی که می‌توانند در جای دیگری پیدا کنند بخرند. از سوی دیگر، تفاوت بین متوسط قیمت یک کالای خریداری شده در بازاری که خریداران منفرد برای قیمت‌ها چانه زنی می‌کنند و قیمت همان کالا در بازار خرده فروشی از نوع متفاوت، نظیر فروشگاه‌های بزرگ، باید به طور عادی به مثابه تفاوت در کیفیت به علت شرایط مختلفی که آن کالاها فروخته می‌شوند تلقی شود.

تبعیض قیمت‌ها

۱۵–۷۱ ثانیاً، خریداران همیشه در انتخاب قیمتی که خریداری خواهند کرد آزاد نیستند زیرا فروشنده ممکن است وضعیتی داشته باشند که قیمت‌های متفاوتی را برای رده‌های مختلف خریداران کالاها و خدماتِ مشابه فروخته شده تحت شرایط کاملاً یکسان مطالبه کنند، به عبارت دیگر تبعیض قیمت اعمال کنند. تئوری‌های اقتصادی نشان می‌دهندکه فروشندگان برای اعمال تبعیض قیمت انگیزه دارند زیرا این کار آن‌ها را قادر می‌سازد تا درآمد عملیاتی و سود خود را افزایش دهند. اما، هنگامی که خریداران بتوانند مجدداً بین خود معامله کنند، یعنی هنگامی که خریدارانی که به پائین‌ترین قیمت خریده‌اند بتوانند کالاها را به خریداران دیگر

بازفروشی کنند، اعمال تبعیض مشکل خواهد بود. در عین حال که کالاها اکثراً بازفروشی می‌شوند، معمولاً معامله مجدد خدمات غیرممکن است، و به این دلیل تبعیض قیمت در بسیاری از کشورها منحصراً در صنعت‌هائی (رشته فعالیت‌هائی) نظیر خدمات حمل و نقل، مالی، کسب و کار، سلامت، آموزش و غیره اعمال می‌شود. به‌طور معمول، قیمت‌های پائین‌تر برای خریداران دارای درآمدهای پائین، یا درآمدهای متوسط پائین، نظیر بازنشستگان یا دانشجویان اعمال می‌شود. هنگامی که دولت‌ها تبعیض قیمت اعمال یا تشویق به اعمال می‌کنند معمولاً آن را برای زمینه‌های رفاه توجیه می‌کنند، اما تولیدکنندگان بازاری نیز برای اعمال تبعیض به نفع خانوارهای دارای درآمدِ پائین دلایلی دارند که ممکن است آن‌ها را قادر سازد منافع خود را افزایش دهند. از اینرو، هنگامی که قیمت‌های متفاوتی از مشتریان مختلف مطالبه می‌شود، لازم است تشخیص داده شود که آیا هیچ تفاوت کیفیتی همراه با قیمت‌های پائین‌تر وجود دارد یا خیر. به عنوان مثال، اگر از شهروندان سالخورده، دانشجویان، دانش آموزان برای سفر با هواپیما، ترن یا اتوبوس در زمانی که آن‌ها خودشان برای سفر انتخاب کرده باشند کرایه پائین‌تری مطالبه شود، این باید دقیقاً به عنوان تبعیض قیمت تلقی شود. اما، اگر در شرایطی که فقط در زمان‌های تعیین شده که معمولاً خارج از زمان‌های اوج سفر است قیمت‌های پائین‌تر از آنان مطالبه شود، به این معنی است که کیفیت پائین‌تری از خدمات حمل و نقل به آن‌ها ارائه شده است.

وجود بازارهای موازی

۱۵-۷۲ ثالثاً، خریداران ممکن است قادر نباشند با قیمت‌های پائین‌تر به اندازه‌ای که دوست دارند خریداری کنند زیرا ممکن است در آن قیمت، عرضه ناکافی وجود داشته باشد. این وضعیت به طور معمول هنگامی رخ می‌دهد که دو بازار موازی در کنار یکدیگر وجود داشته باشند. یعنی یک بازار اولیه، یا رسمی، که در آن مقادیر فروخته شده، و قیمت‌هائی که این مقادیر فروخته می‌شوند، تحت کنترل دولت یا کنترل رسمی باشند، و بازار دوم چه به صورت بازار آزاد چه به صورت بازار غیررسمی، که وجود آن ممکن است به رسمیت شناخته شود یا نشود. اگر مقادیر ارائه شده به قیمت‌های تعیین شده در بازار رسمی محدود باشد، ممکن است مازاد تقاضائی وجود داشته باشد به‌طوری که عرضه به شکل سهمیه بندی یا شکلی از صف انتظار توزیع شود. در نتیجه، در بازار دوم یا بازار غیررسمی قیمت‌ها گرایش به بالا بودن خواهند داشت. این امکان هم وجود دارد، البته با احتمال کمتر، که در بازار دوم یا غیررسمی قیمت‌های پائین‌تری اعمال شود، شاید به این دلیل که در این بازارها ممکن است فرار از مالیات بر محصول وجود داشته باشد.

۱۵-۷۳ به سه دلیلی که اشاره شد، نبود اطلاعات، تبعیض قیمت یا وجود بازارهای موازی کالاها یا خدمات یکسان ممکن است با قیمت‌های متفاوتی به خریداران مختلف فروخته شوند. از اینرو، قیمت‌های متفاوت همیشه تفاوت در کیفیت کالاها یا خدمات فروخته شده را منعکس نمی‌کند.

۱۵-۷۴ هنگامی که برای یک نوع کالا یا خدمت با کیفیت یکسان تنوع قیمت وجود دارد، قیمت‌های نسبی استفاده شده برای محاسبه عدد شاخص باید به صورت نسبت میانگین موزون قیمت کالا یا خدمت در دو دوره‌ی مورد نظر تعریف شود، ضمن این که وزن‌ها مقدارهای نسبی فروخته شده به هریک از قیمت‌هاست. به عنوان مثال، فرض کنید که مقدار مشخصی از یک کالا یا یک خدمت خاص با قیمت پائین‌تر به رده‌های خاصی از خریداران فروخته شود بدون این که در ماهیت کالا یا خدمت ارائه شده، مکان، زمان یا شرایط فروش، یا سایر عوامل از هیچ نظر تفاوتی وجود داشته باشد. کاهش بعدی در نسبت فروخته شده به قیمت پائین‌تر، منجر به افزایش قیمت متوسط پرداخت شده توسط خریداران برای مقادیر یک کالا یا خدمتی که کیفیت آن یکسان بوده و بنا به فرض بدون تغییر باقی مانده است، می‌شود. این کاهش در نسبت فروخته شده، متوسط قیمت دریافت شده توسط فروشنده را نیز بدون این که در کیفیت تغییری ایجاد شده باشد بالا می‌برد. این افزایش باید به عنوان افزایش قیمت و نه حجم ثبت شود.

۱۵-۷۵ تشخیص تبعیض قیمت از وضعیتی که در آن قیمت‌های متفاوت حاکی از تفاوت در کیفیت هستند ممکن است دشوار باشد. با این وجود، ممکن است وضعیتی وجود داشته باشد که

تولیدکنندگان بزرگ (بویژه تولیدکنندگان بزرگ خدمات در زمینه‌هائی نظیر حمل و نقل، آموزش یا سلامت) قادر به تشخیص باشند و اطلاعات لازم را فراهم کنند. اگر درباره این که آیا تفاوت قیمت‌ها ناشی ار تبعیض قیمتی است شکی وجود داشته باشد ترجیح این است که چنین فرض شود که تفاوت قیمت‌ها ناشی از تفاوت کیفیت است، همانگونه که در گذشته نیز همواره چنین فرض شده است.

۵. اندازه‌گیری تغییرات کیفیت در طول زمان

۱۵–۷۶ کالاها و خدمات و شرایط معامله به طور مستمر، با خارج شدن برخی از کالاها و خدمات از بازار و جایگزین شدن آن‌ها با کیفیت‌های جدید یا کالاها و خدمات جدید، در طول زمان تغییر می‌یابد. حسابداران ملی برای تعدیل قیمتِ ارزش تغییرات مصرف، تولید و سرمایه‌گذاری از تفکیک شاخص‌های قیمت به عنوان ابزار اصلیِ تعیین تغییرات حجمِ این هم‌افزوده‌ها استفاده می‌کنند. کاستی‌هائی که در محاسبه‌ی شاخص‌های قیمت وجود داشته باشد به برآوردهای تغییرات حجم نیز منتقل می‌شود. برای مثال، برآوردهای شاخص‌های قیمت برای رایانه‌ها که به طور کامل بهبود کیفیت را در طول زمان منظور نکرده باشند دارای بیش برآوردی در تغییرات قیمت و کم برآوردی در تغییرات حجم خواهد بود. اگر قرار باشد تهیه کنندگان حساب‌های ملی به طور صحیحی از شاخص‌های قیمت و حجم به عنوان تعدیل کننده استفاده کنند، نیازمند آگاهی از گستره و ماهیت روش‌های استفاده شده توسط تهیه کنندگان شاخص‌های قیمت در مورد به‌حساب آوردن این نوع تغییرات کیفیت هستند. این به نوبه خود مستلزم این است که تهیه کنندگان شاخص‌های قیمت یادداشت‌های توضیحی درباره این نوع روش‌های مورد استفاده داشته باشند، سیاستی که در فصل ۸ هریک از دستنامه‌های CPI و PPI از آن طرفداری شده است.

۱۵–۷۷ البته، اجرای روش‌های تعدیل کیفیت برای گروه‌های خاصی از محصولات با هزینه‌هائی همراه است. چیزی که برای تهیه کنندگان حساب‌های ملی و شاخص‌های قیمت مهم است، این است که تغییر کیفیت یکی از ویژگی‌های رو به رشد بازارهای محصول است. روش‌های پیش فرض برای پرداختن به تغییر کیفیت، بویژه اگر با تمامی جایگزین‌ها به صورت مقایسه پذیر بودن عمل شود یا متغیرهای نمونه‌ای گم شده حذف شوند، ارزیابی تفاوت‌های کیفیت به طور ضمنی منظور می‌شوند. بعید بنظر می‌رسد که این نوع ارزیابی‌ها مناسب باشند و می‌توانند و باید بهبود داده شوند.

۱۵–۷۸ یک روش رایج نامناسب برای پرداختن به ارزش‌های گم شده این است که ارزش‌های دوره‌ی قبل به دوره جاری انتقال داده شوند. استفاده از این روش ممکن است موجب سمت‌گیری در شاخص مورد نظر شود لذا این روش به شدت رد می‌شود.

۱۵–۷۹ نگاهی اجمالی بر برخی از تکنیک‌های رایج در زیر ارائه شده است. بحث گسترده‌تری را می‌توان در هر سه دستنامه قیمت، یعنی دستنامه‌های CPI، PPI، و XMPI بدست آورد. تکنیک‌ها را می‌توان به تکنیک‌هائی که روش‌های مستقیم یا صریح هستند و تکنیک‌هائی که غیرمستقیم یا ضمنی هستند تقسیم کرد.

روش‌های مستقیم

۱۵–۸۰ در اصل، قیمت‌های نسبی که در محاسبات شاخص‌های بین زمانی قیمت وارد می‌شوند باید تغییرات خالص قیمت را با مقایسه قیمت‌های یک نمونه‌ی نماینده از کالاها و خدمات یکسان در زمان‌های متفاوت اندازه‌گیری کنند. این مدل "روش نمونه‌های جفت شده" نامیده می‌شود. تهیه کنندگان شاخص قیمت جزئیاتِ شرحِ محصولِ اقلامی را که در دوره‌های پی در پی قیمت‌گیری می‌شوند نگه میدارند تا از جفت بودن صحیح آن‌ها اطمینان حاصل کنند. وقتی مدلی به دلیل منسوخ شدن کنار گذاشته می‌شود، مسأله تعدیل کیفیت بروز می‌کند. برای به حساب آوردن تغییر کیفیت برای ادامه دادن سری‌ها، از چند روش می‌توان استفاده کرد.

۱۵–۸۱ یکی از روش‌ها این است که از هزینه‌های نسبیِ برآورد شده‌ی تولید به عنوان پایه‌ای برای برآوردهای قیمت‌های نسبی و در نتیجه کیفیت‌های نسبی آن‌ها استفاده شود. ممکن است اغلب انجام این نوع برآوردها برای تولیدکنندگان امکان پذیر باشد. اما، اگر در دوره‌ی گذشته خصوصیت کیفیت جدید به عنوان یک گزینه در دسترس بوده است، ولی اکنون یک

خصوصیت استاندارد شده است، برآورد ارزش‌گذاری تغییر کیفیت می‌تواند مبتنی بر قیمت (نسبی) این گزینه باشد.

۱۵-۸۲ مکمل رهیافت هزینه تولید به عنوان رهیافت قیمت‌گیری براساس نمونه‌ی مناسب شناخته شده است. این رهیافت اغلب برای محصولات ساخته شده بر اساس سفارش بکار می‌رود. مثال خاص در این مورد اندازه‌گیری هزینه‌های ساختمان است. ویژگی‌های بناها و سایر ساختمان‌ها بقدری متغیر هستند که ممکن است پیدا کردن بناها و دیگر سازه‌های مشابهی که در دوره‌های زمانی بعدی تولید شوند تقریباً غیر ممکن باشد. در این شرایط، می‌توان تعداد کمی از بناها و سازه‌های استاندارد فرضی و نسبتاً ساده را مشخص کرده و قیمت آن‌ها را در هریک از دوره‌ها برآورد کرد. ویژگی‌های این بناها یا سازه‌های استاندارد بر اساس توصیه متخصصین ساخت و ساز انتخاب می‌شوند و همچنین از آن‌ها خواسته می‌شود تا برآورد کنند که قیمت آن‌ها در هریک از دوره‌ها چه خواهد بود. قیمت‌گیری براساس نمونه مناسب برای خدمات در *راهنمای روش شناسی برای توسعه شاخص‌های قیمت تولید کننده برای خدمات* (اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۵) توضیح داده شده است.

هدونیک

۱۵-۸۳ روش عمومی‌تر و قوی‌تر برای برخورد با تغییرات کیفیت، استفاده از برآوردهای معادلات رگرسیونی هدونیک است. معادلات رگرسیونی هدونیک قیمت‌های مشاهده شده‌ی نمونه‌های مختلف بازار را به بعضی ویژگی‌های قابل اندازه‌گیری تعیین کننده قیمت مربوط می‌سازد. بشرطی که به اندازه کافی نمونه‌های مختلف بسیار زیادی به طور هم زمان برای فروش وجود داشته باشند، معادله رگرسیونی برآورد شده می‌تواند برای این منظور مورد استفاده قرار گیرد که تعیین کند تا چه میزان قیمت‌ها در رابطه با هریک از ویژگی‌ها تغییر می‌کنند یا قیمت نمونه‌هائی با ترکیب‌های مختلف از ویژگی‌ها را که در دوره مورد نظر عملاً برای فروش نیستند پیش‌بینی کند.

۱۵-۸۴ معادلات رگرسیونی هدونیک برای کالاهای دارای فناوری بالا نظیر رایانه و کالاهای الکترونیکی و برای خدماتی نظیر حمل و نقل هوائی برآورد شده است. این تکنیک همچنین برای مسکن نیز با استفاده از تابع رگرسیونی بین قیمت‌های مسکن (یا اجاره‌ها) و ویژگی‌هائی نظیر سطح زیربنا، تعداد اتاق‌ها یا موقعیت آن بکار برده شده است. این روش نه تنها برای اندازه‌گیری قیمت‌های بین زمانی بلکه برای مقایسه‌های بین‌المللی نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

روش‌های غیر مستقیم

۱۵-۸۵ وقتی در طول یک دوره دو نوع کیفیت در یک زمان تولید نمی‌شوند یا در بازار فروخته نمی‌شوند متوسل شدن به روش‌های غیرمستقیم برای کمّی کردن تغییرات کیفیت بین کیفیت‌های قدیم و جدید ضرورت پیدا می‌کند. در این گونه موارد لازم است برآورد شود که قیمت‌های نسبی نمونه‌های کیفیت‌های قدیم و جدید، در صورتی که در یک زمان در بازار فروخته می‌شدند چه می‌توانست باشد و از برآوردهای قیمت‌های نسبی برای اندازه‌گیری کیفیت‌های نسبی استفاده شود.

۱۵-۸۶ وقتی نمونه‌ای از دست می‌رود (گم می‌شود) ممکن است نمونه‌ی جایگزینی از یک کیفیت قابل مقایسه با آن پیدا شود و مقایسه قیمت‌ها ادامه یابد. اگر جایگزین قابل مقایسه‌ای وجود نداشته باشد، قیمت در دوره از دست رفته می‌تواند با استفاده از تغییرات قیمت اندازه‌گیری شده برای یک گروه از محصولاتی که انتظار می‌رود تغییرات قیمت مشابهی را تجربه کرده باشند برآورد شود. حذف محصول از محاسبات، مانند احتسابی است که در آن فرض می‌شود تغییر قیمت برای نمونه‌ی ازدست رفته از تغییرات قیمت تمامی کالاها و خدمات موجود در شاخص مورد نظر تبعیت می‌کند. فرض‌های پشت این نوع احتساب‌ها دارای مبنای نادرست‌تری نسبت به فرض‌های پشت احتساب‌های متمرکزتر هستند. در هر صورت، اقلامی که مشمول تغییرِ کیفیت هستند بیشتر تحلیلی بوده و خاصیت نماینده بودن را ندارند، بنابراین فرض یکسان بودن نرخ تغییر قیمت آن‌ها با نرخ تغییر قیمت کالاها و

خدماتی که ویژگی‌های آن‌ها تغییر نمی‌کنند سؤال برانگیز است.

۸۷-۱۵ اگر نمونه‌ی جایگزین مستقیماً از نظر کیفیت مقایسه‌پذیر نباشد، در این صورت تغییر قیمت نمونه‌ی جدید می‌تواند بسرعت به سری‌های قدیم قیمت پیوند داده شود به‌شرطی که دو نمونه به طور همزمان در یک دوره برای فروش دربازار عرضه شده باشند. فرض ضمنی این است که تفاوت قیمت‌ها در زمان پیوند هم‌پوشانی ارزیابی خوبی از تفاوت کیفیت‌ها ارائه می‌دهد، فرضی که اگر دوره هم‌پوشانی در نقطه‌ای غیرمعمول از زمان در طول دوره زندگی نمونه‌ی مورد نظر باشد معتبر نخواهد بود، نظیر هنگامی که نزدیک منسوخ شدن و کنار گذاشته شدن آن است یا زمانی که به قیمت بالای غیرمعمولی ارائه شده است تا انحصار منافع موقت را در برهه‌ای از زمان بدست آورد.

بازارهای به سرعت در حال تغییر محصولات متمایز

۸۸-۱۵ مسأله تعدیل تغییرات قیمت در اثر تغییر کیفیت در بازارِ محصولاتی که دارای گردش مالی سریع با گونه‌های متمایز هستند ملاحظات خاصی را مطلبد. روش نمونه‌های جفت شده ضعیف است. نمونه‌های دارای کیفیت مشابه فقط در دوره‌های نسبتاً کوتاه مدت می‌توانند مقایسه شوند و نماینده تمامی بازارها نیستند. حاصل جمع فرمول عدد شاخص نظیر شاخص قیمت لاسپیرز در معادله (۱) گمراه کننده است زیرا در دورهt ، n قلم تولید شده یا مصرف شده ممکن است کاملاً متفاوت از اقلام بازار در دوره (۰) باشند.

۸۹-۱۵ تهیه کنندگان عدد شاخص فرمول کوتاه مدتی را بکار می‌برند تا مشکلات مقایسه قیمت‌های مثل با مثل (محصولات مشابه، مترجم) را هنگامی که یک گردش مالی سریع در کالاها وخدمات متمایز شده وجود دارد بهبود بخشند. برای مثال، شاخص قیمت لاسپیرز که قیمت‌های دوره (۰) را با t مقایسه می‌کند، به شرح زیر ارائه شده است:

$$L_p = \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i q_i \left(\frac{p_i^{t-1}}{p_i}\right)\left(\frac{p_i^{t}}{p_i^{t-1}}\right)}{\sum_{i=1}^{n} p_i q_i} \qquad (۱۷)$$

۹۰-۱۵ اگر نوعی کالای جدید، مثلاً یک دوربین دیجیتالی، در دوره $t-1$ برای جایگزین کردن یک دوربین غیر دیجیتالی معرفی شود، در این صورت تهیه کننده‌ی شاخص مجبور است قبل از این که آن را در شاخص منظور کند، منتظر بماند تا کالا در دو دوره پیاپی در بازار یافت شود. این شیوه ساز و کاری را برای تغییر اقلام نماینده ارائه می‌دهد تا قلم جدید، با کیفیت بالاتر، در داخل رده‌ی محصولی که وزنی به آن منتسب شده است منظور شود. ممکن است اطلاعات اضافیِ وزن دهی برای زیاد کردن وزن‌های منتسب شده به دوربین‌ها در گروه گسترده‌تر لازم باشد. اما، فرمول زنجیره‌ای که در آن وزن‌ها به طور مرتب بهنگام می‌شوند مکانیسم بهتری برای رسیدن به این است.

۹۱-۱۵ در عین حال که یک شاخص زنجیره‌ای با فرمول کوتاه مدت مانند معادله (۱۷) مشکلات اندازه‌گیری را در بازارهائی با گردش مالی سریع برای گونه‌های متمایز بهبود می‌بخشد، ولی نمی‌تواند تأثیر روی تغییرات کلی قیمت از دوره $t-1$ تا دوره t برای نوع جدید معرفی شده در دوره t و نمونه‌ی قدیمی حذف شده در دوره $t-1$ را به حساب آوَرَد. برای اجرای فرمول (۱۷) و یک شاخص زنجیره‌ای، دو مظنه‌ی قیمت لازم است. شاخص‌های هدونیک وسیله‌ای برای وارد کردن این نوع اثرات هستند. این‌ها می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند، ولی اساساً قیمت و ارزشِ ویژگی‌های کیفیِ از پیش تعیین شده‌ای، مانند سرعت، RAM، و غیره‌ی گونه‌های مختلف رایانه‌های شخصی در هر دوره گردآوری می‌شوند. احتساب هدونیک از نوع پاشه (یا ویژگی‌های) شاخص قیمت به این ترتیب بدست می‌آید که ابتدا یک رگرسیون هدونیک از قیمت متغیرهای کیفی مبتنی بر داده‌های دوره $t-1$ برآورد می‌شود و سپس ضرائب برآورد شده‌ی قیمت‌های گونه‌های موجود در دوره t برای احتساب $t-1$، از جمله آن‌هائی که در دوره $t-1$ موجود نیستند، بکار می‌رود. قیمت‌های مربوط به ویژگی‌های دوره t که به

قیمت‌های دوره t ارزش‌گذاری شده‌اند می‌توانند مستقیماً با ارزش گذاری برآورد شده دوره $t-1$ با ویژگی‌های دوره t مقایسه شوند تا شاخص قیمت از نوع پاشه حاصل شود. یک شاخص هدونیک از نوع لاسپیرز می‌تواند به طور مشابه با استفاده از یک رگرسیون برآورد شده برای دوره t و مجموعه ویژگی‌های ثابت برای دوره $t-1$ تعیین شود، شاخص هدونیک از نوع فیشر هم می‌تواند به صورت میانگین هندسی این دو تعیین شود. فرمول دیگر عبارت از روی‌هم گذاشتن دو مجموعه از مشاهداتِ دوره‌های (۰) وt و وارد کردن یک متغیر ظاهری در معادله رگرسیونی هدونیک برای متمایز کردن مشاهدات یک دوره از مشاهدات دوره دیگر است. ضرائب متغیر ظاهری برآوردی از تغییرات قیمت بین دو دوره خواهد بود که اثر تغییرات کیفیت در آن‌ها کنترل شده است.

توضیحات بیشتر

۹۲-۱۵ شرح جزئیات تمامی روش‌هائی که در بالا اشاره شد در فصل‌های ۷ و ۸ دستنامه‌های CPI و PPI موجود است. این فصل‌ها موضوعاتی را به این شرح در بر می‌گیرند: استفاده از احتساب‌ها، قیمت‌های همپوشانی، جایگزین‌های مقایسه‌پذیر، جایگزین‌های غیرقابل مقایسه با استفاده از برآوردهائی از هزینه‌های تولید، هزینه‌های گزینه‌ی اختیاری و رگرسیون‌های هدونیک، و نیز روش‌هائی برای بازارهائی با گردش مالی سریع گونه‌های متمایز از جمله شاخص‌های نسبی کوتاه مدت، زنجیره ای، محصول افزائی و هدونیک.

۹۳-۱۵ بحث بیشتری از این موضوعات را همچنین می‌توان در *دستنامه‌ی شاخص‌های هدونیک و تعدیلات کیفیت در شاخص‌های قیمت: کاربرد خاص در محصولات فناوری اطلاعات* (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۴) بدست آورد.

۶. مزایای عملی تهیه شاخص‌های زنجیره ای

۹۴-۱۵ در زمینه‌های تئوریکی نشان داده شده است که سری‌های بلند مدت شاخص‌های حجم و قیمت با زنجیره‌ای کردن به بهترین نحو بدست می‌آیند. سؤال این است که چند وقت یکبار باید در سری‌های زمانی یک پیوند روی دهد. استدلال شده است که در زمینه‌های تئوری بهترین فاصله زمانی، زنجیره‌ای کردن به صورت سالانه است، ولی از نظر عملی چگونه است؟ چند مسأله وجود دارد که باید در نظر گرفته شود، از جمله داده‌های مورد نیاز، نیازهای محاسباتی، منابع انسانی مورد نیاز، از دست دادن جمع‌پذیری، بازنگری و اطلاع رسانی به کاربران.

الف. اگر داده‌های سالانه‌ی ارزش جاری و حجم یا قیمت متناظر با آن در دسترس باشد، در این صورت زنجیره‌ای کردنِ سالانه امکان پذیر است. داده‌های دیگر مورد نیاز نیست.

ب. نیازهای محاسباتیِ تهیه‌ی سالانه‌ی شاخص‌های زنجیره ای بیشتر از نیازهای محاسباتی شاخص‌های نوع لاسپیرز با وزن‌های ثابت است و بدون این که نرم‌افزارهای کافی طراحی شود نباید در آن وارد شد. پیچیدگی نرم افزار مورد نیاز بستگی به فرمول بکار برده شده و روش پیوند کردن دارد. برای مثال، تولید نرم‌افزار برای محاسبه‌ی سنجه‌های حجمی از نوع فصلیِ لاسپیرز که به‌طور سالانه زنجیره‌ای شده باشد بسیار ساده است.

پ. تجربه نشان داده است که اگر مزایای سنجه‌های زنجیره‌ایِ حجمی همراه با از دست دادن جمع‌پذیری، پیش از معرفی آن‌ها به دقت از طریق مستندسازی و سمینارها به کاربران توضیح داده شود، سنجه‌های زنجیره‌ای حجمی عموماً پذیرفته خواهد شد. باید برای آگاه ساختن کاربرانِ کلیدی، از جمله روزنامه نگاران اقتصادی، بخوبی از قبل توجه خاص داده شود.

ت. هنگامی که سال پایه‌ی برآوردهای حجمی تغییر داده می‌شود، مثلاً هر پنج سال یا ده سال یکبار، در این صورت معمول این است که نرخ‌های رشد مورد بازنگری قرار گیرند. اگر قیمت‌های نسبی و حجم‌های نسبی به طور سریعی در حال تغییر باشند،

در این صورت تغییرات نرخ‌های رشد می‌توانند چشمگیر باشند. برای هر هم افزوده‌ای که یارانه در آن نقش عمده‌ای ایفا می‌کند معمولا این چنین است. با زنجیره‌ای کردن سالانه، داده‌های گذشته فقط هرساله کمی "بازنویسی" می‌شوند، نه در یک پرش بزرگ هر پنج یا ده سال یکبار. جای تعجب نیست که بازنگری‌های بزرگ مربوط به زنجیره‌ای کردن به صورت هر پنج سال یا ده سال یکبار می‌تواند اثرات زیانباری بر اعتماد کاربران حساب‌های ملی داشته باشد، حداقل به این دلیل که کاربران فکر می‌کنند در آینده نیز ممکن است بازنگری‌های مشابهی صورت گیرد. زنجیره‌ای کردنِ **سالانه نه تنها تغییرات را** بهتر اندازه‌گیری می‌کند، بلکه به احتمال زیاد اعتماد به شاخص‌های حجم مربوط به حساب‌های ملی را نیز افزایش می‌دهد.

پ. محاسبه سنجه‌های حجمی در حساب‌های ملی

۱. مقدمه

۱۵–۹۵ این بخش کاربردِ تئوری بیان شده در بخش ب را برای بدست آوردن سنجه‌های حجمی در بعضی اجزای SNA مورد بحث قرار می‌دهد. این اجزا عمدتاً مربوط به اجزای حساب کالاها و خدمات هستند. به طور ایده‌ال، همان طور که در زیر توضیح داده می‌شود این کار در چارچوب جدول‌های عرضه و مصرف انجام می‌شود. موجودی دارائی‌های تولید نشده نیز همانند جریان‌های تشکیل سرمایه می‌توانند برحسب حجم بیان شوند. بنظر نمی‌رسد که تفکیک تمامی جریان‌های درآمد به اجزای قیمت و حجم امکان پذیر باشد ولی همان‌طور که در زیر توضیح داده خواهد شد، محاسبه‌ی برخی سنجه‌های محدود درآمدِ واقعی امکان پذیر است.

۱۵–۹۶ روش ایده‌ال برای تولیدِ برآوردهای حجمیِ هم‌افزوده‌های اقتصاد کلان این است که در سطحی بسیار تفصیلی و با تعدیل قیمتِ هریک از اجزای آن با استفاده از یک شاخص قیمت کاملاً مناسب کار شود. هرچند، مواردی وجود دارد که بکارگیری این رهیافت امکان پذیر نیست، خواه به‌دلیل این که شاخص‌های قیمت مناسبی وجود ندارد، خواه به‌دلیل این که ناسازگاری‌هائی در داده‌های ارزش جاری یا شاخص‌های قیمت وجود دارد که نتایج تعدیل قیمت را سؤال برانگیز می‌سازد. در این گونه موارد، باید رهیافت‌های جایگزین مورد بررسی قرار گیرند از جمله امکان پیش بینی (برون یابی) برآوردهای رو به جلو برای سال‌های گذشته یا استفاده از نماگرهای جایگزین رشدِ حجم در یک مورد خاص.

۱۵–۹۷ وقتی مجموعه‌ای از سنجه‌های حجمی برای یک دوره‌ی مشخص در دسترس است، لازم است با داده‌های دوره‌های دیگر به‌شکل سری زمانی ارائه شود. این هنگامی است که زنجیره‌ای کردن باید برای داده‌های بدست آمده از طریق تعدیل قیمت هریک از اجزا رخ دهد. همان گونه که در بخش ب توصیه شد، به طور ایده‌ال این کار باید به صورت سالانه با استفاده از شاخص‌های قیمت سال قبل انجام شود ولی اگر این کار امکان‌پذیر نباشد، باید زنجیره‌ای کردن در طول یک دوره طولانی‌تر اتخاذ شود. تغییرات عمده در ساختار اقتصادی، نظیر نوسانات سریع قیمت نفت در یک اقتصاد صادر کننده‌ی نفت نشان می‌دهد که استفاده از سال پایه‌ی یکسان برای قبل و بعد از تغییر امکان دارد نشانه‌های کاملاً گمراه کننده‌ای از سیر تحول اقتصادی ارائه دهد. در این گونه موارد زنجیره‌ای کردن به صورت یک امر اساسی در می‌آید تا یک امر مطلوب.

واژه شناسی برای برآوردهای حجمی

۹۸-۱۵ هنگامی که سری‌های زمانی با تقسیم ارزش جاری برای هر سال در تفصیلی‌ترین سطح ممکن به شاخص‌های قیمت لاسپیرز با سال پایه‌ی ثابت ساخته می‌شوند، مناسب است این‌طور گفته شود که سری‌های حاصل به قیمت ثابت سال پایه است. (این به دلیل این است که وقتی کار در سطحی که به اندازه کافی تفصیلی است انجام می‌شود، نتیجه بسیار نزدیک به نتیجه‌ای خواهد بود که با استفاده از شاخص‌های قیمت پاشه بدست می‌آید). اما، هنگامی که ارزش مربوط به هر سال با یک شاخص قیمت مبتنی بر سال پایه متفاوت تعدیلِ قیمت می‌شود، دیگر کاملاً صحیح نخواهد بود که سری‌های زمانی حاصل چنین توصیف شوند. اگر سری‌ها به شکل اعداد شاخص بیان شوند، واژه‌های دقیق‌تر "سری‌های زنجیره‌ای حجمی"، "سنجه زنجیره‌ای حجمی"، یا "شاخص زنجیره‌ای حجمی" هستند. اگر لازم باشد که سال مرجع در عبارت مشخص شود، در این صورت عبارتِ "سری‌های زنجیره‌ای حجمی در سال مرجع [واحد پول]" می‌تواند بکار برده شود.

۹۹-۱۵ استفاده از واژه‌ی "به قیمت ثابت" برای سری‌هائی که با فاصله‌های زمانی بیشتر از یک سال و به سری‌های حجمی مبتنی بر استفاده از فرمول‌های فیشر یا تورن‌کویست پیوند داده می‌شوند، که پیکره‌بندی قیمت آن‌ها در طول مدت سری زمانی ثابت نیست نیز نامناسب است. برای توصیف این نوع سری‌ها عبارت‌های "سری‌های حجمی" یا "شاخص حجمی" مناسب است.

۱۰۰-۱۵ تغییر واژه‌ها همچنین از دست دادن جمع پذیری سری‌های زمانی بدست آمده را نیز منعکس می‌کند زیرا فقط سری‌های زمانی بیان شده با استفاده از شاخص‌های لاسپیرز در سرتاسر یک مجموعه قیمت‌ها جمع پذیر هستند.

۲. تعدیل قیمت در مقابل بازارزش‌گذاری مقدار

۱۰۱-۱۵ شاخص‌های قیمت و مقدار را فقط می‌توان برای متغیرهائی که دارای عناصر قیمت و مقدار هستند تهیه کرد. تمامی‌تراکنش‌های درگیر در مبادله‌ی کالاها و خدمات و موجودی دارائی‌های غیرمالی این ویژگی را دارند ولی جریان درآمدها و دارائی‌های مالی و بدهی‌ها دارای این ویژگی نیستند. برخی اقلام تراز کننده این ویژگی را دارند اما بعضی دیگر فاقد آن هستند و بنابراین لازم است به تنهائی مورد بررسی قرار گیرند.

۱۰۲-۱۵ در حساب‌های ملی در حالی که هردوی سنجه‌های قیمت و حجم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند، تمرکز اصلی کاربران متوجه نرخ‌های رشد سنجه‌های حجمی است تا سنجه‌های قیمت. تهیه حساب‌های ملی برحسب ارزش‌های جاری و حجمی بازتاب این اولویت است، ضمن این که هم‌افزوده‌های قیمت به طور ضمنی، با تقسیم ارزش جاری به حجم‌های متناظر آن بدست می‌آید.

۱۰۳-۱۵ هنگامی که داده‌های مستقل، قابل اعتماد و جامع به ارزش جاری دردسترس باشند، معمولاً لازم نیست سنجه‌های حجمی با تجمیع مقدارهای نسبی ساخته شوند. در بسیاری از موارد ترجیح داده می‌شود و از نظر عملی هم امکان پذیرتر است که از شاخص‌های قیمت برای تعدیل قیمت داده‌های ارزش جاری استفاده شود. حتی برای مواردی نظیر برق که ظاهراً سنجه حجمی به آسانی در دسترس است، یک سنجه مستقیم حجمی به دلیل نحوه برخورد با قیمت‌های اعمال شده در بازارهای متفاوت که در پاراگراف‌های ۱۵-۶۹ الی ۱۵-۷۵ توضیح داده شد نا مناسب است. هر تغییری در ترکیب انواع مصرف کننده منجر به تغییر قیمت و حجمِ برق در سیستم حساب‌های ملی می‌شود حتی اگر اندازه‌ی فیزیکی برقِ توزیع شده تغییر نکرده باشد.

۱۰۴-۱۵ همان گونه که در بخش ب توضیح داده شد، گردآوری و تجمیع اطلاعات قیمتی آسان‌تر از اطلاعات حجمی است زیرا تمامی قیمت‌ها با یک واحد مشترک بیان می‌شوند در حالی که حجم‌ها با انبوهی از واحدها بیان می‌شوند. علاوه بر این، قیمت‌های نسبیِ برای یک نمونه‌ی نماینده از کالاها و خدمات را می‌توان به عنوان نمونه‌ی معمول برای تمامی کالاها و خدمات در همان گروه بکار برد به طوری که سنجه‌های حجمی نمی‌توانند چنین نماینده‌ای باشند. از همه مهمتر، وقتی ارزش جاری با شاخص‌های قیمت تعدیل شوند

تغییرات حجمی مربوط به محصولات جدید و محصولات از دور خارج شده می‌توانند بخوبی انعکاس داده شوند همان‌طور که در بخش ب توضیح داده شد.

۱۵–۱۰۵ برای برخی محصولات، مانند محصولات زراعی مشخص یا محصولات معدنی، ممکن است داده‌های ارزش جاری از حاصل ضربِ سنجه‌ی حجمی در یک قیمت مناسب ساخته شود. این‌ها نمونه‌هائی هستند که تجمیع گروه‌های محصولات مشکلی بوجود نمی‌آورد و تعدیلاتِ مربوط به تفاوت‌های کیفیتی به صورت آسان‌تر و رضایت‌بخش‌تری مستقیماً به سنجه‌های حجم اعمال می‌شود. در حالی که برخی از این نوع محصولات در برخی از کشورها ممکن است ارزش قابل توجهی داشته باشند، تعداد کمی از کل محصولات را می‌توان به این شیوه عمل کرد.

۱۵–۱۰۶ برای بدست آوردن سنجه‌ی حجم لاسپیرز، شاخص قیمتی که استفاده از آن برای تعدیل قیمت‌های ارزش جاری مناسب است شاخص پاشه است و برعکس. با این حال، شاخص‌های قیمت موجود تقریباً همیشه با استفاده از فرمول لاسپیرز یا Lowe ساخته می‌شوند، زیرا ساختن شاخص قیمت پاشه دقیقاً همان نیازهای داده‌ای را دارد که استخراج مستقیم شاخص حجم لاسپیرز دارد و با همان مسائل نیز مواجه است. اگر داده‌های استواری برای ارزش جاری وجود داشته باشد و شاخص‌های قیمت لاسپیرز در سطحی که به اندازه کافی تفصیلی است در دسترس باشد، در این صورت شاخص‌های حجم پاشه در سطح تفصیلی را می‌توان با استفاده از فرمول لاسپیرز تجمیع کرد تا تقریبی از سنجه‌ی حقیقی حجم لاسپیرز از هم‌افزوده‌ی مورد نظر بدست آید.

۱۵–۱۰۷ شاخص حجم فیشر را می‌توان یا از طریق میانگین هندسی شاخص‌های حجم لاسپیرز و پاشه یا با تعدیل قیمت یک شاخص ارزش جاری بوسیله‌ی شاخص قیمت فیشر بدست آورد.

۳. شاخص‌های موجود قیمت

۱۵–۱۰۸ چهار نوع شاخص عمده قیمت برای محاسبه سنجه‌های حجمی در حساب‌های ملی در دسترس است: شاخص‌های قیمت مصرف کننده (CPI)ها، شاخص‌های قیمت تولید کننده (PPI)ها، شاخص‌های قیمت صادرات (XPI)ها، و شاخص-های قیمت واردات (MPI)ها. CPIها سنجه‌های قیمت‌های خریدار و PPIها سنجه‌های قیمت‌های پایه هستند. XPIها سنجه‌های قیمت‌های فوب هستند؛ MPIها ممکن است به قیمت‌های فوب یا سیف اندازه گیری شوند.

۱۵–۱۰۹ دو جنبه‌ی تعیین کننده برای ثبت تراکنش‌ها وجود دارد؛ زمان ثبت و ارزش‌گذاری. بنابراین، بسیار مهم است که شاخص‌های قیمت و ارزش‌های جاری که برای تعدیل قیمت بکار می‌روند، از هر دو جنبه و نیز از نظر دامنه مطابقت داشته باشند. چهار نوع شاخص قیمت معمولاً به صورت ماهانه وجود دارند و بنابراین تعدیل کننده‌های سالانه و فصلی را می‌توان با متوسط گیری مناسب از شاخص‌های ماهانه برای مرکزی کردن متوسط در نقطه مطلوب ارزش گذاری برای متغیرهای جریان‌ها و موجودی‌ها بدست آورد. برای متغیرهای جریانی، این نقطه معمولاً نقطه میانیِ دوره است در حالی که برای متغیرهای موجودی، این نقطه معمولاً، ولی نه همیشه، انتهای دوره است. برای متغیرهای جریانی، قیمت متوسط دوره باید تفاوت‌های شناخته شده در داخل دوره را منعکس کند. این موضوع هنگامی که الگوی قوی فصلی، تغییرات نامنظم بزرگ در بعضی ماه‌ها یا تورم شدید وجود دارد، اهمیت خاصی پیدا می‌کند. هنگامی که هیچیک از این عوامل وجود نداشته باشد، قیمت متوسط به قیمت مشاهده شده در وسط دوره‌ی زمانی بسیار نزدیک خواهد بود. اما، این واقعیت که این مورد بکرات پیش می‌آید دلیل بر این نیست که قیمت نقطه میانی همیشه از نظر مفهومی قیمت صحیحی برای استفاده باشد.

۴. جدول‌های عرضه و مصرف به عنوان پایه‌ای برای سنجه‌های حجمی GDP

۱۵–۱۱۰ در فصل ۱۴ جدول‌های عرضه و مصرف شرح داده شده است. این فصل توضیح می‌دهد که چگونه جدول عرضه محصولاتی را که هر صنعت (رشته فعالیت) تولید می‌کند قلم به قلم نشان می‌دهد و سپس در جدول مصرف نیز توزیع هر محصول بین مصرف واسطه و تقاضای نهائی را درج می‌کند. تهیه جدول‌های عرضه و مصرف به ارزش جاری، سازگاری

سنجه‌های مختلف GDP را تضمین می‌کند. به طور قوی‌تر، تهیه جدول‌های عرضه و مصرف برحسب حجم سازگاری قیمت‌ها و حجم‌ها هردو، را در SNA تضمین می‌کند. در اصل، جدول‌ها به ارزش جاری و برحسب حجم باید در یک زمان تهیه شوند تا تهیه کننده از تمامی اطلاعات موجود بهترین استفاده را بعمل آورد.

۱۵–۱۱۱ اغلب این حالت وجود دارد که در هر دوره تمامی داده‌های تفصیلی مورد نیاز برای تهیه جدول‌های عرضه و مصرف در دسترس نیستند و باید برآوردهائی صورت گیرد تا خانه‌های خالی پُر شوند. به عنوان مثال، بندرت داده‌های تفصیلی برای مصرف واسطه به تفکیک محصول برحسب صنعت (رشته فعالیت) گردآوری می‌شوند. عموماً بهتر است فرض اولیه‌ای ساخته شود مبنی بر این که در طول زمان ترکیب نهاده‌های واسطه برحسب حجم ثابت‌تر از این ترکیب به ارزش جاری است. علاوه براین، بررسی نرخ‌های رشد قیمت و حجم از دوره قبل یا دوره بعد می‌تواند تا حد زیادی به تعدیلات داده‌های سطری و برآورد شده کمک کند. به این دلایل توصیه می‌شود که جدول‌های عرضه و مصرف در یک زمان به ارزش جاری و برحسب حجم تهیه شوند و به طور هم‌زمان تراز شوند.

۱۵–۱۱۲ برای محاسبه‌ی مجموعه‌ای از جدول‌های عرضه و مصرف برحسب حجم که جمع‌پذیر باشند، روش صحیح برای اقدام این است که ابتدا جدول به قیمت‌های سال قبل بیان شود، یعنی، مانند شاخص‌های حجم لاسپیرز سال قبل، با مراجعه به ارزش‌های سال قبل، به سال جاری پیوند داده شود. برای بدست آوردن سنجه‌های سالانه زنجیره‌ای حجمی فیشر، نیز لازم است جدول‌های عرضه و مصرف سال قبل به قیمت‌های سال جاری محاسبه شوند. این ارزش‌ها در واقع شاخص‌های لاسپیرز گذشته‌نگر ارجاع شده به قیمت‌های سال جاری هستند. شاخص‌های حجم پاشه با معکوس کردن شاخص‌های لاسپیرز گذشته‌نگر بدست می‌آیند. سپس شاخص‌های حجم فیشر را می‌توان به صورت میانگین هندسی شاخص‌های حجم پاشه و لاسپیرز بین دو سال متوالی بدست آورد.

۵. سنجه‌های حجمی برآورد ستانده GDP

ستانده بازاری

۱۵–۱۱۳ در اصل، PPIها را می‌توان برای تمامی ستانده‌های بازاری تهیه کرد و سپس آن‌ها را برای تعدیل قیمت ارزش جاری به‌منظور بدست آوردن برآوردهای حجمی بکار برد.

۱۵–۱۱۴ در عمل، برخی محصولات وجود دارند که محاسبه شاخص‌های قیمت برای آن‌ها بسیار مشکل است و برای محاسبه‌ی سنجه‌های حجمی متناظر با آن‌ها مراحل خاصی باید طی شود. مورد خاص این وضعیت، صنعت‌های (رشته فعالیت‌های) حاشیه‌ای از جمله خدمات مالی هستند. ستانده یک صنعت (رشته فعالیت) حاشیه‌ای معمولاً به صورت حاصل‌ضرب نرخ مارژ در ارزش یک تراکنش محاسبه می‌شود. برای تعیین رقم حجم این ستانده، نرخ مارژِ سال پایه به ارزش تراکنشی که به طور مناسب به ارزش‌های سال پایه تعدیل قیمت شده است اعمال می‌شود. در مورد FISIM، از نرخ مرجع و نرخ‌های بهره‌ی بانکی مربوط به وام‌ها و سپرده‌های تعدیل قیمت شده بوسیله‌ی افزایش عمومی قیمت‌ها از زمان سال پایه استفاده می‌شود.

۱۵–۱۱۵ در موارد دیگر هنگامی که تعدیل کننده مناسبی برای اعمال به ارزش جاری وجود ندارد، شاخص‌های حجم را می‌توان با برون یابی ارزش‌های جاری در سال پایه بوسیله نماگرهای مناسب بدست آورد.

ستانده غیربازاری دولت و NPISHها

۱۵–۱۱۶ ارزش جاری ستانده غیربازاری کالاها و خدمات تولید شده توسط واحدهای دولتی یا NPISHها، همان‌گونه که در فصل ۶ توضیح داده شد، بر اساس حاصل جمع هزینه‌های متقبل شده در تولید آن‌ها برآورد می‌شود. این ستانده از کالاها و خدمات فردی ارائه شده به خانوارها و خدمات جمعی ارائه شده به کل جامعه تشکیل شده است. این واقعیت که این نوع ستانده بر اساس ارزش نهاده‌های مورد نیاز به تولید آن‌ها ارزش گذاری می‌شود به این معنی نیست که نمی‌توان آن را از نهاده‌های استفاده شده برای تولید آن متمایز کرد. بویژه این

که، تغییر در حجم ستانده می‌تواند متفاوت از تغییر در حجم نهاده‌ها باشد. تغییر در بهره‌وری ممکن است در تمامی زمینه‌های تولید، از جمله تولید خدمات غیربازاری روی دهد.

۱۱۷-۱۵ در عمل، برای تهیه برآوردهای حجمی ستانده‌ی غیربازاریِ کالاها و خدمات سه روش وجود دارد. اولی استخراج یک شاخص قیمت شبه ستانده است به طوری که هنگامی که با شاخص قیمت هم‌افزوده‌ی نهاده مقایسه می‌شود تفاوت موجود رشد بهره وری را که تصور می‌شود در فرآیند تولید رخ داده است، منعکس کند. شاخص قیمت شبه ستانده را می‌توان از راه‌های مختلف بدست آورد، به عنوان مثال شاخص قیمت نهاده مطابق با رشد بهره وری مشاهده شده از یک فرآیند تولید مربوطه تعدیل شود یا رشد شاخص شبه ستانده بر مبنای شاخص‌های قیمت ستانده‌ی محصولات مشابه تعیین شود. اما، این نوع داده‌ها برای کالاها و خدمات تولید شده توسط دولت و NPISHها بندرت در دسترس است.

۱۱۸-۱۵ رهیافت دوم، "روش حجم ستانده"، برای خدمات فردی بویژه سلامت و آموزش توصیه شده است. این روش مبتنی بر محاسبه‌ی یک نماگر حجمیِ ستانده است که با استفاده از سنجه‌های به‌اندازه‌ی کافی موزون شده‌ی ستانده در رده‌های مختلف کالاها و خدمات غیربازاری تولید شده انجام می‌شود. این سنجه‌های ستانده باید هردوی تغییرات مقدار و کیفیت را به طور کامل منعکس کنند.

۱۱۹-۱۵ رهیافت سوم، که روش نهاده نامیده می‌شود، ممکن است برای خدمات جمعی نظیر دفاع که برای آن روش حجم ستانده به‌سختی قابل اعمال است بکار رود زیرا به طور کلی، سنجه‌های مقداری ستانده که به اندازه کافی تعدیل کیفیت شده باشند وجود ندارد. "روش نهاده" عبارت از اندازه‌گیریِ تغییراتِ ستانده بوسیله‌ی تغییراتِ حاصل جمع وزن داده شده سنجه‌های حجمی تمامی نهاده‌ها است. اندازه‌گیری تغییرات نهاده‌ها باید به طور کامل تغییرات مقدار و کیفیت هردو را منعکس کند. آن‌ها به طور کلی با تعدیل قیمت هزینه‌های نهاده‌های مختلف با استفاده از شاخص‌های قیمتِ با کیفیت ثابت متناظر، یا هنگامی که این نوع شاخص‌های قیمت وجود ندارند، با استفاده از نماگرهائی که تغییرات حجم نهاده‌ها را منعکس می‌کند (برای مثال، تعداد ساعات کار انجام شده توسط کارکنان) بخوبی بدست می‌آید.

۱۲۰-۱۵ در این مرحله بهتر است واژه‌های "نهاده"، "فعالیت"، "ستانده" و "نتیجه" تعریف شود. با در نظر گرفتن مثلاً خدمات سلامت، نهاده‌ها به صورت نهاده‌ی نیروی کارِ کارکنان پزشکی و غیرپزشکی، دارو، برق و سایر نهاده‌های خریداری شده و مصرف سرمایه ثابتِ تجهیزات و بناهای بکار گرفته شده تعریف می‌شود. این منابع در فعالیت مراقبت‌های اولیه و فعالیت‌های بیمارستانی، نظیر معاینه عمومی پزشکی، انجام عمل جراحی قلب و دیگر فعالیت‌های طراحی شده برای بهره‌مند شدن فرد بیمار استفاده می‌شود. بهره مندی بیمار، ستانده‌ی همراه با نهاده‌های این فعالیت‌ها را تشکیل می‌دهد. سرانجام، یک نتیجه‌ی سلامت وجود دارد، که می‌تواند صرف نظر از ستانده‌ی مراقبت‌های سلامت، به تعدادی از عوامل نظیر این که شخص مورد نظر استعمال دخانیات را ترک کرده است یاخیر، بستگی داشته باشد.

۱۲۱-۱۵ در اندازه‌گیری حجم ستانده‌ی خدمات فردی باید از بروز دو اشتباه اجتناب شود. نخستین اشتباه این است که این نباید محدود به منعکس کردن نهاده‌ها یا فعالیت واحد تولید کننده‌ی خدمات باشد. نهاده‌ها سنجه‌های مناسبی نیستند و اگر فعالیت‌ها تنها نماگر موجود باشند و ازاینرو اجباراً باید از آن‌ها استفاده شود، آن‌ها نیز یک متغیر واسطه هستند. آنچه که باید اندازه‌گیری شود خدمت ارائه شده به مشتری است. ریسک دوم این است که اگر نتیجه برحسب هدف‌های رفاهی خدمات غیربازاری تعریف شود (برای مثال، تغییرِ کیفیت سلامت برای اندازه گیری خدمات سلامت، یا تغییر کیفیت آموزش برای اندازه گیری خدمات آموزش)، تغییراتِ حجم ستانده‌ی واحد غیربازاری نمی‌تواند از طریق تغییر نماگرهای نتیجه منعکس شود. این به دلیل این است که نماگرهای نتیجه می‌توانند از جنبه‌های دیگری که مستقیماً به فعالیت خدمات غیربازاری مربوط نمی‌شوند تأثیر پذیرند. برای مثال، در مورد سلامت، بخوبی شناخته شده است که عوامل زیادی غیر از ستانده واحدهای سلامت غیربازاری، نظیر بهداشت، مسکن، تغذیه، آموزش، مصرف دخانیات، الکل و مواد مخدر،

آلودگی، وجود دارند که تأثیر جمعی آن‌ها بر سلامت جامعه ممکن است خیلی بیشتر از تأثیر ارائه خدمات سلامت باشد. به طور مشابه، ستانده خدمات آموزشی کاملاً از سطح دانش یا مهارتی که اعضای جامعه از آن برخوردار شده‌اند متفاوت است. خدمات آموزش عمدتاً تعلیمات ارائه شده توسط مدارس، کالج‌ها، دانشگاه‌ها به دانش‌آموزان و دانشجویانی است که چنین خدماتی را مصرف می‌کنند. سطح دانش یا مهارت در جامعه علاوه بر عوامل فوق به عوامل دیگری، نظیر میزان مطالعه یا تلاش صورت گرفته توسط مصرف کننده‌ی خدمات آموزشی و گرایش و انگیزش آن‌ها نیز بستگی دارد.

۱۲۲-۱۵ با توجه به این ملاحظات، "روش حجم ستانده" روشی است که برای تهیه نماگرهای تغییر حجم خدمات غیربازاری توصیه می‌شود. این روش مبتنی است بر نماگرهای مقداری که به اندازه کافی از نظر کیفیت تعدیل شده و با استفاده از وزن‌های متوسط هزینه موزون شده باشند. دو معیار برای محاسبه‌ی نماگرهای مناسب تغییر حجم باید در نظر گرفته شود. در وهله اول، مقدارها و هزینه‌های استفاده شده باید طیف کامل خدمات مربوط به حوزه کارکردیِ تحت بررسی را منعکس کنند و وزن‌های هزینه‌ها باید به طور مرتب بهنگام شوند. اگر قسمتی از هزینه‌های حوزه کارکردی بوسیله نماگرهای مقداری پوشش داده نشود، نباید فرض شود که قسمت پوشش داده نشده از تغییرات بخش پوشش داده شده پیروی می‌کند. اگر روش مستقیم ستانده‌ی حجم قابل اعمال برای این قسمت نیست، برای آن باید از روش نهاده استفاده شود. در وهله دوم، نماگرهای مقداری باید برای تغییر کیفیت تعدیل شوند. برای مثال، خدمات باید با هدف رسیدن به رده‌هائی که بتوان آن‌ها را همگن تلقی کرد، به اندازه کافی تفکیک شوند. اگر وزن‌های منتسب شده به هر رده مکرراً بهنگام شوند، در این صورت جنبه‌ای از تغییر کیفیت بوسیله‌ی تغییرات نسبت رده‌های مختلف حاصل می‌شود. علاوه بر این، نماگر مقداری هر یک از رده‌ها می‌تواند با یک عامل صریح تعدیل کیفیت تکمیل شود. یکی از روش‌های تعیین عوامل تعدیل صریح کیفیت، بررسی اثراتی است که خدمت مورد نظر برروی سنجه‌های نتیجه دارد.

۱۲۳-۱۵ توصیه می‌شود این نماگرهای حجمی قبل از این که در حساب‌ها بکار برده شوند با کمک متخصصان حوزه‌های مربوطه برای یک دوره قابل ملاحظه‌ی زمانی آزمون شوند. توصیه متخصصان بویژه به زمینه‌های سلامت و آموزش که معمولاً سهم غالب در ارائه خدمات فردی دارند مربوط می‌شود. علاوه بر این، پیامدهای این برآوردها از جمله نتایج آن برای سنجه‌های بهره‌وری باید قبل از اتخاذ آن‌ها، به طور کامل ارزیابی شوند. در غیر این صورت، تا زمانی که نتایج این نوع بررسی‌ها رضایت بخش نباشد، توصیه می‌شود روش بهترین دوم یعنی "روش نهاده" مورد استفاده قرار گیرد.

۱۲۴-۱۵ اندازه‌گیری تغییرات در حجم خدمات جمعی به طور کلی مشکل‌تر از اندازه‌گیری تغییرات در حجم خدمات فردی است زیرا تعیین و مشاهده خدمات جمعی مشکل است. یک ازدلایل آن این است که بسیاری از خدمات جمعی از نظر ماهیت جلوگیری کننده هستند، محافظت از خانوارها یا دیگر واحدهای نهادی در مقابل اَعمال خشونت آمیز از جمله جنگ، و یا حفاظت از آن‌ها در برابر خطرات دیگر مانند تصادفات جاده‌ای، آلودگی، آتش سوزی، سرقت و یا بیماری‌های قابل پیشگیری مفاهیمی هستند که تبدیل آن‌ها به سنجه‌های کمیتی مشکل است. این زمینه‌ای است که نیاز به پژوهش دارد.

۱۲۵-۱۵ هنگامی که اجتناب از بکارگیری سنجه نهاده به عنوان جانشین سنجه‌ی ستانده امکان پذیر نیست، سنجه نهاده باید سنجه جامعی باشد، نباید محدود به نهاده‌های کار باشد بلکه باید تمامی نهاده‌ها را پوشش دهد. علاوه بر این، همراه با برآوردهای ملی باید اطلاعات توضیحی ارائه شود تا توجه کاربران را به روش‌های اندازه‌گیری جلب کند.

ستانده برای استفاده نهائی خود

۱۲۶-۱۵ ستانده برای استفاده نهائی خود در دو رده، کالاهای تولید شده و مصرف شده توسط خانوارها و دارائی‌های ثابت تولید شده برای استفاده نهائی خود قرار می‌گیرد. رده‌های فوق تغییرات موجودی انبارکالاهای تکمیل شده و کالاهای در جریان ساخت را نیز در بر می‌گیرند.

۱۲۷-۱۵ برای بسیاری از ستانده‌های استفاده نهائی خود ، استفاده از شاخص‌های قیمتِ شبه ستانده گزینه کم هزینه‌ای است. برای کالاهای تولید شده و مصرف شده توسط خانوارها، به احتمال قوی CPIها برای کالاهای مشابه در دسترس است. (اما، برای ستانده پرورش داده شده و مصرف شده‌ی کشاورزی توسط خانوارها، شاخص قیمت بکار برده شده نباید حاشیه یا مالیاتی را که واقعاً رخ نداده است در بر داشته باشد). به طور مشابه، احتمالاً شاخص‌های قیمت ستانده برای دارائی‌های ثابت نظیر تجهیزات، بناها و سازه‌های تولید شده برای استفاده خود به عنوان تشکیل سرمایه وجود دارد. برای برخی از انواع دارائی‌های ثابت تولید شده به حساب خود ممکن است شاخص‌های قیمتِ ستانده برای محصولات مشابه در دسترس نباشد در این صورت نیاز به بررسی راهبردهای دیگر است. این مورد در بخش مربوط به تشکیل سرمایه ثابت بیشتر مورد بحث قرار گرفته است.

مصرف واسطه

۱۲۸-۱۵ همان گونه که پیش از این اشاره شد، استوارترین روش برای برآورد مصرف واسطه برحسب حجم، برآورد در چارچوب یک جدول عرضه و مصرف برحسب حجم است که در آن ممکن است از اطلاعات مربوط به نرخ‌های رشد حجمی و نیز اطلاعات قیمت استفاده شود.

۱۲۹-۱۵ کشورهائی که PPI تهیه می‌کنند عموماً این کار را برای ستانده انجام می‌دهند، هرچند کشورهای دارای نظام آماری توسعه یافته ممکن است PPIهای نهاده نیز تهیه کنند. این نوع PPIهای نهاده مستقیماً در تعدیل قیمت مصرف واسطه قابل استفاده است.

۱۳۰-۱۵ اگر PPIهای نهاده تهیه نمی‌شوند، می‌توان بجای آن از PPIهای ستانده، MPIها و در حد محدود CPIها استفاده کرد. مصرف واسطه به قیمت خریدار ارزش‌گذاری می‌شود، در حالی که PPIهای ستانده به قیمت پایه ارزش گذاری می‌شوند. بنابراین حاشیه‌ای بین ارزش‌گذاری کالاهای استفاده شده به عنوان مصرف واسطه به قیمت خریدار و PPIهای ستانده وجود دارد که هزینه‌های حمل و نقل (در صورتی‌که تولید کننده این خدمات را بدون فاکتور جداگانه انجام نداده باشد)، هزینه‌های احتمالی بیمه، حاشیه‌های عمده فروشی و خرده فروشی، و مالیات منهای یارانه بر محصول به حساب می‌آیند. اندازه این حاشیه بستگی به شرایط دارد. حاشیه‌های بازرگانی مربوط به کالاهائی که برای مصرف واسطه استفاده می‌شوند اغلب کوچکتر از حاشیه‌های کالاهای مصرف نهائی هستند و مالیات‌های تحت نظام مالیاتی VAT نیز ممکن است کوچکتر باشند. برای خدمات بکار رفته به عنوان مصرف واسطه، تفاوت ارزش‌گذاری معمولاً فقط شامل مالیات منهای یارانه بر محصول است.

۱۳۱-۱۵ در فصل ۱۴ شرح داده شده است که چگونه قسمت مصرف واسطه‌ی ماتریس مصرف را می‌توان طوری افرازبندی کرد که نهاده‌های داخلی به قیمت پایه، واردات، و مالیات‌ها را به طور جداگانه نشان دهد. اگر این اطلاعات در دسترس باشد، کیفیت تعدیل قیمتی که انجام می‌شود بهبود خواهد یافت زیرا دیگر لازم نخواهد بود که فرض شود واردات، مالیات و حاشیه به نسبت یکسان بین عناصر سطرهای ماتریس مصرف اعمال می‌شوند.

محصول ناخالص داخلی و ارزش افزوده‌ی ناخالص

۱۳۲-۱۵ وقتی محصول ناخالص داخلی (GDP) از حاصل جمع مخارج داخلی و صادرات و تفریق واردات یا از طریق کسر مصرف واسطه از ستانده واضافه کردن مالیات منهای یارانه بر محصول، بدست می‌آید، سنجه حجم (GDP) را می‌توان بدست آورد به شرطی که حجم‌هائی که جمع زده می‌شوند جمع پذیر باشند، (یعنی، برمبنای فرمول لاسپیرز باشند).

۱۳۳-۱۵ ارزش افزوده‌ی ناخالص یک کارگاه، بنگاه، صنعت (رشته فعالیت) یا بخش مبلغی است که در آن ارزش ستانده‌های تولید شده توسط آن کارگاه، بنگاه، صنعت (رشته فعالیت) یا بخش مازاد بر ارزش نهاده‌های واسطه مصرف شده است. این موضوع را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\sum PQ - \sum pq \qquad \text{(۱۸ الف)}$$

که در آن Q ستانده‌ها، P قیمت‌های پایه آن‌ها، q نهاده‌های واسطه و p قیمت خریدار آن‌ها است. ارزش افزوده در سال t به قیمت‌های سال t به صورت زیر بدست می‌آید:

$$\sum P^t Q^t - \sum p^t q^t \qquad (۱۸ ب)$$

در حالی که ارزش افزوده در سال t به قیمت‌های سال پایه (۰) به صورت زیر بدست می‌آید:

$$\sum P^0 Q^t - \sum p^0 q^t \qquad (۱۸ پ)$$

معمولاً گفته می‌شود که این سنجه‌ی ارزش افزوده از طریق تعدیل دوجانبه بدست آمده است زیرا می‌توان آن را از طریق تعدیل قیمت ارزش جاریِ ستانده با یک شاخص قیمت مناسب (از نوع پاشه) و تعدیل قیمت مشابه ارزش مصرف واسطه بدست آورد.

۱۳۴-۱۵ در عین حال که روش تعدیل دوجانبه از نظر تئوری دقیق است، ولی برآوردهای حاصل در معرض خطاهای اندازه‌گیری در برآوردهای ستانده و مصرف واسطه هردو قرار دارند. این امر بویژه هنگامی می‌تواند صحت داشته باشد که PPIهای ستانده به نهاده‌هائی که بسیاری از آن‌ها از طریق واردات بدست آمده‌اند اعمال می‌شود. از آنجا که ارزش افزوده اختلاف نسبتاً کوچک بین دو رقم بسیاربزرگ است، در مقابل خطا بی‌نهایت حساس است. بنابراین توصیه می‌شود نرخ‌های رشد سنجه‌های قیمتی و حجمی ارزش افزوده طی سال‌های اخیر با نرخ رشدهای ستانده و نهاده‌های واسطه و، در صورت امکان، با برآوردهای حجمی نهاده‌های کار و خدمات سرمایه مقایسه شود تا قابل قبول بودن نرخ‌های رشد تأئید شود.

۱۳۵-۱۵ بعلت مشکلات احتمالی که ممکن است در برآورد ارزش افزوده با استفاده از روش تعدیل دوجانبه بروز کند، این شیوه نیز معمول است که تغییرات حجمی ارزش افزوده بجای رهیافت تعدیل دوجانبه مستقیماً فقط با استفاده از یک سری زمانی، که روش "تک نماگر" است، برآورد شود. این روش تک نماگر ارزش افزوده را به نسبت تغییرات حجمی سطوح متناظر ستانده برون یابی می‌کند.

۱۳۶-۱۵ برای انتخاب بین روش تک نماگر (که ممکن است نتایجِ سمت‌گیر (اریب) ببار آورد) و روش تعدیل دوجانبه (که ممکن است نتایج بی‌ثبات ببار آورد) باید تصمیم‌گیری شود. لزومی ندارد برای تمامی گروه‌های صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) گزینه یکسانی انتخاب شود. علاوه براین، روش تک نماگر ممکن است برای ارقام فصلی استفاده شود تا سال تمام شود و برآوردهای بهتری از تعدیل دوجانبه در دسترس قرار گیرد.

۱۳۷-۱۵ در برخی صنعت‌های (رشته فعالیت‌های) غیربازاری خدمات، ممکن است لازم باشد تغییرات حجم ارزش افزوده بر اساس تغییرات حجم برآورد شده‌ی نهاده‌های آن صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) برآورد شود. نهاده‌ها ممکن است نهاده‌های کل، نهاده‌های نیروی کار به تنهائی یا نهاده‌های واسطه به تنهائی باشند. برای مثال، بدست آوردن تغییرات ضمنی حجم ارزش افزوده‌ی برآورد شده از طریق تغییرات جبران خدمات کارکنان به نرخ ثابت دستمزد، یا حتی فقط با تغییرات تعداد کارکنان شاغل در هردوی صنعت‌های (رشته فعالیت‌های) بازاری و غیربازاریِ خدمات امر نادری نیست. (کار گسترده‌ای در حال انجام است تا این فرض‌های مربوط به کار از طریق تلاش برای اندازه‌گیری هدفمندتر ستانده‌های آموزش و سلامت ارائه شده توسط دولت بهبود یابد).

۱۳۸-۱۵ تهیه کنندگان داده‌ها ممکن است مجبور باشند چنین راه حلی را اتخاذ کنند، حتی هنگامی که دلیل خوبی نداشته باشند که فرض کنند بهره وری نیروی کار در کوتاه مدت یا بلند مدت تغییر نیافته باقی می‌ماند. گاهی اوقات، ممکن است تغییرات حجم نهاده‌های واسطه مورد استفاده قرار گیرد، برای مثال، تغییرات کوتاه مدت ارزش افزوده به ارزش واقعی برای صنعت ساخت و ساز را می‌توان از تغییرات حجم مصالح ساختمانی مصرف شده نظیر سیمان، آجر، چوب و غیره برآورد کرد. استفاده از نماگرهائی از این نوع ممکن است تنها راهِ برآورد تغییراتِ کوتاه مدت ستانده یا ارزش افزوده باشد، ولی برای دوره‌های طولانی مدت پذیرفتنی نیست.

۶. سنجه‌های حجمی برآورد مخارج GDP

۱۵–۱۳۹ هریک از اجزای مخارج GDP باید برحسب حجم بیان شوند. رهیافت‌های اصلی برای بدست آوردن این برآوردها به ترتیب در زیر توضیح داده می‌شود.

مخارج مصرف نهائی خانوار

۱۵–۱۴۰ تعدیل قیمتِ مخارج مصرفی خانوار باید تا جائی که ممکن است در سطح تفصیلی انجام شود. به هر صورت، این کار استفاده از CPIها را در پی خواهد داشت هرچند لازم است اطمینان حاصل شود که پوشش CPIهائی که استفاده می‌شوند با رده‌های مخارج مصرفی که تعدیل قیمت می‌شوند جور باشد. حتی اگر در برآوردهای تفصیلی مخارج مصرفی، از آمارگیری‌های خانوار و دیگر منابع اولیه داده‌ها استفاده نمی‌شود، در اختیار داشتن برآوردی از مخارج مصرفی خانوار بر حسب محصول از جدول عرضه و مصرف برای تعدیل قیمت، به طور قابل ملاحظه‌ای برآورد مخارج مصرفی برحسب حجم را بهبود می‌بخشد تا این که فقط یک رقم کل به تنهائی تعدیل قیمت شود.

۱۵–۱۴۱ یکی از اجزای اصلی مصرف خانوار که بعید است CPIها برای آن موجود باشند، سنجه‌ی خدمات اجاره‌ی واحدهای مسکونی مالکِ ساکن است. سه رهیافت دگرسان (جایگزین) در فصل‌های ۱۰ و ۲۳ دستنامه CPI مطرح شده است، ولی برای اندازه‌گیری مصرف خدمات مسکن در حساب‌های ملی تنها رهیافت مبتنی بر مصرف توصیه می‌شود. در این رهیافت می‌توان یا از فرمولی استفاده کرد که مبتنی بر هزینه‌ی کاربرِ واحد مسکونی است که در آن سعی شده است تغییرات هزینه مالکِ ساکنی که از واحد مسکونی استفاده می‌کند اندازه‌گیری شود، یا می‌توان از فرمول معادل اجاره بها استفاده کرد که بر این اساس است که اگر قرار بود مالکِ ساکن برای واحد مسکونی اجاره پرداخت کند چه میزان می‌بایست پرداخت می‌کرد. از روش دوم بیشتر برای CPIها استفاده می‌شود.

مخارج مصرف نهائیِ دولت و NPISHها

۱۵–۱۴۲ مخارج مصرف نهائی دولت و NPISHها عبارت از ستانده غیربازاری آن‌ها منهای هر درآمد عملیاتی حاصل از فروش-های ضمنی بعلاوه ارزش کالاها و خدماتی که از تولیدکنندگان بازاری برای انتقال بعدی به خانوارهای فردی به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند خریداری می‌شود منهای هرگونه پرداخت‌های جزئی است. (بدست آوردن این اتحاد در فصل ۹ مورد بحث قرار گرفته است).

۱۵–۱۴۳ هریک از این اقلام باید به طور جداگانه برحسب حجم بیان شوند. مسأله‌ی اندازه‌گیری ستانده‌ی غیربازاری برحسب حجم در بالا مورد بحث قرار گرفت. شاخص‌های قیمت مورد استفاده برای کالاها و خدمات انتقال داده شده به خانوارها، باید مطابقت داشته باشد با شاخص‌های قیمت‌هائی که برای کالاها پرداخت می‌شوند منهای سهمی که خانوار پرداخت می‌کند. اگر سهمی از قیمت که توسط دولت (یا NPISHها) پرداخت می‌شود از سالی به سال دیگر تغییر کند، به عنوان تغییر حجم مخارج مربوط به طرف دولت (یا NPISHها) و خانوارها هردو، دیده می‌شود.

تشکیل سرمایه ثابت

۱۵–۱۴۴ موجود بودن شاخص‌های قیمت برای تشکیل سرمایه، به طور قابل ملاحظه‌ای بسته به نوع دارائی متفاوت است.

۱۵–۱۴۵ اغلب CPIها برای واحدهای مسکونی جدید و PPIها برای بناها و سازه‌های جدید وجود دارند. هزینه انتقال مالکیت باید به طور جداگانه تعدیل قیمت شود. برآورهای ارزش جاری و حجمی معمولاً از برآوردهای جداگانه‌ی اجزای تشکیل دهنده، حق‌الزحمه‌های حقوقی، هزینه‌های حمل و نقل و هزینه‌های نصب و غیره بدست می‌آید.

۱۵–۱۴۶ برای محصولات استانداردی که به عنوان تشکیل سرمایه بکار می‌رود، احتمالاً PPIها وجود دارند. اما تشکیل سرمایه برای خریدار بسیار ویژه است و شاید لازم باشد شاخص‌های مناسبی با استفاده از بهترین اطلاعات موجود ایجاد شود.

۱۵–۱۴۷ شاخص‌های قیمت برای تجهیزات از نظر نرخ رشدشان به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت هستند. برای مثال، شاخص‌های

قیمت برای تجهیزات رایانه‌ای سال به سال بسرعت پائین آمده است در حالی که شاخص‌های قیمت برای تجهیزات حمل و نقل رو به افزایش بوده است. در این گونه موارد، مهم است که انواع مختلف تجهیزات به طور جداگانه با استفاده از شاخص‌های قیمت مناسب با آن‌ها تعدیل قیمت شوند (یا، یک شاخص پاشه هم ارز با آن که به طور مناسب وزن داده شده باشند برای تعدیل قیمت هم‌افزوده‌ی مورد نظر بکار رود).

۱۴۸–۱۵ محصولاتِ مالکیت فکری عموماً با شاخص‌های موجودِ قیمت بخوبی پوشش داده نمی‌شوند. دلایل معتددی برای این وجود دارد. یکی از دلایل این است که بسیاری ازمحصولات مالکیت فکری برای خود مصرفی تولید می‌شوند و بازار مشاهده شده‌ای برای آن‌ها وجود ندارد. دلیل دیگر این است که محصولات مالکیت فکری بسیار ناهمگن هستند. اما، این‌ها مشکلات برطرف نشدنی نیستند و راهبردهائی برای پرداختن به آن‌ها وجود دارد. به عنوان مثال، دو قلم عمده از این رده، نرم‌افزارها و پایگاه‌های داده‌ها و تحقیق و توسعه تجربی مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند.

۱۴۹–۱۵ هنگام برآورد حجمی برای تشکیل سرمایه‌ی نرم افزار و پایگاه داده‌ها، توصیه می‌شود نرم افزارها به سه دسته تقسیم شوند: بسته‌های نرم‌افزاری (یا حاضر و آماده)، نرم‌افزارهائی که بنا به سفارش تولید می‌شوند و نرم‌افزارهائی که به حساب خود تولید می‌شوند و هرکدام جداگانه و پایگاه داده‌ها نیز به‌طور جداگانه تعدیل قیمت شوند. دلایل متعددی برای این وجود دارد.

الف. سه دسته نرم افزار و پایگاه داده‌ها در حدی که داده‌های قیمت برای تهیه شاخص‌های قیمت آن‌ها وجود داشته باشد متفاوت هستند.

ب. احتمال دارد قیمت و حجم آن‌ها، بویژه بین بسته‌ی نرم افزاری، دو نوع نرم افزار دیگر و پایگاه داده‌ها، با نرخ‌های متفاوتی رشد کنند.

پ. علیرغم نکته قبلی، شاخص‌های قیمتِ بسته نرم افزاری ممکن است برای تهیه‌ی شاخص‌های قیمتِ دو نوع نرم افزار دیگر نیز استفاده شود، البته در صورتی که شاخص‌های قیمت مناسب‌تری برای آن‌ها موجود نباشد.

ت. برآوردهای حجمی اقلام به خودی خود نماگرهای مفیدی هستند.

۱۵۰–۱۵ بسته نرم افزاری عموماً با مجوز مصرف در مقیاس بسیار بزرگ خریداری می‌شود، و داده‌های قیمت به وفور موجود است. چالش عمده در اینجا تهیه‌ی شاخص قیمتی است که مستقل از اثرات تغییر ویژگی‌ها و دیگر جنبه‌های تغییر کیفیت باشد.

۱۵۱–۱۵ نرم افزارهای ساخت سفارشی نیز در بازار فروخته می‌شوند، ولی تولید هر محصول نرم افزاری از این نوع به‌صورت موردی انجام می‌شود، که این امر به‌طور قطع برای تهیه‌کننده‌ی شاخص‌های قیمت مسأله ایجاد می‌کند. هرچند هریک از محصولات ساخت سفارشی بایکدیگر متفاوت هستند، ولی ممکن است محصولات مختلف دارای اجزای مشترکی باشند، یا راهبرد واحدی را که برای تولید یک محصول بکار می‌رود بتوان برای محصول دیگری نیز بکار برد. این نه تنها یک روش ممکن برای تهیه شاخص قیمت پیشنهاد میدهد بلکه ابزاری را نیز ارائه می‌دهد که از طریق آن عایدی بهره‌وری ایجاد می‌شود که می‌تواند فشار رو به پائین بر قیمت‌ها وارد کند. در بخش ب استفاده از قیمت‌گیری براساس نمونه‌ی مناسب برای اندازه‌گیری تغییرات قیمت بناهای ساخت سفارشی مطرح شد. رهیافت مشابهی می‌تواند برای نرم افزارهای ساخت سفارشی نیز اعمال شود.

۱۵۲–۱۵ روش‌های تهیه‌ی شاخص‌های قیمت برای گروه‌های محصولات ناهمگن و محصولاتی که ویژگی‌های آن‌ها بسرعت در حال تغییر هستند در *دستنامه شاخص‌های هدونیک و تعدیلات کیفیت* و *دستنامه شاخص قیمت تولید کننده: تئوری و عمل*، (سازمان بین‌المللی کار، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، سازمان ملل، کمیسیون همکاری اروپا و بانک جهانی، ۲۰۰۴) شرح داده شده‌اند.

۱۵-۱۵۳ سهم قابل توجهی از نرم افزارهای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، به حساب خود تولید می‌شوند. از اینرو، امکان تهیه‌ی یک شاخص قیمت حقیقی ستانده برای این نوع نرم افزارها وجود ندارد. در این صورت مسأله‌ی انتخاب بین شاخص قیمت شبه ستانده و شاخص قیمت نهاده که از طریق وزن دهیِ توأم شاخص‌های قیمت نهاده‌ها بدست آمده باشد، پیش می‌آید. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، برآوردهای حجمی نهاده که به عنوان تقریب برای ستانده استفاده می‌شود رشد بهره‌وری را منعکس نمی‌کند و لذا این شیوه توصیه نمی‌شود. در نبود جایگزین بهتر قطعی ترین گزینه، استفاده از شاخص قیمت برای نرم‌افزار ساخت سفارشی است.

۱۵-۱۵۴ پایگاه داده‌ها عموماً محصولات ناهمگن با بازار کوچک هستند زیرا اکثر پایگاه‌های داده برای مقاصد داخلی ساخته می‌شوند. برای نرم افزار به حساب خود، تهیه‌ی یک شاخص قیمت واقعی ستانده اگر غیرممکن نباشد، مشکل است و این بار نیز انتخاب بین یک شاخص قیمت شبه ستانده و یک شاخص قیمت نهاده پیش می‌آید هرچند تجسم شاخص شبه ستانده مشکل است.

۱۵-۱۵۵ تحقیق و توسعه تجربی (R&D) فعالیت دیگری است که اغلب به حساب خود انجام می‌شود. اما، با توجه به ماهیت ناهمگنِ R&D، انتخاب بین استخراج شاخص‌های قیمت شبه ستانده و استفاده از شاخص‌های قیمت نهاده برای تعدیل قیمت پیش می‌آید.

تغییرات موجودی انبار

۱۵-۱۵۶ هرچند تغییرات موجودی انبار ممکن است نسبت به سایر اجزای GDP کوچک باشد، اما این واقعیت که اندازه نسبی آن‌ها ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای از دوره‌ای به دوره دیگر تغییر کند به این معنی است که تغییرات موجودی انبار می‌توانند سهم قابل ملاحظه‌ای در تغییرات اندازه GDP بویژه در حساب‌های ملی فصلی داشته باشند. به این دلیل، محاسبه تغییرات موجودی انبار برحسب حجم دارای اهمیت ویژه‌ای است. اما، این نیز موضوع چالش برانگیزی است. همانگونه که در پاراگراف ۱۵-۶۲ اشاره شد، تغییرات موجودی انبار می‌تواند ارزش مثبت، منفی یا صفر داشته باشد، برای موجودی انبار شاخص زنجیره‌ای نباید به‌طور مستقیم محاسبه شود. برآوردهای زنجیره‌ای حجمی تغییرات موجودی انبار به این ترتیب بدست می‌آید که برآوردهای حجمی موجودی انبار ابتدا و انتهای دوره محاسبه شده و سپس از یکدیگر کسر می‌شوند.

۱۵-۱۵۷ برآورد حجمی باید در سطح تفصیلی برای انواع مختلف موجودی‌های انبار، (کالای در جریان ساخت، کالاهای تکمیل شده، مواد و ملزومات، کالاهای بازفروشی) انجام شود. تعدیل قیمت موجودی‌های انبار باید با توجه به ترکیب موجودی‌ها برحسب محصولات انجام شود نه صنعتی (رشته فعالیتی) که آن موجودی‌ها را در اختیار دارد. PPIها، MPIها، CPIها و شاخص‌های هزینه‌ی نیروی کار همه به طور مشترک برای بدست آوردن تعدیل کننده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، همراه با تعدیلاتی که برای پایه‌ی ارزش گذاری مناسب انجام می‌شود. پی بردن به نحوه‌ی ارزش‌گذاری موجودی انبار توسط بنگاه‌ها مهم است زیرا می‌تواند اطلاعاتی را نه تنها درباره نوع محصولات بلکه در مورد متوسط طول زمانی که کالاها در انبارها نگه داری می‌شوند فراهم کند.

۱۵-۱۵۸ هنگامی که کالاها بدون تغییر مالکیت برای پردازش بیشتر به خارج فرستاده می‌شوند، باید بخاطر داشت که ممکن است مقداری موجودی انبار در خارج از سرزمین ملی نگه داری شود در این صورت باید پول ملی به آن‌ها اعمال شود تا حجم مربوطه بدست آید.

تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها

۱۵-۱۵۹ ادارات ملی آمار عموماً شاخص‌های قیمت خاصی را برای اشیاء گرانبها تهیه نمی‌کنند. جزء اصلی آن‌ها باید با استفاده از مناسب‌ترین شاخص قیمت موجود تعدیل قیمت شود.

واردات و صادرات

۱۵-۱۶۰ واردات و صادرات، از کالاها و خدمات هردو، تشکیل یافته‌اند. برای هردوی صادرات و واردات، کالاها و خدمات برحسب حجم بیان می‌شوند که از تعدیل کننده‌های کاملاً متفاوت استفاده می‌شود زیرا منابع موجود برای کالاها و خدمات بسیار

متفاوت هستند. طرح‌های جدیدی برای بهبود شاخص‌های قیمت بازرگانی خارجی در خدمات در راه است که می‌تواند منجر به بهبود داده‌ها در این زمینه شود.

۱۶۱-۱۵ ارزش‌گذاری واردات و صادرات کالاها در فصل ۱۴ مورد بحث قرارگرفته است. در اصل، واردات و صادرات باید هنگامی که تغییر مالکیت بین یک واحد مقیم و یک واحد غیرمقیم صورت می‌گیرد ارزش‌گذاری شوند به طوری که اگر عرضه کننده هزینه‌ی حمل و نقل به مقصد خریدار را در قیمت مطالبه شده منظور نکرده باشد باید هزینه‌های حمل و نقل در ارزش‌گذاری وارد شوند، در غیر این صورت نباید این هزینه‌ها در ارزش گذاری منظور شوند. ولی در عمل، بسیاری از کشورها تابع داده‌های واردات و صادرات هستند که واردات را بر اساس CIF و صادرات را بر اساس FOB ارزش گذاری می‌کنند. در این نوع ارزش‌گذاری فرض می‌شود که تغییر مالکیت همیشه در مرز کشور صادر کننده رخ می‌دهد. برای مقاصد تراز پرداخت‌ها، واردات کالاها نیز باید به FOB تبدیل شوند ولی این کار معمولاً در سطح یک هم‌افزوده انجام می‌شود و امکان تجزیه‌ی آن وجود ندارد مگر این که در چارچوب عرضه و مصرف انجام شود.

۱۶۲-۱۵ با فرض این که XPI و MPI تفصیلی برای کالاها وجود دارند، تعدیل قیمتِ برآوردهای ارزش جاری واردات و صادرات کالاها در سطح تفصیلی که برای تقریب استفاده از شاخص‌های حجم لاسپیرز یا شاخص‌های قیمت پاشه عملی است، باید کار ساده‌ای باشد. به منظور تهیه‌ی برآوردهای تفصیلی حجم برای واردات کالاها، یا باید در جدول‌های عرضه و مصرف برآوردهایCIF به مبنای FOB تبدیل شوند یا باید MPIها بر مبنای CIF تعدیل شوند. فرض معمول برای کار کردن این است که CIF و FOB به ترتیب قیمت‌های تقریبی خریدار و پایه هستند ولی همان‌طور که در فصل ۱۴ توضیح داده شد، بسندگیِ تقریب بستگی به شرایط حاکم بر حاشیه‌های حمل و نقل دارد.

۱۶۳-۱۵ XPIها و MPIها از سه روش کلی، که ماهیت آن‌ها به مقدار زیادی بستگی به منابع داده‌های مورد استفاده دارد، تهیه می‌شوند. اولین و عمده ترین روش، دستکم از لحاظ تعداد کشورهائی که از این روش استفاده می‌کنند، شاخص‌های ارزش واحد است که با استفاده از داده‌های تفصیلی واردات و صادرات تجارت بین‌المللی از مدارک اداری گمرکات تهیه شده باشد. همان گونه که در بخش ب اشاره شد، شاخص‌های ارزش واحد شاخص قیمت نیستند زیرا تغییرات آن‌ها ممکن است ناشی از تغییرات قیمت و تغییرات مقدار (ترکیبی) نباشد. اما، این شاخص‌ها توسط بسیاری از کشورها به عنوان جانشین شاخص‌های قیمت مورد استفاده قرار می‌گیرند. دومین روش، تهیه شاخص‌های قیمت با استفاده از داده‌های حاصل از آمارگیری‌های کارگاهی از قیمت اقلام نماینده صادرات و واردات است. قیمت‌های آمارگیری شده قیمت‌های اقلامی خواهند بود که برحسب ویژگی‌های تفصیلی تعیین شده‌اند به طوری که تغییرات قیمت قلمی با همان ویژگی‌ها را بتوان در طول زمان اندازه‌گیری کرد. سومین روش یک رهیافت ترکیبی است که تهیه شاخص‌های قیمت مبتنی بر آمارگیری‌های کارگاهی برای بعضی گروه‌ها و شاخص‌های واحد ارزش مبتنی بر داده‌های گمرکات برای گروه‌های دیگر را در بر می‌گیرد.

۱۶۴-۱۵ مورد شاخص‌های واحد ارزش که از ارقام تجارت بین‌المللی بدست می‌آیند متکی به هزینه نسبتاً پائین این نوع داده‌ها است. در استفاده از این شاخص‌ها به عنوان تعدیل کننده، قدری احتیاط لازم است زیرا مشخص شده است که این شاخص‌ها در مقایسه با شاخص‌های قیمت دارای سمت‌گیری هستند. سمت‌گیری در شاخص‌های ارزش واحد عمدتاً ناشی از تغییراتی است که در ترکیب اقلام ناهمگنِ ثبت شده در مدارک گمرکات وجود دارد، ولی اغلب ناشی از کیفیت ضعیف داده‌های مقداری ثبت شده نیز می‌تواند باشد. این تغییرات در بازارهای محصولات جدید به‌دلیل تفاوت‌های فزاینده در محصولات، دارای اهمیت خاصی است. ضعف شاخص‌های واحد ارزش ممکن است در سال‌های اخیر به سبب فقدان فزاینده جامع بودن داده‌های منبع باشد زیرا افزایش سهم تجارت خدمات و تجارت الکترونیک موجب شده است که داده‌های تجارت بین‌المللی کالاها از پوشش کاملی برخوردار نباشد. علاوه بر این، کشورهای عضو اتحادیه‌های پولی و گمرکات بندرت داده‌های تجارت درون اتحادیه‌ای به عنوان

محصول جنبی مدارک گمرکی را در اختیاردارند. سرانجام، تجارت برخی کالاها ممکن است مشمول کنترل‌های گمرکی نباشد نظیر برق، گاز و آب، یا ممکن است کالاهای "منحصر به فردی" با مشکلات عمیق اندازه‌گیری ارزش واحد، نظیر کشتی و ماشین‌آلات بزرگ باشند.

۱۵–۱۶۵ همان‌طور که در بالا اشاره شد، منابع فعلی داده‌ها برای شاخص‌های قیمت تجارت بین‌المللی خدمات دارای جامعیت کمتری نسبت به زمینه‌های دیگر است. اگر MPIها و XPIها برای صادرات و واردات خدمات در دسترس باشند می‌توان آن‌ها را به آسانی برای بدست آوردن برآوردهای حجم مورد نیاز بکار برد. اگر در دسترس نباشند، برآوردهای حجم صادرات خدمات را می‌توان عمدتاً با استفاده از دسته بندی PPIها و CPIها بدست آورد. برای مثال، برآوردهای حجم خدمات حمل و نقل بار را می‌توان با استفاده از PPIها بر حسب نوع حمل و نقل بدست آورد، در حالی که برآوردهای حجم خدمات اقامت را می‌توان با استفاده از CPIهای مناسب محاسبه کرد. اگر MPIها برای واردات خدمات در دسترس نباشند در این صورت ممکن است لازم باشد شاخص‌های قیمت کشورهای صادر کننده خدمات که برای تغییرات نرخ ارز تعدیل شده باشند مورداستفاده قرار گیرند.

۱۵–۱۶۶ توصیه شده است که اگر واردات کالاها طوری ارزش گذاری شوند که خدمات حمل ونقل را در بر داشته باشند، در این صورت این خدمات حمل و نقل نباید در کل واردات خدمات منظور شوند.

۷. حجم و قیمت موجودی دارائی‌ها و مصرف سرمایه ثابت

۱۵–۱۶۷ ابتدا نوعی از دارائی را در نظر بگیرید. موجودی این نوع دارائی‌ها از تعدادی اقلام، به طور معمول از محصولات متنوع، که با مجموعه‌ای از قیمت‌های سازگار ارزش‌گذاری و تجمیع شده‌اند تشکیل شده است. منظور از "سازگاری" در اینجا قیمت‌های مربوط به یک دوره یا یک نقطه از زمان است که مبتنی بر یک مفهوم قیمت نظیر قیمت‌های خریدار است. بنابراین اندازه‌گیری موجودی‌ها به قیمت‌های تاریخی، یعنی، با اضافه کردن مقادیری که با قیمت‌های دوره‌های متفاوت ارزش‌گذاری شده‌اند یک ارزش‌گذاری ناسازگار است. این نوع ارزش گذاری گاهی اوقات در حساب‌های بنگاه‌ها یافت می‌شود ولی سنجه معنی دار اقتصادی در زمینه SNA نیست.

۱۵–۱۶۸ بردار قیمت مورد استفاده برای ارزش گذاری مقادیر دارائی‌ها هنگامی که ارزش موجودی‌ها برای ابتدا یا انتهای ترازنامه تهیه می‌شود باید به یک نقطه از زمان (ابتدا یا انتهای دوره) ارجاع داده شده باشد. برای مقاصد دیگر، مقادیر دارائی‌ها ممکن است با بردار قیمتی که به متوسط دوره حسابداری ارجاع داده می‌شود ارزش‌گذاری شوند. برای مثال، اندازه مصرف سرمایه ثابت ممکن است از طریق حاصل تفریق موجودی دارائی‌های انتهای دوره از موجودی ابتدای دوره بعلاوه تشکیل سرمایه ثابت وقتی از قیمت‌های متوسط دوره به منظور حذف منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن برای هریک از اجزاء استفاده می‌شود (و با فرض عدم تغییر حجم دارائی‌ها) بدست آید.

۱۵–۱۶۹ فرآیندی که بوسیله آن بسیاری از سنجه‌های موجودی سرمایه ساخته می‌شوند روش موجودی گیری مستمر (PIM) است. در این روش برای نوع مشخصی از دارائی‌ها، سری‌های زمانی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص با شاخص قیمت خریدار همان نوع دارائی تعدیل قیمت می‌شود، به طوری که مقادیر دارائی برحسب حجم برای دوره‌ی مرجعِ خاصی بیان– می‌شوند. سپس این سری‌های زمانی برحسب حجم تجمیع می‌شوند تا یک سنجه‌ی موجودی، البته با به حساب آوردن دارائی‌های خارج شده از فرآیند تولید، کارائی از دست رفته یا مصرف سرمایه ثابت بسته به ماهیت سنجه‌ی مورد نظر، برای موجودی حاصل کنند. بنابراین سنجه موجودی حاصل برحسب حجم دوره مرجع منتخب بیان می‌شود. این دوره مرجع ممکن است دوره جاری باشد و سنجه‌های موجودی که به این شیوه ارزش گذاری می‌شوند اغلب "موجودی سرمایه به قیمت جاری" نامیده می‌شوند. اما، این صحیح نیست زیرا توضیحات مربوط به PIM نشان داد که برای رسیدن به این سنجه‌ها لازم است تعدیل قیمت انجام شود. از اینرو، این یک مورد خاص از نوعی ارزش‌گذاری به قیمت ثابت است که ارزش گذاری به بردار قیمت دوره جاری نامیده می‌شود.

۱۵–۱۷۰ حتی هنگامی که PIM اعمال نمی‌شود، مثلاً در حالت آمارگیری‌های مستقیم دارائی‌ها، در ارزش گذاری محصولات مختلف از یک دارائی خاص نباید از ارزش‌های دفتری که قیمت‌های تاریخی را منعکس می‌کنند استفاده شود. ارزش گذاری سازگار مستلزم این است که محصولات قدیمی‌تر بوسیله قیمت دارائی‌هائی با عمر مشخص در یک نقطه از زمان که آمارگیری به آن ارجاع می‌شود ارزش‌گذاری شوند.

۱۵–۱۷۱ قدم بعدی تجمیع تغییرات موجودی سرمایه‌ی هریک از انواع دارائی‌ها برحسب حجم است. استفاده از شاخص‌های پیوند یا زنجیره‌ای، همان طور که پیش از این مورد بحث قرار گرفت، هنگامی مناسب است که یک سری زمانی که گستره آن تا گذشته دور است ساخته شود زیرا پیکره‌بندی قیمت دوره جاری دارای ویژگی نماینده بودن را نخواهد داشت.

۱۵–۱۷۲ جزئیات بیشتری از PIM، برای انواع مختلف موجودی سرمایه و اندازه‌گیری آن‌ها درفصل ۲۰ و در *اندازه‌گیری سرمایه* ارائه شده است.

۸. اجزای ارزش افزوده

۱۵–۱۷۳ سنجه‌های حجمی و قیمتی که تا اینجا بررسی شدند عمدتاً به جریان کالاها و خدمات تولید شده به عنوان ستانده‌ی حاصل از فرآیندهای تولید مربوط می‌شوند. با این حال، تجزیه‌ی مستقیم برخی از جریان‌های دیگر نیز به اجزای قیمت و حجمشان امکان پذیر است.

جبران خدمات کارکنان

۱۵–۱۷۴ واحد مقدار برای جبران خدمات کارکنان، ممکن است به صورت یک ساعت کارِ نوع و سطح مشخصی از مهارت در نظر گرفته شود. مشابه کالاها و خدمات، کیفیت‌های متفاوت کار نیز باید تعیین شوند و مقدارهای نسبی برای هر یک از انواع متمایز کار محاسبه شوند. قیمت مربوط به هر نوع کار عبارت از جبران خدمات پرداخت شده به ازای هر ساعت است که می‌تواند در میان انواع مختلف کار به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت باشد. سنجه حجمی کار انجام شده را می‌توان به صورت میانگین مقدارهای نسبی انواع مختلف کار که با ارزش‌های نسبی جبران خدمات کارکنان در سال قبل یا یک سال پایه ثابت موزون شده باشد محاسبه کرد. روش دیگر این است که یک "شاخص قیمت" برای کار محاسبه شود که با محاسبه‌ی میانگین موزونِ تغییرات متناسب در نرخ‌های ساعتی جبران خدمات کارکنان برای انواع مختلف کار بدست می‌آید که در اینجا هم از جبران خدمات مربوطه به عنوان وزن‌ها استفاده می‌شود. اگر یک سنجه حجمی از نوع لاسپیرز به طور غیرمستقیم با تعدیل جبران خدمات کارکنان به ارزش جاری با شاخص نرخ‌های ساعتی جبران خدمات محاسبه شود، یک شاخص از نوع پاشه خواهد بود.

مالیات و یارانه بر محصول

۱۵–۱۷۵ مالیات بر محصول دو نوع است، مالیات‌های خاص مرتبط با حجم محصول و مالیات‌های مبتنی بر ارزش که بر ارزش محصول وضع می‌شوند. سنجه حجمی مالیات اولی را می‌توان با اعمال نرخ سال پایه‌ی مالیات‌های خاص به ارقام ارزش جاری تعدیل قیمت شده به طور مناسبِ اقلامی که مالیات خاص بر آن‌ها وضع شده است بدست آورد و مالیات دومی را می‌توان با اعمال نرخ‌های مبتنی بر ارزش سال پایه به ارزش جاری اقلام مشمول این دسته از مالیات‌ها که توسط قیمت‌های مناسبی تعدیل شده‌اند بدست آورد. این امکان وجود دارد که نسبت داده‌های مالیات به ارزش جاری و داده‌های مالیات برحسب حجم را بدست آورد ولی تفسیر این نسبت به عنوان یک شاخص قیمت مشکل است زیرا این نسبت تغییرات نرخ‌های مالیات و تغییرات ترکیب خریدهای اقلام مشمول مالیات را منعکس می‌کند. محاسبات مربوط به یارانه‌ها نیز با شیوه‌ای مشابه انجام می‌شود.

۱۵–۱۷۶ بحث بیشتری در این باره در پاراگراف‌های ۱۴–۱۴۸ الی ۱۴–۱۵۲ وجود دارد.

مازاد عملیاتی خالص و درآمد مختلط خالص

۱۵–۱۷۷ هنگامی که GDP از طریق تفاوت بین ستانده و مصرف واسطه بعلاوه مالیات منهای یارانه بر تولید بدست می‌آید، ارزش افزوده‌ی ناخالص به عنوان یک مانده حسابداری بدست می‌آید. این وضعیت در هردو موردِ ارزش جاری و برحسب

حجم وجود دارد. برای این که اتحادی بین برآوردهای مختلف GDP برحسب حجم وجود داشته باشد، امکان این وجود ندارد که به ارزش افزوده ناخالص بعد قیمت و حجم داده شود. بلکه قلم باقیمانده به عنوان " ارزش واقعی" بیان می‌شود. اگر برآوردهای حجم مصرف سرمایه ثابت و جبران خدمات کارکنان در دسترس باشد، مازاد عملیاتی خالص و درآمد مختلط خالص را می‌توان بدست آورد ولی فقط به ارزش واقعی و بدون بعد قیمت و حجم. از اینرو امکان بدست آوردن سنجه مستقلی از GDP با رهیافت درآمد وجود ندارد زیرا یک قلم آن همیشه به صورت باقیمانده حاصل می‌شود.

۱۵–۱۷۸ محدودیت مجموعه‌ی سنجه‌های یکپارچه قیمت و حجم در چارچوب حسابداری SNA، مازاد عملیاتی خالص است. از نظر مفهومی غیرممکن است که تمامی جریان‌های حساب‌های درآمد SNA، از جمله انتقالات جاری، به روشنی به اجزای قیمت و حجم متعلق به خود شکسته شوند. اما، هر جریان درآمد را می‌توان با یک شاخص قیمت برای مجموعه کالاها و خدماتی که به عنوان مبنای سنجش تعیین شده‌اند تعدیل قیمت کرد تا افزایش یا کاهش قدرت خرید درآمد نسبت به مبنای سنجش اندازه‌گیری شود ولی این با تجزیه یک جریان به اجزای قیمت و حجم خود آن‌ها کاملاً متفاوت است. نمونه خاصی که این عمل در آن رایج است محاسبه اثر رابطه مبادله بر درآمد واقعی است که در بخش ت توضیح داده شده است.

۹. برآوردهای فصلی و سالانه

۱۵–۱۷۹ در عمل، همان روشی که برای بدست آوردن برآوردهای سالانه بکار می‌رود باید برای تهیه برآوردهای فصلی حجم نیز استفاده شود. راهنماهای مربوط به منبع داده‌ها و روش‌های تهیه برآوردهای فصلی قیمت و حجم در فصل ۳ و ۹ *دستنامه حساب‌های ملی فصلی* ارائه شده است. ملاحظات اصلی، ملاحظاتی است که در پاراگراف‌های ۱۵–۴۵ الی ۱۵–۵۰ بیان شده است. در عمل، به طور کلی داده‌های سالانه جامع‌تر و دقیق‌تر از داده‌های فصلی هستند. هرچند استثناهای مهمی نظیر صادرات و واردات کالاها وجود دارد، ولی وضعیت کلی این است که مجموعه داده‌های سالانه، اگرچه همراه با تأخیر است، بسیار غنی‌تر و دقیق‌تر از داده‌های فصلی است. به این دلیل، یک رهیافت دقیق عبارت از تهیه جدول‌های عرضه و مصرف به ارزش جاری و به قیمت‌های سال قبل و استخراج برآوردهای فصلی سازگار با آن‌ها است. خودِ این رهیافت برای تهیه سنجه‌های حجمی فصلی لاسپیرز که به طور سالانه زنجیره‌ای شده باشد مناسب است، هرچند که می‌توان آن را برای تهیه سالانه سنجه‌های زنجیره‌ای شده فصلی فیشر نیز بکار برد.

۱۰. خلاصه توصیه‌ها

۱۵–۱۸۰ توصیه‌های ارائه شده در بالا درباره بیان حساب‌های ملی برحسب حجم را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

الف. برآوردهای حجمی تراکنش‌های کالاها و خدمات به بهترین نحو در چارچوب عرضه و مصرف ساخته می‌شوند که ترجیحاً باید در ارتباط با برآوردهای ارزش جاری و به طور همزمان با آن انجام شود. این امر مستلزم انجام کار در آن سطح از جزئیات محصولات است که منابع اجازه دهد.

ب. به طور کلی، ولی نه همیشه، بهترین راه بدست آوردن برآوردها از طریق تعدیل قیمت ارزش جاری با یک شاخص قیمت است تا این که برآوردهای حجم مستقیماً ساخته شوند. بنابراین دسترسی داشتن به یک سریِ جامع از شاخص‌های قیمت بسیار مهم است.

پ. شاخص‌های قیمت استفاده شده به عنوان تعدیل کننده باید با ارزش‌هائی که تعدیل قیمت می‌شوند تا حد زیادی از نظر حوزه، ارزش‌گذاری و بموقع بودن جور باشند.

ت. اگر بدست آوردن برآوردهای ارزش افزوده به ارزش واقعی از چارچوب عرضه و مصرف عملی نباشد و هیچیک از برآوردهای حجمی ستانده و مصرف واسطه استوار نباشند یا برآوردهای حجمی مصرف واسطه در دسترس نباشد در این صورت برآوردهای رضایتبخش را می‌توان، حداقل در دوره کوتاه مدت، اغلب با استفاده از یک نماگر ستانده بدست آورد.

برای داده‌های فصلی این رهیافت ترجیح داده می‌شود، البته با برآوردهای محک زده شده به داده‌های سالانه. به طور کلی، نماگر ستانده‌ای که با تعدیل قیمت بدست آمده باشد به نماگری که با برون یابی کیفی تهیه شده باشد ترجیح داده می‌شود.

ث. در برآوردهای ستانده برحسب حجم و ارزش افزوده‌ی واقعی باید از نهاده‌ها فقط به عنوان آخرین منبع استفاده شود زیرا آن‌ها تغییر در بهره‌وری را منعکس نمی‌کنند.

ج. سنجه‌ی ترجیحی برای تغییرات سال به سال حجم GDP، شاخص حجم فیشر است؛ ضمن این که تغییراتِ دوره‌های بلند مدت‌تر با زنجیره ای کردن، یعنی، با انباشتن سال به سال بدست می‌آید.

چ. بنابراین، سنجه‌ی ترجیحی برای تورم سال به سال برای GDP و دیگر هم‌افزوده‌ها شاخص قیمت فیشر است؛ ضمن این که تغییرات قیمتِ دوره‌های بلند مدت با زنجیره‌ای کردن تغییرات قیمتِ سال به سال، یا به طور ضمنی با تقسیم شاخص حجم زنجیره‌ای فیشر به یک شاخص سری‌های ارزش جاری بدست می‌آید.

ح. شاخص‌های زنجیره‌ای که از شاخص‌های حجم لاسپیرز برای اندازه‌گیری تغییراتِ سال به سال در حجم GDP استفاده می‌کند و شاخص‌های ضمنی قیمت پاشه برای اندازه‌گیری تورم سال به سال مربوط به آن جایگزین‌های قابل قبولی برای شاخص‌های فیشر هستند.

خ. شاخص‌های زنجیره‌ای برای هم‌افزوده‌ها، از هر فرمولی که استفاده شده باشد، نمی‌توانند با اجزای آن‌ها ، به طور جمع پذیر سازگار باشند، ولی این امر مانع از این نیست که سری‌های زمانیِ ارزش‌ها با برون یابی ارزش‌های سال پایه با شاخص‌های زنجیره‌ای مناسب تهیه شود.

د. یک رهیافت دوم برای بدست آوردن برآوردهای ارزش جاری و حجمی فصلی محک زدن آن‌ها با برآوردهای سالانه تهیه شده در یک چارچوب عرضه و مصرف سالانه است. از این رهیافت برای ساختن سنجه‌های حجمی فصلی زنجیره‌ای شده به صورت سالانه خواه با استفاده از فرمول فیشر خواه با استفاده از فرمول لاسپیرز مناسب است.

ث. سنجه‌های درآمد واقعی برای کل اقتصاد

۱. مفهوم درآمد واقعی

۱۵–۱۸۱ بسیاری از جریان‌های موجود در SNA، نظیر انتقالات نقدی، دارای ابعاد قیمت و مقدار خود نیستند و بنابراین نمی‌توانند مانند جریان‌های مربوط به کالاها و خدمات تجزیه شوند. در عین حال که این نوع جریان‌ها را نمی‌توان برحسب حجم اندازه‌گیری کرد، ولی می‌توان آن‌ها را با تعدیل ارزش بوسیله شاخص‌های قیمت "به ارزش واقعی" اندازه‌گیری کرد تا قدرت خرید واقعی آن‌ها نسبت به سبد کالای منتخبی از کالاها و خدمات که به عنوان مبنای سنجش عمل می‌کند بدست آید.

۱۵–۱۸۲ تعدیل هر جریان درآمدی در حساب‌ها با استفاده از یک مبنای سنجش امکان پذیر است. حتی قلم ترازکننده‌ای نظیر پس‌انداز را می‌توان با یک شاخص قیمت تعدیل کرد و قدرت خرید قلم مورد بحث را نسبت به یک مبنای سنجش تعیین شده از مجموعه کالاها و خدمات اندازه گیری کرد. از طریق مقایسه ارزش تعدیل شده‌ی درآمد با ارزش واقعی آن در سال پایه، این امکان وجود دارد که تعیین شود قدرت خرید درآمد تا چه اندازه افزایش یا کاهش یافته است. درآمد تعدیل شده به

این شیوه به طور کلی به عنوان "درآمد واقعی" نامیده می‌شود.

۱۵-۱۸۳ برخلاف واژه استفاده شده، درآمدهای واقعی به طور ساختگی ایجاد می‌شوند که به دو نقطه مرجع بستگی دارند.

الف. درآمدهای واقعی که با ارجاع به سطح قیمت‌ها در یک سال مرجعِ منتخب اندازه‌گیری شده‌اند، بسته به سال مرجع انتخابی تغییر می‌کنند.

ب. درآمدهای واقعی، تغییرات قدرت خرید را نسبت به یک مبنای سنجش منتخب اندازه گیری می‌کنند؛ آن‌ها بسته به مبنای سنجش انتخابی تغییر می‌کنند.

۱۵-۱۸۴ از آنجا که ممکن است اغلب انتخابِ قطعی یا غیر قابل مناقشه‌ای از مبنای سنجش وجود نداشته باشد همیشه قدری بی‌میلی برای نشان دادن درآمدهای واقعی در حساب‌های ملی وجود داشته است با این توجیه که انتخاب مبنای سنجش باید به عهده‌ی استفاده کننده‌ی آمارها و نه تهیه کننده‌ی آن‌ها گذاشته شود. اما، هنگامی که تغییرات عمده در قیمت‌ها رخ می‌دهد، می‌توان گفت که تهیه‌کنندگان آمارها موظف به ارائه حداقل‌هائی از سنجه‌های درآمد واقعی هستند. همه‌ی کاربران حساب‌های ملی فرصت، تمایل یا تجربه محاسبه درآمد واقعی متناسب با نیازهای خود را ندارند. علاوه براین، از طرف بسیاری از کاربران برای سنجه‌های چند منظوره درآمد واقعی، حداقل در سطح کل اقتصاد، تقاضا وجود دارد، و هدف این بخش این است که نشان دهد این سنجه‌ها را چگونه می‌توان تهیه کرد.

۲. منفعت و زیان مبادله‌ی بازرگانی ناشی از رابطه مبادله بازرگانی

۱۵-۱۸۵ در یک اقتصاد بسته‌ی بدون صادرات و واردات، GDP برابر است با حاصل جمع مصرف نهائی بعلاوه تشکیل سرمایه. این حاصل جمع به عنوان مخارج نهائی داخلی بیان می‌شود. GDP همچنین سنجه‌ای از درآمد ایجاد شده در اقتصاد از طریق تولید است. هرچند که درآمد را نمی‌توان به عنوان حاصل قیمت و حجم بیان کرد، ولی می‌توان آن را تعدیل قیمت کرد، در این صورت در واقع این هم باید سنجه‌ای از درآمد به ارزش واقعی باشد. اما، با وارد کردن واردات و صادرات، GDP دیگر برابر مخارج نهائی داخلی نیست و تعدیل GDP باید امکان تعدیل واردات و صادرات و نیز مخارج نهائی داخلی را بدهد. واردات و صادرات حتی اگر به ارزش جاری برابر باشند، معمولاً قیمت‌های متفاوتی دارند بنابراین در سنجه‌های درآمد به ارزش واقعی قیمت‌های واردات و صادرات تأثیر دارد. این به طور کلی با به حساب آوردن رابطه مبادله بازرگانی و محاسبه چیزی که به عنوان منفعت و زیان مبادله‌ی بازرگانی ناشی از تغییرات در رابطه مبادله بازرگانی شناخته شده است انجام می‌شود.

۱۵-۱۸۶ علاوه بر این، کل درآمد واقعی که مقیم‌ها از تولید داخلی بدست می‌آورند بستگی به نرخی هم دارد که در آن صادرات ممکن است در برابر واردات از دنیای خارج معامله شود.

۱۵-۱۸۷ ***رابطه مبادله بازرگانی به صورت نسبت قیمت صادرات به قیمت واردات تعریف می‌شود.*** اگر قیمت‌های صادرات یک کشور سریعتر از قیمت‌های واردات آن افزایش یابد (یا به صورت کندتری کاهش یابد)، بعبارت دیگر اگر رابطه مبادله بازرگانی آن بهبود یابد، برای حجم معینی از واردات، صادرات کمتری لازم است پرداخت شود به طوری که در سطح معینی از تولید داخلی، کالاها و خدمات را می‌توان از صادرات به مصرف یا تشکیل سرمایه تخصیص داد. از اینرو رابطه مبادله بازرگانیِ بهبود یافته این امکان را به مقیم‌ها می‌دهد که حجم بیشتری از کالاها و خدمات را از محل درآمد ایجاد شده از همان سطح تولید داخلی، خریداری کنند.

۱۵-۱۸۸ ***درآمد ناخالص داخلی (GDI به ارزش واقعی) قدرت خرید کل درآمدهای ایجاد شده از طریق تولید داخلی را اندازه‌گیری می‌کند.*** این مفهومی است که فقط به ارزش واقعی وجود دارد. هنگامی که رابطه مبادله بازرگانی تغییر می‌کند ممکن است اختلاف فاحشی بین تغییرات GDP برحسب حجم و GDI به ارزش واقعی وجود داشته باشد. تفاوت بین تغییر GDP برحسب حجم و GDI واقعی به طور کلی به عنوان "منفعت (یا زیان) مبادله‌ی بازرگانی" نامیده می‌شود یا، به بعبارت دیگر، ***منفعت یا زیان حاصل از تغییرات رابطه مبادله‌ی***

بازرگانی تفاوت بین GDI واقعی و GDP برحسب حجم است. تفاوت بین تغییرات GDP برحسب حجم و GDI واقعی همیشه کوچک نیست. اگر واردات و صادرات نسبت به GDP بزرگ باشند و اگر ترکیب کالائی کالاها و خدماتی که واردات و صادرات را تشکیل می‌دهند بسیار متفاوت باشند، گستره‌ی منفعت و زیان مبادله‌ی بازرگانی بالقوه می‌تواند بزرگ باشد. این وضعیت هنگامی پیش می‌آید که صادرات یک کشور از تعداد کمی از محصولات اولیه، نظیر کاکائو، شکر یا نفت، تشکیل شده باشد، در حالی که واردات آن عمدتاً از محصولات ساخته شده تشکیل شده باشد. منفعت یا زیان مبادله‌ی بازرگانی، T، معمولاً از طریق عبارت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$T = \frac{X-M}{P} - \left\{\frac{X}{P_x} - \frac{M}{P_m}\right\} \qquad (۱۹)$$

که در آن:

$X =$ صادرات به ارزش جاری

$M =$ واردات به ارزش جاری

$P_x =$ شاخص قیمت برای صادرات

$P_m =$ شاخص قیمت برای واردات

$P =$ یک شاخص قیمت بر اساس مبنای سنجش منتخب

P_x، P_m و P همه در سال پایه برابر با ۱ هستند. عبارت داخل آکولاد تراز بازرگانی را به قیمت‌های صادرات و واردات سال مرجع اندازه‌گیری می‌کند بر عکس، عبارت نخست تراز بازرگانی جاری حقیقی تعدیل شده توسط شاخص قیمت مبنای سنجش را اندازه‌گیری می‌کند. کاملاً امکان پذیر است که هرکدام علامت متفاوتی با دیگری داشته باشد

۱۸۹–۱۵ در اندازه‌گیری منفعت یا زیان مبادله‌ی بازرگانی، گزینه مهمی وجود دارد که باید انتخاب شود و آن شاخص قیمت P است که با آن تراز بازرگانی جاری تعدیل می‌شود. مطالعات زیاد ولی بی‌نتیجه‌ای درباره این موضوع وجود دارد، ولی نکته‌ای که همه‌ی آن‌ها درباره آن توافق مشترک دارند این است که انتخاب P می‌تواند اختلافات فاحشی را در نتایج ببار آورد. از اینرو، اندازه‌گیری GDI واقعی گاهی می‌تواند نسبت به انتخاب P حساس باشد و این امر مانع از این شده است که درباره این موضوع یک توافق عمومی حاصل شود.

۱۹۰–۱۵ لازم نیست که در اینجا همه‌ی بحث‌های مختلف به نفع یک تعدیل کننده یا دیگری خلاصه شود، اما، مفید است که به راه حل‌های اصلی که برای انتخاب P حمایت شده اند اشاره شود. این‌ها را می‌توان در سه طبقه به شرح زیر گروه‌بندی کرد:

الف. یک امکان، تعدیل قیمت تراز جاری یعنی X-M است که خواه بوسیله شاخص قیمت واردات (روشی که به شدت حمایت شده است) خواه بوسیله شاخص قیمت صادرات انجام شود، همراه با بحث‌هائی که متخصصین انجام می‌دهند درباره این که انتخاب بین P_m و P_x باید بسته به منفی یا مثبت بودن تراز بازرگانی خارجی باشد.

ب. امکان دوم، تعدیل تراز جاری بوسیله میانگینی از P_m و P_x است که انواع مختلفی از میانگین‌ها، نظیر میانگین ساده حسابی یا میانگین هدونیک، یا میانگین‌های موزون پیچیده بازرگانی، پیشنهاد شده است.

پ. سومین امکان، تعدیل تراز جاری بوسیله برخی از شاخص‌های کلی قیمت است که از بازرگانی خارجی بدست نیامده است؛ مانند شاخص قیمت برای مخارج نهائی ناخالص داخلی، یا شاخص قیمت مصرف کننده.

۱۹۱–۱۵ ضعف در توافق روی یک تعدیل کننده‌ی واحد، این واقعیت را منعکس می‌کند که تعدیل کننده‌ی واحدی که در تمامی شرایط بهینه باشد وجود ندارد. انتخاب تعدیل کننده ممکن است به عواملی نظیر مازاد یا کسری تراز تجاری، اندازه واردات و صادرات در رابطه با GDP، و غیره داشته باشد. از سوی دیگر، همه بر این موضوع توافق دارند که محاسبه‌ی منفعت یا زیان حاصل از تغییرات رابطه مبادله بازرگانی بسیار مطلوب است و در بعضی کشورها دارای اهمیت حیاتی است.

به منظور برون رفت از این بن بست، توصیه می‌شود به شرح زیر اقدام شود:

الف. منفعت یا زیان مبادله‌ی بازرگانی، همان‌طور که در بالا تعریف شد، باید به عنوان جزء جدائی ناپذیر SNA باشد؛

ب. انتخاب رویکرد تعدیل کننده برای تراز بازرگانی جاری باید با توجه به شرایط خاص کشورها به عهده مسئولین آمار آن کشورها گذاشته شود؛

پ. اگر مسئولین آماری در یک کشور مطمئن نباشند که مناسب‌ترین تعدیل کننده P برای استفاده کدام است، میانگینی از شاخص‌های قیمت واردات و صادرات باید استفاده شود، ساده‌ترین و شفاف‌ترین میانگین یک میانگین ساده‌ی حسابی از شاخص‌های قیمت واردات و صادرات است. (این در ادبیات متخصصین روش گی ئری (Geary) نامیده می‌شود).

۱۹۲-۱۵ قصد از این پیشنهادها این است که تأکید شود شکست در توافق روی یک تعدیل کننده‌ی مشترک مانع از این نیست که سنجه‌های هم‌افزوده‌ی درآمد به ارزش واقعی محاسبه نشوند. سنجه‌ای از منفعت مبادله‌ی بازرگانی همیشه باید محاسبه شود حتی اگر یک نوع تعدیل کننده توسط تمامی کشورها بکار برده نشود. هنگامی که درباره انتخاب تعدیل کننده تردید وجود دارد، میانگینی از شاخص‌های قیمت واردات و صادرات مناسب خواهد بود.

۳. روابط متقابل بین سنجه‌های حجمی GDP و هم افزوده‌های درآمد واقعی

۱۹۳-۱۵ روش معمول برای محاسبه ارقام درآمد واقعی این است که از GDI واقعی شروع شود و سپس با توالی عادیِ هم‌افزوده‌های درآمد، ولی با تعدیل به ارزش واقعی در هر یک از فواصل ادامه یابد. این موضوع در زیر توضیح داده می‌شود:

الف. محصول ناخالص داخلی برحسب حجم؛

بعلاوه منفعت یا زیان مبادله‌ی بازرگانی حاصل از تغییر رابطه مبادله بازرگانی؛

ب. برابر است با درآمد ناخالص داخلی واقعی؛

بعلاوه درآمدهای اولیه واقعی دریافتنی از خارج؛

منهای درآمدهای اولیه واقعی پرداختنی به خارج؛

پ. برابر است با درآمد ناخالص ملی واقعی،

بعلاوه انتقالات جاری واقعی دریافتنی از خارج؛

منهای انتقالات جاری واقعی پرداختنی به خارج؛

ت. *برابر است* با درآمد ناخالص قابل تصرف ملی واقعی،

منهای مصرف سرمایه ثابت برحسب حجم؛

ث. *برابر است* با درآمد خالص قابل تصرف ملی واقعی،

۱۹۴-۱۵ انتقال از (الف) به (ب) عبارت از منفعت مبادله‌ی بازرگانی حاصل از تغییرات رابطه مبادله بازرگانی است که در بالا توضیح داده شد. مراحل لازم برای انتقال از (ب) به (ت) تعدیل قیمت جریان‌های بین واحدهای نهادی مقیم و غیرمقیم، یعنی درآمدهای اولیه و انتقالات جاری دریافتنی از خارج و پرداختنی به خارج را در بر می‌گیرد. ممکن است به صورت خودکار هیچ گزینه‌ای از تعدیل کننده‌ی قیمت وجود نداشته باشد، ولی توصیه می‌شود که قدرت خرید این جریان‌ها برحسب یک مبنای سنجش گسترده، بویژه مجموعه کالاها و خدماتی که مخارج نهائی ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند بیان شود. البته این شاخصِ قیمت باید با شاخص‌های قیمت و حجم برای GDP سازگار باشد.

۱۹۵-۱۵ در این فرآیند ابتدا باید هر مرحله برای سال‌های متوالی بر حسب حجمِ جمع پذیر محاسبه شود تا سری‌های زمانی طولانی تر به عنوان شاخص‌های زنجیره‌ای بدست آید.

۱۹۶-۱۵ یک رهیافت دگرسانِ احتمالی، انتقال از GDP برحسب حجم به مخارج نهائی خالص داخلی برحسب حجم است که پس از

آن یک تعدیل ساده برای اثر قدرت خرید تراز خارجی جاری انجام می‌شود ضمن این که تراز خارجی جاری با استفاده از تعدیل کننده برای مخارج نهائی خالص داخلی به ارزش واقعی تقلیل داده می‌شود. مزیت این روشِ دگرسان این است که از اول تا آخر از یک مبنای سنجش واحد یعنی مجموعه کالاها و خدمات تشکیل دهنده مخارج نهائی خالص داخلی استفاده می‌شود. بنابراین ممکن است درک اهمیت درآمد خالص قابل تصرف ملی واقعی آسانتر باشد زیرا این تعدیل کننده صریح و روشن است.

۱۵–۱۹۷ با این حال، این چارچوبِ دگرسان، منفعت یا زیان مبادله‌ی بازرگانی را با استفاده از تعدیل کننده برای مخارج نهائی داخلی به عنوان تعدیل کننده‌ی کلی P اندازه‌گیری می‌کند، برعکس برای منفعت یا زیان مبادله‌ی بازرگانی ناشی از تغییرات در رابطه مبادله بازرگانی می‌توان استدلال کرد که P همیشه باید مبتنی بر جریان‌هائی باشد که وارد بازرگانی خارجی می‌شوند. بنابراین با در نظر گرفتن تمامی جوانب، چارچوب نخستین طرح ارائه شده در بالا ترجیح داده می‌شود.

ث. مقایسه بین‌المللی قیمت و حجم

۱. مقدمه

۱۵–۱۹۸ کاربران مایل هستند GDP و اجزای آن را نه تنها برای یک کشور یا کشورهای مشخصی در طول زمان در تحلیل‌هائی مانند تحلیل رشد اقتصادی بکار ببرند، بلکه تمایل دارند از این هم‌افزوده‌ها برای مقایسه‌ی اندازه‌ی نسبی اقتصاد بین کشورهای مختلف در دوره معینی از زمان نیز استفاده کنند. روش معمولِ مورد استفاده برای این نوع مقایسه‌ها، تعدیل قیمت ارزش‌های حساب‌های ملی با یک پول مشترک با استفاده از نرخ‌های ارز است، که مزیت آن دسترسی سریع و بهنگام به داده‌ها است. این روش هنگامی که کاربران به رتبه‌بندی قدرت خرج نسبی یک کشور در بازار جهانی نیاز داشته باشد، کافی است. ولی، برای مقایسه بهره‌وری و استانداردهای زندگی کافی نیست زیرا برای تفاوت‌های سطح قیمت بین کشورهای مختلف تعدیل انجام نمی‌دهد و از اینرو، سنجه‌ای برای اندازه‌گیری اندازه‌ی نسبی کشورها درحجم کالاها و خدماتی که تولید می‌کنند ارائه نمی‌دهد.

۱۵–۱۹۹ برابری قدرت خرید (PPPها) برای فراهم کردن مجموعه‌ای از برآوردهای قابل اعتماد از سطح فعالیت‌های بین کشورها که با یک پول مشترک بیان شده‌اند بکار می‌رود. ***برابری قدرت خرید (PPP) به‌صورت، تعداد واحدهای پول کشور ب که در کشور ب لازم است تا همان مقدار از کالا یا خدمت فردی را بخرد که یک واحد از پول الف در کشور الف خواهد خرید، تعریف می‌شود.*** به طور معمول PPP برای یک کشور، برحسب پول یک کشورِ پایه بیان می‌شود که معمولاً استفاده از دلار آمریکا رایج است. از اینرو، PPPها میانگین موزون قیمت‌های نسبیِ بیان شده به پول ملی، از اقلام مقایسه پذیر بین کشورها است. PPPها که به عنوان تعدیل کننده از آن‌ها استفاده می‌شود، امکان مقایسه GDP و اجزای مخارج آن بین کشورهای مختلف را فراهم می‌کند.

۱۵–۲۰۰ این بخش ابتدا مسائل عدد شاخص در مقایسه‌ی قیمت و حجم هم‌افزوده‌ها بین کشورهای مختلف را بررسی می‌کند. ICP، هم‌افزوده‌های اقتصادی قابل مقایسه‌ی بین‌المللی برحسب حجم و نیز PPPها و شاخص‌های سطح قیمت (PLIها) را تولید می‌کند. ICP که در سال ۱۹۶۸ بنا نهاده شد، برای پوشش همه‌ی نقاط دنیا گسترش داده شده است به‌طوری که در دور ۲۰۰۵، تعداد ۱۰۷ کشور را در بر داشته است. نتایج آن با برنامه PPP که توسط OECD/Eurostat طراحی شده است ترکیب و تعداد کل کشورها به ۱۵۰ رسیده است.

۱۵–۲۰۱ تهیه داده‌های مبتنی بر PPP یک اقدام هزینه‌بر و زمان‌بری است، بنابراین به طور عادی انجام چنین مقایسه‌هائی امکان پذیر نیست. برای گردآوری داده‌ها و تهیه برآوردهای مبتنی بر

PPP هماهنگی‌هائی در سطح دنیا لازم است. اما، لازم است حسابداران ملی در کشورهای شرکت‌کننده از اصول اساسی مقایسه‌ها درکی داشته باشند و در مورد تقاضاهائی که در عمل از آن‌ها برای گردآوری داده‌ها در تهیه شاخص‌های PPP و از اینرو مقایسه حجم GDP می‌شود، آگاهی داشته باشند. این مسأله موضوع بحث قسمت آخر این بخش است.

۲. مسائل عدد شاخص

۱۵-۲۰۲ نظریه گسترش یافته اعداد شاخص در زمینه سری‌های زمانی را نمی‌توان فقط با جایگزین کردن واژه "کشور" بجای واژه "دوره" به طور مکانیکی برای مقایسه بین‌المللی بکار برد. مقایسه‌های بین‌المللی از تعدادی جهات متفاوت هستند.

الف. سری‌های زمانی برحسب تاریخِ مشاهده مرتب می‌شوند ولی کشورها این نوع مرتب سازی آماده از پیش را ندارند. در نتیجه روش از پیش تعیین شده‌ای برای ترتیب کشورها هنگام تهیه شاخص‌های زنجیره‌ای وجود ندارد.

ب. برای مقایسه بین‌المللی قیمت‌ها، گردآوری کنندگان مختلف قیمت، قیمت‌های اقلام مختلف را در کشورهای مختلف گزارش خواهند داد. از اینرو یک شرح محصول ساخت‌مند (SDP) به صورت انعطاف پذیر ولی تفصیلی برای هر قلم لازم است به طوری که بتوان تنها قیمت‌های اقلام مشابه را، خواه با مقایسه قیمت‌های اقلام دارای ویژگی‌های کاملاً یکسان گرفته شده از SPD در هردو کشور، خواه با تعدیل قیمت‌های ویژگی‌های متفاوت گرفته شده از SPD برای تفاوت کیفیت مقایسه کرد.

پ. مقایسه‌های بین‌المللی به طور نامنظم اجرا می‌شوند، این امر تا حدودی به این دلیل است که با درگیر کردن اداره‌های آمار تمامی کشورهای شرکت کننده و نیز سازمان‌های بین‌المللی، چالشی در زمینه هماهنگی بوجود می‌آید.

۱۵-۲۰۳ در قلب PPPها مقایسه قیمت ویژگی‌های یکسان یا کاملاً مشابه محصول قرار دارد. ICP در دور ۲۰۰۵، برای تعریف این ویژگی‌ها از SPDها استفاده کرد تا از کیفیت مقایسه‌ی تفصیلی قیمت‌ها اطمینان حاصل شود. برای هر یک از اقلام، یک شرح ویژگی تفصیلی از مشخصات فنی آن قلم وجود دارد بنابراین، قیمت‌گیر می‌تواند آن را در یک بازار محلی دقیقاً شناسائی کند. علاوه بر مشخصات فنی، این ویژگی‌ها متغیرهای دیگری را نیز که لازم است هنگام قیمت‌گیریِ یک قلم در نظر گرفته شود، مانند شرایط فروش، لوازم جانبی و هزینه‌های حمل و نقل و نصب آن در بر می‌گیرند. پایگاه داده‌هائی که از این شرحِ ساخت‌مند و قیمت‌های گردآوری شده برای آن‌ها تشکیل شده باشد، امکان جورسازی دقیق‌تر اقلام بین کشورها را فراهم می‌کند.

نماینده بودن در مقابل مقایسه پذیری

۱۵-۲۰۴ دو معیار مهم برای انتخاب محصولاتی که باید برای محاسبه PPPها قیمت‌گیری شوند "نماینده بودن" و "مقایسه پذیری" است. محصولات نماینده، محصولاتی هستند که بکرات توسط خانوارهای مقیم خریداری می‌شوند و احتمالاً به طور گسترده در سرتاسر کشور در دسترس هستند. نماینده بودن یک معیار مهم ICP است زیرا سطوح قیمت محصولات غیرنماینده عموماً بالاتر از محصولات نماینده است. بنابراین اگر یک کشور محصولات نماینده را قیمت‌گیری کند درحالی که کشور دیگری محصولات غیر نماینده را در همان رده مخارج قیمت‌گیری کند، در این صورت مقایسه قیمت‌های بین کشورها مخدوش خواهد شد. از سوی دیگر، مقایسه پذیری به مشخصات فیزیکی یک محصول مربوط می‌شود. منظور از مقایسه پذیری این است که محصولات از نظر خصوصیات فیزیکی، نظیر اندازه و کیفیت، یکسان باشند، ضمن این که از نظر خصوصیات اقتصادی، مثلاً به عنوان منبع اصلی روشنائی مورد استفاده قرار می‌گیرند یا عمدتاً تزئینی هستند، نیز برابر باشند.

۱۵-۲۰۵ در عمل، برقراری توازن در انتخابِ محصولاتی که هم نماینده و هم مقایسه پذیر باشند برای استفاده در محاسبه PPPها با مشکلاتی همراه است. فهرست‌های محصولی برای

محاسبه PPIها به نحوی ایجاد می‌شوند که بین اهداف رقابتیِ نماینده بودنِ درون کشوری و مقایسه پذیریِ بین کشوری توازن برقرار باشد. از این نظر، آن‌ها کاملا متفاوت با محصولاتی هستند که باید توسط هر کشوری قیمت‌گیری شوند تا برای تهیه شاخص‌های قیمت (نظیر شاخص قیمت مصرف کننده یا گستره‌ای از شاخص‌های قیمت تولید کننده) و شاخص‌های مورد استفاده در تهیه‌ی تعدیل کننده‌ها برای محاسبه‌ی برآوردهای حجمی سری‌های زمانی حساب‌های ملی مورد استفاده قرار گیرند. برای سری‌های زمانی در یک کشور در انتخاب محصولات برای قیمت‌گیری، نماینده بودن معیار کلیدی است درحالی که مقایسه‌پذیری با سایر کشورها اهمیت چندانی ندارد. هنگامی که یک محصولِ نماینده برای قیمت‌گیری انتخاب می‌شود مسأله مهم، قیمت‌گیری از همان محصول در دوره‌های بعدی است به طوری که تغییر قیمت محصول را بتوان در طول زمان اندازه‌گیری کرد.

تجمیع

۱۵–۲۰۶ PPIها در دو مرحله محاسبه و تجمیع می‌شوند: برآورد PPPها در سطح سرفصل‌های اولیه و تجمیع سرفصل‌های اولیه PPPها برای رسیدن به سطح بالاتری از هم‌افزوده‌ها. برآورد PPPها در سطح سرفصل‌های اولیه مبتنی بر نسبت‌های قیمت محصولات منفرد در کشورهای مختلف است. به طور عادی در درون سرفصل‌های اولیه هیچ اطلاعاتی درباره مقدارها یا مخارج در دسترس نیست و از اینرو هنگام بدست آوردن PPPها برای تمامی سرفصل‌های اولیه نسبت‌های قیمت منفرد را نمی‌توان به طور صریح موزون کرد. در محاسبات PPP در این سطح دو روشِ تجمیع حاکم است، روش EKS (که در سطرهای زیرین شرح داده می‌شود) و روش محصول ظاهری کشوری (CPD). توضیح این روش‌ها را در فصل ۱۱ *دستنامه روش شناختی ICP سال ۲۰۰۵* می‌توان یافت. در مرحله دوم هنگامی که سرفصل‌های اولیه PPPها تا به GDP هم‌افزوده می‌شوند، وزن‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار هستند. رهیافت اصلی مورد استفاده در تجمیع در پاراگراف‌های زیرین خلاصه شده است.

مقایسه‌های دوتائی

۱۵–۲۰۷ همان‌گونه که در بخش پ مطرح شد، ارزش پولی GDP، یا یکی از اجزای آن، (I_v) تفاوت‌های ترکیب شده‌ی هردوی قیمت‌ها و مقدارها را منعکس می‌کند، یعنی: $L_P \times P_Q = L_Q \times P_P = I_v$ یا I_v. شاخص‌های قیمت و حجم بین یک جفت کشور را می‌توان با استفاده از همان نوع فرمول عدد شاخص که برای اندازه‌گیری تغییرات بین دوره‌های زمانی استفاده می‌شود تهیه کرد. شاخص قیمت از نوع لاسپیرز برای کشور ب در مقایسه با کشور الف به صورت زیر تعیین می‌شود:

$$L_p = \sum_{i=1}^{n} \left(\frac{p_i^B}{p_i^A}\right) s_i^A \equiv \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^B q_i^A}{\sum_{i=1}^{n} p_i^A q_i^A} \qquad (۲۰\text{الف})$$

و شاخص از نوع پاشه به صورت زیر است:

$$P_p = \left[\sum_{i=1}^{n} \left(\frac{p_i^A}{p_i^B}\right)^{-1} s_i^B\right]^{-1} \equiv \frac{\sum_{i=1}^{n} p_i^B q_i^A}{\sum_{i=1}^{n} p_i^A q_i^A} \quad (۲۰\text{ب})$$

که وزن‌های S_i^A و S_i^B سهم اجزایGDP به ارزش‌های جاری در کشورهای الف و ب هستند.

۱۵–۲۰۸ با توجه به روابط مکمل بین شاخص‌های قیمت و حجم لاسپیرز و پاشه که پیش از این اشاره شد، نتیجه گرفته می‌شود که یک شاخص حجم از نوع لاسپیرز برای کشور ب در مقایسه با کشور الف را می‌توان با تعدیل قیمت نسبت ارزش‌ها در کشور ب به کشور الف، که هریک به پول رایج آن کشور بیان شده باشد، بوسیله شاخص قیمت نوع پاشه (۲۰ب) بدست آورد. به طور مشابه با تعدیل قیمت نسبت ارزش‌های ب به الف بوسیله شاخص قیمت نوع لاسپیرز (۲۰الف) می‌توان به شاخص حجم نوع پاشه دست یافت.

۱۵–۲۰۹ تفاوت بین الگوهای قیمت‌های نسبی و مقدارهای نسبی برای دو کشور در مقایسه با تفاوت آن‌ها در دو دوره زمانی در یک کشور، نسبتاً بزرگ است. تفاوت زیاد بین شاخص‌های حجم و قیمت بین کشوری از نوع لاسپیرز و پاشه، به نوبه خود موجب شده است که یک فرمول عدد شاخص، نظیر فیشر، که از

اطلاعات قیمت و مقدار هردو کشور به طور متقارن استفاده می‌کند موضوع بحث قرار گیرد.

مقایسه‌های چندتائی

۱۵-۲۱۰ ممکن است نیاز به مقایسه‌های بین‌المللیِ چندتائی مثلاً برای تعیین هم‌افزوده‌های GDP در بلوک‌هائی با بیش از دو کشور یا تعیین رتبه بندی حجم GDP، یا GDP سرانه برای تمامی کشورهای یک بلوک، بوجود آید. لازم است این نوع رتبه بندی‌ها ترایا (انتقال پذیر) باشد.

ترایائی (انتقال‌پذیری)

۱۵-۲۱۱ گروهی متشکل از m کشور را در نظر بگیرید. از آنجا که مقایسه حجم و قیمت باید بین هر جفت کشور انجام شود، تعداد کل مقایسه‌های دوتائی احتمالی برابر با $m(m-1)/2$ است. شاخص قیمت یا حجم کشور j براساس کشور i به‌صورت iI_j نوشته می‌شود. یک مجموعه شاخص وقتی گفته می‌شود ترایا است که شرایط زیر برای هر جفت از مجموعه شاخص وجود داشته باشد:

$$iI_j \times jI_k = iI_k \qquad (۲۱)$$

این شرایط حاکی از آن است که شاخص مستقیم (دوتائی) برای کشور k براساس کشور i برابر است با شاخص غیرمستقیم بدست آمده از حاصل ضرب شاخص مستقیم (دوتائی) برای کشور j براساس کشور i در شاخص مستقیم (دوتائی) کشور k براساس کشور j. اگر کل مجموعه شاخص‌ها ترایا باشند، شاخص‌های غیرمستقیم جفت کشورهای مرتبط به هم همیشه با شاخص‌های مستقیم متناظر برابر هستند. در عمل، هیچیک از فرمول‌های شاخص استاندارد که به طور رایج استفاده می‌شوند، نظیر لاسپیرز، پاشه یا فیشر، ترایا نیستند.

۱۵-۲۱۲ هدف در اینجا دست یافتن به روش چندتائی است که مجموعه‌ی ترایا از سنجه‌های قیمتی و حجمی بوجود آورد که در عین حال به همه‌ی کشورها وزن مساوی بدهد. چهار رهیافت کاملاً متفاوت وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. نخستین رهیافت با استفاده از میانگین قیمت‌های درون بلوک برای محاسبه‌ی شاخص‌های حجم چندتائی به ترایائی می‌رسد. دومین رهیافت از مقایسه‌های دوتائی بین همه‌ی جفت کشورهای ممکن شروع می‌کند و آن‌ها را به نحوی تبدیل می‌کند که ترایائی اعمال شود. سومین روش از تکنیک‌های رگرسیون استفاده می‌کند تا داده‌های گم شده‌ی قیمت را با استفاده از قیمت‌های نسبی برای محصولات دیگر مبتنی بر کشور به کشور برآورد کند. چهارمین رهیافت یک روش چندتائی زنجیره‌ای براساس پیوند مقایسه‌های دوتائی است طوری که ابتدا مشابه‌ترین کشورها از نظر ساختار قیمت‌هایشان پیوند داده شوند.

رهیافت بلوکی

۱۵-۲۱۳ پُر استفاده‌ترین شکل رهیافت بلوکی از متوسط قیمت‌های بلوک برای بازارزش‌گذاری مقدارها در تمامی کشورهای بلوک استفاده می‌کند. این کار، خود به خود ترایائی (رابطه‌ی انتقال‌پذیری) را تضمین می‌کند. شاخص حجم برای کشور ب نسبت به کشور الف در عبارت اول معادله (۲۰) به شرح زیر تعریف شده است:

$$GK_Q = \frac{\sum_{i=1}^{n} \bar{p}_i q_i^B}{\sum_{i=1}^{n} \bar{p}_i q_i^A} = \frac{\sum_{i=1}^{n} \bar{p}_i q_i^C}{\sum_{i=1}^{n} \bar{p}_i q_i^A} \times \frac{\sum_{i=1}^{n} \bar{p}_i q_i^B}{\sum_{i=1}^{n} \bar{p}_i q_i^C} \qquad (۲۲)$$

و می‌توان ترایا بودن آن را مشاهده کرد. متوسط قیمت $\bar{p}$ برای هر کالا یا خدمت تکی به صورت کل ارزش آن در بلوک که با پول مشترکی بیان شده است تقسیم بر کل مقدار آن تعریف می‌شود:

$$\bar{p}_i = \frac{\sum_{j=1}^{m} c^j p_i^j q_i^j}{\sum_{j=1}^{m} q_i^j} \quad \text{که} \quad \sum_{j=1}^{m} q^j = \sum_{j=1}^{m} \frac{v_i^j}{p_i^j} \qquad (۲۳)$$

و حاصل جمع عبارت، جمع بیش از m کشور مختلف در بلوک است. جمله c_i^j در عبارت (۲۳) تبدیل کننده پول رایج است که می‌تواند نرخ ارز بازار باشد یا PPP استفاده شده برای تبدیل مخارج کشور برای قلم $i, v_i = p_i q_i$ به پول مشترک باشد.

۱۵–۲۱۴ رایج‌ترین رهیافت بلوکی، روش گی‌ئری خامیس (GK) است که در آن تبدیل کننده‌های پول رایج استفاده شده در رابطه‌ی (۲۳)، PPPهای استفاده شده بوسیله‌ی شاخص‌های حجم تعریف شده در معادله (۲۰) هستند. در این روش، متوسط قمیت‌ها و PPPها بهم وابسته هستند و بوسیله مجموعه‌ی معادلات هم‌زمان تعریف می‌شوند. در عمل، می‌توان آن‌ها را با روش تکراری، در ابتدا مثلاً با استفاده از نرخ ارز به عنوان تبدیل کننده برای قیمت‌های متوسط، بدست آورد. سپس شاخص‌های حجم بدست آمده را برای بدست آوردن مجموعه‌ی PPPهای ضمنی استفاده کرد که این نیز به نوبه خود برای محاسبه‌ی مجموعه‌ی دوم قیمت‌های متوسط، شاخص‌های حجم و PPPها و غیره بکار می‌رود.

۱۵–۲۱۵ مزایای یک روش بلوکی نظیر روش GK عبارتند از:

الف. یک بلوک از کشورها به عنوان یک هستار شناخته می‌شود؛

ب. استفاده از یک بردار منفردِ قیمت‌ها، ترایائی و این که سنجه‌های حجمی به طور جمع‌پذیری سازگار هستند را تضمین می‌کند و با استفاده از قیمت متوسط‌های بلوک می‌تواند برحسب حجم ارائه شود (این امکان وجود دارد که نتایج برای گروهی از کشورها به شکل جدولی نشان داده شود که در آن کشورها در ستون‌ها و اجزای مخارج نهائی در سطرها قرار گیرند و در آن ارزش‌های هر ستون از بالا به پائین و نیز ارزش‌های هر سطر از راست به چپ جمع زده شوند)؛ و

پ. مقایسه نسبت‌ها، نظیر نسبت GDP به تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، امکان پذیر است زیرا برای تمامی کشورها بردار قیمت یکسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۵–۲۱۶ با این حال، مقایسه بین هرجفت کشور، براساس نتایج بلوک چندتائی، ممکن است به طور بهینه تعریف نشده باشد. در شرح ترایائی نشان داده شد که بهترین مقایسه‌ی قیمت و حجم بین کشورهای الف و ب باید از اطلاعات مربوط به قیمت‌ها و مقدارهای آن کشورها استفاده متقارن بعمل آورد. اگر قیمت‌های نسبی کشور الف بالاتر از متوسط و قیمت‌های نسبی کشور ب پائین‌تر از متوسط باشد استفاده از قیمت‌های متوسط، مخارج کشورالف بیان شده به قیمت متوسط بین‌المللی را کاهش می‌دهد و مخارج کشور ب را نسبت به کشوری که قیمت‌های آن نزدیک به متوسط بین‌المللی است افزایش می‌دهد. این تفاوت اغلب بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در مورد خدمات مشاهده می‌شود. در نتیجه، وقتی از روش GK استفاده می‌شود، مخارج PPP مبنا برای کشورهای فقیر عموماً دارای بیش‌گوئی است.

رهیافت دوتائی

۱۵–۲۱۷ رهیافت دیگر برای محاسبه مجموعه‌ای از سنجه‌های حجمی چندتائی و PPPها این است که از مقایسه‌های دوتائی بین تمامی تعداد $m(m-۱)/۲$ جفت کشورها شروع شود. اگر هر مقایسه‌ی دوتائی به تنهائی مورد بررسی قرار گیرد، سنجه ترجیحی به احتمال زیاد شاخص فیشر خواهد بود.

۱۵–۲۱۸ شاخص‌های فیشر ترایا نیستند ولی این امکان وجود دارد که از آن‌ها با استفاده از معیار کمترین توان‌های دوم (حداقل مربعات) یک مجموعه $m-۱$ شاخص ترایا بدست آورد که تا جائی که ممکن است به شاخص‌های اصلی فیشر شبیه باشد. به حداقل رساندن انحرافات بین شاخص‌های اصلی فیشر و شاخص‌های مطلوب ترایا به فرمولی منتهی می‌شود که فرمول EKS نامیده می‌شود و به طور مستقل توسط التیتو (Elteto)، کووس (Koves) و سولک (Szulc) پیشنها شده است.

۱۵–۲۱۹ شاخص EKS بین کشورهای i و k، میانگین هندسی شاخص مستقیم بین i و k و هر شاخص غیرمستقیم اتصال دهنده‌ی کشورهای i و k است، که در آن شاخص مستقیم دو برابر وزن‌های یک شاخص غیر مستقیم وزن داده می‌شود. ترایائی، با درگیر کردن هر کشور دیگر بلوک در شاخص EKS برای هر جفت کشور حاصل می‌شود.

۱۵–۲۲۰ شاخص EKS ویژگی‌های زیر را دارد:

الف. بهترین سنجه‌ی ممکنِ ترایا را برای یک هم‌افزوده‌ی منفرد بین یک جفت کشور ارائه می‌دهد، با روشی بسیار مشابه یک شاخص زنجیره‌ای فیشر می‌تواند بهترین سنجه‌ی تغییرات یک هم‌افزوده منفرد را در طول زمان ارائه دهد.

ب. به دو کشوری که مقایسه می‌شوند وزن‌های مساوی می‌دهد؛ و

پ. از اندازه‌های نسبی دو کشور تأثیر نمی‌پذیرد، که این صفت مطلوبی است.

اما، نتایج آن بسیار شبیه شاخص‌های زنجیره‌ای در زمینه سری زمانی هستند. تبدیل شاخص‌های حجم EKS برای یک هم‌افزوده و اجزای آن به یک مجموعه ارزش‌هائی که به طور ترایا سازگار باشند امکان پذیر نیست. این برخلاف روش GK است.

مقایسه‌های حلقه‌ای

۱۵-۲۲۱ در طرح کلی روش‌های بالا فرض می‌شود که یک مجموعه از مقایسه‌ها وجود دارد که در بر گیرنده‌ی تمامی کشورهای یک بلوک است. هرچه تعداد کشورهای شرکت کننده افزایش یابد، اداره کردن آن‌ها در یک گروه مشکل می‌شود. علاوه بر این، پیدا کردن اقلامی که از نظر ملی نماینده باشند و در عین حال در سطح جهانی نیز صرف نظر از منطقه جغرافیائی و سطح توسعه کشورها مقایسه پذیر باشند مشکل است. از اینرو رهیافت منطقه‌ای شده برای تهیه PPPها از مزایائی برخوردار است. مشخصه‌ی محصولات برای هر منطقه تهیه می‌شود و یک مجموعه‌ی مستقل از PPPها برای کشورها به صورت منطقه به منطقه تهیه می‌شود.

۱۵-۲۲۲ در عین حال که این رهیافت احتمالاً کیفیت PPPها را در سطح منطقه بهبود می‌بخشد، برای رسیدن به یک مقایسه جهانی هنوز نیاز به ترکیب مناطق وجود دارد. به طور سنتی، یک "کشور رابط" انتخاب می‌شد تا پیوندی بین مناطق ایجاد کند. کشور رابط در آمارگیریِ قیمتِ بیش از یک منطقه شرکت می‌کند. رهیافت حلقه‌ای این ایده را پرورانده است که زیرمجموعه‌ای از کشورها را در هر منطقه تعیین می‌کند تا به مثابه "کشورهای حلقه" عمل کنند. این کشورها شامل یک منطقه ترکیبی است که همه‌ی مناطقی را که قرار است مقایسه آن‌ها به یکدیگر ارتباط پیدا کند، قطع می‌کند.

۱۵-۲۲۳ روش انتخاب شده بستگی به عوامل متعددی دارد از جمله هدف تحلیل، سطح تجمیع، پراکندگی داده‌ها، این که تجمیع در داخل منطقه، در میان کشورهای حلقه، یا برای تمام مجموعه داده‌ها است و اهمیتی که به جمع پذیری و برخورد متقارن کشورها داده می‌شود.

۳. ملاحظات عملی برای حساب‌های ملی

PPPها و حساب‌های ملی

۱۵-۲۲۴ یکی از مهم‌ترین استفاده‌های PPPها محاسبه‌ی برآوردهای مقایسه پذیر از GDP و اجزای عمده آن است که به پول مشترکی بیان شده باشد که در آن اثرات تفاوت سطح قیمت‌های کشورها برداشته می‌شود. در وهله اول، حساب‌های ملی وزن‌هائی را فراهم می‌کند که برای تجمیع قیمت‌ها از جزئی‌ترین سطح تا سطح تجمیع وسیع‌تر، تا به خودِ GDP بکار می‌رود. در وهله دوم، حساب‌های ملی ارزش‌هائی را فراهم می‌کند که با PPPها "تعدیل" شده و حجم‌های بیان شده به پول مشترک را ارائه دهد تا امکان مقایسه GDP و اجزای مخارج آن بین کشورها را فراهم کند.

۱۵-۲۲۵ تهیه PPP، منجر به تولید شاخص‌های مقایسه‌ای سطح قیمت (PLI) نیز می‌شود. PLI نسبت PPP برای یک کشور به نرخ رسمی ارز است که هردو به یک پول مرجع اندازه‌گیری شده باشند. PLIها عموماً بر پایه ۱۰۰ بیان می‌شوند، که پایه آن خواه یک کشور مرجع خواه متوسطی از یک منطقه است.

۱۵-۲۲۶ اگر کشوری PLI کمتر از ۱۰۰ داشته باشد، در این صورت سطح قیمت‌های آن پائین تر از کشور (یا منطقه) مبنای سنجش است. به طور مشابه، هر جفت از کشورها را می‌توان به طور مستقیم مقایسه کرد. اگر کشوری PLI کمتر از دیگر کشورها داشته باشد، در این صورت کشوری که PLI کمتر

دارد از نظر کشورهای دیگر ارزان خواهد بود، صرف نظر از این که PLI آن بالاتر از ۱۰۰ یا زیر ۱۰۰ باشد.

۱۵-۲۲۷ در عمل، PPPها در طول زمان به سرعت تغییر نمی‌کنند بنابراین تغییر بزرگ در PLI یک کشور معمولاً ناشی از تغییر بزرگ در نرخ ارزهاست.

۱۵-۲۲۸ این بسیار مهم است که حجم ICP نباید با حجم سری‌های زمانی که پیش از این در این فصل بیان شد اشتباه گرفته شود زیرا این دو هرچند که شباهت‌هائی با یکدیگر دارند ولی سنجه‌های متفاوتی هستند، از این نظر شباهت دارند که هردوی آن‌ها برای این طراحی شده‌اند تا ارزش‌هائی را که اثرات مستقیم تفاوت‌های قیمت برای آن‌ها حذف شده‌اند اندازه‌گیری کنند. در یک سری زمانی حجمی، اثرات تغییر قیمت‌ها از یک دوره به دوره دیگر حذف می‌شوند تا سنجه‌های حجمی را که از آن‌ها نرخ رشد اقتصادی محاسبه می‌شود تولید کنند. در مورد مقایسه بین کشوری، که پایه و اساس سنجه‌های حجمی مبتنی بر PPPها است، اثر تفاوت‌های ناشی از نرخ‌های ارز و تفاوت‌های ناشی از اختلاف سطح قیمت‌ها در داخل هر کشور از ارزش‌های حساب‌های ملی حذف می‌شوند تا مقایسه بین حجم‌های کشورهای مربوطه را فراهم کنند.

۱۵-۲۲۹ پائین‌ترین سطحی که می‌توان PPPها را بین همه‌ی کشورهای مورد نظر مقایسه کرد تحت عنوان "سرفصل پایه" نامیده می‌شوند و این سطح همچنین پائین ترین سطحی است که برای آن ارزش‌های حساب‌های ملی به مثابه وزن‌ها مورد نیاز است. در واقع، ارزش‌های حساب‌های ملی وزن‌هائی را برای تجمیع داده‌های سطح سرفصل پایه تا هم‌افزوده‌های سطوح بالاتر حساب‌های ملی، از جمله خودِ GDP فراهم می‌کنند. سرفصل پایه همچنین سطحی است که در آن مشخصه‌های محصولات تعیین می‌شوند، که این با تعیینِ شماری از محصولاتِ نماینده‌ی مخارج برای قیمت‌گیری در داخل هر سر فصل پایه همراه است.

۱۵-۲۳۰ در اکثر مقایسه‌های PPP مبنا در نیم قرن گذشته یا بیشتر، برآوردهای مخارج مبنا برای GDP بکار رفته است زیرا برای مخارج نهائی قیمت‌ها با سرعت بیشتری قابل مشاهده هستند تا برای ستانده‌ها یا نهاده‌هائی که برای مقایسه برآوردهای تولید مبنا از GDP لازم است. سازگاری در حساب‌های ملی در تولید برآوردهای مقایسه پذیر بین کشورها بسیار مهم است بنابراین SNA با فراهم کردن چارچوبی برای بدست آوردن برآوردهای سازگار از GDP و هم‌افزوده‌های اصلی آن نقش مهمی را در مقایسه‌های PPP مبنا بازی می‌کند.

۱۵-۲۳۱ ICP گسترده‌ترین پروژه تولید PPPهاست؛ درحدود ۱۵۰ کشور جهان در دور ۲۰۰۵ ICP شرکت‌کردند. برآوردهای حجم تولید شده از ICP ، ۲۰۰۵ که به پول مشترکی بیان شده‌اند، یک تصویر فوری از روابط بین کشورهائی از سرتاسر جهان را نشان می‌دهند. ICP یک پروژه بسیار گران قیمت بوده و مستلزم صرف منابع زیادی است و بنابراین محک‌هائی را در فواصل زمانی نامنظم ارائه می‌دهد. در نتیجه، محک‌های PPP، نظیر آن‌هائی که از ICP، ۲۰۰۵ بدست می‌آید، باید با استفاده از سری‌های زمانی حاصل از حساب‌های ملی کشورهای درگیر برون یابی شوند. مقایسه نتایج حاصل از برون یابی از محک‌های دو مجموعه از PPPها که با فاصله‌ی چندین سال تهیه شده‌اند جالب است. در عمل، سری‌های برون یابی شده کاملاً با محک‌ها مطابقت ندارد و دلایل متعددی برای این تفاوت‌ها وجود دارد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها مسأله سازگاری بین قیمت‌های بکار رفته در سری‌های زمانی حساب‌های ملی و سری‌های زمانی استفاده شده در محاسبه‌ی PPPهاست، همان‌طور که پیش از این در بخش مربوط به نماینده بودن و مقایسه پذیر بودن توضیح داده شد. علاوه براین، ساختار قیمت و حجم می‌تواند در طول زمان به طور قابل ملاحظه‌ای به شیوه‌ای تغییر یابد که در تکنیک برون‌یابی دیده نمی‌شود.

چرا نرخ رشد ICP با نرخ رشد ملی تفاوت دارد ؟

۱۵-۲۳۲ روش رایج برای برون یابی PPPها از سال پایه آن‌ها به سالی دیگر، استفاده از نسبت تعدیل کننده‌های حساب‌های ملی از هر کشور در مقایسه با کشور مبنای سنجش (عموماً ایالات متحده آمریکا) است تا PPPهای هر کشور از سال مرجع به جلو انتقال داده شود. سپس PPPهای بدست آمده به اجزای حساب‌های ملی مربوطه اعمال می‌شود تا حجم‌های بیان شده به یک پول ملی برای سال مورد نظر بدست آید.

۱۵-۲۳۳ از نظر تئوری، بهترین وسیله برای برون یابی PPPها از سال پایه، استفاده از سری زمانیِ قیمت‌ها در سطح یک محصول از هر کشور در ICP به‌منظور برون یابی قیمت محصولات مختلف منظور شده در سبد مرجع ICP است. اما در عمل، استفاده از این نوع رهیافت برای برون یابی مرجع PPP امکان پذیر نیست زیرا داده‌های قیمت مورد نیاز به‌طور تفصیلی در تمامی کشورها در دسترس نیستند. بنابراین، معمولاً رهیافتی مبتنی بر برون یابی در سطح کلان (برای GDP یا برای تعدادی از اجزای GDP) اتخاذ می‌شود. صرف‌نظر از مسأله مربوط به داده‌ها برای گردآوری داده‌های سازگار از تمامی کشورهای درگیر، یک سؤال اصلی مفهومی با این روش پیش می‌آید زیرا می‌توان از نظر ریاضی نشان داد که حفظ سازگاری هم از نظر زمانی و هم از نظر مکانی هردو باهم، غیرممکن است. به عبارت دیگر، برون یابیِ PPPها با استفاده از سری‌های قیمت در یک سطح بالائی نظیر GDP با برآوردهای مرجع PPP مبنا جور نخواهد شد حتی اگر تمامی دادها بخوبی سازگار باشند.

۱۵-۲۳۴ یکی از دلایل تفاوت بین سری‌های زمانی GDP و مقایسه‌های مرجع PPP، ریشه در تعریف محصول دارد. همان‌طور که در پاراگراف‌های ۱۵-۶۶ الی۱۵-۶۷ توضیح داده شد، مکان، مشخصه‌ی اساسی محصول در حساب‌های ملی است در حالی که در مقایسه‌های PPP از قیمت‌های متوسط در سرتاسر کشور استفاده می‌شود. مسأله دیگر این است که الگوهای وزن دهی اولیه‌ی تعدیل کننده‌های سری‌های زمانی حساب‌های ملی با الگوهای وزن‌دهی مرجع PPP در طول زمان متفاوت هستند. علاوه بر این، همان‌طور که در بالا گفته شد، محصولاتی که برای PPPها قیمت‌گیری می‌شوند با محصولاتی که برای سری‌های زمانی قیمت‌گیری می‌شوند فرق دارند زیرا لازمه‌ی شاخص‌های مکانیِ قیمت، نماینده بودن در داخل کشورها و مقایسه‌پذیری بین کشورها است، در حالی که در سری‌های زمانی نیاز اصلی به سازگاری در طول زمان است. به طور کلی، برای شاخص‌های قیمت یک کشور محصولات بسیار بیشتری قیمت‌گیری می‌شود تا آنچه که در قیمت‌گیری برای محاسبه PPPها امکان پذیر است. در نهایت و مهم‌ترین دلیل، قیمت‌های تشکیل دهنده‌ی مبنای تعدیل کننده‌ها در حساب‌های ملی برای حذف تغییرات کیفیت در طول زمان تعدیل می‌شوند و روش‌های انجام این نوع تنظیمات به طور قابل ملاحظه‌ای بین کشورها متفاوت هستند. بویژه، گستره استفاده از روش‌های هدونیک برای تنظیم محصولاتی که مشخصه‌های آن‌ها به سرعت تغییر می‌کنند از کشوری به کشور دیگر به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. در تعدیلات کیفیت هدونیک عمدتاً محصولات الکترونیکی (نظیر رایانه) نمایان می‌شوند، هرچند که بعضی کشورها از هدونیک‌ها برای تعدیل کیفیت محصولاتی نظیر پوشاک و مسکن نیز استفاده می‌کنند. مقایسه تغییرات قیمت در کشوری که برای انجام تعدیلاتِ کیفیتِ شاخص‌های قیمت که مبنای تعدیل کننده‌های حساب‌های ملی هستند از هدونیک‌ها استفاده می‌کند با آن‌هائی که چنین عمل نمی‌کنند منجر به ناسازگاری‌های بالقوه بزرگی بین مرجع‌ها و سری‌های برون‌یابی شده خواهد شد.

۱۵-۲۳۵ این احتمال وجود دارد که تنها عامل بزرگی که بر تفاوت بین سری‌های GDP برون‌یابی شده و نتایج محک PPP اثر می‌گذارد مربوط به صادرات و واردات باشد. سنجه‌های حجمی GDP در حساب‌های ملی از تغییرات رابطه مبادله بازرگانی متأثر نمی‌شوند در حالی که GDP واقعی در مقایسه‌های مکانی مستقیماً تحت تأثیر این تغییرات قرار می‌گیرد. برای مثال، افزایش قیمت‌های انرژی موجب افزایش GDP اسمی می‌شود. در مقایسه‌ی مکانی، نتیجه به صورت افزایش در حجم GDP کشورهای صادر کننده انرژی نسبت به کشورهای دیگر خواهد بود زیرا خالص PPPهای مبادله بازرگانی مبتنی بر نرخ ارزهاست، که به تغییر رابطه مبادله بازرگانی در سطح وسیع در کوتاه مدت پاسخ نمی‌دهد. در نتیجه افزایش رابطه مبادله بازرگانی به مثابه اثر حجمی در محک PPP مبنا تلقی می‌شود. از سوی دیگر، در حساب‌های ملی کشورهای صادر کننده‌ی انرژی اگر همان میزان انرژی صادر شود، حجم GDP بدون تغییر باقی می‌ماند و بنابراین افزایشِ رابطه مبادله بازرگانی به عنوان اثر قیمت تلقی می‌شود، که در تعدیل کننده‌ی GDP بکار رفته به عنوان برون یابی کننده‌ی قیمت مشاهده می‌شود.

خدمات غیربازاری

۱۵–۲۳۶ زمینه دیگری که منجر به مسائل سازگاریِ حجم PPP مبنای بین کشورها می‌شود گروهی از خدمات است که "خدمات مقاوم در برابر مقایسه" نامیده می‌شود. این خدمات عمدتاً (نه منحصراً) خدمات غیربازاری هستند، ضمن این که خدمات دولت قسمت عمده‌ی خدمات غیربازاری را که باید برای پروژه PPP قیمت‌گیری شوند تشکیل می‌دهند. مسائل اصلی در قیمت‌گیری خدمات غیربازاری به کیفیت خدماتی که تولید می‌شوند و بهره‌وری نیروی کار استفاده شده در تولید آن‌ها مربوط است. یکی از قواعدی که در انجام برآوردهای بخش دولت در بسیاری از کشورها استفاده می‌شود این است که ارزش ستانده‌ی دولت به صورت حاصل جمع نهاده‌های نیروی کار و مواد و ملزومات بکار رفته در تولیدِ خدمات اندازه‌گیری می‌شود، که این فرضی را در پی دارد مبنی بر این که افزایش هزینه‌ها منجر به افزایشی معادل با آن در ستانده می‌شود. علاوه بر این در حساب‌های ملی معمولاً فرض می‌شود که بهره‌وری نیروی کارِ درگیر در تولیدِ این نوع خدمات در طول زمان تغییر نمی‌یابد. فرض مشابهی، که بهره‌وری در تمامی کشورهای در حال مقایسه یکسان است، به‌طور کلی بین کشورهائی که PPPها را محاسبه می‌کنند لازم است ایجاد شود. هنگامی که کشورهائی که در PPP درگیر هستند از سطح توسعه‌ی اقتصادیِ یکسانی برخوردارند، این فرض منطقی است. ولی، هنگامی که کشورهائی با سطوح مختلف توسعه‌ی اقتصادی مقایسه می‌شوند در این صورت این فرض اعتبار خود را از دست می‌دهد.

۱۵–۲۳۷ گزینه‌های پیش روی تهیه کنندگان PPPها این است که یا فرض کنند سطوح بهره‌وری در میان کشورها یکسان است، حتی هنگامی که در مراحل مختلف توسعه اقتصادی باشند، یا برآوردهای خدمات غیربازاری را طوری تعدیل کنند که تفاوتهای بهره‌وری به حساب آورده شوند. صرف‌نظر از مسائل موجود در تعیین یک رهیافت مفهومی برای تعدیل تفاوت‌های بهره‌وری بین اقتصادهای متفاوت، بدست آوردن داده‌های مورد نیاز برای انجام تعدیلات نیز مسأله ساز است بویژه هنگامی که روش‌های بکار رفته در تعدیلات براساس سطوح نسبی سرمایه‌بری درکشورهای درگیر باشد. علیرغم این مسائل، گاهی لازم است تعدیلات بهره‌وری برای خدمات غیربازاری انجام شود زیرا مسائل موجود در انجام این کار نسبتاً کمتر از نتایج فرض یکسان بودن بهره‌وری در تمامی کشورهای در حال مقایسه است.

نتیجه‌گیری

۱۵–۲۳۸ مقایسه‌های PPP مبنای سطوح فعالیتیِ بین کشورها یکی از کاربردهای مهمِ حساب‌های ملی است. علیرغم مشکلات مفهومی و تجربی، حجم‌های PPP مبنا برای مقایسه‌های بین‌المللی، اساس محکم‌تری را فراهم می‌کنند نسبت به شیوه‌ی رایجِ دگرسان که هم‌افزوده‌های حساب‌های ملی را با استفاده از نرخ‌های ارز به یک پول مشترک تبدیل می‌کند.

فصل ۱۶: خلاصه سازی و یکپارچه سازی حساب‌ها

الف. مقدمه

۱-۱۶ این فصل ترکیبی از توالی حساب‌هائی را که در فصل‌های ۶ الی ۱۳ مورد بحث قرار گرفت ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه آن‌ها با جدول‌های فصل ۲ مرتبط هستند. همچنین نشان می‌دهد که چگونه رایج‌ترین هم‌افزوده‌های SNA یعنی GDP، NDP و GNI با اقلام ترازکننده در حساب‌های مختلف ارتباط دارند. اثرات تراکنش‌های انجام شده بین یک واحد مقیم و واحد مقیم در دنیای خارج را بر هم‌افزوده‌های ملی نشان می‌دهد. همچنین این فصل بهم پیوستگی (ارتباط) حساب‌های انباشت را نیز شرح می‌دهد.

۲-۱۶ این فصل زمینه را برای بیان جزئیات بیشتر حساب‌ها چه از نظر روش ارائه و چه از جهت تحلیل‌های گسترده‌تری که موضوع فصل‌های بعدی است فراهم می‌کند.

ب. یکپارچه سازی حساب‌ها

۳-۱۶ جدول‌هائی که در فصل‌های پیشین ارائه شد از چارچوب بسیار رایجِ جدول‌های انتشاراتی استفاده می‌کند؛ اقلامی که نشان دهنده‌ی منابع هستند در سمت چپ جدول و اقلام نشان دهنده‌ی مصارف در سمت راست (در برگردان فارسی جدول‌ها راست چین شده‌اند، مترجم) جدول ارائه می‌شوند. این چارچوب انعطاف پذیر است زیرا اگر جدول دارای ستون‌های متعددی باشد، این امکان را می‌دهد که تعداد چند ستون برای هردو قسمت جدول حتی در دو صفحه مختلف نشان داده شود. ولی چارچوب دیگری برای جدول‌ها وجود دارد که بویژه برای مقاصد توضیحی مفید است و آن حساب T است.

۴-۱۶ در حساب T، تنها یک مجموعه سرفصل‌های توضیحی در وسط جدول با ارزش‌های نشان دهنده منابع در ستون‌های سمت چپ و ارزش‌های نشان دهنده مصارف در ستون‌های سمت راست آن نشان داده می‌شود. مثالی از حساب T در جدول ۱۶-۱ ارائه شده است. سطرهای این جدول، سطرهای جدول‌های ۶-۱، ۷-۱، ۷-۲، ۸-۱ و ۹-۱ در سطح بالای تجمیع را نشان می‌دهند. داده‌های حساب‌های یک بخش منفرد نشان داده نمی‌شود ولی برای کل اقتصاد و نیز برای دنیای خارج و جمع این دو نشان داده می‌شود. علاوه براین، ستون حساب کالاها و خدمات نیز در جدول ارائه می‌شود.

۱. خلاصه‌ی حساب‌های جاری

۵-۱۶ حساب‌های جاری که در جدول ۱۶-۱ ارائه شده است از حساب تولید و حساب‌هائی تشکیل شده‌اند که توزیع اولیه درآمد، توزیع ثانوی درآمد و مصرف درآمد را نشان می‌دهند. علاوه بر این حساب‌ها، جدول ۱۶-۱ با واردات و صادرات کالاها و خدمات شروع می‌شود، اقلامی که از حساب دنیای خارج منتقل می‌شوند و ارزش کالاها و خدماتی را که از دنیای خارج به اقتصاد ملی وارد می‌شوند و آن‌هائی را که در اقتصاد ملی تولید و به دنیای خارج منتقل می‌شوند نشان می‌دهد.

حساب تولید

۶-۱۶ اولین سطر جدول، اقلام اصلی از حساب تولید یعنی ستانده و مالیات منهای یارانه را در سمت منابع و مصرف واسطه را در سمت مصارف نشان می‌دهد. ارزش افزوده که قلم تراز کننده‌ی حساب تولید است بعد از آن در سمت مصارف به

عنوان قلم انتهای حساب تولید نشان داده می‌شود. ارزش افزوده جزء اصلی تعیین کننده GDP است.

حساب ایجاد درآمد

۷-۱۶ سطرهای بعدی مربوط به حساب ایجاد درآمد است. این حساب اولین قسمت حساب توزیع اولیه درآمد است. ارزش افزوده، قلم ترازکننده‌ی حساب تولید، تنها قلم ورودی است که در سمت منابع حساب نشان داده می‌شود. اقلام ورودیِ سمت راست حساب در زیر مصارف، میزان ارزش افزوده‌ی ایجاد شده توسط نیروی کار در شکل جبران خدمات کارکنان را نشان می‌دهد و همچنین نشان می‌دهد که چه میزان از ارزش ستانده به‌شکل مالیات بر تولید منهای یارانه بر تولیدِ منظور نشده در ارزش ستانده به دولت پرداختنی است. اقلام تراز کننده به‌شکل مازاد عملیاتی و درآمد مختلط نشان دهنده‌ی سهم سرمایه در ایجاد ارزش افزوده است.

حساب تخصیص درآمد اولیه

۸-۱۶ در حساب تخصیص درآمد اولیه، مشارکت عوامل فوق در ارزش افزوده به عنوان منابعِ بخش‌های مربوطه نشان داده می‌شوند؛ یعنی جبران خدمات کارکنان به خانوارها؛ مالیات منهای یارانه به دولت و مازاد عملیاتی و درآمد مختلط به بخش‌های در بر گیرنده‌ی واحدهای تولیدی مربوطه تخصیص داده می‌شوند. اما، علاوه براین، حساب تخصیص درآمد اولیه میزان هریک از این سه قلم را که به واحدهای غیرمقیم پرداختنی است و اقلام متناظر ایجاد شده در واحدهای غیرمقیم را که به بخش‌های مقیم پرداختنی است نشان می‌دهد.

۹-۱۶ در جریان تولید، ممکن است تولید کنندگان از دارائی‌های مالی و غیرمالی متعلق به واحدهای دیگر استفاده کنند. پرداخت بابت استفاده از این دارائی‌ها جزء درآمد دارائی نشان داده می‌شود. درآمد دارائی می‌تواند توسط مقیم‌ها یا غیرمقیم‌ها پرداختنی باشد و می‌تواند توسط مقیم‌ها یا غیرمقیم‌ها دریافتنی باشد. هنگامی که ارزش سه عنصر از این چهار عنصر مشخص باشد، ارزش عنصر آخر خود به خود تعیین می‌شود. برای مثال، درآمد دارائی دریافتنی توسط مقیم‌ها باید با درآمد دارائی پرداختنی توسط هردوی مقیم‌ها و غیرمقیم‌ها منهای درآمد دارائی دریافتنی از غیرمقیم‌ها برابر باشد. از اینرو، درآمد دارائی دریافتنی توسط هردوی مقیم‌ها و غیرمقیم‌ها (نشان داده شده زیر منابع) باید با درآمد دارائی پرداختنی توسط هردوی مقیم‌ها و غیرمقیم‌ها (نشان داده شده زیر مصارف) برابر باشد.

۱۰-۱۶ ارزش افزوده به عنوان یک منبع بعلاوه اقلام ورودیِ منابع جبران خدمات کارکنان، مازاد عملیاتی، درآمد مختلط و درآمد دارائی، منهای اقلام متناظر این‌ها به عنوان مصارف منجر به تراز درآمدهای اولیه می‌شود. این یک قلم تراز کننده برای حساب تخصیص درآمد اولیه است که به عنوان مصرف نشان داده می‌شود، و به عنوان اولین قلم منابع در حساب توزیع ثانوی درآمد نشان داده می‌شود.

۱۱-۱۶ درآمد ملی، یکی دیگر از هم‌افزوده‌های کلیدیِ SNA، از تراز درآمدهای اولیه بدست می‌آید. ارزش افزوده با معیار مقیم بودن تعیین می‌شود، تمامی واحدهای مقیم و فقط واحدهای مقیم در جمع ارزش‌افزوده مشارکت دارند. اما، در تراز درآمدهای اولیه، نه تنها تمرکز از تولید به درآمد تغییر جهت می‌دهد بلکه بجای اقامت خودِ واحد تولیدی، بر اقامت واحدهای دریافت کننده‌ی درآمدِ ایجاد شده از طریق تولید نیز تمرکز می‌شود. بحث بیشتری راجع به درآمد ملی همراه با بحث حساب دنیای خارج در زیر ارائه خواهد شد.

حساب توزیع ثانوی درآمد

۱۲-۱۶ حساب توزیع ثانوی درآمد چگونگی تبدیل درآمد اولیه به درآمد قابل تصرف را بوسیله‌ی پرداخت‌ها و دریافت‌های انتقالات جاری نشان می‌دهد. عوامل متعددی وجود دارد که بازتوزیع درآمد بین بخش‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از این عوامل نقش دولت در وضع مالیات‌های جاری بر درآمد و ثروت است؛ دیگری نقش طرح‌های بیمه‌های اجتماعی در بازتوزیع حق بیمه‌های پرداختی توسط کارکنان کنونی به بازنشستگان است؛ یکی دیگر از عوامل، نقش بیمه‌ها در ارائه ساز و کارهائی است که پرداخت‌های کوچک منظم توسط بسیاری از واحدها را به سمت تعداد کمی از واحدهائی که از زیان‌های تعیین شده از قبل رنج می‌برند سوق می‌دهد. در میان انواع دیگر انتقالات جاری، نقش

انتقالات داوطلبانه توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است. این نوع انتقالات ممکن است به‌شکل همکاری‌های بین‌المللیِ بین دولت‌ها منابع مالی اصلی NPISHها را تأمین کنند، ، یا به‌شکل مبالغ ارسالی کارکنان بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم انجام شود.

۱۳–۱۶ انتقالات جاری پرداختنی توسط واحدهای مقیم و غیرمقیم باید با انتقالات جاری دریافتنی توسط واحدهای مقیم و غیرمقیم برابر باشند و از اینرو کل مصارف نیز باید با کل منابع برابر باشند، همان‌طور که در مورد درآمد دارائی نیز چنین است.

۱۴–۱۶ درآمد قابل تصرف قلم ترازکننده‌ی مهمی در حساب‌هاست زیرا میزان مصرفی را که می‌توان بدون کاستن از دارائی‌ها یا تقبل بدهی‌ها انجام داد نشان می‌دهد. از اینرو، با مفهوم تئوریکی درآمد مطابقت دارد.

حساب‌های مصرف درآمد

۱۵–۱۶ حساب مصرف درآمدِ قابل تصرف، میزان درآمد قابل تصرفی را که در واقع برای مصرف بکار می‌رود و میزان درآمد قابل تصرفی را که پس‌انداز می‌شود نشان می‌دهد. هنگام تحلیل حساب‌های بخش‌ها، باید برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی تعدیل انجام شود تا اطمینان حاصل شود که این قلم قسمتی از پس‌انداز خانوارها و نه صندوق‌های بازنشستگی را تشکیل داده است. اما در جمع کل، تنها جریان‌های مربوط به حق برخورداری از مزایای بازنشستگی که کارکنان غیرمقیم یا کارکنان مقیم بنگاه‌های غیرمقیم را در بر می‌گیرند نشان داده می‌شود.

۱۶–۱۶ جدول ۱۶–۱، حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی و حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده را شامل نمی‌شود ولی این‌ها را می‌توان خواه بجای حساب مصرف درآمد قابل تصرف خواه به عنوان تکمیل کننده آن وارد کرد.

۲. خلاصه‌ی حساب‌های انباشت

۱۷–۱۶ جدول ۱۶–۲ خلاصه‌ای از حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها را با همان درجه‌ی تفصیلی که برای حساب‌های جاری در جدول ۱۶–۱ بکار رفته است نشان می‌دهد. در این حالت، عناوین ستون‌های سمت چپ و سمت راست تغییر یافته‌اند؛ ستون‌های سمت چپ (در برگردان فارسی جدول‌ها راست‌چین شده‌اند) تغییرات بدهی‌ها و ارزش ویژه، و ستون‌های سمت راست تغییرات دارائی‌ها را نشان می‌دهند.

حساب سرمایه

۱۸–۱۶ اولین قلمی که در سمت چپ حساب سرمایه نشان داده می‌شود پس‌انداز و تراز جاری خارجی است. در این سمت، انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی نیز تحت عنوان منابع نشان داده می‌شود. طبق قرارداد، انتقالات سرمایه‌ای پرداختنی نیز در زیر منابع ولی با علامت منفی نشان داده می‌شود. در کل اقتصاد با منظور کردن تراکنش‌های دنیای خارج، انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی و پرداختنی کاملاً یکدیگر را خنثی می‌کنند همان گونه که برای درآمد دارائی و انتقالات جاری نیز چنین است. اما، این برابری به طور کلی برای کل اقتصادِ بدون دنیای خارج و نیز برای یک بخش منفرد در درون آن وجود ندارد.

۱۹–۱۶ پس‌انداز بعلاوه انتقالات سرمایه‌ای (خالص) با هم نشان می‌دهند که در داخل یک اقتصاد چقدر برای تحصیل سرمایه غیرمالی که عمدتاً تشکیل سرمایه است ولی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده را نیز در بر می‌گیرد، موجود است. این جمع به عنوان یک هم‌افزوده‌ی ویژه بنام تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای نشان داده می‌شود. این یک قلم ترازکننده نیست ولی ویژگی‌های یک ساختار تحلیلی را که مورد علاقه‌ی خاص است در بر دارد.

۲۰–۱۶ مصارفِ حساب سرمایه، تحصیل دارائی‌های تولید شده و تولید نشده‌ی غیرمالی را نشان می‌دهد. قلم تراز کننده‌ی حساب سرمایه، خالص وام‌گیری یا وام‌دهی است. هنگامی که خالص وام‌دهی وجود دارد، نشان دهنده این است که تا چه حد حاصل جمع پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای واقعاً برای تأمین مالی تحصیل دارائی‌های غیرمالی بکار رفته است و چه میزان به دنیای خارج وام داده شده است. هنگامی که خالص وام‌گیری وجود دارد، پس‌انداز بعلاوه انتقالات سرمایه‌ای برای تأمین مالی تمامی تحصیل دارائی‌های غیرمالی ناکافی هستند و وام‌گیری از دنیای خارج ضرورت دارد.

جدول ۱۶-۱: خلاصه حساب‌های جاری در توالی حساب‌ها

مصارف				تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	منابع			
کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	جمع		جمع	کالاها و خدمات	دنیای خارج	کل اقتصاد
		۴۹۹	۴۹۹	واردات کالاها و خدمات			۴۹۹	
		۳۹۲	۳۹۲	واردات کالاها			۳۹۲	
		۱۰۷	۱۰۷	واردات خدمات			۱۰۷	
	۵۴۰		۵۴۰	صادرات کالاها و خدمات	۵۴۰	۵۴۰		
	۴۶۲		۴۶۲	صادرات کالاها	۴۶۲	۴۶۲		
	۷۸		۷۸	صادرات خدمات	۷۸	۷۸		
				حساب تولید				
		۳ ۶۰۴	۳ ۶۰۴	ستانده	۳ ۶۰۴			۳ ۶۰۴
		۳ ۰۷۷	۳ ۰۷۷	ستانده‌ی بازاری	۳ ۰۷۷			۳ ۰۷۷
		۱۴۷	۱۴۷	ستانده برای استفاده نهائی خود	۱۴۷			۱۴۷
		۳۸۰	۳۸۰	ستانده‌ی غیر بازاری	۳۸۰			۳۸۰
۱ ۸۸۳			۱ ۸۸۳	مصرف واسطه	۱ ۸۸۳	۱ ۸۸۳		۱ ۸۸۳
		۱۴۱	۱۴۱	مالیات بر محصول	۱۴۱			۱۴۱
		−۸	−۸	یارانه بر محصول (−)	−۸			−۸
۱ ۸۵۴			۱ ۸۵۴	ارزش افزوده ناخالص/ محصول ناخالص داخلی				
۲۲۲			۲۲۲	مصرف سرمایه ثابت				
۱ ۶۳۲			۱ ۶۳۲	*ارزش افزوده، خالص/ محصول خالص داخلی*				
	−۴۱		−۴۱	*تراز خارجی کالاها و خدمات*				
				حساب ایجاد درآمد				
				ارزش افزوده، ناخالص/ محصول ناخالص داخلی	۱ ۸۵۴			۱ ۸۵۴
				ارزش افزوده، خالص/ محصول خالص داخلی	۱ ۶۳۲			۱ ۶۳۲
۱ ۱۵۰			۱ ۱۵۰	جبران خدمات کارکنان				
۲۳۵			۲۳۵	مالیات بر تولید و واردات				
۱۴۱			۱۴۱	مالیات بر محصول				
۹۴			۹۴	سایر مالیات بر تولید				
−۴۴			−۴۴	یارانه				
−۸			−۸	یارانه بر محصول				
−۳۶			−۳۶	سایر یارانه بر محصول				
۴۵۲			۴۵۲	مازاد عملیاتی، ناخالص				
۶۱			۶۱	درآمد مختلط، ناخالص				
۲۱۴				مصرف سرمایه ثابت مربوط به مازاد عملیاتی ناخالص				
۸				مصرف سرمایه ثابت مربوط به درآمد مختلط ناخالص				
۲۳۸			۲۳۸	*مازاد عملیاتی، خالص*				
۵۳			۵۳	*درآمد مختلط، خالص*				
				حساب تخصیص درآمدهای اولیه				
				مازاد عملیاتی، ناخالص	۴۵۲			۴۵۲
				درآمد مختلط، ناخالص	۶۱			۶۱
				مازاد عملیاتی، خالص	۲۳۸			۲۳۸
				درآمد مختلط، خالص	۵۳			۵۳
	۶		۶	جبران خدمات کارکنان	۱ ۱۵۴		۲	۱ ۱۵۶
			۰	مالیات بر تولید و واردات	۲۳۵			۲۳۵
			۰	یارانه	−۴۴			−۴۴
۳۹۱	۴۴		۴۳۵	درآمد دارائی	۳۹۷		۳۸	۴۳۵
۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴	تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص				
۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲	تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص				
				حساب توزیع ثانوی درآمد				
				تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
				تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲
۱ ۲۱۲	۱۷		۱۲۲۹	انتقالات جاری	۱ ۱۷۴		۵۵	۱ ۲۲۹
۲۱۲	۱		۲۱۲	مالیات جاری بر درآمد، ثروت، و غیره	۲۱۳		۰	۲۱۳
۳۳۳	۰		۳۳۳	خالص حق بیمه‌های اجتماعی	۳۳۳		۰	۳۳۳
۳۸۴	۰		۳۸۴	مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیر نقدی	۳۸۴		۰	۳۸۴
۲۸۳	۱۶		۲۹۹	سایر انتقالات اجتماعی	۲۴۴		۵۵	۲۹۹
۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶	درآمد قابل تصرف، ناخالص				
۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴	*درآمد قابل تصرف، خالص*				
				حساب مصرف درآمد قابل تصرف				
				درآمد قابل تصرف، ناخالص	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
				درآمد قابل تصرف، خالص	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴
۱ ۳۹۹			۱ ۳۹۹	مخارج مصرف نهائی		۱ ۳۹۹		۱ ۳۹۹
۱۱	۰		۱۱	تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	۱۱		۰	۱۱
۴۲۷			۴۲۷	پس‌انداز، ناخالص				
۲۰۵			۲۰۵	*پس انداز، خالص*				
	−۱۳		−۱۳	*تراز خارجی جاری*				

جدول ۱۶-۲: خلاصه حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها

تغییرات در دارائی‌ها			تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه		
کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات		کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	جمع
			حساب سرمایه				
			پس‌انداز، خالص	۲۰۵			۲۰۵
			تراز جاری خارجی		−۱۳		−۱۳
۴۱۴			تشکیل سرمایه ناخالص			۴۱۴	۴۱۴
۱۹۲			تشکیل سرمایه خالص			۱۹۲	۱۹۲
۳۷۶			تشکیل سرمایه ثابت ناخالص			۳۷۶	۳۷۶
−۲۲۲			مصرف سرمایه ثابت			−۲۲۲	−۲۲۲
			تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بر حسب نوع دارائی				
۲۸			تغییرات موجودی انبار			۲۸	۲۸
۱۰			تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها			۱۰	۱۰
۰			تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده			۰	۰
			انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی	۶۲	۴		۶۶
			انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی	−۶۵	−۱		−۶۶
			تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای	۲۰۲	−۱۰		۱۹۲
۱۰	−۱۰	۰	*خالص وام‌دهی (+)/ خالص وام‌گیری (−)*				
			حساب مالی				
			خالص وام‌دهی (+)/ خالص وام‌گیری (−)	۱۰	−۱۰		۰
۴۳۶	۴۷	۴۸۳	خالص تحصیل بدهی‌ها	۴۲۶	۵۷		۴۸۳
−۱	۱	۰	طلای پولی و SDR				
۸۹	۱۱	۱۰۰	پول و سپرده	۱۰۲	−۲		۱۰۰
۸۶	۹	۹۵	اوراق بدهی	۷۴	۲۱		۹۵
۷۸	۴	۸۲	وام‌ها	۴۷	۳۵		۸۲
۱۰۷	۱۲	۱۱۹	حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۱۰۵	۱۴		۱۱۹
۴۸	۰	۴۸	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۴۸	۰		۴۸
۱۴	۰	۱۴	مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان	۱۱	۳		۱۴
۱۵	۱۰	۲۵	سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	۳۹	−۱۴		۲۵
			حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها				
۱۳		۱۳	جمع سایر تغییرات در حجم	۳			۳
−۷		−۷	دارائی‌های غیرمالی تولید شده				
۱۷		۱۷	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده				
۳		۳	دارائی‌های مالی	۳			۳
			تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۰			۱۰
			حساب بازارزش‌گذاری				
			منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن				
۲۸۰		۲۸۰	دارائی‌های غیرمالی				
۸۴	۷	۹۱	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۷۶	۱۵		۹۱
			تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن	۲۸۸	−۸		۲۸۰
			منفعت و زیان بی اثرِ ناشی از نگه‌داشتن				
۱۹۸		۱۹۸	دارائی‌های غیرمالی				
۱۳۶	۱۲	۱۴۸	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۱۲۶	۲۲		۱۴۸
			تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن	۲۰۸	−۱۰		۱۹۸
			منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن				
۸۲		۸۲	دارائی‌های غیرمالی				
−۵۲	−۵	−۵۷	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	−۵۰	−۷		−۵۷
			تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن	۸۰	۲		۸۲
			موجودی‌ها و تغییرات در دارائی‌ها				
			ترازنامه ابتدای دوره				
۴ ۶۲۱		۴ ۶۲۱	دارائی‌های غیرمالی				
۸ ۲۳۱	۳۰۵	۹ ۰۳۶	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۷ ۷۶۲	۱ ۲۷۴		۹ ۰۳۶
			ارزش ویژه	۵ ۰۹۰	−۴۶۹		۴ ۶۲۱
			کل تغییرات در دارائی‌ها و بدهی‌ها				
۴۸۲		۴۸۲	دارائی‌های غیرمالی				
۵۲۳	۵۴	۵۷۷	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۵۰۵	۷۲		۵۷۷
			تغییرات در ارزش ویژه، کل	۵۰۰	−۱۸		۴۸۲
			پس‌انداز و انتقالات سرمایه	۲۰۲	−۱۰		۱۹۲
			سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۰			۱۰
			منفعت/ زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن	۲۸۸	−۸		۲۸۰
			منفعت/ زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن	۲۰۸	−۱۰		۱۹۸
			منفعت/ زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن	۸۰	۲		۸۲
			ترازنامه انتهای دوره				
۵ ۱۰۳		۵ ۱۰۳	دارائی‌های غیرمالی				
۸ ۷۵۴	۸۵۹	۹ ۶۱۳	دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۸ ۲۶۷	۱ ۳۴۶		۹ ۶۱۳
			ارزش ویژه	۵ ۵۹۰	−۴۸۷		۵ ۱۰۳

حساب مالی

۱۶-۲۱ حساب مالی با ثبت تمامی تراکنش‌های مربوط به ابزارهای مالی، کاملاً نشان می‌دهد که خالص وام‌دهی یا وام‌گیری چگونه رخ می‌دهند. تراکنش‌های ابزارهای مالیِ نشان داده شده به‌صورت تغییرات در دارائی‌ها کاملاً با مبالغ نشان داده شده به‌صورت تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه تراز می‌شوند زیرا هنگامی که تمامی تراکنش‌های واحدهای مقیم چه با واحدهای مقیم چه با واحدهای غیرمقیم به حساب آورده می‌شوند، خالص وام‌دهی یا وام‌گیریِ توضیح داده نشده وجود نخواهد داشت.

۱۶-۲۲ از آنجا که حساب مالی هیچ قلم ترازکننده جدیدی را معرفی نمی‌کند و فقط توضیح می‌دهد که چگونه خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری تحت تأثیر قرار می‌گیرند، و نیز به دلیل این که منبع داده‌های متفاوت و درک متفاوتی از منبع داده‌ها را نیاز دارد، این حساب همیشه توسط حسابداران ملی تهیه نمی‌شود. اما بدون حساب مالی، تهیه کننده نمی‌تواند مطمئن شود که برآوردهای سایر حساب‌ها از سازگاری کامل برخوردار بوده و جامع هستند. فقط به دلیل این که تهیه کنندگان حساب‌های ملی باید درکی از سیستم تراز پرداخت‌ها داشته باشند و اطمینان حاصل کنند که تراکنش‌های مربوط به دنیای خارج به طور کامل در حساب‌ها پوشش داده شده‌اند، نیاز به درک مفاهیم سیستم آمارهای پولی و مالی دارند. دو فصل ۲۶ و ۲۷ ارتباط با سیستم‌های آماری دیگر از این نوع را با جزئیات بیشتری مورد بحث قرار داده است.

۳. حساب کالاها و خدمات

۱۶-۲۳ در سرتاسر توالی حساب‌ها، هر خطِ تراکنش (اقلام تشکیل دهنده‌ی یک تراکنش، مترجم) تراز است. برای تراکنش‌های توزیعی و بازتوزیعی، اگر داده‌ها به طور کامل سازگار باشند این مورد خود به‌خود بوجود می‌آید زیرا هرآنچه که به عنوان پرداختنی توسط یک واحد نشان داده می‌شود باید توسط واحد دیگر به عنوان دریافتنی نشان داده شود. اما مسلماً این مورد برای تراکنش‌های مربوط به کالاها و خدمات وجود ندارد. برای حفظ ماهیت تراز بودن حساب‌ها، ستونی با عنوان "کالاها و خدمات" در هر طرف حساب‌ها منظور می‌شود. در هر مورد وقتی تراکنشی مرتبط با کالاها و خدمات وجود داشته باشد، یک قلم ورودی در طرف دیگر حساب در ستون کالاها و خدمات ساخته می‌شود.

۱۶-۲۴ در نهایت اقلام ورودی در سمت راست حساب، ارزش تمامی کالاها و خدمات عرضه شده در اقتصاد را چه به عنوان تولید و چه به عنوان واردات، بعلاوه مالیات بر محصول منهای یارانه پرداختی بر محصول را نشان می‌دهد. در سمت چپ حساب، مصرف کالاها وخدمات، به عنوان مصرف واسطه یا مصرف نهائی، تشکیل سرمایه یا صادرات نشان داده می‌شود.

۱۶-۲۵ واضح است که کل مبلغ کالاها و خدمات عرضه شده به اقتصاد باید با مصرف آن کالاها و خدمات برابر باشد. تنظیم اقلام ورودی در ستون کالاها و خدمات سمت راست برابر با اقلام ورودی در ستون کالاها و خدمات سمت چپ، حساب آشنای کالاها و خدماتی را که در فصل ۱۴ شرح داده شد، ارائه می‌دهد.

ستانده + واردات + مالیات منهای یارانه بر محصول = مصرف واسطه + مصرف نهائی + صادرات

۱۶-۲۶ معادله فوق نشان دهنده‌ی این مفهوم است که کالاها و خدمات تولید شده در دوره فعلی برای تولید کالاها و خدمات در دوره فعلی (مصرف واسطه) یا برای تولید کالاها و خدمات در دوره‌های آینده (تشکیل سرمایه) یا برای ارضای خواسته‌های بلافاصله بشری (مصرف نهائی) بکار می‌رود. اما، از آنجا که هیچ اقتصادی کاملاً بسته نیست، لازم است کالاها و خدمات عرضه شده از خارج اقتصاد (واردات) و کالاها و خدمات استفاده شده توسط دیگر اقتصادها (صادرات) نیز مد نظر قرار گیرند.

۱۶-۲۷ اتحاد بالا تشکیل حساب کالاها و خدمات را می‌دهد. ***حساب کالاها و خدمات تراز بین کل کالاها و خدمات عرضه شده به اقتصاد به عنوان منابع بصورت ستانده و واردات (شامل ارزش مالیات منهای یارانه بر محصول که قبلاً در ارزش ستانده نیامده باشد) و مصرف همان کالاها و خدمات به***

عنوان مصرف واسطه، مصرف نهائی، تشکیل سرمایه و صادرات را نشان می‌دهد.

۴. حساب‌های دنیای خارج

۱۶–۲۸ اقلام ورودی حساب‌های یکپارچه برای دنیای خارج با اقلام ورودی تراز پرداخت‌ها که در دستنامه‌ی تراز پرداخت‌ها *(BMP6)* مطرح شده است متناظر است. جدول ۱۶–۳ اقلام ورودی را برای دنیای خارج در ساختارحساب‌های تراز پرداخت‌ها نشان می‌دهد.

۱۶–۲۹ سه حساب جاری وجود دارد؛ یکی برای کالاها و خدمات، یکی برای درآمد اولیه و یکی برای درآمد ثانوی. هریک از این‌ها یک قلم ترازکننده دارند ولی، برخلاف حساب‌های SNA اقلام تراز کننده، از یک حساب به حساب بعدی منتقل نمی‌شوند. اما، دیگر اقلام ترازکننده که با اقلام تراز کننده‌ی SNA جور هستند، چنین عمل می‌شوند. از اینرو تراز خارجی کالاها، خدمات و درآمد اولیه حاصل جمع تراز[خارجی] درآمدهای اولیه است و با تراز درآمد اولیه برای کل اقتصاد متناظر است. وقتی این قلم به تراز خارجیِ درآمد ثانوی اضافه شود، تراز جاری خارجی بدست می‌آید که با پس‌انداز کل اقتصاد متناظر است.

۱۶–۳۰ تنها اقلام ورودی در حساب سرمایه‌ی دنیای خارج، انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی از دنیای خارج و پرداختنی به دنیای خارج و نیز تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی تولید نشده است که واحدهای غیرمقیم در آن درگیر هستند. این اقلام تراز خارجی سرمایه را بوجود می‌آورند. وقتی تراز خارجی سرمایه به تراز خارجی جاری اضافه شود، خالص وام‌دهی یا وام‌گیری از دنیای خارج حاصل خواهد شد.

۵. یکپارچه سازی داده‌های موجودی و جریانی

پیوند ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره

۱۶–۳۱ ترازنامه‌ها جزء جدائی ناپذیر SNA هستند. درک شفافی از بهم‌پیوستگی (ارتباط) ترازنامه‌ها با جریان‌های مربوط به دارائی‌ها در حساب‌های سرمایه، مالی و سایر تغییرات در دارائی‌ها، یک امر اساسی برای درک نقش انباشت سرمایه در SNA است.

۱۶–۳۲ معادله‌ی بنیادی حسابداری را که ارزش ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره را پیوند می‌دهد می‌توان برای هر نوع دارائی به‌صورت زیر خلاصه کرد:

ارزش موجودی نوع خاصی از دارائی در ترازنامه‌ی ابتدای دوره که به‌قیمت‌های غالبِ تاریخی که ترازنامه به آن مربوط است ارزش‌گذاری شده است؛

بعلاوه ارزش کل دارائی‌های تحصیل شده، منهای ارزش کل دارائی‌های واگذار شده (شامل مصرف سرمایه ثابت در جائی که مورد داشته باشد)، در تراکنش‌های رخ داده در دوره حسابداری؛

بعلاوه ارزش کل سایر تغییرات مثبت یا منفی در حجم دارائی‌های در اختیار واحد نهادی (برای مثال، حاصل کشف یک منبع زیر زمینی یا تخریب دارائی‌ها در اثر جنگ یا بلایای طبیعی)؛

بعلاوه ارزش مثبت یا منفی منفعت ناشی از نگه داشتن در اثر تغییر قیمت دارائی که در طول دوره حسابداری رخ داده است؛

برابر است با ارزش موجودی آن دارائی در ترازنامه‌ی انتهای دوره که به‌قیمت‌های غالبِ تاریخی که ترازنامه به آن مربوط است ارزش‌گذاری شده است.

۱۶–۳۳ ارزش دارائی‌های غیرمالیِ تحصیل شده، منهای ارزش کل دارائی‌های واگذار شده، در تراکنش‌هائی که طی دوره‌ی حسابداری رخ داده است، در حساب سرمایه ثبت می‌شود و ارزش تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها در حساب مالی ثبت می‌شود. ارزش سایر تغییرات مثبت یا منفی حجم دارائی‌های در اختیار در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شود. ارزش مثبت یا منفی منفعت ناشی از نگه‌داشتن در طول دوره حسابداری که از تغییر قیمت دارائی ناشی شده باشد در حساب بازارزش‌گذاری ثبت می‌شود. این بدین معنی است که ارزش هر قلم ورودی در ترازنامه انتهای

دوره را در اصل می‌توان بـا برداشـتن ارزش ترازنامـه ابتـدای دوره و اضافه کردن اقلام ورودی مربوط به همـان دارائـی در هر یک از چهار حساب انباشت، بدست آورد.

۱۶-۳۴ منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن می‌تواند بـه منفعـت بـی‌اثـر ناشی از نگه‌داشتن و منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن تجزیـه شود. منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن، میزان افـرایش ارزش دارائی در طول زمان را نشان می‌دهد. منفعت بی‌اثـر ناشـی از نگه‌داشتن میزان افزایش ارزشی را که لازم است دارائی برای حفظ کامل قدرت خرید خود در طول زمان داشته باشد نشـان می‌دهد. اگر منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن بیشتر از منفعت بی‌اثـر باشـد، صـاحب دارائـی یـک منفعـت واقعـی ناشـی از نگه‌داشتن (برابر با تفاوت بین منفعت اسمی و بی اثر ناشـی از نگه‌داشتن) خواهد داشت. اگر منفعـت اسـمی ناشـی از نگـه-داشتن کمتر از منفعت بی‌اثـر باشـد، در ایـن صـورت صـاحب دارائی یک زیان واقعی ناشی از نگه داشتن را تحمـل خواهـد کرد.

۱۶-۳۵ اتحادی که ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره و حساب انباشـت را مرتبط می‌کند حتی در مورد دارائی‌هائی که فقـط در طـول دوره حسابداری به طور موقت نگـه داشـته شـده باشـند و در هیچیک از ترازنامه‌های ابتدا و نه انتهـای دوره نیامـده باشـند معتبر است. برای مثال، یک دارائی ممکن اسـت دریـک دوره حسابداری تحصیل شود، قیمت آن به سبب منفعـت ناشـی از نگه داشتن افزایش یابد و سپس قبل از فروش پیش از پایـان دوره به شکلی خراب شود.

جدول ۱۶-۳: اقلام ورودی حساب دنیای خارج با استفاده از ساختار حساب‌های BPM6

مصارف			منابع
دنیای خارج		تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	دنیای خارج
		حساب کالاها و خدمات	
		واردات کالاها و خدمات	۴۹۹
	۵۴۰	صادرات کالاها و خدمات	
	۴۱-	*تراز خارجی کالاها و خدمات*	
		حساب درآمد اولیه	
	۶	جبران خدمات کارکنان	۲
		مالیات بر تولید و واردات یارانه	
	۴۴	درآمد دارائی	۳۸
	۱۰-	*تراز خارجی درآمد اولیه*	
	۵۱-	*تراز خارجی کالاها، خدمات و درآمد اولیه*	
		حساب درآمد ثانوی	
	۱۷	انتقالات جاری	۵۵
	۳۸	*تراز خارجی درآمد ثانوی*	
		تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	
	۱۳-	*تراز جاری خارجی*	
		حساب سرمایه	
		تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده	
		انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی	۴
		انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی	۱-
	۳	*تراز خارجی حساب سرمایه*	
	۱۰-	***خالص وام دهی (+)/ خالص وام‌گیری (-)***	

۱۶-۳۶ منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن که در حساب بازارزش‌گذاری نشان داده می‌شود منفعت و زیان تحقق یافته و تحقق نیافته هردو را در بر می‌گیرد ولی منفعت و زیان تحقق یافته ناشی از نگه‌داشتن با ارزش تراکنش‌های دارائی ترکیب می‌شود، و فقط منفعت و زیان تحقق نیافته ناشی از نگه‌داشتن در ترازنامه انتهای دوره باقی می‌ماند.

۱۶-۳۷ پیوند بین ترازنامه و حساب‌های جریانی در زمینه دارائی‌های مالی و بدهی‌ها اغلب شناخته شده است و ارائه نیز می‌شود. لیکن پیوند دارائی‌های غیرمالی، مورد توجه کمتری قرار گرفته است هرچند، همان‌طور که در فصل ۲۰ درباره خدمات سرمایه شرح داده شده است، دارای اهمیت کمتری نیست بویژه این که به عنوان درک درستی از رشد بهره وری در اقتصاد قلمداد می‌شود

ارزش ویژه

۱۶-۳۸ قلم ترازکننده در ترازنامه برابر است با حاصل جمع تمامی دارائی‌ها منهای تمامی بدهی‌ها که ارزش ویژه نامیده می‌شود. می‌توان نشان داد که تغییرات ارزش ویژه بین ترازنامه ابتدا و انتهای دوره از سه قلمِ زیر تشکیل شده است:

الف. نخستین قلم، تغییر ارزش ویژه در اثر پس انداز و انتقالات سرمایه‌ای است. این قلم از حساب سرمایه می‌آید و قلمی است که به‌صورت کل منابع در آن حساب نشان داده می‌شود.

ب. قلم دوم، تغییر ارزش ویژه در اثرِ سایر تغییرات در حجم دارائی‌هاست و حاصل جمع همه اقلام ورودی برای دارائی‌ها منهای همه اقلام ورودی برای بدهی‌ها در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌هاست.

پ. قلم سوم، تغییر ارزش ویژه در اثرِ منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن است. این قلم حاصل جمع اقلام ورودی برای منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن همه دارائی‌های ثبت شده در حساب بازارزش‌گذاری منهای اقلام ورودی برای منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن همه بدهی‌ها است. این قلم را می‌توان به‌طور مشخص به تغییر ارزش ویژه در اثرِ منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن و تغییر ارزش ویژه در اثرِ منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن تجزیه کرد.

حساب‌های دارائی

۱۶-۳۹ اتحادی که ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره را پیوند می‌زند برای کل دارائی‌ها، برای هر طبقه جداگانه از دارائی‌ها و در واقع برای هر دارائی تکی بر قرار است. حساب دارائی، تغییرات موجودی یک دارائی یا طبقه‌ای از دارائی‌ها از یک ترازنامه به ترازنامه بعدی را توصیف می‌کند، ضمن این که مشخص می‌کند کدام تغییرات در اثرِ تراکنش‌های سرمایه‌ای، کدام در اثرِ تراکنش‌های مالی و کدام در اثرِ سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و بازارزش‌گذاری هستند. حساب‌های دارائی در فصل ۱۳ توضیح داده شده است.

۶. تلفیق حساب‌ها

۱۶-۴۰ هرچند که ارائه حساب‌ها به‌شکل کاملاً تلفیق شده معمول نیست، ولی از نظر آموزشی مفید است که ملاحظه شود از تلفیق کامل حساب‌ها چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود.

تلفیق حساب‌های جاری

۱۶-۴۱ همه اقلام جدول ۱۶-۱ که به توزیع و بازتوزیع درآمد مربوط هستند در دو سمت حساب نشان داده می‌شوند. وارد کردن آن‌ها امکان بدست آوردن اقلام مهم ترازکننده را میسر می‌سازد ولی این امکان را هم می‌دهد که ملاحظه شود اگر آن‌ها در اثر تلفیق حذف شوند کدام اقلام باقی خواهند ماند. در حقیقت آنچه که باقی می‌ماند اقلام ورودی در ستون‌های کالاها و خدمات بعلاوه اقلام ورودی برای پس‌انداز و تراز جاری خارجی است. این نتیجه را می‌توان در زیر مشاهده کرد:

الف. منابع

. واردات ۴۹۹؛

- ستانده ۶۰۴ ۳؛
- مالیات بر محصول ۱۴۱؛
- یارانه بر محصول ۸– ؛
- جمع کل ۲۳۶ ۴؛

ب. مصارف

- صادرات ۵۴۰
- مصرف واسطه ۸۸۳ ۱؛
- مصرف نهائی ۳۹۹ ۱؛
- پس‌انداز ۴۲۷؛
- تراز جاری خارجی ۱۳–؛
- جمع کل ۲۳۶ ۴.

۱۶–۴۲ تراز جاری خارجی (۱۳–) برابر است با تراز خارجی کالاها و خدمات (۴۱–) بعلاوه جریان‌های درآمدی که از دنیای خارج می‌آیند یعنی (۲۸). اگر واردات، صادرات و تراز خارجی کالاها و خدمات با تلفیق اشاره شده در بالا حذف شوند، می‌توان نتیجه‌ی زیر را مشاهده کرد:

ستانده ۶۰۴ ۳
بعلاوه مالیات بر محصول ۱۴۱
منهای یارانه بر محصول ۸
منهای مصرف واسطه ۸۸۳ ۱
(نتیجه ۸۵۴ ۱)
برابر است با
مصرف نهائی ۳۹۹ ۱
بعلاوه پس‌انداز ۴۲۷
بعلاوه درآمد از دنیای خارج ۲۸.

۱۶–۴۳ قسمت اول این اتحاد تعریف درآمد ایجاد شده در اقتصاد است. اگر درآمد از دنیای خارج به مثابه پس‌انداز ایجاد شده در اقتصاد داخلی قلمداد شود، این اتحاد را می‌توان به صورت مفهوم ساده‌ی اقتصادی مشاهده کرد که درآمد برابر است با مصرف بعلاوه پس‌انداز.

تلفیق حساب‌های انباشت

۱۶–۴۴ هنگامی که حساب‌های سرمایه و مالی تلفیق می‌شوند همه‌ی اقلام ورودی در حساب مالی حذف می‌شوند و اقلام ورودی برای خالص وام‌دهی یا وام‌گیری نشان داده شده در هر حساب حذف می‌شوند. آنچه که باقی می‌ماند به شرح زیر است:

تشکیل سرمایه (۴۱۴)
بعلاوه تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده (۰)
برابر است با
پس‌انداز (۴۲۷)
بعلاوه تراز جاری خارجی (۱۳–).

تلفیق حساب دنیای خارج

۱۶–۴۵ تنها با نگاه به حساب سرمایه و حساب مالی دنیای خارج نتایج زیر حاصل می‌شود:

تراز جاری خارجی (۱۳–)
بعلاوه انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی (۴)
منهای انتقالات سرمایه پرداختنی (۱)
برابر است با خالص وام دهی یا وام‌گیری.

۱۶–۴۶ با ترکیب این اتحاد با اتحاد قبلی نتیجه زیر حاصل می‌شود:

تشکیل سرمایه (۴۱۴)
بعلاوه تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولیدنشده (۰)
برابر است با پس‌انداز (۴۲۷)
بعلاوه خالص وام‌دهی به یا خالص وام‌گیری از دنیای خارج (۱۰–)
منهای انتقالات سرمایه‌ای پرداختنی به دنیای خارج (۴)
بعلاوه انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی از دنیای خارج (۱).

به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری برابر است با پس‌انداز ایجاد شده در داخل اقتصاد یا اخذ شده از دنیای خارج.

پ. هم‌افزوده‌های اقتصاد کلان در SNA

۱. اتحادهای GDP

۱۶–۴۷ بازآرائیِ ترتیبِ اقلام نشان داده شده در حساب کالاها و خدمات منتهی به مشهورترین تعریف GDP می‌شود:

ستانده (۳ ۶۰۴)
منهای مصرف واسطه (۱ ۸۸۳)
بعلاوه مالیات منهای یارانه بر محصول (۸–۱۴۱)
برابر است با
مصرف نهائی (۱ ۳۹۹)
بعلاوه تشکیل سرمایه (۴۱۴)
بعلاوه صادرات (۵۴۰)
منهای واردات (۴۹۹)
برابر است با (۱ ۸۵۴).

بنابراین دو روش جداگانه برای تعریف GDP وجود دارد:

الف. ***سنجه‌ی تولید محصول ناخالص داخلی (GDP) به صورت ارزش ستانده منهای مصرف واسطه بعلاوه هرگونه مالیات منهای یارنه بر محصولی که قبلاً در ارزش ستانده وارد نشده است بدست می‌آید،***

ب. ***سنجه‌ی مخارج محصول ناخالص داخلی (GDP) از حاصل جمع مخارج مصرف نهائی بعلاوه تشکیل سرمایه‌ی ناخالص بعلاوه واردات منهای صادرات بدست می‌آید.***

۱۶–۴۸ سنجه‌ی تولید GDP را می‌توان به عنوان ارزش افزوده تعدیل شده نیز بیان کرد برای این که اطمینان حاصل شود همه‌ی مالیات‌ها منهای یارانه‌ها منظور شده‌اند. همان گونه که در فصل ۷ شرح داده شد، ارزش افزوده را می‌توان به‌صورت عناصر تشکیل دهنده‌ی درآمد: یعنی جبران خدمات کارکنان، مازاد عملیاتی، درآمد مختلط و سایر مالیات‌ها منهای یارانه‌های تولید در نظر گرفت. اگر برآوردهای جداگانه‌ای از این اجزا موجود باشد، در این صورت روش سومی نیز برای تهیه GDP، یعنی از طرف درآمد، امکان پذیر خواهد بود. از آنجا که مالیات منهای یارانه بر تولید در ارزش افزوده وجود دارد و مالیات منهای یارانه بر محصول نیز باید وارد شود، دو قلم مالیاتی را می‌توان با جمله‌ای که حاصل جمع هردوی آن‌هاست جایگزین کرد، یعنی مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات.

GDP (۱ ۸۵۴)
برابر است با
جبران خدمات کارکنان (۱ ۱۵۰)
بعلاوه مازاد عملیاتی ناخالص (۴۵۲)
بعلاوه درآمد مختلط ناخالص (۶۱)
بعلاوه مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات (۱۹۱).

بنابراین سومین روش تعریف GDP عبارتست از:

پ. ***سنجه‌ی درآمد محصول ناخالص داخلی (GDP) به صورت جبران خدمات کارکنان بعلاوه مازاد عملیاتیِ ناخالص بعلاوه درآمد مختلطِ ناخالص بعلاوه مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات بدست می‌آید.***

۲. یادداشتی بر ارزش‌گذاری ستانده

۱۶–۴۹ در فصل ۶، توضیح داده که اندازه‌گیری ترجیح داده شده در سیستم حساب‌های ملی برای ستانده، قیمت پایه است. در قیمت‌های پایه، ارزش ستانده عاری از هر گونه مالیات بر محصول و شامل همه‌ی یارانه‌های محصول است. ستانده به قیمت پایه همه‌ی سایر مالیات بر تولیدها را در بر می‌گیرد و هیچیک از سایر یارانه‌های تولید را شامل نمی‌شود. اما، منابع داده‌ها در برخی کشورها ممکن است امکان پیروی از این ارزش‌گذاری را ندهند. در این حالت، ستانده به قیمت تولید کننده ارزش‌گذاری خواهد شد. و همه‌ی مالیات‌های بر محصول و تولید هردو (احتمالاً غیر از مالیات از نوع VAT) در ارزش ستانده وجود خواهد داشت و همه‌ی یارانه‌های محصول و تولید، هردو از ارزش ستانده خارج خواهند بود.

۱۶–۵۰ به این دلیل، تعریف GDP از طرف تولید که در بالا ارائه شد دارای جمله‌ای به این شرح است که "بعلاوه هر نوع مالیات منهای یارانه بر محصولی که قبلاً در ارزش ستانده نیامده

است". هنگامی که ستانده به قیمت تولید کننده ارزش‌گذاری می‌شود، دیگر مالیات بر محصولی (احتمالاً غیر از مالیات از نوع VAT) وجود نخواهد داشت که اضافه شود؛ آن‌ها قبلاً در سنجه ستانده منظور شده‌اند (و به طور مشابه یارانه بر محصول قبلاً کسر شده است). در این حالت، GDP می‌تواند چنین تعریف شود: ***سنجه تولید محصول ناخالص داخلی (GDP) به صورت ارزش ستانده به قیمت تولید کننده منهای مصرف واسطه است.*** هنگامی که ستانده به قیمت پایه اندازه‌گیری می‌شود (همان طور که در SNA ترجیح داده شده است و در مثال عددی نیز از آن پیروی شده است) جمله بندی تعریف را می‌توان به این ترتیب تغییر داد ***سنجه تولید محصول ناخالص داخلی (GDP) به‌صورت ارزش ستانده به قیمت پایه منهای مصرف واسطه بعلاوه مالیات منهای یارانه بر محصول بدست می‌آید.***

۳. محصول ناخالص و خالص داخلی

۱۶–۵۱ با وجود این که سومین تعریف از GDP از هر دو نظرِ مفهومی و آماری صحیح است، ولی تأکید بر این است که این تعریف بهترین سنجه‌ی درآمد نیست. درآمد معمولاً چنین تعریف می‌شود، مبلغی است که می‌توان آن را مصرف کرد در حالی که میزان سرمایه دست نخورده باقی بماند. (برای بحث بیشتر در این مورد به مقدمه فصل ۸ مراجعه شود). به این دلیل است که قلم مصرف سرمایه ثابت در حساب‌ها بسیار مهم است و در همه‌ی حساب‌ها به صورت تفاوت بین اقلام ترازکننده‌ی ناخالص و خالص نشان داده می‌شود. برای اندازه‌گیری محصول داخلی به‌صورت خالص، لازم است:

الف. مصرف سرمایه ثابت از سنجه‌ی تولید GDP کسر شود،

ب. تشکیل سرمایه ناخالص با تشکیل سرمایه خالص در سنجه‌ی مخارج GDP جایگزین شود،

پ. مازاد عملیاتی ناخالص با مازاد عملیاتی خالص و درآمد مختلط ناخالص با درآمد مختلط خالص در سنجه‌ی درآمد GDP جایگزین شود.

۱۶–۵۲ هریک از اقلام فوق که از GDP کسر می‌شود با هم برابر هستند زیرا تفاوت بین تشکیل سرمایه ناخالص و خالص و همچنین تفاوت بین میزان مازاد عملیاتی و درآمد مختلط ناخالص در برابر خالص، مصرف سرمایه ثابت است. از اینرو، ***محصول خالص داخلی (NDP) به‌صورت محصول ناخالص داخلی (GDP) منهای مصرف سرمایه ثابت تعریف می‌شود.***

NDP (۱ ۶۳۲)

برابر است با

GDP (۱ ۸۵۴)

منهای مصرف سرمایه ثابت (۲۲۲).

۴. درآمد ناخالص و خالص ملی

۱۶–۵۳ در برخی از کشورها کارگران مرزی یا فصلی ممکن است تأثیر قابل ملاحظه‌ای در جبران خدمات کارکنان چه بصورت پرداختنی به خارج و چه بصورت دریافتنی از خارج داشته باشند. جبران خدماتی که از خارج عاید می‌شود ولی به کشوری که کارکنان در آن مقیم هستند (نه کشوری که در آن کار می‌کنند) فرستاده می‌شود، به درآمد خانوارها اضافه می‌شود تا برای مصرف در دسترس قرار گیرد. بنابراین مفهوم درآمد ملی در مقابل تولید داخلی یکی دیگر از هم‌افزوده‌های کلیدی SNA است. همانند درآمد نیروی کار از خارج به شکل جبران خدمات کارکنان، درآمد سرمایه‌ی بدست آمده از خارج، بویژه سرمایه مالی، به شکل درآمد دارائی و نیز هرگونه مالیات بر محصول پرداختنی توسط مقیم‌ها در درآمد ملی منظور می‌شوند. پرداخت‌های مشابهی که از کل اقتصاد به دنیای خارج جریان پیدا می‌کنند باید از GDP کسر شوند تا درآمد ملی بدست آید.

۱۶–۵۴ ***درآمد ناخالص ملی (GNI) عبارتست از GDP بعلاوه جبران خدمات کارکنان دریافتنی از خارج بعلاوه درآمد دارائی دریافتنی از خارج بعلاوه مالیات منهای یارانه بر تولید دریافتنی از خارج منهای جبران خدمات کارکنان پرداختنی به خارج منهای درآمد دارائی پرداختنی به خارج و منهای مالیات***

بعلاوه یارانه بر تولید پرداختنی به خارج. به‌صورت معادله بشکل زیر است:

GNI (۱ ۸۶۴)
برابر است با
GDP (۱ ۸۵۴)
بعلاوه جبران خدمات کارکنان دریافتنی از خارج (۶)
بعلاوه درآمد دارائی دریافتنی از خارج (۴۴)
بعلاوه مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات دریافتنی از خارج (۰)
منهای جبران خدمات کارکنان پرداختنی به خارج (۲)
منهای درآمد دارائی پرداختنی به خارج (۳۸)
منهای مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات پرداختنی به خارج (۰)

۵۵–۱۶ همان گونه که در بالا بیان شد، هم‌افزوده‌ی درآمد پس از کسر مصرف سرمایه ثابت بهتر اندازه‌گیری می‌شود بنابراین ***درآمد خالص ملی (NNI) به صورت GNI منهای مصرف سرمایه ثابت تعریف می‌شود.***

NNI (۱ ۶۴۲)
برابر است با
GNI (۱ ۸۶۴)
منهای مصرف سرمایه ثابت (۲۲۲).

۵. درآمد قابل تصرف ملی

۵۶–۱۶ گامی فراتر در بررسی اثرات دنیای خارج در اقتصاد ملی بررسیِ انتقالات جاری دریافتنی از خارج و انتقالات جاری پرداختنی به خارج است. انتقالات دریافتنی از خارج، شامل پول‌های ارسالی اتباع یک کشور است که برای مدت طولانی (بیش از یکسال) در خارج کار می‌کنند و به عنوان مقیمِ جای دیگر تلقی می‌شوند. کمک‌های خارجی، غیر از کمک برای توسعه در پروژه‌های سرمایه‌ای، نیز در اینجا نشان داده می‌شوند. همانند قبل، انتقالات پرداختنی به خارج باید در فرآیند تبدیل درآمد ملی به درآمد قابل تصرف ملی کسر شود.

۵۷–۱۶ درآمد قابل تصرف ملی، بیشتر از محصول داخلی و درآمد ملی، به‌صورت خالص نشان داده می‌شود. ***درآمد خالص قابل تصرف ملی (NNDI) به صورت درآمد خالص ملی (NNI) بعلاوه انتقالات جاری دریافتنی از خارج منهای انتقالات جاری پرداختنی به خارج تعریف می‌شود.*** این تعریف به شکل معادله بصورت زیر است:

NNDI (۱ ۶۰۴)
برابر است با
NNI (۱ ۶۴۲)
بعلاوه انتقالات جاری دریافتنی از خارج (۱۷)
منهای انتقالات جاری پرداختنی به خارج (۵۵).

ت. مجموعه مثال‌هائی درباره‌ی حساب‌های اقتصادی یکپارچه

۵۸–۱۶ حساب‌های T را که در جدول ۱۶–۱ و ۱۶–۲ نشان داده شده است می‌توان گسترش داد تا همه بخش‌های اقتصاد را تا آن حد از جزئیاتی را که مورد نیاز حساب‌ها است پوشش دهند. این نوع ارائه‌ی گسترده‌ی حساب‌ها تحت عنوان مجموعه‌ای از حساب‌های اقتصادی یکپارچه معرفی شده است. در این مورد مثالی در جدول‌های ۱۶–۴ و ۱۶–۵ آورده شده است که به طور همزمان ساختار کلی حسابداری SNA را نشان می‌دهند و یک مجموعه از داده‌ها را برای هریک از بخش‌های نهادی، کل اقتصاد و دنیای خارج ارائه می‌کنند.

۵۹–۱۶ این جدول حساب‌های زیر را باهم در یک جا ارائه می‌دهد:

حساب‌های بخش‌های نهادی،

حساب‌های دنیای خارج و

حساب کالاها و خدمات.

۱۶–۶۰ برای ساده سازی این جدول که از جامعیت کامل نیز برخوردار باشد، طبقه‌بندی بخش‌ها، تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها، دارائی‌ها و بدهی‌ها در بالاترین سطح تجمیع که با درک ساختار SNA سازگار باشد تنظیم شده‌اند. اما، سطرها و ستون‌ها را می‌توان به زیربخش‌ها یا طبقه‌بندی‌های تفصیلی‌ترِ تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها، دارائی‌ها و بدهی‌ها، تقسیم کرد.

۱. حساب‌های بخش‌های نهادی

حساب‌های جاری

۱۶–۶۱ از حساب‌های جاریِ بخش‌های نهادی، به‌عنوان نمونه، ستون شرکت‌های غیرمالی را ملاحظه فرمائید.

۱۶–۶۲ *حساب تولید* ستانده (۲ ۸۰۸) را در سمت چپ، مصرف واسطه (۱ ۴۷۷) و ارزش افزوده (ناخالص ۱ ۳۳۱) و خالص (۱۱۷۴) با تفاوت بین آن‌ها به عنوان مصرف سرمایه ثابت (۱۵۷)) را در سمت راست نشان می‌دهد. ارزش افزوده، قلم ترازکننده‌ی حساب تولید، دومرتبه در همان سطر به عنوان منابع *حساب ایجاد درآمد* نشان داده می‌شود.

۱۶–۶۳ مصارف *حساب ایجاد درآمد* (جبران خدمات کارکنان (۹۸۶) و سایر مالیات‌های بر تولید (۸۸) منهای سایر یارانه‌های تولید (۳۵)) در سمت راست نشان داده می‌شوند، قلم ترازکننده مازاد عملیاتی خالص (۱۳۵) است، که دومرتبه در منابع *حساب تخصیص درآمد اولیه* نشان داده می‌شود.

۱۶–۶۴ در *حساب تخصیص درآمد اولیه*، درآمد دارائی دریافتنی (۹۶)، همراه با مازاد عملیاتی در سمت چپ، و درآمد دارائی پرداختنی (۱۳۴) در سمت راست ثبت می‌شوند. قلم تراز کننده خالص تراز درآمدهای اولیه (۹۷) است، که دومرتبه به عنوان منابع *حساب توزیع ثانوی درآمد* نشان داده می‌شود. *حساب توزیع ثانوی درآمد* انتقالات جاری پرداختنی (۹۸) و دریافتنی (۷۲) را نشان می‌دهد که منتهی به قلم تراز کننده درآمد خالص قابل تصرف (۷۱) می‌شود، که به عنوان منابع *حساب مصرف درآمد* نشان داده می‌شود.

۱۶–۶۵ تنها تراکنشی که در *حساب مصرف درآمد* برای بخش‌های شرکت‌ها نشان داده می‌شود قلم ورودی برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی است. در این حالت، این قلمِ ورودی ارزشی برابر صفر دارد بنابراین در این حالت، قلم ترازکننده‌ی حساب مصرف درآمد یعنی پس‌انداز ارزشی یکسان با ارزش درآمد قابل تصرف دارد.

۱۶–۶۶ برای حساب‌های بخش‌های نهادی دیگر نیز امکان‌پذیر است که همان مسیر، در حالی که تراکنش‌های مربوطه برحسب بخش مورد نظر تغییر می‌کند، طی شود.

حساب مصرف درآمد

۱۶–۶۷ دو شیوه‌ی ارائه که در آن درآمد قابل تصرف با مصرف نهائی مرتبط است، یکی با به حساب آوردن بازتوزیع درآمد غیر نقدی که منجر به مصرف واقعی می‌شود و دیگری با نشان دادن مخارج مصرف نهائی با درآمد قابل تصرف به‌طور مستقیم، در جدول ۱۶–۴ خلاصه شده است. حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی و حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده به شرح زیر با حساب مصرف درآمد ادغام شده است. درآمد قابل تصرف خالص، برای دولت ۳۱۷، برای NPISHها ۳۷ و برای خانوارها ۱ ۲۱۹ است. مخارج مصرف نهائی برای دولت ۳۵۲، برای NPISHها ۳۲ و برای خانوارها ۱ ۰۱۵ است. جمع مخارج مصرفی ۱ ۳۹۹ است. پس‌انداز از درآمد قابل تصرف منهای مخارج مصرف نهائی بدست می‌آید.

حساب‌های انباشت

۱۶–۶۸ پس از توالی حساب‌های جاری برای بخش‌های نهادی حساب‌های انباشت می‌آید. برای مثال، پس‌اندازِ خالص خانوارها ۱۹۲ است. خانوارها به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ۲۳ دریافت و ۵ پرداخت می‌کنند. از اینرو، ارزش تغییرات ارزش ویژه آن‌ها در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای ۲۱۰ است. خانوارها برای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۴۸ (پس از کسر مصرف سرمایه ثابت (۲۳)، تشکیل سرمایه ثابت خالص ۲۵ است)، تغییر موجودی انبار ۲ و تحصیل منهای واگذاری اشیاء

گرانبها ۵ دارند. تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی تولید نشده خانوارها (زمین) ۴ است. خالص وام‌دهی خانوارها ۱۷۴ است. آن‌ها بدهی‌های مالی (خالص) برابر با ۱۵ تقبل کرده‌اند و دارائی مالی (خالص) برابر ۱۸۹ تحصیل کرده‌اند. سایر تغییرات در حجم دارائی‌های آن‌ها ۲ است. ارزش دارائی‌های در اختیار خانوارها در اثر تغییرات قیمت دارائی‌های مالی (۸۰) و غیرمالی (۱۶) هردو به میزان ۹۶ افزایش یافته است؛ منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه داشتن بدهی‌هایشان وجود ندارد و آن به معنی این است که تمام بدهی‌های آن‌ها برحسب پول و احتمالاً به پول ملی اقتصاد مورد نظر ارزیابی شده است.

ترازنامه‌ها

۱۶-۶۹ ترازنامه‌ها نیز جزئی از حساب‌های اقتصادی یکپارچه هستند. برای مشاهده‌ی روابط بین حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها، دولت به عنوان نمونه در نظر گرفته شده است. دارائی‌های ابتدای دوره ۱۸۵ ۱ است (۷۸۹ دارائی‌های غیرمالی و ۳۹۶ دارائی‌های مالی) و بدهی‌های ابتدای دوره ۶۸۷، از اینرو خالص ارزش ویژه ۴۹۸ است. ارزش کل دارائی‌های غیرمالی به میزان ۵۷ افزایش یافته است، که حاصلِ تمامی تغییراتِ این دارائی‌های ثبت شده در حساب‌های انباشت است، تشکیل سرمایه ناخالص (۳۵)، مصرف سرمایه ثابت (۲۷-)، تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها (۳)، تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی تولید نشده (۲)، سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها (۰) و منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن (۴۴) است. دارائی‌های مالی به میزان ۹ کاهش یافته است (خالص واگذاری دارائی‌های مالی ۱۰، سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها(۰)، منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن، ۱). در سمت چپ، بدهی‌ها به میزان ۱۰۲ افزایش یافته است، که بازهم ناشی از تمام تغییرات در بدهی‌های ثبت شده در حساب‌های انباشت است (با خالص تقبل بدهی‌ها (۹۳)، سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها (۲)، بازارزش‌گذاری بدهی‌ها (۷)). بنابراین دارائی‌های انتهای دوره ۲۳۳ ۱ (۳۸۷+۸۴۶) و بدهی‌های انتهای دوره ۷۸۹ است؛ ارزش ویژه‌ی انتهای دوره (۴۴۴) کاهشی برابر با ۵۴ در طول سال نشان می‌دهد. منابع این تغییرات در ارزش ویژه در سمت چپ حساب، در حالی که تغییرات ترازنامه را نشان می‌دهد خلاصه شده است، تغییرات ارزش ویژه در اثرِ پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای (۹۰-، همچنین سمت چپ حساب سرمایه را ببینید)، در اثرِ سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها (۲- ، همچنین سمت چپ حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها را ببینید) و در اثرِ منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن (۳۸، همچنین سمت چپ حساب بازارزش‌گذاری را ببینید).

۲. حساب دنیای خارج

۱۶-۷۰ همان طور که پیش از این توضیح داده شد، حساب‌های دنیای خارج از دیدگاه دنیای خارج ارائه می‌شود. واردات کالاها و خدمات (۴۹۹) گرچه نشانگر یک جریان خروجی از اقتصاد ملی هستند ولی برای دنیای خارج منابع به حساب می‌آیند و صادرات (۵۴۰) مصارف دنیای خارج هستند. بنابراین واردات در سمت چپ جدول و صادرات در سمت راست نشان داده می‌شوند. حساب خارجی کالاها و خدمات در همان سطح حساب تولید برای بخش‌های نهادی نشان داده می‌شود. تراز خارجی کالاها و خدمات ۴۱- است. با علامت مثبت، برای دنیای خارج مازاد (برای ملت کسری) محسوب می‌شود و برعکس.

۱۶-۷۱ همان گونه که در ارتباط با جدول ۱۶-۳ توضیح داده شد، تراز خارجی درآمد اولیه ۱۰- و درآمد ثانوی ۳۸ است، تراز جاری خارجی ۱۳- است.

۱۶-۷۲ تراکنش‌های حساب‌های انباشت هنگامی که مربوط به دنیای خارج باشند (عمدتاً انتقالات سرمایه‌ای و تراکنش‌های مالی) در ستون‌های دنیای خارج نشان داده می‌شوند. ستون‌های دنیای خارج میزان موجودی دارائی‌ها و بدهی‌های دنیای خارج را در مقابل ملت (حساب دارائی‌ها و بدهی‌های خارجی) نشان می‌دهند. سطر "تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای" برای دنیای خارج، با تراز جاری خارجی و انتقالات سرمایه‌ای متناظر است.

جدول ۱۶-۴: خلاصه‌ی حساب جاری با جزئیات بخش‌ها- مصارف

مصارف

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHs	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
واردات کالاها و خدمات								۴۹۹	۴۹۹
واردات کالاها								۳۹۲	۳۹۲
واردات خدمات								۱۰۷	۱۰۷
صادرات کالاها و خدمات							۵۴۰		۵۴۰
صادرات کالاها							۴۶۲		۴۶۲
صادرات خدمات							۷۸		۷۸
حساب تولید									
ستانده								۳ ۶۰۴	۳ ۶۰۴
ستانده بازاری								۳ ۰۷۷	۳ ۰۷۷
ستانده برای استفاده نهائی خود								۱۴۷	۱۴۷
ستانده‌ی غیر بازاری								۳۸۰	۳۸۰
مصرف واسطه	۱ ۴۷۷	۵۲	۲۲۲	۱۱۵	۱۷	۱ ۸۸۳			۱ ۸۸۳
مالیات بر محصول								۱۴۱	۱۴۱
یارانه بر محصول (−)								−۸	−۸
ارزش افزوده‌ی ناخالص/ محصول ناخالص داخلی	۱ ۳۳۱	۹۴	۱۲۶	۱۵۵	۱۵	۱ ۸۵۴			۱ ۸۵۴
مصرف سرمایه ثابت	۱۵۷	۱۲	۲۷	۲۳	۳	۲۲۲			۲۲۲
ارزش افزوده، خالص/ محصول خالص داخلی	۱ ۱۷۴	۸۲	۹۹	۱۳۲	۱۲	۱ ۶۳۲			۱ ۶۳۲
تراز خارجی کالاها و خدمات							−۴۱		−۴۱
حساب ایجاد درآمد									
جبران خدمات کارکنان	۹۸۶	۴۴	۹۸	۱۱	۱۱	۱ ۱۵۰			۱ ۱۵۰
مالیات بر تولید و واردات						۲۳۵			۲۳۵
مالیات بر محصول						۱۴۱			۱۴۱
سایر مالیات بر تولید	۸۸	۴	۱	۰	۱	۹۴			۹۴
یارانه						−۴۴			−۴۴
یارانه‌ی محصول						−۸			−۸
سایر یارانه‌ی محصول	−۳۵	۰	۰	−۱	۰	−۳۶			−۳۶
مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
مصرف سرمایه ثابت مربوط به مازاد عملیاتی ناخالص	۱۵۷	۱۲	۲۷	۱۵	۳	۲۱۴			
مصرف سرمایه ثابت مربوط به درآمد مختلط ناخالص				۸		۸			
مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
درآمد مختلط، خالص				۵۳		۵۳			۵۳
حساب تخصیص درآمد اولیه									
جبران خدمات کارکنان							۶		۶
مالیات بر تولید و واردات									۰
یارانه									۰
درآمد دارائی	۱۳۴	۱۶۸	۴۲	۴۱	۶	۳۹۱	۴۴		۴۳۵
تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲
حساب توزیع ثانوی درآمد									
انتقالات جاری	۹۸	۲۷۷	۳۴۸	۵۸۲	۷	۱ ۲۱۲	۱۷		۱ ۲۲۹
مالیات جاری بر درآمد، ثروت، و غیره	۲۴	۱۰	۰	۱۷۸	۰	۲۱۲	۱		۲۱۳
خالص حق بیمه‌های اجتماعی				۳۳۳		۳۳۳	۰		۳۳۳
مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیر نقدی	۶۲	۲۰۵	۱۱۲	۰	۵	۳۸۴	۰		۳۸۴
مزایای نقدی طرح مساعدت اجتماعی			۵۲			۵۲			۵۲
سایر انتقالات اجتماعی	۱۲	۶۲	۱۳۶	۷۱	۲	۲۸۳	۱۶		۲۹۹
درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
درآمد قابل تصرف، خالص	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴
حساب مصرف درآمد قابل تصرف									
مخارج مصرف نهائی			۳۵۲	۱ ۰۱۵	۳۲	۱ ۳۹۹			۱ ۳۹۹
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	۰	۱۱	۰		۰	۱۱	۰		۱۱
پس‌انداز، ناخالص	۲۲۸	۱۴	−۳۵	۲۱۵	۵	۴۲۷			۴۲۷
پس‌انداز، خالص	۷۱	۲	−۶۲	۱۹۲	۲	۲۰۵			۲۰۵
تراز خارجی جاری							−۱۳		−۱۳

جدول ۱۶-۴ (ادامه): خلاصه‌ی حساب جاری با جزئیات بخش‌ها- منابع

منابع

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
واردات کالاها و خدمات							۴۹۹		۴۹۹
واردات کالاها							۳۹۲		۳۹۲
واردات خدمات							۱۰۷		۱۰۷
صادرات کالاها و خدمات								۵۴۰	۵۴۰
صادرات کالاها								۴۹۲	۴۹۲
صادرات خدمات								۷۸	۷۸
حساب تولید									
ستانده	۲ ۸۰۸	۱۴۶	۳۸۴	۲۷۰	۳۲	۳ ۶۰۴			۳ ۶۰۴
ستانده بازاری	۲ ۸۰۸	۱۴۶	۰	۱۲۳	۰	۳ ۰۷۷			۳ ۰۷۷
ستانده برای استفاده نهائی خود	۰	۰	۰	۱۴۷	۰	۱۴۷			۱۴۷
ستانده غیر بازاری			۳۴۸		۳۲	۳۸۰			۳۸۰
مصرف واسطه								۱ ۸۸۳	۱ ۸۸۳
مالیات بر محصول						۱۴۱			۱۴۱
یارانه بر محصول (−)						−۸			−۸
حساب ایجاد درآمد									
ارزش افزوده‌ی ناخالص/ محصول ناخالص داخلی	۱ ۳۳۱	۹۴	۱۲۶	۱۵۵	۱۵	۱ ۸۵۴			۱ ۸۵۴
ارزش افزوده، خالص/ محصول خالص داخلی	۱ ۱۷۴	۸۲	۹۹	۱۳۲	۱۲	۱ ۶۳۲			۱ ۶۳۲
جبران خدمات کارکنان									
مالیات بر تولید و واردات									
مالیات بر محصول									
سایر مالیات بر تولید									
یارانه									
یارانه‌ی محصول									
سایر یارانه‌ی محصول									
حساب تخصیص درآمدهای اولیه									
مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
درآمد مختلط، خالص				۵۳		۵۳			۵۳
جبران خدمات کارکنان				۱ ۱۵۴		۱ ۱۵۴	۲		۱ ۱۵۶
مالیات بر تولید و واردات			۲۳۵			۲۳۵			۲۳۵
یارانه			−۴۴			−۴۴			−۴۴
درآمد دارائی	۹۶	۱۴۹	۲۲	۱۲۳	۷	۳۹۷	۳۸		۴۳۵
حساب توزیع ثانوی درآمد									
تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
تراز درآمدهای اولیه، خالص/ درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲
انتقالات جاری	۷۲	۲۷۵	۳۶۷	۴۲۰	۴۰	۱ ۱۷۴	۵۵		۱ ۲۲۹
مالیات جاری بر درآمد، ثروت، و غیره			۲۱۳			۲۱۳	۰		۲۱۳
خالص حق بیمه‌های اجتماعی	۶۶	۲۱۳	۵۰	۰	۴	۳۳۳	۰		۳۳۳
مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیر نقدی				۳۸۴		۳۸۴	۰		۳۸۴
مزایای نقدی طرح مساعدت اجتماعی				۵۲		۵۲			۵۲
سایر انتقالات اجتماعی	۶	۶۲	۱۰۴	۳۶	۳۶	۲۴۴	۵۵		۲۹۹
حساب مصرف درآمد قابل تصرف									
درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
درآمد قابل تصرف، خالص	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴
مخارج مصرف نهائی								۱ ۳۹۹	۱ ۳۹۹
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				۱۱		۱۱	۰		۱۱

جدول ۱۶-۵: خلاصه‌ی حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها با جزئیات بخش‌ها: دارائی‌ها و تغییرات دارائی

تغییرات در دارائی‌ها

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
حساب سرمایه									
تشکیل سرمایه ناخالص	۳۰۸	۸	۳۸	۵۵	۵	۴۱۴			۴۱۴
تشکیل سرمایه خالص	۱۵۱	-۴	۱۱	۳۲	۲	۱۹۲			۱۹۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۲۸۰	۸	۳۵	۴۸	۵	۳۷۶			۳۷۶
مصرف سرمایه ثابت	-۱۵۷	-۱۲	-۲۷	-۲۳	-۳	-۲۲۲			-۲۲۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بر حسب نوع دارائی									
تغییرات موجودی انبار	۲۶	۰	۰	۲	۰	۲۸			۲۸
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	۲	۰	۳	۵	۰	۱۰			۱۰
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده	-۷	۰	۲	۴	۱	۰			۰
انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی									
انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی									
خالص وام‌دهی (+)/ خالص وام‌گیری (-)	-۵۶	-۱	-۱۰۳	۱۷۴	-۴	۱۰	-۱۰		۰
حساب مالی									
خالص تحصیل دارائی‌های مالی	۸۳	۱۷۲	-۱۰	۱۸۹	۲	۴۳۶	۴۷		۴۸۳
طلای پولی و SDR		-۱				-۱	۱		۰
پول و سپرده	۳۹	۱۰	-۲۶	۶۴	۲	۸۹	۱۱		۱۰۰
اوراق بدهی	۷	۶۶	۴	۱۰	-۱	۸۶	۹		۹۵
وام‌ها	۱۹	۵۳	۳	۳	۰	۷۸	۴		۸۲
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۱۰	۲۸	۳	۶۶	۰	۱۰۷	۱۲		۱۱۹
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱	۷	۱	۳۹	۰	۴۸	۰		۴۸
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۳	۰	۱۴	۰		۱۴
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	۴	۱	۵	۴	۱	۱۵	۱۰		۲۵
حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها									
جمع سایر تغییرات در حجم	۱۴	-۱	۰	۰	۰	۱۳			۱۳
دارائی‌های غیرمالی تولید شده	-۲	-۲	-۳	۰	۰	-۷			-۷
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۱۴	۰	۳	۰	۰	۱۷			۱۷
دارائی‌های مالی	۲	۱	۰	۰	۰	۳			۳
حساب بازارزش‌گذاری									
منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن									
دارائی‌های غیرمالی	۱۴۴	۴	۴۴	۸۰	۸	۲۸۰			۲۸۰
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۸	۵۷	۱	۱۶	۲	۸۴	۷		۹۱
منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن									
دارائی‌های غیرمالی	۱۰۱	۳	۳۲	۵۶	۶	۱۹۸			۱۹۸
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۱۸	۷۱	۸	۳۶	۳	۱۳۶	۱۲		۱۴۸
منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن									
دارائی‌های غیرمالی	۴۳	۱	۱۲	۲۴	۲	۸۲			۸۲
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	-۱۰	-۱۴	-۷	-۲۰	-۱	-۵۲	-۵		-۵۷
موجودی‌ها و تغییرات در دارائی‌ها									
ترازنامه ابتدای دوره									
دارائی‌های غیرمالی	۲ ۱۵۱	۹۳	۷۸۹	۱ ۴۲۹	۱۵۹	۴ ۶۲۱			۴ ۶۲۱
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۹۸۲	۳ ۴۲۱	۳۹۶	۳ ۲۶۰	۱۷۲	۸ ۲۳۱	۸۰۵		۹ ۰۳۶
کل تغییرات در دارائی‌ها و بدهی‌ها									
دارائی‌های غیرمالی	۳۰۰	-۲	۵۷	۱۱۶	۱۱	۴۸۲			۴۸۲
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۹۳	۲۳۰	-۹	۲۰۵	۴	۵۲۳	۵۴		۵۷۷
ترازنامه انتهای دوره									
دارائی‌های غیرمالی	۲ ۴۵۱	۹۱	۸۴۶	۱ ۵۴۵	۱۷۰	۵ ۱۰۳			۵ ۱۰۳
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۱ ۰۷۵	۳ ۶۵۱	۳۸۷	۳ ۴۶۵	۱۷۶	۸ ۷۵۴	۸۵۹		۹ ۶۱۳

جدول ۱۶-۵ (ادامه): خلاصه‌ی حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها با جزئیات بخش‌ها: بدهی‌ها، ارزش ویژه و تغییرات آن‌ها

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
حساب سرمایه									
پس‌انداز، خالص	۷۱	۲	−۶۲	۱۹۲	۲	۲۰۵			۲۰۵
تراز جاری خارجی							−۱۳		−۱۳
تشکیل سرمایه ناخالص								۴۱۴	۴۱۴
تشکیل سرمایه خالص								۱۹۲	۱۹۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص								۳۷۶	۳۷۶
مصرف سرمایه ثابت								−۲۲۲	−۲۲۲
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بر حسب نوع دارائی									
تغییرات موجودی انبار								۲۸	۲۸
تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها								۱۰	۱۰
تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده								۰	۰
انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی	۳۳	۰	۶	۲۳	۰	۶۲	۴		۶۶
انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی	−۱۶	−۷	−۳۴	−۵	−۳	−۶۵	−۱		−۶۶
تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای	۸۸	−۵	−۹۰	۲۱۰	−۱	۲۰۲	−۱۰		۱۹۲
حساب مالی									
خالص وام‌دهی (+) / خالص وام‌گیری (−)	−۵۶	−۱	−۱۰۳	۱۷۴	−۴	۱۰	−۱۰		۰
خالص تحصیل بدهی‌ها	۱۳۹	۱۷۳	۹۳	۱۵	۶	۴۲۶	۵۷		۴۸۳
طلای پولی و SDR									
پول و سپرده		۶۵	۳۷			۱۰۲	−۲		۱۰۰
اوراق بدهی	۶	۳۰	۳۸	۰	۰	۷۴	۲۱		۹۵
وام‌ها	۲۱	۰	۹	۱۱	۶	۴۷	۳۵		۸۲
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۸۳	۲۲				۱۰۵	۱۴		۱۱۹
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد		۴۸	۰			۴۸	۰		۴۸
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۰	۰	۱۱	۳		۱۴
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	۲۶	۰	۹	۴		۳۹	−۱۴		۲۵
حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها									
جمع سایر تغییرات در حجم	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
دارائی‌های مالی	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۴	−۱	−۲	−۱	۰	۱۰			۱۰
حساب بازارزش‌گذاری									
منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن دارائی									
دارائی‌های غیرمالی									
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۱۸	۵۱	۷	۰	۰	۷۶	۱۵		۹۱
تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن	۱۳۴	۱۰	۳۸	۹۶	۱۰	۲۸۸	−۸		۲۸۰
منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن									
دارائی‌های غیرمالی									
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۳۷	۶۸	۱۳	۵	۳	۱۲۶	۲۲		۱۴۸
تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن	۸۲	۶	۲۷	۸۷	۶	۲۰۸	−۱۰		۱۹۸
منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن									
دارائی‌های غیرمالی									
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	−۱۹	−۱۷	−۶	−۵	−۳	−۵۰	−۷		−۵۷
تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن	۵۲	۴	۱۱	۹	۴	۸۰	۲		۸۲
موجودی‌ها و تغییرات در دارائی‌ها									
ترازنامه ابتدای دوره									
دارائی‌های غیرمالی									
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۳ ۲۲۱	۳ ۵۴۴	۶۸۷	۱۸۹	۱۲۱	۷ ۷۶۲	۱ ۲۷۴		۹ ۰۳۶
ارزش ویژه	−۸۸	−۳۰	۴۹۸	۴ ۵۰۰	۲۱۰	۵ ۰۹۰	− ۴۶۹		۴ ۶۲۱
کل تغییرات در دارائی‌ها و بدهی‌ها									
دارائی‌های غیرمالی									
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۱۵۷	۲۲۴	۱۰۲	۱۶	۶	۵۰۵	۷۲		۵۷۷
تغییرات ارزش ویژه، کل	۲۳۶	۴	−۵۴	۳۰۵	۹	۵۰۰	−۱۸		۴۸۲
پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای	۸۸	−۵	−۹۰	۲۱۰	−۱	۲۰۲	−۱۰		۱۹۲
سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	۱۴	−۱	−۲	−۱	۰	۱۰			۱۰
منفعت/ زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن	۱۳۴	۱۰	۳۸	۹۶	۱۰	۲۸۸	−۸		۲۸۰
منفعت/ زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن	۸۲	۶	۲۷	۸۷	۶	۲۰۸	−۱۰		۱۹۸
منفعت/ زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن	۵۲	۴	۱۱	۹	۴	۸۰	۲		۸۲
ترازنامه انتهای دوره									
دارائی‌های غیرمالی									
دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها	۳ ۳۷۸	۳ ۷۶۸	۷۸۹	۲۰۵	۱۲۷	۸ ۲۶۷	۱ ۳۴۶		۹ ۶۱۳
ارزش ویژه	۱۴۸	−۲۶	۴۴۴	۴ ۸۰۵	۲۱۹	۵ ۵۹۰	−۴۸۷		۵ ۱۰۳

۳. حساب کالاها و خدمات

۱۶-۷۳ در حساب‌های اقتصادی یکپارچه، حساب کالاها و خدمات در یک ستون و نه یک سطر نشان داده می‌شود. این حساب، تراکنش‌های مختلف کالاها و خدمات را که در حساب‌های بخش‌های نهادی نشان داده شده‌اند منعکس می‌کند. مصرف واسطه و مصرف نهائی به عنوان مصارف در حساب‌های نهادی در سمت راست حساب نشان داده می‌شوند. در حساب کالاها و خدمات، این اقلام در ستون سمت چپ نشان داده می‌شوند، حتی اگرچه سمت چپ به طور کلی برای منابع نگه داشته می‌شود و مصرف جزو مصارف است و نه منابع. این ساز و کارِ استفاده از سمت مقابل، بدون این که یک امر معمولی باشد، ترازی را برای هر سطر از اقلام نشان داده شده در حساب کالاها و خدمات بوجود می‌آورد. در سمت منابع جدول، ارقام نشان داده شده در ستون کالاها و خدمات، طرف‌های مقابلِ مصارفِ انجام شده توسط بخش‌های مختلف و دنیای خارج هستند: صادرات (۵۴۰)، مصرف واسطه (۸۸۳ ۱)، مخارج مصرف نهائی یا مصرف نهائی واقعی (۳۹۹ ۱)، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (۳۷۶)، تغییراتِ موجودی انبار (۲۸) و تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها (۱۰). در سمت مصارف جدول، ارقام ستون کالاها و خدمات، طرف‌های مقابل منابع بخش‌های مختلف و دنیای خارج هستند: واردات (۴۹۹)، و ستانده (۶۰۴ ۳). در همان سمت مالیات منهای یارانه بر محصول (۱۳۳) مستقیماً در ستون کالاها و خدمات نشان داده می‌شوند. آن‌ها اجزای ارزش عرضه کالاها و خدمات هستند که طرف مقابلی در ارزش ستانده هر بخش نهادی ندارند.

۴. ستون کل اقتصاد

۱۶-۷۴ ستون‌های کل اقتصاد باقی مانده است که توضیح داده شود. بجز مالیات منهای یارانه بر محصول و محصول ناخالص و خالص داخلی، ارقام این ستون‌ها فقط جمع ارقام متناظر بخش‌های نهادی هستند. حساب تولید برای کل اقتصاد در سمت منابع ستانده (یعنی کل ستانده اقتصاد (۶۰۴ ۳)) و مالیات منهای یارانه بر محصول (۱۳۳) را در بر می‌گیرد که این قلمِ آخرِ طرف مقابل رقم نشان داده شده در سمت راست ستون کالاها و خدمات است. طرف مصارف حساب تولید برای کل اقتصاد مصرف واسطه (۱۸۸۳) و محصول داخلی به قیمت‌های بازار (۸۵۴ ۱ناخالص، ۶۳۲ ۱ خالص) را نشان می‌دهد. قلم آخر، حاصلِ جمعِ ارزش‌افزوده‌ی بخش‌های مختلف و مالیات منهای یارانه بر محصول است. در این صورت، محصول داخلی در سمت چپ به عنوان منابع حساب ایجاد درآمد برای کل اقتصاد نشان داده می‌شود. مالیات منهای یارانه بر محصول باز هم در سمت راست در ستون کل اقتصاد و در سمت چپ به عنوان منابع دولت (و دنیای خارج اگر مورد داشته باشد) نشان داده می‌شود. این مسیریابی دوگانه‌ی مالیات منهای یارانه بر محصول به این منظور ساخته می‌شود تا محصول ناخالص و خالص داخلی همان گونه که در بالا توضیح داده شد مستقیماً از سرتاسر حساب‌ها بدست آید.

۱۶-۷۵ دیگر اقلام ستون کل اقتصاد توضیح سرخود هستند. درآمد خالص ملی به قیمت‌های بازار (۶۴۲ ۱) مستقیماً به صورت حاصل جمع تراز درآمدهای اولیه بخش‌های مختلف نشان داده می‌شود؛ درآمد ملی قابل تصرف، پس‌انداز ملی و غیره، به طورمستقیم هم بدست می‌آیند.

فصل۱۷: موضوعات چند وجهی و خاص

قسمت ۱: نحوه برخورد با بیمه

الف. مقدمه

۱-۱۷ در ساده‌ترین شکل، بیمه توافق بین یک شرکت بیمه و واحد نهادی دیگری است که دارنده‌ی بیمه‌نامه نامیده می‌شود. طبق این توافق، دارنده‌ی بیمه‌نامه به شرکت بیمه (حق بیمه) پرداخت می‌کند و، اگر یا هنگامی که رویداد تعیین شده رخ دهد، شرکت بیمه به دارنده‌ی بیمه‌نامه (خسارت) پرداخت می‌کند. به این ترتیب، دارنده‌ی بیمه‌نامه خود را در برابر اشکال مختلف خطر محافظت می‌کند؛ هدف شرکت بیمه از مشارکت در خطرها این است که از حق بیمه‌های دریافتی بیشتر از آنچه که باید به عنوان خسارت پرداخت کند، بدست آوَرَد. اما، تنها ثبت حق بیمه‌ها و خسارت‌های واقعی پرداخت شده پیوند بین حق بیمه‌ها و خسارت‌ها را در حساب‌های SNA منعکس نخواهد کرد. در عوض، برخی تراکنش‌های واقعی افرازبندی می‌شوند و تراکنش‌های دیگری نیز احتساب می‌شوند تا فرآیندهای اقتصادی اساسی که در واقع رخ داده‌اند بدست آید.

۲-۱۷ متداول‌ترین شکل بیمه، بیمه مستقیم است که به موجب آن یک شرکت بیمه برای نوع دیگری از واحدهای نهادی بیمه-نامه صادر می‌کند ولی مهمترین شکل بیمه، بیمه‌ای است که یک شرکت بیمه برای شرکت بیمه دیگری ارائه می‌دهد. این نوع بیمه، بیمه اتکائی نامیده می‌شود.

۳-۱۷ این قسمت از فصل ۱۷ به بیمه مستقیم و بیمه اتکائی می‌پردازد. در این بخش سعی بر این است که تمامی اقلام ورودی حساب‌ها در رابطه با بیمه گرد هم آورده شوند و ارتباطات متقابل بین آن‌ها توضیح داده شوند. قسمت ۲ به مزایای بازنشستگی و غیربازنشستگی در طرح‌های بیمه‌های اجتماعی می‌پردازد.

۴-۱۷ تعریف برخی واژگان خاصِ صنعت (رشته فعالیت) بیمه قبل از بررسی مفصل‌تر آن می‌تواند مفید واقع شود. در بیمه‌های مستقیم، واژه‌ی حق‌بیمه برای پرداخت بیمه‌گذار به شرکت بیمه بکار می‌رود؛ واژه‌ی خسارت برای پرداخت شرکت بیمه به بیمه‌گذار در بیمه‌های غیرزندگی و واژه‌ی مزایا برای بیمه‌های زندگی بکار می‌رود. ***حق بیمه‌ی واقعی مبلغ پرداختنی به بیمه‌گر مستقیم یا اتکائی برای تأمین پوشش بیمه‌ای یک رویداد خاص طی دوره‌ی زمانی اظهار شده است.*** حق بیمه‌های واقعی از طریق مبالغ پرداختنی پس از به‌حساب آوردن تمامی کمک‌ها، تخفیف‌ها و جوایز، اندازه‌گیری می‌شوند. پوشش بیمه اغلب برای یک سال از زمانی که حق بیمه در ابتدای آن پرداخت می‌شود فراهم می‌گردد، گرچه این امکان هم وجود دارد که پوشش بیمه برای دوره‌های کوتاه‌تر (یا طولانی تر) فراهم شود و حق بیمه هم ممکن است به اقساطِ مثلاً ماهانه پرداختنی شود.

۵-۱۷ ***حق بیمه عاید شده آن قسمت از حق بیمه واقعی است که به پوشش بیمه‌ای فراهم شده در دوره حسابداری مربوط می‌شود.*** برای مثال، اگر بیمه نامه‌ای سالانه با حق بیمه‌ای برابر با ۱۲۰ واحد در اول آوریل به اجرا درآید و حساب‌ها برای یک سال تقویمی تهیه شوند، حق بیمه عاید شده برای سال تقویمی مورد نظر، ۹۰ است. ***حق بیمه عاید نشده آن میزان حق بیمه‌ی واقعی دریافت شده است که به بعد از انتهای دوره‌ی حسابداری مربوط می‌شود.*** در مثال ارائه شده، در

انتهای دوره‌ی حسابداری حق بیمه عاید نشده‌ای برابر با ۳۰ وجود خواهد داشت که برای پوشش بیمه سه ماهه اول سال بعد در نظر گرفته شده است. ***خسارت (مزایا) مبلغ پرداختنی به دارنده‌ی بیمه‌نامه توسط بیمه‌گر مستقیم یا اتکائی در رابطه با رخداد پوشش داده شده بوسیله‌ی بیمه‌نامه است که در دوره‌ای که بیمه نامه برای آن اعتبار دارد رخ داده باشد.*** خسارت‌ها عموماً هنگامی پرداختنی می‌شوند که واقعه‌ی مورد نظر رخ داده باشد، هرچند که پرداخت خسارت با تأخیر انجام می‌شود. (استثناء برای قاعده کلی در بخش پ شرح داده شده است). در برخی موارد اعتراض آمیز، تأخیر بین رخداد واقعه‌ای که منجر به خسارت شده و تسویه‌ی خسارت ممکن است سال‌ها بطول انجامد. ***خسارت معوقه خسارت‌هائی را پوشش می‌دهند که هنوز گزارش نشده‌اند، یا گزارش شده ولی هنوز تسویه نشده‌اند یا هم گزارش شده و هم تسویه شده‌اند ولی هنوز پرداخت نشده‌اند.***

۱. بیمه مستقیم

۶-۱۷ دو نوع بیمه مستقیم وجود دارد، بیمه‌ی زندگی و بیمه‌ی غیرزندگی. ***بیمه‌ی زندگی فعالیتی است که به موجب آن دارندی بیمه‌نامه پرداخت‌های منظمی را به یک بیمه‌گر انجام می‌دهد تا در ازای آن بیمه‌گر تضمین کند که مبلغ یا مستمری توافق شده‌ای را برای دارنده‌ی بیمه‌نامه (یا در برخی موارد شخص معین دیگری) در تاریخ معینی یا اگر دارنده‌ی بیمه-نامه قبل از موعد بمیرد پیش از آن تاریخ فراهم کند.*** مبلغ پرداختنی تحت این بیمه‌نامه (مزایا) ممکن است ثابت باشد یا برحسب درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری حق بیمه‌ها درطول دوره‌ای که این بیمه اجرا می‌شود، متغیر باشد. برای بیمه نامه‌های با برگشت سرمایه‌ی متغیر، معمولاً از اصطلاح بیمه‌ی زندگی "مشارکت در منافع (همراه با سود)" یا بیمه‌نامه‌ی عمر مختلط پس‌انداز استفاده می‌شود. هرچند تاریخ و مبلغ آن‌ها ممکن است متغیر باشد، مزایا همیشه با توجه به بیمه‌نامه‌ی زندگی پرداخت می‌شود. ***بیمه‌ی غیرزندگی فعالیتی مشابه با بیمه زندگی است بجز این که تمامی خطرات دیگر، تصادفات، بیماری، آتش سوزی و غیره را پوشش می‌دهد.*** بیمه نامه‌ای که در صورت رخداد مرگ در داخل دوره‌ی معینی و نه در شرایط دیگری مزایائی فراهم می‌کند و معمولاً بیمه‌ی زمانی نامیده می‌شود، به عنوان بیمه‌ی غیرزندگی درنظر گرفته می‌شود زیرا، همانند دیگر بیمه‌های غیرزندگی، خسارت فقط هنگامی پرداختنی می‌شود که احتمال مشخصی نه غیر از آن رخ دهد. در عمل، به دلیل روش نگه‌داری حساب‌ها در شرکت‌های بیمه، ممکن است همیشه جداسازی بیمه‌ی زمانی از بیمه‌ی زندگی امکان پذیر نباشد. در این شرایط بناچار صرفاً به دلایل عملی، بیمه‌ی زمانی همانند بیمه‌ی زندگی عمل می‌شود.

۷-۱۷ وجه مشترک بین بیمه زندگی و بیمه غیرزندگی، درگیر شدن هردوی آن‌ها در ریسک‌های بزرگ است. بیمه‌گران، تعداد زیادی مبالغ (نسبتاً) کوچک حق بیمه از دارندگان بیمه‌نامه دریافت می‌کنند و هنگامی که رویداد احتمالی پوشش داده شده از طریق بیمه‌نامه رخ می‌دهد مبالغ بسیار بزرگتری را به مدعیان خسارت پرداخت می‌کنند. در بیمه‌ی غیرزندگی، ریسک‌ها بین کل جمعیتی که دارای قرارداد بیمه هستند پخش می‌شوند. برای مثال، شرکت بیمه میزان حق‌بیمه‌هائی را که از وسایل نقلیه برای یک سال مطالبه می‌کند با ارتباط دادن آن به مبلغ خسارتی که انتظار می‌رود در مورد بیمه‌ی وسایل نقلیه در همان سال پرداخت کند تعیین می‌کند. به طور معمول، تعداد مدعیان خسارت بسیار کمتر از تعداد دارندگان بیمه‌نامه است. برای هر دارنده‌ی بیمه‌نامه‌ی غیرزندگی رابطه‌ی بین حق بیمه‌های پرداختی و خسارت‌های دریافتی، حتی در بلند مدت، وجود ندارد ولی شرکت بیمه چنین رابطه‌ای را برای هر طبقه از بیمه غیرزندگی به صورت سالانه برقرار می‌کند. در بیمه‌ی زندگی، رابطه بین حق بیمه‌ها و خسارت‌ها در طول زمان هم برای دارندگان بیمه‌نامه و هم برای شرکت بیمه مهم است. کسی که بیمه‌نامه‌ی زندگی دارد، انتظار دارد میزان مزایائی را که قرار است دریافت کند حداقل به اندازه‌ی حق بیمه‌های پرداختی تا زمان دریافت مزایا باشد تا بتواند آن را به شکلی از پس‌انداز نگاه کند. شرکت بیمه باید هنگام تعیین رابطه‌ی بین میزان حق بیمه‌ها و مزایا، این جنبه از یک بیمه را با محاسبات بیمه سنجی (اکچوئری) مربوط به امید زندگی جمعیت بیمه شده (شامل خطرات حوادث مرگبار) درهم آمیزد. علاوه براین، در فاصله بین دریافت حق بیمه‌ها و پرداخت مزایا، شرکت بیمه درآمدی را از سرمایه‌گذاری حق بیمه‌های دریافتی بدست می‌آورد. این

درآمد هم بر تعیین میزان حق بیمه‌ها و مزایا توسط شرکت بیمه تأثیر می‌گذارد.

۸-۱۷ علیرغم تشابه فعالیت بیمه زندگی و بیمه غیرزندگی، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین آن‌ها وجود دارد که منجر به انواع مختلف اقلام ورودی درحساب‌های SNA می‌شود. بیمه غیرزندگی عبارت از بازتوزیع بین تمامی دارندگان بیمه‌نامه و تعدادی مدعیان خسارت در دوره جاری است. بیمه زندگی عمدتاً حق بیمه‌های پرداختی در طول یک دوره از زمان را بعداً به عنوان مزایای پرداختی به همان دارندگان بیمه‌نامه باز توزیع می‌کند. اساساً حق بیمه‌ها و مزایای بیمه‌ی زندگی تراکنش‌های مالی هستند نه تراکنش‌های جاری.

۹-۱۷ یکی از روش‌هائی که بر اساس آن می‌توان به ازای یک مبلغ پیش پرداختِ یکجا جریان درآمدهای منظمی را بدست آورد، بیمه مستمری است. مستمری‌های سالانه معمولاً توسط شرکت‌های بیمه‌ی زندگی ارائه می‌شوند و بنابراین، درباره ثبت آن‌ها در SNA در انتهای این قسمت بحث خواهد شد.

۲. بیمه اتکائی

۱۰-۱۷ درست مانند یک واحد نهادی که خود را در برابر پیامدهای مالیِ زیان‌ها یا خسارت‌ها محافظت می‌کند، یک شرکت بیمه هم ممکن است با بیمه‌ی مجدد نزد یک شرکت بیمه‌ی دیگری، خود را در برابر تعدادی از خسارت‌های غیرقابل پیش بینی بزرگ یا خسارت‌های استثنائیِ سنگین محافظت کند. تمامی شرکت‌های بیمه ممکن است شکلی از بیمه‌نامه‌های اتکائی را خریداری کرده باشند ولی تعداد کمی از شرکت‌های بزرگ، تخصصِ صدورِ بیمه‌نامه‌های اتکائی را دارند. از آنجا که این شرکت‌ها در چند مرکز مهم مالی متمرکز هستند، بسیاری از جریان‌های مربوط به بیمه اتکائی در تراکنش با دنیای خارج هستند. برای شرکت‌های بیمه‌ی اتکائی امر رایجی است که خود را نزد شرکت‌های بیمه‌ی دیگری مجدداً بیمه کنند تا ریسک خود را بیشتر از این توزیع کنند. این نوع بیمه‌ی مجدد بیمه‌ی اتکائیِ مجدد نامیده می‌شود.

۱۱-۱۷ بیمه‌های اتکائی بیشتر برای بیمه‌های غیرزندگی رایج است ولی ممکن است برای بیمه زندگی نیز استفاده شود. دو نوع بیمه اتکائی وجود دارد، بیمه اتکائی متناسب و بیمه اتکائی مازاد خسارت. در قرارداد بیمه اتکائی متناسب، بیمه‌گرِ اتکائی نسبت توافق شده‌ای از ریسک را می‌پذیرد؛ این نسبت از حق بیمه‌ها به بیمه‌گر "واگذار" می‌شود تا او بعداً همان نسبت از خسارت‌ها را تأمین کند. در این صورت، هرگونه کمیسیون بیمه اتکائی که توسط بیمه‌گر اتکائی (چه بیمه‌گر مستقیم چه بیمه‌گر اتکائی دیگر) به دارنده‌ی بیمه‌نامه پرداخت می‌شود، به صورت کاهش حق بیمه‌های اتکائی پرداختنی برخورد می‌شود. در بیمه‌ی اتکائیِ مازاد خسارت، بیمه‌گر اتکائی مسئولیت پرداخت کلِ زیان بالاتر از حد آستانه‌ی معین را به‌عهده می‌گیرد. اگر خسارت بالای حد آستانه وجود نداشته باشد یا تعداد آن کم باشد، بیمه‌گر اتکائی ممکن است سهمی از منفعت خود را به بیمه‌گر مستقیم منتقل کند. طبق قرارداد، به اشتراک‌گذاری منفعت مشابهِ پرداخت خسارت‌ها، به عنوان انتقالات جاری از بیمه‌گر اتکائی به بیمه‌گر مستقیم عمل می‌شود.

۳. واحدهای درگیر در فعالیت بیمه

۱۲-۱۷ واحدهای نهادی که در فعالیت‌های بیمه‌ی مستقیم و بیمه‌ی اتکائی درگیر می‌شوند، منحصراً شرکت‌های بیمه هستند. در اصل، انجام فعالیت بیمه برای انواع دیگر بنگاه‌ها به صورت فعالیت غیراصلی امکان پذیر است، ولی از قوانین و مقررات حاکم بر اجرای بیمه این مفهوم استنباط می‌شود که لازم است مجموعه حساب‌های جداگانه‌ای نگه داشته شود که تمام جنبه‌های فعالیت بیمه را پوشش دهد؛ بنابراین مطابق SNA، واحد متمایزی که در بخش شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی طبقه بندی شود قابل تشخیص خواهد بود. گاهی اوقات ممکن است دولت سایر فعالیت‌های بیمه‌ای انجام دهد، ولی در اینجا نیز به احتمال زیاد واحد متمایزی را می‌توان تشخیص داد. با توجه به این که بخش‌های دیگر به‌طور استثنائی درگیر فعالیت بیمه‌ای می‌شوند، در ادامه بحث فرض بر این است که تمامی فعالیت بیمه‌ای توسط شرکت‌های بیمه، چه مقیم و چه غیرمقیم، انجام می‌شوند.

ب. ستانده بیمه مستقیم

۱۳-۱۷ در بیمه‌ی غیرزندگی، شرکت بیمه حق‌بیمه‌هائی را از مشتریان می‌پذیرد و آن‌ها را نگه می‌دارد تا خسارتی رخ دهد یا دوره‌ی بیمه به پایان برسد. در این فاصله، شرکت بیمه حق‌بیمه‌ها را سرمایه‌گذاری می‌کند و درآمد سرمایه‌گذاری او منبع مالی اضافی است برای رویاروئی با هر نوع خسارتی که ممکن است پیش آید. درآمد سرمایه‌گذاری درآمد از دست رفته‌ی مشتریان است بنابراین به عنوان مکمل حق بیمه‌های واقعی تلقی می‌شود. شرکت بیمه میزان حق بیمه‌ها را طوری تعیین می‌کند که حاصل جمع حق بیمه‌های واقعی بعلاوه درآمد سرمایه‌گذاری عاید شده از آن‌ها منهای خسارت مورد انتظار، حاشیه‌ی سودی را برای شرکت بیمه ایجاد کند؛ این حاشیه نشانگر ستانده‌ی شرکت بیمه است. در چارچوب SNA، ستانده‌ی صنعت بیمه به تقلید از سیاست شرکت‌های بیمه در تعیین حق بیمه‌ها محاسبه می‌شود. برای این منظور لازم است چهار قلم جدا از یکدیگر تعریف شوند. این اقلام حق بیمه‌های عاید شده، حق بیمه‌های مکمل، خسارت‌های (یا مزایای) متحمل شده و ذخائر هستند. هریک از این اقلام قبل از بحث درباره اندازه‌گیری ستانده‌ی بیمه مستقیم غیرزندگی، بیمه مستقیم زندگی و بیمه اتکائی، به ترتیب مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۱. حق بیمه‌های عاید شده

۱۴-۱۷ همان‌گونه که در بخش الف توضیح داده شد، بین حق بیمه‌های واقعی که برای پوششِ بیمه در یک دوره‌ی معین پرداختنی هستند و حق بیمه‌های عاید شده که سهمی از حق بیمه‌های واقعی هستند که به دوره‌ی حسابداری مورد بحث مربوط می‌شوند نه دوره‌ی پوشش داده شده توسط بیمه نامه، تفاوت عمده‌ای وجود دارد.

۲. مکمل‌های حق بیمه

۱۵-۱۷ کل مبلغ پرداختنی در یک دوره‌ی معین، بخصوص در بیمه زندگی و با گستره‌ی کمتر در بیمه غیرزندگی، اغلب بیشتر از حق بیمه‌های دریافتنی است. این امر را شرکت بیمه می‌تواند بپذیرد زیرا خسارت‌های احتمالی پوشش داده شده توسط بیمه‌نامه‌ها، حتی برای کل جامعه‌ی پوشش داده شده، با پرداخت حق بیمه‌ها هم‌زمان رخ نمی‌دهند. حق بیمه‌ها معمولاً به طور منظم و اغلب در شروع یک دوره‌ی بیمه پرداخت می‌شوند، برعکس موعد پرداخت خسارت‌ها بعداً و در مورد بیمه‌ی زندگی اغلب چندین سال بعد فرا می‌رسد. بین زمانی که حق بیمه پرداخت می‌شود و زمانی که خسارت پرداختنی می‌شود، مبلغ حق بیمه‌ها در اختیار شرکت بیمه قرار دارد تا سرمایه‌گذاری کند و درآمدی از آن عاید شود. این مبالغ، ذخائر نامیده می‌شوند. درآمد عاید شده از ذخائر به شرکت بیمه این امکان را می‌دهد که میزان حق بیمه‌های مطالبه شده توسط آن‌ها کمتر از حق بیمه‌هائی باشد که در غیراین صورت مطالبه می‌کردند. در اندازه‌گیری صحیحِ خدمات ارائه شده باید اندازه این درآمدها و نیز اندازه نسبی حق بیمه‌ها و خسارت‌ها به حساب آورده شوند.

۱۶-۱۷ درآمد حاصل از سرمایه‌گذاریِ ذخائر شرکت‌های بیمه، نشان دهنده‌ی بدهی به بیمه‌گذاران است. در بیمه غیرزندگی، حتی اگر حق بیمه‌ای در شروع دوره‌ی مورد پوشش پرداختنی باشد، حق بیمه‌ها فقط با گذشت دوره به صورت مستمر به حق بیمه‌های عاید شده تبدیل می‌شوند. در هر لحظه از دوره‌ی مورد پوشش پیش از پایان آن، شرکت بیمه یک بدهی به دارندگان بیمه‌نامه در رابطه با خدمات و خسارت احتمالی که باید در آینده فراهم کند مدیون است. این شکلی از اعتبار گسترش یافته توسط دارنده بیمه‌نامه برای شرکت بیمه است که حق بیمه عاید نشده نامیده می‌شود. به طور مشابه، هرچند هنگامی که رویدادهای احتمالی مشخص شده در بیمه نامه رخ می‌دهد شرکت بیمه مدیون به پرداخت خسارت می‌شود، ولی ممکن است تا مدتی به دلیل مذاکره درباره میزان دین عملاً پرداختنی نباشند. این هم شکل مشابهی از اعتبار است که به عنوان ذخائر در مقابل خسارت‌های تسویه نشده (معوقه) نامیده می‌شود.

۱۷-۱۷ ذخائر مشابهی نیز برای بیمه زندگی وجود دارند ولی علاوه بر آن، دو عنصر دیگری از ذخائر بیمه، یعنی ذخائر بیمه سنجی

(اکچوئری) برای بیمه زندگی و ذخائر بیمه‌ی مشارکت در منافع (همراه با سود) وجود دارند. این ذخائر مبالغی را نشان می‌دهند که برای پرداخت مزایا در آینده کنار گذاشته می‌شوند. ذخائر معمولاً در دارائی‌های مالی سرمایه‌گذاری می‌شوند و درآمد آن به شکل درآمد سرمایه‌گذاری (بهره و سود تقسیم شده) است. اما گاهی اوقات، این ذخائر ممکن است برای ایجاد مازاد عملیاتی خالص، خواه در یک کارگاه جدا خواه به صورت فعالیت ثانوی، استفاده شود. رایج‌ترین مثال املاک و مستغلات است.

۱۷-۱۸ در بیمه‌نامه‌های زندگی این امر رایج است که هر ساله توسط شرکت بیمه مبلغی به دارندگان بیمه‌نامه تخصیص داده می‌شود. این مبلغ اغلب پاداش نامیده می‌شود. مبلغ مورد نظر عملاً به دارندگان بیمه‌نامه پرداخت نمی‌شود ولی بدهی شرکت بیمه به دارندگان بیمه‌نامه به این میزان افزایش می‌یابد. این مبلغ به عنوان درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان بیمه‌نامه نشان داده می‌شود. این واقعیت که قسمتی از این مبلغ ممکن است از منفعت ناشی از نگه‌داشتن حاصل شده باشد، تغییری در این تخصیص نمی‌دهد؛ تا جائی که به دارندگان بیمه‌نامه مربوط می‌شود، این مبلغ برگشت دارائی مالی است که در اختیار شرکت بیمه قرار داده شده است. علاوه براین، تمامی درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری ذخائر و هرگونه مازاد درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری ذخائر بیمه‌ی زندگی نسبت به مبالغی که به طور مشخص به دارندگان بیمه‌نامه تخصیص یافته است، صرف نظر از منشاء درآمد، به‌صورت درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان بیمه‌نامه نشان داده می‌شود.

۱۷-۱۹ همه‌ی درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان بیمه‌نامه ، خواه به طور مشخص توسط شرکت بیمه خواه به طور ضمنی مطابق SNA، تحت عنوان پرداختنی به دارندگان بیمه‌نامه در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شود. سپس همان مبلغ برای بیمه غیرزندگی در حساب توزیع ثانوی درآمد به عنوان مکمل‌های حق بیمه به شرکت بیمه بازپرداخت می‌شود. برای بیمه زندگی، حق بیمه‌ها و مکمل‌های حق بیمه و نیز مزایا در حساب مالی نشان داده می‌شوند.

۱۷-۲۰ برای بیمه مستقیم غیرزندگی، اصولاً درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه باید با توجه به سهم ذخائر منتسب شده به طبقات مختلف بیمه و دارندگان بیمه‌نامه تخصیص یابد. در عمل، روشی که متداول است توزیع درآمد سرمایه‌گذاری به نسبت حق بیمه‌های واقعی است. برای بیمه مستقیم زندگی، همه‌ی دارندگان بیمه‌نامه افراد هستند بنابراین درآمد سرمایه‌گذاری به خانوارها (احتمالاً شامل برخی خانوارهای غیرمقیم) منتسب می‌شود.

۳. خسارت‌ها و مزایا

ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی

۱۷-۲۱ میزان خسارت‌هائی که در بیمه‌نامه‌های بیمه‌ی غیرزندگی پرداخت می‌شوند از سالی به سال دیگر متغیر است و ممکن است رویدادهای استثنائی وجود داشته باشند که به خسارتی با مبلغ بسیار زیاد منجر شوند. اما مفهوم خدمت بیمه، خدمت فراهم کردن محافظت در برابر خطر (ریسک) است؛ تولید خدمات بیمه به طور مستمر و نه فقط هنگام رویداد ریسک رخ می‌دهد. به این ترتیب، اندازه‌گیری آن نباید متأثر از ناپایداری رخداد خطر باشد. نه حجم و نه قیمتِ خدمات بیمه مستقیماً متأثر از ناپایداری خسارت نیستند. شرکت بیمه میزان حق بیمه‌ها را براساس برآورد احتمال خسارت‌ها که خودش انجام داده است تنظیم می‌کند. به این دلیل، در فرمول بکار رفته در SNA، برای محاسبه‌ی ستانده نباید از خسارت‌های واقعی استفاده شود بلکه باید از رقمی استفاده شود که براساس تجربه‌ی گذشته و انتظارات آینده ساخته شده است. اصطلاح "خسارت‌های تعدیل شده" برای بیان میزان خسارت‌های بکار رفته در تعیین ارزش ستانده مورد استفاده قرارمی‌گیرد.

۱۷-۲۲ رقم خسارت‌های تعدیل شده ممکن است به روش آماری در رهیافت انتظارات مبتنی بر تجربیات پیشین درباره‌ی میزان خسارت‌ها بدست آید. اما، در بررسی تاریخ گذشته‌ی خسارت‌های پرداختنی باید سهم خسارت‌های جبران شده تحت بیمه‌نامه‌های اتکائی بیمه‌گر مستقیم (اگر وجود داشته باشند) تعدیل شود. برای مثال، هنگامی که بیمه‌گر مستقیم

بیمه‌ی اتکائی مازاد خسارت دارد، او میزان حق بیمه‌هایش را طوری تنظیم می‌کند که خسارت‌ها را تا حداکثر خسارت مورد پوشش بیمه‌نامه‌ی اتکائی‌اش بعلاوه حق بیمه‌ی اتکائی را که باید پرداخت کند پوشش دهد. در بیمه‌نامه‌ی اتکائیِ متناسب، او حق بیمه‌هایش را طوری تنظیم می‌کند که سهم خسارت‌هائی که باید پرداخت کند بعلاوه حق بیمه‌های اتکائی را پوشش دهد.

۱۷–۲۳ در روش دیگر، ممکن است رهیافتی با استفاده از اطلاعات حساب‌های شرکت بیمه اتخاذ شود. این روش ممکن است برابر سازی ذخیره را که نوعی تعدیل برای انعکاس تنوع خسارت‌ها از سالی به سال دیگر است منظور کند. بنابراین هر روشی که بکار رود، رقم خسارت تعدیل شده میزان مورد انتظار خسارت‌ها را تقریب می‌زند.

مزایای بیمه‌ی زندگی

۱۷–۲۴ مزایای بیمه زندگی مبلغی است که طبق بیمه‌نامه در دوره حسابداری مورد نظر پرداختنی است. در مورد بیمه‌ی زندگی هیچ تعدیلی لازم نیست برای ناپایداریِ غیر منتظره انجام شود.

۴. ذخائر

۱۷–۲۵ مفهوم ذخائر که در فرمول محاسبه‌ی ارزش ستانده‌ی بیمه بکار می‌رود با تعریف ذخائر فنی بیمه غیرزندگی و حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه‌ی تعریف شده در فصل ۱۳ مطابقت دارد. این‌ها شامل ذخائر حق بیمه‌های عاید نشده، ذخائر ریسک‌های منقضی نشده، ذخائر خسارت‌های معوقه و ذخائر پاداش‌ها و تخفیف‌ها هستند، که ذخائر پاداش‌ها و تخفیف‌ها تنها برای بیمه زندگی بکار می‌رود. پوشش حق بیمه‌های عاید نشده و خسارت‌های معوقه در بخش الف ارائه شده است.

۵. تعریف ستانده بیمه

بیمه غیرزندگی

۱۷–۲۶ ستانده‌ی بیمه، خدمات ارائه شده به دارندگان بیمه‌نامه را نشان می‌دهد. ستانده‌ی مستقیم بیمه غیرزندگی بر اصل جمع حق بیمه‌ها و مکمل‌های حق بیمه و کسرِ خسارت‌های تعدیل شده متقبل شده مبتنی است.

۱۷–۲۷ اگر از رهیافت انتظارات استفاده شود، فرمول محاسبه‌ی ستانده به شکل زیر خواهد بود:

حق بیمه‌های واقعی عاید شده،

بعلاوه مکمل‌های حق بیمه؛

منهای خسارت‌های تعدیل شده متقبل شده؛

که خسارت‌های تعدیل شده از تجربیات گذشته برآورد می‌شود. در چنین حالتی، از نظر مفهومی مکمل‌های حق بیمه نیز باید براساس تجربه گذشته برآورد شوند. اما، از آنجا که ناپایداری مکمل‌های حق بیمه کمتر از خسارت‌ها است، در عمل ممکن است چنین تعدیلی ضرورت نداشته باشد. اگر قرار باشد برای برآورد ستانده از روش آماری استفاده شود، توصیه می‌شود از اطلاعات تفکیک شده برحسب رشته‌های بیمه، یعنی برای بیمه وسایل نقلیه موتوری، بیمه ساختمان‌ها و غیره به طور جداگانه استفاده شود.

۱۷–۲۸ در روش دیگر، ممکن است از یک رهیافت حسابداری استفاده شود که در این‌صورت ستانده به شکل زیر محاسبه می‌شود:

حق بیمه‌های واقعی عاید شده؛

بعلاوه مکمل‌های حق بیمه؛

منهای خسارت‌های تعدیل شده متقبل شده.

که در آن خسارت‌های تعدیل شده با استفاده از خسارت‌های تعلق گرفته بعلاوه‌ی تغییرات در ذخائر برابر سازی و، در صورت لزوم، تغییرات در وجوه خود، تعیین می‌شوند.

۲۹-۱۷ اگر داده‌های حسابداریِ مورد نیاز در دسترس نباشد و داده‌های آماری تاریخی نیز برای برآوردهای منطقی ستانده کافی نباشد، ستانده‌ی بیمه غیرزندگی را می‌توان از حاصل جمع هزینه‌ها (شامل هزینه‌های مصرف واسطه، نیروی کار و مصرف سرمایه ثابت) بعلاوه مبلغی برای "سود عادی" برآورد کرد. اما، از آنجا که هر برآورد منطقی برای "سود عادی" استفاده از خسارت‌های مورد انتظار را در پی دارد، این گزینه تفاوتی با رهیافت انتظارات ندارد.

بیمه‌ی زندگی

۳۰-۱۷ ستانده‌ی بیمه‌ی مستقیم زندگی به طور جداگانه به صورت زیر محاسبه می‌شود:

حق بیمه‌های عاید شده؛

بعلاوه مکمل‌های حق بیمه؛

منهای مزایای تعلق گرفته؛

منهای افزایش (بعلاوه کاهش) در ذخائر بیمه سنجی (اکچوئری) و ذخائر بیمه‌ی مشارکت درمنافع.

۳۱-۱۷ اگر داده‌های کافی برای محاسبه‌ی بیمه‌ی زندگی طبق این فرمول موجود نباشد، رهیافتی که مبتنی بر حاصل جمع هزینه‌ها است، مشابه آنچه که برای بیمه‌های غیرزندگی بیان شد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. مانند بیمه غیرزندگی، باید مبلغی هم برای سود عادی منظور شود.

بیمه اتکائی

۳۲-۱۷ فرمول محاسبه‌ی ستانده‌ی خدمات بیمه‌ی اتکائی کاملاً مشابه فرمول محاسبه‌ی بیمه‌ی مستقیم است. اما، به دلیل این که در بیمه‌ی اتکائی انگیزه اصلی محدود به معرض خطر قرار گرفتن بیمه‌گر مستقیم است، بیمه‌گر اتکائی بنا به ماهیت کسب وکار عادی خود با خسارت‌های بزرگ سر و کار دارد. به این دلیل، و به دلیل این که بازار بیمه‌ی اتکائی در تعداد کمی از مؤسسات جهانی بزرگ متمرکز شده است، بیمه‌گر اتکائی نسبت به بیمه‌گر مستقیم احتمال کمتری دارد خسارت بزرگ غیرمنتظره‌ای را بویژه در مورد مازاد خسارت بیمه‌گر اتکائی تجربه کند.

۳۳-۱۷ ستانده‌ی بیمه‌ی اتکائی به شیوه‌ای مشابه با بیمه‌ی مستقیم غیرزندگی اندازه‌گیری می‌شود. اما، پرداخت‌هائی وجود دارند که خاص بیمه اتکائی هستند. آن‌ها کمیسیون‌های پرداختنی به بیمه‌گر مستقیم در بیمه‌ی اتکائی متناسب و بیمه‌ی اتکائی همراه با سود در بیمه اتکائی مازاد خسارت هستند. وقتی این کمیسیون‌ها به حساب آورده شوند، ستانده بیمه اتکائی را می‌توان به شرح زیر محاسبه کرد:

کل حق بیمه‌های واقعی عاید شده منهای کمیسیون‌های پرداختنی؛

بعلاوه مکمل‌های حق بیمه؛

منهای هردوی خسارت‌های تعدیل شده‌ی متقبل شده و مشارکت در منافع .

پ. تمامی تراکنش‌های مربوط به بیمه‌ی غیرزندگی

۳۴-۱۷ این بخش مجموعه‌ی کامل اقلام ورودی مورد نیاز برای ثبت تمامی مفاهیم بیمه‌نامه‌ی غیرزندگی در حساب‌ها را بیان می‌کند. بیمه‌نامه‌ها ممکن است توسط شرکت‌ها، واحدهای دولتی، NPISHها و واحدهای دنیای خارج خریداری شوند. با این حال، وقتی بیمه‌نامه‌ای که توسط عضوی از خانوار خریداری شده است واجد شرایط بیمه‌های اجتماعی باشد،

اقلام ورودی مورد نیاز آن‌هائی هستند که در قسمت ۲ این فصل درباره‌ی بیمه‌های اجتماعی توضیح داده شده است و نه آنچه که در اینجا بیان می‌شود.

۱. خالص حق بیمه‌ها و مصرف خدمات بیمه

۱۷-۳۵ حق بیمه‌های واقعی پرداختنی و مکمل‌های حق بیمه مطرح شده در SNA به دو نوع تراکنش تقسیم می‌شوند. تراکنش نخست، ارزش ستانده‌ی بیمه است، که خواه به عنوان مصرف خدمات بیمه خواه به عنوان صادرات آن نشان داده می‌شود. تراکنش دوم، حق بیمه‌های خالص عاید شده توسط شرکت بیمه است. ***حق بیمه‌های خالص، به‌صورت حق بیمه‌های واقعی بعلاوه مکمل‌های حق بیمه منهای کارمزد پرداختنیِ خدمات بیمه توسط دارندگان بیمه‌نامه تعریف می‌شود.*** به دلیل روشی که ارزش ستانده‌ی این خدمات تعیین می‌شود، حق بیمه‌های خالص برای بیمه غیرزندگی در کل با خسارت‌های تعدیل شده، و نه واقعی، برابر هستند. هر اختلافی بین خسارت‌های تعدیل شده و خسارت‌های واقعی نشان دهنده‌ی انتقالات بین دارندگان بیمه‌نامه و شرکت بیمه است. در طول زمان، انتقالاتی که در یک جهت صورت می‌گیرند با انتقالات جهت مخالف خنثی می‌شوند.

۱۷-۳۶ خدمات بیمه توسط بخش‌هائی که حق بیمه پرداخت می‌کنند (و دنیای خارج) مصرف می‌شوند. ارزش خدمات بیمه‌ی مصرف شده توسط بخش‌ها معمولاً با تخصیص کل ارزش خدمات به نسبت حق بیمه‌های واقعی پرداختنی بدست می‌آید. برآورد حق بیمه‌های خالص سپس با کسر مصرف خدمات بیمه از کل حق بیمه‌های واقعی پرداختنی بعلاوه ارزش مکمل‌های حق بیمه بدست می‌آید. (از آنجا که مکمل‌های حق بیمه نیز به نسبت حق بیمه‌های واقعی تخصیص داده می‌شوند، حق بیمه‌های خالص نیز در واقع با همان نسبت حق بیمه‌های واقعی تخصیص می‌یابند).

۲. ثبت ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی

۱۷-۳۷ به‌طور کلی، زمان ثبت ادعای خسارت‌های متقبل شده در دوره‌ای است که رویدادی که خسارت به آن مربوط است رخ می‌دهد. این اصل حتی هنگامی که خسارت‌ها مناقشه برانگیز هستند و تسویه‌ی آن‌ها ممکن است سال‌ها بعد از رویداد مربوطه طول بکشد نیز بکار می‌رود. یک مورد استثناء وجود دارد و آن حالتی است که امکان ایجاد خسارت مدت زمانی طولانی بعد از وقوع رخداد به رسمیت شناخته شود. برای مثال، یک سری خسارت‌های قابل ملاحظه پس از تأئید این موضوع که قرار گرفتن در معرض آزبست موجب بیماری جدی می‌شود، به رسمیت شناخته شد و این امر مورد قضاوت قرار گرفت و به پرداخت خسارت‌هائی تحت بیمه‌نامه‌های معتبر هنگام قرار گرفتن در معرض خطر منجر شد. در چنین مواردی، خسارت در زمانی ثبت می‌شود که شرکت بیمه بدهی را بپذیرد. این زمان ممکن است زمانی نباشد که بر میزان خسارت توافق می‌شود یا زمانی که خسارت پرداخت می‌شود.

۱۷-۳۸ از آنجا که در فرمول ستانده از خسارت‌های تعدیل شده و نه خسارت‌های واقعی استفاده می‌شود، تنها هنگامی که خسارت‌های واقعی همان ارزش خسارت‌های مورد انتظار را داشته باشند خالص حق بیمه‌ها و خسارت‌ها در یک دوره معین برابر خواهند بود. به هر حال، آن‌ها باید در طول دوره‌ای متشکل از چند سال غیر از سالی که در آن فاجعه‌ای ثبت شده است تقریباً برابر باشند.

۱۷-۳۹ خسارت‌ها به طور عادی به عنوان انتقالات جاری پرداختنی توسط شرکت بیمه به دارنده‌ی بیمه‌نامه ثبت می‌شوند. در برخی شرایط، یک شرکت بیمه ممکن است میزان حق بیمه‌ها را بقدری پائین تعیین کند که امکان پوشش دادن هزینه‌ها و میزان خسارت‌های پیش بینی شده وجود نداشته باشد. این امر ممکن است زمانی پیش آید که مازادِ یک رشته‌ی بیمه، مانند بیمه‌ی منزل، به عنوان یارانه برای رشته‌ی دیگر بیمه، مانند بیمه‌ی وسایل نقلیه مورد استفاده قرار گیرد.

۱۷-۴۰ موردی وجود دارد که ممکن است خسارت‌ها بجای انتقالات جاری به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ثبت شوند و آن در پی رخداد یک فاجعه بزرگ است. معیار تشخیص این که چه موقع باید آثار یک رخداد بزرگ چنین عمل شود باید مطابق با شرایط ملی تعیین شود ولی ممکن است برای این منظور از تعداد دارندگان آسیب دیده بیمه‌نامه و میزان خسارت وارد شده استفاده شود. منطق ثبت این خسارت‌ها به عنوان انتقالات

سرمایه‌ای از این واقعیت ناشی می‌شود که بسیاری از خسارت‌ها به تخریب یا آسیب جدی دارائی‌هائی نظیر واحدهای مسکونی، بناها و سازه‌ها مربوط است. آسیب‌های منطبق با میزان عادی خسارت‌ها با مصرف سرمایه ثابت یا زیان‌های موجودی انبار پوشش داده می‌شوند. از اینرو، این زیان‌ها به عنوان مخارج جاری در جای دیگری از سیستم به حساب آورده می‌شوند. اما، زیان‌های بزرگ ناشی از فجایع به عنوان نتیجه‌ی رخدادهای پیش بینی نشده در حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها ثبت شده و از مخارج جاری حذف می‌شوند. از اینرو، توصیه می‌شود خسارت‌هائی که به عنوان انتقالات جاری یا سرمایه‌ای در نظر گرفته می‌شوند نیز به شیوهای مشابه ثبت شوند.

۴۱-۱۷ توصیه می‌شود که در پی وقوع یک فاجعه، کل ارزش خسارت‌های مربوط به فاجعه به عنوان انتقال سرمایه‌ای از سوی یک شرکت بیمه به دارندگان بیمه‌نامه ثبت شود. اطلاعات مربوط به میزان خسارت‌هائی که قرار است طبق بیمه‌نامه جبران شود باید از صنعت بیمه اخذ شود. اگر صنعت بیمه نتواند این اطلاعات را فراهم کند، یک شیوه برای برآورد میزان خسارت‌های مربوط به فجایع این است که از تفاوت بین خسارت‌های تعدیل شده و خسارت‌های واقعی در دوره وقوعِ فاجعه استفاده شود.

۴۲-۱۷ یکی از آثار ثبت این نوع خسارت‌ها به عنوان انتقالات سرمایه‌ای این است که بر خلاف ثبت عادی خسارت‌ها به عنوان انتقالات جاری که در اثر آن درآمد قابل تصرف خانوارها و بیمه گذاران دیگر افزایش می‌یابد، در این نوع ثبت این قلم افزایش پیدا نمی‌کند. ارزش ویژه‌ی دارندگان بیمه-نامه، اثرات تخریب دارائی‌ها (به عنوان سایر تغییرات در دارائی‌ها) و افزایش دارائی‌های مالی (در ابتدا) در اثرِ انتقالات سرمایه‌ای هردو را نشان خواهد داد. این نوع ثبت با ثبت مساعدت‌های دولت به NPISHها برای پوشش برخی یا تمامی هزینه‌های تعمیر یا جایگزینی دارائی‌های متأثر از فاجعه که توسط هیچ بیمه‌نامه‌ای پوشش داده نشده است، سازگار است.

۳. خدمات بیمه‌ی ارائه شده به دنیای خارج و دریافت شده از آن

۴۳-۱۷ شرکت‌های بیمه‌ی مقیم غالباً برای خانوارها و بنگاه‌ها در دنیای خارج پوشش بیمه‌ای فراهم می‌کنند، و خانوارها و بنگاه‌های مقیم نیز ممکن است از شرکت‌های بیمه در دنیای خارج پوشش بیمه‌ای خریداری کنند. درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص داده شده توسط شرکت‌های بیمه‌ی مقیم به دارندگان بیمه‌نامه، تخصیص به دارندگان بیمه‌نامه در دنیای خارج را نیز در بر می‌گیرد. در این صورت این دارندگان بیمه‌نامه غیرمقیم نیز به شرکت بیمه مقیم مکمل‌های حق بیمه پرداخت می‌کنند. این اطلاعات باید در نزد بیمه‌گران مقیم موجود باشد و باید در حساب دنیای خارج منظور شود.

۴۴-۱۷ ملاحظات مشابهی نیز برای برخورد با بنگاه‌ها و خانوارهای مقیمی که بیمه‌نامه‌هائی را از بیمه‌گران غیرمقیم خریداری می‌کنند بکار می‌رود. آن‌ها درآمد سرمایه‌گذاری احتسابی از خارج دریافت و مکمل‌های حق بیمه به خارج پرداخت می‌کنند. برآورد اندازه این جریان‌ها مشکل‌تر است، بویژه این که در مقابل، یک بیمه‌گر مقیم از همان نوع برای مقایسه وجود نداشته باشد. با این حال، اغلب کشوری که این خدمات را ارائه می‌دهد شناخته خواهد شد و ممکن است این امکان وجود داشته باشدکه از داده‌های طرف مقابل برای برآورد در اقتصاد ملی استفاده شود. باید میزان تراکنش‌های انجام شده توسط مقیم‌ها تشخیص داده شود و نسبت مکمل‌های حق بیمه به حق بیمه‌های واقعی در اقتصاد ارائه دهنده‌ی خدمات برای برآورد درآمد سرمایه‌گذاری دریافتنی و مکمل‌های حق بیمه‌ی پرداختنی بکار برده شود.

۴. اقلام ورودی حسابداری

۴۵-۱۷ در رابطه با بیمه‌ی غیرزندگی که قسمتی از بیمه‌های اجتماعی نیست، لازم است روی هم رفته شش جفت تراکنش ثبت شود؛ دو جفت مربوط به اندازه‌گیری تولید و مصرف خدمات بیمه، سه جفت مربوط به بازتوزیع و یک جفت در حساب مالی. در شرایط استثنائی، ممکن است تراکنش هفتمی نیز در رابطه با بازتوزیع در حساب مالی ثبت شود. ارزش ستانده‌ی این فعالیت، درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به بیمه

گذاران و ارزش کارمزد خدمات، به طور خاص برای بیمه غیرزندگی به روشی که در بالا شرح داده شد محاسبه می‌شود.

۱۷-۴۶ تراکنش‌های تولید و مصرف به شرح زیر هستند:

الف. از آنجا که تمامی این نوع فعالیت‌های واحدهای نهادی مقیم توسط شرکت‌های بیمه انجام می‌شوند، ستانده در حساب تولید شرکت‌های بیمه ثبت می‌شود؛

ب. این خدمت می‌توانند توسط هریک از بخش‌های اقتصاد یا توسط دنیای خارج مصرف شود؛ ارزش این خدمت به شرکت‌های بیمه پرداختنی است. این پرداخت‌ها که توسط شرکت‌های غیرمالی، شرکت‌های مالی، دولت یا نهادهای غیرمالی انجام می‌شود مصرف واسطه را تشکیل می‌دهند که در حساب تولید آن‌ها ثبت می‌شود. بیمه‌ای که به روشنی به فعالیت تولیدی یک بنگاه غیرشرکتی خانوار مربوط است نیز به عنوان مصرف واسطه در حساب تولید خانوارها ثبت می‌شود. سایر پرداخت‌های بیمه توسط خانوارها قسمتی از مخارج مصرف نهائی است، که در حساب مصرف درآمد ثبت می‌شوند. پرداخت‌های دنیای خارج به عنوان صادرات در حساب خارجی کالاها و خدمات ثبت می‌شوند.

۱۷-۴۷ تراکنش‌های توزیعی، از درآمدِ سرمایه‌گذاریِ تخصیص یافته به دارندگان بیمه‌نامه در رابطه با بیمه غیرزندگی، خالص حق بیمه‌های غیرزندگی، و خسارت‌های بیمه تشکیل شده است:

الف. درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به بیمه‌گذاران در رابطه با بیمه غیرزندگی به عنوان پرداختنی توسط شرکت‌های بیمه ثبت می‌شود. این قلم به عنوان دریافتنی توسط تمامی بخش‌ها و دنیای خارج ثبت می‌شود. پرداختنی‌ها و دریافتنی‌ها هردو در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شوند.

جدول ۱۷-۱: حساب‌های بیمه غیرزندگی- مصارف

مصارف

	شرکت‌ها	شرکت‌های بیمه	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب تولید					
مصرف واسطه	۱.۰		۳.۰		۴.۰
ستانده					
حساب تخصیص درآمد اولیه					
درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه‌ی غیرزندگی		۶.۰			۶.۰
حساب توزیع ثانوی درآمد					
خالص حق بیمه‌های بیمه‌ی غیرزندگی	۸.۰		۳۱.۰	۶.۰	۴۵.۰
ادعای خسارت‌های بیمه‌های غیرزندگی		۴۵.۰			۴۵.۰
حساب مصرف درآمد					
مخارج مصرف نهائی	۰.۰		۲.۰	۰.۰	۲.۰
حساب مالی					
ذخائر فنی بیمه‌ی غیرزندگی	۰.۰		۳.۰	۰.۰	۳.۰
جزئی از آن: ذخائر حق بیمه‌های عاید نشده	۰.۰		۱.۰	۰.۰	۱.۰
خسارت‌های تسویه نشده	۰.۰		۲.۰	۰.۰	۲.۰

ب. خالص حق بیمه‌های غیرزندگی به صورت حق بیمه‌های عاید شده بعلاوه مکمل‌های حق بیمه (برابر با درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان بیمه‌نامه) منهای ارزش خدمات مصرف شده محاسبه می‌شود. این حق بیمه‌های خالص پرداختنی توسط بخش‌های اقتصاد یا دنیای خارج و دریافتنی توسط شرکت‌های بیمه هستند.

۴۸–۱۷ خالص حق بیمه‌های غیرزندگی باید براساس مبالغ مربوط به دریافت پوشش بیمه در دوره حسابداری، نه مبلغی که عملاً پرداخت شده است ثبت شود. خسارت‌های بیمه باید در تاریخی که رویداد مربوطه رخ می‌دهد به عنوان پرداختنی ثبت شوند، بجز موردی که در بالا توضیح داده شد که در آن صورت خسارت هنگامی ثبت می‌شود که شرکت بیمه وجود بدهی را می‌پذیرد. هر قلم ورودی در حساب مالی تفاوت بین حق بیمه‌های پرداختنی و حق بیمه‌های عاید شده و بین خسارت‌های تعلق گرفته و خسارت‌های پرداختنی را ثبت می‌کند.

پ. خسارت‌های بیمه متحمل شده، پرداختنی توسط شرکت‌های بیمه و دریافتنی توسط همه‌ی بخش‌های اقتصاد و دنیای خارج هستند. حق بیمه‌های خالص و خسارت‌ها هردو در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شوند.

۴۹–۱۷ طبق قرارداد، حق بیمه‌های عاید نشده و ذخائر برای خسارت‌های معوقه به عنوان تغییر در بدهی‌های شرکت بیمه (با علامت منفی درصورت لزوم) و تغییر در دارائی‌های همه بخش‌ها و دنیای خارج نشان داده می‌شود.

ت. اگر قرار باشد برخی از خسارت‌ها بجای انتقالات جاری به عنوان انتقالات سرمایه‌ای عمل شوند، این‌ها در حساب سرمایه به عنوان پرداختنی به دارندگان بیمه‌نامه توسط شرکت‌های بیمه ثبت می‌شوند.

۵۰–۱۷ مثالی از این جریان‌ها در جدول ۱۷–۱ نشان داده شده است.

جدول ۱۷–۱ (ادامه): حساب‌های بیمه‌ی غیرزندگی- منابع

	منابع				
	شرکت‌ها	شرکت‌های بیمه	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب تولید					
مصرف واسطه ستانده		۶.۰			۶.۰
حساب تخصیص درآمد اولیه					
درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه‌ی غیرزندگی	۵.۰		۱.۰		۶.۰
حساب توزیع ثانوی درآمد					
خالص حق بیمه‌های بیمه‌ی غیرزندگی		۴۵.۰			۴۵.۰
ادعای خسارت‌های بیمه‌های غیرزندگی	۶.۰		۳۵.۰	۴.۰	۴۵.۰
حساب مصرف درآمد					
مخارج مصرف نهائی					
حساب مالی					
ذخائر فنی بیمه‌ی غیرزندگی		۳.۰			۳.۰
جزئی از آن: ذخائر حق بیمه‌های عاید نشده		۱.۰			۱.۰
خسارت‌های تسویه شده		۲.۰			۲.۰

ت. تمامی تراکنش‌های مربوط به بیمه زندگی

۱۷-۵۱ این بخش روشی را شرح می‌دهد که در آن ثبت اقلام ورودی برای بیمه زندگی با بیمه غیرزندگی متفاوت است. همانند بیمه‌ی غیرزندگی، ولی در عمل مهم‌تر از آن، بیمه‌نامه‌ی زندگی که واجد شرایط بیمه‌ی اجتماعی است نباید به روشی که در اینجا شرح داده می‌شود ثبت شود بلکه باید به شیوه‌ای که در قسمت ۲ شرح داده شده است ثبت شود. تفاوت عمده‌ی بین بیمه‌نامه‌ی معمولی زندگی و بیمه‌نامه زندگی که ویژگی‌های بیمه اجتماعی را دارد این است که در بیمه‌نامه‌ی معمولی زندگی مزایای حاصل از بیمه عمدتاً به عنوان کاهش ثروت تلقی می‌شود و در حساب مالی ثبت می‌شود. برای بیمه‌نامه‌ی دارای ویژگی بیمه اجتماعی، مزایا (مستمری بازنشستگی) به عنوان درآمد در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شود. دلیل تفاوت عمل این است که یک بیمه‌نامه‌ی فردی غیراز بیمه‌ی اجتماعی کاملاً با ابتکار دارنده‌ی بیمه‌نامه خریداری می‌شود. بیمه‌هائی که ویژگی بیمه اجتماعی را دارند دخالت طرف سوم را که معمولاً دولت یا کارفرماست در تشویق یا اجبارِ دارنده‌ی بیمه برای تدارک درآمد در زمان بازنشستگی به دنبال دارند. متمایز کردن تمامی پرداخت‌های انجام شده در طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی، شامل پرداخت‌هائی که از بیمه‌نامه‌های فردیِ واجد شرایط بیمه اجتماعی بدست می‌آیند، نشان می‌دهد که بیمه‌های اجتماعی تا چه حد در تضمین درآمد در دوران بازنشستگی مؤفقیت آمیز بوده‌اند.

۱۷-۵۲ دارنده بیمه‌نامه‌ی زندگی همیشه یک فرد است. (اگر شرکتی بیمه‌نامه زندگی برای کارکنانش خریداری کند، باید به عنوان بیمه‌ی زمانی تلقی شود و بنابراین در SNA به عنوان بیمه‌ی غیرزندگی در نظر می‌شود). لذا تراکنش‌های بیمه‌ی زندگی فقط بین شرکت‌های بیمه و خانوارهای مقیم و غیرمقیم انجام می‌شود. تولید خدمات بیمه با ارزش خدمات مصرف شده توسط خانوارها به عنوان قسمتی از مخارج مصرفی نهائی و صادرات ثبت می‌شود. درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان بیمه‌نامه به عنوان مکمل بیمه‌ها تلقی می‌شود. اما، حق بیمه‌ها و خسارت‌های مربوط به بیمه‌ی زندگی به صورت جداگانه نشان داده نمی‌شوند و انتقالات جاری تلقی نمی‌شوند. بلکه اجزای یک تراکنش خالص ثبت شده در حساب مالی هستند، دارائی مالی درگیر در این تراکنش حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه است.

جدول ۱۷-۲: حساب‌های بیمه‌ی زندگی- مصارف

مصارف

	شرکت‌ها	شرکت‌های بیمه	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب تولید					
ستانده					
حساب تخصیص درآمد اولیه					
درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه زندگی		۷.۰			۷.۰
حساب مصرف درآمد					
مخارج مصرف نهائی			۴.۰		۴.۰
حساب مالی					
حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری سالانه			۲۲.۰		۲۲.۰
جزئی از آن: خالص حق بیمه‌ها			۱۱۳.۰		۱۱۳.۰
مزایا			-۹۱.۰		-۹۱.۰

۱۷–۵۳ چهار جفت تراکنش در حساب‌ها ثبت می‌شوند؛ دو جفت مربوط به تولید و مصرف خدمات بیمه است، یک جفت تخصیص درآمد سرمایه‌گذاری به دارندگان بیمه نامه‌ها را نشان می‌دهد و یک جفت تغییر در حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه را نشان می‌دهد:

الف. ستانده فعالیت بیمه‌ی زندگی در حساب تولید شرکت‌های بیمه ثبت می‌شود.

ب. ارزش خدمات مصرف شده به عنوان مخارج مصرف نهائی پرداختنی توسط خانوارها در حساب مصرف درآمد قابل تصرف یا به عنوان پرداختنی توسط دنیای خارج (صادرات به خانوارهای غیرمقیم) ثبت می‌شود. خانوارها همچنین ممکن است پرداخت‌هائی به بیمه‌گران غیرمقیم داشته باشند. این نوع پرداخت‌ها به عنوان واردات خدمات بیمه تلقی می‌شوند.

پ. درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان بیمه‌نامه در رابطه با بیمه‌ی زندگی در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شود. جوایز اعلام شده در رابطه با بیمه‌نامه‌های زندگی به عنوان جوائز توزیع شده به دارندگان بیمه‌نامه تلقی می‌شوند حتی اگر مازاد بر درآمد سرمایه‌گذاری عاید شده توسط نهاد اعلام کننده جایزه باشد. درآمد سرمایه‌گذاری به صورت درآمد پرداختنی توسط شرکت‌های بیمه و دریافتنی توسط خانوارهای مقیم یا غیرمقیم در دنیای خارج ثبت می‌شوند.

ت. در حساب مالی، قلم تغییر در حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری سالانه به عنوان تغییر در دارائی‌های خانوار و دنیای خارج و تغییر در بدهی‌های شرکت‌های بیمه نشان داده می‌شود. این قلم برابر است با حق بیمه‌های واقعی بعلاوه مکمل‌های حق بیمه (برابر با درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان بیمه) منهای ارزش خدمات مصرف شده منهای مزایای تعلق گرفته.

۱۷–۵۴ مثالی از این جریان‌ها در جدول ۱۷–۲ نشان داده شده است.

۱. مستمری‌ها

۱۷–۵۵ برخی بیمه‌نامه‌های زندگی بجای جریانی از پرداخت‌ها، مبلغی را به‌صورت یکجا در تاریخ معینی تأمین می‌کنند. می‌توان این مبلغ یکجا را برای خرید یک مستمری بکار برد که خودِ آن مبلغ یک کاسه را به جریان پرداخت‌ها تبدیل کند. ثبت مستمری‌ها در بخش ج شرح داده شده است.

جدول ۱۷–۲ (ادامه): حساب‌های بیمه‌ی زندگی– منابع

	منابع			
	شرکت‌ها	شرکت‌های بیمه	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب تولید				
ستانده		۴.۰			۴.۰
حساب تخصیص درآمد اولیه				
درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه زندگی			۷.۰		۷.۰
حساب مصرف درآمد				
مخارج مصرف نهائی					
حساب مالی				
حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری سالانه		۲۲.۰			۲۲.۰
جزئی از آن: خالص حق بیمه‌ها		۱۱۳.۰			۱۱۳.۰
مزایا		–۹۱.۰			–۹۱.۰

ث. تمامی تراکنش‌های مربوط به بیمه‌ی اتکائی

۱۷–۵۶ پیش از این که توضیح داده شود عناصر مختلفی که در اندازه‌گیری ستانده‌ی بیمه‌ی اتکائی مشارکت دارند چگونه در SNA ثبت می‌شوند، لازم است شرح داده شود که بیمه اتکائی چگونه اندازه‌گیری و ثبت می‌شود.

۱۷–۵۷ تراکنش‌های بین بیمه‌گر مستقیم و دارندگان بیمه‌نامه مطابق آنچه که در بخش قبل توضیح داده شد اندازه‌گیری می‌شوند بدون این که تراکنش‌های بین بیمه‌گر مستقیم و بیمه‌گر اتکائی دخالت داشته باشد. تراکنش‌های بین بیمه‌گر مستقیم و بیمه‌گر اتکائی به صورت مجموعه تراکنش‌های کاملاً جدا ثبت می‌شوند و هیچگونه تلفیقی بین تراکنش‌های بیمه‌گر مستقیم به عنوان صادرکننده‌ی بیمه‌نامه به مشتریان خود از یک سو و به عنوان دارنده‌ی بیمه‌نامه با بیمه‌گر اتکائی از سوی دیگر صورت نمی‌گیرد.

۱۷–۵۸ دارندگان بیمه‌نامه‌ی مستقیم نمی‌دانند، یا نیاز ندارند که بدانند، بیمه‌گر مستقیم واردِ تراکنش با یک بیمه‌گر اتکائی شده است تا او را در برابر خسارت مربوط به این بیمه‌نامه حمایت کند. بیمه‌گر مستقیم از دارندگان بیمه‌نامه حق بیمه‌های واقعی دریافت می‌کند. بخشی از آن‌ها به یک بیمه‌گر اتکائی واگذار می‌شود. حق‌بیمه‌ها طوری نشان داده می‌شوند که ابتدا به بیمه‌گر مستقیم و سپس حق بیمه‌های کمتری به بیمه‌گر اتکائی پرداختنی هستند. این عدم تلفیق گاهی در طرف بیمه‌گر مستقیم تحت عنوان ثبت ناخالص نامیده می‌شود. روش دیگر (ثبت خالص) می‌تواند این گونه باشد که طوری عمل شود که قسمتی از حق بیمه‌های دارندگان بیمه‌نامه‌ی مستقیم به بیمه‌گران مستقیم و قسمتی به بیمه‌گران اتکائی پرداخت شده است ولی این گزینه نه در حسابداری بازرگانی و نه در SNA هیچکدام توصیه نشده است.

۱۷–۵۹ حق بیمه واقعی پرداختنی توسط بیمه‌گر مستقیم به بیمه‌گر اتکائی، توسط بیمه‌گر اتکائی برای کسب درآمد سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این درآمد سرمایه‌گذاری به عنوان درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی به بیمه‌گر مستقیم تلقی می‌شود و به عنوان مکمل حق بیمه به بیمه‌گر اتکائی برگردانده می‌شود. از اینرو، یک بیمه‌گر مستقیم براساس کل حق بیمه‌های عاید شده (یا با تقریب پرداختنی) به دارندگان بیمه‌نامه‌اش درآمد سرمایه‌گذاری پرداخت می‌کند ولی از بیمه‌گر اتکائی نیز مطابق با میزان حق بیمه‌هائی که به او واگذار کرده است درآمد سرمایه‌گذاری دریافت می‌کند. درآمد سرمایه‌گذاری دریافتنی توسط بیمه‌گر مستقیم از بیمه‌گر اتکائی ممکن است برای خنثی کردن بخشی از درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی توسط بیمه‌گر مستقیم به دارندگان بیمه‌نامه‌اش بکار رود ولی این جریان این گونه به روشنی ثبت نمی‌شود.

۱۷–۶۰ همانند بیمه‌های مستقیم، در موارد استثنائی مثلاً در پی یک فاجعه طبیعی، قسمتی از خسارت‌های اتکائی ممکن است بجای انتقالات جاری به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ثبت شوند.

۱۷–۶۱ کل ستانده‌ی بیمه‌ی اتکائی، مصرف واسطه‌ی بیمه‌گر مستقیم دارنده‌ی بیمه نامه‌ی اتکائی را نشان می‌دهد. همان گونه که در بالا اشاره شد، بسیاری از قراردادهای بیمه‌ی اتکائی بین شرکت‌های بیمه‌ی مقیم در کشورهای مختلف منعقد می‌شود. از اینرو، در این گونه موارد ارزش ستانده نشان دهنده‌ی واردات توسط شرکت بیمه‌ی خریدار بیمه‌نامه‌ی اتکائی و صادرات توسط شرکت بیمه‌ی اتکائی است.

۱۷–۶۲ ثبت جریان‌های مربوط به بیمه‌ی اتکائی مشابه ثبت جریان‌های مربوط به بیمه‌ی غیرزندگی است بجز این که دارندگان بیمه‌نامه‌ی بیمه‌ی اتکائی همیشه یک شرکت بیمه دیگر است.

۱۷–۶۳ تراکنش‌های تولید و مصرف به شرح زیر هستند:

الف. از آنجا که تمامی این نوع فعالیت‌های واحدهای مقیم توسط شرکت‌های بیمه انجام می‌شود، ستانده در حساب تولید شرکت‌ها ثبت می‌شود. خدمات اتکائی اغلب توسط واحدهای غیرمقیم ارائه می‌شوند

و از اینرو به عنوان واردات ثبت می‌شوند.

ب. این خدمت می‌تواند تنها توسط شرکت بیمه دیگری، هرچند غیرمقیم، مصرف شود که مصرف واسطه‌ی آن واحد بشمار می‌رود مگر این که دارنده بیمه‌نامه غیرمقیم باشد که در اینصورت به عنوان صادرات بیمه‌گر اتکائی ثبت می‌شود.

۱۷-۶۴ تراکنش‌های باز توزیعیِ درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان بیمه‌نامه در رابطه با بیمه اتکائی، خالص حق بیمه‌های اتکائی و خسارت‌های اتکائی را پوشش می‌دهند:

الف. درآمد سرمایه‌گذاری دریافتنی توسط دارندگان بیمه‌نامه‌ی اتکائی، توسط شرکت‌های بیمه‌ی مقیم یا غیرمقیم پرداختنی و توسط نهادهای مشابه چه مقیم چه غیرمقیم دریافتنی است.

ب. خالص حق بیمه‌های اتکائی به صورت حق بیمه‌های عاید شده بعلاوه مکمل‌های حق بیمه (برابر با درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به بیمه‌گذاران) منهای ارزش خدمات مصرف شده محاسبه می‌شود. این حق بیمه‌های خالص توسط شرکت‌های بیمه پرداختنی و توسط [سایر] شرکت‌های بیمه دریافتنی هستند. (هریک از واحدهائی که قرار است پرداخت یا دریافت کند می‌تواند غیرمقیم باشد).

پ. خسارت‌های بیمه اتکائی توسط شرکت‌های بیمه پرداختنی و توسط [سایر] شرکت‌های بیمه چه مقیم چه غیرمقیم دریافتنی هستند. خالص حق بیمه‌ها و خسارت‌ها، هر دو، در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شوند.

ت. کمیسیون‌های پرداختنی توسط بیمه‌گران اتکائی به شرکت بیمه به عنوان دارنده‌ی بیمه‌نامه‌ی اتکائی، به صورت کاهش حق بیمه‌های پرداختنی به بیمه‌گران اتکائی درنظر گرفته می‌شوند.

ث. سود مشارکتی (در حق بیمه‌های همراه با سود، مترجم) پرداختنی توسط بیمه‌گر اتکائی به بیمه‌گر مستقیم به عنوان انتقالات جاری تلقی می‌شود. (کمیسیون‌های پرداختنی و سود مشارکتی، هرچند به شیوه‌های متفاوتی ثبت می‌شوند، هردو ستانده‌ی بیمه‌گر اتکائی را کاهش می‌دهند).

ج. اگر برخی از خسارت‌های بیمه مستقیم به عنوان انتقالات سرمایه‌ای و نه انتقالات جاری تلقی شوند، باید تمامی خسارت‌های بیمه‌ی اتکائی مربوط به همان رخداد نیز به عنوان انتقالات سرمایه‌ای منظور شوند.

۱۷-۶۵ یک قلم ورودی در حساب مالی، تفاوت بین حق بیمه‌های پرداختنی و حق بیمه‌های عاید شده و خسارت‌های متقبل شده و خسارت‌های پرداختنی را ثبت می‌کند.

ج. مستمری‌های سالانه

۱۷-۶۶ ساده‌ترین حالت بیمه‌نامه‌ی زندگی بیمه‌ای است که در آن در طول زمان جریان پرداخت‌هائی توسط دارنده‌ی بیمه‌نامه به شرکت بیمه انجام می‌شود تا به ازای آن در زمانی در آینده پرداخت یا پرداخت‌هائی را به عنوان خسارت دریافت کند. در ساده‌ترین شکل مستمری، مستمری بگیر که همان دارنده‌ی بیمه‌نامه است، یک پرداخت یکجا به شرکت بیمه انجام می‌دهد و به ازای آن جریان پرداخت‌هائی را خواه برای یک دوره معین خواه برای باقی‌مانده‌ی عمر مستمری بگیر (یا شاید برای باقی‌مانده‌ی عمر هردوی مستمری بگیر و شخص دیگری که تعیین شده است) دریافت می‌کند.

۱۷-۶۷ مستمری‌ها توسط شرکت‌های بیمه سازماندهی می‌شوند و ابزاری برای مدیریت ریسک هستند. مستمری بگیر با موافقتِ خود برای پذیرفتن جریان مشخصی از پرداخت‌ها (چه برحسب

رقم مطلق چه محاسبه شده براساس یک فرمول نظیر پیوند با یک شاخص) به ازای چشم پوشی از یک مبلغ قابل ملاحظه، از ریسک اجتناب می‌کند. شرکت بیمه با این امید که از سرمایه‌گذاری آن مبلغی بیش از آنچه که باید به مستمری بگیر پرداخت کند کسب خواهد کرد، ریسک را می‌پذیرد. نرخ‌های مستمری سالانه از طریق به حساب آوردن امید زندگی تعیین می‌شوند. شرکت بیمه مجبور است به مستمری بگیران با عمر طولانی بیشتر از آنچه که در ابتدا طرح ریزی کرده است پرداخت کند، این مستمری بگیران ممکن است بیشتر از پرداخت اولیه‌ی خود و درآمد عاید شده روی آن، دریافت کنند. کسانی که زودتر فوت می‌کنند کمتر، شاید خیلی کمتر، دریافت می‌کنند و شرکت بیمه بیشتر از مورد انتظار دریافت می‌کند.

۱. مستمری چگونه عمل می‌کند

۱۷-۶۸ ساده‌ترین راه برای توضیحِ نحوه‌ی کارکردِ مستمری، ارائه‌ی یک مثال است. فرض کنید یک شرکت بیمه به یک فرد در ازای پرداخت یک مبلغ یکجای ۱۰۰۰۰ واحد پرداخت‌هائی معادل ۶۰۰ واحد پیشنهاد کند و همچنین فرض کنید که شرکت بیمه انتظار دارد فرد مورد نظر ۲۵ سال عمر کند و نرخ تنزیلی که بکار برده می‌شود پنج درصد باشد. همان طور که در شکل ۱۷-۱ نشان داده شده است، خالص ارزش فعلی ۶۰۰ برای ۲۵ سال فقط ۸۷۰۰ است. از اینرو باقی مانده معادل ۱۳۰۰ نشان دهنده‌ی خالص ارزش فعلی کارمزد خدماتی معادل سالانه تقریباً ۹۰ است که شرکت بیمه انتظار دارد آن را بدست آورد. از اینرو، خواه مستمری بگیر از آن اطلاع داشته باشد یا خیر، پیشنهاد شرکت بیمه رقمِ خالصِ سالانه معادل ۶۰۰ است. مستمری بگیر استحقاق دریافت سالانه معادل ۶۹۰ واحد را دارد ولی ۹۰ واحد آن توسط شرکت بیمه به عنوان حق‌الزحمه خدماتش برداشته می‌شود.

۱۷-۶۹ درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی به مستمری بگیر هرساله وجود دارد و برابر است با عامل تنزیل بسط داده شده (باز شده) با نرخ پنج درصد روی مبلغ باقی‌مانده‌ای که توسط شرکت بیمه نگه داشته شده است. در اولین سال، سهم درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به حق بیمه‌ی از پیش پرداخته شده (۱۳۰۰) معادل ۶۵ است باقی مانده‌ی ۲۵ کارمزد خدمات افت ارزش ۱۳۰۰ به ۱۲۷۵ را تأمین می‌کند. باقی‌مانده از درآمد سرمایه‌گذاری (۴۳۵) به ارزش خالص ذخیره‌ی مستمری معادل ۸۷۰۰ اضافه می‌شود. بنابراین در انتهای سال اول، ذخیره مستمری ۸۵۳۵ است؛ که حاصلِ مبلغِ اولیه‌ی ۸۷۰۰ بعلاوه بهره ۴۳۵ و منهای پرداخت ۶۰۰ است. از اینرو، افت ابتدای سالِ مبلغ خالصِ ذخیره‌ی مستمری ۱۶۵ و افت حق بیمه‌ها ۲۵ است.

۱۷-۷۰ این روند سال به سال ادامه پیدا می‌کند. با گذشت زمان، افت ذخائر باقی‌مانده به طور فزاینده‌ای قسمتِ بزرگتر پرداخت‌ها و درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی قسمتِ کوچکتر آن خواهد بود. در اصل، شرکت بیمه می‌تواند هرساله فرض‌های خود را راجع به باقی‌مانده‌ی امید زندگی مستمری بگیر مورد بازنگری قرار دهد و مبلغ موجود به عنوان کارمزد خدمات را مجدداً محاسبه کند. (در عمل، این احتمال وجود دارد که این کار در فاصله‌های زمانی و برحسب گروه‌های مستمری بگیران انجام شود).

۱۷-۷۱ مثال عددی، با جزئیات در نظر گرفته شده است تا روشی را که مستمری‌ها عمل می‌کنند نمایش دهد ولی در حقیقت برای تعیین ستانده‌ی شرکت بیمه لزومی ندارد تمامی این محاسبات انجام شود. ارزش ستانده را می‌توان به‌سادگی به صورت کل درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به مستمری (۵۰۰) منهای مبلغ پرداختنی به او (۶۰۰) منهای تغییر ارزش ذخائر (کاهش به میزان ۱۹۰)، یا ((۱۹۰-)-۶۰۰-۵۰۰) تعیین کرد. می‌توان مشاهده کرد که این نتیجه با اندازه‌گیری بیمه‌ی زندگی معادل است بجز این که عنصر حق بیمه‌ی واقعی در آن وجود ندارد.

۲. ستانده مربوط به مستمری

۱۷-۷۲ ستانده‌ی شرکت بیمه در ارتباط با اجرای بیمه‌ی مستمری به شرح زیر محاسبه می‌شود:

درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به مستمری بگیران.

منهای مبلغ پرداختنی به مستمری بگیران (یا بازماندگان ذینفع) طبق شرایط مستمری؛

منهای تغییرِ ذخائر بجز پرداخت‌های اولیه برای مستمری‌های جدید.

میزان درآمد سرمایه‌گذاریِ مربوط به مستمری بگیران برابر است با عامل تنزیل ضربدر ذخائر ابتدای سال که مستقل از درآمد سرمایه‌گذاری عاید شده توسط شرکت بیمه است. این قلم با مفهوم مکمل حق بیمه در زمینه‌ی بیمه‌ی زندگی معادل است.

۳. تراکنش‌های مربوط به مستمری‌های سالانه

۷۳-۱۷ سه مجموعه تراکنش ثبت شده برای مستمری موجود و اقلام بیشتری برای آغاز و پایان یک مستمری مورد نیاز است.

الف. کارمزد خدمات پرداختنی سالانه مربوط به مستمری. این قلم به عنوان ستانده‌ی شرکت بیمه و به عنوان مخارج مصرف نهائی خانواری که ذینفع به آن تعلق دارد ثبت می‌شود. این خانوار ممکن است یک خانوار غیرمقیم باشد.

ب. درآمد سرمایه‌گذاری برابر با عامل تنزیل ضربدر میزان ذخائر مستمری در ابتدای دوره که در حساب توزیع درآمد اولیه به صورت پرداختنی توسط شرکت بیمه و دریافتنی توسط خانوار ثبت می‌شود.

پ. تغییرِ ارزش ذخائر برای مستمری‌ها که در حساب مالی به صورت پرداختنی توسط خانوار به شرکت بیمه ثبت می‌شود.

۷۴-۱۷ وقتی یک مستمری سالانه شروع می‌شود، انتقال وجوه از خانوار به شرکت بیمه صورت می‌گیرد. اما در بسیاری از موارد، فقط یک مبلغ پرداختنی یکجا از یک بیمه‌نامه‌ی بیمه‌ی عمری که تاریخ آن سررسیده است بلافاصله توسط آن شرکت بیمه یا شرکت بیمه‌ی دیگر به یک مستمری تبدیل می‌شود. در این گونه موارد، لزومی ندارد آن پرداخت یکجا و نیز تحصیل مستمری ثبت شوند؛ فقط در شرکت بیمه و زیربخش صندوق بازنشستگی تغییر رقمِ ذخائر بیمه‌ی زندگی به ذخائر مستمری انجام خواهد شد. اگر یک مستمری سالانه به طور مستقل از یک بیمه‌نامه‌ی بیمه‌ی زندگی که به سر رسیده است خریداری شود، این تراکنش به صورت یک جفت تراکنش مالی بین خانوار و شرکت بیمه ثبت می‌شود. خانوار دارای یک پرداختی به شرکت بیمه است و به ازای آن یک دارائیِ ناشی از شرایط مستمری دریافت می‌کند. شرکت بیمه یک دارائی مالی از خانوار دریافت و یک بدهی به او متقبل می‌شود.

۷۵-۱۷ مستمری‌های سالانه به طور عادی با مرگ به پایان می‌رسند، در آن هنگام همه ذخائر باقی‌مانده برای آن مستمری بگیر به شرکت بیمه منتقل می‌شود. اما، با فرض این که شرکت بیمه امید به زندگی را برای کل گروه مستمری بگیران به طور صحیحی پیش بینی کرده است، متوسط وجوه باقی‌مانده در زمان مرگ صفر خواهد بود. اگر امید به زندگی‌ها تغییر کند، ذخائر مستمری‌ها باید مورد بازنگری قرار گیرند. برای مستمری‌های در حال اجرا، افزایش امید به زندگی مبلغ موجود در شرکت بیمه به عنوان کارمزد خدمات را کاهش خواهد داد، احتمالاً منفی خواهد کرد. در این مورد، شرکت بیمه مجبور خواهد بود از وجوه خود استفاده کند به امید این که دوباره در آینده با کارمزد خدمات بالاتری در مستمری‌های جدید وجوه خود را افزایش دهد.

شکل ۱۷-۱: مثال برای مستمری

وضعیت هنگام شروع			
قیمت خرید مستمری (الف)	۱۰ ۰۰۰		
NVP سالانه ۶۰۰ برای ۲۵ سال با نرخ ۵٪ (ب)	۸ ۷۰۰		
NVP کارمزد خدمات (پ)	۱۳۰۰		
نرخ سالانه (۶۰۰×۱۳۰۰/۸۷۰۰)	۹۰		
سال اول		**سال دوم**	
درآمد سرمایه‌گذاری (بهره) در رابطه با :		درآمد سرمایه‌گذاری (بهره) در رابطه با :	
الف	۵۰۰	الف	۴۹۱
ب	۴۳۵	ب	۴۲۷
پ	۶۵	پ	۶۴
پرداخت مبلغ مقرر		پرداخت مبلغ مقرر	
الف	۶۹۰	الف	۶۹۰
ب	۶۰۰	ب	۶۰۰
پ	۹۰	پ	۹۰
کاهش ارزش موجودی‌ها		کاهش ارزش موجودی‌ها	
الف	-۱۹۰	الف	-۲۰۰
ب	-۱۶۵	ب	-۱۷۳
پ	-۲۵	پ	-۲۶
موجودی‌های انتهای سال		موجودی‌های انتهای سال	
الف	۹ ۸۱۰	الف	۹ ۶۱۱
ب	۸ ۵۳۵	ب	۸ ۳۶۲
پ	۱ ۲۷۵	پ	۱ ۲۴۹
	غیره		

قسمت ۲: طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی

چ. مقدمه

۱۷–۷۶ طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی راه حلی است که در آن به افرادی که در طرح مشارکت می‌کنند، وقتی شرایطی بوجود آید که به طور نامطلوبی در رفاه آن‌ها تأثیر بگذارد، مزایائی بنام مزایای اجتماعی پرداخت می‌شود. اما، برخی مزایای اجتماعی بدون مشارکت در یک طرح بیمه‌ی اجتماعی پرداختنی هستند. شرایطی که در آن مزایا پرداختنی می‌شوند، نه ماهیت خودِ مزایا، مشخص کننده‌ی یک طرح بیمه‌ی اجتماعی است.

۱۷–۷۷ طرح بیمه‌ی اجتماعی شکلی از یک قرارداد است و همیشه غیراز ذینفع حداقل یک واحد را درگیر می‌کند. این واحد ممکن است کارفرما، دولت یا یک نهاد مالی (اغلب شرکت بیمه) یا گاهی یک نهاد غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH) باشد.

۱۷–۷۸ هدف این قسمت از فصل این است که نحوه‌ی ثبت انواع مختلف مزایای اجتماعی ارائه شده تحت بیمه‌های اجتماعی را در SNA شرح دهد. برای این کار، لازم است مشخصه‌های تعیین کننده‌ی یک طرح بیمه‌ی اجتماعی، ماهیت واحد دیگرِ درگیر در طرح، انواع مزایای پرداختنی و روش‌های تأمین مالی این‌ها، روشن شود.

ح. تعاریف پایه

۱. مزایای اجتماعی

۱۷–۷۹ مزایای اجتماعی هنگامی پرداختنی می‌شوند که رویداد معینی رخ دهد، یا شرایط معینی بوجود آید که به طور نامطلوبی رفاه خانوارهای مربوطه را چه با تحمیل تقاضای اضافی بر منابع آن‌ها چه با کاهش درآمد آن‌ها متأثر سازد. مزایای اجتماعی ممکن است به صورت نقدی یا به صورت غیرنقدی فراهم شود. مزایا در شرایط زیر پرداختنی می‌شوند:

الف. ذینفعان یا وابستگان آن‌ها نیازمند درمان پزشکی، دندانپزشکی یا سایر درمان‌ها باشند، یا نیازمند مراقبت‌های بیمارستانی، مراقبت‌های دوره‌ی نقاهت یا بلند مدت در اثرِ بیماری، جراحت، زایمان، ناتوانی مزمن، سالخوردگی و غیره باشند. در این صورت، مزایای اجتماعی ممکن است به طور غیرنقدی به شکل درمان یا مراقبت به طور رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند، یا با جبرانِ مخارجی که خانوار متقبل شده است فراهم شود. مزایای اجتماعی نقدی نیز ممکن است به ذینفعانِ نیازمند به مراقبت‌های بهداشتی پرداختنی شود.

ب. ذینفعان مجبور به حمایت از وابستگان متعدد شامل همسر، کودکان، بستگان سالخورده، معلولین و غیره باشند. در این صورت، مزایای اجتماعی معمولاً به صورت نقدی به شکل کمک هزینه‌های بستگان یا خانواده به صورت منظم پرداخت می‌شوند.

پ. ذینفعان از کاهش درآمد ناشی از ناتوانی در کار، یا کار تمام وقت رنج ببرند. مزایای اجتماعی معمولاً به صورت نقدی به طور منظم برای طول مدت شرایط مورد نظر پرداخت می‌شوند. در برخی شرایط ممکن است یک مبلغ یکجا اضافه بر پرداخت منظم یا بجای آن فراهم شود. مردم ممکن است به دلایل زیر از کارکردن باز بمانند:

- بازنشستگی داوطلبانه یا اجباری؛
- بیکاری غیرداوطلبانه، از جمله اخراج موقت و کوتاه مدت از کار؛
- بیماری، جراحت ناشی از تصادف، زایمان، و غیره که شخصی را از کار کردن یا کارکردن تمام وقت باز دارد.

ت. ذینفعان برای جبران کاهش درآمد ناشی از مرگِ نان آور اصلی پرداخت‌هائی را دریافت کنند.

ث. برای ذینفعان مسکن رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند فراهم کنند یا مخارج انجام شده توسط خانوار را جبران کنند. این‌ها مزایای اجتماعی غیرنقدی هستند.

ج. برای ذینفعان کمک هزینه برای پوشش هزینه‌های عملیاتی تحصیل برای خودشان یا بستگانشان فراهم کنند. گاهگاهی ممکن است خدمات تحصیلی به صورت غیرنقدی فراهم شود.

۱۷–۸۰ شرایط فوق نمونه‌هائی هستند که در آن‌ها امکان بهره‌مندی از مزایای بیمه‌ی اجتماعی وجود دارد. ولی فهرست فوق بیشتر روشن کننده است و فهرست کاملی نیست. برای مثال، در برخی طرح‌های بیمه‌های اجتماعی ممکن است مزایای اجتماعی طرح‌های دیگر پرداختنی باشد. برعکس، به هیچ وجه تمامی طرح‌ها در تمامی شرایط فهرست شده در بالا مزایا فراهم نمی‌کنند. در عمل، دامنه‌ی طرح‌های بیمه‌های اجتماعی به طور قابل ملاحظه‌ای از کشوری به کشور دیگر، یا از طرحی به طرح دیگر در یک کشور متفاوت است.

۲. تأمین مزایای اجتماعی توسط دولت

۱۷–۸۱ بسیاری از مزایای اجتماعی توسط دولت تأمین می‌شوند. آن‌ها ممکن است زیر عنوان پرداخت‌های بیمه‌های اجتماعی، مساعدت‌های اجتماعی یا انتقالات اجتماعی غیرنقدی در حساب‌ها نشان داده شوند.

۱۷–۸۲ تأمین اجتماعی نامی است که به طرح بیمه‌ی اجتماعی اجرا شده توسط دولت داده می‌شود. همانگونه که در زیر شرح داده خواهد شد، برای دریافت مزایای تأمین اجتماعی، فرد باید در یک طرح تأمین اجتماعی مشارکت داشته باشد.

۱۷–۸۳ مساعدت اجتماعی طرح نیست و از اینرو نیاز به مشارکت ندارد. ولی، مساعدت اجتماعی غالباً محدود به افرادی با درآمدهای پائین، معلولیت یا سایر خصوصیات است. با وجود این، در برخی از کشورها ممکن است مستمری بازنشستگی بدون این که نیاز به مشارکت باشد، به‌صورت همگانی پرداخت شود که این هم قسمتی از مساعدت‌های اجتماعی است. در فصل ۸ بخشی وجود دارد که درباره تفاوت بین بیمه‌ی اجتماعی و مساعدت اجتماعی به طور مفصل تری بحث می‌کند.

۱۷–۸۴ تعریف مزایای اجتماعی، ارائه‌ی احتمالیِ خدمات سلامت و آموزش را در بر می‌گیرد. به طور معمول، دولت این نوع خدمات را در دسترس کل اعضای جامعه قرار می‌دهد بدون این که نیاز به مشارکت در طرحی داشته باشند یا واجد شرایطِ لازم باشند. این خدمات به عنوان انتقالات اجتماعیِ غیرنقدی تلقی می‌شوند و جزئی از تأمین اجتماعی یا مساعدت اجتماعی بشمار نمی‌آیند. انتقالات اجتماعی غیرنقدی نیز در فصل ۸ مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۱۷–۸۵ علاوه بر ارائه‌ی خدمات سلامت و آموزش توسط دولت، این نوع خدمات ممکن است توسط NPISHها نیز به افراد ارائه شوند. این‌ها نیز به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی، نه جزئی از طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی، تلقی می‌شوند.

۳. تأمین مزایای اجتماعی توسط سایر واحدهای نهادی

۱۷–۸۶ مزایای اجتماعی ممکن است توسط کارفرمایان نیز برای کارکنان و بستگان آن‌ها فراهم شود یا همچنین ممکن است توسط واحدهای دیگر نظیر اتحادیه‌های صنفی نیز فراهم شوند. تمامی مزایای اجتماعی تأمین شده توسط واحدهای دیگر غیراز دولت، زیر یک طرح بیمه‌ی اجتماعی قرار می‌گیرند.

۴. طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی

۱۷–۸۷ طرح بیمه‌ی اجتماعی شکلی از طرحِ بیمه‌ی قراردادی است

که در آن دارنده‌ی بیمه‌نامه با دخالت طرف سومی مجبور یا تشویق به بیمه کردن در برابر برخی رخدادهای احتمالی می‌شود. برای مثال، دولت ممکن است تمامی کارکنان را به مشارکت در یک طرح تأمین اجتماعی مجبور کند؛ کارفرمایان ممکن است مشارکت در یک طرح بیمه را که خود مشخص کرده‌اند به عنوان یکی از شرایط استخدام قرار دهند؛ کارفرمائی ممکن است با پرداخت حق بیمه از طرف کارکنان خود آن‌ها را در پیوستن به یک طرح تشویق کند؛ یا یک اتحادیه صنفی ممکن است ترتیب بهره‌مندی از یک پوشش بیمه‌ای را فقط برای اعضای اتحادیه فراهم کند. حق بیمه‌های طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی معمولاً توسط کارکنان یا از طرف آن‌ها پرداخت می‌شود هرچند که ممکن است در برخی شرایط اشخاصِ بیکار یا خود اشتغال نیز پوشش داده شوند.

۸۸-۱۷ ***طرح بیمه اجتماعی طرح بیمه‌ای است که دو شرط زیر را داشته باشد:***

الف. مزایای دریافتی مشروط به مشارکت در طرح باشد و مزایای اجتماعی به‌صورتی که در SNA مطرح شده است تشکیل دهد؛ و

ب. حداقل یکی از سه شرط زیر را داشته باشد:

- ***مشارکت در طرح چه از طریق قانون چه طبق شرایط و ضوابط استخدامی یک کارفرما، یا گروهی از کارفرمایان اجباری باشد؛***
- ***طرح متشکل از یک طرح جمعی به نفع گروهی تعیین شده از کارکنان، اعم از شاغل یا غیرشاغل باشد، ضمن این که مشارکت به اعضای آن گروه محدود شده باشد؛***
- ***کارفرما حق بیمه‌ای (واقعی یا احتسابی) را از طرف کارکن به طرح پرداخت کند، اعم از این که کارکن هم حق بیمه‌ای پرداخت کند یا خیر.***

۸۹-۱۷ کسانی که در طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی مشارکت می‌کنند حق بیمه به طرح پرداخت می‌کنند (یا از طرف آن‌ها پرداخت می‌شود) و مزایا از آن دریافت می‌کنند. حق بیمه‌ها و مزایا به شیوه‌ای مشابه با حق بیمه‌ها و خسارت‌ها تعریف می‌شوند. ***حق بیمه‌ی بیمه‌های اجتماعی مبلغ پرداختنی به طرح بیمه‌ی اجتماعی است با این قصد که برای ذینفع تعیین شده‌ای حق دریافت مزایای اجتماعی پوشش داده شده در طرح را ایجاد کند. مزایای بیمه‌ی اجتماعی، مزایای اجتماعی است که به این دلیل پرداختنی می‌شوند که ذینفع در یک طرح بیمه‌ی اجتماعی مشارکت دارد و ریسک اجتماعی که در مقابل آن بیمه شده است رخ داده است.***

۹۰-۱۷ تأمین اجتماعی شکلی از طرح بیمه‌ی اجتماعی است. اهمیت نسبی تأمین اجتماعی نسبت به دیگر طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی به طور قابل ملاحظه‌ای از کشوری به کشور دیگر بسته به ترتیبات نهادی آن‌ها متغیر است. در برخی از کشورها، تأمین اجتماعی ممکن است محدود به تأمین بازنشستگی اولیه از شبکه‌ی گوناگون امنیت اجتماعی باشد. در این گونه موارد حتی تأمین بازنشستگی کارکنان دولت نیز ممکن است غیر از طریق تأمین اجتماعی صورت گیرد. از سوی دیگر، ممکن است تقریباً تأمین همه‌ی مستمری بازنشستگان از جمله آن‌هائی که به کارکنان بنگاه‌های خصوصی تعلق می‌گیرند از مسیر تأمین اجتماعی انجام شود.

۹۱-۱۷ دو طبقه از طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی عبارتند از:

الف. تأمین اجتماعی

ب. طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور غیر از تأمین اجتماعی.

طرح‌های غیر از تأمین اجتماعی ممکن است با یک شرکت بیمه به صورت بیمه‌نامه‌های گروهی یا سری‌هائی از بیمه‌نامه‌ها ترتیب داده شوند یا ممکن است توسط یک شرکت بیمه به ازای دریافت حق‌الزحمه‌ای مدیریت شوند. یا به شکل دیگری، ممکن است طرح مستقیماً توسط خودِ کارفرما مدیریت شود.

طرح‌های چند کارفرمائی

۹۲-۱۷ یک شرکت بیمه ممکن است توافق کند که در مقابل دریافت حق‌الزحمه‌ای یک طرح بازنشستگی را نه تنها مدیریت کند بلکه ریسک همراه آن را نیز بپذیرد. این کار در رابطه با اجرای این خدمت برای تعدادی از طرح‌ها به طور جمعی انجام می‌شود که بنام طرح چند کارفرمائی نامیده می‌شود. در بسیاری از این طرح‌ها، شرکت بیمه مسئولیت مدیریت منابع

مالیِ در اختیار خود را طوری انجام می‌دهد که به اندازه کافی منابع مالی در دسترس داشته باشد تا بدهی‌های مستمری بازنشستگی را تأمین کرده مازادی نیز برای او باقی بماند. اگر او برای فراهم کردن منابع مالی کافی برای حق برخورداری از مزایای بازنشستگی شکست بخورد، در این صورت، این مؤسسه و نه کارفرمایان اولیه، مسئولیت خواهد داشت که ما به التفاوت را از منابع مالی خود تأمین کند.

۱۷–۹۳ هنگامی که دولت مسئولیت تأمین مستمری بازنشستگی را برای بخش بزرگی از جامعه به عهده می‌گیرد، در واقع تأمین اجتماعی نقش یک طرح چند کارفرمائی را بازی می‌کند. در این صورت مانند شرکت بیمه، دولت مسئولیت هرگونه کسری مالی برای تأمین بدهی‌های مستمری بازنشستگی را به عهده می‌گیرد یا ممکن است حق ایجاد هرگونه مازاد را داشته باشد. هرچند در بسیاری از مواقع تأمین اجتماعی بر اساس توازن هزینه و درآمد (pay-as-you-go: PAYG) تأمین مالی می‌شود بنابراین بحث مازاد بوجود نمی‌آید و اگر کسری منابع مالی وجود داشته باشد دولت قدرت این را دارد که حقوق ذینفعان را نه تنها در رابطه با استخدام‌های آینده بلکه برای گذشتگان نیز تغییر دهد.

۵. قراردادهای بیمه‌ی فردی با ویژگی‌های بیمه‌ی اجتماعی

۱۷–۹۴ بسیاری از طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی به طور دسته جمعی برای گروه‌هائی از کارگران سازماندهی می‌شوند به طوری که مشارکت کنندگان مجبور نباشند بیمه‌نامه‌های فردی بنام خود خریداری کنند. در چنین مواردی، در تشخیص بیمه‌ی اجتماعی از بیمه‌ای که به‌طور شخصی خریداری می‌شود، مشکلی وجود ندارد. اما، در برخی طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی ممکن است اجازه داده شود، یا حتی درخواست شود، مشارکت کنندگان بیمه‌نامه را بنام خود خریداری کنند. عوامل تعیین کننده برای این که بیمه‌ای به عنوان بیمه‌نامه‌ی بیمه‌ی اجتماعی به حساب آید این است که مزایا باید از نوع مزایای اجتماعی باشند و کارفرمائی پرداخت‌هائی را به عنوان حق بیمه‌ی واقعی یا احتسابی از طرف کارکن به طرح انجام دهد.

۱۷–۹۵ حق بیمه‌های پرداختی، و خسارت‌های دریافتی، در بیمه‌نامه‌های فردی که تحت یک طرح بیمه‌ی اجتماعی بیمه شده است به عنوان حق بیمه‌ی اجتماعی و مزایای بیمه‌ی اجتماعی ثبت می‌شوند. پرداخت حق بیمه به طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی غالباً به صورت ماهانه یا حتی کمتر از یک ماه صورت می‌گیرد زیرا این پرداخت‌ها اغلب مستقیماً هنگامی که حقوق و دستمزد پرداختنی است انجام می‌شود.

۱۷–۹۶ بسیاری از بیمه‌نامه‌های فردی دارای شرایط طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی احتمالاً برای تأمین بازنشستگی هستند ولی این امکان وجود دارد که رخدادهای دیگری را پوشش دهد، به عنوان مثال، تأمین درآمد هنگامی که دارنده بیمه‌نامه بعلت بیماری برای مدت زمان طولانی قادر به کار نباشد.

۱۷–۹۷ بیمه‌نامه‌های بیمه‌ی فردی که واجد شرایط بیمه‌ی اجتماعی نباشند، به عنوان بیمه‌ی فردی فاقد شرایط بیمه‌ی اجتماعی یا به طور مختصر، سایر بیمه‌ها گفته می‌شوند. این نوع بیمه‌ها در حساب‌های SNA به‌صورتی که در قسمت ۱ این فصل شرح داده شد ثبت می‌شوند.

۶. مزایای پرداختنی در طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی

۱۷–۹۸ در SNA، مزایای بیمه‌ی اجتماعی و حق بیمه‌های متناظرِ آن‌ها به دو دسته، آن‌هایی که مربوط به مستمری بازنشستگی هستند و تمامی آن‌هائی که مربوط به شکل‌های دیگر مزایا هستند، تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین مزایای بازنشستگیِ زیر پوشش طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی، درآمد بازنشستگی است ولی تعدادی از رخدادهای احتمالی دیگر نیز ممکن است در این طرح‌ها پوشش داده شوند. برای مثال، مستمری بازنشستگی ممکن است به زنان و مردان بیوه یا به مردمی که از جراحت‌های وارده در اثر فعالیت صنعتی رنج می‌برند و دیگر قادر به کار نیستند پرداختنی باشد. تمامی این نوع احتمالات که به دلیل این که نان آور اصلی، در اثر مرگ یا ناتوانی، دیگر قادر به تأمین درآمد برای خود و بستگانش نیست منجر به پرداخت‌هائی می‌شوند، به عنوان مستمری بازنشستگی در نظر گرفته می‌شوند.

۱۷–۹۹ تمامی مزایای دیگر همه با هم در یک گروه به عنوان مزایای غیربازنشستگی قرارمی‌گیرند. تشخیص بین این دو مهم است زیرا SNA بدهی‌های برخی مستمری‌های بازنشستگی‌ها را اعم از این که واقعاً دارائی‌هائی وجود داشته باشند که برای تأمین حقوق بازنشستگی کنار گذاشته شده باشند یا خیر به رسمیت می‌شناسد، ولی ذخائر مزایای غیربازنشستگی را

هنگامی به رسمیت می‌شناسد که این‌ها واقعاً وجود داشته باشند.

خ. حسابداری حق بیمه‌ها و مزایای غیربازنشستگی

۱۷-۱۰۰ مزایای غیربازنشستگی ممکن است تحت طرح‌های تأمین اجتماعی یا طرح‌های اشتغال محور غیر از تأمین اجتماعی پرداختنی باشند. هرچند که در واقع ممکن است در بسیاری از کشورها مزایای غیربازنشستگی وجود نداشته باشند، ولی در اینجا توضیح داده می‌شود که اگر این گونه مزایا وجود داشته باشند چگونه باید ثبت شوند. در سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی بسته به این که ذخائری برای تأمین مزایای آینده کنار گذاشته شده باشند یا خیر، روش ثبت آن‌ها متغیر است. هرچند در بسیاری از موارد ممکن است چنین ذخائری وجود نداشته باشند و مزایا بر اساس توازن درآمد و هزینه پرداخت شوند، درباره‌ی ثبت مناسبِ هریک از موارد توضیح داده می‌شود.

۱. مزایای غیربازنشستگی پرداختنی در تأمین اجتماعی

۱۷-۱۰۱ همان‌طور که در طرح‌های تأمین اجتماعی معمول است، حق بیمه‌ها ممکن است توسط کارفرما و کارکنان هردو پرداختنی باشد. هزینه‌های اجرای طرح‌های تأمین اجتماعی بخشی از مخارج عادی دولت را تشکیل می‌دهد و بنابراین حسابداریِ مربوط به اجرایِ تأمین اجتماعی، سنجه‌های ستانده را در بر نمی‌گیرد.

۱۷-۱۰۲ در SNA جریان‌ها به شرح زیر ثبت می‌شوند:

الف. حق بیمه‌های تأمین اجتماعیِ کارفرمایان به صورت پرداختنی توسط بخشی که کارفرما در آن قرار دارد و دریافتنی توسط خانوارها نشان داده می‌شوند. بخشی که کارفرما در آن قرار دارد می‌تواند هریک از بخش‌های شرکت‌های غیرمالی، شرکت‌های مالی، دولت (به عنوان یک کارفرما)، خانوارهائی که کارفرما هستند، NPISHها یا دنیای خارج (هنگامی که یک مقیم برای واحد نهادی غیرمقیم کار می‌کند) باشد. برای کارفرمایان مقیم پرداختنی‌ها در حساب ایجاد درآمد نشان داده می‌شوند؛ پرداختنی‌ها توسط کارفرمایان غیرمقیم در حساب توزیع اولیه درآمد برای دنیای خارج نشان داده می‌شود. دریافتنی‌ها توسط خانوارهای مقیم در حساب تخصیص درآمد اولیه و توسط خانوارهای غیرمقیم در حساب توزیع اولیه درآمد برای دنیای خارج نشان داده می‌شوند.

ب. در حساب توزیع ثانوی درآمد، حاصل جمع حق بیمه‌های تأمین اجتماعی کارفرمایان و حق بیمه‌های تأمین اجتماعی خانوارها در نقش کارکنان به صورت پرداختنی توسط خانوارها و دریافتنی توسط دولت نشان داده می‌شود. علاوه براین، مزایای نقدی تأمین اجتماعی پرداختنی به خانوارها به عنوان پرداختنی توسط دولت (یا دنیای خارج اگر از یک دولت خارجی باشد) و دریافتنی توسط خانوارها نشان داده می‌شوند.

۱۷-۱۰۳ مثالی از این جریان‌ها در جدول ۱۷-۳ نشان داده شده است.

۲. مزایای غیربازنشستگی بدون پشتوانه مالی غیر از مزایای تأمین اجتماعی

۱۷-۱۰۴ کارفرمائی که طرحِ بدون پشتوانه‌ی مالی اجرا می‌کند، در SNA طوری در نظر گرفته می‌شود که یک سهم بیمه‌ی احتسابی از طرف کارکنان به طرح مورد نظر پرداخت می‌کند. در عمل، ارزش حق بیمه‌های کارفرمایان و کارکنان معمولاً با مزایای پرداختنی در دوره مورد بررسی (بعلاوه هزینه‌ی اجرایِ طرح به‌صورتی که در پاراگراف زیر بیان خواهد شد) از نظر ارزش برابر گرفته می‌شود. حق بیمه‌ی احتسابی قسمتی از جبران خدمات کارکنان را تشکیل می‌دهد و به عنوان پرداختنی به طرح همراه با همه پرداخت‌های واقعی توسط کارکنان نیز نشان داده می‌شود. حتی اگر طرح بدون پشتوانه مالی نیز باشد، ممکن است کارکنان با وجود این حق بیمه پرداخت کنند؛ اما این که طرح‌های بدون پشتوانه‌ی مالی حق بیمه برای کارکنان نداشته باشند، امر غیرمعمولی نیست.

۱۷–۱۰۵ حتی اگر طرحی بدون پشتوانه‌ی مالی باشد، اداره‌ی آن هزینه‌هائی را در بر خواهد داشت. در اصل، برای ستانده که برابر حاصل جمع این هزینه‌ها است باید طوری عمل شود که حق بیمه از یک عنصر احتسابی توسط ذینفعان پرداخت شده است. حق بیمه احتسابی برای کارکنان باید این هزینه‌ها و نیز ارزش مزایای دریافتی توسط کارکنان را در بر داشته باشد. در این‌صورت در حساب مصرف درآمد ارزشی برابر با میزان هزینه‌های اجرای طرح به عنوان خریدِ این خدمات توسط کارکنان از کارفرمایان ثبت می‌شود.

۱۷–۱۰۶ دو تراکنش وجود دارد که برای تولید و مصرف خدماتِ ارائه شده توسط کارفرما ثبت می‌شوند. از آنجا که طرح بدون پشتوانه مالی است، جریان‌های درآمد سرمایه‌گذاری و مکمل‌های حق بیمه وجود ندارند که ثبت شوند. دو مجموعه از تراکنش‌های توزیعی برای ثبت وجود دارند.

۱۷–۱۰۷ تراکنش‌های تولید و مصرف به شرح زیر هستند:

الف. ستانده‌ی خدمات، در حساب تولیدِ کارفرما احتساب می‌شود و ارزش ستانده قسمتی از حق بیمه‌های احتسابی کارفرمایان به بیمه‌های اجتماعی که در جبران خدمات کارکنان گنجانیده شده است را تشکیل می‌دهد.

ب. مصرف خدمات به عنوان مخارج مصرف نهائی در حساب مصرف درآمد برای خانوارهای مقیم یا به عنوان صادرات برای خانوارهای غیرمقیم ثبت می‌شود.

۱۷–۱۰۸ تراکنش‌های توزیعی به شرح زیر هستند:

الف. حق بیمه‌های احتسابی کارفرمایان به طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی بدون پشتوانه مالی به عنوان پرداختنی توسط بخشی که کارفرما در آن قرار دارد در حساب ایجاد درآمد و دریافتنی توسط خانوارها در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شود.

ب. در حساب توزیع ثانوی درآمد، حق بیمه‌های احتسابی کارفرمایان و همه‌ی حق بیمه‌های واقعی توسط کارکنان به عنوان پرداختنی توسط خانوارها و دریافتنی توسط کارفرما نشان داده می‌شوند. بعلاوه، مزایای پرداختنی به خانوارها توسط کارفرمایان به عنوان پرداختنی توسط کارفرما و دریافتنی توسط خانوار نشان داده می‌شود.

۱۷–۱۰۹ مثالی از این جریان‌ها در جدول ۱۷–۴ نشان داده شده است.

۳. بیمه‌های اجتماعی با پشتوانه مالی غیراز بازنشستگی

۱۷–۱۱۰ همانگونه که در بالا اشاره شد، طرح‌های دارای پشتوانه مالی، برای مزایائی غیر از مستمری بازنشستگی بسیار رایج نیست. اما، این قبیل طرح‌ها در دو وضعیت وجود دارند. وضعیت نخست هنگامی پیش می‌آید که کارفرما برای این نوع مزایا منابع مالی در اختیار دارد و هرگونه صرفه‌جوئی در خرج‌های یک سال را برای پرداخت احتمالی اضافه خرج‌های سال‌های آینده ذخیره می‌کند. در وضعیت دیگر، کارفرما ممکن است دریابد که تعهدات پرداخت‌های آینده طوری است که لازم است احتیاط بعمل آورد که ذخائری را ایجاد کند تا بتواند از عهده چنین پرداخت‌هائی برآید. مثال برای این نوع طرح‌ها می‌تواند تأمین پوشش سلامت برای کارکنان فعلی و گذشته باشد. برخلاف مستمری‌های بازنشستگی، برآوردهای خسارت‌های احتمالی آینده‌ی مربوط به مزایای بیمه‌ی اجتماعی غیر از مستمری بازنشستگی لزوماً در SNA منظور نمی‌شود. بدهی‌ها تنها در حدی که درحساب‌های کارفرمایان موجود است ثبت می‌شوند.

۱۷–۱۱۱ بیمه‌های اجتماعی با پشتوانه مالی که مزایائی غیراز مستمری بازنشستگی را پوشش می‌دهند ممکن است توسط شرکت‌های بیمه یا توسط کارفرمایان از طرف کارکنانشان اجرا شوند. ستانده‌ی این فعالیت به همان شیوه‌ی ستانده بیمه‌ی غیرزندگی اندازه‌گیری می‌شود ولی مصرف خدمات متناظرِ آن تنها توسط خانوارهای ذینفعان پرداختنی است. این‌ها خانوارهای مقیم هستند بجز مواردی که یک تولید کننده‌ی مقیم مسئولِ پرداخت مزایا به کارکن فعلی یا گذشته‌ای است که غیرمقیم بوده یا یک عضو خانواده‌ی غیرمقیم دارد که مستحق دریافت مزایا است. درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به ذینفعانِ طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی تنها می‌تواند توسط همان خانوارها دریافتنی باشد.

۱۱۲–۱۷ حق بیمه‌های کارفرمایان تنها به کارکنان مربوط می‌شود. اما، کارکنان فعلی و گذشته هردو که در حال حاضر ذینفع هستند یا در آینده ذینفع خواهند بود ممکن است حق بیمه‌هائی به طرح پرداخت و درآمد سرمایه‌گذاری از آن دریافت کنند. در این صورت این درآمد سرمایه‌گذاری به عنوان مکمل‌های حق بیمه‌ی پرداختنی توسط این دریافت کنندگان تلقی می‌شود.

۱۱۳–۱۷ تمامی حق بیمه‌های این طرح‌ها به عنوان پرداختنی توسط خانوارها ثبت می‌شوند. این حق بیمه‌ها، از آن قسمت از حق بیمه‌های پرداخت شده توسط کارفرما به عنوان جزئی از جبران خدمات کارکنان در حساب ایجاد درآمد و نیز حق بیمه‌های پرداخت شده مستقیماً توسط کارکن از محل حقوق و دستمزد یا توسط دیگران از جمله کارکنان گذشته تشکیل یافته است. علاوه بر این، خانوارها در رابطه با این حق بیمه‌ها، درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه دریافت می‌کنند و این در کل به عنوان مکمل‌های حق بیمه تلقی می‌شود. دو قلم از حق بیمه‌ها در حساب توزیع ثانوی درآمد نشان داده می‌شود. اولی، حق بیمه‌ی اجتماعی واقعی که دقیقاً از نظر ارزش با مبلغ دریافتنی توسط خانوارها از کارفرما در حساب ایجاد درآمد برابر است. قلم دوم که حق بیمه‌های اجتماعی خانوارها نامیده می‌شوند، شامل پرداخت مستقیم توسط خانوارها بعلاوه مکمل‌های حق بیمه منهای کارمزد خدمات پرداختنی به طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی است.

۱۱۴–۱۷ تعداد هشت تراکنش لازم است ثبت شود، دو تراکنش که هریک به تولید و مصرف خدمات بیمه مربوط است، سه تراکنش به حق بیمه‌ها و مزایا، یکی به درآمد سرمایه‌گذاریِ مربوط به دارندگان بیمه‌نامه و دو تا مربوط به تفاوت حق بیمه‌ها و مزایا است:

الف. فعالیت واحدهای مقیم توسط شرکت‌های بیمه یا توسط یک کارفرما انجام می‌شود؛ ستانده در حساب تولید شرکت بیمه یا در بخش مربوط به کارفرما ثبت می‌شود؛

ب. حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان به طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی اشتغال محور به عنوان پرداختنی توسط بخشی که کارفرما در آن قرار گرفته است در حساب ایجاد درآمد و دریافتنی توسط خانوارها در حساب تخصیص درآمد اولیه نشان داده می‌شود؛

پ. درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان بیمه‌نامه (ذینفعان) در رابطه با این طرح‌ها توسط شرکت‌های بیمه و کارفرمایان پرداختنی، و توسط خانوارها دریافتنی است. هردوی پرداختنی‌ها و دریافتنی‌ها در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شوند؛

ت. حق بیمه‌های اجتماعی در حساب توزیع ثانوی درآمد به عنوان پرداختنی توسط خانوارها و دریافتنی توسط شرکت‌های بیمه یا بخش مناسبی که کارفرما در آن قرار دارد ثبت می‌شود؛

ث. مزایای اجتماعی مبتنی بر اشتغال غیراز مستمری بازنشستگی نیز در حساب توزیع ثانوی درآمد به عنوان پرداختنی توسط شرکت‌های بیمه یا بخش کارفرما و دریافتنی توسط خانوارها نشان داده می‌شود؛

ج. ارزش خدمات به عنوان قسمتی از مخارج مصرف نهائی توسط خانوارها پرداختنی است و در حساب مصرف درآمد ثبت می‌شود، غیر از خدمات مربوط به خانوارهای کارکن غیرمقیم که توسط دنیای خارج پرداختنی است؛

چ. مازاد حق بیمه‌های خالص نسبت به مزایا نشان دهنده افزایش بدهی‌های طرح بیمه به ذینفعان است. این قلم به عنوان تعدیل در حساب مصرف درآمد نشان داده می‌شود. همانند افزایش بدهی، این قلم در حساب مالی نیز نشان داده می‌شود. همان طور که نشان داده شد، این قلم احتمالاً بندرت رخ می‌دهد و، به دلایل عملی، تغییرات این نوع حق برخورداری از مزایای غیربازنشستگی ممکن است با تغییرات حق برخورداری از مزایای بازنشستگی یک جا منظور شوند.

۱۱۵–۱۷ مثالی از این جریان‌ها در جدول ۱۷–۵ نشان داده شده است.

د. حسابداری حق بیمه‌ها و مستمری‌های بازنشستگی

۱۱۶-۱۷ مستمری‌های بازنشستگی برای افراد یک اقتصاد براساس یکی از سه سازوکار، از طریق تأمین اجتماعی، از طریق طرح‌های اشتغال محور غیر از تأمین اجتماعی یا از طریق مساعدت اجتماعی فراهم می‌شود. تأمین اجتماعی و طرح‌های بازنشستگی اشتغال محور غیراز تأمین اجتماعی، باهم تشکیل طرح‌های بیمه اجتماعی را می‌دهند. هرچند مزایای فراهم شده تحت مساعدت‌های اجتماعی و برخی طرح‌های بیمه اجتماعی ممکن است بسیار مشابه باشند، ولی تفاوت کلیدی که وجود دارد این است که مزایای بیمه اجتماعی تنها در صورتی پرداخت می‌شوند که ذینفعان در طرح بیمه اجتماعی مشارکت کنند، که مشارکت به طور عادی با پرداخت حق بیمه‌های معین توسط ذینفع یا فرد دیگری از طرف او به اثبات می‌رسد. مساعدت‌های اجتماعی بدون پرداخت حق بیمه‌های معین پرداخت می‌شوند هرچند که ممکن است برای متقاضیان بضاعت آزمائی انجام شود.

۱۱۷-۱۷ ابزاری که از طریق آن مستمری بازنشستگی در دوران بازنشستگی برای افراد فراهم می‌شود به طور قابل ملاحظه‌ای از کشوری به کشور دیگر متغیر است. این قسمت از فصل ۱۷ متداول‌ترین شکل‌های تأمین بازنشستگی ایجاد شده تحت طرح‌های بیمه اجتماعی را بیان می‌کند هرچند که ممکن است همه وضعیت‌ها در همه کشورها اعمال نشود. مستمری‌های تأمین شده تحت مساعدت‌های اجتماعی نه در این فصل بلکه در فصل‌های ۸ و ۹ مورد بحث قرار گرفته است.

۱۱۸-۱۷ تأمین مستمری بازنشستگیِ بیمه اجتماعی در تمامی کشورها، اگر وجود داشته باشد، یا توسط دولت و یا توسط کارفرمایان انجام می‌شود. وقتی توسط دولت انجام می‌شود تأمین اجتماعی نامیده می‌شود و وقتی توسط کارفرمایان انجام می‌شود طرح‌های اشتغال محور غیر از تأمین اجتماعی نامیده می‌شود. تشخیص این که کدام مستمری بازنشستگی از طریق تأمین اجتماعی و کدام از طریق سایر طرح‌های مبتنی بر اشتغال تأمین می‌شوند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، در نتیجه پوشش و بنابراین درک ملی از این که اصطلاح "تأمین اجتماعی" به چه چیزی اطلاق می‌شود نیز به طور قابل ملاحظه‌ای متغیر است. برای روشن ساختن توصیه‌های SNA، لازم است انواع پوشش ارائه شده در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

۱۱۹-۱۷ محدودترین شکل بازنشستگیِ تأمین اجتماعی، شکل بسیار ابتدائی آن است. میزان مستمری بازنشستگی ممکن است مستقل از اندازه حق بیمه‌ها به‌صورت ثابت تعیین شود (هرچند نه مستقل از این واقعیت که حق بیمه‌ها برای دوره مشخصی از زمان ایجاد می‌شوند). حق یک کارکن برای بازنشستگیِ تأمین اجتماعی اغلب از یک کارفرما به کارفرمای دیگر انتقال‌پذیر ("متحرک") است، مزیتی که همیشه به سایر اشکال تأمین بازنشستگی اعمال نمی‌شود بلکه برای بسیاری از مردم با مشاغل کم پرداخت، کارموقت یا متناوب اعمال می‌شود، این ممکن است تنها شکلِ تأمین بازنشستگی باشد که کارکنان می‌توانند انتظار دریافت آن را داشته باشند.

۱۲۰-۱۷ در مقابل، در بعضی از کشورها تأمین بازنشستگی به طور کامل یا عمدتاً از طریق تأمین اجتماعی انجام می‌شود. در این حالت، دولت نسبت به کارفرما به عنوان واسطه عمل می‌کند به طوری که وقتی دولت حق بیمه‌های پرداختی توسط کارفرما و خانوارها را دریافت می‌کند، در این صورت ریسک پرداخت‌های نهائی را نیز به عهده می‌گیرد. دولت کارفرما را از ریسکی که رویاروئی با هزینه مستمری‌های بازنشستگی ممکن است برای بنگاه او بسیار زیاد باشد خلاص می‌کند و به مردم اطمینان می‌دهد که مستمری‌های بازنشستگی پرداخت خواهد شد، هرچند که ممکن است این کار را با توانائی در تغییر مبلغ مستمری‌های بازنشستگی پرداختنی انجام دهد، حتی اگر شرایط اقتصادی ایجاب کند این تغییر را به صورت برگشت به عقب نیز اعمال کند.

۱۲۱-۱۷ طرح‌های بازنشستگی که توسط کارفرمایان خصوصی اجرا می‌شوند معمولاً مشمول تغییرات برگشت به عقبِ مبالغ پرداختنی نیستند، ولی این خطر وجود دارد که کارفرما به دلیل

این که ممکن است از کسب و کار خارج شده باشد قادر به پرداخت نباشد. هرچند که طرفداری از حق برخورداری از مزایای بازنشستگیِ افراد به‌طور فزاینده‌ای رایج‌تر شده است. به همین ترتیب، مستمری بازنشستگی ایجاد شده بر اساس طرحِ یک کارفرما ممکن است به کارفرمای جدید انتقال‌پذیر نباشد هرچند که این نیز در حال تغییر است. در عین این که تأمین اجتماعی ممکن است بر اساس توازن درآمد و هزینه تأمین مالی شود و اغلب نیز چنین است، سایر طرح‌های کارفرمائی به طور فزاینده‌ای دارای ذخائر کنار گذاشته‌ی احتمالی هستند. حتی اگر ذخائری وجود نداشته باشد، قواعد حسابداری نیازمند این است که حق برخورداری از مزایای بازنشستگیِ کارکنان فعلی و گذشته به رسمیت شناخته شود.

۱۲۲-۱۷ بازنشستگی‌های اشتغال محور، غیر از ابتدائی‌ترین شکل تأمین اجتماعی، به عنوان قسمتی از بسته جبران خدمات دیده می‌شوند و ممکن است چانه زنی بین کارکنان و کارفرمایان به همان اندازه که بر شرایطِ فعلی خدمت و میزان پرداخت تأکید دارد، بر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی نیز متمرکز شود. حقوق بازنشستگی تأمین شده توسط کارفرمایان خصوصی، اغلب از وجوهی که کارفرمایان کنترل می‌کنند یا با طرف سومی نظیر شرکت بیمه قرارداد می‌بندند تأمین می‌شوند. این وجوه همچنین ممکن است مزایای اجتماعی دیگری غیر از مستمری بازنشستگی، نظیر پوشش پزشکی خصوصی را نیز فراهم کنند. گاهی اوقات برای یک واحد متخصص این امکان وجود دارد که موافقت کند در مقابل اطمینان از موجود بودن منابع مالی کافی برای فراهم کردن مستمری بازنشستگی وعده داده شده، مسئولیت تأمین بازنشستگی برای تعدادی از کارفرمایان را نیز بپذیرد. این نوع ترتیبات، طرح بازنشستگی چندکارفرمائی نامیده می‌شود.

۱۲۳-۱۷ همانند مزایای اجتماعی غیربازنشستگی، کارکنان فعلی و گذشته که ذینفعان آینده و فعلی هردو هستند ممکن است حق بیمه‌هائی به طرح پرداخت کنند و درآمد سرمایه‌گذاری از آن دریافت کنند. در این صورت درآمد سرمایه‌گذاری به عنوان مکمل‌های حق بیمه توسط دریافت کنندگان آن تلقی می‌شوند.

۱. بازنشستگی‌های تأمین اجتماعی

۱۲۴-۱۷ این امر رایج است ولی اساسی نیست که کارفرمایان و کارکنان هردو حق بیمه‌هائی را به بازنشستگی تأمین اجتماعی پرداخت کنند. همچنین معمول است که مشارکت در تأمین اجتماعی اجباری باشد. بازنشستگی‌های تأمین اجتماعی غالباً براساس توازن هزینه و درآمد تأمین مالی می‌شوند. فرض عادی در حساب‌های اصلی SNA این است که بازنشستگی‌های تأمین اجتماعی چگونه تأمین مالی می‌شوند. حق بیمه‌های دریافتنی در یک دوره، برای تأمین مالی مزایای پرداختنی در همان دوره بکار می‌رود. هیچ عنصر پس‌اندازی نه برای دولت که طرح را اجرا می‌کند و نه برای افراد مشارکت کننده در طرح وجود ندارد. در حساب‌های اصلی SNA هیچ نوع بدهی برای طرح به رسمیت شناخته نشده است هرچند اغلب این نگرانی احساس می‌شود که ممکن است مزایا بر حق بیمه‌ها فزونی یابد و این وضعیت احتمالاً در جمعیت سالخورده حادتر است. به این دلیل، برآوردهای بدهی به تأمین اجتماعی و نیز هر طرح بازنشستگی دیگری که درحساب‌های اصلی وارد نشده باشد در جدول‌های تکمیلی که در بخش د سطرهای زیرین شرح داده شده‌اند، آورده می‌شوند.

جدول ۱۷-۳: حساب‌های مزایای غیربازنشستگی پرداخت شده از طریق تأمین اجتماعی - مصارف

مصارف

	کارفرما	صندوق تأمین اجتماعی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (غیربازنشستگی)	۱۵.۰				۱۵.۰
حساب تخصیص درآمد اولیه					
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (غیربازنشستگی)					
حساب توزیع ثانوی درآمد					
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی (غیربازنشستگی)			۲۵.۰		۲۵.۰
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (غیربازنشستگی)			۱۵.۰		۱۵.۰
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی خانوارها (غیربازنشستگی)			۱۰.۰		۱۰.۰
مزایای تأمین اجتماعی غیربازنشستگی		۲۲.۰			۲۲.۰

جدول ۱۷-۴: حساب‌های مزایای بیمه‌ی اجتماعی غیربازنشستگی از سایر طرح‌های بدون پشتوانه‌ی مالی اشتغال محور - مصارف

مصارف

	کارفرما	صندوق بیمه اجتماعی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان	۹.۰				۹.۰
حساب تخصیص درآمد اولیه					
حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان					
حساب توزیع ثانوی درآمد					
کل حق بیمه‌های غیربازنشستگی خانوار			۹.۰		۹.۰
حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان			۹.۰		۹.۰
مزایای غیربازنشستگی بدون پشتوانه مالی		۹.۰			۹.۰

جدول ۱۷-۵: حساب‌های مزایای بیمه‌ی اجتماعی غیربازنشستگی از سایر طرح‌های دارای پشتوانه مالی اشتغال محور - مصارف

مصارف

	کارفرما	صندوق تأمین اجتماعی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب تولید					
ستانده					
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان	۶.۰				۶.۰
حساب تخصیص درآمد اولیه					
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان					
درآمد سرمایه‌گذاری				۴.۰	۴.۰
درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای غیربازنشستگی		۴.۰			۴.۰
حساب توزیع ثانوی درآمد					
کل حق بیمه‌های غیربازنشستگی خانوار			۱۴.۰		۱۴.۰
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان			۶.۰		۶.۰
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی خانوار			۵.۰		۵.۰
مکمل حق بیمه‌های غیربازنشستگی خانوار			۴.۰		۴.۰
کارمزد خدمات طرح بیمه اجتماعی			−۱.۰		−۱.۰
مزایای غیربازنشستگی با پشتوانه مالی		۷.۰			۷.۰
حساب مصرف درآمد					
مخارج مصرف نهائی			۱.۰		۱.۰
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		−۲.۰			−۲.۰
پس‌انداز	−۶.۰	۱۰.۰	۰.۰	−۴.۰	۰.۰
حساب مالی					
تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی			−۲.۰		−۲.۰

جدول ۱۷-۳ (ادامه): حساب‌های مزایای غیربازنشستگی پرداخت شده از طریق تأمین اجتماعی - منابع

	منابع			
	کارفرما	صندوق تأمین اجتماعی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (غیربازنشستگی)					
حساب تخصیص درآمد اولیه					
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (غیربازنشستگی)			۱۵.۰		۱۵.۰
حساب توزیع ثانوی درآمد					
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی (غیربازنشستگی)		۲۵.۰			۲۵.۰
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (غیربازنشستگی)		۱۵.۰			۱۵.۰
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی خانوارها (غیربازنشستگی)		۱۰.۰			۱۰.۰
مزایای تأمین اجتماعی غیربازنشستگی			۲۲.۰		۲۲.۰

جدول ۱۷-۴ (ادامه): حساب‌های مزایای بیمه‌ی اجتماعی غیربازنشستگی از سایر طرح‌های بدون پشتوانه مالی اشتغال محور - منابع

	منابع			
	کارفرما	صندوق بیمه اجتماعی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان					
حساب تخصیص درآمد اولیه					
حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان			۹.۰		۹.۰
حساب توزیع ثانوی درآمد					
کل حق بیمه‌های غیربازنشستگی خانوار		۹.۰			۹.۰
حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان		۹.۰			۹.۰
مزایای غیربازنشستگی بدون پشتوانه مالی			۹.۰		۹.۰

جدول ۱۷-۵ (ادامه): حساب‌های مزایای بیمه‌ی اجتماعی غیربازنشستگی از سایر طرح‌های دارای پشتوانه مالی اشتغال محور - منابع

	منابع			
	کارفرما	صندوق تأمین اجتماعی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب تولید					
ستانده		۱.۰			۱.۰
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان					
حساب تخصیص درآمد اولیه					
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان			۶.۰		۶.۰
درآمد سرمایه‌گذاری		۴.۰			۴.۰
درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای غیربازنشستگی			۴.۰		۴.۰
حساب توزیع ثانوی درآمد					
کل حق بیمه‌های غیربازنشستگی خانوار		۱۴.۰			۱۴.۰
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان		۶.۰			۶.۰
حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی خانوار		۵.۰			۵.۰
مکمل حق بیمه‌های غیربازنشستگی خانوار		۴.۰			۴.۰
کارمزد خدمات طرح بیمه‌ی اجتماعی		-۱.۰			-۱.۰
مزایای غیربازنشستگی با پشتوانه‌ی مالی			۷.۰		۷.۰
حساب مصرف درآمد					
مخارج مصرف نهائی					
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی پس‌انداز			-۲.۰		-۲.۰
حساب مالی					
تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		-۲.۰			-۲.۰

۱۲۵-۱۷ ثبت جریان‌ها برای طرح‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی ساده است. هر حق بیمه ایجاد شده توسط کارفرما به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان به حساب می‌آید. این قلم به عنوان پرداختنی توسط کارفرما در حساب ایجاد درآمد و دریافتنی توسط کارکن در حساب توزیع اولیه درآمد ثبت می‌شود. سپس کارکن مبلغی برابر با آنچه که از کارفرما دریافت کرده است همراه با هرگونه حق بیمه از طرف خود را به صندوق تأمین اجتماعی پرداخت می‌کند. این مبلغ به عنوان پرداختنی توسط خانوارها در حساب توزیع ثانوی درآمد و دریافتنی توسط دولت در همان حساب ثبت می‌شود. همه حق بیمه‌های ایجاد شده توسط اشخاص خود اشتغال یا غیرشاغل نیز در حق بیمه‌های پرداختنی توسط خانوارها به دولت منظور می‌شود. مزایای تأمین اجتماعی نیز به عنوان پرداختنی توسط دولت و دریافتنی توسط خانوار در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شوند.

۱۲۶-۱۷ مثالی از این جریان‌ها در جدول ۱۷-۶ نشان داده شده است. این جدول از نظر محتوا مشابه جدول ۱۷-۳ است بجز این که جدول ۱۷-۳ به مزایای غیربازنشستگی و جدول ۱۷-۶ به مزایای بازنشستگی پرداخته است.

۲. طرح‌های بازنشستگی اشتغال محور غیراز تأمین اجتماعی

۱۲۷-۱۷ دو نوع طرح بازنشستگی اشتغال محور غیراز تأمین اجتماعی وجود دارد. یکی طرح حق بیمه تعیین شده (قطعی) که گاهی به عنوان طرح خرید پولی نیز نامیده می‌شود. (عبارت "طرح بازنشستگی حق بیمه تعیین شده" قابل درک نیست ولی به طور گسترده‌ای در صنعت بازنشستگی بکار می‌رود). دیگری طرح مزایای تعیین شده است که گاهی به عنوان طرح دستمزد نهائی نامیده می‌شود، هرچند این عبارت واقعاً همه طرح‌های مزایای تعیین شده را توصیف نمی‌کند. به طور معمول هردو طرح توسط کارفرما و کارکن هردو مشارکتی هستند.

۱۲۸-۱۷ ***طرح حق بیمه‌ی تعیین شده طرحی است که مزایای پرداختنی به یک کارکن در بازنشستگی منحصراً برحسب میزان وجوهی که از حق بیمه‌های ایجاد شده در طول زندگیِ کاریِ کارکن و افزایش ارزش ناشی از سرمایه‌گذاری این وجوه توسط مدیر طرح ساخته شده است تعیین می‌شود.*** بنابراین در کل، ریسک طرح برای تأمین درآمد کافی در بازنشستگی بر عهده کارکن است.

۱۲۹-۱۷ ***طرح مزایای تعیین شده طرحی است که مزایای پرداختنی به یک کارکن در بازنشستگی، چه قدر مطلق آن چه حداقل آن، بر اساس یک فرمول تعیین می‌شود.*** در این حالت، ریسک طرح برای تأمین درآمد کافی در بازنشستگی یا برعهده کارفرما است یا به طور مشترک برعهده کارفرما و کارکن است. در برخی موارد، ریسک کارفرما ممکن است برعهده طرح چندکارفرمائی که طرح بازنشستگی مزایای تعیین شده را از طرف کارفرما اجرا می‌کند باشد. در SNA، طرحی که در شرایطی شبیه به طرح حق بیمه تعین شده ولی مثلاً با حداقل ضمانت تعریف می‌شود یا دیگر طرح‌هائی نظیر آن، با طرح‌های مزایای بازنشستگی تعیین شده، در یک گروه قرار می‌گیرند.

۱۳۰-۱۷ برای هردو نوع طرح، حق برخورداری از مزایای بازنشستگی مشارکت کنندگان هنگامی که ایجاد می‌شوند ثبت می‌گردند. در هردو مورد، درآمد سرمایه‌گذاری عاید شده وجود دارد و طوری ثبت می‌شود که بین ذینفعان توزیع شده و مجدداً توسط آن‌ها در طرح بازنشستگی سرمایه‌گذاری شده است. با وجود این تعدادی خصوصیات مختلف برای دو طرح وجود دارد لذا تراکنش‌های مربوط به هریک از آن‌ها قبل از این که سایر تغییرات در میزان حق برخورداری از مزایای بازنشستگی مورد بحث قرار گیرد، به طور جداگانه به تفصیل شرح داده می‌شود. ابتدا ثبت تراکنش‌های طرح حق بیمه تعیین شده که دارای پیچیدگی کمتری نسبت به طرح مزایای تعین شده است، توضیح داده می‌شود.

۱۳۱-۱۷ فرض می‌شود برای هردو نوع طرح صندوق بازنشستگی وجود دارد. در طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعیین شده، لازم است صندوقی وجود داشته باشد. در طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده صندوق می‌تواند در واقعیت وجود داشته باشد یا به‌صورت صندوق فرضی در نظر گرفته شود. اگر واقعاً وجود داشته باشد،

ممکن است جزئی از همان واحد نهادی کارفرما باشد، ممکن است یک واحد نهادی جداگانه (طرح بازنشستگی خودگردان) باشد، یا ممکن است جزئی از یک نهاد مالی دیگر، خواه یک شرکت بیمه خواه یک طرح بازنشستگی چندکارفرمائی، باشد. در تتشریح ثبت تراکنش‌ها گفتنی است که تراکنش‌های صندوق بازنشستگی باید به بخشی که صندوق در آن واقع شده است تخصیص داده شود.

طرح‌های بازنشستگیِ حق بیمه تعیین شده (DC)

۱۳۲-۱۷ ثبت تراکنش‌های مربوط به طرحِ بازنشستگی حق بیمه‌ی تعین شده مشکل مفهومی ندارد. احتساب‌های مربوطه نه برای جریان‌ها نه برای ارزش‌های نشان داده شده در ترازنامه برای حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ذینفعان لازم نیست و درباره این که کدام واحد بدهی و کدام واحد دارائی دارد نیز هیچگونه شکی وجود ندارد.

ثبت تراکنش‌های مربوط به طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعیین شده

۱۳۳-۱۷ حق بیمه‌ی پرداخت شده توسط یک کارفرما از طرف کارکنانش به طرح بازنشستگی، حق بیمه‌ی تعین شده به عنوان جزئی از جبران خدمات کارکنان تلقی می‌شود. این قلم به عنوان پرداختنی توسط کارفرما در حساب ایجاد درآمد و دریافتنی توسط کارکن در حساب توزیع اولیه درآمد ثبت می‌شود.

۱۳۴-۱۷ درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به حق برخورداری از مزایای بازنشستگی انباشته شده نیز در حساب تخصیص درآمد اولیه به صورت توزیع شده به (دریافتنی توسط) خانوارها و به عنوان پرداختنی توسط صندوق بازنشستگی نشان داده می‌شود. درآمد سرمایه‌گذاری شامل بهره و سود تقسیم شده‌ی پرداختنی بعلاوه درآمد توزیع شده‌ی طرح‌های سرمایه‌گذاری جمعی است در صورتی که صندوق بازنشستگی سهم‌هائی در آن‌ها داشته باشد. این امکان وجود دارد که صندوق بازنشستگی دارائی متعلق به خود را داشته باشد و روی آن مازاد عملیاتی خالص ایجاد کند که این نیز همراه با درآمد سرمایه‌گذاری طوری در نظر گرفته می‌شود که به ذینفعان بازنشستگی توزیع شده است. در این حالت، اصطلاح درآمد سرمایه‌گذاری باید طوری تعبیر شود که به اندازه کافی کشش دارد که این منبع از درآمد را نیز اگر وجود داشته باشد در بر گیرد. منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ایجاد شده از طریق سرمایه‌گذاری انباشته شده‌ی حق برخورداری ازمزایای بازنشستگی، در درآمد دارائی منظور نمی‌شود.

۱۳۵-۱۷ قسمتی از درآمد توزیع شده بین خانوارها برای تأمین هزینه‌های عملیاتی صندوق بکار می‌رود. این هزینه به عنوان ستانده صندوق بازنشستگی در حساب تولید و به عنوان عنصر مخارج مصرفی توسط خانوارها در حساب مصرف درآمد نشان داده می‌شود. قسمت باقی‌مانده درآمد توزیع شده به عنوان مکمل‌های حق بیمه بازنشستگی که توسط خانوار به صندوق بازنشستگی برگردانده شده است عمل می‌شود.

۱۳۶-۱۷ در حساب توزیع ثانوی درآمد، حق بیمه‌های اجتماعی به عنوان پرداختنی توسط خانوارها و دریافتنی توسط صندوق بازنشستگی نشان داده می‌شوند. کل مبلغ حق بیمه‌های اجتماعی پرداختنی از حق بیمه‌های واقعی پرداختنی توسط کارفرمایان به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان، حق بیمه‌های واقعی توسط کارکنان و احتمالاً توسط افراد دیگر (افرادی که قبلاً در طرح مشارکت داشته‌اند، اشخاص خود اشتغال و غیرشاغل و نیز بازنشسته‌ها) بعلاوه مکمل‌های حق بیمه‌ی مشخص شده تشکیل یافته است. برای روشن شدن موضوع، و افزایش سطح مقایسه با طرح‌های مزایای تعیین شده، مکمل‌ها در هردو حساب تخصیص درآمد اولیه که به عنوان درآمد سرمایه‌گذاری نشان شده است و حساب توزیع ثانوی درآمد که به عنوان مکمل‌های حق بیمه نشان شده است به ارزش کامل درج شده‌اند. اما، کارمزد خدمات به عنوان یک عنصر خنثی کننده‌ی کل حق بیمه‌ی خانوار در حساب توزیع ثانوی درآمد با علامت منفی نشان داده شده است. کل حق بیمه‌های پرداخت شده به طرح بازنشستگی توسط خانوارها ارقام خالص هستند، به همان ترتیب که حق بیمه‌ها خالص هستند، یعنی آن‌ها عبارت از کل حق بیمه‌های ایجاد شده منهای کارمزد خدمات نشان داده شده در حساب

مصرف درآمد هستند.

۱۳۷-۱۷ اشخاص غیرکارکن که در یک طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعیین شده مشارکت می‌کنند ممکن است اشخاص خود اشتغال مشارکت کننده در یک طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعیین شده باشند یا ممکن است اشخاص غیرشاغلی باشند که مثلاً بواسطه حرفه یا وضعیت اشتغال قبلی خود در یک طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعین شده مشارکت کرده‌اند.

۱۳۸-۱۷ در حساب توزیع ثانوی درآمد، مزایای بازنشستگیِ پرداختنی به خانوارها توسط صندوق بازنشستگی نیز نشان داده می‌شود. اما مزایای پرداختنی در یک طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعیین شده، در لحظه‌ی بازنشستگی به شکل یک مبلغ یک کاسه در می‌آید. ممکن است طرح ایجاب کند که این مبلغ بلافاصله به یک مستمری از همان نهاد مالی یا نهاد مالی دیگر تبدیل شود ولی این شرط همگانی نیست. در ثبت مناسبِ این مزایا لازم نیست که مزایای پرداختنیِ بلافاصله بعد از بازنشستگی و سپس، در صورتی که مورد داشته باشد، بازسرمایه‌گذاری به شکل مستمری یا اشکال دیگرِ دارائی‌های مالی نشان داده شود ولی بازطبقه‌بندی فرضی از حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی به حق برخورداری از مستمری سالانه صورت می‌گیرد. اما، از آنجا که به طور عادی بین این دو مجموعه حقوق تفاوتی قائل نمی‌شوند، تغییر واقعی طبقه‌بندی در حساب‌ها نشان داده نخواهد شد. ثبت مستمری‌های سالانه در قسمت ۱ این فصل مورد بحث قرار گرفته است.

۱۳۹-۱۷ در حساب مصرف درآمد، یک قلم ورودی برای پرداخت خدمات ارائه شده توسط صندوق بازنشستگی (برابر با ارزش ستانده صندوق بازنشستگی) وجود دارد که به عنوان پرداختنی توسط خانوارها به صندوق بازنشستگی است.

جدول ۱۷-۶: حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداخت شده از طریق تأمین اجتماعی - مصارف

مصارف

	کارفرما	صندوق تأمین اجتماعی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (بازنشستگی)	۱۳۹.۰				۱۳۹.۰
حساب تخصیص درآمد اولیه					
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (بازنشستگی)					
حساب توزیع ثانوی درآمد					
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی (بازنشستگی)			۲۲۶.۰		۲۲۶.۰
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (بازنشستگی)			۱۳۹.۰		۱۳۹.۰
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی خانوارها (بازنشستگی)			۸۷.۰		۸۷.۰
مزایای تأمین اجتماعی بازنشستگی		۲۱۰.۰			۲۱۰.۰

۱۷-۱۴۰ در همان حساب یک قلم ورودی وجود دارد که افزایش (کاهش) حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ناشی از فزونی (کسری) حق بیمه‌های پرداختنی منهای مزایای دریافتنی در حساب توزیع ثانوی درآمد را نشان می‌دهد. این مبلغ به عنوان پرداختنی به خانوارها توسط صندوق بازنشستگی نشان داده می‌شود. از آنجا که بخش عمده‌ی افزایش حق برخورداری از مزایای بازنشستگی مشارکت کنندگان در طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعیین شده، و در نهایت منابع مالی پرداخت مزایا، از منفعت ناشی از نگه‌داشتن حاصل می‌شود که در مکمل‌های حق بیمه‌ی مشارکت کنندگان در طرح‌های بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعیین شده منظور نمی‌شوند، لذا تعدیل برای حق برخورداری ازمزایای بازنشستگی این افراد غالباً منفی خواهد بود.

۱۷-۱۴۱ تعدیل برای تغییر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی که به عنوان پرداختنی توسط صندوق بازنشستگی به خانوارها در حساب مصرف درآمد وارد می‌شود در حساب مالی به عنوان پرداختنی توسط خانوارها به صندوق بازنشستگی نشان داده می‌شود. اثر انتقالِ هر تعهدی از یک واحد در یک بخش به واحدی در بخش دیگر برای تأمین مالی حق برخورداری از مزایای بازنشستگی در قلم مربوطه در حساب مالی منعکس می‌شود.

۱۷-۱۴۲ عوامل دیگری که موجب تغییرِ قلم ورودیِ ترازنامه در رابطه با تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی می‌شوند، در حساب‌های سایر تغییرات در دارائی‌ها نشان داده می‌شود. به‌طور خاص، بدهی‌های طرح به ذینفعان منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن را در حساب بازارزش‌گذاری نشان می‌دهد که کاملاً با منافع یا زیان‌های مربوط به دارائی‌های نگه داشته شده توسط طرح برای رویاروئی با این تعهدات مطابقت دارند. هنگامی که پرداخت‌ها در طرح حق بیمه‌ی تعیین شده از طریق مستمری‌ها انجام می‌شود، ممکن است نیاز به ثبت سایر تغییرات در حجم باشد، همانگونه که در پاراگراف ۱۷-۱۳۶ توضیح داده شد.

جدول ۱۷-۶ (ادامه): حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداخت شده از طریق تأمین اجتماعی - منابع

	منابع			
	کارفرما	صندوق تأمین اجتماعی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب ایجاد درآمد				
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (بازنشستگی)				
حساب تخصیص درآمد اولیه				
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (بازنشستگی)			۱۳۹.۰		۱۳۹.۰
حساب توزیع ثانوی درآمد				
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی (بازنشستگی)		۲۲۶.۰			۲۲۶.۰
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی کارفرمایان (بازنشستگی)		۱۳۹.۰			۱۳۹.۰
حق بیمه‌های تأمین اجتماعی واقعی خانوارها (بازنشستگی)		۸۷.۰			۸۷.۰
مزایای تأمین اجتماعی بازنشستگی			۲۱۰.۰		۲۱۰.۰

۱۴۳-۱۷ جدول ۱۷-۷ اقلام ورودیِ لازم برای ثبت تراکنش مربوط به یک طرح، حق بیمه‌ی تعیین شده را روشن می‌سازد. این از جدول متناظر برای طرح مزایای تعین شده که در بخش بعد توضیح داده خواهد شد ساده‌تر است، زیرا هیچگونه تراکنش احتسابی در آن وجود ندارد.

طرح‌های بازنشستگیِ مزایای تعیین شده (DB)

تفاوت‌های بین طرح‌های بازنشستگیِ مزایای تعیین شده و حق بیمه‌ی تعیین شده

۱۴۴-۱۷ تفاوت اساسی در حسابداری طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده در مقایسه با طرح بازنشستگی حق بیمه‌ی تعیین شده این است که، در طرح بازنشستگی مزایای تعیین شده، مزایای کارکنان در دوره جاری برحسب تعهدات کارفرما درباره‌ی میزان مستمری بازنشستگی که در نهایت دریافتنی خواهد شد تعیین می‌شود، در حالی که در طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعیین شده، مزایا برای کارکنان در دوره جاری به طور کامل از طریق حق بیمه‌های پرداخت شده به طرح و درآمد سرمایه‌گذاری و منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن عاید شده از این‌ها و حق بیمه‌های پیشین تعیین می‌شود. از اینرو، در حالی که اطلاعات کامل درباره مزایای مشارکت کنندگان در طرح بازنشستگی حق بیمه‌ی تعیین شده در دسترس است، مزایای مشارکت کنندگان در طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده باید برآورد شود. منابع این برآوردها، برآوردهای بیمه سنجی (اکچوئری) است که کارفرما در تنظیم حساب‌های خود با آن مواجه است.

جدول ۱۷-۷: حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداختنی در طرح حق بیمه‌ی تعیین شده – مصارف

مصارف	کارفرما	صندوق بازنشستگی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب تولید					
ستانده					
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان	۱۱.۰				۱۱.۰
حساب تخصیص درآمد اولیه					۰.۰
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان					۰.۰
درآمد دارائی				۳.۰	۳.۰
درآمد دارائی پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		۱۶.۲			۱۶.۲
حساب توزیع ثانوی درآمد					۰.۰
کل حق بیمه‌های بازنشستگی خانوار			۳۷.۳		۳۷.۳
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان			۱۱.۰		۱۱.۰
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی خانوار			۱۱.۵		۱۱.۵
مکمل حق بیمه‌های بازنشستگی خانوار			۱۶.۲		۱۶.۲
کارمزد خدمات طرح بازنشستگی			−۱.۴		−۱.۴
مزایای بازنشستگی حق بیمه تعیین شده		۲۶.۰			۲۶.۰
حساب مصرف درآمد					۰.۰
مخارج مصرف نهائی			۱.۴		۱.۴
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		۱۱.۳	۰.۰		۱۱.۳
پس‌انداز	−۱۱.۰	−۱۱.۸	۲۵.۸	−۳.۰	۰.۰
تغییرات در دارائی‌ها					
حساب مالی					
خالص وام‌گیری/ وام دهی					
تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی			۱۱.۳		۱۱.۳
سایر دارائی‌های مالی	−۱۱.۰	−۰.۵	۱۴.۵	−۳.۰	۰.۰

۱۷–۱۴۵ چهار منبع برای تغییرِ حق برخورداری از مزایـای بازنشسـتگی در طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده وجـود دارد. نخسـت، افزایش خدمت فعلی است که افزایش حق بازنشستگی همراه با حقوق و دستمزد عاید شـده در دوره جـاری را در پـی دارد. منبع دوم، افزایش خدمت گذشته است که عبـارت از افـزایش ارزش حق بازنشستگی به سبب این که برای تمامی مشارکت کنندگان در طرح، بازنشستگی (و فوت) یک سـال نزدیـک‌تـر می‌شود. تغییر سوم در میزان حق بازنشستگی، کاهش در اثـرِ پرداخت‌های انجام شده به بازنشستگان طرح است. چهـارمین منبع تغییر از سایر عوامل ناشی می‌شود، عواملی که در حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها منعکس می‌شود.

۱۷–۱۴۶ همانند طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی معین، کارفرما و کـارکن هردو ممکن است در دوره جاری حق بیمه‌های واقعی به طرح پرداخت کنند. اما، این پرداخت‌ها ممکـن اسـت بـرای مواجـه شدن با افزایش مزایای تعلق گرفتـه از اشـتغال سـال جـاری کافی نباشد. بنـابراین یـک حـق بیمـه‌ی اضـافی از کارفرمـا احتساب می‌شود تا تعادل بین حق بیمه‌ها و افـزایش در حـق خدمات جاری را برقرار سازد. ایـن حـق بیمـه‌هـای احتسـابی معمولاً مثبت هستند ولی منفی شدن آن‌هـا، در صـورتی کـه حاصل جمع حق بیمه‌هـای دریافـت شـده بـر افـزایش حـق خدمات جاری آن‌ها فزونی یابد، امکان پذیر است. مفاهیم این مورد در سطرهای زیرین، هنگام بررسی رابطه بین کارفرمـا و صندوق، مورد بحث قرار گرفته است.

جدول ۱۷–۷ (ادامه): حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداختنی در طرح حق بیمه‌ی تعیین شده – منابع

منابع					
	کارفرما	صندوق بازنشستگی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب تولید					
ستانده		۱.۴			۱.۴
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان					
حساب تخصیص درآمد اولیه					
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان			۱۱.۰		۱۱.۰
درآمد دارائی		۳.۰			۳.۰
درآمد دارائی پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی			۱۶.۲		۱۶.۲
حساب توزیع ثانوی درآمد					
کل حق بیمه‌های بازنشستگی خانوار		۳۷.۳			۳۷.۳
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان		۱۱.۰			۱۱.۰
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی خانوار		۱۱.۵			۱۱.۵
مکمل حق بیمه‌های بازنشستگی خانوار		۱۶.۲			۱۶.۲
کارمزد خدمات طرح بازنشستگی		−۱.۴			−۱.۴
مزایای بازنشستگی حق بیمه تعیین شده			۲۶.۰		۲۶.۰
حساب مصرف درآمد					
مخارج مصرف نهائی					
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی			۱۱.۳		۱۱.۳
پس‌انداز					
تغییرات در بدهی‌ها					
حساب مالی					
خالص وام‌گیری/ وام‌دهی	−۱۱.۰	−۱۱.۸	۲۵.۸	−۳.۰	۰.۰
تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		۱۱.۳			۱۱.۳
سایر دارائی‌های مالی					۰.۰

۱۴۷-۱۷ در انتهای یک دوره حسابداری، میزان حق برخورداری از مزایای بازنشستگیِ مربوط به کارکنان گذشته و فعلی را می‌توان با برآورد ارزش فعلی مبالغی که باید در بازنشستگی پرداخت شود با استفاده از برآوردهای بیمه سنجی (اکچوئری) طول زندگی مورد انتظار ذینفعان محاسبه کرد. این قلم، مبلغِ نشان داده شده در ترازنامه به عنوان بدهی به کارکنان است. یکی از عناصر افزایش سال به سال این مبلغ این واقعیت است که ارزش فعلی حق بازنشستگی موجود در ابتدای سال و در انتهای سال افزایش یافته است زیرا آینده یک سال نزدیک‌تر شده و بنابراین عامل تنزیل کوچکتری باید برای محاسبه ارزش فعلی بکار برده شود. این بسط دادن (باز کردن) عامل تنزیل است که افزایش خدمات گذشته در حق بازنشستگی را به حساب می‌آورد.

۱۴۸-۱۷ تفاوت اساسیِ دیگر بین طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده و طرح بازنشستگیِ حق بیمه‌ی تعین شده مربوط به پرداخت برای هزینه‌ی اجرای طرح است. همان طور که قبلاً اشاره شد، در طرح بازنشستگی حق بیمه‌ی تعیین شده کل ریسک را ذینفعان متحمل می‌شوند. طرح‌های بازنشستگی از طرف آن‌ها اجرا می‌شود و هزینه‌های آن را نیز پرداخت می‌کنند. از آنجا که صندوق ممکن است توسط واحدی غیراز کارفرما اداره شود، بهتر است هزینه‌های اجرای طرح جزئی از درآمد سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود که توسط صندوق نگه داشته می‌شود تا هزینه‌های آن را تأمین کند (و منفعتی ایجاد کند). در راستای حسابداری بیمه، درآمد سرمایه‌گذاری طوری منظور می‌شود که در کل به ذینفعان تخصیص می‌یابد، قسمتی از آن برای تأمین هزینه‌ها بکار می‌رود و باقی‌مانده درصندوق بازسرمایه‌گذاری می‌شود.

جدول ۱۷- ۸: حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداختنی در طرح مزایای تعیین شده – مصارف

مصارف

	کارفرما	صندوق بازنشستگی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
حساب تولید					
ستانده					
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان	۱۰.۰				۱۰.۰
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان	**۴.۱**				**۴.۱**
حساب تخصیص درآمد اولیه					
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان					
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان					
درآمد دارائی				۲.۲	۲.۲
درآمد دارائی پرداختنی روی حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		**۴.۰**			**۴.۰**
حساب توزیع ثانوی درآمد					
کل حق بیمه‌های بازنشستگی خانوار			۱۹.۰		۱۹.۰
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان			۱۰.۰		۱۰.۰
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان			**۴.۱**		**۴.۱**
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی خانوار			۱.۵		۱.۵
مکمل حق بیمه‌های بازنشستگی خانوار			**۴.۰**		**۴.۰**
کارمزد خدمات طرح بازنشستگی			۰.۶-		۰.۶-
مزایای بازنشستگی		۱۶.۰			۱۶.۰
حساب مصرف درآمد					
مخارج مصرف نهائی			۰.۶		۰.۶
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		۳.۰			۳.۰
پس‌انداز (واقعی)	۱۰.۰-	۵.۳-	۱۷.۵	۲.۲-	۰.۰
پس‌انداز (احتسابی)	**۴.۱-**	**۴.۱**			۰.۰
تغییرات در دارائی‌ها					
حساب مالی					
خالص وام‌گیری/ وام‌دهی (واقعی)					
خالص وام‌گیری/ وام‌دهی (احتسابی)					
تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی			۳.۰		۳.۰
ادعای صندوق بازنشستگی بر مدیریت حق بازنشستگی (خدمت جاری)		**۴.۱**			**۴.۱**
سایر دارائی‌های مالی	۱۰.۰-	۲.۳-	۱۴.۵	۲.۲-	۰.۰

۱۴۹-۱۷ در طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده، وضعیت قدری متفاوت است. ریسک این که منابع مالی ممکن است برای تأمین وعده‌های داده شده در مورد حق بازنشستگی ناکافی باشد قسمتی یا تمام آن به عهده مدیر بازنشستگی (خواه کارفرما خواه واحدی که ریسک تأمین تعهدات بازنشستگی را به عهده گرفته است) قرار دارد و تنها به عهده ذینفعان نیست. صندوق ممکن است مستقیماً توسط کارفرما کنترل شود و قسمتی از همان واحد نهادی باشد یا ممکن است کاملاً فرضی باشد. حتی در این حالت نیز هزینه‌هائی همراه با اجرای طرح وجود دارد. هرچند این هزینه‌ها در اصل به عهده‌ی کارفرماست، بهتر است به عنوان شکلی از درآمد غیرنقدی ارائه شده به کارکنان تلقی شود و برای راحتی کار ممکن است جزء حق بیمه‌های کارفرما منظور شود. یک عنصر مصلحت‌گرایانه در این وجود دارد زیرا همه هزینه‌ها به عهده کارکنان فعلی است و هیچکدام به عهده بازنشسته‌ها نیست. همچنین فرض می‌شود تخصیصی که لازم است در حالت طرح‌های فرضی انجام شود، در سایر شرایط نیز می‌تواند اعمال شود.

۱۵۰-۱۷ در طرح مزایایِ تعیین شده، بعید است که اشخاص خود اشتغال و غیرشاغلِ فعلی مشارکت کنند هرچند که این اشخاص اگر قبلاً دارای شغلی بوده‌اند که به یک طرح بازنشستگی مزایایِ تعیین شده منجر شده است، این امر امکان‌پذیر می‌شود و حق ادامه مشارکت را خواهند داشت. افراد شاغل قبلی (اعم از این که در حال حاضر مستمری بازنشستگی دریافت کنند یا خیر) درآمد سرمایه‌گذاری دریافت می‌کنند و مکمل‌های حق بیمه پرداخت می‌کنند.

تراکنش‌های ثبت شده برای طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده

۱۵۱-۱۷ در بحث اول فرض بر این بود که کارفرما تمام مسئولیت پرداخت‌های مستمری بازنشستگی را به عهده می‌گیرد. روش‌های دگرسان، از جمله استفاده از طرح چندکارفرمائی یا موردی که دولت از طرف کارفرما مسئولیت می‌پذیرد، در سطرهای زیرین مورد بحث قرار گرفته است.

جدول ۱۷- ۸ (ادامه): حساب‌های مزایای بازنشستگی پرداختنی در طرح مزایای تعیین شده – منابع

	کارفرما	صندوق بازنشستگی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
منابع					
حساب تولید					
ستانده		۰.۶			۰.۶
حساب ایجاد درآمد					
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان					
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان					
حساب تخصیص درآمد اولیه					
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان			۱۰.۰		۱۰.۰
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان			**۴.۱**		**۴.۱**
درآمد دارائی		۲.۲			۲.۲
درآمد دارائی پرداختنی روی حق برخورداری از مزایای بازنشستگی			**۴.۰**		**۴.۰**
حساب توزیع ثانوی درآمد					
کل حق بیمه‌های بازنشستگی خانوار		۱۹.۰			۱۹.۰
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان		۱۰.۰			۱۰.۰
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان		**۴.۱**			**۴.۱**
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی خانوار		۱.۵			۱.۵
مکمل حق بیمه‌های بازنشستگی خانوار		**۴.۰**			**۴.۰**
کارمزد خدمات طرح بازنشستگی		۰.۶-			۰.۶-
مزایای بازنشستگی			۱۶.۰		۱۶.۰
حساب مصرف درآمد					
مخارج مصرف نهائی					
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی			۳.۰		۳.۰
پس‌انداز (واقعی)					
پس‌انداز (احتسابی)					
تغییرات در بدهی‌ها					
حساب مالی					
خالص وام‌گیری/ وام‌دهی (واقعی)	۱۰.۰-	۵.۳-	۱۷.۵-	۲.۲-	۰.۰
خالص وام‌گیری/ وام‌دهی (احتسابی)	**۴.۱-**	**۴.۱**			**۰.۰**
تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		۳.۰			۳.۰
ادعای صندوق بازنشستگی بر مدیریت بازنشستگی (خدمت جاری)	**۴.۱**				۴.۱
سایر دارائی‌های مالی					

۱۵۲-۱۷ کل حق بیمه‌های پرداخت شده به طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده توسط کارفرما از طرف کارکنانش باید به اندازه‌ی کافی باشد که همراه با حق بیمه‌های واقعی پرداختی توسط کارکنان و کسر کردن هزینه‌های اجرای طرح، با افزایش خدمات جاری در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی کارکنان کاملاً مطابقت داشته باشد. حق بیمه‌های کارفرما به دو قسمت واقعی و احتسابی تقسیم می‌شوند، قسمت احتسابی طوری محاسبه می‌شود که بین تمام حق بیمه‌های پرداختی به صندوق بعلاوه حق بازنشستگی کارکنان و هزینه خدمات جاری این بازنشستگی‌ها، مطابقت کامل ایجاد شود.

۱۵۳-۱۷ حق بیمه‌ی کارفرما باید در رابطه با حق برخورداری از مزایای بازنشستگی عاید شده در دوره‌ی مورد نظر صرف نظر از هرگونه درآمد سرمایه‌گذاری عاید شده از طریق طرح در همان دوره یا هر گونه منابع مالی اضافی طرح محاسبه شود. حق برخورداری از مزایای بازنشستگی دوره‌ی جاری قسمتی از جبران خدمات کارکنان است و منظور نکردن کامل ارزش حق بیمه کارفرما موجب کم گوئی جبران خدمات کارکنان و بیش گوئی مازاد عملیاتی خواهد شد. یک مورد افراطی که در گذشته رخ داده است هنگامی است که حق بازنشستگی‌ها چنان به خوبی سرمایه‌گذاری شده‌اند که کارفرما "توقف حق بیمه" داشته است، یعنی او برای بازنشستگی‌های جدید حق بیمه پرداخت نکرده است. این مهم است که ثبت حق بیمه‌ها حتی در رویداد توقف حق بیمه‌ها ادامه پیدا کند، به‌طوری که مزایای پرداختی به کارفرمایان به عنوان تغییرِ بدهی بین صندوق بازنشستگی و کارفرما در نظر گرفته شود. با این کار ارزش ویژه‌ی هردو طوری تعیین می‌شود که با هنگامی که حق بیمه‌ها در شرایط توقف حق بیمه ثبت نشده‌اند یکسان خواهد بود بدون این که جبران خدمات کارکنان را به‌طور ساختگی کاهش یابد.

۱۵۴-۱۷ در بسیاری از طرح‌های مزایایِ تعیین شده، قبل از این که کارکن در واقع برای دریافت مستمری بازنشستگی در دوران بازنشستگی واجد شرایط شود، یک دوره مقدماتی وجود دارد. علیرغم وجود دوره مقدماتی، هردوی حق بیمه‌ها و حق بازنشستگی‌ها باید از شروع اشتغال ثبت شوند ضمن این که بوسیله یک عامل منعکس کننده احتمال گذراندن دوره مقدماتی توسط کارکن تعدیل شده باشد.

۱۵۵-۱۷ حاصل جمع حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی و احتسابی کارفرمایان به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان محسوب می‌شود. این قلم به عنوان پرداختنی توسط کارفرما در حساب ایجاد درآمد و دریافتنی توسط کارکن در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شود.

۱۵۶-۱۷ افزایش ارزش فعلی حقوق بازنشستگی کارکنانی که در حال حاضر به مشارکت خود در طرح ادامه می‌دهند وکارکنانی که دیگر مشارکت ندارند ولی برای دریافت مستمری بازنشستگی در آینده واجد شرایط هستند (افزایش خدمات گذشته) درآمد سرمایه‌گذاری توزیع شده به کارکنان را نشان می‌دهند. برای مبالغ حاصل از منفعت ناشی از نگه‌داشتن یا آنچه که عملاً با وجوه موجود مطابقت ندارد چیزی کسر نمی‌شود. این با مبلغی که صراحتاً مربوط به کارکنِ مشمول توافقنامه‌ی حاکم است متناظر است؛ ابزاری که کارفرما در نهایت قادر است با آن تعهداتش را انجام دهد برای ثبت به عنوان درآمد سرمایه‌گذاری مناسب‌تر از ابزاری نیست که بوسیله‌ی آن بهره یا سود تقسیم شده‌ی واقعاً تأمین مالی شده ثبت آن‌ها را به عنوان درآمد سرمایه‌گذاری تحت تأثیر قرار می‌دهند. درآمد سرمایه‌گذاری به عنوان پرداختنی توسط صندوق بازنشستگی و دریافتنی توسط خانوارها ثبت می‌شود. این درآمد بلافاصله توسط خانوارها در صندوق بازسرمایه‌گذای می‌شود و در این قالب به عنوان مکمل‌های حق بیمه بازنشستگی گفته می‌شود.

۱۵۷-۱۷ در حساب توزیع ثانوی درآمد، حق بیمه‌های اجتماعی به عنوان پرداختنی توسط خانوارها و دریافتنی توسط صندوق بازنشستگی نشان داده می‌شوند. کل مبلغ حق بیمه‌های پرداختنی از حق بیمه‌های احتسابی و واقعی پرداختنی توسط کارفرمایان به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان (بدون مبلغ هزینه‌های اجرای طرح بازنشستگی) بعلاوه حق بیمه‌های واقعی توسط کارکنان بعلاوه مکمل‌های حق بیمه که توضیح داده شد تشکیل شده‌اند. همان‌گونه که در بحث طرح‌های حق بیمه‌ی تعیین شده توضیح داده شد، در

حساب‌ها ارزش کامل حق بیمه‌ها و مکمل‌های حق بیمه‌ها با یک قلم خنثی کننده‌ی کارمزد خدمات پرداختنی یکجا نشان داده می‌شوند. از اینرو، مبلغ پرداختنی واقعی یک رقم حق بیمه‌های خالص است.

۱۷–۱۵۸ همچنین در حساب توزیع ثانوی درآمد، مزایای بازنشستگیِ پرداختنی به خانوارها توسط صندوق بازنشستگی نیز نشان داده می‌شوند. وقتی مزایا به صورت مستمری سالانه پرداخت شود، این پرداخت‌های مستمریِ سالانه است که در اینجا نشان داده می‌شود، نه یک مبلغ پرداختنی یکجا در زمان بازنشستگی. (بجز مواردی که ساختار جمعتی بازنشستگان به طور چشمگیری تغییر یابد، این دو رقم در هر صورت بسیار نزدیک به هم خواهند بود).

۱۷–۱۵۹ در حساب مصرف درآمد، یک قلم ورودی برای پرداخت به ازای خدمات ارائه شده توسط صندوق بازنشستگی (برابر با ارزش ستانده صندوق بازنشستگی بعلاوه ستانده بنگاه‌هائی که مستمری خریداری شده برای حق برخورداری از مزایای بازنشستگی را اجرا می‌کنند) به‌صورت پرداختنی توسط خانوارها به صندوق بازنشستگی وجود دارد و به عنوان مخارج مصرف نهائی ثبت می‌شود.

۱۷–۱۶۰ همچنین در حساب مصرف درآمد، یک قلم ورودی نیز وجود دارد که مازاد (یا کاهش) حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ناشی از مازاد حق بیمه‌های پرداختنی منهای مزایای دریافتنی در حساب توزیع ثانوی درآمد را نشان می‌دهد. این مبلغ به عنوان پرداختنی به خانوارها توسط صندوق بازنشستگی نشان داده می‌شود. در مورد طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده، این مبلغ به ندرت منفی می‌شود مگر این که طرح به کارفرمائی مربوط باشد که از دور خارج شده است که در آن فقط مزایا پرداخت می‌شود و حق بیمه‌های جدید دریافت نمی‌شود.

۱۷–۱۶۱ همان مبلغی که در حساب مصرف درآمد به عنوان تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی منظور شده است در حساب مالی به عنوان ادعای خانوارها نسبت به وجوه بازنشستگی وارد می‌شود. (قسمت دیگر این قلم می‌تواند تغییر مسئولیت برای حقوق بازنشستگی‌های ثبت شده به صورت قسمتی از انتقالات سرمایه‌های را منعکس کند). عوامل دیگری که تغییر در قلم ورودی ترازنامه را برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی تحت تأثیر قرار می‌دهند در حساب‌های سایر تغییرات دارائی‌ها نشان داده می‌شوند که در مبحث زیر در بخش ۴ مورد بحث قرار گرفته شده است.

طرح‌های بازنشستگی مزایایِ تعیین شده اجرا شده توسط واحدهائی غیر از کارفرمایان

۱۷–۱۶۲ این امکان وجود دارد که سازمان‌های دیگری نیز، نظیر اتحادیه‌های صنفی، برای اعضای خود یک طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده اجرا کنند که از تمامی جنبه‌ها با طرح بازنشستگیِ مزایایِ تعیین شده‌ی یک کارفرما همتراز باشد. در اینجا دقیقاً از همان روش ثبتِ توضیح داده شد در بالا پیروی می‌شود بجز این که وقتی به کارفرما اشاره می‌شود منظور سازمان دهنده طرح و وقتی به کارکن اشاره می‌شود منظور مشارکت کنندگان طرح است.

رابطه بین کارفرما و صندوق بازنشستگی

۱۷–۱۶۳ همان طور که در بالا اشاره شد، کارفرما ممکن است برای اداره صندوق بازنشستگی و تنظیم پرداخت‌های بازنشستگی به ذینفعان با واحد دیگری قرارداد ببندد. به دو روش ممکن است این کار صورت گیرد. اداره کننده‌ی صندوق بازنشستگی ممکن است فقط به عنوان کارگزارِ کارفرما عمل کند و مسئولیت هرگونه کسری (یا مازاد) بودجه با کارفرما باقی بماند. در این مورد واحد اداره کننده‌ی روزمره‌ی صندوق بازنشستگی مجریِ طرحِ بازنشستگی نامیده می‌شود.

۱۷–۱۶۴ اما این موضوع دور از ذهن نیست که یک واحد منفرد برای مدیریت صندوق بازنشستگی خود با چندین کارفرما به عنوان صندوق بازنشستگی چندکارفرمائی قرارداد ببندد. ترتیبات این روش طوری است که صندوق بازنشستگیِ چند کارفرمائی در مقابلِ حقِ نگه‌داشتنِ مازاد بودجه، مسئولیت هرگونه کسری بودجه را برای روبرو شدن با بدهی‌ها می‌پذیرد. صندوق چند

کارفرمائی با بـه اشـتراک گذاشـتنِ ریسـک‌هـای تعـدادی از کارفرمایان، انتظار دارد کسری و مازاد بودجه را تـراز کنـد بـه طوری که در تمامی وجوهی که در کل گرفته می‌شود مازادی به شیوه‌ی مشابه با شرکت‌های بیمه که برای مشتریان زیادی ریسک را به اشتراک می‌گذارند پدیـد آیـد. در چنـین حـالتی، واحدی که مسئولیت برآوردن تعهدات بازنشستگی را می‌پذیرد بجای کارفرما مدیر بازنشستگی می‌شود.

۱۷–۱۶۵ در حالتی که کارفرما بدهی مربوط به کسری بودجه و منفعـت مربوط به مازاد بودجه را در اختیار مـی‌گیـرد، بایـد یـک قلـم ورودی بـه عنـوان ادعـا بـر (یـا بـدهی بـه) کارفرمـا (مـدیر بازنشستگی) برای هر نوع کسـری یـا مـازاد توسـط صـندوق بازنشستگی ثبت شود. این قلـم برابـر اسـت بـا تفـاوت بـین افزایش حق برخورداری از مزایای بازنشستگی و حاصل جمـع حق بیمه‌ها و مکمل‌های حق بیمه در دوره مورد نظر، بعـلاوه درآمـد سـرمایه‌گـذاری عایـد شـده‌ی مربـوط بـه حـق بازنشستگی‌ها، بعلاوه منفعت ناشی از نگه‌داشتن ایجاد شده از آن‌ها، منهای مسـتمری‌هـای بازنشسـتگی پرداختنـی منهـای حق‌الزحمه مطالبه شده توسط مجـری بازنشسـتگی. هنگـامی که مبلغ تعلق گرفته به صندوق بازنشستگی بیشتر از افـزایش حقوق بازنشستگی باشد، مبلغی پرداختنی توسـط صـندوق بـه کارفرما به عنوان مدیر بازنشستگی وجود خواهد داشت. در این روش ارزش ویژه‌ی صندوق بازنشستگی در همه زمان‌ها دقیقاً صفر می‌شود.

۱۷–۱۶۶ مبلغ بدهی که قرار است توسط صندوق بازنشستگی به مـدیر طرحِ بازنشستگی پرداخت شود جائی است که اثرِ توقـف حـق بیمه ظاهر می‌شود زیرا این، مبلغِ حق بیمه‌های کارفرما را که باید به طور عادی پرداختنی باشد در بر می‌گیرد.

مثال عددی

تراکنش‌های طرح‌های مزایایِ تعیین شده

۱۷–۱۶۷ بـرای روشـن سـاختنِ ثبـت تـراکنش‌هـای مـرتبط بـا طـرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده، در جـدول ۱۷–۸ یـک مثـال عددی نشان داده شده است. ارقامی که احتسـابی هسـتند بـا فونت برجسته نشان داده شده‌اند؛ ارقامی کـه بـا تغییـر مسـیر بدست آمده‌اند با فونت کج نشان داده شده‌اند.

۱۷–۱۶۸ محاسبات بیمه سنجی (اکچوئری) نشان می‌دهد کـه افـزایش حق برخورداری از مزایای بازنشستگی حاصل از خدمت جاری، یعنی مستمری بازنشستگی "عاید شده" در سال مورد نظر ۱۵ است. خانوارها (کارکنان) به اندازه ۱.۵ مشارکت دارند. بنابراین کارفرما باید ۱۳.۵ فراهم کند. علاوه بر ایـن هزینـه عملیـات طرح نیز ۰.۶ تخمین زده شده است. بنابراین در کـل کارفرمـا باید ۱۴.۱ فراهم کند. او در واقع بـه انـدازه ۱۰ مشـارکت دارد بنابراین ۴.۱ باقیمانده، حق بیمه‌ی احتسابی است. ستانده ۰.۶ در حساب تولید نشان داده می‌شود؛ حق بیمـه‌هـای پرداختـی کارفرما به عنوان پرداختنی توسط کارفرمـا در حسـاب ایجـاد درآمد و دریافتنی توسط خانوارها در حساب تخصـیص درآمـد اولیه نشان داده می‌شوند.

۱۷–۱۶۹ در حساب تخصیص درآمد اولیـه، درآمـد سـرمایه‌گـذاری نیـز نشـان داده مـی‌شـود. افـزایش حـق برخـورداری از مزایـای بازنشستگی ناشی از خدمت گذشته، به سبب بسـط دادن (بـاز کردن) عامل تنزیل به دلیل این کـه بازنشسـتگی یـک سـال نزدیکتر شده است، رقم ۴ است. این قلم به عنوان یک جریان درآمد سرمایه‌گذاری احتسابی از طرف صندوق بازنشستگی به خانوارهـا نشـان داده مـی‌شـود. در عـین حـال، صـندوق بازنشسـتگی از وجـوهی کـه مـدیریت مـی‌کنـد درآمـد سرمایه‌گذاری معادل ۲.۲ واقعاً دریافت می‌کند. بنابراین در این مرحله، کسری معادل ۱.۸ در منابع صندوق بازنشستگی وجود دارد ولی این در حساب‌های جاری نشان داده نمی‌شود.

۱۷–۱۷۰ در حساب‌های توزیع ثانوی درآمد، پرداخت‌هـای خانوارهـا بـه صندوق بازنشستگی نشان داده می‌شود. جمع حق بیمـه‌هـای پرداخت شده توسط خانوارها باید با افـزایش حـق بیمـه‌هـای حاصل از خدمت جاری (۱۵) بعلاوه مبالغی که از درآمد حقوق گذشته حاصل می‌شود (۴) یا جمع آن‌ها (۱۹) برابـر باشـد. بـا نگاه از مسیر دیگر، ۱۰ دریافت شده به عنوان حق بیمـه‌هـای واقعیِ کارفرمایان، ۴.۱ به عنوان حق بیمه‌های احتسـابی، ۱.۵ حق بیمه‌های خودِ خانوارها، مکمل‌های حـق بیمـه ۴ منهـای کارمزد خدمت ۰.۶؛ یکبار دیگر جمع آن‌ها ۱۹ است. در همان

حساب مستمری بازنشستگی‌های ۱۶ نیز به عنوان پرداختنی توسط صندوق بازنشستگی به خانوارها نشان داده شده است.

۱۷-۱۷۱ در حساب مصرف درآمد، علاوه بر کارمزد خرید خدمت به عنوان قسمتی از مخارج مصرف نهائی، تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی به عنوان پرداختنی توسط صندوق بازنشستگی به خانوارها نشان داده می‌شود. در این مثال، مبلغ حق بیمه‌های خانوارها معادل ۱۹ در مقابل مزایای بازنشستگی ۱۶ قرار داده شده است. از اینرو، افزایشی معادل ۳ در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی مربوط به خانوارها وجود دارد.

۱۷-۱۷۲ خانوارها پس‌اندازی معادل ۱۷.۵ دارند که ۳ تای آن مربوط به افزایش حق برخورداری از مزایای بازنشستگی آن‌ها است. این به معنای این است که آن‌ها سایر دارائی‌های مالی به اندازه ۱۴.۵ تحصیل کرده‌اند (یا بدهی‌هایشان کاهش یافته است). این رقم تفاوت بین مزایای دریافتی (۱۶) و حق بیمه‌های واقعی خانوارها ۱.۵ است.

۱۷-۱۷۳ برای صندوق بازنشستگی، پس‌انداز ۱.۲- است ولی این را می‌توان به صورت ترکیبی از عناصر واقعی و احتسابی ملاحظه کرد. از نظر جریان‌های واقعی، صندوق بازنشستگی حق بیمه‌هائی معادل ۱۰ از کارفرمایان به صورت تغییر مسیر از خانوارها و ۱.۵ از خانوارها دریافت می‌کند و مزایائی معادل ۱۶ پرداخت می‌کند. علاوه براین، آن‌ها درآمد سرمایه‌گذاری معادل ۲.۲ نیز دریافت می‌کنند. از اینرو درآمد قابل تصرف آن‌ها ۲.۳- است. وقتی تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ۳ نیز به حساب آورده شود، پس‌انداز ۵.۳- خواهد شد. علاوه براین، کارفرمایان یک حق بیمه‌ی احتسابی معادل ۴.۱ ایجاد می‌کنند. این از طریق خانوارها مسیریابی شده ولی ۴.۱ به پس‌انداز صندوق بازنشستگی اضافه می‌کند و پس‌انداز کارفرما را به همان اندازه کاهش می‌دهد.

۱۷-۱۷۴ در حساب مالی صندوق بازنشستگی، رقم ۴.۱، که حق بیمه‌ی احتسابی است، به عنوان ادعای صندوق بازنشستگی بر کارفرما نشان داده می‌شود. ادعائی توسط خانوار نسبت به صندوق بازنشستگی به صورت تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی معادل ۳ وجود دارد. علاوه براین صندوق بازنشستگی خواه دارائی‌های مالی را کاهش دهد خواه بدهی‌ها را ۲.۳ افزایش دهد، رقم مربوط به درآمد قابل تصرف عنصر حق بیمه‌های احتسابی از کارفرما را در بر نمی‌گیرد.

طرح‌های بازنشستگی حق بیمه‌ی تعیین شده

۱۷-۱۷۵ جدول ۱۷-۷ جریان‌های مشابهی را برای طرح حق بیمه‌ی تعیین شده نشان می‌دهد. در این طرح حساب‌ها در مقایسه با حالت مزایای تعیین شده ساده‌تر هستند، زیرا حق بیمه‌های احتسابی وجود ندارد. بعلاوه، درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی توسط صندوق بازنشستگی به خانوارها فقط درآمد سرمایه‌گذاری دریافتنی توسط صندوق بازنشستگی را منعکس می‌کند و محاسبات مربوط به افزایش در حقوق حاصل از اعمال یک فرمول را در بر نمی‌گیرد.

۱۷-۱۷۶ سرمایه‌گذاری در حق برخورداری از مزایای بازنشستگیِ طرح‌های حق بیمه‌ی تعیین شده منجر به منفعت (و شاید زیان) ناشی از نگه‌داشتن می‌شود. این از طریق مدیریت دارائی‌های در اختیار صندوق رخ می‌دهد ولی باید مبلغی کاملاً برابر با منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن به عنوان افزایش در حقوق بازنشستگی ذینفعان احتساب شود. منفعت ناشی از نگه‌داشتن زیر قلم ورودی دارائی‌های مربوطه در حساب بازارزش‌گذاری برای صندوق بازنشستگی همراه با قلم متناظر با آن برای افزایش بدهی‌های صندوق بازنشستگی به خانوارها نشان داده می‌شود.

سایر جریان‌های طرحِ بازنشستگی مزایای تعیین شده

۱۷-۱۷۷ در نگاه اول بنظر می‌رسد که هیچ قلم ورودی برای طرح بازنشستگی مزایای تعیین شده در حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها وجود ندارد زیرا دو جزء درآمد کاملاً با افزایش حقوق بازنشستگی جور هستند. اما، به دلیل این که ماهیت طرح بازنشستگی مزایای تعیین شده این است که مبالغ مربوطه از طریق فرمول تعیین می‌شوند، عوامل دیگری وجود دارد که ممکن است در تغییر میزان حقوق بازنشستگی دخالت کنند. این عوامل متشکل از محتوای ماده‌ی مربوط به افزایش شدید

قیمت در توافقنامه، تغییر فرمول بکار رفته در تعیین مزایا و فرض‌های جمعیتی درباره طول عمر هستند. مورد خاصِ تأثیر ارتقای حقوق بازنشستگی به طور جداگانه در زیر مورد بحث قرار گرفته است.

۱۷–۱۷۸ صندوق بازنشستگی وجوهی را که در اختیارش است سرمایه‌گذاری می‌کند. اگر آن‌ها براساس منابع مالی کامل کار کنند، درآمد سرمایه‌گذاری باید بیش از حد کافی باشد تا هر افزایش قیمتی را در موافقتنامه‌ی بازنشستگی پوشش دهد. این مازاد ممکن است به اندازه‌ای کافی باشد که برخی از تعدیلات در حقوق بازنشستگی را نیز پوشش دهد. اما، یک منبع درآمد عملیاتی عمده‌ای از منفعت ناشی از نگه‌داشتن در سرمایه‌گذاری‌ها حاصل می‌شود. فرض می‌شود این‌ها برای پوشش دادن بخش عمده یا تمامیِ تغییرات در حقوق بازنشستگی کافی باشد. مشخص شده است که در موارد استثنائی که منفعت ناشی از نگه‌داشتن این کمبود را جبران می‌کنند نیز بسیاری از طرح‌ها با کسری منابع مالی مواجه بوده‌اند.

۱۷–۱۷۹ با فرض این که این تعدیلات در سطح وسیعی با منفعت ناشی از نگه‌داشتن تأمین مالی می‌شوند که در حساب باز ارزش‌گذاری پدید می‌آیند، منطقی بنظر می‌رسد که رخدادهای احتمالی که بنا به فرض پوشش داده می‌شوند در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت شوند بجز عامل افزایش شدید قیمت که باید در حساب بازارزش‌گذاری ثبت شود.

موضوع ترفیع‌ها

۱۷–۱۸۰ در بسیاری از طرح‌های بازنشستگیِ مزایایِ تعیین شده، برای تعیین مزایا از فرمولی استفاده می‌شود که آخرین حقوق یا متوسطی از حقوق را به عنوان تعیین کننده‌ی کلیدی در بر دارد. این دلالت بر آن دارد که هر ترفیعی به معنای این است که کل حق برخورداری از مزایای بازنشستگی تا به امروز افزایش می‌یابد تا سطح جدید حقوق را به حساب آوَرَد. این مزیت قابل ملاحظه‌ای برای افرادی است که ترفیع یافته‌اند ولی پیامدهای آن برای بدهی‌های بازنشستگی کارفرما چیست؟

۱۷–۱۸۱ حرفه حسابداری از دو اصطلاح بیمه سنجی (اکچوئری) که به این بحث مربوط می‌شوند استفاده می‌کند. تعهد مزایای تعلق گرفته (Accrude Benefit Obligation:ABO)، همان طور که از نام آن برمی‌آید، فقط مزایائی را که تا به امروز واقعاً انباشته شده است (تعلق گرفته است) ثبت می‌کند. این قلم مبلغی را نشان می‌دهد که اگر کارکن فردا شرکت را ترک کند بتواند با آن زندگی خود را اداره کند، این قلم می‌تواند مبنای ارزیابی ارزش ویژه یک شخص مثلاً در تسویه هنگام جدائی از شرکت باشد. تعهد مزایای پیش بینی شده (Projected Benefit Obligation:PBO) سنجه‌ی محتاطانه‌تری از سطح نهائی حق برخورداری از مزایای بازنشستگیِ احتمالی را ارائه می‌دهد. PBO برای هر فرد فرض‌هائی را می‌سازد به این ترتیب که شخص در آینده احتمال دریافت چه تعداد ترفیع‌هائی را خواهد داشت و حقوق نهائی او را بر این اساس محاسبه می‌کند. در این صورت اگر شخص در واقع تنها ۲۰ سال از ۴۰ سال پیش بینی شده را کار کرده باشد، PBO حقوق نهائی او را نصف می‌کند و حقوق بازنشستگی‌اش را طوری محاسبه می‌کند که گوئی این حقوقِ جاریِ او است. در حالی که ABO برای یک فرد در مراحلی که ترفیع می‌گیرد افزایش می‌یابد، PBO به طور مداوم در طول زمان افزایش می‌یابد. برای هر فرد PBO همیشه بالاتر از ABO است تا لحظه بازنشستگی که ABO به سطحی بالاتر از PBO می‌رسد.

۱۷–۱۸۲ در نگاه اول بنظر می‌رسد که میزان حق برخورداری از مزایای بازنشستگی یک شرکت حاصل جمع تمامی حق برخورداری از مزایای بازنشستگی هریک از کارکنان آن است و بنابراین مجموع برآوردهای PBO به طور قابل ملاحظه‌ای بالاتر از مجموع برآوردهای ABO بوده و در طول زمان به طور هموارتری رشد می‌کند. اما، آنچه که در مورد هر فرد درست است لزومی ندارد که برای گروه کارکنان حقیقت داشته باشد. فرض کنید کارفرما مسئولیت مستمری‌های بازنشستگیِ پنج طبقه از مردم، چهار درجه از کارکنان و مجموعه‌ای از بازنشستگان را به عهده داشته باشد، و برای ساده شدن موضوع تعداد هرکدام یکسان در نظر گرفته شود. وضعیتی را ملاحظه فرمائید که در یک سال بازنشستگان بمیرند؛

ارشدترین کارکنان بازنشسته شوند؛ سه مجموعه‌ی بعدی کارکنان ارتقاء یابند و مجموعه‌ای از نیروهای جدید در پائین‌ترین سطح استخدام شوند. هریک از کارکنان فعلی بعد از ارتقاء وضعیت بهتری پیدا می‌کنند ولی کل بدهی کارفرما تغییر نمی‌کند. اثرِ هم‌افزودنِ (تجمیعِ) ABOها هموار کردن کل حق برخورداری از حقوق بازنشستگی است و در حالی که هنوز کمتر از تجمیع شده‌ی PBOهاست، لزوماً بی‌ثبات‌تر از آن نیست. در واقع ممکن است با ثبات‌تر هم باشد.

۱۸۳–۱۷ در حالی که نمودار ABO برای یک فرد هنگامی که ارتقاء پیش می‌آید تغییرات مرحله را نشان می‌دهد، تأثیر آن برای گروه کارکنان، بسیار هموارتر خواهد بود. برای گروهی از کارکنانِ همسن که در شرکت باقی می‌مانند برای کل زندگی کاری آن‌ها، برآوردهای ABO به طور قابل ملاحظه‌ای پائین‌تر از برآوردهای PBO در سال‌های اولیه خواهد بود ولی نرخ افزایش ABOها سریع‌تر از افزایش PBOها خواهد بود به طوری که دُرست در لحظه‌ی قبل از بازنشستگی دو مجموعه برآوردها بایکدیگر برابر خواهند بود. ادغام گروه‌های کارکنانِ دارای سنوات متفاوت خدمت در شرکت، موجب خواهد شد برآوردهای ABO برای تمامی کارکنان نیز به برآوردهای PBO نزدیک‌تر باشد.

۱۸۴–۱۷ تا زمانی که ساختار رتبه‌بندیِ شرکت همان ساختار قبلی باقی بماند، ABO و PBO تقریباً در مرحله حرکت خواهند کرد. اگر شرکت گسترش یابد و کارکنان جدید بسیاری را در رتبه‌های پائین‌تر به کار بگیرد، PBO به طور قابل ملاحظه‌ای سریع‌تر از ABOها افزایش خواهد یافت زیرا PBOها برآوردهائی را مبتنی بر این که کارکنان جدید چه مدت می‌مانند و تا چه حد ارتقاء پیدا خواهند کرد می‌سازند در حالی که ABOها فقط مستمری بازنشستگی تعلق گرفته در اولین سال را ثبت می‌کنند. اگر شرکت تصمیم بگیرد اندازه‌اش را کوچک‌تر کند و از تعداد کارکنان مدیریتی خود بکاهد، این موجب خواهد شد احتمال ترفیع کارکنان کاهش یابد و PBO نیاز به تجدید نظر رو به پائین داشته باشد. از آنجا که ABOها فقط مستمری بازنشستگی " فشرده شده" را منعکس می‌کنند، این برآورد متأثر نخواهد شد.

۱۸۵–۱۷ سؤالی که پیش می‌آید این است که اگر از روش ثبت حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ABO استفاده شود، اثر ترفیع کارکنان چگونه باید ثبت شود. هر شیوه‌ی برخورد با افزایش به صورت افزایش در جبران خدمات کارکنان یا درآمد سرمایه‌گذاری به فرضی برمی‌گردد که جمع کل حقوق بازنشستگی حاصل جمع حقوق بازنشستگی افراد است ولی بدون در نظر گرفتن اثرات فردی دیگر بر جمع کل‌ها نظیر هنگامی که شخص کار خود را ترک می‌کند و حقوق بازنشستگی را به دلیل این که مدت زمان کافی خدمت نکرده است از دست می‌دهد یا هنگامی که شخص قبل از رسیدن به سن بازنشستگی می‌میرد. راه حل ساده و بسنده این است که اثر ترفیع‌ها برای کل واحد به عنوان تغییر قیمت عمل شود و تغییرات در حساب بازارزش‌گذاری ثبت شوند.

۱۸۶–۱۷ اگر روش ثبت حق برخورداری از مزایا بازنشستگی PBO به عنوان روش ترجیح داده شده‌ی ارزش‌گذاری انتخاب شود، تنها در صورتی که ساختار بنگاه طوری تغییر کند که شانس ترفیع تغییر یابد لازم است در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها تعدیل صورت گیرد. از سوی دیگر، برآوردهای مرتب حق بیمه‌های پرداختی کارفرمایان به طرح‌های بیمه‌های اجتماعی که در جبران خدمات کارکنان منظور می‌شود به طور نظام مند بالاتر از برآوردهای ساخته شده در روش ABO خواهد بود زیرا افزایش حقوق بازنشستگی که اندازه‌ی حق بیمه‌ها را تعیین می‌کند بجای حقوق واقعی مبتنی بر حقوق فرضی محاسبه شده طبق PBO خواهد بود.

۳. انتقال حق برخورداری از مزایای بازنشستگی

۱۸۷–۱۷ یکی از مشخصه‌های محیط در حال تغییرِ بازنشستگی افزایش امکان برخورداری از "بازنشستگی‌های انتقال‌پذیر" است. تا همین اواخر، اغلب این وضعیت حاکم بود که شخصی که کارفرمای خود را ترک می‌کرد مجبور بود همان موقع طرح بازنشستگی خود را مسدود کند و طرح بازنشستگی جدیدی را با کارفرمای جدید شروع کند. در حال حاضر، بیشتر این‌طور رایج شده است که شخصی که شغل خود را عوض می‌کند قادر است حق برخورداری از مزایای بازنشستگی خود را از کارفرمای قبلی به کارفرمای جدید منتقل کند. هنگامی که

این کار صورت می‌گیرد، حق برخورداری ازمزایای بازنشستگیِ خانوارِ مربوطه تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد ولی بین دو صندوق بازنشستگی تراکنش رخ می‌دهد زیرا صندوق جدید مسئولیت بدهی قبلی را می‌پذیرد. علاوه بر این، در برخی دارائی‌ها تراکنش متناظری بوجود می‌آید تا با این بدهی‌ها جور شود. اگر کارفرمای جدید طرحی را اجرا می‌کند که در واقع بدون پشتوانه‌ی مالی است، او ممکن است از کارفرمای قبلی پول نقد دریافت کند. اگر این پول نقد بعداً توسط کارفرما برای مقاصدی غیر از صندوق بازنشستگی استفاده شود، بدهی او به صندوق افزایش می‌یابد و مصرف پول نقد به عنوان وام‌گیری خالص نشان داده می‌شود.

۱۸۸-۱۷ اگر دولت مسئولیت تأمین بازنشستگی برای کارکنان یک واحد غیردولتی را از طریق تراکنش مشخصی بپذیرد، باید در ترازنامه‌ی دولت یک بدهی ثبت شود. اگر دولت دارائی‌های متناظر با آن را در مقابل دریافت نکند، تفاوت بین افزایش بدهی‌های دولت و دارائی‌های دریافتی به عنوان انتقالات سرمایه‌ای به کارفرمای غیردولتی نشان داده می‌شود. در فصل ۲۲، بحث فراتری درباره این نوع ترتیبات آورده شده است.

۱۸۹-۱۷ راه دیگری که در آن حق برخورداری از مزایای بازنشستگی می‌تواند بین صندوق‌ها انتقال پیدا کند هنگامی است که شرکتی مالکیت شرکت دیگری را قبضه می‌کند. اگر صندوق بازنشستگی یک واحد نهادی جدا باشد، کل تغییراتی که رخ می‌دهد مربوط به کنترل صندوق است. اگر واحد جداگانه‌ای وجود نداشته باشد، در این‌صورت در اختیار گرفتن مالکیت آن شرکت، شرایط طرح بازنشستگی را برای مشارکت کنندگان موجود تغییر نخواهد داد، شرکت تصرف شده بدهی‌های بازنشستگی و نیز دارائی‌های متناظر آن‌ها را به مالک جدید منتقل می‌کند.

۴. یادداشتی بر جدول‌ها

۱۹۰-۱۷ برای ارجاع متقابل به جدول‌های سایر فصل‌ها، جدول ۹-۱۷ اجزای فهرست شده از تراکنش‌های مربوط به بیمه‌های اجتماعی و سایر بیمه‌ها را درجدول‌های ۱-۱۷ الی ۸-۱۷ نشان داده است.

ذ. مورد خاصِ تأمین مستمری بازنشستگی توسط دولت از طریق تأمین اجتماعی

۱۹۱-۱۷ با پذیرفتن این واقعیت که تأمین اجتماعی به طور عادی بر مبنای توازن درآمد و هزینه (PAYE) تأمین مالی می‌شود، حقوق بازنشستگی تعلق گرفته در تأمین اجتماعی (مستمری بازنشستگی و سایرمزایای اجتماعی، هردو) در SNA به‌صورت عادی نشان داده نمی‌شوند. اگر تمامی کشورها مزایای مشابهی را در تأمین اجتماعی و در طرح‌های خصوصی تأمین می‌کردند، مقایسه‌های بین‌المللی نسبتاً سر راست می‌شد. ولی، همان‌طور که در ابتدای این قسمت اشاره شد، بعید است که این حالت وجود داشته باشد و برداشت‌های ملی از این که دقیقاً چه چیزی باید توسط تأمین اجتماعی پوشش داده شود، به طور قابل ملاحظه‌ای از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

۱۹۲-۱۷ فقط درباره‌ی این پیشنهاد که حق برخورداری از مزایای بازنشستگیِ تأمین اجتماعی باید در SNA نشان داده شود دو مشکل وجود دارد. نخست این که، ممکن است برآوردهای قابل اعتمادی در دسترس نباشند در حالی که وضعیت به طور فزاینده‌ای به سمتی می‌رود که این نوع برآوردها برای طرح‌های خصوصی در دسترس قرار می‌گیرند. دوم این که بحث‌هائی وجود دارد که وقتی دولت برای نگه‌داشتن حقوق بازنشستگی در محدوده‌ی امکانات بودجه‌ای امکان تغییر مبنای حقوق بازنشستگی را دارد، سودمندی این نوع برآوردها محدود خواهد بود. اما وقتی پذیرفته شود که فقط حقوق بازنشستگیِ طرح‌های خصوصی نشان داده شود و حقوق بازنشستگی تأمین اجتماعی نشان داده نشود، نتیجه این خواهد شد که برخی از کشورها قسمت بزرگی از حقوق بازنشستگی را در حساب‌ها منظور می‌کنند و برخی دیگر تقریباً چیزی در این مورد نشان نمی‌دهند.

جدول ۱۷- ۹: جزئیات تراکنش‌های مربوط به بیمه‌ی اجتماعی

	شماره جدول		کارفرما	شرکت بیمه/ صندوق تأمین اجتماعی	خانوارها	سایر بخش‌ها	کل اقتصاد
مصرف واسطه			***۱***		***۳***		***۴***
	۱۷.۱	بیمه غیرزندگی	۱		۳		۴
ستانده				***-۱۳***			
(ستانده نشان داده شده به‌صورت مصرف منفی برای فشرده سازی)	۱۷.۱	بیمه غیرزندگی		-۶			
	۱۷.۲	بیمه‌ی زندگی		-۴			
	۱۷.۵	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای غیربازنشستگی با پشتوانه مالی		-۱			
	۱۷.۷	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DC		-۱.۴			
	۱۷.۸	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DB		-۰.۶			
حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان			***۱۸۱***				***۱۸۱***
	۱۷.۳	مزایای تأمین اجتماعی غیربازنشستگی	۱۵				۱۵
	۱۷.۵	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای غیربازنشستگی با پشتوانه مالی	۶				۶
	۱۷.۶	مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی	۱۳۹				۱۳۹
	۱۷.۷	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DC	۱۱				۱۱
	۱۷.۸	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DB	۱۰				۱۰
حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان			***۱۳.۱***				***۱۳.۱***
	۱۷.۴	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای غیربازنشستگی بدون پشتوانه مالی	۹				۹
	۱۷.۸	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DB	۴.۱				۴.۱
حق بیمه‌های واقعی خانوار					***۱۱۵***		۱۱۵
	۱۷.۳	مزایای غیربازنشستگی تأمین اجتماعی			۱۰		۱۰
	۱۷.۴	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای غیربازنشستگی بدون پشتوانه مالی					
	۱۷.۵	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای غیربازنشستگی با پشتوانه مالی			۵		۵
	۱۷.۶	مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی			۸۷		۸۷
	۱۷.۷	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DC			۱۱.۵		۱۱.۵
	۱۷.۸	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DB			۱.۵		۱.۵
درآمد سرمایه‌گذاری				***۳۷.۲***		***۳۷.۲***	
	۱۷.۱	بیمه غیرزندگی		۶			۶
	۱۷.۲	بیمه‌ی زندگی		۷			۷
	۱۷.۵	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای غیربازنشستگی با پشتوانه مالی		۴			۴
	۱۷.۷	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DC		۱۶.۲			۱۶.۲
	۱۷.۸	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DB		۴			۴
کارمزد خدمات بیمه‌ی پرداختی توسط خانوارها					***۶***		***۶***
	۱۷.۱	بیمه‌ی غیرزندگی			۲		۲
	۱۷.۲	بیمه‌ی زندگی			۴		۴
کارمزد خدمات طرح بیمه‌ی اجتماعی					***۳***		***۳***
	۱۷.۵	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای غیربازنشستگی با پشتوانه مالی			۱		۱
	۱۷.۶	مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی					
	۱۷.۸	سایر طرح‌های اشتغال محور - مزایای بازنشستگی DC			۱.۴		۱.۴
	۱۷.۸	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DB			۰.۶		۰.۶
مزایا بیمه‌ی اجتماعی				***۲۹۰***			***۲۹۰***
	۱۷.۳	مزایای تأمین اجتماعی غیربازنشستگی		۲۲			۲۲
	۱۷.۴	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای غیربازنشستگی بدون پشتوانه مالی		۹			۹
	۱۷.۵	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای غیربازنشستگی با پشتوانه مالی		۷			۷
	۱۷.۶	مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی		۲۱۰			۲۱۰
	۱۷.۷	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DC		۲۶			۲۶
	۱۷.۸	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DB		۱۶			۱۶
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				***-۲***	***۱۴.۳***		***۱۲.۳***
	۱۷.۵	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای غیربازنشستگی با پشتوانه مالی		-۲			-۲
	۱۷.۷	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DC			۱۱.۳		۱۱.۳
	۱۷.۸	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DB			۳		۳
ادعای صندوق بازنشستگی نسبت به مدیر بازنشستگی				***۴.۱***			***۴.۱***
	۱۷.۸	سایر طرح‌های اشتغال محور- مزایای بازنشستگی DB		۴.۱			۴.۱

۱۹۳-۱۷ با شناخت این وضعیت دشوار، قدری انعطاف پذیری در رابطه با ثبت حق برخورداری از مزایای بازنشستگیِ طرح‌های بدون پشتوانه‌ی مالی تحت مدیریت دولت برای تمامی کارکنان (اعم از کارکنان بخش خصوصی یا کارکنان خودِ دولت) اتخاذ شده است. با توجه به ترتیبات متفاوتی که در کشورهای مختلف وجود دارد، تنها برخی از این حق برخورداری‌ها از مزایای بازنشستگی می‌توانند در چارچوب توالی حساب‌های اصلی (در اینجا حساب‌های محوری نامیده شده‌اند) ثبت شوند. اما علاوه بر این، جدول دیگری هم ارائه می‌شود تا اطلاعاتی را فراهم کند که سهم تأمین بازنشستگی پوشش داده شده در حساب‌های محوری را با برآوردهای تقریبیِ بقیه‌ی طرح‌ها نشان دهد. با این حال، لازم است مجموعه معیارهائی فراهم شود تا تفاوت‌های بین طرح‌هائی که در حساب‌های محوری وارد می‌شوند و آن‌هائی که فقط در جدول تکمیلی ثبت می‌شوند را توضیح دهد.

۱۹۴-۱۷ انواع معیارهائی که می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند عبارتند از: هرچه طرح بازنشستگیِ کارفرمای دولتی به طرح تأمین اجتماعی موجود نزدیک‌تر باشد، احتمال کمتری وجود دارد که در حساب‌های محوری نشان داده شود؛ هرچه مزایا با خصوصیات ویژه‌ی افراد تناسب کمتری داشته باشد و بیشتر قابل اعمال به کل جمعیت باشد، احتمال کمتری دارد که درحساب‌های محوری نشان داده شود؛ هرچه توانائی دولت در تغییر فرمول مزایا، بیشتر باشد، احتمال کمتری دارد در حساب‌های محوری نشان داده شود. اما، هیچ یک از این معیارها لزوماً به تنهائی برای تعیین ثبت یا عدم ثبت طرح مورد نظر در حساب‌های محوری قطعی نیستند.

۱۹۵-۱۷ با تنظیم این جدولِ تکمیلی و حاشیه نویسی طبق استانداردهای مورد نیاز برای گزارش‌دهی بین‌المللی، تحلیل‌گران اطمینان حاصل خواهند کرد که مقایسه‌های بین کشورها با اختلافات نهادی که از کشوری به کشور دیگر وجود دارد بیش از حد مخدوش نخواهد شد. کار بیشتر برای بهبود بخشیدن به معیارهای تشخیص طرح‌های بازنشستگی که به طور کامل در حساب‌های محوری ثبت می‌شوند از آنهائی که حقوق بازنشستگی تنها در جدول تکمیلی نشان داده می‌شوند قسمتی از دستور کار پژوهشی SNA است.

۱۹۶-۱۷ جدول تکمیلی در جدول ۱۷-۱۰ نشان داده شده است. علاوه بر امکان وارد کردن برآوردهای کم استوارتر برای کشورهائی با بخش تأمین اجتماعی بزرگ، امکان کار دوباره برای پوشش دقیق‌تر بازنشستگی طرح‌های خصوصی برای تمامی کشورهائی که مورد تحلیل قرار گرفته‌اند نیز وجود دارد.

۱۹۷-۱۷ همانگونه که در بالا اشاره شد، در طرح‌های حق بیمه‌های تعیین شده، به دلیل این که لازم است حساب‌های کامل در دسترس باشد، ارائه جزئیات نسبتاً سرراست است و برآوردهای بیمه سنجی (اکچوتری) در آن وجود ندارد. اکثر این طرح‌ها در بخش‌های شرکت‌ها (ستون الف) هستند ولی این امکان وجود دارد که برخی از کارکنان دولت نیز توسط آن‌ها پوشش داده شوند (ستون ت). تمامی طرح‌های بازنشستگی حق بیمه تعیین شده باید در حساب‌های محوری منظور شوند. برآوردها برای تمامی طرح‌های بازنشستگی مزایای تعیین شده خارج از تأمین اجتماعی نیز باید در (ستون ب) منظور شوند.

۱۹۸-۱۷ طرح‌های دولت برای کارکنان خود با اطلاعات حسابداری جدا، متمایز از تأمین اجتماعی، که در حساب‌های اصلی نشان داده می‌شوند، در ستون‌های ث و ج منظور می‌شوند. ستون ث طرح‌هائی که توسط شرکت بیمه مدیریت می‌شوند و ستون ج طرح‌هائی که توسط خودِ دولت مدیریت می‌شوند را نشان می‌دهند. هر گونه طرح دولت برای کارکنان خود متمایز از تأمین اجتماعی که در حساب‌های اصلی منظور نمی‌شوند، در ستون چ نشان داده می‌شود. بنابراین جمع ستون‌های ث، ج و چ کل مسئولیت دولت برای تأمین بازنشستگی برای کارکنان خود را نشان می‌دهد. ستون ج آن قسمت از تمام طرح‌های مزایای تعیین شده‌ی دولت که متمایز از طرح‌های منتقل شده به واحد جداگانه یا اداره شده توسط واحد نهادی دیگر برای دولت درداخل حسابداری دولت باقی می‌مانند را نشان

جدول ۱۷- ۱۰: جدول تکمیلی نشان دهنده‌ی حدود طرح‌های بازنشستگی گنجانیده شده و حذف شده از توالی حساب‌های SNA

شماره سطر	میزان موجودی‌ها/تراکنش‌ها/سایر جریان‌ها	بدهی‌هائی که در حساب‌های ملی محوری نشان داده می‌شوند							بدهی‌هائی که در حساب‌های ملی محوری نشان داده نمی‌شوند	کل طرح‌های بازنشستگی	خق برخورداری از مزایای بازنشستگی خانوارهای غیرمقیم
		غیردولت			دولت						
		طرح‌های حق بیمه‌ی تعیین شده	طرح‌های مزایای تعیین شده	کل	طرح‌های حق بیمه‌ی تعیین شده	طرح‌های مزایای تعیین شده‌ی کارکنان دولت					
						در بخش شرکت‌های مالی	در بخش دولت	در بخش دولت	طرح‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی		
	شماره ستون	الف	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د
	ترازنامه ابتدای دوره										
۱	حق برخورداری از مزایای بازنشستگی										
	تراکنش‌ها										
۲	حق بیمه‌های اجتماعی مربوط به طرح‌های بازنشستگی										
۲-۱	حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرما										
۲-۲	حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرما										
۲-۳	حق بیمه‌های اجتماعی واقعی خانوار										
۲-۴	مکمل‌های حق بیمه‌ی اجتماعی خانوار										
۳	سایر انباشته‌ی (بیمه سنجی) حق برخورداری ازمزایای بازنشستگی در صندوق‌های تأمین اجتماعی										
۴	مزایای بازنشستگی										
۵	تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی										
۶	تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی در اثر تبدیل حق برخورداری										
۷	تغییر در حقوق بازنشستگی به سبب تغییر در ساختار طرح تبدیل شده										
	سایر جریان‌های اقتصادی										
۸	بازارزش‌گذاری‌ها										
۹	سایر تغییرات در حجم										
	ترازنامه انتهای دوره										
۱۰	حق برخورداری از مزایای بازنشستگی										
	نماگرهای مربوطه										
	ستانده										
	دارائی‌های در اختیار طرح‌های بازنشستگی در آخر سال										

خانه‌های خالی نشان دهنده مواردی است که اقلام ورودی در حساب‌های اصلی (محوری) نشان داده می‌شوند. خانه‌های سیاه نشان دهنده مواردی است که قلم ورودی مورد ندارد. خانه‌های خاکستری نشان دهنده مواردی است که اطلاعات فقط در جدول تکمیلی نشان داده می‌شوند.

سطر ۲ حاصل جمع سطرهای ۲-۱ الی ۲-۴ است.

سطر ۳ مشابه حق بیمه‌های احتسابی کارکنان است در حالتی که دولت مسئولیت نهائی کمبود تأمین بازنشستگی را پذیرفته است

سطر ۵ حاصل جمع جبری سطرهای ۲ و ۳ منهای ۴ است

جدول تکمیلی دیگری حاوی اطلاعات بیشتری درباره اجزای سطرهای ۸ و ۹ خواهد بود تا ارزیابیِ درجه‌ی عدم قطعیت این برآوردها را نشان دهد.

می‌دهد. ستون ح به طرح‌های تأمین اجتماعی مربوط است. ستون پ جمع کل طرح‌های غیردولتی و ستون خ جمع کل طرح‌ها از جمله تأمین اجتماعی را نشان می‌دهد.

۱۹۹–۱۷ به احتمال زیاد، در اکثر موارد ذینفعانِ طرح‌های بازنشستگی خانوارهای مقیم هستند. هرچند در برخی از کشورها، ممکن است تعداد خانوارهای غیرمقیمی که مزایای بازنشستگی دریافت می‌کنند قابل ملاحظه باشد. در این حالت، باید ستون د که میزان کل خانوارهای غیرمقیم مربوطه را نشان می‌دهد، اضافه شود.

۲۰۰–۱۷ برخی از اقلام ورودی در سطرها و ستون‌های چ و ح، بخصوص حق بیمه‌های واقعی پرداخت شده توسط کارفرمایان و کارکنان هردو، در حساب‌های محوری نشان داده می‌شوند حتی اگر حقوق بازنشستگی و تغییر حقوق بازنشستگی نشان داده نشوند. سایر اقلام ورودی ستون‌های چ و ح که تنها در جدول تکمیلی نشان داده می‌شوند به رنگ خاکستری مشخص شده است و در زیر توضیح داده می‌شوند.

۲۰۱–۱۷ حق بیمه‌های احتسابی کارفرمایان برای آن دسته از طرح‌های دولت که برای آن‌ها حق برخورداری ازمزایای بازنشستگی در ستون چ نشان داده می‌شود ولی در حساب‌های محوری نشان داده نمی‌شوند نیازمند بررسی ویژه است. در حساب‌های محوری، این قلم طبق قرارداد به صورت تفاوت بین مزایای پرداختنی فعلی و حق بیمه‌های واقعی پرداختنی (توسط کارکنان وکارفرمایان هردو) محاسبه می‌شود. در جدول تکمیلی، این قلم جایگزین می‌شود با مبلغ مورد نیاز برای تضمین این که کل حق بیمه‌های واقعی و احتسابیِ کارفرمایان و کارکنان، افزایش حقوق بازنشستگی از خدمت جاری و هزینه‌های اجرای طرح هردو، را پوشش می‌دهد .

۲۰۲–۱۷ قلمی بر همان مبنا در رابطه با تأمین اجتماعی در سطر ۳ به عنوان "سایر انباشته‌ی (بیمه سنجی یا اکچوئری) حق برخورداری از مزایای بازنشستگی در صندوق تأمین اجتماعی" محاسبه شده است. این قلم به‌طور عمدی از حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان متمایز شده است تا بر احتمال ضعیف بودن این برآوردها تأکید داشته باشد.

۲۰۳–۱۷ اقلامی برای مکمل‌های حق بیمه‌ی اجتماعی خانوارها و سایر تغییرات در حقوق بازنشستگی با مبنای همان اقلام در طرح‌های خصوصی نشان داده شده است.

۲۰۴–۱۷ تغییرات حق برخورداری از مزایای بازنشستگی، در موارد زیر به‌عنوان تراکنش ثبت می‌شوند (در صورتی تراکنش به‌حساب می‌آید که بین طرفین توافق وجود داشته باشد، مترجم):

الف. اگر طرح بازنشستگی در حساب‌های محوری منظور می‌شود، و مدیر کارفرما موافق با تغییر شرایط حق برخورداری از مزایای بازنشستگی از طریق مذاکره با کارکنان مشمول طرح است این تغییر باید به عنوان یک تراکنش در حساب‌های محوری ثبت شود.

ب. اگر طرح بازنشستگی در حساب‌های محوری ثبت نمی‌شود، و مدیر کارفرما موافق با تغییر در شرایط حق برخورداری از مزایای بازنشستگی از طریق مذاکره با کارکنان مشمول طرح است، این تغییر باید به عنوان یک تراکنش در جدول تکمیلی ثبت شود.

پ. در مورد تأمین اجتماعی، اگر تغییرات در حقوق بازنشستگی در مجلس مورد توافق قرار گیرد، این نیز طوری ثبت می‌شود که مورد مذاکره قرار گرفته است.

۲۰۵–۱۷ تغییرات در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی که بدون مذاکره کردن و به طور اجباری صورت می‌گیرند به عنوان سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شوند.

۲۰۶–۱۷ تفاوت در نوع ثبت یکی از اصول است ولی مشخص شده است که در عمل در شرایط متفاوت حاکم در کشورهای مختلف تعیین تفاوت بین آنچه که مورد مذاکره قرار گرفته است و آنچه که بدون مذاکره اجباری شده است مشکل خواهد بود.

قسمت ۳: نحوه برخورد با ضمانت‌های استاندارد در SNA

ر. انواع ضمانت‌ها

۱۷-۲۰۷ ضمانتِ وام به طور عادی ترتیباتی است که به موجب آن طرفی که ضامن نامیده می‌شود به وام دهنده تعهد می‌دهد که اگر وام گیرنده دین خود را نپردازد، ضامن زیانی را که وام دهنده ممکن است متحمل شود جبران خواهد کرد. اغلب برای ضمانت کردن حق‌الزحمه‌ای لازم است گرچه شکل آن متغیر است. گاهی اوقات ضامن حقی را نسبت به قرض کننده متخلف کسب میکند. ضمانت‌های مشابهی ممکن است در رابطه با سایر ابزارهای مالی، از جمله سپرده‌ها، نیز ارائه شود. این بخش به ضمانت‌های مشابه تمامی ابزارهای مالی می‌پردازد.

۱۷-۲۰۸ ضمانت‌ها تأثیر بسزائی در رفتار کارگزاران اقتصادی دارند چه با تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های آن‌ها در باره تولید، درآمد، سرمایه‌گذاری یا پس‌انداز چه با تغییر شرایط وام‌دهی و وام-گیری در بازارهای مالی. بعضی وام گیرندگان ممکن است دسترسی به وام نداشته باشند یا مایل باشند در نبود ضمانت‌ها سپرده‌گذاری کنند، در حالی که بعضی دیگر ممکن است نتوانند از نرخ بهره‌ی رقابتی پائین برخوردار شوند. ضمانت‌ها بویژه برای بخش دولت و بخش عمومی مهم هستند زیرا فعالیت‌های دولتی اغلب با انتشار یا فعال سازی ضمانت‌ها مرتبط هستند.

۱۷-۲۰۹ سه گروه ضمانت شناخته شده است. هیچ برخورد خاصی با ضمانت‌هائی به شکل ضمانت تأمین خدمات پس از فروش تولیدکننده‌ی محصول یا سایر اشکال ضمانت پیشنهاد نشده است. (هزینه جایگزینی کالای معیوب هزینه مصرف واسطه سازنده است).

۱۷-۲۱۰ نخستین طبقه از ضمانت‌ها متشکل از ضمانت‌هائی است که بوسیله مشتقات مالی، نظیر سواپ عدم پرداخت اعتباری فراهم می‌شود. این مشتقات به طور فعالانه در بازارهای مالی معامله می‌شوند. این مشتق مالی مبتنی بر ریسک عدم پرداخت یک ابزار مرجع است و بنابراین در واقع مرتبط به یک وام یا اوراق قرضه‌ی منفرد نیست. ترکیب تراکنش‌های مربوط به ایجاد این نوع مشتقات مالی در فصل ۱۱ مورد بحث قرار گرفته است.

۱۷-۲۱۱ دومین طبقه از ضمانت‌ها، ضمانت‌های استاندارد است که متشکل از انواع ضمانت‌هائی است که به تعداد زیادی، معمولاً با مبالغ نسبتاً کم، به روشی یکسان منتشر می‌شوند. در این نوع ترتیبات، سه طرف، بدهکار، بستانکار و ضامن، درگیر هستند. هریک از طرف‌های بدهکار یا بستانکار می‌توانند برای بازپرداخت به بستانکار در صورت عدم پرداختِ دِین توسط بدهکار، با ضامن قرارداد ببندند. نمونه‌های کلاسیک آن، ضمانت‌های اعتباریِ صادرات و ضمانت‌های وام‌های دانشجوئی هستند. ضمانت دولت برای ابزارهای مالی دیگر نظیر وام یا بعضی اوراق بدهی دیگر به ازای دریافت حق‌الزحمه، مثال دیگری از این نوع ضمانت‌هاست. در این مورد، علاوه بر این که تعیین احتمال عدم پرداخت دِینِ یکایک بدهکاران امکان پذیر نیست، برآورد تعداد عدم پرداخت بدهی‌های یک مجموعه‌ی مشابه نه تنها عمل استانداردی نیست بلکه امکان پذیر هم نیست. اگر ضامن با هدف کاملاً تجاری کار کند، انتظار دارد تمامی حق-الزحمه‌های پرداخت شده بعلاوه درآمد سرمایه‌گذاری عاید شده از حق‌الزحمه‌ها و ذخائر، عدم پرداخت بدهی‌ها همراه با هزینه‌ها و مقداری سود را پوشش دهند. این دقیقاً همان الگوئی است که برای بیمه‌ی غیرزندگی عمل می‌شود و نحوه برخورد مشابهی برای این ضمانت‌ها که "ضمانت‌های استاندار" نامیده می‌شوند اتخاذ می‌گردد. این نحوه‌ی برخورد، وارد کردن تراکنش‌ها و اقلام ترازنامه موازی با اقلام مشابهِ بیمه‌ی غیرزندگی را در بر می‌گیرد که شامل ایجاد ستانده و پرداخت‌های مکمل حق‌الزحمه و حق‌الزحمه‌ی خدمات توسط کسانی است که از ضمانت‌ها استفاده می‌کنند.

۲۱۲-۱۷ طبقه سوم، ضمانت‌هائی بنام "ضمانت‌های موردی" متشکل از ضمانت‌هائی هستند که وام یا اوراق بهادار مورد نظر بقدری ویژه است که امکان ندارد برای آن درجه‌ای از ریسکِ همراه با بدهی با هر دقتی محاسبه شود. در بسیاری از موارد، اعطای ضمانت موردی یک رخداد احتمالی در نظر گرفته می‌شود و به عنوان دارائی/ بدهی مالی ثبت نمی‌شود. (به عنوان یک استثناء، ضمانت‌های موردی اعطاء شده توسط دولت برای شرکت‌ها در بعضی وضعیت‌های بحران‌های مالی کاملاً مشخص و با احتمال بسیار بالا برای مطالبه، طوری برخورد می‌شود که این ضمانت‌ها هنگامی که بحران مالی تحقق یابد مطالبه خواهند شد). اگر حق‌الزحمه‌ای دریافت شود، به عنوان پرداخت برای یک خدمت در زمان پرداخت ثبت می‌شود. اگر ضمانت مطالبه شود، به‌صورت انتقالات سرمایه‌ای از ضامن به دارنده‌ی ضمانت در زمانی که عدم پرداخت رخ داده است ثبت می‌شود، یا در مواردی که ضامن خسارت قابل ملاحظه‌ای را نسبت به دارنده‌ی ضمانت متحمل می‌شود، یک تراکنش مالی (شامل افزایش مشارکت سهام) ثبت می‌شود.

۲۱۳-۱۷ ضمانت‌های استاندارد با دو معیار زیر از ضمانت‌های موردی تشخیص داده می‌شوند:

الف. ضمانت‌های استاندارد اغلب با تراکنش‌های مکرر با ویژگی‌های مشابه و به اشتراک گذاشتن ریسک مشخص می‌شوند؛

ب. ضامن‌ها در این نوع ضمانت‌ها قادر هستند متوسط زیان را بر اساس آمارهای موجود با استفاده از مفهوم احتمال موزون برآورد کنند.

برعکس، ضمانت‌های موردی تک هستند و ضامن‌ها قادر به انجام برآوردهای قابل اعتمادی از ریسک مطالبه آن نیستند.

۲۱۴-۱۷ مشتقات مالی در فصل ۱۱ شرح داده شده‌اند. نحوه برخورد با ضمانت‌های استاندارد در پی می‌آید.

۱. طرح‌های ضمانت استاندارد

۲۱۵-۱۷ ضمانت‌های استاندارد ممکن است توسط نهادهای مالی از جمله شرکت‌های بیمه ارائه شوند ولی محدود به آن‌ها نیستند. آن‌ها ممکن است توسط واحدهای دولتی ارائه شوند. این امر که شرکت‌های غیرمالی این نوع ضمانت‌ها را ارائه کنند امکان پذیر ولی بعید است؛ این که توسط هر نوع واحد نهادی برای واحدهای غیرمقیم ارائه شوند بیشتر بعید است. همان طور که در بالا اشاره شد، طرح‌های ضمانت استاندارد وجه مشترک‌های زیادی با بیمه‌ی غیرزندگی دارند. در حالت کلی، همان طور که در زیر توضیح داده می‌شود، شیوه ثبت مشابهی توصیه می‌شود.

۲۱۶-۱۷ هنگامی که واحدی ضمانت‌های استاندارد ارائه می‌دهد، حق‌الزحمه‌هائی را قبول می‌کند و بدهی‌هائی را متحمل می‌شود تا مطالبه ضمانت را تأمین کند. ارزش بدهی‌ها در حساب‌های ضامن برابر است با ارزش حال مورد انتظار مطالبات ضمانت‌های فعلی، خالص شده با هر گونه وصولی که ضامن انتظار دارد از قرض کنندگان متخلف دریافت کند. بدهی مستلزم ذخائری برای مطالبات ضمانت‌های استاندارد است.

۲۱۷-۱۷ ضمانت ممکن است یک دوره چند ساله را پوشش دهد. حق‌الزحمه ممکن است به صورت سالانه یا از پیش پرداخت شود. در اصل، حق‌الزحمه باید تغییرات بوجود آمده را در هر سالی که ضمانت پا برجاست با کاهش بدهی در اثر کوتاه‌تر شدن دوره نشان دهد و بنابراین در اینجا نیز باید همان شیوه‌ی ثبت مستمری‌ها با حق‌الزحمه‌ی عاید شده هنگامی که بدهی آینده کاهش می‌یابد، دنبال شود. در عمل، برخی از واحدهائی که ضمانت‌ها را اداره می‌کنند ممکن است فقط داده‌ها را به‌صورت نقدی داشته باشند. این برای ضمانت‌های منفرد دقیق نیست ولی ماهیت طرح‌های ضمانت استاندارد این است که ضمانت‌های بسیاری از یک نوع وجود دارند، هرچند همه آن‌ها دقیقاً برای دوره زمانیِ یکسانی نیستند و همه‌ی آن‌ها در یک تاریخ شروع و در یک تاریخ پایان نمی‌یابند. بجز در مواردی که دلیلی وجود داشته باشد که فرض شود تغییر عمده‌ای در طول زمان در ماهیت دارندگان ضمانت رخ داده است، استفاده از داده‌های نقدی نباید خطای قابل ملاحظه‌ای را نشان دهد.

۱۷–۲۱۸ رویهم رفته شش مجموعه از تراکنش‌ها برای ثبت در رابطه با طرح‌های ضمانت استاندارد لازم است؛ دو مجموعه مربوط به اندازه‌گیری تولید و مصرفِ خدمت ضمانت، سه تا مربوط به توزیع و یکی مربوط به حساب مالی است. ارزش ستانده‌ی فعالیت، درآمد سرمایه‌گذاریِ تخصیص یافته به دارندگان ضمانت‌ها (چه بستانکار چه بدهکار) و ارزش کارمزد خدمات به شیوه‌ای که در بالا برای بیمه‌ی غیرزندگی شرح داده شد با استفاده از مفاهیم حق‌الزحمه‌ها بجای حق بیمه‌ها و مطالبات تحت طرح ضمانت استاندارد بجای خسارت‌ها محاسبه می‌شوند.

۱۷–۲۱۹ تراکنش‌های تولید و مصرف به شرح زیر است:

الف. ستانده در حساب تولیدِ بخش یا زیربخشی که ضامن به آن تعلق دارد ثبت می‌شود.

ب. برای خدمت ارائه شده ممکن است وام گیرنده‌ی دینِ ضمانت شده یا وام دهنده‌ی آن پرداخت کند. هنگامی که شرکت‌های غیرمالی، شرکت‌های مالی، دولت یا نهادهای غیرانتفاعی حق‌الزحمه پرداخت می‌کنند تا این نوع ضمانت‌ها را بدست آورند، حق‌الزحمه‌ها تشکیل مصرف واسطه را می‌دهند و در حساب تولید آن‌ها ثبت می‌شوند. حق‌الزحمه‌ای که برای این نوع ضمانت‌ها توسط خانوار پرداختنی است قسمتی از مخارج مصرف نهائی او را تشکیل می‌دهد و در حساب‌های مصرف درآمد ثبت می‌شود.

۱۷–۲۲۰ تراکنش‌های توزیعی، درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان ضمانت در رابطه با طرح‌های ضمانت استاندار، خالصِ حق‌الزحمه‌ها، و مطالبات تحت طرح‌های ضمانت استاندارد را پوشش می‌دهند.

الف. درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان ضمانت در رابطه با طرح‌های ضمانت استاندارد به عنوان پرداختنی توسط ضامن ثبت می‌شود. این قلم به عنوان دریافتنی توسط واحد پرداخت کننده حق‌الزحمه ثبت می‌شود. دریافتنی‌ها و پرداختنی‌ها هردو در حساب تخصیص درآمد اولیه ثبت می‌شوند.

ب. حق‌الزحمه‌های خالص به عنوان حق‌الزحمه دریافتنی بعلاوه مکمل‌های حق‌الزحمه (برابر با درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به واحد پرداخت کننده حق‌الزحمه برای ضمانت) منهای ارزش خدمات مصرف شده محاسبه می‌شود. این حق‌الزحمه‌های خالص توسط تمامی بخش‌های اقتصاد پرداختنی و توسط بخش ضامن دریافتنی هستند.

پ. مطالباتِ تحت طرح‌های ضمانت استاندارد توسط ضامن پرداختنی و توسط وام دهنده‌ی وامِ تحتِ ضمانت دریافتنی هستند، صرف نظر از این که حق‌الزحمه توسط وام دهنده یا وام گیرنده پرداخت شده باشد. حق‌الزحمه‌های خالص و مطالبات هردو در حساب توزیع ثانوی درآمد ثبت می‌شوند.

۱۷–۲۲۱ در حساب مالی، یک قلم ورودی تفاوت بین پرداخت حق‌الزحمه‌ها برای ضمانت‌های جدید و مطالبات ایجاد شده تحت ضمانت‌های موجود را نشان می‌دهد.

۲. ضمانت‌های فراهم شده توسط دولت

۱۷–۲۲۲ دولت اغلب ضمانت‌هائی را برای مقاصد سیاستی خاصی ارائه می‌دهد. ضمانت‌های اعتبارِ صادرات مثالی از این نوع ضمانت‌ها هستند. ممکن است ضمانت‌ها توسط یک واحد دولتی که می‌تواند به عنوان یک واحد جدا تلقی شود صادر گردند. وقتی چنین است، برای این که واحد دولتیِ مورد نظر به شرکت‌های تحت کنترل دولت منتسب شود یا به عنوان قسمتی از دولت تلقی شود، از قواعد عادی استفاده می‌شود. اگر یک واحد ضمانت حق‌الزحمه‌هائی مطالبه کند که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه هستند (در این حالت می‌تواند معادل این گفته باشد که بیشترِ مطالبات بعلاوه هزینه‌های اجرا بوسیله حق‌الزحمه‌های دریافت شده پوشش داده می‌شوند)، در این صورت این یک فعالیت بازاری است. این واحد باید به عنوان شرکت مالی تلقی شود و تراکنش‌ها باید آن‌طور که در

بالا شرح داده شد ثبت شوند. اگر حق‌الزحمه‌ها قسمت عمده‌ی هزینه‌ها ولی نه همه‌ی آن‌ها را پوشش دهد، نحوه ثبت باز هم همانند بالا خواهد بود. زیان ایجاد شده برای کارگزار ارائه دهنده‌ی ضمانت ممکن است به صورت پرداخت‌های منظم یا متناوب توسط دولت پوشش داده شود ولی این پرداخت‌ها به کسانی که در پی ضمانت به عنوان یارانه هستند انجام نمی‌شود. تنها وقتی چنین پرداخت‌هائی ایجاد شوند، پرداخت‌های منظم به عنوان یارانه به کارگزار و پرداخت‌های متناوب که زیان‌های انباشته شده را پوشش می‌دهند، به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ثبت می‌شوند.

۱۷-۲۲۳ در کل، وقتی یک واحد دولتی ضمانت استانداردی را بدون دریافت حق‌الزحمه یا با چنان نرخ‌های پائینی که حق‌الزحمه‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از مطالبات و هزینه‌های اجرا هستند فراهم می‌کند، آن واحد باید به عنوان تولید کننده‌ی غیربازاری در داخل دولت تلقی شود. با این حال، اگر دولت احتمال نیاز به تأمین مالی برای برخی مطالبات تحت ضمانت‌های استاندارد را در حد منظور کردن ذخیره‌ای در حساب‌ها به رسمیت بشناسد، باید یک قلم انتقالات با این اندازه از دولت به واحد مربوطه و یک قلم بدهی به این مبلغ (زیر عنوان ذخائر مطالبات تحت ضمانت‌های استاندارد) ثبت شود.

۳. پیامدهای ترازنامه

۱۷-۲۲۴ از نظر مفهومی در ترازنامه باید کل ارزش ابزارهای تحت ضمانت به اندازه‌ی ذخائر ضمانت‌های استاندارد که برآوردی از میزان دیونی است که پرداخت نخواهد شد، کاهش یابد. در عمل، بعید است این مبلغ در مقایسه با کل ارزش ابزارهای مربوطه قابل ملاحظه باشد.

قسمت ۴: ثبت جریان‌های مربوط به دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

ز. مقدمه

۱۷–۲۲۵ هدف این قسمت از فصل ۱۷ این است که برای هر رده از دارائی‌های مالی و بدهی‌ها، نشان دهد که تغییرات ارزش آن‌ها در SNA چگونه و کجا ثبت می‌شوند و نیز نشان دهد که چه موقع قسمتی از تراکنش مربوط به یک ابزار مالی نه به عنوان تغییرات ارزش خودِ ابزار مالی بلکه به عنوان سنجه‌ی ستانده‌ی نهادهای مالی تلقی می‌شود. قبل از شرح تفصیلی این جریان‌ها در بخش بعد، در ابتدا یادآوری ویژگی‌های نهادهای مالی، نوع جریان‌هائی که مربوط به ارائه خدمات مالی هستند و نیز نوع درآمد و منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن دارائی‌های مالی و بدهی‌ها سودمند است.

۱. ویژگی‌های نهادهای مالی

۱۷–۲۲۶ در SNA، اصطلاح شرکت‌ها برای توصیف واحدهای نهادی ارائه دهنده‌ی خدمات مالی و غیرمالی، هردو بکار می‌رود. شرکت‌ها به دو بخش نهادی شرکت‌های غیرمالی و شرکت‌های مالی تقسیم می‌شوند. شرکت‌های مالی از شرکت‌های غیرمالی متمایز شده‌اند زیرا آن‌ها نقش خاصی را در اقتصاد بازی می‌کنند. برخی از آن‌ها وسیله‌ی پرداخت‌های بین واحدهای دیگر را تسهیل می‌بخشند و از اینرو موجب اجتناب از نیاز به معاملات پایاپای می‌شوند. برخی نیز وسایلی فراهم می‌کنند که بموجب آن واحدهائی که در پی منابع مالی اضافی برای تأمین مالی تشکیل سرمایه، تحصیل دارائی‌های مالی یا حتی برای مصرف هستند بتوانند از منابع مالی کنار گذاشته شده توسط واحدهای دیگر به عنوان پس‌انداز، بهره‌مند شوند. معادله‌ای که در آن سرمایه‌گذاری در تشکیل سرمایه باید برابر باشد با پس‌انداز بعلاوه خالص وام‌گیری از دنیای خارج یک معادله بنیادی برای کارکرد اقتصاد، روشی که بازارهای مالی در آن کار می‌کنند و بنابراین برای خودِ سیستم حسابداری به‌حساب می‌آید.

۱۷–۲۲۷ هنگام بررسی بخش مالی به تنهائی یا در رابطه با سایر آمارها نظیر آمارهای پولی و مالی، معمول این است که بجای شرکت‌های مالی، نهادهای مالی گفته می‌شود. اما، با تغییر این اصطلاح تغییری در تعریف یا پوشش آن‌ها ایجاد نمی‌شود. هنگام طبقه‌بندی زیربخشیِ بخش مالی، همان‌طور که در فصل ۴ شرح داده شد، بین آن دسته از شرکت‌های مالی که عمدتاً در واسطه‌گری مالی درگیر بوده و واسطه-گری‌های مالی نامیده می‌شوند، و سایر نهادهای مالی تمایز قائل شده‌اند.

۱۷–۲۲۸ واسطه‌گری مالی، فعالیت تطبیق دادنِ نیازهای وام گیرندگان با نیازهای وام دهندگان است. این فعالیت توسط نهادهای مالی با آماده کردن مجموعه‌های دگرسانی (جایگزینی) از شرایطی که طبق آن مشتریان بتوانند وام بگیرند و وام بدهند انجام می‌شود. این شرایط، در نرخ‌های بازده مورد انتظارِ سرمایه‌گذاری تنوع ایجاد می‌کنند، بازده بالاتر اغلب دارای اطمینان کمتری نسبت به بازده پائین‌تر است یا چشم پوشی از دستیابی به وجوه را برای دوره‌ی بلند مدت‌تری در بر دارد. در حال حاضر، راه‌های بسیار متنوعی برای وام دادن یا وام گرفتن وجود دارد. از اینرو، عمل واسطه‌گری مالی ابداع ابزارهای مالی است که کسانی را که دارای پس‌انداز هستند تشویق کند تا با شرایطی که در ذات ابزارهای مالی است به نهادهای مالی وام دهند به طوری که نهادهای مالی بتوانند سپس همان وجوه را به صورت ابزارهای مالی دیگری با شرایط متفاوت به دیگران وام دهند. این فعالیت، مدیریت ریسک مالی و انتقال نقدینگی را در بر می‌گیرد.

۱۷–۲۲۹ در SNA، تمامی فعالیت‌های واسطه‌گری مالی توسط نهادهای مالی انجام می‌شوند. اما، برخی شرکت‌های بخش مالی، خود واسطه‌گیری مالی نیستند و فقط خدمات جنبی به واسطه‌گری‌های مالی ارائه می‌دهند. به عنوان مثال، این‌ها ممکن است برای مشتریان خود درباره شرایط موجود برای انواع خاص وام‌گیری و وام‌دهی مشاوره ارائه دهند، نظیر واسطه‌های رهن یا بعضی از آن‌ها انواع منابع مالی فراهم کنند نظیر دفاتر مبادلات ارزی که یک ارز را در برابر ارز دیگر مبادله می‌کنند. این‌ها واحدهائی هستند که به عنوان سایر نهادهای مالی نامیده می‌شوند.

شکل ۱۷-۲: نشانه‌های جریان‌های مربوط به ابزارهای مالی مختلف

	خدمات نشان داده شده در حساب تولید		درآمد دارائی نشان داده شده در حساب توزیع درآمد اولیه				حساب بازارزش گذاری
ابزارهای مالی	حاشیه خرید/فروش	حاشیه بهره	بهره	سود تقسیم شده	برداشت از درآمدهای شبه شرکت‌ها	درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به دارندگان جمعی سهام صندوق سرمایه‌گذاری	منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن
طلای پولی و SDR							
شمش طلا							×
حساب‌های طلای تخصیص نیافته			×				×
SDRها		×	×				×
پول و سپرده‌ها							
پول							
داخلی							
خارجی							×
سپرده‌های انتقال‌پذیر							
به پول داخلی		×	×				
به ارز خارجی		×	×				×
سپرده‌های بین بانک‌ها		(×)	×				
سایر سپرده‌ها							
به پول داخلی		×	×				
به ارز خارجی		×	×				×
اوراق بدهی	×		×				(×)
وام‌ها							
به پول داخلی		×	×				
به ارز خارجی		×	×				×
سهام صندوق سرمایه‌گذاری و حقوق سهامداران							
حقوق سهامداران							
سهام ثبت شده در بورس	×			×			×
سهام ثبت نشده در بورس	×			×			×
سایر حقوق سهامداران					×		×
سهام صندوق سرمایه‌گذاری							
سهام صندوق بازار پول	×					×	×
سایر سهام صندوق سرمایه‌گذاری	×					×	×
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان							
مشتقات مالی	×						×
اختیار معامله سهام برای کارکنان							×
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی			(×)				

۱۷–۲۳۰ نهادهای مالی خدماتی را ارائه می‌دهند و به ازای آن حق‌الزحمه‌ای مطالبه می‌کنند. ولی روش‌های دریافت حق‌الزحمه آن‌ها همیشه صریح نیستند. هنگامی که بانکی "بانکداری رایگان" ارائه می‌دهد، نشان دهنده‌ی این است که حق‌الزحمه صریح وجود ندارد، نه این که حق‌الزحمه ضمنی نیز وجود ندارد. حق‌الزحمه‌ها ممکن است به طور غیرمستقیم دریافت شوند به این طریق که از کسانی که دارائی مالی خریداری می‌کنند بیشتر از فروشنگان همان دارائی هزینه مطالبه کنند. برای مثال، معامله‌گران ارز به طور معمول ارز را با نرخ خرید و فروش متفاوتی معامله می‌کنند؛ تفاوت بین این نرخ‌ها و نرخ نقطه میانی، کارمزد خدمات پرداخت شده توسط مشتریان را نشان می‌دهد.

۱۷–۲۳۱ تنها کارمزد خدمات نیست که ممکن است نیاز به اندازه‌گیری غیرمستقیم داشته باشد. اسناد خزانه پیشنهاد مبلغ ثابتی در زمانی در آینده است و وعده این پرداخت با تنزیل فروخته می‌شود. افزایش ارزش بین قیمت خرید و قیمت بازخرید در SNA به عنوان بهره تلقی می‌شود.

۱۷–۲۳۲ اصطلاحاتی که در بازارهای مالی مورد استفاده قرار می‌گیرند دقیقاً اصطلاحاتی نیستند که در SNA بکار می‌روند. برای مثال، پولی که بانک برای سپرده‌ها می‌پردازد، از طرف بانک بهره گفته می‌شود ولی در SNA این مبلغی نیست که به عنوان بهره ثبت می‌شود زیرا فرض می‌شود مبلغ پرداختی توسط بانک یک پرداخت ترکیبی است که بهره‌ای که از SNA استنباط می‌شود منهای کارمزد خدمات وضع شده برای سپرده‌گذار برای هزینه‌های عملیات حساب سپرده را نشان می‌دهد. در SNA، وقتی لازم است دو مفهوم از یکدیگر متمایز شوند اصطلاحات بهره بانکی و بهره SNA بکار می‌رود. در SNA، اصطلاح بهره غیر از مواردی که واجد شرایط بهره بانکی است، بهره SNA نامیده می‌شود.

۲. بهای خدمات مالی

۱۷–۲۳۳ همان طور که در بالا اشاره شد، روشی که نهادهای مالی بهای خدمات ارائه شده را دریافت می‌کنند همیشه مانند روشی که برای دریافت بهای اکثر کالاها و خدمات بکار می‌رود آشکار نیست. انواع متعددی از نهادهای مالی برای خدماتی که ارائه می‌دهند حق‌الزحمه صریحی دریافت می‌کنند. دیگر نهادهای مالی ممکن است بهای خدمات خود را به طور ضمنی خواه مستقل از حق‌الزحمه‌ی صریح خواه در رابطه با آن مطالبه کنند.

۱۷–۲۳۴ حق‌الزحمه‌های صریح باید همیشه توسط واحدی که خدمات به آن ارائه شده است به عنوان پرداختنی به نهادِ ارائه کننده خدمات ثبت شوند. اگر خدمات مالی به یک شرکت یا به دولت ارائه شود، هزینه این خدمات بخشی از مصرف واسطه را تشکیل خواهد داد. اگر این خدمات به خانوارها ارائه شوند مصرف نهائی تلقی می‌شود مگر این که در رابطه با یک بنگاه غیرشرکتی، از جمله مالک ساکن در واحد مسکونی ارائه شود. در SNA، خدمات مالی در ارزش هیچ یک از دارائی‌های مالی منظور نمی‌شوند حتی اگر ارائه‌ی آن‌ها برای تحصیل دارائی لازم باشد. (این نحوه عمل خلاف برخورد با دارائی‌های غیرمالی است که هزینه‌های تحصیل دارائی در ارزش دارائی‌های نشان داده شده در ترازنامه منظور می‌شوند). حق‌الزحمه‌های صریح در ارزشی که تراکنش‌های دارائی‌های مالی در بازار واقعاً رخ می‌دهند تأثیر نمی‌گذارند.

۱۷–۲۳۵ حق‌الزحمه‌ی ضمنی که برای خدمات مالی مطالبه می‌شود باید به طور غیرمستقیم اندازه‌گیری شود. این حق‌الزحمه همان‌طور که در بالا در مثال مبادله‌ی ارزهای خارجی بیان شد، می‌تواند فقط تفاوت بین قیمت‌های خرید و نقطه میانی و بین قیمت‌های نقطه میانی و فروش باشد. (هر خدمتی باید در زمان تراکنش مربوطه محاسبه شود به طوری که منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن که بین زمان خرید و فروش رخ می‌دهد به عنوان خدمت تلقی نشود). حق‌الزحمه‌های ضمنی دیگر ممکن است با سایر تراکنش‌های (یا سایر جریان‌های) مربوط به ابزار مالی خاص ترکیب شود. کارمزد خدمت مربوط به وام‌گیری و وام‌دهی مثال‌هائی از این نوع هستند که با بهره ترکیب می‌شود. همان‌گونه که در فصل ۶ هنگام بحث در مورد ستانده‌ی خدمات مالی اشاره شد، غفلت از محاسبه‌ی کارمزد ضمنی برای خدمات مالی ممکن است منجر به کم برآوردی ستانده صنعت (رشته‌فعالیت) و بخش مورد نظر شود.

۳. درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به ابزارهای مالی

۱۷–۲۳۶ بیشترِ ابزارهای مالی درآمد سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کنند. ابزارهای بدهی نظیر حق برداشت ویژه (SDR) در IMF، بسیاری از اوراق بدهی، سپرده‌ها و بعضی حساب‌های طلای تخصیص نیافته که مبلغ آن‌ها با فرمول ثابتی بازپرداخت می‌شود بهره ایجاد می‌کنند. حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری، سود تقسیم شده یا اشکال دیگر، توزیع درآمد ایجاد می‌کنند. تا جائی که امکان دارد، نباید در سایر حساب‌های دریافتنی و پرداختنی بهره ایجاد شود زیرا مبالغ تسویه نشده که منجر به پرداخت بهره می‌شوند باید به عنوان وام طبقه‌بندی شوند. در عمل شاید این کار همیشه امکان پذیر نباشد که در آن حالت، زیر این ابزار مالی نیز مبالغی از بهره نشان داده می‌شود. غیر از سایر حساب‌های دریافتنی و پرداختنی، فقط شمش طلا، پول، سپرده‌های بدون بهره، مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان هیچگاه درآمد سرمایه‌گذاری ایجاد نمی‌کنند.

۴. منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ابزارهای مالی

۱۷–۲۳۷ در شرایط معمولی، وام‌ها و سپرده‌ها به پول داخلی منجر به منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن نمی‌شوند اگرچه همیشه در صورت وجود تورم، زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن برای دارنده‌ی دارائی وجود خواهد داشت. اوراق بهادار به ارزش پول داخلی تنها هنگامی دچار منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن می‌شوند که درآمد آن‌ها به شکل کوپن باشد. این امر به این دلیل رخ می‌دهد که وقتی نرخ بهره تغییر می‌یابد، ارزش حال پرداخت کوپن‌های آینده و ارزش بازخریدهای آینده تغییر می‌کند و این در قیمت بازار منعکس می‌شود.

۱۷–۲۳۸ برای حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری غیر از سهام صندوق بازار پول، منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن رایج است و ممکن است قابل ملاحظه باشد. در حقیقت، مهمترین دلیل برای تحصیل این ابزارها، بهره مند شدن از منفعت ناشی از نگه‌داشتن آن دارائی‌ها است.

ژ. ثبت جریان‌ها در ابزارهای مالی

۱۷–۲۳۹ همان‌گونه که در بالا اشاره شد، هردوی جریان‌های کارمزد خدمات و درآمد سرمایه‌گذاری ممکن است با هزینه‌های تحصیل و واگذاری دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ترکیب شوند. بنابراین، در این بخش از فصل هر طبقه از ابزارها به نوبت مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود چه جریان‌هائی در هر حالت باید ثبت شوند. حق‌الزحمه‌های صریح در این بخش پوشش داده نمی‌شوند زیرا حتی اگر آن‌ها اعمال شوند، ارزش آن‌ها علاوه بر ارزشی است که دارائی‌های مالی با آن دست به دست می‌شوند. از اینرو، سه نوع جریان در این بخش دارای اهمیت هستند؛ حق‌الزحمه‌های ضمنی ایجاد شده توسط نهادهای مالی، جریان‌های مختلف درآمد و منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن. خلاصه‌ای از انواع جریان‌هائی که به هر یک از ابزارها مربوط است در شکل ۱۷–۲ نشان داده شده است. حق‌الزحمه‌های ضمنی به دو دسته تقسیم می‌شوند، حق‌الزحمه‌هائی که به عنوان حاشیه‌ی (مارژ) بین قیمت خرید و فروش نشان داده می‌شوند و حق‌الزحمه‌هائی که حاشیه‌ی بین بهره‌ی پرداخت شده و بهره‌ی دریافت شده را نشان می‌دهند (FISIM). تمامی جریان‌های درآمد، درآمد سرمایه‌گذاری هستند و این جریان‌ها به بهره، سود تقسیم شده، برداشت از شبه شرکت‌ها و درآمد سرمایه‌گذاری تخصیص یافته به سهامداران صندوق سرمایه‌گذاری تقسیم می‌شوند. تنها ابزارهای مربوط به طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد از این مقوله خارج شده است زیرا در قسمت‌های دیگری از این فصل به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

۱. طلای پولی

۱۷–۲۴۰ طلای پولی (شامل حساب‌های طلای تخصیص نیافته) از دو زیر گروه تشکیل شده است، شمش طلای فیزیکی و

حساب‌های طلای تخصیص نیافته)، که هردوی آن‌ها به عنوان قسمتی از ذخائر، در اختیار مقامات پولی یا واحدهای دیگر که توسط آن‌ها اداره می‌شوند قرار دارند. هرچند انتشار این دو زیر گروه به طور جداگانه به دلایل محرمانه بودن امکان‌پذیر نیست، درکِ ملاحظات متفاوتی که برای هریک از آن‌ها اعمال می‌شود مهم است.

۱۷-۲۴۱ شمش طلا به شکل سکه، شمش یا میله با درجه خلوص حداقل ۹۹۵ در هزار است. طلائی که به عنوان اشیاء گرانبها توسط بانک‌های تجاری یا به عنوان موجودی انبار توسط برخی صنایع تخصصی نظیر جواهر سازی‌ها نگه داشته می‌شوند، ممکن است از شمش طلا قابل تشخیص نباشد یا کیفیت پائین‌تری از آن داشته باشد. طلای فیزیکی، بجز شمش طلائی که در طلای پولی منظور می‌شود، چه شمش طلا باشد چه نباشد، می‌توان به آن طلای کالائی اطلاق کرد (زیرا این نوع طلا در بازارِ کالا خرید و فروش می‌شود).

۱۷-۲۴۲ شمش طلا می‌تواند توسط مقامات پولی یک کشور به مقامات پولی کشور دیگری فروخته شود. در چنین حالتی مبادله فقط به عنوان مبادله‌ی دارائی‌های مالی ثبت می‌شود. در تمامی موارد دیگر، طلا به عنوان طلای کالائی بازطبقه بندی می‌شود و بنابراین اشیاء گرانبهائی در اختیار مقامات پولی خواهد بود (که دیگر جزء ذخائر به حساب نمی‌آید) و به عنوان طلای کالائی فروخته می‌شود. در این صورت، در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها یک بازطبقه‌بندی به عنوان غیرپولی کردن طلا ثبت می‌شود. اگر طلا به خارج فروخته شود در واردات و صادرات کشورهای مربوطه ثبت می‌شود. وقتی طلای کالائی فروخته می‌شود، می‌تواند دارای حاشیه بازرگانی باشد. هنگامی که مقامات پولی یک کشور طلای پولی تحصیل می‌کنند، یک مسیر ذخیره دنبال می‌شود. ابتدا طلا به عنوان طلای کالائی از واحد داخلی یا از خارج تحصیل می‌شود و سپس تحت عنوان پولی کردن در حساب تغییرات در حجم دارائی‌ها به طلای پولی بازطبقه‌بندی می‌شود.

۱۷-۲۴۳ در شمش طلائی که به عنوان اشیاء گرانبها نگه‌داری می‌شود منفعت بهره وجود ندارد ولی هنگامی که قیمت طلا تغییر می‌یابد این طلا مشمول منفعت یا زیان اسمی و واقعی ناشی از نگه‌داشتن آن می‌شود. بهره هنگامی می‌تواند پرداختنی شود که یک مقام پولی شمش طلای نگه داری شده به عنوان ذخیره را به مقامات پولی دیگر وام دهد.

۱۷-۲۴۴ حساب‌های طلای تخصیص نیافته، سپرده‌های ارز خارجی تلقی می‌شوند مگر این که توسط مقامات پولی به عنوان قسمتی از ذخائر خارجی نگه داری شوند. برخلاف شمش طلا، حساب‌های طلای تخصیص نیافته بدهی‌های طرف مقابل دارند. از آنجا که حساب‌های طلای تخصیص نیافته‌ی طبقه‌بندی شده به عنوان طلای پولی باید به صورت قسمتی از ذخائر خارجی نگه داری شوند، بدهی طرف مقابل ضرورتاً در خارج خواهد بود. بدهی طرف مقابل به عنوان قسمتی از طلای پولی در کشور مقابل تلقی نخواهد شد. (دارائی‌هائی که به عنوان ذخائر خارجی در خارج نگه داری می‌شوند عموماً در بدهی‌های کشور مقابل چنین شناخته نمی‌شوند). اگر مقامات پولی کشوری حساب طلای تخصیص نیافته‌ای را تحصیل کنند که به عنوان ذخیره تلقی شود، ابتدا به عنوان تحصیل سپرده به ارز خارجی ثبت می‌شود و سپس در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها تحت عنوان تغییر طبقه‌بندی، به طلای پولی بازطبقه‌بندی می‌شود. حذف یک حساب طلای تخصیص نیافته از ذخائر ابتدا به عنوان تغییر در طبقه‌بندی از طلای پولی به سپرده ارز خارجی و سپس به عنوان واگذاری سپرده ثبت می‌شود.

۱۷-۲۴۵ حساب‌های طلای تخصیص نیافته بهره و کارمزد خدمات ایجاد می‌کنند و همچنین هنگامی که قیمت طلا تغییر می‌یابد مشمول منفعت و زیان اسمی و واقعی ناشی از نگه‌داشتن می‌شوند.

۲. SDRها

۱۷-۲۴۶ SDRها به کشورها و مراجعی که در بخش SDR صندوق بین‌المللی پول مشارکت دارند تخصیص داده می‌شوند. کشورها باید عضو IMF باشند؛ سایر شرکت‌کنندگان از تعدادی بانک‌های مرکزی، نهادهای پولی بین دولت‌ها و

نهادهای توسعه تشکیل یافته‌اند. شرکت کنندگان ممکن است در نتیجه‌ی تراکنش SDR بین شرکت‌کنندگان، SDR بیشتر یا کمتری از تخصیص آن‌ها در اختیار داشته باشند. SDRها بهره جذب می‌کنند ولی کارمزد خدمات ندارند زیرا بهره پرداخت شده توسط شرکت‌کنندگانی که بیشتر از تخصیص آن‌ها در اختیار دارند کاملاً با بهره مدیون به شرکت‌کنندگانی که کمتر از تخصیص آن‌ها در اختیار دارند مطابقت دارد. داده‌های مربوط به نرخ‌های پرداختنی به طور منظم از IMF دردسترس است. از آنجا که ارزش SDRها مبتنی بر سبد چهار کشور کلیدی است، ارزش SDRها همیشه مشمول منفعت و زیان اسمی و واقعی ناشی از نگه‌داشتن می‌شوند. هرچند وقت یکبار، ممکن است تخصیص‌های جدید SDR انجام شود؛ هنگامی که این امر رخ می‌دهد تخصیص به عنوان یک تراکنش ثبت می‌شود.

۳. پول

۱۷–۲۴۷ اسکناس‌ها و سکه‌ها ساده‌ترین دارائی مالی برای ثبت هستند زیرا برای پول داخلی، کارمزد خدمات، درآمد سرمایه‌گذاری یا منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن ثبت نمی‌شوند. اگرچه در شرایط تورمی، دارنده‌ی اسکناس‌ها و سکه‌ها متحمل زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن می‌شوند. هزینه تولید اسکناس و سکه فیزیکی به عنوان مخارج دولت ثبت می‌شود و در برابرِ دریافت‌های حاصل از انتشار پول، خالص نمی‌شود.

۱۷–۲۴۸ ارز خارجی در ترازنامه‌ی ملی باید به ارزش پول داخلی ثبت شود که با استفاده از نرخ ارز خارجی مربوطه در تاریخی که ترازنامه برای آن تنظیم می‌شود تبدیل شده است. این ارزش هنگامی که نرخ مبادله ارز خارجی نسبت به پول داخلی تغییر می‌یابد مشمول منفعت و زیان اسمی و واقعی ناشی از نگه‌داشتن می‌شود. همان گونه که در بالا نیز اشاره شد، معمولاً همراه با تحصیل یا واگذاری ارز خارجی کارمزد خدمات وجود دارد.

۴. سپرده‌ها و وام‌ها

۱۷–۲۴۹ در SNA سال ۱۹۹۳، اصطلاح اختصاری FISIM (خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به‌طور غیرمستقیم) برای کارمزد خدمات غیرمستقیم سپرده‌ها و وام‌ها بکار می‌رفت. هیچ بیان صریحی درباره سایر کارمزدهای غیرمستقیم برای واسطه‌گری مالی بجز مورد بیمه وجود نداشت. با وجود این که نسخه‌ی بهنگام شده‌ی SNA کارمزدهای غیرمستقیم دیگری را نیز برای واسطه‌گری مالی به رسمیت شناخته است، بهتر است استفاده از عبارت آشنای FISIM برای معنی سنتی آن یعنی برای واسطه‌گری مالی مرتبط با وام‌ها و سپرده‌های در اختیار واسطه‌گری‌های مالی ادامه پیدا کند.

۱۷–۲۵۰ در پاراگراف‌های ۶–۱۶۳ الی ۶–۱۶۹، اصول اولیه‌ی FISIM شرح داده شده است و همان طور که در بالا اشاره شد، نیاز به تمایز بین بهره‌ای که توسط بانک دارنده‌ی سپرده‌ها و صادر کننده وام‌ها استنباط می‌شود و جریان‌های درآمد سرمایه‌گذاری ثبت شده در SNA را توضیح می‌دهد. برای تعیین جریان‌های بهره که در SNA باید ثبت شوند، لازم است یک (یا احتمالاً چند) نرخ(های) مرجع به میزان وام‌ها و سپرده‌ها اعمال شود. تفاوت بین این جریان‌ها و بهره بانک به عنوان کارمزد خدمات پرداختنی به بانک توسط واحدهای دارنده‌ی سپرده یا وام ثبت می‌شوند. این به هردوی واحدهای مقیم و غیرمقیم و به سپرده‌ها و وام‌های دراختیار واحدهای مقیم و غیرمقیم اعمال می‌شود. برای روشن شدن موضوع، اصطلاح بهره‌ی بانک برای نشان دادن بهره‌ی ظاهری که توسط یک واسطه‌گری مالی به مشتریان اعلام می‌شود بکار می‌رود، اصطلاح بهره‌ی SNA برای مبلغ ثبت شده در SNA به عنوان بهره بکار می‌رود که عبارت از میزان وام‌ها و سپرده‌ها ضرب در نرخ مرجع انتخاب شده است. برای سپرده‌های بانک‌ها کارمزد خدمات برابر است با بهره‌ی SNA منهای بهره بانک؛ برای وام‌های بانک‌ها کارمزد خدمات برابر است با بهره‌ی بانک منهای بهره‌ی SNA. دستکم، این احتمال وجود دارد که برای هر پولی که وام‌ها و سپرده‌های غیرمقیم برحسب آن بیان می‌شوند لازم باشد نرخ‌های مرجع مختلفی مورد استفاده قرار گیرد.

۱۷–۲۵۱ برای وام‌دهی از وجوه متعلق به خود استثناء وجود ندارد. اگرچه عمل وام‌دهی، و مطالبه‌ی بهره SNA یک فعالیت

تولیدی نیست، ولی کارمزدی برای خدمات مربوط به وام‌دهی وجود دارد. شخصی که از بانک وام می‌گیرد اطلاعی ندارد که مبلغی که قرض گرفته است از منابع مالی واسطه‌گری است یا از وجوهِ متعلق به خود بانک است و نباید درکارمزد خدمات اعمال شده فرق گذاشته شود. به طور مشابه اگر شخصی از یک قرض دهنده‌ی پول قرض کرده باشد کارمزد خدمات پرداختنی وجود دارد. (در حقیقت، اغلب این کارمزد بسیار زیاد است تا ریسک بالای عدم بازپرداخت را که قرض دهنده‌ی پول با آن مواجه است نشان دهد. یکی از ویژگی‌های قابل توجه برخی طرح‌های تأمین مالیِ خُرد این است که عدم بازپرداخت در آن‌ها رایج نیست و به این دلیل کارمزدها نسبتاً پائین هستند).

۱۷–۲۵۲ تعیین این که میزان موجودی بین بانک‌ها باید به عنوان سپرده طبقه‌بندی شوند یا به عنوان وام، همیشه آسان نیست. در ارائه کامل جریان وجوه، این مسأله باید حل شود ولی در موارد دیگر، میزان موجودی بین بانک‌ها می‌تواند زیر عنوان پول و سپرده‌ها طبقه‌بندی شود. طبق قرارداد، آن‌ها در سپرده‌ها نشان داده می‌شوند. فرض می‌شود که نرخ بین بانک‌ها که بانک‌ها با آن به یکدیگر وام می‌دهند و از یکدیگر وام می‌گیرند معمولاً طوری است که با معیار نرخ مرجع همخوانی دارد. (در برخی موارد ممکن است مناسب باشد که نرخ بین بانک‌ها به عنوان نرخ مرجع مورد استفاده قرار گیرد). به این دلیل، ممکن است مناسب باشد که فرض شود در درون اقتصاد ملی، در رابطه با وام‌دهی و وام‌گیری بین بانک‌ها FISIM وجود ندارد.

۱۷–۲۵۳ تراز معوقه‌ی مربوط به یک کارت اعتباری یا مربوط به حساب با یک خرده‌فروش اغلب مشمول بهره است. این ترازهای معوقه باید به عنوان وام طبقه بندی شوند، نه سایر حساب‌های دریافتنی و پرداختنی. اگر واحد ارائه دهنده‌ی وام به عنوان نهاد مالی طبقه بندی شود برای آن‌ها FISIM محاسبه می‌شود.

۱۷–۲۵۴ قراردادهای بازخرید اوراق بهادار بسته به این که در سنجه‌ی پول وسیع ملی (اسکناس، سکه، سپرده‌های بانکی ... مترجم) منظور شده باشند یا خیر طوری طبقه بندی می‌شوند که منجر به وام یا سپرده شده‌اند. از اینرو، آن‌ها موجب بوجود آمدن بهره‌ای می‌شوند که ممکن است دارای جزء FISIM باشد. علاوه بر این، ایجاد آن‌ها حق‌الزحمه‌هائی هم به همراه دارد.

۱۷–۲۵۵ منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن برای سپرده‌ها و وام‌های بیان شده به پول ملی وجود ندارد (اعم از این که این‌ها توسط مقیم‌ها نگه‌داری شوند یا توسط غیرمقیم‌ها). با هر تورمی، زیان واقعی مربوط به دارائی‌های بیان شده به پول داخلی وجود خواهد داشت. منفعت و زیان اسمی و واقعی ناشی از نگه‌داشتن در مورد سپرده‌ها و وام‌های بیان شده به پول‌های دیگر یا نگه داشته شده به عنوان حساب‌های طلای تخصیص نیافته (یا حساب‌های مشابه فلزات قیمتی دیگر) می‌تواند وجود داشته باشد.

۱۷–۲۵۶ هر هزینه‌ای که توسط یک نهاد مالی برای عملیات یک حساب بانکی مطالبه شود، حق‌الزحمه برای نقد کردن چک یا برای برداشت پول از دستگاه خودپرداز همه به عنوان حق‌الزحمه صریح تلقی می‌شوند.

۱۷–۲۵۷ مورد خاصِ وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول) و این که در SNA چگونه باید عمل شوند در فصل ۱۳ مورد بحث قرار گرفته است.

۵. اوراق بدهی

۱۷–۲۵۸ از نظر ثبت جریان‌های مربوطه، سه نوع اوراق بدهی وجود دارد. نخست اوراقی که مبلغ پرداختنی در انتهای دوره‌ای که وجود دارند همان مبلغ پرداخت شده برای آن‌ها در ابتدای دوره است ولی کوپن‌های همراه وجود دارند که به دارنده‌ی آن حق برخورداری از بهره‌ای، با نرخ‌های ثابت یا متغیر، در فاصله‌های زمانی، در طول عمر این ابزار مالی را می‌دهند. نوع دوم، اوراقی هستند که پرداخت‌های میانی وجود ندارد ولی قیمت انتشار آن‌ها پائین‌تر از قیمت بازپرداخت آن‌هاست. قیمت انتشار برابر است با قیمت بازپرداخت تنزیل شده به تاریخ انتشار با نرخ بهره‌ی مناسبی که می‌تواند از سپرده‌ای با خصوصیات مشابه بدست آید. افزایش ارزش اوراق در طول

عمر آن به عنوان بهره‌ی تعلق گرفته بـه دارنـده اوراق تلقـی می‌شود که در اوراق "بازسرمایه‌گذاری" شده اسـت تـا ارزش آن افزایش یابد. نوع سوم اوراق بـدهی، ترکیبـی از دو شـکل دیگر است؛ ارزش اولیه کمتر از ارزش بازپرداخـت اسـت ولـی کوپن‌های همراه آن نیز وجود دارنـد. در برخـی شـرایط، اگـر کوپن‌ها نرخ بهره‌ای بالاتر از نرخ بهره غالـب در بـازار بـرای اوراق مشـابه در زمـان انتشـار را نشـان دهنـد، ایـن اوراق بهادارممکن است به قیمتی بالاتر از قیمت بازپرداخت پیشنهاد شود.

کارمزد خدمات مربوط به اوراق بهادار

۲۵۹-۱۷ برای اوراق بهادار بهره‌ی محاسـبه شـده طبـقِ کـوپن یـا بـه صورت افزایش ارزش اوراق بهـادار، در SNA بـدون تعـدیل برای کارمزد خدمات ثبت می‌شود. اما، همراه با تحصیل اوراق بهادار در ابتدا و واگذاری و تحصیل اوراق بهادار در هـر زمـان از طول عمر آن‌ها کارمزدی وجود خواهد داشت. این کارمزدها به صورت تفاوت بین قیمت خرید (قیمت پیشنهادی خریـد) و قیمت فروش (قیمت پیشنهادی فروش) اعلام شده بـرای هـر یک از اوراق بهادار با قیمت میـانی تعیـین مـی‌شـوند. قیمـت پیشنهادیِ خرید و قیمت پیشنهادیِ فروش بایـد قیمـت‌هـای قابل اعمال به هر خریدار و فروشنده‌ی منفرد باشند زیرا این‌ها ممکن است برحسب مقدار مورد تراکنش یا عوامل دیگر تغییر کنند.

۲۶۰-۱۷ فرض کنید نوعی ابزار مالی به مبلغ ۱۰۲ واحد خریداری شـود و حتی اگر هیچ تغییری در نرخ بهره وجود نداشته باشـد (و از اینرو، در اثر منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن) بعداً بـه مبلـغ ۱۱۸ واحد فروخته شود. در نظر اول این‌طور بنظر می‌رسد کـه باید بهره‌ای معادل ۱۶ ثبت شود. اما، فرض کنید قیمت میانی در زمان خرید ۱۰۰ و در زمان فروش ۱۲۰ بوده است. نحوه‌ی صحیح ثبت اقلام چنین خواهد بـود کـه بهـره‌ای معـادل ۲۰ واحد پرداختنی توسط منتشر کننـده اوراق بـه دارنـده‌ی آن و معادل ۴ واحد پرداختنی توسـط دارنـده بـه فروشـنده‌ی اوراق بابـت خریـد خـدمات ثبـت شـود. در نظـر نگـرفتن دامنـه‌ی قیمت‌های پیشنهادی و درخواستی، کـم بـرآوردی در بهـره و غفلت از خدمات ارائه شده توسط واسطه‌گری‌های مالی که به خرید و فروش اوراق بهادار می‌پردازند را در پی خواهد داشت.

بهره روی اوراق بهادار تنزیل شده

۲۶۱-۱۷ دو روش وجود دارد که می‌تـوان از طریـق آن‌هـا ارزش اوراق بهادار تنزیل شده را در طول عمر آن هنگامی که نرخ بهـره‌ی غالب با نرخ بهره‌ی غالب در زمان انتشار متفاوت است تعیـین کرد. رهیافت بـدهکار از منظـر واحـد منتشـر کننـده‌ی اوراق بهادار و رهیافت بستانکار از منظـر واحـد دارنـده اوراق بهـادار است. در گزینـه اول کـه رهیافـت بـدهکار نامیـده مـی‌شـود، استفاده از نرخ غالب اولیه‌ی زمان انتشار در طـول عمـر ابـزار مـالی ادامـه مـی‌یابـد. در رهیافـت جـایگزین یعنـی رهیافـت بستانکار، برای برآورد ارزش بهره‌ی بین هر دو نقطه در طـول عمرِ ابزار مالی، نرخ جاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲۶۲-۱۷ فرض کنید یک ابزار مالی به ارزش ۹۰ واحد با بازپرداختی به ارزش ۱۰۰ واحد پیشنهاد شود. حتی اگر نرخ تنزیل (بهـره) در طول عمر آن تغییر نیابد، در سرتاسر دوره به طور مداوم بهـره به آن تعلق خواهد گرفت. با وجود این فرض کنیـد کـه نـرخ بهره هنگامی که ابزار مـالی بـه ارزش ۹۵ رسـید نـرخ بهـره کاهش پیدا کند. از آنجا که ارزش بازپرداخت اکنـون بـا یـک عامل کوچکتری تنزیـل مـی‌شـود، ارزش اوراق مـثلاً تـا ۹۷ افزایش می‌یابد. هردو رهیافت بدهکار و طلبکار بهره‌ای معادل ۵ در دوره قبل از کاهش نرخ بهره ثبت می‌کننـد. در رهیافـت طلبکار، این افزایش در ارزش ۲ از ۹۵ تا ۹۷ به عنوان منفعت ناشی از نگه‌داشتن تلقی می‌شـود و فقـط افـزایش بعـدی تـا ارزش بازپرداخت ۱۰۰ به عنوان بهره تلقی می‌شـود. از اینـرو این ابزار مالی در تمام طـول عمـر خـود بهـره‌ای معـادل ۸ و منفعت ناشی از نگه‌داشتن معادل ۲ ایجاد کرده است.

۲۶۳-۱۷ در SNA، از رهیافت بدهکار استفاد می‌شود. در این رهیافـت، بهره تعلق گرفته در دوره قبل از افزایش بهـره هنـوز ۵ اسـت ولی در دوره بعد از افزایش نرخ بهره نیز همین است. با اضافه کردن این میزان بهره به ارزش ۹۷ هنگامی کـه افـزایش رخ مـی‌دهـد ارزشـی معـادل ۱۰۲ در تـاریخ بازپرداخـت حاصـل می‌شود. از آنجا که این ارزش بسیار زیاد است، لازم است یک زیان ناشی از نگه داشتن دارائی معادل ۲ ثبت شـود. از اینـرو،

در طول کل عمر ابزار مالی بهره‌ای برابر ۱۰ با یک منفعت ناشی از نگه‌داشتن معادل ۲ (هنگامی که نرخ بهره تغییر می‌یابد) با زیان ناشی از نگه‌داشتن بعدی معادل ۲ خنثی می‌شود. زیان ناشی از نگه‌داشتن در طول دوره‌ی بین هنگامی که منفعت ناشی از نگه‌داشتن ثبت شد و زمان بازپرداخت به طور مداوم رخ می‌دهد. منطق استفاده از رهیافت بدهکار این است که احتمال نمی‌رود بدهکار، منتشر کننده اوراق بهادار، تا زمان فرا رسیدن سررسید اوراق پرداخت انجام دهد و از دید او مناسب این است که کل مبلغ بهره به عنوان رخداد مستمر در طول عمر اوراق بهادار تلقی شود.

تعیین جریان‌های بهره در اسناد خزانه و اوراق قرضه

بهره‌ی اسناد خزانه و ابزارهای مشابه

۲۶۴–۱۷ اسناد خزانه اوراق بهادار کوتاه مدتی هستند که به دارنده‌ی آن (بستانکار) حق غیرشرطی برای دریافت مبلغ ثابت اعلان شده در تاریخ معین را می‌دهند. این اوراق در بازارهای سازمان‌دهی شده با قیمت تنزیل یافته از قیمت ظاهری که بستگی به نرخ‌های بهره‌ی کوتاه مدت بازارهای جاری و تاریخ سررسید دارد منتشر و معامله می‌شوند. سررسید بسیاری از اسناد خزانه بین یک ماه تا یکسال است.

۲۶۵–۱۷ وقتی سررسید اسناد خزانه فرا می‌رسد، ارزش بازار آن افزایش می‌یابد زیرا در آن زمان تنزیل کمتری به آن اعمال می‌شود. این افزایش ارزش، همراه با افزایش ارزش هردارائی به سبب بسط دادن (باز کردن) عامل تنزیل، در SNA به عنوان درآمد تلقی می‌شود. برای دارائی‌های مالی، درآمد به عنوان بهره ثبت می‌شود.

۲۶۶–۱۷ فرض کنید قیمت پرداخت شده برای اسناد خزانه در زمان انتشار آن و بعد از کسر کارمزد خدمات L باشد؛ L مبلغ وجوهی را نشان می‌دهد که خریدار (بستانکار) به منتشر کننده (بدهکار) ارائه می‌دهد و ارزش بدهیِ اولیه متحمل شده توسط منتشر کننده را اندازه‌گیری می‌کند. فرض کنید ارزش درج شده روی اسناد خزانه F باشد: این مبلغ که کارمزد خدمات را در بر دارد مبلغ پرداختی به دارنده اسناد (بستانکار) هنگام سررسید را نشان می‌دهد. تفاوت F-L، یا تنزیل اسناد خزانه، بهره پرداختی در طول عمر اسناد خزانه را اندازه‌گیری می‌کند.

۲۶۷–۱۷ اسناد خزانه در بازارهای پول به ارزش‌هائی قابل معامله هستند که بتدریج افزایش می‌یابد تا بهره تعلق گرفته به آن را وقتی به سررسید آن نزدیک می‌شود منعکس کنند. افزایش ارزش اسناد خزانه به سبب انباشت بهره تعلق گرفته به آن منفعت ناشی از نگه‌داشتن نیست زیرا این افزایشِ ارزش به سبب مبلغ اصل تسویه نشده است و به سبب تغییر قیمت دارائی نیست.

بهره اوراق قرضه و قرضه‌های بدون پشتوانه

۲۶۸–۱۷ اوراق قرضه و اوراق قرضه بدون پشتوانه اوراق بهادار بلند مدتی هستند که به دارنده آن‌ها حق غیر شرطی برای موارد زیر می‌دهند:

الف. درآمد پولی ثابت یا تعیین شده به طور قراردادی در شکل پرداخت‌های کوپنی؛ یا

ب. مبلغ اعلان شده ثابت در تاریخ یا تاریخ‌های معینی که اوراق بهادار نقد می‌شوند؛ یا

پ. هردوی (الف) و (ب). اکثر اوراق قرضه در این رده قرار می‌گیرند.

۲۶۹–۱۷ وقتی یک ورقه قرضه به قیمت تنزیل یافته منتشر می‌شود، تفاوت بین ارزش روی ورقه، یا قیمت بازخرید، و قیمت منتشر شده بهره‌ای را تشکیل می‌دهد که در طول عمر ورقه‌ی قرضه به آن تعلق گرفته است، به همان نحو که به اسناد خزانه تعلق می‌گیرد. اما، از آنجا که حساب‌ها برای دوره‌های زمانیِ معمولاً کوتاه‌تر از عمر ورقه تهیه می‌شوند، این بهره باید بین آن دوره‌ها توزیع شود. روشی که برای انجام این کار می‌تواند بکار رود در زیر توضیح داده می‌شود.

اوراق قرضه با کوپن صفر

۲۷۰–۱۷ اوراق قرضه با کوپن صفر اوراق بهادار بلند مدتی هستند که

شبیه اسناد خزانه می‌باشند. این اوراق هیچ حقی را برای دارندگان آن‌ها نسبت به درآمدهای پولی ثابت یا متغیر ایجاد نمی‌کنند ولی تنها حق دریافت مبلغ ثابت اعلان شده در بازپراخت اصل و بهره تعلق گرفته در تاریخ یا تاریخ‌های معین را به همراه دارند. هنگامی که این اوراق منتشر می‌شوند معمولاً به قیمتی فروخته می‌شوند که به طور قابل ملاحظه‌ای پائین‌تر از قیمتی است که در زمان سررسید آن بازپرداخت خواهد شد. فرض کنید L برابر با قیمت انتشار و F قیمت بازپرداخت است، بنابراین $F - L$ ارزش بهره دریافتنی و پرداختنی در طول عمر ورقه قرضه است. لازم است این بهره بین سال‌های عمر ورقه تا زمان سررسید توزیع شود. یکی از روش‌های ممکن این است که فرض شود بهره با نرخ r در انتهای هر سال با نرخ سالانه‌ای که ثابت است در طول عمر ورقه‌ی قرضه تخصیص داده شود به طوری که ارزش نهائی آن $F = L(1 + r)^n$ شود.

۲۷۱-۱۷ نرخ بهره‌ی r، با عبارت $r = \left(F/L\right)^{1/n} - 1$ مشخص می‌شود که در آن n تعداد سال‌ها از زمان انتشار تا سررسید آن است. سپس بهره تعلق گرفته در طول سال t با $rL(1 + r)^{t-1}$ بدست می‌آید که در انتهای سال اول $t = 1$ است.

۲۷۲-۱۷ بهره‌ی تعلق گرفته در هر سال در واقع توسط دارنده‌ی آن در اوراق قرضه بازسرمایه‌گذاری می‌شود. از اینرو، اقلام ورودی طرف مقابل برابر با ارزش بهره‌ی تعلق گرفته باید در حساب مالی به عنوان تحصیلِ بیشترِ اوراق توسط دارنده (بستانکار) و به عنوان انتشارِ بیشتر اوراق توسط منتشر کننده (بدهکار) ثبت شود.

سایر اوراق قرضه، شامل اوراق قرضه‌ی نقد شده با نرخ تنزیل بالا

۲۷۳-۱۷ بیشتر اوراق قرضه درآمد پولی ثابت یا متغیری پرداخت می‌کنند و ممکن است با تنزیل یا، احتمالاً با جایزه تشویقی منتشر شوند. در این گونه موارد، بهره دریافتنی توسط دارنده اوراق قرضه دو جز دارد:

الف. مبلغ درآمد پولی دریافتنی از پرداخت‌های کوپن هر دوره؛ بعلاوه

ب. مبلغ بهره تعلق گرفته در هر دوره که ناشی از تفاوت بین قیمت بازخرید و قیمت انتشاراتی است.

جزء دوم با همان روش اوراق قرضه با کوپن صفر، همان‌طور که در بالا گفته شد، محاسبه می‌شود. در اوراق قرضه با تنزیل بالا، بیشترِ بهره‌ی تعلق گرفته ناشی از تفاوت بین قیمت بازخرید و قیمت انتشاراتی است. در حد نهایت دیگر، برخی از اوراق قرضه جریان درآمدی را به طور همیشگی پیشنهاد می‌کنند و هیچگاه بازخرید نمی‌شوند.

اوراق بهادار مرتبط با شاخص

۲۷۴-۱۷ اوراق بهادارِ مرتبط با شاخص، ابزارهای مالی هستند که در آن‌ها مبلغ پرداخت‌های کوپنی (بهره) یا اصل مبلغ تسویه نشده یا هردو به یک شاخص عمومی قیمت، یک شاخص خاص قیمت، قیمت یک کالا یا شاخص نرخ ارز مرتبط است. برای ثبت تراکنش‌ها، شیوه‌های برخورد مختلفی توصیه شده است که به نوع شاخص مورد استفاده برای بالا بردن میزان اصل مبلغی که بهره به آن مرتبط است و نیز به ارزی که بهره و اصل به آن بیان شده است بستگی دارد.

۲۷۵-۱۷ ساز و کار ارتباط دادن به یک شاخص، مبلغی را که باید در سررسید پرداخت شود یا پرداخت‌های کوپن یا هردوی آن‌ها را به نماگرهای توافق شده توسط طرفین مرتبط می‌کند. ارزش نماگرها از پیش مشخص نیست. ارزش اوراق بدهی با شاخصی کردن مبلغی که باید در سررسید پرداخت شود، تنها ممکن است که در زمان بازخرید مشخص شود. در نتیجه، جریان‌های بهره قبل از بازخرید نمی‌توانند با اطمینان تعیین شوند. برای برآورد بهره تعلق گرفته قبل از مشخص شدنِ ارزش نماگرهای مرجع، لازم است از سنجه‌های تقریبی استفاده شود. در این رابطه، متمایز کردن سه نوع ترتیبات زیر مفید است:

الف. مرتبط به شاخص کردنِ پرداخت‌های کوپن بدون مرتبط به شاخص کردنِ مبالغی که باید در زمان

سررسید پرداخت شود،

ب. مرتبط به شاخص کردنِ مبلغی که باید در سررسید پرداخت شود، بدون مرتبط به شاخص کردنِ پرداخت‌های کوپن، و

پ. مرتبط به شاخص کردنِ مبلغی که باید در سررسید پرداخت شود و پرداخت‌های کوپن هردو.

اصولی که در زیر برای اوراق بدهی مرتبط با شاخص شرح داده شده است برای تمامی ابزارهای بدهیِ مرتبط با شاخص اعمال می‌شود.

۱۷-۲۷۶ هنگامی که تنها پرداخت‌های کوپن با شاخص مرتبط می‌شوند، کل مبلغ حاصل از شاخصی کردن به عنوان بهره‌ی تعلق گرفته در طول دوره‌ی پوشش داده شده توسط کوپن در نظر گرفته می‌شود. احتمال زیادی وجود دارد که تا زمانی که داده‌ها برای دوره‌ی گزارش‌دهی آماده می‌شوند، تاریخ پرداخت‌های کوپنی سر برسد و از اینرو ارزش شاخص مشخص شود. وقتی تاریخ پرداخت‌های کوپنی سر نرسیده باشد، تغییر شاخص در طول آن قسمت از دوره گزارش دهی که با کوپن پوشش داده شده است می‌تواند برای محاسبه‌ی بهره‌ی تعلق گرفته (ولی هنوز دریافت نشده، مترجم) مورد استفاده قرار گیرد.

۱۷-۲۷۷ وقتی مبلغی که قرار است در سررسید پرداخت شود به شاخصی ارتباط داده می‌شود، محاسبه بهره‌ی تعلق گرفته نامطمئن می‌شود زیرا ارزش بازخرید نامعلوم است؛ در برخی موارد ممکن است زمان سررسید سال‌های متمادی در آینده باشد. برای تعیین بهره‌ی تعلق گرفته در هر دوره‌ی حسابداری می‌توان از دو رهیافت پیروی کرد.

الف. بهره تعلق گرفته در یک دوره حسابداری در اثر شاخصی کردنِ مبلغی که قرار است در زمان سررسید پرداخت شود می‌تواند به صورت تغییر ارزش این مبلغ تسویه نشده بین ابتدا و انتهای دوره حسابداری به سبب تغییر شاخص مربوطه محاسبه شود.

ب. بهره‌ی تعلق گرفته ممکن است با تثبیت نرخ آن در زمان انتشار تعیین شود. براین اساس، بهره تفاوت بین قیمت انتشار و انتظار بازار در آغاز کار از پرداخت‌هائی است که بدهکار مجبور به انجام آن است؛ این مبلغ به عنوان بهره تعلق گرفته در طول عمر ابزار مالی ثبت می‌شود. این رهیافت، بهره تا سررسید (YTM) در زمان انتشار را به عنوان درآمد ثبت می‌کند، در حالی که نتایج مورد انتظار از شاخصی کردن در لحظه‌ی ایجاد ابزار مورد نظر ادغام شده است. هرگونه اختلاف شاخص مورد نظر از مسیر مورد انتظارِ اولیه منجر به منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن می‌شود که به طور عادی در طول عمر ابزار مورد نظر حذف نخواهد شد.

۱۷-۲۷۸ در عین حال که مزیت رهیافت نخست (استفاده از تغییرات شاخص) ساده بودن آن است، بهره تمامی تغییرات و نوساناتِ ارزش مبلغ مقرر برای پرداخت در سررسید را که ناشی از تغییر شاخص مربوطه در هر دوره‌ی حسابداری است در بر می‌گیرد. اگر نوسانات شدیدی در شاخص وجود داشته باشد، این رهیافت ممکن است در بعضی از دوره‌ها بهره‌ی منفی حاصل کند اگرچه نرخ‌های بهره بازار در زمان انتشار و دوره جاری مثبت باشند. علاوه بر این، نوسانات مانند منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن عمل می‌کنند. رهیاف دوم (ثابت کردن نرخ در زمان انتشار) از این نوع مسائل مبرا است، ولی جریان‌های واقعی آینده ممکن است متفاوت از جریان‌های مورد انتظار باشد مگر این که انتظاراتِ ناظر به آینده‌ی بازار کاملاً بوقوع بپیوندد. این به معنای این است که ممکن است بهره برای عمرِ ابزار مورد نظر با تفاوت قیمت انتشار و ارزش بازخرید برابر نباشد.

۱۷-۲۷۹ رهیافت نخست هنگامی بخوبی کار می‌کند که شاخصی با مبنای گسترده (برای مثال شاخص قیمت مصرف کننده) برای مبلغی که قرار است در سررسید پرداخت شود بکار گرفته شود زیرا در این صورت انتظار می‌رود این نوع شاخصی کردن در طول زمان به طور نسبتاً هموار تغییر کند. با این حال، هنگامی که شاخصی کردنِ مبلغی که قرار است در سررسید پرداخت

شود انگیزه برای درآمد بهره و منفعت ناشی از نگه‌داشتن (برای مثال، قیمت کالا، قیمت سهام، یا قیمت طلا) هردو را ترکیب می‌کند، رهیافت نخست می‌تواند نتایج غیرمنطقی ببار آورد. بنابراین وقتی در شاخصی کردن انگیزه‌ی منفعت ناشی از نگه‌داشتن منظور می‌شود، به طور عادی شاخصی کردن مبتنی بر یک قلمِ منفردِ دقیقاً تعیین شده، رهیافت دوم اولویت دارد، در غیر این صورت باید رهیافت نخست برای اندازه‌گیری بهره‌ی تعلق گرفته مورد استفاده قرار گیرد.

۲۸۰-۱۷ هنگامی که مبلغی که قرار است در سررسید پرداخت شود و پرداخت‌های کوپن هردو با یک قلمِ مرجع با مبنای گسترده شاخصی می‌شوند، بهره‌ی تعلق گرفته طی یک دوره حسابداری را می‌توان با حاصل جمع دو عنصر محاسبه کرد: مبلغ حاصل از شاخصی کردنِ پرداخت کوپن (همانگونه که در پاراگراف ۱۷-۲۷۶ بیان شد)، که به دوره حسابداری مربوط است، و تغییر ارزش مبلغ تسویه نشده بین انتها و ابتدای دوره حسابداری در اثر تغییر شاخص مربوطه (همان‌گونه که در پاراگراف ۱۷-۲۷۷ (الف) توضیح داده شد). هنگامی که مبلغی که قرار است در سررسید پرداخت شود و پرداخت‌های کوپن هردو با یک شاخص دقیقی که انگیزه‌ی منفعت ناشی از نگه‌داشتن را در بر دارد شاخصی می‌شوند، بهره‌ی تعلق گرفته برای هر دوره‌ی حسابداری را می‌توان با ثابت کردن بهره تا سررسید در هنگام انتشار تعیین کرد، همان‌گونه که در پاراگراف ۱۷-۲۷۷(ب) توضیح داده شد.

۲۸۱-۱۷ ابزارهای بدهی که در آن‌ها میزان مبلغی که قرار است در سررسید پرداخت شود و پرداخت‌های کوپن هردو به شاخص ارز خارجی مرتبط شده باشند طوری عمل می‌شوند که گوئی برحسبِ آن ارز خارجی بیان شده‌اند؛ بهره، سایر جریان‌های اقتصادی و میزان موجودی برای این ابزارها باید با استفاده از همان اصولی که برای ابزارهای بیان شده به ارز خارجی بکار می‌روند محاسبه شوند. بهره باید با استفاده از ارز خارجی به عنوان پولی که بهره برحسب آن بیان می‌شود در سرتاسر دوره تعلق گیرد و با استفاده از نرخ ارز نقطه میانی بازار به پول داخلی تبدیل شود. به طور مشابه، مبلغ اصل تسویه نشده باید با استفاده از ارز خارجی به عنوان واحد پول حسابداری ارزش‌گذاری شود و از نرخ ارز انتهای دوره برای تعیین ارزش پول داخلیِ کل ابزار بدهی (شامل همه بهره‌های تعلق گرفته) در وضعیت موجودی سرمایه‌ی بین‌المللی استفاده شود. تغییرات ارزش بازار اوراق بدهی به سبب تغییرات نرخ ارز یا تغییرات نرخ بهره، به عنوان بازارزش‌گذاری تلقی می‌شوند.

۲۸۲-۱۷ همانند سایر اوراق بهادار، بهره‌ی تعلق گرفته در نتیجه شاخصی کردن عمدتاً در اوراق بهادار سرمایه‌گذاری می‌شود و این افزوده به ارزش اوراق بهادار باید در حساب‌های مالی دارنده‌ی اوراق و منتشر کننده آن ثبت شوند.

۶. حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری

۲۸۳-۱۷ کارمزد خدماتی که برای تراکنش‌های حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری وضع می‌شود با همان شیوه‌ی کارمزدهای اوراق بدهی محاسبه می‌شود که به صورت تفاوت بین قیمت فروش واسطه‌گری مالی و نقطه میانی و بین نقطه میانی و قیمت خرید واسطه‌گری است. این کارمزدها به عنوان حق‌الزحمه‌های صریح تلقی می‌شوند.

۲۸۴-۱۷ درآمد سرمایه‌گذاری از حقوق سهامداران شرکت به شکل درآمد توزیع شده‌ی شرکت‌ها است. برای شرکت‌ها درآمد توزیع شده به شکل سود تقسیم شده است. برای شبه شرکت‌ها، درآمد سرمایه‌گذاری برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها است. همان‌گونه که در فصل ۷ اشاره شد، سود تقسیم شده یا برداشت‌های دیگر از درآمد شرکت به عنوان درآمد سرمایه‌گذاری در زمانی که سهم‌ها بدون سود تقسیم شده اعلان می‌شوند، ثبت می‌گردند. برای سود تقسیم شده‌ی فوق‌العاده کلان، که خارج از راستای آخرین تجربه‌ها در مورد میزان درآمد موجود برای توزیع بین صاحبان شرکت است، نحوه ثبت متفاوتی اتخاذ می‌شود. هرگونه اضافه توزیع باید در برداشت از حقوق سهامداران (ثبت شده در حساب مالی) و نه به عنوان قسمتی از درآمد سرمایه‌گذاری ثبت شود. در فصل ۲۲ حالت سود تقسیم شده‌ی استثنائی شرکت‌های دولتی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲۸۵-۱۷ برای بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز ممکن است

درآمد سرمایه‌گذاری به شکل سود بازسرمایه‌گذاری شده وجود داشته باشد.

۱۷-۲۸۶ برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری، عنصر درآمد به شکل پرداخت‌های درآمدِ سرمایه‌گذاری به سهامداران جمعیِ صندوق سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شود. در SNA، ارزش کامل درآمد سرمایه‌گذاری عاید شده به عنوان توزیع شده بین سهامداران در حساب تخصیص درآمد اولیه و به عنوان بازسرمایه‌گذاری ثبت شده در حساب مالی نشان داده می‌شود. اما، اگر یک صندوق سرمایه‌گذاری نیز یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد، سود بازسرمایه‌گذاری شده قبل از توزیع باقی‌مانده‌ی درآمد سرمایه‌گذاری بین دارندگان سهام صندوق سرمایه‌گذاری ثبت می‌شوند.

۱۷-۲۸۷ همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، ممکن است به میزان قابل ملاحظه‌ای منفعت و زیان اسمی و واقعی ناشی از نگه‌داشتن مربوط به حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد.

۱۷-۲۸۸ اقلام ورودی مربوط به تحصیل (اکتساب) حقوق سهامداران درحساب مالی از نظر مفهومی دو نوع تراکنش متمایز را در بر دارد. یکی مبادله‌ی حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری بین واحدهای نهادی است. از آنجا که تراکنش‌ها به قیمت میانی ارزش‌گذاری می‌شوند، کل تحصیل آن‌ها باید با کل واگذاری آن‌ها برابر باشد. بنابراین اثر خالص آن، نشان دادن تغییرِ ترکیبِ دارندگان سهام برحسب بخش‌های نهادی و با دنیای خارج است. نوع دومِ تراکنش‌های وارد شده در حساب مالی، دریافت از هرگونه بازسرمایه‌گذاریِ عایدات و جریان‌های خروجی طرف مقابل ثبت شده زیر درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی است. در محاسبه‌ی عنصر بازارزش‌گذاری شده بین ترازنامه‌ی ابتدا و انتهای دوره، باید مراقبت به عمل آید تا رابطه‌ی بازسرمایه‌گذاری عایدات منظور نشود.

۷. مشتقات مالی

۱۷-۲۸۹ تنظیم یک مشتق مالی ممکن است دریافت حق‌الزحمه‌ای را در بر داشته باشد که باید به عنوان حق‌الزحمه صریح مطالبه شده توسط نهاد مالی مربوطه و پرداختنی توسط دارنده مشتق مالی نشان داده شود. برای برخی محصولات مشتقات مالی، بویژه محصولات مبتنی بر اختیار معامله، نهاد مالی ممکن است به عنوان بازارگردان عمل کند و محصولات را با حاشیه بازرگانی بین قیمت‌های پیشنهاد خرید و پیشنهاد فروش بفروشد. این حاشیه مانند دیگر ابزارهای مالی به عنوان کارمزد خدمت تلقی می‌شود.

۱۷-۲۹۰ ارزش اولیه‌ی مشتقات مالی از نوع پیمان آتی صفر است ولی بمحض این که تغییری در شرایطی که مشتق مالی برای حمایت مالی در برابر آن طراحی شده است حاصل شود، ارزش کسب می‌کند. در این مرحله، یک دارائی مالی و بدهی متناظر با آن تشخیص داده می‌شود و به عنوان تراکنش در مشتقات مالی در حساب مالی ثبت می‌شود. تغییر بعدیِ ارزش در حساب بازارزش‌گذاری ثبت می‌شود. اگر ارزش آن منفی شود، برای دارنده‌ی آن بجای دارائی یک بدهی و برای فروشنده بجای بدهی یک دارائی به حساب می‌آید.

۱۷-۲۹۱ در ابتدا، اختیار معامله دارای ارزش مثبتی برابر با مبلغ اضافه بر ارزش اسمی پرداخت شده برای ایجاد آن است. این به عنوان تراکنش مشتقات مالی در حساب مالی ثبت می‌شود. پس از آن، هرگونه تغییری در ارزش در حساب بازارزش‌گذاری ثبت می‌شود. اختیار معامله همیشه برای خریدار یک دارائی و برای فروشنده یک بدهی به حساب می‌آید.

۱۷-۲۹۲ درآمد سرمایه‌گذاری تعلق گرفته بر مشتقات مالی وجود ندارد.

۸. اختیار معامله سهام برای کارکنان

۱۷-۲۹۳ همانگونه که در فصل ۷ توضیح داده شد، ممکن است اعطای اختیار معامله سهام کارکنان قسمتی از جبران خدمات آن‌ها را تشکیل دهد. تمامی موضوعات مربوط به اختیار معامله سهام برای کارکنان در قسمت ۶ این فصل مورد بحث قرار گرفته است.

۹. سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی

۱۷-۲۹۴ سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی اساساً تعدیلات مربوط به پایه‌ی تعهدی است که با اعتبار تجاری و پیش پرداخت‌ها مشخص می‌شود. اعتبار تجاری به موردی گفته می‌شود که کالاها و خدمات تحویل داده شده‌اند ولی هنوز پرداخت صورت نگرفته است. پیش پرداخت‌ها به پرداخت برای کالاهای در جریان ساخت که ساخته شده‌اند ولی محصولات هنوز تحویل داده نشده‌اند، گفته می‌شود. وسایل مالی پرداخت نظیر کارت اعتباری، در اینجا منظور نمی‌شود؛ تراز مربوطه به کارت‌ها به عنوان وام تلقی می‌شوند و پرداخت‌هائی نظیر بهره یا حق‌الزحمه‌های عقب افتاده به عنوان پرداخت برای وام‌ها ثبت می‌شوند.

۱۷-۲۹۵ سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی بیان شده به پول داخلی می‌توانند منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه داشتن دارائی نداشته باشند ولی منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن داشته باشند. همه اقلام بیان شده به ارز خارجی می‌توانند منفعت و زیان اسمی و واقعی ناشی از نگه‌داشتن، هردو را داشته باشند.

قسمت ۵: قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها

س. مقدمه

۱۷-۲۹۶ بسیاری از تراکنش‌هائی که در اقتصاد رخ می‌دهند و در SNA ثبت می‌شوند با شکلی از قراردادِ بین دو واحد نهادی مشخص می‌شوند. بیشترِ قراردادها به‌صورتی هستند که واحدی یک کالا، خدمت یا دارائی را در مقابل پرداختیِ توافق شده در زمان توافق شده (احتمالا بلافاصله بعد از توافق روی قیمت) برای واحد دیگر فراهم می‌کند. این نوع قراردادها ممکن است نوشته شده و از نظر قانونی الزام آور باشند یا ممکن است غیررسمی یا حتی ضمنی باشند. اگر واحدی برآورد هزینه‌های کار مشخصی را که توسط یک سازنده ارائه می‌شود بپذیرد، قراردادی نوشته شده است و می‌تواند از نظر قانونی کاملاً الزام آور باشد. اگر کتابی از یک کتابفروشی سفارش داده شده باشد ولی در تحویل آن تأخیری وجود داشته باشد، یک قرارداد غیررسمی بین کتابفروشی و مشتری وجود دارد ولی احتمالاً توسط هیچ‌یک از طرفین لازم‌الاجرا نیست. هرگاه یک مشتری قیمت خدمت معینی را سؤال کند، این خدمت چه کوتاه کردن مو باشد، چه حمل یک محصول سنگین، یا ورود به یک سینما، پذیرفتن خدمت به قیمت اعلان شده عمدتاً یک قرارداد ضمنی است. اما، همه این قراردادها فقط توافق درباره شرایطی است که کالاها، خدمات و دارائی‌ها براساس آن همراه با مالکیت قانونی آن قلم برای مشتری فراهم می‌شوند. تنها حدی که این قراردادها در SNA نشان داده می‌شوند این است که آن‌ها لحظه‌ای را تعیین می‌کنند که در آن تراکنش‌ها در حساب‌ها ثبت می‌شوند. این لحظه، زمانی است که در آن مالکیت کالا، خدمت، یا دارائی تغییر می‌یابد. برای خدمات، این لحظه همیشه هنگامی است که خدمت ارائه می‌شود و برای کالاها ممکن است مصادف با زمان تحویل باشد. اما، زمان ثبت هیچگاه با زمانی که پرداخت انجام می‌شود تعیین نمی‌گردد. هر تفاوتی بین زمان پرداخت و زمان تغییر مالکیت منجر به یک قلم ورودی در حساب مالی زیر سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی می‌شود.

۱۷-۲۹۷ اما، قراردادها و توافق‌نامه‌های قانونی دیگری وجود دارند که با عناوین اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها (یا مجوزها) بیان می‌شوند و شرایط توافق نامه ممکن است زمان ثبت تراکنش انجام شده طبق توافق نامه و نیز طبقه‌بندی پرداخت‌ها و مالکیت اقلام مشمول توافق نامه را تحت تأثیر قرار دهد. هدف این قسمت از فصل این است که درباره‌ی چگونگی ثبت تراکنش‌های انجام شده تحت این ترتیبات پیچیده در SNA، راهنماهائی ارائه شود.

۱۷-۲۹۸ نخستین قلم برای بحث، به انواع مختلف اجاره نامه‌های شناخته شده در SNA مربوط است. موضوع بعدی برای بحث، نحوه‌ی برخورد با مجوزهای استفاده از منابع طبیعی است. این مجوزها هنگامی که دولت از طرف کل جامعه ادعای مالکیت بر منابع طبیعی دارد دارای اهمیت ویژه‌ای است ولی می‌تواند برای منابع دارای مالکیت خصوصی نیز اعمال شود. این موضوع طبیعتاً به بحث درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با دارائی‌هائی که بیش از یک واحد ادعای مالکیت بر آن دارند، یا منافع مالکیت به بیش از یک واحد تعلق می‌گیرند، منجر می‌شود.

۱۷-۲۹۹ برخی قراردادها به استفاده از دارائی‌ها ارتباط داده نشده‌اند. نخستین قرارداد برای بحث، پروانه‌هائی (یا مجوزهائی) است که برای انجام فعالیت‌های خاصی مستقل از دارائی‌هائی که ممکن است در فعالیت بکار رود داده می‌شود. در اینجا نحوه برخورد با مجوزهائی که توسط دولت صادر می‌شود و مجوزهائی که توسط واحدهای نهادی دیگر داده می‌شود متفاوت است. نکته دیگر برای ملاحظه این است که یک قرارداد می‌تواند مستقل از موضوع قرارداد، در چارچوب خود دارائی‌هائی را تشکیل دهد. در انتها، درباره‌ی زمانبندی و ماهیت پرداخت‌های انجام شده در یک قرارداد تعدادی روشنگری صورت گرفته است.

ش. اجاره نامه‌ها (قراردادهای اجاره)

۱۷-۳۰۰ سه نوع اجاره‌نامه (قرارداد اجاره) در SNA شناخته شده است، اجاره نامه‌های (قراردادهای اجاره) عملیاتی، اجاره نامه‌های (قراردادهای اجاره) مالی و اجاره‌نامه‌های (قراردادهای اجاره) منابع طبیعی. هریک از این اجاره‌نامه‌ها (قراردادهای اجاره) مربوط به استفاده از یک دارائی غیرمالی است. موضوع اساسی در متمایز کردن انواع مختلف اجاره نامه‌ها، تفاوت بین مالکیت قانونی و اقتصادی است. این تمایز در فصل ۳ شرح داده شده است. مالکِ قانونیِ یک دارائی، واحد نهادی است که حق قانونی و دائمی برای ادعا بر منافع مرتبط با دارائی را دارد. در مقابل، مالکِ اقتصادیِ یک دارائی حق ادعا بر منافع مرتبط با استفاده از دارائی در جریان یک فعالیت اقتصادی به واسطه‌ی پذیرفتن ریسک‌های همراه آن را دارد. مالک قانونی اغلب مالک اقتصادی نیز هست. هنگامی که مالک قانونی و اقتصادی متفاوت هستند، مالک قانونی ریسک‌ها را در مقابل پرداخت‌های توافق شده از طرف مالک اقتصادی از خود سلب کرده است.

۱. اجاره‌ی عملیاتی

۱۷-۳۰۱ ***اجاره‌ی عملیاتی، اجاره‌ای است که در آن مالکِ قانونی مالکِ اقتصادی نیز هست و ریسک‌های عملیاتی را می‌پذیرد و منافع حاصل از استفاده از دارائی در یک فعالیت تولیدی را دریافت می‌کند.*** نشانه‌ای برای اجاره‌ی عملیاتی این است که فراهم کردن خدمات تعمیر و نگه‌داری مورد نیازِ دارائی با مسئولیت مالک قانونی آن است. در اجاره‌ی عملیاتی دارائی در ترازنامه‌ی اجاره دهنده باقی می‌ماند.

۱۷-۳۰۲ پرداخت‌هائی که تحت اجاره‌ی عملیاتی انجام می‌شود اجاره بها نامیده می‌شود و به عنوان پرداختی برای ارائه‌ی خدمات ثبت می‌شود. خصوصیت اجاره‌ی عملیاتی را به‌آسانی می‌توان در رابطه با تجهیزات بیان کرد زیرا اجاره‌ی عملیاتی اغلب به وسایل نقلیه، جرثقیل و دریل و غیره مربوط می‌شوند. هرچند به طور کلی، هر یک از انواع دارائی‌های غیرمالی و نیز محصولات مالکیت فکری می‌توانند موضوع یک اجاره‌ی عملیاتی باشند. خدماتی را که اجاره دهنده ارائه می‌دهد فراتر از تدارک محض دارائی است. این نوع اجاره عناصر دیگری نظیر راحتی و امنیت را نیز در بر می‌گیرد که می‌تواند از نظر استفاده کننده مهم باشد. در مورد تجهیزات، اجاره دهنده یا مالک تجهیزات به طور عادی موجودی تجهیزات را در شرایط خوب کاری نگه می‌دارد تا بتواند به محض تقاضا یا بعد از مدت کوتاهی آن را کرایه دهد. به طور عادی اجاره دهنده باید در کارکرد تجهیزات متخصص باشد، عاملی که می‌تواند در مورد تجهیزاتِ بسیار پیچیده نظیر رایانه مهم باشد، زیرا اجاره کننده و کارکنانش ممکن است تخصص یا تسهیلات لازم را برای این که این نوع تجهیزات را خودشان سرویس کنند نداشته باشند. اجاره کننده همچنین ممکن است جایگزین کردن تجهیزات را در رخدادهای جدی یا خرابی طولانی مدت به عهده بگیرد. در مورد بناها، اجاره دهنده مسئول یکپارچگی ساختاری بنا است، بنابراین در برابر خسارت‌ها مثلاً در اثر بلایای طبیعی مسئول خواهد بود، و معمولاً برای تضمین کارکرد مناسب آسانسورها، سیستم‌های گرمایش و تهویه مسئول است.

۱۷-۳۰۳ اجاره‌داری عملیاتی در اصل برای این بوجود آمد که نیازهای استفاده کنندگانی که برخی از انواع تجهیزات را فقط گاهی نیاز دارند برآورده سازد. بسیاری از اجاره نامه‌های عملیاتی هنوز برای دوره‌های کوتاه مدت تنظیم می‌شوند هرچند که اجاره کننده ممکن است وقتی دوره‌ی آن به پایان می‌رسد اجاره را تمدید کند و همان استفاده کننده همان تجهیزات را با همان مبلغ در چند نوبت کرایه کند. اما، با تکامل روزافزون انواع پیچیده‌ی ماشین‌آلات، بویژه در زمینه الکترونیک، تأمین تسهیلات سرویس و پشتیبانی توسط اجاره دهنده عامل مهمی است که می‌تواند یک کاربر را برای اجاره کردن تحت تأثیر قرار دهد. عوامل دیگری که ممکن است کاربران را بجای خرید تجهیزات وادار به اجاره کردن آن برای دوره‌های بلند مدت کنند پیامدهای این کار برای ترازنامه، گردش وجوه نقد یا بدهی‌های مالیاتی بنگاه است.

۲. اجاره‌ی مالی (اعتباری)

۱۷-۳۰۴ ***اجاره‌ی مالی یا اعتباری اجاره‌ای است که به موجب آن اجاره دهنده به عنوان مالک قانونیِ یک دارائی، مالکیت اقتصادیِ آن را به اجاره کننده منتقل می‌کند که در این صورت او ریسک‌های عملیاتی را می‌پذیرد و منافع اقتصادی حاصل از استفاده‌ی آن دارائی در فعالیت تولیدی را دریافت می‌کند.*** در عوض، اجاره دهنده بسته‌ی دیگری از ریسک‌ها و پاداش‌ها را از اجاره کننده می‌پذیرد. مواردی پیش می‌آید که اجاره دهنده، هرچندکه مالک قانونیِ دارائی است، هیچگاه دارائی را به طور فیزیکی تحویل نمی‌گیرد ولی با تحویل مستقیم آن به اجاره دهنده موافقت می‌کند. یک نشانه برای اجاره‌ی مالی (اعتباری) این است که فراهم کردن خدمات تعمیر و نگه‌داری مورد نیاز دارائی در مسئولیت مالک اقتصادی است. در اجاره‌ی مالی، مالک قانونی به عنوان اعطاء کننده‌ی یک وام به اجاره دهنده نشان داده می‌شود که اجاره کننده با آن وام دارائی مورد نظر را تحصیل می‌کند. پس از آن دارائی در ترازنامه‌ی اجاره کننده و نه اجاره دهنده نشان داده می‌شود؛ این وام به عنوان دارائیِ اجاره دهنده و بدهیِ اجاره کننده نشان داده می‌شود. پرداخت‌های تحت اجاره‌ی مالی (اعتباری) به عنوان اجاره بها تلقی نمی‌شوند بلکه به عنوان پرداخت بهره و اصل وام در نظر گرفته می‌شوند. اگر اجاره دهنده یک نهاد مالی باشد، قسمتی از پرداخت نیز به عنوان کارمزد خدمات (FISIM) تلقی می‌شوند.

۱۷-۳۰۵ در اغلب موارد، ممکن است ماهیت دارائیِ موضوع یک اجاره‌ی مالی (اعتباری) از دارائی‌هائی که اجاره دهنده در فعالیت تولیدی خودش استفاده می‌کند کاملاً متمایز باشد، به عنوان مثال، یک هواپیمای مسافری که به‌طور قانونی تحت مالکیت یک بانک است ولی به یک خط هوائی اجاره داده شده است. نشان دادن هواپیما یا مصرف سرمایه ثابت آن در حساب‌های بانک و حذف آن‌ها از حساب‌های خط هوائی دارای معنا و مفهوم اقتصادی نیست. اجاره‌ی مالی وسیله‌ای است که کمک می‌کند تا از این شکلِ نامطلوبِ ثبتِ مالکیت هواپیما و کاهش ارزش آن دوری شود و با این شیوه، ارزش ویژه‌ی هردو طرف درسرتاسر دوره‌ی اجاره به طور صحیحی حفظ می‌شود.

۱۷-۳۰۶ امر بسیار رایجی است که اجاره‌ی مالی (اعتباری) برای سرتاسرِ عمر دارائی تنظیم شود ولی ضروری نیست. هنگامی که قرارداد اجاره برای همه‌ی عمرِ یک دارائی است، ارزش احتسابیِ وام با ارزش حالِ پرداخت‌هائی که باید طبق توافق نامه‌ی اجاره‌ی مالی انجام شود مطابق خواهد بود. این ارزش، هزینه دارائی را پوشش خواهد داد و حق‌الزحمه مطالبه شده توسط اجاره دهنده را در بر خواهد گرفت. پرداخت‌های منظم به اجاره دهنده باید به عنوان پرداخت بهره، پرداخت برای خدمات و بازپرداخت سرمایه نشان داده شود. اگر شرایط توافق نامه تعیین نکند که این سه قلم چگونه مشخص می‌شوند، باید بازپرداخت اصل وام مطابقِ کاهش ارزش دارائی (مصرف سرمایه ثابت)، پرداخت بهره مطابقِ بازگشت سرمایه‌ی مربوط به دارائی و کارمزد خدمات از تفاوت بین کل مبلغ پرداختنی و این دو عنصر حساب شوند.

۱۷-۳۰۷ هنگامی که قرارداد اجاره برای دوره‌ای کمتر از تمام عمرِ دارائی است، ارزش وام باز هم باید به صورت ارزش دارائی بعلاوه ارزش کارمزد خدماتی که طبق شرایط اجاره‌نامه باید پرداخت شود برآورد گردد. در انتهای اجاره‌نامه، دارائی در ترازنامه‌ی اجاره کننده نشان داده می‌شود و ارزش آن با ارزش وام متعلق به اجاره دهنده در آن زمان برابر خواهد بود. در آن زمان دارائی می‌تواند به اجاره دهنده برگردانده شود تا وام حذف شود یا ترتیبات جدیدی، از جمله خرید بی درنگ دارائی، بین اجاره دهنده و اجاره کننده صورت گیرد. از آنجا که اجاره‌ی مالی (اعتباری) نیازمند اجاره کننده‌ای است که اساساً همه‌ی ریسک‌ها و پاداش‌های همراه با دارائی را بدست آورد، اگر اجاره نامه برای مدت زمانی کمتر از عمر مورد انتظار دارائی تنظیم شود، اجاره نامه معمولاً ارزش دارائی یا شرایط تجدید اجاره‌نامه در انتهای دوره را برای اجاره دهنده مشخص می‌کند. هرگونه اختلاف قیمت دارائی با ارزش توافقی اجاره نامه را اجاره کننده متحمل خواهد شد.

۱۷-۳۰۸ هرچند یک اجاره‌ی مالی به طور عادی برای سال‌های متمادی معتبر خواهد بود، طول دوره‌ی اجاره‌ی مشخص نمی‌کند که اجاره باید اجاره‌ی عملیاتی باشد یا اجاره‌ی مالی (اعتباری) در نظر گرفته شود. در برخی موارد مجموعه‌ی

بزرگی نظیر هواپیما یا حتی یک بنا ممکن است برای دوره کوتاهی، شاید تنها یک سال در یک زمان ولی با شرایطی که تمامی مسئولیت دارائی، از جمله کل هزینه‌های نگه‌داری و پوشش خسارت‌های استثنائی، به‌عهده‌ی اجاره کننده باشد اجاره داده شود. گرچه دوره‌ی اجاره کوتاه است، و حتی گرچه اجاره دهنده ممکن است یک نهاد مالی نباشد، اگر قرار است اجاره کننده همه‌ی ریسک‌ها و پاداش‌های مربوطه به استفاده از دارائی در تولید را بپذیرد، اجاره به عنوان یک اجاره‌ی مالی (اعتباری) و نه اجاره‌ی عملیاتی تلقی می‌شود و دارائی در ترازنامه‌ی اجاره کننده با وام اعطاء شده از اجاره کننده به اجاره دهنده نشان داده می‌شود.

۳۰۹-۱۷ در نتیجه، هر شرکتی که در این نوع اجاره‌داری تخصص داشته باشد، حتی اگر شرکتِ اموال یا شرکتِ کرایه‌ی هواپیما نامیده شود، باید به عنوان شرکت مالی تلقی گردد که به واحدهائی که از آن‌ها دارائی کرایه کرده‌اند وام اعطاء می‌کنند. اگر اجاره دهنده یک شرکت مالی نباشد پرداخت‌ها فقط به اصل وام و بهره تقسیم می‌شوند؛ اگر اجاره کننده یک شرکت مالی باشد، بهره به دو جزء بهره‌ی SNA و کارمزد خدمات (FISIM) تقسیم می‌شود.

۳. اجاره‌ی منابع طبیعی

۳۱۰-۱۷ ***اجاره‌ی منابع طبیعی توافقی است که به موجب آن مالک قانونیِ یک منبع طبیعی که از نظر SNA دارای طول عمر بی‌پایان است آن را در مقابل پرداخت منظمی که زیر عنوان درآمد دارائی ثبت می‌شود و بهره‌ی مالکانه نامیده می‌شود در دسترس یک اجاره کننده قرار می‌دهد.*** منبع طبیعی همچنان در ترازنامه‌ی اجاره دهنده ثبت می‌شود حتی اگر توسط اجاره کننده استفاده شود. طبق قرارداد، در SNA کاهش ارزش دارائی به صورت تراکنشی مشابه با مصرف سرمایه ثابت ثبت نمی‌شود.

۳۱۱-۱۷ موردِ رایجِ دارائی‌های مشمولِ اجاره‌ی منابع طبیعی، زمین است ولی منابع طبیعی دیگر نیز به‌طور کلی مشابه زمین عمل می‌شوند. یک مورد استثناء برای اجاره‌ی بلند مدت زمین که به عنوان فروش زمین در نظر گرفته می‌شود در پاراگراف ۱۷-۳۲۸ شرح داده شده است.

۳۱۲-۱۷ پرداخت‌های مربوط به اجاره‌ی منابع طبیعی و فقط این نوع پرداخت‌ها، در SNA به عنوان بهره‌ی مالکانه ثبت می‌شود. بحث‌های بیشتری درباره اجاره‌ی منابع طبیعی در بخش بعد ارائه شده است.

ص. پروانه‌ها و مجوزهای استفاده از منابع طبیعی

۳۱۳-۱۷ همان‌گونه که در بالا اشاره شد، در بسیاری از کشورها مجوز استفاده از منابع طبیعی به طورکلی توسط دولت صادر می‌شود زیرا دولت از طرف کل جامعه ادعای مالکیت بر منابع طبیعی دارد. اما، برای منابع دارای مالکیت خصوصی نیز برخورد یکسانی اعمال می‌شود.

۳۱۴-۱۷ به طور عمده سه مجموعه شرایط مختلف وجود دارد که می‌تواند در استفاده از منابع طبیعی بکار گرفته شود. مالک می‌تواند اجازه دهد منابع تا نابودیِ آن مورد استفاده قرار گیرد. ممکن است مالک اجازه دهد منابع برای یک دوره‌ی طولانی از زمان استفاده شود به نحوی که در طول این مدت بالاجبار استفاده کننده با کمی دخالتِ مالک قانونی، در صورت وجود، استفاده از منابع را کنترل کند. گزینه سوم این است که مالک بتواند مجوز را برای استفاده‌ی مستمر از دارائی از سالی به سال دیگر تمدید کند یا از تمدید آن خودداری کند.

۳۱۵-۱۷ گزینه‌ی نخست منجر به فروش (یا احتمالاً سلب مالکیت) دارائی می‌شود. گزینه‌ی دوم منجر به ایجاد یک دارائی برای

استفاده کننده می‌شود که جدا از خودِ منابع است ولی ارزش منابع و ارزش دارائی که مجاز به استفاده از آن است مرتبط هستند. گزینه‌ی سوم به استفاده از اجاره‌ی منابع طبیعی بر می‌گردد. بین شیوه‌ی برخورد با گزینه‌های دوم و سوم، در قسمت مربوط به پروانه‌ی تلفن همراه و توصیه‌های آن به طور منسجم توضیح داده شده است، خلاصه‌ای از این توصیه‌ها (SNA News and Notes شماره ۱۴، (سازمان ملل، ۲۰۰۲) را ببینید) پیش از بررسی این موضوع که هریک از سه گزینه چگونه به انواع مختلف منابع طبیعی مربوط هستند، بازگو می‌شود.

۱. نحوه برخورد با پروانه‌ها یا مجوزهای تلفن همراه برای استفاده از منابع طبیعی

۳۱۶-۱۷ این مورد در سال ۲۰۰۲ پیش آمد که فروش پروانه‌های استفاده از طیف رادیوئی برای نسل سوم تلفن‌های همراه موجی از علاقه شرکت‌ها را برای درخواست دسترسیِ انحصاری به طیف رادیوئی بوجود آورد، در نتیجه مبالغ بی‌نهایت زیادی برای حق دسترسی به طیف رادیوئی (اغلب به صورت مزایده) پیشنهاد شد.

۳۱۷-۱۷ هشت نتیجه در رابطه با پروانه‌های تلفن همراه مورد توافق قرار گرفت. این نتایج با در نظر گرفتن اصطلاحات به روز شده عبارت بودند از:

الف. طیف رادیوئی در زمره‌ی منابع طبیعی است.

ب. پروانه‌ی استفاده از طیف رادیوئی تشکیل یک دارائی را می‌دهد که به عنوان مجوز استفاده از یک منبع طبیعی نامیده می‌شود که زیر مجموعه‌ای از طبقه کلی دارائی قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها است.

پ. به طور معمول پرداخت‌های پروانه نه مالیات هستند و نه خرید طیف رادیوئی.

ت. زمین، ذخائر معدنی و طیف رادیوئی انواع مشابه دارائی‌ها هستند و بنابراین اجاره نامه‌ها و پروانه‌های مبتنی بر استفاده آن دارائی‌ها هستند.

ث. یک معیار واحد، جهانی و روشن برای تشخیص بین بهره مالکانه و فروش دارائی وجود ندارد؛ لازم است گستره‌ای از معیارها مورد بررسی قرار گیرد.

ج. در بسیاری از موارد پرداخت‌های پروانه به عنوان خرید دارائی و نه بهره‌ی مالکانه تلقی می‌شود.

چ. ارزش پروانه و ارزش طیف رادیوئی به طور متقارن تغییر می‌یابند.

ح. روشنگری‌های بیشتر در آینده مفید خواهد بود.

۳۱۸-۱۷ بررسی‌هائی که در بند (ث) اشاره شد از نظر تعداد شش مورد هستند که در زیر مطرح می‌شوند:

الف. *هزینه و فایده‌ی متحمل شده توسط دارنده‌ی پروانه:* هرچه ریسک و فایده‌ی بیشتری همراه با حق استفاده از یک دارائی نصیب دارنده‌ی پروانه شود، احتمال بیشتری وجود دارد که تراکنش آن به عنوان فروش یک دارائی و نه بهره‌ی مالکانه طبقه بندی شود. از اینرو، توافق از پیش برای ارزش پرداخت‌ها (خواه به‌صورت مبلغ یکجا خواه به‌صورت قسطی) به طور عمده تمامی ریسک‌ها و منافع اقتصادی را به دارنده‌ی پروانه منتقل می‌کند و بنابراین دلالت بر فروش یک دارائی خواهد داشت. از طرف دیگر، اگر ارزشِ پرداخت مشروط به نتایج حاصل از استفاده از پروانه باشد، تنها بخشی از ریسک‌ها و منافع به دارنده‌ی پروانه منتقل می‌شود و وضعیت به نحو آسان‌تری به عنوان پرداختِ بهره‌ی مالکانه تشخیص داده می‌شود. در مورد پروانه‌ی تلفن همراه، کل مبلغ پرداختنی اغلب از پیش توافق می‌شود. نشانه‌ی دیگری برای میزان ریسک‌های تجاری که به دارنده‌ی پروانه منتقل می‌شود این است که فرضی که در آن دارنده‌ی پروانه ورشکست می‌شود بررسی شود. در این‌گونه موارد اگر صادر کننده‌ی پروانه هیچ‌یک از پیش پرداخت‌های انجام شده توسط دارنده‌ی پروانه را برنگرداند، این نشانه‌ای قوی برای این است که تراکنش مزبور به عنوان بهره‌ی مالکانه

تلقی نشود، زیرا ظاهراً تمامی ریسک‌های تجاری موجود را دارنده‌ی پروانه متحمل شده است.

ب. *پیش پرداخت یا پرداخت قسطی:* همانند نشانه‌های دیگر، شیوه‌ی پرداخت به تنهائی برای مشخص کردن پرداختی به عنوان دارائی یا بهره‌ی مالکانه کافی نیست. به طور کلی، ابزار پرداخت برای پروانه یک مسأله مالی است و به این ترتیب برای تعیین این که پرداختی دارائی است یا خیر عامل مناسبی نیست. اما، تجربه‌ی حرفه‌ای نشان می‌دهد که پیش پرداخت‌هائی که برای اجاره به مدت طولانی (۱۵ الی ۲۵ سال در مورد پروانه‌های تلفن همراه) انجام شده باشد بشدت غیرمعمول است و این موضوع از این که این نوع پرداخت‌ها به عنوان فروش دارائی تعبیر شود جانبداری می‌کند.

پ. *طول مدت پروانه:* پروانه‌های اعطاء شده برای دوره‌های طولانی نشانه‌ی فروش یک دارائی و برای دوره‌های کوتاه‌تر نشانه‌ی بهره‌ی مالکانه است. چارچوب زمانی در نظر گرفته شده برای پروانه‌ی تلفن همراه (۱۵ الی ۲۵ سال) به عنوان دوره‌ای که از آن یک پرداخت ثابت بهره‌ی مالکانه نتیجه‌گیری شود نسبتاً غیرمعمول ارزیابی شده است و بنابراین نشانه‌ی دیگری برای تعبیر آن به عنوان فروش یک دارائی به‌شمار می‌آید.

ت. *انتقال‌پذیری واقعی یا مجازی:* امکان فروش پروانه نشانه‌ای قوی برای مالکیت است و اگر انتقال پذیری وجود داشته باشد، این یک شرط قوی خواهد بود برای این که صدور پروانه به عنوان فروش حقوق مالکیت شخص ثالث شناخته شود. در عمل، پروانه‌های تلفن همراه اغلب انتقال پذیر هستند خواه به صورت مستقیم (توسط بنگاه فروشنده‌ی پروانه به بنگاه دیگر) خواه به طور غیرمستقیم (از طریق بنگاهی که بوسیله‌ی قبضه مالکیت بدست آمده است).

ث. *امکان لغو:* هرچه محدودیت توانائیِ صادر کننده برای لغو پروانه به اختیار خود بیشتر باشد، حالتی که در آن پروانه به عنوان فروش یک دارائی تلقی شود قوی‌تر است. برعکس، هنگامی که صادر کننده بتواند پروانه را به راحتی با اختیار خود لغو کند، مالکیت بر منافع و ریسک‌ها به طور کامل به دارنده‌ی پروانه منتقل نشده است و تراکنش مورد نظر به آسانی برای برخورد به عنوان بهره‌ی مالکانه واجد شرایط خواهد بود.

ج. *برداشتِ دنیای کسب و کار و استانداردهای بین‌المللی حسابداری:* کسب و کار، طبق استانداردهای بین‌المللی حسابداری، اغلب پروانه‌ی استفاده از طیف رادیوئی را دارائی تلقی می‌کند. در اینجا هم، این معیار به تنهائی موجب نمی‌شود که این پرداختی در حساب‌های ملی به عنوان دارائی تلقی شود، زمینه‌های دیگری نیز وجود دارد که شرکت‌ها ارقامی را در حساب‌های خود به نحوی ارائه می‌دهند که با حساب‌های ملی سازگار نیستند. اما برخورد با تحصیل پروانه‌ی تلفن همراه به عنوان سرمایه‌گذاری در حساب‌های شرکت، انگیزه دیگری است که در حساب‌های ملی نیز به شیوه‌ای مشابه با آن برخورد شود.

۳۱۹–۱۷ نه همه‌ی این ملاحظات و نه حتی اکثر آن‌ها لازم است تا پروانه‌ای به عنوان فروش یک دارائی تشخیص داده شود. اما، برای این که پروانه‌ای شرایط یک توافق‌نامه‌ی اجاره‌ای را داشته باشد، لازم است حداقل برخی از شرایط زیر وجود داشته باشد.

الف. قرارداد کوتاه مدت باشد، یا در فاصله‌های زمانی کوتاه مذاکره‌پذیر (انتقال‌پذیر، معامله شدنی و قابل چانه‌زنی، مترجم) باشد. این نوع قراردادها هنگامی که قیمت‌های بازار برای دارائی اجاره شده بالا می‌رود منافعی را برای اجاره کننده به روشی که یک قرارداد ثابت و بلند مدت فراهم خواهد کرد ایجاد نمی‌کند. این منافع منفعت ناشی از نگه داشتن دارائی

هستند که به طور معمول بـه مـالکین دارائـی تعلـق می‌گیرند.

ب. قرارداد انتقال‌ناپذیر باشـد. انتقـال ناپـذیری معیـاری قوی ولی ناکافی برای برخورد با پرداخت‌های پروانـه به عنوان بهره مالکانه است، زیرا، باوجود این که مانع از این می‌شود که اجـاره کننـده از منفعـت ناشـی از نگه‌داشتن بهره‌مند شود، مانع از ایـن نمـی‌شـود کـه منافع اقتصادی قابل مقایسه‌ای را بدست آورد (بـرای مثال، با بکار بردن پروانه در کسب و کار خود).

پ. قـرارداد حـاوی *شـروط مفصـلی* راجـع بـه نحـوه‌ی استفاده‌ی اجاره کننده از دارائی است. این نوع شرط-ها اغلب در مورد اجاره زمـین وجـود دارد، کـه در آن مالک قصد کنتـرل بـر اسـتفاده از زمـین را دارد. در مورد پروانه‌ها، مثال‌هائی از این نوع شرط‌هـا ممکـن است این باشد که در قرارداد ذکر شود کدام منطقه یا کدام مشتریان باید خدمت رسانی شوند، یا این که بر قیمت‌هائی که اجاره کننده ممکن است مطالبـه کنـد محدودیت برقرار کنند.

ت. قرارداد حاوی شرایطی است که به اجاره کننده حـق *یک جانبه برای پایان دادن* به اجاره را بدون جبـران، مثلاً بـرای اسـتفاده کـم از دارائـی موضـوع قـرارداد توسط اجاره کننده می‌دهد.

ث. قرارداد *بجای یـک پـیش پرداخـت کـلان، مسـتلزم انجام پرداخت‌هائی در طول قرارداد* باشد. هرچند این شرط اساسـاً از نظـر ماهیـت مـالی اسـت و از اینـرو نمی‌تواند در تعیین نوع اجاره معیار قطعی باشد، ولـی ممکن است درجه‌ای از کنتـرل اجـاره دهنـده بـرای سمت دادن به استفاده از طیف رادیوئی را نشان دهد. اگر پرداخت‌ها به درآمد عملیاتی کـه اجـاره کننـده از پروانه بدست می‌آورد مربوط باشـد، در نظـر گـرفتن آن‌ها به عنوان بهره مالکانه پشتیبانی بیشتری دارد.

۱۷-۳۲۰ این دو مجموعه بررسی را می‌توان به عنوان بررسـی بـارزتـر به‌طور موازی با تشخیص مالکیت اقتصادی از مالکیت قـانونی بکار رفته برای متمایز کردن اجاره‌ی عملیاتی و اجاره‌ی مـالی (اعتباری) که در بالا بیان شد، بکار برد. شرایط مورد نظر برای نحوه‌ی عملِ پرداخـت بـه عنـوان تحصـیل یـک دارائـی یـا پرداخت به عنوان بهره‌ی مالکانه بیش از این که تجویز کننده باشند نشانگر هستند. هنگامی که برخی شرایط برقرار نباشـند تصمیم‌گیری برای برخورد مناسب مستلزم این خواهد بود که بررسی شود شرایطی که برقرار نیستند چگونه باید ثبت شوند. به عنوان مثال، اگر با در نظر گـرفتن همـه‌ی مـوارد تصـمیم گرفته شود که پرداختی به عنوان بهره مالکانه تلقی شود ولـی یک مبلغ پیش پرداخت کلان انجام شده باشد، ایـن بایـد بـه صورت پرداختی برمبنای تعهدی تلقی شود. اما، اگـر دریافـت کننده مایل به استرداد مبلغ مورد نظر در صورت تعلیق قرارداد نباشد، ثبت بر مبنای تعهدی مشکل خواهد بود. ایـن یکـی از دلایلی است که پیش پرداخت‌ها اغلب نشان دهنده‌ی فـروش یک دارائی هستند تا پرداخت بهره مالکانه.

۱۷-۳۲۱ اعمال این اصول به شکل‌های اصلی منابع طبیعـی، در حـالی که مطلب با طیف رادیوئی آغاز می‌شود، در زیر شرح داده شده است.

۲. طیف رادیوئی

۱۷-۳۲۲ پرداختی بابت پروانه‌ی تلفن همراه، وقتـی آن پروانـه حقـوق مالکیت عمده‌ای را برای استفاده از طیف رادیوئی تحصیل کند فروش یک دارائی و نه پرداختی برای بهـره مالکانـه را نشـان می‌دهد. برای تصمیم‌گیری درباره‌ی این کـه انتقـالِ مالکیـت مؤثری صورت گرفته است یا خیر، شش معیار اعلام شـده در بالا باید بررسی شود.

۱۷-۳۲۳ هنگامی که فروش یک دارائی بکار برده می‌شود، و هنگـامی که طول عمر پروانه و طیف رادیوئی بـه یـک انـدازه هسـتند، پرداختی بابت پروانه به عنوان فـروش طیـف رادیـوئی تلقـی می‌شود. حالت دوم همیشه هنگامی اعمال می‌شود که پروانـه به طور نامحدود اعطاء شده باشد.

۱۷-۳۲۴ هنگامی که برای فروش یک دارائی تصمیم گرفته می‌شود، و هنگامی که طول عمر پروانه بـا طـول عمـر طیـف رادیـوئی متفاوت است، پرداختی بابت پروانه بـه عنـوان فـروش مجـوز

استفاده از منابع طبیعی توسط مالک قانونی (پروانه دهنده) به مالک اقتصادی (دارنده پروانه) تلقی می‌شود.

۱۷-۳۲۵ هنگامی که توافق نامه‌ی پروانه به تنهائی به عنوان فروش دارائی تلقی می‌شود، ارزش آن در زمان فروش پروانه ایجاد می‌شود. این ارزش با انقضای دوره‌ی اعتبار پروانه کاهش می‌یابد تا در لحظه‌ی اتمام آن به صفر می‌رسد. به طور متقارن، هنگامی که پروانه ارزشی کسب می‌کند ارزش طیف رادیوئی برای اجاره دهنده کاهش می‌یابد و هنگامی که مدت پروانه به پایان می‌رسد به طور پیشروندهای مجدداً ایجاد می‌شود. این با فروش بالقوه‌ی حق استفاده از طیف رادیوئی برای یک دوره دیگر سازگار است. این رویه همچنین نتیجه بی‌اثر در ارزش ویژه‌ی کل اقتصاد طی عمر پروانه را تضمین می‌کند.

۳. زمین

۱۷-۳۲۶ زمین می‌تواند وقتی مالکیت قانونی آن از یک واحد نهادی به واحدی دیگر منتقل می‌شود به طور کامل فروخته شود. (زمین نمی‌تواند طوری ثبت شود که به یک واحد غیرمقیم فروخته شده است. در این گونه موارد یک واحد مقیم فرضی ایجاد می‌شود که دارای حق مالکیت زمین است؛ در این صورت واحد غیرمقیم مالک سهام آن واحد مقیم فرضی خواهد بود).

۱۷-۳۲۷ نوعی از دارائی که بکرات موضوع اجاره‌ی منابع طبیعی قرار می‌گیرد زمین است. کشاورزِ مستأجر معمولاً اجاره منظمی به مالک آن پرداخت می‌کند. اجاره‌ی منابع طبیعی مربوط به زمین اگر با تمام یا بیشترِ معیارهای فهرست شده برای برخورد با پروانه‌ی تلفن همراه به عنوان فروش دارائی مطابقت داشته باشد، می‌تواند به عنوان فروش زمین در نظر گرفته شود. وقتی شرایط اجاره‌ی زمین غیر از این موارد باشد، پرداخت‌های اجاره‌ی منابع طبیعی، به عنوان بهره‌ی مالکانه ثبت می‌شود.

۱۷-۳۲۸ در نظام قانونی برخی کشورها، زمینِ زیرِ بناها در مالکیت قانونی مالکی غیر از مالک بناها باقی می‌ماند. اگر پرداخت‌های منظمی به مالک انجام شود، این پرداخت‌ها به عنوان بهره‌ی مالکانه ثبت می‌شوند. اما، گاهی اوقات مواردی وجود دارد که حتی اگرچه زمین به طور قانونی به واحد دیگری تعلق دارد، برای حق اشغال آن در یک دوره‌ی طولانی پیش پرداخت واحدی اغلب هنگام تحصیل بنا انجام می‌شود. همان گونه که در بخش قبل توضیح داده شد، این موجب می‌شود که پرداخت به عنوان تحصیل دارائی ثبت شود. در چنین حالتی، هنگامی که مالکیتِ بنا تغییر کند، قیمت خرید آن عنصری را در بر دارد که ارزش حال پرداخت‌های آینده‌ی بهره مالکانه را نشان می‌دهد. در چنین مواردی، زمین در SNA، طوری ثبت می‌شود که گوئی مالکیت آن همراه با بنای قرار گرفته در روی زمین منتقل شده است. اگر، در انتهای مدت اجاره‌ی زمین، برای تمدید اجاره برای دوره بلند مدت دیگری پرداخت دیگری احتمال داده می‌شود، این پرداخت باید به عنوان تشکیل سرمایه و تحصیل یک دارائی به رویه‌ای مشابه با هزینه‌های انتقال مالکیت در خرید و فروش یک دارائی ثبت شود.

۴. الوار

۱۷-۳۲۹ اگر به واحدی مجوز داده شود که تمامی درختان یک منطقه-ی جنگل طبیعی را قطع کند، یا به اختیار خود بدون هیچ محدودیتی از نظر طول مدت دوره درختان آن را قطع کند، پرداخت‌هائی که به مالک انجام می‌شود فروش یک دارائی را تشکیل می‌دهد. (فروش زمین جنگلی می‌تواند به عنوان فروش چوب و فروش زمین، بسته به قصد از استفاده از هریک، به طور جداگانه ثبت شود).

۱۷-۳۳۰ گزینه‌ی مجوز قطع درختان به اختیار اجاره کننده که مسئول ترمیم زمین، به حالت جنگلی قابل قبول در زمانی در آینده باشد، دور از ذهن است. این مورد رایج‌تر است که قطع درختان تحت محدودیت‌های شدید با حق‌الزحمه پرداختنی برای هر واحد حجم الوار قطع شده (قطع اشجار) مجاز باشد. محدودیت‌ها معمولاً طوری هستند که برداشت الوار پایدار است و بنابراین پرداخت‌ها در مورد جنگل طبیعی به عنوان بهره‌ی مالکانه ثبت می‌شوند.

۱۷-۳۳۱ جنگل‌ها همچنین ممکن است دارائی تولید شده باشند، که در آن حالت برداشت چوب به عنوان فروش محصول ثبت می‌شود.

۱۷-۳۳۲ قطع غیرقانونی درختان در مزرهای ملیِ برخی کشورها شایع است. در این مورد باید مقدار چوب برداشت شده به عنوان تصرف بلاعوض منابع طبیعی یا دارائی پرورش داده شده، بسته به مورد ثبت شود.

۵. ماهی

۱۷-۳۳۳ ذخائر طبیعی ماهی با ارزش اقتصادی، دارائی به‌حساب می‌آیند و ملاحظاتی را که به منابع طبیعی دیگر اعمال می‌شوند برای آن‌ها نیز وجود دارد. امر واقع بینانه‌ای نیست که چنین در نظر گرفته شود که مجوز تا هنگام تهی کردنِ ذخائرِ ماهی ارائه می‌شود ولی ماهیگیریِ غیرقانونی می‌تواند ذخیره را تا زیر نقطه پایداری کاهش دهد یا آن‌ها را تهی سازد. در این گونه موارد، باید تصرف بلاعوضِ ذخائر ثبت شود.

۱۷-۳۳۴ سهمیه ماهیگیری ممکن است به طور دائمی یا برای دوره‌هائی که قابل تمدید هستند به واحدهای نهادی خاصی اختصاص داده شود، برای مثال، در جاهائی که ماهیگیری یک راه گذران زندگی است و ممکن است روش‌های جایگزین کمی برای اشتغال اقتصادی وجود داشته باشد. در چنین شرایطی ممکن است سهمیه‌ها انتقال‌پذیر باشند و اگر چنین باشد، می‌تواند بازار بخوبی توسعه یافته‌ای در آن‌ها وجود داشته باشد. بنابراین سهمیه‌های ماهیگیری می‌توانند به عنوان مجوزهای انتقال‌پذیر برای استفاده از یک منبع طبیعی در نظر گرفته شوند. از اینرو در SNA آن‌ها دارائی به‌شمار می‌آیند.

۱۷-۳۳۵ سیستم دیگر، صدور مجوز برای یک دوره کاملاً محدود زمانی، کمتر از یک سال، برای یک واحد نهادی است که به طور رسمی انتخاب شده است که اغلب یک واحد غیرمقیم را در بر می‌گیرد. این یک روش رایج در بعضی مناطق مانند جزایر اقیانوس آرام جنوبی است. در این‌گونه موارد درآمد حاصل از پروانه‌ها باید به عنوان بهره‌ی مالکانه‌ی تحت اجاره‌ی منابع طبیعی ثبت شود.

۱۷-۳۳۶ مدت زمانِ طولانی است که طبق قرارداد، پروانه برای ماهیگیریِ تفریحی به عنوان مالیات در نظر گرفته شده است. این نحوه‌ی عمل با ملاحظات گسترده‌تر برای ماهیگیری تجاری تغییر نکرده است.

۶. آب

۱۷-۳۳۷ بستر آب دارای ارزش اقتصادی را می‌توان چه به عنوان قسمتی از زمینِ اطراف آن چه به عنوان یک هستار جدا به طور کامل فروخت.

۱۷-۳۳۸ همانند مورد ذخائر ماهی، بعید است مالکیت اقتصادی در یک اجاره‌ی بلندمدت بدون وجود پیش شرطی درباره کمیت و وضعیتی مبنی بر برگرداندن میزان مشابه آب به مالک آن، واگذار شود. اما، این امکان پذیر است که آب‌های سطحی را بتوان تحتِ یک اجاره‌ی بلند مدت، مثلاً برای مقاصد تفریحی، اجاره کرد. نحوه برخورد با این اجاره‌ها باید مانند اجاره‌ی زمین باشد.

۱۷-۳۳۹ استحصال آب از بسترهای آب به‌طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا کرده است. پرداخت‌های منظم برای استخراج آب (بر خلاف حمل آن) باید به عنوان بهره‌ی مالکانه تلقی شود.

۷. منابع معدنی

۱۷-۳۴۰ منابع معدنی هرچند که منابع طبیعی هستند ولی با زمین، الوار و ماهی فرق دارند، راهی برای استفاده از منابع معدنی به صورت پایدار وجود ندارد. استخراج کاملِ منابع معدنی، الزاماً میزان منابع موجود را برای آینده کاهش می‌دهد. این موضوع، مجموعه توصیه‌های کمی متفاوت را برای چگونگی ثبت تراکنش‌های مربوط به استفاده از آن‌ها ایجاب می‌کند.

۱۷-۳۴۱ هنگامی که واحدِ مالکِ یک منبع معدنی تمامی حقوق آن را به واحد دیگری واگذار می‌کند، این واگذاری، فروشِ منبع به حساب می‌آید. منبع معدنی نیز مانند زمین فقط می‌تواند به واحدهای مقیم تعلق داشته باشد؛ در صورت نیاز، باید یک واحد مقیمِ فرضی ایجاد شود تا این قاعده حفظ شود.

۱۷-۳۴۲ هنگامی که واحدی یک منبع معدنی را تحت توافق نامه‌ای استخراج می‌کند که پرداخت‌های سالانه‌ی آن به میزان استخراج شده بستگی دارد، این پرداخت‌ها (که گاهی حق

امتیاز گفته می‌شوند) به عنوان بهره‌ی مالکانه ثبت می‌شوند.

۳۴۳-۱۷ مالکِ معدن (که در بسیاری از شرایط و نه در همه‌ی شرایط دولت است) فعالیت تولیدیِ مربوط به استخراج ندارد و حتی ثروت فراهم شده توسط منبع معدنی نیز وقتی استخراج انجام می‌شود کاهش می‌یابد. در حقیقت، ثروت با پرداخت‌های بهره‌ی مالکانه‌ای که بازدهِ دارائی و جبرانِ کاهش ثروت هردو را پوشش می‌دهد تبدیل به پول نقد می‌شود. هرچند استخراج کننده مسبب کاهش ثروت است و حتی اگرچه منبع معدنی در ترازنامه‌ی استخراج کننده نشان داده می‌شود، کاهش ثروت در حساب تولید او منعکس نخواهد شد زیرا این یک دارائی تولید نشده است و از اینرو مشمول مصرف سرمایه ثابت نیست. (SEEA 2003 شکلی از حساب‌های اقماری را شرح می‌دهد که در آن، این نوع کسر کردن از درآمد ملی را می‌توان برای منابع معدنی و نیز برای سایر منابع طبیعی که به‌صورت ناپایدار استفاده می‌شوند انجام داد). به این دلایل، توصیه می‌شود پرداخت‌های سالانه‌ی استخراج کننده به مالک به عنوان بهره‌ی مالکانه و تغییر اندازه و ارزشِ منبع به عنوان حساب سایر تغییرات مالکِ قانونی ثبت شوند.

ض. به اشتراک گذاری دارائی‌ها

۳۴۴-۱۷ دارائی‌ها به دو شیوه می‌توانند به اشتراک گذاشته شوند. در یک شیوه دارائی می‌تواند تماماً به دو یا چند واحد، هریک در زمان‌های مختلف، تعلق داشته باشد. در شیوه‌ی دیگر، ریسک‌های مربوط به دارائی و منافع حاصل از آن می‌تواند با دو یا چند واحد در یک زمان به اشتراک گذاشته شود. هریک از شیوه‌ها برخوردهای متفاوتی را مطلبد.

۳۴۵-۱۷ در SNA، اگرچه یک دارائی ممکن است به واحدهای مختلفی در زمان‌های مختلف تعلق داشته باشد، هنگام تنظیم ترازنامه کلِ ارزش دارائی تنها به یک واحد تخصیص داده می‌شود. در مورد دارائی‌هائی که موضوع یک اجاره‌ی عملیاتی هستند، ابهامی وجود ندارد. مالک قانونی مالک اقتصادی نیز هست و او دارائی را در ترازنامه خود نشان می‌دهد. در مورد دارائی‌هائی که موضوع یک اجاره‌ی مالی (اعتباری) هستند، واحدی که دارائی در ترازنامه آن نشان داده می‌شود مالک اقتصادی است. ارزش دارائی عبارتست از ارزش حال پرداخت‌های آینده‌ای که باید به مالک قانونی انجام شود بعلاوه ارزش دارائی در انتهای قرارداد اجاره به‌صورتی که در توافق نامه‌ی اجاره مشخص شده است. این شیوه با این دیدگاه که ارزش دارائی جریان منافع آینده حاصل از دارائی را نشان می‌دهد سازگار است و مالک اقتصادی واحدی است که استحقاق دریافت این منافع را در ازای پذیرفتن ریسک‌های مربوط به استفاده از دارائی در تولید دارد. ارزش دارائیِ موضوع یک اجاره نامه منابع طبیعی در ترازنامه‌ی مالک قانونی نشان داده می‌شود.

۳۴۶-۱۷ هنگامی که پروانه‌ی استفاده از منابع طبیعی نظیر طیف رادیوئی، زمین، الوار، و ماهی با معیارهای " تلفن همراه" همخوانی دارد، دارائی جداگانه‌ای، که مجوز استفاده از منابع طبیعی گفته می‌شود، ایجاد می‌گردد. این دارائی‌ها جزئی از زیر طبقه‌ی قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها هستند. در این صورت آن‌ها در ترازنامه‌ی دارنده‌ی پروانه نشان داده می‌شوند.

۳۴۷-۱۷ به اشتراک گذاری ریسک‌ها و پاداش‌های یک دارائی بین واحدهای مختلف در یک نقطه از زمان امری غیرمعمول است. رایج‌ترین حالت این است که یک واحد منفرد فعالیتی را انجام می‌دهد که در آن دارائی مورد استفاده قرار می‌گیرد و این واحد بازده آن را به شکل درآمد دارائیِ توزیع شده بین مالکین به اشتراک می‌گذارد. اما، گاهی امکان دارد چنین واحد منفردی وجود نداشته باشد و ایجاد آن از نظر آماری هم معنی دار نباشد. وضعیتی که واحدهای شرکت کننده مقیمِ کشورهای مختلف هستند بسیار رایج است، همان‌گونه که در

مورد یک خط هوائی، یا در مورد برخی سرمایه‌گذاری‌های مشترک غیر شرکتی (UJV)ها می‌تواند وجود داشته باشد. شرایطی که طبق آن UJVها تأسیس می‌شوند متفاوت است ولی شکلی از آن‌ها اجازه می‌دهد که اعضا دارائی‌ها را به طور مساوی به اشتراک بگذارند. در این گونه موارد در SNA دارائی‌های به اشتراک گذاشته شده به نسبت سهم مالکیت هریک از مالکین ثبت می‌شوند.

۱۷–۳۴۸ در برخی از سرمایه‌گذاری‌های مشترک، یکی از طرف‌ها ممکن است یک دارائی را به نسبت سهم هزینه‌هایش مشارکت دهد. اگر این اتفاق بیافتد، باید تزریق سرمایه‌ای معادل با ارزش دارائی ثبت شود و با خرید دارائیِ مورد بحث و سپس به اشتراک‌گذاری مالکیت دارائی با تمام طرف‌های این ترتیبات پی‌گرفته شود.

ط. مجوز برای انجام فعالیت خاص

۱۷–۳۴۹ علاوه بر پروانه‌ها و اجاره نامه‌هایِ استفاده از دارائی‌ها که در بخش قبل شرح داده شد، ممکن است برای اشتغال به یک فعالیت خاص، کاملاً مستقل از هر دارائی که در فعالیت استفاده می‌شود، نیز مجوز داده شود. از اینرو، مجوز استخراج معادن به ازای پرداخت بهره‌ی مالکانه، با این نوع مجوز پوشش داده نمی‌شود. مجوزهای مورد بحث به معیار واجد شرایط بودن (نظیر قبولی در امتحان ارزیابی برای اجازه رانندگی خورو) بستگی ندارد ولی برای این طراحی شده‌اند که تعداد واحدهای منفردی را که استحقاق اشتغال به فعالیت مورد نظر را دارند محدود سازند. این نوع مجوزها ممکن است توسط دولت یا واحدهای نهادی خصوصی صادر شوند، در هریک از دو حالت برخوردهای متفاوتی بکار می‌رود.

۱. مجوزهای صادر شده توسط دولت

۱۷–۳۵۰ هنگامی که دولت‌ها به عنوان مثال تعداد خودروهائی را که حق کار کردن به عنوان تاکسی را دارند محدود می‌کنند یا تعداد کازینوهای مجاز را با صدور پروانه محدود می‌کنند، آن‌ها در واقع برای گردانندگانِ تأئید شده‌ی این فعالیت‌ها منافع انحصاری ایجاد می‌کنند و بخشی از آن منافع را به عنوان حق‌الزحمه دریافت می‌کنند. در SNA این حق‌الزحمه‌ها به عنوان مالیات، بویژه به عنوان سایر مالیات بر تولید ثبت می‌شوند. این اصل برای تمامی مواردی که دولت با صدور پروانه تعداد واحدهای فعال در زمینه‌ی خاصی را محدود می‌کند اعمال می‌شود، میزان محدودیت آن‌ها به دلخواه تعیین می‌شود و تنها بستگی به معیارهای واجد شرایط بودن ندارد.

۱۷–۳۵۱ در اصل، اگر پروانه‌ای برای چندین سال معتبر باشد، پرداختی باید با یک قلم ورودیِ سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی برای حق اخذ پروانه که سال‌های آتی را پوشش می‌دهد بر مبنای تعهدی ثبت شود. اما، اگر دولت بدهی برای بازپرداخت به دارنده‌ی پروانه را در صورت لغو آن به رسمیت نشناسد، کل حق اخذ پروانه‌ی پرداختنی در زمانی که پرداخت می‌شود ثبت می‌گردد.

۱۷–۳۵۲ انگیزه‌ی اخذ این نوع پروانه‌ها این است که دارنده‌ی پروانه معتقد است که بدین وسیله او حق ایجاد منافع انحصاری دستکم برابر با مبلغی که برای پروانه پرداخت می‌کند بدست خواهد آورد. این جریانِ درآمدهای آتی اگر دارنده‌ی پروانه بتواند آن را با فروش دارائی تحقق بخشد یک دارائی تلقی می‌شود. این نوع دارائی به عنوان مجوز برای انجام فعالیت خاص نامیده می‌شود. ارزش دارائی به ارزشی که بتواند فروخته شود، یا اگر چنین رقمی در دسترس نباشد، به صورت ارزش حال جریان منافع انحصاری آتی برآورد می‌شود. اگر دولت پرداخت برای پروانه را بر مبنای تعهدی ثبت کند، دارنده‌ی پروانه در ترازنامه‌ی خود زیر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی یک دارائی برابر با ارزش پرداخت‌های آتی دارد و

بنابراین ارزش خودِ پروانه باید تنها مازاد منافع انحصاری نسبت به هزینه را پوشش دهد. اگر پروانه فروخته شود، مالک جدید حق استرداد مبلغی از دولت در صورت لغو پروانه و نیز حق کسب منافع انحصاری را از دولت می‌پذیرد. اگر پروانه به عنوان پرداخت یک مالیات ثبت شود، ارزش دارائی بوسیله ارزشی که می‌تواند فروخته شود تعیین می‌شود، یا اگر چنین رقمی در دسترس نباشد، به صورت ارزش تمامی منافع انحصاری آینده بدون کسر کردن برآورد می‌شود. دارائی ابتدا در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها نشان داده می‌شود و تغییرات ارزش، افزایش و کاهش هردو، در حساب بازارزش گذاری ثبت می‌شوند.

یک مثال

۱۷–۳۵۳ فرض کنید واحد الف با دولت قرارداد ببندد مجوزی با هزینه کلِ ۱۲ برای مدت ۳ سال برای اداره کردن یک کازینو خریداری کند. او انتظار منافع سالانه‌ای برابر با ۷ را دارد زیرا کازینوهای بسیار دیگری را از فعالیت محروم می‌کند. دولت ممکن است استرداد مبلغی را در صورت چشم پوشی الف از مجوز تأمین کند یا ممکن است چنین امکانی را در نظر نگیرد. الف ممکن است از مجوز در کل ۳ سالی که اعتبار دارد استفاده کند یا ممکن است آن را در انتهای سال ۱ به واحد ب بفروشد. نحوه ثبت این چهار حالت در زیر بررسی می‌شود.

حالت ۱: دولت استرداد مبلغی را پیشنهاد نمی‌کند و الف مجوز را برای ۳ سال نگه می‌دارد.

۱۷–۳۵۴ در آغاز سالِ نخست، واحد الف مالیاتی برابر با ۱۲ پرداخت می‌کند و یک دارائی با ارزش اولیه‌ی ۲۱ دارد. تا انتهای سال، ارزش حجم دارائی به اندازه ۷ به عنوان سایر تغییرات در دارائی‌ها کاهش یافته است، زیرا یک سال از سه سال اعتبارِ اولیه‌ی مجوز سپری شده است. در این لحظه دارائی به اندازه ۱۴ در ارزش ویژه‌ی دارنده‌ی مجوز مشارکت دارد. تا انتهای سال دوم او ۷ تای دیگر را به عنوان تغییر حجم دارائی حذف می‌کند، درحالی که سهم در ارزش ویژه برابر ۷ باقی می‌ماند. در انتهای سال سوم ارزش دارائی صفر است.

حالت ۲: دولت استرداد مبلغی را پیشنهاد نمی‌کند و الف مجوز را بعد از یک سال به ب می‌فروشد.

۱۷–۳۵۵ در آغاز سال ۱، الف مالیاتی برابر با ۱۲ می‌پردازد و یک دارائی به ارزش اولیه ۲۱ دارد. تا انتهای سال ارزش دارائی به اندازه ۷ به عنوان سایر تغییر در حجم دارائی کاهش یافته است، زیرا یک سال از سه سال اعتبار اولیه‌ی مجوز سپری شده است. در این لحظه او دارائی را ۱۴ ارزیابی می‌کند. اما، ب حاضر است برای دارائی تنها ۱۳ پرداخت کند و الف این را می‌پذیرد. بنابراین الف ارزش دارائی را به اندازه ۱ به عنوان تغییر بازارزش‌گذاری کاهش می‌دهد. سپس ب دارائی را تحصیل می‌کند و ارزش آن را در هریک از دو سال بعدی به اندازه ۶.۵ در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها کاهش می‌دهد.

حالت ۳: دولت استرداد مبلغی را پیشنهاد می‌کند و الف مجوز را برای ۳ سال نگه می‌دارد.

۱۷–۳۵۶ در آغاز سال ۱، الف یک پرداختی معادل ۱۲ به دولت انجام می‌دهد ولی این به عنوان پرداختِ مالیاتی معادل ۴ در سال نخست ثبت می‌شود و در انتهای سال دولت یک حساب پرداختنی به الف معادل ۸ خواهد داشت. ارزش مجوز برای الف فقط مازاد منفعت انحصاری نسبت به کل مبلغی است که الف باید به دولت پرداخت کند. این با ۹ (تفاوت بین ۷ و ۴ برای سه سال) شروع می‌شود ولی تا انتهای سال ۱ فقط ۶ می‌ارزد. در انتهای سال ارزش ویژه الف شامل حساب دریافتنی از دولت معادل ۸ است و باقی مانده ارزش مجوز ۶ است. کل آن مانند حال ۱ برابر ۱۴ است. در طی سال دوم، حساب دریافتنی الف از دولت به اندازه ۴ کاهش یافته است که برای پرداخت مالیاتِ تعلق گرفته در سال ۲ بکار می‌رود. در آن سال ارزش مجوز نیز به اندازه ۳ از ۶ تا ۳ کاهش یافته است. در انتهای سال، ارزش ویژه‌ی الف شامل یک حساب پرداختنی از دولت برابر ۴ و یک مجوز به ارزش ۳، کل برابر ۷ مانند حال ۱ است. در انتهای سال ۳، حساب پرداختنی و ارزش مجوز هردو به صفر کاهش می‌یابد.

حالت ۴: دولت استرداد مبلغی را پیشنهاد می‌کند و الف مجوز را بعد از یک سال به ب می‌فروشد.

۳۵۷-۱۷ در آغاز سال ۱، الف پرداختی معادل ۱۲ به دولت انجام می‌دهد ولی این به عنوان پرداخت مالیات برابر ۴ در طول سال ثبت می‌شود و در انتهای سال دولت یک حساب پرداختنی برابر ۸ به الف دارد. ارزش مجوز برای الف فقط مازاد منفعت انحصاری نسبت به حساب پرداختنی است. این با ۹ (تفاوت بین ۷ و ۴ برای سه سال) شروع می‌شود ولی تا انتهای سال فقط ۶ می‌ارزد. در انتهای سال ارزش ویژه‌ی الف شامل یک حساب دریافتنی از دولت برابر ۸ است و ۶ به عنوان ارزش باقی مانده مجوز باقی می‌ماند. کل آن مانند حالت ۱ برابر ۱۴ است. همانند حالت ۲، الف باید ارزش مجوز خود را کاهش دهد (در این حالت از ۶ به ۵) هنگامی که او قرار است دارائی را به میزان ۱۳ به ب بفروشد. در حقیقت، حساب پرداختنی از دولت برابر ۸ به ب منتقل می‌شود و دارائی به ۵ فروخته می‌شود. ارزش ویژه‌ی خالص ب تغییر نمی‌کند. او به الف ۱۳ پرداخته است ولی در مقابل آن حساب پرداختنی معادل ۸ و یک دارائی به ارزش ۵ دریافت کرده است. در سال ۲، حساب پرداختنی به اندازه ۴ کاهش می‌یابد و یک پرداخت مالیات معادل ۴ ثبت می‌شود و ارزش مجوز از ۵ به ۲.۵ کاهش می‌یابد.

مجوزهای دولتی به عنوان دارائی

۳۵۸-۱۷ مجوز صادر شده توسط دولت برای انجام فعالیت خاص فقط هنگامی می‌تواند به عنوان دارائی تلقی شود که تمامی شرایط زیر را داشته باشد:

الف. فعالیت مربوطه از دارائی متعلق به دولت استفاده نکند؛ اگر از دارائی متعلق به دولت استفاده کند مجوز برای استفاده از دارائی به عنوان یکی از اجاره‌های عملیاتی، مالی، منابع طبیعی یا احتمالاً تحصیل یک دارائیِ نشان دهنده‌ی مجوزِ استفاده از دارائیِ در اختیارِ دارنده‌ی پروانه در طول یک دوره‌ی تمدید شده تلقی می‌شود؛

ب. صدور مجوز وابسته به یک معیار واجد شرایط بودن نباشد؛ این نوع مجوزها یا به عنوان مالیات یا پرداخت برای خدمات تلقی می‌شوند؛

پ. تعداد مجوزها محدود باشد و بنابراین به دارنده آن وقتی عهده دار انجام فعالیت مربوطه می‌شود اجازه منافع انحصاری را بدهد؛

ت. دارنده مجوز باید از نظر قانونی و عملی قادر به فروش مجوز به شخص ثالث باشد.

۳۵۹-۱۷ حتی اگر تمامی این شرایط وجود داشته باشد، اگر در عمل مجوز فروخته نشود، صحیح نیست که مجوز مورد نظر به عنوان دارائی ثبت شود. اگر هر یک از این شرطها برقرار نباشد، پرداخت‌ها به عنوان مالیات، بدون ایجاد یک دارائی در رده قراردادها، اجاره نامه‌ها، پروانه‌ها، در نظر گرفته می‌شوند. (ممکن است یک حساب پرداختنی همان طور که در حالت‌های ۳ و ۴ مثال فوق نشان داده شد وجود داشته باشد).

۲. مجوزهای صادر شده توسط واحدهای دیگر

۳۶۰-۱۷ این امر رایج نیست که واحدی غیر از دولت قادر به محدود کردن اشتغال به یک فعالیت معین باشد. یک نمونه در این مورد ممکن است مثلاً تعلق داشتن به یک انجمن حرفه‌ای به‌طور اجباری یا تمایل باشد ولی در این مورد بندرت محدودیتی برای تعداد شرکت کنندگان وجود دارد. مثال دیگری می‌تواند این باشد که مالکِ دارائی تعداد واحدهای مجاز برای کار کردن در ملک او را محدود کند مثلاً هتلی ممکن است این سیاست را داشته باشد که فقط یک مؤسسه‌ی تاکسی مجاز باشد مهمانان هتل را به مقصد برساند. در این نوع موارد، مجوز به عنوان پرداختی بابت خدمات تلقی می‌شود. در اصل این پرداختی باید در سرتاسر دوره‌ای که مجوز اعتبار دارد بر مبنای تعهدی ثبت شود. اصولاً اگر چنین مجوزهائی قابل فروش باشند، دلیلی وجود ندارد که نتوانند دارائی تلقی شوند هرچند این وضعیت رایج نیست.

مجوزهای غیر دولتی به عنوان دارائی

۳۶۱-۱۷ مجوز صادر شده توسط واحدی غیر از دولت برای انجام فعالیت خاص تنها هنگامی ممکن است به عنوان یک دارائی تلقی شود که تمامی شرایط زیر را دارا باشد:

الف. فعالیت مربوطه از دارائیِ متعلق به صادر کننده‌ی مجوز استفاده نکند؛ اگر از این دارائی‌ها استفاده کند مجوزِ استفاده از دارائی به عنوان اجاره‌نامه‌ی عملیاتی، اجاره‌نامه‌ی مالی (اعتباری) یا اجاره‌نامه‌ی منابع طبیعی تلقی می‌شود؛

ب. تعداد مجوزها محدود باشد و بنابراین به دارنده‌ی آن وقتی عهده دار انجام فعالیت مربوطه می‌شود اجازه‌ی منافع انحصاری بدهد؛

پ. دارنده مجوز باید از نظر قانونی وعملی قادر به فروش مجوز به شخص ثالث باشد.

۳۶۲-۱۷ حتی اگر تمامی این شرایط وجود داشته باشد، اگر در عمل مجوز فروخته نشود، صحیح نیست که مجوز مورد نظر به عنوان دارائی ثبت شود. اگر هر کدام از این شرطها برقرار نباشد، پرداخت‌ها به عنوان پرداخت برای خدمات ثبت می‌شوند.

۳. مجوز برای استفاده از منابع طبیعی برای محل دفن زباله‌ها

۳۶۳-۱۷ دولت‌ها به طور فزاینده‌ای به صدور مجوزهای انتشار آلاینده به عنوان ابزاری برای کنترل کل آلاینده‌ها روی آورده‌اند. این مجوزها مربوط به استفاده از یک دارائی طبیعی نیستند (برای جو زمین ارزشی تعیین نشده است بنابراین نمی‌توان آن را به عنوان یک دارائی اقتصادی در نظر گرفت) و بنابراین به عنوان مالیات‌ها طبقه‌بندی می‌شوند حتی اگر "فعالیتی" که مجوز داده شده است یکی از ایجاد کننده‌های آثار برون‌ریز باشد. از نظر مفهومی این در ذات مجوزها است که قابل فروش باشند و بازار فعالی برای آن‌ها وجود داشته باشد. بنابراین مجوزهای مورد نظر دارائی هستند و باید به قیمتی که ممکن است در بازار بفروش برسند ارزش گذاری شوند.

۳۶۴-۱۷ موردِ پرداخت برای تخلیه‌ی آب می‌تواند به عنوان مثالی از روش‌های امکان‌پذیرِ مختلف برای نحوه‌ی برخورد با پرداخت‌ها مورد ملاحظه قرار گیرد.

۳۶۵-۱۷ اگر پرداختی برای تخلیه‌ی آب به عنوان جریمه‌ای به قصد جلوگیری از تخلیه باشد، باید به عنوان جریمه تلقی شود.

۳۶۶-۱۷ اگر تعداد محدودی مجوز به قصد محدود کردن تخلیه‌ی آب صادر شوند، پرداخت در صورتی باید به عنوان مالیات تلقی شود که مجرائی که آب در آن تخلیه می‌شود در SNA به عنوان دارائی در نظر گرفته نشود.

۳۶۷-۱۷ اگر مجرای تخلیه دارائی باشد و شرایط لازم با در نظر گرفتن شرایطی که طبق آن برای تخلیه مجوز داده می‌شود برقرار باشد، در این صورت پرداخت برای مجوز باید به همان روش پرداخت برای پروانه‌ی استفاده از طیف رادیوئی برای تلفن همراه عمل شود. اگر هزینه‌ی مطالبه شده به یک اقدام جبرانی مرتبط است، پرداخت انجام شده پرداختی بابت خدمات است مگر این که مبلغ تعیین شده تناسبی با هزینه‌های در بر گیرنده عملیات بعدی آب نداشته باشد که در این حالت پرداخت باید به عنوان مالیات تلقی شود.

ظ. قرارداد برای تولید آینده

۱۷-۳۶۸ هرچند سرمایه انسانی در SNA به عنوان دارائی شناخته نشده است، مواردی وجود دارد که قراردادی که به دارنده‌ی آن حق محدود کردنِ کارِ یک فردِ مشهور را برای دیگران می‌دهد می‌تواند به عنوان دارائی در نظر گرفته شود. قوی‌ترین و پرسودترین قراردادها برای بازیکنان ورزشی هستند که در آن، مثلاً، یک باشگاه ورزشی می‌تواند یک بازیکن را به دیگری "بفروشد". در حقیقت آن‌ها بازیکن را نمی‌فروشند بلکه داشتن حق انحصاری برای این که فرد بازیکن برای آن‌ها کار کند را می‌فروشند. قراردادهای مشابهی برای حق نشر کارهای ادبی یا اجرای موسیقی وجود دارد. تمامی این قراردادها به عنوان دارائی‌هائی از نوع حق انحصاری بر کالاها و خدمات در طبقه‌ی دارائیِ قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها منظور می‌شود.

۱۷-۳۶۹ ممکن است تصور شود قراردادهای مشابهی نیز برای تولید کالاها در آینده می‌تواند وجود داشته باشد. بررسی تجربه‌ی اختیار خرید تولیدِ آینده‌ی هواپیما نشان داد که در این حالت دارائی انتقال‌پذیری وجود ندارد و تغییر عقیده‌ی طرف خریدارِ بالقوه یا شکستِ طرف عرضه کننده برای تحویل با تغییر در ترتیبات بین دو طرف حل و فصل می‌شود و منجر به فروش اختیار معامله به شخص ثالث نمی‌شود. اگر نمونه‌ای بوجود آید که اختیار خرید کالا به همان شیوه‌ی قرارداد برای کارکردِ یک فرد مشهور در نظر گرفته شود، همان طبقه‌بندی نیز بکار خواهد رفت.

ع. اجاره نامه‌ها به عنوان دارائی

۱۷-۳۷۰ همانگونه که در ابتدای این قسمت بیان شد، قراردادها زمینه‌ی بسیاری از تراکنش‌های ثبت شده در SNA هستند و درک این که برای زمان ثبت و طبقه‌بندی تراکنش‌های ناشی از یک قرارداد چه شرایطی لازم است اهمیت بسزائی دارد. گفته شده است که مجوزها یا پروانه‌های استفاده از منابع طبیعی ممکن است تشکیل یک دارائی را بدهند همان‌طور که مجوز برای انجام فعالیت‌های خاص و قرارداد برای تولید آینده نیز ممکن است چنین عمل کنند. شرایط دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند منجر به این شود که قرارداد به عنوان دارائی در نظر گرفته شود، و آن شرایطی است که قرارداد به شخص ثالثی (که واحدی غیر از دو واحدی است که در قرارداد اولیه مشخص شده‌اند) انتقال‌پذیر است.

۱۷-۳۷۱ فرض کنید اجاره‌ای که مدتی قبل برای یک آپارتمان مورد توافق قرار گرفته است اجاره بهای ماهانه‌ای به مبلغ ۱۰۰ را تعیین می‌کند ولی اگر قرار باشد همان آپارتمان در حال حاضر اجاره شود اجاره بهای ماهانه به ۱۲۰ می‌رسد. از نظر اجاره دهنده، آپارتمان با اجاره‌نامه‌ی فعلی "گرفتار شده" است، یعنی جریمه‌ای (در این مورد ماهانه ۲۰) را به دلیل وجود اجاره‌نامه متحمل می‌شود. ارزش آپارتمانِ گرفتار شده مبتنی بر ارزش حال پرداخت اجاره بهای آینده با در نظر گرفتن اجاره‌نامه‌ی فعلی است، یعنی، جریان درآمد آینده تا زمانی که اجاره‌نامه به پایان برسد ۱۰۰ است و بعد از آن (با نادیده گرفتن هرگونه تعدیلی برای تورم) ۱۲۰ خواهد بود. ارزش آپارتمانِ گرفتار شده ارزش حال مبتنی بر یک جریان درآمدی ماهانه ۱۲۰ از دوره جاری به بعد است. ارزشی که باید در ترازنامه‌ی مالک وارد شود ارزش آپارتمان گرفتار شده است. اگر مالک بخواهد آپارتمان را بفروشد و مستأجر فعلی حق داشته باشد با اجاره بهای توافق شده بماند، ارزش آپارتمان گرفتار شده تمام ارزشی است که مالک (اجاره دهنده) می‌تواند به تحقق آن امید داشته باشد. اگر او می‌خواست ارزش آپارتمان آزاد شده تحقق یابد مجبور بود تفاوت بین ارزش آپارتمان گرفتار شده و ارزش آپارتمان آزاد شده را به مستأجر بپردازد تا از اجاره‌نامه رهائی یابد. این مبلغ، وثیقه، در برخی

شرایط می‌تواند به عنوان دارائی مستأجر تلقی شود. آن شرایط این است که از نظر قانونی و عملی هردو برای مستأجر امکان پذیر باشد که آپارتمان را به شخص ثالثی اجاره‌ی فرعی دهد. به دلیل مشکلات تشخیصِ وجود این نوع دارائی‌ها، توصیه می‌شود که در عمل این دارائی‌ها فقط هنگامی ثبت شوند که شواهدی دال بر تحقق آن‌ها وجود داشته باشد.

۱۷–۳۷۲ این امکان وجود دارد که ارزش آپارتمان گرفتار شده از ارزش آپارتمان آزاد شده بالاتر باشد زیرا ارزش آپارتمان آزاد شده ممکن است از زمانی که اجاره بها مورد توافق قرار گرفته است کاهش یافته باشد. این مالک است که از ناهمخوانی بین قیمت قرارداد و قیمت بازار نفع می‌برد زیرا ارزش آپارتمان در ترازنامه او هنوز ارزش آپارتمان گرفتار شده است. اگر مستأجر بخواهد اجاره نامه را لغو کند، ممکن است مجبور باشد تفاوت بین ارزش آپارتمان گرفتار شده و ارزش آپارتمان آزاد را به مالک بپردازد. فقط در حالت استثنائی که مستأجر به شخص ثالثی پرداخت می‌کند تا اجاره نامه را به قیمت تعیین شده در اجاره نامه بپذیرد، این پرداختی نقد کردن یک دارائی با ارزش منفی برای مستأجر را نشان می‌دهد. هنگامی که اجاره نامه منقضی یا لغو می‌شود، ارزش آپارتمان به ارزش آزاد شده‌ی آن برمی‌گردد.

۱۷–۳۷۳ دارائی‌هائی که این نوع ملک شخص ثالث را منعکس می‌کنند همیشه کوتاه مدت هستند. آن‌ها فقط برای طول مدت اجاره‌نامه و جائی که ارزش آپارتمان‌های گرفتار شده و آزاد متفاوت هستند وجود دارند. هر سالی که می‌گذرد، ارزش آن‌ها کاهش می‌یابد زیرا دوره‌ای که طی آن تفاوت وجود دارد کاهش یافته است ولی اگر اجاره بهای جدید افزایش یابد آن‌ها نیز ممکن است افزایش یابند.

۱۷–۳۷۴ قیمت بازارِ اجاره بهای آپارتمان قیمتی است که عملاً توسط مستأجر فعلی پرداخت می‌شود. در این مثال، اگر مستأجر اولیه باقی بماند و ماهانه ۱۰۰ بپردازد، این قیمت بازار خواهد بود علیرغم این واقعیت که اجاره نامه‌ی جدیدی ممکن است اجاره بها را به ۱۲۰ برساند. تنها اگر مستأجر اولیه آپارتمان را به قیمت ۱۲۰ اجاره‌ی فرعی دهد، از این قیمت، ۱۰۰ به مالک و ۲۰ به مستأجر اولیه پرداخت خواهد شد.

۱۷–۳۷۵ مثال بالا نشان می‌دهد که چه موقع یک اجاره‌نامه‌ی عملیاتی قابل فروش می‌تواند ارزش یک دارائی را کسب کند. مجوزهای استفاده از منابع طبیعی و قراردادها برای تولید آینده نیز منجر به این نوع دارائی‌های حق مالکیت شخص ثالث می‌شوند. همچنین مجوز برای انجام فعالیت‌های خاص نیز حتی اگرچه پرداختی اولیه به عنوان مالیات پرداختنی به دولت تلقی شده باشد می‌توانند منجر به این نوع دارائی شوند. اجاره‌نامه‌های (قرارداد اجاره) مالی به این نوع دارائی‌ها منجر نمی‌شوند. اگر ارزش دارائی اجاره شده به بیش از پرداخت‌های مربوط به اجاره‌ی مالی (اعتباری) افزایش یابد، اجاره کننده همیشه برای فروش دارائی، بازپرداخت وام و حفظِ تفاوت، اختیار انتخاب خواهد داشت.

اجاره‌نامه‌های عملیاتی قابل فروش به عنوان دارائی

۱۷–۳۷۶ یک اجاره‌نامه‌ی عملیاتی قابل فروش تنها زمانی می‌تواند به عنوان دارائی تلقی شود که با دو شرط زیر مطابقت داشته باشد:

الف. اجاره نامه قیمت از پیش تعیین شده‌ای را برای استفاده از یک دارائی مشخص می‌کند که از قیمتی که دارائی می‌توانست در حال حاضر با آن اجاره شود متفاوت است، و

ب. اجاره کننده از نظر قانونی و عملی قادر است این تفاوت قیمت را با یک قرارداد فرعی اجاره با شخص ثالثی تبدیل به نقد کند.

۱۷–۳۷۷ در عمل، توصیه می‌شود که این نوع دارائی‌ها تنها هنگامی باید ثبت شوند که اجاره دهنده عملاً از حق خود برای نقد کردن تفاوت قیمت استفاده کند.

غ. سایر ملاحظات

۱. ترتیبات مالکیت زمانی

۱۷-۳۷۸ یکی از روش‌های به اشتراک‌گذاریِ یک دارائیِ استفاده شده برای اقامت از طریق "مالکیت زمانی" است. هرچند که این عبارت ممکن است برای توصیف تعدادی ترتیبات متفاوت بکار رود.

۱۷-۳۷۹ یکی از این نوع ترتیبات، به خرید یک خانه شبیه است بجز این که "مالکیت" محدود به دوره‌ی خاصی از سال ولی دائمی است. هر سال دقیقاً همان فضای فیزیکی در اختیار مالک قرار می‌گیرد. ترتیب دیگر این است که هر سال در زمان معینی ولی نه لزوماً در همان فضای فیزیکی محل اقامتی را تضمین می‌کند. ترتیبات دیگری متشکل از خریدِ "نقاطی" در یک طرح است که مالک می‌تواند برای خرید اقامتگاهی در مکان‌ها و زمان‌های مختلف با توجه به در دسترس بودن آن استفاده کند.

۱۷-۳۸۰ تمامی ترتیباتِ مالکیت زمانی، واحدی دارند که مسئول نگه داری، تعمیر، بیمه و غیره است ولی از این جهت که این واحد مالک نهائیِ مجتمع و مشترکین اجاره‌کننده‌گان آن هستند یا به عنوان کارگزارِ گروه مالکین یا مشترکین عمل می‌کند تفاوت وجود دارد. به‌طور مشابه، از این جهت که مالک یا مشترک ممکن است مالکیت خود را به دیگری بفروشد یا واگذار کند یا می‌تواند گهگاهی آن را اجاره دهد نیز تفاوت‌هائی در این نوع ترتیبات وجود دارد.

۱۷-۳۸۱ این موضوع که آیا مشارکت در طرح‌های مالکیتِ زمانی منجر به یک دارائی می‌شود بستگی به پاسخِ پرسش‌های فوق دارد. اگر مالک، فضای تخصیص یافته‌ای دارد که به‌طور دائم به آن دسترسی دارد، برای اقدام به عنوان جزئی از کمیته‌ی مدیریتِ طرح واجد شرایط است، می‌تواند به میل خود فضای اختصاص یافته را بفروشد یا واگذار کند، در این صورت به احتمال زیاد ملک به عنوان دارائی از نوع مشابه با خانه است. اگر مالک توافق نامه‌ی ثابتی برای دسترسی به شکلی از اقامتگاه در یک دوره‌ی معین برای طول مدت معینی داشته باشد، احتمالاً این یک اجاره نامه‌ی از پیش پرداخت شده‌ای را نشان می‌دهد ولی اجاره نامه‌ای که می‌تواند گاهگاهی اجاره‌ی فرعی داده شود یا برای دوره‌ی باقی مانده به عنوان یک اجاره‌نامه‌ی عملیاتیِ انتقال‌پذیر فروخته شود. مشارکت کننده در یک طرحِ مبتنی بر "نقاط" می‌تواند فقط یک حساب دریافتنی از طریق یک دارائی داشته باشد.

۱۷-۳۸۲ ترتیبات مالکیت زمانی در مواردی که دارای اهمیت است، شرایط مربوط به آن‌ها باید براساس اصول کلیِ شرح داده شده در این بخش بررسی شوند تا مشخص شود که تراکنش‌های مربوطه چگونه باید ثبت شوند و دارائی‌ها چگونه باید طبقه بندی شوند.

۲. سپرده‌های از دست رفته

۱۷-۳۸۳ در هریک از شکل‌های مختلف قرارداد، این امکان وجود دارد که یک طرف، پرداختی انجام می‌دهد ولی طرف دیگر کالاها، خدمات یا دارائی‌های وعده داده شده در قرارداد را تحویل نمی‌دهد. در بسیاری از موارد این موضوع به یک حساب دریافتنی یا پرداختنی که در آن طرف اول ممکن است از طرف دوم پرداختی را پس بگیرد منجر می‌شود. در برخی شرایط این امر ممکن است امکان پذیر نباشد. برای مثال، بلیط‌های ارزانِ هواپیما اغلب به صورت غیرقابل استرداد ارائه می‌شوند. این واقعیت که پیش پرداخت‌ها غیرقابل استرداد هستند جزئی از سیاست کسب و کارِ شرکت مربوطه است. ستانده‌ی آن‌ها باید به عنوان ارزشِ فروش اندازه‌گیری شود بدون کسرِ پرداخت‌های انجام شده توسط مشتریانی که از خدماتی که مستحق آن بودند بهره‌مند نشده‌اند. سنجه‌های حجمیِ ستانده بستگی به خدماتِ واقعیِ ارائه شده خواهد داشت و اثر سپرده‌های غیرقابل استرداد به‌صورت اثر قیمت حضور خواهد داشت. این موضوع همچنین در ارقام مخارج مصرفی کسانی منعکس خواهند شد که برای خدماتی که در نهایت ارائه نشده است پرداخت کرده‌اند.

قسمت ۶: اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان

ف. مقدمه

۳۸۴-۱۷ شکل خاصی از درآمد غیرنقدی، اقدامِ یک کارفرما درباره‌ی اعطای اختیار به کارکنان خود برای خرید سهام (سهم الشرکه) در تاریخی در آینده است. ESO مشابه یک مشتق مالی (ابزار ثانویه‌ی مالی) است و ممکن است کارکن چه به‌دلیل پائین بودن قیمت سهم در حال حاضر چه به دلیل ترک کارِ آن کارفرما از این اختیارِ معامله استفاده نکند و بنابراین اختیار معامله‌ی خود را از دست بدهد. در زیر توضیح داده می‌شود که با به حساب آوردن این احتمال که همه اختیارهای معامله اجرا نمی‌شوند، چگونه اختیار معامله‌ی سهام ارزش‌گذاری می‌شود.

۱. اصطلاحات

۳۸۵-۱۷ به طور معمول یک کارفرما کارکنان را از تصمیم خود مبنی بر در دسترس قرار دادن اختیار معامله‌ی سهام به قیمت معین (قیمت مقرر یا قیمت اِعمال) بعد از زمان معین تحت شرایط معین (برای مثال، این که کارکن هنوز در استخدام بنگاه باشد، یا مشروط به عملکرد بنگاه باشد) آگاه می‌سازد. زمان ثبت اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان در حساب‌های ملی باید بدقت تعیین شود. "تاریخ اعطاء" زمانی است که اختیار معامله برای کارکن فراهم می‌شود، "تاریخ واگذاری" زودترین تاریخی است که اختیار معامله سهام اجرا می‌شود. "تاریخ اجرا" زمانی است که اختیار معامله سهام واقعاً اجرا (یا منقضی) می‌شود. در برخی از کشورها طول مدت زمان مجاز بین تاریخ واگذاری و تاریخ اجرا کاملاً طولانی است؛ در برخی کشورها این زمان بسیار کوتاه است.

۲. ارزش‌گذاری

۳۸۶-۱۷ توصیه‌های حسابداری IASB این است که بنگاهِ مورد نظر ارزش عادلانه‌ای را برای اختیار معامله‌ی سهام در تاریخ اعطاء به این شرح، قیمت مقرر سهام در آن تاریخ ضربدر تعداد اختیار معاملات مورد انتظار برای قابل اجرا بودن در تاریخ واگذاری تقسیم بر تعداد سال‌های خدمت مورد انتظار برای ارائه تا تاریخ واگذاری، بدست آورد. این ارزش عادلانه در هر سال به تعداد سال‌های خدمت ارائه شده اعمال می‌شود تا هزینه برای شرکت در آن سال بدست آید. ارزش عادلانه برای هر سال خدمت در صورت تغییرِ فرض‌های مربوط به تعداد اختیار معامله‌ی اجرا شده تعدیل خواهد شد.

۳۸۷-۱۷ در SNA، اگر قیمت قابل مشاهده‌ی بازار وجود نداشته باشد و برآوردی نیز توسط شرکت هماهنگ با توصیه‌هائی که در بالا اشاره شد بدست نیامده باشد، ارزش‌گذاری اختیار معامله می‌تواند با استفاده ازیک مدل قیمت‌گذاری اختیار معامله‌ی سهام برآورد شود. این مدل‌ها کمک می‌کنند دو نتیجه مربوط به ارزش اختیار معامله گرفته شود. نتیجه‌ی نخست تصویر مبلغی است که از طریق آن قیمت بازارِ سهامِ مورد بحث در تاریخ واگذاری نسبت به قیمت مقرر فزونی خواهد داشت. نتیجه دوم امکانِ انتظار این را می‌دهد که قیمت بین تاریخ واگذاری و تاریخ اعمال دارای افزایش بیشتری خواهد بود.

۳. ESOها به عنوان یک دارائی مالی

۳۸۸-۱۷ قبل از این که اختیار معامله اجرا شود، ترتیبات بین کارفرما و کارکن ماهیت یک مشتق مالی را دارد و در حساب مالی دو طرف چنین نشان داده می‌شود. گاهی اوقات این امکان وجود دارد که این اختیارهای معامله در بازار معامله شوند یا کارفرما ممکن است بجای این که سهام جدیدی منتشر کند اختیار معامله‌ها را مجدداً خریداری کند. این امکان وجود دارد که شرکت‌های چند ملیتی ممکن است به کارکنان خود در یک اقتصاد اختیار معامله سهامی را در شرکت مادر در کشور دیگری اعطاء کنند.

۴. ثبت ESOها در حساب SNA

۱۷-۳۸۹ لازم است در تاریخ اعطاء برآوردی از ارزش ESOها انجام شود. این مبلغ باید به عنوان بخشی از جبران خدمات کارکنان که در صورت امکان در طول دوره بین تاریخ اعطاء و تاریخ واگذاری پخش شده باشد، منظور شود. اگر این امکان پذیر نباشد، ارزش اختیار معامله باید در تاریخ واگذاری ثبت شود.

۱۷-۳۹۰ هزینه‌های اداری ESO توسط کارفرما متحمل می‌شود و همانند سایر کارکردهای مدیریتیِ مربوطه به جبران خدمات کارکنان، به عنوان قسمتی از مصرف واسطه تلقی می‌شود.

۱۷-۳۹۱ هرچند ارزش اختیار معامله‌ی سهام به عنوان درآمد تلقی می‌شود، ولی هیچ درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به ESOها وجود ندارد.

۱۷-۳۹۲ در حساب مالی، تحصیل ESOها توسط خانوارها با جزء متناظر جبران خدمات کارکنان همراه با بدهیِ متناظرِ کارفرما مطابقت دارد.

۱۷-۳۹۳ اصولاً، هرگونه تغییری در ارزش بین تاریخ اعطاء و تاریخ واگذاری باید به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان تلقی شود در صورتی که تغییر در ارزش بین تاریخ واگذاری و تاریخ اجرا به عنوان جبران خدمات کارکنان تلقی نمی‌شود بلکه به عنوان منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن محسوب می‌شود. در عمل، بسیار بعید است که برآورد هزینه‌های ESO برای کارفرمایان بین تاریخ اعطاء و تاریخ اجرا بازنگری شود. بنابراین به دلایل عملی، کل افزایش بین تاریخ اعطاء و تاریخ اجرا به عنوان منفعت یا زیان ناشی از نگه داشتن دارائی منظور می‌شود. افزایش ارزش قیمت سهام به بیش از قیمت مقرر، منفعت ناشی از نگه‌داشتن برای کارکن و زیان ناشی از نگه‌داشتن برای کارفرما است و برعکس.

۱۷-۳۹۴ هنگامی که ESO اجرا می‌شود، قلم ورودی در ترازنامه از بین می‌رود تا با ارزش سهام (سهم‌الشرکه) تحصیل شده جایگزین شود. این تغییر در طبقه‌بندی از طریق تراکنش‌های مربوطه در حساب مالی و نه از طریق حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها صورت می‌گیرد.

۵. نمونه‌هائی از استفاده ESO

۱۷-۳۹۵ از برخورد با اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان برای گنجانیدن آن‌ها در حساب‌ها دو پیامد در زمینه‌ی سازگاری حاصل می‌شود. یکی درباره‌ی سایر وسایل تشویق کارکنان که به سهام شرکت مربوط است. دیگری به استفاده از اختیار معامله‌ی سهام برای تأمین هزینه‌های عملیاتی غیر از جبران خدمات کارکنان مربوط است.

۱۷-۳۹۶ نخستین پیامد برای تفاوت‌های مربوط به مدل اولیه‌ی اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان است. شرکت می‌تواند با ارائه‌ی سهام متعلق به خود در صندوق بازنشستگی مشارکت کند. این نمونه معمولاً طرح سهیم شدن کارکنان در مالکیت یا طرح مالکیت سهام نامیده می‌شود. در SNA سال ۱۹۹۳، این سهام به عنوان ادعای خانوار شناخته نشده بود زیرا تأمین مالی به این شیوه "متعارف" نبود. با تغییر به سمت ثبت حق برخورداری از مزایای بازنشستگی برای رویاروئی با آن‌ها بجای دارائی‌های موجود، اختلاف با شیوه‌ی ثبت یکسان با توصیه‌های ISBN از بین می‌رود و لازم است از این توصیه‌ها پیروی شود.

۱۷-۳۹۷ نمونه‌ی دیگری برای استفاده از اختیار معامله‌ی سهام برای تشویق کارکنان، پیشنهاد به کارکنان برای خرید سهام با نرخ‌های مزیتی تحت یک طرحِ خرید سهام (سهم‌الشرکه) کارکنان است. کارکنان مجبور به پذیرفتن پیشنهاد نیستند، ولی اگر این پیشنهاد را بپذیرند تخفیف ارزش سهام باید به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان تلقی شود. به طور مشابه، اگر کارکنان منفعتی را در رابطه با تغییر در سهامِ یک شرکت ولی نه خودِ اقدام دریافت کنند، این پرداختی باید به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان تلقی شود.

۱۷-۳۹۸ پیامد دوم، امکانی است که به موجب آن بنگاه بهای کالاها و خدمات را با اختیار معامله سهام پرداخت می‌کند و نیز آن‌ها را به عنوان قسمتی از بسته‌ی جبران خدمات کارکنان ارائه می‌دهد. وقتی این امر رخ می‌دهد ارزش اختیار معامله‌ی سهام

در صورت امکان باید بوسیله ارزش کالاها و خدمات دریافت شده در مبادله برآورد شود. اگر این امکان وجود نداشته باشد، در این صورت باید از روش ارزش گذاری مشابه با مورد اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان استفاده شود. اختیار معامله سهام باید به عنوان شکلی از اعتبار تجاری بین صادر کنندگان آن و عرضه کننده‌ی کالاها و خدمات در حساب مالی ثبت شود.

این ترتیبات معمولاً به عنوان حق برخورداری از بهافزونیِ سهم‌الشرکه‌ها (سهام) نامیده می‌شود. برای سادگی در SNA، اصطلاح اختیار معامله سهام برای کارکنان (ESO)ها برای منظور کردن حق برخورداری از بهافزونی سهام (صرف سهام) بکار می‌رود.

فصل ۱۸: تنظیم و ارائه‌ی حساب‌ها

الف. مقدمه

۱-۱۸ در فصل‌های پیشین مفاهیم حسابداری SNA و شکل توالی حساب‌ها هردو توضیح داده شد. در این فصل، و فصل‌های بعدی شرح داده می‌شود که این اطلاعات چگونه پایه قرار داده می‌شوند تا از SNA به شیوه‌ای استفاده شود که به بهترین نحو پاسخگوی نیازهای کاربران باشد و همچنین شرح داده می‌شود که روابط متقابل SNA با دیگر استانداردهای بین‌المللی آماری چگونه است.

۲-۱۸ در فصل حاضر، تعدادی از موضوعات خاص مربوط به کسانی که مسئولیت نگه‌داری پایگاه داده‌های حساب‌های ملی را به عهده دارند و نیز ارائه حساب‌ها در مناسب‌ترین شکل آن برای انواع مختلف تحلیل‌گران مورد بحث قرار می‌گیرند. این فصل به طور خاص به موضوعات زیر می‌پردازد:

الف. چگونگی انجام بازنگری‌ها و ناهمخوانی‌های بین داده‌ها و برقراری توازن بین بهنگام بودن داده‌ها و دقت آن‌ها،

ب. حساب‌هائی که باید برحسب حجم ارائه شوند،

پ. نقش داده‌هائی که با تناوب بیشتر از یک سال ارائه می‌شوند،

ت. حساب‌های منطقه‌ای، و

ث. میزان جزئیاتی که در انتشار باید ارائه شوند.

۳-۱۸ هرچند هیچ جدولی در فصل‌های پیشین این موضوع را روشن نکرده است، نخستین کاربرد SNA در زمینه‌ی سری‌های زمانی است به طوری که کاربرانِ حساب‌های ملی بتوانند چگونگی تحول و توسعه‌ی اقتصاد را در طول زمان بسنجند. متخصصین حساب‌های ملی مانند دیگر آمارشناسان، به طور مرتب تحت فشار هستند تا برآوردهای حساب‌های ملی را هرچه سریع‌تر تولید کنند. ناگزیر تنشی بین بهنگام بودن و دقت داده‌ها بوجود می‌آید زیرا معمولاً داده‌های جامع‌تر و استوارتر زمان بیشتری نسبت به نماگرهای کوتاه مدت لازم دارند تا پردازش شوند. تولید حساب‌ها با بیشترین سرعتِ ممکن با بهترین اطلاعاتِ موجود در آن زمان، ناگزیر بازنگریِ برآوردهای اولیه را در پی خواهد داشت. انتشار بازنگری‌های سری زمانی نشانه‌ی ضعف نظام آماری نیست، بلکه باید به عنوان نشانه‌ای از درجه اعتمادی که آمارشناس در برآوردهای اولیه و بازنگری‌های بعدی هردو دارد به آن نگاه شود. برخی از حساب‌های ملی با ضعیف‌ترین کیفیت، آن‌هائی هستند که سال‌ها بدون تغییر باقی می‌مانند. جنبه‌های مربوط به انتشار سری‌های زمانی و نیاز به بازنگری آن‌ها در بخش ب مورد بحث قرار گرفته است.

۴-۱۸ فصل ۱۵ تئوری شاخص‌های قیمت را که می‌توان برای تعدیل قیمت برخی جنبه‌های حساب‌های ملی از ارزش‌های جاری به برآوردهائی برحسب حجم بکار برد مورد بحث قرار داده است. بخش پ به طور خلاصه توضیح می‌دهد که چه قسمت‌هائی از حساب‌ها مفید است برحسب حجم بیان شوند.

۵-۱۸ سری‌های سالانه برای شناخت تغییرات بلند مدت اقتصاد کافی هستند ولی برای ارزیابی آنچه که در کوتاه مدت روی می‌دهد، حساب‌های ملی با فاصله‌های زمانی کوتاه‌تر بین نماگرهای کوتاه مدت و حساب‌های ملی سالانه‌ی کاملاً تفصیلی نقش کلیدی ایفاء می‌کنند. بحث درباره این نوع حساب‌ها نیازمند دستنامه خاص خود است ولی نشانه‌ای از برخی موضوعات کلیدی در بخش ت ارائه شده است.

۶-۱۸ بُعد دیگری از حساب‌ها، حساب‌های منطقه‌ای است که یک منطقه می‌تواند تقسیمات یک کشور یا یک منطقه اقتصادی

متشکل از چندین اقتصاد باشد. بیان خلاصه‌ای از برخی جنبه‌های حسابداری منطقه‌ای در بخش ث ارائه شده است.

۷-۱۸ هدف این است که SNA برای پاسخگوئیِ مناسب به شرایط محلی به صورت انعطاف پذیر ارائه شود. بخش ج چند روش را توضیح می‌دهد که در آن جنبه‌های کلیدی حساب‌ها را می‌توان ارائه کرد. تأکید می‌شود که قرار نیست جدول‌های این بخش به عنوان راهنماهای دقیق تعبیر شوند بلکه فقط نشانه‌هائی از انواع جزئیاتی هستند که در شرایط مختلف برای برجسته کردن جنبه‌های متفاوت اقتصاد می‌توانند فشرده شوند یا گسترش یابند.

ب. سری‌های زمانی، بازنگری‌ها و ناهمخوانی‌ها

۱. سری‌های زمانی

۸-۱۸ جدول‌هائی که در این دستنامه طراحی شده‌اند توضیحی هستند و بنابراین داده‌ها را فقط برای یک دوره نشان می‌دهند. در عمل، سری‌های زمانیِ هم‌افزوده‌ها هستند که تغییرات متغیرهای اقتصادی را که بیشتر مورد توجه تحلیل‌گران است توضیح می‌دهند. سبک جدول‌های استفاده شده در فصل‌های ۶ الی ۱۳ برای نمایش سری‌های زمانی کاملاً مناسب است زیرا در صورت لزوم تعداد ستون‌ها را می‌توان افزایش داد تا سری‌های زمانی طولانیِ رو به افزایش جا داده شوند. برای مثال، بجای این که یک جدول با پنج ستون برای هریک از بخش‌های نهادی، یکی برای کل اقتصاد و یکی برای دنیای خارج تنظیم شود، می‌توان برای هر یک از ستون‌ها یک جدول ولی با سال‌های متعدد یعنی جمعاً هفت جدول تنظیم کرد.

۹-۱۸ میزان طولانی بودن سری‌های زمانیِ نشان داده شده بستگی به تعدادی از عوامل دارد. برای برخی مقاصد، بویژه برای مدل سازیِ اقتصاد کلان، هرچه سری زمانی طولانی‌تر باشد جالب‌تر است و برخی کشورها سری‌هائی دارند که تا پنجاه سال به عقب برمی‌گردد. اما، برای جدول‌های چاپی بیشتر از ده تا پانزده سال آخر را نشان نمی‌دهند، در حالی که داده‌های پیش از آن را به صورت الکترونیکی نشان می‌دهند. معمولاً توجه بیشتری مبذول می‌شود تا اطمینان حاصل شود داده‌های سال‌های اخیر تا جائی که ممکن است دقیق و صحیح باشند در حالی که به داده‌های سال‌های پیش از آن به‌طور کامل توجه نمی‌شود. اما، مطلوب این است که حداقل پیوندی با سری‌های قبل‌تر برقرار شود تا بتوان تحولات بلند مدتِ اقتصادی را بررسی کرد.

۱۰-۱۸ عواملی وجود دارد که حاکی از آن است که سری‌های زمانی عمدتاً مورد توجه محافل علمی هستند. برای مثال، تغییر از اقتصاد دستوری به اقتصاد مبتنی بر بازار که در اوایل سال‌های ۱۹۹۰ در اروپای شرقی اتفاق افتاد، چنان تغییر بنیادی در ماهیت فعالیت‌های اقتصادی بوجود آورد که سری‌های زمانی که دوره‌ی اواخر سال‌های ۱۹۸۰ تا اوایل سال‌های ۱۹۹۰ را در بر می‌گیرند دارای سودمندی تحلیلی محدودی هستند. در این مورد تغییرات سیاسی پیامدهای اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار داده است. در تمامی کشورها، تحولات اقتصادی در طول یک دوره‌ی بلند مدت در پاسخ به نوع آوری‌ها در محصولات، ساز و کارهای بازاریابی و تغییر الگوهای واردات به این معنی است که مقایسه‌ها در طول سال‌های بسیار زیاد باید با احتیاط تفسیر شوند.

۲. بازنگری‌ها

۱۱-۱۸ یکی از پیامدهای تهیه‌ی حساب‌های ملی به صورت مستمر در طول سال‌های متمادی این است که منابع داده‌ها تغییر و بهبود پیدا می‌کنند. ممکن است منابعی نظیر نتایج یک آمارگیری که تنها هر پنج سال یکبار اجرا می‌شود، در دسترس قرار گیرد و نشان دهد که فرض‌های پیشینِ مبتنی بر طرح آمارگیری قبلی ناقص بوده‌اند. در چنین مواردی کافی نیست

که فقط داده‌های دوره‌ی اخیر (یا حتی از تاریخ آمارگیری جدید به بعد) جایگزین شوند بلکه باید اطمینان حاصل شود که کل سری‌های زمانی به طور مناسبی تعدیل شود تا بهترین تحولِ ممکن را در سری‌های مورد بحث در طول دوره‌ای هرچه بلند مدت‌تر توصیف کند. شکست در این کار، ناپیوستگی نامناسبی را در سری‌ها ببار می‌آورد که می‌تواند برای تحلیل‌گرانی که آگاهی از تغییر داده‌های پایه را ندارند به طور جدی گمراه کننده باشد

۱۲-۱۸ نیاز به بازنگری داده‌ها تضاد ذاتیِ بین تهیه‌ی آمارهای دارای دقت هرچه بیشتر و تهیه‌ی آن‌ها با سرعت هرچه بیشتر را پیش می‌آورد. کاربران ممکن است دوست داشته باشند که داده‌ها هردو ویژگیِ به موقع بودن و دقیق بودن را داشته باشند ولی در عمل، لازم است بین این هدف‌ها توازن وجود داشته باشد. هر اداره‌ی آماری باید این ابتکار عمل را داشته باشد که چگونه این درخواست‌های متضاد را متوازن کند ولی نتیجه‌ی نهائی هرچه که باشد، سری‌های زمانیِ سازگار در طول زمان و توضیحاتی که موجب درک کامل تحلیل‌گران از توازنی که اداره آمار مجبور به برقراری آن است، امری اساسی است.

۱۳-۱۸ مجموعه راهنماهائی در باره بهترین شیوه‌ی اجرا و استفاده از نتایج حاصل از تحلیل بازنگری‌ها و فرموله کردن یک سیاست بازنگری که به طور مؤثری نیازهای کاربران را برآورده سازد توسط یک گروه کاری متشکل از نمایندگانی از OECD، اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا و تعدادی از کشورهای عضو آن سازمان‌ها تهیه شده است. مقاله‌ها توسط یک گروه کاری با عنوان *راهنماهای مربوط به سیاست بازنگری‌ها و تحلیل‌ها* (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۰۸) تهیه شده است.

۳. ناهمخوانی‌ها

۱۴-۱۸ هرچند SNA سازگاری کامل بین سه سنجه‌ی GDP را تضمین می‌کند، ولی این یک سازگاری مفهومی است که معمولاً از تهیه‌ی داده‌ها حاصل نمی‌شود. این موضوع به علت تفاوت زیاد منابع داده‌هائی است که لازم است دریافت شوند و این که هر خطائی که در هریک از منابع وجود داشته باشد منجر به تفاوت بین حداقل دو سنجه‌ی GDP خواهد شد. در عمل، وجود بسیاری از این نوع خطاهای داده‌ای اجتناب ناپذیر است و در استفاده از داده‌ها برای مثال در تراز کردن جدول‌های عرضه و مصرف آشکار خواهد شد.

۱۵-۱۸ اداره‌ی آمار همان‌طورکه برای رسیدن به توازن بین به موقع بودن و دقیق بودن آمارها باید انتخاب بعمل آورد، درباره این که چگونه به ناهمخوانی‌ها بپردازد نیز باید انتخاب کند. برای بهبود آمارگیری‌های نمونه‌ای، چارچوب پرسشنامه، استراتژی‌های نمونه‌گیری، روش‌های پردازش از جمله برخورد با داده‌های گمشده و غیره می‌توان منابعی را اختصاص داد. اما چنین رهیافتی، هرچند در نهایت مطلوب است ولی هزینه‌بر و زمان‌بر است. حتی با روش‌های بسیار پیچیده‌ی گردآوریِ داده‌ها، ناهمخوانی‌های بین برآوردهای مختلف در اثر تفاوت‌های پوششی، ارزش‌گذاری و وقفه زمانی در ثبت اقلام ادامه خواهد داشت. علاوه بر این، اداره‌ی آمار همچنین تاحد کم یا زیادی به منابع داده‌های اداری متکی است و ممکن است نتواند به طور کامل نیازهای آمارشناسان را رفع کند.

۱۶-۱۸ دو رهیافت فرا روی اداره آمار وجود دارد. رهیافت نخست این است که به شیوه‌ای باز عمل کند و ناهمخوانی آماری را منتشر کند. وقتی از این رهیافت استفاده شود، معمول این است که اداره‌ی آمار ناهمخوانی‌های آماری را، از سه روش GDP به روشی پیوست کند که احساس می‌کند از دقت کمتری برخوردار است. هدف این است که درباره میزان قابلیت اعتماد داده‌های منتشر شده اطلاعاتی به کاربران داده شود. برای مثال، اداره‌ی آمار ممکن است احساس کند برآورد GDP از روش تولید نسبتاً سالم‌تر است ولی درباره برخی از اجزای GDP از روش مخارج شک داشته باشد.

۱۷-۱۸ رهیافت دیگر برای اداره‌ی آمار، حذف ناهمخوانی‌ها از طریق بازبینی داده‌ها براساس بسیاری از محدودیت‌های حسابداری مطرح شده در SNA است، این کار را می‌توان با بهترین تدبیر ممکن درباره‌ی این که احتمال بروز خطاها در کجا می‌تواند وجود داشته باشد و بعد از آن تعدیل داده‌ها انجام داد. چارچوب عرضه و مصرف که در فصل ۱۴ توضیح داده شد،

وسیله‌ای بسیار قوی برای انجام این نوع کارهاست. اطلاعات بیشتر درباره این نوع تکنیک‌های تراز کننده را می‌توان در دستنامه‌های جدول‌های داده ستانده نظیر دستنامه‌ای که توسط سازمان ملل و اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا تهیه شده است بدست آورد.

۱۸–۱۸ در عمل، برخی از کشورها ممکن است قادر نباشند هر سه رویکرد GDP را تهیه کنند. در حقیقت، گاهی اوقات پیش می‌آید که فقط رویکرد تولید به طور کامل تهیه می‌شود و از اجزای رویکرد مخارج تنها برخی از آن‌ها، مخارج دولت، تشکیل سرمایه (شاید با اطلاعات ناقصی درباره تغییرات موجودی انبار)، صادرات و واردات کالاها در دسترس قرار می‌گیرد. در این گونه موارد اگر برآوردی از GDP برحسب مخارج طوری ارائه شود که مصرف خانوار به عنوان یک قلم کل تراز کننده‌ی آن بدست آمده باشد، این برآورد نه تنها ارزش واقعی مصرف خانوار بلکه ارزش ناشناخته‌ای از آن را نیز پوشش می‌دهد در این صورت اثر خالص همه‌ی خطاهای انباشته شده از سایر قسمت‌های برآوردها را نیز در بر خواهد داشت.

۱۸–۱۹ هر خطائی در رویکرد تولید، ارقام گمشده برای واردات و صادرات خدمات، یا ثبت مخارج دولت بجای پایه تعهدی بر پایه نقدی، ارزش مصرف خانوار را تحریف خواهد کرد. در این صورت، اگر ارقام مازاد عملیاتی ناخالص از کسر جبران خدمات کارکنان و مالیات منهای یارانه بر تولید از رقم نادرست GDP بدست آید، خطاها به این هم‌افزوده نیز سرایت خواهد کرد. توصیه برای کاربرانی که از حساب‌های بدون ناهمخوانی‌های آماری استفاده می‌کنند این است که از درکِ چگونگی حذف این ناهمخوانی‌ها مطمئن شوند. توصیه برای تهیه کنندگان، مطالعه‌ی امکان کار کردن در سطوح تفصیلی‌تر است تا از ساختن فرض‌های ناخالص درباره داده‌هائی که وجود ندارد، بویژه فرض ارزیابی شرایط زندگی به عنوان مصرف خانوار اجتناب بعمل آید.

ناهمخوانی در خالص وام دهی یا خالص وام‌گیری

۱۸–۲۰ اغلب، فرایند تهیه‌ی حساب‌های مالی و ترازنامه‌ها کاملاً مستقل از بقیه‌ی حساب‌هائی است که ارقام خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری بدست آمده از هریک حتی اگر از نظر مفهومی یکسان باشند، در عمل متفاوت هستند. یک مورد ناهمخوانی ممکن است خطائی را در حساب مالی یا در هر جائی از حساب‌ها تا تراز حساب سرمایه نشان دهد. بررسی تفاوت‌ها به صورت بخش به بخش می‌تواند به تشخیص محتمل‌ترین منابع خطا کمک کند. برای مثال، یک ناهمخوانی بزرگ در خالص وام‌گیریِ خانوار می‌تواند به این معنی باشد که بعضی درآمدهای خانوار ثبت نشده‌اند؛ یک ناهمخوانی بزرگ در خالص وام‌گیری برای شرکت‌های غیرمالی می‌تواند به این معنی باشد که بعضی مخارج مربوط به سرمایه ثابت ثبت نشده‌اند. ولی هریک از موارد باید به صورت مورد به مورد بررسی شوند.

پ. حساب‌ها برحسب حجم

۱۸–۲۱ یکی از اهداف عمده‌ی تهیه‌ی حساب‌هائی که دوره زمانی طولانی‌تری را پوشش می‌دهند این است که بتوان روش تغییر ساختار اولیه‌ی اقتصاد را مطالعه کرد. این را می‌توان با مطالعه‌ی ترکیب در حال تغییر هم‌افزوده‌های اقتصاد کلان به ارزش‌های جاری مشاهده کرد. ولی برای تعیین رشدهای اقتصادی لازم است اثر تغییرات قیمت حذف شود. این کار با تهیه‌ی حساب‌ها برحسب حجم انجام می‌شود که کاربران را قادر می‌سازد تا تغییرات را از سالی به سال دیگر در صورت عدم تغییر قیمت‌ها مشاهده کنند. فصل ۱۵ به تفصیل زمینه‌های تئوری و عملی تهیه شاخص‌های قیمت و تهیه سنجه‌های حجمی را توضیح داده است. فصل ۱۵ همچنین پیامدهای تهیه‌ی سری‌های زمانی برحسب حجم را با استفاده

از شاخص‌های زنجیره‌ای که در آن بعضی اثرات تغییرات قیمت در برآوردهای حجمی تأثیر می‌گذارد، توضیح می‌دهد.

۱۸–۲۲ فقط عناصر حساب کالاها و خدمات و موجودی سرمایه‌ی غیرمالی است که برای آن‌ها سنجه‌های حجمی محاسبه می‌شود. به طور کلی، جریان‌های درآمد دارائی، انتقالات و تراکنش‌های مالی فقط از لحاظ اسمی نشان داده می‌شوند. در حالت تورم شدید، ممکن است حتی این جریان‌ها نیز برحسب حجم اندازه‌گیری شوند ولی اصولاً این کار رایج نیست.

۱۸–۲۳ همانطور که عناصر حساب کالاها و خدمات برحسب حجم ارائه می‌شوند، کل جدول‌های عرضه و مصرف را نیز می‌توان برحسب حجم ارائه کرد. تهیه‌ی این نوع جدول‌ها نه تنها تراز کالاها و خدمات را وقتی به ارزش‌های جاری نشان داده می‌شوند تضمین می‌کند بلکه این اطمینان را هم می‌دهد که قیمت‌های بکار رفته برای تعدیل قیمت آن‌ها کاملاً سازگار هستند. از نظر مفهومی، شاخص تولید باید به یک شاخص موزون از قیمت‌های نهاده‌ها مربوط باشد، در حالی که وزن‌ها با ارزش‌های رده‌های مختلف نهاده متناظر هستند. اگر قیمت‌های بکار رفته در تعدیل قیمت ستانده و قیمت‌های بکار رفته در تعدیل قیمت مصرف واسطه سازگار نباشند، تعدیل کننده‌ی ضمنی برای ارزش افزوده پذیرفتنی نخواهد بود. کشف این نوع ناپذیرفتنی بودن نشانه‌ای از این است که ارقام ارزش جاری بخوبی تراز نیستند، قیمت‌های استفاده شده ناسازگار یا نامناسب یا هم ناسازگار و هم نامناسب هستند.

۱۸–۲۴ بهتر است ابتدا اجزای مخارج GDP و اجزای تولید GDP به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند، سپس جدول عرضه و مصرف و در نهایت سنجه‌های موجودی سرمایه بررسی شوند.

۱. اجزای مخارج GDP

۱۸–۲۵ آسان‌ترین رویکرد برای محاسبه‌ی GDP برحسب حجم، رویکرد مخارج است. تا زمانی که شاخص‌های قیمت مناسبی وجود داشته باشند، برآوردهای مصرف خانوار، تشکیل سرمایه، صادرات و واردات را می‌توان بدون مشکلات مفهومی زیادی تعدیل قیمت کرد. کارِ مطلوب این است که در سطحی هرچه تفصیلی‌تر با استفاده از سطح تفصیلی موجود محصول برای هریک از هم‌افزوده‌ها انجام شود. همان‌طور که در فصل ۱۵ توضیح داده شد، باید دقت شود که اطمینان حاصل گردد تفاوت کیفیت‌ها به درستی در تعدیل کننده‌های قیمت به حساب آورده شده‌اند. این موضوع در مورد تشکیل سرمایه دارای اهمیت ویژه‌ای است زیرا بسیاری از اقلام آن نظیر رایانه‌ها تحت تأثیر تغییرات سریع فناوری هستند و نیز بسیاری از اقلام آن سفارشی هستند، زیرا مثلاً قطعات ماشین‌آلات سنگین براساس مشخصات درخواست شده توسط افراد ساخته می‌شوند.

۱۸–۲۶ تهیه شاخص‌های قیمت برای خدمات بویژه خدمات غیربازاری مشکل‌تر از تهیه شاخص‌های قیمت برای کالاها است. از آنجا که ارزش جاری خدمات غیربازاری معمولاً به صورت حاصل جمع هزینه‌ها تعیین می‌شود، رهیافت قطعی، تعدیل قیمت هریک از این هزینه‌ها (شامل محاسبه جبران خدمات کارکنان به نرخ‌های ثابت جبران خدمات) است. اما، این رهیافت تغییر کیفیت خدمات ارائه شده و بویژه اثرات تغییر بهره‌وری حاصل شده را در نظر نمی‌گیرد. در بعضی موارد، باید اندازه‌گیری مستقیم حجم در نظر گرفته شود همان‌طور که در *دستنامه مربوط به سنجه‌های قیمتی و حجمی* یا دستنامه *بسوی اندازه‌گیری حجم سلامت، آموزش و خدمات* (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۹) توضیح داده شده است. کار پژوهشی به طور فعالانه در حال انجام است تا بتوان برآوردهای حجمی ستانده را با به حساب آوردن تغییرات کیفیت و نیز مقدار خدمات ارائه شده بدست آورد.

۲. اجزای تولید GDP

۱۸–۲۷ محور سنجه‌ی تولید GDP، ارزش افزوده، قلم تراز کننده‌ی حساب تولید است. دیدگاه‌هائی را می‌توان یافت که تصور می‌کنند امکان این که قلم ترازکننده‌ای ابعاد قیمت و حجم داشته باشد وجود ندارد. تا به امروز رایج‌ترین تجربه، تعدیل قیمت ارزش ستانده و مصرف واسطه‌ی هر صنعت (رشته فعالیت) به طور مستقل از یکدیگر و سپس بدست آوردن تفاوت آن‌ها به عنوان ارزش‌افزوده‌ی آن صنعت (رشته‌فعالیت) بوده است. (این شیوه تحت عنوان روش تعدیل دوجانبه

شناخته شده است. به دو دلیل شاخص‌های قیمت متفاوتی مورد نیاز است. نخست به دلیل این که کالاها و خدماتی که مصرف واسطه هر صنعتی (رشته‌فعالیتی) را تشکیل می‌دهند با ستانده آن صنعت (رشته‌فعالیت) یکسان نیستند. دلیل دوم این که نهاده‌های واسطه همیشه به قیمت‌های خریدار اندازه‌گیری می‌شوند در حالی که ستانده، به قیمت پایه یا به قیمت تولید کننده اندازه‌گیری می‌شود.

۱۸-۲۸ با وجود علاقه‌ی روزافزون به تلاش برای ارتباط دادن تغییرات ارزش افزوده، بعد از حذف اثر قیمت‌ها، به تغییرات نهاده‌های کار و سرمایه، اخیراً تلاش‌هائی در این زمینه صورت گرفته است. شرحی از مفاهیم مختلف بهره‌وری را می‌توان در *اندازه‌گیری بهره‌وری: اندازه‌گیری رشد کل بهره‌وری و سطح صنعتی (رشته فعالیتی) (OECD, 2001)* بدست آورد که پس از این فقط *اندازه‌گیری بهره‌وری* نامیده خواهد شد. این دستنامه در مورد سؤالی بحث می‌کند که آیا برآورد هزینه‌های سرمایه و نیروی کار دقیقاً همان برآوردی را ارائه می‌دهد که از برآورد مستقیم حجم ارزش افزوده حاصل می‌شود، موضوعی که در فصل ۲۰ درباره خدمات سرمایه به آن پرداخته شده است.

۳. جدول‌های عرضه و مصرف برحسب حجم

۱۸-۲۹ سطرهای جدول مصرف نشان می‌دهد که عرضه کل محصول چگونه برای مصرف واسطه، مصرف نهائی، تشکیل سرمایه و صادرات بکار رفته است. این اتحاد باید از از نظر ارزش برقرار باشد. اگر محصول مورد بحث محصولی باشد که سنجه‌ی بدون ابهامی از مقدار آن وجود داشته باشد، این اتحاد بایستی برحسب حجم نیز برقرار باشد. اگر ارقام حجمی با تعدیل قیمت ارزش‌های جاری بدست آمده باشد، این اتحاد هنگامی با قطعیت برقرار خواهد بود که هر مقوله مصرف با استفاده از شاخص قیمتی که کاملاً مناسب آن است تعدیل قیمت شده باشد.

۱۸-۳۰ تهیه‌ی همزمانِ جدول‌های عرضه و مصرف به ارزش‌های جاری و برحسب حجم و بنابراین بررسی همزمانِ سازگاری تمامی داده‌های نهاده‌ها، شامل شاخص‌های قیمت، اقدام خوبی است.

۴. موجودی سرمایه

۱۸-۳۱ بدست آوردن برآوردهای مصرف سرمایه‌ی ثابت نیازمند برآوردهائی از موجودی سرمایه با خارج کردن اثرات تغییر قیمت‌ها است، حتی اگر فکر برآورد سنجه‌های خدمات سرمایه یا بهره‌وری وجود نداشته باشد. میزان موجودی سرمایه به طور معمول با انباشت تشکیل سرمایه در دوره‌های متوالی و کسر اندازه‌ی مصرف شده بدست می‌آید. برآورد کل تشکیل سرمایه به قیمت‌هائی که واقعاً پرداخت شده‌اند غیرمنطقی است زیرا اثر قیمت‌های رو به افزایش (حتی افزایش بسیار ملایم) بیش برآوردی میزان سرمایه "جدید" نسبت به "قدیم" را در پی خواهد داشت.

۱۸-۳۲ روش ترجیح داده شده، برآورد تمامی سرمایه‌ی باقی‌مانده در موجودی به قیمت یک سالِ واحد و سپس بازارزش‌گذاری آن به قیمت‌های غالب در زمان تنظیم ترازنامه، معمولاً اولین و آخرین روز دوره حسابداری، است. این کار باید در تفصیلی‌ترین حدی که عملی است انجام شود. در فصل ۲۰ می‌توان در این مورد مطالب بیشتری بدست آورد.

ت. حساب‌های فصلی و حساب‌های دیگر با بسامد (تناوب) بالا

۱۸-۳۳ یکی از راه‌های پاسخ به تقاضای داده‌های بهنگام تهیه حساب‌هائی با بسامد بیشتر از سالانه است. در عمل، SNA را می‌توان برای هر طول دوره‌ی زمانی بکار برد ولی ملاحظات خاصی در مورد حساب‌های با بسامد بالا در مقابل حساب‌های

سالانه وجود دارد که لازم است در نظر گرفته شود. یکی از گزینه‌ها برای داده‌های با بسامد بالا حساب‌های فصلی است. برای جزئیات بیشتر درباره تهیه حساب‌های فصلی، به *دستنامه حساب‌های ملی فصلی: مفاهیم، منابع داده‌ها و تدوین* یا *دستنامه حساب‌های ملی فصلی (اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، ۱۹۹۹)* مراجعه شود. این دستنامه‌ها به تفصیل درباره موضوعاتی نظیر استفاده از نماگرها برای برون‌یابی داده‌ها و محک زدن برآوردهای فصلی با داده‌های سالانه بحث می‌کنند. آنچه که در اینجا پی گرفته می‌شود فقط اشاره‌ای است به برخی از ملاحظات کلیدی که در حساب‌های فصلی در مقابل حساب‌های سالانه اعمال می‌شود. ملاحظات مشابه به حساب‌های دیگر با بسامد بالا نیز اعمال می‌شود.

۱. مسائل مفهومی

زمان ثبت

۱۸–۳۴ اصول زمان ثبت برای حساب‌های فصلی نیز همانند حساب‌های سالانه است. حساب‌ها باید بر پایه تعهدی و نه نقدی تهیه شوند. در عین حال که همیشه مبالغی وجود خواهند داشت که تعلق گرفته‌اند ولی هنوز پرداخت نشده‌اند، نسبت این مبالغ به کل جریان‌های دوره، در دوره کوتاه‌تر بیشتر خواهد بود.

تعاریف مربوط به یک سال یا بیشتر

۱۸–۳۵ برای این که کالائی دارائی ثابت تلقی شود معیار این است که باید برای بیش از یک سال در تولید بکار رفته باشد. برای سادگی امر و سازگاری حساب‌های فصلی و سالانه، این دوره حتی برای حساب‌های فصلی نیز حفظ می‌شود.

۱۸–۳۶ به طور مشابه تفاوت بین کوتاه مدت و بلند مدت در طبقه بندی دارائی‌های مالی برای حساب‌های فصلی نیز همچنان یک سال خواهد بود.

فصلی بودن

۱۸–۳۷ یکی از جنبه‌های حساب‌های فصلی تأثیر تغییرات بالقوه در الگوی عرضه و تقاضا به دلیل تغییر فصل است. است برای مثال، ممکن است در زمستان برای گرم کردن بناها برق بیشتری نسبت به تابستان مصرف شود یا برعکس، ممکن است در تابستان برق بیشتری برای خنک کردن بناها مصرف شود. بسیاری از محصولات زراعی در زمانی از سال آسان‌تر از زمان دیگر در دسترس قرار می‌گیرند و از اینرو قیمت‌های پائین‌تری دارند. به این دلایل، با وجود این که حساب‌های فصلی باید ابتدا با استفاده از داده‌های مشاهده شده تهیه شوند، ولی مطلوب این است که داده‌های فصلی بر مبنای تعدیلات فصلی محاسبه شوند تا الگوی تحولات اقتصادی جدا از اثرات فصلی مطالعه شود.

۱۸–۳۸ بسیاری از تعطیلات در زمان مشخصی از سال قرار می‌گیرند که منجر به تفاوت روزهای کاری در هر فصل می‌شود. از اینرو رایج است که سری‌های تعدیل شده با تعداد روزهای کاری در یک دوره محاسبه شوند. از اینرو مطلوب این است که داده‌های با بسامد بالا با اثرات فصلی و روزهای کاری هردو تعدیل شوند.

۲. کیفیت داده‌ها

۱۸–۳۹ هنگام تهیه حساب‌های فصلی، لازم است میزان دسترسی به داده‌های فصلی نسبت به داده‌های سالانه مقایسه شود. معمولاً اطلاعات بیشتری به صورت سالانه وجود دارند و این داده‌ها جامع‌تر یا حداقل دارای کیفیت بهتری نسبت به داده‌های فصلی هستند. تا زمانی که این چنین است، حساب‌های فصلی باید مقدماتی تلقی شوند که وقتی داده‌های سالانه‌ی قابل اعتمادتری در دسترس قرار می‌گیرند نیاز به بازنگری خواهند داشت. با این وجود، تنها یک محک ساده‌ی مشاهدات چهار فصلی با ارقام احتمالی سالانه، می‌تواند تغییرات غیرمنتظره و بعیدی را از آخرین فصل بازنگری شده به فصل بعدی (گاهی اوقات "پله" نامیده می‌شود) نشان دهد مگر این که روش‌هائی برای حل آن بکار رود. برنامه‌های رایانه‌ای رایجی در دسترس ادارات آمار است که برای تعدیل به صورت خودکار بکار می‌رود تا اطمینان حاصل شود که پله‌ای از این نوع حاصل نمی‌شود.

۱۸–۴۰ هرچند معمول است که اطمینان حاصل شود حاصل جمع داده‌های چهار فصل قبل از تعدیل، با ارقام سالانه برابر است، اگر قرار باشد از مشکل پله که در بالا اشاره شد اجتناب شود اعمال این برابری برای داده‌های تعدیل شده به طور فصلی ممکن است مشکل و از اینرو غیرعاقلانه باشد.

۱۸–۴۱ برخی از داده‌های ارزشی هیچ‌گاه به طور فصلی موجود نیستند و ممکن است لازم باشد برآوردهای فصلی با درون یابی و پیش بینیِ اطلاعات سالانه ساخته شود. اما، استفاده از روش‌های ریاضی برای بدست آوردن داده‌ها باید به حداقل برسد زیرا بعید است که چنین روش‌هائی قادر به تشخیص نوسانات اقتصادی باشند که حساب‌های فصلی برای یافتن آن‌ها طراحی شده‌اند. داده‌های ارزشی که از طریق درون‌یابی یا پیش بینی بدست آمده باشند بعید است محتوای فصلی قوی داشته باشند در این صورت حساب‌های کامل با همه تغییرات فصلی وجود نخواهد داشت.

موجودی انبار

۱۸–۴۲ یک استثناء بر قاعده‌ی کلیِ کیفیتِ برتر داده‌های سالانه نسبت به داده‌های فصلی مربوط به اندازه‌گیری تغییرات موجودی انبار است. میزان موجودی انبار در ابتدا و انتهای دوره باید تعدیل قیمت شوند و تغییر موجودی انبار به صورت تفاوت محاسبه شود. هنگامی که کالاها در انبار نگه داشته می‌شوند منفعت (یا زیان) ناشی از نگه داشتن می‌تواند رخ دهد و هرچه دوره‌هائی که برای آن‌ها تغییرات موجودی انبار بجز منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن برآورد می‌شود کوتاه‌تر باشند، آن برآوردها معمولاً بهتر خواهند بود. (مورد مشابه مربوط به سهام است که با استفاده از داده‌هائی که روزانه یا در برخی نمونه‌ها با بسامد بیشتر اعلام می‌شوند منفعت یا زیان ناشی از نگه داشتن حذف می‌شود). تصور این وضعیت ساده است که میزان موجودی انبار در همان تاریخ در سال‌های بعد یکسان باشد (احتمالاً صفر) ولی در کالاهای وارد شده به انبار و سپس خارج شده از آن در این دوره تغییرات قابل ملاحظه‌ای وجود داشته است. در چنین مواردی، حاصل جمع برآوردهای فصلی (حتی دوره‌های کوتاه‌تر) از تغییرات موجودی انبار باید به برآوردهای سالانه ترجیح داده شود.

۳. حساب‌های فصلی برحسب حجم

۱۸–۴۳ دقیقاً مانند حساب کالاها و خدمات سالانه می‌توان حساب کالاها و خدمات فصلی را نیز برحسب حجم بیان کرد. هرچند توصیه می‌شود که شاخص‌های حجم زنجیره‌ای شوند، برای حساب‌های فصلی توصیه می‌شود که شاخص‌های حجم فقط باید بر مبنای سالانه زنجیره‌ای شوند تا از نتایج ساختگی که می‌تواند ناشی از اثرات فصلی باشد اجتناب شود. این روش‌ها به تفصیل در پاراگراف‌های ۱۵–۴۵ الی ۱۵–۵۰ شرح داده شده‌اند.

۴. پوشش حساب‌های فصلی

۱۸–۴۴ در اصل، تهیه کل مجموع حساب‌های SNA، از جمله ترازنامه‌ها، به صورت فصلی امکان پذیر است. با وجود این، رایج‌ترین مجموعه حساب‌های فصلی حساب کالاها و خدمات، اجزای درآمد ارزش افزوده، مخارج دولت، ترازنامه و تغییرات ترازنامه‌ها برای دارائی‌های مالی و بدهی‌ها است. حساب کالاها و خدمات فصلی نیز باید برحسب حجم تهیه شود.

ث. حساب‌های منطقه‌ای

۱۸–۴۵ وقتی ناهمخوانی‌های مهمی بین توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف یک کشور وجود دارد حساب‌های منطقه‌ای دارای اهمیت ویژه‌ای است.

۱۸–۴۶ سیستم کامل حساب‌ها در سطح منطقه ایجاب می‌کند که هر منطقه به عنوان یک هستار متفاوت تلقی شود. در این باره، انجام تراکنش با مناطقِ دیگر طوری ثبت می‌شود که گوئی

تراکنش‌های خارجی هستند. در تراکنش‌های خارجیِ یک منطقه باید بین تراکنش با دیگر مناطقِ کشور و تراکنش با دنیای خارج تفاوت قائل شد.

۱۸–۴۷ درباره‌ی حساب‌های منطقه‌ای باید سه نوع واحد نهادی مد نظر قرار گیرند:

الف. واحدهای منطقه‌ای وجود دارند، که مرکز منافع اقتصادی اصلی هریک از آن‌ها در یک منطقه‌ی واحد است و اکثر فعالیت‌های آن‌ها در این منطقه صورت می‌گیرد. در میان واحدهای منطقه‌ای، خانوارها، شرکت‌هائی که کارگاه‌های آن‌ها همه در یک منطقه مستقر هستند، دولت محلی و ایالتی، دستکم قسمتی از تأمین اجتماعی و بسیاری از NPISHها از این نوع هستند.

ب. واحدهای چند منطقه‌ای وجود دارند که مرکز منافع اقتصادی اصلی هریک از آن‌ها در بیش از یک منطقه است ولی به کل اقتصاد مربوط نیست. بسیاری از شرکت‌ها و تعدادی از NPISHها این وضعیت را دارند.

پ. تعداد کمی از واحدها ملی هستند، به این معنی که مرکز منافع اقتصادی اصلی آن‌ها از نظر جغرافیائی حتی به مفهوم مکان چند منطقه‌ای مستقر نیست. این‌ها معمولاً دولت مرکزی و شاید تعداد کمی از شرکت‌های (احتمالاً دولتی) با وضعیت انحصاری یا شبه انحصاری، نظیر شرکت ملی راه آهن یا شرکت ملی برق، هستند.

۱۸–۴۸ انتساب تراکنش‌های واحدهای منطقه‌ای به یک منطقه‌ی خاص از نظر مفهومی مسأله زیادی را بوجود نمی‌آورد. انتساب تراکنش‌های واحدهای چند منطقه‌ای بین مناطقِ مختلف مشکلات بیشتری را بوجود می‌آورد. هنگام بررسی تحویل کالا و ارائه‌ی خدمات بین واحدهای یک بنگاه در مناطق مختلف، لازم است توصیه پاراگراف ۶–۱۰۴ درباره تحویل‌های درون بنگاهی بکار برده شود. این تحویل‌ها تنها هنگامی ثبت می‌شوند که واحد دریافت کننده مسئولیت تصمیم‌گیری درباره میزان عرضه و قیمت‌هائی که ستانده آن‌ها به بازار تحویل داده می‌شوند را بعهده داشته باشد. وقتی این حالت وجود نداشته باشد، واحد دریافت کننده تنها به عنوان ارائه دهنده‌ی خدمتِ پردازش به واحد فرستنده در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۱۸–۱: بالاترین سطح تجمیع SNA/ISIC (الف*۱۰)

	بخش‌های *ISIC Rev.4*	شرح
۱	A	کشاورزی، جنگلداری و شیلات
۲	B, C, D, E	صنعت ساخت، استخراج معادن و دیگر صنعت‌ها
۲ الف	C	*جزئی از آن:* صنعت ساخت
۳	F	ساخت و ساز
۴	G, H, I	فعالیت‌های خدمات عمده فروشی وخرده فروشی، حمل و نقل و انبارداری، تأمین جا و غذا
۵	J	اطلاعات و ارتباطات
۶	K	فعالیت‌های مالی و بیمه
۷	L	فعالیت‌های مستغلات
۸	M, N	فعالیت‌های خدمات حرفه‌ای، علمی، فنی، اداری و پشتیبانی
۹	O, P, Q	فعالیت‌های اداره امور عمومی، دفاع، آموزش، سلامت انسان، و امور اجتماعی
۱۰	R, S, T, U	سایر خدمات

۱۸–۴۹ علاوه بر این، برخی از تراکنش‌های واحدهای چند منطقه‌ای را نمی‌توان بسادگی به مناطق مختلفی که در آن‌ها کار می‌کنند منتسب کرد. این مورد برای اکثر درآمدهای دارائی و تراکنش‌های مالی وجود دارد. از اینرو تنها قلم ترازکننده‌ی واحدهای چند ملیتی که می‌توان در سطح منطقه تعیین کرد ارزش افزوده و مازاد عملیاتی هستند. این مشکلات مطابق با مشکلاتی هستند که هنگام تهیه‌ی حساب‌های صنعت‌هائی (رشته فعالیت‌هائی) که انواع مختلف فعالیت‌ها را در کارگاه‌های جداگانه‌ای از همان بنگاه انجام می‌دهند بوجود می‌آیند.

۱۸–۵۰ انتساب تراکنش‌های واحدهای نهادی ملی بر حسب منطقه حتی مسائل پیچیده‌تری را بوجود می‌آورند تا حدی که سودمندی تلاش برای انجام این کار زیر سؤال می‌رود. در حالی که فروش برق و خدمات راه آهن یا جبران خدمات پرداخت شده به کارکنان توسط دولت مرکزی ممکن است به مناطق منتسب شود، بهره روی بدهی‌های عمومی پرداختنی توسط دولت مرکزی یا شرکت‌های ملی نمی‌توانند از نظر جغرافیائی در مکانی قرار داده شوند. در نتیجه، یک راه حل منطقی این است که نوعی "شبه منطقه" ملی که بین مناطق تخصیص نیافته باشد معرفی شود و به عنوان یک فرا منطقه تلقی گردد. این شبه منطقه‌ی ملی می‌تواند ادارات مرکزی بنگاه‌هائی را که دارای کارگاه‌های مستقر در منطقه بوده و به آن منتسب شده‌اند را در بر گیرد.

۱۸–۵۱ این مشکلات مفهومی توجیهی برای این مسأله است که چرا هیچ کشوری حساب‌های کامل SNA را برای هر منطقه تهیه نمی‌کند. در بسیاری از موارد حساب‌های منطقه‌ای به ثبت فعالیت‌های تولیدی (با مسائل مفهومی موجود برای محل استقرار برخی از آن‌ها، نظیر حمل و نقل و ارتباطات) برحسب صنعت (رشته فعالیت) و حساب‌های کامل‌تر برای بخش‌های نهادی که از واحدهای منطقه‌ای تشکیل شده‌اند، نظیر خانوارها و دولت ایالتی و محلی، محدود است. تهیه حساب کالاها و خدمات و جدول‌های داده – ستانده برحسب منطقه مسائل مفهومی غیرقابل حلی را بوجود نمی‌آورند، اگرچه مشکلات نحوه برخورد با ارسال کالاها و ارائه‌ی خدمات به مناطق دیگر و برعکس به عنوان صادرات و واردات وجود دارند. اما، مشکلات عملی این کار در نبود یک نظام آمارهای پیچیده‌ی حمل و نقل بسیار قابل ملاحظه است.

۱۸–۵۲ همچنین باید توجه داشت که در کشورهای بزرگ قیمت یک محصول در مناطق مختلف می‌تواند تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. تحقیق کامل درباره اثر اختلاف قیمت‌ها در تولید و مخارج منطقه‌ای می‌تواند به اجرای یک نوع طرحِ PPP منجر شود تا بتوان تفاوت قدرت خرید در مناطق مختلف را برآورد کرد.

۱۸–۵۳ با این حال، حساب‌های منطقه‌ای حتی با محدودیت‌هائی که در بالا بیان شد، ابزار بسیار مفیدی را برای سیاست‌های اقتصادی فراهم می‌کنند. حساب‌های منطقه‌ایِ محدود را می‌توان در یک مجموعه شاخص‌های آماری منطقه‌ای درباره مشارکت نیروی کار، بیکاری، فقر و غیره قرار داد. هرچه تضاد بین مناطق یک کشور بیشتر باشد، این نوع سیستم نماگرهای منطقه‌ای از جمله ارزش افزوده‌ی سرانه، درآمد قابل تصرف خانوار و مصرف سرانه‌ی خانوار مفیدتر خواهد بود. این به اختیار خودِ کشورها است که درباره حساب‌های منطقه‌ای و نماگرهای آماری خود با به حساب آوردن شرایط خاص خود، نظام داده‌ها و منابعی که می‌توانند به این کار اختصاص دهند، تدبیری بیاندیشند.

۱۸–۵۴ دو دستنامه وجود دارد که جزئیات بیشتری را درباره حساب‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهد: *روش‌های حساب‌های منطقه‌ای- ارزش افزوده‌ی ناخالص و تشکیل سرمایه‌ی ناخالص برحسب فعالیت اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، ۱۹۹۵)* و *روش‌های حساب‌های منطقه‌ای – حساب‌های خانوار (اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا ۱۹۹۶)*.

جدول ۱۸-۲: سرفصل‌های سطح صنعتی (رشته‌فعالیتی) برای کشوری با اقتصاد بزرگ معیشتی

ISIC Rev.4			شرح
بخش‌ها	قسمت‌ها	گروه‌ها	
			پولی
A			**کشاورزی، جنگلداری و شیلات**
	۰۱		فعالیت‌های تولید محصولات زراعی و حیوانات، شکار و خدمات وابسته
			محصولات زراعی پولی
			محصولات زراعی غذائی
		۰۱۴	تولید حیوانات
	۰۲		جنگلداری و قطع درختان
	۰۳		ماهیگیری و آبزی پروری
B			**استخراج معادن (زیر زمین و سطح زمین)**
c			**ساخت**
			رسمی
			غیررسمی
D و E			**فعالیت‌های تأمین برق، گاز، بخار و تهویه هوا؛ و تأمین آب؛ مدیریت فاضلاب، پسماند، و تصفیه**
F			**ساخت و ساز**
G			**عمده فروشی و خرده فروشی؛ تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت**
			رسمی
			غیررسمی
I			**فعالیتهای خدمات تأمین جا و غذا**
H			**حمل و نقل و انبارداری**
		۴۹۱	حمل و نقل از طریق راه آهن
		۴۹۲	سایر حمل و نقل زمینی
		۴۹۳، ۵۱۱، ۵۱۲	حمل و نقل هوائی، حمل و نقل از طریق خطوط لوله و انبارداری و فعالیت‌های پشتیبانی
		۵۲۱، ۵۲۲	حمل و نقل
	۵۳، ۶۰ و ۶۱		فعالیتهای پست و پیک؛ فعالیتهای تهیه و پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون و مخابرات
J تا U			**سایر خدمات**
	۸۴		اداره امور عمومی و دفاع؛ تأمین اجتماعی اجباری
	۸۵		آموزش
	۸۶، ۸۷ و ۸۸		فعالیتهای مربوط به سلامت انسان و امور اجتماعی
	۶۸		فعالیت‌های مستغلات
			متفرقه
			جمع پولی
			غیرپولی
A			**کشاورزی، جنگلداری و شیلات**
	۰۱		فعالیت‌های تولید محصولات زراعی و حیوانات، شکار و خدمات وابسته
			محصولات زراعی غذائی
		۰۱۴	تولید حیوانات
	۰۲		جنگلداری و قطع درختان
	۰۳		ماهیگیری و آبزی پروری
F			**ساخت و ساز**
	۶۸		اجاره بهای احتسابی واحدهای مسکونی مالک ساکن
			سایر فعالیت‌های غیرپولی
			جمع غیرپولی
			جمع ارزش افزوده به قیمت‌های پایه
			مالیات منهای یارانه بر محصول و واردات
			محصول ناخالص داخلی

ج. نحوه‌ی ارائه داده‌ها

۱۸–۵۵ همان‌طور که پیش از این اشاره شد، هرچند با درج ستون‌های بیشتری برای زیربخش‌ها و درج سطرهای بیشتری برای تراکنش‌های تجزیه شده امکان نشان دادن تفصیلات بیشتری در حساب‌های اقتصادی یکپارچه وجود دارد، ولی این وضعیت ممکن است در یک جدول بسیار پیچیده و غیرقابل کنترل بسرعت حاصل شود. به این دلیل، تحلیل‌های تفصیلی‌تر درباره‌ی تولید و تراکنش‌های کالاها و خدمات، تراکنش‌های مالی و ترازنامه‌های تفصیلی، و نیز تحلیل‌های مصارف برحسب هدف در انواع دیگری از جدول‌ها نشان داده می‌شوند. برخی از این جدول‌ها در فصل‌های بعدی شرح داده شده‌اند. در این بخش درباره‌ی ارائه‌ی هم‌افزوده‌های اصلی اقتصاد کلان با جزئیات داده‌های پشتیبان آن‌ها بحث می‌شود.

۱۸–۵۶ برای درک SNA فهم سه روش مختلف تهیه‌ی GDP، از رهیافت‌های تولید، مخارج و درآمد، ضروری است. اما، تعاریف مطرح شده در فصل ۱۶ بر انواع مختلف جریان‌ها در بالاترین سطح تجمیع متمرکز است تا سه رهیافت را هرچه روشن‌تر از یکدیگر متمایز سازد. در عمل هنگام ارائه نتایج به کاربران، قدری تفصیل بیشتر لازم است. میزان و نوع تفصیل می‌تواند از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد ولی راهنماهای بسیاری وجود دارد که معمولاً توسط سازمان‌های بین‌المللی وقتی جدول‌هائی را برای کشورهای مختلف به طور همزمان تولید می‌کنند مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱. سنجه‌های تولید GDP

۱۸–۵۷ برای سنجه تولید، معمولاً بهتر است سطح صنعتی (رشته فعالیتی) با قدری تفصیل مورد استفاده قرار گیرد. *ISIC* Rev.4 رده‌های سطح بالا را در ۲۱ بخش و رده‌های سطح دوم را در ۸۸ قسمت ارائه کرده است. برای ارائه‌ی خلاصه‌ی داده‌های حساب‌های ملی، یک طبقه‌بندی با تجمیع سطح بالا در ۱۰ رده و تجمیع سطح متوسط در ۳۸ رده ایجاد شده است که برای گزارش‌دهی داده‌های حساب‌های ملیِ گستره‌ای از کشورها مناسب است. ساختار این دو سطح تجمیع SNA/*ISIC*، که به ترتیب به عنوان الف*۱۰ و الف*۳۸ نشان داده می‌شوند، با تفصیل بیشتر در ISIC Rev.4 پاراگراف‌های ۱۹۹ الی ۲۱۲ شرح داده شده است. جدول۱۸–۱ تجمیع سطح بالای (الف*۱۰) از صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) را نشان می‌دهد.

جدول ۱۸–۳: GDP برحسب مخارج

GDP: رهیافت مخارج
- مخارج مصرف نهائی
  - مخارج مصرف نهائی خانوار
    - *احتمالا به تفکیک طبقه بندی خلاصه شده محصولات یا COICOP*
  - مخارج مصرف نهائی NPISHها
  - مخارج مصرف نهائی دولت
    - مخارج مصرفی فردی
    - مخارج مصرفی جمعی
  - *جزئی از آن: مخارج مصرفی واقعی فردی*
- تشکیل سرمایه ناخالص
  - تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، کل
    - *احتمالا به تفکیک طبقه بندی خلاصه شده دارائی‌های تشکیل سرمایه*
  - تغییرات موجودی انبار
  - تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها
- تراز خارجی کالاها و خدمات
  - صادرات کالاها و خدمات
    - صادرات کالاها
    - واردات کالاها
  - واردات کالاها و خدمات
    - واردات کالاها
    - واردات خدمات
- ناهمخوانی‌های آماری
- محصول ناخالص داخلی

صنعت‌های (رشته فعالیت‌های) کلیدی

۱۸–۵۸ در برخی از کشورها، بسیار رایج است که داده‌های بسیار خلاصه‌ای برای گستره‌ای از صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) به تفکیک کشاورزی (بخش A در *ISIC*)، صنعت (بخش‌های B الی F که "*جزئی از آن*" صنعتِ ساخت، بخش C در *ISIC*، جدا نشان داده می‌شود) و خدمات (بخش‌های G الی U در *ISIC*) نشان داده شود. در کشورهائی که تعداد کمی رشته فعالیت‌های کلیدی وجود دارد، ممکن است مفید باشد که بعضی از این عنوان‌ها بیشتر تجزیه شوند و عنوان‌های دیگر ادغام شوند. برای مثال، ممکن است برای نگرشی به نحوه‌ی کار اقتصاد، مفید باشد فعالیت‌های کشاورزی با مقیاس تجاری برای تولید محصولات زراعی پولی برای صادرات از فعالیت‌های کشاورزی غیرمتشکل با مقیاس کوچک متمایز شود یا هم‌بندیِ کالاهای الکترونیکی از دیگران تفکیک شود. بهمین ترتیب در برخی از کشورها ممکن است صلاح باشد برخی از گروه‌های خدمات ادغام شوند. با همه‌ی این‌ها، بهتر است ترتیب اولیه اتخاذ شده توسط *ISIC* با هر سطح تفصیل نیز نشان داده شود.

۱۸–۵۹ در کشورهائی با اقتصاد بزرگ معیشتی، جدا کردن تولیدِ پولی از تولیدِ غیرپولی می‌تواند مطلوب باشد. جدول ۱۸–۲ نشان می‌دهد که چگونه می‌توان صنعت‌های (رشته فعالیت‌های) اصلی ISIC را برای ایجاد این تمایز گسترش داد. بسته به شرایط، زیرمجموعه‌ای از این عناوین (یا احتمالاً اگر ایجاب کند با تجزیه فراتر) می‌تواند روش مفیدی برای ارائه اطلاعات در فعالیت‌های تولیدی در یک کشور باشد.

۲. سنجه‌های مخارج GDP

۱۸–۶۰ بالاترین سطح تجمیع سنجه‌ی مخارج GDP عبارت از مخارج مصرف نهائی خانوار، مخارج مصرف نهائی دولت، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، صادرات کالاها و خدمات و واردات کالاها و خدمات هستند. (اغلب در این نوع ارائه‌ی خلاصه، قلم مخارج مصرف نهائی خانوار مخارج مصرف نهائی NPISHها را نیز در بر دارد). مثالی از جدول قدری تفصیلی-تردرجدول ۱۸–۳ نشان داده شده است. احتمال وارد کردن جزئیاتی بر حسب گروه‌های محصول یا برحسب گروه‌های COICOP در این جدول نشان داده شده است. بهمین ترتیب، می‌توان جزئیات گروه‌های محصولات یا COPNI، COFOG را در زیر سرفصل‌های دیگر (هرچند نشان داده نشده است) جائی که مناسب است وارد کرد.

۳. هم‌افزوده‌های درآمد

۱۸–۶۱ در ارائه‌ی سنجه‌های درآمد GDP، استاندارد سازی کمتری صورت گرفته است. برخی شیوه‌های ارائه تمزکر بر نشان دادن جبران خدمات کارکنان و مازاد عملیاتی (و درآمد مختلط) با همان تفکیک صنعتی (رشته‌فعالیتی) سنجه‌ی ستانده‌ی GDP دارند. در شیوه‌های دیگر، اجزای مختلف جبران خدمات کارکنان (حقوق و دستمزد، و حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان)، و نیز انواع مختلف مالیات و یارانه بر تولید ارائه می‌شود. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، درآمد باید خالص از مصرف سرمایه ثابت اندازه‌گیری شود و از اینرو اجزای NDP و نه GDP را نشان دهد. اندازه‌ی NNI مربوط به NDP نیز مورد علاقه تحلیل‌گران است و باید نشان داده شود.

۱۸–۶۲ در اینجا نیز در تعیین شیوه‌ی ارائه‌ی حساب‌ها لازم است نیازهای ملی در نظر گرفته شوند. در کشوری که درآمد غیرنقدی یا درآمد معیشتی قابل ملاحظه دارد، باید تفکیکی از جبران خدمات کارکنان حاوی این اقلام مد نظر قرار گیرد.

۴. حساب‌ها برحسب حجم

۱۸–۶۳ حساب‌ها برحسب حجم می‌توانند به چند طریق ارائه شوند که لزوماً با یکدیگر متقابلاً ناسازگار نیستند. ارائه‌ی آن‌ها برحسب سطح امکان‌پذیر است در این‌صورت برای یک سال (سال مرجع) ارقام به قیمت‌های جاری و برحسب حجم مساوی خواهند بود. نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که اگر، بنا به توصیه SNA، برآوردهای حجمی بوسیله پیوند زنجیره‌ای بدست آید، در این صورت ممکن است برای سالی غیر از سال مرجع هم‌افزوده‌ها با حاصل جمع اجزا برابر نباشند. این رویه شناخت تغییرات را آسان‌تر می‌سازد ولی کاربران باز هم

می‌توانند ارقام سطح را در صورت نیاز با اعمال ارزش‌های سطح سال پایه به نماگرهای حجمی محاسبه کنند. اما، این گزینه برای هم‌افزوده‌هائی که ممکن است ارزش صفر یا منفی داشته باشند، نظیر تغییرات موجودی انبار، مناسب نیست. گزینه سوم این است که نماگرهای حجمی تنها برحسب نرخ‌های رشد خواه نسبت به سال قبل خواه نسبت به سال پایه نشان داده شوند. اما، حل مسأله ایجاب می‌کند این به عنوان یک شکلِ اضافی برای ارائه و نه به‌صورت تنها شکلِ ارائه مد نظر قرار گیرد. (پاراگراف ۱۵-۶۳ را برای اطلاعات بیشتر درباره اندازه‌گیری سهم شاخص‌های زنجیره‌ای در رشد ملاحظه فرمائید).

۵. حساب‌های فصلی

۱۸-۶۴ همان‌گونه که در بحث حساب‌های فصلی در بالا اشاره شد، برآوردهای فصلی باید به هر دو صورت تعدیل فصلی شده و تعدیل نشده ارائه شود. آن‌ها اغلب به قیمت‌های جاری و نیز به به صورت سری حجمی ارائه می‌شوند.

۶. حساب‌های بخشی

۱۸-۶۵ منطق این که بخش‌های نهادی قسمت مهمی از SNA را تشکیل می‌دهند نقش کلیدی است که در درک چگونگی تأثیر توسعه اقتصادی در یک گروه یا گروه‌های دیگری از واحدها بازی می‌کنند. هر حسابی برای هر بخش می‌تواند به خودی خود مورد بررسی قرار گیرد، ولی بعضی خصوصیات حساب‌ها تنها در ارائه حساب‌های همه‌ی بخش‌ها با هم ظاهر می‌شوند. به عنوان مثال، بررسی جریان‌های درآمد دارائی نشان می‌دهد که کدام بخش بهره می‌پردازد و کدام بخش آن را دریافت می‌کند، چه نسبتی از سود تقسیم شده توسط صندوق‌های بازنشستگی دریافت می‌شود و آیا بهره‌ی مالکانه عمدتاً توسط خانوارها پرداخت می‌شود یا خیر. حساب توزیع ثانوی درآمد مقایسه بین میزان مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره پرداخت شده توسط شرکت‌ها را با آنچه که توسط خانوارها پرداخت شده است امکان پذیر می‌سازد، همچنین نشان می‌دهد کدام بخش‌ها حق بیمه پرداخت می‌کنند و کدام بخش‌ها خسارت دریافت می‌کنند و سایر انتقالات جاری چقدر در اقتصاد دارای اهمیت هستند.

۱۸-۶۶ فصل‌هائی که درباره تفسیر حساب‌های بخشی بحث می‌کنند موضوعات ارائه را نیز بررسی می‌کنند و همچنین این فصل‌ها پیوند بین نظام‌های آماری دیگر، بویژه پیوند با آمارهای مالی دولت، تراکنش‌های خارجی و آمارهای پولی و مالی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهند. اگرچه در تمامی موارد باید توجه به ارائه‌ی حساب‌ها معطوف شود به نحوی که خوانندگان نشریه‌ی حساب‌ها بیشترین بهره را ببرند. میزان بهره‌مندی می‌تواند از یک نوع نشریه به نوع دیگر کاملاً متفاوت باشد بنابراین انعطاف‌پذیری در نحوه‌ی ارائه‌ی داده‌ها برای این که خواننده بتواند از داده‌ها بخوبی بهره‌مند شود ضروری است.

۷. حساب‌های یکپارچه‌ی انباشت

۱۸-۶۷ در فصل ۱۳ بهم پیوستگی حساب‌های انباشت برای هردوی دارائی‌های مالی و غیرمالی توضیح داده شده است. پیوند بین ترازنامه‌های ابتدای دوره و انتهای دوره برای دارائی‌های غیرمالی برای بدست آوردن مصرف سرمایه ثابت و برای سنجه‌های خدمات سرمایه و بهره‌وری، آن‌طور که در فصل ۱۰ توضیح داده شده است، ضروری است. هرچند که، اغلب داده‌های پایه‌ای که این نوع برآوردها براساس آن‌ها انجام می‌شود به طور منظم یا حتی اصلاً منتشر نمی‌شوند. علیرغم این که موجودی واحدهای مسکونی دارای اهمیت انکارناپذیری است، این داده‌ها، بجز برای تعداد محدودی از کشورها، در دسترس عموم قرار ندارد.

۱۸-۶۸ وضعیت برای دارائی‌های مالی و بدهی‌ها، قدری بهتر است و در حقیقت در بعضی موارد داده‌های جریان‌ها از داده‌های ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره بدست می‌آید. ولی با وجود این که این داده‌ها، در صورت وجود، به طور منظم منتشر می‌شوند، جدول‌ها همیشه با نشریه داده‌های حساب‌های ملی مرتبط نیستند و بنابراین کاربران همیشه از ارتباط اساسی بین قسمت مالی حساب‌ها و بقیه قسمت‌ها آگاه نیستند.

فصل ۱۹: جمعیت و نهاده‌های نیروی کار

الف. مقدمه

۱–۱۹ فعالیت‌های اقتصادی اساساً فعالیت بشری هستند با این حال توالی حساب‌ها تنها به‌طور غیرمستقیم به اشخاص مربوط می‌شود. تمامی افرادی که خانوارها (جمعیت) را تشکیل می‌دهند فقط در حدی که در مخارج مصرفی درگیر هستند شناخته شده‌اند. اشخاصی که کارکن هستند فقط به عنوان دریافت کنندگان جبران خدمات مشخص می‌شوند بدون این که نشان داده شود کارکنانِ کمی با پرداختی بسیار بالا و کارکنانِ زیادی با پرداختی در حد فقر وجود دارند (هرچند که در واقع از هریک از این‌ها تعدادی و بین این دو بسیاری وجود دارند). هدفِ این فصل این است که نشان داده شود چگونه می‌توان داده‌های جمعیت و نیروی کار را در ارتباط با اقلام ثبتیِ توالی حساب‌ها بکار برد تا نشان داده شود که یک شهروندِ متوسط چقدر از فعالیت اقتصادی بهره‌مند می‌شود و یک کارگرِ متوسط چقدر در ستانده مشارکت دارد. نشانه‌ی اولی با اندازه‌گیری GDP سرانه و دومی با برآورد بهره‌وری نیروی کار ارائه می‌شود. همان‌قدر که این ارقام به خودی خود مورد توجه هستند، مقایسه‌ی آن‌ها با داده‌های مشابه در دوره‌های زمانی متفاوت و در کشورهای متفاوت نیز مورد توجه هستند.

۲–۱۹ این فصل جمعیت را به‌طور کلی، نهاده‌های نیروی کار و تنها بهره‌وری نیروی کار را بررسی می‌کند. فصل ۲۴ انواع مختلف خانوارها را مورد بررسی قرار می‌دهد. گسترش بهره‌وری برای وارد کردن اثر سرمایه به طور خلاصه در فصل ۲۰ پوشش داده می‌شود و گسترش بیشتر آن را در نشریات دیگر نظیر *اندازه‌گیری بهره‌وری* می‌توان یافت.

۳–۱۹ در SNA به تعریفی از جمعیت نیاز است تا هم‌افزوده‌های GDP و مصرف را بر حسب سرانه بیان کند. در عمل، حجم GDP (یا مخارج مصرف نهائی خانوار) سرانه، حجم‌ها را با تعدیلِ اندازه‌ی کشورها براساس جمعیت‌شان "استاندارد سازی" می‌کند. سرانه‌ی هم‌افزوده‌های کلیدی بر حسب حجم اغلب به عنوان سنجه‌ای از استاندارد نسبی زندگی در کشورها به کار می‌رود، علیرغم این که بعضی از تحلیل‌گران اجتماعی درباره بسندگی این سنجه نامطمئن هستند.حتی اگر GDP سرانه بر حسب حجم دارای کاستی‌هائی باشد، روشن است که ارتباط قوی بین حجم GDP سرانه کشورها و استاندارد زندگی آن وجود دارد.

۴–۱۹ برای بررسیِ بهره‌وری، متغیرهای نهاده‌ی نیروی کار لازم است. تغییرات بهره‌وری در طول زمان برای کارائیِ تولیدِ یک اقتصاد نماگر مهمی است. به این ترتیب، تفاوت بین میزان بهره‌وری در یک کشور در مقایسه با کشورهای مشابه نماگر مفیدی از کارائیِ نسبیِ فرآیندهای تولید آن کشور را ارائه می‌دهد. بهره‌وری می‌تواند از راه‌های مختلفی اندازه‌گیری شود که ساده‌ترین آن بهره‌وری نیروی کار است و به طور معمول به صورت حجم GDP برای هر ساعت کار اندازه‌گیری می‌شود. سنجه‌های پیچیده‌ترِ بهره‌وری، نظیر بهره‌وریِ چند عاملی (که برخی اوقات بهره‌وری کل عوامل نامیده می‌شود) نیز نیازمند سنجه‌ی نهاده‌های کار، همراه با نهاده‌های سرمایه است تا کل سنجه‌ی نهاده‌ها برای تقسیمِ آن به حجم GDP بدست آید.

۱. استانداردهای بین‌المللی برای آمارهای نیروی کار

۵–۱۹ واضح است که اگر نسبتی بین سنجه‌های ستانده و نهاده‌ی نیروی کار ایجاد شود، مفهوم استفاده شده برای کار باید با پوشش تولید در SNA مطابقت داشته باشد. استانداردهای مربوط به نیروی کار توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO) حمایت می‌شوند. استانداردهای ILO در "قطعنامه‌هائی" منظور شده است که در جلسات گردهمائی بین‌المللی آمارشناشان نیروی کار (ICLS) تصویب شده‌اند. قطعنامه‌ی

سال ۲۰۰۸ تأکید می‌کند که ***جمعیت فعال از نظر اقتصادی افرادی هستند که مایل به عرضه‌ی نیروی کارِ خود برای انجام فعالیتی هستند که در محدوده تولید SNA قرار گرفته است.***

۶-۱۹ شخصی که از نظر اقتصادی فعال است لزوماً به این معنی نیست که برای یک واحد مقیم کار می‌کند. لذا این موضوع مهم است که مفهومی از اقامت که اساسِ برآوردهای جمعیتی را تشکیل می‌دهد باید با مفهوم آن در برآوردهای نیروی کار سازگار باشد و همچنین مهم است که مفهوم اقامتِ افرادی که در برآوردهای اشتغال وارد می‌شوند باید با معیارهای اقامت واحد نهادی SNA سازگار باشد.

۲. ساختار فصل

۷-۱۹ جمعیت و محاسبه‌ی ارقام سرانه برای هم‌افزوده‌هائی نظیر GDP، موضوع بخش ب است. بخش پ با شرح این که کل جمعیت را چگونه می‌توان به نیروی کار و کسانی که جزء نیروی کار نیستند تقسیم کرد و تعدیل کل جمعیت برای مقیم‌هائی که در خارج کار می‌کنند و غیرمقیم‌هائی که در اقتصاد ملی کار می‌کنند، آغاز می‌شود. این بخش همچنین شرح می‌دهد که مقوله‌های مختلف نیروی کار چگونه تعریف می‌شوند و نیز در مورد برخی موضوعاتِ حد و مرزی بحث می‌کند.

۸-۱۹ بخش ت درباره‌ی این موضوع بحث می‌کند که چگونه سرشماریِ ساده‌ی اشخاصِ شاغل را می‌توان با ابزارهای مختلف استاندارد سازی برای استفاده در سنجه‌های بهره‌وری ارتقا داد. محاسبه سنجه‌های بهره‌وریِ کار موضوع بخش ث است و در نهایت، این فصل با موضوع خلاصه‌ای از منبع داده‌ها در بخش ج پیایان می‌یابد.

ب. جمعیت

۹-۱۹ برآوردهای سالانه‌ی جمعیت، از سرشماری‌هائی که با فاصله‌ی زمانی زیادی انجام می‌شود، بدست می‌آید. در سرشماری‌ها معمولاً تعداد مردم حاضر در یک شبِ مشخص یا تعداد مردمی که معمولاً در یک واحد مسکونی زندگی می‌کنند، حتی اگر هنگام سرشماری حاضرنباشند، شمرده می‌شوند. ولی سرشماری اغلب هر پنج سال یا ده سال یک بار و با فاصله‌ی زمانی زیادی انجام می‌شود. در فاصله‌ی بین سرشماری‌ها، اطلاعات بهنگام شده درباره‌ی جمعیت یک کشور با استفاده از اطلاعات مربوط به موالید و مرگ و میرها و اطلاعات مربوط به خالصِ مهاجرت تهیه می‌شود.

۱۰-۱۹ ***جمعیت یک کشور به‌طور ساده به همه‌ی اشخاصی گفته می‌شود که معمولاً در آن کشور مقیم هستند.*** در این تعریف، از مفهوم اقامت در SNA و *BPM6* استفاده شده است، یعنی اشخاص در کشوری مقیم هستند که از طریق ایجاد مرکز منافع عمده‌ی اقتصادی قوی‌ترین ارتباط را با آن دارند. به‌طور کلی، این معیار مبتنی بر این است که شخص برای مدت یک سال یا بیشتر در آن کشور اقامت داشته باشد. در بسیاری از موارد، مفهوم اقامت سرراست و مبتنی بر واحد مسکونی است که شخص به طور دائم اشغال کرده است، با این حال مسائل حد و مرزی در فصل ۲۶ بیشتر مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۱۱-۱۹ به طور کلی، اشخاصی که برای مدت یک یا چند سال صرف نظر از تابعیت آن‌ها در کشوری مقیم هستند باید در اندازه‌ی جمعیت وارد شوند. استثناء در این مورد، پرسنل سیاسی و پرسنل دفاعی همراه با خانواده‌های آن‌ها هستند که باید به عنوان جزئی از جمعیت کشورِ موطن خود به حساب آورده شوند. قاعده‌ی "یک سال" به این معنی است که مقیم‌های عادی یک کشور که به مدت کمتر از یک سال در خارج از کشور زندگی می‌کنند، در جمعیت آن کشور منظور می‌شوند ولی بازدید کنندگان خارجی (مثلاً، برای گذراندن تعطیلات) که برای مدت کمتر از یک سال در کشور هستند، از

اندازه‌گیری جمعیت کنار گذاشته می‌شوند. توضیحات بیشتر درمورد نحوه‌ی اعمال معیار اقامت در موارد خاص در پاراگراف‌های ۴-۱۰ و ۴-۱۵ ارائه شده است.

۱. برآوردهای سرانه از رشد حجم

۱۲-۱۹ نرخ رشد حجم GDP یکی از نماگرهای کلیدی اقتصادی است که از طریق حساب‌های ملی حاصل می‌شود. این نرخ رشد می‌تواند مستقیماً بین کشورهای مختلف مورد مقایسه قرار گیرد زیرا این‌ها با واحدهای مشترک (تغییرات درصدی) بیان می‌شوند و تحت تأثیر پول جاری که برآوردهای GDP بر حسب آن بیان می‌شوند قرار نمی‌گیرند. اما قسمتی از رشد حجم GDP به تغییرات جمعیت مربوط است و بنابراین بهتر است که با محاسبه‌ی نرخ‌های رشد سرانه "استانداردسازی" شود. برای مثال، اگر جمعیت کشوری نسبت به رشد حجم GDP آن با سرعت بیشتری در حال افزایش باشد در این صورت ستانده‌ی سرانه در حال کاهش خواهد بود. از سوی دیگر، کشوری با نرخ بسیار پائینِ حجم GDP ولی با جمعیت در حال کاهش، افزایش ستانده‌ی سرانه را نشان خواهد داد.

۱۳-۱۹ همان طور که در مقدمه گفته شد، کاستی‌هائی در ارقام سرانه وجود دارد. دو مثال زیر این موضوع را روشن می‌سازد. اقتصادی که دارای خانوارهائی با اندازه‌ی بزرگ هستند ممکن است از مخارج کمترِ مسکن و دیگر اقلام مربوط به همه‌ی اعضای خانوارها به‌همان میزانِ کشوری با خانوارهای دارای اندازه‌ی کوچکتر بهره‌مند شوند. وزن مساوی دادن به یک بچه کوچک و یک فرد بالغ در تقاضای کار فیزیکی نیز ممکن است اطلاعات گمراه کننده‌ای را در مورد بسندگی مصرف خوراکی‌ها ارائه دهد.

۱۴-۱۹ نرخ‌های رشدِ سرانه به ارزش واقعی برای درآمدملی یا مصرف واقعی، نسبت به تغییرات حجم GDP سنجه بهتری از تغییراتِ "متوسط رفاه" جمعیت یک کشور ارائه می‌دهند. GDP سنجه‌ای از تولیدِ داخلی یک کشور است ولی جریان‌های ورودی درآمد از دنیای خارج و خروجی به دنیای خارج می‌تواند هم بر میزان درآمد ملی واقعی سرانه و هم بر نرخ‌های رشد آن‌ها تأثیر عمده‌ای داشته باشد. به طور مشابه میزان حجم GDP و نرخ رشد آن می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای از میزان و نرخ رشدهای حجم مصرف نهائی خانوارها به دلیل سهم‌های متفاوت تشکیل سرمایه و خالص صادرات در GDP در کشورهای مختلف متفاوت باشد.

۲. میزان مطلق GDP سرانه

۱۵-۱۹ همان‌طور که در فصل ۱۵ بیان شد، برنامه‌ی مقایسه‌ی بین‌المللی (ICP) برآوردهائی از میزان مطلق GDP و GDP سرانه را در کشورهای مختلف به منظور ایجادِ سطحِ نسبیِ رفاه انجام می‌دهد. این برآوردها سنجه‌های GDP، قدرت خرید (PPP) و همان برآوردهای جمعیتی را که قبلاً برای استفاده در سنجه‌های حجمیِ رشد بیان شد در بر می‌گیرد.

پ. اندازه‌گیری نیروی کار

۱۶-۱۹ همه‌ی افرادِ تشکیل دهنده‌ی جمعیت، به تولید اشتغال ندارند. برخی بسیار جوان، برخی بسیار پیر هستند و برخی ممکن است فقط تصمیم گرفته باشند کار نکنند. افرادی نیز ممکن است به طور معمول کار کنند ولی به دلایلی مانند بیماری، کمبود کار یا گذراندن تعطیلات، به طور موقت از کار کردن دست بکشند. از این رو، اولین قدم در حرکت از داده‌های جمعیت به داده‌های اشتغال این است که تعریف شود منظور از نیروی کار چیست.

۱۷-۱۹ ***نیروی کار از افرادی تشکیل شده است که فعالانه آماده هستند تا کار خود را طی هر دوره‌ی مرجع خاصی برای تولید کالاها و خدماتی که در محدوده‌ی تولید SNA قرار دارند در دسترس قرار دهند.*** نیروی کار به کسانی که شاغل هستند و کسانی که بیکارِ جویای کار هستند تقسیم می‌شود. از این رو،

جمعیت کشور را می‌توان به سه مقوله تقسیم کرد؛ شاغل، بیکارِ جویای کار و کسانی که جزء نیروی کار نیستند. موقعیت هر فرد بستگی به فعالیت (یا عدم فعالیت) او در طول یک دوره مرجع خاص (معمولاً یک هفته) دارد.

۱۹-۱۸ از آنجا که نیروی کار با ارجاع به یک دوره‌ی کوتاه مدت تعریف می‌شود، تعداد اشخاص موجود در نیروی کار در هر زمان ممکن است کوچک‌تر از جمعیت فعال از نظر اقتصادی باشد. برای مثال، کارگران فصلی ممکن است جزء جمعیت فعال از نظر اقتصادی باشند ولی در زمان معینی از سال در نیروی کار قرار نگیرند.

۱۹-۱۹ نیروی کار از چهار گروه از اشخاص تشکیل شده است؛ اشخاص مقیمی که کارکن مزدبگیرِ واحدهای نهادی مقیم هستند، اشخاص مقیمی که کارکن مزدبگیرِ واحدهای نهادیِ غیرمقیم هستند، اشخاص مقیمی که بیکار جویای کار هستند و اشخاصی که خود اشتغال هستند. (هر شخص خود اشتغال بالاجبار متعلق به یک خانوار مقیم است. اگر چنین شخصی در خارج از کشور کالاها و خدماتی را ارائه دهد، آن‌ها به عنوان صادرات ثبت می‌شوند). ***اشتغال به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن همه‌ی کارکنانِ مزد بگیر و اشخاص خود اشتغالِ مشغول به فعالیتی تولیدی واقع در محدوده‌ی تولیدِ SNA و انجام شده توسط یک واحد نهادی مقیم، پوشش داده شده‌اند.***

۱. کارکنان مزد بگیر

۱۹-۲۰ ***کارکنان مزدبگیر اشخاصی هستند که، طبق توافق، برای یک واحد نهادی مقیم کار می‌کنند و اجرت کارشان را دریافت می‌کنند.*** اجرت آن‌ها در SNA به عنوان جبران خدمات کارکنان ثبت می‌شود. رابطه‌ی کارفرما و کارکن هنگامی وجود دارد که توافقی رسمی یا غیررسمی بین کارفرما و شخص، که معمولاً توسط هر دو طرف داوطلبانه است، انجام شده باشد و به موجب آن، شخص به ازای دریافت اجرت نقدی یا غیرنقدی برای کارفرما کار کند. الزامی وجود ندارد که کارفرما توافقی را که برای وضعیت کارکن صورت گرفته است برای اجرا به یک مقام رسمی اعلام کند.

۱۹-۲۱ کارکنان مقوله‌های زیر را در بر می‌گیرند ولی محدود به آن‌ها نیستند:

الف. اشخاصی (کارگران یدی و غیریدی، پرسنل مدیریتی، کارکنان خانگی، مردمی که فعالیت تولیدی با اجرت تحت برنامه‌های اشتغال انجام می‌دهند) که توسط یک کارفرما تحت یک قراردادِ اشتغال بکار گرفته شده‌اند؛

ب. کارمندان و دیگر کارکنان غیرنظامی دولت که شرایط و دوره خدمتشان توسط قانون دولتی تعیین می‌شود؛

پ. نیروهای مسلح، شامل کسانی که برای اشتغال بلند مدت و اشتغال کوتاه مدت داوطلب شده‌اند و همچنین سرباز وظیفه‌ها (از جمله سرباز وظیفه‌هائی که برای مقاصد مدنی کار می‌کنند)؛

ت. علمای مذهبی، در صورتی که توسط دولت یا یک نهاد غیرانتفاعی مستقیماً به آن‌ها پرداخت شود؛

ث. صاحبان شرکت‌ها و شبه شرکت‌ها در صورتی که در این بنگاه‌ها کار کنند؛

ج. دانشجویانی که تعهد رسمی دارند که به موجب آن بخشی از نیروی کار خود را به عنوان نهاده در فرآیند تولیدِ یک بنگاه درمقابل دریافت اجرت و (یا) خدمات آموزشی صرف کنند؛

چ. کارکنان از کار افتاده، به شرطی که رابطه رسمی یا غیررسمی کارفرما و کارکن وجود دارد؛

ح. اشخاصی که توسط مؤسسات اشتغال موقت استخدام می‌شوند، که باید در صنعت (رشته فعالیت) مربوط به مؤسسه‌ای که آن‌ها را استخدام کرده، و نه صنعت (رشته فعالیت) بنگاهی که واقعاً برای آن کار می‌کنند به حساب آیند.

۱۹-۲۲ کارکنِ دورکار شخصی است که طبق موافقت یا قرارداد قبلی

با بنگاه خاصی می‌پذیرد که برای آن بنگاه کار کند یا مقدار معینی کالا و خدمت به آن بنگاه عرضه کند ولی محل کار او در آن بنگاه نیست. هنگامی یک دورکار به عنوان کارکن تلقی می‌شود که توافق صریحی وجود داشته باشد که دورکار بر اساسِ کارِ انجام شده، یعنی میزان نیروی کاری که به عنوان نهاده در بعضی فرآیندهای تولید مشارکت می‌دهد، اجرت دریافت کند. بحث مفصل‌تری از طبقه‌بندی دورکاران در پاراگراف‌های ۷-۳۴ الی ۷-۳۸ وجود دارد.

۱۹-۲۳ اشخاصی که به طور موقت سر کار نیستند نیز به شرطی که یک وابستگی شغلی رسمی داشته باشند به عنوان کارکنان در نظر گرفته می‌شوند. این وابستگی شغلی باید براساس یک یا چند ملاک زیر تعیین شود:

الف. دریافت مستمرِ مزد و حقوق؛

ب. تضمین برای بازگشت به کار پس از پایان پیشامد احتمالی، یا پیرو تاریخ توافق شده برای بازگشت؛

پ. دوره‌ی سپری شده‌ی غیبت از کار، که در صورت وجود، کارکنان در آن دوره بتوانند از مزایای حقوق خود استفاده کنند بدون این که تعهدی برای پذیرفتن کار دیگری داشته باشند.

اشخاصی که در طبقه‌بندی بالا قرار می‌گیرند کسانی هستند که به دلیل بیماری یا جراحت، تعطیلات یا مرخصی، اعتصاب یا تحریم، مرخصی آموزشی یا تحصیلی، استفاده از مرخصی والدین، کاهش فعالیت اقتصادی، بهم ریختگی یا تعلیق موقتی کار به علت دلایلی نظیر بدی آب و هوا، قطع برق یا اختلال مکانیکی، یا کمبود مواد اولیه یا سوخت، یا غیبت‌های دیگر با مرخصی یا بدون مرخصی به طور موقت سرِ کار نیستند. برای بعضی مقاصد، جدا کردن کارکنانی که به طور موقت سرِ کار نیستند در صورت امکان، می‌تواند مفید باشد.

۱۹-۲۴ مدیران شرکت‌ها (یا شبه شرکت‌ها) در SNA به عنوان کارکنان تلقی می‌شوند ولی در طبقه‌بندی ILO آن‌ها به عنوان خود اشتغال در نظر گرفته می‌شوند.

۲. اشخاص خود اشتغال

۱۹-۲۵ ***اشخاص خود اشتغال کسانی هستند که به‌تنهائی یا به‌طور شریکی صاحب یا صاحبان بنگاه‌های غیرشرکتی هستند که در آن کار می‌کنند، به استثنای آن دسته از بنگاه‌های غیرشرکتی که به عنوان شبه شرکت‌ها طبقه‌بندی می‌شوند.*** اشخاصی که در بنگاه‌های غیرشرکتی کار می‌کنند اگر جزء شاغلین با مزدی نباشند که این پرداختی منبع اصلی درآمد آن‌ها را تشکیل می‌دهد، به عنوان خود اشتغال طبقه‌بندی می‌شوند؛ در حالت دوم، این شاغلین به عنوان کارکنان طبقه‌بندی می‌شوند. آن‌ها ممکن است در دوره‌ی مرجع به دلایل خاصی به طور موقت سرِ کار نباشند. جبران خدمات خویش‌فرمایان در درآمد مختلط منظور می‌شود زیرا مشاهده‌ی جداگانه‌ی بازده نیروی کار از بازده سرمایه‌ی به کار رفته در بنگاهِ غیرشرکتی امکان‌پذیر نیست. (برای بعضی مقاصد تحلیلی ممکن است برآوردی برای تفکیک آن صورت گیرد. پاراگراف‌های ۲۰-۴۹ تا ۲۰-۵۰ را ببینید).

۱۹-۲۶ اشخاص خود اشتغال همچنین شامل مقوله‌های زیر هستند:

الف. کارکنان کمک خانواده که در بنگاه‌های غیرشرکتی کار می‌کنند؛

ب. دورکارانی که درآمد آن‌ها تابعی از ارزش ستانده‌ی حاصل از فرآیند تولیدی است که مسئول آن هستند، با هرمیزان کارِ زیاد یا کمی که انجام شده باشد؛

پ. کارکنان مشغول به تولیدی که تماماً برای خود مصرفی نهائی یا تشکیل سرمایه به حساب خود، چه به طور فردی و چه به طور جمعی انجام شود. (مثال برای دومی ساخت و ساز اجتماعی (اشتراکی) است).

۱۹-۲۷ کارکنان کمکِ خانواده برخی اوقات کارکنان بدون مزد نامیده می‌شوند ولی کارکنان دیگر بدون مزد یا داوطلبی هم وجود دارد.

۱۹-۲۸ در آمارهای ILO، اشخاص خود اشتغال از کارکنان بنگاه‌هائی که قانوناً غیرشرکتی هستند تشکیل یافته‌اند حتی اگر

اطلاعات کافی نیز وجود داشته باشد که بتوان آن‌ها را به عنوان شبه شرکت تعریف شده در SNA در نظر گرفت. در SNA اجرت این افراد بجای درآمد مختلط در جبران خدمات کارکنان منظور می‌شود. در میان کارکنان دیگر، این اشخاص می‌تواند اعضای تعاونی‌های تولید باشد.

۳. بیکاری

۱۹-۲۹ برای کامل کردن تصویر نیروی کار، لازم است به بیکاری نیز اشاره شود زیرا نیروی کار به اشخاص شاغل (یعنی کارکنان با مزد بعلاوه اشخاص خود اشتغال) بعلاوه کسانی که بیکار جویای کار هستند تقسیم می‌شود. یک شخص بیکارجویای کار کسی است که کارکن مزدبگیر یا خود اشتغال نیست ولی برای کار آماده است و به طور فعالانه جویای کار است. مفهوم اشخاص بیکار جویای کار در حساب‌های ملی مورد نیاز نیست زیرا شخص بیکارِ جویای کار در تولید مشارکت ندارد ولی تعداد آن‌ها برای انتقال مفهومی از جمعیت شاغل به جمعیت فعال از نظر اقتصادی لازم است.

۴. مسائل ویژه

شغل و کارکنان

۱۹-۳۰ افراد ممکن است بیش از یک منبع درآمد از اشتغال داشته باشند، این امر هنگامی پیش می‌آید که آن‌ها برای بیش از یک کارفرما کار می‌کنند یا، علاوه بر کار کردن برای یک یا چند کارفرما، به حساب خود به عنوان خود اشتغال نیز کار می‌کنند. توافق بین یک کارفرما و یک کارکن، شغلی را تعیین می‌کند و هر شخص خود اشتغال نیز شغلی دارد. بنابراین تعداد شغل‌ها در اقتصاد به اندازه‌ای که بعضی کارکنان بیش از یک شغل دارند بیشتر از تعداد اشخاص شاغل است. شخصی که بیش از یک شغل دارد ممکن است آن‌ها را یکی بعد از دیگری انجام دهد، یعنی قسمتی از هفته را در یک شغل و بقیه هفته را در شغل دیگر کار کند یا ممکن است آن‌ها را به طور موازی انجام دهد یعنی یک شغل در شب و شغلی نیز در روز داشته باشد. در بعضی موارد، نیز، ممکن است دو شخص در یک شغل واحد شریک باشند.

۱۹-۳۱ کارفرمایان ممکن است از شغل دومی که توسط کارکنانشان انجام می‌شود آگاه نباشند و در هیچ موردی هم از آن‌ها خواسته نشده باشد که اطلاعاتی را در این زمینه ارائه دهند. هنگامی که کارکنان اطلاعاتی را در مورد تعداد کارکنان عرضه می‌کنند، آن‌ها در واقع اطلاعات تعداد مشاغلی را که ایجاد کرده‌اند ارائه می‌دهند. باید توجه داشت که هنگامی که تعداد شغل‌ها بجای تعداد کارکنان به کار می‌رود، تعداد آن‌ها شغل‌های خالی را در بر نمی‌گیرد. تمایز بین تعداد شغل‌ها و تعداد کارکنان مسأله‌ای است که باید در آمارهای بهره‌وری به دقت مورد توجه قرار گیرد.

اقامت

۱۹-۳۲ تعداد جمعیت، بسته به اقامت افراد دارد ولی کارکنان که در اقتصادی که کار می‌کنند لازم نیست مقیم باشند. نتایج فعالیت واحدهای تولیدکننده فقط در صورتی می‌تواند با اشتغال مقایسه شود که اشتغال از افراد مقیم و غیرمقیمی که برای واحدهای تولیدکننده‌ی مقیم کار می‌کنند تشکیل شده باشد. اشتغال عمدتاً از کارکنان مقیمی که برای واحدهای نهادی مقیم کار می‌کنند و اشخاص خود اشتغال تشکیل شده است. با این حال، اشتغال مقوله‌های زیر را نیز که ممکن است درباره‌ی مقیم بودن یا غیرمقیم بودن آن‌ها سؤال پیش آید در بر می‌گیرد.

الف. کارگران غیرمقیم مرزی (گاهی اوقات کارگران مرزی نامیده می‌شوند)، یعنی اشخاصی که هر روز از مرز عبورمی‌کنند تا به عنوان کارکنان در داخلِ سرزمین اقتصادی کار کنند؛

ب. کارگران فصلی غیرمقیم، یعنی اشخاصی که به داخل سرزمین اقتصادی نقل مکان می‌کنند و برای مدت کمتر از یک سال برای کار در صنعت‌هائی (رشته فعالیت‌هائی) که به طور دوره‌ای به نیروی کار اضافی نیاز دارند در آنجا اقامت می‌کنند؛

پ. اعضای نیروهای مسلح کشور که در دنیای خارج مستقر هستند؛

ت. اتباع کشور که کارکنان پایگاه‌های علمی ایجاد شده در خارج از سرزمین جغرافیائی کشور هستند؛

ث. اتباع کشورکه مأمورین سیاسی در خارج از کشور هستند؛

ج. اعضای خدمه قایق‌های ماهیگیری، کشتی‌ها، هواپیما و سکوهای شناور که توسط واحدهای مقیم اداره می‌شوند؛

چ. کارکنان ادارات دولتی که در خارج از سرزمین جغرافیائی قرار گرفته‌اند، مثلاً سفارتخانه‌ها؛

ح. دانشجویانی که تعهد استخدام دارند این که شاغل هستند یا خیر بستگی به این دارد که جزء مقیم‌ها به‌حساب می‌آیند یا غیرمقیم‌ها، همان طور که در فصل ۲۶ توضیح داده شد.

۱۹-۳۳ از سوی دیگر، افراد مقیم زیر هرچند کارکن هستند ولی جزء اشتغال محسوب نمی‌شوند (و از اینرو از اندازه‌گیری اشتغال بکار رفته در SNA کنار گذاشته می‌شوند):

الف. افراد مقیمی که کارگران مرزی یا فصلی هستند، یعنی به عنوان کارکن در سرزمین اقتصادی دیگری کار می‌کنند؛

ب. اتباع کشور که اعضای خدمه قایق‌های ماهیگیری، دیگر کشتی‌ها، هواپیما و سکوهای شناور هستند که توسط واحدهای غیرمقیم اداره می‌شوند؛

پ. افراد مقیمی که کارکنان کارگزاران دولت‌های خارجی مستقر در سرزمین جغرافیائی کشور هستند؛

ت. پرسنل سازمان‌های بین‌المللی غیرنظامی مستقر در سرزمین جغرافیائی کشور (از جمله کارکنان محلی که مستقیماً استخدام شده‌اند)؛

ث. اعضاء نیروهای مسلح که با سازمان‌های بین‌المللی نظامی مستقر در سرزمین جغرافیائی کشور کار می‌کنند؛

ج. اتباع کشور که در پایگاه‌های علمی خارجی ایجاد شده در سرزمین جغرافیائی اقتصاد کار می‌کنند.

۱۹-۳۴ آمارهای نیروی کار ممکن است یا متکی بر آمارگیری‌های خانوار باشد (که باید همه‌ی مقیم‌ها پوشش داده شوند) یا از آمارگیری‌های کارگاهی (که تمرکز بر اشتغال در واحدهای نهادی مقیم دارد) حاصل شود. به هر حال، لازم است برخی تعدیلات انجام شود تا از پوشش کامل اشتغال بر اساس SNA اطمینان حاصل شود:

الف. اعضای نظام وظیفه در نیروهای مسلح معمولاً از آمارگیری‌های کارگاهی به دست نمی‌آیند و ممکن است در آمارگیری‌های خانوار هم اخذ نشوند ولی سربازان وظیفه در SNA با توجه به این که کارکنان دولت هستند جزء کارکنان به حساب می‌آیند؛

ب. کارکنان مقیم که در یک خانوار مؤسسه‌ای زندگی می‌کند (نظیر یک نهاد مذهبی یا زندان) معمولاً نه در آمارگیری‌های خانوار و نه در آمارگیری‌های کارگاهی در نظر گرفته نمی‌شوند ولی این کارکنان در اشتغال SNA منظور می‌شوند؛

پ. کارگرانِ مقیمِ زیر حد سنی تعیین شده برای اندازه‌گیری نیروی کار که برای واحدهای نهادی مقیم کار می‌کنند در اشتغال SNA منظور می‌شوند.

۵. اقتصاد نامشهود

۱۹-۳۵ متخصصین حساب‌های ملی به طور خاصی علاقمند هستند که اطمینان حاصل کنند تمامی فعالیت‌های اقتصادی قرار گرفته در محدوده‌ی تولید SNA به طور جامع اندازه‌گیری شده باشد. این موضوع اغلب "جامعیت" حساب‌های ملی گفته می‌شود. در عمل، جامعیت به معنی حصول اطمینان از این است که ارزش فعالیت‌های تولید غیرقانونی یا پنهان (یعنی "اقتصاد زیرزمینی" یا "اقتصاد پنهان") و نیز فعالیت‌هائی که فقط غیررسمی نامیده می‌شوند در حساب‌ها

منظور شوند. در SNA، اجرت همه‌ی این کارکنان باید یا در جبران خدمات کارکنان و یا در درآمد مختلط منظور شود. بنابراین در مقایسه‌ی بین آمارهای نیروی کار و ستانده، مهم است که اشخاص مورد بحث نیز باید در آمارهای نیروی کار منظور شوند.

۶. کار در NPISHها

۱۹–۳۶ ستانده‌ی NPISHها به طور رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند عرضه می‌شود بنابراین از طریق هزینه‌های تولید ارزیابی می‌شود. یکی از این هزینه‌ها جبران خدمات کارکنان است. این امر مهم است که این کارکنان در سنجه‌های اشتغال که در محاسبه‌ی تغییرات بهره‌وری به کار می‌رود ثبت شوند. ولی، NPISHها اغلب دارای کارکنان داوطلب هستند بنابراین نحوه‌ی برخورد با آن‌ها توجه ویژه‌ای را می‌طلبد.

۷. نیروی کار داوطلب

۱۹–۳۷ می‌توان بین اشخاصی که توافق کرده‌اند در مقابل دریافت اجرت پولی یا فقط درآمد غیرنقدی کار ارائه دهند، اشخاصی که برای آن‌ها اجرت مشخصی وجود ندارد و اشخاصی که برای آن‌ها ظاهراً اجرتی وجود ندارد ولی مستقیماً از ستانده‌ای که در آن مشارکت دارند بهره‌مند می‌شوند تفاوت قائل شد. در آمارهای ILO، هر سه نوع کارکنان در جمعیت فعال از نظر اقتصادی به عنوان کارکن منظور می‌شوند.

۱۹–۳۸ در SNA، اجرت کارکنانی که در مقابل مبالغ پولی یا فقط برای درآمد غیرنقدی کار می‌کنند از طریق این هزینه‌ها اندازه‌گیری می‌شود. هیچ‌گونه احتسابی برای عنصر اضافی منظور نمی‌شود. برای مثال، اگر پزشکان یا آموزگاران فقط در مقابل خوراک یا محل اقامت کار کنند، ارزش این‌ها به عنوان درآمد غیرنقدی تنها دستمزدی است که برای آن‌ها احتساب می‌شود. از این نمونه‌ها ممکن است در نهادهای مذهبی یا در پی بلایای طبیعی وجود داشته باشد. اگر واحدهائی که این کارکنان را استخدام می‌کنند مسئولیت پرداخت، هرچند ناچیز، به آن‌ها را داشته باشند این افراد به عنوان کارکن طبقه‌بندی می‌شوند.

۱۹–۳۹ اگر اشخاصی کاملاً داوطبانه، بدون دریافت هیچ‌گونه اجرتی، حتی اجرت غیرنقدی، ولی در واحد نهادی مشخصی کار کنند، در این صورت این افراد طبق SNA به عنوان شاغل در نظر گرفته می‌شوند ولی هیچ رقمی به عنوان جبران خدمات کارکنان (یا درآمد مختلط) برای آن‌ها منظور نمی‌شود. (اشخاصی که خدماتی را به گروه‌هائی از افراد دیگر بدون هیچ‌گونه سازماندهی مربوطه ارائه می‌دهند، نظیر مربیگری تیم فوتبال کودکان، شاغل درنظر گرفته نمی‌شوند بلکه افرادی تلقی می‌شوند که به گذران اوقات فراغت مشغول هستند، هر قدر هم که تلاش آن‌ها با ارزش باشد).

۱۹–۴۰ اگر اعضای خانوارها در ستانده‌ی یک بنگاه غیرشرکتی مشارکت داشته باشند، برآورد درآمد مختلط قرار است عنصری از اجرت آن‌ها را در بر داشته باشد و از این رو از دیدگاه SNA همه‌ی آن‌ها به عنوان جمعیت فعال از نظر اقتصادی تلقی می‌شوند. در آمارهای ILO این نوع کارکنان اگر زیر سن کار باشند در جمعیت فعال از نظر اقتصادی منظور نمی‌شوند. (کرانه‌ی پائین برای سن کار بستگی به شرایط ملی دارد).

۱۹–۴۱ طبق قرارداد، برای خدمات ارائه شده توسط مالکینِ ساکن در واحدهای مسکونی، خدمات نیروی کار نسبت داده نمی‌شود (پاراگراف‌های ۲۴–۵۰ الی ۲۴–۵۸ را ملاحظه کنید). برعکس، اگر گروهی از افراد توافق کنند بنا یا سازه‌ای مانند مدرسه یا چاهی را بسازند، این افراد به عنوان نیروی کار در نظر گرفته می‌شوند و درآمد مختلطی را برای تلاش خود دریافت می‌کنند. از آنجا که ارزش‌گذاری چنین پروژه‌هائی مشکل است، مگر این که با بناهای مشابه مقایسه شود، ارزش سازه باید براساس هزینه‌های ایجاد شده تعیین شود. نیروی کار نهاده‌ی مهمی در پروژه‌های ساختمانی است، بنابراین ارزش آن باید به عنوان قسمتی از کل هزینه‌ها با استفاده از نرخ دستمزدهای پرداخت شده برای انواع مشابه کار در بازارهای محلیِ کار منظور شود (پاراگراف‌های ۶–۱۲۷ و ۷–۳۰). این درآمد سپس برای تحصیل نتیجه‌ی تلاش آن‌ها به کار می‌رود که ممکن است بعد از آن برای نگه‌داری به شخص ثالثی تحویل داده شود. عمل دوم (تحویل به شخص ثالث، مترجم) به عنوان انتقالات سرمایه‌ای غیر نقدی ثبت می‌شود.

ت. سنجه‌های استاندارد نهاده‌های نیروی کار

۱۹-۴۲ برآورد خامی از نهاده‌های نیروی کارِ مورد نیاز برای اندازه‌گیری بهره‌وری از طریق تعداد اشخاص شاغل فراهم می‌شود. سپس با استفاده از این برآورد به عنوان نقطه‌ی شروع، سنجه‌های نهاده‌ی نیروی کار را می‌توان تعدیل کرد تا درجات مختلف تکامل آن بدست آید. محاسبه‌ی معادل تمام وقت،کل ساعات کار واقعاً انجام شده و نهاده‌های کار تعدیل کیفی شده براساس مدل، مثال‌هائی برای ترتیب پیچیده‌تر شدن محاسبات است. هریک از این‌ها به ترتیب در سطرهای زیرین مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۱. اندازه‌گیری اشتغال براساس معادل تمام وقت

۱۹-۴۳ ***اشتغال معادل تمام وقت، تعداد شغل‌های معادل تمام وقت است که به‌صورت کلِ ساعاتِ کار واقعاً انجام شده توسط همه‌ی اشخاص شاغل تقسیم بر متوسط تعداد ساعات کار واقعاً انجام شده در مشاغل تمام وقت تعریف می‌شود.***

۱۹-۴۴ تعریف فوق لزوماً نحوه‌ی برآورد این مفهوم را شرح نمی‌دهد. روشی که گاهی اوقات به کار می‌رود، به‌طور ساده شغل‌های پاره وقت به عنوان نصف یک شغل تمام وقت در نظر گرفته می‌شود، که این خام‌ترین روش ممکن برای برآورد است. از آنجا که طول مدت یک شغلِ تمام وقت در طول زمان تغییر می‌کند و برحسب صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) نیز متفاوت است، روش‌های تکامل یافته‌تر ترجیح داده می‌شوند، نظیر روشی که در آن متوسط نسبت و متوسط زمان کار کمتر از یک هفته‌ی کامل، مشاغل تمام وقت در هر گروه شغلی به‌طور جداگانه برآورد می‌شود.

۱۹-۴۵ SNA اشتغال معادل تمام وقت را به عنوان سنجه‌ی ترجیح داده شده‌ی نهاده‌ی نیروی کار توصیه نمی‌کند. ولی اگر داده‌ها به اندازه‌ی کافی موجود باشند که امکان برآورد کل ساعات واقعی کار انجام شده را فراهم کنند، اشتغال معادل تمام وقت هم باید در رابطه با حساب‌های ملی نشان داده شود. به این دلیل که این کار مقایسه‌های بین‌المللی را بین کشورهائی که فقط می‌توانند اشتغال معادل تمام وقت را برآورد کنند آسان می‌سازد. ولی با تغییر شیوه‌ی ILO به ثبتِ کلِ ساعات واقعی کار انجام شده به عنوان سنجه‌ی ترجیح داده شده‌ی نهاده‌ی نیروی کار، استفاده از معادل تمام وقت احتمالاً بتدریج از بین خواهد رفت.

۱۹-۴۶ همان طور که در بالا اشاره شد، تعداد کارکنانِ معادل تمام وقت مبتنی بر تعداد ساعات کار انجام شده، به‌صورت متوسط، در یک شغلِ تمام وقت است. اگر تعداد ساعات کار انجام شده در یک کارِ تمام وقت به دلایلی مانند افزایش مرخصی‌های استحقاقی یا تعطیلات عمومی کاهش یابد، ممکن است تغییر ناچیزی در معادل تمام وقت به وجود آید یا اصلاً تغییری در آن به وجود نیاید حتی اگر تعداد ساعات واقعی کارانجام شده کاهش یابد. افزایش مرخصی استعلاجی اتفاقی نیز می‌تواند تأثیر مشابهی داشته باشد. بنابراین برآورد تعداد ساعات کار در یک شغل تمام وقت نسبت به متوسط میزان مرخصی استعلاجی استفاده شده در دوره‌ی مرجع و نیز برای مرخصی استحقاقی سالانه تعدیل می‌شود.

۲. ساعات کار انجام شده

۱۹-۴۷ حتی با این نوع تعدیل که برای تعداد شاغلین معادل تمام وقت انجام می‌شود، کل ساعات واقعی کار انجام شده برای استفاده در برآوردهای بهره‌وری ترجیح داده می‌شود.

۱۹-۴۸ در عمل، ممکن است لازم باشد کل ساعاتی که واقعاً کار شده است و ساعات (تمام وقت) کاری که واقعاً به‌طور سالانه انجام شده است برآورد شود. در بسیاری از کشورها، به خصوص برای مشاغلی که دارای پرداخت ماهانه هستند، تنها ساعات عادی کار یا ساعاتی که معمولاً کار می‌شود، بعلاوه مرخصی استحقاقی سالانه یا تعطیلات می‌تواند تعیین شود. ممکن است برآورد متوسط غیبت از کار به علت بیماری برای کسر کردن از کل ساعات کاری که واقعاً انجام شده و همچنین از ساعات کار سالانه (تمام وقت) واقعاً انجام شده غیرممکن

باشد. این خطا در صورتی که نرخ بیماری در مشاغل پاره وقت و در مشاغل تمام وقت یکسان باشد، بر اشتغالِ معادل تمام وقت تأثیر نخواهد گذاشت.

۱۹–۴۹ اگر هفته‌های مرجع استفاده شده در آمارگیری‌هائی که داده‌ها را فراهم می‌کنند نماینده کاملی نباشد، برای برآورد داده‌ها برای کل سال باید بهترین اطلاعات موجود در باره تغییراتِ طول سال مورد استفاده قرار گیرد.

تعریف ساعات کار واقعاً انجام شده

۱۹–۵۰ برای مقاصد SNA زمانِ کار، زمانِ صرف شده برای انجام فعالیت‌هائی که در تولید کالاها و خدمات در محدوده‌ی SNA مشارکت دارند، تعریف می‌شود. هفت مفهوم زمانِ کار که در قطعنامه‌ی مربوط به اندازه‌گیری زمانِ کار در هیجدهمین ICLS در دسامبر سال ۲۰۰۸ تصویب شده است به شرح زیر تعریف می‌شود:

الف. ساعات کاری که واقعاً انجام شده است،

ب. ساعاتی که برای آن پرداخت شده است

پ. ساعات عادی کار،

ت. ساعات قراردادی کار،

ث. ساعات کاری که معمولاً انجام می‌شود،

ج. ساعات اضافه کاری،

چ. ساعات غیبت از کار.

۱۹–۵۱ مهمترین سنجه برای SNA، و مرتبط‌ترین آن‌ها برای اندازه-گیری بهره‌وری، ساعات کار واقعی انجام شده است. این مفهوم موارد زیر را در بر می‌گیرد:

الف. ساعات مستقیم، زمانی که برای انجام وظایف شغلی در هر محل صرف شده است، صرف نظر از میزان زمانی که بین کارفرما و کارکن طبق قرارداد توافق شده است،

ب. ساعات مرتبط، شامل زمان گوش به زنگ بودن، سفر برای مأموریت‌های کاری، کارآموزی و سایر وظایف مشخص شده در قطعنامه،

پ. زمان توقف کار، شامل دوره‌هائی از زمان که شخص برای کار در دسترس است ولی به علت قطع موقت کار به دلایل فنی، کمبود مواد یا ماهیت اقتصادی نمی‌تواند کار کند،

ت. زمان استراحت نظیر دوره‌ی کوتاه استراحت برای رفع خستگی و غیره.

۱۹–۵۲ ساعاتِ کار موارد زیر را در بر نمی‌گیرد:

الف. تمامی انواع مرخصی‌ها (سالانه، تعطیلات عمومی، مرخصی انجام وظایف والدین برای مراقبت از کودکان و غیره)،

ب. زمان رفت و آمد وقتی کار تولیدی انجام نمی‌شود،

پ. تحصیل غیر از کارآموزی،

ت. زمان وعده‌های غذائی و دیگر دوره‌های زمانیِ طولانی‌ترِ استراحت هنگام سفر برای کار.

۱۹–۵۳ تعاریف کامل‌تر این معیارها را می‌توان در قطعنامه ICLS یافت.

۱۹–۵۴ این فرمول برای مشاغل استخدامی، که ساعات کار انجام شده برابر است با ساعاتی که برای آن‌ها پرداخت شده منهای ساعاتی که برای آن‌ها پرداخت شده ولی کار انجام نشده است، بعلاوه ساعات کارِ انجام شده ولی پرداخت نشده، فرمول مفیدی است، زیرا بسیاری از آمارگیری‌های کارگاهی ساعات پرداخت شده، نه ساعات کار انجام شده را ثبت می‌کنند، به طوری که برای هریک از گروه‌های شغلی باید ساعات کارِ انجام شده با استفاده از هر نوع اطلاعات موجود درباره مرخصی پرداخت شده و غیره برآورد شود.

۳. تعدیل کیفی نهاده‌ی کار

۱۹-۵۵ با استفاده از کل ساعات واقعاً کار شده به عنوان سنجه‌ی نهاده برای محاسبه‌ی تغییرات بهره‌وری نیروی کار در طی زمان، به‌طور مشخص فرض می‌شود که هر ساعت کار انجام شده دارای کیفیت یکسان است (یعنی، بین قابلیت‌ها و سطوح مهارت نیروی کارِ شاغل تفاوتی وجود ندارد). به عبارت دیگر، فرض می‌شود هر ساعت کارِ انجام شده توسط شخصی با مهارت بالا، مانند جراح مغز، ستانده‌ای را که تولید می‌کند چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت با ستانده حاصل از هر ساعت کار انجام شده توسط یک کارگر غیرماهر یکسان است. این امکان وجود دارد که با وزن دهی به همه‌ی نماگرهای کیفیت باهم برای رتبه‌های مختلف کارکنان، سنجه‌ای از نیروی کارِ تعدیلِ کیفی شده تهیه شود که تغییرات ترکیبی از کارکنان را طی زمان به حساب آورد. (اصطلاح تعدیل کیفی به عنوان معادل ایده‌ی تعدیل کیفی شاخص‌های قیمت به کار می‌رود ولی این کار می‌تواند تعدیلی برای تغییرات ترکیب کارکنان درگیر نیز دیده شود).

۱۹-۵۶ نماگرهای کیفیتی که مورد استفاده قرار می‌گیرند می‌توانند به متغیرهائی نظیر مدارک دانشگاهی، صلاحیت تجاری، تجربه (به طور معمول مبتنی بر سن کارکن)، صنعتی (رشته‌فعالیتی) که در آن شاغل است و غیره مربوط شوند. نماگرهای مختلفی با استفاده از متوسط مزد ساعتیِ هر کارگر در مقوله‌های مختلف با هم وزن داده می‌شوند. فرض پشتیبان این رهیافت این است که کارکنان فقط هنگامی به کار گرفته می‌شوند که قیمت نهائی آن‌ها (یعنی دستمزد آن‌ها شامل هزینه‌های غیرمستقیم برای کارکنان) کمتر از درآمد نهائی عملیاتی مورد انتظار از تولید آن‌ها باشد. فرمول شاخصی که به کار می‌رود می‌تواند فرمولی با وزن‌های ثابت (لاسپیرز) یا فرمول کامل‌تری نظیر "تورنکویست" باشد که تغییر وزن‌ها را با استفاده از وزن‌های هریک از دوره‌های تحلیل به‌حساب می‌آورد.

۱۹-۵۷ محاسبه‌ی سنجه‌ی تعدیل کیفی شده‌ی نهاده‌ی نیروی کار با استفاده از این رهیافت نیاز فراوانی به داده دارد و احتمال می‌رود، تنها کشورهای دارای نظام‌های آماری بسیار پیشرفته داده‌های تفصیلیِ مورد نیاز این رهیافت را داشته باشند.

۴. نهاده‌ی نیروی کارِ کارکن به جبران خدمات ثابت (دوره پایه)

۱۹-۵۸ کل ساعات کار واقعاً انجام شده و اشتغالِ معادل تمام وقت هردو سنجه‌های فیزیکی نهاده‌ی کار هستند. ستانده نیز می‌تواند معمولاً برحسب فیزیکی نظیر تُن یا مترمکعب اندازه‌گیری شود ولی در حساب‌های ملی این کار انجام نمی‌شود، زیرا ارزش پایه‌ی هر تن یا متر مکعب بین محصولات مختلف به قدری متفاوت است که این سنجه‌های فیزیکی فاقد اهمیت اقتصادی هستند. ولی جبران خدمات هر ساعت یا هر سال کارِ تمام وقت نیز بسیار متفاوت است. سنجه‌های فیزیکیِ نهاده‌ی نیروی کار تنها وقتی دارای ارزش است که آمیزه‌ای از انواع مختلف کار در کشورهای مختلف یا در زمان‌های مختلفی که مورد بررسی قرار می‌گیرند بسیار مشابه باشند.

۱۹-۵۹ از آنجا که ستانده، هم به قیمت‌های جاری و هم برحسب حجم اندازه‌گیری می‌شود طبیعی است که با نهاده‌های نیروی کار نیز همانند نهاده‌های واسطه عمل شود. ولی اجرت خود اشتغالی با درآمد مختلط آمیخته است و نمی‌تواند به روشنی به طور جداگانه تعیین شود. به این دلیل، نهاده‌ی نیروی کار کارکنان فقط به جبران خدمات ثابت نشان داده می‌شوند.

۱۹-۶۰ اندازه‌گیری نهاده کار کارکن به قیمت‌های جاری و برحسب حجم با اندازه‌گیری ستانده متقارن است و از نکات زیر پیروی می‌کند:

الف. فرض می‌شود قیمت‌های بازار و جبران خدمات بازار اهمیت اقتصادی نسبی کالاها، خدمات و شغل‌ها را اندازه‌گیری می‌کند؛ مزایا و معایب این فرض برای نهاده‌ها مشابه مزایا و معایب برای ستانده است.

ب. هرچند مفاهیم سنجه‌ی حجمی و جبران خدمات ثابت به عنوان بازارزش‌گذاری مقادیر به قیمت‌ها یا میزان جبران خدمات دوره‌ی پایه تعریف می‌شوند،

آن‌ها را می‌توان در عمل به عنوان حاصل جمع ارزش قیمت ثابت یا میزان جبران خدمات ثابتِ تمامی گروه‌ها که هرکدام تقسیم بر یک شاخص مناسب دستمزد می‌شود، برآورد کرد.

پ. این گروه از شاخص‌ها برآوردهائی هستند که برای یک نمونه‌ی نماینده از شغل‌ها یا از کالاها یا خدمات محاسبه می‌شوند، با وزن‌هائی که اهمیت نسبی هریک از زیرگروه‌هائی را که با یک شغل مشخص و منتخب، یا با یک کالا یا خدمت مشخص و منتخب نماینده شده‌اند منعکس می‌کنند. به عبارت دیگر، شاخص جبران خدمات نیز مشابه یک شاخص قیمت تهیه می‌شود.

۱۹-۶۱ وقتی ارزش نهاده‌ی نیروی کار کارکن بر حسب جبران خدمات ثابت را می‌توان به وسیله تعدیل قیمتِ ارزش‌های جاری همان‌طور که در بالا بیان شد برآورد کرد، ممکن است در صورت وجود داده‌های مورد نیاز امکان رهیافت مستقیم که از حاصل ضرب تعداد شغل‌های جاری در هر گروه شغلی در متوسط جبران خدمات سالانه برای شغل‌های آن گروه شغلی در سال پایه به دست می‌آید نیز فراهم شود.

ث. برآورد بهره‌وری نیروی کار

۱. بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری چند عاملی

۱۹-۶۲ حجم ستانده به ازای هر ساعت کارِ انجام شده (یا هر شخص شاغل) به عنوان سنجه‌های بهره‌وری نیروی کار نامیده می‌شود. ولی، این سنجه تا حدی ساده است زیرا تغییراتِ این سنجه می‌تواند عواملی غیر از تعداد ساعات کار شاغل را نیز منعکس کند. به ویژه، افزایشِ میزان سرمایه به کار گرفته شده می‌تواند بر این نسبت تأثیر بگذارد همان‌طور که تغییرات جبران خدمات نیروی کار در طول زمان نیز می‌تواند تأثیر گذار باشد.

۱۹-۶۳ سنجه‌های بهره‌وری سرمایه که با تقسیم حجم ستانده بر یک شاخص خدمات سرمایه‌ی ارائه شده محاسبه می‌شود نیز دارای اشکالات مشابهی است زیرا این سنجه اثرات میزان نیروی کار شاغل و کارائی و ترکیب نهاده‌های سرمایه را در بر نمی‌گیرد.

۱۹-۶۴ سنجه‌ای که مشارکت هردوی نیروی کار و سرمایه را برای رشد ستانده به حساب می‌آورد بهره‌وری چند عاملی (Multifactor productivity:MFP) است، که گاهی اوقات هم بهره‌وری کل عوامل (TFP) نامیده می‌شود. مزیت استفاده از MFP به عنوان سنجه‌ای از بهره‌وری این است که اثراتی را در بر می‌گیرد که در نهاده‌های کار و سرمایه به حساب نمی‌آیند. این موضوع در فصل ۲۰ و در *اندازه‌گیری سرمایه* مورد بحث قرار گرفته است.

۱۹-۶۵ مدل بهره‌وری را می‌توان طوری گسترش داد که عوامل دیگر نظیر انرژی و مواد اولیه‌ی استفاده شده در تولید را نیز در بر گیرد. این مدل را می‌توان برای بدست آوردنِ برآوردهائی از بهره‌وری در تفصیلی‌ترین سطح جدول‌های داده- ستانده گسترش داد. مثالی از این کار را می‌توان در پروژه EU-KLEMS یافت. پروژه‌ی EU-KLEMS در ابتدا یک پروژه‌ی پژوهشی تحلیلی بود که بر تحلیل بهره‌وری و حسابداری رشد در سطح صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) در اتحادیه اروپا متمرکز شده بود. اطلاعات بیشتر در باره آن را می‌توان در سایت پروژه با آدرس http://www.euklems.net به دست آورد. این کار به طور رسمی تصویب شده است.

۲. برآوردهای اشتغال برای برآورد بهره‌وری

۱۹-۶۶ همان طور که در بخش ت توضیح داده شد، نه تعداد کارکنان، نه حتی کارکنان معادلِ تمام وقت، هیچ‌یک سنجه‌های ایده‌آلی برای استفاده در مطالعات بهره‌وری نیستند. بسیاری از کاربران، کل ساعات واقعاً کار شده را ترجیح می‌دهند زیرا این سنجه یک سازش منطقی بین این نوع سنجه‌های خام و سنجه‌های داده‌بَر است که نسبت به تفاوت‌های قابلیت‌ها، سطوح مهارت و ترکیب نیروی کار تعدیل می‌شود.

۱۹-۶۷ هریک از سنجه‌های نیروی کار که برای محاسبه‌ی بهره‌وری مورد استفاده قرار گیرد، بسیار مهم است که اطمینان حاصل شود پوشش داده‌های نیروی کار با پوشش داده‌های حساب-های ملی سازگار است. به عبارت دیگر، نهاده‌های کار باید در همان محدوده‌ی تولید حساب‌های ملی و با استفاده از همان معیار اقامت که در حساب ملی به کار می‌رود برآورد شود. به طور معمول، موضوعاتی که بیشترین مشکل را به وجود می‌آورند عبارتند از اقامت (به ویژه با کارگران مرزی)، نیروهای مسلح و پرسنل سیاسی (که عموماً از طریق آمارگیری‌های نیروی کار که اغلب برای فراهم کردن داده-های پایه به کار می‌روند، پوشش داده نمی‌شوند) و به دست آوردن جزئیات ساعات کار پرداخت نشده (برای مثال، اضافه کارهای پرداخت نشده) یا برخی خود اشتغالی (نظیر کارکنانِ کمکِ خانواده).

۱۹-۶۸ تحلیل‌گران به طور روزافزونی به اندازه‌گیری بهره‌وری بر حسب صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) به‌اندازه‌ی بهره‌وری برای کل اقتصاد علاقه‌مند شده‌اند. محاسبه اشتغال و زمانِ کار بر حسب صنعت (رشته فعالیت) بعد دیگری از مشکلات را در فرآیند برآورد پیش می‌آورد. استفاده از ساعات کار با توجه به مزایای دیگری که دارد، بر مشکلات موجود در اندازه‌گیری برحسب صنعت (رشته فعالیت) وقتی کارکن دو یا چند شغل در خارج از آن صنعت داشته باشد، غلبه می‌کند.

۱۹-۶۹ به ویژه این که داده‌های حساب‌های ملی از آمارگیری‌های کارگاهی به دست می‌آید در حالی که برآوردهای اشتغال به طورکلی با استفاده از آمارگیری خانوار حاصل می‌شود. اغلب مشکل است که داده‌هائی که بر حسب صنعت طبقه‌بندی شده‌اند به طور صحیحی با داده‌های به دست آمده از منابع جدا از یکدیگر هماهنگ شوند. در برآوردهای منطقه‌ای نیز مشکلات مشابهی تأثیر می‌گذارد، به علاوه این که مفهوم اقامت نیز باید در سطح مناطق اعمال شود در حالی که در سطح کشور این مسأله وجود ندارد.

۱۹-۷۰ بهره‌وری کار، از جمله بهره‌وری صنعتی (رشته‌فعالیتی)، و MFP، همه سنجه‌های معتبری برای عملکرد یک اقتصاد هستند. از دیدگاه عملی، هنگام محاسبه برآوردهای بهره‌وری حصول اطمینان از سازگاریِ اشتغال و ساعات کار انجام شده، که اساس این مجموعه از برآوردها را تشکیل می‌دهد، با یکدیگر و با سنجه‌ی ستانده مهم است.

۳. سازگاری داده‌ها

۱۹-۷۱ بررسی عملکرد نسبی بهره‌وری صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) مختلف مورد علاقه بسیاری از تحلیل‌گران است. در عمل، برآوردهای نیروی کار برای کل اقتصاد را می‌توان چه به روشِ "پائین به بالا" و چه به روشِ "بالا به پائین" بدست آورد. در حالت اول، باید ارقام جمع برای کل اقتصاد به طور کامل با برآوردهای صنعتی (رشته‌فعالیتی) سازگار باشد زیرا برآوردهای کل نیروی کار از حاصل جمع آن‌ها به دست آمده است. ولی در رهیافت بالا به پائین ممکن است برای به دست آوردن تفکیک صنعتی (رشته‌فعالیتی) گستره‌ای از منابع متفاوت داده‌ها مورد استفاده قرار گیرد. در این حالت، حصول اطمینان از سازگاری جمع برآوردهای صنعتی (رشته فعالیتی) با جمع کل‌های ملی مهم است.

۱۹-۷۲ طبقه‌بندی اشتغال برحسب صنعت (رشته فعالیت) همیشه سرراست نیست. موضوع اصلی حصول اطمینان از این است که برآوردهای اشتغال برای هر صنعت (رشته‌فعالیت) تا جائی که ممکن است با ارزش‌ها و حجم‌های حساب‌های ملی سازگار باشند تا برآوردهای بهره‌وریِ قابل اعتمادی بدست آید. مشکل ویژه‌ای که مطرح می‌شود هنگامی است که کارکنان از طریق یک مؤسسه‌ی کاریابیِ خارج از واحد نهادی به کار

گرفته می‌شوند. حفظ سازگاری با ستانده‌ی صنعت (رشته‌فعالیت) به این معنی است که اشتغال باید در صنعت (رشته‌فعالیت) کارگاهی که قانوناً کارکنان را استخدام می‌کند طبقه بندی شود. در عمل این واحد، کارگاهی خواهد بود که دستمزد کارکنان و هرگونه حق بیمه‌ی اجتماعی را پرداخت می‌کند که معمولاً مؤسسه‌ی اشتغال است و لذا این کارکنان در رشته فعالیت طبقه ۷۴۹۱ *استخدام نیروی کار و فراهم کردن پرسنل*، طبقه بندی خواهند شد. ستانده‌ی این صنعت (رشته‌فعالیت) شامل درآمد عملیاتی به دست آمده از فعالیت استخدام کارکنان برای کارگاهی است که به کارکن نیاز دارد؛ عموماً، این کارگاه‌ها در صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) دیگری خواهند بود. کارگاه‌های استفاده کننده از این کارکنان به مؤسسه استخدام کننده پرداخت می‌کنند و سپس مؤسسه استخدام کننده به کارکنان پرداخت می‌کند بنابراین پرداخت‌های کارگاه‌های "استفاده کننده" به عنوان قسمتی از نهاده‌ی واسطه برای صنعت (رشته‌فعالیت) استفاده کننده ثبت خواهد شد.

۱۹-۷۳ در حالت ایده‌آل، برای مقاصد بهره‌وری هم ستانده‌ی مربوط به این کارکنان و هم ساعات کارِ آن‌ها در صنعتی (رشته فعالیتی) که واقعاً کار می‌کنند نه صنعتی (رشته فعالیتی) که در آن استخدام شده‌اند و فراهم کردن پرسنل ثبت می‌شوند. ولی در عمل، احتمال این که داده‌هائی را بتوان گردآوری کرد که امکان طبقه‌بندی ستانده و ساعات کار انجام شده به این شیوه را بدهد وجود ندارد. ممکن است برای بعضی مقاصد مفید باشد که کارکنانی که توسط یک مؤسسه اشتغال استخدام می‌شوند به صنعت‌هائی (رشته‌فعالیتی) که واقعاً از آن‌ها استفاده می‌کنند منتسب شوند. ولی، این شیوه‌ی انتساب باید در یک جدول مکمل ارائه شود و نه در حساب اصلی.

۴. مقایسه‌های بین‌المللی

۱۹-۷۴ رشدِ بهره‌وری اغلب بر حسب درصد بیان می‌شود و مقایسه‌ی بین کشورها بر حسب این درصدها صورت می‌گیرد. با فرض این که روش‌های مشابهی برای تهیه این برآوردها در کشورهای مورد مقایسه به کار می‌رود، و با فرض این که این کشورها تقریباً دارای سطوح بهره‌وری قابل مقایسه‌ای هستند، این نوع مقایسه می‌تواند جالب توجه باشد، بعلاوه این که بسیار ساده‌تر از مقایسه‌ی جایگزینِ سطوح است. اندازه‌گیری میزان نسبی تولید (برای مثال، حجم GDP یا GDP سرانه) یا بهره‌وریِ بین کشورها پیچیده‌تر هستند زیرا لازم است داده‌های حساب‌های ملی به پول مشترک تبدیل شود. بهترین ابزار برای این کار محاسبه‌ی برابری قدرت خرید (PPP) است که نرخ تبدیل پول رایج مورد نیاز برای برابرسازی قیمت‌های سبد مشترک کالاها و خدمات بین کشورهای مربوطه را اندازه‌گیری می‌کند. در عمل، PPPها برای تفاوت در سطح قیمت‌های بین کشورها و نیز تفاوت در نرخ‌های ارز تعدیل می‌شوند (بخش ج در فصل ۱۵ ملاحظه شود).

۱۹-۷۵ مقایسه‌های بین‌المللیِ بهره‌وری در سطوح پائین‌تر از GDP، نظیر تفکیک صنعتی (رشته فعالیتی)، مشکل ساز است. PPPها با استفاده از برآوردهای GDP بر مبنای مخارج محاسبه می‌شوند بنابراین برای هر صنعتی (رشته‌فعالیتی) که در GDP مشارکت دارد PPP وجود ندارد. در این‌صورت، لازم است فرض شود که PPP مربوط به یک هم‌افزوده منفرد نظیر GDP به تمام صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) قابل اعمال است. بررسی اختلاف‌های موجود در PPPهای اجزای مختلف مخارج نشان می‌دهد که آن‌ها می‌توانند به طور قابل ملاحظه‌ای تفاوت داشته باشند بنابراین احتمال این که فرض فوق یک فرض بسیار خوبی باشد وجود ندارد. لذا، ساخت ابزار مقایسه‌های بین‌المللیِ استوار از بهره‌وری در سطوح تفکیک شده خواهان بسیار زیادی دارد.

ج. یادداشتی بر داده‌های مبداء

۱۹–۷۶ به طور کلی، سه نوع منبع برای داده‌های اشتغال وجود دارد. این منابع ممکن است به طور تکی یا به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار گیرند، به ویژه هنگامی که دوره تناوب هریک متفاوت باشد. هشدارهای معمول برای کیفیت یک آمارگیری که تابع تعداد نمونه‌ها، طراحی، نرخ پاسخگوئی و دوره مرجع است، مسلماً برای آمارگیری‌هائی نیز که برای داده‌های اشتغال استفاده می‌شود همانند سایر آمارگیری‌ها بکار می‌رود. به‌همین ترتیب اقداماتی که برای بی پاسخی‌ها و گزارش‌های نادرست لازم است انجام شود.

۱۹–۷۷ منابع برای داده‌ها عبارتند از:

الف. آمارگیری‌های نمونه‌ای خانوار، نظیر آمارگیری‌های نیروی کار؛

ب. آمارگیری‌های نمونه‌ای کارگاهی؛

پ. داده‌های اداری (برای مثال، اشتغال مربوط به مالیات حقوق).

داده‌های سرشماری نفوس نیز ممکن است گاهگاهی وجود داشته باشد.

۱۹–۷۸ برآوردهای اشتغال از یک آمارگیری خانوار به طور معمول تعداد افرادی را که دارای کار هستند و شاید، تعداد ساعاتی را که کار می‌کنند، می‌شمارند. اگر سنجه‌ی نهاده‌ی نیروی کار استفاده شده تعداد شغل‌های کشور باشد در این صورت آمارگیری خانوار به اندازه‌ای که بعضی مردم در بیش از یک شغل کار می‌کنند کم برآوردی خواهد داشت، مگر این که این آمارگیری اطلاعاتی را درباره چند شغلی نیز گردآوری کند. از سوی دیگر، اگر آمارگیری خانوار جزئیات مربوط به ساعات کار انجام شده در تمام شغل‌هائی را که هر شخص در آن‌ها شاغل است گردآوری کند، در این صورت برآورد خوبی از اشتغال برای کل اقتصاد فراهم خواهد شد.

۱۹–۷۹ آمارگیری‌های کارگاهی وقتی به عنوان منبعی از داده‌های اشتغال به کار می‌روند، دارای کمبودهائی هستند. نخست این که، حصول اطمینان از بهنگام بودنِ کاملِ چارچوب آماری که اساس آمارگیری‌ها قرار می‌گیرد مشکل است زیرا به طور ذاتی در منابع استفاده شده برای بهنگام سازی وقفه‌های زمانی وجود دارد (برای مثال، ثبت کارگاه‌های جدید در ادارات مربوطه). حتی اگر وقفه‌های زمانیِ بهنگام سازیِ چارچوب آماری ثابت باشد، اثر آن‌ها در برآوردهای اشتغال با افت و خیزهای سیکل‌های تجاری متفاوت خواهد بود. دوم این که، گردآوری داده‌ها برای اشخاص خود اشتغال به ویژه وقتی یک کارگاه غیرشرکتی را اداره می‌کنند، اغلب مشکل است. ممکن است با بنگاه‌ها در رابطه با کارکنان غیررسمی به عنوان ارائه دهنده خدمت (که پرداختی آن مصرف واسطه است نه جبران خدمات، مترجم) بجای کارکنان استخدام شده سردرگمی واقعی وجود داشته باشد. علاوه بر این، ممکن است مواردی وجود داشته باشد که تعداد کارکنان را عمداً کم گزارش کنند.

۱۹–۸۰ داده‌های اداری منبع داده‌های مفیدی را برای اشتغال در حساب‌های ملی فراهم می‌کند ولی لازم است این داده‌ها با احتیاط و با ارتباط با منابع دیگر مورد استفاده قرار گیرد. حتی هنگامی که از نظر منطقی دارای پوشش کاملی باشد (به عنوان نمونه، داده‌های مالیات کارگاه) داده‌ها ممکن است تا بعد از سال مرجع در دسترس نباشد و بجای متوسط سالانه فقط تصویر لحظه‌ای از اشتغال را در آن سال ارائه کند. منبعی نظیر داده‌های مالیات حقوق اغلب تحت تأثیر معافیت مالیاتی برای کارگاه‌های کوچکتر (از جمله بنگاه‌های غیرشرکتی) قرار می‌گیرند، که جامع بودن داده‌ها را کاهش می‌دهد. در چنین مواردی، احتمال دارد پوشش کارگاه‌ها برحسب صنعت (رشته فعالیت) به دلیل تمرکز کارگاه‌های کوچکتر در رشته فعالیت‌هائی نظیر کشاورزی، ساختمان و خرده‌فروشی متفاوت باشد.

۱۹–۸۱ مشکل مربوط به بررسی کارگران مرزی در حساب‌های ملی در بخش اقامت توضیح داده شده است. تا جائی که به منبع داده‌ها مربوط می‌شود، آمارگیری‌های خانوار احتمالاً اشخاص شاغل را در کشوری که مورد آمارگیری قرار گرفته‌اند (یعنی، کشور محل اقامت آن‌ها) به‌حساب می‌آورند مگر آمارگیری

حاوی سؤالات خاصی برای شناسائی این کارکنان باشد و امکان خارج کردن آن‌ها را فرهم سازد.

۱۹-۸۲ اشخاص شاغلی که در طول هفته‌ی مرجع بیش از یک شغل داشته‌اند فقط با اعمال بعضی معیارهای اساسیِ اختیاری مبنی بر این که کدام یک از شغل‌هایشان دارای بیشترین اهمیت است می‌توانند بر حسب صنعت (رشته‌فعالیت) و بر حسب وضعیت اشتغال طبقه‌بندی شوند. از نظر عملی، در حالی که آمارگیری‌های خانوار می‌توانند داده‌هائی را درباره‌ی اشخاصِ شاغل یا شغل‌ها و یا هردوی آن‌ها فراهم کنند، آمارگیری‌های کارگاه فقط می‌توانند داده‌هائی را درباره شغل‌ها فراهم کنند.

فصل ۲۰: خدمات سرمایه و حساب‌های ملی

الف. مقدمه

۲۰-۱ این فصل از نظر محتوا و سبک با فصل‌هائی که حساب‌های SNA را شرح می‌دهند تفاوت دارد. هدفِ آن، این است که نشان دهد بین ارزش دارائی‌های بکار رفته در تولید و مازاد عملیاتی ناخالصِ ایجاد شده چگونه می‌توان پیوندی برقرار کرد. این پیوند در طول یک دوره‌ی پنجاه ساله در رشته‌ای از دانش که به عنوان نظریه‌ی خدمات سرمایه نامیده می‌شود پرورانده شده است. ولی تنها در سال‌های اخیر است که تعدادی از ادارات آمار ایده‌ای از این تئوری را در اندازه‌گیری موجودی دارائی‌های استفاده شده در تولید وارد کرده‌اند. از آنجا که شواهدی وجود دارد که این رهیافت منجر به سنجه‌های بهبود یافته‌ای از موجودی سرمایه می‌شود، پیشنهاد شده است ادارات آماری که علاقمند هستند می‌توانند یک جدول تکمیلی علاوه بر حساب‌های استاندارد تهیه کنند که خدمات ضمنی ارائه شده توسط دارائی‌های غیرمالی را نشان دهد. سهم نهاده‌ی نیروی کار در تولید به عنوان جبران خدمات کارکنان شناخته شده است. وقتی برآوردهای خدمات سرمایه با اجزای استانداردِ ارزش افزوده همراه شوند، می‌توان تصویری کاملاً سازگار با حساب‌های SNA از سهم هردو عامل نیروی کار و سرمایه در تولید را به شکل آماده‌ای برای استفاده در تحلیل‌های بهره‌وری ارائه داد.

۲۰-۲ بقیه‌ی مطالب مقدمه، مروری بسیار کلی بر ایده‌های استفاده شده در پیوند بین خدمات سرمایه با حساب‌های ملی ارائه می‌دهد. بخش ب نشان می‌دهد که چگونه اندازه‌گیری موجودی سرمایه می‌تواند با مفهوم کارائیِ یک دارائی و نیز قیمت آن همتراز باشد. این موضوع با نشان دادن چگونگی تشخیص جریان‌های خدمات سرمایه در چارچوب اقلام ورودی موجود در حساب‌ها، در بخش پ پی گرفته می‌شود. بخش ت نشان می‌دهد که چگونه در نظر گرفتن پیوند اولیه‌ی بین ارزش دارائی و سهم در مازاد عملیاتی می‌تواند برای تعیین شیوه‌ی مناسبی برای به حساب آوردن هزینه‌های مربوط به تحصیل و واگذاری دارائی‌ها و برای جای‌گذاری ارزشی برای دارائی‌هائی که اطلاعات محدودی درباره‌ی قیمت بازارِ آن‌ها وجود دارد، بهره برداری شود. در نهایت، بخش ث درباره‌ی یک چارچوب عملی برای جدول تکمیلی بحث می‌کند.

ب. ایده‌ی اصلی خدمات سرمایه

۲۰-۳ دارائی‌های غیرمالی، چه در تولید استفاده شوند و چه فقط برای مدت زمانی نگه‌داشته شوند، منافعی را ایجاد می‌کنند. این فصل به آن دسته از دارائی‌های غیرمالی که در تولید سهم دارند و چگونگی ثبت این سهم در تولید، مربوط است. دارائی‌های مربوط عبارتند از دارائی‌های ثابت، موجودی‌های انبار، منابع طبیعی و قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌هائی که در تولید استفاده می‌شوند. اشیاء گرانبهائی که از نگه‌داشتن آن‌ها به عنوان حفظ ذخیره ارزش بجای استفاده در تولید و نظائر آن منافعی بدست می‌آید در این فصل پوشش داده نمی‌شوند.

۲۰-۴ دارائی‌هائی که در ترازنامه‌ی مالکِ اقتصادی نشان داده می‌شوند و تغییرات ارزش آن‌ها بین دو ترازنامه، باید مشخص شده و در حساب مناسب آن ثبت شوند. تغییرات در ارزش دارائی‌ها در اثر تغییرات در قیمت‌های مطلق یا نسبی در حساب بازارزش‌گذاری نشان داده می‌شوند. تغییرات حاصل از رخدادها که در تراکنش‌ها منعکس نمی‌شوند، در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها نشان داده می‌شوند. هر تغییر دیگری در ارزش به عنوان تراکنش تلقی می‌شوند و باید در جای دیگری در SNA ثبت شوند. اگر استفاده کننده‌ی دارائی مالک قانونی دارائی نباشد، دو مجموعه تراکنش ثبت می‌شوند، یکی مجموعه‌ای که منجر به پرداخت‌های بین استفاده کننده و مالک می‌شود و دیگری مجموعه‌ای که دریافت منافع استفاده از دارائی توسط استفاده کننده را نشان

می‌دهد. مجموعه دوم برای استفاده کننده به صورت داخلی ثبت می‌شود. اگر مالک قانونی، استفاده کننده‌ی دارائی نیز باشد تنها تراکنش‌های داخلی ثبت می‌شوند.

۲۰-۵ دارائی‌هائی که در تولید بکار می‌روند باید برای آن‌ها پرداختی انجام شود ولی این پرداختی در دوره‌ای که دارائی تحصیل شده است از ارزش تولید کسر نمی‌شود بلکه در تمامی دوره‌هائی که دارائی برای تولید بکار می‌رود پخش می‌شود. برای دارائی‌های ثابت، این پرداختِ تدریجی بابت یک دارائی به عنوان مصرف سرمایه‌ی ثابت ثبت می‌شود، که عبارت از کاهش ارزش دارائی در اثر استفاده‌ی آن در تولید است. اما دارائی‌ها تنها یک هزینه در تولید نیستند، بلکه در سود دهی یک بنگاه نیز به دلیل این که منشاء مازاد عملیاتی هستند سهم دارند. مدت زمان زیادی است که مازاد عملیاتی به عنوان بازگشت سرمایه بکار گرفته شده در تولید شناخته می‌شود ولی بیان بهم پیوسته‌ی چگونگی ایجاد این مازاد عملیاتی و مرتبط شدن آن با ارزش یک دارائی و روشی که این ارزش در طول یک دوره تغییر پیدا می‌کند پیش از این در SNA وارد نشده بود. همان‌طور که اشاره شد، این بهم پیوستگی به عنوان نظریه خدمات سرمایه شناخته شده است. حسابداران ملی با این اصطلاح به‌راحتی برخورد نمی‌کنند زیرا خدماتی که اشاره شد ستانده‌ای نیستند که به شیوه خدمات دیگر نظیر خدمات حمل و نقل یا آموزش تولید شده باشند. با این حال، این اصطلاح بخوبی جا افتاده است و تا زمانی که بیاد آورده شود که خدمات سرمایه خدمات تولید شده نیستند، خودِ این اصطلاح نباید مشکلاتی را بوجود آورد. این امکان هم وجود دارد که، خدمات سرمایه فقط اصطلاحی در نظر گرفته شود برای روشی که در آن تغییرات ارزش دارائی‌های استفاده شده در تولید در حساب تولید و ترازنامه نشان داده می‌شوند.

۲۰-۶ مشوّق اصلی برای تعیین اقلام مربوط به خدمات سرمایه در حساب‌های ملی ناشی از نیاز کسانی است که به کاربردهای تحلیلی که حاوی اطلاعاتی بویژه برای مطالعات بهره‌وری باشند علاقمند هستند. از آنجا که بخش عمده‌ای از این کارها توسط پژوهشگران انجام شده است، شاید اجتناب ناپذیر باشد که منطق و دلیل پشتیبان این پیشنهادها باید به شیوه‌ای علمی، بویژه گاهی با استفاده‌ی گسترده از ریاضیاتِ نسبتاً پیچیده، بیان شود. این فصل رهیافت متفاوتی را در پیش گرفته است. هدف این است که نشان داده شود بجای معرفی یک مفهوم جدید در SNA، خدمات سرمایه را از نظر تئوری می‌توان در داخل حساب‌های موجود تعیین کرد. علاوه بر این، به رسمیت شناختن خدمات سرمایه به بهبود برآوردهای مصرف سرمایه ثابتی که در حال حاضر در حساب‌های تولید مورد نیاز است، و به بهبود برآوردهای ارزش موجودی سرمایه‌ای که در ترازنامه مورد نیاز است منجر می‌شود. از اینرو، تهیه‌ی اطلاعات تحلیلیِ سودمند برای مطالعات بهره‌وری می‌تواند به عنوان یک محصول جنبیِ حاصل از بهبود روش‌های تهیه حساب‌های ملی، نه یک عمل اضافی، دیده شود. تشریح موضوع با استفاده از مثال‌های بسیار ساده‌ی عددی انجام شده است ولی باز هم قصد بر این است که ارتباط بین مفاهیم مورد اشاره در مطالعاتی که با خدمات سرمایه مرتبط هستند و رهیافت‌های حساب‌های ملی درباره ارزش گذاری سرمایه و تعیین میزان موجودی سرمایه نشان داده شود.

۲۰-۷ توضیح ارائه شده در اینجا تا حدودی یک توضیح سطحی است زیرا قصد بر این است که مروری کلی بر مفاهیم صورت گیرد و به طور کلی نشان داده شود که چرا نظریه خدمات سرمایه به حسابداران ملی مربوط است. برای درک عمیق‌تر موضوع، لازم است به دو دستنامه OECD با عناوین *اندازه-گیری سرمایه و اندازه‌گیری بهره‌وری* و برخی کارهای عملی و نظری که در آن دستنامه‌ها اشاره شده است مراجعه شود.

ب. ارزش‌گذاری موجودی سرمایه

۸-۲۰ برآورد موجودی سرمایه فرآیند سرراستی نیست. در حالی که این امکان وجود دارد که همه‌ی تشکیل سرمایه‌ی جدید انجام شده در یک سال مستقیماً اندازه‌گیری و فقط تجمیع شوند، برآورد ارزش کل موجودی دارائی‌ها، حتی از یک نوع، ولی با ویژگی‌های متفاوت و عمر متفاوت امر ساده‌ای نیست. از نظر تئوری، اگر بازارهای کامل دست دومی برای دارائی‌هائی با هر نوع ویژگی وجود داشت، قیمت‌های مشاهده شده در این بازارها می‌توانستند برای بازارزش‌گذاری هریک از انواع دارائی‌ها به قیمت‌های غالب یک سال مشخص استفاده شوند، ولی در عمل، این نوع اطلاعات بسیار بندرت موجود هستند. از اینرو سنجه‌های موجودی سرمایه باید به طور غیرمستقیم محاسبه شوند و این کار به طور متعارف با در نظر گرفتن فرض‌هائی درباه چگونگی کاهش قیمت یک دارائی در طول زمان و با وارد کرد آن در یک مدل مبتنی بر روش موجودی‌گیری دائمی (PIM) انجام می‌شود. اساساً PIM ارزش تمامی دارائی‌های موجود در ابتدای سال را با کاهشِ ارزش آن‌ها در طول سال ثبت می‌کند، دارائی‌هائی را که در آن سال به انتهای عمر مفیدشان می‌رسند حذف می‌کند و ارزش خالص دفتری دارائی‌های تحصیل شده در طول سال را اضافه می‌کند. این روال بقدری خوب جا افتاده است که می‌توان از فرض‌هائی که این شیوه بر آن‌ها مبتنی است چشم پوشی کرد ولی بررسی این فرض‌هاست که مزایای دوگانه‌ی تعیین ارزش خدمات سرمایه را آشکار می‌سازد.

۹-۲۰ در نبودِ قیمت‌های قابل مشاهده، ارزش یک دارائی ممکن است بوسیله ارزش حال عایدات آینده آن تعیین شود. نظریه اقتصادی بیان می‌کند که در یک بازار که دارای کارکرد خوبی است (تعیین شده به‌گونه‌ای مناسب) این اتحاد حتی هنگامی که قیمت‌ها قابل مشاهده هستند نیز برقرار است. از اینرو، درباره ارزش یک دارائی دو نوع سؤال ممکن است مطرح شود؛ (i) اگر فروخته شود چه مبلغی بدست می‌آید (ii) در طول عمر مفید خود چه میزان در تولید سهم خواهد داشت. سؤال اول سؤال سنتی است که توسط حسابداران ملی مطرح می‌شود؛ سوال دوم سؤال اساسی برای مطالعات بهره‌وری است. ولی این دو سؤال مستقل از یکدیگر نیستند.

۱. اطلاع از سهم در تولید

۱۰-۲۰ فرض کنید یک دارائی در طول پنج سال آینده ارزش‌هائی معادل ۱۰۰، ۸۰، ۶۰، ۴۰ و ۲۰ به تولید اضافه خواهد کرد. برای ساده شدن موضوع فرض کنید همه‌ی محصولات دارای یک قمیت هستند و تورمی وجود ندارد. باز هم فرض کنید، نرخ واقعی بهره برای هر پنج سال پنج درصد در سال است.

۱۱-۲۰ ارزش دارائی مورد نظر در تمام پنج سال می‌تواند با استفاده از تکنیک‌های ارزش حال استخراج شود، همان طور که در جدول ۲۰-۱ نشان داده شده است. (برای سادگی، در این مثال و مثال‌های بعدی ارزش‌های نشان داده شده ارزش‌های ابتدای سال هستند به طوری که هنگام تنزیل، عامل تنزیل برای کل سال بکار می‌رود. این ساده سازی فقط برای تسهیل توضیحات انجام شده است؛ در عمل باید از ارقام میانی سال استفاده شود. همچنین باید توجه داشت که ارقام داخل جدول گرد شده‌اند و بنابراین ممکن است این‌طور بنظر آید که دقیقاً رقم مورد نظر اضافه نشده است. اما، خواننده‌ای که مثال را در یک صفحه گسترده پی می‌گیرد دقیقاً به رقم نشان داده شده خواهد رسید).

۱۲-۲۰ افزوده به ارزش دارائی در سال ۱ از عایدات مورد انتظارِ ۸۰ در سال ۲، معادل ۷۶ یعنی ۸۰ تقسیم بر ۱/۰۵ است. (به عبارت دیگر، افزوده به ارزش دارائی درسال ۱ می‌تواند به صورت ۸۰ ضربدر یک عامل تنزیل برابر با ۰/۹۵۲۴ در نظر گرفته شود که معکوس ۱/۰۵ $\left(\frac{1}{1/05}\right)$ است. افزوده به ارزش دارائی درسال ۲ از عایدات سال ۳ معادل ۵۷ (۶۰ تقسیم بر ۱/۰۵) است و در سال ۱ معادل ۵۴ (۵۷ تقسیم بر ۱/۰۵) و بهمین ترتیب تا آخر. وقتی ارزش ۱۰۰ برای عایدات سال اول به ۷۶، ارزش عایدات سال دوم در سال اول و به ۵۴، ارزش عایدات سال سوم در سال اول و به ۳۵ و ۱۶، ارزش عایدات در سال‌های ۴ و ۵ در سال اول اضافه شود، ارزشی برابر ۲۸۲

برای دارائی در سال ۱ بدست می‌آید. وقتی جدول کامل می‌شود، ارزش دارائی که در هر یک از پنج سال مشاهده می‌شود ۲۸۲، ۱۹۱، ۱۱۶، ۵۹ و ۲۰ است.

۲۰–۱۳ کاهش ارزش دارائی از سالی به سال دیگر را می‌توان با کسر کردن ارزش سال بعد از ارزش سال جاری محاسبه کرد. از اینرو، سری ۹۱، ۷۴، ۵۷، ۳۹ و ۲۰ از یک سری که حاصل جمع برای ارزش اولیه‌ی دارائی ۲۸۲ است، بدست می‌آید. اگر کاهش ارزش دارائی (۹۱ در سال اول) از سهم آن در تولید (۱۰۰ در سال اول) کسر شود، ارزش درآمد ایجاد شده در یک سال (۹ برای سال اول) حاصل می‌شود، (به همین ترتیب برای سال دوم ۷۴ از ۸۰ کسر می‌شود که حاصل آن ۶ است، برای بقیه‌ی سال‌ها هم درآمد به همین ترتیب بدست می‌آید، مترجم). برای مشاهده این که این رقم درآمد را نشان می‌دهد، در نظر بگیرید که جمع عناصر ستون اول برای سال‌های ۲ الی ۵ (۱۸۲) ارزشی یکسان با موجودی سرمایه‌ی موجود در سال ۲ ولی ارزش گذاری شده در سال اول (۱۹۱ تقسیم بر ۱/۰۵، مترجم) را نشان می‌دهد. رقم ۱۸۲ بین سال ۱ و ۲ با افزایش ارزشی معادل ۹ به ۱۹۱ می‌رسد. این مبلغ معیاری برای درآمد ارائه می‌دهد، یعنی مبلغی که مالک سرمایه می‌تواند خرج کند و هنوز هم در انتهای دوره بهمان اندازه‌ی ابتدای دوره ثروتمند باشد.

جدول ۲۰–۱: مثالی برای بدست آوردن ارزش موجودی سرمایه با مشخص بودن سهم آن در تولید

نرخ تنزیل

سهم ارزش دارائی در عایدات در:	سال ۱	سال ۲	سال ۳	سال ۴	سال ۵	جمع ۵ سال
سال ۱	۱۰۰					
سال ۲	۷۶	۸۰				
سال ۳	۵۴	۵۷	۶۰			
سال ۴	۳۵	۳۶	۳۸	۴۰		
سال ۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	
ارزش در سال	**۲۸۲**	**۱۹۱**	**۱۱۶**	**۵۹**	**۲۰**	
شاخص ارزش (سال به سال)	۱.۰۰	۰.۶۸	۰.۶۱	۰.۵۱	۰.۳۴	
کاهش ارزش	**۹۱**	**۷۴**	**۵۷**	**۳۹**	**۲۰**	**۲۸۲**
درآمد	۹	۶	۳	۱	۰	۱۸

۲۰–۱۴ در طول دوره‌ی پنج ساله، ارزش درآمد (۱۸) برابر است با تفاوت بین حاصل جمع عناصر قطری (۳۰۰) منهای میزان کاهش ارزش (۲۸۲)، (حاصل جمع سطر کاهش ارزش برای ۵ سال، مترجم)، یا بعبارت دیگر، بین ارزش درآمدی که دارائی ببار می‌آورد و قلم اولیه‌ی تنزیل شده در ساخت ارزش جاری، یک اتحاد وجود دارد.

۲. اطلاع از ارزش در هر زمان

۲۰–۱۵ اکنون فرض کنید که درباره مشارکت دارائی در تولید هیچگونه اطلاعی در دست نیست ولی کاهش ارزش دارائی در طول پنج سال در اثرِ کاهش عمر مفید آن مشخص است. اگر این واقعیت در مورد یک شاخص ارزش مربوط به ارزش سال قبل نیز وجود داشته باشد، و ارزش اولیه ۲۸۲ باشد، در این صورت ارقام جدول ۲۰–۲ را می‌توان محاسبه کرد. ارقام این جدول طوری طراحی شده است که سری ارزش‌های مندرج در آن با ارقام جدول ۲۰–۱ سازگار است. با اعمال کاهش ارزش ۰/۶۸ به ارزش اولیه ۲۸۲، ارزشی معادل ۱۹۱ برای سال ۲ بدست می‌آید؛ اعمال کاهش ارزشی معادل ۰/۶۱ به ۱۹۱ ارزشی معادل ۱۱۶ برای سال ۳ بدست می‌آید و بهمین ترتیب تا آخر. (به عبارت دیگر می‌توان یک سری زمانی از ارزش‌ها را به عنوان ارزش‌های پایه فرض کرده به ارزش اولیه اعمال کرد). از این ارقام می‌توان کاهش ارزش دارائی از سالی به سال دیگر را کسر کرده و ملاحظه کرد که با ارقام جدول ۲۰–۱ مساوی هستند.

۲۰–۱۶ به طور کلی، این همان چیزی است که در PIM رخ می‌دهد. هدف دوگانه‌ی آن محاسبه ارزش دارائی‌ها برای ترازنامه و ارقام مصرف سرمایه ثابت است و این نیازها در این مرحله تأمین می‌شود. اما در حقیقت امکان فراتر از این هم وجود دارد. سهم دارائی در تولید در آخرین سال (۲۰) با ارزش آخرین سال برابر است. اگر این رقم با نرخ پنج درصد تنزیل (۲۰ تقسیم بر ۱/۰۵، مترجم) شود، افزوده به ارزش دارائی در آغاز سال ۴ معادل ۱۹ خواهد بود. با فرض این که ارزش دارائی در آغاز سال ۴ معادل ۵۹ باشد، باید رقمی برابر با ۴۰ (۵۹ منهای ۱۹، مترجم) در تولید آن سال سهم داشته باشد. با گسترش این روند، ارزش دارائی ۱۱۶ برای سال ۳ متشکل

از مشارکت در تولید ۱۸ در سال ۵ که از دو بار تنزیل ۲۰ بدست می‌آید، سهم در تولید ۳۸ در سال ۴ که از یکبار تنزیل ۴۰ بدست می‌آید و سهم در تولید در سال ۳ است (که فرض بر این است که در اینجا مشخص نیست، مترجم)، در نتیجه باقیمانده‌ای برای ارزش سهم در تولید معادل ۶۰ (۱۱۶ منهای حاصل جمع ۱۸ و ۳۸، مترجم) در سال ۳ بدست می‌آید. با این شیوه تمامی قسمت بالای جدول (مثلث) می‌تواند کامل شود و ارزش مبالغ درآمد در یک سال به همان ترتیبی که در جدول ۲۰–۱ بدست می‌آید محاسبه شود.

جدول ۲۰–۲: مثال برای بدست آوردن ارزش موجودی سرمایه با اطلاع از کاهش قیمت

نرخ تنزیل ۵٪

سهم ارزش دارائی در عایدات در:	سال ۱	سال ۲	سال ۳	سال ۴	سال ۵	جمع ۵ سال
سال ۱	۱۰۰					
سال ۲	۷۶	۸۰				
سال ۳	۵۴	۵۷	۶۰			
سال ۴	۳۵	۳۶	۳۸	۴۰		
سال ۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	
ارزش در سال	**۲۸۲**	**۱۹۱**	**۱۱۶**	**۵۹**	**۲۰**	
شاخص ارزش (سال به سال)	۱.۰۰	۰.۶۸	۰.۶۱	۰.۵۱	۰.۳۴	
کاهش ارزش	**۹۱**	**۷۴**	**۵۷**	**۳۹**	**۲۰**	**۲۸۲**
درآمد	۹	۶	۳	۱	۰	۱۸

۳. نمودار سن– کارائی و نمودار سن– قیمت

۲۰–۱۷ هرچند جدول‌های ۲۰–۱ و ۲۰–۲ با فرض‌های متفاوتی آغاز می‌شوند، جدول‌های تکمیل شده‌ی کاملاً یکسانی حاصل می‌شود حتی با وجود این که ترتیب تکمیل آن‌ها متفاوت است. جدول ۲۰–۱ با فرض‌هائی درباره سهم در تولید آغاز می‌شود و ارزش موجودی‌ها و کاهش ارزش در هر سال را محاسبه می‌کند. جدول ۲۰–۲ با فرض‌هائی درباره کاهش ارزش موجودی آغاز می‌شود و سهم در تولید و کاهش ارزش را در هر سال محاسبه می‌کند. هردو تکنیک، ارزش موجودی‌ها برای وارد کردن در ترازنامه‌ها و ارقام مصرف سرمایه ثابت را ارائه می‌دهند. فرض‌های در نظر گرفته شده در هردو حالت باید سازگار باشند. در حقیقت می‌توان نشان داد که هر الگوی کاهش سهم یک دارائی در تولید (معمولاً نمودار سن–کارائی نامیده می‌شود) با یک و فقط یک الگوی کاهش قیمت (معمولاً نمودار سن– قیمت نامیده می‌شود) متناظر است.

۲۰–۱۸ با در نظر گرفتن این، امکان‌پذیر بنظر می‌رسد که اطلاعات مورد بحث را در مجموعه‌ای از فرض‌های PIM برده و از آن فقط سهم در تولید را بدست آورد. در حالی که انجام این کار امکان‌پذیر است، به طور کلی ترجیح داده می‌شود دوباره با فرض مجموعه‌ای از نمودارهای سن–کارائی آغاز شود. دلیل این کار در جدول ۲۰–۳ روشن می‌شود.

جدول ۲۰–۳: جدول ۲۰–۲ با یک الگوی متفاوتِ کاهش قیمت

نرخ تنزیل ۵٪

سهم ارزش دارائی در عایدات در:	سال ۱	سال ۲	سال ۳	سال ۴	سال ۵	جمع ۵ سال
سال ۱	۸۰					
سال ۲	۹۶	۱۰۱				
سال ۳	۷۵	۷۹	۸۳			
سال ۴	۲۴	۲۶	۲۷	۲۸		
سال ۵	۶	۶	۶	۷	۷	
ارزش در سال	**۲۸۲**	**۲۱۱**	**۱۱۶**	**۳۵**	**۷**	
شاخص ارزش (سال به سال)	۱.۰۰	۰.۷۵	۰.۵۵	۰.۳۰	۰.۲۰	
کاهش ارزش	**۷۰**	**۹۵**	**۸۱**	**۲۸**	**۷**	**۲۸۲**
درآمد	۱۰	۶	۲	۰	۰	۱۸

۲۰–۱۹ جدول ۲۰–۳ نیز همانند جدول ۲۰–۲ از یک سری تغییرات قیمت نسبی آغاز می‌شود ولی این تغییرات قیمت قدری متفاوت هستند. بجای سری ۱/۰۰، ۰/۶۸، ۰/۶۱، ۰/۵۱، و ۰/۳۴ در جدول ۲۰–۲، سری ۱/۰۰، ۰/۷۵، ۰/۵۵، ۰/۳۰، و ۰/۲۰ در جدول ۲۰–۳ در نظر گرفته شده است. این تغییرات دارای کم برآوردی در نرخ کاهش ارزش در سال دوم بوده و نرخ شدیدتری را در سال‌های بعد فرض می‌کند. در نگاه اول غیرمنطقی بنظر نمی‌رسد. اما، اثر آن بر سهم در تولید قابل ملاحظه است و سری بدست آمده ۸۰، ۱۰۱، ۸۳، ۲۸ و ۷ کاملاً ناپذیرفتنی است. کدام نوع دارائی است که می‌تواند در سال دوم بیش از بیست درصد کارائی بیشتری نسبت به سال اول داشته باشد و در سال سوم باز هم کارائی بیشتری نسبت به سال اول داشته باشد، پیش از این که در سال بعد به طور

سریعی کاهش پیدا کند؟ هنوز هم این الگوی جریان‌ها با ارزش اولیه ۲۸۲ در جدول ۲۰-۲ و کاهش انباشته شده‌ی ارزش اضافه شده به این مبلغ در طول ۵ سال سازگاری دارد.

۲۰-۲۰ این‌ها دلایلی هستند که نشان می‌دهند ساختن فرض‌هائی درباره کاهش کارائیِ دارائی‌ها احتمالاً به نتایج بهتری برای ارزش موجودی‌ها، کاهش ارزش آن‌ها و درآمدی که ایجاد می‌کنند نسبت به فرض‌هائی درباره نرخ کاهش قیمت‌ها منجر می‌شود. مثال دیگری می‌توان ارائه داد که نشان می‌دهد حتی این نوع فرض‌ها ممکن است آسان‌تر هم باشند، حالتی را ملاحظه فرمائید که یک دارائی مانند لامپ روشنائی در هر یک از پنج سال به طور یکسان، مثلاً ۱۰۰، در تولید سهم دارد و سپس متوقف می‌شود. این امر که یک نمودار سن-کارائی ثابتی فرض شود آسان است اما نمودار سن- قیمت متناظر تا این حد کاملاً آشکار نیست و مطابق با عامل تنزیل اعمال شده تغییر پیدا می‌کند.

۲۰-۲۱ اما، در عین حال که دلایلی خوبی برای استفاده از نمودار سن-کارائی به عنوان نقطه شروع وجود دارد، در جائی‌که اطلاعات واقعی، حتی ناقص، درباره نمودارهای سن- قیمت در دسترس باشد، باید تأکید شود که نمودار سن-کارائی انتخاب شده با تغییرات مشاهده شده‌ی سن- قیمت سازگار باشد.

۴. حالت ویژه‌ی نمودارهای کاهشی هندسی

۲۰-۲۲ می‌توان چه برای نمودار سن- قیمت و چه برای نمودار سن- کارائی تعدادی الگو را بدیهی فرض کرد. این الگوها شامل استهلاک خطی مستقیم و اشکال مختلف غیرخطی آن است که در *اندازه‌گیری سرمایه* مورد بحث قرار گرفته است. یکی از علائق خاص جائی است که قیمت به طور هندسی کاهش می‌یابد، یعنی قیمت در هرسال (هنگامی که با تورم تعدیل می‌شود) نسبت ثابتی، f، از سال قبل است. از آنجا که این نوع سری‌ها به سمت صفر میل می‌کنند ولی هیچگاه به صفر نمی‌رسند، ارائه آن در جدولی نظیر جدول‌هائی که در بالا نشان داده شد مشکل است ولی ویژگی‌های جالب آن را می‌توان بوسیله روابط جبری بسیار ساده‌ای بدست آورد.

۲۰-۲۳ در جدول‌های بالا مشاهده می‌شود که ارزش یک دارائی در شروع هر سال، Vt، برابر است با خدمات سرمایه‌ای که باید در آن سال ارائه شود، a، بعلاوه یک عامل تنزیل، d، ضربدر ارزش دارائی در شروع سال بعد، Vt+1. بنابراین

$$V_t = a + dV_{t+1}$$

در حالتی که $V_{t+1} = f\,V_t$ و $V_t = a/(1-df)$ است.

بطور مشابه، اگر ارزش خدمات سرمایه ارائه شده بوسیله دارائی در سال t=1 برابر b باشد، $V_{t+1} = b/(1-df)$ خواهد بود. ولی از آنجا که $V_{t+1} = f\,V_t$، نتیجه می‌شود که b باید برابر af باشد. این موردی است که شکل نمودار سن- قیمت و شکل نمودار سن- کارائی دقیقاً یکسان است.

۲۰-۲۴ همان‌گونه که در بالا اشاره شد، یک و فقط یک نمودار سن- قیمت وجود دارد که با یک نمودار سن-کارائی متناظر است، بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که نمودار کاهش هندسی تنها نموداری است که برای کاهش در قیمت و کاهش در کارائی هردو یکسان است. یکی از پیامدها این است که ارقام موجودی سرمایه تعدیل شده برای کاهش ارزش با کاهش موجودی سرمایه تعدیل شده برای کاهش کارائی برابر است. این ویژگی به دلایل مزایای انتخاب این نمودار برای تعیین ارزش موجودی سرمایه اضافه می‌شود.

۵. ملاحظات عملی

۲۰-۲۵ همان‌گونه که در آغاز این بخش اشاره شد، در مثال‌های ارائه شده ساده سازی بسیاری انجام شده است تا توضیحات نظریه‌ی اولیه‌ی پشتیبان ایده‌ی خدمات سرمایه به کسانی که در این ایده تازه وارد هستند آسان شود. برای بحث‌های پیچیده‌تر و برای ملاحظاتی نظیر منطق انتخاب یک نمودار سن- قیمت (یا نمودار سن- کارائی) بجای دیگری، چگونگی برآورد الگوهای طول عمر و از دور خارج کردن دارائی‌ها و نقش انتظارات در محاسبات، لازم است به دستنامه‌ی *اندازه‌گیری سرمایه* مراجعه شود.

۲۰-۲۶ دستنامه‌ی فوق همچنین درباره‌ی این واقعیت نیز بحث می‌کند که بازگشت سرمایه باید به‌اندازه‌ای باشد که مالیات وضع شده برای دارائیِ مورد بحث را نیز پوشش دهد، نکته‌ای که در اینجا برای ساده سازی از آن صرف نظر شده است.

۲۰-۲۷ برای دقت امر، بین نرخ بهره یا تنزیل،r، که در این فصل معمولاً پنج درصد فرض شده است، و عامل تنزیل که معکوس (1+r) است تفاوت قائل می‌شوند. هنگامی که r پنج درصد است، عامل تنزیل ۹۵/۲۴ درصد است. هنگامی که عامل تنزیل ۹۵.۰ درصد است، نرخ تنزیل ۵/۲۶ درصد است.

پ. تفسیر جریان‌ها

۲۰-۲۸ جدول‌های فوق سه سری زمانی تولید می‌کنند که دارای سودمندی ویژه‌ای هستند. یکی سهم یک دارائی در تولید در طول زمان، یکی کاهش ارزش دارائی و یکی درآمد ایجاد شده توسط دارائی است. مسلماً سری زمانی دوم به مصرف سرمایه‌ی ثابت، آن‌طور که از SNA استنباط می‌شود، مربوط است. سهم سرمایه در تولید چیزی است که مازاد عملیاتی ناخالص نامیده می‌شود و بنابراین سری زمانی سوم یعنی درآمد، به طور مناسبی با مازاد عملیاتی خالص متناظر است. اما، این جریان‌ها را می‌توان با نام‌های دیگری نیز بیان کرد. عناصر قطری جدول‌ها، که نشان دهنده سهم در تولید است، به عنوان ارزش خدمات سرمایه نیز نامیده می‌شود. عنصر درآمد، برگشت سرمایه است. نرخ برگشت سرمایه نسبت درآمد به ارزش سرمایه است. برای جدول‌های ۲۰-۱ و ۲۰-۲، جریان درآمد به عنوان یک نسبت از ارزش موجودی سرمایه سال بعد (قسمتی که در سال جاری استفاده نمی‌شود) نیز پنج درصد است، که با نرخ تنزیل یکسان است. اصطلاحات جایگزین در جدول ۲۰-۴ نشان داده شده است.

۱. خدمات سرمایه و مازاد عملیاتی ناخالص

۲۰-۲۹ اکنون، این سؤال برای حسابداران ملی پیش می‌آید که مازاد عملیاتیِ ناخالص چگونه می‌تواند از این راه برآورد شود در حالی که به عنوان یک قلم ترازکننده، از حساب ایجاد درآمد بدست می‌آید؟ برای این سؤال دو پاسخ وجود دارد. نخستین پاسخ این است که اتحادِ کاملی برای مازاد عملیاتی وجود ندارد ولی به‌طور ضمنی ارزش خدمات سرمایه در درون آن ملحوظ است بنابراین می‌توان آن را به عنوان قلم "جزئی از آن" که به مازاد عملیاتی ناخالص مربوط است نشان داد. فرض کنید نرخ تنزیلِ انتخاب شده نرخی است که می‌توان از یک سپرده بانکی بدست آورد. این مبلغی است که استفاده کننده‌ی دارائی نیاز دارد آن را به عنوان مازاد عملیاتی بدست آورد تا دارائیِ مورد نظر بهره‌وری بالائی داشته باشد. اگر ارقام خدمات سرمایه و مازاد عملیاتی ناخالص هر دو ۱۰۰ باشند، در این صورت تولید کننده برای دارائی یک انتخاب منطقی انجام داده است، این مبلغ برای او عایدی است که به اندازه سپردن پولش به بانک بدست آورده است. اگر او از این طریق، کمی بیشتر از ۱۰۰ بدست آوَرَد، بهتر از سپردن پولش به بانک عمل کرده است. اگر حساب‌های ملی نشان دهد که او مثلاً ۱۵۰ بدست آورده است، در حقیقت تولید کننده با تحقق شاید قدری سود انحصاری می‌تواند بسیار خوش شانس بوده باشد. اما، این امکان نیز وجود دارد که برخی از انواع دارائی‌هائی که او استفاده می‌کند در محاسبه‌ی خدمات سرمایه شناخته نشده باشند، یکی از این موارد احتمالاً برخی از دارائی‌های ناملموس است. به طور مشابه، اگر ارزش مازاد عملیاتی ناخالص بسیار پائین تر از ارزش خدمات سرمایه برآورد شده باشد، می‌تواند دلیل خوبی باشد برای این که دامنه و ارزش گذاری دارائی‌هائی که فرض شده است در تولید مورد استفاده گرفته‌اند یا کیفیت برآوردهای مازاد عملیاتی ناخالص مورد تردید قرار گیرد. از اینرو محاسبه‌ی ارزش خدمات سرمایه به این نحو همچنین وسیله‌ی با ارزشی برای کنترل کیفیت داده‌ها خواهد بود.

۲۰-۳۰ روش جایگزین برای نحوه‌ی برخورد با خدمات سرمایه به عنوان عنصری از مازاد عملیاتی ناخالص، مساوی کردنِ کامل مازاد عملیاتی ناخالص با خدمات سرمایه با تعیین نرخ برگشتی (نرخ تنزیلی) که این برابری را تحقق بخشد. بسیاری از تحلیل‌های سنتیِ بهره‌وری، این رهیافت را بکار برده‌اند و برخی مقایسه‌های بهره‌وری بین کشورها متکی به این فرض است. مطالعات دیگرِ انجام شده در سطح صنعت (رشته-فعالیت)، پیشنهاد می‌کنند که تغییر در نرخ برگشت ظاهری بدست آمده از این شیوه در هرحال باید با احتیاط زیادی بکار برده شود. هنوز در محافل علمی بحث‌های استواری درباره روش ترجیح داده شده برای تعیین نرخ برگشت وجود دارد که آیا به صورت برون‌زا همان‌طور که در پاراگراف قبلی بیان شد یا به صورت درون‌زا همان‌طور که در اینجا بیان شد تعیین شود. یکی از راه‌های تفسیر تفاوت بین دو روش این است که استفاده از یک نرخ برگشت برون‌زا فقط هزینه‌ی سرمایه (خدمات سرمایه) را با منافع (مازاد عملیاتی ناخالص) مقایسه می‌کند؛ نرخ برگشت درون‌زا رقم واحدی ارائه می‌دهد که با استاندارد نرخ "عادی" برگشت سرمایه مقایسه می‌شود.

جدول ۲۰-۴: خدمات سرمایه و اصطلاحات SNA

نرخ تنزیل ۵٪

سهم ارزش دارائی در عایدات در:	سال ۱	سال ۲	سال ۳	سال ۴	سال ۵	جمع ۵ سال
	ارزش خدمات سرمایه یا مازاد عملیاتی ناخالص					
سال ۱	۱۰۰					
سال ۲	۷۶	۸۰				
سال ۳	۵۴	۵۷	۶۰			
سال ۴	۳۵	۳۶	۳۸	۴۰		
سال ۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	
ارزش در سال	**۲۸۲**	**۱۹۱**	**۱۱۶**	**۵۹**	**۲۰**	
شاخص ارزش (سال به سال)	۱.۰۰	۰.۶۸	۰.۶۱	۰.۵۱	۰.۳۴	
کاهش ارزش	**۹۱**	**۷۴**	**۵۷**	**۳۹**	**۲۰**	**۲۸۲**
	مصرف سرمایه ثابت					
درآمد	۹	۶	۳	۱	۰	۱۸
	بازگشت سرمایه یا مازاد عملیاتی خالص					

۲. قیمت و حجم

۲۰-۳۱ بررسی جدول ۲۰-۱، یا در حقیقت هریک از جدول‌های دیگر، نشان می‌دهد که ارزش یک دارائی در یک لحظه از زمان، نظیر ابتدای یک سال، می‌تواند تقریباً به صورت حاصل جمع خدمات سرمایه ارائه شده در یک سال بعلاوه ارزش تنزیل شده دارائی در انتهای سال بیان شود. این نقطه‌ی شروع بسیاری از جزئیات جبری ادبیات خدمات سرمایه، ولی با یک تفاوت مهم، است. در حالی که بسیاری از حسابداران ملی تمایل دارند ابتدا درباره‌ی قیمت جاریِ هم‌افزوده‌ها و سپس (احتمالاً) به تجزیه آن‌ها به یک هم‌افزوده برحسب حجم بعلاوه قیمتِ مربوط به آن فکر کنند، بسیاری از توضیحات خدمات سرمایه در جهت مخالف انجام می‌شود. آن‌ها قلمی را بر حسب حجم در نظر می‌گیرند و یک نظریه مربوط به قیمت ("هزینه استفاده کننده") را ارائه می‌دهند. این‌ها می‌توانند در یکدیگر ضرب شده قیمت جاری را بوجود آورند ولی در استفاده از اطلاعات حجم یا قیمت تحلیل بسیاری انجام می‌شود.

۲۰-۳۲ یکی از دلایل کار کردن به این شیوه این است که فرض اساسیِ جدول ۲۰-۱، یعنی سهم در تولید در طول عمر یک دارائی معلوم است، اغلب در عمل واقعیت ندارد. آنچه که *معلوم است شاخص* چگونگیِ تغییر کارائی در طول زمان اعم از برآورد شده یا فرض شده، است. به همین ترتیب، ارزش دارائی که در جدول ۲۰-۲ معلوم فرض شده است تنها برای یکایک دارئی‌ها هنگامی که هریک از دارائی‌ها جدید هستند معلوم است؛ تمامی ارقام دیگر به دلایلی که در بالا توضیح داده شد برآوردی هستند. این کار امکان پذیر است که اتحادی که در آن ارزش ابتدای سالِ یک دارائی برابر است با خدمات سرمایه ارائه شده در طول سال بعلاوه ارزش تنزیل شده‌ی دارائی در پایان سال که همه به شکل عدد شاخص و با فرض نبودن تورم بیان شده است، در اتحادی استفاده شود که ارزش خدمات سرمایه را به عنوان عنصر وابسته به کاهش ارزش دارائی در اثرِ افزایش عمر دارائی (عنصر استهلاک) و نرخ برگشت (هزینه فرصت پول) بیان می‌کند. اکنون اگر اثر تورم به حساب آورده شود، می‌توان گفت که قیمت خدمات سرمایه (که معمولاً هزینه استفاده کننده نامیده می‌شود) تابع افزایش ارزش یک دارائی جدید از همان نوع، ارزش اسمی پول و کاهش ارزش نسبی سال به سال دارائی در اثرِ افزایش عمر است.

۲۰–۳۳ همچنین این امکان هم وجود دارد که برای انواع مختلف دارائی‌ها تفاوت قیمت وجود داشته باشد و تغییرات دیفرانسیلی بین قیمت‌های دارائی و تغییرات سطح عمومی تورم ملاحظه شود. (جدول ۲۰–۱ بر فرض‌های بسیار محدودی مبتنی بود که براساس آن‌ها نه تورم مطلق وجود داشت و نه تورم قیمت نسبی).

۲۰–۳۴ نکته مهم دیگری که در جدول‌های عددی ساده مورد بررسی قرار نگرفت به این شرح است. برای داده‌های ترازنامه، ارزش‌ها در زمان تاریخ تنظیم ترازنامه مورد نیاز است. برای برآوردهای خدمات سرمایه/مازاد عملیاتی ناخالص و نیز برای مصرف سرمایه ثابت و جریان‌های درآمد، ارزش‌ها به متوسطِ قیمت سال مورد نیاز است. در عمل، فرض می‌شود مشاهدات وسط سال تقریب‌های نزدیک به متوسط سالانه است ولی همیشه این چنین نیست، بویژه در زمانی که تورم شدیدی وجود دارد.

ت. استفاده از مدل خدمات سرمایه

۲۰–۳۵ وقتی پیوند تئوریکی بین محتوای مازاد عملیاتی ناخالص و خدمات سرمایه‌ی موجود در یک دارائیِ استفاده شده در تولید پذیرفته می‌شود، تعدادی پیامدهای سودمند دیگری برای حساب‌های ملی بوجود می‌آید. این موارد عبارتند از، مسأله استفاده از زمین در تولید، ارزش‌گذاری منابع طبیعی، جدا سازی درآمد مختلط به اجزای نیروی کار و سرمایه، اندازه-گیری دارائی‌ها با یک ارزش مانده، برخورد با هزینه‌های انتقال مالکیت در تحصیل، برخورد با هزینه‌های پایانی، نگه داری سرمایه، ارزش‌گذاری کارِ در جریان ساختِ مربوط به پروژه‌ها، رهیافت جایگزین برای برآورد اجاره بهای احتسابی واحدهای مسکونی مالک ساکن و جداسازی پرداخت‌های اجاره‌ی مالی (اعتباری) به عنصری که باید به عنوان بازپرداخت اصل و عنصری که به عنوان بهره در نظر گرفته شود. هریک از این‌ها کمی جلوتر در زیر توضیح داده می‌شود.

۲۰–۳۶ پیش از بحث درباره زمین و منابع طبیعی، بهتر است پیامدهای بکارگیری یک دارائی توسط واحدی که مالک قانونی آن نیست یادآوری شود. تفاوت مهم بستگی به این دارد که استفاده کننده از دارائی ریسک‌های همراه با بکارگیری آن در تولید را بعهده می‌گیرد یا خیر. وقتی استفاده کننده ریسک را نمی‌پذیرد، دارائی به عنوان موضوع یک اجاره‌ی عملیاتی در نظر گرفته می‌شود. در این حالت پرداخت بابت استفاده از دارائی، اجاره بها است و قسمتی از مصرف واسطه را تشکیل می‌دهد. منافع ناشی از بکارگیری دارائی در تولید، به مالک آن تعلق می‌گیرد که در مازاد عملیاتی حساب تولید مربوط به فعالیت اجاره‌داریِ او منظور می‌شود. (پاراگراف‌های ۱۷–۳۰۱ الی ۱۷–۳۰۳ ملاحظه شود).

۲۰–۳۷ هنگامی که استفاده کننده‌ی دارائی ریسک مربوط به بکار بردنِ آن در تولید را می‌پذیرد، منافع ناشی از بکار بردنِ دارائی در تولید به استفاده کننده تعلق می‌گیرد و در مازاد عملیاتی او نشان داده می‌شود. این در مورد دارائی‌های تولید شده و تولید نشده هردو صحت دارد. تفاوت بین دارائی‌های تولید شده و تولید نشده به نوع اجاره‌ی موجود بین مالک قانونی و استفاده کننده و نوع درآمد دارائی پرداخت شده به مالک قانونی دارائی مربوط است.

۲۰–۳۸ در مورد دارائی تولید شده، استفاده کننده‌ی دارائی که تمامی ریسک‌های همراه با دارائی را می‌پذیرد، مالک اقتصادی دارائی می‌شود. دارائی در ترازنامه مالک اقتصادی نشان داده می‌شود. اگر مالک قانونی متفاوت باشد، هر پرداختی که توسط مالک اقتصادی به مالک قانونی صورت گیرد به عنوان درآمد دارائی پرداختنی در اجاره‌ی مالی (اعتباری) ثبت می‌شود. (پاراگراف‌های ۱۷–۳۰۴ الی ۱۷–۳۰۹ ملاحظه شود).

۲۰-۳۹ در مورد دارائی تولید نشده، هنگامی که استفاده کننده‌ی منابع و مالک قانونی آن متفاوت هستند، دارائی مورد نظر در ترازنامه مالک قانونی باقی می‌ماند ولی اجاره نامه منابع طبیعی بین استفاده کننده و مالک قانونی، استفاده کننده را ملزم می‌کند درآمد دارائی درشکل بهره مالکانه به مالک قانونی پرداخت کند. (پاراگراف‌های ۱۷-۳۱۰ الی ۱۷-۳۱۲ ملاحظه شود).

۲۰-۴۰ برای تمامی دارائی‌های غیرمالی بکار برده شده در تولید، برآورد ارزش خدمات سرمایه مربوط به دارائی این امکان را میدهد که این مبلغ با درآمد دارائی پرداختنی در مقابل استفاده از آن مقایسه شود تا تعیین گردد که آیا استفاده از دارائی دارای بهره‌وری بالا است.

۱. زمین

۲۰-۴۱ اولین و قدیمی‌ترین شکل شناخته شده برای سرمایه‌ی تولید نشده زمین است. زمین وضعیت خاصی دارد که فرض می‌شود تحت مدیریت خوب، ارزش آن از سالی به سال دیگر بجز اثر تورم در قیمت زمین ثابت می‌ماند. گفتنی است که برای زمین استهلاک وجود ندارد و همه‌ی سهم آن در تولید به عنوان درآمد در نظر گرفته می‌شود. برای این که نشان داده شود این موضوع چگونه به مثال‌های پیشین مرتبط می‌شود، جدول ۲۰-۵ قسمتی از یک جدول متناظر را برای زمین نشان می‌دهد که به اندازه‌ی ۲۰ در تولید سهم دارد. یک جدول کامل می‌تواند تعداد سطرها و ستون‌های نامحدودی دربر داشته باشد. در اینجا تعدادی از آن‌ها نشان داده شده است و از روابط جبری بسیار ساده‌ای (با توضیحات) استفاده شده است تا نشان دهد که سرجمع‌ها چگونه حاصل می‌شوند.

۲۰-۴۲ ارزش ستون اول عبارت است از حاصل جمع ارزش ۲۰، ارزش ۲۰ یکبار تنزیل شده (سهم سال دوم در تولید که یکبار تنزیل شده است)، ارزش ۲۰ دوبار تنزیل شده برای سال سوم، و بهمین ترتیب، اگر نه برای همیشه، حداقل برای سال‌های متمادی ادامه می‌یابد. با نرخ تنزیل ۵ درصد قبلی، حاصل جمع این ستون ۴۲۰ است. برای مشاهده‌ی این وضعیت، یک تصاعد هندسی ساده را می‌توان ملاحظه کرد. آنچه که لازم است حاصل جمع سری‌هائی است که می‌تواند به صورت زیر نوشته شود:

$$S_n = a + ad + ad^2 + ad^3 + ad^4 + ad^5 + \cdots + ad^n$$

که در آن a برگشت دارائی در هر دوره و d عامل تنزیل است. (همانگونه که پیش از این اشاره شد، برای نرخ تنزیل ۵ درصد، عامل تنزیل ۹۵/۲۴ درصد است). اگر هر جمله معادله فوق در یک عامل اضافی دیگر d ضرب شود نتیجه زیر بدست می‌آید:

$$dS_n = ad + ad^2 + ad^3 + ad^4 + ad^5 + \cdots + ad^{n+1}$$

با کسر تساوی دوم از تساوی اول تساوی زیر بدست می‌آید:

$$S_n(1 - d) = a(1 - d^{n+1})$$

اگر d کوچکتر از یک باشد (همان‌طور که در چارچوب تنزیل این طور خواهد بود) و n بسیار بزرگ باشد، جمله آخر ناچیز خواهد بود و حاصل جمع سری‌ها، S_n، می‌تواند به صورت $a/(1 - d)$ تعیین شود. در جدول ۲۰-۵، a برابر با ۲۰ و d برابر با ۰/۹۵۲۴ است، بنابراین حاصل جمع سری مورد بحث ۴۲۰ است.

جدول ۲۰-۵: مورد زمین

نرخ تنزیل ۵٪

سهم ارزش دارائی در عایدات در:	سال ۱	سال ۲	سال ۳	سال ۴	سال ۵	...	سال ۱۰	...
سال ۱	۲۰							
سال ۲	۱۹	۲۰						
سال ۳	۱۸	۱۹	۲۰					
سال ۴	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰				
سال ۱۰	۱۳	۱۴	۱۴	۱۵	۱۶	.....	۲۰	.....
سال ۲۵	۶	۷	۷	۸	۸	.....	۱۰	.....
سال ۴۰	۳	۳	۳	۳	۴	.....	۵	.....
ارزش در سال	**۴۲۰**	**۴۲۰**	**۴۲۰**	**۴۲۰**	**۴۲۰**	.....	**۴۲۰**	.....
شاخص ارزش (سال به سال)	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	.....	۱.۰۰	.....
کاهش ارزش	۰	۰	۰	۰	۰	.....	۰	.....
درآمد	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	.....	۲۰	.....

۲۰-۴۳ با این حال، از آنجا که هریک از ستون‌های بعدی جدول، هرچند یک جمله کمتر از ستون قبل دارند، سری‌های بی‌پایانی هستند که دقیقا به همین نحو آغاز می‌شوند، حاصل

جمع آن‌ها نیز ۴۲۰ است. از اینرو کاهش ارزش زمین از سالی به سال دیگر صفر بوده و ۲۰ فقط سهم در تولید را نشان نمی‌دهد بلکه درآمد را هم نشان می‌دهد. در بحث‌های حساب‌های ملی، مازاد عملیاتی ناخالص و خالص هردو ۲۰ است و استهلاک وجود ندارد. به همین ترتیب، ارزش خدمات سرمایه و بازگشت سرمایه هردو ۲۰ هستند.

۲۰–۴۴ همان طور که در بالا اشاره شد، تصور این که یک دارائی تولید نشده "خدمتی" را ارائه می‌دهد ممکن است کمی عجیب بنظر برسد زیرا در حساب‌های ملی خدمات همیشه تولید شده هستند. این فقط بازتاب کلمات انتخاب شده توسط اقتصاددانان برای توصیف سهمِ سرمایه در تولید است بدون این که کلمه "خدمت" با تفسیر خاصی که SNA ارائه می‌دهد با آن همراه شود. همان طور که جبران خدمات کارکنان نیز به عنوان هزینه‌ی خدمات نیروی کار بیان می‌شود.

۲۰–۴۵ واژه دیگر استفاده شده برای خدمات سرمایه، بهره‌ی مالکانه‌ی اقتصادی است که در ابتدا در مورد زمین کاربردی تر بنظر می‌رسد ولی این نیز مشکل ساز است. در جدول ۲۰–۵، بهره مالکانه‌ی اقتصادی زمین در حدی که با آن کشاورز از بکارگیری زمین برای تولید کشاورزی نفع ببرد (۲۰) وجود دارد. این بهره‌ی مالکانه اعم از این که کشاورز زمین خود را زراعت کند یا زمینی را که اجاره کرده است زراعت کند به او تعلق می‌گیرد. مبلغی که کشاورزِ اجاره کننده‌ی زمین باید به مالک زمین پرداخت کند مبلغی است که حساب‌های ملی آن را به عنوان بهره‌ی مالکانه زیرِ درآمد دارائی نشان می‌دهد. در زمان‌هائی که کشاورز بهره‌ی مالکانه خود را به صورت سهم محصول زراعیِ تولید شده می‌پرداخت، این ارتباط بارزتر بود. او آنچه را که نگه می‌داشت کفاف هزینه‌ها و هزینه‌ی نیروی کار خودش (و نیروی استخدام شده‌ی او) را می‌داد. در یک اقتصاد پولی، بهره‌ی مالکانه‌ی پرداختنی به مالک زمین اغلب برای مدت زمانی طولانی از پیش توافق می‌شود. مقایسه‌ی بهره‌ی مالکانه عاید شده (به عنوان مازاد عملیاتی) با بهره مالکانه‌ی پرداختنی به عنوان درآمد دارائی، نشان می‌دهد که بهره مالکانه‌ی توافق شده عادلانه است یا نسبت به درآمد حاصل از کشاورزی بیش از حد است.

۲. ارزش‌گذاری منابع طبیعی

۲۰–۴۶ علاقه‌ی روزافزونی وجود دارد که روی منابع طبیعی، ارزش سرمایه گذاشته شود ولی از آنجا که این دارائی‌ها بندرت در بازار فروخته می‌شوند، در این مورد تردید وجود دارد که این کار چگونه انجام شود. در نظر گرفتن بهره‌ی مالکانه‌ی اقتصادی که قرار است مثلاً از ذخائر معدنی یا جنگل‌های طبیعی عاید شود یکی از راه حل‌های این مسأله است.

۲۰–۴۷ فرض کنید یک شرکت معدن‌کاوی اندازه ذخائری که باید استخراج شوند، نرخ متوسط استخراج و هزینه‌های استخراج را می‌داند. پس از کسر هزینه‌های واسطه، هزینه‌های نیروی کار و هزینه‌های دارائی‌های ثابت بکار برده شده، آنچه که باقی می‌ماند باید بهره‌ی مالکانه‌ی اقتصادی منابع طبیعی را نشان دهد. با اعمال این به استخراج‌های مورد انتظار آینده، می‌توان جریانی از درآمدهای آینده را برآورد کرد و از این با استفاده از تکنیکی که قبلاً بیان شد، رقمی برای ارزش موجودی منابع در هر لحظه از زمان برآورد کرد.

۲۰–۴۸ در حقیقت، کاربرد تکنیک خدمت سرمایه فراتر از این است. در مورد جنگل طبیعی، اگر نرخ رشد مجدد دستکم برابر با نرخ برداشت باشد، در این صورت ارزش جنگل کاهش پیدا نمی‌کند و نرخ برداشت ثابت می‌ماند. ولی، در مورد ذخائر معدنیِ بدون تجدیدپذیری طبیعی، این امکان وجود دارد که مانند قبل سهم در تولید به دو عنصر که یکی کاهش ارزش ذخیره و دیگری عنصر باقی مانده را نشان می‌دهد تفکیک شود. از آنجا که این مقدار باقی مانده با این ایده که سطح ثروت دست نخورده حفظ شود سازگار است، می‌تواند به عنوان درآمد در نظر گرفته شود. روشن است که این به حوزه‌ای که حسابداری سبز نامیده شده است منجر می‌شود و احتمالاً به مصرف سرمایه طبیعی مانند مصرف سرمایه ثابت در ارائه‌ی جایگزین حساب‌های ملی در یک حساب اقماری منجر می‌شود. در حقیقت این بحثی است که با وسعتی بیشتر و با بکار بردن آن در منابع خاص در بخش ت فصل ۷ *حسابداری اقتصادی و محیط زیستی یکپارچه ۲۰۰۳* (سازمان ملل، کمسیون اروپائی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری

اقتصادی و توسعه و بانک جهانی ۲۰۰۳) به نام *SEEA* گسترش داده شده است.

۳. درآمد مختلط

۲۰-۴۹ هنگام بحث در باره‌ی زمین در بالا، اشاره شد که بهره‌ی مالکانه‌ی اقتصادیِ زمین مبلغی است که در مصرف واسطه، هزینه نیروی کارِ استخدام شده و خدمات سرمایه‌ی ارائه شده بوسیله‌ی دارائی‌های ثابت و هزینه‌ی نیروی کارِ خودِ کشاورز به حساب نمی‌آید. بسیاری از اوقات، مشکل است که ارزشی روی نیروی کارِ شخصِ خود اشتغال گذاشته شود و بنابراین ممکن است این قلم را با بهره‌ی مالکانه‌ی اقتصادی زمین و خدمات ارائه شده بوسیله‌ی همه‌ی دارائی‌های ثابت بکار برده شده در تولید ادغام کرد و به عنوان درآمد مختلط نامید. در اصل، هرچند اگر بتوان برآورد جداگانه‌ای از خدمات سرمایه‌ی ارائه شده بوسیله‌ی دارائی ثابت را از اطلاعات مربوط به خدمات ارائه شده بوسیله‌ی دارائی‌های ثابت در قسمت‌های دیگر اقتصاد بدست آورد، در این صورت درآمد مختلط را می‌توان بین اجزای نیروی کار و سرمایه تفکیک کرد.

۲۰-۵۰ اغلب در عمل ثابت شده است که این کار مشکل است زیرا مقدار باقیمانده برای درآمدِ خود اشتغالی ممکن است به نوبه‌ی خود بسیار کوچک یا حتی منفی باشد. مشخص‌ترین علت این است که برآوردهای خدمات سرمایه بسیار بزرگ هستند. این امر ممکن است به این دلیل باشد که شرکت‌های بزرگتر قادر هستند مثلاً با استفاده‌ی مستمر از یک قطعه تجهیزات با ارزش زیاد بجای استفاده متناوب از آن، سرمایه را به طور کاراتر بکار ببرند، یا ممکن است به این دلیل باشد که این شرکت‌ها در عمل دارائی‌های دیگری نیز به صورت دارائی‌های ناملموس دارند که به حساب نیامده است. این به معنی این است که خدمات سرمایه برای این دارائی‌های اندازه‌گیری نشده به دارائی‌هائی منتسب می‌شوند که شناخته شده‌اند ولی این نوع اضافه شدن به مشارکت سرمایه، از مشارکت کارکن خود اشتغال می‌کاهد. از اینرو پذیرش مدل خدمات سرمایه بعید است که تفکیک دقیق و سریعی از درآمد مختلط ارائه دهد ولی راهی را نشان می‌دهد که برای بنگاه-های بزرگ و کوچک هردو داده کاوی انجام شود تا اطمینان حاصل گردد که سرمایه به طور جامع و مستمر اندازه‌گیری شده است.

۴. دارائی‌ها با ارزش مانده

۲۰-۵۱ بسیاری از دارائی‌ها توسط یک مالک واحد استفاده می‌شوند تا زمانی که از بین بروند و بی‌ارزش شوند. اما، این در مورد همه‌ی دارائی‌ها صحت ندارد. برخی از دارائی‌ها بعد از چند سال واگذار می‌شوند، شاید به این دلیل که مالک فعلیِ آن چنین می‌پندارد که هزینه نگه‌داریِ منظم دارائی نسبت به ارزش سهمی که در تولید دارد بسیار بالاست. برای مثال، برخی خطوط هوائی ممکن است بخواهند با بهنگام نگه‌داشتن ناوگان هوائی خود به عنوان قسمتی از تبلیغاتِ جلبِ مشتری استفاده کنند. در موارد دیگر، برای مثال در تجهیزات ساختمانی، مالک اولیه فقط ممکن است دیگر از آن دارائی استفاده نکند.

۲۰-۵۲ جدول ۲۰-۶ مثالی از یک دارائی را نشان می‌دهد که فقط برای چهار سال از آن استفاده شده است و سپس به ارزش ۳۰۰ واگذار شده است. بازهم برای سادگی امر فرض می‌شود که هنگامی که دارائی تحصیل می‌شود ارزش واگذاری آن بعد از چهار سال معلوم است. برای مثال، ممکن است بازارِ دارائی‌های مستعمل کفایت لازم را داشته باشد که اطمینان حاصل شود ارزش دارائی در هر لحظه از زمان برابر است با خدمات باقیمانده‌ای که باید توسط دارائی ارائه شود. هنوز هم فرض می‌شود که تورم صفر است.

۲۰-۵۳ مثلثِ قسمت بالای جدول محاسبه‌ی عادیِ ارزش خدمات سرمایه‌ای را که در این چهار سال ارائه خواهد شد نشان می‌دهد، ارزشی که در آغاز کار دیده می‌شود ۱ ۱۰۷ است. به این رقم باید ارزش تنزیل شده‌ی (چهار بار تنزیل شده، مترجم) ۳۰۰ یعنی ارزش باقیمانده، اضافه شود. این ارزش ۲۴۷ است، که جمع کل ارزش دارائی را ۱ ۳۵۴ می‌کند. همانند حالتی که یک دارائی تا زمان فرسودگی نگه‌داشته می‌شود، کاهش ارزش دارائی که شامل ارزش باقیمانده است در هر سال کمتر از کاهش خدمات سرمایه است که در این چهار سال باید ارائه شود زیرا یک عنصر درآمد وجود دارد که

از این واقعیت ناشی می‌شود که ارزش باقیمانده هرچه به زمان واگذاری دارائی نزدیک‌تر می‌شود افزایش می‌یابد. جمع کل کاهش ارزش دارائی که باید به عنوان مصرف سرمایه ثابت نشان داده شود، ۱۰۵۴ است. این ارزش، بعلاوه ارزش باقیمانده ۳۰۰ برابر با ارزش اولیه ۱ ۳۵۴ است. درآمد کل (مازاد عملیاتی خالص) ۱۲۱ است، حاصل جمعِ درآمد ناشی از استفاده دارائی در تولید (۶۸) بعلاوه درآمد ناشی از بسط دادن (باز کردن) عامل تنزیل روی ارزش پایانی (۵۳) است. جدول ۲۰-۶ نشان می‌دهد که ارزش انباشته‌ی مصرف سرمایه ثابت محاسبه شده در رابطه با یک دارائی باید برابر باشد با ارزش اولیه‌ی دارائی، که به عنوان تشکیل سرمایه ثابت تلقی شده است، منهای ارزش دارائی واگذار شده برای مالک (۱ ۳۵۴ منهای ۳۰۰، مترجم). این رابطه اعم از این که دارائی توسط استفاده کننده دیگری به عنوان دارائی ثابت بکار گرفته شود، برای مقاصد دیگری در همان اقتصاد بکار رود یا صادر شود برقرار است.

جدول ۲۰-۶: دارائی با ارزش باقیمانده

نرخ تنزیل ۵٪

سهم ارزش دارائی درعایدات در:	سال ۱	سال ۲	سال ۳	سال ۴	ارزش باقیمانده	جمع ۴ سال
سال ۱	۴۰۰					
سال ۲	۲۸۶	۳۰۰				
سال ۳	۲۲۷	۲۳۸	۲۵۰			
سال ۴	۱۹۴	۲۰۴	۲۱۴	۲۲۵		
ارزش در سال	**۱ ۱۰۷**	**۷۴۲**	**۴۶۴**	**۲۲۵**	۰	
کاهش ارزش	**۳۶۵**	**۲۷۸**	**۲۳۹**	**۲۲۵**		**۱ ۱۰۷**
درآمد	۳۵	۲۲	۱۱	۰		۶۸
ارزش باقیمانده	**۲۴۷**	**۲۵۹**	**۲۷۲**	**۲۸۶**	**۳۰۰**	
درآمد	۱۲	۱۳	۱۴	۱۴		۵۳
ارزش مشترک	**۱ ۳۵۴**	**۱ ۰۰۱**	**۷۳۶**	**۵۱۱**	**۳۰۰**	
کاهش ارزش	**۳۵۲**	**۲۶۵**	**۲۲۶**	**۲۱۱**		**۱ ۰۵۴**
درآمد	۴۸	۳۵	۲۴	۱۴		۱۲۱

۵. هزینه‌های انتقال مالکیت در تحصیل دارائی

۲۰-۵۴ هزینه‌های انتقال مالکیت متحمل شده در تحصیل دارائی به عنوان تشکیل سرمایه ثابت تلقی می‌شود. این گفته مانند این است که فرض شود خدمات ارائه شده بوسیله دارائی باید برای پوشش هردوی هزینه‌های دارائی و هزینه‌های انتقال مالکیت کافی باشد. جدول ۲۰-۷ مثالی را نشان می‌دهد که هزینه‌هائی برابر با ۳۰ در تحصیل دارائی شرح داده شده در جدول ۲۰-۶ پیش آمده است. برای این که دارائی هنگام واگذاری دقیقاً همان ارزش قبلی، ۳۰۰، را داشته باشد، هزینه‌های انتقال مالکیت باید طی دوره‌ای به حساب آورده شود که در آن مالکی که متقبل هزینه‌ها شده است دارائی را در تولید بکار می‌برد. ارقام مندرج در قسمت مثلث جدول ۲۰-۷ به ارقامی که در قسمت متناظر جدول ۲۰-۶ درج شده است اضافه می‌شود که موجب افزایش ارزش دارائی در هر سال تا پایان سال ۴، افزایش مصرف سرمایه ثابت و افزایش جزئی درآمد می‌شود، زیرا هزینه‌های انتقال مالکیت به عنوان ارزش حال خدمات اضافی مورد نیاز برای برآورده ساختن هزینه‌ها نیز دیده می‌شود.

۲۰-۵۵ اگر قرار باشد هزینه‌های انتقال مالکیت به تمام عمر دارائی منتسب شود و نه فقط به آن قسمت از عمر آن که تحت مالکیت واحد پرداخت کننده هزینه‌ها بوده است، بین ارزش محاسبه شده دارائی و ارزش بازار نشان داده شده در فروش

جدول ۲۰-۷: مثال هزینه‌های انتقال مالکیت در تحصیل دارائی جدول ۲۰-۶

نرخ تنزیل ۵٪

سهم ارزش دارائی در عایدات در:	سال ۱	سال ۲	سال ۳	سال ۴		جمع ۴ سال
سال ۱	۱۰					
سال ۲	۹	۹				
سال ۳	۶	۷	۷			
سال ۴	۵	۵	۶	۶		
ارزش در سال	**۳۰**	**۲۱**	**۱۳**	۶		
کاهش ارزش	**۹**	**۸**	**۷**	۶		**۳۰**
درآمد	۱	۱	۰	۰		۲
ارزش باقیمانده	**۱ ۳۸۴**	**۱ ۰۲۲**	**۷۴۹**	**۵۱۷**	**۳۰۰**	
کاهش ارزش	**۳۶۱**	**۲۷۳**	**۲۳۲**	**۲۱۷**		**۱ ۰۸۴**
درآمد	۴۹	۳۶	۲۵	۱۴		۱۲۳

به ارزش ۳۰۰ ناهماهنگی وجود خواهد داشت. در چنین حالتی، داده‌ها باید بوسیله یک قلم ورودی در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها اصلاح شوند ولی این به معنی این است که تمامی هزینه‌های متحمل شده توسط مالک اولیه به عنوان هزینه در مقابل ارزش افزوده‌ی ناخالص نشان داده نمی‌شوند و بنابراین درآمد بیش برآوردی خواهد داشت. این وضعیت هنگامی که دارائی‌ها به طور غیرمنتظره‌ای فروخته می‌شوند ممکن است اجتناب ناپذیر باشد ولی در مورد بسیاری از وسایل نقلیه و تجهیزات متحرک ساختمانی، خریدار ممکن

است ارزشی را که قرار است در فروش بعد از یک دوره‌ی معین محقق شود بخوبی به حساب بیاورد. هنگامی که چنین است، باید هرگونه تلاشی صورت گیرد تا نه تنها ارزش باقیمانده بلکه عامل طول عمر مورد انتظار نیز در محاسبات میزان مصرف سرمایه ثابتی که قرار است به هزینه‌های انتقال مالکیت تخصیص داده شود به حساب آورده شود بنابراین ارزش باقیمانده‌ای برای این هزینه‌ها در زمان واگذاری وجود نخواهد داشت.

۶. هزینه‌های پایانی

۲۰-۵۶ در جدول ۲۰-۶ حالتی ملاحظه شد که هنگامی که مالک دارائی خود را واگذار می‌کند ارزش باقیمانده‌ای دارد. همچنین دارائی‌هائی هم وجود دارد که هنگام واگذاری، ممکن است هزینه‌های هنگفتی را به همراه داشته باشند. در این زمینه به عنوان مثال، هزینه‌های انهدام نیروگاه‌های هسته‌ای یا سکوهای نفتی یا هزینه‌های پاکسازی مکان‌های دفع زباله را می‌توان نام برد. منظور از بحث زیر کم اهمیت جلوه دادن مشکلات عملی برآورد هزینه‌های پایانی نیست، بلکه فقط نشان دادن این موضوع است که چرا وجود هزینه‌های پایانی در اصل باید ارزش دارائی را در طول عمر آن کاهش دهد.

۲۰-۵۷ هزینه‌های پایانی، مشابه تشکیل سرمایه است که باید طی زمانی که دارائی در تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد با درآمد ایجاد شده پوشش داده شوند. اگر این کار در طول عمر دارائی تحقق نیابد این هزینه‌های هنگفت ممکن است در زمانی که دیگر هیچ درآمدی از تولید ایجاد نمی‌شود به عنوان هزینه-های مصرف واسطه تلقی شوند و بنابراین منجر به ارزش افزوده‌ی منفی شوند. به شیوه‌ی دیگر، می‌توان آن‌ها را به عنوان تشکیل سرمایه ثبت کرد ولی بجای این که هزینه‌هائی باشند که از محل ارزش افزوده پوشش داده می‌شوند، این هزینه‌ها فقط در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها کسر شوند. این رویه هزینه‌های مجاز کسب و کار را از هم-افزوده‌های اقتصاد کلان کنار می‌گذارد و بنابراین منجر به کم برآوردی محصول ناخالص یا خالص داخلی در دوره‌ای چند ساله می‌شود.

۲۰-۵۸ جدول ۲۰-۸ مثالی را درباره‌ی چگونگی ثبت این هزینه‌ها نشان می‌دهد. داده‌های سهم در تولید در حقیقت به اعداد جدول ۲۰-۶ مربوط می‌شوند، ولی در این حالت ارزش باقیمانده بجای مثبت، منفی است.

۲۰-۵۹ تحلیل داده‌ها دقیقاً از همان تحلیل داده‌های جدول ۲۰-۶ پیروی می‌کند. ارزش خدمات سرمایه‌ای که باید بوسیله دارائی بکار گرفته شده ارائه شود هنوز ۱ ۱۰۷ است. ولی از آنجا که ارزش حال هزینه‌های پایانی ۲۴۷- است، کل ارزش دارائی ۸۶۰ است. مانند قبل، ارزش انباشته‌ی مصرف سرمایه ثابت، ۱ ۱۶۰ برابر است با این ارزش (۸۶۰) منهای ارزش هزینه‌های پایانی ۳۰۰-. نه تنها ارزش دارائی در هر سال کمتر از ارزش استفاده در تولید است، در سال ۴ نیز ارزش آن واقعاً منفی است. منطق این موضوع این است که هرچند دارائی مورد نظر در آن سال خدماتی معادل ۲۲۵ تولید خواهد کرد، هزینه‌های قریب الوقوع ۳۰۰ به این معنی است که مالک قادر نخواهد بود دارائی را بفروشد؛ او در واقع مجبور است دارائی را به مالک دیگری منتقل کند تا پرداخت‌ها را انجام دهد سپس مالک جدید مسئولیتِ تأمین هزینه‌های واگذاری ۳۰۰ را خواهد داشت.

جدول ۲۰-۸: دارائی با هزینه‌های پایانی

نرخ تنزیل ۵٪

سهم ارزش دارائی در عایدات در:	سال ۱	سال ۲	سال ۳	سال ۴	ارزش باقیمانده	جمع ۴ سال
سال ۱	۴۰۰					
سال ۲	۲۸۶	۳۰۰				
سال ۳	۲۲۷	۲۳۸	۲۵۰			
سال ۴	۱۹۴	۲۰۴	۲۱۴	۲۲۵		
ارزش در سال	**۱ ۱۰۷**	**۷۴۲**	**۴۶۴**	**۲۲۵**	۰	
کاهش ارزش	**۳۶۵**	**۲۷۸**	**۲۳۹**	**۲۲۵**		**۱ ۱۰۷**
درآمد	۳۵	۲۲	۱۱	۰		۶۸
ارزش باقیمانده	**-۲۴۷**	**-۲۵۹**	**-۲۷۲**	**-۲۸۶**	-۳۰۰	
درآمد	-۱۲	-۱۳	-۱۴	-۱۴		-۵۳
ارزش مشترک	**۸۶۰**	**۴۸۳**	**۱۹۲**	**-۶۱**	-۳۰۰	
کاهش ارزش	**۳۷۷**	**۲۹۱**	**۲۵۳**	**۲۳۹**		**۱ ۱۶۰**
درآمد	۲۳	۹	-۳	-۱۴		۱۵

۲۰-۶۰ هزینه‌های پیش‌بینی شده‌ی انتقال مالکیت در واگذاری یک دارائی، از جمله حق‌الزحمه‌های حقوقی، کمسیون، حمل و نقل و جدا سازی قطعات (دمونتاژ) و غیره در اصل باید به همان

شیوه‌ی هزینه‌های پایانی عمل شوند.

۷. تعمیرات اساسی و بازسازی‌ها

۲۰-۶۱ تعمیرات اساسی و بازسازی‌ها که عمر یک دارائی را افزایش می‌دهند، تشکیل سرمایه تلقی می‌شوند و ارزش تعمیرات و نوسازی‌ها پیش از این که کاری انجام شده باشد به ارزش دارائی‌ها اضافه می‌کنند. مثالِ هزینه‌های انتقالِ تحصیل یک دارائی را می توان مستقیماً در این مورد بکار برد، فقط با کنار گذاشتن هزینه‌های متحمل شده در سالی غیر از سال تحصیل دارائی. این‌طور تصور می‌شود که ارزش تعمیرات سرمایه با ارزش تنزیل خدمات اضافه شده‌ای که دارائی، چه با افزایش خدمات در هریک از سال‌های باقیمانده‌ی طول عمر اولیه چه با افزایش طول عمر یا هردو ببار خواهد آورد، برابر است.

۲۰-۶۲ ارزش تعمیرات سرمایه را می‌توان با ارزش دارائی مورد بحث ادغام کرده و تمام محاسبات مربوط به خدماتی را که باید ارائه شوند دوباره انجام داد، که در این صورت درآمد ایجاد شده و مصرف سرمایه ثابت برای هردوی دارائی و نگه‌داری باهم تحلیل می‌شوند. اما، همان طور که در جدول ۲۰-۷ نشان داده شد، این امکان هم وجود دارد که محاسباتی که برای دارائی انجام شده است برای آن باقی بماند و با تحلیل جداگانه‌ای که برای تعمیر و نگه‌داری محاسبه می‌شود، طوری تجمیع شوند که گوئی به طور کامل مربوط به یک دارائی جدید هستند.

۸. کار در جریان ساخت برای پروژه‌های بلند مدت

۲۰-۶۳ جدول ۲۰-۹ به یک دارائی با ارزش نهائی ۲۰۰ که قرار است در طول یک دوره چهار ساله ساخته شود مربوط است. یک امکان این است که فرض شود تورم وجود ندارد، برای هر یک از چهار سال باید کار در جریان ساخت ۵۰ ثبت شود. اما، طبق مفهوم تنزیل درآمد آینده، دیدگاه دیگری ترجیح داده می‌شود. فرض کنید در اینجا هم نرخ تنزیل پنج درصد باشد. در هر سال، ارزش دارائی تکمیل شده در هریک از سال‌های ۱ الی ۳ به شرح ۱۷۲.۸، ۱۸۱.۴ و ۱۹۰.۵ خواهد بود که هریک به ترتیب بعد از سه، دو، یا یک سال تجمعی کردن با نرخ ۵ درصد به ارزش ۲۰۰ می‌رسد. تقسیم هریک از این‌ها به چهار، نشان می‌دهد که حتی اگر در هر سال مقدار مساوی از کار انجام شود، ارزش‌هائی که باید ثبت شوند ۴۳.۲، ۴۵.۴، ۴۷.۶ و ۵۰.۰ خواهد بود. ولی علاوه بر این، درآمد ناشی از برگشت کارِ قبلاً انجام شده نیز وجود خواهد داشت. این امر منجر به ارائه یک سری زمانی از درآمد برای کار انجام شده برابر با ۲.۲، ۴.۵، و ۷.۱ در هریک از سال‌های دو الی چهار می‌شود که ارزش سازه‌ی نیم ساخته را به شرح ۴۳.۲، ۹۰.۷، ۱۴۲.۹ و ۲۰۰ ارائه می‌دهد. این‌ها ارزش‌هائی هستند که خریدار سازه‌ی نیم ساخته حاضر به پرداخت آن‌ها خواهد بود. با این فرض که او از درآمد سازه‌ی تمام شده برای مدت سه سال چشم پوشی خواهد کرد.

جدول ۲۰-۹: ارزش‌گذاری کار در جریان ساخت توزیع شده در چند سال

نرخ تنزیل ۵٪

	سال ۱	سال ۲	سال ۳	سال ۴
ارزش محصول نهائی در هر سال	۱۷۲/۸	۱۸۱/۴	۱۹۰/۵	۲۰۰/۰
ارزش فعالیت ساخت و ساز (یک چهام ارزش نهائی)	۴۳/۲	۴۵/۴	۴۷/۶	۵۰/۰
درآمد تعلق گرفته به کار انجام شده				
سال ۱		۲/۲	۲/۳	۲/۴
سال ۲			۲/۳	۲/۴
سال ۳				۲/۴
ارزش سال آخر	۴۳/۲	۹۰/۷	۱۴۲/۹	۲۰۰/۰

۹. واحدهای مسکونی مالک ساکن

۲۰-۶۴ SNA توصیه می‌کند که یک اجاره بهای احتسابی باید برای مسکن مالک ساکن در محدوده‌ی تولید منظور شود و قسمتی از مصرف خانوار را تشکیل دهد. در شرایطی که بازارِ اجاره برای این ملک وجود نداشته یا فقط بازار محدودی وجود داشته باشد، انجام این کار مشکل است. مقایسه‌ی نتایج بین کشورها (مانند برنامه مقایسه بین‌المللی (ICP)) نشان می‌دهد که استفاده از فنون مختلف نتایج بسیار متفاوتی را ببار آورده است. در اینجا نیز، استفاده از فنون بیان شده در این فصل می‌تواند مفید باشد.

۲۰–۶۵ در مثال زمین، این امکان پذیر است زمینی که سالانه به طور دائمی بهره‌ی مالکانه‌ی اقتصادی برابر با ۲۰ حاصل می‌کند ارزشی معادل ۴۲۰ داشته باشد. در عین حال که خانه‌های جدید برای همیشه دوام نمی‌آورند، اگر فرض شود مثلاً آن‌ها پنجاه سال دوام داشته باشند، عامل تنزیل اعمال شده در طول این دوره، مقدار سهم در ارزش دارائی خواهد داشت که در نهایت قابل چشم پوشی است و این نیز امکان پذیر است که تصور شود، اگر ارزش خانه ۴۲۰ باشد، در این صورت اجاره بهای احتسابی ۲۰ خواهد بود. با فرض این که بازاری که برای خانه‌ها وجود دارد بسیار بهتر از بازار مسکن اجاره‌ای است، این نیز می‌تواند منبع مفید و قابل مقایسه‌ای را برای داده‌های یک زمینه‌ی مشکل ساز فراهم کند. اما، این روش باید با احتیاط مورد استفاده قرار گیرد زیرا خانه‌ها اغلب با انتظارِ ایجاد منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتنِ قابل ملاحظه‌ای، خریداری می‌شوند. همچنین باید توجه داشت که اجاره بهای خانه، بهره مالکانه‌ی زمین را هم در بر دارد.

۱۰. اجاره‌ی مالی (اعتباری)

۲۰–۶۶ فرآیند تنزیلِ جریان‌های آینده‌ی درآمد برای تعیین ارزش حال، به دارائی‌های مالی و نیز دارائی‌های غیرمالی اعمال می‌شود. موافقت‌نامه‌ای را با یک بانک برای وام‌گیری ۱ ۰۰۰ برای یک دوره پنج ساله با نرخ بهره‌ی پنج درصد درنظر بگیرید. کل مبلغی که باید به بانک پرداخت شود ۱ ۱۰۰ با قسط سالانه ۲۲۰ خواهد بود. ولی همان طور که جدول ۲۰–۱۰ نشان می‌دهد، پرداخت‌های سالانه از بازپرداخت ۲۰۰ برای اصل و ۲۰ برای بهره‌ی وام تشکیل نشده است. بهره روی باقیمانده‌ی وام پرداختنی می‌شود، بنابراین در سال اول دارای بالاترین میزان و در سال آخر صفر است. (این حاصلِ ساده سازی مثال‌ها در این فصل است. در عمل، بهره روزانه مطالبه می‌شود و بنابراین حتی در سال آخر نیز مقداری بهره پرداختنی خواهد بود. اما، روشی اتخاذ می‌شود که در آن تراز بین بهره و بازپرداخت اصل در طول زمان وقتی وام بازپرداخت می‌شود تغییر می‌کند).

۲۰–۶۷ ریاضیات مربوط به جدول ۲۰–۱۰ از جدول‌های دیگر در این فصل غیرقابل تفکیک است و این نشان می‌دهد که همان اصولی که برای ارزش‌گذاری دارائی‌های غیرمالی بکار می‌رود برای دارائی‌های مالی نیز اعمال می‌شود. همان روشی که بکارمی‌رود تا نشان دهد چقدر از سهم در تولید مربوط به مصرف سرمایه ثابت و چقدر مربوط به مازاد عملیاتی است، می‌تواند برای این موضوع نیز بکار رود که نشان دهد چقدر از پرداخت به بانک باز پرداخت سرمایه و چقدر از آن بهره است. مصرف سرمایه ثابت و بازپرداخت یک سرمایه هردو در حساب‌های سرمایه به عنوان تغییر حجم موجودی دارائی‌ها نشان داده می‌شوند. سهم در مازاد عملیاتی و بهره هردو جریان‌های درآمد هستند و در حساب‌های جاری نشان داده می‌شوند.

۲۰–۶۸ این دوگانگی بویژه هنگامی که دارائی تحت یک اجاره‌ی مالی (اعتباری) تحصیل می‌شود مهم است. در این حالت، جدول ۲۰–۱۰ را می‌توان هم برای نشان دادن تغییر ارزش دارائی و هم برای نشان دادن تغییر وام اخذ شده برای پرداخت بهای آن دارائی استفاده کرد. تحلیل‌های هزینه فایده برای مزایای وام‌گیری برای تحصیل دارائی‌ها نیز متکی به این نوع محاسبات هستند. اگر دارائی نتواند حداقل به اندازه‌ی بهره‌ای که باید به وام دهنده پرداخت شود در تولید سهم داشته باشد، این سرمایه‌گذاری یک سرمایه‌گذاری خوبی نخواهد بود. حتی اگر تولید کننده برای خرید یک دارائی به اندازه کافی پول در دست داشته باشد بدون این که وام بگیرد، منطق حکم می‌کند که چنین تحلیلی را انجام دهد زیرا گزینه‌ی دیگر برای تحصیل دارائی، تبدیل پول به یک دارائی است که درآمد ایجاد کند و یا با نگه‌داشتن آن ارزش آن بالا رفته و منفعت ناشی از نگه‌داشتن بوجود آورد.

جدول ۲۰–۱۰: مورد وام مالی

نرخ بهره ۵٪

سهم ارزش دارائی از	سال ۱	سال ۲	سال ۳	سال ۴	سال ۵	جمع ۵ سال
عایدات در:						
سال ۱	۲۲۰					
سال ۲	۲۱۰	۲۲۰				
سال ۳	۲۰۰	۲۱۰	۲۲۰			
سال ۴	۱۹۰	۲۰۰	۲۱۰	۲۲۰		
سال ۵	۱۸۱	۱۹۰	۲۰۰	۲۱۰	۲۲۰	
ارزش وام در سال	**۱۰۰۰**	**۸۱۹**	**۶۲۹**	**۴۳۰**	**۲۲۰**	
بازپرداخت اصل	**۱۸۱**	**۱۹۰**	**۲۰۰**	**۲۱۰**	**۲۲۰**	**۱۰۰۰**
بهره	۳۹	۳۰	۲۰	۱۰	۰	۱۰۰

ث. جدول مکمل درباره خدمات سرمایه

۲۰-۶۹ در این بخش جدولی شرح داده می‌شود که می‌توان آن را برای مقایسه‌ی داده‌های حاصل از جدول‌های استاندارد حساب‌های ملی برای عناصر ارزش افزوده‌ی ناخالص با داده‌های حاصل از اعمال تئوری خدمات سرمایه به داده‌های حساب‌های ملی درباره‌ی موجودی سرمایه تهیه کرد. پیش از معرفی این جدول، بهتر است به طور خلاصه فرض‌های مختلف مبنای مثال‌های عددی قسمت‌های قبلی این فصل که برای ساده‌سازی اتخاذ شده بود یادآوری شود، فرض‌هائی که کلاً در برآوردهای جدی جریان‌های سرمایه مناسب نخواهند بود. مهمترین آن‌ها عبارتند از:

الف. اگر قرار باشد هریک از جدول‌ها برای ابتدای سال، پایان سال یا وسط سال محاسبه شود، ارقامی که پدید می‌آیند قدری متفاوت خواهند بود. جریان‌های وسط سال لازم است با نرخی معادل نصف نرخ تنزیل سالانه تنزیل شوند تا مثلاً ارقام اول سال بدست آید.

ب. فرض این که تورم قیمت چه به‌طور کلی چه بین دارائی‌های مختلف وجود ندارد، کاملاً غیرواقعی است. تغییرات ناشی از تغییرات قیمت باید به طورجداگانه تعیین و در حساب بازارزش‌گذاری منظور شوند.

پ. ترجیح کلی برای رهیافت کارائی سنی برای تعیین ارزش موجودی سرمایه نباید به این معنی باشد که اطلاعات مربوط به کاهش قیمت سنی، در صورت وجود این کاهش، کنار گذاشته شود. راه حل این است که یک الگوی کارائی سنی جستجو شود که با الگوی کاهش مشاهده شده در قیمت‌ها مطابقت داشته باشد. هنگامی که بتوان این هماهنگ سازی را برقرار کرد، این می‌تواند کاهش کارائی سنی را وقتی اطلاعات قیمتی هماهنگی در دسترس نیست مشخص سازد.

۲۰-۷۰ درباره‌ی سطح مناسبی از تفصیل که باید برای دارائی‌ها بکار برده شود بحث وجود دارد. دارائی‌ها بسیار متنوع هستند حتی محصولاتی که بظاهر مشابه هستند، نظیر هواپیما، ممکن است ویژگی‌های متفاوتی داشته باشند. این مشکلی است که جدا از وسیله‌ای که برای تعیین ارقام موجودی دارائی‌ها بکار برده می‌شود باید حل شود. انتخابِ نهائی ممکن است منجر به بی دقتی شود یا برعکس، منجر به هزینه‌ی زیاد و بهبود جزئی در نتایج شود.

۲۰-۷۱ نخستین سطح تفصیل را که می‌توان ارائه کرد در جدول ۲۰-۱۱ نشان داده شده است. در این سطح فرض می‌شود اطلاعات مربوط به ارزش افزوده برحسب بخش‌های نهادی موجود است. ارقام مازاد عملیاتی برای شرکت‌های غیرمالی و مالی می‌تواند با خدمات سرمایه حاصل از دارائی‌های ثابت استفاده شده توسط این بخش‌ها که در صورت لزوم برای منابع طبیعی و موجودیهای انبار تعدیل شده باشد مقایسه شود. ارقام دولت و NPISHها در داده‌های حساب‌های ملی و این ارقام برای خدمات سرمایه باید مساوی باشند. دلیل این امر این است که طبق قرارداد وقتی ستانده به صورت حاصل جمع هزینه‌ها برآورد می‌شود، بازگشت سرمایه برای دارائی‌های بکار گرفته شده در تولید غیربازاری وجود ندارد. در نتیجه مازاد عملیاتی ناخالص برابر با مصرف سرمایه ثابت است و مازاد عملیاتی خالص صفر است (می‌توان انتظار داشت مقدار کمی مازاد عملیاتی از تولید بازاری ثانوی بدست آید). خدمات سرمایه برای واحدهای مسکونی خانوار باید با مازاد عملیاتی خانوارها مطابقت داشته باشد و ارقام خدمات سرمایه برای سایر بنگاه‌های غیرشرکتی خانوار باید با ارقام حساب‌های ملی برای درآمد مختلط (که باید شامل یک عنصر جبران خدمات نیروی کار نیز باشد) مقایسه شود.

جدول ۲۰-۱۱: طرح کلی یک جدول تکمیلی

داده‌های حساب‌های ملی	کل/ ناخالص	مصرف سرمایه ثابت	خالص
ارزش افزوده ناخالص			
جبران خدمات کارکنان			
درامد مختلط			
مازاد عملیاتی			
شرکت‌های غیرمالی			
شرکت‌های مالی			
دولت			
NPISHها			
خانوارها			
مالیات منهای یارانه بر تولید			

خدمات سرمایه	خدمات سرمایه	کاهش ارزش	بازگشت سرمایه
دارائی‌های ثابت			
تولید کنندگان بازاری (بجز خانوارها)			
شرکت‌های غیرمالی			
شرکت‌های مالی			
تولید کنندگان غیر بازاری			
دولت			
NPISHها			
خانوارها			
واحدهای مسکونی			
سایر بنگاه‌های غیرشرکتی			
منابع طبیعی			
موجودی‌های انبار			

فصل ۲۱: اندازه‌گیری فعالیت شرکت‌ها

الف. مقدمه

۲۱–۱ هدف از این فصل این است که جنبه‌های خاصِ شرکت‌های مالی و غیرمالی هردو مورد بحث قرار گیرد. موضوعِ بحث در بخش ب با آمار نگاری شرکت‌ها درباره‌ی این که چگونه بوجود می‌آیند، چگونه برچیده می‌شوند و چگونه با یکدیگر ادغام می‌شوند آغاز می‌شود. تقریباً پیامد همه‌ی این اقدامات در SNA برای ثبت اکتساب (تحصیل) سهام صاحب سهم در شرکت‌ها و در برخی موارد باز طبقه بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها بین بخش‌هاست.

۲۱–۲ بخش پ نگاهی دارد به برخی از گروه بندی‌های زیربخش‌های شرکت‌ها و این که چگونه این زیربخش‌ها می‌توانند به‌طور مؤثری در تحلیل‌ها بکار روند.

۲۱–۳ بخش ت روابط بین شرکت‌ها را در اقتصاد داخلی و در دنیای خارج مد نظر قرار می‌دهد. قسمت عمده‌ی این بخش به جنبه‌های جهانی شدن و استخراج شاخص‌های مرتبط اختصاص دارد.

۲۱–۴ بخش ث به یادآوری برخی بحث‌های فصل ۲۰ می‌پردازد و نگاهی فراتر به سهم دارائی‌ها در تولید دارد.

۲۱–۵ بخش ج پیامدهای نابسامانی مالی و اقدامات چاره ساز برای ثبت آن‌ها در SNA را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲۱–۶ بخش آخر یعنی بخش چ، به موضوع نسبتاً متفاوتی می‌پردازد و نگاهی دارد به پدید آمدن استانداردهای جدید حسابداری بازرگانی طی سال‌های اخیر و این که چگونه فرآیند توسعه استانداردهای جدید می‌تواند در کمک به توسعه‌ی رهیافت‌های جدید در SNA سودمند باشد.

۱. یادداشتی بر واژه‌ها

۲۱–۷ همان‌گونه که در بخش ب فصل ۴ توضیح داده شد، واژه‌ی شرکت در SNA برای پوشش گستره‌ای از اشکال حقوقیِ واحدهای نهادی بکار می‌رود. واژه‌ی بنگاه نیز در رابطه با فعالیت‌های تولید بکار می‌رود. با وجود این که واژه شرکت به طور عادی اصطلاحی است که در SNA ترجیح داده شده است، در سایر مستندات، بخصوص در *BD*، گرایش به استفاده از بنگاه بیشتر از شرکت است. بعلاوه ثبت تمامی بنگاه‌ها یا شرکت‌ها معمولاً "ثبت کسب و کار" نامیده می‌شود، هرچند که کسب و کار واژه‌ای نیست که استفاده از آن در حساب‌های ملی رایج باشد. در این فصل، از هر سه واژه استفاده شده است بدون این که فرقی بین آن‌ها گذاشته شود.

ب. آمارنگاری شرکت‌ها

۲۱–۸ نگه‌داری فهرست شرکت‌ها با نگه‌داری فهرست تمامی افراد حاضر در کشور مشابه است و لازم است هر شرکت جدیدی که ایجاد می‌شود یا هر شرکتی که برچیده می‌شود بلافاصله در آن ثبت شود. ثبت کسب و کارها نه تنها به طور عادی دارای یک کارکرد اداری در نگه‌داری و ردیابی کسب و کارهای موجود در اقتصاد است، بلکه به عنوان چارچوب اولیه‌ی نمونه‌گیری برای آمارگیری‌های کسب و کار نیز بشمار می‌رود. از اینرو معمول است که ثبت کسب وکار حاوی

اطلاعاتی درباره فعالیت، اندازه، محل استقرار، و غیره درباره هریک از کسب و کارها باشند و تغییر فعالیت اصلی یک شرکت از یک نوع فعالیت به فعالیت دیگر را یادداشت کنند. علاوه بر این ثبت کسب و کارها ممکن است اطلاعاتی را هم درباره ارتباطی که یک شرکت می‌تواند با دیگر شرکت‌های مقیم و غیرمقیم داشته باشد در بر گیرد.

۱. ایجاد شرکت‌ها

۹-۲۱ شرکت‌ها به شیوه‌های مختلف بوجود می‌آیند. یکی از این شیوه‌ها هنگامی است که بنگاه غیرشرکتی در بخش خانوار به ثبت برسد. (روند دقیق ثبت آن، نظیر این که چه موقع این ثبت می‌تواند یا باید رخ دهد و چگونه باید اجرا شود، بستگی به اجرای قانون شرکت‌ها در هر کشور دارد). هنگامی که ثبت شرکت رخ می‌دهد، دارائی‌ها و بدهی‌هائی که پیش از این جزء جدائی‌ناپذیر خانوار بودند جدا شده و به عنوان دارائی‌ها و بدهی‌های شرکت به حساب آورده می‌شوند. خانوار در مقابلِ از دست دادن کنترلِ دارائی‌ها و مسئولیتِ بدهی‌ها، حقوق سهامداران در شرکت جدید کسب می‌کند که در ابتدا دقیقاً با ارزش دارائی‌ها و بدهی‌های انتقال یافته به شرکت برابر است. وقتی شرکت ثبت شد، خانوارِ صاحبِ شرکت دیگر ادعائی بر دارائی‌ها و مسئولیتی در قبال بدهی‌ها نخواهد داشت ولی در عوض، مالکِ حقوق سهامداران در شرکت است.

۱۰-۲۱ فردی ممکن است تصمیم بگیرد که کسب و کاری را راه بیاندازد، یک هستار قانونی ایجاد کند و شروع به فعالیت کند. در ابتدا ممکن است این هستار نه دارائی داشته باشد و نه بدهی ولی هنگامی که دارائی و بدهی به آن تعلق می‌گیرد این دارائی و بدهی به شرکت متعلق خواهند بود و به‌همین ترتیب حقوق مالی صاحب کسب و کار تغییر خواهد یافت. در مقیاس بزرگ، ممکن است بین تعدادی از واحدها توافق به عمل آید که یک یا چند واحد از آن‌ها پیشنهاد طرح کسب و کار را ارائه دهند و یک یا چند واحد تأمین مالی عملیات را به عهده بگیرند. یک توافق رسمی حاصل می‌شود که در آن تفکیک منافع حاصل از فعالیت‌های شرکت تعیین می‌شود و نیز تقسیم مسئولیت‌ها صورت می‌گیرد. دارائی‌های شرکت جدید به صورت تحصیل دارائی توسط آن شرکت ثبت می‌شود و همچنین مبلغی از حقوق مالی صاحب شرکت نیز به عنوان بدهی متقبل شده برای طرف‌های عرضه کننده‌ی منابع مالی ثبت می‌شود.

۱۱-۲۱ برای این که موافقتِ سهیم شدن سود ناشی از فعالیت‌های شرکت الزام آور شود، لزومی ندارد شرکت اقدام به انتشار سهام کند. شرکت‌های تعاونی و شراکت‌های با مسئولیت محدود دو مثال از واحدهای SNA هستند که شرکت تلقی می‌شوند زیرا روشی که در آن مالکین در سود سهیم هستند روشن است حتی اگر به طور رسمی سهامی وجود نداشته باشد.

۱۲-۲۱ شرکت‌ها ممکن است به ابتکار دولت، یک NPISH یا یک واحد در اقتصاد دیگر نیز بوجود آیند. بعلاوه، یک شرکت ممکن است با تقسیم شرکتی که قبلاً وجود داشت بوجود آید. این امکان در زیر تحت عنوان ترکیب‌ها و ادغام‌ها مورد بحث قرار گرفته است.

۲. برچیده شدن شرکت‌ها

۱۳-۲۱ به طور مشابه موارد متعددی وجود دارد که شرکت‌ها ممکن است برچیده شوند. نخست، هنگامی است که هستاری بعد از اعلام ورشکستگی و تسویه حساب از بین می‌رود. (روند کامل آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در برخی کشورها اعلام ورشکستگی به این معنی است که شرکت باید معاملات خود را فوراً متوقف کند و فرآیند برچیده شدن امور آن آغاز شود. در کشورهای دیگر، ممکن است یک وقفه‌ی زمانی وجود داشته باشد که در آن شرکت فرصتی بدست آورد تا معاملات خود را ادامه دهد و تلاش کند تا وضعیت خود را بهبود بخشد و اگر در این مدت باز هم شکست بخورد در آن صورت باید برچیده شود). وقتی شرکتی از بین می‌رود، دریافت کننده (واحدی که مسئول اداره امور انحلال شرکت است) تمامی دارائی‌های آن را بفروش می‌رساند و عایدات آن را بین مدعیان شرکت براساس دستور قانونی از پیش تعیین شده توزیع می‌کند. سهامداران همیشه آخرین کسانی هستند که عایدات باید بین آن‌ها توزیع شوند. در حالتی که شرکت ورشکست می‌شود بسیار معمول است که سهامداران چیزی

دریافت نمی‌کنند. تنها در شرایط بسیار استثنائی سهامداران در تأمین منابع مالی برای تسویه سایر بدهی‌های شرکت مسئولیت دارند.

۲۱–۱۴ ممکن است شرکتی به طور داوطلبانه توسط مالکین آن برچیده شود. وقتی این امر رخ می‌دهد دارائی‌ها فروخته می‌شوند و عایدات آن مطابق با سهامی که هریک از مالکین دارند بین آن‌ها تقسیم می‌شود. اگر این شرکت سهامی را منتشر کرده باشد، تنها در صورتی می‌تواند برچیده شود که اکثریت مشخصی از سهامدارن موافقت کنند یا در صورتی که اکثریت مشخصی از سهامی که در ابتدا توسط تعداد کمی از واحدها تحصیل شده‌اند بتوانند برای جمع کردن شرکت به توافق برسند.

۲۱–۱۵ لزومی ندارد تحصیل (اکتساب) همه‌ی سهام یک شرکت شرط اولیه برای متوقف شدن فعالیت آن باشد؛ ممکن است شرکت فقط با تعداد کمتری از سهامداران یا حتی به‌صورت یک شرکت خصوصیِ ثبت نشده فعالیت خود را ادامه دهد. مزیت شرکت بجا مانده این است که مسئولیتِ مالکان برای تأمین هرگونه کسری در ترازنامه‌ی شرکت محدود است. از اینرو حتی هنگامی که فردی یا گروهی از افراد بخواهند کل یک شرکت را کنترل کنند ممکن است تصمیم بگیرند فقط شرکت ثبت نشده‌ای با بدهی‌های محدودی که بابت شرکت بوجود می‌آیند، ایجاد کنند.

۲۱–۱۶ شیوه سومی که یک شرکت می‌تواند از بین برود این است که با شرکت دیگری ادغام شود، هرچند که ادغام یک شرکت بخودی خود دلالت بر از بین رفتن شرکت ادغام شده ندارد. این مورد نیز در سطرهای زیرین تحت عنوان ادغام و تحصیل بحث خواهد شد.

۳. ملی سازی و خصوصی سازی

۲۱–۱۷ دولت ممکن است تصمیم بگیرد شرکتی را به دلایل مختلف به مالکیت خود درآورد، ممکن است احساس کند کنترل شرکت توسط دولت در جهت منافع عمومی است، یا ممکن است در واکنش به بحران مالیِ شرکت و یا برای انگیزه‌های سیاسی به این اقدام دست بزند. هنگامی که این کار رخ می‌دهد مالکیت شرکت به دولت منتقل می‌شود، یعنی دولت در آن شرکت حقوق سهامداران کسب می‌کند، اما دارائی‌های شرکت در ترازنامه آن باقی می‌ماند مگر دولت تصمیم به ملی کردن شرکت بگیرد و در همان زمان آن را منحل کند. اغلب موارد ولی نه همیشه، دولت ممکن است به مالکین قبلی شرکت پرداختی انجام دهد ولی ممکن است این پرداختی از نظر آن‌ها با یک قیمت عادلانه مطابقت نداشته باشد. غیر از مواقعی که شرکت منحل می‌شود، روند ملی کردن شرکت منجر به تغییر مالکیت آن از واحدهای خصوصی به دولتی می‌شود ولی دارائی‌ها و سایر بدهی‌های شرکت همچنان در مالکیت شرکت باقی ماند. حقوق مالی صاحبان سهام شرکت به عنوان تراکنش در حساب‌های مالی ثبت می‌شود. علاوه بر این یک بازنگری هم در طبقه بندی دارائی‌ها و بدهی‌های یک شرکت ملی شده، از زیربخش خصوصیِ ملی به زیر بخش عمومی در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها صورت می‌گیرد.

۲۱–۱۸ دولت همچنین ممکن است تصمیم بگیرد شرکتی را که در حال حاضر کنترل می‌کند خصوصی سازی کند. وقتی این اقدام صورت می‌گیرد، رایج‌ترین ساز و کار این است که سهام آن را برای فروش یا، در بعضی موارد، بدون مطالبه‌ی ارزش آن یا شاید به قیمتی پائین‌تر از قیمت بازار به عموم عرضه می‌کند. هنگامی که سهام به رایگان یا به قیمت پائین عرضه می‌شود، لازم است در حساب‌ها یک انتقال سرمایه از دولت به سهامداران نهائی و نیز تحصیل سهام ثبت شوند. همانند ملی سازی، تنها حقوق سهامداران در شرکت دست بدست می‌شود، نه دارائی‌ها و سایر بدهی‌های آن، و تغییر در مالکیت حقوق سهامداران به عنوان یک تراکنش در حساب مالی ثبت می‌شود. مالکیت دارائی‌ها و بدهی‌ها با شرکت باقی می‌ماند ولی آن‌ها از زیربخش عمومی به زیر بخش خصوصی ملی در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها باز طبقه بندی می‌شوند.

۲۱–۱۹ بحث بیشتری درباره ملی سازی و خصوصی سازی در فصل ۲۲ وجود دارد.

۴. ادغام و تحصیل (اکتساب)

۲۱–۲۰ روند ادغام و تجزیه‌ی شرکت‌ها در داخل اقتصاد مورد توجه است اما هنگامی که ادغام (یا تجزیه) واحدهائی را در اقتصادهای متفاوت در بر می‌گیرد به طور خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد. بندرت می‌توان بدون در نظر گرفتن موضوع ادغام و تحصیل درباره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بحث کرد. برخی از عبارت‌هائی که به طور معمول در این زمینه استفاده می‌شوند در زیر نام برده شده است. توضیحات از *BD* گرفته شده است ولی مفاهیم مشابه در *BPM6* هم وجود دارند. (نسخه تجدید نظر شده‌ی *BD* در سال ۲۰۰۸ منتشر شده است. این نسخه با هردوی SNA و *BPM6* سازگار است). توصیه‌های روشن کننده برای ثبت ادغام و تحصیل (اکتساب) در SNA قسمتی از دستور کار گروه پژوهش است.

۲۱–۲۱ *ادغام* به ترکیبِ دو یا چند شرکت برای شریک شدن در منابع به منظور نیل به اهداف مشترک گفته می‌شود. ادغام دلالت بر این دارد که در نتیجه‌ی عملیات فقط یک هستار باقی خواهد ماند و غالباً در پی تحصیل (در زیر توضیح داده شده) رخ می‌دهد. انواع مختلفی از ادغام‌های ممکن وجود دارد.

الف. *ادغام قانونی*، به ترکیب کسب وکار مربوط می‌شود که در آن شرکت ادغام شده (هدف) از بین خواهد رفت. شرکت تحصیل کننده (اکتساب کننده)، مسئولیت دارائی‌ها و بدهی‌های شرکت‌های ادغام شده را به‌عهده خواهد گرفت. در بسیاری از موارد، مالکین شرکت‌های ادغام شده به عنوان صاحبان مشترکِ شرکتِ ترکیب شده باقی می‌مانند.

ب. *ادغام شرکت‌های تابعه*، به عملیاتی مربوط است که درآن شرکت تحصیل شده (اکتساب شده)، واحد تابعه‌ای از شرکت مادر می‌شود. در ادغام معکوسِ واحدهای تابعه، یک واحد تابعه‌ی شرکت تحصیل کننده (اکتساب کننده) در شرکت هدف ادغام می‌شود (شرکتی، شرکت دیگر را اکتساب می‌کند و تابعه‌ی خود را در آن ادغام می‌کند، مترجم).

پ. *تلفیق*، نوعی ادغام است که به ترکیب کسب و کار اشاره دارد که طی آن دو یا چند شرکت بهم می‌پیوندند تا یک شرکت کاملاً جدید تشکیل دهند. تمامی شرکت‌های درگیر در ادغام از بین می‌روند و سهامداران آن‌ها سهامداران شرکت جدید می‌شوند. واژه‌های تلفیق و ادغام غالباً بجای همدیگر استفاده می‌شوند. اما، تفاوت بین این دو معمولاً اشاره به اندازه شرکت‌های ترکیب شده دارد. تلفیق به عملیاتی مربوط است که در آن شرکت‌های ترکیب شده اندازه مشابهی دارند درحالی که ادغام معمولاً دلالت بر تفاوت‌های قابل ملاحظه دارد.

ت. *ادغام معکوس*، معامله‌ای است که به موجب آن شرکت تحصیل (اکتساب) کننده از بین می‌رود و در شرکت هدف جذب می‌شود. اگر شرکتی مشتاق باشد که در یک دوره‌ی زمانیِ کوتاه منابع مالی عموم را جذب کند (در فهرست شرکت سهامی عام قرار گیرد، *مترجم*)، می‌تواند شرکتی با سهام پذیرفته شده در بورس را خریداری کند و در آن ادغام شود تا به شرکت جدیدی با سهام معامله‌پذیر تبدیل شود.

ث. *ادغام برابر*، نوعی از ادغام است که در آن شرکت‌های درگیر دارای اندازه‌ی یکسان هستند.

۲۲–۲۱ *تحصیل (اکتساب)* تراکنش بین دو طرف مبتنی بر شرایط ایجاد شده توسط بازار است و در آن هر یک از شرکت‌ها مطابقِ منافع خود عمل می‌کنند. شرکت تحصیل کننده به کنترل شرکت هدف دست می‌یابد. شرکت هدف یا وابسته به شرکت تحصیل کننده می‌شود یا یک واحد تابعه یا قسمتی از یک واحد تابعه‌ی شرکت تحصیل کننده می‌شود.

الف. *قبضه مالکیت* نوعی تحصیل است که در آن شرکت تحصیل کننده بسیار بزرگتر از شرکت هدف است. این اصطلاح گاهی اوقات برای این بکار می‌رود که تراکنش‌های تهاجمی را نشان دهد. ولی، ادغام شرکت‌های برابر (از نظر اندازه یا متعلق بودن به

همان فعالیت یا بخش) نیز ممکن است در یک قبضه مالکیت تهاجمی حاصل شود.

ب. *قبضه مالکیت معکوس* به عملیاتی اشاره می‌کند که در آن شرکت هدف بزرگتر از شرکت تحصیل کننده است.

۲۱-۲۳ *واگذاری سرمایه (divestment) (تجزیه)* به فروش قسمت‌هائی از شرکت به دلایل مختلف گفته می‌شود:

الف. واحد تابعه یا قسمتی از شرکت ممکن است در مقایسه با رقبای آن دیگر بخوبی عمل نکند؛

ب. واحد تابعه یا قسمتی از شرکت ممکن است بخوبی عمل کند ولی جایگاه خوبی در صنعت (رشته فعالیت) نداشته باشد که بتواند قابل رقابت باشد و اهداف دراز مدت را تأمین کند؛

پ. اولویت‌های راهبردی شرکت برای باقی ماندن در رقابت ممکن است در طول زمان تغییر کند و منجر به واگذاری سرمایه شود؛

ت. از دست دادن کنترل مدیریتی یا مدیریت ناکارآمد؛

ت. تنوع بخشیِ زیاد ممکن است مشکلاتی را بوجود آورد و از اینرو منجر به این شود که شرکت‌های مادر تنوع فعالیت‌های خود را کاهش دهند.

ج. شرکت مادر ممکن است مشکلات مالی داشته باشد و ممکن است نیاز به افزایش نقدینگی داشته باشد؛

ج. واگذاری سرمایه ممکن است به صورت دفاع در برابر قبضه‌ی مالکیت تهاجمی تحقق یابد.

۲۱-۲۴ واگذاری سرمایه توسط شرکت می‌تواند به شیوه‌های متفاوتی اجرا شود:

الف. *حراج شرکت* عبارت است از فروش یک واحد تابعه به خریدارانی که اغلب از شرکت‌های دیگر هستند؛

ب. *خرد کردن (اسپین اف) شرکت* هنگامی اتفاق می‌افتد که قسمت واگذار شده یک شرکت در بورس سهام شناور می‌شود. شرکت شناور جدید به طور جداگانه در بورس سهام ارزش گذاری می‌شود و تشکیل یک شرکت مستقل را می‌دهد. سهام شرکت جدید پذیرفته شده در بورس به سهامداران شرکت‌های مادر توزیع می‌شود که از آن به بعد بجای یک شرکت در دو شرکت صاحب سهام خواهند بود.

پ. *واگذاری حقوق صاحبان سهام اقلیت* مشابه خرد کردن شرکت است ولی شرکت مادر اکثریت کنترل را دارد. این شکل دارای مزیت افزایش نقدینگی برای واگذار کننده است.

ت. *خرید شرکت توسط مدیران داخل و خارج شرکت* هنگامی رخ می‌دهد که خریدار مدیر یا گروهی از مدیران شرکتی است که فروخته شده است.

۲۱-۲۵ در تمامی این موارد، لازم است تراکنش‌های حقوق سهامداران بین دو شرکتی که درگیر هستند در حساب مالی و، احتمالاً تغییری در طبقه‌بندی برحسب بخش درحساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت شود.

پ. زیربخش‌ها

۲۱-۲۶ گروه بندی زیربخشی در بخش‌های شرکت‌ها در فصل ۴ مورد بحث قرار گرفت. پیشنهاد شده است که برای تقسیم شرکت‌ها بین زیر بخش‌ها از یک گروه بندی سه‌گانه استفاده شود، به این ترتیب که بین شرکت‌هائی که خصوصیِ ملی

هستند، شرکت‌هائی که توسط دولت کنترل می‌شوند و شرکت‌هائی که توسط خارجیان کنترل می‌شوند تقسیم شوند. در داخل هریک از این‌ها مشخص کردن نهادهای غیرانتفاعی (NPI) بازاری مطلوب است.

۲۱–۲۷ به دو دلیل مشخص کردن NPIها مهم است. در وهله اول، همان‌گونه که در فصل ۲۳ بیان شده است، برای بدست آوردن یک تصویر جامع از NPIها لازم است بتوان NPIهای بازاری را که به بخش شرکت‌ها تخصیص می‌یابند شناسائی کرد. شناسائی این‌ها به طور جداگانه ممکن است برای برخی استفاده کنندگان غیرمنتظره باشد، زیرا اغلب این تصورِ نادرست وجود دارد که تمامی NPIها غیربازاری هستند و در بخش NPISH قرار می‌گیرند. دلیل دیگر برای جدا کردن NPIها این است که در برخی تحلیل‌ها اگر احساس شود که رفتار اقتصادی آن‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است ممکن است بهتر باشد که شرکت‌ها بدون NPIها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

۲۱–۲۸ در شناسائیِ شرکت‌های تحت کنترل دولت، این سؤال پیش می‌آید که اگر تغییر قابل ملاحظه‌ای در تعداد و نوع شرکت‌های تحت کنترل دولت طی دوره‌ی مورد نظر وجود داشته باشد چگونه باید سری زمانی دراز مدت برای آن‌ها تهیه شود. رایج است که یک سریِ زمانی فقط متشکل از شرکت-هائی که در هر دوره‌ی زمانی تحتِ کنترلِ دولت بوده‌اند تهیه شود. زیرا معمولاً این موضوع که چه میزان از بخش شرکت‌ها توسط دولت کنترل می‌شود، و چگونگی تغییر آن در طول زمان همواره مورد توجه بوده است، و سری زمانی فوق تصویر مناسبی از این موضوع را ارائه خواهد داد. اما، اگر قصد این باشد که رفتار یک گروه یکسان از شرکت‌ها در طی زمان مورد مطالعه قرار گیرد، می‌تواند جدول تکمیلی با استفاده از تعریف جاری شرکت‌های تحت کنترل دولت تهیه شود و این مجموعه شرکت‌ها درطول دوره‌ی زمانی، صرف نظر از این که برای تمام آن دوره تحت کنترل دولت بوده‌اند یا خیر، مورد بررسی قرار گیرد.

۲۱–۲۹ شناسائی شرکت‌های تحت کنترل خارجی برای مطالعه‌ی اثر متقابل بین اقتصاد داخلی و دنیای خارج یک امر کلیدی است. تشریح این بحث با تفصیل بیشتر موضوع بخش زیر است.

ت. روابط بین شرکت‌ها در اقتصادهای متفاوت

۲۱–۳۰ مقررات زدائیِ بازار، نوآوری در فناوری و ابزارهای ارزان‌ترِ ارتباطات به سرمایه‌گذاران امکان داده است تا مشارکت خود را در بازارهای رقابتیِ برون مرزی تنوع بخشند. در نتیجه، افزایش چشمگیر در انتقال برون مرزی مالی از جمله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک عامل کلیدی در یکپارچه سازی بین‌المللی اقتصادی شده است که به طور کلی به آن جهانی شدن اطلاق می‌شود.

۲۱–۳۱ تحلیل‌های منظم روند و توسعه‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بخش جدائی‌ناپذیر اکثر تحلیل‌های اقتصاد کلان و تحلیل‌های مالی برون مرزی است. برای تحلیل‌گرانِ سیاستگذاری، شناسائی منبع و مقصد این سرمایه‌گذاری‌ها دارای اهمیت زیادی است. نماگرهای متعددی که مبتنی بر آمارهای سرمایه‌گذاری مستقیم هستند اندازه‌گیری گستره و تأثیر جهانی شدن را آسان می‌سازند.

۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

۲۱–۳۲ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) خصوصیت کلیدیِ تراز پرداخت‌ها به‌شمار می‌رود و مروری بر برخی از مفاهیم اولیه‌ی مربوط به آن مفید خواهد بود. جزئیات بیشتر را می‌توان در هردوی *BPM6* و BD بدست آورد. گرایش به استفاده از واژه‌ی بنگاه بیشتر از شرکت است، ولی همان طور که در مقدمه این فصل اشاره شد، در استفاده از واژه‌های متفاوت

هیچ‌گونه قصد خاصی وجود ندارد.

۲۱-۳۳ آمارهای سرمایه‌گذاری مستقیم در چهار حساب آماری متمایز موجود است:

الف. وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری،

ب. تراکنش‌های مالی،

پ. جریان‌های درآمد بین بنگاه‌هائی که از طریق روابط سرمایه‌گذاری مستقیم به هم مربوط می‌شوند، و

ت. سایر تغییرات در ارزش دارائی‌ها، بویژه از نظر بازارزش‌گذاری.

۲۱-۳۴ سرمایه‌گذاری مستقیم مقوله‌ای از سرمایه‌گذاری برون مرزیِ مربوط به یک مقیم در یک اقتصاد (*سرمایه‌گذار مستقیم*) است که بر مدیریت بنگاهی (*بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم*) که مقیم اقتصاد دیگری است کنترل یا میزانِ قابل ملاحظه‌ای نفوذ دارد.

۲۱-۳۵ سرمایه‌گذاری مستقیم این امکان را نیز به سرمایه‌گذارِ مستقیم می‌دهد که به اقتصادی که بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم در آن قرار دارد دسترسی پیدا کند که در غیر این صورت این امکان نمی‌توانست وجود داشته باشد. اهداف سرمایه‌گذاران مستقیم با اهداف سرمایه‌گذاران در بدره (مجموعه اوراق بهادار و سایر دارائی‌های مالی) که نفوذ قابل ملاحظه‌ای در مدیریت بنگاه ندارند، متفاوت است.

۲۱-۳۶ بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم، شرکت‌های تابعه‌ای هستند که بیش از ۵۰ درصد حق رأی را در اختیار دارند، یا شرکت‌های وابسته هستند که بین ۱۰ تا ۵۰ درصد حق رأی را در اختیار دارند یا شبه شرکت‌هائی، نظیر شعبه‌ها، هستند که عمدتاً ۱۰۰ درصد آن متعلق به شرکت‌های مادر است. بنگاه‌هائی که نفوذ سرمایه‌گذاری مستقیم را بر شرکت دیگری ندارند (یعنی حائز شرایط معیار ۱۰ درصد حق رأی نیستند) ولی در سلسله مراتب مالکیتِ همان بنگاه (که باید سرمایه-گذار مستقیم در دستکم در یکی از آن‌ها باشد) به طور مستقیم یا غیرمستقیم نفوذ دارند به عنوان بنگاه‌های همکار گفته می‌شوند.

۲۱-۳۷ روابط سرمایه‌گذاری مستقیم مطابق با معیار *چارچوبی برای روابط سرمایه‌گذاری مستقیم* (FDIR، توضیح داده شده در *BD*)، شامل هردوی روابط مستقیم و غیرمستقیم از طریق زنجیره‌ی مالکیت تعیین می‌شود. فرض کنید که شرکت الف شرکت ب را کنترل می‌کند و شرکت ب شرکت پ را کنترل می‌کند در این صورت الف در حقیقت بر پ نیز کنترل دارد.

۲. FDI و جهانی شدن

۲۱-۳۸ وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم طبقه مهمی از سرمایه‌گذاری انجام شده در خارج و دریافت شده از خارج را نشان می‌دهد که بین حقوق سهامداران و بدهی در زمانِ مرجعِ مشخصی تقسیم می‌شود. وضعیت موجودی FDI (موجودی‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مترجم) به صورت درصدی از GDP نشانه‌ای از جهانی شدن در آن زمان است. این نماگرهای ساختاری نشان دهنده‌ی وابستگیِ اقتصادها هستند.

۲۱-۳۹ تراکنش‌های مالی، خالصِ سرمایه‌گذاری‌های وارد شده و خارج شده را بوسیله‌ی دارائی‌ها (تحصیل منهای واگذاری یا بازپرداخت) و بدهی‌ها (تقبل بدهی منهای تسویه‌ی آن) در هر دوره‌ی معین نشان می‌دهد که به طور جداگانه برحسب ابزارهای مالی ارائه می‌شوند. تراکنش‌های مالیِ FDI که به صورت درصدی از GDP بیان شده باشد نماگر تغییرات درجه‌ی جهانی شدن یک اقتصاد را در طی آن دوره ارائه می‌دهد. این نماگر اطلاعات اولیه درباره جذابیت نسبی اقتصادها (داخلی و خارجی، هردو) برای سرمایه‌گذاری‌های جدید بعد از کسرِ برداشت سرمایه‌گذاری‌ها یا سرمایه‌برداری‌ها طی همان دوره از زمان را ارائه می‌دهد.

۲۱-۴۰ درآمد سرمایه‌گذاری مستقیم اطلاعات مربوط به عایدات سرمایه‌گذاران مستقیم و عایدات بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم را ارائه می‌دهد. عایدات سرمایه‌گذاری مستقیم ناشی می‌شود از (I) عایدات توزیع شده و نیز عایدات توزیع نشده که

به عنوان بازسرمایه‌گذاریِ عایدات در آن بنگاه تلقی می‌شود و (ii) بهره وام‌های بین شرکتی، اعتبار تجاری و سایر اشکال دِین. جریان‌های درآمد FDI به صورت درصدی از GDP اطلاعات مربوط به اهمیت نسبی عایدات سرمایه‌گذاری مستقیم در اقتصاد مورد گزارش و اقتصاد خارج هردو را ارائه می‌دهد.

۳. نقش "وجوه عبوری"

۲۱-۴۱ "وجوه عبوری" یا "وجوه در حال گذر" وجوهی هستند که از طریق یک بنگاه مقیم در یک اقتصاد به یک بنگاه وابسته در اقتصاد دیگر عبور می‌کنند، به طوری که این وجوه در اقتصاد بنگاه وابسته باقی نمی‌مانند. این نوع وجوه معمولاً با سرمایه‌گذاری مستقیم همراه هستند. این جریان‌ها در اقتصادی که از آن عبور می‌کنند تأثیر ناچیزی دارند. در عین حال که هستارهای دارای هدف ویژه، شرکت‌های هلدینگ و نهادهای مالی درخدمت وابسته‌های غیرمالیِ دیگر به طور خاصی با وجوه عبوری مرتبط هستند، بنگاه‌های دیگر نیز ممکن است وجوه عبوری در جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم داشته باشند.

۲۱-۴۲ در شکل‌های استاندارد نمایش داده‌ها، وجوه عبوری جزئی از سرمایه‌گذاری مستقیم در نظر گرفته می‌شوند زیرا آن‌ها جزء جدائی‌ناپذیر تراکنش‌ها و موجودی‌هایِ مالیِ یک سرمایه‌گذار مستقیم با بنگاه‌های وابسته هستند. (موجودی ابزارهای دِین بین نهادهای مالیِ مرتبط در این مورد استثناء است). کنار گذاشتن این وجوه از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند موجب تحریف و کم اظهاری قابل ملاحظه‌ای در میزان جمع کل‌های جریان‌ها و موجودی‌ها شود. بعلاوه، وارد کردن این داده‌ها در سرمایه‌گذاری مستقیم، بهبود تقارن و سازگاری بین اقتصادها را در پی خواهد داشت. اما، برای اقتصادهائی که این وجوه از آن‌ها عبور می‌کنند، شناسائی جریان‌های ورودی و خروجی که توسط هستار مربوطه برای استفاده‌ی محلی در نظر گرفته نشده است مفید خواهد بود.

۲۱-۴۳ FDI، بویژه در کشورهای در حال پیدایش (یا بازارهای در حال پیدایش، مترجم) ، یک نقش کلیدی در توسعه ایفاء می‌کند. برای دستیابی به میزان FDI جهانی که به این کشورها وارد می‌شود، و جائی که از آن سرچشمه می‌گیرد، یک تحلیل تکمیلی مفید خواهد بود. چنین تحلیلی، کشوری را شناسائی می‌کند که وجوه عبوری از آنجا سرچشمه می‌گیرد و این امر با شناسائی اولین واحد بدون وجوه عبوری در اقتصاد میزبان یا اقتصاد سرمایه‌گذاری کننده (در زنجیره‌ی جریان‌های ورودی و خروجی) هرکدام که مناسب باشد، میسر می‌شود.

۴. کشور نهائی سرمایه‌گذاری

۲۱-۴۴ ارائه FDI مطابقِ BD، کشور طرف مقابل بعدی و صنعت (رشته فعالیت) طرف مقابل بعدی را در زنجیره‌ی جریان خروجی FDI نشان می‌دهد. برای جریان ورودی FDI، نه تنها تعیین کشور طرف مقابل بعدی بلکه سرمایه‌گذار نهائی نیز امکان پذیر است. برای این منظور، سرمایه‌گذار نهائی بنگاهی است که در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری برای داشتن موجودی‌های FDI در بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم کنترل دارد. به این ترتیب سرمایه‌گذار نهائی سرمایه‌گذار مستقیم بعدی را کنترل می‌کند. این فرآیند با ادامه‌ی زنجیره‌ی مالکیت سرمایه‌گذار مستقیم بعدی از طریق ارتباطات کنترل (مالکیت بیش از ۵۰ درصد از حق رأی) تا زمانی که بنگاهی برسد که توسط بنگاه دیگر کنترل نشود شناسائی می‌گردد. اگر بنگاهی وجود نداشته باشد که سرمایه‌گذار مستقیم بعدی را کنترل کند، در این صورت سرمایه‌گذار مستقیم عمدتاً سرمایه‌گذار نهائی در بنگاه سرمایه‌گذار مستقیم است.

۲۱-۴۵ کشوری که سرمایه‌گذار نهائی در آن مقیم است کشور نهائی سرمایه‌گذاری در بنگاه سرمایه‌گذار مستقیم است. این امکان وجود دارد که سرمایه‌گذار نهائی در همان اقتصادی مقیم باشد که بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم مقیم است. (بنگاه الف بنگاه ب را کنترل می‌کند و بنگاه ب بنگاه پ را کنترل می‌کند . بنگاه الف و بنگاه پ در یک اقتصاد مقیم هستند ولی بنگاه ب در اقتصاد دیگری مقیم است).

۲۱-۴۶ برای این که ارائه معمول داده‌ها بر حسب کشور به ارائه تکمیلی کشور نهائی سرمایه‌گذاری تغییر شکل داده شود، کل موجودی FDI که به کشور مقیم سرمایه‌گذار مستقیم بعدی

تخصیص یافته است به کشور سرمایه‌گذاری نهائی تخصیص می‌یابد. هنگامی که بیش از یک سرمایه‌گذار مستقیم بعدی در یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم وجود داشته باشد، جریان ورودیِ موجودی FDI از هریک از سرمایه‌گذاران مستقیمِ بعدی مجدداً براساس بنگاه‌های مادرِ کنترل کننده‌ی نهائی هرکدام از سرمایه‌گذاران مستقیم نهائی، به کشور سرمایه‌گذاری نهائی مربوطه تخصیص می‌یابد. این روش تضمین می‌کندکه میزان سرمایه‌گذاری مستقیم در یک کشور در ارائه‌ی استاندارد و ارائه‌ی تکمیلی یکسان است.

۵. بنگاه‌های چند ملیتی

۲۱-۴۷ همانند اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که فقط یک حق رأی ۱۰ درصدی لازم است تا به عنوان سرمایه‌گذار خارجی شناخته شود، علاقه به تحلیل فعالیت‌های بنگاه‌های چند ملیتی (MNE)ها که بیش از ۵۰ درصد حق رأی را در اختیار دارند نیز وجود دارد. از اینرو MNEها با بنگاه‌های تحت کنترل خارجی در مفهوم زیربخش‌های SNA مطابقت دارد. (در بحث کنترل، بین *BD* و *BMP6* و SNAیک تفاوت جزئی وجود دارد. برای *BD* و در *BMP6*، قاعده‌ی ۵۰ درصد حق رأی به شدت اعمال می‌شود ولی SNA دارای انعطاف‌پذیری بیشتری است. فصل ۴ را مشاهده کنید).

۲۱-۴۸ علاوه بر آمارهای مربوط به فعالیت‌های MNEها، همچنین برای گروه وسیع‌تری از شرکت‌ها که دارای پیوندهائی در اقتصادهای دیگر هستند و وابسته‌های خارجی نامیده می‌شوند، نه فقط شرکت‌هائی که در آن‌ها مالکیتِ اکثریت وجود دارد، نیز آمارهائی در دسترس قرار می‌گیرد. این آمارها به عنوان آمارهای وابسته‌های خارجی (FATS) شناخته شده‌اند، و در *دستنامه توصیه‌های تولیدِ آمارهای وابسته‌های خارجی (FATS)* (*اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۰۷*) شرح داده شده‌اند و در *اندازه‌گیری جهانی شدن: دستنامه آمارهای جهانی شدن اقتصاد (سازمان همکاری و توسعه، ۲۰۰۵)* تشریح شده‌اند. این کار ادامه دارد تا از سازگاری مجموعه‌ی آمارهای مختلفِ بیان شده در این نشریات و دیگر نشریات مربوط به جهانی شدن اطمینان حاصل شود.

۶. برون سپاری

۲۱-۴۹ دو راه وجود دارد که شرکتی بنام الف در اقتصاد x شرکت دیگری بنام ب در اقتصاد y داشته باشد که هم‌بندی (مونتاژ) قطعات را برای او انجام می‌دهد. هرچند که با این دو شیوه اثرات مشابهی پدید می‌آید، ولی ثبت پیامدهای آن‌ها در حساب‌ها کاملا متفاوت است. فرض کنید بنگاه‌های الف و ب مرتبط بهم نباشند، و بنگاه ب قراردادی ببندد که در ازای دریافت حق‌الزحمه‌ای برای بنگاه الف کار کند. (این مورد درجای دیگر مثلاً در فصل ۲۸ بیان شده است). در این حالت برای اقلام منتقل شده از بنگاه الف به بنگاه ب (یا از کشور X به کشور y) قلم ورودی ثبت نمی‌شود. تنها حق‌الزحمه‌ی توافق شده به عنوان تراکنش بین دو اقتصاد ثبت می‌شود.

۲۱-۵۰ اما، اگر بنگاه الف و بنگاه ب هردو متعلق به یک گروه شرکت باشند، در این صورت ممکن است موردی باشد که در آن انتقال اقلام از بنگاه الف به بنگاه ب همراه با انتقال ریسک و پاداش باشد. این سؤال پیش می‌آید که آیا برای اقلام مورد معامله که به صورت بین‌المللی حرکت می‌کنند در هردو بنگاه الف (و کشور x) و بنگاه ب (و کشور Y) باید قیمت واقعی وارد شود. هنگامی که الف و ب با یکدیگر مرتبط هستند، گاهی اوقات تجربه‌ای که "قیمت‌گذاری انتقالی" نامیده می‌شود بکار می‌رود. فرض کنید نظام مالیاتی در کشور y آزادتر از نظام مالیاتی x است. در این صورت ممکن است بنگاه الف برای حداکثر سازی منافع در کشور x، به طور ساختگی قیمت اقلام ارسالی به بنگاه ب را پائین آورد در حالی که بنگاه ب منفعت بالاتری را در اثر نظام مالیاتی پائین‌تر در کشور y ثبت کند. در اصل، استانداردهای حسابداری بین‌المللی و توصیه‌های تراز پرداخت‌ها نشان می‌دهند که اقلام در حال انتقال از مرزها باید به قیمت‌های "شرایط متعارف" ارزش‌گذاری شوند، یعنی قیمتی که در صورت عدم وجود رابطه‌ی بین دو شرکت درگیر، حاکم است. انجام چنین تعدیلی آسان نیست ولی این موضوع مورد توجه مقامات مالیاتی، مأمورین گمرک و آمارشناسان است که ببینند در صورت قابل ملاحظه بودن سرجمع‌های مورد نظر و انجام تعدیلاتی با قابلیت اعتماد کافی، تعدیلات مناسبی توانسته است انجام شود.

ث. مشارکت دارائی‌ها در تولید

۲۱-۵۱ در فصل ۲۰ نقش خدمات سرمایه در تولید و محاسبه‌ی بهره‌وری چند عاملی (MFP) مورد بحث قرار گرفت. دارائی‌هائی که باید در محاسبه‌ی بهره‌وری مورد ملاحظه قرار گیرند دارائی‌های ثابتی هستند که متعلق به بنگاه‌ها بوده و توسط آن‌ها استفاده می‌شوند و نیز هریک از منابع طبیعی و دیگر دارائی‌های تولید نشده از جمله قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها و در صورت امکان دارائی‌های بازاریابی هستند که متعلق به آن‌ها بوده و توسط آن‌ها در تولید استفاده می‌شود. دارائی‌هائی که به طور قانونی متعلق به بنگاه نیستند بلکه موضوع یک اجاره‌ی مالی (اعتباری) هستند با همان شیوه‌ای که در ترازنامه بنگاه ثبت می‌شوند در محاسبات منظور می‌گردند. اما، دارائی‌هائی که تحت توافق اجاره‌ی عملیاتی کرایه می‌شوند در محاسبات منظور نمی‌شوند. این به معنی این است که دو بنگاهی که فعالیت‌های مشابهی را با استفاده از دارائی‌های مشابه انجام می‌دهند می‌توانند ارقام بهره‌وری متفاوتی را نشان دهند زیرا یکی از بنگاه‌ها دارائی‌هائی را بکار می‌برد که متعلق به خودش است و دیگری از دارائی‌هائی استفاده می‌کند که اجاره کرده است. یکی از زمینه‌های تحلیلی تکمیلی این است که تهیه‌ی اطلاعات مربوط به دارائی‌ها برحسب صنعت (رشته‌فعالیت) استفاده کننده بجای اجاره کننده مد نظر قرار گیرد و پیامدهای مازاد عملیاتی و بهره‌وری استفاده از دارائی‌های اجاره شده بجای دارائی‌های تحت مالکیت، مورد بررسی قرار گیرد.

ج. پیامدهای بحران مالی

۲۱-۵۲ نشانه‌هائی که یک شرکت غیرمالی از بحران مالی رنج می‌برد شامل میزان منافعی است که در سال‌های اخیر ایجاد کرده است و احتمالاً میزان سود تقسیم شده‌ای است که قادر به عرضه آن است. همچنین احتمال دارد که از یک مشکل جریان نقدی نیز رنج ببرد و قادر به تسویه‌ی به موقعِ بدهی‌هایش نباشد. در این صورت ممکن است رقبا از فرصت استفاده کرده و پیشنهاد قبضه مالکیت را بدهند. اما، اگر پیشنهاد خریدی وجود نداشته باشد در اینجا این سؤال پیش می‌آید که شرکت کلاً چگونه نجات پیدا کند.

۲۱-۵۳ به همین ترتیب، یک شرکت مالی نیز ممکن است به این دلیل از بحران مالی رنج ببرد که در ارتقاء منابع مالی مشکل داشته باشد و قادر به پرداخت بدهی‌های خود نباشد. در اینجا نیز شرایطی وجود دارد که در آن یک رقیب می‌تواند پیشنهاد قبضه مالکیت بدهد ولی ممکن است این پیشنهاد همیشه وجود نداشته باشد.

۲۱-۵۴ اگر شرکتی، چه مالی و چه غیرمالی، تصور شود که دارای اهمیت ملی است، ممکن است دولت قدم پیش بگذارد و پیشنهاد تصرف شرکت را به صورت ملی کردن آن بدهد یا پیشنهادی را برای تزریق سرمایه‌ی بزرگی در مقابل درجه‌ای از کنترل، احتمالاً کنترل کامل شرکت ارائه دهد. ثبت ملی سازی و تزریق سرمایه توسط دولت و نیز مراحلی که ممکن است تحت عنوان نجات مالی انجام شود در فصل ۲۲ مورد بحث قرار گرفته است.

۲۱-۵۵ امکان دیگر این است که دولت به طلبکاران یک شرکت بحران زده ضمانتی ارائه می‌کند. فعال سازی یک ضمانت موردی به شیوه‌ی مشابه با قبول مسئولیتِ دِین عمل می‌شود. دِین اولیه تسویه می‌شود و دِین جدیدی بین ضمانت کننده و بستانکار ایجاد می‌شود. در بسیاری از نمونه‌ها، این‌طور تصور می‌شود که ضمانت کننده انتقالات سرمایه‌ای به بدهکار اولیه انجام داده است، که در این مورد به تحقق یک دارائی مالی (یک بدهی بدهکار) منجر می‌شود. ثبت ضمانت‌ها از جمله

ضمانت‌هائی که توسط دولت ارائه می‌شود در قسمت ۳ فصل ۱۷ مورد بحث قرار گرفته است.

۱. دیون بد

۲۱–۵۶ تمامی شرکت‌ها، بویژه شرکت‌های مالی، ممکن است از دیون بد رنج ببرند و این پدیده می‌تواند هنگامی که جنبه‌های دیگرِ اقتصاد نیز فشار مالی بر شرکت وارد می‌کنند به طور خاصی حاد شود. در SNA، وام‌ها همیشه به عنوان مبلغ بدهی الزام آور برای بازپرداخت به بستانکار ثبت می‌شوند. در مواردی که یک بدهکار بدهی بد دارد نرخ‌گذاری آن می‌تواند موجب بیش گوئیِ ارزش بازاریِ وام شود. این موضوع بندرت درباره‌ی یک به یک وام‌ها پیش می‌آید بلکه درباره‌ی طبقات مختلف وام‌ها به طور مرتب رخ می‌دهد.

۲۱–۵۷ SNA زیر مجموعه‌ای از دیون بد را به عنوان وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول) تعریف می‌کند. همان‌گونه که در پاراگراف ۱۳–۶۶ شرح داده شد، وام‌های ناکارآمد وام‌هائی هستند که پرداخت‌های بهره یا اصل آن‌ها تا ۹۰ روز یا بیشتر یا پرداخت‌های بهره برابر ۹۰ روز یا بیشتر طبق توافق، تبدیل به سرمایه شده، تجدید بدهی شده یا به تعویق افتاده است، یا پرداخت‌ها کمتر از ۹۰ روز عقب افتاده است ولی به دلایل دیگری (نظیر این که یک بدهکار اظهار ورشکستگی کرده است) تردید وجود دارد که پرداخت‌ها به طور کامل انجام شوند. SNA توصیه می‌کند که برای حساب‌ها اقلام یادداشتی تهیه شود که در آن ارزش اسمی و ارزش بازارِ وام‌های ناکارآمد و پیامد آن در جریان‌های بهره، مبلغ بهره‌ی تعلق گرفته بر ارزش اسمی، مبلغ بهره‌ی تسویه نشده از دوره‌های قبل و مبالغ پرداخت نشده‌ی مربوط به دوره‌ی جاری نشان داده شود. اقلام یادداشتی (یادداشت‌های توضیحی) که در اینجا پیشنهاد می‌شود در پاراگراف‌های ۱۳–۶۷ الی ۱۳–۶۸ مورد بحث قرار گرفته است.

۲۱–۵۸ آماده کردن حسابداری دارائی‌هائی که ناگهان ارزش بازار آن‌ها از روند پیشین فاصله می‌گیرد و این سؤال که چه موقع باید "ارزش عادلانه" تعیین و استفاده شود، همان‌گونه که در پیوست ۴ تشریح شده است، یکی از اقلامی است که در برنامه کار پژوهش قرار داده شده است. علاوه بر این موضوع، شرایط پدید آمده از بحران مالی سال ۲۰۰۸ نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا دیده شود آیا لازم است اقلام یادداشتی دیگری یا اقدامات دیگری توصیه شوند.

۲. وام‌دهی ارفاقی و تمدید مهلت بازپرداخت دیون

۲۱–۵۹ بحث مفصلی درباره نقش دولت در وام‌دهی ارفاقی و تمدید مهلت بازپرداخت دیون، در بخش ت فصل ۲۲ صورت گرفته است.

چ. ارتباط با حسابداری بازرگانی

۲۱–۶۰ در سال‌های اخیر، هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) به عنوان پایه‌گذار استانداردهای حسابداری بازرگانی اهمیت روزافزونی پیدا کرده است. IASB استانداردهای بین‌المللیِ گزارش‌دهی مالی (IFRS) را اعلام می‌کند و در حال حاضر بیش از ۱۰۰ کشور در فرآیند هماهنگ سازی آن مشارکت دارند.

۲۱–۶۱ اصول اساسی IFRS در بیشتر موارد با اصول SNA کاملاً سازگار است. بویژه، شایان ذکر است که در مقدمه استانداردها توضیح داده می‌شود که باید مفاد اقتصادی بر مفاد قانونی اولویت داشته باشد. IFRS نظیر SNA نه تنها الویت رهیافت مفهومی بلکه امکانات عملی را نیز مد نظر قرار می‌دهد.

۲۱–۶۲ فرآیند ایجاد یک استاندارد جدید، فرآیندی سه مرحله‌ای است. در نخستین گام، مدرکی که استدلال‌های موافق و مخالف یک استاندارد جدید را مورد بحث قرار می‌دهد پیشنهاد و با دعوت به اظهار نظر منتشر می‌شود. هنگامی که اظهار نظرها دریافت و تحلیل شد، اگر تصمیم گرفته شود که کار ادامه

یابد، پیش نویسِ اعلام عمومی (ED) آماده و منتشر می‌شود و با دعوت به اظهار نظرِ جهانی ارسال می‌شود. تنها هنگامی که پیش نویس اعلام عمومی نظر مطلوب قابل توجهی را دریافت می‌کند یک استاندارد رسمی برقرار می‌شود. در هر مرحله، اسناد و مدارک موجود درباره‌ی جزئیات استاندارد و نیز جمله بندی‌های آن بحث می‌کند.

۲۱–۶۳ از آنجا که اطلاعات حسابداری ملی بویژه برای شرکت‌های بزرگ باید از داده‌های تهیه شده طبق استانداردهای بین‌المللی حسابداری بدست آید، برای جامعه‌ی حساب‌های ملی سودمند خواهد بود که توجه بیشتری به این سه مرحله از توسعه‌ی استانداردهای بین‌المللی حسابداری داشته باشند و با نظرات خود در این طرح مشارکت کنند.

۲۱–۶۴ برای بنگاه‌های چند ملیتی، ممکن است حساب‌های استاندارد فقط برای کل گروهی که در آن روابط بین بنگاه‌ها در کشورهای مختلف تلفیق شده‌اند موجود باشد. در این حالت، لازم است حسابداران ملی برای داده‌های مورد نیاز تلفیق نشده به منابع دیگری هم مراجعه کنند.

۲۱–۶۵ دو زمینه خاصی که IFRS رهیافت‌هائی را اتخاذ می‌کند که قدری با SNA متفاوت هستند، عبارت از تحقق منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن دارائی به عنوان درآمد و ثبت ذخائر و بدهی‌های احتمالی است. بررسیِ بیشترِ وضعیت IASB می‌تواند در پالایش نحوه برخورد SNA با این موضوعات مفید باشد، اگر با قبول وضعیت IASB به طور کامل این پالایش صورت نگیرد، دستکم باید با ارائه یک وضعیت تلفیقی بین این اقلام در IASB و SNA، ناهماهنگی رفع شود.

۲۱–۶۶ علاوه بر IASB که استانداردهائی را برای شرکت‌های خصوصی تنظیم می‌کند، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی (IPSASB) نیز کارکردِ مشابهی را برای نهادهای دولتی انجام می‌دهد. در فصل ۲۲ در مورد IPSASB بحث شده است.

فصل ۲۲: بخش دولت و بخش عمومی

الف. مقدمه

۲۲–۱ قدرتِ اصلی SNA، توانائی در تهیه‌ی حساب‌ها برای همه‌ی بخش‌ها، برای هر یک از واحدها، یا برای برخی سطوح میانی و تجمیع حساب‌ها به شیوه‌های مختلف است. تجزیه‌ی اقتصاد به بخش‌ها و زیربخش‌های مختلف، امکان مشاهده و تحلیل اثرات متقابلِ قسمت‌های مختلف اقتصاد برای مقاصد سیاست‌گذاری را فراهم می‌سازد. بخش دولت، که درفصل ۴ تعریف شد و بخش عمومی، که در این بخش تعریف می‌شود، توجهات ویژه‌ای را به خود جلب کرده‌اند. بسیاری از مفاهیم این فصل در تعدادی از فصل‌های پیشین بیان شده است. هدف این فصل گرد هم آوردن این مفاهیم و روشنگریِ بیشتر درباره‌ی چگونگی پیاده سازی آن‌ها در عمل و همچنین نشان دادن ارتباط آن‌ها با سایر سیستم‌های آمارهای اقتصادی است بویژه سیستم‌هائی نظیر *GFSM2001*، *دستنامه دیون و کسری بودجه ESA95* (اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، 2002a) و *راهنمای دیون خارجی* که هدف آن‌ها دولت بوده است.

۲۲–۲ توان، انگیزه و کارکردِ دولت متفاوت از بخش‌های دیگر است. دولت‌ها توان خود را بکار می‌برند تا قوانینی تصویب کنند که بر رفتارِ دیگر واحدهای اقتصادی تأثیر بگذارند. آن‌ها قادر هستند که درآمد و ثروت را عمدتاً با ابزارهای مالیاتی و مزایای اجتماعی بازتوزیع کنند. حساب‌های بخش دولت چگونگی تأمین مالیِ کالاها و خدمات فراهم شده برای کل جامعه یا خانوارهای فردی را عمدتاً از طریق درآمدهای عملیاتی نشان می‌دهند. گستره‌ی کالاها و خدماتی که دولت فراهم می‌کند و قیمت‌هائی که مطالبه می‌کند مبتنی بر ملاحظات سیاسی و اجتماعی و نه به حداکثر رساندن سود است.

۲۲–۳ عملیات مالی توسط دولت اجرا می‌شوند و از طریق بودجه طبق رویه‌های معمول بودجه‌ای تأمین مالی می‌شوند. اما، برخی عملیاتی که توسط واحدهای دولتی انجام می‌شوند ممکن است نیازمند دخالت هستارهائی، از جمله شرکت‌های دولتی، باشند که در چارچوب قانونیِ دولت اداره نمی‌شوند. این اقدامات ممکن است به عنوان فعالیت‌های شبه مالی بیان شوند.

۲۲–۴ عملیات مربوط به خصوصی سازی و تجدید ساختار شرکت‌های دولتی، تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار با استفاده از هستارهای دارای هدف ویژه، از جمله هستارهائی که در خارج هستند، از این نوع عملیات هستند. هرچند این عملیات در بودجه گزارش داده نمی‌شوند و ممکن است خارج از روش‌های معمول کنترلی قرار بگیرند، ولی می‌توانند اثر قابل ملاحظه‌ای در درآمد عملیاتی و مخارج دولت داشته باشند.

۲۲–۵ دولت‌ها همانگونه که خدماتی را مستقیماً ارائه می‌دهند، اغلب اهداف سیاستی خود را از طریق شرکت‌های دولتی (نظیر، راه‌آهن، خطوط هوائی، تسهیلات عمومی و شرکت‌های مالی دولتی) اجرا می‌کنند. ممکن است از شرکت‌های دولتی خواسته شود تا خدماتی را در زمینه‌هائی از اقتصاد ارائه دهند که غیر از ابزار قیمت‌های یارانه‌ای امکان پوشش آن‌ها وجود ندارد. در نتیجه، شرکت دولتی ممکن است با سود کم یا با زیان کار کند.

۲۲–۶ بنابراین، به منظور تحلیل تأثیرگذاری کامل دولت در اقتصاد بهتر است بخشی متشکل از تمامی واحدهای دولتی و تمامی شرکت‌های دولتی ساخته شود. این بخشِ مرکب بخش عمومی نامیده می‌شود.

۲۲–۷ برای دولت و بخش عمومی علاوه بر توالی حساب‌های عادیِ SNA، می‌توان حساب‌هائی را به نحوی ارائه کرد که برای تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران مالیِ دولت مناسب تر باشند.

سیاست‌گذاران به طور روزافزونی از هم‌افزوده‌ها و اقلام ترازکننده‌ی تعریف شده برحسب مفاهیم، تعاریف، طبقه‌بندی‌ها و قواعد حسابداری SNA استفاده می‌کنند برای این که بتوانند این هم‌افزوده‌ها را با دیگر متغیرهای اقتصاد کلان مرتبط سازند و با اقلام مشابه در کشورهای دیگر مقایسه کنند. برخی از این اقلام، نظیر خالصِ پس‌انداز و خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری در توالی حساب‌ها از قبل وجود دارد. اما، اقلام دیگر، نظیر کل درآمد عملیاتی، کل هزینه‌های عملیاتی و کل خرج‌ها، بار مالیاتی، خالص تراز عملیاتی و کل دیون، در SNA نشان داده نمی‌شوند. هم‌افزوده‌ها و اقلام تراز کننده از این نوع را می‌توان برای ارزیابیِ استفاده‌ی منابع برای تولید خدمات فردی و جمعی، نیاز به وصول مالیات‌ها و دیگر درآمدهای عملیاتی، توانائی دولت برای وام‌گیری و بازپرداخت دیون و نیز پایداریِ سطح مطلوبِ فعالیت‌های دولت بکار برد.

۸-۲۲ فصل حاضر، بر آنچه که مالیه‌ی عمومی یا ارائه‌ی حساب‌های مالیه‌ی دولت نامیده می‌شود نگاهی اجمالی دارد. برای دستیابی به ارائه این نوع حساب‌ها، باید تراکنش‌های موجود در حساب‌های جاری و سرمایه‌ی SNA، بازتنظیم شوند تا هم‌افزوده‌ها و اقلام ترازکننده‌ی مورد نیاز برای تحلیل‌های خاص در زمینه‌ی بخش دولت و بخش عمومی بدست آید. برای مثال، می‌توان ترکیبی از مالیات‌ها، حق‌الزحمه‌های پرداختی توسط استفاده کنندگان از خدمات دولت و کمک‌های مالی دریافتی از دولت‌های دیگر را تجمیع کرده و کل درآمد عملیاتی را بدست آورد که این قلم، مبلغ حاصل از عملیاتِ دولت برای تأمین مالیِ خدماتش را تشکیل می‌دهد.

۹-۲۲ بخش ب شناسائی واحدهای دولتی و سایر واحدهای تحت کنترل واحدهای دولتی را به طور خلاصه شرح می‌دهد و توضیح می‌دهد که چگونه آن واحدها در بخش‌های SNA گروه بندی می‌شوند.

۱۰-۲۲ بخش پ ارائه مالیه‌ی دولت را شرح می‌دهد

۱۱-۲۲ بخش ت تعدادی از مشکلات حسابداری را که برای دولت، منحصر به فرد یا به طور استثنائی مهم هستند بیان می‌کند.

۱۲-۲۲ سرانجام، بخش ث نشان می‌دهد که چگونه اطلاعات مربوط به بخش عمومی را می‌توان به شیوه‌ای تقریباً موازی با ارائه‌ی آمارهای مالیه‌ی دولت که در بخش ت بیان شد آماده کرد.

۱. منبع داده‌ها

۱۳-۲۲ درعمل، حساب‌های اقتصاد کلان را بندرت می‌توان فقط با تجمیع ریز داده‌های مربوطه تهیه کرد. دولت از این نظر یک استثناء است زیرا آمارهای مربوط به واحدهای دولتی و شرکت‌های دولتی اغلب مستقیماً از ریزداده‌های موجود در پایگاه داده‌های حسابداری مالیِ دولت بدست می‌آیند. در نتیجه، تهیه کنندگان آمارهای مربوط به واحدهای دولتی و شرکت‌های دولتی معمولاً اطلاعات حسابداری را با سختی بیشتری نسبت به نتایج طرح‌های آمارگیری استخراج می‌کنند. بویژه، توسعه استانداردهای بین‌المللیِ حسابداریِ بخش عمومی در سال‌های اخیر توسط هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی مربوط به فدراسیون بین‌المللی حسابداران موجب شده است تا نیاز به یک راهنمای روشن برای تهیه‌ی آمارهای مالی دولت افزایش یابد، راهنمائی که بتوان با استفاده از آن داده‌های تفصیلی حسابداری را به طور صحیحی به چارچوب SNA تبدیل کرد. این نوع راهنما بویژه هنگامی که حساب‌های مالیِ دولت بر پایه‌ی نقدی تهیه می‌شوند و برای پیروی از پایه تعهدی SNA لازم است به پایه تعهدی تبدیل شوند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

۲. تلفیق

۱۴-۲۲ به عنوان یک قاعده‌ی کلی، اقلام ورودی در SNA تلفیق شده نیستند. تلفیق، حذف رخدادِ تراکنش‌ها یا روابط بدهکار/بستانکاری بین دو تراکنش کننده‌ی متعلق به یک بخش یا زیر بخش را در بر می‌گیرد. اما، همان‌گونه که در فصل ۳ بیان شد، تلفیق می‌تواند برای بخش دولت نیز مصداق داشته باشد. برای مثال، اطلاعات مربوط به دیون واحدهای دولتی به واحدهای خارج از بخش دولت می‌تواند مناسب‌تر از ارقام ناخالص دیون به واحدهای دولتیِ دیگر باشد. راهنمای تلفیق در بخش پ ارائه شده است.

ب. تعریف بخش دولت و بخش عمومی

۲۲–۱۵ واحدهای دولتی، برخی NPIها و بنگاه‌های دولتی را در بر می‌گیرند که شرکت تلقی نمی‌شوند. بخش عمومی، دولت و شرکت‌های دولتی را در بر می‌گیرند. برای تعیین این که کدام NPIها در دولت وارد می‌شوند، باید شرایط کنترل توسط دولت مشخص شود. برای تعیین این که کدام یک از بنگاه‌ها شرکت‌های دولتی محسوب می‌شوند و کدام یک به عنوان جزئی از دولت تلقی می‌شوند، لازم است شرایط کنترل توسط دولت و مفهوم قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی مشخص شوند.

۲۲–۱۶ به منظور تعیین واحدهائی که در هردو بخش دولت و بخش عمومی قرار می‌گیرند، مفید است که مطلب با بازگوکردنِ تعریف واحدهای دولتیِ ارائه شده در پاراگراف‌های ۴–۱۱۷ الی ۴–۱۱۸ آغاز شود. بحث کنترل توسط دولت و قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی، در پی آمده است.

۱. واحدهای دولتی

۲۲–۱۷ ***واحدهای دولتی انواع منحصر به فردِ واحدهای قانونیِ ایجاد شده از طریق فرآیندهای سیاسی هستند که دارای اقتدار قانونگذاری، قضائی یا اجرائی در رابطه با واحدهای نهادی دیگر در یک منطقه مشخص هستند.*** کارکردهای اصلی دولت به عنوان واحدهای نهادی، عبارت از به‌عهده گرفتن مسئولیت فراهم کردن کالاها و خدمات برای جامعه یا خانوارهای فردی و تأمین مالی تدارکات خود از محل مالیات یا درآمدهای دیگر، بازتوزیع درآمد و ثروت با ابزارهای انتقالات، و اشتغال به تولید غیربازاری است. به طور کلی:

الف. یک واحد دولتی معمولاً اقتدار افزایش منابع مالی با وصول مالیات یا انتقالات اجباری از واحدهای نهادی دیگر را دارد. یک واحد دولتی باید منابع مالی متعلق به خودش را خواه با اخذ مالیات از واحدهای دیگر خواه با دریافت انتقالات از واحدهای دولتی دیگر داشته باشد و باید اقتدار توزیع قسمتی از این منابع یا تمامی آن را در دستیابی به اهداف سیاستی خود داشته باشد. همچنین باید قادر به وام‌گیری به حساب خود باشد.

ب. واحدهای دولتی به طور معمول سه نوع مخارج نهائی مختلف انجام می‌دهند:

- گروه اول متشکل از مخارج واقعی یا احتسابی مربوط به فراهم کردن خدمات جمعی برای جامعه نظیر اداره امور عمومی، دفاع، اجرای قانون، سلامت عمومی و غیره است که به طور جمعی توسط دولت سازمان دهی می‌شوند و از محل مالیات‌ها یا درآمدهای دیگر تأمین مالی می‌شوند.
- گروه دوم متشکل از مخارج مربوط به فراهم کردن کالاها یا خدماتی است که برای خانوارهای فردی به رایگان یا به قیمتی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند عرضه می‌شوند. دولت این مخارج را به طور عمدی متحمل می‌شود و آن‌ها را از محل مالیات یا سایر درآمدها برای دستیابی به اهداف اجتماعی یا سیاستی خود تأمین مالی می‌کند، حتی اگر از افراد هزینه‌ای مطابق با استفاده آن‌ها مطالبه شود.
- گروه سوم متشکل از انتقالات پرداخت شده به واحدهای نهادی دیگر، به طور عمده خانوارها، به منظور بازتوزیع درآمد یا ثروت است.

۲۲–۱۸ در درون یک اقتصاد هنگامی که سطوح مختلف دولت در سطح مرکزی، ایالتی یا محلی وجود دارد، ممکن است واحدهای دولتیِ جداگانه‌ی بسیاری وجود داشته باشد. صندوق‌های تأمین اجتماعی نیز واحدهای دولتی را تشکیل می‌دهند.

۲۲–۱۹ در تمامی کشورها، یک واحد نهادی از بخش دولت وجود دارد که از لحاظ اندازه و قدرت، بویژه قدرت اعمال کنترل بر بسیاری از واحدهای دیگر مهم است. این واحد اغلب دولت ملی نامیده می‌شود و واحدی است که با حساب بودجه‌ی

اصلی پوشش داده می‌شود. این واحد، واحدِ منفردی از دولت مرکزی است که فعالیت‌های اساسی قوای مجریه، مقننه و قضائی ملی را در بر می‌گیرد. درآمدهای عملیاتی و نیز هزینه‌های عملیاتی و مخارج آن به طور عادی توسط وزارت مالیه یا نهادی معادل با آن از نظر کارکرد، از طریق بودجه عمومیِ تصویب شده توسط قانون‌گذار تنظیم و کنترل می‌شوند. بسیاری از وزارتخانه‌ها، ادارات، نمایندگی‌ها، هیئت‌ها، کمسیون‌ها، مقامات قضائی، نهادهای قانون‌گذاری و هستارهای دیگری که این واحد دولت مرکزی را تشکیل می‌دهند واحدهای نهادی جداگانه‌ای نیستند ولی جزئی از این واحد اصلی دولت مرکزی هستند. این به دلیل این است که آن‌ها به طور کلی اختیار مالکیت دارائی، تقبل بدهی، یا اشتغال به تراکنش‌ها را ندارند. اگر دولت‌های ایالتی یا محلی وجود داشته باشند، در این صورت احتمالاً هریک از این دولت‌ها نیز یک واحد دولتی اصلی خواهند داشت که شامل قوای مجریه، قانون‌گذاری و قضائی هستند.

۲۰-۲۲ علاوه بر این، ممکن است هستارهای دولتی با شخصیت حقوقیِ جداگانه وجود داشته باشند که به‌طور عمده خودگردان هستند یعنی اختیارِ اندازه و ترکیب هزینه‌های عملیاتی و خرج‌های خود را دارند و دارای یک منبع مستقیم درآمد عملیاتی، نظیر مالیات‌های تخصیص یافته هستند. (واژگان هزینه عملیاتی، خرج و درآمد عملیاتی به طور مشترک در ارائه حساب‌های دولت بکار می‌رود. تعاریف آن‌ها و رابطه آن‌ها با مفاهیم SNA در بخش پ پوشش داده شده‌اند). این نوع هستارها اغلب برای این منظور تأسیس می‌شوندکه کارکردهای خاصی نظیر ساخت جاده یا تولید غیربازاری خدمات سلامت یا آموزش را اجرا کنند. این هستارها اگر همه‌ی مجموعه‌ی کامل حساب‌ها را نگه دارند، مستقلاً مالک کالاها و دارائی‌ها باشند، به فعالیت‌های غیربازاری که برای آن‌ها در برابر قانون پاسخگو هستند اشتغال داشته باشند و مستقلاً قادر به تقبل بدهی و وارد شدن در قراردادها باشند باید به عنوان واحدهای دولتی جدا تلقی شوند. این واحدها اغلب واحدهای فرابودجه‌ای نامیده می‌شوند زیرا آن‌ها بودجه‌ی جداگانه‌ای دارند و هرگونه انتقالات از حساب بودجه‌ی اصلی با منابع درآمد عملیاتی خودِ آن‌ها تکمیل می‌شود. بودجه آن‌ها در کشورهای مختلف به طور گسترده‌ای متفاوت است و اغلب واژگان مختلفی برای توصیف این واحدها بکار می‌رود. این واحدها تا حدی که تولید کنندگان غیربازاری باشند و توسط واحد دولتی دیگری کنترل شوند در بخش دولت طبقه بندی می‌شوند.

۲۱-۲۲ صندوق تأمین اجتماعی نوع خاصی از واحدهای دولتی است که به عملیات یک یا چند طرح تأمین اجتماعی اختصاص داده شده است. صندوق تأمین اجتماعی باید شرایط کلی یک واحد نهادی را در بر داشته باشد. یعنی، باید جدا از سایر فعالیت‌های واحدهای دولتی سازمان دهی شود، به طور جداگانه مالکیت دارائی‌های خود را داشته باشد و متقبل بدهی شود و در تراکنش‌های مالی به حساب خود شرکت کند.

۲۲-۲۲ همان‌گونه که اشاره شد، NPIهائی که تولیدکنندگان غیربازاری هستند و توسط دولت کنترل می‌شوند نیز از واحدهای بخش دولت هستند. با وجود این که NPIها از نظر قانونی طوری تأسیس می‌شوند که مستقل از دولت باشند، برای اجرای سیاست‌های دولت در نظر گرفته می‌شوند و به طور قطع جزئی از دولت هستند. دولت‌ها ممکن است این شیوه را درپیش بگیرند که برای اجرای بعضی سیاست‌های خود بجای استفاده از کارگزاران دولت، از نهادهای غیرانتفاعی استفاده کنند. برای مثال، تحقیق و توسعه و تعیین استانداردها و حفظ آن‌ها در زمینه‌هائی نظیر سلامت، امنیت، محیط زیست و آموزش زمینه‌هائی هستند که NPIها می‌توانند مؤثرتر از کارگزاران دولت عمل کنند.

۲۳-۲۲ در مورد واحدهای درگیر در فعالیت‌های مالی، نیاز به ملاحظات خاصی است. همان‌گونه که در پاراگراف ۴-۶۷ گفته شد، واحدی که توسط دولت با کارکردهائی مشابه با نهادِ مالیِ داخلی ایجاد می‌شود، در صورتی که قدرتی برای اقدام مستقل نداشته باشد، در تعداد تراکنش‌هائی که می‌تواند درگیر شود محدود شده باشد، مسئولیت ریسک‌ها و پاداش‌های همراه با دارائی‌ها و بدهی‌های در اختیار را نداشته باشد و مقیم همان اقتصاد باشد، جزء جدائی‌ناپذیرِ دولت، نه یک واحد جدا، در نظر گرفته می‌شود. اگر واحد مورد نظر غیرمقیم باشد، به عنوان یک واحد مستقل تلقی می‌شود ولی تراکنش‌هائی که به عنوان عملیات شبه مالی انجام می‌دهد در تراکنش‌های بین آن واحد و دولت منعکس می‌شوند. بویژه اگر واحد

غیرمقیم از خارج وام بگیرد، این وام بـه عنـوان وام‌دهـی بـه دولت با همان مبلغ و همان شرایط در نظر گرفته می‌شود.

۲۲-۲۴ در عین حال، بودجه عمومیِ هر سطح از دولت می‌تواند کنترل کند که تولیدکنندگان بازاری با معیار شبه شرکت کـه در زیـر تعریف شده است همخوانی داشته باشند. این واحدها نبایـد در بخش دولت طبقه‌بندی شـوند، بلکـه بایـد برحسـب مـورد در بخش شرکت‌های مالی و غیرمالی طبقه‌بندی شـوند. بـا ایـن حال، این واحدها مشابه واحـدهای عمـومی، جزئـی از بخـش عمومی هستند.

۲. NPIهای تحت کنترل دولت

۲۲-۲۵ معیار تصمیم‌گیری برای این که آیا یـک NPI توسـط دولـت کنترل می‌شود یا خیر در پـاراگراف ۴-۹۲ توضـیح داده شـده است. برای سهولت امر در اینجا نیز خلاصه می‌شود.

۲۲-۲۶ کنترل یک NPI با قدرتِ تعیین سیاست یا برنامه‌ی کلی NPI تعیین می‌شود. تمامی NPIها باید هویت خود را در ثبت‌هـای آماری به عنوان NPIها حفظ کنند تا تحلیل مجموعه‌ی کامل NPIها آسان شود. برای تعیین این که آیـا یـک NPI توسـط دولت کنترل می‌شود یا خیر، باید پنج شاخصِ کنتـرل زیـر در نظر گرفته شود:

الف. انتساب مسئولین؛

ب. سایر تمهیدات سند اختیار دهنده؛

پ. توافقنامه‌های قراردادی؛

ت. میزان تأمین مالی توسط دولت؛ و

ث. مواجه شدن با ریسک.

در برخی موارد یک شاخص واحد می‌تواند برای برقراری کنترل کافی باشد ولی گاهی اوقات تعدادی از شاخص‌های جدا از هم ممکن است به طور جمعی نشان دهنده کنترل باشند. تصمیمی که براساس مجموعه‌ای از تمام شاخص‌ها اتخاذ می‌شود لزوماً از نظر ماهیت، قضاوت گونه خواهد بود ولی قضاوت‌ها در موارد مشابه باید سازگار باشند.

۳. شرکت‌های تحت کنترل دولت

۲۲-۲۷ برای این که شرکتی به عنوان یک شرکت دولتی طبقه‌بنـدی شود نه تنها باید توسط واحد عمـومی دیگـری کنتـرل شـود، بلکه باید یک تولید کننده‌ی بازاری نیز باشد. کنترل با قـدرت تعیین سیاست یا برنامه کلی یک واحد نهادی تعیین می‌شـود. دولت در موقعیتی است که بر بسیاری از انواع واحدها کنتـرل دارد که عبارتند از کارگزاران فرابودجـه‌ای متفرقـه، نهادهـای غیرانتفاعی و شرکت‌ها (غیرمالی یا مالی). معیـار کنتـرل یـک شرکت در پاراگراف ۴-۷۷ الی ۴-۸۰ توضیح داده شده اسـت. عوامل کلیدی که باید در نظر گرفته شوند عبارتند از:

الف. دارا بودن اکثریت رأی؛

ب. کنترلِ هیئت مدیره یا نهاد حاکمِ دیگر؛

پ. کنترلِ عزل و نسب‌های پرسنل کلیدی؛

ت. کنترلِ کمیته‌های کلیدی هستار مورد نظر؛

ث. اختیار معامله و سهم ممتاز

ج. تنظیم مقررات و کنترل

چ. کنترل توسط مشتریان عمده؛ و

ح. کنترلِ ناشی از وام‌گیری از دولت.

هرچند یکی از این شاخص‌ها می‌تواند برای برقراری کنترل در برخی موارد کافی باشد، در موارد دیگر تعدادی از شاخص‌های جدا از هم می‌توانند به طور جمعی کنترل را نشان دهند. تصمیمی که براساس مجموعه تمام شاخص‌ها اتخاذ می‌شود لزوماً از نظر ماهیت قضاوت گونه خواهد بود، ولی قضاوت‌ها باید برای موارد مشابه سازگار باشند.

۴. قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی

۲۲-۲۸ برای این که واحدی به عنوان یـک تولیدکننـده‌ی بـازاری در نظر گرفته شود، باید تمام یا قسمت عمده‌ی ستانده‌ی خـود را به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظـه هسـتند بـه

سایرین ارائه کند. ***قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی قیمت‌هائی هستند که بر مقداری که تولید کنندگان حاضر به عرضه هستند و بر مقداری که خریداران مایل به خرید هستند اثر قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. این قیمت‌ها به طور عادی هنگامی حاصل می‌شود که:***

الف. تولیدکننده با هدف کسب سود در بلند مدت، یا دستکم، پوشش هزینه‌های سرمایه و دیگر هزینه‌ها انگیزه‌ی تنظیم عرضه را دارد؛ و

ب. مصرف کننده آزاد است که بخرد یا نخرد و انتخاب خود را براساس قیمت‌های مطالبه شده انجام می‌دهد.

۲۲-۲۹ این شرایط معمولاً به این معنی است که قیمت‌ها در صورتی از نظر اقتصادی قابل ملاحظه هستند که فروش‌های تولیدکننده قسمت عمده‌ی هزینه‌های او را پوشش دهند و مصرف کنندگان براساس قیمت‌های مطالبه شده آزادی انتخاب برای خریدن یا میزان خرید داشته باشند. با وجود این که بین ارزش ستانده (با کنار گذاشتن مالیات و یارانه بر محصول) و هزینه‌های تولید رابطه‌ی عددی تجویز شده‌ای وجود ندارد، شخص به‌طور عادی انتظار دارد که ارزش کالاها و خدمات فروخته شده (فروش‌ها) به اندازه‌ای باشد که به‌طور متوسط دستکم نصف هزینه‌های تولید را در طول یک دوره‌ی پایدار چند ساله بپوشاند.

۲۲-۳۰ از آنجا که شرایط اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌یابد، پذیرفتن آستانه‌های مختلف برای نیل به اندازه‌گیری اقتصادی سازگار در طول زمان بین واحدها و در میان کشوها، می‌تواند مطلوب باشد. در اصل، تفاوت بین بازاری و غیربازاری باید مورد به مورد تشخیص داده شود.

۲۲-۳۱ هنگامی که تولیدکنندگان شرکت‌های خصوصی هستند، از قبل می‌توان فرض کرد که قیمت‌ها از نظر اقتصادی قابل ملاحظه هستند. اما هنگامی که کنترل عمومی وجود دارد، ممکن است قیمت‌های واحدِ مورد نظر برای مقاصد سیاست‌های عمومی تعدیل شوند. این امر می‌تواند در تعیین قابل ملاحظه بودن قیمت‌ها از نظر اقتصادی مشکلاتی را بوجود آورد. شرکت‌های دولتی اغلب برای این منظور ایجاد می‌شوند که کالاهائی را که بازار با مقادیر مطلوب یا به قیمت‌های مطلوب تولید نمی‌کند ارائه دهند. حتی هنگامی که فروش‌های این نوع شرکت‌ها سهم بزرگی از هزینه‌هایشان را پوشش می‌دهند، شخص می‌تواند انتظار داشته باشد که آن‌ها به نیروهای بازار به طور متفاوتی از شرکت‌های خصوصی پاسخ دهند.

۲۲-۳۲ این احتمال وجود دارد که شرکت‌هائی که حمایت مالی عمده‌ای از دولت دریافت می‌کنند یا از سایر عوامل کاهنده‌ی ریسک نظیر ضمانت‌های دولتی بهره‌مند می‌شوند، از شرکت‌هائی که از این نوع مزایا برخوردار نیستند متفاوت عمل کنند زیرا آن‌ها محدودیت‌های بودجه‌ایِ ملایم‌تری دارند. تولیدکننده‌ی غیربازاری تولیدکننده‌ای است که با یک محدودیت ملایم بودجه مواجه است به طوری که بعید است این نوع تولیدکننده به تغییرات شرایط اقتصادی با همان شیوه‌ی تولیدکنندگان بازاری پاسخ دهد.

عرضه کنندگان کالاها و خدمات به دولت

۲۲-۳۳ این سؤال پیش می‌آید که آیا واحدهائی که کالاها و خدماتی را به دولت عرضه می‌کنند باید به عنوان تولیدکنندگان بازاری یا به عنوان تولید کنندگان غیربازاری تلقی شوند. سؤال اساسی این است که آیا واحد مورد نظر کالاها و خدمات را در رقابت با تولید کنندگان خصوصی ارائه می‌کند و انتخابِ عرضه کننده براساس قیمت است. این موضوع درست است، حتی اگر عرضه کننده تنها عرضه کننده و دولت تنها مشتری عرضه کننده باشد.

تعریف فروش‌ها و هزینه‌ها

۲۲-۳۴ برای ارزیابی بازاری بودن یک تولیدکننده، لازم است بین دریافتی‌های حاصل از فروش‌ها و هزینه‌های تولیدِ محصولات او مقایسه‌ای صورت گیرد. فروش‌ها پیش از اضافه کردن هرنوع مالیات اعمال شدنی به محصولات اندازه‌گیری می‌شوند. فروش‌ها هیچیک از پرداخت‌های دریافتی از دولت را در بر نمی‌گیرند مگر کمک‌هائی که به هر تولیدکننده‌ای که همان فعالیت را انجام می‌دهد اعطا می‌شود. تولید به حساب خود به عنوان قسمتی از فروش‌ها در این زمینه در نظر گرفته

نمی‌شود.

۲۲–۳۵ هزینه‌های تولید حاصل جمع مصرف واسطه، جبران خدمات کارکنان، مصرف سرمایه ثابت و [سایر] مالیات‌ها بر تولید هستند. علاوه براین، اگر واحد مورد نظر قرار است به عنوان تولید کننده بازاری تلقی شود، یک بازگشت سرمایه نیز در هزینه‌های تولید منظور می‌شود. یارانه‌های بر تولید نباید کسرشوند.

۵. درختِ تصمیم‌گیری برای واحدهای عمومی

۲۲–۳۶ شکل ۲۲–۱ رابطه بین بخش دولت، بخش عمومی و سایر بخش‌های اصلی اقتصاد داخلی را نشان می‌دهد.

۲۲–۳۷ همانگونه که در پاراگراف ۴–۱۱۷، توضیح داده شد، واحدهای دولتی از طریق فرآیند سیاسی ایجاد می‌شوند و در درون یک سرزمین معین دارای اقتدار قانون‌گذاری، قضائی یا اجرائی بر سایر واحدهای نهادی هستند. این واحدها متعلق به بخش دولت هستند و بنابراین به بخش عمومی نیز تعلق دارند. برای تعیین این که کدام یک از دیگر واحدهای نهادی به بخش دولت و کدام یک به بخش عمومی تعلق دارند، باید با استفاده از سؤالات پی در پیِ زیر از نمودار تصمیم‌گیریِ شرح داده شده در شکل ۴–۱ پیروی شود:

الف. آیا هستار مورد نظر یک واحد نهادی است؟ اگر نیست، ولی مقیم است، در این صورت به عنوان قسمتی از واحدی که آن را کنترل می‌کند تلقی می‌شود. اگر یک واحد نهادی نیست ولی غیرمقیم است به عنوان شبه شرکت در اقتصادی که در آن مقیم است تلقی می‌شود.

ب. آیا واحد مورد نظر طبق معیار ارائه شده در بالا یک تولیدکننده‌ی بازاری یا یک تولیدکننده‌ی غیربازاری است؟

پ. آیا واحد مورد نظر توسط دولت یا شرکت دولتی دیگری کنترل می‌شود؟

۲۲–۳۸ پاسخ به دو سؤالِ آخر تخصیص واحد نهادی به بخش‌ها را مشخص می‌کند:

الف. اگر واحد مورد نظر یک تولید کننده‌ی بازاری است و تحت کنترل دولت نیست این واحد نه قسمتی از بخش دولت و نه قسمتی از بخش عمومی است.

ب. اگر واحد مورد نظر یک تولید کننده‌ی بازاری است و توسط دولت یا شرکت دولتی دیگری کنترل می‌شود، این واحد قسمتی از بخش دولت نیست ولی قسمتی از بخش عمومی است.

پ. اگر واحد مورد نظر یک تولید کننده‌ی غیربازاری است و توسط دولت کنترل می‌شود، این واحد جزئی از بخش دولت و نیز قسمتی از بخش عمومی است.

ت. اگر واحد مورد نظر یک تولید کننده‌ی غیربازاری است ولی توسط دولت کنترل نمی‌شود، این واحد به عنوان یک NPISH تلقی می‌شود. این واحد نه قسمتی از بخش دولت و نه قسمتی از بخش عمومی است.

۶. زیربخش‌های دولت

۲۲–۳۹ همان‌گونه که در فصل ۴ گفته شد، بخش دولت را می‌توان به یکی از دو روش، در زیربخش‌ها گروه بندی کرد. یک روش این است که سه زیربخش وجود داشته باشد؛ یکی برای دولت مرکزی، یکی برای دولت ایالتی و یکی برای دولت محلی که در هر سطح تأمین اجتماعی مربوطه نیز در آن قرار گیرد. در برخی از موارد ممکن است فقط یک یا دو سطح از دولت وجود داشته باشد؛ در موارد دیگر ممکن است لازم باشد در ساختار سه سطحی سطوح بیشتری گنجانیده شود. روش دیگرِ زیربخشی کردن این است که صندوق‌های تأمین اجتماعی در هر سطح از دولت حذف شوند و یک زیربخش جداگانه‌ای را تشکیل دهند که تأمین اجتماعیِ تمامی سطوح دولت را در بر گیرد. انتخاب طبقه‌بندی مورد استفاده بستگی به این دارد که صندوق‌های تأمین اجتماعی از سطح دولتی که در آن عمل می‌کنند مستقل باشند یا مستقل نباشند.

۲۲–۴۰ جزئیات بیشتری درباره گروه بندی زیربخشی دولت در بخش

ج فصل ۴ ارائه شده است.

۷. زیربخش‌های بخش عمومی

۲۲-۴۱ گروه بندی زیربخش‌های بخش عمومی نیز برای برآورده ساختن نیازهای تحلیلی امکان پذیر است. برای زیربخشی کردن بخش عمومی دو روش می‌توان در نظر گرفت. در روش نخست، بخش عمومی را می‌توان به بخش دولت به عنوان یک زیربخش و تجمیع همه‌ی شرکت‌های دولتی به عنوان زیربخش دوم تقسیم کرد. شرکت‌های دولتی را نیز می‌توان به شرکت‌های دولتی غیرمالی، شرکت‌های دولتی مالی غیر از بانک مرکزی و بانک مرکزی تقسیم کرد.

۲۲-۴۲ در روش دوم، بخش عمومی را می‌توان برحسب سطوح دولت به همان شیوه بخش دولت گروه بندی کرد. در این حالت، زیربخش‌ها عبارت از بخش عمومیِ دولت مرکزی، بخش عمومیِ دولت ایالتی و بخش عمومیِ دولت محلی خواهند بود. هریک از این زیربخش‌ها متشکل از زیربخش متناظر بخش دولت بعلاوه تمامی شرکت‌های دولتی تحت کنترل واحدی از همان سطح دولت خواهد بود. اگر واحدی توسط واحدهای دو سطح از دولت کنترل شود، باید با توجه به عواملی نظیر درجه کنترل اعمال شده توسط هریک از واحدهای کنترل کننده، به یکی از سطوح دولت تخصیص یابد. صندوق‌های تأمین اجتماعی می‌توانند زیربخش جداگانه‌ای را تشکیل دهند یا می‌توانند با هریک از سطوح دولت ترکیب شوند. باید متذکر شد که اگر صندوق جداگانه‌ای وجود داشته باشد که بازنشستگی کارکنان دولت را تأمین کند این صندوق باید از صندوق‌های تأمین اجتماعی خارج شود.

۸. موارد ویژه

۲۲-۴۳ برای تعیین این که برخی از هستارهای ایجاد شده توسط واحدهای دولتی باید در بخش عمومی منظور شوند یا خیر راهنمای ویژه‌ای لازم است. این هستارها شامل شبه شرکت‌ها، کارگزاران نوسازی (تجدید ساختار)، هستارهای دارای هدف ویژه، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و تشکل‌های سیاسی اقتصادی فراملی هستند.

شبه شرکت‌ها

۲۲-۴۴ شبه شرکت‌ها بنگاه‌های غیرشرکتی هستند که کارکرد آن‌ها طوری است که گوئی شرکت هستند. شبه شرکت‌ها در SNA طوری عمل می‌شوند که گوئی شرکت هستند: یعنی، به عنوان واحد نهادی جدا از واحدهائی که از نظر قانونی به آن تعلق دارند در نظر گرفته می‌شوند. از اینرو، شبه شرکت‌های متعلق به واحدهای دولتی با شرکت‌ها در بخش‌های شرکت‌های غیرمالی یا مالی گروه بندی می‌شوند.

۲۲-۴۵ منظور از ایجاد یک شبه شرکت، جداسازی بنگاه‌های غیرشرکتی از شبه شرکت‌ها است که به اندازه کافی خودگردان و مستقل از مالکین خود هستند و به همان شیوه‌ی شرکت‌ها رفتار می‌کنند. اگر آن‌ها مانند شرکت‌ها عمل می‌کنند، می‌بایست مجموعه کامل حسابهای خود را نگه دارند. در حقیقت، وجود یا امکان تهیه مجموعه‌ی کامل حساب‌ها، شامل ترازنامه، شرط لازم برای یک بنگاه است تا به عنوان یک واحد نهادی جدا در نظر گرفته شود، در غیراین صورت، از نظر حسابداری تشخیص شبه شرکت از مالک آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

شکل ۲۲-۱: بخش عمومی و ارتباط آن با بخش‌های نهادی

شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	NPISHها	خانوارها
عمومی	عمومی	عمومی	خصوصی	خصوصی
خصوصی	خصوصی			

۲۲-۴۶ برای این که یک بنگاه غیرشرکتیِ دولت شبه شرکت تلقی شود دولت باید اختیار قابل ملاحظه‌ای را نه تنها در رابطه با مدیریتِ فرآیندِ تولید بلکه در استفاده از منابع مالی نیز به مدیریت بنگاه تفویض کند. شبه شرکت دولتی باید قادر باشد تراز کاری و اعتبار کسب و کار خود را حفظ کند و قادر باشد قسمتی یا تمامی منابع مالی تشکیل سرمایه خود را از محل پس‌انداز یا دارائی‌های مالی خود و یا از طریق وام‌گیری به حساب خود تأمین کند. در عمل، قادر بودن به تشخیص جریان‌های درآمد و سرمایه بین شبه شرکت‌ها و دولت نشانه‌ی این است که عملیات و فعالیت‌های مالی شبه-شرکت‌ها بایستی از آمارهای درآمدِ عملیاتی یا منابع مالیِ دولت تفکیک پذیر باشد، علیرغم این واقعیت که آن‌ها هستارهای جدا شدنی از یکدیگر نیستند. مازاد عملیاتی خالصِ یک شبه شرکتِ متعلق به دولت جزئی از درآمد عملیاتی دولت نیست و حساب‌های دولت تنها جریان‌های درآمد و سرمایه بین شبه شرکت و دولت را ثبت می‌کند.

کارگزارانِ تجدید ساختار(نوسازی)

۲۲-۴۷ برخی واحدهای عمومی وجود دارند که در تجدید ساختار شرکت‌ها، چه شرکت‌های دولتی و چه شرکت‌های غیردولتی، درگیر هستند. این شرکت‌ها ممکن است توسط دولت کنترل شوند یا کنترل نشوند. کارگزاران نوسازیِ دولت ممکن است واحدهای عمومی یا کارگزاران پایداری باشند که برای این منظورِ ویژه ایجاد شده‌اند. دولت ممکن است نوسازی را به شیوه‌های مختلفی، یا مستقیماً، از طریق تزریق سرمایه (انتقالات سرمایه‌ای، وام یا اکتساب (تحصیل) حقوق سهامداران) یا به طور غیرمستقیم، از طریق اعطای ضمانت، تأمین مالی کند. واحدهائی نظیر کارگزارانِ تجدید ساختار ستانده ناچیزی دارند بنابراین معیار معمول بازاری یا غیربازاری بودن ستانده‌ی آن‌ها در تعیین این که واحد مورد نظر قسمتی از دولت است کافی نیست. بجای آن باید توصیه‌های زیر مد نظر قرار گیرند:

الف. واحدی که فقط در خدمت دولت است، احتمال بیشتری دارد که در دولت منظور شود تا واحدی که به واحدهای دیگر هم می‌پردازد.

ب. واحدی که دارائی‌های مالی را به قیمتی غیر از ارزش بازار می‌فروشد احتمال بیشتری دارد که در بخش دولت قرار گیرد تا واحدی که این‌گونه عمل نمی‌کند.

پ. واحدی که ریسک پائینی را بعهده می‌گیرد به دلیل این که با حمایت مالی قوی عمومی و به طور قانونی یا به طور عمده از طرف دولت عمل می‌کند احتمال بیشتری دارد که در درون دولت باشد.

۲۲-۴۸ کارگزاران نوسازی‌ها ممکن است به چند روش عمل کنند. دو مثالی که بکرات مشاهده می‌شوند در زیر آورده شده است.

۲۲-۴۹ کارگزار نوسازی ممکن است تجدید سازمان‌دهی بخش عمومی و مدیریت غیرمستقیم خصوصی سازی را بعهده داشته باشد. دو حالت می‌تواند وجود داشته باشد:

الف. واحد تجدید ساختار، یک شرکت هلدینگ واقعی است و گروهی از واحدهای تابعه را مدیریت می‌کند و تنها قسمت کوچکی از فعالیت آن به هدایت منابع مالی از یک واحد تابعه به واحد تابعه‌ی دیگر از طرف دولت و برای مقاصد سیاست عمومی اختصاص دارد. واحد مورد نظر به عنوان یک شرکت طبقه بندی می‌شود و تراکنش‌های ایجاد شده از طرف دولت باید از طریق دولت تغییر مسیر داده شوند.

ب. واحد تجدید ساختار، وضعیت حقوقی آن هرچه که باشد، به عنوان یک کارگزار مستقیم دولت عمل می‌کند و یک تولیدکننده‌ی بازاری نیست. کارکرد اصلی او بازتوزیع درآمد و ثروت ملی از طریق هدایت وجوه از واحدی به واحد دیگر است. واحد تجدید ساختار مورد نظر باید در بخش دولت طبقه بندی شود.

۲۲-۵۰ مثال دیگری از کارگزار تجدید ساختار مثالی است که به طور عمده با دارائی‌های آسیب دیده در رابطه با بحران‌های بانکداری یا سایر بحران‌های مالی سر و کار دارد. این نوع کارگزار تجدید ساختار باید برحسب درجه‌ی ریسکی که می‌پذیرد، با توجه با میزان تأمین مالی دولت، مورد تجزیه و

تحلیل قرار گیرد. در اینجا هم دو حالت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

الف. کارگزار تجدید ساختار با ریسک خود در بازار قرض می‌کند تا دارائی‌های مالی و غیرمالی را که فعالانه آن‌ها را مدیریت می‌کند تحصیل کند. در این حالت واحد مورد نظر باید به عنوان نهادی در بخش شرکت‌های مالی طبقه بندی شود.

ب. کارگزار تجدید ساختار به‌طور عمده دارائی‌هائی را بالاتر از قیمت‌های بازار با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم مالیِ دولت خریداری می‌کند. این کارگزار در درجه اول در بازتوزیع درآمد (و ثروت) ملی درگیر است، مستقل از دولت عمل نمی‌کند یا خود را در معرض ریسک قرار نمی‌دهد و بنابراین باید در بخش دولت طبقه بندی شود.

هستارهای دارای هدف ویژه

۲۲-۵۱ واحدهای دولتی همیشه مقیم در نظر گرفته می‌شوند زیرا، طبق تعریف، سرزمین اقتصادی یک کشور از سرزمین جغرافیائی که توسط دولت اداره می‌شود، و نیز برخی برون خاک‌های سرزمینی در دنیای خارج تشکیل شده است که توسط دولت برای مقاصد دیپلماتیک، نظامی، علمی، یا سایر مقاصد، به طور عادی با توافقنامه‌ی رسمی دولت کشوری که از نظر فیزیکی در آن مستقر هستند استفاده می‌شوند. این برون خاک‌ها قسمتی از بخش دولت هستند.

۲۲-۵۲ برخی دولت‌ها ممکن است هستارهای دارای هدف ویژه (SPEها) را برای سهولت در فعالیت‌های مالی ایجاد کنند، SPE که در فعالیت‌های مالی یا شبه مالی (از جمله تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار، وام‌گیری، و غیره) درگیر هستند. SPEهای مقیم که نسبت به دولت تنها به شیوه‌ای پس‌رو (منفعل) عمل می‌کنند و فعالیت‌های مالی را اجرا می‌کنند به عنوان واحدهای نهادی جدا در نظر گرفته نمی‌شوند و صرف نظر از وضعیت حقوقی آن‌ها، به عنوان جزئی از دولت تلقی می‌شوند. اگر آن‌ها به طور مستقل عمل کنند، از طرف خود دارائی‌هائی را تحصیل کنند و بدهی‌هائی را متقبل شوند، ریسک مربوط به آن‌ها را بپذیرند، به عنوان واحدهای نهادی جدا تلقی می‌شوند و مطابق با فعالیت اصلی آن‌ها در بخش یا صنعتی (رشته‌فعالیتی) طبقه بندی می‌شوند.

۲۲-۵۳ SPEهای غیرمقیم همیشه به عنوان واحدهای نهادی جدا در اقتصادی که ایجاد شده‌اند طبقه بندی می‌شوند. هنگامی که این نوع هستارها ایجاد می‌شوند، باید دقت شود که فعالیت-های مالی دولت را به درستی منعکس کنند. تمامی جریان‌ها و میزان موجودی‌های بین دولت و SPEهای غیرمقیم باید هنگامی که رخ می‌دهند در حساب‌های دولت و دنیای خارج ثبت شوند.

۲۲-۵۴ دولت ممکن است یک SPE غیرمقیم ایجاد کند تا وام‌گیری دولت یا تقبل خرج‌های سرمایه‌گذاری دولت را در خارج از کشور به‌عهده داشته باشد. حتی اگر جریان‌های اقتصادی واقعی ثبت شده بین دولت و SPE مربوط به این فعالیت‌های مالی وجود نداشته باشد، تراکنش‌ها باید در هردوی حساب‌های دولت و دنیای خارج احتساب شود تا فعالیت‌های مالی دولت که توسط SPE انجام شده است از جمله وام‌گیری را منعکس کند. مورد خاص واحدهای تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار در بخش ت مورد بحث قرار گرفته است.

واحدهای سرمایه‌گذاری مشترک

۲۲-۵۵ بسیاری از واحدهای عمومی با هستارهای خصوصی یا دیگر واحدهای عمومی توافق می‌کنند تا انواع گوناگونی از فعالیت‌ها را به طور مشترک انجام دهند. این فعالیت‌ها می‌توانند ستانده‌ی بازاری یا غیربازاری حاصل کنند. عملیات مشترک می‌تواند به طور وسیعی به صورت یکی از سه نوع: واحدهای تحت کنترل مشترک که در اینجا سرمایه‌گذاری مشترک نامیده می‌شود، عملیات تحت کنترل مشترک، دارائی‌های تحت کنترل مشترک ساختار بندی شوند.

۲۲-۵۶ ***سرمایه‌گذاری مشترک شامل یک کارگاه از یک شرکت، شراکت یا واحد نهادی دیگری است که در آن هر یک از طرف‌ها از نظر قانونی دارای کنترل مشترک بر فعالیت‌های آن واحد هستند.*** این واحدها به همان شیوه‌ی واحدهای دیگر

عمل می‌کنند غیر از این که برای کنترل مشترک بین طرفین ترتیبات قانونی برقرار می‌شود. واحد سرمایه‌گذاری مشترک به عنوان یک واحد نهادی می‌تواند بنام خود وارد قرارداد شود و منابع مالی خود را برای مقاصد خاص خود افزایش دهد. یک واحد سرمایه‌گذاریِ مشترک حسابداری خود را خودش نگه می‌دارد.

۲۲-۵۷ سؤال اصلی که باید در اینجا مد نظر قرار گیرد این است که آیا کنترل اقتصادی مؤثر بر واحد سرمایه گذاری مشترک، یک واحد خصوصی یا یک واحد دولتی ایجاد می‌کند. اگر این واحد به عنوان یک تولیدکننده‌ی غیربازاری عمل کند، موردی است که کنترل مؤثر را دولت انجام می‌دهد و این واحد باید به عنوان جزئی از دولت طبقه بندی شود.

۲۲-۵۸ اگر واحد سرمایه‌گذاری مشترک یک تولید کننده‌ی بازاری باشد، بر حسب این که توسط دولت کنترل شود یا خیر، با استفاده از همان شاخص‌های بیان شده در بالا، به عنوان یک شرکت دولتی یا خصوصی تلقی می‌شود. به طور عادی، درصد مالکیت برای تعیین کنترل کافی خواهد بود. اگر واحدهای خصوصی یا عمومی دارای درصد مالکیت مساوی از واحد سرمایه گذاری مشترک باشند، باید سایر شاخص‌های کنترل مد نظر قرار گیرند.

۲۲-۵۹ واحدهای دولتی می‌توانند در ترتیبات عملیات مشترکی که واحدهای نهادی جداگانه‌ای را بوجود نمی‌آورند نیز وارد شوند. در این حالت، واحدی که نیاز به طبقه بندی داشته باشد وجود ندارد، ولی باید دقت شود که اطمینان حاصل شود مالکیت مناسبی برای دارائی‌ها ثبت شده باشد و هرگونه ترتیبات درآمد عملیاتی و هزینه‌ی عملیاتی شراکتی مطابق با مفاد قراردادِ حاکم برقرار شود. برای مثال، دو واحد ممکن است توافق کنند که مسئولیت مراحل مختلف یک فرآیند تولیدِ مشترک را داشته باشند یا ممکن است یکی از واحدها مالکیت یک دارائی یا ترکیبی از دارائی ها را داشته باشد ولی هردو واحد توافق کنند در درآمدهای عملیاتی و هزینه‌های عملیاتی شریک شوند.

تشکل‌های سیاسی اقتصادی فراملی (اتحادیه اروپا)

۲۲-۶۰ برخی از کشورها ممکن است طرفِ یک توافق نهادی باشد که انتقالات پولی از کشورهای عضو به تشکل فراملی و برعکس را در بر می‌گیرد. تشکل‌های سیاسی اقتصادی فراملی در تولید غیربازاری نیز اشتغال دارند. در حساب‌های ملیِ کشورهای عضو، این تشکل‌ها واحدهای نهادی غیرمقیم هستند که جزئی از دنیای خارج به حساب می‌آیند و ممکن است در زیربخش خاصی از دنیای خارج طبقه بندی شوند.

۲۲-۶۱ از آنجا که یک تشکل سیاسی اقتصادیِ فراملی کارکردهائی را در سطحی از دولت انجام می‌دهد، مانند یک واحد مقیم از کشور عضو، تهیه مجموعه‌ای از حساب‌ها برای آن امکان پذیر است اگرچه این تشکل غیرمقیم است. این حساب اضافی می‌تواند حساب مکمل مفیدی برای تحلیل فعالیت‌های اقتصادی کشورهای عضو باشد.

پ. ارائه آمارهای مالیه دولت

۱. مقدمه

۲۲-۶۲ توالی حساب‌ها برای تمامی واحدها و بخش‌های نهادی در فصل‌های ۶ الی ۱۳ شرح داده شده است. تجربه نشان داده است که برای بخش دولت و در بعضی موارد برای بخش عمومی، شیوه‌ی ارائه‌ی دگرسانی از موجودی‌ها و جریان‌ها، معمولاً به عنوان ارائه‌ی مالیه‌ی دولت یا ارائه‌ی مالیه عمومی برای بعضی نیازهای تحلیلی مناسب‌تر است. این بخش نگاه مختصری خواهد داشت به روشی که حساب‌های دولت در آن نشان داده می‌شود، برای مثال، روش *GFSM2001*، که

برای توضیح و بحث بیشتر باید به آن مراجعه شود.

۲۲-۶۳ اساساً ارائه‌ی مالیه دولت شامل تراکنش‌هائی است که ارزش ویژه را افزایش می‌دهد و منجر به هم‌افزوده‌ای بنام درآمد عملیاتی می‌شود و تراکنش‌هائی که ارزش ویژه را کاهش می‌دهد و منجر به هم‌افزوده‌ای بنام هزینه‌ی عملیاتی می‌شود. علاوه بر این، دو قلمِ ترازکننده‌ی اصلیِ خالصِ تراز عملیاتی و خالصِ وام‌دهی یا خالصِ وام‌گیری نیز وجود دارند. حساب‌های اضافه را می‌توان برای سایر جریان‌های اقتصادی و ترازنامه‌ها تهیه کرد.

۲۲-۶۴ بخش زیر اطلاعاتی کلی درباره مفاهیم مربوط به مالیه‌ی دولت را ارائه می‌دهد.

۲. درآمد عملیاتی

۲۲-۶۵ تراکنشِ درآمد عملیاتی تراکنشی است که ارزش ویژه را افزایش می‌دهد. در ارائه حساب‌های مالیه دولت مفهوم درآمد عملیاتی، تمامی منابع تحصیل شده توسط دولت که در حساب‌های جاری SNA ثبت می‌شود، و انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی که در حساب سرمایه ثبت می‌شود را در بر می‌گیرد. به‌طور خاص درآمد عملیاتی می‌تواند به صورت زیر تعیین شود:

درآمد عملیاتی

مساوی است با مالیات‌ها،

بعلاوه حق بیمه‌های اجتماعی،

بعلاوه سایر درآمدهای عملیاتی جاری،

بعلاوه انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی.

۲۲-۶۶ درآمد عملیاتیِ دولت معمولاً به طور عمده از وصولِ اجباریِ مالیات‌ها و حق بیمه‌های اجتماعی تشکیل یافته است. برای برخی از سطوح دولت، کمک‌ها (انتقالات از سایر واحدهای دولتی و سازمان‌های بین‌المللی) منبع عمده‌ی درآمد عملیاتی را تشکیل می‌دهد. دیگر رده‌های کلیِ درآمد عملیاتی عبارت از درآمد دارائی، فروش کالاها و خدمات و انتقالات متفرقه غیر از کمک‌ها است.

۲۲-۶۷ برآورد مالیات‌ها و حق بیمه‌های اجتماعی ممکن است بسیار مشکل باشد. مشکلات موجود و راه حل‌های توصیه شده، در بخش ت شرح داده شده است. مالیات‌ها در حساب‌های مختلفی در توالی حساب‌ها ثبت می‌شوند. یکی از مزایای ارائه‌ی حساب‌های مالیه‌ی دولت این است که تمامی مالیات-ها را می‌توان به عنوان یک رده از درآمد عملیاتی با طبقه بندی‌های ریزتر برحسب مبنائی که مالیات وضع شده است ارائه کرد. بویژه این که هردوی مالیات‌های جاری و سرمایه‌ای را می‌توان زیر یک عنوان نشان داد.

۲۲-۶۸ دیگر درآمدهای عملیاتیِ جاری، از درآمد دارائی، فروش کالاها و خدمات، جرائم، مجازات‌ها و اموال ضبط شده، انتقالات داوطلبانه غیر از کمک‌ها، و درآمدهای عملیاتیِ متفرقه و نامشخص تشکیل یافته‌اند. توزیع کالاها و خدماتی که اصلاً فروخته نمی‌شوند یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند فروخته می‌شوند، با مفهوم کلی درآمد عملیاتی به عنوان تراکنشی که موجب افزایش ارزش ویژه می‌شود مطابقت ندارد. در نتیجه، فقط فروش‌های واقعیِ کالاها و خدمات یا کالاها و خدمات تولید شده توسط دولت که به عنوان جبران خدمات غیرنقدی کارکنان ارائه می‌شوند در درآمد عملیاتی منظور می‌شوند. (کالاها و خدمات ارائه شده به عنوان جبران خدمات غیرنقدی درآمد عملیاتی تلقی می‌شوند زیرا آن‌ها مخارج را جبران می‌کنند).

۲۲-۶۹ انتقالات از یک واحد دولتی به واحد دولتی دیگر که اغلب از واحد مرکزی یا واحد ایالتی به سطح پائین‌ترِ دولت صورت می‌گیرد، می‌توانند منابع بسیار مهمی برای درآمد عملیاتی دولت باشند. ارائه حساب‌های مالیه‌ی دولت این امکان را فراهم می‌کند که تمامی این دریافت‌ها در یک رده‌ی جداگانه‌ی درآمد عملیاتی با عنوان کمک‌ها گردآوری شوند. میزان انتقالات دیگر، از جمله یارانه‌ها به طور عادی بسیار کم است و به طور جداگانه گزارش می‌شود. درآمد دارائی ممکن است منبع درآمد عملیاتی بسیار مهمی باشد یا ممکن است

ناچیز باشد، ولی در هر صورت مستقیماً به همان رده‌ی موجود در حساب تخصیص درآمد اولیه مربوط می‌شود.

۳. هزینه عملیاتی

۲۲-۷۰ تراکنش هزینه عملیاتی تراکنشی است که ارزش ویژه را کاهش می‌دهد. در ارائه حساب‌های مالیه‌ی دولت، مفهوم هزینه عملیاتی به عنوان تمامی مصارف متقبل شده توسط دولت که در حساب‌های جاری SNA ثبت می‌شوند و انتقالات سرمایه‌ای پرداختنی که در حساب سرمایه ثبت می‌شوند را پوشش می‌دهد. به طور خاص، هزینه عملیاتی را می‌توان به صورت زیر تعیین کرد:

هزینه عملیاتی

برابر است با هزینه‌های عملیاتی تولید (جبران خدمات کارکنان، مصرف واسطه و مصرف سرمایه ثابت)،

بعلاوه کمک‌ها،

بعلاوه مزایای اجتماعی،

بعلاوه سایر هزینه‌های عملیاتی جاری،

بعلاوه انتقالات سرمایه‌ای پرداختنی.

۲۲-۷۱ ارائه حساب‌های مالیه‌ی دولت همان‌گونه که به عنوان مثال در *GFSM2001* آمده است، در تعدادی از روش‌ها با توالی حساب‌ها متفاوت است. نبودن حساب تولید در ارائه حساب-های مالیه‌ی دولت موجب می‌شود که نشان دادن ساختار هزینه‌ای تولید به حساب خود و همچنین مصرف نهائی آن غیرممکن شود. از اینرو، به عنوان نمونه، حقوق کارکنان درگیر در تشکیل سرمایه به حساب خود مستقیماً به عنوان تحصیل تشکیل سرمایه و نه به عنوان جبران خدمات کارکنان طبقه‌بندی می‌شود. برعکس، حقوق کارکنانی که مزایای اجتماعی غیرنقدی تولید می‌کنند به عنوان جبران خدمات کارکنان و نه مجدداً به عنوان (قسمتی از) هزینه عملیاتی مزایای اجتماعی غیرنقدی ثبت می‌شوند. ارائه حساب‌های مالیه‌ی دولت برخی از نام‌ها و تعاریفی را بکار برده است که با آن‌هائی که در توالی حساب‌ها بکار برده شده متفاوت است و در آن‌ها آسان سازی‌های مختلفی نیز صورت گرفته است. برای مثال، خرج‌های مربوط به FISIM و خدمات بیمه بترتیب از بهره و حق بیمه‌های خالص متمایز نمی‌شوند.

۲۲-۷۲ دولت‌ها به طور معمول تعدادی کالا و بسیاری از خدمات را تولید می‌کنند و سپس آن‌ها را به طور رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند توزیع می‌کنند. در SNA، هزینه‌ی این کالاها و خدمات هنگامی که تولید می‌شوند به عنوان مصرف ثبت می‌شود و دوباره هنگامی که توزیع می‌شوند به عنوان مزایای اجتماعی یا مخارج مصرف نهائی ثبت می‌شوند. این هزینه‌ها در ارائه حساب‌های مالیه‌ی دولت، برای کاهش دوباره کاریِ غیرضروری، تنها به عنوان هزینه‌ی عملیاتی تولید ثبت می‌شوند.

۲۲-۷۳ در اصل، مزایای بازنشستگی پرداختی به کارکنان دولت بجای پرداخت هزینه‌ی عملیاتی جاری، تسویه یک بدهی در نظر گرفته می‌شوند. اما در عمل، مزایای اجتماعی که در حساب‌های دولت گزارش می‌شوند می‌تواند مزایای بازنشستگی پرداختی به کارکنان دولت را در بر داشته باشد. اگر قرار باشد این تراکنش‌های بدهیِ مستمری‌های بازنشستگی حذف شوند، حق برخورداری از مزایای بازنشستگی نیز باید از درآمد عملیاتی حذف شود و قلم تعدیل برای تغییرات در حقوق بازنشستگی از هزینه‌ی عملیاتی خارج شود.

۴. خرج‌ها

۲۲-۷۴ خرید دارائی غیرمالی، یک هزینه‌ی عملیاتی نیست زیرا اثر خالصی بر ارزش ویژه ندارد به این دلیل که نشان دهنده‌ی مبادله‌ی یک نوع دارائی با دارائی دیگر یا تقبل یک بدهیِ متناظر با تحصیل یک دارائی است. با این حال، خرید دارائی غیرمالی در سرجمعِ کلی بنام خرج (یا گاهی اوقات مخارج) منظور می‌شود.

خرج‌ها

برابر است با هزینه‌ی عملیاتی،

بعلاوه تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی.

خالص تحصیل دارائی‌های غیرمالی حاصل جمع تشکیل سرمایه ناخالص و تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی تولید نشده است.

۵. خالص تراز عملیاتی

۲۲-۷۵ خالص تراز عملیاتی به صورت درآمد عملیاتی منهای هزینه‌ی عملیاتی تعریف می‌شود. این قلم تراز تمامی تراکنش‌هائی است که بر ارزش ویژه تأثیر می‌گذارند. این قلم معادل تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای در توالی حساب‌های SNA است. سنجه‌ای را برای پایداری سیاست‌های دولت ارائه می‌دهد زیرا منابع تحصیل شده یا مصرف شده توسط عملیات جاری دولت را نشان می‌دهد. به طور خاص

خالص تراز عملیاتی

برابر است با درآمد عملیاتی،

منهای هزینه‌ی عملیاتی.

۶. خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری

۲۲-۷۶ خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری را می‌توان به صورت خالص تراز عملیاتی منهای خالص تحصیل دارائی‌های غیرمالی یا جمع درآمد عملیاتی منهای جمع خرج‌ها محاسبه کرد. این قلم میزان مبالغی را که دولت برای وام دادن در دسترس دارد یا میزان مبالغی را که باید برای تأمین عملیات مالی خود وام بگیرد نشان می‌دهد. به طور خاص:

خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری

برابر است با خالص تراز عملیاتی،

منهای تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی،

یا، به روش دیگر:

خالص وام دهی یا خالص وام‌گیری

برابر است با درآمد عملیاتی،

منهای خرج‌ها.

۲۲-۷۷ خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری قلم تراز کننده‌ی حساب مالی را نیز تشکیل می‌دهد، هرچند در عمل ناهمخوانی‌های آماری ممکن است در اثر استفاده از منابع مختلف داده‌ها و در اثر اشتباهات و از قلم افتادگی‌های احتمالی پدید آید.

۷. تلفیق

۲۲-۷۸ برای مقاصد تحلیلی، اغلب روابط بین خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری و تغییرات بدهی‌های دولت مورد توجه قرار می‌گیرد. توجه به بدهی‌های دولت معمولاً بر دیون دولت به واحدهای غیردولتی متمرکز است. مبلغ قابل توجهی از بدهی‌های دولت ممکن است توسط یک واحد دولتی متقبل شود و در اختیار واحد دولتی دیگر قرار گیرد. ارائه حساب‌های مالیه‌ی دولت تمامی جریان‌ها و موجودی‌های درون هر زیربخش و بخش را تلفیق می‌کند، و از اینرو تمامی موجودی‌های دارائی و بدهیِ بین واحدهای متعلق به یک گروه حذف می‌شوند. این رویه باز هم شناسائی جداگانه‌یِ دیون بخش دولت، زیربخش دولت مرکزی و بخش عمومی را امکان پذیر می‌سازد که از نظر تحلیلی بسیار مفید است.

۲۲-۷۹ تلفیق، روشی برای ارائه‌ی آمارهای مجموعه‌ای از واحدهائی است که تشکیل یک واحد منفرد را می‌دهند. این روش عبارت از حذفِ تراکنش‌ها و موجودی‌های متقابل بین واحدهائی است که تلفیق شده‌اند. تلفیق ممکن است برای هر گروه از واحدها انجام شود، ولی بویژه برای واحدهای داخلِ بخش دولت و زیربخش‌های آن امر مفیدی است. برای مثال، ارزیابیِ تأثیر کلیِ عملیات دولت بر کل اقتصاد یا پایداریِ عملیات دولت هنگامی مؤثرتر است که تراکنش‌های بین سطوح مختلف دولت حذف شوند و تنها تراکنش‌هائی که با دیگر بخش‌ها یا غیرمقیم‌ها انجام می‌شوند باقی بمانند. تلفیق برای تراکنش‌هائی نظیر درآمد دارائی (بویژه بهره)، انتقالات جاری و سرمایه‌ای و تراکنش‌هائی در دارائی‌های مالی و

بدهی‌ها مناسب است. برای مثال، ارقام تلفیق شده‌ی مربوط به نسبت درآمد عملیاتی یا هزینه عملیاتی به GDP، برای برخی مقاصد مفیدتر از ارقام تلفیق نشده است.

۲۲–۸۰ تلفیق در SNA، توصیه نشده است. حتی در ارائه‌ی حساب‌های مالیه‌ی دولت نیز، که تلفیق اغلب مفید است، تنها در داخل یک حساب یعنی حسابی که اقلام درآمدِ عملیاتی و هزینه‌ی عملیاتیِ مطابق با آن نشان داده می‌شود، صورت می‌گیرد. به این دلیل، تعدیلاتِ تلفیق در اقلام ترازکننده تأثیری ندارد. برای مثال، یک کمک (یا انتقال) از جانب دولت مرکزی به یک واحد محلی دولتی با حذف هزینه‌ی عملیاتی از دولت مرکزی و درآمد عملیاتی از دولت محلی انجام می‌شود، از اینرو تراز عملیاتیِ بخش دولت بدون تغییر باقی می‌ماند.

۲۲–۸۱ ماهیت تلفیق از نظر مفهومی، حذف تمامی جریان‌های میان واحدهای تلفیق شده است، ولی عملی بودن آن نیز باید در نظر گرفته شود. برای مثال، می‌توان استدلال کرد که تراکنش‌های حساب تولید، نظیر ستانده و مصرف واسطه‌ی کالاها و خدمات، نباید تلفیق شوند. تصمیم درباره‌ی میزان تفصیل مورد استفاده در تلفیق باید بر اساس میزان بهره‌مندی از داده‌های تلفیق شده برای سیاست‌گذاری‌ها و اهمیت نسبی انواع مختلف تراکنش‌ها یا موجودی‌ها اتخاذ شود.

۲۲–۸۲ در ارائه حساب‌های مالیه‌ی دولت، تراکنش‌های عمده برای تلفیق، بترتیب اهمیت احتمالی آن‌ها به شرح زیر است:

الف. انتقالات جاری و سرمایه‌ای، نظیر کمک‌های دولت مرکزی به سطوح پائین‌ترِ دولت؛

ب. تراکنش در دارائی‌های مالی و بدهی‌ها، نظیر وام به دولت‌های دیگر برای مقاصد سیاستی، تحصیل اوراق بهادار دولت توسط واحدهای تأمین اجتماعی و بخشش دیون؛

پ. درآمد و هزینه‌ی عملیاتیِ بهره‌ی دارائی‌های مالی و بدهی‌های بین دولتی؛

ت. تحصیل و واگذاری دارائی‌های غیرمالی شامل تراکنش‌های بین دولتی در مورد زمین، ساختمان و تجهیزات؛

ث. مالیات‌های پرداخت شده توسط یک واحد یا هستار دولتی به واحد یا هستار دولتی دیگر؛

ج. خریدها و فروش‌های بین واحدهای دولتی.

۲۲–۸۳ در SNA دو نوع از تراکنش‌های بین دو واحد دولتی که به عنوان تغییر مسیر به سایر واحدها تلقی می‌شوند، نباید هیچگاه تلفیق شوند. نخست، همه‌ی حق بیمه‌های اجتماعی کافرمایان است که، خواه به تأمین اجتماعی پرداخت شده باشد خواه به صندوق‌های بازنشستگیِ دولت، طوری عمل می‌شوند که به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان به آن‌ها پرداخت شده و سپس توسط کارکنان به صندوق پرداخت می‌شوند. دوم، همه‌ی مالیات‌هائی است که واحدهای دولتی از جبران خدمات کارکنانشان کسر می‌کنند، نظیر مالیات‌هائی تحت عنوان پرداخت به محض وصول درآمد (PAYE)، و به سایر واحدهای دولتی پرداخت می‌کنند، این‌ها باید طوری تلقی شوند که مستقیماً توسط کارکنان پرداخت شده‌اند. کارفرمای دولتی در این مورد فقط یک کارگزارِ وصول مالیات برای واحد دولتی دوم است. اما، مالیات بر سیاهه‌ی حقوق ناخالص نیروی کار که به عنوان حق بیمه‌های اجتماعی تلقی نمی‌شوند باید در مواردی که قابل ملاحظه بوده و بتوان آن‌ها را تشخیص داد، تلفیق شوند.

۲۲–۸۴ تلفیق همواره با مشکلات عملی همراه است. برای مثال، وقتی تراکنشی که قرار است تلفیق شود در ارقام ثبتی واحدی شناسائی می‌شود، تراکنش متناظر آن باید درحساب‌های طرف مقابل وجود داشته باشد، ولی ممکن است در آنجا ثبت نشده باشد، در دوره دیگری ثبت شده باشد، با ارزش متفاوتی ثبت شده باشد، یا ممکن است در نوع دیگری از تراکنش‌ها طبقه بندی شده باشد. این اشتباه‌ها در کاربرد انعطاف ناپذیر سیستم حسابداری چهار طرفه می‌تواند در رابطه با هر نوع تراکنش دیگری نیز وجود داشته باشد ولی هنگام تلفیق بروز کند.

۲۲–۸۵ حتی اگر قرار باشد تراکنش‌های بین دو زیربخشِ دولت تلفیق شوند، هنگام ارائه حساب‌های دولت نباید این تراکنش‌ها در حساب‌های هریک از زیربخش‌هائی که به صورت جداگانه ارائه شده‌اند حذف شوند.

۸. طبقه بندی کارکردهای دولت

۲۲–۸۶ طبقه بندی تراکنش‌های مربوط به خرج‌های دولت که از طبقه بندی کارکردهای دولت (COFOG) پیروی می‌کند جزء جدائی ناپذیرِ ارائه‌ی حساب‌های مالیه‌ی دولت است. این طبقه بندی اهدافی را که خرج‌ها برای آن صرف شده‌اند نشان می‌دهد. این اهداف ممکن است تفاوت قابل ملاحظه‌ای از ترتیبات اداری دولت داشته باشد. برای مثال، یک واحد اداریِ مسئول خدمات سلامت، ممکن است فعالیت‌هائی نظیر آموزش حرفه‌ای پزشکی را با هدف آموزش انجام دهد. یک نوع طبقه‌بندی متقاطع از تراکنش‌های دولت برحسب ماهیت اقتصادی و به تفکیک کارکردها پیشنهاد شده است، مثل طبقه‌بندی که در *GFSM2001* ارائه شده است.

ت. مسائل خاص حسابداری بخش دولت و بخش عمومی

۲۲–۸۷ قواعد حسابداری SNA با همان شیوه‌ای که برای تمامی بخش‌های اقتصاد اعمال می‌شود برای بخش دولت و بخش عمومی نیز بکار می‌رود. با اینحال، به دلیل ماهیت ویژه‌ی فعالیت‌های واحدهای دولتی، تعدادی راهنمائی‌های اضافی برای کمک به نحوه‌ی برخورد با تراکنش‌هائی که انتخاب شده‌اند مفید است. این موضوع‌ها در چهار عنوان گروه بندی شده‌اند:

الف. جزئیات ثبت مالیات‌ها؛

ب. روابط متقابل با مقامات غیرمقیم از نوع دولت (از جمله مالیات‌های پرداخت شده به سایر دولت‌ها)؛

پ. مسائل مربوط به دیون؛

ت. روابط متقابل با بخش‌های شرکت‌ها؛

برای هریک از این عنوان‌ها بخش جداگانه‌ای اختصاص یافته است

۱. جزئیات ثبت مالیات‌ها

مجوزهای صادر شده دولتی

۲۲–۸۸ مالیات‌ها پرداخت‌های اجباریِ نقدی یا غیرنقدیِ بلاعوض هستند که توسط واحدهای نهادی به دولتِ حاکم یا به یک تشکل سیاسی اقتصادیِ فراملی انجام می‌شود. مالیات‌ها معمولاً قسمت عمده‌ی درآمد دولت را تشکیل می‌دهند که در برخی کشورها تا ۹۰ درصد می‌رسد. مالیات‌ها پرداخت‌های بلاعوض گفته می‌شوند زیرا در بسیاری از موارد، در مقابل پرداخت مالیات توسط یک واحد، دولت چیزی متناسب با آن ارائه نمی‌دهد. با این حال، مواردی وجود دارد که دولت در ازای پرداخت واحد نهادی، چیزی را بشکل یک مجوز یا یک اختیار به‌طور مستقیم ارائه می‌دهد. در این حالت، پرداختِ مورد نظر قسمتی از یک فرآیندِ اجباری است که اطمینان می‌دهد مالکیت به خوبی شناخته شده است یا این که فعالیت‌ها تحت مجوزهای محکمی از طریق قانون انجام می‌شوند. حد و مرز این که چه موقع این نوع پرداخت‌ها به عنوان مالیات و چه موقع به عنوان فروشِ یک خدمت یا فروش یک دارائی توسط دولت تلقی می‌شوند نیاز به راهنماهای بیشتری دارد.

۲۲-۸۹ همان‌گونه که در فصل‌های ۷ و ۸ هنگام بحث درباره‌ی تفاوت بین مالیات و حق‌الزحمه برای ارائه‌ی یک خدمت اشاره شد، این حد و مرز در عمل همیشه روشن نیست. توصیه‌های زیر پیشنهاد شده است:

الف. این پرداختی هنگامی به عنوان مالیات ثبت می‌شود که پروانه یا مجوز توسط دولت به طور خودکار به عنوان یک شرط اجباری برای انجام یک فعالیت یا تحصیلِ یک دارائی اعطاء می‌شود و هنگامی که واحد دولتی کاری غیر از یک کنترلِ حداقلی درباره‌ی صلاحیت قانونیِ تحصیل کننده برای دریافت مجوز انجام نمی‌دهد (مثلاً، کنترل برای این که درخواست دهنده به جرمی محکوم نشده باشد). در چنین مواردی پرداخت حق‌الزحمه متناسب با عمل کنترلی که دولت اعمال می‌کند نیست.

ب. این پرداختی هنگامی به عنوان خرید خدمات ثبت می‌شود که صدور پروانه یا مجوز، برای نمونه وظیفه نظارتی مناسب دولت با اعمال کنترل بر فعالیت، کنترل صلاحیت یا حائز شرایط بودن اشخاص مربوطه و غیره را نشان دهد. در چنین حالتی، پرداختی طوری اخذ می‌شود که با هزینه‌های تولیدِ خدمات ارائه شده به تمام یا هریک از هستارهای بهره‌مند شده از خدمات مورد نظر که توسط هستارهای ارائه دهنده‌ی این خدمات متقبل شده‌اند متناسب باشد. تنها هنگامی که پرداختی مورد نظر به نسبت هزینه‌های تولید خدمات نباشد، به عنوان مالیات تلقی می‌شود.

۲۲-۹۰ فصل ۱۷ موردی را که پروانه‌ها به تعداد محدودی توسط دولت صادر می‌شوند مورد بحث قرار می‌دهد.

الف. اگر پروانه‌ی صادر شده به منظور استفاده از منابع طبیعی نباشد که بتواند شرایط یک دارائی را داشته باشد و دولت از طرف جامعه اعمال کنترل کند، در این صورت پرداخت برای اخذ پروانه، مالیات محسوب می‌شود. با وجود این، اگر پروانه از نظر قانونی و عملی به شخص ثالثی انتقال پذیر باشد، به عنوان یک دارائی در رده قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها طبقه بندی می‌شود.

ب. اگر پروانه برای استفاده از منابع طبیعی باشد که حائز شرایط یک دارائی است و دولت از طرف جامعه اعمال کنترل کند، پرداختی بابت پروانه یا به عنوان تحصیل یک دارائی در رده قراردادها، اجاره‌نامه‌ها یا پروانه‌ها تلقی می‌شود یا به عنوان پرداختی بابت بهره‌مالکانه. شرایط لازم برای تصمیم‌گیری بین تحصیل یک دارائی و پرداختی بابت بهره مالکانه در قسمت ۵ فصل ۱۷ به تفصیل توضیح داده شده است.

مجوزِ استفاده از یک دارائیِ تولید شده‌ی متعلق به دولت به عنوان اجاره‌ی عملیاتی یا اجاره‌ی مالی (اعتباری) هر کدام که مناسب باشد منظور می‌شود.

ثبت مالیات‌ها برپایه تعهدی

۲۲-۹۱ مانند همه‌ی تراکنش‌های سیستم، تراکنش‌های دولت نیز باید بر پایه تعهدی ثبت شوند. این الزام برای هردو طرف، درآمد عملیاتی (مانند مالیات‌ها و حق بیمه‌های اجتماعی) و هزینه عملیاتی (مانند کارمزد بهره)، وجود دارد. غیر از مواردی که دو طرفِ تراکنش در یک نقطه از زمان تراکنش را ثبت می‌کنند، حساب‌ها تراز نخواهد شد.

۲۲-۹۲ هنگامی که رویداد مهمی رخ می‌دهد، ثبت درآمدهای عملیاتی و ادعاهای دولت مشکلات خاصی را در پی دارد زیرا ثبت‌های دولت اغلب بر پایه نقدی انجام می‌شود. این مشکل بویژه در زمینه‌ی مالیات‌ها وجود دارد. علاوه براین، وقتی مالیات‌های تعلق گرفته با استفاده از ارزیابی‌های بدهی مالیاتی محاسبه می‌شوند، ممکن است خطر بیش برآوردی یا کم برآوردی درآمد مالیاتی پیش آید. از آنجا که درآمد عملیاتیِ مالیات یک هم‌افزوده‌ی بسیار مهم مالیه‌ی دولت است، باید از این نوع خطاها اجتناب شود.

۲۲-۹۳ همان‌طور که در فصل ۳ توضیح داده شد، دوره‌ی زمانیِ بین لحظه‌ای که یک مالیات یا هر تراکنشِ توزیعی در حساب مالی به‌صورت تعلق گرفته ثبت می‌شود و لحظه‌ای که پرداخت واقعاً انجام می‌شود از طریق ثبتِ حساب دریافتنی یا پرداختنی در حساب مالی به یکدیگر وصل می‌شوند. در مواردی که پیش پرداختی با پوشش دو یا چند دوره‌ی حسابداری به دولت انجام می‌شود، برای مبالغی که سررسید آن‌ها در دوره‌های آینده است یک حساب پرداختنی در حساب مالیِ دولت ثبت می‌شود. در واقع این یک پیش پرداخت مالی است که توسط دریافت کننده‌ی وجه به دولت انجام شده است. این مبلغ بدهی دولت و دارائی دریافت کننده‌ی وجه را نشان می‌دهد. این بدهی هنگامی تسویه می‌شود که موعدِ پرداختِ مبالغ در دوره‌های آینده فرا می‌رسد.

۲۲-۹۴ برخی از مالیات‌هائی که به عنوان مالیات‌های تعلق گرفته ثبت می‌شوند و در اصل می‌توانند پرداخت شوند، چنین تشخیص داده می‌شود که در عمل احتمال وصول آن‌ها وجود ندارد. ابزارهای مختلف انجام تعدیلات لازم در پاراگراف‌های ۸-۵۸ الی ۸-۵۹ شرح داده شده است.

اعتبار مالیاتی

۲۲-۹۵ کمک مالیاتی می‌تواند به اشکال مختلفِ تخفیف مالیاتی، معافیت مالیاتی، کسر مالیاتی یا اعتبار مالیاتی وجود داشته باشد. تخفیف مالیاتی، معافیت مالیاتی و کسرمالیاتی قبل از محاسبه‌ی بدهیِ مالیاتی از پایه‌ی مالیات کسر می‌شوند. اعتبار مالیاتی مبلغی است که مستقیماً از بدهی مالیاتی خانوار یا شرکت ذینفع بعد از محاسبه‌ی بدهی کسر می‌شود. اعتبار مالیاتی گاهی اوقات می‌تواند پرداختنی باشد، به این معنا که هر مبلغ اعتباری که بیشتر از بدهی مالیاتی است به ذینفع پرداخت شود. در مقابل، برخی اعتبارهای مالیاتی غیرقابل پرداخت هستند (گاهی اوقات از بین رفتنی نامیده می‌شوند) و محدود به اندازه بدهی مالیاتی می‌شوند.

۲۲-۹۶ در *آمارهای درآمد عملیاتی* و *GFSM2001*، کمک مالیاتیِ پیش‌بینی شده در نظام مالیاتی، به عنوان کاهش دهنده‌ی بدهی مالیاتیِ مؤدی و از اینرو به عنوان کاهش دهنده‌ی درآمد مالیاتیِ دولت ثبت می‌شود. این وضعیت برای تخفیف، معافیت و کسرِ مالیاتی وجود دارد زیرا مستقیماً در محاسبه‌ی بدهی مالیاتی وارد می‌شود. این وضعیت برای اعتبارهای غیر قابل پرداخت نیز وجود دارد زیرا ارزش آن‌ها برای مؤدی مالیاتی محدود به اندازه‌ی بدهی مالیاتی آن‌ها است. ولی برای اعتبارهای مالیاتی پرداختنی، فقط مازاد آن بر بدهیِ مربوطه، که با یک خرجِ دولت متناظر است، به عنوان یک هزینه‌ی عملیاتی نشان داده می‌شود.

۲۲-۹۷ در مقابل در SNA، کل مبلغی که به عنوان اعتبار مالیاتی پرداختنی می‌شود باید به عنوان هزینه‌ی عملیاتی در نظر گرفته شود و کل مبلغ آن با این عنوان ثبت شود. در نتیجه درآمد عملیاتی حاصل از مالیات باید بدون کسر هرگونه اعتبار مالیاتی پرداختنی ثبت شود.

۲۲-۹۸ این نحوه‌ی برخورد با اعتبارهای مالیاتی پرداختنی در خالص وام‌گیری یا خالص وام‌دهی دولت تأثیری ندارد، بلکه تأثیر آن در بارِ مالیاتی و نسبت هزینه‌ی عملیاتی یا مخارج دولت به GDP است. اما با توجه به این که مقرر شده است تفاوت ارائه‌ی داده‌ها در سیستم‌های آماری مختلف نشان داده شود، در SNA میزان اعتبارهای مالیاتی پرداختنی که با بدهی‌های مالیاتی خنثی می‌شوند نیز باید نشان داده شود.

۲. تراکنش با دیگر سازمان‌های ملی، بین‌المللی و فراملی

۲۲-۹۹ ممکن است تراکنش‌هائی بین واحدهای دولتی و سازمان‌های بین‌المللی یا فراملی به‌صورت واحدهای غیرمقیم رخ دهند. حتی هنگامی که دولت به صورت واحد هدایت کننده‌ی وجوه به یک واحد غیر مقیم یا از یک واحد غیرمقیم عمل می‌کند، تراکنش‌ها طوری ثبت می‌شوند که گوئی مستقیماً با یک واحد غیرمقیم رخ داده‌اند. در این مورد شش حالت می‌توان در نظر گرفت:

الف. *مالیات‌ها:* برخی از مالیات‌های بر تولید، نظیر عوارض گمرکی، عوارض کالاهای داخلی و مالیات ارزش افزوده، می‌تواند به یک سازمان فراملی پرداختنی

باشد در صورتی که مستقیماً توسط آن سازمان وضع شده باشد.

ب. *یارانه‌ها:* هر یارانه‌ای که مستقیماً توسط یک سازمان فراملی به یک تولید کننده‌ی مقیم پرداخت می‌شود به عنوان یارانه پرداختنی توسط سازمان فراملی بجای یک واحد دولتیِ مقیم ثبت می‌شود.

پ. *همکاری‌های جاری بین‌المللی:* این مقوله شامل انتقالات جاری نقدی یا غیرنقدی بین دولت‌های کشورهای مختلف یا بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است و بویژه شامل موارد زیر است:

- انتقالات بین دولت‌ها که توسط دریافت کنندگان برای تأمین مالی مخارج جاری بکار می‌رود از جمله کمک‌های اضطراری بعد از بلایای طبیعی که شامل انتقالات غیرنقدی به شکل خوراکی، پوشاک، پتو، دارو و غیره هستند؛

- سهم سالانه یا دیگر سهم‌های پرداختی منظم توسط دولت‌های عضو به سازمان‌های بین‌المللی (غیر از مالیات‌های پرداختنی به سازمان‌های فراملی)؛

- پرداختی‌های دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی به دولت‌های دیگر برای پوششِ حقوق کارکنانِ کمک‌های فنی که در کشوری که در آن کار می‌کنند مقیم هستند و توسط کشور میزبان بکار گرفته شده‌اند.

ت. *انتقالات جاری متفرقه:* این‌ها شامل پرداختی به تشکل‌های سیاسی اقتصادی فراملی یا بین‌المللی است که اجباری هستند ولی مالیات نیستند.

ث. *انتقالات سرمایه‌ای:* این مقوله شامل کمک‌های سرمایه‌گذاری و دیگر انتقالات سرمایه‌ای است، از جمله تراکنش فسخ دیونِ طرف مقابل به عنوان انتقال سرمایه‌ای پرداختنی و پذیرش مسئولیت دیون توسط طرف مقابل به عنوان انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی.

ج. *تراکنش‌های مالی:* برخی تراکنش‌های مالی که معمولاً وام‌های اعطاء شده توسط سازمان‌های بین‌المللی (مانند، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) یا وام‌های اعطاء شده به دولت‌های دیگر هستند، ممکن است ثبت شوند.

حق عضویت‌های بین‌المللی

۲۲-۱۰۰ در تعدادی از موارد، حق عضویت‌ها و حق اشتراک‌های پرداختنی به سازمان‌های بین‌المللی به عنوان انتقالات تلقی نمی‌شوند بلکه به عنوان پرداختی بابت خدمات بر پایه تعهدی ثبت می‌شوند. در موارد استثنائی، و هنگامی که امکان بازپرداخت کامل مبلغ وجود دارد، هرچند که بعید است، پرداختیِ مورد نظر می‌تواند نشان دهنده‌ی تحصیل یک دارائی مالی باشد.

کمک‌های بین‌المللی

۲۲-۱۰۱ گاهی اوقات کمک‌های بین‌المللی به شکل کالائی انجام می‌شود، مانند خوراک و پوشاک یا تجهیزات اضطراری که بعد از یک فاجعه طبیعی در دسترس کشوری قرار داده می‌شوند. علاوه بر خودِ کالاها یا خدمات، تمامی هزینه‌های قابل تشخیصِ مربوط به تحویل کالاها یا خدمات نظیر حمل کالاها به کشور خارجی، حمل در داخل آن کشور، جبران خدمات کارکنان کشور اهدا کننده برای آماده سازی محموله یا نظارت بر تحویل کالا، بیمه و غیره باید در صورتی که توسط اهدا کننده تأمین شده باشند، در ارزش انتقالات منظور شوند.

۲۲-۱۰۲ قیمت کالاها یا خدمات در کشور دریافت کننده می‌تواند کاملاً از قیمت‌های کشور اهداء کننده متفاوت باشد. به عنوان یک اصل کلی، ارزش کمک‌های اهداء شده به دریافت کننده باید با هزینه‌های ارائه آن‌ها به دریافت کننده برابر در نظر گرفته شود. در نتیجه قیمت‌های کشور اهداء کننده باید به عنوان مبنای محاسبه‌ی ارزش کمک اهدائی باشد.

۲۲-۱۰۳ هنگامی که کالاها و خدمات و هزینه‌های تحویل مربوط به آن‌ها توسط دولت، NPISHها یا خانوارها اهداء می‌شوند این اقلام مصرف نهائی منفی متناظر با یک انتقال غیرنقدی هستند. اگر این اقلام توسط شرکت‌ها فراهم شوند، به عنوان یک انتقال نقدی و در پی آن خرید کالاها و خدمات توسط دریافت کننده ثبت می‌شوند. در هردو حالت این اقلام در صادرات کشور اهدا کننده و واردات کشور دریافت کننده منظور می‌شوند.

۳. دیون و عملیات مربوطه

دیون

۲۲-۱۰۴ دِین که مفهوم پر استفاده‌ای است، به عنوان زیر مجموعه‌ی خاصی از بدهی‌ها تعریف می‌شود که برحسب نوع ابزارهای مالی موارد شمول یا خارج از شمول آن شناسائی می‌شود. به طور کلی، دِین به عنوان تمامی بدهی‌هائی تعریف می‌شود که مستلزم پرداخت یا پرداخت‌های بهره یا اصل آن توسط مدیون به بستانکار در تاریخ یا تاریخ‌هائی در آینده است. در نتیجه، تمامی ابزارهای دِین بدهی هستند، ولی برخی از بدهی‌ها نظیر سهام، حقوق سهامداران و مشتقات مالی دِین نیستند. با این حال، برحسب ترتیبات ویژه‌ی قانونی، نهادی یا تجربی ممکن است تعدادی تعاریف دیگر برای دِین وجود داشته باشد. بنابراین بهتر است در تمامی موارد، تعریف دِین را مطابق با ابزارهای مورد شمول آن به صراحت مشخص کرد.

۲۲-۱۰۵ عملیات دِین توسط دولت اغلب به عنوان وسیله‌ای برای ارائه‌ی کمک اقتصادی به واحدهای دیگر بکار می‌رود. اصول کلی برای هرگونه فسخ یا به‌عهده گرفتن بدهیِ یک واحد توسط واحدی دیگر که با توافق دوجانبه انجام شده باشد باید به عنوان انتقال داوطلبانه ثروت بین دو واحد در نظر گرفته شود. این به معنای این است که تراکنشِ طرف مقابلِ پذیرش مسئولیت بدهی یا فسخ ادعا یک انتقال سرمایه‌ای است.

بازتنظیم دیون

۲۲-۱۰۶ چهار نوع اصلی بازتنظیم دیون وجود دارد:

الف. بخشش دِین. کاهش در میزان تعهد یک دِین یا چشم پوشی از آن توسط بستانکار از طریق ترتیب قرارداد با بدهکار.

ب. زمان‌بندی مجدد یا تأمین مالی مجدد دِین. تغییری در شرایط و ضوابط مبلغ دِین، که ممکن است به کاهش بار شرایط ارزش فعلی منجر شود یا منجر نشود.

پ. تبدیل دِین. بستانکار ادعای دِین را در مقابل چیزی با ارزش اقتصادی، غیر از ادعای دِین دیگر، مربوط به همان بستانکار مبادله می‌کند. این مورد، معاوضه-ی دِین در برابر حقوق سهامداران و پیش پرداخت دِین را از میان ترتیبات دیگر در بر می‌گیرد.

ت. به‌عهده گرفتن مسئولیت دِین و بازپرداخت دِین از طرف دیگران هنگامی که طرف ثالثی هم درگیر است.

بخشش دیون (یا فسخ دِین)

۲۲-۱۰۷ بخشش دِین به‌صورت فسخِ داوطلبانه‌ی تمام یا قسمتی از یک تعهد بدهی در قرارداد بین بستانکار و بدهکار تعریف می‌شود. بخشش دِین که با توافقِ طرفین و به قصد منفعت رسانی انجام می‌شود با حذف دِین که بستانکار به طور یک جانبه پی می‌برد که وصول مبلغ دِین بعید است، تفاوت دارد. بخشش دِین می‌تواند شامل تمام یا قسمتی از اصل تسویه نشده، همراه با هرگونه بهره‌ی معوقه‌ی تعلق گرفته (بهره‌ای که باید در گذشته پرداخت می‌شد) و دیگر هزینه‌های بهره‌ی تعلق گرفته باشد. بخشش دِین از لغو پرداخت‌های آینده‌ی بهره که هنوز سررسید آن فرا نرسیده و تعلق نگرفته است تشکیل نمی‌شود.

۲۲-۱۰۸ بخشش دِین به عنوان یک انتقال سرمایه‌ایِ دریافت شده توسط بدهکار از بستانکار در زمان اجرای بخشش که در توافق‌نامه مشخص شده است با یک بازپرداخت بدهیِ بدهکار و یک دریافت متناظر توسط بستانکار در حساب مالی ثبت می‌شود. در ترازنامه، بدهی بدهکار و دارائی بستانکار به اندازه

دِینی که بخشوده شده است کاهش می‌یابد. ارزش‌گذاریِ میزان دِین بخشوده شده برای جریان‌ها و موجودی‌ها، غیر از وام‌هائی که برای آن‌ها ارزش اسمی بکار می‌رود، به قیمت‌های بازار است.

زمان‌بندی و تأمینِ مالیِ مجدد دیون

۲۲-۱۰۹ *زمان‌بندی مجدد (یا تأمین مالی مجدد) دِین*، توافق برای تغییرِ ضوابط و شرایط دِین برای بوجود آوردنِ شرایط مطلوب‌تری برای بدهکار است. زمان‌بندی مجدد دِین، تجدید نظر در ترتیبات همان نوع ابزار، با همان ارزشِ اصل و همان بستانکار قدیمیِ دِین است. تأمین مالی مجدد، ابزار دِین متفاوت با ارزش متفاوتی را در بر می‌گیرد و شاید بستانکار متفاوتی از بستانکار قدیمی دِین داشته باشد.

۲۲-۱۱۰ در هردوی ترتیبات فوق، ابزار دِینی که زمان‌بندی مجدد می‌شود تسویه شده تلقی می‌شود و ابزار دِین جدیدی با شرایط و ضوابط جدید جایگزین می‌شود. اگر تفاوتی در ارزش ابزار دِین تسویه شده و ارزش ابزار دِین جدید وجود داشته باشد، معمولاً نوعی بخشش دِین توسط دولت است و برای به حساب آوردن تفاوت مورد نظر یک انتقال سرمایه‌ای لازم است.

۲۲-۱۱۱ زمان‌بندی مجددِ دِین ترتیبی دوجانبه بین بدهکار و بستانکار است که تأخیر رسمی پرداخت‌های اصل و فرع دِین و اعمال سررسید جدید و معمولاً تمدید آن را بوجود می‌آورد. ضوابط جدید به طور عادی شامل یک یا چند عنصر از عناصر زیر است: تمدید دوره‌های بازپرداخت، کاهش نرخ بهره‌ی قرارداد، اضافه کردن یا گسترش مهلت شروع بازپرداخت اصل، تثبیت نرخ ارز در سطح مطلوب برای دیون به ارزهای خارجی، و زمان‌بندی مجدد پرداخت‌های معوقه در صورت وجود.

۲۲-۱۱۲ نحوه‌ی برخورد با زمان‌بندی مجدد دِین به این ترتیب است که قرارداد فعلی تسویه می‌شود و قرارداد جدیدی منعقد می‌شود. دیون قابل اعمالِ موجود، به‌صورت بازپرداخت شده ثبت می‌شود و ابزار (یا ابزارهای) جدید دِین از همان نوع و با همان بستانکار با شرایط و ضوابط جدید ایجاد می‌شود.

۲۲-۱۱۳ تراکنش در زمانی ثبت می‌شود که هردو طرف، تغییرِ شرایط را در حساب‌های خود ثبت می‌کنند، و این تراکنش به ارزش دِین جدید ارزش‌گذاری می‌شود.

۲۲-۱۱۴ تأمین مالی مجدد دِین جایگزینیِ یک ابزار یا ابزارهای موجود دِین، شامل همه‌ی معوقه‌ها، با یک ابزار یا ابزارهای جدیدِ دِین را در بر می‌گیرد. تأمین مالی مجدد می‌تواند شامل مبادله‌ی ابزارهای دِین از یک نوع (وام در مقابل وام) یا انواع مختلف ابزارهای دِین (وام در مقابل اوراق قرضه) باشد. برای نمونه، بخش عمومی ممکن است دیون اعتباری مختلفِ صادرات را به یک وام واحد تبدیل کند. همچنین می‌توان گفت که تأمین مالی مجدد دِین هنگامی رخ می‌دهد که بدهکاری اوراق قرضه خود را در مقابل اوراق قرضه‌ی جدید با پیشنهاد مبادله‌ی ارائه شده از طرف بستانکارِ آن (بجای تغییر ضوابط و شرایط آن) مبادله کند.

۲۲-۱۱۵ نحوه برخورد با تراکنش‌های تأمین مالی مجدد دِین مشابهِ زمان‌بندی مجدد دِین است به طوری که دِینِ تأمین مالی مجدد شده تسویه و با ابزار یا ابزارهای مالی جدید جایگزین می‌شود. اما، برخلاف زمان‌بندی مجدد، دِین قدیمی، بجز دیون غیرقابل فروش، به ارزش ابزار دِین جدید تسویه می‌شود. ترازنامه، تراکنش‌های تسویه‌ی ابزار دِین قدیمی و بوجود آمدن ابزار دِین جدید را همراه با هرگونه تغییر ارزش‌گذاری ثبت شده در حساب بازارزش‌گذاری منعکس می‌کند.

تبدیل دیون

۲۲-۱۱۶ *معاوضه دِین با سهام* هنگامی رخ می‌دهد که یک بستانکار موافقت می‌کند دِینی را که طلب دارد با اوراق سهام جایگزین کند. برای مثال، ممکن است دولت با یک بنگاه دولتی به توافق برسند که بنگاه بپذیرد دولت بجای اعطای یک وام، سهام خود را در بنگاه افزایش دهد. اگر تفاوتی بین ارزش ابزار دِین تسویه شده و ابزار جدید سهام وجود داشته باشد، نوعی بخشش دِین توسط دولت محسوب می‌شود و برای به حساب آوردن این تفاوت یک انتقال سرمایه‌ای لازم است.

به‌عهده گرفتن مسئولیت دِین

۲۲-۱۱۷ به‌عهده گرفتن مسئولیت دِین هنگامی رخ می‌دهد که واحدی مسئولیت بدهی‌های تسویه نشده‌ی واحد دیگر به یک بستانکار را به‌عهده بگیرد. هنگامی که دولتی مسئولیت یک دِین را به‌عهده می‌گیرد، در بسیاری از موارد تراکنشِ طرف مقابلِ بدهی جدیدِ دولت یک انتقال سرمایه‌ای به نفع بدهکار متخلف است. اما، اگر دولت ادعای قانونی مؤثری علیه واحد متخلف کسب کرده باشد و یک احتمال واقع بینانه وجود داشته باشد که ادعای مورد نظر پرداخت خواهد شد، دولت ممکن است تراکنش مقابل بدهی جدید خود را به صورت تحصیل یک دارائی مالی برابر با ارزش حال مبلغ مورد انتظار برای دریافت ثبت کند. اگر این مبلغ با بدهی به‌عهده گرفته شده برابر باشد، اقلام بیشتری مورد نیاز نیست. اگر مبلغی که انتظار می‌رود احیاء شود کمتر از بدهی به‌عهده گرفته شده باشد، دولت یک انتقال سرمایه‌ای برای تفاوت بین بدهی متقبل شده و هر دارائی تحصیل شده ثبت می‌کند. به‌طور مشابه، اگر دولتی دِینی داشته باشد که توسط دولت دیگری به‌عهده گرفته شده باشد، در این صورت یک انتقال سرمایه‌ای دریافتنی، یک دِین جدید به واحد به‌عهده گیرنده‌ی دِین، یا ترکیبی از این دو را ثبت می‌کند.

۲۲-۱۱۸ به‌عهده گرفتن مسئولیت بدهی غالباً هنگامی رخ می‌دهد که دولتی بدهیِ واحد دیگری را ضمانت می‌کند و درخواست پرداخت ضمانت می‌شود (یا فعال می‌شود). نحوه برخورد با خودِ ضمانت در زیر شرح داده شده است.

۲۲-۱۱۹ *پرداخت‌های دِین از طرف دیگران* با به‌عهده گرفتن مسئولیت دِین مشابه است، ولی واحدی که پرداخت‌ها را انجام می‌دهد کل دِین را به‌عهده نمی‌گیرد. تراکنش‌های ثبت شده با تراکنش‌هائی که در زیرِ عنوان بخشش دِین شرح داده شد مشابه است.

سایر موارد مربوط به بازتنظیم دِین

۲۲-۱۲۰ *حذف دیون* به کاستن یک جانبه‌ی مبلغ مدیون به یک بستانکار توسط او اطلاق می‌شود که معمولاً هنگامی رخ می‌دهد که بستانکار به این نتیجه می‌رسد که به دلیل این که قسمتی از یک دِین یا تمامی آن پرداخت نخواهد شد، تعهد دِین ارزشی ندارد یا از ارزش آن کاسته شده است. غالباً بدهکار ورشکست شده یا پنهان می‌شود. برای ثبت دِینِ حذف شده، از تغییر در حجم دارائی‌ها استفاده می‌شود. برخلاف موارد به‌عهده گرفتن مسئولیت دِین و بخشش دین، در اینجا هیچ انتقال سرمایه‌ای ثبت نمی‌شود و بنابراین تأثیری روی خالص وام‌دهی یا وام‌گیری دولت ندارد.

۲۲-۱۲۱ *دِیون معوقه* هنگامی رخ می‌دهد که بدهکاری بهره یا اصلِ دِین را پرداخت نمی‌کند. ابزار دِین طبیعتاً تغییر نخواهد کرد، بلکه آگاهی از میزان دیون معوقه اطلاعات مهمی را فراهم می‌کند. بنابراین، هنگامی که امکان‌پذیر و مهم باشد، هر مقوله از دِین باید به ابزارهای معوقه و ابزارهای غیرمعوقه تقسیم شوند.

۲۲-۱۲۲ *بدهی‌زدائی*، این امکان را به یک بدهکار (که دیون او به طور کلی به‌شکل اوراق بدهی و وام هستند) می‌دهد که بعضی بدهی‌ها را با همتا سازیِ دارائی‌های جبران ناپذیر که ارزشی برابر با آن بدهی‌ها دارند، از ترازنامه حذف کند. بدهی‌زدائی ممکن است یا با جایگزین کردن یک جفت بدهی و دارائی در یک حساب امانی در درون واحد نهادی مربوطه یا با انتقال یک جفت دارائی و بدهی به واحد نهادی دیگر انجام شود. در حالت اول، تراکنشی در رابطه با بدهی‌زدائی وجود ندارد و دارائی‌ها و بدهی‌ها نباید از ترازنامه واحد مورد نظر خارج شوند. در حالت دوم، دارائی‌ها و بدهی‌های مورد بحث به ترازنامه‌ی واحد دوم، در صورتی که این واحد در SNA به عنوان یک واحد نهادی شناخته شود، منتقل می‌شوند. اغلب واحدی که در آن دارائی‌ها و بدهی‌های جفت شده منتقل می‌شوند یک SPE است. شرایطی که SPE به عنوان یک واحد نهادی شناخته می‌شود در پاراگراف‌های ۴-۵۵ الی۴-۶۷ توضیح داده شده است. اگر SPE کاملاً غیرفعال باشد به عنوان یک واحد نهادی در نظر گرفته نمی‌شود و دارائی‌ها و بدهی‌های مربوطه به خارج از ترازنامه منتقل نمی‌شوند.

۲۲-۱۲۳ *دِین ایجاد شده در شرایط ارفاقی*. تعریف دقیقی از وام‌های ارفاقی وجود ندارد، ولی به طورکلی پذیرفته شده است که

آن‌ها هنگامی رخ می‌دهند که واحدی به واحد دیگری وام می‌دهد و نرخ بهره به طور قراردادی عمداً پائین‌تر از نرخ بهره‌ی بازار تعیین می‌شود. میزان ارفاق می‌تواند با مهلت شروع بازپرداخت وام، فراوانی پرداخت‌ها و زمان سررسید به نفع بدهکار گسترش یابد. از آنجا که شرایط وام ارفاقی برای بدهکار مطلوب‌تر از شرایطی است که بازار می‌توانست برای او فراهم کند، وام‌های ارفاقی عمدتاً یک نوع انتقالات از طلبکار به بدهکار است.

۲۲–۱۲۴ وام‌های با نرخ بهره‌ی ارفاقی به یک دولت خارجی می‌تواند به صورت انتقالات جاری برابر با تفاوت بین بهره واقعی و بهره معادل بازار در نظر گرفته شود. اگر این (تفاوت، مترجم) انتقالات شناخته می‌شد، معمولاً باید به عنوان همکاری‌های جاری بین‌المللی ثبت می‌شد، و بهره‌ی ثبت شده به همان میزان تعدیل می‌شد. اما، با وجود این‌که جایگزین‌های مختلف پیشرفت کرده‌اند، ابزارهای وارد کردن اثرات مورد نظر در چارچوب SNA و حساب‌های بین‌المللی به طور کامل گسترش نیافته‌اند. در نتیجه، تا زمانی که برای نحوه‌ی برخورد مناسبی با دِینِ ارفاقی به توافق برسند، اطلاعات مربوط به دِین ارفاقی باید در جدول‌های تکمیلی ارائه شوند.

۲۲–۱۲۵ جزئیات بیشتر در باره‌ی ثبت عملیات دِینِ امتیازی را در *GFSM2001*، *دستنامه مربوط به دیون و کسری دولت، راهنمای دیون خارجی و پیوست ۲* در *BPM6* می‌توان یافت.

ضمانت‌های دولت

۲۲–۱۲۶ در SNA، سه نوع ضمانت به رسمیت شناخته شده است، ضمانت‌های استاندارد، ضمانت‌هائی که با تعریف مشتقات مالی همخوانی دارد و ضمانت‌های موردی. ثبت ضمانت‌های استاندارد (برای دولت و واحدهای دیگرِ ارائه دهنده‌ی این نوع ضمانت‌ها) در قسمت ۳ فصل ۱۷ شرح داده شده است.

۲۲–۱۲۷ ضمانت‌هائی که با تعریف مشتقات مالی همخوانی دارند ضمانت‌هائی هستند که به طور فعال در بازارهای مالی معامله می‌شوند، نظیر سواپ‌های عدم پرداخت اعتباری دِین. مشتقات مبتنی بر ریسک عدم پرداخت، یک ابزار مرجع است و بنابراین در حقیقت به یک وام یا اوراق قرضه منفرد مرتبط نیست. آن‌ها در خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری دولت تأثیر ندارد.

۲۲–۱۲۸ ضمانت‌های موردی جائی وجود دارند که شرایط وام یا اوراق بهادار بقدری خاص است که محاسبه‌ی میزان ریسکِ مربوط به وام با هر درجه‌ای از دقت امکان‌پذیر نیست. در بسیاری از موارد، اعطای یک ضمانتِ موردی احتمال (بدهی احتمالی یا احتیاطی، مترجم) در نظر گرفته می‌شود و برای ضمانت کننده به عنوان بدهی ثبت نمی‌شود. پرداخت‌های مربوط به یک ضمانت موردی هنگامی ثبت می‌شوند که برای پرداختِ ضمانت درخواست انجام شده باشد یا هنگامی که این واقعیت که چنین درخواستی انجام خواهد شد بخوبی جا افتاده باشد. به عنوان یک استثناء، ضمانت‌های موردیِ اعطا شده توسط دولت به شرکت‌ها در برخی شرایط خاصِ بحران‌های مالی، با احتمال بسیار بالا برای درخواست پرداخت، طوری عمل می‌شوند که گوئی این ضمانت‌ها در آغاز مطالبه شده است. یک مورد خاص در اینجا نجات مالی توسط دولت است که در زیر مورد بحث قرار گرفته است.

۲۲–۱۲۹ فعال‌سازی یک ضمانتِ موردی به همان شیوه‌ی به‌عهده گرفتن مسئولیت یک دِین عمل می‌شود. دِین اولیه تسویه می‌شود و یک دِین جدید بین ضمانت کننده و بستانکار ایجاد می‌شود. در بسیاری از موارد، فرض می‌شود که ضمانت کننده یک انتقال سرمایه‌ای به بدهکار اولیه انجام داده است، مگر این که ضمانت کننده یک ادعای مؤثر بر علیه بستانکار بدست آورده باشد، که در آن حالت به رسمیت شناختن یک دارائی مالی (یک بدهی بدهکار) وجود خواهد داشت.

۲۲–۱۳۰ فعال‌سازی یک ضمانت ممکن است نیاز به بازپرداخت یکباره‌ی دِین باشد یا نیاز به این نباشد. رعایت اصل تعهدی برای زمان ثبت، مستلزم این است که کل مبلغ دِینِ به‌عهده گرفته شده در زمان فعال‌سازی ضمانت و نیز به‌عهده گرفتن مسئولیت دِین ثبت شود. بازپرداخت‌های اصل توسط ضمانت کننده (بدهکار جدید) و بهره‌های تعلق گرفته بر دِینِ به‌عهده گرفته شده زمانی که این جریان‌ها رخ دهند ثبت می‌شوند.

تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار

۲۲-۱۳۱ تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار زمانی رخ می‌دهد که واحدی، که پدید آورنده نامیده می‌شود، حق مالکیت بر دارائی‌های مالی یا غیرمالی یا حق دریافت جریان‌های خاصی در آینده را به واحد دیگری، که واحد تبدیل کننده‌ی دارائی‌های مالی به اوراق بهادار نامیده می‌شود، منتقل می‌کند. در عوض، واحد تبدیل کننده‌ی دارائی‌های مالی به اوراق بهادار از محل منابع مالی خود مبلغی را به پدید آورنده می‌پردازد. واحد تبدیل کننده اغلب یک SPE است. واحد تبدیل کننده، منابع مالی متعلق به خود را با انتشار اوراق بهادار با استفاده از دارائی‌ها یا حق دریافت جریان‌های آینده‌ی منتقل شده از پدید آورنده به صورت وثیقه بدست می‌آورد. واحدهای دولتی از این منبعِ تأمین مالی استفاده گسترده‌ای به عمل می‌آورند.

۲۲-۱۳۲ نخستین موردِ مربوط به دولت که باید در نظر گرفته شود، هنگامی است که تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار شامل فروش (یا انتقال) یک دارائی باشد. (در SNA، جریان دریافت‌های آینده مالیات به عنوان دارائی دولت که بتواند برای تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار استفاده شود به رسمیت شناخته نشده است). برای ثبت صحیح تراکنش مورد نظر، سؤال کلیدی این است که آیا انتقال دارائی به صورت فروش دارائی موجود به واحد تبدیل کننده دارائی‌های مالی است یا راهی برای قرض کردنِ استفاده‌ی جریان‌های درآمد آینده به عنوان وثیقه است. برای این که دارائی به عنوان فروش تلقی شود، باید قبلاً در ترازنامه‌ی دولت نشان داده شده باشد و باید تغییر کامل مالکیت به واحد تبدیل کننده دارائی‌های مالی به اوراق بهادار که گواه آن انتقال ریسک‌ها و پاداش‌های مرتبط با دارائی است صورت گرفته باشد. عوامل زیر نیز باید مد نظر قرار گیرند:

الف. برای این که به عنوان فروش ثبت شود، قیمت خرید باید با قیمت جاری بازار برابر باشد.

ب. اگر دولت، به عنوان پدید آورنده، بازپرداختِ هر دِینِ مربوط به دارائی تعلق گرفته توسط واحد تبدیل کننده‌ی دارائی‌های مالی به اوراق بهادار را ضمانت کند، بعید است که تمامی ریسک‌های همراه با دارائی منتقل شده باشند.

۲۲-۱۳۳ موردِ دوم مربوط به دولت، تبدیل جریان درآمدهای آینده به اوراق بهادار است. در SNA، جریان درآمدهای آینده به عنوان دارائی شناخته نمی‌شوند. در بسیاری از این موارد، این حقِ بر درآمد نیست که به عنوان وثیقه استفاده می‌شود، بلکه الزام دولت برای استفاده از میزان کافیِ درآمد آینده برای بازپرداخت کامل قرض است. اگر درآمد بیشتری نسبت به آنچه که برای بازپرداخت قرض لازم است بدست آید، مازاد آن برای دولت باقی می‌ماند. از آنجا که دریافت درآمدهای آینده قطعی نیست، "حق" بر درآمد بسیار بیشتری از آنچه که برای بازپرداخت قرض واحد تبدیل کننده‌ی دارائی‌های مالی به اوراق بهادار لازم است معمولاً به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. مبلغ دریافت شده توسط دولت، به عنوان پدید آورنده، قرض تلقی می‌شود که معمولاً به شکل وام است.

به عهده گرفتن مسئولیت بدهی‌های بازنشستگی توسط دولت

۲۲-۱۳۴ در مواردی، ممکن است بین یک واحد دولتی و واحد دیگری، معمولاً یک شرکت دولتی، تراکنش‌های بزرگِ موردی رخ دهد که به اصلاح بازنشستگی یا به خصوصی سازی شرکت‌های دولتی مرتبط باشد. هدف این امر شاید رقابتی کردن و از نظر مالی جذاب‌تر کردن یک شرکت دولتی با از بین بردن بدهی‌های موجود بازنشستگی از ترازنامه شرکت دولتی باشد. این هدف از طریق به‌عهده گرفتن مسئولیت بدهی مورد بحث به ازای پرداخت نقدی با ارزش برابر حاصل می‌شود. اگر پرداخت نقدی دارای ارزش برابر با بدهی تقبل شده نباشد، یک انتقال سرمایه‌ای برای تفاوت موجود ثبت می‌شود.

۴. روابط دولت با شرکت‌ها

عایدات ناشی از سرمایه‌گذاری سهام

۲۲-۱۳۵ یک واحد دولتی با هر شرکت یا شبه شرکت دولتیِ تحت

کنترل دولت رابطه‌ی نزدیکی دارد. علیرغم این رابطه‌ی نزدیک، جریان‌های مربوط به سرمایه‌گذاریِ سهام بین واحد دولتی و شرکتِ تحت کنترل دولت به همان شیوه‌ی جریان‌های بین شرکت‌های دیگر با صاحبان آن‌ها عمل می‌شوند. سرمایه‌گذاری سهام، اقدام کارگزاران اقتصادی است که طی آن منابع مالی در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهند. مبالغ سرمایه‌گذاری شده که سرمایه‌ی سهام گفته می‌شود قسمتی از منابع مالیِ متعلق به شرکت‌ها است و شرکت‌ها در نحوه‌ی استفاده از آن به میزان زیادی آزادی عمل دارند. در مقابل، مالکین سهام یا شکل دیگری از اوراق سهام دریافت می‌کنند. این دارائی‌های مالی نشان دهنده‌ی حقوق مالکیت بر شرکت‌ها و شبه شرکت‌ها است و دارندگان آن را در موارد زیر محق می‌سازد:

الف. سهمی از هر نوع سود تقسیم شده‌ی پرداختی (یا برداشت درآمد از شبه شرکت‌ها) به اختیار شرکت ولی نه به درآمد ثابت و از پیش تعیین شده، و

ب. سهمی در دارائی‌های خالص شرکت هنگام انحلال.

سود تقسیم شده در برابر برداشت حقوق سهامداران

۲۲-۱۳۶ این امر مهم است که برگشت سرمایه‌گذاریِ سهام به صاحبان آن توسط شرکت، از پرداخت درآمد به شکل سود تقسیم شده متمایز شود. تنها توزیع منظم درآمدِ کارآفرینی خواه به صورت سود تقسیم شده خواه به صورت برداشت درآمد از شبه شرکت‌ها به عنوان درآمد دارائی ثبت می‌شود. پرداخت‌های بزرگ و نامنظم، برمبنای ذخائر انباشته یا فروش دارائی‌ها به عنوان برداشت حقوق سهامداران ثبت می‌شود.

واگذاری دارائی‌ها

۲۲-۱۳۷ فروش دارائی‌های غیرمالیِ متعلق به شرکت‌های دولتی، نظیر بناها و زمین، بخودیِ خود تشکیل خصوصی سازی نمی‌دهد و این فروش‌ها به عنوان واگذاریِ دارائی‌های ثابت یا سایر دارائی‌های غیرمالی در حساب سرمایه‌ی بخش شرکت‌ها ثبت می‌شوند. اما، اگر شرکت دولتی دارائی‌ها را بفروشد و سپس عایدات آن را به دولت تسلیم کند، به عنوان برداشت حقوق سهامداران دولت از شرکت ثبت می‌شود. اگر شرکت دولتی یک دارائی مالی را واگذار کند و عایدات آن را به دولت تسلیم کند این قلم نیز به عنوان برداشت حقوق سهامداران ثبت می‌شود.

اکتساب (تحصیل) حقوق سهامداران، انتقالات سرمایه‌ای و یارانه‌ها

۲۲-۱۳۸ یارانه‌ها انتقالات جاری هستند که معمولاً به طور منظم توسط دولت به شرکت‌ها پرداخت می‌شوند و به این منظور طراحی می‌شوند که بر میزان تولید آن‌ها، قیمت‌هائی که ستانده‌ی آن‌ها فروخته می‌شوند یا جبران خدمات شرکت‌ها تأثیر بگذارند. پرداخت‌های بزرگ و نامنظم به شرکت‌های دولتی (اغلب در رسانه‌ها "تزریق سرمایه" نامیده می‌شود) یارانه به حساب نمی‌آیند. این پرداخت‌ها یا به عنوان انتقال سرمایه‌ای یا اکتساب حقوق سهامداران تلقی می‌شوند:

الف. پرداخت برای پوشش زیان‌های انباشته‌ی ناشی از اهداف سیاستی دولت باید به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ثبت شود.

ب. پرداخت انجام شده در زمینه تجاری یا رقابتی می‌تواند به عنوان اکتساب حقوق سهامداران تلقی شود. این شیوه باید به مواردی محدود شود که دولت شبیه یک سهامدار خصوصی عمل می‌کند که در آن انتظار معتبری از برگشت نقدی به شکل درآمد دارائی آینده دارد. در این حالت، شرکت احتمالاً سهام جدیدی برای دولت منتشر می‌کند و به میزان زیادی از آزادی برای استفاده از منابع مالی فراهم شده برخوردار خواهد بود.

در نظر گرفتن پرداخت‌ها به عنوان اکتساب حقوق سهامداران بستگی به شواهدی برای سودآوری شرکت و توانائی او برای پرداخت سود تقسیم شده در آینده دارد.

خصوصی سازی

۲۲-۱۳۹ خصوصی سازی معمولاً این‌طور فهمیده می‌شود که عبارت از

فروش سهام یا دیگر حقوق سهامدارانِ در اختیار دولت در یک شرکت دولتی به واحدهای دیگر است. این واحدهای دیگر اغلب خارج از بخش عمومی هستند ولی ضرورتی ندارد حتماً چنین باشد؛ برای مثال، یک شرکت دولتی ممکن است سهام واحدی را که بتازگی از دولت جدا شده است بخرد. این فروش‌ها کاملاً تراکنش‌های مالی هستند که در SNA در حساب مالی ثبت می‌شوند. دارائی‌های متعلق به شرکت دولتی همچنان متعلق به شرکت باقی خواهند ماند؛ مالکیت خودِ شرکت که با مالکیت حقوق سهامداران در آن نشان داده می‌شود دست به دست می‌شود. در نتیجه ادعای دولت بر شرکت دولتی کاهش می‌یابد زیرا دولت سهام یا حقوق سهامداران در شرکت دولتی را با وجه نقد یا دارائی‌های مالی دیگر مبادله می‌کند. هزینه هر گونه خدمات مالی که دولت باید خریداری کند تا به فروش دست یابد به عنوان یک هزینه عملیاتی تلقی می‌شود که طبق SNA باید به عنوان مصرف واسطه‌ی دولت ثبت شود.

۲۲–۱۴۰ خصوصی سازی ممکن است با ترتیبات نهادی پیچیده‌تری سازماندهی شود. به عنوان نمونه، بعضی یا تمام دارائی‌های مالی یک شرکت دولتی از طریق یک شرکت هلدینگ عمومیِ تحت کنترل دولت، یا کارگزار عمومی دیگرِ تحت کنترل دولت، فروخته شود و تمام یا قسمتی از عایدات آن به دولت پرداخت شود. در این‌گونه موارد، شرکت دولتی واگذاریِ دارائی‌های غیرمالی را در حساب سرمایه ثبت خواهد کرد، ضمن این که پرداخت عایدات حاصل از فروش به دولت به عنوان برداشت حقوق سهامداران ثبت خواهند شد.

۲۲–۱۴۱ موردی که خصوصی سازی از طریق یک کارگزار تجدید ساختارها ترتیب داده می‌شود در پاراگراف‌های ۲۲–۴۷ الی ۲۲–۵۰ مورد بحث قرار گرفته است.

ملی سازی

۲۲–۱۴۲ ملی سازی فرآیندی است که بموجب آن دولت کنترلِ دارائی‌های مشخصی از یک شرکت یا کل یک شرکت را معمولاً با تحصیل اکثریت یا تمامی سهام آن به‌عهده می‌گیرد. ثبت جریان‌ها برحسب شیوه‌ی کنترل دولت متفاوت است.

الف. *تصاحب یا تصرف:* تغییر مالکیت دارائی‌ها حاصلِ انجام تراکنشی براساس توافق دوجانبه نیست. به صاحبان آن پرداختی وجود ندارد (یا بهای آن با ارزش عادلانه دارائی‌ها جبران نمی‌شود). تفاوت بین ارزش بازار دارائی‌های تحصیل شده و هرگونه جبرانی که صورت می‌گیرد به عنوان مصادره‌ی بلاعوض در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شود.

ب. *خرید سهام:* دولت تمام یا بخشی از سهام یک شرکت را به قیمت بازار یا بسیار نزدیک به آن خریداری می‌کند. معمولاً یک چارچوب قانونی برای این تراکنش وجود دارد تا توافق دوجانبه در این اقدام را تضمین کند، حتی اگر مالک قبلی آن انتخاب کمی برای پذیرفتن پیشنهاد خرید داشته باشد، یا برای قیمت چانه زنی کند. خرید سهام یک تراکنش مالی است که در حساب مالی ثبت می‌شود.

نجات مالی

۲۲–۱۴۳ نجات مالی اصطلاحی است که به معنی نجات از بحران مالی استفاده می‌شود. این واژه اغلب هنگامی بکار می‌رود که یک واحد دولتی، یا یک کمک مالیِ کوتاه مدت را برای شرکتی فراهم می‌کند تا کمک کند شرکت از یک دوره مشکلات مالی نجات یابد، یا منابع مالی دائمی‌تری را برای کمک به تغییرِ ترکیب سرمایه‌گذاری شرکت تزریق می‌کند. نجات مالی ممکن است در حقیقت روش دیگری برای ملی سازی باشد اگر دولت کنترل شرکتی را که از بحران مالی نجات می‌دهد بدست آورد. نجات مالیِ نهادهای مالی به طور خاصی قابل توجه است. نجات مالی به احتمال زیاد جزء تراکنش‌های بسیار نادری است که برای یکبار انجام می‌شود و مبالغ بسیار بزرگی را در بر می‌گیرد بنابراین شناسائی آن آسان است.

۲۲-۱۴۴ مداخله‌ی دولت ممکن است به اشکال مختلف باشد. برای نمونه:

الف. دولت ممکن است از طریق فروش سهام با شرایط مطلوب و استثنائی، تأمین مالی کند.

ب. دولت ممکن است دارائی‌هائی را به قیمت‌هائی بیشتر از ارزش واقعی بازار از بنگاهی که قرار است حمایت شود خریداری کند.

پ. دولت ممکن است برای تأمین مالی یا مدیریت فروش دارائی‌ها یا بدهی‌های بنگاهی که قرار است حمایت شود، یک هستار دارای هدف ویژه یا هستار دولتی دیگری از این نوع ایجاد کند.

۲۲-۱۴۵ در بسیاری از این موارد، کمکِ ارائه شده توسط دولت به واحدی که از بحران مالی رنج می‌برد به عنوان انتقال سرمایه‌ای ثبت می‌شود. در تعیین اندازه‌ی انتقالات سرمایه‌ای، لازم است نکات زیر در نظر گرفته شود:

الف. اگر دولت دارائی‌ها را از بنگاهی که قرار است به آن کمک کند بخرد، مبلغ پرداخت شده به طور عادی بیشتر از قیمت واقعی بازارِ دارائی‌ها خواهد بود. خرید دارائی‌ها غیر از وام باید به قیمت واقعی بازار ثبت شود و باید برای تفاوت بین قیمت بازار و کل مبلغ پرداخت شده یک انتقال سرمایه‌ای ثبت شود.

ب. دولت‌ها اغلب در زمانِ نجات مالی، وام‌هائی را از نهادهای مالی خریداری می‌کنند. غیر از مواردی که وام معامله‌پذیر است و با قیمت غالب ایجاد شده در بازار معامله می‌شود، در SNA این وام‌ها همیشه به ارزش اسمی ثبت می‌شوند. تنها اگر بازاری برای وام‌ها ایجاد شده باشد و وام‌ها به طور منظم در آنجا معامله شوند آن‌ها به عنوان اوراق بهادار بازطبقه‌بندی می‌شوند و به ارزش بازار ثبت می‌شوند.

پ. هنگامی که دولتی وامی را به ارزش اسمی خریداری می‌کند اگر ارزش عادلانه بسیار کمتر باشد، برای این تفاوتِ ارزش انتقال سرمایه‌ای ثبت نمی‌شود. اما، اگر اطلاعات قابل اعتمادی وجود داشته باشد که برخی وام‌ها غیرقابل وصول هستند، ارزش آن‌ها به عنوان سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها در ترازنامه‌ی شرکت تا صفر کاهش داده می‌شود و یک انتقال سرمایه‌ای باید از دولت به شرکت برای ارزش اسمی قبلی آن‌ها ثبت شود. اگر احتمال می‌رود که قسمتی از وام در آینده قابل وصول باشد، وام‌ها (به ارزش صفر آن‌ها) در زمانی که انتقال سرمایه‌ای ثبت می‌شود از ترازنامه‌ی شرکت به ترازنامه‌ی دولت بازطبقه‌بندی می‌شوند. اگر ارزش وام‌ها بعداً افزایش یابد، این به عنوان یک قلم بازارزش‌گذاری در ترازنامه‌ی دولت ثبت می‌شود.

ت. به عنوان قسمتی از نجات مالی، دولت ممکن است گستره ضمانت‌هائی را که پیشنهاد می‌کند افزایش دهد. این ضمانت‌ها باید آن‌طور که در بالا در پاراگراف‌های ۲۲-۱۲۶ الی ۲۲-۱۳۰ توضیح داده شده برحسب این که یک ضمانت موردی باشد یا قسمتی از یک طرح ضمانت استاندارد، ثبت شود.

۲۲-۱۴۶ اگر یک واحد نهادی عمومی توسط دولت فقط برای این منظور ایجاد شود که فقط مسئولیت مدیریت نجات مالی را به‌عهده بگیرد، این واحد باید در بخش دولت طبقه بندی شود. اگر واحد جدید کارکردهای دیگری دارد و نجات مالی وظیفه موقتی آن است، طبقه بندی آن به عنوان یک واحد دولتی یا یک شرکت دولتی با پیروی از قاعده کلی که در بخش بالا در مورد کارگزاران تجدید ساختار شرح داده شد انجام می‌شود. واحدهائی که دارائی‌های مالی را با هدف فروش آن‌ها به صورت منظم از شرکت‌های دارای بحران مالی می‌خرند نمی‌توانند واسطه‌گری مالی در نظر گرفته شوند. اگر واحدی توسط دولت برای این وظیفه خاص ایجاد شده باشد، این واحد در بخش دولت طبقه بندی می‌شود.

تجدید ساختار، ادغام و بازطبقه بندی

۲۲-۱۴۷ هنگامی که یک شرکت دولتی تجدید ساختار (نوسازی)

می‌شود، ممکن است دارائی‌های مالی و بدهی‌هائی که روابط جدید مالی را منعکس می‌کنند پدید آیند یا از بین بروند. مثالی از تجدید ساختار هنگامی است که یک شرکت به دو یا چند واحد نهادی تجزیه می‌شود و دارائی‌های مالی و بدهی‌های جدیدی بوجود می‌آید.

۲۲–۱۴۸ از سوی دیگر، خرید سهام و دیگر حقوق سهامدارانِ یک شرکت به عنوان قسمتی از عمل ادغام، باید به عنوان یک تراکنش مالی بین شرکت خریدار و مالک قبلی ثبت شود.

۲۲–۱۴۹ هر تغییری در طبقه‌بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها که مربوط به تجدید ساختار یا تغییرات در طبقه بندی بخش‌ها نباشد به عنوان تغییری در طبقه‌بندی دارائی‌ها یا بدهی‌ها در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شود.

تراکنش با بانک مرکزی

۲۲–۱۵۰ بهتر است این قسمت از مطلب با یادآوریِ تعریف بانک مرکزی و توضیحات مربوط به آن از فصل ۴ شروع شود. بانک مرکزی نهاد مالی ملی است که بر جنبه‌های کلیدی سیستم مالی کنترل دارد. به طور کلی، نهادهای مالی زیر در این زیربخش طبقه بندی می‌شوند:

الف. بانک مرکزی ملی، که قسمتی از سیستم بانک‌های مرکزی است؛ و

ب. شورای عالی پول یا مقامات پولی مستقل که پول رایج ملی را که دارای پشتوانه‌ی کامل ذخائر ارزهای خارجی است منتشر می‌کنند.

پ. کارگزارانِ پولی مرکزی با منشاء اصلی دولتی (برای مثال، کارگزارانی که ارز خارجی را مدیریت می‌کنند یا اسکناس‌ها و سکه‌های بانکی را منتشر می‌کنند) که مجموعه کامل حساب‌ها را نگهداری می‌کنند ولی به عنوان قسمتی از دولت مرکزی طبقه بندی نمی‌شوند. مقاماتِ نظارتی که واحدهای نهادی جداگانه‌ای هستند با بانک مرکزی طبقه بندی نمی‌شوند بلکه با فعالیت‌های جنبی مالی طبقه بندی می‌شوند.

تا زمانی که بانک مرکزی یک واحد نهادی جداگانه است، همیشه به بخش شرکت‌های مالی تخصیص داده می‌شود حتی اگر عمدتاً یک تولیدکننده غیربازاری باشد.

۲۲–۱۵۱ با وجود این که بانک مرکزی می‌تواند از نظر قانونی از دولت مستقل باشد، طبق قانونِ تأسیسِ آن وظیفه‌ی اجرای سیاست‌های دولت را به‌عهده دارد. بانک مرکزی همیشه طوری تلقی می‌شود که توسط دولت کنترل می‌شود و در بخش شرکت‌های مالی به عنوان یک شرکت دولتی منظور می‌شود. این تنها موردِ استثنای این قاعده است که واحدی با ستانده‌ی عمدتاً غیربازاری به عنوان یک شرکت طبقه بندی نمی‌شود.

۲۲–۱۵۲ دو نوع پرداختِ بانک مرکزی به دولت مستلزم طبقه بندی است:

الف. پرداخت‌هائی که به طور منظم، معمولاً به شکل سود تقسیم شده، ناشی از فعالیتِ جاریِ بانک مرکزی (نظیر مدیریت ذخائر ارزهای خارجی) انجام می‌شود. این پرداخت‌ها تا زمانی که به طور غیرمعمول بالاتر از حاصل جمع خالص بهره و خالص کمیسیون‌های دریافتنی توسط بانک نباشد، به عنوان سود تقسیم شده ثبت می‌شود. مبالغ مازاد بر این حاصل جمع، به عنوان برداشت از حقوق سهامداران ثبت می‌شوند.

ب. پرداخت‌های استثنائی در پیِ فروش‌ها یا بازارزش‌گذاری دارائی‌های ذخیره. این پرداخت‌ها باید به عنوان برداشت از حقوق سهامداران ثبت شوند. منطق آن این است که این دارائی‌ها به عنوان دارائی اقتصادی ملت، نه دارائیِ خودِ بانک، مدیریت می‌شوند. ارزش آن‌ها بر بدهی سهامِ بانک مرکزی و دارائی‌های سهام دولت تأثیر می‌گذارد. منفعت ناشی از نگه‌داشتن مربوط به دارائی‌های ذخیره (دارائی‌های

بانک مرکزی) طرف مقابلی در بدهی سهام بانک مرکزی و دارائی‌های سهام دولت مرکزی دارد.

۲۲–۱۵۳ اندازه‌گیری ستانده‌ی بانک مرکزی در پاراگراف‌های ۶–۱۵۱ الی ۶–۱۵۶ شرح داده شده است. بانک مرکزی می‌تواند به عنوان قسمتی از سیاست‌های دولت، بهره‌ی سپرده‌ها را به طور ساختگی با نرخ‌های بالا یا پائین پرداخت کند. نحوه عمل پرداخت‌های بهره در این حالت در پاراگراف‌های ۷–۱۲۲ الی ۷–۱۲۶ توضیح داده شده است.

مشارکت عمومی خصوصی (PPP)

۲۲–۱۵۴ مشارکت‌های عمومی خصوصی قراردادهای بلند مدت بین دو واحد هستند که بموجب آن یکی از واحدها یک دارائی یا مجموعه‌ای از دارائی‌ها را تحصیل می‌کند یا می‌سازد، طیِ دوره‌ی مورد نظر بکار می‌اندازد و سپس بدست واحد دوم می‌سپارد. این نوع ترتیبات معمولاً بین یک بنگاه خصوصی و دولت است ولی ترکیب‌های دیگری نیز، با یک شرکت دولتی در هرکدام از طرف‌ها یا یک NPI خصوصی در طرف دوم، امکان پذیر است. این طرح‌ها با عناوین گوناگون نظیر مشارکت‌های عمومی خصوصی (PPP)ها، طرح‌های تأمین مالی خصوصی (PFI)ها، طرح‌های احداث، تملک، بهره برداری، انتقال (BOOT)ها و غیره نامیده می‌شوند. اصول اساسی تمام این‌ها یکسان است و در SNA به یک شیوه عمل می‌شوند.

۲۲–۱۵۵ دولت‌ها به دلایل مختلف در PPPها درگیر می‌شوند، از جمله به امید این که مدیریت خصوصی به کارائی بیشتری در تولید منجر شود و به امید این که به طیف گسترده‌تری از منابع مالی بتواند دسترسی پیدا کند. در طول دوره‌ی قرارداد، پیمانکارِ PPP مالکیت اقتصادی را دارد. هنگامی که دوره‌ی قرارداد سر رسید، دولت مالکیت اقتصادی و مالکیت قانونی، هردو را خواهد داشت. تعیین این موضوع که مالک قانونیِ دارائی در دوره‌ی قرارداد با کدام واحد است و هنگامی که مالکیت اقتصادیِ دارائی تغییر می‌یابد تراکنش‌های ضمنی چگونه باید ثبت شوند امر آسانی نیست. ممکن است توافقی از پیش درباره‌ی تعیین زمان انتقال مالکیت اقتصادی دارائی‌ها در نقطه‌ای از طول عمر خدمت دارائی‌ها وجود داشته باشد، تحت شرایط توافق شده‌ای که قیمت‌های بازارِ دارائی‌ها را منعکس نمی‌کنند. در نتیجه، ممکن است لازم باشد برخی تراکنش‌های واقعی افراز شوند تا ویژگی واقعی اقتصادی آن‌ها آشکار شود.

۲۲–۱۵۶ PPPها بسیار متنوع هستند. شرح کلیِ رایج‌ترین چیدمان آن‌ها به شرح زیر است. یک بنگاه خصوصی توافق می‌کند که مجموعه‌ای از دارائی‌های ثابت را تحصیل کند و سپس آن دارائی‌ها را با هم و با نهاده‌های دیگر تولید بکار بگیرد تا خدماتی را تولید کند. این خدمات ممکن است به دولت ارائه شود، خواه برای استفاده به عنوان نهاده‌ای برای تولید خودش (مانند خدمات نگه‌داری وسایل نقلیه موتوری) خواه برای توزیع به عموم به طور رایگان (مانند خدمات آموزشی)، که در حالت دوم، دولت در طول دوره‌ی قرارداد پرداخت‌های دوره‌ای انجام می‌دهد. بنگاه خصوصی انتظار دارد با آن پرداخت‌ها هزینه‌ها را جبران کند و عایدی کافی نیز از برگشت سرمایه روی سرمایه‌گذاری خود داشته باشد. در روش دیگر، بنگاه خصوصی ممکن است خدمات مورد نظر را با قیمت کنترل شده توسط دولت به عموم بفروشد ولی قیمتی که در حدی تعیین شود که بنگاه خصوصی انتظار دارد هزینه‌های تولید و عایدی کافی از برگشت سرمایه‌گذاریش را جبران کند. در پایان دوره‌ی قرارداد، دولت ممکن است مالکیت اقتصادی و قانونی دارائی‌ها را، احتمالاً بدون پرداخت، بدست آورد. با در نظر گرفتن وضع دارائی‌ها در انتهای دوره‌ی قرارداد، راه‌اندازی و نگه‌داری دارائی‌ها در طول دوره‌ی قرارداد، قیمت، کیفیت و میزان خدمات تولید شده و غیره تنوع بسیار زیادی می‌تواند در قراردادهای PPP وجود داشته باشد.

۲۲–۱۵۷ بنگاه خصوصی مسئول تحصیل دارائی‌های ثابت است، هرچند که تحصیل دارائی‌ها اغلب به کمک حمایت دولت انجام می‌شود. اما، ممکن است قرارداد ایجاب کند که دارائی‌ها مطابق با طرح، کیفیت و ظرفیت تعیین شده توسط دولت تحصیل شود، برای تولید خدمات درخواست شده در قرارداد به روش تعیین شده توسط دولت استفاده شود و مطابق با استانداردهای تعیین شده توسط دولت نگه‌داری شود. علاوه بر

این، دارائی‌ها به طور معمول عمر خدمتی طولانی‌تر از دوره‌ی قرارداد دارند به طوری که دولت کنترل دارائی‌ها، تحمل ریسک‌ها و دریافت پاداش‌ها را برای بخش عمده‌ای از عمر خدمت دارائی‌ها خواهد داشت. از اینرو، غالباً قطعی نیست که کدامیک، بنگاه خصوصی یا دولت، دارائی‌ها را در طول عمر خدمت آن‌ها کنترل خواهد کرد یا اکثریت ریسک را تحمل کرده و بخش عمده‌ی پاداش‌ها را بدست خواهد آورد.

۲۲–۱۵۸ همانند موردِ اجاره‌ها، مالک اقتصادی دارائی‌های مربوط به PPP با بررسی این موضوع مشخص می‌شود که کدام واحد بیشترین ریسک مربوط به دارائی‌ها را تحمل می‌کند و کدام واحد انتظار می‌رود بیشترین پاداش آن‌ها را دریافت کند. عواملی را که در این بررسی لازم است مد نظر قرار گیرند می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد، عواملی که به تحصیل دارائی‌ها مربوط است و عواملی که به استفاده از دارائی‌ها در تولید مربوط است. برخی از ریسک‌های همراه با تحصیل دارائی عبارتند از:

الف. میزان کنترل دولت بر طرح، کیفیت، اندازه و نگهداری دارائی‌ها؛

ب. ریسک ساخت و ساز، که شامل احتمال هزینه‌های اضافی ناشی از تأخیر در تحویل، عدم مطابقت با ویژگی‌ها یا استانداردهای ساختمانی و ریسک‌های زیست محیطی و سایر ریسک‌هائی که مستلزم پرداخت‌هائی به طرف سوم است.

برخی از ریسک‌های مربوط به استفاده از دارائی‌ها در تولید به شرح زیر است:

الف. ریسک عرضه، که میزان توانائی دولت برای کنترل خدمات تولید شده، واحدهائی که خدمات به آن‌ها ارائه می‌شوند و قیمت خدمات تولید شده را پوشش می‌دهد؛

ب. ریسک تقاضا، احتمالی را در بر می‌گیرد که تقاضا خواه از طرف دولت خواه از طرف عموم مردم برای خدماتی که برای آن‌ها پرداخت صورت می‌گیرد بالاتر یا پائین‌تر از حد انتظار باشد؛

پ. ریسک ارزش باقیمانده و از مدافتادگی، که ریسکی را در بر می‌گیرد که ارزش دارائی از قیمتی که برای انتقال دارائی به دولت در انتهای دوره‌ی قرارداد توافق شده است متفاوت باشد؛

ت. ریسک دسترسی، که ریسک مربوط به احتمال هزینه‌های اضافی یا تحمل جریمه به علت عدم تطابق مقدار و (یا) کیفیت خدمات با استانداردهای تعیین شده در قرارداد را در بر می‌گیرد.

۲۲–۱۵۹ اهمیت نسبی هر یک از این عوامل در هر نوع PPP متفاوت است. شرح قواعد تجویزی که بتوان به شیوه‌ای رضایتبخش به هر وضعیتی قابل اعمال باشد، امکان پذیر نیست. لذا مفاد هر یک از PPPها باید ارزیابی شوند تا بتوان تصمیم‌گیری کرد که مالک قانونی در آن کدام واحد است.

۲۲–۱۶۰ بهمین ترتیب، پیچیدگی و تنوع قراردادهای PPP مانع از این است که قواعد مفصلی ارائه شود که حاکم بر تراکنش‌های مربوط به کنترل و استفاده از دارائی‌ها باشد. در حقیقت، باید واقعیت‌ها و شرایط هر قرارداد مد نظر قرار گیرد و سپس یک شیوه برخورد حسابداری انتخاب شود که به بهترین نحوی روابط اساسی اقتصادی را نشان دهد. در هر حال، تعدادی مشکلات رایج وجود خواهد داشت.

۲۲–۱۶۱ اگر حاصل بررسی مشخص کند که در طول دوره‌ی قرارداد بنگاه خصوصی صاحب قانونی است و اگرطبق معمول دولت در انتهای قرارداد بدون هیچگونه پرداخت صریحی مالکیت قانونی و اقتصادی را بدست آورد، باید یک تراکنش برای تحصیل دارائی توسط دولت ثبت شود. یک رهیافت کلی برای دولت این است که بتدریج ادعای مالی ایجاد کند و واحد خصوصی بتدریج بدهی متناظر با آن را تقبل کند به طوری که این انتظار وجود داشته باشد که ارزش هردوی آن‌ها با ارزش باقیمانده دارائی‌ها در انتهای دوره‌ی قرارداد برابر خواهد بود. اجرای این رهیافت نیازمند این است که تراکنش‌های

پولیِ موجود بازتنظیم شوند یا تراکنش‌های جدیدی با استفاده از فرض‌هائی درباره ارزش مورد انتظار دارائی‌ها و نرخ‌های بهره ایجاد شوند.

۲۲-۱۶۲ رهیافت دگرسان (جایگزین) عبارت از ثبتِ تغییرِ مالکیت قانونی و اقتصادی به عنوان انتقالات سرمایه‌ای است. رهیافت انتقالات سرمایه‌ای واقعیت اساسی اقتصادی را بخوبی منعکس نمی‌کند، ولی محدودیت داده‌ها، عدم اطمینان درباره ارزش باقیمانده‌ی مورد انتظار دارائی‌ها و مفاد قرارداد که امکان اجرای گزینه‌های متنوعی را توسط هر دو طرف می‌دهد می‌تواند ثبت انتقالات سرمایه‌ای را در زمینه‌های عملی قابل قبول سازد.

۲۲-۱۶۳ اگر حاصل بررسی مشخص کند که مالک قانونی در طول دوره‌ی قرارداد دولت است ولی هیچگونه پرداخت صریحی در ابتدای دوره‌ی قرارداد انجام ندهد، باید تراکنشی برای پوشش تحصیل دارائی‌ها احتساب شود. رایج‌ترین پیشنهاد این است که تحصیل دارائی به علت تشابه آن با یک اجاره‌ی مالی (اعتباری) واقعی، از طریق یک اجاره‌ی مالی احتسابی ساخته شود. اما، اجرای این گزینه به مفاد ویژه‌ی قرارداد، چگونگی تفسیر آن‌ها و احتمالاً عوامل دیگری بستگی دارد. برای مثال، می‌توان وامی را احتساب کرد و پرداخت‌های واقعی دولت به واحد خصوصی را، اگر وجود داشته باشد، طوری افرازبندی کرد که هر قسمت از پرداخت نشان دهنده‌ی بازپرداخت وام باشد. اگر پرداخت‌های واقعیِ دولت وجود نداشته باشد، در این‌صورت می‌توان برای پرداخت‌های وام مورد نظر تراکنش‌های غیرپولی ایجاد کرد.

ث. ارائه آمارهای بخش عمومی

۲۲-۱۶۴ همانگونه که در بخش ب بیان شد، بخش عمومی شامل تمامی واحدهای نهادی مقیمِ تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم واحدهای دولتیِ مقیم است. به عبارت دیگر، بخش عمومی از تمام واحدهای بخش دولت بعلاوه تمام شرکت‌های دولتی مقیم تشکیل شده است.

۲۲-۱۶۵ آمارهای بخش عمومی را می‌توان بسته به استفاده‌ای که از آن‌ها بعمل می‌آید به دو صورت ارائه کرد، یکی در توالی حساب‌ها برای واحدها و بخش‌های نهادی و دیگری در چارچوب مالیه‌ی دولت به‌صورتی که در بخش پ این فصل شرح داده شد.

۲۲-۱۶۶ در هریک از شیوه‌های ارائه، بهتر است کل آمارهای بخش عمومی در زیربخش‌ها و کل بخش عمومی هردو، و به صورت تلفیق نشده و تلفیق شده هردو، نشان داده شوند. برای مثال، می‌توان در یک ستون آمارهای بخش دولت، در ستون دوم آمارهای تجمیع شده‌ی تمامی شرکت‌های دولتی و در ستون سوم جمع‌های تلفیق نشده را برای کل بخش عمومی ارائه کرد. بسته به جریان‌های درگیر، می‌توان در ستون چهارم مبالغی که باید در تلفیق حذف شوند و در ستون پنجم جمع‌ها را برای کل بخش عمومی نشان داد.

۲۲-۱۶۷ برای بخش عمومی همه‌ی جریان‌ها نیاز به تلفیق ندارند. زیرا بخش عمومی ترکیبی از تولیدکنندگان بازاری و غیربازاری هستند، بسیاری از اجزای درآمدها و هزینه‌های عملیاتی برای بخش عمومی معنی اقتصادی محدودی خواهند داشت. عناصر حساب مالی و ترازنامه‌ها محتمل‌ترین گزینه‌ها برای تلفیق هستند.

۲۲-۱۶۸ همان اقلام ترازکننده‌ای که برای بخش دولت تأکید شد برای بخش عمومی هم مهم هستند. خالص تراز عملیاتیِ بخش عمومی (یا پس‌انداز در توالی حساب‌ها) روند خالص ثروتِ حاصل از عملیات جاری بخش عمومی را نشان می‌دهد. اگر شرکت‌های دولتی وجود داشته باشند که عملیات آن‌ها با

زیان‌های قابل توجهی همراه باشد، این قلم بـه طـور خاصـی مفید خواهد بود.

۲۲–۱۶۹ خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری برای کل بخش عمومی به عنوان نیازِ بخش عمومی بـه وام‌گیـری شـناخته شـده اسـت. خالص وام‌دهی، منابع مالی عرضه شده چه به بقیه اقتصاد چه به اقتصاد دنیای خارج را نشـان مـی‌دهـد، خـالص وام‌گیـری، خالص تأمین مالی کسب شده توسـط بخـش عمـومی چـه از بقیه اقتصاد چه از اقتصاد دنیای خارج را نشان می‌دهد.

۲۲–۱۷۰ ترازنامه، اطلاعات ارزش ویژه را که از ارزش جمع دارائـی‌هـا منهای جمع بدهی‌ها بدست می‌آید، و ارزش ویـژه‌ی مـالی را که از تفاوت ارزش جمع دارائی‌های مـالی و جمـع بـدهی‌هـا بدست می‌آید ارائه می‌دهد. به دلیل نفوذ بخـش عمـومی بـر سیستم مالی و به دلیل ایـن کـه ارزش گـذاری دارائـی‌هـای غیرمالی منحصر به فرد دولت مشکل است، اغلـب بـه دومـی استناد می‌شود.

فصل ۲۳: نهادهای غیرانتفاعی

الف. مقدمه

۱. نهادهای غیرانتفاعی در SNA

۱–۲۳ نهادهای غیرانتفاعی (NPI)ها قدری نقشِ غیرمعمول در SNA بازی می‌کنند. برخی NPIها، مانند شرکت‌ها کالاها و خدماتی را برای فروش با هدف پوشش دادن هزینه‌ها که تولید بازاری گفته می‌شود تولید می‌کنند. آن‌ها، مشابه دیگر تولیدکنندگان بازاری، نمی‌توانند مصرف نهائی داشته باشند. برخی NPIها، مانند واحدهای دولتی، تولیدکنندگان غیربازاری هستند و ستانده‌ی خود را به‌رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند در دسترس خانوارهای فردی یا کل جامعه قرار می‌دهند. برخی از این NPIهای غیربازاری توسط دولت کنترل می‌شوند ولی آن‌هائی که توسط دولت کنترل نمی‌شوند در بخش خاص خود، نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH)ها گروه‌بندی می‌شوند.

۲–۲۳ بیشترِ NPIها به عنوان واحدهای نهادی جدا شناخته می‌شوند. به این معنی که، این واحدها مستقلاً قادر به تملک دارائی‌ها، تقبل بدهی‌ها و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی و تراکنش با سایر هستارها هستند. در نتیجه، برای این واحدها مجموعه‌ی کاملی از حساب‌ها، از جمله ترازنامه‌ی دارائی‌ها و بدهی‌ها، یا وجود دارد یا در صورت نیاز می‌تواند ساخته شود. در برخی کشورها، بویژه کشورهای درحال توسعه، یک NPI می‌تواند هستاری غیررسمی باشد که وضعیت قانونی ندارد ولی هستیِ آن توسط جامعه شناخته شده است.

۳–۲۳ خصوصیت مشخص کننده‌ای که یک NPI از طریق آن شناخته می‌شود این است که وضعیت آن اجازه نمی‌دهد منبع درآمد، سود یا سایر عایدات مالی برای واحدهای ایجاد کننده، کنترل کننده یا تأمین کننده‌ی مالیِ آن باشد. یک NPI ممکن است منشاء سود باشد، ممکن است از مالیات معاف باشد، ممکن است مقاصد خیریه داشته باشد ولی هیچ‌کدام از این خصوصیت‌ها تعیین کننده نیستند. تنها معیار اصلی برای این که واحدی به عنوان NPI شناخته شود این است که نمی‌تواند منبع درآمد، سود یا عایدات مالی برای مالکین آن باشد.

۴–۲۳ تمامی NPIها کالاها و عمدتاً خدماتی را تولید می‌کنند که برای مصرف خانوارها یا مصرف شرکت‌ها در نظر گرفته شده است. برخی از NPIها خدماتی را برای شرکت‌ها تولید می‌کنند که به طور معمول برای آن‌ها حق‌الزحمه‌ای (که گاهی حق اشتراک گفته می‌شود) مطالبه می‌کنند که برای پوشش هزینه‌های آن‌ها در نظر گرفته شده است. آن‌ها اغلب به صورت انجمن‌هائی تشکیل می‌شوند که خدماتی را منحصراً برای اعضاء ارائه می‌دهند. میزان حق‌الزحمه‌هائی که مطالبه می‌کنند، قیمت عضویت آن‌ها، به طور معمول با معیار قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی در SNA مطابقت دارد. به این دلیل این NPIها به یکی از دو بخش شرکت‌ها تخصیص می‌یابند. مثالی از NPIهای در خدمت شرکت‌ها انجمن‌های صنفی هستند.

۵–۲۳ یک NPI ممکن است توسط دولت کنترل شود که طیِ آن دولت مدیران عالی آن را منصوب و اهداف آن را تعیین می‌کند. این NPI به عنوان یک واحد نهادی جدا از دولت تلقی می‌شود زیرا بر بودجه خود کنترل مستقل دارد (حتی اگر بیشتر یا تمامی منابع مالی آن از دولت تأمین شود) ولی این واحد به بخش نهادی دولت تخصیص داده می‌شود. این نهادها خدمات فردی و جمعی ارائه می‌دهند. مثالی در این مورد یک مؤسسه پژوهشی کنترل شده توسط دولت است.

۶–۲۳ NPIهای دیگری وجود دارند که کالاها و خدماتی را چه در مقابل دریافت حق‌الزحمه و چه به صورت رایگان برای خانوارها تولید می‌کنند. هنگامی که بهای خدمات ارائه شده

دریافت می‌شود، مبالغ دریافتی ممکن است سهم بزرگی از هزینه‌های NPI را پوشش دهند یا ممکن است آن‌ها هزینه‌ها را پوشش ندهند و بنابراین می‌توان آن‌ها را به عنوان قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی در نظر گرفت یا چنین در نظر گرفته نشوند. هنگامی که حق‌الزحمه‌های مطالبه شده به عنوان قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند، NPI مربوطه به عنوان ارائه دهنده‌ی خدمات بازاری تلقی می‌شود و به بخش‌های شرکت‌ها تخصیص داده می‌شود. در غیراینصورت NPI مورد نظر در بخش نهادی NPISHها قرار می‌گیرد.

۷-۲۳ از اینرو رده بندی NPIها به شرح زیر امکان پذیر است:

الف. NPIهای ارائه دهنده‌ی خدمات به شرکت‌ها که ستانده آن‌ها به شرکت‌های مربوطه فروخته می‌شود و به عنوان مصرف واسطه شرکت‌ها تلقی می‌شود؛

ب. NPIهائی که توسط دولت کنترل می‌شوند و خدمات فردی یا جمعی غیربازاری ارائه می‌دهند؛

پ. NPIهائی که کالاها و خدمات برای خانوارها ارائه می‌دهند و به صورت زیر تقسیم می‌شوند:

- آن‌هائی که کالاها و خدمات به خانوارهای فردی به قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی ارائه می‌دهند؛
- آن‌هائی که کالاها و خدمات به خانوارهای فردی به طور رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند ارائه می‌دهند؛
- آن‌هائی که خدمات جمعی به طور رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند ارائه می‌دهند.

۸-۲۳ NPIهائی که در در رده‌ی (پ) بندِ نخست قرار می‌گیرند به بخش‌های شرکت‌ها منتسب می‌شوند و مخارج انجام شده برای تهیه‌ی ستانده‌ی آن‌ها به عنوان مخارج مصرف نهائی خانوارها تلقی می‌شوند. آن‌هائی که در رده (پ) بند دوم قرار می‌گیرند به بخش NPISH منتسب می‌شوند و ستانده‌ی آن‌ها به عنوان مصرف نهائی واقعی خانوارها تلقی می‌شوند که به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی ارائه می‌شوند. آن‌هائی که در رده‌ی (پ) بند سوم قرار می‌گیرند به بخش NPISH منتسب می‌شوند ولی ستانده آن‌ها به عنوان مصرف نهائی واقعی NPISHها باقی می‌ماند.

۹-۲۳ بنابراین، NPIها می‌توانند در چند بخش قرار گیرند: در هردو بخش شرکت‌های غیرمالی و مالی، در بخش دولت و در بخش جداگانه‌ی NPISHها. در سه بخش شرکت‌های مالی، غیرمالی و دولت می‌توان زیربخشی ایجاد کرد که فقط NPIها را در برگیرد. NPIهای دو بخش شرکت‌ها را می‌توان به زیر بخش‌های بیشتری تقسیم کرد تا آن‌هائی که تحت کنترل خارجی هستند، آن‌هائی که تحت کنترل دولتی هستند و آن‌هائی که تابع کنترل خصوصی ملی هستند نشان داده شوند. NPIهای بخش دولت را می‌توان برحسب سطح دولت، مرکزی، ایالتی و محلی تقسیم کرد. NPISHها را می‌توان به آن‌هائی که تحت کنترل خارجی هستند و آن‌هائی که تحت کنترل خصوصی ملی هستند تقسیم کرد.

۲. قواعد حسابداری برای NPIها در SNA

۱۰-۲۳ ستانده NPIها به همان شیوه‌ی ستانده‌ی واحدهای نهادی ارزش‌گذاری می‌شوند. اگر واحد مورد نظر یک تولید کننده‌ی غیربازاری باشد، ستانده از حاصل جمع هزینه‌های آن، از جمله مصرف سرمایه ثابت، ولی بدون بازگشت سرمایه ارزش‌گذاری می‌شود. اگر واحد مورد نظر یک تولید کننده‌ی بازاری باشد، ستانده‌ی آن بوسیله فروش‌های تعدیل شده برای تغییرات موجودی انبار و تولید برای تشکیل سرمایه به حساب خود اندازه‌گیری می‌شود. برخی از NPIها که سهم بزرگی از هزینه‌های خود ولی نه همه‌ی آن‌ها را از فروش‌هایشان تأمین می‌کنند، دارای مازاد عملیاتی منفی خواهند بود. این‌ها با کمک‌های اهدائی (انتقالات جاری) پوشش داده می‌شوند.

۳. حساب اقماری برای NPIها

۱۱-۲۳ مدت زمانی است که علاقه‌ی رو به رشدی به مطالعه‌ی سهم نهادهائی نظیر NPIها در اقتصاد بوجود آمده است زیرا مشاهده شده است که این نهادها به طور روزافزونی اهمیت اقتصادی و سیاستی کسب کرده‌اند این نوع نهادها به اسامی گوناگونی نظیر سازمان‌های "غیرانتفاعی"، "داوطلبانه"، "جامعه مدنی" یا "غیردولتی" و به طور جمعی به عنوان بخش "سوم"، "داوطلبانه"، "غیرانتفاعی" یا "مستقل" نامیده شده‌اند. این نهادها به این دلیل جالب توجه هستند که ویژگی‌های عملیاتی آن‌ها با ویژگی‌های واحدهای دیگر در بخش‌های شرکت‌ها و دولت قدری متفاوت هستند. بویژه:

الف. آن‌ها مجاز به توزیع سود نیستند؛

ب. آن‌ها ممکن است کالاهای عمومی و نیز کالاهای خصوصی تولید کنند؛

پ. آن‌ها ممکن است به اندازه‌ی فروش ستانده‌ی خود یا بیشتر از آن انتقالات جاری داشته باشند؛

ت. آن‌ها ممکن است متکی به نیروی کارِ داوطلب و نیز نیروی کار با مزد باشند؛

ث. از آنجا که آن‌ها نمی‌توانند سود تقسیم شده داشته باشند نمی‌توانند در رقابت با شرکت‌ها، سرمایه‌ی سهام (سرمایه از طریق فروش سهام) را جذب کنند؛

ج. آن‌ها ممکن است در بسیاری از کشورها مشمول مزایای مالیاتی ویژه باشند؛

چ. آن‌ها ممکن است به طور معمول مقررات قانونی داشته باشند که اداره کردن، الزامات گزارش دهی، مشارکت سیاسی و غیره را پوشش دهد؛

ح. هرچند آن‌ها کالاها و خدمات عمومی فراهم می‌کنند، ولی قدرت یا محدودیت‌های دولت را در تصمیم‌گیری برای این که چه نوع کالاها و خدماتی باشند و چگونه تخصیص داده شوند ندارند.

۱۲-۲۳ با توجه به این علاقه‌ها، برای NPIها یک حساب اقماری ایجاد شده است که در *دستنامه نهادهای غیرانتفاعی در سیستم حساب‌های ملی* (سازمان ملل، ۲۰۰۳) شرح داده شده است. بخش‌های ب و پ ویژگی‌های اساسی این حساب اقماری را مورد بحث قرار می‌دهد. بخش ت جنبه‌های دیگر NPIها را که می‌تواند علاوه بر حساب اقماری برای پژوهش مطلوب باشد مورد بحث قرار می‌دهد.

ب. واحدهای موجود در حساب اقماری NPI

۱۳-۲۳ نقطه شروع حساب اقماری، شناسائی واحدهای مشمول است. همان طور که ملاحظه خواهد شد، واحدهای انتخاب شده تا حد زیادی (ولی نه کاملاً) با واحدهای شرح داده شده به عنوان NPI در SNA منطبق است. بنابراین یکی از شیوه‌های رسیدن به حساب اقماری، در نظر گرفتن تهیه‌ی توالی کامل حساب‌ها برای بخشی است که از زیربخش‌های NPIها در بخش شرکت‌های غیرمالی، بخش شرکت‌های مالی، بخش دولت و NPISHها تشکیل شده است. اما، از آنجا که بسیاری از علاقمندان حساب‌های NPIها سابقه‌ای در SNA ندارند، دستنامه حساب اقماری NPIها با شناسائی ویژگی‌های واحدهای مربوطه آغاز می‌شود.

۱. تعیین ویژگی‌های واحدهای حساب اقماری

۱۴-۲۳ مفاهیم دگرسان (جایگزین) مختلفی مطرح شده است که برای آن‌ها یک حساب اقماری نهادهای غیرانتفاعی می‌تواند تنظیم شود.

۲۳–۱۵ اولین مفهوم از این‌ها "اقتصاد اجتماعی" است که نهادهای غیرانتفاعی با اهداف اجتماعی یا جمعی را به تصویر می‌کشد. به طور معمول در اینجا جوامع اشتراکی، تعاونی‌ها و انجمن‌ها منظور می‌شوند.

۲۳–۱۶ مفهوم دوم سازمان‌های "عام‌المنفعه" است. به طور معمول این‌ها طیف محدودتری از نهادهائی را که در خدمت اهداف عمومی گسترده هستند پوشش می‌دهند و نهادهائی را که فقط در خدمت اعضای خود هستند مستثنی می‌کنند.

۲۳–۱۷ بین دو مفهوم بالا، مفهوم بخش غیرانتفاعی است که در ابتدا در پروژه‌ی مطالعات تطبیقیِ بخش غیرانتفاعی توسط دانشگاه جان هاپکینز تعریف شده است. در این پروژه تعریفی از واحدهای غیرانتفاعی در راستای ساختاری عملیاتی شرح داده شده است. شرایط لازم برای مشمول بودن واحدها به شرح زیر است:

الف. سازمان‌ها باید به‌عنوان نهادهای قابل شناسائی موجود باشند؛

ب. آن‌ها باید به طور نهادی از دولت جدا باشند؛

پ. آن‌ها نباید سود خود را تقسیم کنند؛

ت. آن‌ها خود گردان هستند، به این معنی که تابع کنترل واحدهای دیگر نیستند؛

ث. عضویت در واحد نه اجباری است و نه به صورت خودکار بلکه با مشارکتِ قدری اختیاری همراه است.

۲۳–۱۸ موارد اصلی خارج از شمول این واحدها از بین مجموعه NPIهائی که در SNA به رسمیت شناخته شده‌اند، NPIهائی هستند که به بخش دولت منتسب می‌شوند زیرا، هرچند این‌ها از نظر نهادی از دولت جدا هستند، ولی توسط واحدهای دولتی کنترل می‌شوند. تعداد کمی NPIهای غیررسمی که معمولاً موقتی هستند نیز ممکن است از موارد شمول این واحدها خارج باشند. این‌ها در بخش ت مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۲. مثال‌هائی از واحدهای مشمول

۲۳–۱۹ در زیر مثال‌های گویائی از انواع هستارهائی که احتمالاً در بخش غیرانتفاعی برای اهداف حساب‌های اقماری NPI پیدا می‌شوند ارائه شده است:

الف. *ارائه دهندگان خدمات غیرانتفاعی*، نظیر بیمارستان‌ها، نهادهای آموزش عالی، مراکز مراقبت روزانه، مدارس، ارائه دهندگان خدمات اجتماعی و گروه‌های زیست محیطی ؛

ب. *سازمان‌های غیردولتی ترویج کننده‌ی توسعه* اقتصادی یا کاهش فقر در مناطق کمتر توسعه یافته؛

پ. *سازمان‌های فرهنگی و هنری*، از جمله موزه‌ها، مراکز هنرهای نمایشی، ارکسترها، گروه‌های هنری، جوامع ادبی یا تاریخی؛

ت. *باشگاه‌های ورزشی* درگیر در ورزش‌های همگانی، آموزش، آمادگی جسمانی و مسابقات؛

ث. *گروه‌های حمایتی* که برای ارتقای حقوق مدنی یا حقوق دیگری کار می‌کنند یا از منافع اجتماعی و سیاسیِ حوزه‌های عمومی یا حوزه‌های خاص هواداری می‌کنند؛

ج. *بنیادها*، یعنی هستارهائی که دارائی‌ها یا موقوفاتی در اختیار دارند و از درآمد ایجاد شده از طریق آن دارائی‌ها به سازمان‌های دیگر کمک اعطا می‌کنند یا پروژه‌ها و برنامه‌های متعلق به خود را اجرا می‌کنند؛

چ. *انجمن‌های مردمی یا جامعه محور* که متکی براعضاء هستند و خدماتی را به اعضای یک محله، جامعه یا روستای خاصی ارائه می‌دهند یا از حقوق آن‌ها دفاع می‌کنند؛

ح. *احزاب سیاسی* که از یک کاندیدای خاص حمایت می‌کنند تا او را به یک مقام سیاسی برسانند؛

خ. *باشگاه‌های اجتماعی*، از جمله باشگاه‌های گردشگری و باشگاه‌های تفریحی، که خدمات و فرصت‌های تفریحی برای افراد عضو یا جوامع فراهم می‌کنند؛

د. *اتحادیه‌ها، انجمن‌های حرفه‌ای و کسب و کار* که در جهت محافظت و ارتقای منافع نیروی کار، منافع کسب و کار و منافع حرفه‌ای تلاش می‌کنند؛

ذ. *جماعات مذهبی*، نظیر کلیساها، کنیسه‌ها، مساجد، معابد و زیارتگاه‌ها که باورهای دینی را ارتقا می‌دهند و اداره خدمات و مراسم مذهبی را به عهده دارند. اما، یک کلیسای رسمی دولتی تلفیق شده با امور دولتی، بویژه کلیسائی که با مالیات حمایت می‌شود، با معیار "از نظر نهادی جدا از دولت" مطابقت ندارد و از اینرو خارج از مجموعه NPIهای حساب اقماری این نهادها قرار می‌گیرد. باید در نظر داشت که جماعات مذهبی از مؤسسات ارائه دهنده‌ی خدمات وابسته به مذهب در زمینه‌هائی نظیر مرگ، آموزش و خدمات اجتماعی متفاوت هستند. به طور مشابه، سازمان‌های خدماتی وابسته به یک کلیسای دولتی، تا زمانی که واحدهای نهادی جدا بوده و تمامی معیارهای تعیین شده را در بر داشته باشند، می‌توانند در بخش غیرانتفاعی در نظر گرفته شوند.

واحدهای بازاری و غیربازاری هردو تا وقتی که نهاد مورد نظر یک NPI است (و نه NPISH) باید در هریک از این رده‌ها قرار گیرند.

۳. موارد ویژه

۲۰–۲۳ برخی از انواع دیگرِ سازمان‌ها احتمالاً در یک ناحیه‌ی خاکستری بین بخش غیرانتفاعی و هریک از بخش‌های شرکت‌ها یا بین بخش غیرانتفاعی و دولت قرار می‌گیرند. بعضی از این هستارها به درستی به بخش NPIهائی که برای اهداف حساب اقماری NPI تعریف شده‌اند قرار خواهند گرفت، در حالی که بقیه در داخل این مجموعه قرار نمی‌گیرند. راهنماهائی‌های زیر می‌تواند برای این تصمیم‌گیری‌ها مفید باشد. (مسلماً، این راهنمائی‌ها باید به انواع سازمان‌ها و نه سازمان به سازمان اعمال شود، ولی قواعد تصمیم‌گیری باز هم می‌تواند آموزنده باشد). راهنمائی‌هائی که در اینجا ارائه شده است همان راهنمائی‌های دستنامه یاد شده است با مختصر تغییری که در جهت اجرای پیاده سازی حساب‌ها ارائه شده است. پیشنهاد شده است تغییراتی که در اینجا منظور شده است در چاپ بعدی دستنامه درج شود.

۲۱–۲۳ *تعاونی‌ها* سازمان‌هائی هستند که آزادانه توسط افراد شکل گرفته‌اند تا منافع اقتصادی اعضای خود را دنبال کنند. اصول اساسی تعاونی‌ها عبارتند از:

الف. کنترل دموکراتیک، یعنی، هر شخص، یک رأی؛

ب. هویت مشترک، یعنی اعضا هم مالک هستند و هم مصرف کننده؛ و

پ. جهت‌گیری آن به ارائه خدمات به اعضا "به قیمت تمام شده".

اگر اساسنامه یک تعاونی، همانند سایر واحدهای نهادی، آن را از تقسیم سود باز دارد، در این صورت به عنوان یک NPI تلقی می‌شود؛ اگر تعاونی بتواند سود خود را بین اعضای خود تقسیم کند، این تعاونی یک NPI نخواهد بود (چه در SNA و چه در حساب اقماری).

۲۲–۲۳ *جوامع (انجمن‌های) اشتراکی* سازمان‌هائی نظیر بانک‌های پس‌انداز اشتراکی، انجمن‌های وام و پس‌انداز، شرکت‌های بیمه اشتراکی، صندوق‌های بیماری و تدفین را در بر می‌گیرند. جوامع اشتراکی، مانند تعاونی‌ها توسط افراد و با هدف ارتقای وضعیت اقتصادی آن‌ها ازطریق فعالیت جمعی سازماندهی می‌شوند. ولی آن‌ها با تعاونی‌ها فرق دارند و در آن ساز و کارهائی برای به اشتراک گذاشتن ریسک، هم از نظر شخصی هم از نظر دارائی‌ها، ازطریق کمک‌های دوره‌ای به یک صندوق مشترک وجود دارند. به طور عادی سپرده‌گذاران در جوامع اشتراکی به طور رسمی عملکرد آن‌ها را کنترل می‌کنند.

۲۳-۲۳ از آنجا که این جوامع اشتراکی در حوزه‌ی تجاری (به‌صورت بازاری، *مترجم*) عمل می‌کنند، این واحدها در بخش شرکت‌های مالی قرار می‌گیرند. تنها در صورتی که اساسنامه‌ی آن‌ها این واحدها را از تقسیم سود به مالکینِ خود باز دارد، در SNA به عنوان NPIها تلقی می‌شوند (ولی بازهم در بخش شرکت‌های مالی) و در بخش NPI برای حساب اقماری قرار می‌گیرند.

۲۳-۲۴ *گروه‌های خودیاری* شبیهِ تعاونی‌ها و جوامع اشتراکی هردو هستند که در آن افراد به‌یکدیگر می‌پیوندند تا اهدافی را که در سطح فردی دست نیافتنی هستند با حمایتِ مشترک به انجام برسانند. اما، این گروه‌ها از هردوی آن‌ها که عمدتاً به فعالیت‌هائی با ماهیت تجاری اشتغال ندارند متفاوت هستند. به عنوان یک قاعده کلی، گروه‌های همیاری باید به عنوان سازمان‌های دارای عضو تلقی شده و در بخش غیرانتفاعی منظور شوند.

۲۳-۲۵ *سرمایه‌گذارانِ اجتماعی از* بنگاه‌هائی تشکیل یافته‌اند که به منظور اشتغال و آموزشِ افراد محرومی (معلولین، بیکارانِ بلند مدت، و غیره) که در غیراین‌صورت نمی‌توانند کار پیدا کنند، سازمان یافته‌اند. این بنگاه‌ها NPI در نظر گرفته می‌شود مگر اینکه مازاد عملیاتی داشته باشند و آن را بین مالکین یا سهامداران تقسیم کند.

۲۳-۲۶ *سازمان‌های شبه غیردولتی*، که در بسیاری از کشورهای اروپائی و مناطق دیگر یافت می‌شوند، برای این طراحی شده‌اند که در شرایط متعارف ادارات دولتی کار کنند، از اینرو، از کنترل مستقیم سیاسی مستثنی هستند. این سازمان‌ها تا حدی که به واقع هستارهای خودگردانی باشند، به درستی قسمتی از بخش غیرانتفاعی در نظر گرفته می‌شوند، حتی اگر اختیار محدودی از طرف دولت به آن‌ها تفویض شده باشد.

۲۳-۲۷ *دانشگاه‌ها*، مانند دیگر نهادها، می‌توانند NPIها یا نهادهای عمومی یا شرکت‌های انتفاعی باشند. تشخیص NPIها از نهادهای عمومی به طور خاصی مشکل است زیرا هردو ممکن است از طرف دولت به میزان قابل ملاحظه‌ای چه به‌طور مستقیم چه به‌طور غیرمستقیم حمایت شوند، و نیز به این دلیل که حتی نهادهای عمومی هم ممکن است میزان قابل ملاحظه‌ای استقلال داشته باشند. بنابراین، معیار تشخیص این است که این نهاد به‌طور مشخص خودگردان باشد و نه قسمتی از نظام اداری دولت. نهادهای آموزشی که NPI هستند هیئت مدیره‌ی دائمی خاص خود را دارند که می‌توانند بدون تصویبِ مقامات دولتی تمامی جنبه‌های عملیات سازمان را تعیین کنند، و می‌توانند عملیات خود را بدون تصویب مقامات دولتی متوقف کنند. نهادهای آموزشی دولتی هیئت مدیره‌ای دارند که به‌طور عمده توسط مقامات یا نمایندگانِ دولت انتخاب می‌شوند و فاقد قدرت متوقف ساختن عملیات خود بدون تصویب دولت هستند.

جدول ۲۳-۱: گروه‌های ICNPO

گروه	
۱.	فرهنگ و تفریح
۲.	آموزش و پژوهش
۳.	سلامت
۴.	خدمات اجتماعی
۵.	محیط زیست
۶.	قانون و سیاست
۷.	قانون، حمایت و سیاست
۸.	میانجی‌گری‌های بشر دوستانه و ترویج اراده‌گرائی
۹.	بین‌الملل
۱۰.	مذهب
۱۱.	انجمن‌های حرفه‌ای و کسب و کار، اتحادیه‌ها
۱۲.	طبقه‌بندی نشده در جای دیگر

۲۳–۲۸ *بیمارستان‌ها*، مانند نهادهای آموزشی، می‌توانند NPI باشند، نهادهای عمومی یا شرکت‌های انتفاعی باشند. همان قواعدی که در مورد نهادهای آموزشی بکار می‌روند برای بیمارستان‌ها نیز اعمال می‌شوند.

۲۳–۲۹ *گروه‌های بومی یا سرزمینی*، نظیر "شوراهای متحد" در کانادا (شکل اولیه‌ی دولت‌ها) و جوامع دهقانی یا بومی در پرو، که پیرامون گروه بندی‌های قومی یا فرهنگی یا یک منطقه خاص جغرافیائی سازماندهی می‌شوند، و عمدتاً به منظور ارتقاء رفاه اعضای خود تشکیل می‌شوند. هنگامی مشکل بوجود می‌آید که این گروه‌ها اساساً به صورت دولتِ محلی عمل می‌کنند که در این‌صورت اغلب، قوانینِ مخصوص خود را وضع و اعمال –می‌کنند. وقتی این حالت وجود دارد، این گروه‌ها با معیارِ "از نظر نهادی جدا از دولت" همخوانی ندارند و خارج از محدوده‌ی حساب اقماری NPI قرار می‌گیرند.

۴. طبقه بندی NPIها

۲۳–۳۰ NPIها را می‌توان بر اساس فعالیتی که انجام می‌دهند یا فعالیتی که برای آن‌ها پیش بینی شده است طبقه بندی کرد. از لحاظ فعالیت، طبقه بندیِ عادی که باید بکار برده شود *ISIC* است. از آنجا که جزئیات موجود در*ISIC*, Rev.۳ برای بسیاری از خدمات اجتماعی تحت شمولِ NPI کافی نبود، کدهای اولیه‌ی ISIC برای استفاده در حساب اقماریِ NPI گسترش داده شد. این طبقه بندی به عنوان طبقه بندی بین‌المللی سازمان‌های غیرانتفاعی (ICNPO) شناخته شده است. به همین ترتیب، برخی جزئیات طبقه بندی هدف‌های NPIها (COPNI) نیز گسترش داده شد. اما، در *ISIC*, Rev.۴، تجمیع دگرسانی (جایگزینی) برای گزارش‌دهی مربوط به داده‌های نهادهای غیرانتفاعی در قسمتِ چهار بخش ت ارائه شده است. دوازده سرفصل اصلی مورد نظر در جدول ۲۳–۱ نشان داده شده است.

پ. حساب‌های نهادهای غیرانتفاعی در حساب اقماری

۲۳–۳۱ نخستین مجموعه‌ی حساب‌های تدارک دیده شده در حساب اقماری کاملاً متناظر با مجموعه‌ی توالی حساب‌های SNA است. در حقیقت این مجموعه را می‌توان تجمیع ساده‌ی زیربخش‌های NPIها در بخش‌های شرکت‌ها بعلاوه NPISH ها در نظر گرفت. NPIهای موجود در بخش دولت همان طور که در بالا توضیح داده شد خارج از شمول حساب اقماری هستند.

۲۳–۳۲ مجموعه‌ی دوم حساب‌ها، NPIهائی را مد نظر قرار می‌دهد که خدماتی را به قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی ارائه می‌دهند ولی فروش ستانده‌ی آن‌ها درآمد عملیاتیِ قابل ملاحظه‌ای ایجاد می‌کند ولی کمتر از کل هزینه‌های آن‌ها است. دو سناریو ممکن است وجود داشته باشد. نخستین سناریو این است که بنگاه انواع مختلفی از فعالیت‌ها را انجام می‌دهد که تعدادی از آن‌ها بازاری و تعدادی غیربازاری هستند، ولی فعالیت‌های بازاری آن بر فعالیت‌های غیربازاری غالب است. با وجود این که دو نوع فعالیت را نمی‌توان به واحدهای نهادی جداگانه‌ای منتسب کرد، ولی می‌توان کارگاه‌های جداگانه‌ای را برای هریک مشخص کرد. در اصل، حساب تولیدِ کارگاه‌هائی که فعالیت‌های بازاری انجام می‌دهند باید به طور عادی تهیه شود ولی حساب تولیدِ کارگاه‌های غیربازاری باید بر اساسِ حاصل جمع هزینه‌ها باشد. ارزش این ستانده باید به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی توزیع شده به خانوارها تلقی شود و به مصرف نهائی واقعی خانوار اضافه شود.

۲۳–۳۳ امکان دوم این است که فقط یک نوع فعالیت انجام می‌شود ولی فروش‌ها قسمت بزرگی از هزینه‌ها را با ترازی که از کمک‌های مالی تشکیل شده‌اند، پوشش می‌دهند. کمک‌های مالی در SNA به عنوان انتقالات جاری تلقی می‌شود (هر

کمک‌های مالی تشکیل شده‌اند، پوشش می‌دهند. کمک‌های مالی در SNA به عنوان انتقالات جاری تلقی می‌شود (هر کمک مالیِ اختصاص یافته به اهداف سرمایه‌گذاری به عنوان انتقالات سرمایه‌ای تلقی می‌شود). حساب اقماری این کمک‌ها را مشابه یارانه تلقی می‌کند و بنابراین ارزش ستانده را بر اساس جمع کل هزینه‌ها اندازه‌گیری می‌کند. در این حالت، مازاد ستانده‌ی اندازه گیری شده به این شیوه نسبت به عایدات از فروش‌ها به عنوان ستانده‌ی غیربازاری، انتقالات اجتماعی غیرنقدی و قسمتی از مصرف واقعی خانوارها تلقی می‌شوند.

۲۳-۳۴ نوع سوم حساب‌ها براساس نوع دوم حساب‌ها با منظور کردن برآوردی از ارزش نیروی کارِ داوطلبِ استفاده شده در NPIها ساخته می‌شود. نیروی کار داوطلب، نهاده‌ی مهمی را برای بسیاری از NPIها بوجود می‌آورد. اگر ارزشی بر این نیروی کار گذاشته شود، ممکن است از ارزش پولی کمک‌هائی که به برخی NPIها اهدا می‌شوند تجاوز کند. در حساب اقماریِ NPIها، توصیه می‌شود که ارزش کار داوطلبانه براساس نرخ اجرت کارکنانی که کار مشابهی انجام می‌دهند و نه با هزینه‌ی فرصت نیروی کار داوطلب برآورد شود.

۲۳-۳۵ کار مربوط به اندازه‌گیریِ نیروی کارِ داوطلب در رابطه با یک حساب اقماری در دست اقدام است. پیش نویسی از *دستنامه‌ی اندازه‌گیری کار داوطلبانه* (سازمان بین‌المللی کار، در دست تهیه) در دسامبر ۲۰۰۸ به ICLS ارائه شد.

۲۳-۳۶ هزینه نیروی کار داوطلب، هم به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان و هم به عنوان برگشت انتقالات از این کارکنان به NPIئی که در آن کار می‌کنند، عمل می‌شود. ارزش ستانده‌ی NPI، و مبلغی که به عنوان انتقالات غیرنقدی عمل می‌شود نسبت به مبلغ مجموعه‌ی دوم حساب‌ها به اندازه‌ی ارزش برآورد شده‌ی نیروی کار داوطلب افزایش می‌یابد.

۲۳-۳۷ حساب اقماری مورد بحث، صرف نظر از توالی حساب‌ها، جدول‌های دیگری را نیز در بر می‌گیرد. یکی از آن‌ها جدولی است که جزئیات درآمد عملیاتی دریافت شده را به تفکیک بخش منشاء درآمد و نوع تراکنش نشان می‌دهد. بویژه، توصیه شده است که درآمد عملیاتی که از دولت بدست می‌آید به فروش‌ها و کمک‌های اعطاء شده، و درآمدی که از بقیه اقتصاد حاصل می‌شود به فروش‌های خصوصی و انتقالات جاری (کمک‌های مالی) تقسیم شوند. جائی که امکان پذیر باشد، باید فروش‌ها و انتقالات هردو، به درآمدهائی که از اقتصاد داخلی حاصل می‌شوند و درآمدهائی از دنیای خارج بدست می‌آیند تفکیک شوند.

۲۳-۳۸ جدول دیگری نیز وجود دارد که اطلاعات مربوط به واحدهای فیزیکی نظیر تعداد کارکنان، تعداد کار داوطلبانه، تعداد هستارها و تعداد اعضای سازمان را در بر می‌گیرد. علاوه بر این اطلاعاتی هم درباره حساب مالی و دارائی‌های در دست NPIها ارائه می‌دهد.

۲۳-۳۹ توضیحات کاملاً مشروحی از جدول‌ها در دستنامه حساب اقماری مورد بحث موجود است.

ت. سایر ملاحظات SNA درباره NPIها

۱. NPISHها و دولت

۲۳-۴۰ در بعضی کشورها، NPISHها مسئولیت فراهم کردن خدمات خاصی را به خانوارها که دولت تهیه آن‌ها را به عنوان قسمتی از نقش خود نمی‌داند به عهده می‌گیرند. در کشورهای دیگر، بویژه کشورهای در حال توسعه، NPISHها ممکن است خدماتی را ارائه دهند که دولت به ارائه آن‌ها علاقه دارد ولی فقط منابع کافی برای انجام آن ندارد. این مورد بسیار

مشخص است و آن هنگامی است که بعد از پیشامدِ یک فاجعه‌ی طبیعی، NPISHها در کارهای امداد رسانی بسیار فعال می‌شوند.

۲۳–۴۱ مقیم بودن یا غیرمقیم بودنِ واحدی که کاری را به‌عهده می‌گیرد به قواعد عادیِ مربوط به اقامت بستگی دارد. واکنش سریع که منجر به اشتغالِ دراز مدت در کشور دریافت کننده‌ی کمک نمی‌شود به عنوان غیرمقیم در نظر گرفته می‌شود و تولید آن در کشورهای موطن اصلیِ واحدهای یاری دهنده ثبت می‌شود و خودِ کمک به عنوان واردات کالاها و خدماتی که از طریق انتقالات تأمین مالی شده‌اند ثبت می‌شود. اگر کمک بیشتر از یک سال به طول انجامد، واحد یاری دهنده به عنوان مقیم در کشوری که کمک دریافت کرده است و در بخش NPISH آن کشور در نظر گرفته می‌شود. در شرایطی که امداد رسانی بین‌المللی مهم است، مفید است که NPISHهای تحت کنترل خارجی جدا از سایر NPISHها مشخص شوند و کمک‌های خارجی برای تمامی NPISHها تعیین شوند.

۲. NPISHهای غیررسمی و موقتی

۲۳–۴۲ این امر بسیار رایج است که تعدادی از خانوارها منابع دانش و نیروی کارِ داوطلبِ خود را روی هم قرار دهند تا به جامعه‌ی محلی خود خدمت کنند. این مورد می‌تواند شامل تدریس در مدارس غیررسمی، ارائه کمک‌های پزشکی یا ساخت جاده‌ها، نظیر بنای یک مدرسه و غیره باشد. تنها هنگامی که خدمات بر اساس نیروی کارِ داوطلب ارائه می‌شود، برای ستانده‌ی این فعالیت در SNA ارزشی ثبت نمی‌شود.

۲۳–۴۳ هنگامی که حاصلِ فعالیت انجام شده یک سازه‌ی فیزیکی است، این فعالیت در محدوده‌ی تولید قرار می‌گیرد. ارزش ستانده در مقایسه با محصولات مشابه در جای دیگرِ اقتصاد برآورد می‌شود، اگر قرار باشد ارزش ستانده از حاصل جمع هزینه‌ها بدست آید، باید برای ارزش ضمنیِ نهاده نیروی کار، برآوردی صورت گیرد. این نهاده‌ی نیروی کار به عنوان درآمد مختلط ناخالصِ تعلق گرفته به خانوارهائی عمل می‌شود که فرض می‌شود بعداً آن محصول را "خریداری" می‌کنند. در حقیقت ممکن است این خانوارها سپس محصول را به واحد دیگری که اغلب دولت است برای نگه‌داری منتقل کنند. با این حال، همان طور که در پاراگراف ۴–۱۶۸ گفته شد، در SNA توصیه شده است که این سازمان‌ها بجای NPISH به عنوان شراکت غیررسمی تلقی شوند.

۲۳–۴۴ اگر گروهی از خانوارها همیاری کنند تا کالاها و خدماتی را برای فروش تولید کنند، حتی اگر هدف این باشد که با عایدی حاصل از فروش بتوانند برای کارِ انجام شده برای یک دارائیِ مشترک پرداختی انجام دهند، این گروه به عنوان یک نهاد غیرانتفاعی تلقی نمی‌شود بلکه به عنوان بنگاه غیرشرکتی در بخش خانوار منظور می‌شود.

۲۳–۴۵ ممکن است گروه‌های کوچکی متشکل از بسیاری از افراد یا خانوارها وجود داشته باشند که به عنوان یک وسیله‌ی عملی، تخصیص هزینه‌های به اشتراک گذاشته شده را به‌عهده داشته باشند. به عنوان مثال، این‌ها می‌توانند به‌طور ساده یک "باشگاه قهوه" در محل کار باشند یا ممکن است به شکل رسمی‌تری وجود داشته باشند که هزینه‌های مشترکِ خدماتِ ارائه شده به تمامی مستأجران یک بلوک آپارتمانی توسط آن‌ها به طور عادلانه به اشتراک گذاشته شوند. این گروه‌ها بیشتر گروه‌های عملی هستند تا اقتصادی. آن‌ها به عنوان NPIها تلقی نمی‌شوند و فعالیت آن‌ها در SNA ثبت نمی‌شود. این نوع هزینه‌هائی که آن‌ها متقبل می‌شوند باید طوری ثبت شوند که توسط واحدهائی که هزینه‌ها در نهایت به آن‌ها تخصیص می‌یابند پرداخت شده‌اند.

۲۳–۴۶ در مورد تأمین مالی خُرد، واحدی که این خدمات را فراهم می‌کند احتمال دارد یک شرکت یا یک بنگاه غیرشرکتی باشد. حتی اگر مالک بنگاه منافع را نگه ندارد ولی از آن برای وام دادن استفاده کند، این امر به طور خودکار نمی‌تواند موجب شود که آن واحد به عنوان یک NPI محسوب شود. تعریف NPI این نیست که مالکین تصمیم بگیرند که منفعتی از آن برداشت نکنند بلکه این است که آن‌ها طبق قانون موظف به این کار باشند.

۴۷-۲۳ در عمل، ممکن است تهیه اطلاعات مربوط به NPISHهای غیررسمی مشکل باشد، مگر این که نتایج آن به اندازه‌ی کافی مهم باشد که توجه عمومی را جلب کند.

۳. ستانده NPISHها

۴۸-۲۳ NPISHها کالاها و خدمات تولید می‌کنند، ولی به طور معمول خدماتی تولید می‌کنند که به رایگان یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند به خانوارهای فردی ارائه می‌شوند. اما، از نظر مفهومی امکان ارائه‌ی خدمات جمعی نیز توسط یک NPISH وجود دارد. مثال در این مورد نهادی است که دارای منابع مالی کافی بوده و به فعالیت تحقیق و توسعه اشتغال دارد ولی نتایج خود را به رایگان در دسترس همه قرارمی‌دهد. چنین نهادی به تولید غیربازاری اشتغال دارد، ولی از آنجا که توسط دولت کنترل نمی‌شود، در بخش NPISH قرار می‌گیرد. ارزش ستانده‌ی این NPISHها به عنوان مخارج مصرف نهائی و مصرف نهائی واقعی توسط خودِ NPISHها به‌حساب می‌آید.

۴۹-۲۳ خدمات ارائه شده توسط نهادهای غیرانتفاعی درخدمت خانوارها فقط با خدمات ارائه شده توسط دولت شباهت ندارند. این‌ها در اندازه‌گیری ستانده و انتخاب شاخص‌های قیمت مناسب برای تعدیل قیمت ستانده برای بدست آوردن ستانده برحسب حجم نیز با همان مشکلاتی مواجه هستند که در خدمات ارائه شده توسط دولت وجود دارد.

فصل ۲۴: بخش خانوار

الف. مقدمه

۱–۲۴ اقتصاد برای این کار می‌کند که مردم کالاها و خدمات می‌خواهند و آماده‌ی کار کردن هستند تا آن‌ها را بدست آورند. در ابتدائی‌ترین سطح، فعالیتِ امرار معاش وجود دارد و طی آن مردم کار می‌کنند تا مواد غذائی برای خوردن تولید کنند. هر نوع توسعه‌ای، فرصت‌هائی را فراهم می‌آورد تا مردم با کار کردن برای دیگران، پول بدست آورند و آن را برای خریدِ کالاها و خدماتی استفاده کنند که با کالاها و خدمات حاصل از نیروی کار آن‌ها متفاوت است.

۲–۲۴ علاوه بر این، جامعه تشخیص می‌دهد که برخی از افراد نمی‌توانند به این نحو در اقتصاد مشارکت داشته باشند و بنابراین برای جوانان، سالخوردگان و بیماران، و امثال آن‌ها کمک‌ها (انتقالاتی) را فراهم می‌کند. این انتقالات اغلب توسط دولت از طریق توزیع درآمد از طرف کل جامعه، به‌عهده گرفته می‌شود. علاوه بر این، توسط نهادهای غیرانتفاعی یا توسط اعضای خانواده‌ی گسترده، یا دیگران، نیز انتقالاتی طبق هنجارهای سنتی و فرهنگی صورت می‌گیرد. برخی افراد همه‌ی درآمد خود را خرج نمی‌کنند بلکه آن را برای تحصیلِ ثروت بکار می‌برند.

۳–۲۴ سرانجام، درآمدی وجود دارد که از مالکیت ثروت ناشی می‌شود. ثروت در ساده‌ترین مفهوم آن عبارت از انباشتِ درآمد بدست آمده از دوره‌های پیشین (در صورت امکان از نسل‌های پیشین) است. ثروت درآمد را افزایش می‌دهد زیرا دیگران تمایل به استفاده از آن دارند و برای این کار پرداخت می‌کنند. در SNA این پرداخت‌ها درآمد دارائی نامیده می‌شود. ثروت نیز مانند درآمد می‌تواند از مالکی به مالک دیگر انتقال یابد.

۴–۲۴ در SNA حسابداریِ کامل و روشنی از همه‌ی درآمدهای تعلق گرفته به خانوار در دوره‌ی مورد نظر برحسب انواع درآمد ارائه می‌شود. همچنین چگونگی خرج کردن این درآمد برای کالاها و خدمات، انتقال به دیگران یا استفاده در تحصیل ثروت به روشنی ثبت می‌شود. اما، در حالی که توالی حساب‌ها تراز بودنِ حساب‌های همه‌ی خانوارها را تضمین می‌کند، این موضوع که چگونه این تراز برای زیر مجموعه‌های خانوارها حاصل می‌شود را نشان نمی‌دهد.

۵–۲۴ این فصل درباره‌ی این موضوع صحبت می‌کند که چگونه اطلاعات مربوط به بخش خانوارها را از SNA در رابطه با دیگر منابع داده‌ها می‌توان برای تحقیقِ تفصیلی‌تر در رفتار خانوارها استفاده کرد. این فصل بر این موضوع‌ها متمرکز شده است که، درآمد چگونه استفاده می‌شود، الگوهای درآمد و مصرف چگونه در زیر بخش‌ها تفاوت دارند و همچنین پیوند بین درآمد و ثروت در سطح تفصیلی‌تر چگونه است. تمرکز بر این موضوع‌ها، برای تحلیل‌ها و سیاست گذاری‌ها هردو، مفید است. این‌ها، دیدگاه کاملاً متفاوتی از رفتار اقتصادی نسبت به دیدگاه حاکم بر SNA که چگونگی ایجاد درآمد است، ارائه می‌دهند.

۱. بنگاه‌های غیر شرکتی

۶–۲۴ همه‌ی خانوارها مصرف نهائی دارند و تمامی آن‌ها کم و بیش سرمایه انباشته می‌کنند ولی هر خانواری لزوماً تولید انجام نمی‌دهد. فعالیت‌های تولید در درون خانوار، در حد امکان، به عنوان شبه شرکت تلقی شده و در یکی از بخش‌های شرکت‌ها منظور می‌شوند که در این صورت از خانوار جدا می‌شوند. اما، همان‌گونه که در پاراگراف‌های ۴–۱۵۵ الی ۴–۱۵۷ شرح داده شد، یک شبه شرکت تنها هنگامی می‌تواند ایجاد شود که مجموعه‌ی کاملی از حساب‌ها، از جمله اقلام ترازنامه و اطلاعات مربوط به برداشتِ درآمد از شبه شرکت، را داشته باشد. در بسیاری از موارد، بویژه کار کردن به صورت حرفه‌ای، ممکن است اطلاعات کاملی درباره فعالیت‌های تولید وجود داشته باشد ولی امکان جدا سازیِ جریان‌های دیگرِ درآمد، انتقالات و تراکنش‌های مالیِ مربوط به فعالیتِ تولید از

اطلاعاتِ مربوط به کل خانوار، ممکن نباشد. در این حالت و نیز حالتی که حتی اطلاعات مربوط به فعالیت تولید کامل نیست بنگاه غیرشرکتی قسمتی از خانوار باقی می‌ماند.

۷-۲۴ حتی اگر بتوان یک شبه شرکت ایجاد کرد و آن را از حساب‌های دیگرِ خانوار جدا کرد، باز هم خانوار می‌تواند یک بنگاه غیرشرکتیِ مربوط به فعالیت دیگری داشته باشد. به عنوان مثال، ممکن است در یک خانوارِ معین، شخصی قادر به جدا کردن فعالیت‌های تعمیر وسایل نقلیه موتوری باشد ولی شخص دیگری قادر نباشد فعالیت‌های آماده سازی مواد غذائی برای فروش را از فعالیت‌های دیگرِ خانوار جدا کند. علاوه بر این، بسیاری از خانوارها بدون این که هیچ‌گونه فعالیت تولیدِ دیگری داشته باشند یک بنگاه غیرشرکتی خواهند داشت که خدمات مسکن از واحدهای مسکونی مالکِ ساکن و خدمات کارکنان خانگیِ مزدبگیر ارائه می‌دهند.

۸-۲۴ همان طور که ممکن است در بخش خانوارها تولید انجام شود، افرادی هم ممکن است وجود داشته باشند که برای این بنگاه‌های غیر شرکتی نیروی کار ارائه دهند. اعضای خانواری که در بنگاه غیرشرکتی کار می‌کنند خود اشتغال نامیده می‌شوند و اجرت آن‌ها بجای جبران خدمات کارکنان درآمد مختلط نامیده می‌شود. افرادی که در یک بنگاه غیرشرکتی شاغل هستند ولی اعضایِ آن خانوار نیستند کارکن تلقی می‌شوند. این امر امکان پذیر است ولی همیشه محتمل نیست که بنگاه برای این افراد به تأمین اجتماعی پرداخت کند. همچنین این امر امکان پذیر است ولی حتی کمتر احتمال دارد که خانوار برای کارکنان خود مزایای سایر بیمه‌های اجتماعی پیشنهاد کنند.

۹-۲۴ بحث بیشتری درباره اشتغال درون خانوارها در فصل‌های ۱۹ و ۲۵ وجود دارد.

۲. مسائل مربوط به گروه بندی زیربخشی خانوارها

۱۰-۲۴ در تجزیه‌ی بخش خانوارها به دلایل‌زیر مشکلاتی وجود دارد:

الف. نخستین دلیل این است که درآمد را افراد کسب می‌کنند ولی مصرف توسط خانوارها انجام می‌شود.

ب. دومین دلیل این است که پیدا کردن معیاری برای گروه بندی زیربخشی خانوارها به طوری که خانوارهای یک زیربخش به شیوه‌ای مشابه با خانوارهای دیگر در آن زیر بخش رفتار کنند مشکل است. حتی اگر الگوهای درآمدی آن‌ها به‌طور گسترده‌ای مشابه باشند، الگوهای مخارج آن‌ها می‌تواند به نسبت تعداد و سن اعضای خانوارها متفاوت باشد. گروه بندی آن‌ها بوسیله مخارج ممکن است تشابه سطح درآمد را مختل سازد.

پ. سومین دلیل، به منابع داده‌ها درباره درآمد و مخارج خانوارها مربوط است. به طور معمول، اطلاعات شرکت‌ها از آمارگیری‌های کارگاهی و اطلاعات دولت از منابع اداری بدست می‌آید. این منابع نسبتاً جامع بوده و به طور عمده، تنها منبعِ، یا دستکم منبع اصلیِ، داده‌های مورد نیاز SNA است. داده‌های خانوارها از آمارگیری‌های هزینه و درآمد خانوار بدست می‌آید ولی این آمارگیری‌ها که بر نمونه‌های کوچکتری متکی هستند، ممکن است با فاصله‌های زمانی بیشتری نسبت به آمارگیری‌های کارگاهی اجرا شوند و ممکن است مشکل باشد داده‌های حاصل از آن‌ها با کل درآمدها و مخارجی که از محدودیت‌های حسابداری SNA بوجود می‌آید وفق داده شوند.

۳. ساختار فصل

۱۱-۲۴ بخش خانوارها بسته به موضوعِ مورد علاقه، نظیر این که چه نوع تولیدی انجام می‌دهند، چه نوع درآمدی کسب می‌کنند یا از چه الگوهای مصرفی پیروی می‌کنند، از زوایای مختلفی می‌تواند مد نظر قرار گیرد. با توجه به این دیدگاه‌های مختلف، ارائه یک مجموعه‌ی قطعی از زیربخش‌ها برای خانوارها آسان نیست. دلایل مفهومی و عملی برای این مشکلات در بخش ب مرور خواهد شد. مروری بر زیربخش‌های ممکن، در بخش پ ارائه شده است. سه بخش بعدی (ت، ث و ج) به ترتیب به خانوارها در نقش تولید کنندگان، خانوارها در نقش مصرف کنندگان و درآمد خانوار می‌پردازند. بخش آخر، بخش چ، به ثروت خانوار و جریان درآمدی همراه با آن نگاهی خواهد داشت.

ب. ترکیب و بخش بندی خانوار

۱. تعریف خانوار

۱۲-۲۴ شروع مطلب با یادآوریِ تعریفِ خانوار که در پاراگراف‌های ۴-۱۴۹ الی ۴-۱۵۷ ارائه شد، می‌تواند مفید باشد. ***خانوار به‌صورت گروهی از اشخاص تعریف می‌شود که دارای اقامتگاه مشترکی هستند، بخشی از درآمد و ثروت خود یا تمامی آن را به اشتراک می‌گذارند و برخی از انواع کالاها و خدمات، عمدتاً مسکن و مواد غذائی را به طور جمعی مصرف می‌کنند.*** به طور کلی هر عضوی از یک خانوار باید ادعائی بر منابع جمعی خانوار داشته باشد. دستکم تعدادی از تصمیمات تأثیرگذار بر مصرف یا فعالیت‌های اقتصادی دیگر باید برای همه‌ی خانوار اتخاذ شود.

۱۳-۲۴ خانوارها اغلب با خانواده‌ها یکی هستند، ولی اعضای یک خانوار تا زمانی که منابع و مصارفی برای شریک شدن وجود داشته باشند، لزوماً نباید به یک خانواده متعلق باشند. خانوارها می‌توانند هر اندازه‌ای داشته باشند و در جوامع مختلف بسته به سنت، مذهب، آموزش، شرایط اقلیمی، جغرافیا، تاریخ و عوامل دیگرِ اقتصادی اجتماعی، گستره‌ی گوناگونی از اشکال مختلف را به خود می‌گیرند. تعریف یک خانوار که توسط آمارشناسان آشنا با شرایط اقتصادی اجتماعی یک کشور معین اتخاذ شده است شاید تعریف نزدیک‌تری به مفهوم خانوارِ تعریف شده در SNA باشد، هرچند که آمارشناسان ممکن است معیارهائی دقیق‌تر، یا عملی‌تر در یک کشور خاص اضافه کنند.

۱۴-۲۴ کارکنانِ خانگی که با کارفرمای خود در یک مکان زندگی می‌کنند جزئی از خانوار کارفرما محسوب نمی‌شوند حتی اگر به عنوان اجرت غیرنقدی برای آن‌ها محل اقامت و خوراک فراهم شود. کارکنان خانگی مزد بگیر، بر منابع جمعی خانوارکارفرمایان خود ادعائی ندارند و محل اقامت و خوراکی که مصرف می‌کنند در مصرف کارفرمای آن‌ها منظور نمی‌شوند. بنابراین این نوع کارکنان، متعلق به خانوارهای جدا از خانوار کارفرمای آن‌ها هستند.

۱۵-۲۴ اشخاصی که به طور موقت در یک مؤسسه زندگی می‌کنند یا اشخاصی که انتظار می‌رود برای یک دوره‌ی زمانی بسیار طولانی یا نامحدود در یک مؤسسه زندگی کنند هنگامی که در موضوعات اقتصادی استقلال عمل یا تصمیم‌گیری کمی دارند یا اصلا استقلالی ندارند، به عنوان عضو یک خانوار مؤسسه‌ای به حساب می‌آیند. تعدادی مثالِ مربوط به اشخاص متعلق به خانوارهای مؤسسه‌ای به شرح زیر است:

الف. اعضای انجمن‌های مذهبی که در صومعه‌ها، خوانگاه‌ها یا مؤسسات مشابه زندگی می‌کنند؛

ب. بیماران طولانی مدت در بیمارستان‌ها، از جمله بیمارستان‌های روانی؛

پ. زندانیان با محکومیت‌های طولانی؛

ت. اشخاص سالخورده که به طور موقت در خانه‌های سالمندان زندگی می‌کنند.

۱۶-۲۴ از سوی دیگر، اشخاصی که برای دوره‌ی کوتاهی وارد بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها، خانه‌های دوره‌ی نقاهت، عزلت‌گاه‌های مذهبی، یا مؤسسات مشابه می‌شوند، اشخاصی که در مدارس، کالج‌ها یا دانشگاه‌های شبانه روزی شرکت می‌کنند، یا اشخاصی که دوره محکومیتِ کوتاه مدتی را در زندان می‌گذرانند، باید به عنوان اعضای خانواری که به طور عادی به آن تعلق دارند، بشمار آیند.

۲. اقامت

۱۷-۲۴ تمامی خانوارها، در اقتصاد مقیم هستند ولی این پدیده که اغلب (ولی نه لزوماً) شخصی از اعضای خانواده از خارج برای خانواده‌ی درونِ اقتصاد مبالغ قابل توجهی پول ارسال می‌کند، به‌طور روزافزودنی رایج شده است. (همین پدیده در داخل کشور نیز بین مناطق شهری و روستائی وجود دارد). موضوعِ رفتنِ مردم به خارج با امیدِ اشتغالِ بهتر ممکن است به عنوان شکل دیگری از جهانی شدن و جنبه‌ای که ارزش بررسی

دارد، دیده شود.

۳. تعیین زیربخش‌ها

۲۴–۱۸ همان طور که در مقدمه اشاره شد، مشکلِ تجزیه‌ی بخش خانوارها ناشی از چند دلیل است. نخستین دلیل این است که درآمد توسط افراد کسب می‌شود در صورتی که مصرف توسط خانوارها صورت می‌گیرد. وقتی همه‌ی خانوارها شامل همه‌ی افراد هستند، بسیار مشکل است که دریافت کنندگانِ درآمدهای خاص را به گروه‌های خاص خانوارها مربوط کرد. تنظیمِ جدولی که انواع درآمدهای کسب شده و انواع افراد دریافت کننده‌ی آن‌ها را نشان دهد امکان‌پذیر است. همچنین تنظیم جدولی از انواع خانوارها و الگوی مصرفِ هریک از خانوارها نیز امکان پذیر است. تنها در وضعیت بسیار محدودی که هر خانوار فقط یک دریافت کننده‌ی درآمد (و فقط یک منبع درآمد) داشته باشد، و حتی فراتر از آن در صورتی که خانوارها تنها برحسب نوع درآمد رده بندی شده باشند، نوع درآمد می‌تواند با نوع خانوار منطبق شود. این مسأله را می‌توان با مسأله‌ی جدول‌های عرضه و مصرف مقایسه کرد ولی باتوجه به این که در جدول‌های عرضه و مصرف این امکان وجود دارد که تعیین شود کدام صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) کدام محصولات را تولید می‌کنند، در صورتی که خانوارها با معیاری غیر از منبع اصلی درآمد گروه بندی شوند، رابطه‌ی طبیعی بین افراد به عنوان دریافت کنندگان درآمد و خانوارهائی که به آن‌ها تعلق دارند وجود نخواهد داشت.

۲۴–۱۹ مسأله‌ی برقراری ارتباط بین جریان‌های درآمد از SNA با مجموعه‌ی مطلوبی از ویژگی‌های خانوار، یکی از مشکل‌ترین جنبه‌های ساخت ماتریس حسابداری اجتماعی است. در اغلب موارد بازگشت به مدل سازی برای وفق دادن درآمد مربوط به افراد با مصرف مربوط به خانوارها لازم است.

۲۴–۲۰ دومین مسأله مربوط به همگنی خانوارها است. معیارهای مختلفی می‌تواند برای تجزیه‌ی این بخش بکار برده شود (در بخش پ مورد بحث قرار گرفته است) ولی از هر معیاری که استفاده شود، این مشکل وجود خواهد داشت که رفتار خانواری که به‌عنوان نمونه انتخاب شده است معرف رفتار همه‌ی خانوارها نیست. در طبقه بندی‌ها و آمارگیری‌های صنعتی (رشته فعالیتی) به طور طبیعی این مشکل وجود ندارد. به عنوان مثال، اگر در یک آمارگیری ۵۰ درصد از شرکت‌های یک صنعت (رشته فعالیت) خاص پوشش داده شوند شاید این تصور منطقی باشد که الگوی مصرف آن‌ها نمونه‌ای از کل است. اگر بنگاهی گردش مالی خود را دو برابر کند، احتمالاً سطح مصرف واسطه تقریباً دو برابر خواهد شد ولی ترکیب آن می‌تواند تغییر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد. پذیرفتن این نوع فرض‌ها برای گروه‌های خانوار با شک و تردید همراه است. این مورد زمینه‌ی دیگری است که می‌تواند استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی را در تحلیل‌ها بدون در اختیار داشتن منابع بیشتری برای مدل سازی، این بار برای تعیین چگونگی واکنش گروه‌های خانوارها در برابر محرک‌های متفاوت، مشکل سازد.

۲۴–۲۱ اطلاعات مربوط به بخش‌های شرکت‌ها از آمارگیری‌ها بدست می‌آید. هم‌افزوده‌های درآمد و مخارج خانوار از اتحادهای حسابداری در توالی حساب‌ها مشخص می‌شوند. با وجود این که این موضوع صحت دارد که اطلاعات حاصل از آمارگیری‌های خانوار گاهی اوقات می‌تواند اشتباه‌های داده‌های صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) را آشکار سازد یا برعکس، این امر بیشتر مشکل ساز است که مثلاً اطلاعات مربوط به الگوهای مخارج یک گروه از خانوارها از آمارگیری‌های خانوار گرفته شود و پنداشته شود تمامی اعضای دیگر گروه به همان شیوه رفتار می‌کنند. به این دلیل آمارگیری هزینه و درآمد خانوار اغلب به عنوان یک کار مستقل گزارش می‌شود و یکپارچه سازی آن با جمع کل‌های حساب‌های ملی آن گونه که در مورد آمارگیری‌های کارگاهی انجام می‌شود غالباً به عنوان قسمتی از تهیه‌ی مجموعه کامل حساب‌های ملی صورت نمی‌گیرد. برای روشن ساختن چرائی این موضوع، نگاهی خلاصه به برخی از مشکلات تجربه شده با آمارگیری‌های خانوار مفید است.

۴. آمارگیری‌های خانوار

۲۴–۲۲ هر کوششی برای گروه بندی بخش خانوار به آمارگیری هزینه و درآمد خانوار بستگی دارد. قواعدی که توسط آمارشناسان

پذیرفته شده‌اند با قواعدی که توسط حسابداران ملی پذیرفته شده‌اند همیشه یکسان نیستند. برای مثال آمارگیری هزینه و درآمد خانوار ممکن است برآورد اجاره بهای احتسابی واحدهای مسکونیِ مالکِ ساکن یا تولید به حساب خود را در بر نداشته باشد. این آمارگیری ممکن است درآمد را بعد از مالیات و مخارج را بر پایه نقدی و نه تعهدی اندازه‌گیری کند. نشریات متعددی تهیه شده است که این تفاوت‌ها را بررسی کرده و توصیه‌هائی را درباره چگونگی سازگار کردنِ داده‌های آمارگیری با نیازهای حساب‌های ملی ارائه می‌دهند. نشریه‌ای که به طور خاص به این موضوع پرداخته است *گزارش نهائی و توصیه‌های گروه کارشناسان درباره آمارهای درآمد خانوار* (گروه کانبرا (Canbera group)، ۲۰۰۱) و درآمد و مخارج خانوار (سازمان بین‌المللی کار (ILO)، ۲۰۰۱) است.

۲۴-۲۳ مشکل عمده با آمارگیری‌های خانوار این است که کم برآوردی یا کم گوئیِ پاسخگویان درباره درآمدِ خود امر بسیار رایجی است. این موضوع ممکن است عمدی باشد یا فقط ناشی از ناآگاهی در مورد این که چه چیزی را باید گزارش دهند یا فقط یک فراموشی ساده باشد.

۲۴-۲۴ به طور مشابه، برخی از اقلام مصرف مرتباً کم گوئی دارد، که مهمترین آن‌ها مخارج مصرف الکل و دخانیات است. از سوی دیگر، مصرف برخی اقلام دارای بیش گوئی است. برای مثال، اگر در یک آمارگیری براساس حافظه‌ی پاسخگو درباره میزان مخارج کالاهای بادوامی که در طول دو یا سه سال اخیر صرف کرده است سؤال شود، مردم اغلب درباره طول مدت زمانی که از خرید آن گذشته است کم برآوردی دارند و در این دوره مخارج بیشتری را نسبت به آنچه که درعمل رخ داده است گزارش خواهند داد. این پدیده فقط مختص اقلام مخارج بسیار بزرگ نیست؛ گزارش شده است که آمارگیری‌های خانوار برای مثال، خرید خمیردندان را چند برابر بیشتر از فروش آن توسط مغازه‌ها اظهار کرده‌اند.

۲۵-۲۴ مشکل عدم پاسخگوئی در آمارگیری‌های خانوار یک امر نگران کننده است زیرا بسیار احتمال دارد که برخی از خانوارها که از پاسخ دادن امتناع می‌کنند الگوهای درآمد و مخارجی متفاوت از دیگر پاسخگویان داشته باشند. برای مثال، مردمی که درآمدهای ناشی از فعالیت‌های غیر قانونی دارند ممکن است تمایلی به ارائه اطلاعات نداشته باشند و در آمارگیری شرکت نکنند. به طور مشابه، این که خانوارها در سطوح بسیار بالا و در سطوح بسیار پائینِ توزیعِ جامعه، چه از طریق طراحی و چه در زمینه‌ی اجرا، از آمارگیری حذف شوند، بسیار رایج است.

۲۶-۲۴ آمارگیری‌های خانوار ممکن است برای این طراحی شوند که پدیده خاصی را که لزوماً نیاز اصلی حساب‌های ملی نیست بررسی کنند. برای مثال، ممکن است آمارگیری محدود به دریافت کنندگان درآمدهای پائین در مناطق شهری باشد. با وجود این که این اطلاعات بسیار با ارزش و مفید است ولی برای تولید ارقام هم‌افزوده برای حساب‌های ملی کافی نیست. گاهی اوقات حتی در صورتی که پوشش آمارگیری جامع تر هم باشد، ممکن است اندازه‌ی نمونه به حدی نباشد که تفکیک خانوارها را درچارچوب مورد نیاز حساب‌های ملی امکان پذیر سازد. پی بردن به این موضوع که قبل از اجرای آمارگیری باید یک الگوی مطلوبِ گروه بندی زیربخشی تعیین گردد مهم است تا اطمینان حاصل شود که ویژگی‌های خواسته شده به اندازه‌ی کافی در آمارگیری نمونه‌ای نشان داده خواهد شد.

پ. گروه بندی زیربخشی خانوارها

۱. رهیافت تولید

۲۷-۲۴ در نظر اول لازم است امکان گروه بندی زیربخش‌های خانوار بر حسب اشتغال به تولید بررسی شود. این مورد را می‌توان با پیروی از الگوئی که در فصل ۲۵ برای تعیین فعالیت‌های غیر رسمی و دیگر فعالیت‌های تولیدی خانوارها نشان داده شده

است انجام داد.

۲۴-۲۸ بررسی نخست جدا کردن خانوارهای مؤسسه‌ای و خانوارهای دارای بنگاه غیرشرکتی از خانوارهائی است که بنگاه غیرشرکتی ندارند. پس از آن تعیین خانوارهائی که تنها فعالیت تولیدی آن‌ها مربوط به مالکینِ ساکن در واحد مسکونی خود یا اشتغال کارکنان خانگی است، آسان خواهد بود. خانوارهای باقی‌مانده را می‌توان باز هم بین خانوارهائی که کارکنانی را برای کار در بنگاه غیرشرکتی خود بکار می‌گیرند و خانوارهائی که این گونه عمل نمی‌کنند تقسیم کرد. همان‌طور که در فصل مربوط به بخش غیررسمی شرح داده شده است، وقتی در این راستا عمل می‌شود گاهی تعیین نوع فعالیت یک بنگاه غیرشرکتی، بویژه تعیین فعالیت کشاورزی جدا از انواعِ دیگر فعالیت‌ها، مطلوب خواهد بود.

۲۴-۲۹ در SNA، تمامی بنگاه‌های خانواری که دارای مجموعه‌ی کامل حساب‌هائی هستند که مالکیتِ دارائی‌ها (جدا از دارائی‌های متعلق به خانوار) و برداشت درآمدِ مالکین آن‌ها را نشان می‌دهند، به عنوان شبه شرکت تلقی می‌شوند و در یکی از بخش‌های شرکت‌ها طبقه بندی می‌شوند. تعداد بنگاه‌های خانواری که می‌توانند به عنوان شبه شرکت تلقی شوند و از اینرو از بخش خانوارها حذف شوند، به طور قابل ملاحظه‌ای از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و بستگی به میزانِ دسترسی به اطلاعات حسابداری و منابع موجود برای تعیین این نوع بنگاه‌ها دارد.

۲۴-۳۰ هرچند تعیین خانوارهائی که فقط دارای خدماتِ مسکن توسط مالکینِ ساکن در واحد مسکونی هستند به عنوان بنگاه‌های غیرشرکتی امکان پذیر است، در بسیاری از موارد دیگر بنگاه‌های غیرشرکتی هم خدمات مسکن خود را خواهند داشت. با وجود این که از دیدگاه تولید امکان جدا کردن انواع مختلف فعالیت‌های تولید وجود دارد برای کل واحدهای نهادی این جداسازی امکان پذیر نیست.

۲۴-۳۱ در بیشترِ کشورها، بسیاری از خانوارها بنگاه‌های غیرشرکتی ندارند، بنابراین هنگامی که گروه بندی زیربخشی برحسب تولیدِ خانوار صورت می‌گیرد، خانوارهائی که بدون بنگاه‌های غیر شرکتی هستند با یکدیگر در یک زیربخش گروه بندی می‌شوند. تنها عامل مشترکِ این خانوارها این است که آن‌ها دارای بنگاه غیرشرکتی نیستند. از اینرو، درحین این که گروه بندیِ زیربخشیِ خانوارها بر حسب تولید در بعضی شرایط مفید است، محدودیت‌های خود را از نظرِ تعیین نقش انواع مختلف خانوار در اقتصاد دارد.

۲. رهیافت مصرف

۲۴-۳۲ مشاهدات بسیاری وجود دارد که وقتی درآمدِ خانوار افزایش می‌یابد الگوی مصرف تغییر می‌کند. هرچه درآمد بیشتری در دسترس باشد نسبت مخارج تخصیص یافته به مواد غذائی و دیگر کالاهای ضروری کاهش می‌یابد و به کالاهای تجملی‌تر اختصاص داده می‌شود. از اینرو، یک رهیافت برای تجزیه‌ی خانوارها برحسب الگوهای مصرف در حقیقت تجزیه برحسب سطح درآمد است با این فرض که با این معیار تفاوت در الگوهای مصرف نشان داده شود. مطالعاتی که برای نشان دادن الگوهای مصرف برحسب دهک‌های درآمدی انجام می‌شود بسیار متداول است و اطلاعات جالبی را ارائه می‌دهد که در آن نشان داده می‌شود چگونه با افزایش سطح کلی درآمد الگوهای مصرف تغییر می‌یابد.

۲۴-۳۳ سؤالی که پیش می‌آید این است که چگونه ممکن است الگوهای مصرف به درآمد افراد مربوط باشند. هنگامی که این دهک‌ها بر حسب خانوار محاسبه می‌شوند روش قطعی برای تعیین این که چگونه دریافت کنندگانِ درآمد در یکی از دهک‌های درآمدی قرار می‌گیرند وجود ندارد. بالا بودن درآمدِ یک خانوار ممکن است ناشی از دریافتیِ بالای یک عضو خانوار یا تعدادی دریافت کننده‌ی درآمد متوسط باشد. بعلاوه هرچند در حساب تولید جبران خدمات کلِ کارکنان نشان داده می‌شود و ممکن است مقایسه‌ی این قلم با تعداد کل کارکنان امکان پذیر باشد، درباره‌ی توزیع درآمد بین نیروی کار در بنگاه اطلاعاتی نشان داده نمی‌شود.

۲۴-۳۴ همه‌ی درآمدها از جبران خدمات کارکنان بدست نمی‌آید بنابراین تأثیر منابع دیگرِ درآمد بر مصرف کلِ خانوار به‌همان اندازه (به اندازه منابع دیگر درآمد، مترجم) نامشخص است.

۲۴–۳۵ استفاده از سطح درآمد خانوار به عنوان تقریبی برای الگوهای مصرف با تعدادی مشکلات قابل ملاحظه مواجه است. یک روشِ ممکن برای تفکیک خانوارها در جائی که الگوهای مصرف می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت باشد این است که خانوارها برحسب این که کودکانی داشته باشند یا خیر، نسبتاً جوان باشند (و نخستین بار است که خانه تشکیل می‌دهند) یا نسبتاً سالخورده باشند (که مخارج کالاهای بادوام مصرفیِ آن‌ها می‌تواند پائین‌تر از سایر گروه‌ها باشد) گروه بندی شوند. اما در اینجا هم راه آسانی وجود ندارد تا منبع درآمد با نوع خانواری که دریافت کننده‌ی درآمد به آن تعلق دارد ارتباط داده شود.

۳. رهیافت درآمد

۲۴–۳۶ یک رهیافت امیدوار کننده برای گروه بندی زیر بخشی می‌تواند نه تنها با در نظر گرفتن سطح درآمد بلکه با در نظر گرفتن نوع درآمد نیز انجام شود. همان طور که در فصل ۴ مطرح شد، الگوی زیر می‌تواند مد نظر قرار گیرد.

۲۴–۳۷ خانوارها ممکن است برحسب ماهیتِ بیشترین منبعِ درآمدشان در زیربخش‌های مختلف گروه بندی شوند. برای این منظور، لازم است انواع درآمدهای خانوار به شرح زیر مشخص شوند:

الف. درآمد تعلق گرفته به مالکین بنگاه‌های غیرشرکتی با کارکنان مزد بگیر (درآمد مختلط کارفرمایان)؛

ب. درآمد تعلق گرفته به مالکین بنگاه‌های غیرشرکتی بدون کارکنان مزد بگیر (درآمد مختلط کارکنان به حساب خود)؛

پ. جبران خدمات کارکنان؛

ت. درآمد دارائی و انتقالات.

۲۴–۳۸ برحسب این که کدام‌یک از چهار رده‌ی درآمدی بالا در کل بیشترین منبعِ درآمد را برای خانوار داشته باشد، خانوار به آن زیربخش منتسب می‌شود، حتی اگر این رده‌ی درآمدی همیشه بیشتر از نصف کل درآمد خانوار به حساب نیاید. هنگامی که در درون خانوار بیش از یک درآمد از رده معینی دریافت می‌شود، مثلاً به این دلیل این که بیش از یک عضو خانوار جبران خدمات کارکنان دریافت می‌کنند یا به دلیل این که بیش از یک درآمد دارائی یا انتقالات دریافت می‌شود، در این صورت باید طبقه بندی براساس کل درآمد خانوار در هر رده انجام شود. چهار زیربخش به شرح زیر شناخته می‌شوند:

الف. کارفرمایان؛

ب. کارکنان به حساب خود؛

پ. کارکنان مزد بگیر؛

ت. دریافت کنندگان درآمد دارائی و انتقالات.

۲۴–۳۹ زیربخش چهارم، یعنی خانوارهائی که برای آن‌ها درآمد دارائی و انتقالات بیشترین منبع درآمد به حساب می‌آیند، گروه ناهمگنی را تشکیل می‌دهند و توصیه می‌شود که در صورت امکان به سه زیربخشِ فراتر تقسیم شود. این زیربخش‌ها به صورت زیر تعیین شده است:

- دریافت کنندگان درآمد دارائی
- دریافت کنندگان مستمری بازنشستگی
- دریافت کنندگان درآمدهای سایر انتقالات.

۴. استفاده از یک شخص مرجع

۲۴–۴۰ روش‌های دیگر گروه بندی زیر بخشی معمولاً مستلزم این است که برای هر خانوار یک شخص مرجع شناسائی شود. شخص مرجع لزوماً شخصی نیست که اعضای دیگرِ خانوار او را به عنوان "سرپرست خانوار" در نظر بگیرند زیرا شخص مرجع صرف نظر از سن یا ارشد بودنِ او، باید کسی باشد که در زمینه‌های مهم اقتصادی تصمیم گیری کند. شخص مرجع به طور عادی باید فردی با بالاترین درآمد باشد هرچند که شخص مرجع همچنین می‌تواند فردی باشد که با در نظر گرفتن مصرف خانوار تصمیم‌های عمده را اتخاذ می‌کند.

۲۴-۴۱ هنگامی که شخص مرجع تعیین شد، گروه‌بندی خانوارها در زیربخش‌ها براساس ویژگی‌های شخص مرجع امکان پذیر خواهد بود. برای مثال زیربخش‌ها ممکن است به شرح زیر تعیین شوند:

الف. شغل شخص مرجع؛

ب. صنعتی (رشته فعالیتی) که شخص مرجع در آن کار می‌کند (اگر وجود داشته باشد)؛

پ. بالاترین مدرک تحصیلی شخص مرجع؛

ت. صلاحیت یا مهارت‌های فنی شخص مرجع.

۵. پیامدهای تغییرات جمعیتی

۲۴-۴۲ در برخی از کشورها اثر تغییراتِ جمعیتی بر نیک بودِ خانوارها و واکنش لازم از طرف دولت، موضوع مورد توجه روزافزونِ سیاست‌گذاری‌ها است. برای مثال، در جمعیتی که در حال پیر شدن است، ممکن است تقاضای کمتری برای خدمات آموزشی و تقاضای بیشتری برای خدمات سلامت وجود داشته باشد.

۲۴-۴۳ موضوع قابل توجه دیگر این است که آیا تأمین بازنشستگیِ کافی وجود دارد که تضمین کند افراد در بازنشستگی از سطح درآمد کافی، بدون انتظار از دولت برای حمایت درآمدی، برخوردار هستند. تمرکز بر این نوع موضوعات می‌تواند پیشنهاد گروه بندی دیگری از زیربخش‌ها برای خانوارها ارائه دهد برحسب این که دریافت کننده‌ی اصلی درآمد مشغول به کار است، در سن کاری است ولی مشغول به کار نیست یا در دوران بازنشستگی به سر می‌برد. در اینجا هم رده بندی خانوارها برحسب کسب کننده‌ی درآمد اصلی نتایج متفاوتی از رده بندی آن‌ها برحسب کل درآمد ارائه خواهد داد.

۶. ملاحظات دیگر

۲۴-۴۴ در نظر گرفتن گروه بندی زیربخشیِ خانوارها در زمینه‌های کاملاً متفاوت امکان پذیر است. به عنوان مثال، تعداد افراد خانوار، منطقه‌ای که خانوار در آن ساکن است، سطح تحصیل یا قابلیت‌های سرپرست خانوار، صنعتی (رشته فعالیتی) که سرپرست خانوار در آن کار می‌کند، آیا خانوار دارای املاک یا دارائی‌های دیگر است یا خیر و از این قبیل موارد.

ت. خانوار به عنوان تولیدکننده

۱. خانوارها و بخش غیررسمی

۲۴-۴۵ در همه‌ی کشورها، برخی از فعالیت‌های تولیدی وجود دارند که توسط خانوارها انجام می‌شوند. بسیاری از این‌ها می‌توانند به عنوان فعالیت‌های غیررسمی نامیده شوند، و همان‌گونه که در فصل ۲۵ توضیح داده شده است، اندازه‌گیری گستره بخش غیررسمی و این که چگونه این بخش با توسعه اقتصادی تغییر پیدا می‌کند بینش خاصی را در گسترش اقتصادِ بازار فراتر از بنگاه‌های رسمی، ارائه می‌دهد.

۲۴-۴۶ مسأله جداسازی فعالیت تولیدیِ یک خانوار از بقیه این واحد نهادی در فصل‌های پیشین در جاهای متعددی، بویژه در فصل ۴، مورد بحث قرار گرفته است، و به بحث مربوط به گروه بندی زیربخش‌های خانوار در بالا ارجاع داده می‌شود. لذا در این بخش فقط تعدادی از جنبه‌های فعالیت‌های تولیدی که بناچار در درون بخش خانوار باقی می‌ماند مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲. کشاورزی

۲۴-۴۷ در برخی از کشورها، کشاورزی برای امرار معاش، یا در حقیقت محصولِ هر تولید کشاورزی که به طور کامل توسط مسؤل تولید آن استفاده می‌شود، قسمت بسیار مهمی از مصرف خانوار و در سطح گسترده تر، قسمت مهمی از GDP

است. در کشورهائی که بخش عمده‌ی خوراکِ اصلی برای خود مصرفی کاشته می‌شود، و این‌ها محصولات فصلی هستند، باید توجه داشت که قسمتی از افزایش ارزش محصول زراعی در اثر ذخیره سازی باید به عنوان قسمتی از تولید در نظر گرفته شود. جزئیات چگونگی انجام این عمل در پیوست فصل ۶ موجود است.

۲۴-۴۸ لازم به یادآوری است که قیمت خریدار برای محصولات کشاورزی که برای خود مصرفی استفاده می‌شود به معنی قیمت نزدیک ترین بازار محلی که می‌تواند هزینه‌های حمل و نقل را در بر داشته باشد نیست. قیمت بازار قیمتی است که شخصی ممکن است برای محصولات زراعی در جائی که کاشته می‌شوند پرداخت کند. این قیمت گاهی قیمت سرِ مزرعه نامیده می‌شود.

۲۴-۴۹ در اصل، تمامی میوه‌ها و سبزیجات کاشته شده در مقیاس کوچک یا در باغ‌های بزرگ توسط خانوار برای خود مصرفی حتی در کشورهای توسعه یافته باید در محدوده تولید قرار گیرند. ولی در عمل، غیر از مواردی که اندازه‌ی آن بسیار بزرگ است، ارزش این را ندارد که برای برآورد کردن آن تلاش شود.

۳. مسکن

۲۴-۵۰ تقریباً در همه‌ی کشورها، تعداد زیادی از خانوارها در واحدهای مسکونیِ تحت مالکیت خود زندگی می‌کنند. اندازه‌ی بازار اجاره ممکن است بسیار کوچک و محدود به برخی مناطق، مثلاً مناطق شهری باشد که این امر استفاده از اجاره بهای بازار به عنوان وسیله‌ای برای برآورد خدمات ارائه شده توسط تمامی واحدهای مسکونی مالک ساکن را مشکل می‌سازد. در فصل ۲۰، شرح داده شده است که در اصل اجاره‌ی یک دارائی سرمایه می‌تواند با اعمال یک عامل تنزیل به موجودی سرمایه در ابتدای دوره محاسبه شود، بنابراین اگر ارزش خانه مشخص باشد، می‌توان رقمی برای خدمات ارائه شده برآورد کرد. اما، این رهیافت نیز در شرایطی که داده‌هائی برای موجودی سرمایه وجود نداشته باشد یا در شرایطی که نااطمینانی در نرخ بازده وجود دارد، برای برآورد مسأله ساز خواهد بود. برای واحدهای مسکونی ساده‌ی مناطق روستائی، ممکن است لازم باشد هزینه‌ی ساخت و ساز محاسبه شود و مدت زمانی که بنا بدون نوسازی عمده قابل استفاده است برآورد شود.

۲۴-۵۱ تمامی واحدهای مسکونی نیاز به نگه‌داری منظم دارند. حساب تولید برای یک واحد مسکونیِ مالک ساکن تنها کالاها و خدمات لازم برای انجام نوعی از تعمیراتی که در بناهای اجاره داده شده به طور عادی به‌عهده مالک است را به عنوان مصرف واسطه تلقی می‌کند. این هزینه‌ها ممکن است شامل پرداخت به صاحبان حرفه در کارهای ساختمانی، نظیر لوله کش یا نقاش باشد، که این هزینه‌ی پرداخت شده به صاحبان حرفه جبران خدمات کارکنان برای آن‌ها را نیز در بر خواهد داشت. اما، وقتی کار توسط خودِ مالک انجام می‌شود فقط هزینه‌های مواد و مصالح در مصرف واسطه منظور می‌شوند و برآوردی برای ارزش زمان صرف شده توسط مالک برای تعمیرات صورت نمی‌گیرد. در نتیجه، در حساب تولید چیزی به عنوان جبران خدمات کارکنان برای واحدهای مسکونی مالک ساکن وجود نخواهد داشت. (این می‌تواند به عنوان یک قاعده‌ی عملی دیده شود. اگر قرار بود نیروی کار برای مالکی که این نوع تعمیرات را انجام می‌دهد برآورد شود، این رقم باید به عنوان درآمد تعلق گرفته به خانوار ثبت می‌شد ولی از درآمد حاصل از اجاره بهای خانه دقیقاً به همان اندازه کسر می‌شد).

۲۴-۵۲ کل اجاره بهای برآورد شده منهای هزینه‌های واقعیِ متحمل شده (شامل هزینه‌هائی غیر از هزینه‌های پرداخت شده که به تعمیرات (تعمیرات اساسی، *مترجم*) مربوط می‌شود) به عنوان مازاد عملیاتی مالک تلقی می‌شود. حساب‌های مالکِ بنا همه‌ی ارزش اجاره بهای احتسابی را به عنوان ستانده، هرگونه هزینه متقبل شده را به عنوان مصرف واسطه و تفاوت این دو را به عنوان مازاد عملیات ناخالص نشان می‌دهد که به خانوار به عنوان مالکِ بنگاه غیر شرکتی پرداخت می‌شود. در حساب مصرف درآمد، ارزش کل اجاره بها به عنوان مصرف اجاره بهای احتسابی واحدهای مسکونی مالک ساکن نشان داده می‌شود.

۲۴-۵۳ هنگامی که تعمیرات اساسی انجام می‌شود، تعمیرات اساسی به عنوان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تلقی می‌شود ولی

همان قواعد بکار رفته در رابطه با ثبت جبران خدمات کارکنان اینجا نیز اعمال می‌شود.

۲۴-۵۴ برخی از خانه‌ها متعلق به خانوارها است ولی توسط آن‌ها اجاره داده می‌شود. در این حالت اجاره بهای پرداخت شده توسط مستأجر ارزش ستانده‌ی خدماتِ اجاره‌ای را تشکیل می‌دهد. حساب تولید برای خانوارِ دریافت کننده‌ی اجاره، مصرف واسطه‌ای را که در مقابل این ستانده هزینه کرده است نشان می‌دهد تا مازاد عملیاتی این فعالیت محاسبه شود، این مازاد عملیاتی درآمدِ خانوارِ مالک تلقی می‌شود. در بعضی موارد ممکن است کل مصرف واسطه از کارمزد خدمات پرداخت شده به بنگاهِ ترتیب دهنده‌ی اجاره تشکیل شده باشد. این امکان وجود دارد که گاهی کارمزد پرداختی به بنگاه ترتیب دهنده‌ی اجاره بیشتر از درآمد اجاره بها باشد به طوری که فعالیت اجاره‌ای زیان بار شود. برای مثال، اگر خانه‌ای برای مدتی خالی بماند، ممکن است باز هم کارمزد پرداختنی به بنگاه ترتیب دهنده‌ی اجاره وجود داشته باشد. این امر اغلب برای خانوار دریافت کننده اجاره بها قابل قبول است زیرا یکی از دلایل داشتن مالکیت یک خانه برای اجاره دادن امیدواری به منفعت ناشی از نگه‌داشتن برای یک مدت زمان طولانی است.

۲۴-۵۵ طبق قرارداد، کل ارزش افزوده‌ی حاصل از اجاره‌داری واحدهای مسکونی به عنوان مازاد عملیاتی، نه درآمد مختلط، در نظر گرفته می‌شود.

۲۴-۵۶ بعضی خانه‌ها، چه در همان اقتصاد چه در خارج از کشور، ممکن است وجود داشته باشند که به عنوان خانه‌ی دومِ خانوار به حساب آیند. همان اصول بکار رفته در حالت اجاره بهای احتسابی واحدهای مسکونی مالک ساکن و فعالیت‌های خدمات اجاره‌ای حاصل از اجاره‌ی یک خانه در اینجا نیز اعمال می‌شود. اگر این خانه در کشور دیگری قرار داشته باشد، این‌طور در نظر گرفته می‌شود که متعلق به یک واحد فرضی مقیم در آن کشور است. در این صورت مالک قانونی آن دارای یک ادعای مالی بر واحد فرضی مقیم است. بنابراین واحد فرضی مقیم برای این بوجود می‌آید که یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم باشد که به طور کامل متعلق به یک واحد غیرمقیم است. اما، تنها دارائی این واحد ارزش ملک مورد نظر است و کل مازاد عملیاتی حاصل از اجاره دادن خانه برداشت از واحد مقیم و ارسال به مالک آن تلقی می‌شود بنابراین سود تقسیم نشده‌ای باقی نمی‌ماند که به عنوان سود بازسرمایه‌گذاری شده عمل شود.

۲۴-۵۷ تا حدی که خانه‌ی خارج از کشور توسط مردمی استفاده می‌شود که تابعیتِ کشوری (اقتصادی) را دارند که مالک قانونی در آن مقیم است، اجاره بها باید به عنوان صادرات خدمات از کشور خارجی و واردات خدمات برای اقتصاد داخلی عمل شود. اما، مازاد عملیاتی واحد فرضی به مالک خانه ارسال می‌شود و به عنوان جریان خروجیِ درآمد دارائی از کشور خارجی و جریان ورودیِ آن به اقتصاد داخلی، با خنثی کردن جریان‌های خدمات اجاره‌ای (دستکم قسمتی از آن) نشان داده می‌شود.

۲۴-۵۸ هنگامی که خانه‌ای از طریق وام مسکن تأمین مالی می‌شود، در اصل باید FISIM مربوط به پرداخت‌های بهره‌ی وام به عنوان قسمتی از مصرف واسطه فعالیت تولید مربوط به اجاره ملک تلقی شود (اعم از این که آن ملک توسط مالک استفاده شده باشد یا توسط یک مستأجر). اما، ممکن است تشخیص FISIM که تنها مربوط به بهره‌ی تعلق گرفته به وام مسکن است مشکل باشد و در مواردی ممکن است وامی که با استفاده از ملک به عنوان وثیقه اخذ شده است برای ضمانت ملک برای داشتن یک واحد مسکونی استفاده نشود. در عمل، اگر FISIM به عنوان قسمتی از مصرف واسطه فعالیت اجاره‌ای منظور نشود، مازاد عملیاتی حاصل از فعالیت اجاره‌ای بیشتر از وقتی خواهد بود که به عنوان مصرف واسطه عمل می‌شود ولی مخارج مصرف خانوار نیز به همان اندازه بالاتر خواهد بود.

۴. کارکنان خانگی

۲۴-۵۹ خدمات ارائه شده توسط کارکنان خانگیِ مزد بگیر بوسیله‌ی هزینه‌ی جبران خدمات پرداختی به آن‌ها ولی با منظور کردن همه‌ی درآمدهای غیرنقدی نظیر محل اقامت یا خوراک رایگان و نیز حق بیمه‌های اجتماعی که ممکن است از طرف کارکنان پرداخت شود ارزش گذاری می‌شود. طبق قرارداد حساب تولید برای خدمات خانگی با مزد فقط از این جبران

خدمات کارکنان تشکیل می‌شود. تمامیِ محصولات بکار رفته برای انجام خدماتِ خانگی، نظیر مواد شوینده و ابزار استفاده شده، به عنوان مخارج مصرف نهائی خانوار تلقی می‌شوند.

۲۴-۶۰ افرادی که خدمات خانگی با مزد ارائه می‌دهند باید اعضای خانوار دیگری باشند. مبالغی که برای انجام وظایف در خانه به کودکان پرداخت می‌شود، به عنوان ارائه‌ی خدمات خانگی با مزد تلقی نمی‌شوند بلکه فقط انتقالات داخلیِ خانوار است. از سوی دیگر پرداخت‌هائی که برای مراقبت از کودکانِ همسایه به یک کودک انجام می‌شود در اصل باید به عنوان خدماتِ خانگی عمل شوند ولی ممکن است این‌ها برای اندازه‌گیری بسیار ناچیز و به حساب آوردن آن‌ها مشکل باشد.

۲۴-۶۱ در عمل، برخی از کشورها ممکن است کارکنان خانگی تمام وقت را به عنوان اعضای خانوار تلقی کنند، که در این حالت به عنوان انتقالاتِ داخل خانوار ثبت می‌شود، هرچند که انتقالات داخل یک واحدهای نهادی به طور معمول ثبت نمی‌شوند. این بنوبه‌ی خود به این معنی است که یک عنصرِ دوباره شماری برای خانوار مربوطه وجود خواهد داشت زیرا پرداخت به کارکنانِ خانگی و خرج کردن آن توسط آن کارکنان، هردو در مخارج مصرف خانوار منظور می‌شوند.

۲۴-۶۲ در فصل ۲۹ بحثی وجود دارد درباره امکان گسترش محدوده‌ی تولید در چارچوب یک حساب اقماری برای منظور کردن تمامی خدمات خانگی، از جمله آن‌هائی که خدمات خود را در ازای پرداخت ارائه نمی‌دهند.

ث. خانوار به عنوان مصرف‌کننده

۱. کالاها و خدمات مصرفی غیرنقدی

۲۴-۶۳ فصل ۹ مفاهیمِ متفاوت مخارج مصرفی، مصرف واقعی و استفاده از کالاها و خدمات را شرح می‌دهد. در SNA، فقط دو مفهوم اول اندازه‌گیری می‌شود و تفاوت بین آن‌ها انتقالات اجتماعی غیر نقدی فراهم شده برای خانوارها توسط دولت و NPISHها به حساب می‌آید. در عمل، این موضوع ممکن است جالب باشد که بتوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی فراهم شده برای کودکان (عمدتاً آموزش)، به سالخوردگان (بویژه مراقبت‌های بهداشتی) یا شاید براساس منطقه را مشخص کرد. اما، مشکلات قابل ملاحظه‌ای در کارکردن در این سطح تفصیلی وجود دارد و بنابراین این نوع جزئیات اضافی احتمالاً می‌تواند فقط در چارچوب یک حساب اقماری فراهم شود.

۲۴-۶۴ در عمل، انتقالات غیرنقدی بین خانوارها باید در SNA ثبت شوند. اما، اگر برای بخش خانوار زیربخش‌هائی وجود نداشته باشد، این نوع انتقالات وقتی بین خانوارهای مقیم رخ می‌دهند، در حساب‌ها نشان داده نخواهند شد. از سوی دیگر انتقالات غیرنقدی بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم می‌تواند بسیار مهم باشد و باید از طریق اطلاعات مربوط به وجوه ارسال شده در داده‌های تراز پرداخت‌ها بدست آید. ملاحظات عملی در نشریه *تراکنش‌های بین‌المللی در وجوه ارسالی: راهنما برای تهیه کنندگان و استفاده کنندگان* (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۸b) توضیح داده شده است.

۲۴-۶۵ هنگامی که میزان قابل ملاحظه‌ای مصرف از طریق تولید به حساب خود، درآمد غیرنقدی، معاملات پایاپای یا انتقالات غیرنقدی نشان داده شده است، کار مفیدی است که مخارج مصرفی غیرنقدی خانوارها از کالاها و خدمات مصرفی خریداری شده توسط خانوار در محل بازار از یکدیگر متمایز شده جز به جز نشان داده شود.

۲. مخارج گردشگران

۲۴-۶۶ بیشترِ منابع داده‌های مربوط به مصرف خانوار از سمتِ عرضه قابلیت تشخیص خریدهای انجام شده توسط خانوارهای مقیم از خریدهای خانوارهای غیرمقیم را ندارند. به همین ترتیب، این منابع خریدهای انجام شده در خارج توسط خانوارهای

مقیم را نیز آشکار نمی‌سازند. هردوی این اقلام اغلب به اندازه‌ی کافی قابل ملاحظه هستند که برای برآورد مهم باشند، هم برای تأثیرگذاری در تراز پرداخت‌ها و هم به منظور حصول اطمینان از این که جدول‌های عرضه و مصرف به اندازه کافی بتوانند تراز شوند. ملاحظات بیشتری درباره مخارج گردشگران در فصل ۲۹ در رابطه با حساب اقماری گردشگری مورد بحث قرار گرفته است.

۳. مخارج مصرفی برحسب نوع محصول

۶۷-۲۴ بیشترِ آمارگیری‌های خانوار که مصرف را جزء به جزء برحسب مقاصد نشان می‌دهند برای این در نظر گرفته شده‌اند که در غذا، مسکن و غیره استفاده شوند. این نوع تفکیک نوعی است که در طبقه بندی مصرف فردی بر اساس هدف (Classification Of Individual Consumption by Purpose: COICOP) استفاده شده است. برای وارد کردن در جدول عرضه و مصرف، بهتر است جدولی تهیه شود که طبقه بندی متقاطع مصرف برحسب هدف و برحسب نوع محصول را نشان دهد. این جدول نه تنها از نظر فراهم کردن اطلاعاتِ لازم برای جدول‌های عرضه و مصرف مفید است بلکه برای بررسیِ اطلاعات استفاده شده برای تهیه شاخص‌های قیمتِ مصرف‌کننده، که به نوبه‌ی خود برای تعدیلِ قیمتِ مخارج مصرفی بکار می‌رود، نیز مناسب است. اگر به اندازه‌ی کافی داده وجود داشته باشد، این جدول می‌تواند از این نظر نیز مفید باشد که نگاهی به ترکیب مخارج مصرفی برحسب نوع خانوار داشته باشد با این دید که شاخص‌های قیمت مصرف کننده برای گروه‌های متفاوت خانوارها، مثلاً، سالخوردگان یا خانوارهای دارای کودکان جوان محاسبه شوند.

.

ج. درآمد خانوار

۶۸-۲۴ در بسیاری از کشورها این امر پدیده جا افتاده‌ای است که در آمد به طور غیر یکنواخت و با شیوه‌ای بسیار سمت‌گیر (اریب) توزیع می‌شود. مردم بسیار زیادی درآمدی دارند که به طور قابل ملاحظه‌ای زیر درآمد متوسط یا میانی است و مردم بسیار کمی دارای درآمد بی‌اندازه بزرگ هستند. خط فقر گاهی به عنوان نصف درآمد میانی گفته می‌شود ولی درآمدی معادل دو برابر درآمد میانی حاکی از بیشترین ثروت نیست؛ ثروتمندترین افراد در یک اقتصاد ممکن است درآمدی داشته باشند که چند برابر بزرگتر از درآمد متوسط یا میانی باشد.

۶۹-۲۴ توالی حساب‌ها به این دلیل مهم است که تصویری ارائه می‌دهد که در آن نشان داده می‌شود درآمد چگونه توزیع و بازتوزیع می‌شود، خواه به طور اجباری از طریق مالیات‌ها و مزایا خواه به طور اختیاری از طریق انتقالات یا به دلیل مالکیت دارائی‌های مالی یا دارائی‌های دیگر (درآمد دارائی). برای بررسی این که فرآیند توزیع و بازتوزیع درآمد به طور قابل ملاحظه‌ای توزیع کلی درآمد را در اقتصاد تغییر می‌دهد لازم است بتوان جریان‌های بین گروه‌های متفاوت خانوارها را نشان داد. همان‌طور که در مقدمه گفته شد، تخصیصِ درآمد حاصل از یک منبع خاص به یک گروه خاص از خانوارها مشکل است. این کار آسان نیست و جزء استانداردی از SNA هم نیست. اما، این آسان است که اطلاعات بیشتری درباره نوع درآمد خانوار نسبت به اطلاعات کل موجود در توالی استاندارد حساب‌ها برای تحلیل‌گران فراهم شود. تا آنجا که به ارزش افزوده مربوط است، ممکن است متمایز کردن جبران خدمات پرداختی برحسب یکایک صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) یا شاید برحسب سطح تحصیلات یا منطقه امکان پذیر باشد. درآمد مختلط را نیز می‌توان به طور مشابه متمایز کرد. مصرف سرمایه‌ی ثابت باید بین مصرف سرمایه‌ی ثابت مربوط به واحدهای مسکونی مالک ساکن و مصرف سرمایه‌ی ثابت مربوط به دیگر دارائی‌های بنگاه‌های غیرشرکتی جدا شود.

۲۴-۷۰ حساب‌های استاندارد، اطلاعاتی را درباره انتقالات در شکل مالیات‌های پرداختی و حق بیمه‌ها و مزایای اجتماعی تفکیک شده به مستمری بازنشستگی و سایر مزایا در بر دارد. در بعضی کشورها ارائه اطلاعات مربوط به ارسال شخصی وجه از خارج برای نشان دادن اثرات آن در اقتصاد داخلی کشورهائی که دارای روابط قوی با اقتصادهای خارج هستند دارای اهمیت خاصی است. برای کشورهائی با یک جمعیت بزرگ مهاجر، تعیین جریان‌های خروجی متناظر و مقصد آن‌ها نیز به همان اندازه می‌تواند مفید باشد.

۲۴-۷۱ در داخل درآمد دارائی، جدا سازی جریان‌هائی که منابعی را در اختیار دریافت کنندگان قرار می‌دهند از جریان‌های دریافتی از پیش تعهد شده تخصیص داده شده به پس‌انداز مانند حق برخورداری از مزایای بازنشستگی، درآمد دارائی مربوط به بیمه زندگی و بهره‌ای که از افزایش ارزش اوراق قرضه حاصل می‌شود، مفید خواهد بود. باید توجه داشت که اگر فراوانیِ بنگاه‌های خانواری که به عنوان شبه شرکت تلقی می‌شوند زیاد باشد تعیین برداشت درآمد از شبه شرکت‌ها، به طور خاصی مفید خواهد بود.

۲۴-۷۲ این امر می‌تواند مفید باشد که تمامی انواع درآمدهای غیرنقدی نظیر مزد و حقوق غیرنقدی و انتقالات غیرنقدی شناسائی شده و به طور جداگانه نشان داده شود، و سپس با کنار گذاشتن هردوی این‌ها و پس‌اندازِ از پیش تعهد شده یک رقم کل بدست آید که می‌تواند درآمد اختیاری نامیده شود.

چ. ثروت خانوار و جریان‌های درآمدی مربوط به آن

۱. ترازنامه‌های خانوار

۲۴-۷۳ دارائی‌های اصلیِ بسیاری از خانوارها، زمین، خانه و حق برخورداری از مزایای بازنشستگیِ انباشته شده‌ی آن‌ها است. جائی که این دارائی‌ها وجود دارند، ادعا بر بنگاه‌ها نیز می‌توانند مهم باشند. سرمایه‌گذاری در دارائی‌های مالیِ خارج از صندوق‌های بازنشستگی نیز می‌تواند در برخی کشورها مهم باشد. اما، مجموعه‌ی مقابل این دارائی‌ها باید بدهی‌های خانوارها، از جمله وام‌های مربوط به مسکن و سایر تعهدات مالی و، برای مثال، کارت اعتباری یا بدهی‌های دیگری باشند.

۲۴-۷۴ برای خانوارهائی که دارای یک بنگاه غیرشرکتی غیر از واحدهای مسکونی مالک ساکن هستند، ممکن است دارائی‌های دیگری هم در ترازنامه ثبت شوند ولی این دارائی‌ها در مقایسه با مسکن کوچک خواهند بود.

۲. تراست‌های خانوادگی (مدیریت امانیِ دارائی‌های خانوادگی)

۲۴-۷۵ تراست‌های خانوادگی متعلق به خانوارها هستند، هرچند برخی تراست‌ها ممکن است متعلق به تعدادی خانوارها به طور جمعی از جمله خانوارهای غیرمقیم باشند. تراست‌ها ممکن است برای این ایجاد شوند که از ثروتی محافظت کنند تا زمانی که ذینفع آن به سن قانونی برسد یا با معیار دیگری مواجه شود، تراست‌ها ممکن است برای حفظ املاک خانواده و غیره ایجاد شوند. SNA توصیه می‌کند که تراست‌ها باید به عنوان شبه شرکت‌ها تلقی شوند و در بخش شرکت‌های مالی به عنوان نهادهای مالیِ داخلی منظور شوند. اما، تراست‌ها باید به اندازه کافی بدهی به ذینفعان داشته باشند که ارزش ویژه آن‌ها را تا صفر کاهش دهد. در تهیه ترازنامه برای بخش خانوارها، باید ارزش دارائی‌های متناظر با بدهی‌های آن‌ها در برابر خانوارهای مقیم منظور شود. جائی که تراست‌های خانوادگی مهم هستند و هنگامی که ثروت خانوار موضوع مورد علاقه است، این امر می‌تواند مفید باشد که سرفصلِ مکملی تحت عنوان سایر حقوق سهامداران متعلق به خانوارها معرفی شود تا ارزش تراست‌ها جدا از حقوق سهامداران سایر شبه شرکت‌ها نظیر شرکت‌های غیرسهامی نشان داده شود.

۳. توزیع ثروت

۲۴-۷۶ علاقه‌ی روزافزونی به اجرای آمارگیری‌های ثروتِ خانوار در راستای خطوطی مشابه با آمارگیری‌های هزینه و درآمد خانوار نشان داده می‌شود. همچنین علاقه به تجزیه‌ی بخش خانوارها با دیدگاهِ پی بردن به ترکیبِ ثروتِ خانوار و رابطه آن با درآمد خانوار وجود دارد.

۲۴-۷۷ به طور کلی توزیع ثروت حتی به طور قوی‌تری از درآمد دارای سمت‌گیری است. خانواده‌ای که دارنده اصلی درآمد آن دارای زندگی شغلی متوسطی است ممکن است از یک سطح درآمد راحتی برخوردار بوده و در خانه ملکی خود ساکن باشد ولی هنوز یک وام قابل ملاحظه‌ی مسکن داشته باشد و ذخیره مهمی برای بازنشستگی تدارک ندیده باشد.

۴. ملاحظات بازنشستگی

۲۴-۷۸ سؤالی وجود دارد درباره این که آیا کاهش ثروت بعد از بازنشستگی باید به عنوان درآمد ثبت شود یا به عنوان پس‌انداز منفی.

۲۴-۷۹ وقتی طرح‌های بازنشستگی به عنوان طرح‌های بیمه اجتماعی عمل می‌شوند، مزایای بازنشستگی به عنوان انتقالات جاری نشان داده می‌شوند، و از اینرو بجای کاهش پس‌انداز به عنوان درآمد در نظر گرفته می‌شوند. اگر در یک طرح بازنشستگی به این شیوه عمل نشود، بازهم درآمدی به‌شکل درآمد دارائی پرداختنی مربوطه به حق برخورداری از مزایای بازنشستگی وجود خواهد داشت که به ذینفعان بازنشستگی تعلق می‌گیرد. برای طرح مزایای تعیین شده، این درآمد دارائی بسط دادن (باز کردن) عامل تنزیل روی حقوق بازنشستگی آینده را نشان می‌دهد. کاهش مزایای بازنشستگی برابر است با تفاوت بین مزایای پرداختنی و این درآمد دارائی، مشابه با وضعیت مستمری سالانه که در آخر قسمت ۱ از فصل ۱۷ توضیح داده شده است.

۲۴-۸۰ تا حدی که ارزش مستمری بازنشستگی به عنوان شکلی از ثروت مبتنی بر خالص ارزش حال جریان‌های درآمد آینده است، دریافت‌های مستمری بازنشستگی می‌تواند به کاهش پس‌انداز و تعلق درآمد افراز شود. در مواردی هم که حق برخورداری از مزایای بازنشستگی وجود ندارد، خانواری با سطح دارائی‌های مالی قابل ملاحظه احتمال دارد درآمد دارائی قابل ملاحظه‌ای دریافت کند، هرچند که ترکیب درآمد دارائی و عایدی و زیان ناشی از نگه‌داشتن به راهبرد سرمایه‌گذاری خانوار مربوطه بستگی خواهد داشت.

۲۴-۸۱ برای خانواری که یک یا چند عضو آن در حال پرداخت حق بازنشستگی هستند، سالانه درآمد قابل ملاحظه‌ای به خانوار تعلق خواهد گرفت ولی این درآمد برای خانوار دست یافتنی نیست که بتواند آن را خرج کند. این ذخیره باید انباشته شود تا حق برخورداری از مزایای بازنشستگی آینده را تأمین مالی کند و از اینرو به عنوان افزایش در ثروت نشان داده می‌شود.

۲۴-۸۲ این امکان وجود دارد که حسابی برای حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ساخته شود که در آن سطح حقوق بازنشستگی در ابتدای سال، افزایش آن به سبب کار انجام شده در سال، افزایش آن به سبب این واقعیت که بازنشستگی یک سال نزدیک‌تر شده است (بسط دادن یک عامل تنزیل) و سایر تغییرات نظیر تعدیل برای تورم، منهای کاهش به سبب پرداخت‌های مستمری بازنشستگی یا سایر تغییراتی که حقوق بازنشستگی را کاهش میدهد نشان داده شود.

۵. کالاهای بادوام مصرفی

۲۴-۸۳ در SNA، کالاهای بادوام مصرفی به عنوان شکلی از ثروت تلقی نمی‌شود بلکه به عنوان شکلی از مخارج در نظر گرفته می‌شود. ولی ممکن است علاقه‌ی قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد که ارزش کالاهای بادوام مصرفی در ترازنامه به عنوان اقلام یادداشتی (یادداشت‌های توضیحی) نشان داده شود. تحصیل کالاهای بادوام ممکن است دوره‌ای باشد و در یک حساب اقماری این علاقه وجود داشته باشد که خرید کالاهای بادوام مصرفی به عنوان مخارج جاری، با ارقام جریان خدمات ارائه شده از همان اقلامی که به عنوان سرمایه ثابت تلقی شده‌اند جایگزین شود . این موضوع در فصل ۲۹ با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار گرفته است.

فصل ۲۵: جنبه‌های غیررسمی اقتصاد

الف. مقدمه

۱-۲۵ هیچ اقتصادی کاملاً کنترل شده نیست و به‌طور کامل در آمارگیری‌ها پوشش داده نمی‌شود. بنابراین باید برای پوششِ فعالیت‌های کنترل نشده و بررسیِ کمبودها گام‌هائی به صورت کارهای ویژه برداشته شود. دو رهیافت وجود دارد که، هرچند که در زمینه‌های زیادی باهم اشتراک دارند، ولی به سمت دو هدف نسبتاً متفاوت هدایت می‌شوند. رهیافت نخست این است که اطمینان حاصل شود همه‌ی فعالیت‌ها از جمله آن‌هائی که فعالیت‌های "پنهان" یا "زیرزمینی" نامیده می‌شوند در سنجه‌های کل فعالیت‌ها پوشش داده شوند. رهیافت دوم این است که زیرمجموعه‌ای از واحدهای اقتصادی که می‌توان آن‌ها را به عنوان "غیررسمی" در نظر گرفت، تعریف و اندازه‌گیری شود.

۲-۲۵ منطق فعالیتِ نخست مشخص است و آن دستیابی به تصویری از کل اقتصاد است که تا حد امکان کامل بوده و در طول زمان و بین کشورها مقایسه‌پذیر باشد. قسمتی از اقتصاد که اندازه‌گیری آن مشکل است به عنوان اقتصاد نامشهود (NOE) شناخته شده است و نشریات مختلفی، بویژه دستنامه‌ی *اندازه‌گیری اقتصاد نامشهود* (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، صندوق بین‌المللی پول، سازمان بین‌المللی کار و CIS STAT (۲۰۰۲))، به اندازه‌گیری آن پرداخته‌اند. آن-گونه که روش‌های موجود در این دستنامه روشن می‌سازند، یک سنجه‌ی ویژه برای NOE به‌خودی خود دارای اهمیت نیست. کانون توجهات بر این است که اطمینان حاصل شود همه‌ی فعالیت‌ها به‌گونه‌ای کامل یا "فراگیر" اندازه‌گیری شوند.

۳-۲۵ رهیافت دوم، به شناخت اهمیت تحلیلیِ توانائی کشورها، بویژه کشورهای توسعه نیافته، در اندازه‌گیری آن قسمت از اقتصاد می‌پردازد که کوشش‌های مردمِ بدونِ شغلِ رسمی برای اشتغال به‌شکلی از فعالیت اقتصادی پولی را منعکس می‌کند. این قسمت از اقتصاد به عنوان بخش غیررسمی شناخته شده است. با برآورد اندازه‌ی بخش غیررسمی، این امکان بوجود می‌آید که مثلاً ارزیابی شود منافع توسعه تا چه حد به مردمی که در خیابان یا در حاشیه‌ی شهرها زندگی می‌کنند (مانند خیابان خواب‌ها یا کارتون‌خواب‌ها، مترجم) می‌رسد. کسانی که از رهیافت دوم پشتیبانی می‌کنند اهمیت سنجه‌ی فراگیرِ اقتصاد را انکار نمی‌کنند ولی برای آن‌ها این کافی نیست. علیرغم مشکل بودنِ اندازه‌گیریِ بخش غیررسمی، باید کوشش شود تا این کار انجام گیرد.

۴-۲۵ همپوشانیِ زیادی بین دو دیدگاه وجود دارد. اما، با وجود این که اقتصاد نامشهود (NOE) و بخش غیررسمی همپوشانی دارند، هیچ‌کدام زیر مجموعه‌ی کامل دیگری نیستند. این وضعیت را می‌توان در شکل شماره ۲۵-۱ مشاهده کرد. دایره‌ی با خطهای پیوسته، اقتصاد نامشهود و دایره‌ی خط‌چین، بخش غیررسمی را نشان می‌دهند. از اینرو، قسمت همپوشانی از فعالیت‌هائی تشکیل شده است که نامشهود هستند و به طور غیررسمی انجام می‌شوند اما فعالیت‌هائی وجود دارند که مشهود نیستند ولی غیررسمی انجام نمی‌شوند و فعالیت‌هائی وجود دارند که غیررسمی انجام می‌شوند ولی مشهود هستند. اندازه‌ی نسبی هریک از سه قسمتِ نشان داده شده در شکل ۲۵-۱، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

۵-۲۵ حاصلِ تلاش برای پوششِ NOE، اطمینان از کامل بودنِ پوشش همه‌ی بنگاه‌ها در برآوردهای آماری است حتی اگر در آمارگیری‌ها پوشش داده نشده باشند. برخی از برآوردهای تکمیلی ممکن است کاملاً به فعالیت بنگاه‌های غیرشرکتیِ خانوار که به عنوان غیررسمی در نظر گرفته می‌شوند (در این فصل بنگاه‌های غیررسمی نامیده می‌شوند) مربوط باشند ولی برخی به بنگاه‌های بزرگی که به عنوان غیررسمی در نظر گرفته نمی‌شوند مربوط باشند. هدف NOE علاوه بر این،

کامل کردن گزارش‌دهی‌های ناقصِ عمدی یا غیرعمدیِ بنگاه‌های بزرگ است، از اینرو، NEO برخی فعالیت‌های بنگاه‌های غیررسمی و همچنین اطلاعات بعضی بنگاه‌های رسمی را پوشش می‌دهد.

۶-۲۵ در درون بخش غیررسمی، ممکن است اطلاعاتی را به‌صورت آماری بدست آورد. خانواری را در نظر بگیرید که اتاق‌هائی را برای یک یا چند شب به گردشگران اجاره می‌دهد. این فعالیت را نمی‌توان به عنوان یک شبه شرکت تلقی کرد زیرا غیرممکن است که بتوان به روشنی هزینه‌های آن را از هزینه‌های عادی خانوار متمایز کرد و آن بخش از خانه را به عنوان دارائی مربوط به اجاره اتاق‌ها از کارکرد اصلی آن به عنوان خانه‌ی یک خانواده افراز کرد. اما، ارزش فعالیت اجاره-داری را ممکن است مثلاً در یک آمارگیری نمونه‌ای اجرا شده برای فعالیت‌هائی نظیر گردشگری بدست آورد.

۷-۲۵ مثال‌های دیگری را نیز می‌توان مشاهده کرد. فروشندگان دوره‌گرد یا رانندگان تاکسی می‌توانند هم نامشهود و هم غیررسمی باشند. یک تعمیرگاه وسایل نقلیه با ۵ الی ۱۰ کارکن می‌تواند رسمی باشد ولی برای پوشش دادن در آمارگیری‌ها بسیار کوچک باشد و بنابراین مشهود نباشد. دستیاران آموزشی می‌توانند غیررسمی ولی مشهود باشند. این واقعیت که دوره‌گردها، رانندگان تاکسی، تعمیرگاه‌ها و دستیاران آموزشی ممکن است در بعضی کشورها رسمی و در کشورهای دیگر غیررسمی باشند، همانند فعالیت‌هائی که در برخی کشورها مشهود و در برخی دیگر نامشهود هستند، وضعیت پیچیده‌ای را پیش می‌آورد.

شکل ۲۵-۱: اقتصاد نامشهود و بخش غیررسمی

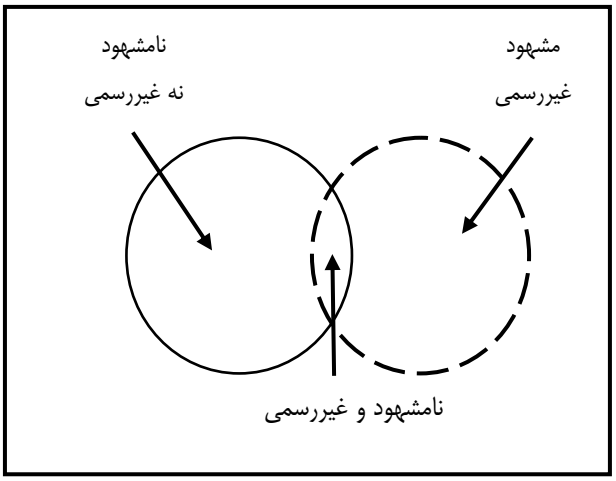

۸-۲۵ باید توجه داشت که همه‌ی کشورها هم قسمت‌هائی از اقتصاد نامشهود دارند و هم بنگاه‌های غیر رسمی دارند هرچند اندازه هریک و اهمیت سیاستی تشخیص دومی در کشورهای مختلف متفاوت است.

۱. اهمیت سیاستی در اندازه‌گیری فعالیت‌های بنگاه‌های غیررسمی

۹-۲۵ تولید در اقتصاد غیررسمی در کشورهای مختلف به شکل‌های مختلف پدید می‌آید. هنگامی که انگیزه‌ی این نوع تولید تنها برای بقا یا تمایل برای شرایط کاریِ انعطاف‌پذیر باشد، به احتمال زیاد حمایت می‌شوند. اما، هنگامی که انگیزه‌ی اصلی اجتناب از مالیات و مقررات، یا اشتغال به فعالیت‌های غیرقانونی باشد، احتمالاً تلاش می‌شود از انجام این فعالیت‌ها جلوگیری شود. بسیاری از انواع فعالیت‌های تولیدی ممکن است توسط یک واحد غیررسمی انجام شود. این واحدها ممکن است بدون یک مکان ثابت، یا در خانه‌ها، مغازه‌ها یا کارگاه‌های کوچک فعالیت کنند. این‌ها گستره‌ای از فعالیت‌ها را پوشش می‌دهند که از فروشندگان خیابانی، واکسی‌ها و دیگر فعالیت‌هائی که به سرمایه و مهارت کمی نیاز دارند یا اصلاً به مهارت نیاز ندارند تا فعالیت‌هائی که به میزان معینی سرمایه یا تجربه نیاز دارند، نظیر دوزندگی، تعمیر خودرو و خدمات حرفه‌ای تشکیل شده‌اند. بسیاری از بنگاه‌های غیررسمی توسط فردی که به تنهائی، به عنوان کارآفرین خود اشتغال (کارکن به حساب خود)، یا با کمک اعضای بدون مزد خانواده کار می‌کند اداره می‌شوند، در حالی که دیگر بنگاه‌های غیرشرکتی غیررسمی ممکن است کارکنان با مزد را بکار بگیرند.

۱۰-۲۵ اندازه و اهمیت تولیدی که توسط بنگاه‌های غیررسمی انجام می‌شود بستگی به ساختار اجتماعی، مقررات اقتصادیِ ملی و محلی، و نیز تلاش‌های یک کشور برای اجرای قانون دارد. میزان اهمیت سیاستی در این زمینه، بسته به نوع و بزرگیِ

فعالیت از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. اندازه، ثبت و دیگر ویژگی‌های واحدهای تولیدیِ درگیر، متغیرهای کلیدی در تصمیم‌گیری برای تشویق یا تضعیفِ انواع خاصی از تولید یا گسترش دامنه‌ی اقتصاد رسمی هستند با شناسائی واحدهائی که زیرِ حد آستانه‌های قبلی اداره می‌شوند. ممکن است برنامه‌های ویژه‌ی حمایتی و کمک‌های اجتماعی طراحی و نظارت شوند تا مشخص کنند فعالیت‌های مورد حمایت تا چه اندازه به هدف‌هائی نظیر افزایش تولید، ایجاد شغل و امنیت، کاهش فقر و توان‌مندسازی زنان کمک کرده است.

۲. ساختار فصل

۱۱-۲۵ بخش ب در تلاش برای شناسائیِ ویژگی‌هائی که برای اقتصاد نامشهود، بخش غیررسمی یا هردو دارای اهمیت هستند، نگاهی به خصوصیات واحدهای تولیدی دارد.

۱۲-۲۵ در تهیه‌ی حساب‌های ملی، توجه عمدتاً به اقتصاد نامشهود معطوف شده است. این موضوع به طور خلاصه در بخش پ شرح داده شده است.

۱۳-۲۵ سازمان بین‌المللی کار (ILO)، با تصویب قطعنامه‌ی گردهمائی بین‌المللیِ آمارشناسان نیروی کار (ILCLS)، وسیله‌ای شد برای این که مفهومی از بخش غیررسمی ارائه شود تا مجموعه‌ای از واحدهای تولیدیِ درون خانوارهای SNA شناسائی شوند که بویژه برای تحلیل و فرموله کردن سیاست‌ها در کشورهای درحال توسعه و کشورهای در حال گذار مورد توجه هستند. این کار سؤالی را مطرح می‌کند که اقتصاد مبتنی بر بازار چگونه بر زمینه‌های خارج از قسمت‌های رسمی اقتصاد نفوذ می‌کند. این موضوع در بخش‌های ت و ث بحث شده است.

۱۴-۲۵ کار ILO کار واقع بینانه‌ای است که در آن به این موضوع پی برده شد که بسیار مشکل است تعریفی از بخش غیررسمی ارائه شود که در کشورهای مختلف با توجه به تفاوت‌های موجود در ساختار بنگاه‌های کوچک و خُرد، قوانین ملیِ ثبت بنگاه‌ها، و قوانین کار، کاملاً مقایسه‌پذیر باشد. در سال ۱۹۹۷، یک گروه کارشناسی در آمارهای بخش غیررسمی (بنام گروه دهلی) تشکیل شد تا در میان سایر موضوع‌ها، هردو جنبه مفهومی و عملیاتی تعریف ILO را مورد بررسی قرار دهد. کار گروه دهلی در بخش ج گزارش شده است.

۱۵-۲۵ بخش چ درباره‌ی دامنه‌ی واحدهائی که به عنوان غیررسمی در نظر گرفته می‌شوند ولی در عمل در بخش خانوار ثبت نمی‌شوند، و نیز برخی فعالیت‌های بخش خانوار که به عنوان غیررسمی در نظر گرفته نمی‌شوند بحث می‌کند. این بخش در ادامه نشان می‌دهد چگونه داده‌های سازگار با مفاهیم بخش غیررسمی می‌توانند از حساب‌های SNA بدست آیند.

۱۶-۲۵ بخش ح این موضوع را با بحث درباره رهیافت‌های گردآوری داده‌های مربوط به فعالیت‌های انجام شده توسط بنگاه‌های غیررسمی و اشتغال غیررسمی تکمیل می‌کند.

۱۷-۲۵ توجه به بخش غیررسمی منجر به تولید تعدادی دستنامه و مطالعه درباره‌ی تجربیات جاری شده است. در این فصل، گزارش دهیِ آن‌ها با جزئیات کامل امکان پذیر نیست ولی بخش خ درباره‌ی برخی از این‌ها شرح مختصری ارائه می‌دهد و مواردی را که ممکن است مورد مشورت قرار گیرند نشان می‌دهد.

ب. ویژگی‌های واحدهائی که به طور غیررسمی فعالیت می‌کنند

۱۸-۲۵ همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، مشخص کردنِ منظور از صفت "غیررسمی"، آسان نیست. آیا منظور از این صفت بیانِ ماهیتِ فعالیت‌ها است، روش انجام فعالیت‌هاست، یا روشی است که در آمارگیری‌ها منظور می‌شود؟ در راستای تلاش برای فرموله کردنِ شرح دقیقِ موضوعِ مورد نظر، می‌توان تعدادی از خصوصیات بالقوه‌ی آنچه را که کلمه "غیررسمی"

قرار است منعکس سازد فهرست کرد. در حالی که تعدادی از مفسران بر برخی از معیارها و تعدادی دیگر بر معیارهای دیگر تأکید دارند، همگی بر این موضوع توافق دارند که برای تعیین منظور از غیررسمی بودن، یک معیار واحد به تنهائی کافی نیست؛ بلکه لازم است معیارهای متعددی مد نظر قرار گیرند.

۲۵–۱۹ هنگام بررسی هریک از معیارهای ممکن، لازم است دو سؤال را بخاطر سپرد:

الف. آیا این معیار برای تعریف فعالیت انجام شده توسط واحدی که به عنوان یک بنگاه غیررسمی در نظر گرفته شده است واقعاً یک معیار محوری است، و

ب. آیا این معیار برای رسیدن به تعریفی که نتایج قابل مقایسه‌ی بین‌المللی را ببار خواهد آورد یک معیار اساسی است؟

۲۵–۲۰ *ثبتِ فعالیت.* یکی از تفسیرهائی که از غیررسمی بودن می‌شود این است که توسط یکی از بازوهای دولت ثبت نشده باشد. مشکلاتِ پیش رویِ این معیار مشخص است. کشورهای متفاوت تجربیات متفاوتی درباره ثبت فعالیت‌ها دارند. برخی از کشورها اصرار دارند همه‌ی فعالیت‌ها، حتی کوچک و غیررسمی، ثبت شوند؛ کشورهای دیگر ممکن است عملگراتر باشند و بخواهند فعالیت‌ها تنها هنگامی ثبت شوند که گردش مالی آن‌ها از میزان مشخصی بالاتر باشد یا هنگامی که تعداد کارکنان آن‌ها از تعداد مشخصی بالاتر باشد. علاوه بر این، میزان رعایت مقرراتِ رسمی برای ثبت فعالیت‌ها، هرچه که باشد، با توجه به حدی که در عمل اجرا می‌شوند متفاوت خواهد بود. بنابراین اگر مقرراتِ ثبتِ فعالیت‌ها یا میزان رعایت آن‌ها متفاوت باشد، تعریف بخش غیررسمی بر اساسِ ثبت دارای مقایسه‌پذیریِ بین‌المللی یا، احتمالاً مقایسه‌پذیری در طول زمان در یک کشور نخواهد بود.

۲۵–۲۱ *شخصیت حقوقی دادن به شرکت.* خصوصیت بسیار نزدیک به ثبت شخصیت حقوقی دادن به شرکت است. همه‌ی بنگاه‌های دارای شخصیت حقوقی در SNA در یکی از دو بخش شرکت‌ها قرار می‌گیرند ولی این بخش‌ها شبه شرکت‌ها را نیز در بر می‌گیرند. یک شبه شرکت در SNA به صورت واحدی تعریف می‌شود که مجموعه‌ی کامل حساب‌ها، شامل ترازنامه، برای آن‌ها موجود است یا می‌تواند تهیه شود. با این شیوه برخی از واحدهائی که مالکین آن‌ها تصمیم می‌گیرند که به آن‌ها شخصیت حقوقی ندهند در SNA طوری عمل می‌شوند که دارای شخصیت حقوقی هستند ولی در این مورد داشتنِ مجموعه‌ی کاملی از حساب‌ها نیاز نسبتاً شدیدی است. برخی از واحدها ممکن است اطلاعات بسیار مفصلی درباره فعالیت‌های تولید خود و نه حساب‌های دیگر داشته باشند. از اینرو، نمی‌توان آن‌ها را به عنوان شبه شرکت تلقی کرده و از بخش خانوار خارج کرد، علیرغم این که از لحاظ ماهیت فعالیتشان "رسمی" بنظر می‌رسند. مثال‌هائی از این موارد شامل پزشکان، وکلا، مهندسین مشاور و حرفه‌های بسیار دیگری است. علاوه بر محدودیت آماری برای در نظر گرفتن فعالیت‌های تولید به‌عنوان این که توسط واحدهای دارای شخصیت حقوقی انجام می‌شوند، الزامات یا مجوزهای قانونی برای شخصیت حقوقی دادن به شرکت از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و این امر مقایسه‌پذیری بین‌المللی را محدود می‌سازد.

۲۵–۲۲ *اندازه.* در رویاروئی با این گوناگونیِ تجربیاتِ آماری و اداری، یک امکان این است که برای تعیین بنگاه‌های غیررسمی می‌توان فقط به اندازه‌ی بنگاه، که از لحاظ گردش مالی یا تعداد کارکنان تعریف می‌شود، تکیه کرد. مشکل با گردش مالی در اینجا هم گوناگونی بالقوه در میان کشورها و در طول زمان است. بکار بردن حداکثر تعداد کارکنان برای تشخیص بنگاه‌های غیررسمی منجر به این خواهد شد که برخی از واحدهای دارای حساب‌های کامل که از اینرو به بخش شرکت‌ها تخصیص یافته‌اند، به عنوان غیررسمی و برخی از واحدهای بدون مجموعه‌ی کامل حساب‌ها در بخش خانوار به عنوان رسمی شناخته شوند.

۲۵–۲۳ *پوشش داده شده در آمارگیری‌ها.* پوشش آمارگیری‌های نمونه‌ای، بویژه آمارگیری‌های کارگاهی، از کشوری به کشور دیگر و نیز از صنعتی (رشته فعالیتی) به صنعت (رشته فعالیت) دیگر در داخل یک کشور به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت

است. اغلب بنگاه‌های کوچک از پوشش آمارگیری‌ها خارج هستند زیرا ادارات آمار هزینه گردآوری اطلاعات از این نوع واحدها را با توجه به سهمِ ستانده‌ای که ایجاد می‌کنند و پتانسیل آن‌ها برای دقت در گزارشِ داده‌ها بسیار گران ارزیابی می‌کنند. اما، ممکن است یک رویه "ناخالص سازی" برای امکانِ پوشش دادنِ واحدهای کوچکتری که پوشش داده نشده‌اند وجود داشته باشد. در چنین مواردی، به احتمال زیاد بنظر می‌رسد فعالیت‌های تولید توسط این واحدها به بخش شرکت‌ها منتسب شود اگرچه طبق راهنماهای SNA باید کاملاً در بخش خانوار منظور شوند.

۲۴–۲۵ *حد و مرز فعالیت.* در فصل ۶ بحثی درباره حد و مرز تولید SNA وجود دارد. همان‌گونه که اشاره شد، برخی فعالیت‌ها با وجود این که بنا به ماهیتشان اقتصادی هستند از محدوده‌ی تولید خارج هستند، بویژه خدمات تولید شده توسط خانوارها برای خود مصرفی غیر از خدمات ارائه شده توسط مالکین ساکن در واحد مسکونی و خدمات ارائه شده توسط کارکنان خانگی مزد بگیر. در حالی که اندازه‌گیریِ این فعالیت‌ها برای برخی از انواع تحلیل‌ها جالب است، توافق شده است که در اندازه‌گیری فعالیت انجام شده توسط بنگاه‌های غیررسمی محدوده‌ی تولید SNA رعایت شود. اما، خدمات حاصل از واحدهای مسکونی مالک ساکن مستثنی هستند.

۲۵–۲۵ *فعالیت غیرقانونی.* در فصل ۶ توضیح داده شد که، اصولاً غیرقانونی بودن یک فعالیت دلیل بر این نیست که از محدوده‌ی تولید خارج شود. در برخی کشورها، مشکلات رسیدن به فعالیت‌های غیرقانونی ممکن است به دلیل این باشد که یا بخوبی پوشش داده نمی‌شوند یا در زمینه‌های عملی عمداً نادیده گرفته می‌شوند. اما، برای برخی از کشورها چشم‌پوشی از تولیدِ مثلاً مواد مخدر، میزان کل فعالیت‌های اقتصادی را به طور جدی دچار کم برآوردی خواهد کرد. در کل، همان‌گونه که در بخش پ بحث بیشتری در این مورد ارائه شده است، در SNA ممکن است برخی فعالیت‌های غیرقانونی، حداقل به طور غیرمستقیم، منظور شوند، و بنابراین خارج کردن کامل این فعالیت‌ها در هر صورت غیرممکن است.

۲۵–۲۶ *مکان.* برخی تحلیل‌گران ممکن است عمدتاً به توسعه بنگاه‌های غیررسمی در مناطق شهری، بویژه شهرک‌های به اصطلاح حاشیه‌ای در حومه‌ی منظومه‌های شهری علاقمند باشند. وقتی پیامدهای سیاستیِ چنین رهیافتی قابل درک است، نقش اقتصاد غیررسمی در مناطق خارج از منطقه اصلی شهری نیز مهم است و برای مقایسه‌پذیریِ بین‌المللی و مقایسه در طول زمان وقتی مهاجرت‌های داخلی قابل ملاحظه باشد، پوششی که به مکان محدود شده باشد نامطلوب است.

۲۵–۲۷ *شرایط اشتغال.* برخی کارکنان از شرایط اشتغالی بهره‌مند هستند که علاوه بر حقوق و دستمزدشان، آن‌ها را مستحق دریافت مزایای مختلفی می‌کند. این مزایا به طور معمول شامل پرداخت سالانه و مرخصی استعلاجی و حق برخورداری از مزایای بازنشستگی هستند. حتی واحدهای تولیدی که چنین شرایطی را برای بعضی از کارکنان خود فراهم می‌کنند ممکن است افرادی را نیز با شرایط محدودتری بدون پیشنهاد هیچ‌گونه مزایای خارج از حقوق و دستمزد بکار گیرند. افرادی که به حساب خود کار می‌کنند (خود اشتغال‌ها) ممکن است این کار را برای کسب درآمد اضافی، یا به دلیل این که قادر نیستند شغلی با مزایا بدست آورند یا فقط به دلایلی از جمله آزادی عمل در انتخاب نوع کار، کسی که برایش کار می‌کنند و مدت زمانی که کار می‌کنند انجام دهند. بسیاری از این افراد ممکن است تحت شرایطی کار کنند که شرایط اشتغال از این نوع نیست بلکه یک قرارداد خدمت است.

پ. اقتصاد نامشهود

۲۵-۲۸ زمانی که ویرایش SNA نسخه سال ۱۹۹۳ آغاز شد، فرض بر این بود که شناسائی بخش غیررسمی عمدتاً مسأله‌ی کشورهای در حال توسعه است. اما، تا زمانی که ویرایش آن کامل شود، مسلم شد که این مسأله همه‌ی اقتصادها را با هر وضعیت توسعه‌ای که دارند تحت تأثیر قرار می‌دهد. در اتحادیه اروپا (EU)، نیاز به تضمین مقایسه پذیری شدید پوشش حساب‌های ملی در میان دولت‌های عضو منجر به یک سری ابتکار عمل شد تا از فراگیر بودنِ حساب‌ها اطمینان حاصل شود (یعنی حساب‌ها از فراگیر بودن کامل برخوردار باشند). همچنین در اوایل دهه ۱۹۹۰ وقتی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اقتصاد بازار گذر کردند، نیاز به پوشش فعالیت‌های خارج از حوزه‌ی گزارش‌های پیشین، چه توسط واحدهای رسمی چه توسط بنگاه‌های غیررسمی، شدت پیدا کرد.

۲۵-۲۹ گستره‌ی فعالیت‌های اقتصادیِ گم شده (از قلم افتاده) در گردآوری داده‌های آماری و منابع اداری به عنوان "اقتصاد نامشهود" شناخته شده است. در برخی کشورها، تأکید بر شناسائی اقتصاد نامشهود نیست بلکه بر این است که حساب‌ها کاملاً فراگیر باشند، ولی آسانترین راه این است که عوامل مؤثر در فراگیر بودن از طریق مفهوم اقتصاد نامشهود شرح داده شود.

۲۵-۳۰ همان‌گونه که در مقدمه شرح داده شد، اقتصاد نامشهود و بخش غیررسمی بایکدیگر همپوشانی دارند ولی با هم یکی نیستند. همان‌قدر که سعی می‌شود فعالیت‌هائی که در شبکه گردآوری اطلاعات از چشم دور مانده‌اند (که گاهی اوقات اقتصاد "زیرزمینی" یا "پنهان" نامیده می‌شوند) پوشش داده شوند، اطمینان از کامل بودن و دقیق بودن اطلاعات گزارش شده نیز مورد توجه است.

۲۵-۳۱ همان‌گونه که در فصل ۶ اشاره شد، این واقعیت که برخی فعالیت‌ها خودشان غیرقانونی هستند یا به طور غیرقانونی انجام می‌شوند، به خارج شدن آن‌ها از محدوده‌ی تولید منجر نمی‌شود. اندازه‌گیریِ اقتصاد نامشهود باید در اصل این نوع فعالیت‌های غیرقانونی را نیز پوشش دهد. تا چه حد این امر باید پی گرفته شود بستگی به ارزیابیِ اهمیت فعالیت‌های غیرقانونی، چگونگی انجام آن و منابع موجود دارد.

۲۵-۳۲ سعی در ارزیابی مواردی که باید درباره‌ی اقتصاد نامشهود به حساب‌های ملی اضافه شود فقط موضوعِ بررسیِ فراگیر بودن و دقت آمارگیری‌ها نیست. فرآیند هم‌بندیِ مجموعه‌ای از حساب‌های ملی، بویژه هنگامی که از چارچوب عرضه و مصرف استفاده می‌شود، اطلاعات اضافی برای روشن شدن اطلاعات گم شده (از قلم افتاده) فراهم می‌کند و به بهبود برآوردها در کل کمک می‌کند. برخی از فعالیت‌های غیرقانونی را ملاحظه فرمائید. از آنجا که فرار از پرداخت مالیات غیرقانونی است و مالیات ستانی ممکن است با شدت بیشتری نسبت به گزارش‌های آماری دنبال شود، یک زن با فعالیت نامشروع عایدات خود را با دقت کم یا زیاد گزارش می‌دهد ولی ممکن است فعالیت خود را به عنوان مدل لباس، هنرپیشه یا فعالیت‌های مشابه بیان کند. به طور مشابه، در حالی که قاچاقچیان سیگار ممکن است فعالیتشان را گزارش ندهند، با توجه به این واقعیت که سیگار توسط خانوارها خریداری می‌شود، می‌تواند ثبت آن بسیار بهتر انجام شده باشد و از اینرو واردات غیرقانونی به طور ضمنی در حساب‌ها منظور شده باشد.

۲۵-۳۳ استدلال شده است که در مجموعه‌ای از جدول‌های عرضه و مصرف که به طورکامل تراز باشند، بعید است فعالیت مهمی از قلم بیافتد. مادامی که این امکان وجود دارد که چیزی از قلم بیافتد، اگر جدول‌ها تراز باشند، باید از قلم افتادگیِ کاملاً یکسانی نیز در جنبه‌های دیگر حساب‌ها وجود داشته باشد، که احتمال آن زیاد نیست. با وجود این که عمل تراز جدول‌ها عمدتاً برخی از فعالیت‌های نامشهود را برآورد می‌کند، ولی ممکن است این برای بدست آوردن همه‌ی فعالیت‌های نامشهود کافی نباشد.

۲۵-۳۴ همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، باید توجه داشت که، نگرانی از اقتصاد نامشهود منجر به سنجه‌ی جداگانه‌ای از آن

نمی‌شود. مثال استفاده از تراز جدول‌های عرضه و مصرف به عنوان وسیله‌ای برای حصول اطمینان از فراگیر بودن توضیح کاملی از این موضوع است که چرا ممکن است این امر امکان پذیر نباشد.

۲۵–۳۵ سنجه‌های اقتصاد نامشهود با فعالیت‌های انجام شده به صورت غیررسمی همپوشانی خواهد داشت ولی کاملاً با آن منطبق نخواهد بود. عناصر نامشهود برآوردهائی را برای بنگاه‌های غیررسمی پوشش داده نشده در آمارگیری‌ها و تصحیحاتی را برای برخی سنجه‌های بنگاه‌های غیررسمی بدست آمده در آمارگیری‌ها در بر خواهد داشت. اما، برآوردهای بنگاه‌های غیررسمی که در آمارگیری‌ها پوشش داده شده است و دقت آن تأئید شده است از مطالعه خارج خواهد شد. با این وجود، بسیاری از روش‌های استفاده شده در برآورد جنبه‌های اقتصاد نامشهود، همان‌گونه که در دستنامه‌ی *اندازه‌گیری اقتصاد نامشهود* شرح داده شده است برای اندازه‌گیری بنگاه‌های غیررسمی نیز مفید است.

ت. بخش غیررسمی تعریف شده توسط ILO

۱. مفهوم بخش غیررسمی ILO

۲۵–۳۶ تمرکز اصلی این فصل، ارائه‌ی مفهومی از "بخش غیررسمی" به عنوان زیرمجموعه‌ای از بنگاه‌های غیرشرکتیِ خانوار است. این کار عبارت از شرح مشخصه‌های بخش غیررسمی در مصوبه‌ی پانزدهمین ICLS درباره آمارهای اشتغال در بخش غیررسمی است، که تعاریف بکار برده شده توسط ILO را به تفصیل به شرح زیر توضیح داده است،

(۱) بخش غیررسمی به طور گسترده می‌تواند این‌گونه مشخص شود که متشکل از واحدهای درگیر در تولید کالاها یا خدمات است که هدف اصلی آن ایجاد اشتغال و درآمد برای اشخاص مربوطه است. این واحدها به طور معمول در سطح پائین سازمانی، بدون تقسیم بندی یا با تقسیم بندیِ اندک بین نیروی کار و سرمایه به عنوان عوامل تولید و در مقیاس کوچک اداره می‌شوند. روابط کار، در صورت وجود، عمدتاً مبتنی بر اشتغال گاه به گاه، خویشاوندی یا روابط شخصی یا اجتماعی و نه ترتیبات قراردادی با تضمین رسمی است.

(۲) واحدهای تولیدِ بخش غیررسمی دارای ویژگی‌های مشخصه‌ی بنگاه‌های خانوار هستند. دارائی‌های ثابت و دیگر دارائی‌های استفاده شده، متعلق به این نوع واحدهای تولید نیستند بلکه به مالکین آن‌ها تعلق دارند. این نوع واحدها نمی‌توانند از طرف خود در تراکنش با واحدهای دیگر شرکت کنند یا با دیگر واحدها وارد قرارداد شوند، همچنین نمی توانند متحمل بدهی شوند. مالکین باید منابع مالیِ لازم را خودشان با پذیرش ریسک افزایش دهند و آن‌ها شخصاً بدون محدودیت مسئول تمام بدهی‌ها یا تعهدات متحمل شده در فرآیند تولید هستند. هزینه‌های تولید آن‌ها اغلب از مخارج خانوار تفکیک ناپذیر هستند. به طور مشابه، کالاهای سرمایه‌ای نظیر بناها یا وسایل نقلیه ممکن است به‌طور جدا نشدنی برای مقاصد کسب و کار و خانوار هردو مورد استفاده قرار گیرند.

۲۵–۳۷ هرچند عبارت "بخش غیررسمی" در چارچوب کار ILO استفاده می‌شود، کلمه بخش در SNA با معنی متفاوتی به مفهوم گروهی از واحدهای نهادی استفاده می‌شود. کار ILO تنها روی فعالیت‌های تولید متمرکز است و فعالیت‌های مصرف و انباشته‌ی آن واحد را در بر نمی‌گیرد.

۲. تعریف بخش

۲۵–۳۸ در SNA، بنگاه‌های خانواری هستارهای قانونی جدا، مستقل از اعضای خانواری که به آن‌ها تعلق دارند، نیستند. سرمایه‌ی

ثابت بکار رفته در تولید ممکن است برای مقاصد دیگر نیز استفاده شود، برای مثال، مکانی که فعالیت مورد نظر در آن انجام می‌شود ممکن است منزلِ محل زندگی خانوار نیز باشد یا یک وسیله نقلیه ممکن است برای حمل و نقل اقلام تولید شده در درون خانوار و نیز برای جابجائی عادی خانوار بکار رود. این اقلام به چنین بنگاه‌هائی تعلق ندارند بلکه به اعضای خانوار تعلق دارند. در نتیجه، ممکن است تهیه‌ی مجموعه‌ی کامل حساب‌ها برای فعالیت‌های تولیدِ خانوار شامل دارائی‌های مالی و غیرمالیِ مربوط به آن فعالیت‌ها غیرممکن باشد. بنابراین، به دلیلِ فقدان حساب‌های کامل است که این نوع فعالیت‌های تولید بجای این که به عنوان شبه شرکت در یکی از بخش‌های شرکت منظور شود، در درون بخش خانوار به عنوان بنگاه غیرشرکتی می‌مانند.

۲۵-۳۹ مفهوم بخش غیررسمیِ ILO بنگاه‌های غیرشرکتیِ خانوار را به سه قسمت تقسیم می‌کند: یک قسمت بخش غیر رسمی را تشکیل می‌دهد، قسمت دوم واحدهائی که به دلیل تعداد کارکنانشان یا به ثبت رساندن به عنوان رسمی تلقی می‌شوند، قسمت سوم که فقط به عنوان خانوار شناخته می‌شود. (یادداشتی درباره کاربردهای مختلف اصطلاحاتی نظیر بخش و خانوارها در انتهای این بخش آورده شده است).

۲۵-۴۰ زیرمجموعه‌ای از بنگاه‌های خانواری که به بخش غیررسمی تعلق می‌گیرند دارای اهداف اقتصادی، رفتار و شکلی از سازمان هستند که آن‌ها را از سایر بنگاه‌های غیرشرکتی متمایز می‌سازد. بخش غیررسمی بویژه برحسب انواع تولیدی که بنگاه انجام می‌دهد تعریف می‌شود، به‌گونه‌ای که محدوده‌ی تولید SNA حفظ شود، بدون این که برای در بر گرفتن مثلاً خدمات خود مصرفی خانوار گسترش داده شود.

کنار گذاشتنِ واحدهائی که صرفاً برای استفاده خود تولید می‌کنند

۲۵-۴۱ نخستین محدودیت این است که حداقل بخشی از تولید باید فروخته شود یا به صورت پایاپای معامله شود. از اینرو، برخی بنگاه‌های خانواری که SNA آن‌ها را به عنوان تولید کننده "برای استفاده خود " تلقی می‌کند وقتی بیشترِ تولید آن‌ها فروخته یا معامله پایاپای می‌شوند در بخش غیررسمی منظور می‌شود ولی آن‌هائی که منحصراً برای استفاده خود تولید می‌کنند از این بخش کنار گذاشته می‌شوند. به این ترتیب، فعالیت خدمات واحدهای مسکونی که منحصراً برای سکونتِ مالک تولید می‌شوند از بخش غیررسمی خارج هستند.

شکل ۲۵-۲: تعیین واحدهای بخش غیررسمیِ ILO

دولت	شرکت‌های غیرمالی و مالی	خانوارها			NPISHها
		خانوارهای مؤسسه‌ای، خانوارهای بدون بنگاه‌های غیرشرکتی، خانوارهائی که تنها تولید برای استفاده نهائی خود (از جمله اشغال واحد مسکونی توسط مالک) انجام می‌دهند	**بنگاه‌های بخش غیررسمی** **(الف) بدون کارکنان "بنگاه‌های غیررسمی به حساب خود"** **(ب) با کارکنان "بنگاه‌های رسمیِ کارفرمایان"**	خانوارهای دارای یک بنگاه غیرشرکتی که ثبت شده است یا بیش از تعداد مشخصی کارکن دارد	

کنار گذاشتنِ واحدهائی که خصوصیات رسمی دارند

۲۵-۴۲ علاوه براین، پوشش بخش غیررسمی محدود به استفاده از معیار اضافیِ تعداد کارکنان یا ثبت است. انتخاب حداقلِ تعداد کارکنان، به تصمیم کشورها براساس شرایط ملی آن‌ها واگذار شده است. فقط آن‌هائی که طبق اشکال خاص قانون ملی (نظیر قانون تجارت، قوانین مالیاتی و تأمین اجتماعی و قوانین نظارتی) ثبت نشده‌اند باید به عنوان غیررسمی تلقی شود.

دو دسته شرکت غیررسمی

۲۵-۴۳ کنار گذاشتنِ واحدها از بخش غیررسمی از کشوری به کشور دیگر بسته به شرایط قانونی آن‌ها یا حداقلِ تعداد کارکنان انتخاب شده برای تعیین واحدهائی که به عنوان رسمی در نظر گرفته می‌شوند، متفاوت است. اما مفهوم ILO از بخش غیررسمی همیشه زیر مجموعه‌ای از بنگاه‌های غیرشرکتی خانوار است که در محدوده تولید SNA عمل می‌کنند.

۲۵-۴۴ این واحدها به دو زیرمجموعه زیر تقسیم می‌شوند:

الف. *بنگاه‌های غیرشرکتی بدون کارکن مزد بگیر.* اصطلاح ILO برای این نوع واحدها "بنگاه‌های غیررسمی به حساب خود" است.

ب. *بنگاه‌های غیرشرکتی با کارکن مزد بگیر.* اصطلاح ILO برای این نوع واحدها "بنگاه‌های رسمیِ کارفرمایان" است

۲۵-۴۵ با این معیارهای اضافی، واحدِ تولیدی در بخش غیررسمی به عنوان بنگاه خانوار با دستکم مقداری تولید برای فروش یا معامله پایاپای تعریف شده است که یک یا چند معیار از معیارهای اندازه‌ی محدود اشتغال، عدم ثبت بنگاه یا کارکنان برای آن وجود داشته باشد. شرح این مجموعه واحدها از نظر بخش‌های SNA در شکل ۲۵-۲ نشان داده شده است.

استثناءها در زمینه‌ی فعالیت

۲۵-۴۶ صرف نظر از تعریف بخش غیرمتشکل، ICLS پانزدهم بررسی‌های اضافی زیر را درباره حوزه‌ی بخش غیررسمی و نحوه‌ی برخورد آماری توصیه کرده است:

الف. در اصل، تمامی فعالیت‌های تولید کننده‌ی کالاها و خدمات در این حوزه وجود دارند. این فعالیت‌ها می‌توانند با توجه به شقوق مختلف تجمیع که در ISIC Rev.4 برای تحلیل فعالیت‌های بخش غیررسمی توصیه شده است ارائه شوند. در این تجمیع‌های دگرسان این موضوع در نظر گرفته شده است که برخی فعالیت‌های اقتصادی نظیر امور عمومی و دفاع (ISIC قسمت ۸۴) توسط واحدهای دولتی انجام می‌شوند بنابراین نمی‌توانند به عنوان فعالیت‌های بخش غیررسمی به حساب آورده شوند. بهرحال، ICLS توصیه می‌کند که:

- فعالیت‌های کشاورزی (ISIC، بخش A) جدا از دیگر فعالیت‌های اقتصادی اندازه‌گیری شوند تا از مقایسه‌پذیری بین‌المللی آن اطمینان حاصل شود و انتخاب و بکارگیری ابزارهای مناسب گردآوری داده-های آماری و طراحی انتخاب نمونه‌ها تسهیل شود. (واحدهائی که تنها فعالیت معیشتی انجام می‌دهند از قبل کنار گذاشته شده‌اند زیرا آن‌ها هیچ یک از ستانده‌ی خود را بفروش نمی‌رسانند).

- فعالیت‌های خانوار به عنوان کارفرمای خدمات شخصی خانگی خانوارها (ISIC قسمت ۹۷) به‌صورت تولید برای استفاده نهائی خود از حوزه‌ی بخش غیررسمی کنار گذاشته شوند.

ب. پوشش جغرافیائی، مناطق شهری و روستائی هردو را در بر می‌گیرد حتی اگر اولویت در ابتدا به بنگاه‌های غیررسمی داده شود که در مناطق شهری فعالیت می‌کنند.

پ. کارکنان دورکار در صورتی منظور می‌شوند که واحدهائی که به عنوان اشخاص خود اشتغال یا کارکن با مزد برای آن‌ها کار می‌کنند در بخش غیررسمی قرار گرفته باشند.

۳. شفاف‌سازی اصطلاحات معمول

بخش

۲۵-۴۷ اصطلاح "بخش" در عبارت "بخش غیررسمی" دارای مبنای یکسانی با استفاده‌ی معمول از کلمه‌ی بخش در SNA نیست. در SNA، بخش‌ها از واحدهای نهادی کامل تشکیل شده‌اند؛ در مورد بخش غیررسمی تنها فعالیت‌های تولیدی مد نظر هستند. از اینرو برای مثال، که مورد مهمی هم است، خانوارهائی که فعالیت تولیدی ندارند به آسانی در مراحلِ تشخیص آن دسته از بنگاه‌های غیرشرکتی خانوارهائی که باید در بخش غیررسمی گنجانیده شوند، کنار گذاشته می‌شوند.

بنگاه

۲۵-۴۸ در SNA، یک شرکت یک بنگاه واحد را نشان می‌دهد ولی هر یک از این‌گونه بنگاه‌ها ممکن است از تعدادی کارگاه تشکیل شده باشند. تفاوت کلیدی بین یک بنگاه و یک کارگاه این است که برای بنگاه باید مجموعه‌ی کامل حساب‌ها وجود داشته باشد یا بتوان آن‌ها را تنظیم کرد ولی برای کارگاه مجموعه‌ی بسیار محدودتری از داده‌ها، معمولاً تنها اطلاعات مربوط به تولید، تعداد کارکنان و تشکیل سرمایه‌ی مربوط به فعالیت موجود است.

۲۵-۴۹ در درونِ خانوار ممکن است بسیاری از فعالیت‌های مختلفِ تولید انجام شود. برای هریک از فعالیت‌هائی که به عنوان شبه شرکت تلقی نمی‌شوند و حتی برای کل این فعالیت‌ها، مجموعه‌ی کاملِ حساب‌ها وجود ندارد. در SNA اصطلاح "بنگاه غیرشرکتی" به منظور استفاده برای همه‌ی فعالیت‌های غیرشرکتیِ انجام شده توسط یک خانوار در نظر گرفته شده است اگرچه ممکن است در جدول‌های عرضه و مصرف، برحسب معیاری مانند نوع فعالیت افرازبندی شود و با کارگاه‌های شرکت‌هائی که همان نوع فعالیت را انجام می‌دهند دریک گروه قرار گیرد.

۲۵-۵۰ استفاده از اصطلاحِ بنگاه غیرشرکتی برای بیان بخش غیررسمیِ ILO، به کل فعالیت غیرشرکتیِ یک خانوار مربوط نمی‌شود بلکه به هر یک از فعالیت‌ها به‌طور جداگانه مربوط می‌شود. در اصطلاحِ SNA، بنگاه غیرشرکتی به تعدادی از کارگاه‌های غیرشرکتی شکسته می‌شود، که برخی از آن‌ها در بخش غیررسمی و برخی دیگر خارج از بخش غیررسمی، حتی در همان خانوار، قرار می‌گیرند. علاوه براین، ILO یکایکِ اعضای خانوار را مالک کارگاه/بنگاه و دارای قابلیت استخدام کارکنان می‌داند. SNA، خانوار را به طور جمعی برای کل فعالیت و برای استخدام کارکنان، مسئول می‌داند.

زیربخشی کردن تولید

۲۵-۵۱ SNA تولید را به تولید بازاری، تولید برای استفاده نهائی خود و تولید غیربازاری تقسیم می‌کند. تولید غیربازاری در اینجا مورد ندارد، زیرا هیچگاه توسط خانوارها انجام نمی‌شود. اما، برای هماهنگی با راهنماهای ILO لازم است تولید کنندگان برای استفاده نهائی خود را به تولیدکنندگانی که بخشی از تولیدشان برای فروش یا معامله پایاپای است و تولیدکنندگانی که تولیدشان منحصراً برای استفاده نهائی خود است تقسیم کرد. در مورد بنگاه‌های غیرشرکتی که تنها بخشی از تولیدشان فروخته یا به‌صورتِ پایاپای معامله می‌شوند، همه‌ی تولید کالاها و خدمات توسط این واحدها در تولیدِ بخش غیررسمی منظور می‌شود.

بخش رسمی، بخش غیررسمی و خانوارها

۲۵-۵۲ SNA عبارت بخش رسمی را بکار نمی‌برد اما می‌توان به آسانی تصور کرد که همه‌ی واحدهای موجود در بخش‌های شرکت‌ها، دولت و NPISHها تا جائی که به تولید مربوط می‌شود قسمتی از بخش رسمی هستند. شبه شرکت‌ها در بخش رسمی منظور می‌شوند زیرا آن‌ها در بخش‌های شرکت‌ها قرار می‌گیرند. اما نمی‌توان گفت که هر واحدی که غیررسمی نباشد رسمی است، زیرا خانوارهای دارای بنگاه‌های غیرشرکتی که در بخش غیررسمی منظور نمی‌شوند به دو دسته تقسیم می‌شوند آن‌هائی که به عنوان رسمی تلقی می‌شوند (به دلیل اندازه یا ثبت آن‌ها) و بقیه که به عنوان غیررسمی تلقی نمی‌شوند ولی فقط در گروهی می‌مانند که خانوار نامیده می‌شوند.

۲۵-۵۳ از اینرو، منظور ILO از خانوارها کاملاً با مفهوم آن در SNA متفاوت است زیرا خانوارها در SNA، عبارتند از: همه‌ی واحدهائی که طبق راهنماهای ILO به عنوان غیررسمی تلقی می‌شوند، بعلاوه آن دسته از واحدهای دارای بنگاه‌های غیرشرکتی که به عنوان رسمی تلقی می‌شوند، بعلاوه آن دسته از بنگاه‌های غیرشرکتی خارج از حوزه غیررسمی به علت اینکه منحصراً برای استفاده نهائی خود تولید می‌کنند، بعلاوه آن دسته از خانوارهای بدون بنگاه‌های غیرشرکتی بعلاوه خانوارهای مؤسسه‌ای.

ث. اشتغال غیررسمی

۱. اشتغال غیررسمی

۲۵-۵۴ به‌طور روزافزونی این آگاهی بدست آمده است که تولید به تنهائی، تنها جنبه اقتصادی نیست که در تمایز بین رسمی و غیررسمی اطلاعات مفیدی را فراهم می‌کند بلکه این تمایز به اشتغال نیز مربوط است.

۲۵-۵۵ ILO اشتغال رسمیِ با مزد را به صورت اشتغالِ تحت شرایطی که دارای مزایای مربوطه نظیر مرخصی با حقوق و حق برخورداری از مزایای بازنشستگی است تعریف می‌کند. ILO همه‌ی شکل‌های دیگرِ اشتغال، از جمله خوداشتغالی، را به عنوان غیررسمی در نظر می‌گیرد.

۲۵-۵۶ همان‌گونه که در بخش ب اشاره شد، این امر امکان پذیر است که واحدهای رسمی کارکنان غیررسمی داشته باشند و این امکان هم وجود دارد (هرچند احتمال آن کم است) که واحدهائی که به عنوان غیررسمی طبقه بندی شده‌اند برای برخی از کارکنان خود شرایط اشتغالی را فراهم آورند که موجب شود آن‌ها کارکنانِ رسمی به‌حساب آیند. گستره اشتغال غیررسمی را می‌توان در شکل ۲۵-۳، قسمت رنگی ملاحظه کرد.

۲۵-۵۷ همان‌گونه که در فصل ۱۹ اشاره شد، بین شغل و کارکن تفاوت وجود دارد، یک کارکن قابلیت این را دارد که چندین شغل داشته باشد. پنج رده شغلی که توسط ILO در نظر گرفته شده‌اند عبارتند از:

الف. کارکنان به حساب خود (خود اشتغال در اصطلاح SNA)،

ب. رؤسای بنگاه‌های غیرشرکتیِ با کارکن مزد بگیرکه به عنوان کارفرما تلقی می‌شوند،

پ. کارکنان خانوادگی بدون مزد که با نیروی کار خود در بنگاه غیرشرکتی مشارکت می‌کنند،

ت. کارکنان مزد بگیر،

ث. اعضای شرکت‌های تعاونی تولیدکنندگان.

۲۵-۵۸ بنگاه‌های رسمی شغل‌های غیررسمی را تنها به صورت کارکنان با مزد یا کارکنان کمکِ خانواده ایجاد می‌کنند. خانوارها (به مفهوم ILO) شغل‌های غیررسمی به‌صورت کارکنان به حساب خود، کارکنان با مزد و کارکنان کمکِ خانواده فراهم می‌کنند. برخی از کارکنان خانگی ممکن است شغل‌های رسمی داشته باشند.

شکل ۲۵-۳: اشتغال غیررسمی و اشتغال در بخش غیررسمی

	شغل‌های رسمی	شغل‌های غیررسمی
بنگاه‌های رسمی		
بنگاه‌های غیررسمی		
سایر بنگاه‌های غیر شرکتی خانوار		

۲. اشتغال در بخش غیررسمی

۲۵-۵۹ همانند اشتغال غیررسمی در کل، تعیین گستره‌ی اشتغال در بنگاه‌های غیررسمی نیز مفید است. شغل‌های غیررسمی در واحدهای رسمی و همه‌ی شغل‌های غیررسمی در سایر بنگاه‌های غیرشرکتیِ خانوار خارج از این حوزه هستند ولی شغل‌های رسمی در بنگاه‌های غیررسمی در این حوزه قرار می‌گیرند. ICLS جمعیت شاغل در بخش غیررسمی را این‌گونه تعریف می‌کند که متشکل از تمام اشخاصی هستند که، در طول یک دوره‌ی مرجع، حداقل در یک واحدِ بخش غیررسمی، شاغل هستند، صرف نظر از وضعیت استخدامی آن‌ها و این که آیا شغل اصلی یا شغل ثانوی آن‌ها باشد. پوشش اشتغال در بخش غیررسمی با مستطیلِ پُررنگ در شکل ۲۵-۳ نشان داده شده است.

ج. کار گروه دهلی

۲۵-۶۰ در سال ۱۹۹۷ یک گروهِ کارشناسی درباره آمارهای بخش غیررسمی توسط کمیسیون آماری سازمان ملل به نام "گروه شهر" (city group) تشکیل شد که بنام گروه دهلی مشهور شد. یکی از اهداف این گروه کوشش برای شناختِ داده‌های مقایسه پذیرِ بین‌المللی برای بخش غیررسمی یا، حداقل، زیرمجموعه مشترکی از آن بود.

۲۵-۶۱ در سومین جلسه‌ی گروه دهلی در سال ۱۹۹۹ زیرمجموعه‌ای از بخش غیررسمی، که می‌توانست به طور غیررسمی در بین کشورها تعریف شود، پیشنهاد شد هرچند که این زیرمجموعه در حال حاضر فقط جزء نسبتاً کوچکی از بخش غیررسمی را پوشش می‌دهد. این توصیه‌ها به شرح زیر است:

الف. تمامی کشورها باید معیارهای سازمان قانونی (بنگاه‌های غیرشرکتی)، نوع حساب‌ها (نه مجموعه کامل حساب‌ها) و مقصد محصول (دستکم قدری ستانده‌ی بازاری) را بکار ببرند.

ب. خصوصیت حداقلِ اندازه اشتغال بنگاه در تعریف ملی از بخش غیررسمی به اختیار کشورها گذاشته شده است. اما، برای گزارش‌های بین‌المللی، کشورها باید برای بنگاه‌های دارای کمتر از پنج کارکن ارقام جداگانه‌ای ارائه دهند. در مورد بنگاه‌هائی که دارای چند کارگاه هستند، حداقلِ اندازه اشتغال باید برای بزرگترین کارگاه بکار رود.

پ. کشورهائی که معیار اندازه‌ی اشتغال را بکار می‌برند باید ارقام را به تفکیک بنگاه‌هائی که ثبت نشده‌اند، و بنگاه‌هائی که ثبت شده‌اند ارائه دهند.

ت. کشورهائی که از معیار ثبت نشده استفاده می‌کنند باید ارقام را به تفکیک بنگاه‌های دارای کمتر از پنج کارکن و بنگاه‌های دارای پنج کارکن و بیشتر ارائه دهند.

ث. کشورهائی که فعالیت‌های کشاورزی را منظور می‌کنند باید ارقام فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی را به تفکیک ارائه دهند.

ج. کشورها باید اشخاصی را که به فعالیت‌های حرفه‌ای یا فنی اشتغال دارند درصورتی که با معیارهای تعریف بخش غیررسمی همخوانی داشته باشد در این بخش منظور کنند.

چ. کشورها باید خدمات خانگی بامزد را که برای آن‌ها پرداخت صورت می‌گیرد منظور کنند مگر این که این خدمات توسط کارکنان خانواری که خدمات به آن‌ها ارائه می‌شود فراهم شود.

ح. کشورها باید از پاراگراف ۱۵ قطعنامه صادر شده توسط ICLS پانزدهم راجع به نحوه‌ی برخورد با کارکنان دور کار پیروی کنند. کشورها باید ارقام مربوط به کارکنان دورکار موجود در بخش غیررسمی را به طور جداگانه ارائه دهند.

خ. کشورها ضمن این که هردوی مناطق شهری و روستائی را پوشش می‌دهند باید ارقام شهری و روستائی را جداگانه ارائه دهند.

د. کشورهائی که از آمارگیری‌های خانوار یا آمارگیری‌های مختلط استفاده می‌کنند باید سعی کنند نه تنها اشخاصی را که شغل اصلی آن‌ها در بخش غیررسمی است، بلکه اشخاصی را نیز که فعالیت اصلی آن‌ها در بخش دیگری است و در بخش غیررسمی دارای فعالیت ثانوی هستند پوشش دهند.

۶۲-۲۵ کار بعدی گروه دهلی بررسی بسیاری از مطالعات مربوط به اقدامات ملی در گردآوری داده‌های بخش غیررسمی بود که منجر به تدارک دستنامه‌ای درباره بخش غیررسمی و اشتغال غیررسمی و انتشار آن توسط ILO شود.

چ. استخراج داده‌های مربوط به فعالیت‌های بنگاه‌های غیررسمی از حساب‌های SNA

۶۳-۲۵ برای شناسائیِ فعالیت‌های انجام شده توسط بنگاه‌های غیررسمی در درون حساب‌های ملی، سه مرحله لازم است. مرحله نخست، شناسائی آن دسته از بنگاه‌های غیرشرکتی در درون کل بخش خانوارهای SNA که واجد شرایط وارد شدن در بخش غیررسمی هستند. مرحله دوم بررسی تجربیات ملی در تعریف بخش خانوارها برای پی بردن به این که آیا لازم است تعدیلی در مرحله اول صورت گیرد. مرحله سوم تجزیه برحسب نوع فعالیت به‌گونه‌ای که بتوان موارد معمولِ خارج از شمول را برحسب نوع فعالیت بدست آورد.

۱. خانوارهای واجد شرایط

۶۴-۲۵ بخش خانوارها شامل تعدادی از واحدهای نهادی هستند که در ابتدای کار باید کنار گذاشته شوند. آن‌ها عبارتند از:

الف. خانوارهای مؤسسه‌ای نظیر زندان‌ها، خانه‌های مذهبی و خانه‌های سالمندان؛

ب. خانوارهای بدون فعالیت تولیدی (که یک بنگاه غیرشرکتی را در بر نمی‌گیرد)؛

پ. خانوارهائی که تنها فعالیت آن‌ها تولید خدماتِ برآمده از واحدهای مسکونی مالک ساکن است، تولید خدمات با بکارگیری کارکنان خانگی خانوار، یا هردوی آن‌ها.

۶۵-۲۵ همه‌ی خانوارهای باقی مانده دارای تعدادی فعالیت‌های تولیدی هستند. اما، این فعالیت تولیدی هم تولید بازاری و هم تولید برای استفاده نهائی خود را در بر خواهد گرفت. راهنماهای ILO درباره آن قسمت از فعالیتِ خانوار که باید به عنوان غیررسمی در نظر گرفته شود مفهومی از تولید بازاری را در بر می‌گیرد که با مفهوم تولید بازاری SNA مطابقت ندارد. ILO بنگاهی را به عنوان تولید کننده بازاری تلقی می‌کند که هریک از ستانده‌های آن فروخته شود ولی در SNA اگر بیشتر ستانده آن فروخته شود بازاری تلقی می‌شود. برای غلبه به این تفاوتِ مفهومی، توصیه می‌شود که تولید به سه جزء زیر تفکیک شود:

الف. تولید بازاری بر حسب معیار SNA که به‌موجب آن بیشترِ ستانده یا کل آن فروخته می‌شود،

ب. ستانده برای استفاده نهائی خود که بخشی از آن فروخته می‌شود، و

پ. ستانده‌ی منحصراً برای استفاده نهائی خود.

در این صورت جمع دو مقوله نخست برای منظور کردن در بخش غیررسمی به عنوان تولید کنندگان بازاری با راهنماهای ILO مطابقت دارد هرچند که از نظر SNA تنها مقوله اول چنین در نظر گرفته می‌شود.

۶۶-۲۵ ILO همچنین بین خانوارهائی که کارکنانی ندارند که به طور مستمر شاغل باشند و خانوارهائی که دارای این نوع کارکنان هستند به شرح زیر تمایز قائل می‌شود:

الف. بنگاه‌های غیرشرکتی بدون کارکنانی که به طور مستمر بکار گرفته شده‌اند،

ب. بنگاه‌های غیرشرکتی با کارکنانی که به طور مستمر بکار گرفته شده‌اند.

این نوع رده بندی با رده بندی قبلی در شکل ۲۵-۴ نشان داده شده است.

۲. تعدیلات مربوط به شیوه‌های ملی

۶۷-۲۵ هرچند SNA توصیه می‌کند NPISHها در بخشی جدا از خانوارها آورده شود، ولی همه‌ی کشورها این‌گونه عمل نمی‌کنند. اگر آن‌ها قبلاً از خانوارها جدا نشده باشند، باید در این مرحله کنار گذاشته شوند.

۶۸-۲۵ واحدهای تولید که به طور رسمی دارای شخصیت حقوقی نیستند ولی دارای حساب‌های کامل هستند باید به عنوان شبه شرکت تلقی شوند و از بخش خانوار کنار گذاشته شوند. اگر کشوری چنین عمل نکرده باشد، باید یک تعدیل اضافی برای حذف آن‌ها انجام داد.

جدول ۲۵-۴: شناسائی واحدهای بخش غیررسمیِ ILO از درون بخش‌های نهادی SNA

دولت	شرکت‌های غیرمالی و مالی		خانوارها							NPISHها
	آن‌هائی که ثبت شده‌اند یا دارای کارکنانی بیش از تعداد مشخص شده هستند	آن‌هائی که ثبت نشده‌اند یا دارای کارکنانی کمتر از تعداد مشخص شده هستند	آن‌هائی که ثبت شده‌اند یا دارای کارکنانی بیش از تعداد مشخص شده هستند	خود اشتغال (بنگاه غیررسمی به حساب خود)			بنگاه‌های غیر شرکتی با کارکن (بنگاه‌های غیررسمیِ کارفرمایان)		خانوارهای مؤسسه‌ای، خانوارها بدون بنگاه‌های غیرشرکتی، خانوارهائی که فقط برای استفاده نهائی خود تولید می‌کنند(شامل اشغالِ واحدهای مسکونی توسط مالک)	
				تولیدکنندگان بازاری	تولید کنندگان برای استفاده نهائی خود		تولیدکنندگان بازاری	تولید کنندگان برای استفاده نهائی خود		
				فروش قسمت بیشتر تولید یا تمام آن	فروش بخشی از تولید	بدون فروش	فروش قسمت بیشتر تولید یا تمام آن	فروش بخشی از تولید	بدون فروش	

۲۵-۶۹ SNA همچنین توصیه می‌کند که بنگاه‌های کوچک بدون مجموعه‌ی کامل حساب‌ها، باید به عنوان بنگاه‌های غیرشرکتی در بخش خانوارها منظور شوند. اما، برخی از کشورها برآوردهائی را از تولید بر حسب نوع فعالیت بدون در نظر گرفتن وجودِ مجموعه‌ی کامل حساب‌ها برای وارد کردن در چارچوب عرضه و مصرف تهیه می‌کنند. به‌طور پیش‌فرض، همه‌ی این‌ها، غیر از خدمات احتسابی مالکینِ ساکن در واحدهای مسکونی ارائه شده توسط مالکین یا خدمات ارائه شده توسط کارکنان خانگیِ مزد بگیر، ممکن است در بخش-های شرکت‌ها وارد شوند و تولیدِ کمی در بخش خانوار باقی بماند. بنابراین توصیه می‌شود که ارقام برآورد شده برای بنگاه‌های ثبت نشده با کمتر از پنج کارکن از ارقام بخش شرکت‌ها جدا شود و در کنار ارقام بخش خانوار قرار گیرد. به طور مشابه، هر بنگاهی که غیرشرکتی است ولی ثبت شده است باید به طور جداگانه مشخص شود.

۲۵-۷۰ شکل ۲۵-۴ نشان می‌دهد که چگونه واحدهای بالقوه برای منظور کردن در بخش غیررسمی طبق تعریف ILO، به بخش‌های نهادی SNA مربوط می‌شود. سایه‌ی کم رنگ در زیر شرکت‌ها نشان می‌دهد که اصولاً هر بنگاهی که ثبت نشده باشد و تعداد کارکنانی کمتر از حد معینی داشته باشد اگر در بخش شرکت‌ها منظور شده باشد باید مشخص شود. در عمل ممکن است جداسازی بنگاه‌هائی که ثبت شده‌اند از آن‌هائی که ثبت نشده‌اند مشکل باشد.

۳. تفکیک برحسب نوع فعالیت

۲۵-۷۱ مرحله سوم، تفکیکِ فعالیت‌های تولیدی خانوارها که مطابق طبقه‌بندی پیشنهاد شده در بالا گروه بندی شده باشند، و جداسازیِ فعالیت‌های دارای مقیاس کوچک برحسب نوع فعالیت مربوطه از بخش‌های شرکت‌ها است. از آنجا که جداسازی ابتدا بر حسب واحدها انجام می‌شود و نه برحسب فعالیت‌ها، هنوز هم خدماتی از واحدهای مسکونیِ مالکِ ساکن را در بر خواهد داشت که این‌ها باید خارج شوند. اگر طبقه بندی متقاطعی بر حسب فعالیت و نوع واحد موجود باشد، می‌توان انتخاب کرد که در جائی که ستانده منحصراً برای استفاده خود است، کدام فعالیت باید منظور شود و کدام فعالیت باید کنار گذاشته شود حتی هنگامی که فعالیت دیگری توسط همان واحد فروش‌هائی به خارج از خانوار داشته باشد.

۲۵-۷۲ موارد دیگری هم مانند خدمات ارائه شده توسط کارکنان خانگیِ مزدبگیر و تولید کشاورزی باید خارج شوند.

۲۵-۷۳ مسأله‌ای که می‌ماند نحوه‌ی برخورد با افرادی است که اطلاعاتی درباره تولیدشان در دسترس است ولی مجموعه‌ی کامل حساب‌ها را ندارند، نظیر پزشکان و دیگر متخصصانی که پیش از این بحث شد. از اینرو آن‌ها نشانگر بنگاه‌های غیرشرکتی هستند و به دلیل ثبت یا تعداد کارکنان خارج از بخش غیررسمی قرار نمی‌گیرند ولی معمولاً تصور نمی‌شود که دارای خصوصیاتی باشند که قسمتی از بخش غیررسمی به‌شمار آیند.

۲۵-۷۴ گروه دهلی تشخیص می‌دهد که این نوع افراد جزئی از بخش غیررسمی هستند. اما، اگر لازم باشد آن‌ها به عنوان زیر مجموعه بخش غیررسمی تشخیص داده شوند یا حتی از این قسمت کنار گذاشته شوند، این امکان وجود دارد که برخی قواعد تجربی طراحی شود که بتوان از آن این نوع برخورد را استنباط کرد. مثلاً، بسته به نوع فعالیت، نرخ پرداخت‌ها یا طول مدت انجام وظیفه، ولی اثبات خلاف هریک از این قواعد آسان است و اجرای آن بی‌اندازه مشکل خواهد بود.

۴. ارائه داده‌های مربوط به بخش غیررسمی و اشتغال غیررسمی

۲۵-۷۵ اطلاعات مربوط به فعالیت‌هائی که غیررسمی انجام می‌شوند فقط تا تولید و حساب ایجاد درآمد پیش می‌رود. فراتر از این نمی‌توان در توالی حساب‌ها پیش رفت زیرا شناسائی جریان‌های دیگرِ درآمد، مصرف و تشکیل سرمایه که تنها به فعالیت مورد نظر مربوط هستند نه به خانواری که به عنوان یک واحد نهادی کامل به آن تعلق دارند امکان‌پذیر نیست. از اینرو، همان‌گونه که پیش از این توضیح داده شد، در مفهوم SNA بخش غیررسمی بخش کاملی نیست و بنابراین ارقام آن را نمی‌توان از نظر توالی کامل حساب‌ها ارائه کرد. اما، توصیه می‌شود جائی که امکان پذیر باشد، دو جدول تکمیلی،

یکی برای پوشش تولید و ایجاد درآمد و دیگری برای پوشش اشتغال تهیه شود.

تولید

۲۵-۷۶ پیشنهاد شده است که انواع اطلاعات زیر برای هریک از زمینه‌های رنگی در جدول ۲۵-۴ ارائه شود:

الف. تولید

- *جزئی از آن* برای استفاده خود

ب. مصرف واسطه

پ. ارزش افزوده

ت. جبران خدمات کارکنان (تنها برای بنگاه‌های غیرشرکتی با کارکن مزد بگیر)

ث. درآمد مختلط ناخالص

ج. مصرف سرمایه ثابت

چ. درآمد مختلط خالص

۲۵-۷۷ اطلاعات بیشتری نیز اگر موجود باشد مفید است. برای مثال، تفکیک تولید برحسب نوع فعالیت و، در صورت امکان، سهم تولید بنگاه غیررسمی از کل تولید صنعتی که بنگاه غیررسمی متعلق به آن است.

۲۵-۷۸ در کشورهائی که بعضی واحدهای کوچک که می‌توانند جزئی از بخش غیررسمی در نظر گرفته شوند از طریق آمارگیری‌های کارگاهی پوشش داده می‌شوند و در بخش شرکت‌ها قرار می‌گیرند، ممکن است واحدهائی در سلولی که در جدول ۲۵-۴ با سایه کم‌رنگ مشخص شده است وجود داشته باشند که مورد توجه باشند. در این‌صورت، اگر بتوان برآوردهای جداگانه‌ای برای آن‌ها فراهم کرد، مفید است که این‌ها کنار اقلام واحدهائی که به طور مشخص در بخش خانوارها قرار دارند نشان داده شوند.

اشتغال

۲۵-۷۹ اطلاعات مربوط به تعداد شغل‌ها باید به صورت زیر نشان داده شود:

الف. اشتغال در بخش غیررسمی

- شغل‌های رسمی

- شغل‌های غیررسمی

ب. اشتغال غیررسمی خارج از بخش غیررسمی

- در بخش رسمی

- در سایر بنگاه‌های غیر شرکتی خانوار

۲۵-۸۰ اگر امکان داشته باشد، ارائه‌ی اطلاعات مربوط به ساعات کار انجام شده در هریک از این رده‌ها مفید خواهد بود.

ح. رهیافت‌های اندازه‌گیری فعالیت‌های انجام شده در اقتصاد غیررسمی

۲۵-۸۱ ارائه‌ی اطلاعات تفصیلی درباره‌ی روش‌های آمارگیری و طراحیِ پرسشنامه در SNA، نه امکان پذیر و نه مناسب است. اما، اگاهی از برخی گزینه‌های موجود در این زمینه، می‌تواند یاری دهنده‌ی حسابداران ملی در گردآوری داده‌های مربوط به تولید در بنگاه‌های غیررسمی باشد. بحث مفصل‌تری در دستنامه‌ی *اندازه‌گیری اقتصاد نامشهود* موجود است.

۲۵-۸۲ انتخاب روش مناسب برای اندازه‌گیریِ بخش غیررسمی بستگی به این دارد که روش‌های ایجاد شده برای گردآوری داده‌ها تا چه اندازه فعالیت‌های مورد نظر را پوشش می‌دهند.

در اینجا سه رهیافتِ اصلی برای اندازه‌گیریِ این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. انتخاب بین این رهیافت‌ها بستگی به عواملی نظیرِ اطلاعاتی که در گردآوری حاضر از قلم می‌افتد، سازمان نظام آماری، منابع موجود و دیگر نیازها دارد.

۱. آمارگیری‌های خانواری

۲۵-۸۳ آمارگیری خانوار (یا آمارگیری نیروی کار) می‌تواند ابزاری برای گردآوری اطلاعات مربوط به تولیدِ بنگاه‌های خانواری باشد که در چارچوب‌های نمونه‌گیری بکار رفته در آمارگیری‌های کارگاهی منظور نمی‌شوند. همچنین گردآوریِ داده‌های مربوط به اشتغالِ بخش غیررسمی نیز در آمارگیری‌های خانوار یا نیروی کار امکان‌پذیر است. سؤالاتی که برای رسیدن به این نوع اطلاعات مطرح می‌شوند را می‌توان درباره‌ی همه‌ی افراد خانوارهای نمونه در طی دوره‌ی مرجعِ آمارگیری مورد پرسش قرار داد، صرف نظر از وضعیتِ اشتغال آن‌ها و رابطه با شغل اصلی یا ثانوی آن‌ها، زیرا در بسیاری از کشورها تعداد زیادی از فعالیت‌های بخش غیررسمی به عنوان شغل‌های دوم انجام می‌شوند. ممکن است برای مشخص کردن کار بدون مزد در بنگاه‌های خانوادگیِ کوچک، فعالیت‌های انجام شده توسط زنان و کودکان، فعالیت‌های انجام شده دور از منزل، فعالیت‌های اظهار نشده و کسب و کارهای بخش غیررسمی انجام شده به عنوان شغل‌های دوم سؤالات خاصی لازم باشد. موفقیتِ این رهیافت بستگی به نمونه‌های آماری شامل مناطق جغرافیائیِ نماینده که فعالیت‌های خانوار در آن انجام می‌شود و کارگران بخش غیررسمی در آنجا زندگی می‌کنند دارد.

۲۵-۸۴ هرچند باید این موضوع را در نظر داشت که، با وجود این که کارکنانِ با مزد، کارکنان کمک خانواده و پاسخگویان از طرف دیگران ممکن است در خانوار و بنگاه‌های غیررسمی مشغول به کار باشند، ولی احتمال دارد دانش محدودی نسبت به عملیات بنگاه‌های مورد بحث داشته باشند و قادر به پاسخگوئی به چنین سؤالاتی نباشند.

۲. آمارگیری‌های کارگاهی

۲۵-۸۵ در بسیاری از موارد، از آمارگیری‌های کارگاهی تنها هنگامی می‌توان برای اندازه‌گیری فعالیت انجام شده توسط یک بنگاه غیررسمی استفاده کرد که بلافاصله بعد از یک سرشماری اقتصادی یا کارگاهی، یک آمارگیری کارگاه‌های خانواری اجرا شود زیرا چارچوب نمونه‌گیری ممکن است اطلاعاتی یا اطلاعات بهنگامی درباره بنگاه‌های خانواری نداشته باشد.

۲۵-۸۶ حتی هنگامی که یک آمارگیری کارگاهی برای اندازه‌گیری واحدهای تولیدی خانوار از جمله واحدهای بخش غیررسمی بکار می‌رود، باید توجه داشت که واحدهای تولیدیِ بدون مکانِ ثابت یا با محلِ غیرقابل تشخیص به آسانی در گردآوری داده‌ها از قلم می‌افتند. علاوه براین، اگر گردآوری داده‌ها برای انواع مختلف فعالیت‌های اقتصادی، بجای یک طرح یکپارچه به طور هم‌زمان، در زمان‌های مختلف انجام شود ممکن است دوباره شماری در تولید خانوار رخ دهد. برای مثال، فعالیت صنعتیِ یک خانوارِ تولید کننده‌ی کالاها در یک کارگاه کوچک یا در منزل ممکن است در یک دور گردآوری داده‌ها منظور شده باشد در حالی‌که فعالیت خرده فروشی آن کالاها که توسط همان خانواده انجام شده است در دور دیگری اندازه‌گیری شود.

۳. آمارگیری‌های مختلط خانوار و بنگاه

۲۵-۸۷ نوعی آمارگیری مختلط خانوار و بنگاه با پودمان‌های (مدول‌های) بنگاهی طراحی شده است که به آمارگیری‌های موجودِ نیروی کار یا سایر آمارگیری‌های خانوار پیوست می‌شود. این نوع آمارگیری می‌تواند همه‌ی کارآفرینی‌های خانوارهای نمونه (از جمله واحدهائی که بدون محل کارِ ثابت فعالیت می‌کنند نظیر واحدهای موبایلی) و فعالیت‌های آن‌ها را صرف نظر از اندازه‌ی بنگاه‌ها، نوع فعالیت و نوع محل کارِ استفاده شده و این که آیا فعالیت‌ها به عنوان شغل اصلی یا شغل دوم هستند پوشش دهد.

۲۵-۸۸ نوع دیگری از آمارگیری‌ها، که آمارگیری مختلطِ تعدیل شده‌ی خانوار و بنگاه گفته می‌شود، در *توصیه‌های بین‌المللی*

درباره آمارهای صنعتی (رشته‌فعالیتی) (سازمان ملل، ۲۰۰۸) شرح داده شده است.

۲۵-۸۹ هنگامی که آمارگیری مختلط به عنوان یک روش ترجیح داده شده بکار می‌رود، باید این سؤال را در نظر داشت که آیا نمونه‌گیری به اندازه‌ی کافی توزیع جغرافیائیِ تولید فعالیت‌های اقتصادی خانوار را منعکس می‌کند. همچنین لازم است بررسی شود که چگونه از عهده‌ی بنگاه‌هائی که دارای واحدهای تولیدی در بیش از یک مکان هستند برخواهند آمد و بنگاه‌هائی که به صورت مشارکتی اداره می‌شوند اگر توسط هریک از شریک‌هائی که متعلق به خانوارهای متفاوتی هستند گزارش شوند چگونه ممکن است از پوشش دوباره‌ی آن‌ها اجتناب کرد.

خ. راهنماها، مطالعات و دستنامه‌های مربوط به اقتصاد غیررسمی

۲۵-۹۰ از زمان انتشار *SNA* ۱۹۹۳ ، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در روش شناسی در زمینه‌های مربوط به اقتصاد غیررسمی حاصل شده است. همچنین، کشورها تجربیات گسترده‌ای را در گردآوری و کار کردن با داده‌های مربوط به بخش غیررسمی بدست آورده‌اند. این تحولات، که در زیر برجسته شده است، نشان می‌دهد که نتیجه‌ای از کل کار وجود دارد که می‌توان آن را در بهنگام سازی نحوه برخورد با بخش غیررسمی در SNA منظور کرد.

- اقدامات و مقالات جلسات گروه دهلی درباره آمارهای بخش غیررسمی که در سال ۱۹۹۷ شروع شد، حاوی نتایج گسترده‌ای از کارهای تحلیلی و مفهومی، از جمله تجربیات کشورها در زمینه‌ی بخش غیررسمی است. مقالات متنوعی از گروه کارشناسان آمارهای بخش غیررسمی (گروه دهلی)، در سایت زیر:

http://www.mospi.nic
n/mospi_informan_sector.htm

قابل دسترسی است.

- دستنامه‌ی *حسابداری خانوار: تجربه در مفاهیم و تدوین، جلد ۱: حساب‌های خانوارها* (سازمان ملل، ۲۰۰۰)، محصول سال ۱۹۹۷ گروه کارشناسان، حاوی مقالات مربوط به جنبه‌های مختلف نحوه‌ی برخورد و اندازه‌گیریِ بخش غیررسمی است. "فصل بخش غیررسمی به عنوان جزئی از بخش خانوار" مورد توجه خاص است.

- نتایج کاری که توسط اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا در اواسط سال‌های ۱۹۹۰ شروع شد و توسط گروه کاریِ آن برای ارزیابی صحت داده‌های اولیه در کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا اجرا شد و آزمایش‌های مقدماتی مربوط به آن که در کشورهای منتخب اجرا شد و گستره‌ی فراگیر بودن تعدیلات و اعمال آن‌ها به اررزش GDP را آشکار ساخت.

- تحقیق درباره روش‌های آماری برای بهبود فراگیر بودن سنجه‌های تولید اقتصادی به تهیه دستنامه‌ی " *اندازه‌گیری اقتصاد نامشهود- دستنامه* " منجر شد. فصلی از این دستنامه درباره تولید بخش غیررسمی، تعریف محوری ارائه می‌دهد که تفاوت‌های بین تولید بخش غیررسمی و مفاهیمی را که اغلب گیج کننده هستند روشن می‌سازد، و خطوط کلی روش‌های اصلی اندازه‌گیری را ارائه می‌دهد.

- UNECE *راهنمای آمارهای اقتصاد پنهان* (سازمان ملل کمیسیون اقتصادی برای اروپا، ۱۹۹۲) را منتشر کرد و پس از آن، سه آمارگیری برای تجربه‌ی کشورها انجام داد و نتایج آن را منتشر کرد. نخستین آمارگیری مربوط به سال ۱۹۹۱ بود و ۹ کشور را پوشش می‌داد. نتایج آن

تحت عنوان *فهرست تجربیات ملی در برآورد فعالیت‌های پنهان و غیررسمی برای حساب‌های ملی* در سال ۱۹۹۳ منتشر شد. آمارگیری دوم در رابطه با سال۲۰۰۱ –۲۰۰۲ و با پوشش تعداد ۲۹ کشور انجام شد. آمارگیری سوم برای سال ۲۰۰۵– ۲۰۰۶ انجام شد و در آن ۴۵ کشور پاسخ دادند. در هردوی آمارگیری‌های دوم و سوم برآوردهای اندازه‌ی اقتصاد نامشهود و نیز تشریح روش‌های بکار برده شده مورد نیاز بود. نتایج دو آمارگیری در دو جلد بنام *اقتصاد نامشهود در حساب‌های ملی- بررسی تجربیات کشورها* (کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا، به‌ترتیب برای سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸) منتشر شد.

- مدارک بسیار زیادی از ILO وجود دارند که مفاهیم بخش غیررسمی و اشتغال غیررسمی را تشریح می‌کنند. این‌ها عبارتند از قطعنامه مربوط به *آمارهای اشتغال در بخش غیررسمی*، (اداره بین‌المللی کار، ۱۹۹۳) تصویب شده توسط ICLS پانزدهم و *راهنماهای مربوط به تعریف آماری اشتغال غیررسمی* (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۳) تصویب شده توسط ICLS هفدهم. اطلاعات مفید دیگر را می‌توان در این مدارک بدست آورد: *خلاصه آمارهای رسمی ILO درباره اشتغال در بخش غیررسمی* (هوسمانز و دو جو، ۲۰۰۲)؛ *زنان و مردان در اقتصاد غیررسمی: یک تصویر آماری* (اداره بین‌المللی کار، ۲۰۰۲)؛ *اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی: از اشتغال در بخش غیررسمی تا اشتغال غیررسمی* (هوسمان، ۲۰۰۴)؛ *اندازه‌گیری اشتغال غیررسمی استانداردهای اخیر بین‌المللی* (هوستان، ۲۰۰۵).

- در طی این دهه، تعدادی کارگاهِ آموزشی با تمرکز بر بخش غیررسمی به طور منفرد یا به طور مشترک توسط بخش آمار سازمان ملل، کمیسیون‌های منطقه‌ای، ILO، و دیگران برگزار شد، آخرین آن‌ها کارگاه‌های آموزشی "ارزیابی و ارتقای کیفیت آماری: اندازه‌گیری اقتصاد نامشهود" که توسط OECD/ اسکاپ/ بانک توسعه‌ی عربی در مه ۲۰۰۴ در بانکوک برگزار شد و کارگاه آموزشی "آمارگیری‌های خانوار و اندازه‌گیری نیروی کار با تمرکز بر اقتصاد غیررسمی" برای کشورهای جامعه‌ی توسعه‌ی آفریقای جنوبی در ماسرو، لسوتو در آوریل ۲۰۰۸ برگزار شد.

فصل ۲۶: حساب‌های دنیای خارج و پیوند آن‌ها با ترازپرداخت‌ها

الف. مقدمه

۱-۲۶ در این فصل درباره‌ی رابطه‌ی بین بخش دنیای خارج در SNA و حساب‌های بین‌المللی تشریح شده در BMP6 بحث می‌شود. این فصل نشان می‌دهد که هردو دستنامه، چارچوب اقتصاد کلان یکسانی را بکار می‌برند، ضمن این که حساب‌های بین‌المللی جزئیات اضافی درباره جنبه‌های مهم در تراکنش‌ها یا موجودی‌های بین‌المللی را ارائه می‌دهند.

۱. حساب دنیای خارج در SNA

۲-۲۶ در SNA، تراکنش‌های بین یک واحد مقیم و دنیای خارج طوری ثبت می‌شوند که گوئی واحدهای دنیای خارج بخش دیگری از اقتصاد را تشکیل می‌دهند. حساب‌های تولید و ایجاد درآمد تنها به تراکنش‌های داخل اقتصاد مربوط هستند اما جریان‌های همه حساب‌های دیگر به‌طور بالقوه یک قلم ورودی برای دنیای خارج دارند. این اقلام برای ترازِ هر سطر در توالی حساب‌ها لازم است ولی آن‌ها اقلام ترازکننده‌ی کل را وارد نمی‌کنند. برای مثال، تفاوت بین GDP و GNI از تراکنش‌های منابع و مصارف ثبت شده در حساب تخصیص درآمد اولیه بدست می‌آید که طرف مقابل آن واحدی در دنیای خارج است. اگر اقلام ورودیِ طرف مقابل برای دنیای خارج نیز وارد می‌شدند، تفاوتی بین اقلام تراز کننده وجود نداشت.

حساب‌های جاری

۳-۲۶ از آنجا که حساب دنیای خارج به این شیوه نشان داده می‌شود، جریان‌های دنیای خارج به عنوان مصارف توسط دنیای خارج و جریان‌ها از دنیای خارج به عنوان منابع نشان داده می‌شوند. به عنوان مثال، صادرات به عنوان مصارف دنیای خارج و واردات به عنوان منابع از دنیای خارج نشان داده می‌شوند. اقلام ورودی برای واردات و صادرات قسمتی از حساب کالاها و خدمات در توالی حساب‌ها را تشکیل می‌دهند.

۴-۲۶ همانند اقلام ورودیِ واردات، صادرات و اقلامی که در حساب تخصیص درآمد اولیه نشان داده می‌شود، تراکنش‌های بالقوه‌ای با دنیای خارج وجود دارند که باید برای تمامی اقلامِ حساب توزیع ثانوی درآمد و برای اقلامِ تعدیل کننده‌ی خالص تغییر در بدهی‌های بازنشستگی نشان داده شده در حساب مصرف درآمد ثبت شوند.

۵-۲۶ هیچ قلم ورودی برای مصرف واسطه یا مصرف نهائی (یا برای مصرف سرمایه ثابت) برای دنیای خارج وجود ندارد زیرا مصرف کالاها و خدماتی که توسط اقتصاد دیگری صورت می‌گیرد به اقتصاد ملی مربوط نیست؛ فقط کل میزان صادر شده مربوط می‌شود.

۶-۲۶ با وجود این که در یکایک حساب‌های SNA اقلامی برای حساب دنیای خارج محاسبه نمی‌شود، دو قلم تراز کننده مربوط به حساب‌های جاری مهم هستند. نخست تراز خارجی کالاها و خدمات است که تفاوت بین واردات و صادرات است. دومی تراز خارجی جاری است که از حاصل جمع همه‌ی منابعی که از دنیای خارج می‌آید منهای همه‌ی مصارفی که به دنیای خارج می‌رود، از جمله واردات و صادرات تشکیل می‌شود. از اینرو، تراز جاری خارجی نشان می‌دهد که مقیم‌ها تا چه حد، از پس‌انداز غیرمقیم‌ها منابع دارند.

حساب‌های انباشت

۷-۲۶ در حساب سرمایه‌ی دنیای خارج، همان‌گونه که در بالا اشاره شد، هیچ قلم ورودی برای تشکیل سرمایه ثابت وجود ندارد. این امکان وجود دارد که برای منابع طبیعی، برای قرارداد، اجاره نامه یا پروانه یا برای سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی تراکنشی ثبت شود. هرچند بنا به ماهیت آن‌ها، و با فرض این که زمین تقریباً همیشه توسط یک واحد مقیم تحصیل می‌شود، این نوع اقلام ورودی رایج نخواهند بود. از سوی

دیگر، انتقالات سرمایه‌ای به دنیای خارج و انتقالات سرمایه‌ای از دنیای خارج می‌تواند بسیار مهم باشد.

۸-۲۶ حساب مالی و ترازنامه‌هائی که جزئیات تراکنش‌ها و موجودی‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها را در بر دارند هنگامی که یک طرف آن‌ها غیرمقیم است به عنوان قسمت بسیار مهم حساب‌های دنیای خارج در نظر گرفته می‌شوند. در حقیقت، در *BPM6* بیشتر مطالب به این اقلام اختصاص داده شده است تا اقلام حساب‌های جاری.

۹-۲۶ بعلاوه، امکان اقلام ورودی در رابطه با دنیای خارج برای سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و بدهی‌ها و اقلام بازارزش‌گذاری، هردو، وجود دارد.

۲. حساب‌های بین‌المللی در *BMP6*

۱۰-۲۶ در شرح حساب‌های دنیای خارج در بالا اشاره شد که صادرات، به عنوان مثال، مصارف توسط دنیای خارج و واردات منابع از دنیای خارج تلقی می‌شوند. همان‌گونه که از نام آن بر می‌آید، حساب دنیای خارج از دید دنیای خارج ترسیم می‌شود. *BMP6* به همان جریان‌ها و موجودی‌ها از نظر اقتصاد داخلی نگاه می‌کند. بنابراین اقلام ورودی *BMP6* تصویری در آئینه‌ی اقلام ورودیِ SNA مربوط به دنیای خارج است.

۱۱-۲۶ علاوه براین، در نوشته‌های *BMP6*، معمولاً به میزان موجودی‌ها position گفته می‌شود (در برگردان فارسی عمدتاً از واژه‌ی میزان موجودی و در مواردی از وضعیت موجودی استفاده شده است، مترجم) و حساب‌های ترازنامه برای تمامی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها وقتی یک طرفِ ترتیبات، غیرمقیم است وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری بین‌المللی (IIP) نامیده می‌شود.

۱۲-۲۶ حساب‌های بین‌المللی برای هر اقتصادی روابط بین مقیم‌های یک اقتصاد و دنیای خارج را خلاصه می‌کند. آن‌ها عبارتند از:

الف. تراز پرداخت‌ها، که تراکنش‌های بین مقیم‌ها و غیرمقیم‌ها را طی یک دوره‌ی زمانیِ مشخص خلاصه می‌کند؛

ب. وضعیتِ موجودیِ سرمایه‌گذاری بین‌المللی (IIP)، که در لحظه‌ای از زمان ارزش دارائی‌های مالیِ مقیم‌های اقتصاد که ادعاهای مقیم‌ها در برابرِ غیرمقیم‌ها هستند یا شمش طلای در اختیار به عنوان دارائی‌های ذخیره هستند؛ و نیز بدهی‌های مقیم‌های یک اقتصاد به غیرمقیم‌ها را نشان می‌دهد؛ و

پ. حساب سایر تغییرات در دارائی‌های مالی و بدهی‌ها، گزارشی که سایر جریان‌ها نظیر تغییرات ارزش‌گذاری را نشان می‌دهد، تراز پرداخت‌ها و IIP را برای یک دوره خاصی با نشان دادن تغییرات ناشی از رویدادهای اقتصادی غیر از تراکنش‌های بین مقیم‌ها و غیرمقیم‌ها مطابقت می‌دهد.

این حساب‌ها بترتیب با تراکنش‌ها، ترازنامه‌ها و حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها در SNA مطابقت دارد. باید توجه داشت که آنچه که در حساب دنیای خارج به عنوان دارائی نشان داده می‌شود در حساب‌های بین‌المللی به عنوان بدهی بروز می‌کند، و بالعکس.

۳. ساختار فصل

۱۳-۲۶ در این فصل، بخش ب به بحث درباره‌ی قواعد حساب‌های بین‌المللی می‌پردازد. این قواعد با قواعد حسابداریِ SNA سازگار هستند و تدوین کنندگان آن‌ها به این توافق رسیده‌اند که هنگامی که تعریفی در SNA ایجاد می‌شود و یا هنگامی که *BPM6* به تعریفی می‌رسد در هر دو زمینه استفاده شود. مثلاً اقامت موردی است که SNA از *BPM6* پیروی کرده است.

۱۴-۲۶ ساختار حساب‌های بین‌المللی و رابطه آن‌ها با حساب‌های مشابه SNA موضوع بخش پ است.

۱۵-۲۶ یک خصوصیتِ حساب‌های مالی و IIP از حساب‌های بین‌المللی مقدمه‌ی رده‌های کارکردی است که هدف اصلیِ سرمایه‌گذاری مالی در خارج را شرح می‌دهد. این بحث، موضوع بخش ت است.

۲۶-۱۶ بخش ث برخی ملاحظات را که دارای اهمیت ویژه‌ای برای حساب‌های بین‌المللی است مطرح می‌کند؛ عدم توازن جهانی، تأمین منابع مالی استثنائی، سازمان‌دهی مجدد دیون، اتحادیه‌های پولی و تبدیلات ارزها از این قبیل هستند.

ب. اصول حسابداری

۱. مقایسه با اصول حسابداری SNA

۲۶-۱۷ با وجود این که SNA با سیستم ثبت چهارطرفه حسابداری کار می‌کند، تراز پرداخت‌ها فقط سیستم ثبت دوطرفه دارد. هنگامی که تراکنشی بین واحدهای مقیم صورت می‌گیرد، چهار قلم ورودی لازم است، برای مثال، دو قلم ورودی برای نشان دادن مبادله کالا و دو قلم ورودی برای مبادله ابزار پرداخت. اما، وقتی یک واحد مقیم تراکنشی را با یک واحد غیرمقیم انجام می‌دهد، تهیه کنندگان ملی قادر نیستند به طور مستقل اقلام ورودی طرف مقابل در دنیای خارج را بررسی کنند. در نتیجه، با وجود این که اصولاً تراز پرداخت‌ها تراز است، در عمل، ممکن است به دلیل کاستی‌هائی در منابع داده و نحوه‌ی تهیه آن که منجر به عدم تطابقی بین تراکنش‌های مالی و طرف‌های مقابل آن در اقتصاد داخلی می‌شود، عدم موازنه وجود داشته باشد. این عدم موازنه که یک خصوصیت رایجِ داده‌های منتشر شده‌ی تراز پرداخت‌هاست، خالص خطاها و از قلم افتادگی‌ها گفته می‌شود. دستنامه‌های تراز پرداخت‌ها به طور سنتی این اقلام را مورد بحث قرار داده‌اند، تا تأکید کنند که این قلم بجای این که به صورت نامشخص در اقلام دیگر گنجانیده شوند باید به طور روشن منتشر شوند و برای نشان دادن منابع احتمالیِ اندازه‌گیری اشتباه مورد استفاده قرار گیرند.

۲۶-۱۸ اما، توجه روزافزونی به برآوردهائی معطوف شده است که از گزارش‌های طرف مقابل بدست می‌آید و دارای پوشش، ارزش‌گذاری و دیگر ویژگی‌های بهتری است. به همین ترتیب، کارهای زیادی انجام شده است تا داده‌ها از نظر دو طرف (برای مثال، صادرات یک کشور، با واردات طرف مقابل که توسط کشور وارد کننده ثبت شده است) و جمع‌های جهانی وفق داده شود. هچنین داده‌های طرف مقابل برای آماده سازیِ داده‌های تلفیقی از داده‌های هریک از کشورهای عضو برای اتحادیه‌ی پولی یا اقتصادی ضروری است. در حقیقت، همه‌ی این کارها بر این واقعیت بنا نهاده شده‌اند که آمارهای تراز پرداخت‌ها در واقع وقتی در سطح ثبت دو طرفه یا در سطح جهانی استفاده می‌شود تبدیل به یک سیستم ثبت چهار طرفه شود.

ارزش‌گذاری

۲۶-۱۹ اصول ارزش‌گذاری در SNA و حساب‌های بین‌المللی یکسان است. در هردو مورد، از ارزش‌های بازار استفاده می‌شود، همراه با ارزش‌های اسمی برای برخی موجودی‌ها در ابزارهائی که قیمت‌های بازارِ قابل مشاهده‌ای وجود ندارد. در حساب‌های بین‌المللی، ارزش‌گذاریِ صادرات و وارداتِ کالاها مورد خاصی است که نقطه‌ی یکسانی برای ارزش‌گذاری یعنی ارزش در مرزهای گمرکی کشور صادرکننده استفاده می‌شود که ارزش‌گذاری نوع فوب (تحویل روی عرشه کشتی) است. این نحوه‌ی برخورد، سازگار بودن ارزش‌گذاری بین صادر کننده و وارد کننده را به ارمغان می‌آورد و مبنای سازگاری برای اندازه‌گیری در شرایطی که طرف‌ها ممکن است گستره‌ای از اشکال متفاوتِ ترتیبات قراردادی را داشته باشند بوجود می‌آورد، قراردادها می‌توانند از "قیمت دربِ کارخانه" در یک کرانه‌ی افراطی (که وارد کننده مسئول ترتیب دادن کل حمل و نقل و بیمه است) تا "تحویل با عوارض پرداخت شده" در کرانه‌ی افراطی دیگر (که صادرکننده مسئول ترتیب دادن کل حمل و نقل، بیمه و هر نوع عوارض واردات است) گسترده باشند. در تراکنش‌های بین‌المللی، ممکن است انگیزه‌هائی وجود داشته باشد که به منظور گریز از مالیات یا گریز از

کنترل‌های ارزی، صورت حساب‌ها با بیش گوئی یا کم گـوئی تنظیم شوند، بنـابراین *BMP6* راهنماهـائی را تـدارک دیـده است که در آن درباره‌ی چگونگیِ ایجاد قیمت‌های معادل بازار در صـورت مشـاهده‌ی ایـن‌گونـه مـوارد و چگـونگی انجـامِ تعدیلات لازم در اقلام دیگری که تحت تأثیر قرار مـی‌گیرنـد بحث شده است. بحث بیشتر درباره ثبت واردات و صادرات در فصل‌های ۱۴ و ۲۸ وجود دارد.

زمان ثبت و تغییر مالکیت

۲۰-۲۶ اصولِ زمان ثبـت و تغییـرِ مالکیـت در SNA و حسـاب‌هـای بین‌المللی یکسان هستند. در عمل، تغییـر مالکیـت اقتصـادی کالاها اغلب باید زمانی صورت گیرد که کالاهـا در داده‌هـای گمرکات ثبت شوند. مـادامی کـه بـین داده‌هـای گمرکـات و تغییر واقعیِ مالکیت تفـاوت وجـود دارد، مـثلاً در اقلامـی بـا ارزش زیاد یا کالاهای ارسال شده به طور امانی (یعنی، ارسال کالا پیش از این که فروخته شود) تعدیلاتی باید صورت گیرد.

۲۱-۲۶ بیش از این هیچ اسـتثناء دیگـری در ثبـتِ مبتنـی بـر تغییـر مالکیت اقتصادی وجود ندارد. اما، در مورد تجارت بـین‌المللـی شیوه‌ی ارائه‌ی متفاوتی وجود دارد و آن حالتی است که مالکی کالا را می‌خرد و مجدداً با همان شرایط می‌فروشد بدون ایـن که کالا از مرزهای کشور مالـک عبـور کنـد. در ایـن حالـت، تحصیل کالاها به عنوان تغییر مالکیت شناخته می‌شـود، ولـی بجای واردات به عنوان صادرات منفی و در واگذاری کالاها به عنوان صادرات مثبت نشان داده می‌شود. اگر کالاهـا در یـک دوره تحصیل شوند و تا دوره بعد واگـذار نشـوند، در تغییـرات موجـودی انبـار تـاجر نشـان داده مـی‌شـوند حتـی اگـر ایـن موجودی‌ها در خارج نگه داشته شوند. نتیجه‌ی ایـن تغییـر در نحوه‌ی برخورد این است که در حساب‌های بین‌المللی، تجارت بین‌المللی اکنون بـه عنـوان تـراکنش در کالاهـا نشـان داده می‌شوند در حـالی کـه پـیش از ایـن بـه عنـوان تـراکنش در خدمات ثبت شده بودند.

۲۲-۲۶ اصول ثبت واردات و صادرات هنگامی که تغییـر مالکیـت رخ می‌دهد همچنین به اقلامی نظیر کالاهای سرمایه‌ای با ارزش بالا که تغییر مالکیت آن‌ها به عنوان کـاری کـه انجـام شـده است ثبت می‌شود نیز بکار می‌رود. (پـاراگراف‌هـای ۱۰-۵۳ و ۱۰-۵۵ را ملاحظه فرمائید.

خالص سازی

۲۳-۲۶ همان قواعدی که در مورد خالص سازی SNA بکـار مـی‌رود در *BMP6* نیز اعمال می‌شود. به طور کلـی، خـالص سـازی بجز در مورد خالصِ ثبت تـراکنش‌هـا دردارائـی‌هـای مـالی و بدهی‌ها، در موارد دیگری توصیه نمی‌شود. اما، فقط تحصـیل یک دارائی و واگذاری همان نـوع دارائـی (یـا تقبـل بـدهی و بازپرداخت همان نوع بدهی) خالص می‌شوند. خـالص سـازی دارائی‌ها در مقابل بدهی‌ها، حتی از همان نوع ابزارهـا، وجـود ندارد و خالص سازی بین انواع مختلف ابزارها نیز وجود ندارد. جزئیات بیشتر درباره خالص سازی در رابطه با ابزارهای مـالی درفصل ۳ در *BMP6* نشان داده شده است.

۲. واحدها

۲۴-۲۶ حساب‌های بین‌المللـی و SNA براسـاس تعـاریف یکسـانی از واحدهای نهادی و اقامت بنا نهاده شده‌اند. از آنجا که حساب-های بین‌المللی بر روابط اقتصادی بین مقیم‌ها و غیـرمقیم‌هـا متمرکز است، توضیحات بیشتردر موارد تعیین حدود و ثغور، در *BMP6* ارائه شده است.

سرزمین اقتصادی

۲۵-۲۶ سرزمین اقتصادی به عنوان پُرکـاربردترین مفهـوم، عبـارت از منطقه‌ی تحت کنترل اقتصادی مؤثر یک دولت واحـد اسـت. اما، مناطق اتحادیه‌های پولی یا اقتصادی، یا کـل جهـان نیـز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، زیرا ممکن است بر سیاست یا تحلیل اقتصاد کلان نیز تمرکز شود.

۲۶-۲۶ سرزمین اقتصادی تشکیل شده اسـت از منطقـه‌ی خشـکی از جمله جزایر، حریم هوائی، آب‌های ساحلی و برون خاک‌هـای واقع در دنیای خارج که به طور فیزیکی در سرزمین‌های دیگر مستقر هستند (نظیر سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها، پایگـاه‌هـای نظامی، ایستگاه‌های علمی، ادارات اطلاعات مهاجرت، کـه در برابر قوانین کشور میزبان مصونیت دارند). سرزمین اقتصـادی

دارای ابعاد استقرار به‌صورت فیزیکی و نیز حوزه قانونی حاکمیتی هستند، بنابراین شرکت‌هائی که تحت قوانین حوزه حاکمیتی یک اقتصاد ایجاد می‌شوند قسمتی از آن اقتصاد هستند. سرزمین اقتصادی همچنین مناطق ویژه، نظیر مناطق آزاد تجاری و مراکز مالی فرا ساحلی را نیز در بر می‌گیرد. آن‌ها تحت کنترل دولت هستند بنابراین قسمتی از اقتصاد هستند، حتی اگر نظام‌های نظارتی و مالیاتی متفاوتی بر آن‌ها اعمال شود. (اما، ممکن است این امر نیز مفید باشد که داده‌های مناطق ویژه جداگانه نشان داده شود). این سرزمین سازمان‌های بین‌المللی و برون خاک سایر دولت‌ها را که به طور فیزیکی در این سرزمین مستقر هستند کنار می‌گذارد.

واحدهای نهادی

۲۶–۲۷ مفهوم واحد نهادی در SNA و *BMP6* یکسان است. به دلیلِ تمرکز روی اقتصاد ملی، در مورد واحدهائی که در وضعیت بین دو سرزمین قرار دارند برخوردهای خاصی وجود دارد. همان‌گونه که در زیر مورد بحث قرار گرفته است، در برخی موارد، هستارهای قانونی اگر مقیمِ یک اقتصاد باشند در یک واحد نهادی باهم ترکیب می‌شوند، ولی اگر در اقتصادهای متفاوتی مقیم باشند با یکدیگر ترکیب نمی‌شوند. به طور مشابه، ممکن است یک هستارِ قانونیِ واحد هنگامی که در دو یا چند اقتصاد عملیات قابل ملاحظه‌ای دارد تجزیه شود. در نتیجه‌ی این برخوردها، اقامت واحدهای مورد نظری که حاصل می‌شوند به روشنی مشخص می‌شود و مفهوم سرزمین اقتصادی قوت می‌گیرد.

۲۶–۲۸ همان‌گونه که در فصل ۴ بحث شد، شرکت‌های تابعه‌ی ساختگی و هستارهای دارای هدف ویژه (SPE) مقیم، با مالکین خود در یک هستار قانونیِ واحد ترکیب می‌شوند. اما، یک هستار قانونی که مقیم یک حوزه حاکمیتی است با هستار قانونی مقیم حوزه حاکمیتی دیگر ترکیب نمی‌شود. در نتیجه، SPEها و شرکت‌های دیگر با ساختار مشابه که متعلق به غیرمقیم‌ها هستند مقیم سرزمینی که در آن قانوناً ثبت شده‌اند در نظر گرفته می‌شوند حتی اگر تمام یا بیشترِ مالکین آن‌ها یا تمام یا بیشترِ دارائی‌های آن‌ها در اقتصاد دیگری باشند.

۲۶–۲۹ به طور مشابه، همه اعضای یک خانوار باید مقیم یک اقتصاد باشند. اگر شخصی در اقتصادی متفاوت از اقتصاد سایر اعضای یک خانوار اقامت داشته باشد، آن شخص به عنوان عضوی از آن خانوار در نظر گرفته نمی‌شود، حتی اگر آن‌ها در درآمد و هزینه‌های عملیاتی شریک باشند، یا دارائی‌های مشترکی داشته باشند.

شعبه‌ها

۲۶–۳۰ شعبه، یک بنگاه غیرشرکتی است که به یک واحد غیرمقیم بنام واحد مادر تعلق دارد. شعبه مقیم به‌حساب می‌آید و به عنوان شبه شرکت تلقی می‌شود. شناسائی شعبه‌ها به عنوان واحدهای نهادیِ جدا مستلزم نشانه‌هائی از عملیات قابل ملاحظه‌ای است که بتوان آن را از بقیه‌ی قسمت‌های هستار جدا کرد. موارد زیر شعبه شناخته می‌شوند:

الف. مجموعه‌ی کامل حساب‌ها از جمله ترازنامه برای یک شعبه وجود داشته باشد یا در صورت نیاز، هم از نظرِ اقتصادی و هم از نظرِ قانونی تهیه‌ی آن‌ها امکان پذیر و معنی دار باشد. دسترسی به اقلام ثبتیِ جدا نشان می‌دهد که یک واحدِ واقعی وجود دارد و تهیه آمارها را عملی می‌سازد.

بعلاوه، یک یا هردوی عوامل زیر وجود داشته باشند:

ب. شعبه در مقیاس قابل ملاحظه‌ای برای مدت یک سال یا بیشتر تولیدی به عهده داشته باشد یا در نظر دارد که انجام دهد که در سرزمینی غیر از سرزمینِ اداره مرکزی بنا شده است:

- اگر فرآیندِ تولید مستلزم حضور فیزیکی باشد، در این صورت عملیات باید به‌طور فیزیکی در آن سرزمین مستقر باشد؛
- اگر فرآیندِ تولید مستلزم حضور فیزیکی نباشد، نظیر برخی موارد بانکداری، بیمه، سایرخدمات مالی، مالکیت حق اختراع، تجارت بین‌المللی و "تولید مجازی"، عملیات باید بوسیله ثبت یا اقامتِ قانونیِ

دائمیِ آن عملیات در آن سرزمین، به عنوان وجود در آن سرزمین شناخته شود.

پ. شعبه، مشمول نظام مالیات بر درآمدِ (در صورت وجود) اقتصادی که در آن مستقر است شناخته شود، حتی اگر وضعیت معاف از مالیات داشته باشد.

۲۶-۳۱ شناسائی شعبه‌ها دارای کاربردهائی برای گزارش‌دهی آماری شعبه و شرکتِ مادر، هردو، است. عملیات شعبه باید از واحد نهادی اداره مرکزی کنار گذاشته شود و وضعیت شرکت مادر و شعبه باید به طور مستمر در هردو اقتصادی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند به تصویر کشیده شود. ممکن است در فعالیت‌هائی نظیر پروژه‌های ساخت و ساز یا عملیات متحرک نظیر حمل و نقل، ماهیگیری یا مشاوره شناسائی شعبه لازم باشد. ولی، اگر عملیات شعبه به اندازه کافی قابل ملاحظه نباشد که لازم به شناسائی آن باشد، عملیات آن‌ها به عنوان صادرات کالاها یا خدمات از اداره مرکزی تلقی می‌شود.

۲۶-۳۲ در برخی موارد، عملیات مقدماتیِ مربوط به یک پروژه‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم در آینده پیش از تشکیل شرکت، شواهد کافی برای تأسیس یک شبه شرکت مقیم است. برای مثال، هزینه‌های عملیاتی برای اخذ پروانه‌ها و خدمات حقوقیِ یک پروژه به عنوان هزینه‌های تقبل شده توسط یک شبه شرکت نشان داده می‌شود، و آن‌ها بجای این که بترتیب فروش پروانه‌ها به غیرمقیم‌ها، یا صادرات خدمات به اداره مرکزی باشند، جزئی از جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم به آن واحد را تشکیل می‌دهند.

واحدهای مقیم فرضی

۲۶-۳۳ وقتی زمینی که در یک سرزمین اقتصادی قرار گرفته است به مالکیت یک هستار غیرمقیم در می‌آید، یک واحد فرضی که بتوان آن را مقیم تلقی کرد برای مقاصد آماری تعیین می‌شود تا به عنوان مالک زمین در نظر گرفته شود. این واحد مقیم فرضی یک نوع شبه شرکت است. این نحوه‌ی برخوردِ واحد مقیم فرضی به بناهای مربوطه، سازه‌ها و سایر بهسازی‌های آن زمین، اجاره زمین برای مدت طولانی و مالکیت منابع طبیعی غیر از زمین نیز بکار می‌رود. در اثر این نحوه‌ی برخورد، واحد غیرمقیم مورد نظر بجای اینکه مستقیماً مالک زمین باشد مالک واحد مقیم فرضی است، بنابراین یک بدهی حقوق صاحبان سهام به واحد غیر مقیم وجود دارد، ولی زمین و دیگر منابع طبیعی همیشه دارائی‌های اقتصادی هستند که در آن قرار دارند. واحد مقیم فرضی معمولاً خدماتی را به مالک آن عرضه می‌کند، برای مثال، در حالتِ خانه‌های تعطیلات، خدمات اقامتگاه به مالک آن ارائه می‌دهند.

جدول ۲۶-۱: نمونه‌هائی از تاثیر وضعیت اقامت یک خانوار در آمارهای اقتصاد میزبان

موجودی یا جریان اقتصادی	مقیم (مانند، کارکنان مهمان بلند مدت)	غیرمقیم (مانند، کارکنان مهمان کوتاه مدت)
جبران خدمات کارکنان دریافت شده از بنگاه‌های اقتصاد گزارش دهنده	جبران خدمات کارکنان از مقیم به مقیم	جبران خدمات کارکنان از مقیم به غیرمقیم
مخارج شخصی در اقتصاد گزارش دهنده	تراکنش‌های مقیم به مقیم	صادرات خدمات، عمدتاً سفر
انتقالات به وابستگان در اقتصاد اصلی	انتقالات جاری یا سرمایه‌ای از مقیم به غیرمقیم	انتقالات غیرمقیم به غیرمقیم (اغلب تراکنش‌های مالی بین‌المللی کارکنان کوتاه مدت وجود دارد که پول خود را از اقتصاد میزبان برای مثال از طریق بانک در اقتصاد میزبان به اقتصاد اصلی خود بر می‌گردانند)
ادعاهای مالی یک واحدنهادی مقیم نسبت به خانوار یا بدهی به خانوار	ادعای مالی مقیم به مقیم	ادعای مالی بین‌المللی
زمین و بناهای تحت مالکیت در اقتصاد میزبان	دارائی غیرمالی	دارائی غیرمالی و بدهی سرمایه‌گذاری مستقیم یک واحد مقیم فرضی
زمین و بناهای تحت مالکیت در اقتصاد اصلی	دارائی سرمایه‌گذاری مستقیم در واحد مقیم فرضی	بدون قلمی در ترازنامه اقتصاد میزبان

۲۶-۳۴ به طور کلی، اگر یک واحد غیرمقیم اجاره‌ی بلند مدتی برای یک دارائی غیر متحرک نظیر یک بنا داشته باشد، همراه با آن یک تولید در اقتصادی که در آن قرار دارد انجام شده است. اگر به هر دلیلی فعالیت تولیدی با آن همراه نباشد، یک واحد مقیم فرضی نیز ایجاد می‌شود تا این اجاره را پوشش دهد.

بنگاه‌های چند سرزمینی

۲۶-۳۵ تعدادی از بنگاه‌ها به صورت عملیات یکپارچه در بیش از یک سرزمین اقتصادی فعالیت می‌کنند. به طور معمول در فعالیت‌های برون مرزی نظیر خطوط هوائی، خطوط کشتیرانی، طرح‌های برق آبی در رودخانه‌های مرزی، خطوط لوله، پل‌ها، تونل‌ها و کابل‌های زیر دریائی این‌گونه عمل می‌شود. اگر امکان داشته باشد، باید شعبه‌های مجزائی شناسائی شوند، ولی اگر هستار مورد نظر عملیات واحدی را بدون وجود حساب‌های جدا یا بدون اختیارِ تصمیم گیری برای هریک از سرزمین‌هائی که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد امکان مشخص کردن شعبه‌ها وجود نخواهد داشت. در این گونه موارد، به دلیلِ تمرکز عمده بر داده‌های مربوط به هریک از اقتصادهای ملی، لازم است عملیاتِ واحد بین اقتصادها شکسته شود. این عملیات باید بر حسب یک شاخص مناسب خاصِ بنگاه در رابطه با سهم عملیات در هر سرزمین سر شکن شود. این نحوه‌ی برخوردِ سرشکن کردن می‌تواند برای بنگاه‌هائی که در مناطقِ تحت حاکمیتِ مشترک بین دو یا چند دولت هستند نیز اتخاذ شود.

۳. اقامت

۲۶-۳۶ ***سرزمینِ اقامتِ هر واحد نهادی، سرزمین اقتصادی است که واحد نهادی با آن قوی‌ترین ارتباط را که مرکز عمده‌ی منافع اقتصادی گفته می‌شود دارد.*** یک واحد نهادی هنگامی گفته می‌شود در یک سرزمین اقتصادی مقیم است که در درون آن سرزمین اقتصادی مکان، واحد مسکونی، محل تولید، یا دیگر محل‌های کسب و کاری را داشته باشد که در آن یا از آن به فعالیت‌های اقتصادی و تراکنش‌هائی در مقیاس قابل ملاحظه برای یک دوره‌ی زمانی نامحدود، یا محدود ولی طولانی مدت، اشتغال داشته و قصد ادامه آن را دارد. این مکان تا زمانی که در سرزمین اقتصادی قرار دارد، لزومی ندارد ثابت باشد. معیارِ محل واقعی یا در نظر گرفته شده برای یک سال یا بیشتر، به عنوان یک تعریف عملیاتی بکار می‌رود. با وجود این که انتخاب یک سال به عنوان دوره‌ی مشخص تا حدودی اختیاری است، به این دلیل انتخاب شده است که از عدم قطعیت اجتناب شود و سازگاریِ بین‌المللی را آسان سازد. بسیاری از واحدها تنها با یک اقتصاد ارتباطات قوی دارند ولی با جهانی شدن، تعداد رو به رشدی از واحدها با دو یا چند اقتصاد پیوند قوی پیدا کرده‌اند.

جدول ۲۶-۲: نمونه‌هائی از تاثیر وضعیت اقامت یک بنگاه در آمارهای اقتصاد میزبان

موجودی یا جریان اقتصادی	بنگاه مقیم (مانند، پروژه‌ی بزرگ ساخت و ساز بلند مدت)	بنگاه غیرمقیم (مانند، پروژه‌ی ساخت و ساز کوتاه مدت)
فروش‌های بنگاه به مقیم‌ها	تراکنش مقیم به مقیم	واردات کالاها و خدمات
خریدهای بنگاه از مقیم‌ها	تراکنش مقیم به مقیم	صادرات کالاها و خدمات
جبران خدمات کارکنان پرداختنی به مقیم‌های اقتصاد میزبان	جبران خدمات کارکنان مقیم به مقیم	جبران خدمات کارکنان غیرمقیم به مقیم
جبران خدمات کارکنان پرداختنی به مقیم‌های اقتصاد اصلی	جبران خدمات کارکنان مقیم به غیرمقیم	بدون تراکنش برای اقتصاد میزبان
مازاد عملیاتی خالص	سود تقسیم شده‌ی پرداختنی یا سود بازسرمایه‌گذاری شده	بدون تراکنش برای اقتصاد میزبان
تزریق منابع مالی توسط مالکین	بدهی‌های سرمایه‌گذاری مستقیم اقتصاد گزارش دهنده	بدون تراکنش برای اقتصاد میزبان
ادعاهای مالی یک واحد نهادی مقیم بر بنگاه یا بدهی به بنگاه	ادعاهای مالی مقیم به مقیم	ادعاهای مالی بین‌المللی

اقامت خانوارها

۲۶-۳۷ یک خانوار هنگامی در یک سرزمین اقتصادی مقیم به‌حساب می‌آید که اعضای خانوار در آن سرزمین یک واحد مسکونی یا محل دیگری که به عنوان واحد مسکونی تلقی می‌شود و توسط اعضای خانوار به عنوان واحد مسکونیِ اصلی استفاده می‌شود تشکیل دهند یا قصدِ آن را داشته باشند. اگر در باره‌ی این که کدام واحد مسکونی اصلی به‌حساب می‌آید اطمینان وجود نداشته باشد، بجای این که از عوامل دیگری نظیر هزینه، اندازه، یا طول مدت اجاره استفاده شود، طول مدت صرف شده در واحد مسکونی این موضوع را روشن می‌سازد. برای این که یک واحد مسکونی در یک سرزمین اقتصادی به عنوان واحد مسکونیِ اصلی شناخته شود، حضور در آنجا برای مدت یک سال یا بیشتر یا قصد آن کافی است. کاربرد اقامتِ یک خانوار برای ثبتِ جریان‌ها و موجودی‌های آن در جدول ۲۶-۱ خلاصه شده است.

۲۶-۳۸ علاوه بر اصول کلی، راهنمائی‌های اضافیِ دیگری برای تعیین اقامت خانوارها در موارد ویژه به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف. *دانشجویان.* افرادی که برای تحصیلِ تمام وقت به خارج می‌روند اقامتشان به طور کلی در سرزمینی که پیش از تحصیل در خارج در آن مقیم بودند ادامه می‌یابد. حتی اگر دوره‌ی تحصیل آن‌ها بیش از یک سال طول بکشد نیز این شیوه اتخاذ خواهد شد. اما، دانشجویان هنگامی در سرزمینی که در آن تحصیل می‌کنند مقیم می‌شوند که بخواهند بعد از اتمام تحصیلات نیز به حضور خود در آن سرزمین ادامه دهند. اعضای همان خانوار که وابستگان همراه دانشجویان هستند نیز به عنوان مقیم همان اقتصادِ سرزمین اقامت دانشجو درنظر گرفته می‌شوند.

ب. *بیماران.* افرادی که به منظور درمان پزشکی به خارج سفر می‌کنند مرکز عمده‌ی منافع خود را در سرزمینی که پیش از درمان مقیم آن بودند حفظ می‌کنند، حتی در موارد نادری که درمانِ پیچیده یک سال یا بیشتر طول بکشد. وابستگانِ همراه بیمار نیز با همان شیوه‌ی استفاده شده در مورد دانشجویان در نظر گرفته می‌شوند.

پ. *کارکنان کشتی‌ها و غیره.* کارکنان کشتی‌ها، هواپیماها، سکوهای نفتی، ایستگاه‌های فضائی یا دیگر تجهیزات مشابه که خارج از یک سرزمین یا بین سرزمین‌های متعددی کار می‌کنند، در سرزمین خانه‌ی اصلیِ خود مقیم به حساب می‌آیند. خانه اصلی جائی است که بیشترین زمان را هنگامی که در وضعیت انجام وظیفه نیستند در آن صرف می‌کنند. این مکان ممکن است با مکان گرداننده‌ی تجهیزاتِ متحرک یکسان نباشد.

ت. *دیپلمات‌ها، پرسنل نظامی و غیره.* دیپلمات‌های ملی، پرسنل نظامی و کارمندان غیرنظامی دولت که در برون خاک‌های دولت در خارج شاغل هستند و خانوارهای آن‌ها به عنوان مقیم در سرزمین اقتصادی دولتی که آن‌ها را استخدام کرده است در نظر گرفته می‌شوند. اما، دیگر کارکنان، نظیر کارکنان استخدام شده‌ی محلی و کارکنان سازمان‌های بین‌المللی در سرزمینی که واحد مسکونی اصلی آن‌ها قرار دارد مقیم هستند.

ث. *کارگران مرزی.* برخورد خاصی برای این کارگران وجود ندارد. اقامت اشخاص مورد نظر براساس واحد مسکونی اصلی تعیین می‌شود و نه سرزمینی که در آن شاغل هستند، بنابراین کارکنانی که برای انجام شغلی از مرزها عبور می‌کنند اقامتشان با در نظر گرفتن واحد مسکونی اصلی تعیین می‌شود.

ج. *پناهندگان.* برخورد خاصی برای پناهندگان اتخاذ نمی‌شود، بنابراین اگر آن‌ها در اقتصاد دیگری برای مدت یک سال یا بیشتر اقامت کنند یا قصد آن را داشته باشند اقامتشان صرف نظر از وضعیت قانونی یا قصد برگشت آن‌ها، از سرزمین موطن اصلی تغییر خواهد کرد.

چ. *افراد با رفت و آمد زیاد.* برخی از افراد ارتباطات نزدیکی با دو یا چند اقتصاد دارند. در مواردی که واحد مسکونی اصلی وجود ندارد یا دو یا چند واحد مسکونی اصلی در اقتصادهای متفاوت وجود دارند، اقامت او در سرزمینی به‌حساب می‌آید که بیشترین قسمت از سال را در آن سپری می‌کند. هنگامی که برای مقاصد آماری لازم باشد این افراد به عنوان مقیم یک اقتصاد واحد طبقه‌بندی شوند، ممکن است در تشخیص وابستگیِ قویِ او به اقتصاد دیگر اطلاعات اضافی لازم باشد.

۲۶–۳۹ هنگامی که خانواری اقامت اقتصاد خود را تغییر می‌دهد، در وضعیت دارائی‌های متعلق به او و بدهی‌های به‌عهده‌ی او تغییراتی حاصل می‌شود. این تغییرات تحت عنوان بازطبقه‌بندی‌ها در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ثبت می‌شود. از آنجا که با مالکیت زمین توسط غیرمقیم‌ها به صورت ایجاد واحد فرضی مقیم برخورد می‌شود، در اثر تغییر اقامت مالکین ممکن است واحدهای فرضی جدیدی معرفی شوند یا برعکس واحدهای فرضی قدیمی به مالکیتِ دارائی‌ها تبدیل شوند (از حالت واحدهای فرضی درآیند، مترجم).

اقامت بنگاه‌ها

۲۶–۴۰ یک بنگاه هنگامی در یک سرزمین اقتصادی مقیم به‌حساب می‌آید که به تولیدِ میزان قابل ملاحظه‌ای از کالاها یا خدمات در مکانی در آن سرزمین اشتغال داشته باشد. مالیات و الزامات قانونی دیگر موجب می‌شود که در هریک از حوزه‌های حاکمیتی از هستار قانونیِ جدائی برای عملیات استفاده شود. علاوه براین، جائی که یک هستار قانونیِ واحد عملیات قابل ملاحظه‌ای را در دو یا چند سرزمین دارد (برای مثال، برای شعبه‌ها، مالکیت زمین و بنگاه‌های چند ملیتی، همان‌گونه که در بالا اشاره شد) نیز برای مقاصد آماری یک واحد نهادی جدا شناسائی می‌شود. در اثر جدا سازی این نوع هستارهای قانونی، اقامت هریک از بنگاه‌های بعدیِ شناسائی شده معمولاً روشن است. کاربرد اقامت یک بنگاه برای ثبت جریان‌ها و موجودی‌های او در جدول ۲۶–۲ خلاصه شده است.

۲۶–۴۱ در برخی موارد برای تشخیص اقامت بنگاهی که دارای حضور فیزیکی مختصر است یا حضور فیزیکی ندارد مثلاً برای اداره‌ی کامل آن با هستارهای دیگر قرارداد بسته شده است، مکان فیزیکی کافی نیست، بانکداری، بیمه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، حامل‌های مقاصد ویژه برای تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار و برخی هستارهای دارای هدف ویژه ممکن است به این روش اداره شوند. بسیاری از تراست‌ها، شرکت‌ها، یا بنیادهائی که ثروت خصوصی در اختیار دارند نیز ممکن است دارای حضور فیزیکی کم یا بدون حضور فیزیکی باشند. در این‌گونه موارد ممکن است مشابهِ تولید صنعتی مجازی همه‌ی فرآیندهای فیزیکی به واحدهای دیگر برون سپاری شوند. در نبود هرگونه ابعاد فیزیکیِ قابل ملاحظه برای یک بنگاه، اقامت آن بر حسب سرزمین اقتصادی تعیین می‌شود که این بنگاه طبق قوانین آن شخصیت حقوقی کسب کرده یا به ثبت رسیده است. اعطای شخصیت حقوقی به بنگاه و ثبت آن قوی بودنِ میزان ارتباط با آن اقتصاد و اعمال قدرت حاکمیتی بر وجود بنگاه و عملیات آن را نشان می‌دهد. در مقابل، ارتباطات دیگر نظیر مالکیت، محل استقرار دارائی‌ها، یا محل استقرار مدیران یا مدیران اجرائی ممکن است صراحت کمتری داشته باشند.

۲۶–۴۲ در موارد کمیاب، مثلاً در محدوده‌ی یک اتحادیه‌ی اقتصادی، قوانین اجازه می‌دهند بنگاه‌ها اقامت اقتصادی خود را تغییر دهند. در این‌گونه موارد، همانند خانوارها، تغییر در اقامت به این معنی است که دارائی‌ها و بدهی‌های آن‌ها از طریق سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها تغییر وضعیت می‌دهند. رایج‌تر از همه چیزی است که "مهاجرت شرکت" نامیده می‌شود و عبارت از انتقال دارائی‌ها و بدهی‌ها از یک شرکت در یک اقتصاد به هستار مرتبطی در اقتصاد دیگر است که به عنوان یک تراکنش نه تغییر در اقامت هستار ثبت می‌شود.

اقامت هستارهای دیگر

۲۶–۴۳ دولت برون خاک‌ها، نظیر سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها، پایگاه‌های نظامی و سایر برون‌خاک‌های سرزمینی دولت‌های خارجی (واقع در خاک اقتصادهای دیگر که برای آن اقتصاد برون خاک به‌حساب می‌آیند، مترجم) را در بر می‌گیرد. اما،

هستاری که توسط دولت تحت قوانین حوزه حاکمیتی دیگری ایجاد شده باشد یک بنگاه مقیم در حوزه حاکمیتی میزبان است و جزء بخش دولتِ هیچیک از اقتصادها نیست.

۲۶-۴۴ سازمان‌های بین‌المللی در سرزمین اقتصادیِ متعلق به خود مقیم هستند و نه در اقتصادی که به طور فیزیکی در آن مستقر هستند. سازمان بین‌المللی که نیروهای نظامی اداره می‌کنند یا به عنوان یک اداره‌ی موقتی در یک سرزمین عمل می‌کنند به عنوان یک سازمان بین‌المللی درآن سرزمین می‌مانند و در آن سرزمین غیرمقیم هستند حتی اگر کارکردهای دولت را در آنجا انجام دهند. در مواردی که این سازمان‌ها مهم هستند ممکن است شناسائی آن‌ها به صورت جداگانه مطلوب باشد. برخی سازمان‌های بین‌المللی، نظیر اتحادیه‌های اقتصادی یا پولی، گروهی از اقتصادها را در منطقه خاصی پوشش می‌دهند. اگر آمارها برای کل آن منطقه تهیه می‌شوند، این سازمان‌های منطقه‌ای در کل آن منطقه مقیم بشمار می‌آیند، حتی اگر مقیم هیچیک از اعضای آن اقتصاد نباشند.

۲۶-۴۵ یک نهاد غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH) در اقتصادی دارای مرکز منافع اقتصادی است که در آن به طور قانونی ایجاد شده باشد یا به شیوه‌ی دیگری رسماً شناخته شده باشد. وقتی یک NPISH به کارهای نیکوکاری یا امداد رسانی در مقیاس بین‌المللی اشتغال دارد ممکن است عملیات خارجی آن به اندازه‌ی کافی قابل ملاحظه نباشد که به عنوان شعبه شناخته شود.

پ. مقایسه‌ی بین حساب‌های بین‌المللی و حساب‌های دنیای خارج SNA

۲۶-۴۶ همانند SNA، حساب‌های بین‌المللی نیز حساب‌هائی را برای تراکنش‌های جاری، حساب‌های انباشت و ترازنامه‌ها پوشش می‌دهند. حساب‌های تراکنش‌ها به طور جمعی ترازنامه‌ها نامیده می‌شوند. مروری بر ارائه‌ی حساب‌های بین‌المللی (با استفاده از مثال عددی SNA) در جدول‌های ۲۶-۳ نشان داده شده است. سه حساب جاری عبارت از حساب کالاها و خدمات، حساب درآمد اولیه و حساب درآمد ثانوی هستند. حساب درآمد اولیه با حساب‌های تخصیص درآمد اولیه در SNA مطابقت دارد، حساب درآمد ثانوی با حساب توزیع ثانوی درآمد در SNA مطابقت دارد. حساب‌های درآمد در *BMP6* از عنوان توزیع و بازتوزیع استفاده نمی‌کند، زیرا آن‌ها توزیع و بازتوزیع را از یک طرف به طرف دیگر نشان نمی‌دهند، ولی فقط درآمد را از نظر یک طرف نشان می‌دهند. از آنجا که حسابی متناظر با مصرف درآمد در حساب‌های بین‌المللی وجود ندارد، تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی به صورت یک قلم بعد از حساب درآمد ثانوی نشان داده می‌شود. (بازنشستگی کارکنان مرزی در حال حاضر برای بیشتر اقتصادها ناچیز است).

۲۶-۴۷ در حساب‌های بین‌المللی حساب‌هائی دقیقاً موازی با حساب تولید، حساب ایجاد درآمد و حساب مصرف درآمد وجود ندارد زیرا حساب‌های بین‌المللی حساب‌های تولید، مصرف (یا تشکیل سرمایه) را توصیف نمی‌کنند. محصولات وارد شده و صادر شده در همه‌ی موارد به عنوان تراکنش‌های ساده تلقی می‌شوند؛ اعم از این که محصولات سرانجام برای مصرف واسطه، مصرف نهائی، تشکیل سرمایه، استفاده شود، یا مجدداً صادر شود در زمینه‌ی تراکنش بین‌المللی ناشناخته است. مصرف محصولات از نظر ماهیت کاملاً داخلی هستند.

۲۶-۴۸ جدول ۲۶-۳ همچنین شکل محدود شده‌ی حساب سرمایه را در حساب‌های بین‌المللی و حساب مالی را با استفاده از طبقه‌بندی کارکردی تراکنش‌های مالی بجای طبقه‌بندی ابزارهای مالی بکار رفته در SNA نشان می‌دهد. از آنجا که طبقه‌بندی کارکردی گروه‌بندی ابزارهاست، دو شکل ارائه کاملاً سازگار هستند. طبقه‌بندی کارکردی در بخش ت در زیر شرح داده می‌شود. (سلول سایه دار برای بدهی‌های ذخیره نیز در بخش ت توضیح داده شده است).

۱. حساب کالاها و خدمات

۴۹-۲۶ حساب کالاها و خدمات تنها از واردات و صادرات کالاها و خدمات تشکیل شده است زیرا آن‌ها تنها تراکنش‌های کالاها و خدمات با ابعاد برون مرزی هستند. کالاها و خدمات هنگامی ثبت می‌شوند که تغییرِ مالکیت اقتصادی از یک واحد در یک اقتصاد به واحد دیگر در اقتصاد دیگر رخ دهد. هرچند هنگامی که تغییر مالکیتی پیش می‌آید معمولاً یک انتقال فیزیکی کالاها وجود دارد ، ولی لزوماً این طور نیست. در مورد تجارت بین‌المللی کالا، ممکن است مالکیت کالا تغییر یابد ولی مکان آن تا فروش مجدد به شخص ثالث تغییر نکند.

۵۰-۲۶ کالاهائی که محل آن‌ها از یک اقتصاد به دیگری تغییر می‌کند ولی مالکیت آن‌ها تغییر نمی‌یابد، در واردات و صادرات نشان داده نمی‌شوند. از اینرو کالاهائی که برای فرآوری به خارج فرستاده می‌شوند یا بعد از فرآوری برگردانده می‌شوند، به عنوان واردات و صادرات کالاها نشان داده نمی‌شوند؛ تنها حق‌الزحمه توافق شده برای فرآوری به عنوان خدمات نشان داده می‌شود.

جدول ۲۶-۳: نگاهی اجمالی به تراز پرداخت‌ها

	اعتبارات	بدهی‌ها	تراز
حساب‌های جاری			
حساب کالاها و خدمات			
کالاها	۴۶۲	۳۹۲	
خدمات	۷۸	۱۰۷	
کالاها و خدمات	*۵۴۰*	*۴۹۹*	۴۱
حساب درآمد اولیه			
جبران خدمات کارکنان	۶	۲	
بهره	۱۳	۲۱	
سود تقسیم شده‌ی شرکت‌ها	۱۷	۱۷	
سود بازسرمایه‌گذاری شده	۱۴	۰	
حساب درآمد اولیه	*۵۰*	*۴۰*	۱۰
کالاها، خدمات و درآمد اولیه	*۵۹۰*	*۵۳۹*	۵۱
حساب درآمد ثانوی			
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره	۱	۰	
خالص حق بیمه‌های غیرزندگی	۲	۱۱	
ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی	۱۲	۳	
انتقالات جاری بین‌المللی	۱	۳۱	
انتقالات جاری متفرقه	۱	۱۰	
درآمد ثانوی	*۱۷*	*۵۵*	*-۳۶*
تراز حساب جاری			۱۳
حساب سرمایه			
تحصیل یا واگذاری دارائی‌های تولید نشده	۰	۰	
انتقالات سرمایه	۱	۴	
تراز حساب سرمایه			-۳
خالص وام دهی (+) یا خالص وام‌گیری (-)			۱۰
حساب مالی (برحسب رده‌های کارکردی)			
سرمایه‌گذاری مستقیم	۸	۱۱	
سرمایه گذاری بدره	۱۸	۱۴	
ابزارهای مالی (غیر از ذخائر) و ESOها	۳	۰	
سایر سرمایه‌گذاری‌ها	۲۰	۲۲	
دارائی‌های ذخیره	۸		
تغییرات کل دارائی‌ها یا بدهی‌ها	*۵۷*	*۴۷*	
خالص وام دهی (+) یا خالص وام‌گیری (-)			۱۰
خالص اشتباهات و از قلم افتادگی‌ها			۰

۲۶-۵۱ تراز پرداخت‌ها تأکید بر جدا کردنِ کالاها و خدمات از یکدیگر دارد. این تمایز نشان دهنده‌ی اهمیت سیاستی است که در آن پیمان‌های بین‌المللی جداگانه‌ای وجود دارد که کالاها و خدمات را پوشش می‌دهد. همچنین ناشی از مشکلات داده‌ها است، که در آن داده‌های مربوط به کالاها معمولاً از منابع گمرکات بدست می‌آید، در حالی که داده‌های خدمات معمولاً از ثبت‌های اداری یا آمارگیری‌های پرداخت‌ها بدست می‌آید.

۲۶-۵۲ منبعِ اصلی داده‌ها برای کالاها، آمارهای معاملات بازرگانی بین‌المللی است. استانداردهای بین‌المللی در نشریه‌ی *آمارهای معاملات بازرگانی بین‌المللی: تعاریف و مفاهیم (IMTS)* (سازمان ملل، ۱۹۹۸) منتشر شده است. *BMP6* برخی منابعِ اختلاف‌هائی را که در تعدادی از کشورها یا همه‌ی کشورها می‌تواند پیش آید، شناسائی می‌کند. همچنین یک جدول تلفیقیِ استاندارد برای کمک به درک کاربران از این تفاوت‌ها پیشنهاد می‌کند. یکی از منابعِ مهم اختلاف‌ها این است که استانداردهای IMTS برای واردات از ارزش‌گذاری از نوع سیف (بهای کالا، بیمه و هزینه حمل بار) استفاده می‌کند، در حالی که در تراز پرداخت‌ها برای هردوی صادرات و واردات از ارزش‌گذاری یکنواخت فوب استفاده می‌شود. بنابراین لازم است هزینه‌های حمل بار و بیمه‌ای که بین مرز گمرک صادرکننده و مرز گمرک وارد کننده رخ می‌دهد خارج شوند. به علت اختلافات بین ارزش‌گذاری از نوع فوب و تنظیمات واقعی قراردادی، لازم است هزینه‌های حمل بار و بیمه تغییر مسیر داده شوند.

۲۶-۵۳ ملاکِ تغییر مالکیت که برای تراز پرداخت‌ها استفاده شده است به این معنی است که اقلام ورودیِ کالاها زمان گزارش دهی با جریان‌های مالیِ متناظر دارای سازگاری هستند. در *BPM6*، دیگر استثناهائی برای تغییر اصل مالکیت وجود نخواهد داشت. در مقابل، IMTS از زمان فرآیندِ گمرکات پیروی می‌کند. با وجود این که این زمانِ ثبت، اغلب یک تقریب قابل قبولی است، در برخی موارد، نظیر مواردی که کالاها به طور امانی ارسال می‌شوند تعدیلاتی لازم است. در مورد کالاهای ارسال شده به خارج برای فرآوری بدون تغییر مالکیت، در IMTS تغییرات ارزش کالاها منظور می‌شود، ولی تغییرات در مالکیت ملاک اصلی در تراز پرداخت‌هاست. (اما، تغییرات ارزش کالاها به عنوان اقلام تکمیلی برای درک ماهیت این ترتیبات توصیه می‌شود). جزئیات بیشترِ ثبتِ این ترتیباتِ فرآوری در فصل ۲۱ ارائه شده است. تعدیلات دیگری، چه به‌صورت کلی چه به علت پوشش خاص هر کشور، ممکن است در IMTS لازم باشد تا برآوردها را به خط تغییر مالکیت اقتصادی کالاها بیاورد. نمونه‌های احتمالی عبارتند از تجارت بین‌المللی طلای غیرپولی، ورود و خروج غیرقانونی کالاها به سرزمین اقتصادی،کالاهای تهیه شده در بنادر توسط کشتی‌ها و کالاهائی که به طور فیزیکی جا بجا می‌شوند ولی تغییری در مالکیت آن‌ها ایجاد نمی‌شود.

۲۶-۵۴ صادرات مجدد، کالاهای خارجی (کالاهای تولید شده در اقتصادهای دیگر که قبلاً با تغییر مالکیت اقتصادی وارد شده‌اند) هستند که بدون ایجادِ تغییر شکل اساسی در وضعیتی که قبلاً وارد شده‌اند صادرمی‌شوند. از آنجا که کالاهای مجدداً صادر شده در اقتصاد مورد نظر تولید نمی‌شوند، نسبت به صادرات دیگر ارتباط کمتری با اقتصاد دارند. اقتصادهائی که برای تعویض وسیله نقلیه محموله (ترانس شیپمنت) مناطق عمده‌ای به‌شمار می‌آیند یا منطقه‌ای برای عمده فروشان هستند، اغلب صادرات مجدد آن‌ها دارای ارزش زیادی است. صادرات مجدد ارقام واردات و صادرات هردو را افزایش می‌دهد و هنگامی که صادرات مجدد قابل ملاحظه باشند، نسبت‌های واردات و صادرات به هم‌افزوده‌های اقتصادی نیز افزایش خواهند یافت. بنابراین بهتر است صادرات مجدد به طور جداگانه نشان داده شوند. کالاهائی که وارد شده‌اند و منتظر صادرات مجدد هستند در موجودی انبارِ مالک اقتصادیِ مقیم ثبت می‌شوند.

۲۶-۵۵ کالاها در تراز پرداخت‌ها در سطح هم‌افزوده (جمع کل) نشان داده می‌شوند. تفکیک بیشتر کالاهای تجاری را می‌توان از IMTS بدست آورد.

۲۶-۵۶ جزئیات برای ۱۲ جزء استاندارد خدمات زیر تنظیم شده است:

الف. خدمات صنعتی مبتنی بر نهاده‌های فیزیکی متعلق به دیگران؛

ب. خدمات تعمیر و نگه‌داری منظور نشده در جای دیگر؛

پ. حمل و نقل؛

ت. سفر؛

ث. ساخت و ساز؛

ج. خدمات بیمه و بازنشستگی؛

چ. خدمات مالی؛

ح. هزینه برای مالکیت فکری منظور نشده در جای دیگر؛

خ. خدمات مخابرات، کامپیوتر و اطلاعات؛

د. سایر خدمات کسب و کار؛

ذ. خدمات شخصی، فرهنگی و تفریحی؛

ر. کالاها و خدمات دولت منظور نشده در جای دیگر.

۲۶–۵۷ سه مورد از اجزای استاندارد، اقلامِ تراکنش‌گر محور هستند، یعنی آن‌ها به تحصیل کننده یا ارائه دهنده نه خودِ محصول مربوط می‌شوند. این مقوله‌ها عبارتند از سفر، ساخت و ساز کالاها و خدمات دولتی منظور نشده در جای دیگر.

الف. سفر، همه‌ی کالاها یا خدماتِ تحصیل شده توسط مقیم‌ها را، اعم از این که برای خودش باشد یا برای هدیه دادن در مدت بازدید، پوشش می‌دهد. سفر شامل کالاها، حمل و نقل محلی، اقامت، خوراک و دیگر خدمات است.

ب. ساخت و ساز هردوی ارزشِ محصول ارائه شده توسط پیمانکار و ارزشِ کالاها و خدمات محلی استفاده شده به صورت منابع توسط پیمانکار را که به عنوان واردات و صادرات ثبت نمی‌شود در بر می‌گیرد.

پ. کالاها و خدمات دولتی منظور نشده در جای دیگر اقلام گسترده‌ای را که نمی‌توان به سرفصل خاصی منتسب کرد شامل می‌شود.

در کنار سه قلمِ تراکنش‌گر محور، اجزای باقی مانده محصول محور هستند که از طبقات تفصیلی‌ترِ CPC2 ساخته شده‌اند. استانداردهای اضافی برای تجارت خدمات در *دستنامه‌ی آمارهای تجارت بین‌المللی در خدمات* (MSITS) (سازمان ملل، کمیسیون اروپائی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، گرد همائی سازمان ملل درباره تجارت و توسعه و سازمان تجارت جهانی، ۲۰۰۲)، که دارای هماهنگیِ کامل با حساب‌های بین‌المللی است نشان داده شده‌اند.

۲. حساب درآمد اولیه

۲۶–۵۸ اقلام ورودی در حساب درآمد اولیه، دقیقاً مانند حساب تخصیص درآمد اولیه در SNA، به جبران خدمات کارکنان و درآمد دارائی مربوط می‌شوند. پرداخت مالیات بر تولید توسط مقیم‌ها و دریافت یارانه از دولت داخلی توسط مقیم‌ها در حساب ایجاد درآمد ثبت می‌شود، حسابی که قسمتی از تراز پرداخت‌ها را تشکیل نمی‌دهد. همه پرداخت‌های مالیات بر تولید پرداختنی توسط یک مقیم به دولت دیگر و نیز همه یارانه‌های دریافتنی توسط یک مقیم از دولت دیگر در حساب درآمد اولیه‌ی تراز پرداخت‌ها ثبت می‌شود. اقلام ورودی منطبق برای دولت داخلی در SNA در حساب تخصیص درآمد اولیه و برای دولت خارجی در ستون دنیای خارج آن حساب و در حساب درآمد اولیه‌ی تراز پرداخت‌ها نشان داده می‌شود.

۲۶–۵۹ بهره‌ی مالکانه نیز ممکن است در شرایط برون مرزی بوجود آید، ولی بندرت زیرا همه‌ی زمین‌ها، در صورت لزوم با ایجاد یک واحد فرضی، متعلق به مقیم‌ها در نظر گرفته می‌شوند. مثال برای بهره‌ی مالکانه‌ای که می‌تواند در حساب‌های بین‌المللی ثبت شود اعطای حق ماهیگیری کوتاه مدت در

آب‌های مرزی برای ناوگان خارجی ماهیگیری است. استفاده از اصطلاح درآمد سرمایه‌گذاری به معنی درآمد دارائیِ غیر از بهره‌ی مالکانه در حساب‌های بین‌المللی رایج است. بنابراین درآمد سرمایه‌گذاری درآمد ناشی از مالکیت دارائی‌های مالی را منعکس می‌کند و تفکیک درآمد سرمایه‌گذاری با تفکیک درآمد سرمایه‌گذاری دارائی‌های مالی و بدهی‌ها مطابقت دارد به طوری که نرخ‌های بازده را می‌توان محاسبه کرد.

۲۶–۶۰ در *BPM6*، جریان‌های بهره کاملاً مانند SNA اندازه‌گیری می‌شود و FISIM جدا شده و به عنوان واردات و صادرات خدمات مالی تلقی می‌شود.

درآمد بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم

۲۶–۶۱ نقش بنگاه‌های سرمایه‌گذاری دارای اهمیت خاصی است و به هردو صورت جریان‌ها و موجودی‌ها در حساب‌های بین‌المللی منعکس می‌شود. بحث گسترده‌ای درباره شناسائی و نقش بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش ت وجود دارد.

۲۶–۶۲ همان‌گونه که در پاراگراف‌های ۷–۱۳۶ الی ۷–۱۳۹ در مورد یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم توضیح داده شد، فرض می‌شود که سهمی از سود تقسیم نشده‌ی بنگاه به عنوان شکلی از درآمد سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذار مستقیم تخصیص می‌یابد. این سهم با دارائی سرمایه‌گذار مستقیم در بنگاه مطابقت است.

۲۶–۶۳ سود تقسیم نشده برابر است با مازاد عملیاتی خالص بنگاه بعلاوه کل درآمد دارائی عاید شده منهای کل درآمد دارائی پرداختنی (پیش از محاسبه سود بازسرمایه‌گذاری شده) بعلاوه انتقالات جاری دریافتنی منهای انتقالات جاری پرداختنی و منهای قلم تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی. سود باز سرمایه‌گذاری شده‌ی تعلق گرفته از شرکت‌های تابعه‌ی بعدی در درآمد دارائی دریافتنی توسط بنگاه سرمایه‌گذار مستقیم منظور می‌شود.

۲۶–۶۴ سود بازسرمایه‌گذاری شده ممکن است منفی باشد، برای مثال، وقتی که بنگاه زیان می‌کند یا وقتی که سود تقسیم شده از منفعت ناشی از نگه‌داشتن توزیع می‌شود، یا در فصلی که سودِ سهامِ سالانه پرداخت می‌شود. اما، اگر سود تقسیم شده به طور نامناسبی نسبت به میزان سود تقسیم شده و عایداتِ آخرین بار زیاد باشد، مازاد آن باید به عنوان برداشت حقوق سهامداران صاحب سهم از شرکت ثبت شود، همان‌گونه که در پاراگراف ۷–۱۳۱ توضیح داده شده است.

۲۶–۶۵ برای یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم که ۱۰۰ درصدِ آن متعلق به یک غیر مقیم است، سود بازسرمایه‌گذاری شده با سود تقسیم نشده برابر است و پس‌اندازِ بنگاه دقیقاً صفر است.

۳. حساب درآمد ثانوی

۲۶–۶۶ اقلام ورودی در حساب درآمدِ ثانوی، انتقالات جاری هستند. گستره‌ی این اقلام ورودی کاملاً با اقلام ورودیِ حساب توزیع ثانوی درآمد در SNA مطابقت دارد. تعداد زیادی از این اقلام در حساب‌های بین‌المللی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند، بویژه همکاری‌های جاری بین‌المللی و وجوه افرادی که در خارج کار می‌کنند و به کشورشان می‌فرستند.

۲۶–۶۷ انتقالات شخصیِ برون مرزی انتقالات خانوار به خانوار است که بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند زیرا این انتقالات برای برخی کشورهائی که تعداد بی‌شماری کارکنان بلند مدت برای خارج فراهم می‌کنند، منبع مهم تأمین مالیِ بین‌المللی هستند. انتقالات شخصی مبالغ ارسالی توسط کارکنان بلند مدت، یعنی کسانی است که اقتصاد اقامت خود را تغییر داده‌اند.

۲۶–۶۸ سایر کارکنان، نظیر کارکنان مرزی و فصلی اقتصاد اقامت خود را از اقتصاد اصلی تغییر نمی‌دهند. تراکنش‌های بین‌المللیِ این کارکنان بجای انتقالات، شامل جبران خدمات کارکنان، مالیات‌ها و هزینه‌های سفر است. یک جدول تکمیلی حاوی مبالغ وجوه شخصی ارسالی، انتقالات شخصی را با این اقلام می‌تواند گرد هم آورد. مبالغ شخصی ارسالی شامل جبران خدمات کارکنان منهای مالیات‌ها و هزینه سفر، و انتقالات سرمایه‌ای بین خانوارها است. برای جزئیات بیشتر، پیوست ۵ در *BPM6* درباره‌ی مبالغ وجوه ارسالی را ملاحظه کنید.

۲۶-۶۹ جریان‌های بیمه، بویژه جریان‌های مربوط به بیمه اتکائی، می‌توانند از نظر بین‌المللی مهم باشند. این جریان‌ها از هر دو نظر، هم از نظر جداسازی کارمزد خدمات مالی و هم از نظر برخورد با جریان‌های بیمه‌ی مستقیم و بیمه‌ی اتکائی به‌طور جداگانه و نه به‌صورت تلفیقی، به شیوه‌ای یکسان با SNA ثبت می‌شوند. اطلاعات مفصل درباره این جداسازی در قسمت ۱ فصل ۱۷ ارائه شده است.

۴. اقلام ترازکننده در حساب‌های جاریِ حساب‌های بین‌المللی

۲۶-۷۰ ساختار اقلام تراز کننده در تراز پرداخت‌ها با این اقلام در SNA که هر حسابی قلم ترازکننده‌ی خود را دارد و قلم تراز کننده‌ی یک حساب به حساب بعدی منتقل می‌شود، قدری متفاوت است. برای مثال، حساب درآمد اولیه قلم تراز کننده خود (تراز مربوط به درآمد اولیه) و یک تراز انباشته (تراز مربوط به کالاها، خدمات و درآمد اولیه) دارد. تراز خارجیِ مربوط به درآمد اولیه با تراز درآمدهای اولیه مطابقت دارد و قلمی است که GNI را تغذیه می‌کند. تراز جاری خارجی با پس‌اندازِ دنیای خارج نسبت به اقتصاد داخلی مطابقت دارد. اقلام ترازکننده در ساختار حساب‌های *BPM6* که در جدول ۱۶-۳ نشان داده شده است، برای آسان شدن کار مجدداً در اینجا به عنوان جدول ۲۴-۶ نشان داده می‌شود.

جدول ۲۶-۴: اقلام ترازکننده در حساب‌های بین‌المللی در رابطه با توالی حساب‌های SNA

مصارف			منابع
دنیای خارج	**تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده**		دنیای خارج
	حساب کالاها و خدمات		
	واردات کالاها و خدمات		۴۹۹
۵۴۰	صادرات کالاها و خدمات		
-۴۱	*تراز خارجی کالاها و خدمات*		
	حساب درآمد اولیه		
۶	جبران خدمات کارکنان		۲
	مالیات بر تولید و واردات		
	یارانه		
۴۴	درآمد دارائی		۳۸
-۱۰	*تراز خارجی درآمد اولیه*		
-۵۱	*تراز خارجی کالاها، خدمات و درآمد اولیه*		
	حساب درآمد ثانوی		
۱۷	انتقالات جاری		۵۵
۳۸	*تراز خارجی درآمد ثانوی*		
	تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		
-۱۳	*تراز جاری خارجی*		
	حساب سرمایه		
	تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده		
	انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی		۴
	انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی		-۱
۳	*تراز خارجی حساب سرمایه*		
-۱۰	***خالص وام دهی (+)/ خالص وام‌گیری(-)***		

۵. حساب سرمایه

۲۶-۷۱ عناصرِ مربوط به تراکنش‌های بین‌المللیِ حساب سرمایه محدودتر از حساب سرمایه‌ی پوشش داده شده در SNA است. اقلام ورودی در حساب سرمایه، تحصیل و واگذاری دارائی‌های غیرمالی تولید نشده و انتقالات سرمایه‌ای را پوشش می‌دهند. تراکنش ثبت شده به عنوان تشکیل سرمایه‌ی دارائی‌های تولید شده وجود ندارد زیرا، همان‌گونه که پیش از این توضیح داده شد، استفاده‌ی نهائیِ صادرات، برای اقتصاد ملی مهم نیست.

۲۶-۷۲ همانند SNA، خالص وام‌دهی یا خالص وام‌گیری قلم ترازکننده‌ی جمع حساب‌های جاری و سرمایه و حساب مالی است. مشابه SNA، در اینجا نیز تمامی ابزارهائی که برای تأمین یا تحصیل منابع مالی بکار می‌رود، نه فقط وام‌دهی و وام‌گیری، پوشش داده می‌شود. از نظر مفهومی، این قلم ارزشی یکسان با قلم حساب‌های ملی برای کل اقتصاد، و ارزشی یکسان با قلم حساب‌های ملی برای دنیای خارج ولی با علامت مخالف دارد.

۶. حساب مالی و وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری بین‌المللی (IIP)

۲۶-۷۳ حساب مالیِ تراز پرداخت‌ها و IIP دارای اهمیت ویژه‌ای هستند زیرا آن‌ها درباره‌ی تأمین منابع مالیِ بین‌المللی و نیز نقدینگی و آسیب پذیریِ بین‌المللی آگاهی می‌دهند. صورت وضعیت یکپارچه IIP، شامل IIP و حساب‌های مالی و سایر تغییرات همراه با آن در جدول ۲۶-۵ نشان داده شده است. طبقه‌بندیِ اولیه مبتنی بر رده‌های کارکردی است که همراه با داده‌های اضافی درباره‌ی ابزارها و بخش‌های نهادی ارائه شده است.

۲۶-۷۴ رده‌های کارکردی که در بخش ت مورد بحث قرار گرفت، اطلاعات بیشتری را درباره‌ی انگیزه و روابط بین طرف‌ها ارائه می‌دهند که مورد توجه خاص تحلیل‌های اقتصادیِ بین‌المللی است. داده‌های مبتنی بر رده‌های کارکردی، به زیر گروه‌هائی بر حسب ابزارهای مالی و بخش‌های نهادی تقسیم می‌شوند، که این امر پیوند آن‌ها را با اقلام متناظر SNA و آمارهای پولی و مالی امکان پذیر می‌سازد. طبقه بندی بخش‌های نهادی همان طبقه‌بندی SNA است، هرچند که معمولاً خلاصه می‌شود (در پنج بخش با اجزای استاندارد). علاوه بر این، یک زیر بخش تکمیلی نیز برای مقامات پولی بکار می‌رود، که زیربخش کارکردیِ مربوط به دارائی‌های ذخیره است. این زیر بخش شامل بانک مرکزی و هر قسمت از دولت یا شرکت‌های مالی غیر از بانک مرکزی است که دارائی‌های ذخیره را نگه‌می‌دارد، بنابراین مربوط به کشورهائی است که بخشی از ذخائر یا تمام آن را خارج از بانک مرکزی نگه‌می‌دارند.

۲۶-۷۵ قسمتی از ترازنامه که در حساب‌های بین‌المللی پوشش داده می‌شود، IIP نامیده می‌شود. این اصطلاح آن قسمت از اجزای ویژه‌ی ترازنامه ملی را که در این حساب‌ها منظور می‌شود برجسته می‌سازد. IIP فقط دارائی‌های مالی و بدهی‌هائی را که عناصر برون مرزی هستند پوشش می‌دهد. در مورد ادعاهای مالی، عنصر برون مرزی هنگامی بوجود می‌آید که یک طرف مقیم و طرف دیگر غیرمقیم باشد. بعلاوه، در حالی که شمش طلا نوعی دارائی است که بدهیِ طرف مقابل ندارد، به دلیل نقش آن به عنوان وسیله‌ای برای پرداخت‌های بین-المللی، وقتی به عنوان ذخیره‌ی دارائی نگه‌داری می‌شود درIIP منظور می‌شود. اما دارائی‌های غیرمالی از IIP کنار گذاشته می‌شوند زیرا این‌ها بدهیِ طرف مقابل بین‌المللی یا جنبه‌های دیگرِ بین‌المللی ندارند.

۲۶-۷۶ قلم ترازکننده‌ی مربوط به IIP، خالصِ IIP است. خالصِ IIP بعلاوه دارائی‌های غیرمالی در ترازنامه ملی با ارزش ویژه برابر است، زیرا ادعاهای مالیِ مقیم به مقیم در ترازنامه ملی یکدیگر را خنثی می‌کنند که حاصل آن صفر می‌شود.

۲۶-۷۷ سطح تفصیلی که برای درآمد سرمایه‌گذاری و IIP بکار می‌رود در هردو یکسان است. در نتیجه، میانگین نرخ‌های بازده را می‌توان محاسبه کرد. میانگین نرخ‌های بازده را می‌توان در طول زمان برای ابزارهای مختلف و سررسیدهای مختلف مقایسه کرد. برای مثال، روند بازده مربوط به

سرمایه‌گذاری مستقیم را می‌توان تحلیل کرد، یا این بازده را می‌توان با ابزارهای دیگر مقایسه کرد.

۷. حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها

۷۸–۲۶ دارائی‌ها و بدهی‌های بین‌المللی می‌توانند مشمول تمامی انواع ممکن سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و بدهی‌ها و تغییرات بازارزش‌گذاری باشند.

۷۹–۲۶ از آنجا که ابزارها اغلب به ارز خارجی بیان می‌شوند و تحلیل تأثیر تغییرات نرخ ارز دارای اهمیت ویژه‌ای است، تفکیکی از بازارزش‌گذاری برای تغییرات نرخ ارز و سایر عوامل وجود دارد.

ت. رده‌های کارکردی حساب‌های بین‌المللی

۸۰–۲۶ رده‌های کارکردی حساب‌های بین‌المللی، طبقه بندی اولیه‌ی بکار رفته در حساب‌های بین‌المللی برای درآمد سرمایه‌گذاری، تراکنش‌ها و موجودی‌های مالی است. پنج رده زیر شناسائی شده‌اند:

الف. سرمایه‌گذاری مستقیم؛

ب. سرمایه‌گذاری در بدره (مجموعه اوراق بهادار و سایر دارائی‌های مالی)؛

پ. مشتقات مالی (غیر از ذخائر) و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان؛

ت. سایر سرمایه‌گذاری‌ها، و

ث. دارائی‌های ذخیره.

جدول ۲۶–۵: مروری بر صورت وضعیت یکپارچه‌ی موجودی سرمایه بین‌المللی

	وضعیت موجودی ابتدای دوره	تراکنش‌ها (حساب مالی)	سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها	بازارزش-گذاری	وضعیت موجودی انتهای دوره
دارائی‌ها (بر حسب رده کارکردی)					
سرمایه‌گذاری مستقیم	۷۸	۸	۰	۱	۸۷
سرمایه‌گذاری بدره	۱۹۰	۱۸	۰	۲	۲۱۰
مشتقات مالی (غیر از ذخائر) و ESOها	۷	۳	۰	۰	۱۰
سایر سرمایه‌گذاری‌ها	۱۶۶	۲۰	۰	۰	۱۸۶
دارائی‌های ذخیره	۸۳۳	۸	۰	۱۲	۸۵۳
جمع	۱ ۲۷۴	۵۷	۰	۱۵	۱ ۳۴۶
بدهی‌ها (بر حسب رده کارکردی)					
سرمایه‌گذاری مستقیم	۲۱۰	۱۱	۰	۲	۲۲۳
سرمایه‌گذاری بدره	۳۰۰	۱۴	۰	۵	۳۱۹
مشتقات مالی (غیر از ذخائر) و ESOها	۰	۰	۰	۰	۰
سایر سرمایه‌گذاری‌ها	۲۹۵	۲۲	۰	۰	۳۱۷
جمع	۸۰۵	۴۷	۰	۷	۸۵۹
IIP خالص	۴۶۹	۱۰	۰	۸	۴۸۷

۲۶-۸۱ تعاریف تفصیلی بعداً در این بخش ارائه خواهد شد. رده‌های کارکردی بر مبنای طبقه‌بندیِ ابزارهای مالیِ مورد بحث در فصل‌های ۱۱ و ۱۳ ایجاد شده‌اند، ولی با یک بعد اضافی که برخی جنبه‌های روابط بین طرف‌ها و انگیزه برای سرمایه‌گذاری را به حساب آورده است. در نتیجه، رده‌های متفاوت، الگوهای رفتاریِ متفاوتی را نشان می‌دهند. برای مثال، نوع متفاوتی از روابط بین الگوها برای طرف‌های سرمایه‌گذاران مستقیم در مقایسه با سرمایه‌گذاران بدره‌ی دارنده‌ی سهام وجود دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم به کنترل یا میزان قابل ملاحظه‌ای نفوذ مربوط است، و گرایش به یک رابطه‌ی پایدار دارد هرچند که ممکن است کوتاه مدت باشد. سرمایه‌گذارانِ مستقیم علاوه بر منابع مالی، اغلب عوامل اضافی نظیر دانش، فناوری، مدیریت و بازاریابی نیز ارائه می‌دهند. به همین ترتیب، شرکت‌های وابسته، ممکن است با یکدیگر معامله کنند و به یکدیگر وام دهند. در مقابل، سرمایه‌گذاران بدره به طور معمول نقش کمتری در تصمیم‌گیری بنگاه دارند، با نتایج بالقوه مهمی برای جریان‌های آینده، و برای بی ثباتی در قیمت و حجم موجودی‌ها. سرمایه‌گذاری بدره از دیگر سرمایه‌گذاری‌ها متفاوت است زیرا که این نوع سرمایه‌گذاری روش مستقیمی برای دستیابی به بازارهای مالی را فراهم می‌کند، و بنابراین می‌تواند نقد شوندگی و انعطاف پذیری فراهم آورد.

۲۶-۸۲ دارائی‌های ذخیره گستره‌ای از ابزارهائی را در بر می‌گیرد که وقتی متعلق به مقامات پولی یا سایر واحدهای مجاز از طرف مقامات پولی نباشند و گاهی اوقات حتی هنگامی که توسط مقامات پولی نگه‌داری شوند، زیر سایر رده‌ها نشان داده می‌شوند. اما، همانند دارائی‌های ذخائر، آن‌ها این‌گونه شناخته می‌شوند که برای برآورده کردن نیازهای تأمین مالی پرداخت‌های بین‌المللی در دسترس هستند و مداخله‌ی بازار را برای تأثیرگذاری روی نرخ ارز به عهده دارند.

۲۶-۸۳ طبقه‌بندی ابزارها به تنهائی این‌گونه تفاوت‌های رفتاری را منعکس نمی‌کند. برای مثال، یک وام می‌تواند زیر سرمایه-گذاری مستقیم یا زیر سایر سرمایه‌گذاری‌ها نشان داده شود، ولی ماهیت متفاوت روابط بین طرف‌ها دلالت بر این دارد که ریسک‌ها و انگیزه‌های پشتِ این تراکنش متفاوت هستند. وام سرمایه‌گذاری مستقیم به احتمال زیاد با آسیب پذیری کمتری فراهم می‌شود و عموماً به دلیل روابط بین طرف‌ها آسیب پذیری کمتری هم در رابطه با طرف اقتصاد وام گیرنده در بر دارد. جدول ۲۶-۶ روابط بین ابزارها و رده‌های کارکردی را نشان می‌دهد.

۱. سرمایه‌گذاری مستقیم

۲۶-۸۴ ***سرمایه‌گذاری مستقیم: سرمایه‌گذاری مستقیم، مقوله‌ای از سرمایه‌گذاریِ برون مرزیِ مربوط به یک مقیم در یک اقتصاد است که کنترل یا به میزان قابل ملاحظه‌ای نفوذ بر مدیریتِ یک بنگاه مقیم در اقتصادی دیگر را دارد.*** همانند حقوق سهامداران که منجر به کنترل یا نفوذ می‌شود، سرمایه‌گذاری مستقیم دیون مربوطه (بجز دیون بین واسطه‌گری‌های مالی وابسته به بنگاه) را نیز در بر دارد.

۲۶-۸۵ هنگامی مشخص می‌شود کنترل وجود دارد که سرمایه‌گذار مستقیم بیش از ۵۰ درصدِ قدرت رأی را در بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم داشته باشد. چنین بنگاهی یک واحد تابعه نامیده می‌شود. وقتی مشخص می‌شود میزان قابل ملاحظه‌ای نفوذ وجود دارد که سرمایه‌گذار مستقیم بین ۱۰ الی ۱۵ درصدِ قدرت رأی را در بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم داشته باشد. چنین بنگاهی وابسته نامیده می‌شود. برای رسیدن به سازگاریِ دوسویه و اجتناب از قضاوت‌های ذهنی درباره‌ی کنترل یا نفوذ واقعی، این تعاریفِ عملیاتی باید در تمامی موارد بکار برده شود.

جدول ۲۶-۶: ارتباط بین طبقه‌بندی دارائی‌های مالی و رده‌های کارکردی					
طبقه بندی دارائی‌های مالی و بدهی‌های *SNA/MFSM*	سرمایه‌گذاری مستقیم	سرمایه‌گذاری بدره	مشتقات مالی (غیر از ذخائر) و ESOها	سایر سرمایه‌گذاری‌ها	دارائی‌های ذخیره
طلای پولی					X
حق برداشت ویژه				X*1	X*1
پول و سپرده‌ها:					
پول				X	X
موجودی بین بانک‌ها				X	X
سایر سپرده‌های انتقال پذیر	X			X	X
سایر سپرده‌ها	X			X	X
اوراق بدهی	X	X			X
وام‌ها	X			X	X
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری					
حقوق سهامداران:					
سهام ثبت شده در بورس	X	X			X
سهام ثبت نشده در بورس	X	X			x
سایر حقوق سهامداران	X			X	
سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری:					
سهام یا یونیت‌های صندوق بازار پول	x	X			X
سهام یا یونیت‌های سایر صندوق‌های سرمایه‌گذاری	x	X		x	X
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد:					
ذخائر فنی بیمه غیرزندگی	x			X	
حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه	x			X	
حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				X	
ادعای صندوق‌های بازنشستگی بر مدیران بازنشستگی	X			X	
حق برخورداری از مزایای غیر بازنشستگی				X	
ذخائر مطالبات تحت ضمانت‌های استاندارد	X			X	
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان					
مشتقات مالی			X		X
اختیار معامله سهام برای کارکنان			X		
سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی:					
اعتبار تجاری و پیش پرداخت‌ها	X			X	
سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	X			X	

زیر نویس ۱: دارائی‌های SDR دارائی‌های ذخیره هستند؛ بدهی‌های SDR سایر سرمایه‌گذاری‌ها هستند؛ X رده‌های کارکردی اجرا شدنی را نشان می‌دهد؛ x مواردی را نشان می‌دهد که نسبتاً غیر معمول تلقی می‌شوند.

۲۶-۸۶ همانند روابطِ بی‌واسطه‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم، ممکن است روابط غیرمستقیمِ سرمایه‌گذاری مستقیم در اثرِ یک مالکیت زنجیره‌ای وجود داشته باشد. بعلاوه، بنگاه‌های همکار ممکن است قسمت مهمی از سرمایه‌گذاری مستقیم را تشکیل دهند. (بنگاه‌های همکار بنگاه‌هائی هستند که کمتر از ده درصد سهامِ یکدیگر را دارند ولی تحت کنترل یا نفوذ همان سرمایه‌گذاری هستند که دستکم در یکی از بنگاه‌های همکار یک سرمایه‌گذار مستقیم خارجی است). سرمایه‌گذاری معکوس وقتی بوجود می‌آید که بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم در سرمایه‌گذاران مستقیم خود سرمایه‌گذاری می‌کنند ولی کمتر از ده درصد قدرت رأی را در سرمایه‌گذار مستقیم دارند.

۲۶-۸۷ سرمایه‌گذاری مستقیم، شامل دیون بین طرف‌ها و نیز حقوق سهامداران بجز در مورد میزان موجودی‌های دیون بین نهادهای مالیِ مرتبط هستند. این نوع دیون بین شرکت‌های مرتبط ممکن است وام‌دهی بین شرکتی نامیده شود. یکی از خصوصیات گروه بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم این است که احتمال این که اعضای این گروه وام‌ها و اعتبار تجاری به یکدیگر را گسترش دهند بیشتر از بنگاه‌های نامربوط به یکدیگر است.

۲۶-۸۸ به دلیل رابطه‌ی کنترل یا نفوذ، سهم سرمایه‌گذاران مستقیم از سود بازسرمایه‌گذاری شده‌ی یک بنگاه تابعه یا وابسته طوری احتساب می‌شود که ابتدا به صورت یک جریان درآمد پرداخت می‌شود و سپس به عنوان یک تراکنش مالی باز سرمایه‌گذاری می‌شود. قلم درآمد، سود بازسرمایه‌گذاری شده نامیده می‌شود؛ قلم متناظرِ مساوی با آن در حساب مالی بازسرمایه‌گذاریِ سود نامیده می‌شود. سود بازسرمایه‌گذاری شده به عنوان سهم سرمایه‌گذار مستقیم در سود تقسیم نشده‌ی بنگاه تعریف می‌شود، و بنابراین با اقلام متناظر در SNA سازگار هستند. نتیجه این است که بنگاهی که ۱۰۰ درصدِ سهام آن متعلق به خارج است پس‌اندازی نخواهد داشت، زیرا تمامی پس‌انداز به سرمایه‌گذار مستقیم آن تخصیص خواهد یافت.

۲۶-۸۹ آن دسته از بنگاه‌هائی که توسط غیرمقیم‌ها کنترل می‌شوند با زیر بخشِ بنگاه‌های تحت کنترلِ خارجی مطابقت دارند. اما بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم بنگاه‌هائی را در بر می‌گیرند که تحت کنترل خارجی نیستند ولی با وجود این تحتِ نفوذ قابل ملاحظه‌ای هستند. بنگاه‌های تحت کنترل خارجی در SNA محدود به سرمایه‌گذاری مستقیم به سمت داخل است، در حالی که حساب‌های بین‌المللی به سرمایه‌گذاری مستقیم به سمت خارج نیز مربوط می‌شوند. سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در SNA با دامنه‌ی آن در تراز پرداخت‌ها یکسان است (هرچند در اینجا لفظ "خارجی" بکار نمی‌رود زیرا در زمینه‌ی حساب‌های بین‌المللی لفظ خارجی اضافه است).

۲۶-۹۰ علاوه بر آمارهای جریان‌های مالیِ بین‌المللی درباره‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم، اطلاعات مربوط به بنگاه‌های تحت کنترل خارجی در خلال آمارهای مربوط به فعالیت‌های بنگاه‌های چند ملیتی یعنی آمارهای (AMNE) و آمارهای بسیار نزدیک به بنگاه‌های وابسته‌ی خارجی (FATS) فراهم می‌شوند. این‌ها اقلامی نظیر صادرات، واردات، فروش‌ها و خریدهای کالاها و خدمات را پوشش می‌دهند. بنابراین آن‌ها از عملیات بنگاه‌های چند ملیتی تصویر وسیع‌تری را ارائه می‌دهند. اطلاعات افزون‌تری در *دستنامه‌ی توصیه‌های مربوط به تولید آمارهای بنگاه‌های وابسته‌ی خارجی* و *دستنامه مربوط به شاخص‌های اقتصادی جهانی شدن* و *MSITS* در دسترس است.

۲. سرمایه‌گذاری بدره

۲۶-۹۱ ***سرمایه‌گذاری بدره، تراکنش‌ها و موجودی‌های برون مرزیِ مربوط به اوراق بدهی یا سهام غیراز آن‌هائی که در سرمایه‌گذاری مستقیم یا دارائی‌های ذخیره منظور می‌شوند را در بر می‌گیرند.*** اوراق بهادار نظیر سهام، اوراق قرضه، اسکناس و ابزارهای بازار پول ابزاری هستند که به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که به آسانی بین طرف‌های معامله مذاکره‌پذیر (انتقال‌پذیر، معامله شدنی و چانه‌زدنی، مترجم) هستند. مذاکره‌پذیریِ اوراق بهادار روشی برای تسهیل معامله است با این امکان که آن‌ها در طول عمر خود می‌توانند در اختیار

طرف‌های معامله باشند. مذاکره‌پذیری به سرمایه‌گذاران امکان می‌دهد تا بدره‌ی خود را تنوع بخشند و به سرعت سرمایه‌ی خود را برگردانند.

۲۶-۹۲ سرمایه‌گذاری بدره به طور معمول به بازارهای سازمان یافته‌ی مالی و بدنه‌های مربوط به آن‌ها نظیر کارگزاران، بورس اوراق بهادار و تنظیم کنندگان بازار بستگی دارد. در مقابل، طرف‌های سرمایه‌گذاری مستقیم و دیگر سرمایه‌گذاری‌های ابزارها معمولاً با یکدیگر معامله می‌کنند. مذاکره‌پذیریِ تراکنش‌های سرمایه‌گذاری بدره، آن‌ها را یک مجرای سرمایه‌گذاریِ آسان و انعطاف پذیر می‌سازد، ولی ممکن است با بی‌ثباتی نیز همراه باشد.

۳. مشتقات مالی (غیراز ذخائر) و اختیار معامله سهام برای کارکنان

۲۶-۹۳ تعریف رده‌ی مالیِ مشتقات مالی (غیر از ذخائر) و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان به میزان زیادی با طبقه‌ی متناظرِ ابزارهای مالی مورد بحث در فصل ۱۱ و ۱۳ همساز است. تفاوت در پوشش بین رده‌ی کارکردی و ابزار مالی این است که مشتقات مالیِ مربوط به مدیریت دارائی‌های ذخیره از رده کارکردی خارج شده و در دارائی‌های ذخیره منظور می‌شوند. این رده جداگانه نشان داده می‌شود زیرا بیشتر به انتقالِ ریسک مربوط می‌شود تا به عرضه‌ی وجوه یا منابع دیگر.

۴. سایر سرمایه‌گذاری‌ها

۲۶-۹۴ ***سایر سرمایه‌گذاری‌ها یک رده‌ی باقی مانده است که شامل موجودی‌ها و تراکنش‌هائی غیر از آن‌هائی است که در سرمایه‌گذاری مستقیم، سرمایه‌گذاری بدره، مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان و دارائی‌های ذخیره قرار دارند.*** این رده بقیه‌ی ابزارهای مالی زیر را در بر می‌گیرد:

الف. دیگر حقوق سهامداران؛

ب. پول و سپرده‌ها؛

پ. وام‌ها (از جمله استفاده از اعتبار IMF و وام‌های IMF)؛

ت. ذخائر فنی بیمه غیرزندگی، حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه، حق برخورداری از مزایای بازنشستگی و ذخائر مطالبات تحت ضمانت-های استاندارد؛

ث. اعتبار تجاری و پیش پرداخت‌ها؛

ج. سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی؛ و

چ. تخصیص‌های SDR (دارائی‌های SDR در دارائی‌های ذخیره منظور می‌شوند).

۵. دارائی‌های ذخیره

۲۶-۹۵ ***دارائی‌های ذخیره آن دسته از دارائی‌های خارجی هستند که برای رفع نیازهای مالی تراز پرداخت‌ها، برای مداخله در بازارهای ارزی به‌منظور تأثیرگذاری در نرخ ارز و برای سایر مقاصد مربوطه (نظیر حفظ اعتماد به پول و اقتصاد، و فراهم کردن مبنائی برای وام‌گیری خارجی) به آسانی در دسترس مقامات پولی و تحت کنترل آن‌ها قرار می‌گیرند. دارائی‌های ذخیره باید به ارز خارجی ارزیابی و تسویه شوند.*** پایه و اساسِ مفهوم دارائی‌های ذخیره تصور "کنترل" و "در دسترس بودن" برای استفاده‌ی مقامات پولی است.

۲۶-۹۶ به طور کلی، تنها ادعاهای خارجی که واقعاً به مقامات پولی تعلق دارند می‌توانند به عنوان دارائی‌های ذخیره طبقه‌بندی شوند. با این حال، مالکیت تنها شرط اعمال کنترل نیست. در مواردی که واحدهای نهادی (غیر از مقامات پولی) در اقتصاد گزارش دهنده دارای حق مالکیت قانونی نسبت به دارائی‌های ارز خارجی هستند و تنها در شرایط تعیین شده توسط مقامات پولی یا تنها با تصویب صریح آن‌ها مجاز به این هستند، این نوع دارائی‌ها را می‌توان دارائی‌های ذخیره در نظر گرفت. زیرا این نوع دارائی‌ها تحت کنترل مستقیم و مؤثر مقامات پولی قرار می‌گیرند.

۲۶–۹۷ دارائی‌های ذخیره باید در شکلی کاملاً غیرشرطی به آسانی قابل دسترسی باشند. دارائی ذخیره دارائی قابل تبدیل به پول است که در آن دارائی می‌تواند با حداقل هزینه و زمان خریداری شود، فروخته شود و به ارز خارجی (نقد) تبدیل شود و بدون این که بی جهت ارزش دارائی را تحت تأثیر قرار دهد. این مفهوم به هردوی دارائی‌های غیرقابل فروش، نظیر سپرده‌های دیداری، و دارائی‌های قابل فروش، نظیر اوراق بهاداری که خریداران و فروشندگانی آماده و مایل برای آن‌ها وجود دارند برمی‌گردد. برای این که دارائی‌های ذخیره در شرایط نامطلوب به آسانی برای رفع نیازهای مالیِ تراز پرداخت‌ها و دیگر مقاصد مربوطه در دسترس مقامات پولی قرار داشته باشند، کلاً باید از کیفیت بالائی برخوردار باشند.

۲۶–۹۸ دارائی‌های ذخیره محدود به دارائی‌ها هستند، ولی برای بدهی‌های مربوط به ذخیره که در سایر رده‌های کارکردی، عمدتاً سرمایه‌گذاری بدره و سایر سرمایه‌گذاری‌ها منظور می‌شوند یک قلم یادداشتی (یادداشت‌های توضیحی) ارائه می‌شود. (به همین دلیل است که سلول بدهی‌ها برای ذخیره‌ها در جدول ۲۶–۳ سایه خورده است).

ث. ملاحظات ویژه‌ی حساب‌های بین‌المللی

۱. عدم تراز جهانی

۲۶–۹۹ در سال‌های اخیر، IMF کار گسترده‌ای را بر روی عدم ترازِ جهانیِ آمارها انجام داده است. با جمع کردن داده‌های تمامی اقتصادها، جمع کل‌های جهانی را می‌توان بدست آورد. (هرچند دارائی‌های ذخیره به عنوان یک رده‌ی کارکردی بدهیِ طرفِ مقابل ندارند، برای تمرینی که در اینجا شرح داده شد می‌توان ابزارهای تشکیل دهنده را به بدهی طرف مقابل آن‌ها تخصیص داد). میزان ناسازگاری واقعی برای مشخص کردن سمت‌گیری‌های (اریبی‌های) نظام مند استفاده شده است که می‌تواند مشکلات گزارش‌دهی را نشان دهد، به عنوان مثال این که بستانکاران خدمات پوشش بیشتری نسبت به بدهکاران خدمات دارند.

۲. تأمین مالی استثنائی

۲۶–۱۰۰ تأمین مالیِ استثنائی، ترتیبات ایجاد شده توسط مقامات پولی برای رفع نیازهای تراز پرداخت‌ها را گرد هم می‌آورد. بنابراین تأمین مالی استثنائی تراکنش‌ها را برحسب انگیزه‌ی آن‌ها مشخص می‌کند. علاوه بر این، تقبل دیرکردها نیز در تأمین مالی استثنائی منظور می‌شود. هرچند که یک تراکنش نیست، ولی اقدامی است که مقامات پولی می‌توانند برای مدیریت نیازهای پرداخت‌های خود انجام دهند.

۲۶–۱۰۱ تأمین مالی استثنائی در ارائه‌ی "تحلیلیِ" تراز پرداخت‌ها به همان نحوی که در *سالنامه‌ی آمارهای تراز پرداخت‌ها* (صندوق بین‌المللی پول، سالانه) منتشر شده است نشان داده می‌شود. در این ارائه، اقلام ورودی مربوط به ذخائر، اعتبار IMF و تأمین مالی استثنائی "زیر خط" نشان داده می‌شوند، در حالی که همه‌ی اقلام ورودی دیگر که نیاز به تأمین مالی دارند در بالای خط نشان داده می‌شوند. این نوع ارائه، تحلیل نقدینگی بین‌المللی مقامات پولی را آسان می‌سازد.

۲۶–۱۰۲ در باره‌ی تأمین مالی استثنائی بحث بیشتری در پیوست ۱ در *BPM6* ارائه شده است.

۳. ابزارهای بدهی

۲۶–۱۰۳ گروه‌بندیِ انواع مختلف ابزارهای بدهی مفید است، زیرا ابزارهای بدهی برای نقدینگی و ریسک بین‌المللی کاربرد خاصی دارند. ابزارهای بدهی آن دسته از ابزارهائی هستند که پرداخت اصل یا بهره یا هردوی آن‌ها در لحظه‌ای (هائی) از زمان در آینده ضروری است. ابزارهای بدهی متشکل از حق

برداشت ویژه، پول و سپرده‌ها، اوراق بدهی، وام‌ها، ذخائر فنیِ بیمه و ذخائر مطالباتِ ضمانت‌های استاندارد و سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی هستند. مشتقات مالی، ابزارهای بدهی نیستند ولی تعهدات سررسید گذشته‌ی مربوط به یک قراردادِ مشتق مالی به عنوان یک حساب پرداختنی طبقه بندی می‌شود و از اینرو، به عنوان یک ابزار بدهی منظور می‌شود.

۲۶-۱۰۴ ابزارهای بدهی را از نظر ماهیتِ نقدینگی و ریسک می‌توان با حقوق سهامداران و سهام سرمایه‌گذاری مقایسه کرد. در حالی که حقوق سهامداران ادعا بر باقی‌مانده‌ی دارائی‌های سهامداران را نشان می‌دهد، ابزار بدهی درگیرِ تعهداتی برای پرداخت یک مبلغ اصل یا بهره یا هردوی آن‌ها معمولاً براساسِ فرمولِ از پیش تعیین شده‌ای است، این به معنی آن است که طلبکار در معرض ریسکِ کمتری قرار دارد. در مقابل، بازده مربوط به حقوق سهامداران به میزان زیادی بستگی به عملکرد اقتصادی منتشر کننده دارد، بنابراین دارندگان آن ریسک بیشتری را متحمل می‌شوند. اطلاعات بیشتر در *راهنمای دیون خارجی* ارائه شده است.

۲۶-۱۰۵ جریان‌ها و موجودی‌های ابزار بدهی، به بلندمدت و کوتاه مدت تقسیم شده‌اند. این تقسیم بندی نخست با توجه به سررسید اولیه‌ی آن‌ها، یعنی دوره‌ی زمان انتشار تا زمان پرداخت نهائی طبق جدول زمان‌بندی قرارداد، انجام می‌شود. بعلاوه، به دلیل ارتباط حساب‌های بین‌المللی با مسائل مربوط به نقدینگی بین‌المللی، داده‌های بدهی را می‌توان براساس سررسید باقی مانده، یعنی دوره‌ای که از تاریخ مرجع تا زمان پرداخت نهائی طبق جدول زمان‌بندی قرارداد است، نیز به عنوان داده‌های تکمیلی تهیه کرد.

۴. سازماندهی مجدد بدهی

۲۶-۱۰۶ ***سازماندهی مجدد بدهی (که تجدید ساختار بدهی نیز نامیده می‌شود) ترتیباتی است که به‌موجب آن با دخالت بدهکار و بستانکار هردو (و گاهی شخص ثالث) شرایط ایجاد شده برای دیونِ موجود تغییر داده می‌شود.*** دولت‌ها اغلب به عنوان بدهکار، یا بستانکار یا ضامن در بازسازماندهی دیون درگیر می‌شوند، ولی بخش خصوصی نیز ممکن است درگیرِ بازسازماندهی، نظیر مبادله‌ی دیون، شود. بازسازماندهی بدهی، گستره‌ای از انواع مختلف مسائلِ تراکنش‌ها و نیز ارزش‌گذاری و زمان ثبت را در بر دارد.

۲۶-۱۰۷ چهار نوع اصلی برای بازسازماندهی بدهی وجود دارد:

الف. بخشش دیون، کاهش میزان تعهد دین، یا از بین بردن آن توسط بستانکار از طریق ترتیبات قراردادی با بدهکار؛

ب. زمان‌بندی مجدد یا تأمین مالی مجدد؛ تغییر در زمان‌ها و شرایط مبلغ بدهی، که ممکن است منجر به کاهش بارِ ارزش فعلی شود یا نشود؛

پ. تبدیل بدهی؛ بستانکار ادعای دین را در مقابل چیزی که دارای ارزش اقتصادی است، غیر از ادعای دین دیگر نسبت به همان بدهکار، مبادله می‌کند، نظیر معاوضه‌ی دین در برابر سهام، معاوضه‌ی دین در برابر مستغلات، معاوضه‌ی دین در برابر توسعه، معاوضه‌ی دین در برابر طبیعت، و برای پرداخت‌های دیون، دین در برابر وجه نقد؛ و

ت. بعهده گرفتن مسؤلیت دین و پرداخت دیون از طرف دیگران وقتی شخص ثالثی نیز درگیر می‌شود.

بخشش دیونِ بین اقتصادها اغلب دولت را در گیر می‌کند، راهنماهای بیشتری درباره نحوه‌ی برخورد با این ترتیبات در فصل ۲۲، *BPM۶* و دستنامه‌های تخصصی نظیر *راهنمای بدهی خارجی* وجود دارد.

۲۶-۱۰۸ انکار بدهی، مستهلک کردن و کاستن ارزش بدهی به طور یک جانبه چه در SNA چه در *BPM۶* به عنوان تراکنش تلقی نمی‌شود و بنابراین قسمتی از سازماندهی مجدد بدهی در نظر گرفته نمی‌شود.

۵. ترتیبات منطقه‌ای از جمله اتحادیه‌های پولی

۲۶-۱۰۹ ترتیبات منطقه‌ای عبارتند از:

الف. اتحادیه‌های پولی و ارزی، که سیاست پولی واحدی را در یک منطقه فراهم می‌کنند. برخی از همان مسائل را هنگامی که اقتصادی به‌طور یک جانبه پول ملیِ اقتصاد دیگری را اتخاذ می‌کند، نظیر "دلاری کردن"، اعمال می‌کنند؛

ب. اتحادیه‌های اقتصادی، که برخی سیاست‌های اقتصادی را برای تأمین یکپارچگی بیشترِ اقتصادی هماهنگ می‌سازند؛ و

پ. اتحادیه‌های گمرکی، که تعرفه‌ها و سیاست‌های مشترک دیگری را در زمینه‌ی تجارت با اقتصادهای غیرعضو بکار می‌گیرند.

در *BPM۶*، راهنماهای مفصلی درباره نحوه‌ی برخورد با این ترتیبات ارائه شده است. در میان موضوعاتی که به آن می‌پردازد تولید داده‌های تلفیقی برای کل اتحادیه، نحوه‌ی برخورد با سازمان‌های منطقه‌ای، از جمله بانک مرکزی، نحوه‌ی برخورد با اسکناس بانکی در یک منطقه‌ی اتحادیه‌ی پولی، و ترتیبات به اشتراک گذاری درآمد عملیاتی در اتحادیه‌های گمرکی وجود دارند.

۶. تبدیل پول ملی به ارز، نرخ‌های چندگانه‌ی ارز

۲۶-۱۱۰ هنگام اندازه‌گیریِ تراکنش‌ها و موجودی‌های بین‌المللی، نرخ‌های مبادله‌ی ارز باید به دقت مورد بررسی قرار گیرند، زیرا تغییرات آن‌ها می‌توانند اندازه‌گیری را مخدوش سازند. جریان‌هائی که به ارز خارجی بیان می‌شوند با نرخ ارز غالبِ زمانی که جریان‌ها رخ می‌دهند و موجودی‌ها با نرخ ارز غالبِ تاریخ ترازنامه به پول ملی تبدیل می‌شوند. نقطه میانی بین نرخ‌های خرید و فروش باید در زمان تراکنش (برای تراکنش‌ها) و در انتهای کسب و کار در تاریخ مرجع برای موجودی‌ها استفاده شود. تفاوت بین قیمت‌های خرید/فروش و قیمت‌های نقطه میانی، کارمزد خدمات را نشان می‌دهد و باید این‌گونه ثبت شود.

۲۶-۱۱۱ در اصل، برای تبدیل پول ملی به ارز، باید نرخ ارز واقعیِ اجرا شدنی برای هر تراکنش مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از متوسط نرخ روزانه‌ی ارز برای تراکنش‌های روزانه، معمولاً تقریب بسیار خوبی ارائه می‌دهد. اگر نتوان نرخ روزانه را اعمال کرد، باید متوسط نرخ‌های ارز برای کوتاه‌ترین دوره را مورد استفاده قرار داد. برخی از تراکنش‌ها، نظیر تعلق گرفتن بهره، در طول یک دوره به طور مستمر رخ می‌دهند. بنابراین برای این نوع جریان‌ها، نرخ متوسط ارز برای دوره‌ای که جریان‌ها در آن رخ می‌دهند برای تبدیل پول ملی به ارز بکار می‌رود.

۲۶-۱۱۲ در نظام چند نرخیِ ارز، به رده‌های مختلفِ تراکنش بیش از یک نرخ ارز اجرا شدنی است، نرخ‌ها به نفع برخی رده‌ها و به ضرر رده‌های دیگر است. این نوع نرخ‌ها عناصری شبیه مالیات‌ها یا یارانه‌ها را در بر دارند. از آنجا که نرخ‌های چندگانه ارزش‌ها و تراکنش‌ها به پول ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، عوایدی که در اثر این تراکنش‌ها به طور ضمنی به مقامات تعلق می‌گیرند به عنوان مالیات‌ها یا یارانه‌های ضمنی محاسبه می‌شوند. میزان مالیات یا یارانه‌ی ضمنی برای هر تراکنش را می‌توان به صورت تفاوت ارزش آن تراکنش به پول ملی با نرخ ارزِ واقعیِ قابل اعمال و ارزش آن تراکنش به نرخ ارزِ واحد محاسبه کرد که نرخ ارز واحد به صورت میانگین موزون همه‌ی نرخ‌های رسمی بکار رفته برای تراکنش‌های خارجی محاسبه می‌شود. برای تبدیل موجودیِ دارائی‌های مالی خارجی و بدهی‌های خارجی با سیستم نرخ چندگانه‌ی ارز، نرخ واقعیِ قابل اعمالِ ارز به دارائی‌ها یا بدهی‌های مشخص در شروع یا انتهای دوره‌ی حسابداری بکار می‌رود.

۲۶-۱۱۳ نرخ‌های بازارِ موازی (غیررسمی) یا بازار سیاه را در نظام چند نرخیِ ارز نمی‌توان از نظر دور داشت و ممکن است به شیوه‌های مختلفی برخورد کرد. برای نمونه، اگر یک نرخ رسمی و یک نرخ بازارِ موازی وجود داشته باشد، این دو نرخ باید به طور جداگانه مورد استفاده قرار گیرند. تراکنش‌ها در بازارهای موازی باید با استفاده از نرخ قابل اعمال در آن بازار تبدیل شوند. اگر چند نرخ رسمیِ جدا و یک نرخ موازی وجود داشته باشد، در هرگونه محاسبه‌ی نرخ واحد باید نرخ‌های

رسمی و نرخ موازی به عنوان بازارهای متمایز تلقی شوند. تراکنش‌های متأثر از نرخ‌های موازی معمولاً باید جداگانه با آن نرخ تبدیل شوند. اما، در برخی نمونه‌ها، ممکن است بازارهای موازی عمدتاً با نظام نرخ ارز رسمی به‌صورت یکپارچه در نظر گرفته شوند. این مورد هنگامی است که بیشتر یا همه‌ی تراکنش‌ها در بازارِ موازی توسط مقامات تحریم می‌شوند یا هنگامی که مقامات فعالانه در بازار مداخله می‌کنند تا بر نرخ ارز موازی تأثیر بگذارند، یا هنگامی که هردوی این موارد وجود دارد. در این نمونه، محاسبه‌ی نرخ واحد باید هردوی نرخ‌های رسمی و بازار موازی را در بر گیرد. اگر تنها تراکنش‌های محدودی در بازارِ موازی توسط مقامات تحریم شده باشند، نرخ موازی نباید در محاسبه‌ی نرخ واحد منظور شود.

فصل ۲۷: پیوند به آمارهای پولی و جریان وجوه

الف. مقدمه

۱–۲۷ فصل ۱۱، حساب مالی از توالی حساب‌های SNA را شرح می‌دهد. این فصل تراکنش‌ها را در هر رده‌ی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها برای هر یک از بخش‌های نهادی و دنیای خارج نشان می‌دهد.

۲–۲۷ همان‌گونه که هنگام تشریحِ اصل حسابداریِ چهار طرفه در دو فصل ۱۱ و ۴ توضیح داده شد، هر تراکنشی منجر به دو جفت قلم ورودی در حساب‌های SNA می‌شود. برای بسیاری از تراکنش‌ها، یک جفت در یکی از حساب‌های غیرمالی و یک جفت در حساب مالی ثبت می‌شوند. برای تراکنش‌های دیگر، که مربوط به تغییر ترکیبِ بدره‌ی دارائی‌های مالی و بدهی‌هاست، هردو جفت قلم ورودی در حساب مالی ثبت می‌شود. به این دلیل است که تنها با وارد کردن حساب مالی در توالی حساب‌ها بهم‌پیوستگی (ارتباط) کامل سیستم حسابداری حاصل می‌شود.

۳–۲۷ با این حال، اطلاعات موجود در حساب مالی به خودی خود دارای اهمیت تحلیلی و سیاستی بوده و نشان دهنده‌ی قسمت مهمی از آمارهای پولی و مالی است. این آمارها برای نظارت بر وضعیت بازارهای پول و دیگر بازارهای سرمایه به‌طور ویژه و به عنوان نماگری برای نشان دادن وضعیتِ اقتصاد به‌طور کلی بکار می‌رود. در مورد نکته آخر، ارتباط با سایر حساب‌های SNA معمولاً بیش از این که آشکار باشد ضمنی است.

۴–۲۷ هدف از این فصل این است که مقدمه‌ای بر انواع تحلیل‌های در برگیرنده‌ی آمارهای مالی و پولی ارائه شود و نشان داده شود که داده‌های توالی حساب‌ها را می‌توان به شکل‌های دیگرِ داده‌های ارائه شده پیوند داد. جزئیات بیشتر درباره آمارهای پولی و مالی را می‌توان در منابع زیر یافت: *MFSM* و مکمل آن *راهنمای تهیه داده‌ها (IMF 2008)*، *دستنامه‌ی مربوط به منابع و روش‌های تهیه حساب‌های مالی ESA 95 (اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۰۲ب)*، دستنامه‌ی آمار نهادها و بازار پولی و مالی (بانک مرکزی اروپا، ۲۰۰۷) و نیز در *تولید مالی، جریان‌ها و موجودی‌ها در* SNA (سازمان ملل و بانک مرکزی اروپا، در دست انتشار).

۱. آمارهای پولی

۵–۲۷ آمارهای پولی، موجودی‌ها و جریان‌های دارائی‌ها و بدهی‌های شرکت‌های مالی، چه در داخل اقتصاد چه بین واحدهای یک اقتصاد و واحدهای دنیای خارج را پوشش می‌دهند. اما، نسبت به SNA سطح کلی‌تری از زیربخش‌ها را بکار می‌برند. شرکت‌های مالی تنها به دو زیربخش در بالاترین سطح، یعنی شرکت‌های سپرده‌گذاری و زیر بخش سایر شرکت‌های مالی تقسیم می‌شوند. اولی نیز به دو زیربخش بانک مرکزی و زیربخش سایر شرکت‌های سپرده‌گذاری تقسیم می‌شود. اطلاعات بیشتر درباره آمارهای پولی در بخش ب ارائه شده است.

۲. آمارهای مالی

۶–۲۷ آمارهای مالی دامنه‌ی آمارهای پولی را گسترش می‌دهد تا موجودی‌ها و جریان‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌های بین همه‌ی بخش‌های اقتصاد و بین بخش‌های اقتصاد و دنیای خارج را در بر گیرد.

۷–۲۷ قواعد اولیه‌ی حسابداری، مفهومِ اقامت، زمانِ ثبت و طبقه‌بندیِ دارائی‌های مالی و بدهی‌ها در SNA و *BPM6* (دستنامه‌ی تراز پرداخت‌ها، ویرایش ۶) سازگار هستند. *MFSM* (دستنامه‌ی آمارهای پولی و مالی) در زیربخشی کردن، سطح کلی‌تری از SNA ولی کاملاً سازگار با آن را بکار می‌برد.

۸-۲۷ برخی جنبه‌های فراترِ آمارهای مالی براساس طبقه‌بندی‌های بکار رفته در حساب مالی در بخش پ مورد بحث قرار گرفته است.

۳. جریان وجوه

۹-۲۷ جریان وجوه ارائه‌ی سه بعدی از آمارهای مالی است که در آن هردو طرفِ تراکنش و نیز ماهیت ابزار مالیِ تراکنش شده روشن می‌شود. جدول سه بعدی مشابهی نیز در رابطه با موجودی‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها نشان داده می‌شود که در آن بدهکار و بستانکارِ هریک از ابزارها ارائه می‌شوند. جریان وجوه در بخش ت مورد بحث قرار گرفته است.

ب. آمارهای پولی

۱. تعریف شرکت‌های سپرده گذاری

۱۰-۲۷ پول متغیر مالی بسیار مهمی است، ولی گستره‌ی فراوان روش‌های تعریفِ پول در کشورهای مختلف مانع از این است که در SNA تعریف ساده‌ای از آن ارائه شود.

۱۱-۲۷ ترکیب پولِ وسیع و دیگر هم‌افزوده‌های پولی به‌طور گسترده‌ای بین کشورهای مختلف متفاوت است و بسیاری از طبقات سپرده‌ها و برخی رده‌های اوراق بهادار کوتاه مدت، بویژه گواهی مذاکره‌پذیر (انتقال‌پذیر، معامله شدنی و قابل چانه‌زنی، مترجم)، را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، بسیاری از کشورها گستره‌ای از سنجه‌های پول نقد و نیز سنجه‌های نقدینگی وسیع‌تری را تهیه می‌کنند. حتی در داخل یک کشور نیز نوآوری، مقررات زدائی یا پیشرفت فناوری ممکن است باعث شود تعریف پول وسیع در طول زمان برای هماهنگی با تغییر ابزارهای مالی و سازماندهی بازارهای پولی تغییر یابد.

۱۲-۲۷ در MFSM، یک مفهوم ویژه‌ی کشوری از پول وسیع طوری که از نظر ملی تعریف شده باشد بکار رفته است. هرچند اجزای ویژه‌ی پول وسیع می‌تواند بین کشورهای مختلف متغیر باشد، در همه‌ی موارد مفهومی که به صورت ملی تعریف شده است برای تعیین آن دسته از شرکت‌های مالی که بدهی‌های موجود در پول وسیع را منتشر می‌کنند بکار می‌رود. این نوع شرکت‌ها، شرکت‌های سپرده گذاری نامیده می‌شوند.

جدول ۲۷-۱: زیربخش‌های بخش شرکت‌های مالی

۱. بانک مرکزی
۲. شرکت‌های سپرده پذیر بجز بانک مرکزی
۳. صندوق بازار پول (MMF)
۴. صندوق سرمایه‌گذاری غیربازار پول (Non-MMF)
۵. سایر واسطه‌گری‌های مالی بجز شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی
۶. فعالیت‌های مالی جنبی
۷. نهادهای مالی داخلی و قرض دهندگان پول
۸. شرکت‌های بیمه (IC)
۹. صندوق‌های بازنشستگی

۱۳-۲۷ مجموعه‌ای از ۹ زیربخش از بخش شرکت‌های مالی که در فصل ۴ شرح داده شد و در جدول ۲۷-۱ فهرست شده است به‌گونه‌ای تعیین شده‌اند که مشخص کردن شرکت‌های سپرده گذاری طبق تعریفی که در بالا ارائه شد باید به‌صورت ترکیبی از دو یا چند زیربخش از آن‌ها امکان پذیر باشد. این گروه دستکم، بانک مرکزی و نهادهای سپرده پذیر را در بر خواهد داشت. در برخی از کشورها صندوق‌های بازار پول نیز به دلیل این که قسمتی از پول وسیع در نظر گرفته شده‌اند ، ممکن است در این گروه منظور شوند.

جدول ۲۷-۲: طبقه‌بندی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها

طلای پولی و حق برداشت ویژه
طلای پولی
حق برداشت ویژه
پول و سپرده‌ها
پول
سپرده‌های انتقال پذیر
موجودی بین بانک‌ها
سایر سپرده‌های انتقال پذیر
سایر سپرده‌ها
اوراق بدهی*
کوتاه مدت
بلند مدت
وام‌ها
کوتاه مدت
بلند مدت
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری
حقوق سهامداران
سهام ثبت شده در بورس
سهام ثبت نشده در بورس
سایر حقوق سهامداران
سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری
سهام یا یونیت‌های صندوق بازار پول
سهام یا یونیت‌های سایر صندوق‌های سرمایه‌گذاری
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد
ذخائر فنی بیمه غیرزندگی
حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری سالانه
حق برخورداری از مزایای بازنشستگی
ادعای صندوق بازنشستگی بر مدیران بازنشستگی
ذخائر مطالبات تحت ضمانت‌های استاندارد
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان
مشتقات مالی
اختیار معامله
پیمان اتی ***
اختیار معامله سهام برای کارکنان
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی
اعتبار تجاری و پیش پرداخت‌ها
سایر

اقلام یادداشتی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
حقوق سهامداران
وام‌ها
اوراق بدهی
اعتبار تجاری
سایر

* *تفکیک ثبت شده/ ثبت نشده در بورس به اوراق بدهی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیز مربوط است*
** *سود بازسرمایه‌گذاری شده می‌تواند زیر هریک از این عنوان‌ها نیز وجود داشته باشند*
*** *سواپ عدم پرداخت اعتباری برای پوشش ضمانت‌ها در این قلم منظور شده است*

۱۴-۲۷ هنگامی که شرکت‌های سپرده گذاری مشخص شدند، سه زیربخش برای آمارهای پولی بکار می‌رود. زیربخش بانک مرکزی، زیربخش سایر شرکت‌های سپرده گذاری و زیربخش سایر شرکت‌های مالی را می‌توان ایجاد کرد.

۲. ارائه آمارهای پولی

۱۵-۲۷ آمارهای پولی برای تمامی شرکت‌های مالی با تفکیک زیر ارائه می‌شوند:

الف. زیربخش شرکت‌های سپرده‌گذاری

- زیربخش بانک مرکزی،
- زیربخش سایر شرکت‌های سپرده گذاری،

ب. زیربخش سایر شرکت‌های مالی.

۱۶-۲۷ طبقه‌بندی ابزارها یک نوع طبقه‌بندی استاندارد از حساب مالی است که در جدول ۲۷-۲ نشان داده شده است، این طبقه‌بندی ممکن است با قدری تفکیک بیشتر برحسب این که ابزارها به پول محلی یا به ارز خارجی باشند ارائه شود.

۱۷-۲۷ برای هریک از ابزارها، مجموعه‌ای از اقلام ورودی معادل یک حساب دارائی نشان داده می‌شود یعنی،

الف. موجودی ابتدای دوره،

ب. تراکنش‌ها،

پ. تغییرات ارزش،

ت. سایر تغییرات در حجم،

ث. موجودی انتهای دوره.

پ. آمارهای مالی

۱۸-۲۷ همان‌گونه که در مقدمه گفته شد، آمارهای مالی دامنه‌ی آمارهای پولی را گسترش می‌دهد تا موجودی‌ها و جریان‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌های بین همه‌ی بخش‌های اقتصاد و بین بخش‌های اقتصاد و دنیای خارج را در بر گیرد. آمارهای مالی شامل حساب مالی، ترازنامه‌ها، حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها است و با فرض این که می‌توان خالص وام‌گیری یا خالص وام‌دهی را از آنجا بدست آورد شامل حساب سرمایه است. چارچوب مورد استفاده برای آمارهای مالی مشابهِ چارچوب بکار رفته برای آمارهای پولی است بجز این که همه‌ی بخش‌ها پوشش داده می‌شوند. علاوه بر این، تفکیک بخش مالی به زیربخش‌ها نیز رایج است. اگرچه همان‌گونه که نشان داده شد، بخش‌های خارج از شرکت‌های مالی ممکن است تجمیع شوند. روش معمول این است که دولت جداگانه نشان داده شود و همچنین دنیای خارج نیز جداگانه نشان داده شود. اگر مورد نیاز باشد شرکت‌های غیرمالی دولتی نیز ممکن است به عنوان بخش جدا نشان داده شوند.

۱۹-۲۷ طبقه‌بندی دارائی‌های مالی که در جدول ۲۷-۲ نشان داده شده است در وهله اول براساسِ دو نوع معیار گروه‌بندی شده است: نقد شوندگیِ دارائی و مشخصه‌های قانونی که شکل روابط اساسی بین بدهکار و بستانکار را بیان می‌کنند. مفهوم نقد شوندگی ویژگی‌های خاص دیگری نظیر مذاکره‌پذیری، انتقال‌پذیری، معامله‌پذیری در بازار یا تبدیل‌پذیری را در بر می‌گیرد. این خصوصیات نقش عمده‌ای در تعیین رده‌های دارائی ایفا می‌کنند، هرچند که آن‌ها به‌طور جداگانه به شیوه‌ای نظام‌مند تعیین نمی‌شوند. طبقه بندی برای این منظور طراحی شده است تا تحلیل تراکنش‌های واحدهای نهادی را آسان سازد و چارچوبی برای ارزیابی منابع و مصارف مالی و درجه‌ی نقدینگی برای این واحدها باشد.

۲۰-۲۷ تفاوت در سررسید به عنوان معیار دومِ طبقه‌بندی تعیین شده است. کوتاه مدت برای طبقه بندی به صورت یک سال یا کمتر تعریف شده است، در حالی که بلند مدت به صورت بیش از یک سال تعریف شده است. برای نشان دادن ریسک‌های احتمالی نقدینگی، مشخص کردن آن دسته از ابزارهای بلند مدت با سررسید باقی مانده یک سال یا کمتر نیز می‌تواند کمک کننده باشد. (سررسید باقی مانده دوره‌ای را از تاریخ مرجع تا زمان پرداخت نهائی براساس قرارداد در بر می‌گیرد).

۲۱-۲۷ این طبقه بندی رده‌های کارکردی نظیر سرمایه-گذاری مستقیم، سرمایه‌گذاری بدره، و ذخائر بین‌المللی را که معیار اولیه‌ی طبقه‌بندی برای حساب مالیِ تراز پرداخت‌هاست، در بر نمی‌گیرد. با توجه به اهمیت این رده‌ها طبقه‌بندی مورد نظر برای تراکنش‌های حساب مالیِ مربوط به روابط سرمایه-گذاری مستقیم خارجی، اقلام یادداشتی (یادداشت‌های توضیحی) تدارک دیده است. این موضوع با تفصیل بیشتر در فصل‌های ۲۱ و ۲۶ منظور شده است.

ت. جریان وجوه

۲۲-۲۷ شکلی از جدولی که در بخش آمارهای پولی شرح داده شد، نشان می‌دهد که موجودیِ انتهای دوره برای مجموعه‌ی جامعی از دارائی‌های یک بخش خاص چگونه می‌تواند با بررسی نحوه‌ی تغییر موجودی ابتدای دوره بوسیله‌ی تراکنش دارائی‌ها، تغییرات بازارزش‌گذاری و سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها برای رسیدن به موجودی انتهای دوره، تحلیل شود. این یکی از کاربردهای ویژه‌ی حساب‌های دارائی است که در فصل ۱۳ شرح داده شد.

۲۳-۲۷ شکل پرطرفدار دیگری از جدول به عنوان جدول جریان وجوه شناخته شده است. این جدول می‌تواند شکل‌های گوناگونی داشته باشد. رایج‌ترین شکل ارائه آن عبارت از بهم پیوستگی (ارتباط) جریان‌ها (یا موجودی‌ها) است که در آن برای هر یک از ابزارها نشان داده می‌شود که کدام بخش بدهکار و کدام بخش بستانکار است. گونه‌ی دیگری از شکل‌های این جدول ترکیب عناصر حساب‌های سرمایه و مالی است که برای بررسی همه‌ی تراکنش‌های انباشت و نه فقط تراکنش‌های مربوط به دارائی‌های مالی تهیه می‌شود. منطق این کار این است که قلم ترازکننده در سمت چپ حساب مالی باید کاملاً از نظر اندازه برابر با قلم سمت راستِ حساب سرمایه ولی با علامت مخالف باشد. با منظور کردن اقلام از حساب سرمایه ناهمخوانی‌های این حساب ممکن است با تکمیل جدول جریان وجوه از بین برود، بجای این که پذیرفته شود کل خالص وام‌دهی و خالص وام‌گیری قبلاً تعیین شده است. (در اینجا باز هم پذیرفته می‌شود که پس‌انداز به‌طور صحیحی تعیین شده است. عمل تراز کردن جدول جریان وجوه، در صورتی که سازگار کردنِ ارقام پس‌انداز با تراکنش‌های سرمایه و مالی برای یک بخش مشکل باشد، ممکن است بررسی دوباره‌ی حساب‌های جاری را ایجاب کند).

۱. حساب‌های جریانی

۲۴-۲۷ حساب مالی، همان‌گونه که در جدول ۱۱-۱ نشان داده شد و برای سهولتِ کار در اینجا نیز به عنوان جدول ۲۷-۳ تکرار شده است، خالص تحصیل دارائی‌ها و خالص تقبل بدهی‌ها را برای همه‌ی واحدهای نهادی بر حسب نوع دارائی مالی نشان می‌دهد. حساب مالی برای هر بخش، بدهی‌های متقبل شده توسط آن بخش برای بسیجِ منابع مالی و دارائی‌های مالی تحصیل شده توسط آن بخش را نشان می‌دهد. حساب مالی برای هر یک از دارائی‌های مالی و بدهی‌ها اثرات تراکنش‌ها را بر میزان دارائی‌های تحصیل شده توسط هر بخش و بر میزان بدهی‌های تقبل شده توسط آن بخش نشان می‌دهد. این اطلاعات در تشخیص دارائی‌های مالی که بخش‌های خالص وام گیرنده برای تأمین مالی کسری بودجه خود بکار می‌برند و بخش‌های خالص وام دهنده که برای تخصیص

مازاد خود استفاده می‌کنند بسیار با ارزش است. هرچند که تغییر جریان‌های مالی در این سطح از ثبت را می‌توان روشن ساخت، پرسشِ چه کسی، چه کسی را تأمین مالی می‌کند پاسخ داده نمی‌شود. جدول ۲۷-۳ نشان می‌دهد که شرکت‌های غیرمالی بدهی‌ها را به‌طور عمده در شکل وام و سایر حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری متقبل می‌شوند. شرکت‌های مالی خالص بدهی‌ها را با استفاده از گستره‌ی کاملی از ابزارهای مالی متقبل می‌شوند. با وجود این که ابزاری که بوسیله آن بدهی تقبل می‌شود در این حساب به روشنی نشان داده می‌شود، تشخیص بخشی که این منابع مالی را فراهم می‌کند ممکن نیست. بهمین ترتیب، خالص تحصیل دارائی‌های مالی را نیز می‌توان ردیابی کرد. خانوارها طیف گسترده‌ای از خالص دارائی‌های مالی را تحصیل می‌کنند، در حالی که شرکت‌های مالی آن دسته از خالص دارائی‌های مالی را که بیشتر به شکل وام یا اوراق بهادار هستند تحصیل می‌کنند. اما، از این سطحِ ثبت نمی‌توان تعیین کرد که برای کدامیک از بخش‌ها منابع مالی تأمین شده است.

۲۵-۲۷ برای درک کاملی از جریان‌های مالی و نقشی که آن‌ها در اقتصاد ایفاء می‌کنند، اغلب آگاهی از روابط مالیِ تفصیلی‌ترِ بین بخش‌ها و دارائی‌های مالی که منجر به برقراری روابط می‌شوند مهم است. برای مثال، نشان دادن این که کدام نوع از بدهی‌های دولت برای تأمین مالی کسری بودجه بکار می‌روند و چه بخش‌هائی (یا دنیای خارج) منابع مالی را تأمین می‌کنند مهم است. برای شرکت‌های مالی (و شرکت‌هائی که آن‌ها را سرپرستی می‌کنند)، نه تنها نشان دادن ترکیب دارائی‌های مالی (وام‌ها و اوراق بهادار) که آن‌ها تحصیل کرده‌اند جالب است بلکه بخش‌هائی که این‌ها بر آن ادعا دارند نیز مهم است. علاوه بر این، جریان‌های مالی بین زیربخش‌ها در درون یک بخش (تراکنش‌های مالی دولت مرکزی با دولت‌های محلی یا تراکنش‌های مالی بانک مرکزی با نهادهای سپرده پذیر) و بین بخش‌های مختلف (تغییر در ادعاهای نهادهای سپرده پذیر بر شرکت‌های غیرمالی دولتی) اغلب درخواست می‌شود. این نوع اطلاعات تفصیلی برای آگاهی از این که تأمین مالی چگونه انجام می‌شود و در طول زمان چگونه تغییر می‌کند لازم است.

جدول ۲۷-۳: حساب مالی – شکل خلاصه شده – تغییرات در دارائی‌ها

تغییرات در دارائی‌ها

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
خالص تحصیل دارائی‌های مالی	۸۳	۱۷۲	-۱۰	۱۸۹	۲	۴۳۶	۴۷		۴۸۳
طلای پولی و SDRها		-۱				-۱	۱		۰
پول و سپرده‌ها	۳۹	۱۰	-۲۶	۶۴	۲	۸۹	۱۱		۱۰۰
اوراق بدهی	۷	۶۶	۴	۱۰	-۱	۸۶	۹		۹۵
وام‌ها	۱۹	۵۳	۳	۳	۰	۷۸	۴		۸۲
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه-	۱۰	۲۸	۳	۶۶	۰	۱۰۷	۱۲		۱۱۹
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱	۷	۱	۳۹	۰	۴۸	۰		۴۸
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای	۳	۸	۰	۳	۰	۱۴	۰		۱۴
سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۴	۱	۵	۴	۱	۱۵	۱۰		۲۵

۲۶-۲۷ این رهیافت تفصیلی در تشریح نقشی که شرکت‌های مالی در تراکنش‌های مالی ایفاء می‌کنند دارای اهمیت ویژه‌ای است. شرکت‌های مالی اغلب در مقایسه با کل تراکنش‌های آن‌ها چه در دارائی‌های مالی چه در بدهی‌ها دارای تراز خالص وام‌دهی یا وام‌گیریِ بسیار ناچیزی هستند. این امر نقش اساسی واسطه‌گری‌های مالی را در بسیجِ منابع مالی و در دسترس قرار دادن آن‌ها برای بخش‌های دیگر نشان می‌دهد که در شکلی که برای آن‌ها مناسب است با تغییر شکل کاملِ بیشترِ دارائی‌های موجود ارائه می‌شود. به‌طور کلی‌تر، شرکت‌های مالی نقش مهمی را در کمک به واحدهای نهادی برای تراز دوباره‌ی بدره‌ی دارائی‌ها و بدهی‌ها با به حساب آوردن ترجیحات خود بین سرمایه‌گذاری امن و نرخ برگشت، ترجیح نقدینگی و آسانی در بحبوحه‌ی شرایط بازاری که به‌طور پیوسته در حال تغییر است بازی می‌کنند. از اینرو، شرکت‌های مالی یک نقش جدی در هدایت جریان‌های مالی از بخش‌های خالص وام دهنده به بخش‌های خالص وام‌گیرنده بازی می‌کنند و اجازه می‌دهند وام دهندگان ابزارهای دارائی خود را و وام گیرندگان شکل‌های بدهکاری خود را انتخاب کنند.

چارچوب حساب

۲۷-۲۷ جدول ۲۷-۴ تحلیل‌های مالیِ تفصیلی‌تری را که در بالا شرح داده شد با نشان دادن تراکنش‌های دارائی‌هائی که به‌طور متقاطع بر حسب نوع دارائی و برحسب بخش بدهکار طبقه بندی شده‌اند در قسمت نخست و نوع بدهی‌هائی که به‌طور متقاطع بر حسب بخش بستانکار طبقه بندی شده‌اند در قسمت مشابه دوم آسان می‌سازد. بخش‌هائی که دارای تراکنش در دارائی‌ها یا بدهی‌ها هستند ستون‌های جدول را تشکیل می‌دهند در حالی که انواع دارائی‌ها که بر حسب بخش بدهکار تفکیک شده‌اند در سطرها نشان داده می‌شوند. از نظر مفهومی ارائه همه‌ی روابط بین بستانکارها و بدهکارها در یک جدولِ واحد امکان پذیر است ولی این مستلزم جدولی با تعداد سلول‌های بسیار زیادی است که بسیاری از سلول‌های آن خالی خواهد بود.

جدول ۲۷-۳ (ادامه): حساب مالی – شکل خلاصه شده – تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

تراکنش‌ها و اقلام تراز کننده	شرکت‌های غیرمالی	شرکت‌های مالی	دولت	خانوارها	NPISHها	کل اقتصاد	دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
خالص وام دهی (+)/ خالص وام‌گیری (-)	-۵۶	-۱	-۱۰۳	۱۷۴	-۴	۱۰	-۱۰		۰
خالص تحصیل بدهی‌ها	۱۳۹	۱۷۳	۹۳	۱۵	۶	۴۲۶	۵۷		۴۸۳
طلای پولی و SDRها									
پول و سپرده‌ها		۶۵	۳۷			۱۰۲	-۲		۱۰۰
اوراق بدهی	۶	۳۰	۳۸	۰	۰	۷۴	۲۱		۹۵
وام‌ها	۲۱	۰	۹	۱۱	۶	۴۷	۳۵		۸۲
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه-	۸۳	۲۲				۱۰۵	۱۴		۱۱۹
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد		۴۸	۰			۴۸	۰		۴۸
مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای	۳	۸	۰	۰	۰	۱۱	۳		۱۴
سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی	۲۶	۰	۹	۴		۳۹	-۱۴		۲۵

۲۷-۲۸ جدول ۲۷-۴ صرفاً نوع تفصیلی را کـه کشـوری ممکـن اسـت بخواهد ارائه دهد روشن می‌سـازد. در ابتـدا ممکـن اسـت فقـط ستون‌هائی برای دولت، بخش مالی و دنیای خارج جدا از همه‌ی بخش‌ها نشان داده شـوند، ولـی حتـی در ایـن سـطح نیـز اگـر آمارهای پولی وجود داشته باشد، باید تجزیه‌ی بخـش مـالی بـه سه زیر بخشی که پیش از این شرح داده شد امکان پذیر باشد.

۲۷-۲۹ سرانجام، نشان دادن همه‌ی بخش‌های نهادیِ SNA و احتمـالاً زیر بخش‌هائی نظیر دولت مرکزی و شرکت‌های تحـت کنتـرل دولت مطلوب خواهد بود.

۲۷-۳۰ میزان تفصیل نشان داده شده برای ابزارهـای مـالی بـه موجـود بودن داده‌ها و اهمیت نسبی هریک بستگی خواهد داشت. آنچه که در پی می‌آید فهرستی از تفکیک‌های ممکن است.

۲۷-۳۱ پول و سپرده‌هـا ممکـن اسـت بـه تفکیـک پـول، سـپرده‌هـای انتقال‌پذیر و سایر سپرده‌ها ارائه شوند ضمن این کـه هریـک از اجزاء نیز با مشخص کردن قسمتی که به پول داخلی یا خـارجی بیان شده‌اند و این که بستانکار یا بدهکار مقیم است یا غیرمقیم متمایز شوند.

۲۷-۳۲ اوراق بدهی و وام‌ها ممکن است بر حسب سررسید (کوتاه مدت و بلند مدت) و نیز بر حسب بخش تفکیک شوند.

۲۷-۳۳ برای حقوق سهامداران تمایز بین مقیم و غیرمقیم بودن بنگاه‌ها و نیز تمایز بین سهام ثبت شده و ثبت نشده در بـورس و سـایر حقوق سهامداران می‌تواند کمک کننده باشد.

۲۷-۳۴ برای بیمه، طرح‌های ضمانت استاندارد و بـرای ابزارهـای مـالی ممکن است ارائه‌ی ساده‌ای فراهم شود زیرا یک طرف تراکنش باید شرکت مالی چه مقیم و چه غیرمقیم باشد. بـرای اختیـارات معامله‌ی سهام برای کارکنان، بدهکار باید یک شرکت مـالی یـا شرکت غیرمالی باشد. بسیاری از طرح‌های بازنشسـتگی توسـط شرکت‌های مالی اداره می‌شوند ولـی برخـی هـم ممکـن اسـت توسط کارفرمایانِ غیرمالی بدون درگیر شدنِ یک شرکت مـالی اداره شوند.

۲۷-۳۵ اعتبار تجاری و پیش پرداخت‌ها ممکن است توسط هـر بخشـی ایجـاد شـود. ادعـای صـندوق‌هـای بازنشسـتگی بـر مـدیران بازنشستگی در اصل ممکن است به هر بخشی مربوط باشد ولی احتمالاً خانوارها در آن درگیر نخواهند بـود. سـایر حسـاب‌هـای دریافتنی یا پرداختنی ممکن است به دو قسمتِ آن‌هائی کـه بـه مقیم‌ها و آن‌هائی که به غیرمقیم‌ها مربوط هستند تفکیک شوند.

۲۷-۳۶ شکل جدول ۲۷-۴ باید به عنوان یک مدل کلی در نظر گرفتـه شود، و انعطاف پذیری قابل توجهی در شـرایط خـاص کشـورها پذیرفتنی باشد. در بسیاری از کشورها، ابعاد جدول‌هـا بشـدت در گرو دسترسی به داده‌ها است. همچنین باید توجه داشت که این جدول‌ها گسترش یافته‌ی حساب مالیِ اصلی هستند و ایـن کـه برای تحلیل‌ها می‌توان بعد سومی را با شناسـائی روابـط خـاص دارائی یا بخشی (یا زیربخشی) که این سطح از تفصیل برای آن مفید خواهد بود به‌طور انتخابی اضافه کرد.

استفاده‌های تحلیلی

۲۷-۳۷ جدول جریان وجوهِ تفصیلی را می‌توان دستکم در سـه زمینـه‌ی مهمِ سیاست اقتصادی بکار برد. داده‌های برآمده از این جدول‌ها را می‌توان در تحلیل‌های اقتصادی و تشریح فعالیت و روندها در دوره‌های جاری بکار برد. آن‌ها می‌توانند کمکی برای پیش‌بینـی در رابطـه بـا تولیـدِ طـرح‌هـای اقتصـادی یـا ارزیـابی اثـرات سیاست‌های جاری اقتصادی، یا تغییرات آن‌ها، در مسیر آینـده‌ی اقتصاد باشند. آن‌ها همچنین می‌توانند در پروژه‌هائی بکـار بـرده شوند که مدل سازی اقتصادی را بـرای مطالعـات اقتصـادی بـه عهده دارند تا کمکی به تنظیم سیاست اقتصادی باشند. این نوع مطالعات، مکمل کار مشابهی است کـه بـا داده‌هـای برآمـده از حساب‌های دیگرِ SNA انجام می‌شود. این موضوع بویژه هنگام استفاده از حسابهـای جریـان وجـوه بـرای تسـهیل مطالعـه‌ی عملکردِ نظام مالی در اقتصاد برای مربوط ساختن این تراکنش‌ها به رفتار اقتصاد غیرمالی مهم است. بهمین ترتیب، حسـاب‌هـای جریان وجوه مطالعه‌ی فرآینـد ایجـادِ برابـری بـین پـس‌انـداز و سرمایه‌گذاری را، با ردیابی کانال‌هائی که از طریق آن‌ها خـالص وام‌دهی پس از عبور از میـان شـرکت‌هـای مختلـف مـالی بـه وام‌گیری نهائی می‌رسد، آسان می‌سازد.

۲۷-۳۸ در زمینه سیاست‌گذاری، با چند مثال می‌توان مفید بودن این جدول‌ها را روشن ساخت. مسائل رایجِ سیاست‌گذاری که بسیاری از ملت‌ها با آن مواجه هستند سؤال‌هائی را در بر می‌گیرد نظیر: کسری بودجه دولت چگونه تأمین مالی خواهد شد؟ شرکت‌های غیرمالیِ بزرگِ دولت چگونه و توسط چه کسی تأمین مالی خواهند شد؟ در هریک از مثال‌ها، آماده کردن پاسخ به سؤال‌ها نیازمند تحلیل‌های اثربخشی در بخش‌های مختلف و در انواع تراکنش‌ها است. ارائه‌ی بهم پیوستگی حساب‌ها در چارچوب جریان وجوه، تحلیل‌ها را آسان می‌سازد و چارچوبی ارائه می‌دهد که در آن می‌توان به پاسخ‌های فوق دست یافت.

۲۷-۳۹ در زمینه پیش بینی‌های مالی، استفاده از سری‌های زمانی از قسمت‌های مربوطه جدول‌های جریان وجوه این امکان را بوجود می‌آورد که سازگاری تعدادی از پیش بینی‌های بازار یا بخشی که جداگانه آماده شده است، و پیامدهای تراکنش‌های مالی آینده‌ی مجموعه خاصی از فرض‌ها درباره رخدادهای آینده (برای مثال، نرخ بهره‌ها، نرخ ارزها، رشد، مازاد یا کسری بخش‌ها) مورد بررسی قرار گیرد.

۲۷-۴۰ زمینه‌های دیگر سیاست‌گذاری‌ها که این پیش‌بینی‌ها و مطالعات می‌توانند کمک کننده باشند، بررسیِ توسعه بلند مدت بازارها و نهادهای مالی در اقتصاد وارزیابی نیاز برای انواع جدیدی از دارائی‌هاست که تقاضای بالقوه‌ی پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذارانی را که نیازمندِ دستیابی به دارائی‌های نقد شونده‌ی قابل اعتماد هستند، برآورده سازد.

۲. حساب‌های موجودی

۲۷-۴۱ همان‌گونه که جدول‌هائی مانند جدول‌های بالا را می‌توان برای جریان‌ها تهیه کرده و به‌طور سودمندی تحلیل کرد، تهیه جدول‌های کاملاً مشابه با آن‌ها بر حسب موجودی‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها نیز می‌تواند مفید و آگاهی دهنده باشد. جائی که جریان‌ها می‌توانند از دوره‌ای به دوره بعدی نسبتاً بی ثبات باشند، سطح موجودی‌ها احتمالاً دارای ثبات بیشتری است و میزان نوسانات سطح موجودی می‌تواند اطلاعات اضافیِ دارای اهمیت ویژه‌ای را ببار آورد.

جدول ۲۷-۴: چارچوب جدول تفصیلی جریان وجوه یا موجودی دارائی‌های مالی به تفکیک بدهکار و بستانکار

قسمت ۱: دارائی و بستانکار قسمت ۲: بدهی و بدهکار	بخش‌ها و زیر بخش‌ها
طلای پولی و حق برداشت ویژه	
طلای پولی	
SDRها	
پول و سپرده‌ها	
پول	
پول ملی	
مقیم	
غیرمقیم	
ارز خارجی	
سپرده‌های انتقال پذیر	
موجودی بین بانک‌ها	
سایر سپرده‌های انتقال پذیر	
پول ملی	
مقیم	
غیرمقیم	
ارز خارجی	
مقیم	
غیرمقیم	
سایر سپرده‌ها	
پول ملی	
مقیم	
غیرمقیم	
ارز خارجی	
مقیم	
غیرمقیم	
اوراق بدهی*	
کوتاه مدت	
{بخش‌ها}	
بلند مدت	
{بخش‌ها}	
وام‌ها	
کوتاه مدت	
{بخش‌ها}	
بلند مدت	
{بخش‌ها}	
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	
حقوق سهامداران	
سهام ثبت شده در بورس	
بنگاه‌های مقیم	
بنگاه‌های غیرمقیم	
سهام ثبت نشده در بورس	
بنگاه‌های مقیم	
بنگاه‌های غیرمقیم	
سایر حقوق سهامداران	
بنگاه‌های مقیم	
بنگاه‌های غیرمقیم	
سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	
سهام یا یونیت‌های سهام صندوق بازار پول	
بنگاه‌های مقیم	
بنگاه‌های غیرمقیم	
سهام یا یونیت‌های سایر صندوق‌های سرمایه‌گذاری	
بنگاه‌های مقیم	
بنگاه‌های غیرمقیم	
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	
ذخائر فنی بیمه غیرزندگی	
حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری سالانه	
حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	
ادعای صندوق بازنشستگی بر مدیران بازنشستگی	
حق برخورداری از مزایای غیر بازنشستگی	
ذخائر مطالبات تحت ضمانت‌های استاندارد	
مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	
مشتقات مالی	
اختیار معامله	
پیمان آتی	
اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	
سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	
اعتبار تجاری و پیش پرداخت‌ها	
{بخش‌ها}	
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی	
{بخش‌ها}	

فصل ۲۸: تحلیل‌های داده – ستانده و دیگر تحلیل‌های ماتریس مبنا

الف. مقدمه

۱–۲۸ هدف از این فصل این است که جدول‌های عرضه و مصرف ارائه شده در فصل ۱۴ را مبنا قرار داده و امکاناتی را که با استفاده از شکل ماتریسی ارائه حساب‌ها فراهم می‌شود با تفصیل بیشتری بررسی کند. همان‌گونه که در موقعیت‌های مختلف نیز اشاره شده است، در پیاده سازی SNA به شرطی که قواعد اصلی حسابداری رعایت شوند درجه‌ای از انعطاف‌پذیری در نظر گرفته شده است. نیاز مسلم به تراز بلافاصله‌ی مصارف و منابع در چارچوب یک ماتریس، آن را برای بررسی تفصیلی گزینه‌های مختلف روشی قوی می‌سازد البته در صورتی که تراز رضایت بخش باشد. یکی از اهداف این فصل این است که توانائی ارائه‌ی ماتریسی را در این روش نشان دهد.

۱. جدول‌های داده – ستانده

۲–۲۸ هدف دوم تشریحِ ایده‌ی اولیه‌ی ماتریس‌های داده– ستانده است. جدول‌های عرضه و مصرف جزء جدا نشدنی SNA هستند و فرآیند تهیه‌ی این جدول‌ها روشی قوی برای اطمینان از سازگاری بین منابع داده‌های موجود برای تهیه کننده است. بنابراین برای بسیاری از مقاصد تحلیلی تبدیل یک جفت جدول‌های عرضه و مصرف به یک جدول داده– ستانده که جمع سطرها و جمع ستون‌های آن با هم برابر باشند مزایای قابل ملاحظه‌ای را به همراه دارد. جدول‌های داده– ستانده را نمی‌توان بدون گذر از مرحله‌ی عرضه و مصرف تهیه کرد (مگر با فرض‌های بسیار محدود کننده). از اینرو، این جدول‌ها دارای نوعی ساختار تحلیلی هستند که تهیه‌ی آن‌ها به طور اجتناب ناپذیری تا حدودی درگیرِ مدل سازی می‌شود.

۳–۲۸ ادبیات فراوانی درباره تهیه‌ی جدول‌های داده– ستانده و کاربرد آن‌ها وجود دارد و ارائه‌ی دانش کامل درباره‌ی گستره‌ی پیچیدگی‌های تهیه و نوآوری کاربردها در این فصلِ کوتاه امکان پذیر نیست. هدف این فصل تنها ارائه درکی از عملیات لازم برای تبدیل جدول‌های عرضه و مصرف به جدول‌های داده– ستانده و ارائه ایده‌هائی از کاربردهای احتمالی آن‌هاست. *دستنامه جدول‌های عرضه، مصرف و داده– ستانده* و نگاهی به وب سایت انجمن بین‌المللی داده– ستانده (www.iioa.org) منابع خوبی برای شروع تحقیقات مفصل‌ترِ ممکن در این زمینه هستند.

۲. ماتریس حسابداری اجتماعی

۴–۲۸ هردوی جدول‌های عرضه و مصرف و جدول‌های داده– ستانده شکل ماتریسیِ حساب کالاها و خدمات هستند. این نیز امکان پذیر است که همه‌ی توالی حساب‌ها از جمله حساب کالاها و خدمات در چارچوب یک ماتریس قرار داده شود. این نوع ماتریس، ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) نامیده می‌شود.

۵–۲۸ همچنین امکان پذیر است که SAM با معرفیِ شیوه‌های دگرسان تفکیک جریان‌های موجود یا انواع جریان‌های جدید، گسترش و توضیح داده شود، به شرطی که مصارف و منابع این جریان‌ها به شیوه‌ای معمول تراز شوند. چارچوبِ رایجِ SAM است که موجب می‌شود درکِ معمول از SAM اغلب فراتر از ماتریسی باشد که در برگیرنده‌ی توالی استاندارد حساب‌هاست تا گسترش‌ها را بویژه در بخش خانوار در برگیرد.

۳. ساختار فصل

۶–۲۸ فصل ۱۴ توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان جدول‌های عرضه و مصرف را برای اطمینان از سازگاریِ داخلیِ ناهمخوانی‌های مجموعه‌ی داده‌ها بکار برد. بخش ب در این

فصل نگاهی دارد به دو جنبه‌ی خاص از جدول‌های عرضه و مصرف که می‌تواند برای اتخاذ رهیافتی متفاوت از آنچه که در فصل ۱۴ توضیح داده شد مفید باشد. نخستین این‌ها مربوط به نحوه‌ی برخورد با هزینه‌های بیمه و حمل و نقل بار در کالاهای وارد شده است و دومی مربوط به نحوه برخورد با کالاهائی است که توسط واحدی غیر از مالک قانونی آن‌ها فرآوری می‌شوند. در بخش ب همچنین این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد که اطلاعات متقاطع بر حسب کارگاه و صنعت (رشته فعالیت) را چگونه می‌توان به اطلاعات مربوط به بخش‌های نهادی تبدیل کرد.

۷-۲۸ بخش پ اختصاص به این موضوع دارد که چگونه یک جفت جدول عرضه و مصرف ممکن است به یک ماتریس داده- ستانده متقارنِ واحد تبدیل شود. هریک از جدول‌های عرضه و مصرف به تفکیک محصولات و صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) نشان داده می‌شوند. در یک جدول داده- ستانده‌ی واحد یکی از این ابعاد حذف می‌شود. از اینرو، یک جدول واحد ممکن است رابطه‌ی بین عرضه و مصرف محصولات یا در شیوه‌ی دگرسان (جایگزین)، ستانده‌ی صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) و تقاضا برای ستانده‌ی صنعت‌ها (رشته فعالیت) را نشان دهد.

۸-۲۸ در ادامه، بخش ت نشان می‌دهد که چگونه کل سیستم حسابداری را می‌توان به شکل ماتریس نشان داد. این یک ابزار آموزشی مفید است که می‌تواند برای گام نهادن در راه گسترش حساب‌ها از جمله ماتریس حسابداری اجتماعی یک راهنما باشد.

ب. انعطاف پذیری در جدول‌های عرضه و مصرف

۱. نحوه برخورد با حاشیه‌های (مارژهای) مربوط به واردات

۹-۲۸ در مبحث ارزش‌گذاری در بخش ب فصل ۱۴، درباره‌ی چگونگیِ وارد کردن حاشیه‌های حمل و نقل در حساب‌ها و بویژه چگونگی ثبت هزینه‌های حمل و نقلِ بین‌المللی مسائلی مطرح شد. پاراگراف‌های ۱۴-۶۱ الی ۱۴-۷۷ توضیح می‌دهد که تنها مقایسه‌ی بین قیمت‌های پایه و خریدار به تفاوت بین قیمت‌های مبتنی بر سیف و فوب تعمیم داده نمی‌شود. تفاوت این دو قیمت بستگی به این دارد که واحدی که کالاها را فراهم می‌کند مسئول ارائه خدمات حمل و نقل و بیمه است یا واحدی که حمل و نقل و تحویل کالاها را به‌عهده دارد. پاراگراف ۱۴-۷۷ بحث را با خلاصه‌ای از مسائل عملی در بدست آوردن ارزش مورد بحث از منابع موجودِ داده‌ها به پایان می‌رساند. این موضوع مجدداً برای سهولتِ در کار در اینجا نیز آورده شده است.

۱۰-۲۸ ممکن است از گزارش‌های گمرک، واحدِ مسئول هزینه‌های حمل و نقل را نتوان تعیین کرد و حتی هنگامی که این کار امکان پذیر باشد و از نظر مفهومی نیز لازم است هزینه‌های حمل و نقل از ارزشِ خودِ کالاها جدا شود، در عمل ممکن است اطلاعات و منابعی برای جداسازی در دسترس نباشد. در چنین مواردی ارزش سیف واردات می‌تواند تنها منبعِ موجود به تفکیک نوع کالا باشد. ولی، اگر ارقام تفکیک شده‌ی سیف برای وارداتِ کالاها مورد استفاده قرار گیرد آن قسمت از هزینه‌های حمل و نقل و بیمه‌ای که در واردات خدمات وجود دارد دوباره شماری خواهد شد. بنابراین برای اجتناب از این امر، یک ستونِ تعدیل در جدول مصرف اضافه می‌شود. در ستون تعدیل، هزینه‌های حمل و نقل و بیمه برابر با تعدیل سیف به فوب برای این اقلام از اقلام این خدمات کسر می‌شود و یک قلم کلِ تعدیل خنثی کننده برای واردات کالاها ساخته می‌شود. جدول ۱۴-۴، که در اینجا دومرتبه تحت عنوان جدول ۲۸-۱ آورده شده است مثالی درباره‌ی این تعدیل ارائه می‌دهد.

جدول ۲۸-۱: مثالی از اقلام ورودی واردات در جدول عرضه با تعدیل کلی سیف به فوب

	تعدیل سیف به فوب	کالاها	خدمات
محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)		۳۷	
سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)		۶۱	
محصولات صنعت ساخت (۴-۲)		۲۸۴	
ساختمان (۵)			
بازرگانی، اقامتگاه، خوراک و آشامیدنی؛ خدمات حمل و نقل (۶)	-۶		۶۲
خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	-۴		۱۷
خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)			
خدمات کسب و کار و تولید (۸)			۵
خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)			
سایر خدمات (۹۹-۹۴)			
امور عمومی (۹۱)			
تعدیل سیف به فوب	۱۰	-۱۰	
خریدهای مقیم‌ها از خارج		۲۰	۲۳
کل	**۰**	**۳۹۲**	**۱۰۷**

۲۸-۱۱ این ستونِ تعدیل، تخصیص دوباره‌ی خدمات حاشیه‌ای از صنعت‌هائی (رشته‌فعالیت‌هائی) که در آن تولید می‌شوند (توسط تولید کنندگان مقیم یا غیرمقیم) به یک سطرِ تعدیل برای تعدیلِ سیف به فوب را نشان می‌دهد. ستون ارزش کالاها که صنعت (رشته فعالیت) به صنعت (رشته‌فعالیت) ارائه شده است عنصری از این حاشیه‌های (مارژهای) خدمات را در بر دارد، ولی این‌ها در سطر تعدیل سیف به فوب کسر شده‌اند تا کل رقم با کل واردات برحسب فوب برابر شود. تعدیلات در این ستون معادل ستون مشابهی است که می‌توانست برای روشن ساختنِ تعدیل بین قیمت‌های خریدار و پایه نشان داده شود.

۲۸-۱۲ رویه‌ی ساده تر از آنچه که شرح داده شد، اگرچه کاملاً با توصیه‌های *BPM6* سازگار نیست، رویه‌ای است که در آن از تفکیکِ کالاها از خدمات که در تراز پرداخت‌ها توصیه شده است چشم پوشی شود و ارقام واردات خدمات با میزان خدمات ارائه شده توسط غیرمقیم‌هائی که در ارقام تفصیلی برای واردات کالاها منظور شده‌اند تعدیل شوند. این رویه اطمینان می‌دهد که کل واردات کالاها و خدمات با کل آن‌ها در تراز پرداخت‌ها سازگار است ولی با کل واردات کالاها برحسب فوب و کل خدمات نشان داده شده در آنجا سازگار نیست. این کار تهیه‌ی جدول‌های عرضه و مصرف را آسان‌تر می‌کند ولی به این معنی است که استفاده از کالاها بر مبنای فوب برای هماهنگ شدن با صادرات آن کالاها از کشورهای دیگر ممکن نیست. اما حتی در این رویه‌ی ساده نیز باید مبلغ هزینه‌های حمل و نقل بار و بیمه‌ی مربوط به واردات که توسط مقیم‌ها ارائه می‌شوند به عنوان صادرات خدمات نشان داده شوند.

۲. کالاهای فرآوری شده توسط واحدهائی که مالک اقتصادی آن نیستند

۲۸-۱۳ تولید کننده‌ای ممکن است فعالیت یکسانی را تحت شرایط کاملاً متفاوت با یکدیگر انجام دهد. کشاورزی را ملاحظه فرمائید که غلات پرورش می‌دهد و پیش از استفاده، آن را آسیاب کرده تبدیل به آرد می‌کند. فرض کنید کشاورزی برای فرآوری غلاتِ متعلق به خود آسیابی تحصیل کند ولی پس از تحصیل آن ممکن است پیشنهاد کند غلات دیگران را نیز در مقابل دریافت حق‌الزحمه آسیاب کند. حساب تولید برای کشاورزی که دارای آسیاب است با کشاورزی که آسیاب ندارد ولی به کشاورز اول برای آسیاب کردن حق‌الزحمه پرداخت می‌کند قدری متفاوت دیده می‌شود اگرچه هردوی آن‌ها آرد برای فروش تولید می‌کنند.

۲۸-۱۴ در مثال آسیاب کردن، انعقاد قراردادِ فرعی با دیگری برای انجام فعالیت، می‌تواند به دلیلِ دسترسیِ واحد دوم به سرمایهی ثابتِ مناسب باشد. اما به طور روزافزونی فرآیندهای مشابهی به‌صورت بین‌المللی و در رابطه با فعالیت‌هائی که بیشتر با فعالیت‌های صنعت ساخت همراه هستند، نظیر هم‌بندیِ (مونتاژ) قطعات، انجام می‌شوند. در اینجا انگیزه‌ی دسترسی به سرمایه، کمتر از انگیزه‌ی هزینه‌های نیروی کار است. اگر متوسط دستمزد در کشور X نصف کشور Y باشد، برای واحدی که در کشور Y است ممکن است صرفه در این

کار باشد که قطعات را برای هم‌بندی به واحدی که در کشور X است ارسال کند و سپس محصول تکمیل شده را به Y برگرداند یا حتی مستقیماً از آنجا به خریدار نهائی منتقل کند.

۲۸-۱۵ نسخه‌های قبلیِ SNA، توصیه کرده‌اند که قطعاتی که برای هم‌بندی به واحد کشور X ارسال می‌شوند باید به صورت تحویل داده شده به واحد کشور X در نظر گرفته شوند و کل ارزش محصولِ تکمیل شده به عنوان ستانده‌ی X و صادرات از X به Y ثبت شود. این کار با نحوه‌ی برخورد با آسیاب کردنِ غلات یا مثلاً تعمیر ماشین آلات که برای آن‌ها این نوع تغییر مالکیت کالاهای فرآوری شده احتساب نمی‌شود، هماهنگ نیست. احتساب تغییر مالکیتِ قطعاتی که باید هم‌بندی شوند منجر به مسائل قابل ملاحظه‌ی تهیه‌ی داده‌ها می‌شود زیرا ارزش محصول هم‌بندی شده می‌تواند بیشتر از هزینه‌ی اجزا بعلاوه‌ی حق‌الزحمه برای هم‌بندیِ آن‌ها باشد. ارزش محصول تکمیل شده ممکن است برای نمونه نتایج تحقیق و توسعه‌ی واحدی را که برای هم‌بندی قرارداد می‌بندد در بر داشته باشد. در SNA فعلی توصیه شده است که محصولات فقط هنگامی باید به عنوان تحویل داده شده به واحد دیگر ثبت شوند که تغییر مالکیت رخ دهد یا، در موردی که هردو واحد تولید کننده متعلق به یک بنگاه هستند، واحد تولید کننده‌ای که عهده دار تحویل کالای هم‌بندی (مونتاژ) شده است مسئولیت ریسک‌ها و پاداش‌های بعدی تولید نظیر تصمیم‌گیری در باره مقداری که باید فرآوری شود، قیمتی که باید مطالبه شود حتی زمانی که باید فروخته شود را نیز بپذیرد.

۲۸-۱۶ سؤالی که مطرح می‌شود این است که فعالیت هم‌بندیِ کالاهائی که به واحد دیگری سفارش داده می‌شود چگونه باید در جدول‌های عرضه و مصرف و جدول داده- ستانده ثبت شود. فرآیندهای هم‌بندی برای خود و برای دیگری از نظر فیزیکی مشابه هستند ولی اقتصاد آن‌ها متفاوت است.

۲۸-۱۷ فرض کنید در سال ۱، واحد فرآوری کننده فقط به حساب خود محصولات را تبدیل می‌کند. در سال ۲ این واحد به همان اندازه‌ی سال قبل به حساب خود فرآوری می‌کند و به همان اندازه نیز از طرف واحد دیگری فرآوری می‌کند. فرض کنید هزینه‌ی اقلام فرآوری شده در سال ۱ معادل ۹۰، هزینه‌ی محصولات مربوطه‌ی مورد نیاز به هم‌بندی آن‌ها ۱۰ و ارزش افزوده‌ی فعالیت ۳۵ است. بنابراین ارزش کل ستانده ۱۳۵ خواهد بود. در سال ۲، با فرض این که همه‌ی چیزهای دیگر برابر هستند، مصرف واسطه با افزایش ۱۰ واحد، به ۱۱۰ و ارزش افزوده به ۷۰ می‌رسد که منجر به ارزش ستانده‌ای برابر با ۱۸۰ می‌شود. اگاهی از تغییر در ساختار تولید در نبودِ اطلاعات مربوط به تغییر در نقش تولید کننده‌ای که دیگر فقط از طرف خود عمل نمی‌کند بلکه از طرف دیگران نیز عمل می‌کند مشکل است.

۲۸-۱۸ دو راه برای اقدام وجود دارد. نخست این که با فعالیتِ فرآوری به حساب خود و فرآوری از طرف دیگری به صورت دو نوع فعالیت مختلف و محصولات مختلف برخورد شود. در این روش در سال دوم، تولید کننده فعالیتی با نهاده‌های ۱۰۰، ارزش افزوده‌ی ۳۵ و ستانده‌ی ۱۳۵ مانند سال اول، بعلاوه فعالیت دیگری با نهاده‌های ۱۰، ارزش افزوده‌ی ۳۵ و ستانده‌ی ۴۵ خواهد داشت.

جدول ۲۸-۲: گزینه‌های ثبت کالاهای بدون تغییر مالکیت اقتصادی

	سال ۱	سال ۲	گزینه ا		گزینه
هزینه مواد	۹۰	۹۰	۹۰		۱۸۰
سایر هزینه‌ها	۱۰	۲۰	۱۰	۱۰	۲۰
کل مصرف واسطه	۱۰۰	۱۱۰	۱۰۰	۱۰	۲۰۰
ارزش افزوده	۳۵	۷۰	۳۵	۳۵	۷۰
ستانده	۱۳۵	۱۸۰	۱۳۵	۴۵	۲۷۰

۲۸-۱۹ راه دوم این است که نهاده‌های واسطه در سال دوم برابر با ۲۰۰، ارزش افزوده ۷۰ و ستانده ۲۷۰ نشان داده شود (هزینه مواد معادل ۹۰، هم به ستانده و هم به مصرف واسطه اضافه می‌شود، مترجم). ارزش افزوده در هردو گزینه یکسان است و در مقایسه‌ی بین سال اول و سال دوم، تغییر شکل بیشتری در گزینه ۲ بوجود می‌آید. اما، اضافه کردن ۹۰ به هردوی ستانده و مصرف واسطه اساساً ساختگی است. علاوه براین، همان گونه که در بالا اشاره شد، ممکن است برای فرآوری کننده ارزش گذاشتن روی قطعاتی که دریافت می‌کند و ستانده‌ای که برای واحد دیگری فراهم می‌کند مشکل باشد.

شانسی که وجود دارد این است که او می‌داند که حق‌الزحمه‌ای معادل ۴۵ دریافت می‌کند تا هزینه‌های عملیاتی معادل ۱۰ را تأمین کند و ارزش افزوده‌ای به میزان ۳۵ را در این مورد ایجاد کند. این گزینه‌ها در جدول ۲۸-۲ نشان داده شده است.

۲۸–۲۰ لازم به تأکید است که برای کالاهای ارسال شده به خارج برای فرآوری، توصیه‌ی SNA و نیز توصیه‌ی *BPM6* گزینه‌ی ۱ است. گزینه‌ی ۲ به عنوان ارائه مکمل نشان داده می‌شود که به دلیل استمرارِ نحوه‌ی عمل سیستم گذشته حساب‌های ملی می‌تواند اتخاذ شود. گزینه ۱ فرآیندهای اقتصادی را که انجام می‌شوند با دقت بیشتری منعکس می‌کند در حالی که گزینه ۲ روی تغییر شکل فیزیکی فرآیندها تمرکز دارد.

۲۸–۲۱ چه در SNA و چه در *BPM6*، کالاهائی که برای فرآوری به خارج ارسال می‌شوند به عنوان صادراتِ کالاها توسط کشور دارنده‌ی مالکیت اقتصادی و به عنوان وارداتِ کالاها توسط کشور فرآوری کننده ثبت نمی‌شوند. به همین ترتیب، بعد از فرآوری نیز به عنوان صادرات کالاها توسط کشور فرآوری کننده و به عنوان واردات کالاها توسط کشور دارای مالکیت اقتصادی ثبت نمی‌شوند. تنها قلم ثبت شده به عنوان واردات و صادرات، حق‌الزحمه‌ی توافق شده بین مالک اقتصادی و فرآوری کننده است.

۲۸–۲۲ جریان‌های فیزیکیِ کالاها همچنان ادامه خواهد داشت تا در ارقام تجارت بین‌المللی کالاها نشان داده شوند. اما، کُدِ محصولِ بعد از فرآوری ممکن است با کدِ آن هنگام ورود متفاوت باشد، که این امر هماهنگ کردنِ جریان‌های ورودی و خروجی را مشکل می‌سازد.

۲۸–۲۳ ارائه‌ی گزینه‌ی ۲ اشاره بر این دارد که حق‌الزحمه را می‌توان به صورت تفاوت ارزش کالاها هنگام ورود به کشور فرآوری کننده و خروج از آن کشور بدست آورد ولی با وجود این که این تفاوت گاهی اوقات می‌تواند تقریبی از حق‌الزحمه‌ی فرآوری را ارائه دهد، دلایل بسیاری وجود دارند که ممکن است این‌گونه نباشد.

الف. اگر فرآوری مدت زمان زیادی طول بکشد، ممکن است مشمول منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن شود که در ارزش کالاها تأثیر بگذارد. این‌ها به مالک اقتصادی تعلق می‌گیرند، نه به فرآوری کننده.

ب. کالاها ممکن است در جریانِ فرآوری گم شوند یا آسیب ببینند یا فقط از مد بیافتند. (این در مورد قطعات الکترونیکی مشاهده شده است). این نوع سایر تغییرات در حجم نیز به مالک اقتصادی اعمال می‌شود و نه به فرآوری کننده.

پ. ارزش کالاهای فرآوری شده ممکن است بیشتر از هزینه‌های قطعات و حق‌الزحمه‌ی فرآوری باشد که این ارزشِ اضافی به اندازه‌ای است که محصول تکمیل شده قسمتی از ارزش R&D را که به عنوان تشکیل سرمایه ثابت مالک اقتصادی تلقی می‌شود در بر دارد.

۲۸–۲۴ همه‌ی این شرایط، ترجیحِ گزینه ۱ نسبت به گزینه ۲ در جدول ۲۸-۲ را تقویت می‌کند.

۳. جدول‌های عرضه و مصرف و حساب‌های بخشی

۲۸–۲۵ همان‌گونه که در فصل ۱۴ توضیح داده شد، سه نوع برآوردِ GDP را می‌توان از مجموعه جدول‌های عرضه و مصرف بدست آورد. از آنجا که این جدول‌ها را می‌توان برحسب حجم نیز بیان کرد، نرخ رشد اقتصادی را نیز می‌توان بر اساس این جدول‌ها برآورد کرد. اما، برای تکمیل توالی حساب‌ها، لازم است حساب تولید برحسب بخش‌های نهادی تنظیم شود. برای حصول اطمینان از این که جدول عرضه و مصرف و توالی حساب‌ها به طور کامل یکپارچه و سازگار هستند، لازم است در آن قسمت از جدول مصرف که مصرف واسطه و اجزای ارزش افزوده را نشان می‌دهد، ستون‌ها به بخش‌ها منتسب شوند.

۲۸–۲۶ نقطه‌ی شروعِ تهیه این نوع جدول‌ها، آن قسمت از جدول مصرف در جدول شماره‌ی ۱۴-۱۲ است که به مصرف واسطه و ارزش افزوده مربوط می‌شود. این جدول قدری تجمیع شده

و در جدول ۲۸-۳ نشان داده شده است.

۲۸-۲۷ آسان ترین کارِ انتسابِ ستون‌ها به بخش‌های نهادی، مربوط به شرکت‌های مالی است زیرا به طور معمول این نوع شرکت‌ها فعالیت ثانوی ندارند و واحدهای نهادی دیگر نیز هیچ‌گونه فعالیت مالی انجام نمی‌دهند. وقتی این شرایط حاکم است، می‌توان ستون‌های فعالیت مالی و بیمه را به طور کامل به این بخش منتسب کرد. امکان این که شرکت‌های مالی مقداری تولید برای استفاده نهائی خود (به عنوان تشکیل سرمایه) داشته باشند وجود دارد، که در این صورت باید جزئی از یک ستونِ مناسب در قسمت مربوط به تولید به‌حساب خود در جدول ۲۸-۳ اضافه شود. در این مثال این نوع تعدیل صورت نگرفته است.

۲۸-۲۸ ستون‌های مربوط به تولید کنندگان غیربازاری باید به دولت و NPISHها منتسب شوند. بعلاوه، این نیز امکان پذیر است که چه دولت چه NPISHها کارگاهی داشته باشند که تولید بازاری انجام دهد، هرچند در این مثال چنین موردی وجود ندارد. به این دلیل است که تولیدکنندگان غیربازاری می‌توانند به میزان کمی مازاد عملیاتی داشته باشند. همچنین این امکان نیز وجود دارد که هم دولت و هم NPISHها مقداری تولید برای استفاده نهائی خود (به عنوان تشکیل سرمایه) داشته باشند ولی هیچ‌کدام از این موارد در جدول ۲۸-۳ منظور نشده‌اند.

جدول ۲۸-۳: جدول مصرف از جدول ۱۴-۱۲

	عرضه محصولات	جمع عرضه به قیمت خریدار		مالیات بر محصول	یارانه بر محصول		مصرف واسطه‌ی صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) (برحسب رده‌های ISIC)											
							بازاری											
							کشاورزی، جنگلداری و شیلات	صنعت ساخت و سایر	ساخت و ساز	بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا	اطلاعات و ارتباطات	خدمات مالی و بیمه	فعالیت‌های مستغلات	خدمات کسب و کار	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	سایر خدمات	زیر جمع بازاری
		(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(A) (۶)	(B-E) (۷)	(F) (۸)	(G-I) (۹)	(J) (۱۰)	(K) (۱۱)	(L) (۱۲)	(M-N) (۱۳)	(P-Q) (۱۴)	R-T و U (۱۵)	(۱۶)
	محصولات (بر حسب بخش‌های CPC)																
	جمع مصارف																
۱	محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۱۲۸					۲	۷۱	۰	۳	۱	۲	۱	۲	۰	۰	۸۲
۲	سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۲۶۳					۳	۱۹۰	۱	۶	۳	۲	۱	۲	۰	۰	۲۰۸
۳	محصولات صنعتی (۴-۲)	۲ ۱۶۱					۲۷	۶۷۵	۶۳	۴۴	۱۶	۱۶	۹	۱۹	۴	۵	۸۷۸
۴	ساختمان (۵)	۲۶۱					۱	۹	۵	۳	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۲۲
۵	خدمات بازرگانی، اقامتگاه، غذا و آشامیدنی؛ حمل و نقل (۶)	۲۱۶					۳	۶۵	۳	۲۵	۴	۴	۲	۴	۰	۰	۱۱۰
۶	خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳-۷۲)	۱۵۹					۱	۳۶	۵	۱۸	۱	۳	۳	۷	۱	۱	۷۶
۷	خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۱۹۵					۱	۱۵	۱	۸	۲	۵	۲	۴	۰	۱	۳۹
۸	خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۲۷۲					۲	۷۰	۱۲	۱۵	۱۰	۱۸	۹	۱۹	۷	۹	۱۷۱
۹	خدمات عمومی و اجتماعی (۹۳-۹۲)	۲۷۵					۰	۱	۰	۰	۰		۰	۱	۰	۰	۲
۱۰	سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۹۵					۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۶
۱۱	اداره امور عمومی (۹۱)	۱۶۸					۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۲	خریدهای مستقیم از خارج توسط مقیم‌ها	۴۳															۰
۱۳	خریدهای داخلی توسط غیرمقیم‌ها	۰															۰
۱۴	جمع	۴ ۲۳۶					۴۱	۱ ۱۳۳	۹۰	۱۲۳	۳۹	۵۲	۲۸	۶۰	۱۲	۱۶	۱ ۵۹۴
۱۵	جمع ارزش افزوده‌ی ناخالص/ GDP			۱۴۱	۸-		۳۷	۷۲۸	۱۱۸	۱۳۹	۶۱	۹۴	۶۶	۱۲۳	۵۱	۶۶	۱ ۴۸۳
۱۶	جبران خدمات کارکنان						۱۹	۵۴۷	۷۹	۱۰۲	۳۲	۴۴	۴۹	۷۹	۴۳	۴۷	۱ ۰۴۱
۱۷	مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات			۱۴۱	۸-		۲-	۴۳	۵	۵-	۱-	۴	۶	۴	۱	۱	۵۶
۱۸	درآمد مختلط، ناخالص						۴	۳۰	۳	۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۶
۱۹	مازاد عملیاتی، ناخالص						۱۶	۱۰۸	۳۱	۳۳	۳۰	۴۶	۱۱	۴۰	۷	۱۸	۳۴۰
۲۰	مصرف سرمایه ثابت- در آمد مختلط						۱	۳	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵
۲۱	مصرف سرمایه ثابت- سایر						۸	۸۰	۱۱	۳۰	۷	۱۲	۵	۱۲	۱	۲	۱۶۸
۲۲	کل ستانده						۷۸	۱ ۸۶۱	۲۰۸	۲۶۲	۱۰۰	۱۴۶	۹۴	۱۸۳	۶۳	۸۲	۳ ۰۷۷
۲۳	نهاده‌های نیروی کار (ساعات کار انجام شده)						۱ ۸۴۰	۳۱ ۹۶۲	۴ ۲۴۴	۸ ۷۸۶	۱ ۳۳۲	۱ ۲۹۰	۹۲۰	۱ ۵۶۲	۴۹۴	۶۴۲	۵۳ ۰۷۲
۲۴	تشکیل سرمایه ثابت						۱۰	۱۲۲	۸	۴۹	۱۴	۷	۵	۷	۱	۲	۲۲۵
۲۵	موجودی انتهای دوره‌ی دارائی‌های ثابت						۱۴۲	۱ ۸۶۱	۱۴۳	۷۳۱	۲۰۸	۱۴۳	۱۰۲	۱۴۷	۲۲	۲۹	۳ ۵۲۸

۲۹-۲۸ گام نهائی، انتساب همه‌ی ستون‌های باقی مانده که هنوز به حساب آورده نشده‌اند به شرکت‌های غیرمالی و خانوارهاست. یکی از دلایلی که قسمتی از فعالیت تولید بازاری باید به خانوارها منتسب شود، وجود درآمد مختلط به عنوان قسمتی از ارزش افزوده‌ی فعالیت است. از اینرو در این مثال، قسمتی از تولید بازاریِ کشاورزی، صنعت ساخت، ساخت وساز، بازرگانی قابل انتساب به خانوارها و نیز تولید برای استفاده نهائی خود است. (همان‌گونه که به طور کلی اشاره شد، قسمتی از تولید برای استفاده نهائی خود به سایر بخش‌ها منتسب می‌شود. در اینجا به دلیل ساده شدن موضوع این کار در این سطح تجمیع انجام نشده است).

۳۰-۲۸ هنگامی که این محاسبات تکمیل شد، جدول ۲۸-۴ بدست می‌آید که برای هر بخش نه تنها کل مصرف واسطه بلکه مصرف واسطه به تفکیک محصول و نیز اقلام ارزش افزوده را نیز نشان می‌دهد.

۳۱-۲۸ ارقام نشان داده شده برای مصرف واسطه، ستانده و عناصر ارزش افزوده برای هر بخش نهادی ارقامی هستند که در حساب تولید و حساب ایجاد درآمد در توالی حساب‌ها نشان داده شده‌اند.

جدول ۲۸-۳ (ادامه): جدول مصرف از جدول ۱۴-۱۲

| | مصرف واسطه‌ی صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) (برحسب رده‌های ISIC) | | |

پ. استخراج جدول داده- ستانده

۱. جدول داده- ستانده چیست؟

۲۸-۳۲ در اصل جدول داده – ستانده از یک جدول مصرف بدست می‌آید که در آن ستون‌های نشان دهنده‌ی صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) واقع در دو ربع سمت راست با محصولات جایگزین می‌شوند یا محصولات در دو ربع بالا با صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) جایگزین می‌شوند. در این صورت ماتریس مصرف واسطه‌ای که حاصل خواهد شد مربع است که در هردوی سطرها و ستون‌های آن محصولات یا در هردوی سطرها و ستون‌ها صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) نشان داده می‌شوند. در هردو حالتِ محصول در محصول یا صنعت در صنعت (رشته فعالیت در رشته‌فعالیت) با توجه به شرایط، جمع‌های سطری برای کل ماتریس با جمع‌های ستونی برای کل ماتریس یکسان هستند. بنابراین گفته می‌شود ماتریس‌های حاصل متقارن هستند.

جدول ۲۸-۴: طبقه‌بندیِ متقاطعِ مصرف واسطه و ارزش افزوده برحسب صنعت (رشته فعالیت) و بخش نهادی

مصرف محصولات	شرکت‌های غیرمالی										شرکت‌های مالی	
	کشاورزی، جنگلداری و شیلات	صنعت ساخت و سایر	ساخت و ساز	بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا	اطلاعات و ارتباطات	فعالیت‌های مستغلات	خدمات کسب و کار	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	سایر خدمات	**جمع صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)**	خدمات مالی و بیمه	**جمع صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)**
کالاها و خدمات (بر حسب بخش‌های CPC)												
جمع مصارف												
۱. محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۲	۶۸	۰	۳	۱	۱	۲	۰	۰	**۷۷**	۲	**۲**
۲. سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۳	۱۸۲	۱	۶	۳	۱	۲	۰	۰	**۱۹۸**	۲	**۲**
۳. محصولات صنعتی (۴-۲)	۲۴	۶۴۳	۶۱	۳۸	۱۶	۹	۱۹	۴	۵	**۸۱۹**	۱۶	**۱۶**
۴. ساختمان (۵)	۱	۸	۵	۳	۱	۱	۱	۰	۰	**۲۰**	۱	**۱**
۵. خدمات بازرگانی، اقامتگاه، غذا و آشامیدنی؛ حمل و نقل (۶)	۳	۶۱	۳	۲۳	۴	۲	۴	۰	۰	**۱۰۰**	۴	**۴**
۶. خدمات مالی و بیمه (۷) بجز مستغلات	۱	۳۶	۵	۱۸	۲	۳	۷	۱	۱	**۷۴**	۲	**۲**
۷. خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۱	۱۵	۱	۸	۲	۲	۴	۰	۱	**۳۴**	۵	**۵**
۸. خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۲	۶۸	۱۱	۱۴	۹	۹	۱۹	۷	۹	**۱۴۸**	۱۹	**۱۹**
۹. خدمات عمومی و اجتماعی (۹۲و۹۳)	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	**۲**	۰	**۰**
۱۰.سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	**۵**	۱	**۱**
۱۱.اداره امور عمومی (۹۱)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	**۰**	۰	**۰**
۱۴.جمع	۳۸	۱۰۸۳	۸۷	۱۱۴	۳۹	۲۸	۶۰	۱۲	۱۶	**۱۴۷۷**	۵۲	**۵۲**
۱۷.جمع ارزش افزوده ناخالص/GDP	۳۱	۶۹۱	۱۱۵	۱۲۷	۶۱	۶۶	۱۲۳	۵۱	۶۶	**۱۳۳۱**	۹۴	**۹۴**
۲۸.جمع ستانده	۶۹	۱۷۷۴	۲۰۲	۲۴۱	۱۰۰	۹۴	۱۸۳	۶۳	۸۲	**۲۸۰۸**	۱۴۶	**۱۴۶**
جبران خدمات کارکنان	۱۸	۵۴۰	۷۹	۹۹	۳۲	۴۹	۷۹	۴۳	۴۷	**۹۸۶**	۴۴	**۴۴**
درآمد مختلط ناخالص												
مازاد عملیاتی ناخالص	۱۵	۱۰۸	۳۱	۳۲	۳۰	۱۱	۴۰	۷	۱۸	**۲۹۲**	۴۶	**۴۶**
مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات	-۲	۴۳	۵	-۴	-۱	۶	۴	۱	۱	**۵۳**	۴	**۴**
مصرف سرمایه ثابت	۸	۸۰	۱۱	۳۱	۷	۵	۱۲	۱	۲	**۱۵۷**	۱۲	**۱۲**
جزئی از آن: مربوط به درآمد مختلط												
درآمد مختلط خالص												
مازاد عملیاتی خالص	۷	۲۸	۲۰	۱	۲۳	۶	۲۸	۶	۱۶	**۱۳۵**	۳۴	**۳۴**

۲۸-۳۳ فرآیند جایگزین کردن بعد محصول با بعد صنعت (رشته فعالیت)، طبق یکی از مدل‌های مختلفی که در زیر مورد بحث قرار گرفته است انجام می‌شود. این فرآیند به این معنی است که ماتریس متقارن داده – ستانده بیشتر از جدول عرضه و مصرف از منابع داده‌های اولیه فاصله می‌گیرد بنابراین لازم است درباره‌ی این موضوع که چرا گذر از جدول‌های عرضه ومصرف به جدول متقارن مفید است بحث مختصری صورت گیرد.

۲۸-۳۴ توجه داشته باشید که در جدول ۱۴-۱۲، محصولی به عنوان سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب وجود دارد ولی ستونی برای آن‌ها وجود ندارد. اگر صنعتی (رشته‌فعالیتی) وجود ندارد که این محصول برای آن اصلی باشد، مشخص کردن تولید کنندگانِ اصلی و نه تعداد محصولات، اندازه نهائیِ ماتریس متقارن (مربع) را تعیین خواهد کرد.

جدول ۲۸-۴ (ادامه): طبقه‌بندیِ متقاطعِ مصرف واسطه و ارزش افزوده برحسب صنعت (رشته فعالیت) و بخش نهادی

	دولت		NPISHها	خانوارها					
مصرف محصولات	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	اداره امور عمومی	**جمع صنعت‌ها (جمع رشته-فعالیت‌ها)**	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	**جمع صنعت‌ها (جمع رشته-فعالیت‌ها)**	کشاورزی، جنگلداری و شیلات	صنعت ساخت و سایر	ساخت و ساز	بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا	فعالیت‌های مستغلات	**جمع صنعت‌ها (جمع رشته-فعالیت‌ها)**	**جمع کل**
کالاها و خدمات (بر حسب بخش‌های CPC)												
جمع مصارف												
۱. محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۳	۲	**۵**	۰	**۰**	۱	۳	۰	۰	۰	**۴**	**۸۸**
۲. سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۴	۴	**۸**	۱	**۱**	۰	۸	۰	۰	۰	**۸**	**۲۱۷**
۳. محصولات صنعتی (۴-۲)	۳۶	۳۸	**۷۴**	۶	**۶**	۸	۳۲	۱۹	۶	۱۰	**۷۵**	**۹۹۰**
۴. ساختمان (۵)	۹	۷	**۱۶**	۲	**۲**	۰	۱	۰	۰	۰	**۱**	**۴۰**
۵. خدمات بازرگانی، اقامتگاه، غذا و آشامیدنی؛ حمل و نقل (۶)	۴	۵	**۹**	۰	**۰**	۰	۴	۰	۲	۰	**۶**	**۱۱۹**
۶. خدمات مالی و بیمه (۷) بجز مستغلات	۵	۱۷	**۲۲**	۱	**۱**	۰	۰	۲	۰	۳	**۵**	**۱۰۴**
۷. خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳-۷۲)	۷	۱۰	**۱۷**	۱	**۱**	۰	۰	۰	۰	۰	**۰**	**۵۷**
۸. خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۱۳	۲۴	**۳۷**	۲	**۲**	۰	۲	۶	۱	۷	**۱۶**	**۲۲۲**
۹. خدمات عمومی و اجتماعی (۹۲و۹۳)	۲۱	۸	**۲۹**	۳	**۳**	۰	۰	۰	۰	۰	**۰**	**۳۴**
۱۰.سایر خدمات (۹۹-۹۴)	۱	۲	**۳**	۱	**۱**	۰	۰	۰	۰	۰	**۰**	**۱۰**
۱۱.اداره امور عمومی (۹۱)	۱	۱	**۲**	۰	**۰**	۰	۰	۰	۰	۰	**۰**	**۲**
۱۴.جمع	۱۰۴	۱۱۸	**۲۲۲**	۱۷	**۱۷**	۹	۵۰	۲۷	۹	۲۰	**۱۱۵**	**۱ ۸۸۳**
۱۷.جمع ارزش افزوده ناخالص/GDP	۷۶	۵۰	**۱۲۶**	۱۵	**۱۵**	۱۱	۳۷	۱۵	۱۲	۸۰	**۱۵۵**	**۱ ۷۲۱**
۲۸.جمع ستانده	۱۸۰	۱۶۸	**۳۴۸**	۳۲	**۳۲**	۲۰	۸۷	۴۲	۲۱	۱۰۰	**۲۷۰**	**۳ ۶۰۴**
جبران خدمات کارکنان	۵۹	۳۹	**۹۸**	۱۱	**۱۱**	۱	۷	۰	۳		**۱۱**	**۱ ۱۵۰**
درآمد مختلط ناخالص						۷	۳۰	۱۵	۹		**۶۱**	**۶۱**
مازاد عملیاتی ناخالص	۱۷	۱۰	**۲۷**	۳	**۳**	۳	۰	۰	۱	۸۰	**۸۴**	**۴۵۲**
مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات	۰	۱	**۱**	۱	**۱**	۰	۰	۰	−۱	۰	**−۱**	**۵۸**
مصرف سرمایه ثابت	۱۷	۱۰	**۲۷**	۳	**۳**	۵	۳	۰	۰	۱۵	**۲۳**	**۲۲۲**
جزئی از آن: مربوط به درآمد مختلط						۴	۳	۰	۱	۰	**۸**	**۸**
درآمد مختلط خالص						۳	۲۷	۱۵	۸	۰	**۵۳**	**۵۳**
مازاد عملیاتی خالص	۰	۰	**۰**	۰	**۰**	۲	۰	۰	۲	۶۵	**۶۹**	**۲۳۸**

۲. امکانات تحلیلی ماتریس داده – ستانده

۲۸-۳۵ این نوع جدول‌ها خصوصیات جبری دارند که بویژه برای تحلیل‌هائی استفاده می‌شود که از این تحلیل‌ها می‌توان اثرات تغییرِ قیمت‌های نسبی، تغییرِ نیازهای نیروی کار و سرمایه برای برآوردن نیازهای ناشی از تغییر میزان ستانده در اثرِ تغییر الگوهای تقاضا و غیره را برآورد کرد. همچنین آن‌ها را می‌توان به عنوان مبنای نسخه‌ی گسترش یافته مثلاً برای برآورد تقاضای ایجاد شده توسط اقتصاد بر محیط زیست بکار برد.

۲۸-۳۶ همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، در باره چگونگیِ تهیه و کاربردِ جدول‌های داده – ستانده ادبیات بسیار گسترده‌ای وجود دارد. هدف این بخش تنها نشان دادن جنبه‌های کلیدی تبدیلِ یک جفت جدول عرضه و مصرف به یک جدول داده – ستانده است.

۲۸-۳۷ فرض کنید که هرکدام از اقلام ورودی در ماتریس بین صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) به ارقام ستانده در زیر ستون متناظر تقسیم شوند، و ماتریس بدست آمده A نامیده شود؛ بردار ستانده به صورت x بردار تقاضای نهائیِ کل به صورت y نوشته شود. در این صورت

$$Ax + y = x$$

این را می‌توان به صورت زیر بازنویسی کرد:

$$(I - A)x = y$$

یا

$$x = (I - A)^{-1}y$$

۲۸-۳۸ ماتریس $(I - A)$ بعد از این که لئون تیف پیشگام استفاده از جدول‌های داده – ستانده شد به عنوان ماتریس لئون تیف و ماتریس $(I - A)^{-1}$ به عنوان معکوس لئون تیف شناخته شد. این آخرین فرمولی است که به تحلیل‌های داده – ستانده قدرت تحلیلی می‌دهد.

۲۸-۳۹ فرض کنید به عنوان مثال، در تقاضای محصولاتِ صنعتی افزایشی وجود داشته باشد. حتی با نگاه کردن به جدول عرضه و مصرف می‌توان پی برد که برای افزایش ستانده‌ی این کالاها، به نهاده‌های بیشتری تقریباً از همه‌ی انواع محصولات نیاز است. این افزایشِ تقاضا برای گستره‌ای از محصولات، اثرات مستقیمِ تغییر در تقاضا نامیده می‌شود. اما، افزایش تقاضا در تمامی این محصولات دور دیگری از افزایش‌ها را در ستانده‌ی تمامی محصولات درپی دارد و این نیز به نوبه خود مجموعه‌ی دیگری از افزایش‌ها را در ستانده برمی‌انگیزد و بهمین ترتیب تا آخر. اثرات در هر دور، کوچکتر از دور قبلی است تا در نهایت به اندازه‌ی ناچیزی می‌رسد. کل همه‌ی اثرات دور دوم و دورهای بعدی اثرات غیرمستقیمِ تغییرِ تقاضا نامیده می‌شود.

۲۸-۴۰ در رابطه‌ی جبری که در بالا معرفی شد، اثرات مستقیم برابر با AY است، اثرات دور دوم برابر با A^2Y است، اثرات دور سوم برابر با A^3Y است و دورهای بعدی نیز به همین ترتیب است. نشان داده می‌شود که $(I - A)^{-1}$ را می‌توان به صورت $A + A^2 + A^3 + \cdots A^4$. نوشت. مفید بودن یک ماتریس متقارن از اینجا ناشی می‌شود، زیرا برای این که این فرمول بتواند عمل کند لازم است A مربع باشد.

۲۸-۴۱ تا زمانی که تغییرات تقاضا، y، به اندازه‌ی کافی کوچک باشند که ضرائب متوسط در A احتمالاً تقریب‌های خوبی برای وضعیت جدید باشند، میزان جدید x را می‌توان محاسبه کرد. اگر تغییرات تقاضا بقدری زیاد باشد که احتمالاً تغییرات قابل ملاحظه‌ای در A را در پی داشته باشد و بجای ضرائب متوسط ضرائب نهائی مورد نیاز باشد، این رهیافت اثر خود را از دست خواهد داد.

۲۸-۴۲ ماتریس A گاهی اوقات ماتریس ضرائب فنی نیز نامیده می‌شود و می‌تواند درک عمیق و دقیقی از چگونگیِ کار یک اقتصاد ارائه دهد. در اقتصادهای مبتنی بر مواد خام با فرآوری مختصری که در اقتصاد داخلی انجام می‌شود، ماتریس A از تعداد نسبتاً کمی عناصر مهمِ غیرصفر تشکیل می‌شود. هنگامی که اقتصاد توسعه می‌یابد و فرآوری مواد خام امر پیش پا افتاده‌تری می‌شود، A از اقلام ورودی پر می‌شود و

یکپارچگیِ بیشترِ افقی و عمودی فعالیت‌ها را در درون اقتصاد منعکس می‌کند. با کاوش صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) گوناگونِ مربوط به مراحل مختلف فرآیند تولید، تعیین جائی که ارزش افزوده ایجاد شده است امکان پذیر می‌شود. برای مثال، پنبه به صورت یک محصول کشاورزی پرورش داده می‌شود. سپس پنبه به دو قسمت کرک و دانه تفکیک می‌شود (پنبه پاک کنی)، پس از آن کرک تبدیل به نخ و نخ نیز تبدیل به پارچه می‌شود. اگر هریک از این فعالیت‌ها در صنعت‌های مختلف نشان داده شوند، این امکان وجود دارد که بتوان مشخص کرد که از پرورش پنبه تا پارچه نهائی که این پنبه در آن استفاده می‌شود، ارزش افزوده در کجا ایجاد شده است.

۳. محصولات ثانوی

۲۸-۴۳ طبقه بندی صنعتی (رشته‌فعالیتی)، نظیر *ISIC*، اساساً صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) را برحسب نوع کالاها و خدماتی که به طور معمول تولید می‌کنند مشخص می‌کند. اما، محصولاتِ بیشتری نسبت به صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) وجود دارند و به دلایل مختلف، برخی از محصولات ممکن است در چندین صنعت (رشته‌فعالیت) تولید شوند.

۲۸-۴۴ به منظور محدود ساختن تعداد محصولاتِ هر واحد و امکان یکپارچه سازی با آمارهای اولیه‌ی تولید، مفهوم کارگاه معرفی شد. در اصل، کارگاه فقط یک محصول در یک مکان تولید می‌کند ولی SNA می‌پذیرد که در عمل جدا کردن تولید با چنین جزئیاتی امکان پذیر نیست. پرداختن به این واقعیت که بسیاری از کارگاه‌ها بیش از یک محصول تولید می‌کنند ایده‌ی اساسی محاسبه ماتریس داده – ستانده‌ی متقارن است.

۲۸-۴۵ لزوم دستکاریِ جدول‌های عرضه و مصرف برای تولیدِ جدول داده – ستانده، به دلیل وجود محصولات ثانوی است. اگر تعداد صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) با تعداد محصولات یکسان باشد، و اگر هر صنعتی (رشته‌فعالیتی) فقط یک محصول تولید کند، جدول منابع برای اقتصاد داخلی لازم نخواهد بود؛ جمع‌های ستونی برای صنعت‌ها با جمع‌های سطری برای محصولات از نظر عددی برابر بوده و ماتریس بین صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) از آغازِ تهیه‌ی آن مربع خواهد بود. همان‌گونه که در جای دیگر اشاره شد، انگیزه‌ی استفاده از کارگاه بجای بنگاه، و کار کردن در سطح نسبتاً تفصیلی برای جدول‌های عرضه و مصرف، برای رسیدن هرچه بیشتر به این وضعیت به طور معقولانه‌ای عملی است. اگرچه وجود تعدادی تولید ثانوی باقی‌مانده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۲۸-۴۶ سه نوع تولیدِ ثانوی وجود دارد:

الف. محصولاتِ فرعی: محصولاتی هستند که از نظر تکنولوژی به محصول اصلی مربوط نیستند. تنها با چند مثال می‌توان به ماهیت این نوع محصولات پی برد، یک خرده فروشی بزرگ با یک ناوگانِ کامیون که عمدتاً برای مقاصد خودِ خرده‌فروشی استفاده می‌شود و ممکن است گاهگاهی به واحدهای دیگر نیز خدمات حمل و نقل ارائه دهد، کشاورزی که قسمتی از زمین خود را به عنوان سایت کاراوان استفاده می‌کند، یا یک شرکت معدن‌کاوی که جاده‌ی دسترسی و اقامتگاه برای کارگران خود می‌سازد نمونه‌هائی از محصولات فرعی را نشان می‌دهند.

ب. محصولات جنبی: محصولاتی هستند که به طور هم‌زمان با محصول دیگری تولید می‌شوند ولی می‌توان آن‌ها را به عنوان محصول ثانوی آن محصولات تلقی کرد، برای مثال گاز تولید شده بوسیله‌ی کوره‌های ذوب آهن.

پ. محصولات مشترک: محصولاتی هستند که به طور هم‌زمان با محصول دیگری تولید می‌شوند که نمی‌توان آن‌ها را به عنوان محصول ثانوی تلقی کرد (برای مثال گوشت گاو و پوست آن).

به منظور تبدیلِ جدول‌های عرضه و مصرف به یک ماتریسِ واحدِ داده – ستانده دو امکان وجود دارد. یکی ارائه‌ی ماتریس داده – ستانده تنها بر حسب محصولات؛ دیگری ارائه‌ی جدول داده – ستانده بر حسب صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها).

۴. بازتخصیص محصولات ثانوی

۲۸–۴۷ دو رهیافت اساسی برای حذف محصولات ثانوی وجود دارد. هردو رهیافت با اعمال اطلاعاتِ برآمده از ماتریس مصرف به ماتریس عرضه، برای تبدیلِ آن به ماتریس خالص قطری، انجام می‌شود. هنگامی که این کار انجام شد، ماتریس عرضه حاویِ اطلاعات مفیدی نخواهد بود و دیگر ارائه نمی‌شود. ماتریسِ مصرفِ تغییر شکل داده شده ماتریسی است که ماتریس داده – ستانده نامیده می‌شود.

۲۸–۴۸ در بدست آوردن یک ماتریس محصول در محصول به ساده‌ترین شیوه‌ی ممکن، ربع تقاضای نهائی در ماتریس مصرف تغییر نمی‌کند. در این ماتریس تقاضا از پیش برحسب محصول بیان می‌شود بنابراین نیاز به تغییر آن نیست. هرچند که قسمت‌های مصرف واسطه و ارزش‌افزوده‌ی ماتریس نیاز به تغییر از بُعد صنعتی (رشته‌فعالیتی) به بعد محصولی دارند. جمع‌های سطری ماتریس از قبل جمع‌های صحیحی از محصول را نشان می‌دهند بنابراین عمل تخصیص دوباره، عبارت از تخصیص عناصر از یک ستون به ستون دیگر در درون یک جمع سطریِ مشخص است. این کار، رهیافتِ تکنولوژی نامیده می‌شود. فرض می‌شود که تقاضا برای مصرف واسطه و نهاده‌های نیروی کار و سرمایه بوسیله‌ی ماهیتِ محصولات تعیین می‌شود.

جدول ۲۸–۵: مثال عددی از بازتخصیص محصولات از ساخت و ساز (ساختمان) به صنعتِ ساخت

مصرف محصولات	جدول مصرف			شکل ضرائب		تکنولوژی صنعت (رشته‌فعالیت)		تکنولوژی محصول	
	صنعت ساخت و ساز	سایر ساخت و ساز	ع‌ا	صنعت ساخت و ساز	سایر ساخت و ساز	ع‌ا	صنعت ساخت و ساز	ع‌ا	سایر ساخت و ساز
۱ محصولات کشاورزی، جنگلداری و شیلات (۰)	۷۱	۰	۳/۸	۰/۰	۷۱/۰	۰/۰	۷۱/۲	−۰/۲	
۲ سنگ معدن، مواد معدنی؛ برق، گاز و آب (۱)	۱۹۰	۱	۱۰/۲	۰/۵	۱۹۰/۰	۱/۰	۱۹۰/۶	۰/۴	
۳ محصولات صنعتی (۴–۲)	۶۷۵	۶۳	۳۶/۳	۳۰/۳	۶۷۶/۸	۶۱/۲	۶۷۷/۲	۶۰/۸	
۴ ساختمان (۵)	۹	۵	۰/۵	۲/۴	۹/۱	۴/۹	۹/۰	۵/۰	
۵ خدمات بازرگانی، اقامتگاه، غذا و آشامیدنی؛ حمل و نقل (۶)	۶۵	۳	۳/۵	۱/۴	۶۵/۱	۲/۹	۶۵/۲	۲/۸	
۶ خدمات مالی و بیمه (۷ منهای ۷۳–۷۲))	۳۶	۵	۱/۹	۲/۴	۳۶/۱	۴/۹	۳۶/۱	۴/۹	
۷ خدمات مستغلات، و خدمات کرایه‌ای و اجاره‌ای (۷۳–۷۲)	۱۵	۱	۰/۸	۰/۵	۱۵/۰	۱/۰	۱۵/۰	۱/۰	
۸ خدمات کسب و کار و تولید (۸)	۷۰	۱۲	۳/۸	۸/۵	۷۰/۳	۱۱/۷	۷۰/۲	۱۱/۸	
۹ خدمات عمومی و اجتماعی (۹۲و۹۳)	۱	۰	۰/۱	۰/۰	۱/۰	۰/۰	۱/۰	۰/۰	
۱۰ سایر خدمات (۹۹–۹۴)	۱	۰	۰/۱	۰/۰	۱/۰	۰/۰	۱/۰	۰/۰	
۱۱ اداره امور عمومی (۹۱)	۰	۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	
جمع	۱ ۱۳۳	۹۰	۶۱	۴۳	۱۱۳۵/۶	۸۷/۴	۱۱۳۶/۷	۸۶/۳	
جمع ارزش افزوده‌ی ناخالص	۷۲۸	۱۱۸	۳۹	۵۷	۷۳۱/۴	۱۱۴/۶	۷۳۰/۳	۱۱۵/۷	
جمع ستانده	۱ ۸۶۱	۲۰۸	۱۰۰	۱۰۰	۱ ۸۶۷	۲۰۲	۱ ۸۶۷	۲۰۲	

۲۸–۴۹ در استخراجِ ماتریس صنعت در صنعت (رشته فعالیت در رشته‌فعالیت) به ساده‌ترین شیوه‌ی ممکن، قسمت ارزش افزوده‌ی ماتریس مصرف بدون تغییر می‌ماند و از آنجا که میزان ستانده تغییر نخواهد کرد، تنها ترکیب مصرف واسطه، و نه کل آن، تغییر می‌کند. از اینرو، عمل تخصیصِ دوباره‌ی اقلام، بین سطرها و نه بین ستون‌ها انجام می‌شود. برخلافِ حالتِ محصول در محصول، ربع مربوط به تقاضای نهائی تغییر خواهد کرد و تقاضای مربوط به صنعت (رشته‌فعالیت) عرضه کننده‌ی محصولات و نه تقاضای مربوط به خودِ محصولات را نشان خواهد داد. این کار، رهیافت ساختار فروش نامیده می‌شود. در این رهیافت فرض می‌شود که هنگامی که میزان ستانده‌ی یک صنعت تغییر می‌کند الگوی فروش ثابت می‌ماند.

۲۸–۵۰ هردوی این فرض‌ها، فرض تکنولوژی و فرض ساختار فروش، نسبتاً ساده انگارانه هستند و در عمل ممکن است یک رهیافت عمومی‌تر بکار رود ولی اگر ابتدا هریک از فرض‌ها با جزئیاتِ کمی بیشتر مورد بررسی قرار گیرد می‌تواند کمک کننده باشد.

جدول‌های محصول در محصول

۲۸–۵۱ دو روش وجود دارد که از طریق آن ماتریس محصول در محصول استخراج می‌شود:

الف. فرض تکنولوژی صنعت (رشته‌فعالیت) که براساس آن هر صنعت (رشته‌فعالیت) صرف نظر از ترکیب محصولاتش دارای نهاده‌های فیزیکی خاص خود است.

ب. فرض تکنولوژی محصول که بر اساس آن هر محصول صرف نظر از صنعت تولید کننده‌ی آن به شیوه خاص خود تولید می‌شود.

۲۸–۵۲ ساده ترین شیوه برای تشریحِ فرض‌های فوق، ارائه‌ی یک مثال است. در قسمت بالای جدول ۱۴–۱۲، نشان داده می‌شود که صنعت ساخت و ساز (از ۲۰۸ واحد ستانده)، ۶ واحد محصولات صنعتی تولید کرده است. در قسمت پائین جدول ۱۴–۱۲ که دوباره به عنوان جدول ۲۸–۳ ارائه شده است، نهاده‌های مورد نیاز برای رشته فعالیت‌های ساخت و ساز و صنعت نشان داده شده‌اند. این نهاده‌ها در دو ستون نخستِ عددیِ جدول ۲۸–۵ دوباره نشان داده شده‌اند. دو ستون عددیِ بعدی این نهاده‌ها را به شکل درصد نشان می‌دهند. از اینرو برای مثال، یک واحد محصولات صنعتی نیازمند ۰/۰۳۸ واحد محصولات کشاورزی، ۰/۱۰۲ واحد سنگ معدن و مواد معدنی و غیره است. ساخت و ساز، محصولات کشاورزی مصرف نمی‌کند، ۰/۰۰۵ واحد سنگ معدن و مواد معدنی و غیره مصرف می‌کند.

۲۸–۵۳ به منظور ساخت ماتریس محصول در محصول، لازم است هزینه‌های مربوط به تولیدِ ۶ واحد محصولات صنعتی از ستون ساخت و ساز جدا شده و به ستون صنعت ساخت اضافه شود. پس از انجام این عمل برای تمامی تولیدهای ثانوی، ستون‌ها بجای صنعت‌ها محصولات را نشان خواهند داد.

فرض تکنولوژی صنعت (رشته‌فعالیت)

۲۸–۵۴ براساس فرضِ تکنولوژیِ صنعت (رشته‌فعالیت)، فرض می‌شود ضرائبی که نشان می‌دهند چگونه محصولات صنعتی تولید شده‌اند تابع صنعتی (رشته‌فعالیت) هستند که به‌طور اتفاقی در آن تولید شده‌اند. از اینرو، برای تخصیص دوباره‌ی ۶ واحد از محصولات صنعتی از صنعت ساخت و ساز به ستونی که اکنون فقط به محصولات صنعتی اختصاص خواهد داشت (با چشم پوشی از محصولات ثانوی دیگر در این لحظه) مجموعه‌ای از نهاده‌ها، که از ضرب ۶ در ضرائب ساخت و ساز بدست می‌آید به ستون صنعت ساخت اضافه می‌شود و از ستون ساخت و ساز کسر می‌شود. نتایج حاصل از این عمل در ستون‌های عددی پنجم و ششم جدول ۲۸–۵ نشان داده شده است.

جدول ۲۸-۶: مثال ماتریس داده - ستانده محصول در محصول

مصرف محصولات	مصرف واسطه برحسب گروه محصولات																صادرات		دولت										
	کشاورزی، جنگلداری و شیلات	صنعت ساخت و سایر	ساختمان	بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا	.	خدمات مالی و بیمه	فعالیت‌های مستغلات	.	خدمات کسب و کار و اطلاعات	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	سایر خدمات	اداره امور عمومی	جمع صنعت‌ها				کالاها	خدمات	زیر جمع مخارج مصرف نهائی	خانوارها	NPISHها	زیر جمع	جمعی	فردی	زیر جمع تشکیل سرمایه ناخالص	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	تغییر موجودی انبار	تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	کل اقتصاد
کشاورزی، جنگلداری و شیلات	۳	۴۳	۰	۳	۰	۲	۱	۰	۳	۳	۰	۲	۶۰				۷	۰	۱۷	۱۵	۰	۲	۰	۲	۳	۲	۱	۰	۸۷
صنعت ساخت و سایر	۳۲	۶۵۸	۷۴	۳۹	۰	۱۸	۲۱	۰	۳۷	۴۷	۶	۴۲	۹۷۴				۴۰۳	۰	۴۴۹	۴۴۶	۰	۳	۰	۳	۸۴	۸۰	۴	۰	۱۹۱۰
ساختمان	۱	۱۰	۵	۳	۰	۱	۱	۰	۲	۱۱	۰	۷	۴۰				۶	۰	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۱۹۶	۱۷۳	۲۳	۰	۲۴۴
بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا	۴	۶۹	۶	۱۸	۰	۴	۲	۰	۶	۸	۰	۵	۱۲۳				۱۶	۵۵	۳۶	۳۶	۰	۰	۰	۰	۳	۳	۰	۰	۲۳۳
خدمات مالی و بیمه	۱	۳۴	۷	۱۶	۰	۰	۶	۰	۲	۷	۱	۱۷	۹۱				۰	۲	۵۳	۵۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴۶
فعالیت‌های مستغلات	۱	۱۶	۱	۷	۰	۵	۲	۰	۵	۸	۱	۱۰	۵۷				۰	۱	۱۱۵	۱۱۵	۰	۰	۰	۰	۲۲	۲۲	۰	۰	۱۹۵
خدمات کسب و کار و اطلاعات	۲	۷۲	۱۶	۱۲	۰	۱۷	۱۵	۰	۲۶	۲۱	۱۰	۲۲	۲۱۲				۰	۹	۳۳	۳۳	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۲۵۵
آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲۴	۰	۸	۳۴				۰	۲	۲۳۹	۲۱	۱۴	۲۰۴	۰	۲۰۴	۰	۰	۰	۰	۲۷۵
سایر خدمات	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۲	۲	۰	۲	۱۰				۰	۰	۸۱	۸۱	۰	۰	۰	۰	۰	.	۰	۰	۹۱
اداره امور عمومی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۲				۰	۰	۱۶۶	۵	۲	۱۵۹	۱۵۶	۳	۰	.	۰	۰	۱۶۸
تعدیلات:																													
مالیات منهای یارانه	۱	۳۵	۵	۲	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۲	۴۸	۰	۰		۱۰	۰	۵۴	۵۴	۰	۰	۰	۰	۲۱	۲۱	۰	۰	۱۳۳
واردات	۰	۲۱۳	۰	۱۰	۰	۳	۰	۰	۶	۰	۰	۰	۲۳۲	۰	۰		۰	۰	۱۴۰	۱۴۰	۰	۰	۰	۰	۸۴	۷۴	۰	۱۰	۴۵۶
خریدهای مستقیم از خارج توسط مقیم‌ها																			۴۳	۴۳									۴۳
خریدهای غیرمقیم‌ها در بازار داخلی																	۲۰	۹	-۲۹	-۲۹									۰
جمع به قیمت خریدار	۴۶	۱۱۵۱	۱۱۴	۱۱۰	۰	۵۲	۵۰	۰	۹۰	۱۳۳	۱۹	۱۱۸	۱۸۸۳				۴۶۲	۷۸	۱۳۹۹	۱۰۱۵	۱۶	۳۶۸	۱۵۶	۲۱۲	۴۱۴	۳۷۶	۲۸	۱۰	۴۲۳۶
جمع ارزش افزوده ناخالص/ GDP	۴۱	۷۵۸	۱۳۰	۱۲۳	۰	۹۴	۱۴۵	۰	۱۶۶	۱۴۲	۷۲	۵۰	۱۷۲۱	۱۸۵۴															
جبران خدمات کارکنان	۱۹	۵۶۵	۸۰	۹۰	۰	۴۴	۵۱	۰	۱۰۰	۱۱۳	۴۹	۳۹	۱۱۵۰																
مالیات منهای یارانه بر تولید	-۲	۴۳	۵	-۴	۰	۴	۶	۰	۳	۲	۱	۱	۵۸	۱۹۱															
مصرف سرمایه ثابت	۱۲	۸۸	۱۱	۲۷	۰	۱۲	۲۰	۰	۱۷	۲۱	۳	۱۰	۲۲۲																
درآمد مختلط، ناخالص	۶	۳۳	۱۳	۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۱																
مازاد عملیاتی، ناخالص	۱۸	۱۱۸	۳۱	۲۹	۰	۴۶	۸۸	۰	۶۳	۲۷	۲۳	۱۰	۴۵۲																
کل ستانده	۸۷	۱۹۰۹	۲۴۴	۲۳۳	۰	۱۴۶	۱۹۵	۰	۲۵۶	۲۷۵	۹۱	۱۶۸	۳۶۰۴																

جدول ۲۸-۷: مثال ماتریس داده - ستانده صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت)

مصرف ستانده صنعت (رشته فعالیت)	مصرف واسطه بر حسب صنعت‌ها													صادرات		دولت								
	کشاورزی، جنگلداری و شیلات	صنعت ساخت و ساز	ساخت و ساز	بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا	خدمات مالی و بیمه	فعالیت‌های مستغلات	خدمات کسب و کار و اطلاعات	آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	سایر خدمات	اداره امور عمومی	مالیات منهای یارانه	واردات	خریدهای مستقیم از خارج توسط مقیم‌ها	خریدهای غیرمقیم‌ها در بازار داخلی	جمع به قیمت خریدار	جمع صنعت‌ها	کل	خالص	ناخالص	خالص	ناخالص	تغییر موجودی انبار	تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	کل اقتصاد
کشاورزی، جنگلداری و شیلات	۳۲	۱	۱	۴	۱	۱	۲	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۲	۴۷	۸۹	۱۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۸۶۲
صنعت ساخت و سایر	۶۳۲	۱۳	۵	۷۴	۷	۳۱	۱۵	۷۶	۱	۱	۰	۲۱۳	۲۵	۵	۱ ۱۳۳	۱۸۶۱	۱۰۸	۳۰	۸۳	۱۵	۱۱	۵	۲۲	۲۲۴
ساخت و ساز	۰	۴۴	۵	۷	۷	۱۸	۸	۱۷	۱	۰	۰	۰	۲	۱	۱۱۴	۱۳۰	۳۱	۷۹	۱۱	۵	۳۱	۱	۱	۲۶۲
بازرگانی، حمل و نقل، اقامتگاه و غذا	۴۳	۳	۳	۲۱	۱۸	۱۴	۸	۱۷	۱	۰	۰	۱۰	۲	۱	۱۱۳	۱۲۹	۱۰۲	۵-	۳۱	۱۱	۳۱	۹	۳۳	۲۶۲
خدمات مالی و بیمه	۱۸	۲	۱	۴	۰	۱۷	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۱	۱۱۴	۹۴	۴۴	۴	۱۲	۴	۱۰	۰	۴۶	۱۴۶
فعالیت‌های مستغلات	۱۵	۱	۲	۲	۱	۱۵	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۴۸	۱۴۶	۴۹	۶	۲۰	۶	۱۹	۰	۹۱	۱۹۴
خدمات کسب و کار و اطلاعات	۲۰	۶	۳	۸	۳	۲۹	۶	۲۱	۲	۱	۱	۶	۰	۰	۹۹	۱۸۴	۱۱۱	۳	۱۹	۲	۷۰	۰	۲۸۳	۱۹۴
آموزش، سلامت انسان و امور اجتماعی	۲۰	۳	۱	۹	۷	۲۴	۸	۲۱	۲	۱	۱	۲	۱	۰	۱۳۳	۱۴۲	۱۱۳	۲	۲۱	۰	۲۷	۰	۲۷۵	۲۶۲
سایر خدمات	۱	۱۱	۲	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۶	۶۶	۴۷	۱	۱	۰	۱۸	۰	۸۲	۱۶۸
اداره امور عمومی	۰	۶۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۱۸	۵۰	۳۹	۱	۱	۰	۱۰	۰	۱۶۸	۳۰۴
تمبیلات:																								
مالیات منهای یارانه		۲۹۸	۴۱	۵	۴۶	۳	۲	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۰	۱۸۸۳	۱۲۳۱	۱۱۵۰	۵۸	۲۲۱	۰	۴۵۲			
واردات		۶۱	۲	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰										
خریدهای مستقیم از خارج توسط مقیم‌ها		۴۴	۷	۰	۱۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰										
خریدهای غیرمقیم‌ها در بازار داخلی		۱۲۵	۶	۰	۹	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰										
جمع به قیمت خریدار		۹۹۸	۴۱	۵	۴۶	۳	۲	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۰										
جمع ارزش افزوده ناخالص/ GDP																۱۸۵۴	۱۲۳۱	۵۰	۶۶	۱۴۲	۱۱۳	۴۷	۸۲	۱۶۸
جبران خدمات کارکنان#																	۱۱۵۰	۳۹	۱۱۰	۲	۱	۱	۱	۱۹۱
مالیات منهای یارانه بر تولید																		۵۸	۲۲۱	۰	۴۵۲			
مصرف سرمایه ثابت#																								
درآمد مختلط، ناخالص#																								
مازاد عملیاتی، ناخالص#																								
کل ستانده																۳۶۰۴								

* مغایرت ارقام با نسخه اصلی به دلیل اصلاح اشتباهات نسخه اصلی است

فرض‌های تکنولوژی محصول

۲۸-۵۵ براساس فرض تکنولوژی محصول، ضرائبی که نشان می‌دهند چگونه محصولات صنعتی تولید شده‌اند همان ضرائب صنعت ساخت هستند صرفنظر از جائی که واقعاً تولید شده‌اند. در این حالت، برای تخصیص دوباره‌ی (جداسازی، مترجم) ۶ واحد از محصولات صنعتی از صنعت ساخت و ساز مجموعه‌ای از نهاده‌ها که به صورت ۶ ضرب در ضرائب صنعت حاصل می‌شود به ستون صنعتِ ساخت اضافه و از ستون ساخت و ساز کسر می‌شود. نتایج حاصل در ستون‌های هفتم و هشتم جدول ۲۸-۵ نشان داده شده است.

۲۸-۵۶ توجه به مسأله‌ای که براساس این فرض بوجود می‌آید مهم است. هنگامی که از فرض تکنولوژی محصول استفاده می‌شود، فرض شده است که در محصولات صنعتی تولید شده توسط صنعت ساخت و ساز از میزان کمی خوراک استفاده شده است. اما، هیچ محصول کشاورزی که در صنعت ساخت و ساز استفاده شده باشد ثبت نشده است بنابراین کسر کردن این نهاده‌ها از اقلام ورودی ساخت و ساز منجر به یک عنصر منفی می‌شود. عناصر منفی نمی‌توانند در فرض تکنولوژی صنعت پدید آیند. زیرا وجود عناصر منفی در این فرض به طور منطقی غیرممکن است، این استدلالی است که به نفع استفاده از فرض صنعت بجای فرض محصول مطرح می‌شود.

جدول‌های صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت)

۲۸-۵۷ همان طور که دو روش وجود دارد که طبق آن می‌توان ماتریس محصول در محصول را بدست آورد، دو روش نیز برای تهیه ماتریس صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته-فعالیت) وجود دارد. این دو روش عبارتند از:

الف. ساختار ثابت فروشِ محصول که فرض می‌شود تخصیص تقاضا به مصرف کنندگانِ محصول بستگی دارد و نه به صنعتی (رشته‌فعالیتی) که از آن بفروش می‌رسد.

ب. ساختار ثابت فروشِ صنعتی (رشته فعالیتی) که فرض می‌شود مصرف کنندگان همیشه از یک صنعت ترکیب یکسانی از محصولات را تقاضا می‌کنند.

۲۸-۵۸ ساختار ثابت فروشِ صنعتی (رشته‌فعالیتی) که فرض می‌شود مصرف کنندگان همیشه از یک صنعت (رشته‌فعالیت) ترکیب یکسانی از محصولات را تقاضا می‌کنند هرچند جدولی مشابه جدول ۲۸-۵ برای جدول‌های صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت) ارائه نشده است، ساخت آن سرراست بوده و مشابه جدول‌های محصول در محصول است ولی اقلام ورودی بجای ستون‌ها در طول سطرهای جدول‌های مصرف نشان داده خواهد شد.

۲۸-۵۹ به منظور ایجاد یک جدول صنعت در صنعت (رشته فعالیت در رشته فعالیت)، لازم است مصرف ۶ واحد از محصولات صنعتی از سطر صنعت ساخت به سطر ساختمان منتقل شود. با انجام این عمل برای همه‌ی تولیدات ثانوی، سطرهای جدول بجای محصولات صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) را نشان خواهند داد.

ساختار ثابت فروش‌های محصول

۲۸-۶۰ در این حالت، برای تخصیص ۶ واحد کالاهای صنعتی عرضه شده توسط صنعت ساخت و ساز به سطر ساختمان، نسبتی از سطر محصولات صنعتی با استفاده از نسبت‌هائی که در سطر محصولات صنعتی وجود دارد به سطر ساختمان تخصیص داده می‌شود. در پی این کار ماتریس حاصل عناصر منفی در بر نخواهد داشت.

ساختار ثابت فروش‌های صنعت (رشته فعالیت)

۲۸-۶۱ در اینجا ۶ واحد کالاهای صنعتی عرضه شده توسط رشته فعالیت ساخت و ساز با استفاده از نسبت‌های سطر ساختمان از سطر محصولات صنعتی به سطر ساختمان تخصیص داده می‌شود. چنین ماتریسی می‌تواند حاوی عناصر منفی باشد.

انتخاب رهیافت مورد استفاده

۲۸-۶۲ چهار گزینه پیش روی تهیه کننده‌ی داده – ستانده وجود دارد.

الف. رهیافت محصول در محصول با استفاده از فرض تکنولوژی محصول.

ب. رهیافت محصول در محصول با استفاده از فرض تکنولوژی صنعت (رشته‌فعالیت).

پ. رهیافت صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت) با فرض ساختار ثابت فروش‌های محصول.

ت. رهیافت صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت) با فرض ساختار ثابت فروش‌های صنعت (رشته‌فعالیت).

گزینه‌های الف و ت ممکن است عناصر منفی ایجاد کنند؛ گزینه‌های ب و پ عناصر منفی ایجاد نمی‌کنند.

۲۸–۶۳ هردوی جدول‌های محصول در محصول و صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت) را می‌توان تهیه کرد. هریک از آن‌ها کارکردهای تحلیلی جداگانه‌ای دارند. برای مثال، برای حصول اطمینان از این که شاخص‌های قیمت کاملاً سازگار هستند، ماتریس محصول در محصول ترجیح داده می‌شود. برای ارتباط با پرسش بازار کار، جدول صنعت در صنعت (رشته فعالیت در رشته فعالیت) می‌تواند مفیدتر باشد. هرچند به طورسنتی علاقه‌ی فراوانی به جدول‌های محصول در محصول وجود دارد، این امر تا حد زیادی با توجه به تکنولوژی زیربنائی آن همراه بوده است. روابط متقابل اقتصادی صنعت‌های مختلف به طور روزافزونی علاقه بیشتری را به جدول‌های صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت) به ارمغان آورده است.

رهیافت‌های ترکیبی

۲۸–۶۴ در عمل، هیچ رهیافت واحدی به تنهائی بکار نمی‌رود. آگاهی از نوع محصول یا صنعت (رشته‌فعالیت) مورد بحث تعیین می‌کند که روش تبدیلِ مبتنی بر صنعت (رشته‌فعالیت) مناسب‌تر است یا روش مبتنی بر محصول. برخی محصولات ثانوی را می‌توان با یک روش و برخی دیگر را با روشی دیگر برخورد کرد علیرغم این واقعیت که، ممکن است گاهی در ابتدا ارزش‌های منفی پیدا شوند.

۲۸–۶۵ گستره‌ی تنوع رهیافت‌های متفاوت بستگی به تعدادی عوامل، از جمله به طور خاص گستره‌ی تولید ثانوی در ماتریس عرضه دارد. به طور کلی، هرچه میزان تفکیکِ سطرها و ستون‌ها بیشتر باشد و از اینرو عمل انتساب برای تولید ثانویِ کمتری انجام شود، جدول‌های داده – ستانده به جدول‌های عرضه و مصرف شبیه‌تر خواهد بود. در حقیقت برخی کشورها ترجیح می‌دهند با جدول‌های عرضه و مصرف تفصیلی کار کنند و اصلاً جدول‌های متقارن تولید نکنند.

۲۸–۶۶ به عنوان توضیحی برای تفاوت‌های موجود، جدول‌های ۲۸–۶ و ۲۸–۷ نتایج تبدیل جدول‌های عرضه و مصرف در فصل ۱۴ را ابتدا به ماتریس محصول در محصول با استفاده از فرض تکنولوژی صنعت (رشته فعالیت) و سپس ماتریس صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت) با استفاده از ساختار فروش محصول نشان می‌دهد.

جدول ۲۸–۸: حساب کالاها و خدمات به شکل ماتریس

	حساب کالاها و خدمات		حساب تولید		حساب‌های مصرف درآمد		حساب‌های سرمایه		مصرف کل
	R	E	R	E	R	E	R	E	
حساب کالاها و خدمات			مصرف واسطه		مصرف نهائی		تشکیل سرمایه ناخالص		
E	صادرات	۵۴۰	۱ ۸۸۳		۱ ۳۹۹		۴۱۴		۴ ۲۳۶
R	واردات	۴۹۹							
حساب تولید	ستانده								
E		۳ ۷۳۷							
R									
عرضه کل		۴ ۲۳۶							

داده‌های اولیه مورد نیاز برای تبدیل

۲۸–۶۷ نقطه شروع برای تولید جدول داده – ستانده‌ی متقارن یک جفت جدول‌های عرضه و مصرف است ک هردو به قیمت‌های پایه تهیه شده باشند. حتی محاسبه یک جدول مصرف به قیمت پایه یک قدم دور از آمارهای اولیه و مشاهدات واقعی است، که این واقعیت را تقویت می‌کند که جدول‌های داده – ستانده ساخت‌های تحلیلی هستند، نه تهیه‌ی پدیده‌ای که مستقیماً مشاهده شده است.

۲۸–۶۸ همچنین، تفکیکِ جدولِ مصرف به قیمت پایه به دو جدول، که یکی نشان دهنده‌ی عناصرِ مربوط به ستانده‌ی داخلی و دیگری عناصرِ مربوط به واردات باشد، کارِ سودمندی است. این جداسازی مستلزم در اختیار داشتن آمارهای زیادی است ولی نتایج برآمده از آن امکان خواهد داد تا انعطاف‌پذیریِ قابل ملاحظه‌ای در برخورد با واردات وجود داشته باشد و تحلیل‌های روشنی درباره‌ی اثر تقاضا بر عرضه‌ی تولیدکنندگانِ مقیم و عرضه‌کنندگانِ غیرمقیم به‌طور جداگانه انجام شود.

۲۸–۶۹ روش دقیق پرداختن به واردات موضوعی است که دارای پیچیدگی‌های زیاد بوده و تعدادی هم گزینه دارد. در برخی از اقتصادها، تنها چند محصول مهم هستند که وارد می‌شوند و جداسازی این واردات غیررقابتی از بقیه می‌تواند علاقمندان ویژه‌ای داشته باشد.

۲۸–۷۰ موضوع دیگری که نیاز به توجه دقیق دارد میزان تفصیلی بودن طبقه بندی‌های محصولات و صنعت‌های (رشته-فعالیت‌های) مورد نیاز است. انتخاب گروه‌های محصولات و صنعت‌ها (رشته فعالیت‌ها) می‌تواند بسته به منابعِ در دسترس اداره آمار و نوع استفاده از نتایج جدول متفاوت باشد.

ت. ماتریس حسابداری اجتماعی

۱. ارائه توالی حساب‌ها به شکل ماتریس

۲۸–۷۱ قسمتی از جدول مصرف که مربوط به مقصد محصولات است یک طرف حساب کالاها و خدمات را در شکل ماتریسی حساب‌ها نشان می‌دهد. اما، می‌توان آن را به صورت مجموعه‌ای از ماتریس‌های فرعی، یکی برای مصرف واسطه، یکی برای مصرف نهائی، یکی برای تشکیل سرمایه و یکی برای صادرات نیز نشان داد. این عناصر فرعی را می‌توان به ترتیب به حساب تولید، حساب مصرف درآمد، حساب سرمایه و حساب دنیای خارج مربوط کرد. به همین ترتیب جدول عرضه نیز طرف دیگر حساب کالاها و خدمات را نشان می‌دهد ولی می‌تواند به صورت دو ماتریس فرعی، یکی مربوط به حساب تولید (ستانده) و دیگری مربوط به دنیای خارج (واردات)، نوشته شود. وقتی جدول عرضه به صورت افقی و جدول مصرف به صورت عمودی برحسب این ماتریس‌های فرعی و حساب‌های مربوط به آن‌ها نوشته شوند جدول ۲۸–۸ بدست می‌آید. سطرها و ستون‌هائی که با E نشان داده شده‌اند کل اقتصاد و سطرها و ستون‌هائی که با R نشان داده شده‌اند دنیای خارج هستند.

۲۸–۷۲ جذابیت این چارچوب در این است که حاصل جمع افقی مجموعه‌ی سطرهای حساب کالاها و خدمات با حاصل جمع عمودی ستون‌های همان حساب برابر هستند. این نوع مطابقت برای مجموعه‌ی دوم سطرهای حساب تولید وجود ندارد، ولی رسیدن به آن مشکل نیست. می‌توان اقلام ورودی ارزش افزوده را در یک مجموعه‌ی سومی از سطرها در زیر اقلام مصرف واسطه وارد کرد. به این ترتیب با این شیوه برای حساب تولید، جمع عمودی ستون‌ها با جمع سطرهای همان حساب مطابقت خواهند داشت. ولی اکنون مجموعه بدون مطابقت سومی از سطرهای حاوی ارزش افزوده وجود دارد. زیرا ارزش افزوده سرانجام به حساب تخصیص درآمد اولیه منتقل می‌شود، مجموعه سوم سطرها را می‌توان مانند آنچه که در جدول ۲۸–۹ نشان داده شده است تخصیص داد.

۲۸–۷۳ اگر برای منطبق کردن مجموعه‌ی سوم سطرها، مجموعه‌ی سومی از ستون‌ها بین ستون‌های حساب تولید و ستون‌های حساب مصرف درآمد وارد شود، می‌توان در تقاطع مجموعه‌ی سوم از سطرها و ستون‌ها درآمد دارائی را درج کرد و مجموعه چهارمی از سطرها را برای نشان دادن تراز درآمد اولیه‌ای که در حساب توزیع ثانوی درآمد نشان داده می‌شود وارد کرد. با ادامه دادن این شیوه، می‌توان مجموعه‌ی بعدی از سطرها و ستون‌ها را تعیین کرد تا کل توالی حساب‌ها همان‌گونه که در جدول ۲۸–۱۰ نشان داده شده است پوشش داده شوند.

۲۸–۷۴ با منظور کردن اقلام ورودی برای دنیای خارج و نیز کل اقتصاد، اقلام ترازکننده از تراز پرداخت‌ها را به عنوان مثال می‌توان به صورت رقم ۴۱- در جدول ۲۸–۹ نشان داد.

۲۸–۷۵ امکان گسترش جدول ۲۸–۱۰ برای وارد کردن ترازنامه‌ها نیز به صورتی که در جدول ۲۸–۱۱ نشان داده شده است وجود دارد. برای این کار، در بالای جدول اولیه سطری برای نشان دادن ترازنامه ابتدای دوره و سه سطر در زیر آن وارد می‌شود. سطر اول از سه سطرِ زیرین اقلام ورودی حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها را نشان می‌دهد، دومی مربوط به حساب بازارزش گذاری است و آخری ترازنامه انتهای دوره است. دو تعدیل نیز باید در جدول ۲۸–۶ صورت گیرد. تعدیل نخست مربوط به قلم مصرف سرمایه ثابت است که از سطر حساب سرمایه و ستون حساب تولید ترانهاده (ترانسپوز) می‌شود و در ستون حساب سرمایه و سطر حساب تولید ولی با علامت منفی قرار داده می‌شود. تعدیل دوم تقسیمِ حساب سرمایه به دو مجموعه که مجموعه‌ی سطرها و ستون‌های اولی همه‌ی اقلام حساب را پوشش می‌دهند ولی مجموعه‌ی دوم جزئیات محصول را برای تشکیل سرمایه ناخالص پوشش می‌دهد و از اینرو قسمتی از حساب دارائی‌ها برای دارائی‌های غیرمالی را تشکیل می‌دهد.

۲۸–۷۶ اگر ستون‌هائی که با قلم ترازنامه‌نامه‌ی ابتدای دوره برای دارائی‌های ثابت شروع می‌شود به‌صورت عمودی خوانده شود، به عنوان مثال ارزش قلمِ ابتدای دوره بعلاوه ارزش تشکیل سرمایه، منهای مصرف سرمایه ثابت، بعلاوه سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها، بعلاوه اقلام بازارزش‌گذاری شده برابر با ارزش ترازنامه‌ی انتهای دوره است. برای دارائی‌های مالی منهای بدهی‌ها نیز اتحادی مطابق با آن برقرار می‌شود.

جدول ۲۸–۹: جدول عرضه و مصرف به شکل ماتریس

	حساب کالاها و خدمات		حساب تولید		حساب‌های مصرف درآمد		حساب‌های سرمایه		جمع
	E	R	E	R	E	R	E	R	
حساب کالاها و خدمات			مصرف واسطه		مصرف نهائی		تشکیل سرمایه ناخالص		
E صادرات	۵۴۰		۱ ۸۸۳		۱ ۳۹۹		۴۱۴		۴ ۲۳۶
R واردات		۴۹۹							۴۹۹
حساب تولید	ستانده								
E	۳ ۷۳۷								۳ ۷۳۷
R									
حساب توزیع اولیه درآمد			ارزش افزوده						
	-۴۱		۱ ۸۵۴						
جمع	۴ ۲۳۶	۴۹۹	۳ ۷۳۷						

۲. گسترش ماتریس

۲۸.۷۷ گسترش و بازتنظیم سطرها و ستون‌های ماتریس تا زمانی که سازگاری در هردو بعد آن وجود داشته باشد امکان پذیر است. لازم نیست دقیقاً به توالی حساب‌ها یا تفصیلی که در آنجا نشان داده می‌شود وفادار بود. تراکنش‌هائی را که باید گنجانیده شوند می‌توان گسترش داد یا اندازه آن‌ها را محدود کرد و بطور مشابه در تعیین بخش‌های نهادی نیز می‌توان این‌گونه برخورد کرد.

۲۸.۷۸ مثال ترانسپوزِ (ترانهاده‌ی) مصرف سرمایه ثابت از یک قلم ورودی مثبت در یک طرف حساب به یک قلم ورودی منفی در طرف دیگر نشان می‌دهد که چگونه فرمولی کردن ماتریس می‌تواند برای تقویت ارتباطات بین حساب‌های دارائی بکار رود.

۲۸.۷۹ امکان گنجانیدن طبقه بندی‌های دیگری از اقلام کلیدی نیز وجود دارد. برای مثال، می‌توان سطری بنام نیازهای بشری گنجاند تا نشان دهد که هریک از گروه‌های خانوار، طبقِ طبقه بندی کارکردیِ مصرف خانوار، چه میزان غذا، مسکن و غیره نیاز داشته‌اند. سپس در ستون مخارج مصرفی، می‌توان مجموعه‌ی نیازها را برحسب محصول و گروه‌های خانوارها به طور چند بعدی طبقه بندی کرد.

۲۸.۸۰ گسترشِ بیشترِ ماتریس می‌تواند جزئیات از چه کسی به چه کسی را برای جریان‌هائی نظیر درآمد دارائی و انتقالات نشان دهد.

۲۸.۸۱ ارائه به‌صورت ماتریس از لحاظ انعطاف پذیری و نمایشِ روابط متقابلِ حساب‌ها به شکل فشرده و نموداری، از قابلیت زیادی برخوردار است. ولی از سوی دیگر نیز معایبی برای ارائه ماتریسی وجود دارد.

الف. بدون نوشته‌ی توضیحی برای تشرح هریک از عناصر اصلی، خواننده برای اینکه اقلام جدول را تفسیر کند باید درک بسیار خوبی از SNA داشته باشد.

ب. این نوع جدول همیشه دارای تعداد زیادی فضاهای سفید است که حاکی از آن است که برای ارائه‌ی میزانِ زیادی از داده‌ها روش مؤثری به‌حساب نمی‌آید.

به طور کلی، قالب ماتریسی بهترین شیوه برای توضیح ساختار حساب‌هائی است که با سلول‌های تکی، یا ترکیبی از سلول‌ها، با پیروی از یک قالب سنتی‌تر ارائه می‌شوند.

۳. تفکیک خانوارها

۲۸.۸۲ گسترش ماتریسِ حسابداریِ توالی حساب‌ها برای وارد کردن تفکیک خانوارها، یکی از شکل‌های رایج حساب‌های اقماری است که بنام ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) شناخته شده است. به این ترتیب این ماتریس فراتر از ساختار انعطاف-ناپذیر حسابداری مبتنی بر مشاهدات عمل می‌کند تا تخصیص درآمد بین گروه‌های خانوارِ مبتنی بر آمارگیری هزینه و درآمد خانوار را بسازد. در برخی موارد این امر بر یک آمارگیری منفرد مبتنی است. همان‌گونه که در فصل ۲۴ در بخش خانوار گفته شد، مسأله این است که جریان‌های درآمد در SNA به افراد مربوط می‌شوند، اعم از این که کارکن باشند، دریافت کنندگان درآمد دارائی یا دریافت کنندگان انتقالات باشند، در حالی که مخارج به خانوارها مربوط می‌شوند. مرتبط کردنِ افراد به خانوارها در هر صورت امر مشکلی است و بر مجموعه‌ای از فرض‌های کم و بیش گسترده استوار است. هرگونه تحلیلی درباره‌ی چگونگی تأثیر سیاست‌های دولت بر خانوارها و مصرف آن‌ها بستگی به برقراری چنین ارتباطی خواهد داشت.

۴. ماتریس حسابداری اجتماعی برای حساب‌های نیروی کار

۲۸.۸۳ یکی از مواردی که ماتریس حسابداری اجتماعی برای آن مفید است، حساب‌های نیروی کار است که میزان اشتغال و بیکاری و ترکیب آن‌ها را نشان می‌دهد. SAM اغلب با تقسیم بندیِ تفصیلی تر جبران خدمات کارکنان برحسب نوع شخص شاغل اطلاعات اضافی درباره این موضوع فراهم

می‌کند. این تقسیم بندی به هر دو مورد، هم به استفاده از نیروی کار توسط صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)، آن‌گونه که در جدول عرضه و مصرف نشان داده می‌شود و هم به عرضه‌ی نیروی کار توسط زیرگروه‌های اقتصادی اجتماعی، آن‌گونه که در حساب تخصیص درآمد اولیه برای خانوارها نشان داده می‌شود، اعمال می‌گردد. این حاکی از آن است که ماتریس مورد نظر نه تنها عرضه و مصرف محصولات گوناگون را ارائه می‌دهد، بلکه عرضه و مصرف رده‌های خدمات نیروی کار را نیز نشان می‌دهد.

۲۸-۸۴ برای این‌که تصویر جامعی از روابط بین خانوارها و بازار نیروی کار بدست آید، احتمالاً مجموعه اطلاعات زیر مورد نیاز خواهد بود:

الف. موجودی‌های مختلفی که زیربنای جریان‌ها در SAM هستند، نظیر اندازه و ترکیب جمعیت برحسب گروه‌های خانوار (شامل نیروی کارِ بالقوه) و ظرفیت تولید برحسب صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)؛

ب. برای اشخاص خود اشتغال، در اختیار داشتن اطلاعاتی درباره مالکیت دارائی‌ها (برای نمونه، زمین کشاورزی، کالاهای بادوام مصرفی) و نیز اطلاعاتی درباره دارائی‌های مالی و بدهی‌ها می‌تواند مطلوب باشد؛

پ. نماگرهای اقتصادی اجتماعی غیرپولی مربوطه، نظیر امید به زندگی، مرگ و میر نوزادان، سواد بزرگسالان، مواد غذائی دریافتی، دسترسی به امکانات سلامت و تحصیل (دولتی)، وضعیت مسکن برحسب گروه خانوار نشریه‌ی (*به سوی سیستم آمارهای اجتماعی و جمعیتی* (سازمان ملل، ۱۹۷۵) را مشاهده فرمائید)؛

ت. بعضی تغییر مسیرها نظیر انتقالات اجتماعی غیرنقدی توسط گروه‌های خانوارها.

۲۸-۸۵ مقایسه درآمدهای نیروی کارِ همه‌ی اشخاص شاغل به‌گونه‌ای که در SAM نشان داده می‌شود، تجزیه این درآمدها به اشتغال معادل تمام وقت و متوسط نرخ دستمزد، و نیروی کار بالقوه برحسب نوع شخص و گروه خانوار (بیان شده برحسب واحد معادل "تمام وقت")، اطلاعات تفصیلی درباره ترکیب بیکاری و یک نماگر هم‌افزوده ("بیکاری برحسب واحد معادل تمام وقت") بوجود می‌آورد، که هم از جهت مفهومی و هم از جهت عددی، با دیگر نماگرهای اقتصاد کلان سازگار هستند؛ این‌ها را نیز می‌توان از چارچوب SAM بدست آورد.

جدول ۲۸- ۱۰: حساب‌های جریانی در توالی حساب‌ها به شکل ماتریس

	حساب کالاها و خدمات		حساب تولید		حساب های توزیع اولیه درآمد		حساب‌های توزیع ثانوی درآمد		حساب‌های مصرف درآمد		حساب‌های سرمایه		حساب‌های مالی		جمع

جدول ۲۸- ۱۱: توالی حساب‌ها شامل ترازنامه‌ها به شکل ماتریس

ترازنامه ابتدای دوره		حساب کالاها و خدمات		حساب تولید		حساب مصرف واسطه		حساب کالاها و خدمات		حساب صادرات وارادات		حساب ستانده		حساب تولید		حساب ارزش افزوده		حساب‌های توزیع اولیه درآمد		حساب‌های توزیع ثانوی درآمد		حساب‌های مصرف درآمد		حساب سرمایه		حساب دارائی		حساب‌های مالی		جمع
		R	E	R	E	R	E	R	E	R	E	R	E	R	E	R	E	R	E	R	E	R	E	R	E	R	E	R	E	

فصل ۲۹: حساب‌های اقماری و دیگر حساب‌های گسترش یافته

الف. مقدمه

۲۹–۱ توالی حساب‌ها به دلیل دقت ذاتی سیستم حسابداری، تا حد بسیار زیادی دارای یکپارچگی کامل است. اما لزومی ندارد از توصیه‌های ارائه شده در فصل‌های پیشین بدون تغییر پیروی شود. یکی از نقاط قوت SNA این است که بهم پیوستگی آن به اندازه‌ای استوار است که می‌توان در پیاده‌سازی آن به میزان زیادی انعطاف‌پذیری بکار برد در حالی که یکپارچگی آن حفظ شود، از نظر اقتصادی کامل و از نظر درونی سازگار باقی بماند. هدف این فصل آن است که برخی از روش‌هائی را که این انعطاف پذیری را می‌توان بکار برد روشن سازد.

۱. طبقه بندی‌های کارکردی

۲۹–۲ همانگونه که در بسیاری از فصل‌های پیشین اشاره شد، حرکت از پرسش "چه چیزی خریداری شده است" برای رسیدن به پاسخ این پرسش که "هزینه‌ها چرا متقبل شده‌اند" به طور قابل ملاحظه‌ای بر قدرت تحلیلی سیستم می‌افزاید. یکی از رهیافت‌ها برای پاسخ به این سؤال استفاده از طبقه‌بندی‌های کارکردی مخارج و خرج‌ها است. توصیفی از این طبقه‌بندی‌ها در بخش ب ارائه شده است. طبقه‌بندی‌های کارکردی ضمن این که نقطه شروع مفیدی را برای انواع مختلف حساب‌های اقماری فراهم می‌کنند برای SNA نقش محوری دارند.

۲. حساب‌های بخش کلیدی

۲۹–۳ بجای استفاده از طبقه بندی‌های محصولات و صنعت‌ها (*CPC* و *ISIC*) با ترتیب استاندارد خود و در همان سطح از سلسله مراتب، انتخاب گروهی از محصولات یا صنعت‌هائی که دارای اهمیت ویژه‌ای برای اقتصاد هستند، و در اینجا به عنوان بخش‌های کلیدی نامیده شده‌اند، حاوی اطلاعات مفیدی خواهد بود. انتخاب می‌تواند بسیار خاص باشد، مثلاً تمرکز روی یک محصول کشاورزی یا ستانده معدنی منفرد، یا ممکن است کلی‌تر باشد نظیر تمامی کالاها و خدماتی که عمدتاً در خدمت گردشگری هستند. در هر حالت، مجموعه‌ای از جدول‌های عرضه و مصرف می‌تواند با تمرکز روی بخش کلیدی تهیه شود در حالی که محصولات و صنعت‌های دیگر تجمیع شوند. در برخی موارد، جائی که فعالیت مورد نظر توسط بنگاه‌های نسبتاً کوچک یا بنگاه‌های نسبتاً بزرگ انجام می‌شود ممکن است کمی فراتر رفته و توالی کامل حساب‌ها را برای بخش کلیدی نیز تهیه کرد. این رهیافت‌ها در بخش پ شرح داده شده است.

۳. حساب‌های اقماری

۲۹–۴ شکل گسترده‌تر انعطاف پذیری استفاده از حساب‌های اقماری است. همان گونه که از نام آن پیداست، این حساب‌ها به سیستم محوری SNA مرتبط است ولی با آن فرق دارد. تهیه بسیاری از حساب‌های اقماری امکان پذیر است ولی با وجود این که هرکدام با سیستم محوری سازگار هستند، ممکن است همیشه با یکدیگر سازگار نباشند.

۲۹–۵ به طور کلی، دو نوع حساب اقماری وجود دارد. نخستین نوع، قدری بازتنظیمِ طبقه بندی‌های محوری و معرفی عناصر تکمیلی ممکن را در بر می‌گیرد. این نوع حساب‌های اقماری عمدتاً حساب‌های ویژه‌ای را برای زمینه‌های مشخصی نظیر مخارج آموزش، گردشگری و حفاظت محیط زیست پوشش می‌دهند و می‌توان آن‌ها را به صورت گسترش حساب‌های کلیدی که در بالا اشاره شد در نظر گرفت. این حساب‌ها ممکن است با سیستم محوری تفاوت‌هائی داشته باشند، ولی تعاریف زیربنائی SNA را به‌صورت بنیادی تغییر نمی‌دهند. دلیل اصلی برای ایجاد این نوع حساب‌ها این است که همه‌ی جزئیات مربوط به همه‌ی بخش‌های مورد توجه را در بر گیرد

که اگر آن‌ها به عنوان قسمتی از سیستم استاندارد در نظر گرفته شوند فقط ممکن است بار آن را بیش از حد اضافه کنند و توجه را از ویژگی‌های اصلی کل حساب‌ها منحرف سازند. بسیاری از عناصری که در حساب‌های اقماری نشان داده می‌شوند در حساب‌های محوری از نظرها پنهان هستند. چه آن‌هائی که در تهیه‌ی حساب‌های محوری به طور صریح برآورد شده ولی در ارقام کلی‌تر ادغام شده‌اند، چه آن‌هائی که اجزای ضمنی تراکنش‌هائی هستند که به طور یکجا برآورد شده‌اند.

۶-۲۹ نوع دومِ تحلیل‌های اقماری عمدتاً بر مفاهیم جایگزین مفاهیم SNA استوار است. انواع مختلف مفاهیم اولیه‌ای را که می‌توان در نظر گرفت در بخش ت مورد بحث قرار گرفته است. این‌ها شامل محدوده‌ی متفاوت تولید، گسترش مفهوم مصرف یا تشکیل سرمایه، گسترش دامنه‌ی دارائی‌ها، و غیره هستند. اغلب این امکان وجود دارد که به طور هم‌زمان تعدادی مفاهیم جایگزین مورد استفاده قرار گیرند. نوع دومِ تحلیل نیز می‌تواند مانند نوع اول تغییر طبقه بندی‌ها را در بر داشته باشد ولی تأکید اصلی آن بر مفاهیم جایگزین است. استفاده از مفاهیم جایگزین ممکن است هم‌افزوده‌های نیمه تکمیلی را که منظور اصلی از آن تکمیل سیستم محوری است بوجود آورد.

۷-۲۹ بخش ث، برخی از انواع جدول‌هائی را که می‌توانند در زمینه‌ی حساب‌های اقماری مفید باشند پیشنهاد می‌کند. در اینجا نیز انعطاف پذیری در ارائه جدول‌ها توصیه می‌شود ولی ثابت شده است که موضوع جدول‌هائی که در بخش ث توصیه شده‌اند در تعدادی از موارد مفید واقع می‌شوند.

۸-۲۹ تأکید بر انعطاف پذیری SNA تا حدی پیش می‌رود که امکان انعطاف پذیری کامل در مورد تعداد یا نوع حساب‌های اقماری یا دیگر حساب‌های گسترش یافته‌ای که می‌توان تهیه کرد، فراهم می‌شود. حساب‌های اقماری، بویژه نوع دوم، تجربه‌ی مفاهیم و روش‌های جدید را با آزادی بسیار بیشتری از آنچه که در درون سیستم محوری امکان دارد فراهم می‌کند. هنگامی که تعدادی از کشورها حساب‌های اقماری مشابهی را تهیه کنند، تبادل تجربیات آن‌ها می‌تواند به اصلاحات سودمندی در راهنماهای بین‌المللی در یک موضوع خاص و گسترش آن‌ها و سرانجام امکان ایجاد تغییراتی در خودِ سیستم محوری منجر شود. مثال‌هائی از این نوع پژوهش‌ها در بخش ج این فصل گزارش شده است.

ب. طبقه‌بندی‌های کارکردی

۹-۲۹ SNA برای تحلیل مصرف یا خرج‌های کلی‌تر توسط بخش-های مختلف با توجه به هدفی که برای آن مخارج انجام می-شود، از طبقه بندی‌های خاص استفاده می‌کند. این نوع طبقه بندی‌ها، طبقه بندی‌های کارکردی نامیده می‌شوند. طبقه-بندی‌های مورد بحث عبارتند از:

الف. طبقه بندی فردی مصرف براساس هدف (COICOP)؛

ب. طبقه بندی کارکردهای دولت (COFOG)؛

پ. طبقه بندی هدف‌های نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (COPNI)؛

ت. طبقه بندی خرج‌های تولیدکنندگان براساس هدف (COPP).

۱۰-۲۹ جزئیات کامل همه‌ی طبقه بندی‌ها را می‌توان در *طبقه بندی‌های مخارج برحسب هدف* (سازمان ملل، ۲۰۰۰) بدست آورد.

۱۱-۲۹ هدف اصلی این طبقه بندی‌ها فراهم کردن آمارهائی است که تجربه نشان داده است برای طیف گسترده‌ای از کاربردهای

تحلیلی، به‌طور کلی مورد توجه است. برای مثال، COICOP اقلامی نظیر مخارج خوراک، خدمات سلامت و آموزش خانوار را که همه‌ی آن‌ها نماگرهای رفاه ملی هستند نشان می‌دهد؛ COFOG مخارج دولت را در زمینه‌ی سلامت، آموزش، دفاع و غیره نشان می‌دهد و همچنین برای تفکیک خدمات جمعی از مصارف فردی کالاها و خدمات ارائه شده توسط دولت بکار می‌رود؛ COPP می‌تواند اطلاعات مربوط به "برون سپاری" خدمات کسب و کار را فراهم کند، به این معنی که تولیدکنندگان، چه میزان از خدمات کیترینگ، تمیزکاری، حمل و نقل، حسابرسی و سایر خدماتی را که قبلاً به عنوان فعالیت‌های فرعی در درون بنگاه انجام می‌شد خریداری می‌کنند.

۲۹–۱۲ طبقه بندی‌های کارکردی ابزاری را نیز برای قالب بندی مجدد هم‌افزوده‌های کلیدی SNA برای انواع خاصی از تحلیل‌ها فراهم می‌کنند، که برخی از آن‌ها در بخش‌های بعدی این فصل شرح داده شده است، برای مثال:

الف. می‌توان استدلال کرد که برای مقاصد تحلیلی متعدد، تعریف SNA از تشکیل سرمایه‌ی ناخالص خیلی محدود است. در مطالعاتِ عوامل مؤثر در بهره‌وریِ نیروی کار، پژوهشگران بیشتر دوست دارند سنجه‌ی "سرمایه انسانی" را که به‌طور عادی از اطلاعات مربوط به مخارج گذشته‌ی آموزش بدست می‌آید در اختیار داشته باشند. هریک از چهار طبقه بندی کارکردی، مخارج مربوط به آموزش را مشخص می‌کنند و از اینرو بدست آوردن مخارج متقبل شده برای آموزش توسط خانوارها، دولت، نهادهای غیرانتفاعی و تولیدکنندگان امکان پذیر می‌شود؛

ب. در مطالعات مخارج خانوار و پس‌انداز، برخی پژوهشگران مخارج مربوط به کالاهای بادوام مصرفی را بجای هزینه‌های عملیاتی جاری، به عنوان هزینه‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته‌اند. COICOP با مشخص کردن مخارج مربوط به کالاهای بادوام مصرفی این کار را آسان می‌سازد؛

پ. در مطالعات اثر رشد اقتصادی بر محیط زیست، پژوهشگران بیشتر خواستار تعیین مخارج حفاظت محیط زیست هستند. هردوی COFOG و COPP، این مخارج را به عنوان یکی از رده‌های سطح اولِ طبقه‌بندی منظور می‌کنند.

۱. COICOP

۲۹–۱۳ در COICOP، ۱۴ رده‌ی اصلی وجود دارد. ۱۲ رده‌ی اول، کل مخارج مصرف فردی خانوار را تشکیل می‌دهند. دو رده‌ی آخر طبقه‌بندی، آن قسمت از مخارج مصرفی NPISHها و دولت را که به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی تلقی می‌شوند مشخص می‌کنند. همه‌ی ۱۴ قلمِ این طبقه‌بندی، مصرف نهائی واقعی توسط خانوار را نشان می‌دهند.

۱. خوراکی و نوشیدنی‌های غیرالکلی،

۲. نوشیدنی‌های الکلی، دخانیات و مواد مخدر،

۳. پوشاک و کفش،

۴. مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها،

۵. مبلمان، لوازم خانگی و نگه‌داری عادی آن‌ها،

۶. سلامت،

۷. حمل و نقل،

۸. ارتباطات،

۹. تفریح و فرهنگ،

۱۰. آموزش،

۱۱. هتل و رستوران،

۱۲. کالاها و خدمات متفرقه،

۱۳. مخارج مصرف فردی NPISHها،

۱۴. مخارج مصرف فردی دولت.

۲۹–۱۴ آمارگیری‌های بودجه‌ی خانوار برای گردآوری اطلاعات مخارج خانوار، غالباً از یک طرح طبقه بندی مبتنی بر COICIP استفاده می‌کنند. این اطلاعات سپس باید برای استفاده در جدول عرضه و مصرف که در فصل‌های ۱۴ و ۲۸ مورد بحث قرار گرفته است به محصولات منتسب شود.

۲. COFOG

۲۹–۱۵ در COFOG ده رده‌ی اصلی به شرح زیر وجود دارد:

۱. خدمات امور عمومی،
۲. دفاع،
۳. نظم و امنیت عمومی،
۴. امور اقتصادی،
۵. حفاظت محیط زیست،
۶. مسکن و امکانات رفاهی جامعه،
۷. سلامت،
۸. تفریح، فرهنگ و مذهب،
۹. آموزش،
۱۰. حمایت اجتماعی.

۲۹–۱۶ همان‌گونه که در فصل ۲۲ اشاره شد، COFOG در تحلیل و ارائه آمارهای مالی دولت بکار می‌رود.

۳. COPNI

۲۹–۱۷ در COPNI هفت رده‌ی اصلی به شرح زیر وجود دارد:

۱. مسکن،
۲. سلامت،
۳. تفریح و فرهنگ،
۴. آموزش،
۵. حمایت اجتماعی،
۶. مذهب،
۷. احزاب سیاسی، سازمان‌های حرفه‌ای و کار.

۲۹–۱۸ این طبقه بندی نسخه‌ی قدری خلاصه شده از طبقه بندی نهادهای غیرانتفاعی است که در فصل ۲۳ ارائه شده است.

۴. COPP

۲۹–۱۹ در COPP شش رده‌ی اصلی به شرح زیر وجود دارد:

۱. خرج‌های زیربنائی،
۲. خرج‌های تحقیق و توسعه،
۳. خرج‌های حفاظت محیط زیست،
۴. خرج‌های بازاریابی،
۵. خرج‌های توسعه‌ی نیروی انسانی،
۶. خرج‌های برنامه، اجرا و مدیریت تولید فعلی،

۲۹–۲۰ در اصل، COPP برای همه‌ی تولیدکنندگان، چه بازاری چه غیربازاری، بکار می‌رود اگرچه همه‌ی رده‌ها به یک میزان مورد توجه هردو نوع تولیدکننده نیستند. در عمل، احتمالاً طبقه‌بندی خرج‌های تولیدکنندگان براساس هدف عمدتاً برای طبقه‌بندی تراکنش‌های تولیدکنندگان بازاری بکار می‌رود.

پ. حساب‌های اقماری بخش کلیدی و دیگر حساب‌های بخش‌های ویژه

۲۹–۲۱ توالی حساب‌ها، به طور عادی برای کل اقتصاد یا برای همه‌ی واحدهای نهادیِ متعلق به یک بخش یا زیربخش نهادی تهیه می‌شوند. در درون جدول‌های عرضه و مصرف، ممکن است واحدهای تولیدی با وجود این که واحد نهادی کاملی نیستند برای نشان دادن عناصر حساب تولید و حساب ایجاد درآمد گروه بندی شوند. هرچند سطرها و ستون‌های جدول‌های عرضه و مصرف اغلب از *CPC* و *ISIC* پیروی می‌کنند، ولی این امر کاملاً امکان پذیری است که در سطوح مشابهِ سلسه مراتبی آن‌ها، تعدادی از صنعت‌هائی (رشته‌فعالیت‌هائی) که در یک کشور معین مورد توجه خاص است انتخاب شوند. اطلاق "بخش" به گروه بندی این نوع صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) امر رایجی است، گرچه آن‌ها تشکیل بخش‌های نهادیِ مطرح شده در SNA را نمی‌دهند.

۲۹–۲۲ شناسائی فعالیت‌های خاصی که در تراکنش‌های خارجی اقتصاد نقش کلیدی بازی می‌کنند می‌تواند بسیار مفید باشد. این فعالیت‌های کلیدی ممکن است شامل بخش نفت، فعالیت‌های معدن‌کاوی یا محصولات زراعی (مانند قهوه) باشند در صورتی که قسمت مهمی از صادرات، دارائی‌های ارزی و، یا منابع دولت را تشکیل داده باشند.

۲۹–۲۳ در SNA سعی بر این نیست که معیار خاص و دقیقی برای مشخص کردن بخش کلیدی ارائه شود. این امر به توانائیِ تشخیصِ مبتنی بر تحلیل‌های اقتصادی و نیازهای سیاست اقتصادی و اجتماعی در کشور مورد نظر مربوط می‌شود. برای نمونه، حتی یک صنعت کوچک در مرحله نوپا می‌تواند شرایط این را داشته باشد که به عنوان بخش کلیدی شناخته شود.

۲۹–۲۴ گام نخست در طراحی حساب‌های بخش کلیدی، شناسائی فعالیت‌های کلیدی و محصولات متناظر با آن‌ها است. این کار ممکن است شامل گروه‌بندی اقلامی باشد که در قسمت‌های مختلف *ISIC* یا *CPC* نشان داده شده‌اند. برای مثال حساب‌های نفت و گاز طبیعی ممکن است استخراج نفت خام و گاز طبیعی (*ISIC* قسمت ۰۶)، تولید فرآورده‌های پالایش شده نفت (*ISIC* طبقه ۱۹۲۰)، حمل و نقل از طریق خطوط لوله (*ISIC* طبقه ۴۹۳۰)، عمده فروشی سوخت‌های جامد، مایع و گاز و محصولات مربوط (ISIC طبقه ۴۶۶۱) و خرده فروشی سوخت خودرو (*ISIC* طبقه ۴۷۳۰) را پوشش دهد. گسترش بخش(های) کلیدی تابع شرایط محلی است: برای مثال، برای بخش انرژی پوشش دادن فرآوری پتروشیمی می‌تواند مفید باشد.

۲۹–۲۵ محصولات کلیدی و صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) کلیدی ممکن است در چارچوب جدول‌های عرضه و مصرف تحلیل شوند. صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) کلیدی به تفصیل در ستون‌ها نشان داده می‌شوند و دیگر صنعت‌ها (رشته-فعالیت‌های) را می‌توان تجمیع کرد. در سطرها نیز به همین ترتیب، محصولات کلیدی به تفصیل نشان داده می‌شوند و محصولات دیگر تجمیع می‌شوند. در زیرِ جدول عرضه و مصرف، در سطرهای اضافی می‌توان نهاده‌های نیروی کار، تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص و موجودی دارائی‌های ثابت را نشان داد. در قسمت مصرف جدول، ستون‌های تشکیل سرمایه‌ی ثابت و تغییر موجودی انبار را به ترتیب می‌توان بین یک یا چند بخش یا صنعت (رشته‌فعالیت) کلیدی و دیگر بخش‌ها یا صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) تجزیه کرد. در کشوری که فعالیت کلیدی مورد نظر توسط انواع بسیار ناهمگون تولیدکنندگان انجام می‌شود نظیر کشاورزان کوچک در کنارِ مزارع بزرگ که متعلق به شرکت‌ها بوده و توسط آن‌ها اداره می‌شوند، ارائه‌ی جداگانه‌ی این دو گروه تولیدکننده می‌تواند مفید باشد، زیرا آن‌ها ساختار هزینه‌ی کاملاً متفاوتی دارند و به طور متفاوتی رفتار می‌کنند.

۲۹–۲۶ پس از آن، می‌توان مجموعه‌ای از حساب‌ها را، با پیروی از توالی حساب‌ها تا جائی که امکان‌پذیر است ، برای بخش کلیدی تهیه کرد. در مورد فعالیت‌های انرژی و معدن‌کاوی، بخش کلیدی عموماً از تعداد محدودی شرکت بزرگ تشکیل می‌شود که معمولاً امکانِ دستیابی به حساب‌های بازرگانی آن‌ها وجود دارد. همه‌ی فعالیت‌های شرکت‌ها، حتی وقتی فعالیت‌های ثانوی انجام می‌دهند، پوشش داده می‌شوند.

آگاهی از ماهیت محصولات ثانوی، ولی نه لزوماً مقصد آن‌ها، مفید خواهد بود.

۲۹-۲۷ وقتی در برخی کشورها بخش کلیدی به یک صنعت (رشته-فعالیت) یا محصول کشاورزی مانند قهوه مربوط می‌شود، وضعیت پیچیده‌تر است. بسیاری از تولید کنندگان ممکن است بنگاه‌های غیرشرکتی باشند که شرایط شبه شرکت را نداشته باشند. به طور ایده‌آل حساب‌های بخش کلیدی مجموعه‌ی کاملی از حساب‌ها را برای خانوارهائی که این فعالیت‌های تولیدی را انجام می‌دهند در بر می‌گیرد. از آنجا که در عمل این کار ممکن است مشکل باشد، لازم است تنها حساب‌ها و تراکنش‌هائی که ارتباط نزدیک‌تری با فعالیت کلیدی دارند نظیر حساب‌های تولید و ایجاد درآمد از یک طرف و تراکنش‌های اصلی حساب‌های سرمایه و مالی از طرف دیگر ارائه شوند.

۲۹-۲۸ در بسیاری از موارد، دولت چه از طریق مالیات‌ها و دریافتی‌های درآمد دارائی و فعالیت نظارتی چه از طریق یارانه‌ها، نقش مهمی در برقراری ارتباط با فعالیت‌های کلیدی دارد. بر این اساس، مطالعه‌ی تفصیلی تراکنش‌های بین بخش کلیدی و دولت بسیار مهم است. طبقه بندی تراکنش‌ها ممکن است برای شناسائی جریان‌هائی که با فعالیت کلیدی مرتبط هستند، از جمله مالیات بر محصول مربوطه، گسترش داده شود. این جریان‌ها ممکن است توسط دستگاه‌های مختلف دولتی نظیر وزارت‌خانه‌ها برای مقاصد ویژه، دانشگاه‌ها، صندوق‌ها یا حساب‌های خاص دریافت شود. به طور مشابه، برای تحلیل‌های اقتصادی مفید است که نشان داده شود این منابع توسط دولت به چه مصارفی می‌رسد، بویژه هنگامی که از طریق یک دستگاه دولتی تغییر مسیر داده شود. این کار نیازمند کارِ تحلیلیِ ویژه‌ای براساس هدفِ این قسمت از مخارج دولت است.

۲۹-۲۹ هنگام پرداختن به بخش کلیدی متمایز کردن شرکت‌های دولتی، تحت کنترل خارجی یا خصوصی ملی از یکدیگر یک امر اساسی است.

۳۰-۲۹ یک گام فراتر می‌تواند این باشد که جدول‌های اضافی درباره روابط "از چه کسی به چه کسی" بین بخش کلیدی و هر بخش دیگر و دنیای خارج نشان داده شود.

ت. حساب‌های اقماری: گزینه‌هائی برای تغییر مفاهیم

۳۱-۲۹ این بخش نگاهی دارد به برخی گزینه‌ها برای ایجاد حساب اقماری از نوع دوم، که در آن تعدادی از مفاهیم اولیه‌ی سیستم محوری به عمد تغییر داده می‌شود. مطالب این بخش صرفا برای روشنگری است و از جامعیت لازم برخوردار نیست.

۱. تولید و محصولات

۳۲-۲۹ در محدوده‌ی تولیدِ چارچوب محوری SNA، واحدهای تولید کننده کارگاه‌ها هستند که براساس فعالیت اقتصادی اصلی شان طبقه بندی می‌شوند. این نوع واحدها بر اساس *ISIC* طبقه بندی می‌شوند.

۳۳-۲۹ وقتی کارگاه‌ها و در پی آن صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) در سطح معینی از *ISIC* همگن نیستند، یک فعالیت اصلی و یک یا چند فعالیت ثانوی انجام می‌دهند. ستانده‌ی این فعالیت‌های ثانوی برحسب ماهیتشان، با پیروی از یک طبقه‌بندی تشخیص داده می‌شوند، ولی نهاده‌های فعالیت‌های ثانوی از نهاده‌های فعالیت‌های اصلی جدا نمی‌شوند. از سوی دیگر، فعالیت‌های فرعی برحسب ماهیت خود تحلیل و طبقه‌بندی نمی‌شوند و محصولات مربوطه به عنوان محصولات مستقلی نشان داده نمی‌شوند.

۳۴-۲۹ هنگام بررسی برخی از انواع فعالیت‌ها و محصولات، نه تنها

جدا کردن فعالیت‌های ثانوی از فعالیت‌های اصلی می‌تواند مفید باشد بلکه تشخیص و شناسائی فعالیت‌های فرعی نیز برای بدست آوردن تصویر کاملی از نهاده‌های مربوط به فعالیت مورد بررسی می‌تواند مفید باشد.

۲۹–۳۵ مثال حمل و نقل را در نظر بگیرید. ستانده فعالیت‌های حمل و نقل در چارچوب محوری تنها خدمات حمل و نقل ارائه شده به شخص ثالث را چه به عنوان محصول اصلی چه به عنوان محصول ثانوی پوشش می‌دهد. حمل و نقل به حساب خود به عنوان یک فعالیت فرعی تلقی می‌شود؛ نهاده‌های آن اجزای نامشخص هزینه‌های واحدهای تولیدکننده‌ای هستند که خدمت حمل و نقل به آن ارائه می‌شود. برای بدست آورد تصویر جامع‌تری از فعالیت حمل و نقل، حمل و نقل به حساب خود واحدهای تولید کننده می‌تواند شناسائی و اندازه‌گیری شود.

۲۹–۳۶ در برخی نمونه‌ها، گسترش محدوده‌ی تولید می‌تواند برای بررسی مفید باشد. به عنوان نمونه، برای برآورد جامع از کارکرد حمل و نقل در یک اقتصاد، پوشش خدمات حمل و نقل ارائه شده توسط خانوارها با استفاده از خودروهای شخصی و تعیین ارزش زمانی که مردم برای استفاده از تسهیلات حمل و نقل صرف می‌کنند می‌تواند مفید باشد. به طور کلی، دامنه‌ی فعالیت‌های غیربازاری را می‌توان به طور قابل ملاحظه‌ای گسترش داد.

۲۹–۳۷ فرآیند شناسائی فعالیت‌های اصلی، ثانوی، و فرعی هنگامی خوب عمل خواهد کرد که فعالیت مورد بحث در یکی از طبقه‌بندی‌های استاندارد شناسائی و بنابراین در چارچوب محوری نشان داده شود. اما در برخی موارد مهم، نظیر فعالیت‌های گردشگری و حفاظت محیط زیست، فرآیند شناسائی پیچیده است زیرا همه‌ی فعالیت‌ها و محصولات مربوطه در طبقه بندی‌های محوری نشان داده نمی‌شوند. استفاده از لغت "صنعت" با توجه به کاربرد عادی آن دقیق نیست مانند "بخش" که در مفهوم خاصی در رابطه با حساب‌های بخش کلیدی بکار می‌رود.

۲. درآمد

درآمدهای اولیه

۲۹–۳۸ هنگامی که محدوده‌ی تولید، آن‌گونه که در بالا پیشنهاد شد، گسترش داده می‌شود، اندازه‌ی درآمدهای اولیه، با برآورد درآمدهای فعالیت‌های اضافی که در درون محدوده‌ی تولید گنجانیده شده‌اند، افزایش خواهد یافت.

۲۹–۳۹ در شرایط تورمی بالا، ممکن است این‌گونه تصور شود که بهره اسمی سنجه‌ی مناسبی برای بازده وجوه قرض داده شده نیست. بهره اسمی دارای یک جزء صریح یا ضمنی برای جبران تغییر ارزش واقعی دارائی‌های پولی و بدهی‌ها در اثر تورم است. این جزء بجای این که درآمد دارائی تلقی شود، می‌تواند به عنوان منفعت ناشی از نگه‌داشتن برای وام گیرنده و به عنوان زیان ناشی از نگه‌اشتن برای وام دهنده تحلیل - شود.

انتقالات و درآمد قابل تصرف

۲۹–۴۰ علاوه بر انتقالاتی که در چارچوب محوری وجود دارد، انواع متعددی از انتقالات را می‌توان در صورت معنی دار بودن به صورت تفصیلی نشان داد. مثال‌هائی در این مورد در زیر آورده شده است.

۲۹–۴۱ می‌توان انتقالات ضمنی را به انتقالات صریح تبدیل کرد. انتقالات ضمنی وضعیت بین واحدها را بدون این که هیچ جریانی در چارچوب محوری به عنوان انتقال احتسابی تلقی شود، تغییر می‌دهند. برای نمونه، مزایای مالیاتی به محاسن یا معایبی که واحدهای اقتصادی در نتیجه‌ی قوانین مالیاتی نسبت به وضعیت عادی متحمل می‌شوند اشاره دارد. مثال دیگر، خدمات غیربازاری است که توسط واحدهای دولتی به رایگان به تولیدکنندگان بازاری ارائه می‌شوند. در چارچوب محوری سیستم این خدمات به عنوان مصرف جمعی دولت تلقی می‌شوند. اگر در تحلیلِ گسترده‌تر قرار باشد آن‌ها به عنوان مصرف واسطه‌ی تولید کنندگان بازاری تلقی شوند، باید طرف مقابل آن، ترجیحاً در یارانه بر تولید منظور شود. این رهیافت می‌تواند به طور نظام‌مند برای اندازه‌گیری همه‌ی

انواع انتقالات بین دولت و بخش‌های خاص، نظیر کشاورزی، انجام شود. در این‌صورت مزایای ضمنی حاصل از ارفاق‌های مالیاتی، مشارکت سهام، وام‌های کم بهره، نرخ‌های تبعیضی ارز، قیمت‌های داخلی تبعیضی و غیره، را می‌توان به یارانه‌ها، سایر انتقالات جاری، یا انتقالات سرمایه‌ای موجود در داده-های چارچوب محوری اضافه کرد.

۲۹-۴۲ آثار برون‌ریز، آثار وارد شده بر شخص ثالث هستند که در ارزش تراکنش‌های پولیِ بین دو واحد اقتصادی به حساب نمی‌آیند یا آثاری هستند که از اقدامات این واحدها در غیاب هرنوع تراکنش پولی حاصل می‌شوند. به این ترتیب، آثار برون‌ریز ممکن است منجر به گستره‌ای از انتقالات ضمنی شوند. برای مثال، آلودگی و مزاحمت ایجاد شده توسط تولیدکنندگان می‌توانند اثرات منفی بر مصرف کنندگان نهائی داشته باشند. این اثرات منفی را می‌توان (به سختی) برآورد کرده و به عنوان انتقالات منفی از تولید کننده به خانوار ثبت کرد. برای تراز این انتقالات منفی، یک امکان این است که مفهومی برای تولید آثار برون‌ریز معرفی شود که حاصل آن ستانده‌ی منفی یا مثبتِ خدمات و مصرف نهائی متناظر با آن باشد.

۲۹-۴۳ جریان‌های حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و حساب بازارزش‌گذاری در چارچوب محوری سیستم برای مفاهیم گسترش یافته‌ی انتقالات و درآمد قابل تصرف در نظر گرفته شده‌اند. برای مثال، مصادره‌های بلاعوض را می‌توان به عنوان انتقالات (البته بدون تمایل مالک قبلی) ثبت کرد. در کشورهائی که منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن مربوط به دارائی‌های مالی یا بدهی‌ها قابل ملاحظه هستند، می‌توان برای بدست آوردن سنجه‌ی گسترده‌تری از درآمد، منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن مربوط به دارائی‌های مالی و بدهی‌ها را به درآمد قابل تصرف اضافه کرد.

۳. مصارف کالاها و خدمات

۲۹-۴۴ پوشش مصارف کالاها و خدمات، چه برای مصرف واسطه چه برای مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه، در اثر گسترش مفهوم تولید مسلماً تغییر می‌یابد. برای مثال، اگر خدماتی که اعضای یک خانوار به یکدیگر ارائه می‌کنند در تولید منظور شوند، باید در مصرف نهائی نیز در نظر گرفته شوند.

۲۹-۴۵ حد و مرز بین مصرف واسطه، مصرف نهائی و تشکیل سرمایه نیز می‌تواند به شیوه‌های مختلف تغییر یابد. دو موردی که اغلب به آن‌ها اشاره می‌شود به سرمایه انسانی و کالاهای بادوام مصرفی برمی‌گردد. اگر دستکم قسمتی از مصرف نهائی آموزش و سلامت به عنوان تشکیل سرمایه ثابت تلقی شوند، تراکنش‌های متناظرِ آن‌ها در چارچوب محوری نیز باید از مصرف به تشکیل سرمایه‌ی حاصل از دارائی‌های سرمایه انسانی بازطبقه بندی شوند. پیامدِ بلافاصله‌ی آن، گسترش مفهوم مصرف سرمایه ثابت خواهد بود.

۲۹-۴۶ گزینه‌ی دیگر برای وارد کردن مخارج مربوط به کالاهای بادوام مصرفی نظیر خودرو و مبلمان در مصرف نهائی خانوار این است که با آن‌ها به عنوان تشکیل سرمایه ثابت برخورد شود. در این صورت تنها آن قسمت از دارائی ثابت که به عنوان خدمات سرمایه‌ی ارائه شده توسط کالاهای بادوام برآورد می‌شود در مصرف نهائی وارد می‌گردد. به بیان دقیق-تر، این رویه گسترش مفهوم تولید برای وارد کردن خدمات خانوار را ایجاب می‌کند. (درباره این موضوع در بخش ث بحث بیشتری انجام خواهد شد).

۲۹-۴۷ در اثر تغییراتی که در بالا مورد بررسی قرار گرفت، مفهوم پس‌انداز نیز باید گسترش یابد.

۴. دارائی‌ها و بدهی‌ها

۲۹-۴۸ دامنه دارائی‌های غیرمالی می‌تواند در اثرِ گسترش مفهوم تولید یا تغییر حد و مرز بین مصرف و تشکیل سرمایه، که در پاراگراف‌های پیشین اشاره شد، تغییر یابد.

۲۹-۴۹ دامنه‌ی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها نیز می‌تواند با وارد کردن دارائی‌ها و بدهی‌های احتمالی در طبقه بندی ابزارها گسترش یابد. علاوه براین، ممکن است برای ارزش‌گذاری دارائی‌های مالی از قواعد جایگزین استفاده شود، برای مثال بجای استفاده از ارزش بازار از برآوردهای ارزش عادلانه استفاده شود.

۵. کارکردها

۲۹-۵۰ بخش ب طبقه‌بندی‌های کارکردی را شرح می‌دهد. در نسخه‌ی استاندارد، سرفصل‌های یک سطحِ معین دو به دو با یکدیگر ناسازگار هستند. به عنوان مثال، آموزش در بیمارستان‌ها یا باید در مخارجِ آموزش طبقه بندی شود یا در مخارج سلامت و نمی‌توان آن را در هر دو سرفصل طبقه‌بندی کرد. در نتیجه، برای حساب آموزش یا حساب سلامت ممکن است بازطبقه‌بندی تعدادی از تراکنش‌ها مورد نیاز باشد. به منظور حفظ سازگاری هرچه بیشتر با سیستم محوری، هر نوع بازطبقه‌بندی باید به‌گونه‌ای عمل شود که قلم مورد نظر بجای این که دوبار منظور شود، از یک سرفصل حذف شده و در سرفصل دیگری جای داده شود. حاصل دوبار به‌حساب آوردن این خواهد شد که تراکنش‌های طبقه بندی شده بر اساس هدف دیگری جمع پذیر نباشند زیرا برخی از آن‌ها در دو یا چند سرفصل نشان داده می‌شوند. اما، حتی بدون دوباره شماری هم باید توجه داشت که حساب‌های اقماری مختلف، هرکدام با محوریت متفاوت، می‌توانند از نظر سرفصل‌ها سازگار نباشند. برای مثال اگر حساب‌های اقماری آموزش، آموزشی را که در بیمارستان انجام می‌شود آموزش تلقی کند و نه سلامت، سنجه‌ی سلامت در آن حساب اقماری با سنجه سلامت در هر حساب اقماری دیگری که این جابجائی انجام نشده است فرق خواهد داشت.

۶. هم‌افزوده‌ها

۲۹-۵۱ تعدادی از تحلیل‌های تکمیلی یا تحلیل‌های جایگزین که در بالا اشاره شد ممکن است هم‌افزوده‌های اصلی ارائه شده در چارچوب محوری را چه به طور مستقیم چه به طور غیرمستقیم تعدیل کنند. مثال‌های تعدیلات مستقیم عبارتند از افزایش ستانده و ارزش افزوده هنگامی که مصرف خدمات خانوارها برای خود مصرفی در محدوده‌ی تولید منظور می‌شوند، یا افزایش تشکیل سرمایه ثابت در صورتی که سرمایه انسانی به عنوان دارائی اقتصادی در نظر گرفته شود. سایر هم‌افزوده‌ها به طور غیرمستقیم تغییر می‌یابند؛ به عنوان مثال در حالت دوم پس انداز، و درحالت قبلی درآمد قابل تصرف تغییر می‌یابند.

۲۹-۵۲ در برخی انواع تحلیل‌ها، هدف این است که زمینه خاصی، نظیر آموزش یا گردشگری محور قرار داده شود. می‌توان تغییراتی را در برخی مفاهیم و هم‌افزوده‌های چارچوب مرکزی معرفی کرد، ولی انگیزه‌ی اصلی این نیست، قصد بر این هم نیست که تصویر متفاوتی از روند کلی اقتصاد ارائه شود.

ث. جدول‌های مناسب برای یک حساب اقماری

۲۹-۵۳ در بخش پیشین تغییراتی را که می‌توان در یک حساب اقماری در مفاهیم اولیه، قواعد حسابداری و طبقه بندی SNA ایجاد کرد شرح داده شد. این بخش برخی انواع جدول‌هائی را که ممکن است برای تهیه یک حساب اقماری مفید باشد نشان می‌دهد.

۱. دامنه‌ی یک حساب کارکرد محور

۲۹-۵۴ نقطه شروع تصمیم‌گیری این است که چه محصولاتی مورد توجه هستند و کدام صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) به تولید آن‌ها اشتغال دارند. منابع اختصاص داده شده به تولید این محصولات نه تنها هزینه‌های جاری بلکه سرمایه ثابت استفاده شده در تولید را نیز در بر می‌گیرد. هنگامی که اقلام تولید می‌شوند، این سؤال پیش می‌آید که آن‌ها چگونه استفاده می‌شوند. این امر منجر به نیاز به اطلاعاتی در موضوعات زیر می‌شود:

الف. بررسی دقیق عناصر عرضه و مصرف محصولات مورد بحث؛

ب. اطلاعات مربوط به سرمایه‌ی ثابت بکار رفته در فرآیند تولید

۲۹-۵۵ برای بسیاری از اقلام، واحدهائی که محصولات را بکار می‌برند مسئول پرداخت هزینه‌ی عملیاتی تحصیل محصولات هستند ولی حساب‌های اقماری غالباً برای زمینه‌هائی، نظیر سلامت یا آموزش، تهیه می‌شوند که ممکن است بین کسی که برای محصولات پرداخت می‌کند و کسی که آن‌ها را مصرف می‌کند تفاوت عمده‌ای وجود داشته باشد.

۲۹-۵۶ بعلاوه، برای بسیاری از محصولاتی که مورد توجه خاص هستند، ممکن است مالیات یا یارانه‌های خاصی بر تولید یا مصرف آن‌ها وجود داشته باشند. بنابراین، با در نظر گرفتن این دو عامل باهم، علاوه بر اقلام بالا، نیازهای زیر بوجود می‌آید:

پ. بررسی دقیق انتقالات مربوط به تولید و مصرف.

۲۹-۵۷ همچنین در بسیاری از موارد مفید است که ارقام غیرپولی در کنار ارقام پولی ارائه شود. این به معنی هم‌بندیِ اطلاعات زیر است:

ت. اطلاعات اشتغال و موجودی دارائی.

۲۹-۵۸ هنگامی که این چهار مجموعه داده‌ها هم‌بندی شوند، امکان ایجاد یک حساب اقماری فراهم خواهد شد، حساب اقماری که تحلیل مصارف، یا بهره‌مندی از، مخارجِ مربوط به اقلام تولید شامل کار و سرمایه بکار رفته، انتقالات و سایر شیوه‌های تأمین مالی مصارف را پوشش می‌دهد. همه‌ی این-ها را می‌توان به پول و، در صورتی که مصداق داشته باشد، به مقادیر فیزیکی بیان کرد.

۲. تعیین محصولات مورد نظر

۲۹-۵۹ نقطه‌ی شروع برای هر زمینه‌ی مورد توجه، تعیین محصولات خاصِ آن زمینه است. در چارچوب یک حساب اقماری، مرسوم است که این‌ها به عنوان محصولات مشخصه و محصولات وابسته شناسائی شوند. محصولات مشخصه محصولاتی هستند که نماینده آن زمینه‌ی خاص هستند؛ به عنوان مثال، در زمینه‌ی سلامت، محصولات مشخصه‌ی آن خدمات سلامت، خدمات امور عمومی، آموزش و خدمات تحقیق و توسعه در سلامت هستند.

۲۹-۶۰ رده دوم، کالاها و خدمات وابسته، محصولاتی را در بر می‌گیرند که استفاده‌ی آن‌ها به این دلیل که به روشنی با مفهوم مخارج در زمینه‌ی مورد نظر پوشش داده شده‌اند جالب است، ولی، هم از نظر ماهیت و هم به دلیل طبقه بندی در رده‌های وسیع‌تر محصولات، نماینده آن زمینه‌ی خاص نیستند. برای مثال در زمینه سلامت، حمل و نقل بیماران می‌تواند خدمات وابسته در نظر گرفته شود، همچنین محصولات داروئی و سایر کالاهای پزشکی، نظیر عینک اغلب به عنوان کالاها و خدمات وابسته در نظر گرفته می‌شوند.

۲۹-۶۱ محصولات مشخصه و محصولات وابسته با هم محصولات ویژه نامیده می‌شوند.

۳. اندازه‌گیری تولید

۲۹-۶۲ در مورد محصولات مشخصه، حساب اقماری باید نشان دهد که این کالاها و خدمات به چه شیوه‌ای تولید می‌شوند، چه نوع تولیدکنندگانی درگیرِ آن هستند، برای تولید آن‌ها از چه نوع کار و سرمایه ثابتی استفاده می‌شود و کارائی فرآیند تولید، و از اینرو، کارائی تخصیص منابع آن‌ها چگونه است.

۲۹-۶۳ در مورد محصولات وابسته، علاقه خاصی به شرایط تولید آن‌ها وجود ندارد زیرا این محصولات نماینده‌ی زمینه‌ی مورد نظر نیستند. اگر شرایط تولید آن‌ها مهم باشد، در این صورت این اقلام باید به عنوان محصولات مشخصه در نظر گرفته شوند و نه محصولات وابسته. برای مثال، محصولات داروئی می‌توانند در حساب سلامت کشوری که در مراحل اولیه‌ی توسعه صنعت داخلی است به عنوان محصول مشخصه در نظر گرفته شوند. حد و مرز دقیق بین محصولات مشخصه و وابسته به سازمان اقتصادی یک کشور مشخص و هدف حساب اقماری در حال تهیه بستگی دارد.

۴. اجزای مصارف/ مخارج ملی

۲۹-۶۴ اجزای مصارف یا مخارج ملی به شرح زیر است:

۱. مصرف کالاها و خدمات ویژه،

۲. تشکیل سرمایه در کالاها و خدمات ویژه،

۳. تشکیل سرمایه ثابت فعالیت‌های مشخصه در محصولات غیرویژه،

۴. انتقالات جاری ویژه،

۵. انتقالات سرمایه‌ای ویژه،

هریک از این اقلام در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

مصرف

۲۹-۶۵ نخستین قلم از فهرست بالا مصرف کالاها و خدمات ویژه است. این قلم مصرف نهائی واقعی (آن‌گونه که در چارچوب محوری تعریف شده است) و مصرف واسطه را پوشش می‌دهد. محصولات بازاری، محصولات برای استفاده نهائی خود و محصولات غیربازاری متمایز می‌شوند و، برای محصولات غیربازاری، می‌توان مصرف فردی و جمعی را جداگانه نشان داد. در اینجا مصرف واسطه به طورکلی دارای پوشش گسترده‌تری از چارچوب محوری است، زیرا ستانده‌ی فعالیت‌های فرعی مربوطه با نقل و انتقالات بین کارگاهی که ثبت می‌شوند مشخص می‌گردند. در نتیجه این ستانده، مصرف واسطه (واقعی) آن‌گونه که در چارچوب محوری تعریف شده است و مصرف واسطه‌ی داخلی را پوشش می‌دهد. در برخی موارد، نظیر خدمات حمل و نقل، مصرف واسطه‌ی داخلی ممکن است از نظر اندازه مهم باشد. گاهی اوقات، می‌توان این مصرف واسطه‌ی داخلی را همان‌گونه که در مورد مصرف خدمات فرعی آموزش و سلامت عمل می‌شود، به عنوان مصرف نهائی تلقی کرده و به مصرف نهائی واقعی اضافه کرد که در این‌صورت دامنه‌ی مصرف نهائی واقعی خانوار گسترش می‌یابد. به همین ترتیب، اگر مصرف خدمات مشخصی در حساب اقماری بجای مصرف واسطه یا نهائی که در چارچوب محوری عمل می‌شود به عنوان تشکیل سرمایه‌ی ثابت تلقی شود، دامنه‌ی مصرف می‌تواند محدود شود.

تشکیل سرمایه

۲۹-۶۶ دومین قلم، از تشکیل سرمایه در کالاها و خدمات ویژه تشکیل شده است. از آنجا که قلم ۲ تغییر موجودی انبار را، در صورت وجود، در بر می‌گیرد، می‌تواند کار در جریان ساخت در خدمات ویژه را دربر داشته باشد. در حسابی که برای فرهنگ تهیه می‌شود، مثلاً ممکن است تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها نیز وجود داشته باشد.

۲۹-۶۷ سومین قلم، از تشکیل سرمایه‌ی ثابتِ فعالیت‌های مشخصه در محصولات غیرویژه تشکیل شده است و تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی تولید نشده‌ی آن‌ها قدری پیچیده‌تر است:

الف. این قلم کل تشکیل سرمایه ثابت این فعالیت‌ها را پوشش نمی‌دهد زیرا قسمت حاوی محصولات ویژه قبلاً در قلم ۲ منظور شده است.

ب. تنها تشکیل سرمایه‌ی فعالیت‌هائی که ستانده‌ی آن‌ها از کالاها و خدمات مشخصه تشکیل شده‌اند در قلم ۳ پوشش داده می‌شوند. (اگر اهمیت تشکیل سرمایه‌ی کنار گذاشته شده‌ی فعالیت‌هائی که ستانده آن‌ها از کالاها و خدمات وابسته تشکیل شده است ثابت شود، محصولات و فعالیت‌های مورد بحث ممکن است به محصولات مشخصه باز تعریف شوند).

پ. تحلیل مبتنی بر کارگاه‌ها ممکن است پوشش وسیع‌تری از حد عادی ارائه دهد زیرا کارگاه‌ها ممکن است برخی فعالیت‌های ثانوی را پوشش دهند.

ت. قلم ۳ تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی تولید نشده را در بر می‌گیرد.

انتقالات

۲۹-۶۸ اقلام ۴ و ۵، انتقالات جاری ویژه و انتقالات سرمایه‌ای ویـژه، مهـم‌تـرین اجـزای مخـارج ملـی در مـواردی نظیـر حمایـت اجتماعی یا کمک‌های توسعه‌ای، هستند. در این زمینه‌ها اقلام ۱ و ۲ تنها به هزینه‌های اداری جاری و سرمایه‌ای مؤسسـاتی که حمایت اجتماعی یـا کمـک‌هـای بـین‌المللـی را مـدیریت می‌کنند بر می‌گردد. مخارج اصلی از انتقـالات تشـکیل شـده است.

۲۹-۶۹ در برخی شرایط، ممکن است یارانه‌هائی وجـود داشـته باشـند که برای کاهش قیمـت‌هـای پرداخـت شـده توسـط مصـرف کنندگان نهائی برای کالاها یا خدمات معینی، نظیـر خـوراک، آشامیدنی، خدمات حمل و نقل، یـا خـدمات مسـکن طراحـی شده‌اند. این‌ها بـه‌طـور مشـترک یارانـه‌هـای مصـرف نامیـده می‌شوند. در چارچوب محوری، وقتی این کالاها و خدمات بـه عنوان محصولات بازاری در نظر گرفته می‌شـوند، در مصـرف نهائی به قیمت خریدار منظور می‌شوند. در حساب‌های اقماری دو گزینه وجود دارد: یـا مصـرف (قلـم ۱) بـه طـور متفـاوتی ارزش‌گذاری می‌شود تا ارزش یارانه‌های مصرف را در بر گیرد یا مصرف مطابق با آنچه که در چارچوب مرکزی مقـرر شـده است ارزش‌گذاری می‌شود و انتقالات جاری ویژه (قلم ۴) باید مصرف یارانه‌ها را منظور کند. یارانه‌های منظور شده در قلم ۴ ممکن است به کاهش قیمت‌های مصرف واسـطه نیـز منجـر شوند. سایر یارانه‌ها بر تولید نیز می‌تواند در قلم ۴ منظور شود.

۲۹-۷۰ در هر زمینه لازم است یک طبقه بندی از انتقالات ویژه ایجاد شود. زیرا این انتقالات برای تحلیـل مصـارف و تـأمین مـالی هردو بکار می‌رود، این طبقه‌بنـدی همـه‌ی انتقـالات ویـژه را مستقل از این که طرف مقابل اقـلام ۱ تـا ۳ باشـند یـا خیـر پوشش می‌دهد.

مصارف کل و مخارج ملی

۲۹-۷۱ مصارف کل واحدهای مقیم از حاصل جمع ۵ جزء بالا بدسـت می‌آید. از این قلم مصارف جـاری تـأمین مـالی شـده توسـط دنیای خارج کسر می‌شود تا مخارج ملی حاصل شود. بنـابراین مخارج ملی برابر است با مصـارف کـل واحـدهای مقـیم کـه توسط واحدهای مقیم تـأمین مـالی شـده باشـند. در صـورت امکان، تفکیک بین مصارف جاری و سـرمایه‌ای تـأمین مـالی شده توسط دنیای خارج مطوب خواهد بود.

۲۹-۷۲ مخارج ملی، آن‌گونه که در بـالا تعریـف شـد، تـراکنش‌هـای ابزارهای مالی را در بر نمی‌گیـرد. امـا، بـرای انـواع معینـی از تحلیل‌ها، نظیر کمک‌هـای توسـعه، وام‌هـائی کـه در شـرایط ترجیحی دریافت یا پرداخت می‌شـوند بایـد بـه حسـاب آورده شوند. مزایا یا هزینه‌های حاصل از نـرخ‌هـای ارز پـائین‌تـر از نرخ‌های بازار، همان‌گونـه کـه در فصـل ۲۲ شـرح داده شـد، حاوی انتقالات ضمنی است.

۲۹-۷۳ مصارف/ مخارج ملی ممکن است برحسب نوع محصـولات و انتقالات یا برحسب هدف (برنامه‌ها) نشان داده شوند. می‌توان تمرکز اصلی را بر یکی از این دو گزینه قرار داد، یا بسـته بـه زمینه‌ی پوشش داده شده یا هدف تحلیلی اتخـاذ شـده هـردو گزینه را به طور مشترک بکار برد. گزینه‌ی برحسب برنامه‌هـا بویژه در زمینه‌ی حفاظت محیط زیست یـا حمایـت اجتمـاعی مناسب است.

۵. استفاده کنندگان یا ذینفعان

۲۹-۷۴ ممکن است برای استفاده‌کنندگان یا ذینفعان، اصطلاحی کـه بکار برده می‌شود از یک حساب اقمـاری بـه حسـاب اقمـاری دیگر متفاوت باشد. برای مثال، "استفاده‌کنندگان" بیشتر برای گردشـگری یـا مسـکن و "ذینفعـان" بیشـتر بـرای حمایـت اجتماعی یا کمک‌های توسعه مناسب هستند. در هـردو مـورد، این اصطلاحات به کسی اطـلاق مـی‌شـوند کـه از کالاهـا و خدمات استفاده می‌کند یـا از انتقـالات مـورد نظـر بهـره‌منـد می‌شود.

۲۹-۷۵ در بالاترین سطح تجمیع، طبقه بنـدی اسـتفاده کننـدگان یـا ذینفعان تنها تنظیم مجدد چارچوب مرکزی از بخش‌ها و انواع تولیدکنندگان است، که در آن جنبه‌های تولید و مصـرف جـدا می‌شوند. این طبقه بندی می‌تواند به شرح زیر باشد:

الف. تولیدکنندگان بازاری؛

ب. تولیدکنندگان برای استفاده نهائی خود؛

پ. تولیدکنندگان غیربازاری؛

ت. دولت به عنوان مصرف کننده جمعی؛

ث. خانوارها به عنوان مصرف کنندگان؛

ج. دنیای خارج.

۲۹–۷۶ خانوارها به عنوان مصرف کنندگان مهم‌ترین نوع استفاده کنندگان یا ذینفعان در بسیاری از حساب‌های اقماری هستند. برای سودمندی بیشتر در تحلیل‌های اجتماعی و سیاست-گذاری، تفکیک بیشتر خانوارها ضروری است. برای این منظور، می‌توان یکی از انواع تقسیم بندی زیربخشی خانوارها را که در فصل ۲۴ بحث شده است در نظر گرفت.

۶. تأمین مالی

۲۹–۷۷ از آنجا که استفاده کنندگان همیشه هزینه‌های عملیاتی را خودشان متقبل نمی‌شوند، ممکن است تحلیل واحدهای تقبل کننده‌ی نهائی هزینه‌های عملیاتی مطلوب باشد. این امر هنگامی که زمینه‌ی مورد علاقه، کل واحدهای نهادی را پوشش می‌دهد امکان پذیرتر است تا هنگامی که به کارگاه‌هائی (یا واحدهای همگن تولید) مربوط شود که تنها قسمتی از ستانده‌ی کل بنگاه‌ها را پوشش می‌دهند.

۲۹–۷۸ یکی از راه‌های رسیدن به پرسش تأمین مالی این است که ابتدا تعیین شود که چه نوع منابع مالی بکار می‌رود و سپس مشخص شود کدام نوع از واحدها هر یک از انواع منابع مالی را تأمین می‌کنند. این پرسش نیز لازم است که تقبل کننده "نهائی" هزینه‌ها چه واحدهائی هستند. برخی از مصارف خانوارها به عنوان انتقالات اجتماعی غیرنقدی توسط دولت تأمین می‌شود، که به نوبه خود به میزان قابل ملاحظه‌ای از طریق مالیات‌هائی که دولت از خانوارها و بنگاه‌ها دریافت می‌کند تأمین مالی می‌شوند. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که، به مفهومی انتقالات اجتماعی غیرنقدی در نهایت توسط خانوارها و بنگاه‌ها تأمین مالی می‌شوند. لذا درباره‌ی این که در زنجیره‌ی تأمین مالی برای تعیین منبع نهائی یا به طور صحیح‌تر منبع غیرمستقیم تأمین مالی تا چه حد باید به عقب برگشت، باید قواعدی برقرار شود.

۲۹–۷۹ مسأله دیگری که پیش می‌آید این است که، غیراز تراکنش‌های غیرنقدی، هیچ‌گونه پیوندی بین یک منبع تأمین مالی و یک نوع مخارج وجود ندارد. با این حال، جفت کردن انواع مختلف تأمین مالی و مخارج به شرح زیر، برای مشاهده این که تا چه اندازه آن‌ها متناظر هستند مناسب خواهد بود:

الف. مصرف واسطه‌ی تولیدکنندگان در مقایسه با درآمد عملیاتی حاصل از فروش‌ها؛

ب. مصرف واسطه و نهائی دولت در مقایسه با مالیات‌ها؛

پ. مصرف واسطه و نهائی NPISHها در مقایسه با حق بیمه‌های اجتماعی دریافتنی؛

ت. مخارج مصرف نهائی توسط خانوارها در مقایسه با جبران خدمات کارکنان و انتقالاتی نظیر مستمری بازنشستگی.

۲۹–۸۰ تشکیل سرمایه می‌تواند به طرق مختلف تأمین مالی شود؛ تشکیل سرمایه ممکن است از درآمد عملیاتی حاصل از فروش‌ها، از واگذاری دارائی‌ها (از جمله دارائی‌های مالی)، از دریافت انتقالات غیر نقدی یا از وام‌گیری تأمین مالی شود. تشکیل سرمایه توسط دولت می‌تواند از طریق انتشار اوراق بهادار یا از طریق انتقالات سرمایه یا وام از دنیای خارج تأمین مالی شود.

۲۹–۸۱ منبع تأمین مالی انتقالات تا حد زیادی بستگی به زمینه‌ی مورد مطالعه دارد. اگر مزایای اجتماعی در نظر گرفته شده باشند، باید این‌گونه تلقی شود که منبع اصلی تأمین مالی آن‌ها از طریق حق بیمه‌های اجتماعی از خانوارهاست. دولت در بسیاری از موارد ارائه دهنده‌ی انتقالات (از جمله یارانه‌ها) و در موارد دیگر دریافت کننده‌ی انتقالات (از جمله مالیات‌ها) است.

۲۹-۸۲ در تعدادی از موارد، مشخص کردن منابع مالی از دنیای خارج می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

۷. تولید و محصولات

۲۹-۸۳ همانند حساب‌های بخش کلیدی، ساختن مجموعه‌ای از جدول‌های عرضه و مصرف برای محصولات مشخصه و محصولات وابسته‌ی مورد نظر و تولیدکنندگان محصولات مشخصه تقریباً همیشه کار مفیدی است. این جدول‌ها می‌توانند گسترش یابند تا حساب ایجاد درآمد و همچنین داده‌های غیرپولی مربوط به اشتغال و نماگرهای ستانده را نیز پوشش دهند.

۸. داده‌های فیزیکی

۲۹-۸۴ داده‌های اندازه‌گیری شده به صورت فیزیکی یا دیگر واحدهای غیرپولی نباید به عنوان قسمت ثانوی یک حساب اقماری در نظر گرفته شود. آن‌ها، هم به دلیل اطلاعاتی که مستقیماً فراهم می‌کنند و هم برای تحلیل رضایتبخش داده‌های پولی، اجزای اساسی را تشکیل می‌دهند.

ج. مثال‌هائی از حساب‌های اقماری

۲۹-۸۵ همان گونه که در مقدمه شرح داده شد، دو نوع حساب اقماری وجود دارد، که دو کارکرد متفاوت ارائه می‌دهند. نوع اول، که گاهی اقماری داخلی نامیده می‌شود از همه‌ی مجموعه‌ی کامل قواعد حسابداری و قواعد SNA پیروی می‌کند ولی با دور شدن از طبقه بندی‌های استاندارد و سلسله مراتب، بر جنبه خاصی متمرکز می‌شود. مثال در این مورد گردشگری، تولید قهوه و مخارج حفاظت محیط زیست است. نوع دوم، که اقماری خارجی نامیده می‌شود، ممکن است داده‌های غیراقتصادی را اضافه کند یا برخی از قواعد حسابداری را تغییر دهد یا هردوی آن‌ها را اعمال کند. این روش بویژه برای این مناسب است که فضای جدیدی را در زمینه‌ی پژوهش باز کند. مثال در این مورد می‌تواند نقش نیروی کار داوطلب در اقتصاد باشد. برخی مجموعه حساب‌های اقماری ممکن است هردوی ویژگی‌های داخلی و خارجی را در بر داشته باشد.

۲۹-۸۶ مرز بین حساب‌های اقماری و تفصیل ساده‌ی SNA و حتی سیستم‌های دیگر کاملاً روشن نیست. ارتباط با تراز پرداخت‌ها و حساب‌های بین‌المللی آن‌گونه که در دستنامه‌ی تراز پرداخت‌ها *(BPM6)* ارائه شده است، آمارهای مالی دولت آن‌گونه که در *GFSM2001* یا *MFSM* ارائه شده است می‌توانند به صورت شکلی از حساب اقماری دیده شوند. نحوه‌ی برخورد با NPIها در فصل ۲۳ و بخش غیرمتشکل در فصل ۲۵ به روشنی حساب‌های اقماری هستند. حتی جدول بازنشستگی در فصل ۱۷ می‌تواند به عنوان شکلی از حساب اقماری دیده شود، هرچند که تهیه آن قسمتی از توصیه‌های محوری SNA است.

۲۹-۸۷ در این بخش، حساب‌های اقماریِ بیشتری شرح داده شده است. توضیحات به صورت خلاصه مطرح شده است، قصد بر این است که فقط ویژگی‌های اساسی حساب‌ها نشان داده شود؛ برای اطلاعات بیشتر نیز منابعی ارائه شده است. به‌طور کلی، حساب‌های اقماری در چهار زمینه شرح داده شده است. برای دو زمینه از این‌ها یعنی حساب اقماری گردشگری و حساب اقماری محیط زیست، دستنامه‌های بین‌المللی در حال حاضر در ویرایش دوم هستند. حساب اقماری سلامت هنوز در ویرایش مقدماتی است ولی فعالانه در دست انجام است. زمینه چهارم فعالیت‌های تولیدِ بدون مزد خانوار را پوشش می‌دهد. این زمینه در سال‌های بسیاری مورد توجه بوده است ولی مشکلات موجود در تعیین چگونگی اندازه‌گیری فعالیت‌های بدون مزد تا کنون مانع از رسیدن به یک توافق بین‌المللی برای پیشرفت است. با این حال، در اینجا قسمتی از آخرین کارهای انجام شده برای علاقمندان مرور شده است.

۲۹–۸۸ حساب‌های اقماری دیگری نیز ایجاد شده یا در حال ایجاد شدن است. برخی از حساب‌های اقماری، نظیر حساب اقماری که به بررسی بهره‌وری در میان تعدادی از کشورها می‌پردازد و گزارش آن در *بهره‌وری در اتحادیه‌ی اروپا: رهیافت تطبیقی صنعتی (رشته‌فعالیتی)* (پروژه EU KLEMS، ۲۰۰۳) منتشر شده است، تا کنون به عنوان یک کار پژوهشی اجرا شده است. حساب‌های اقماری دیگر، نظیر حساب‌های آب و جنگل، به حساب اقماری اصلی محیط زیست *SEEA* اضافه شده‌اند که در حال حاضر توصیه‌های بین‌المللی مربوط به آن‌ها پذیرفته شده‌اند. تهیه حساب‌های اقماری دیگر برای محصولات کشاورزی می‌تواند در کشورهای در حال توسعه مفید واقع شود. در اینجا و جای دیگر، از آنجا که توافق برای چگونگی تهیه شکل جدیدی از حساب اقماری وجود دارد، می‌توان توصیه‌های بین‌المللی جدیدی را بوجود آورد. راهنماهای بین‌المللی درباره خودِ حساب‌های اقماری می‌توانند موضوع یک بازنگری باشد و در نهایت به سمت یک استاندارد بین‌المللی پذیرفته شده پیش رود، مانند آنچه که برای *SEEA* انجام شد.

۱. حساب‌های اقماری گردشگری

۲۹–۸۹ حساب اقماری گردشگری (TSA) مدت‌ها قبل ایجاد شده است و بیش از ۷۰ کشور دستکم یک حساب گردشگری برای دوره‌ای از زمان تهیه کرده‌اند. در این زمینه دستنامه‌ی حاوی توصیه‌های بین‌المللی وجود دارد که تحت عنوان *حساب‌های اقماری گردشگری: چارچوب روش‌های توصیه شده* (اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، سازمان جهانی گردشگری، سازمان ملل، ۲۰۰۸) نخستین نسخه‌ی به روز شده‌ی سال ۲۰۰۰ است. پوشش اقامتگاه دوم و فعالیت‌های جلسات و گردهمائی‌ها مواردی هستند که در *TSA* به روز شده‌ی سال ۲۰۰۸ اضافه شده‌اند.

۲۹–۹۰ هدف حساب اقماری گردشگری فراهم کردن اطلاعات زیر است:

الف. هم‌افزوده‌های اقتصاد کلان که اندازه و سهم اقتصادی گردشگری را بیان می‌کنند نظیر ارزش افزوده‌ی ناخالص مستقم گردشگری (TDGVA) و محصول ناخالص داخلی مستقیم گردشگری (TDGDP)، سازگار با هم‌افزوده‌های مشابه برای کل اقتصاد و دیگر فعالیت‌های تولیدی اقتصاد و زمینه‌های کارکردی مورد نظر؛

ب. داده‌های تفصیلی مربوط به مصرف گردشگری، مفهوم گسترده‌تری درباره بازدیدگنندگان به عنوان مصرف کنندگان، و بیان چگونگی برآورده شدن این تقاضا با عرضه داخلی و واردات، یکپارچه با جدول‌هائی که از جدول‌های عرضه و مصرف بدست می‌آید که می‌توان آن‌ها را به هردو صورتِ ارزش‌های جاری و برحسب حجم تهیه کرد؛

پ. حساب‌های تفصیلی تولید برای صنعت گردشگری از جمله داده‌های مربوط به اشتغال، پیوندهای آن با دیگر فعالیت‌های اقتصادی تولیدی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص؛

ت. پیوند میان داده‌های اقتصادی و اطلاعات غیرپولی مربوط به گردشگری نظیر تعداد سفرها (یا بازدیدها)، مدت زمان اقامت، قصد از سفر، وضعیت حمل و نقل، و غیره که برای تعیین ویژگی‌های متغیرهای اقتصادی مورد نیاز است.

تعریف بازدیدکنندگان و گردشگران

۲۹–۹۱ در مرکزِ TSA، ایده‌ی یک بازدیدکننده قرار دارد. بازدید کننده کسی است که خارج از محیط زندگی معمول خود قرار دارد ولی در هیچ هستار مقیم در جائی که از آن بازدید می‌کند شاغل نیست. محیط زندگیِ معمول فرد لزوماً با کشوری که مقیمِ آن است یکسان نیست. این محیط به منطقه‌ای اطلاق می‌شود که شخص به طور عادی در آن یافت می‌شود. این منطقه‌ای در اطراف منزل یا محل کار را در بر می‌گیرد. بنابراین کارکنان مرزی، هرچند از مرز کشور عبور می‌کنند، بازدید کننده نیستند. لذا بازدید کنندگان زیر مجموعه‌ای از مسافران هستند.

۲۹-۹۲ بازدید کنندگان ممکن است به دو رده تقسیم شوند: کسانی که بازدیدکنندگان دارای اقامت شبانه هستند که گردشگران نامیده می‌شوند و کسانی که بازدیدکنندگان همان روز هستند و بازدید کننده‌ی یک روزه نامیده می‌شوند. بعلاوه، تقسیم گردشگران با توجه به کشور اقامت آن‌ها به گردشگران بومی و خارجی مهم است. فرد مقیمی که از یک کشور خارجی بازدید می‌کند گردشگر خروجی است، فرد غیرمقیمی که از اقتصاد داخلی بازدید می‌کند گردشگری ورودی است. کل میزان گردشگری انجام شده توسط مقیم‌ها، که به عنوان گردشگر ملی شناخته می‌شود، حاصل جمع گردشگران داخلی (گردشگران درون اقتصاد داخلی که توسط مقیم‌ها انجام می‌شود) بعلاوه گردشگری خروجی است. گردشگری داخلی حاصل جمع گردشگری بومی بعلاوه گردشگری ورودی است.

	در داخل کشور	خارج از کشور	جمع
مقیم‌ها	گردشگری بومی	گردشگری خروجی	گردشگری ملی
غیرمقیم‌ها	گردشگری ورودی		
جمع	گردشگری داخلی		

۲۹-۹۳ گردشگری تنها محدود به فعالیت‌هائی نمی‌شود که به طور عادی نماینده تفریح هستند بلکه همه‌ی فعالیت‌هائی را که توسط گردشگر انجام می‌شود در بر می‌گیرد. گردشگری، سفر برای کسب و کار یا برای تحصیل یا کارآموزی را نیز در بر می‌گیرد. قصد گردشگر از بازدید برحسب این که شخصی است یا کسب و کار و حرفه‌ای، گروه بندی می‌شود. سرفصل شخصی به هشت رده‌ی دیگر تقسیم می‌شود: تعطیلات، تفریح و سرگرمی؛ دیدار دوستان و بستگان؛ تحصیل و کارآموزی؛ سلامت و مراقبت پزشکی؛ سفر مذهبی و زیارتی؛ خرید؛ گردش و سایر هشت رده را تشکیل می‌دهند.

تعریف و دامنه‌ی مخارج گردشگری

۲۹-۹۴ مخارج گردشگری، مبلغ پرداخت شده برای تحصیل کالاها و خدمات مصرفی و نیز اشیاء گرانبها برای مصرف خود یا هدیه دادن به دیگری بعد از سفر گردشگری یا در طول آن تعریف می‌شود. این مبلغ شامل مخارج متقبل شده توسط خودِ بازدیدکنندگان و نیز هزینه‌های عملیاتی پرداخت یا جبران شده توسط دیگران است.

تعریف و دامنه‌ی مصرف گردشگری

۲۹-۹۵ مفهوم مصرف گردشگری فراتر از مخارج گردشگری است و در آن خدمات مربوط به اقامتگاهِ موقت به حساب خود، انتقالات اجتماعی نقدی و دیگر مصارف احتسابی نیز منظور می‌شوند. در حالی که اطلاعات مربوط به مخارج گردشگری را می‌توان از طریق آمارگیری گردشگری بدست آورد، تعدیلات مربوط به مخارج گردشگری باید از منابع دیگر برآورد شود.

۲۹-۹۶ مصرف گردشگری را می‌توان با توجه به این که گردشگری در کجا صورت می‌گیرد و این که آیا گردشگر مقیم است یا غیرمقیم، مطابق با آنچه که پیش از این شرح داده شد، مشخص کرد.

محصولات مشخصه

۲۹-۹۷ محصولات مصرفی مورد نظر *TSA* به محصولات مشخصه گردشگری و سایر محصولات مصرفی تقسیم می‌شوند. محصولات مشخصه گردشگری نیز خود به محصولات مشخصه گردشگری قابل مقایسه بین‌المللی و محصولات مشخصه ویژه کشور تقسیم می‌شوند. کتاب راهنمای *TSA* فهرستی از گروه اول را در بر می‌گیرد دیگر محصولات مصرفی به محصولات وابسته گردشگری و محصولات غیرگردشگریِ مرتبط تقسیم می‌شوند. محصولات غیرمصرفی شامل همه‌ی محصولاتی است که کالاها و خدمات مصرفی را تشکیل نمی‌دهند. این محصولات اشیاء گرانبها، تشکیل سرمایه ثابت گردشگری و مصرف جمعی را در بر می‌گیرد. فهرستی ۱۲ تائی طبقه بندی محصولات و خدمات مشخصه

گردشگری در کتاب راهنمای *TSA* ارائه شده است.

صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) گردشگری

۲۹-۹۸ یک صنعت (رشته‌فعالیت) گردشگری گروه بندی کارگاه‌هائی را نشان می‌دهد که فعالیت اصلی آن‌ها با یک محصول مشخصه مطابقت داشته باشد. صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) گردشگری، متشکل از اقامتگاه برای بازدیدکنندگان، صنعت (رشته‌فعالیت) ارائه خوراک و آشامیدنی، صنعت‌های (رشته-فعالیت‌های) حمل و نقل راه آهن، جاده‌ای، آبی و هوائی مسافر، کرایه تجهیزات حمل و نقل، آژانس‌های مسافرتی و سایر صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) خدماتی رزواسیون، صنعت(رشته‌فعالیت) فرهنگی، صنعت (رشته‌فعالیت) ورزش و تفریح، خرده‌فروشی کالاهای مشخصه گردشگری ویژه کشور و صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) مشخصه گردشگریِ ویژه‌ی کشور را پوشش می‌دهند.

۲۹-۹۹ براساس این اطلاعات مجموعه‌ی کاملی از حساب‌های گردشگری متشکل از ۱۰ جدول را می‌توان تهیه کرد. سه جدول اول از مخارج گردشگری تشکیل شده است. جدول ۴ تفکیک بین گردشگری بومی و ورودی و تعدیلاتی را که برای انتقال از مخارج گردشگری به مصارف گردشگری لازم است نشان می‌دهد. جدول ۵ عرضه صنعت (رشته‌فعالیت) گردشگری را نشان می‌دهد. جدول ۶ قلب *TSA* است و هم-افزوده‌های اصلی بدست آمده را نشان می‌دهد، هم‌افزوده‌ها در زیر فهرست شده‌اند. جدول ۷ اشتغال را پوشش می‌دهد. جدول‌های ۸ و ۹ تشکیل سرمایه ثابت و مصرف جمعی را نشان می‌دهند. جدول ۱۰ اطلاعات غیرپولی را نشان می‌دهد.

جدول ۲۹-۱: جدول ۶ از حساب‌های اقماری گردشگری

عرضه کل داخلی و مصرف گردشگری داخلی (به قیمت خریدار) (*)

محصولات	صنعت‌های گردشگری														سایر صنعت‌ها		ستانده تولید کنندگان داخلی (به قیمت پایه)		واردات *		مالیات منهای یارانه بر محصولات تولید‌ملی و واردات		حاشیه‌های حمل و نقل و بازرگانی		عرضه داخلی (به قیمت خریدار)	مصرف گردشگری داخلی	نسبت گردشگری (٪)
	۱- خدمات اقامتگاه برای بازدید کنندگان		a.۱ خدمات اقامتگاه برای بازدیدکنندگان غیر از b.۱		b.۱ خدمات اقامتگاه مربوط به انواع مالکیت-های خانه‌های تعطیلات		...		۱۲- صنعت‌های خاص گردشگری ویژه کشور		جمع															
	ستانده (5.1)	سهم گردشگری	ستانده (5.1a)	سهم گردشگری	ستانده (5.1b)	سهم گردشگری	ستانده (... 5)	سهم گردشگری	ستانده (5.12)	سهم گردشگر	ستانده (5.13)	سهم گردشگر	ستانده (5.14)	سهم گردشگر	ستانده (5.15) = (5.13) + (5.14)	سهم گردشگر	ستانده (6.1)	سهم گردشگری	ستانده (6.2)	سهم گردشگری	ستانده (6.3)	سهم گردشگری	(6.4) = (5.15) + (6.1) + (6.2) + (6.3)	(4.3)	(6.5) = (4.3)/(6.4) × 100
A. محصولات ساختمانی (*)																										
A.۱ محصولات مشخصه گردشگری																										
۱. خدمات اقامتگاه برای بازدید کنندگان																					x	x				
a.۱. خدمات اقامتگاه برای بازدیدکنندگان غیر از b.۱																					x	x				
b.۱. خدمات اقامتگاه مربوط به همه انواع مالکیت‌های خانه‌های تعطیلات																					x	x				
۲. خدمات ارائه خوراک و آشامیدنی																					x	x				
۳. خدمات حمل و نقل مسافری راه آهن																					x	x				
۴. خدمات حمل و نقل مسافری جاده‌ای																					x	x				
۵. خدمات حمل و نقل مسافری آبی																					x	x				
۶. خدمات حمل و نقل مسافری هوائی																					x	x				
۷. خدمات کرایه‌ی تجهیزات حمل و نقل																					x	x				
۸. خدمات آژانس‌های مسافرتی و سایر رزرواسیون																					x	x				
۹. خدمات فرهنگی																					x	x				
۱۰. خدمات ورزشی و تفریحی																					x	x				
۱۱. کالاهای مشخصه گردشگری ویژه کشور	x		x			x		x		x		x		x		x		x								
۱۲. خدمات مشخصه گردشگری ویژه کشور																					x	x				
A.۲ سایر محصولات مصرفی (a) (d)																					x	x				
B. محصولات غیرمصرفی (d)																					x	x				
B.۱ اشیاء گرانبها	x		x			x		x		x		x		x		x		x								
B.۲ سایر محصولات غیر مصرفی (**) (b) (d)																					x	x				
I. جمع ستانده (به قیمت پایه)																										
II. جمع مصرف واسطه (به قیمت خریدار) (c)																										
(I-II). جمع ارزش افزوده ناخالص (به قیمت پایه)																										
جبران خدمات کارکنان																										
سایر مالیات منهای یارانه بر تولید																										
در آمد مختلط ناخالص																										
مازاد عملیاتی ناخالص																										

x اعمال نمی‌شود

*** به این معنی است که تمامی صنعت‌های پیشنهادی گردشگری باید یک به یک در آمارگیری‌ها در نظر گرفته شوند.

* خریدهای مستقیم مقیم‌ها از خارج در واردات منظور نمی‌شوند.

(*) "ارزش A. محصولات مصرفی" خالص از کارمزد ناخالص پرداخت شده به آژانس‌های مسافرتی، گردانندگان تور و سایر خدمات رزرواسیون است.

(**) شامل تمامی کالاها و خدمات دیگری است که در اقتصاد مورد نظر در گردش است.

(a) اگر مناسب و امکان پذیر باشد، کشورها باید اجزای هردوی ("محصولات وابسته گردشگری" و "محصولات مصرفی غیرگردشگری مرتبط") را به طور جداگانه مشخص کنند. در هر دو مورد، اگر امکان پذیر باشد باید کالاها و خدمات از یکدیگر جدا شوند، (پاراگراف ۴-۱۵ ملاحظه شود).

(b) اگر امکان پذیر باشد کالاها و خدمات باید از یکدیگر جدا شوند (پاراگراف ۴-۱۶ ملاحظه شود).

(c) اگر امکان پذیر باشد باید به تفکیک ارائه شود (پاراگراف ۴-۱۷ ملاحظه شود).

(d) سهم گردشگری برای کالاها باید تنها روی حاشیه خرده فروشی اعمال شود (پیوست ۴ ملاحظه شود)

هم‌افزوده‌های اصلی

۲۹–۱۰۰ هم‌افزوده‌های زیر در نظر گرفته شده‌اند تا مجموعه‌ای از نماگرهای مناسب برای اندازه‌ی گردشگری در یک اقتصاد باشند. آن‌ها عبارتند از:

الف. مخارج گردشگری داخلی ؛

ب. مصرف گردشگری داخلی؛

پ. ارزش افزوده‌ی ناخالص صنعت (رشته-فعالیت)گردشگری (GVATI)؛

ت. ارزش افزوده ناخالص مستقیم گردشگری(TDGVA)؛

ث. محصول ناخالص داخلی مستقیم گردشگری (TDGDP).

۲۹–۱۰۱ استخراج این اقلام در جدول ۶ کتاب راهنمای TSA نشان داده شده است که در اینجا تحت عنوان جدول ۲۹–۱ ارائه می‌شود.

۲. حسابداری محیط زیست

۲۹–۱۰۲ هدف حساب‌های محیط زیست این است که پیامدهای استفاده از (گاهی اوقات تخریب) منابع طبیعی و ایجاد پسماندهای آلاینده هوا و آب را در یک چارچوب مبتنی بر SNA منعکس سازد. این حساب‌ها همچنین فعالیت‌های خاصی را نیز که برای جلوگیری از پیامدهای زیست محیطی فعالیت انسان یا مبارزه با آن انجام می‌شود شناسائی می‌کنند.

۲۹–۱۰۳ یک نسخه‌ی موقتی از *SEEA*، حساب‌های اقماری یکپارچه محیط زیستی و اقتصادی، در سال ۱۹۹۳ منتشر شد. نسخه به روز شده‌ی آن در سال ۲۰۰۳ منتشر شد. کار ویرایش بیشترِ این نسخه در دست انجام است با این دید که در سال ۲۰۱۲ منتشر شود. هدف *SEEA* کمک در موارد زیر است:

الف. تشویق به استفاده از طبقه‌بندی‌های استاندارد آمارهای محیط زیست، که ارزش و اهمیت اطلاعات فعلی محیط زیست را افزایش می‌دهد؛

ب. با اعمال سنت‌های حسابداری اقتصادی در مورد برقراری پیوند بین موجودی‌ها و جریان‌ها؛ ابعاد جدیدی به آمارهای محیط زیست داده می‌شود؛

پ. ارائه پیوند با اطلاعات اقتصادی موجود در حساب‌های اقتصادی سنتی، که منجر به ارتقای قابلیت اعتماد و انسجام هردو مجموعه اطلاعات می‌شود؛

ت. شناسائی استفاده و مالکیت و از اینرو مسئولیت برای پیامدهای زیست محیطی؛

ث. تشویق به ایجاد مجموعه داده‌های جامع و سازگار در طول زمان؛

ج. آسان سازی مقایسه‌های بین‌المللی.

۲۹–۱۰۴ حساب‌های SEEA همانند SNA دارای یک کارکرد حسابداری است که می‌توان از آن نماگرهای کلیدی را بدست آورد و دارای یک کارکرد مدیریتی است که می‌توان آن‌ها را در تحلیل گزینه‌های سیاستی بکار برد. این حساب‌ها مبنای صحیحی را برای محاسبه سنجه‌هائی که ممکن است قبلاً در مجموعه نماگرهای توسعه پایدار وجود داشته‌اند فراهم می‌کنند، ولی می‌توانند برای ایجاد نماگرهای جدید نیز مورد استفاده قرار گیرند، نظیر هم‌افزوده‌های کلان تعدیل شده از نظر محیط زیست که در غیراین صورت دسترسی به آن‌ها امکان‌پذیر نمی‌شد.

قسمت‌های مختلف *SEEA*

۲۹–۱۰۵ SEEA باید به عنوان حساب اقماری SNA با ویژگی‌های هردوی حساب‌های اقماری داخلی و خارجی دیده شود. کل سیستم از سه بخش اصلی تشکیل شده است، که دو بخش از آن را می‌توان به طور کم و بیش مستقلی تهیه کرد و بخش سوم به یکپارچه سازی دو بخش اولی با یکدیگر و با SNA طراحی شده است. سه بخش مورد نظر عبارتند از:

الف. شکل گسترش یافته‌ای از جدول‌های عرضه و

مصرف با قابلیت گرد هم آوردن داده‌های فیزیکی به تنهائی یا اضافه بر داده‌های پولی؛

ب. جزئیات قسمت‌های چارچوب مرکزی SNA با قدری گسترش آن‌ها؛ و

پ. بررسی گسترش SNA به منظور وارد کردن اثرات تقلیل و تخریب برای تأثیر در هم‌افزوده‌های کلان نظیر GDP.

جدول‌های عرضه و مصرف فیزیکی و ترکیبی

۲۹–۱۰۶ چهار نوع جریان‌های مختلف در SEEA تشخیص داده شده‌اند.

الف. ***محصولات*** کالاها و خدماتی هستند که در درون قلمرو اقتصادی تولید و در آن مصرف می‌شوند، که شامل جریان کالاها و خدمات بین اقتصاد ملی و دنیای خارج نیز هستند.

ب. ***منابع طبیعی*** منابع معدنی و انرژی، منابع خاک، آب و زیستی را پوشش می‌دهند.

پ. ***نهاده‌های زیست بوم (اکوسیستم)*** هوا و گازهای لازم برای سوخت و آب برای دوام زندگی را پوشش می‌دهند.

ت. ***پسماندها*** ستانده‌های غیرعمدی و ناخواسته از اکوسیستم هستند که قیمتی برابر صفر دارند و می‌توانند بازیافت شوند یا در محیط زیست تخلیه شوند."پسماندها" لغت واحدی است که برای پوشش ضایعات جامد، فاضلاب (تخلیه در آب) و نشر گازها (تخلیه در هوا) بکار می‌رود.

۲۹–۱۰۷ اولین مجموعه از حساب‌های محیط زیست از پیوندی به آمارهای محیط زیست تشکیل شده است که با تنظیم داده‌های فیزیکی محیط زیست در چارچوب عرضه و مصرف یا داده – ستانده شکل یافته است. حساب‌های جریان فیزیکی از ترکیب حساب‌های محصولات، منابع طبیعی، نهاده‌های اکو سیستم و پسماندها، تشکیل شده‌اند که هریک از حساب‌ها از نظر عرضه به اقتصاد و مصرف توسط اقتصاد بیان می‌شوند. حساب‌های فیزیکیِ صِرف می‌توانند اهمیت نسبی فعالیت‌های مختلف را از نظر تأثیر آن‌ها بر محیط زیست نشان دهند.

۲۹–۱۰۸ اما، توان این رهیافت از اینجا ناشی می‌شود که این امکان را فراهم می‌کند تا جریان‌های فیزیکی و پولی برای مقایسه و مقابله‌ی این اهمیت محیط زیستی با اهمیت متناظر فعالیت‌ها از نظر اقتصادی به طور موازی ترسیم شوند. جدول عرضه و مصرف یا داده- ستانده‌ی ترکیبی ارزش‌های پولی برای محصولات را با معادل‌های فیزیکی آن‌ها رویهم قرار می‌دهد و قلم ترازکننده‌ی ارزش افزوده را اضافه می‌کند. جدول‌های ترکیبی نهاده– ستانده به طور مؤفقیت آمیزی برای کشف موضوعاتی نظیر اثرات گلخانه‌ای یا ضایعات جامد بکار رفته است. نمونه‌هائی را می‌توان در راهنمای *SEEA* یافت.

۲۹–۱۰۹ نمونه‌ای از یک جدول داده– ستانده‌ی ترکیبی *SEEA* در جدول ۲۹–۲ ارائه شده است.

تشخیص جنبه‌های محیط زیستی چارچوب محوری

۲۹–۱۱۰ لایه دوم این سیستم حسابداری، شناسائی دقیق تراکنش‌های پولی مستقیماً مرتبط با محیط زیست در SNA است. از نظر جریان‌ها، این تراکنش‌ها به مالیات‌های محیط زیست، درآمد دارائی، و حقوق مالکیت، و حفاظت از محیط زیست، مخارج استفاده و مدیریت منابع طبیعی مربوط می‌شوند.

مالیات‌های محیط زیست، درآمد دارائی و حقوق مالکیت

۲۹–۱۱۱ مالیات محیط زیست مالیاتی است که مبنای مالیاتی آن یک واحد فیزیکی (یا تقریبی از آن) است که پیامد خاصِ ثابت شده‌ی منفی بر محیط زیست دارد. چهار نوع مالیات را می‌توان به عنوان مالیات محیط زیست در نظر گرفت؛ مالیات انرژی، مالیات حمل و نقل، مالیات بر آلودگی و مالیات منابع. همانند موارد دیگر SNA، باید توجه داشت که بین مالیات و حق‌الزحمه برای خدمت ارائه شده تفاوت وجود دارد. برای

مثال، مطالبه‌ی هزینه دفن زباله می‌تواند حق‌الزحمه خدمت تلقی شود حتی اگر توسط دولت تعیین شده باشد.

۲۹–۱۱۲ در SNA بهره‌ی مالکانه‌ی منابع برای دارائی‌های طبیعی وقتی به واحد دیگری پرداخت می‌شود، به عنوان درآمد دارائی نشان داده می‌شود. اما، همان‌گونه در فصل ۲۰ نشان داده شد، تشخیص عنصر مازاد عملیاتی متناظر با بهره‌ی مالکانه‌ی منابع در دارائی‌های طبیعی که توسط مالک استفاده می‌شود نیز امکان پذیر است.

۲۹–۱۱۳ جنبه مهم دیگر برای استفاده از منابع طبیعی مجوز برای استفاده از این‌ها برای دوره طولانی است، همان‌گونه که در فصل ۱۷ مورد بحث قرار گرفت. مجوزها می‌توانند مربوط به استخراج از منابع طبیعی یا استفاده از آن‌ها به عنوان مخزن (مانند محل دفن ضایعات، مترجم) باشند.

مجموعه‌ای از حساب‌های مخارج حفاظتِ محیط زیست

۲۹–۱۱۴ مجموعه‌ای از حساب‌های حفاظتِ محیط زیست را می‌توان با استفاده از تکنیک‌های حسابِ نسبتاً استانداردِ اقماری مطابق با مراحل زیر تهیه کرد:

الف. فعالیت‌های فرعی مربوطه باید به عنوان محصولات ثانوی عمل شوند؛

ب. مجموعه‌ای از محصولات مشخصه باید شناسائی شوند؛

پ. لازم است انتقالات خاص حفاظت محیط زیست شناسائی شوند؛

ت. مخارج ملی مربوط به حفاظتِ محیط زیست محاسبه شوند؛

ث. بخش‌های تأمین مالی مخارج شناسائی شوند.

۲۹–۱۱۵ همه‌ی این مراحل به تفصیل در راهنمای *SEEA* شرح داده شده است. همچنین در این راهنما بحثی وجود دارد درباره‌ی مجموعه‌ای از محصولات مشخصه که به عنوان "صنعت محیط زیست" برای استفاده‌ی قابل مقایسه‌ی بین‌المللی شناسائی شده‌اند. نمونه‌ای از یک حسابِ مخارج حفاظتِ محیط زیست در جدول ۲۹–۳ نشان داده شده است.

حساب‌های دارائی

۲۹–۱۱۶ برای موجودی‌ها و تغییر موجودی‌ها، حساب‌های دارائی شرح داده شده در فصل ۱۱ برای منابع طبیعی به هردو صورت ارزشی و واحدهای فیزیکی مورد استفاده قرار گرفته است. در *SEEA*، برای منابع طبیعی که دارای ارزش پولی نیستند و از اینرو در چارچوب محدوده دارائی‌های SNA نشان داده نشده‌اند ممکن است حساب‌های دارائی برحسب واحدهای فیزیکی تهیه شوند. برای منابعی نظیر هوا و آب که ممکن است دارای ارزش پولی نباشند، حتی ارزش موجودی هم نداشته باشند، تهیه حساب‌های تغییراتِ واحدهای فیزیکی می‌تواند مفید باشد.

یکپارچه سازی تعدیلات محیط زیستی در حساب‌های جریانی

۲۹–۱۱۷ سومین و آخرین قسمت اصلی *SEEA*، بخش خارجی حساب اقماری است. این بخش از محدودیت تحمیل شده در حساب‌هائی که تاکنون شرح داده شد می‌کاهد نه این که تغییرات اساسی در SNA بوجود آوَرَد. ایده‌ی تبدیل جدول‌های ترکیبی به جدول‌های کاملاً پولی ساده است و با جای‌گذاری ارزش‌های پولی در جریان‌های زیرِ جدول ترکیبی و سمت چپ آن که تا کنون تنها به صورت فیزیکی بیان شده‌اند، انجام می‌شود. هرچند این ایده ساده است، اما پیاده سازی آن آسان نیست. این قسمت از *SEEA* بیشتر تجربی است و تا کنون در پیشنهادهای ارائه شده اتفاق نظر حاصل نشده است.

جدول ۲۹-۲: نمونه جدول ترکیبی عرضه و مصرف از *SEEA*

داده‌های پولی (به صورت مورب) به میلیارد واحد پول ملی؛ داده‌های فیزیکی (به صورت غیر مورب) به میلیون تُن

		اقتصاد					کل اقتصاد	پسماندها		مصرف کل
		۱. محصولات	۲. رشته فعالیت‌ها	۳. مصرف	۴. سرمایه	۵. دنیای خارج (محصولات)		۱۰. مقصد ملی	۱۱. مقصد دنیای خارج	۹. تراز مواد
اقتصاد	۱. محصولات	فیزیکی پولی	محصولات استفاده شده توسط رشته فعالیت‌ها	محصولات استفاده شده برای مصرف ۴۴۲ ۶۶۴	محصولات استفاده شده برای سرمایه ۳۹ ۵۰۶	محصولات استفاده شده (صادرات) توسط دنیای خارج ۱۰۱ ۴۰۳	۱ ۷۱۹	پسماندهای ایجاد شده توسط رشته فعالیت ۲۷۵	پسماندهای ایجاد شده از طریق رشته فعالیت در دنیای خارج ۵	۷۰۱ ۰
	۲. رشته فعالیت‌ها	محصولات عرضه شده توسط رشته فعالیت ۵۵۱ ۱ ۳۵۶								
	۳. مصرف							پسماندهای ایجاد شده از طریق مصرف ۴۷	پسماندهای ایجاد شده از طریق مصرف در دنیای خارج ۱	۸۳۱ ۰
	۴. سرمایه							پسماندهای ایجاد شده از طریق سرمایه ۷۳	مواد خالص انباشته شده توسط سرمایه ۷۲	۶۵ ۱۷
	۵. دنیای خارج (محصولات)	محصولات عرضه شده توسط دنیای خارج (واردات) ۱۵۰ ۳۶۳						پسماندهای ایجاد شده توسط غیر مقیمها ۶	مواد خالص انباشته شده توسط اقتصاد دنیای خارج -۵۲	۱۴۵ ۱۰۴
		۱ ۷۱۹	۱ ۳۵۶	۶۶۲	۱۲۶	۴۶۴				
منابع طبیعی	۶. محیط زیست ملی	منابع طبیعی عرضه شده به رشته فعالیت ۱ ۳۵۶	منابع طبیعی عرضه شده به مصرف ۲۵۶	منابع طبیعی عرضه شده به سرمایه ۱	منابع طبیعی استخراج شده توسط دنیای خارج ۱					انباشت خالص منابع طبیعی در محیط زیست ملی -۲۵۸
	۷. منشاء دنیای خارج	منابع طبیعی عرضه شده به رشته فعالیت ۵	منابع طبیعی عرضه شده به مصرف ۱							انباشت خالص منابع طبیعی در دنیای خارج -۶
نهاده‌های اکو سیستم	۸. محیط زیست ملی	نهاده‌های اکو سیستم به رشته فعالیت ۱۱۸	نهاده‌های اکو سیستم به مصرف ۲۳		نهاده‌های اکو سیستم به اقتصاد دنیای خارج ۲					انباشت خالص نهاده‌های اکو سیستم در محیط زیست ملی -۱۴۳
	۹. منشاء دنیای خارج	نهاده‌های اکو سیستم به رشته فعالیت ۳	نهاده‌های اکو سیستم به مصرف ۱							انباشت خالص نهاده‌های اکو سیستم در دنیای خارج -۴
	۱۰. منشاء ملی	ضایعات به محل دفن زباله ۲۶								
پسماندها	۱۱. منشاء دنیای خارج	پسماندهای بازجذب شده توسط رشته فعالیت ۷						پسماندهای وارد شده از مرزها ۸	پسماندهای خارج شده از مرزها ۴	انباشت خالص پسماندها در محیط زیست ملی ۳۲۳
										انباشت خالص پسماندها در دنیای خارج ۱
عرضه کل		۷۰۱	۸۳۱	۶۵	۱۴۵	۱۰۴		۴۰۹	۹	۲ ۲۶۴

جدول ۲۹-۳: نمونه جدول ترکیبی عرضه و مصرف کالاها و خدمات حفاظت محیط زیست

جدول ۵-۶: جدول ترکیبی عرضه و مصرف کالاها و خدمات حفاظت از محیط زیست

میلیون واحد پول

	خدمات دولتی	خدمات تخصصی	خدمات فرعی	محصولات پاک کننده/ وابسته	کالاها و خدمات حفاظتی غیر محیط زیستی	**جمع**	تولید کنندگان دولتی خدمات محیط زیست	تولید کنندگان تخصصی خدمات محیط زیست	تولید فرعی خدمات محیط زیست	تولید کنندگان محصولات پاک کننده/ وابسته	سایر تولیدکنندگان	**جمع مصرف واسطه**	مصرف دولت	مصرف خانوار	تشکیل سرمایه	صادرات	**جمع**
خدمات دولتی												۰	۱۸۰۰	۱۳۲۰			۳۱۲۰
خدمات تخصصی								۱۵۰۰			۳۴۰۰	۴۹۰۰		۱۶۵۰	۱۰۰		۶۶۵۰
خدمات فرعی											۴۰۰۰	۴۰۰۰					۴۰۰۰
محصولات پاک کننده/ وابسته								۴۰۰			۲۰۰	۶۰۰		۶۰۰			۱۲۰۰
کالاها و خدمات حفاظتی غیر محیط زیستی							۲۰۰۰	۱۱۰۰	۱۰۰۰	۳۰۰	*	*					*
جمع							**۲۰۰۰**	**۳۰۰۰**	**۱۰۰۰**	**۳۰۰**	*	*	**۱۸۰۰**	**۳۵۷۰**			*
تولید کنندگان دولتی	۳۰۰۰				۰	**۳۰۰۰**											
تولید کنندگان تخصصی		۶۵۰۰		۰	۰	**۶۵۰۰**											
تولید فرعی			۴۰۰۰			**۴۰۰۰**											
تولید کنندگان محصولات پاک کننده/ وابسته				۱۰۰۰	۰	**۱۰۰۰**											
سایر تولید کنندگان	۰	۰	۰	۰	*	*											
جمع ستانده																	
جبران خدمات کارکنان							۶۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۵۰۰	*	*					
مصرف سرمایه ثابت							۴۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰	*	*					
مالیات بر تولید منهای یارانه بر تولید							۰	۰	۰		*	*					
مازاد عملیاتی خالص							۰	۵۰۰	۰		*	*					
ستانده به قیمت پایه	**۳۰۰۰**	**۶۵۰۰**	**۴۰۰۰**	**۱۰۰۰**	*	*	**۳۰۰۰**	**۶۵۰۰**	**۴۰۰۰**	**۱۰۰۰**	*	*					
واردات				۵۰	*	*											
مالیات‌ها و حاشیه‌ها	۱۲۰	۱۵۰		۱۵۰	*	*											
ستانده به قیمت خریدار	**۳۱۲۰**	**۶۶۵۰**	**۴۰۰۰**	**۱۲۰۰**	*	*											
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص							۱۱۰۰	۱۰۰۰	۲۵۰۰	۱۵۰۰	*	*					
موجودی سرمایه							۷۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	*	*					
نهاده نیروی کار							۴۰۰۰	۱۰۰۰۰	۸۵۰۰	۵۰۰۰	*	*					

منبع: مجموعه داده‌های SEEAland

کاهش منابع

۲۹–۱۱۸ ارزش‌گذاری نهاده‌های وارد شده به سیستم اقتصادی اولین و آسان‌ترین گام است. از آنجا که این نهاده‌ها در محصولاتی که در بازار به فروش می‌رسند گنجانده می‌شوند، در اصل استفاده از ابزار مستقیم برای تخصیص ارزشی مبتنی بر اصول بازار برای آن‌ها امکان پذیر است. حتی در درون SNA، گاهی این نوع ارزش‌گذاری ساخته می‌شود هرچند که نتایج آن بجای حساب‌های جریان، در حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها درج می‌شود. از اینرو راه دیگرِ نگاه کردن به فرآیند گنجانیدن استفاده از نهاده‌های محیط زیستی در سیستم، انتقال برخی از اقلام سایر تغییرات دارائی‌ها به حساب‌هائی است که تراکنش‌ها را به تصویر می‌کشند. بویژه، وقتی یک منبع محیط زیستی به طور مستمر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، سنجه جایگزین درآمد تعدیل شده برای مصرف سرمایه طبیعی و نیز مصرف سرمایه ثابت می‌تواند برای به حساب آوردن کاهش منابع طبیعی در نظر گرفته شود.

مخارج حفاظتی

۲۹–۱۱۹ اقداماتی از پیش انجام می‌شود تا ایجاد پسماندها را محدود سازد یا از پیامدهای انتشار گازها بکاهد. این مخارج گاهی اوقات به عنوان مخارج حفاظتی نامیده می‌شوند. یکی از راه‌های ممکن برای تعدیل هم‌افزوده‌های اقتصاد کلان این است که با این مخارج به عنوان تشکیل سرمایه با جبران استهلاک متناظر آن برخورد شود.

حسابداری برای تخریب محیط زیست

۲۹–۱۲۰ این سخت‌ترین قسمت حسابداری محیط زیست است که هنوز واگرائی گسترده‌ای از نظرات درباره‌ی آن وجود دارد. دو مسأله درباره‌ی چگونگی گنجاندن اثرات تخریب در SNA پیش آمده است. نخست این که برای تخریب چگونه ارزش گذاشته شود، دوم این که این ارزش‌گذاری چگونه در حساب‌ها جای‌گذاری شود.

۲۹–۱۲۱ گستره‌ای از رهیافت‌های تأئید شده را می‌توان صرفاً برای جلب کردن توجه‌ها به طور خلاصه شرح داد.

۲۹–۱۲۲ یکی از رهیافت‌ها این است که روی هزینه‌های نگه‌داری تمرکز شود. (این روشی است که در نسخه سال ۱۹۹۳ SEEA اتخاذ شد). هدف از بررسی، یافتن پاسخی برای این پرسش است که: ارزش محصول خالص داخلی اگر با استفاده از هزینه‌های فعلی و فناوری فعلی با استانداردهای فرضی محیط زیست مواجه می‌شد چه می‌توانست باشد؟

۲۹–۱۲۳ مشکل این رهیافت این است که اگر سؤال مورد نظر در رابطه با تغییرات قابل ملاحظه‌ی استانداردهای محیط زیست پرسش شود، افزایش قیمت حاصل احتمالاً تغییری در رفتارها بوجود خواهد آورد که بر میزان تقاضای آن محصولات اثر خواهد گذاشت. این به نوبه‌ی خود خواه به عنوان تغییری در سطح ستانده آن محصولات خواه به عنوان تغییری در فناوری تولید آن‌ها برای کاهش وابستگی به محصولاتی که به تازگی گران شده‌اند نشان داده خواهد شد. با این وجود، برای تغییرات حاشیه‌ای در استانداردها، می‌توان از این روش استفاده کرد تا حد بالاتری از تأثیر بر NDP با انتقال به استانداردهای سخت‌گیرانه‌تر زیست محیطی ارائه شود. هم‌افزوده‌های حاصل از این عمل "تعدیل شده از نظر محیط زیست" نامیده می‌شوند.

۲۹–۱۲۴ نوع دوم برآوردهای هزینه محورکه به "مدل سازی اقتصاد سبز" مشهور است سعی بر این دارد که مسأئل ایجاد شده بوسیله رهیافت‌های هزینه‌ی نگه‌داری برای موارد تغییرات غیرحاشیه‌ای در استانداردهای محیط زیست را حل کند. آن‌ها تلاش می‌کنند این سؤال را پاسخ دهند: *اگر گام‌هائی برداشته می‌شد تا هزینه‌های نگه داری را درونی سازد، GDP به چه سطحی می‌توانست برسد؟*

۲۹–۱۲۵ کاربرد ویژه‌ی مدل‌های اقتصاد سبز نه تنها به تعیین مجموعه‌ای از ارزش‌ها برای ستانده، تقاضا و غیره که ترازهای اقتصاد ملی را برقرار می‌سازد کمک می‌کند بلکه به تعیین میزان ستانده‌ای که منجر به سطح درآمدی می‌شود که در طول یک دوره‌ی زمانی مشخص پایدار است نیز کمک می‌کند. این مدل‌ها در تلاش برای پاسخ به این پرسش ساخته می‌شوند که: چه *سطحی از درآمد و کارکردهای محیط زیست می‌توانند به طور نامحدود پایدار باشند؟*

۲۹–۱۲۶ سنجه‌های خسارت مبنا از تأثیر واقعی تولید پسماندها بدست می‌آید. بزرگ‌ترین تأثیر این پسماندها در سلامت انسان است. آن‌ها سعی بر این دارند که این پرسش را پاسخ دهند که: *تأثیر مربوط به سطح NDP از پیامدهای زیست محیطی بر سرمایه طبیعی و ساخت دست بشر و بر سلامت انسان چیست؟*

۲۹–۱۲۷ از اینرو، "درآمد تعدیل شده از نظر خسارت"، نخستین گام در راه تبدیل سنجه‌های نوع GDP به شاخص‌های رفاه است ولی بسیاری از جنبه‌های دیگر رفاه عمداً نادیده گرفته می‌شوند.

۳. حساب‌های اقماری سلامت

۲۹–۱۲۸ صنعت (رشته‌فعالیت) مراقبت‌های سلامت در بسیاری از کشورها از نظر تعداد جمعیت شاغل و میزان گردش مالی از اندازه و اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و از نظر سیاست‌گذاری همواره موضوع مهمی بشمار می‌رود. سیستم حساب‌های سلامت *(SHA)* (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۰) براساس تجربه بیش از ۱۵ سال گردآوری اطلاعات پیشینِ مربوط به داده‌های مراقبت‌های سلامت ایجاد شده است. یکی از اهداف اصلی این راهنما ارائه چارچوبی برای تحلیل سیستم‌های مراقبت‌های سلامت از دیدگاه اقتصادی است که با قواعد حسابداری ملی سازگار باشد. در قسمتی از این فرآیند، ارتباط مفهومی بین SHA و حساب‌های اقماری سلامت مورد بررسی قرار گرفت. این کتاب راهنما اکنون به صورت کار مشترک OECD، اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا و WHO در حال به روز رسانی است و انتظار می‌رود نسخه اصلاح شده آن تقریباً تا آخر ۲۰۱۰ آماده شود.

۲۹–۱۲۹ برای درک این که چگونه می‌توان حساب اقماری سلامت را ایجاد کرد نگاهی به *SHA* مفید خواهد بود. چهار دسته اطلاعات فراهم شده وجود دارد که عبارتند از: طبقه بندی کارکردی مراقبت‌های سلامت، تحلیلی از واحدهای ارائه دهنده‌ی مراقبت‌های سلامت، اطلاعات مربوط به مخارج مراقبت‌های سلامت و اطلاعات مربوط به تأمین مالی مراقبت‌های سلامت. هریک از این‌ها به ترتیب در زیر شرح داده می‌شوند.

طبقه بندی کارکردی مراقبت‌های سلامت

۲۹–۱۳۰ فعالیت‌های مراقبت از سلامت بکارگیری دانش پزشکی، پیراپزشکی و پرستاری همراه با فناوری، خواه توسط نهادها خواه توسط انسان را برای دستیابی به اهداف زیر پوشش می‌دهد:

الف. ارتقاء سلامت و پیشگیری بیماری؛

ب. درمان بیماری و کاهش مرگ و میر زودرس؛

پ. مراقبت از افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن که نیازمند مراقبت‌های پرستاری هستند؛

ت. مراقبت از اشخاص دارای اختلالات مرتبط با سلامت، ناتوانی و معلولیت که نیازمند مراقبت پرستاری هستند؛

ث. کمک به بیماران برای مرگ با کرامت؛

ج. ارائه و اداره‌ی سلامت عمومی؛

چ. ارائه و اداره‌ی برنامه‌های سلامت، بیمه‌ی سلامت، و سایر ترتیبات تأمین مالی.

۲۹–۱۳۱ در پی این اهداف سه طبقه‌بندی کارکردی اصلی سلامت وجود دارد:

الف. خدمات مراقبت‌های سلامت شخصی و کالاها؛

ب. خدمات جمعی مراقبت‌های سلامت؛

پ. کارکردهای مرتبط به مراقبت‌های سلامت

۲۹–۱۳۲ هریک از این سرفصل‌ها به تعدادی رده‌های جزئی‌تر شکسته می‌شوند. مراقبت‌های سلامت شخصی متشکل از خدمات درمانی، خدمات توانبخشی، خدمات دراز مدت پرستاری، خدمات جانبی مراقبت‌های سلامت و کالاهای پزشکی مصرفی بیماران سرپائی هستند. خدمات جمعی مراقبت‌های سلامت بین خدمات پیشگیری و سلامت عمومی از یک

طرف و خدمات اداری و بیمه‌ی سلامت ازطرف دیگر تقسیم می‌شوند. کارکردهای مرتبط با سلامت شامل تشکیل سرمایه‌ی نهادهای ارائه دهنده‌ی مراقبت‌های سلامت، آموزش و بازآموزی کارکنان، تحقیق و توسعه در سلامت، کنترل خوراک، بهداشت و آب آشامیدنی، سلامت محیط زیست، اداره و تأمین خدمات اجتماعی غیرنقدی برای کمک به کسانی که با اختلالات جسمی یا روانی زندگی می‌کنند و اداره و تأمین مزایای نقدی مرتبط با سلامت هستند.

واحدهای ارائه دهنده مراقبت‌های سلامت

۲۹-۱۳۳ ارائه دهندگان مراقبت‌های سلامت به رده‌های زیر تقسیم می‌شوند:

الف. بیمارستان‌ها؛

ب. مراکز پرستاری و مراقبت با محل اقامت؛

پ. ارائه دهندگان مراقبت‌های سلامت سرپائی؛

ت. خرده فروشان و دیگر ارائه دهندگان کالاهای پزشکی؛

ث. تهیه و اجرای برنامه‌های سلامت عمومی؛

ج. مدیریت سلامت و بیمه؛

چ. دیگر صنعت‌ها (بقیه اقتصاد)؛

ح. دنیای خارج

۲۹-۱۳۴ هریک از این ارائه دهندگان را می‌توان به یک یا چند بخش نهادی SNA منتسب کرد.

مخارج مراقبت‌های سلامت

۲۹-۱۳۵ مخارج کل سلامت مصرف نهائی کالاها و خدمات مراقبت‌های سلامت توسط واحدهای مقیم بعلاوه تشکیل سرمایه ثابت در صنعت‌های ارائه دهنده مراقبت‌های سلامت (نهادهائی که مراقبت‌های سلامت فعالیت اصلی آن‌هاست) را اندازه‌گیری می‌کند.

۲۹-۱۳۶ مخارج سلامت را می‌توان به رده‌های زیر تقسیم کرد:

الف. خدمات مراقبت‌های سلامت شخصی؛

ب. کالاهای پزشکی مصرف شده برای بیماران سرپائی؛

پ. کل مخارج مراقبت‌های سلامت شخصی؛

ت. خدمات پیشگیری مراقبت‌های سلامت عمومی؛

ث. مدیریت سلامت و بیمه سلامت؛

ج. کل مخارج جاری سلامت (حاصل جمع موارد بالا)؛

چ. تشکیل سرمایه‌ی ناخالص در صنعت‌های (رشته-فعالیت‌های) مراقبت‌های سلامت؛

ح. کل مخارج سلامت.

۲۹-۱۳۷ محدوده‌ی تولید خدمات مراقبت‌های سلامت به محدوده‌ی تولید SNA بسیار نزدیک است ولی دو استثناء وجود دارد. مراقبت‌های سلامت شغلی در SHA در محدوده‌ی تولید قرار می‌گیرد در حالی که در SNA به عنوان فعالیت‌های فرعی تلقی می‌شود. انتقالات نقدی به خانوارهای خصوصی (مراقبت کنندگان در منزل) به عنوان ستانده‌ی خدمات خانگیِ دارای پرداختی از طریق انتقالات تلقی می‌شوند.

تأمین مالی مراقبت‌های سلامت

۲۹-۱۳۸ منابع مالی مراقبت‌های سلامت به سه دسته منابعی که توسط دولت تأمین می‌شوند، منابع بخش خصوصی و منابع از دنیای خارج تقسیم می‌شوند. در درون دولت، سطوح دولت و صندوق تأمین اجتماعی از یکدیگر متمایز می‌شوند. در درون بخش خصوصی باید بین بیمه‌های اجتماعی خصوصی، سایر بیمه‌های خصوصی، خانوارهای فردی، NPISHها و شرکت‌ها به استثنای بیمه‌ی سلامت تمایز قائل شد.

تبدیل SHA به حساب‌های اقماری سلامت

۲۹-۱۳۹ گام‌های زیر لازم است تا چارچوب SHA به حساب اقماری

سلامت تبدیل شود:

الف. لازم است فهرست جامعی از کالاها و خدمات ویژه‌ی تولید خدمات مراقبت‌های سلامت تعیین شود؛

ب. لازم است خط مرزی تولید برای تعیین مخارج کل سلامت مشخص شود؛

پ. لازم است فعالیت‌هائی که برای آن‌ها تشکیل سرمایه ثبت خواهد شد تعیین شوند؛

ت. لازم است تراکنش‌های ویژه تعیین شوند؛

ث. لازم است تجزیه‌ی دقیق انتقالات به عنوان قسمت جدائی ناپذیر حسابداری فراهم شود؛

ج. لازم است استفاده کنندگان نهائی و تقبل کنندگان نهائی هزینه‌های عملیاتی سلامت تعیین شوند؛

۲۹–۱۴۰ یکی از مشکلات تهیه‌ی فهرستی از محصولات مشخصه این است که *CPC* به رده‌های خدمات مراقبت‌های سلامت به تفصیلی که مورد نیاز حساب‌های سلامت است نپرداخته است. بنابراین طبقه بندی تفصیلی‌تری مورد نیاز است. علاوه بر این، از آنجا که مراقبت‌های سلامت اغلب یک مسئولیت عمومی است اطلاعات بدست آمده از داده‌های اداری معمولا برای تهیه‌ی میزان تفصیلی که مورد نیاز حساب اقماری است ناکافی است.

۲۹–۱۴۱ علیرغم این مشکلات، پیشنهاد شده است که چهار حسابِ اضافی SHA را به یک حساب اقماری سلامت گسترش خواهد داد:

الف. حساب تولید و ارزش افزوده‌ی مراقبت‌های سلامت برحسب صنعت (رشته‌فعالیت) مراقبت‌های سلامت؛

ب. نهاده‌های واسطه در تولید صنعت‌های (رشته-فعالیت‌های) مراقبت‌های سلامت برحسب نوع نهاده؛

پ. موجودی سرمایه‌ی ناخالص صنعت (رشته‌فعالیت) مراقبت‌های سلامت؛

ت. جدول داده – ستانده صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) مراقبت‌های سلامت.

۲۹–۱۴۲ جدول ۲۹–۴ نمونه‌ای از جدول‌های عرضه و مصرف را که می‌تواند برای مراقبت‌های سلامت تهیه شود نشان می‌دهد.

۴. فعالیت بدون مزدِ خانوار

۲۹–۱۴۳ این بخش با یک حساب اقماری عادی سر و کار ندارد. تعیین محصولاتی که فقط مشخصه فعالیت بدون مزد خانوار باشند مشکل است، جدول‌های استاندارد توافق شده‌ای برای تولید نیز وجود ندارد. اما، زمینه قابل توجهی برای تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست و زمینه‌ای است که در حال حاضر کار پژوهشی مهمی در حال انجام است. بنابراین هدفِ این بخش فقط ارائه گزارشی درباره رهیافت‌های در حال بررسی و نیز ارائه‌ی برخی نشانه‌هائی است که اطلاعات بیشتر درباره پژوهش پیشِ رو می‌تواند یافت شود.

۲۹–۱۴۴ بهتر است سه زمینه‌ی بررسی به شرح زیر متمایز شوند:

الف. خدمات بدون مزد خانوار؛

ب. بررسی نحوه‌ی برخورد با کالاهای بادوام مصرفی؛

پ. بحث نیروی کار داوطلب به طور کلی؛

خدمات بدون مزد خانوار

۲۹–۱۴۵ بحث ارزش گذاریِ خدمات تولید شده برای خود مصرفی خانوار به خودی خود بحث جالبی است. علاوه براین، اغلب استدلال می‌شود که رشد GDP در کشورهای صنعتی از اواخر جنگ جهانی دوم به بعد تا حدودی به دلیل افزایش مشارکت زنان در نیروی کار بوده است که پیش از آن فقط عهده دار فعالیت‌های خانوار بودند. اغلب استدلال می‌شود که، اگر فعالیت‌های خانوار ارزش‌گذاری می‌شد، تغییر اشتغال زنان نباید منجر به چنین افزایشی در GDP می‌شد. بنابراین، در تحلیل‌های بلند مدت ممکن است برای جای‌گذاری ارزشی برای فعالیت‌های بدون مزد خانوار علاقه‌ی فراوانی وجود داشته باشد.

جدول ۸-۲: **جدول عرضه و مصرف SHA (قسمت ۱)**

منابع	عرضه کل، قیمت خریدار	مالیات بر محصول منهای یارانه بر محصول*	ارائه دهندگان کالاها و خدمات مراقبت‌های سلامت				سایر تولیدکنندگان	کل اقتصاد	واردات کالاها و خدمات مراقبت‌های سلامت
			جمع	تولیدکنندگان اصلی	تولید کنندگان ثانوی	مراقبت‌های سلامت در محیط کار	خانوارهای خصوصی (مراقبت در منزل)		
کالاها و خدمات:			ستانده						
عرضه:									
کالاها و خدمات مراقبت‌های سلامت بر حسب کارکرد									
HC.۱ خدمات درمانی									
HC.۲ خدمات توانبخشی									
HC.۳ خدمات پرستاری بلند مدت									
HC.۴ خدمات جانبی مراقبت‌های سلامت									
HC.۵ کالاهای پزشکی مصرفی بیماران سرپائی									
عرضه کل مراقبت‌های سلامت شخصی									
HC.۶ خدمات پیشگیری و سلامت عمومی									
HC.۷ خدمات اداری و بیمه سلامت									
عرضه کل کالاها و خدمات مراقبت‌های سلامت									
سایر محصولات									
جمع									

(*): شامل حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل که در مورد کالاها و خدمات مراقبت‌های سلامت برای مصرف نهائی قابل چشم پوشی است

جدول ۲۹-۴: نمونه‌ی جدول عرضه و مصرف از سیستم حساب‌های سلامت

جدول ۲۹-۴ (ادامه): نمونه جدول عرضه و مصرف از سیستم حساب‌های سلامت

جدول ۸-۳: جدول داده – ستانده SHA (قسمت ۲)

	مصارف کل، به قیمت خریدار	مالیات بر محصول منهای یارانه بر محصول*	ارائه دهندگان کالاها و خدمات مراقبت‌های سلامت: جمع	تولیدکنندگان اصلی	تولید کنندگان ثانوی	مراقبت‌های سلامت در محیط کار	خانوارهای خصوصی (مراقبت در منزل)	سایر تولید کنندگان	صادرات کالاها و خدمات: کل اقتصاد	خانوارها	منابع خارج مصرف نهایی: NPISHها	دولت	تشکیل سرمایه ناخالص
منابع													
کالاها و خدمات:			مصرف واسطه										
مصارف:													
کالاها و خدمات مراقبت‌های سلامت بر حسب کارکرد													
HC.۱ خدمات درمانی													
HC.۲ خدمات توانبخشی													
HC.۳ خدمات پرستاری بلند مدت													
HC.۴ خدمات جانبی مراقبت‌های سلامت													
HC.۵ کالاهای پزشکی مصرفی بیماران سرپائی													
جمع مراقبت‌های سلامت شخصی													
HC.۶ خدمات پیشگیری و سلامت عمومی													
HC.۷ خدمات اداری و بیمه سلامت													
جمع کالاها و خدمات مراقبت‌های سلامت													
سایر محصولات													
جمع													
جمع ارزش افزوده ناخالص /GDP													
جبران خدمات کارکنان													
مالیات بر محصول													
سایر مالیات بر تولید													
یارانه بر محصول													
سایر یارانه بر تولید													
مازاد عملیاتی، خالص													
درآمد مختلط، خالص													
مصرف سرمایه ثابت													
مازاد عملیاتی، ناخالص													
درآمد مختلط، ناخالص													
جمع													
تهیه‌دهای نیروی کار													
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص													
موجودی دارایی‌های ثابت، خالص													

(*) شامل حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل که در مورد کالاها و خدمات مراقبت‌های سلامت برای مصرف نهائی قابل چشم پوشی است

۲۹–۱۴۶ در چارچوب محوری SNA ابهامی وجود ندارد؛ خدمات بدون مزدِ خانوار از محدوده‌ی تولید کنار گذاشته شده است. اما، در یک حساب اقماری این امر کاملاً امکان پذیر است که محدوده‌ی تولید طوری گسترش داده شود که این نوع خدمات را نیز در بر گیرد. اما، حتی با گسترش محدوده‌ی تولید نیز خدماتی که امکان انجام آن توسط شخص ثالثی وجود ندارد نظیر خوردن، خوابیدن و ورزش کردن بعید است که به عنوان قسمتی از محدوده‌ی تولید تلقی شوند. برای برآورد ارزش تفریح و سرگرمی کارهائی انجام شده است به طوری که برخی از این فعالیت‌ها ارزش‌گذاری شده‌اند ولی این جنبه در این بخش مورد بررسی قرار نگرفته است.

۲۹–۱۴۷ تقریباً توافق گسترده‌ای در این مورد صورت گرفته است که روشی که باید در شروع اندازه‌گیری خدمات خود مصرفی بکار برود، اندازه‌گیری از طریق میزان زمانِ صرف شده برای آن‌ها است. توجه روزافزونی برای بررسی آماری گذران وقت وجود دارد که این اطلاعات را در دسترس قرار می‌دهد. اما، بررسی آماری گذران وقت خالی از ابهام نیست. وظایف چندگانه سؤال برانگیز هستند. برای مثال، برای هرکس این امکان وجود دارد که چندین فعالیت را به طور هم‌زمان انجام دهد به عنوان مثال، غذا تهیه کند، از یک کودک خردسال مراقبت کند و کودک بزرگتر را در انجام تکالیف شب کمک کند. این سؤال پیش می‌آید که آیا باید کل میزان وقتی که برای این کارها صرف شده است تقسیم بر سه شود یا هر فعالیت با کل زمان صرف شده سنجیده شود؟

۲۹–۱۴۸ در مورد حد و مرز تفریح و سرگرمی بحثی وجود دارد. برخی از مردم باغبانی را کار روزمره می‌پندارند و برخی دیگر آن را یک سرگرمی به حساب می‌آورند. در حالی که نگه داری تمام وقت کودکان خدمات خانوار به حساب می‌آید، آیا مقدار زمانی را که مادر بزرگ‌ها یا پدر بزرگ‌ها با نوه‌های خود می‌گذرانند خدمات خانوار محسوب می‌شود یا یک فعالیت تفریحی سرگرمی است؟

۲۹–۱۴۹ در این مورد سؤالی پیش می‌آید که فعالیت خانوار باید چگونه ارزش‌گذاری شود. یک امکان این است که حساب تولید کاملی تهیه شود و مثلاً، مواد خوراکی خریداری شده توسط خانوار به عنوان نهاده‌های تهیه‌ی وعده‌های غذائی در نظر گرفته شود. در این شیوه خانوارها کالاهای بسیار کمی را مستقیماً مصرف خواهند کرد؛ قسمت عمده‌ی کالاها به عنوان مصرف واسطه برای نوعی ستانده‌ی خدمات تلقی خواهد شد. گزینه‌ی دیگر، که معمولا اتخاذ می‌شود، این است که نهاده‌ها به عنوان مخارج مصرفی خانوار بمانند و فقط برای زمان صرف شده، که پیش از آن ارزشی برای آن تعیین نمی‌شد، برآوردهای جداگانه‌ای ساخته شوند.

۲۹–۱۵۰ سؤال اساسی در ارزش‌گذاریِ زمان صرف شده برای خدمات خانوار این است که آیا هزینه‌ی فرصت کسی که وظیفه مورد نظر را انجام داده است مورد استفاده قرار گیرد یا از یک هزینه‌ی مقایسه‌گر استفاده شود. هردوی این‌ها دارای مشکلاتی هستند. هزینه‌ی فرصت بنظر جذاب می‌رسد زیرا نظریه اقتصادی نشان می‌دهد که کسی که توانائی کسب عایدی بیشتری را نسبت به هزینه‌های مقایسه‌گر دارد در حقیقت پول اضافی بدست می‌آورد و به شخص دیگری پرداخت می‌کند تا وظایف خانوار را انجام دهد. ولی این چیزی نیست که در عمل به روشنی رخ دهد. بدست آوردن هزینه-های مقایسه‌گر ممکن است مشکل و غیرواقعی باشد. به عنوان مثال، یک لوله‌کش حرفه‌ای ممکن است قادر باشد نشت یک شیر آب را در عرض چند دقیقه تعمیر کند در حالی که یک لوله‌کش غیرحرفه‌ای ممکن است یک ساعت برای آن وقت صرف کند. اگر دستمزد لوله‌کش حرفه‌ای به وقتِ صرف شده توسط لوله‌کش غیرحرفه‌ای اعمال شود، به روشنی میزان تولید برآورد شده به طور غیرواقعی بالا خواهد بود.

۲۹–۱۵۱ کارهای متعددی را برای یافتن راه حل سؤال ارزش‌گذاری ستانده می‌توان در ادبیات این موضوع بدست آورد. نمونه‌هائی در این زمینه عبارتند از *تولید و مصرف خانوار: پیشنهاد روشی برای حساب‌های اقماری خانوار* (اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۰۳)، *تولید و مصرف خانوار در فنلاند، ۲۰۰۱– حساب اقماری خانوار* (اداره آمار فنلاند و مرکز ملی پژوهش‌های مصرف کننده، ۲۰۰۶) و *ماورای بازار: طراحی حساب‌های غیربازاری برای ایالات متحده* (شورای پژوهش ملی ایالات متحده، ۲۰۰۵).

کالاهای بادوام مصرفی

۲۹–۱۵۲ غالباً استدلال می‌شود که کالاهای بادوام مصرفی باید به عنوان شکلی از تشکیل سرمایه‌ی ثابت توسط خانوار و نه به عنوان مخارج مصرف نهائی تلقی شود. واقعیت این است که یک زمینه‌ی خاکستری در مورد برخی از تجهیزات خانوار وجود دارد. در برخی شرایط، هزینه‌ی یک خانه ممکن است همه‌ی تجهیزات آشپزخانه نظیر اجاق گاز، یخچال و ماشین لباسشوئی را در بر گیرد؛ در شرایط دیگر این لوازم خانگی به عنوان مخارج مصرفی تلقی شوند.

۲۹–۱۵۳ دلیل اصلیِ کنار گذاشتن کالاهای بادوام مصرفی از محدودی دارائی به کنار گذاشتن خدمات خانوار از محدوده‌ی تولید بر می‌گردد. اگر قرار باشد شستن لباس وقتی با ماشین انجام می‌شود فعالیتی در درون محدوده‌ی تولیدِ خانوار قرار گیرد، روشن نیست که چرا وقتی با دست انجام می‌شود باید کنار گذاشته شود.

۲۹–۱۵۴ با این وجود قطعاً علاقه به رصد کردنِ تحصیل کالاهای بادوام مصرفی وجود دارد. تحصیل این کالاها بنا به ماهیت آن‌ها اغلب دوره‌ای است، هرچند گاهی اوقات تغییر در مخارج آن‌ها ممکن است فقط در اثرِ معرفی یک محصول جدید پیش آید.

۲۹–۱۵۵ دو رهیافت وجود دارد که در حساب اقماری می‌توان بکار برد. نخستین رهیافت این است که نوعی شیوه برخورد برای کالاهای بادوام مصرفی در همان موقعِ ارزش‌گذاری تولید بدون مزد خانوار اتخاذ شود. دیگری این است که تولید بدون مزد خانوار که خارج از محدوده‌ی تولید است کنار گذاشته شود ولی کالاهای بادوام مصرفی با برآورد خدماتی که آن‌ها ارائه می‌دهند در نظر گرفته شود. برخورد با کالاهای بادوام مصرفی به عنوان دارائی نیز در رابطه با اندازه‌گیری پس انداز و ثروت خانوار دارای طرفدارانی است. نمونه‌هائی از این نوع تحلیل‌ها را می‌توان در گزارش *کالاهای بادوام و تأثیر آن‌ها بر نسبت‌های پس‌انداز خانوار در منطقه یورو* (Jalava و همکاران، ۲۰۰۶) یافت.

نیروی کار داوطلب

۲۹–۱۵۶ ارائه‌ی خدمات بدون مزد به خانوار از محدوده‌ی تولید خارج است. چه خانواری که به آن خدمت ارائه می‌شود خانواری باشدکه داوطلب به آن تعلق دارد چه خانوار دیگری باشد، این قاعده اعمال می‌شود.

۲۹–۱۵۷ اگر داوطلبی خدمتی را به تولیدکننده‌ی غیربازاری یا به NPI بازاری ارائه دهد، فعالیتی که درآن مشارکت می‌کند در محدوده‌ی تولید قرار می‌گیرد. اما، ارزش خدمات ارائه شده توسط این نوع تولیدکنندگان به قیمت تمام شده نشان داده می‌شود. ارزش این خدمت داوطلبانه می‌تواند دقیقاً صفر باشد یا می‌تواند ارزش اسمی، شامل حقوق و دستمزد غیرنقدی داشته باشد. مثال در این مورد، علمای دینی هستند که خدمات آموزش و سلامت ارائه می‌دهند، ممکن است به افرادی که این خدمات را ارائه می‌کنند دستمزدی پرداخت نکنند ولی این امکان وجود دارد که برای آن‌ها غذا و اقامتگاه تأمین کنند. در عمل، این هزینه‌ها باید به عنوان حقوق و دستمزد غیرنقدی تلقی شوند.

۲۹–۱۵۸ وجود نیروی کار داوطلب، مانند دستیاران آموزشی، در درون دولت نیز امکان پذیر است. ممکن است افرادی بدون دستمزد، مثلاً برای قسمتی از تجربه‌ی کاری، در شرکت‌ها کار کنند ولی نیروی کار داوطلب در NPIهای بازاری، مانند راهنما یا نگهبان در موزه یا گالری، بسیار رایج است.

۲۹–۱۵۹ حتی اگر مالک یک شبه شرکت یا یک بنگاه، حقوق خود را برداشت نکند، می‌توان گفت که اصولاً ابتدا باید این حقوق به‌صورت دریافت جبران خدمات کارکنان و سپس همان مبلغ به عنوان تزریق سرمایه در بنگاه تلقی شود. احتمال نمی‌رود این فرآیند ثبت شود ولی این مورد به وضوح از نظر ماهیت با درک معمول از نیروی کار داوطلبانه متفاوت است.

۲۹–۱۶۰ بحث ارزش گذاریِ نیروی کار داوطلب مانند موضوع ارزش-گذاری زمان صرف شده برای خدمات بدون مزد خانوار است و همان گزینه‌ها نیز موجود است. اگر لازم باشد کار داوطلبانه

ارزش‌گذاری شود، اقلام ورودی حسابداری زیر لازم خواهد بود:

الف. جبران خدمات کارکنان واحدی که نیروی کار داوطلب را به کار گرفته است؛

ب. درآمد برای خانواری که داوطلب متعلق به آن است؛

پ. انتقالات با همان مبلغ توسط داوطلب به واحد بکار گیرنده‌ی شخص؛

ت. مخارج مصرف نهائی واحد بکار گیرنده‌ی نیروی داوطلب؛

ث. تقریباً همیشه انتقالات اجتماعی غیرنقدی.

این مانند همان روشی است که برای اندازه‌گیری نهاده‌های نیروی کار در پروژه‌های ساختمانی جمعی توصیه می‌شود.

۲۹-۱۶۱ حتی در مورد NPIهای بازاری، همان‌گونه که در فصل ۲۳ توضیح داده شد، این امکان وجود دارد که از نظر حساب اقماری، NPI بازاری به‌گونه‌ای در نظر گرفته شود که فعالیت غیربازاری نیز انجام می‌دهد و این شامل فعالیت داوطلبانه نیز خواهد بود.

پیوست ۱: سلسله مراتب طبقه بندی SNA و کدهای مرتبط با آن

الف. مقدمه

پ۱-۱ همان‌گونه که در فصل ۲ شرح داده شد، حساب‌های SNA پیرامون تعداد کمی عناصر مفهومی، ازجمله مفاهیم بخش‌ها، تراکنش‌ها و طبقه-بندی‌های اقلام مربوط به تراکنش‌ها و سایر جریان‌ها بویژه دارائی‌ها و بدهی‌ها پایه‌گذاری شده است. برای هریک از این عناصر یک طبقه‌بندی سلسله مراتبی وجود دارد. حساب‌ها را می‌توان با استفاده از سطوح بالاتر یا پائین‌ترِ این سلسله مراتب با درجه‌ی تفصیلی بیشتر یا کمتری تهیه کرد. در برخی از موارد، جزئیات کامل نیازمند اطلاعات تقریبا دو یا حتی سه سطح از سلسله مراتب است. برای مثال، اقلام حساب‌ها بطور معمول به یک بخش و یک تراکنش یا سایر جریان‌ها برمی‌گردد و ممکن است نوع محصول یا دارائی را نیز که به آن قلم مربوط است مشخص کند.

پ۱-۲ علاوه بر طبقه‌بندیِ سلسله مراتبیِ عناصر مفهومیِ خاص SNA، از سایر نظام‌های طبقه‌بندی نیز استفاده می‌شود که برخی از آن‌ها ماهیت اقلام و برخی دیگر هدفی را که برای آن در نظر گرفته شده است توصیف می‌کنند، از جمله طبقه‌بندی‌هائی که طبقه‌بندی صنعتی (رشته فعالیتی) گفته می‌شوند و برای تولید و طبقه‌بندی‌های کالاها و خدمات بکار می‌روند.

پ۱-۳ خلاصه‌ی حساب‌ها بطور مرتب توسط سازمان‌های بین‌المللی گردآوری می‌شوند و برای آسان سازی این امر، مجموعه‌ای از کدهای استاندارد برای تعیین اقلامِ موضوع انتقال داده‌ها که معمولاً به‌صورت سری‌های زمانی هستند، بکار می‌رود.

پ۱-۴ هدف این پیوست ارائه‌ی اطلاعاتِ بیشتر درباره‌ی هریک از این جنبه‌ها است. بخش ب طبقه‌بندی‌های مختلف سیستم حساب‌های ملی را با جزئیات کامل فهرست می‌کند. در گردآوری بین‌المللی داده‌ها همه‌ی جزئیاتی که نشان داده شده است مد نظر قرار نمی‌گیرد ولی وقتی گردآوری متداول است و کدها هم ایجاد شده‌اند، این کدها در طبقه‌بندی در کنار اقلام نشان داده می‌شوند.

پ۱-۵ نظام‌های عمده‌ی طبقه‌بندی بین‌المللیِ خارج از SNA که غالباً مورد استفاده قرار می‌گیرند و مرجع هستند، عبارتند از:

COFOG، COICOP و COPNI

نشریه مرجع: سازمان ملل، ۲۰۰۰، طبقه بندی مخارج براساس هدف: طبقه‌بندی کارکردهای دولت (COFOG)، طبقه‌بندی مصرف فردی بر اساس هدف (COICOP)، طبقه‌بندی هدف‌های نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (COPNI)، طبقه‌بندی خرج‌های تولیدکنندگان براساس هدف (COPP). دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی، بخش آمار، مقالات آماری، سری M، شماره ۸۴. سازمان ملل، نیویورک.
آدرس وب سایت: http://unstats.un.org/unsd/class/default.asp

ISIC

نشریه مرجع: سازمان ملل، ۲۰۰۸. طبقه‌بندی بین‌المللی استاندارد صنعتی (رشته‌فعالیتی تمامی فعالیت‌های اقتصادی (*ISIC*) ویرایش ۴. دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی، بخش آمار، مقالات آماری، سری M، شماره ۴، ویرایش ۴، سازمان ملل، نیویورک.
آدرس وب: http://unstats.un.org/unsd/class/default.asp

CPC

نشریه مرجع: سازمان ملل، ۲۰۰۸. طبقه‌بندی محوری محصول (CPC) نسخه ۲. دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی، بخش آمار، مقالات آماری، سری M، شماره ۷۷، نسخه ۲، سازمان ملل، نیویورک.
آدرس وب: http://unstats.un.org/unsd/class/default.asp

SITC

نشریه مرجع: سازمان ملل، ۲۰۰۸. ویرایش طبقه‌بندی استاندارد تجارت صنعتی (رشته‌فعالیتی). دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی، بخش آمار، مقالات آماری، سری M، شماره ۳۴، ویرایش ۴. سازمان ملل، نیویورک.
آدرس وب: http://unstats.un.org/unsd/trade/default.htm

HS

نشریه مرجع: سازمان جهانی گمرک، ۲۰۰۷. سیستم هماهنگ شرح کالا و کدگذاری. ویرایش ۴ بروکسل.
آدرس وب: http://publications.wcoomd.org/index.php

ب. طبقه بندی سلسله مراتبی SNA

پ۱-۶ چهار مجموعه‌ی سلسله مراتبی شرح داده شده است. نخستین مجموعه مربوط به بخش‌ها است. دومی تراکنش‌ها و سومی سایر جریان‌ها را پوشش می‌دهد. مجموعه‌ی آخر مربوط به موجودی‌ها است. هر مجموعه به ترتیب در بخش‌های زیرین شرح داده شده است.

۱. بخش‌ها (کدهای S)

پ۱-۷ اصول طبقه‌بندی بخشی SNA در فصل ۴ شرح داده شده است. فهرست زیر همه‌ی جنبه‌های انواع بالقوه تفکیک‌ها را در فهرستی جامع گرد هم آورده است. این فهرست بسیار گسترده است و بعید است هیچ کشوری بطور عادی در تمام دوره‌ها همه‌ی جنبه‌ها را پوشش دهد. برخی از تفکیک‌ها ممکن است هیچ واحد نهادی را پوشش ندهند و برخی دیگر ممکن است تعداد واحدهای نهادی را که پوشش می‌دهند به حدی کم باشد که انتشار در این حد از تفصیل ممکن نباشد. با این وجود، فهرست کامل برای تکمیل شدن طبقه‌بندی ارائه شده است.

پ۱-۸ در SNA، از تعدادی علامت اختصاری استاندارد برای کدهای تفصیلی بخش‌ها استفاده شده است. گروهی از واحدهای ویژه که به عنوان نهادهای غیرانتفاعی شناخته شده‌اند، با علامت اختصاری NPIها نشان داده می‌شوند. در درون بخش‌های شرکت‌ها، واحدهائی که NPI نیستند به عنوان نهادهای انتفاعی، یا FPIها نامیده می‌شوند. لازم به یادآوری است که NPIها از ایجاد سود منع نشده‌اند، ولی از این منع شده‌اند که هر سودی را که ایجاد می‌کنند نباید بین صاحبانشان توزیع کنند. بنابراین NPIهای درونِ بخش شرکت‌ها مانند FPIها تولیدکنندگان بازاری هستند.

پ۱-۹ همه‌ی NPIها تولیدکنندگان بازاری نیستند. آن‌هائی که بازاری نیستند به دو دسته تقسیم می‌شوند NPIهائی که تحت کنترل دولت هستند، که باز هم NPI نامیده می‌شوند، و NPIهائی که تحت کنترل دولت نیستند. آن‌هائی که تحت کنترل دولت نیستند، در خدمت خانوارها هستند و در نوع خود بخش جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهند. این‌ها به عنوان نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها، یا NPISHها شناخته شده‌اند.

پ۱-۱۰ همه‌ی اقلام دارای کد اختصاصی نیستند؛ فقط اقلامی که بطور مرتب در برنامه‌های بین‌المللی انتقال داده‌ها بکار می‌روند دارای کد اختصاصی هستند.

پ۱-۱۱ فهرست کامل بخش‌ها و زیربخش‌های نهادی در زیر نشان داده شده است.

کل اقتصاد (S1)

شرکت‌های غیرمالی (S11)

شرکت‌های غیرمالی- NPIها
شرکت‌های غیرمالی- FPIها

شرکت‌های غیرمالی دولتی
شرکت‌های غیرمالی دولتی- NPIها
شرکت‌های غیرمالی دولتی- FPIها
شرکت‌های غیرمالی خصوصی ملی
شرکت‌های غیرمالی خصوصی ملی- NPIها
شرکت‌های غیرمالی خصوصی ملی - FPIها
شرکت‌های غیرمالی تحت کنترل خارجی
شرکت‌های غیرمالی تحت کنترل خارجی- NPIها
شرکت‌های غیرمالی تحت کنترل خارجی- FPIها

شرکت‌های مالی (S12)

بانک مرکزی (S121)

شرکت‌های سپرده پذیر، غیر از بانک مرکزی (S122)
شرکت‌های سپرده‌پذیر- NPIها
شرکت‌های سپرده‌پذیر- FPIها
شرکت‌های سپرده‌پذیر دولتی
شرکت‌های سپرده‌پذیر دولتی- NPIها
شرکت‌های سپرده‌پذیر دولتی- FPIها
شرکت‌های سپرده‌پذیر خصوصی ملی
شرکت‌های سپرده‌پذیر خصوصی ملی- NPIها
شرکت‌های سپرده‌پذیر خصوصی ملی- FPIها
شرکت‌های سپرده‌پذیر تحت کنترل خارجی
شرکت‌های سپرده‌پذیر تحت کنترل خارجی- NPIها

شرکت‌های سپرده‌پذیر تحت کنترل خارجی- FPIها

صندوق‌های بازار پول (S۱۲۳)

صندوق‌های بازار پول- NPIها

صندوق‌های بازار پول- FPIها

صندوق‌های دولتی بازار پول

صندوق‌های دولتی بازار پول- NPIها

صندوق‌های دولتی بازار پول- FPIها

صندوق‌های خصوصی ملی بازار پول

صندوق‌های خصوصی ملی بازار پول- NPIها

صندوق‌های خصوصی ملی بازار پولی- FPIها

صندوق‌های تحت کنترل خارجی بازار پولی

صندوق‌های تحت کنترل خارجی بازار پول- NPIها

صندوق‌های تحت کنترل خارجی بازار پول- FPIها

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیربازار پول (non-MMF) (S۱۲۴)

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF)- NPIها

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF)- FPIها

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF) دولتی

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF) دولتی- NPIها

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF)- FPIها

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF) خصوصی ملی

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF) خصوصی ملی- NPIها

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF) خصوصی ملی - FPIها

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF) تحت کنترل خارجی

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF) تحت کنترل خارجی- NPIها

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیر بازار پول (non-MMF) تحت کنترل خارجی - FPIها

سایر واسطه‌گری‌های مالی، بجز شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی (S۱۲۵)

سایر شرکت‌های مالی- NPIها

سایر شرکت‌های مالی- FPIها

سایر شرکت‌های مالی دولتی

سایر شرکت‌های مالی دولتی- NPIها

سایر شرکت‌های مالی دولتی- FPIها

سایر شرکت‌های مالی خصوصی ملی

سایر شرکت‌های مالی خصوصی ملی- NPIها

سایر شرکت‌های مالی خصوصی ملی- FPIها

سایر شرکت‌های مالی تحت کنترل خارجی

سایر شرکت‌های مالی تحت کنترل خارجی- NPIها

سایر شرکت‌های مالی تحت کنترل خارجی- FPIها

فعالیت‌های جنبی مالی (S126)

فعالیت‌های جنبی مالی- NPIها

فعالیت‌های جنبی مالی - FPIها

فعالیت‌های جنبی *مالی* دولتی

فعالیت‌های جنبی مالی دولتی- NPIها

فعالیت‌های جنبی مالی دولتی - FPIها

فعالیت‌های جنبی مالی خصوصی ملی

فعالیت‌های جنبی مالی خصوصی ملی- NPIها

فعالیت‌های جنبی مالی خصوصی ملی- FPIها

فعالیت‌های جنبی مالی تحت کنترل خارجی

فعالیت‌های جنبی مالی تحت کنترل خارجی- NPIها

فعالیت‌های جنبی مالی تحت کنترل خارجی- FPIها

نهادهای مالی داخلی و قرض دهندگان پول (S127)

نهادهای مالی داخلی- NPIها

نهادهای مالی داخلی - FPIها

نهادهای مالی داخلی دولتی

نهادهای مالی داخلی دولتی- NPIها

نهادهای مالی داخلی دولتی - FPIها

نهادهای مالی داخلی خصوصی ملی

نهادهای مالی داخلی خصوصی ملی- NPIها

نهادهای مالی داخلی خصوصی ملی- FPIها

نهادهای مالی داخلی تحت کنترل خارجی

نهادهای مالی داخلی تحت کنترل خارجی- NPIها

نهادهای مالی داخلی تحت کنترل خارجی- FPIها

شرکت‌های بیمه (S128)

شرکت‌های بیمه - NPIها

شرکت‌های بیمه - FPIها

شرکت‌های بیمه دولتی

شرکت‌های بیمه دولتی- NPIها

شرکت‌های بیمه دولتی - FPIها

شرکت‌های بیمه خصوصی ملی

شرکت‌های بیمه خصوصی ملی- NPIها

شرکت‌های بیمه خصوصی ملی- FPIها

شرکت‌های بیمه تحت کنترل خارجی

شرکت‌های بیمه تحت کنترل خارجی- NPIها

شرکت‌های بیمه تحت کنترل خارجی- FPIها

صندوق‌های بازنشستگی (S۱۲۹)

صندوق‌های بازنشستگی - NPIها

صندوق‌های بازنشستگی - FPIها

صندوق‌های بازنشستگی دولتی

صندوق‌های بازنشستگی دولتی- NPIها

صندوق‌های بازنشستگی دولتی - FPIها

صندوق‌های بازنشستگی خصوصی ملی

صندوق‌های بازنشستگی خصوصی ملی- NPIها

صندوق‌های بازنشستگی خصوصی ملی- FPIها

صندوق‌های بازنشستگی تحت کنترل خارجی

صندوق‌های بازنشستگی تحت کنترل خارجی- NPIها

صندوق‌های بازنشستگی تحت کنترل خارجی- FPIها

پ۱-۱۲ تأمین اجتماعی دولتی در کشورهای مختلف بطور متفاوتی سازماندهی شده‌اند و به این دلیل دو نظام کدگذاری برای دولت ارائه شده است. هنگامی که تأمین اجتماعی با یک واحد برای تمامی سطوح دولت سازماندهی شده است، کل دولت از چهار زیر بخش، یکی برای هر زیر بخش و یکی برای واحد تأمین اجتماعی تشکیل می‌شود. هنگامی که هر سطح دولت تأمین اجتماعی خود را در بر دارد، در این صورت تنها سه زیربخش وجود دارد، یکی برای هر زیر بخش که شامل تأمین اجتماعی نیز می‌شود. ساختار نظری سلسله مراتب دولت به شرح زیر است.

دولت (S۱۳)

تأمین اجتماعی دولتی

دولت بجز تأمین اجتماعی

نهادهای غیرانتفاعی دولتی

دولت

تأمین اجتماعی دولتی

دولت بجز تأمین اجتماعی

نهادهای غیرانتفاعی دولت

دولت ایالتی

تأمین اجتماعی دولت ایالتی

دولت ایالتی بجز تأمین اجتماعی

نهادهای غیرانتفاعی دولت ایالتی

دولت محلی

تأمین اجتماعی دولت محلی

دولت محلی بجز تأمین اجتماعی

نهادهای غیرانتفاعی دولت محلی

پ۱-۱۳ در عمل، ساختارهای تفصیلی دولت با کدهای مربوط به آن به شرح زیر است.

دولت (S۱۳)

تأمین اجتماعی یک واحد نهادی جدا برای تمامی سطوح دولت است

دولت مرکزی *بجز تأمین اجتماعی* **(۱۳۱۱)**
دولت ایالتی *بجز تأمین اجتماعی* **(۱۳۱۲)**
دولت محلی *بجز تأمین اجتماعی* **(۱۳۱۳)**
تأمین اجتماعی دولتی (S۱۳۱۴)

دولت (S۱۳)

تأمین اجتماعی یک واحد نهادی جدا نیست ولی در سطوح مناسب دولت منظور شده است

دولت مرکزی *از جمله تأمین اجتماعی* **(۱۳۲۱)**
دولت ایالتی *از جمله تأمین اجتماعی* **(۱۳۲۲)**
دولت محلی *از جمله تأمین اجتماعی* **(۱۳۲۳)**

خانوار (S۱۴)
کارفرمایان (S۱۴۱)
کارگران به حساب خود
کارکنان مزد بگیر
دریافت کنندگان درآمد دارائی و انتقالات
دریافت کنندگان درآمد دارائی (S۱۴۴۱)
دریافت کنندگان مستمری بازنشستگی (S۱۴۴۲)
دریافت کنندگان سایر انتقالات (S۱۴۴۳)

نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (S۱۵)
خصوصی ملی
تحت کنترل خارجی

دنیای خارج (S۲)

۲. طبقه‌بندی‌های تراکنش‌ها

پ۱-۱۴ طبقه‌بندی‌های تراکنش‌ها به طبقه بندی‌های زیر مربوط است:

الف. محصولات (از جمله دارائی‌های تولید شده)؛

ب. دارائی‌های تولید نشده؛

پ. تراکنش‌های توزیعی.

تراکنش‌های محصولات (کدهای P)

پ۱-۱۵ کدهای محصولات در SNA برای توصیف عرضه و مصرف کالاها و خدمات بکار می‌رود. همه‌ی اقلام فهرست شده در حساب کالاها و خدمات

نشان داده می‌شوند، ستانده و مصرف واسطه در حساب تولید، مخارج مصرف نهائی و واقعی در حساب مصرف و تشکیل سرمایه در حساب سرمایه نشان داده می‌شوند.

پ۱–۱۶ تمامی اقلام ورودی در طبقه‌بندی را می‌توان با اعمال یک طبقه‌بندی دوم به آنچه که در اینجا نشان داده شده است با جزئیات بیشتری نشان داد. برای تشکیل سرمایه، طبقه‌بندی دارائی (کدهای AN۱) در حساب‌های سرمایه استفاده می‌شود. برای ستانده، مصرف واسطه و مصرف نهائی کدهای محصول آن‌گونه که در *CPC* وجود دارد بکار می‌رود. برای مصرف نهائی، کدهای کارکردی، COFOG برای مصرف دولت، COICOP برای خانوارها و COPNI برای NPISHها می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. برای واردات و صادرات، هم از SITC و هم از HS استفاده می‌شود.

پ۱–۱۷ تشکیل سرمایه و تشکیل سرمایه ثابت (و نیز برخی از اقلام ترازکننده) می‌توانند هم به‌صورت ناخالص و هم به‌صورت خالص از مصرف سرمایه ثابت نشان داده شوند. اقلام ورودی ناخالص با دنباله g و اقلام ورودی خالص با دنباله n نشان داده می‌شوند. حرف توصیفی c برای مصرف سرمایه ثابت، یعنی تفاوت بین سنجه‌های سرمایه‌ی ثابتِ خالص و ناخالص، استفاده شده است.

ستانده (P۱)

ستانده بازاری (P۱۱)

ستانده برای استفاده‌ی نهائی خود (P۱۲)

ستانده غیربازاری (P۱۳)

مصرف واسطه (P۲)

مخارج مصرف نهائی (P۳)

مخارج مصرف فردی (P۳۱)

مخارج مصرف جمعی (P۳۲)

مصرف نهائی واقعی (P۴)

مصرف فردی واقعی (P۴۱)

مصرف جمعی واقعی (P۴۲)

تشکیل سرمایه (P۵)

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (P۵۱g)

مصرف سرمایه ثابت (–) (P۵۱c)

مصرف سرمایه ثابت مربوط به مازاد عملیاتی (–) (P۵۱c۱)

مصرف سرمایه ثابت مربوط به درآمد مختلط (–) (P۵۱c۲)

تشکیل سرمایه ثابت خالص (P۵۱n)

تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های ثابت (P۵۱۱)

تحصیل دارائی‌های ثابت جدید (P۵۱۱۱)

تحصیل دارائی‌های ثابت موجود (P۵۱۱۲)

واگذاری دارائی‌های ثابت موجود (P۵۱۱۳)

هزینه‌ی انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده (P۵۱۲)

تغییر موجودی انبار (P۵۲)

تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها (P۵۳)

صادرات کالاها و خدمات (P۶)

صادرات کالاها (P۶۱)
صادرات خدمات (P۶۲)

واردات کالاها و خدمات (P۷)
واردات کالاها (P۷۱)
واردات خدمات (P۷۲)

تراکنش‌های دارائی‌های تولید نشده (کدهای NP)

پ۱-۱۸ دارائی‌های تولید نشده موضوع تراکنش‌های یکسانی با برخی از تراکنش‌های محصولات (تشکیل سرمایه، واردات و صادرات) هستند. کدهای بکار رفته برای تراکنش‌های دارائی‌های تولید نشده را در صورت نیاز می‌توان با پیوست کردن دارائی‌های غیرمالی تولید شده (AN۲) با جزئیات بیشتری تفکیک کرد.

تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده (NP)
تحصیل منهای واگذاری منابع طبیعی (NP۱)
تحصیل منهای واگذاری قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها (NP۲)
خرید منهای فروش سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی (NP۳)

تراکنش‌های توزیعی (کدهایD)

پ۱-۱۹ کدهای تراکنش توزیعی در همه‌ی توالی حساب‌ها از حساب ایجاد درآمد تا حساب سرمایه و خودِ حساب سرمایه نشان داده می‌شوند. همان‌گونه که از نام آن‌ها برمی‌آید، آن‌ها پیامد توزیع و بازتوزیع درآمد (و پس‌انداز در مورد انتقالات سرمایه‌ای) را نشان می‌دهند. برای همه‌ی تراکنش‌های توزیعی، در تمامی بخش‌ها از جمله دنیای خارج باید اقلام ورودی دریافتنی با اقلام ورودی پرداختنی تراز باشد.

پ۱-۲۰ چهار گروه تراکنش در حساب ایجاد درآمد و حساب تخصیص درآمد اولیه نشان داده می‌شوند. این‌ها عبارتند از جبران خدمات کارکنان، مالیات بر تولید و واردات، یارانه‌ها و درآمد دارائی.

جبران خدمات کارکنان (D۱)
حقوق و دستمزد (D۱۱)
حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان (D۱۲)
حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان (D۱۲۱)
حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان (D۱۲۱۱)
حق بیمه‌های غیر بازنشستگی واقعی کارفرمایان (D۱۲۱۲)
حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان (D۱۲۲)
حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان (D۱۲۲۱)
حق بیمه‌های غیر بازنشستگی احتسابی کارفرمایان (D۱۲۲۲)

مالیات بر تولید و واردات (D۲)
مالیات بر محصول (D۲۱)
مالیات از نوع مالیات ارزش افزوده (VAT) (D۲۱۱)
مالیات و حقوق گمرکی بر واردات غیر از VAT (D۲۱۲)

حقوق گمرکی واردات (D۲۱۲۱)

مالیات بر واردات غیر از VAT و حقوق گمرکی (D۲۱۲۲)

مالیات‌های صادرات (D۲۱۳)

مالیات بر محصول غیر از VAT، مالیات بر واردات و صادرات (D۲۱۴)

سایر مالیات بر تولید (D۲۹)

یارانه‌ها (D۳)

یارانه بر محصول (D۳۱)

یارانه‌های واردات (D۳۱۱)

یارانه‌های صادرات (D۳۱۲)

سایر یارانه بر محصول (D۳۱۹)

سایر یارانه بر تولید (D۳۹)

درآمد دارائی (D۴)

درآمد سرمایه‌گذاری

بهره (D۴۱)

درآمد تقسیم شده شرکت‌ها (D۴۲)

سود تقسیم شده (D۴۲۱)

برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها (D۴۲۲)

سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (D۴۳)

پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری (D۴۴)

درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه (D۴۴۱)

درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی (D۴۴۲)

درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان سهام صندوق سرمایه‌گذاری جمعی (D۴۴۳)

بهره مالکانه (D۴۵)

پ۱–۲۱ چهار گروه تراکنش در حساب توزیع ثانوی درآمد نشان داده می‌شوند. این‌ها عبارتند از مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره، خالص حق بیمه‌های اجتماعی، مزایای اجتماعی و انتقالات جاری. کل آن‌ها همه‌ی انتقالاتِ جاری غیر از انتقالاتِ اجتماعیِ غیرنقدی را در SNA نشان می‌دهند.

پ۱–۲۲ حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان در هردوی حساب‌های ایجاد درآمد و تخصیص درآمد اولیه به عنوان پرداختنی به کارفرمایان و دریافتنی توسط کارکنان نشان داده می‌شوند. در حساب توزیع ثانوی درآمد، این مبالغ توسط خانوارها پرداختنی و توسط کسانی که طرح‌های بیمه اجتماعی را اداره می‌کنند دریافتنی هستند. برای این‌که ارزش کاملاً یکسانی در هریک از موارد نشان داده شود، کسر کارمزدی که نماینده قسمتی از ستانده طرح و مصرف نهائی خانوارهای ذینفع است نیز در حساب توزیع ثانوی درآمد به عنوان قلم جداگانه‌ای نشان داده می‌شود. از اینرو قلم کارمزد خدمات طرح‌های بیمه اجتماعی تنها یک قلم تعدیل کننده است و به خودیِ خود یک تراکنش توزیعی نیست.

انتقالات جاری (غیر از انتقالات اجتماعی غیرنقدی)

مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت، غیره (D۵)

مالیات بر درآمد (D۵۱)

سایر مالیات‌های جاری (D۵۹)

خالص حق بیمه‌های اجتماعی (D۶۱)

حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان (D۶۱۱ = D۱۲۱)

حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان (D۶۱۱۱ = D۱۲۱۱)

حق بیمه‌های غیر بازنشستگی واقعی کارفرمایان (D۶۱۱۲ = D۱۲۱۲)

حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان (D۶۱۲ = D۱۲۲)

حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان (D۶۱۲۱ = D۱۲۲۱)

حق بیمه‌های غیر بازنشستگی احتسابی کارفرمایان (D۶۱۲۲ = D۱۲۲۲)

حق بیمه‌های اجتماعی واقعی خانوارها (D۶۱۳)

حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی خانوارها (D۶۱۳۱)

حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی خانوارها (D۶۱۳۲)

مکمل‌های حق بیمه‌های اجتماعی خانوارها (D۶۱۴)

مکمل‌های حق بیمه‌های بازنشستگی خانوارها (D۶۱۴۱)

مکمل‌های حق بیمه‌های غیر بازنشستگی خانوارها (D۶۱۴۲)

کارمزد خدمات طرح بیمه‌های اجتماعی (-)

مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیرنقدی (D۶۲)

مزایای نقدی تأمین اجتماعی (D۶۲۱)

مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی (D۶۲۱۱)

مزایای نقدی غیربازنشستگی تأمین اجتماعی (D۶۲۱۲)

سایر مزایای بیمه‌های اجتماعی (D۶۲۲)

سایر مزایای بازنشستگی بیمه‌های اجتماعی (D۶۲۲۱)

سایر مزایای غیربازنشستگی بیمه‌های اجتماعی (D۶۲۲۲)

مزایای نقدی مساعدت اجتماعی (D۶۲۳)

سایر انتقالات جاری (D۷)

خالص حق بیمه‌های غیرزندگی (D۷۱)

خالص حق بیمه‌های مستقیم غیرزندگی (D۷۱۱)

خالص حق بیمه‌های اتکائی غیرزندگی (D۷۱۲)

ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی (D۷۲)

ادعای خسارت‌های بیمه مستقیم غیرزندگی (D۷۲۱)

ادعای خسارت‌های بیمه اتکائی غیرزندگی (D۷۲۲)

انتقالات جاری درون دولت (D۷۳)

همکاری‌های جاری بین‌المللی (D۷۴)

انتقالات جاری متفرقه (D۷۵)

انتقالات جاری به NPISHها (D۷۵۱)

انتقالات جاری بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم (D۷۵۲)
سایر انتقالات جاری متفرقه (D۷۵۹)

پ۱-۲۳ تراکنش‌های مربوط به انتقالات اجتماعی غیرنقدی و تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی در حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی، حساب مصرف درآمد و حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شدنی نشان داده می‌شود.

انتقالات اجتماعی غیرنقدی (D۶۳)
انتقالات اجتماعی غیرنقدی- تولید غیربازاری (D۶۳۱)
انتقالات اجتماعی غیرنقدی- تولید بازاری خریداری شده (D۶۳۲)

تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی (D۸)

پ۱-۲۴ انتقالات سرمایه‌ای در حساب سرمایه نشان داده می‌شود. طبق قرارداد، همان‌گونه که در فصل ۱۰ شرح داده شد، تمامی انتقالات سرمایه‌ای در سمت چپ (در برگردان فارسی جدول‌ها راست چین شده‌اند، *مترجم*) حساب در حالی که پرداختنی‌ها دارای علامت منفی است نشان داده می‌شوند. بنابراین، برای کدهای انتقالات سرمایه‌ای حرف r برای دریافتنی‌ها یا p برای پرداختنی‌ها به کد اولیه اضافه شده است.

انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی (D۹r)
مالیات بر سرمایه (D۹۱r)
کمک‌های سرمایه‌گذاری (D۹۲r)
سایر انتقالات سرمایه‌ای (D۹۹r)

انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی (D۹p)
مالیات بر سرمایه (D۹۱p)
کمک‌های سرمایه‌گذاری (D۹۲p)
سایر انتقالات سرمایه‌ای (D۹۹p)

تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها (کدهای F)

پ۱-۲۵ کدهای تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها از الگوئی پیروی می‌کند که کمی با الگوی دارائی‌های غیرمالی متفاوت است زیرا تنها یک نوع تراکنش تحصیل یا واگذاری دارائی‌های مالی و بدهی‌ها وجود دارد که در حساب مالی نشان داده می‌شود. عنصر سلسله مراتبی از فهرست کردن قلم به قلم دارائی‌ها و بدهی‌های مربوطه ناشی می‌شود. تطابق کاملی میان کدهای بکار رفته برای میزان موجودی (وضعیت موجودی) دارائی-های مالی و بدهی‌ها و جریان‌های آن‌ها وجود دارد، بجز این که موجودی‌ها دارای پسوند AF و تراکنش‌ها دارای پیشوند F هستند.

پ۱-۲۶ فهرست کامل کدها برای تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها در زیر نشان داده شده است:

خالص تحصیل دارائی‌های مالی/ خالص تقبل بدهی‌ها (F)
طلای پولی و SDRها (F۱)
طلای پولی (F۱۲)
SDRها (F۱۲)

پول و سپرده‌ها (F۲)
پول (F۲۱)
سپرده‌های انتقال‌پذیر (F۲۲)

میزان موجودی بین بانک‌ها (F۲۲۱)
سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر (F۲۲۹)
سایر سپرده‌ها (F۲۹)

اوراق بدهی (F۳)
کوتاه مدت (F۳۲)
بلند مدت (F۳۲)

وام‌ها (F۴)
کوتاه مدت (F۴۱)
بلند مدت (F۴۱)

حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری (F۵)
حقوق سهامداران (F۵۱)
سهام ثبت شده در بورس (F۵۱۱)
سهام ثبت نشده در بورس (F۵۱۲)
سایر حقوق سهامداران (F۵۱۹)
سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری (F۵۲)
سهام یا یونیت‌های صندوق بازار پولی (F۵۲۱)
سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری بازار غیر پولی (F۵۲۲)

طرح‌های بیمه، بازنشستگی، و ضمانت استاندارد (F۶)
ذخائر فنی بیمه غیرزندگی (F۶۱)
حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه (F۶۲)
حق برخورداری از مزایای بازنشستگی (F۶۳)
ادعای صندوق بازنشستگی بر مدیران بازنشستگی (F۶۴)
ذخیره مطالبات تحت ضمانت‌های استاندارد (F۶۶)

مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان (F۷)
مشتقات مالی (F۷۱)

اختیار معامله (F۷۱۱)
پیمان آتی (F۷۱۲)
اختیار معامله سهام برای کارکنان (F۷۲)

سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی (F۸)
اعتبارات تجاری و پیش پرداخت‌ها (F۸۱)
سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی (F۸۹)

۳. سایر جریان‌ها

پ۱-۲۷ سایر جریان‌ها از اقلام نشان داده شده در حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها و اقلام ترازکننده و ارزش ویژه تشکیل شده‌اند.

اقلام ورودی در حساب سایر تغییرات در دارائی‌ها (کدهای k)

پ۱-۲۸ کدهای k۱ تا k۶ به سایر جریان‌ها در حساب تغییرات در حجم دارائی‌ها مربوط هستند. کدهای k۷ منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن دارائی‌های نشان داده شده در حساب بازارزش‌گذاری را نشان می‌دهند.

پیدایش اقتصادی دارائی‌ها (k۱)

نابودی اقتصادی دارائی‌های تولید نشده (K۲)

تخریب منابع طبیعی (K۲۱)

نابودی‌های دیگر دارائی‌های تولید نشده (K۲۲)

زیان‌های ناشی از بلایا (k۳)

مصادره‌های بلاعوض (k۴)

سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده در جای دیگر (k۵)

تغییرات در طبقه‌بندی‌ها (k۶)

تغییرات در طبقه‌بندی و ساختار بخشی (K۶۱)

تغییرات در طبقه‌بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها (K۶۲)

منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن (k۷)

منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن (K۷۱)

منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن (K۷۲)

اقلام تراز کننده و ارزش ویژه (کدهایB)

پ۱-۲۹ اقلام ترازکننده‌ی حساب‌های جاری با کدهای B۱ الی B۸ نشان داده می‌شوند. هریک از این‌ها می‌توانند به‌صورت ناخالص یا خالص از مصرف سرمایه ثابت محاسبه شوند. برای نشان دادن خالص یا ناخالص بودن آن‌ها، بسته به مورد g یا n به آخر کد اضافه می‌شود.

پ۱-۳۰ همه‌ی کدهای B۱۰ به ارزش ویژه مربوط می‌شوند. همانند اقلام ترازکننده، این‌ها با کسر اقلام ورودی یک طرف حساب از اقلام ورودی طرف دیگر حساب بدست می‌آیند. ولی، در حین این که اقلام ترازکننده مازاد اقلام ورودی سمت چپ را نسبت به اقلام ورودی سمت راست نشان می‌دهند، اقلام ارزش ویژه مازاد اقلام ورودی سمت راست حساب را نسبت به اقلام سمت چپ نشان می‌دهد (در برگردان فارسی جدول‌ها راست چین شده‌اند، مترجم).

پ۱-۳۱ کد B۱۱، تراز خارجیِ کالاها و خدمات، قلمی از حساب دنیای خارج است. این قلم طرف مقابل مستقیمی در بخش‌های کل اقتصاد ندارد ولی اضافه کردن آن به مخارج ناخالص (خالص) داخلیِ کل اقتصاد، محصول ناخالص (یا خالص) داخلی را ارائه می‌دهد. کد B۱۲ تراز جاری خارجی، نیز از حساب دنیای خارج است و برای بخش داخلی شبیه به پس‌انداز است هنگامی که تراز خارجی کالاها و خدمات بجای ارزش افزوده گرفته شود.

پ۱-۳۲ کد B۹۰، برخلاف همه‌ی کدهای دیگرِ این بخش، به میزان موجودی‌ها و نه جریان‌ها مربوط می‌شود. این کدها ارزش ویژه محاسبه شده به صورت مازاد دارائی‌ها نسبت به بدهی‌ها را نشان می‌دهد

پ۱-۳۳ فهرست کامل اقلام ترازکننده و ارزش ویژه در زیر نشان داده شده است.

ارزش افزوده، ناخالص/ محصول ناخالص داخلی (B۱g)
مازاد عملیاتی، ناخالص (B۲g)
درآمد مختلط، ناخالص (B۳g)
درآمد کارآفرینی (B۴g)
تراز درآمدهای اولیه، ناخالص/ درآمد ملی، ناخالص (B۵g)
درآمد قابل تصرف، ناخالص (B۶g)
درآمد قابل تصرف تعدیل شده، ناخالص (B۷g)
پس‌انداز، ناخالص (B۸g)
خالص وام دهی (+)/ خالص وام‌گیری (−) (B۹)
تغییرات ارزش ویژه (B۱۰)
تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای (B۱۰۱)
تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها (B۱۰۲)
تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن (B۱۰۳)
تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن (B۱۰۳۱)
تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن (B۱۰۳۱)
تراز خارجی کالاها و خدمات (B۱۱)
تراز جاری خارجی (B۱۲)
ارزش ویژه (B۹۰)

۴. اقلام ورودی مربوط به موجودی دارائی‌ها و بدهی‌ها

اقلام ورودی ترازنامه (کدهای L)

پ۱-۳۴ همانند حساب مالی، برای یک ترازنامه‌ی واحد تنها کدهائی که لازم است کدهائی هستند که جزئیات دارائی‌ها را برحسب نوع، با استفاده از کدهای AN و AF نشان می‌دهند. اما، حسابی را می‌توان ترسیم کرد که میزان موجودی در ابتدای دوره (LS) و انتهای دوره (LE) و کل تغییرات بین آن‌ها (LX) را نشان دهد. لازم است هر سه کد برحسب نوع دارائی‌ها طبقه‌بندی شوند. اقلام ورودی LX جمع اقلام ورودی کدهای p۵، NP، F و K برای دارائی‌های مورد بحث در دوره‌ی پوشش داده شده است.

پ۱-۳۵ ارزش ویژه (B۹۰) را می‌توان از اقلام ورودی ترازنامه‌ی ابتدای دوره محاسبه کرد. تفاوت این قلم و ارزش B۹۰ در ترازنامه‌ی انتهای دوره باید با همه‌ی کدهای LX برابر باشد که با ارزش B۱۰ نیز باید برابر باشد.

ترازنامه ابتدای دوره (LS)
تغییرات ترازنامه (LX)
ترازنامه انتهای دوره (LE)

دارائی‌های غیرمالی (کدهای AN)

پ۱–۳۶ تراکنش‌های دارائی‌های غیرمالی بر اساس هدفی که دارائی‌ها برای آن تحصیل شده‌اند طبقه بندی می‌شوند. همه‌ی دارائی‌ها برای ذخیره ارزش نیز تحصیل می‌شوند، به استثنای اشیاء گرانبها که فقط برای ذخیره ارزش هستند دیگر دارائی‌های غیرمالی در درجه اول برای استفاده در تولید تحصیل می‌شوند. کدهای AN که بطور کامل در زیر ارائه شده‌اند، برخی از عناصر کارکردی را با کدهای توصیفی ترکیب می‌کنند. برای مثال، نیمکت می‌تواند قسمتی از AN۱۱۳، ماشین‌آلات و تجهیزات، یا تقریباً هریک از کدهای موجودی یا حتی به عنوان اشیاء گرانبها باشد.

پ۱–۳۷ طبقه‌بندی دارائی‌های غیرمالی ابتدا به دارائی‌های تولید شده (AN۱) و دارائی‌های تولید نشده (AN۲) تقسیم می‌شوند. سه زیرعنوان اصلی برای دارائی‌های تولید شده عبارت از دارائی‌های ثابت (AN۱۱)، موجودی‌های انبار (AN۱۲) و اشیاء گرانبها (AN۱۳) هستند. سه زیرعنوان اصلی برای دارائی‌های تولید نشده عبارت از منابع طبیعی (AN۲۱)، قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها (AN۲۲) و خرید منهای فروش سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی (AN۲۳) هستند.

پ۱–۳۸ اقلام ورودی برای هزینه‌های انتقال مالکیتِ دارائی‌های تولید نشده (AN۱۱۶) غیرعادی هستند. جریان وجود دارد و به عنوان قسمتی از تشکیل سرمایه ثابت یعنی به عنوان تحصیل دارائی‌های ثابت تلقی می‌شود. اما، هنگامی که میزان موجودی قلم به قلم بیان می‌شوند، ارزش این هزینه‌های انتقال مالکیت در دارائی‌های تولید نشده‌ای که این هزینه‌ها به آن مربوط هستند منظور می‌شوند و بنابراین بصورت جداگانه به عنوان قسمتی از AN۱۱ نشان داده نمی‌شوند. قلمی که در فهرست کاملِ زیر منظور شده است، فقط برای مقاصد توضیحی است.

دارائی‌های غیرمالی تولید شده (AN۱)

دارائی‌های ثابت برحسب نوع دارائی (AN۱۱)

واحدهای مسکونی (AN۱۱۱)

سایر بناها و سازه‌ها (AN۱۱۲)

سایر بناها غیراز واحدهای مسکونی (AN۱۱۲۱)

سایر سازه‌ها (AN۱۱۲۲)

بهسازی زمین (AN۱۱۲۳)

ماشین‌آلات و تجهیزات (AN۱۱۳)

تجهیزات حمل و نقل (AN۱۱۳۱)

تجهیزات ICT (AN۱۱۳۲)

سایر ماشین‌آلات و تجهیزات (AN۱۱۳۳)

سیستم‌های تسلیحاتی (AN۱۱۴)

منابع زیستی پرورشی (AN۱۱۵)

منابع حیوانی با ثمردهی مکرر (AN۱۱۳۳)

درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی مکرر محصولات (AN۱۱۳۳)

(هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده (AN۱۱۶))

محصولات مالکیت فکری (AN۱۱۷)

تحقیق و توسعه (AN۱۱۷۱)

اکتشاف و ارزیابی معادن (AN۱۱۷۲)

نرم‌افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها (AN۱۱۷۳)

نرم‌افزارهای رایانه‌ای (AN۱۱۷۳۱)

پایگاه داده‌ها (AN۱۱۷۳۲)

نسخه اصلی کارهای سرگرمی، ادبی و هنری (AN۱۱۷۴)

سایر محصولات مالکیت فکری (AN۱۱۷۵)

موجودی‌های انبار برحسب نوع موجودی (AN۱۲)

مواد و ملزومات (AN۱۲۱)

کار در جریان تولید (AN۱۲۲)

کار در جریان تولید منابع زیستی پرورشی (AN۱۲۲۱)

سایرکارهای در جریان تولید (AN۱۲۲۲)

کالاهای تکمیل شده (AN۱۲۳)

موجودی انبار نظامی (AN۱۲۴)

کالاها برای بازفروشی (AN۱۲۵)

اشیاء گرانبها (AN۱۳)

فلزات و سنگ‌های قیمتی (AN۱۳۱)

عتیقه‌جات و سایر اشیاء هنری (AN۱۳۲)

سایر اشیاء گرانبها(AN۱۳۳)

دارائی‌های غیرمالی تولید نشده (AN۲)

منابع طبیعی (AN۲۱)

زمین (AN۲۱۱)

ذخائر انرژی و معدنی (AN۲۱۲)

منابع زیستی غیرپرورشی (AN۲۱۳)

منابع آبی (AN۲۱۴)

سایر منابع طبیعی (AN۲۱۵)

طیف رادیوئی (AN۲۱۵۱)

سایر (AN۲۱۵۹)

قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها (AN۲۲)

اجاره‌نامه‌های عملیاتی قابل فروش (AN۲۲۱)

مجوزهای استفاده از منابع طبیعی (AN۲۲۲)

مجوزهای انجام فعالیت‌های خاص(AN۲۲۳)

حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده (AN۲۲۴)

خرید منهای فروش سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی (AN۲۳)

دارائی‌های مالی (کدهای AF)

پ۱-۳۹ همان‌گونه که در بخش تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها شرح داده شد، تناظر یک به یک بین کدهای F و میزان موجودی‌ها (کدهای AF) وجود دارد. اگرچه، در عمل ممکن است داده‌های ترازنامه دارای تفصیل کمتری باشند و بیش از اولین سطح طبقه‌بندی که در زیر نشان داده شده است، وجود نداشته باشند. اما در صورت نیاز، کدهای AF را می‌توان در راستای جزئیاتی که برای کدهای F ارائه شده است تجزیه کرد.

طلای پولی و SDRها (AF۱)

پول و سپرده‌ها (AF۲)

اوراق بدهی (AF۳)

وام‌ها (AF۴)

حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری (AF۵)

طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد (AF۶)

مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان (AF۷)

سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی (AF۸)

پ. اقلام تکمیلی

پ۱-۴۰ در جاهای مختلف، به امکان فهرست کردن یکایک اقلام تکمیلی یا اقلام یادداشتی (یادداشت‌های توضیحی) اشاره شده است. فهرست کاملی از این توصیه‌ها با نشانه‌ای از این که کدهای تکمیلی چگونه ساخته می‌شوند در پی می‌آید. قاعده کلی این است که یک کد تکمیلی با حرف X شروع می‌شود و به کد قلم استاندارد با ساختن کد آن قلم مرتبط می‌شود.

۱. وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)

پ۱-۴۱ کدهای زیر برای موجودی‌ها و جریان‌های وام‌های ناکارآمد که در فصل ۱۱ و ۱۳ شرح داده شد استفاده می‌شوند. از آنجا که وام‌ها کدهای AF۴ و F۴ را دارند، کدهای تکمیلی برای موجودی‌ها با XAF۴ و برای جریان‌ها با XF۴ شروع می‌شوند. کدهای موجودی‌ها عبارتند از:

XAF۴_NNPوام‌ها: ارزش اسمی، ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)
XAF۴_MNPوام‌ها: ارزش بازار، ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)

و جریان‌های مربوط به آن‌ها:

XF۴_NNPوام‌ها: ارزش اسمی، ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)
XF۴_NNPوام‌ها: ارزش بازار، ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)

در هردو مجموعه کدها، خط زیرین جائی است که برای کدهای تفصیلی برای وام‌های مربوطه مثلاً در ترازنامه نگه‌داشته شده است.

XAF۴۱NNP وام‌های کوتاه مدت: ارزش اسمی، ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)
XAF۴۲NNP وام‌های بلند مدت: ارزش بازار، ناکارآمد (مشکوک‌الوصول)

۲. خدمات سرمایه

پ۱-۴۲ کدهای زیر برای خدمات سرمایه شرح داده شده در فصل ۲۰ بکار می‌رود.

XCS خدمات سرمایه
XCSC خدمات سرمایه- شرکت‌ها و دولت
p۵۱C۱ مصرف سرمایه ثابت

XRC بازگشت سرمایه
XOC دیگر هزینه‌های سرمایه

XCSU	خدمات سرمایه- بنگاه‌های غیرشرکتی
p۵۱c۲	مصرف سرمایه ثابت
XRU	بازگشت سرمایه
XOU	دیگر هزینه‌های سرمایه

۳. جدول مستمری‌های بازنشستگی‌ها

پ۱-۴۳ کدهای زیر به جدول تکمیلی شرح داده شده در قسمت ۲ فصل ۱۷ اعمال می‌شوند. برای ستون‌ها و سطرهای جدول، کدهای متفاوتی پیشنهاد شده است.

ستون‌ها

پ۱-۴۴ در ستون شرح، حرف "W" متناظر با غیردولتی است و شماره‌ها در این کدها نشان دهنده‌ی بخش‌های نهادی متناظر است.

الف. بدهی‌های ثبت شده در توالی اصلی حساب‌ها

. طرح‌هائی که مسئولیت طراحی و اجرای آن خارج از دولت قرار دارد

XPC۱W	طرح‌های حق بیمه تعیین شده
XPB۱W	طرح‌های مزایای تعیین شده
XPCB۱W	کل

. طرح‌هائی که مسئولیت طراحی و اجرای آن در درون دولت قرار دارد

XPCG	طرح‌های حق بیمه تعیین شده

. طرح‌های مزایای تعیین شده کارکنان دولت

XPBG۱۲	در بخش شرکت‌های مالی
XPBG۱۳	در بخش دولت

ب. بدهی‌های ثبت نشده در توالی اصلی حساب‌ها

XPBOUT۱۳	در بخش دولت
XP۱۳۱۴	طرح‌های بازنشستگی تأمین اجتماعی
XPTOT	کل طرح‌های بازنشستگی
XPTOTNRH	جزئی از آن: مربوط به خانوارهای غیرمقیم

سطرها

الف. ترازنامه ابتدای دوره

XAF۶۳LS حق برخورداری از مزایای بازنشستگی

ب. تراکنش‌ها

XD۶۱p حق بیمه اجتماعی مربوط به طرح‌های بازنشستگی
XD۶۱۱۱ حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان
XD۶۱۲۱ حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان
XD۶۱۳۱ حق بیمه‌های اجتماعی واقعی خانوارها
XD۶۱۳۱ حق بیمه‌های اجتماعی مکمل خانوارها
XD۶۱۹ سایر انباشته‌ی (بیمه سنجی (اکچوئری))حق برخورداری از مزایای بازنشستگی در صندوق‌های تأمین اجتماعی
XD۶۲p مزایای بازنشستگی
XD۸ تعدیل برای تغییر در حق برخورداری ازمزایای بازنشستگی
XD۹۱ تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی به سبب انتقال حقوق بازنشستگی
XD۹۲ تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی به سبب تغییرات حاصل از مذاکره در ساختار طرح

پ. سایر جریان‌های اقتصادی

XK۷ بازارزش‌گذاری‌ها
XK۵ سایر تغییرات در حجم

ت. ترازنامه انتهای دوره

XAF۶۳LE حق برخورداری از مزایای بازنشستگی

ث. نماگرهای مربوطه

XP۱ ستانده
XAFN دارائی‌های در اختیار طرح‌های بازنشستگی در سال آخر

۴. کالاهای بادوام مصرفی

پ۱–۴۵ کالاهای بادوام مصرفی به فصل‌های ۳ و ۱۳ برمی‌گردد. این کالاها با استفاده از حرف X به عنوان پیشوند بعلاوه DHHCE (مخارج مصرفی بادوام خانوار) بعلاوه اضافه کردن یک رقم برای زیرگروه‌ها و دو رقم برای اقلام، کدگذاری می‌شوند. کدهای متناظر COICOP نیز ارائه شده است.

COICOP	کدهای SNA	
	XDHHCE۱	مبلمان و لوازم خانگی
۰۵–۱–۱	XDHHCE۱۱	مبلمان و اثاث

۰۵–۱–۲	XDHHCE۱۲	فرش و سایر کف‌پوش‌ها
۰۵–۳–۱	XDHHCE۱۳	لوازم برقی و غیربرقی عمده
۰۵–۵–۱	XDHHCE۱۴	ابزار و تجهیزات عمده‌ی منزل و باغ
	XDHHCE۲	وسایل نقلیه شخصی
۰۷–۱–۱	XDHHCE۲۱	خودرو
۰۷–۱–۲	XDHHCE۲۲	موتورسیکلت
۰۷–۱–۳	XDHHCE۲۳	دوچرخه
۰۷–۱–۴	XDHHCE۲۴	وسایل نقلیه با کشش حیوانات
	XDHHCE۳	کالاهای تفریحی و سرگرمی
۰۸–۲–۰	XDHHCE۳۱	تجهیزات تلفن و دورنگار
۰۹–۱–۱	XDHHCE۳۲	تجهیزات دریافت، ضبط و پخش صدا و تصویر
۰۹–۱–۲	XDHHCE۳۳	تجهیزات عکاسی و فیلمبرداری و ابزارهای نوری
۰۹–۱–۳	XDHHCE۳۴	تجهیزات پردازش اطلاعات
۰۹–۲–۱	XDHHCE۳۵	وسایل بادوام عمده برای تفریح بیرون از منزل
۰۹–۲–۲	XDHHCE۳۶	آلات موسیقی و لوازم عمده بادوام برای تفریح در منزل
	XDHHCE۴	سایر کالاهای مصرفی بادوام
۱۲–۳–۱	XDHHCE۴۱	جواهرات، ساعت‌های دیواری و ساعت‌های مچی
۰۶–۱–۳	XDHHCE۴۲	وسایل و تجهیزات درمانی

۵. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

پ۱–۴۶ اقلام تکمیلی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) که به فصل‌های ۱۱ و ۱۳ برمی‌گردد، را می‌توان با حرف X بصورت پیشوند بعلاوه کد F یا AF بعلاوه پسوند FDI کدگذاری کرد، به عنوان مثال:

XF۴۲FDI	تراکنش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در وام‌های بلند مدت

۶. موجودی‌های احتمالی

پ۱–۴۷ کدهای تکمیلی برای وضعیت‌های موجودی احتمالی را که در فصل‌های ۱۱ و ۱۲ نام برده شد، می‌توان با حرف X به عنوان پیشوند بعلاوه کد AF بعلاوه پسوند CP کدگذاری کرد، به عنوان مثال:

XAF۱۱CP	هنگامی که وثیقه طلای پولی شده ممکن است بر کاربرد آن به عنوان دارائی ذخیره اثر بگذارد

۷. پول و سپرده‌ها

پ۱–۴۸ اقلام تکمیلی برای طبقه بندی پول و سپرده‌ها به پول ملی و به ارز خارجی را که در فصل ۱۱ اشاره شد، می‌توان با حرف X به صورت پیشوند

بعلاوه کدهای F و AF بعلاوه پسوند NC نشان دهنده‌ی پول و سپرده به پول ملی یا پسوند FC با یک کد بین‌المللی پول نشان دهنده‌ی پول و سپرده به ارزش خارجی کدگذاری کرد، برای مثال:

الف. برای تراکنش‌ها

XF۲۱LC اسکناس و سکه پول محلی
XF۲۲FC سپرده‌ها به ارز خارجی

ب. برای موجودی‌ها

XAF۲۱LC اسکناس و سکه به پول محلی
XAF۲۲FC سپرده‌ها به ارز خارجی

۸. طبقه‌بندی اوراق بدهی با توجه به سررسید تسویه نشده‌ی آن‌ها

پ۱–۴۹ در فصل ۱۱ توصیه شده است که اوراق بدهی با توجه به سررسید تسویه نشده‌ی آن‌ها طبقه‌بندی شود. برای رسیدن به این موضوع، می‌توان از پیشوند حرف X بعلاوه کد AF بعلاوه پسوندی که نشان دهنده تاریخ سررسید آن است استفاده کرد، برای مثال:

XAF۳۲Y۲۰ اوراق بدهی با سررسید ۲۰۲۰

۹. اوراق بدهی ثبت شده و ثبت نشده در بورس

پ۱–۵۰ اقلام تکمیلی مربوط به اوراق بدهی را می‌توان با حرف X به صورت پیشوند بعلاوه کد F یا AF بعلاوه عدد ۱ برای ثبت شده در بورس و عدد ۲ برای ثبت نشده در بورس کدگذاری کرد، برای مثال:

الف. برای تراکنش‌ها

XF۳۲۱ اوراق بهادار ثبت شده در بورس
XF۳۲۲ اوراق بهادار ثبت نشده در بورس

ب. برای موجودی‌ها

XAF۳۲۱ اوراق بهادار ثبت شده در بورس
XAF۳۲۲ اوراق بهادار ثبت نشده در بورس

۱۰. وام‌های بلندمدت با سررسید تسویه نشده‌ی کمتر از یک سال و وام‌های بلند مدت دارای ضمانت رهنی

پ۱–۵۱ وام‌های بلند مدت با سررسید تسویه نشده کمتر از یک سال و وام‌های بلند مدت دارای ضمانت رهنی را می‌توان با پیشوند حرف X بعلاوه کد F یا AF بعلاوه یک پسوند L۱ نشان دهنده‌ی سررسید تسویه نشده کمتر از یک سال و یک پسوند LM نشان دهنده وام‌های دارای ضمانت رهنی کدگذاری کرد، برای مثال:

الف. برای تراکنش‌ها

XF۴۲L۱ وام‌های بلند مدت با سررسید تسویه نشده کمتر از یک سال

XF۴۲LM وام‌های بلند مدت با سررسید دارای ضمانت رهنی

ب. برای موجودی‌ها

XF۴۲L۱ وام‌های بلند مدت با سررسید تسویه نشده کمتر از یک سال
XF۴۲LM وام‌های بلند مدت با سررسید دارای ضمانت رهنی

۱۱. سهام سرمایه‌گذاری ثبت شده و ثبت نشده در بورس

پ۱-۵۲ سهام صندوق سرمایه‌گذاری ثبت شده و ثبت نشده در بورس را می‌توان با پیشوند حرف X بعلاوه کد F یا AF بعلاوه رقم ۱ برای ثبت شده و رقم ۲ برای ثبت نشده در بورس کدگذاری کرد، برای مثال:

الف. برای تراکنش‌ها

XF۵۲۹۱ سهام صندوق سرمایه‌گذاری ثبت شده در بورس
XF۵۲۹۲ سهام صندوق سرمایه‌گذاری ثبت نشده در بورس

ب. برای موجودی‌ها

XAF۵۲۹۱ سهام صندوق سرمایه‌گذاری ثبت شده در بورس
XAF۵۲۹۲ سهام صندوق سرمایه‌گذاری ثبت نشده در بورس

۱۲. تعویق در بهره و بازپرداخت

پ۱-۵۳ تعویق در بهره و بازپرداخت را می‌توان با پیشوند حرف X بعلاوه کد AF بعلاوه یک پسوند IA برای بهره‌ی معوقه و پسوند PA برای بازپرداخت معوقه کدگذاری کرد، برای مثال:

XAF۴۲IA تعویق بهره‌ی وام‌های بلندمدت
XAF۴۲PA تعویق بازپرداخت وام‌های بلندمدت

۱۳. مبالغ حواله شده شخصی و کل حواله‌ها

پ۱-۵۴ مبالغ حواله شده شخصی و کل حواله‌های بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم نام برده شده در فصل ۸ را می‌توان با یک پیشوند حرف X بعلاوه کد انتقالات جاری بعلاوه پسوند PR برای حواله‌های شخصی و پسوند TR برای کل حواله‌ها به شرح زیر کدگذاری کرد:

XD۵۴۵۲PR حواله‌های شخصی بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم
XD۵۴۵۲TR کل حواله‌های بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم

پیوست ۲: توالی حساب‌ها

حساب تولید ۸۷۴
حساب ایجاد درآمد..... ۸۷۶
حساب تخصیص درآمد اولیه ۸۷۸
حساب درآمد کارآفرینی ۸۸۰
حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه ۸۸۲
حساب توزیع ثانوی درآمد ۸۸۴
حساب مصرف درآمد قابل تصرف ۸۸۶
حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی..... ۸۸۶
حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده ۸۸۶
حساب سرمایه ۸۸۸
حساب مالی ۸۹۲
حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ۸۹۴
حساب بازارزش‌گذاری ۸۹۸
ترازنامه‌ها ۹۰۲

خانه‌های سایه‌دار نشان دهنده‌ی این است که ارزش آن‌ها با استفاده از قواعد حسابداری سیستم تعیین شده است.
خانه‌های دارای ارزش صفر خانه‌هائی هستند که وجود رقم امکان‌پذیر است ولی در عمل ممکن است از قلم افتاده باشد.
خانه‌های خالی نشانه‌ی این است که قلم ورودی امکان‌پذیر نیست یا تفکیک آن وجود ندارد.

حساب تولید

مصارف

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
P۷	واردات کالاها و خدمات								۴۹۹	۴۹۹
P۷۱	واردات کالاها								۳۹۲	۳۹۲
P۷۲	واردات خدمات								۱۰۷	۱۰۷
P۶	صادرات کالاها و خدمات							۵۴۰		۵۴۰
P۶۱	صادرات کالاها							۴۶۲		۴۶۲
P۶۲	صادرات خدمات							۷۸		۷۸
P۱	ستانده								۳۶۰۴	۳۶۰۴
P۱۱	ستانده‌ی بازاری								۳۰۷۷	۳۰۷۷
P۱۲	ستانده برای استفاده‌ی نهائی خود								۱۴۷	۱۴۷
P۱۳	ستانده‌ی غیربازاری								۳۸۰	۳۸۰
P۲	مصرف واسطه	۱ ۴۷۷	۵۲	۲۲۲	۱۱۵	۱۷	۱ ۸۸۳			۱ ۸۸۳
D۲۱	مالیات بر محصول								۱۴۱	۱۴۱
D۳۱	یارانه بر محصول (-)								-۸	-۸
B۱g	ارزش افزوده، ناخالص/ محصول ناخالص داخلی	۱ ۳۳۱	۹۴	۱۲۶	۱۵۵	۱۵	۱ ۸۵۴			۱ ۸۵۴
P۵۱c	مصرف سرمایه‌ی ثابت	۱۵۷	۱۲	۲۷	۲۳	۳	۲۲۲			۲۲۲
B۱n	ارزش افزوده، خالص/ محصول خالص داخلی	۱ ۱۷۴	۸۲	۹۹	۱۳۲	۱۲	۱ ۶۳۲			۱ ۶۳۲
B۱۱	*ترازِ خارجی کالاها و خدمات*							-۴۱		-۴۱

حساب تولید

منابع

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
P۷	واردات کالاها و خدمات							۴۹۹		۴۹۹
P۷۱	واردات کالاها							۳۹۲		۳۹۲
P۷۲	واردات خدمات							۱۰۷		۱۰۷
P۶	صادرات کالاها و خدمات								۵۴۰	۵۴۰
P۶۱	صادرات کالاها								۴۶۲	۴۶۲
P۶۲	صادرات خدمات								۷۸	۷۸
P۱	ستانده	۲ ۸۰۸	۱۴۶	۳۸۴	۲۷۰	۳۲	۳ ۶۰۴			۳ ۶۰۴
P۱۱	ستانده‌ی بازاری	۲ ۸۰۸	۱۴۶	۰	۱۲۳	۰	۳ ۰۷۷			۳ ۰۷۷
P۱۲	ستانده برای استفاده‌ی نهائی خود	۰	۰	۰	۱۴۷	۰	۱۴۷			۱۴۷
P۱۳	ستانده‌ی غیربازاری			۳۸۴		۳۲	۳۸۰			۳۸۰
P۲	مصرف واسطه								۱ ۸۸۳	۱ ۸۸۳
D۲۱	مالیات بر محصول						۱۴۱			۱۴۱
D۳۱	یارانه بر محصول (-)						-۸			-۸

حساب ایجاد درآمد

مصارف

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
D۱	جبران خدمات کارکنان	۹۸۶	۴۴	۹۸	۱۱	۱۱	۱ ۱۵۰			۱ ۱۵۰
D۱۱	حقوق و دستمزد	۸۴۱	۲۹	۶۳	۱۱	۶	۹۵۰			۹۵۰
D۱۲	حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان	۱۴۵	۱۵	۳۵	۰	۵	۲۰۰			۲۰۰
D۱۲۱	حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان	۱۳۲	۱۴	۳۱	۰	۴	۱۸۱			۱۸۱
D۱۲۱۱	حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان	۱۲۲	۱۴	۲۸	۰	۴	۱۶۸			۱۶۸
D۱۲۱۲	حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان	۱۰	۰	۳	۰	۰	۱۳			۱۳
D۱۲۲	حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان	۱۳	۱	۴	۰	۱	۱۹			۱۹
D۱۲۲۱	حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان	۱۲	۱	۴	۰	۱	۱۸			۱۸
D۱۲۲۲	حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان	۱	۰	۰	۰	۰	۱			۱
D۲	مالیات بر تولید و واردات						۲۳۵			۲۳۵
D۲۱	مالیات بر محصول						۱۴۱			۱۴۱
D۲۱۱	مالیات از نوع مالیات ارزش افزوده (VAT)						۱۲۱			۱۲۱
D۲۱۲	مالیات و حقوق گمرکی واردات غیر از VAT						۱۷			۱۷
D۲۱۲۱	حقوق گمرکی واردات						۱۷			۱۷
D۲۱۲۲	مالیات بر واردات غیر از VAT و حقوق گمرکی						۰			۰
D۲۱۳	مالیات‌های صادرات						۱			۱
D۲۱۴	مالیات بر محصول غیر از VAT، مالیات‌های واردات و صادرات						۲			۲
D۲۹	سایر مالیات بر تولید	۸۸	۴	۱	۰	۱	۹۴			۹۴
D۳	یارانه‌ها						−۴۴			−۴۴
D۳۱	یارانه بر محصول						−۸			−۸
D۳۱۱	یارانه‌های واردات						۰			۰
D۳۱۲	یارانه‌های صادرات						۰			۰
D۳۱۹	سایر یارانه‌ها بر محصول						−۸			−۸
D۳۹	سایر یارانه‌ها بر تولید	−۳۵	۰	۰	−۱	۰	−۳۶			−۳۶
B۲g	مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
B۳g	درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
P۵۱C۱	مصرف سرمایه‌ی ثابت مربوط به مازاد عملیاتی	۱۵۷	۱۲	۲۷	۱۵	۳	۲۱۴			
P۵۲C۲	مصرف سرمایه‌ی ثابت مربوط به درآمد مختلط				۸		۸			
B۲n	*مازاد عملیاتی، خالص*	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
B۳n	*درآمد مختلط، خالص*				۵۳		۵۳			۵۳

حساب ایجاد درآمد

منابع

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
B۱g	ارزش‌افزوده، ناخالص / محصول ناخالص داخلی	۱ ۳۳۱	۹۴	۱۲۶	۱۵۵	۱۵	۱ ۸۵۴			۱ ۸۵۴
B۱n	*ارزش‌افزوده، خالص / محصول خالص داخلی*	۱ ۱۷۴	۸۲	۹۹	۱۳۲	۱۲	۱ ۶۳۲			۱ ۶۳۲
D۱	جبران خدمات کارکنان									
D۱۱	حقوق و دستمزد									
D۱۲	حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان									
D۱۲۱	حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان									
D۱۲۱۱	حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان									
D۱۲۱۲	حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان									
D۱۲۲	حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان									
D۱۲۲۱	حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان									
D۱۲۲۲	حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان									
D۲	مالیات بر تولید و واردات									
D۲۱	مالیات بر محصول									
D۲۱۱	مالیات از نوع مالیات ارزش افزوده (VAT)									
D۲۱۲	مالیات و حقوق گمرکی واردات غیر از VAT									
D۲۱۲۱	حقوق گمرکی واردات									
D۲۱۲۲	مالیات بر واردات غیر از VAT و حقوق گمرکی									
D۲۱۳	مالیات‌های صادرات									
D۲۱۴	مالیات بر محصول غیر از VAT، مالیات‌های واردات و صادرات									
D۲۹	سایر مالیات بر تولید									
D۳	یارانه‌ها									
D۳۱	یارانه بر محصول									
D۳۱۱	یارانه‌های واردات									
D۳۱۲	یارانه‌های صادرات									
D۳۱۹	سایر یارانه‌ها بر محصول									
D۳۹	سایر یارانه‌ها بر تولید									

حساب تخصیص درآمد اولیه

مصارف

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات کل
D۱	جبران خدمات کارکنان							۶	۶
D۱۱	حقوق و دستمزد							۶	۶
D۱۲	حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان							۰	۰
D۱۲۱	حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان							۰	۰
D۱۲۱۱	حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان							۰	۰
D۱۲۱۲	حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان							۰	۰
D۱۲۲	حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان							۰	۰
D۱۲۲۱	حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان							۰	۰
D۱۲۲۲	حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان							۰	۰
D۲	مالیات بر تولید و واردات								۰
D۲۱	مالیات بر محصول								۰
D۲۱۱	مالیات از نوع ارزش‌افزوده (VAT)								۰
D۲۱۲	مالیات و حقوق گمرکی بر واردات غیر از VAT								۰
D۲۱۲۱	حقوق گمرکی واردات								۰
D۲۱۲۲	مالیات بر واردات غیر از VAT و حقوق گمرکی								۰
D۲۱۳	مالیات‌های صادرات								۰
D۲۱۴	مالیات بر محصول غیر از VAT، مالیات‌های واردات و صادرات								۰
D۲۹	سایر مالیات بر تولید								۰
D۳	یارانه ها								۰
D۳۱	یارانه بر محصول								۰
D۳۱۱	یارانه های واردات								۰
D۳۱۲	یارانه های صادرات								۰
D۳۱۹	سایر یارانه بر محصول								۰
D۳۹	سایر یارانه بر تولید								۰
D۴	درآمد دارائی	۱۳۴	۱۶۸	۴۲	۴۱	۶	۳۹۱	۴۴	۴۳۵
D۴۱	بهره	۵۶	۱۰۶	۳۵	۱۴	۶	۲۱۷	۱۳	۲۳۰
D۴۲	درآمد تقسیم شده‌ی شرکت ها	۴۷	۱۵				۶۲	۱۷	۷۹
D۴۲۱	سود تقسیم شده	۳۹	۱۵				۵۴	۱۳	۶۷
D۴۲۲	برداشت از درآمد شبه شرکت ها	۸	۰				۸	۴	۱۲
D۴۳	سود بازسرمایه گذاری شده در سرمایه گذاری مستقیم خارجی	۰	۰				۰	۱۴	۱۴
D۴۴	پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری		۴۷				۴۷	۰	۴۷
D۴۴۱	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه		۲۵				۲۵	۰	۲۵
D۴۴۲	درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		۸				۸	۰	۸
D۴۴۳	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان سهام صندوق سرمایه-گذاری جمعی		۱۴				۱۴	۰	۱۴
D۴۵	بهره مالکانه	۳۱	۰	۷	۲۷	۰	۶۵		۶۵
B۵g	تراز درآمدهای اولیه، ناخالص / درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴		۱ ۸۶۴
B۵n	تراز درآمدهای اولیه، خالص / درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲		۱ ۶۴۲

حساب تخصیص درآمد اولیه

منابع

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات کل
B۲g	مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲		۴۵۲
B۳g	درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱		۶۱
B۲n	*مازاد عملیاتی، خالص*	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸		۲۳۸
B۳n	*درآمد مختلط، خالص*				۵۳		۵۳		۵۳
D۱	جبران خدمات کارکنان				۱ ۱۵۴		۱ ۱۵۴	۲	۱ ۱۵۶
D۱۱	حقوق و دستمزد				۹۵۴		۹۵۴	۲	۹۵۶
D۱۲	حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان				۲۰۰		۲۰۰	۰	۲۰۰
D۱۲۱	حق بیمه‌های اجتماعی واقعی کارفرمایان				۱۸۱		۱۸۱	۰	۱۸۱
D۱۲۱۱	حق بیمه‌های بازنشستگی واقعی کارفرمایان				۱۶۸		۱۶۸	۰	۱۶۸
D۱۲۱۲	حق بیمه‌های غیربازنشستگی واقعی کارفرمایان				۱۳		۱۳	۰	۱۳
D۱۲۲	حق بیمه‌های اجتماعی احتسابی کارفرمایان				۱۹		۱۹	۰	۱۹
D۱۲۲۱	حق بیمه‌های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان				۱۸		۱۸	۰	۱۸
D۱۲۲۲	حق بیمه‌های غیربازنشستگی احتسابی کارفرمایان				۱		۱	۰	۱
D۲	مالیات بر تولید و واردات			۲۳۵			۲۳۵		۲۳۵
D۲۱	مالیات بر محصول			۱۴۱			۱۴۱		۱۴۱
D۲۱۱	مالیات از نوع ارزش‌افزوده (VAT)			۱۲۱			۱۲۱		۱۲۱
D۲۱۲	مالیات و حقوق گمرکی بر واردات غیر از VAT			۱۷			۱۷		۱۷
D۲۱۲۱	حقوق گمرکی واردات			۱۷			۱۷		۱۷
D۲۱۲۲	مالیات بر واردات غیر از VAT و حقوق گمرکی			۰			۰		۰
D۲۱۳	مالیات های صادرات			۱			۱		۱
D۲۱۴	مالیات بر محصول غیر از VAT، مالیات‌های واردات و صادرات			۲			۲		۲
D۲۹	سایر مالیات بر تولید			۹۴			۹۴		۹۴
D۳	یارانه ها			−۴۴			−۴۴		−۴۴
D۳۱	یارانه بر محصول			−۸			−۸		−۸
D۳۱۱	یارانه‌های واردات			۰			۰		۰
D۳۱۲	یارانه‌های صادرات			۰			۰		۰
D۳۱۹	سایر یارانه بر محصول			−۸			−۸		−۸
D۳۹	سایر یارانه بر تولید			−۳۶			−۳۶		−۳۶
D۴	درآمد دارائی	۹۶	۱۴۹	۲۲	۱۲۳	۷	۳۹۷	۳۸	۴۳۵
D۴۱	بهره	۳۳	۱۰۶	۱۴	۴۹	۷	۲۰۹	۲۱	۲۳۰
D۴۲	درآمد تقسیم شده‌ی شرکت‌ها	۱۰	۲۵	۷	۲۰	۰	۶۲	۱۷	۷۹
D۴۲۱	سود تقسیم شده	۱۰	۲۵	۵	۱۳	۰	۵۳	۱۴	۶۷
D۴۲۲	برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها			۲	۷		۹	۳	۱۲
D۴۳	سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۴	۷	۰	۳	۰	۱۴	۰	۱۴
D۴۴	پرداخت‌های در آمد سرمایه‌گذاری	۸	۸	۱	۳۰	۰	۴۷	۰	۴۷
D۴۴۱	درآمد سرمایه گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه	۵	۰	۰	۲۰	۰	۲۵	۰	۲۵
D۴۴۲	درامد سرمایه گذاری پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				۸		۸	۰	۸
D۴۴۳	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان سهام صندوق سرمایه-گذاری جمعی	۳	۸	۱	۲	۰	۱۴	۰	۱۴
D۴۵	بهره مالکانه	۴۱	۳	۰	۲۱	۰	۶۵		۶۵

حساب درآمد کارآفرینی

مصارف

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
D۴	درآمد دارائی	۸۷	۱۵۳				۲۴۰			۲۴۰
D۴۱	بهره	۵۶	۱۰۶				۱۶۲			۱۶۲
D۴۲	درآمد تقسیم شده‌ی شرکت‌ها									
D۴۲۱	سود تقسیم شده									
D۴۲۲	برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها									
D۴۳	سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی									
D۴۴	پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری		۴۷				۴۷			۴۷
D۴۴۱	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه نامه		۲۵				۲۵			۲۵
D۴۴۲	درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		۸				۸			۸
D۴۴۳	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان سهام صندوق سرمایه‌گذاری جمعی		۱۴				۱۴			۱۴
D۴۵	بهره مالکانه	۳۱	۰				۳۱			۳۱
B۴g	درآمد کارآفرینی، ناخالص	۳۰۱	۴۲				۳۴۳			۳۴۳
B۴n	درآمد کارآفرینی، خالص	۱۴۴	۳۰				۱۷۴			۱۷۴

حساب درآمد کارآفرینی

منابع

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
B۲g	مازاد عملیاتی، ناخالص	۲۹۲	۴۶	۲۷	۸۴	۳	۴۵۲			۴۵۲
B3g	درآمد مختلط، ناخالص				۶۱		۶۱			۶۱
B2n	مازاد عملیاتی، خالص	۱۳۵	۳۴	۰	۶۹	۰	۲۳۸			۲۳۸
B۳n	درآمد مختلط، خالص				۵۳		۵۳			۵۳
D۴	درآمد دارائی	۹۶	۱۴۹				۲۴۵			۲۴۵
D۴۱	بهره	۳۳	۱۰۶				۱۳۹			۱۳۹
D۴۲	درآمد تقسیم شده‌ی شرکت‌ها	۱۰	۲۵				۳۵			۳۵
D۴۲۱	سود تقسیم شده	۱۰	۲۵				۳۵			۳۵
D۴۲۲	برداشت از درآمد شبه شرکت‌ها						۰			۰
D۴۳	سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۴	۷				۱۱			۱۱
D۴۴	پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری	۸	۸				۱۶			۱۶
D۴۴۱	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه	۵					۵			۵
D۴۴۲	درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی						۰			۰
D۴۴۳	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان سهام صندوق سرمایه گذاری جمعی	۳	۸				۱۱			۱۱
D۴۵	بهره مالکانه	۴۱	۳				۴۴			۴۴

حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه

مصارف

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات کل
D۱	جبران خدمات کارکنان							۶	۶
D۲	مالیات بر تولید و واردات								
D۳	یارانه‌ها								
D۴	درآمد دارائی	۴۷	۱۵	۴۲	۴۱	۶	۱۵۱	۶۳	۲۱۴
D۴۱	بهره			۳۵	۱۴	۶	۵۵	۱۳	۶۸
D۴۲	درآمد تقسیم شده‌ی شرکت ها	۴۷	۱۵				۶۲	۱۷	۷۹
D۴۲۱	سود تقسیم شده	۳۹	۱۵				۵۴	۰	۵۴
D۴۲۲	برداشت از درآمد شبه‌شرکت‌ها	۸					۸	۳۶	۴۴
D۴۳	سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی						۰	۱۴	۱۴
D۴۴	پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری						۰	۰	۰
D۴۴۱	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه						۰	۰	۰
D۴۴۲	درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی						۰	۰	۰
D۴۴۳	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان سهام صندوق سرمایه گذاری جمعی						۰	۰	۰
D۴۵	بهره‌ی مالکانه			۷	۲۷	۰	۳۴		۳۴
B۵g	تراز درآمدهای اولیه، ناخالص / درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴		۱ ۸۶۴
B۵n	تراز درآمدهای اولیه، خالص / درآمد ملی، خالص	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲		۱ ۶۴۲

حساب تخصیص سایر درامدهای اولیه

منابع

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
B۴g	درآمد کارآفرینی، ناخالص	۳۰۱	۴۲				۳۴۳			۳۴۳
B۴n	درآمد کارآفرینی، خالص	۱۴۴	۳۰				۱۷۴			۱۷۴
D۱	جبران خدمات کارکنان				۱ ۱۵۴		۱ ۱۵۴	۲		۱ ۱۵۶
D۲	مالیات بر تولید و واردات			۲۳۵			۲۳۵			۲۳۵
D۳	یارانه‌ها			-۴۴			-۴۴			-۴۴
D۴	درآمد دارائی			۲۲	۱۲۳	۷	۱۵۲	۳۸		۱۹۰
D۴۱	بهره			۱۴	۴۹	۷	۷۰	۲۱		۹۱
D۴۲	درآمد تقسیم شده‌ی شرکت ها			۷	۲۰	۰	۲۷	۱۷		۴۴
D۴۲۱	سود تقسیم شده			۵	۱۳	۰	۱۸	۱۴		۳۲
D۴۲۲	برداشت از درآمد شبه‌شرکت‌ها			۲	۷	۰	۹	۳		۱۲
D۴۳	سود بازسرمایه‌گذاری شده در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی			۰	۳	۰	۳	۰		۳
D۴۴	پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری			۱	۳۰	۰	۳۱	۰		۳۱
D۴۴۱	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه			۰	۲۰	۰	۲۰	۰		۲۰
D۴۴۲	درآمد سرمایه‌گذاری پرداختنی بر حق برخورداری از مزایای بازنشستگی			۰	۸	۰	۸	۰		۸
D۴۴۳	درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان سهام صندوق سرمایه گذاری جمعی			۱	۲	۰	۳	۰		۳
D۴۵	بهره ی مالکانه			۰	۲۱	۰	۲۱			۲۱

حساب توزیع ثانوی درآمد

مصارف

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات کل
	انتقالات جاری	۹۸	۲۷۷	۲۴۸	۵۸۲	۷	۱ ۲۱۲	۱۷	۱ ۲۲۹
D۵	مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت، غیره	۲۴	۱۰	۰	۱۷۸	۰	۲۱۲	۱	۲۱۳
D۵۱	مالیات بر درآمد	۲۰	۷	۰	۱۷۶	۰	۲۰۳	۱	۲۰۴
D۵۹	سایر مالیات های جاری	۴	۳	۰	۲	۰	۹		۹
D۶۱	خالص حق بیمه های اجتماعی				۳۳۳		۳۳۳	۰	۳۳۳
D۶۱۱	حق بیمه های اجتماعی واقعی کارفرمایان				۱۸۱		۱۸۱	۰	۱۸۱
D۶۱۱۱	حق بیمه های بازنشستگی واقعی کارفرمایان				۱۶۸		۱۶۸	۰	۱۶۸
D۶۱۱۲	حق بیمه های غیر بازنشستگی واقعی کارفرمایان				۱۳		۱۳	۰	۱۳
D۶۱۲	حق بیمه های اجتماعی احتسابی کارفرمایان				۱۹		۱۹	۰	۱۹
D۶۱۲۱	حق بیمه های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان				۱۸		۱۸	۰	۱۸
D۶۱۲۲	حق بیمه های غیر بازنشستگی احتسابی کارفرمایان				۱		۱	۰	۱
D۶۱۳	حق بیمه های اجتماعی واقعی خانوارها				۱۲۹		۱۲۹	۰	۱۲۹
D۶۱۳۱	حق بیمه های بازنشستگی واقعی خانوارها				۱۱۵		۱۱۵	۰	۱۱۵
D۶۱۳۲	حق بیمه های غیربازنشستگی واقعی خانوارها				۱۴		۱۴	۰	۱۴
D۶۱۴	مکمل های حق بیمه های اجتماعی خانوارها				۱۰		۱۰	۰	۱۰
D۶۱۴۱	مکمل های حق بیمه های بازنشستگی خانوارها				۸		۸	۰	۸
D۶۱۴۲	مکمل های حق بیمه های غیربازنشستگی خانوارها				۲		۲	۰	۲
	کارمزد خدمات طرح بیمه های اجتماعی				۶		۶	۰	۶
D۶۲	مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیرنقدی	۶۲	۲۰۵	۱۱۲	۰	۵	۳۸۴	۰	۳۸۴
D۶۲۱	مزایای نقدی تأمین اجتماعی			۵۳			۵۳	۰	۵۳
D۶۲۱۱	مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی			۴۵			۴۵	۰	۴۵
D۶۲۱۲	مزایای نقدی غیربازنشستگی تأمین اجتماعی			۸			۸	۰	۸
D۶۲۲	سایر مزایای بیمه های اجتماعی	۶۲	۲۰۵	۷	۰	۵	۲۷۹	۰	۲۷۹
D۶۲۲۱	سایر مزایای بازنشستگی بیمه های اجتماعی	۴۹	۱۹۳	۵	۰	۳	۲۵۰	۰	۲۵۰
D۶۲۲۲	سایر مزایای غیربازنشستگی بیمه های اجتماعی	۱۳	۱۲	۲	۰	۲	۲۹	۰	۲۹
D۶۲۳	مزایای نقدی مساعدت اجتماعی			۵۲			۵۲		۵۲
D۷	سایر انتقالات جاری	۱۲	۶۲	۱۳۶	۷۱	۲	۲۸۳	۱۶	۲۹۹
D۷۱	خالص حق بیمه های غیرزندگی	۸	۱۳	۴	۳۱	۰	۵۶	۲	۵۸
D۷۱۱	خالص حق بیمه های مستقیم غیرزندگی	۸	۰	۴	۳۱	۰	۴۳	۱	۴۴
D۷۱۲	خالص حق بیمه های اتکائی غیرزندگی		۱۳				۱۳	۱	۱۴
D۷۲	ادعای خسارت های بیمه غیرزندگی		۴۸				۴۸	۱۲	۶۰
D۷۲۱	ادعای خسارت های بیمه مستقیم غیرزندگی		۴۵				۴۵	۰	۴۵
D۷۲۲	ادعای خسارت های بیمه اتکائی غیرزندگی		۳				۳	۱۲	۱۵
D۷۳	انتقالات جاری درونی دولت			۹۶			۹۶	۰	۹۶
D۷۴	همکای‌های جاری بین المللی			۳۱			۳۱	۱	۳۲
D۷۵	انتقالات جاری متفرقه	۴	۱	۵	۴۰	۲	۵۲	۱	۵۳
D۷۵۱	انتقالات جاری به NPISHها	۱	۱	۵	۲۹	۰	۳۶	۰	۳۶
D۷۵۲	انتقالات جاری بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم				۷		۷	۱	۸
D۷۵۹	سایر انتقالات جاری متفرقه	۳	۰	۰	۴	۲	۹	۰	۹
B۶g	درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶		۱ ۸۲۶
B۶n	*درآمد قابل تصرف، خالص*	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴		۱ ۶۰۴

حساب توزیع ثانوی درآمد

منابع

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
B۵g	تراز درآمدهای اولیه، ناخالص / درآمد ملی، ناخالص	۲۵۴	۲۷	۱۹۸	۱ ۳۸۱	۴	۱ ۸۶۴			۱ ۸۶۴
B۵n	*تراز درآمدهای اولیه، خالص / درآمد ملی، خالص*	۹۷	۱۵	۱۷۱	۱ ۳۵۸	۱	۱ ۶۴۲			۱ ۶۴۲
	انتقالات جاری	۷۲	۲۷۵	۳۶۷	۴۲۰	۴۰	۱ ۱۷۴	۵۵		۱ ۲۲۹
D۵	مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت، غیره			۲۱۳			۲۱۳	۰		۲۱۳
D۵۱	مالیات بر درآمد			۲۰۴			۲۰۴	۰		۲۰۴
D۵۹	سایر مالیات های جاری			۹			۹			۹
D۶۱	خالص حق بیمه های اجتماعی	۶۶	۲۱۳	۵۰	۰	۴	۳۳۳	۰		۳۳۳
D۶۱۱	حق بیمه های اجتماعی واقعی کارفرمایان	۳۱	۱۱۰	۳۸	۰	۲	۱۸۱	۰		۱۸۱
D۶۱۱۱	حق بیمه های بازنشستگی واقعی کارفرمایان	۲۷	۱۰۴	۳۵	۰	۲	۱۶۸	۰		۱۶۸
D۶۱۱۲	حق بیمه های غیر بازنشستگی واقعی کارفرمایان	۴	۶	۳	۰	۰	۱۳	۰		۱۳
D۶۱۲	حق بیمه های اجتماعی احتسابی کارفرمایان	۱۲	۲	۴	۰	۱	۱۹	۰		۱۹
D۶۱۲۱	حق بیمه های بازنشستگی احتسابی کارفرمایان	۱۲	۱	۴	۰	۱	۱۸	۰		۱۸
D۶۱۲۲	حق بیمه های غیر بازنشستگی احتسابی کارفرمایان	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰		۱
D۶۱۳	حق بیمه های اجتماعی واقعی خانوارها	۲۵	۹۴	۹	۰	۱	۱۲۹	۰		۱۲۹
D۶۱۳۱	حق بیمه های بازنشستگی واقعی خانوارها	۱۹	۹۰	۶	۰	۰	۱۱۵	۰		۱۱۵
D۶۱۳۲	حق بیمه های غیربازنشستگی واقعی خانوارها	۶	۴	۳	۰	۱	۱۴	۰		۱۴
D۶۱۴	مکمل های حق بیمه های اجتماعی خانوارها		۱۰				۱۰	۰		۱۰
D۶۱۴۱	مکمل های حق بیمه های بازنشستگی خانوارها		۸				۸	۰		۸
D۶۱۴۲	مکمل های حق بیمه های غیربازنشستگی خانوارها		۲				۲	۰		۲
	کارمزد خدمات طرح بیمه های اجتماعی	۲	۳	۱			۶	۰		۶
D۶۲	مزایای اجتماعی غیر از انتقالات اجتماعی غیرنقدی				۳۸۴		۳۸۴	۰		۳۸۴
D۶۲۱	مزایای نقدی تأمین اجتماعی				۵۳		۵۳	۰		۵۳
D۶۲۱۱	مزایای بازنشستگی تأمین اجتماعی				۴۵		۴۵	۰		۴۵
D۶۲۱۲	مزایای نقدی غیربازنشستگی تأمین اجتماعی				۸		۸	۰		۸
D۶۲۲	سایر مزایای بیمه های اجتماعی				۲۷۹		۲۷۹	۰		۲۷۹
D۶۲۲۱	سایر مزایای بازنشستگی بیمه های اجتماعی				۲۵۰		۲۵۰	۰		۲۵۰
D۶۲۲۲	سایر مزایای غیربازنشستگی بیمه های اجتماعی				۲۹		۲۹	۰		۲۹
D۶۲۳	مزایای نقدی مساعدت اجتماعی				۵۲		۵۲			۵۲
D۷	سایر انتقالات جاری	۶	۶۲	۱۰۴	۳۶	۳۶	۲۴۴	۵۵		۲۹۹
D۷۱	خالص حق بیمه های غیرزندگی		۴۷				۴۷	۱۱		۵۸
D۷۱۱	خالص حق بیمه های مستقیم غیرزندگی		۴۴				۴۴			۴۴
D۷۱۲	خالص حق بیمه های اتکائی غیرزندگی		۳				۳	۱۱		۱۴
D۷۲	ادعای خسارت های بیمه غیرزندگی	۶	۱۵	۱	۳۵	۰	۵۷	۳		۶۰
D۷۲۱	ادعای خسارت های بیمه مستقیم غیرزندگی	۶		۱	۳۵		۴۲	۳		۴۵
D۷۲۲	ادعای خسارت های بیمه اتکائی غیرزندگی		۱۵				۱۵	۰		۱۵
D۷۳	انتقالات جاری درونی دولت			۹۶			۹۶	۰		۹۶
D۷۴	همکاری‌های جاری بین المللی			۱			۱	۳۱		۳۲
D۷۵	انتقالات جاری متفرقه	۰	۰	۶	۱	۳۶	۴۳	۱۰		۵۳
D۷۵۱	انتقالات جاری به NPISHها					۳۶	۳۶			۳۶
D۷۵۲	انتقالات جاری بین خانوارهای مقیم و غیرمقیم				۱		۱	۷		۸
D۷۵۹	سایر انتقالات جاری متفرقه			۶			۶	۳		۹

حساب مصرف درآمد قابل تصرف

مصارف

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
P۳	مخارج مصرف نهائی			۳۵۲	۱ ۰۱۵	۳۲	۱ ۳۹۹			۱ ۳۹۹
P۳۱	مخارج مصرف فردی			۱۸۴	۱ ۰۱۵	۳۱	۱ ۲۳۰			۱ ۲۳۰
P۳۲	مخارج مصرف جمعی			۱۶۸		۱	۱۶۹			۱۶۹
D۸	تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	۰	۱۱	۰		۰	۱۱	۰		۱۱
B۸g	پس انداز، ناخالص	۲۲۸	۱۴	-۳۵	۲۱۵	۵	۴۲۷			۴۲۷
B۸n	*پس انداز، خالص*	۷۱	۲	-۶۲	۱۹۲	۲	۲۰۵			۲۰۵
B۱۲	*تراز جاری خارجی*							-۱۳		-۱۳

حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی

مصارف

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
D۶۳	انتقالات اجتماعی غیرنقدی			۱۸۴		۳۱	۲۱۵			۲۱۵
D۶۳۱	انتقالات اجتماعی غیرنقدی- تولید غیربازاری			۱۸۰		۳۱	۲۱۱			۲۱۱
D۶۳۲	انتقالات اجتماعی غیرنقدی- تولید بازاری خریداری شده			۴			۴			۴
Bvg	درآمد قابل تصرف تعدیل شده- ناخالص	۲۲۸	۲۵	۱۳۳	۱ ۴۳۴	۶	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
Bvn	*درآمد قابل تصرف تعدیل شده- خالص*	۷۱	۱۳	۱۰۶	۱ ۴۱۱	۳	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴

حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده

مصارف

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
P۴	مصرف نهائی واقعی			۱۶۸	۱ ۲۳۰	۱	۱ ۳۹۹			۱ ۳۹۹
P۴۱	مصرف فردی واقعی				۱ ۲۳۰		۱ ۲۳۰			۱ ۲۳۰
P۴۲	مصرف جمعی واقعی			۱۶۸		۱	۱۶۹			۱۶۹
D۸	تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی	۰	۱۱	۰		۰	۱۱	۰		۱۱
B۸g	پس انداز، ناخالص	۲۲۸	۱۴	-۳۵	۲۱۵	۵	۴۲۷			۴۲۷
B۸n	*پس انداز، خالص*	۷۱	۲	-۶۲	۱۹۲	۲	۲۰۵			۲۰۵
B۱۲	*تراز جاری خارجی*							-۱۳		-۱۳

حساب مصرف درآمد قابل تصرف

منابع

کُد	تراکنش ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
B۶g	درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
B۶n	*درآمد قابل تصرف خالص*	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴
P۳	مخارج مصرف نهائی								۱ ۳۹۹	۱ ۳۹۹
P۳۱	مخارج مصرف فردی								۱ ۲۳۰	۱ ۲۳۰
P۳۲	مخارج مصرف جمعی								۱۶۹	۱۶۹
D۸	تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				۱۱		۱۱	۰		۱۱

حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی

منابع

کُد	تراکنش ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
B۶g	درآمد قابل تصرف، ناخالص	۲۲۸	۲۵	۳۱۷	۱ ۲۱۹	۳۷	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
B۶n	*درآمد قابل تصرف خالص*	۷۱	۱۳	۲۹۰	۱ ۱۹۶	۳۴	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴
D۶۳	انتقالات اجتماعی غیرنقدی				۲۱۵		۲۱۵			۲۱۵
D۶۳۱	انتقالات اجتماعی غیرنقدی- تولید غیربازاری				۲۱۱		۲۱۱			۲۱۱
D۶۳۲	انتقالات اجتماعی غیرنقدی- تولید بازاری خریداری شده				۴		۴			۴

حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده

منابع

کُد	تراکنش ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
B۷g	درآمد قابل تصرف تعدیل شده- ناخالص	۲۲۸	۲۵	۱۳۳	۱ ۴۳۴	۶	۱ ۸۲۶			۱ ۸۲۶
B۷n	*درآمد قابل تصرف تعدیل شده- خالص*	۷۱	۱۳	۱۰۶	۱ ۴۱۱	۳	۱ ۶۰۴			۱ ۶۰۴
P۴	مصرف نهائی واقعی								۱ ۳۹۹	۱ ۳۹۹
P۴۱	مصرف فردی واقعی								۱ ۲۳۰	۱ ۲۳۰
P۴۲	مصرف جمعی واقعی								۱۶۹	۱۶۹
D۸	تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				۱۱		۱۱	۰		۱۱

حساب سرمایه

تغییرات در دارائی‌ها

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
P۵g	تشکیل سرمایه‌ی ناخالص	۳۰۸	۸	۳۸	۵۵	۵	۴۱۴			۴۱۴
P۵n	تشکیل سرمایه‌ی خالص	۱۵۱	-۴	۱۱	۳۲	۲	۱۹۲			۱۹۲
P۵۱g	تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص	۲۸۰	۸	۳۵	۴۸	۵	۳۷۶			۳۷۶
P۵۱۱	تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های ثابت	۲۶۳	۸	۳۵	۴۸	۵	۳۵۹			۳۵۹
P۵۱۱۱	تحصیل دارائی‌های ثابت جدید	۲۶۲	۸	۳۸	۴۵	۵	۳۵۸			۳۵۸
P۵۱۱۲	تحصیل دارائی‌های ثابت موجود	۵	۰	۰	۳	۱	۹			۹
P۵۱۱۳	واگذاری دارائی‌های ثابت موجود	-۴		-۳	۰	-۱	-۸			-۸
P۵۱۲	هزینه‌ی انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده	۱۷					۱۷			۱۷
P۵۱c	مصرف سرمایه‌ی ثابت	-۱۵۷	-۱۲	-۲۷	-۲۳	-۳	-۲۲۲			-۲۲۲
AN۱۱	*تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص بر حسب نوع دارائی ثابت*									
AN۱۱۱	*واحدهای مسکونی*									
AN۱۱۲	*سایر بناها و سازه ها*									
AN۱۱۲۱	*بناها غیر از واحدهای مسکونی*									
AN۱۱۲۲	*سایر سازه ها*									
AN۱۱۲۳	*بهسازی های زمین*									
AN۱۱۳	*ماشین آلات و تجهیزات*									
AN۱۱۳۱	*تجهیزات حمل و نقل*									
AN۱۱۳۲	*تجهیزات ICT*									
AN۱۱۳۹	*سایر ماشین الات و تجهیزات*									
AN۱۱۴	*سیستم های تسلیحاتی*									
AN۱۱۵	*منابع زیستی پر ورشی*									
AN۱۱۵۱	*منابع حیوانی با ثمردهی مکرر*									
	درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی									
AN۱۱۵۲	*مکرر*									
AN۱۱۶	*هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده*									
AN۱۱۷	*محصولات مالکیت فکری*									
AN۱۱۷۱	*تحقیق و توسعه*									
AN۱۱۷۲	*اکتشاف و ارزیابی معادن*									
AN۱۱۷۳	*نرم افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها*									
AN۱۱۷۳۱	*نرم افزارهای رایانه‌ای*									
AN۱۱۷۳۲	*پایگاه داده‌ها*									
AN۱۱۷۴	*نسخه‌های اصلی سرگرمی ادبی یا هنری*									
AN۱۱۷۹	*سایر محصولات مالکیت فکری*									
P۵۲ AN۱۲	تغییرات موجودی انبار	۲۶	۰	۰	۲	۰	۲۸			۲۸
AN۱۲۱	*مواد و ملزومات*									
AN۱۲۲	*کار در جریان ساخت*									
AN۱۲۲۱	*کار در جریان ساخت دارائی‌های زیستی پرورشی*									

حساب سرمایه

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
B۸n	*پس انداز، خالص*	۷۱	۲	-۶۲	۱۹۲	۲	۲۰۵			۲۰۵
B۱۲	*تراز جاری خارجی*							-۱۳		-۱۳
P۵g	تشکیل سرمایه‌ی ناخالص								۴۱۴	۴۱۴
P۵n	تشکیل سرمایه‌ی خالص								۱۹۲	۱۹۲
P۵۱g	تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص								۳۷۶	۳۷۶
P۵۱۱	تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های ثابت								۳۵۹	۳۵۹
P۵۱۱۱	تحصیل دارائی‌های ثابت جدید								۳۵۸	۳۵۸
P۵۱۱۲	تحصیل دارائی‌های ثابت موجود								۹	۹
P۵۱۱۳	واگذاری دارائی‌های ثابت موجود								-۸	-۸
P۵۱۲	هزینه‌ی انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده								۱۷	۱۷
P۵۱c	مصرف سرمایه‌ی ثابت								-۲۲۲	-۲۲۲
AN۱۱	*تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص بر حسب نوع دارائی ثابت*									
AN۱۱۱	*واحدهای مسکونی*									
AN۱۱۲	*سایر بناها و سازه‌ها*									
AN۱۱۲۱	*بناها غیر از واحدهای مسکونی*									
AN۱۱۲۲	*سایر سازه‌ها*									
AN۱۱۲۳	*بهسازی‌های زمین*									
AN۱۱۳	*ماشین آلات و تجهیزات*									
AN۱۱۳۱	*تجهیزات حمل و نقل*									
AN۱۱۳۲	*تجهیزات ICT*									
AN۱۱۳۹	*سایر ماشین الات و تجهیزات*									
AN۱۱۴	*سیستم های تسلیحاتی*									
AN۱۱۵	*منابع زیستی پر ورشی*									
AN۱۱۵۱	*منابع حیوانی با ثمردهی مکرر* *درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل*									
AN۱۱۵۲	*دهی مکرر*									
AN۱۱۶	*هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده*									
AN۱۱۷	*محصولات مالکیت فکری*									
AN۱۱۷۱	*تحقیق و توسعه*									
AN۱۱۷۲	*اکتشاف و ارزیابی معادن*									
AN۱۱۷۳	*نرم افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها*									
AN۱۱۷۳۱	*نرم افزارهای رایانه‌ای*									
AN۱۱۷۳۲	*پایگاه داده‌ها*									
AN۱۱۷۴	*نسخه‌های اصلی سرگرمی ادبی یا هنری*									
AN۱۱۷۹	*سایر محصولات مالکیت فکری*									
AN۱۲ P۵۲	تغییرات موجودی انبار								۲۸	۲۸
AN۱۲۱	*مواد و ملزومات*									
AN۱۲۲	*کار در جریان ساخت*									
AN۱۲۲۱	*کار در جریان ساخت دارائی‌های زیستی پرورشی*									

حساب سرمایه

تغییرات در دارائی‌ها (ادامه)

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
AN۱۲۲۲	*سایر کارهای در جریان ساخت*									
AN۱۲۳	*کالاهای تکمیل شده*									
AN۱۲۴	*موجودی انبار نظامی*									
AN۱۲۵	*کالاهای بازفروشی*									
AN۱۳ P۵۳	تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها	۲	۰	۳	۵	۰	۱۰			۱۰
NP	تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده	−۷	۰	۲	۴	۱	۰			۰
NP۱	تحصیل منهای واگذاری منابع طبیعی	−۶	۰	۲	۳	۱	۰			۰
AN۲۱	*منابع طبیعی*									
AN۲۱۱	*زمین*									
AN۲۱۲	*ذخائر معدنی و انرژی*									
AN۲۱۳	*منابع زیستی غیرپرورشی*									
AN۲۱۴	*منابع آبی*									
AN۲۱۵	*سایر منابع طبیعی*									
AN۲۱۵۱	*طیف رادیوئی*									
AN۲۱۵۹	*سایر*									
NP۲	تحصیل منهای واگذاری قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	−۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰		۰
AN۲۲	*قراردادها، اجاره‌نامه ها و پروانه‌ها*									
AN۲۲۱	*اجاره‌نامه‌های عملیاتی قابل فروش*									
AN۲۲۲	*مجوزهای استفاده از منابع طبیعی*									
AN۲۲۳	*مجوزهای انجام فعالیت‌های خاص*									
AN۲۲۴	*حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده*									
NP۳ AN۲۳	خرید منهای فروش سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	۰	۰				۰	۰		۰
D۹r	انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی									
D۹r	مالیات بر سرمایه، دریافتنی									
D۹۱۲r	کمک‌های سرمایه‌گذاری، دریافتنی									
D۹۹r	سایر انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی									
D۹p	انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی									
D۹۱p	مالیات بر سرمایه، پرداختنی									
D۹۲p	کمک‌های سرمایه‌گذاری، پرداختنی									
D۹۹p	سایر انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی									
B9	*خالص وام دهی (+) / خالص وام گیری (−)*	−۵۶	−۱	−۱۰۳	۱۷۴	−۴	۱۰	−۱۰		۰

حساب سرمایه

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه (ادامه)

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
AN۱۲۲۲	*سایر کارهای در جریان ساخت*									
AN۱۲۳	*کالاهای تکمیل شده*									
AN۱۲۴	*موجودی انبار نظامی*									
AN۱۲۵	*کالاهای بازفروشی*									
P۵۳ *AN۱۳*	تحصیل منهای واگذاری اشیاء گرانبها								۱۰	۱۰
NP	تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید نشده								۰	۰
NP۱	تحصیل منهای واگذاری منابع طبیعی								۰	۰
AN۲۱	*منابع طبیعی*									
AN۲۱۱	*زمین*									
AN۲۱۲	*ذخائر معدنی و انرژی*									
AN۲۱۳	*منابع زیستی غیرپرورشی*									
AN۲۱۴	*منابع آبی*									
AN۲۱۵	*سایر منابع طبیعی*									
AN۲۱۵۱	*طیف رادیوئی*									
AN۲۱۵۹	*سایر*									
NP۲	تحصیل منهای واگذاری قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
AN۲۲	*قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها*									
AN۲۲۱	*اجاره‌نامه‌های عملیاتی قابل فروش*									
AN۲۲۲	*مجوزهای استفاده از منابع طبیعی*									
AN۲۲۳	*مجوزهای انجام فعالیت‌های خاص*									
AN۲۲۴	*حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده*									
NP۳ *AN۲۳*	خرید منهای فروش سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
D۹r	انتقالات سرمایه‌ای دریافتنی	۳۳	۰	۶	۲۳	۰	۶۲	۴		۶۶
D۹r	مالیات بر سرمایه، دریافتنی			۲			۲			۲
D۹۱۲r	کمک‌های سرمایه‌گذاری، دریافتنی	۲۳	۰	۰	۰	۰	۲۳	۴		۲۷
D۹۹r	سایر انتقالات سرمایه‌ای، دریافتنی	۱۰	۰	۴	۲۳	۰	۳۷			۳۷
D۹p	انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی	−۱۶	−۷	−۳۴	−۵	−۳	−۶۵	−۱		−۶۶
D۹۱p	مالیات بر سرمایه، پرداختنی	۰	۰	۰	−۲	۰	−۲	۰		−۲
D۹۲p	کمک‌های سرمایه‌گذاری، پرداختنی			−۲۷			−۲۷			−۲۷
D۹۹p	سایر انتقالات سرمایه‌ای، پرداختنی	−۱۶	−۷	−۷	−۳	−۳	−۳۶	−۱		−۳۷
B۱۰۱	*تغییرات ارزش ویژه در اثر پس انداز و انتقالات سرمایه ای*	۸۸	−۵	−۹۰	۲۱۰	−۱	۲۰۲	−۱۰		۱۹۲

حساب مالی

تغییرات در دارائی‌ها

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات کل
	خالص تحصیل دارائی‌های مالی	۸۳	۱۷۲	−۱۰	۱۸۹	۲	۴۳۶	۴۷	۴۸۳
F۱	طلای پولی و SDRها		−۱				−۱	۱	۰
F۱۱	طلای پولی		۰				۰	۰	۰
F۱۲	SDR		−۱				−۱	۱	۰
F۲	پول و سپرده‌ها	۳۹	۱۰	−۲۶	۶۴	۲	۸۹	۱۱	۱۰۰
F۲۱	پول	۵	۱۵	۲	۱۰	۱	۳۳	۳	۳۶
F۲۲	سپرده‌های انتقال‌پذیر	۳۰	−۵	−۲۷	۲۷	۱	۲۶	۲	۲۸
F۲۲۱	ذخائر بین بانک‌ها		−۵				−۵		−۵
F۲۲۹	سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر	۳۰	۰	−۲۷	۲۷	۱	۳۱	۲	۳۳
F۲۹	سایر سپرده‌ها	۴	۰	−۱	۲۷	۰	۳۰	۶	۳۶
F۳	اوراق بدهی	۷	۶۶	۴	۱۰	−۱	۸۶	۹	۹۵
F۳۱	کوتاه مدت	۱۰	۱۳	۱	۳	۰	۲۷	۲	۲۹
F۳۲	بلند مدت	−۳	۵۳	۳	۷	−۱	۵۹	۷	۶۶
F۴	وام ها	۱۹	۵۳	۳	۳	۰	۷۸	۴	۸۲
F۴۱	کوتاه مدت	۱۴	۴	۱	۳	۰	۲۲	۳	۲۵
F۴۲	بلند مدت	۵	۴۹	۲	۰	۰	۵۶	۱	۵۷
F۵	حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۱۰	۲۸	۳	۶۶	۰	۱۰۷	۱۲	۱۱۹
F۵۱	حقوق سهامداران	۱۰	۲۵	۳	۵۳	۰	۹۱	۱۲	۱۰۳
F۵۱۱	سهام پذیرفته شده در بورس	۵	۲۳	۱	۴۸	۰	۷۷	۱۰	۸۷
F۵۱۲	سهام پذیرفته نشده در بورس	۳	۱	۱	۲	۰	۷	۲	۹
F۵۱۹	سایر حقوق سهامداران	۲	۱	۱	۳	۰	۷	۰	۷
F۵۲	سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری	۰	۳	۰	۱۳	۰	۱۶	۰	۱۶
F۵۲۱	سهام یا یونیت‌های صندوق بازار پول	۰	۲	۰	۵	۰	۷	۰	۷
F۵۲۲	سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری غیربازار پول	۰	۱	۰	۸	۰	۹	۰	۹
F۶	طرح های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱	۷	۱	۳۹	۰	۴۸	۰	۴۸
F۶1	ذخائر فنی بیمه غیرزندگی	۱	۲	۰	۴	۰	۷	۰	۷
F۶۲	حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه	۰	۰	۰	۲۲	۰	۲۲	۰	۲۲
F۶۳	حق برخورداری از مزایای بازنشستگی				۱۱		۱۱	۰	۱۱
F۶۴	ادعای صندوق بازنشستگی در برابر مدیران بازنشستگی		۳				۳	۰	۳
F۶۵	حق برخورداری از مزایای غیربازنشستگی				۲		۲	۰	۲
F۶۶	ذخائر مطالبات تحت ضمانت های استاندارد	۰	۲	۱	۰	۰	۳	۰	۳
F۷	مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۳	۰	۱۴	۰	۱۴
F۷۱	مشتقات مالی	۳	۸	۰	۱	۰	۱۲	۰	۱۲
F۷۱۱	اختیار معامله	۱	۳	۰	۱	۰	۵	۰	۵
F۷۱۲	پیمان آتی	۲	۵	۰	۰	۰	۷	۰	۷
F۷۲	اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۰			۲		۲		۲
F۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۴	۱	۵	۴	۱	۱۵	۱۰	۲۵
F۸۱	اعتبار تجاری و پیش پرداخت‌ها	۳		۱	۳		۷	۸	۱۵
F۸۹	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۱	۱	۴	۱	۱	۸	۲	۱۰

حساب مالی

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

کُد	تراکنش‌ها و اقلام ترازکننده	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
B۹	*خالص وام دهی (+) / خالص وام گیری (-)*	−۵۶	−۱	−۱۰۳	۱۷۴	−۴	۱۰	−۱۰		۰
	خالص تحصیل بدهی‌ها	۱۳۹	۱۷۳	۹۳	۱۵	۶	۴۲۶	۵۷		۴۸۳
F۱	طلای پولی و SDRها									
F۱۱	طلای پولی									
F۱۲	SDR									۰
F۲	پول و سپرده‌ها		۶۵	۳۷			۱۰۲	−۲		۱۰۰
F۲۱	پول			۳۵			۳۵	۱		۳۶
F۲۲	سپرده‌های انتقال‌پذیر		۲۶	۲			۲۸	۰		۲۸
F۲۲۱	ذخائر بین بانک‌ها		−۵				−۵			−۵
F۲۲۹	سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر		۳۱	۲			۳۳			۳۳
F۲۹	سایر سپرده‌ها		۳۹				۳۹	−۳		۳۶
F۳	اوراق بدهی	۶	۳۰	۳۸	۰	۰	۷۴	۲۱		۹۵
F۳۱	کوتاه مدت	۲	۱۸	۴	۰	۰	۲۴	۵		۲۹
F۳۲	بلند مدت	۴	۱۲	۳۴	۰	۰	۵۰	۱۶		۶۶
F۴	وام ها	۲۱	۰	۹	۱۱	۶	۴۷	۳۵		۸۲
F۴۱	کوتاه مدت	۴	۰	۳	۲	۲	۱۱	۱۴		۲۵
F۴۲	بلند مدت	۱۷	۰	۶	۹	۴	۳۶	۲۱		۵۷
F۵	حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۸۳	۲۲				۱۰۵	۱۴		۱۱۹
F۵۱	حقوق سهامداران	۸۳	۱۱				۹۴	۹		۱۰۳
F۵۱۱	سهام پذیرفته شده در بورس	۷۷	۷				۸۴	۳		۸۷
F۵۱۲	سهام پذیرفته نشده در بورس	۳	۴				۷	۲		۹
F۵۱۹	سایر حقوق سهامداران	۳					۳	۴		۷
F۵۲	سهام یا یونیت های صندوق سرمایه‌گذاری		۱۱				۱۱	۵		۱۶
F۵۲۱	سهام یا یونیت های صندوق بازار پول		۵				۵	۲		۷
F۵۲۲	سهام یا یونیت های صندوق سرمایه‌گذاری غیربازار پول		۶				۶	۳		۹
F۶	طرح های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد		۴۸	۰			۴۸	۰		۴۸
F۶1	ذخائر فنی بیمه غیرزندگی		۷				۷	۰		۷
F۶۲	حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه		۲۲				۲۲	۰		۲۲
F۶۳	حق برخورداری از مزایای بازنشستگی		۱۱				۱۱	۰		۱۱
F۶۴	ادعای صندوق بازنشستگی در برابر مدیران بازنشستگی		۳				۳	۰		۳
F۶۵	حق برخورداری از مزایای غیربازنشستگی		۲				۲	۰		۲
F۶۶	ذخائر مطالبات تحت ضمانت های استاندارد		۳	۰			۳	۰		۳
F۷	مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۰	۰	۱۱	۳		۱۴
F۷۱	مشتقات مالی	۲	۷	۰	۰	۰	۹	۳		۱۲
F۷۱۱	اختیار معامله	۲	۲	۰	۰	۰	۴	۱		۵
F۷۱۲	پیمان آتی	۰	۵	۰	۰	۰	۵	۲		۷
F۷۲	اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۱	۱				۲			۲
F۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۲۶	۰	۹	۴		۳۹	−۱۴		۲۵
F۸۱	اعتبار تجاری و پیش پرداخت‌ها	۶	۰	۶	۴	۰	۱۶	−۱		۱۵
F۸۹	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۲۰	۰	۳	۰	۰	۲۳	−۱۳		۱۰

حساب سایر تغییرات در حجم دارائی ها

تغییرات در دارائی‌ها

		S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
	سایر جریان‌ها									
K۱	پیدایش اقتصادی دارائی‌ها	۲۶	۰	۷	۰	۰	۳۳			۳۳
AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده			۳			۳			۳
AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۲۶	۰	۴	۰	۰	۳۰			۳۰
AN۲۱	منابع طبیعی	۲۲		۴			۲۶			۲۶
AN۲۲	قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها	۴					۴			۴
AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی						۰			۰
K۲	نابودی اقتصادی دارائی‌های غیر مالی تولید نشده	−۹	۰	−۲	۰	۰	−۱۱			−۱۱
K۲۱	تخریب منابع طبیعی	−۶	۰	−۲	۰	۰	−۸			−۸
AN۲۱	منابع طبیعی	−۶		−۲			−۸			−۸
K۲۲	نابودی‌های دیگر دارائی‌های تولید نشده	−۳	۰	۰	۰	۰	−۳			−۳
AN۲۱	منابع طبیعی						۰			۰
AN۲۲	قراردادها، اجاره نامه‌ها و پروانه‌ها	−۱					−۱			−۱
AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	−۲					−۲			−۲
K۳	زیان‌های ناشی از بلایا	−۵	۰	−۶	۰	۰	−۱۱			−۱۱
AN۱	دارائی های غیرمالی تولید شده	−۵		−۴			−۹			−۹
AN۲	دارائی های غیرمالی تولید نشده			−۲			−۲			−۲
AF	دارائی های مالی / بدهی ها						۰			۰
K۴	مصادره‌های بلاعوض	−۵	۰	۵	۰	۰	۰			۰
AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	−۱		۱			۰			۰
AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	−۴		۴			۰			۰
AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها						۰			۰
K۵	سایر تغییرات در حجم طبقه‌بندی نشده درجای دیگر	۱	۱	۰	۰	۰	۲			۲
AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۱					۱			۱
AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده						۰			۰
AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها		۱				۱			۱
K۶	تغییرات در طبقه‌بندی	۶	−۲	−۴	۰	۰	۰			۰
K۶۱	تغییرات در طبقه‌بندی و ساختار بخشی	۶	۰	−۴	۰	۰	۲			۲
AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۳		−۳			۰			۰
AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۱		−۱			۰			۰
AF	دارائی‌های مالی	۲					۲			۲
K۶۲	تغییرات در طبقه‌بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها	۰	−۲	۰	۰	۰	−۲			−۲
AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده		−۲				−۲			−۲
AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۰	۰	۰			۰			۰
AF	دارائی‌های مالی	۰	۰	۰			۰			۰
	کل سایر تغییرات در حجم	۱۴	−۱	۰	۰	۰	۱۳			۱۳
AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	−۲	−۲	−۳	۰	۰	−۷			−۷
AN۱۱	دارائی‌های ثابت	۱		−۳			−۲			−۲
AN۱۲	موجودی انبار	−۳					−۳			−۳
AN۱۳	اشیاء گرانبها		−۲				−۲			−۲
AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۱۴	۰	۳	۰	۰	۱۷			۱۷
AN۲۱	منابع طبیعی	۱۰	۰	۱	۰	۰	۱۱			۱۱

حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

		S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
سایر جریان‌ها										
K۱	پیدایش اقتصادی دارائی‌ها									
AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
AN۲۱	منابع طبیعی									
AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
K۲	نابودی اقتصادی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
K۲۱	تخریب منابع طبیعی									
AN۲۱	منابع طبیعی									
K۲۲	نابودی‌های دیگر دارائی‌های تولید نشده									
AN۲۱	منابع طبیعی									
AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
K۳	زیان های ناشی از بلایا									
AN۱	دارائی های غیرمالی تولید شده									
AN۲	دارائی های غیرمالی تولید نشده									
AF	دارائی های مالی / بدهی ها									
K۴	مصادره های بلاعوض									
AN۱	دارائی های غیرمالی تولید شده									
AN۲	دارائی های غیرمالی تولید نشده									
AF	دارائی های مالی / بدهی ها									
K۵	سایر تغییرات در حجم طبقه بندی نشده درجای دیگر	۰	۰	۰	۱	۰	۱			۱
AN۱	دارائی های غیرمالی تولید شده									
AN۲	دارائی های غیرمالی تولید نشده									
AF	دارائی های مالی / بدهی ها	۰	۰	۰	۱	۰	۱			۱
K۶	تغییرات در طبقه‌بندی	۰	۰	۲	۰	۰	۲			۲
K۶۱	تغییرات در طبقه‌بندی و ساختار بخشی	۰	۰	۲	۰	۰	۲			۲
AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
AF	دارائی‌های مالی	۰	۰	۲	۰	۰	۲			۲
K۶۲	تغییرات در طبقه‌بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها	۰	۰	۰	۰	۰	۰			۰
AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									۰
AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									۰
AF	دارائی‌های مالی	۰	۰	۰	۰	۰	۰			۰
	کل سایر تغییرات در حجم	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
AN۱	دارائی های غیرمالی تولید شده									
AN۱۱	دارائی های ثابت									
AN۱۲	موجودی انبار									
AN۱۳	اشیاء گرانبها									
AN۲	دارائی های غیرمالی تولید نشده									
AN۲۱	منابع طبیعی									

حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها

تغییرات در دارائی‌ها (ادامه)

	سایر جریان‌ها	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه ها و پروانه‌ها	۴		۲			۶			۶
AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	۰					۰			۰
AF	دارائی‌های مالی	۲	۱	۰	۰	۰	۳			۳
AF۱	طلای پولی و SDRها						۰			۰
AF۲	پول و سپرده‌ها						۰			۰
AF۳	اوراق بدهی						۰			۰
AF۴	وام‌ها						۰			۰
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه									
AF۵	گذاری	۲					۲			۲
AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد		۱				۱			۱
AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان						۰			۰
AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی						۰			۰

حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه (ادامه)

	سایر جریان‌ها	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
AN۲۲	قراردادها، اجاره نامه ها و پروانه ها									
AN۲۳	سرقفلی و دارائی های بازاریابی									
AF	دارائی های مالی	۰	۰	۲	۱	۰	۳			۳
AF۱	طلای پولی و SDRها									
AF۲	پول و سپرده ها									
AF۳	اوراق بدهی									
AF۴	وام ها						۰			۰
	حقوق سهامداران و سهام یا یونیت های صندوق سرمایه									
AF۵	گذاری			۲			۲			۲
AF۶	طرح های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد				۱		۱			۱
AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله سهام برای کارکنان									
AF۸	سایر حساب های دریافتنی / پرداختنی									
B۱۰۲	*تغییرات ارزش ویژه در اثر سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها*	۱۴	−۱	−۲	−۱	۰	۱۰			

حساب بازارزش‌گذاری

تغییرات در دارائی‌ها

		سایر جریان‌ها	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن	AN	دارائی‌های غیرمالی	۱۴۴	۴	۴۴	۸۰	۸	۲۸۰			۲۸۰
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۶۳	۲	۲۱	۳۵	۵	۱۲۶			۱۲۶
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت	۵۸	۲	۱۸	۲۸	۵	۱۱۱			۱۱۱
	AN۱۲	موجودی‌های انبار	۴		۱	۲		۷			۷
	AN۱۳	اشیاء گرانبها	۱		۲	۵		۸			۸
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۸۱	۲	۲۳	۴۵	۳	۱۵۴			۱۵۴
	AN۲۱	منابع طبیعی	۸۰	۱	۲۳	۴۵	۳	۱۵۲			۱۵۲
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۱	۱				۲			۲
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۸	۵۷	۱	۱۶	۲	۸۴	۷		۹۱
	AF۱	طلای پولی و SDRها		۱۱	۱			۱۲			۱۲
	AF۲	پول و سپرده‌ها						۰			۰
	AF۳	اوراق بدهی	۳	۳۰		۶	۱	۴۰	۴		۴۴
	AF۴	وام‌ها						۰			۰
		حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق									
	AF۵	سرمایه‌گذاری	۵	۱۶		۱۰	۱	۳۲	۳		۳۵
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد						۰			۰
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان						۰			۰
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی						۰			۰
منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن	AN	دارائی‌های غیرمالی	۱۰۱	۳	۳۲	۵۶	۶	۱۹۸			۱۹۸
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۶۰	۲	۲۰	۳۴	۵	۱۲۱			۱۲۱
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت	۵۸	۲	۱۸	۲۸	۵	۱۱۱			۱۱۱
	AN۱۲	موجودی‌های انبار	۱		۱	۲		۴			۴
	AN۱۳	اشیاء گرانبها	۱		۱	۴		۶			۶
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۴۱	۱	۱۲	۲۲	۱	۷۷			۷۷
	AN۲۱	منابع طبیعی	۴۰	۱	۱۲	۲۲	۱	۷۶			۷۶
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۱					۱			۱
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۱۸	۷۱	۸	۳۶	۳	۱۳۶	۱۲		۱۴۸
	AF۱	طلای پولی و SDRها		۱۴	۲			۱۶			۱۶
	AF۲	پول و سپرده‌ها	۸		۳	۱۷	۲	۳۰	۲		۳۲
	AF۳	اوراق بدهی	۲	۱۸		۴	۱	۲۵	۳		۲۸
	AF۴	وام‌ها	۱	۲۴	۳			۲۸	۱		۲۹
		حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق									
	AF۵	سرمایه‌گذاری	۳	۱۴		۹		۲۶	۲		۲۸
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱	۱		۵		۷	۱		۸
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان						۰			۰
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۳			۱		۴	۳		۷

حساب بازارزش‌گذاری

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه

		سایر جریان‌ها	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن	AN	دارائی‌های غیرمالی									
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت									
	AN۱۲	موجودی‌های انبار									
	AN۱۳	اشیاء گرانبها									
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
	AN۲۱	منابع طبیعی									
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۱۸	۵۱	۷	۰	-	۷۶	۱۵		۹۱
	AF۱	طلای پولی و SDRها							۱۲		۱۲
	AF۲	پول و سپرده‌ها									
	AF۳	اوراق بدهی	۱	۳۴	۷			۴۲	۲		۴۴
	AF۴	وام‌ها									
		حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق									
	AF۵	سرمایه‌گذاری	۱۷	۱۷				۳۴	۱		۳۵
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد									
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان									
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی									
	B۱۰۳	تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/زیان اسمی ناشی از نگه داشتن دارائی	۱۳۴	۱۰	۳۸	۹۶	۱۰	۲۸۸	-۸		۲۸۰
منفعت و زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن	AN	دارائی‌های غیرمالی									
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت									
	AN۱۲	موجودی‌های انبار									
	AN۱۳	اشیاء گرانبها									
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
	AN۲۱	منابع طبیعی									
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۳۷	۶۸	۱۳	۵	۳	۱۲۶	۲۲		۱۴۸
	AF۱	طلای پولی و SDRها							۱۶		۱۶
	AF۲	پول و سپرده‌ها	۱	۲۶	۲		۱	۳۰	۲		۳۲
	AF۳	اوراق بدهی	۱	۲۱	۴			۲۶	۲		۲۸
	AF۴	وام‌ها	۱۸		۷	۳	۱	۲۹			۲۹
		حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق									
	AF۵	سرمایه‌گذاری	۱۴	۱۴				۲۸			۲۸
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد		۷				۷	۱		۸
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان									
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۳			۲	۱	۶	۱		۷
	B۱۰۳۱	*تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/ زیان بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن*	۸۲	۶	۲۷	۸۷	۶	۲۰۸	-۱۰		۲۱۴

حساب بازارزش‌گذاری

تغییرات در دارائی‌ها (ادامه)

		سایر جریان‌ها	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
منفعت و زیان واقعی ناشی از نگهداشتن	AN	دارائی‌های غیرمالی	۴۳	۱	۱۲	۲۴	۲	۸۲			۸۲
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۳	۰	۱	۱	۰	۵			۵
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت	۰	۰	۰	۰	۰				
	AN۱۲	موجودی‌های انبار	۳	۰	۰	۰	۰	۳			۳
	AN۱۳	اشیاء گرانبها	۰	۰	۱	۱	۰	۲			۲
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۴۰	۱	۱۱	۲۳	۲	۷۷			۷۷
	AN۲۱	منابع طبیعی	۴۰	۰	۱۱	۲۳	۲	۷۶			۷۶
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۰	۱	۰	۰	۰	۱			۱
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	−۱۰	−۱۴	−۷	−۲۰	−۱	−۵۲	−۵		−۵۷
	AF۱	طلای پولی و SDRها	۰	−۳	−۱	۰	۰	−۴	۰		−۴
	AF۲	پول و سپرده‌ها	−۸	۰	−۳	−۱۷	−۲	−۳۰	−۲		−۳۲
	AF۳	اوراق بدهی	۱	۱۲	۰	۲	۰	۱۵	۱		۱۶
	AF۴	وام‌ها	−۱	−۲۴	−۳	۰	۰	−۲۸	−۱		−۲۹
		حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق									
	AF۵	سرمایه‌گذاری	۲	۲	۰	۱	۱	۶	۱		۷
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	−۱	−۱	۰	−۵	۰	−۷	−۱		−۸
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۰	۰	۰	۰	۰				
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	−۳	۰	۰	−۱	۰	−۴	−۳		−۷

حساب بازارزش‌گذاری

تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه (ادامه)

		سایر جریان‌ها	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن	*AN*	دارائی‌های غیرمالی									
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت									
	AN۱۲	موجودی‌های انبار									
	AN۱۳	اشیاء گرانبها									
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
	AN۲۱	منابع طبیعی									
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	−۱۹	−۱۷	−۶	−۵	−۳	−۵۰	−۷		−۵۷
	AF۱	طلای پولی و SDRها	۰	۰	۰	۰	۰	۰	−۴		−۴
	AF۲	پول و سپرده‌ها	−۱	−۲۶	−۲	۰	−۱	−۳۰	−۲		−۳۲
	AF۳	اوراق بدهی	۰	۱۳	۳	۰	۰	۱۶	۰		۱۶
	AF۴	وام‌ها	−۱۸	۰	−۷	−۳	−۱	−۲۹	۰		−۲۹
		حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق									
	AF۵	سرمایه‌گذاری	۳	۳	۰	۰	۰	۶	۱		۷
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۰	−۷	۰	۰	۰	−۷	−۱		−۸
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰		۰
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	−۳	۰	۰	−۲	−۱	−۶	−۱		−۷
		تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت/زیان واقعی ناشی از نگه-									
	B۱۰۳۲	داشتن	۵۲	۴	۱۱	۹	۴	۸۰	۲		۶۶

		موجودی‌ها و تغییرات در دارائی‌ها	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
ترازنامه‌ی ابتدای دوره	*AN*	دارائی‌های غیرمالی	۲ ۱۵۱	۹۳	۷۸۹	۱ ۴۲۹	۱۵۹	۴ ۶۲۱			۴ ۶۲۱
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۱ ۲۷۴	۶۷	۴۹۷	۸۵۶	۱۲۴	۲ ۸۱۸			۲ ۸۱۸
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت	۱ ۲۲۶	۵۲	۴۶۷	۷۱۳	۱۲۱	۲ ۵۷۹			۲ ۵۷۹
	AN۱۲	موجودی‌های انبار	۴۳		۲۲	۴۸	۱	۱۱۴			۱۱۴
	AN۱۳	اشیاء گرانبها	۵	۱۵	۸	۹۵	۲	۱۲۵			۱۲۵
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۸۷۷	۲۶	۲۹۲	۵۷۳	۳۵	۱ ۸۰۳			۱ ۸۰۳
	AN۲۱	منابع طبیعی	۸۶۴	۲۳	۲۸۶	۵۷۳	۳۵	۱ ۷۸۱			۱ ۷۸۱
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۱۳	۳	۶			۲۲			۲۲
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۹۸۲	۳ ۴۲۱	۳۹۶	۳ ۲۶۰	۱۷۲	۸ ۲۳۱	۸۰۵		۹ ۰۳۶
	AF۱	طلای پولی و SDRها		۶۹۰	۸۰			۷۷۰			۷۷۰
	AF۲	پول و سپرده‌ها	۳۸۲		۱۵۰	۸۴۰	۱۱۰	۱ ۴۸۲	۱۰۵		۱ ۵۸۷
	AF۳	اوراق بدهی	۹۰	۹۵۰		۱۹۸	۲۵	۱ ۲۶۳	۱۲۵		۱ ۳۸۸
	AF۴	وام‌ها	۵۰	۱ ۱۸۷	۱۱۵	۲۴	۸	۱ ۳۸۴	۷۰		۱ ۴۵۴
	AF۵	حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۲۸۰	۵۵۱	۱۲	۱ ۷۴۹	۲۲	۲ ۶۱۴	۳۴۵		۲ ۹۵۹
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۲۵	۳۰	۲۰	۳۹۱	۴	۴۷۰	۲۶		۴۹۶
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۵	۱۳	۰	۳	۰	۲۱	۰		۲۱
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۱۵۰		۱۹	۵۵	۳	۲۲۷	۱۳۴		۳۶۱
کل تغییرات در دارائی‌ها	*AN*	دارائی‌های غیرمالی	۳۰۰	−۲	۵۷	۱۱۶	۱۱	۴۸۲			۴۸۲
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۱۹۵	−۴	۲۹	۶۷	۷	۲۹۴			۲۹۴
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت	۱۶۵	−۲	۲۳	۵۳	۷	۲۴۶			۲۴۶
	AN۱۲	موجودی‌های انبار	۲۷	۰	۱	۴	۰	۳۲			۳۲
	AN۱۳	اشیاء گرانبها	۳	−۲	۵	۱۰	۰	۱۶			۱۶
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۱۰۵	۲	۲۸	۴۹	۴	۱۸۸			۱۸۸
	AN۲۱	منابع طبیعی	۱۰۱	۱	۲۶	۴۸	۴	۱۸۰			۱۸۰
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۴	۱	۲	۱	۰	۸			۸
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	۰	۰	۰	۰	۰	۰			۰
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۹۳	۲۳۰	−۹	۲۰۵	۴	۵۲۳	۵۴		۵۷۷
	AF۱	طلای پولی و SDRها	۰	۱۰	۱	۰	۰	۱۱	۱		۱۲
	AF۲	پول و سپرده‌ها	۳۹	۱۰	−۲۶	۶۴	۲	۸۹	۱۱		۱۰۰
	AF۳	اوراق بدهی	۱۰	۹۶	۴	۱۶	۰	۱۲۶	۱۳		۱۳۹
	AF۴	وام‌ها	۱۹	۵۳	۳	۳	۰	۷۸	۴		۸۲
	AF۵	حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۱۷	۴۴	۳	۷۶	۱	۱۴۱	۱۵		۱۵۶
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱	۸	۱	۳۹	۰	۴۹	۰		۴۹
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۳	۰	۱۴	۰		۱۴
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۴	۱	۵	۴	۱	۱۵	۱۰		۲۵

		موجودی‌ها و تغییرات در بدهی‌ها	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
ترازنامه‌ی ابتدای دوره	*AN*	دارائی‌های غیرمالی									
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت									
	AN۱۲	موجودی‌های انبار									
	AN۱۳	اشیاء گرانبها									
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
	AN۲۱	منابع طبیعی									
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۳ ۲۲۱	۳ ۵۴۴	۶۸۷	۱۸۹	۱۲۱	۷ ۷۶۲	۱ ۲۷۴		۹ ۰۳۶
	AF۱	طلای پولی و SDRها						۰	۷۷۰		۷۷۰
	AF۲	پول و سپرده‌ها	۴۰	۱ ۲۸۱	۱۰۲	۱۰	۳۸	۱ ۴۷۱	۱۱۶		۱ ۵۸۷
	AF۳	اوراق بدهی	۴۴	۱ ۰۵۳	۲۱۲	۲		۱ ۳۱۱	۷۷		۱ ۳۸۸
	AF۴	وام‌ها	۸۹۷		۳۲۸	۱۶۹	۴۳	۱ ۴۳۷	۱۷		۱ ۴۵۴
	AF۵	حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۱ ۹۸۷	۷۶۵	۴			۲ ۷۵۶	۲۰۳		۲ ۹۵۹
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱۲	۴۳۵	۱۹		۵	۴۷۱	۲۵		۴۹۶
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۴	۱۰				۱۴	۷		۲۱
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۲۳۷		۲۲	۸	۳۵	۳۰۲	۵۹		۳۶۱
	B۹۰	*ارزش ویژه*	−۸۸	−۳۰	۴۹۸	۴ ۵۰۰	۲۱۰	۵ ۰۹۰	−۴۶۹		۴ ۶۲۱
کل تغییرات در بدهی‌ها و ارزش ویژه	*AN*	دارائی‌های غیرمالی									
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت									
	AN۱۲	موجودی‌های انبار									
	AN۱۳	اشیاء گرانبها									
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
	AN۲۱	منابع طبیعی									
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۱۵۷	۲۲۴	۱۰۲	۱۶	۶	۵۰۵	۷۲		۵۷۷
	AF۱	طلای پولی و SDRها							۱۲		۱۲
	AF۲	پول و سپرده‌ها	۰	۶۵	۳۷	۰	۰	۱۰۲	−۲		۱۰۰
	AF۳	اوراق بدهی	۷	۶۴	۴۵	۰	۰	۱۱۶	۲۳		۱۳۹
	AF۴	وام‌ها	۲۱	۰	۹	۱۱	۶	۴۷	۳۵		۸۲
	AF۵	حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۱۰۰	۳۹	۲	۰	۰	۱۴۱	۱۵		۱۵۶
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۰	۴۸	۰	۱	۰	۴۹	۰		۴۹
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۳	۸	۰	۰	۰	۱۱	۳		۱۴
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۲۶	۰	۹	۴	۰	۳۹	−۱۴		۲۵
	B۱۰	*تغییرات ارزش ویژه، کل*	۲۳۶	۴	−۵۴	۳۰۵	۹	۵۰۰	−۱۸		۴۸۲

		موجودی‌ها و تغییرات در دارائی‌ها (ادامه)	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
ترازنامه‌ی انتهای دوره	*AN*	دارائی‌های غیرمالی	۲ ۴۵۱	۹۱	۸۴۶	۱ ۵۴۵	۱۷۰	۵ ۱۰۳			۵ ۱۰۳
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده	۱ ۴۶۹	۶۳	۵۲۶	۹۲۳	۱۳۱	۳ ۱۱۲			۳ ۱۱۲
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت	۱ ۳۹۱	۵۰	۴۹۰	۷۶۶	۱۲۸	۲ ۸۲۵			۲ ۸۲۵
	AN۱۲	موجودی‌های انبار	۷۰	۰	۲۳	۵۲	۱	۱۴۶			۱۴۶
	AN۱۳	اشیاء گرانبها	۸	۱۳	۱۳	۱۰۵	۲	۱۴۱			۱۴۱
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده	۹۸۲	۲۸	۳۲۰	۶۲۲	۳۹	۱ ۹۹۱			۱ ۹۹۱
	AN۲۱	منابع طبیعی	۹۶۵	۲۴	۳۱۲	۶۲۱	۳۹	۱ ۹۶۱			۱ ۹۶۱
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها	۱۷	۴	۸	۱	۰	۳۰			۳۰
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی	۰	۰	۰	۰	۰	۰			۰
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۱ ۰۷۵	۳ ۶۵۱	۳۸۷	۳ ۴۶۵	۱۷۶	۸ ۷۵۴	۸۵۹		۹ ۶۱۳
	AF۱	طلای پولی و SDRها	۰	۷۰۰	۸۱	۰	۰	۷۸۱	۱		۷۸۲
	AF۲	پول و سپرده‌ها	۴۲۱	۱۰	۱۲۴	۹۰۴	۱۱۲	۱ ۵۷۱	۱۱۶		۱ ۶۸۷
	AF۳	اوراق بدهی	۱۰۰	۱ ۰۴۶	۴	۲۱۴	۲۵	۱ ۳۸۹	۱۳۸		۱ ۵۲۷
	AF۴	وام‌ها	۶۹	۱ ۲۴۰	۱۱۸	۲۷	۸	۱ ۴۶۲	۷۴		۱ ۵۳۶
	AF۵	حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری	۲۹۷	۵۹۵	۱۵	۱ ۸۲۵	۲۳	۲ ۷۵۵	۳۶۰		۳ ۱۱۵
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۲۶	۳۸	۲۱	۴۳۰	۴	۵۱۹	۲۶		۵۴۵
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۸	۲۱	۰	۶	۰	۳۵	۰		۳۵
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۱۵۴	۱	۲۴	۵۹	۴	۲۴۲	۱۴۴		۳۸۶

		موجودی‌ها و تغییرات در بدهی‌ها (ادامه)	S۱۱ شرکت‌های غیرمالی	S۱۲ شرکت‌های مالی	S۱۳ دولت	S۱۴ خانوارها	S۱۵ NPISHها	S۱ کل اقتصاد	S۲ دنیای خارج	کالاها و خدمات	کل
	B۱۰۱	*پس انداز و انتقالات سرمایه‌ای*	۸۸	−۵	−۹۰	۲۱۰	−۱	۲۰۲	−۱۰		۱۹۲
	B۱۰۲	*سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها*	۱۴	−۱	−۲	−۱	۰	۱۰			۱۰
	B۱۰۳	*منفعت / زیان اسمیِ ناشی از نگه‌داشتن*	۱۳۴	۱۰	۳۸	۹۶	۱۰	۲۸۸	−۸		۲۸۰
	B۱۰۳۱	*منفعت / زیان بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن*	۸۲	۶	۲۷	۸۷	۶	۲۰۸	−۱۰		۱۹۸
	B۱۰۳۲	*منفعت / زیان واقعیِ ناشی از نگه‌داشتن*	۵۲	۴	۱۱	۹	۴	۸۰	۲		۸۲
ترازنامه‌ی انتهای دوره	*AN*	دارائی‌های غیرمالی									
	AN۱	دارائی‌های غیرمالی تولید شده									
	AN۱۱	دارائی‌های ثابت									
	AN۱۲	موجودی‌های انبار									
	AN۱۳	اشیاء گرانبها									
	AN۲	دارائی‌های غیرمالی تولید نشده									
	AN۲۱	منابع طبیعی									
	AN۲۲	قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها									
	AN۲۳	سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی									
	AF	دارائی‌های مالی / بدهی‌ها	۳ ۳۷۸	۳ ۷۶۸	۷۸۹	۲۰۵	۱۲۷	۸ ۲۶۷	۱ ۳۴۶		۹ ۶۱۳
	AF۱	طلای پولی و SDRها							۷۸۲		۷۸۲
	AF۲	پول و سپرده‌ها	۴۰	۱ ۳۴۶	۱۳۹	۱۰	۳۸	۱ ۵۷۳	۱۱۴		۱ ۶۷۸
	AF۳	اوراق بدهی	۵۱	۱ ۱۱۷	۲۵۷	۲	۰	۱ ۴۲۷	۱۰۰		۱ ۵۲۷
	AF۴	وام‌ها	۹۱۸	۰	۳۳۷	۱۸۰	۴۹	۱ ۴۸۴	۵۲		۱ ۵۳۶
	AF۵	حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق‌سرمایه‌گذاری	۲ ۰۸۷	۸۰۴	۶	۰	۰	۲ ۸۹۷	۲۱۸		۳ ۱۱۵
	AF۶	طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد	۱۲	۴۸۳	۱۹	۱	۵	۵۲۰	۲۵		۵۴۵
	AF۷	مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان	۷	۱۸	۰	۰	۰	۲۵	۱۰		۳۵
	AF۸	سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی	۲۶۳	۰	۳۱	۱۲	۳۵	۳۴۱	۴۵		۳۸۶
	B۹۰	*ارزش ویژه*	۱۴۸	−۲۶	۴۴۴	۴ ۸۰۵	۲۱۹	۵ ۵۹۰	−۴۸۷		۵ ۱۰۳

پیوست ۳: تغییرات سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸ نسبت به ۱۹۹۳

الف. مقدمه

پ۳-۱ سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸ (SNA ۲۰۰۸) چارچوب اساسی نظریه سیستم قبلی یعنی سیستم حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳ (*SNA ۱۹۹۳*) را حفظ می‌کند. اما، در راستای فرمان کمیسیون آمار سازمان ملل، SNA ۲۰۰۸ نحوه‌ی برخورد با جنبه‌های جدید اقتصاد را که حائز اهمیت هستند ارائه می‌دهد، به تشریح زمینه‌هائی که به‌طور فزاینده‌ای به کانون توجهات تحلیلی تبدیل شده‌اند می‌پردازد و راهنماهائی را در طیف گسترده‌ای از موضوعات معرفی می‌کند. تغییرات SNA ۲۰۰۸ در راستای تحولات نوین در محیط اقتصادی، پیشرفت‌های ایجاد شده در روش تحقیق و نیازهای کاربران صورت گرفته است.

پ۳-۲ در بخش‌های ب الی چ، تغییرات SNA ۲۰۰۸ در شش بخش گروه بندی شده‌اند. در توضیحات ارائه شده فقط تفاوت‌های اصلی بین SNA سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۸ برجسته شده است و از شرح کامل آن‌ها خودداری شده است. در مبحثِ تغییرات، پاراگراف‌های متناظر در فصل‌های نشریه نیز درج شده است. در بخش ح یک فهرست کنترل (چک لیست) از تغییرات ایجاد شده در SNA ۲۰۰۸ فصل به فصل ارائه شده است.

ب. ویژگی‌های بیشترِ واحدهای آماری و بازنگری در گروه بندی بخشی

۱. واحد تولیدکننده‌ی عهده‌دار فعالیت‌های فرعی در برخی موارد به عنوان کارگاه جدا شناخته شده است

منبع: فصل ۵، پاراگراف ۵-۴۱ الی ۵-۴۲

پ۳-۳ SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند اگر واحدی که فقط فعالیت‌های فرعی تولید می‌کند فعالیتش از نظر آماری قابل مشاهده باشد، یعنی در آن برای تولیدی که به عهده دارد حساب‌های مجزا به آسانی در دسترس باشد، یا اگر در محلی مستقر است که از نظر جغرافیائی از محل استقرار کارگاه‌هائی که به آن‌ها خدمت رسانی می‌کند متفاوت باشد، باید به عنوان کارگاه جدا تلقی شود. وقتی کارگاهی که دارای فعالیت فرعی است به عنوان یک کارگاه جدا شناخته می‌شود، باید برحسب نوع فعالیت اصلی خود طبقه بندی شود و ستانده‌ی آن به عنوان ستانده اصلی در نظر گرفته شود.

پ۳-۴ ارزش ستانده‌ی یک کارگاهِ عهده‌دار فعالیت فرعی باید بر اساس جمع هزینه‌ها، از جمله هزینه‌های سرمایه‌ی بکار گرفته شده توسط آن واحد بدست آید. ستانده‌ی واحد فرعی به عنوان مصرف واسطه کارگاهائی که به آن‌ها خدمت رسانی می‌کند تلقی می‌شود و این ستانده باید با استفاده از نماگر مناسبی نظیر ستانده، ارزش افزوده یا اشتغال بین آن کارگاه‌ها تقسیم شود. در صورتی که بنگاهِ مادر تولیدکننده‌ی بازاری باشد ستانده‌ی واحد فرعی نیز بازاری و در غیر این صورت تولید برای استفاده نهائی خود یا غیربازاری خواهد بود. در حالت تولید غیربازاری، هزینه‌ی سرمایه نباید در برآورد ارزش ستانده منظور شود.

پ۳–۵ در ۱۹۹۳ *SNA*، واحد تولید کننده‌ای که فقط فعالیت‌های فرعی تولید می‌کند همیشه به عنوان قسمت جدائی ناپذیر کارگاه‌هائی که به آن‌ها خدمت رسانی می‌کند در نظر گرفته می‌شد.

۲. تابعه‌های ساختگی به عنوان واحد نهادی در نظر گرفته نشده‌اند مگر در اقتصادی متفاوت از اقتصاد شرکت‌های مادر، مقیم باشند

منبع: فصل ۴، پاراگراف ۴–۶۲ الی ۴–۶۴

پ۳–۶ شرکت‌های فرعی که در ۱۹۹۳ *SNA* از آن‌ها نام برده شده است، در ۲۰۰۸ SNA تابعه‌های ساختگی نامیده می‌شوند. تابعه‌های ساختگی، شرکت‌های تابعی هستند که بطور کامل در مالکیت شرکت‌های مادر بوده و برای این ایجاد شده‌اند که خدماتی را به شرکت‌های مادر، یا سایر شرکت‌های همان گروه ارائه دهند، و اغلب به منظور گریز از پرداخت مالیات، به حداقل رساندن بدهی‌ها هنگام رخداد ورشکستگی، تأمین سایر مزایای فنی در اجرای قانون شرکت‌ها یا قانون مالیاتی در یک کشور خاص ایجاد می‌شوند. تابعه‌ی ساختگی واحد نهادی تلقی نمی‌شود مگر در اقتصادی متفاوت از اقتصاد شرکت مادر مقیم باشد.

۳. شعبه‌ی واحد غیرمقیم به عنوان واحد نهادی شناخته شده است

منبع: فصل ۴، پاراگراف ۴–۴۷

پ۳–۷ ۱۹۹۳ *SNA* فقط به این موضوع اشاره کرده بود که یک بنگاه غیرشرکتی متعلق به یک واحد نهادی غیرمقیم باید به عنوان یک واحد مقیم ملی در کشور محل استقرار آن در نظر گرفته شود. در ۲۰۰۸ SNA، این نوع واحدها به عنوان شعبه شناخته می‌شوند و به عنوان واحد نهادی تلقی می‌شوند. ۲۰۰۸ SNA نشانه‌هائی را برای کمک به تلقیِ شعبه‌ی یک واحد غیرمقیم به عنوان واحد نهادی تعیین می‌کند؛ یعنی، واحدی که برای یک دوره‌ی بلند مدت به میزان قابل ملاحظه‌ای به تولید کالاها و خدمات در آن سرزمین اشتغال دارد و تابع قوانین مالیات بر درآمد (اگر وجود داشته باشد) اقتصادی است که در آن قرار گرفته است، حتی اگر از مالیات معاف باشد.

۴. اقامت بنگاه‌های چند سرزمینی شفاف سازی شده است

منبع: فصل ۴، پاراگراف ۴–۱۳

پ۳–۸ ۲۰۰۸ SNA دستورالعمل‌هائی را برای تعیین اقتصادی که بنگاه‌های چند سرزمینی با عملیات یکپارچه در بیش از یک سرزمین اقتصادی مقیم آن هستند ارائه می‌دهد. این نوع بنگاه‌ها به طور معمول در فعالیت‌های برون‌مرزی درگیر هستند و خطوط کشتیرانی، خطوط هوائی، طرح‌های برقی آبی در رودخانه‌های مرزی، خطوط لوله، پل‌ها، تونل‌ها و کابل‌های زیردریائی را دربر می‌گیرند. وقتی تشخیص شرکت مادر یا شعبه‌ها امکان پذیر نیست، توصیه شده است که کل عملیات بنگاه چند سرزمینی بین هر یک از سرزمین‌های اقتصادی که این بنگاه در آن‌ها کار می‌کند سرشکن شود.

پ۳–۹ ۱۹۹۳ *SNA* دستورالعمل مشخصی برای تعیین اقامت بنگاه‌های چند سرزمینی ارائه نکرده بود.

۵. هستارهای دارای هدف ویژه شناخته شده است

منبع: فصل ۴، پاراگراف‌های ۴–۵۵ الی ۴–۵۸؛ فصل ۲۲، پاراگراف‌های ۲۲–۵۱ الی ۲۲–۵۴

پ۳–۱۰ ۲۰۰۸ SNA دستورالعملی را درباره نحوه برخورد با واحدهای بدون کارکن مزد بگیر و بدون دارائی‌های غیرمالی، واحدهائی که به اسامی مختلف هستارهای دارای هدف ویژه (SPE)ها یا رسانگرهای دارای هدف ویژه (SPV) شناخته شده‌اند ارائه می‌دهد. تعریف مشترکی از SPE وجود ندارد ولی برخی از ویژگی‌های آن عبارتند از این که حضور فیزیکیِ کمی دارد، همیشه به شرکت دیگری اغلب به عنوان تابعه وابسته است، و اغلب در سرزمینی غیر از سرزمین اقامتِ شرکت مادر مقیم است.

پ۳-۱۱ این واحد، واحد نهادی تلقی می‌شود و با توجه به فعالیت اصلی آن به بخش یا صنعتی (رشته‌فعالیتی) منتسب می‌شود مگر در یکی از سه رده (الف) نهادهای مالی داخلی، (ب) تابعه‌های ساختگی شرکت‌ها، و (پ) واحدهای دارای هدف ویژه دولت قرار گرفته باشد.

پ۳-۱۲ *SNA* ۱۹۹۳ دستورالعمل روشنی برای برخورد با این واحدها ارائه نداده بود.

۶. هلدینگ‌ها به بخش شرکت‌های مالی منتسب شده‌اند

منبع: فصل ۴، پاراگراف ۴-۵۴

پ۳-۱۳ در *ISIC Rev. 4*، بخش K طبقه ۶۴۲۰، هلدینگ‌ها به عنوان شرکتی‌هائی تعریف می‌شوند که دارائی‌های شرکت‌های تابعه را نگه می‌دارند ولی هیچ‌گونه فعالیت‌های مدیریتی انجام نمی‌دهند. بنابراین، این نوع تولیدکنندگان فقط خدمات مالی تولید می‌کنند. بر این اساس، ۲۰۰۸ SNA توصیه می‌کند که هلدینگ‌ها به شرکت‌های مالی منتسب شوند و به عنوان نهادهای مالیِ داخلی تلقی شوند حتی اگر همه‌ی شرکت‌های تابعه‌ی آن‌ها شرکت‌های غیرمالی باشند.

پ۳-۱۴ در *SNA* ۱۹۹۳ توصیه شده بود که هلدینگ‌ها به بخش نهادی که فعالیت اصلیِ گروه تابعه‌ها در آن متمرکز هستند منتسب شوند. در نتیجه، آن‌ها فقط در صورتی می‌بایست به شرکت‌های مالی منتسب می‌شدند که فعالیت اصلی گروه شرکت‌هائی که کنترل می‌کردند فعالیت مالی می‌بود.

۷. توصیه شده است که اداره‌ی مرکزی به بخش نهادیِ اکثریت تابعه‌های آن منتسب شود

منبع: فصل ۴، پاراگراف ۴-۵۳

پ۳-۱۵ اصطلاح "شرکت هلدینگ" گاهی اوقات به اشتباه بجای "اداره مرکزی" بکار می‌رود. فعالیت‌های اداره مرکزی، همان‌طور که در بخش M طبقه ۷۰۱۰، *ISIC Rev.4* تعریف شده است، شامل نظارت و مدیریت بر واحدهای دیگرِ بنگاه؛ به عهده داشتن برنامه‌ریزیِ راهبردی یا سازمانی و نقش تصمیم‌سازی بنگاه؛ اعمال کنترل عملیاتی و مدیریت عملیات روزمره‌ی واحدهای وابسته به آن است. بنابراین، این واحدها خدمات مالی یا غیرمالی بسته به نوع ستانده‌ی تابعه‌های آن تولید می‌کنند. ۲۰۰۸ SNA توصیه می‌کند که اداره مرکزی به شرکت‌های غیرمالی منتسب شود مگر این که تمامی یا اکثر تابعه‌های آن شرکت‌های مالی باشند که در این حالت طبق قرارداد به عنوان فعالیت‌های مالیِ جنبی در بخش شرکت‌های مالی منظور می‌شود.

پ۳-۱۶ در *SNA* ۱۹۹۳ دستورالعمل روشنی برای برخورد با ادارات مرکزی ارائه نشده بود.

۸. برای نهادهای غیرانتفاعی زیربخش معرفی شده است

منبع: فصل ۴، پاراگراف‌های ۴-۳۵، ۴-۹۴، ۴-۱۰۳ و ۴-۱۲۸

پ۳-۱۷ ۲۰۰۸ SNA نیز مانند *SNA* ۱۹۹۳ نهادهای غیرانتفاعی (NPI)ها را صرف نظر از انگیزه، وضعیت مالیاتی، نوع مزد و حقوق بگیران یا فعالیتی که به آن اشتغال دارند به بخش‌های نهادی مختلف منتسب می‌کند. ۲۰۰۸ SNA با توجه به علاقه فزاینده‌ای که برای بررسی مجموعه کامل NPIها به عنوان نشانه‌ای از جامعه مدنی بوجود آمده است، توصیه می‌کند که NPIهای داخل هریک از بخش‌های شرکت‌ها و دولت به زیربخش‌های جداگانه‌ای تفکیک شود تا در صورت نیاز بتوان به راحتی جدول‌های تکمیلی از خلاصه‌ی همه‌ی فعالیت‌های آن‌ها بدست آورد.

۹. تعریف خدمات مالی گسترش داده شده است

منبع: فصل ۴، پاراگراف ۴-۹۸ و فصل ۶، پاراگراف ۶-۱۵۸

پ۳-۱۸ ۲۰۰۸ SNA خدمات مالی را روشن‌تر از *SNA* ۱۹۹۳ تعریف می‌کند تا اطمینان حاصل شود که افزایش خدمات مالی غیر از واسطه‌گری‌های مالی، بویژه مدیریت ریسک مالی و

تبدیل نقدینگی، کاملاً پوشش داده شده است. خدمات مالی شامل خدمات پایش، خدمات تسهیل کننده، تأمین نقدینگی، عهده‌دار شدن ریسک، خدمات پذیره نویسی، خدمات خرید و فروش اوراق بهادار است. فصل ۱۷ دستورالعملی را برای هنگامی که خدمات ضمنی و صریح مالی هردو باید مشخص شوند از جمله معاملات ارز خارجی و معاملات اوراق بهادار ارائه می‌دهد.

۱۰. زیر بخشی کردن بخش شرکت‌های مالی بازنگری شده است تا گستره جدید خدمات، بازارها و ابزارهای مالی را نشان دهد

منبع: فصل ۴، پاراگراف‌های ۴-۹۸ الی ۴-۱۱۶

پ۳-۱۹ SNA ۲۰۰۸ یک طبقه‌بندی با جزئیات کمی بیشتر برای بخش شرکت‌های مالی ارائه می‌دهد تا انعطاف‌پذیری بیشتر و سازگاری بهتری با دیگر سیستم‌های آمارهای مالی نظیر سیستم‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی اروپا فراهم شود. بخش شرکت‌های مالی به ۹ زیربخش (در مقابل پنج زیر بخشِ *SNA* ۱۹۹۳) با توجه به فعالیت واحدهای مورد نظر در بازار و نقدشوندگی بدهی‌های آن‌ها تقسیم می‌شوند. این زیربخش‌ها عبارتند از (الف) بانک مرکزی، (ب) شرکت‌های سپرده‌پذیر بجز بانک مرکزی، (پ) صندوق‌های بازار پول (MMF)ها، (ت) صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیربازار پولی، (ث) سایر واسطه‌گری‌های مالی بجز شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی، (ج) فعالیت‌های مالی جنبی، (چ) نهادهای مالی داخلی و قرض دهندگان پول (ح) شرکت‌های بیمه (ICها) و (خ) صندوق‌های بازنشستگی (PFها).

پ۳-۲۰ با توجه به تفاوت قابل ملاحظه‌ای که در تعریف پول در کشورهای مختلف وجود دارد، SNA ۲۰۰۸ تعریفی از پول ارائه نمی‌دهد. با این حال، طبقه‌بندی شرکت‌ها و ابزارهای مالی طوری طراحی شده‌اند که با تعاریف ملی پولی سازگار هستند. از آنجا که "صندوق‌های بازار پول" جداگانه مشخص شده‌اند، می‌توان آن‌ها را به دلخواه منظور کرد یا کنار گذاشت.

پ. ویژگی‌های بیشترِ دامنه‌ی تراکنش‌های قرار گرفته در محدوده‌ی تولید

۱. تحقیق و توسعه یک فعالیت فرعی نیست

منبع: فصل ۶، پاراگراف ۶-۲۰۷

پ۳-۲۱ SNA ۲۰۰۸، فعالیت تحقیق و توسعه را یک فعالیت فرعی تلقی نمی‌کند. تحقیق و توسعه کار خلاقی است که بر پایه‌ای نظام‌مند به منظور افزایش موجودی دانش شامل دانش بشر، فرهنگ و جامعه انجام می‌شود و استفاده از این موجودیِ دانش را در برنامه‌های کاربردی جدید امکان‌پذیر می‌سازد. در SNA، تحقیق و توسعه به اندازه‌ای که سرمایه‌ی انسانی را به عنوان دارائی منظور کند گسترش داده نشده است. توصیه می‌شود در حد امکان برای تحقیق و توسعه یک کارگاه جدا مشخص شود.

پ۳-۲۲ SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که ستانده‌ی تحقیق و توسعه اگر خریداری یا برون سپاری شود باید به قیمت‌های بازار ارزش‌گذاری شود و اگر به حساب خود انجام شود باید با ارزشی که نشان دهنده‌ی جمع کل هزینه‌ها بعلاوه‌ی یک قیمت افزائی (مارک آپ) مناسب که نشان دهنده‌ی هزینه‌ی دارائی‌های ثابت استفاده شده در تولید است ارزیابی شود. تحقیق و توسعه‌ای که توسط آزمایشگاه‌ها یا نهادهای تخصصی بر مبنای تجاری انجام می‌شود طبق معمول با دریافت‌های حاصل از فروش‌ها، قراردادها، کمیسیون‌ها، حق‌الزحمه‌ها، و غیره ارزیابی می‌شوند. تحقیق و توسعه‌ای که توسط واحدهای دولتی، دانشگاه‌ها، نهادهای غیرانتفاعی و غیره انجام می‌شوند تولید غیربازاری هستند و باید

براساس کل هزینه‌های متقبل شده بدون منظور کردن برگشت سرمایه‌ی بکار گرفته شده ارزیابی شوند.

پ۳-۲۳ در ۱۹۹۳ *SNA*، این موضوع به رسمیت شناخته شده بود که تحقیق و توسعه با هدف ارتقای کارائی یا بهره‌وری، یا کسب سایر منافعِ آینده انجام می‌شود. ولی با وجود این که ویژگی‌هائی از این قبیل، دارای ماهیت فعالیت‌های سرمایه‌گذاری هستند، تحقیق و توسعه به عنوان بخشی از مصرف واسطه تلقی می‌شد. اگرچه توصیه شده بود که تحقیق و توسعه نباید به عنوان فعالیت فرعی تلقی شود بلکه باید یک کارگاه جدا به عنوان فعالیت ثانوی مشخص شود.

۲. روش محاسبه‌ی خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به‌طور غیرمستقیم (FISIM) اصلاح شده است

منبع: فصل ۶، پاراگراف‌های ۶-۱۶۳ الی ۶-۱۶۵

پ۳-۲۴ روش محاسبه‌ی خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به طور غیرمستقیم که به عنوان FISIM شناخته شده است با توجه به تجربه‌ی پیاده سازی توصیه‌های ۱۹۹۳ *SNA*، در ۲۰۰۸ SNA اصلاح شد. طبق قرارداد، ۲۰۰۸ SNA توصیه می‌کند که FISIM فقط به وام‌ها و سپرده‌ها و فقط وقتی که آن وام‌ها و سپرده‌ها توسط نهادهای مالی اعطاء می‌شوند یا پذیرفته می‌شوند اعمال گردد. ۲۰۰۸ SNA ستانده‌ی FISIM را فقط برای وام‌ها (y_L) و سپرده‌ها y_D با استفاده از نرخ مرجع (rr) محاسبه می‌کند. با فرض این که این وام‌ها و سپرده‌ها به ترتیب با نرخ‌های r_L و r_D جذب می‌شوند، ستانده‌ی FISIM باید مطابق فرمول زیر محاسبه شود:

$$(r_L - rr)y_L + (rr - r_D)y_D$$

پ۳-۲۵ روش توصیه شده در ۲۰۰۸ SNA برای محاسبه‌ی FISIM تغییرات متعددی را نسبت به فرمول ۱۹۹۳ *SNA* نشان می‌دهد. برای واسطه‌گری‌های مالی، همه‌ی وام‌ها و سپرده‌ها در نظر گرفته می‌شوند، نه فقط آن‌هائی که از وجوه واسطه‌گری ایجاد می‌شوند. نرخ مرجع باید عنصر خدمت را در بر داشته باشد و ریسک و ساختار سررسید سپرده‌ها و وام‌ها را منعکس سازد. نرخ حاکم بر وام‌گیری و وام‌دهی بین بانک‌ها می‌تواند گزینه‌ی مناسبی برای نرخ مرجع باشد. ممکن است برای هر پولی که وام‌ها و سپرده‌ها با آن بیان می‌شوند، بویژه هنگامی که یک نهاد مالی غیرمقیم درگیر است، نرخ‌های مرجع متفاوتی مورد نیاز باشد. برای بانک‌های داخل یک کشور اغلب خدمات ارائه شده‌ی اندکی، اگر وجود داشته باشد، مربوط به بانک‌های وام دهنده و وام گیرنده وجود خواهد داشت.

پ۳-۲۶ ۲۰۰۸ SNA توصیه می‌کند که مصرف FISIM باید بین استفاده کنندگان (هم وام‌دهندگان و هم وام‌گیرندگان) تخصیص داده شود به‌گونه‌ای که مبلغ تخصیص داده شده یا به عنوان مصرف واسطه توسط بنگاه‌ها یا به عنوان مصرف نهائی یا صادرات تلقی شود.

پ۳-۲۷ در ۱۹۹۳ *SNA*، FISIM به‌صورت تفاوت بین درآمد دارائی دریافتنی و بهره‌ی پرداختنی محاسبه می‌شد. درآمد دارائی دریافتنی قسمتی را که از سرمایه‌گذاری وجوه خودِ واسطه‌گری مالی حاصل می‌شد کنار می‌گذاشت. ۱۹۹۳ *SNA* دریافته بود که در عمل ممکن است پیدا کردن روشی برای تخصیص FISIM بین استفاده کنندگان مختلف مشکل باشد و بنابراین، پذیرفته بود که برخی از کشورها ممکن است ترجیح دهند به استفاده از قاعده‌ای که به موجب آن کل خدمات به مصرف واسطه‌ی یک صنعت (رشته‌فعالیت) فرضی تخصیص داده می‌شود ادامه دهند. در ۲۰۰۸ SNA این امکان حذف شد.

۳. ستانده بانک مرکزی مشخص شده است

منبع: فصل ۶، پاراگراف‌های ۶-۱۵۱ الی ۶-۱۵۶؛ فصل ۷، پاراگراف‌های ۷-۱۲۲ الی ۷-۱۲۶

پ۳-۲۸ خدمات تولید شده توسط بانک مرکزی در سه گروه عمده واسطه‌گری مالی، خدمات سیاست پولی و خدمات نظارتی با نظارت بر شرکت‌های مالی مشخص شده است.۲۰۰۸ SNA

توصیه می‌کند که وقتی میزان هریک از این فعالیت‌ها در کل برای حساب‌ها قابل ملاحظه است، باید برای هریک از واحدهای بانک مرکزی که این سه نوع خدمت مختلف را انجام می‌دهند کارگاه‌های جداگانه‌ای مشخص شود. این کار تفکیک ستانده‌ی بازاری و غیربازاری بانک مرکزی را آسان می‌سازد. خدمات واسطه‌گری مالی نشان دهنده‌ی تولید بازاری است، خدمات سیاست پولی نشان دهنده‌ی تولید غیربازاری است و موارد ویژه نظیر خدمات نظارتی، بسته به این که حق‌الزحمه‌ی مشخصی بابت آن دریافت شود که تکافوی هزینه‌های ارائه این خدمات را بدهد یا خیر به عنوان خدمات بازاری یا خدمات غیربازاری تلقی می‌شوند.

پ۳-۲۹ SNA ۲۰۰۸ راهنمائی را ارائه می‌دهد به این نحو که فعالیت‌های غیربازاری باید به عنوان تحصیل خدمات جمعی توسط دولت با انتقالات متناظر آن از بانک مرکزی به دولت در نظر گرفته شود، بنابراین برای این خدمات هزینه‌ی خالصی برای دولت وجود ندارد. خدمات بازاری بر مبنای فردی بازای پرداخت بابت خدمات به همه‌ی بخش‌های اقتصاد ارائه می‌شوند.

پ۳-۳۰ در مواردی که نرخ بهره توسط بانک مرکزی بقدری زیاد یا بقدری کم تعیین می‌شود که نشان دهنده‌ی در بر داشتن یارانه یا مالیات ضمنی است، SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که اگر این‌ها قابل ملاحظه هستند باید به‌طور روشن آن‌گونه که هستند ثبت شوند. این مالیات‌ها یا یارانه‌ها باید به عنوان دریافتنی و پرداختنی توسط دولت ولی با انتقالات متناظر از دولت به بانک مرکزی در مورد مالیات و انتقالات از بانک مرکزی به دولت در مورد یارانه ثبت شوند.

پ۳-۳۱ در *SNA ۱۹۹۳*، توصیه شده بود که خدمات بانک مرکزی براساس دریافتی از حق‌الزحمه‌ها، کمیسیون‌ها، و خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به‌طور غیرمستقیم محاسبه شود. از اعمال این روش گاهی اوقات برآوردهای غیرمعمولِ مثبت یا منفی بزرگی برای ستانده حاصل می‌شد. به این دلیل در سال ۱۹۹۵، گروه کاری بین دبیرخانه‌ایِ حساب‌های ملی (ISWGNA) توصیه‌ی اندازه‌گیری ستانده‌ی بانک مرکزی را بازنگری کرد. اگر روش سنتی به‌طور مستمر منجر به نتایج نامطلوبی شود، کشورها می‌توانند به عنوان روش بهترین دوم، ستانده را مانند سایر ستانده‌ی بازاری براساس هزینه اندازهگیری کنند. ولی، ISWGNA راهنمائی بیشتری درباره‌ی اعمال ارزش‌گذاریِ مبتنی بر هزینه برای ثبت تراکنش‌های دیگر بانک مرکزی نظیر پرداخت‌ها و دریافت‌های بهره ارائه نمی‌دهد. همچنین نشان نمی‌دهد که کدام واحد یا واحدها از ستانده‌ی بانک مرکزی که به این شیوه ارزیابی می‌شود، استفاده می‌کنند.

۴. نحوه‌ی ثبت ستانده‌ی خدمات بیمه‌ی غیرزندگی اصلاح شده است

منبع: فصل ۶، پاراگراف‌های ۶-۱۸۴ الی ۶-۱۹۰ و ۶-۱۹۹؛ فصل ۱۷، پاراگراف‌های ۱۷-۱۳ الی ۱۷-۴۲

پ۳-۳۲ این موضوع تأئید شده است که در مورد زیان‌های ناشی از بلایا ستانده‌ی فعالیت بیمه که با استفاده از قواعد اولیه‌ی *SNA ۱۹۹۳* برآورد می‌شود، ممکن است بسته به تراز حق‌بیمه‌ها و خسارت‌ها (بر مبنای تعهدی)، بی‌نهایت بی‌ثبات (حتی منفی) باشد. بنابراین SNA ۲۰۰۸، توصیه می‌کند که ستانده‌ی فعالیت بیمه‌ی غیرزندگی با استفاده از خسارت‌های تعدیل شده و حق‌بیمه‌های مکمل تعدیل شده محاسبه شود. با استفاده از این روش، ممکن است خالص حق‌بیمه‌های دریافتنی و خسارت‌های تعلق گرفته تعدیل شده لزوماً دیگر برای هر دوره‌ای مساوی نباشد.

پ۳-۳۳ SNA ۲۰۰۸ سه رهیافت، "رهیافت انتظارات"، "رهیافت حسابداری" و "رهیافت هزینه" را برای برآورد ستانده‌ی بیمه‌ی غیرزندگی توصیه می‌کند. رهیافت انتظارات عبارت از تکرار مدلِ ناظر به آینده‌ی بکار برده شده توسط شرکت‌های بیمه‌گر برای تعیین حق‌بیمه‌ها براساس انتظاراتشان است. در پذیرفتن ریسک و تعیین حق‌بیمه‌ها بیمه‌گذار انتظارتشان از زیان (خسارت‌ها) و درآمد (حق‌بیمه‌ها و حق‌بیمه‌های مکمل) هردو را مد نظر قرار می‌دهند. این حاشیه‌ی مورد انتظار (حق‌بیمه‌ها بعلاوه مکمل‌های حق‌بیمه‌ی مورد انتظار منهای خسارت‌های مورد

انتظار) سنجه‌ی بهتری از خدمات بیمه نسبت به فرمول ناظر به گذشته‌ی *SNA ۱۹۹۳* فراهم می‌کند. داده‌های خُرد حاصل از حساب‌های شرکت‌های بیمه می‌توانست برای رهیافت انتظارات مورد استفاده قرار گیرد ولی این اطلاعات به ندرت در دسترس سازمان‌های آماری قرار می‌گیرند. در فقدان این داده‌ها، SNA ۲۰۰۸ اعمال یک تکنیک آماری را برای شبیه‌سازی این رهیافت با استفاده از آمارهای خرد و استفاده از هموار کردن داده‌های گذشته برای پیش‌بینی خسارت‌های مورد انتظار توصیه می‌کند.

پ۳-۳۴ متناوباً، ممکن است یک رهیافت حسابداری که از طریق آن ستانده به صورت: حق‌بیمه‌های واقعی عاید شده بعلاوه حق‌بیمه‌های مکمل منهای خسارت‌های متحمل شده‌ی تعدیل شده محاسبه می‌شود بکار برده شود؛ که خسارت‌های تعدیل شده با استفاده از خسارت‌های تعلق گرفته بعلاوه تغییرات در متعادل سازی ذخائر و، در صورت لزوم، تغییرات در وجوهِ خود تعیین می‌شود.

پ۳-۳۵ اگر داده‌های حسابداری مورد نیاز در دسترس نباشد و داده‌های آماری تاریخی وجود نداشته باشد تا برای برآورد ستانده از رهیافت انتظارات استفاده شود، ستانده‌ی بیمه‌ی غیرزندگی می‌تواند از حاصل جمع هزینه‌ها (شامل هزینه‌های واسطه، هزینه‌های نیروی کار و هزینه‌های سرمایه) بعلاوه حاشیه‌ی "سود عادی" برآورد شود.

پ۳-۳۶ برای ادعای خسارت‌های بزرگِ استثنائی، نظیر خسارت‌های حاصل از بلایا، ادعای خسارت‌ها ممکن است بجای انتقالاتِ عادیِ جاری، به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ثبت شود.

پ۳-۳۷ SNA ۲۰۰۸ اصطلاح "بدهی خسارت‌ها" را به "خسارت‌های متقبل شده" تغییر داده است.

۵. بیمه‌ی اتکائی مشابه بیمه مستقیم تلقی شده است

منبع: فصل ۶، پاراگراف ۶-۲۰۰؛ فصل ۱۷، پاراگراف‌های ۱۷-۵۶ الی ۱۷-۶۵

پ۳-۳۸ SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که بیمه اتکائی به همان شیوه بیمه مستقیم عمل شود. تراکنش‌های بین بیمه‌گر مستقیم و بیمه‌گر اتکائی به صورت مجموعه‌ی کاملاً جدا ثبت می‌شوند و بین تراکنش‌های بیمه‌گر مستقیم به عنوان صادر کننده‌ی بیمه‌نامه به مشتریان خود از یک سو و دارنده‌ی یک بیمه‌نامه با بیمه‌گر اتکائی از سوی دیگر تلفیق انجام نمی‌شود. حق‌بیمه‌ها به‌گونه‌ای نشان داده می‌شوند که ابتدا به بیمه‌گر مستقیم و سپس با حق‌بیمه کمتری به بیمه‌گر اتکائی پرداختنی هستند. این عدم تلفیق در طرفِ بیمه‌گر مستقیم به عنوان ثبت ناخالص نامیده می‌شود.

پ۳-۳۹ خدمات تولید شده توسط شرکت‌های بیمه‌ی اتکائی به عنوان مصرف واسطه‌ی بیمه‌گر مستقیم تلقی می‌شوند.

پ۳-۴۰ در *SNA ۱۹۹۳*، تراکنش‌های بیمه‌ی اتکائی با تراکنش‌های بیمه‌ی مستقیم به‌گونه‌ای تلفیق می‌شد که تقسیم‌بندی بین بیمه‌ی مستقیم و بیمه‌ی اتکائی نشان داده نمی‌شد.

۶. ارزش‌گذاری ستانده برای استفاده نهائی خود توسط خانوارها و شرکت‌ها برای منظور کردن برگشت سرمایه

منبع: فصل ۶، پاراگراف ۶-۱۲۵

پ۳-۴۱ SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که هنگام برآورد ارزش ستانده‌ی کالاها و خدمات تولید شده توسط خانوارها و شرکت‌ها برای استفاده نهائی خود، وقتی در نبودِ قیمت‌های قابل مقایسه‌ی بازار، برای برآورد ستانده از رهیافت جمع کل هزینه استفاده می‌شود، شیوه‌ی صحیح این است که برگشت سرمایه به عنوان قسمتی از جمع هزینه‌ها منظور گردد. اما، هنگامی که تولید برای استفاده نهائی خود توسط تولیدکنندگان غیربازاری انجام می‌شود، نباید برگشت سرمایه منظور شود.

پ۳-۴۲ *SNA ۱۹۹۳* در برآورد ستانده‌ی کالاها و خدمات تولید شده برای استفاده نهائی خود توسط خانوارها و شرکت‌ها هنگامی که این‌ها به صورت جمع کل هزینه‌ها برآورد می‌شد، برگشت سرمایه را منظور نمی‌کرد.

ت. گسترش و ویژگی‌های بیشترِ مفاهیم دارائی‌ها، تشکیل سرمایه و مصرف سرمایه‌ی ثابت

۱. تغییر مالکیت اقتصادی معرفی شده است

منبع: فصل ۳، پاراگراف ۳-۲۱، ۳-۲۶، ۳-۱۶۹؛ فصل ۱۰، پاراگراف ۱۰-۵

پ۳-۴۳ تغییر مالکیت یک اصل تعیین کننده‌ی اساسی در زمان ثبت تراکنش‌های کالاها، خدمات و دارائی‌های مالی است. اصطلاح "مالکیت اقتصادی" واقعیت بنیادی را که حساب‌های اقتصادی برای اندازه‌گیری آن تلاش می‌کند بهتر منعکس می‌سازد. در مالکیت اقتصادی این موضوع در نظر گرفته می‌شود که ریسک‌ها و پاداش‌های مالکیت در کجا قرار دارند. تغییر مالکیت از نظر اقتصادی به این معنی است که همه‌ی ریسک‌ها، پاداش‌ها، حقوق و مسئولیت‌های مالکیت منتقل می‌شوند.

پ۳-۴۴ SNA ۲۰۰۸ برای تشخیص مالکیت قانونی از مالکیت اقتصادی، یک راهنما ارائه می‌دهد و توصیه می‌کند که دارائی‌ها بجای ترازنامه‌های مالک قانونی در ترازنامه‌های مالک اقتصادی ثبت شوند. برای دارائی غیرمالی، اگر مالک قانونی موافقت کند که استفاده کننده حق کسب منافع حاصل از استفاده‌ی دارائی در تولید را در مقابل پذیرفتن ریسک‌های مربوطه داشته باشد، استفاده کننده و نه مالک قانونی، مالکیت اقتصادی را در اختیار دارد. به‌طور مشابه، وقتی محصولات دست به دست می‌گردند، واحدی که در موارد تخریب، دزدی و غیره مسئولیت می‌پذیرد مالک اقتصادی است. در مورد دارائی‌های مالی نیز مالکیت به پذیرش ریسک مربوط می‌شود. وقتی زمان ثبت به تغییر مالکیت بستگی دارد، منظور تغییر مالکیت اقتصادی است مگر این که به روشنی مشخص شده باشد.

پ۳-۴۵ *SNA ۱۹۹۳* به روشنی مالکیت را تعریف نکرده بود. اغلب بنظر می‌رسید که مالکیت دلالت بر مالکیت قانونی دارد، ولی در برخی موارد، وقتی مالکیت قانونی بدون تغییر می‌ماند، تکیه بر مفهوم تغییر مالکیت اقتصادی داشت.

۲. محدوده‌ی دارائی گسترش داده شده است تا تحقیق و توسعه را در بر گیرد

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف‌های ۱۰-۱۰۳ الی ۱۰-۱۰۵

پ۳-۴۶ همان‌گونه که در بخش پ اشاره شد، در SNA ۲۰۰۸ فعالیت تحقیق و توسعه به عنوان فعالیت فرعی تلقی نمی‌شود. ستانده‌ی تحقیق و توسعه باید تحت عنوان "محصولات مالکیت فکری"، به عنوان سرمایه در نظر گرفته شود بجز در مواردی که روشن است که این فعالیت برای تولید کننده‌ی آن (از اینرو مالک آن) منافع اقتصادی در پی ندارد که در این صورت به عنوان مصرف واسطه تلقی می‌شود. با وارد کردن تحقیق و توسعه در محدوده‌ی دارائی‌ها، رده‌ی دارائی حق اختراع به عنوان شکلی از دارائی‌های تولید نشده در *SNA ۱۹۹۳* از بین می‌رود و تحقیق و توسعه در دارائی‌های ثابت جای آن را می‌گیرد.

پ۳-۴۷ برای این که با R&D به این شیوه برخورد شود، مسائل متعددی باید مورد توجه قرار گیرد. این مسائل شامل بدست آوردن سنجه‌های تحقیق و توسعه، شاخص قیمت‌ها و عمر خدمت هستند. راهنماهای ویژه همراه با دستنامه‌های مربوط به روش‌ها و اجرا، شیوه‌ی مناسبی را برای کارکردن در جهت راه‌حل‌هائی که سطح مطلوبی از اعتماد در نتایج حاصله ارائه دهد، فراهم خواهد کرد.

پ۳-۴۸ منظور کردنِ تحقیق و توسعه به عنوان دارائی‌های تولید شده، ناسازگاری *SNA ۱۹۹۳* در مورد برخورد با حق اختراع به عنوان دارائی‌های تولید نشده و برخورد با پرداخت‌های حق امتیاز به عنوان پرداخت برای خدمات را از بین می‌برد.

۳. طبقه‌بندی بازنگری شده برای دارائی‌ها معرفی شده است

منبع: فصل ۳، پاراگراف‌های ۳-۵، ۳-۳۰ الی ۳-۳۱، ۳-۳۷ الی ۳-۳۹؛ فصل ۱۰، پاراگراف ۱۰-۸

پ۳-۴۹ تعریف دارائی در SNA ۲۰۰۸ اصلاح شده است به‌طوری که مسائلی نظیر ریسک، ارزش قابل مشاهده و تعهدات سازنده را پوشش داده است. دارائی به عنوان ذخیره‌ی ارزش تعریف می‌شود که نشان دهنده‌ی منفعت یا سری منافعی است که با نگه‌داشتن یا بکار بردن آن در طول دوره‌ای از زمان به مالک اقتصادی تعلق می‌گیرد. دارائی وسیله‌ای برای انتقال ارزش از یک دوره‌ای به دوره دیگر حسابداری است.

پ۳-۵۰ با در نظر گرفتن طبقه‌بندی دارائی‌ها، SNA ۲۰۰۸، مانند SNA قبلی، در نخستین سطح طبقه‌بندی دارائی‌های غیرمالی و دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند. در درون دارائی‌های غیرمالی، دارائی‌های تولید شده و تولید نشده را متمایز می‌سازد. در طبقه‌بندی دارائی‌های تولید شده و تولید نشده، دارائی‌های ملموس و غیرملموس از یکدیگر جدا نشده‌اند. دارائی‌های تولید نشده در SNA ۲۰۰۸ به سه رده، منابع طبیعی، قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها، و خرید و فروش سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی تقسیم می‌شوند.

پ۳-۵۱ دارائی‌های تولید نشده در SNA ۲۰۰۸ به شرح زیر طبقه-بندی می‌شوند:

دارائی‌های تولید شده

دارائی‌های ثابت
- واحدهای مسکونی
- سایر بناها و سازه‌ها
- بناهای غیر مسکونی
- سایر سازه‌ها
- بهسازی زمین

ماشین‌آلات و تجهیزات
- تجهیزات حمل و نقل
- تجهیزات ICT
- سایر ماشین‌آلات و تجهیزات

سیستم‌های تسلیحاتی

منابع زیستی پرورشی
- منابع حیوانی با ثمردهی مکرر
- درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی مکرر محصولات

هزینه‌های انتقال مالکیت دارائی‌های تولید نشده

محصولات مالکیت فکری
- تحقیق و توسعه
- اکتشاف و ارزیابی معادن
- نرم‌افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها
- نرم‌افزارهای رایانه‌ای
- پایگاه داده‌ها
- نسخه اصلی کارهای سرگرمی، ادبی و هنری
- سایر محصولات مالکیت فکری

موجودی انبار
- مواد و ملزومات
- کار در جریان تولید (ساخت)
- کار در جریان تولید منابع زیستی پرورشی
- سایرکارهای در جریان تولید
- کالاهای تکمیل شده
- موجودی انبار نظامی
- کالاها برای بازفروشی

اشیاء گرانبها
- فلزات و سنگ‌های قیمتی
- عتیقه‌جات و سایر اشیاء هنری
- سایر اشیاء گرانبها

دارائی‌های تولید نشده

منابع طبیعی
- زمین
- ذخائر انرژی و معدنی
- منابع زیستی غیرپرورشی
- منابع آبی
- سایر منابع طبیعی
- طیف رادیوئی
- سایر

قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها
- اجاره‌نامه‌های عملیاتی قابل فروش
- مجوزهای استفاده از منابع طبیعی
- مجوزهای انجام فعالیت‌های خاص

حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده
سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی

پ۳-۵۲ در طبقه‌بندی ارائه شده در SNA ۲۰۰۸ برای دارائی‌ها، تغییرات متعددی در داخل رده‌ی دارائی‌های ثابت وجود دارد.

الف. در بناها و سازه‌ها، یک رده برای بهسازی زمین اضافه شده است. این رده بجای اصطلاح "بهسازی عمده‌ی دارائی‌های غیرمالی تولید نشده" جایگزین شده است. هزینه‌های انتقال مالکیت مربوط به همه‌ی زمین‌ها باید در بهسازی‌های زمین منظور شود.

ب. تجهیزات اطلاعات، رایانه و مخابرات (ICT) به عنوان یک رده‌ی جدید در زیر ماشین‌آلات و تجهیزات وارد شده است.

پ. سیستم‌های تسلیحاتی به عنوان دارائی‌های تولید شده شناخته شده و به‌صورت جداگانه طبقه شده است.

ت. اصطلاح دارائی‌های ثابت ناملموس به صورت "محصولات مالکیت فکری" نامیده شده است. کلمه‌ی محصولات برای این وارد شده است تا روشن سازد که این رده حقوق طرف سوم را که در SNA دارائی‌های تولید نشده است در بر نمی‌گیرد.

ث. محصولات تحقیق و توسعه در داخل محصولات مالکیت فکری گنجانده شده است. در نتیجه حق اختراع‌ها دیگر به عنوان دارائی‌های تولید نشده نشان داده نمی‌شوند و در تحقیق و توسعه منظور می‌شوند.

ج. قلم "اکتشاف معادن" به عنوان "اکتشاف و ارزیابی معادن" نامیده شده است تا بر پوشش حسابداری استاندارد بین‌المللی تأکید کند.

چ. نرم‌افزارهای رایانه‌ای تغییر داده شده است تا پایگاه داده‌ها را در بر گیرد؛ نرم‌افزار و پایگاه داده‌ها دو مؤلفه‌ی این رده هستند.

ح. اصطلاح "سایر محصولات مالکیت فکری" جایگزین "سایر دارائی‌های ثابت ملموس" شده است.

پ۳-۵۳ تنها تغییر در موجودی انبار این است که موجودی انبار نظامی جداگانه نشان داده می‌شود.

پ۳-۵۴ تغییراتِ درون رده‌ی دارائی‌های تولید نشده به شرح زیر است:

الف. "دارائی‌های ملموس تولید نشده‌ی" *SNA ۱۹۹۳* به عنوان "منابع طبیعی" نامیده شده‌اند.

ب. سایر منابع طبیعی نظیر طیف رادیوئی اضافه شده است و سرفصل "دارائی‌های تولید نشده‌ی ناملموس" به دو زیررده‌ی "قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها" و "سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی" تقسیم شده است.

. قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها به چهار زیررده تقسیم شده‌اند: اجاره‌نامه‌های عملیاتی قابل فروش، مجوزهای استفاده از منابع طبیعی، مجوزهای انجام فعالیت‌های خاص، حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده.

. رده‌ی قبلیِ سرقفلی خریداری شده به سرقفلی خریداری شده و دارائی‌های بازاریابی تغییر یافته است با تغییراتی در پوشش آن که در سطرهای زیرین در قلم ۱۱ شرح داده شده است.

۴. گسترش محدوده‌ی دارائی‌ها و تشکیل سرمایه‌ی ناخالص دولت برای وارد کردن مخارج مربوط به سیستم‌های تسلیحاتی

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف‌های ۱۰-۸۷ و ۱۰-۱۴۴

پ۳-۵۵ سیستم‌های تسلیحاتی نظامی متشکل از وسایل نقلیه و سایر تجهیزات نظیر ناوهای جنگی، زیردریائی‌ها، هواپیماهای نظامی، تانک‌ها، وسایل نقلیه و پرتاب کننده‌های موشک و غیره هستند که به‌طور مستمر در تولید خدمات دفاعی بکار می‌روند، اگرچه کاربری آن‌ها در زمان صلح فقط نقش بازدارندگی است. بنابراین، SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که سیستم‌های تسلیحاتی نظامی باید به عنوان دارائی‌های ثابت طبقه‌بندی شوند و این که طبقه-بندی سیستم‌های تسلیحاتی نظامی به عنوان دارائی‌های ثابت باید مبتنی بر همان معیار طبقه‌بندی سایر دارائی‌های ثابت باشد؛ یعنی دارائی‌های تولید شده که بکرات یا به‌طور مستمر در فرآیندهای تولید برای بیش از یک سال مورد استفاده قرار می‌گیرند.

پ۳-۵۶ اقلام تک کاربردی، نظیر مهمات، موشک‌ها، راکت‌ها، بمب‌ها و غیره که بوسیله‌ی اسلحه‌ها یا سیستم‌های تسلیحاتی حمل می‌شوند به عنوان موجودی انبار نظامی تلقی می‌شوند. اما، برخی اقلام تک کاربردی، نظیر انواع مشخصی از موشک‌های بالستیک با قدرت تخریب بالا، ممکن است خدمات مستمر بازدارنده در مقابل متجاوزین فراهم کنند و با معیار کلی طبقه‌بندی در دارائی‌های ثابت هماهنگی داشته باشند.

پ۳-۵۷ برخلاف *SNA ۱۹۹۳*، موجودی‌های انبار راهبردی، از سایر موجودی‌های انبار از همان نوع محصولات جدا نمی‌شوند.

پ۳-۵۸ *SNA ۱۹۹۳* تنها آن قسمت از مخارج مربوط به دارائی‌های ثابت از نوعی که می‌توانستند برای اهداف غیرنظامیِ تولید بکار روند به عنوان تشکیل سرمایه ثابت تلقی می‌کرد. از سوی دیگر، سلاح‌های نظامی، و وسایل نقلیه و تجهیزاتی که تنها هدف آن‌ها پرتاپ یا حمل این نوع سلاح‌ها بود به عنوان تشکیل سرمایه ثابت تلقی نمی‌شد ولی به عنوان مصرف واسطه در نظر گرفته می‌شد.

۵. رده‌ی "نرم‌افزارهای رایانه‌ای" در دارائی‌ها برای وارد کردن پایگاه داده‌ها اصلاح شده است

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف‌های ۱۰-۱۰۰ الی ۱۰-۱۰۱

پ۳-۵۹ در SNA ۲۰۰۸، رده‌ی دارائی "نرم‌افزارهای رایانه‌ای" *SNA ۱۹۹۳* تغییر داده شده است تا پایگاه داده‌ها زیر عنوان "نرم‌افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها" با تفکیک جزئی‌تر بین "نرم‌افزارهای رایانه‌ای" و "پایگاه داده‌ها" منظور شوند.

پ۳-۶۰ SNA ۲۰۰۸ راهنمای روشنی برای ارزش‌گذاری نرم افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌های خریداری شده از بازار یا تولید شده به حساب خود ارائه می‌دهد. نرم‌افزار رایانه‌ای و پایگاه داده‌های خریداری شده در بازار باید به قیمت‌های خریدار ارزش‌گذاری شوند در حالی که آن‌هائی که به حساب خود تولید می‌شوند باید به قیمت پایه برآورد شوند یا در صورت عدم امکان برآورد به قیمت پایه، بر اساس هزینه-های تولیدشان (شامل برگشت سرمایه برای تولید کنندگان بازاری) برآورد شوند.

پ۳-۶۱ SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند همه‌ی پایگاه‌های داده‌ی حاوی داده‌هائی با عمر مفید بیش از یک سال به عنوان دارائی‌های ثابت تلقی شوند. هردوی پایگاه داده‌های تولید شده به حساب خود و آن‌هائی که برای فروش تولید می‌شوند در صورتی که با این معیار مطابقت داشته باشند باید به عنوان دارائی‌های ثابت منظور شوند.

پ۳-۶۲ در *SNA ۱۹۹۳*، تنها پایگاه داده‌های "بزرگ" به عنوان دارائی شناخته می‌شد.

۶. نسخه‌های اصلی و کپی‌های آن، محصولات متمایز از یکدیگر شناخته شده‌اند

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف‌های ۱۰-۱۰۰ الی ۱۰-۱۰۱

پ۳-۶۳ SNA ۲۰۰۸ راهنمای مربوط به نحوه برخورد با نسخه‌های اصلی و کپی‌های محصولات مالکیت فکری را به عنوان محصولات متمایز از یکدگیر ارائه می‌دهد. SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که اگر کپی به بیرون فروخته شود و انتظار برود که برای بیش از یک سال در تولید استفاده شود، باید به عنوان دارائی ثابت تلقی شود. کپی‌هائی که تحت

پروانه‌ی استفاده در دسترس قرار می‌گیرند نیز در صورتی که برای بیش از یک سال در تولید استفاده شوند و پروانه‌ی آن همه‌ی ریسک‌ها و پاداش‌های مالکیت را در بر داشته باشند باید به عنوان دارائی ثابت تلقی شوند.

پ۳-۶۴ اگر یک کپی با پروانه‌ی استفاده بازای پرداخت‌های عادی طی یک قرارداد چند ساله خریداری شود و از پروانه‌ی استفاده چنین استنباط شود که مالکیتِ اقتصادی کپی را تحصیل کرده باشد، در این صورت خرید کپی باید به عنوان تحصیل یک دارائی در نظر گرفته شود. اگر پرداخت‌های عادی برای پروانه‌ی استفاده بدون قرارداد بلندمدت صورت گرفته باشد، در این صورت پرداخت‌ها باید به عنوان پرداخت برای خدماتِ استفاده از کپی تلقی شود.

پ۳-۶۵ اگر در ابتدا یک پرداخت بزرگ و در پی آن در سال‌های بعد سری پرداخت‌های کوچک‌تر انجام شود، پرداخت اولیه باید به عنوان تشکیل سرمایه‌ی ناخالص و پرداخت‌های بعدی به عنوان پرداخت بابت ارائه خدمات تلقی شوند.

پ۳-۶۶ اگر دارنده‌ی پروانه مجاز باشد از روی نسخه اصلی تکثیر کند و در پی آن مسئولیت توزیع، حمایت و نگه‌داری این کپی‌ها را به عهده بگیرد، در این صورت این پروانه به عنوان پروانه‌ی تکثیر نامیده می‌شود و باید به عنوان فروشِ قسمتی از نسخه‌ی اصلی یا همه‌ی آن به واحد دارنده‌ی پروانه‌ی تکثیر برخورد شود.

پ۳-۶۷ در *SNA ۱۹۹۳* راهنمائی درباره‌ی برخورد با نسخه‌ی اصلی و کپی‌ها به صورت محصولات متمایز ارائه نشده بود.

۷. مفهوم خدمات سرمایه معرفی شده است

منبع: فصل ۲۰

پ۳-۶۸ خدمات سرمایه برای دارائی‌های بکار رفته در تولیدِ بازاری به‌طور ضمنی در *SNA ۱۹۹۳* منظور شده بود ولی به‌طور جداگانه مشخص نشده بود. با فرض اهمیت تشخیص خدمات سرمایه برای اندازه‌گیری بهره‌وری و دیگر تحلیل‌ها، فصل جدیدی در SNA ۲۰۰۸ اضافه شده است که نقش خدمات سرمایه و نحوه‌ی نشان دادن آن‌ها در حساب‌ها را تشریح می‌کند. جزئیات را می‌توان برای تولیدکنندگان بازاری در جدول تکمیلی ارائه کرد تا پیشرفت‌های حاصل از پژوهش در زمینه‌ی رشد و بهره‌وری در SNA در دهه اخیر نشان داده شود و نیز نیازهای تحلیلی بسیاری از کاربران برآورده شود.

۸. نحوه برخورد با هزینه‌های انتقال مالکیت شفاف شده است

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف‌های ۱۰-۴۸ الی ۱۰-۵۲، پاراگراف ۱۰-۹۷ و پاراگراف‌های ۱۰-۱۵۸ الی ۱۰-۱۶۲

پ۳-۶۹ همانند *SNA ۱۹۹۳*، SNA ۲۰۰۸ نیز برخورد با هزینه‌های انتقال مالکیت به عنوان تشکیل سرمایه ثابت را ادامه می‌دهد. هزینه‌های انتقال مالکیت مربوط به تحصیل یک دارائی باید بجای تمام عمر دارائی، در طول دوره‌ای که انتظار می‌رود دارائی در اختیار خریدار باشد مستهلک شود (همان‌گونه که در *SNA ۱۹۹۳* توصیه شده بود). هزینه‌های انتقال مالکیت مربوط به واگذاری یک دارائی نیز باید در طول دوره‌ای که دارائی در اختیار است مستهلک شود. SNA ۲۰۰۸ با شناخت از این که اجرای این توصیه ممکن است وقتی داده‌های کافی وجود ندارد مشکل باشد، توصیه می‌کند که این هزینه‌ها هنوز هم باید به عنوان تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص ثبت شوند ولی به عنوان مصرف سرمایه‌ی ثابت در سالی که متقبل می‌شوند مستهلک شوند. هزینه‌های نصب و برچیده شدن باید وقتی به‌صورت جداگانه صورت‌حساب می‌شوند در هزینه‌های انتقال مالکیت منظور شوند و در غیر این صورت، در قیمت خریدار دارائی در نظر گرفته شوند.

پ۳-۷۰ هزینه‌های پایانی (از قبیل هزینه‌های برچیدن) باید در طی تمام عمر دارائی صرف نظر از تعداد مالکین آن‌ها مستهلک شود. در عمل، ممکن است پیش‌بینی دقیق هزینه‌های پایانی مشکل باشد. هر مبلغی که قبلاً بوسیله‌ی مصرف سرمایه‌ی ثابت در طول دوره‌ی عمر دارائی پوشش داده

نشده باشد، در زمانی که هزینه‌ها به عنوان مصرف سرمایه‌ی ثابت رخ می‌دهند مستهلک خواهند شد.

پ۳-۷۱ در *SNA ۱۹۹۳*، توصیه شده بود که هزینه‌های انتقال مالکیت در تحصیل یک دارائی در تمام عمر دارائی نوشته شود. اگر دارائی قبل از پایان عمر آن فروخته می‌شد، باقی‌مانده‌ی هزینه‌های انتقال مالکیت مربوط به تحصیل دارائی که قبلاً مستهلک نشده بود در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها مستهلک می‌شد.

پ۳-۷۲ در *SNA ۱۹۹۳* درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با هزینه‌های پایانی صراحت وجود نداشت.

۹. اکتشاف و ارزیابی معادن

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف‌های ۱۰-۱۰۶ الی ۱۰-۱۰۸

پ۳-۷۳ در SNA ۲۰۰۸، تفاوت بین عمل اکتشاف برای ذخائر معدنی (که به عنوان دارائی تولید شده تلقی می‌شود) و خودِ ذخائر معدنی (که به عنوان دارائی تولید نشده تلقی می‌شود) حفظ شده است. اصطلاح "اکتشاف معادن" به عنوان "اکتشاف و ارزیابی معادن" تغییر نام داده شده است تا با اصطلاح بکار برده شده در استانداردهای بین‌المللی حسابداری هماهنگی داشته باشد، ضمناً تعریف آن نیز به‌گونه‌ای سازگار با استانداردهای حسابداری انجام شده است.

پ۳-۷۴ در SNA ۲۰۰۸ راهنمائی ارائه شده است که طی آن اکتشاف و ارزیابی معادن در صورت خرید باید به قیمت بازار ارزش‌گذاری شود و در صورتی که به حساب خود انجام شود باید از طریق جمع هزینه‌ها بعلاوه یک قیمت افزائی (مارک آپ) مناسب ارزش‌گذاری شود.

پ۳-۷۵ در SNA ۲۰۰۸ تأئید شده است که از آنجا که برای ذخائر معدنی قیمت بازار بندرت موجود است، ارزش‌گذاری پیش‌فرض عبارت از ارزش حالِ دریافت‌های آینده‌ی بهره‌ی مالکانه‌ی معدن است.

پ۳-۷۶ پرداخت‌هائی که استخراج کننده در رابطه با بهره‌ی مالکانه‌ی ذخائر معدنی به مالک ذخائر انجام می‌دهد، باید به عنوان درآمد دارائی نشان داده شود حتی اگر این پرداخت‌ها در حساب‌های خودِ دولت مالیات نامیده شوند و به عنوان مالیات تلقی شوند.

پ۳-۷۷ در *SNA ۱۹۹۳* توصیه شده بود هنگامی که مالک قانونیِ ذخائر معدنی با واحد دیگری قرارداد می‌بندد تا استخراج ذخائر را به عهده بگیرد، از نظر عملی ذخائر می‌تواند در ترازنامه‌ی مالک قانونی نشان داده شود که پرداخت‌هائی به عنوان درآمد دارائی توسط استخراج کننده به مالک انجام می‌شود.

۱۰. بهسازی‌های زمین

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف‌های ۱۰-۷۹ الی ۱۰-۸۱

پ۳-۷۸ برخورد با بهسازی‌های زمین همچنان مانند سابق تشکیل سرمایه ثابت ناخالص تلقی می‌شود. SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که بهسازی‌های زمین به عنوان یک رده‌ی دارائی‌های ثابت جدا از دارائیِ زمین تولید نشده به صورتی که قبل از بهسازی وجود داشته است، در نظر گرفته شود. در مواردی که امکان جدا کردن ارزش زمینِ قبل از بهسازی و ارزش آن بهسازی‌ها وجود نداشته باشد، زمین باید به رده‌ای تخصیص داده شود که قسمت بیشترِ ارزش را نشان می‌دهد. هزینه‌های انتقال مالکیت مربوط به تمام زمین باید در بهسازی زمین منظور شود.

پ۳-۷۹ در *SNA ۱۹۹۳*، بهسازی‌های زمین به عنوان تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص ثبت می‌شد، ولی در ترازنامه این نوع بهسازی‌ها با خودِ زمین یکجا در نظر گرفته می‌شد.

۱۱. سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف‌های ۱۰-۱۹۶ الی ۱۰-۱۹۹

پ۳-۸۰ در SNA ۲۰۰۸، "سرقفلی خریداری شده" به "سرقفلی خریداری شده و دارائی‌های بازاریابی" تغییر نام داده شده است. سرقفلی خریداری شده و دارائی‌های بازاریابی

همچنان دارائی‌های تولید نشده ولی در سطح بالاتری از سلسله مراتب *SNA ۱۹۹۳* بویژه در همان سطح منابع طبیعی و قراردها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها قرار می‌گیرند.

پ۳-۸۱ در *SNA ۱۹۹۳*، سرقفلی فقط در نتیجه‌ی فروش یک بنگاه ثبت می‌شد. به این دلیل "سرقفلی خریداری" شده نامیده می‌شد. سرقفلی در هیچ مورد دیگری شناخته نشده بود. در SNA ۲۰۰۸ تأکید شده است که این تفاوت در واقع می‌تواند دارائی‌هائی نظیر حق تابلو، آرم‌ها، فهرست مشتریان و غیره را که به‌طور جمعی "دارائی‌های بازاریابی" نامیده می‌شوند در بر گیرد. در موارد استثنائی، دارائی‌های بازاریابیِ شناخته شده ممکن است به طور مستقل و جدا از کل شرکت فروخته شوند که در این حالت فروش آن‌ها نیز باید در این قلم ثبت شود.

پ۳-۸۲ در SNA ۲۰۰۸، رهیافت استواری برای محاسبه‌ی ارزش سرقفلی خریداری شده و دارائی‌های بازاریابی توصیه شده است و آن عبارت از مازاد ارزش پرداخت شده برای یک بنگاه با عملیات کامل نسبت به جمع دارائی‌ها منهای بدهی‌های آن است که هریک از اقلام آن جداگانه مشخص و ارزش‌گذاری می‌شوند، صرف‌نظر از این که هستار مورد نظر یک شرکت پذیرفته شده یا پذیرفته نشده در بورس، شبه شرکت یا غیرشرکت باشد.

پ۳-۸۳ در *SNA ۱۹۹۳*، سرقفلی خریداری شده بسته به این که کسب و کار مورد نظر یک بنگاه غیرشرکتی باشد یا شرکت، به‌گونه‌ای متفاوت محاسبه می‌شود، برای یک بنگاه غیرشرکتی، سرقفلی خریداری شده به صورت مازاد قیمت خرید نسبت به دارائی‌هائی که جداگانه مشخص و ارزیابی شده باشند منهای بدهی‌ها بدست می‌آمد. برای شرکت‌ها، سرقفلی خریداری شده به صورت تفاوت بین قیمت سهام درست قبل از فروش و قیمت واقعی فروش هر سهم، ضربدر تعداد سهام محاسبه می‌شد. در *SNA ۱۹۹۳* در محاسبه‌ی سرقفلی خریداری شده تفاوتی بین شرکت‌های پذیرفته شده و پذیرفته نشده در بورس وجود نداشت.

۱۲. منابع آبی در برخی موارد به عنوان دارائی تلقی شده است

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف‌های ۱۰-۱۸۴

پ۳-۸۴ در SNA ۲۰۰۸، تعریف منابع آبی گسترش یافته است به‌طوری که رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، مخازن مصنوعی و دیگر مناطق جمع‌آوری آب‌های سطحی بعلاوه سفره‌های آب و دیگر منابع زیرزمینی آب را بالقوه پوشش می‌دهد. منابع آبی متشکل از منابع سطحی و زیرزمینی آبِ بکار رفته برای استخراج در حدی است که کمیابی آن‌ها منجر به الزام قانونی مالکیت یا حق استفاده، ارزش‌گذاری بازار و برخی سنجه‌های کنترل اقتصادی شود.

پ۳-۸۵ در SNA ۲۰۰۸، توصیه شده است که بسترهای آب اصولاً باید با همان شیوه‌ی ارزش‌گذاری ذخائر معدنی ولی با نماگرهای عملی‌تر نظیر برآوردهای مبتنی بر حق-الزحمه‌های دسترسی به آب، ارزش‌گذاری شوند.

۱۳. مصرف سرمایه ثابت باید به قیمت متوسط دوره در رابطه با یک شاخص قیمت با کیفیت ثابتِ دارائی مورد نظر اندازه‌گیری شود

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف ۱۰-۱۵۶

پ۳-۸۶ در SNA ۲۰۰۸، توصیه شده است که مصرف سرمایه‌ی ثابت به قیمت‌های متوسط دوره با در نظر گرفین یک شاخص قیمت با کیفیتِ ثابتِ دارائی مربوطه اندازه‌گیری شود.

پ۳-۸۷ در *SNA ۱۹۹۳*، در این مورد که قیمت استفاده شده برای اندازه‌گیریِ مصرف سرمایه‌ی ثابت باید به سطح عمومی قیمت‌ها مربوط باشد یا دارائی خاص، هیچ راهنمائی ارائه نشده بود.

۱۴. منابع زیستی پرورشی متقارن با منابع غیرپرورشی معرفی شده است

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف ۱۰-۸۸

پ۳-۸۸ تعریف منابع زیستی پرورشی در ۲۰۰۸ SNA، با تعیین ملاکی برای آن‌ها روشن شده است به‌طوری که رشد طبیعی و تکثیر منابع زیستی پرورشی تنها در مواردی تولید محسوب می‌شوند که تحت کنترل، مسؤلیت و مدیریت مستقیم واحدهای نهادی باشند.

پ۳-۸۹ دارائی‌های پرورشیِ *SNA* ۱۹۹۳ در ۲۰۰۸ SNA به عنوان منابع زیستی پرورشی تغییر نام داده شد.

۱۵. محصولات مالکیت فکری معرفی شده است

منبع: فصل ۱۰، پاراگراف ۱۰-۹۸

پ۳-۹۰ نحوه‌ی برخورد حسابداری با دارائی‌هائی که قبلاً "دارائی‌های تولید شده‌ی ناملموس" نامیده می‌شد و اکنون به‌صورت توصیفی "محصولات مالکیت فکری" نامیده می‌شود در ۲۰۰۸ SNA شفاف سازی شده و پوشش آن گسترش داده شده است. این دارائی‌ها به تحقیق و توسعه؛ اکتشاف و ارزیابی معادن؛ نرم‌افزارهای رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها، سرگرمی، نسخه‌های اصلی ادبی یا هنری؛ و دیگر محصولات مالکیت فکری تفکیک شده‌اند.

۱۶. مفهوم اجاره‌ی منابع برای منابع طبیعی معرفی شده است

منبع: فصل ۷، پاراگراف ۷-۱۰۹

پ۳-۹۱ ۲۰۰۸ SNA، مفهوم اجاره‌ی منابع طبیعی را معرفی می‌کند تا وضعیتی را که منابع طبیعی همچنان در ترازنامه‌ی مالک قانونی نشان داده می‌شوند پوشش دهد، هرچند که واحدِ اجاره‌کننده منبع طبیعی را در تولید بکار می‌برد و از اینرو در حقیقت مالک اقتصادی آن به حساب می‌آید. در مقابل، اجاره کننده پرداخت‌های منظمی انجام می‌دهد که به عنوان درآمد دارائی ثبت می‌شوند و بهره‌ی مالکانه نامیده می‌شوند. طبق قرارداد، در SNA کاهش ارزش منابع طبیعی به صورت تراکنشی مشابه با مصرف سرمایه‌ی ثابت ثبت نمی‌شود. در SNA منابع طبیعی در واقع به‌گونه‌ای تلقی می‌شوند که تا زمانی که درآمد ایجاد می‌کنند دارای عمر بی‌پایانی هستند. اجاره‌ی منابع طبیعی می‌تواند برای هرنوع منبع طبیعی که در SNA به عنوان دارائی شناخته شده است بکار برده شود.

پ۳-۹۲ در ۱۹۹۳ *SNA* درباره‌ی اجاره‌ی منابع طبیعی بحثی صورت نگرفته بود.

۱۷. تغییراتِ اقلام نشان داده شده در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها معرفی شده است

منبع: فصل ۱۲

پ۳-۹۳ با این دید که فهرست ساختاریِ بیشتری از عوامل احتمالی غیر تراکنشی در تغییرات دارائی‌ها ارائه شود، فهرست اقلام نشان داده شده در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها در ۲۰۰۸ SNA تغییر داده شد. سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها در هفت رده‌ی عمده و تعدادی زیررده به شرح زیر است:

پیدایش اقتصادی دارائی‌ها
نابودی اقتصادی دارائی‌های تولید نشده
تخریب منابع طبیعی
سایر نابودی‌های اقتصادی دارائی‌های تولید نشده
زیان‌های ناشی از بلایای طبیعی
مصادره‌های بلاعوض
سایر تغییرات در حجم طبقه‌نشده در جای دیگر
تغییرات در طبقه‌بندی
تغییرات در طبقه‌بندی و ساختار بخشی
تغییرات در طبقه‌بندی دارائی‌ها و بدهی‌ها
منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن
منفعت و زیان بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن
منفعت وزیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن

ث. اصلاحات بیشتر درباره‌ی نحوه‌ی برخورد و تعریف ابزارها و دارائی‌های مالی

۱. نحوه‌ی برخورد با قراردادِ بازخریدِ اوراق بهادار روشن شده است

منبع: فصل ۱۱، پاراگراف‌های ۱۱-۷۴ الی ۱۱-۷۷

SNA ۲۰۰۸ توضیحات مربوط به قرارداد بازخریدِ اوراق بهادار و وام‌ها و سپرده‌های طلا را اضافه می‌کند. قرارداد بازخرید اوراق بهادار (repo) قراردادی است که فروش اوراق بهادار یا دیگر دارائی‌ها را به قیمت مشخص با تعهد بازخرید همان دارائی یا دارائی مشابه به قیمتی ثابت در تاریخ مشخصی در آینده در بر می‌گیرد.

پ۳-۹۴ در SNA ۲۰۰۸ نیز repo به عنوان یک وام وثیقه‌ای تلقی شده است و امکان فروشِ اوراق بهاداری را که repo شده است به خریدار دوم به رسمیت می‌شناسد. در مورد فروش اوراق بهادارِ repo شده به خریدار دوم، برای اجتناب از دوباره شماری، باید یک دارائی منفی برای وام دهنده ثبت شود.

پ۳-۹۵ در *SNA ۱۹۹۳*، اشاره شده بود که فروش اوراق بهاداری که repo شده است نه مجاز و نه عملی است.

۲. نحوه‌ی برخورد با اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان توضیح داده شده است

منبع: فصل ۱۱، پاراگراف ۱۱-۱۲۴؛ فصل ۱۷، پاراگراف‌های ۱۷-۳۸۴ الی ۱۷-۳۹۸

پ۳-۹۶ اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان ابزار رایجی برای افزایش انگیزه‌ی کارکنان است که توسط شرکت‌ها بکار برده می‌شود. اختیار معامله‌ی سهام کارکنان قراردادی است که در تاریخ مشخصی (تاریخ "اعطاء") بسته می‌شود که طبق آن کارکنان می‌توانند تعداد مشخصی از سهام کارفرما را به قیمت اظهار شده (قیمت "مقرر") چه در زمان بیان شده (تاریخ "واگذاری") چه در طول یک دوره (دوره‌ی "مقرر") بلافاصله بعد از تاریخ واگذاری خریداری کنند. SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که تراکنش‌های مربوط به اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان که با ارزش اختیار معامله‌ی سهام نشان داده می‌شوند در طرف مقابل عنصر جبران خدمات کارکنان در حساب مالی ثبت شوند. بهتر است ارزش اختیار معامله در طول دوره‌ی بین تاریخ اعطاء و تاریخ واگذاری توزیع شود؛ ولی اگر این امکان وجود نداشته باشد باید در تاریخ واگذاری ثبت شود.

پ۳-۹۷ در *SNA ۱۹۹۳*، راهنمائی برای برخورد با اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان ارائه نشده بود.

۳. نحوه‌ی برخورد با وام‌های ناکارآمد (مشکوک-الوصول) تشریح شده است

منبع: فصل ۱۱، پاراگراف ۱۱-۱۲۹؛ فصل ۱۳، پاراگراف‌های ۱۳-۶۶ الی ۱۳-۶۸

پ۳-۹۸ در SNA ۲۰۰۸، نحوه‌ی برخورد با وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول) تشریح شده است. تعریفی که از وام ناکارآمد ارائه شده است به این صورت است که وام ناکارآمد وامی است که پرداخت بهره یا اصل وام یا هردو ۹۰ روز یا بیشتر از سررسید آن گذشته باشد، یا پرداخت‌های بهره طبق توافق در ۹۰ روز یا بیشتر تبدیل به سرمایه، یا بازتأمین مالی شده باشد، یا به تأخیر افتاده باشد، یا از موعد پرداخت‌ها کمتر از ۹۰ روز گذشته باشد، ولی دلایل کافی دیگری (نظیر اعلام ورشکستگی بدهکار) وجود داشته باشد که برای انجام کامل پرداخت‌ها شک ایجاد کند.

پ۳-۹۹ در SNA ۲۰۰۸ توصیه شده است که وام ناکارآمد باید همچنان در حساب‌های اصلی به ارزش اسمی ثبت شود و بهره‌ی آن به‌صورت مبلغ تعلق گرفته نشان داده شود تا زمانی که وام بازپرداخت شود یا اصل وام با توافق دوجانبه حذف شود. دو قلم یادداشتی در رابطه با وام‌های ناکارآمد، یعنی ارزش اسمی وام‌هائی که بنظر ناکارآمد می‌رسند و ارزش معادل بازار این وام‌ها توصیه شده است. نزدیک‌ترین

تقریب به ارزش معادل بازار، قیمت عادلانه یا ارزش "بروز رسانی" است و آن ارزشی است که از تراکنشی بین دو طرف در بازار ناشی می‌شود. در نبود داده‌های ارزش عادلانه، باید قلم یادداشتی به عنوان بهترین رهیافت دوم مورد استفاده قرار گیرد و ارزش اسمی منهای زیان وام را نشان دهد. بعلاوه بهره‌ی دریافتنیِ مربوط به وام‌های ناکارآمد باید به عنوان قلم "جزئی از آن" نشان داده شود.

پ۳-۱۰۰ در ۲۰۰۸ SNA توصیه شده است که این اقلام یادداشتی باید برای بخش دولت، بخش شرکت‌های مالی و برای دنیای خارج استاندارد باشد.

پ۳-۱۰۱ *SNA ۱۹۹۳* درباره‌ی معیاری که لازم است در ثبت وام‌های ناکارآمد بکار برده شود راهنمائی ارائه نکرده بود.

۴. نحوه‌ی برخورد با ضمانت‌ها توضیح داده شده است

منبع: فصل ۱۷، پاراگراف‌های ۱۷-۲۰۷ الی ۱۷-۲۲۴

پ۳-۱۰۲ نحوه برخورد با طبقات متعدد ضمانت‌ها در ۲۰۰۸ SNA روشن شده است. ۲۰۰۸ SNA سه طبقه از ضمانت را به رسمیت می‌شناسد و راهنمائی برای نحوه‌ی برخورد با آن‌ها ارائه می‌کند. نخستین نوع ضمانت‌ها، آن‌هائی هستند که با ابزار مشتقات مالی فراهم می‌شوند، مانند سوآپ عدم پرداخت اعتباری. این مشتقات مالی فعالانه در بازارهای مالی معامله می‌شوند، و این مشتقات مالی ویژگی‌های جدیدی برای SNA نشان نمی‌دهند.

پ۳-۱۰۳ طبقه دوم از ضمانت‌ها یعنی ضمانت‌های استاندارد، متشکل از انواع ضمانت‌هائی هستند که به تعداد بیشماری، معمولاً با مبالغ کم، در راستای زمینه‌های مشابه، نظیر ضمانت‌های اعتبارات صادرات و ضمانت‌های وام‌های دانشجوئی، منتشر می‌شوند. در این مورد، هرچند پیش‌بینی احتمالِ عدم بازپرداخت اصل و فرع یک وام امکان‌پذیر نیست، ولی برآورد تعداد وام‌هائی که از یک بسته‌ی مشابه احتمال عدم بازپرداخت آن‌ها وجود دارد یک اقدام استاندارد است. این ضمانت‌ها بر اساس اصل یکسانی با بیمه‌ی غیرزندگی عمل می‌کنند و باید مشابه با آن برخورد شوند. اگر ضمانت کننده جزئی از دولت باشد و عمداً حق‌الزحمه‌ای که تعیین می‌کند پائین‌تر از میزان عدم بازپرداخت‌های مورد انتظار باشد، باید برای دارنده‌ی ضمانت یارانه احتساب شود.

پ۳-۱۰۴ طبقه‌ی سوم از ضمانت‌ها، ضمانت‌های موردی نامیده می‌شوند و از ضمانت‌هائی تشکیل شده‌اند که ریسک آن‌ها بقدری خاص است که امکان برآورد عدم مطالبه‌ی آن با هر درجه از دقت وجود ندارد. در بسیاری از موارد، اعطای یک ضمانتِ موردی به عنوان احتمال (بدهی احتمالی یا احتیاطی، مترجم) در نظر گرفته می‌شود و برای ضمانت کننده به عنوان بدهی ثبت نمی‌شود.

پ۳-۱۰۵ بحث اولیه درباره‌ی ضمانت‌های وام بود، ولی گسترش ضمانت‌های استاندارد به دیگر ابزارهای مالی در ۲۰۰۸ SNA موجب شد که این نحوه‌ی برخورد تعمیم داده شود.

پ۳-۱۰۶ در *SNA ۱۹۹۳*، ضمانت‌ها به عنوان بدهی احتمالی (احتیاطی یا مشروط) در نظر گرفته می‌شد و از اینرو وجود ضمانت تا زمانی که فعال شود ثبت نمی‌شد. علاوه بر این، درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با جریان‌های ناشی از فعال سازی نیز راهنمای روشنی ارائه نشده بود.

۵. نحوه‌ی برخورد با اوراق بدهیِ مرتبط با شاخص شفاف شده است

منبع: فصل ۱۷، پاراگراف‌های ۱۷-۲۷۴ الی ۱۷-۲۸۲

پ۳-۱۰۷ این مسأله به موردی مربوط می‌شود که پرداخت‌های کوپنی یا پرداخت‌های اصل، یا هردو، در رابطه با اوراق بهادار، مانند اوراق قرضه، طبق توافق طرفین از طریق نماگرها تعیین می‌شوند، ولی ارزش نماگرها هنگامی که توافق صورت می‌گیرد معلوم نیست. در این نوع ترتیبات، میزان افزایش ارزش اوراق بهادار که باید به عنوان بهره تلقی شود نمی‌تواند در زمان انتشار معلوم باشد. ۲۰۰۸ SNA برای تعیین بهره‌ی تعلق گرفته شده در هر دوره‌ی حسابداری دو رهیافت توصیه می‌کند.

پ۳-۱۰۸ وقتی کوپن‌ها به شاخصی با دامنه‌ی گسترده مرتبط شده باشند، مبلغ کامل پرداخت شده به عنوان کوپن بعد از شاخصی کردن به عنوان بهره تعلق گرفته تلقی می‌شود. وقتی ارزش اصل اوراق بهادار به شاخص مرتبط شده باشد تفاوت بین قیمت احتمالی بازخرید و قیمت انتشار به عنوان بهره‌ی تعلق گرفته در طول عمر ابزار مالی تلقی می‌شود.

پ۳-۱۰۹ اگر پیوند با شاخصی با دامنه‌ی محدود برقرار شده باشد، بهره‌های تعلق گرفته با تثبیت نرخی که بهره در زمان انتشار تعلق می‌گیرد تعیین خواهد شد. هرنوع انحرافِ شاخص از میزان مورد انتظار به عنوان منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن تلقی می‌شود. به دلیل تعیین نرخ بهره در زمان انتشار اوراق بهادار، منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن در طول عمر ابزار مالی حذف نمی‌شود.

پ۳-۱۱۰ در *SNA ۱۹۹۳* راهنمای مربوط به نحوه‌ی عملِ تراکنش‌های مربوط به اوراق بدهیِ مرتبط با شاخص دقیق نبود.

۶. نحوه‌ی برخورد با ابزارهای بدهی پیوند شده با ارز خارجی بازنگری شده است

منبع: فصل ۱۷، پاراگراف ۱۷-۲۸۱

پ۳-۱۱۱ SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که ابزارهای بدهی که اصل و کوپن‌های آن با ارز خارجی مرتبط شده‌اند باید به‌گونه‌ای طبقه‌بندی و برخورد شود که گوئی ابزار مورد نظر به آن ارز خارجی بیان شده است.

پ۳-۱۱۲ *SNA ۱۹۹۳* توصیه کرده بود که در مورد ابزارهای بدهی بیان شده به ارز خارجی، تغییرات ارزش اصل برحسب پول داخلی که از تغییر نرخ ارز ناشی شده باشد باید به عنوان منفعت ناشی از نگه‌داشتن (غیرتراکنش) تلقی شود. ولی در مورد ابزارهای بدهی مرتبط شده با شاخص ارز خارجی، این نوع تغییر باید به عنوان بهره (تراکنش) تلقی شود. توصیه‌ی SNA ۲۰۰۸ این مغایرت را از طریق برخورد یکسان با ابزارهائی که از نظر اقتصادی دارای ویژگی‌های برابر هستند از بین می‌برد.

۷. انعطاف‌پذیری در ارزش‌گذاری سهام ثبت نشده در بورس

منبع: فصل ۱۳، پاراگراف‌های ۱۳-۶۹ الی ۱۳-۷۰

پ۳-۱۱۳ همه‌ی سهام در بورس سهام پذیرفته و قیمت آن‌ها اعلام نمی‌شوند. این وضعیت اغلب برای بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم، سهام خصوصی، سهام شرکت‌های پذیرفته نشده یا حذف شده در بورس، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ولی با قدرت نقد شوندگی کمِ دارائی‌ها، بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مشترک و غیرشرکتی پیش می‌آید. ۲۰۰۸ SNA راهنمائی برای گزینه‌های مختلف ارزش‌گذاری این سهام ارائه می‌دهد. برخی از گزینه‌های توصیه شده به این شرح هستند، قیمت آخرین تراکنش، خالص ارزش دارائی، نسبت قیمت یا ارزش حال به عایدات، ارزش‌های دفتری گزارش شده توسط بنگاه‌ها با تعدیلات در سطح خُرد توسط تهیه‌کننده‌ی آمار، وجوه خود به ارزش دفتری و تخصیص ارزش جهانی (اگر سهام یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم پذیرفته شده در بورس نباشد ولی بنگاه متعلق به یک گروه جهانی بنگاه‌ها با سهام پذیرفته شده در بورس باشد، ارزش جاریِ بازار آن گروه بنگاه‌ها را می‌توان محاسبه و به عملیات بنگاه در هریک از سرزمین‌های اقتصادی تخصیص داد، مترجم)

پ۳-۱۱۴ *SNA ۱۹۹۳* راهنمای نسبتاً محدودی درباره‌ی چگونگی ارزش‌گذاری سهام پذیرفته نشده در بورس ارائه داده بود. *SNA ۱۹۹۳* توصیه کرده بود که ارزش سهام شرکت‌هائی که در بورس اوراق بهادار یا به نوع دیگری به‌طور منظم معامله نمی‌شوند باید با استفاده از قیمت سهام اعلان شده که از نظر عایدات و سود تقسیم شده‌ی تاریخی و پیش‌بینی‌ها مقایسه‌پذیر هستند با تعدیلاتی رو به پائین، در صورت نیاز، برآورد شود تا امکان قابلیت عرضه دربازار یا نقدشوندگیِ سهام پذیرفته نشده در بورس حاصل شود.

۸. حساب‌های طلای تخصیص نیافته به عنوان دارائی‌های مالی و بدهی‌ها تلقی شده است

منبع: فصل ۱۱، پاراگراف ۱۱-۴۵

پ۳-۱۱۵ ۲۰۰۸ SNA توصیه می‌کند که حساب‌های طلای تخصیص نیافته باید به عنوان دارائی‌های مالی و بدهی‌ها تلقی شوند و با سپرده‌های بیان شده به ارز خارجی طبقه‌بندی شوند در صورتی که سپرده‌های بیان شده به طلا توسط غیرمقیم‌ها نگه داشته شده باشند.

۹. تعریف طلای پولی و شمش طلا بازنگری شده است

منبع: فصل ۱۱، پاراگراف‌های ۱۱-۴۵ و ۱۱-۴۶

پ۳-۱۱۶ تعریف طلای پولی در ۲۰۰۸ SNA تغییر یافته است تا با *BPM6* همتراز شود. این تغییرات از به رسمیت شناختن حساب‌های طلای تخصیص یافته و تخصیص نیافته نشأت می‌گیرد که به‌موجب آن حساب طلای تخصیص یافته حق بر طلای فیزیکی را ارائه می‌دهد و حساب طلای تخصیص نیافته سپرده‌ی بیان شده به ارز خارجی را نشان می‌دهد. دومی اگر توسط غیرمقیم‌ها نگه‌داشته شود ارز خارجی تلقی می‌شود. شمش طلا (یعنی، به شکل‌های سکه، مکعب مستطیل، یا میله‌ای با درجه خلوص حداقل ۹۹۵ گرم طلا در هزار گرم) تنها دارائی مالی شناخته شده است که وقتی توسط مقامات پولی به عنوان ذخیره‌ی دارائی نگه‌داشته می‌شود بدهی متناظر ندارد. طلای پولی به این ترتیب تعریف می‌شود، طلائی است که مقامات پولی (یا سایر مقاماتی که تحت کنترل عمده‌ی مقامات پولی هستند) دارای حق مالکیت قانونی بر آن هستند و به عنوان ذخیره‌ی دارائی نگه‌داشته می‌شوند و از شمش طلا و حساب‌های طلای تخصیص نیافته‌ی نگه‌داشته شده توسط غیرمقیم‌ها تشکیل شده است.

پ۳-۱۱۷ *۱۹۹۳ SNA* درباره‌ی حساب‌های فلزات تخصیص یافته یا تخصیص نیافته بحث نمی‌کند.

۱۰. بدهیِ حق برداشت ویژه به رسمیت شناخته شده است

منبع: فصل ۱۱، پاراگراف‌های ۱۱-۴۷ و ۱۱-۴۹

پ۳-۱۱۸ در ۲۰۰۸ SNA توصیه شده است که حق برداشت ویژه (SDR)های منتشر شده توسط صندوق بین‌المللی پول دارائی کشور دارنده‌ی SDR و ادعای شرکت کنندگان در طرح به طور جمعی است. علاوه براین، توصیه شده است که تخصیص و باطل کردن SDRها به عنوان تراکنش ثبت شود. جنبه‌های دارائی و بدهی SDRها باید به‌طور جداگانه ثبت شوند. در اثرِ تغییر نحوی برخورد با SDRها، توصیه شده است که طلای پولی و SDRها به صورت دو قلم جدا نشان داده شوند.

پ۳-۱۱۹ در *۱۹۹۳ SNA* توصیه شده بود که SDRها به عنوان دارائی در نظر گرفته شوند بدون این که بدهی متناظری برای آن منظور شود.

۱۱. سپرده‌ها و وام‌ها از یکدیگر جدا شده‌اند

منبع: فصل ۱۱، پاراگراف ۱۱-۵۶

پ۳-۱۲۰ ۲۰۰۸ SNA همچنان به تفکیک وام‌ها و سپرده‌ها ادامه می‌دهد. با این دید که وقتی هردو طرفِ تراکنش بانک هستند از ابهام بین وام‌ها و سپرده‌ها اجتناب شود، رده‌ای به عنوان "ذخیره‌ی بین بانک‌ها" معرفی شده است.

۱۲. حق‌الزحمه‌ی پرداختنی برای وام دهی اوراق بهادار و وام‌های طلا

منبع: فصل۱۷، پاراگراف ۱۷-۲۵۴

پ۳-۱۲۱ ۲۰۰۸ SNA توصیه می‌کند که همه‌ی حق‌الزحمه‌های پرداختنی به صاحبان اوراق بهاداری که برای وام‌دهی اوراق بهادار بکار می‌روند و به صاحبان طلا که برای وام‌های طلا (اعم از حساب‌های طلای تخصیص یافته یا تخصیص نیافته) استفاده می‌شود، طبق قرارداد باید به عنوان بهره

ثبت شوند. این بهره در صورتی که واحد ارائه دهنده‌ی وام در نهادهای مالی طبقه‌بندی شود، می‌تواند یک جزء FISIM مشخص به‌طور جداگانه داشته باشد.

پ۳-۱۲۲ در ۱۹۹۳ *SNA* درباره‌ی حق‌الزحمه‌ی پرداختنی برای وام‌دهیِ اوراق بهادار و وام‌های طلا دستورالعملی ارائه نشده است.

۱۳. طبقه‌بندی دارائی‌های مالی

منبع: فصل۱۱

پ۳-۱۲۳ برای نشان دادن نوآوری‌های بازار مالی که از زمان تصویب ۱۹۹۳ *SNA* رخ داده است، و برای حفظ اهمیت آن، طبقه‌بندی دارائی‌ها در ۲۰۰۸ SNA تغییر یافته است. طبقه‌بندی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها در ۲۰۰۸ SNA به شرح زیر است:

طلای پولی و SDRها
- طلای پولی
- SDRها

پول و سپرده‌ها
- پول
- سپرده‌های انتقال‌پذیر
- ذخائر بین بانک‌ها
- سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر
- سایر سپرده‌ها

اوراق بدهی
- کوتاه مدت
- بلند مدت

وام‌ها
- کوتاه مدت
- بلند مدت

حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری
- حقوق سهامداران
  - سهام پذیرفته شده در بورس
  - سهام پذیرفته نشده در بورس
  - سایر حقوق سهامداران
- یونیت‌ها/ سهام صندوق سرمایه‌گذاری
  - یونیت‌ها/ سهام بازار پولی
  - سایر یونیت‌ها/ سهام بازار صندوق سرمایه-گذاری

طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد
- ذخائر فنی بیمه‌ی غیرزندگی
- حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه
- حق برخورداری از مزایای بازنشستگی
- ادعای صندوق‌های بازنشستگی بر مدیران بازنشستگی
- حق برخورداری از مزایای غیربازنشستگی

مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان
- مشتقات مالی
- اختیار معامله
- پیمان‌های آتی
- اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان

سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی
- اعتبارات تجاری و پیش‌پرداخت‌ها
- سایر حساب‌های دریافتنی/ پرداختنی

پ۳-۱۲۴ ۲۰۰۸ SNA "اوراق بهادار غیر از سهام" را به "اوراق بدهی" و "سهام و سایر حقوق سهامداران" را به "حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری" تغییر نام داده است. رده‌ی مشتقات مالی در بهنگام سازی ۱۹۹۳ *SNA* گسترش داده شده است تا اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان را در بر گیرد.

۱۴. تمایز بین اجاره‌داری مالی (اعتباری) و اجاره‌داری عملیاتی بر مبنای مالکیت اقتصادی

منبع: فصل۱۷، پاراگراف‌های ۱۷-۱ ۳۰ الی ۱۷-۳۰۹

پ۳-۱۲۵ ۲۰۰۸ SNA مروری بر ایجاد اصول مناسب درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها ارائه می‌دهد. ۲۰۰۸ SNA بین اجاره‌ی عملیاتی و اجاره‌ی مالی با توجه به این که اجاره کننده به عنوان مالک اقتصادی در نظر گرفته شود یا خیر تمایز قائل می‌شود.

پ۳-۱۲۶ تفاوت بین اجاره‌داری عملیاتی و اجاره‌داری مالی (اعتباری) در *SNA ۱۹۹۳* فقط مبتنی بر طول مدت اجاره تعیین شده بود.

۱۵. تغییر توصیه‌ها برای ثبت حق برخورداری از بازنشستگی

۱. *منبع: فصل ۱۷، پاراگراف‌های ۱۷-۱۱۶ الی ۱۷-۲۰۶*

پ۳-۱۲۷ SNA ۲۰۰۸ تأکید می‌کند که برخورداری از حق بازنشستگی اشتغال محور، توافق‌های قراردادی است که انتظار می‌رود یا احتمال دارد قابل اجرا باشد. آن‌ها باید به عنوان بدهی به خانوارها در نظر گرفته شود، صرف نظر از این که دارائی‌های لازم در طرح‌های مجزا شده وجود داشته باشد یا خیر.

پ۳-۱۲۸ در بازنشستگی تدارک دیده شده توسط دولت از طریق تأمین اجتماعی، کشورها قدری برای عدول کردن از رویه‌ی تنظیم جدول‌های استاندارد انعطاف دارند. زیرا تفکیک این که کدام بازنشستگی توسط تأمین اجتماعی فراهم می‌شود و کدام توسط سایر طرح‌های اشتغال محور، به‌طور قابل ملاحظه‌ای از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. اما، گستره‌ی کاملی از اطلاعاتِ مورد نیاز برای تحلیل جامعی از بازنشستگی باید در یک جدول تکمیلی ارائه شود که بدهی-ها و جریان‌های مربوطه در همه‌ی طرح‌های خصوصی و دولتیِ بازنشستگی با پشتوانه‌ی مالی یا بدون پشتوانه و از جمله تأمین اجتماعی را نشان دهد.

پ۳-۱۲۹ *SNA ۱۹۹۳* توضیح داده بود که حق‌بیمه‌های اجتماعی واقعی توسط کارفرما و کارکن در یک دوره باید مبلغی باشد که واقعاً به صندوق بازنشستگی پرداخت شده است. برای طرح‌های حق‌بیمه‌ی تعیین شده (قطعی)، این صحیح و کامل است زیرا پرداخت‌های احتمالی تنها به مبلغ کنار گذاشته شده در یک صندوق بازنشستگی بستگی دارد. ولی، برای طرح‌های مزایای تعیین شده تضمینی وجود ندارد که مبلغ کنار گذاشته شده کاملاً با بدهی کارفرما به حق بازنشستگی کارکن مطابقت داشته باشد.

پ۳-۱۳۰ SNA ۲۰۰۸ تعدادی تغییرات در مورد طرح‌های مزایای تعیین شده (قطعی) توصیه می‌کند:

الف. میزان حق‌بیمه‌ی کارفرمایان باید بوسیله‌ی ارزیابی افزایش خالص ارزش حالِ حق بازنشستگی که در طول دوره‌ی مورد بحث عاید کارکن می‌شود، بعلاوه همه‌ی حق‌الزحمه‌هائی که توسط صندوق بازنشستگی برای اجرای طرح مطالبه می‌شود منهای میزان همه‌ی حق‌بیمه‌هائی که کارکن پرداخت می‌کند تعیین شود؛

ب. این مبلغ باید به‌صورت بیمه‌سنجی، با در نظر گرفتن تنها عمر مورد انتظار کارکن و نه عایدات آینده یا اثر افزایش پرداخت آینده‌ی مربوط به مزایای بازنشستگی در انتها، تعیین شود؛

پ. باید در حساب مالی و ترازنامه یک بدهیِ مشخصِ صندوق بازنشستگی به کارکنان نشان داده شود؛ و

ت. در این صورت، دارائی‌های صندوق متعلق به صندوق و نه متعلق به کارکن (آن‌طور که در *SNA ۱۹۹۳* توضیح داده شده بود) در نظر گرفته می‌شود.

پ۳-۱۳۱ بسته به روابط بین صندوق و کارفرما، هرگونه مازاد بدهی نسبت به دارائی‌های موجود می‌تواند ادعای صندوق بازنشستگی نسبت به کارفرما (و هرگونه مازاد دارائی‌ها نسبت به بدهی‌ها ادعای کارفرما نسبت به صندوق) را نشان دهد.

پ۳-۱۳۲ در SNA ۲۰۰۸ این موضوع تأئید شده است که اجرای هر طرح بازنشستگی از جمله طرح‌های خودگردان و طرح‌های بدون پشتوانه هزینه‌ای در بر دارد. در اصل، صندوق بازنشستگی باید ارزش ستانده‌ی داشته باشد. ارزش این ستانده باید براساس جمع هزینه‌ها تعیین شود، و طبق قرارداد طوری تلقی شود که توسط کارکنانِ دارای حق برخورداری از بازنشستگی پرداختنی است.

پ۳-۱۳۳ SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که وقتی یک تعهد پرداخت مزایا از واحدی به واحد دیگر منتقل می‌شود، این امر باید به

عنوان تراکنشی در بدهی‌های طرح بازنشستگی ثبت شود حتی اگر هیچ یک از واحدها قبلاً این بدهی را ثبت نکرده باشند.

پ۳-۱۳۴ در *SNA ۱۹۹۳* تعهدات پرداخت مزایای بازنشستگی فقط برای طرح‌های "خصوصی" دارای پشتوانه‌ی مالی در ترازنامه به رسمیت شناخته شده بود. از اینرو، فعالیت‌های بسیاری از طرح‌های بازنشستگی، نظیر تأمین اجتماعی و طرح‌های بدون پشتوانه‌ی کارکنان، منجر به شناخت به عنوان دارائی‌های مالی/ بدهی‌ها نمی‌شد. علاوه بر این، بدهی‌های مزایای بازنشستگی محدود به وجوه در دسترس بود و بوسیله‌ی ادعاهای کارکنان و دیگران نسبت به طرح-ها تعیین نمی‌شد.

پ۳-۱۳۵ *SNA ۱۹۹۳* فعالیت صندوق‌های بازنشستگی خودگردان و طرح‌های بازنشستگی بدون پشتوانه‌ی مالی را به عنوان فعالیت‌های فرعی تلقی می‌کرد که ستانده‌ی جداگانه‌ای برای آن‌ها تشخیص داده نمی‌شد

ج. ویژگی‌های بیشتر درباره‌ی دامنه‌ی تراکنش‌های مربوط به بخش عمومی و دولت

۱. حد و مرز بین بخش‌های خصوصی/ عمومی/ دولتی روشن‌تر شده است

منبع: فصل ۴، پاراگراف‌های ۴-۲۵ و ۴-۷۷ الی ۴-۸۰ و فصل ۲۲

پ۳-۱۳۶ با شناخت این واقعیت که قدرت، انگیزه و کارکرد بخش دولت از دیگر بخش‌های اقتصادی متفاوت است و دولت عملیات خود را از طریق واحدهای نهادی مختلف سازماندهی می‌کند، SNA ۲۰۰۸ راهنمای اضافی برای تشخیص بین دولت و شرکت‌های دولتی ارائه می‌دهد. این راهنما یک درخت تصمیم‌گیری برای کمک به تشریح پایه‌ی مفهومیِ انتساب واحدهای نهادی به یکی از بخش‌های نهادیِ متقابلاً ناسازگار و برای شناسائی دولت و واحدهای عمومی دیگر فراهم می‌کند.

۲. نحوه‌ی برخورد با کارگزاران تجدید ساختارشفاف شده است

منبع: فصل ۲۲، پاراگراف‌های ۲۲-۴۷ الی ۲۲-۵۰

پ۳-۱۳۷ برخی از واحدهای عمومی به تجدید ساختار شرکت‌هائی که توسط دولت کنترل می‌شوند یا کنترل نمی‌شوند اشتغال دارند. دو نمونه از کارگزاران دولتیِ تجدید ساختار مربوط به (الف) تنظیم بازسازمان‌دهیِ بخش عمومی و مدیریتِ غیرمستقیمِ خصوصی سازی، و (ب) دارائی‌های آسیب دیده، عمدتاً در اثرِ بحران بانکداری یا دیگر بحران‌های مالی، هستند. SNA ۲۰۰۸ برای برخورد با کارگزاران تجدید ساختار دستورالعمل‌هائی ارائه می‌دهد.

پ۳-۱۳۸ *SNA ۱۹۹۳* برای برخورد با کارگزاران تجدید ساختار دستورالعمل ارائه نمی‌دهد.

۳. نحوه‌ی برخورد با مجوزهای صادر شده توسط دولت روشن شده است

منبع: فصل ۲۲، پاراگراف‌های ۲۲-۸۸ الی ۲۲-۹۰

پ۳-۱۳۹ SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که اگر مجوزِ صادر شده توسط دولت درگیرِ استفاده از یک دارائیِ متعلق به دولت نباشد در این صورت پرداختی بابت پروانه، مالیات به حساب می‌آید. با وجود این اگر پروانه به صورت قانونی و عملی به طرف سوم انتقال‌پذیر باشد، در این‌صورت دارای ویژگی‌های یک دارائی است و می‌تواند به عنوان دارائی در رده‌ی قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها طبقه‌بندی شود.

پ۳-۱۴۰ اگر پروانه قرار است برای استفاده از یک منبع طبیعی (شامل منابع طبیعی که دارای ویژگی‌های دارائی هستند و دولت از طرف جامعه آن‌ها را کنترل می‌کند) بکار برده شود، پرداختی‌ها بابت پروانه یا به عنوان تحصیل یک دارائی در رده‌ی قراردادها، اجاره‌نامه‌ها یا پروانه‌ها یا به عنوان پرداخت بهره‌ی مالکانه تلقی می‌شود.

۴. پرداخت‌های استثنائی از شرکت‌های دولتی باید به عنوان برداشت از حقوق سهامداران ثبت شود

منبع: فصل ۲۲، پاراگراف ۲۲-۱۳۵

پ۳-۱۴۱ ۲۰۰۸ SNA توصیه می‌کند که پرداخت‌های استثنائی از شرکت‌های دولتی وقتی از ذخائر انباشت شده یا فروش دارائی‌ها انجام می‌شود باید به عنوان برداشت از حقوق سهامداران تلقی شود. تنها تقسیمِ منظم و عادیِ درآمد کارآفرینی شرکت‌ها باید به عنوان سود تقسیم شده ثبت شود.

پ۳-۱۴۲ دستورالعمل *SNA* ۱۹۹۳ در این زمینه برای شرکت‌ها و شبه‌شرکت‌ها متفاوت بود به‌طوری که پرداخت‌های استثنائی از یک شرکت دولتی به عنوان پرداخت‌های منظم سود تقسیم شده ثبت می‌شد ولی پرداخت‌های مشابه از شبه-شرکت‌های دولتی به عنوان برداشت از حقوق سهامداران ثبت می‌شد.

۵. پرداخت‌های استثنائی از دولت به شبه‌شرکت‌های دولتی باید به عنوان انتقالات سرمایه‌ای تلقی شود

منبع: فصل ۲۲، پاراگراف ۲۲-۱۳۸

پ۳-۱۴۳ ۲۰۰۸ SNA توصیه می‌کند که پرداخت‌های استثنائی از دولت به شبه‌شرکت‌های دولتی برای پوشش زیان‌های انباشته شده‌ی آن‌ها باید مشابه با موردِ شرکت‌ها به عنوان انتقالات سرمایه‌ای تلقی شود. ولی پرداخت‌های استثنائی توسط دولت به شرکت‌ها و شبه‌شرکت‌های دولتی، هردو، هنگامی که با هدف تجاری به‌صورت یک برگشت معتبر استثنائی به‌شکل درآمد انجام‌گیرد، باید به عنوان افزوده به حقوق سهامداران ثبت شود.

پ۳-۱۴۴ در *SNA* ۱۹۹۳، پرداخت‌های استثنائی از دولت به شرکت‌های دولتی به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ثبت می‌شد ولی پرداخت‌های استثنائی از دولت به شبه شرکت‌های دولتی به عنوان افزوده به حقوق سهامداران ثبت می‌شد.

۶. ثبت تعهدی مالیات‌ها

منبع: فصل ۲۲، پاراگراف‌های ۲۲-۹۱ الی ۲۲-۹۴

پ۳-۱۴۵ ۲۰۰۸ SNA مبنای تعهدی ثبت مالیات‌ها را تأئید می‌کند. ولی در دو مورد برای اطمینان از این که مالیات‌های غیرقابل جمع‌آوری به عنوان تعلق گرفته نشان داده نمی‌شوند، انعطاف عملی نشان می‌دهد. یکی از این دو مورد به مالیات بر درآمد مربوط است که باید هنگامی که بدهی مالیاتی با برخی سنجه‌های مطمئن ارزیابی می‌شود نه هنگامی که درآمد عاید می‌گردد ثبت شود. مورد دیگر به مالیات‌های حاصل از فعالیت‌های اقتصادِ موازی که آگاهی از زمان رخداد مشمول مالیات بعید است مربوط می‌شود. در این مورد زمان ثبت نیز باید زمان ارزیابی باشد. ۲۰۰۸ SNA همچنین دستورالعملی درباره‌ی این موضوع که در ارزیابی مبلغ تعلق مالیات باید مراقبت به عمل آید که مالیاتی که هیچگاه احتمال گردآوری آن وجود ندارد منظور نشود.

۷. اعتبار مالیاتی

منبع: فصل ۲۲، پاراگراف‌های ۲۲-۹۵ الی ۲۲-۹۸

پ۳-۱۴۶ اعتبار مالیاتی تخفیف مالیاتی و در نتیجه کاهش بدهی مالیاتیِ مؤدی را نشان می‌دهد. برخی از اعتبارهای مالیاتی پرداختنی هستند، یعنی هر اعتبار مازاد بر بدهیِ مالیاتی پرداختنی به مؤدی است. برخی از یارانه‌ها یا مزایای اجتماعی از طریق نظام مالیاتی، به شکل اعتبار مالیاتی در دسترس قرار می‌گیرند، و پیوند نظام‌های پرداخت با نظام مالیات ستانی به طور روزافزونی در حال گسترش است.

۲۰۰۸ SNA توصیه می‌کند که اعتبار پرداختنی بر مبنای ناخالص ثبت شود گرچه این برخلاف توصیه‌های *GFSM2001* و *آمارهای درآمد* است. شیوه‌ی ارائه باید طوری باشد که امکان بدست آوردن اعتبار مالیاتی بر مبنای خالص را نیز فراهم کند.

پ۳-۱۴۷ *SNA ۱۹۹۳* درباره‌ی اعتبار مالیاتی دستوالعملی ارائه نداده بود.

۸. نحوه‌ی برخورد با مالکیت دارائی‌های ایجاد شده از طریق مشارکت عمومی و خصوصی روشن شده است

منبع: فصل ۲۲، پاراگراف‌های ۲۲-۱۵۴ الی ۲۲-۱۶۳

پ۳-۱۴۸ مشارکت‌های عمومی خصوصی (PPP)ها قراردادهای بلندمدت بین دو واحد هستند که به‌موجب آن یک واحد خصوصی یک دارائی یا مجموعه‌ای از دارائی‌ها را تحصیل می‌کند یا می‌سازد، یا برای مدتی آن را می‌گرداند و سپس دارائی را به واحدی در بخش عمومی می‌سپارد. این ترتیبات معمولاً بین یک بنگاه خصوصی و دولت است ولی ترکیب‌های دیگر نیز با یک شرکت دولتی در هریک از طرف‌ها یا یک NPI در طرف دوم امکان‌پذیر است. ۲۰۰۸ SNA دستورالعملی را ارائه می‌دهد که نشان دهنده‌ی ویژگی‌هائی است که لازم است بررسی شوند تا مالکیتِ اقتصادی طرف خصوصی یا طرف دولتی (متفاوت با مالک قانونی) نسبت به دارائی مورد بحث مشخص شود.

پ۳-۱۴۹ *SNA ۱۹۹۳* دستورالعملی برای برخورد با مشارکت‌های عمومی خصوصی ارائه نمی‌دهد.

۹. مالیات بر منفعت ناشی از نگه‌داشتن همچنان به عنوان مالیات‌های جاری بر درآمد و ثروت نشان داده می‌شود

منبع: فصل ۸، پاراگراف‌های ۸-۶۱

پ۳-۱۵۰ ۲۰۰۸ SNA توصیه می‌کند که مالیات بر منفعت ناشی از نگه‌داشتن همچنان به عنوان مالیات‌های جاری بر درآمد و ثروت نشان داده شود هرچند که پایه مالیاتی (منفعت تحقق یافته ناشی از نگه‌داشتن) در تعریف درآمدی که SNA ارائه می‌کند نمی‌گنجد. SNA توصیه می‌کند که در صورت امکان و مربوط بودن، این مالیات باید به عنوان زیرردی جدا نشان داده شود.

چ. هماهنگی بین مفاهیم و طبقه‌بندی‌های SNA و *BPM6*

۱. مرکز عمده‌ی منافع اقتصادی به عنوان معیار اصلی برای تعیین اقامت واحدها

منبع: فصل ۴، پاراگراف‌های ۴-۱۰

پ۳-۱۵۱ با پدیده‌ی جهانی شدن، تعداد روزافزونی از واحدهای نهادی به دو چند اقتصاد مرتبط می‌شوند. ۲۰۰۸ SNA و *BPM6* مفهوم "مرکز عمده‌ی منافع اقتصادی" را به عنوان معیار اولیه برای تعیین وضعیت اقامت یک هستار در یک سرزمین اقتصادی بکار می‌برند.

پ۳-۱۵۲ *SNA ۱۹۹۳* مرکز منافع اقتصادی را به عنوان معیارِ تعیین اقامت یک واحد نهادی توصیه کرده بود ولی راهنمائی درباره‌ی برخورد با افرادی که چندین اقامت بین‌المللی دارند و می‌توانند دوره‌های کوتاه مدتی اقامت داشته باشند ارائه نداده بود.

۲. افرادی که اقامت خود را تغییر می‌دهند

منبع: فصل ۲۶، پاراگراف‌های ۲۶-۳۷ الی ۲۶-۳۹

پ۳-۱۵۳ SNA ۲۰۰۸ تأئید می‌کند که وقتی افرادی کشورِ محل اقامت خود را تغییر می‌دهند، تغییری در مالکیت دارائی‌های غیرمالی، دارائی‌های مالی و بدهی‌های متعلق به آن‌ها صورت نمی‌گیرد. تمام چیزی که مورد نیاز است بازطبقه‌بندی کشور مناسبِ اقامت مالک (اقتصادی) این اقلام است. تغییرات باید در حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها و نه به عنوان انتقالات سرمایه‌ای ثبت شوند.

پ۳-۱۵۴ *SNA ۱۹۹۳* درباره‌ی برخورد با جریان‌های کالاها و تغییراتی که از تغییر اقامت افراد در حساب مالی بوجود می‌آید راهنمای خاصی ارائه نداده بود.

۳. کالای ارسال شده به خارج برای فرآوری بر اساس تغییرمالکیت ثبت می‌شوند

منبع: فصل ۶، پاراگراف‌های ۶-۸۵ الی ۶-۸۶ و فصل ۱۴، پاراگراف‌های ۱۴-۳۷ الی ۱۴-۴۲

پ۳-۱۵۵ SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که واردات و صادرات باید بر اساس تغییرِ صریحِ مالکیت ثبت شوند. یعنی جریان کالاها بین کشوری که صاحب کالا است و کشوری که خدمات فرآوری ارائه می‌دهد نباید به عنوان واردات و صادرات کالاها ثبت شود. بجای آن حق‌الزحمه‌ی پرداخت شده به واحد فرآوری کننده باید به عنوان واردات خدمات فرآوری توسط کشور صاحب کالاها و صادرات خدمات فرآوری توسط کشور ارائه دهنده‌ی آن ثبت شود.

پ۳-۱۵۶ همین نحوه‌ی برخورد برای ثبت کالاهای ارسال شده‌ی یک کارگاه به کارگاه دیگرِ همان بنگاه در همان اقتصاد وقتی کارگاه دریافت کننده مسئولتی برای پیامدهای ادامه‌ی فرآیند تولید نمی‌پذیرد نیز توصیه شده است. در این مورد، تنها ستانده‌ی کارگاه دریافت کننده‌ی کالاها ارائه خدمات فرآوری است.

پ۳-۱۵۷ *SNA ۱۹۹۳* کالاهائی را که برای فرآوری به خارج ارسال می‌شوند و سپس به کشوری که از آنجا ارسال شده‌اند برگردانده می‌شوند به عنوان کالاهائی که دستخوشِ تغییر مالکیتِ عمده شده‌اند تلقی می‌کرد. بنابراین وقتی کالاها از کشورِ نخست خارج می‌شدند به عنوان صادرات ثبت می‌شدند و هنگامی که دوباره به کشور نخست برگردانده می‌شدند مجدداً در واردات آن کشور ثبت می‌شدند. کشور انجام دهنده‌ی فرآوری به عنوان تولیدکننده‌ی کالاها نشان داده می‌شد که با ارزش کامل آن‌ها ثبت می‌شد، هرچند که فرآوری کننده هرگز مجبور به پرداخت ارزش کالاها در ورود به کشور نبود.

۴. تجارت بین‌المللی

منبع: فصل ۱۴، پاراگراف ۱۴-۷۳

پ۳-۱۵۸ تجارت بین‌الملل به صورت خرید کالا توسط یک مقیم (کشور تهیه کننده‌ی حساب‌ها) از یک غیرمقیم و بازفروش بعدی کالا به کشور غیرمقیم دیگر بدون ورود کالا به کشور تجارت کننده تعریف می‌شود. SNA ۲۰۰۸ توصیه می‌کند که کالاهای تحصیل شده توسط صنعتگران جهانی، عمده‌فروشان و خرده‌فروشان و مواردی از کالاهای معامله شده که با کالاها پرداخت می‌شوند باید به عنوان صادرات منفیِ مربوط به تحصیل و وارداتِ مثبت مربوط به واگذاری ثبت شوند. تفاوت بین این دو در صادرات کالاها نشان داده می‌شود ولی به عنوان تولید خدمات در اقتصاد تاجر، مشابهِ حاشیه‌های بازرگانی که در تجارت داخلی کالاها بکار می‌رود، نشان داده می‌شود. در حالتی که کالاها در یک دوره تحصیل می‌شوند و تا دوره‌ی بعدی واگذار نمی‌شوند، این کالاها باید در تغییرات موجودی انبار تاجر نشان داده شود حتی اگر این موجودی‌ها در خارج نگه‌داشته شوند.

پ۳-۱۵۹ *SNA ۱۹۹۳* درباره‌ی برخورد با تجارت بین‌المللی راهنمای خاصی ارائه نداده بود.

ح. فهرست کنترل (چک لیست) تغییرات هر فصل

۱. مقدمه

پ۳-۱۶۰ هدفِ این بخش از فصل فهرست کردن موضوعاتی است که هریک از فصل‌های SNA ۲۰۰۸ را نسبت به مطالب *SNA ۱۹۹۳* تحت تأثیر قرار داده است. قصد بر این نیست که جزئیاتی از تأثیر این تغییرات ارائه شود، تنها قصد از این کار بیانِ جزء به جزء اقلامی است که نوشته‌های قبلی را تحت تأثیر قرار داده است.

پ۳-۱۶۱ برای فصل‌های ۱ و ۲ چیزی نشان داده نشده است. فصل ۱ مقدمه، تا حد زیادی از تغییرات بی‌تأثیر باقی مانده است. فصل ۲ نگاه اجمالی، عمدتاً شامل همه‌ی تغییراتی است که بعداً نشان داده می‌شود.

پ۳-۱۶۲ فصل‌های ۳ الی ۱۳ با فصل‌های هم‌شماره در SNA ۲۰۰۸ مطابق است. تغییرات آن فصل‌ها ولی نه تأثیر اصلی آن‌ها در فصل‌ها نشان داده شده‌اند، زیرا فرض بر این است که خوانندگان با این مطالب آشنا هستند. فصل‌های ۱۴ الی ۲۹ بازتنظیم شده‌اند یا حاوی مطالب جدیدی هستند و یا هر دوی این تغییرات را در بر می‌گیرند. فهرست تغییرات در جائی که مناسب است همراه با خلاصه‌ای از تغییراتی که در هریک از این فصل‌ها پوشش داده شده است در سطرهای زیرین ارائه می‌شود.

پ۳-۱۶۳ مرجع فصل‌ها و پیوست‌های *SNA ۱۹۹۳* همانند نشریه‌ی آن با شماره‌های رومی (سیستم عددی مورد استفاده در روم قدیم یعنی ... ,I, II, III, IV، مترجم) نشان داده شده‌اند. فصل‌ها و پیوست‌های ارجاع داده شده با شماره‌های عربی (سیستم عددی اروپا و آمریکا یعنی ... ۳، ۲، ۱، مترجم) به SNA ۲۰۰۸ مربوط است.

فصل ۳: موجودی‌ها، جریان‌ها و قواعد حسابداری

- مسأله‌ی اصلی در اینجا معرفی تفاوت بین مالکیت اقتصادی و مالکیت قانونی است.

فصل ۴: واحدها و بخش‌های نهادی

- تعریف اقامت از نظر مفهومی تغییر نکرده است ولی جملات طوری بکار برده شده‌اند که مفهوم اقامت در SNA و *BPM6* دقیقاً یکسان تعریف شود.
- شکل ۴-۱ معرفی شده است تا به شکل یک نمودار نشان داده شود که واحدهای نهادی چگونه به بخش‌ها منتسب می‌شوند.
- شرکت‌های مالی و غیرمالی در سیستم ۲۰۰۸ جدا شده‌اند و نهادهای غیرانتفاعی در هر یک از آن‌ها به‌طور جداگانه به‌صورت یک زیررده نشان داده می‌شود تا تنظیم حساب اقماری برای NPIها آسان شود.
- تفکیک مشابهی برای دولت ایجاد شده است که در آن NPIها جداگانه مشخص می‌شوند.
- این فصل، تفاوت بین اداره‌ی مرکزی و هلدینگ را روشن می‌سازد و وضعیتی را مشخص می‌کند که اداره‌ی مرکزی بدون توجه به جزئیات خاصی به عنوان هلدینگ تعریف می‌شود.
- بخشی در رابطه با هستارهای دارای هدف ویژه وجود دارد که انواع بررسی‌هائی را مشخص می‌سازد که لازم است انجام شوند تا این هستارها به‌طور مناسبی طبقه‌بندی شوند.
- SNA ۲۰۰۸ از عبارت "شرکت‌های فرعی" که در ۱۹۹۳ *SNA* به آن اشاره شده بود و باعث سردرگمی بود دوری می‌کند.
- مطلب جدیدی وجود دارد که مجموعه‌ای از نماگرهائی را شناسائی می‌کند که می‌توان آن‌ها را برای تعیین این موضوع که آیا دولت شرکت‌ها و نهادهای غیرانتفاعی را کنترل می‌کند یا نه، بکار برد.
- گسترش و اصلاحاتی در مورد زیربخش‌های شرکت‌های

مالی انجام شده است.

- در انتهای فصل مطلب خلاصه‌ای در باره‌ی بانک‌های مرکزیِ اتحادیه‌ی پولی وجود دارد.

فصل ۵: بنگاه‌ها، کارگاه‌ها و صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)

- نوشته‌ی مربوط به بنگاه‌های یکپارچه شده به‌طور افقی اکنون با ISIC Rev.4 سازگار است.

- درباره‌ی بنگاه‌های یکپارچه‌ی عمودی، SNA شناسائی کارگاه‌ها را توصیه می‌کند در حالی که ISIC به سادگی بنگاه را در فعالیت اصلی که بیشترین سهم را در ارزش-افزوده دارد طبقه‌بندی می‌کند.

- بحث جدید و جامع‌تری درباره‌ی فعالیت‌های فرعی وجود دارد.

فصل ۶: حساب تولید

- اصطلاح "محصولات تسخیر دانش" معرفی شده است تا اقلامی را پوشش دهد که برخی از ویژگی‌های کالاها و برخی از ویژگی‌های خدمات را دارند.

- مرجعی برای اقتصاد نامشهود ایجاد شده است. بحث فراگیرتری درباره‌ی این موضوع در فصل ۲۵ وجود دارد.

- این فصل نحوه‌ی برخورد بازنگری شده در رابطه با تحویل کالاها بین کارگاه‌های یک بنگاه یا در حقیقت بین بنگاه‌های مختلف را شرح می‌دهد که بستگی به این دارد که انتقال مالکیت و نیز درجه‌ای از ریسک موجود در فرآوریِ بیشتر وجود داشته باشد. (این موضوع معادلِ داخلیِ کالاهای ارسال شده به خارج برای فرآوری است).

- تفکیک سه‌گانه‌ی تولید اکنون به عنوان تولید بازاری، تولید برای استفاده نهائی خود و تولید غیربازاری نامیده می‌شوند.

- وقتی ستانده برای خودمصرفی نهائی برای تولیدکنندگان بازاری از طریق جمع هزینه‌های آن برآورد می‌شود، اکنون این هزینه‌ها باید برگشت سرمایه ثابت را نیز دربر داشته باشد.

- درباره‌ی چگونگی اندازه‌گیری ستانده‌ای که مدت زمان زیادی طول می‌کشد تا تکمیل شود بحث بیشتری وجود دارد.

- درباره‌ی این که فعالیت انبارداری (ذخیره سازی) چگونه اندازه‌گیری می‌شود و چگونه تشخیص داده می‌شود ذخیره سازی که صورت گرفته است یک فعالیت تولیدی است و نه منفعت ناشی از نگه‌داشتن، توضیحات بیشتری وجود دارد. این موضوع در پیوست فصل ۶ توضیح داده شده است.

- بحث گسترده‌تری درباره‌ی چگونگی اندازه‌گیری ستانده‌ی بانک مرکزی وجود دارد.

- نحوه‌ی برخورد با خدمات مالی با جزئیات بیشتر در فصل ۶ و حتی بیشتر از آن در بخش ۴ فصل ۱۷ شرح داده شده است. پیشرفت‌های صورت گرفته از زمان انتشار ۱۹۹۳ *SNA* درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با کارمزد خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به‌طور غیرمستقیم (FISIM) شرح داده شده است.

- متن بازنگری شده درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با بیمه برای به حساب آوردن نتایج کار گروه کارشناسی در این موضوع موجود است.

- به‌طور مشابه نحوه‌ی برخورد بازنگری شده‌ای درباره‌ی بیمه‌ی اتکائی وجود دارد.

- بحث درباره‌ی این که ستانده‌ی مربوط به صدور ضمانت‌های استاندارد چگونه باید تلقی شوند وجود دارد.

- تحقق و توسعه دیگر به عنوان مصرف واسطه تلقی نمی‌شود بلکه در بیشترِ موارد به عنوان تشکیل سرمایه‌ی ثابت تلقی می‌شود.

- متن جدیدی درباره‌ی نحوه برخورد صحیح با نسخه‌های اصلی و کپی‌ها بعد از توصیه‌های گروه کانبرا ارائه شده

است.

- سیستم‌های تسلیحاتی یک قلم جدید طبقه‌بندی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است.

- در شرح مصرف سرمایه ثابت در این فصل توصیه شده است که باید برای برآورد کاهش ارزش دارائی‌ها، شاخص قیمت دارائی‌های خاص بجای شاخص عمومی تعدیل قیمت بکار برده شود. فرآیند برآورد مصرف سرمایه‌ی ثابت باید با برآوردهای موجودی سرمایه مرتبط باشد. درباره‌ی این موضوع در فصل ۲۰ بحث بیشتری صورت گرفته است.

فصل ۷: حساب‌های توزیع درآمد

- حساب‌های کارآفرینی و از اینرو حساب تخصیص درآمد اولیه اکنون به شرکت‌های مالی و غیرمالی محدود شده است.

- مرجع مربوط به اندازه‌گیری اشتغال بهنگام شده است تا توصیه‌های گردهمائی بین‌المللی آمارشناشان نیروی کار (LCLS) را که در اواخر سال ۲۰۰۸ برگزار شد در بر گیرد.

- تغییرات قابل ملاحظه‌ای برای اندازه‌گیری حق‌بیمه‌های اجتماعی وجود دارد. نخستین تغییر این است که حق‌بیمه‌های مربوط به مزایای بازنشستگی از حق‌بیمه‌های مربوط به مزایای دیگر متمایز شده است. علاوه بر این، این واقعیت که حق برخورداری از مزایای بازنشستگی اکنون در برخی موارد ثبت می‌شود حتی هنگامی که وجوهی برای رفع نیازها کنار گذاشته نشده باشد، برای اندازه‌گیری حق‌بیمه‌های اجتماعی پیامدهائی در بر دارد.

- درآمد سرمایه‌گذاری اکنون عایدات مربوط به صندوق‌های سرمایه‌گذاری را در بر می‌گیرد.

- در مالیات بر تولید، پروانه‌ی تاکسی و کازینوها هم منظور شده است.

- در درآمد دارائی زیرفصل جدیدی از درآمد سرمایه‌گذاری هماهنگ با *BPM6* معرفی شده است.

- مفهوم اجاره‌ی منابع طبیعی در رابطه با پرداخت بهره‌ی مالکانه معرفی شد.

- امکان ثبت مالیات‌ها و یارانه‌های ضمنی در رابطه با نرخ‌های بهره‌ی مطالبه شده و پرداخت شده توسط بانک مرکزی معرفی شد.

- نحوه‌ی برخورد با سود تقسیم شده‌ی فوق‌العاده و برداشت از درآمد هم برای شرکت‌ها و هم برای شبه‌شرکت‌ها منطقی شد. در رابطه با این موضوع، اصطلاح عایدات تقسیم نشده برای همه‌ی بنگاه‌ها به‌گونه‌ای روشن معرفی شد.

- برخورد با درآمد سرمایه‌گذاری که در مزایای بازنشستگی پرداختنی فرض شده بود اکنون در مورد طرح‌های مزایای تعیین شده تغییر یافته است تا همه‌ی افزایشِ حق برخورداری از بازنشستگی را صرف نظر از این که چنین درآمدی واقعاً توسط واحد مسئول صندوق بازنشستگی دریافت شده است پوشش دهد.

فصل ۸: حساب‌های بازتوزیع درآمد

- تغییرات مربوط به حق‌بیمه‌های اجتماعی بیان شده در رابطه با فصل ۷ به فصل ۸ منتقل شده است.

- در انتقالات بیان صریحی از ارسال پول پرداختنی توسط خانوارها به خارج و دریافتنی از افرادی که در خارج کار می‌کنند وجود دارد.

- جدا سازی انتقالات اجتماعی غیرنقدی آسان سازی شد.

فصل ۹: حساب‌های مصرف درآمد

- تفاوت بین خدمات فردی و جمعی در پی تغییرات ایجاد شده در طبقه‌بندی COFOG تغییر یافت.

- به این موضوع پی برده شده که برای NPISHها این امکان وجود دارد که مصرف جمعی داشته باشند هرچند باید تلاش بیش از اندازه‌ای برای تعیین این نوع نمونه‌ها صورت گیرد.

فصل ۱۰: حساب سرمایه

- دارائی‌های تولید نشده به سه مقوله تفکیک شد: منابع طبیعی؛ قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها؛ و سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی.
- بهسازی‌های زمین به عنوان دارائی ثابت جدا از دارائی طبیعی که ارزش زمین در وضعیت تغییر نیافته اش را نشان می‌دهد تلقی می‌شود.
- در هزینه‌های انتقال مالکیت، درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با هزینه‌های پایانی و زمانی که طی آن مصرف سرمایه‌ی ثابت هزینه‌های انتقال مالکیت باید نوشته شود توضیحاتی وجود دارد.
- اطلاعات، کامپیوتر و تجهیزات مخابراتی به عنوان یک رده‌ی جدید از تشکیل سرمایه‌ی ثابت معرفی شد.
- سیستم تسلیحاتی به عنوان یک رده‌ی جدید معرفی شد.
- محصولات مالکیت فکری به عنوان یک رده‌ی جدید معرفی شد.
- تحقیق و توسعه اکنون در بسیاری از موارد به عنوان تشکیل سرمایه‌ی ثابت تلقی می‌شود.
- حق استخراج معادن تغییر یافت تا ارزیابی را در راستای دسترسی به داده‌ها مطابق با توصیه‌های IASB پوشش دهد.
- تغییری در عنوان نرم‌افزار وجود داشته است به‌گونه‌ای که اکنون پایگاه داده‌ها را نیز به روشنی پوشش می‌دهد و توضیحات روشن‌تری نیز درباره‌ی این که چه موقع پایگاه داده‌ها منظور شود ارائه شده است.
- در درون موجودی‌های انبار یک رده‌ی موجودی‌های انبار نظامی وارد شده است.
- توضیحات روشن‌تری درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها وجود دارد و توضیح بیشتر از این در بخش ۵ فصل ۱۷ ارائه شده است.
- درباره‌ی اندازه‌گیری و موارد شمول سرقفلی خریداری شده و دارائی‌های بازاریابی توضیحات بیشتری وجود دارد.

فصل ۱۱: حساب مالی

- تغییر برخورد با طلای پولی و به‌طور کلی با حساب‌های فلزات وجود دارد.
- در SNA ۲۰۰۸، بدهی برای SDRها به رسمیت شناخته شده است.
- در طبقه‌بندی جدید مالی، یک رده برای ذخائر بین بانک‌ها معرفی شده است.
- نحوه‌ی برخورد بازنگری شده‌ی اوراق بهادار مرتبط به شاخص وقتی به یک شاخص محدود مرتبط باشد معرفی شده است.
- دو قلمی که به وجوه سرمایه‌گذاری مربوط هستند معرفی شده است.
- ذخائر فنی بیمه گسترش یافته است تا حق برخورداری از بازنشستگی را نیز در بر گیرد حتی جائی که وجوهی، ادعاهای ممکن مربوط به مدیران صندوق بازنشستگی و ذخائر برای ضمانت‌های استاندارد، وجود ندارد.
- اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان در طبقه‌ای همراه با مشتقات مالی وارد شده است.
- اقلام یادداشتی توصیه شده در رابطه با وام‌های ناکارآمد (مشکوک‌الوصول) وجود دارد.

فصل ۱۲: حساب‌های سایر تغییرات در دارائی‌ها

- طبقه‌بندی جدیدی از همه‌ی تغییرات در حجم ارائه شده است که هریک از آن‌ها را می‌توان برای هر طبقه از دارائی‌ها بکار برد تا انتقال از یک ترازنامه به ترازنامه‌ی‌دیگر را ساده‌تر کند.

- توضیح داده شده است که تنها آن دسته از زیان‌های موجودی انبار در سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها نشان داده می‌شوند که به‌طور نامنظم رخ می‌دهند. حتی اگر این زیان‌ها بسیار بزرگ باشند، اگر این نوع زیان‌ها به‌طور مرتب رخ دهند باید به عنوان برداشت از موجودی انبار تلقی شوند.

فصل ۱۳: ترازنامه‌ها

- مفهوم حساب دارائی در این فصل ارائه شده است. قبلاً فقط در فصل ۲ نشان داده شده بود.

- شرح مفصل‌تری از روش‌های ممکن برای ارزش‌گذاری حقوق سهامداران وجود دارد.

- تحلیل‌های جریان وجوه به فصل ۲۷ منتقل شده است.

فصل ۱۴: جدول‌های عرضه و مصرف و حساب کالاها و خدمات

- این فصل حاوی مطالبی از فصل XV نسخه‌ی قبلی است. بقیه در فصل ۲۸ پوشش داده شده است.

- به‌طور قابل ملاحظه‌ای فرمول بندی تازه‌ای از متن در این فصل وجود دارد.

- شرح مفصل‌تری وجود دارد درباره‌ی این که چگونه باید هزینه‌های حمل و نقل در جدول عرضه و مصرف ثبت شوند و چگونه آن‌ها بر قیمت‌های تولیدکننده و خریدار تأثیر می‌گذارند.

- نحوه‌ی برخورد بازنگری شده برای تحویل بین بنگاهی و کالاهائی که برای فرآوری به خارج فرستاده می‌شوند پیامدهای عمده‌ای برای این فصل دارد.

- شرحی درباره‌ی تعدیل قیمت جدول‌های عرضه و مصرف وجود دارد.

فصل ۱۵: سنجه‌های قیمت و حجم

- در ۱۹۹۳ *SNA*، در فصل XVI درباره‌ی قیمت‌ها و حجم‌ها بحث شده بود. فصل حاضر بازنگری‌های قابل ملاحظه‌ای را در زمینه‌ی راهنماهای مختلفی که از سال ۱۹۹۳ منتشر شده است نشان می‌دهد، این راهنماها مربوط به قیمت‌های مصرف کننده، قیمت‌های تولید کننده، قیمت‌های واردات و صادرات و راهنماهای بازنگری شده‌ی برنامه مقایسه بین‌المللی هستند.

- این فصل حاوی متنی درباره‌ی کاربرد شاخص‌های قیمت در تعدیل قیمت حساب‌های ملی است.

فصل ۱۶: خلاصه سازی و یکپارچه سازی حساب‌ها

- مطالبی که قبلاً در فصل II نشان داده شده بود به عنوان یکی از فصل‌های اصلی آورده شده است.

فصل ۱۷: موضوعات چندوجهی و خاص

- این فصل محتوای پیوست‌های قبلیِ III و IV در ۱۹۹۳ *SNA* را جایگزین می‌کند و آن را از هردو نظر، میزان تفصیل و گستره‌ی مطالب موضوعی، افزایش می‌دهد. این فصل جزئیات بیشتری را درباره‌ی مسائلی که در بهنگام سازی موضوع بررسی‌های فراگیر بوده است ارائه می‌دهد. این موضوعات عبارتند از:

الف. بیمه شامل بیمه‌ی اتکائی و مستمری‌های سالانه؛

ب. طرح‌های بیمه اجتماعی و بویژه بازنشستگی شامل یک جدول تکمیلی؛

پ. ضمانت‌های استاندارد؛

ت. خدمات مالی، که مواردی را که کارمزدهای صریح و ضمنی درباره‌ی مجموعه کامل ابزارهای مالی ایجاد می‌شوند نشان می‌دهد.

ث. قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها که همه‌ی جنبه‌های این نوع ترتیبات را گرد هم می‌آورد.

ج. اختیار معامله سهام برای کارکنان

فصل ۱۸: تنظیم و ارائه‌ی حساب‌ها

- مانند فصل ۱۶، این فصل مطالب جدیدی درباره‌ی ترکیب حساب‌ها ارائه می‌دهد ولی عمدتاً در موضوعات عملی متمرکز شده است.

فصل ۱۹: جمعیت و نهاده‌های نیروی کار

- این فصل بر اساس فصل XVII نسخه‌ی قبل تهیه شده است ولی برای تشریح مفاهیم مختلف مرتبط با نیروی کار، کمتر به نمودارها متکی است.
- نتایجِ ICLS که در اواخر سال ۲۰۰۸ برگزار شد گنجانده شده است.
- بخش کوتاهی درباره‌ی نیروی کار داوطلب وجود دارد.
- بحثی درباره‌ی نهاده‌های تعدیل کیفیت نیروی کار وجود دارد.
- بخشی درباره‌ی بهره‌وری نیروی کار وجود دارد.

فصل ۲۰: خدمات سرمایه و حساب‌های ملی

- فصلِ جدیدی در پاسخ به یکی از اقلام دستور کار پژوهش در *SNA* ۱۹۹۳ است. این فصل یک مقدمه‌ی غیرفنی برای موضوع خدمات سرمایه و پیوند با مازاد عملیاتی ناخالص ارائه می‌دهد. همچنین یک جدول تکمیلی پیشنهاد می‌کند که می‌تواند به طور اختیاری منظور شود.

فصل ۲۱: اندازه‌گیری فعالیت شرکت‌ها

- فصلِ جدیدی است که موضوع‌هائی نظیر ادغام و تحصیل (کسب)، جهانی شدن، پیامدهای بحران مالی و ارتباط با حسابداری بازرگانی را مورد بحث قرار می‌دهد. مطالب مربوط به ادغام و تحصیل از *تعریف معیار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی* برداشته شده است.

فصل ۲۲: بخش دولت و بخش عمومی

- فصلِ جدیدی است که هدف آن فراهم کردن ارتباط با آمارهای مالی دولت، طرز عمل دیونِ دولت و کسری بودجه و دیون خارجی است تا حدی که به بخش عمومی مربوط می‌شود.
- موضوع بخش عمومی در *SNA* ۱۹۹۳ بحث نشده بود.
- اطلاعات ویژه‌تری درباره‌ی این که کنترل‌های دولت بر شرکت‌ها و نهادهای غیرانتفاعی چگونه تعیین می‌شود ارائه شده است.
- مفهوم قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی مورد بحث قرار گرفته و تعریف آن ارائه شده است.
- ارتباط با ارائه‌ی حساب‌های مالیه‌ی دولت نشان داده شده است.
- نحوه‌ی برخورد با اعتبارهای مالیاتی روشن شده است.
- عملیات مربوط به دیون مورد بحث قرار گرفته است.
- ثبت ضمانت‌های دولت مورد بحث قرار گرفته است.
- بحثی وجود دارد درباره‌ی این موضوع که روابط بین دولت و شرکت‌ها در بحران‌های مالی چگونه باید ثبت شوند.
- مشارکت‌های بخش عمومی خصوصی مورد بحث قرار گرفته است.

فصل ۲۳: نهادهای غیرانتفاعی

- این فصل نیز فصل جدیدی است که پیوندی بین SNA و دستنامه‌ی مربوط به حساب‌های اقماری نهادهای غیرانتفاعی ارائه می‌دهد.

فصل ۲۴: بخش خانوار

- این فصل توضیحی برای موضوعِ زیربخشی کردن خانوارها ارائه داده است.

- این فصل برخی از جنبه‌های تولید خانوار را به تفصیل مورد بحث قرار داده است.

فصل ۲۵: جنبه‌های غیررسمی اقتصاد

- این قلم نیز در ۱۹۹۳ *SNA* قسمتی از دستورِ کار پژوهشی بود.
- این فصل دو موضوعِ اقتصاد نامشهود و بخش غیررسمی را پوشش می‌دهد. موضوع دوم ابتکار ILO را با تأکید بر اشتغال غیررسمی و نیز بر تولید پی می‌گیرد. این سؤال هنوز در دستورِ کار پژوهش باقی مانده است.

فصل ۲۶: حساب‌های دنیای خارج و پیوند آن با تراز پرداخت‌ها

- این فصل، جایگزین فصل‌های قبلی XIV و پیوست II از ۱۹۹۳ *SNA* شده است. این فصل بازنگری شده است تا با *BPM6* سازگار باشد. همکاری گسترده‌ای در مرور *BPM6* و *SNA* صورت گرفته است به طوری که در بسیاری از موارد در دو دستنامه دقیقاً از یک عبارت استفاده شده است.
- *BPM6* مجموعه‌ی جدیدی از حساب‌هائی را که به توالی حساب‌های SNA نزدیک‌تر است معرفی می‌کند که جدول‌های پل را از دیدِ SNA آسان‌تر می‌کند.
- رده‌های عملکردی *BPM6*، سرمایه‌گذاری مستقیم، سرمایه‌گذاری بدره، مشتقات (ابزارهای ثانوی) مالی، سرمایه‌گذاری‌های دیگر و دارائی‌های ذخیره معرفی شده‌اند.

فصل ۲۷: پیوند به آمارهای پولی و جریان وجوه

- برخی از مطالب این فصل در فصل‌های قبلی XI و XII وجود داشت ولی در اینجا گسترش یافته است تا پیوند با آمارهای پولی و مالی را نشان دهد.
- حساب‌های جریان وجوه در اینجا مورد بحث قرار گرفته است.

فصل ۲۸: تحلیل‌های داده- ستانده و دیگر تحلیل‌های ماتریس مبنا

- این فصل بر مبنای فصل‌های قبلی XX و یک قلم از دستور کار پژوهش درباره‌ی ارائه‌ی ماتریسی ساخته شده است. این فصل همچنین بر اساس مطالب دستنامه‌ی اداره‌ی آمار اروپا درباره‌ی جدول‌های داده- ستانده تنظیم شده است که در سال ۲۰۰۸ در دسترس قرار گرفت.
- این فصل شامل تفکیک بخشی مطالب به جدول‌های عرضه و مصرف برای ارائه‌ی ارتباط به توالی حساب‌ها است.

فصل ۲۹: حساب‌های اقماری و دیگر حساب‌های گسترش یافته

- مطالب این فصل تا حدی از فصل‌های قبلی XVIII، XIX و XXI برداشته شده است. این فصل همچنین شامل مطالب جدید درباره‌ی حساب‌های اقماری است که از سال ۱۹۹۳ گسترش یافته یا بازنگری شده است.

۲. پیوست‌ها و دیگر اقلام

پ۳-۱۶۴ پیوست‌های ۱ و ۲ با پیوست V قبلی مطابقت دارد.

پ۳-۱۶۵ پیوست حاضر، پیوست ۳، با پیوست I قبلی مطابقت دارد.

پ۳-۱۶۶ پیوست ۴ جدید است و شامل اطلاعات مربوط به دستور کار پژوهش است که در ۱۹۹۳ *SNA* در صفحاتی پیش از آغاز فصل‌ها گنجانده شده بود.

پ۳-۱۶۷ در ۲۰۰۸ SNA فهرستی از منابع علمی گنجانده شده است؛ در ۱۹۹۳ *SNA* فهرست منابع علمی خارجی ارائه نشده بود.

پ۳-۱۶۸ واژه‌نامه بجای این که به صورت یک مدرک جداگانه منتشر شود، در نشریه گنجانده شده است.

پ۳-۱۶۹ اطلاعات بیشتری درباره فرآیند بازنگری در وب سایت بخش آمار سازمان ملل موجود است و اطلاعات بیشتر درباره‌ی پیشرفت‌های مربوط به دستور کارِ پژوهش در این سایت اعلام خواهد شد.

پیوست ۴: دستور کار پژوهش

الف. مقدمه

پ۴-۱ SNA با این هدف طراحی شده است که چشم‌اندازی واقع‌بینانه و فشرده از اقتصاد ارائه دهد که برای استفاده در سیاست‌گذاری‌ها و تحلیل‌ها مناسب باشد. مادامی که اقتصاد تغییر می‌کند و نیازهای سیاست‌گذاری و تحلیلی تغییر شکل می‌دهند، SNA باید بازنگری شود تا مشخص گردد که آیا هنوز برای این اهداف مناسب است. آشکارترین مثالِ تغییرِ شرایط اقتصادی که ارزیابی مجددِ بسندگیِ چارچوب حساب‌های ملی را برمی‌انگیزد، بحران مالی است که از اواخر سال ۲۰۰۸ به این طرف پدید آمده است. خوشبختانه، پیش از این که این نشریه به پایان برسد امکان ارزیابی مجدد آن فراهم شد و فقط تغییرات جزئی علاوه بر تغییراتی که قبلاً برای بهنگام سازی پیشنهاد شده بود، بویژه نحوه‌ی برخورد با ضمانت‌های استاندارد ضرورت پیدا کرد. ابتدا توصیه شده بود که تغییرات پیشنهاد شده فقط برای وام‌ها بکار برده شود؛ رخدادهای بحران مالی موجب شد که اعمال این تغییرات برای گستره‌ی وسیع‌تری از ابزارهای مالی پیشنهاد شود.

پ۴-۲ در چشم‌اندازهای اقتصادی تغییر سریع و چشمگیر مانند آنچه که در سال ۰۸-۲۰۰۷ بوجود آمد معمول نیست. اما، همیشه پدیده‌های برجسته‌ای وجود دارند که می‌توانند انگیزه‌ای برای حسابداران ملی باشند تا روش‌های جاری خود را دوباره ارزیابی کنند. مثالی از این پدیده‌ها، مجوزهای قابل معامله‌ی آلاینده به عنوان گامی برای مبارزه‌ی جهانی با گرم شدن زمین است. در ۲۰۰۸ SNA به‌طور کامل به این که تراکنش‌های این مجوزها چگونه باید ثبت شوند پرداخته نشده است، و با فرض افزایش سریع و ارزش زیاد آن‌ها، روشن است که این کاستی نیاز به چاره‌اندیشی دارد.

پ۴-۳ مادامی‌که ۲۰۰۸ SNA برخی از مسائل مرتبط با جهانی شدن، نظیر نحوه‌ی عمل تغییر یافته برای فرآوری در پاسخ به خدمات روزافزون برون سپاری، را مورد بحث قرار می‌دهد، روشن است که جنبه‌های دیگری نیز می‌تواند در رابطه با این روند وجود داشته باشد که منجر به بررسی دوباره‌ی این موضوع شود که پدیده‌ی مورد نظر در حساب‌ها چگونه باید نشان داده شود. یک امکان، شکل‌های دیگر ارائه به صورت مکمل برای بنگاه‌های چند ملیتی است که براساس تعاریف جایگزین اقامت و مالکیت تهیه می‌شود.

پ۴-۴ پیش‌بینی همه‌ی مسائلی که در آینده‌ی نزدیک پیش خواهد آمد امکان‌پذیر نیست. هدفِ این فصل فهرست کردن آن دسته از مسائلی است که در حین بازنگریِ حاضر پدید آمد ولی به بررسی‌هائی فراتر از آنچه که در طول این بازنگری امکان‌پذیر بود نیاز داشت. برخی از مسائل ممکن است نتایجی ببار آوَرَد که لازم نباشد تغییراتی در SNA صورت گیرد بلکه فقط نیاز به شفاف سازی بعضی نکات باشد. این فهرست در وب سایت بخش آمار سازمان ملل نگه‌داشته خواهد شد و به محض پدید آمدن اقلام جدید و توافق درباره‌ی توصیه‌های مربوط به اقلام موجود، بهنگام خواهد شد.

پ۴-۵ در تعیین اولویتِ هر قلم، لازم است به سه پرسش پاسخ داده شود.

الف. فوریت و اهمیت آن موضوع برای اطمینان از حفظ ارتباط SNA با کاربران چگونه است؟

ب. پیامدهای آن تا حد گسترده است و اجرای آن تا چه حد پیچیده خواهد بود؟

پ. آیا موضوع مورد نظر کاملاً جدید است یا قسمت بیشترِ تمهیدات لازم برای بررسی قلم مورد نظر انجام شده است؟

انتخاب اقلام برای انجام پژوهش، فرآیندی است که به‌طور گسترده‌ای مشورت و درگیری هردوی تهیه‌کنندگان و کاربران را در فرآیند بازنگری لازم خواهد داشت.

پ۴-۶ همه‌ی تلاش‌هائی که برای بهنگام سازیِ SNA صورت گرفته است، از جمله تجربه‌ی ویرایش‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۸، نشان می‌دهد که به دلیل ماهیت یکپارچه بودنِ حساب‌ها، بسیار مشکل است که فقط قسمت‌هائی از سیستم بهنگام شوند. فهرست موضوعات زیر به‌طور وسیع برحسب زمینه‌ی موضوع گروه‌بندی شده است ولی در ابتدا لازم به تأکید است که احتمال دارد پیامدهائی نیز در خارج از سرفصل موضوع داشته باشد.

پ۴-۷ موضوعات شناسائی شده تا کنون در چهار سرفصل عمده گروه‌بندی شده‌اند.

الف. قواعد اصلی حسابداری؛

ب. مفهوم درآمد؛

پ. مسائل مربوط به دارائی‌های مالی؛

ت. مسائل مربوط به دارائی‌های غیرمالی.

هریک از گروه‌های فوق موضوع یکی از بخش‌های زیر است.

ب. قواعد اصلی حسابداری

۱. ارتباط SNA و IASB

پ۴-۸ هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، تنظیم کننده‌ی مستقلِ استانداردهای حسابداری است که به‌طور خصوصی تأمین مالی می‌شود. اعضای این هیأت از نُه کشور با سابقه‌ی کارکردهای گوناگون هستند. IASB در جهت منافع عموم متعهد شده است که یک مجموعه‌ی واحدِ با کیفیت بالا از استانداردهای جهانیِ حسابداری تنظیم کند که قابل درک و قابل اجرا بوده و منجر به اطلاعات شفاف و مقایسه‌پذیری در صورت‌های مالیِ دارای کاربرد عمومی شود.

پ۴-۹ IASB با تنظیم کنندگان استانداردهای حسابداری بازرگانی ملی کار می‌کند تا در استانداردهای حسابداری در سراسر جهان به همگرائی برسد. در حال حاضر، تقریباً از کاربران صد کشور جهان خواسته شده است یا اجازه داده شده است که IFRSها (استانداردهای بین‌المللی گزارش‌دهی مالی) را بکار ببرند یا سیاست همگرا با آن‌ها را داشته باشند. توسعه‌ی IFRS ها، نیازها و شرایط در حال تغییر اقتصاد جهانی را به روش‌هائی منعکس می‌کند که مستقیماً با کاربرد و نیازهای SNA هستند. است. پذیرش IFRSها توسط شرکت‌ها می‌تواند اثر قابل ملاحظه‌ای در حسابداری شرکتی و داده‌های برآمده از حساب‌های شرکت‌ها داشته باشد.

پ۴-۱۰ IASB برای توسعه‌ی یک استاندارد جدید، در یک فرآیند سه مرحله‌ای کار می‌کند. مرحله‌ی نخست پیش‌نویسِ همراه با دعوت (ITC) برای اظهار نظر است؛ مرحله‌ی دوم ارائه‌ی پیش‌نویس (ED) با دعوت برای اظهار نظر و مرحله‌ی سوم یک استاندارد جدید است. در هریک از مراحل، سابقه موضوع مورد نظر نیز به روشنی توضیح داده می‌شود و دلایل انتخاب توصیه‌ها ارائه می‌شود. در هر یک از دو مرحله‌ی نخست همه‌ی علاقمندان دعوت به اظهار نظر می‌شوند. برقراری یک گفت و شنود منظم بین جامعه‌ی حساب‌های ملی و IASB راهی برای اطمینان از این است که نیازهای حسابداران ملی به IASB ارائه شده است و حسابداران ملی از توسعه‌ی احتمالی در منبع داده‌ها آگاه شده‌اند. قبلاً در طول بازنگری سال ۲۰۰۸ مشورت درباره‌ی

استانداردهای IASB با همتای آن‌ها برای استانداردهای حسابداری بخش عمومی (هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی، IPSASB) بی‌نهایت سودمند بوده است. بنابراین، مطلوب است که گفت و شنودی با IASB با هدف اصلاح SNA برقرار و حفظ شود تا استانداردهای جدید حسابداری در صورت لزوم پیگیری شوند.

پ۴-۱۱ یکی از موضوعات مربوط به بنگاه‌های چند ملیتی که در حسابداری بین‌المللی به‌طور روزافزونی مورد توجه قرار گرفته است موضوع ادغام‌ها و تحصیل‌ها است. مطالب فصل ۲۱ براساس اطلاعات نشریه‌ی OECD، *تعریف اولیه از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی*، تهیه شده است. کارِ IASB در این زمینه باید مورد پایش قرار گیرد تا مشخص شود که آیا این توصیه‌ها نیاز به اصلاح دارد.

۲. تلفیق گروه‌های بنگاهی

پ۴-۱۲ بسیاری از بنگاه‌های موجود در درون یک اقتصاد با دیگر بنگاه‌های دارای مالکیت کامل یا بخشی از یک مالکیت مشترک و ساختار مدیریتی شریکی پیوند می‌خورند تا یک گروهِ بنگاهی تشکیل دهند. بنگاه‌ها اغلب با بنگاه‌های تحت پوشش خارجی نیز در مدیریت و مالکیت سهیم می‌شوند. این امر رایج است که بنگاه‌های درونِ یک گروه بنگاهی هنگامی که مثلاً یک مرحله‌ی میانی از ادغام عمودیِ فرآیند تولید را می‌گذرانند با یکدیگر و گاهی اوقات منحصراً با یکدیگر داد و ستد داشته باشند و در ستانده‌ها و هزینه-های تولیدات فرعی شریک باشند. آن‌ها همچنین در ستانده‌ها و هزینه‌های فعالیت‌های تحقیق و توسعه نیز شریک می‌شوند. با توجه به روابط نزدیک آن‌ها گاهی اوقات ممکن است این امر مطلوب باشد که یک گروه بنگاهی به عنوان یک هستار واحد در نظر گرفته شود و حساب‌های اعضای آن تلفیق شوند. (این کار پیش از این در ارائه‌ی تلفیقیِ برخی آمارهای دیگر نظیر AMNE، FATS و بانک تسویه بین‌المللی (BIS) تجربه شده است). اعضای یک گروه بنگاهی معمولاً به فعالیت‌های متفاوت و گاهی به فعالیت‌هائی در بیش از یک بخش اشتغال دارند. بنابراین محتمل‌ترین راه پیشِ رو استفاده از جدول‌های تکمیلی خواهد بود.

پ۴-۱۳ لازم است در مواردی که برخی از قسمت‌های گروه غیرمقیم هستند به‌طور جداگانه بررسی شوند.

۳. تراست‌ها

پ۴-۱۴ در SNA توصیه شده است که تراست‌ها به عنوان شبه شرکت تلقی شوند. اگرچه در برخی موارد هنگامی که یک تراست عمدتاً به عنوان یک SPE برای شرکت استفاده می-شود، به صورت یک واحد نهادی جدا در نظر گرفته نمی‌شود و تا زمانی که با شرکت مادر در یک اقتصاد مقیم باشد در شرکت مادر ادغام می‌شود.

پ۴-۱۵ شرح مفصلی در مورد تراست‌ها ارائه نشده است، اگرچه همان‌طور که برخی از تراست‌ها به شرکت‌ها تعلق دارند ممکن است تراست‌هائی نیز وجود داشته باشند که به خانوارها یا NPIها متعلق باشند. توضیحات بیشتر در مورد ماهیت تراست‌ها و این که چه موقع دارائی‌های آن‌ها باید متعلق به واحدهای جدا تلقی شوند و چه موقع با دارائی‌های صاحبان آن‌ها ادغام شوند مفید خواهد بود.

۴. مصرف نهائی شرکت‌ها

پ۴-۱۶ در SNA، برای شرکت‌ها مصرف نهائی ثبت نمی‌شود زیرا شرکت‌ها به عنوان استفاده کننده‌ی نهائیِ کالاها و خدمات در نظر گرفته نمی‌شوند، به‌استثنای محصولات سرمایه‌ای غیر از اشیاء گرانبها که برای مقاصد تولید تحصیل می‌شوند. اما، شرکت‌های بزرگ اغلب حمایت رخدادهای فرهنگی و ورزشی را به عهده می‌گیرند. تا به امروز، SNA این پرداخت‌های حمایتی را به عنوان شکلی از تبلیغات در نظر گرفته است ولی این بحث پیش می‌آید که آن‌ها شکلی از مصرف فردی هستند و می‌توان آن‌ها را به عنوان مخارج مصرف نهائی شرکت و انتقالات اجتماعی غیرنقدی به خانوارها تلقی کرد. علاوه بر این، با اعمال مقرراتی نظیر استانداردهای زیست محیطی، دولت ممکن است به همان نتیجه‌ای که اگر مالیات وضع می‌کرد و درآمد آن را در

حفاظت از محیط زیست خرج می‌کرد برسد، که در آن صورت به عنوان مصرف نهائی تلقی می‌شد. از این رو ممکن است نمونه‌هائی وجود داشته باشد که صحیح‌تر است برخی از مخارج متحمل شده توسط شرکت‌ها به عنوان مصرف نهائی ثبت شوند.

۵. اندازه‌گیری ستانده‌ی خدمات دولت

پ۴-۱۷ در SNA توصیه شده است که ارزش تولید غیربازاری ارائه شده به رایگان، یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند، باید به صورت جمع هزینه‌های تولید برآورد شود (پاراگراف‌های ۶-۱۲۸ الی۶-۱۳۲). مبنای این توصیه فقدان قیمت برای تولیدات غیربازاری است. اما، برای یافتن راه حل‌های دیگر برای اندازه‌گیری ستانده‌ی دولت هنوز پژوهش‌ها ادامه دارد.

۶. نحوه‌ی برخورد با انتقالات اجتماعی غیرنقدی به دنیای خارج

پ۴-۱۸ در SNA، انتقالات اجتماعی غیرنقدی تنها بین واحدهای دولتی، NPISHها و خانوارها صورت می‌گیرد. پاراگراف ۸-۱۴۵ این موضوع را توضیح می‌دهد که فرض می‌شود مبلغ انتقالات اجتماعی غیرنقدیِ پرداختنی به دنیای خارج احتمالاً قابل چشم پوشی است و، در هر صورت، با مزایای مشابه دریافتنی از دنیای خارج خنثی می‌شود. در برخی موارد، این فرض‌ها ممکن است نادرست باشد و برای ثبت این‌ها می‌توان روش مشخصی را تعیین کرد. با مشخص شدن چنین روشی، پیامدهای ناشی از تفاوت بین کلِ مخارج مصرفی و کلِ مصرف واقعی باید مورد توجه قرار گیرد.

۷. ستانده‌ی بانک‌های مرکزی: مالیات‌ها و یارانه‌ها بر نرخ بهره‌ی اجرا شده توسط بانک‌های مرکزی

پ۴-۱۹ نحوه‌ی برخورد و اندازه‌گیری ستانده‌ی بانک‌های مرکزی در پاراگراف ۶.۱۵۱ الی ۶۱۵۲ شرح داده شده است. سه گروه گسترده از خدمات مالی شناسائی شده‌اند: خدمات سیاست-گذاری پولی، واسطه‌گری مالی و موارد ویژه.

پ۴-۲۰ یکی از موارد ویژه هنگامی پیش می‌آید که واسطه‌گری مالیِ بانک مرکزی سنجه‌های سیاست‌گذاری را در بر می‌گیرد، نظیر تنظیم نرخ بهره‌های بالاتر یا پائین‌تر از نرخ‌های بهره‌ی بازار. این امر مسائل متعددی را بوجود می-آورد. نخستین مسأله چگونگی محاسبه‌ی ستانده‌ی بانک مرکزی است، زیرا بکار بردن نرخ‌های بهره‌ی خارج از بازار توسط بانک مرکزی ممکن است موجب اعوجاج در اندازه-گیری ستانده و ارزش افزوده‌ی آن شود. مسأله دوم مربوط به استفاده از نرخ‌های خارج از بازار است که حاکی از آن است که بین بانک مرکزی و طرف مقابل علاوه بر آن‌هائی که به واسطه‌گری مالی مربوط هستند جریان‌هائی وجود دارد.

۸. نحوه‌ی برخورد با کارگاه‌ها در SNA

پ۴-۲۱ در حال حاضر وجود مفهوم کارگاه در درون SNA به دو دلیل است. نخستین دلیل این است که هنگامی که اطلاعات بر اساس کارگاه گردآوری می‌شود با اطلاعات منبع مرتبط باشد. در مواردی که اطلاعات پایه بر اساس بنگاه گردآوری می‌شود، این دلیل از بین می‌رود. دلیل دوم برای استفاده در جدول‌های داده- ستانده است. از نظر تاریخی، منطق این موضوع دستیابی به واحدی بود که تا حد ممکن فقط به یک فعالیت در یک مکان مربوط باشد به طوری که ارتباط با فرآیندهای فیزیکی تولید تا جائی که ممکن است مشخص باشد. با تغییر تأکید از نگاه فیزیکیِ داده- ستانده به نگاه اقتصادی، و از ماتریس محصول در محصول به ماتریس صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت)، باقی ماندنِ مفهوم کارگاه در SNA دیگر روشن نخواهد بود.

۹. گنجاندن سازمان‌های بین‌المللی در SNA

پ۴-۲۲ در SNA، سازمان‌های بین‌المللی به عنوان واحدهائی که در دنیای خارج مقیم هستند تلقی می‌شوند (پاراگراف‌های ۴-

۱۷۳ الی ۴–۱۷۵). در اصل این امکان وجود داشت که سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان زیرمجموعه‌ی استانداردی از دنیای خارج تلقی کرد و مجموعه‌ی کامل حساب‌ها را برای آن‌ها تهیه کرد.

پ. مفهوم درآمد

۱. شفاف سازی مفهوم درآمد در SNA

پ۴–۲۳ همان‌گونه که در پاراگراف ۸–۲۵ بحث شد، مفهوم درآمد در SNA با درک کلی از آن در اقتصاد متفاوت است. بویژه، منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن در SNA به عنوان بخشی از درآمد در نظر گرفته نمی‌شود. اما، نه تنها نظریه‌های اقتصادی بلکه استانداردهای حسابداری کسب و کار (تجاری) نیز منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن را به عنوان درآمد تلقی می‌کنند. SNA منفعت و زیان ناشی از نگه-داشتن را از تولید خارج می‌سازد و این برخورد را در بیشترِ جریان‌های درآمد نیز اعمال می‌کند، به استثنای بهره که ثبت آن همچنان برحسب اسمی ادامه دارد. یک بررسی کلی در مورد مفهوم درآمد در SNA شامل پیامدهای آن برای همه‌ی جریان‌های درآمد دارائی مفید خواهد بود. در پاراگراف‌های زیر به برخی از جنبه‌های ویژه پرداخته شده است.

۲. GDP به قیمت‌های پایه

پ۴–۲۴ محصول ناخالص داخلی (GDP) برابر است با حاصل جمع ارزش افزوده‌ی همه‌ی واحدهای مقیم در یک سرزمین اقتصادی که به تولید اشتغال دارند (که ارزش‌افزوده به قیمت پایه است) بعلاوه همه‌ی مالیات‌ها منهای همه‌ی یارانه‌های محصول که در ارزش ستانده‌ی آن‌ها وارد نشده است. GDP همچنین برابر است با حاصل جمع مخارج نهائی منهای مخارج مربوط به واردات توسط واحدهای نهادی مقیم در سرزمین. ارزش‌گذاری "طبیعی" سنجه‌ی تولید GDP قیمت‌های پایه است، در حالی که ارزش‌گذاری "طبیعی" سنجه‌ی مخارج GDP به قیمت‌های بازار است. در SNA رویکرد تولید است که تعدیل می‌شود (با اضافه کردن مالیات‌ها منهای یارانه‌های محصول) تا سازگاری حاصل شود. در این کار این ایده که مالیات‌ها منهای یارانه‌های محصول شکلی از درآمد است و نه فقط شکلی از توزیع درآمد، مستتر است.

پ۴–۲۵ اگر تصمیم گرفته می‌شد که ارزش GDP به قیمت‌های پایه ارزش‌گذاری شود در این صورت توالی حساب‌ها نیاز به اصلاح داشت، شیوه‌های متفاوتی برای انجام این کار وجود دارد. این موضوع ممکن است منجر به این شود که دو کارکرد اصلی دولت یعنی تولید خدمات غیربازاری و بازتوزیع درآمد ملی جداگانه نشان داده شوند.

۳. نقش مالیات‌ها در SNA

پ۴–۲۶ همان‌گونه که اشاره شد، مالیات بر محصول در SNA به عنوان شکلی از درآمد تلقی می‌شود. اما، بسیاری از اقتصاددانان گرایش به این دارند که به آن به عنوان مالیات بر مصرف نگاه کنند. مالیات بر مصرف و همین طور یارانه بر مصرف در SNA وجود ندارند. مالیات بر تراکنش‌های مالی (نظیر مالیات بر انتشار، خرید، و فروش اوراق بهادار) به عنوان مالیات بر تولید تلقی می‌شود اگرچه خدمتی در آن‌ها وجود ندارد. ممکن است مناسب باشد که مروری دوباره بر نحوه‌ی برخورد SNA با همه‌ی مالیات‌ها و یارانه‌ها انجام شود تا از مطابق بودن آن‌ها با درک و نیاز کاربران اطمینان حاصل گردد، یا اگر چنین نیست منطقِ هر تفاوتی کاملاً روشن و برجسته شود.

۴. بیمه‌ی زندگی

پ۴-۲۷ در حال حاضر، بین نحوه‌ی برخورد با درآمد دارائی تعلق گرفته به ذینفعان مزایای بازنشستگیِ تحت طرح بازنشستگیِ مزایای تعیین شده و سایر شکل‌های بیمه‌ی زندگی ناسازگاری وجود دارد. میزان درآمد دارائی منتسب شده به ذینفعان مزایای بازنشستگی با افزایش ادعای آن‌ها بدون کسر درآمد دارائی ایجاد شده برحسب این که منبع تأمین مالی از منفعت ناشی از نگه‌داشتن باشد یا خیر، مطابقت دارد. برای قراردادهای بیمه‌ی زندگی، شرکت‌های بیمه قسمتی از منفعت ناشی از نگه‌داشتن مربوط به ذخائر متعلق به دارندگان بیمه‌نامه را نگه می‌دارند ولی این قسمتِ نگه‌داشته شده به عنوان بخشی از حق‌الزحمه‌ی مطالبه شده توسط شرکت‌های بیمه تلقی نمی‌شود. از اینرو، ممکن است در ستانده‌ی شرکت‌های بیمه کم‌گوئی وجود داشته باشد. لازم است به این بحث پرداخته شود و همچنین باید برخورد مناسبی برای هنگامی که زیان ناشی از نگه‌داشتن رخ می‌دهد نیز ارائه شود.

۵. سود بازسرمایه‌گذاری شده

پ۴-۲۸ SNA توصیه می‌کند که سود تقسیم نشده‌ی یک بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باید طوری تلقی شود که گوئی به نسبت مالکیت حقوق سهام در بنگاه بین سرمایه-گذاران مستقیم خارجی تقسیم شده است. این عایدات سپس توسط آن مالکان به عنوان افزوده به حقوق سهامداران در حساب مالی بازسرمایه‌گذاری می‌شوند. این مبلغ، اضافه بر هرگونه توزیع واقعی انجام شده از محل درآمدِ قابل توزیع است. این رهیافت برای عایدات صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیز اتخاذ می‌شود.

پ۴-۲۹ پیشنهاد شده است که این نوع برخورد را می‌توان برای انواع دیگر واحدها، بویژه شرکت‌های دولتی نیز تعمیم داد. اگر نحوه‌ی برخورد تخصیص سود تقسیم نشده به مالکان شرکت‌ها اتخاذ می‌شده، به این معنی بود که می‌بایست سود تقسیم شده در حساب تخصیص درآمد اولیه با سود بازسرمایه‌گذاری شده جایگزین شود و این رقمِ کل منهای سود تقسیم شده‌ای که واقعاً پرداخت شده است به عنوان افزوده به (یا در برخی موارد برداشت از) حقوق سهامداران در حساب مالی نشان داده می‌شد. معنی چنین برخوردی این بود که توزیع عایدات حاصل از شرکت‌ها کاملاً بر پایه‌ی تعهدی اندازه‌گیری می‌شود ولی به این معنی نیز می‌توانست باشد که پس‌انداز شرکت‌ها همیشه صفر است. این تغییر، پیامدهای جدی برای تفسیر حساب‌ها خواهد داشت زیرا بر اساس الگوی متفاوتی از برخورد فعلی با سود تقسیم شده و پس‌انداز شرکت بنا خواهد شد.

۶. تعلق بهره در SNA

پ۴-۳۰ در طول دهه‌ی ۱۹۹۰ و در دهه‌ی ۲۰۰۰ بین جامعه‌ی بین‌المللی آمار بحث شدیدی درباره‌ی روشِ مناسب ثبت بهره‌ی مربوط به اوراق بهادار نظیر اوراق قرضه در گرفت. در این بحث‌ها دو رهیاف کلی بنام رهیافت‌های بدهکار و بستانکار تعیین شد.

پ۴-۳۱ کار گروه بین دبیرخانه‌ای حساب‌های ملی (ISWGNA) در سال ۱۹۹۹ یک گروه گفتگوی الکترونیکی (EDG) ایجاد کرد تا نظرات گروه وسیعی از کاربران و تهیه کنندگان حساب‌های ملی درباره‌ی چگونگی ثبت بهره‌ی تعلق گرفته به اوراق قرضه و دیگر اوراق بدهی قابل معامله در آمارهای اقتصاد کلان را بدست آوَرَد. مدیر EDG در اکتبر سال ۲۰۰۲، گزارشی از نتایج گفتگوها تهیه کرد که حاکی از آن بود که با وجود این که نظرات شرکت کنندگان در EDG کاملاً بین دو رهیافت فوق تقسیم شده بود ولی اکثریت نظرات به نفع رهیافت بدهکار بود. ISWGNA بعداً این گزارش را مد نظر قرار داد و از نتایج آن پشتیبانی کرد. سپس توصیه‌هائی به کمسیون آمار سازمان ملل (UNDC) ارائه داد که در آن پیشنهاد کرده بود SNA باید رهیافت بدهکار را توصیه کند و UNSC نیز آن را پذیرفت.

پ۴-۳۲ گفتگو در مورد برخی موضوعات بهنگام شده، شامل نحوه برخورد با وام‌های ارفاقی، وام‌های ناکارآمد، بهره‌ی مربوط به اوراق بدهی مرتبط با شاخص و بهره‌های معوقه، نشان داد که بحث بدهکار/ بستانکار دارای پیامدهائی فراتر از ثبت

بهره‌ی مربوط به اوراق بهادار است. بررسی کاملِ تعریف درآمد در SNA نیاز به بازنگری این موضوع خواهد داشت.

۷. محاسبه‌ی FISIM

پ۴-۳۳ نحوه‌ی برخورد با اندازه‌گیری غیرمستقیم خدمات واسطه-گری‌های مالی (FISIM) در پاراگراف‌های ۶-۱۶۳ الی ۶-۱۶۹ شرح داده شده است. SNA توصیه می‌کند که FISIM باید با در نظر گرفتن یک نرخ بهره مرجع که عنصر خدمات را در بر ندارد و نشان دهنده‌ی ساختار ریسک و سررسیدِ سپرده‌ها و وام‌ها است محاسبه شود. ممکن است برای ابزارهای مالی داخلی و خارجی نرخ‌های مرجع متفاوتی مورد نیاز باشد. در رهیافت FISIM این گونه فرض شده است که این عنصر خدمت است و نه جریان‌های بهره که بازتابِ درجات مختلف ریسک است، پس مشتریانِ دارای ریسک بیشتر کارمزد خدمات بالاتری پرداخت می‌کنند. این فرض مورد سؤال قرار گرفته است و در حال بررسی است.

۸. تورم شدید

پ۴-۳۴ مدت زمان طولانی است که این موضوع شناخته شده است که تورم شدید می‌تواند سنجه‌ی بهره را دچار اعوجاج سازد، زیرا قسمتی از آن باید فقط زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن را که برای ابزارهای مالیِ بدون ارتباط با شاخصِ تورم رخ می‌دهد بی‌اثر سازد. تا سال‌های ۱۹۷۰، هنگامی که تورم در سرتاسر جهان مسأله‌ی مهمی بود، نحوه‌ی برخورد با بهره تحت شرایط تورم شدید موضوع مهمی برای حساب‌های ملی پنداشته می‌شد. اما راهنمای مقابله با آن در پیوست ب فصل XIX در ۱۹۹۳*SNA* و فصل ۷ نشریه‌ی *حسابداری تورم- دستنامه‌ی مربوط به حسابداری در شرایط تورمی شدید* (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۱۹۹۶) ارائه شده است. بنابراین پیشنهاد شده است که جستجو برای یافتن یک طرز برخورد مورد پذیرش جهانی در مورد بهره‌ی تحت شرایط تورمی شدید در دستور کار پژوهش قرار گیرد.

۹. اندازه‌گیری منفعت و زیان بی‌اثر و واقعی ناشی از نگه‌داشتن

پ۴-۳۵ SNA توصیه می‌کند که منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ثبت شده در حساب بازارزش‌گذاری باید به منفعت و زیان بی‌اثر و واقعی ناشی از نگه‌داشتن تفکیک شود. در پاراگراف ۱۲-۸۵، استفاده از شاخص‌های قیمت جامع که دارای پوشش هرچه گسترده‌تر کالاها، خدمات و دارائی‌ها است توصیه می‌شود. برخی از حسابداران ملی استفاده از شاخص-های مختلف قیمت را برای طبقات مختلف دارائی‌ها پیشنهاد کرده‌اند. تأثیر کامل این پیشنهاد نیاز به بررسی دارد.

۱۰. درآمد بدست آمده از دارائی‌ها

پ۴-۳۶ در مقدمه‌ی خدمات سرمایه در SNA تأکید شده است که قسمتی از ارزش افزوده در اثرِ مشارکت دارائی‌های ثابت و دیگر دارائی‌های غیرمالی در درآمد ایجاد شده توسط تولید بوجود می‌آید. در اینجا سؤال پیش می‌آید که کدام قسمت از ارزش افزوده نیز باید قابل انتساب به منابع مالی در دسترس تولید کننده باشد.

۱۱. درآمد بدست آمده از فعالیت‌هائی که بر مبنای غیررسمی انجام می‌شوند

پ۴-۳۷ یکی از مهمترین کارهائی که در بهنگام سازی SNA ۲۰۰۸ سهم مهمی را به خود اختصاص داده بود، برقراری ارتباط بین کار در بخش غیررسمی و SNA است. این بخش همچنان توجه بسیاری از کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه را به خود جلب کرده است. مشارکت مستمر حسابداران ملی در طرح گروه دهلی و طرح‌های دیگر در این زمینه مفید خواهد بود.

ت. مسائل مربوط به ابزارهای مالی

۱. مسائل ناشی از بحران مالی

پ۴-۳۸ همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، بحران مالی آزمون مهمی را برای سنجش استواری SNA و بسندگی توصیه‌های آن برای شرایطی که SNA از زمان نخستین تصویبش با آن مواجه نشده بود، فراهم می‌کند. تا هنگامی که همه‌ی پیامدهای این وضعیت در سال ۲۰۰۸ آشکار شد، و در حقیقت پس از آن بررسیِ گام‌های برداشته شده در پاسخ به این بحران ضرورت پیدا کرد تا اطمینان حاصل شود که گام‌های برداشته شده و پیامدهای آن به اندازه‌ی کافی در حساب‌های ملی منظور شده است.

۲. به رسمیت شناختن حق برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی به عنوان بدهی

پ۴-۳۹ همان‌گونه که در قسمت ۲ فصل ۱۷ بحث شد، حق برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی در حساب‌های اصلی ثبت نمی‌شود بلکه در جدول‌های تکمیلی همراه با حق برخورداری از مزایای بازنشستگیِ برخی دیگر از طرح‌های بازنشستگیِ تحت مدیریت دولت ثبت می‌شود. ملاک‌های پیشنهادی برای تعیین این که آیا این حق برخورداری‌ها باید در حساب‌های اصلی نشان داده شوند یا فقط در جدول تکمیلی، در پاراگراف ۱۷-۱۸۷ شرح داده شده است. تا هنگامی که این ملاک‌ها اصلاح شوند و روش توافق شده‌ای برای تعیین ارزش این بدهی‌ها پیدا شود این کار ادامه خواهد داشت.

۳. استفاده‌ی گسترده‌تر از ارزش عادلانه برای وام‌ها

پ۴-۴۰ SNA توصیه می‌کند که ارزش وام‌هائی که قرار است در ترازنامه‌ی بدهکار و بستانکار هردو ثبت شوند باید به ارزش اسمی باشد یعنی به مبلغ اصل وامی که بدهکار در زمان سررسید آن به طور مفهومی ملزم به پرداخت آن به بستانکار است. اما، معمول است که ارزش عادلانه وام به دلایل متعددی با ارزش اسمی متفاوت باشد. در حال حاضر، SNA توصیه می‌کند که در اقلام یادداشتی، ارزش عادلانه فقط برای وام‌هائی که بویژه به عنوان وام‌های ناکارآمد تشخیص داده می‌شوند ثبت شود. امکان استفاده‌ی گسترده‌تر از ارزش عادلانه بجای ارزش اسمی را می‌توان مورد بررسی قرار داد.

۴. ذخائر

پ۴-۴۱ در حسابداری کسب و کار (تجاری)، سه درجه "تعهد" وجود دارد: بدهی‌ها، ذخائر و بدهی‌های احتمالی. تعریف هریک به صورت زیر است:

الف. بدهی، الزام حاضرِ یک هستار است که از رخدادهای گذشته بوجود آمده است، و انتظار می‌رود تسویه‌ی آن به یک جریانِ خروجیِ منابع در برگیرنده‌ی منافع اقتصادی یا پتانسیل خدمت منجر شود.

ب. ذخیره، عبارت از یک بدهی با زمان و مبلغِ غیرقطعی است.

پ. بدهی احتمالی یک الزام احتمالی است که از رخدادهای گذشته ناشی می‌شود و هستی آن تنها با رویداد یا عدم رویداد یک یا چند رخداد غیرقطعیِ آینده که به‌طور کامل در کنترل هستار مورد نظر نیست تأئید خواهد شد.

پ۴-۴۲ در SNA، بدهی‌ها و ذخائر مربوط به ابزارها به‌طور کلی تنها وقتی که یک دارائی مالی متناظر با آن با ارزش مساوی در اختیار طرف مقابل وجود داشته باشد در حساب‌های مالی به رسمیت شناخته می‌شوند. اما، توصیه شده است که برخی از ذخائری که با این معیار همخوانی ندارد، نظیر ذخائر مربوط به وام‌های ناکارآمد، باید به عنوان اقلام یادداشتی ثبت شوند. بدهی‌های احتمالی، به استثنای مورد ضمانت‌های استاندارد، اصلاً در حساب‌های محوری به رسمیت شناخته نشده‌اند.

پ۴-۴۳ مسأله این است که به رسمیت شناختن ارزش یک دارائی در SNA لزوماً دلیل بر کاهش بدهی متناظر آن نیست ولی دارنده‌ی دارائی ممکن است مایل نباشد برای طرف مقابل این واقعیت را آشکار سازد که آن‌ها برخی از ادعاها را به عنوان تخصیص‌ناپذیر در نظر گرفته‌اند. اما، وقتی این کار صورت نمی‌گیرد ارزش دارائی‌ها بیش‌گوئی خواهد داشت.

۵. ارفاق دیون

پ۴-۴۴ لازم است کار بیشتری انجام شود تا این موضوع روشن شود که وام‌های ارفاقی دارای یارانه‌ای مربوط به کارمزد خدمات همراه با پرداخت‌های بهره است یا انتقالاتی است که نشان‌دهنده‌ی تفاوت بین نرخ بهره‌ی بازار و نرخ توافق شده است. اگر مورد دوم است، مسأله‌ی بعدی این است که مشخص شود که این انتقالات باید دوره به دوره به طور مستمر به عنوان انتقالات جاری پرداخت شود یا به عنوان انتقالات سرمایه‌ای موردی در زمان صدور وام پرداخت شود.

۶. ارزش‌گذاری حقوق سهامداران و پیامدهای آن

پ۴-۴۵ در حال حاضر، تعدادی گزینه‌های مختلف برای ارزش-گذاری حقوق سهامداران در SNA ارائه شده است. این پرسش وجود دارد که آیا توصیه‌های استاندارد بیشتری می‌توان ارائه داد.

۷. تراکنش‌های وارونه

پ۴-۴۶ سال‌های متمادی است که پیگیری می‌شود درباره‌ی گروه پیچیده‌ای از تراکنش‌ها تحت عنوان تراکنش‌های وارونه کار انجام شود. این تراکنش‌ها نام خود را از دو ویژگی مشترک گرفته‌اند: (i) تعهد برای برگرداندن تراکنش مربوط به تاریخ مشخصی در آینده (یا مطابق با تقاضا)، و (ii) با وجود این که مالکیت قانونی به خریدار منتقل می‌شود، بسیاری از ریسک‌ها و منافع حاصل از مالکیت برای مالک اولیه باقی می‌ماند. تراکنش‌های برگشت‌پذیر شامل قراردادهای بازخرید، اوراق بهادار وام‌دهی بدون وثیقه‌ی نقدی، سوآپ طلا، و وام‌های/ سپرده‌های طلا هستند.

ث. مسائل مربوط به دارائی‌های غیرمالی

۱. مجوزهای قابل معامله‌ی آلاینده‌ها

پ۴-۴۷ مجوزهای قابل معامله‌ی آلاینده‌ها پدیده‌ی نسبتاً جدیدی است، ولی اهمیت آن‌ها به سرعت در حال افزایش است. برخورد کامل با همه‌ی انواع مجوزها در SNA به روشنی شرح داده نشده است، و این کمبود باید هرچه زودتر به منظور از بین بردن نااطمینانی مورد بررسی قرار گیرد.

۲. اجاره‌نامه‌های استفاده از منابع طبیعی یا استخراج آن‌ها

پ۴-۴۸ قسمت ۵ در فصل ۱۷ به نحوه‌ی برخورد با پروانه‌ها و مجوزهای استفاده از منابع طبیعی پرداخته است. از آنجا که برخورد با یکایک منابع طبیعی به‌طور مستقل ایجاد شده بود، در برخوردهای توصیه شده ناسازگاری‌هائی وجود دارد.

پ۴-۴۹ در مورد منابع طبیعی که دارای عمر بی‌پایان هستند و استفاده از آن‌ها در تولید ماهیت و ارزش دارائی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، مالک ممکن است اجازه دهد منابع برای یک دوره‌ی گسترده از زمان به طریقی استفاده شود که عمدتاً استفاده کننده کنترلِ استفاده از منابع را در طول این مدت با کمی دخالتِ مالک قانونی داشته باشد. در مورد زمین، SNA توصیه می‌کند که توافق بین مالک و استفاده کننده به عنوان فروشِ زمین به حساب آید. در مورد اجاره‌ی

طیف رادیوئی، SNA توصیه می‌کند که مجوز برای استفاده از طیف رادیوئی مالکیت آن را تغییر نمی‌دهد ولی تشکیل یک دارائی تولید نشده زیر عنوان قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها را می‌دهد. در مورد مجوز استفاده از جَوِ زمین یا بستر آبی به عنوان مخزن زیست محیطی، SNA توصیه می‌کند که پرداختی به عنوان مالیات تلقی شود.

پ۴-۵۰ در مورد منابع طبیعی که تجدیدپذیر هستند و می‌توانند برای مدت زمان نامحدودی مورد استفاده قرارگیرند به شرطی که استفاده از آن محدود شده باشد و اعم از این که مالک مجوز استفاده از دارائی را سال به سال تمدید کند یا از تمدید آن خودداری کند، پرداخت‌های استفاده کننده به مالک به عنوان بهره‌ی مالکانه ثبت می‌شود. اعم از این که استفاده از این نوع منابع واقعاً پایدار باشد یا نه، هیچ نوع تعدیلی در ارزش بهره‌ی مالکانه‌ی ثبت شده انجام نمی‌شود. اگر استفاده از این منابع پایدار نباشد بخشی از پرداختی باید به عنوان جبران استفاده‌ی ناپایدار از دارائی منظور شود.

پ۴-۵۱ در مورد منابع طبیعی که با مقیاس زمان انسانی قابلیت تجدیدپذیری ندارند و استفاده در تولید سرانجام آن را از بین می‌برد، ممکن است مالک اجازه دهد تا زمانی که دارائی از بین می‌رود از آن استفاده شود. در این حالت SNA توصیه می‌کند که مالکیت اقتصادی این منبع طبیعی با اجاره دهنده باقی بماند در عین حال که حق امتیازهائی که اجاره کننده پرداخت می‌کند به عنوان بهره‌ی مالکانه ثبت شود. در این مورد فقط توسط اجاره کننده و نه اجاره دهنده تولید انجام می‌شود. این به معنی این است که کاهش ارزش سرمایه در اثر تولید در ترازنامه‌ی مالک به عنوان سایر تغییرات در حجم دارائی ثبت می‌شود. در اینجا ارتباط بین کاهش ارزش دارائی و استفاده از آن در تولید از دست می‌رود. همانند مورد قبلی، این واقعیت که بخشی از بهره‌ی مالکانه‌ی پرداخت شده برای جبران کاهش ارزش دارائی است، نادیده گرفته شده است.

۳. گسترش محدوده‌ی دارائی ثابت برای منظور کردن سایر دارائی‌های مالکیت فکری

نوآوری

پ۴-۵۲ محدوده‌ی دارائی SNA گسترش داده شده است تا آن دسته از ستانده‌های تحقیق و توسعه‌ی تجربی (R&D) را که با معیار تعریف دارائی مطابقت دارد در بر گیرد. بدیهی است که R&D بخشی از فرآیند نوآوری و نه همه‌ی آن را تشکیل می‌دهد. ممکن است بسیاری از مخارجی که توسط بخش‌های تولید و مهندسی یک بنگاه انجام می‌شود از قلم بیافتد. همان بخش‌ها ممکن است مسئولیت تعیین پتانسیل محصول جدید را نیز داشته باشند و برای توسعه‌ی دانشِ پشتیبانِ آن به این بخش مراجعه شود. علاوه بر این، یک بنگاه ممکن است مخارج دیگری نیز پیش از این که محصول جدید به بازار برود متحمل شود. این مخارج پژوهش بازاری برای تعیین تقاضا برای محصول جدید و مخارج بازاریابی برای تبلیغ آن را در بر می‌گیرد.

دارائی‌های بازاریابی

پ۴-۵۳ دارائی‌های بازاریابی شامل نام‌های تجاری(نما نام)، حق تابلو، علائم تجاری، آرم‌ها و نام‌های دامنه هستند. بازاریابی نقش کلیدی در ارزش نام تجاری (نما نام) دارد و شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری‌های سنگینی را متحمل می‌شوند تا نام‌های تجاری (نما نام) بسازند و بوسیله‌ی تبلیغات و سنجه‌های دیگر از آن حمایت کنند و به این ترتیب تصویر ذهنی مثبتی در مشتریان بوجود آورند. SNA دارائی‌های بازاریابی را دارائی‌های تولید نشده و مخارج متحمل شده برای ایجاد آن‌ها را مصرف واسطه تلقی می‌کند. آن‌ها فقط هنگامی در ترازنامه نشان داده می‌شوند که به فروش برسند. دلیل عمده برای این که دارائی‌های بازاریابی به عنوان دارائی‌های ثابت تلقی نشده‌اند مشکلات اندازه‌گیری ارزش آن‌ها است.

سرمایه‌ی انسانی

پ۴-۵۴ صرف نظر از هر نوع بازآموزی کارکنان برای وارد کردن یک محصول جدید در بازار، مخارج نوآوری جدا از مردمی است که نوآوری را انجام داده‌اند. بنابراین آن‌ها "سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی انسانی" را در مقیاس وسیعی کنار می‌گذارند.

پ۴-۵۵ نهاده‌ی انسانی در بسیاری از فرآیندهای تولید مهم‌ترین نهاده است و ارزش این نهاده به میزان زیادی بستگی به دانشی دارد که انسان‌ها در فرآیند تولید بکار می‌برند. کاملاً مشخص است که وجود یک شخص تحصیل کرده برای نیک بود اقتصادی در بسیاری از کشورها حیاتی است. علیرغم مشکلات مفهومی و عملیِ عمده‌ای که در تعیین ارزش نیروی کار تحصیل کرده وجود دارد، درخواست‌های مکرری برای مطرح کردن این موضوع در چارچوب SNA انجام می‌شود.

۴. هزینه‌های انتقال مالکیتِ اشیاء گرانبها و دارائی‌های تولید نشده

پ۴-۵۶ SNA وجه تمایزی بین هزینه‌های انتقال مالکیتِ متحمل شده در تحصیل و واگذاری دارائی‌های غیرمالی از یک سو و دارائی‌های مالی از سوی دیگر قائل می‌شود. هزینه‌های انتقال مالکیت متحمل شده در تراکنش دارائی‌های غیرمالی به عنوان تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص ثبت می‌شود، در حالی که هزینه‌های انتقال مالکیت متحمل شده در تراکنش دارائی‌های مالی به عنوان مصرف واسطه تلقی می‌شود. منطق پشت این برخوردِ دوگانه این است که دارائی‌های غیرمالی در تولید بکار می‌روند و لازم است در آمد ایجاد شده از تولید به حد کافی باشد تا هزینه‌های استفاده از آن دارائی‌ها از جمله هزینه‌های انتقال مالکیت را پوشش دهد. دارائی‌های مالی در تولید بکار نمی‌روند و به عنوان ذخیره‌ی ارزش برای بدست آوردن درآمد دارائی یا در موارد استثنائی منفعت ناشی از نگه‌داشتن، نگه‌داری می‌شوند. همچنین دست بدست گشتن سریع مالکیت دارائی‌های مالی و بدهی‌ها نیز امر رایجی است.

پ۴-۵۷ اشیاء گرانبها دارائی‌های تولید نشده هستند ولی به عنوان ذخیره‌ی ارزش نگه‌داشته می‌شوند و در تولید استفاده نمی‌شوند. در این صورت، وجه مشترک آن‌ها با دارائی‌های مالی بیشتر از دارائی‌های غیرمالی است. بنابراین، این موضوع که هزینه‌های انتقال مالکیتِ اشیاء گرانبها بجای تشکیل سرمایه‌ی ثابت که در حال حاضر عمل می‌شود، باید به عنوان مصرف واسطه ثبت شود قابل بحث است.

پ۴-۵۸ هزینه‌های انتقال مالکیتِ دارائی‌های ثابت به صورت جداگانه ثبت نمی‌شوند ولی به قیمت پرداخت شده توسط خریدار اضافه می‌شوند و از قیمت دریافت شده توسط فروشنده کسر می‌شوند تا بترتیب ارزش تحصیل و واگذاری بدست آید. هزینه‌های انتقال مالکیتِ دارائی‌های تولید نشده در رده‌ای جدا از تشکیل سرمایه ثابت ثبت می‌شوند. ولی در این مورد زمین که هزینه‌های انتقال مالکیت آن طبق قرارداد به عنوان بهسازی‌های زمین تلقی می‌شوند استثناء است.

پ۴-۵۹ مروری بر این مسائل و منطقی کردن آن‌ها می‌تواند مفید باشد

۵. تفاوت بین تعمیرات جاری و سرمایه‌ای

پ۴-۶۰ SNA بین تعمیر و نگه‌داری عادیِ دارائی‌های ثابت و نوسازی، بازسازی یا گسترش عمده تمایز قائل می‌شود (پاراگراف‌های ۶-۲۲۶ الی ۶-۲۲۹ را ببینید)، ولی اعتراف می‌شود که تفاوت‌ها کاملاً مشخص نشده‌اند. اولی مصرف واسطه و دومی تشکیل سرمایه‌ی ثابت تلقی می‌شود.

پ۴-۶۱ انجام نوسازی یا توسعه‌ی عمده کارکرد یا ظرفیت دارائی‌هایِ ثابتِ موجود را افزایش می‌دهد یا عمر خدمت مورد انتظار قبلی را به‌طور قابل ملاحظه‌ای اضافه می‌کند. تعمیر و نگه‌داری عادی لازم است تا یک دارائی بتواند در تمام طول عمر خدمت مورد انتظار آن در زمان تحصیل، مورد استفاده قرار گیرد. اگر مالک از تعمیر و نگه‌داری غفلت کند، در این صورت، ممکن است عمر خدمت مورد انتظار به شدت کاهش یابد و از مد افتادگی پیش‌بینی نشده باید به عنوان سایر تغییرات در حجم دارائی ثبت شود.

پ۴-۶۲ اگر نیاز برای برخورد به عنوان تشکیل سرمایه برای جلوگیری از کاهش عمر سرمایه بجای افزایش عمر سرمایه بود، مسأله حد و مرز بین نگه‌داری عادی و توسعه‌ی عمده از بین می‌رفت و از این مسأله که پیامدهای ناشی از بی‌توجهی به نگه‌داری در کاهش محصول خالص داخلی منعکس نمی‌شود می‌توانست اجتناب شود.

۶. برخورد با مشارکت عمومی خصوصی

پ۴-۶۳ مشارکت عمومی خصوصی (PPP) در فصل ۲۲ شرح داده شده است. توسعه‌ی بیشتر در نحوه برخورد در SNA در انتظار توسعه و تصویب استانداردهای IASB و IPSASB است. ISWGNA بر این کار نظارت دارند.

۷. برخورد با مالکیت یک دارائی در طول عمر آن

پ۴-۶۴ در هردو مورد، هم موردی که یک منبع طبیعی برای دوره‌ی زمانی طولانی اجاره داده می‌شود و هم مورد PPPها مالکیت اقتصادی یک دارائی در طول عمر آن در واقع چندین بار دست به دست می‌چرخد. شرایط قرارداد طوری است که تجدید پرداخت‌ها از استفاده کننده‌ی اول برای تغییر مالکیت به استفاده کننده‌ی دوم، به صورت یک بسته در شرایط پرداخت‌ها در طول مدت اجاره در قرارداد گنجانده می‌شود. انتقال مالکیت باید به عنوان سایر تغییرات در طبقه‌بندی دارائی ثبت شود و لذا در حساب‌های تولید و توزیع درآمد نشان داده نمی‌شود. این کمبودی است که می‌تواند با قدری شفاف سازیِ مفهوم اجاره‌داری مالی (اعتباری) برطرف شود.

فهرست منابع

اداره‌ی آمـار اتحادیـه‌ی اروپـا (1995): *Regional accounts methods - Gross value-added and gross fixed capital formation by activity*. اداره‌ی انتشارات رسمی کمیسیون‌های اروپا، لوگزامبورگ.

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا (1996): *Regional accounts methods – Households Accounts*. اداره‌ی انتشارات رسمی کمیسیون‌های اروپا، لوگزامبورگ.

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا (1999): *Handbook on Quarterly National Accounts*. اداره‌ی انتشارات رسمی کمیسیون‌های اروپا، لوگزامبورگ. در سـایت http://epp.eurostat.ec.europa.eu/cache/ITY_OFFPUB/CA-22-99-781/EN/CA-22-99-781-EN.PDF در دسترس است.

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا (2001): *Handbook on Price and Volume Measures in National Accounts*. اداره‌ی انتشارات رسمی کمیسیون‌های اروپا، لوگزامبورگ. در سایت http://epp.eurostat.ec.europa.eu/cache/ITY_OFFPUBS/KS-41-01-543/EN/KS-41-01-543-EN.PDF قابل دسترسی است.

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا (2003): *Production and Consumption: Proposal for a Methodology of Household Satellite Accounts Household* اداره‌ی انتشارات رسمی کمیسیون‌های اروپا، لوگزامبورگ.

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا (2007): *Recommendations Manual on the Production of Foreign AffiliaTes Statistics (FATS)*. اداره‌ی انتشارات رسمی کمیسیون‌های اروپا، لوگزامبورگ. در سایت http://epp.eurostat.ec.europa.eu/portal/page/portal/product_details/publication?p_product_code=KS-RA-07-002 قابل دسترسی است.

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا (2008): *Eurostat Manual of Supply, Use and Input-Output Tables*. اداره‌ی انتشارات رسمی کمیسیون‌های اروپا، لوگزامبورگ. در سایت http://epp.eurostat.ec.europa.eu/portal/page/portal/product_details/publication?p_productcode=KS-RA-07-013 قابل دسترسی است.

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا (2002a): *ESA95 Manual of Government Deficit and Debt.* اداره‌ی انتشارات رسمی کمیسیون‌های اروپا، لوگزامبورگ. در سایت http://epp.eurostat.ec.europa.eu/cache/ITY_OFFPUB/KS-42-02-585/EN/KS-42-02-585-EN.PDF قابل دسترسی است.

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا (2002b): *Manual on Sources and Methods for the Compilation of ESA95 Financial Accounts*. اداره‌ی انتشارات رسمی کمیسیون‌های اروپا، لوگزامبورگ. در سایت http://epp.eurostat.ec.europa.eu/portal/page/portal/product_details/publication?p_product_code=KS-BE-02-004 قابل دسترسی است.

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا (2003): *household Production and Consumption :Proposal for a Methodology of Household Satellite Accounts*. اداره‌ی انتشارات رسمی کمسیون‌های اروپا، لوگزامبورک

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (2005): *Methodological Guide for Developing Producer Price Indices for services* در سایت http://www.oecd.org/dataoecd/44/40/36274111.pdf نیز در دسترس است.

اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، سازمان جهانی گردشگری، سازمان ملل متحد (2008): *Tourism satellite Accounts: Recommended Methodological Framework* 2008. لوگزامبورگ، مادرید، نیویورک، پاریس، انتشارات سازمان ملل شماره فروش No. E.01.XVII.9. در سایت http://unstats.un.org/unsd/tradeserv/TSA%20RMF%202008%20edited%20whitecover.pdf نیز در دسترس است.

اداره‌ی آمار فنلاند، مرکز تحقیقات ملی مصرف کننـده (2006): *Household Production and Consumption in Finland 2001 - Household Satellite Account*، هلسینکی. در سایت http://www.stat.fi/tup/julkaisut/isbn_952-467-570-6_en.pdf در دسترس است.

اداره‌ی بین‌المللی کار (1993): *Resolution Concerning Statistics of Employment in the Informal Sector* پانزدهمین گردهمائی بین‌المللی کـار: نکـات مهم گردهمائی و متن سه قطعنامه‌ی تصویب شده. در بولتن آمارهای کار 2–1993، IX-XXIV، 25–87

اداره‌ی بـین‌المللـی کـار (2002): *Women and Men In The Informal Economy: A Statistical Picture*، تصـویر آمـاری، ژنـو. در سـایت http://www.wiego.org/publications/women%20and%20men%20in%20the%20informal%20economy.pdf نیز در دسترس است.

اداره‌ی بین‌المللی کـار (2003): *Guidelines Concerning a Statistical Definition of Informal Employment* گـزارش هفـدهمین گردهمـائی آمارهـای بین‌المللی کار، ژنو. در سایت http://www.ilo.org/public/english/bureau/stat/download/17thicls/final.pdf نیز در دسترس است.

اداره‌ی بـین‌المللـی کـار (2003): *Household Income and Expenditure* گـزارش هفـدهمین گردهمـائی آمارهـای بـین‌المللـی کـار، ژنـو. در سـایت http://www.ilo.org/public/english/bureau/stat/download/17thicls/r2hies.pdf در دسترس است

اداره‌ی بین‌المللی کار (آینده): *Manual on the Measurement of Volunteer Work* در سایت http://www.ilo.org/global/what_we_do/statistics/events/icls/lang_en/docName_WCMS_100574/index.hm در دسترس است.

اداره‌ی بین‌المللی کار، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اداره‌ی آمار اتحادیه اروپا، کمیسیون اقتصادی سازمان ملـل متحـد بـرای اروپـا و بانـک جهـانی (2004): *Consumer Price Index Manual: Theory and practice*، ژنـو، سـازمان بـین‌المللـی کـار. در سـایت http://www.ilo.org/public/english/bureau/stat/guides/cpi/index.htm نیز در دسترس است.

اداره‌ی بین‌المللی کار، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا و بانک جهانی (2004): *Producer Price Index Manual: Theory and Practice*، واشنگتن، صندوق بین‌المللی پول. در سایت http://www.imf.org/external/np/sta/tegppi/index.htm نیز در دسترس است.

اداره‌ی بین‌المللی کار، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا و بانک جهانی (2009): *Export and Import Price Index Manual. Theory and Practice*، واشنگتن، صندوق بین‌المللی پول. در سایت http://www.imf.org/external/np/sta/tegeipi/index.htm در دسترس است.

بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، دبیرخانه مشترک‌المنافع، اداره‌ی آمار اتحادیه‌ی اروپا، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، دبیرخانه باشگاه پاریس، گردهمائی سازمان ملل متحد درباره‌ی تجارت و توسعه و بانک جهانی (2003): *External Debt Statistics: Guide for Compilers and Users*. در سایت http://www.imf.org/external/pubs/ft/eds/Eng/Guide/file1.pdf قابل دسترسی است.

بانک جهانی (2008): *Global Purchasing Power Parities and Real Expenditure: 2005 International Comparison Program Methodological Handbook*. بانک جهانی، واشنگتن. در سایت http://go.worldbank.org/MWS20NNFK0 در دسترس است.

بانک مرکزی اروپا (2007): *Monetary Financial Institutions And Markets Statistics Sector Manual*. فرانکفورت. درسایت http://www.ecb.int/pub/pdf/other/mfimarketstatisticssectormanual200703en.pdf قابل دسترسی است.

پروژه‌ی اتحادیه‌ی اروپا درباره‌ی نهاده‌های سرمایه- کار- انرژی- مواد- خدمت: *Productivity in the European Union: A Comparative Industry Approach (EU KLEMS 2003)*. در سایت http://www.euklems.net/ قابل دسترسی است

جالاوا، جوکا، ایلجا کریستین، (2006): *Durable Goods and their Effect on Household Saving Ratios in the Euro Area*. مقاله‌ی VATT، مؤسسه دولتی برای تحقیقات اقتصادی، هلسینکی، فنلاند. در سایت http://www.vatt.fi/file/vatt_publication_pdf/k409.pdf در دسترس است.

سازمان جهانی گمرکات (2007): *Harmonized Commodity Description and Coding System, Revision 4*. در سایت http://publications.wcoomd.org/index.php در دسترس است.

سازمان ملل متحد (1975): *Towards a System of Social and Demographic Statistic* نیویورک. مطالعات در پژوهش، سری‌های F, No.18، انتشارات سازمان ملل متحد شماره فروش: E.74.XVII.8. در سایت http://unstats.un.org/unsd/publication/SeriesF/SeriesF_18E.pdf در دسترس است.

سازمان ملل متحد (1998): *International Merchandise Trade Statistics: Concepts and Definitions*. مطالعات در پژوهش، سری‌های M, No.52، تجدید نظر دوم، انتشارات سازمان ملل متحد شماره‌ی فروش E.98.XVII.16. در سایت http://unstats.un.org/unsd/publication/SeriesM/SeriesM_52rev2E.pdf در دسترس است.

سازمان ملل متحد (2000): *Classifications of Expenditure According to Purpose*: طبقه‌بندی کارکردهای دولت (COFOG)؛ طبقه بندی مصرف فردی بر اساس هدف (COICOP)؛ طبقه بندی هدف‌های نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (COPNI)؛ طبقه بندی خرج‌های تولیدکنندگان براساس هدف (COPP)؛ مقاله‌ی آماری، سری‌های M, No. 84، انتشارات سازمان ملل متحد، شماره‌ی فروش E.00.XVII.6 در سایت http://unstats.un.org/unsd/publication/SeriesM/SeriesM_84E.pdf در دسترس است.

سازمان ملل متحد (2000): *Household Accounting: Experience in Concepts and Compilation, Volume 1 Household Accounts*. مطالعات در روش‌ها سری‌های F, No. 75 (Vol 1). سازمان ملل متحد شماره فروش No. E.00.XVII.16 (Vol. 1) در سایت http://unstats.un.org/unsd/publication/SeriesF/SeriesF_75v1E.pdf در دسترس است.

سازمان ملل متحد (2002): *SNA News and Notes*، جلد 14، آوریل 2002. در سایت http://unstats.un.org/unsd/nationalaccount/snanews.asp در دسترس است.

سازمان ملل متحد (2003): *Handbook on Non-Profit Institutions in the System of National Accounts*، نیویورک. مطالعات در روش‌ها سری‌های F, No.91، شماره‌ی فروش انتشارات سازمان ملل متحد 03.XVII.9 در سایت http://unstats.un.org/unsd/publication/SeriesF/SeriesF_91E.pdf در دسترس است.

سازمان ملل متحد (2006): *Standard Industrial Trade Classification Revision 4*. مقالات آماری، سری‌های M, No 34, Rev. 4. شماره‌ی فروش انتشارات سازمان ملل متحد E.06.XVII.10. در سایت http://unstats.un.org/unsd/publication/SeriesM/SeriesM_34rev4E.pdf در دسترس است.

سازمان ملل متحد (2008a): *International Standard Industrial Classification of All Economic Activities Revision 4*، نیویورک، مقالات آماری سری‌های M No. 4 Rev.4، شماره‌ی فروش انتشارات سازمان ملل متحد E.08.XVII. در سایت http://unstats.un.org/unsd/cr/registry/isic-4.asp در دسترس است.

سازمان ملل متحد (2008b): *Central Product Classification Version 2*، دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی، بخش آمار، مقالات آماری سری‌های M, No 77, Ver. 2، شماره‌ی فروش انتشارات سازمان ملل متحد،E.08.XVII.7. در سایت http://unstats.un.org/unsd//cr/registry/cpc-2.asp در دسترس است.

سازمان ملل متحد (2008c): *International Recommendations on Industrial Statistics*. مقالات آماری، سری‌های M, No. 90، شماره فروش انتشارات سازمان ملل متحد E.08.XVII.8. در سایت http://unstats.un.org/unsd/industry/docs/M90.pdf در دسترس است.

سازمان ملل متحد (آینده): *Companion Guide to ISIC and CPC*, مقالات آماری، سری‌های F, No. 101، انتشارات سازمان ملل متحد.

سازمان ملل متحد و بانک مرکزی اروپا (آینده) *Financial Production, Flows and Stocks in the SNA*.

سازمان ملل متحد، کمیسیون اروپائی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، گردهمائی سازمان ملل متحد درباره‌ی تجارت و توسعه و سازمان جهانی تجارت (2002): *Manual on statistics of International trade in services*، نیویورک. مقالات آماری سری‌های M No. 86، شماره‌ی فروش انتشارات سازمان ملل متحد E.02.XVII.11 . در سایت http://unstats.un.org/unsd/publication/Seriesm/Seriesm_86e.pdf در دسترس است.

سازمان ملل متحد، کمسیون اروپا، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و بانک جهانی (2003): *Integrated Environmental and Economic Accounting 2003*، مطالعات در روش‌ها، سری‌های F, No16 Rev.1. انتشارات سازمان ملل متحد، شماره‌ی فروش E.06.XVII.8 در سایت http://unstats.un.org/unsd/envaccounting/seea2003.pdf در دسترس است.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (1996): *Inflation Accounting - A Manual on National Accounting Under Conditions of High Inflations*، OECD، پاریس. در سایت http://browse.oecdbookshop.org/oecd/pdfs/browseit/3096061E.PDF در دسترس است.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (2000): *A System of Health Accounts*، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، پاریس. در سایت http://www.oecd.org/dataoecd/41/4/1841456.pdf در دسترس است.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (2001): *Measuring Productivity: Measurement of Aggregate and Industry-level Productivity Growgh*؛ سازمان همکاری و توسعه، پاریس. در سایت http://www.oecd.org/dataoecd/59/29/2352458.pdf در دسترس است.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (2004): *Handbook on Hedonic Indexes and Quality Adjustments in Price Indexes and Quality Adjustments in Price Indexes: Special Application to Information Technology Products*. در سایت http://browse.oecdbookshop.org/oecd/pdfs/browseit/9306081E.PDF در دسترس است.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (2005): *Measuring Globalization: OECD Handbook on Economic Globalization: OECD Indicators*، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، پاریس. در سایت http://browse.oecdbookshop.org/oecd/pdfs/browseit/9205061E.PDF در دسترس است.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (2008): *OECD Benchmark Definition of Foreign Direct Investment , fourth edition*، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، پاریس. در سایت http://www.oecd.org/dataoecd/26/50/40193734.pdf نیز در دسترس است.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (2009): *Measuring Capital*: (نسخه‌ی تجدید نظر شده) OECD، پاریس. در سایت http://www.olis.oecd.org/olis/2009doc.nsf/LinkTo/NT00000962/$FILE/JT03258144.PDF در دسترس است.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (2009): *Towards Measuring the Volume of Health and Education Services*: دستنامه‌ی OECD؛ سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، پاریس.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (آینده): *Handbook on Deriving Capital Measures of Intellectual Property products*، OECD، پاریس.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (سالانه): *Revenue Statistics*، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، پاریس.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و اداره‌ی آمار اروپا (2008): *Guidelines on Revisions Policy and Analysis*. در سایت http://www.oecd.org/document/21/0,3343,en_2649_34257_40016853_1_1_1_1,00.html در دسترس است.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، صندوق بین‌المللی پول، سازمان بین‌المللی کار و CIS STAT (2002): *Measuring the Non-Observed Economy - A Handbook*؛ سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، پاریس. در سایت http://www.oecd.org/dataoecd/9/20/1963116.pdf در دسترس است.

شورای پژوهش سازمان ملل متحد، پنل مطالعه‌ی طراحی حساب‌های غیربازاری (2005): *Beyond the Market: Designing Nonmarket Accounts for united states*. در سایت http://www.nap.edu/catalog.php?record_id=11181#toc در دسترس است.

صندوق بین‌المللی پول (2000): *Monetary and Financial Statistics Manual*، صندوق بین‌المللی پول، واشنگتن دی سی. در سایت http://www.imf.org/external/pubs/ft/mfs/manual/index.htm نیز در دسترس است.

صندوق بین‌المللی پول (2001a): *Government Finance Statistics Manual*. صندوق بین‌المللی پول، واشنگتن دی سی. در سایت http://www.imf.org/external/pubs/ft/gfs/manual/pdf/all.pdf نیز در دسترس است.

صندوق بین‌المللی پول (2008a): *Balance of Payments and International Investment Position Manual, Sixth Edition (BPM6)*، صندوق بین‌المللی پول، واشنگتن دی سی. در سایت http://www.imf.org/external/pubs/ft/bop/2007/bopman6.htm نیز در دسترس است

صندوق بین‌المللی پول (2001b): *Quarterly National Accounts Manual – Concepts, Data Sources, and Compilation*. صندوق بین‌المللی پول، واشنگتن دی سی. در سایت http://www.imf.org/external/pubs/ft/qna/2000/Textbook/index.htm نیز در دسترس است.

صندوق بین‌المللی پول (2008b): *International Transactions in Remittances: Guide for Compilers and Users* (پیش نویس). صندوق بین‌المللی پول، واشنگتن دی سی. در سایت http://www.imf.org/external/np/sta/bop/2008/rcg/pdf/guide.pdf نیز در دسترس است.

صندوق بین‌المللی پول (2008c): *Monetary and Financial Statistics: Compilation Guide*، صندوق بین‌المللی پول، واشنگتن دی سی. در سایت http://www.imf.org/external/pubs/ft/cgmfs/eng/pdf/cgmfs.pdf نیز در دسترس است.

صندوق بین‌المللی پول (سالانه): *Balance of Payments Statistics Yearbook*، صندوق بین‌المللی پول، واشنگتن دی سی.

کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (1992): *Guidebook to Statistics on the Hidden Economy*

کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (1993): *Inventory of National Practices in Estimating Hidden and Informal Economic Activities for National Accounts*، در سایت http://www.unece.org/stats/publications/NOE1993.pdf در دسترس است.

کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (2003): *Non-observed Economy in National Accounts - Survey of National Practices*، ژنو. انتشارات سازمان ملل متحد شماره‌ی فروش E.03.II.E.56. در سایت http://www.unece.org/stats/publications/NOE2003.pdf در دسترس است.

کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا (2008): *Non-observed Economy in National Accounts - Survey of Country Practices*، ژنو. شماره‌ی فروش انتشارات سازمان ملل متحد E.08.II.E.8. در سایت http://www.unece.org/stats/publications/NOE2008.pdf در دسترس است.

گروه کانبرا (2001): گروه کارشناسیِ آمارهای درآمد خانوار *The Canberra Group: Final Report and Recommendations*، اتاوا. در سایت http://www.lisproject.org/links/canberra/finalreport.pdf قابل دسترسی است.

هوسمان، آر؛ دو ژو، بی. (2002): *ILO Compendium of Official Statistics on Employment in the Informal Sector*، مقاله‌ی شماره 1، اداره‌ی آمار سازمان بین‌المللی کار، 2002. مقاله تهیه شده برای بحث درباره‌ی کار در شرایط مناسب و اقتصاد غیررسمی در نودمین نشست همایش سازمان بین‌المللی کار، ژنو. در سایت http://www.ilo.org/public/english/bureau/stat/download/ilocomp.pdf در قابل دسترسی است.

هوسمان، رالف (2004): *Measuring the Informal Economy: from: Employment in the Informal Sector to Informal Employment*، سازمان بین‌المللی کار، مقاله شماره 53، ژنو. در سایت http://www.ilo.org/public/english/bureau/stat/download/papers/wp53.pdf نیز قابل دسترسی است.

هوسمان، رالف (2005): *Measurement of Informal Employment: Recent International Standards 2005*. مقاله ارائه شده در چهاردهمین همایش آمارهای کشورهای مشترک‌المنافع، کیپ تاون آفریقای جنوبی. در سایت http://www.ilo.org/public/english/bureau/stat/papers/comp.htm. در دسترس است.

واژه‌نامه

ا

اجاره بها (Rental) : اجاره بها مبلغ پرداختنی توسط استفاده کننده‌ی دارائی ثابت به مالک آن، در یک اجاره‌ی عملیاتی یا قرارداد مشابه، برای حق استفاده از آن دارائی در تولید برای دوره‌ی مشخصی از زمان است. ۶–۲۴۵

اجاره نامه‌ی عملیاتی قابل فروش (Marketable operating leases): اجاره‌نامه‌ی عملیاتی قابل فروش عبارت از حق مالکیت شخص ثالث در رابطه با دارائی‌های ثابت است. ۱۰–۱۹۰

اجاره یا اجاره نامه (Lease): نگاه کنید به اجاره‌ی مالی، اجاره‌ی عملیاتی، اجاره‌ی منابع طبیعی، قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها، مجوزها

اجاره‌ی عملیاتی (Operating lease): اجاره‌ی عملیاتی اجاره‌ای است که در آن مالکِ قانونی مالکِ اقتصادی نیز هست و ریسک‌های عملیاتی را می‌پذیرد و منافع حاصل از استفاده از دارائی در یک فعالیت تولیدی را دریافت می‌کند. ۱۷–۳۰۱

اجاره‌ی مالی یا اعتباری (Financial lease): اجاره‌ی مالی اجاره‌ای است که به موجب آن اجاره دهنده به عنوان مالک قانونیِ یک دارائی، مالکیت اقتصادیِ آن را به اجاره کننده منتقل می‌کند که در این صورت او ریسک‌های عملیاتی را می‌پذیرد و منافع اقتصادی حاصل از استفاده‌ی آن دارائی در فعالیت تولیدی را دریافت می‌کند. ۱۷–۳۰۴

اجاره‌ی منابع طبیعی (Resource lease) : اجاره‌ی منابع طبیعی توافقی است که به موجب آن مالک قانونیِ یک منبع طبیعی، آن را که از نظر SNA دارای طول عمر بی‌پایان است در مقابل پرداخت‌های منظمی که زیر عنوان درآمد دارائی ثبت می‌شوند و بهره‌ی مالکانه نامیده می‌شوند در دسترس یک اجاره کننده قرار می‌دهد. ۷–۱۰۹، ۱۷–۳۱۰

اختیار معامله (Options): اختیار معامله قراردادی است که به خریدارِ آن اختیارِ، ولی نه الزامِ، خرید (اختیار "خرید") یا فروش (اختیار "فروش")، یک ابزار مالی خاص یا کالاهای تجاری خاصی را به قیمت از پیش تعیین شده (قیمت "مقرر") در یک محدوده‌ی زمانی معین (اختیار معامله نوع آمریکائی) یا در یک تاریخ معین (اختیار معامله نوع اروپائی) می‌دهد. ۱۱–۱۱۷

اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان (Employee stock option: ESO): اختیار معامله سهام برای کارکنان، توافقی است که برای تاریخ مشخصی (تاریخ "اعطا") انجام می‌شود که به‌موجب آن کارکنان می‌توانند تعداد مشخصی از سهام کارفرمایان را به قیمت اعلام شده (قیمت "مقرر") چه در زمان اعلام شده (تاریخ "واگذاری") و چه در طی دوره‌ای از زمان (دوره‌ی "اجرا") بلافاصله بعد از تاریخ واگذاری، خریداری کنند. ۱۱–۱۲۵

ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی (Non-life insurance claims): ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی مبالغ پرداختنی برای تسویه‌ی خسارت‌های ناشی از یک رویدادِ پوشش داده شده بوسیله یک بیمه‌نامه‌ی غیرزندگی طی یک دوره‌ی حسابداری است. ۸–۱۱۸

ادعای مالی (Financial claim): ادعای مالی، پرداخت یا زنجیره‌ای از پرداخت‌های بدهیِ مربوط به بستانکار توسط بدهکار تحت شرایط یک بدهی است. ۳–۳۵، ۱۱–۷

ارزش افزوده‌ی خالص (Net value added): ارزش افزوده‌ی خالص ارزشِ ستانده منهای ارزشِ مصرف واسطه و مصرف سرمایه‌ی ثابت هردو است.... ۶–۸

ارزش افزوده‌ی ناخالص (Gross value added): ارزش افزوده‌ی ناخالص ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه است. ۶–۸

ارزش ویژه (Net worth): ارزش ویژه به صورت ارزش همه‌ی دارائی‌های متعلق به یک واحد یا بخش نهادی منهای ارزش همه‌ی بدهی‌های تسویه نشده‌ی او تعریف می‌شود. ۴-۱۳

ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به قیمت‌های پایه (Gross value added at basic prices): ارزش‌افزوده ناخالص به قیمت‌های پایه به صورت ستانده به قیمت‌های پایه منهای مصارف واسطه به قیمت‌های خریدار تعریف می‌شود..... ۶-۷۷

ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به قیمت‌های تولیدکننده (Gross value added at producers' prices): ارزش‌افزوده‌ی ناخالص به قیمت‌های تولیدکننده به صورت ستانده‌ی ارزش‌گذاری شده به قیمت‌های تولیدکننده منهای مصرف واسطه‌ی ارزش‌گذاری شده به قیمت‌های خریدار تعریف می‌شود. ۶-۷۸

اسناد خزانه (Bills): اسناد خزانه اوراق بهاداری هستند که به دارندگان آن حق غیرشرطی می‌دهند تا مبالغ ثابت اعلام شده را در تاریخ معینی دریافت کنند. ۱۱-۶۴

اشتغال (Employment): اشتغال به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن همه‌ی کارکنانِ مزدبگیر و اشخاص خود اشتغالِ مشغول به فعالیت تولیدیِ واقع در محدوده‌ی تولیدِ SNA پوشش داده شده‌اند..... ۱۹-۱۹

اشتغال معادل تمام وقت (Full-time equivalent employment): اشتغال معادل تمام وقت، تعداد شغل‌های معادل تمام وقت است که به‌صورت کلِ ساعاتِ کار واقعاً انجام شده توسط همه‌ی اشخاص شاغل تقسیم بر متوسط تعداد ساعات کار واقعاً انجام شده در مشاغل تمام وقت تعریف می‌شود. ۱۹-۴۳

اشخاص خود اشتغال (Self-employed persons): اشخاص خود اشتغال کسانی هستند که به‌تنهائی یا به‌طور شریکی صاحب یا صاحبان بنگاه‌های غیرشرکتی هستند که در آن کار می‌کنند، به استثنای آن دسته از بنگاه‌های غیرشرکتی که به عنوان شبه شرکت طبقه‌بندی می‌شوند.

..... ۱۹-۲۵

اشیاء گرانبها (Valuables): اشیاء گرانبها کالاهای تولید شده با ارزش قابل ملاحظه‌ای هستند که عمدتاً به منظور تولید یا مصرف بکار نمی‌روند ولی به عنوان ذخیره ارزش در طول زمان نگه‌داشته می‌شوند..... ۱۰-۱۳

اقامت (Residence): اقامت هر واحد نهادی، سرزمین اقتصادی است که با آن قوی‌ترین ارتباط را دارد یا به بیان دیگر، مرکز منافع عمده‌ی اقتصادی آن است. ۴-۱۰

اکتشاف و ارزیابی معادن (Mineral exploration and evaluation): اکتشاف و ارزیابی معادن عبارت از ارزش مخارج انجام شده برای اکتشاف نفت و گاز طبیعی و برای ذخائر غیرنفتی و ارزیابی بعدی معادن کشف شده است. ۱۰-۱۰۶

انتقالات (Transfer): انتقالات تراکنش‌هائی هستند که در آن یک واحد نهادی برای واحد نهادی دیگری کالا، خدمت یا دارائی فراهم می‌کند بدون این که در عوض از واحد دوم به عنوان مابازاء مستقیم آن، کالا، خدمت یا دارائی دریافت کند. ..... ۸-۱۰، ۸-۳۴

انتقالات اجتماعی غیرنقدی (Social transfers in kind): انتقالات اجتماعی غیرنقدی از کالاها و خدماتی تشکیل شده‌اند که توسط دولت و NPISHها چه به طور رایگان و چه به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند برای خانوارها فراهم می‌شوند. ۸-۱۴۱

انتقالات جاری (Current transfer): انتقالات جاری تراکنش‌هائی هستند که طی آن یک واحد نهادی کالا یا خدمتی را برای واحد نهادی دیگری تأمین می‌کند بدون این که در مقابل از واحد دوم کالا یا خدمتی را برای جبران آن مستقیماً دریافت کند و هیچیک از دو طرف موظف به تحصیل یا واگذاری دارائی نیستند. ۸-۱۰

انتقالات جاری به نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (Current transfers to NPISHs): این انتقالات از انتقالات دریافت شده توسط NPISHها از سایر واحدهای نهادی مقیم یا غیرمقیم در شکل حق عضویت‌ها، اشتراک‌ها، کمک‌های داوطلبانه و غیره تشکیل یافته‌اند اعم از این که به صورت منظم یا گاه و بیگاه انجام شوند. ۸-۱۳۲

انتقالات جاری بین خانوارها (Current transfers between households): انتقالات جاری بین خانوارها از همه‌ی انتقالات جاری انجام شده توسط خانوارهای مقیم به دیگر خانوارهای مقیم یا غیرمقیم یا از انتقالات جاری دریافت شده از دیگر خانوارهای مقیم یا غیرمقیم تشکیل شده است..... ۸-۱۳۳

انتقالات جاری درونی دولت (Current transfers within general government): انتقالات جاری درونی دولت از انتقالات جاری بین واحدهای مختلف دولتی تشکیل یافته است..... ۸-۱۲۶

انتقالات جاری متفرقه (Miscellaneous current transfers): انتقالات جاری متفرقه از انتقالات جاری غیراز حق بیمه‌ها و خسارت‌های مرتبط با بیمه، انتقالات جاری درونی دولت و همکاری‌های جاری بین‌المللی تشکیل شده‌اند. ۸-۱۲۹

انتقالات سرمایه‌ای (Capital transfers): انتقالات سرمایه‌ای انتقالات بلاعوض هستند اعم از این که طرف انجام دهنده‌ی آن وجوه مربوط به انتقالات را با واگذاری یک دارائی (غیر از وجه نقد یا موجودی انبار) یا با چشم پوشی از یک ادعای مالی (غیر از حساب‌های دریافتنی) محقق سازد، یا طرف دریافت کننده‌ی انتقالات ملزم به تحصیل یک دارائی (غیر از پول نقد) باشد و یا هردوی این شرایط وجود داشته باشند. ..... ۸-۱۰، ۱۰-۱۹

اوراق بدهی (Debt securities): اوراق بدهی ابزارهای مذاکره‌پذیر (انتقال‌پذیر، معامله شدنی و قابل چانه‌زنی، مترجم) هستند که به عنوان گواهی برای بدهی عمل می‌کنند..... ۱۱-۶۴

اوراق بهادار با پشتوانه‌ی دارائی و تعهدات دِین وثیقه‌ای (Asset-backed securities and collateralized debt obligations): اوراق بهادار با پشتوانه‌ی دارائی و تعهدات دِین وثیقه‌ای، ترتیباتی هستند که در آن پرداخت بهره و اصل آن با پرداخت دارائی‌ها یا جریان درآمدهای خاصی پشتیبانی می‌شوند. ۱۱-۶۷

اوراق بهادار با کوپن اصل و فرع تفکیک شده (Stripped securities): اوراق بهادار با کوپن اصل و فرع تفکیک شده (اوراق بهادار استریپ شده، مترجم)، اوراق بهاداری هستند که از یک مبلغ اصل با پرداخت‌های کوپنی، به زنجیره‌ای از اوراق بدون بهره، با طیفی از سررسیدهای جور شده با تاریخ(های) پرداخت کوپنی و تاریخ بازپرداخت مبلغ (مبالغ) اصل، تغییر شکل یافته‌اند..... ۱۱-۶۹

اوراق بهادار مرتبط با شاخص (Index-linked securities): اوراق بهادار مرتبط با شاخص، ابزارهائی هستند که برای آن‌ها پرداخت کوپن‌ها (بهره) یا اصل آن و یا هردوی آن‌ها به شاخصی نظیر شاخص قیمت یا قیمت یک کالا مرتبط است..... ۱۱-۷۰

اوراق قرضه و اوراق قرضه بدون وثیقه (Bonds and debentures): اوراق قرضه و اوراق قرضه بدون وثیقه، اوراق بهاداری هستند که به دارندگان آن حق غیرشرطی برای پرداخت‌های ثابت یا پرداخت‌های متغیری که طبق قرارداد تعیین شده باشند، یعنی عایدات بهره تابع عایدات بدهکار نباشد، اعطاء می‌کنند. ۱۱-۶۴

ب

بانک مرکزی (Central bank): بانک مرکزی نهاد مالی ملی است که بر جنبه‌های کلیدی نظام مالی اعمالِ کنترل می‌کند..... ۴-۱۰۴

بدهی (Liability): بدهی هنگامی به وجود می‌آید که واحدی (بدهکار) ملزم می‌شود، تحت شرایط خاصی، پرداخت یا زنجیره‌ای از پرداخت‌هائی را به واحدی دیگر (طلبکار یا بستانکار) انجام دهد..... ۳-۵، ۳-۳۳، ۱۱-۵

برابری قدرت خرید (Purchasing power parity: PPP): برابری قدرت خرید به‌صورت، تعداد واحدهای پول کشور ب که در کشور ب لازم است تا همان مقدار از کالا یا خدمت فردی را بخرد که یک واحد از پول الف در کشور الف خواهد خرید، تعریف می‌شود. ۱۵-۱۹۹

برات‌های تضمین شده‌ی بانکی (Banker's acceptance): برات‌های تضمین شده‌ی بانکی عبارت از پذیرش یک حواله یا برات توسط یک شرکت مالی در مقابل دریافت حق‌الزحمه و پیمان غیرشرطی برای پرداخت با مبلغی مشخص در تاریخی معین است. ۱۱-۶۸

برداشت درآمد از شبه شرکت (Withdrawal of income from a quasi-corporation): برداشت درآمد از یک شبه شرکت عبارت از آن قسمت از درآمد قابل توزیع است که صاحب شبه شرکت از آن برداشت می‌کند. ۷-۱۳۳

بناهای یادبود عمومی (Public monuments): بناهای یادبود عمومی به دلیل اهمیت خاص تاریخی، ملی، منطقه‌ای، محلی، مذهبی یا نمادین آن‌ها قابل تشخیص هستند. ۱۰-۷۸

بنای غیرمسکونی (Buildings other than dwellings) : بنای غیرمسکونی متشکل از کل بنا یا قسمتی از بنائی است که به واحد مسکونی اختصاص داده نشده است. لوازم جانبی، تسهیلات و تجهیزاتی که جزء جدائی ناپذیر سازه‌ها هستند نیز در این رده قرار می‌گیرند. ۱۰-۷۴

بنگاه (Enterprise): بنگاه، واحد نهادی است که کالاها و خدمات تولید می‌کند. ۵-۱

بنگاه غیرشرکتی (Unincorporated enterprise): بنگاه غیرشرکتی فعالیت تولیدیِ یک واحد دولتی، یک خانوار یا یک NPISH را که نمی‌توان آن را به عنوان یک شبه شرکت تلقی کرد نشان می‌دهد. ۵-۱

بهره (Interest): بهره نوعی درآمد است که توسط صاحبان برخی از انواع دارائی‌های مالی، یعنی: سپرده‌ها، اوراق بدهی، وام‌ها و (شاید) سایر حساب‌های دریافتنی برای قرار دادن دارائی‌های مالی در اختیار واحد نهادیِ دیگری دریافتنی می‌شود. ۷-۱۱۳

بهره‌ی مالکانه (Rent): بهره‌ی مالکانه درآمد دریافتنی توسط صاحب منابع طبیعی (اجاره دهنده یا مالک) برای قرار دادنِ منبع طبیعی در اختیار واحد نهادیِ دیگر (اجاره کننده یا مستأجر) به‌منظوراستفاده از آن منبع در تولید است. ..... ۷-۱۰۹، ۷-۱۵۴

بهسازی زمین (Land improvements): بهسازی زمین حاصل اقداماتی است که منجر به بهبود عمده در کمیت، کیفیت یا بازدهی زمین می‌شود یا از انهدام آن جلوگیری می‌کند. ۱۰-۷۹

بیمه‌ی زندگی (Life insurance): بیمه‌ی زندگی فعالیتی است که به موجب آن دارنده‌ی بیمه‌نامه پرداخت‌های منظمی را به یک بیمه‌گر انجام می‌دهد تا در ازای آن بیمه‌گر تضمین کند که مبلغ یا مستمری توافق شده‌ای را برای دارنده‌ی بیمه‌نامه (یا در برخی موارد شخص معین دیگری) در تاریخ معینی یا اگر دارنده‌ی بیمه‌نامه قبل از موعد بمیرد پیش از آن تاریخ فراهم کند. ۱۷-۶

بیمه‌ی غیرزندگی (Non-life insurance): بیمه‌ی غیرزندگی فعالیتی مشابه با بیمه زندگی است بجز این که تمامی خطرات دیگر، تصادفات، بیماری، آتش سوزی و غیره را پوشش می‌دهد. ۱۷-۶

پ

پایگاه داده‌ها (Databases): پایگاه داده‌ها از فایل‌های داده‌ای سازمان یافته به شیوه‌ای که اجازه دسترسی به داده‌ها و استفاده‌ی کارآمد از منابع را می‌دهد، تشکیل یافته است. ۱۰-۱۱۲

پرداخت‌های جبرانی (Payments of compensation): پرداخت‌های جبرانی عبارت است از انتقالات جاری پرداخت شده توسط واحدهای نهادی به واحدهای نهادی دیگر برای جبران صدمات وارد شده به اشخاص یا آسیب‌های وارد شده به دارائی‌ها توسط واحد نهادی اول که به‌صورت پرداخت‌های ادعای خسارت‌های بیمه غیرزندگی تسویه نشده باشد. ۸-۱۴۰

پروانه‌ها (Licences): نگاه کنید به قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها

پس‌انداز (Saving): پس‌انداز، آن قسمت از درآمد قابل تصرف (تعدیل شده با تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی) را نشان می‌دهد که برای مصرف نهائی کالاها و خدمات خرج نشده است..... ۹-۲۸

پول (Currency): پول از اسکناس و سکه که دارای ارزش اسمی ثابتی است و توسط بانک مرکزی یا دولت منتشر یا تصویب می‌شود، تشکیل شده است

. ..... ۱۱-۵۲

پیمان آتی (Forward contract): پیمان آتی، قرارداد مالی غیرشرطی است که تعهدی را برای تسویه در تاریخ مشخصی نشان می‌دهد. پیمان‌های آتی و سایر قراردادهای آتی به طور معمول، ولی نه همیشه، از طریق پرداخت نقدی یا تهیه‌ی برخی ابزارهای مالی دیگر بجای تحویل واقعی قلم پایه، تسویه می‌شوند و بنابراین از طریق قلم پایه ارزش‌گذاری شده و جدا از آن معامله می‌شوند. ۱۱-۱۲۰

ت

تجدید ساختار بدهی (Debt restructuring): نگاه کنید به سازماندهی مجدد بدهی

تجهیزاتِ اطلاعاتی، رایانه‌ای و مخابراتی (Information, computer and telecommunications (ICT) equipments): تجهیزات اطلاعاتی، رایانه‌ای و مخابراتی از دستگاه‌هائی که از کنترل‌های الکترونیکی استفاده می‌کنند و نیز اجزای الکترونیکی تشکیل دهنده‌ی این دستگاه‌ها تشکیل یافته‌اند. ۱۰-۸۵

تجهیزات حمل و نقل (Transport equipments): تجهیزات حمل و نقل از تجهیزاتی تشکیل یافته‌اند که برای جابجا کردن مردم و اشیاء مورد استفاده قرار می‌گیرند. ۱۰-۸۴

تحصیل کالاها و خدمات (Acquisitions of goods and services): تحصیل کالاها و خدمات توسط واحدهای نهادی هنگامی رخ می‌دهد که این واحدها مالک جدید کالاها شوند یا هنگامی که ارائه خدمات به آن‌ها تکمیل شود..... ۹-۳۶

تحقیق و توسعه (Research and development): مخارج تحقیق و توسعه عبارت از ارزش مخارج کار خلاق انجام شده بر یک مبنای نظام مند است که به منظور افزایش ذخیره‌ی دانش، از جمله دانش انسان، فرهنگ و جامعه، و استفاده از این ذخیره‌ی دانش برای اختراع کاربردهای جدید به عهده‌گرفته می‌شود. در SNA، تحقیق و توسعه تا حدی‌گسترش‌نیافته است‌که سرمایه انسانی‌را به عنوان دارائی در بر گیرد. ۱۰-۱۰۳

تراز درآمدهای اولیه (Balance of primary incomes): تراز درآمدهای اولیه به صورت ارزش کل درآمدهای اولیه دریافتنی توسط یک واحد یا بخش نهادی منهای ارزش کل درآمدهای اولیه پرداختنی تعریف می‌شود. ۷-۱۸

تراز محصول (Product balance): تراز محصول برای هر محصول عبارتست از حاصل جمع ستانده به قیمت پایه بعلاوه واردات بعلاوه حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل بعلاوه مالیات بر محصول منهای یارانه بر محصول، برابر است با حاصل جمع مصرف واسطه، مصرف نهائی و تشکیل سرمایه، همه به قیمت‌های خریدار، بعلاوه صادرات. ۱۴-۵

ترازنامه (Balance sheet): ترازنامه صورت حسابی است که در رابطه با ارزش دارائی‌های متعلق به یک واحد نهادی و بدهی‌های مدیون به یک واحد نهادی یا گروهی از واحدهای نهادی در لحظه‌ی خاصی از زمان تنظیم می‌شود..... ۱۳-۲

تراکنش پولی (Monetary transaction): تراکنش پولی تراکنشی است که در آن یک واحد نهادی پرداختی انجام می‌دهد (یا دریافت می‌کند) یا بدهی متحمل می‌شود (دارائی دریافت می‌کند) که با واحدهای پولی بیان شده باشد. ۳-۵۵

تراکنش (Transaction): تراکنش، یک جریان اقتصادی است که عبارت از اقدام متقابل بین واحدهای نهادی از طریق توافق دو جانبه است یا اقدامی در درون یک واحد نهادی است که معمولاً به دلیل این که واحد مورد نظر در دو نقش متفاوت عمل می‌کند از نظر تحلیلی مفید است که مانند یک تراکنش با آن برخورد شود. ..... ۳–۷، ۳–۵۱

تراکنش (Transaction): نگاه کنید به تراکنش پولی، تراکنش غیرپولی

تراکنش پایاپای (Barter): تراکنش پایاپای، تراکنشی است که یک سبد از کالاها و خدمات با سبد دیگری از کالاها و خدماتِ متفاوت مبادله می‌شود، بدون این که با پرداخت پولی همراه باشد. ۹–۴۹

تراکنش‌های غیر پولی (Non-monetary transactions): تراکنش‌های غیر پولی تراکنش‌هائی هستند که در اصل با واحدهای پولی بیان نمی‌شوند... ۳–۷۵

تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص (Gross fixed capital formation): تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از طریق ارزش کل تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های ثابتِ یک تولیدکننده در دوره حسابداری بعلاوه بعضی مخارج مشخص شده در خدماتی که به ارزش دارائی‌های تولید نشده می‌افزاید اندازه‌گیری می‌شود. ۱۰–۳۲

تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص (Gross fixed capital formation): تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در رده‌ی خاصی از دارائی‌های ثابت عبارت از ارزش تحصیل‌محصولات‌جدید و موجود این نوع دارائی توسط تولیدکنندگان‌منهای ارزش‌واگذاری همان نوع دارائی توسط آن‌ها است. ۱۰–۶۴

تشکیل سرمایه‌ی ناخالص (Gross capital formation): تشکیل سرمایه‌ی ناخالص، تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های تولید شده برای مقاصد تشکیل سرمایه‌ی ثابت، موجودی انبار یا اشیاء گرانبها را نشان می‌دهد. ۱۰–۲۴

تضمین‌ها (Warrants): تضمین‌ها ابزارهای قابل معامله‌ای هستند که به دارنده‌ی آن حق خرید تعداد معینی از سهام یا اوراق قرضه را تحت شرایط تعیین شده برای دوره‌ی زمانی تعیین شده، از صادر کننده‌ی تضمین (معمولاً یک شرکت)، می‌دهند. ۱۱–۱۱۹

تغییرات ارزش ویژه در اثرِ پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای (Changes in net worth due to saving and capital transfers): تغییرات ارزش ویژه در اثر پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای مبلغ مثبت یا منفیِ موجودِ واحد یا بخش نهادی برای تحصیل دارائی‌های مالی و غیرمالی را نشان می‌دهد. ۱۰–۲۱

تغییرات ارزش ویژه در اثر منفعت یا زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن (Changes in net worth due to nominal holding gains/losses): این قلم به صورت جمع جبری ارقام مثبت و منفی منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن دارائی‌ها و بدهی‌های یک واحد نهادی تعیین می‌شود. ۱۲–۷۷

تغییرات موجودی انبار (Changes in inventories): تغییرات موجودی انبار از طریق ارزش اقلام وارد شده به انبار منهای ارزش اقلام برداشت شده از انبار و منهای ارزش زیان‌های مکرر کالاهای نگه‌داشته در انبار در دوره حسابداری اندازه‌گیری می‌شود. ۱۰–۱۱۸

تولید (Production): تولید فعالیتی است تحت مسئولیت، کنترل و مدیریت یک واحد نهادی که نهاده‌های نیروی کار، سرمایه، و کالاها و خدمات را به کار می‌گیرد تا ستانده‌ی کالاها و خدمات را تولید کند. ۶–۲

تولیدکنندگان بازاری (Market producers): تولیدکنندگان بازاری کارگاه‌هائی هستند که تمام یا بخشی از ستانده‌ی آن‌ها از تولید بازاری تشکیل شده است. ۶–۱۳۳

تولیدکنندگان غیربازاری (Non-market producers): تولیدکنندگان غیربازاری متشکل از کارگاه‌های متعلق به واحدهای دولتی یا NPISHها هستند که کالاها یا خدماتی را به رایگان‌یا به قیمت‌هائی‌که از نظر اقتصادی قابل‌ملاحظه نیستند به خانوارها یا کل جامعه عرضه می‌کنند. ۶–۱۳۳

ج

جبران خدمات کارکنان (Compensation of employees): جبران خدمات کارکنان به صورت کل اجرت نقدی یا غیرنقدی پرداختنی توسط یک بنگاه به یک کارکن به ازای کاری که در طول دوره حسابداری انجام داده است، تعریف می‌شود. ۵-۷

جدول عرضه (Supply table): جدول عرضه به قیمت خریدار از یک ماتریس مستطیلی شکل با سطرهای متناظر با همان گروه از محصولاتِ جدولِ مصرفِ مطابق با آن تشکیل شده است که ستون‌های آن عبارتند از عرضه از تولیدات داخلیِ ارزش‌گذاری شده به قیمت‌های پایه، بعلاوه ستون‌های واردات و تعدیلاتِ ارزش‌گذاریِ مورد نیاز برای این که عرضه کلِ هر محصول (گروه محصولات) به قیمت‌های خریدار ارزش‌گذاری شود. ۱۳-۱۴

جدول مصرف(Use table) : جدول مصرف به قیمت خریدار از یک مجموعه ترازهای محصول تشکیل شده است که همه‌ی محصولات موجود در اقتصاد را در یک ماتریس مستطیلی شکل با محصولات ارزش‌گذاری شده به قیمت‌های خریدار که در سطرها نشان داده می‌شود و ستون‌هائی که ویژگی محصولات را برای انواع مختلف مصارف نشان می‌دهد. ۱۳-۱۴

جریان‌های اقتصادی (Economic flows): جریان‌های اقتصادی ایجاد، تغییر شکل، مبادله، انتقال یا نابودی ارزش اقتصادی را منعکس می‌کنند؛ این موارد شامل تغییرات در حجم، ترکیب، یا ارزش دارائی‌ها و بدهی‌های یک واحد نهادی هستند. ۳-۶

جریمه‌ها و مجازات‌ها (Fines and penalties): جریمه‌ها و مجازات‌ها پرداخت‌های اجباری تحمیل شده بر یک واحد نهادی توسط دادگاه‌ها یا نهادهای شبه قضائی هستند. ۸-۱۳۵

جمعیت (Population): جمعیت یک کشور به‌طور ساده به همه‌ی اشخاصی گفته می‌شود که معمولاً در آن کشور مقیم هستند. ۱۹-۱۰

ح

حاشیه‌ی بازرگانی (Trade margin): حاشیه‌ی بازرگانی عبارت است از تفاوت بین قیمت واقعی یا احتسابی فروخته شده‌ی کالای خریداری شده برای بازفروشی و قیمتی که باید توسط توزیع کننده برای جایگزین کردن کالا در زمان فروش یا مصرف دیگر پرداخت شود. ۶-۱۴۶

حد و مرز (Boundary): نگاه کنید به حد و مرز تولید، حد و مرز دارائی

حد و مرز دارائی برای دارائی‌های ثابت (Asset boundary for fixed assets): حد و مرز دارائی برای دارائی‌های ثابت عبارت از کالاها و خدماتی است که برای مدت بیش از یک سال در تولید بکار می‌رود. ۱۰-۳۳

حساب کالاها و خدمات (Goods and services account): حساب کالاها و خدمات تراز بین کل کالاها و خدمات عرضه شده به اقتصاد به عنوان منابع به صورت ستانده و واردات (شامل ارزش مالیات منهای یارانه بر محصول که قبلاً در ارزش ستانده نیامده باشد) و مصرف همان کالاها و خدمات به عنوان مصرف واسطه، مصرف نهائی، تشکیل سرمایه و صادرات را نشان می‌دهد. ۱۶-۲۷

حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده (Entitlement to future goods and services): حق انحصاری بر کالاها و خدمات آینده به موردی مربوط می‌شود که طرفی که قرارداد بسته است کالاها و خدمات را به قیمت ثابتی در زمانی در آینده خریداری کند قادر باشد تعهدات طرف دوم قرارداد را به شخص ثالثی منتقل کند. ۱۰-۱۹۵

حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری‌ها (Life insurance and annuities entitlements): این قلم میزان ادعای مالی دارندگان بیمه‌نامه در برابر بنگاه ارائه دهنده‌ی بیمه‌ی زندگی یا تأمین کننده‌ی مستمری‌ها را نشان می‌دهد. ۱۱-۱۰۶

حق برخورداری از مزایای بازنشستگی (Pension entitlements): حق برخورداری ازمزایای بازنشستگی میزان ادعای مالی بازنشستگان فعلی و آینده، هردو، را در برابر کارفرمایانِ آن‌ها یا صندوقی که توسط کارفرما تعیین شده است تا مستمری بازنشستگیِ عاید شده به عنوان قسمتی از توافق جبران خدمات بین کارکن و کارفرما را پرداخت کند، نشان می‌دهد..... ۱۱-۱۰۷

حق برداشت ویژه (Special Drawing Rights: SDRs): حق برداشت‌های ویژه ذخیره‌ی دارائی‌های بین‌المللی است که توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) ایجاد می‌شود و برای تکمیل ذخیره‌ی دارائی‌های موجود اعضای صندوق به آن‌ها تخصیص داده می‌شود..... ۱۱-۴۷

حق بیمه‌های اجتماعی (Social contributions): حق بیمه‌های اجتماعی پرداخت‌های واقعی یا احتسابی به طرح‌های بیمه اجتماعی هستند تا ذخائری را برای پرداخت مزایای بیمه‌های اجتماعی تأمین کنند. ۸-۱۶

حق بیمه‌های اجتماعی کارفرمایان (Employers' social contributions): حق بیمه‌های اجتماعی پرداختنی توسط کارفرمایان به صندوق‌های تأمین اجتماعی یا سایر طرح‌های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور به منظور تأمین مزایای اجتماعی برای کارکنانشان است..... ۷-۵۶

حق بیمه‌های اجتماعیِ مکمل خانوارها (Households' social contribution supplements): حق بیمه‌های اجتماعیِ مکمل خانوارها متشکل از درآمد دارائی عاید شده از موجودی‌های حق برخورداری از مزایای بازنشستگی و غیربازنشستگی در طول دوره حسابداری است. ۸-۸۶

حق بیمه‌های اجتماعی واقعی خانوارها (Households' actual social contributions): حق بیمه‌های اجتماعی واقعی خانوارها حق بیمه‌های اجتماعی پرداختنی توسط کارکنان مزدبگیر، اشخاص‌خود اشتغال یا اشخاص‌غیرشاغل‌از طرف خود به طرح‌های‌بیمه‌های اجتماعی هستند.. ۸-۸۵

حق بیمه‌ی بیمه‌های اجتماعی (Social insurance contribution): حق بیمه‌ی بیمه‌های اجتماعی مبلغ پرداختنی به طرح بیمه‌ی اجتماعی است با این قصد که برای ذینفع تعیین شده‌ای حق دریافت مزایای اجتماعی پوشش داده شده در طرح را ایجاد کند. ۱۷-۸۹

حق بیمه‌ی خالص (Premium - net): حق بیمه‌های خالص، به‌صورت حق بیمه‌های واقعی بعلاوه مکمل‌های حق بیمه منهای کارمزد پرداختنیِ خدمات بیمه توسط دارندگان بیمه‌نامه تعریف می‌شود. ۱۷-۳۵

حق بیمه‌ی عاید شده (Premium - earned): حق بیمه عاید شده آن قسمت از حق بیمه واقعی است که به پوشش بیمه‌ای فراهم شده در دوره حسابداری مربوط می‌شود. ..... ۱۷-۵، ۶-۱۸۷

حق بیمه‌ی عاید نشده (Unearned premium): حق بیمه عاید نشده آن میزان حق بیمه‌ی واقعی دریافت شده است که به بعد از انتهای دوره‌ی حسابداری مربوط می‌شود. ..... ۱۷-۵، ۶-۱۸۷

حق بیمه‌ی واقعی (Actual premium): حق بیمه‌ی واقعی مبلغ پرداختنی به بیمه‌گر مستقیم یا اتکائی برای تأمین پوشش بیمه‌ای یک رویداد خاص طی دوره‌ی زمانی اظهار شده است..... ۶-۱۸۶، ۱۷-۴

حق‌بیمه (Premium or insurance premium): نگاه کنید به حق‌بیمه‌ی واقعی، حق‌بیمه‌ی عاید شده، حق‌بیمه‌ی عاید نشده، خالص حق‌بیمه

حقوق سهامداران (Equity): حقوق سهامداران همه‌ی ابزارها را در بر می‌گیرد و ادعاهای تأئید شده بر ارزش باقی مانده‌ی یک شرکت یا شبه شرکت را پس از تأمین ادعاهای همه‌ی بستانکاران ثبت می‌کند..... ۱۱-۸۳

خ

خالص حق بیمه‌های اجتماعی (Net social contributions): خالص حق بیمه‌های اجتماعی، حق بیمه‌های واقعی یا احتسابی خانوارها در طرح‌های بیمه‌های اجتماعی برای تأمین مزایائی است که باید پرداخت شوند. کارمزد مطالبه شده توسط اداره کنندگان طرح‌ها، در حق بیمه‌های اجتماعیِ پرداختنی منظور نمی‌شود..... ۸-۸۲

خالص حق بیمه‌های غیرزندگی (Net non-life insurance premiums): خالص حق بیمه‌های غیرزندگی، هم حق بیمه‌های واقعی پرداختنی توسط دارندگان بیمه‌نامه برای دریافت پوشش بیمه‌ای طی یک دوره حسابداری (حق بیمه‌های عاید شده) را شامل می‌شود، و هم حق بیمه‌های مکمل پرداختنی از محل درآمد سرمایه‌گذاری مربوط به دارندگان بیمه‌نامه‌ها منهای کارمزد خدمات پرداختنی به شرکت‌های بیمه را شامل می‌شود. .. ۸-۱۱۷

خالص وام‌دهی (Net lending): خالص وام‌دهی، به عنوان تفاوت بین تغییرات ارزش‌ویژه در اثرِ پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای و خالص تحصیل دارائی‌های غیرمالی (تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های غیرمالی، منهای مصرف سرمایه ثابت) تعریف می‌شود. اگر این مبلغ منفی باشد نشانگر خالص وام‌گیری است. ۱۰-۲۸

خالص وام‌گیری (Net borrowing): نگاه کنید به خالص وام‌دهی

خانوار (Household): خانوار از گروهی از اشخاص تشکیل شده است که محل زندگی مشترک دارند، بخشی از درآمدشان یا همه‌ی آن را به اشتراک می‌گذارند و بعضی از کالاها و خدمات را که عمدتاً مسکن و غذا هستند، به طور جمعی مصرف می‌کنند. ۴-۴

خدمات (Services): خدمات، حاصلِ یک فعالیت تولیدی هستند که شرایط واحدهای مصرفی را تغییر می‌دهند یا مبادله‌ی محصولات یا دارائی‌های مالی را آسان می‌سازند. ۶-۱۷

خدمات مصرفی جمعی (Collective consumption service): خدمت مصرفی جمعی، خدمتی است که به طور هم‌زمان برای همه‌ی اعضای جامعه یا برای همه‌ی اعضای بخش خاصی از جامعه، نظیر همه‌ی خانوارهائی که در یک منطقه خاص زندگی می‌کنند، ارائه می‌شود. ۹-۴

خسارت بیمه (Insurance claim): نگاه کنید به خسارت

خسارت معوقه یا تسویه نشده (Claims outstanding): خسارت معوقه خسارت‌هائی را پوشش می‌دهند که هنوز گزارش نشده‌اند، یا گزارش شده ولی هنوز تسویه نشده‌اند یا هم گزارش شده و هم تسویه شده‌اند ولی هنوز پرداخت نشده‌اند. ۶-۱۸۷، ۱۷-۵

خسارت یا ادعای خسارت (Claim): خسارت (مزایا) مبلغ پرداختنی به دارنده‌ی بیمه‌نامه توسط بیمه‌گر مستقیم یا اتکائی در رابطه با رخداد پوشش داده شده بوسیله‌ی بیمه‌نامه است که در دوره‌ای که بیمه‌نامه برای آن اعتبار دارد رخ داده باشد. ۶-۱۸۷، ۱۷-۵

د

دارائی (Asset): دارائی ذخیره‌ای از ارزش است که منفعت یا زنجیره‌ای از منافع تعلق گرفته به مالک اقتصادی در اثرِ نگه‌داشتن هستار مورد نظر یا استفاده‌ی آن در طول یک دوره از زمان را نشان می‌دهد. دارائی وسیله‌ای برای انتقال ارزش از یک دوره به دوره‌ی دیگر حسابداری است. ۳-۵، ۳-۳۰، ۱۰-۸، ۱۱-۳

دارائی ثابتِ موجود (Existing fixed asset): دارائی ثابتِ موجود، دارائی است که ارزش آن قبلاً، چه در دوره جاری و چه در دوره‌های حسابداری قبل، در موجودی سرمایه ثابتِ دستکم یک واحد تولید کننده در اقتصاد داخلی منظور شده است. ۱۰-۳۸

دارائی‌های بازاریابی (Marketing assets): دارائی‌های بازاریابی عبارت از اقلامی نظیر نام‌های تجاری (نما نام‌ها)، حق تابلو، علائم تجاری، آرم‌ها و نام‌های دامنه هستند. ۱۰-۱۹۸

دارائی‌های تولید نشده (Non-produced assets): دارائی‌های تولید نشده از سه مقوله تشکیل شده‌اند: منابع طبیعی؛ قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها؛ و سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی خریداری شده. ۱۰-۱۴

دارائی‌های ثابت (Fixed assets): دارائی‌های ثابت دارائی‌های تولید شده هستند که به‌طور مکرر یا به‌طور مستمر برای مدت زمانی بیش از یکسال در فرآیندهای تولید استفاده می‌شوند. ۱۰-۱۱

دارائی‌های ذخیره (Reserve assets): دارائی‌های ذخیره آن دسته از دارائی‌های خارجی هستند که برای رفع نیازهای مالی تراز پرداخت‌ها، برای مداخله در بازارهای ارزی به‌منظور تأثیرگذاری در نرخ ارز و برای سایر مقاصد مربوطه (نظیر حفظ اعتماد به پول و اقتصاد، و فراهم کردن مبنائی برای وام‌گیری خارجی) به آسانی در دسترس مقامات پولی و تحت کنترل آن‌ها قرار می‌گیرند. دارائی‌های ذخیره باید به ارز خارجی ارزیابی و تسویه شوند. ۲۶–۹۵

دارائی‌های مالی (Financial assets): دارائی‌های مالی از تمامی ادعاهای مالی، سهام یا دیگر حقوق سهامداران در شرکت‌ها بعلاوه شمش طلای در اختیار مقامات پولی به‌صورت ذخیره‌ی دارائی تشکیل شده است. ..... ۳–۳۶، ۱۱–۸

درآمد خالص ملی (Net national income: NNI): درآمد خالص ملی به صورت درآمد ناخالص ملی (GNI) منهای مصرف سرمایه ثابت تعریف می‌شود. ۱۶–۵۵

درآمد دارائی (Property income): درآمد دارائی حاصل جمع درآمد سرمایه‌گذاری و بهره‌ی مالکانه است. ۷–۱۰۷

درآمد سرمایه‌گذاری (Investment income): درآمد سرمایه‌گذاری درآمد دریافتنی توسط صاحب دارائی مالی در ازای تأمین منابع مالی برای واحد نهادی دیگر است. ۷–۱۰۸

درآمد غیرنقدی دریافت شده توسط کارکنان (Income in kind received by employees): درآمد غیرنقدی دریافت شده توسط کارکنان، بوسیله‌ی ارزش کالاها و خدمات فراهم شده توسط کارفرمایان برای کارکنانشان به عنوان اجرتِ کاری که انجام داده‌اند اندازه‌گیری می‌شود. ۹–۵۱

درآمد قابل تصرف (Disposable income): درآمد قابل تصرف قلم ترازکننده‌ی حساب توزیع ثانوی درآمد است. این قلم از تراز درآمدهای اولیه‌ی یک واحد یا بخش نهادی با اضافه کردن همه‌ی انتقالات جاری دریافتنی توسط آن واحد یا بخش، بجز انتقالات اجتماعی غیرنقدی و کسر کردن همه‌ی انتقالات جاری پرداختنی توسط آن واحد یا بخش، بجز انتقالات اجتماعی غیرنقدی بدست می‌آید. ۸–۲۰

درآمد قابل تصرف تعدیل شده (Adjusted disposable income): درآمد قابل تصرف تعدیل شده قلم ترازکننده‌ی حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی است. این قلم از درآمد قابل تصرف یک واحد یا بخش نهادی از طریق اضافه کردنِ ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی دریافتنی توسط آن واحد یا بخش و کسر کردن ارزش انتقالات اجتماعی غیرنقدی پرداختنی توسط آن واحد یا بخش بدست می‌آید. ۸–۳۲

درآمد خالص قابل تصرف ملی (Net national disposable income: NNDI): درآمد خالص قابل تصرف ملی به صورت درآمد خالص ملی (NNI) بعلاوه انتقالات جاری دریافتنی از خارج منهای انتقالات جاری پرداختنی به خارج تعریف می‌شود. ۱۶–۵۷

درآمد ناخالص یا خالص قابل تصرف ملی (Gross or net national disposable income): درآمد ناخالص یا خالص قابل تصرف ملی را می‌توان از درآمد ناخالص یا خالص ملی با افزودن تمامی انتقالات جاری نقدی یا غیرنقدی دریافتنی توسط واحدهای نهادی مقیم از واحدهای غیرمقیم و کسر کردن تمامی انتقالات جاری نقدی یا غیرنقدی پرداختنی توسط واحدهای نهادی مقیم به واحدهای غیرمقیم بدست آورد. ۸–۲۶

درآمد قابل توزیع شرکت (Distributable income of a corporation): درآمد قابل توزیع یک شرکت برابر است با درآمد کارآفرینی بعلاوه تمامی انتقالات جاری دریافتنی منهای انتقالات جاری پرداختنی و منهای تعدیلاتی که برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی مربوط به طرح بازنشستگی آن شرکت صورت می‌گیرد. ۷–۱۳۱

درآمد ناخالص داخلی به ارزش واقعی (Real GDI): درآمد ناخالص داخلی به ارزش واقعی قدرت خرید کل درآمدهای ایجاد شده از طریق تولید داخلی را اندازه‌گیری می‌کند. ۱۵–۱۸۸

درآمد ناخالص ملی (Gross national income: GNI): درآمد ناخالص ملی عبارتست از GDP بعلاوه جبران خدمات کارکنان دریافتنی از خارج بعلاوه درآمد دارائی دریافتنی از خارج بعلاوه مالیات منهای یارانه بر تولید دریافتنی از خارج منهای جبران خدمات کارکنان پرداختنی به خارج منهای درآمد دارائی پرداختنی به خارج و منهای مالیات بعلاوه یارانه بر تولید پرداختنی به خارج. ۱۶–۵۴

درآمد ناخالص ملی (Gross national income: GNI): درآمد ناخالص ملی ارزش‌هم‌افزوده‌ی ترازهای ناخالص‌درآمدهای اولیه‌ی همه بخش‌ها است. ۷-۲۰

درآمدهای اولیه (Primary incomes): درآمدهای اولیه درآمدهائی هستند که وقتی واحدهای نهادی در فرآیند تولید وارد می‌شوند یا وقتی مالک دارائی‌های مورد نیاز برای تولید هستند به آن‌ها تعلق می‌گیرند. ۷-۲

درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی مکرر (Tree, crop and plant resources yielding repeat products): درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی مکرر گیاهانی را پوشش می‌دهند که رشد طبیعی و بازآوری آن‌ها تحت کنترل مستقیم، مسئولیت و مدیریت واحدهای نهادی است. ۱۰-۹۵

دنیای خارج (Rest of the world): دنیای خارج از همه‌ی نهادهای غیرمقیمی که در تراکنش با واحدهای مقیم درگیر هستند، یا ارتباط‌های اقتصادی دیگری با آن‌ها دارند، تشکیل شده است. ۴-۱۷۲

ذ

ذخائر فنی بیمه‌ی غیرزندگی (Non-life insurance technical reserves): ذخائر فنیِ بیمه‌ی غیرزندگی متشکل از پیش پرداخت‌های خالص حق‌بیمه‌های غیرزندگی و ذخائری برای مواجه شدن با ادعای خسارت‌های معوقه‌ی بیمه‌ی غیرزندگی هستند. ۱۱-۱۰۵

ذخائر مطالباتِ تحت ضمانت‌های استاندارد (Provisions for calls under standardized guarantees): ذخائر مطالباتِ تحت ضمانت‌های استاندارد متشکل از پیش پرداخت حق‌الزحمه‌های خالص و ذخائری برای مواجه شدن‌با مطالبات معوقه‌تحت ضمانت‌های‌استاندارد است. ۱۱-۱۱۰

ر

رابطه‌ی مبادله‌ی بازرگانی (Terms of trade): رابطه مبادله بازرگانی به صورت نسبت قیمت صادرات به قیمت واردات تعریف می‌شود. ۱۵-۱۸۷

ز

زمین (Land): زمین متشکل از سطح زمین، شامل پوشش خاک و آب‌های سطحی مربوط به آن است که حقوق مالکیت بر آن ایجاد می‌شود و با نگه‌داشتن یا استفاده از آن توسط مالکین می‌تواند منافع اقتصادی حاصل شود. ۱۰-۱۷۵

زیربخش صندوق بازنشستگی (Pension fund sub-sector): زیربخش صندوق بازنشستگی فقط از آن دسته از صندوق‌های بازنشستگی بیمه اجتماعی تشکیل شده است که یک واحد نهادی جدا از واحدهای ایجاد کننده‌ی آن‌ها باشند. ۴-۱۱۶

س

سازماندهی مجدد بدهی (Debt reorganization also referred as debt restructuring): سازماندهی مجدد بدهی (که تجدید ساختار بدهی نیز نامیده می‌شود) ترتیباتی است که به‌موجب آن با دخالت بدهکار و بستانکار هردو (و گاهی شخص ثالث) شرایط ایجاد شده برای دیونِ موجود تغییر داده می‌شود. ۲۶-۱۰۶

سایر انتقالات جاری (Other current transfers): سایر انتقالات جاری از تمامی انتقالات جاری بین واحدهای مقیم، یا بین واحدهای مقیم و غیرمقیم، تشکیل شده است غیر از مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره، مزایا و حق بیمه‌های اجتماعی و مزایای اجتماعی غیرنقدی.. ۸-۱۹

سایر انتقالات سرمایه‌ای (Other capital transfers): سایر انتقالات سرمایه‌ای عبارت از تمامی انتقالات سرمایه‌ای بجز مالیات بر سرمایه و کمک‌های سرمایه‌گذاری است. ۱۰-۲۱۰

سایر بناها و سازه‌ها (Other buildings and structures): سایر بناها وسازه‌هاعبارت از بناهای‌غیرمسکونی، سایر سازه‌ها و بهسازی‌های‌زمین است. ۱۰-۷۳

سایر جریان‌ها (Other flows): سایر جریان‌ها عبارت از تغییر ارزش دارائی‌ها و بدهی‌ها است که در نتیجه‌ی تراکنش ایجاد نشده باشد..... ۳–۷، ۳–۹۹

سایر حقوق سهامداران (Other equity) : سایر حقوق سهامداران، سهامی هستند که به شکل اوراق بهادار نیستند..... ۱۱–۸۸

سایر سازه‌ها (Other structures): سایر سازه‌ها شامل سازه‌هائی غیر از بناها هستند، که هزینه‌های خیابان‌ها، فاضلاب و غیره را نیز در بر می‌گیرند. ۱۰–۷۶

سایر سپرده‌ها (Other deposits): سایر سپرده‌ها از تمامی ادعاهای مالی غیر از سپرده‌های انتقال‌پذیر تشکیل شده اند و با سند سپرده نشان داده می‌شوند.

..... ۱۱–۵۹

سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر (Other transferable deposits): سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر سپرده‌هائی هستند که یک طرف یا هردو طرفِ تراکنش، چه بستانکار چه بدهکار، یا هردوی آن‌ها، بانک نیستند. ۱۱–۵۸

سایر سرمایه‌گذاری‌ها (Other investment): سایر سرمایه‌گذاری‌ها یک رده‌ی باقی مانده است که شامل موجودی‌ها و تراکنش‌هائی غیر از آن‌هائی است که در سرمایه‌گذاری مستقیم، سرمایه‌گذاری بدره، مشتقات مالی و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان و دارائی‌های ذخیره قرار دارند.
..... ۲۶–۹۴

سایر سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری (Other investment fund shares or units): سایر سهام یا یونیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری یک ادعا بر سهمی از ارزش یک صندوق سرمایه‌گذاری ایجاد شده غیر از صندوق بازار پول را نشان می‌دهد. ۱۱–۱۰۰

سایر شرکت‌های مالی (Other financial corporations): سایر شرکت‌های مالی واحدهای نهادی هستند که آن دسته از خدمات مالی را ارائه می‌دهند، که بیشترِ دارائی‌ها یا بدهی‌های آن‌ها در بازارهای مالیِ آزاد در دسترس نیست..... ۴–۱۰۱

سایر کارهای در جریان ساخت (Other work-in-progress): سایر کارهای در جریان ساخت عبارت از ستانده‌ای است (غیر از منابع زیستی پرورشی) که هنوز به اندازه کافی پردازش نشده است که در وضعیتی قرار گیرد که به‌طور عادی به واحدهای نهادی دیگر عرضه شود. ۱۰–۱۴۱

سایر ماشین‌آلات و تجهیزات (Other machinery and equipment): سایر ماشین‌آلات و تجهیزات از ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر تشکیل یافته‌اند. ۱۰–۸۶

سایر مالیات‌ها بر تولید (Other taxes on production): سایر مالیات‌ها بر تولید عبارت از همه‌ی مالیات‌ها بجز مالیات بر محصول است که بنگاه در اثر اشتغال به تولید متحمل می‌شود. ۷–۹۷

سایر محصولات مالکیت فکری (Other intellectual property products): سایر محصولات مالکیت فکری شامل هرگونه محصولاتی است که تشکیل دارائی ثابت می‌دهد ولی به عنوان تحقیق و توسعه، استخراج و ارزیابی معادن، نرم‌افزار رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها، نسخه‌های اصلی ادبی و هنری شناخته نمی‌شود. ۱۰–۱۱۷

سایر مزایای بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور (Other employment-related social insurance benefits): سایر مزایای بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور، مزایای اجتماعی پرداختنی توسط طرح‌های بیمه‌های اجتماعی غیر از تأمین اجتماعی به شرکت کنندگان در طرح، وابستگان آن‌ها یا بازماندگان آن‌ها است. ۸–۱۰۹

سایر واسطه‌گری‌های مالی بجز شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی (Other financial intermediaries except insurance corporations and pension funds): سایر واسطه‌گری‌های مالی بجز شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی عبارت از شرکت‌های مالی هستند که به ارائه‌ی خدمات مالی با تقبلِ بدهی به حساب خود، به شکل‌هائی غیر از پول و سپرده یا جانشین نزدیک به سپرده، به منظور تحصیل دارائی‌های مالی از طریق اشتغال به تراکنش‌های مالی در بازار می‌پردازند. ۴–۱۰۹

سایر یارانه‌های محصول (Other subsidies on products): سایر یارانه‌های محصول شامل یارانه بر کالاها یا خدمات تولید شده به عنوان ستانده‌ی بنگاه-های مقیم، یا بر واردات هستند که در نتیجه‌ی تولید، فروش، انتقالات، اجاره دادن یا تحویل آن کالاها یا خدمات، یا در نتیجه‌ی استفاده از آن‌ها برای خود مصرفی یا تشکیل سرمایه به حساب خود پرداختنی می‌شوند..... ۷-۱۰۵

سایر یارانه‌های تولید (Other subsidies on production): سایر یارانه‌های تولید شامل یارانه‌هائی غیر از یارانه‌ها بر محصول است که بنگاه‌های مقیم در نتیجه‌ی اشتغال به تولید ممکن است دریافت کنند..... ۷-۱۰۶

سپرده‌های انتقال‌پذیر(Transferable deposits): سپرده‌های انتقال‌پذیر از همه‌ی سپرده‌هائی تشکیل شده‌اند که در مقابل اسکناس‌ها و سکه‌های بانکیِ معادل آن‌ها بر حسب تقاضا و بدون جریمه یا محدودیتی مبادله شدنی هستند؛ و مستقیماً بوسیله چک، حواله، جیرو، بدهکاری/ بستانکاری مستقیم، یا دیگر تسهیلات پرداخت مستقیم برای پرداخت‌ها قابل استفاده هستند..... ۱۱-۵۴

ستانده (Output): ستانده به صورت کالاها و خدمات تولید شده توسط کارگاه تعریف می‌شود، به استثنای ارزش کالاها و خدمات استفاده شده در فعالیتی که کارگاه برای آن ریسکِ استفاده از محصولات در تولید را نمی‌پذیرد، و به استثنای ارزش کالاها و خدمات مصرف شده توسط همان کارگاه بجز کالاها و خدماتی که برای تشکیل سرمایه (ثابت یا تغییرات موجودی انبار) یا خود مصرفی نهائی استفاده می‌شوند. ۶-۸۹

ستانده برای استفاده‌ی نهائی خود (Output for own final use): ستانده برای خود مصرفی نهائی از محصولاتی تشکیل شده است که توسط تولیدکننده برای استفاده‌ی خود به عنوان مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه ثابت نگه‌داشته می‌شود..... ۶-۱۱۴

ستانده غیربازاری (Non-market output): ستانده غیربازاری متشکل از کالاها و خدمات فردی یا جمعی تولید شده توسط نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH) یا دولت است که به رایگان، یا به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند، به واحدهای نهادی دیگر یا به کل جامعه عرضه می‌شوند. ۶-۱۲۸

ستانده‌ی بازاری (Market output): ستانده‌ی بازاری ستانده‌ی است که برای فروش در بازار به قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی در نظر گرفته شده است. ۶-۹۹

سرقفلی خریداری شده (Purchased goodwill): نگاه کنید به سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی

سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی (Goodwill and market assets): ارزش سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی به صورت تفاوت بین ارزش پرداخت شده برای یک بنگاه به‌عنوان بنگاه دایر با تمام منابع آن و جمع دارائی‌ها منهای جمع بدهی‌های آن، که هر یک از اقلام آن به‌طور جداگانه تعیین و ارزش‌گذاری شده باشند، تعریف می‌شود. ۱۰-۱۹۹

سرمایه‌گذاری بدره (Portfolio investment): سرمایه‌گذاری بدره، تراکنش‌ها و موجودی‌های برون مرزیِ مربوط به اوراق بدهی یا سهام غیراز آن‌هائی که در سرمایه‌گذاری مستقیم یا دارائی‌های ذخیره منظور می‌شوند را در بر می‌گیرند..... ۲۶-۹۱

سرمایه‌گذاری مستقیم (Direct investment): سرمایه‌گذاری مستقیم، مقوله‌ای از سرمایه‌گذاریِ برون مرزیِ مربوط به یک مقیم در یک اقتصاد است که کنترل یا به میزان قابل ملاحظه‌ای نفوذ بر مدیریتِ یک بنگاه مقیم در اقتصادی دیگر را دارد. ۲۶-۸۴

سرمایه‌گذاری مشترک (Joint venture): سرمایه‌گذاری مشترک شامل یک کارگاه از یک شرکت، شراکت یا واحد نهادی دیگری است که در آن هر یک از طرف‌ها از نظر قانونی دارای کنترل مشترک بر فعالیت‌های آن واحد هستند..... ۲۲-۵۶

سنجه‌ی تولید محصول ناخالص داخلی (Production measure of GDP) : سنجه‌ی تولید GDP به صورت ارزش ستانده منهای مصرف واسطه بعلاوه‌ی هرگونه مالیات منهای یارانه بر محصولی که قبلاً در ارزش ستانده منظور نشده است بدست می‌آید..... ۱۶-۴۷

سنجه‌ی درآمد محصول ناخالص داخلی (Income measure of GDP): سنجه‌ی درآمد GDP از حاصل جمع جبران خدمات کارکنان بعلاوه مازاد عملیاتیِ ناخالص بعلاوه درآمد مختلطِ ناخالص بعلاوه مالیات منهای یارانه بر تولید و واردات بدست می‌آید..... ۱۶-۴۸

سنجه‌ی مخارج محصول ناخالص (Expenditure measure of GDP): سنجه‌ی مخارج GDP از حاصل جمع مخارج مصرف نهائی بعلاوه تشکیل سرمایه‌ی ناخالص بعلاوه واردات منهای صادرات بدست می‌آید. ۱۶–۴۷

سوآپ ارزی (Foreign exchange swap): سوآپ ارزی، فروش/خرید نقطه‌ای (نقدی) ارزها و خرید/فروش آتی هم‌زمان همان ارزها است. ۱۱–۱۲۱

سوآپ نرخ بهره‌ی دو پول متفاوت (Cross-country interest rate swap): سوآپ نرخ بهره دو پول متفاوت که گاهی به عنوان سوآپ پولی شناخته می‌شود، مبادله‌ی جریان‌های نقدی مربوطه به پرداخت‌های بهره و مبادله‌ی مبلغ اصل پول با نرخ ارز توافق شده در انتهای قرارداد را در بر می‌گیرد. ۱۱–۱۲۱

سود تقسیم شده (Dividends): سود تقسیم شده نوعی درآمد سرمایه‌گذاری است که سهامداران در اثر قرار دادن وجوهی در اختیار شرکت‌ها از حق دریافت آن برخوردار می‌شوند. ۷–۱۲۸

سود تقسیم نشده (Retained earnings): سود تقسیم نشده‌ی یک شرکت یا شبه شرکت برابر است با درآمد قابل توزیع منهای سود تقسیم شده‌ی پرداختنی شرکت‌ها یا برداشت درآمد از شبه شرکت‌ها. ۷–۱۳۹

سهام پذیرفته شده در بورس (Quoted shares, listed shares): نگاه کنید به سهام ثبت شده در بورس

سهام ثبت شده در بورس (Listed shares): سهام ثبت شده در بورس، اوراق سهامی هستند که در بورس وارد شده‌اند. ۱۱–۸۶

سهام ثبت نشده در بورس (Unlisted shares or Unquoted share): سهام ثبت نشده در بورس، اوراق سهامی هستند که در بورس وارد نشده‌اند. ۱۱.–۸۷

سهام یا یونیت‌های صندوقِ بازار پول (Money market fund shares or units): سهام یا یونیت‌های صندوقِ بازار پول یک ادعا بر یک سهم از ارزش یک صندوق بازار پول ایجاد شده را نشان می‌دهند. ۱۱–۹۹

سیستم‌های تسلیحاتی (Weapons systems): سیستم‌های تسلیحاتی شامل وسایل نقلیه و تجهیزات دیگر نظیر کشتی‌های جنگی، زیردریائی‌ها، هواپیماهای نظامی، تانک‌ها، حامل‌های موشک و پرتاب کننده‌ی آن‌ها و غیره هستند. ۱۰–۸۷

ش

شاخص حجم (Volume index): شاخص‌حجم میانگینِ تغییرات نسبی‌در مقدارِ مجموعه‌ی‌مشخصی از کالاها یا خدمات بین دو دوره از زمان است.. ۱۵–۱۳

شبه‌شرکت (Quasi-corporation): شبه‌شرکت به یکی از این دو شکل وجود دارد، یک بنگاه غیرشرکتیِ متعلق به یک واحد نهادی مقیم که اطلاعات کافی برای تهیه‌ی مجموعه‌ی کامل حساب‌ها را در اختیار دارد و به‌گونه‌ای گردانده می‌شود که گوئی یک شرکت جدا است و رابطه‌ی مجازی آن با مالکش مشابه رابطه‌ی یک شرکت با سهامدارانش است، یا یک بنگاه غیرشرکتی که مالک آن یک واحد نهادی غیرمقیم بوده و به دلیل این که طی مدت زمان طولانی یا نامحدود در سرزمین اقتصادی به میزان قابل ملاحظه‌ای تولید اشتغال داشته است، این گونه پنداشته می‌شود که یک واحد نهادی مقیم است. ۴–۴۲

شرکت‌های مالی (Financial corporations): شرکت‌های مالی از همه‌ی شرکت‌های مقیمی که عمدتاً به ارائه‌ی خدمات مالی از جمله خدمات بیمه و صندوق‌های بازنشستگی اشتغال دارند، تشکیل می‌شود. ۴–۹۸

شرکت (Corporation): اصطلاح شرکت، شرکت‌هائی را که به طور قانونی تشکیل شده‌اند و نیز شرکت‌های تعاونی، شراکت‌های با مسئولیت محدود، واحدهای مقیم فرضی و شبه شرکت‌ها را پوشش می‌دهد. ۴–۷

شرکت تأسیس شده طبق قانون (Legally constituted corporation): شرکتی که براساس قانون تأسیس می‌شود هستار قانونی است که به منظور تولید کالاها و خدمات برای بازار ایجاد می‌شود و می‌تواند منبع سود یا دیگر عایدی مالی برای صاحب (صاحبان) آن باشد؛ مالکیت آن به طور جمعی به سهامدارانی تعلق دارد که اختیار انتصاب مدیرانِ پاسخگو برای مدیریت کلی خود دارند..... ۴-۳۹

شرکت‌های بیمه (Insurance corporations): شرکت‌های بیمه متشکل از هستارهای ثبت شده، سرمایه‌گذاری مشترک و سایر هستارهائی هستند که کارکرد اصلی آن‌ها فراهم کردن بیمه‌های زندگی، حوادث، بیماری، آتش سوزی یا سایر شکل‌های بیمه برای واحدهای نهادی فردی یا گروهی از واحدهای نهادی مقیم یا ارائه‌ی خدمات بیمه اتکائی به دیگر شرکت‌های بیمه است. ۴-۱۱۵

شرکت‌های سپرده‌پذیر(Deposit-taking corporations): شرکت‌های سپرده پذیر غیر از بانک مرکزی دارای فعالیت واسطه‌گری مالی به عنوان فعالیت اصلی خود هستند. برای این منظور، آن‌ها بدهی‌هائی به شکل سپرده یا ابزارهای مالی (نظیر گواهی سپرده کوتاه مدت) دارند که جانشین نزدیکی برای سپرده‌ها هستند..... ۴-۱۰۵

شرکت‌های غیرمالی (Non-financial corporations): شرکت‌های غیرمالی شرکت‌هائی هستند که فعالیت اصلی آن‌ها تولید کالاها یا خدمات غیرمالی بازاری است..... ۴-۹۴

ص

صندوق‌های بازار پول (Money market funds: MMFs): صندوق‌های بازار پول طرح‌های سرمایه‌گذاری جمعی هستند که با انتشار سهام یا یونیت‌ها برای عموم، منابع مالی را افزایش می‌دهند. عایدات آن‌ها عمدتاً در ابزارهای بازار پول، یا سهام یا یونیت‌های MMF، ابزارهای دیون انتقال‌پذیر با سررسید باقی مانده‌ی کمتر از یک سال، سپرده‌های بانکی و ابزارهایی که به دنبال نرخ برگشتی هستند که به نرخ‌های بهره‌ی ابزارهای بازار پول برسد، سرمایه‌گذاری می‌شود. سهام یا یونیت‌های MMF با ابزارهائی نظیر چک یا دیگر ابزارهای پرداخت مستقیم شخص ثالث می‌توانند انتقال یابند. ۴-۱۰۷

صندوق‌های سرمایه‌گذاری (Investment funds): صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری‌های جمعی هستند که به‌موجب آن سرمایه‌گذاران وجوهی را برای سرمایه‌گذاری در دارائی‌های مالی یا غیرمالی روی هم می‌گذارند..... ۱۱-۹۴

صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیربازار پولی (Non-money-market (non-MMF) investment funds): صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیربازار پولی طرح‌های جمعی هستند که با انتشار سهام یا یونیت‌ها برای عموم، منابع مالی را افزایش می‌دهند. عایدات آن‌ها عمدتاً در دارائی‌های مالی، غیراز دارائی‌های کوتاه مدت، و در دارائی‌های غیرمالی (معمولاً مستغلات) سرمایه‌گذاری می‌شود..... ۴-۱۰۸

صنعت (Industry): هر صنعت (رشته‌فعالیت) از یک‌گروه کارگاه که به یک نوع فعالیت‌یا انواع مشابه فعالیت‌ها اشتغال دارند تشکیل شده است. . ۵-۲، ۵-۴۶

ط

طرح بیمه اجتماعی (Social insurance scheme): طرح بیمه اجتماعی طرح بیمه‌ای است که دو شرط زیر را داشته باشد، (الف) مزایای دریافتی مشروط به مشارکت در طرح باشد و مزایای اجتماعی به‌صورتی که در SNA مطرح شده است تشکیل دهد و (ب) حداقل یکی از این سه شرط را داشته باشد (i) مشارکت در طرح چه از طریق قانون چه طبق شرایط و ضوابط استخدامی یک کارفرما، یا گروهی از کارفرمایان اجباری باشد. (ii) طرح متشکل از یک طرح جمعی به نفع گروهی تعیین شده از کارکنان، اعم از شاغل یا غیرشاغل باشد، ضمن این که مشارکت به اعضای آن گروه محدود شده باشد. (iii) کارفرما حق بیمه‌ای (واقعی یا احتسابی) را از طرف کارکن به طرح پرداخت کند، اعم از این که کارکن هم حق بیمه‌ای پرداخت کند یا خیر..... ۸-۶۵، ۱۷-۸۸

طرح حق بیمه‌های تعیین شده (Defined contribution scheme: طرح حق بیمه‌ی تعیین شده طرحی است که مزایای پرداختنی به یک کارکن در بازنشستگی منحصراً برحسب میزان وجوهی که از حق بیمه‌های ایجاد شده در طول زندگیِ کاریِ کارکن و افزایش ارزش ناشی از سرمایه‌گذاری این وجوه توسط مدیر طرح ساخته شده است تعیین می‌شود..... ۱۷-۱۲۸

طرح مزایای تعیین شده (Defined benefit scheme): طرح مزایای تعیین شده طرحی است که مزایای پرداختنی به یک کارکن در بازنشستگی، چه قدر مطلق آن چه حداقل آن، بر اساس یک فرمول تعیین می‌شود..... ۱۷-۱۲۹

طلای پولی (Monetary gold): طلای پولی طلائی است که مقامات پولی (یا سایر مقاماتی که تحت کنترل عمده‌ی مقامات پولی هستند) بر آن حق مالکیت قانونی دارند و آن را به عنوان ذخیره دارائی نگه‌می‌دارند..... ۱۱-۴۵

ع

عوارض واردات (Import duties): عوارض واردات عبارت از عوارض گمرکی، یا سایر هزینه‌های وضع شده بر واردات است که بر نوع خاصی از کالاها هنگام وارد شدن به سرزمین اقتصادی پرداختنی می‌شوند. ۷-۹۳

ف

فعالیت (Activity): نگاه کنید به فعالیت اصلی، فعالیت ثانوی، فعالیت فرعی

فعالیت اصلی (Principal activity): فعالیت اصلیِ یک واحد تولید کننده فعالیتی است که ارزش افزوده‌ی آن بیش از هر فعالیت دیگری است که در همان واحد انجام می‌شود. ۵-۸

فعالیت ثانوی (Secondary activity): فعالیت ثانوی فعالیتی است که علاوه بر فعالیت اصلی در درون یک واحد تولید کننده انجام می‌شود و ستانده‌ی آن مانند ستانده‌ی فعالیت اصلی باید برای ارائه به خارج از واحد تولیدی مناسب باشد..... ۵-۹

فعالیت فرعی (Ancillary activity): فعالیت فرعی، یک فعالیت پشتیبانی کننده است که در درون یک بنگاه انجام می‌شود تا شرایطی را به وجود آورد که در آن بتوان فعالیت‌های اصلی یا ثانوی را انجام داد. ۵-۳۶

فعالیت‌های مالی جنبی (Financial auxiliaries): فعالیت‌های مالی جنبی از شرکت‌های مالی تشکیل شده‌اند که عمدتاً به فعالیت‌های مرتبط با تراکنش‌های دارائی‌های مالی و بدهی‌ها یا به فراهم کردن زمینه‌های نظارتی برای این تراکنش‌ها اشتغال دارند ولی در شرایطی که خودشان درگیرِ پذیرفتن مالکیت دارائی‌های مالی و بدهی‌های تراکنش شده نمی‌شوند. ۴-۱۱۱

ق

قرارداد بازخرید (Repurchase agreement: Repo): Repo قراردادِ بازخریدِ اوراق بهادار است که در آن اوراق بهادار در مقابل پول نقد با تعهدی برای بازخرید همان اوراق یا اوراق مشابه در مقابل پول نقد به قیمتی ثابت در تاریخی مشخص در آینده عرضه می‌شوند. ۱۱-۷۴

قرارداد بازخرید اوراق بهادار(Securities repurchase agreement): قرارداد بازخرید اوراق بهادار، ترتیباتی است که عرضه‌ی اوراق بهادار برای مبادله با پول نقد با تعهد بازخرید همان اوراق یا اوراق مشابه به قیمتی ثابت را خواه در تاریخی مشخص در آینده (اغلب یک یا چند روز بعد، یا بیشتر) خواه با یک "سررسید باز" در بر می‌گیرد..... ۱۱-۷۴

قرارداد پیمان آتی ارز (Forward foreign exchange contract): قرارداد پیمان آتی ارز دارای دو طرف است که توافق می‌کنند ارزهای خارجی را با نرخ ارز توافق شده‌ای به میزان مشخصی در یک زمان توافق شده در آینده مبادله کنند..... ۱۱-۱۲۱

قرارداد سوآپ نرخ بهره (Interest rate swap): قرارداد سوآپ نرخ بهره، مبادله‌ی جریان‌های نقدی مربوط به پرداخت‌ها یا دریافت‌های بهره، روی یک مبلغ اصل فرضی، که هیچگاه مبادله نمی‌شود، به یک ارز خارجی در طول یک دوره است..... ۱۱-۱۲۱

قرارداد نرخ بهره‌ی پیمان آتی (Forward rate agreement: FRA): قرارداد نرخ بهره‌ی پیمان آتی توافقی است که در آن دو طرف، بـه منظـور حمایـت از یکدیگر در برابر تغییرات نرخ بهره، نسبت به پرداخت یک نرخ بهره روی مبلغ اصل فرضـی کـه هیچگـاه مبادلـه نمـی‌شـود در تـاریخ تسویه‌ی مشخصی توافق می‌کنند. ۱۱-۱۲۱

قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها (Contracts, leases and licences): قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها تنها هنگامی دارائی تلقی می‌شوند که هـردو شـرط زیر را داشته باشند. ضوابط قرارداد، اجاره‌نامه یا پروانه قیمتی را برای استفاده از یک دارائی یا ارائه‌ی یک خدمت مشـخص کنـد کـه از قیمتی که در نبودِ قرارداد، اجاره‌نامه یا پروانه حاکم است، متفاوت باشد. یک طرف قرارداد باید از نظر قانونی و عملـی قـادر باشـد ایـن تفاوت قیمت را تحقق بخشد. ..... ۱۰-۱۶، ۱۰-۱۸۶

قلم ترازکننده (Balancing item): قلم تراز کننده، یک ایده‌ی حسابداری است که با کسر ارزش کل اقلام ثبت شده در یک سمت حساب (منابع یا تغییـرات در بدهی‌ها) از ارزش کل اقلام ثبت شده در سمت دیگرِ آن (مصارف یا تغییرات در دارائی‌ها) بدست می‌آید. این قلم را نمی‌توان مستقل از اقلام ثبت شده در حساب‌ها اندازه‌گیری کرد؛ این قلم به عنوان یک قلم استخراج شده، اِعمال قواعد کلی حسابداری به اقـلام ثبـت شده‌ی خاص در دو سمت حساب را منعکس می‌کند. ۳-۹

قیمت (Price): قیمت یک کالا یا خدمت به صورت ارزش یک واحد از آن کالا یا خدمت تعریف می‌شود. ۱۵-۱۱

قیمت پایه (Basic price): قیمت پایه مبلغ دریافتنی توسط تولید کننده از خریدار برای یک واحد کالا یا خدمت تولید شده به عنوان ستانده منهـای هرگونـه مالیات پرداختنی، و بعلاوه هرگونه یارانه دریافتنی توسط تولیدکننده در نتیجه‌ی تولید یا فروش آن است؛ قیمت پایه هر هزینه‌ی حمـل و نقلی را که توسط تولیدکننده به طور جداگانه صورت حساب شده باشد در بر نمی‌گیرد..... ۶-۵۱

قیمت تولیدکننده (Producer's price): قیمت تولیدکننده مبلغ دریافتنی توسط تولیدکننده از خریدار برای یک واحد کالا یا خـدمت تولیـد شـده بـه عنـوان ستانده منهای هرگونه مالیاتِ ارزش افزوده (VAT)، یا مالیات کسرشدنیِ مشابهِ صورت حساب شده برای خریدار اسـت. قیمـت تولیـد کننده هر گونه هزینه حمل و نقلی را که توسط تولید کننده به طور جداگانه صورت‌حساب شده باشد در بر نمی‌گیرد..... ۶-۵۱

قیمت خریدار (Purchaser's price): قیمت خریدار مبلغ پرداخت شده توسط خریدار، بدون هیچ‌گونه VAT یا مالیات کسرشدنی مشابه توسط خریدار، بـرای تحویل یک واحد کالا یا خدمت در زمان و محل مورد درخواست خریدار است. قیمت خریدارِ یک کالا هرگونه هزینـه حمـل و نقلـی را که توسط خریدار به طور جداگانه پرداخت می‌شود تا کالا یا خدمت خریداری شده در زمان و محل مورد درخواست او تحویل داده شـود در بر می‌گیرد. ۶-۶۴

قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی (Economically significant prices): قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصـادی قیمـت‌هـائی هسـتند کـه بـر مقداری که تولیدکنندگان حاضر به عرضه هستند و بر مقداری که خریداران مایل به خرید هستند اثر قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. این قیمت‌ها به طور عادی هنگامی حاصل می‌شود که (الف) تولیدکننده با هدف کسب سود در بلند مدت، یا دستکم، پوشـش هزینـه‌هـای سرمایه و دیگر هزینه‌ها انگیزه‌ی تنظیم عرضه را دارد و (ب) مصرف کننده آزاد است که بخـرد یـا نخـرد و انتخـاب خـود را براسـاس قیمت‌های مطالبه شده انجام می‌دهد. ..... ۶-۹۵، ۲۲-۲۸

ک

کار در جریان ساخت (کار در جریان انجام) (Work-in-progress): کار در جریان ساخت متشکل از ستانده‌ی تولید شده توسط یک بنگاه است که هنوز بـه اندازه کافی پردازش نشده است تا در وضعیتی قرار گیرد که به‌طور عادی به واحدهای نهادی دیگر عرضه شود..... ۱۰-۱۳۴

کار در جریان ساختِ منابع زیستیِ پرورشی (Work-in-progress on cultivated biological resources): کار در جریان ساخت منـابع زیسـتی پرورشـی عبارت از ستانده‌ای است که به اندازه کافی بالغ نشده است تا در وضعیتی قرار گیرد که به‌طور عادی به واحدهای نهادی دیگـر عرضـه شود..... ۱۰-۱۴۰

کارکنان مزد بگیر (Employees): کارکنان مزد بگیراشخاصی هستند که، طبق توافق، برای یک واحد نهادی مقیم کار می‌کنند و اجرت کارشان را دریافت می‌کنند. ۱۹–۲۰

کارگاه (Establishment): کارگاه یک بنگاه، یا قسمتی از یک بنگاه، است که در یک مکانِ واحد مستقر شده و در آن فقط یک فعالیت تولیدیِ واحد انجام می‌شود یا فعالیت تولیدی اصلی آن بیشترین ارزش افزوده را ایجاد می‌کند. ۵–۲، ۵–۱۴

کالا یا خدمت مصرفی (Consumption good or service): کالا یا خدمت مصرفی عبارت از کالا یا خدمتی است که توسط خانوارها، NPISHها یا واحدهای دولتی برای ارضای مستقیم نیازهای (خواسته‌های) فردی یا برای ارضای مستقیم نیازهای جمعیِ اعضای جامعه (بدون تغییر شکل بیشتر در فرآیند تولیدی که در SNA تعریف شده است) استفاده می‌شود. ۹–۲

کالاها (Goods): کالاها اشیاء فیزیکی تولید شده هستند که برای آن‌ها تقاضا وجود دارد، بر آن‌ها حق مالکیت می‌تواند ایجاد شود و مالکیت آن‌ها می‌تواند با درگیر شدن در تراکنش‌های بازار از یک واحد نهادی به واحد نهادی دیگر تغییر یابد. ۶–۱۵

کالاهای بازفروشی (Goods for resale): کالاهای بازفروشی کالاهائی هستند که توسط بنگاه‌هائی نظیر عمده‌فروشان یا خرده‌فروشان به منظور فروش مجدد آن‌ها به مشتریان خود تحصیل می‌شوند. ۱۰–۱۴۵

کالاهای تکمیل شده (Finished goods): کالاهای تکمیل شده عبارت از کالاهای تولید شده به عنوان ستانده‌ای است که تولید کننده‌ی آن قصد ندارد قبل از عرضه کردن به سایر واحدهای نهادی، پردازش بیشتری روی آن‌ها انجام دهد. ۱۰–۱۴۲

کالا یا خدمت مصرفی فردی (Individual consumption good or service): کالا یا خدمت مصرفی فردی، کالا یا خدمتی است که توسط یک خانوار تحصیل می‌شود و برای ارضای نیازها یا خواسته‌های اعضای آن خانوار استفاده می‌شود. ۹–۳

کالای بادوام (Durable good): کالای بادوام کالائی است که می‌توان آن را به طور مکرر یا مستمر در طول دوره‌ای بیش از یکسال، که به عنوان نرخ عادی یا متوسط استفاده‌ی فیزیکی است، مورد استفاده قرار داد. ۹–۴۲

کالای بادوام مصرفی (Consumer durable): کالای بادوام مصرفی کالائی است که می‌توان آن را به طور مکرر یا مستمر در طول یک دوره‌ی یک ساله یا بیشتر به‌منظور مصرف بکار برد. ۹–۴۲

کل اقتصاد (Total economy): کل اقتصاد به عنوان تمامی مجموعه واحدهای نهادی مقیم تعریف می‌شود. ۴–۲۳

کمک‌های سرمایه‌گذاری (Investment grants): کمک‌های سرمایه‌گذاری عبارت از انتقالات سرمایه‌ای ارائه شده توسط واحدهای دولتی به سایر واحدهای نهادی مقیم یا غیرمقیم برای تأمین مالی تمام یا قسمتی از هزینه‌های تحصیل دارائی‌های ثابت آن‌ها است. ۱۰–۲۰۸

م

ماشین‌آلات و تجهیزات (Machinery and equipment): ماشین‌آلات و تجهیزات شامل تجهیزات حمل و نقل، ماشین‌آلات برای اطلاعات، تجهیزاتِ ارتباطات و مخابرات (ICT) و سایر ماشین‌آلات و تجهیزات است. ۱۰–۸۲

مالک (Owner): نگاه کنید به مالک قانونی، مالک اقتصادی

مالک اقتصادی (Economic owner): مالک اقتصادیِ هستارهائی نظیر کالاها و خدمات، منابع طبیعی، دارائی‌های مالی و بدهی‌ها واحد نهادی است که حق ادعا بر منافع مربوط به استفاده از هستار مورد بحث را به دلیل پذیرفتن ریسک‌های مربوطه در دوره‌ای از یک فعالیت اقتصادی دارد. ۳–۲۶، ۱۰–۵

مالک قانونی(Legal owner): مالک قانونیِ هستارهائی نظیر کالاها و خدمات، منابع طبیعی، دارائی‌های مالی و بدهی‌ها، واحد نهادی است که طبق قانون و تحت حمایت قانون حق ادعا بر منافع مربوط به این هستارها را دارد. ..... ۳-۲۱، ۱۰-۵

مالیات ارزش افزوده‌ی کسر نشدنی (Non-deductible VAT): VAT کسرنشدنی، VAT پرداختنی توسط یک خریدار است که از بدهی VAT خود، اگر وجود داشته باشد، کسر شدنی نیست. ۶-۵۸

مالیات ارزش‌افزوده‌ی درج شده در صورت حساب (Invoiced VAT): VAT درج شده در صورت حساب، VAT پرداختنی برای فروش‌های یک تولیدکننده است؛ و در صورت حسابی که تولیدکننده به خریدار ارائه می‌دهد جداگانه نشان داده می‌شود. ۶-۵۸

مالیات ارزش‌افزوده‌ی کسر شدنی (Deductible VAT): VAT کسرشدنی، VAT پرداختنی بر خریدهای کالاها یا خدماتی است که به منظور مصرف واسطه، تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص یا بازفروشی خریداری شده‌اند و تولیدکننده مجاز به کسر آن از بدهیِ VAT خود به دولت در رابطه با VAT صورت حساب شده برای مشتریانش است. ۶-۵۸

مالیات بر درآمد (Taxes on income): مالیات بر درآمد از مالیات بر درآمد، مالیات بر سود و مالیات بر منفعت سرمایه تشکیل شده است. ۸-۶۱

مالیات بر صادرات (Export taxes): مالیات بر صادرات از مالیات بر کالاها یا خدماتی تشکیل شده است که هنگامی که کالاها سرزمین اقتصادی را ترک - می‌کنند یا هنگامی که خدمات به غیرمقیم‌ها ارائه می‌شوند توسط دولت پرداختنی می‌شود. ۷-۹۵

مالیات بر محصول (Taxes on products): مالیات بر محصول مالیاتی است که بر یک واحد از برخی کالاها یا خدمات پرداختنی است. ۷-۸۸

مالیات بر محصول، بجز VAT، مالیات بر واردات و صادرات (Taxes on products, excluding VAT, import and export taxes): متشکل از مالیات بر کالاها و خدماتی است که به عنوان نتیجه‌ی تولید، فروش، انتقال، اجاره دادن یا حمل و تحویل آن کالاها یا خدمات یا در نتیجه‌ی استفاده از آن‌ها برای خود مصرفی نهائی یا تشکیل سرمایه به حساب خود پرداختنی می‌شود. ۷-۹۶

مالیات بر واردات بجز مالیات ارزش‌افزوده و حقوق گمرکی (Taxes on imports, excluding VAT and duties): مالیات بر واردات، بجز، VAT و عوارض گمرکی متشکل از همه‌ی مالیات‌های (بجز VAT و عوارض واردات) تعیین شده در طبقه‌بندی GFSM/OESD هستند که هنگام ورود کالاها به سرزمین اقتصادی یا ارائه خدمات توسط غیرمقیم‌ها به مقیم‌ها پرداختنی می‌شوند. ۷-۹۴

مالیات سرمایه (Capital taxes): مالیات‌های سرمایه از مالیات‌هائی تشکیل شده‌اند که به‌طور نامرتب و در فاصله‌های زمانی نامنظم بر ارزش دارائی‌ها یا ارزش ویژه متعلق به واحدهای نهادی یا بر ارزش دارائی‌های منتقل شده بین واحدهای نهادی در نتیجه‌ی ارث، هبه یا سایر انتقالات وضع می‌شوند. ۱۰-۲۰۷

مالیات منهای یارانه بر تولید (Taxes less subsidies on production): مالیات منهای یارانه بر تولید متشکل از مالیات پرداختنی یا یارانه‌ی دریافتنی بر کالاها یا خدمات تولید شده به عنوان ستانده و سایر مالیات‌ها منهای یارانه‌ها بر تولید، نظیر مالیات منهای یارانه پرداختنی بر نیروی کار، ماشین‌آلات، بناها یا سایر دارائی‌های به کار برده شده در تولید است. ۷-۵

مالیاتِ نوع ارزش افزوده (Value added tax: VAT): VAT مالیات بر کالاها یا خدمات است که توسط بنگاه‌ها در مراحل مختلف جمع‌آوری می‌شود اما در نهایت به طور کامل از خریدار نهائی دریافت می‌شود. ۷-۸۹

مالیات و عوارض گمرگی بر واردات (Taxes and duties on imports): این نوع مالیات، از مالیات بر کالاها و خدمات تشکیل شده است که در لحظه‌ای پرداختنی می‌شود که آن کالاها از مرزهای ملی یا گمرکی سرزمین اقتصادی عبور کنند یا هنگامی که آن خدمات توسط تولید کنندگان غیرمقیم به واحدهای نهادی مقیم ارائه شوند. ۷-۹۰

مالیات‌ها (Taxes): مالیات‌ها پرداخت‌های اجباری، بلاعوض، نقدی یا غیرنقدی توسط واحدهای نهادی به واحدهای دولتی هستند. ..... ۷-۷۱، ۸-۵۲

مالیات‌های جاری بر درآمد (Current taxes on income): مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره عمدتاً عبارتند از مالیات بر درآمد خانوارها، یا سود شرکت‌ها و مالیات بر ثروت که به طور منظم در هر دوره‌ی مالیاتی پرداختنی هستند (متفاوت از مالیات‌های بر سرمایه که گاهی وضع می‌شوند). ۸-۱۵

مالیات‌های جاری بر سرمایه (Current taxes on capital): مالیات‌های جاری بر سرمایه از مالیات‌هائی تشکیل شده‌اند که در فواصل معین که معمولاً سالانه است بر روی دارائی یا ارزش ویژه‌ی واحدهای نهادی پرداختنی هستند بجز مالیات بر زمین یا سایر دارائی‌های متعلق به بنگاه‌ها یا اجاره شده توسط آن‌ها که در تولید استفاده می‌شوند، چنین مالیات‌هائی به عنوان سایر مالیات بر تولید تلقی می‌شوند. ۸-۶۳

مجوز استفاده از منابع طبیعی (Permits to use natural resources): مجوز استفاده از منابع طبیعی عبارت از حقق مالکیت شخص ثالث در رابطه با منابع طبیعی است. ۱۰-۱۹۱

مجوز انجام فعالیت‌های خاص (Permit to undertake a specific activity): مجوز انجام فعالیت‌های خاص مجوزی است که از نظر تعداد محدود باشد و بنابراین به دارنده‌ی آن اجازه دهد منافع انحصاری کسب کند، منافع انحصاری در نتیجه‌ی استفاده از یک دارائی متعلق به صادر کننده‌ی‌مجوز بدست‌نیامده باشد، دارنده‌ی مجوز هم از نظر قانونی‌و هم ازنظرعملی قادر به فروش مجوز به شخص‌ثالثی باشد. ۱۰-۱۹۲

مجوزها (Permits): نگاه کنید به قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها

محدوده‌ی تولید (Production boundary): محدوده‌ی تولید در SNA فعالیت‌های زیر را در بر می‌گیرد (الف) تولیدِ همه‌ی کالاها یا خدماتی که به واحدهائی بجز تولیدکنندگان آن‌ها عرضه می‌شوند، یا در نظر است که عرضه شوند، که شامل تولید کالاها یا خدماتی که در فرآیند تولید این نوع کالاها و خدمات به کار می‌روند نیز می‌شود. (ب) تولید همه‌ی کالاها و خدمات به حساب خود که توسط تولید کنندگانشان برای مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه‌ی ناخالص برای خود نگه داشته می‌شوند. (پ) تولید به حساب خودِ محصولات تسخیر دانش که توسط تولید کنندگانشان برای مصرف نهائی یا تشکیل سرمایه‌ی خود نگه داشته می‌شوند. (ت) تولید خدمات واحدهای مسکونی توسط مالکین ساکن. (ث) تولید خدمات شخصی خانگی توسط کارکنان خانگی مزدبگیر. ۶-۲۷

محصول خالص داخلی (Net domestic product: NDP): محصول خالص داخلی به‌صورت محصول ناخالص داخلی (GDP) منهای مصرف سرمایه ثابت تعریف می‌شود. ۱۶-۵۲

محصول ناخالص داخلی (Gross domestic product: GDP): نگاه کنید به سنجه‌ی مخارج GDP، سنجه‌ی درآمد GDP، سنجه‌ی تولید GDP

محصولات (Products): محصولات، کالاها و خدماتی (از جمله محصولات تسخیر دانش) هستند که از یک فرایند تولید حاصل می‌شوند. ۶-۱۴

محصولات مالکیت فکری (Intellectual property products): محصولات مالکیت فکری، حاصل پژوهش، توسعه، تحقیق یا نوآوری هستند که منجر به دانشی می‌شوند که پژوهشگران می‌توانند آن را در بازار عرضه کنند یا به نفع خود در تولید استفاده کنند زیرا استفاده از این دانش بوسیله قانون یا هر نوع ابزار حمایتی دیگری محدود شده است. ۱۰-۹۸

مخارج کالاها و خدمات (Expenditures on goods and services): مخارج کالاها و خدمات عبارت از ارزش مبالغی است که خریداران در مبادله‌ی کالاها و خدماتی که فروشندگان برای آن‌ها یا دیگر واحدهای نهادیِ مشخص شده توسط خریداران فراهم می‌کنند به فروشندگان می‌پردازند، یا توافق می‌کنند که بپردازند. ۹-۳۲

مخارج مصرف نهائی (Final consumption expenditure): مخارج مصرف نهائی، مبلغ مخارجِ کالاها و خدمات مصرفی است. ۹-۷

مخارج مصرف نهائی خانوارها (Household final consumption expenditure or final consumption of expendirute): مخارج مصرف نهائی خانوارها عبارت از مخارجِ متحمل شده توسط خانوارهای مقیم برای کالاها و خدمات مصرفی فردی همچنین کالاها و خدمات فروخته شده به قیمت‌هائی که از نظر اقتصادی قابل ملاحظه نیستند و نیز مصرف کالاها و خدمات تحصیل شده از خارج است، از جمله مخارجی که ارزش آن‌ها باید به‌طور غیرمستقیم برآورد شود. ۹-۱۱۳

مخـارج مصـرف نهـائی دولـت (General government final consumption expenditure or final consumption expenditure of general government): مخارج مصرف نهائی دولت عبارت از مخارجِ متحمل شده توسـط دولـت بـرای کالاهـا و خـدمات مصـرفی فـردی و خدمات مصرفی جمعی است، از جمله مخارجی که ارزش آن‌ها باید بطور غیرمستقیم برآورد شود. ۹-۱۱۴

مخارج مصرف نهائیِ نهادهای غیرانتفاعی در خـدمت خانوارهـا (Final consumption expenditure of NPISHs): مخـارج مصـرف نهـائی NPISHهـا عبارت از مخارجِ متحمل شده توسط NPISHهای مقیم، برای کالاها و خدمات مصرفی فردی و احتمالاً خدمات مصرفی جمعی است، از جمله مخارجی که باید ارزش آن‌ها به‌طور غیرمستقیم برآورد شود..... ۹-۱۱۵

مزایای اجتماعی (Social benefits): مزایای اجتماعی، انتقالات جاری هستند که توسط خانوارها برای تأمین نیازهای ناشی از رویـدادها یـا شـرایط خاصـی دریافت می‌شوند، این شرایط به عنوان مثال می‌تواند بیماری، بیکاری، بازنشستگی، مسکن، تحصیل یا وضعیت خانوادگی باشد. ۸-۱۷

مزایای بیمه‌ی اجتماعی (Social insurance benefit): مزایای بیمه اجتماعی مزایای اجتماعی است که به این دلیل پرداختنی می‌شوند که ذینفـع در یـک طرح بیمه اجتماعی مشارکت دارد و ریسک اجتماعی که در مقابل آن بیمه شده رخ داده است. ۸۹-۱۷

مزایای نقدی تأمین اجتماعی (Social security benefits in cash): مزایای نقدی تأمین اجتماعی، مزایای بیمـه‌هـای اجتمـاعی پرداختنـیِ نقـدی توسـط صندوق‌های تأمین اجتماعی به خانوارها است..... ۸-۱۰۸

مزایای نقدی مساعدت اجتماعی (Social assistance benefits in cash): مزایای نقدی مساعدت اجتماعی، انتقالات جـاری پرداختنـی توسـط واحـدهای دولتی یا NPISHها به خانوارها برای تأمین همان نیازهای مزایای بیمه‌های اجتماعی است ولی مزایائی است که تحت یک طرح بیمه اجتماعی که نیاز به مشارکت از طریق پرداخت حق بیمه داشته باشد، قرار ندارد..... ۸-۱۱۰

مشتقات اعتباری (Credit derivatives): مشتقات اعتباری مشتقات مالی هستند که هدف اصلی آن‌ها تجارت ریسک اعتبار است. ۱۱-۱۲۳

مشتقات مالی (Financial derivatives): مشتقات مالی ابزارهای مالی هستند که به ابزار مالی دیگر یا نماگر یا کالای خاصی که ریسک‌های ویـژه‌ی مـالی بتوانند از طریق آن‌ها در بازارهای مالی به خودی خود معامله شوند، مرتبط هستند. ۱۱-۱۱۱

مصرف (Consumption): فعالیت مصرف عبارت از استفاده‌ی کالاها و خدمات برای ارضای نیازها یا خواسته‌های فردی یا جمعی بشری است. ۹-۳۹

مصرف سرمایه‌ی ثابت (Consumption of fixed capital): مصرف سرمایه‌ی ثابت عبارت است از کاهش ارزش جاری موجودی سرمایه‌ی ثابتِ متعلق به یک تولیدکننده و استفاده شده توسط او در اثر زوال فیزیکی، از مد افتادگی عادی و یا خسارت اتفاقی عادیِ در طـول دوره حسـابداری است. .....۶-۲۴۰، ۱۰-۲۵

مصرف کالاها و خدمات (Consumption of goods and services): مصرف کالاها و خدمات عمل استفاده از کالا و خدمات به‌طور کامل در فرآیند تولیـد یا برای ارضای مستقیم نیازها یا خواسته‌های بشری است. ۹-۳۹

مصرف نهائی واقعی (Actual final consumption): مصرف نهائی واقعی میزان کالاها و خدمات مصرفیِ تحصیل شده را اندازه‌گیری می‌کند. ۹-۷

مصرف نهائی واقعی خانوارها (Actual final consumption of households): مصرف نهائی واقعی خانوارها با ارزش همـه‌ی کالاهـا و خـدمات مصـرفی فردیِ تحصیل شده توسط خانوارهای مقیم اندازه‌گیری می‌شود..... ۹-۱۱۶

مصرف نهائی واقعی دولت (Actual final consumption of general government): مصرف نهائی واقعی دولت با ارزش خدمات مصـرفیِ جمعـی ارائـه شده توسط دولت به جامعه، یا بخش بزرگی از جامعه، اندازه‌گیری می‌شود. ۹-۱۱۷

مصرف نهائی واقعی نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارهـا (Actual final consumption of NPISHs): مصـرف نهـائی واقعـی NPISHهـا بـا ارزش خدمات مصرفیِ جمعیِ ارائه شده توسط NPISHها به جامعه، یا بخش بزرگی از جامعه، اندازه‌گیری می‌شود. ۹-۱۱۸

مصرف واسطه (Intermediate consumption): مصرف واسطه متشکل از ارزش کالاها و خدماتی است که به عنوان نهاده از طریق فرآیند تولید مصرف می‌شود، بجز مصرف دارائی‌های ثابت که مصرف آن‌ها به عنوان مصرف سرمایه ثابت ثبت می‌شود. ۶-۲۱۳

منابع آبی (Water resources): منابع آبی از آب‌های سطحی و زیرزمینی استفاده شده برای استحصال تشکیل یافته‌اند به‌طوری که کمیابی آن‌ها منجر به اعمال حق مالکیت یا حق استفاده، ارزش بازار و سنجه‌ای برای کنترل اقتصادی می‌شود. ۱۰-۱۸۴

منابع حیوانی با ثمردهی مکرر (Animal resources yielding repeat products): منابع حیوانی با ثمردهی مکرر حیواناتی را پوشش می‌دهند که رشد طبیعی و بازآوری آن‌ها تحت کنترل مستقیم، مسئولیت و مدیریت واحدهای نهادی است..... ۱۰-۹۲

منابع زیستی پرورشی (Cultivated biological resources): منابع زیستی پرورشی متشکل از منابع حیوانی دارای ثمردهی مکرر و درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی مکرر هستند که رشد طبیعی و بازآوری آن‌ها تحت کنترل مستقیم، مسئولیت و مدیریت واحدهای نهادی است..... ۱۰-۸۸

منابع زیستیِ غیرپرورشی (Non-cultivated biological resources): منابع زیستی غیرپرورشی عبارتند از جانوران، پرندگان، ماهی‌ها و گیاهانی که به هردو صورت، فقط یکبار یا بکرات، ثمر می‌دهند و بر آن‌ها حقوق مالکیت اعمال می‌شود ولی رشد و بازآوری آن‌ها تحت کنترل، مسئولیت و مدیریت مستقیم واحدهای نهادی نیست. ۱۰-۱۸۲

منابع طبیعی (Natural resources): منابع طبیعی، از منابع ایجاد شده به‌طور طبیعی، نظیر زمین، منابع آبی، جنگل‌های کشت نشده و ذخائر معدنی که دارای ارزش اقتصادی هستند تشکیل یافته‌اند..... ۱۰-۱۵

منابع معدنی و انرژی (Mineral and energy resources): منابع معدنی و انرژی از ذخائر معدنی و انرژی واقع در زیرِ زمین تشکیل یافته‌اند که با در نظر گرفتن فناوری و قیمت‌های نسبی جاری قابل بهره‌برداری اقتصادی هستند. ۱۰-۱۷۹

منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن- بدهی (Nominal holding gain - liability): منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن بدهی، کاهش ارزش بدهی، غیر از طریق تراکنش یا سایر تغییرات در حجم است. ۱۲-۷۴

منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن- دارائی غیرمالی (Nominal holding gain - non-financial asset): منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن یک دارائی غیرمالی، ارزش منفعت تعلق گرفته به مالک آن دارائی در اثر تغییرِ قیمت آن در طول یک دوره است. ۱۲-۷۴

منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن- دارائی مالی (Nominal holding gain - financial asset): منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن یک دارائی مالی، افزایش ارزش آن دارائی، غیر از افزایش حاصل از تراکنش دارائی‌ها (از جمله تعلق بهره در طول یک دوره‌ی زمانی) و سایرتغییرات در حجم دارائی‌ها است. ۱۲-۷۴

منفعت تحقق نیافته ناشی از نگه‌داشتن (Unrealized holding gain): منفعت تحقق نیافته ناشی از نگه‌داشتن، منفعتی است که به یک دارائی که در انتهای دوره، هنوز تحت تصرف مالک آن است یا یک بدهی که در انتهای دوره هنوز تسویه نشده است، تعلق می‌گیرد..... ۱۲-۸۰

منفعت تحقق یافته ناشی از نگه داشتن (Realized holding gain): منفعت (زیان) ناشی از نگه داشتن هنگامی تحقق می‌یابد که یک دارائی که ارزش آن به سبب منفعت (زیان) ناشی از نگه‌داشتن از ابتدای دوره حسابداری افزایش (کاهش) یافته است فروخته شود، فک رهن شود، استفاده شود یا به نوع دیگری مصرف شود، یا بدهی که با منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن همراه است بازپرداخت شود..... ۱۲-۸۰

منفعت و زیان بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن (Neutral holding gains and losses): منفعت (زیان) بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن در طول یک دوره عبارت از افزایشی (کاهشی) است که لازم است در ارزشِ یک دارائی بوجود آید تا بدون تراکنش‌ها و سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها منفعتِ حاصل از همان میزان کالاها و خدماتِ ابتدای دوره حفظ شود. ۱۲-۷۵

منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن (Real holding gains and losses): منفعت (زیان) واقعی ناشی از نگه‌داشتن مبلغی است که به‌موجب آن ارزش یک دارائی در طول دوره نسبت به منفعت بی‌اثر ناشی از نگه‌داشتن، بدون وجود تراکنش و سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها، افزایش (کاهش) می‌یابد. ۱۲-۷۶

منفعت یا زیان مبادله‌ی بازرگانی (Trading gain or loss): منفعت یا زیان حاصل از تغییرات رابطه مبادله‌ی بازرگانی تفاوت بین GDI واقعی و GDP برحسب حجم است. ۱۵-۱۸۸

مواد و ملزومات (Materials and supplies): مواد و ملزومات از تمام محصولاتی تشکیل شده‌اند که هر بنگاه با این قصد آن‌ها را در انبار نگه‌داری می‌کند که از آن‌ها به عنوان نهاده‌های واسطه در تولید استفاده کند. ۱۰-۱۳۱

موجودی انبار (Inventories): موجودی‌های انبار، دارائی‌های تولید شده‌ای هستند که از کالاها و خدماتی که در دوره جاری یا دوره‌های قبلی بوجود آمده‌اند تشکیل شده‌اند، و برای فروش، استفاده در تولید یا استفاده دیگری در زمانی دیگر نگه‌داشته شده‌اند. ۱۰-۱۲

موجودی انبار نظامی (Military inventories): موجودی انبار نظامی از اقلام یکبار مصرف نظیر مهمات، موشک‌ها، راکت‌ها و بمب‌ها و غیره تشکیل شده است که بوسیله سلاح‌ها یا سیستم‌های تسلیحاتی حمل می‌شوند. ۱۰-۱۴۴

موجودی‌ها (Stocks): موجودی‌ها، وضعیت موجودی دارائی‌ها و بدهی‌ها یا در اختیار داشتن آن‌ها در لحظه‌ای از زمان هستند. ۳-۴

ن

نرم‌افزار رایانه‌ای (Computer software): نرم‌افزار رایانه‌ای از برنامه‌های رایانه‌ای، شرح برنامه‌ها و مواد پشتیبانی برای نرم‌افزارهای سیستمی و کاربردی، هردو، تشکیل شده است. ۱۰-۱۱۰

نسخه‌های اصلی کارهای سرگرمی، ادبی و هنری (Entertainment, literary and artistic originals): نسخه‌های اصلی کارهای سرگرمی، ادبی و هنری عبارتند از حلقه‌های فیلم، نوارهای ضبط صوت، نسخه‌های دستی، نوارها، مدل‌ها و غیره که روی آن‌ها اجرای نمایش تئاتر، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، اجراهای موسیقی، رویدادهای ورزشی، محصولات هنری و ادبی و غیره ضبط یا گنجانیده شده است. ۱۰-۱۱۵

نهادهای غیرانتفاعی (Non-profit institutions: NPIs): نهادهای غیرانتفاعی هستارهای قانونی و اجتماعی ایجاد شده به منظور تولیدِ کالاها و خدمات هستند که وضعیت آن‌ها اجازه نمی‌دهد منبع درآمد، منفعت یا عایدی مالی برای واحدهائی باشند که آن را ایجاد، کنترل یا تأمین مالی می‌کنند. ۴-۸، ۴-۸۳

نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (Non-profit institutions serving households: NPISHs): نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها متشکل از NPIهای غیربازاری هستند که توسط دولت کنترل نمی‌شوند. ۴-۹۳

نهادهای مالی داخلی و قرض دهندگان پول (Captive financial institutions and money lenders): نهادهای مالی داخلی و قرض دهندگان پول از واحدهای نهادی تشکیل یافته‌اند که خدمات مالی ارائه می‌دهند در حالی که بیشترِ دارائی‌ها و بدهی‌های آن‌ها در بازارهای آزاد مالی مورد تراکنش قرار نمی‌گیرند. ۴-۱۱۳

نیروی کار (Labour force): نیروی کار از افرادی تشکیل شده است که فعالانه آماده هستند تا کار خود را طی هر دوره‌ی مرجع خاصی برای تولید کالاها و خدماتی که در محدوده‌ی تولید SNA قرار دارند در دسترس قرار دهند. ۱۹-۱۷

و

واحد مبتنی بر نوع فعالیت (Kind-of-activity unit): واحد مبتنی بر نوع فعالیت، یک بنگاه، یا قسمتی از یک بنگاه، است که فقط به یک نوع فعالیت تولیدی اشتغال دارد یا فعالیت تولیدی اصلی آن بیشترین ارزش افزوده را ایجاد می‌کند. ۵-۱۲

واحد مسکونی (Dwellings): واحد مسکونی، بنا یا قسمتی از بنا است که به‌طور کامل یا به‌طور عمده به عنوان محل سکونت استفاده می‌شود، سازه‌های مرتبط با آن، نظیر پارکینگ، و همه لوازم‌جانبی دائمی که نصب‌آن‌ها در محل‌سکونت مرسوم است نیز در این‌رده قرار می‌گیرند. ۱۰-۶۸

واحد مبتنی برمکان (Local unit): واحد مکان یک بنگاه، یا بخشی از یک بنگاه، است که به فعالیت تولیدی در یک مکان یا از یک مکان اشتغال دارد. ۵-۱۳

واحد نهادی (Institutional unit): واحد نهادی هستار اقتصادی است که مستقلاً قادر به تملک دارائی‌ها، تقبل بدهی‌ها و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی و تراکنش با هستارهای دیگر است. ۴-۲

واحدهای دولتی (Government units): واحدهای دولتی نوع منحصر به فردِ هستارهای قانونی هستند که از طریق فرآیندهای سیاسی ایجاد می‌شوند و اختیار قانون‌گذاری، قضائی و اجرائی بر دیگر واحدهای نهادی در یک دوره معین را دارند. ۴-۹

واسطه‌گری‌های مالی (Financial intermediaries): واسطه‌گری‌های مالی، واحدهای نهادی هستند که به منظور تحصیل دارائی‌های مالی با اشتغال به تراکنش‌های مالی در بازار، متقبل بدهی به حساب خود می‌شوند. ۴-۱۰۱

وام ناکارآمد (مشکوک‌الوصول) (Non-performing loan): وامی ناکارآمد گفته می‌شود که پرداخت‌های بهره یا اصل وام به مدت ۹۰روز یا بیشتر به تعویق افتاده باشد، یا پرداخت‌های بهره‌ای که ۹۰ روز یا بیشتر را پوشش داده‌اند تبدیل به سرمایه شده، بازتأمین مالی شده، یا با توافق به تأخیر افتاده باشند یا پرداخت‌هائی که کمتر از ۹۰ روز عقب افتاده‌اند، دلایل قابل قبولِ دیگری (نظیر اعلام ورشکستگی توسط بدهکار) وجود داشته باشد که نسبت به انجام کامل پرداخت‌ها شک ایجاد کند. ۱۳-۶۶

وام‌ها (Loans): وام‌ها دارائی‌های مالی هستند که هنگامی که بستانکار وجوهی را مستقیماً به بدهکار وام می‌دهد، بوجود می‌آیند و بوسیله اسنادی که مذاکره‌پذیر نیستند به اثبات می‌رسند. ۱۱-۷۲

ه

هزینه‌های انتقال مالکیت (Costs of ownership transfer): هزینه‌های انتقال مالکیت از انواع اقلام زیر تشکیل یافته‌اند: (الف) تمامی حق‌الزحمه‌ها یا کمیسیون‌های حرفه‌ای متحمل شده توسط هردوی واحدهای تحصیل کننده یا واگذار کننده دارائی، نظیر حق‌الزحمه‌ی پرداختی به وکلا، آرشیتکت‌ها، نقشه برداران، مهندسین و قیمت گذاران، و کمیسیون‌های پرداختی به کارگزاران معاملات ملکی و دلالان مزایده. (ب) همه‌ی هزینه‌های بازرگانی و حمل و نقلی که جداگانه برای خریدار صورت حساب شده باشد. (پ) همه‌ی مالیات‌های پرداختنی برای انتقال مالکیت دارائی توسط واحد تحصیل کننده دارائی. (ت) هرگونه مالیات پرداختنی برای واگذاری دارائی. (ث) هرگونه هزینه‌های تحویل و نصب یا برچیدن که در قیمت دارائی تحصیل شده یا واگذار شده منظور نشده باشد. (ج) هرگونه هزینه‌های پایانی در انتهای عمر دارائی، نظیر هزینه‌های مورد نیاز برای ایمن سازی سازه یا بازیابی محیط زیستی که در آن مسقر است. ۱۰-۵۱

هستار اجتماعی (Social entity): هستار قانونی یا اجتماعی هستاری است که هستی آن بوسیله قانون یا جامعه، مستقل از اشخاص یا هستارهای دیگری که ممکن است مالکیت یا کنترل آن را داشته باشند، به رسمیت شناخته شده باشد. ۴-۶

هستار قانونی (Legal entity): هستار قانونی یا اجتماعی هستاری است که هستی آن بوسیله قانون یا جامعه، مستقل از اشخاص یا هستارهای دیگری که ممکن است مالکیت یا کنترل آن را داشته باشند، به رسمیت شناخته شده باشد. ۴-۶

همکاری‌های جاری بین‌المللی (Current international cooperation): همکاری‌های جاری بین‌المللی از انتقالات جاری نقدی یا غیرنقدی بین دولت‌های کشورهای مختلف یا بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تشکیل یافته‌اند. ۸-۱۲۸

ی

یارانه بر محصول (Subsidy on product): یارانه بر محصول یارانه‌ای است که بر هر واحد از یک کالا یا خدمت پرداختنی است. ۷-۱۰۰

یارانه‌ها (Subsidies): یارانه‌ها پرداخت‌های جاری بلاعوضی هستند که واحدهای دولتی، از جمله واحدهای دولتی غیرمقیم، بر اساس سطح فعالیت‌های تولید بنگاه‌ها یا مقدار یا ارزش کالاها و خدماتی که تولید می‌کنند، می‌فروشند یا از خارج وارد می‌کنند، به آن‌ها پرداخت می‌کنند. ۷-۹۸

یارانه‌های صادرات (Export subsidies): یارانه‌های صادرات عبارتند از یارانه‌های مربوط به کالاها و خدمات که هنگامی که کالاها سرزمین اقتصادی را ترک کنند یا هنگامی که خدمات به واحدهای غیرمقیم ارائه شوند توسط دولت پرداختنی می‌شوند. ۷-۱۰۳

یارانه‌های واردات (Import subsidies): یارانه‌های واردات عبارتند از یارانه‌ی کالاها و خدمات هنگامی که کالاها از مرز سرزمین اقتصادی عبور کنند یا هنگامی که خدمات به واحدهای نهادی مقیم ارائه شوند، پرداختنی می‌شوند. ۷-۱۰۱

یکپارچگی افقی یا ادغام افقی (Horizontal integration): بنگاهی که دارای یکپارچگیِ افقی است بنگاهی است که در آن انواع متعدد فعالیت‌های مختلفی که انواع گوناگون کالاها و خدمات را برای فروش در بازار تولید می‌کنند به طور هم‌زمان با استفاده از عوامل تولیدِ یکسان انجام می‌شوند. ۵-۲۱

یکپارچگی عمودی (Vertical integration): بنگاهی که دارای یکپارچگیِ عمودی است بنگاهی است که در آن مراحل مختلف تولید که معمولاً توسط بنگاه‌های مختلف انجام می‌گیرند، به صورت پی در پی توسط قسمت‌های مختلف آن بنگاه انجام شوند..... ۵-۲۳

نمایه

آب ۱۷–۳۳۷
استحصال ۱۲–۲۲
استحصالِ ۱۷–۳۳۹
داخلی ۷–۱۵۶
اجاره شده برای مقاصد تفریحی ۱۷–۳۳۸
منابع ۱۰–۱۷۵
منابع، تعریف ۱۰–۱۸۴
آب‌های داخلی ۷–۱۵۶
آب‌های سطحی، برداشت مرتب از ۱۲–۲۲
آثار برون‌ریز ۱–۸۲، ۳–۹۲، ۳–۱۰۳، ۶–۴۷، ۱۰–۱۰۲، ۲۹–۴۲
آثار باستانی ۳–۴۳
آربیتراژ ۱۱–۱۱۲
آزمون زمان برگشتی ۱۵–۳۱
آزمون زیان دیدگی ۱۲–۳۴
آزمون عامل برگشتی ۱۵–۳۱
آسیبِ باد ۱۲–۴۶
آسیب‌پذیری ۲۶–۷۳
آلایندگی ۳–۹۴، ۲۹–۴۲
آمارگیری کارگاهی ۲۵–۸۵
آمارگیری مختلط خانوار و بنگاه ۲۵–۸۷
آمارگیری نیروی کار ۲۵–۸۳
آمارگیری‌های کسب و کار ۱۹–۵۴، ۱۹–۷۷، ۱۹–۷۹، ۱۹–۸۲، ۲۴–۲۱
آمارگیری‌های نمونه‌ای
کسب و کارها ۱۹–۶۹
طرح ۱۹–۷۶
چارچوب ۱۹–۷۹
ثروت خانوار ۲۴–۷۶
روش شناسی ۲۵–۸۱
آمارگیری‌های نمونه‌ای خانوار ۱–۶۱، ۱۴–۹۴، ۱۹–۶۹، ۱۹–۷۷، ۱۹–۷۸، ۱۹–۸۲، ۲۴–۲۱، ۲۵–۵۳، ۲۸–۸۲، ۲۹–۱۴
استثناها ۱۴–۱۴۵
آمارگیری‌های نمونه‌ای، پوشش ۲۵–۲۳
آمارهای بنگاه‌های وابسته‌ی خارجی (FATS) ۲۱–۴۸، ۲۶–۹۰
آمارهای پولی ۶–۱۵۱
آمارهای درآمد عملیاتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) ۲۲–۹۶
آمارهای مالی ۲۷–۱۸
پوشش ۲۷–۶
آمارهای معاملات بازرگانی بین‌المللی (IMTS) ۲۶–۵۲
آمارهای نیروی کار ۱–۴۲
آمارهای هم‌افزوده ۱–۳
آمارهای پولی و مالی ۱۶–۲۲، ۲۶–۷۴، ۲۷–۳
آموزش ۱۹–۵۲، ۲۹–۵۰

الف

ابزار کوچک ۶–۲۲۵، ۱۰–۳۵
ابزار، مالی ۱۱–۲۷
ابزارهای دستی ۱۰–۸۲
ابزارهای مالی ۱۱–۲۷
طبقه‌بندی ۱۱–۲۹
منجر به سود تقسیم شده ۱۷–۲۳۶
منجر به بهره ۱۷–۲۳۶
منجر به درآمد سرمایه‌گذاری ۱۷–۲۳۶
اتاق بازرگانی ۸–۱۳۲
انتقالات کاملاً داوطلبانه ۱۶–۱۲
اتحاد ارتباط ترازنامه‌ها، تراکنش‌ها، سایر تغییرات در حجم و منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن ۱۲–۸۲
اتحاد ارتباط ترازنامه‌ی ابتدا و انتهای دوره ۱۶–۳۲
اتحادیه‌ی پولی ۴–۱۷۶، ۲۶–۲۵
اتحادیه‌ها، انجمن‌های کسب و کار و حرفه‌ای ۲۳–۱۹
اتحادیه‌های اقتصادی ۴–۱۷۶، ۲۶–۲۵، ۲۶–۱۰۹
اتحادیه‌های اقتصادی یا پولی
اتحادیه‌های پولی و ارزی ۲۶–۱۰۹
اتحادیه‌های صنفی ۴–۱۶۷
اتحادیه‌های گمرکی ۲۶–۱۰۹

اثر غیرمستقیم تغییر تقاضا ۲۸–۳۹
اثرات زوال و تخریب ۲۹–۱۰۵
اجاره بها ۶–۲۱۴، ۶–۲۳۸، ۷–۱۴، ۷–۱۱۰
تعریف ۶–۲۴۵
برای مالکین ساکن در واحد مسکونی ۱۴–۹۹
اجاره‌نامه ۱۷–۲۹۷
طول مدت ۱۷–۳۰۸
گرفتار شده ۱۷–۳۷۱
برای کمتر از همه‌ی عمر دارائی ۱۷–۳۰۷
اجاره‌نامه‌ی عملیاتی قابل فروش ۱۷–۳۷۵
شرایط شناخته شدن ۱۷–۳۷۶
تعریف ۱۰–۱۹۰
اجاره‌ی بلند مدت
دارنده‌ی غیرمقیم ۲۶–۳۴
اجـاره‌ی عملیـاتی ۶–۲۱۴، ۶–۲۳۸، ۶–۲۳۹، ۷–۱۴، ۷–۱۵۳، ۱۷–۳۴۵، ۲۰–۳۶، ۲۱–۵۱
ویژگی‌ها ۱۷–۳۰۲
تعریف ۱۷–۳۰۱
اجاره‌ی مالی (اعتباری) ۲–۴۷، ۳–۶۶، ۶–۱۶۸، ۶–۲۳۹، ۹–۷۳، ۱۰–۵۶، ۱۰–۵۷، ۱۰–۸۲، ۱۱–۷۳، ۱۷–۳۴۵، ۲۰–۳۸، ۲۰–۶۷، ۲۱–۵۱، ۲۲–۱۶۳
تعریف ۱۷–۳۰۴
اجاره‌ی محدود شده ۱۷–۳۷۱
اجاره‌ی منابع طبیعی ۷–۱۵۳
تعریف ۱۷–۳۱۰
ماهیگیری ۱۷–۳۳۵
زمین ۱۷–۳۲۷
اجرای طرح PPP
براساس منطقه ۱۸–۵۲
اجرای موسیقی ۱۰–۱۱۵
اجرت غیرنقدی ۳–۷۷، ۳–۸۰، ۶–۱۴۸، ۷–۴۸، ۸–۲۲، ۹–۴۵، ۹–۵۱
احتسابی ۱۰–۴۴
مخارج ۹–۴۸
جریان‌های درآمد دارائی ۸–۲۳
اجاره‌ی واحدهای مسکونی مالک ساکن ۲۴–۲۲
حق‌بیمه‌ی اجتماعی ۱۷–۱۰۴
مالیات‌ها و یارانه‌ها ۸–۵۵
تراکنش‌ها ۱–۳۶
احتکار ۶–۱۴۵، ۱۱–۱۱۲
احزاب سیاسی ۲۳–۱۹
اختیار خرید سهام ۱۱–۱۱۷
اختیار خرید سهام کارکنان ESO را ببینید
اختیار فروش سهام ۱۱–۱۱۷
اختیار معامله ۱۱–۱۱۲، ۱۱–۱۱۴، ۱۱–۱۱۷، ۱۷–۲۹۱
تعریف ۱۱–۱۱۷
زمان ثبت ۱۱–۱۱۸
اختیار معامله سهام برای کارکنان ESO ۷–۵۵، ۱۷–۱۸۴، ۱۷–۳۹۶
هزینه‌های اداری ۱۷–۳۹۰
تعریف ۱۱–۱۲۵
سایر تغییرات حجمی ۱۲–۴۳
ثبت اقدام ۱۷–۳۹۴
اداره کنندگان صندوق بازنشستگی ۸–۸۶
اداره‌ی امور عمومی ۹–۴
اداره‌ی مرکزی، شرکت هلدینگ را نیز ببینید
اداره‌ی موقت ۲۶–۴۴
ادعا نسبت به صندوق بین‌المللی پول (IMF) ۱۱–۵۹، ۱۱–۷۳
ادعاهای تلقی شده به عنوان انتقالات سرمایه‌ای
بیمه‌ی غیرزندگی ۱۷–۴۷
ادعای مالی
تعریف ۳–۳۵، ۱۱–۷
زمان ثبت ۱۱–۳۷
ادعای مورد انتظار، ادعای تعدیل شده را ببینید
ادغام ۲۱–۱۶، ۲۱–۲۰، ۲۱–۲۱، ۲۲–۱۴۸
ارائه کنندگان خدمات غیرانتفاعی ۲۳–۱۹
ارائه‌ی تحلیلی تراز پرداخت‌ها ۲۶–۱۰۱
ارائه‌ی ماتریسی ۲–۱۲، ۲۸–۱، ۲۸–۸۱
ارائه‌ی مالیه دولت ۲۲–۸، ۲۲–۶۲
ارائه‌ی مالیه‌ی عمومی ۲۲–۸، ۲۲–۶۲
ارتباط بین حق‌بیمه‌ها و خسارت‌ها ۱۷–۷
ارتباط بین موجودی‌ها و جریان‌ها ۲–۳۳
ارتباط بین واحدهای نهادی و کارگاه‌ها ۲–۴۱
ارتقاء ۱۷–۱۸۰
ارز خارجی ۳–۱۳۹، ۳–۱۴۱
ارزش اسمی ۳–۱۵۵، ۳–۱۵۷

ارزش افـــزوده ۲–۶۵، ۲–۸۶، ۷–۲، ۷–۴، ۱۴–۸۴، ۱۴–۱۱۵، ۱۴–۱۵۳، ۱۴–۱۶۰، ۱۶–۶، ۲۸–۷۲
هزینه در مقابل ۶–۷۵
سهم نیروی کار و سرمایه در فرآیند تولید ۶–۷۱
تعریف ۶–۸
از واحدهای مسکونی اجاره‌ای ۲۴–۵۵
ارزش اقتصادی ۲–۲۱، ۳–۱
ارزش حال ۶–۱۴۶، ۷–۱۵۰، ۱۳–۸۰، ۲۰–۹
مطالبه‌ی مورد انتظار در ضمانت‌های موجود ۱۷–۲۱۶
ارزش‌گذاری دارائی اجاره شده ۱۷–۳۰۶
ارزش حال تنزیل شده ۳–۱۳۷
ارزش خدمات سرمایه ۲۰–۲۸
ارزش دفتری۳–۱۵۷
ارزش رسمی (اسمی) ۳–۱۵۷
ارزش ستانده در مقابل ارزش فروش ۶–۹۱
ارزش عادلانه ۳–۱۵۷
ارزش باقی مانده‌ی یک دارائی ۱۴–۱۰۶
ارزش مبادله ۳–۱۲۱
ارزش ویـــژه ۲–۱۱۴، ۲–۱۲۲، ۳–۱۰۹، ۱۲–۱، ۱۳–۱، ۱۳–۱۰، ۱۳–۱۱، ۱۶–۳۸
تعریف ۱۳–۴
بخش عمومی ۲۲–۱۷۰
شبه‌شرکت ۱۳–۸۶
ارزش ویژه‌ی ملی ۲۶–۷۶
ارزش‌افزوده‌ی ناخالص ۱–۱۷
به عنوان سنجه‌ی تولید ۷–۲۱
به قیمت پایه، تعریف ۶–۷۷
به قیمت عوامل ۶–۸۰
به قیمت بازار ۶–۷۸
به قیمت تولید کننده، تعریف ۶–۷۸
تعریف ۶–۸
ارزش‌افزوده‌ی ناخالص مستقیم گردشگری (TDGVA) ۲۹–۹۰
ارزش‌گذاری
دارائی‌ها و بدهی‌ها ۲–۶۰
اوراق قرضه ۱۳–۵۹
بوسیله‌ی کل هزینه‌ی تولید ۶–۹۳
قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها ۱۳–۵۲
هزینه‌های انتقال مالکیت مربوط به دارائی‌های تولید نشـده ۱۳–۳۴
پول ۱۳–۵۷
پول و سپرده به ارز خارجی ۱۳–۵۷
اوراق قرضه‌ی نقد شده با نرخ تنزیل زیاد یا کوپن صفر ۱۳–۵۹
واحدهای مسکونی ۱۳–۲۹
اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان ۱۳–۸۳
ارزش عادلانه ۱۳–۶۷
دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۱۳–۵۴
ادعاهای مالی ۱۳–۵۴
مشتقات مالی ۱۳–۸۰
دارائی‌های ثابت ۱۳–۲۷
پیمان آتی ۱۳–۸۲
اوراق بدهی مرتبط با شاخص ۱۳–۶۰
محصولات مالکیت فکری ۱۳–۳۶
نهاده‌های واسطه ۶–۷۵
موجودی انبار ۱۳–۳۸
زمین ۱۳–۴۴
بهسازی‌های زمین ۱۳–۳۰
بیمه‌ی زندگی و مستمری‌های سالانه ۱۳–۷۷
سهام پذیرفته شده در بورس ۱۳–۶۹
چارپایان ۱۳–۳۲
وام‌ها ۱۳–۶۲
اوراق بهادار بلند مدت ۱۳–۵۹
ذخائر معدنی و انرژی ۱۳–۴۹
استخراج و ارزیابی معادن ۱۳–۳۵
طلای پولی ۱۳–۵۵
ارزش ویژه ۱۳–۸۵
منابع زیستی غیرپرورشی ۱۳–۵۱
دارائی‌ها ۱۲–۳۴
تقریب زده شده بوسیله‌ی انباشت و بازارزش‌گذاریِ تحصیل منهای واگذاری دارائی‌ها ۱۳–۱۹
ارزش حال بازگشت مورد انتظار آینده ۱۳–۲۴
ارزش حال یا تنزیل شده‌ی منافع اقتصادی آینده ۱۳–۱۹
وقتی قیمت‌های قابل مشاهده وجود ندارد ۱۳–۱۸
کاهش ارزش هزینه جایگزینی ۱۳–۲۳
دارائی‌های مالی، گزینه‌ها ۲۹–۴۹

جریان‌های غیرپولی ۳–۱۳۵
تراکنش‌ها ۲–۵۹
تراکنش‌های غیرنقدی ۳–۱۲۹
اختیار معامله ۱۳–۸۱
سایر حقوق سهامداران ۱۳–۷۴
ستانده ۶–۷۵
وجوه خود ۱۳–۸۸
حق برخورداری از بازنشستگی ۱۳–۷۸
اصول ۱۳–۵۷
اصل تسویه نشده ۲۶–۱۹
ذخائر برای مطالبات تحت ضمانت‌های استاندارد ۱۵–۵۳
سرقفلی و دارائی‌های بازاریابی خریداری شده ۱۳–۵۳
تحقیق و توسعه ۱۳–۳۳
ذخیره برای بیمه‌ی غیرزندگی ۱۳–۷۶
قواعد ۳–۱۱۸
SDRها ۱۳–۵۶
بهترین راه حل دوم ۶–۱۲۵
حقوق سهامداران در بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم ۱۳–۷۱
سهام (یا یونیت‌ها) در صندوق بازار پولی ۱۳–۷۵
اوراق بهادار کوتاه مدت ۱۳–۵۸
اعتبار تجاری و پیش‌پرداخت‌ها ۱۳–۸۴
وام قابل معامله ۱۳–۶۴
سهام ثبت نشده در بورس ۱۳–۷۰
وسایل نقلیه و تجهیزات ۱۳–۳۱
ارزش‌گذاری از نوع سیف ۲۶–۵۲
ارزش‌گذاری دارائی، اثر تغییرات نرخ بهره ۱۲–۴۰
ارقام تجارت بین‌الملل ۲۸–۲۲
ارقام ثبتی تلفیق نشده ۲۱–۶۴
ارقام غیرپولی ۲۹–۵۷
از مد افتادگی ۶–۲۴۲
از مد افتادگی پیش بینی نشده ۶–۲۴۴، ۱۲–۵۳
استاندارد زندگی ۱۰–۳، ۹–۱۷
استانداردهای بین‌المللیِ گزارش‌دهی مالی (IFRS) ۲۱–۶۰
استحصال آب ۱۷–۳۳۹
استخراج ۷–۱۶۰
استخراج ذخائر معدنی ۱۷–۳۴۲
استرداد مالیات بر محصول ۷–۱۰۴
استفاده کننده در مقابل ذینفع ۲۹–۷۴
استفاده‌ی پایدار از منابع طبیعی
چوب ۱۷–۳۳۰
استهلاک ۱–۶۰، ۲–۱۴۲، ۶–۲۴۰، ۶–۲۴۷، ۶–۲۴۹، ۲۰–۳۲
اسناد خزانه ۱۱–۶۴، ۱۱–۹۹
افزایش ارزش تلقی شده به عنوان بهره ۱۷–۲۳۱
بهره ۱۷–۱۱۸
اشتباه موجودی انبار، برآوردهای بازنگری شده ۱۲–۵۰
اشتغال ۶–۳۱
تعریف ۱۹–۱۹
اشتغال برحسب صنعت (رشته‌فعالیت) ۱۴–۱۶۰
اشتغال در بنگاه‌های غیررسمی ۱۵–۵۹
اشتغال رسمی ۲۵–۵۵
اشتغال معادل تمام وقت، تعریف ۱۹–۴۳
اشخاص ۴–۳، ۱۹–۱
اشخاص خود اشتغال ۷–۳۰، ۷–۳۳، ۱۹–۲۶، ۱۹–۲۸، ۱۹–۷۹
تعریف ۱۹–۲۵
کارفرمایان ۷–۳۳
کارکنان به حساب خود ۷–۳۳
اشخاص خود اشتغال در مقابل کارکنان مزدبگیر ۷–۲۸
اشخاص شاغل ۷–۲۹
اشیاء گرانبهـا ۳–۴۳، ۶–۲۱۴، ۹–۵۷، ۱۰–۱۳، ۱۰–۱۳۳، ۱۰–۱۴۹، ۱۱–۴۵، ۱۲–۱۳، ۱۴–۱۱۲، ۱۵–۱۵۹
منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۱۲–۱۰۰
اصل (مَستر) قرارداد قانونی ۱۱–۱۲۳
اصل ۷–۱۱۳، ۱۱–۷۰
اصل تسویه نشده ۷–۱۱۳، ۷–۱۱۷
افزایش از بهره‌ی انباشته شده ۱۲–۱۰۹
اصول اقتصادی ۱–۱
اصول مالکیت، BPM6
اطلاعات غیرپولی در رابطه با گردشگری ۲۹–۹۰
اظهارنامه‌های گمرک ۷–۸۴
اعتبار اسنادی ۱۱–۲۲
اعتبار تجاری ۱۱–۱۳، ۱۱–۱۲۶، ۱۷–۲۹۴، ۲۷–۳۵
اعتبار خرید قسطی ۱۱–۷۳
اعتبار مالیاتی ۸–۶۲، ۲۲–۹۵
پرداخت نشدنی ۲۲–۹۵

پرداختنی ۲۲–۹۵
ثبت در SNA ۲۲–۹۷
از بین رفتنی ۲۲–۹۵
اعضای خانواده به عنوان کارکنان ۱۹–۴۰
اعضای خانوار مقیم در یک اقتصاد ۲۶–۲۹
اعضای یک تعاونی تولیدکننده ۷–۳۰، ۱۹–۲۸
اعلام سهم بدون سود تقسیم شده ۱۷–۲۸۴
افراد با رفت و آمد زیاد، اقامت ۲۶–۳۸
افرازبندی تراکنش‌ها ۳–۶۶، ۳–۱۴۱
در ابزارهای مالی ۱۱–۳۴
افزوده به حقوق سهامداران ۷–۱۳۵
اقامت ۱–۴۸، ۴–۱، ۱۹–۶، ۱۹–۱۱، ۱۹–۶۷، ۱۹–۸۱
BMP6 ۴–۱۵، ۲۶–۲۴
محدود به یک سرزمین اقتصادی ۴–۱۳
شرکت‌ها ۴–۱۵
تعریف ۴–۱۰، ۲۶–۳۶
خانوارها ۲۶–۳۷
سازه‌های غیر متحرک ۴–۱۵
اشخاص منفرد ۴–۱۵
مالک زمین ۴–۱۵
اجاره‌ها ۴–۱۵
SPEها ۴–۱۵
استخراج زیر زمینی ۴–۱۵
بنگاه‌های غیرشرکتی ۴–۱۵
اقتصاد اجتماعی ۲۳–۱۵
اقتصاد بسته ۱۱–۲۱
اقتصاد پنهان ۱۹–۳۵، ۲۵–۳۰
اقتصاد زیرزمینی ۱۹–۳۵، ۲۵–۳۰
اقتصاد نامشهود ۶–۳۹، ۱۴–۷، ۲۵–۲، ۲۵–۲۹
اقتصاد نامشهود (NOE)
بخش غیررسمی، همپوشانی ۲۵–۴
اقدامات اقتصادی یک جانبه ۲–۲۳
اقلام خارج از ترازنامه ۱۱–۲۷
اقلام ورودی حساب مالی
طرف مقابل اقلام ورودی در حساب‌های دیگر ۱۱–۱۰
مبادله‌ی دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۱۱–۱۰
اقلام یادداشتی ۱۱–۲۲
کالاهای بادوام مصرفی ۱۳–۹۳
حساب مالی ۱۱–۱۲۹
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۳–۹۵، ۲۷–۲۱
وام‌های ناکارآمد ۱۳–۶۷
جدول عرضه و مصرف ۱۴–۱۲۱
اقماری
خارجی ۲۹–۸۵
داخلی ۲۹–۸۵
اکتشاف داده‌ها ۱۸–۳۳
اکتشاف و ارزیابی معادن ۶–۲۳۱، ۱۰–۱۰۶
الزامات قانونی، نظارتی یا حسابداری ۱۲–۴۱
الگوهای مصرف درآمد در میان زیربخش‌ها ۲۴–۵
امرار معاش
فعالیت ۴–۲۱
کشاورزی ۱–۴۱، ۲۴–۴۷
اقتصاد ۱۸–۵۹
کشاورزان ۹–۵۴
مزارع ۹–۵۹
درآمد ۱۸–۶۲
امکانات مصرف ۸–۳۳
امواج جذر و مدی ۱۲–۴۶
امید به زندگی ۱۷–۷، ۱۷–۶۷
انبارداری ۶–۱۰۵، ۶–۱۴۲، ۶–۱۴۹، ۱۰–۱۲۰، ۱۲–۹۷، ۲۴، ۴۷
متفاوت از منفعت ناشی از نگه‌داشتن ۶–۱۴۲
پیوست ۶ را نیز ببینید
انباشت ۱–۶، ۳–۲۰، ۱۴–۱۱
انتقـالات سـرمایه‌ای ۲–۱۱۰، ۳–۶۰، ۸–۱۰، ۸–۲۵، ۸–۱۲۶، ۸–۱۲۸، ۱۰–۱۹، ۱۰۲۰۰، ۱۱–۹۱، ۱۶–۱۸، ۲۲–۱۰۵، ۲۲–۱۲۹، ۲۲–۱۳۴، ۲۲–۱۴۵، ۲۲–۱۶۲، ۲۶–۷، ۲۶–۷۱
تحصیل سهام ۲۲–۱۳۸
ضمانت‌های دولت ۱۷–۲۲۲
غیرنقدی ۱۹–۴۱
ضمانت موردی ۱۷–۲۱۲
انتقال حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ۱۷–۱۸۸
انتقال ۳–۵۸، ۸–۱۰، ۲۲–۱۷
جاری در مقابل سرمایه‌ای ۸–۳۸
تأثیر در طبقه‌بندی پس‌انداز ۱۰–۲۰۳

غیرنقدی ۱–۳۶، ۳–۷۷، ۳–۸۲
غیرنقدی بین خانوارها ۲۴–۶۴
ثبت ۸–۴۱
بازتوزیع درآمد ۲۴–۲
انتقالات اجتماعی غیرنقدی ۲–۹۵، ۳–۸۳، ۸–۵، ۸–۱۰۳، ۸–۱۴۱، ۹–۱، ۹–۱۶، ۹–۳۷، ۹–۸۱، ۹–۱۰۳، ۹–۱۱۰، ۱۰–۱۴۸، ۱۷–۸۴، ۲۳–۳۲، ۲۳–۳۳، ۲۳–۳۶، ۲۴–۶۳، ۲۹–۱۳
پرداخت شده به مقیم‌ها ۸–۱۴۵، ۹–۱۲۰
پرداخت شده به غیرمقیم‌ها ۹–۱۶
انتقالات بین‌المللی ۸–۲۲
انتقـالات جـاری ۲–۹۵، ۳–۶۰، ۸–۱، ۸–۱۰، ۸–۳۹، ۱۵–۱۹۴، ۱۶–۱۲، ۱۸–۶۵، ۲۶–۶۶
بین خانوارها ۸–۱۳۳
در رابطه با فعالیت بانک مرکزی ۶–۱۵۵
حق برخورداری از بازنشستگی تلقی شده به عنوان ۹–۲۱
درون دولت، تعریف ۸–۱۲۶
انتقالات جاری در مقابل انتقالات سرمایه‌ای ۱۰–۲۰۱
انتقالات جاری متفرقه ۸–۱۲۹
انتقالات جاری ویژه ۲۹–۶۸
انتقالات سرمایه‌ای ویژه ۲۹–۶۸
انتقالات شخصی ۸–۱۳۳، ۲۶–۶۷
انتقالات شخصی برون مرزی ۲۶–۶۷
انتقالات نقدی ۸–۴۲
انتقال‌پذیری ۲۷–۱۹
انجمن‌های جامعه محور یا مردمی ۲۳–۱۹
انجمن‌های حرفه‌ای ۴–۱۶۷
انجمن‌های حمایت از مصرف کنندگان ۴–۱۶۷
انجمن‌های صنفی ۸–۱۳۲
انحصار ۷–۹۶
قانونی ۷–۹۶
انحصار قانونی ۷–۹۶
اندازه به عنوان ملاک غیررسمی ۲۵–۲۲
اندازه نمونه ۱۹–۷۶
اندازه‌گیری اقتصاد نامشهود ۲۵–۲
انعام ۷–۴۴
انعطاف پذیری ۲–۱۶۰، ۱۱–۲۵، ۱۸–۶۶، ۲۷–۳۶، ۲۸–۱، ۲۸–۶۸، ۲۹–۱
در طبقه‌بندی ابزارهای مالی ۱۱–۳۲
ثبت مالیات‌ها ۸–۶۱
استفاده از طبقه‌بندی‌ها ۱–۷۱
انعطاف‌پذیری SNA ۱۸–۷
انعقاد قرارداد فرعی ۲۸–۱۴
انواع مختلف کالاها و خدمات ۹–۷۷، ۱۲–۲۳
اوراق بدهی ۶–۱۷۰، ۱۷–۲۵۸، ۲۷–۳۲
تعریف ۱۱–۶۴
منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن در مقابل بهره ۱۲–۱۰۷
بلند مدت ۱۱–۷۱
اوراق بدهی بلند مدت ۱۱–۷۱
اوراق بهادار ۱۱–۱۸، ۱۱–۳۳، ۱۱–۷۳
بازسرمایه‌گذاری بهره ۱۷–۲۸۲
اوراق بهادار با پشتوانه‌ی دارائی ۱۱–۶۴، ۱۱–۶۷
اوراق بهادار با کوپن اصل و فرع تفکیک شده ۱۱–۶۹
اوراق بهادار کوتاه مدت ۱۱–۱۵، ۱۱–۷۱
اوراق بهادار مرتبط با شاخص ۱۱–۷۰
اوراق بهادار، کوتاه مدت ۱۱–۷۱
اوراق تجاری ۱۱–۶۴، ۱۱–۹۹
اوراق قرضه
نقد شده با نرخ تنزیل زیاد ۱۲–۱۰۹
قیمت با عایدات تعلق گرفته ۱۳–۵۹
تنزیل شده ۱۷–۲۵۸
منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن در مقابل بهره ۱۲–۱۰۸
اوراق قرضه‌ی بدون بهره ۱۱–۶۹، ۱۲–۱۰۹
بهره ۷–۱۱۸
اوراق قرضه‌ی بدون پشتوانه ۱۱–۶۴
اوراق قرضه‌ی تنزیل شده ۱۷–۲۵۸
اوراق قرضه‌ی قابل فروش دارای نرخ ثابت
تأثیر در ارزش نرخ‌های بهره‌ی متغیر ۱۲–۱۱۰
اوراق قرضه‌ی نقد شده با نرخ زیاد ۱۲–۱۰۹
اولویت‌ها ۲–۱۵۹
اولویت‌های گردآوری اطلاعات ۱–۵
اهداف اقتصادی ۱–۲۶
کارکردها و رفتار شرکت‌ها ۴–۱۸
کارکردها و رفتار واحدهای دولتی ۴–۲۰
کارکردها و رفتار خانوارها ۴–۲۱

کارکردها و رفتار مؤسسات غیرانتفاعی ۴–۲۲
ایجاد درآمد ۱–۱۴

ب

بار مالیاتی ۲۲–۷
باران اسیدی ۱۲–۵۲
باز ارزیابی ذخائر معدنی ۱۰–۱۰۶
بازار ساز ۱۱–۶۵
بازارزش‌گذاری، تغییرات نرخ مبادله‌ی ارز ۲۶–۷۹
بازارهای پیمان آتی ۱۱–۱۱۲
بازارهای موازی ۱۵–۷۲
بازپرداخت دیون ۳–۱۷۵
بازتوزیع
  کالاها و خدمات ۹–۳۷
  درآمد ۱–۱۴، ۸–۳۷
  ارزش ویژه‌ی واقعی ۱۲–۹۱
  ثروت ۱–۶۹، ۲–۱۱۰
بازده نیروی کار ۱۹–۲۵
بازدید کننده‌ی یک روزه
  تعریف ۲۹–۹۲
بازدیدکننده، تعریف ۲۹–۹۱
بازسرمایه‌گذاری بهره، اوراق بهادار ۱۷–۲۸۲
بازطبقه‌بندی
  سرمایه به موجودی انبار ۱۲–۷۱
  حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی بـه حـق برخـورداری از مسـتمری سالانه ۱۷–۱۳۸
  مربوط به یک واحد نهادی از یک بخش به بخش دیگر ۱۲–۶۴
  مربوط به دارائی‌ها ۱۲–۳
بازنشستگی ۸–۷۱، ۱۵–۱۶۹
بازنشستگی‌های انتقال‌پذیر ۱۷–۱۸۷
بازنگری‌ها ۱۸–۲، ۱۸–۳، ۱۸–۱۲
بازیکنان ورزشی، قراردادها ۱۷–۳۶۳
باشگاه‌ها، اجتماعی، فرهنگی، تفریحی و ورزشی ۴–۱۶۷
باشگاه‌های اجتماعی ۲۳–۱۹
باشگاه‌های اجتماعی، فرهنگی، تفریحی یا ورزشی ۴–۱۶۷
باشگاه‌های ورزشی ۲۳–۱۹
باغ‌ها ۱۰–۹۶
بانک ۱۱–۲۵
بانک مرکزی ۷–۱۲۲، ۲۲–۱۵۰
  به عنوان یک نهاد مالی ۶–۱۵۵
  تعریف ۴–۱۰۴
  سود تقسیم شده ۲۲–۱۵۲
  پرداخت‌های استثنائی ۲۲–۱۵۲
  بهره‌ی پرداختی ۲۲–۱۵۳،
  اتحادیه‌ی پولی ۴–۱۷۶
بانکداری رایگان ۱۷–۲۳۰
بحران مالی ۱۷–۲۱۲، ۲۱–۵۲
بخت آزمائی ۸–۱۰۱، ۸–۱۳۶
  شرکتِ خانوارهای غیرمقیم ۸–۱۳۸
  حمایت کننده‌ی موسسات نیکوکاری (خیریه) ۸–۱۳۷
بخش خانوار ۲–۱۶۱، ۴–۳۲
  مشکلات زیربخشی کردن ۲۴–۱۰
بخش داوطلبانه ۲۳–۱۱
بخش دولت ۴–۳۰
  ترکیب برحسب نوع واحدها ۴–۱۲۷
  زیربخش ۲۲–۳۹
بخش عمومی ۲–۱۶۲، ۲۲–۶
  زیربخش‌ها ۲۲–۴۱، ۲۲–۱۶۶
بخش غیررسمی ۲۵–۳
  زیرمجموعه‌ی قابل مقایسه ۲۵–۶۱
  تعریف سازمان بین‌المللی کار (ILO) ۲۵–۳۶
  همپوشانی با اقتصاد نامشهود (NOE) ۲۵–۴
  و استفاده‌ی SNA ۲۵–۷۵
بخش، غیررسمی در مقابل استفاده SNA ۲۵–۴۷
بخش‌ها، آمارهای مالی ۲۷–۱۸
بخش‌های کلیدی ۲–۱۶۳، ۲۹–۳، ۲۹–۲۲
  نقش دولت ۲۹–۲۸
بخش‌های نهادی ۱–۳، ۲–۱۷، ۳–۱، ۴–۱۶، ۴–۲۴
بدون اختیار ۴–۶۱
بدهی ۲–۳۳، ۳–۵، ۱۱–۴، ۱۱–۵
  طبقه‌بندی متقاطع برحسب بستانکار ۲–۱۵۱
  تعریف ۳–۳۳
  متمایز از بدهی احتمالی ۱۱–۲۳
  متمایز از ذخیره ۱۱–۲۳

مزایای غیربازنشستگی ۱۷–۱۱۰
بدهی احتمالی ۲–۲۹، ۳–۴۰، ۱۱–۲۳، ۲۱–۶۵، ۲۹–۴۹
بدهی بد ۲۱–۵۶
بدهی محدود ۲۱–۱۵
بدهی‌ها و ارزش ویژه ۲–۴۴
بدهی‌ها، مالی ۲–۳۳، ۳–۵، ۱۱–۴، ۱۱–۵
بدهی‌های عرفی ۳–۳۴، ۳–۴۰
بدهی‌های غیرمالی ۱۱–۴
بدهی‌های مالی ۳–۲۰
برآوردهای بیمه‌سنجی ۷–۱۰۵، ۱۷–۷، ۱۷–۱۴۴
برآوردهای زیر یک سال ۱۸–۳۳
برابری قدرت خرید (PPP) ۱–۳۴، ۱۵–۲۳۱، ۱۹–۱۵، ۱۹–۷۴
تعریف ۱۵–۱۹۹
برابری قدرت خرید (PPP)، مالک قانونی ۲۲–۱۵۹
برات تضمین شده‌ی بانکی ۱۱–۲۵، ۱۱–۶۸
برحسب حجم ۲–۶۶، ۲–۱۴۶
برداشت از حقوق سهامداران ۷–۱۳۱۱۱–۹۰، ۲۲–۱۳۶، ۲۲–۱۴۰، ۲۶–۶۴
برداشت درآمد از شبه‌شرکت‌ها ۷–۲۳، ۷–۱۳۳، ۲۲–۱۳۶، ۲۴–۷۱
بررسی‌های آماری گذران وقت ۲۹–۱۴۷
برگشت سرمایه ۶–۲۴۵، ۱۹–۲۵، ۲۰–۵، ۲۰–۲۸، ۲۲–۳۵
برگشت سرمایه‌ی ثابت ۱۹–۲۵
برنامه‌سازی رادیو و تلویزیون ۱۰–۱۱۵
برنامه‌های مربوط به نام تجاری ۶–۱۴۸
برنامه‌ی مقایسه‌ی بین‌المللی (ICP) ۱۵–۸، ۱۵–۲۰۰، ۱۵–۲۰۲، ۱۹–۱۵
برنامه‌ی مقایسه‌ی بین‌المللی (ICP)، تجمیع
روش دوتائی ۱۵–۲۱۷
روش بلوکی ۱۵–۲۱۷
روش محصول ظاهری کشوری (CPD) ۱۵–۲۰۶رهیافت حلقه‌ای ۱۵–۲۲۲
برون سپاری ۶–۲۳۷، ۱۴–۳۹
برون‌خاک‌های برون مرزی ۴–۴۹
برون‌خاک‌های سرزمینی ۴–۱۱، ۲۶–۲۶، ۲۶–۴۳
برون‌یابی
شاخص‌های زنجیره‌ای ۱۵–۵۵
برابری قدرت خرید (PPP) ۱۵–۲۳۱
برون‌یابی سری‌ها در مقابل محک PPP ۱۵–۲۳۵
بستگان ۱۲–۲۳
حمایت برای ۸–۶۸
بضاعت سنجی ۸–۹۲، ۱۷–۱۱۶
بلَک شولز ۱۳–۸۳
بناها و سازه‌ها ۱۵–۱۴۵
بناهای یادبود عمومی ۱۰–۷۸، ۱۲–۱۳، ۱۲–۱۵
بنگاه
تغییر اقتصاد محل اقامت ۲۶–۴۲
تعریف ۵–۱
یکپارچگی افقی ۵–۲۱
حضور فیزیکی مختصر ۲۶–۴۱
یکپارچگی عمودی ۵–۲۳
بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم ۲۱–۳۴، ۲۶–۶۱
بنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۴–۸۲، ۱۱–۹۲، ۱۲–۱۱۳
بنگاه غیرشرکتی ۱–۶۱، ۲–۱۷، ۴–۶، ۴–۲۱، ۴–۳۲، ۸–۱۶، ۲۴–۶
تعریف ۵–۱
دولت، برخورد به عنوان یک شبه‌شرکت ۵–۳۰
ستانده ۹–۵۴
با کارکنان مزدبگیر ۲۵–۴۴
با مقداری تولید بازاری ۴–۱۲۳
بدون کارکن مزدبگیر ۲۵–۴۴
بنگاه همکار ۲۱–۳۶، ۲۶–۸۶
بنگاه یکپارچه‌ی عمودی ۵–۲۳
بنگاه‌های بازاری غیرشرکتی خانوار ۴–۱۵۵
بنگاه‌های تحت کنترل خارجی ۲۶–۸۹
بنگاه‌های چند سرزمینی ۴–۱۳، ۲۶–۳۵، ۲۶–۴۰
بنگاه‌های چند ملیتی ۱–۳۲، ۲۱–۴۷، ۲۱–۶۴
بنگاه‌های غیررسمی
تعریف ۲۵–۵
بنگاه‌های کارکنان غیررسمی ۲۵–۴۴
بنگاه‌های کوچک ۲۵–۶۹
بنگاه‌های یکپارچه‌ی افقی ۵–۲۱
بنیادها ۲۳–۱۹
به اشتراک گذاری منفعت ۱۷–۱۱، ۱۷–۳۳
به حداکثر رساند سود ۲۲–۲
بها فزونی موجودی ۱۲–۷۹

بهره ۳–۱۴۱، ۷–۱۲، ۷–۱۱۳، ۲۶–۶۰
حاصل از شاخصی کردن ۱۱–۷۰
اسناد خزانه ۱۷–۲۶۴
اوراق قرضه ۱۷–۲۶۸، ۱۷–۲۷۳
کارت اعتباری ۱۷–۲۵۳
اوراق بدهی ۱۷–۲۵۹
سپرده‌ها و وام‌ها ۱۷–۲۴۹
مدیون به پرداخت ۷–۱۱۴
هزینه‌های ضمنی
اوراق بهادار مرتبط با شاخص ۱۷–۲۷۴
وام‌های بدون بهره ۷–۵۴
اسمی ۷–۱۲۰
مربوط به سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی ۱۳–۸۴
مالیات‌های موعد گذشته ۷–۸۶
پرداخت شده توسط بانک مرکزی ۲۲–۱۵۳
واقعی ۷–۱۲۰
نرخ مرجع ۶–۱۶۳
قرارداد بازخرید ۱۷–۲۵۴
حق برداشت ویژه (SDR) ۱۷–۲۴۶
حساب‌های طلای تخصیص نیافته ۱۷–۲۴۵
اوراق قرضه‌ی بدون بهره ۱۷–۲۷۰
بهره‌وری ۱۴–۳، ۱۵–۱۱۶، ۱۵–۱۹۸، ۱۶–۳۷، ۲۰–۱، ۲۰–۶
تغییرات ۱۸–۲۶
رشد ۱۹–۷۴
مقایسه‌های بین‌المللی ۱۹–۷۵
خدمات غیربازاری ۱۵–۱۱۶
بر مبنای صنعت (رشته‌فعالیت) ۱۹–۶۸
بهره‌وری چند عاملی (MFP) ۱۹–۴، ۱۹–۶۴، ۲۱–۵۱
بهره‌وری سرمایه ۱۹–۶۳
بهره‌وری کل عوامل، بهره‌وری چندعاملی را نیز ببینید
بهره‌وری نیروی کار ۱۵–۱۳۸، ۱۹–۱، ۱۹–۴، ۱۹–۷۰
بهره‌ی SNA ۶–۱۶۴، ۷–۱۱۶، ۸–۲۴، ۹–۶۲، ۱۳–۶۲، ۱۷–۲۵۰
بهره‌ی بانکی ۶–۱۶۴، ۷–۱۱۶، ۸–۲۴، ۹–۶۲، ۱۳–۶۲، ۱۷–۲۵۰
بهره‌ی مالکانه ۷–۱۷، ۷–۱۰۷، ۷–۱۰۹، ۷–۱۵۴
بعد از مالیات ۷–۱۵۷
زمین اجاره‌ای ۱۷–۳۲۷
زمین ۷–۱۳، ۷–۱۵۵
پرداختنی توسط غیرمقیم‌ها ۲۶–۵۹
بهره‌ی مالکانه بعد از مالیات ۷–۱۵۷
بهره‌ی مالکانه در مقابل اجاره بها ۷–۱۵۳
بهره‌ی مالکانه‌ی اقتصادی ۲۰–۴۵
بهره‌ی مالکانه‌ی منابع ۱۳–۵۰، ۲۹–۱۱۲
بهسازی دارائی‌های ثابت موجود ۱۰–۴۳
بهسازی زمین ۱۰–۴۴
بهم پیوستگی (ارتباط) حساب‌ها ۲–۱۴، ۲۷–۲
بهنگام بودن ۱۸–۳، ۱۸–۱۲
بی‌پاسخی ۱۹–۷۶، ۲۴–۲۵
بیکاری ۱۹–۲۹
بیماران، اقامت ۲۶–۳۸
بیمارستان‌ها ۲۳–۲۸
بیمه ۱۶–۱۲، ۱۷–۱، ۲۷–۳۴
به‌عنوان شکلی از بازتوزیع ۶–۱۷۶
کارمزد خدمات مربوطه ۸–۲۳
برحسب رشته‌ی کسب و کار ۹–۶۴
پوشش ارائه شده برای دنیای خارج ۱۷–۴۳
ثبت ناخالص ۱۷–۵۸
ستانده، جمع هزینه‌ها ۱۷–۲۹
حق‌بیمه ۶–۱۸۴
کارمزد خدمات ۹–۶۴
خدمات ۲۲–۷۱
تسویه‌ی خسارت در پی رخداد یک فاجعه ۱۰–۲۱۲
بیمه‌ی اتکائی زیان خسارت ۱۷–۱۱، ۱۷–۲۲
بیمه‌گر اتکائی ۱۷–۵۷
بیمه‌گر مستقیم ۸–۱۲۲، ۱۷–۵۷
بیمه‌نامه‌های بیمه فردی ۱۷–۹۷
بیمه‌نامه‌ی اتکائی متناسب ۱۷–۲۲
بیمه‌نامه‌ی بیمه‌ی زندگی ۷–۱۴۴
واجد شرایط به عنوان بیمه‌ی اجتماعی ۱۷–۵۱
بیمه‌نامه‌ی زندگی مختلط پس‌انداز ۱۷–۶
بیمه‌ی اتکائی ۶–۱۸۰، ۶–۲۰۰، ۸–۱۱۵، ۸–۱۲۲، ۱۷–۲، ۷–۱۰، ۱۷–۶۴، ۲۶–۶۹
خسارت‌ها ۸–۱۲۳
کمسیون ۱۷–۱۱
بیمه‌ی اتکائی متناسب ۱۷–۱۱

بیمه‌ی اتکائی مجدد ۱۷–۱۰
بیمه‌ی زمانی ۱۷–۶
بیمه‌ی زندگی ۶–۱۷۸، ۸–۳۶، ۸–۷۴
شکلی از پس‌انداز ۱۷–۷
تعریف ۱۷–۶
تفاوت با بیمه‌ی غیرزندگی ۱۷–۵۱
تراکنش‌های مالی ۱۷–۸
بیمه‌ی زندگی همراه با سود ۱۷–۶
بیمه‌ی غیرزندگی ۶–۱۷۶، ۶–۱۷۷، ۸–۳۵، ۸–۷۴
خسارت‌ها ۸–۱۱۸
تعریف ۱۷–۶
بیمه‌نامه‌ها ۸–۱۱۷
حق‌بیمه‌ها و خسارت‌ها ۸–۲۷
ذخائر فنی، تعریف ۱۱–۱۰۵
بیمه‌ی مستقیم ۶–۱۸۰، ۸–۱۱۵، ۱۷–۲، ۲۶–۶۹

پ

پاداش‌ها ۷–۱۲۹، ۱۱–۸۹
بیمه ۱۷–۱۸
پارکینگ خودرو با یارانه ۷–۵۱
پایاپـــــای ۱–۳۶، ۲–۲۴، ۳–۷۷، ۳–۷۹، ۶–۱۰۲، ۸–۲۲، ۹–۴۵، ۹–۷۵، ۱۰–۶۲، ۱۰–۱۴۶، ۱۷–۲۲۶
پایداری عملیات دولت ۲۲–۷۹
پایگاه داده‌ها ۱۰–۱۱۲
ارزش‌گذاری ۱۰–۱۱۳
پذیره نویسی ۶–۱۵۷
پرداخت پایان خدمت ۷–۴۵
پرداخت در تعطیلات ۷–۴۴
پرداخت‌های استثنائی از بانک مرکزی ۲۲–۱۵۲
پرداخت‌های خانوار برای اخذ برخی پروانه‌ها ۸–۶۴
پرداخت‌های غیرنقدی ۳–۷۷، ۳–۸۱
پرداخت‌های کوپنی ۱۱–۷۰
پرداخت‌های مرحله‌ای ۶–۱۱۲، ۶–۱۴۰
پرداختی به اعضای دیگر خانوار ۶–۳۵
پرداختی به کودکان ۲۴–۶۰
پرسش‌های بازار کار ۱۵–۱۳۸، ۱۹–۱، ۱۹–۴، ۱۹–۷۰
پرسنل سیاسی ۱۹–۱۱
پروانه برای تکثیر (بازتولید) ۶–۲۱۲
پروانه‌ها ۸–۵۴، ۸–۶۴، ۸–۱۳۵، ۹–۷۰، ۱۷–۲۹۷
کازینو ۱۷–۳۵۰
صادر شده توسط دولت در تعداد بسیار محدود ۲۲–۹۰
تلفن همراه ۱۷–۳۱۶
ثبت شده بر پایه تعهدی ۱۷–۳۵۱
تاکسی ۱۷–۳۵۰
برای استخراج منابع طبیعی ۱۰–۱۷۲
برای بازتولید ۱۰–۱۰۰
برای انجام فعالیت خاص ۹–۷۰
برای استفاده از نسخه‌ی اصلی ۶–۲۱۱، ۱۰–۱۰۰
پروانه‌ها و حق‌الزحمه، قاعده‌ی برخورد ۹–۷۰
پروانه‌های کسب و کار و حرفه ۷–۹۷
پروانه‌ی تاکسی ۱۷–۳۵۰
پروانه‌ی تلفن همراه ۱۷–۳۱۶
پروانه‌ی کازینوها ۱۷–۳۵۰
پروژه‌های ساخت و ساز غیرمقیم ۴–۴۸
پروژه‌های ساخت و ساز، غیرمسکونی ۴–۴۸
پروژه‌ی مطالعات تطبیقیِ بخش غیرانتفاعی توسط دانشگاه جان هـاپکینز ۲۳–۱۷
پس‌انداز ۲–۸۳، ۲–۱۰۶، ۹–۹، ۱۰–۱۸، ۱۱–۱
پیوند بین حساب‌های جاری و انباشت ۹–۲۸
پناهندگان
اقامت ۲۶–۳۸
پوششِ داده‌های نیروی کار ۱۹–۶۷
پول تحت فشار ۷–۱۲۲
پول داخلی، منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۱۲–۱۰۵
پول و سپرده ۲۷–۳۱
تعریف ۱۱–۵۲
پول وسیع ۲۷–۱۱
سنجه‌های ملی ۱۱–۷۵
پیدایش اقتصادی ۱۲–۸، ۱۲–۱۵
منابع طبیعی ۱۲–۱۸
اشیاء گرانبها ۱۲–۱۶
پیدایش بازارها ۶–۲۲
پیدایش محصولات جدید ۱۵–۴
پیدایش و نابودی دارائی‌ها ۳–۱۰۲، ۱۲–۱۲

پیش پرداخت‌ها ۱۷–۲۹۴، ۲۷–۳۷
پیش‌بینی ۲۷–۳۷
پیش‌بینی داده‌ها ۱۸–۱۱، ۱۸–۴۱
پیش‌بینی‌های کوتاه مدت ۱–۳۱
پیشرفت فنی ۶–۲۴۲، ۱۲–۹۶
پیش‌نویس اعلام عمومی (ED) ۲۱–۶۲
پیشنهاد قبضه‌ی مالکیت ۲۱–۵۲
پیمان آتی
تعریف ۱۱–۱۲۰
مبادله‌ی ارز خارجی ۱۱–۱۲۱
پیمان‌های مربوط به پروانه‌ها و حق‌الزحمه‌ها ۹–۷۰

ت

تابعه ۴–۵۱، ۲۶–۸۵
تعریف ۴–۷۳
تاریخ اجرا ۱۷–۳۸۵
تاریخ اعطاء ۱۷–۳۸۵
اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان ۱۱–۱۲۵
تاریخ گزارش‌دهی ۳–۱۵۵
تاریخ واگذاری ۱۷–۳۸۵
اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان (ESO) ۱۱–۱۲۵
تـأمین اجتمـاعی ۴–۱۲۴، ۶–۲۰۲، ۷–۴۲، ۸–۵، ۸–۳۷، ۸–۷۲، ۸–۷۶، ۸–۷۷، ۹–۲۰، ۱۷–۸۲، ۱۷–۹۰، ۱۷–۱۲۴
به صورت طرح چند کارفرمائی ۱۷–۹۳
مزایای نقدی ۸–۱۰۸، ۱۷–۱۰۲
حق‌بیمه‌ها ۸–۱۰۸
حق‌بیمه‌ها توسط خانوارها ۱۷–۱۰۲
حق برخورداری تحتِ ۱۷–۱۹۱
تأمین مالی شده بر مبنای توازن درآمد و هزینه ۱۷–۱۲۱
بدون حق‌بیمه‌ی احتسابی ۷–۶۳
ثبت ۱۷–۱۲۵
تأمین مالی استثنائی ۲۶–۱۰۰
تأمین مالی انتقالات ۲۹–۸۱
تبدیل به اوراق بهادار ۱۱–۶۷، ۲۲–۱۳۱
دارائی‌ها ۲۲–۴
جریان درآمدهای آینده ۲۲–۱۳۳
فروش یک دارائی ۲۲–۱۳۲
تبدیل نقدینگی ۶–۱۵۸، ۱۷–۲۲۸
تبدیل‌پذیری ۲۷–۱۹
تبعیض قیمت ۹–۷۶، ۱۵–۴، ۱۵–۷۱
تجارت بین‌المللی ۱۴–۷۳، ۲۶–۲۱، ۲۶–۴۹، ۲۶–۵۳
خریدهای ثبت شده به عنوان صادرات منفی ۲۶–۲۱
تجارت بین‌المللی خدمات ۱۵–۱۶۵
تجربه ۲۹–۸
تجزیه ۲۱–۲۳
تجزیه (دمونتاژ) قطعات ۲۰–۶۰
تجمیع (هم‌افزود) برآوردهای فصلی برتر از برآورد سالانه ۱۲–۹۹
تجهیزات اطلاعات، رایانه و ارتباطات ۱۰–۸۲، ۱۰–۸۵
تجهیزات حمل و نقل ۱۰–۸۲، ۱۰–۸۴
تجهیزات متصل به بناها ۱۰–۸۲
تحصیل (اکتساب) ۲۱–۲۲
تحصیل دارائی‌های غیرمالی ۱۰–۲۲، ۱۶–۲۰
زمان ثبت ۱۰–۵۳
تحصیل در مقابل مخارج ۹–۳۱
تحصیل کالاها و خدمات ۹–۳۶
تحصیل کالاها و خدمات مصرفی ۹–۱۷
تحقیق و توسعه ۶–۲۳۰، ۱۰–۱۰۳، ۲۲–۲۲، ۲۸–۱۵
تحلیل بازنگری‌ها ۱۸–۱۳
تحلیل داده– ستانده ۱–۷۳، ۵–۱۶، ۶–۶۹
تحلیل‌های اقتصادی ۱–۱، ۲۷–۳۷
تحلیل‌های مالی دولت ۲۲–۷
تحلیل‌های هزینه فایده ۲۰–۶۸
تحویل بین کارگاه‌ها ۱۸–۴۸
تحویل‌های درون واحـدی ۳–۹۰، ۵–۲۷، ۶–۸۷، ۶–۱۰۶، ۱۴–۴۱، ۱۸–۴۸، ۲۹–۶۵
انتقال ریسک ۶–۸۶
تخریب
زمین، منابع آبی و دیگر دارائی‌های طبیعی ۱۲–۵۰
منابع طبیعی ۲–۱۶۷
ارزش‌گذاری ۲۹–۱۲۰
تخزیب‌های پیش‌بینی نشده‌ی محیط زیست ۱۲–۵۲
تخفیف مالیاتی ۲۲–۹۵
تخصصی شدن تولید ۶–۱۰
تخفیف مالیاتی ۸–۶۲، ۲۲–۹۵

تراز پرداخت‌ها ۱۶–۲۲، ۲۶–۱۲، ۲۶–۴۶
تراز خارجی جاری ۱۶–۱۸، ۱۶–۲۹، ۲۶–۶، ۲۶–۷۰
تراز خارجی درآمد اولیه ۲۶–۷۰
تراز خارجی کالاها وخدمات ۲۶–۶
تـراز درآمـدهای اولیـه ۲–۹۳، ۷–۱۸، ۷–۲۵، ۸–۱۰، ۱۶–۱۰، ۱۶–۲۹، ۲۶–۷۰، ۲۸–۷۳
تراز کالائی ۱۲–۲
تراز کالاها و خدمات ۱۶–۲۹
تراز کالاها، خدمات و درآمد اولیه ۲۶–۷۰
تراز محصول ۱۴–۱، ۱۴–۲، ۱۴–۴
ترازنامـه ۱–۱۴، ۱–۲۰، ۱–۲۲، ۲–۳۳، ۲–۸۵، ۲–۱۲۱، ۳–۲، ۳–۴۲، ۳–۱۵۵، ۱۲–۱، ۱۳–۱، ۱۵–۱۶۸، ۲۶–۸، ۲۸–۷۵
استفاده‌های تحلیلی ۱۳–۶
تعریف ۱۳–۲
جزء جدائی ناپذیر SNA ۱۶–۳۱
ترازنامه‌ی ابتدای دوره ۱۳–۱۱
ترازنامه‌ی انتهای دوره ۱۳–۱۳
تراست‌ها ۱۱–۸۸
تراکنش ۱–۷، ۲–۲۲، ۳–۵۰
بین دولت و سازمان‌های بین‌المللی و فراملی ۲۲–۹۹
تعریف ۳–۷، ۳–۵۱
در ابزارهای مالی ۲–۲۹
در کالاها و خدمات ۲–۲۷
بین واحدها یا درون واحدها ۲–۲۲
توافق دو جانبه ۳–۵۳
در بازارهای غیررسمی ۶–۴۲
قیمت‌ها ۶–۵۴
ارزش‌گذاری ۲–۵۹
تراکنش پایاپای
تعریف ۹–۴۹
ارزش‌گذاری ۹–۵۰
تراکنش‌های پولی ۱–۳۶، ۲–۲۵
مثال‌ها ۳–۵۶
تراکنش‌های توزیعی ۲–۲۸
تراکنش‌های خارجی اقتصاد ۲–۲۰
تراکنش‌های داخلی ۱–۳۷، ۲–۲۲، ۲–۲۴، ۳–۸۵، ۱۲–۹۷، ۲۰–۴
تراکنش‌های درون واحدی، تراکنش‌های داخلی را ببینید
تراکنش‌های غیرپولی ۲–۲۵، ۸–۲۲
تعریف ۲–۲۵، ۸–۲۲
ترایائی (انتقال‌پذیری) ۱۵–۲۱۱
ترتیبات مالکیت زمانی ۱۷–۳۷۸
تَرک ۱۹–۵۲
ترکیب خانوار ۲۴–۳۵
تزریق سرمایه ۱۱–۹۰، ۱۱–۹۱، ۲۱–۵۴، ۲۲–۴۷، ۲۲–۱۳۸
تسهیلات اعتباری جذب نشده ۱۱–۷۳
تسهیلات انتشار اوراق ۱۱–۲۲
تشخیص مالیاتی ۷–۸۴، ۸–۵۸
تشکل‌های سیاسی اقتصادی فراملی ۲۲–۶۰
تشکیل سرمایه بر حسب نوع واحد تولید کننده ۱۴–۱۶۰
تشکیل سرمایه خالص ۲–۱۱۰، ۱۰–۱۵۶
تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص ۱۰–۳۲، ۱۴–۱۰۱، ۱۵–۱۴۴
حد و مز با موجودی انبار ۶–۱۱۲
برحسب کارگاه ۱۴–۱۲۱
تعریف ۱۰۶۴
منفی ۱۰–۳۹
در مقابل خرید دارائی‌های ثابت ۲–۳۱
تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص به حساب خود ۶–۱۱۸
تشکیل سرمایه‌ی ناخالص ۱۰–۲۴
تصاحب ۲۲–۱۴۲
تصرف ۲۲–۱۴۲
تصمیم‌گیری ۱–۱
تعاونی‌ها ۴–۴۱، ۷–۲۱،۱۲۹–۱۱، ۲۳–۲۱
تعداد کارکنان ۱۴–۱۲۱
تعدیل برای تغییر در حق برخورداری از مزایای بازنشستگی ۱۶–۱۵، ۱۷–۱۴۱
تعدیل برای روزهای کاری ۱۸–۳۸
تعدیل دوجانبه ۱۴–۱۵۴
تعدیل روزهای کاری ۱۸–۳۸
تعدیل فصلی ۱۸–۳۷
حساب‌های فصلی ۱۸–۶۴
تعدیل قیمت جریان‌ها ۱۵–۱۹۴
تعدیل کیفیت نهاده‌های نیروی کار ۱۹–۴۲، ۱۹–۵۵
تعدیلاتِ پایه‌ی تعهدی ۱۱–۱۰۵
تعدیلات سیف به فوب ۱۴–۷۷

تعریف ۶–۸۹
تعمیر اساسی ۶–۳۷، ۶–۲۲۹، ۲۰–۶۱، ۲۴–۵۳
تعمیر و نگه‌داری ۹–۶۹
کالاهای بادوام مصرفی ۹–۶۹
جاری در مقابل سرمایه‌ای ۱۰–۴۵
خود انجام ۶–۳۶
تعمیر و نگه‌داری توسط خانوار، هزینه‌ی نیروی کار ۹–۶۷
تعمیر و نگه‌داری خود انجام ۶–۳۶
تعمیر و نگه‌داری عادی ۶–۲۲۸
تعمیرات، نگه‌داری را نیزببینید
تعهد مزایای انباشته شده (ABO) ۱۷–۱۸۱
تعهد مزایای پیش‌بینی شده (BPO) ۱۷–۱۸۱
تعهدات آتی ۷–۱۵۰
تعهدات احتمالی ۳–۱۸۴
تعهدات بدهی وثیقه‌ای ۱۱–۶۷
تعهدات وام ۱۱–۲۲
تغییر دارائی‌ها ۲–۴۵
تغییر در بدهی‌ها و ارزش ویژه ۲–۴۵
تغییر در بیمه‌ی زندگی و حق برخورداری از مستمری‌های سالانه ۸–۳۶
تغییر در حق برخورداری از بیمه زندگی و مستمری‌های سالانه ۱۷–۵۳
تغییر در رابطه‌ی مبادله‌ی بازرگانی ۲–۱۴۶
تغییر در نظام‌های مالیاتی ۱۴–۱۵۱
تغییر در طبقه‌بندی
دارائی‌ها ۳–۱۰۴
واحدهای نهادی ۱۲–۱۰
منابع طبیعی ۱۲–۲۹
تغییر در طبقه‌بندی و ساختار ۲–۱۱۴
تغییر فناوری ۶–۲۴۴، ۱۸–۲۵
تغییر قیمت‌ها ۲–۱۴۶
تغییر کیفیت ۱۵–۱۲۲
تغییر مالکیت اقتصادی ۹–۷۳، ۱۱–۷۸
کالاها برای فرآوری ۱۴–۳۸
واردات و صادرات کالاها ۲۶–۲۰
بدون استثناء در دستنامه‌ی تراز پرداخت‌ها (BMP6) ۲۶–۲۱
تغییر مسیر ۲–۹۶، ۳–۶۲
تغییرات در ارزش دارائی‌ها و بدهی‌ها ۱۲–۱
تغییرات در ارزش ویژه
در اثرِ منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن ۲–۱۲۰، ۱۲–۷۷
در اثرِ منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن ۲–۱۱۷، ۲–۱۲۰، ۱۲–۷۷، ۱۶–۳۸
در اثرِ سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ۲–۱۱۴، ۱۲–۵، ۱۶–۳۸
در اثرِ منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن ۲–۱۲۰، ۱۲–۷۷
در اثرِ پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای ۲–۱۱۰، ۱۳–۱۲، ۱۶–۱۹، ۱۶–۳۸
تعریف ۱۰–۲۱
تغییرات موجودی انبار ۱–۶۷، ۲–۳۲، ۱۰–۱۱۸، ۱۵–۱۵۶، ۱۸–۴۲
برحسب نوع محصول ۱۴–۱۱۰
تعدیل قیمت ۱۵–۶۲
تفاوت کیفیت‌ها ۹–۷۷، ۱۰–۱۳۳، ۱۲–۲۳
در شاخص‌های قیمت ۱۵–۶۴
تفریح، ارزش‌گذاری ۲۹–۱۴۶
تفسیر داده‌ها ۱۸–۴۱
تفکیک بخش‌ها و زیربخش‌ها ۱–۱۰
تفکیک بر حسب پول جاری ۲۷–۱۶
تفکیک خانوارها ۲۸–۸۲
تقاضای نهائی ۱۴–۸۴
تقبل دیرکردها ۲۶–۱۰۰
تقریب قیمت‌های بازار ۳–۱۲۳
تقسیم کار ۶–۱۰، ۶–۲۲
تقلیل منابع طبیعی ۱–۴۷، ۲–۱۶۷، ۱۰–۱۸۰، ۱۲–۲۶، ۲۰–۱۱۸
جنگل‌ها، ذخائر ماهی و غیره ۱۲–۲۷
تلفیق ۲–۶۸، ۲–۱۶۲، ۳–۱۹۷، ۱۱–۴۳، ۱۶–۴۰، ۲۱–۲۱، ۲۲–۱۴، ۲۲–۷۹، ۲۲–۸۲
استثناها ۲۲–۸۳
بیمه ۱۷–۵۷
تنها در درون یک حساب واحد ۲۲–۸۰
مشکلات عملی ۲۲–۸۴
تمایز بین کالاها و خدمات ۲۶–۵۱
تملک مجدد ۱۲–۱۵۵
تنخواه‌گردان ۳–۱۷۳، ۱۱–۳۹
تنزیل کردن ۶–۲۴۶
تنوع قیمت ۱۵–۶۸

تنها مالک بنگاه‌های غیرشرکتی ۷–۳۰
توافق دوجانبه ۲–۲۲
توالی حساب‌ها ۱–۱۵، ۲–۷۵، ۲–۷۸، ۳–۲، ۴–۲۳، ۶–۱، ۱۳–۵، ۱۸–۱، ۲۸–۳۱، ۲۸–۷۳، ۲۹–۲۱
تورم ۱–۶۶، ۷–۲۴، ۱۲–۹۵، ۱۳–۵۸، ۱۸–۲۲، ۲۹–۳۹
نرخ‌های اسمی بالاتر بهره ۱۲–۹۰
تورم شدید ۳–۱۶۰، ۷–۱۲۰، ۱۲–۹۵، ۱۳–۵۸، ۱۸–۲۲، ۲۹–۳۹
توزیع ثروت ۲۴–۷۷
توزیع درآمد ۱–۱۴
دور سوم ۲–۹۹
توزیع مخارج ۱۴–۱۶
توزیع و بازتوزیع درآمد ۲–۹۰
توصیه‌های بین‌المللی برای آمارهای صنعتی (رشته‌فعالیتی) ۲۵–۸۸
توقف حق‌بیمه ۷–۶۶، ۱۷–۱۵۳، ۱۷–۱۶۶
تولید ۱–۶، ۱–۱۴، ۱–۴۰، ۳–۲۰
تعریف ۶–۲
برای خود مصرفی نهائی ۸–۲۲
برای استفاده‌ی نهائی خود ۹–۳۵، ۱۹–۲۶
برای استفاده‌ی نهائی خود، خارج از بخش غیررسمی ۲۵–۴۱
برای استفاده‌ی نهائی خود، ارزش‌گذاری ۹–۵۵
محل جغرافیائی و تولیدکنندگان مقیم ۶–۸۴
فرآیندهای چند دوره‌ای ۶–۱۳۸
خدمات خانگی ۲–۱۶۷
به حساب خود ۱۴–۳۲
فرآیندی که چند سال به‌طول می‌انجامد ۱۰–۱۲۸، ۱۲–۵۷
تولید اقتصادی ۶–۲۴
تولید بازاری، غیررسمی در مقابل استفاده شده در SNA ۲۵–۵۱، ۲۵–۶۵
تولید برای خود مصرفی نهائی
تلقی به عنوان تولید بازاری یا غیربازاری ۶–۱۳۴
تولید به حساب خود ۲۴–۲۲، ۶–۲۹
تولید به عنوان یک فعالیت اقتصادی ۶–۱۰
تولید توسط خانوارها ۱–۴۱
تولید ثانوی ۱۴–۲۳
تولید خانوار ۱–۴۱
محصولات کشاورزی ۶–۳۲
جمع‌آوری هیزم ۶–۳۲
استثناها در عمل ۶–۳۳
خدمات برای خود مصرفی، خارج از محدوده‌ی تولید ۶–۲۶
تأمین آب ۶–۳۲
انواع فعالیت‌های کنار گذاشته شده ۶–۲۸
تولید صنعتی مجازی ۲۶–۴۱
تولید غیر بازاری توسط دولت و NPISHها ۲–۹۸
تولید کشاورزی ۲۵–۷۲
تولید مالی، جریان‌ها و موجودی‌ها در SNA ۲۷–۴
تولیدکنندگان بازاری در مقابل غیربازاری ۹–۱۰۸
تولیدکننده‌ی بازاری ۲–۴۰، ۴–۲۵، ۹–۸۵، ۱۴–۳۲، ۲۲–۲۸
تعریف ۶–۱۳۳
تولیدکننده‌ی غیربازاری ۲–۴۰، ۴–۲۵، ۹–۸۵، ۱۴–۳۲، ۲۸–۲۸
کارگاه‌ها ۵–۳۳

ث

ثبت ۲۸–۶۹
ثبتِ از چه کسی به چه کسی ۲–۱۰، ۲–۵۲، ۲–۷۶، ۲–۱۵۰، ۲–۱۵۳، ۱۱–۹۵، ۲۷–۲۷، ۲۸–۸۰، ۲۹–۳۰
ثبت بنگاه غیرشرکتی ۲۱–۹
ثبتِ پایه‌ی تعهدی ۲–۵۵، ۷–۴۱، ۷–۸۴، ۱۸–۳۴
بهره ۷–۱۱۵
مالیات‌ها ۸–۵۸، ۲۲–۹۱
ثبت خالص ۳–۱۹۳
ثبت خالص و ناخالص مالیات ارزش‌افزوده (VAT) ۶–۵۹
ثبت پرداخت در سررسید ۳–۱۶۵
ثبت قانونی ۲۵–۲۱
ثبت کسب و کار ۲۱–۸
ثبت واحدهای تولیدی ۶–۴۶
ثروت ۱–۲
ثروت ملی ۱۳–۴

ج

جاده‌ها، عمر خدمت ۶–۲۴۲
جامعه‌ی مدنی ۴–۳۵، ۲۳–۱۱
جامعیت (فراگیر بودن) ۱۹–۳۵، ۲۵–۲، ۲۵–۲۸
جبران آسیب‌ها ۸–۱۰۱، ۸–۱۴۰
جبران خدمات غیرنقدی ۶–۱۰۳

جبـران خـدمات کارکنـان ۷–۲، ۷–۵، ۷–۱۷، ۷–۳۹، ۱۵–۱۷۴، ۱۶–۷، ۱۷–۱۰۴، ۱۹–۲۰، ۲۶–۵۸
اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان (ESO) ۱۷–۳۸۹
برحسب حجم ۱۴–۱۵۵
حق‌بیمه‌های اجتماعی ۱۷–۱۵۵
به خارج و از خارج ۸–۱۳۳
جبران خسارت‌ها یا آسیب‌ها ۱۰–۲۱۲
جبران هزینه‌ها ۶–۲۲۲، ۷–۴۵، ۸–۱۰۴
جبران‌پذیری ۱۱–۱۱۲
جداسازی بازپرداخت سرمایه از بهره ۲۰–۶۷
جدول تعرفه‌های گمرکی ۷–۸۴
جدول تکمیلی ۱۱–۲۴، ۱۱–۳۱
موجودی سرمایه ۲۰–۱
تولید و اشتغال غیررسمی ۲۵–۷۵
وجوه عبوری ۲۱–۴۳
بازنشستگان ۹–۲۰، ۱۷–۱۲۴
حواله‌های شخصی ۲۶–۶۸
جدول عرضه به قیمت‌های خریدار
تعریف ۱۴–۱۳
جدول مصرف ۱۴–۸۴
قیمت‌های پایه ۱۴–۴۴، ۱۴–۱۲۳، ۱۴–۱۶۴، ۲۸–۶۷
فقط واردات ۱۴–۱۶۵
قیمت‌های خریدار، تعریف ۱۴–۱۳
جدول‌های ترکیبی عرضه و مصرف و داده– ستانده ۲۹–۱۰۸
جدول‌های داده – ستانده ۱–۲۴، ۶–۱، ۱۴–۱۵، ۲۸–۳۲
جدول‌های عرضـه و مصـرف ۱–۲۴، ۲–۷۶، ۲–۱۴۸، ۶–۱، ۱۴–۳، ۱۸–۱۷، ۱۸–۲۳، ۲۵–۴۹، ۲۸–۱، ۲۹–۲۱
وسیله‌ی کنترل سازگاری داده‌ها ۱۴–۱۱۶
سازگاری قیمت‌ها در درونِ ۱۸–۲۳
برحسب حجم ۱۴–۱۳۶، ۱۵–۱۱۰
تهیه‌ی هم‌زمانِ برآوردهای ارزش و حجم ۱۸–۳۰
جدول‌های عرضه و مصرف تراز ۲۵–۳۳
جریان عایدات آینده به عنوان دارائی‌مالی شناخته نشده ۱۱–۲۶
جریان محصول ۱۴–۲
جریان وجوه ۱۱–۵۶، ۱۱–۹۵، ۲۷–۹، ۲۷–۲۳
تحلیل ۱۷–۲۵۲
ماتریس ۲–۱۵۰
کاربرد ۲۷–۳۷
جریان‌ها ۳–۲
جریان‌های اقتصادی ۲–۲۳، ۳–۶
تعریف ۳–۶
جریان‌های بین گروه‌های مختلف خانوارها ۲۴–۶۹
جریان‌های درون واحدی ۲–۲۴
جریمه‌ها و مجازات‌ها ۸–۱۳۵
جزئیات انتشار ۱۸–۲
جماعات مذهبی ۴–۱۶۷، ۲۳–۱۹
جمع هزینه‌ها ۶–۱۲۵، ۶–۱۹۱
ستانده‌ی بیمه ۱۷–۲۹
جمع‌پذیری و زنجیره‌ای کردن ۱۵–۵۸
جمعیت ۲–۱۵۶، ۱۹–۱، ۱۹–۳
تعریف ۱۹–۱۰
جمعیت فعال از نظر اقتصادی ۶–۳۱، ۱۹–۵، ۱۹–۲۹
جمعیت و اشتغال ۲–۷۶
جوامع اشتراکی ۲۳–۲۲
جواهر ۹–۵۷
جهانی شدن ۱۴–۳۹، ۲۱–۳۸، ۲۱–۳۹، ۲۴–۱۷، ۲۶–۳۶

چ

چارپایان ۱۰–۹۴
چارچوب حسابداری ۱–۱
چارچوب نمونه‌گیری ۲۱–۸
چارچوب هماهنگ کننده برای آمارهای اقتصادی ۱–۵۷
چارچوبی برای روابط سرمایه‌گذاری مستقیم ۲۱–۳۷
چشم پوشی از حقوق در ازای بدست آوردن چیزی هم ارزش ۷–۴۷
چه کسی می‌پردازد در مقابلِ چه کسی مصرف می‌کند ۲۹–۵۵
چیزی در مقابل چیزی ۲–۲۴، ۳–۵۷

ح

حاشیه
مشتقات مالی ۱۱–۱۲۴
منفی ۶–۱۵۰
بازپرداخت نشدنی ۱۱–۱۲۴
بازپرداختنی ۱۱–۱۲۴
حاشیه‌های بازرگانی را ببینید
حاشیه‌های حمل و نقل را نیز ببینید

حاشیه بازپرداخت نشدنی ۱۱–۱۲۴
حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل ۳–۱۴۵، ۱۴–۵، ۱۴–۵۰، ۱۴–۵۴، ۱۴–۱۳۰، ۱۴–۱۵۸، ۲۸–۹
تعریف ۶–۱۴۶
برحسب حجم ۱۴–۱۴۷
فراهم شده توسط مقیم‌ها و غیرمقیم‌ها ۱۴–۵۲
حمل و نقل را نیز ببینید
حاشیه‌های بازپرداختنی ۱۱–۱۲۴
حاشیه‌های توزیعی ۱۴–۴۷
حاشیه‌های عادی ۶–۱۵۰
حاشیه‌ی مبادله‌ی ارز خارجی ۹–۶۳
حجم خدمات جمعی ۱۵–۱۲۴
حجم در مقابل مقدار از نظر واژه ۱۵–۱۳
حجم‌ها در ICP ۱۵–۲۲۸
حجم‌های سرانه ۱۹–۳
حد و مرز دارائی ۳–۳۱، ۳–۳۷، ۱۰–۳۳
خدمات ۱۰–۳۷
حراج شرکت ۲۱–۲۴
حساب اصلی بودجه ۲۲–۱۹
حساب اقماری ۱–۵۵، ۱–۷۳، ۲–۱۵۵، ۲–۱۶۴، ۲–۱۶۸، ۳–۹۵، ۲۹–۴، ۲۹–۳۱
فعالیت‌های فرعی ۵–۴۵
خدمات خانگی ۲۴–۶۲
خدمات خانوار ۹–۴۴، ۲۴–۸۳
نهادهای غیرانتفاعی (NPI)ها ۲۳–۱۲
گردشگری ۲۴–۶۶
حساب ایجاد درآمد ۷–۳، ۱۴–۸۶، ۱۴–۱۲۰، ۱۴–۱۶۰
حساب بازارزش‌گذاری ۱–۲۰، ۲–۱۱۵، ۲–۱۱۷، ۳–۱۰۰، ۱۰–۱، ۱۲–۳، ۱۶–۳۳، ۲۶–۹
پروانه ۱۷–۳۵۲
حساب بازتوزیع درآمد غیرنقدی ۲–۹۵، ۸–۳۰، ۸–۱۴۴، ۹–۷، ۹–۹۵، ۱۶–۱۶
حساب تخصیص درآمد اولیه ۲–۹۲، ۷–۱۶، ۱۱–۹۰، ۱۶–۸، ۲۶–۴، ۲۸–۷۲
حساب تخصیص سایر درآمدهای اولیه ۷–۲۲
حساب تراست، استفاده در بدهی‌زدائی ۱۲–۴۲
حساب توزیع ثانوی درآمد ۲–۹۵، ۱۶–۱۲، ۲۶–۴، ۲۸–۷۳
حساب توزیع درآمد اولیه ۱–۱۷، ۲–۹۱
حساب تولید ۱–۱۷، ۲–۸۶، ۷–۳، ۱۴–۸۶، ۱۶–۶، ۲۸–۷۱
برحسب بخش نهادی ۲۸–۲۵
برای یک واحد یا بخش نهادی، یا کارگاه، یا صنعت (رشته‌فعالیت) ۶–۷۰
حساب خارجی ۱–۲
حساب دارائی ۱۳–۱، ۱۳–۸، ۲۹–۱۱۶
حساب درآمد اولیه ۲۶–۴۶، ۲۶–۵۸، ۲۶–۷۰
حساب درآمد ثانوی ۲۶–۴۶، ۲۶–۶۶
حساب درآمد کارآفرینی ۷–۱۳، ۷–۲۲
حساب دنیای خارج ۲–۱۳۰، ۱۶–۲۸، ۲۸–۷
حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها ۱–۲۰، ۲–۱۱۴، ۶–۲۴۳، ۶–۲۴۴، ۱۰–۱، ۱۲–۳، ۱۲–۸، ۱۴–۱۰۶، ۱۶–۳۳، ۲۶–۹
پروانه‌ها ۱۷–۳۵۲
مربوط به ترازنامه ۱۲–۷۲
حساب سرمایه ۱–۲۰، ۲–۱۱۰، ۸–۲۵، ۱۰–۱، ۱۶–۱۸، ۱۶–۳۳، ۲۸–۷۱
حساب کالاها و خدمات ۲–۱۳۴، ۱۴–۱، ۱۵–۱، ۱۶–۲۳، ۱۸–۲۲، ۲۶–۴۶، ۲۸–۴
تعریف ۱۴–۱۰، ۱۶–۲۷
حساب مالی ۱–۲۰، ۲–۱۱۱، ۱۰–۱، ۱۱–۱، ۱۶–۲۱، ۱۶–۳۳، ۲۶–۸، ۲۶–۷۳، ۲۷–۲۴
بدون قلم تراز کننده ۱۱–۱
حساب مصرف درآمد ۲–۱۰۱، ۲۶–۴، ۲۸–۷۱
حساب مصرف درآمد تعدیل شده ۲–۱۰۱، ۹–۷، ۱۶–۱۵
حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده ۲–۱۰۱، ۹–۷، ۹–۹۵، ۱۶–۱۶
حسابداری بازرگانی ۱۷–۵۸
حسابداری پایه‌ی تعهدی ۳–۱۶۶
حسابداری ثبت چهار طرفه ۱–۶۳، ۳–۱۱۱، ۳–۱۱۶، ۱۱–۹، ۲۷–۲
در مقابل حسابداری ثبت دو طرفه ۲۶–۱۷
حسابداری ثبت دوطرفه ۱–۶۳، ۳–۱۱۲
حسابداری سبز ۲۰–۴۸
حسابداری کسب و کار (تجاری) ۱–۶۳۱، ۲–۵۶، ۲–۹۴، ۳–۱۱۲، ۳–۱۳۹، ۷–۲۴
حسابداری محیط زیست ۲–۱۶۷، ۱۳–۱۹
حسابداری نقدی ۲–۵۶، ۳–۱۶۴

حسابداری بهای تمام شده‌ی تـاریخی تـاریخی ۱–۶، ۱–۶۵،۳–۱۵۷، ۶–۱۰۷، ۶–۲۴۰، ۶–۲۴۸، ۶–۲۴۹، ۷–۲۴۰
حسابداری هزینه‌ی جاری ۱–۶۵
حساب‌ها ۲۸–۸۳
حساب‌ها بر حسب حجم ۱۸–۲، ۱۸–۶۳
حساب‌ها، بهم پیوستگی (ارتباط) ۱–۱۴
حساب‌های T
حساب‌های اقتصادی یکپارچه ۲–۷۵، ۲–۱۲۵، ۲–۱۴۹
حساب‌های اقماری سلامت ۲۹–۱۲۸
حساب‌های انباشت ۱–۲۰، ۲–۸۴، ۲–۱۰۷، ۳–۲
حساب‌های تخصیص نیافته و تخصیص یافته، فلزات قیمتـی بجـز طـلا ۱۱–۶۱
حساب‌های جاری ۲–۸۳
حساب‌های حفاظت محیط زیست ۲۹–۱۱۴
حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی ۳–۱۷۴، ، ۱۱–۷۳، ۱۱–۱۲۷، ۲۲–۹۳
حساب‌های زیر یک سال ۱۸–۲
حساب‌های سایر تغییرات در دارائی ۳–۱۰۰، ۸–۲۵، ۱۲–۳
حساب‌های سایر تغییرات در دارائی‌های مالی و بدهی‌ها ۲۶–۱۲
حساب‌های طلای تخصیص نیافته ۱۱–۴۵، ۱۱–۶۰، ۱۷–۲۴۰، ۱۷–۲۴۴
حساب‌های طلای تخصیص یافته ۱۱–۴۵، ۱۷–۲۴۰
حساب‌های فصلی ۱–۲۹، ۱۸–۳۳، ۱۸–۶۴
زنجیره‌ای کردن ۱۸–۴۳
حساب‌های محیط زیست ۲۹–۱۰۲
حساب‌های ملی در فاصله‌های زمانی کوتاه‌تر ۱۸–۵
حساب‌های ملی، کامل با برآوردهای PPP ۱۵–۲۲۴
حساب‌های منطقه‌ای ۱۸–۲، ۱۸–۶، ۱۸–۴۵، ۱۹–۶۹، ۲۵–۴۶
حفاظت محیط زیست ۲۹–۱۱۰
حق اشتراک‌ها ۸–۱۳۲، ۲۳–۴
حق امتیازها ۷–۱۱۰، ۷–۱۶۰
حق انحصاری نسبت به کالاها و خدمات آینده، تعریف ۱۰–۱۹۵
حق بازنشستگی انتقال‌پذیر ۱۷–۱۱۹
حق بازنشستگی‌ها ۸–۶۷، ۸–۹۴، ۸–۹۵، ۱۷–۱۱۶
به عنوان درآمد بجای عدم پس‌انداز ۸–۳۷
به عنوان قسمتی از جبران خدمات کارکنان ۱۷–۱۲۲
طرح‌های مزایای تعیین شده ۱۷–۱۲۷
طرح‌های حق‌بیمه‌ی تعیین شده ۱۷–۱۲۷
اثرات ارتقاء ۱۷–۱۸۰
طرح آخرین حقوق ۱۷–۱۲۸
طرح خرید پولی ۱۷–۱۲۷
اداره شده توسط نهاد مالی ۱۷–۱۳۱
احتمال ۱۷–۱۸۷
قابل حمل ۱۷–۱۱۹
ذخیره ۲۴–۴۳
دریافت مبلغ یکجا ۱۷–۱۳۸
اصلاحات ۲۲–۱۳۴
اشخاص خود اشتغال ۱۷–۱۳۷
به کارکنان دولت ۲۲–۷۳
انواع ۱۷–۹۸
حق برخورداری از بازنشستگی ۱۲–۶۰، ۱۷–۱۳۰
افزایش خدمات فعلی ۱۷–۱۴۵، ۱۷–۱۵۲
تعریف ۱۱–۱۰۷
سایر تغییرات در ۱۷–۱۷۷
افزایش خدمت گذشته ۱۷–۱۴۵
ارزش حال ۱۷– ۱۴۷
حمایت از ۱۷–۱۲۱
دوره‌ی واجد شرایط بودن ۱۷–۱۵۴
به رسمیت شناختن به عنوان تأمین اجتماعی ۱۷–۱۲۱
حق برخورداری از بهافزونی سهام ۱۷–۳۹۸
حق برخورداری از بیمه‌ی زندگی و مستمری سالانه ۱۷–۵۲
تعریف ۱۱–۱۰۶
حق برداشت ویژه (SDR) ۷–۱۱۳، ۲۶–۱۰۳
تعریف ۱۱–۴۷
منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۱۲–۱۰۴
حق بیمه‌های اجتماعی خانوارها ۸–۸۰
حق بیمه‌های واقعی ۱۷–۱۴، ۱۷–۵۳
تعریف ۶–۱۸۶، ۱۷–۴
حق بیمه‌ی عاید نشده ۱۱–۱۰۵، ۱۷–۱۶
تعریف ۶–۱۸۷
حق سرویس (انعام) ۷–۴۴
حق عضویت ۸–۱۳۲، ۲۲–۱۰۰، ۲۳–۴
حق مالکیت ۲–۳۴
حق‌الزحمه‌ها ۳–۱۲۲
ضمانت‌های استاندارد ۸–۱۲۴
حق‌الزحمه‌ها، کمیسیون‌ها یا حق امتیازها ۶–۲۱۱، ۶–۲۱۴

حق‌الزحمه‌های قانونی ۲۰–۶۰
حق‌الزحمه‌ی صریح
خدمات مالی ۱۷–۲۳۴، ۱۷–۲۳۹، ۱۷–۲۵۶
حق‌الزحمه‌ی فرآوری، کالاها برای فرآوری ۱۴–۳۸
حق‌الزحمه‌ی مکمل، طرح‌های ضمانت استاندارد ۱۷–۲۱۱
حق‌بیمه ۱۷–۱
بیمه ۶–۱۸۴
حق‌بیمه‌ها، تأمین اجتماعی ۱۷–۱۲۴
حق‌بیمه‌های اجتماعی ۲–۹۶، ۷–۲، ۸–۴، ۸–۱۶، ۸–۲۷، ۹–۲۲، ۱۷–۱۵۷
احتسابی ۱۷–۱۰۴
حق‌بیمه‌ی اجتماعی ۷–۴۲
واقعی ۷–۶۰
تعریف ۱۷–۸۹
احتسابی ۷–۶۰
مکمل ۸–۸۰
حق‌بیمه‌ی اجتماعی کارفرما ۷–۵۶، ۸–۸۰
حق‌بیمه‌ی اجتماعی واقعی خانوار، تعریف ۸–۸۵
حق‌بیمه‌ی اجتماعی واقعی کارفرمایان ۱۷–۱۱۴، ۸–۸۳
حق‌بیمه‌ی احتسابی کارفرما ۸–۸۴، ۱۷–۱۴۶
حق‌بیمه‌ی تأمین اجتماعی کارفرما ۱۷–۱۰۲
حق بیمه، خالص ۸–۱۱۶
تعریف ۷–۳۵
حق‌بیمه‌ی عاید شده ۱۷–۱۴
تعریف ۶–۱۸۷، ۱۷–۵
حق‌بیمه‌ی کارفرما ۱۷–۱۳۳، ۱۷–۱۴۹
حق‌بیمه‌ی مکمل ۳–۶۵، ۶–۱۸۴، ۶–۱۸۸، ۶–۱۹۷، ۱۷–۱۳، ۱۷–۱۹، ۱۷–۳۵، ۱۷–۵۲، ۱۷–۵۹
حقوق سهامداران ۱۲–۱۴۴، ۲۷–۳۳
تعریف ۱۱–۸۳
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری ۱۱–۸۱
منفعت ناشی از نگه‌داشتن ۱۷–۲۳۸
حقوق و دستمزد ۷–۴۲، ۷–۴۳
نقدی ۷–۴۴
اقلام نگه‌داشته شده توسط کارفرمایان ۷–۴۳
حمل و نقل و بیمه ۳–۱۵۰، ۲۶–۵۲
حمل و نقل ۶–۱۴۱، ۲۰–۶۰
به عنوان یک بخش کلیدی ۲۹–۳۵
مربوط به واردات، ارائه شده توسط مقیم‌ها ۱۴–۷۲
حواله کردن بیش از اعتبار
حواله‌های شخصی ۸–۱۳۴

خ

خارج از بورس ۱۱–۱۱۳
خالص
استفاده از اصطلاح در SNA ۳–۱۹۵
خالص IIP، قلم ترازکننده ۲۶–۷۶
خالص ارزش‌افزوده، تعریف ۶–۸
خالص برگشت سرمایه ۶–۹۳، ۶–۹۴
خالص حق‌الزحمه‌ها، ضمانت‌های استاندارد ۱۷–۲۲۰
خالص حق‌بیمه ۸–۱۱۶
تعریف ۱۷–۳۵
بیمه‌ی غیرزندگی ۱۷–۴۷
بیمه‌ی اتکائی ۸–۱۲۳، ۱۷–۶۴
خالص حق‌بیمه‌ی اجتماعی ۸–۸۲، ۱۷–۱۱۴
خالص خطاها و از قلم افتادگی‌ها ۲۶–۱۷
خالص سازی ۲–۷۱، ۱۱–۴۰
BMP6 ۲۶–۲۳
خالص وام‌دهی ۲–۱۰۸، ۲–۱۱۱، ۲–۱۱۳، ۱۰–۳، ۱۱–۱، ۱۶–۲۰، ۲۶–۷۲، ۲۷–۲
تعریف ۱۰–۲۸
تعریف GFSM ۲۲–۷۶
خالص وام‌گیری، خالص وام‌دهی را ببینید
خانوار مؤسسه‌ای ۴–۳۲، ۴–۱۵۲، ۱۹–۳۴، ۲۴–۱۵، ۲۵–۶۴
در مقابل بنگاه‌های غیرشرکتی ۲۴–۲۸
خانوارها ۱–۹، ۱–۱۰، ۲–۱۷، ۴–۳، ۴–۴، ۲۸–۲۹
مصرف نهائی واقعی ۹–۸۱
دارائی‌ها ۲۴–۷۳
تغییر اقتصاد اقامت ۲۶–۳۹
ارتباط با خانواده ۴–۱۵۰، ۲۴–۱۳
مصرف ۱۴–۹۴
تعریف ۴–۴، ۴–۱۴۹
اهداف اقتصادی، کارکردها و رفتار ۴–۲۱
مخارج در خارج ۹–۷۹

مخارج مصرف نهائی ۸–۱۰۴، ۹–۵۶، ۹–۱۱۳
تغییر محل از یک اقتصاد به اقتصاد دیگر ۱۲–۶۵
اقامت ۲۶–۳۷
زیربخشی شده برحسب درآمد ۴–۱۶۰
زیربخشی کردن بر حسب ویژگی‌های شخص مرجع ۴–۱۶۳
خانوارهای غیرمقیم دریافت کننده‌ی مزایای بازنشستگی ۱۷–۱۹۹
خانوارهای فردی
خانه‌های قایقی ۱۰–۸۳
خانه‌های متحرک ۱۷–۳۱۸
خانه‌ی تعطیلات ۲۶–۳۳
خانه‌ی دوم ۲۴–۵۶، ۲۹– ۸۹
خدمات
زمان ثبت ۹–۳۳
تعریف ۶–۱۷
ملاکِ طرف سوم ۶–۱۶، ۲۹–۱۴۶
خدمات آموزشی ۴–۱۱۹، ۲۲–۲۰
خدمات ایجاد تغییر مؤثر ۶–۱۷، ۶–۱۸
خدمات بازرگانی و حمل و نقل ۱۴–۹
خدمات بدون مزد خانوار، ارزش‌گذاری ۲۹–۱۴۵
خدمات برای خود مصرفی در درون خانوارها ۹–۵۴
خدمات بیمه و صندوق بازنشستگی ۴–۲۹
خدمات پایش ۶–۱۵۷
خدمات پزشکی در محل کار ۸–۱۰۲
خدمات تسهیل کننده ۳–۶۹، ۶–۱۵۷
خدمات جمعی ۴–۱۱۷، ۸–۳۳، ۸–۱۴۲، ۹–۸۵، ۹–۹۶، ۲۲–۷، ۲۲–۱۷
مثال‌ها ۹–۹۷
نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH) ۹–۱۰۷
خدمات حمل و نقل ۱۴–۲۷، ۱۵–۱۶۶
خدمات حمل و نقل، حاشیه‌های بازرگانی و حمل و نقل را نیز ببینید
خدمات خانگی ۲–۱۶۷
خدمات خانگی و شخصی ۱–۳۹
خدمات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی ۱۴–۲۷
خدمات درون خانواری ۲۹–۴۴
خدمات سرمایه ۶–۲۴۵، ۷–۱۳، ۱۴–۱۵۷، ۱۸–۶۷، ۲۰–۱، ۲۰–۵، ۲۱–۵۱
به عنوان کنترل کیفیت داده‌ها ۲۰–۲۹
خدمات سلامت ۴–۱۱۹
خدمات سیاست پولی ۶–۱۵۱
خدمات غیربازاری ۱۵–۱۳۷
ارائه شده به تولیدکنندگان بازاری ۲۹–۶۱
خدمات فردی ۸–۱۰۳
خدمات مالی ۳–۶۷، ۴–۲۹، ۱۴–۲۹
در ارزش هیچ نوع دارائی مالی منظور نمی‌شود ۱۷–۲۳۴
خدمات مسکن ۲–۳
مالک ساکن ۶–۳۴، ۹–۵۴
خدمات مصرف جمعی ۹–۴
خدمات نظارتی ۶–۱۵۱، ۶–۱۵۳
خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به‌طور غیرمستقیم (FISIM) ۳–۶۷، ۶–۱۶۳، ۸–۲۴، ۱۱–۵۶، ۱۷–۳۰۴، ۱۷–۳۰۹، ۲۲–۷۱، ۲۴–۵۸، ۲۶–۶۰
خدمه ۱۹–۳۲، ۱۹–۳۳
مقیم ۲۶–۳۸
خرج، تعریف GFS ۲۲–۷۴
خرد کردنِ (تجزیه‌ی) شرکت ۲۱–۲۳
خرید کالاها و خدمات توسط دولت و NPISHها برای انتقال به خانوارها ۲–۹۸
خرید مدیران از داخل و خارج ۲۱–۲۳
خرید، وقتی به عنوان دو تراکنش ثبت می‌شود ۶–۶۷
خریداران
آزادی انتخاب ۱۵–۶۹
عدم آزادی در انتخاب قیمت ۱۵–۷۱
کاملاً آگاه ۱۵–۶۹
خریدارانِ مایل و فروشندگانِ مایل۳–۱۱۹، ۶–۱۲۴، ۲۶–۹۷
خسارت اتفاقی ۶–۱۴۷، ۶–۲۴۳
خسارت، بیمه ۱۷–۱
تعریف ۶۱۸۷، ۱۷–۵
رخداده ۱۷–۵
بیمه‌ی غیرزندگی ۱۷–۷۴
بیمه‌ی اتکائی ۱۷–۶۴
خسارت‌های بیمه، خسارت‌ها، بیمه را نیز ببینید
خسارت‌های تسویه نشده (معوقه) ۱۱–۱۰۵، ۱۷–۱۶
تعریف ۶–۱۸۷، ۱۷–۵
خسارت‌ها/ ادعاهای تعدیل شده ۶–۱۸۹، ۱۷–۲۱
خشکسالی ۱۲–۴۶

خصوصی سازی ۱۲–۶۶، ۲۱–۱۸، ۲۲–۴، ۲۲–۱۳۴، ۲۲–۱۳۷، ۲۲–۱۳۹
خط فقر ۲۴–۶۸
خطاها و از قلم افتادگی‌ها ۲۲–۷۷
خط‌مشی کلی شرکتی ۴–۷۷
خود اشتغال ۷–۳۰
خودروها، شرکت ۸–۱۰۰
خودروی شرکت ۷–۵۱،
خودگردانی ۴–۶، ۴–۶۹، ۴–۱۳۸، ۲۲–۲۰

د

داده‌های اداری ۱۹–۷۷، ۱۹–۸۰
داده‌های فیزیکی محیط زیست ۲۹–۱۰۷
داده‌های کارگاهی ۱۴–۳
داده‌های مرگ و میر ۱۲–۵۹
دارائی ۲–۳۳، ۲–۴۴، ۱۰–۸، ۱۱–۳
طبقه‌بندی متقاطع برحسب بدهکار ۲–۱۵۱
تعریف ۳–۵، ۳–۵۰
بیان شده به ارزخارجی، منفعت ناشی از نگه‌داشتن ۲–۱۲۰
ایجاد شده تحت یک قرارداد فروش ۱۰–۵۵
ورود به ترازنامه ۳–۴۲
خروج از ترازنامه ۳–۴۲
طول عمر مورد انتظار ۲۰–۵۵
عمر بی‌پایان ۷–۱۰۹
تولید شده بوسیله کار اجتماعی (مشترک) ۱۰–۵۶
تولید شده برای استفاده‌ی مشترک خود ۱۰–۵۸
تولید شده به حساب خود ۱۰–۵۴، ۱۰–۸۹
ارتباط با اقامت ۳–۳۹
ارزشِ باقی مانده ۱۷–۳۴۴
مالکیت شریکی ۱۷–۳۴۴
با دوره‌ی تولید طولانی ۱۰–۵۴
دارائی تولید شده ۲–۳۵، ۳–۳۷، ۱۰–۹
دارائی تولید نشده ۲–۳۵، ۳–۳۷، ۱۰–۹، ۱۰–۱۴، ۲۶–۷۱
دارائی ثابت ۱–۴۶
ویژگی‌های تشخیص ۱۰–۱۱
تملک در مقابل اجاره ۱۴–۴۳
دارائی غیرمالی ۲–۳۵، ۳–۳۷، ۱۰–۲
دارائی مالی ۱–۴۶، ۲–۳۵، ۳–۳۷
ملاک ۱۱–۱۵
تعریف ۳–۳۶، ۱۱–۸
دارائی‌های بازاریابی
تعریف ۱۰–۱۹۸
دارائی‌های ثابت موجود ۱۰–۳۶، ۱۰–۳۸
دارائی‌های دست دوم ۱۴–۱۰۷
دارائی‌های ذخیره ۱۱–۴۵، ۲۶–۷۴، ۲۶–۷۵، ۲۶–۸۲
تعریف ۲۶–۹۵
دارائی‌های زیرزمینی ۷–۱۰۹، ۷–۱۵۹، ۱۲–۱۷
دارائی‌های غیرمتحرک متعلق به غیرمقیم‌ها ۱۰–۵۶
دارائی‌های مالی و بدهی‌ها، انتقال ریسک ۳–۲۹
دارائی‌های موجود ۱۴–۱۰۷
دام شیرده ۱۰–۹۲
دانش ۱۰–۱۰۳
دانشجویان ۱۹–۲۱، ۱۹–۳۲
وضعیت شغلی ۷–۳۲
اقامت ۲۶–۳۸
دانشگاه‌ها ۲۳–۲۷
در معرض ریسک قرار گرفتن ۲۶–۱۰۴
درآمد ۱–۶
دهک‌ها ۲۴–۳۲
مفهوم اقتصادی ۸–۲۵
ایجاد ۱–۱۸
خارج از دسترسی برای خرج کردن ۲۴–۸۲
از پیش تخصیص داده شده به پس‌انداز ۲۴–۷۱
توزیع اولیه ۱–۱۸
بازتوزیع ۱–۱۸
استفاده ۱–۱۸
درآمد اولیه ۷–۲، ۷–۳، ۱۵–۱۵–۱۹۴
درآمد توزیع شده‌ی شرکت‌ها ۷–۲۵
درآمد توزیع نشده ۹–۱۱
درآمد خالص ملی (NNI) ۷–۲۰
درآمد خالص ملی ۱۶–۵۵
درآمد دارائی ۲–۹۲، ۷–۲، ۷–۱۶، ۷–۱۰۷، ۱۱–۱۰۳، ۱۴–۲۹، ۱۶–۹، ۱۸–۶۵، ۲۴–۳، ۲۶–۵۸، ۲۸–۷۳
درآمد سرمایه‌گذاری ۶–۱۹۳، ۷–۱۷، ۷–۲۳، ۷–۱۰۷، ۷–۱۸، ۱۷–۷۳، ۱۷–۱۳۶، ۲۶–۵۹، ۲۶–۶۲، ۲۶–۷۷

مستمری سالانه ۱۷–۷۳
تخصیص یافتنی به دارنده‌ی ضمانت ۱۷–۲۲۰
تخصیص یافتنی به دارنده‌ی بیمه‌نامه ۱۷–۱۸، ۱۷–۵۲، ۱۷–۱۱۳، ۱۷–۱۱۴
بیمه‌ی زندگی ۱۷–۵۳
بیمه‌ی غیرزندگی ۱۷–۴۷
تخصیص یافتنی به مستمری بگیر ۱۷–۷۲
پول و سپرده‌ها ۱۷–۲۴۷
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری ۱۷–۲۸۴
مشتقات مالی ۱۷–۲۶۲
مربوط به حق برخورداری از بازنشستگی ۱۷–۱۳۰، ۱۷–۱۳۴
دریافتنی توسط دارنده‌ی بیمه‌نامه‌ی بیمه‌ی اتکائی ۱۷–۶۴
درآمد عملیاتی
تعریف از GFS ۲۲–۶۵
درآمد غیرنقدی ۹–۵۱، ۱۷–۱۴۹، ۲۴–۵۹
درآمد قابل تصرف ۲–۹۷، ۸–۲، ۸–۱۰، ۸–۲۰، ۹–۷، ۱۶–۱۴
درآمد قابل تصرف تعدیل شده ۲–۱۰۰، ۸–۳۲، ۸–۱۴۴، ۹–۷
درآمد قابل تصرف ملی (NDI) ۸–۲۶
درآمد قابل توزیع شرکت‌ها ۷–۱۳۱
درآمد کارآفرینی ۱–۶۸، ۲–۹۴، ۷–۲۲
درآمد مختلط ۶–۱۲۶، ۷–۹، ۷–۱۷، ۷–۳۰، ۱۶–۷، ۱۹–۲۵، ۲۰–۴۹، ۲۸–۲۹
درآمد ملی ۷–۱۸، ۷–۲۰، ۱۶–۱۱، ۱۶–۵۵
درآمد ملی واقعی ۱۹–۱۴
درآمد ناخالص داخلی واقعی ۱۵–۱۸۸
درآمد ناخالص قابل تصرف ملی ۲–۱۴۵
درآمد ناخالص ملی (GNI) ۷–۲۰، ۱۶–۱
تعریف ۱۶–۵۴
درآمد ناخالص ملی ۱–۳۴، ۲–۱۴۳، ۱۶–۵۴
درآمد نهائی ۱۹–۵۶
درآمد واقعی ۱۵–۱۸۲
درآمدهای اختیاری ۲–۱۶۱
درخت تصمیم‌گیری ۴–۲۵، ۲۲–۳۷
درختان، محصولات زراعی و منابع گیاهی با حاصل دهی مکرر ۱۰–۹۵
درمان پزشکی ۹–۱۶
درونِ بورس ۱۱–۱۱۳
دریافت هرنوع عایدات بازسرمایه‌گذاری ۱۷–۲۸۸
دزدی‌های معمولی ۶–۴۶
دستنامه‌های شاخص قیمت ۱۵–۳
دستنامه‌ی آمارهای پولی و مالی (MFSM) ۲۷–۴، ۲۷–۷، ۲۷–۱۲، ۲۹–۸۶
دستنامه‌ی آمارهای مالی دولت ۲۰۰۱ (GFSM) ۲۲–۹۶، ۲۹–۸۶
دستنامه‌ی تراز پرداخت‌ها (BPM6) ۱۶–۲۸، ۲۹–۸۶
دستور کار پژوهش ۷–۱۴۰
دعوت به اظهار نظر (ITC) ۲۱–۶۲
دفاتر مبادله‌ی ارز خارجی ۱۷–۲۲۹
دقت ۱۸–۳، ۱۸–۱۲
دنیای خارج ۱–۱۱، ۳–۱۱۷، ۴–۳۷، ۴–۱۷۲، ۱۷–۱۰
بخش مجازی ۲–۲۰، ۴–۳۷، ۲۶–۲
تعریف ۴–۱۷۲
دیدگاه ۲۶–۱۰
دور سوم توزیع درآمد ۲–۹۹
دوره‌ی اجرا، ESO ۱۱–۱۲۵
دوره‌ی حسابداری ۱۵–۳
دوره‌ی مرجع ۱۹–۷۶
دولت ۴–۳۰، ۴–۱۱۸، ۲ –۱۷، ۲۸–۲۸
روش جایگزین زیربخشی کرد ن ۴–۱۴۸
مجری طرح بیمه‌ی اجتماعی ۸–۷۶
مخارج مصرفی ۱۴–۹۶
مخارج مصرف نهائی ۹–۱۱۴، ۸–۱۱۴
برون خاک‌ها در دنیای خارج ۲۲–۵۱
مخارج مصرفی نهائی به نفع بنگاه‌ها ۹–۱۰۱
مخارج مصرف نهائی، مربوط به دولت
ستانده ۹–۸۸
نقش در بخش‌های کلیدی ۲۹–۲۸
دولت ایالتی ۴–۳۰، ۴–۱۱۸
زیربخش ۴–۱۴۰
دولت با کمتر یا بیشتر از سه سطح دولت ۴–۱۳۳
دولت محلی ۴–۳۰، ۴–۱۱۸
دولت ملی ۲۲–۱۹
دیپلمات‌ها، پرسنل نظامی و غیره، اقامت ۲۶–۳۸
دین ۲۲–۱۲۰
معوقه ۲۲–۱۲۰
به عهده گرفتن مسئولیت ۲۲–۱۱۸، ۲۶–۱۰۷

فسخ ۱۰–۲۰۵
فسخ، با توافق دوجانبه ۱۰–۲۱۰
ارفاقی ۲۲–۱۲۳
تبدیل ۲۶–۱۰۷
سوآپ (معاوضه‌ی) دین با سهام ۲۲–۱۱۶
بدهی‌زدائی ۱۲–۴۲، ۲۲–۱۲۲
تعریف ۲۲–۱۰۴
بخشش ۱۰–۲۰۵، ۱۲–۳۹، ۲۲–۱۰۷، ۲۶–۱۰۷
ابزارها ۱۱–۱۱۲
تعریف ۲۶–۱۰۳
پرداخت‌ها از طرف دیگران ۲۲–۱۹
بازتأمین مالی ۲۲–۱۱۴، ۲۶–۱۰۷
سازماندهی مجدد ۲۶–۱۰۶
انکار ۱۲–۴۱، ۲۶–۱۰۸
تمدید مهلت ۲۱–۵۹، ۲۲–۱۱۱، ۲۶–۱۰۷
تجدید ساختار ۲۶–۱۰۶
کاهش ارزش ۲۶–۱۰۸
مستهلک کردن ۲۲–۱۱۶، ۲۶–۱۰۸
دیون بد ۲۱–۵۶

ذ

ذخائر ۳–۴۱، ۷–۱۲۹، ۱۱–۲۳، ۱۷–۱۵، ۲۱–۶۵
دیون بد ۱۰–۲۱۱
جایزه‌ها و تخفیف‌ها ۱۳–۷۷
ضمانت‌های استاندارد ۱۷–۲۲۳
ذخائر برای بیمه‌ی همراه با سود ۱۷–۱۷
ذخائر برای مزایای غیربازنشستگی ۱۷–۹۹
ذخائر بیمه‌سنجی برای بیمه‌ی زندگی ۱۷–۱۷
ذخائر تعادلی ۶–۱۸۹، ۶–۱۹۰، ۱۷–۲۳
ذخائر خارجی ۱۷–۲۴۴
ذخائر فنی ۶–۱۹۰، ۶–۱۹۴
ذخائر فنی بیمه ۶–۱۸۸
ذخائر معدنی ۱۰–۱۷۹، ۱۷–۳۴۰
زوال ۱۷–۳۴۳
استخراج ۱۷–۳۴۲
متعلق به واحدهای مقیم ۱۷–۳۴۱
ذخیره‌ی ارزش اقتصادی ۲–۳۵، ۲–۱۲۲
ذخیره‌ی نقدینگی ۶–۱۵۷

ر

رابطه مبادله بازرگانی ۲–۱۴۶، ۱۵–۵، ۱۵–۱۸۵
تعریف ۱۵–۱۸۷
رابطه مبادله‌ی بازرگانی، روش محاسبه‌ی گی‌یری ۱۵–۱۹۱
رابطه‌ی اشتغال ۸–۷۶
راهنمای دیون خارجی ۲۶–۱۰۴
رخدادهای احتمالی ۸–۶۵، ۱۱–۲۲، ۱۷–۱۵، ۱۷–۸۷، ۱۷–۲۱۲
رخدادهای استثنائی ۲–۱۱۴، ۱۲–۹
رده‌های کارکردی ۲۶–۷۳، ۲۷–۲۱
اهداف ۲۶–۷۴
رسید سپرده‌گذاری ۱۱–۸۴
رشته‌ی کسب و کار بیمه ۱۷–۲۷
رشد اقتصادی ۱–۲۶
رشد طبیعی
ثبت ناخالص و خالص ۱۲–۲۰
منابع زیستی کشت نشده ۱۲–۱۹
رشد، حجم GDP ۱–۲۶
رفاه ۱–۷۵، ۱۹–۱۴
رفتار کارگزاران اقتصادی ۱۷–۲۰۸
روابط غیرمستقیم سرمایه‌گذاری مستقیم ۲۶–۸۶
روش EKS ۱۵–۲۰۶، ۱۵–۲۱۸
مزایا ۱۵–۲۲۰
روش تک نماگری ۱۵–۱۳۵
روش جایگزین برای رده‌بندی زیربخشیِ دولت ۴–۱۴۸
روش حجم ستانده ۱۵–۱۱۸، ۱۵–۱۲۲
روشِ در طول سال ۱۵–۴۶
روش گی‌ئری برای محاسبه‌ی رابطه‌ی مبادله‌ی بازرگانی۱۵–۱۹۱
روش موجودی‌گیری دائمی ۳–۱۳۷، ۶–۱۰۶، ۶–۱۰۷، ۶–۲۱، ۶–۲۵۲، ۶–۲۵۳، ۱۵–۱۶۹، ۲۰–۸۰
روش نمونه‌های جفت شده ۱۵–۸۰
روش نهاده ۱۵–۱۱۹، ۱۵–۱۲۳
روش‌های اقتصادسنجی ۱–۳۰
روش‌های ریاضی، برای درون‌یابی و برون‌یابی ۱۸–۴۱
رویه‌ی تعدیل کیفیت ۱۵–۷۷
رهن ۱۱–۶۷، ۲۴–۵۸

رهیافت بدهکار ۱۷–۲۶۱
رهیافت بستانکار ۱۷–۲۶۱
رهیافت بلوکی، ICP ۱۵–۲۱۳
مزایا ۱۵–۲۱۵
رهیافت ترکیبی برای تبدیل داده- ستانده ۲۸–۶۴
رهیافت تکنولوژی ۲۸–۴۸
رهیافت حلقه‌ای ۱۵–۲۲۲
رهیافت دوتائی، ICP ۱۵–۲۱۷
رهیافت ساختار فروش ۲۸–۴۹
رهیافت منطقه‌ای کردن PPPها ۱۵–۲۲۱
ریسک ۳–۲۳، ۳–۲۷، ۱۰–۵، ۱۱–۱۱۲، ۱۷–۱، ۱۷–۷، ۱۷–۳۰۰
در طول زمان ۳–۲۴
ریسک تولید ۳–۲۳
ریسک‌ها و پاداش‌ها ۲–۴۷، ۲۸–۱۵
ریسک‌های منقضی نشده ۱۷–۲۵

ز

زمان استراحت ۲–۱۳۰، ۱۶–۲۸، ۲۸–۷۱
زمان ثبت ۲–۵۴، ۳–۱۵۹، ۳–۱۶۹، ۱۸–۳۴
BPM6 ۲۶–۲۰
BPM6 در مقابل IMTS ۲۶–۵۳
ادعاهای مالی ۱۱–۳۷
نهاده‌های واسطه ۶–۷۵
ستانده ۶–۷۵
کار در جریان ساخت ۶–۹۰
زمان رفت و آمد ۱۹–۵۲
زمان کار، تعریف ۱۹–۵۰
زمان وعده‌های غذائی ۱۹–۵۲
زمین ۷–۲، ۷–۱۰۹، ۱۷–۳۲۶، ۲۰–۴۱
تعریف ۱۰–۱۷۵
تفکیک ۱۰–۱۷۸
پیدایش اقتصادی ۱۲–۲۱
جنگلی ۱۷–۳۲۹
بهسازی‌ها ۱۰–۴۴، ۱۰–۷۹، ۱۲–۲۱
بهره‌ی مالکانه ۲۰–۶۵
زمین تولید نشده ۱۰–۸۰
زمین‌لرزه ۱۲–۴۶
زمین‌های جنگلی ۱۷–۳۲۹
زنجیره‌ای کردن ۱۵–۳۷، ۱۵–۹۷
حساب‌های فصلی ۱۸–۴۳
داده‌های فصلی ۱۵–۴۴
زنجیره‌ی مالکیت ۲۱–۳۷
زوال دارائی‌ها ۱۲–۹۴
زوال فیزیکی ۱۲–۵۲
زیان‌های استثنائی
حیوانات ۱۰–۹۴
به سبب شرایط سخت آب و هوائی ۱۰–۹۶
موجودی انبار ۱۲–۵۸
زیان‌های سازمان‌های بازرگانی دولت ۷–۱۰۳، ۷–۱۰۵
زیان‌های مکرر ۶–۱۰۹، ۶–۱۴۷، ۶–۱۴۸
از موجودی‌های انبار ۱۰–۱۳۰، ۱۲–۹۸
زیان‌های ناشی از بلایا ۱۲–۴۶
زیان‌های ناشی از نگه‌داشتن ، منفعت ناشی از نگه‌داشتن را نیز ببینید
زیر بخش دولت ۴–۱۳۴
زیر بخش دولت محلی ۴–۱۴۵
زیربخش ۲–۱۸، ۴–۱، ۴–۳۳
شرکت‌های مالی ۴–۱۰۲
دولت ۴–۱۲۸
خانوارها ۴–۱۵۸، ۲۴–۲۷، ۲۴–۴۴
شرکت‌های مالی ۴–۹۷
زیربخش بازنشستگی، تعریف ۴–۱۱۶
زیربخش صندوق بازنشستگی ۴–۱۱۶
زیربخش صندوق‌های تأمین اجتماعی ۴–۱۴۷
زیربخشی کردن خانوار
ویژگی‌های جمعیتی ۲۴–۴۳
میزان درآمد ۲۴–۳۲
شخص مرجع ۲۴–۴۰
نوع درآمد ۲۴–۳۶
دررابطه با آمارگیری‌ها ۲۴–۲۶

س

ساخت جاده ۲۲–۲۰
ساخت و ساز ۱۴–۲۷
در تراز پرداخت‌ها (BPM6) ۲۶–۵۷

ساخت و ساز اجتماعی (اشتراکی) ۶–۱۲۷، ۱۰–۲۱۲، ۱۹–۲۶، ۱۹–۴۱، ۲۳–۴۳
ساختار ثابت فروش صنعتی (رشته‌فعالیتی) ۲۸–۵۷
ساختار ثابت فروش محصول ۲۸–۵۷
ساز و کار شاخصی کردن
اوراق بهادار ۱۷–۲۷۵
سازگاری ۲–۱۴، ۲–۱۶۰
بین نظام‌های مختلف آماری ۱–۵۸
طبقه‌بندی ۳–۱۶
SNA ۱–۱
مربوط به چارچوب محوری ۲–۲
حسابداری چهار طرفه ۳–۱۷
زمان ثبت ۳–۱۶
ارزش‌گذاری ۳–۱۶
سازمان بین‌المللی کار (ILO) ۶–۳۱
سازمان‌دهی مجدد شرکت ۱۲–۶۶
سازمان‌های بین‌المللی ۲۶–۲۶
ویژگی‌ها ۴–۱۷۳
سازمان‌های شبه غیردولتی ۲۳–۲۶
سازمان‌های عام‌المنفعه ۲۳–۱۶
سازمان‌های غیردولتی ۲۳–۱۹
سازمان‌های فرهنگی و هنری ۲۳–۱۹
ساعات کار پرداخت نشده ۱۹–۶۷
ساعات مستقیم ۱۹–۵۱
ساعت‌های کار شده ۱۹–۷۸
ساعت‌های مرتبط ۱۹–۵۱
ساعت‌های واقعی کار شده ۱۹–۵۱
سایر اقلام ثبت شده انباشت ۲–۳۰
سایر انتقالات جاری ۷–۲، ۸–۱۹، ۸–۱۱۳، ۱۰–۲۱۰
سایر جریان‌ها ۳–۷، ۳–۵۰، ۱۲–۱
تعریف ۳–۹۹
سایر حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی ۱۷–۲۹۴، ۱۷–۲۹۶، ۱۷–۳۵۱
منفعت یا زیان ناشی از نگه‌داشتن ۱۲–۱۱۹
بهره‌ی مدیون به پرداخت ۱۳–۸۴
سایر حقوق سهامداران، تعریف ۱۱–۸۸
سایر خدمات مالی ۶–۱۵۷
سایر سازه‌ها ۱۰–۷۶
سایر سپرده‌ها ۱۱–۵۹
طبقه‌بندی متقاطع ۱۱–۶۳
سایر سپرده‌های انتقال‌پذیر، تعریف ۱۱–۵۸
سایر سرمایه‌گذاری، تعریف ۲۶–۹۴
سایر شرکت‌های مالی ۴–۹۸، ۴–۱۰۱
سایر کارهای در جریان ساخت ۱۰–۱۴۱
سایر ماشین‌آلات و تجهیزات ۱۰–۸۶
سایر مالیات‌ها بر تولید ۶–۵۰، ۶–۸۰، ۷–۷، ۷–۹۷
پروانه‌ها ۱۷–۳۵۰
سایر محصولات مالکیت فکری ۱۰–۱۱۷
سایر مزایای اجتماعی ۸–۶۷
سایر مزایای بیمه‌ی اجتماعی اشتغال محور ۸–۱۰۹
سایر منابع طبیعی ۱۰–۱۸۵
سایر نهادهای مالی ۱۷–۲۲۷، ۱۷–۲۲۹
سایر واسطه‌گری‌های مالی بجز شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی، تعریف ۴–۱۰۹
سایر یارانه‌ها بر تولید ۷–۱۰۶
سایر یارانه‌ها بر محصول ۷–۱۰۵
سایر یونیت‌ها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری، تعریف ۱۱–۱۰۰
سپرده‌ها و وام‌ها، منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۱۲–۱۰۶
سپرده‌های از دست رفته ۱۷–۳۸۳، ۱۷–۳۸۶
سپرده‌های انتقال‌پذیر
طبقه‌بندی متقاطع ۱۱–۵۵
تعریف ۱۱–۵۴
سپرده‌های پس‌انداز ۱۱–۵۹
سپرده‌های دارای مدت ثابت ۱۱–۵۹
سپرده‌های ذخیره ۷–۱۲۲
ستانده ۲–۸۶، ۶–۸۹، ۱۴–۱۱۵، ۱۵–۱۲۰
کشاورزی ۶–۱۳۷
مستمری سالانه ۱۷–۷۲
بانک مرکزی ۶–۱۵۱
فروخته شده به عنوان تولید غیربازاری ۶–۱۵۲
کالاها یا خدمات ۶–۲۴
شرکت‌های بیمه ۱۷–۲۶
بیمه‌ی زندگی ۱۷–۵۳
ارزش‌گذاری تولیدکنندگان بازاری ۶–۹۳
بیمه‌ی غیرزندگی ۱۷–۴۶

بیمه‌ی اتکائی ۱۷–۶۱
طرح بیمه‌ی اجتماعی ۱۷–۱۱۴
طرح‌های ضمانت استاندارد ۱۷–۲۱۹
زمان ثبت ۶–۷۵
ارزش‌گذاری ۶–۷۵
ستانده برای استفاده‌ی نهائی خود ۱۵–۱۲۶
اجزاء ۶–۱۱۴
تعریف ۶–۱۱۴
ارزش‌گذاری ۶–۱۲۴
ستانده در برابر نتیجه کار، مشکلات اندازه‌گیری ۱۵–۱۲۱
ستانده‌ی بازاری
اجزاء ۶–۹۹
تعریف ۶–۹۹
در دسترس براساس هزینه‌های اسمی ۶–۱۳۱
ستانده‌ی غیربازاری ۶–۹۷
ستانده‌ی غیربازاری، تعریف ۶–۱۲۸
ستانده‌ی غیربازاری، متمایز از ستانده برای استفاده خود ۶–۱۲۸
ستانده‌ی غیربازاری، منطق ۶–۹۸
ستانده‌ی غیربازاری، ارزش‌گذاری ۶–۹۴
ستانده‌ی کشاورزی ۶–۱۳۷
سررسید اولیه ۲۶–۱۰۵
سررسید باقی مانده ۲۶–۱۰۵، ۲۷–۲۰
سرریز ۱۰–۱۰۲
سرزمین اقتصادی ۴–۱۰، ۴–۱۱، ۴–۱۲، ۲۶–۲۶
سرسید ۱۲–۴۰، ۲۷–۲۰
سرشماری جمعیت ۱۹–۹،۱۹–۷۷
سرفصل ۱۱–۱۱۲
سرفصل‌های اولیه ۱۵–۲۰۶، ۱۵–۲۲۹
سرقت ۶–۱۴۷
سرقفلی خریداری شده و دارائی‌های بازاریابی ۳–۴۴، ۱۰–۱۷، ۱۰–۱۹۶، ۱۲–۳۳
تعریف ۱۰–۱۹۹
کاهش ارزش ۱۲–۳۴
سرقفلی، سرقفلی خریداری شده را ببینید
سرمایه‌گذار مستقیم ۲۱–۳۴، ۲۶–۸۱
سرمایه‌گذاران اجتماعی ۲۳–۲۵
سرمایه‌گذاران بدره ۲۶–۸۱
سرمایه‌گذاری بدره، تعریف ۲۶–۹۱
سرمایه‌گذاری به سمت خارج ۷–۳۰، ۷–۳۳، ۷–۳۴
سرمایه‌گذاری به سمت داخل ۲۱–۳۹
سرمایه‌گذاری سهام ۲۲–۱۳۵
بازگشت ۲۲–۱۳۶
سرمایه‌گذاری در تشکیل سرمایه برابر است با پس‌انداز بعلاوه خالص وام‌گیری از دنیای خارج ۱۷–۲۲۶
سرمایه‌گذاری در مقابل مصرف ۱–۵۲
سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر ۱۱–۸۷
سرمایه‌گذاری مستقیم ۲۱–۴۱، ۲۱–۴۲، ۲۶–۸۷
تعریف ۲۶–۸۴
سرمایه‌گذاری مستقیم به سمت خارج ۲۶–۸۹
سرمایه‌گذاری مستقیم به سمت داخل ۲۶–۸۹
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) ۱۱–۱۲۹، ۱۳–۹۵، ۲۱–۲۰، ۲۱–۳۲، ۲۷–۲۱
سرمایه‌گذار مستقیم بعدی ۲۱–۴۶
کشور سرمایه‌گذار نهائی ۲۱–۴۵، ۲۱–۴۶
سرمایه‌گذار نهائی ۲۱–۴۴
سرمایه‌گذاری مشترک ۱۷–۳۴۷
تعریف ۲۲–۵۶
سرمایه‌گذاری معکوس ۲۶–۸۶
سرمایه‌گذاری‌های مشترک غیرشرکتی (UJV) ۱۷–۳۴۷
سرمایه‌ی انسانی ۱–۵۴، ۲–۳۴، ۲–۱۶۷، ۳–۴۶، ۳–۴۸، ۱۷–۳۶۸، ۲۹–۱۲، ۲۹–۴۵
سرمایه‌ی سهام ۷–۱۲۸، ۲۲–۱۳۵
سرمایه‌ی وام گرفته شده ۷–۱۲۸
سری‌های تغییر سال پایه ۱۵–۶۰
سری‌های حجمی زنجیره‌ای سالانه در مقابل فصلی ۱۵–۴۸
سری‌های زمانی ۱۸–۳، ۱۸–۹
سفارتخانه‌ها ۴–۱۱، ۴–۴۹
سلسله مراتب طبقه‌بندی ۳–۱۲
سنجه‌های حجم ۱۸–۲۲
سنجه‌های درآمد واقعی ۱۵–۱۹۲
سنجه‌های فعالیت اقتصادی ۱–۱
سنجه‌های فیزیکی نهاده‌ی نیروی کار۱۹–۵۸
سنجه‌های مبتنی بر خسارت ۲۹–۱۲۶
سنجه‌های ملی پول وسیع ۱۱–۷۵، ۲۶–۷۶

سنجه‌های هم‌افزوده‌ی درآمد واقعی ۱۵–۱۹۲
سنجه‌ی تولید GDP ۱۶–۴۱، ۱۸–۵۷
سنجه‌ی درآمد GDP ۱۶–۴۱، ۱۶–۵۱، ۱۸–۶۱
سنجه‌ی مخارج GDP ۱۶–۴۱، ۱۸–۶۰
سنگ‌ها و فلزات قیمتی ۹–۵۷
سوآپ ۷–۱۱۵، ۱۱–۱۱۴، ۱۱–۱۲۱
طلا ۱۱–۷۳، ۱۱–۷۷
نرخ بهره
سوآپ ارز خارجی ۱۱–۱۲۱
سوآپ طلا ۱۱–۷۳، ۱۱–۷۷
سوآپ نرخ بهره ۱۱–۱۲۱
سوآپ نرخ بهره‌ی دو پول متفاوت ۱۱–۱۲۱
سود بازسرمایه‌گذاری شده ۷–۲۳، ۱۳–۹۰، ۲۶–۶۳، ۲۶–۸۸
سرمایه‌گذاری مستقیم ۲–۲۴
بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم ۱۷–۲۸۵
منفی ۲۶–۶۴
سود تقسیم شده ۷–۲۳، ۷–۱۲۸، ۷–۱۵۱، ۱۱–۹۰، ۲۲–۱۳۶
از بانک مرکزی ۲۲–۱۵۲
سود تقسیم شده در مقابل برداشت حقوق سهامداران ۱۷–۲۸۴
سود تقسیم شده زمان تسویه ۱۱–۹۰
سود تقسیم شده‌ی فوق‌العاده ۷–۱۳۱، ۷–۱۳۴، ۱۱–۹۰
سود تقسیم نشده (عایدات باقی مانـده) ۳–۶۴، ۷–۱۵۱، ۹–۱۱، ۱۳–۹۰، ۲۶–۶۳
سود توزیع شده ۷–۱۲۷
سود توزیع نشده ۷–۱۲۹
سه سنجه‌ی GDP ۱۸–۱۴
سه فعالیت اقتصادی ۳–۱۹، ۴–۱۷
سهام ۱۱–۸۴
بدون سود تقسیم شده ۷–۱۳۰، ۱۷–۲۸۴
سهام پذیرفته شده در بورس ۱۱–۸۶
تعریف ۱۱–۸۶
سهام ثبت نشده در بورس، تعریف ۱۱–۸۷
سهام جایزه ۷–۱۲۹، ۱۱–۸۹
سهام صندوق سرمایه‌گذاری
طبقه‌بندی تکمیلی ۱۱–۱۰۱
سهام ممتاز غیرمشارکتی ۱۱–۶۶
سهام ممتاز مشارکتی ۱۱–۸۴
سهام، ثبت شده در بورس
تعریف ۱۱–۸۶
سهام، جایزه ۱۱–۸۹
سهام خصوصی ۱۱–۸۷
سهامدار ۷–۱۲۷
سهم در رشد ۱۵–۶۳
سهم کمک به سازمان‌های بین‌المللی ۸–۱۲۸
سهم‌بری (مزارعه) ۷–۱۵۶
سهم ممتاز ۴–۶۹، ۴–۸۰
سهمیه‌بندی ۱۵–۷۲
سیاست اقتصادی ۱–۳۱
سیاست‌گذاری ۱–۱، ۱–۱۰
سیستم تعادل عمومی ۱–۱۵
سیستم حساب‌های اقتصـادی و محـیط زیسـت (SEEA) ۳–۹۵، ۱۰–۱۷۸، ۱۰–۱۳۸، ۲۰–۴۸، ۲۹–۸۸، ۲۹–۱۰۳
اهداف ۲۹–۱۰۳
نماگرهای کلیدی ۲۹–۱۰۴
سیستم حساب‌های سلامت (SHA) ۲۹–۱۲۸
سیستم‌های تسلیحاتی ۶–۲۳۲، ۱۰–۸۲
سیف (CIF) ۳–۱۴۹، ۱۴–۷۰
سیلِ شدید (غیرعادی) ۱۲–۴۶

ش

شاخص Lowe ۱۵–۳۵
شاخص Young ۱۵–۳۴
شاخص پاشه
قیمت ۱۵–۱۸
حجم ۱۵–۱۸
شاخص تورن‌کویست ۱۵–۲۹، ۱۹–۵۶
شاخص توع لاسپیرز
قیمت ۱۵–۲۰۷
حجم ۱۵–۲۰۸
شاخص جبران خدمات ۱۹–۶۰
شاخص حجم از نوع پاشه ۱۵–۲۰۸
شاخص حجم، تعریف ۱۵–۱۳
شاخص دستمزد ۱۹–۶۰
شاخص فیشر ۱۵–۲۷، ۱۵–۳۲، ۱۵–۵۳

شاخص قیمت ۱۱–۷۰
شاخص قیمت از نوع پاشه ۱۵–۲۰۸
شاخص قیمت تولیدکننده‌ی نهاده‌ها ۱۵–۱۲۹
شاخص قیمت شبه ستانده ۱۵–۱۱۷
شاخص قیمت مصرف کننده ۱۲–۶۷، ۱۴–۱۶، ۱۴–۱۴۵، ۲۴–۶۷
  برای گروه‌های مختلف خانوارها ۲۴–۶۷
شاخص لاسپیرز ۱۹–۵۶
  قیمت ۱۵–۱۶
  حجم ۱۵–۱۷
شاخص‌های ارزشِ واحد ۱۴–۱۴۶، ۱۵–۱۴
شاخص‌های برترین ۱۵–۲۹
شاخص‌های تولیدات صنعتی (رشته‌فعالیتی) ۱–۲۹
شاخص‌های رفاه ۲۹–۱۲۷
شاخص‌های زنجیره‌ای ۱۵–۳۶
  مزایا و معایب ۱۵–۴۱
  حجمی لاسپیرز ۱۵–۴۰
  لاسپیرز در مقابل زنجیره‌ای برترین ۱۵–۵۱
  حجمی پاشه ۱۵–۴۰
  سری‌های حجمی جمع ناپذیر ۱۵–۵۹
شاخص‌های زنجیره‌ای سالانه ۱۵–۵۳
شاخص‌های زنجیره‌ای فصلی ۱۵–۴۵
شاخص‌های سطح قیمت ۱۵–۲۰۰
شاخص‌های قیمت ۱۸–۴، ۲۸–۶۳
  خدمات ۱۸–۲۶
  برتر ۱۵–۲۹
شاخص‌های قیمت واردات ۱۴–۱۴۶
شاخص‌های مقایسه‌ای سطح قیمت ۱۵–۲۰۴
شاخص‌های هزینه‌ی زندگی (COLIs) ۱۵–۲۳
شبکه‌ی امنیت اجتماعی ۱۷–۹۰
شبه شرکت‌ها ۴–۶۵، ۱۱–۸۸، ۱۱–۹۳، ۲۲–۴۴، ۲۴–۶، ۲۴–۲۹، ۲۵–۶۸، ۲۶–۳۰
  تعریف ۴–۴۲
  نیازهای یک ترازنامه ۴–۴۵
  نیازمند مجموعه‌ی کامل حساب‌ها ۴–۴۴
  تعریف اندازه نه قسمتی از ۴–۴۶
شبه منطقه ۱۸–۵۰
شخص بیکار
  تعریف ۱۹–۲۹
شرایط واقعی در مقابل حجم ۱۴–۱۵۳، ۱۵–۱۸۱
شراکت‌ها ۴–۴۱
شراکت‌های با مسئولیت محدود ۷–۱۲۹، ۲۱–۱۱
شراکت با مسئولیت محدود و دیگر شراکت‌ها ۱۱–۸۸
شرایط استخدام ۲۵–۲۷
شرح محصول ساخت‌مند ۱۵–۲۰۲
شرکت
  وابسته، تعریف ۴–۷۵
  ویژگی‌ها ۴–۳۸
  کنترل توسط غیرمقیم‌ها ۴–۳۳، ۴–۸۱
  پوشش ۴–۸۳
  پوشش برحسب نوع واحد ۴–۷
  ایجاد ۲۱–۹
  تعریف ۴–۷
  هدف‌های اقتصادی، کارکردها و رفتار ۴–۱۸
  نشانه‌های کنترل ۴–۱۸
  مالکیت ۴–۶۸
  زیربخش‌ها ۲۹–۲۹
  تابعه، تعریف ۴–۷۳
  برچیدن۲۱–۲۳
شرکت تابلوی سردر ۴–۵۶
شرکت تأسیس شده به صورت قانونی، تعریف ۴–۳۹
شرکت دولتی ۴–۳۴، ۴–۷۷، ۲۲–۲۷
  تجدید ساختار ۲۲–۱۴۷
شرکت مادر ۴–۵۱، ۴–۷۴
شرکت هلدینگ ۴–۵۴، ۲۱–۴۱، ۲۲–۴۹، ۲۲–۱۴۰
شرکت‌های بیمه ۴–۱۱۵، ۱۱–۱۰۳
شرکت‌های تحت کنترل خارجی ۲۱–۲۹
شرکت‌های ثبت نشده در بورس ۲۱–۱۵
شرکت‌های سپرده‌پذیر، تعریف ۴–۱۰۵
شرکت‌های سپرده‌گذاری
  مرتبط با پول وسیع ۲۷–۱۲
  سه زیربخش ۲۷–۱۴
شرکت‌های غیرمالی ۱–۱۰، ۲–۱۷، ۴–۱۹، ۴–۹۴، ۲۸–۲۹
  تعریف ۴–۹۴
شرکت‌های مالی ۱–۱۰، ۲–۱۷، ۴–۱۹، ۱۷–۲۲۶، ۲۸–۲۷

تعریف ۴–۹۸
زیربخش‌ها برحسب کنترل ۴–۱۰۳
زیربخش‌ها برحسب نوع فعالیت ۴–۱۰۲
نوع واحدها ۴–۹۸
در مقابل نهادهای مالی ۱۷–۲۲۷
شعبه
تعریف دستنامه‌ی تراز پرداخت‌ها (BMP6) ۲۶–۳۰
ویژگی‌ها ۴–۴۷
مجموعه‌ی کامل حساب‌ها، همراه با یک ترازنامه، وجود داشته باشد ۲۶–۳۰
مشمول نظام مالیاتی اقتصادی که در آن مستقر است شناخته شود ۲۶–۳۰
برای مدت یک سال یا بیشتر تولیدی به عهده داشته باشد ۲۶–۳۰
شعبه‌ها ۴–۱۳، ۴–۴۳، ۱۱–۸۸
شغل ۱۹–۶۱، ۱۹–۷۸، ۲۵–۷۹
تعریف
پنج رده‌ی ILO ۲۵–۵۷
شغل دوم ۱۹–۳۱
شغل‌های خالی ۱۹–۳۱
شکست بازار ۶–۱۲۶
شمش طلا ۱۱–۲۸، ۱۱–۴۵، ۱۷–۲۴۰، ۱۷–۲۴۲، ۲۶–۷۵
شناورها ۱۰–۸۳
شورای عالی پول ۲۲–۱۵۰

ص

صاحبان شرکت‌ها به صورت کارکن ۷–۳۰
صاحبان شرکت‌ها و شبه‌شرکت‌ها ۱۹–۲۱
صادرات ۱–۵۰، ۳–۱۴۹، ۱۴–۱۱۴، ۱۶–۵، ۲۶–۳
صادرات مجدد ۲۶–۵۴
صادرات و واردات ۱۵–۱۶۰
صلاحیت برای وام‌ها ۱–۳۴
صندوق بازنشستگی خودگردان ۸–۳۸
صندوق بازنشستگی، هزینه‌های اداره کردن ۱۷–۱۳۵
صندوق‌های بازار پولی ۱۱–۹۷
تعریف ۴–۱۰۷، ۱۱–۹۹
صندوق‌های تأمین اجتماعی ۴–۲۰، ۴–۳۰، ۴–۱۱۸، ۲۲–۲۱
تفاوت با طرح‌های تأمین اجتماعی ۴–۱۲۵
صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیربازار پولی ۱۱–۹۷
تعریف ۴–۱۰۸
صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک ۱۱–۹۶
صندوق‌های سرمایه‌گذاری ۱۱–۹۷، ۱۲–۱۱۳
تعریف ۱۱–۹۴
بازسرمایه‌گذاریِ درآمد سرمایه‌گذاری ۱۷–۲۸۶
صنعت (رشته‌فعالیت) ۲–۳۹، ۷–۳، ۱۴–۲۲
تعریف ۵–۲، ۵–۴۶
صنعت (رشته‌فعالیت) محیط زیست ۲۹–۱۱۵
صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) دارای اولویت ۷–۱۲۲
صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) کلیدی ۱۸–۵۸

ض

ضایعات ۶–۱۴۷
ضبط صوت ۱۰–۱۱۵
ضبط وثیقه ۱۲–۴۹
ضرائب داده– ستانده ۱۴–۴۲
ضرائب فنی ۲۸–۴۲
ضمانت
مشتق مالی ۱۷–۲۱۰
مشتقات مالی ۲۲–۱۲۷
دوره‌ی چند ساله ۱۷–۲۱۷
موردی ۱۷–۲۱۲
ضمانت برای خدمات بعد از فروش ۱۱–۳۳، ۱۱–۱۱۹
ضمانت محصول ۸–۱۲۵
ضمانت‌های دولت ۱۷–۲۲۲، ۲۱–۵۵، ۲۲–۳۲، ۲۲–۱۱۸
ضمانت‌های موردی ۱۱–۲۲، ۱۷–۲۱۲، ۲۲–۱۲۸

ط

طبقه‌بندی هدف‌های نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (COPNI) ۹–۱۰۸، ۱۴–۹۵، ۲۳–۳۰، ۲۰–۹، ۲۹–۱۷
طبقه‌بندی ابزارها، آمارهای مالی ۲۷–۱۶
طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی صنعتی (رشته‌فعالیتی) تمامی فعالیت‌های اقتصادی (ISIC) ۲–۳۹، ۵–۴، ۵–۲۴، ۵–۵۰، ۶–۱۲، ۶–۲۰۷، ۱۴–۳۲، ۲۳–۳۰، ۲۵–۴۶، ۲۸–۴۳، ۲۹–۲۴
طبقه‌بندی استاندارد صنعتی (رشته‌فعالیتی) تجارت بین‌الملل ۱۴–۳۶

طبقه‌بندی خرج‌های تولیدکنندگان بر حسب هدف ۱۴–۸۹، ۲۹–۹، ۲۹–۱۹
طبقه‌بندی کارکردهای دولت (COFOG) ۹–۸۵، ۹–۹۹، ۱۴–۹۶، ۲۲–۸۶، ۲۹–۹، ۲۹–۱۵
طبقه‌بندی کارکردی ۲–۱۵۴، ۲۹–۲، ۲۹–۹
طبقه‌بندی کارکردی تراکنش‌های مالی ۲۶–۴۸
طبقه‌بندی محصولات۵–۴
طبقه‌بندی محوری محصولات (CPC) ۲–۳۷، ۵–۵۰، ۹–۷۱، ۹–۸۵، ۹–۱۰۸، ۱۰–۸۵، ۱۰–۸۶، ۲۹–۲۴
طبقه‌بندی مخارج براساس هدف۹–۱۴
طبقه‌بندی مصرف فردی بر اساس هدف (COICOP) ۹–۷۱، ۱۴–۹۴، ۲۴–۶۷، ۲۸–۷۹، ۲۹–۹، ۲۹–۱۳
طراحی پرسشنامه ۲۵–۸۱
طرح احداث، تملک، بهره برداری، انتقال مالکیت (BOOT) ۱۰–۵۹
طرح بازنشستگی حق بیمه‌ی تعیین شده ۷–۵۹، ۷–۱۴۷، ۱۳–۷۸، ۱۷–۱۷۶
تعریف ۱۷–۱۲۸
طرح بازنشستگی غیر مشارکتی ۷–۶۹
طرح بازنشستگی مزایای تعیین شده ۷–۵۹، ۷–۱۴۷، ۷–۱۴۹، ۱۳–۷۸، ۱۷–۱۴۴
تعریف ۱۷–۱۲۹
صندوق فرضی ۱۷–۱۳۱
طرح بیمه‌ی اجتماعی ۲–۹۶، ۶–۲۰۱، ۷–۲، ۸–۴، ۸–۵، ۸–۶۵، ۹–۲۰، ۱۶–۱۲، ۱۷–۷۶
طرح بیمه‌ی قراردادی ۱۷–۸۷
تعیین ۱۷–۸۸
نیاز به درگیری طرف ثالث ۱۷–۸۷
شرایط صلاحیت ۸–۷۳
حق‌بیمه‌های دارای صلاحیت ۱۷–۱۱۶
مسولیتِ اداره کردن ۸–۷۶
اجرا توسط کارفرما ۶–۲۰۳
اجرا توسط شرکت بیمه ۶–۲۰۴
حق‌الزحمه‌ی خدمات ۸–۸۰
بدون پشتوانه ۱۷–۱۰۴
طرح بیمه‌ی اجتماعی غیر از اداره‌ی تأمین اجتماعی ۱۷–۹۱
طرح تأمین مالی خصوصی ۱۰–۵۹
طرح چند کارفرمائی ۶–۲۰۱، ۶–۲۰۵، ۱۷–۹۲، ۱۷–۱۲۲، ۱۷–۱۲۹، ۱۷–۱۳۱، ۱۷–۱۵۱، ۱۷–۱۶۴
طرح حقوق نهائی ۷–۱۴۹
طرح خرید پولی ۱۷–۱۲۷
طرح مالکیت سهام ۱۷–۳۹۶
طرح‌های بازنشستگی ۸–۳۷، ۹–۲۱
افزایش خدمت جاری ۱۷–۱۴۵، ۱۷–۱۵۲
تعریف ۱۱–۱۰۷
سایر تغییرات در ۱۷–۱۷۷
افزایش خدمت گذشته ۱۷–۱۴۵
ارزش حال ۱۷–۱۴۷
حمایت از ۱۷–۱۲۱
دوره‌ی واجد شرایط بودن ۱۷–۱۵۴
به رسمیت شناختن به عنوان تأمین اجتماعی ۱۷–۱۲۱
هزینه‌های اداره کردن ۱۷–۱۴۸
خودگردان ۱۷–۱۳۱
طرح‌های بیمه، بازنشستگی و ضمانت استاندارد ۱۱–۱۰۳
طرح‌های تأمین مالی خُرد ۱۷–۲۵۱، ۲۳–۴۶
طرح‌های ضمانت استاندارد ۳–۴۰، ۶–۲۰۶، ۷–۱۴۳، ۸–۱۱۵، ۱۱–۱۱۰، ۱۲–۶۲، ۱۷–۲۱۱، ۲۲–۱۲۶، ۲۷–۳۴
موازی با بیمه‌ی غیرزندگی ۱۷–۲۱۱
فراهم شده توسط واحدهای دولتی ۱۷–۲۱۵
وصولی‌ها ۱۷–۲۱۶
طرف مقابل تراکنش‌های غیرمالی ۲–۲۹
طلا ۱۰–۱۳۳
طلای پولی ۱۷–۲۴۰
تعریف ۱۱–۴۵
منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۱۲–۱۰۳
بازطبقه‌بندی به عنوان طلای کالائی ۱۷–۲۴۲
طلای تخصیص یافته ۱۱–۶۰
طلای غیرپولی ۱۱–۴۵، ۲۶–۵۳
طلای کالائی ۱۷–۲۴۱
حاشیه‌ی بازرگانی ۱۷–۲۴۲
طیف رادیوئی ۱۷–۳۲۳

ع

عامل تنزیل ۱۸–۱۱

عایدات، بازسرمایه‌گذاری ۱۱–۹۲
عدم تراز جهانی ۲۶–۹۹
عرضه به قیمت‌های خریدار ۱۴–۴۴
علاقه به سیاست‌گذاری در بخش غیررسمی ۲۵–۹
علمای مذهبی ۱۹–۲۱
عمده‌فروشان و خرده‌فروشان ۳–۶۸
عمر بی‌پایان ۷–۱۰۹
عملکرد نظام مالی ۲۷–۳۷
عملیات جنگی ۱۲–۴۶
عملیات مالی ۲۲–۳
عناصر مفهومی ۲–۱۵
عوارض
  کالاهای داخلی ۷–۸۳، ۷–۹۴، ۷–۹۶، ۸–۵۷
  صادرات ۷–۹۵
  واردات ۷–۹۳
عوارض صادرات ۷–۹۵
عوارض کالاهای داخلی ۷–۸۳، ۷–۹۴، ۷–۹۶، ۸–۵۷
عوارض واردات ۷–۹۳
عوارض واردات و صادرات ۱۴–۹۶

غ

غذاخوری محل کار ۷–۵۱
غیررسمی ۲۴–۴۵
  فعالیت ۴–۲۱، ۶–۳۹، ۱۴–۸
  ملاک ۲–۱۶۳
  اقتصاد ۲۵–۵۴
  اشتغال ۲۵–۵۴
  بنگاه‌های به حساب خود ۲۵–۴۴

ف

فاجعه، فجایع طبیعی را ببینید
فجایع طبیعی ۱–۴۷، ۱۶۹، ۲–۲۳، ۲–۳۰، ۲–۱۰۹، ۴–۱۶۹، ۶–۲۴۴، ۸–۲۲، ۸–۲۵، ۸–۱۱۱، ۸–۱۲۸، ۸–۱۴۰، ۱۲–۹، ۲۲–۱۰۱، ۲۳–۴۰
فرآوری توسط واحد دیگر ۶–۱۲
فرآیند طبیعی ۱–۴۳، ۶–۲۴، ۶–۱۳۶
فرآیند فنی تولید ۱۴–۳۷
فرآیند واسطه‌گری ۲–۱۵۰
فراساحل ۲۶–۲۶
فراگیر (جامع) بودن SNA ۱–۱
فرایندهای سیاسی ۱–۹
فرض تکنولوژی صنعت (رشته‌فعالیت) ۲۸–۵۴
فرض تکنولوژی محصول ۲۸–۵۵
فروش‌ها ۶–۱۰۰
فسخ دین با توافق دو جانبه ۱۰–۲۱۰
فسخ یک جانبه‌ی دین ۱۲–۴۱
فصلی بودن ۱۸–۳۷
فعال سازی ضمانت موردی ۲۲–۱۲۹
فعالیت ۱۵–۱۲۰
  پنهان نگه‌داشته شده‌ی به‌طور عمدی ۶–۴۰
  آسان سازی واسطه‌گیری مالی ۴–۲۹
  غیرقانونی ۶–۳۹
  غیررسمی ۶–۳۹
  غیراقتصادی ۶–۳۹
  فعالیت فرعی تلقی نشده ۵–۳۷
فعالیت اصلی، تعریف ۵–۸
فعالیت ثانوی ۲۹–۳۴
  تعریف ۵–۹
فعالیت خانوار
  ارزش‌گذاری ۲۹–۱۴۹
فعالیت غیرقانونی ۳–۹۶، ۶–۳۹، ۶–۴۲، ۱۹–۳۵، ۲۵–۲۵، ۲۵–۳۱
فعالیت فرعی ۴–۶۶، ۵–۳، ۵–۱۰، ۶–۲۰۷، ۱۴–۳۳، ۲۹–۳۴، ۲۹–۶۵
  ویژگی‌ها ۵–۳۶
  تعریف ۵–۳۶
  استثناها ۵–۳۷
  تصویر فراگیر در حساب‌های اقماری۵–۴۵
  برخورد به عنوان یک کارگاه جدا ۵–۴۱
  برخورد به عنوان فعالیت ثانوی ۵–۴۴
  ارزش‌افزوده ۵–۳۹
فعالیت‌های امداد رسانی بین‌المللی ۲۳–۴۱
فعالیت‌های بنگاه‌های چند ملیتی (آمارهای AMNE) ۲۶–۹۰
فعالیت‌های تولیدی
  ویژگی‌ها ۵–۵
فعالیت‌های ثانوی مالی ۴–۹۵
فعالیت‌های جنبی مالی ۴–۹۸، ۴–۱۰۱، ۶–۱۵۷، ۶–۱۵۸، ۲۲–۱۵۰
  تعریف ۴–۱۱۱

فعالیت‌های حفاظت محیط زیست ۲۹–۳۷
فعالیت‌های شبه مالی ۲۲–۳
فعالیت‌های فرعی ۶–۲۱۵
فعالیت‌های کشاورزی ۲۵–۴۶
فعالیت‌های مالی
ثانوی ۴–۹۵
فعالیت‌های مالی هستارهای دارای هدف ویژه (SPE) ۲۲–۵۴
فعالیت‌های یکپارچه‌ی عمودی، توصیه برای تعیین کارگاه‌ها ۵–۲۶
فناوری ۲۸–۶۳
فناوری تولید ۵–۲، ۵–۱۶، ۶–۲۳۸
فوب ۳–۱۴۹، ۱۴–۷۰، ۲۶–۵۲
فوران‌های آتشفشانی ۱۲–۴۶
فوق‌العاده مسکن ۷–۴۴
فیلم‌ها ۱۰–۱۱۵

ق

قابل فروش ۲۷–۱۹
قاچاق ۶–۴۴
قبضه‌ی مالکیت ۲۱–۲۲
قدرت خرج نسبی یک کشور ۱۵–۱۹۸
قدرت خرید ۷–۱۲۰، ۱۱–۷۰، ۱۶–۳۴
قدرت خرید ثابت ۲–۶۶، ۲–۱۴۶
قدرت خرید واقعی ۱۵–۱۸۱
قرارداد ۱۷–۲۹۶
به عنوان یک دارائی ۱۷–۲۹۹
انتقال‌پذیر ۱۷–۳۷۰
قرارداد اشتغال ۱۹–۲۱
قرارداد انتقال‌پذیر ۱۷–۳۷۰، ۱۷–۳۷۵
قرارداد بازخرید (repo) ۱۱–۷۴
قرارداد بازخرید (repo) معکوس ۱۱–۷۴
قرارداد بازخرید اوراق بهادار ۱۱–۷۴
قرارداد بازخرید، ذخیره ۱۱–۷۴
قرارداد خدمت ۲۵–۲۷
قرارداد خرید قسطی ۹–۷۳
قرارداد فروش ۶–۱۴۰
کاربرد برای تشکیل سرمایه ۶–۱۱۲
قرارداد نرخ پیمان آتی ۷–۱۱۵، ۱۱–۱۲۱
قراردادها، اجاره‌نامه‌ها و پروانه‌ها ۳–۴۴، ۱۰–۱۶، ۱۰–۱۸۶، ۱۲–۳۱، ۲۲–۹۰
تغییرات به سبب از بین رفتن مزیت ایجاد شده توسط دارائی ۱۲–۳۲
هزینه‌های انتقال مالکیت ۱۰–۱۸۸
قراردادهای بازخرید ۱۱–۵۹، ۱۱–۷۳
قراردادهای بازیکنان ورزشی ۱۷–۳۶۸
قرض دهندگان پول ۶–۱۶۵، ۹–۶۲، ۱۷–۲۵۱
تعریف ۴–۱۱۳
قرض دهندگان غیرمالی ۱۱–۱۸
قطع غیرقانونی درختان ۱۷–۳۳۲
قطع غیرقانونی درختان ۱۷–۳۳۲
قلم ترازکننده ۱–۱۴، ۲–۷۳، ۲–۸۳، ۲–۱۱۷، ۳–۱۰، ۶–۶، ۱۶–۲۹
تعریف ۳–۹، ۳–۱۷۰
حساب مالی ۱۱–۱
ناخالص و خالص ۲–۸۰، ۶–۹، ۶–۲۷
حساب جاری ۶–۷۰
واحدهای چند منطقه‌ای ۱۸–۴۹
ابعاد قیمت و حجم ۱۸–۲۷
حساب تولید ۶–۸
بخش عمومی ۲۲–۱۶۸
قواعد حسابداری ۲–۴، ۳–۳، ۳–۱۶، ۳–۱۱۱
آمارهای مالی ۲۷–۷
قیمت اختیارمعامله ۱۱–۱۱۷
قیمت تجهیزات ۱۵–۱۴۷
قیمت تولید کننده ۱–۲۹، ۲–۶۳، ۲–۸۷، ۳–۱۴۶، ۷–۶، ۱۴–۴۵، ۱۶–۴۹
تعریف ۶–۵۱
شاخص‌ها ۱۴–۱۳۹
قیمت سرِ مزرعه ۳–۱۲۴، ۶–۱۲۴، ۲۴–۴۸
قیمت قرارداد ۳–۱۲۹
قیمت مرجع ۱۱–۱۱۱
قیمت مقرر ۱۱–۱۱۷، ۱۱–۱۲۰، ۱۷–۳۸۳، ۱۷–۳۸۵
اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان (ESO) ۱۱–۱۲۵
قیمت میانی
حقوق سهامداران و یونیت‌ها یا سهام صندوق سرمایه‌گذاری ۶–۱۷۳
ارزهای خارجی ۶–۱۷۴
اوراق بهادار ۶–۱۷۱

قیمت نهائی نیروی کار ۱۹–۵۶
قیمت یک کالای تجاری ۱۱–۷۰
قیمت، پایه، همچنین قیمت پایه را ببینید
قیمت، تعریف ۱۵–۱۱
قیمت، مرجع ۱۱–۱۱۱
قیمت‌گذاری انتقالی ۳–۱۳۱، ۳–۱۴۳، ۲۱–۵۰
قیمت‌گیری بر اساس نمونه ۲۷–۳۷
قیمت‌ها ۱–۸، ۶–۴۹
غیرقابل ملاحظه از نظر اقتصادی ۸–۱۰۳
قیمت‌ها، تولیدکننده همچنین قیمت تولیدکننده را ببینید
قیمت‌ها، خریدار، همچنین قیمت خریدار را نیز ببینید
قیمت‌های بازار ۲–۵۹، ۳–۱۱۹، ۶–۶۰، ۶–۶۸
قیمت‌های پایه ۲–۶۳، ۲–۸۷، ۳–۱۴۶، ۷–۷، ۱۴–۴۵، ۱۴–۱۳۹، ۱۶–۴۹
تعریف ۶–۵۱
قیمت‌های ثابت در مقابلِ بر حسب حجم ۱۵–۲۹، ۱۵–۹۸
قیمت‌های خریدار ۲–۶۴، ۳–۱۴۵، ۳–۱۴۷، ۱۴–۴۵
تغییرات مرتبط با اعتبار ۹–۷۸
سه عنصر ۶–۲۱۷
قیمت‌های شرایط متعارف ۲۱–۵۰
قیمت‌های صادرات، تفاوت با PPIها ۱۴–۱۴۶
قیمت‌های غیرقابل ملاحظه از نظر اقتصادی ۸–۱۰۳
قیمت‌های قابل ملاحظه از نظر اقتصادی ۲–۴۰، ۴–۱۸، ۲۲–۲۸، ۲۳–۴
تعریف ۶–۹۵
قیمت‌های مصرف کننده ۱–۲۹
قیمت‌های معادل بازار ۲۶–۱۹

ک

کار داوطلبانه ۱۹–۳۷، ۲۳–۳۴، ۲۳–۴۲، ۲۹–۸۵، ۲۹–۱۵۶
ارزش‌گذاری ۲۹–۱۶۰
کار در جریان ساخت ۱۰–۹۰، ۱۰–۱۲۶، ۱۰–۱۳۴
محصولات کشاورزی ۱۰–۱۲۷
تبدیل به کالاهای تکمیل شده ۶–۱۱۲
منابع زیستی پرورشی ۱۰–۱۴۰
اقلام وارد شده (به) و برداشت شده (از) ۶–۱۱۳
در صنعت‌های (رشته‌فعالیت‌های) خدمات ۶–۱۱۱
پروژه‌های بلند مدت ۲۰–۶۳
بازطبقه‌بندی به کالاهای تکمیل شده ۱۲–۷۱
بازطبقه‌بندی به عنوان محصول تکمیل شده ۱۰–۱۳۶
سازه‌های در نظر گرفته شده برای استفاده‌ی خود ۶–۱۱۹
تبدیل به کالاهای تکمیل شده ۳–۱۷۶
ارزش‌گذاری به قیمت‌های پایه ۶–۱۱۳
کار واقعاً انجام شده ۱۹–۴۲
کارائی ۶–۲۵۴، ۶–۲۵۶
زیان‌ها ۱۵–۱۶۹
مربوط به یک دارائی ۲۰–۲
مربوط به تولید اقتصادی ۱۹–۴
مربوط به دارائی‌های ثابت ۶–۲۴۹
نمودارها ۶–۲۵۵
کاراوان ۱۰–۸۳
کاربردها ۱–۱۴، ۲–۴۳
کاربردهای SNA ۱–۲۷
کارت اعتباری ۶–۱۵۹، ۶–۱۶۱، ۱۷–۲۹۴
کارکرد ۲–۴۲
کارکرد اصلی دولت ۲۲–۱۷
کارکردهای ۶–۲۵۳
کارکردهای اقتصادی ۲–۲۱
کارکردهای تحلیلی ۲۸–۶۳
کارکن مزدبگیر
تعریف ۱۹–۲۰
مربوط به کارگزاران دولت خارجی ۱۹–۳۳
قطع موقت کار ۱۹–۲۳
در مقابل شخص خود اشتغال ۷–۲۸
کارکنان از کار افتاده ۱۹–۲۱
کارکنان پایگاه‌های علمی ۱۹–۳۲، ۱۹–۳۳
کارکنان خانگی ۴–۱۵۱، ۶–۲۶، ۶–۳۵، ۶–۱۱۶، ۹–۵۴، ۲۴–۱۴، ۲۵–۴۶، ۲۵–۶۴، ۲۵–۷۲
کارکنان خانگی مزدبگیر ۲۴–۵۹
کارکنان خانوادگی کمک کننده ۷–۳۰، ۱۹–۲۶، ۱۹–۲۷
کارکنان دورکار ۷–۳۰، ۷–۳۳، ۷–۳۴، ۱۹–۲۲، ۱۹–۲۶، ۲۵–۴۶
کارکنان غیرنظامی دولت ۱۹–۲۱
کارکنان کمک‌های فنی ۸–۱۲۸
کارکنان مرزی ۱۶–۵۳، ۱۹–۳۲، ۱۹–۳۳، ۱۹–۸۱، ۲۶–۶۸
اقامت ۲۶–۳۸
کارکنان معادل تمام وقت ۱۹–۴۲

کارکنان، تعداد ۱۴–۱۲۱
کارگاه ۲–۳۸، ۳–۱۳، ۷–۳، ۱۴–۱۷، ۲۸–۴۴
تعریف ۵–۲، ۵–۱۴
گسترش حسابداری برای ۵–۱۸
کارگاه دولتی
تلقی شده به عنوان شبه‌شرکت ۴–۱۲۱، ۴–۱۲۳
وقتی به عنوان شرکت دولتی تلقی می‌شود ۴–۱۲۱
کارگاه غیربازاری، تولید برخی ستانده‌ی بازاری ۶–۱۳۲
کارگران داوطلب ۷–۴۱، ۱۹–۲۷
کارگران زیر حد سنی ۱۹–۳۴
کارگران فصلی ۱۹–۱۸، ۱۹–۳۲، ۱۹–۳۳
کارگزاران تجدید ساختار ۲۲–۴۷، ۲۲–۱۴۱
کارگزاران تخصصی دولت ۵–۴۳
کارگزاران دولت ۴–۱۳۸
کارمزد خدمات ۱۱–۱۰۳
مستمری سالانه ۱۷–۷۳
کارت اعتباری ۱۷–۲۵۳
پول و سپرده ۱۷–۲۴۷
اوراق بدهی ۱۷–۲۵۹
سپرده‌ها و وام‌ها ۱۷–۲۴۹
حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری ۱۷–۲۸۳
مشتقات مالی ۱۷–۲۸۹، ۱۱–۱۱۴
بیمه‌ی زندگی ۱۷–۵۳
بیمه‌ی غیرزندگی ۸–۱۱۷، ۱۷–۴۶
بیمه‌ی اتکائی ۱۷–۶۳
قراردادهای بازخرید ۱۷–۲۵۴
SDRها ۱۷–۲۴۶
طرح بیمه‌ی اجتماعی ۱۷–۱۱۴
ضمانت‌های استاندارد ۱۷–۲۱۹
حساب‌های طلای تخصیص نیافته ۱۷–۲۴۵
کارمزد ضمنی برای خدمات مالی، FISIM را ببینید
کارمزدهای خدمات ۱۱–۳۴
ضمانت‌های استاندارد ۱۷–۲۱۱
کارهای خود انجام ۱–۴۵، ۹–۶۶
کارهای مهندسی عمران ۱۰–۷۷
کارهای هنری ۹–۵۶
کالاها
تعریف ۶–۱۵
ارزش در مرزهای گمرکی ۲۶–۱۹
کالاها برای بازفروشی ۱۰–۱۴۵، ۱۴–۱۱۰
تعریف ۱۰–۱۴۵
کالاها و خدات ارائه شده در مکان‌های مختلف ۱۵–۶۶
کالاها و خدمات دولت منظور نشده در جای دیگر
تراز پرداخت‌ها (BPM6) ۲۶–۵۷
کالاها و خدمات مترادف محصولات ۲–۳۶
کالاها و خدمات مورد نیاز برای کار ۹–۵۲
کالاهای ارسال شده به خارج برای فرآوری ۲–۴۸، ۱۴–۳۷، ۱۴–۶۲، ۲۶–۵۰، ۲۶–۵۳، ۲۸–۲۱
هزینه‌های حمل و نقل ۱۴–۷۵
کالاهای ارسال شده به‌طور امانی ۲۶–۲۰، ۲۶–۵۳
کالاهای استفاده شده قسمتی برای مقاصد کسب و کار و قسمتی برای استفاده‌ی شخصی ۹–۶۰
کالاهای با فناوری بالا ۱۵–۸۴
کالاهای بادوام ۹–۴۲
تفکیک تشکیل سرمایه از مصرف ۱۰–۴۱
کالاهای بادوام در مقابل بی‌دوام ۹–۴۲
کالاهای بادوام مصرفی ۲–۳۴، ۲–۱۶۷، ۳–۴۶، ۳–۴۷، ۹–۴۲، ۹–۶۰، ۱۰–۳۴، ۱۳–۹۳، ۱۴–۱۰۹، ۲۴–۸۳، ۲۹–۱۲، ۲۹–۴۵، ۲۹–۱۵۲
تعریف ۹–۴۲
تعمیر و نگه‌داری ۹–۶۹
کالاهای بادوام نظامی ۶–۲۳۲
کالاهای تجارت بین‌المللی ۱۴–۶۲
کالاهای تولید شده به حساب خود ۹–۷۵
کالاهای تولید شده توسط خانوار ۶–۱۱۵
کالاهای تهیه شده در بنادر توسط کشتی‌ها ۲۶–۵۳
کالاهای سرمایه‌ای با ارزش بالا ۲۶– ۲۲
کالاهای عمومی ۹–۴، ۹–۱۰۳
کالای تکمیل شده ۱۰–۱۴۲
تبدیل از کار در جریان ساخت ۶–۱۱۲
تعریف ۱۰–۱۴۲
ارزش‌گذاری ۱۰–۱۴۳
کالای موجود ۹–۴۹، ۱۴–۱۰۲
فروش‌ها ۱۰–۳۹
کاهش ارزش ۱۲–۴۰

کاهش ارزش تحصیل جاری ۳–۱۳۶
کاهش ارزش ذخائر معدنی ۲۰–۴۸
کاهش ثروت پس از بازنشستگی ۲۴–۷۸
کاهش هندسی قیمت‌ها ۲۰–۲۲
کپی‌ها (نسخ) ۶–۲۰۸
  توزیع شده توسط مالک به رایگان ۱۰–۱۰۱
  نسخه‌ی اصلی ۱۰–۹۹
  ارزش‌گذاری ۶–۲۱۰
  در مقابل نسخه‌های اصلی ۱۰–۹۹
کسری بزرگ در عملیات ۱۰–۲۱۲
کشاورز مستأجر ۲۰–۴۵
کشاورزی، معیشتی ۱–۴۱
کشف ذخائر جدید قابل بهره‌برداری ۱۲–۱۸
کشور رابط ۱۵–۲۲۲
کل اقتصاد ۴–۲۳
کل خرج‌ها ۲۲–۷
کل درآمد عملیاتی ۲۲–۷، ۲۲–۸
کل ساعات کار انجام شده ۲–۱۵۷
کل ساعات کار واقعاً انجام شده ۱۹–۴۷
کل عرضه به قیمت پایه ۱۴–۱۵۸
کل عرضه به قیمت خریدار ۱۴–۱۵۸
کل مبالغ حواله شده ۸–۱۳۴
کل هزینه‌ها ۲۲–۷
کمک هزینه‌های بستگان ۷–۴۶
کمک‌های بین‌المللی ۲۲–۱۰۱
کمک‌های توسعه‌ای ۲۹–۷۲
کمک‌های داوطلبانه ۸–۱۳۲
کمک‌های سرمایه‌ای ۸–۹۸، ۱۱–۹۱
  پرداخت قسطی ۱۰–۲۰۸
کمک‌های مالی ۲۳–۳۳
کمک‌های نیکوکاری ۳–۸۲
کمیسیون ۳–۱۲۲، ۳–۱۴۱، ۷–۴۴، ۱۱–۱۱۴، ۱۷–۳۳، ۲۰–۶۰
  پرداختنی توسط بیمه‌گران اتکائی ۱۷–۶۴
کنترل
  توسط دولت ۴–۲۶، ۴–۳۴
  توسط غیرمقیم‌ها ۲۶–۸۵
  از خارج ۴–۳۴
  یک شرکت توسط یک واحد غیرمقیم ۴–۸۱
  یک NPI توسط دولت ۲۲–۲۶
  عمومی، خصوصیِ ملی و خارجی ۲–۸۱
کنترل دولت ۴–۲۶
  شرکت‌ها ۴–۸۰، ۲۱–۲۸
کوپن ۱۷–۲۵۸
کوتاه مدت
  تعریف ۲۷–۲۰
کودکان، پرداخت‌ها به ۲۴–۶۰

گ

گردهمائی بین‌المللی آمارشناسان نیروی کار (ICLS) ۱۹–۵۰
گردباد ۱۲–۴۶
گردشگر خروجی ۲۹–۹۲
گردشگر داخلی ۲۹–۹۲
گردشگر ملی ۲۹–۹۲
گردشگر ورودی ۲۹–۹۲
گردشگری ۲–۱۶۶، ۲۹–۹۲
  هم‌افزوده‌ها ۲۹–۱۰۰
  محصولات مشخصه ۲۹–۹۷
  محصولات وابسته ۲۹–۹۷
  مصرف ۲۹–۹۰
  مصرف، تعریف و دامنه ۲۹–۹۲
  مخارج ۲۹–۹۴
  ورودی ۲۹–۹۲
  صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) ۲۹–۹۰
  صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها)، تعریف ۲۹–۹۸
  بخش‌های کلیدی ۲۹–۳۷
  خروجی ۲۹–۹۲
  حساب اقماری ۲۴–۶۶، ۲۹–۸۵، ۲۹–۸۹، ۲۹–۹۹
گروه دهلی ۲۵–۱۴، ۲۵–۶۰
گروه شرکت‌ها ۴–۵۱
گروه‌های بومی یا سرزمینی ۲۳–۲۹
گروه‌های حمایتی ۲۳–۱۹
گروه‌های خودیاری ۲۳–۲۴
گزارش طرف مقابل ۲۶–۱۸
گزارش گروه کانبرا ۲۴–۲۲

گزارش‌های نادرست ۱۹–۷۶، ۲۵–۵
گواهی سپرده ۱۱–۹۹
گواهی سپرده‌ی مذاکره‌پذیر ۱۱–۶۴
گواهی سپرده‌ی مذاکره‌ناپذیر ۱۱–۵۹
گی‌ئری خامیس (GK) ۱۵–۲۱۴

ل

لئون تیف ۲۸–۲۸

م

مؤسسات اشتغال ۱۹–۲۱
مؤسسه‌ی کاریابی
ماتریس
  صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت) ۲۸–۴۹
  محصول در محصول ۲۸–۴۸
  متقارن ۲۸–۳۲
ماتریس بین صنعت‌ها (رشته‌فعالیت‌ها) ۲۸–۳۷
ماتریس جذب ۱۴–۸۷
ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) ۱–۷۴، ۲–۱۶۴، ۲۴–۱۹، ۲۸–۴، ۲۸–۸۲
  گسترش‌ها ۲۸–۵
ماتریس داده – ستانده ۲۸–۲
ماتریس صنعت در صنعت (رشته‌فعالیت در رشته‌فعالیت) ۲۸–۴۹
ماتریس متقارن داده – ستانده ۲۸–۷
ماتریس محصول در محصول ۲۸–۴۸
مازاد عملیاتی ۷–۹، ۷–۱۷، ۱۶–۷
مازاد عملیاتی خالص ۲۰–۲۸
مازاد عملیاتی ناخالص ۲۰–۲۸
مازاد یا کسری بودجه ۱–۲۹
الماس ۱۰–۱۳۳
ماشین‌آلات و تجهیزات ۱۰–۸۲
مالک ۹–۶۷
مالک اقتصادی ۲–۴۷، ۳–۲۱، ۱۰–۵، ۱۱–۷۶، ۱۳–۳، ۱۷–۳۰۰، ۲۰–۳۸
  تغییر ۳–۱۶۹
  تعریف ۳–۲۶
مالک قانونی ۲–۴۷، ۱۰–۵، ۱۳–۳، ۱۷–۲۹۶، ۱۷–۳۰۰
  تعریف ۳–۲۱
  برابری قدرت خرید (PPP) ۲۲–۱۵۹
مالکیت ۲–۴۶، ۳–۲۷
  توسط دولت ۳–۲۲، ۳–۲۸
  چندین مالک ۱۷–۲۹۸
  شرکت پذیرفته شده در بورس ۴–۹۸
  از طرف جامعه ۱۰–۷
مالکیت دولتی ۳–۲۲
مالیات ارزش افزوده‌ی کسر نشدنی ۶–۵۸، ۱۴–۴۵، ۱۴–۱۳۱
مالیات ارزش‌افزوده (VAT) ۶–۴۹، ۶–۵۵، ۷–۶، ۷–۱۰، ۷–۸۹، ۱۴–۱۳۱، ۱۶–۴۹
  کسرشدنی ۱۴–۴۵
  درج شده در صورت حساب ۱۴–۴۵
  کسر نشدنی ۱۴–۴۵
  ثبت ناخالص و خالص ۶–۵۹
  همان برخورد برای هر طرح مالیات کسرشدنی مشابه ۶–۵۷
  ثبت خالص ۶–۶۱
مالیات ارزش‌افزوده‌ی درج شده در صورت حساب ۶–۵۸، ۷–۶، ۷–۷۵، ۱۴–۴۵
مالیات ارزش‌افزوده (VAT) کسر شدنی ۶–۵۸، ۱۴–۴۵
مالیات از نوع ارزش‌افزوده ۲–۸۷، ۷–۸۹، ۱۴–۷۹
مالیات بر ارث ۸–۶۳، ۱۰–۲۰۲، ۱۰–۲۰۷
مالیات بر درآمد ۷–۵
مالیات بر زمین ۷–۱۵۷
مالیات بر سیاهه‌ی حقوق ۷–۴۱
  داده‌ها ۱۹–۸۰
مالیات بر فروش کلی ۷–۹۴، ۷–۹۶
مالیات براساس ارزش ۷–۸۸، ۷–۱۰۰، ۷–۱۰۵، ۱۵–۱۷۵
مالیات به محض وصول درآمد ۸–۶۱
مالیات ثابت سرانه ۸–۵۲، ۸–۶۴
مالیات حق تمبر ۷–۹۷
مالیات خودرو ۷–۸۳
مالیات ستانی از طرف واحد دولتی دیگر ۳–۷۰
مالیات ضمنی ۷–۹۶، ۷–۱۲۲، ۷–۱۲۳، ۲۶–۱۱۲
مالیات کسر شدنی ۷–۶
مالیات محیط زیست ۲۹–۱۱۱
مالیات مخارج ۸–۶۴
مالیات و عوارض بر واردات ۷–۹۰

شامل مالیات‌های وضع شده برای کالاهائی که تغییر مالکیت داده نمی‌شوند ۷–۹۲
مالیات هبه ۱۰–۲۰۷
مالیات‌ها ۷–۷۱، ۲۹–۵۶
براساس ارزش ۱۵–۱۷۵
به عنوان پرداخت بلاعوض ۸–۵۲
رده‌ها ۷–۸۲
وصول از طرف واحد دولتی دوم ۸–۱۲۷
قمار ۸–۶۱، ۸–۱۳۶
فروش کلی ۷–۹۶
گرو گذاشته شده ۴–۱۳۸
ضمنی ۷–۱۲۲
برحسب حجم
درآمد ۱۴–۱۴۸
غیرمستقیم ۷–۷۵
زمین ۷–۱۵۷
بر دارائی‌های استفاده شده در تولید ۷–۴۱
بر خودرو ۸–۵۷
بر منفعت سرمایه ۸–۶۱
بر تراکنش‌های مالی و سرمایه‌ای ۷–۹۶
بر واردات ۷–۱۰، ۷–۷۷، ۷–۹۴
بر درآمد ۸–۶۱
بر درآمد فرد یا خانوار ۸–۶۱
بر تراکنش‌های بین‌المللی ۷–۹۷، ۸–۶۴
بر سیاهه‌ی حقوق یا نیروی کار ۷–۹۷
بر آلایندگی ۷–۹۷
بر تولید ۷–۵، ۲۶–۵۸
بر تولید و واردات ۷–۲
بر تولید و واردات، طبقه‌بندی ۷–۷۲
بر تولید یا واردات ۷–۱۷
بر تولید، تعدیل قیمت ۱۴–۱۵۶
بر محصول ۳–۱۴۵، ۶–۴۹، ۶–۵۰، ۷–۸۸، ۱۴–۵، ۱۴–۱۵۸، ۱۵–۱۷۵، ۱۶–۷
بر محصولات پرداختنی توسط دنیای خارج ۷–۸۷
بر محصولات، به استثنای VAT، مالیات‌های واردات و صادرات ۷–۹۶
بر خدمات ویژه ۷–۹۴، ۷–۹۶
بر درآمد شرکت‌ها ۸–۶۱
بر استفاده از دارائی‌های ثابت یا سایر فعالیت‌ها ۷–۹۷
پرداخت به محض وصول ۸–۶۱
ناشی از نرخ‌های چندگانه‌ی ارز ۷–۹۴، ۷–۹۵
ناشی از تحمیل نرخ بهره‌ی بالاتر از نرخ بازار توسط بانک مرکزی ۷–۹۶
ویژه ۱۵–۱۷۵
گردش مالی ۷–۹۶
بدهی‌های پرداخت نشده ۷–۸۵
در مقابل حق‌الزحمه ۷–۸۰، ۲۲–۸۹
مالیات‌های تخصیص داده شده ۴–۱۳۸
مالیات‌های جاری بر درآمد، ثروت و غیره ۷–۲، ۸–۱۵، ۸–۲۷، ۱۶–۱۲
مالیات‌های جاری بر سرمایه ۸–۶۳
مالیات‌های جاری متفرقه ۸–۶۴
مالیات‌های سرمایه، تعریف ۱۰–۲۰۷
مالیات‌های صادرات ۷–۹۵
مالیات‌های غیرمستقیم ۷–۷۵
مالیات‌های گروئی ۶–۲۵۴
مالیات‌های مستقیم ۷–۷۵، ۸–۵۲
مالیات‌های مکرر بر زمین، بناها یا سایر سازه‌ها ۷–۹۷
مالیات‌های ویژه ۱۵–۱۷۵
مانده ۲۹–۱۰۲، ۲۹–۱۰۶
ماهی ۱۷–۳۳۳
ماهیگیری
سهمیه ۱۷–۳۳۴
پروانه‌ی تفریحی ۱۷–۳۳۶
مبادله‌ی حقوق سهامداران و سهام صندوق سرمایه‌گذاری بین واحدهای نهادی ۱۷–۲۸۸
مبالغ وجوه ارسالی کارگران ۱۶–۱۲
مبلغ حواله شده ۸–۲۷، ۸–۱۳۳، ۱۶–۱۲، ۲۴–۶۴
از خارج ۲۴–۱۷، ۲۴–۷۰
متحمل شونده‌ی نهائی هزینه‌ها ۲–۱۰۳
مستهلک کردن ارزش ۱۲–۴۰
متوسطِ عمر خدمت ۶–۲۵۳
متوسطِ قیمت سال ۲۰–۳۴
مجتمع تولیدی ۴–۵۱، ۴–۷۴
مجموعه‌ی کامل حساب‌ها ۴–۲

شرایط شبه‌شرکت ۴-۴۴
مجوز ۹-۷۰، ۱۷-۲۹۷
آلاینده ۱۷-۳۶۳
برای انجام فعالیت خاص ۱۷-۲۹۹
تعریف ۱۰-۱۹۲
صادر شده توسط دولت ۱۷-۳۵۸
برای استفاده‌ی منابع طبیعی
تعریف ۱۰-۱۹۱
مجوز برای انجام یک فعالیت خاص
صادر نشده توسط دولت ۱۷-۳۶۱
مجوز قابل فروش ۱۷-۳۶۳
مجوزهای انتشار آلاینده ۱۷-۳۶۳
مجوزهای صادر شده توسط دولت ۲۲-۸۸
محدوده‌ی تولید ۱-۴۲، ۶-۳، ۱۴-۱۱، ۱۹-۶۷، ۲۵-۲۴
تعریف ۶-۲۷
گسترش ۲-۱۶۷، ۲۹-۳۸
گسترش برای دربرگرفتنِ خدماتِ کالاهای بادوام مصرفی ۹-۴۴
محصول اصلی ۵-۸، ۱۴-۲۳
محصول جنبی ۵-۸، ۵-۴۹، ۲۸-۴۶
محصول خالص داخلی (NDP) ۱-۱۶
محصول خالص داخلی ۱۶-۵۲
محصول ناخالص داخلی (GDP) ۱-۳، ۶-۱، ۶-۷۰، ۶-۲۲۱، ۷-۱۰، ۷-۲۱، ۱۶-۱
تعریف ۲-۱۳۴
از ارزش‌افزوده بدست می‌آید ۲-۱۳۸
سنجه‌ی مخارج ۱۶-۴۱
سنجه‌ی درآمد ۱۶-۴۱، ۱۸-۶۱
سرانه ۱-۲۸، ۱۹-۱
رویکرد تولید ۱۶-۴۱، ۱۸-۵۷
سه اتحاد ۶-۸۳
در مقابل درآمد ناخالص ملی (GNI) ۷-۲۱
در مقابل محصول خالص ملی (NDP) ۲-۱۴۲
محصول ناخالص داخلی مستقیم گردشگری (TDGDP) ۲۹-۹۰
محصول، اصلی ۱۴-۲۳
محصولات ۱۴-۲۲، ۲۹-۱۰۶
وابسته ۲۹-۵۹
تعریف ۶-۱۴
درج شده در اظهارنامه‌ی گمرکی ۱۴-۶۹
درج نشده در اظهارنامه‌ی گمرکی ۱۴-۶۳
در مقابل واحدهای تولیدکننده ۱۴-۱۷
محصولات تابعه ۷-۹۸
محصولات تسخیر دانش ۶-۱۳، ۶-۲۲
ویژگی‌ها ۶-۲۲
محصولات ثانوی ۱۴-۱۰۷
محصولات جدید در زمینه‌ی شاخص‌های زنجیره‌ای ۱۵-۵۶
محصولات جدید، پیدایش ۱۵-۴
محصولات کشاورزی برای خود مصرفی- ارزش‌گذاری ۶-۱۲۴
محصولات مالکیت فکری ۱۵-۱۴۸
مثال‌ها ۱۰-۹۸
محصولات مشخصه ۲۹-۵۹، ۲۹-۶۲
مراقبت سلامت ۲۹-۱۴۰
محصولات وابسته ۲۹-۵۹
محصولات ویژه ۲۹-۶۱
محصولات مشترک ۵-۴۹
محک زدن ۱۸-۳۳، ۱۸-۳۹
سری‌های فصلی ۱۵-۴۸
مخارج حفاظت محیط زیست ۲۹-۱۲، ۲۹-۸۵
مخارج حفاظتی ۲۹-۱۱۹
مخارج در مقابل تحصیل ۹-۳۱
مخارج سلامت ۲۹-۵۰
مخارج مربوط به خدمات مالی ۹-۶۱
مخارج مربوط به کالاها و خدمات ۹-۳۲
مخارج مربوط به کالاها و خدمات بازاری توسط دولت ۹-۸۹
مخارج مصرف جمعی ۱۴-۹۷
مخارج مصرف نهائی ۲-۱۰۳، ۹-۶
شرکت‌ها ۹-۱۱
بنگاه‌ها ۸-۱۸
دولت ۹-۸۵، ۱۵-۱۴۲
دولت، استخراج ۹-۹۰
مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH) ۹-۱۱۵، ۱۵-۱۴۲
طبقه‌بندی ۹-۱۰۸
کارمزد خدمات برای طرح‌های بیمه‌ی اجتماعی ۱۷-۱۵۹
مخارج مصرفی ۱-۷۶

جمعی ۱۴–۹۷
غیرنقدی ۲۴–۶۵
فردی ۱۴–۹۷
مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH) ۹–۱۰۵، ۱۴–۹۵
زمان ثبت ۹–۷۲
ارزش‌گذاری ۹–۷۴
مخارج مصرفی فردی ۱۴–۹۷
مخارج ملی مربوط به محصولات خاص ۲۹–۶۴
مخارج نهائی داخلی ۱۵–۱۸۵
مخارج، برحسب حجم ۱۸–۲۵
مدارس، کالج‌ها یا دانشگاه‌های مقیم ۴–۱۵۳
مدت توقف ۱۹–۵۱
مدل قیمت‌گذاری اختیار معامله ۱۳–۸۳
مدل قیمت‌گذاری اختیار معامله‌ی سهام ۱۷–۳۸۷
مدل‌سازی ۲۷–۷۳
مدل‌سازی اقتصاد سبز ۲۹–۱۲۴
مدل‌های اختیار معامله ۱۳–۸۰
مدل‌های اقتصاد کلان ۱–۱۸،۳۰–۹
مدیران شرکت‌ها ۱۹–۲۴
مدیریت ریسک ۱۱–۱۱۲، ۱۷–۶۷
مدیریت ریسک مالی ۶–۱۵۸، ۱۷–۲۲۸
مذاکره‌پذیری ۱۱–۳۳، ۲۶–۹۱
مراقبت از سلامت
فعالیت‌ها ۲۹–۱۳۰
مخارج ۲۹–۱۲۹، ۲۹–۱۳۶
طبقه‌بندی کارکردی ۲۹–۱۲۹
تأمین مالی ۲۹–۱۲۹
ارائه کنندگان ۲۹–۱۲۹، ۲۹–۱۳۳
مراقبت از کودکان ۷–۵۱
مرتب سازی تراکنش‌ها و بازطبقه‌بندی‌ها ۱۲–۶۸
مرتبط کردن افراد به خانوارها ۲۸–۸۲
مرحله‌ی توسعه‌ی اقتصادی ۱–۴
مرخصی استعلاجی ۱۹–۴۶
مرز بین خدمات فردی و جمعی ۹–۹۸
مرکز تصمیم‌گیری ۲–۱۶
مرکز منافع عمده‌ی اقتصادی ۱–۴۸، ۲–۱۹، ۴–۱۰، ۱۹–۱۰
مزارع ۱۰–۹۶
مزارع ماهی ۱۰–۷۶
مزایا ۳–۲۷، ۶–۱۹۸، ۱۱–۴، ۱۷–۴
مزایا، بیمه‌های اجتماعی خسارت بیمه را نیز ببینید
مزایای آموزشی ۸–۶۸
مزایای اجتماعی ۷–۹۹، ۸–۴، ۸–۱۷، ۸–۸۷، ۸–۹۴، ۸–۱۳۲، ۱۷–۷۹
شرایط برای پرداختنی ۱۷–۷۹
پرداختنی غیرنقدی ۸–۱۰۳
تأمین اجتماعی، مساعدت اجتماعی یا انتقالات اجتماعی غیرنقدی ۱۷–۸۱
تلقی شده به عنوان پرداختنی نقدی ۸–۱۰۲
مزایای اجتماعی اشتغال محور غیر از حق برخورداری از بازنشستگی ۱۷–۱۱۴
مزایای احتمالی آینده ۸–۳۴
مزایای بازنشستگی ۱۷–۱۵۸
مزایای بضاعت سنجی ۸–۷۰
مزایای بیمه‌ی اجتماعی ۹–۲۲
تعریف ۱۷–۸۹
غیرنقدی ۸–۱۸
بازنشستگی و غیربازنشستگی ۱۷–۹۸
مزایای دوره بیکاری ۸–۶۸
مزایای زایمان ۸–۳۹
مزایای غیرنقدی ۷–۶۸، ۸–۶۷، ۸–۹۴، ۱۷–۹۹، ۱۷–۱۰۰
پرداختنی غیرنقدی ۸–۹۴
پرداختنی تحت تأمین اجتماعی ۱۷–۱۰۱
مزایای فوت ۸–۳۹، ۸–۶۸
مزایای مالیاتی ۲۹–۴۱
مزایای مکمل حقوق ۷–۵۳
مساعدت اجتماعی ۸–۵، ۸–۶۶، ۹–۲۰، ۱۷–۸۳
مزایای نقدی ۸–۱۱۰
در مقابل تأمین اجتماعی ۸–۹۲
مسافران ۲۹–۹۱
مسافرت برای کسب و کار ۲۹–۹۳
مسافرت، اصطلاح BPM6 ۲۶–۵۷
مستأجر ۶–۱۱۷، ۹–۶۶
مستمری سالانه ۶–۱۷۹، ۷–۱۴۴، ۸–۱۳۹، ۱۲–۵۹، ۱۷–۶۶، ۱۷–۱۵۸، ۱۷–۲۱۷، ۲۴–۷۹

شروع ۱۷–۷۴
خرید ۱۷–۷۴
مستمری بگیر ۱۷–۶۶
مستهلک کردن ارزش ابزارهای مالی ۳–۱۵۲
مسکن رایگان ۸–۶۸
مشارکت عمومی و خصوصی ۱۰–۵۹، ۲۲–۱۵۴
مشارکت غیرشرکتی ۴–۱۵۶
مشارکت‌ها ۱۱–۸۴
مشاغل غیررسمی ۲۵–۵۸
مشتقات اعتباری ۱۱۱۲۳
مشتقات مالی ۷–۱۱۵، ۱۱–۲۳، ۱۱–۲۳، ۲۷–۳۴
و اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان ۲۶–۹۳
همراه با مدیریت دارائی ذخیره ۲۶–۹۳
قراردادها ۱۱–۵۹
تعریف ۱۱–۱۱۱
منفعت و زیان ناشی از نگه‌داشتن ۱۲–۱۱۸
ابزار دین نیستند ۲۶–۱۰۳
سایر تغییرات حجم ۱۲–۴۳
اجزای کارمزد خدمات ۱۱–۱۱۴
مشتقات مالی از نوع پیمان آتی ۱۷–۲۹۰
مشکل جریان نقدی ۲۱–۵۲
مصادره‌ی بلاعوض ۱۲–۴۸، ۲۹–۴۳
ماهی ۱۷–۳۳۳
چوب ۱۷–۳۳۲
مصرف ۱–۶، ۳–۲۰، ۱۴–۱۱
تعریف ۹–۳۹،
گسترش یافته ۹–۱۷
مصرف جمعی ۲–۱۰۴
مصرف در مقابل سرمایه‌گذاری ۱–۵۲
مصرف درآمد ۱–۱۴، ۲۴–۵
مصرف سرمایه‌ی ثابت ۱–۱۷، ۱–۶۰، ۲–۲۴، ۲–۸۶، ۲–۱۱۰، ۳–۷۵، ۶–۹، ۶–۷۱، ۶–۷۳، ۶–۲۱۴، ۶–۲۴۱، ۶–۲۴۷، ۶–۲۵۶، ۷–۴، ۸–۲۱، ۸–۳۲، ۹–۱۹، ۹–۶۰، ۱۰–۳، ۱۰–۲۵، ۱۲–۹۴، ۱۳–۲۸، ۱۵–۱۶۸، ۱۶–۵۱، ۱۸–۳۱، ۲۰–۵، ۲۰–۲۸، ۲۰–۳۴، ۲۸–۷۵
حیوانات ۱۰–۹۴
مبنای ارزش‌گذاری ۶–۲۴۸
تعریف ۶–۲۴۰
بحث مفصل ۱۰۱۵۵
تأثیر محاسبه نکردن ۱۰–۲۶
کاهش ارزش دارائی ۱۳–۲۳
مربوط به موجودی سرمایه ۶–۲۵۷
برآورد بازنگری شده ۱۲–۵۰
مصرف سرمایه‌ی طبیعی ۲۰–۴۸، ۲۹–۱۱۸
مصرف فردی دولت تلقی شده به عنوان انتقالات غیرنقدی ۹–۹۵
مصرف فردی کالاها و خدمات ۹–۳
مصرف کالاها و خدمات ۹–۲
مصرف کالاها و خدمات ۹–۳۹
مصرف گسترش یافته ۹–۱۷
مصرف نهائی ۱–۵۲
مصرف نهائی واقعی ۹–۶
دولت ۹–۱۰۳، ۹–۱۱۷
خانوارها ۲–۱۰۴، ۹–۱۱۶
NPISHها، ۹–۱۱۱، ۹–۱۱۸
مصرف واسطه ۱–۵۲، ۲–۸۶، ۶–۲۲۲، ۸–۹۹، ۹–۳۹، ۱۴–۸۴
تعریف ۶–۲۱۳
تولیدِ خود ۶–۱۲۰
زمان ثبت ۶–۲۱۶
در مقابل تشکیل سرمایه‌ی ثابت ۶–۲۲۴
در مقابل اجرت غیرنقدی ۶–۲۲۰
مصرف واقعی ۹–۶
مطابقت بین محصولات و واحدهای تولیدی ۱۴–۱۷
مطالبات تحت طرح‌های ضمانت استاندارد ۱۷–۲۲۰
مطالعه فعالیت صنعتی (رشته فعالیتی) ۶–۱
مطلوبیت ۹–۴۳
مطلوبیت مصرف کننده ۱۵–۲۳
مطلوبیت‌های نسبی ۱۵–۸۱
معاملات آتی ۱۱–۱۱۴
معاملات آتی کالائی ۱۱–۱۱۴
معاملات اوراق بهادار ۱۲–۶۷
معیار تلفن همراه برای تشخیص بین اجاره و مالکیت یک دارائی ۱۷–۳۱۸
مفاهیم حسابداری ۱۸–۱
مفهوم تئوریکی اقتصادی درآمد ۱۶–۱۴
مقادیر، جمع‌پذیری ۱۵–۱۱

مقاصد ۲–۴
مقاصد تحلیلی ۲۸–۲
مقامات پولی ۱۷–۲۴۰، ۲۶–۹۶، ۲۲–۱۵۰
مقامات نظارتی ۲۲–۱۵۰
مقایسه‌پذیری ۷–۵۱، ۸–۱۰۰
مقایسه‌های بین مکانی ۲–۶۶
مقایسه‌های بین‌المللی ۱–۳۳
مقایسه‌های بین‌المللی بهره‌وری ۱۹–۷۵
مقایسه‌های بین‌المللی چند چانبه ۱۵–۲۱۰
مقررات مالی ۶–۱۹۰
مقیم ۲–۱۹، ۱۹–۱۰
مکان (محل استقرار) ۲۵–۲۶
مکمل‌های حق‌بیمه ۱۷–۱۱۲، ۱۷–۱۲۳، ۱۷–۱۳۵، ۱۷–۱۳۶
مکمل‌های حق‌بیمه‌های اجتماعی خانوارها، تعریف ۸–۸۶
مکمل‌های حق‌بیمه‌ی بازنشستگی ۱۷–۱۵۶
ملاحظات سیاست‌گذاری ۲–۱۸
ملی سازی ۱۲–۶۶، ۲۱–۱۷، ۲۱–۵۴، ۲۲–۱۴۲
  با خرید سهام ۲۲–۱۴۲
منابع ۱–۱۴، ۲–۴۳
منابع حیوانی با ثمردهی مکرر ۱۰–۹۲
منابع داده‌ها برای داده‌های اشتغال ۱۹–۷۶
منابع زیستی پرورشی ۱۰–۸۸
منابع زیستی غیر پرورشی ۱۰–۱۸۲
منابع طبیعی ۱–۴۶، ۲–۳۴، ۳–۴۴، ۷–۲، ۷–۱۰۷، ۱۰–۱۵، ۲۰–۴۶، ۲۹–۱۰۲، ۲۹–۱۰۹
  هزینه‌های انتقال مالکیت ۱۰–۱۵۹
  زوال ۱–۴۷
  پروانه برای استفاده ۱۷–۳۱۳
  مالکیت ۱۷–۳۱۳
  مجوز برای استفاده ۲۹–۱۱۳
  باز ارزیابیِ قابلیت استخراج ۱۲–۲۵
  بدون ایجاد مالکیت ۱۰–۱۶۷
منابع محیط زیست
  خارج از محدوده‌ی دارائی SNA ۳–۴۹
منافع اقتصادی ۲–۳۴، ۳–۱۹
منافع انحصاری ۷–۹۶، ۱۰–۹۸، ۱۰–۱۹۳، ۱۷–۳۵۰
منافع عاید شده از معامله ۶–۱۰
منافع عمده‌ی اقتصادی ۱۹–۱۰
منبع تأمین مالی در مقابل انواع مخارج ۲۹–۷۹
منحنی‌های بی‌تفاوتی ۱۵–۲۸
منطقه‌ی آزاد تجاری ۲۶–۲۶
منفعت ۱–۶۸، ۲–۹۴، ۷–۲۴
  مربوط به انحصار صادرات ۷–۹۵
  مربوط به انحصار مالی ۷–۹۶
  انحصار واردات ۷–۹۴
منفعت اسمی ناشی از نگه‌داشتن ۲–۱۱۵، ۲–۱۱۸، ۷–۲۴، ۱۲–۷۴، ۱۲–۹۴، ۱۶–۳۴
  پول و سپرده ۱۷–۲۴۲
  سپرده و وام ۱۷–۲۵۵
  ارز خارجی ۱۷–۲۴۸
  موجودی انبار ۱۲–۹۷
  مربوط به پول داخلی، همیشه صفر ۱۲–۹۰
  سایر حساب‌های دریافتنی و پرداختنی ۱۷–۲۹۵
  SDRها ۱۷–۲۴۶
  حساب‌های طلای تخصیص نیافته ۱۷–۲۴۵
منفعت بی‌اثرِ ناشی از نگه‌داشتن ۲–۱۱۸، ۳–۱۴۲، ۱۲–۷۵، ۱۲–۸۷، ۱۶–۳۴
منفعت تجاری ۱–۲۶، ۱۵–۱۸۸
  ناشی از تغییرات در رابطه‌ی مبادله‌ی بازرگانی ۱۵–۱۸۵
  منفعت سرمایه، منفعت ناشی از نگه‌داشتن را نیز ببینید
منفعت ناشی از نگه‌داشتن ۲–۳۰، ۳–۱۰۵، ۳–۱۵۳، ۱۱–۹۸، ۱۲–۷۹، ۱۷–۱۸، ۱۷–۱۳۴، ۱۷–۲۳۸، ۲۱–۶۵
  به عنوان بخشی از درآمد ۲۹–۴۳
  خارج از اندازه‌گیری ستانده ۶–۱۰۷
  بی‌اثر ۱۶–۳۴
  اسمی ۱۶–۳۴
  تحقق یافته ۱۲–۸۰، ۱۶–۳۶
  تحقق نیافته ۱۲–۸۰، ۱۶–۳۶
منفعت واقعی ناشی از نگه‌داشتن ۲–۱۱۹، ۳–۱۴۲، ۸–۲۵، ۱۲–۷۶، ۱۲–۸۹، ۱۶–۳۴
  برخورد به عنوان درآمد ۱۲–۹۲
منفی
  تشکیل سرمایه ۱۰–۳۹، ۱۴–۱۰۴، ۱۴–۱۰۸
  تغییر در دارائی ۱۰–۲۵

مخارج مصرفی ۱۰–۴۱
اقلام جدول‌های داده– ستانده ۲۸–۶۱
صادرات، ثبت شده در رابطه با تجارت بین‌المللی ۱۴–۷۳
مواد مخدر ۶–۴۴
مواد و ملزومات ۱۰–۱۳۱، ۱۴–۱۱۰
موجودی ۳–۲، ۳–۴، ۳–۱۸، ۶–۲۵۳، ۱۱–۸۴، ۱۳–۱، ۲۷–۴۱
موجودی ابتدای دوره ۱۳–۱
موجودی انبار ۱۰–۱۲، ۱۰–۱۲۴
مرز با تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۶–۱۱۲
نگه‌داشته شده در خارج ۱۴–۷۳
موجودی انبار کالاهای تکمیل شده
علل ۶–۱۰۵
اقلام ورودی، ارزش‌گذاری ۶–۱۰۶
برداشت از، ارزش‌گذاری ۶–۱۰۶
موجودی انبار نگه‌داشته شده در خارج ۲۶–۲۱
موجودی انتهای دوره ۱۳–۱
موجودی بین بانک‌ها ۱۱–۵۶، ۱۱–۵۷، ۱۱–۹۵، ۱۷–۲۵۲
طبقه‌بندی در زیر سپرده‌ها ۱۱–۵۷
موجودی سرمایه ۶–۲۴۹، ۱۸–۳۱، ۲۰–۱
دارائی‌های ثابت ۱۳–۹
ارزش‌گذاری ۲۰–۸
موجودی سرمایه‌ی نااخالص ۶–۲۵۳
موجودی‌های احتمالی ۱۷–۲۹۶
مهاجرت شرکت ۲۶–۴۲
میراث ۱۰–۲۱۲
میوه‌ها و سبزیجات فصلی ۱۵–۶۶

ن

ناپیوستگی ۱۸–۱۱
ناخالص در مقابل خالص ۲–۱۴۱
ناخواسته (بلاعوض) ۷–۷۱
ناهمخوانی‌ها ۱۸–۲، ۱۸–۱۵
خالص وام‌دهی و وام‌گیری ۱۸–۲۰
ناهمخوانی‌های آماری ۱۱–۱۲۸، ۲۲–۷۷
ناهمگنی محصولات به سبب تجمیع ۱۴–۱۴۴
نتیجه ۱۵–۱۲۰
نجات مالی ۲۱–۵۴، ۲۲–۱۲۸، ۲۲–۱۴۳
نرخ بازگشت ۲۶–۵۹، ۲۶–۷۷
برون‌زا یا درون‌زا ۲۰–۳۰
نرخ پاسخ‌دهی ۱۹–۷۶
نرخ تنزیل ۲۰–۲۷
نرخ تورم ۱–۶
نرخ رشد ۱۸–۲۱، ۱۸–۶۳، ۱۹–۱۲
نرخ کاهش، هذلولی ۶–۲۵۴
نرخ مبادله‌ی ارز ۲۶–۱۱۰
تبدیل GDP ۱۵–۱۹۸
نرخ مرجع ۶–۱۶۳، ۶–۱۶۴، ۹–۶۲
ویژگی‌ها ۶–۱۶۶
برای ارزهای مختلف ۶–۱۶۶
نرخ رشدهای سرانه ۱۹–۱۲
نرخ کاهش هذلولی ۶–۲۵۴
نرخ‌های بازار سیاه یا موازی (غیررسمی) ۲۶–۱۱۳
نرخ‌های چندگانه‌ی ارز ۸–۵۵، ۲۶–۱۱۲
نرم‌افزار رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها ۱۰–۱۰۹، ۱۰–۱۱۰
نرم‌افزار و پایگاه داده‌ها ۱۵–۱۴۹
نسبت پس‌انداز ۱–۲۹، ۹–۳۰
نسبت واردات و صادرات به GDP ۱۴–۴۰
نسخه‌های اصلی سرگرمی، ادبی و هنری ۱۰–۱۱۵
نسخه‌های دستی ۱۰–۱۱۵
نسخه‌ی اصل (مَستر) ۱۰–۹۹
ارزش‌گذاری ۶–۲۰۲
در مقابل کپی ۶–۲۰۸
نشانه‌های کنترل دولت
شرکت ۴–۸۰
نهادهای غیرانتفاعی (NPI) ۴–۹۲
نشت سمی ۱۲–۴۶
نظام سیاسی تک حذبی ۴–۱۶۷
نظام‌های مالیاتی ۱۴–۱۵۱
نظام هماهنگ (HS) ۱۴–۳۶، ۱۴–۱۱۴
نظامی
پایگاه‌ها ۴–۴۹
تجهیزات ۶–۲۳۲
نیروها ۲۶–۴۴
موجودی انبار، تعریف ۱۰–۱۴۴

نظریه‌ی اقتصادی ۱–۶۴
نقدینگی بین‌المللی ۲۶–۷۳
نقشه‌برداری‌های هوائی و بررسی‌های دیگر ۱۰–۱۰۶
نقص بازار ۹–۷۶
نگهدارنده‌ی منفعل دارائی‌ها و بدهی‌ها ۴–۶۱
نگه‌داری ۶–۲۲۸، ۲۴–۵۳
وقتی توسط مالک انجام می‌شود ۹–۶۷
وقتی توسط مستأجر انجام می‌شود ۹–۶۶
در مقابل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۶–۲۲۶
نماگرهای کوتاه مدت ۱۸–۳، ۱۸–۵
نمایشگاه موزه ۱۰–۱۵۳
نماینده بودن ۱۲–۴۹
نمودار
سن– کارائی ۲۰–۱۷
سن– قیمت ۲۰–۱۷
انتخاب ۲۰–۲۵
نمودار سن– قیمت ۲۰–۱۷
نمودار سن– کارائی ۲۰–۱۷
نهاد غیرانتفاعی در خـدمات خانوارهـا (NPISH) ۲–۱۷، ۴–۹۳، ۲۳–۱
تعریف ۴–۹۳
نهاده ۱۵–۱۲۰
نیروی کار، سرمایه، کالاها و خدمات ۶–۲۴
نهادهای پژوهشی ۴–۱۷۰
نهادهای غیرانتفاعی (NPI) ۲۱–۲۷
تحلیل برحسب نوع درآمد ۲۳–۳۷
به عنوان شرکت ۲۳–۱
انتساب به بخش‌های مختلف ۴–۳۵
رده‌بندی ۲۳–۷
ویژگی‌ها ۴–۸۵
تحت کنترل دولت ۴–۹۲، ۲۲–۲۶
تعریف ۴–۸
اهداف اقتصادی، کارکردها و رفتار ۴–۲۲
اشتغال به تولید بازاری ۴–۲۸
خصوصیت اساسی لازم برای تشخیص ۲۳–۳
مثال‌های روشن کننده ۲۳–۱۹
اطلاعات در واحدهای فیزیکی ۲۳–۳۸
ستانده‌ی بازاری با مازاد عملیاتی منفی ۲۳–۱۰
ستانده‌ی غیربازاری واحد بازاری ۲۳–۳۲
حساب اقماری ۲۳–۱۲
در خدمت بنگاه‌ها ۴–۸۹
زیربخش‌ها ۲۳–۹
ارزش‌گذاری ستانده ۲۳–۱۰
نهادهای غیرانتفاعیِ (NPI) درون دولت ۲۲–۲۲
نهادهای غیرانتفاعی (NPI) به عنوان قسمتی از دولت ۲۳–۱
نهادهای غیرانتفاعی (NPI) درگیر در تولید غیربازاری ۴–۳۰، ۴–۳۱
نهادهای غیرانتفاعی (NPI) در خدمت خانوار (NPISH) ۱–۱۰
نهادهای غیرانتفاعی (NPI) درگیر در تولید بازاری ۴–۲۹
نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها (NPISH) ۴–۲۲، ۴–۱۶۶، ۴–۱۶۷، ۹–۵، ۲۵–۶۷، ۲۸–۲۸
مرکز منافع اقتصادی ۲۶–۴۵
خدمات جمعی ۹–۱۰۷، ۲۳–۴۸
تعدیل قیمت ستانده برحسب حجم ۲۳–۴۹
منبع مالی ۱۶–۱۲
زیر بخش ۴–۱۷۱
نهادهای کمک رسانی ۴–۱۶۹
نهادهای مالی داخلی ۴–۵۹، ۲۲–۲۳
تعریف ۴–۱۱۳
نهادهای مالی در مقابل شرکت‌های مالی ۱۷–۲۲۷
نهادهای مذهبی ۴–۱۶۷
نهادهای نیکوکاری ۴–۱۶۹
نهاده‌های زیست بومی ۲۹–۱۰۶
زمان ثبت ۶–۷۵
ارزش‌گذاری ۶–۷۵
نهاده‌ی نیروی کار ۲–۱۵۷، ۷–۲، ۱۹–۷۱
نهاده‌ی نیروی کار کارکنان جبران خدمات به قیمت ثابت ۱۹–۵۹
نیاز بخش عمومی یه وام‌گیری ۲۲–۱۶۹
نیازهای بشری ۹–۳۹، ۲۸–۷۹
نیروگاه هسته‌ای ۱۲–۵۷
نیروهای مسلح ۱۹–۲۱، ۱۹–۳۲، ۱۹–۳۳، ۱۹–۳۴
نیروی کار ۱۹–۱، ۲۸–۸۳
تعریف ۱۹–۱۷
نیروی کار بدون مزد ۶–۱۲۷، ۱۹–۲۷

نیروی کار در بنگاهای غیرشرکتی ۲۴–۸
نیکوکاری ۸–۱۳۲

و

وابستگی شغل رسمی ۱۹–۲۳
وابسته‌های خارجی ۲۱–۴۸
وابسته‌ی شرکت
تعریف ۴–۷۵
واحد تحلیلی ۵–۵۳
واحد تولیدکننده ۵–۸
واحد حسابداری (پول) ۳–۱۴
واحد محلی
تعریف ۵–۱۳
واحد مقدار ۱۵–۱۰
واحد مقیم فرضی ۴–۴۹، ۱۰–۴۰، ۱۰–۱۷۰، ۱۱–۹۳، ۲۴–۵۶، ۲۶–۳۳
واحد مبتنی بر نوع فعالیت
تعریف ۵–۱۲
واحد نهادی ۱–۳، ۱–۹، ۲–۱۶، ۳–۱، ۳–۲۵، ۴–۱
دستنامه‌ی تراز پرداخت‌ها ویرایش ۶ (BPM6) ۲۶–۲۴
تعریف ۴–۲
برخورد ویژه با واحدهای مستقر در مرزها ۲۶–۲۷
واحد نهادی مادر ۴–۱۳
واحد همگن تولید ۵–۱۶، ۵–۵۲
واحدهائی که سرانجام هزینه‌ها را متحمل می‌شوند ۲۹–۷۷
واحدهای تابعه‌ی ساختگی ۴–۶۳، ۲۶–۲۸
واحدهای چند منطقه‌ای ۱۸–۴۷
واحدهای دولتی
تعریف ۴–۹، ۲۲–۱۷
اهداف اقتصادی، کارکردها و رفتار ۴–۲۰
واحدهای دولتی با تولید بازاری ۴–۱۲۳
واحدهای دولتی، شامل صندوق‌های تأمین اجتماعی ۱–۱۰
واحدهای فرا بودجه‌ای ۲۲–۲۰
واحدهای مسکونی ۲–۳، ۹–۵۷، ۱۵–۱۴۵
تعریف ۱۰–۶۸
نگه‌داری ۲۴–۵۱
خدمات مالک ساکن ۶–۳۴
اجاره شده توسط مالکان ۹–۵۷
واحدهای مسکونی مالک ساکن ۶–۲۶، ۶–۱۱۷، ۷–۹، ۶–۹۵، ۱۰–۳۴، ۲۰–۶۴، ۲۴–۵۰، ۲۵–۶۴، ۲۵–۷۱
اجاره‌بها ۱۴–۹۹
خدمات ۶–۳۴
واحدهای مقاصد ویژه ۴–۶۷
واحدهای ملی ۱۸–۴۷
واحدهای منطقه‌ای ۱۸–۴۷
واردات ۱–۵۰، ۳–۱۴۹، ۱۶–۵، ۲۶–۳
کالاها به قیمت پایه ۱۴–۷۷
جداسازی از تولید داخلی در جدول‌های مصرف ۱۴–۱۳۴
واردات غیررقابتی ۲۸–۶۹
واسطه‌گری‌های مالی ۱–۲۱، ۴–۹۸، ۴–۱۰۱، ۱۱–۱۸، ۱۷–۲۲۷
واسطه‌های رهن ۱۷–۲۲۹
واسطه‌ی مالی ۴–۲۹، ۶–۱۵۱، ۶–۱۵۷
تعریف ۱۷–۲۲۸
واقعیت اصول اقتصادی ۷–۵۷
واگذاری حقوق صاحبان سهام اقلیت ۲۱–۲۳
وام ناکارآمد ۶–۱۶۹، ۱۱–۱۳۰، ۱۳–۶۷، ۱۷–۲۵۷، ۲۱–۵۷
تعریف ۱۳–۶۶
وام‌دهی ارفاقی ۳–۱۳۴، ۲۱–۵۹
وام‌دهی بین شرکتی ۲۶–۸۷
وام‌دهی از وجوه متعلق به خود ۱۷–۲۵۱
وام‌های ۱۱–۷۲، ۲۷–۳۲
مربوط به اجاره‌ی مالی (اعتباری) ۱۷–۳۰۴
بدون بهره ۷–۵۴
مذاکره‌پذیر ۱۱–۶۵
زیربخشی تکمیلی ۱۱–۷۹
وام‌ها و سپرده‌ها بیان شده به پول داخلی
منفعت ناشی از نگه‌داشتن ۱۷–۲۳۷
وام‌ها، ناکارآمد
تعریف ۱۳–۶۶
وام‌ها، ناکارآمد همچنین وام‌های ناکارآمد را نیز ببینید
وام‌های دارای نرخ ثابت ۶–۱۶۷
وام‌های زیان دیده (ناکارآمد) ۱۲–۱۱۱
وام‌های قسطی ۱۱–۷۳
وام‌های کارت اعتباری ۱۱–۶۷
وثیقه ۱۱۱–۱۲۳، ۲۲–۱۳۲

وجوه خود ۶–۱۸۹، ۷–۱۲، ۷–۱۲۹، ۱۷–۷۵
ارزش‌گذاری ۱۳–۸۹
وجوه عبوری ۲۱–۴۱
وجوه قرض شده ۷–۱۲
ورشکستگی ۲۱–۱۳
ورود یا خروج غیرقانونی کالاها از مرزها ۲۶–۵۳
وزارت مالیه ۱۹–۲۱
وزن‌ها ۱۵–۲۲۹
وضعیت موجودی اصطلاح میزان موجودی ۱۳–۱، ۲۶–۱۱
وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری بین‌المللی (IIP) ۱۳–۲، ۲۶–۱۱، ۲۶–۱۲، ۲۶–۷۳، ۲۶–۷۵
ویژگی‌های
فعالیت‌های فرعی ۵–۳۶،
مربوط به یک واحد نهادی ۱–۹
مربوط به فعالیت‌های تولیدی ۵–۵

ه

هبه (هدیه) ۸–۱۰۱
هدونیک
شاخص‌ها ۱۵–۹۱
معادلات رگرسیونی ۱۵–۸۳
هزینه، تعریف GFS ۲۲–۷۰
هزینه‌های اداره کردن طرح بیمه‌ی اجتماعی ۷–۶۴
هزینه‌های ارزیابی ۱۰–۱۰۶
هزینه‌های انبارداری ۶–۱۴۹
هزینه‌های انتقال مالکیت۳–۱۲۲، ۱۰–۳۹، ۱۰–۵۱، ۱۰–۱۶۸، ۱۳–۱۶، ۱۴–۱۰۱، ۱۴–۱۰۴، ۱۵–۱۴۵، ۲۰–۲
زمین ۱۰–۸۱
دارائی‌های تولید نشده۱۰–۹۷
مربوط به تحصیل ۲۰–۵۴
مربوط به واگذاری ۲۰–۶۰
زمان حذف (مستهلک کردن) ۱۰–۵۲
اشیاء گرانبها ۱۰–۱۵۰
مستهلک کردن ارزش ۱۲–۵۵
هزینه‌های انهدام ۲۰–۵۶
هزینه‌های بهره‌ی ضمنی ۷–۱۳
هزینه‌های پاکسازی ۲۰–۵۶
هزینه‌های پایانی ۱۰–۵۰، ۱۰–۱۵۷، ۱۰–۱۶۱، ۲۰–۵۶، ۲۰–۵۷، ۲۰–۶۰
هزینه‌های پیش از پروانه ۱۹–۱۰۶
هزینه‌های تولید ۳–۱۳۶
هزینه‌های حمل و نقل ۳–۱۴۵، ۳–۱۴۶، ۳–۱۴۷، ۶–۴۹، ۶–۱۴۸
بین‌المللی ۱۴–۶۱
هزینه‌های سفر برای کار ۸–۹۹
هزینه‌های نسبی ۱۵–۱۲
هزینه‌های نسبی تولید ۱۵–۱۲
هزینه‌ی استفاده کننده ۲۰–۳۱، ۲۰–۳۲
هزینه‌ی فرصت ۱–۶۵، ۲۹–۱۵۰
مربوط به سرمایه ۷–۱۳
مربوط به پول ۲۰–۳۲
هزینه‌ی مقایسه‌گر ۱۵–۲۲۵
هزینه‌ی نگه‌داری ۲۹–۱۲۲
هستار قانونی ۱–۹، ۴–۳
هستار قانونی یا اجتماعی ۴–۶،
هستارهای اجتماعی ۴–۳
هستارهای حق اختراع ۱۰–۱۰۵
هستارهای دارای هدف ویژه ۴–۵۵، ۲۱–۴۱، ۲۲–۴، ۲۲–۵۲، ۲۲–۱۳۱، ۲۶–۲۸
مقیم ۲۲–۵۲
هستارهای دارای هدف ویژه‌ی غیرمقیم ۲۲–۵۳
هستارهای دارای هدف ویژه‌ی مقیم ۲۲–۵۲
هم‌افزود (تجمیع) ۳–۱۹۱
هم‌افزوده‌های اقتصاد کلان ۲–۱۳۵
تعدیل ۲۹–۵۱
هم‌افزوده‌های کلیدی
قالب بندی از نو ۲۹–۱۲
هماهنگی بین SNA و دیگر سیستم‌های عمده ۱–۵۸
همایش ۳–۱۳۴، ۲۱–۵۹
همایش بین‌المللی آماردان‌های نیروی کار (ICLS) ۱۹–۵، ۲۵–۱۳
همپوشانی‌های تک فصلی ۱۵–۴۶
همپوشانی‌های سالانه ۱۵–۴۶
همکاری‌های بین‌المللی ۳–۸۲
همکاری‌های جاری بین‌المللی ۸–۲۷، ۸–۱۲۸، ۲۶–۶۶
همگنی محصولات در سطرهای جدول مصرف ۱۴–۱۴۲

هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی ۲۱–۶۶، ۱۳–۲۲
هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) ۱–۷۰، ۱۳–۸۳، ۱۷–۳۸۶، ۲۱–۶۰
هیزم ۱۲–۲۲

ی

یارانه‌ها ۷–۹۸، ۷–۱۳۵، ۲۲–۱۳۸
مصرف کننده ۷–۹۹
مصرف ۲۹–۶۹
مفهوم گسترش یافته ۲۹–۴۱
ضمنی ۷–۱۲۲
بر سیاهه‌ی حقوق یا نیروی کار ۷–۱۰۶
بر تولید و واردات ۷–۲
بر محصول ۱۴–۵، ۱۴–۱۳۳، ۱۶–۷
بر محصولات مصرف شده در داخل ۷–۱۰۵
ناشی از نرخ‌ها چندگانه‌ی ارز ۷–۱۰۳
بر شرکت‌های دولتی و شبه‌شرکت‌ها ۷–۱۰۵
برای کاهش آلایندگی ۷–۱۰۶
در مقابل تزریق سرمایه ۱۱–۹۱
در مقابل مزایای اجتماعی ۸–۹۸
یارانه‌های صادرات ۷–۱۰۳
یارانه‌های مستقیم ۷–۱۰۳
یارانه‌های مصرف ۲۹–۶۹
یارانه‌های مصرف کننده ۷–۹۹
یارانه‌های واردات ۷–۱۰۱
یارانه‌ی ضمنی ۷–۱۲۲
یک یا چند سال ۲–۱۹، ۱۱–۷۱، ۱۱–۷۹
لازم برای اقامت ۴–۱۴
یکپارچگی ۲–۱۴
SNA ۱–۱
چارچوب محوری ۲–۲
حساب‌های تولید و ایجاد درآمد ۱–۲۴
مجموعه‌ی قیمت‌های شاخص و حجم ۱–۲۵
یونیت تراست‌ها ۱۱–۹۶
یونیت‌ها یا سهام صندوق بازار پولی
تعریف ۱۱–۹۹

واژه‌های انگلیسی به فارسی

absorption matrix	ماتریس جذب
abundance	فراوانی، وفور
accidental damage	آسیب اتفاقی، خسارت اتفاقی
accommodate	تطبیق دادن، همساز کردن، جا دادن
accounting conventions	پیمان‌های حسابداری
accounting rules	قواعد حسابداری
accounting identity	معادله‌ی حسابداری، اتحاد حسابداری
accounts	حساب‌ها
accrual basis	پایه تعهدی
accrue	تعلق گرفتن، انباشتن، افزوده شدن
accrued benefit obligation: ABO	تعهد مزایای انباشته شده، تعهد مزایای تعلق گرفته
accumulate	انباشتن
accumulation accounts	حساب‌های انباشت
acknowledging claims	بدهی‌های تأئید شده، ادعاهای به رسمیت شناخته شده، ادعاهای پذیرفته شده
acquisition	تحصیل، اکتساب
acquisition of equity	اکتساب یا تحصیل سهام
acting in concert	هماهنگ عمل کردن
activity	فعالیت
actual consumption	مصرف واقعی
actual final consumption	مصرف نهائی واقعی
actuarial estimation	برآورد اکچوئری، برآورد بیمه‌سنجی
actuarial reserves	ذخائر اکچوئری، ذخائر بیمه سنجی
actuarial science	دانش بیمه سنجی
actuary	اکچوئری، بیمه سنج
ad valorem tax	مالیات بر اساس ارزش
additive	جمع پذیر
additivity	جمع پذیری
adequacy	بسندگی، کفایت
adjust	تعدیل، تنظیم
adjusted claim	خسارت تعدیل شده
adjusted disposable income	درآمد قابل تصرف تعدیل شده

adjuster	ارزیاب بیمه
administration	مدیریت، اداره کردن
administrative data	داده‌های اداری (ثبتی)
administrative records	ثبت‌های اداری
administrative sources	منابع اداری
advance	پیش پرداخت، مساعده، وام موقت
advantageous rates	نرخ‌های مزیتی
advocacy groups	گروه‌های حمایتی، گروه‌های هواداری
affiliated enterprises	بنگاه‌های وابسته، بنگاه‌های تحت پوشش
after-sales service	خدمات بعد از فروش
age-efficiency profile	نمودار سن– کارائی
agency	کارگزاری، نمایندگی، آژانس
agency accounts	حساب‌های عاملیت (کارگزاری)
agent	کارگزار، عامل
age-price profile	نمودار سن– قیمت
aggregates	هم افروده‌ها
aggregation	هم‌افزود، تجمیع
agricultural	کشاورزی
aid	کمک، یاری، مساعدت، مددکاری
aircraft engine	موتور هواپیما
airlines	خطوط هوائی
airport	فرودگاه
airspace	حریم هوائی
airworthines	صلاحیت پرواز، مناسب بودن برای پرواز
all-inclusive price	قیمت جامع و کامل، قیمت با همه چیز
allocation of primary income account	حساب تخصیص درآمد اولیه
allowance	مستمری، مقرری، فوق‌العاده، کمک هزینه
allowance	تعدیل، تخفیف
all-purpose banks	بانک‌های چند منظوره
along identical lines	به روشی یکسان
alternative	جایگزین، جانشین، دگرسان
ameliorate	بهتر شدن، بهبود بخشیدن
amenity	مطبوعیت
amenities	امکانات رفاهی
amortization	مستهلک کردن ارزش دارائی
amortized value	ارزش مستهلک شده

analysis	تحلیل
analytical unit	واحد تحلیلی
ancillary activities	فعالیت‌های فرعی
ancillary services to health care	خدمات جانبی مراقبت‌های سلامت
annual overlaps technique	روش همپوشانی‌های سالانه
annuitant	مستمری بگیر، مقرری بگیر
annuities entitlements	حق برخورداری از مقرری سالانه
annuity	مستمری سالانه، مقرری سالانه
antiques	عتیقه‌جات
antithesis	فکر متضاد، شخص متضاد، تضاد، پادگزاره
appealing	جذب کردن
applicable	قابل اعمال، قابل اجرا
apportioning global value	تخصیص ارزش کل
appraisal	ارزیابی، سنجش ارزش، تعیین قیمت
apprentice	دانشجو کارآموز
approach	رهیافت ، رویکرد
appropriating	تصاحب (معمولاً بدون اجازه مالک)
appropriation	تخصیص بودجه، منظور کردن بودجه
approximate	تقریبی، نزدیک، تقریب زدن
approximately	تقریباً
approximation	تقریب
aquaculture	آبزی پروری
aquatic resources	منابع آبزیان (گیاهان یا جانوران آبزی)
arbitrage	آربیتراژ
arithmetic average= mean	میانگین حسابی، میانگین
arm’s length transaction	تراکنش در شرایط متعارف
armed forces	نیروهای مسلح
arrears	دیرکرد، تعویق
arrears	معوقه
art objects	اشیاء هنری
articled clerk= articling student	کارآموز وکالت
articles of association	اساسنامه
articulation	بهم پیوستگی، ارتباط (در حسابداری)، انسجام، بیان منسجم
artificial subsidiaries	واحدهای تابعه‌ی ساختگی، واحدهای تابعه‌ی صوری
as a matter of course	بطور عادی، به‌طور خودکار
ask price = offer price	قیمت پیشنهادی فروش

assemble	همگذاری، همبندی، مونتاژ، سوار کردن
asset accounts	حساب‌های دارائی
asset -backed securities	اوراق بهادار با پشتوانه دارائی
asset securitisation	تبدیل دارائی به اوراق بهادار
asset-backed securities	اوراق بهادار با پشتوانه دارائی
assets disposed	دارائی واگذار شده، دارائی از دست رفته
assignment	تخصیص، به کار گماری، انتصاب
assistancre	کمک، مساعدت
associate corporations	شرکت‌های وابسته
associate enterprise	بنگاه وابسته، بنگاه فرعی
association	اتحادیه، انجمن
assume	فرض کردن، به عهده گرفتن، قبول کردن
asymmetry	عدم تقارن
at cost	به قیمت تمام شده
attributable income	درآمد تخصیص یافتنی، درآمد قابل تخصیص
attributes	ویژگی‌ها، خصوصیات
Authority-type	از نوع حاکمیتی
authorization	اعطای اختیار، اجازه کتبی، تصویب
automatic teller machine	دستگاه خودپرداز
autonomous	مستقل، خودگردان
autonomy	استقلال داخلی، خودگردانی، خود مختاری
auxiliary activities	فعالیت‌های جنبی
avail	سود بردن، سودمند بودن، بدرد خوردن، دارای ارزش بودن
average	متوسط
backward-looking	پس نگر
bad debt	بدهی بد، طلب سوخته
bailout	نجات مالی
balance	تراز
balance of payments	تراز پرداخت‌ها
balance sheet	ترازنامه
balancing item	قلم تراز کننده، مانده
bank	بانک
Bank for International Settlements: BIS	بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی
bankers’ acceptances	برات‌های تضمین شده بانکی
bankruptcy	ورشکستگی
barter transactions	تراکنش‌های پایاپای، معاملات پایاپای

basic prices	قیمت‌های پایه
basket	سبد (کالا)
bear on	مربوط بودن (به چیزی)
bearer securities	اوراق بهادار بدون نام (در وجه حامل)
behaviour of the economy	رفتار اقتصادی
benchmark	محک زدن، معیار، نشان، الگوبرداری
beneficiary	مقرری بگیر، مستمری بگیر، ذینفع
benefits	منافع ، مزایا
bequeath	واگذار کردن (چیزی به دیگری)، تخصیص دادن، وقف کردن
betterment levy	مالیات بهبود، مالیات ترقی ارزش
bias	سمت‌گیری، اریبی
bid	مزایده، پیشنهاد خرید
bid-ask spread	دامنه‌ی پیشنهادی خرید
bid-price	قیمت پیشنهادی خرید به خصوص در مزایده یا مناقصه
bill	برات ، اوراق بهادار کوتاه مدت
bill	صورت حساب، سیاهه، لایحه
bill of exchange	برات، سفته، حواله
binary approach	رهیافت دوحالتی، رویکرد دودوئی
binary comparisons	مقایسه‌های دوتائی
binding	اجباری، الزام آور
binding contract	قرارداد الزام آور، قرارداد لازم‌الاجرا
block approach	رهیافت بلوکی
board of directors	هیئت مدیره
body of work	قسمت اساسی کار، کل نتیجه‌ی کار یک نویسنده یا یک هنرمند
bonds	اوراق قرضه، اوراق مشارکت
bonus shares	سهام جایزه
book value	ارزش دفتری
border rivers	رودخانه‌های مرزی
borrowing	وام‌گیری، استقراض
boundary	حد و مرز ، محدوده، کرانه
branch	شعبه
brass plate	تابلوی سر در
brand	نام تجاری– نما نام
break down	ضعیف شدن، بی اثر شدن، شکستن، خرابی
brickworks	کارخانه آجر، آجرچینی
bridges	پل‌ها

broad money	پول وسیع (اسکناس، سکه، سپرده در بانک و ...)
broad-based index	شاخص با مبنای گسترده
broker	کارگزار بورس، کارگزار، دلال
budget deficit	کسری بودجه
budget surplus	مازاد بودجه
build, own, operate,transfer (BOOT) scheme	طرح احداث، تملک، بهره برداری، انتقال مالکیت
building	بنا، ساختمان
building blocks	اجزای تشکیل دهنده
bulk purchase	خرید عمده
business	کسب و کار
business accounting	حسابداری کسب و کار، حسابداری تجاری
business records	ثبت‌های کسب و کار
business register	ثبت واحدهای کسب و کار، ثبت شرکت‌ها
by-product	محصول جنبی
call	بازخرید، امتیاز خرید، دعوت به پرداخت، خرید (در بورس)
call option	اختیار خرید (سهام یا سایر دارائی‌ها)
call price	قیمت بازخرید
cancellation	فسخ، ابطال، حذف
cancelling of debt	فسخ دین، ابطال دین، حذف دین
capacity	ظرفیت، قابلیت
capital	سرمایه
capital account	حساب سرمایه
capital contribution	کمک سرمایه‌ای
capital formation	تشکیل سرمایه
capital gain	منفعت سرمایه
capital injection	تزریق سرمایه
capital intensity	سرمایه بری، شدت سرمایه
capital levy	مالیات بر سرمایه
capital services	خدمات سرمایه
capital stock	موجودی سرمایه، سهام سرمایه (عادی و ممتاز)
capital taxes	مالیات بر سرمایه
capital transfers	انتقالات سرمایه‌ای
capitalized	تبدیل به سرمایه کردن
captive financial institutions	نهادهای مالی داخلی، نهادهای مالی خودی
captive market	بازار تحت نفوذ، بازار تحت اختیار
carry	ثبت کردن، وارد کردن، انتقال دادن

carry through	تکمیل کردن، به اتمام رساندن، پایان
carrying cost	کل هزینه‌ی مربوط به موجودی انبار، هزینه‌ی ذخیره سازی
case in point	مثال، نمونه
cash	پول نقد
cash basis	پایه نقدی
cash flow	جریان نقدی
cashing in on	بهره‌مند شدن، استفاده کردن
cast light on	تشریح، شرح دادن
catastrophic losses	زیان‌های ناشی از بلایا
categorize	دسته بندی کردن، رده بندی کردن
category	رده، مقوله
cede (to)	واگذاری (به)
central bank	بانک مرکزی
Central Product Classification: CPC	طبقه‌بندی محوری محصول
centre of economic interest	مرکز منافع اقتصادی
certificate of deposit: COD	گواهی سپرده
chain indices	شاخص‌های زنجیره‌ای
chairperson	رئیس جلسه، دبیر
chamber of commerce	اتاق بازرگانی
change-effecting services	خدمات ایجاد کننده‌ی تغییر مؤثر (مانند خدمات سلامت، خدمات حمل و نقل و ...)
channelling	هدایت، انتقال، کانال زدن
characterisic	مشخصه
characteristic products	محصولات مشخصه
charge	هزینه، کارمزد، مطالبه‌ی هزینه
charities	نهادهای نیکوکاری، مؤسسات خیریه
cheque clearance	وصول چک
chief executive	رئیس اجرائی (بالاترین مقام اجرائی سازمان)
chronic inflation	تورم مزمن
citizenship	شهروندی، تابعیت
civil disorders	ناآرامی‌های مدنی
civil servants	کارکنان دولت
civil society	جامعه مدنی
claim	ادعا، خسارت بیمه، ادعای خسارت بیمه
claim adjuster	کارشناس تعیین خسارت بیمه
claimant	مدعی خسارت، خسارت دیده

claims incurred	خسارت‌های رخ داده
claims outstanding	خسارت‌های معوقه
claims settlement	پرداخت خسارت، تسویه‌ی خسارت
classification	طبقه‌بندی
Classification Of Individual COnsumption by Purpose: COICOP	طبقه بندی مصرف فردی بر اساس هدف
Classification of Outlays of Producers by Purpose: COPP	طبقه بندی خرج‌های تولیدکنندگان براساس هدف
Classification Of the Functions Of Government: COFOG	طبقه بندی کارکردهای دولت
Classification Of the Purposes of Non-profit Institutions serving households: COPNI	طبقه بندی هدف‌های نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها
clay	خاک رس
clean price	قیمت بدون عایدات تعلق گرفته، قیمت بدون بهره
cleaning	تمیزکاری، نظافت
clear fell	قطع تمامی درختان
clearing	پایاپای بانکی، تهاتری
clinic	درمانگاه، کلینیک
closed economies	اقتصادهای بسته
coal	ذغال سنگ
coin	سکه
collaborate	همکاری، تشریک مساعی، باهم کارکردن
collateral	وثیقه
collateralized debt obligations	تعهدات بدهی وثیقه‌ای
collective services	خدمات جمعی
collective consumption	مصرف جمعی
collective needs	نیازهای جمعی
collectively	به طور جمعی
come by	کسب کردن، بدست آوردن، نزدیک شدن
come into force	به اجرا درآمدن
come of age	رسیدن به سن قانونی
command economy	اقتصاد دستوری
commemorative coins	سکه‌های یادبود
commensurate	متناسب
commercial accounting	حسابداری تجاری
commercial paper	اوراق تجاری
commission	حق کمیسیون، حق‌العمل

commitments	تعهدات
commodity gold	طلای کالائی
common currency	پول مشترک
communal	اشتراکی، جمعی، همگانی، اجتماعی
community amenities	امکانات رفاهی جامعه
community and social services	خدمات عمومی و اجتماعی
community at large	کل جامعه
community-based associations	انجمن‌های جامعه محور
commuting time	زمان رفت و آمد
company policy	خط مشی کلی شرکتی
comparability	مقایسه‌پذیری، قابلیت مقایسه
comparable	مقایسه پذیر، قابل مقایسه
comparator cost	هزینه مقایسه‌گر
compatible	همساز، سازگار
competence	صلاحیت، شایستگی، مزیت رقابتی
compilation	تولید چیزی (بخصوص کتاب با سرهم کردن اطلاعات از منابع دیگر)، تألیف، همگردانی، تهیه (حساب‌ها)
compile	تولید (کتاب از سرهم کردن اطلاعات از منابع دیگر)، تهیه (حساب‌ها)
composite nature	ماهیت ترکیبی
comprehensive	جامع، فراگیر
compulsory	اجباری
compulsory transfers	انتقالات اجباری
computer softwate	نرم‌افزار رایانه‌ای
computing	محاسبه
concepts	مفاهیم
conceptual	مفهومی
conceptual elements	عناصر مفهومی
concert	هماهنگی
concessional interest	بهره ارفاقی، بهره امتیازی
conduit	کانال، مجرا (واسطه)
confer	اعطاء کردن، تفویض کردن، مشورت کردن
confidentiality	محرمانگی
configuration	پیکره بندی
confined	محدود
confiscation	تصرف، مصادره، ضبط مالی
conglomerate	مجتمع تولیدی، شرکت خوشه‌ای

connected products	محصولات وابسته
conscript	سرباز وظیفه
consent	رضایت، توافق، ارفاق
consequence	پیامد، نتیجه
consistent	سازگار
consolidate	تلفیق کردن
consolidation	تلفیق
constitution	اساسنامه، قانون اساسی
construction	ساخت و ساز (فعالیت)، ساختمان (محصول)
construction site	سایت ساخت و ساز، کارگاه ساختمانی
constructive liabilities	بدهی‌های عرفی
consumables	مواد مصرفی
consumer durables	کالاهای بادوام مصرفی
consumer price	قیمت مصرف کننده
consumer price index: CPI	شاخص قیمت مصرف کننده
consumer unit	واحد مصرف کننده
consumers’ associations	انجمن‌های حمایت از مصرف کنندگان
consuming unit	واحد مصرف شونده
consumption	مصرف
consumption expenditur	مخارج مصرفی
consumption of fixed capital	مصرف سرمایه ثابت
contingencies	رخدادهای احتمالی، رخدادهای احتیاطی
contingent	احتمالی، پیش‌بینی نشده، مشروط، احتیاطی
contingent assets	دارائی‌های احتمالی
contingent benefits	مزایای احتمالی
contingent liabilities	بدهی‌های احتمالی
contingent porvisions	ذخائر احتیاطی
contract	قرارداد، پیمان
contractor	پیمانکار
contractual	قراردادی، پیمانی
contributed surplus	مازاد کمک
contributing family workers	کارکنان کمکِ خانواده
contribution	کمک، اعانه، سهم
contribution holiday	توقف حق‌بیمه، تعطیلی حق‌بیمه، عدم پرداخت حق بیمه‌ی بازنشستگی توسط کارفرما از طرف کارکنان
contribution supplement	مکمل حق‌بیمه

contributions to growth	سهم در رشد
contributory retirement system	سیستم بازنشستگی مشارکتی
conurbation	منظومه شهری، شهرگان
convalescent home	نقاهتگاه
convenience services	خدمات تسهیلاتی، خدمات تسهیل کننده
conventional	متعارف، مرسوم، سنتی
cooperation	همکاری، تعاون، کمک
cooperatives	تعاونی‌ها
copy	رونوشت، کپی
copyright	حق انحصاری انتشار
core definition	تعریف محوری، تعریف قسمت مهم چیزی
co‹resident	هم اقامت
corporate migration	مهاجرت شرکت
corporate policy	خط مشی کلی شرکتی
corporate restructuring	بازسازی شرکت، تجدید ساختار شرکت، نوسازی شرکت
corporate sell-off	حراج شرکت
corporate spin-off	خُرد کردن شرکت به واحدهای کوچک‌تر
corporations	شرکت‌ها
correlation	همبستگی
cost	بهای تمام شده، هزینه
cost effective	مقرون به صرفه، سود آور، اقتصادی، صرفه‌جوئی در هزینه
cost, insurance and freight (cif)	بهای کالا، بیمه و هزینه حمل (سیف)
cost of administering	هزینه‌های اداری
counterbalanced	برابری کردن، موازنه کردن، خنثی کردن
counter-intuitively	برخلاف انتظار، برخلاف تصور
counterpart	طرف مقابل
Country Product Dummy (CPD) method	روش محصول ظاهری (مجازی) کشوری
county	شهرستان
coupon payments	پرداخت‌های کوپن (پرداخت بهره‌ی اوراق قرضه)
cover	پوشش، تأمین خسارت بیمه
create	ایجاد، پدید آوردن
credit banks	بانک‌های اعتباری
credit card	کارت اعتباری
credit card loans	وام‌های کارت اعتباری
credit default swaps	سوآپ (معاوضه) نکول اعتباری، سوآپ عدم پرداخت اعتباری
credit derivatives	مشتقات اعتباری

credit unions	اتحادیه‌های اعتباری
credited	اختصاص داده شده، نسبت داده شده
creditor	بستانکار، طلبکار
creditworthiness	شایستگی اعتباری، توان اعتباری
crime	جرم
criteria	معیارها، ملاک‌ها
criterion	معیار، ملاک
crop-bearing tree	درخت مثمر، درخت ثمرده
crops	محصولات زراعی، محصولات کشاورزی
cross -section data	داده‌های مقطعی
crossborder activities	فعالیت‌های فرامرزی، فعالیت‌های برون مرزی
cross-border positions	موجودی‌های برون مرزی
cross-border workers	کارگران مرزی
cross-classification	طبقه‌بندی متقاطع
cross-currency interest rate swap= cross-currecy swap	سوآپ نرخ بهره‌ی دو پول متفاوت، سوآپ دو پول متفاوت
cross-cutting isues	مسائل اثر گذار در همه زمینه‌های مرتبط، مسائل چند وجهی
culomn totals	جمع‌های ستونی (جمع عناصر یک ستون)
cultivated biological resources	منابع زیستی پرورشی
cultivation	کاشت
cummunl construction	ساخت و ساز اجتماعی، ساخت و ساز اشتراکی
cumulating	انباشتن
curing	عمل آوری
currency	پول رایج
currency authorities	مقامات پولی
currency board	شورای عالی پول، هیئت پول
currency conversion	تبدیل پول ملی به ارز
currency swap	سوآپ پولی
currency union	اتحادیه پولی، اتحادیه ارزی
current accounts	حساب‌های جاری
current external balance	تراز جاری خارجی
current international cooperation	همکاری‌های جاری بین‌المللی، کمک‌های جاری بین‌المللی
current profit	سود جاری
current transfers	انتقالات جاری
customer base	مشتریان دائمی، پایگاه اطلاعات مشتریان
custom-made	ساخت سفارشی

customs declarations	اظهارنامه‌های گمرکی
dairy cattle	دام شیری
data consistency	سازگاری داده‌ها
data coverage	پوشش داده‌ای
data sources	منبع داده‌ها، سرچشمه داده‌ها
database	پایگاه داده‌ها
de facto	مجازی، غیررسمی
death benefits	مزایای بعد از فوت
death duties	مالیات بر ارث
debenture	اوراق قرضه بدون پشتوانه، قرضه بدون وثیقه
debit	بدهکار
debt	دِین، بدهی مدت‌دار
debt assumption	قبول دِین، بعهده گرفتن مسئولیت دِین توسط شخص ثالث
debt cancelling	فسخ دِین، حذف دین
debt defeasance	بدهی‌زدائی
debt forgiveness	بخشش دِین – بخشودگی بدهی
debt repudiation	انکار بدهی
debt securities	اوراق بدهی
debt-for-development swap	سوآپ (معاوضه) دین در برابر توسعه
debt-for-equity swap	سواپ (معاوضه) دِین با سهام
debt-for-nature swaps	سوآپ (معاوضه) دِین در برابر طبیعت (بخشودگی بدهی خارجی در برابر تعهد سرمایه‌گذاری در حفاظت از محیط زیست (طبیعت))
debt-for-real-estate swaps	سوآپ (معاوضه) دین در برابر مستغلات
debtor	بدهکار، مدیون
debt-service	پرداخت دِین (پرداخت اصل و فرع دِین)
decent wotk	کار در شرایط مناسب (شرایط آزاد، برابری، امنیت و کرامت انسانی)
deciles	دهک‌ها
decision-taking	تصمیم‌گیری
decisive	تعیین کننده ، قطعی
declared bankrupt	اعلام ورشکستگی
decommissioning	انهدام
decompose	تجزیه کردن
deductible	کسر شدنی
deductible tax	مالیات کسر شدنی
deductible value added tax	مالیات ارزش افزوده‌ی کسر شدنی
deep discounted	تخفیف عمده، با نرخ تنزیل بالا نقد کردن

deep-discounted bonds	اوراق قرضه نقد شده با نرخ تنزیل زیاد
default	پیش فرض ، عدم پرداخت دِین (اصل و فرع وام)
defence	دفاع
defensive expenditure	مخارج حفاظتی، مخارج دفاعی
deficit	کسری
defined benefit (DB) schemes	طرح‌های مزایای تعیین شده (قطعی)
defined contribution (DC) scheme	طرح‌های حق بیمه (کسورات) تعیین شده (قطعی)
definitions	تعاریف
deflate	تعدیل قیمت
deflation	کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، انقباض
deforestation	جنگلزدائی، نابودی جنگل
degradation	تخریب، کاهش کیفیت
degree of certainty	درجه‌ی اطمینان، درجه‌ی قطعیت
delisted companies	شرکت‌های حذف شده از بورس
delivered duty paid	تحویل با عوارض پرداخت شده
delivery	تحویل (کالا)، حمل (کالا)، نقل و انتقالات، تسلیم
demarcate	تعیین حدود، نشان‌گذاری
demarcated	مشخص، نشان‌گذاری شده
de-merging	تفکیک، ادغام زدائی
demography of corporation	جمعیت شناسی شرکت‌ها
demonetization	غیر پولی کردن
denominate	تخصیص دادن، نامیدن
denomination	ارزش اسمی پول (ارزش درج شده روی اسکناس، سکه و ...)
departments	ادارات، واحدها
depletion	تقلیل منابع، کاهش منابع، تهی سازی، تخریب منابع
depoditory corporation	شرکت سپرده‌گذاری، شرکت سپرده‌پذیر
deposit	سپرده
deposit guarantee	تضمین سپرده
deposit insurance	بیمه سپرده
depository corporations	شرکت‌های سپرده گذاری
deposit-taking corporation	شرکت سپرده‌پذیر
depreciation	استهلاک
deregulation	مقررات زدائی، مقررات کاهی
derivatives	مشتقات مالی، ابزارهای ثانوی مالی
destruction	تخریب
developed economies	اقتصادهای توسعه یافته

deviation	انحراف
devise	ابداع، اختراع
differential domestic prices	قیمت‌های تبعیضی داخلی
differential exchange rates	نرخ‌های تبعیضی ارز
direct insurance	بیمه مستقیم
dirty price	قیمت با عایدات تعلق گرفته (عایدات نظیر بهره)
disadvantaged individuals	افراد محروم
disaggregation	تفکیک، تجزیه
disassembly	تجزیه قطعات، دمونتاژ قطعات
disband	منحل کردن
discharge	تخلیه، خالی کردن
discrepancies	ناهمخوانی‌های آماری
discount factor	عامل تنزیل
discounted present value of future returns	ارزش حال تنزیل شده بازده آینده
discounting	تخفیف
discovery	اکتشاف
discrepancies	ناهمخوانی‌ها، اختلافات، تفاوت‌ها، نقص‌ها
discretion	اختیار، نظر، رأی، صلاحدید
discretionary	اختیاری
discretionary income	درآمد اختیاری
disinflation	تورم زدائی
disinvestment	سرمایه برداری، سرمایه‌گذاری منفی، کاهش سرمایه
dispatch	ارسال، فرستادن
disposable income	درآمد قابل تصرف
disposal	در اختیار گذاشتن، واگذاری، مصرف
disproportionate	نامتناسب، بی‌تناسب
dis-saving	عدم پس‌انداز
disservice	ناخدمت، بدخدمتی، آزار
dissolution of corporations	انحلال شرکت‌ها
dissolve	منحل شدن
distorted	اعوجاج
distributable income	درآمد قابل توزیع
distribution of income account	حساب توزیع درآمد
distributive transactions	تراکنش‌های توزیعی
divergence	انحراف، واگرائی
diversification	تنوع بخشی زیاد

divestment	واگذاری سرمایه، واستانش سرمایه
dividend	سود تقسیم شده
division of labour	تقسیم کار
do-it-yourself	خود انجام
domestic and personal services	خدمات خانگی و شخصی
domestic production	تولید داخلی
domestic services	خدمات خانگی
domestic tourist	گردشگر بومی
domicile	کشور محل سکونت دائمی، کشور محل اقامت دائمی، مقر، محل اقامت
dominant	غالب، مسلط
donations	کمک‌های مالی بلاعوض، هدایا
dormant	خفته، نهفته، در حال کمون
double deflation method	روش تعدیل دوجانبه، روش تعدیل مضاعف
double-entry bookkeeping	حسابداری ثبت دوطرفه، حسابداری دوبل
down time = downtime	زمان توقف (کار انسان، کار ماشین‌آلات، کار کامپیوتر)
draft	حواله
drawdown of value	افت ارزش
drawn	(اعتبار) جذب شده، برداشت شده
due	سررسید، مقرر، ناشی از (چیزی)، قابل پرداخت
due to be paid	مدیون به پرداخت در سررسید
due-for-payment basis	پایه‌ی ثبت پرداخت در سررسید (در مقابل پایه‌ی نقدی و پایه‌ی تعهدی)
due-for-payment recording	ثبت پرداخت در سررسید (در مقابل ثبت نقدی و ثبت تعهدی)
dummy variable	متغیر ظاهری (مجازی)، متغیر ساختگی
dumping	بازار شکنی، قیمت شکنی
duplication	دوباره کاری، تکرار، تکثیر
durable goods	کالاهای بادوام
duties	عوارض گمرکی
dwelling	واحد مسکونی
earmarking of taxes	تخصیص مالیات‌ها، مالیات تخصیص داده شده به هزینه خاص
earned premium = premium earned	حق بیمه عاید شده
earnings forgone	عایدات از دست رفته
econometric methods	روش‌های اقتصاد سنجی
econometric models	مدل‌های اقتصادسنجی
economic activity	فعالیت اقتصادی
economic agents	عاملین اقتصادی
economic analysis	تحلیل‌های اقتصادی

economic appearance	پیدایش اقتصادی، پدید آمدن اقتصادی
economic circumstances	شرایط اقتصادی
economic development	توسعه اقتصادی
economic disappearance	نابودی اقتصادی، ناپدیدی اقتصادی، انهدام اقتصادی
economic flows	جریان‌های اقتصادی
economic growth	رشد اقتصادی
economic growth rate	نرخ رشد اقتصادی
economic nature	ماهیت اقتصادی
economic ownership	مالکیت اقتصادی
economic policy	سیاست اقتصادی
economic principles	اصول اقتصادی
economic projections	پیش‌بینی‌های اقتصادی
economic reasoning	منطق اقتصادی، استدلال اقتصادی
economic regulation	مقررات اقتصادی
economic statistics	آمارهای اقتصادی
economic territory	سرزمین اقتصادی، قلمرو اقتصادی
economic union	اتحادیه اقتصادی
economic value	ارزش اقتصادی
economically significant	قابل ملاحظه از نظر اقتصادی
economy	اقتصاد
ecosystem	زیست بوم، اکو سیستم
educational attainment	بالاترین مدرک تحصیلی
educational leave	مرخصی تحصیلی
efficiency-retirement	کنار گذاشتن (ماشین‌آلات)، از دور خارج کردن (به دلیل کاهش کارائی)
efficient	کارآمد
effluent	فاضلاب
elaborate	با جزئیات نشان دادن، با دقت شرح دادن، شفاف سازی کردن
electricity	برق
element	عنصر، مؤلفه
eligibility	واجد شرایط بودن، شایستگی
embodied	تجسم یافته، گنجانده شده، در بر داشتن
emission permits	مجوز آلاینده
emissions	نشر آلاینده‌ها، آلاینده‌ها
employed	شاغل
employee	کارکن مزدبگیر، کارکن استخدام شده
employee share plan	طرح سهیم شدن کارکنان در مالکیت

employee stock options: ESOs	اختیار معامله‌ی سهام برای کارکنان
employer	کارفرما
employment	اشتغال
employment–related social insurance schemes	طرح های بیمه‌های اجتماعی اشتغال محور
enabling instrument	سند اختیار دهنده
enclave	برون خاک، (ناحیه محاط در سرزمین بیگانه)
encumbered	محدود شده، تحمیل شده، گرفتار بدهی، مال دردسر آفرین
encumbrance	گرو، وثیقه
endorsement	پشت نویسی، امضاء
endowment	وقف، بخشش، اعطا
endowment policy	بیمه‌نامه‌ی زندگی مختلط پس‌انداز
end-products	محصولات نهائی
energy resources	منابع انرژی
enhanced payments	اضافه حقوق
enjoy	برخوردار بودن، بهره مند شدن
enlisted	داوطلب خدمت سربازی، نامنویسی کرده
entail	مستلزم
entitled	محق بودن، ذیحق بودن
entitled in law	دارای حق قانونی، داشتن حق و امتیازات بر چیزی طبق قانون، محق بودن، ذیحق بودن
entitlement	برخورداری، حق، استحقاق
entity	هستار، موجودیت
entrepreneurial income	درآمد کارآفرینی
entrepreneurial income account	حساب درآمد کارآفرینی
entry	ورودی، قلم ثبت شده در حساب
environment	محیط زیست
environmental accounting	حسابداری محیط زیست
environmental impact	پیامد زیست محیطی
environmental protection	حفاظت محیط زیست
environmental sink	سینک زیست محیطی، مخزن زیست محیطی
envisage	مجسم کردن
equalization provisions	ذخائر تعادلی
equation	معادله
equipment	تجهیزات
equity	معنی آن بستگی به مفاد متنی دارد که در آن استفاده شده است. به طـور کلی به مفهوم مالکیت هر نوع دارائی بعد از پرداخـت همـه‌ی دیـونِ

مربوط به آن دارائی است. در یک شرکت این مابه‌التفاوت خالص دارائی، ارزش ویژه و سرمایه نیز گفته می‌شود. معانی مختلف equity به شرح زیر است:

۱. سهام یا هر نوع اوراق بهادار دیگری که نشان دهنده‌ی منافع مالکیت (حق قانونی بر مدیریت، فروش و بخشش) است.

۲. در ترازنامه‌ی یک شرکت، میزان مبلغ آورده‌ی صاحبان (سهامداران) بعلاوه سود (یا زیان) تقسیم نشده است که "حقوق سهامداران" یا "حقوق صاحبان سهام" شرکت نامیده می‌شود.

۳. در زمینه‌ی خرید اوراق بهادار از طریق قرض از دلالان، عبارتست از ارزش اوراق بهادار مورد نظر در حساب مارژ، منهای آنچه که از دلال قرض گرفته شده است

۴. در زمینه‌ی مستغلات، عبارتست از تفاوت بین ارزش جاری دارائی در بازار و مبلغی که مالک هنوز در رهن مدیون است

۵. در زمینه‌ی راهبرد سرمایه‌گذاری، یکی از سه طبقه‌ی اصلی دارائی‌هاست. این سه طبقه عبارتند از: درآمد ثابت (اوراق قرضه)، وجه نقد یا معادل نقد و equity (سهام)

equity assets	دارائی سهام
equity capital	سرمایه‌ی سهام، سرمایه‌ی سهام سهامداران عادی، آن بخش از سرمایه که از طریق فروش سهام بدست آمده است
equity carve out	واگذاری حقوق صاحبان سهامِ اقلیت
equity financing	تأمین مالی از طریق فروش سهام
equity instrument	ابزار سهام، سند سهام (سندی که نشان دهنده‌ی مالکیت سهام است)
equity investment	سرمایه‌گذاری سهام
equity liability	بدهی سهام
equity participation	مشارکت سهام
equity securites	اوراق سهام
erosion	فرسایش
established market value	قیمت غالب برقرار شده در بازار
establishment	کارگاه
establishment surveys	آمارگیری‌های کارگاهی
estimation	برآورد
evade taxes	گریز از مالیات، اجتناب از مالیات
evaluation	ارزیابی، سنجش ارزش
evasion of taxes	گریز از مالیات، گریز مالیاتی، فرار از مالیات
eventuality	احتمال، امکان

ex ante	ناظر به آینده
ex divident	بدون سود تقسیم شده
ex gratia payments	پرداخت‌های دوطلبانه (همت عالی)
ex post	ناظر به گذشته، تحقق یافته
exaggerating	بزرگ نمائی
exceptional losses	زیان‌های استثنائی
excess of loss reinsurance	بیمه اتکائی مازاد خسارت
exchange	مبادله، معاوضه
exchange rate	نرخ ارز، نرخ مبادله ارز
exchange stabilization fund	صندوق تثبیت ارز
exchange،traded	معامله‌پذیر در بورس، قابل فروش در بورس
excise duties	عوارض تولیدات داخلی، عوارض کالاهای داخلی (در مقابل عوارض کالاهای وارداتی که برای custom duties بکار می‌رود)، عوارض انتخابی
exclusive economic zone	منطقه اقتصادی انحصاری
exclusively	منحصراً
excursionist	بازدید کننده‌ی یک روزه
ex-dividend	بدون سود تقسیم شده (به معنی اینکه خریدار، سود تقسیم شده را دریافت نمی‌کند)، فاقد سود تقسیم شده
executive chair	رئیس اجرائی، بالاترین مقام سازمان
executive managers	مدیران اجرائی
exert	اعمال کردن، بکار بردن
exhaustive	جامع، فراگیر
exhaustiveness	جامعیت، فراگیر بودن
existence	وجود، هستی، بودن
expectations	انتظارات
expenditure	مخارج
expenditure measure of GDP	سنجه‌ی مخارج GDP، محصول ناخالص داخلی با رهیافت مخارج
expense	هزینه عملیاتی
exploit	بهره‌برداری
exploitable	قابل بهره برداری
exploited	بهره‌برداری شده
export	صادر کردن
Export and Import Price Index: XMPI	شاخص قیمت صادرات و واردات
exports	صادرات
exposure to risk	در معرض خطر قرار گرفتن، در معرض ریسک قرار گرفتن

expropriation	سلب مالکیت، مصادره
external accounts	حساب‌های خارجی
external events	رخدادهای بیرونی
external trasactions	تراکنش‌های خارجی
externalities	آثار برون ریز، آثار جانبی
extinction	منهدم کردن، نابود کردن، منقرض کردن
extinguish	تسویه حساب، انهدام، نابودی
extrabudgetary units	واحدهای فرابودجه‌ای
extrapolate	برون‌یابی کردن
extrapolation	برون‌یابی
ex-work price	قیمت خروجی کارخانه، قیمت درب کارخانه
fabrication	ساخت ، تولید
face value= nominal value	ارزش رسمی، ارزش ظاهری، ارزش اسمی، مبلغی که روی اوراق درج می‌شود
factor cost	بهای عوامل، هزینه عوامل
factor reversal test	آزمون عامل برگشتی
factoring services	خدمات کارگزاری عاملیت، خدمات خرید دین
factors of production	عوامل تولید
factory	کارخانه
fair market price	قیمت عادلانه‌ی بازار
fair value	ارزش عادلانه، ارزش منصفانه
fall due	فرا رسیدن موعد پرداخت، فرا رسیدن سررسید پرداخت
family allowance	کمک هزینه خانواده
family workers	کارکنان خانوادگی، کارکنان فامیلی
farm	مزرعه
farm-gate price	قیمت سر مزرعه
fashion goods	کالاهای مد، کالاهای زندگی روزمره
fee	حق‌الزحمه، اجرت، پردازه
feedback	بازخورد
fellow enterprise	بنگاه های همکار
filing for bankruptcy	اعلان ورشکستگی
final consumer	مصرف کننده نهائی
final consumption	مصرف نهائی
final consumption expenditure	مخارج مصرف نهائی
final demand	تقاضای نهائی
finance	تأمین مالی، مالیه

finance director	مدیر مالی
financial account	حساب مالی
financial advance	پیش پرداخت مالی
financial assets	دارائی‌های مالی
financial auxiliaries	فعالیت‌های جنبی مالی
financial claim	تعهد مالی، خسارت مالی
financial corporations	شرکت‌های مالی
financial credit	اعتبار مالی
financial crisis	بحران مالی
financial derivatives	مشتقات مالی، ابزارهای مالی ثانویه
financial distress	بحران مالی
financial innovation	نوع آوری مالی
financial instruments	ابزارهای مالی
financial intermediaries	واسطه‌گری‌های مالی
financial intermediation services indirectly measured: FISIM	خدمات واسطه‌گری مالی اندازه‌گیری شده به‌طور غیرمستقیم
financial lease	اجاره‌ی مالی، اجاره‌ی اعتباری، اجاره نامه‌ی مالی یا اعتباری
financial leasing	اجاره داری مالی یا اعتباری
financial participations	مشارکت‌های مالی، مزایائی که کارفرما به کارکنان می‌دهد
financial penalty	جریمه مالی
financial position	میزان موجودی مالی
financial statement	صورت مالی، صورت وضعیت مالی
financial statistics	آمارهای مالی
financial transactions	تراکنش‌های مالی
financing	تأمین مالی
fine	جریمه
finished goods	کالاهای تکمیل شده
fish farms	مزارع پرورش ماهی
fishing quota	سهمیه ماهیگیری
fixed assets	دارائی‌های ثابت
fixed-term deposits	سپرده‌های دارای مدت ثابت
flaws	عیب‌ها
fleet	ناوگان
float	تنخواه گردان
flotation corporations	شرکت‌های شناور (شرکت‌های واسطه برای تبدیل وضعیت شرکت‌های خصوصی به سهامی عام)

flotation of shares	شناور سازی سهام
flow accounts	حساب‌های جریان
flow-of-funds table	جدول جریان وجوه
fluctuations	نوسانات
foodstuffs	مواد غذائی
for profit institutions: FPI	نهادهای انتفاعی
forecast	پیش بینی
foreclosures	ضبط وثیقه، ضبط گروئی
foregone income	درآمد از دست رفته، درآمد محقق نشده
foreign currency	ارز خارجی
foreign direct investment	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
foreign exchange swap	سوآپ ارزی، معاملات تعویضی ارز، تاخت ارزی
forested land	زمین جنگلی
forfeit	هدر دادن، جریمه، زیان
formal activities	فعالیت‌های رسمی
formal commitment	تعهد رسمی
formulation	فرمول‌بندی
forward estimate	برآورد آتی، برآورد برای سال‌هائی غیراز سال جاری (معمولاً سه سال)
forward foreign exchange contracts	قراردادهای آتی ارز، معاملات آتی ارز، پیمان آتی ارز
forward rate agreement: FRA	قرارداد نرخ (بهره یا ارز) پیمان آتی
forward-looking	پیش نگر
forwards= forward contracts	پیمان آتی، قراردادهای آتی، قراردادهای سلف
forward-type contracts	قراردادهای نوع آتی
forward-type financial derivative	مشتقات مالی از نوع پیمان آتی
free circulation	گردش آزاد
free on board: FOB	تحویل روی عرشه کشتی
frequency	بسامد، تناوب، فراوانی
fringe benefit	مزایای مکمل حقوق
full-time equivalent: FTE	معادل تمام وقت، واحد اندازه گیری میزان کار (بویژه در کارهای پروژه-ای)
full-time jobs	شغل‌های تمام وقت
function	کارکرد، وظیفه، تابع
functional relationships	روابط کارکردی، روابط تابعی
funded	با پشتوانه مالی
funded schemes	طرح‌های دارای پشتوانه مالی
funds	منابع مالی، وجوه مالی، صندوق

funds in transit	وجوه عبوری
futures	معاملات آتی، معاملات سلف، معاملات وعده دار
gain	منفعت یا سود غیرعملیاتی
garage	گاراژ
GDP per head	محصول ناخالص داخلی سرانه، GDP سرانه
Geary Khamis (GK) method	روش گی‌ئری خامیس
general equilibrium	تعادل عمومی
general government	دولت
general government sector	بخش دولت
general purpose financial statements	صورت‌های مالی با کاربرد عمومی
general sale or turnover taxes	مالیات بر کل فروش یا گردش مالی
generation of income account	حساب ایجاد درآمد
geographical territory	سرزمین جغرافیائی، محدوده جغرافیائی
geometric mean	میانگین هندسی
geometric progression	تصاعد هندسی
gifts inter vivos	هبه، بخشش در زمان حیات
giro	جیرو، حواله وجوه، نقل و انتقال وجه به کمک اداره پست
give away	هدیه دادن، بخشیدن
going concern	کسب و کار دایر (حداقل برای ۱۲ ماه)، دایر
going price	قیمت جاری و رایج بازار
gold bullion	شمش طلا
golden options	اختیار معامله ممتاز (طلائی)
golden share	سهم طلائی، سهم ممتاز
goods	کالاها
goods and services account	حساب کالاها و خدمات
goodwill	سرقفلی
government consumption	مصرف دولت
government finance	مالیه دولتی
government units	واحدهای دولتی
grace period	مهلت شروع باز پرداخت وام، مدت زمان بین دریافت وام و بازپرداخت اولین قسط آن
grain	گندم، غلات، مقیاس وزن به اندازه دانه گندم
grant date	تاریخ اعطاء (در اختیار خرید سهام برای کارکنان)
grass-roots associations	انجمن‌های مردمی
greenhouse gases	گازهای گلخانه‌ای
gross	ناخالص

gross domestic product: GDP	محصول ناخالص داخلی
gross national income per head	درآمد ناخالص ملی سرانه
gross national income: GNI	درآمد ناخالص ملی
gross value added at basic prices	ارزش افزوده‌ی ناخالص به قیمت پایه
gross value added at factor cost	ارزش افزوده‌ی ناخالص به قیمت عوامل
gross value added at producers' prices	ارزش افزوده‌ی ناخالص به قیمت خریدار
gross value added: GVA	ارزش افزوده ناخالص
guarantee	ضمانت، گارانتی
guarantor	ضامن، ضمانت کننده
hand over	تحویل دادن، تسلیم کردن
handbook	دستنامه، راهنما
hardware	سخت‌افزار
harmonic mean	میانگین همساز، میانگین هارمونیک
harmonization	هماهنگ‌سازی
harvest	برداشت محصول، خرمن
harvesting	برداشت، دروکردن
head office	اداره مرکزی، دفتر مرکزی
health	سلامت
health administration and health insurance	خدمات اداری سلامت و بیمه‌ی سلامت
health care	مراقبت‌های سلامت
hedging	ریسک‌زدائی، خرید و فروش تأمینی ارز، هیجینگ ارزی
hedonic index numbers	اعداد شاخص هدونیک
heterogeneous	ناهمگون، ناهمگن، نامتجانس
hidden economy	اقتصاد پنهان
hide	پوست خام گاو، گوسفند و ...
hierarchical classification	طبقه‌بندی سلسله مراتبی
high seas	آب‌های آزاد، دریای آزاد
high-income countries	کشورهای دارای درآمد بالا
high-inflation economies	اقتصادهای دارای تورم بالا
hight frequency	بسامد بالا، تناوت زیاد
hire،purchase	خرید قسطی، به شرط تملیک
historic cost	بهای تاریخی، بهای تمام شده تاریخی
historic cost accounting	حسابداری هزینه تمام شده تاریخی
historical monuments	آثار باستانی
hold someone accountable	کسی را ملزم به پاسخگوئی کردن
holding	تملک، دراختیار داشتن

holding company	شرکت هلدینگ، شرکت سرمایه‌گذاری هلدینگ
holding gains	منفعت ناشی از نگه‌داشتن، سود غیر عملیاتی
holding losse	زیان ناشی از نگه داشتن، زیان غیرعملیاتی
homogenity	همگنی
homogenous	همگن
horizontal integration	یکپارچگی افقی
household	خانوار
household consumption	مصرف خانوار
household enterprise	بنگاه خانواری
household production	تولید خانوار
household surveys	آمارگیری‌های خانواری
housing services	خدمات مسکن
human capital	سرمایه انسانی
hybrid	ترکیبی، پیوندی، دورگه
hybrid approach	رهیافت ترکیبی
hydroelectric	برق آبی
hydroelectric power plant	نیروگاه برق آبی
hyperbolic rate of decline	نرخ کاهش هذلولی، نرخ کاهش بر اساس تابع هذلولی
hypothecate	وثیقه گذاشتن، گرو گذاشتن، رهن گذاشتن
hypothetical	فرضی
identity	اتحاد (در ریاضی)، هویت
illegal actions	اقدامات غیرقانونی
illiquid companies	شرکت‌های دارای دارائی‌هائی با نقد شوندگی کم
impaired asset	دارائی آسیب دیده، دارائی معیوب
Impaired loan	وام‌های زیان دیده (ناکارآمد)
impairment	زیان‌دیدگی، کاهش ارزش، خلل
impairment test	آزمون زیان‌دیدگی، آزمون کاهش ارزش دارائی
implement	اجرا کردن، پیاده سازی
implementation	پیاده سازی
Implicit tax	مالیات ضمنی
implied deflator	تعدیل کننده ضمنی
implied prices	قیمت‌های ضمنی
import marketing boards	هیأت‌های بازاریابی واردات
imports	واردات
impose	وضع مالیات، تحمیل کردن، اجبار کردن
imprecise	غیر دقیق، مبهم

imputed	احتسابی، جانهی شده از طریق احتساب
in effect	در حقیقت، در واقع
in its capacity	به دلیل قابلیت خود
in its own right	مستقلاً، به خودی خود، به تنهائی
in monetary term	به پول، برحسب پول
in real terms	به ارزش واقعی، برحسب واقعی، در شرایط واقعی
in terms of	از لحاظ، از جنبه، از نظر، برحسب
in volume terms	برحسب حجم
inbound tourist	گردشگر ورودی
incentive schemes	طرح‌های تشویقی
incidental	ضمنی، اتفاقی، تصادفی
incidental factors	عوامل اتفاقی
incineration	سوزاندن، تبدیل به خاکستر کردن
inclusive	فراگیر – جامع، شامل
income	درآمد
income in real terms	درآمد به ارزش واقعی
income measure of GDP	سنجه‌ی درآمد GDP، محصول ناخالص داخلی با رهیافت درآمد
incorporated enterprise	بنگاه شرکتی (بنگاه دارای شخصیت حقوقی مستقل)
indebtedness	بدهکاری، بدهکار بودن، بدهی
index number	عدد شاخص
index number theory	نظریه‌ی اعداد شاخص
index-linked securities	اوراق بهادار مرتبط با شاخص
indicator	نماگر
indices of industrial production	شاخص‌های تولیدِ صنعت‌ها(رشته فعالیت‌ها)
indifference curves	منحنی‌های بی تفاوتی
Indigenous or territorial groups	گروه‌های بومی یا سرزمینی
individual	فرد، فردی، منفرد، انفرادی، تک به تک، یکایک
individual consumption	مصرف فردی
Individual housholds	خانوارهای فردی
individual needs	نیازهای فردی
individual services	خدمات فردی
industrial censuses	سرشماری‌های صنعتی (رشته فعالیتی)
industrial structure	ساختار صنعتی (رشته فعالیتی)
industry	صنعت (رشته فعالیت)
industry technology assumption	فرض تکنولوژی صنعت (رشته فعالیت)، فرض تکنولوژی بخش
inevitably	ناچار، به ضرورت

infinite	بی‌پایان، نامحدود
inflation	تورم
inflation rate	نرخ تورم
inflow	جریان ورودی
informal activities	فعالیت‌های غیررسمی
informal economy	اقتصاد غیر رسمی
inherent	ذاتی
inheritance tax	مالیات بر ارث
initiative	ابتکار
injury	صدمه، آسیب دیدگی
innovation	نوآوری، ابداع
input	نهاده
input-output analysis	تحلیل‌های داده– ستانده
input-output tables	جدول‌های داده– ستانده
instalment	قسطی، اقساطی
instalment loan	وام اقساطی
institutional households	خانوارهای مؤسسه‌ای
institutional sectors	بخش‌های نهادی
institutional units	واحدهای نهادی
insurance broker	دلال بیمه، کارگزار بیمه
insurance corporation: IC	شرکت بیمه
insurance cover	پوشش بیمه‌ای
insurance premium	حق بیمه
insurer	بیمه گر
intangible assets	دارائی‌های ناملموس
integrated	یکپارچه
integrating	یکپارچگی، همسازی
integrity	یکپارچه بودن
intellectual property	مالکیت فکری، مالکیت معنوی
Inter-bank deposits	سپرده‌های بین بانک‌ها
interbank lending	وام‌دهی بین بانک‌ها
Inter-bank positions	موجودی‌های بین بانک‌ها
interest arrears	بهره معوقه
interest rate swap: IRS	سوآپ نرخ بهره
intermediate consumption	مصرف واسطه
internal bookkeeping	حسابداری داخلی، دفتر داری داخلی

internal purchasing power	قدرت خرید داخلی
internal tourist	گردشگر داخلی
internal transactions	تراکنش‌های داخلی، تراکنش‌های درون واحدی
International Accounting Standards Board: IASB	هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری
international accounts	حساب‌های بین‌المللی
international comparisons	مقایسه‌های بین‌المللی
International Federation of Accountants	فدراسیون بین‌المللی حسابداران
international investment position statement	صورت وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری بین‌المللی
international investment position: IIP	وضعیت موجودی سرمایه‌گذاری بین‌المللی
international organizations	سازمان‌های بین‌المللی
International Public Sector Accounting Standards Board: IPSASB	هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی
International Standard Industrial Classification of All Economic Activities : ISIC	طبقه بندی استاندارد بین‌المللی تمامی فعالیت‌های اقتصادی
interpolate	درون‌یابی کردن، میان یابی کردن
interpolation	درون‌یابی
interrelationship	روابط متقابل
interspatial comparisons	مقایسه‌های بین مکانی
inter-temporal	بین زمانی
intertemporal comparisons	مقایسه‌های بین زمانی
intra-unit transactions	تراکنش‌های درون واحدی
intrinsic	ذاتی
intuitively obvious	کاملاً آشکار
invalidity	از کار افتادگی، عدم اعتبار، بطلان
inventiveness	نوآوری، خلاقیت، ابتکار
inventory	موجودی انبار
investment	سرمایه‌گذاری، مبلغ سرمایه‌گذاری شده
investment fund	صندوق سرمایه‌گذاری (شامل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و تراست‌ها)
investment fund shares	سهام صندوق سرمایه‌گذاری
investment grants	کمک‌های سرمایه‌گذاری
investment income disbursements	پرداخت‌های درآمد سرمایه‌گذاری
investment portfolio	بدره سرمایه‌گذاری، سبد سرمایه‌گذاری، پرتفوی سرمایه‌گذاری
Invoiced VAT	مالیات ارزش افزوده مندرج در صورت حساب، مالیات ارزش افزوده‌ی فاکتور شده
irrevocable	غیر قابل فسخ، غیرقابل برگشت
issuance of new loans	صدور وام‌های جدید

issue price	قیمت انتشار
iterative method	روش تکراری
job	شغل
job attachment	وابستگی شغلی، دلبستگی شغلی
job vacancies	شغل‌های خالی
joint products	محصولات مشترک
joint venture	سرمایه گذاری مشترک
joint-stock company	شرکت تضامنی
judicial	قضائی
jurisdiction	قلمرو قدرت، حوزه حاکمیتی، حوزه قضائی
justification	توجیه، دلیل آوردن
keeping records	بایگانی، نگهداری سوابق
kind-of-activity unit	واحد مبتنی بر نوع فعالیت
knowledge-capturing	تسخیر دانش، همپائی دانش
knowledge-holding	قبضه دانش، نگه‌داری دانش
knowledge-sharing	به اشتراک گذاری دانش
labour force	نیروی کار، کارگر
labour force statistics	آمارهای نیروی کار
labour productivity	بهره‌وری نیروی کار
land area	منطقه خشکی مساحت سرزمین
land improvement	بهسازی زمین
lapse of time	گذشت زمان
Laspeyres and Paasche bounds	حدهای لاسپیرز و پاشه
law enforcement	اجرای قانون، اعمال قانون
leads and lags	سبقت‌ها و تأخیرها، تعجیل‌ها و تأخیرها
learned societies	انجمن‌های علمی و آموزشی
lease	اجاره، اجاره نامه
leasing	اجاره دادن، اجاره کردن، اجاره بلند مدت ماشین آلات و تجهیزات (عمدتاً برای استفاده در کسب وکار)
least squares criterion	معیار کمترین توان‌های دوم، معیار حداقل مربعات
legal	قانونی، حقوقی
legal incorporation	شخصیت حقوقی دادن به شرکت
legal nature	ماهیت قانونی، ماهیت حقوقی
legal ownership	مالکیت قانونی
legislation	قانون، قانون‌گذاری
legislative	قانون‌گذار

legitimate cost	هزینه قانونی، هزینه مشروع
lending	وام دهی، اعطای وام
less developed economies	اقتصادهای کمتر توسعه یافته
lessee	اجاره کننده
lessor	اجاره دهنده، مالک
let	اجاره دادن، اجاره دهی
letters of credit: LC	اعتبارات اسنادی
levy	وضع مالیات، وصول مالیات
liabilities	بدهی‌ها
liable	مسؤل از نظر قانون، پاسخگو از نظر قانون
licence	پروانه
license	اعطای پروانه، اعطای مجوز
licensee	دارنده‌ی پروانه یا جواز، دریافت کننده پروانه
licensor	پروانه دهنده، مجوز دهنده
life expectancy	امید به زندگی
life insurance	بیمه‌ی زندگی، بیمه‌ی عمر
life insurance and annuties entitlements	حقوق بیمه عمر و مستمری‌ها
likelihood	درستنمائی، احتمال، محتمل
limited liability company	شرکت با مسئولیت محدود
limited liability partnership	شراکت با مسؤلیت محدود
line of business: LOB	رشته‌ی بیمه، رشته‌ی کسب و کار
lines of credit	تسهیلات اعتباری
link	پیوند، پیوند دادن
linker	پیوند دهنده
linking	پیوند دهی
liquidating	تسویه کردن، برچیدن، منحل کردن، تبدیل به نقد کردن
liquidation	انحلال، پرداخت بدهی، تسویه شرکت
liquidity	نقدینگی، نقد شوندگی
liquidity of liability	نقد شوندگی بدهی
liquidity provision	تأمین نقدینگی
liquidity transformation	تبدیل نقدینگی
list prices	قیمت‌های خرده فروشی پیشنهادی تولید کننده
listed shares	سهام ثبت شده در بورس، سهام پذیرفته شده در بورس
loan	وام، تسهیلات
loan capital	سرمایه وام گرفته شده
local unit	واحد مبتنی بر مکان

locality	محل، مؤقعیت، مکان
lockout	تحریم
long run	بلند مدت
long-term	بلند مدت
loss	ضرر، زیان
low-income countries	کشورهای دارای درآمد پائین
low-inflation economies	اقتصادهای دارای تورم پائین
lump sum	پرداخت یکجا، مبلغ یکجا
luxury good	کالای تجملی
machinery	ماشین‌آلات
macroeconomic	اقتصاد کلان
macroeconomic accounting	حسابداری اقتصاد کلان
macroeconomic accounts	حساب‌های اقتصاد کلان
macroeconomic analysis	تحلیل‌های اقتصاد کلان
macroeconomic model	مدل اقتصاد کلان
maintenance	نگه‌داری، حفظ
make a loan	وام دادن، قرض دادن
make good	جبران کردن، با موفقیت انجام دادن
make matrix	ماتریس ساخت
make sense	منطقی بودن
make to order products	محصولات ساخته شده براساس سفارش
maketable operating lease	اجاره‌نامه‌ی عملیاتی قابل فروش
making advances	اعطای کمک، اعطای مساعده، پیش پرداخت
manipulative agreements	توافق‌های دخالتی
manual	راهنما، دستورالعمل
manufactured products	محصولات ساخته شده
manufacturer	تولید کننده‌ی محصولات صنعتی
manufacturing industry	صنعت ساخت
margin	حاشیه سود، مارژ
market	بازار
market economy	اقتصاد مبتنی بر بازار
market emergence	پیدایش بازار
market failure	شکست بازار
market forces	نیروهای بازار
market imperfections	نقص بازار
market maker	بازار ساز، بازارگردان

market output	ستانده‌ی بازاری
market producers	تولید کنندگان بازاری
market regulation	تنظیم بازار
marketability	قابلیت عرضه در بازار، قابل فروش در بازار
marketable	قابل فروش، قابل عرضه در بازار
marketing assets	دارائی‌های بازاریابی
marketing boards	هیأت‌های بازاریابی
mark-up	بالابردن قیمت، قیمت افزائی برای فروش، مبلغی (معمولاً درصد) که به بهای تمام شده اضافه می‌شود تا هزینه‌های بالاسری و سود را پوشش دهد، بجای profit margin به معنی حاشیه‌ی سود استفاده می‌شود ولی در واقع با آن تفاوت دارد.
matched model	مدل هماهنگ، مدل جور شده
matched-models method	روش نمونه‌های جفت شده
matching	جورسازی، هماهنگ سازی
materials	مصالح، مواد
materials and supplies	مواد و ملزومات
maturity	سررسید، موعد
mean	میانگین، میانگین حسابی
means	پول، دارائی، ثروت، وسع، بضاعت، درآمد
means of production	نهاده‌های فیزیکی تولید
means-tested	بضاعت آزمائی شده
measure	سنجه، اندازه، اقدام، روش
mechanism	ساز وکار
medical goods dispensed to out-patients	کالاهای پزشکی مصرفی بیماران سرپائی
medium of exchange	وسیله مبادله
medium- term	میان مدت
membership due	حق عضویت
memorandum items	اقلام یادداشتی، یادداشت‌های توضیحی
merchant	تاجر، بازرگان بویژه اشتغال به تجارت در بازارهای بین‌المللی
merchanted goods	کالاهای تجارت بین‌المللی
merchanting	تجارت بین‌المللی
merge	ادغام کردن (فعل)
merged	ادغام شده
merger	ادغام (اسم)
merging	ادغام کردن
methodological research	تحقیقات روش شناختی

methodology	روش شناختی
metropolitan	کلان شهر
microdata	ریزداده‌ها، داده‌های خرد
microdatabases	پایگاه داده‌های خرد
microfinance	تأمین مالی خرد، مالیه خرد
mid-point	نقطه میانی
mid-price	قیمت میانی
military bases	پایگاه‌های نظامی
military installations	تأسیسات نظامی
military inventories	موجودی‌های انبار نظامی
mine	معدن
mineral resources	ذخائر معدنی
mining	استخراج مواد معدنی از زیر زمین، معدن‌کاوی
ministries	وزارتخانه‌ها
misleading	گمراه کننده
missing data	داده‌های گم شده، داده‌های ناقص
missing value	ارزش گم شده
mitigate	تخفیف دادن، کاهش دادن
mixed household-enterprise surveys	آمارگیری‌های مختلط خانواری کارگاهی
mixed income	درآمد مختلط
model pricing approach	رهیافت قیمت‌گیری براساس نمونه‌ی مناسب
modify	تعدیل
molasses	ملاس
monasteries	صومعه، دیر
monetary authorities	مقامات پولی
monetary gold	طلای پولی (پشتوانه طلا)
monetary statistics	آمارهای پولی
monetary terms	برحسب پول، به پول
monetary transactions	تراکنش‌های پولی
monetization	پولی کردن، تبدیل به پول کردن
money	پول
money lender	قرض دهنده پول
money market fund (MMF)	صندوق بازار پولی
money purchase	خرید پولی
monitoring	پایش، نظارت
monopolistic	انحصار فروش

monopsonistic	انحصار خرید
more developed economies	اقتصادهای توسعه یافته‌تر
mortgage	رهن
mortgage broker	کارگزاران رهن
mortgage loan	وام رهنی
multiactivity units	واحدهای چند فعالیتی
multicropping	کشت چند محصولی
multiemployer schemes	طرح‌های چندکارفرمائی
multifactor productivity: MFP	بهره‌وری چند عاملی
multinational corporations	شرکت‌های چند ملیتی
multiple exchange rates	نرخ‌های چندگانه‌ی ارز
multiregional units	واحدهای چند منطقه‌ای
multiterritory	چند سرزمینی
multiterritory enterprises	بنگاه‌های چند سرزمینی
munitions	مهمات
munitions factory	کارخانه مهمات سازی
mutual agreement	توافق دو جانبه
mutual funds	صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک
mutual societies	جوامع اشتراکی
mutually exclusive	متقابلاً ناسازگار، جمع ناپذیر، مانعه‌الجمع
named policies	بیمه نامه‌های با نام
narcotics	مواد مخدر
narrow market	بازار محدود
national currency	پول ملی
national disposable income: NDI	درآمد قابل تصرف ملی
national income : NI	درآمد ملی
national tourist	گردشگر ملی
nationalization	ملی سازی
natural catastrophes	بلایای طبیعی
natural resources	منابع طبیعی
negotiability	مذاکره پذیری (چانه زدنی، انتقال پذیری و معامله شدنی هرسه را در بر دارد)
net	خالص
net borrowing	خالص وام‌گیری، خالص استقراض
net domestic product: NDP	محصول خالص داخلی
net financial position	خالص میزان موجودی مالی (دارائی‌های مالی منهای بدهی‌ها)

net lending	خالص وام دهی، خالص اعطای وام
net national income: NNI	درآمد خالص ملی
net proceeds	عواید خالص فروش
net worth	ارزش ویژه، (ارزش خالص و دارائی خالص نیز گفته می‌شود)
netting	خالص‌سازی، خالص کردن
neutral holding gains and loses	منفعت و زیان بی اثر ناشی از نگه‌داشتن
nominal holding gains and loses	منفعت و زیان اسمی ناشی از نگه‌داشتن
nominal interest	بهره اسمی
non- produced assets	دارائی‌های تولید نشده
non- profit institutions serving households: NPISHs	نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها
non-competing imports	واردات غیررقابتی
non-cultivated biological resources	منابع زیستی غیرپرورشی
non-deductible value added taxes = non-deductible VAT	مالیات ارزش افزوده‌ی کسر نشدنی
non-durable goods	کالاهای بی‌دوام
non-employed	غیرشاغل
non-financial assets	دارائی‌های غیر مالی
non-financial corporations	شرکت‌های غیر مالی
non-financial transactions	تراکنش‌های غیرمالی
non-homogeneity	ناهمگنی، ناهمگونی، عدم تجانس
non-homogeneous	ناهمگن
non-interest bearing deposits	سپرده‌های بدون بهره
non-life insurance	بیمه‌ی غیرزندگی
non-life insurance premiums	حق بیمه‌های غیرزندگی
non-market	غیر بازاری
non-market output	ستانده‌ی غیربازاری
non-market producers	تولیدکنندگان غیربازاری
non-MMF investment funds	صندوق سرمایه‌گذاری غیربازار پولی
non-monetary flows	جریان‌های غیر پولی
non-monetary transactions	تراکنش‌های غیرپولی
Non-Observed Economy: NOE	اقتصاد نامشهود
non-participating preferred stocks	سهام ممتاز (ترجیحی) غیر مشارکتی
non-payable tax credit	اعتبار مالیاتی غیرقابل پرداخت
non-performing loan: NPL	وام ناکارآمد، وام غیر قابل بازگشت، وام مشکوک‌الوصول
Non-Profit Institutions Serving Households: NPISHs	نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوارها
non-profit institutions: NPIs	نهادهای غیر انتفاعی

non-refundable	غیرقابل استرداد
nonresident	غیرمقیم
non-response	بی پاسخی
normal profit	سود عادی
note	اسکناس
note issuance facility: NIF	تسهیلات انتشار اوراق
notional resident units	واحدهای مقیم فرضی
noxious gases	گازهای زیان بار، گازهای مهلک
nuclear	هسته‌ای
nuclear power plants	نیروگاه هسته‌ای
nuclear power station	ایستگاه (نیروگاه) هسته‌ای
numeraire	مبنای سنجش، شمارشگر
numeraire goods and services	کالاها و خدمات شمارشگر
obligations	تعهد(طبق مقررات قانونی)، الزامات (طبق قراردادها)، بدهی‌ها
observable	مشهود، قابل مشاهده
observations	مشاهدات
occupational health care	مراقبت‌های سلامت شغلی، مراقبت‌های سلامت در محیط کار
offer price	قیمت پیشنهادی فروش
office	اداره، دفتر
officer	عضو هیات رئیسه، صاحب منصب، مامور
off-peak	خارج از زمان اوج مصرف
offsetability	جبران‌پذیری
offshore	فراساحل
off-the-shelf	حاضر و آماده
oil	نفت
oil rig	سکوی نفتی
old masters	کارهای هنری قدیمی، عتیقه
omission	از قلم افتادگی
on auto pilot (to be)	بی‌اختیار (بودن)، بی‌اراده (بودن)
on call	گوش به زنگ، آماده
on consignment	بطور امانی
on credit	نسیه، اعتباری
on their own behalf	از طرف خود، با مسئولیت خود
on-cost= overhead cost	هزینه‌ی بالاسری، هزینه‌ی غیرمستقیم
one-off guarantee	ضمانت موردی، ضمانت غیر معمول
one-quarter overlaps technique	روش همپوشانی‌های تک فصلی

one-share one-vote	یک سهم، یک رأی
on-selling	فروش به خریدار دوم
operating balance	تراز عملیاتی
operator	گرداننده، اپراتور
opportunity cost	هزینه فرصت
opportunity cost accounting	حسابداری هزینه فرصت
opt	انتخاب کردن
option	اختیار معامله (اوراق بهادار)
option	گزینه، انتخاب
option costs	هزینه‌های گزینه اختیاری
option writer	فروشنده اختیار معامله
orchard	باغ
order	نظم
ordinary maintenance and repairs	تعمیرات و نگه‌داری عادی
originals	نسخه‌های اصلی
originator	پدیدآورنده، مبتکر، بنیان‌گذار، مؤسس
other change in the volume of assets account	حساب سایر تغییرات در حجم دارائی‌ها
outbound tourist	گردشگر خروجی
outcome	برآمد، نتیجه، حاصل
outflow	جریان خروجی
outlay	کل خرج‌های انجام شده (توسط دولت): هزینه‌ی عملیاتی تولید (شامل مصرف واسطه، جبران خدمات کارکنان و مصرف سرمایه ثابت)+ بهره پرداختی+ کمک‌ها+ مزایای اجتماعی + سایر هزینه‌های عملیاتی+ انتقالات سرمایه‌ای)+ تحصیل منهای واگذاری دارائی‌های ثابت
outlet	بازار فروش کالاها و خدمات
outlier	داده‌ی پرت، نقاط دور افتاده
out-patients	بیماران سرپائی
output	ستانده
output for own-account consumption	ستانده برای خود مصرفی
output measure of GDP	سنجه‌ی ستانده‌ی GDP
outright	بدون محدودیت قانونی، بی‌درنگ، یکجا، آشکارا، بطور کامل
outsourcing	برون سپاری
outstanding	وصول نشده، معوقه
outstanding claims	خسارت‌های تسویه نشده (معوقه)
outstanding liabilities	بدهی‌های تسویه نشده، بدهی‌های عقب افتاده

outturn	حاصل تولید، نتیجه، ستانده
outvoting	وتو کردن، چشم پوشی کردن، لغو کردن
outworkers	کارکنان دورکار
overcautious	بیش از اندازه محتاطانه
overdraft	حواله کردن بیش از اعتبار، چک بی‌محل
overdraft facilities	تسهیلات اضافه برداشت
overdrawn	اضافه برداشت (بیش از موجودی در بانک)
overdue	موعد گذشته، دیرکرد، منقضی شده
overdue taxes	مالیات‌های عقب افتاده
overestimation	بیش برآوردی
overhead expenses	هزینه‌های سربار
overnight deposits	سپرده‌های یک شبه
overseas	خارجی، بیگانه
overseeing	نظارت
overspend	اضافه خرج کردن
overstate	بیش‌گوئی
over-the-year overlaps technique	روش همپوشانی‌های طول سال
overtime	اضافه کار
overview	مرور، نگاه اجمالی
owe	مدیون بودن، بدهکار بودن
own account capital formation	تشکیل سرمایه به حساب خود
own final use	خود مصرفی نهائی
own fund	صندوق خود، وجوه خود، منابع مالی متعلق به خود
own-account consumption	خود مصرفی
own-account production	تولید به حساب خود
own-account worker	خویش فرما
owner- occupied	مالک ساکن در واحد مسکونی
owner's equity	سرمایه‌ی صاحب کسب و کار، حقوق مالی صاحب بنگاه (وقتی یک مالک وجود دارد و مشابه حقوق سهامداران 'shareholders) (equity در یک شرکت است)
ownership right	حق مالکیت
packaged software	بسته نرم افزاری
paid employees	کارکنان دستمزد بگیر
paid leave	مرخصی با حقوق
paid-up capital	سرمایه پرداخت شده، سرمایه واریز شده
par	همتراز، برابر

parallel markets	بازارهای موازی
parental leave	مرخصی والدین (برای مراقبت از کودکان یا صرف وقت بیشتر با آنان)
parlance	گفتگو، بحث
part way	تا حدی، نسبتاً
partially complete products	محصولات نیمه ساخته
participating preferred stocks	سهام ممتاز مشارکتی
parting with	چشم پوشی کردن (از دارائی)
partitioning	افرازبندی، تقسیم بندی
part-time jobs	شغل‌های پاره وقت
pass law	تصویب قانون
pass through funds	وجوه عبوری، وجوه در حال گذر
patent	حق اختراع
pattern	الگو
pawn	گروئی، وثیقه
Pay – As – You- Go: PAYG	تأمین مالی هزینه، پرداخت بر اساس پیشرفت کار،
Pay – As – You- Go pension plans: (PYAG) plans	طرح‌های بازنشستگی مبتنی بر توازن درآمد و هزینه (طرح‌های بازنشستگی مزایای تعیین شده بدون پشتوانه مالی که معمولاً طرح‌های بازنشستگی دولتی هستند)
payable	پرداختنی
payable tax credit	اعتبار مالیاتی پرداختنی
pay-as-you-earn (PAYE) taxes	پرداخت مالیات به محض وصول درآمد، کسر مالیات از هر دریافتی
payee	دریافت کننده وجه
payment	پرداخت
payments by results: PBR	پرداخت مبتنی بر عملکرد، پرداخت بر مبنای نتیجه‌ی کار
payroll tax	مالیات بر فهرست حقوق، مالیات بر سیاهه حقوق
peat	ذغال سنگ نارس
pedagogical	آموزشی، مربوط به تعلیم و تربیت
pending payment	پرداخت معوقه
pension annuity= annuity	مستمری بازنشستگی، مستمری
pension assets	دارائی‌های طرح بازنشستگی
pension contribution	حق بیمه بازنشستگی، کسورات بازنشستگی
pension entitlements	حق برخورداری از مزایای بازنشستگی (همه‌ی مزایای بازنشستگی که هنوز پرداختنی نشده است)
pension fund: PF	صندوق بازنشستگی
pension liabilities	بدهی‌های طرح بازنشستگی
pension plan= pension scheme= retirement plan	طرح بازنشستگی

pension provision	تأمین مزایای بازنشستگی
pension scheme= pension plan= retirement plan	طرح بازنشستگی
pension= benefit= pention benefit= retirement benefit	مستمری بازنشستگی، مزایای بازنشستگی، حقوق بازنشستگی
perceive	درک، ملاحظه
period	دوره
permission	مجوز
permit	اجازه
perpetual bonds	اوراق قرضه دائمی، اوراق قرضه‌ی بدون سررسید
perpetual inventory method: PIM	روش موجودی‌گیری مستمر (دائمی)
pervasive	فراگیر
philanthropic	انسان دوستانه، بشردوستانه، خیریه
phisical data	داده‌های فیزیکی
piecework	تکه کاری (مثلاً ممکن است در کارخانه برای هر پیچی که توسط کارگر بسته می‌شود مبلغ معینی پرداخت شود)
pilot tests	آزمایش‌های مقدماتی
pipelines	خطوط لوله
pit	گودال، حفره
plant	تأسیسات صنعتی
plantations	مزارع، کشتزارها
policy concerns	ملاحظات سیاست‌گذاری
policyholder	دارنده‌ی بیمه نامه، بیمه‌گذار
policymaking	سیاست‌گذاری
political authority	اقتدار سیاسی، مقامات سیاسی
political parties	احزاب سیاسی
poll tax	مالیات ثابت سرانه (مالیاتی که از هر فرد به طور مساوی دریافت می‌شود)
pollutants	آلاینده‌ها
pollute	آلوده ساختن
pool	رویهم ریختن (وجوه)، شریک شدن
pooling	شریک شدن، پول یا دارائی‌های دیگر را در صندوق مشترک گذاشتن
pooling of risks	به اشتراک‌گذاری ریسک، گاهی به بیمه کردن گفته می‌شود
population	جمعیت
portable pensions	بازنشستگی انتقال‌پذیر
portfolio	بدره، سبد دارائی‌های مالی
portfolio management	مدیریت بدره، مدیریت سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار و سایر دارائی‌های مالی

position	وضعیت، موقعیت، موضع، سمت
positions	میزان موجودی‌ها (بویژه موجودی‌های خارجی)، میزان دارائی‌ها و بدهی-ها در لحظه‌ای از زمان، میزان کالاها یا اوراق بهادار در اختیار یک شخص یا یک نهاد
postal giro	نقل و انتقال وجه از طریق پست، حواله پستی
pottery	سفال
power plant	نیروگاه
pragmatic	عملی، عملگرا، واقع بینانه
precautions	اقدامات احتیاطی
precious metals	فلزات قیمتی
precious stones	سنگ‌های قیمتی
pre-committed	از پیش تعهد شده
predetermined	از پیش تعیین شده
predictable	قابل پیش‌بینی
preferences	ترجیحات
preferential conditions	شرایط امتیازی، شرایط ترجیحی
premise	محل کار، محل زندگی، محل کسب و کار
premium	حق بیمه، جایزه تشویقی، حق‌العمل
premium	صرف سهام، اضافه بر ارزش اسمی سهام
premium supplement	حق بیمه مکمل
present value of future returns	ارزش حال بازده آینده
preservation	محافظت، نگه‌داری
presume	حدس زدن، گمان کردن، فرض کردن
prevailed	غالب، رایج
prevention and public health services	خدمات پیشگیری و سلامت (بهداشت) عمومی
price	قیمت
price deflation	تعدیل قیمت
price discrimination	تبعیض قیمتی
price escalation	افزایش شدید قیمت
price indices	شاخص‌های قیمت
price measure	سنجه‌ی قیمتی
price movements	تغییرات قیمت
price quotation	مظنه، صورت قیمت، قیمت‌گذاری
price quote	مظنه قیمت (آخرین قیمتی که بر اساس آن معامله انجام شده است)
price quoted in the market	مظنه‌ی قیمت در بازار
price relative	قیمت نسبی

price setting firms	شرکت‌های تأثیر گذار بر قیمت (تعیین کننده‌ی قیمت)
price taker	قیمت‌پذیر
price variation	اختلاف قیمت‌ها، تنوع قیمت‌ها
priceing	قیمت گرفتن، قیمت گیری
price‹to-earnings ratio	نسبت قیمت به عایدات
primary distribution of income accounts	حساب‌های توزیع اولیه درآمد
primary products	محصولات اولیه، محصول اصلی
primery income	درآمد اولیه
principal outstanding	اصلِ (وام) تسویه نشده
printed documents	مستندات چاپی
private companies	شرکت‌های خصوصی
private corporations	شرکت‌های خصوصی
private equity	سهام خصوصی (سهام ثبت نشده در بورس)
private finance initiative: PFI	طرح تأمین مالی خصوصی
privatization	خصوصی سازی
privileged voting rights	حق رأی خاص، حق رأی ممتاز
probability-weighted	احتمال موزون
proceeds	وصولی‌ها، عواید، وجوه حاصل از منابع
processed	فرآوری شده، پردازش شده
produced assets	دارائی‌های تولید شده
producer price index: PPI	شاخص قیمت تولید کننده
producers’ prices	قیمت‌های تولید کننده
product	محصول، فرآورده
product augmentation	محصول افزائی
product flow method	روش جریان محصول
product market	بازار محصول
product technology assumption	فرض تکنولوژی محصول
product-based	محصول محور، محصول مبنا
production	تولید
production account	حساب تولید
production measure of GDP	سنجه‌ی تولید GDP، محصول ناخالص داخلی با رهیافت تولید
production unit	واحد تولیدی
professional societies	انجمن‌های حرفه‌ای
profile	نمایه، منحنی
profit	سود، منفعت
profitability	سود دهی، سودآوری، سودمندی

progressive	پیشرونده
projected benefit obligation: PBO	تعهد مزایای پیش‌بینی شده
projection	پیش بینی
promoting	ارتقا، بالابردن
property company	شرکت اموال، شرکت املاک
property income	درآمد دارائی
property rights	حقوق مالکیت
proportionate reinsurance	بیمه اتکائی متناسب
prorate	سرشکن کردن، تقسیم به نسبت
providers of ambulatory health care	ارائه کنندگان مراقبت‌های سلامت سرپائی
province	استان
provisions	ذخائر، وجوه احتیاطی، اندوخته
provisions	تمهیدات
provisions for bad debt	ذخائر برای دیون بد، ذخائر مطالبات مشکوک الوصول
provisions for calls	ذخائر برای مطالبه
provisions for unexpired risks	ذخائر برای ریسک‌های منقضی نشده
proxy	جانشین، نماینده، از طرف کسی وکیل بودن
proxy respondent	پاسخگو از طرف دیگران
prudence	تدبیر، احتیاط
pseudo،sector	شبه بخش
public administration	اداره امور عمومی، مدیریت دولتی
public benefit organizations	سازمان‌های عام‌المنفعه، سازمان‌های منافع عمومی
public corporations	شرکت‌های دولتی (عمومی)
public goods	کالاهای عمومی
public health	سلامت عمومی، بهداشت عمومی
public holidays	تعطیلات عمومی
public limited company:PLC	شرکت مختلط سهامی و مسئولیت محدود
public monuments	بناهای یادبود، آثار تاریخی
public sector	بخش عمومی
public-private partnership: PPP	مشارکت عمومی و خصوصی
purchase of policy	خرید بیمه نامه
purchasing power	قدرت خرید
purchasing power parities: PPP	برابری قدرت خرید
purpose	مقصود، قصد، هدف
put in place	جای‌گذاری کردن، نصب کردن
put option	اختیار واگذاری (سهام)، اختیار فروش (سهام)

quadruple entry accounting	حسابداری ثبت چهار طرفه
qualification	صلاحیت، مهارت فنی، شایستگی
quality changes	تغییرات کیفی
quantifiable	سنجش‌پذیر، کمیت‌پذیر
quantifying	تعیین کمیت، کمی کردن
quantity indices	شاخص‌های مقدار
quarry	معدنِ سنگ، معدن مصالح ساختمانی
quarrying	استخراج سنگ و سایر مواد از روی سطح زمین
quarterly accounts	حساب‌های سه ماهه (فصلی)
quasi-corporation	شبه شرکت
queuing	صف بندی
quid pro quo	چیزی در مقابل چیزی
quotation	مظنه، صورت قیمت، قیمت‌گذاری
quotation period	دوره قیمت گیری
quoted price	قیمت اعلام شده
quoted shares	سهام پذیرفته شده در بورس
radio spectrum	طیف رادیوئی
railway tracks	خطوط راه آهن
rates of wear and tear	نرخ‌های سائیدگی و فرسودگی
rational	منطقی، عقلانی
rationale	دلیل اساسی یا پایه‌ی منطق چیزی
rationing	سهمیه بندی
raw materials	مواد خام، مواد اولیه
real holding gains and loses	منفعت و زیان واقعی ناشی از نگه‌داشتن
real income	درآمد واقعی
realized	به رسمیت شناخته شده، تحقق یافته، تبدیل به نقد شده
rearrangement	بازآرائی، تنظیم دوباره
rearranging	بازآرائی کردن
rebasing indices	تغییر سال پایه‌ی شاخص‌ها
rebate	تخفیف، پرداخت بخشی از بدهی، استرداد وجه، کاهش
recapitalize	تغییر ترکیب سرمایه‌ی شرکت
recapitulate	بازگوئی نکات مهم
receivable	دریافتنی
reciprocal	متقابل، دو طرفه، معکوس
reclaim	باز پس گرفتن، استرداد
recompense	جبران، عوض، ما به ازاء

reconcile	وفق دادن، تلفیق کردن
reconciliation	تلفیق
reconstruct	بازسازی کردن
reconstruction	بازسازی
recoveries	مبالغ بازیافتی، وصولی‌ها
recurrent losses	زیان‌های مکرر، زیان های تکراری
recurrent taxes on land, buildings or other structures	مالیات‌های مکرر بر اراضی، ابنیه و سایر سازه‌ها
redeem	فک رهن کردن، نقد کردن، بخشیدن، بازخرید کردن
redemption	بازپرداخت ، باز خرید، از گرو درآوردن
redemption price	قیمت بازخرید، بهای بازخرید
redenomination	تغییر ارزش (به ویژه تغییر ارزش پول)
redistribute	بازتوزیع
redistribute wealth	بازتوزیع ثروت
redistribution of income account	حساب باز توزیع درآمد
redistribution of income in kind account	حساب بازتوزیع درآمد غیر نقدی
re-exports	صادرات مجدد
reference rate of interest.	نرخ بهره مرجع
refinanced	تجدید بدهی، بازتأمین مالی شده
refinancing	باز تأمین مالی
refine	تصفیه، پالایش
refugee	پناهنده
refund	بازپرداخت، استرداد مبلغ
regeneration	بازآوری، احیاء
regression	رگرسیون، وایاری
regulated	تنظیم شده، کنترل شده
regulation	مقررات، تنظیم مقررات
regulatory involvement	درگیرِ نظارت
rehabilitation	احیاء (زمین)، نوسازی
reimburse	بازپرداخت، جبران، استرداد
reinsurance	بیمه‌ی اتکائی
reinvested earnings	سود باز سرمایه‌گذاری شده، عایدات بازسرمایه‌گذاری شده
reinvestment of earnings	باز سرمایه‌گذاری سود
relative price	قیمت نسبی
reliable	قابل اعتماد
reliablity	قابلیت اعتماد
relief	کمک، مساعدت، امداد، معافیت

religious retreat	عزلت‌گاه مذهبی
religious societies	انجمن‌های مذهبی
relinquished	واگذار کردن، چشم پوشی کردن
remit	ارسال پول، ارسال وجه
remittance	حواله، مبلغ حواله شده (بویژه برای کالاها یا خدمات یا به عنوان هدیه)
remuneration	اجرت، پاداش، پرداخت، حق‌الزحمه
remuneration in kind	اجرت غیرنقدی
renewable	تجدید پذیر
renovation	بازسازی، نوسازی
rent	بهره مالکانه (در SNA برای اجاره منابع طبیعی بکار می‌رود)
rental	مبلغ اجاره، اجاره بها
rental services	خدمات اجاره‌ای
repatriate	به میهن خود برگرداندن، به میهن خود برگشتن
repayment	بازپرداخت
repayment periods	دوره بازپرداخت
repercussions	عواقب، پیامدها
replacement value	ارزش جایگزینی
replastering	گچ کاری دوباره
repossessions of goods	تملک مجدد کالاها
representation	نمایش، ارائه، بازنمود
representative	نماینده
repurchase agreenment: Repo	قرارداد بازخرید، توافق بازخرید
rereferencing	تغییر سال مرجع
re-routing transactions	تراکنش‌های دارای تغییر مسیر
resale	بازفروشی، فروش مجدد
rescheduling	تمدید مهلت
reserve	ذخیره، اندوخته
reserve assets	دارائی‌های ذخیره
reserves of minerals	ذخائر معدنی
resident	مقیم
residential school	مدرسه شبانه روزی
residual	پسماند، باقی‌مانده
residual value	ارزش باقی‌مانده، ارزش پسماند
resource- effective	مقرون به صرفه بودن منابع
resource lease	اجاره‌ی منابع طبیعی، اجاره‌نامه‌ی منابع طبیعی
resources	منابع

responsibility	مسئولیت
rest of the world	دنیای خارج
rest of the world account	حساب دنیای خارج
restructuring	تجدید ساختار، بازسازی، تغییر ساختار، نوسازی ساختار
restructuring agency	کارگزار تجدید ساختار، کارگزار نوسازی
retail distribution	خرده‌فروشی، توزیع خرده
retailer	خرده فروش
retain	حفظ کردن
retained earnings	سود تقسیم نشده، عایدات باقی مانده
retirement	بازنشستگی
retirement of asset	کنار گذاری دارائی، خارج از دور کردن دارائی، کنار گذاشتن ماشین‌آلات از فرآیند تولید
retirements home= old people's home= nursing home	خانه سالمندان
retrocession	بیمه اتکائی مجدد، واگذاری مجدد
return to capital	بازگشت سرمایه، بازده سرمایه
revaluation	بازارزش‌گذاری
revaluation account	حساب بازارزش‌گذاری
revenue	درآمد عملیاتی
reverse investment	سرمایه‌گذاری معکوس
right of veto	حق وتو
ring comparisons	مقایسه‌های حلقه‌ای
risk assumption	عهده دار شدن ریسک
road	جاده، راه
robust estimate	برآورد استوار
rollover	انتقال وجوه از طرحی به طرح دیگر (معمولاًطرح‌های بازنشستگی و امثال آن)
routing	مسیرگزینی
row totals	جمع‌های سطری (جمع عناصر یک سطر)
royalty	حق امتیاز ، حق‌التألیف، حق اختراع
rudimentary	ابتدائی
rundown of currency	تضعیف شدن پول ملی، کاهش ارزش پول ملی
salaries	حقوق
salary tax	مالیات بر حقوق
sale promotion	ارتقاء فروش، ترفیع فروش
sales structure assumption	فرض ساختار فروش‌ها

sampled households	خانوارهای نمونه
sampling survey	آمارگیری نمونه‌ای
satellite accounts	حساب‌های اقماری
savage	بازسازی، نجات، نجات در دریا
saving	پس‌انداز
saving and loan associations: S&L	مؤسسات پس‌انداز و وام
saving banks	بانک‌های پس‌انداز
sawmilling	نجاری، کارخانه چوب‌بری
scarcity	کمیابی
school of economic thought	مکتب فکری اقتصادی
scop	دامنه، حوزه، میدان دید، محدوده
seamless operation	عملیات یکپارچه
second best	بهترین دوم، دومین گزینه بهتر
secondary activities	فعالیت‌های ثانوی
secondary distribution of income account	حساب توزیع ثانوی درآمد
secondary products	محصولات ثانوی
second-hand	دست دوم
second-hand assets	دارائی‌های دست دوم
secrecy	سرّی بودن، محرمانگی
secure	مطمئن، در امان، ایمن، محکم
securitization of assets	تبدیل دارائی‌های مالی به اوراق بهادار
security	امنیت
self-contained	خودکفا
self-employed	خود اشتغال
self-evident	خود آشکار
self-governing	خود گردان، خود مختار
self-help groups	گروه‌های خودیاری
self-perpetuating boards	هیئت مدیره دائمی
sell off	فروش به قیمت‌های پائین، فروش یکجا و ارزان، حراج، حراج شرکت
seniority	ارشد بودن
sequence of accounts	توالی حساب‌ها
service charge	کارمزد خدمت
service life	عمر خدمت
service lives of the assets	عمر خدمت دارائی‌ها
services	خدمات
services of curative care	خدمات درمانی

services of long-term nursing care	خدمات بلند مدت پرستاری
services of rehabilitative care	خدمات توانبخشی
settlement date	تاریخ تسویه، تاریخ پرداخت، تاریخ واریز
shanty towns	شهرک‌های حاشیه شهر
share	سهم، سهم‌الشرکه
share premium	منفعت سهم
share-cropping	سهم بری، مزارعه
shareholders' equity= stockholders' equity	حقوق سهامداران، حقوق صاحبان سهم، حقوق صاحبان سرمایه، حقوق مالی سهامداران
shipping lines	خطوط کشتیرانی
shop	مغازه
short- term	کوتاه مدت
short-term relatives indices	شاخص‌های نسبی کوتاه مدت
sick leave	مرخصی استعلاجی
simultaneous equations.	معادلات همزمان
simultaneously	به طور همزمان
single indicator method	روش تک نماگری
slaughtering animals	کشتار حیوانات
small repairs	تعمیرات جزئی
smoothed earnings	عایدات هموار شده، عایداتی که از نوسانات آن در طول زمان به طریقی کاسته شده است
social accounting matrix: SAM	ماتریس حسابداری اجتماعی
social assistance	مساعدت اجتماعی، کمک اجتماعی
social assistance benefit in cash	مزایای نقدی طرح مساعدت اجتماعی
social benefit in cash	مزایای اجتماعی نقدی
social contribution	حق بیمه‌ی اجتماعی
social insurance	بیمه‌ی اجتماعی
social insurance scheme	طرح بیمه اجتماعی
social protection	حمایت اجتماعی
social security	تأمین اجتماعی
social security benefits	مزایای تأمین اجتماعی
social security contribution	حق بیمه‌ی تأمین اجتماعی
social security fund	صندوق تأمین اجتماعی
social transfers	انتقالات اجتماعی
social transfers in kind	انتقالات اجتماعی غیر نقدی
social venture	سرمایه‌گذاران اجتماعی

soft loan	وام کم بهره
something for nothing	چیزی برای هیچ، بلاعوض
sound expert	آوا شناس (در زبان شناسی)، کارشناس آوا
sowing a crop	کاشت یک محصول
spatial price indices	شاخص‌های مکانی قیمت
special drawing rights: SDR	حق برداشت ویژه
special purpose entities: SPE	هستارهای دارای هدف ویژه
special purpose vehicles: SPV	رسانگرهای دارای هدف ویژه
special zones	مناطق ویژه
specialization	تخصص
specific products	محصولات ویژه
specific taxes	مالیات‌های ویژه، مالیات‌های خاص
specification	ویژگی، خصوصیت
speculation	احتکار
spillover benefits	منافع سرریز
spin-off	خرد کردن شرکت، تقسیم شرکت به بخش‌های جداگانه، اسپین آف
sponsorship	حمایت
spot rate	نرخ نقطه‌ای، نرخ آنی، نرخ لحظه‌ای
stakeholders	ذینفعان، صاحبان سهام
stamp taxes	مالیات حق تمبر
standardized guarantee schemes	طرح‌های ضمانت‌های استاندارد
statement of financial position (balance sheet)	صورت وضعیت موجودی مالی (نام دیگر ترازنامه)
stationery	لوازم‌التحریر
statistical discrepancies	ناهمخوانی‌های آماری، اختلافات آماری
statistical enquiries	آمارگیری‌ها
statistical manipulation	دست‌کاری آماری
statistical system	نظام آماری
statutory merger	ادغام قانونی
stipulate	شرط گذاشتن
stock	موجودی انبار
stock (share) appreciation right: SAR	حق برخورداری از بهافزونی سهام، حق برخورداری از افزایش بهای سهام
stock accounts	حساب‌های موجودی
stock appreciation	بها فزونی موجودی، افزایش بهای موجودی
stock exchange	بورس (بهابازار) اوراق بهادار، بورس سهام
stock ownership plan	طرح مالکیت سهام

stocks	سهام
stocks of assets	موجودی دارائی‌ها
stocks of fish	ذخائر ماهی
stocks of liabilities	موجودی بدهی‌ها
stop dead	متوقف شدن، از حرکت ایستادن
storage	انبارداری، ذخیره سازی
store	فروشگاه، انبار
storing	انبار کردن، ذخیره کردن
strategic objectives	هدف‌های راهبردی
strike	اعتصاب
strike price = exercise price	قیمت اعمال یا قیمت مقرر (در اختیار معامله سهام)
stringent	دقیق
stripped securities: separate trading of registered interest and principal securities	اوراق بهادار با کوپن اصل و فرع تفکیک شده
structure	سازه، ساختار
structured assets	دارائی‌های ساخت یافته
structured product description: SPD	شرح محصول ساخت‌مند، شرح محصول ساخت یافته
student nurse	دانشجوی پرستاری
stumpage	قطع اشجار
subcommittee	زیر کمیته
sublet	اجاره‌ی فرعی دادن، اجاره دادن به طرف سوم
subscription	حق اشتراک، حق عضویت
subsectoring	رده بندی زیر بخشی، زیر بخشی کردن
subsidiaries	شرکت‌های تابعه، واحدهای تابعه
subsidiary merger	ادغام شرکت‌های تابعه
subsidiary products	محصولات فرعی
subsidies on products	یارانه بر محصول، یارانه بر فرآورده
subsistence activity	فعالیت امرار معاش
subsoil resources	منابع زیر زمینی
substantial repairs	تعمیرات اساسی، تعمیرات عمده
substitutes	جایگزین، جانشین
sugar beet	چغندر قند
sugar cane	نیشکر
suite	رشته، دنباله، سری
sum-of-costs approach	رهیافت جمع هزینه‌ها
superdividends	سود تقسیم شده فوق‌العاده

superlative index	شاخص برترین
supervisory	نظارتی، سرپرستی
supervisory services	خدمات نظارتی، خدمات سرپرستی
supply and use tables	جدول‌های عرضه و مصرف
supporting activity	فعالیت پشتیبانی کننده
supranational authorities	تشکل‌های سیاسی اقتصادی فراملی
surplus	مازاد
surrogate	جانشین، جایگزین
surtax	مازاد مالیاتی
surveillance	تجسس، پائیدن
survey	بررسی، پیمایش، آمارگیری
survey statistician	آمارشناس آمارگیری (آمارشناس نمونه‌گیری)
survival functions	توابع بقا
survivors	بازماندگان
sustainable	دائمی، پایدار
swap	معاوضه، معامله پایاپای ارز، معاملات تعویضی، تاخت
symetric metrix	ماتریس متقارن
synthetic fibres	الیاف مصنوعی
System of National Accounts: SNA	سیستم حساب‌های ملی
systematically	سامان‌مند، نظام‌مند
take a risk	ریسک کردن
take out a policy	خرید بیمه نامه، بیمه کردن نزد یک شرکت بیمه
take out an insurance policy	عقد قرارداد بیمه، خرید بیمه‌نامه، بیمه کردن نزد یک شرکت بیمه
take the lead	ایجاد کردن، کشف کردن، هدایت کردن، رهنمون ساختن
takeover	قبضه مالکیت، پیشنهاد خرید برای تحت کنترل درآوردن، تصاحب، تصرف
tangible assets	دارائی‌های ملموس
targeted	هدفمند
tax allowance	تخفیف مالیاتی
tax assessment	تشخیص مالیاتی
tax burden	بار مالیاتی، فشار مالیاتی
tax collection	وصول مالیات
tax collection on behalf of another government unit	وصول مالیات از طرف واحد دولتی دیگر
tax concessions	امتیازهای مالیاتی، ارفاق مالیاتی
tax credit	اعتبار مالیاتی
tax deductions	کسورات مالیاتی

tax exemption	معافیت مالیاتی
tax regimes	نظام‌های مالیاتی
tax relief	تخفیف مالیاتی
tax returns	اظهارنامه‌های مالیاتی
taxes on assets used in production	مالیات بر دارائی‌های مورد استفاده در تولید
taxes on capital gains	مالیات بر منفعت سرمایه
taxes on household income	مالیات بر درآمد خانوار
taxes on imports	مالیات بر واردات
taxes on income	مالیات بردرآمد
taxes on individual income	مالیات بر درآمد اشخاص
taxes on pollution	مالیات بر آلاینده‌ها
taxes on production	مالیات بر تولید
taxes on production and imports	مالیات بر تولید و واردات
taxes on products	مالیات بر محصول، مالیات بر فرآورده
taxes on wealth	مالیات بر ثروت
tax-sharing	به اشتراک گذاری مالیات
technical reserves	ذخائر فنی
technological coefficients	ضرائب فنی
technology assumption	فرض تکنولوژی
tenant	مستأجر
term insurance	بیمه‌ی زمانی
terminal cost	هزینه‌ی پایانی
terms	روابط، اصطلاحات
terms of trade: TOT	رابطه‌ی مبادله‌ی بازرگانی، رابطه‌ی مبادله
territorial waters	آب‌های سرزمین، آب‌های ساحلی
territory	سرزمین، خاک
textile mill	کارخانه نساجی
theft	سرقت
third-party property rights	حقوق مالکیت شخص ثالث
threshing	خرمن کوبی
thresholds	آستانه‌ها، حدهای آستانه
time of recording	زمان ثبت
time reversal test	آزمون زمان برگشتی
time -series data	داده‌های سری زمانی
time use survey	بررسی آماری گذران وقت (استفاده از زمان)
time-share	مالکیت زمانی، اشتراک زمانی، مشارکت زمانی، بیع زمانی، مالکیت نوبتی، استفاده نوبتی

title	دارا بودن حق قانونی برای مالکیت چیزی، عنوان
to date	تا کنون، تا به امروز
token money	هرچه که نشانه‌ی پول باشد، ژتون نشانه‌ی پول
token remuneration	اجرت پولی
top-down method	روش بالا به پائین
total economy	کل اقتصاد
total factor productivity:TFP	بهره‌وری کل عوامل
tourism direct gross domestic product: TDGDP	محصول ناخالص داخلی مستقیم گردشگری
tourism direct gross value added: TDGVA	ارزش افزوده ناخالص مستقم گردشگری
tourist	گردشگر
trade association	انجمن‌های صنفی
trade credit	اعتبار تجاری
trade margin	حاشیه بازرگانی، مارژ بازرگانی
trade services	خدمات تجاری، خدمات بازرگانی
trade unions	اتحادیه‌های صنفی، اتحادیه تجاری
trademark	علامت تجاری، نام تجاری
trade-off	سبک و سنگین کردن، برقراری توازن، بده بستان
trading services	خرید و فروش اوراق بهادار
training leave	مرخصی آموزشی
transaction	تراکنش
transactor	تراکنش کننده، تراکنش‌گر
transactor-based	تراکنش‌گر مبنا، تراکنش‌گر محور
transfer out	انتقال به خارج
transfer pricing	قیمت‌گذاری انتقالی
transferable deposits	سپرده‌های انتقال پذیر
transfers	انتقالات
transfers in cash	انتقالات نقدی
transfers in kind	انتقالات غیرنقدی
transform	تغییر شکل
transitive	انتقالی
transitivity	ترایائی، انتقال پذیر
transitory	کوتاه مدت، گذرا
transport depot	آمادگاه (دپو) وسائل حمل و نقل
transport margin	حاشیه حمل و نقل
transportation	حمل و نقل
trans-shipment	انتقال از یک وسیله حمل و نقل به وسیله دیگر با نظارت گمرک

treasury bills	اسناد خزانه
treaties	معاهدات، پیمان‌نامه‌ها، عهدنامه‌ها
trust	تراست
trustee savings banks: TSB	بانک‌های پس‌انداز امانی
tunnel	تونل
turnover	گردش مالی، کل فروش یک واحد اقتصادی
unallocated gold accounts	حساب‌های طلای تخصیص نیافته
unanticipated events	رویدادهای غیر منتظره
uncertain	غیر قطعی، نامطمئن
uncompensated seizure	مصادره (تصرف) بلاعوض
uncooperative	ناهمکارانه
uncultivated	کاشته نشده، پرورش داده نشده، غیرپرورشی
underestimate	کم برآوردی
underground economy	اقتصاد زیرزمینی
underlying assets	دارائی‌های پایه
underlying item	قلم پایه
undersea cables	کابل‌های زیردریائی
underspend	کم خرج کردن
understate	کم گوئی
undertaking	تعهد، قول، تضمین، اطمینان
underwriting	پذیره نویسی
undesirable	ناخوشایند
undrawn	جذب نشده، برداشت نشده
undrawn lines of credit	تسهیلات اعتباری جذب نشده (برداشت نشده)
unearned premium	حق بیمه عاید نشده
unemployed	بیکار (جویای کار)
unemployment	بیکاری
unencumbered	آزاد شده، آزاد از بدهی
unforeseen obsolescence	از مد افتادگی پیش بینی نشده
unfunded pension schemes	طرح‌های بازنشستگی بدون پشتوانه مالی
unilateral	یک طرفه، یک جانبه
unilateral cancellation of debt	فسخ یک جانبه دِین
unincorporated enterprises	بنگاه‌های غیرشرکتی (بنگاه‌های فاقد شخصیت حقوقی مستقل)
unit	یونیت (سهام منتشر شده توسط صندوق‌های سرمایه‌گذاری با ساختار صندوق‌های امانی)
unit trust	صندوق امانی

unit value	ارزش واحد
unit value index	شاخص ارزش واحد
unitary rate	نرخ واحد
universal banks	بانک‌های همه کاره، بانک‌های چند منظوره
unlisted shares	سهام ثبت نشده در بورس، سهام پذیرفته نشده در بورس
unpaid family workers	کارکنان خانوادگی بدون مزد
unpaid services	خدمات بدون دستمزد
unrequited	بلاعوض، بدون جبران
unsolicited services	خدمات ناخواسته
unwinding discount factor	بسط دادن (باز کردن) عامل تنزیل، محاسبه‌ی ارزش فعلی
upfront payment	پیش پرداخت، پرداخت هنگام انعقاد قرارداد، پیش پرداخت، پرداخت از پیش
uprate	افزایش (در نرخ، قدرت، اندازه، طبقه بندی و غیره)، ارتقاء
urban	شهری
use of adjusted disposable income account	حساب مصرف درآمد قابل تصرف تعدیل شده
use of disposable income account	حساب مصرف درآمد قابل تصرف
use of income accounts	حساب‌های مصرف درآمد
users	کاربران
uses	مصارف
utensils	اثاثه
utilities	تسهیلات زندگی (آب، برق، گاز و...)
utility	مطلوبیت
vacancies	مشاغل خالی
vacation	مرخصی
valid	معتبر
validity	اعتبار
valuables	اشیاء گرانبها، اشیاء با ارزش، اشیاء قیمتی
valuation	ارزش‌گذاری
value	ارزش
value added	ارزش افزوده
value added tax: VAT	مالیاتِ ارزش‌افزوده (وی اِی تی)
value added type taxes	مالیات از نوع مالیات ارزش افزوده
value of work put in place (construction)	ارزش کار انجام شده (در دارائی‌های ثابت مانند ساختمان)
value terms	برحسب ارزش
valuing	ارزش گذاشتن، ارج نهادن، ارزش قائل شدن
venture capital	سرمایه‌گذاری ریسک پذیر، سرمایه مخاطره آمیز

vertical integration	یکپارچگی عمودی
vest	واگذار کردن
vesting date	تاریخ واگذاری
violence	خشونت
virtue	خاصیت، تقوا
visitor	بازدیدکننده
volatility	نوسان، بی ثباتی، ناپایداری
volume	حجم
volume index	شاخص حجمی
volume indices	شاخص‌های حجمی
volume measures	سنجه‌های حجمی
volume of GDP	حجم GDP
voluntarily	به طوراختیاری، داوطلبانه
voluntary donation	بخشش داوطلبانه، کمک داوطلبانه
volunteer labour	نیروی کار داوطلب، کارکن داوطلب
voting interest	قدرت رأی دهی
vulnerability	آسیب پذیری
wages	دستمزد، مزد
wages and salaries	حقوق و دستمزد
warrant	ابزار تضمین، وسیله‌ی تضمین، تضمین کردن
warrantee	ضمانت
warranty	ضمانت کردن، تأمین خدمات پس از فروش، ضمانت نامه
wastable tax credit	اعتبار مالیاتی تلف شدنی
waste disposal	دفع زباله
water body	بستر آب
water resources	منابع آبی
wealth	ثروت
weapons	سلاح
weighted average	میانگین موزون
welfare	رفاه
welfare measure	سنجه‌ی رفاه
well off	ثروتمند، غنی، راحت، وضعیت مطلوب
well-being	نیک بود
well-established	کامل، تثبیت شده
wholesale	عمده فروشی
wholesaler	عمده فروش

with profits insurance	بیمه با مشارکت در منافع، بیمه همراه با سود
withdrawal	برداشت
without recompense	بلاعوض
work assignment	مأموریت کاری
work put in place	کار انجام شده
worker	کارگر، کارکن
working balance	تراز جاری
work-in-progress	کار (کالای) در جریان ساخت، کار در حال پیشرفت
workplace	محل کار
world market price	قیمت بازار جهانی
wound up	پایان یافتن
write- down	کاستن ارزش اسمی یا برآورد شده‌ی یک دارائی، (در مقابل write off)
write-off	حذف ارزش دارائی یا بدهی، مستهلک کردن ارزش دارائی یا بدهی، کاستن (بدهی)، قلم زدن بدهی
writer	واگذار کننده (فروشنده) قرارداد اختیار خرید سهام، صادر کننده‌ی اختیار خرید سهام
written-down replacement cost	هزینه جایگزینی خالص دفتری
written-down value = book value = net book value	خالص ارزش دفتری (ارزش دارائی منهای استهلاک)، ارزش دفتری، ارزش خالص دفتری
yardstick	معیار، مقیاس
yield-to-maturity: YTM	بازده تا سررسید، بهره تا سررسید
zero-coupon bonds	اوراق قرضه بدون بهره، اوراق قرضه با کوپن صفر



WWW.AMAR.ORG.IR

ISBN:978-600-409-037-7

ISBN:978-600-409-038-4

ISBN:978-600-409-039-1